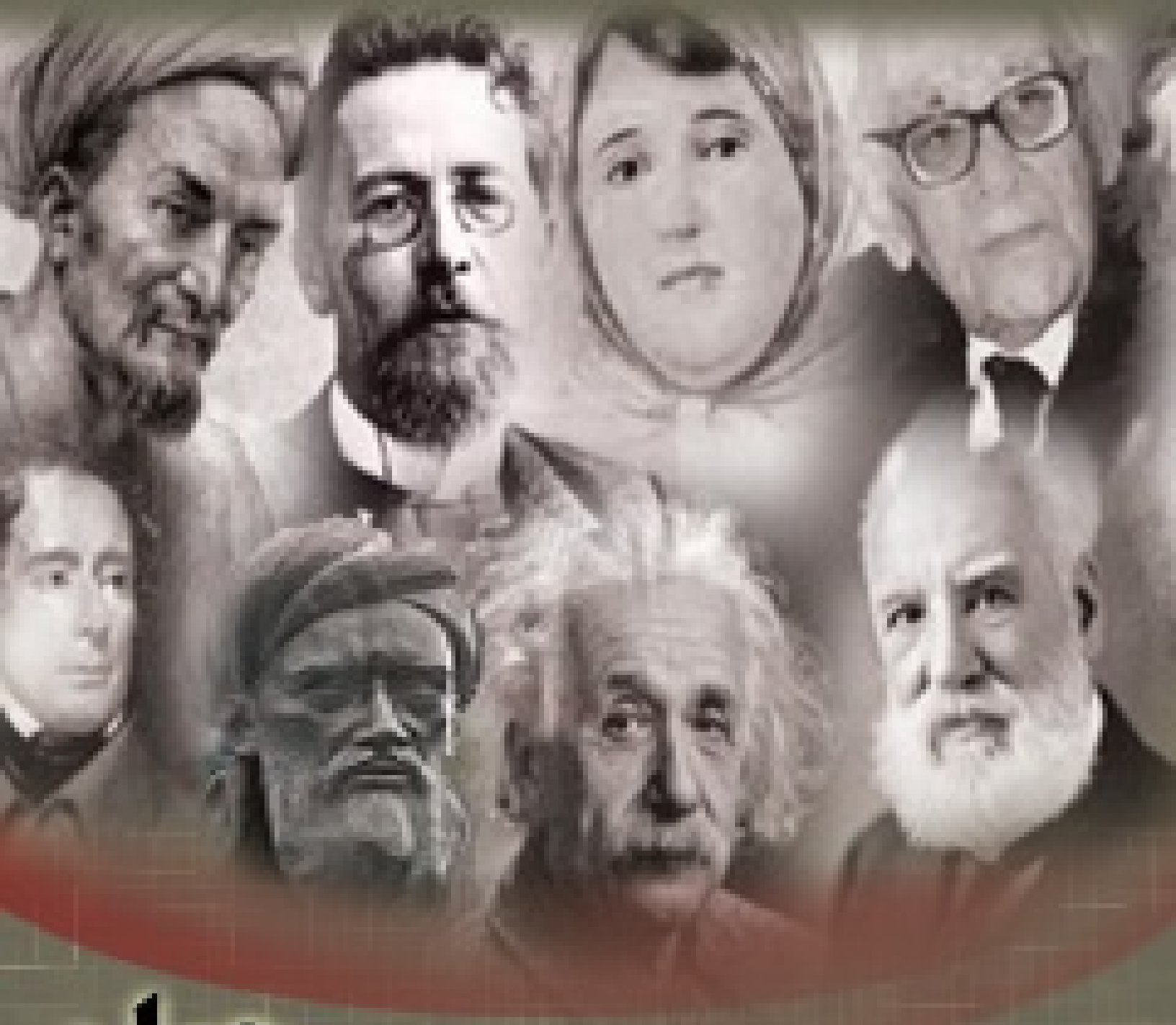


زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۱۳

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد 13

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : [۱۸۹۰] ص.: مصور.
یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۸۹۰].
عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها
رده بندی کنگره : ۳ CT۲۰ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی : ۲ /۰ ۹۲۰

فقه

ابرسچی، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی‌اصغر ابرسچی شاهرودی از علماء اعلام و دانشمندان بنام معاصر شاهرود است.
در سال 1324 ق در یکی از کوه‌پایهای شاهرود بنام ابرسچ بدنیا آمد و از سن هفت سالگی تا پانزده سالگی در مکتب خانهای آن قریه خواندن و نوشتن را آموخته و در اواخر 1338 در خدمت جدامی خود مرحوم ثقةالاسلام آقای آقا سید محمد به مشهد مشرف گردیده و در مدرسه نواب در تحت نظر دائی خود حجةالاسلام آقا سید رضا به علوم عربی اشتغال پیدا نموده.
و پس از مقدمات عربی بهائی را از مرحوم ادیب بزرگ نیشابوری فراگرفت و تا سال 1347 ق از سطوح فارغ شده و در سال 1348 به حوزه قم مشرف و حدود دو سال از محضر آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و در سال 1350 قمری مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده و یک دوره از ابحاث اصول و بعض ابحاث فقهی آنها را به رشته تحریر آورده و پس از دوازده سال توقف در نجف با دریافت سه إجازه اجتهاد از مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه شاهرودی و آیت‌اللّه حاج شیخ موسی خونساری در جمادی‌الاولی 1363 ق به شهر خود مراجعت نموده و در مسجد خیابان فردوسی به انجام وظائف مربوطه اشتغال دارند.
از باقیات الصالحات معظم له است فرزند فاضل و ارجمندش جناب ثقةالاسلام و فخر المتکلمین آقای آقا شیخ محمدرضا دانش پژوه که از محصلین جدی و روشنفکر و گویندگان و وعاظ شایسته معاصر است و در منبر بیانی رسا و زبانی گویا و شیرین دارند و در ماه رمضان و محرم و صفر در تهران از راه منبر به خدمات تبلیغی پرداخته و در اوقات تحصیل در حوزه علمیه قم به تکمیل علوم دینی اشتغال دارند.
و جدا جوانی آراسته و فاضلی پیراسته و داماد حضرت آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مهدوی شاهرودی که ترجمه ایشان در جلد چهارم گذشت می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ابطحی اصفهانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابطحی شهرت سلسله‌ای از سادات رفیع‌الدرجات است و تیره‌های مختلفی هستند که در اصفهان و کاشان و تهران و قم و خراسان و سایر نقاط ایران و عراق سکونت دارند بعضی از آنها حسینی و بعضی موسوی و برخی رضوی و یا علوی و غیره می‌باشند ولی به این شهرت و صفت هویت خود را معروف ساخته‌اند مثلا اخ‌الزوجه نگارنده جناب حجه‌الاسلام حاج سید حسن ابطحی خانی نسبا موسوی هستند ولی به ابطحی شهرت یافته‌اند.
یکی از این تیره‌ها ابطحی‌های اصفهان و خمینی‌شهرند که در آن سامان و قم و تهران و ری زندگی می‌کنند و تمامی با همبستگی و خویشاوندی دارند و در پشت سوم و چهارم الی دهم یکی می‌شوند و از آنهاست جناب حجه‌الاسلام و محقق فهام و مفسر علام آقای حاج سید محمدباقر ابطحی فرزند آیت‌الله حاج سید مرتضی ابطحی که در تاریخ 1349 قمری در اصفهان متولد و پس از طی مقدمات و متون فقه و اصول در تاریخ 1366 قمری به قم مهاجرت نموده و از محضر زعیم اعظم آیت‌الله بروجردی و آیات دیگر حوزه علمیه چون آیت‌الله آقای خمینی و گلپایگانی و حاج سید احمد خونساری و آقای اراکی و محقق یزدی استفاده کامل نموده و هم علوم عقلیه فلسفه و الهیات شفا را از استاد بزرگوار علامه طباطبائی فراگرفته و ضمنا تدریس فقه و اصول را برای عده‌ای از محصلین می‌نمایند.
آثار علمی معظم‌له عبارت است از: 1- الدور اللامعه فی الاحادیث الجامعه 2- المدخل للتفسیر الموضوعی للقرآن الکریم پنج مجلد که جلد اول آن مطبوع و بقیه آماده برای طبع است.
3- ترتیب اساتید الوسائل و مصادرها و تحقیق رجالها علی اسلوب منهجی دراسی
آیت‌اللّه آقای حاج سید محمدباقر موحد ابطحی اولین فرزند حجةالاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی موحد ابطحی و سبط مرحوم آیت‌اللّه متقی حاج سید محمد تقی فقیه احمدآبادی در سال 1346 قمری در شب دوم ماه مبارک رمضان در بیت علم و تقوا متولد شده و مقدمات و متون فقه و اصول را در حوزه علمیه (مدرسه صدر اصفهان) نزد والد ماجدش و اساتید مشهور اصفهان از جمله آیت‌اللّه حاج آقا رحیم ارباب و آیت‌اللّه حاج شیخ

محمود مفید فراگرفته و در ربیع‌الاول سال 1365 قمری مهاجرت به قم نموده و در مدرسه حجتیه اقامت و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت‌اللّه حجت و نیز محضر و درس زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس سره حاضر و با اینکه در آن موقع سنش از بیست تجاوز نکرده بود کاملا با ایراد و نقد و صحبت کردن در درس معظم له جلب نظر ایشان را نموده و پاسخ می‌گرفت و کتاب قضاء و شهادات را در محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری استفاده نموده و در سال 1370 ق- ه به قصد استفاده از حوزه علمیه نجف مسافرت به آن سامان و از محضر آیات عظام و اساتید بزرگ آمیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه شاهرودی و خوئی مستفیض و بهره‌مند شده لیکن به علت گرمای طاقت‌فرسای نجف مجبور به مراجعت به قم گردیده و پیوسته تحقیق راه و روش تعالیم فقه و اصول و رجال و حدیث و تفسیر را از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و نائب‌الامام آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آقای شریعتمداری و آقای حاج شیخ محمد علی اراکی و مرحوم آقای محقق یزدی و فلسفه و اسفار و شفاء را از فیلسوف بزرگ علامه طباطبائی و قانون بوعلی را از والد ماجدش و علامه حاج میرزا محمد طبیب‌زاده فراگرفته و ضمناً به تدریس سطوح عالیه فقه و اصول پرداخته و اکنون دارای حوزه درسی تحقیقی و استدلالی فقه و اصول که جمعی از فضلا و محصلین با استداد از محضر و بیاشان استفاده می‌کنند. می‌باشند.

دارای تالیفات و آثار علمی چندی می‌باشند که از دیدگاه دانش‌پژوهان می‌گذرانم. 1- کتاب زکوة و خمس و صوم و اعتکاف از کتاب جامع‌الاحادیث آیت‌اللّه العظمی بروجردی که با شرکت و معاونت چند تن از فضلاء چون حجةالاسلام حاج آقا جواد خندق‌آبادی و حاج آقا جلال گلپایگانی و آقای حاج سید محمدعلی موحد ابطحی (برادر گرامی خود) تالیف نموده و به آن مرحوم تحویل که بعد از رحلتش با تجدید نظر و مقابله با حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی به‌طبع رسید.

2- الدرر العلامه فی الاحادیث الجامعه للاحکام الفقهیه... که آن مقدمه‌ای است برای کتاب جامع‌الاحادیث که اخبار طولانی در آن تقطیع شده است.

3- المدخل الی (التفسیر الموضوعی) للقرآن الحکیم پنج جلد که جلد اول در دو جزء به چاپ رسیده است.

4- جامع الاثار فی تفسیر القرآن که به اسلوب جدید تمام اخبار مصادر و جوامع احادیث اهلبیت علیهم‌السلام بررسی (به کمک فضلاء لجنه تحقیق).

5- معجم اسناد روایات که از تمام احادیث موجوده در مصادر اولیه و جوامع بزرگ حدیث چون بحارالانوار و عوالم و وسایل اتخاذ و به اسلوب جدولی منظم و با کمک فضلاء لجنه تحقیق در شرف اتمام است.

6- توحیدالروایات که در تمام اخبار مصادر و جوامع حدیث در هر موضوع با استقصاء وحدت روایت از نظر سند و متن (با کمک فضلاء لجنه انجام گرفته).
7- فقه جامع‌الاحادیث که از نظر تفسیر و دلالت بر حدیث و جمع دلالات احادیث و بررسی معارضات و کیفیت علاج و جمع آن (با کمک فضلاء لجنه تحقیق).
اما باقیات الصالحات و آثار تاریخی معظم له.
1- مدرسه الامام‌المهدی در قم 2- مدرسه علمی در شهرستان اقلید 3- مساجد بسیاری در منطقه وسیع اقلید و سرحد چهار دانگه ییلاق تمام عشایر فارس 4- مراکز تبلیغ در شهرستان اقلید و سرحد چهار دانگه 5- درمانگاه ولی عصر (ع) در حومه اقلید 6- بیمارستان ولی عصر (ع) در شهرستان اقلید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ابطحی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد ابطحی
محل تولد : کاشان
شهرت : ابطحی کاشانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1309/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله ابطحی کاشانی در سال 1309 در کاشان به دنیا آمد. خانواده او خانواده‌ای مذهبی و از دوستداران خاندان پاک پیامبر (ص) بود و پدرش نیز در کسوت مقدس روحانیت بود که دو سال پس از تولد ایشان دارفانی را وداع گفت.
آیةالله ابطحی با به پایان رساندن دوره دبستان، در 14 سالگی وارد حوزه علمیه کاشان شد. او بخشی از دروس دوره مقدمات را در کاشان فرا گرفت و سپس به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. ادامه مقدمات را نزد اساتید این حوزه به پایان رسانید. او معالم را نزد امام موسی صدر فرا گرفت بعد از چندی به علت نداشتن شهریه به کاشان مراجعت نمود و از جلسات درس علمای کاشان بهره‌مند گردید. مطول و شرح لمعه را نزد شیخ عبدالله مدنی آموخت پس از آن مجدداً به قم آمد و رسائل و مکاسب را نزد استادان سلطانی، طباطبایی، شهید صدوقی، فکور یزدی و سید محمد صادق روحانی آموخت. برای فراگیری کفایه نیز به درس حضرات آیات مجاهدی، تبریزی، شیخ عبدالجواد اصفهانی و سلطانی طباطبایی رفت. او با به پایان بردن دوره سطح، به درس خارج حضرات آیات عظام بروجردی (ره)، محقق داماد (ره) و امام خمینی (ره) راه یافت.
آیةالله ابطحی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلای روزگار خود رابطه دوستی داشت که از جمله آنها، آیةالله شهید سید مصطفی خمینی (ره) را می‌توان نام برد. آیت‌الله ابطحی در عرصه علم و فرهنگ، فعالیت‌های بسیاری از خود بر جا نهاده است. او بسیاری از دروس حوزه را تدریس نموده و از این رهگذر طلاب بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات درس استادان خود را نگاشته و در مجله نور علم، مقالات بسیاری تألیف کرده است.
آیةالله ابطحی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در

بسیاری از فعالیتهای جمعی آن شرکت داشته است. او مدتی در معیّت حضرات آیات سید جعفر کریمی و محمدی گیلانی و حجةالاسلام والمسلمین قاضی خرم آبادی به نمایندگی از امام (ره) به امور زندانها در قوه قضائیه می‌پرداخته است.

ابطحی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
برادر معظم له حجه‌الاسلام ذخر العلماء الاعلام آقای آقاسید محمدعلی ابطحی در سال 1350 قمری در اصفهان متولد و پس از طی مقدمات و سطوح عالیه در سال 1368 به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده، و در سال 1378 قمری مهاجرت به نجف نموده و در آنجا از محضر درس مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی و مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده، و ضمنا اشتغال به تدریس فقه و اصول دارند از تالیفات ایشانست تهذیب المقال فی تنفیح الرجال للشیخ النجاشی که جلد اول و دوم آن به طبع رسیده است.
حاج سید محمد علی فرزند دوم حجةالاسلام و المسلمین آقای حاج سید مرتضی حفید آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی فقیه احمدآبادی صاحب (مکیال المکارم) معظم له که از فقهاء و جامع معقول و منقول و از اساتید حوزه علمیه نجف اشرف و اصفهان می‌باشد.
در شهر اصفهان سال در 1349 ق روز 26 صفرالمظفر متولد گردید و پس از تحصیلات فارسی به علوم عربی اشتغال پیدا کرد و اکثر کتب نحو و صرف و منطق را نزد پدر بزرگوارش تلمذ نمود و منظومه منطق حاج سبزواری را نزد استاد بزرگوار آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا کلباسی و شرح نفیسی و شرح اسباب را نزد پدر خود و مقداری از قانون را نزد اساتید معروف آیت‌اللّه حاج میرزا علی آقا شیرازی قدس سره و سطح اصول و فقه تا کفایه و مکاسب شیخ را نزد اساتید عالی‌قدر حوزه اصفهان از جمله آیت‌اللّه ارباب و آیت‌اللّه حاج شیخ محمود مفید استفاده کرد.
در سال 1364 به حوزه مقدسه (قم) مشرف و اکثر تحصیلات فلسفه را فیلسوف بزرگ علامه بزرگوار آیت‌اللّه حاج سید محمدحسین طباطبائی صاحب (المیزان) دام ظله بود.
و به درس اسفار و شفاء ابن سینا و سایر دروس و ابحاث معظم له حاضر شده و در فقه و اصول به درس آیات عظام حوزه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی آقای حجت و سایر آیات و اساتید حوزه حاضر و از میرزین فضلاء و مؤلفین و مدرسین حوزه به شمار می‌رفت و در درس آیت‌اللّه بروجردی ره اشکالات او مورد توجه بود و آن مرحوم اظهار علاقه به وی می‌نمود و از مؤلفین کتاب نفیس (جامع‌الحادیث) می‌باشد.

و در ربیع‌الاول سال 1374 به نجف اشرف تشرف پیدا کرده و به درس آیات عظام آیت‌اللّه حکیم، و آیت‌اللّه سید عبدالهادی و آیت‌اللّه خوئی حاضر و پس از وفات استاد بزرگوارش آیت‌اللّه بروجردی به تدریس اصول و فقه خارج و تالیف منحصراً پرداخته و جماعتی از فضلاء به درس وی حاضر می‌شدند.
و پس از حادثه اسف‌بار بیرون کردن حوزه علمیه نجف اشرف و ایرانیان به مدتی در دهم جمادی‌الثانی 1394 به علت کسالت قلبی به ایران آمدند و تاکنون در اصفهان استاد خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال در اصفهان و مورد استفاده حوزه علمیه اصفهان و مردم این شهر می‌باشند.
مترجم گرامی ما از دانشمندان پرکار و جدی چه در تحصیل و چه در تدریس و چه در تالیف می‌باشند و از روز ورود به تحصیل تا حال حاضر همواره اشتغال به مطالعه و تالیف کتب قیمه و مفیده داشته و هرگز بیکار نبوده و لذا تالیفات بسیاری در قم و نجف نموده‌اند که فهرست آن را غیر از تقریرات بحث اساتید از نظر اهل ادب می‌گذرانیم. و اکثراً تاکنون طبع نشده و از مطبوعات آن است. 1- تهذیب المقال اول، و دوم که در نجف اشرف و اخیراً در بیروت- تجدید طبع شده.
2- شرح رساله ابی‌غالب زراری ره.
3- تاریخ آل زراره.
و از غیر مطبوع - مؤلفات معظم له:
1- الطبقات‌الکبری، در احوال و تراجم اصحاب پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) 36 مجلد.
2- شرح رجال نجاشی 6 مجلد.
3- شرح رجال کشی 2 مجلد.
4- شرح فهرست شیخ طوسی 2 مجلد بزرگ.
5- اخبارالرواة در شناسائی رواة شیعه از طریق روایاتی که در مدح و ذم آنان رسیده و یا از طریق روایاتی که او روایت نموده.
6- شرح کفایةالاصول 3 مجلد دوره اصول تحقیقی استدلالی.
7- شرح (عروةالوثقی فقه استدلالی، کتاب طهارت، و صلوات و صوم، و خمس، و حج و اجاره و مضاربه و نکاح و وصیت آن تالیف شده.
8- الجهاد فی الاسلام فقه استدلالی.
9- الخمس فی الاسلام.
10- شرح وسایل‌الشیعه شرح تحقیقی کامل از نظر سند، و دلالة و سایر جهات فقهیه آنها و قسمتی از کتب آن تالیف شده مثل کتاب طهارت، صلواة، صوم، حج، جهاد، نکاح.
11- کتاب الامام امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب (ع) 2 مجلد.
12- علوم‌القرآن 2 مجلد.

13- المعراج- بحث استدلالی مبسوط در معراج.
14- التوحید بحث استدلالی مبسوط در الهیات.
15- النبوه.
16- النهضة.
17- الحکومة الاسلامیه بحث استدلالی مبسوط در انحاء حکومات و حکومت اسلامی. 18- المالکیة فی الاسلام.
19- رسالة فی الرضاع.
20- رسالة فی صلواة الجمعه.
21- رسالة فی النیابه.
22- رسالة فی صلة الرحم.
23- رسالة فی الشفاعه.
24- رسالة فی الذباحه.
25- شرح‌الوسیله.
26- نخبة الاثر فی رجال المعتبر.
27- مصادر تراجم رواة الشیعه.
28- موالید النبی الاکرم و الائمه (ع) و وفیاتهم.
29- تاریخ اصبهان.
30- الزهراء علیهاسلام.
31- علی (ع) فی القرآن.
32- النبی و عایشه.
33- علی و عایشه.
34- ازواج النبی و عایشه.
35- تاریخ عایشه.
36- ابوهریره.
37- مراسیل ابن ابی‌عمیر و اصحاب الاجماع.
38- الموعودالمنتظر (ع).
39- اخبارالزمان و وفیات الاعیان.
40- شرح کتاب طهارت و صلوة وافی فیض، شرح استدلالی و غیر از این رسائل دیگری که تالیف آن کامل نشده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ابن ابی‌جید قمی، ابوالحسین، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، فقیه امامی. او از جماعت بسیاری از محدثین از جمله محمد بن حسن بن ولید قمی روایت کرده است. نجاشی و شیخ طوسی از شاگردان وی بودند و شیخ طوسی در «استبصار» احادیث بسیاری از او نقل کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :روضات الجنات (4/ 283)، ریاض العلماء (352 -349 /3)، ریحانه (7/ 332)، الفهرست للطوسی (36 ،26 ،14).

ابن ابی‌حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمان

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 327 -240 ق)، متکلم، مفسر، فقیه، رجال‌شناس، حافظ و محدث. در ری متولد شد و در همانجا نشو و نما یافت. وی در محله‌ی درب حنظله‌ی ری ساکن، و خانه و مسجدش در آن محل واقع بود. به همراه پدر به حج رفت و سفرهای بسیاری نیز به شهرهای مختلف اسلامی، همچون شام و مصر و اصفهان داشت. قرآن را نزد فضل بن شاذان آموخت و پس از آن به فراگیری حدیث روی آورد، زیرا پدرش اجازه نداده بود که قبل از قرائت قرآن به حدیث بپردازد. در فراگیری حدیث از محضر استادان بسیاری از جمله پدرش، ابوحاتم رازی، و ابوسعید اشج و یونس بن عبدالاعلی و علی بن مُنذر طریقی و احمد بن سِنان و مسلم بن حجاج و حجّاج بن شاعر و ابراهیم مُزنی و بحر بن نصر و محمد بن عبدالملک بن زَنجویه و ابوزرعه رازی و ابن وارة بهره جست و از آنها حدیث شنید. ابن عدی، حسین بن علی حسینک تمیمی، علی بن عبدالعزیز بن مَردک، حَمد اصفهانی، ابواحمد حاکم، احمد بن محمد بصیر رازی، ابراهیم بن محمد بن یَزداد، احمد بن محمد بن یزداد، ابراهیم بن محمد نصرآبادی، ابوسعید عبدالوهاب رازی و دیگران از وی حدیث نقل کرده‌اند و او را ثقه دانسته‌اند. چون ابن ابی‌حاتم، امیرالمؤمنین علی (ع) را مقدم بر عثمان می‌داند، سلیمانی وی را شیعه به حساب آورده است. پدرش ابوحاتم، عبادت و ورع وی را ستوده ست. از آثار وی: «الجرح والتعدیل». «تقدمة المعرفة للجرح والتعدیل»؛ «التفسیر»؛ «الردعلی الجهمیه»؛ «العلل» یا «علل الحدیث»؛ «المسند»؛ «الفوائد الکبیر»؛ «ثواب الاعمال»؛ «المراسیل»؛ «فوائد الرازیین» یا «فوائد اهل الری»؛ «الکنی»؛ «الزهد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 99)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (32)، تهذیب التهذیب (9/ 29)، الجرح والتعدیل (مقدمه/ د- ط)، ریحانه (2/ 286)، سیر النبلاء (13/ 263- 269)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 4/ 147)، کشف الظنون (1840، 1458، 1440، 583- 582، 436)، لسان المیزان (4/ 299- 300)، لغت‌نامه (ذیل/ رازی)، معجم المؤلفین (5/ 170- 171)، هدیة العارفین (1/ 513).

ابن ابی‌ربیع، عمادالدین، ابوطاهر عبدالسلام

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 661 ق)، محدث و فقیه حنفی. در شیراز متولد شد. برای استماع حدیث به شهرهای گوناگون سفر می‌کرد و آنچه می‌شنید و می‌خواند و نیز اجازه‌هایی که می‌گرفت در کتابی جمع می‌کرد. مدتی در بغداد اقامت کرد. روزگاری مصاحب شهاب‌الدین سهروردی بود. پس از بازگشت به شیراز به تدریس پرداخت. ابوالفتوح عجلی، ابوالمکارم لبان و معمر قرشی از او حدیث شنیده و روایت می‌کردند. بسیاری از طالبان علم در خدمت وی علم و ادب آموختند. در شیراز درگذشت و در جوار شیخ کبیر دفن شد. از آثار وی: کتاب «صنوان الروایة و قنوان الدرایة»، که همه مسموعات و مقروءات و مستجازات خود را در این کتاب ضبط کرده؛ «الاطراف»؛ «الدررالمنثوره فی السنن المأثوره»؛ «ذخیرة العبادلیوم المعاد»؛ «فضل الساجد و شرف المساجد»؛ «المعلی»؛ «الوسائل لنیل الفضائل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزار مزار (99 -98)، شیرازنامه (170)، معجم المؤلفین (232 -231 /5).

ابن ابی‌مریم مروزی، ابوعصمة نوح

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 173 ق)، فقیه و قاضی مرجئی. مشهور به جامع. وی چون عالمی ذوفنون بود به جامع شهرت یافت. پدرش زرتشتی بود. در مرو می‌زیست و عهده‌دار منصب قضای آن شهر بو. وی به ارجاء اعتقاد داشت. روایتهای او را سست و احادیث وی را عیبناک می‌دانند. او «فقه ابوحنیفه» را گرد آورد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 28)، التاریخ الکبیر (8/ 111)، تهذیب التهذیب (10/ 433- 435)، الجرح والتعدیل (ج 4، ق 1/ 485)، معجم المؤلفین (13/ 119).

ابن الرضا، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا میرزا محمود ابن الرضا از اجله علماء خوانسار و در علم و تقوا و زهد و حسن اخلاق در عصر خود کم‌نظیر بوده‌اند.
این عالم بزرگوار مردم را به محاسن اخلاق خود به سوی خدا دعوت و افعال و اقوالش برای آنان موعظه بود و رفتارش جامعه را به یاد خدا می‌آورد و به آخرت راغب می‌نمود گفتارش بر علم آنها میفزود.
وی از عموزادگان مرحوم آیت‌اللّه آقا سید میرزا آقای دولت‌آبادی است که از مشاهیر شاگردان و خواص اصحاب مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی معروف می‌باشند.
آقای آقا میرزا محمود ابن‌الرضا در سال 1285 قمری متولد و از همان اوائل زندگی اشتیاق به تحصیل علوم و فضائل داشته از محاضر علماء اعلام معاصر خویش ادبیات و منطق و فقه و اصول را فراگرفت و سپس برای تکمیل معلومات به اصفهان مهاجرت و حدود شش سال از محاضر آیات مرحوم آخوند کاشی و علامه جهانگیر خان و آیت‌اللّه آقا نجفی مسجد شاهی و آیت‌اللّه میرزا محمدهاشم چهارسوقی خوانساری و غیرهم استفاده نموده و به خوانسار مراجعت و به تدریس پرداخته آنگاه برای عتبات عالیات حرکت و در نجف اشرف به منزل مرحوم آیت‌اللّه آقا سید میرزا آقای دولت‌آبادی وارد و مدت شش سال از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمدکاظم یزدی و علامه آخوند خراسانی و شریعت اصفهانی و آقا سید اسماعیل صدر و غیرهم استفاده کامل نموده و از بعض آنان به دریافت اجازه نائل و در خلال این مدت به تهذیب نفس و فراگرفتن اخلاق و سیر و سلوک نزد آقا سید میرزا آقای مذکور و ملا فتحعلی اشتغال داشته آنگاه مراجعت به خوانسار و در اثر موقعیت خاص محل و اختلافات داخلی و هرج و مرج و حکومت خوانین و متنفذین انزوا و گوشه‌گیری اختیار و به تدریس و ترویج و نشر احکام و اقامه جماعت و تهذیب اخلاق جامعه پرداخته و علاوه بر تدریس فقه و اصول درس اخلاق نیز داشتند و در اواخر عمر بیشتر اوقاتش مستغرق در عبادت و دعا بود و در هفتاد سالگی به عالم بقا رحلت فرمودند.
وی دارای دو پسر 1- حجةالاسلام میرزا رضا بود که در علم و عمل و ذکاوت و اخلاق حمیده همچون والد ماجد خود از همگنان گوی سبقت را می‌ربود. او از محضر والد ماجدش علوم ادبی و منطقی و فقه و اصول را

استفاده کرده و بعد به قم آمده و از حوزه درس علماء قم مخصوصاً مرحوم آیت‌اللّه حایری مؤسس حوزه بهره‌مند شده ولی متأسفانه در سن 27 سالگی از دنیا رفته است.
2- حجةالاسلام والمسلمین آقای میرزا محمدعلی ابن‌الرضا که از علماء معاصر خوانسار است. وی در ربیع‌المولود 1331 قمری متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در خوانسار به قم مهاجرت نموده و از حدود سال 1349 قمری از محضر آیات و مدرسین حوزه علمیه بهره‌مند شده آنگاه در سال 1356 قمری به خونسار مراجعت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
اساتید آنجناب سطحاً و خارجاً به قرار ذیل است:
1- حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی
2- حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری.
3- حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی.
4- حضرت آیت‌اللّه مرحوم آقا میرزا محمد همدانی.
فرزند ارجمند و برومند آنجناب جناب حجةالاسلام آقای آقا سید مهدی ابن‌الرضا در خوانسار متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و در ذی‌الحجه سال 1371 قمری مهاجرت به قم نموده و ادبیات و سطوح را از مدرسین فراگرفته آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی اراکی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و قسمتی از معقول و تفسیر را هم از علامه طباطبائی بهره‌مند گردیده و در حال حاضر تابستانها را و تعطیلات حوزه را در خوانسار و بقیه را در قم اشتغال روحی و دینی دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. 381. ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن‌الولید ادب و فقه را فراگرفت.
وی با سلاطین و اعاظم شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.
محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضمار فقاهت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.
نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.
در سنه‌ی 355 وارد بغداد شد و با حداثت سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمیین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه‌ی 381 بوده.
وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهائی رحمةاللّه‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند

گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌اللّه الملک الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.
این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌اللّه‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان اللّه جاری شده.
بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رایعة النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نوراللّه شوشتری نوراللّه مرقده الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.
قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلا با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفون‌اند در کتاب «تذکرة المقابر» فی «احوال المفاخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.
مرحوم حاج شیخ عبداللّه مامقانی در رجال خود (تنقیح المقال) می‌گوید و از چیزهائی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (1300) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.
نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل البیت علیهم‌السلام آیةاللّه نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست

دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).
و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:
1- سید ابراهیم لواسانی 2- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر 3- سید محمود مرعشی 4- حاج آقا محمد آل آقا سبط وحید بهبهانی 5- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.
از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: 1- کتاب من لا یحضره الفقیه 2- کتاب علل‌الشرایع 3- کتاب معانی‌الاخبار 4- کتاب الامالی 5- کتاب التوحید 6- کتاب خصال 7- کتاب المقنع 8- کتاب ثواب الاعمال 9- کتاب عقاب الاعمال 10- کتاب عیون اخبارالرضا 11- کتاب الاعتقادات 12- کتاب حقوق الاخوان 13- کتاب صفات الشیعه 14- کتاب اکمال‌الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینةالعلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.
این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرتهای طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرتها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال 352 هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال 354 در کوفه بوده سپس در 355 به بغداد مراجعت کرده و در 367 به خراسان سفر کرد و تا سال 368 در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال 372 کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.
رجال و دانشمندانی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.
1- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)
2- مرحوم سید المتالهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.
3- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.
4- مرحوم عالم جلیل‌القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسهِ

مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه) است
5- مرحوم حجةالاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیةاللّه آملی معاصر ما.
6- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق‌آبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی معاصر.
7- دانشمند جلیل‌القدر حاج شیخ محمد خندق‌آبادی فرزند آن مرحوم.
و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالبین مراجعه به کتاب تذکرةالمقابر نویسنده کنند.
(وف 381 ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال‌شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته‌ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دویست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین اثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینة العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» «اثبات الخلافة»؛ «فضائل الشیعة»؛.«علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیة»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعة»؛ «نصوص الائمة».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (159 / 7)، اعیان الشیعه (25 -24 / 10)، ایضاح المکنون (584، 505، 491، 490، 456، 350، 342، 316، 315، 297، 261، 196، 103، 2 / 477، 473، 348، 123، 1)، تاریخ ادبی ایران (548 -547 / 1)، تاریخ بغداد (89 / 3)، خاتمة مستدرک الوسائل (265 -257 ،240 / 3)، دانشنامه (432 -431 / 3)، دایرة المعارف

فارسی (17 -16 / 1)، الذریعه (179 / 24، 232 / 22، 204 / 21، 260 / 16، 375، 313، 45 / 15، 162 / 7، 482 / 4، 315، 226 / 2)، رجال الطوسی (495)، رجال النجاشی (316 -311 / 2)، روضات الجنات (135 -123 / 6)، رجال ابن‌داود (قسم 325 -324 / 1)، ریاض العلماء (122 -119 / 5)، ری باستان (422 / 2، 426 -424 / 1)، ریحانه (439 -434 / 3)، سیر النبلاء (304 -303 / 16)، الفهرست لابن الندیم (363)، الفهرست للطوسی (305 -304)، فوائد الرضویه (564 -560)، کشف الظنون (1174)، الکنی والالقاب (223 -221 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (617 -612 / 5)، مجالس المؤمنین (463 -454 / 1)، معجم المؤلفین (3 / 11)، معجم رجال الحدیث (326 -316 / 16)، هدیة الاحباب (50 -49)، هدیة العارفین (53 -52 / 2).

ابن بشر مروروذی، ابوحامد احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 362 ق)، فقیه شافعی. نزد ابواسحاق مروزی فقه آموخت. وی از مرو به بصره رفت و در آنجا ساکن شد، و به تدریس پرداخت. مقام افتاء و قضای آن شهر را نیز عهده‌دار شد. فقهای بصره از محضرش بهره گرفتند. ابوحیان توحیدی از شاگردان خاص وی بود. از آثارش: «الجامع»، در فقه شافعی، حدود هزر برگ؛ شرح «مختصر» مزن؛ «الاشراف علی اصول الفقه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (139، 99 /1)، روضات الجنات (178 /1)، ریحانه (295 -294 /5)، سیر النبلاء (167 -166 /16)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (394)، کشف الظنون (1635، 575)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (258 /1)، الوافی بالوفیات (10 /7)، وفیات الاعیان (70 -69 /1)، هدیة العارفین (66 /1).

ابن خضرشاه اصفهانی، عیسی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1074 -1034 ق)، فقیه و محدث شیعی. پدرش از کارگزاران دربار شاه‌عباس بود. 20 سال از زندگی خود را به فراگیری دانش پرداخت و در مجلس درس استادانی چون میرزا علی اصفهانی، محمدتقی مجلسی، رفیع‌الدین نایینی، علاءالدین محمد گلستانه و محمدصادق کرباسی حاضر شد و در انواع علوم عقلی، نقلی، ادبی، ریاضی و پزشکی مهارت یافت. وی در تقوا و پرهیزکاری و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا تا بدان پایه بود که گرچه او را مکلف به منصب قضاوت و شیخ الاسلامی اصفهان کردند اما او نپذیرفت و با اینکه ثروت فراوان داشت به دست خود به استنساخ کتب می‌پرداخت. به گفته‌ی پسرش میرزا عبداللّه افندی، مؤلف «ریاض العلماء» کتب بسیاری را استنساخ کرد. ابن خضرشاه خوشنویسی چیره‌دست بود و با وجود سرعت کتابت انواع خط را به زیبایی می‌نوشت. به برکت او بیشتر خویشاوندان و خدمتگزاران و یاران و اهالی محل او موفق به کسب دانش شدند. از آثار وی: «رسالة فی کیفیة تحلیف اهل الذمه و سائر الکفار»؛ «رسالة فی رؤیة الهلال قبل الزوال»؛ «رسالة فی صلاة الجمعة»؛ تعلیقاتی بر «کلام اللّه مجید»، و «کتب اربعه» حدیثی، و کتب فقهی و اصولی، و کتب ادبیات عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (309 /11)، ریاض العلماء (310 -306 /4)، معجم المؤلفین (32 /8).

ابن شهرآشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(588 -488 ق)، عالم، متکلم، محدث، فقیه، مفسر، ادیب و شاعر شیعی. در ساری متولد شد. نیای وی شهرآشوب از شاگردان شیخ طوسی بود و ابن شهرآشوب به واسطه‌ی پدر خود از او روایت می‌کرد. در هشت سالگی قرآن را حفظ می‌خواند. از زمخشری و احمد و محمد غزالی و خطیب خوارزمی اجازه‌ی روایت داشت. بنا به دلایل مذهبی به حلب که در آن زمان در پرتو حمایت حمدانیها پیشرفته‌ترین مرکز علمی تشیع و پناهگاه شیعیان بود، رفت. مدتی نیز در بغداد اقامت داشت. به دلیل اینکه بلاغتش در خطبه مورد پسند مقتفی، خلیفه‌ی عباسی، واقع شد و مواعظش در وی مؤثر افتاد، منصب تدریس در بغداد و لقب رشیدالدین گرفت. پدرش شیخ علی بن شهرآشوب، ابومنصور احمد طبرسی، امین‌الدین طبرسی، ابوالفتوح رازی، قطب راوندی، وفتال نیشابوری، از جمله‌ی استادان وی بودند. شاگردان زیادی نزد وی تربیت شدند. محقق حلی خود را به یک واسطه شاگرد او می‌دانسته است. شهرت و مقبولیت وی چندان بود که علی‌رغم اعتقادات شیعی، مورد احترام و قبول اهل تسنن نیز بود و وی را از محدثین ثقه می‌دانند. مقبره‌ی ابن شهرآشوب در جبل‌جوشن نزدیک مشهد حسینی قرار دارد. از آثار وی: «معالم العلما»، که فصلی از آن درباره‌ی شعرای شیعه است؛ «مناقب آل ابی‌طالب»؛ «متشابه القرآن»؛ «بیان التنزیل»؛ «اعلام الطرائق فی الحدود والحقائق»؛ «انساب آل‌ابیطالب»؛ «الاسباب والنزول علی مذهب آل‌رسول (ص)»؛ «الحاوی»؛ «الاوصاف»؛ «المنهاج»؛ «المخزون المکنون فی عیون الفنون».[1]
ساری قدیم‌الایام معدن رجال و دانشمندان بزرگ علمی بوده و بزرگان از قبیل علامه جلیل‌القدر جناب محمد بن علی بن شهرآشوب ساروی مازندرانی منسوب به آن می‌باشد.
این بزرگوار از علماء قرن ششم هجری و صاحب تألیفات عدیده مانند مناقب آل ابیطالب و متشابهات القرآن و معالم‌العلماء و غیره می‌باشد.
علماء علم رجال وی را چنین ستوده‌اند.
محمد بن علی بن آشوب السروی نوراللَّه مرقده السنی فخر الشیعه و تاج‌الشریعه محی آثار المناقب والفضائل والبحر المتلاطم الزخار الذی لیس له ساحل قطب المحدثین و شیخ مشایخهم رئیس‌العلماء و فقیههم رشید الملة والدین شمس‌الاسلام والمسلمین فقیه وجیه و محدث مفسر محقق

ادیب اریب شاعر منشی بلیغ جامع فنون فضائل و محاسن عالم ربانی شیخ رشید بن ابن شهر آشوب المازندرانی صاحب 1- مناقب آل ابیطالب 2- والمعالم 3- و مثالب النواصب 4- والمخزون المکنون فی عیون الفنون 5- و اعلام الطرائق فی الحدود 6- والحقایق 7- والاوصاف 8- و مائدة الفایده 9- والمثال فی الامثال والاسباب 10- والنزول علی مذهب آل الرسول 11- والحاوی 12- والانصاف 13- والمنهاج الی غیر ذلک مما ذکره فی رجاله المسمی بمعالم العلماء.
وی در شب جمعه 22 شعبان سنه 588 ق ه وفات یافته و در بیرون حلب در بالای کوه معروف به جبل جوشن در جوار مشهدالسقط (محسن بن حسین الشهید (ع)) و قبر احمد بن منیر و ابن‌زهره.
و ما به خواست خدا عده‌ای از رجال گذشته و معاصر این شهر را به نظر ارباب فضل و دانش می‌آوریم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (167 /7)، اعیان الشیعه (17 /10)، ایضاح المکنون (452، 427، 421 /2، 103، 69 /1)، خاتمة مستدرک الوسائل (60 -56 /3)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (663 -662 /5)، الذریعه (233، 154، /23 -319، 318 /22، 201، 99 -98 /21، 231 /20، 76، 73، 63 -62، 11 -10 /19، 178 -177 /3، 477، 476، 378، 239، 12 /2)، روضات الجنات (272 -269 /6)، ریاض العلماء (128 -124 /5)، ریحانه (60 -58 /8)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 274 -273 /6)، فوائد الرضویه (571 -568)، قصص العلماء (429 -428)، کشف الظنون (1584، 1269، 77)، الکنی والالقاب (333 -332 /1)، لسان المیزان (395 /6)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن شهرآشوب)، مؤلفین کتب چاپی (625 -624 /5)، معجم المؤلفین (17 -16 /11)، نامه‌ی دانشوران (46 -45 /5)، الوافی بالوفیات (164 /4)، هدیة الاحباب (69)، هدیة العارفین (102 /2).

ابن فاذِشاه اصفهانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 381 ق)، متلکم و فقیه شافعی اشعری. وی اهل اصفهان بود که به بصره مهاجرت کرد. او آثار زیادی در فقه و اصول و احکام داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 227)، معجم المؤلفین (136 -135 /11).

ابن قاآنی خوارزمی، ابومحمد منصور

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 775 /705 ق)، عالم اصولی و فقیه حنبلی. وی از مردم خوارزم بود، اما در مکه اقامت داشت و در همان جا درگذشت. از آثار وی: شرح «المغنی» خبازی، در اصول فقه؛ «حاشیة علی المنتخب فی شرح المنتخب»، در اصول مذهب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8/ 234)، ایضاح المکنون (2/ 569)، کشف الظنون (1749)، معجم المؤلفین (13/ 10)، هدیة العارفین (2/ 475 -474).

ابن نقیب بلخی، جمال‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(698 -611 ق)، مفسر و فقیه حنفی. پدرانش از مردم بلخ بودند. در قدس به دنیا آمد. به مصر رفت و در مدرسه عاشوریه آنجا مشغول تدریس شد. سپس به قدس مراجعت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش: تفسیری است به نام «التحریر والتحبیر لاقوال ائمة التفسیر فی معانی کلام السمیع البصیر»، شامل اسباب نزول و قراآت و اعراب و لغات و علم باطن و حقایق آن در پنجاه یا هفتاد یا نود و نه مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 21)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 724)، ریحانه (8/ 256)، کشف الظنون (358)، الکنی والالقاب (1/ 441)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌نقیب)، معجم المؤلفین (10/ 49- 50)، الوافی بالوفیات (3/ 136- 137)، هدیة العارفین (2/ 139).

ابن ورقاء اودنی، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 385 ق)، فقیه و محدث شافعی. از مردم اودنه‌ی بخارا بود و در فقه شافعی آوازه‌ای بلند داشت، و امام شافعیان ماوراءالنهر، در زمان خود بود. از یعقوب یوسف عاصمی و هیثم بن کلیب شاشی و گروهی دیگر روایت می‌کرد. حاکم و ابوعبداللّه حلیمی و ابوعبداللّه غُنْجار و جعفر بن محمد مستغفری از شاگردان او بودند. ابن ورقاء هرگونه ربا را حرام می‌دانست و فروش کالا را در قبال کالا، مگر متساوی، مجاز نمی‌دانست. پس از زیارت خانه‌ی خدا مدتی در نیشابور مسکن گزید، سپس به بخارا بازگشت و در همان شهر درگذشت و در محله کلاباذ دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (739 /1)، سیر النبلاء (466 -465 /16)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن ورقاء)، معجم البلدان (329 /1)، الوافی بالوفیات (316 /3)، وفیات الاعیان (211 -209 /4).

ابن‌بابویه قمی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 329 ق)، فقیه شیعی. شیخ قمیون و پیشتاز آنان در عصر خود بود. وی دوران امام عسکری (ع) را دریافت و آن امام نامه‌ای برایش فرستادند و در آن وی را شیخ و مورد اعتماد خود خطاب کردند. در دوره غیبت صغری وی به عراق رفت و با ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، سومین نایب امام زمان (عج) دیدار کرد. از ابوالعباس عبداللّٰه بن جعفر حمیری، عبداللّٰه بن حسن مؤدب، محمد بن احمد هشام و ابوخلف عجلی که از اصحاب امام عسکری (ع) است روایت کرده است. وی پدر شیخ صدوق ست. از او به جز دو فرزندش، حسین و محمدصدوق، عباس کلوذانی و تلعکبری و جعفر بن محمد بن قولویه و احمد بن داود قمی، مشهور به صاحب «نوادر» و سلامة بن محمد روایت کرده‌اند. در قم درگذشت و در همان جا دفن شد. قبر وی هنوز زیارتگاه است. فرزندش صدوق دویست کتاب را به وی نسبت داده. از آثار وی: «التوحید»؛ الامامة والتبصرة من الحیرة»؛ «الاملاء»؛ «المنطق»؛ «قرب الاسناد»؛ «کتاب الوضوء»؛ «کتاب الصلاة»؛ «کتاب الجنائز»؛ «کتاب الاخوان»؛ «کتاب التسلیم والتمییز»؛ «التفسیر»؛ «الطب»؛ «الشرائع»، رساله‌ای که برای فرزندش نگاشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 87)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (3/ 430)، الذریعه (24/ 298، 15/ 58، 4/ 180، 1/ 382- 383)، رجال الطوسی (482)، رجال النجاشی (90 -89 /2)، روضات الجنات (272 -264 /4)، ریحانه (402 -401 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 185 /4)، فوائد الرضویه (282 -280)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (363)، الفهرست للطوسی (218)، مجالس المؤمنین (454 -453 /1)، معجم رجال الحدیث (370 -368 /11)، معجم المؤلفین (18 /7)، نامه‌ی دانشوران (6 -1 /1)، هدیة الاحباب (50 -49)، هدیة العارفین (678 /1).

ابن‌بابویه، ابوعبداللّٰه حسین

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 378 ق)، فقیه و محدث امامی. برادر شیخ صدوق. در خاندانی از اهل علم نشو و نما کرد. نزد پدرش و برادرش و حسین بن احمد بن ادریس و علویه صفار حدیث آموخت. کثرت محفوظات و قدرت حافظه‌اش حیرت‌آور بود. از او روایات بسیاری نقل شده. شریف مرتضی، شریف محمد بن حمزه مرعشی، خزاز، و ابن‌غضائری از وی روایت کرده‌اند. صاحب بن عباد او را بسیار گرامی می‌داشت و چون به حضور صاحب می‌آمد و او را در صدر می‌نشاند. فرزندش، ثقةالدین حسن بن حسین، و فرزندزادگانشان تا زمان شیخ منتجب‌الدین جملگی از بزرگان علما و فقها و محدثین بوده‌اد. از آثارش: کتاب «التوحید و نفی التشبیه»؛ کتاب «الردعلی الواقفة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (117 -116 /6)، الذریعه (235 -234 /10 487، /4)، روضات الجنات (304 -303 /2)، ریاض العلماء (150 -148 /2)، ریحانه (400 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 115 /4)، لسان المیزان (566 /2)، مجالس المؤمنین (429 /1)، معجم رجال الحدیث (45 -44، 42 /6)، معجم المؤلفین (30 /4).

ابن‌جنگ سجزی، ابوسعید، خلیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(378 -289 ق)، فقیه و ادیب حنفی مذهب. در سیستان به دنیا آمد. به شهرهای بسیاری سفر کرد و در دمشق و نیشابور از ابوالقاسم بغوی و یحیی بن صاعد و ابوالعباس سراج حدیث شنید و الحاکم و ابوذر هروی و عبدالوهاب بن محمد خطابی از وی روایت کرده‌اند. او معاصر ملک مظفر صالح بن نوح سامانی، و در فقه بی‌نظیر بود. در 320 ق امیر ابوجعفر، فرمانروای صفاری سیستان وی را به قضاوت سیستان گماشت. چندی نیز قاضی سمرقند بود. در فرغانه درگذشت. ابوبکر خوارزمی در رثای او شعر گفته است. از آثار وی: «الدعوات والآداب والمواعظ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2/ 363)، ایضاح المکنون (2/ 295)، تاریخ سیستان (20، 313، 327)، سیر النبلاء (16/ 437- 439)، معجم الادباء (11/ 77- 80)، معجم المؤلفین (4/ 113).

ابن‌حاتم قزوینی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 350 ق)، محدث و فقیه شیعی. از محمد بن ابی‌عبداللَّه اسدی حدیث شنید و از وی نیز روایت می‌کرد. شیخ طوسی او را محدثی ثقه می‌داند، و کتب او را مورد اعتماد توصیف کرده است. ابن‌حاتم از مشایخ شیخ صدوق بود و صدوق و تلعکبری از وی اجازه‌ی روایت گرفتند. ابوعبداللَّه حسین بن علی بن شیبان قزوینی در 350 ق از وی حدیث شنیده است و جعفر بن محمد قولویه و تلعکبری نیز از وی روایت کرده‌اند. ابوعبداللَّه بن شاذان که از مشایخ نجاشی است از راویان اوست. از آثار وی: حدود سی کتاب به ترتیب کتب فقه، از جمله: کتاب «الوضوء»؛ کتاب «الاذان»؛ کتاب «القبلة»؛ کتاب «الوقت»؛ کتاب «الصلاة»؛ کتاب «الصوم» یا «الصیام»؛ کتاب «الحج» از دیگر آثار وی: کتاب «التوحید والمعرفة»؛ کتاب «العلل»؛ کتاب «الصفوة فی اسماء امیرالمؤمنین (ع)؛ کتاب «صفات الانبیاء»؛ کتاب «الردّ علی القرامطه»؛ کتاب «الردّ علی اهل البدع».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (305 /111 ،25 /92 ،21 /41 ،17 /146 ،16 /312، 102، 58، 47، 44 /15، 265 /12، 251 /6، 487 /4، 405 /1)، رجال ابن‌داود (قسم 239 /1 و قسم 479 /2)، رجال الطوسی (482)، معجم رجال الحدیث (236 -235 /11)، الفهرست للطوسی (213).

ابن‌حِبّان تَمیمی بُستی، ابوحاتم محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 354 -270 ق)، محدّث، مورخ و فقیه شافعی. در خانواده‌ای عرب‌تبار در بُست، بین سجستان و هرات، متولد شد. در خراسان، عراق، شام، حجاز، و مصر حدیث شنید، و استادان بسیاری دید، ولی از ابن‌خزیمه بیشترین تأثیر را پذیرفت. در بازگشت به زادگاهش با حنبلیان به ستیزه پرداخت و به علت نگرش مخالفی که در توحید و نبوت داشت به زندقه متهم شد؛ لذا به سمرقند رفت و در آنجا به واسطه احاطه به حدیث و فقه، منصب قضاوت را به وی سپردند. در سفر به نیشابور خانقاهی در آنجا ساخت. در 340 ق به زادگاهش بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. ابوحاتم خانه و کتابخانه خود را وقف دانش پژوهان کرد. از آثار وی: «المُسند الصحیح»، در حدیث که برخی آن را از «سنن ابن‌ماجه» صحیح‌تر می‌دانند؛ «روضة العقلاء»، در ادبیات؛ کتاب«الانواع والتقاسیم» یا «التقاسیم والانواع»، در حدیث؛ «معرفة المجروحین من المحدثین»؛ «وصف العلوم و انواعها»؛ «علل اوهام اصحاب التواریخ»؛ «تاریخ ابن‌حبان»؛ کتاب «الثقات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (307 -306 /6)، تاریخ اسلام (حوادث 114 -112 /380 -351)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (489 -488 /3)، دائرةالمعارف البستانی (439 /1)، ریحانه (464 -463 /7)، سیر النبلاء (104 -92 /16)، کشف الظنون (1400، 1087، 1075، 522 -521، 463، 277)، لسان المیزان (9 /6)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حبان)، معجم البلدان (498 -493 /1)، معجم المؤلفین (174 -173 /9)، نامه‌ی دانشوران (375 -371 /2)، الوافی بالوفیات (318 -317 /2)، هدیة العارفین (45 -44 /2).

ابن‌حمزه‌ی طوسی، عمادالدین، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 560 ق)، فقیه، متلکم و واعظ شیعی. مشهور به صاحب «وسیله»، عماد طوسی، ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر. از مردم طوس بود. به دلیل تأخر وی از شیخ طوسی که در اسم و کنیه و نسبت با او مشترک است، وی را ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر نام نهادند. وی معاصر شیخ منتجب‌الدین رازی و از مشایخ ابن شهرآشوب بود. ابن‌حمزه در کربلا وفات یافت و همان جا در بیرون دروازه نجف دفن شد. از آثار وی: «الرایع فی الشرایع»؛ «ثاقب المناقب»، در ذکر معجزات پیغمبر (ص)، و ائمه (ع)؛ «الوسیلة الی نیل الفضیلة» و «الواسطة»، که هر دو از متون فقهی‌اند. برخی از رجال‌شناسان، همچون نظام‌الدین ساوجی و به تبع او سید صدرالدین عاملی، ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه‌ی جعفری را به اشتباه مؤلف «الوسیلة» دانسته‌اند، در حالی که نجاشی در شرح حالی ابویعلی نامی از «الوسیلة» نمی‌برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (264 -263 /2)، ایضاح المکنون (349 331، /2)، بحارالانوار (38، 19 /1)، تنقیح المقال (156 -155، 101 /3)، الذریعه (76 -75، 11 /25، 66 /10، 5 /5)، رجال النجاشی (334 -333 /2)، روضات الجنات (254 -243 /6)، ریاض العلماء (17 -16 /6، 124 -122 /5)، ریحانه (203 -202 /4)، فقهای نامدار شیعه (106 -103)، فوائد الرضویه (566 -564)، فهرست منتجب‌الدین (164)، الکنی والالقاب (268 -267 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حمزه)، مؤلفین کتب چاپی (620 -619 /5)، معجم رجال الحدیث (327 /16)، معجم المؤلفین (4 /11).

ابن‌حمزه‌ی طوسی، نصیرالدین، عبداللّه

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 578 ق)، فقیه شیعی. معروف به نصیرالدین طوسی. با شیخ منتجب‌الدین رازی معاصر بود و شیخ در فهرست خود او را فقیهی ثقه خوانده است. وی از مشایخ خواجه نصیرالدین طوسی و دایی پدر خواجه است. نیای او عبداللّه بن حمزه پسر عم شیخ طوسی بود. ابوالفتوح رازی از جمله استادان ابن‌حمزه بود. قطب‌الدین کیدری در 573 ق در سبزوار نزد او درس خوانده و وی را مدح بلیغ کرده است. علامه حلّی با دو واسطه از وی روایت می‌کرد. به دلیل لقب نصیرالدین طوسی، برخی وی را با خواجه نصیرالدین طوسی و به دلیل کنیه، بعضی او را با عمادالدین محمد بن علی بن حمزه‌ی طوسی اشتباه گرفته‌اند. از آثار وی: «الوافی بکلام المثبت والنافی»، یا به گفته‌ی صاحب «ریاض العلماء»، «الشافی للمثبت والنافی والواسطة بینهما»، که از کتب معتبر در حکمت است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (16 /25 ،10 /13)، ریحانه (480 /7)، ریاض العلماء (216 -214 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 164 -163 /6)، فوائد الرضویه (249)، فهرست منتجب الدین (125)، الکنی والالقاب (267 /1 پانوشت)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حمزه)، معجم رجال الحدیث (177 /10).

ابن‌حمّویه جوینی سرخسی، تاج‌الدین، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(642 -573 /572 -566 ق)، مورخ، ریاضیدان، پزشک، محدث و فقیه شافعی. اصل وی از خراسان بود و در دمشق به دنیا آمد. در 593 ق به مغرب رفت و به منصور یعقوب بن یوسف، سومین فرمانروای موحدی پیوست. و تا 600 ق در آنجا ماند آنگاه از راه مصر به دمشق بازگشت. از ابومحمد بن عبداللّٰه بن سلیمان بن حوط اللّٰه انصاری و ابوالقاسم بن عساکر حدیث شنید منذری و زین‌الدین فارقی از وی روایت کردند. وی در دمشق فوت کرد. از آثار: «المسالک والممالک»؛ «السیاسة الملوکیه»؛ «المونس فی اصول الاشیاء»، در هشت مجلد؛ «الامالی»؛ «رحلة المغربیة» یا «رحلة الی المغرب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 248)، ایضاح المکنون (2/ 32، 102، 473)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 448- 449)، سیر النبلاء (23/ 96- 97)، معجم المؤلفین (6/ 96)، هدیة العارفین (1/ 461).

ابن‌حَیّ همدانی، ابوعبداللَّه حسن

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 100- وف 169 -167 ق)، فقیه و متکلم شیعی. اصل او از نواحی همدان است. خروج مسلحانه بر زمامداران ظالم را روا می‌دانست. مهدی عباسی در طلب او و عیسی بن زید بود. و وی از بیم اسارت در کوفه پنهانی می‌زیست و هفت سال با عیسی بن زید در یک خانه پنهان بود. او فقیهی پرهیزکار و عابدی والا بود. وکیع او را امام می‌داند و در بیان عبادت او گوید: حسن با برادرش علی و مادرشان شب را به سه بخش تقسیم کرده بودند و هر کدام در یک سوم آن به عبادت برمی‌خواستند. وقتی مادرشان مرد، دو برادر شب را بین خود به دو نیم تقسیم کردند؛ و آنگاه که علی مرد، حسن تمام شب را بیدار ماند و به عبادت مشغول بود. به گفته ابوزرعه، راستی، درستی، فقه، عبادت و زهد در او جمع بود. ابن‌حَیّ از اقران سفیان ثوری، بلکه مقدم بر او، و از محدثان بزرگ و مورد اعتماد است که از پدرش و برادرش، علی بن صالح، و عبداللَّه بن دینار و علی بن اَقمر و ابواسحاق سبیعی روایت می‌کرد. ابن‌مبارک و وَکیع و ابونعیم و علی بن جَعد و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در پنج «صحیح» از «صحاح ششگانه» حدیث او آورده شده است. احمد حنبل گوید که او و برادرش علی هر دو از محدثان مورد اعتمادند. در کوفه، در حال اختفا، شش ماه پس از درگذشت عیسی بن زید، درگذشت. از کلمات اوست که گوید: گاه شیطان 99 در خیر بر انسان می‌گشاید تا بتواند دری از شر باز کند. از آثار وی: «التوحید»؛ «امامة ولد علیّ من فاطمه»؛ «الجامع»، در فقه. به گفته‌ی شیخ طوسی او دارای «اصل» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2/ 208)، تاریخ الاسلام (حوادث 136 -131 /170 -161)، التاریخ الکبیر (2/ 295)، تهذیب التهذیب (264 -261 /2)، الجرح والتعدیل (ج 1، ق 18 /2)، حلیة الاولیاء (335 -327 /7)، رجال الطوسی (166)، سیر النبلاء (371 -361 /7)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (333)، الفهرست للطوسی (90)، لسان المیزان (269 /8)، المعارف (222)، معجم المؤلفین (231 /3)، میزان الاعتدال (499 -496 /1)، الوافی بالوفیات (60 -59 /12).

ابن‌حیدر قزوینی، ابوالقاسم عبداللّه، عبیداللّه

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 582 ق)، فقیه و محدث شافعی. در قزوین متولد شد. به خراسان مهاجرت و در محضر پیشگامان فقه شافعی آنجا تلمذ کرد. وی از زاهر شحّامی و فُراوی و یوسف همدانی حدیث شنید. سپس به همدان رفت و در آنجا مسکن گزید و همان جا درگذشت. کتابی به نام «المشیخة»، در شرح زندگی استادانش نوشت. از دیگر آثارش: «اربعون حدیثاً»؛ «تصنیف فی الاصلین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 214)، لسان المیزان (765 -764 /3)، معجم المؤلفین (6/ 52)، هدیة العارفین (1/ 457).

ابن‌خاتون طوسی، شمس‌الدین، ابوالمعالی محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1055 ق)، فقیه امامی و ادیب. از پیشوایان و برجستگان علمای امامیه و شاگرد شیخ‌بهایی و در علوم و فنون مختلف سرآمد بود. پس از فراغت از تحصیل مدتی در حیدرآباد دکن مسکن گزید، و از آنجا به مشهد مقدس رفت و پس از چندی به هندوستان بازگشت و در آن دیار وزارت سلاطین قطب شاهیه را در حیدرآباد عهده‌دار شد. در 1038 ق سلطان عبداللّٰه قطب شاه که به جای سلطان محمد قطب شاه نشسته بود، منصب صدارت عظمی را به وی داد و او را به لقب پیشوا ملقب ساخت. وی شیخ اجازه سید حسین فرزند حیدر کرکی است. در حیدرآباد دکن از دنیا رفت. از آثار وی: ترجمه‌ی «اربعین» استادش شیخ‌بهایی که به امر سلطان محمد قطب شاه از سلاطین قطب شاهیه‌ی هند نوشت و به نام ترجمه‌ی «قطب شاهی» نامید و در سفری که به عنوان سفیر حیدرآباد به ایران آمد ترجمه‌ی قطب شاهی را به استادش شیخ‌بهائی نشان داد، و شیخ در 1028 ق تقریظی لطیف بر آن نوشت؛ «شرح الارشاد» علامه‌ی حلی؛ «شرح جامع عباسی» شیخ بهائی؛ «توضیح اخلاق عبداللّٰه شاهی»، به فارسی، در شرح کتاب «اخلاق ناصری» خواجه نصیر طوسی، به درخواست عبداللّٰه قطب شاه؛ کتابی در «امامت»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (11 -10 /10)، الذریعه (172 ،80 -79 /13 ،76 /4)، روضات الجنات (87 /1)، ریاض العلماء (135 -134 /5)، ریحانه (490 -489 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 513 -512 /11)، فوائد الرضویه (567)، الکنی والالقاب (272 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خاتون)، معجم المؤلفین (6 /11)، هدیة الاحباب (56).

ابن‌خُزَیمه، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(311 -223 ق)، فقیه و محدث شافعی. اهل نیشابور و در آنجا پیشوای دینی بود. به عراق، شام، عربستان و مصر سفر کرد. از اسحاق بن راهویه و محمد بن حمید و عتبه مروزی و علی بن حُجر و اسحاق بن شاهین و دیگران حدیث شنید و استادان بسیاری دید و خود استاد محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم بن حجاج نیشابوری و ابوحاتم بُستی و اسحاق نَسوی و ابن‌بالویه و ابواحمد حاکم و ابوالحسن آبری و بسیاری دیگر بود. آثارش را بیش از 140 مجلد دانسته‌اند، از آن جمله: کتاب «صحیح ابن‌خزیمه» یا «مختصر المختصر من المسند الصحیح عن النبی (ص)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 253)، تاریخ نیشابور (120 -119)، الجرح والتعدیل (ج 3، ق 2/ 196)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 459)، ریحانه (7/ 499)، سیر النبلاء (382 -14/ 365)، کشف الظنون (1406 ،1075)، الکنی والالقاب (1/ 276)، معجم المؤلفین (40 -9/ 39)، الوافی بالوفیات (2/ 196)، هدیة العارفین (2/ 29).

ابن‌داوود قمی، ابوالحسن محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 368 ق)، فقیه امامی و محدث. وی از فقها و مشایخ حدیث امامیه در قم بود. از قم به بغداد رفت و در آنجا به نشر حدیث پرداخت. ابن‌داوود ممدوح نجاشی و علامه و دیگر علمای رجال بود. شیخ مفید و احمد بن عبدون و ابوعبداللّه غضائری و ابن‌نوح سیرافی از وی روایت کرده‌اند. ابن‌غضائری می‌گوید: «افقه و احفظ از ابن‌داوود و اعرف نسبت به حدیث از او ندیدم». وی در بغداد درگذشت و در مقابر قریش دفن شد. از آثار وی: «کتاب البیان عن حقیقة الصیام»؛ «الحدیثین المختلفین»؛ «الذخائر»؛ کتاب بزرگ «المزار»؛ «الممدوحین والمذمومین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 202)، اعیان الشیعه (9/ 65)، ایضاح المکنون (1/ 205)، رجال الطوسی (511)، رجال النجاشی (305 -304 /2)، ریحانه (7/ 514)، الذریعه (224 /22، 320 /20، 5 /10، 171 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 4/ 236)، فوائد الرضویه (388)، الفهرست للطوسی (270)، الکنی والالقاب (283 -282 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌داوود)، معجم المؤلفین (8/ 259)، هدیة العارفین (2/ 48).

ابن‌رازی، ابومحمد جعفر

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، فقیه و محدث امامی. ساکن ری بود. پدرش محدثی ثقه بود و از مشایخ ابن‌رازی محسوب می‌شود. از دیگر استادان او محمد حمیری، سهل دیباجی، محمد بن همام اسکافی و محمد بن مظفر مصری می‌باشند. وی از مشایخ روایت شیخ صدوق است، و به نوبه‌ی خود، تفسیر امام حسن عسکری (ع) را از صدوق روایت کرده است. به گفته‌ی صاحب «روضات»، از کتب ابن‌رازی استفاده می‌شود که نامبرده از صاحب بن عباد روایت می‌کرده و ممکن است پاره‌ای از مقامات علمی را از او بهره‌مند شده باشد. ابن‌داوود او را دانشمندی ثقه می‌داند و شیخ طوسی او را در ردیف کسانی آورده است که مستقیماً از معصوم روایت نکرده‌اند. در «رجال الطوسی» و «رجال ابن‌داود» تحت نام جعفر بن علی بن احمد آورده شده است. محدث نوری معتقد است که شرح حال‌نویسان در مورد ابومحمد جعفر بن احمد قمی اهمال کرده‌اند و در «نَفِس الرحمان» از علمای رجال گذشته و حال تعجب می‌کند که چگونه به شرح حال او نپرداخته و از این مهم غفلت کرده‌اند. او را تصانیف بسیاری است. سید بن طاووس در «الدروع الواقیه» و شیخ ورام در «تنبیه الخواطر» و ابن‌فهد در «التحصین» و «عدة الداعی» از کتب او نقل کرده‌اند، و کراجکی در کتاب «الفهرس» ذکر کرده که وی در قم و ری 220 کتاب تصنیف کرده است. از جمله آثار وی: «ادب الامام والمأموم»؛ «المانعات من دخول الجنة» یا «الاعمال المانعة من دخول الجنة»؛ «جامع الاحادیث النبویة»، مشتمل بر هزار حدیث نبوی به ترتیب حروف هجا؛ «المنبی عن زهد النبی (ص)»؛ «الغایات»؛ «المسلسلات» یا «مسلسلات الاخبار»، شامل کلیه‌ی وقایعی است که در تمام طبقات اسنادش نامعصوم، لفظ خاص تکرار شده؛ «العروس»، در فضل و آداب روز جمعه؛ «نوادر الاثر فی علی (ع) خیرالبشر»، که در آن حدیث نبوی «علیٌّ خَیُر البَشَر» را از، بیش از، 70 طریق آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (83 -82 /4)، الذریعه (21 /21، 31 -30 /19، 31 /5، 386 /1)، رجال ابن‌داود (قسم 86 /1)، رجال الطوسی (457)، روضات الجنات (170 -168 /2)، ریحانه (528 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 69 -68 /4)، فوائد الرضویه (61 -59)، لغت‌نامه (ذیل/

جعفر)، معجم رجال الحديث (83 -82 /4)، معجم المؤلفين (133 -132 /3)، نفس الرحمان (90 -88).

ابن‌راهویه، ابویعقوب اسحاق

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 238 /237 -161 ق)، حافظ، محدث و فقیه شافعی. اهل مرو بود. وجه تسمیه‌ی اسم او بدان سبب است که پدر ابن‌راهویه، ابراهیم، در راه مکه متولد شده بود. وی به عراق، حجاز، یمن و شام سفر کرد. احمد بن حنبل او را ستوده و گفته که برای اسحاق در جهان نظیری نیست. احمد حنبل و یحیی بن معین و صاحبان «صحاح»: بخاری، مسلم، ترمذی، ابوداوود و نسائی از او حدیث نقل کرده‌اند. وی به همراه عده‌ای از محدثان در نیشابور با امام رضا (ع) دیدار کرد و از امام حدیث «سلسلة الذهب» را شنید. در مکه با شافعی مناظره کرد. وی حافظه‌ی شگفت‌انگیزی در حفظ حدیث داشت، چنانکه گویند هفتاد هزار حدیث حفظ بود و درباره‌ی یک صد هزار حدیث مذاکره کرد، لذا ذهبی از او به عنوان «سید الحفّاظ» نام می‌برد. وی در پایان عمر در نیشابور ماندگار شد و در همان جا درگذشت. در تاریخ تولد و وفات او اختلافاتی هست، ابن‌خلکان تاریخ تولد وی را بین 161 تا 163 ق و وفاتش را میان 237 و 238 ق می‌داند؛ در «طبقات الحنابله» تولد وی در 166 و وفاتش در 243 ق ذکر شده است. از آثار او: کتاب «التفسیر»؛ کتاب «المسند»؛ کتاب «السنن»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 284)، تاریخ اسلام (حوادث 90 -80 /240 -231)، تاریخ بغداد (355 -345 /6)، تاریخ الکبیر (380 -379 /1)، تهذیب التهذیب (198 -197 /1)، الجرح والتعدیل (ج 1، ق 210 -209 /1)، حلیه الاولیاء (238 -234 /9)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (573 /4)، دائرةالمعارف البستانی (486 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌راهویه)، روضات الجنات (7 -5 /2)، ریحانه (531 -530 /7)، سیر النبلاء (383 -358 /11)، الفهرست لابن‌الندیم (418)، کشف الظنون (1685 -1678، 442)، الکنی والالقاب (1/ 290)، لسان المیزان (205 /8)، معجم المؤلفین (228 /2)، نامه‌ی دانشوران (382 -375 /2)، الوافی بالوفیات (388 - 386 /8)، وفیات الاعیان (201 -199 /1)، هدیة الاحباب (60 -59).

ابن‌رستم، عبدالرحمان

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 171 ق)، فقه اباضی. تبارش ایرانی و از خوارج اباضی است. وی مؤسس شهر تاهرت در الجزایر و اولین پادشاه رستمیان از فقهای اباضیه افریقا بود. جدش بهرام از موالی عثمان عفان بود. از آثار وی کتاب «التفسیر» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 78)، الکامل (5/ 32).

ابن‌زیاد نیشابوری، ابوبکر عبداللَّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(324 -238 ق)، فقیه، حافظ و محدث شافعی. در نیشابور به دنیا آمد. مسافرتهای بسیار به مصر و شام و عراق کرد و در بغداد اقامت گزید. نزد مزنی و ربیع و ابن‌عبدالحکم فقه آموخت. از محمد بن یحیی ذُهْلی و احمد بن یوسف سلمی و احمد بن ازهر نیشابوری، و عبداللّٰه بن هاشم طوسی و ابوزرعه رازی و ابن‌حاتم و ابن‌واره و بسیاری دیگر حدیث شنید. وی پیشوای شافعیان عراق در زمان خود بود. ابن‌عقده، ابوعمر بن حیویه، ابن‌شاهین و دارقطنی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی از او به عنوان افقه‌المشایخ نام می‌برد. در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «کتاب الربا»؛ افزوده‌هایی بر «مختصر» مزنی، در فروع فقه شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 263)، تاریخ بغداد (122 -120 /10)، سیر النبلاء (68 -65 /15)، کشف الظنون (1636)، معجم المؤلفین (119 /6)، هدیة العارفین (445 /1).

ابن‌زَیله، ابومنصور حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 440 ق)، حکیم، ریاضیدان، فیلسوف و موسیقدان. اهل اصفهان و از شاگردان برجسته‌ی ابن‌سینا بود. در ادبیات نیز دست داشت. شرحی بر رساله «حیّ بن یقظان» ابن‌سینا نوشت که شارحان پس از وی از آن بسیار بهره بردند. از آثارش: «النفس»؛ کتاب «الکافی فی الموسیقی»؛ «الاختصار من طبیعیات الشفاء» ابن‌سینا است. ابن ابی‌اصیبعة در «طبقات الاطباء» نام او را به صورت ابن زیلا آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :استادان موسیقی (33)، الاعلام (2/ 278)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 319)، تاریخ طب (865، 514، 498/ 2)، تاریخ موسیقی (154 -153/ 1)، تاریخ هنرهای ملی (745 -744/ 2)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (58)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (619 -618/ 4)، کشف الظنون (862)، معجم المؤلفین (13/ 4).

ابن‌سرهنگ طبری، ابوالحسن مهدی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، فقیه. از ابوجعفر احمد بن محمد حدیث شنید و محمد بن عثمان و مَیدانی و ابوالقاسم محمد بن جعفر القَؤول از او روایت کرده‌اند. به گفته‌ی شیرویه ابن‌سرهنگ در 440 ق به همدان رفت. وی محدثی راستگو بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم البلدان (53 /5).

ابن‌سُرَیج، ابوالعباس احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(306 /305 -249 ق)، متکلّم، محدث و فقیه شافعی. معروف به باز اشهب. از مردم شیراز و پس از اصحاب خاص شافعی، بزرگ‌ترین عالم فرقه‌ی شافعی بود. در جوانی مدتی در شیراز منصب قضاء داشت. نزد عثمان بن سعید انماطی درس خواند. با محمد بن داوود بن خلف در محضر علی بن عیسی وزیر مناظره و مباحثه داشت. علی بن عیسی خواست که وی را قاضی بغداد کند و او نپذیرفت. مدتی در درسهای جنید حاضر شد، ولی به تصوف گرایشی نشان نداد. در قضیه‌ی منصور حلاج بی‌طرف ماند و از دادن فتوا خودداری کرد. در بغداد تدریس می‌کرد. و همان جا درگذشت. بیش از چهار صد اثر به او نسبت می‌دهند که ظاهراً تعداد کمی از آنها باقی مانده است. از آن جمله: کتاب «الانتصار»؛ کتاب «الزیادات»؛ کتاب «الودایع»، در امانات؛ کتاب «المختصر فی الفقه»؛ کتاب «العین والدین»؛ کتاب «الرد علی محمد بن حسن»؛ کتاب «الرد علی عیسی بن ابان» عالم حنفی، کتاب «جواب کاشانی». در ترجمه‌ی «الفهرست» ابن‌ندیم، و نه در اصل کتاب به عربی، و همچنین در «کشف الظنون» ذیل کتاب «العین والدین» و نیز در متن و پانوشت «فارسنامه» از او به عنوان ابن‌شریح یاد شده است که با توجه به دیگر منابع، ضبط ابن‌سریج صحیح‌تر به نظر می‌آید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (179 -178 /1)، تاریخ بغداد (290 -287 /4)، تاریخ نجوم اسلامی (286)، دائرةالمعارف البستانی (216 -215 /2)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (627 -626 /4)، روضات الجنات (218 -216 /1)، ریحانه (220 /1)، سیر النبلاء (204 -201 /14)، فارسنامه‌ی ناصری (1136)، الفهرست لابن الندیم (300 -299)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (392)، الکنی والالقاب (306 /1)، کشف الظنون (2005، 1444، 1258، 1257- 705)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌سریج)، معجم المؤلفین (32 -31 /2)، نامه‌ی دانشوران (209 -196 /1)، الوافی بالوفیات (261 -260 /7)، وفیات الاعیان (67 -66 /1)، هدیة العارفین (57 /1).

ابن‌سمنانی، ابوالقاسم علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 499 ق)، مورّخ و فقیه حنفی. در رحبه، نزدیک حلب، متولد شد. در فقه و تاریخ کتبی نگاشت. از آثار وی: «روضة القضاة و طریق النجاة» در آداب قضا؛ «العروة الوثقی»، در شروط.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 148- 149)، ایضاح المکنون (2/ 99، 596/1)، کشف الظنون (1133)، معجم المؤلفین (7/ 180)، هدیة العارفین (1/ 694).

ابن‌سیّار مروزی، ابوالحسن احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(268 -198 ق)، فقیه، محدث شافعی و مورّخ. در مرو متولد شد. برای استماع حدیث بسیار سفر کرد و از اسحاق بن راهویه و عَبدان بن عثمان مروزی و عفان بن مسلم و از همطبقه آنان در خراسان و عراق و حجاز و شام و مصر حدیث شنید. ابن‌سیار در علم و پارسایی بلند آوازه بود و در روزگار خود با ابن‌مبارک مقایسه می‌شد و در میان معاصران خود حرمت و احترام فراوانی داشت. نسایی در «صحیح» خود و نیز محمد بن اسماعیل بخاری و محمد بن نصر مروزی و ابن‌خُزیمه و محمد بن عقیل بلخی و حاجب طوسی و دیگر خراسانیان از وی روایت کرده‌اند. رجال‌شناسان او را ثقه توصیف کرده‌اند. وی یکی از کسانی است که فقه شافعی را در خراسان پراکنده کرد. از آثار وی: کتابی در «اخبار مرو» یا «تاریخ مرو»؛ «فتوح خراسان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الجرح والتعدیل (ج 1، ق 53 /1)، تاریخ بغداد (189 -187 /4)، تهذیب التهذیب (34 -33 /1)، سیر النبلاء (611 -609 /12)، کشف الظنون (303)، معجم المؤلفین (241 /1).

ابن‌شاذان قمّی، ابوالحسن محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 420 ق)، فقیه و محدث امامی. ابن‌قولویه دایی او یا دایی پدر اوست. وی از راویان ابن‌بابویه صدوق و از مشایخ علامه ابوالفتح کراجکی و نجاشی است. کراجکی در 412 ق در مکه معظمه، در مسجدالحرام، کتاب «مناقب» را بر او خواند. آثار وی: «ایضاح دفائن النواصب»؛ «کتاب المناقب» یا «المأة منقبة» یا «مناقب امیرالمؤمنین (ع)»، حاوی صد منقبت از طریق عامه، معروف به «مناقب ابن‌شاذان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (102 -101 /9)، الذریعه (316 /22 ،3 -2 /19 ،494 /2)، روضات الجنات (177 -167 /6)، ریاض العلماء (27 -26 /5)، ریحانه (42 /8)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 151 -150 /5)، فوائد الرضویه (391 -390)، الکنی والالقاب (323 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاذان)، هدیة الاحباب (68).

ابن‌شاذان قمّی، ابوالعباس احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم و پنجم ق)، فقیه امامی. وی نزد ابن‌تمام دهقان درس خواند و از وی و محمد بن حسن بن احمد حدیث شنید. پسرش، ابوالحسن محمد، و دیگران از او روایت کرده‌اند. وی در روزگار خود از مراجع بزرگ تشیع به شمار می‌رفت. در برخی منابع از او به نام ابن‌شاذان کوفی یاد کرده‌اند که پسوند کوفی شاید نشانه‌ی آن باشد که نیاکانش از کوفه به قم کوچیده بودند. از آثار وی: «امالی» و «زادالمسافر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (40 -39 /3)، الذریعه (8 -7 /12)، رجال النجاشی (223 -222 /1)، ریاض العلماء (52 -51 /1)، ریحانه (42 /8)، فوائد الرضویه (21)، الکنی والالقاب (323 /1)، لسان المیزان (353 -352 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاذان)، معجم رجال الحدیث (166 /2).

ابن‌شاذان نیشابوری، ابومحمد فضل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 260 ق)، محدث، کلامی و فقیه شیعی. نیاکانش از قبیله‌ی ازد یمن بودند و پس از فتح خراسان به آنجا آمدند. پدرش نیز از فقهای شیعه و از یاران یونس بن عبدالرحمان بود. خود وی از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بود. برخی از محدثین وی را از اصحاب امام رضا (ع) نیز دانسته‌اند. یک بار زمانی که پوشنجی در محضر امام حسن عسکری (ع) در حال خارج شدن بود، یکی از کتابهای فضل بن شاذان را که با خود داشت از دستش بر زمین افتاد. امام وقتی کتاب را مشاهده می‌کند از آن تعریف و نویسنده‌ی آن را دعا می‌کند. عبداللّه بن طاهر ذوالیمینین امیر خراسان فضل را به جرم تشیع به بیهق تبعید کرد، اما پس از چندی از او دلجویی کرد. ابن‌داوود و کشّی و نجاشی و طوسی او را از ثقه‌ترین محدثان عصر می‌دانند و ابن‌ندیم از او به عنوان یکی از پیشوایان در قرآن و روایات نام می‌برد. فضل به هنگام حمله‌ی خوارج به بیهق از آنجا بیرون رفت و در راه بیهق به نیشابور درگذشت. آرامگاه وی در یک فرسنگی نیشابور است. علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری، سهل بن بحر فارسی و برادرانش علی و محمد از شاگردان وی بودند. شمار آثار وی را بیش از 180 تصنیف و تألیف دانسته‌اند، و نجاشی چهل و هشت اثر وی را نام برده است. از آن جمله: «اثبات الرجعة»؛ «التوحید»؛ «تبیان اصل الضلالة» که نجاشی از آن به نام «تبیان اهل الضلالة» یاد کرده؛ «حذو النعل بالنعل»؛ «فرائض الکبیر»؛ «فرائض الاوسط»؛ «فرائض الصغیر»؛ «فضائل امیرالمؤمنین (ع)»؛ «کتاب الاعراض والجوهر»؛ «کتاب الایمان»؛ «ایضاح»، در رد فرق مختلف و یکی از کتب مهم و تقریباً کامل‌ترین اثر به جا مانده از فضل بن شاذان؛ «کتاب الطلاق»؛ «کتاب الملاحم»؛ «کتاب النجاح»؛ «کتاب التفسیر»؛ «کتاب القرآت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 355)، ایضاح المکنون (675، 513، 474، 445، 342، 336، 334، 325، 321، 315، 313، 312، 303، 292، 284، 282، 277، 269، 197، 185، 184، 2/ 400، 223، 23 /1)، الذریعه (290، 288، 285، 145، 64- 63 /24، 373، 359، 356، 343، 339، 336، 20/ 67، 19/ 325، 18/ 52، 1 /17، 147، 78 /16، 510، 491

-490 /2 ،93 /1)، رجال ابن‌داود (قسم 273 -272 /1)، رجال الطوسی (420 ،434)، رجال الکشّی (545 -537)، رجال النجاشی (169 -168 /2)، ریحانه (42 -41 /8)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (421 -420 ،61 ،45 44،)، الفهرست للطوسی (255 -254)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاذان)، الملل والنحل (151)، مجالس المؤمنین (404 -400 /1)، معجم المؤلفین (69 /8)، معجم رجال الحدیث (301 -289 /3)، مفاخر اسلام (164 -127 /1)، هدیة العارفین (818 -817 /1).

ابن‌شاه، ابوبکر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(376 -313 ق)، شاعر، ادیب، صوفی و فقیه حنفی. اصل وی از خوارزم بود و خود از اهالی بخارا. ابن‌سینا از شاگردان او بود. به گفته‌ی ذهبی او از پیشگامان بود و تصانیف زیبائی داشت. از آثارش: «دیوان» اشعار، که ابن‌ماکولا آن را دیده که اکثرش به خط ابن‌سینا بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 202)، ایضاح المکنون (1/ 485)، معجم المؤلفین (2/ 77).

ابن‌شاهویه، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 362 ق)، فقیه شافعی. از مردم فارس بود. سفری به نیشابور کرد و مدتی در آنجا اقامت گزید و سپس به بخارا رفت و باز به فارس مراجعت کرد و در آنجا متصدی منصب قضا شد. او در فقه شافعی اقوالی مخالف دیگر فقهای آن مذهب دارد. در نیشابور درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (1/ 539)، ریحانه (44 -43 /8)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاهویه)، وفیات الاعیان (4/ 211).

ابن‌شیرویه‌ی نیشابوری، ابومحمد عبداللَّه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 305 ق)، فقیه، محدث و حافظ. از نوادگان رُکامه، صحابی مشهور، بود. از اصحاق بن راهویه و احمد بن مَنیع و عمرو بن زُراره حدیث شنید، و کتاب سفیان بن عیینه را در حجاز از عدنی فراگرفت. ابن‌خزیمه و ابوعبداللّه بن آخْرم و ابوحامد بن شرقی از او روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید «ابن‌شیرویه از بزرگان نیشابور بود. در تصنیفات بسیار او عدالت و استقامتش آشکار است. حفّاظ شهر ما از وی روایت می‌کنند و به این روایات احتجاج می‌نمایند». مصنّفات بسیاری به جای گذاشت که از آن جمله: «محاسن الشرائع والاسلام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (168 -166 /14)، معجم المؤلفین (125 /6)، هدیة العارفین (443 /1).

ابن‌شیره کاشانی، ابوالحسن علی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، محدث و فقیه شیعی. شیخ طوسی وی را در شمار اصحاب امام هادی (ع) نام می‌برد. محمد بن حسن صفار از وی روایت کرده است.
از آثار وی: «کتاب التأدیب»؛ «کتاب الجامع الکبیر»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (5/ 68، 3/ 210- 211)، رجال ابن‌داود (قسم 2/ 486)، رجال للطوسی (417)، رجال النجاشی (2/ 79)، الفهرست للطوسی (160)، معجم رجال الحدیث (12/ 149- 151).

ابن‌عاصم اصفهانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 299 ق)، فقیه شافعی. وی کاتب قاضی اصفهان بود. به مصر رفت و نزد شافعیان آنجا به تحصیل پرداخت. ابواحمد عسال و ابوالقاسم طبرانی از وی روایت کرده‌اند. به گفته سبکی او کتابهای بسیاری تألیف کرده است که از جمله‌ی آنها کتابی است در مذهب شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 50)، تهذیب التهذیب (9/ 207)، معجم المؤلفین (10/ 116).

ابن‌عَبدان همدانی، ابوالفضل عبداللّه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 433 ق)، فقیه شافعی. او پیشوای دینی و مفتی همدان بود. از آثار وی: «شرائط الاحکام»، در فقه؛ «شرح العبادات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 229)، کشف الظنون (1030)، معجم المؤلفین (6/ 80)، هدیة العارفین (1/ 450).

ابن‌عبدک گرگانی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 340 ق)، مفسر، ادیب، فقیه و متکلم امامی. معروف به عبدکی. عبدک اختصار عبدالکریم است. اهل گرگان بود و پیشوای شیعیان آنجا. مدتی در نیشابور توطن کرد. از عمران بن موسی جرجانی و همطبقه او حدیث شنید. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. او سرانجام در گرگان درگذشت. از آثار وی: «التفسیر» یا «تفسیر ابن‌عبدک»؛ «شرح الجامع الصغیر» و «شرح الجامع الکبیر» محمد بن حسن شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «الاقتداء بعلی»؛ «الرد علی الاسماعیلیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 159)، اعیان الشیعه (9/ 437- 438)، الذریعه (10/ 183، 4/ 244)، رجال ابن‌داود (قسم 1/ 325)، رجال النجاشی (2/ 300- 301)، ریحانه (8/ 103)، الفهرست للطوسی (306، 368)، کشف الظنون (562، 568)، معجم رجال الحدیث (16/ 331)، معجم المؤلفین (11/ 26).

ابن‌عربشاه اسفراینی، علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1007 ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به عصامی و همچنین حفید یا حفید عصام. در مکه‌ی معظمه به دنیا آمد. و در همان جا نشو و نما یافت. از رجال بلاغت محسوب می‌شد. وی در زادگاه خویش منصب قضاوت داشت و سرانجام در همان شهر درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «شرح الاستعارات» جدش عصام‌الدین بر «سمرقندیه»، در بلاغت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 70)، معجم المؤلفین (7/ 34)، هدیة العارفین (1/ 751).

ابن‌عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(854 -791 ق)، مورخ، ادیب، لغوی، فقیه و محدث حنفی. معروف به عربی و گاهی به عجمی. در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما کرد. در لشکرکشی تیمور، در 803 ق به همراه او به سمرقند انتقال یافت و نزد جرجانی، جزری و بسیاری دیگر، به تحصیل علم پرداخت و زبانهای فارسی، ترکی و مغولی را فراگرفت. در مغولستان، نزد شِرامی حدیث آموخت. از سفرهایی به خوارزم، کریمه و ادرنه داشت و در ادرنه معتمد سلطان عثمان محمد اول شد و برای او کتابهای بسیاری به ترکی ترجمه کرد و به عنوان کاتب السر مسؤول نامه‌نگاریهای سلان به زبانهای عربی، ترکی، فارسی و مغولی شد. در 824 ق به حلب و سال بعد به دمشق رفت و نزد دوست خود، ابوعبداللّٰه محمد بخاری به تحصیل حدیث پرداخت. درطی سفر حج در قاهره با ابوالمحاسن ابن‌تغری بردی و دیگران روابط دوستی ایجاد کرد. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «عجائب المقدور فی نوائب (اخبار) تیمور»؛ «فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء» که تقلیدی است از «مرزبان‌نامه»؛ «الترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترک والعجم»؛ «برهان الفارض بقول المعارض»؛ «العقد الفرید فی علم التوحید»؛ «عنقود النصیحة»؛ «غرة السیر فی دول الترک والتتر»؛ ترجمه «جامع الحکایات»؛ «مرآت الادب فی المعانی والبیان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 218)، ایضاح المکنون (2/ 228، 1/ 178)، تاریخ ادبیات زبان عربی (635)، دائرةالمعارف اسلامیه (1/ 230- 231)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (5/ 706- 707)، الذریعه (15/ 220)، ریحانه (8/ 110- 111)، کشف الظنون (1646، 1216، 1198، 1174، 1152، 1128، 714، 397)، الکنی والالقاب (1/ 355)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (2/ 122)، هدیة العارفین (1/ 130).

ابن‌فارسی، ابوعبداللّه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، فقیه. علامه حلّی در «خلاصه» گوید که او از مشایخ شیخ طوسی بود. رجال‌نویسان شیعی وی را از علمای خاصه می‌دانند. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (2/ 378)، ریاض العلماء (5/ 476).

ابن‌فورک اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 406 -330 ق)، متکلم، محدث و فقیه شافعی. در اصفهان متولد شد. همراه باقلانی واسفراینی نزد ابوالحسن باهلی کلام خواند. برای تکمیل کلام و شنیدن حدیث به بصره، بغداد، ری و نیشابور سفر کرد. در کنار خانقاه پوشنجی، در نیشابور به تدریس پرداخت. در 406 ق محمود غزنوی او را به غزنین فراخواند تا با کرامیه آن شهر یعنی پیروان ابوعبداللّٰه محمد بن کرام که معتقد به جسمیت و فرق بین صفات و ذات الهی بودند، مناظره کند. وی به آسانی در مناظره پیروز شد، اما گویند که در راه بازگشت وی را به زهر کشتند. ابن‌فورک برای بسط کلام اشعری در خراسان بسیار کوشید. ابوالقاسم قشیری از برجسته‌ترین شاگردان او بود. ابوبکر بیهقی و قشیری از وی روایت کرده‌اند. مدفن وی محله‌ی حیره نیشابور مشهور است. ابن‌عساکر تصنیفات وی را در اصول دین و اصول فقه و معانی قرآن بالغ بر صد اثر می‌داند. از آثار او: «مشکل الحدیث و غریبه»؛ «النظامی»؛ «الحدود»؛ «اسماء الرجال»؛ «التفسیر»؛ «حل آیات المتشابهات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 313)، ایضاح المکنون (2/ 489، 1/ 475)، تاریخ نیشابور (226 -225)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (6/ 767- 768)، ریحانه (8/ 142- 143)، سیر النبلاء (17/ 214- 216)، کشف الظنون (200، 439، 1106، 1960)، الکنی والالقاب (1/ 380)، معجم المؤلفین (9/ 208)، الوافی بالوفیات (2/ 344)، وفیات الاعیان (4/ 272- 273)، هدیة الاحباب (81)، هدیة العارفین (2/ 60).

ابن‌قاصّ طبری، ابوالعباس احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 335 ق)، قاضی و فقیه شافعی. پدرش- قاص- قصه‌پردازی از مردم طبرستان بود که با سپاهیان مسلمان به روم شرقی رفت تا با رجزهایش سپاهیان را به جنگ برانگیزد. ابن‌قاص در زادگاهش بزرگ شد، سپس به بغداد رفت و نزد ابن‌سریج فقه آموخت. پس از چندی به زادگاهش بازگشت و به قضاوت و تدریس پرداخت. ابن‌قاص از ابوخلیفه جُمَحی و دیگران روایت کرد. او در عصر خود پیشوای مذهبی طبرستان بود و اهل علم در حوزه‌ی وی فقه می‌آموختند، در سفری به طرسوس، در جنوب ترکیه و شمال عراق و سوریه، مجلس وعظی برایش آراستند، که در اثنای موعظه او را رقت و خشیت فراگرفت. بیهوش افتاد و از دنیا رفت. از آثار وی: «المفتاح»، در مذهب شافعی؛ «ادب القاضی»؛ «المواقیت»؛ «التلخیص»، در فروع فقه شافعی؛ «دلائل القبله»؛ «فتاوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 86)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 622)، ریحانه (8/ 148- 149)، سیر النبلاء (15/ 371- 372)، کشف الظنون (382 ،1769 ،1636 ،1465 ،1219 ،760 ،479 ،47)، الکنی والالقاب (1/)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (1/ 149)، الوافی بالوفیات (6/ 227)، وفیات الاعیان (1/ 68- 69).

ابن‌قبه‌ی رازی، ابوجعفر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، فقیه و متکلم شیعی. با کلینی معاصر بود. نزد ابوالقاسم کعبی بلخی، متکلم معتزلی، درس خواند. نخست معتزلی بود، اما پس از مدتی شیعه شد. ابن‌بطه و ابوالحسن سوسنجردی از شاگردان وی بودند. ابن ابی‌الحدید، شیخ‌مفید و سید مرتضی از کتاب «الانصاف فی الامامة» روایت کرده‌اند. سوسنجردی در ملاقاتی که با ابوالقاسم بلخی داشت، کتاب «الانصاف» ابن‌قبه را به وی تسلیم کرد، بلخی ردّی بر آن نوشت به نام «المسترشد». سوسنجردی «المسترشد» را نزد ابن‌قبه آورد. ابن‌قبه نیز ردّی بر آن نوشت به نام «المستثبت» سوسنجردی دیگر بار به نزد بلخی رفت و «المستثبت» را به وی داد. بلخی نیز ردّی بر آن نوشت، اما ابن‌قبه قبل از آنکه این ردیه را دریافت کند، وفات کرد. از دیگر آثارش: «الامامة»؛ «الرد علی الزیدیه»؛ «الرد علی ابی‌علی الجبائی»؛ «المسألة المفردة فی الامامة»؛ «التعریف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (380 /9)، الذریعه (2 -1 /21، 394 /20، 200 /10، 216 /4، 397- 396، 335 /2) رجال النجاشی (289- 288 /2)، ری باستان (369 /2)، ریحانه (150- 149 /8)، الفهرست للطوسی (298- 297)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (330)، الکنی والالقاب (383- 382 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌قبه)، معجم المؤلفین (149- 148 /10)، نامه‌ی دانشوران (310- 282 /4)، هدیة العارفین (106 /2).

ابن‌قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 369 /368 ق)، فقیه و محدث شیعی. از پدرش، ابن‌قولویه قمی ابوجعفر محمد بن جعفر معروف به مَسلَمه متوفی (301 /299 ق)، و مدفون در قم نزدیک بقعه علی بن بابویه قمی، و نیز از احمد بن حسین زعفرانی، ابوالفضل صابونی، کلینی، ابن‌ولید قمی، ابن‌مهزیار اهوازی، ابن‌بابویه پدر صدوق، ابن‌عُفدَه و احمد بن اصفهبد و گروهی دیگر حدیث شنید. شیخ مفید شاگرد او بود و وی را شیخ‌صدوق توصیف می‌کرد. ابن‌غضائری نیز از شاگردان اوست. همگی وی را محدثی ثقه دانسته‌اند. برادرش ابوالحسین علی بن محمد نیز از محدثان شیعه و از مشایخ اوست. در 339 ق عازم سفر حج شد، اما، در بغداد بیمار شد و نتوانست به حج برود و در همان جا درگذشت و در کاظمین دفن شد. از آثار وی: «کامل الزیارات»؛ «الجمعة والجماعة»؛ «تاریخ الشهور والحدوث»؛ «النوادر»؛ «الصلوة»؛ «الرضاع»؛ «الصداق»؛ «مداواة الجسد لحیاة الابد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (156 -154 /4)، تاریخ الاسلام (حوادث 394، 393 /380 -351)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (801 -800 /6)، الذریعه (255 /17)، رجال النجاشی (306 -305 /1)، روضات الجنات (168 -167 /2)، ریحانه (162 /8)، الفهرست للطوسی (78 -77)، لسان المیزان (224 -223 /2)، فوائد الرضویه (80 -78)، مفاخر اسلام (152 -132 /3)، معجم المؤلفین (146 /3)، معجم رجال الحدیث (116 /4)، نامه‌ی دانشوران (364 -361 /2)، الوافی بالوفیات (151 /11).

ابن‌کَبَن، جمال‌الدین محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(842 -776 ق)، شاعر، نویسنده، فقیه و قاضی. نیاکانش از مردم طبرستان بودند. وی در عدن متولد شد و در آنجا نشو و نما یافت و پس از اتمام تحصیلات به تدریس پرداخت، پس از آن مفتی شده و عهده‌دار قضای عدن گردید، و حدود 40 سال به قضاوت مشغول بود. با مردم به مدارا رفتار می‌کرد و به داشتن فروتنی، نرم‌خویی و مایل به اصلاح میان مردم مشهور بود. سرانجام در عدن درگذشت. از آثارش: «الدرالنظیم فی الکلام علی بسم اللّه الرحمن الرحیم» یا «شرح البسملة»؛ «مفتاح الحاوی المبین عن النصوص والفحاوی»، شرح گونه‌ای بر «الحاوی المبین عن النصوص والفحاوی»، شرح گونه‌ای بر «الحاوی الصغیر» نجم‌الدین قزوینی؛ «الرقم الجمالی فی شرح الآلی» یا «شرح قصیده جعبریه»، در فرائض.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (2/ 523، 1/ 454)، کشف الظنون (1035)، معجم المؤلفین (10/ 33)، هدیة العارفین (2/ 191).

ابن‌لال همدانی، ابوبکر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(398 /392 -308 /307 ق)، محدث و فقیه شافعی. مفتی همدان بود. وی از عبدالرحمان جلّاب و اسماعیل صفار و ابن‌حمدویه مروزی و حفص بن عمر اردبیلی و دیگران حدیث شنید. چندین بار به بغداد سفر کرد و در آنجا به روایت حدیث پرداخت و املای حدیث کرد و افرادی همچون دارقطنی از وی حدیث شنیدند. جعفر ابهری و محمد بن عیسی صوفی و حمید بن مامون نیز از وی روایت کرده‌اند. از آثار او: «کتاب السنن»؛ «مالا یسع المکلف جهله من العبادات»؛ «ماآت القرآن علی ترتیب السور»؛ «معجم الصحابه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (319 -318 /4)، ریحانه (178 /8)، سیر النبلاء (77 -75 /17)، الکامل (242 /7)، کشف الظنون (1736، 1575)، معجم المؤلفین (318 /1)، الوافی بالوفیات (217 /7)، هدیة العارفین (69 /1).

ابن‌لبان اصفهانی، ابومحمد عبداللَّه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 446 ق)، عالم و فقیه شافعی. در اصفهان به دنیا آمد و در بغداد و مکه اقامت گزید. در اصفهان از مشایخی چون ابن‌مقری و ابراهیم بن عبداللَّه بن خرشید قوله و در بغداد از ابوطاهر مخلص حدیث شنید. در فقه شافعی از اصحاب ابوحامد اسفراینی و از مشایخ خطیب بغدادی بود. چندی نیز قاضی ایذه شد. قرآن را در پنج سالگی حفظ و به چندین روایت قرائت می‌کرد. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «الروضة»؛ «دررالغواص فی علوم الخواص»؛ ویرایش «ادب القضاء» خصاف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 266)، تاریخ بغداد (10/ 144- 145)، ریحانه (8/ 178- 179)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 669)، سیر النبلاء (17/ 653- 654)، الکامل (8/ 69)، کشف الظنون (931)، معجم المؤلفین (6/ 125)، هدیة العارفین (1/ 451).

ابن‌محسد شیرازی، محمود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شهادت 766 ق)، فقیه شیعی. از بزرگان و نام‌آوران علمای امامیه‌ی روزگار خود بود که در دمشق اقامت داشت و در مدرسه‌ی ابی‌عمر آن شهر بود. وی در جنبش ضد شیعی که در شام روی داد، به همراه تعداد بسیاری از شیعیان شام کشته شد. ابتدا قاضی حنبلی چهل روز وی را زندانی کرد. پس از آن او را نزد قاضی القضات مالکی حاضر کردند و او دستور ضرب داد. سپس نزد نائب‌السلطنه بردند و علیه او شهادت دادند و قاضی حکم به ریختن خون او کرد. پس او را به بیرون شهر برده و گردنش را زدند و او را سوزاندند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (101 /10)، شهیدان راه فضیلت (154)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 210 -209 /8).

ابن‌مرزبان اصفهانی، ابواحمد عبدالرحیم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 396 ق)، پزشک، فقیه و قاضی. از مردم اصفهان بود و در روزگار آل‌بویه در بغداد به کار پزشکی می‌پرداخت. چندی نیز قاضی شوشتر و خوزستان بود. در شوشتر درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (121 -120 /4)، الکامل (229 /7).

ابن‌مشهدی حائری، ابوعبداللّه محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم و هفتم ق)، محدث و فقیه شیعی. از ابن‌بطریق، ورّام بن ابی‌فراس، ابن‌زهره، هبة اللّه بن نما و ابن شاذان بن جبرئیل قمی حدیث شنید و از همگی آنان اجازه‌ی حدیث گرفت. محدث نوری او را در شمار مشایخ نجیب‌الدین بن نما آورده است. از آثارش: «بغیة الطالب و ایضاح المناسک لمن هو راغب فی الحج»؛ «مزار کبیر»، معروف به «مزار محمد بن المشهدی»؛ «المصباح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (9/ 202)، خاتمة مستدرک الوسائل (20 /3 -19)، الذریعه (20/ 324- 325، 3/ 134- 135)، ریاض العلماء (49 /5)، ریحانه (8/ 208- 209)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 253 -6/ 252)، فوائد الرضویه (449)، الکنی والالقاب (1/ 409)، مشاهیر دانشمندان اسلام (2/ 336- 337)، معجم المؤلفین (9/ 153)، معجم رجال الحدیث (15/ 159، 17/ 259- 260).

ابن‌مَکّی رازی، حسام‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 598 /593 ق)، فقیه حنفی. چندی در حلب می‌زیست، سپس به دمشق رفت و تا پایان زندگی در آن شهر ماند. پیکر وی را پس از مرگ در بیرون باب الفرادیس به خاک سپردند. از آثار وی: «سلوة الهموم»؛ «خلاصة الدلائل فی تنقیح المسائل»، که تکمله و شرحی است بر «مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 61)، کشف الظنون (1633، 1632، 999)، معجم المؤلفین (7/ 30)، هدیة العارفین (1/ 703)، ری باستان (2/ 329).

ابن‌مهزیار اهوازی، ابوالحسن علی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 254 ق)، محدث امامی و فقیه شیعی. وی از یاران امام رضا (ع) و امام محمدتقی (ع) و امام علی‌النقی (ع) بود. در اهواز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. پدرش از مردم دورق خوزستان بود که نخست آیین مسیحی داشت. به واسطه‌ی حسن بن سعید اهوازی، وی و پسرش، علی، نزد امام رضا (ع) رفتند و به دست امام اسلام آوردند. ابن‌مهزیار از جانب امام محمدتقی (ع) و امام علی‌النقی (ع) وکالت داشت و این دو امام درباره‌ی خوبیهای وی توقیعاتی صادر کرده‌اند. ابن‌مهزیار از محمد بن ابی‌عمیر، علی بن فضال، حسن بن علی بن فضال و ابان بن عثمان و حسن بن محبوب و حسین بن سعید اهوازی و ابراهیم بن محمد همدانی و احمد بن اسحاق ابهری و جمعی دیگر که شمار آنها به 55 تن می‌رسد، روایت کرده است. وی شاگردان بسیاری تربیت کرده است که ابوعبداللّه برقی و برادرش، ابراهیم بن مهزیار، و ابراهیم بن هاشم قمی و پسرش، حسن بن علی بن مهزیار، از آن دسته‌اند. بسیاری از رجال‌نویسان شیعه او را محدثی ثقه می‌دانند و حدود 33 کتاب از وی برمی‌شمارند. از آثار وی: «کتاب الوضوء»؛ «کتاب الصلاة»؛ «کتاب الزکاة»؛ «کتاب الصوم»؛ «کتاب الحج»؛ «کتاب الانبیاء»؛ «کتاب المثالب»؛ «کتاب البشارات»؛ «المواریث»؛ «الملاحم»؛ «التقیّه»؛ «الرد علی الغلاة»؛ «تفسیر ابن‌مهزیار»؛ «التجمل والمروءة»؛ «المکاسب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 178)، ایضاح المکنون (336، 346، 349، 328، 2/ 198، 273، 278، 280، 283، 289، 293، 301، 319، 321، 304، 1/)، الذریعه (24/ 336، 10/ 214، 248/ 4، 249)، رجال الطوسی (381، 403، 417)، رجال النجاشی (2/ 74- 76)، ریحانه (8/ 239)، الفهرست للطوسی (231)، الکنی والالقاب (1/ 432- 433)، لغت‌نامه (ذیل / علی اهوازی)، مجالس المؤمنین (1/ 421- 423)، معجم المؤلفین (7/ 247)، مفاخر اسلام (1/ 107، 126)، هدیة العارفین (1/ 674).

ابن‌نصیر انبردوانی، ابوکامل احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 449 ق)، عالم و فقیه حنفی. از مردم روستای انبردوان در بخارا بود. وی در مذهب حنفی تعصب می‌ورزید و دشمن سرسخت شافعیان به شمار می‌آمد. از عالمان به انساب به شمار می‌رفت. از آثار وی: «المضاهاة والمضافات فی الاسماء والانساب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 207)، کشف الظنون (1712)، معجم المؤلفین (2/ 136).

ابن‌ولید قمی، ابوجعفر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 343 ق)، فقیه، محدث و رجال‌شناس شیعی. از محمد بن صفار و سعد بن عبداللّه اشعری و دیگران علم آموخت. وی به دقت در شنیدن حدیث شهرت داشت. نجاشی او را ثقه خوانده است. شیخ صدوق، تلعکبری، ابوالحسین بن ابی‌جیدوعلی بن حسین بن بابویه از شاگردان وی بودند و از او روایت کرده‌اند. فرزندش، احمد بن محمد استاد شیخ مفید و از مشایخ اجازه اوست. از آثارش: «التفسیر القرآن»؛ «الجامع»؛ و فهرستی در رجال.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :رجال ابن‌داود (قسم 308 /1)، رجال الطوسی (495)، رجال النجاشی (302 -301 /2، 123 /1)، ریحانه (265 /8)، الفهرست للطوسی (285 -284)، الکنی والالقاب (446 /1)، معجم رجال الحدیث (208 -206 /15).

ابن‌هارون دشت میشانی، ابوعمرو سهل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 215 ق)، حکیم، شاعر، نحوی و لغوی. معروف به بزرگمهر اسلام. وی از مردم دشت میشان بود که به بصره نقل مکان کرد و در آنجا شهره گشت. و به خدمت هارون‌الرشید درآمد و تا آنجا اوج گرفت که به جای یحیی برمکی برگزیده شد. او همچنین از خادمان خاص مأمون گردید و متصدی خزانةالحکمة و کتابدار مأمون شد. ابن‌هارون از شعوبیان بود و عجم را بر عرب برتری می‌داد. و در این باره کتابها و رسایل مختلفی نگاشته است. جاحظ شیفته اوست و در وصفش گوید که او خطیب، شاعر و نویسنده قطعات بلند و کوتاه و کتب بزرگ است. گویند که وی بخیل و خسیس بود، به طوری که رساله‌ای در «بخل» نوشت و در آن خساست و بخل را ستود، و آن را به نام حسن بن سهل وزیر کرد. از جمله آثارش: کتاب «ادب اسل بن اسل»؛ کتاب «اسباسیوس فی اتحاد الاخوان»؛ «تدبیر الملک والسیاسة»؛ کتاب «دیوان الرسائل»؛ «ثعلة و عفراء»، که بر اساس «کلیله و دمنه» برای مأمون نوشت؛ «المسائل»؛ «ندود و ودود و لدود»؛ «النّمر والثعلب»؛ «الوامق والعذراء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 211)، اعیان الشیعه (7/ 323)، ایضاح المکنون (2/ 41)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 187)، ریحانه (8/ 266)، الفهرست لابن‌الندیم (174)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم الادباء (1/ 266-267)، معجم المؤلفین (4/ 286).

ابن‌هندویه فارسی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(507 -440 ق)، فقیه، محدث و مصنف. در بغداد به شهرت رسید و همان جا می‌زیست تا درگذشت و در کنار آرامگاه ابن‌سریج به خاک سپرده شد. وی دارای تألیفات و مجموعاتی بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 248)، معجم المؤلفین (11/ 206).

ابن‌یزداد قمی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 305 ق)، فقیه، محدث و مفسر حنفی. از مردم ری بود. اما مدتی در نیشابور نیز زندگی کرد. از محمد بن شجاع ثَلْجی فقه آموخت و از محمد بن حمید رازی حدیث شنید. ابوبکر احمد بن سعد بن نصر و احمد کاغَدی از او روایت می‌کردند. چندی در نیشابور به املای حدیث می‌پرداخت. ابن‌یزداد در فقه دستی توانا داشت و از مشاهیر فقهای حنفی روزگار خویش بود. با اندیشه‌های شافعی مخالفت می‌ورزید و بر کتابهای او خرده می‌گرفت و بر اصحاب شافعی ردّیه می‌نوشت. از آثار وی: «احکام القرآن»؛ «اثبات القیاس والاجتهاد و خبر الواحد»؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 178)، سیر النبلاء (14/ 236- 237)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (384)، کشف الظنون (20)، معجم المؤلفین (7/ 250- 251)، هدیة العارفین (1/ 675).

ابواسحاق، ابراهیم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ ابواسحق ابراهیم صاحب مقامات عالیه بوده گویند هنوز به حد بلوغ نرسیده جامع علوم شرعی و دینی گشته چهل و چهار کتاب تصنیف کرده از جمله کتابی در فقه مسمی به مهذب در چهار مجلد. در سال 479 ق در عصر خلافت المقتدی بامر اللّه به بغداد آمده و در آنجا وفات و مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوالسعادات

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد اصفهانی
از اجلّه ی علما و فقهای قرن هفتم هجری، و از مشایخ روایت سید رضی الدین علی بن طاوس است.
کتب زیر از اوست:
1- اکسیر السعادتین 2- توجیه السؤالات 3- جامع الدلائل و مجمع الفضائل، در امامت که آن را منبع الدلائل نیز نوشته‌اند 4- رشح الولاء (رشح الوفاء) در شرح دعای صنمی قریش، و آن را جهت شاه سلطان حسین صفوی ترجمه کردند. (نام مترجم ذکر نشده است) 5- مجمع البحرین، مجموعه ی مواعظ و حکم منقول از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام؛ و غیره.
وفاتش را در 635 نوشته‌اند.
در اعیان الشیعه خواجه نصیر الدین طوسی و میثم بن علی بحرانی را از اساتید او معرفی می‌کند. و در روضات (: 28) صاحب عنوان از مشایخ این دو نفر است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابوترابی علوی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد ابوترابی علوی فرزند آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر بن العالم الجلیل آسید ابوتراب قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین بودند تولد ایشان در سال 1316 قمری در دارالسلطنه قزوین واقع شده و پس از دو سال در خدمت والد خود به عتبات عالیات مشرف و مدت 15 سال در تحت مراقبت چنان پدری که مظهر قدس و ورع و تقوا بودند تربیت و در سال 1331 ق مراجعت به ایران و قزوین نموده و در آنجا شروع به مقدمات و سطوح را خدمت والد خود و سایر علماء خوانده و در سال 1342 ق مهاجرت به قم و خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللَّه آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و مراتب دانش و اجتهادشان مورد تصدیق آن مرحوم و مشحون به دست خط مبارکشان گردیده و از مرحوم محدث قمی و والدشان هم اجازه روایتی داشته و بعد به امر مرحوم آیت‌اللَّه حایری به قزوین آمده و تا آخر عمر به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین اشتغال داشته تا بعد از 1380 وفات و به صالحین نیاکانش ملحق گردیده است چنانچه در ذیل ترجمه والدشان اشاره نمودم
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، ابوتراب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
و اما والد ماجدشان مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب ابوترابی فرزند مرلّه آقا سید حسین فرزند آقا سید ابوتراب که از جمله مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی انصاری رضوان‌اللّه‌علیهم بوده و ترجمه وی در تراجم مربوطه مضبوط است نامبرده در قزوین در سال یک هزار و سیصد و نه هجری متولد شده در دوران رضا ع پدر خود را از دست داده و در سن شباب شروع به تحصیل به امر مادر خود در شهر مزبور کرد که آن روز یکی از مراکز علمی و فقه اصول بوده به تحصیل علوم دینی همت گماشت دوره سطح را در محضر اساتید از جمله مرحوم حاج علی‌اکبر یزدی که از شاگردان مرحوم شیخ انصاری بوده است به پایان رسانید تا مرتبه قریب‌الاجتهاد به نجف اشرف منتقل در مدتی بیش از ده سال از محضر مراجع عالیمقام مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه عراقی استفاده کرده به مرتبه عالیه‌ای از اجتهاد نائل آمد و از هر یک از علماء نامبرده گواهی صریح بر نیل مشارالیه به مرتبه اجتهاد صادر چنانچه تألیفات وی این حقیقت را گواه است سپس چهل و شش سال قبل از فوت به درخواست جمعی از محترمین قزوین به وطن مألوف مراجعت با فضائل اخلاقی به امر تدریس و پرورش طلاب علوم دینی و سایر امور شرعی که در عهده وظیفه یک عالم روحانی است همت گماشت و به آیه مبارکه نفر عمل کرد تا آنگاه که در سال 1393 هجری در سن 84 سالگی دعوت حق را لبیک گفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس بن آیت‌اللَّه حاج سید ابوتراب بن العالم الجلیل السید بن آیت‌اللَّه حاج سید ابوتراب ابوترابی از علماء معاصر شهرستان قزوین است. تولدش در قزوین واقع شده و بعد از دریافت گواهینامه ششم ابتدائی به امر پدرش در شهرستان قزوین شروع به تحصیل علوم دینی نموده بعد از تکمیل ادبیات و اشتغال به فقه و اصول با کسب اجازه از پدرش به قم رهسپار شده و در پرتو و مراحم مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر قزوینی عم والامقام پدرش که بعداً نسبت مصاهرت به ایشان را یافت به تحصیل ادامه داد بعد از تکمیل سطح دوره خارج فقه و اصول را از محضر درس آیات عظام مراجع عالیمقام به ترتیب مرحوم آقای حجت و کوه‌کمره‌ای و مرحوم طباطبائی بروجردی اعلی اللَّه مقامهما تا پایان حیات این دو مرجع عالیقدر و آقای موسوی ادام اللَّه ظله و مرحوم حاج آسید محمد محقق معروف به داماد استفاده کرده و بحمداللَّه با کوشش و سعی بلیغ بیشتر نتایج حاصله را به قید کتابت اندوخته است و از آن همه تقریرات خمس مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی قبل از فوت مشارالیه مقارن با فوت به طبع رسید و در طی این سیر از محضر استاد عالیمقام علامه طباطبائی آقای حاج سید محمدحسین ادام الله ظله بکسب فلسفه و عرفان اشتغال داشته این استاد بزرگوار بر اثر لطف و عنایات بیشتری که با بعضی از شاگردان خود داشتند خلطه و آمیزش با فضایل اخلاقی و صفات نفسانی که از مزایای مشارالیه معظم است عملا آنان را به تهذیب و تربیت اخلاقی هدایت می‌فرمودند و به درخواست پدرش و جمعی از محترمین به قصد مراجعت به شهرستان قزوین حرکت کرده و تاکنون هستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوحنیفه صغیر، ابوجعفر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 362 ق)، فقیه حنفی. وی در هندوان بلخ به دنیا آمد. از محمد بن عقیل بلخی حدیث شنید و از ابوبکر محمد بن ابی‌سعید فقه آموخت. ابوجعفر از اکابر فقهای حنفیه است. وی را به دلیل تبحری که در فقاهت داشت ابوحنیفه صغیر می‌گفتند. در بلخ به نقل حدیث می‌پرداخت و مشکلات فقهی را به مرحله‌ی بیان می‌آورد. وی در بخارا درگذشت. از آثار وی: شرح «ادب القاضی علی مذهب ابی‌حنیفه» ابویوسف قاضی؛ «الفوائد الفقهیه»؛ «کشف الغوامض»، در فروع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (75/7)، سیر النبلاء (131/216)، کشف الظنون (46، 1300، 1493)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحنیفه صغیر)، معجم المؤلفین (244/10)، الوافی بالوفیات (347/3)، هدیة العارفین (47/2).

ابوحنیفه نعمان

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(150 -80 ق)، فقیه، محدث، مؤسس مذهب حنفیه و متکلم. مشهور به امام اصحاب رای و امام اعظم. نژاد ایرانی داشت. جدّ وی از موالی تیم بود که از کابل به کوفه آورده شده بود. ابوحنیفه در کوفه متولد شد، و مدتی به تجارت خز مشغول بود. وی از شاگردان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و حّماد بن ابی‌سلیمان و عطاء بن ابی‌رباح بود. ابوحنیفه پس از مرگ حمّاد مرجع عمده‌ی مکتب فقهی کوفه گردید. ابوحنیفه خود کتابی در فقه ننوشته است ولی آراء و بحثهایش از سوی شاگردان وی جمع‌آوری شده و به همین جهت بعضی از تألیفات شاگردان او باید به عنوان منابع اصلی مذهب حنفی تلّقی شود. فقه ابوحنیفه دارای چنان مطالب تازه و صریحی است که قسمت مهمّی از آن را شاگردانش محکوم و مردود شناخته‌اند. آرای فقهی او، در مقایسه با موارد اصولی آرای معاصرانش، مشروح‌تر و دوراندیشانه‌تر است. فقه او به طور کلی از جهت استدلال عالی و غالباً قاطع است و کمتر جنبه‌ی عملی را در نظر می‌آورد. او علاوه بر به کارگیری رأی و قیاس کمتر حاضر است که مانند ارباب مذاهب دیگر از سنّت در برابر احادیث آحاد دست بکشد. ابوحنیفه در کلام نیز دست داشته است. وی مدتی زندانی شد و سرانجام در زندان وفات کرد. مقبره‌ی وی در اعظمیه‌ی بغداد است. او شاگردان زیادی داشت از جمله: زفر بن هذیل، داوود طائی، ابویوسف قاضی، ابومطیع بلخی، محمد بن حسین شیبانی، اسدِ بن عمرو بجلی، حسن بن زیاد لؤلؤی و پسرش حمّاد بن ابی‌حنیفه و عبداللّه بن مبارک و جارود نیشابوری و عبدالکریم جرجانی و ابونعیم و وکیع. از آثار او: کتاب «مسند»، در حدیث که جمع‌آوری شاگردان اوست؛ «المخارج»، در فقه که روایت ابویوسف از اوست. برخی به غلط کتابهایی را به او نسبت داده‌اند از جمله: «فقه الاکبر»، که عقاید اصیل ابوحنیفه را نشان می‌دهد؛ «العالم والمتعلّم»؛ «فقه الاَبسَط».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5 -4 /9)، تاریخ ادبیات در ایران (77 -76 /1)، تاریخ ادبی ایران (402/1)، تاریخ بغداد (454 -323 /13)، التاریخ الکبیر (81/8)، تعلیقات اسرار التوحید (654)، تهذیب التهذیب (403 -401 /10)، الجرح والتعدیل (ج 4، ق 450 -449 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1029 -1027 /8)، دائرةالمعارف الاسلامیه (322 -330 /1)، روضات

الجنات (162 -153 /8)، سير النبلاء (403 -390 /6)، الفهرست ابن‌نديم، ترجمه (375 -373)، الكامل (30/5)، كشف الظنون (1680 ،1437 ،1287)، كشف المحجوب (112)، الكنى والالقاب (56 -53 /1)، لغت‌نامه (ذيل/ ابوحنيفه)، مجمل فصيحى (ذيل/ سالهاى 80 و 150)، معجم المؤلفين (105 -104 /13)، وفيات الاعيان (415 -405 /5)، هدية العارفين (495/2).

ابویعقوب همدانی، یوسف

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(535 -466 /440 ق)، صوفی، فقیه و محدث. ملقب به شیخ الاسلام. در بوزنجرد نزدیک همدان متولد شد. وی شخصیت برجسته‌ای در تاریخ تصوف ایران و آسیای مرکزی بود. ابویعقوب نخستین کس از خواجگان، یعنی سلسله‌ای از مشایخ ماوراء النهر است، که طریقت نقشبندی و یسوی از میان آنان برخاست. در 18 سالگی به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل فقه و حدیث در محضر استادان بزرگی چون ابواسحاق شیرازی پرداخت. از ابوبکر خطیب و ابوجعفر سلمه و ابن‌هزار مرد حدیث شنید و به خدمت جمعی از مشایخ از جمله حسن سمنانی و عبداللّه جوینی رسید. در ضمن تحصیلات خود به شهرهای دور دست چون سمرقند سفر کرد. در حدود سی سالگی به تصوف متمایل شد. و مربی اصلی وی ابوعلی فارمدی بود. همدانی در مرو خانقاهی تأسیس کرد که به نام کعبه‌ی خراسان شهرت یافت، وی پیوسته در خانقاه نمی‌ماند، دوبار به هرات سفر کرد و سی و هشت بار به حج رفت و مدتی در بخارا و سمرقند به سر برد، در همین دو شهر بود که برجسته‌ترین پیروان خود که بعدها جانشینان وی شدند به دست آورد. ابویعقوب در هرات وفات یافت و در مرو دفن شد. شرح «منازل السائرین» خواجه عبداللّه انصاری از جمله آثار وی است که مفقود شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اوراد الاحباب (74 -72)، تذکرة الشعراء (109)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1131 /9)، رشحات عین الحیاة (مقدمه/ 36 -13، 43 -40)، سیر النبلاء (69 -66 /20)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای 466 و 535)، نفحات الانس (380)، وفیات الاعیان (81 -78 /7)، هدیة العارفین (552 /2).

ابهری عماد الدین، عبدالعزیز

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 895 / 843 ق)، محدث و فقیه. در علم حدیث و فقه حنفی و شافعی مهارت داشت. سالها در مدرسه‌ی شاهرخ‌میرزا و مدرسه‌ی سلطانی و خانقا اخلاصیه به تدریس اشتغال داشت. در اواخر عمر به هند رفت و در ولایات سند از دنیا رفت. ابهری محدثی برجسته بود و کتابهایی در موضوعات مختلف نگاشت. او همچنین بر بسیاری از کتب حواشی نوشت. از آثار وی: «منهاج المشکاه»، شرح و تفسیری «مشکاه المصابیح» خطیب تبریزی، در حدیث، که آن را به نام امیر علیشر نوایی تألیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (263 -262)، حبیب السیر (349 / 4)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1142 / 9)، رجال حبیب السیر (199)، کشف الظنون (1700)، هدیه العارفین (582 / 1).

ابهری، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(375 -289 /287 ق)، قاضی، قاری، محدث و فقیه مالکی. در ابهر تولد یافت و ساکن بغداد شد و در آنجا از ابوعمر محمد بن یوسف قاضی و فرزندش ابوالحسین فقه آموخت. و از ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی و عبداللّه بجلی و ابن تمّام بهرانی و محمد اشنانی و دیگران در عراق و شام و جزیره حدیث شنید. دارقطنی از او حدیث نقل کرده و او را ستوده و گفته که او امام مالکیان در عصر خود بود و از اندلس و مغرب و گوشه و کنار دنیا به سویش می‌شتافتند. از وی آثاری بر جای مانده است که به گفته‌ی قاضی عیاض تصانیف از در شرح مذهب مالکی و ردّ مخالفین است. از جمله آثار وی : «الاصول»، در فقه؛ «الرد علی المزنی»؛ «شرح کتاب ابن عبدالحکم الصغیر» و «شرح کتاب ابن عبدالحکم الکبیر»؛ «فضل المدینه علی مکة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 98)، تاریخ الاسلام (حوادث 582 -580 /380 -351)، تاریخ بغداد (463 -462 /5)، ریحانه (1/ 72)، سیر النبلاء (334 -332 /16)، الفهرست لابن الندیم (283)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 375)، معجم البلدان (1/ 106)، معجم المؤلفین (10/ 241)، الوافی بالوفیات (3/ 308)، هدیة العارفین (2/ 50).

ابهری، شمس‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید شمس‌الدین بن السید الجلیل السید اسدالله موسوی ابهری که از ذراری حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام و از علماء مبرز معاصرین بوده است در تهران وی در سال 1324 قمری در ابهر متولد شده پس از تحصیل سطوح در قزوین در سال 1349 قمری ببلده طیبه قم عزیمت نموده و در حوزه درس اساتید بزرگ بالاخص مرحوم آیه‌الله حایری و مرحومین آیتین آقای حجت و آقای حاج سید محمد تقی خونساری قدس‌الله انفسهم استفاده نموده و از آن بزرگواران مفتخر به اخذ تصدیق اجتهاد شده و پس از فوت مرحوم آیه‌الله حایری بنجف اشرف مشرف گردیده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله اصفهانی حاضر و از آن بزرگوار هم به اخذ تصدیق اجتهاد نائل و در اثر تأکید و تقاضای اهالی ابهر بامر مرحوم آیه‌الله اصفهانی به ابهر مراجعت نموده و در مسجد جامع ابهر باقامه جماعت و وظائف دینی پرداخته و مورد توجه عموم قرار گرفته و بواسطه حسن عمل و اخلاق حسنه محبوبیت بسزائی تحصیل کرده تا در سال 1362 قمری و غائله توده‌ای‌های آذربایجان که مجبور بمهاجرت به تهران گردیده و مورد اقبال و توجه جمعی از علاقمندان گشته و آنان از مقام فضل و دانش و محامد آداب ایشان استفاده نموده و چند سالی در مسجد سلیمی خیابان ناصر خسرو اقامه جماعت و بعد در مسجد باب‌الحوائج خیابان صفا شهباز به اداء وظیفه دینی و روحی اشتغال یافته تا در ایام فاطمیه که در سال 1392 قمری که در منزلش مجلس سوگواری منعقد بود بسکته قلبی بدرود حیات گفته و با تشییع مجلّلی حمل بقم و در جنب وادی‌السلام قم مدفون گردیده است.
از آثار ایشانست تعمیر ماسجد خاصه تجدید بناء مسجد جامع ابهر که از آثار قدیمه میباشد که توسط آنمرحوم آباد گردیده و نیز مدرسه برای طلاّب علوم دینی احداث و بنا نموده و چندین طلبه را تکفل و تشویق بتحصیل علوم دینی نموده که از فضلاء امروز ابهر و حومیه آن در قم میباشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابیوردی، حسام الدین، ابومحمد حسن

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(816 -761 ق)، دانشمند، فقیه و خطیب شافعی. اصل وی از سرخس بود ولی در ابیورد تولد یافت و همان جا نشو و نما کرد. وی شاگرد ملا سعدالدین تفتازانی بود. به بغداد رفت و بعد از ان به اصفهان، و در این شهر به تحصیل علوم ریاضی پرداخت. ابیوردی در مکه سکومت گزید و در آخر عمر راهی یمن شد و در آنجا مجلس درس دایر کرد. وی از زاهدان زمان، و بر مذهب غلاة و اهل تفویض بود. از آثار وی: «ربیع الجنان فی المعانی و البیان»؛ حاشیه بر شرح قطب الدین رازی بر «مطالع الانوار» سراج الدین ارموی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1147 -1146 /9)، روضات الجنات (38 -37 /4)، ریحانه (42 /2)، کشف الظنون (1716 ،833)، معجم المؤلفین (251 -250 /3)، هدیة العارفین (287 /1).

احدی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید کاظم بن العالم الجلیل آقا سید محمد احدی رشتی از علماء ابرار و ائمه جماعت اخیار معاصر رشت می‌باشند.
وی در سال 1327 قمری در رشت متولد شده و در حجر تربیت والد ماجدش که از علماء بزرگ رشت بودند پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در زمان مرحوم آیت‌اللّه حایری به قم آمده و از محضر آیات و مدرسین حوزه کسب فیض علم و کمال نموده ولی به واسطه‌ی جهاتی زیاد توقف ننموده و بنابر امر والد مبرورش به رشت برگشته و پس از فوت معظم له بجای ایشان نشسته و در مسجدشان اقامه جماعت نموده و تاکنون به این سمت و خدمات دیگر دینی اشتغال دارد.
از باقیات الصالحات ایشانست فرزند ارجمندش حجةالاسلام آقای آسید علی‌اصغر احدی که از فضلاء مهذب و بارع گیلانی حوزه علمیه قم می‌باشند. وی در رشت متولد شده و در بیت تقوا و ورع تربیت یافته و پس از فراگرفتن دروس جدید و مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین حوزه به پایان رسانیده سپس به درس خارج آیات عظام شرکت نموده و اکنون به تدریس متون فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.
از تألیفات ایشانست کتابی بنام (همه به سوی خدا) که در سال 1382 قمری بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

احمدی شاهرودی، احمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1305(1346 ق.)، میامی (در نزدیکی شاهرود).
درگذشت: 25 شعبان 1417 ق.
آیت‌الله احمدعلی احمدی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمدحسن احمدی، یکی از علمای بنام و مشهور منطقه و جدش آیت‌الله آقا شیخ احمد نیز از علما و زهاد بود. ایشان به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدر بزرگوارش فراگرفت. پس از چند سالی، به حوزه علمیه مشهد شتافت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح عالیه را نزد حضرات آیات حاج هاشم قزوینی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا کاظم محقق دامغانی و حاج میرزا احمد مدرس یزدی آموخت. سپس برای تکمیل معلومات و فراگیری دوره عالی دورس فقه واصول به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و در محضر آیات عظام بروجردی، سید محمدتقی خوانساری، حجت کوه کمره‌ای، صدرالدین صدر و امام خمینی زانوی ادب به زمین زد و از خرمن فیض آنان توشه‌ها برگرفت. آنگاه برای مدت کوتاهی به نجف اشرف کوچید و در درسهای آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی، حکیم و خویی حاضر شد. سپس به قم بازگشت و برای تبلیغ دین و راهنمایی مردم مسلمان به نمایندگی آیت‌الله العظمی بروجردی به شهرهای آباده، فیروزکوه، چهارمحال بختیاری و کاشان رفت و مبارزه‌ای پیگیر با منحرفان و اهل بدعت را آغاز کرد و در این راستا بسیاری از آنان را توبه داد و به اسلام بازگردانید.
ایشان پس از مدتی به قم بازگشت و به تدریس سطوح عالیه، ترویج شعائر دینی، اقامه جماعت، ارشاد و راهنمایی مؤمنان و تألیف کتابهای علمی دست یازید. او همزمان به تدریس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی اشتغال ورزید و در سالهای نبرد علیه متجاوزین بعثی، ماه‌ها در کنار رزمندگان اسلام به سر برد و در تقویت روحیه آنان، سخنرانی‌های فراوان ایراد کرد.
برخی از تألیفات چاپ شده آن فقید عبارت است از:
تقلید الاعلم؛ سیری درعقاید (بررسی آراء و نظریات صوفیه)؛ به سوی خدا بروید؛ مجموعه مقالات در پیرامون باب و بهاء؛ انگیزه حق (درباره مناقب امیرالمومنین- ع)، جنگ خیبر؛ تفسیر موضوعی. تألیفات چاپ نشده ایشان

عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله بروجردی (درباره لباس مشکوک)، رساله در مسئله‌ی بداء؛ ترجمه جامع السعادات ملا مهدی نراقی؛ روحانیت در عصر انقلاب.
آیت‌الله احمدی شاهرودی در تاریخ بیست و پنجم شعبان 1417 ق.، در هفتاد سالگی در جوار بیت‌الله بدرود حیات گفت.
احمدعلی احمدی فرزند آقا شیخ محمدحسن احمدی میامئی شاهرودی در ساله 1305 شمسی در میامی که در ده فرسنگی شاهرود در طریق خراسان واقع شده به دنیا آمده و در مهد پرورش والدش که از علماء برجسته آن منطقه بوده نشو و نما نموده است.
مرحوم شیخ محمدحسن پدر مترجم ما در علوم مختلفه بالاخص علم طب اطلاعاتی داشتند و مردم آن بخش از وجودش استفاده می‌کردند. و پدر ایشان آقا شیخ احمد نیز از اوتاد و زهاد زمان خود و دارای تألیفات بوده‌اند و همینطور پدران او تا چند پشت روحانی بوده‌اند.
وی پس از پایان تحصیلات ابتدائی برای تحصیلات مذهبی خود به مشهد مشرف شده و تحت سرپرستی رئیس حوزه علمیه مرحوم آیت‌اللّه احمد کفائی قرار و دوره مقدمات و ادبیات را خدمت ادیب نیشابوری به پایان رسانیده سپس دوره سطح را از محضر اساتید بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد یزدی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی تکمیل و اصول و معارف الهی را در خدمت حاج شیخ مجتبی قزوینی که از شاگردان بزرگ میرزا مهدی غروی اصفهانی بوده و نیز مقداری از فلسفه و کلام را از آن مرحوم استفاده کرده و بعد از پایان دوره سطح در حوزه مشهد به اتفاق بعضی از فضلاء مشهد هجرت به قم نموده و از درس خارج مکاسب و اسفار آقای خمینی و آقای حجت کوهکمری و حاج سیدمحمدتقی خونساری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و بالاخص حاج آقا حسین بروجردی استفاده نموده و مدت کوتاهی هم در نجف اشرف از اساتید بزرگ حوزه نجف چون آقای حکیم و آقای شاهرودی و حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده کرده سپس به قم مراجعت و از طرف آقای بروجردی اعزام به حومه فارس شهر آباده گردیده و حدود دو سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و کتاب اسلام و عقاید را بر رد مذاهب باطله مخصوصا صوفیه در آنجا تألیف نموده و پس از برگشت از استان فارس اعزام به فیروز کوه شده و مدتی هم در آنجا مشغول ارشاد بوده و پس از چندی که مبارزه با فرقه ضاله بهائیه آغاز گردید به اتفاق چند نفر دیگر به امر معظم له به منطقه فریدون و چهار محال رفته و با آنان مبارزه نموده که به نابودی برخی از رهبران گمراه آنها منتهی شده و پس از آن از طرف آن مرحوم به قراء اطراف کاشان که مرکز بهائیه بوده رفته تا عده‌ای از آنها توبه نموده و به دامن

اسلام برگشتند و برخی هم مانند دکتر برجیس که مبلغ آنها بود در کاشان کشته شده و آن گروهک تضعیف و نابود شدند.
و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی از طرف حوزه علمیه قم در تهران انجام وظیفه نمود سپس به قم مراجعت و تا حال تحریر این کتاب اشتغال به تدریس سطوح عالی و اقامه جماعت در مسجد امام رضا علیه‌السلام در سالاریه اشتغال دارند.
دارای تألیفات چندی می‌باشند.
1- اسلام و عقاید که مکرر به طبع رسیده.
2- رساله تقلید اعلم عربی.
3- کتاب سوی خدا بروید.
4- انگیزه حق در مناقب امیرالمؤمنین.
5- رساله در بداء و روحانیت در عصر انقلاب و قبل از انقلاب.
6- کتابی در احکام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی شاهرودی، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
متولد: 1342 ه.ق
متوفی: 1411 ه.ق
علی‌اصغر شهید احمدی شاهرودی فرزند آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی احمدی مغزی شاهرودی از افاضل دانشمندان معاصر نجف اشرف بوده‌اند.
ایشان در سال 1342 قمری برابر 1302 شمسی در یکی از مضافات شاهرود به نام مغز به دنیا آمده و در بیت علم و دانش و دامن پدری چون حاج شیخ محمدتقی شاهرودی (مغزی) که از شاگردان علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم صاحب کفایه بودند پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در سال 1358 قمری به قم آمده و به اتفاق مرحوم استاد مرتضی مطهری و آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری کفایه را از محضر آیت‌اللّه محقق داماد استفاده کرده و حتی تابستان و ایام تعطیل ماه رمضان و عاشوراء که آقایان برای تبلیغ مسافرت می‌کردند ایشان دروس را تعطیل نکرده و ادامه می‌دادند و پس از پایان سطوح به درس خارج آیت‌اللّه حجت قدس‌اللّه سره شرکت و استفاده نموده و با نامبردگان فوق مباحثه و مذاکره علمی داشتند و آن مرحوم از آن عده و چند نفری بودند که امام راحل آیت‌اللّه خمینی را وادار به گفتن درس اصول کردند و خود شرکت می‌نمودند.
مرحوم احمدی به اتفاق دو نفر رفیق و شریک بحث خود تابستانی مسافرت به بروجرد کرده و در آنجا از محضر و مبانی مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و از معظم‌له تقاضای عزیمت به قم را نمودند. و پس از ورود ایشان به قم مهاجرت به نجف اشرف نموده و رحل اقامت افکنده و از درس فقه آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم استفاده نموده ولی عمده تحصیلات ایشان در فقه و اصول و تفسیر و رجال از محضر انور آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله الوارف بوده و کم‌کم اختصاص و انقطاع با ایشان داشته و مورد توجه خاص و عنایت مخصوص آن مرجع اعلای دینی قرار گرفته تا جائی که در برخی از مسائل ارجاع به ایشان می‌نمودند و از او تعبیر به آقای میرزا می‌فرمودند و به نظریات ایشان توجه داشتند زیرا آن مرحوم در علوم مختلفه اسلامی فقه و اصول و تفسیر و تاریخ و حدیث احاطه کامل داشتند.

روحیات و ملکات فاضله اخلاقی آن مرحوم:
نگارنده در اوائل طلبگی در مدرسه فیضیه با ایشان مدتی هم حجره و هم غذا بودم هرگز مکروهی از او ندیده و نشنیدم. همواره سبقت سلام داشتند و به هر کس از پیر و جوان و میان سال ابتدا به سلام می‌کردند. بسیار متواضع و خوش برخورد و اخلاقی و دارای ملکات فاضله اخلاقی بودند و اهتمام خاص به شرکت در مجالس عزاداری و سوگواری خاندان رسالت بالاخص حضرت ابی‌عبداللّه داشتند و به مجالس دور هم برای فوز به اجر بیشتر پیاده می‌رفتند و برای درک فیض عظیم بارها و بارها از نجف پای پیاده به کربلا مشرف می‌شدند و به مجاورت حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوه والسلام علاقه شدید تامی داشتند و با اینکه مواجه با شدت فشار و سختگیریهای بعثیهای عراق بودند که ناچار به فرستادن خانواده خود به قم شدند خود اقامت با ناراحتی‌ها و خطرات را بر مهاجرت به ایران ترجیح داده و به تنهائی باقی ماندند زیرا معتقد بود حفظ حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف بر هر فرد بخصوص روحانیون و دانشمندان فرض و لازم است مضافا در جواب نامه فرزندش که اصرار داشتند ایشان به ایران بیایند تا از شر حکومت ظالمانه صدام و بعثیها مصون باشند. مرقوم داشتند که نبی اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمودند اکثر اعمار امتی بین سنین و سبعین و من در این حدود هستم و می‌خواهم در جوار مولایم از دنیا بروم و من آرزوئی جز این ندارم. سرانجام در موقع تشرف به حرم مطهر در روز هفتم رمضان 1411 ه.ق در نزدیکی صحن مطهر مورد حمله ناجوانمردانه بعثی‌ها قرار گرفته و با وضع فجیع و دلخراشی شهید گردیده و سه روز جنازه‌اش روی زمین افتاده و کسی نبود و یا جرات نمی‌کردند که به آن نزدیک شوند تا شبانه برخی از فضلاء با لباس مبدل جنازه‌اش را حمل نموده و به خاک سپردند رحمه‌اللّه علیه عاش سعیدا و مات سعیدا شهیدا حشره اللّه مع الشهداء و الصالحین آمین یا رب‌العالمین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدیان، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1300(1340 ق.)، نجف‌آباد.
درگذشت: 18 فروردین 1367(28 ذیقعدة 1417 ق.).
آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی احمدیان نجف‌آبادی پس از گذران دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و حساب و هندسه پرداخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در محضر اساتید وقت به آموختن ادبیات (سیوطی، مغنی، مطول) و حاشیه و معالم همت برگماشت.
سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات شیخ عبدالرزاق قاینی (قوانین)، آیت‌الله نجفی مرعشی، میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاج سید مرتضی علوی (شرح لمعه)، آیت‌الله گلپایگانی و حاج سید محمدباقر قزوینی (مکاسب و تفسیر) را فراگرفت و این همه چهار سال به طول انجامید. آنگاه در سال 1320 پس از سقوط رضاخان، عازم بیت‌الله الحرام و زیارت عتبات گردید و در بازگشت، حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف رحل اقامت افکند و باقی مانده سطوح مکاسب و رسائل و کفایة الاصول را نزد آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی به پایان رساند. پس از آن به درس خارج حضرات آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی (فقه و اصول)، سید جمال الدین گلپایگانی (در فقه)، میرزا باقر زنجانی و سید ابوالقاسم خویی (اصول) و سرانجام به درس آقای حکیم حاضر شد و از محضر آنان توشه برگرفت و در کنار آن به تدریس سطوح و تألیفات و تحقیق دست یازید.
ایشان در سال 1393 ق. به ایران آمد و اقامت در قم و تدریس و تألیف را برگزید و آن کار تا پایان زندگی‌اش ادامه یافت.
از آثار وی می‌توان این عنوان‌ها را نام برد:
رسالة فی المکاسب المحرمة؛ رسالة فی الاستصحاب (هر دو رساله از تقریرات درس آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی است)؛ قاعدة الضرر؛ الصحابة الکرام (سه جلد)؛ رسالة فی الخمس؛ رسالة فی القضاء؛ رسالة فی الدیات؛ المعمرون (حدود 550 نفر)؛ الاربعون حدیثا؛ شرح کتاب نقد الرجال میر مصطفی تفرشی؛ طبقات مفسرین شیعه (از صدر اسلام تاکنون)؛ کشکول (این کتاب بسیار مفصل بوده و شامل مطالب: تفسیر،

منتخب اشعار فارسی و عربی، حل مشکلات بعضی از احادیث، تاریخ، جغرافیا، شرح حال بزرگان و علما و شعرای عرب و عجم و در 1500 صفحه می‌باشد)، حاشیه بر کتاب مسالک الافهام؛ تحقیق و حاشیه بر زبدة التفاسیر ملا فتح‌الله کاشانی؛ تعلیقه بر کتاب‌های شیخ صدوق؛ فهرست امالی شیخ؛ فهرست حاشیه مکاسب کمپانی و فهرست اصول سنة عشر.
آیت‌الله احمدیان نجف‌آبادی سرانجام در تاریخ دوشنبه هیجدهم فروردین 1367(28 ذیقعده 1417 ق.) در هفتاد و هفت سالگی بدرود حیات گفت و پس از تشییع، در قبرستان شیخان در خاک آرمید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اخباری نیشابوری اکبرآبادی، جمال‌الدین، ابواحمد محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1178- مقتول 1232 ق)، متکلم، فقیه، محدث و شاعر. مشهور به محدث اخباری و به خاطر پدر نیشابوری‌اش مشهور به محدث نیشابوری است. در اکبرآباد هند به دنیا آمد. در 1198 ق از هند به زیارت خانه خدا رفت و در بازگشت در نجف و کربلا و کاظمین برای تحصیل علوم دینی اقامت گزید و در کلام و الهیات و فقه و دیگر علوم تبحر یافت. در عهد فتحعلی‌شاه برای مدتی به ایران آمد. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود. ملا عبدالحسین و ملافتحعلی‌خان شیرازی، از نوادگان کریم خان زند، مولف «الفوائد الشیرازیه»، و ملا محمد باقر لاری دشتی، شارح رساله‌ی «البرهانیه»، و ملا عبدالصاحب دوانی، مولف «الفوائد الذهبیه»، و سید محمد جواد سیاه پوش از شاگردان وی هستند در علوم عقلی و نقلی دارای هشتاد تألیف است. از جمله آثار وی: «تسلیة القلوب الحزینة»، به سبک و سیاق کشکول در 10 مجلد، «الکتاب المبین»، در اثبات امامت طاهرین؛ «آیینه‌ی عباسی» یا «امالی عباسی»؛ «دوائر العلوم» یا «تحفه الخاقان»؛ «التحفه»، در فقه، از طهارت تا دیات؛ «الدرّ الفرید و معراج التوحید»؛ «البرهان فی التکلیف و البیان» یا «البرهانیه»، در تقویت مسلک اخباری؛ «قلع الاساس»، در نقض «اساس الاصول» سید دلدار علی هندی؛ «الدمدمة الکبری»، در ردّ زنارقه صغری، که به گفته‌ی شاگردش ملافتحعلی در رّد اصولیین است؛ «قبسه العجول فی الاخبار و الاصول» که میرزای قمی کتاب «عین العین» را در رّد آن نوشت و میرزامحمد اخباری در ردّ کتاب میرزای قمی کتاب «انسان العین فی ردّ کتاب عین العین» را نگاشت؛ «مصادر الانوار فی الاجتهاد و الاخبار»؛ «کوثر الاسرار فی شرح معضلات الاخبار»؛ «فصل الخطاب فی نقض مقاله ابن عبدالوهاب»؛ «کلیات الرجال»؛ «ذخیرة الالباب»؛ رساله «الاعتذار»؛ «دیوان» بزرگ شعر فارسی و «دیوان» شعر به عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (392 /9)، ایضاح المکنون (663، 597، 490، 430، 392، 380، 327، 239، 220، 191، 159، 89، 72، 62، 60، 55، 49 /2 559، 541 481، 447، 412، 411، 403، 400، 315 287، 255، 243- 244 (1/ 124، 132، 137، 242)، تاریخ ادبیات ایران، براون (4/)، الذریعه (373/19، 182، 129 /18، 180 /17، 344، 229 /16، 104

53، 8/ 67، 69، 263، 267، 9/ 60- 61، 968، 10/ 14، 14/ 252، /15 1/) روضات الجنات (138 -121 /7)، ریحانه (86 -85 /1)، فرهنگ سخنوران (47)، لغت‌نامه (ذیل/ محمد اخباری)، مکارم الآثار (944 -925 3/).

اخباری، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(حاج میرزا...) (و. 1198 ف. 1232 ه.ق در کاظمین.) یکی از علمای بزرگ و به فرقه‌ی اخباریه منتسب است، از اهالی نیشابور و عالمی بزرگ بود، وی فرزند عبدالنبی نیشابوری است. میرزا محمد چون در مذهب به طریقه‌ی اخباریه رفتار می‌کرده معاصرینش که عموماً پیرو طریقه‌ی اصولیه بوده‌اند با وی مخالف بودند. داستان چله نشستن او به منظور کشته شدن سردار روسی معروف است: اشپختر.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

اخسیکشی، ابوالوفاء محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 644 ق)، فقیه و اصولی حنفی. معروف به ابن ابی المناقب ملقب به حسام‌الدین. از اهالی اخسیکث از شهرهای فرغانه ماوراءالنهر بود. از آثارش: «منتخب فی اصول المذهب»، که به «منتخب حسامی» معروف است و عده‌ای از جمله عبدالعزیز بن احمد نجاری بر آن شرح نوشته‌اند؛ «مفتاح الاصول»؛ «غایة التحقیق» و «دقائق الاصول و التبیین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (256 -255 /7)، ریحانه (367 /7)، کشف الظنون (1848)،لغت‌نامه (ذیل/ اخسیکتی)، معجم المؤلفین (253 /11)، هدیة العارفین (123 /2).

اخوان مرعشی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جنابان حجتی‌الاسلام و المسلمین و سیدی الاعلام و المعاصرین حاج سید کاظم و حاج سید مهدی آقا مشهوران باخوان المرعشی فرزندان عالم جلیل آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدرضا رفسنجانی مرعشی از علماء اعلام و اکابر فضلاء و مدرسین حوزه قم و نجف اشرف می‌باشند.
این دو برادر در پانزدهم شعبان المعظم 1337 قمری که مصادف با یکهزار و هشتاد و دومین سال ولادت حضرت ولی‌الله اعظم حجه بن الحسن العسکری ارواحنا له الفداء می‌باشد در باب طوسی نجف اشرف با هم از یک مادر عفیفه فاضله علویه از بیت مرحوم آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی متولد و از جهت شباهت چنان با یکدیگر شباهت دارند که گاهی تشخیص و تمیز آنان از یکدیگر مشکل است و آنها تا سال 1347 قمری در نجف بود، آنگاه به رفسنجان آمده و تا سال 1353 قمری در بلوک کشکوئیه رفسنجان که علاقه ملکی داشتند تکمیل دروس فارسی نموده و پس از آن در اثر اهتمام والده ماجده به قم آمده در ایامی که به واسطه پاره‌ای از جهات نوعا از روحانیت و طلبگی فرار می‌کردند شوق مفرطی به تحصیل علم و کمال نموده و در مقابل سختیها استقامت ورزیده و ادبیات و سطوح را تکمیل و حاضر به درس خارج اساتید بزرگ که حوزه چون مرحوم آیت‌الله حجت کوهکمری و آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله صدر و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شده تا جائی که موفق به اکتساب جمیع مبانی اصولیه و فقهیه از نظر اجتهاد و حصول رای شده و گاهی در مباحثات و مناقشات علمی موجب تغییر رای اساتید می‌شدند.
و پس از تکمیل مراتب عالیه در سال 1370 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و در محضر بحث استفتائی مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آمیرزا عبدالهادی شیرازی (والد معظم همسران خود) شده و چهارسال هم به بحث خارج آن مرحوم شرکت نموده و مدت بیست و دو سال در حوزه نجف اشتغال به بحثهای خصوصی و تدریس سطوح سپس خارج فقه و اصول داشته تا در سال 1392 قمری که جناب آقای حاج سید کاظم آقا به ایران آمدند و در قم ساکن گشتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اخوان مرعشی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جنابان حجتی‌الاسلام و المسلمین و سیدی الاعلام و المعاصرین حاج سید کاظم و حاج سید مهدی آقا مشهوران باخوان المرعشی فرزندان عالم جلیل آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدرضا رفسنجانی مرعشی از علماء اعلام و اکابر فضلاء و مدرسین حوزه قم و نجف اشرف می‌باشند.
این دو برادر در پانزدهم شعبان المعظم 1337 قمری که مصادف با یکهزار و هشتاد و دومین سال ولادت حضرت ولی‌الله اعظم حجه بن الحسن العسکری ارواحنا له الفداء می‌باشد در باب طوسی نجف اشرف با هم از یک مادر عفیفه فاضله علویه از بیت مرحوم آیت‌الله العظمی مجدد شیرازی متولد و از جهت شباهت چنان با یکدیگر شباهت دارند که گاهی تشخیص و تمیز آنان از یکدیگر مشکل است و آنها تا سال 1347 قمری در نجف بود، آنگاه به رفسنجان آمده و تا سال 1353 قمری در بلوک کشکوئیه رفسنجان که علاقه ملکی داشتند تکمیل دروس فارسی نموده و پس از آن در اثر اهتمام والده ماجده به قم آمده در ایامی که به واسطه پاره‌ای از جهات نوعا از روحانیت و طلبگی فرار می‌کردند شوق مفرطی به تحصیل علم و کمال نموده و در مقابل سختیها استقامت ورزیده و ادبیات و سطوح را تکمیل و حاضر به درس خارج اساتید بزرگ که حوزه چون مرحوم آیت‌الله حجت کوهکمری و آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله صدر و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شده تا جائی که موفق به اکتساب جمیع مبانی اصولیه و فقهیه از نظر اجتهاد و حصول رای شده و گاهی در مباحثات و مناقشات علمی موجب تغییر رای اساتید می‌شدند.
و پس از تکمیل مراتب عالیه در سال 1370 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و در محضر بحث استفتائی مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آمیرزا عبدالهادی شیرازی (والد معظم همسران خود) شده و چهارسال هم به بحث خارج آن مرحوم شرکت نموده و مدت بیست و دو سال در حوزه نجف اشتغال به بحثهای خصوصی و تدریس سطوح سپس خارج فقه و اصول داشته تا در سال 1392 قمری که جناب آقای حاج سید کاظم آقا به ایران آمدند و در قم ساکن گشتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ادیب اصفهانی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج ملا عباسعلی ادیب حبیب‌آبادی اصفهانی یکی از علماء به نام و مدرسین کرام و ائمه جماعات عالی مقام معاصر اصفهانی است.
ایشان در حدود 1320 قمری هجری در حبیب‌آباد به دنیا آمده و پس از پرورش صحیح و گذرانیدن دوران کودکی و خواندن دروس ابتدائی و مقدماتی در زادگاه خود به اصفهان آمده و سطوح فقه و اصول را در خدمت مدرسین بزرگ آموخته و از محضر و دراسات علماء بزرگ اصفهان استفاده کامل نموده و چندی به محل اولیه خود مراجعت و اقامت فرموده سپس هجرت به اصفهان و در مدرسه صدر و بعضی از مدارس دیگر به تدریس سطوح و در بعضی از مساجد هم به اقامه جماعت و ترویجات دینی تاکنون اشتغال دارند دارای آثار علمی مطبوع و غیره می‌باشند.
تالیفات جناب آقای ادیب اصفهانی.
1- ارث الشیعه.
2- مناسک.
3- زیارت مدینه.
4- وظیفه الشیعه (شرح دعاء ندبه).
5- هدیه‌العباد در احوال صاحب ابن عباد.
6- قطبیه در اوقات شهرهای قطب.
7- تطبیق در تطبیق سالهای شمسی به قمری و برعکس.
8- احسن‌التقویم در اوقات شبانه‌روزی اصفهان و شهرهای در عرض آن.
9- احسن‌التقویم برای کاشان و شهرهای در عرض آن.
10- احسن‌التقویم برای تهران و شهرهای در عرض آن.
11- ملحقات قضایای امیرالمومنین (ع).
12- معرفه القبله در تعین قبله‌های ایران از روی آفتاب در تمام سال.
نویسنده کرارا برای معظم‌له نامه نوشته و به وسیله دوستان اصفهانی پیام داده که شمه‌ای از ترجمه و زندگینامه فهرست آثار خود را ارسال تا زینت گنجینه گردانم ولی متاسفانه ما را از این فیض محروم داشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

اراکی نجفی، عبدالنبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1378 -1308 ق)، فقیه و مجتهد. وی در اراک متولد شد. برای تحصیل به همدان رفت و پس از آن به اراک بازگشت و حدود چهار سال به تحصیل سطوح پرداخت و دو سال از حوزه‌ی درس آیت‌اللّه آقانورالدین عراقی بهره جست. در 1327 ق به نجف رفت و از درس اصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و چند سالی از درس فقه علامه‌ی یزدی استفاده کرد. وی همچنین شاگرد شریعت اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ علی قوچانی و آقا شیخ مهدی مازندرانی بود و در فقه و اصول از محضر آیت‌اللّه نایینی نیز استفاده کرد. و مدتی در نجف، در مسجد هندی و مسجد شیخ مرتضی، تدریس کرد. بعد از آن برای مدت کمی به ایران آمد و پس از بازگشت به نجف، به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. آیت‌اللّه اراکی در سال 1368 ق به ایران بازگشت و در اراک ساکن شد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت تا سرانجام در شهر ری وفات یافت و در مسجد بالا سر قم به خاک سپرده شد. وی دارای 65 جلد تألیفات ارزنده است از جمله: «کنز مخفی»؛ «الغوالی اللآلی فی فروع العلم الاجمالی»؛ «روح الایمان»، در لزوم شناختن حقیقت انسان؛ «ارشاد الامة»؛ «اعلام الامامیة»؛ «ایقاظ البشر»؛ «ذخیرة العباد لیوم المعاد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (165 /18)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (113 -112 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (197 -196 /2)، مؤلفین کتب چاپی (20 -18 /4).

اراکی، فتحعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1317 ق)، فقیه، عارف و استاد اخلاق. از شاگردان آقا سید محمد سلطان آبادی بود. در جوانی به نجف رفت و اواخر ایام شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» را درک کرد و نزد شیخ انصاری میرزای شیرازی تلمذ نمود. با میرزای شیرازی به سامرا رفت و تا مرگ میرزای شیرازی در سال 1312 ق در سامرا بود. سپس به کربلا مهاجرت نمود و در همان جا درگذشت. شاگردان بسیاری داشت که از آن جمله‌اند: علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل»، سید ابوالقاسم دهکردی، سید اسداللّه قزوینی و آقا بزرگ ساوجی. علامه نوری درباره‌ی وی چنین نوشته است«...از هر مکرمتی اعلای آن و از هر فضیلتی ارفعش و از هر خصلتی اشرفش و از هر خیری پایه بلندش و از هر علم شریفی جوهر و حقیقتش در وی جمع است، سالها با وی در سفر و حضر و شب و روز و شدت و رخاء مصاحبت و معاشرت نمودم زلتی در مکروهی و لغزشی در مرجوحی ندیدم و در یک خصلتی از آن خصال کریمه‌ی که حضرت امیر صلوات‌اللّه‌علیه از برای همام بن عباده در صفات شیعه خود برشمرده شریکی و نظیری بر وی نیافتم...» آقا سید محمد سلطان آبادی و حاج ملاعلی تهرانی مشایخ سلوک او بوده‌اند و میان او و آخوند ملا حسینقلی همدانی همدلی و دوستی نزدیک برقرار بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (392 /8)، فوائد الرضویه (344 -343)، علماء معاصرین (338)، گنجینه‌ی دانشمندان (51 /3)، المآثر والآثار (149).

اراکی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجتهد، محقق.
تولد: 1273(24 جمادی‌الثانی 1312 ق.)، اراک.
درگذشت: 8 آذر 1373، تهران.
آیت‌الله العظمی محمدعلی اراکی از سن یازده سالگی به فراگیری علوم ادبی و دروس مقدماتی سطح نزد اساتید مختلف (شوهر خواهرش، عماد، سید جعفر شیئی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی)، پرداخت. همزمان با شرکت در درس آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، نزد آیت‌الله شیخ محمد سلطان‌العلماء اراکی شرح منظومه ملا هادی سبزواری را در حکمت متعالیه تحصیل کرد. از اساتید دیگر ایشان آیت‌الله آقا سید نورالدین اراکی بود.
در پی وفات آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری در سال 1371 ق.، ایشان به قم مهاجرت نمود و به تدریس خارج فقه پرداخت و طی بیش از سی سال مباحث نکاح، مکاسب محرمه، بیع، خیارات (دو دوره)، طهارت و حج در علم فقه و سه دوره کامل علم اصول را تدریس کرد. محل تدریس او مدرسه زیر کتابخانه مدرسه فیضیه قم بود و صبح‌ها به تدریس خارج اصول اشتغال داشت. وی در مسجد امام حسن عسگری قم نماز جمعه اقامت می‌کرد. ضمنا حدود چهل سال در مدرسه فیضیه و حرم حضرت معصومه (س) اقامه جماعت می‌نمود.
فهرست تألیفات آیت‌الله العظمی اراکی به شرح زیر است: تقریرات بحث آیت‌الله شیخ محمد سلطان العلماء اراکی؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله حائری شامل: الف: کتاب الطهارة، ب: رسالة فی الاجتهاد و التقلید (که در ضمن کتاب درر الفوائد آیت‌الله حائری چاپ شده است)، ج: رسالة فی الولایة، (که به ضمیمه جلد اول کتاب القرآن و العقل به چاپ رسیده است)، د: الارث، ه. نفقه زوجه (که همراه کتاب ارث به نام رسالتان فی الارث و فی نفقه الزوجه به چاپ رسیده است) و: مکاسب المحرمه، ز: کتاب البیع،، ح: کتاب الخیارات (این سه عنوان آخر هر سه به چاپ رسیده است)؛ تقریرات درس اصول فقه آیت‌الله العظمی حائری (سه دوره)؛ حاشیه بر درر الاصول آیت‌الله العظمی حائری (که در پاورقی آن کتاب چاپ شده است)، تقریر درس فقه آیت‌الله خوانساری (کتاب الطهارة): حاشیه‌ی عروة الوثقی؛ شرح مفصل عروة الوثقی- باب طهارت؛ توضیح

المسائل (که مکرر به چاپ رسیده)؛ مناسک حج؛ رساله استفتائات؛ مقدمه بر تفسیر القرآن و العقل آیت‌الله سید نورالدین اراکی (این تفسیر به اهتمام ایشان به چاپ رسیده است)؛ کتاب النکاح و الطلاق.
آیت‌الله محمدعلی اراکی به سبب یک ضایعه عروقی در بیمارستان شهید رجائی تهران درگذشت. پیکر ایشان در صحن حرم معصومه (س) در کنار مدفن آیات عظام عبدالکریم حائری و سید محمدتقی خوانساری به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ارباب قمی، میرزامحمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ارباب قمی در سال 1273 ق، در بیت علم و فضل - در عین حال کشاورز - در شهر قم چشم به جهان گشود.حاج میرزا محمد ارباب، به سامراء و سپس نجف مهاجرت کردو سالیان بسیار در درسهای آیات عظام، میرزا حبیب رشیتی وآخوند ملا محمدکاظم خراسانی حضور یافت، تا آنکه پس از تحصیل و تکمیل علوم دینی، به درجه رفیع اجتهاد نائل آمد.
گروه : علوم انسانی
رشته : الهیات و معارف اسلامی
والدین و انساب : پدر بزرگوارش، مرحوم محمد تقی بیک ارباب - معروف به جان بابا - از فاضلان و ادیبان و شاعران قم به شمار می رفت.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرحوم میرزا محمد ارباب قمی ، پس از پشت سر نهادن دوران نوجوانی به تحصیل ادبیات همت گمارد و پس از آن به تهران رفت و نزد اساتید هر فن از هنر علمی توشه‌ای و از هر خرمن خوشه‌ای برچید تا مشار بالبنان گردید. مرحوم حاج میرزا محمد ارباب، به همراه دوستان گرانقدرش مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا آقا حسین قمی (م 1327 ق) و آیت‌اللّه مولی عبداللّه قمی به سامراء مهاجرت کردند و چندی در درسهای آیت‌اللّه العظمی میرزای شیرازی شرکت نمود. پس از آن به همراه ملا عبداللّه قمی به نجف کوچید.و سالیان بسیار در درسهای آیات عظام، میرزاحبیب‌اللّه رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حضور یافت، تا آنکه پس از تحصیل و تکمیل علوم دینی، به درجه رفیع اجتهاد نائل آمد و با اخذ اجازات متعدد روایی (از آیات عظام: محدث نوری و شریعت اصفهانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی) و اجتهادی (از آخوند خراسانی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی) به زادگاهش بازگشت.
استادان و مربیان : از استادان میرزا محمد ارباب قمی می توان به آیات عظام زیر اشاره کرد: میرزاحبیب‌اللّه رشتی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی آیت‌اللّه العظمی میرزای شیخ عبدالرحیم نهاوندی میرزا ابوالحسن جلوه آقا محمد رضا قمشه‌ای
هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای میرزا محمد ارباب قمی می توان به موارد زیر اشاره کرد: مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا آقا حسین قمی (م 1327 ق) آیت‌اللّه مولی عبداللّه قمی

همسر و فرزندان : از آن فقیه بزرگ میرزا محمد ارباب قمی ، فرزندانی والامقام بر جای مانده که عبارتند از:مرحوم حجة الاسلام میرزا محمد باقر ربانی و میرزا محسن اشراقی و در حال حاضر آقای حاج آقا سعید اشراقی از جمله فرزندان معظم‌له به شمارند. اما از همه معروفتر استاد سخن و خطیب شیرین شکّرشکن مرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج میرزا محمد تقی اشراقی است.
زمان و علت فوت : سرانجام آن فقیه بزرگ میرزا محمد ارباب قمی، پس از عمری تلاش و کوشش در ترویج دین و بزرگداشت شعایر الهی، در سال 1341 ق در 68 سالگی چشم از جهان فرو بست و به موالیان طاهرینش پیوست. در وفات ایشان، مردم و حوزه علمیه قم یکپارچه عزادار شدند و به خصوص مرحوم آیت‌اللّه حایری، بسیار متأثر و نگران شده و در تسلیت مرحوم اشراقی و برادران او فرمود:«نه تنها شما یتیم شدید، بلکه برادری هم از دست من رفته است.»مردم حق شناس قم، پیکر پاکش را پس از یک تشییع باشکوه، در قبرستان شیخان - در جوار مرقد میرزای قمی - به خاک سپردند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحوم میرزا محمد ارباب قمی ، پس از مراجعت به تدریس و تالیف و اقامه جماعت و موعظه و حلّ و فصل دعاوی و رفع مخاصمات اشتغال داشت. وی در این زمان ریاستی عام و شهرتی تام پیدا کرد و آوازه فقاهت و فضیلت او به همه جا رسید و مجلس درس و بحث او، یکی از پررونق‌ترین مجالس درسی حوزه بود. منبری داشت شیرین و متین و محضری بس نمکین، در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی و قدمی راسخ داشت و در حفظ حدود شرعیه دقیقه‌ای فرو نگذاشت... جماعت علما در محضر وی، خود را کوچک می‌شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می‌بردند.
فعالیتهای آموزشی : میرزا محمد ارباب قمی، همه روز به تدریس فقه و حدیث اشتغال داشت و از مجلس درس وی گروهی بسیار به مدارج عالیه نائل آمدند.
شاگردان : آن فقیه بزرگ، همه روز به تدریس فقه و حدیث اشتغال داشت و از مجلس درس وی گروهی بسیار به مدارج عالیه نائل آمدند. برخی از آنان عبارتند از:1 - آیت‌اللّه حاج شیخ عباس محدث قمی (1294 - 1359 ق) نویسنده «سفینةالبحار» و «الکنی و الالقاب»2 - آیت‌اللّه حاج میرزا محمد فیض قمی (1293 - 1370 ق) نویسنده «کتاب الفیض» و «ذخیرةالعباد»3 - آیت‌اللّه حاج میرزا محمد کبیر قمی (1290 - 1369 ق) نویسنده «مطالع الشموس» در علم اصول4 - آیت‌اللّه حاج شیخ حسن نویسی قمی (1291 - 1371 ق)5 - مرحوم حاج شیخ علی محمد باغ پنبه‌ای قمی6 - مرحوم حاج سید علی اکبر برقعی قمی (1317 - 1407

ق) نویسنده «راهنمای دانشوران» و «کانون احساسات»7 - مرحوم حاج شیخ ابوالحسن فقیهی قمی8 - مرحوم میرزا محمد تقی اشراقی (1313 - 1368 ق) نویسنده «تفسیر سوره یوسف» و «تفسیر سوره قلم»9 - حاج سید محمد صادق طاهری10 - حاج شیخ محمد صادق فقیهی قمی11 - حاج شیخ احمد فقیهی قمی12 - آقا میرزا محمد باقر ربانی - فرزند معظم له -13 - مرحوم آقا سید ناصرالدین قمی

آرا و گرایشهای خاص : میرزا محمد ارباب قمی آن فقیه بزرگ دارای سجایا و صفاتی بود که از دیگران، متمایزش ساخته بود. از جمله ویژگیهایش دستگیری از مستمندان و کمک به مردم بود. جود و احسان شیوه او بود.

چگونگی عرضه آثار : در سبب تألیف الاربعین الحسینیه کتاب، آورده‌اند:از مرحوم محدث نوری می‌خواهند که بحارالانوار را برای چاپ، مقابله و تصحیح نماید و ایشان، این کار را به مرحوم میرزا محمد ارباب قمی حواله می‌دهد. معظم‌له نیز می‌پذیرد، اما در اثر انجام این کار سنگین و طاقت‌فرسا، نور چشم خود را از دست می‌دهد و کم دید می‌شود لذا نذر می‌کند که اگر خداوند او را شفا دهد کتاب اربعین را بنویسد. و خداوند متعال او را شفا داد و او هم این کتاب را در سال 1328 ق نگاشت و در سال 1330 به چاپ رسید.(13)مؤلف محترم، در آغاز سلسله سند خویش را به ائمه اطهار (ع) از طریق محدث نوری، و در حدیث 40، از طریق آیات عظام: حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، سید محمد هندی نجفی، شیخ الشریعه اصفهانی و محدث نوری بازگو کرده است. ----------

---

آثار :

1 الاربعین الحسینیه

ویژگی اثر : .این کتاب، معروفترین نوشتار وی است. مؤلف، در این کتاب شریف چهل حدیث درباره امام حسین (ع) را شرح نموده و در آن از مطالب بسیار در فنون حدیث، تفسیر، تاریخ، کلام، شعر عربی و فارسی، لغت و فقه سخن گفته است.(11)این کتاب، آکنده از فوائد گوناگون و مطالب خواندنی بوده و نوشته‌ای توسط نگارنده پیرامون آن به چاپ رسیده است.(12) مؤلف بزرگوار، بسیاری از اشعار عربی و فارسی خود را در این کتاب - به تناسب مقام - ذکر نموده و چیره‌دستی خود را در فنّ قصیده‌سرایی نشان داده است.

2 تصحیح و مقابله و چاپ کتاب اثبات الوصیة مسعودی

3 تصحیح و مقابله و چاپ کتاب غیبت نعمانی

4 تصحیح و مقابله و چاپ کتاب کنزالعرفان فاضل مقداد و منهاج النجاة فیض کاشانی

5 تصحیح و مقابله و طبع کتاب شریف «بحارالانوار»
6 حاشیه بر کتاب «جواهر الکلام»
7 حاشیه بر کتابهای بسیار، مانند: اسفار
8 دیوان اشعار
ویژگی اثر : (مجموعه‌ای از اشعار عربی و فارسی، که برخی از آنها بسیار معروف است و اگر گردآوری شود، دیوانی بزرگ خواهد شد.)
9 رجوم الشیاطین، در ردّ بر فرقه ضاله بابی و بهایی
10 شرح قصیده عینیه سید حمیری (لامّ عمرو باللوی مربع)
11 شرح کتاب «بیان» شهید اول - دوره فقه
منابع زندگینامه :
سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما1k - www.hawzah.net/

ارباب، رحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی از مشاهیر علماء اسلامی و اکابر دانشمندان و اکبر و اعظم علماء معاصر اصفهانست و از جهت سن و شیخوخیت از تمام علماء و مجتهدین امامیه مسن‌تر و بیش از یکصد سال از عمر مبارکش میگذرد و از برکات روحانیت است.
ولادتش در اصفهان و نشو و نمایش نیز در آن سامان بوده در خانواده ثروتمندی اصیل و نجیب و شریف تربیت شده و مقدمات و سطوح را از مدرسین اصفهان فرا گرفته و دروس فقه و اصول را از اکابر دانشمندان چون حجه‌الاسلام والمسلمین آقای ابوالمعالی کلباسی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی و آیه‌الله میر سید محمد تقی مدرس و آیه‌الله حاج سید محمد باقر درچه‌ای و بالاخص مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقائی علم حکمت و فلسفه را فرا گرفته و با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی در هنگامیکه در اصفهان تحصیل میکردند شریک درس و مباحثه بوده‌اند و چون بحکیم قشقائی اتصال و ارتباط زیادی داشتند بآن بزرگوار تأسی نموده و جز در هنگام اقامه جمعه و جماعت عمامه نمیگذارند بلکه با کلاه که در تمثالشان دیده میشود بسر برده‌اند.
تألیفات و تصنیفاتی در فقه و اصول و حکمت دارند رحمه‌الله علیه رحمه واسعه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ارباب، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1341 ق)، عالم، مجتهد و شاعر. در جوانی به تهران آمد و از اساتید هرفن بهره جست. سپس به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملامحمد کاظم خراسانی شرکت نمود. پس از رسیدن به اجتهاد، به قم بازگشت و به تدریس و ترویج مذهب پرداخت و تا قبل از ورود آیت‌اللّه حائری به قم ریاست و مرجعیت با او بود. وی به عربی و فارسی شعر می‌سرود. پس از مرگ او را در گورستان شیخان بزرگ به خاک سپردند. از آثارش: «اربعین الحسینیه».[1]
فرزند مرحوم محمدتقی بیک مشهور به ارباب از اجله علماء و محدثین و حکماء و متکلمین بود در ابتداء جوانی به تهران مهاجرت نموده و در آن سامان نزد اساتید هر فن از هر علمی توشه‌ای و از هر خرمن خوشه‌ای چید تا مشار بالبنان و مغبوط اماثل و اقران گردد، آنگاه مسافرت به نجف اشرف نموده و در آن مهد علم و معرفت خدمت اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه کفائی ملا محمدکاظم و دیگران تلمذ نمود تا به مقام منیع اجتهاد نائل گردید و مجازا به وطن مألوف خود دارالعلم والایمان قم مراجعت و به تدریس و افاضه و موعظه و اقامت جماعت مشغول گردید و تا قبل از تأسیس حوزه و ورود مرحوم آیت‌اللّه حایری ریاستی بزرگ و مرجعیتی تمام پیدا نمود تا در سنه 1341 در قم مرحوم و در شیخان بزرگ مدفون گردید از آثار و تألیفات اوست کتاب اربعین الحسینیه که به طبع رسیده است.
و نیز از باقیات الصالحات اوست فرزندان برومند روحانی که هر کدام در موقع خود از خدمتگذاران دین و مروجین شرع مبین بوده و هستند و ترجمه هر کدام در جای خود مذکور می‌گردد و فرزندان آن مرحوم بدین قرار است 1- مرحوم حاج میرزا محمدتقی اشراقی بزرگ خاندان اشراقی قم.
2- مرحوم آقا میرزا محمدباقر اشراقی مقیم تهران و متوفی در آن.
3- مرحوم میرزا محسن اشراقی.
4- آقای آقا میرزا سعید اشراقی.
5- آقای آقا محمد اشرقی.
نگارنده: گوید یکی از باقیات الصالحات آن مرحوم همین دانشگاه جعفری و حوزه علمیه قم است زیرا چنانچه در کتاب آثارالحجه ج 1 ص 220 نگاشته‌ام آن بزرگوار هم در تشکیل این حوزه سهم بسزائی دارد برای

اینکه با مرحوم آیت‌اللّه حایری همکاری شایانی نموده و حقاً می‌توان گفت از کسانی است که در این مؤسسه علمی و دینی تا قیامت سهیم و شریک است و معروف است که در فوت ایشان آیت‌اللّه حایری بسیار متأثر شده و در تسلیت فرزندان آن مرحوم فرمودند نه تنها شما یتیم شدید بلکه برادری هم از دست من رفته است.
شاگردان بسیاری مانند مرحوم آیت‌اللّه فیض که خود از مجتهدین بزرگ قم بود و بسیاری از علماء قم از وجودش استفاده‌های علمی نمودند دارای طبعی سرشار و ذوقی سلیم بود و به عربی و فارسی اشعاری دارد که بعضی از آن را به نظر خوانندگان می‌رسانم.
در توسل به حضرت ولی عصر عجل‌اللّه‌فرجه گوید

چه خوش باشد که بعد از انتظاری
به امیدی رسند امیدواران
جمال اللّه شود از غیب طالع
پدیدار آید اندر بزم یاران
دمد از قرن قدرت نفخه صور
ببارد ابر رحمت آب باران
اگر اسکندر دوران بیاید
چشند آب حیاتی تشنه‌کامان
به آواز (اناالحق) مرغ توحید
کند پرواز اندر شاخساران
همی گوید منم آدم منم نوح
خلیل و داودم قربان جانان
منم موسی منم عیسی بن مریم
منم پیغمبر آخر زمانان
جهان شد تیره چون شبهای تاریک
خدایا در رسان خورشید تابان
تو ای جام جهان رخساره بنما
که خستند از تعب آئینه‌داران
جهان ویران ز جور جوفروشان
ز سالوسی این گندم نمایان
تو ای مرات نیکوی خدائی
خدا را سوی ما رو کن شتابان
ببین ما را اسیر بند کفار
گرفتار شکنج روزگاران
تو موسی‌وار شمشیر خدائی
بکش وانگه بکش فرعون و هامان

تو ای عدل خدا کن دادخواهی
ز جا خیز ای پناه بی‌پناهان
برون کن ز آستین دست خدا را
به خونخواهی و از خون نیاکان
قدم در کربلا بگذار و بستان
سر پر خون ز دست نیزه‌داران
تو ای دست خدا از شصت قدرت
بکش تیر از گلوی شیرخواران
خبر داری که از سم ستوران
دگر جسمی نماند از شه‌سواران
شنیدستی چسان دست خدا را
جدا کردند از تن ساربانان

در ج 1 کتاب تحفةالفاطمیین درباره وی گوید: مرحوم میرزا محمد ارباب صاحب کتاب (اربعین الحسینیه) از آیات الهیه و از براهین قاطعه طریقه حقه جعفریه در فقاهت و اجتهاد مقامی بسیار بلند و رتبه‌ای بس ارجمند داشت به مقام بزرگواری و بسط ید و انفاذ حکم و قبول عامه که داشت کمتر کسی رسیده است در حفظ و حمایت شریعت مصطفوی دقیقه‌ای فرونگذاشت و در این باب اقدام و اهتمام او را دیگری نداشت، در اوائل جوانی از این بلد شریف رخت به عتبات عالیات کشیده و در محضر حجةالاسلام حاج میرزا محمدحسن شیرازی استفاده و استفاضه نموده و عمده تلمذ وی در فقه و اصول در خدمت حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و ملا کاظم خراسانی بوده تا آنکه بعد از تحصیل و تکمیل علوم دینیه به قوه قدسیه اجتهاد فائز آمده و مجاز شده و به وطن مراجعت نموده ریاستی عامه و شهرتی تامه پیدا کرد صیت فقاهت و فضیلت او به همه جا رسیده و مقروع خاص و عام گردید.

مجلس درس و افادت و افاضتش دائر و برقرار بود منبری داشت شیرین و متین و محضری بس نمکین در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعیه دقیقه‌ای فرونگذاشت مادام‌الحیات به تدریس و ترویج و افاضت و امامت و حکومات شرعیه اشتغال داشت و ساحت مقدس آن بزرگوار به هیچ توهم مشوب نشد و دامن اصحاب و اتباعش هرگز به تهمتی نیالود جماعت علماء در حضرت وی خویشتن را خورد می‌شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می‌بردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (125 -124 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (151 -150 /1).

اردبیلی اصفهانی، حیدر علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، در مقدمات و سطوح از شاگردان حاج سید مهدی نحوی، و در فقه و اصول از تلامیذ حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بوده.
در سلخ صفر سال 1327 وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش این است:
از جنان آمد یکی و از پی تاریخ او
گفت حیدر روز میزان شافع حیدر علی
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اردبیلی، جمال‌الدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 647 ق)، مفسر، فقیه و نحوی. از اهالی اردبیل بود. وی مؤلف کتاب «شرح انموذج» زمخشری است که از قرن هفتم تاکنون از کتب درسی حوزوی بوده و در مجموعه‌ی «جامع المقدمات» برای تعلیم مبتدیان علوم عربی آمده است. از دیگر آثار وی: حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر؛ «الانوار»، در فقه شافعی. صاحب «هدیة العارفین» اردبیلی را با نادری رومی، معروف به غنی‌زاده، شاعر ترک زبان قرن دهم و یازدهم، اشتباه کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 80)، تاریخ ادبیات در ایران (3/ 290)، ریحانه (1/ 425)، کشف الظنون (185)، معجم المؤلفین (10/ 178)، هدیة العارفین (2/ 275).

اردبیلی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسین اردبیلی از اجله و مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حجت و علماء معاصر است در شهر گنبد.
ایشان در سال 1326 قمری تقریباً در اردبیل دیده به جهان گشوده و در سن صبا یک سالی در بازار به کسب و کار اشتغال داشته و در سال 1341 ق برای تحصیل به زنجان آمده و در حدود 5 سال از اساتید زنجان علوم ادبیت و سطوح اولیه را خوانده و مخصوص در آن موقع علوم ریاضیات را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضی شاگرد مرحوم میرزاء جلوه فراگرفته و در سن بیست و یک سالگی سال 1346 ق ه به قم مهاجرت نموده و بقیه سطوح وسطی را از آیت‌اللَّه العظمی نجفی مرعشی مدظله و آیت‌اللَّه آقا کاظم گلپایگانی خوانده و سطوح عالی را خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حجت و میرزاء همدانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی متقن نموده و هم حکمت را از مرحوم آیت‌اللَّه شاه آبادی تحصیل کرده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی حاضر و پس از ایشان از مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید محمد حجت کوه‌کمری تا پایان عمر آن جناب استفاده نموده و مقداری هم از ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه صدر بهره‌مند شده و نیز به درس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت نموده تا سال 1373 قمری که بنا به امریه آن مرحوم برای ارشاد و هدایت و پیشوائی مردم گنبد قابوس به آنجا عزیمت و تا حال تحریر که بیش از بیست و دو سالست به انجام وظائف دینی و روحی خود اشتغال دارند.
آثار آنجناب جناب آقای اردبیلی در مدت اقامتشان در این شهر منشاء آثار و خدمات بزرگی از بناء مسجدی بنام ائمه معصومین علیهم‌السلام و تعمیر حرم و صحن امامزاده یحیی و مدرسه علوم دینیه و غیره گردیده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اردبیلی، محمدطاهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمدطاهر اردبیلی نجفی از شیوخ علماء و اکابر اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم بوده‌اند وی فرزند مرحوم حاج ملا عبدالظاهر مدرس اردبیلی که از علماء آذربایجان و ادباء بی‌بدیل آن سامان بوده است در ذی‌حجه 1308 قمری در اردبیل متولد شده و ادبیات را از والد مبرورش استفاده و بعد دو سالی در مشهد از محضر مرحوم ادیب نیشابوری استفاده کرده و بعد منتقل به اصفهان شده و ده سال در این شهر باستانی اقامت نموده و از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آخوند گزی و آیت‌الله درچه‌ای و دیگران استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آخوند ملامحمد کاشی استاد مرحوم آیت‌الله بروجردی و آقای حاج میرزا رحیم ارباب بهره‌های وافی برده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر دروس آیات بزرگ اسفهانی و نائینی و عراقی استفاضه نموده و بعد به قم آمده و به امر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی اقامت را اختیار و به تدریس فقه و اصول و هیئت و نجوم پرداخته تا اینکه داعی حق را در اواخر ریاست مرحوم آیت‌الله بروجردی اجابت و در ارض پاک قم مدفون گردیده است.
از آثار ایشانست 1- ایما آت در نجوم 2- شرح صمدیه 3- این الهیئه والاسلام 4- حویشه الکفایه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اردبیلی، محی‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محی‌الدین یونسی مجتهد اردبیلی بن آیت‌اللَّه آقای سید یونس اردبیلی از احفاد مرحوم خاتم‌المجتهدین عالم ربانی مولانا سید حسین مجتهد کرکی متوفی 1001 ق.ه که شیخ‌الاسلام اردبیل بوده می‌باشد. آن مرحوم از اکابر علماء زمان خود حاوی فروع و اصول و عالمی محقق و مدقق از مراجع عصر خود در منطقه اردبیل بوده و مضافا بر مقامات علمی در زهد و ورع و کمالات نفسانی کم نظیر و موصوف به کمالات معنوی و صفاء باطن و مقام اجتهاد و فقاهت وی مورد قبول معاصرین او بوده در سال 1281 ق در اردبیل متولد و در وطن خویش مقدمات و ادبیات و سطوح مقداری از علوم جدیده را فرا گرفته و در نزد اساتیدی مانند مرحوم علامه میرزا محسن اردبیلی و مرحوم حجت‌الاسلام آقا شیخ عبدالستار سطوح عالیه را به اتمام رسانیده و در سال 1303 قمری مهاجرت به نجف اشرف و در درس علامه بزرگوار میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و مرحوم علامه شریبانی و علامه کبیر آخوند خراسانی و علامه آقا سید محمد کاظم یزدی رضوان‌اللَّه علیهم حاضر و از آیات عظام مذکوره به دریافت اجازه اجتهاد نائل و در سال 1324 قمری به اردبیل بازگشته و تا آخر عمر به تالیف و تدریس و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال داشته تا در سال 1355 ق که به رحمت حق پیوسته است.
از آثار او حاشیه بر رسائل و حاشیه بر مکاسب و حاشیه‌ای بر عروه‌الوثقی است. وی دارای دو فرزند عالم و صالح برومند است.
1- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید یونس یونسی اردبیلی که ترجمه‌اش در جلد سوم در باب اردبیل گذشت.
2- سلاله الاطیاب آقای حاج سید هاشم یونسی که از اصناف محترم شهرستان مذهبی قم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

اردبیلی، یونس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله العظمی فی العالمین حاج سید یونس موسوی بن العالم الجلیل السید تقی الموسوی بن العلامه الکبری السید فتحعلی الموسوی الفریق اردبیلی انارالله برهانه از مراجع بزرگ معاصر بودند در مشهد مقدس وی در سال 1293 قمری در اردبیل متولد شده و پس از پرورش و تحصیل مقدمات و خواندن سطوح در اردبیل مهاجرت بزنجان نموده و مدت دو سال از محضر مرحوم آیه‌الله آخوند ملا قربانعلی زنجانی استفاده و دروس عقلیه را از حکیم معروف آخوند ملا سبز علی فرا گرفته و بعد از آن در سن 17 سالگی مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت 36 سال اقامت و از محضر علمین آیتین آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و علامه طباطبائی حاج سید محمد کاظم یزدی (صاحب عروه) حدود 14 سال بهره‌مند شده و بتدریس فقه و اصول و غیره پرداخته تا سال 1346 قمری مراجعت بایران و اردبیل نموده و از آنجا بقصد اقامت منتقل بمشهد مقدس شده و بتدریس و اقامه جماعت و خدمات دینی گردیده تا سال 1353 قمری در غائله مسجد گوهر شاد باردبیل تبعید و مدت هشت سال در آنجا توقف قهری نموده تا سال 1362 قمری که ثانیا بازگشت بمشهد نموده و تا سال 1377 قمری بتدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در مسجد بالا سر حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام نموده تا سال مزبور که مبتلا بکسالت قلبی گردیده و برای معالجه بتهران عزیمت و در آنجا بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تجلیل و تعظیم عجیب بوسیله هواپیما حمل بمشهد گردیده و پس از تشییع کم نظیری بآستانه مقدسه نقل و در جوار امام هشتم علیه‌السلام مدفون گردیده است.
مؤلف گوید: مرحوم آیه‌الله اردبیلی از مراجع بسیار متعصب و غیور زمان ما بودند و در امر بمعروف و نهی از منکر مسامحه و کوتاهی نداشتند. بسیاری از مردم آذربایجان و اردبیل و خراسان و تهران و غیره از آنجناب تقلید مینمودند.
دارای آثار علمی ارزنده‌ای میباشند که اشاره بآنها مینمائیم.
1- دوره کامله فقه مخطوط.
2- صلوه المسافره.
3- قاعده لاضرر.
4- فروعات اجمالی مطبوع.

5- معتقدات القاصر در اصول عقاید مطبوع.
6- رساله‌ای در ترتب.
7- حاشیه بر عروه‌الوثقی.
8- رساله عملیه بنام وجیزه المسائل.
(1377 -1296 / 1293 ق)، فقیه، مجتهد و مرجع تقلید. وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح در اردبیل، به زنجان رفت و فقه و اصول را از آخوند ملاقربانعلی زنجانی و علوم معقول را از آخوند ملاسبزعلی حکیم آموخت و برای تکمیل تحصیلات مذهبی به نجف رفت. در آنجا از حوزه‌ی درس شریعت اصفهانی، فاضل شربیانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و علامه یزدی استفاده کرد و سپس به کربلا رفت و از محضر آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی بهره جست. در 1346 ق به ایران بازگشت و در اردبیل عهده‌دار امور مذهبی شد. و سپس به مشهد رفت و به تدریس و ترویج و خدمات دینی پرداخت. پس از کشتار مسجد گوهرشاد به همراه عده‌ی دیگری از روحانیون دستگیر و زندانی و به تهران و سپس به اردبیل تبعید شد. در سال 1361 ق به مشهد بازگشت و حوزه‌ی درسی تشکیل داد. در پایان عمر راهی کربلا و نجف شد و قصد داشت در نجف بماند ولی بیمار شد و به تهران آمد و در این شهر درگذشت. پیکر وی در مشهد به خاک سپرده شد. برخی از تألیفاتش در فقه و اصول: رساله‌ی عملیه، به نام «وجیزة المسائل»؛ «القاصر فی صلوة المسافر»؛ «دوره‌ی کامل فقه»؛ «رساله در قاعده‌ی لاضرر»؛ «رساله در فروع علم اجمالی»؛ «رساله در ترتب»؛ «معتقدات القاصر»، در اصول عقاید؛ «حاشیه‌ی عروة الوثقی». [1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (128 -127 / 1)، گنجینه‌ی دانشمندان (153 / 7 ،62 -61 / 3).

اردکانی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1302 ق)، مجتهد شیعه. مشهور به فاضل اردکانی و اردکانی حائری. وی از اهالی اردکان بود. پس از آنکه خواندن و نوشتن و قسمتی از مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، به یزد رفت و عمویش، ملامحمد تقی اردکانی، تربیت وی را به عهده گرفت و مقدمات را تا سطوح عالی شخصا به او آموخت. سپس به قزوین رفت و مدارج عالی اجتهاد را نزد شهید ثالث و ملامحمد صالح برغانی طی کرد و حکمت و فلسفه را از مجلس درس ملاآقا حکمی آموخت. سپس کربلا را مسکن دائمی خویش قرار دارد و به حوزه‌ی درس شریف‌العلما ملحق گشت و «تقریرات» درس وی را در مبحث بیع فضولی و تجارت نگاشت. پس از فوت شریف العلما به حلقه‌ی درس سید ابراهیم قزوینی، صاحب، «ضوابط» پیوست. اردکانی از مراجع تقلید زمان خود بود و جمع کثیری از علمای امامیه در حوزه‌ی درس وی تربیت یافتند، از آن جمله: میرزا محمدتقی شیرازی و سید محمد اصفهانی و سید حسن کشمیری و میرزا مهدی شیرازی و دیگران. او در کربلا درگذشت و در مقبره‌ی استادش صاحب «ضوابط الاصول» دفن شد. از آثار وی: «تقریرات اصول» از درس عموی خود؛ کتاب «متاجر» و تقریرات استادش شریف العلماء؛ شرح «نتایج الافکار» استادش، سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»؛ تعلیقات حواشی بر کتاب «الریاض»؛ «الطهاره»؛ «کتاب «الصلاة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (143 -142 /6)، الذریعه (59 /19، 185، 56، /15، 99 -98 /14، 179 /1)، ریحانه (105 /1)، الکنی و الالقاب (22 -21 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل اردکانی)، المآثر و الآثار (145 -144)، معجم المؤلفین (46 /4).

اردکانی، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد رضا مجتهد بزرگ اردکانی از علماء بزرگ و مراجع بنام این سامان دارای تألیفات و تصنیفات بسیاریست در فقه و اصول و از اسباط اوست حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مرتضی اردکانی اصفهانی که از علماء بزرگ معاصر اصفهان و دارای تألیفات ارزنده‌ایست که در ضمن تراجم علماء اصفهان ذکر خواهد گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردکانی، محمدباقر شریف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1275 ق)، عالم و فقیه شیعی. وی فقه و اصول را از سید علی طباطبائی حائری و سید مهدی بحرالعلوم فراگرفت و از علمای معاصر شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» بود. از آثار وی: «جامع الشواهد»، به زبان فارسی که کرارا چاپ شده و در آن کتابهای «امثله»؛ «تصریف»؛ «عوامل»؛ «الانموذج»؛ «الهدایة»؛ «الکافیه»؛ «سیوطی»؛ «مغنی» و «مطول» و غیره شرح شده و از کتب درسی رایج حوزه‌های علمی شیعه است؛ کتاب «شواهد کبری»، که آن نیز مکررا به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (9/ 190)، الذریعه (14/ 244، 61/ 5)، ریحانه (1/ 105)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 64)، معجم المؤلفین (9/ 88).

اردکانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ مرتضی بن العلامه میرزا محمد مجتهدبن العالم العابد الحاج علی‌رضا و سبط العلامه الکبری الحاج الشیخ محمدرضا المجتهد الاردکانی از علماء اعلام و آیات عظام معاصر اصفهان میباشند. در روز دوشنبه 17 ربیع الاول 1326 قمری در اردکان متولد شده و در سن 15 سالگی مهاجرت باصفهان نموده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد مدرسین بزرگ دروس تحلیلی خارج فقه و اصول را از آیات عظام مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی و مرحوم آیه‌الله سید علی نجف‌آبادی و آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی اصفهانی استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفه را از مرحوم شیخ المتألّهین آشیخ محمد خراسانی فرا گرفته و از همان اوان بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول اشتغال داشته است.
دارای تألیفات ارزنده علمی میباشد که ذیلا مینگارم:
1- غنیه‌الطالب تعلیقه بر مکاسب شیخنا الانصاری ره در پنج مجلد که دو جلد آن در قم بطبع رسیده و سه مجلد آماده طبع میباشد. 2- رساله فی‌الکر 3- تقریرات فقه و اصول مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی 4- شرح خلاصه الاصول مرحوم آیه‌الله صدرالدین صدر ره 5- رساله فی الجماعه 6- رساله قول فصل در ردسی فصل میرزا محمد کریم خان کرمانی فارسی. 7- داور داوری یا کسر کسروی در رد کسروی 8- حاشیه بر عروه‌الوثقی علامه یزدی.
معظم‌له دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ چون: 1- آیت‌الله العظمی اصفهانی 2- آیه‌الله الکبری آقا ضیاءالدین عراقی 3- مرحوم آیه‌الله السید محمد نجف‌آبادی 4- آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی میباشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردوبادی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1333 -1274 ق)، فقیه، اصولی و متکلم. در تبریز متولد شد. در چهار سالگی همراه پدر به نجف رفت، و در آنجا شروع به تحصیل علم و کمال کرد. وی نزد ملامحمد ایروانی و ملاعلی نهاوندی و شیخ محمد حسین کاظمی درس خواند و از محضر فاضل اردکانی و میرزای شیرازی بهره‌مند شد. او از شیخ محمد طه نجف اجازه روایت و از فاضل شربیانی و شیخ زین‌العابدین و شیخ لطف‌اللّه مازندرانی و میرزای شیرازی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از رسیدن به مقامات عالیه به تبریز بازگشت و به تدریس و نشر احکام در آن دیار مشغول شد و از مراجع تقلید آن سامان گشت. مجددا به نجف رفت و در آن شهر زیست و به تدریس مشغول شد. تا اینکه در راه سفر به خراسان در همدان درگذشت. و پس از چند سال جنازه‌اش به نجف منتقل شد. در «اعیان الشیعه» پنجاه و دو اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: « القبسات فی اصول‌الدین»؛ «مناهج الیقین فی الرد علی النصاری»؛ «الشهاب المبین فی اعجاز القرآن»؛ «اصول‌الدین»؛ «الدّرة البیضاء»؛ «النجم الثاقب فی نفائس المناقب»؛ رساله‌ای در «احتکار»؛ رساله‌ای در «اوزان و مقادیر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (411 -410 /2)، الذریعه (187 /15، 93 /8 -182 /2)، ریحانه (205 -204 /1)، الکنی و الالقاب (21 /2)، معجم المؤلفین (116 /8).

ارسنجانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالقاسم بن العلامة آقا سید محمدرضا فقیه ارسنجانی از مشاهیر دانشمند معاصر شیراز است.
آنجناب در سال 1318 ق در ارسنجان فارس متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات در محل خود در سال 1333 ق به شیراز آمده و مدت سه سال در مدرسه حکیم شیراز تحصیل نمود.
و در سال 1336 ق مهاجرت به نجف اشرف و از درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه اصطهباناتی و آیت‌اللّه میرزا محمود شیرازی استفاده و تکمیل سطوح نموده و پس از آن مدت شش سال از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی با معیت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله استفاده نمود.
در سال 1342 ق پس از تبعید حضرات آیات عظام نجف به قم با مصاحبت آیت‌اللّه مرعشی نجفی مذکور عزیمت به قم نموده و در این شهر ایمانی و علمی از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی استفاده و ضمناً تدریس سطوح عالی فقه و اصول نموده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌اللّه حایری به شیراز مراجعت و در مسجد شیخ علی خان و مسجد جامع وکیل اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول نموده و در حال حاضر که هفتاد و شش سال از سن مبارکش می‌گذرد در شیراز به خدمات مذکوره اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ارغیانی، ابوالفتح سهل

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(499 -426 ق)، فقیه شافعی. اصل وی از ارغیان نیشابور بود. برای تحصیل به مرو رفت و در نزد شیخ ابوعلی حسین بن شعیب سنجی و قاضی حسین بن محمد مرورودی به فراگیری فقه و دانش پرداخت. سپس به نیشابور بازگشت و اصول فقه را نزد امام الحرمین ابوالمعالی جوینی فراگرفت و آنگاه به ارغیان آمد و چندین سال عهده‌دار قضای آن ناحیه بود. پس از مدتی به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در ضمن سفر، در حجاز و عراق و جبال بسیاری از مشایخ را زیارت کرد و از آنان حدیث شنید. وی از ابوبکر بیهقی و ناصر مروزی و عبدالغافر فارسی صاحب «مجمع الغرائب» حدیث شنیده است. در راه بازگشت به نیشابور به خدمت شیخ حسن سمنانی رسید و تحت‌تأثیر سخنان وی ترک مناظره کرد و در اواخر عمر از کارهای جاری دست شست و به زد و تصوف گرایش پیدا کرد و از مال خود سرائی محقر برای صوفیان بنا کرد و پایان عمر را به عبادت و تألیف گذرانید. از آثار وی: «الفتاوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 209)، روضات الجنات (94 -93 /4)، ریحانه (1/ 107)، لغت نامه (ذیل/ سهل)، معجم البلدان (1/ 183)، معجم المؤلفین (4/ 283)، نامه‌ی دانشوران (419 -418 /4)، وفیات الاعیان (2/ 433- 434)، هدیة العارفین (1/ 413).

ارموی، سراج‌الدین، ابوالثنا محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(682 -594 ق)، فقیه، اصولی و متکلم شافعی. اصل وی از ارومیه بود. در موصل تحصیل کرد و در دمشق ساکن شد و عهده‌دار قضا آنجا گردید. سپس به آسیای صغیر رفت و در قونیه مقیم شد و در همان جا درگذشت. معروفترین اثرش کتاب «مطالع الانوار» در منطق و کلام است، شرحهای متعدد بر آن نوشته شده که مشهورترین آنها کتاب «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار» قطب‌الدین رازی است که به «شرح مطالع» معروف و از کتابهای رایج تعلیمی است. برخی دیگر از آثارش: «بیان الحق»؛ «المناهج»؛ «شرح الوجیز» غزالی، در فروع فقه شافعی؛ «تلخیص اربعین» یا «مختصر الاربعین»، «التحصیل» مختصر «المحصول» فخررازی در اصول فقه؛ «لطائف الحکمة»، در حکمت به زبان فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (42 -41 /8)، تاریخ ادبیات در ایران (244 -243 /3)، تاریخ نظم و نثر (151 -150)، روضات الجنات (108 /8)، ریحانه (108 /1)، کشف الظنون (2002، 1846، 1715، 1615، 1567، 902، 848، 261، 95، 92، 61)، الکنی و الالقاب (22 /2)، معجم المؤلفین (155 /12)، نام‌آوران فرهنگ (5 -4)، هدیة العارفین (406 /2).

ازهری هروی، ابومنصور محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(371 /370 -282 ق)، ادیب، نحوی، لغوی، فقیه و محدث شافعی. در هرات به دنیا آمد. از شاگردان نفطویه و ابن‌السراج و ربیع بن سلیمان بود و با زجاج و ابن‌الانباری نیز ملاقات کرد و از محمد بن ابی‌جعفر مندری و به یک واسطه از ابوالعباس ثعلب روایت می‌کرد و از شاگردان وی بود. ابن‌درید را درک کرده اما از وی روایت ننموده است. وی در فنون علم حدیث نیز مهارت داشت. مدتی در عراق و جزیرةالعرب به جمع لغت مشغول بود. چندی هم به دست قرامطه بادیه‌نشین اسیر شد، و در آنجا بر اثر معاشرت با اعراب هوازن بسیاری از لغات و اصطلاحات حقیقی زبان عرب را فراگرفت. ابوعبید هروی مولف «غریبین» و ابویعقوب قراب و حسین بن محمد باشانی و دیگران از شاگردان ازهری هستند. ابومنصور در هرات درگذشت. از آثار وی: «تهذیب اللغة» در ده مجلد که ابن‌منظور صاحب کتاب « لسان العرب» در مقدمه‌ی کتاب خود آن را از مهتمرین کتاب لغت شمرده است؛ «الادوات»؛ «تفسیر اصلاح المنطق»؛ «تفسیر الفاظ مختصر» مزنی؛ «تفسیر السبع الطوال»؛ «التقریب فی التفسیر»؛ «تفسیر شعر ابی‌تّمام»؛ «شرح غرائب الفاظ مستعمل فقها» یا «الزاهر فی غرائب الالفاظ»؛ «معرفة الصبح»؛ «کتاب علل القراءات»؛ «تفسیر القرآن»؛ «معانی شواهد غریب الحدیث»؛ «ردّ علی اللیث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 202)، ایضاح المکنون (1/ 608)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 354)، روضات الجنات (7/ 320- 322)، ریحانه (1/ 112- 113)، سرآمدان فرهنگ (1/ 138)، سیر النبلاء (16/ 315- 317)، کشف الظنون (31، 370، 1414، 1207، 117، 515، 465، 448، 289، 108، 282)، الکنی و الالقاب (2/ 24- 25)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 370)، معجم الادباء (17/ 164- 167)، معجم المؤلفین (8/ 230- 231)، الوافی بالوفیات (2/ 45- 46)، وفیات الاعیان (4/ 334- 336)، هدیة العارفین (1/ 49).

اژه ای، علی اکبر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری ستاره ای در آسمان علمِ و فقاهت تشیع درخشید که تلألو درخشش آن تا ابد روشنگر راه مشتاقانَ علم و حقیقت خواهد بود و او کسی نیست جزملا علی اکبر اژه ای از چهره های درخشان علمی و فرهنگی اصفهان در قرن سیزدهم هجری، وی در روستای اژه از توابع رویدشت در دامان خانواده ای اهل فضل و تقوی پای به عرصه گیتی نهاد و پرورش یافت.
نیاکانش همه از علما و بزرگان عرصه علم و فقاهت بوده اند. ملا علی اکبر مرحوم محمد شریف بن شمس الدین محمد مشهور به مولانا شریفا (آقای شریفای اژه ای اصفهانی) از علمای صاحب نام عصر صفوی بود که شاگردی شیخ بهایی را نموده و از استادان عالم و محقق بزرگ شیعه مرحوم ملا محمد باقر مجلسی به شمار می رفت و به سال 1087ق درگذشت و در رویدشت به خاک سپرده شد اینک مزارش زیارتگاه اهل دل است. همچنین آخوند ملا اکبر از نوادگان دختری علامه فاضل اصفهانی (فاضل هندی) به شمار می رود. آخوند ملا علی اکبر قدم در راه نیکان گذاشت و برای کسب معرفت به اصفهان آمد و از محضر بزرگانی همچون میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی از چهره های درخشان و مدرسین برجسته مدرس چهارباغ و آقا محمد بیدآبادی عالم و فاضل متأله و عارف برجسته قرن دوازدهم بهره مند شد و خود چشمهٔ خودشان علم و حکمت گردید و به مقام اجتهاد نائل آمد در زمینه های فقه، اصول و حکمت جامع علوم گردید. وی از جمله علمای اصولی است که با عقاید شیخ احمد احسائی زعیم فرقهٔ شیخیه و میرزا محمد اخباری سخت مخالف بود و در رد عقاید آنها رسالاتی نوشت. از جمله این ردیه ها: رساله ای در رد پادری نصرانی که شبهاتی به دین اسلام وارد آورده است و ردیّه بر برخی رسائل شیخ احمد احسایی وردیّه ای بر حاج میرزا محمد اخباری که منکر اساس اجتهاد در احکام شرعی بوده است.
وی دارای شخصیتی با ویژگیهای بارز اخلاقی بود و صاحب روضات او را فقیهی متکلم و واعظی متبحر عنوان می کند و از فصاحت و بلاغت، زهد و تقوی و مقام بلند عرفانی اش بسیار یاد می کند. مرحوم عبدالکریم گزی هم در بیان شخصیت او می نویسد: « این بزرگوار از اهل زهد و تقوی و ریاضات شاقّه و قناعت و تهجّد و نماز شب و حالت خوش بوده....»

ملا علی اکبر اژه ای کلامی دلنشین داشت و مواعظ و نصایحش که با حلاوت خاص بیان شده دل را جلا می دهد:« اگرکسی دیده بگشاید و ساعتی سر برگریبان تفکر فرو برد ودر احوال خود تفکر نماید خواهد یافت که این عمر مانند کشتی بر روی دریا در گذراست ومردم مسافرند. اول منزل گهواره و وقت تولد و آخر منزل لحد و قبر و وطن یا بهشت است یا جهنم»
این عارف اندیشمند اندوخته های علمی خود را در قالب کتب و رسالات متعددی برای آیندگان به یادگار گذارده و آثار ارزشمندی در علوم مختلف از وی به جا مانده است. از جمله :
- رساله نماز شب که دربارۀ چگونگی نماز شب و آداب و ثواب آن بوده و به نوعی بیانگر شخصیت مؤلف است.
- رساله سیر آسمانی در معراج،- ارشاد الواعظین وانحاج الطالبین در اجتهاد و...
این استاد فرزانه شاگردان بسیاری تربیت نمود از جمله از آنها حاج میرزا زین العابدین خوانساری پدر صاحب روضات ملا علی اکبر در محله جوباره سکونت داشت و در مسجد علی در محله هارونیه امامت جماعت را داشت و در همین مدرسه هم تدریس می نمود . وی در کسوت فقر و درویشی روزگار می گذرانید در تهجد و شب زنده داری بسیار استوار بود.
سرانجام مرغ جان این عالم ربانی در یازدهم شوال 1232 ق از قفس خاکی تن رها شد و به افلاک پرگشود و پیکرش را در تخت فولاد در جوار قبر مرحوم ملا اسماعیل خواجویی به خاک سپردند.

استاد ولی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین استاد ولی در سال 1331 ، در تهران متولد گردید. با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی ، وارد دوره ی متوسطه دبیرستان شد ، و در سال 1348 هم زمان با تحصیل در دوره ی متوسطه ، شب ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه ی علمیه ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می پرداخت ، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید. استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال 1354 نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند. تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : الهیات و معارف اسلامی
والدین و انساب : پدر حسین استاد ولی ، مرحوم عباسعلی ، معروف به آقای شیخ عباس از کسبه ی متدین و اهل تهران بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین استاد ولی با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی ، وارد دوره ی متوسطه دبیرستان شد ، و در سال 1348 هم زمان با تحصیل در دوره ی متوسطه ، شب ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه ی علمیه ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می پرداخت ، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید.
استادان و مربیان : حسین استاد ولی از سال 1348 تا سال 1354 در محضر درس شیخ احمد مجتهدی تهرانی حاضر گردید. در سال 1354 در اثر علاقه ی وافر به علم حدیث (با توسل به ذیل عنایت شیخ صدوق) محضر درس میرزا علی اکبر غفاری را درک نمود. و در فاصله ی سال های 48 تا 57 همزمان با تحصیل در مدرسه ی آقا ، در محضر درس حاج سیدهاشم حسینی حاضر گردید. استاد ولی همچنین در سال 1362 به

حوزه ی درس آیت الله حاج سیخ محمدتقی شریعتمداری راه یافت و شرح لمعه و بخشی از مکاسب شیخ و چندی نیز خارج المدارک آیت الله حاج سید احمد خوانساری را نزد این استاد فراگرفت.
هم دوره ای ها و همکاران : حسین استاد ولی در سال 1345 با دانشمند گرانمایه آقای میرزا علی اکبر غفاری آشنا شد که ثمرهٔ این آشنایی فراگیری روش تصحیح فنی متون اسلامی از آقای غفاری بود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال 1354 نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند.
جوائز و نشانها : تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 اعراب گذاری کتابهای توحید صدوق، ثواب الاعمال، غیبت نعمانی
2 الامالی
ویژگی اثر : تصحیح کتاب - برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال-یکی از پایه های معارف اسلامی سخنان و سیره ائم؟ اطهار علیهم السلام است، ثقل اصغری که پیامبر اکرم بارها و بارها در حیات خویش به تمسک و پیروی از آن فرمان داده بود. بدین سبب در طول دوران حیات ائم؟ اطهار محدثین شیعه با دقت و وسواس بی نظیر خود به گردآوری و ضبط احادیث آن بزرگواران پرداختند و حاصل تلاش آنان مجموعه های روایی بود که به آیندگان به ارث رسید. علمای اسلامی که پس از عصر ائمه و دوران غیبت کبری به سر می بردند در استمرار این سنت حسنه به نقل روایات ائمه علیهم السلام پرداختند. علاوه بر تألیف کتابهای روایی، این بزرگواران با تشکیل مجالس هفتگی و یا ماهانه به نقل حدیث می نشستند و شاگردان ایشان با کتابت این احادیث مجموعه هایی را می پرداختند که در اصطلاح «امالی» نامیده می شود. یکی از علمان بزرگ شیعی که چنین مجالسی را برپا می داشت فخرالشیعه ابوعبدالله محمدبن النعمان العکبری الغدادی، معروف به شیخ مفید (متوفی به سال 413 هـ.ق) می باشد. شیخ مفید از دانشمندان بزرگی است که در فنون مختلف اسلامی تبحر فراوانی داشته و در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام با قدرت بی نظیری به بحث و مناظره می پرداخته است. کتاب «الامالی» دربرگیرند؟ 42 جلس؟ نقل روایت است که اولین آن در ماه مبارک رمضان سال 404 هجری و آخرین آن در روز شنبه 27 ماه مبارک رمضان سال 411 هجری برگزار شده است و در مجموع حاوی 387

حدیث در مسائل مختلف می باشد. در تصحیح کتاب، مصحح محترم با مراجعه به نسخ مختلف و نیز افزودن تعالیق مفید، در مجموع کار ارزنده ای را به انجام رسانده که سبب احیای مجدد این کتاب شده است. فهارس تفصیلی اعلام، بیوتات قبایل و اماکن نیز به این کتاب ارزش افزونتری بخشیده است
3 الامام علی بن ابی طالب (ع)
4 الامام مهدی
ویژگی اثر : ترجمه
5 امالی مفید
6 بحرالمعارف
7 ترجمه مستقلی از قرآن کریم
8 دعاهای مفتاح الفلاح
9 علم الیقین
10 قصه های طاقدیس
11 قصه های عارفان
منابع زندگینامه : 1www.ketabesal.ir2دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش: بهاءالدین خرمشاهی ، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ص 196

استادی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا استادی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم است. که در سال 1316 شمسی در تهران به دنیا آمده و در دامان والدشان حاج خداداد استادی که از مردان نیک و خیر تهران است پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در خدمت حاج شیخ عبدالکریم حقشناسی و حاج شیخ احمد مجتهدی و حاج شیخ هادی مقدس واعظ و مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و دیگران مقدمات و سطوح را خوانده و سپس عزیمت به قم نموده و سطوح وسطحی و نهائی را از اساتید بزرگ آیات حوزه چون حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج میرزا حسین نوری و حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و حاج میرزا محمدشاه آبادی و حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای منتظری و حاج آقای مکارم و آقای آذری و حاج سید محمدباقر سلطانی و جوادی آملی استفاده نموده سپس حدود 12 سال از دروس خارج فقه و اصول آقایان مراجع و اساتید بزرگ چون حاج آقا حسن فرید محسنی اراکی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم تبریزی و حاج آقا موسی شبیری زنجانی استفاده کرده و در خلال این سالها عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات آنجا چون آیت‌اللّه خوئی و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر شهید استفاده نموده و در طول بیست سال غالبا شریک بحث آیت‌اللّه سید محسن خرازی بوده.
آقای استادی در خلال تحصیل اشتغال به تدریس سطوح فقه و اصول شرح لمعه و اصول مظفر و رسائل و مکاسب و کفایه و اصول عقاید داشته و دارند.
آثار و تألیفات استادی
آقای استادی در طول پانزده سال است که در کنار تدریس اشتغال به تألیف و تصنیف و ترجمه و تصحیح دارند و از خود آثار به جای گذارده که اغلب به طبع رسیده است و آنها از این قرار است:
1- فهرست کتابهای خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم در دو مجلد که به چاپ رسیده است- چاپ قم.
2- فهرست کتابهای خطی کتابخانه عمومی آیت‌اللّه گلپایگانی جلد دوم و سوم.
3- فهرست کتب خطی مدرسه حجتیه.

4- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد جامع چهل ستون تهران.
5- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیه شوشتریهای نجف اشرف ج 11- 12.
6- فهرست صد و شصت نسخه خطی چاپ قم.
7- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه حجت (ره).
8- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه طبسی حایری.
9- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حاج شیخ علی خونساری.
10- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم.
11- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه زنجانی.
12- کتابنامه نهج‌البلاغه چاپ بنیاد نهج‌البلاغه.
13- کتابنامه امام صادق علیه‌السلام چاپ موسسه راه حق قم.
14- کتابنامه امام حسین علیه‌السلام.
15- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سید مهدی روحانی.
16- اصول دین برای همه چاپ دارالفکر.
17- شوری در قرآن و حدیث.
18- مدارک نهج‌البلاغه.
19- تحقیق در یک مسئله فقهی.
20- بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید.
21- خاتمیت از دیدگاه عقل و قرآن و حدیث.
22- شفاعت در قرآن و حدیث.
23- چهل داستان چاپ کتابفروشی علامه.
24- تحقیق درباره دعاء ندبه.
25- توضیحی در پیرامون آیه خمس.
26- امامت در چند درس.
27- تحقیق در پیرامون فقه الرضا و چندین مقاله و جزوه‌های دیگر که به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

استرآبادی ، ملا جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج ملاجعفر بن ملاسیف الدین استرآبادی
حاج ملاجعفر بن ملاسیف الدین استرآبادی معروف به شریعتمدار تهرانی از فقها و مجتهدین امامیه‌ی قرن سیزدهم هجری، صاحب تحقیقات و تالیفات متعدد، بسیار متقی و محتاط و پرهیزکار بود. بیشتر ایام جوانی را به تحصیل علم و دانش سپری کرد و از محضر اساتید برجسته‌ی زمان بهره برد. ملاجعفر شریعتمدار تهرانی علاوه بر منصب قضاوت، در ادبیات عرب و سرودن شعر نیز مهارتی بسیار داشت اما شهرت او بیشتر به خاطر تالیفات متعدد وی در زمینه‌های فقه، اصول فقه، حکمت، کلام و اخلاق است. مهم‌ترین آثار به جا مانده از وی، کتب مصابیح در اصول فقه، الشَّارِعُ الکبیر، سفینةُ النجاة و البراهینُ القاطِعَه در حکمت و کلام می‌باشد. ملاجعفر شریعتمدار در 66 سالگی وفات یافت و بدن وی را در نجف اشرف، در کنار مزار علامه‌ی حلی به خاک سپردند.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :تقویم تاریخ

استرآبادی، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1323 ق)، فقیه و اصولی. پس از طی مقدمات و سطوح نزد پدرش و آقا سید محمد وحید در تهران، به قم رفت و در حوزه‌ی درس حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه حائری‌یزدی حاضر شد تا مقام اجتهاد یافت و به دریافت اجازه از آیات عظام حائری و اصفهانی و خوانساری و حکیم نایل شد. پس از درگذشت آیت‌اللّه حائری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردید و پس از فوت پدرش به تهران آمد و به جای او به ترویج دین پرداخت و مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و به سرپرستی طلاب اشتغال یافت. از آثار وی: «تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی» استادانش؛ «رسالة العقائد الامامیة»؛ «رساله‌ای در خمس»؛ «رساله‌ای در زکوة»؛ «رساله‌ای در تجرّد بقاء روح»؛ «حواشی بر عروه الوثقی».[1]
سید ضیاءالدین فرزند مرحوم مغفور حاج سید محمد استرآبادی عالمی جامع و دانشمندی کامل و فقیهی ورع محلی بلباس تقوا و قدس میباشد. معظم له از احفاد امام زاده عظیم‌الشان سید عمادالدین حسینی علوی که به چند واسطه بحضرت سیدالساجدین و زین العابدین علی ابن الحسین علیهماالسلام از فرزندش جناب عبداللّه الاصغر منتهی میشود. جناب سید عمادالدین در یکی از مضافات هزار جریب مدفون و زیارتگاه مردم آن سامان میباشد.
مترجم عزیز ما در حدود سال 1323 ق متولد و پس از طی مقدمات و سطوح نزد مرحوم والد و آقا سید محمد وحید در تهران به قم مشرف و بحوزه تدریس مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و بعد آیه‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه موسس حاج شیخ عبدالکریم حایری- ره- حاضر تا بمقام منیع اجتهاد و اصل و مجاز از آیات عظام حایری و اصفهانی و خونساری و حکیم و دیگران گردیده و در آن اجازات که بنظر حقیر رسیده تصریح باجتهاد آن جناب نموده‌اند. پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردیده تا سال 1365 ق بعد از فوت مرحوم والدش به تهران آمده و بجای مرحوم پدر در مسجد جمعه باقامت جماعت و ترویج دین و تفسیر آیات مبین و نیز مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و در آنجا بتدریس و سرپرستی چهل نفر از طلاب و محصلین اشتغال دارد.

آثار علمی آن جناب از این قرار است:
1- تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی اساتید قم. 2- رساله العقائد الامامیه. 3- رساله‌ای در خمس. 4- رساله‌ای در زکوه. 5- رساله‌ای در صلوه اللیل. 6- رساله‌ای در تجرد بقاء روح. 7- سؤال و جواب عروه الحج در مناسک حج مطبوع. 8- حواشی توضیح المسائل مرحوم بروجردی. 9- حواشی بر عروه الوثقی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (374 -373 /4).

استرآبادی، محمد علی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه‌ی فقیه آخوند ملا محمد علی بن احمد استرآبادی یکی از دامادهای چهار گانه‌ی مجلسی اول بوده، و خود عالمی محقق، و فقیهی جامع بوده، در 5 شنبه اول رجب 1010 متولد شده، و در () وفات یافته، قبرش در بقعه‌ی مجلسی در ایوانچه‌ی پایین پا قبر مرمر بلند بسته‌ای دارد، و در همین قبر مرحوم آقا میرزا جعفر امام جمعه مدفون می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

استرآبادی، محمدامین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1036 -1030 ق)، فقیه و محدث اخباری. در استرآباد متولد شد. به مکه معظمه مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد. ابتدا در سلک اصولیان بود و از صاحب «مدارک» و صاحب «معالم» و میرزا محمد استرآبادی، صاحب «رجال»، اجازه‌ی روایت داشت. وی پس از آن، از طریقه‌ی اصولی به اخباری روی آورد و کتابی هم به نام «فوائد المدینة»، در رد اصولی‌ها نوشت. سرانجام در مکه درگذشت. دیگر آثار وی: «حاشیة علی شرح المدارک»؛ «شرح التهذیب»؛ «شرح الاستبصار»؛ حاشیه بر «انموذج العلوم» جلال‌الدین دوانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (9/ 137)، خاتمه مستدرک الوسائل (193 -189 /2)، الذریعه (358 /16، 181، 26 /6، 217 /5)، روضات الجنات (148 -129 /1)، ریحانه (115 -114 /1)، فوائد الرضویه (399 -398)، معجم المؤلفین (9/ 79)، هدیة العارفین (274 /2).

استرآبادی، محمدتقی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی بن ملا محمد اسماعیل استرآبادی از علماء اعلام عصر خود و از شاگردان شیخ محمدحسن صاحب (الجواهر) و علامه سید ابراهیم قزوینی صاحب (الضوابط) بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسراری، هادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا هادی بن حاج مهدی عالمی عامل و حکیمی کامل از اعاظم فلاسفه و حکمای اسلامی اواخر قرن سیزدهم هجری بوده است.
وی صدر متألهین اسلام و قدوه متبحرین در حکمت و کلام و در احاطه حقایق حکمت بی‌نظیر و در استکشاف اسرار و دقایق فلسفه بی‌عدیل بوده.
اگر افلاطون عصرش بخوانیم روا و اگر ارسطوی دهرش بگوئیم بجاست.
و در عصر ناصرالدین شاه قاجار چنان بود که ملا صدرا در زمان شاه عباس کبیر و در فنون شعریه نیز بسیار ماهر بوده و خود را متخلص به اسرار می‌نموده و گاهی در اصطلاح اهل فضل به حاجی یا حاجی سبزواری تعبیرش نمایند و خلاصه ادوار زندگانی آن فیلسوف ربانی موافق آنچه از خط خودش نقل شده.
آنگه در حدود هفت و هشت سالگی شروع به نحو و صرف کرده و در حدود ده سالگی وی، پدرش به مکه رفته و در مراجعت در شیراز وفات یافته پس عمه‌زاده‌اش حاج ملا حسین سبزواری که سالها مقیم مشهد مقدس بوده و در انزوا و تقلیل غذا و اجتناب از محرمات و مکروهات و مواظبت بر فرائض و نوافل مراقبت تمام داشت
وی او را به ارض اقدس برده و در تمام اخلاق فاضله مساهم و مشارکش نموده و او نیز اصول و فقه و عربیات و علوم عقلیه را از حاج ملاحسین مذکور فراگرفته و تا ده سال دیگر بدین منوال گذرانیده و بحظوط و افره علمی و اخلاقی نایل پس به قصد تحصیل معقول و حکمت به اصفهان رفته و هشت سال دیگر در حوزه درس ملا اسماعیل اصفهانی و ملا علی نوری به تحصیل فلسفه پرداخته و اساس حکمت اشراق را استوار داشته پس پنج سال دیگر در خراسان به تدریس فقه و اصول و حکمت پرداخته سپس به زیارت بیت‌اللّه‌الحرام مشرف و بعد از مراجعت در سبزوار مشغول تدریس حکمت گردیده است.
تولد ایشان در 1212 ق برابر حساب (غریب) واقع شده و در سال 1289 ق وفات نموده است.
آثار علمی وی بسیار و از آنهاست کتب زیر
1- اسرارالحکم فارسی و مکرر چاپ شده
2- اسرارالعباده در فقه

3- اصول‌الدین
4- الجبر والاختیار
5- دیوان شعر فارسی
6- شرح الاسماء الحسنی که دعاء جوشن کبیر است
7- شرح دعاء صباح حضرت امیر (ع)
8- شرح غررالفوائد
9- شرح لالی المنتظمه
10- غررالفرائد
11- محاکمات در رد شیخیه
12- مقیاس در فقه
13- نبراس نیز در فقه
14- هدایة المسترشدین و حواشی بسیاری در اسفار ملا صدرا و کتب دیگر. ملا کاظم سبزواری که از تلامذه وی بوده در ماده تاریخش گفته است.

اسرار چو از جهان بدر شد
از فرش بعرش ناله بر شد
تاریخ وفاتش ار به پرسند
گویم که نمرد زنده‌تر شد

از اشعار حکیم سبزواری اشعار زیر است

شورش عشق تو در هیچ سری نیست که نیست
منظر روی تو زیب نظری نیست که نیست
ز فغانم ز فراق رخ و زلفت به فغان
سگ کویت همه شب تا سحری نیست که نیست
نه همین از غم او سینه ما صد چاک است
داغ او لاله صفت بر جگری نیست که نیست
موسی نیست که دعوی اناالحق شنود
ورنه این زمزمه اندر شجری نیست که نیست
چشم ما دیده خفاش بود ورنه ترا
پرتو حسن به دیوار و دری نیست که نیست
گوش اسرار شنو نیست وگرنه اسرار
برش از عالم معنی خبری نیست که نیست

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اسفراینی طوسی، ابوالمظفر شاهفور، طاهر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 471 ق)، فقیه، اصولی، مفسر و متکلم شافعی. از بزرگان عصر خویش بود و در فنون مختلف دست داشت. وی داماد استاد ابومنصور بغدادی بود. او از ابن مَحمِش و اصحاب اصم نقل حدیث کرده و زاهر شحّامی از شاگردان او بوده است. در «طبقات الشافعیة» و به تبع آن «الاعلام» و «تاریخ نظم و نثر» و همچنین در جلد چهارم «معجم المؤلفین» از وی به عنوان فرزند طاهر یاد شده است. ابوالمظفر در طوس درگذشت. از آثار وی: «التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجیة عن الفرق الهالکین»؛ «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم»، تفسیری از قرآن به زبان فارسی؛ «الاوسط» در ملل و نحل؛ کتابی در «اصول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 260)، تاریخ نظم و نثر (117)، سیر النبلاء (18/ 401- 402)، کشف الظنون (1820، 442، 340، 268)، لغت‌نامه (ذیل/ اسفراینی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 471)، معجم المؤلفین (38 /5، 310/ 4)، هدیة العارفین (1/ 430).

اسفراینی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 418 ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. ملقب به رکن‌الدین و مشهور به استاد. او در اسفراین نشو و نما یافت و نزد ابوبکر اسماعیلی در خراسان و ابومحمد دعلج اسفراینی سجزی در عراق تحصیل کرد. وی از معاصران صاحب بن عباد، شیخ مفید و سید مرتضی بود. اکثر علمای عصر و شیوخ نیشابور کلام و اصول را نزد وی آموختند و جمله‌ی علمای عراق و خراسان به فضل و علم او اقرار کرده و او را مجتهد و پیرایه ملک خاور خوانده‌اند. صاحب بن عباد در حقش گوید که او آتشی است سوزنده. قاضی ابوالطیب طبری هنگامی که در اسفراین بود اصول فقه را از وی آموخت. و ابوبکر بیهقی و ابوالقاسم قشیری از وی حدیث روایت کردند. زمانی که اسفراین در نیشابور اقامت داشت مدرسه‌ی بنامی برای تدریس او بنا کردند. او در اصول اشعری بود و با معتزلیان از جمله قاضی عبدالجبار معتزلی مناظراتی داشت. به گفته ابوالقاسم قشیری او کرامات اولیاء را منکر بود. وی در روز عاشورا در نیشابور درگذشت و همان طور که آرزو داشت مردم آن شهر بر جنازه‌ی او نماز گزاردند؛ سپس جنازه او را به اسفراین انتقال دادند. از آثار وی: «الجامع»، در «اصول الدین و الرد علی الملحدین»؛ «العقیدة»؛ شرح «الفروغ» ابن‌حداد؛ «معالم الاسلام»؛ «نورالعین فی مشهد الحسین»؛ «ادب الجدل»؛ «تعلیقه»، در اصول فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (59 /1)، تاریخ نیشابور (156)، تعلیقات اسرار التوحید (642 /2)، روضات الجنات (176 -175 /1)، ریحانه (119 -118 /1)، سیر النبلاء (356 -353 /17)، کشف الظنون (1725، 1418، 1257، 1157، 572، 539، 45)، الکنی و الالقاب (26 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابواسحاق اسفراینی و اسفراینی)، معجم البلدان (211 /1)، معجم المؤلفین (83 /1)، نامه‌ی دانشوران (234 -232 /2)، الوافی بالوفیات (105 -104 /6)، وفیات الاعیان (28 /1)، هدیة الاحباب (98)، هدیة العارفین (8 /1).

اسفراینی، ابوحامد احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(406 -344 ق)، فقیه شافعی. معروف به ابن ابی‌طاهر. وی پیرو محمد بن ادریس شافعی بود. در 364 /363 ق وارد بغداد شد و علم فقه را از ابوالحسن بن مرزبان و ابوالقاسم دارکی فراگرفت و از عبداللّه بن عدی و ابی‌بکر اسماعیلی و ابراهیم بن محمد اسفراینی حدیث شنید و «السنن» را از دارقطنی استماع کرد. ریاست دارالسلام بغداد در بحبوبه‌ی رواج علم به او واگذار شد. در مسجد عبداللّه بن مبارک در حوزه فقها بیش از سی سال درس می‌گفت. در مجلس درس او بیش از سیصد و به قولی تا هفتصد فقیه حضور داشتند. قاضی ابوالحسن ماوردی و سلیم رازی و ابوعلی سنجی و ابوالحسن محاملی از شاگردان وی بودند. ابوحامد در بغدا وفات یافت، پیکر او را به خارج از بغداد حمل کردند. در تشییع جنازه وی انبوه عظیمی از مردم دارالسلام شرکت داشتند. پس از تغسیل، به امامت ابوعبداللّه بن مهتدی، خطیب جامع منصور، بر وی نماز گزاردند و جنازه او را به شهر آوردند و در سرایش به خاک سپردند. در سال 416 ق قبر او را شکافتند و جثه‌ی او را بیرون آوردند و در باب حرب دفن کردند. از جمله آثار وی: «بستان فی النوادر و الغرائب»؛ «التعلیقة الکبری فی الفروع»، تعلیقات بر «شرح المزنی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 203)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 278)، تاریخ بغداد (370 -368 /4)، ریحانه (120 -119 /1)، سیر النبلاء (197 -193 /17)، الکامل (281 -280 /7)، کشف الظنون (424 -443، 244)، الکنی و الالقاب (26 -25 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحامد اسفراینی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای 344 و 406)، معجم البلدان (212 /1)، معجم المؤلفین (65 /2)، نامه‌ی دانشوران (73 -65 /2)، الوافی بالوفیات (358 -357 /7)، وفیات الاعیان (74 -72 /1)، هدیة العارفین (71 /1).

اسفرنجانی، محمدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی اسفرنجانی (والد ماجد حاج میرزا ابوالقاسم محمدی در سال) در سال 1300 قمری در قمری در قریه اسفرنجان گلپایگان به دنیا آمده و بعد از رسیدن به مراحل امکان کسب فضیلت مقدمات را در گلپایگان فراگرفت
و سپس به منظور تحصیل علم و دانش به اصفهان عزیمت نمود و چند سالی را در خدمت اساتید با فضیلت آن شهر تلمذ نمود و بعد از طی مراحلی به گلپایگان مراجعت و سپس به عزم زیارت بیت‌اللّه به مکه معظمه مشرف شد و در مراجعت از مکه در نجف اشرف رحل اقامت افکند و در خدمت استاد کل مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و سایر اساتید آن مهد علم و فضیلت اشتغال به تحصیل داشت تا اینکه به مقام شامخ اجتهاد مطلق نائل گردید و با اخذ اجازه اجتهاد از محضر آن آیت‌اللّه بزرگوار به ایران مراجعت فرموده و یکی دو سال با عموی بزرگوارش مرحوم حاج میرزا عبدالکریم که در آن موقع مرجعیت عامه داشت در قسمت انجام خدمات اجتماعی و مجاهدات دینی همکاری فرمود و بعد از رحلت ایشان زمام امور را به دست گرفت و با قصد قربت و خلوص نیت در انجام وظائف مرجعیت دینی کوشا و ساعی بود و چون از نظر معیشت در رفاه بود و احتیاج به کسی نداشت و عموم مردم هم می‌دانستند که او در کار خود هدفی جز تحصیل رضای خدا ندارد. در بین طبقات مردم محبوبیت خاصی داشت و عمری را با حسن نیت و محبوبیت و نفوذ معنوی گذراند و در اثر همین نیت پاک و خلوصی که در کارها داشت صرفا به نیت تقرب به خدا انجام وظیفه می‌نمود بعد از رحلتش یکی از صلحاء با فضیلت او را در خواب دید و بدون توجه به اینکه او مرحوم شده است از او احوال‌پرسی نمود. و ایشان در جواب پرسش او فرموده بود (یا لیت قومی یعلمون بما غفرلی ربی و جعلنی من المکرمین)- ای کاش نزدیکان من می‌دانستند که چگونه خدا مرا آمرزید و مورد مرحمت خود قرارم داد (آیة 25 سور یس)
رشته تحصیلات او علوم قدیمه بود ولی در دوران مرجعیتش با همه گرفتاریهائی که داشت و با کسالتی که همیشه دامن‌گیرش بود مطالعات دامنه‌داری در رشته‌های گوناگون از علوم جدیده داشت و توانسته بود که در این قسمت هم در ردیف یکی از دانشمندان فرهنگ روز به شمار بیاید

شاهد این مدعی مقالات ارزنده‌ایست که در مجلات دعوت اسلامی و غیره از او منتشر شده و جلب نظر دانشمندان آن عصر را نموده و در اثر همین نبوغ علمی آثاری از خود باقی گذاشت که در رأس آنها کتابی بنام توحید محمدی است و کتب در رد منحرفین نوشته و مقالات گوناگونی در رشته‌های مختلف از خود به یادگار گذاشته که متاسفانه هیچ یک به طبع نرسیده است بالاخره عمری را با تقوی و حسن نیت و اخلاص عمل گذرانیده و در سن شصت و یک سالگی در ماه رمضان 1361 هجری در تهران مرحوم شده و در ارض اقدس قم مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسکافی مروزی، ابوحنیفه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 451 ق)، فقیه، حکیم و شاعر. او را بعضی اهل مرو و برخی اهل غزنین می‌دانند. لقب اسکافی وی به این دلیل بود که پدر یا اجداد وی کفشگر بودند، البته در بعضی از منابع شغل خودش را نیز کفشگر نوشته‌اند. در زمان سلطنت سلطان مسعود غزنوی می‌زیست، و علاوه بر شاعری مسند تدریس نیز داشت، و مردمان را رایگان علم و ادب می‌آموخت. او دارای «دیوان» شعر نیز بود و ابوالفضل بیهقی اشعار وی را در تاریخ خود آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (655/2)، تاریخ ادبیات در ایران (403 -398 /2)، تاریخ بیهقی (274 و 381 ،380 ،275)، تاریخ نظم و نثر (44)، چهارمقاله (9)، دایرةالمعارف فارسی (29/1)، الذریعه (40/9)، ریحانه (76 -75 /7)، سخن و سخنوران (198)، شاعران بی‌دیوان (596 -587)، لباب‌الالباب (175/2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحنیفه‌ی اسکافی)، مجمع الفصحا (216 -208 /1)، هفت اقلیم (332/1).

اسماعیل پور، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی اسماعیل پور
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
شروع به علوم قدیمه از سال 1335 شمسی در شهرضا و بعد از طی مقدمات و قسمتی از سطوح عالی و فراگیری فلسفه و کلام و مقداری طب قدیم و مقداری هیئت در سال 1339 وارد حوزه علمیه قم شدم.
بعد از تکمیل سطح عالی حوزه در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مباحث فلسفی را نیز تکمیل و در طول خواندن درس خارج به مباحثات علمی و تدریس سطح عالی و علوم اعتقادی مشغول بوده ام و بعد از دوره هائی از تدریس کفایة الاصول از سال 1357 شمسی به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بوده که هم اکنون هم ادامه دارد و فعلاً دوره سوم تدریس خارج اصول برقرار می باشد.
در سخنرانی بعد از نماز جماعت چه در قم و چه در شهرضا (قمشه) در ایام مناسب و تعطیلات حوزه مثل ماه مبارک رمضان و تابستان با توفیق الهی یکدوره تفسیر کامل قرآن برای مردم گفته شده است و دوره دوم نیز تاکنون به سوره یونس رسیده است.

اشتهاردی، علی‌پناه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ علی پناه اشتهاردی عالمی عامل و فاضلی کامل و باتقوای حوزه علمیه قم و دارای قدس و متانت و زهد و معنویت می‌باشد در سال 1339 قمری در قصبه اشتهارد متولد شده و در سنین کودکی به تحصیل علوم پرداخته و در سال 1360 قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را از حاج شیخ یحیی اشتهاردی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم ادیب تهرانی خوانده و قوانین‌الاصول را از آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حایری و آقای حاج شیخ عبدالرزاق قائینی استفاده نموده و سطوح را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کرمانی و حاج سید صادق شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله زنجانی و علامه طباطبائی فراگرفته و 18 سال تمام در درس خارج فقه و اصول علامه کبری آیت‌الله العظمی بروجردی و نیز چندی از مرحوم آیت‌الله صدر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم بروجردی از محضر زعماء و مراجع حاضر استفاده کرده و می‌نماید.
آثار علمی ایشان از مخطوط و مطبوع به قرار زیر است:
1- تقریر بحث صلوه جمعه مرحوم آیت‌الله بروجردی به ضمیمه بعضی از مطالب مستفاده از بحث آیت‌الله گلپایگانی به انضمام نظر شخصی خود مخطوط.
2- تقریر بحث آیت‌الله بروجردی کتاب ضمان و غصب وارث الزوجه و منجزات المریض و بیشتر از صلوه و کفایه تا آخر بحث حجیه الاجماع.
3- تقریر بحث آن مرحوم از مباحث الفاظ
4- مدارک العروة در 25 جلد مشتمل بر شرح جمیع مسائل عروه سه جلد مطبوع و بقیه مخطوط.
5- کتاب هفت ساله چرا صدا درآورد.
6- تعلیمات اخلاقی برحسب درخواست بعضی از علماء بزرگ ناحیه اصفهان.
7- مقاله‌ای به نام یک جزوه از تعلیمات اخلاقی در حکومت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام.
8- شرکت در کتاب جامع‌الاحادیث مرحوم آیت‌الله بروجردی.
9- شرکت در بعضی تعلیقات و پاورقی ایضاح الفوائد فخر المحققین در 4 جلد مطبوع.

10- تعلیقه بر عروه الوثقی از مبحث اجتهاد و تقلید.
11- تعلیقه بر وسیله النجاه مرحوم آیت‌الله اصفهانی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اشراقی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1368 -1313 ق)، عالم، مفسر، خطیب و شاعر. حجت‌الاسلام اشراقی در قم متولد شد. مقدمات و سطوح را نزد پدرش و سایر مدرسین مانند حاج شیخ ابوالقاسم کبیر فراگرفت و عمده‌ی تحصیلات خود را نزد آیت‌اللّه حائری به پایان برد و از برجسته‌ترین شاگردان وی بود. او سرانجام به مقام اجتهاد نایل آمد و در فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان صاحب‌نظر گردید. در حیات آیت‌اللّه حائری به تدریس فقه و اصول و حکمت و کلام پرداخت. اشراقی طبع شاعری نیز داشت. در تهران درگذشت و در قم در مسجد بالا سر دفن شد. از آثار وی: «تفسیر سوره‌ی یوسف» و «تفسیر سوره‌ی اعلی و ن والقلم». آثار دیگری از او بجا مانده که به چاپ نرسیده از جمله: «اربعین»؛ تقریرات فقه «مکاسب» آیت‌اللّه حائری؛ و تعلیقاتی برکتب فقهی و اصولی.[1]
میرزا شهاب‌الدین بن العالم الجلیل و الخطیب الجمیل میرزا محمدتقی اشراقی یکی از افاضل حوزه و حفید مرحوم آیت‌الله ارباب می‌باشد.
در سال 1302 شمسی در شهر مذهبی قم به دنیا آمده و اوان کودکی را در مهد تربیت والد ماجد خود گذرانیده و تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم موفق شده و به زبان فرانسه مسلط گردیده و ضمنا علوم قدیمه ادبیات و منطق را نزد والد خود خوانده و پس از آن در سال 1321 شمسی رسما در سلک روحانیت درآمده و در مدت سه سال سطوح فقه و اصول را نزد اساتید حوزه تمام نموده و درس خارج را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی شروع کرده و در سن بیست و پنج سالگی پدر را از دست داده و یکسال پس از آن با وصلت کردن با مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی... پدر روحانی بزرگی خداوند تعالی نصیبش فرموده که از محضر درس و جلسات خصوصی وی بهره‌های وافری برده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و مدت دوازده سال تمام از محضر آیت‌الله... (ابوالزوجه) خود خوشه‌چینی کرده و در ضمن در رشته معقول از اساتید فن استفاده نموده و در فن تفسیر از محضر درس پدر و زحمات فراوانی که خود متحمل گشته مهارت تامی پیدا نموده و هم به تدریس فقه و اصول اشتغال دارد از تالیفات ارزنده مطبوع ایشان کتب زیر می‌باشد:
1- پاسداران وحی که در بحث امامت کتاب کم نظیریست که با معیت

آقای محمد فاضل نوشته است.
2- چهره‌های درخشان بحث در آیه تطهیر 3- سخن حق در تفسیر در 20 مجلد که دو مجلد آن به چاپ رسیده است اما کتب چاپ نشده ایشان 1- دانستنیهائی از اسلام 2- شرح بر عروةالوثقی که کتاب طهارت آن تکمیل است و در نظر دارد دماء ثلاثه را که کتاب مستدل نفیسی است علیحده چاپ نماید 3- فی الاحوط والاقوی که فتاوی مراجع را بر حاشیه عروه مورد بحث قرار داده است.
میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمد ارباب یکی از علماء و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سال 1313 ق در قم متولد شده و در مهد تربیت پدری چون مرحوم علامه ارباب نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از والد خود و سایر اساتید و آیات عظام قم مثل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگران آموخته تا در سلک شاگردان مبرز مرحوم آیت‌الله حایری درآمده و عمده تحصیلات را از آن بزرگوار تحصیل نموده و از برجسته‌ترین شاگردان آن مرحوم به شمار می‌رفته است
مرحوم علامه اشراقی دارای مقام اجتهاد و حقا در هر علم و فنی از فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان حایز آن مقام منیع بود و از زمان مرحوم آیت‌الله حایری تدریس فقه و اصول و کلام و حکمت و تفسیر را با بیانی شیرین می‌نمود و مخصوص در فن خطابه و ابتکارات منبری و تحقیق در مطالب در عصر خود کم‌نظیر بود علم خود را به زیور حلم و وقار و تواضع و حسن اخلاق آراسته و در این فضائل گوی سبقت از بسیاری از اقران خود ربوده بود به قدری مهارت و استادی در تطبیق مطالب داشت و حق مطلب را اداء کرده و داد سخن می‌داد که عقول مات و خردها حیران می‌ماند، در 25 ماه رمضان 1368 در تهران سکته قلبی نموده و جنازه‌اش با احترام فوق‌العاده‌ای حمل به قم و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردید.
تالیفات ایشان که مطبوع شده تفسیر سوره یوسف و سوره ن والقلم و غیر مطبوع اربعین در حدوث و تقریرات فقه مکاسب مرحوم آیت‌الله حایری و تعلیقاتی بر کتب فقیه و اصولیه و حکمت و فلسفه می‌باشد مانند مرحوم والدش دارای طبع روان و ذوق فراوان بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (219/26)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (184 -183 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (338 -337 /2)، مؤلفین کتب چاپی (246 -245 /2).

اشرفی استرآبادی، نظام‌الدین، عبدالحی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 959 ق)، فقیه، متکلم و ادیب. در استرآباد متولد شد ولی، اصل وی از جرجان بود. او از شاگردان محقق کرکی بود و همواره پی‌گیر تحصیل معقول و منقول. از استرآباد به هرات رفت و به خاطر مهارتش در علوم مختلف مورد توجه سلطان حسین بایقرا قرار گرفت و از سوی وی به تدریس در مدرسه‌ی گوهرشادبیگم اشتغال یافت. پس از تسلط شاه اسماعیل صفوی بر خراسان، امیر غیاث‌الدین محمد بن یوسف به قضاوت خراسان منصوب گشت و پس از استعفای او عبدالحی استرآبادی به جای او نشست و تا سال 930 ق در کمال احترام در هرات قضاوت کرد و به نشر علوم دینی و معارف اسلامی مشغول بود. سرانجام وی از ترس دشمنان به قصبه‌ی کوهبنان کرمان پناه برد و در آنجا به تألیف پاره‌ای از کتب خویش به درخواست عده‌ای از شاگردانش پرداخت. از جمله شاگردان وی ابن‌قمر شجاع‌الدین محمود کرکی است. وی در کرمان درگذشت. از جمله آثار وی: شرح کبیر «الفیه» شهید اول و شرح متوسط «الفیه» که در کرمان تألیف کرده است؛ ترجمه‌ی «الفیه‌ی شهید»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه»؛ حاشیه بر حاشیه‌ی سید شریف بر «شرح شمسیه»؛ «الخطب»؛ حاشیه بر «شرح الهدایه الاثیریه» میبدی؛ حاشیه بر «فرائض النصیریه»؛ رساله‌ای در علوم مختلف مانند منطق و کلام و فقه که در 959 ق تألیف نموده است؛ «لسان الالهام»؛ «معراج الخیال»، منظومه‌ی فارسی؛ «المعضلات»، در مشکلات علوم فقهی و حکمی‌که در عهد شاه‌طهماسب صفوی به سال 959 ق تألیف شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حبیب السیر (615 -614 /4)، الذریعه (139، 89 /6، 81 /4، 189 /2)، روضات الجنات (189 -187 /4)، ریاض العلماء (90 -87 /3)، ریحانه (202 -201 /6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 120 -119 /10)، معجم المؤلفین (108 /5)، هدیه العارفین (508 /1).

اشرفی اصفهانی، عطاالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه، مجتهد.
تولد: 1279، سده اصفهان (خمینی شهر).
شهادت: 23 مهر 1361، کرمانشاه.
آیت‌الله میرزا عطاءالله اشرفی اصفهانی پس از آموختن مقدمات در خمینی شهر در سن دوازده سالگی رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و پس از ورود به اصفهان در مدرسه‌ی نوریه واقع در بازار عتیق سکونت کرد. ادبیات و سطح را نزد اساتید حوزه‌ی علمیه اصفهان، حضرات آیات عظام محمد حسین فشارکی و سید مهدی درچه‌ای تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات سطح فقطه و اصول، برای ادامه تحصیل و کسب علوم اسلامی در سن بیست سالگی رهسپار حوزه علمیه قم گردید و در سال 1350 ق. در آن شهر اقامت گزید و مدت یک سال از آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی ، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، کسب علم نمود. پس از فوت آیت‌الله العظمی حائری، نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه کمره‌ای آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر مدت ده سال به کسب علم مشغول بود. همچنین مدتی از آیت‌الله فیض کسب دانش نمود. ایشان تمامی دروس آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری را نوشته‌اند. آیت‌الله اشرفی منظومه حکمت و اسفار را نزد حضرت امام خمینی (ره) فراگرفتند. پس از ورود آیت‌الله سید حسین بروجردی به حورزه‌ی علمیه‌ی قم و اقامت در قم، آیت‌الله اشرفی مدت دوازده سال از محضر درس ایشان بهره گرفت و تمامی دروس فقه آن فقیه را نوشت.
آیت‌الله اشرفی اصفهانی سپس به تدریس دروس سطح رسائل و مکاسب در حوزه اشتغال ورزید و شاگردانی تربیت کرد. ایشان از مراجع تقلید آیات عظام اصفهانی، خوانساری، کوه کمره‌ای، صدر بروجردی، شیرازی و شاهرودی اجازه در امور حسبیه گرفتند و در سن چهل سالگی توسط آیت‌الله العظمی خوانساری برای ایشان اجازه اجتهاد صادر شد. در سال 1342 نیز از حضرت امام خمینی (ره) وکالت مطلق و نمایندگی در سال 1342 برای وی صادر شد. ایشان وکالت مطلق از آیت‌الله گلپایگانی نیز داشتند.
از جمله خدمات آیت‌الله اشرفی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تجدید

بنای مسجد ولی عصر (ع) در خمینی شهر، ساختمان مسجد امام حسین (ع) در خمینی شهر، ساختمان مکتب‌الزهرا، تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی امام خمینی در کرمانشاه، مسئولیت امور تبلیغی روحانیون تسنن استان کرمانشاه (که از سوی امام به عهده ایشان واگذار شده بود).
پس از تأسیس مدرسه‌ی علمیه در شهر کرمانشاه در سال 1334 توسط آیت‌الله سید حسین بروجردی ایشان به همراه مدرس‌های دیگر از قم به کرمانشاه رفتند. پس از فوت آیت‌الله بروجردی ایشان در همان جا باقی ماندند. وی از جمله کسانی بود که پس از شهادت فرزند امام، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مجلس بزرگداشت همراه با اعلامیه‌ی چاپ شده برگزار کرد. آیت‌الله اشرفی چندین بار مورد تهدید رژیم پهلوی قرار گرفت اما به واسطه نفوذ مردمی‌اش، نتوانستند تبعیدش کنند. زمانی که رژیم عراق امام خمینی (ره) را از عراق اخراج کرد، آیت‌الله اشرفی ساعت سه نیمه شب در منزل دستگیر و پس از یک ساعت توقف در ساواک به اتفاق حجت‌الاسلام بهاءالدین عراقی به تهران برده و در کمیته‌ی شهربانی در سلولی بازداشت کردند.ولی وی بر اثر فشار مراجع تقلید پس از چند روز آزاد شد. در هنگام اوج گیری انقلاب، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و مردم را به شرکت در کلیه‌ی راهپیمایی‌ها و اعتصابات دعوت می‌نمود. اولین راهپیمایی که همزمان با راهپیمایی تهران بود و درعید فطر سال 1357 رخ داد، به دعوت ایشان پس از انجام نماز عید از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مجسد آیت‌الله جامع انجام شد. آیت‌الله اشرفی امام جماعت مسجد آیت‌الله بروجردی بود. همچنین پس از انقلاب، در ذی‌العقده 1391 ق. (1385) از سوی بینانگذار انقلاب، به امامت جمعه شهر کرمانشاه منصوب شدند که تا پایان عمر امام جمعه همین شهر بودند.
آیت‌الله اشرفی اصفهانی در بیست و سوم مهر 1361 در کرمانشاه به شهادت رسید.
عطاء اصفهانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر کرمانشاه است.
معظم له در حدود 1338 قمری در سه‌ده (خمینی‌شهر) اصفهان متولد شده و پس از رشد و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح در اصفهان به قم مهاجرت نموده و پس از پایان و تکمیل سطوح عالی از مدرسین بزرگ حوزه چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و بعد مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه صدر و پس از ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی از محضر و ابحاث آنجناب استفاده وافی و کافی و ضمناً تدریس سطح فقه و اصول نموده تا هنگام تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه و بناء مدرسه آن مرحوم به امر معظم له به اتفاق چند نفر از علماء و مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و بعضی از اعلام دیگر به

کرمانشاه عزیمت و تا حال بیش از بیست سالست که در مسجد مدرسه مزبور به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج آقا عطاء اصفهانی از دانشمندان موصوف به فضل و کمال و تقوا و متانت و بیش از سی سالست که افتخار شناسائی معظم له را دارم عالمی متقی و متصف به اوصاف جمیله و محامد اخلاق و ملکات فاضله می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اشرفی بارفروشی مازندرانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1315 -1215 ق)، مجتهد و عالم شیعی. معروف به حجت یا حاجی اشرفی. وی در بهشهر و بارفروش به تحصیل پرداخت و در خدمت استادان عهد خویش از جمله سعیدالعلمای مازندرانی بارفروشی تلمذ کرد. سپس به عتبات رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری درس خواند. پس از بازگشت، در بارفروش اقامت گزید و در میان مردم نفوذ فراوان یافت، چنان که نسبت کرامت به او دادند. وی معاصر تنکابنی صاحب «قصص العلماء» است. از آثارش: «اسرار الشهاده»، به زبان فارسی ؛ «شعائر الاسلام»، در مسائل حلال و حرام؛ و رساله‌ای در عبادات و برخی معاملات.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (2/ 46، 14/ 191)، ریحانه (1/ 128- 129)، طرائق الحقائق (3/ 652)، قصص العلماء (123- 124)، گنجینه‌ی دانشمندان (3/ 160- 161)، لغت‌نامه (ذیل/ اشرفی)، المآثر الآثار (143- 144)، مکارم الآثار (3/ 678- 679).

اشرفی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی معروف به حاج شیخ آقا بزرگ اشرفی بن العالم الجلیل الشیخ علینقی بن الفاضل البارع شیخ محمدعلی بن العالم الکامل حاج ملا عباس شاهرودی از مجتهدین عالیمقام و شخصیت‌های برجسته علمی معاصر مقیم شاهرود بودند.
معظم له در سال 1307 ق در دهکده (پرو) به دنیا آمده و در کودکی پدر را از دست داده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات در سال 1328 ق برای کسب فیض و کمال رهسپار مشهد مقدس گردیده و از محضر اساتید و شخصیتهای برجسته‌ای ماند آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی و حاج میرزا محمد آقازاده کفائی و اساتید بزرگ بهره‌مند شده و به مراتب علمیه‌ای نائل گشته.
به طوری که مشار بالبنان و به تدریس فقه و اصول پرداخته و حوزه درسش مجمع فضلاء و طلاب گردیده تا در سال 1340 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتین علم چون مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه محقق حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده کامل نموده و مبانی علمی و استقامت رأی و خوش‌فکری او مورد اعجاب حضرات آیات واقع شده و در مقام شهادت درباره مقام علمی ایشان مرحوم آیت‌اللّه نائینی در تاریخ ذی‌حجه 1349 ق چنین مرقوم دارند.
(جناب العالم العامل والفاضل الکامل صاحب الفکرة القویه والسلیقة المستقیمه عمدة المجتهدین العظام المؤید المسدد التقی الزکی الشیخ آقا بزرگ الاشرفی الشاهرودی ادام اللّه تعالی تأییده و افضاله... ادرک مناه و نال مبتغاه فهو بحمداللّه تعالی من المجتهدین المبرزین العظام و له العمل بما استنبطه و یستنبطه من الاحکام...)
و مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی چنین مرقوم فرمودند (جناب العالم الفاضل التقی قدوة الانام رکن الاسلام آقا بزرگ الشاهرودی قد هاجر الی النجف الاشرف لتحصیل العلوم الشرعیه فنال بحمداللّه و منه ما هو فوق المراد و فاز الملکة القدسیة و صار بحمداللّه مجتهدا ذکیا صفیا یحرم علیه التقلید و وجب علیه العمل بما استقر به رأیه).
پس آن بزرگوار با دریافت اجازات اجتهاد در سال 1353 قمری بواسطه کسالت و معالجه به ایران برگشته.

و پس از چند ماهی توقف در شاهرود به مشهد مقدس مسافرت و علماء و فضلاء حوزه مشهد تقاضای اقامت و تشکیل حوزه درس نموده.
و ایشان هم برای مدتی اجابت و شروع به تدریس و افاضل خراسان مانند علامه وحیدی خراسانی و علامه شاهرودی و دیگران از محضر و درسش کسب فیض نموده و در اثر پیش‌آمد حادثه مسجد گوهرشاد ناچار به مراجعت به شاهرود و به اقامه جماعت و تدریس و رتق و فتق امور شرعی و اداره حوزه علمیه شاهرود گردیده تا در روز جمعه دوم شوال‌المکرم 1394 قمری که در اثر سکته قلبی بدرود حیات گفته و مردم شاهرود و حوزه‌های علمی قم و نجف و مشهد را قرین سوک و ماتم خود نمودند.
آثار علمی مغفور له از اینقرار است.
1- دوره کامل تقریرات مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی 2- دوره کامل تقریرات نائینی قدس سره 3- الروائع الفقهیه که سه جلد آن بطبع رسیده است 4- رسالة فی التقیة والعدالة وارث الزوجه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اشعری قمی، ابوجعفر احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، عالم و فقیه امامی. از فرزندان جماهر بن اشعر بود که در قم می‌زیست. از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) است، و درک فیض محضر آنان را نموده است. شیخ طوسی او را محدثی ثقه خوانده است. وی شیخ قمییون و فقیه برجسته آنان به حساب می‌آمد. حاکم قم در امور شهری همواره جویای نظر و رای او بود. از آثارش: کتاب «التوحید»؛ کتاب «فضل النبی (ص)»؛ کتاب «المتعه»؛ کتاب «النوادر»؛ «الاظله»؛ «الناسخ و المنسوخ»؛ «فضائل العرب». کتاب «الطب الکبیر»؛ کتاب «الطب الصغیر»؛ کتاب «المکاسب»، که این سه کتاب اخیر در «هدیه العارفین» به ابوجعفر احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن عیسی قمی (م 350 ق) نسبت داده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (3/ 144- 146)، الذریعه (16/ 261، 275، 477، /4)، رجال ابن‌داود (قسم 1/ 43)، رجال الطوسی (397، 366)، رجال النجاشی (1/ 216- 218)، ریحانه (1/ 130)، الفهرست لابن الندیم (312)، الفهرست للطوسی (47- 46)، لسان المیزان (1/ 393)، لغت‌نامه (ذیل/ اشعری)، معجم رجال الحدیث (317، 317- 318)، معجم المؤلفین (2/ 142)، هدیه العارفین (1/ 63).

اشکوری، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1325 -1322 ق)، فقیه اصولی امامی. در جوانی به اتفاق برادرانش سید جعفر و سید مرتضی به نجف رفت و در محضر استادانی چون میرزای و میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شد. سپس خود مقام مرجعیت یافت و به تربیت شاگردان پرداخت. در اواخر عمر به بیماری دماغی مبتلا شد و دچار نسیان گشت و از مقلدان خود خواست که فتاوی وی را به کار نبندند و از مجتهد دیگری تقلید کنند. در نجف درگذشت و همان جا دفن شد. آثار وی: «بغیه الطالب فی حاشیه المکاسب» که شرح «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری است؛ «جواهر العقول فی شرح فرائد الاصول» که شرح «رسائل» شیخ مرتضی انصاری است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (2/ 416)، الذریعه (5/ 272، 3/ 133)، ریحانه (1/ 134- 135)، علماء معاصرین (86)، لغت‌نامه (ذیل/ اشکوری)، معجم المؤلفین (8/ 125).

اشکوری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1349 ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در اشکور گیلان به دنیا آمد. پس از فراگیری خواندن و نوشتن و یادگیری قرآن، در چهارده سالگی به قزوین رفت و مقدمات علوم متداوله را نزد فضلای مدرسین مدرسه‌ی صالحیه آموخت. فقه و اصول را نزد سید علی قزوینی- صاحب حاشیه بر «قوانین» و «معالم»- و حکمت و فلسفه را از میرزا عبدالوهاب برغانی فراگرفت. سپس به نجف رفت و مدارج عالی اجتهاد را در حوزه‌ی درس میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ عبدالله مازندرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی و شیخ محمد حسن ممقانی پیمود. و آن‌گاه به تدریس پرداخت. جمعی از طلاب در حوزه‌ی درس وی تربیت شدند. پس از فوت برادرش سید اسدالله اشکوری در سال 1333 ق به جای وی، در حرم حضرت امیرالمومنین (ع) به امامت پرداخت. در کاظمین درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «الادله العقلیه»؛ حاشیه بر «رسائل و مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه بر «کفایه‌ی» آخوند خراسانی؛ «القضاء و الصوم و البیع»؛ «مباحث الالفاظ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (5/ 458)، ریحانه (1/ 135)، لغت‌نامه (ذیل/ اشکوری).

اشکوری، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید موسی اشکوری موسوی از علماء بزرگ گیلان و مقیم شهرستان لنگرود و از شاگردان مبرز مرحومین علمین آیتین آقای آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و آقای آقا سید محمدکاظم یزدی و دیگران بوده و در لنگرود و حومه آن مرجعیت تامه و عامه داشتند و در حدود سال 1370 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

اشگوری، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی حسینی اشگوری از علماء اعلام معاصر تهران است.
وی در حدود سال 1334 ق متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را از مدرسین نجف آموخته و پس از تکمیل متون فقه و اصول از محضر آیات عظام و مراجع اعلام چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقای حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللّه میرزا ابوالحسن مشگینی و آیةاللّه کمپانی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بعد به ایران مهاجرات و در تهران رحل اقامت افکنده و تاکنون در مسجد حاج محمد اسمعیل حوری واقع در کوچه مشاور تهران به اقامه جماعت و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام و خدمات دیگر اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای اشگوری عالمی متین و دانشمندی جلیل و بزرگوار و موصوف بفضل و تقوا و مورد توجه مردم تهران و بالاخص خیابان خراسان و غیره میباشد.
فرزند ارجمندش جناب حجه‌الاسلام آقای آقا سید ضیاءالدین اشگوری از افاضل حوزه علمیه قم میباشد. وی تولدش در نجف واقع شده و در خدمت والد به تهران و پس از خواندن اولیات به قم مهاجرت و ادبیات و سطوح را از مدرسین حوزه خوانده و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و دراسات برخی از آنان را برشته تحریر درآورده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اشنی قودجانی، محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد حسین اشنی
وی فرزند حاج ملاّ محمّد قودجانی است که در حدود سال 1285 ق. در قودجان گلپایگان دیده به جهان گشود. شیخ محمّدحسین که آوازه ی حوزه ی علمی اصفهان و پیشینه ی کهن آن را بارها شنیده بود راهی اصفهان شد و از محضر رجال علمی و دانشمندان نامی این شهر بهره های فراوان برد. از جمله اساتید وی در دارالعلم اصفهان می توان به حضرات آیات عظام: میرزا ابوالمعالی کلباسی، میر سیّد محمدتقی مدرّس ، آقا شیخ محمدتقی نجفی و سیّد محمدباقر درچه ای اشاره کرد. مرحوم قودجانی که از دوستان صمیمی و هم‌مباحثه ای های نزدیک آیت اللّه بروجردی و آیت اللّه ارباب بوده است، ازمحضر آخوند کاشی و احتمالاً جهانگیرخان قشقایی نیز استفاده کرده است.مرحوم حاج شیخ محمدحسین پس از استفاده از محضر فقیهان و حکیمان نامی اصفهان، راهی عتبات عالیات شد و با نظرات و دیدگاه های فقها و دانشمندان آن دیار نیز آشنا گشت. مرحوم آیت اللّه حاج شیخ محمدحسین قودجانی پس از بازگشت از نجف، به خواهش یار و دوست صمیمی اش زعیم اعظم مرحوم آیت اللّه بروجردی، راهی روستای أشن در شمال غربی نجف آباد شد تا به تبلیغ و ترویج احکام آیین اسلام بپردازد. ایشان سالیان سال در قریه ی أشن سکونت اختیار نمود و از همین رو به «أشنی» نیز شهرت یافت. حاج شیخ محمدحسین قودجانی پس از سال‌ها اقامت در أشن، سرانجام در ده سال آخر عمر خود، به اصرار برخی از علما به اصفهان بازگشت و در مدرسه درب کوشک، به تدریس خارج فقه و اصول همّت گمارد و عدّه ای از فضلا، از محضرش بهره مند می‌شدند. از جمله بزرگانی که به درس ایشان حاضر می شده مرحوم آیت اللّه علاّمه میر سیّد حسن مدرّس هاشمی اصفهانی و فرزند خودشان مرحوم آیت اللّه حاج شیخ نورالدین قودجانی أشنی بوده‌اند. به گفته مرحوم مدرس درس ایشان عمیق و تحقیقی بود و افاضل وقت در درس معظم له شرکت می کرده اند. آیت اللّه قودجانی، مهارت بسزایی در فقه و اصول داشت و بعضی از علما، وی را اعلم فقهای اصفهان ومجتهد طراز اول شهر می دانستند. مرحوم حاج آقا صدر کوهپایی به فقاهت ایشان معترف بود و مرحوم مدرس، بارها، از مراتب علمی و فضایل اخلاقی آیت اللّه قودجانی سخن می گفت و سلامت نفس و پاکی

روح او را می ستود. حاج شیخ محمد حسین قودجانی فقیهی پرهیزکار و عالمی عابد و زاهد و مجتهدی بزرگ بود و زهد و وارستگی او زبانزد همگان بود و خواص علما و بزرگان اصفهان به وی ارادت می ورزیدند. به ویژه مرحوم آیت اللّه ارباب که تقوی و خداترسی مرحوم قودجانی و اعراض او از هوای نفسانی را بسیار می ستوده است. آیت اللّه قودجانی با اینکه از علمای طراز اول اصفهان بود و محل عنایت و توجه خاص زعیم اعظم آیت اللّه بروجردی داشت، امّا به خاطر سال‌ها گوشه گیری و انزوا و نیز بواسطه ی اینکه امام جماعت نبود، اغلب مردم او را نمی شناختند و جز خواص، کسی با او مراوده نداشت.
حاج شیخ محمدحسین قودجانی در چهارم ماه مبارک رمضان سال 1375 قمری جهان فانی را بدرود گفت و در داخل بقعه ی استادش میرزا ابوالمعالی کلباسی مدفون گردید.
روز وفات ایشان در اصفهان غوغایی برپا بود و مراسم تشییع باشکوهی در تجلیل از مقام شامخ علمی و معنوی این عالم ربّانی برگزار شد. مرحوم حاج آقا رحیم ارباب در روز وفات این دوست و یار صمیمی‌اش، مسجد خود را تعطیل نمود و به جمع مؤمنین تشییع کننده پیوست و نماز را بر پیکرِ ایشان خواند
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصطخری، ابوسعید حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(328 -224 ق)، فقیه عراق و قاضی. دوست و همردیف ابن‌سریج بود. مدتی قاضی قم و زمانی سرپرست امور حسبیه بغداد بود. مقتدر عباسی او را عهده‌دار منصب قضاوت سیستان کرد. سعدان بن صنر و حفص ربالی و احمد رمادی و عباس دوری از مشایخ او؛ و دارقطنی و ابن‌شاهین و محمد بن مظفر و ابن‌جندی از شاگردان وی بودند. ابواسحاق مروزی گوید که چون به بغداد رسیدم جز ابن‌سریج و ابوسعید اصطخری کسی را شایسته استادی خود ندیدم. او در بغداد درگذشت و در مقابرالدیر (مقبره معروف کرخی) دفن شد. اصطخری کتابی در قضا تألیف کرده که حاکی از سعه‌ی اندیشه و شناخت اوست و به گفته‌ی خطیب بغدادی هیچ کس تا آن زمان همانند این کتاب تألیف نکرده است. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «ادب القضاء» یا «ادب القاضی»، بر اساس مذهب شافعی؛ کتاب «الاقضیه»؛ «الفرائض الکبیر»؛ کتاب «الشروط و الوثاق و المحاضر و السجلات»؛ شرح «المستعمل»، در فروع فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2/ 192)، تاریخ بغداد (270 -268 /7)، ریحانه (1/ 142)، سیر النبلاء (252 -250 /15)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (392)، الفهرست لابن‌الندیم (300)، کشف الظنون (1674، 1395، 47)، الکنی و الالقاب (37 -36 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ اصطخری و حسن استخری)، معجم المؤلفین (3/ 204)، نامه‌ی دانشوران (259 -258 /8)، وفیات الاعیان (75 -74 /2)، هدیه العارفین (1/ 269).

اصطهباناتی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1339 -1258 ش)، فقیه و مجتهد. مشهور به میرزا آقا مجتهد. وی در اصطهبانات فارس متولد شد و تحصیلات خود را در نجف در محضر میرزا محمد تقی مجتهد شیرزای و سایر علمای نجف به پایان رساند و به اخذ اجازه‌ی اجتهاد نائل شد و مرجع تقلید گشت و در نجف اقامت گزید. برخی آثار وی عبارت است از: «حاشیه علی العروه الوثقی»؛ «ذخیره العباد»؛ «صراط النجاه»، ترجمه فارسی «وسیله النجاه»؛ «طریق النجاه»؛ «وسیله النجاه» و «مناسک».[1]
حاج سید ابراهیم معروف بحاج سید میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی از مراجع تقلید نجف پس از فوت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی بودند که بسیاری از مردم فارس از ایشان تقلید میکردند.
محدث محلاتی در کتاب اختران تابناک گوید وی مردی محقق مدقق متکلم (در علم کلام) فقیه و دانشمند جامع علم معقول و منقول بود او در نجف اشرف یکی از معلمین فقه و اصول حقیر بود.
بنده در نجف اشرف رسائل شیخ مرتضی انصاری رضوان‌الله علیه را در مسجد هندی نزد او خواندم بجان خودم قسم در این مدتی که من باوی معاشرت داشتی لغزشی از او ندیدم و نشنیدم. وی مردی خوش اخلاق، بخشنده خوش بیان، کثیرالعلم، باذکاوت، کشنده‌نفس، زاهد و از زخارف دنیوی بیزار بود.
بسیاری از دانشمندان و مراجع من جمله حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله نزد وی تلمذ نموده و سطوح را از وی فرا گرفته نسبت بحقیر مؤلف این گنجینه عنایتی داشت و اجازه جامعی برایم مرقوم فرمودند در نجف از دنیا رفته و در یکی از حجرات صحن مطهر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (47 -46 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (102 /3)، مؤلفین کتب چاپی (34 -33 /1).

اصطهباناتی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله الشیخ محمد باقر بن عبدالمحسن بن سراج‌الدین اصطهباناتی شیرازی عالمی بزرگ و حکیمی جلیل بوده است.
در اصفهان از محضر علامه شیخ محمد باقر بن محشی (معالم) استفاده نموده و از آنجناب نائل بدریافت اجازه گردیده و مراجعت بشیراز نموده و مرجع تدریس و امور شرعی گشته و تنافری بین او و حاکم شیراز شده و از آنجا بسامرا مشرف و و در درس آیه‌الله مجدد شیرازی شرکت و پس از فوت آن بزرگوار بنجف اشرف مهاجرت و بتدریس و اقامه جماعت پرداخته تا سال 1319 ق که بشیراز مراجعت و مقبول عام و خاص گردیده و زعامت عامه و ریاست تامه یافته تا در انقلاب مشروطه در سال 1326 ق با سید احمد معین و غیره بشهادت رسیده و عالم جلیل‌القدر سید محمد شفیع کازرونی بوشهری در رثاء و ماده تاریخ فوتش سرود (تاریخ فوت الشیخ مغفوراتی).
دارای تألیفات ارزنده‌ای مانند رساله حدوث العالم و رساله مبسوطی در احکام الدین و غیره بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصفهانی ، سید ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آیت الله حاج سید ابو الحسن اصفهانی رحمة الله علیه یکی از بزرگترین علما و مراجع شیعه در قرن اخیر است که متجاوز از سی سال در رأس حوزه نجف از اساتید بزرگ فقه و اصول بود و بعد از فوت مرحوم حائری و مرحوم نائینی زعامت و مرجعیت جهان تشیع به معظم له منتهی شد. در سال 1284 در یکی از قصبات اصفهان متولد شد و ابتدا چند سال در اصفهان مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را به پایان برد و سپس وارد حوزه عراق شد و سالها از کرسی درس آیات عظام: مرحوم سید استاد، آخوند خراسانی، علامه یزدی، مجاهد شیرازی، و آقا شریعت اصفهانی به خوبی بهره مند بود و خود به درجه اجتهاد و استادی ارتقاء یافت. آیت الله اصفهانی یکی از مدرسین بزرگ حوزه نجف بود که پس ازفوت علامه یزدی حوزه درس او محل استفاده اعلام بزرگ و فضلای متعدد قرار گرفت. آیت الله اصفهانی مجتهدی اصولی، محققی مدبر، استادی کامل و دانشمندی جامع علوم فقهی بود. او عمری در حوزه نجف در کوران بحثهای مختلف علمی و فقهی قرار داشت و خود سرآمد اقران گردید. مرحوم اصفهانی دانشمندی متقی و مجسمه ای از فضائل انسانی و معالم دینی و اخلاقی بود. این پیکر تقوی و صبر و استقامت، از مسیر علم و عبادت چنان پیشرفتی نمود که مورد توجه خاص اولیای خدا قرار گرفت و از امدادهای غیبی و توجهات خاصه بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه برخوردار گشت، و از او در دوران زعامت و سرپرستی کرامات و عجایبی مشاهده شد که مسلما مورد توجهات باری تعالی و ولی امر او بوده است. نوشته اند معظم له در موارد لزوم ضمن تماس با سرور انس و جان نارسائیهای حوزه و حوایج ضروری جهان تشیع را مرتفع می ساخت. مرحوم آیت الله اصفهانی را دولت انگلیس با مبالغی زیاد قصد داشت استعمار کند. سفیر آنها به اتفاق نوری سعید تقاضای ملاقاتی درخلوت به او پیشنهاد نمود نپذیرفت.آخر الامر سفیر به اتفاق نوری سعید وارد جلسه عمومی که آیات و شیعیان در حضور آقا بودند به خدمت رسید و ضمن سخنانی مزورانه چکی سنگین از طرف دولت متبوع خود تقدیم آقا نمود. مرحوم اصفهانی آن چک را با مبالغی زیادتر (جهت هزینه مسلمانان و شیعیان مستضعف و مستمندانی که همه توان خویش را به اضافه عزیزان خود در جنگهای بین الملل از دست داده بودند) به سفیر و نوری سعید مسترد داشت و فرمود

اگر داشتیم (مبسوط الید بودیم) خیلی بیش از اینها در راه اسلام و مسلمین مصرف می نمودیم. سفیر در مراجعت از خانه آقا، گفته بود ما خواستیم او و پیروان او را بخریم! اما او ما و دولت انگلیس را خرید!! جهانیان زعما و سران مختلف ممالک و مذاهب را با زعمای شیعه مقایسه نمایند و خود قضاوت کنند!! آنگاه پی به حقانیت اسلام و تشیع سرخ علوی که در رأس آن پیامبر بزرگ اسلام و علی و اولادش علیهم السلام بازو به بازو با اقیانوس علوم تشریعی (و تکوینی) ایستاده و خونها داده اند خوب بنگرند! و قضاوت نمایند!! و سپس به حقیقت و روح اسلام پی ببرند. مرحوم آیت الله اصفهانی عمری طولانی در راه خدمت به اسلام و مسلمین به خوبی پیش رفت و خود وسیله نجات بود و وسیلة النجاتی نیز جهت عمل مقلدین به رشته تحریر برد و فضلا و دانشمندانی به جهان تشیع تحویل داد. فرزند عالم و مجتهد او سید حسن موسوی اصفهانی را بعد از نماز مغرب در حضور آقا به دستور استعمارگران و نوکران ابله سربریدند و او که در مقابل خدا بود خم به ابرو نیاورد. معظم له که خواستار رضای خدای متعال و بقای اسلام عزیز بود بعد از مدتی قاتل ابله را نیز پیامبر گونه بخشید. مرحوم آیت الله اصفهانی سالها از دست استعمارگران و نوکران داخلی آنها در رنج بود و مدتی تبعیدی کشید و از دست ددمنشان منافق ناراحتیها و آزارهای روحی دید ولی تحمل می فرمود. و در عین حال که از رنج مسلمین و شیعیان غافل نبود، خود عمری ایستاد و در راه انجام وظائف و ابلاغ رسالت خویش کوتاهی ننمود، و سرانجام در ششم ذیحجه سال 1365 روانش از زندان تن آزاد شد و به لقای حق نائل گردید و در کنار صحن مرتضوی مدفون شد. با مرگ او همانگونه که به یاد دارید جهان اسلام و تشیع به ماتم عظیمی فرو رفت که فقدان این گونه افراد ثلمه ایست بر پیکر اسلام که لایسدها شیء. یادآوری: بعد از مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی رحمة الله علیه، با آنکه به مراجع و آیاتی بزرگ بر می خوریم، اما سرانجام زعامت و مرجعیت جهان تشیع به مرحوم آیت الله بروجردی منتهی شد. روان همگان شادتر باد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

اصفهانی آل محمد، علی‌نقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، شارح، مجتهد.
تولد: 1284.
درگذشت: 24 اردیبهشت 1364.
سید علی‌نقی اصفهانی آل محمد دیباج معروف به «فیض الاسلام» ناظم و شارح قرآن مجید، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه. ایشان از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، ضیاءالدین عراقی، محمد کاظم شیرازی اجازه اجتهاد داشتند و نیز صاحب اجازه روایتی از آیت‌الله علی اکبر نهاوندی و محدث قمی بودند. فیض‌الاسلام برای نخستین بار نهج‌البلاغه را به فارسی زبان‌ها معرفی کردند و به ترجمه و شرح و چاپ این کتاب در شش جلد (جلد اول آن در سال 1325 منتشر شد) همت ورزیدند. اثر دوم ایشان، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه است که در جمادی‌الاولی 1375 ق. منتشر شد. وی در ترجمه صحیفه مطالب و نکاتی از علمایی مانند شیخ بهاءالدین میرداماد، سید علی‌خان هندی، سید جزایری و دیگران که در نشرهای خود بیان نمودند و مطالبی از کتاب‌های تاریخ، اخبار، فقه لغت، حکمت و کلام به اختصار و ساده آورده است. ترجمه و خلاصه تفسیرش به نام قرآن عظیم در سه مجلد و به خط میرزا طاهر خوشنویس تبریزی است و پس از چهارده سال تحقیق به چاپ رسید، از آثار دیگر اوست: ترجمه خاتون دو سرا: شرح حال زینب کبری (س) (تهران، 1366) الثقلان فی تفسیر القرآن: سوره مبارکه فاتحة الکتاب (تهران، 1366).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اصفهانی قهدریجانی، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از اجله‌ی فضلا و فقهاء، و از شاگردان آخوند خراسانی بوده که پس از وفات استاد، به سامرا رفته، و دو سال به درس میرزا محمد تقی شیرازی حاضر شده، سپس به ایران جهت زیارت حضرت رضا علیه‌السلام مشرف شده، و پس از برگشتن، در کربلا در 7 شعبان 1334 وفات یافته، در ایوان بزرگ معروف به مقبره‌ی میرزا موسی دفن شده. عالمی خلیق و مهربان بوده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی مسجد شاهی، نورالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ مهدی معروف به حاج آقا نور اللّٰه فرزند حاج شیخ محمّد باقر، عالم سیاسی، و مجتهد عالیقدر. در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و نجف نزد علما تحصیل نموده، پس از مراجعت به ایران در عداد علمای سیاسی و متنفّذ قرار گرفته، در جنگ بین الملل اوّل در اثر سوء سیاست و اغوای جمعی، به نفع آلمانها اقداماتی نمود و خود و دیگران را رسوا نموده و در مجلس موسسان اول، و خلع سلطنت از خاندان قاجار، از اعضای مؤثر بوده، و در 15 ربیع الاول سال 1346 به پاره‌ای جهات با جمعی از علمای اصفهان به قم مهاجرت نموده، و سرانجام پس از مدّتی توقّف در آنجا و نتیجه نگرفتن از مهاجرت و تفرقه علما، در شب غرّه رجب سال مزبور در قم وفات یافته، جنازه به نجف اشرف منتقل گردید.
انصاری درباره او گوید: حاج شیخ نور اللّٰه دارای خلالی خوب و خصالی نامطلوب بود. در حیا، و تواضع، و حلم، و علم، و شجاعت، و شهامت، و عدم خدیعت، و لطف مجاورت، و حسن بیان در معاشرت عین القلاده آقایان مسجد شاه می‌نمود، که از پاره‌ای حرکات دیگران و تکفیر و تفسیق مردم برائت داشت، ولی در سخاوت و صرف اوقات را به تدریس یا به رسیدگی حال ارباب حاجات، کوتاهی می‌آمد. سیاستش همه حبّ ریاست بود! و پیشرفت اندیشه خود، و مقیّد به نیک و بد در سرانجام امر نبود. بختی بلند، و ثروتی گرامند داشت.
مادّه تاریخ وفاتش را انصاری گوید:
بدا فی وجهه نور و غابا
لذا ارّخت (غاب مهبط النور)
کتب زیر از آثار اوست:
1- خصال الشیعه 2- دیوان اشعار عربی و فارسی 3- شرح حال شیخ محمد حسین برادر خود؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، ابوالسعادات اسعد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 635 ق)، فقیه امامی. مشهور به ابن‌سفر و یا ابوالسعادات اصفهانی. وی از شاگردان علی بن قطب‌الدین راوندی و از اساتید و مشایخ خواجه نصیرالدین طوسی، میثم بن علی بحرانی و سید رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس بود. از آثار وی: کتاب «اکسیر السعادتین»، که حاوی کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین (ع) است و احتمالا همان کتاب «مجمع البحرین و مطلع السعادتین» است که جمع بین کلمات قصار پیامبر (ص) به نقل از «الشهاب» و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) به نقل از «نهج‌البلاغه» می‌باشد؛ «توجیه السؤالات فی حلّ الاشکالات»؛ «جامع الدلائل و مجمع الفضائل»، در امامت؛ «رشح الولاء فی شرح الدعاء»، درباره‌ی دعاء صنمی قریش؛ «الفائق علی الاربعین فی مناقب امیرالمؤمنین (ع)»، در اثبات امامت حضرت امیرالمؤمنین (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (3/ 297- 298)، ایضاح المکنون (573 /1)، الذریعه (22 /20، 91- 90 /16، 236 /11، 52 /5، 476، 353، 336 /1)، روضات الجنات (110 /1)، ریاض العلماء (82 -81 /1)، ریحانه (124 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 17 /7)، لغت‌نامه (ذیل/ اسعد)، معجم المؤلفین (247 /2).

اصفهانی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین عالم متقی آقای حاج شیخ ابوالفضل اصفهانی نجفی از علماء محترم و دانشمندان معظم حوزه علمیه قم می‌باشد. در تاریخ 9 ذی‌الحجه 1334 ق در محله بیدآباد اصفهان متولد شده و تا 1354 در اصفهان مشغول به تحصیل مقدمات بوده و پس از آن حرکت به نجف اشرف نموده و سطوح عالیه را نزد اساتید عظام چون آیت‌الله خوئی و آقامیرزا محمدباقر زنجانی خوانده و بعد از آن سه سال از محضر علامه مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده اصول نمود، و بعد از فوت آن مرحوم از محضر آیات عظام آن سامان چون آیت‌الله خوئی و کاظمینی و آیت‌الله آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و آقا سید جمال گلپایگانی استفاده نموده و در سال 1370 به واسطه ابتلاء به کسالت سل ریوی ناچار به مراجعت از نجف به ایران شده و تا حدود دو سال در تهران به معالجه پرداخته و پس از آن برای عدم تمکن به معاودت به نجف برای کسالت مزبور به قم المحمیه مشرف و از محضر علامه المتاخرین آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده و ضمنا به تدریس متون فقه و اصول مشغول و تاکنون که یکی از مدرسین محترم حوزه می‌باشند و در مسجد امام برای عده‌ای تدریس می‌کنند.
از تالیفات و آثار ایشانست 1- حاشیه‌ای بر مکاسب 2- دوره اصول مستقل 3- رساله‌ای در جمع بین حکم ظاهری و واقعی 4- رساله‌ای در قاعده فراغ و تجاوز 5- مختصری در طهارت و صلوه 6- کتابی در جمع احادیث مربوط به مواعظ و فضل و مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام 7- جوهر النضید فی شرح فروع التقلید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اصفهانی، ابوالمجد شیخ محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1362 -1287 ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. مشهور به آقا رضا اصفهانی. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را از سید ابراهیم قزوینی فراگرفت و سپس به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و شریعت اصفهانی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیباللّه ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد. در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول از نجف اشرف به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد» یا «اثبات حجیت ظن طریقی»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب «معالم الدین فی فقه آل‌طه و یس»؛ «سمط اللآل فی معرفة الوضع و الاستعمال» یا «جلیة الحال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین»؛ «وقایة الاذهان»؛ «الایراد و الاصدار»؛ تعریب «السیرو السلوک» منسوب به آیةاللّه بحرالعلوم؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (25/ 133، 24/ 277، 12/ 287، 9/ 363، 7/ 79، 5/ 127، 4/ 213، 452، 2/ 488)، ریحانه (7/ 252- 253).

اصفهانی، ابوالمجد محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1362 -1287 ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را فراگرفت و در پانزده سالگی به نجف رفت و به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و سید ابراهیم قزوینی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌الله ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد و در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب معالم‌الدین فی فقه آل‌طه و یس؛ «سمط اللآل فی الوضع و الاستعمال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین و دحض شبهات المبطلین»؛«وقایه الاذهان»؛ «اداء المفروض فی شرح ارجوزه العروض»؛ «استیضاح المراد من قول الفاضل الجواد» و «الامجدیه» در اعمال ماه رمضان.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (5/ 127، 4/ 452)، ریحانه (7/ 252- 253).

اصفهانی، ابوشجاع احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 434- وف ح 500 ق)، فقیه شافعی. اصل خاندان او از اصفهان بود، و پدر وی در آبادان و خود او در بصره متولد شد. او در بصره بیش از چهل سال به تدریس فقه اشتغال داشت. زمانی هم منصب قضا یافت. وی کتابی مختصر در فروع فقه شافعی به نام «الغایة فی الاختصار» یا «المختصر» یا «التقریب» دارد، که منشأ یک رشته آثار در فقه شافعی گردید و از سده هفتم تا سیزدهم شروح فراوان بر آن نوشته شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران اسلام (8/ 1057)، کشف الظنون (1625)، معجم المؤلفین (1/ 199)، هدیة العارفین (82 -81 /1).

اصفهانی، جمال

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج شیخ جمال‌الدین بن حاج شیخ محمدباقر اصفهانی برادر مرحوم حاج آقا نورالله که پس از فوت برادرش به قم آمده و منبرهای داغ و با حرارت و پرسوز و گدازی رفت و سر و صدائی بلند کرد آن عالم جلیل از رؤساء علمای اصفهان بود در سال 1284 متولد شده در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرده آنگاه مهاجرت به نجف و در درس مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی تلمذ نموده و سپس به اصفهان مراجعت کرده در جنگ بین‌الملل اول در سال 1332 روسها به تهرانش بردند و تا آخر عمر در آنجا ساکن و از مراجع عالیقدر به شمار می‌رفت یکی دو سال قبل از فوتش تبعید به اصفهان شده و در شب یکشنبه 25 جمادی‌الاولی 1354 وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید معظم له از علماء متنفذ و محبوب‌القلوب عندالخواص والعوام بود شبهای جمعه در جوار حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و هم در موقعی که در اصفهان بود در تخت‌فولاد در تکیه میرزا رفیعا احیاء می‌گرفت و جمع کثیری در آن شرکت می‌نمودند در اصفهان در مسجد شیخ لطف‌الله و در تهران در مسجد حاج سید عزیزالله بازار امامت می‌فرمود.
ماده تاریخ وفاتش را دانشمند بزرگوار آقای معلم حبیب‌آبادی ضمن قطعه‌ای گفته است:
بماه و سال و تاریخ وفاتش
بگفت این شعر با حالی مرفه
جمادای یکم در بیست و پنجم
(جمال‌الدین بجنت رفت ناگه)
والده ماجده‌اش از سادات اخوی تهران دختر عموی داماد گرامی نگارنده آقای سید حسین تقوی تهرانی (سادات اخوی) و زوجه اولیه‌اش دختر مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسن عراقی متولد 1325 و متوفی 1347 می‌باشد.
(1354 -1284 ق)، فقیه و امام جمعه. در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرد. آن‌گاه به نجف رفت و در محضر میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی تلمذ کرد، سپس به اصفهان بازگشت. در اوایل جنگ جهانی اول به علت مخالفت با روسیه‌ی تزاری از اصفهان به تهران تبعید شد. وی از علمای طراز اول تهران و یاران مدرس و مدتی نیز امام

جمعه‌ی تهران بود. حاج آقا جمال از هنگامی که رضاخان می‌خواست جمهوریت را پی‌ریزی کند با او به مخالفت برخاست و سرانجام به اصفهان تبعید شد. وی در همان جا درگذشت و شایع شد که توسط عوامل رضاخان مسموم شد.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تذکره القبور (237 -236)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (191 -189 / 1)، گنجینه‌ی دانشمندان (236 -235 / 1).

اصفهانی، حاجی ابو تراب

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از صلحای دهر، و از مصاحبین مولی محمّد باقر مجلسی بوده، و به افاده فقه و حدیث مشغول، و اقوالش در شرعیّات معتمد علیه، و روزگاری به آسایش داشته، در سال 1110 وفات یافته است.
پسرش حاجی ابوطالب نیز از محدّثین بوده و پس از پدر، به چند سال فاصله وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، عبدالجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی از علماء مبرز و محترم حوزه و شاگردان برجسته مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدعلی عراقی و آیت‌الله العظمی بروجردیست که به فضل و دانش موصوف و مشهور است تولدش در حدود 1323 قمری در خمینی‌شهر اصفهان واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات به قم هجرت نموده و از محاضر معظم‌لهم و بعض اساتید دیگر استفاده نموده و چند سالی هم از طرف مرحوم آیت‌الله بروجردی برای تدریس و اداره مدرسه علمیه کرمانشاه به آن سامان مهاجرت ولی دوام نیاورده و به قم مراجعت و تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد و مورد توجه مخصوص آیت‌الله العظمی گلپایگانی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالله بن حسن

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم عامل، و فقیه کامل، متوفی در سال 1184 بوده، قبرش نزدیک قبر خواجوئی در تخت فولاد.
ماده تاریخ وفاتش را صهبا گوید:
از جهان رفت آه عبدالله
زان در اخلاق و فضل کامل حیف
کلک صهبا نوشت تاریخش
حیف زان زبده‌ی افاضل حیف
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد رضی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل فقیه مجتهد و عادل، از دانشمندان گمنامی است که در اصفهان در قرن 13 می زیسته، و مانند هزاران عالم دیگر بدون اسم و رسم زندگی نموده و بدرود حیات گفته است. از آثارش اجازه اجتهادی است که به نام آقا سید محمد حسن مجتهد موسوی بعد از سال 1244 نوشته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی فرزند حاج میرزا حسین نایب‌الصدر عالمی جلیل و محققی کامل و بی‌نظیر از رؤساء علماء اصفهان و مدرسین بزرگ آن سامان بود در اصفهان مقدمات علوم را تحصیل نموده و جهت تکمیل به نجف اشرف مهاجرت کرده در خدمت جمعی از اساتید بزرگ آنجا مانند آقای آخوند خراسانی و علامه‌ی یزدی تلمذ فرموده و از خواص شاگردان مرحوم آخوند گردید و در تصنیف کتاب کفایةالاصول یار و معین استاد بوده و حتی برخی از اهل اطلاع قسمتی از تحقیقات کفایه را از ایشان می‌دانند. پس از مراجعت به اصفهان مرجعیت کلی در تدریس و فتوی یافت جمعی کثیر از فضلاء این شهر از شاگردان ایشان محسوب می‌شوند در سال 1345 باتفاق مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا نوراللّه و علماء دیگر به قم آمده و تا چند ماه تشکیل جلسه درس و مباحثه داده و فضلاء برجسته از محضرش برخوردار می‌شدند تا بعد از فوت مرحوم حاج آقا نوراللّه به اصفهان مراجعت و به وظائف مقرره روحانی خود پرداخت تا در جمعه هفتم جمادی‌الاولی سال 1348 وفات نموده و در بقعه‌ی سیدالعراقین مدفون گردید.
جزواتی در فقه و اصول نوشته و تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود را به رشته‌ی تحریر درآورده لکن متأسفانه به طبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

اصفهانی، منیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا منیر اصفهانی عالمی فاضل و زاهدی جلیل از بزرگان فقهاء و مجتهدین و از روساء علماء و محققین. در 21 رجب 1269 در بروجرد متولد گردیده و مقدمات علوم را آموخته و جهت تکمیل علوم به اصفهان مهاجرت و به درس حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی حاضر شده و مدتی در سامرا درس آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن مجدد شیرازی را درک نموده و سپس به اصفهان مراجعت و با کمال عزت و احترام و قدرت و نفوذ بین الخواص و العوام می‌زیسته و در مسجد ایلچی اقامه جماعت و در منزل تدریس می‌نموده و خصوصاً در علم رجال و درایه احاطه کامل داشته و کتب چندی تالیف نموده از آن جمله است.
1- الفیه در شرح حال علماء و اساتید خود 2- تتمیم منظومه بحرالعلوم در فقه 3- ترجمه حال عده‌ای از رواة 4- رساله در فرق بین نافله و فریضه 5- منظومه‌ای در اصحاب اجماع 6- منظومه در اصول 7- رساله مستقله‌ای در شرح حال رواة 8- جوابات مسائل استدلالی به طریق جامع‌الشتات و غیره ایشان از حاج شیخ محمدباقر و شیخ زین‌العابدین مازندرانی روایت احادیث نموده و عده‌ای نیز از او اجازه روایت دارند آن بزرگوار در ظهر روز دوشنبه 17 ربیع الثانی 1342 وفات و در تکیه ملک مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

اصفهانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم مبرور علم الفقهاء و الاعلام آیت‌اللّه العظمی فی الانام آقا میرزا محمدمهدی اصفهانی غروی ابن المرحوم حجةالاسلام میرزا اسمعیل اصفهانی از مشاهیر علماء عظام و مدرسین گرام مشهد مقدس بوده‌اند تولد آن بزرگوار در سال 1303 قمری هجری در شهر اسفهان واقع شده و در مهد پرورش والد ماجدش که از صلحاء و اخیار ملاکین اصفهان بوده‌اند تربیت یافته و تحصیلات ادبی و مقدمات و اندکی از اصول و فقه را در اصفهان خدمت اساتید آن زمان خوانده و پس از فوت مرحوم والدشان زیر نظر حجةالاسلام آیت‌اللّه آقای حاج آقا رحیم ارباب تحت سرپرستی ایشان بوده‌اند و با نظر ایشان برای ادامه تحصیل به عتبات عالیات مشرف شده و بر حسب توصیه و سفارش آقای ارباب خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید اسمعیل صدر رضوان اللّه علیه مشرف شده و تحت سرپرستی علمی و سلوک روحانی آن بزرگوار واقع گردیده و علاوه بر تحصیلات فقه و اصول با مبانی معنوی و عوالمی روحانی مرحوم صدر که از خواص اصحاب اسرار مرحوم آخوند حاج ملا فتحعلی اراکی بوده‌اند آشنا شده و از عوالم معنویات و اخلاقیات و سیر و سلوکهای شرعی و حتی آن بزرگواران بهره‌مند گردیده سپس به امر مرحوم آیت‌اللّه صدر مذکور به نجف اشرف مشرف و در مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی شرکت و در عین اشتغال به تحصیل فقه و اصول با مرحوم آیت‌اللّه آقا سید احمد کربلائی و مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ محمد بهاری که دو شاگرد ممتاز مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی رضوان‌اللّه علیهم بوده‌اند مخالطه و موانست کامل پیدا نموده و در وادی سیر شرعی روحانی و سلوک ایمانی این جمع وارد شده و مقداری خود را از آب و گل بیرون کشیده و با معاشرین دیگری از اصحاب سلوک از قبیل مرحوم حاج سید علی قاضی و مرحوم آیت‌اللّه عالم ربانی حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و غیرهم آمیزش داشته تا در اوان جار و جنجال و انقلاب امر مشروطه به اتفاق آیت‌اللّه آقای سید جمال مزبور و چند نفر معدود دیگر خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقامیرزا حسین نائینی قدس‌اللّه سره مشغول به تحصیل فقه و اصول سامره و شیخ می‌شوند و کلیه مطالب شیخ انصاری را که مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا حسن شیرازی تنظیم و تهذیب نموده بودند و به توسط مرحوم سید استاد محمد فشارکی به میرزای نائینی و اصل شده بود تماما را در مدت چهار و پنج

سال تشرف خدمت مرحوم میرزای نائینی ثبت و ضبط نموده و در نتیجه به همه مبانی سامره‌ایها و مبانی نجفیها احاطه کامل حاصل فرمود و در عین حال مراحل سیر نفسی را هم بهایه تجرید و خلع بدن رسانیده و کاملا خود را از آب و گل بیرون می‌کشد و از اقیانوس معارف صاحب علم جمعی قدس اللّه اسراره شطوط و انهاری جاری می‌سازد.
شطی در اصول آل الرسول و نهری در فقه اکبر اهل‌البیت که شامل معارف مبدئی و معادی و انفسی و آفائی کتاب و سنت است و خلاصه پیش از تشرف حضور مقدس حضرت بقیةاللّه ارواحناه فداه در وادی السلام سر قبر حضرت هود و صالح موفق به تحصیل کمالات مذکوره می‌گردد و در حدود سنه 1345 قمری هجری مشرف به ارض اقدس رضوی شده و مجاورت مشهد مقدس را اختیار و به تدریس و تعلیم و تربیت طلاب و مدرسین حوزه مشهد پرداخته و علاوه بر تعلیم علوم نقلیه و القاء معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام پیوند ولایت بسیاری از اهل علم را با شجره ملکوتیه ولی عصر حضرت بقیةاللّه ارواحنا فداه محکم و مستحکم فرموده و آنان را به ثمرات ولایتی بارور نموده و این خدمت ادامه داشت تا در آخرین انخلاع و تجریدی که برای آن بزرگوار دست داد درخواست نقل از این نشانه از دربار احدیت کرده و مستجاب شده به فاصله چند روز از این درخواست روز پنجشنبه 19 ذی‌الحجه سال 1365 هجری قمری ندای غیبی را لبیک اجابت گفته و بر اثر سکته از دنیا رحلت فرمود و در تاریخ فوت ایشان علامه محقق جناب حاج شیخ محمود حلبی که از تلامذه و ارادتمندان ایشان بود سرود.

یوم الخمیس تلوعید الغدیر
نال الی لقاء حی قدیر
قلت لعام فقد هادینا
غاب من الاعین مهدینا

مرقد شریفش در وسط دار الضیافه آسنانه مبارکه رضویه است. دانشمند معظم جناب آقای غروی فرزند آن مرحوم در مقدمه کتاب دین و فطرت می‌نویسد: حضرت آیت‌اللّه عالم عامل فقیه اهل‌البیت آقای آقا میرزا مهدی اصفهانی اعلی اللّه مقامه الشریف متولد سال 1303 هجری قمری فرزند مرحوم مبرور حجةالاسلام آقای حاج شیخ اسماعیل طاب ثراه می‌باشد.
مرحوم میرزا پس از دوران کودکی مقدمات و سطوح عالیه را نزد اساتید اصفهان منجمله نزد پدر بزرگوارش به اتمام رسانیده سپس به نجف اشرف رهسپار می‌شوند. مدت کمی از محضر مقدس حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه العظمی ملا محمدکاظم خراسانی استفاده می‌کند و بعد از فوت مرحوم آخوند خراسانی و

حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه العظمی صدر اصفهانی به محضر مقدس محقق کامل علامه محترم آقای میرزا محمدحسین نائینی قدس‌اللّه سره حاضر می‌شوند.
بنابر فرموده خود آن مرحوم در شبانه‌روز سه درس در مبانی فقه و اصول در خدمت ایشان اشتغال داشتند اول کسی که در درس خصوصی ایشان شرکت می‌کند مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید جمال گلپایگانی بودند و تا هنگام ختم درس تلامذه مرحوم میرزای نائینی به هفت نفر رسیدند و تا چهارده سال از محضر درس مرحوم نائینی استفاده نموده و در سن سی و پنج سالگی موفق به دریافت اجازه اجتهاد از مراجع بزرگ نجف می‌شوند بالاخص اجازه مرحوم میرزای نائینی که در موقع حرکت به ایران به ایشان داده شده کم نظیر می‌باشد.
بعد از دوران فقه و اصول نزد اساتید فن به اشتغال پرداختند و به فرموده خودشان چون قواعد فلسفی را کافی برای نیل به حقایق ندیدند ناچار متوجه مطالب عرفان شدند و در خدمت مرحوم آقا سید احمد استاد اخلاق معروف به کربلائی که از افاضل درس عارف کامل آقای ملا حسینعلی همدانی بودند به تحصیل معارف و اخلاق و تهذیب نفس اشتغال ورزیدند، بعد از چندی استاد محترمشان تصدیق‌نامه نیل به معارف و وصول به مقام معرفه‌النفس را به ایشان عنایت کردند
مرحوم میرزای والد در یکی از جلسات به بعضی از افاضل این موضوع را متذکر شدند و فرمودند به اینکه به مطالب فلسفه و عرفان کاملا آشنا و وارد بودم.
نفس خود را قانع به این معارف نمی‌دیدم به علاوه آنچه بر من گران می‌آمد عدم مطابقت بین قرآن و روایات مبارکات با مطالب فلسفه و عرفان بود که آموخته بودم و این امر مشکلی بود و برای من ناچار متوسل به حضرت بقیه‌اللّه حجة بن الحسن العسکری علیه‌السلام شدم و در مواقع متعدد به مسجد سهله می‌رفتم و استغاثه والتجاء و تضرع به حضرتش داشتم و از آن حضرت استمداد می‌طلبیدم آخرالامر عنایات و الطاف خاصه آن حضرت شامل حالم شد طریق و اصول به معارف قرآن برای من آشکار گردید چون به برکت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف حقیقت مطلب بر من ظاهر گشت تمام جزواتی که در مدت اشتغال به فلسفه و عرفان نوشته بودم از همه آنها اعراض کرده در شط کوفه انداختم و با خود عهد کردم در معارف قرآن غیر از کلمات عترت طاهره که مفسرین قرآن هستند نظریه احدی را قبول نکنم و دست از آیات و روایات برندارم و متشابهات آنها را بر محکمات حل نمایم و مانند کسانی نباشم که مطالبی را به رای و قیاس می‌پردازند و چون خود را منتسب به شرح می‌دانند برای بافته‌های فکر خود به متشابهات آیات و روایات متمسک می‌شوند و با نظر

خود آن را تاویل و توجیه می‌کنند
مرحوم والد چون به مشهد مقدس مشرف شدند متوسل به حضرت ثامن‌الائمه (ع) شدند به تعلیم و تدریس مشغول می‌شوند پس از اندک زمانی فضلاء حوزه علمیه خراسان پروانه‌وار اطراف شمع وجودشان جمع گشته از سرمایه علم و معرفتش بهره‌مند می‌شوند.
مرحوم میرزای والد حدود 28 سال به افاضه و افاده اشتغال داشتند و حوزه درسشان در بین حوزه‌ها ممتاز و تلامذه ایشان مشار بالبنان بوده و به فوائد و فیوضات بسیار نائل شدند.
مرحوم فقید سعید به قدری در نشر معارف قرآن و علوم اهل بیت رسالت (ع) کوشا بودند که در ایام تعطیلی حوزه هم به تدریس معارف و اصول اخلاق اشتغال داشتند کسانی که از درس اخلاق و معارف آن مرحوم مستفیض شده‌اند الحق در اخلاق و تقوا امتیاز بخصوصی دارا هستند.
مرحوم میرزا مباحث اصول را در سه دوره بیان فرمودند دوره اول مفصل و مسبوط مطابق معمول و مرحوم بین فقهاء و اصولیین قدس‌اللّه اسرار هم دوره دوم مطالب خود را با بیان و تحقیق کامل اثبات می‌فرمودند.
دوره سوم قواعد مهمه اصولی را که برای استدلال احکام فقهی لازم است بطور اختصار بیان فرموده و تقدیرات آن نزد افاضل شاگردان آن مرحوم موجود است.
عده‌ای از افاضل تلامذه مرحوم میرزا معارف ایشان را به اندازه‌ای که مقتضی میدانستند در جلسات درس خود و در نوشتجاتشان افاده فرموده‌اند.
نگارنده گوید در سال 1364 قمری که در مشهد اقامت داشتم به مباحثه حج ایشان شرکت نموده و استفاده میکردم و با بیان مخصوص بخود که از هیچ مدرسی در مشهد و قم و نجف ندیدم درس گفته و با بیان مطلب می‌فرمودند و خاطرم هست که در معنای حج فرمودند الحج فی اللغة القصد و فی اصطلاحنا قصد العاشق نحو بیت معشوقه شاگردان و تلامذه آن بزرگوار از مفاخر دانشمندان حوزه مشهد مقدسند.
معظم آنهایی که به خاطر دارم افراد زیرند.
1- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ غلامحسین مهامی.
2- آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی.
3- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی.
4- آیت‌اللّه حاج کاظم دامغانی.
5- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ زین العابدین مازندرانی.
6- آیت‌اللّه حاج میرزا جواد تهرانی.
7- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید جلال مدرس.
8- آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی مروارید.

9- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمود کلباسی.
10- آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر صدرزاده.
11- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین قاضی طباطبایی.
12- حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود حلبی واعظ.
13- حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی نمازی.
14- حجةالاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی.
و ده‌ها نفر دیگر که هر کدام از دانشمندان طراز اول ایران می باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(304/302 -230/225 ق)، مفسر، متکلم، فقیه، محدث، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ناصر کبیر. جد مادری شریف رضی و شریف مرتضی است. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام هادی (ع) آورده است. حاکم طبرستان بود و از این رو که بر اثر اصابت شمشیری در نبردگاه کر شده بود به اطروش خوانده می‌شد. وی در فقه و دین علامه بود و در شعر توانا. ابن ابی‌الحدید گوید که او صاحب سیف و قلم و از بزرگان فقهای امامیه و شیخ طالبیین و عالم و زاهد و ادیب و شاعر ایشان بود. او اسلام را در میان ساکنان ساحل دریای خزر نشر داد و در حدود دویست هزار دیلمی و گیلانی به دست وی ایمان آوردند، و او را در شهرهای آنان مساجدی بنا کرد. به گفته‌ی طبری و ابن‌اثیر او حاکمی عادل و نیک سیرت بود و مردم همانند او را در عدل و برپایی حق و حسن روش ندیدند. وی سرانجام در آمل طبرستان درگذشت و مزارش در همان شهر زیارتگاه عموم است. تالیفات و آثار وی بیش از سیصد کتاب بوده است. از جمله آثارش: «اصول الدین»؛ «الامالی»؛ «الامامه الصغیر»؛ «الامامه الکبیر»؛ «امهات الاولاد»؛ «البساط»، در علم کلام؛ «تفسیر الاطروش»، در دو مجلد که در آن به 1000 بیت از 1000 قصیده احتجاج کرده؛ «الفقه الناصریه» که شریف مرتضی علم‌الهدی آن را شرح و تصحیح کرد و «المسائل الناصریات» نامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (216/2)، اعیان الشیعه (184 -179 /5)، الذریعه (299/16، 261/4، 315، 308 /2)، رجال الطوسی (412)، رجال النجاشی (171 -170 /1)، روضات الجنات (253 -251 /2)، ریحانه (98/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 92/4)، الکامل (148/6)، الکنی و الالقاب (232/3)، لغت‌نامه (ذیل/ اطروش)، مروج الذهب، ترجمه (690/2)، معجم المولفین (252/3).

اعتمادی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس اعتمادی بن حجةالاسلام عالم فاضل آقا سید محمود بن حجةالاسلام آقا سید رضی بن العالم الجلیل آقا سید مهدی کاشانی از علماء و فضلاء معاصر کاشانست پدرانش همگی از سلسله سادات و علماء کاشان بوده‌اند- وی در 29 ماه ذی‌الحجه 1348 قمری در کاشان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به ارشاد والدش به تحصیل علوم عربی پرداخته و مدت دو سال ابتداءاً در حوزه مرحوم آیت‌اللّه یثربی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمود نجفی اشتغال داشته.
و در سال 1326 شمسی به قم مهاجرت نموده و تا سال 1334 شمسی اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مدظله و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد استفاده نموده و نیز از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی اراکی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی عراقی بهره‌مند شده و مدت چهار سال از دروس خارج آیات عظام مذکور کامیاب گردیده آنگاه به مشهد مقدس رضوی مشرف و دروس حکمت و فلسفه را در آنجا از مرحوم کلباسی و استاد فیض استفاده کرده سپس مشرف به نجف و در مدرسه آیت‌اللّه بروجردی اقامت و از اول ورود به حوزه درس آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظلله حاضر و نزدیک دو دوره از اصول آن بزرگوار و نیز در بحث فقه آن استاد بزرگ تا پایان توقف در نجف شرکت نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه سبحانی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرس یزدی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی و بالاخص بحث خصوصی مرحوم آیت‌اللّه حاج سید جواد طباطبائی تبریزی (قالب مثالی آیت‌اللّه بروجردی در شباهت) استفاده نموده تا در ماه شعبان 1381 قمری از نجف مراجعت و به امر والده‌اش به کاشان رحل اقامت افکنده و تاکنون به وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد اعظم (کرسی) و ارشاد انام و تبلیغ احکام و خدمات دیگر اشتغال دارند
از آثار ایشانست در این شهرستان ساختمان (دارالعلم اسلامی) که مرکز مطالعه عمومی و دارای کتابخانه معظم و مدرسه علمیه است و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد خدمات معظم له گشته‌ام

دیگر از آثار خالده معظم له- از این قرار است 1- مسجد اعظم کرسی با سقف آئینه که در ایران کم‌نظیر است 2- مسجد النبی (ص) که از مساجد آبرومند کاشانست 3- مسجد خاتم‌الانبیاء که بهترین مسجد مدرن شهر است 4- مسجد جامع حضرت امیرالمؤمنین (ع) که بسیار مجلل است 5- مسجد مهدیه که در خارج شهر بنا نموده‌اند 6- مسجد الحسین (ع) در همان محل 7- مدرسه علمیه و کتابخانه عمومی که در مرکز شهر بنام (دارالعلم) اسلامی کاشان که اشاره نمودم- و اما آثار قلمی 1- دیوان اشعار در دو جلد 2- کتاب کشکول اعتمادی به نام (ویترین) 3- حقیقت مرام در اجتماع یا یک ایده‌لوژی صحیح- معظم له دارای اجازه عدیده از مراجع نجف و قم می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعرجی کاظمینی، محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن بن حسن الحسینی الاعرجی الکاظمی مکنی بابی الفضائل عالمی محقق و مدقق و فقیهی نبیه صاحب کتاب وسائل در فقه و محصول در اصول و وافی در شرح وافیه ملا عبداللّه تونی و سلالة الاجتهاد و شرح مقدمات حدائق و منظومه در جمیع اشعار و نظایر و اشعار جیده و مراثی فاخره برای اهل‌بیت علیهم‌السلام و غیره می‌باشد.
آن بزرگوار در زهد و ورع نادره عصر و وحید زمان خود بوده و از زهد آنجناب نقل شده که چیزی نداشت که چراغش را بر روی آن بگذارد لاجرم آجری یا کلوخی در نزد خود می‌گذاشت و چراغ خود را روی آن می‌نهاد و در سنه 1240 رحلت فرمود و قبر شریفش در کاظمین در کوچه قریب به صحن مطهر در طرف شمال آن مزار و مشهور است.
مرحوم محدث نوری در خاتمه مستدرک از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سلماسی حکایت کرده که در عالم خواب دیدم منزل بسیار رفیع و عالی و جلیلی که درب بسیار بزرگ و وسیعی داشت و بر دیوارهای آن میخهای طلا که هر بیننده را مسرور می‌نمود نصب بود پرسیدم این خانه از کیست گفتند از سید محسن کاظمی. تعجب کردم و گفتم آقا سید محسن خانه‌اش در کاظمین بسیار کوچک و ناچیز و درب کوچک و فضاء کوچکی داشت. پس این منزل شاهانه را از کجا آورده گفتند از همین منزل کوچک چون در دنیا قناعت کرد به آن منزل حقیر خداوند منان این خانه وسیع و عالی را به او مرحمت کرد.
احفاد و اولاد آن بزرگوار از علماء و دانشمندان و اخیار بوده و می‌باشند و در عصر ما جناب آیت‌اللّه حاج سید طاهر کاظمینی در بروجرد و فرزند برومندش جناب حجةالاسلام والمسلمین حج سید محمدعلی کاظمینی در تهران از احفاد ایشانند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعلمی، سلیمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حضرت مستطاب شیخنا الجلیل الکبیر المتتبع حجه‌الاسلام والمسلمین الحاج شیخ محمدحسین بن الشیخ سلیمان الاعلمی المهرجانی اصلا والنجفی تحصیلا و الحایری مسکنا والقمی خاتمه در سال 1320 در مهرجان از مضافات جندق و بیابانک متولد شده و پس از برهه‌ای از زمان مشرف به خراسان شده و مدتی در آنجا اقامت نموده و به تحصیل پرداخته آنگاه در سال 1340 ق مهاجرت به نجف اشرف و اعتاب عالیات نموده و با جدی تمام سطوح را در مدت ده سال نزد اساتید نجف خوانده و مسافرتی هم به زیارت مشهد نموده و بعد به اتفاق مادر و دو برادر مراجعت به نجف کرد و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله کمپانی اصفهانی و حاج شیخ علی زاهد قمی استفاده نموده و مسافرتی به مکه کرده و با عده‌ای از علماء اهل سنت ملاقات و مباحثاتی در امور دینیه نموده و بعد از مراجعت در سال 1368 ق مهاجرت به کربلا نموده و به درس مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی شیرازی و آیت‌الله میلانی حاضر شده و مشغول به تالیف کتاب مقتبس الاثر و مجدد مادثر فی تاریخ البشر در علوم مختلفه در علم رجال از صحابه و تابعین و رواة و علماء و غیرهم نموده و در سال 1374 مشرف به ارض اقدس شده و بعد مراجعت به تهران و پس از چندی توقف در آنجا منتقل به قم در عصر زعامت آیت‌الله العظمی بروجردی منتقل به قم و در مدرسه فیضیه اقامت و از محضر معظم‌له استفاده و در خلال مشغول به طبع کتاب نفیس خود گردیده و تاکنون که ربیع‌الثانی 1393 قمریست بیست و هشت مجلد آن از طبع خارج شده است.
مرحوم علامه آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء درباره کتاب معظم‌له گوید بسم‌الله الرحمن الرحیم و له الحمد نظرت فی اجزاء هذه الموسوعه القیمه نظره عابره و هی وانکان عجلی لکن قد ظهرلی ان جناب المولف العالم العلامه الجلیل الموید من الاله الاجل الشیخ محمدحسین بن الشیخ سلیمان الاعلمی ادام الله تاییده قد بذل جهده و استفرغ وسعه و احسن فی ما جمع و اصاب فیما وضع و رفع فشکر الله مساعیه و زاد معارفه و معالیه و رفقه لاتمامه فانه اذاتم یکون من جلائل المولفات النافعه والله ینفعه و ینفع به صدر من کربلاء المشرفه 16

شعبان 1369 قمری
و مرحوم آیت‌الله الحاج السید یونس اردبیلی رحمه‌الله درباره کتاب ارزنده وی گوید بعد البسمله هذا هو الکلام الفحل و القول الجزل وفقه الله راقمه الاحقر یونس الموسوی الاردبیلی کتبه فی جمادی‌الاولی 1374 قال الشاعر:
هذا کتاب نافع للبشر
سطوره منظومه کالدرر
مبرهن احوال ما قد غبر
جاء اسمه مقتبس للاثر
اکثر اعلام عصر تقاریظی بر این اثر ارزنده و نفیس نوشته‌اند که در جلد اول و دوم و سوم آن مندرج می‌باشد فرزندان فاضل و عالمی به نام شیخ محمدحسن و شیخ محمدحسین و شیخ محمدمحسن دارد که در سلک روحانیت به خدمات دینی اشتغال دارند داماد معظم ایشان خطیب توانا آقا سید حسین شهرستانی است ادام‌الله توفیقاتهم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

افجه‌ای، جمال‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، فقیه. از دوره‌ی اولیه‌ی زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. در زمان شیخ مرتضی انصاری به نجف رفت و در محضر وی شاگردی کرد. او همچنین در مجلس شیخ راضی نجفی و میرزا حسین خلیلی حاضر شد. در حدود 1290 ق به تهران بازگشت و به تدریس و ترویج مذهب پرداخت. وی از سران مشروطیت و از علمای طراز اول ایران آن زمان بود و شایسته مرجعیت امور شرعی، و گرچه در ابتدا از فرط پرهیزکاری حاضر به قبول این مقام نبود اما، سرانجام بر اثر اصرار عامه قبول مرجعیت کرد. تا پایان عمر حوزه درسش برقرار بود. در تهران درگذشت، جنازه‌اش به نجف منتقل، و در آنجا دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ انقلاب مشروطیت (749 ،277 ،271).

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد حسن الهی طباطبایی
ولادت:1325ق.
محل ولادت: تبریز
وفات:1388ق
محل دفن :قم
محل تحصیل: تبریز ، نجف
اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی ، سید حسین بادکوبه ای و ....
شاگردان: حسن حسن زاده آملی ، میرزا محمد علی ارتقایی، میزرا موسی تبریزی و ....
تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).
او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.
ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی ، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداک " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است . استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید : با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.
زمانی که آیت الله الهی در قم بود ، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد ، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آورند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد . سینی تبدیل به طلا شد . بعد فرمود: " ما طلا را

می خواهیم چه کنیم"؟ دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت ! با وجود چنین قدرت روحی ، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کردو چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!
این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است : از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید ، تا چه رسد به معاصی!
سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان درکتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است .

الهی قمشه ای، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم ربانی و حکیم متاله استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای فرزند حکیم و عارف بزرگ میرزا ابوالحسن از دانشمندان به نام و حکماء والامقام و اساتید عظام معاصر تهران بوده‌اند تولد ایشان در حدود 1322 در قمشه اصفهان (شهرضا) واقع شده و در بیت علم و تقوا پرورش و دروس ابتدائی و سطوح نهائی را در فقه و اصول از علماء بزرگ و حکماء قمشه و اصفهان فراگرفته و از آنجا مسافرت به مشهد مقدس نموده و از اساتید خراسان چون مرحوم آقا بزرگ حکیم و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه برسی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران عزیمت نموده و در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس فلسفه و حکمت و سایر علوم پرداخته تا در ربیع‌الثانی 1393 قمری بدرود حیات گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه (ع) مدفون شده است.
استاد الهی دارای تألیفات ارزنده مرحوم استاد الهی قمشه‌ای در فلسفه و حکمت و دیوان بزرگ هزار صفحه‌ای می‌باشد که شرح حال خود را در صفحه 395 دیوانش به نظم آورده که نویسنده عین آن را با بعضی از غزلیاتش تقدیم اهل ذوق و معرفت و پژوهش می‌نمایم باشد که روح پرفتوح آن حکیم ربانی و عارف صمدانی این گنهکار را یاد و دوستانش دعا فرمایند.
آثار گرانقدر مرحوم استاد الهی قمشه‌ای.
1- ترجمه آزاد و خلاصه‌التفسیر قرآن کریم.
2- ترجمه آزاد مفاتیح‌الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی طاب ثراه.
3- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.
4- حکمت الهی جلد اول (یک دوره حکمت از امور عامه و طبیعیات و الهیات خاص و بیان نبوت و امامت عامه و خاصه و معاد).
5- حکمت الهی جلد سوم شرح خصوص حکیم فارابی و شرح خطبه توحیده مولا امیرالمؤمنین و اخلاق علمی و عرفانی صد کلمه از کلمات مولا علی علیه‌السلام.
6- کلیات دیوان الهی (نغمه الهی - نغمه حسینی- نغمه عشاق).
7- توحید هوشمندان ترجمه و شرح خصوص فارابی.
(1392 -1320 ق)، حکیم، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در شهرضا

(قمشه) متولد شد. مقدمات علوم فقه و اصول و حکمت را از شیخ‌هادی قمشه‌ای و دیگران آموخت و جهت تکمیل آن به اصفهان رفت و در خدمت آقا شیخ محمدحکیم خراسانی و پس از آن در خراسان در محضر مرحوم آقابزرگ حکیم مشهدی و آقا شیخ اسداللّه یزدی مشغول شد تا در حکمت و فلسفه صاحب‌نظر شد. مدتی نیز در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین قمی و میرزامهدی اصفهانی حاضر گشت. سپس به تهران آمد و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت. همچنین به سمت استاد زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و استاد فلسفه در دانشکده‌ی الهیات (معقول و منقول)، تدریس کرد. وی در تهران وفات یافت و در قم، در جوار حضرت معصومه (ع)، به خاک سپرده شد. از آثار منثور وی: «رساله‌ای در فلسفه‌ی کلی»؛ «شرح رساله‌ی حکیم فارابی»؛ «رساله‌ای در سیر و سلوک»؛ حاشیه‌ای بر «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ای در مراتب ادراک»؛ «رساله‌ای در مراتب عشق». و از آثار منظوم وی: «نغمه‌ی عشاق»؛ «دیوان» شعر؛ «نغمه‌ی حسینی»، که تاریخ بزرگترین شهید اسلام است؛ «نغمه‌ی الهی». و از دیگر آثار او: «ترجمه‌ی قرآن مجید»؛ «ترجمه صحیفه‌ی سجادیه»؛ «ترجمه مفاتیح الجنان»؛ و «تصحیح و تحشیه‌ی تفسیر ابوالفتوح رازی».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)
منابع زندگینامه :[1] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (55 -53)، الذریعه (1135، 92 / 9)، سخنوران نامی معاصر (339 -334 / 1)، فرهنگ سخنوران (85)، گلزار معانی (458 -451)، گنجینه‌ی دانشمندان (116 -108 / 8)، مؤلفین کتب چاپی (370 -368 / 6).

امام الحرمین، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1305 -1302 ق)، عالم شیعی، فقیه، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. دارای حافظه‌ای قوی و خط نیکو بود. در کاظمین ادبیات را آموخت و در علوم مختلف کامل شد. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. و از بزرگان علمای اعلام همچون شیخ انصاری و میر سید علی شوشتری دارای اجازه بود. میرزامحمد در کاظمین به قضاوت منصوب و از جانب ناصرالدین شاه ملقب به امام‌الحرمین شد ولی به روایت آقاشیخ آقابزرگ تهرانی این لقب از طرف سلطان روم (ترک) به وی داده شد. وی در کاظمین درگذشت. از آثار وی: «فصوص الیواقیت فی علم المواقیت»، شعر عربی؛ «عصمة الاذهان فی علم المیزان»، منظومه‌ای در منطق؛ «غنیمة السفر»، در شرح حال شیخ جعفر شوشتری؛ «المحاسن»، در انشاآت و مراسلات؛ «المشکاة فی مسائل الخمس والزکاة»؛ «کتاب الاجازات»؛ «المجلة الزاهرة فی امر الخلافة والمشاورة فی جواب دعوت العلماء القاهرة من منشآت العاجله والمؤلفات الباجلة»؛ «الأسنة»؛ «المواعظ البالغه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (395 -394 /9)، بزرگان و سخن سرایان همدان (50 -49 /2)، الذریعه (226 -225 /23، 52 /21، 124 /20، 236 /70، 16 /، 274 -273 /15، 186 /13، 70 /2، 130 -129 /1)، ریحانه (171 /1)، فوائد الرضویه (553)، مؤلفین کتب چاپی (590 -589 /5)، معجم المؤلفین (268 /10).

امام جمعه تهرانی، محمد مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1263 -1185 ق)، فقیه. اولین امام جمعه تهران و از نوادگان علامه‌ی مجلسی است. فتحعلی شاه پس از بنای مسجد سلطانی، میرمحمد مهدی را که از بزرگان خاندان امام جمعه اصفهان بود، به تهران دعوت کرد و با احترام کامل او را امام جمعه تهران و متولی مسجد سلطانی قرار داد. در برخی منابع وی را رییس العلمای تهران نیز نامیده‌اند. در تهران درگذشت و در مزاری در جنوب تهران که بعدها به نام خود وی معروف شد (سر قبر آقا) دفن گردید. از آثارش: «تکملة الحیات»، در امامت؛ «شرح فارسی نهج‌البلاغه»، در پنج مجلد که برخی از عبارات آن ترجمه‌ی عینی عبارات «شرح ابن عتائفی» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (512)، شرح حال رجال (55 /1)، المآثر والآثار (141).

امام جمعه خویی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1364 -1276 ق)، فقیه و مجتهد. تحت نظارت و مراقبت دائی‌اش حاج میرزا ابراهیم آقا دنبلی تحصیلات خود را در خوی و تبریز و نجف به پایان رسانید. در دوره‌ی اول مجلس از طرف علمای آذربایجان به نمایندگی انتخاب گردید. در مجلس از تندرویها جلوگیری کرد و از طرفی از مجلس در مقابل محمدعلی شاه مخلوع دفاع می‌کرد. پس از به توپ بستن مجلس و جریان پارک امین‌الدوله در پارک دستگیر شد. پس از فتح تهران در دوره‌ی دوم، سال 1326 ق، جزو پنج نفر روحانی طراز اول از طرف مراجع تقلید مقیم نجف به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی سوم نیز نماینده‌ی تهران شد. با قرارداد 1919 م وثوق‌الدوله مخالفت کرد و خانه‌اش را در اختیار مخالفین وثوق‌الدوله قرار داد. پس از کودتای 1299 ش نیروهای کودتاچی به خانه‌اش ریختند اما موفق به فرار شد و در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشست. پس از آنکه در سال 1306 ش حاج آقا نورالله اصفهانی به ضدیت با قانون نظام اجباری به قم مهاجرت کرد و روحانیون دیگر نیز به تأسی از او به قم رفتند، رضاخان از امام جمعه خویی خواست تا به او در آرام کردن این شورش کمک نماید ولی او نپذیرفت. به مدرس علاقه داشت و مواضع سیاسی مدرس مطلوب او بود. در سال 1322 ش قانونی از تصویب مجلس گذشت که بر اساس آن مقرراتی برای تربیت واعظان روشنفکر و روحانیان متجدد و واقف به اوضاع عصر، وضع شده بود و در هیجدهم بهمن همین سال، شورایی به نام شورای علوم دینی طی جلسه‌ای با حضور سهیلی نخست وزیر وقت به همین منظور تشکیل شد که امام جمعه خویی نیز عضو این شورا بود. وی در تهران درگذشت و در نجف دفن شد.[1]
حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی، فرزند حاج میرزا اسدالله امام جمعه، متولد 1240 در خوی. به سیره‌ی خانوادگی تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی و عرب و معارف اسلامی در خوی و تبریز تا حدی به اتمام رسانید و برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و به درجه‌ی اجتهاد نائل آمد. پس از مراجعت به زادگاه خود از روحانیون متنفذ آذربایجان شد. بعد از نهضت مشروطیت از طرف علماء آذربایجان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در مجلس اول با آزادی‌خواهان همکاری نزدیک داشت. پس از توپ بستن مجلس از طرف عمال محمدعلی شاه بازداشت

شد و مدتی در باغشاه توقیف بود تا سرانجام آزاد گردید. در ادوار دوم و سوم نیز نمایندگی مجلس شورای ملی را عهده‌دار بود و یکی از عوامل مؤثر روحانیت و سیاست به شمار می‌رفت. از دوره‌ی سوم به بعد وکالت را نپذیرفت، ولی همچنان در مسائل سیاسی روز صاحبنظر بود و مورد مشورت قرار می‌گرفت. با قرارداد 1919 که وثوق‌الدوله با انگلیس‌ها منعقد نمود شدیداً مخالفت کرد. نیم قرن در آذربایجان و تهران مرد اول روحانیت و سیاست محسوب می‌شد. در 1324 درگذشت.
چند تن از فرزندان وی در صحنه‌ی سیاست پیشرفت کردند. او مجتهدی روشنفکر و بذال بود. همه روزه عده‌ی زیادی در منزلش گرد آمده و حاجت خود را در میان می‌نهادند. پس از فوت در آذربایجان و تهران تجلیل فراوانی از وی به عمل آمد. وی از دو همسر خود فرزندان متعددی داشت. جواد، جمال و نورالدین به مقامات سیاسی رسیدند.
ابراهیم شغل وکالت دادگستری داشت. کوچکترین فرزند وی به نام حسن که آجودان شاه بود به ریاست بانک کشاورزی و مدیرعاملی کانون بانک‌ها رسید. وی در دوره دوم مجلس جزو پنج نفر علمای طراز اول بود. وی در 1378 درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ انقلاب مشروطیت (784، 771، 681، 567، 396)، دایرةالمعارف فارسی (1/ 234)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (1/ 254- 261)، شرح حال رجال (4/ 433).

امام جمعه خوئی، محمدامین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آیت‌اللَّه حاج ملا محمد امین امام جمعه خوئی ساکن تهران که از شخصیتهای برجسته روحانیت تهران بوده است در عصر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و نیز بعد از فوت آن مرحوم به قم مشرف شده و علماء و زعمای حوزه از وی دیدن و تجلیل کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

امام جمعه زنجانی، عزالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا عزالدین بن آیت‌اللَّه حاج سید محمود امام جمعه زنجانی از علماء بزرگوار و دانشمندان عالیمقدار معاصر و مقیم مشهد مقدس می‌باشند.
وی در سال 1338 قمری هجری در شهر زنجان متولد و بعد از فراگرفتن دروس و تعلیمات ابتدائی مقدمات علوم دینی و ادبیات عرب یعنی سیوطی و جامی و مغنی و مطول را در نزد اساتید ادبیات آن دوره بالاخص مرحوم مبرور آقای میرزا علی اصغر فصاحتی طاب ثراه معروف (به مطول گو) فراگرفته.
و با مرحوم والدش شرح شمسیه منطق را که از حاشیه ملا عبداللَّه نافع‌تر می‌دانستند نزد یکی از افاضل زنجان خوانده و با معیت مرحوم دانشمند متقی آقای روزبه منطق حکمت‌الاشراق و معیارالعلم غزالی را نزد مرحوم والدش تحصیل نموده و بعد از اتمام آنها کتاب مبدء و معاد و مقدار کمی از اسفار را هم شبها بعد از فراغت از نماز جماعت تدریس می‌فرمودند.
بعد از فراغت از مقدمات کتابهای سطح عالی مانند رسائل و مکاسب و قسمت عمده از طهارت شیخ اعظم انصاری را در نزد آیت‌اللَّه مرحوم مبرور آقا شیخ حسین که از مجتهدین و تلامذه مرحوم آخوند خراسانی بودند خوانده و کفایةالاصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم خوئینی زنجانی فراگرفته و بعد از دو سال تحصیل در آن کتب به درس خارج اصول مرحوم والدش آیت‌اللَّه امام جمعه که عنوانش تقریرات مرحوم کاظمینی بود حاضر شده تا اینکه مقارن شهریور بیست شمسی برای تکمیل تحصیلات به قم مشرف شده و به درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللَّه حجت حاضر گردیده.
و یک دوره کامل اصول با قسمت اعظم خارج مکاسب شیخ و صلوة را در نزد آن مرحوم تلمذ نموده و شبها به درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللَّه صدر و آیت‌اللَّه حاج سید احمد خوانساری مدظله شرکت نموده و خارج مقالات مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و جلد دوم تقریرات کاظمینی را در نزد ایشان خوانده و در معقول اسفار و غیره آن را از محضر آیت‌اللَّه العظمی موسوی مصطفوی دام ظله به اتفاق عده‌ای از فضلاء دانشمندان عصر چون آقای مطهری و آیت‌اللَّه حاج سید محمدعلی طباطبائی تبریزی استفاده نموده.
و چون آیت‌اللَّه حاج سید محمدحسین علامه طباطبائی صاحب تفسیر

(المیزان) به قم مشرف شدند مجدداً اسفار را با معیت بعضی از آن آقایان از آنجناب بهره‌مند شده تا اینکه آیت‌اللّه بروجردی به قم آمدند فقهاً و اصولا در درس ایشان حاضر و تقریرات معظم له را به رشته تحریر آورده.
آنگاه مسافرت به نجف اشرف نموده و در حوزه درس مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه آقا سید عبدالهادی طاب ثراه حاضر شده.
ولی به مناسبت کسالت شدید مزاج به امر والدش به ایران مراجعت و به زنجان وارد شده و از آن تاریخ به خدمات دینی از قبیل بحث و تدریس و اقامه نماز جماعت و نماز جمعه و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته است. آقای امام جمعه سلمه‌اللّه دارای آثار و باقیات‌الصالحاتی می‌باشند که ذیلا می‌نگارم.
1- تأسیس کتابخانه مهم به سبک معماری جدید موسوم به کتابخانه حسینی در مدخل و جلوخان مسجد جامع و مدرسه (جدشان) که سالهاست مورد استفاده محصلین علوم دینی و غیره می‌باشد و بالغ بر شش هزار کتاب از فنون مختلفه دارد. و قسمتی از آن کتب مربوط به مرحوم دانشمند محترم استاد دانشگاه تهران آقای محمد نجمی است که حسب‌الوصیه تمام کتب خود را به کتابخانه مزبور وقف نمودند.
2- ساختمان مساجد متعدده در شهر و قراء اطراف مانند مسجد در جنب انبار غله زنجان موسوم به مسجد قمر بنی‌هاشم صلوات‌اللّه‌علیه و مسجد دیگر.
3- تشکیل انجمن‌های تبلیغی بالخصوص بر علیه فرقه ضاله و مضله بهائی‌ها خذلهم اللّه با همکاری عده‌ای از دانشمندان فعال و جوان که مشتمل بر دبیران و دانش‌آموزان است که بدین وسیله موفق شدند عده‌ای از آن فرقه مستبصر گردیده و برگشتند و بالاخص در قریه ید بلاغ که مرکز تبلیغات آن فرقه بود بحمداللّه ریشه‌کن شدند و در همان قریه مسجد بسیار خوبی به سبک جدید بنا نمودند.
4- بناء مسجد دیگر با سبک جدید در قریه دیگر که هم‌مرز آن قریه است.
5- تشکیل جشن باشکوهی همه ساله در پانزدهم ماه شعبان و دعوت مبلغ برجسته برای افاضه و بیان اسلام خصوص فلسفه غیبت و معرفی حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف.
اما تألیفات و آثار قلمی ایشان.
1- تقریرات اصول آیت‌اللّه بروجردی
2- شرح قسمت مهمی از وسیله که در ضمن تدریس خارج فقه تألیف نموده‌اند
3- حواشی متفرقه در منظومه حکمت
4- تحریر کفایةالاصول

5- کتابی در تصوف
6- تحریرات زیادی در زمینه تبلیغ
7- رساله عملیه متوسط
8- تحریر الوسیط فی الفقه که با سبک استدلالی متوسط نوشته‌اند که مباحث عمده طهارت تمام شده
9- تحریر کتاب خمس.
نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه امام جمعه معاصر زنجان که روی جهاتی مدت یکسالست مهاجرت به ارض اقدس نموده و در جوار سلطان سریر ارتضا علیه آلاف التحیة والثناء با بعضی از علماء بزرگ مشهد مباحثه کمپانی دارند از دانشمندان باتقوا و مهذب و موصوف به فضل و کمال و محامد آداب و محاسن اخلاق می‌باشند که افتخار آشنائی و رفاقت با وی را دارم از خداوند توفیق و عزت امثال آنجناب را مسئلت می‌نمایم
57- حجةالاسلام مرحوم سید محمدباقر سجاسی متوفی سال 1301 قمری.
58- حجةالاسلام مرحوم شیخ باقر قروه ابهری
59- حجةالاسلام مرحوم آقا سید باقر صائین قلعه ابهری متوفی سال 1304 ق
60- حجةالاسلام مرحوم آقا سید باقر خرم دره‌ای
61- حجةالاسلام مرحوم علامه آقا سید باقر حسینی هیدجی متوفی سال 1332 ق
62- حجةالاسلام مرحوم آقا سید محمدباقر زنجانی
63- آیت‌اللّٰه مرحوم آقای آقا شیخ حسین قاتوقی زنجانی متوفی سال 1360 ق
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

امام جمعه، محمد مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله آقای حاج سید محمد مهدی امام جمعه شهرستان اصفهان از احفاد و اسباط علامه مجلسی اول رضوان‌الله علیه و دانشمندان بنام و متنفذ آن سامان میباشد و منصب امام جمعه‌ای از صدها سال قبل در خاندان این سلسله بوده که در مسجد جامع اصفهان و مسجد شاه تهران اقامه نماز جمعه نموده و مینمایند.
مرحوم فتحعلی شاه قاجار بعد از بناء مسجد سلطانی تهران از یکی از اعمام معظم‌له دعوت نمود که بتهران آمده در مسجد شاه مزبور اقامه نماز جمعه و جماعت نمایند و منصب مزبور در خاندان وی تاکنون باقی و امام جمعه تهران با امام جمعه اصفهان پسر عمو و از یک سلسله و بیت میباشند.
معظم‌له در بیت علم و سیادت در حدود سال 1310 قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح بدرس مرحومین علمین آیتین آیه‌الله حاج سید ابوالقاسم ده کردی و آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی حاضر شده آقا بمدارج عالیه علم رسیده و از آن بزرگوار بدریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایتی مفتخر گردیده است.
و ایشان حدود بیست و پنج سال است که امام جمعه و جماعت مسجد جامع شهرستان اصفهان میباشند.
از آثار ایشان است رساله‌ای در میراث زوجه که مستدلا مرقوم داشته و مورد تحسین و تجلیل استادش مرحوم آیه‌الله دهکری قرار گرفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امام جمعه، محمدکاظم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
که در السنه مشهور است به آمیر محمدکاظم عالمی جلیل بوده و ایشان برادر کوچک امام جمعه بزرگ آقا میرمحمد صادق است مجلس درس داشته و در شمس التواریخ تعبیر از او به سید المجتهدین و قدوة المدققین شده در دوم شهر ربیع‌الثانی 1329 به رحمت ایزدی پیوسته و در جنب مسجدش در حجره مدفون گردیده .
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام سده‌ای، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن بن آیت‌اللَّه میرزا سید علی امام سدهی (خمینی‌شهری) فروشانی متولد 1320 ق هجری پس از پرورش تحصیلات مقدمات را از مرحوم حاج آخوند زهره‌ای فراگرفته و سطوح اولیه را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج‌آقا محمد فیض و آیت‌اللَّه حاج‌آقا احمد اخوی آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین قمی در قم آموخته و بعدا به مشهد مقدس عزیمت و در آنجا از مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید عباس شاهرودی که از شاگردان شیخ بوده و آسید حسن که از تلامذه مرحوم آخوند خراسانی بوده سطوح عالیه را فراگرفته و به اصفهان مراجعت و در حوزه درس آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدصادق و آخوند گزی و آیت‌اللَّه آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی شرکت و چند سالی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا حسین نائینی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین کمپانی استفاده کامل نموده و به علت کسالت مزاج به اصفهان برگشته و بعد از بیست سال اقامت در اصفهان بار دیگر به نجف مشرف و تا آخر عمر مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی از دروس و محضرشان بهره‌مند و نیز از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللَّه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی در مدت هفت سال استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده و در سال 1367 قمری به قم منتقل و به امر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی با معیت آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالجواد و آیت‌اللَّه حاج آقا عطا به کرمانشاه عزیمت و تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه نموده و بعد از چند سال مراجعت به قم و مدتی به مذاکره علمی و مطالعه اشتغال داشته و پس از آن منتقل به زادگاه خود خمینی‌شهر گردیده و تا حال حاضر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه اشتغال دارند.
معظم‌له دانشمندی ادیب و فقیهی اصولی و حکیمی شاعر اشعاری به عربی دارند که از آنهاست قصیده‌ای در مرثیه فوت آیت‌اللَّه صدر که در ذیل احوال آن مرحوم مذکور نمودیم و مطلع آن این است.
بکت باسماء المجد یا فلک الفخر
علیک شموس العلم بالانجم الزهر
فیا عجبا والشمس بالفجر طالع

و نحن فقدنا الشمس فی مطلع الفجر
تحملت اعباء الهدایه طال ما
تجرعت من کاس امر من الصبر
از تألیفات ایشان است یک دوره فقه که مخطوط می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امام نجف‌آبادی، نصراللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصراللَّه قضائی نجف‌آبادی این مرحوم حاج میرزا جعفر از علماء محترم معاصر نجف آبادندوی در تاریخ 1310 هجری در نجف‌آباد به دنیا آمده و پس از رشد و بلوغ در مقدمات را در مدرسه حاج میرزا حسن و چهارباغ وم عربان اصفهان در خدمت شیخ محمود مفید و آسید آقاجان تحصیل نمودم در همان اوقات از مبرزین طلاب بوده و سطوح را خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا مسجد شاهی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسن نجف‌آبادی فراگرفته خارج فقه اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه سید محمد مدرس نجف‌آبادی و آیت‌اللَّه آقا میرزا سید علی نجف‌آبادی استفاده نموده و بعد از فوت استادش مرحوم آقای سید علی مدت شش سال در اصفهان به تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال داشته و بعد به تقاضا و اصرار مردم نجف‌آباد به وطن خود برگشته و در مدرسه (الحجه) ریاضی به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخته و اقامه نماز جماعت و حل و فصل مشکلات مردم مشغول بوده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللَّه ریاضی ریاست روحانیت و حوزه علمیه نجف‌آباد به ایشان منتهی گردیده تا بعد از چند سالی به عللی که از آنها کسالت و خستگی روحی بوده از ریاست کناره‌گیری و به وظائف دیگر روحی از تدریس و اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام تا حال تحریر موفق می‌باشند.
از آثار ایشانست رساله‌ای در متفرقات و حاشیه‌ای بر نجاه‌العباد. وی دارای هیجده فرزند می‌باشند که دوازده نفر آنها ذکور و در میان آنان جنابان ثقتی الاسلام آقاشیخ مجتبی قضائی و آقا شیخ عباس قضائی از معاودین اهل علم نجف اشرفند که اکنون در قم از دروس خارج آیات عظام قم استفاده می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امامت، فخرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید فخرالدین بن العلامة الزاهد السید محمدمهدی امامت حسینی کاشانی از آیات عظام و علماء بزرگ معاصر کاشان (داماد مرحوم آیت‌اللّه ملا حبیب‌اللّه کاشانی) بودند.
وی در حدود 1292 قمری در کاشان متولد شده و در بیت علم و عمل پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات متون فقه و اصول را از دو عموی گرامش آیت‌اللّه آقا سید محمدحسین امام (متوفی حدود 1311) و آیت‌اللّه آقا سید محمدحسن امام (متوفی حدود 1330) و مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمدحسین نطنزی و میرزا محمدحسین نراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین نراقی (متوفی 1325 قمری) و حاج میرزا ابوالقاسم نراقی سبط فاضل نراقی و پس از آن مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا حبیب‌اللّه کاشانی (متوفی 1340) صاحب مقامات عالیه و تألیفات کثیره استفاده نموده و در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری بهره‌مند شته و پس از مدتی به کاشان مراجعت و اشتغال به تدریس و تألیف و ارشاد مردم و اقامه جماعت در مدرسه سلطانیه نموده تا در سال 1392 قمری که در سن صد سالگی بدرود حیات گفته و در جنب میدان و فلکه بزرگ کاشان (کامل‌الملک) در مقبره شخصی مدفون گردید.
نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللّه امامت از برکات شهرستان کاشان و مفاخر علمی و قدسی این شهرستان و از مشایخ اجازه عصر ما بودند و جماعتی از اعلام و آیات عظام که ذکرشان موجب اطنابست از ایشان اجازه روایتی داشتند و برای این حقیر هم در اواخر عمرشان اجازه مبسوطی صادر فرمودند تألیفات و آثار عدیده دارند که ذیلا می‌نگارم.
تألیفات مرحوم امامت
1- هدایةالعوام فی مهمات الاحکام (رساله عملیه) مطبوع
2- راه نجات او تنبیهات الغافلین منظومات بالفارسیه مطبوع
3- راه خداشناسی فی اصول العقاید بالفارسی مطبوع
4- وسیلة النجاة فی فضائل السادات بالفارسی مطبوع
5- ثواب الزیارات بالفارسی مطبوع
6- رسالة فی احکام الارث فارسی
7- رسالة فی حکم الجلود واللحوم مشتبهین عربی.

8- رسالة فی منجزات المریض عربی
9- رساله در حکم آب قلیل متنجس متمم
10- رسالة فی عقد الفضولی عربی
11- شرح بر منظومه استادش در اصول موسوم (به منیةالاصول).
12- مرآت الحقیقه در حالات صوفیه فارسی
13- کشکول در مواعظ در چند جلد فارسی.
14- حاشیه بر شوایع
15- حاشیه بر مکاسب
16- رساله در مصرف سهم الامام (ع)
17- در متفرقات از حواشی و غیره.
ادباء و بعضی از دانشمندان کاشان اشعاری بسیار در رثاء آن مرحوم سروده‌اند از جمله آیت‌اللّه العلام آقای حاج آقا رضا مدنی دام ظله در ماده تاریخ وفاتش سروده.
سید اهل العلم فخرالدین
نجم الامامه و بدرالدین
یا لهف قد مضی فقل مورخا
(الی الجنان رام فخرالدین)
و در روز وفاتش گفته‌اند.
یا لهف مات سید جلیل
فخرالهدی مجتهد نبیل
للدین فخر کامل لبیب
عدل زکی عالم ادیب
(1392 -1292 ق)، عالم، فقیه و مدرس. در کاشان متولد شد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، متون فقه و اصول را از دو عموی خود، آیت‌اللّه آقاسید محمدحسین امام و آیت‌اللّه آقاسید محمدحسن امام، فراگرفت. وی همچنین از حوزه‌های درس آیت‌اللّه حاج ملا محمدحسین نظنزی، میرزا محمدحسین نراقی، آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین نراقی، حاج میرزا ابوالقاسم نراقی و آخوند ملا حبیب‌اللّه کاشانی، پدر همسرش، استفاده کرد. در اوایل تأسیس حوزه‌ی علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره‌مند شد. پس از مدتی به کاشان بازگشت و به تدریس و تألیف و وعظ و اقامه‌ی جماعت در مدرسه‌ی سلطانیه اشتغال ورزید. وی از مشایخ اجازه عصر حاضر بود و بسیاری از علما از ایشان اجازه روایتی داشتند. او در کاشان درگذشت. از آثار وی: «هدایة العوام فی مهمات الاحکام»، رساله‌ی علمیه؛ «راه نجات»؛ «تنبیه الغافلین»، شعر فارسی؛ «راه خداشناسی»، در اصول عقاید، به فارسی؛ «ثواب الزیارات»، به فارسی؛ «رسالة فی حکم الجلود واللحوم مشتبهین»،

به عربی؛ «رسالة فی منجزات المریض»، به عربی؛ «رسالة فی عقد الفضولی»، به عربی؛ «وسیلة النجاة»، در فضائل سادات.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (252 -251 / 1)، گنجینه‌ی دانشمندان (264 -262 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (784 / 4).

امامت، فضل‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید فضل‌اللَّه بن العلامة المرحوم حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از علماء محترم معاصر کاشانست. وی در سال 1333 قمری در بیت فضل و فضیلت به دنیا آمده و در کودکی ادبیات را خوانده و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از محضر والدش وجدامی خود مرحوم آیت‌اللَّه ملا حبیب‌اللَّه شریف کاشانی و آیت‌اللَّه آقا سید محمد علوی بروجردی استفاده نموده آنگاه به قم مهاجرت و از درس و محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللَّه صدر و غیرهم بهره‌مند شده آنگاه در شهر خود به امامت و انجام وظائف دینی پرداخته و تاکنون اشتغال دارد.
دارای آثاریست که از آنها تحفةالطالبین به طبع رسیده است و تألیفات دیگر ایشان در صرف و نحو و فقه و اصول تاکنون مخطوط مانده است.
(تو 1333 ق)، فقیه اصولی. در نوجوانی ادبیات را آموخت و در محضر پدر و جد مادری‌اش آخوند ملا حبیب‌اللّه کاشانی و نیز آقاسید محمدعلوی بروجردی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. سپس به قم مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه سید محمد حجت و آیت‌اللّه صدر بهره‌مند شد. در بازگشت به کاشان به ترویج مذهب و تألیف کتاب پرداخت و آثاری در صرف و نحو و فقه نگاشت. از آثار وی: «تحفة الطالبین».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (264 / 6).

امامی اصفهانی، علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم و فقیه. او را به خاطر نسبتش به امام‌زاده زین‌العابدین از فرزندان امام صادق (ع)، مدفون در محله درب امام اصفهان، امامی می‌گفتند. وی از شاگردان آقاحسین خوانساری و علامه مجلسی و معاصر افندی مؤلف «ریاض العلماء» بود. پدرش مستوفی موقوفات عامه اصفهان بود. مدتی با پدرش به هند مسافرت کرد و سپس به اصفهان بازگشت و همان‌جا درگذشت. هشت مجلد کتاب در حدیث ترجمه کرد و آن را «هشت بهشت» نامید که عبارتند از: ترجمه «اشارات» خواجه طوسی؛ ترجمه‌ی «اکمال‌الدین»؛ ترجمه‌ی «امالی» صدوق؛ ترجمه «خصال» صدوق؛ ترجمه‌ی «مصابح المتهجد» شیخ طوسی؛ ترجمه‌ی «مصباح» کفعمی؛ ترجمه‌ی «مهج الدعوات» ابن‌طاووس. از دیگران آثار وی: «التراجیح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (8/ 313)، تذکرة القبور (436)، الذریعه (4/ 62- 63، 78- 79، 80، 81، 99، 110، 121، 136، 137، 141)، روضات الجنات (4/ 208)، ریاض العلماء (4/ 186- 187)، ریحانه (1/ 173)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 502 -500 /12)، فوائد الرضویه (370)، الکنی والالقاب (2/ 56)، لغت‌نامه (ذیل/ امامی)، معجم المؤلفین (7/ 183).

امامی سدهی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی فروشانی (سدهی) متوفی حدود 1355 که آباء گرامش تا جناب سید محمد دیباج فرزند امام صادق علیه‌الصلوه والسلام همگی از علماء و دانشمندان بزرگ بوده‌اند. از مفاخر علماء معاصر سده (خمینی‌شهر) بوده‌اند.
وی جامع علوم عقلی و نقلی و مضافا دارای علوم غریبه جفر و اعداد و ریاضیات و بسیار مبارز بر علیه منکرات و مجاهد با فرقه ضاله مضله بهائیه و غیره بوده و از برکات مجاهدات آن بزرگوار تاکنون بحمداللّه پای احدی از آن فرقه مردود در آن منطقه باز نشده است. وی دارای مقامات معنوی و صاحب کرامت و نفس بوده که با دعاها و تعلیم ختومات خویش بیماران را شفا و معالجه می‌نموده است.
و نیز در راه مراجعت از مشهد به فیض زیارت و ملاقات حضرت ولی‌عصر عجل‌اللّه فرجه‌الشریف رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امامی کاشانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین امام کاشانی فرزند عالم جلیل آقا حسام‌الدین امامی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در بیت دانش پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده پس از آن به قم آمده و در دوره اول امتحان طلاب که شرکت نموده با نمره ممتاز و رتبه اول پذیرفته شده و در درس و مباحثه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی که صحبت و اشکال می‌کرد و مورد توجه آیت‌اللّه قرار گرفته و با عنایات مخصوص به ایشان نگریسته و تعبیر به عالم عصر من می‌فرمودند و پس از دیدن یک دوره خارج و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه مرحوم علامه یزدی معروف به مدرسه سید سکنی گزیده و به مباحثات ادامه داده و حاشیه کامل بر عروه‌الوثقی زده سپس مراجعت به کاشان نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد بازار کاشان و تدریس فقه و اصول اشتغال دارند و جمع کثیری از محصلین و صلاب کاشان از محضرشان استفاده می‌نمایند دارای تألیفاتی در فقه و اصول می‌باشند. و در چند سال قبل کتابی به نام اصول‌الامامیه تألیف نمودند که با آنکه مختصرترین کتب اصولی است بسیار ساده و آسان و قابل استفاده است و با این ابتکارشان زحمات طلاب را برای فهم کفایه الاصول علامه خراسانی کم نموده است.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج شیخ حسین امامی کاشانی سلمه‌اللّه از افاضل مجتهدین معاصر است که اجتهادش از حدود سی و پنج سال قبل مورد تایید و تصدیق آیات عظام نجف اشرف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم قدس‌اللّه سره و دیگران و نیز مراجع بزرگ و زعماء حوزه علمیه قم مانند آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب اللّه ثراه و دیگران بوده.
آثار علمی ایشان مطبوعا و مخطوطا
1- اصل اصول الامامیه یکدوره اصول که به طبع رسیده است.
2- دراسات الاصول آماده طبع است.
3- فقه الامامیه- سه جلد که آماده طبع است.
4- حاشیه کامل بر عروه که در سال 1375 هجری قمری شروع و در سال 1410 هجری قمری پایان یافته.
5- متفردات الامامیه مانند تقیه یا خبرئیت بسیم اللّه از سور قرآنیه.
6- قاعده- لاضرر چاپ شده.

7- قاعده- تقیه چاپ شده.
8- قاعده- اعلمیت چاپ شده.
9- ترجمه عروه که رساله عملیه فارسی است.
و ایشان داماد گرامی حضرت آیت‌اللّه حاج آقا رضا مدنی کاشانیست که سبط مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا حبیب‌اللّه شریف کاشانی صاحب تألیفات و تصنیفات کثیره مطبوع و غیره می‌باشند.
از آثار خیر معظم‌له تعمیر برخی از مساجد است که از آنهاست تعمیر اساسی مسجد میرعماد کاشان و بنیاد مدرسه امامیه برای طلاب خودشان.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

امامی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حسین بن العالم الجلیل آقا حسام‌الدین امامی کاشانی از دانشمندان نامی و علماء سامی معاصر کاشانست وی در کاشان متولد شده و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده و پس از آن به قم آمده و در امتحانات حوزه شرکت و رتبه اول و نمره عالی را دریافت و مکرر مکالمات علمیه با حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی نموده و مورد توجه معظم له واقع شده به طوری که بعضی از اوقات از ایشان تعبیر به عالم هم‌عصر می‌فرمودند و هر یک از طلاب و محصلین کاشانی و غیره را که توصیه و توثیق می‌نمودند آن مرحوم پذیرفته و بر ایشان حقوق و شهریه برقرار می‌کردند
آقای امامی پس از یک دوره تحصیلات و دیدن دروس خارج قم به نجف اشرف عزیمت نموده در حالی که در آن موقع بر عروةالوثقی علامه یزدی حاشیه شروع نموده و در اقامتشان در (باب مدینه علم) تا باب خمس به اتمام رسانیدند
معظم له پس از چندی توقف در نجف و شرکت در دروس آیات عظام آنجا بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و دیگران مراجعت به کاشان نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی باز به قم آمده و به تدریس خارج پرداخته و صدها نفر از طلاب در درسشان شرکت می‌نمودند. ولی متأسفانه روی بعضی از جهات دوباره به کاشان برگشته او تا حال تحریر و تألیف این کتاب (سال 1395 قمری) به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال دارند از آثار گرانقدر آنجناب کتاب (اصول الامامیه) است که زحمات فضلاء را آسان و راهی را که باید سالها در مبانی اصول فقه طی نمایند به چند ماه رسانیده است
نگارنده گوید مترجم محترم ما از مجتهدین جوان عصر حاضر است آثار نبوغ و بزرگی در چهره و سیمایش نمایان است و امید است که بخواست خدا و عنایت صاحب ولایت در آینده از مراجع عالیقدر بوده باشند زیرا از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام همواره چه در قم و چه در کاشان و چه در نجف اشرف با کمال سادگی و دور از تظاهرات مجدانه اشتغال به تحصیل و تدریس و تصنیف داشتند و بحمد اللّه آثار علمی ارزنده‌ای مانند (اصول الامامیه) و حواشی بر عروةالوثقی و غیره دارند و ایشان داماد ارجمند حضرت آیت‌اللّه والعالم العلام آقای حاج آقا رضای مدنی کاشانی

که از مجتهدین و مراجع عصر حاضرند در کاشان می‌باشند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد امامی اراکی از علماء محترم معاصر شهرستان اراک می‌باشند. والد ماجش مرحوم علامه آیت‌اللّه آخوند ملا محمدعلی امامی خوانساری از دانشمندان به نام و بزرگ عصر خود در نجف اشرف بوده است.
مترجم گرامی ما در بیت علم و تقوا و ورع ب دنیا آمده و در دامن پاک چنان پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خوان اولیات و ادبیات و سطوح که اکثرا با استعدا سرشار فوق‌العاده‌ای که داشتند خود با مطالعه اتقان نموده و چند سالی در بحث خارج فقهی و اصولی مرحوم آیت‌اللّه نائینی قدس‌سره حاضر گشتند و مفتخر به اجازه اجتهاد از ایشان گردیده است.
آیت‌اللّه امامی به واسطه نبوغ فکری وجودت ذهن استقامت فهم و سرعت انتقال که در ترقیات علمی ایشان تاثیر بسیار قوی داشته به مرتبه‌ای که در سطوح نهائی چون مکاسب و رسائل و کفایه بیش از چند ورقی استاد ندیده به نحو اکمل و وافی تدریس کتب مذکور نموده است.
آیت‌اللّه امامی در شب سه شنبه بیست و پنجم جمادی‌الثانی 1399 قمری برابر سی و یکم اردیبهشت 1358 شمسی در اراک از دنیا رفت و با تشیع و تجلیل زیادی در همان شهر در مقبره خصوصی مدفون گردید.
تالیفات و آثار علمی ایشان.
1- منهاج‌الاحرام لزائر بیت‌اللّه‌الحرام کتاب استدلالی در احکام حج مشتمل بر هزارها مسائل حج.
2- بغیه‌الطالب درحاشیه مکاسب شیخ انصاری.
3- تسدید القواعد فی حاشیه الفرائد حاشیه مبسوطی بر رسائل شیخ.
4- صحیفه‌الحج در اسرار و فلسفه حج.
5- ترجمه صحیفه‌الحج به فارسی.
6- کلمات قصار انشاء خود ایشان موسوم الکلم الفائقه و الحکم البالغه.
7- رساله‌ای به نام الرحمه السابقه و الهدایه البارغه.
8- رساله‌ای مبسوطی در انفعال ماء قلیل.
9- رساله‌ای مبسوطی در علل اختلاف حدیث.
10- رساله‌ای در جمیع مسائل مبحث تعادل و تراجیح.
11- رساله‌ای در مسائل اصاله الصحه و مسائل قرعه.
12- دو رساله د رجمیع حکم ظاهری و و اقعی.

13- رساله‌ای در اینکه صیغه امر موضوع است برای مطلق طلب و اینکه اطلاقش افاده وجوب دارد.
14- شرح دعاء صباح حضرت امیر علیه‌السلام.
15- حاشیه برنجاه‌العباد.
16- حاشیه بر عروه‌الوثقی.
17- حاشیه بر رسائل پنجگانه و نفقات و قبله و رضاعیه و ربائیه حاج ملا هاشم خراسانی.
18- حاشیه بر توضیح‌المسائل مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی.
محمد امامی نجفی از علماء و ائمه جماعت معاصر اراک می‌باشند. وی در خونسار متولد شده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و برای تحصیل به اصفهان عزیمت و پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیات عظام آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه عراقی آقا ضیاءالدین و دیگران استفاده نموده و بعد از پایان مراتب علمی به اراک آمده تا حال حاضر اشتغال به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد آیت‌اللَّه سلطان و تبلیغ احکام و ترویج دین دارند. ادام‌اللَّه توفیقه و عزه
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

امامی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر امامی اول عالم موجه معاصر کاشمر است.
وی در آن سامان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات و قسمتی از سطوح به مشهد عزیمت نموده و در آنجا به تکمیل متون فقه و اصول پرداخته و از دروس خارج آیات عظام آنجا و دیگران استفاده نموده و پس از وصول به مقام رفیع فضل و دانش به کاشمر مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، نوراللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نوراللّه بن مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا سید علی فروشانی (برادر بزرگ آیت‌اللّه حاج سید حسن امام) در 1317 قمری در فروشان سده متولد شده و پس از نشو و نما و تربیت در بیت علم مقدمات را در محل خود خوانده و بعضی از علوم غریبه را از مرحوم والدش استفاده نموده و سطوح و خارج را از علماء بزرگ و مدرسین بنام و آیات عظام اصفهان بهره‌مند گردیده آنگاه در زادگاه خویش به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره پرداخته و تا حال حاضر اشتغال دارند.
دارای دو فرزند دانشمند و بزرگواری بنام 1- حجةالاسلام والمسلمین حاج‌آقا مهدی امامی 2- حجةالاسلام آقا سید محمدباقر امامی می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

امین، نصرت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(1405 -1308 ق)، عالم و مجتهد. آمنه‌بیگم حاجیه نصرت‌خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در اصفهان متولد شد. دایی‌اش آیت‌اللّه شریعت اصفهانی بود. از کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام را نزد آیت‌اللّه آقاسید علی مجتهد نجف‌آبادی و آقاسید ابوالقاسم دهکردی تکمیل کرد و به مرتبه‌ی استنباط رسید. پس از امتحانات کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی شیرازی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه حائری یزدی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی؛ و اجازه‌ی روایت از آقاشیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی نائل آمد. تمام عمر را به تألیف و تدریس گذراند و مدرسه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) تأسیس کرد که در آن زنان و دختران ایرانی به تحصیل و کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آیت‌اللّه میرزاآقای شیرازی در اجازه‌نامه‌اش به وی، او را با این اشعار توصیف کرده است.
فلَوُ کُنّ النّساء بِمثلِ هذی
لَفضّلت النّساءِ عَلی الرّجال
فلا التَأنیث لاسم الشمس عار
و لا التّذکیر فخر للهِلال
وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»؛ «اخلاق و راه سعادت بشر»، که ترجمه و اقتباسی است از «طهارة الاعراق فی تصحیل الاخلاق» ابن‌مسکویه؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران»؛ «سیر و سلوک»، در روش اولیاءاللّه؛ «مخزن العرفان» و «کنز العرفان»، در علوم قرآن؛ «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»؛ «النفخات الرحمانیة فی الواردات القلبیة»، حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللئالی فی فضایل مولی الموالی».[1]
1308 ق- 1362 ش، حاجیه نصرت خانم از زنان دانشمند معاصر. پدرش حاج سید محمدعلی بن حسن حسینی مشهور به امین‌التجار اصفهانی و مادرش دختر حاج سید مهدی جناب و دائی‌اش مرحوم شریعت اصفهانی بود. از اوان کودکی در اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از آموزش

مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، سالیانی دراز در فقه و اصول فرائد و فصول و کفایة و خارج صلات و طهارت، و در کلام دو جلد شوارق، و در فلسفه از ابتدا تا الهیات اسفار را در خدمت آقا میر سید علی نجف‌آبادی آموخت و هر چند که در این ضمن به عقد ازدواج پسر عم خویش حاج میرزا آقا معین‌التجار درآمده بود و تعهد وظائف خانه‌داری می‌کرد، کمال سعی در تحصیل مبذول می‌داشت.
بر اثر این گونه استقامت و بذل سعی به مراقب علمی والائی رسید و از پی امتحان کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقا میرزا آقای اصطهباناتی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی و همچنین اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی نائل آمد. خانم امین عمر خود را یکسره به تالیف و تدریس گذراند. مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه» تاسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آثار بسیاری تألیف کرد که از آن جمله‌اند، الاربعین الهاشمیة (1328 ش) که ترجمه و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران (1371 ق)؛ سیر و سلوک در روش اولیاء (1323 ش)؛ مخزن‌العرفان (1326 ش به بعد)؛ تفسیر کامل قرآن در 15 جلد؛ معاد یا آخرین سیر بشر (1326 ش)، النفحات الرحمانیة فی الواردات القلبیة (1369 ق) حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ مخزن‌اللئالی در فضل مولی‌الموالی. خانم امین آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد.[2]
مجتهد، فقیه، مدرس.
تولد: 1265، اصفهان.
درگذشت: 23 خرداد 1362، اصفهان.
حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) فرزند سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در چهار سالگی برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.
بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا اینکه در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامه تحصیل و مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضاری حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را در سطوح عالیه نیز ادامه داد تا اینکه در چهل سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت

درجه‌ی اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.
آثار ایشان عبارتند از: اربعین الهاشمیه (به زبان عربی، 1356 ق.)؛ جامع الشتات (زبان عربی) معاد یا آخرین سیر بشر (تهران، 1326، تبریز چاپ دوم، 1334)؛ نفحات الرحمانیة فی الواردات القلبیة (به زبان عربی، اصفهان، 1369)؛ اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)؛ مخزن العرفان (تفسیر قرآن در پانزده جلد)؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی (تهران، 1331، این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است)؛ مخزن اللئالی در مناقب مولی الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ سیر و سلوک؛ در روش اولیاء و طریق سیر سعداء (اصفهان 1323).
حجت‌الاسلام امین در سال 1344 با سرمایه خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.
مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :[1] تذکرة القبور (445)، الذریعه (248/24، 229/20)، علماء معاصرین (325 -311)، گنجینه‌ی دانشمندان (116 -114 /3)، مؤلفین کتب چاپی (559 -557 /6).
[2] منبع: دایرةالمعارف تشیع، 527 /2.

امینی تبریزی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1390 -1320 ق)، عالم، فقیه و محدث. در تبریز متولد و چون جدّ او ملا نجف علی امین شرع بوده، به امینی شهرت یافته است. ابتدا تحت تربیت پدرش که از علمای بزرگ تبریز بود پرورش یافت و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فراگرفت. سپس از محضر حاج سید محمد مولانا و حاج سید مرتضی خسروشاهی صاحب کتاب «اهداء الحقیر در معنی حدیث الغدیر» و آقا شیخ حسین مؤلف کتاب «هدایة الانام» سطوح عالیه را آموخت. بعد به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر حاج سید ابوتراب خوانساری، آقا سید محمد فیروزآبادی، تلمذ کرد و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، علامه نائینی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی‌آقا شیرازی و دیگران استفاده نمود و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان نایل گردید. او بعد از فراغت از تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به وظائف شرعی پرداخت. سرانجام به قصد اقامت دائم به نجف بازگشت. علامه امینی فقیهی بزرگ و مؤلفی پرکار و خطیبی دانشمند بود و از ابتدا بزرگان نجف او را امید اسلام و تشیع پیش‌بینی می‌کردند. وی در تألیف اثر گرانقدرش «الغدیر» کتابخانه‌های ایران و عراق و دیگر کشورهای اسلامی را جستجو کرد. و بیش از چند هزار کتاب را دید. وی با سفر به شهرهای حیدرآباد دکن و علیگره و بمبئی و لکهنو و کانپور و پتنه و رامپور و جلالی هند و نیز بیروت و دمشق و معره و نبل و حلب و مکه و مدینه و شهرهای بسیار دیگر همگام با تهیه مآخذ و مطالعه و استنساخ کتب در ملاقات با استادان و دانش پژوهان و شرکت در محافل عمومی به نشر مفاهیم اصیل و صحیح ولایت می‌پرداخت. کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین (ع) در نجف با همت وی تأسیس شده که از نفایس جهان علم و ادب به شمار می‌رود و حدود 40000 کتاب از جمله صدها کتاب خطی در آن گردآوری شده است. وی در تهران درگذشت؛ پیکر او را به نجف بردند و در کتابخانه‌اش دفن کردند. از وی آثاری بر جای مانده است که عبارت‌اند از: «الغدیر فی الکتاب والسنة والادب»، دایرةالمعارف شیعه که در آن احادیث و اشعار مربوط به روز عید غدیر را آورده است؛ «اعلام الانام فی معرفة الملک العلام»؛ «ثمرات الاسفار»، در دو جلد که شرح سفرهای اوست؛ «شهداء الفضیله»؛ «ریاض الانس»، در دو جلد؛ «سیرتنا و سنّتنا سیرة نبیّنا و سنته»؛ «حاشیه بر رسائل شیخ

مرتضی انصاری»؛ «حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری»؛ «تفسیر سوره‌ی حمد»؛ «تفسیر آیاتی از قرآن»؛ «ادب الزائر»؛ «العترة الطاهرة فی الکتاب».[1]
حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی ابن عالم الجلیل میرزا احمد بن المولی نجفعلی مشهور به امین الشرع تبریزی از اعاظم علماء و اکابر دانشمندان معاصر و دارای معنویت و مقامات عالیه بودند.
در سال 1320 ق در تبریز متولد شده و در تحت تربیت و رعایت مرحوم والدش که از علماء بزرگ تبریز بودند پرورش یافته و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و از همان اوان صغر آثار نبوغ و کثرت حافظه و سرعت انتقال از وی ظاهر و بارز بوده است. پس از پایان اولیات، سطوح عالیه را از محضر مرحوم آیةاللّه حاج سید محمد مولانا و آیةاللّه حاج سید مرتضی خسرو شاهی و آیه اللّه آقا شیخ حسین مولف کتاب (هدایه الانام) استفاده نموده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم آیةاللّه حاج سید ابوتراب خونساری متوفی 1346 ق و آیةاللّه آقا سید محمد فیروز آبادی متوفی 1345 ق و مرحوم آیةاللّه نائینی و آیةاللّه میرزا علی آقا شیرازی و بعضی دیگر بهره‌مند شده تا بمدارج علم و کمال رسیده و مبادرت بتألیف و تصنیف کتب مفید نموده و از این راه خدمات بسیار ارزنده‌ای بعالم اسلام مخصوصا تشیع نموده است.
نگارنده گوید: مرحوم علامه مجاهد امینی حقا از نوادر علماء معاصر ما بودند که در راه خدمت بدین و ولایت تحمل شدائدی نموده و به کشورهای هند و پاکستان و سوریا و حلب و غیره مسافرتها کرده و کتابخانه‌های مهم آنجا را با دقت مطالعه و بررسی و بیش از چند هزار کتاب را دیده و دائره المعارفی بنام (الغدیر) در موضوع ولایت حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مثالب غاصبین حقش از کتب اهل سنت نوشته که در فن خود بی نظیر و موجب استبصار بسیاری از اهل سنت که تقلید کورکورانه ستمکاران به اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌نمودند گرویده‌اند.
علامه امینی چندین سال بود که در تهران رحل اقامت افکنده، و در آخر ماه ربیع‌الاول 1390 ق در تهران وفات و پس از تشییع و تجلیل با شکوهی حمل به نجف و در کتابخانه‌اش مدفون گردیده است.
آثار خالده‌ی او که بزرگترین اثر جاودانی او می‌باشد تاسیس کتابخانه وزین امیرالمومنین علیه‌السلام نجف اشرف است که بیش از چهل هزار جلد کتاب مطبوع و محفوظ دارد و از نفایس جهان علم و ادب بشمار می‌رود.
و آثار علمی او از این قرار است:
1- دائره‌المعارف شیعه بنام الغدیر که بیست و دو مجلد است یازده جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط است و مطبوع آن مکرر در نجف و بیروت و تهران بطبع رسیده است.

2- شهداء الفضیله که در نجف چاپ شده. 3- کتاب سیرتنا و سنتنا که بچاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] حماسه‌ی غدیر (احوال و آثار علامه امین)، الذریعه (26/16 ،259/1482/2)، الغدیر، ترجمه (163 -154 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (379 -377 /4)، مؤلفین کتب چاپی (723 -722 /3)، مستدرکات اعیان (82/1).

امینی دروازه‌ای، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی امینی بن العالم الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللّٰه حاج سید ابراهیم (دروازه‌ای) تبریزی از علماء معاصر تهرانست.
وی در سال 1353 ق در شهر تبریز دیده به جهان گشوده و در یک خانواده روحانی و علمی که اباً عن جد همه ارباب فضل و کمال و مردان برجسته و وارسته‌ای بودند بزرگ شده و دوران طفولیت را گذرانیده و بعد از فراگرفتن مقدمات علمی در حوزه‌های درسی بزرگان علماء و مدرسین شهر تبریز از جمله مرحوم والدش و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید مهدی انگجی و مرحوم آیت‌اللّٰه مفید و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد بادکوبه‌ای شرکت نموده و پس از فراغ از متون درسی در رشته‌های ادبی و فقه و اصول و فلسفه در سال هزار و سیصد و هفتاد و سه به قم مهاجرت و حدود ده سال از محضر فحول علماء و اکابر فقهاء و دانشمندان دینی حظهای وافر و استفاده‌های شایانی نموده فقه و اصول نظری را از مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی والفقیه الاعظم بروجردی قدس اللّٰه سره الشریف و آیت‌اللّٰه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّٰه العظمی موسوی و علوم منظری و فلسفه عالیه و از آیت‌اللّٰه العلامة الطباطبائی دام اللّٰه ظلالهم علی رؤس الانام اخذ نموده و بحمداللّٰه از خرمنهای علم و دانش آنها خوشه‌های فراوانی کسب و به اخذ اجازه اجتهاد از چند نفر از فقهاء نائل آمده و طی مدت اشتغال در حوزه مقدسه قم- تقریرات اساتید بزرگ را به رشته تحریر درآورده که متجاوز از پنج مجلد می‌باشد.
در سال 1382 قمری یک سال پس از فوت مرحوم والدش به تبریز مراجعت و پنج سال در آنجا به شئون و وظائف روحانیت از امامت در مسجد و تدریس و ارشاد مردم قیام و اقدام نموده و در سال 1387 ق روی جهات و پیش‌آمدهائی اجباراً موطن عزیز خود تبریز را ترک و به تهران مهاجرت و اکنون قریب هشت سال است که در گوشه‌ای از این شهر بزرگ و پرغوغا اختیار مسکن نموده و گرچه مشغولیتهائی از امامت در مسجد و تدریس و غیره دارند.
لیکن بیشتر در منزل به مطالعه و نوشتن گذرانیده و کمتر در اجتماع کنونی که هوا و هوس و ریا و تظاهرات و آلودگیهای دیگر اخلاقی به همه شئونات زندگی سایه افکنده و از حق‌پرستی و حقیقت‌جوئی و وفا و صفا نامی بیشتر باقی نمانده شرکت می‌کند و البته هر قدر انسان از این جار و

جنجالهای بی‌معنی و خفه‌کننده کنار باشد راحت‌تر و سالم‌تر خواهد بود.
آری به فرمایش امام صادق (ع) فسدالزمان و تغیر الاخوان فرأیت الانفراد اسکن للفوأد.
معظم له دارای آثار علمی چندی در موضوعات مختلف از قبیل تفسیر موضوعی شرح پاره‌ای از احادث، زندگی یک مسلمان از ولادت تا مرگ، زن و زناشوئی در اسلام، دیوان شعر. ترجمه چند کتاب نفسی عربی به فارسی می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امینی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ ابراهیم امینی (حاج امینی) نجف‌آبادی یکی از مدرسین و دانشمندان حوزه علمیه قم می‌باشد. در سال 1304 شمسی برابر 1345 قمری در نجف‌آباد به دنیا آمده و در سال 1330 شمسی برای تحصیل علوم دینیه وارد اصفهان شده مقدمات و ادبیات زبان عرب را در حوزه اصفهان مانند مرحوم حاج آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمد حسن عالم نجف‌آبادی و حاج شیخ محمدرضا جرقویه و حاج شیخ هبه‌اللّه اعلمیان هرندی و حاج سید علی اصغر مدرس نجف‌آبادی و بعضی اساتید دیگر خوانده و در سال 1326 شمسی به منظور ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه قم شده و مقداری از سطوح را نزد اساتید بزرگ و علماء اعلام و آقایان حاج آقا رضا صفی و حاج سید محمد باقر سلطانی خوانده و سطح کفایه را نزد آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی به اتمام رسانیده سپس در درس خارج فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی شرکت ولی بیشتراز محضر و درس نایب الامام خمینی استفاده نموده و از شاگردان قدیمی معظم‌له محسوب می‌شود. از سال 1329 شمسی تا هنگامی که به خارج ایران تبعید شدند مرتب در درس خارج ایشان حاضر و کسب فیض می‌نمودند.
آقای امینی علاوه بر فقه و اصول در علم حکمت و فلسفه نیز وارد منظومه سبزواری و اسفار و شفاء را نزد آیت‌اللّه علامه طباطبائی خوانده و از همان اوائل در جلسه تحقیقی پربرکت علامه طباطبائی که گروهی از دانشمندان حوزه علمیه قم به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل مطالب فلسفی و تطبیق آن با فلسفه‌های جدید تأسیس گردیده بود شرکت و از محضر استاد بزرگ استفاده می‌نمودند- که بخشی از تحقیقات آن جلسه بعدا به صورت کتاب اصول فلسفه با روش رئالیسم منتشر شد.
آقای امینی در حوزه علمیه قم به تدریس و تألیف اشتغال دارد ولی اکثرا اوقاتشان صرف تحقیقات علمی و تألیف کتابهای سودمند می‌شود و تاکنون کتابهای ارزنده‌ای از ایشان به چاپ رسیده که غالباً مورد استقبال عمومی قرار گرفته است. مانند:
1- دادگستر جهان.
2- بررسی مسائل کلی امامت.
3- بانوی نمونه اسلام.

4- آئین همسرداری.
5- همه باید بدانند.
6- اسلام و تمدن جدید.
7- آموزش دین درپنج جلد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

انجمی بازانه‌ای، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی انجمی بازانه‌ای (معروف به حاج آخوند) وی مقدمات را در اراک خوانده و بعد به اصفهان عزیمت نموده و پس از پایان سطوح مهاجرت به نجف اشرف و از محاضر آیات عظام نجف استفاده نموده و با دریافت اجازات اجتهاد مراجعت به وطن و تا آخر عمر اشتغال به تبلیغ دین و ترویج مذهب مقدس داشته تا در سال 1330 شمسی که از دنیا رفته است.
آن مرحوم دانشمندی متقی و عالمی پرهیزگار و اهل تجهد و با معنویت بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انجوی حسینی شیرازی، ابوالولی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، فقیه امامی و متکلم. معروف به صدر کبیر. در تشیع غیرتمند و از علمای دولت شاه طهماسب صفوی بود. در اول متولی روضه مقدسه رضویه شد. پس از عزل، به مشارکت برادر خود، امیر شاه ابومحمد، متولی اوقاف غازانی شد، و سپس در اواخر سلطنت شاه طهماسب متولی بقعه صفی‌الدین اردبیلی شد. در زمان سلطان محمد خدابنده منصب سپاه به او داده شد و در اوایل سلطنت شاه عباس اول به منصب صدارت ارتقاء یافت. شیخ بهائی درنامه‌ای که به او نوشت از او تبجیل و تکریم کرد. وی از خواجه جمال‌الدین شیرازی و سید صفی‌الدین استرآبادی حدیث نقل کرد و به واسطه پدر خود از شیخ ابراهیم قطیفی روایت می‌کند. سید حسین کرکی از شاگردان شیخ بهائی، و سید نعمة اللّٰه جزائری و شیخ ابراهیم حرفوشی از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (2/ 443)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (1/ 118)، روضات الجنات (8/ 165)، ریاض العلماء (5/ 527- 528)، ریحانه (7/ 293)، عالم آرای عباسی (1/ 148)، الکنی و الالقاب (1/ 173- 174).

اندرمانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام والمسلمین آخوند ملا محمد مجتهد اندرمانی از مشاهیر علماء ری مقیم تهران و مدرس مدرسه مروی دارای مقام علم و کمال و فضل و جلال و مورد توجه دولت و ملت و صاحب نفوذ و موقعیت بوده و از وی منقولست که بریاست دینی و دنیوی نرسیدم مگر بواسطه مداومت بزیارت امامزاده ابوالحسن اندرمان ری.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انصاری اراکی، محمد ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ابراهیم انصاری اراکی از افاضل دانشمندان و مدرسین سطوح عالی حوزه علمیه قم می‌باشند.
وی فرزند مرحوم آقای شیخ موسی فرزند مرحوم آخوند ملا علی‌اصغر فرزند مرحوم آخوند حاج ملا علی‌اکبر کرهرودی اراکی است که در تاریخ 1315 شمسی در اراک متولد شده و پس از سپری کردن دوران کودکی و خواندن درس فارسی و مقدمات و ادبیات به قم آمده و سطوح وسطی و عالی را در قم از مدرسین حوزه فراگرفته و در سن بیست و یک سالگی در سال 1336 شمسی مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت پانزده سال در آنجا اقامت و از محاضر و دراسات آیات عظام آنجا چون مرحوم شهید آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و بالاخص آیت‌اللّه خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده و از معظم لهم موفق به دریافت اجازات جامعی که نزد حقیر موجود است شده و در سال 1350 شمسی برابر 1392 قمری به ایران مراجعت و اقامت در قم و حوزه علمیه را اختیار و تا حال حاضر به تدریس فقه و اصول و مباحثات علمی اشتغال دارند. آنجناب به واسطه مراتب فضل و دانش مورد توجه افاضل حوزه و جامعه مدرسیین و آیات عظام می‌باشند.
نگارنده گوید: آقای انصاری اراکی از خاندان روحانی اراک و پدرانش تا چندین پشت روحانی و از مروجین دین و خدام شرع مبین بوده و خود متصف به صفات حمیده و ملکات پسندیده می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

انصاری اهوازی، منصور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله الشیخ منصور بن العلامه الشیخ محمد سبط الشیخ الانصاری از فضلاء متبحر و علماء متتبع حوزه علمیه قم است، وی در اهواز در بیت علم و کمال متولد و پرورش یافته و بعد از خواندن سطوح به قم مهاجرت نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و مرحوم والدشان و آیت‌الله صدر استفاده نموده تا به اعلا مقام علم نائل گردیده و اکنون به تدریس و تالیف اشتغال دارند.
آثار ایشان چنانچه در پشت مناسک حج ایشان مذکور است بدین قراراست:
1- رساله الادله الاجتهادیه والفقاهیه) 2- رساله در علم حدیث 3- رساله‌ای در منجزات مریض 4- رساله‌ی (الدلائل و المسائل).
5- حواشی رسائل و مکاسب و کفایه 6- خلاصه الاصول و شرح الخلاصه
7- تهذیب الالفیه و تهذیب المنطق 8- حاشیه استدلالی بر عروه‌الوثقی.
9- حاشیه عروه‌الوثقی عربی 10- حاشیه توضیح‌المسائل 11- وصیتنامه در احکام وصیت فارسی 12- النجاح فی طب الارواح عربی 13- خواص الادویه عربی و فارسی.
14- الروضه فارسی 15- نجاه و شرح نجاه فارسی 16- اقتباس از فقه آل محمد صلی الله علیه و آله.
17- الحجه من فقه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم.
18- توضیح الاحکام.
19- حاشیه مناسک شیخ مرتضی انصاری.
20- ادله المستحدثات.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

انصاری محلاتی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1289.
درگذشت: 1375، قم.
آیت‌الله میرزا حسن انصاری محلاتی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و در محضر آیت‌الله العظمی حائری یزدی به تحصیل پرداخت. در ادامه تحصیلات خود، از حوزه فقه و اصول حضرات آیات عظام خوانساری، کوه‌کمره‌ای و بروجردی بهره گرفته و به مدارج عالی فقاهت دست یافت و مدت‌ها در درس فلسفه حضرات امام خمینی (ره) حاضر شد و شرح منظومه و بخشی از اسفار را در خدمت ایشان تلمذ نمود.
آیت‌الله انصاری محلاتی در شهر قم درگذشت و پیکر ایشان در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
آقامیرزا حسن انصاری از علماء ابرار و فضلاء اخیار و قدماء با فضل و تقوای حوزه علمیه قم است.
وی در قصبه محلات (وطن مادری نگارنده) که در هجده فرسخی قم واقع است متولد شده و برای تحصیل علوم و تکمیل فضائل به قم مهاجرت نموده و اکنون بیش از چهل سال است که در این شهر اقامت دارند.
ایشان پس از فراغت از سطوح چندین سال از درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی خونساری و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی قدس‌الله اسرارهم استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و دانش رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

انصاری هروی، عبداللّه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(481 -396 ق)، عارف، محدث، فقیه و شاعر. معروف به پیر هرات و پیر انصار و شیخ‌الاسلام. وی از اعقاب ابوایوب انصاری صاحب رحل پیغمبر بود، که در قهندز هرات متولد شد. از کودکی زبانی گویا و توانا داشت چنانکه به عربی و فارسی شعر می‌سرود و اشعار عربی بسیار در خاطر داشت. خواجه در تصوف و حدیث و کلام و فقه سرآمد زمان خود بود. او در تصوف از شیخ ابوالحسن خرقانی تعلیم گرفت و جانشین او شد و علاوه بر او از مشاهیر متصوفه‌ی عهد خود مانند شیخ ابوسعید ابوالخیر نیز بهره جست. وی از عبدالجبار جراحی، قاضی ابومنصور ازدی، ابوسعید سرخسی، ابوالفوارس پوشنجی، احمد بن منجویه اصفهانی و محمد بن عبداللّه شیرازی و بسیاری دیگر حدیث شنید. و مؤتمن ساجی و عبداللّه سمرقندی و عبدالصبور هروی و حنبل بخاری و ابوالوقت، خادمش، و دیگران از وی روایت کرده اند. او در فقه پیرو روش احمد بن حنبل بود. خواجه بیشتر اوقات در هرات به ارشاد و تعلیم مشغول بود. در همان جا درگذشت و در گازرگاه دفن شد. مزار او امروز زیارتگاه است. از آثار وی: «منازل السائرین»، «در عرفان و سلوک»؛ «انوارالتحقیق»؛ «رحل الرسول»؛ «رساله‌ی اربعین»؛ «طبقات الصوفیه»، به گویش هروی در شرح احوال عرفا؛ تفسیری که بر قرآن نوشت و اساس کار میبدی در تألیف «کشف‌الاسرار وعدةالابرار»، معروف به «تفسیر خواجه عبداللّه»؛ «زاد العارفین»؛ «کنز السالکین»؛ «قلندرنامه»؛ «محبت‌نامه»؛ «الهی‌نامه»؛ «رساله‌ی واردات»؛ «ذم الکلام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (741 -739 /2)، الاعلام (267/4)، ایضاح المکنون (310/1، 118/2)، تاریخ ادبیات در ایران (915 -911 /2)، تاریخ نظم و نثر (58 -57)، الذریعه (306/9 و 368/2 و 241 -240 /22)، ریاض العارفین (31 -30)، ریحانه (170 -168 /2)، سیر النبلاء (518 -503 /18)، صبح گلشن (44)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 109/5)، فرهنگ سخنوران (102)، الکامل (148/8)، کشف الظنون (1836، 1828، 828، 420، 56)، الکنی والالقاب (201/2)، لغت‌نامه (ذیل/ انصاری هروی)، مجمع الفصحا (135/1)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 481)، معجم

طبقات الحفّاظ (120)، نفحات الانس (339 -336)، هدية العارفين (453 -452 /1).

انصاری، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ رضا انصاری از علماء معاصر شهرستان همدانست:
وی در سال 1340 قمری در یکی از قراء همدان متولد و پس از فراگرفتن قسمتی از علوم ادبی از پدر عالیقدرش حجةالاسلام حاج شیخ قربانعلی که یکی از علماء مشهور و محترم آن سامان و 95 سال از سن مبارکش می‌گذرد به همدان منتقل و چند سالی در آنجا از علماء اعلام استفاده نمودم و در سال 1355 قمری مهاجرت به قم و سطوح عالی را از محضر آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد محقق داماد استفاده نموده.
سپص به درس خارج حضرات آیات آقای حجت و آقای صدر و آقای حاج سید محمدتقی خونساری اعلی‌اللّه مقامهم الشریف حاضر شده و استفاده وافر نموده و ضمنا خود تدریس شرح لمعه و غیره نموده.
و عده‌ای از طلاب را تربیت و حدود 21 سال در قم اشتغال داشته بعدا در سال 1367 قمری به امر حضرت آیت‌اللّه آقای آخوند ملاعلی مدظله رحل اقامت در همدان انداخته و در مدرسه معظم‌له به تدریس سطوح عالی و به درس آن جناب نیز شرکت و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و ارشاد مردم و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.
از آثار ایشانست 1- رساله در قاعده لاضرر 2- مباحثی در اصول 3- رساله‌ای در اخلاق 4- کتابی در توحید که تاکنون مخطوط مانده است.
دارای اجازات از مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حجت و دیگران می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انصاری، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس بن ثقه‌الاسلام آقا شیخ محمد انصاری همدانی که مانند مرحوم شیخ بزرگوار عالمه کبیر شیخ مرتضی انصاری منتسب بجناب جابر بن عبداللّه انصاری صحابی از علماء معاصر تهران بوده‌اند. در یکی از قراء سر درود همدان متولد شده و مقدمات را از پدر خود فراگرفته و سطوح اولیه را خدمت مرحوم آخوند ملا تقی و مرحوم میرزا محمد دره جزینی خوانده و در سال 1333 ق به همدان آمده و سطوح را از مرحوم حجه‌الاسلام آقای آقا شیخ علی دامغانی و حجه‌الاسلام آقا شیخ علی گنبدی و دیگران فرا گرفته و بعد از آن به اراک آمده و از محضر مرحوم آیه‌اللّه حایری و آیه‌اللّه آقا شیخ محمد سلطان و آقای حاج میرزا محمدعلی خان دو سالی استفاده و در سنه‌ی 1340 ق با آیةاللّه حایری مهاجرت به قم نموده و علاوه از آن بزرگوار از حضور مبارک مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و حاج شیخ حسن فاضل و آیةاللّه حاج میرزا محمد کبیر و آیت‌اللّه میرزا محمد فیض مدت هفت سال استفاده‌ها برده و بعد از آن به امر مبارک آیت‌اللّه حایری به تهران منتقل و در یکی از محلات آن به اقامه جماعت و بیان مسائل حلال و حرام و در ضمن بتدریس پرداخته و چندین سال در مدرسه عبداللّه خان واقع در بازار بزازها اشتغال بتدریس فقه و اصول (کفایه و رسائل و غیره) داشته تا باجل محتوم از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انگجی تبریزی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1357 -1282 ق)، عالم، مجتهد و فقیه اصولی. در انگج، یکی از محلات تبریز، متولد شد. ادبیات فارسی و عربی و نجوم و حساب و فقه و اصول را در تبریز خواند و از محضر درس استادانی همچون آقامیر فتاح سرابی و میرزا محمود اصولی بهره گرفت. سپس در 1304 ق برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت. در آنجا از حوزه‌ی درس استدلالی فقهی و اصولی آقاشیخ محمدحسن مامقانی، فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی بهره جست. وی از همان هنگام که آیرم، امیر لشکر رضاخان در تبریز شئونات اسلامی را زیر پا نهاد با مردم تبریز همصدا شد و نسبت به عمل آیرم اعتراض کرد. در قضیه‌ی تغییر لباس نیز علیه رضاخان موضعگیری کرد که منجر به دستگیری و تبعید او به سمنان شد. پس از بازگشت از تبعید به حوزه‌ی درس خود پرداخت و کتاب‌هایی نیز در زمینه‌ی فقه و اصول تألیف کرد. از جمله آثار وی: «ازاحة الالتباس عن حکم المشکوک فیه من اللباس»؛ «رساله‌ی سؤال و جواب»؛ حاشیه‌ی «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «ریاض»؛ حاشیه‌ی «مکاسب» شیخ انصاری؛ «کتاب الارث»؛ «کتاب حج شرایع»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب الطهارة».[1]
مرحوم مغفور آیت‌اللّه آقای حاج میرزا ابوالحسن انگجی تبریزی از مجتهدین طراز اول ایران و یکی از مراجع احکام آذربایجان بوده که در سال 1347 قمری به واسطه انقلاب تبریز مسافرت به قم نموده و مدتی در آنجا توقف آنگاه به مشهد مقدس مشرف و حدود یک سال توقف سپس به خواهش دولت به تبریز مراجعت نمود مرحوم انگجی بنا به نقل علماء معاصرین و دیگران مردی محقق و مدقق و فقیهی اصولی و صاحب وقار و تمکین و متانت و ابهت کثیرالعلم و قلیل الکلام بود.
تولدش در سال 1282 قمری در تبریز واقع شد و پس از بلوغ بتحصیل علوم عربیه و ادبیه و حساب و نجوم موفن گشته و فقه و اصول را از مرحوم حاج میرفتاح سرابی و میرزا محمود اصولی اخذ کرده و از خودش نقل است که تمام قوانین‌الاصول میرزای قمی را نزد مرحوم اصولی خوانده و در سال 1304 قمری به نجف مشرف و تا دو سال از محضر مرحوم فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و علامه مامقانی استفاده نموده آنگاه مراجعت به وطن کرده و به خدمات دینی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و اقامه جماعت و تدریس پرداخته و در امور

دینی بسیار متصلب و خشن در ذات اللّه بود و به هیچوجه در اداء وظائف شرعیه و حفظ حدود الهیه و ردع بدع مستحدثه مداهنه و مسامحه نداشت.
از آثار آن مرحوم است کتاب ازاحة الالتباس عن حکم المشکوک من اللباس که در سال 1316 تألیف و طبع شده و نیز شرح کتاب حج شرایع و حاشیه بر کتاب ریاض، مرحوم علامه تهرانی در الذریعه ج 1 ص 526 کتاب آن مرحوم را ذکر کرده است.
دارای شش فرزند برومندند که سه نفر آنان در سلک روحانیت و از علماء و فضلاء حوزه علمیه قم بوده‌اند که ترجمه آنان خواهد آمد و سه نفر هم در رشته طب و از اطباء معروف تهران می‌باشند.
وفاتش در سال 18 ذی‌القعده سال 1357 واقع شد و استان آذربایجان و اکثر بلاد دیگر غریق بحر ماتم و سوک آن بزرگوار شدند والد ماجدشان مرحوم حاج میرزا محمد آقا معروف به شیخ‌الشریعه از اجلاء علماء و اشراف تبریز بودند و این لقب را مرحوم مظفرالدین شاه قاجار با اعطاء یک حلقه انگشتر الماس به ایشان اهداء نمودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (314 -313)، الذریعه (249 ،99/6 526/1،)، ریحانه (60 -59 /7)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (303 -301 1/)، علماء معاصرین (179 -178)، مؤلفین کتب چاپی (142 -141 /1).

انواری، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زین‌العابدین بن العالم الجلیل میرزا علی بن العلم العلام ملا عبدالرزاق همدانی انواری از علماء معاصر همدان و برادر ارجمند مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمود سابق‌الذکر است.
وی در سال 1315 قمر در قریه انوار که در 12 فرسخی همدان که جزو در جزین است متولد شده و فقط تا 16 سالگی در همان قریه زندگی و مقداری از علوم صرف و نحو و منطق را نزد مرحوم والد خوانده.
و در اواخر سال 1332 قمری به همدان آمده و در مدرسه زنگنه معروف به مدرسه بزرگ ادامه به تحصیل داده و سطوح عالی را از اساتید بزرگ و معروف آن زمان تکمیل و در اواخر سال 1339 قمری به شهرستان قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آق شیخ ابوالقاسم کبیر قمی استفاده پس از آمدن مرحوم آیت‌اللّه حایری و تشکیل حوزه به درس ایشان رفته و از ابحاث آن مرحوم و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری بهره‌مند شده و در زمان تبعید آیات عظام نجف به قم از مباحث مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آقاسید ابوالحسن اصفهانی استفاضه نموده و از آنان نائل به دریافت اجازه اجتهاد و غیره گردیده است.
و در سال 1351 قمری مراجعت به همدان و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته و تا هم‌اکنون که نزدیک هشتاد سال از عمرش می گذرد و به واسطه ابتلاء و گرفتاری فرزند ارجمندش جناب حجةالاسلام آقا شیخ محی‌الدین انواری که از افاضل و ائمه جماعت تهرانست بسیار شکسته و خسته شده در همدان به خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انواری، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود انواری از مشاهیر علماء معاصر همدان بوده‌اند.
محمود بن میرزا علی ملقب به جناب ابن آخوند ملا عبدالرزاق بن ملامیرزا بن ملا آقا در سال 1306 قمری به دنیا آمده و پس از پرورش مقداری از ادبیات را در خدمت والدش خوانده و در سال 1324 قمری در مدرسه زنگنه به تحصیل پرداخته و در سال 1337 ق به تهران آمده و ابتدا در مدرسه نصرالدین و بعد از چند ماهی به مدرسه سپهسالار جدید منتقل و علوم عقلیه و نقلیه را آموخته و در سال 1441 قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی و آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللّه فیض استفاده نموده و در سال 1349 قمری باری پاره‌ای از گرفتاریهای شخصی به همدان برگشته و در مسجد امامزاده یحیی و مسجد پیغمبر به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی پرداخته تا اینکه به اصرار جماعتی از وجوه اهالی امزاجرد همدان و تاکید بعضی از آقایان برای ارشاد مردم جلوگیری از تبلیغات مسمومانه فرقه ضاله بهایة به آن محل منتقل گردیده و تبلیغ و اقامه جماعت و رفع شبهات مشغول گردیده.
و عده بسیاری از آنان را هدایت به اسلام نموده و از انحراف نجات داده‌اند تا در پنجم ذیقعده‌الحرام 1384 قمری که در همان محل از دنیا رفته و با تشییع جنازه عجیبی در جنب مسجد بزرگ امزاجرد که از آثار ایشانست بنا بر وصیتش مدفون و مزار مردم قریه و قراء دیگر گردیده!
آثار قلمی و علمی آن مرحوم به قرار زیر است
1- هدایت المسترشدین در نجاست اهل کتاب 2- اختیارات الایام در بیان سعد و نحس ایام از کتب معتبره اخذ و ترجمه شده 3- تیر شهاب در رد بهاء و باب 4- کتاب شیطان و سرکشی که کتابی است علمی و تاریخی و دیانتی مشتمل بر مواعظ و نصایح 5- شمع هدایت در شناسائی 6- حجت که نسبتا مبسوط و انفع است. 7- تحفه‌الواعظین که دارای هفتاد مجلس منبریست 8- تذکره‌الصائب فی مقتل الاطائب چهل مجلس منبری و در آخر آن چهل حدیث منبریست از باقیات الصالحات ایشانست جناب ثقةالاسلام والمسلمین آقا میرزا یوسف انواری که اکنون در امزاجرد به جای آن مرحوم اقامه جماعت می‌کند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

انواری، محی‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محی‌الدین بن العالم الکامل آیت‌اللَّه الحاج الشیخ زین‌العابدین انواری همدانی از افاضل علماء مجاهدین معاصر تهران است وی در حدود سال 1350 قمری در همدان در بیت علم و تقوی به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن اولیات و دروس ابتدائی قسمتی از مقدمات و ادبیات را در همدان فراگرفته سپس عزیمت به تهران و پس از تکمیل سطوح مکاسب و فرائد و کفایه از محضر علمین آتین مرحوم حاج میرزا احمد آشتیانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد تقی آملی و بعضی دیگر از آیات و مدرسین بزرگ مدرسه مروی معقولا و منقولا استفاده و ضمناً خود به تدریس سطوح و در یکی از مساجد بازار به اقامه جماعت و گفتن تفسیر و نشر معارف حقه اثناعشریه پرداخته تا در سال 1384 قمری که به اتهام توطئه در قتل حسینعلی منصور نخست‌وزیر دولت طاغوتی محمدرضا پهلوی با عده‌ای از جوانان متدین و مبارز از طرف سازمان ساواک بازداشت و مدت سیزده سال در زندان قصر و اوین به سر برده تا در سال 1397 قمری آزاد و مجدداً مشغول خدمات گردیده و چند ماهی هم از طرف قائد عظیم‌الشان آیت‌اللَّه العظمی نایب الامام آقای خمینی مدظله العالی برای ارشاد و خدمات دینی به پاکستان و کراچی مسافرت و بعدا به تهران مراجعت و اکنون از طرف رهبر انقلاب در مسجد جامع نارمک تهران به اقامه نماز جمعه و جماعات و تبلیغات دینی اشتغال دارند.
نویسنده گوید:
جناب آقای انواری هم یکی از فضلاء مبارز است که در پیروزی انقلاب و حکومت جمهوری اسلامی خدماتی نموده است و در این مسیر تحمل مصائب و شدائدی از زندان و شکنجه و غیره نموده است. در میان علماء و اقران طهران خود محبوبیت خاصی دارند و مورد توجه مخصوص رهبر عزیزمان امام خمینی بودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

اهوازی، حسن، ابومحمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، فقیه و محدث امامی. حسن در مکتب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) پرورش یافت و در صف اصحاب آن بزرگان قرار گرفت. وی علی بن مهزیار، اسحاق بن ابراهیم و عبداللّه بن محمد را به محضر امام رضا (ع) برد و ایشان را با مقام ولایت و انجام خدمت آشنا ساخت. او با مشارکت برادرش، حسین بن سعید، سی کتاب در بیان احکام اسلام و شرح مسایل حلال و حرام تالیف کرد که البته آن کتابها بیشتر به نام برادرش است، تا وی. از آثار او: «الصلاه»؛ «الطلاق»؛ «النکاح»؛ «الوصایا»؛ «المثالب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اختیار معرفه الرجال (551)، رجال ابن داود (قسم 552 -551 /1)، رجال النجاشی (176 -171 /1)، الفهرست للطوسی (53)، معجم رجال الحدیث (349 -342 /4).

اهوازی، حسین

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 300 ق)، فقیه و محدث امامی. نیای وی از موالی امام سجاد (ع) بود. به قول شیخ طوسی وی و برادرش، حسن، از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) بودند. حسین با برادرش کتابهای سی‌گانه‌ی مشترکی تالیف کردند. به قم رفت و در آنجا در منزل حسن بن ابان سکنی گزید. حسین از امام رضا (ع) و جواد (ع) و هادی (ع) و نیز محدثان بسیاری که شمار آنها را تا صد و یازده تن یاد کرده‌اند، روایت کرده است. ابراهیم بن مهزیار، احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن جعفر بن بطه‌ی قمی و حسین بن حسن بن ابان قمی و بسیاری دیگر از اهوازی حدیث شنیدند و از او روایت کردند. وی در قم درگذشت. از جمله کتابهای سی‌گانه‌ی حسین و حسن عبارت‌اند از: «الوضوء»؛ «الصلاه»؛ «النکاح»؛ «الطلاق»؛ «الوصایا»؛ «الفرائض»؛ «التجارات»؛ «الاجارات»؛ «الشهادت»؛ «الزهد»؛ «التقیه»؛ «المثال»؛ «الملاحم»؛ «المومن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اختیار معرفه الرجال (552 -551، 508)، اعیان الشیعه (27/6)، الذریعه (279 -278 /23، 73/19)، رجال الطوسی (412، 399، 372)، رجال النجاشی (176 -171 /1)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (406)، الفهرست للطوسی (105 -104)، لسان المیزان (525 -542 /2)، مجالس المومنین (423/1)، معجم رجال الحدیث (244 -243 /5)، معجم المولفین (10/4).

ایجی، قاضی عضدالدین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(708/701- ح 756 ق)، متکلم، اصولی، فقیه شافعی و نحوی. از معاصران حافظ است که در ایج از توابع اصطهبانات متولد شد. صوفی مشرب بود و شاگردان بسیاری داشت، شمس‌الدین کرمانی و سیف‌الدین ابهری و سعدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند. در زمان سلطنت آل‌مظفر در شیراز به قضاوت اشتغال داشت. حافظ او را در زمره‌ی یکی از مفاخر علمی پنجگانه‌ی فارس ستایش کرده است. کتب بسیاری در فلسفه و کلام و اصول دین و اخلاق به زبان عربی دارد. آنگاه که از سوی شیخ ابواسحاق نزد امیر مبارزالدین برای انصراف وی از حمله به شیراز رفت مورد احترام فوق‌العاده وی قرار گرفت و امیر از او درخواست کرد که کتاب «المفصل» زمخشری را که در نحو است به فرزندش شاه شجاع تعلیم دهد. در مذهب خود بسیار متعصب و با امامیه شدیداً مخالفت می‌ورزید. کار او به سختی رسید و توسط والی کرمان زندانی شد و در زندان قلعیه دریمیان کرمان درگذشت. از تألیفات او: «المواقف»، در علم کلام، که به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین وزیر تألیف کرده و میرشریف جرجانی نیز شرحی بر آن نوشته است؛ شرح «مختصر الاصول» ابن حاجب؛ «الفوائد الغیاثیه»، که اختصاری است از قسمت سوم «مفتاح العلوم»؛ «تحقیق التفسیر فی تکثیر التنویر»؛ «الرسالة العضدیة»، در وضع؛ «المدخل فی علم المعانی والبیان والبدیع»؛ «العقائد العضدیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (482 -480)، الاعلام (66/4)، ایضاح المکنون (565، 378 /1)، بزرگان شیراز (292)، تاریخ ادبیات در ایران (295/3)، تاریخ گزیده (699)، حبیب السیر (221/3)، دایرةالمعارف فارسی (323/1)، روضات الجنات (51 -47 /5)، ریحانه (144 -142 /4)، فارسنامه‌ی ناصری (1146/2)، کشف الظنون (1891، 1764، 1299، 1144، 898، 104، 41، 37)، الکنی والالقاب (472/2)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرحمن)، معجم المؤلفین (119/5)، هدیة العارفین (527/1)، هفت اقلیم (169 -168 /1).

ایروانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا علی آقا صاحب حاشیه (مکاسب) ابن العالم الجلیل الشیخ عبدالحسین ابن علی اصغر بن محمد باقر ایروانی نجفی از افاضل علماء معاصر تهران بود.
آن مرحوم از مراجع و مدرسین بزرگ حوزه علمیه نجف بوده‌اند که در سال 1301 ق تولد یافته و مقدمات علوم را از بعضی افاضل فراگرفته، آنگاه حاضر حوزه درس علامه خراسانی صاحب (کفایه) و علامه یزدی صاحب (عروه الوثقی) و در کربلا بدرس مرحوم آیةاللّه التقی میرزا محمد تقی شیرازی شده و بمقام بلندی از فقه و اصول رسیده و بعد از فوت مرحوم میرزا به نجف مراجعت و متصدی تدریس خارج گردیده و بسیاری از فضلاء که از مراجع علمی و تقلیدی معاصرند از محضرش استفاده نموده تا در عصر روز دوازدهم ربیع‌المولود 1354 ق از دنیا رفته و در حجره کازرونی واقع در صحن شریف به خاک رفته است.
از تألیفات ارزنده‌ی علمی اوست کتاب (بشری المجتهدین) در اصول و حاشیه بر مکاسب مطبوع و کتاب الطهاره و کتاب صلوه و کتاب حج و کتاب خمس و رساله‌ای در فروع علم اجمالی و الذهب المسکوک فی لباس المشکوک و خیر الزاد الی یوم المعاد.
(1354 -1301 ق)، عالم، فقیه و مدرس. از چهارده سالگی، بعد از وفات پدرش، به تحصیل علوم دینی روی آورد. پس از تحصیل مقدمات در اندک مدتی سطوح را به پایان رساند. آنگاه معقول را نزد شیخ علی‌محمد نجف‌آبادی خواند و در حوزه‌ی درس اصول آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و حوزه درس فقه آیت‌اللّه یزدی در نجف شرکت جست. سپس به کربلا رفت و در درس آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی حاضر شد و به مقام بلندی از فقه و اصول رسید. پس از فوت آیت‌اللّه شیرازی به نجف بازگشت و عهده‌دار تدریس خارج فقه و اصول گردید و بسیاری از علمای وقت از محضرش استفاده کردند. وی در نجف درگذشت و در حجره‌ی کازرونی واقع در صحن شریف علوی دفن شد. از آثار وی: «کتاب بشری المجتهدین»، در اصول؛ «تحریر الاصول»، در دو مجلد؛ «کتاب طهارة»؛ «کتاب صلاة»؛ «کتاب الحج»؛ «کتاب خمس»؛ «الذهب المسکوک فی اللباس المشکوک»؛ «خیرالزاد الی یوم المعاد»؛ «عقد اللئالی فی فروع العلم الاجمالی»؛ «نهایة النهایة فی شرح الکفایة»؛ حاشیه‌ی «مکاسب» و

«هدية الصبيان».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (261/ 8)، الذریعه (408/ 24 ،45/ 10 ،220 ،188/ 6)، ریحانه (65 -64/ 6)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (319/ 1)، شهیدان راه فضیلت (مقدمه/ 9 -8)، گنجینه‌ی دانشمندان (383/ 4)، لغت‌نامه (ذیل/ علی حائری)، مؤلفین کتب چاپی (309 -308/ 4)، معجم المؤلفین (118 -117/ 8).

ایروانی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ یوسف ایروانی از افاضل علماء معاصر تهران، در سال 1329 ق در نجف متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر بزرگان نجف مرحوم آیةاللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیةاللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیةاللّه العظمی خوئی و مقداری از آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی در سال 1366 ق به تهران مهاجرت و در مسجد (قندی) خیابان خانی آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
آثار معظم له از این قرار است: 1- مستند الفتوی فی شرح عروةالوثقی 2- تقریرات و دراسات اساتید نجف اشرف مرحوم والدش علامه ایروانی و اساتید دیگر.
دارای اجازات اجتهاد و روایاتی از آیات عظام نجف آیةاللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و مرحوم علامه کاشف‌الغطاء و علامه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آبی رازی، موفق الدین، حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، فقیه و محدث. مشهور به خواجه آبی. وی در قریه راشدة شنست ری ساکن بود. وی بر فقیه عالیمقام امیرکیا فرزند ابوالجیم مصدری قرائت کرد. خواجه آبی فقیهی صالح و مورد اعتماد بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (2/ 282)، ری باستان (2/ 298)، ریاض العلماء (1/ 338)، شهیدان راه فضیلت (133)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 6/ 66)، فهرست منتجب‌الدین (55 -54).

آبی، ابوسعد، ابوسعید منصور

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 432 /422 /421 ق)، فقیه، ادیب، شاعر و مورخ امامی. در آبه یا آوه از توابع ساوه متولد شد. و پس از کسب معلومات متداول زمان در ری به وزارت ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی رسید، و با صاحب بن عباد دوستی داشت. به گفته‌ی منتجب الدین از شاگردان شیخ طوسی بود. عبدالرحمان نیشابوری از او روایت می‌کرد. برادر او، ابومنصور محمد بن حسن آبی، نیز از ادیبان و دانشمندان قرن پنجم است که در خدمت ملوک طبرستان دارای منصب وزارت بود. آثار ابوسعد عبارت‌اند از: «نزهة الادب»؛ «نثر الدرر»؛ «تاریخ ری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8/ 237)، اعیان الشیعه (2/ 85، 9/ 252)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 25- 26)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 12)، الذریعه (3/ 254، 24/ 51- 52، 108)، ری باستان (2/ 394)، ریاض العلماء (5/ 219)، ریجانه (7/ 135- 136)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 668 5/ 195- 196)، فهرست منتجب الدین (161)، فوائد الرضویه (667- 668)، کشف الظنون (1939، 1927، 295)، الکنی والالقاب (2/ 4)، معجم الادباء (6/ 238)، معجم البلدان (1/ 69)، معجم المؤلفین (12/ 13)، نشر دانش (س 13، ش 6، ص 28)، هدیة الاحباب (96)، هدیة العارفین (2/ 473).

آبی، تاج‌الدین علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، فقیه. قاضی تاج‌الدین، به آورده منتجب‌الدین در «فهرست»، از فقیهان عصر خویش بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 188 /6)، فهرست منتجب‌الدین (134)، معجم رجال الحدیث (32 /12).

آبی، عزّالدین، زین‌الدین، ابومحمد حسن

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، فقیه امامی. وی معروف به فاضل آبی و ابن‌زینب یا ابن‌زبیب یا ابن‌ربیب و از شاگردان محقق حلّی بود که با استاد خود مباحثاتی داشته و در بسیاری موارد با وی مخالفت کرده است. از آثار او «کشف الرموز» است، در شرح «مختصر نافع» که در رمضان سال 672 ق از کتابت آن فارغ شده است. آبه روستایی در بخش جعفر آباد ساوه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (2/ 85، 282)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 12)، الذریعه (18/ 35)، ریاض العلماء (7/ 11، 15 -147 /1)، ریحانه (1/ 38- 39)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 7/ 38)، فوائد الرضویه (64، 95)، الکنی والالقاب (2/ 4، 3/ 155)، هدیة الاحباب (96).

آبی، مجدالدین، صاعد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، فقیه و واعظ. وی از فقیهان و واعظان شیعی قرن ششم ق است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 137 /6)، فهرست منتجب‌الدین (100).

آتشی شیرازی، محمد کاظم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1289 -1208 ق)، فقیه و مجتهد. دائی نگارنده‌ی «فارسنامه‌ی ناصری» است. سالها تحصیل مراتب علمیه کرد تا به دریافت درجه اجتهاد نایل گشت. در 1245 ق از شیراز به کرمان رفت و در آنجا ساکن شد و سالها به نشر معارف اسلامی پرداخت و عهده‌دار امامت مسجد گنجعلی‌خان بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فارسنامه‌ی ناصری (2/ 958).

آتشی مراغه‌ای

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در عهد فتحعلی شاه شیخ‌الاسلام مراغه و از شعرای معروف آن شهر و متخلص به آتشی بوده است. وی کتب زیادی تألیف کرده است، دیوانی هم دارد که اکثر اشعار آن به زبان ترکی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (2)، الذریعه (2 /9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 69 /13)، فرهنگ سخنوران (2)، مستدرکات اعیان (3 /3).

آجِنْگانی، ابوالفضل محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، فقیه و متکلم. در آجنگان، از روستاهای سرخس، متولد شد. از بزرگان اهل مناظره و از استادان فقه و کلام بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (60 /1)، دائرةالمعارف البستانی (40 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (22 /1)، معجم البلدان (130 /1)، نام‌آوران فرهنگ (91).

آخری، ابوالفضل خُزیمة

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 548 ق)، فقیه و متکلم معتزلی، ادیب و لغوی. نامش محمد و به خزیمه معروف بود. اهل آخُر، قصبه‌ای در دهستان، میان گرگان و خوارزم، بود. در ناحیه‌ی دهستان از کسانی چون ابوالفتیان عمر بن عبدالکریم روّاسی و بندار بن عبدالواحد دهستانی و دیگران حدیث شنید. در مرو به روایت حدیث اشتغال داشت و در همان جا نیز درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (1/ 61)، دانشنامه‌ی ایران اسلام (1/ 38)، معجم البلدان (2/ 559، 1/ 70).

آخری، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، فقیه و محدث. در آخُر، قصبه‌ای در ناحیه دهستان میان گرگان و خوارزم، متولد شد و به مصر سفر کرد. وی از احمد بن بهزاد سیرافی و ابوالفوارس صابونی و دیگران حدیث روایت می‌کرد. ابوالقاسم حمزه بن یوسف سهمی نیز از او روایت کرده و «اصول» او را ستوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (1/ 61)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 38)، لسان المیزان (1/ 604- 605، 8/ 67)، معجم البلدان (1/ 70، 2/ 559).

آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1329 -1255 ق)، فقیه، اصولی، مجتهد بزرگ تشیع و از بنیانگذاران انقلاب مشروطیت. پدرش ملا حسین اهل هرات و ساکن مشهد بود. وی مقدمات علوم را در مشهد آموخت و از آنجا به سبزوار رفت و مدتی در محضر درس حاج ملاهادی سبزواری حاضر گشت. در بیست و دو سالگی به تهران آمد و علوم عقلی را نزد میرزا ابوالحسن جلوه و دیگران فراگرفت و در سال 1278 ق به نجف رفت و به حوزه درس شیخ مرتضی انصاری پیوست. مدتی نیز در درس شیخ راضی، سید مهدی قزوینی و سید علی شوشتری شرکت جست و پس از وفات شیخ انصاری به خدمت میرزای شیرازی درآمد. آخوند اسلام است که شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. وی یکی از سه تن روحانی نجف بود که از مشروطیت حمایت کرد و این عمل او منجر به موفقیت آزادیخواهان در انقلاب مشروطیت شد. در سال 1329 ق زمانی که روسها بر آزادیخواهان ایران با ارسال اولتیماتوم‌های پشت سر هم سخت گرفته بودند، به قصد آمدن به ایران حرکت کرد، ولی در راه ناگهان درگذشت، شایع شد که او را مسموم کرده‌اند. وی در مقبره‌ی حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی مدفون گردید. آثار او عبارت‌اند از «کفایة الاصول»، دو جلد، از مراجع معتبر علم اصول، «حاشیه بر رسائل» و «حاشیه بر مکاسب» که نقدی است بر آثار شیخ مرتضی انصاری؛ «حاشیه بر اسفار»؛ «حاشیه بر شرح منظومه»؛ «رسالاتی در مشتق، رضاع،...»؛ «الاجارة»؛ «الاجتهاد والتقلید»؛ «الفوائد الاصولیة» و «تکملة التبصرة». از آثار خیر آخوند احداث سه مدرسه‌ی بزرگ و متوسط و کوچک در نجف است. وی ضمناً به انتشار چهار مجله‌ی «اخوت»، در «درةالنجف»، «العلم» و «نجف اشرف» کمک بسیار کرد. وی در نزد فقها و دانشمندان علوم دینی به «صاحب الکفایه» شهرت دارد. و فرزندان او کلمه «کفائی» را برای نام خانوادگی خویش انتخاب کردند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 234)، اعیان الشیعه (6 -5 /9)، تاریخ برگزیدگان (43 /42)، خدمات متقابل اسلام و ایران (500 -499)، الذریعه (88 /18، 324 /16، 220 /6، 412 /4، 122 /1)، ریحانه (42 -41 /1)، شرح حال رجال (1 /4)، گنجینه‌ی دانشمندان (93 -92 /7)، معجم المؤلفین (155 /11)، مؤلفین کتب چاپی (16 -14 /5).

آدم بن یونس نسفی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، فقیه امامی. شیخ فقیه و ثقه‌ی عادل که تصنیفات شیخ ابوجعفر طوسی را بر وی قرائت کرد. ابن‌حجر در «لسان المیزان» تحت عنوان رجال شیعه‌ی امامیه از او نام می‌برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (86 /2)، فوائد الرضویه (41)، فهرست منتجب‌الدین (11)، لسان المیزان (512 /1)، معجم رجال الحدیث (124 /1).

آدمی استرآبادی، ابوالقاسم علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، فقیه و محدث. او را آدمی اسدآبادی و همچنین آدمی همدانی نیز نامیده‌اند. او در طلب حخدیث مسافرت کرد و از فاروق خَطّابی و ابوبکر قطیعی و برخی دیگر حدیث شنید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (1/ ح 61)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 45).

آدمی چاچی، ابوبکر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، فقیه و محدث. آدمی در چاچ (ناحیه‌ای در شمال شرقی سیر دریا، ظاهراً مطابق ناحیه‌ی تاشکند) و نواحی اطراف آن زندگی می‌کرد و به روایت حدیث اشتغال داشت. وی به عراق و حجاز سفر کرد و از حبیب بن مغیره چاچی، حامد بن داوود چاچی، عبیداللّٰه بن واصل بخاری، ابوحاتم محمد بن ادریس رازی و محمد بن عبداللّٰه بن یزدی مُقْری و دیگران حدیث شنید. ابوالفضل محمد بن محمد چاچی، و ابوجعفر محمد بن علی غزال و همطبقه ایشان از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (61 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (45 /1).

آدینه اصفهانی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1339 ق)، حکیم، فقیه و زاهد. از مبرزین شاگردان جهانگیرخان قشقائی بود. وی از مدرسین حکمت در مدرسه صدر و مسجد ذوالفقار اصفهان بود و متون معقول و منقول را تدریس می‌کرد. خط او نیز پخته و شیرین بود. همچنین از نجوم و هیئت سر رشته داشت. استاد جلال همایی و آقامیرزا محمود مفید اصفهانی از شاگردان نامور وی بودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (242 -241)، همایی نامه (22).

آذری قمی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ احمد آذری قمی یکی از ستارگان... آسمان فضیلت حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است که در حدود 1342 قمری در قم چشم به جهان گشوده و پس از پرورش و خواندن اولیات و ادبیات سطوح را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته و آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آن سامان از محضر آیات عظام آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و پس از چند سال اقامت به وطن مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه نایب الامام آقای خمینی و آیت‌اللّه محقق داماد بهره‌مند شده و در ضمن در مواقع مقتضی ماه رمضان و محرم و صفر برای ارشاد و تبلیغ اسلام و تنویر افکار به تهران مسافرت نموده ولی چند سالیست که به واسطه مشاغل زیاد آن برنامه را تعطیل و از طرف حجةالاسلام والمسلمین آقای آذری دیگر به خدمات دینی و مبارزات بر علیه امپریالیسم و رژیم منفور شاه مخلوع ادامه و برای همین هم چند سالی از طرف عمال کثیف و جنایتکار طاغوتی تبعید به اردستان و بعضی از نواحی دیگر شده که سر این جان چند تن از عزیزانش در اثر تصادم از دست رفته است بالجمله جناب آقای آذری از افراد بسیار شایسته و لایق و پرهیزکار و مراتب فضل و تقوایش مورد تایید مراجع بزرگ بالاخص حضرت آیه‌اللّه العظمی امام خمینی است و از طرف معظم‌له به اتفاق بعضی دیگر منصوب به سرپرستی آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع) و هم نظارت در دادگاه انقلابی میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

آرانی کاشانی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1244 ق)، فقیه. معروف به ملا علی آرانی. از اهالی ده آران از توابع کاشان بود. پس از کسب فیض از محضر علما و کسب اجازه از ملا احمد نراقی در 1217 ق به گلپایگان رفت و سپس در 1242 ق به تهران آمد، پس از آن در قم اقامت گزید. آثار او عبارت‌اند از: «الدّرة البهیة»، منظومه در اصول فقه که در 1242 ق، منطبق بر تعداد ابیات کتاب، سرودن آن را به پایان برده؛ «الغرة الجلّیة فی شرح الدرة البهیة»؛ «المقاصد المهمة»؛ «مطلع الانوار»، در سه جلد، که جلد یکم آن در دسترس نیست، جلد دوم آن درباره‌ی پادشاهان ایران از کیومرث تا روزگار نویسنده (1239 ق) است، و جلد سوم در سرگذشت دانشمندان و سرایندگان معاصر نویسنده تا سال 1226 ق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (385، 151 /21، 34 /16، 91 /8، 424 /4)، فوائد الرضویه (577)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (657 -656 /1).

آرانی کاشانی، ملا محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1250 ق)، فقیه. در آران کاشان متولد شد. مقدمات را نزد پدرش فراگرفت و در تهران نزد سید حسین کاشانی تحصیل کرد. پس از آن به عراق رفت و از محضر فاضل ایروانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی بهره جست و اجازه یافت. سپس به ایران بازگشت و در زادگاهش متوطن شد و به ترویج معارف اسلامی پرداخت. از آثارش: «عرائس الاحکام»، در شرح «الفیه»؛ «حاشیة القوانین»؛ «حاشیة الرسائل»؛ شرح «الدرة» سید بحرالعلوم؛ رساله‌ای در «اجتهاد و تقلید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (242 /15 ،272 /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14/ 1540- 1541).

آزاد قزوینی، میرآزاد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، مجتهد اصولی، فیلسوف، حکیم و شاعر. برادر کوچک میر سید علی قزوینی و از سادات قزوین بود. او نزد شیخ محمدتقی شهید ثالث و برادرش ملا محمدصالح برغانی فقه و اصول خواند و در حوزه‌ی درس آخوند ملا آقا حکمی قزوینی حکمت آموخت، سپس عازم هندوستان شد و ساکن آن سامان گشت. طبعی موزن داشت و اشعار لطیفی سرود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (7)، فرهنگ سخنوران (5)، مستدرکات اعیان (3 /3)، مینو در (356 /2).

آزادواری جوینی، ابوموسی هارون

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، ادیب و فقیه. در نیشابور از ابوعبداللَّه محمد بن ابراهیم پوشَنجی و ابراهیم بن عبدالرحمان بن سهل آزادواری حدیث شنید. حاکم ابوعبداللّه حافظ از او روایت کرده و او را فقیه و ادیب شمرده و گفت است که وی پیش از سال 310 ق در ری و بغداد به جمع‌آوری احادیث اشتغال داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (63 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (85 /1).

آستارایی، اسحاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1391 ق)، فقیه و مدرس. در قصبه ارچوان آستارا متولد شد. پس از تحصیل ادبیت در زادگاهش، به لنکران رفت و از آنجا به اردبیل مهاجرت کرد. وی نزد افتخارالعلما و شیخ عبداللّه تحصیل علوم کرد و در سال 1340 ق به خراسان مسافرت کرد و از محضر درس آقا شیخ حسن برسی و میرزا ابوالقاسم حکمی و آقا بزرگ حکیم و ادیب نیشابوری و میرزا هاشم بهره برد و در 1345 ق به قم رفت و در حوزه درس آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه بروجردی حاضر شد. از ابتدای تأسیس مدرسه حجتیه قم عهده‌دار امور مدرسه بود. در قم درگذشت و در مقبره ابوالحسن در بقعةالعلماء دفن شد. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌اللّه حائری و «تقریرات» درس آیت‌اللّه حجت در کفایه و فقه و مکاسب.[1]
مرحوم مبرور حجه‌الاسلام آقای آمیرزا اسحق آستارائی از افاضل حوزه و مبرزین اصحاب و خواص رفقاء مرحوم آیت‌الله حجت به فضل و دانش معروف و به متانت و حسن افعال موصوف بوده است والدش مرحوم آقاعباس تاجر قفقازیست در قصبه ارچوان نزدیک شهر آستارا متولد شده و پس از گذرانیدن. ایام کودکی در همانجا به تحصیل ادبیات پرداخته و در سال 1336 ق به لنکران آمده و از آنجا به اردبیل مهاجرت کرده و نزد مرحومین افتخار العلماء و شیخ عبدالله تحصیل مقدمات نموده و در سال 1340 ق به خراسان مسافرت و از محضر درس مرحوم آقاشیخ حسن برسی و میرزا ابوالقاسم حکمی و آقابزرگ حکیم و ادیب نیشابوری و میرزا هاشم استفاده نموده و در سال 1345 ق مهاجره به قم و از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و خونساری استفاده کامل نموده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و از اول تاسیس مدرسه حجتیه تصدی امور مربوط به مدرسه از تمام جهات از طرف مرحوم آیت‌الله حجت به ایشان محول بوده است.
از آثار اوست مقداری از تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حایری و تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حجت در کفایه وقفه و مکاسب اجازاتی هم از آیات عظام گذشته داشته است در ماه ذی‌الحجه 1391 قمری از دنیا رفته و در مقبره ابوحسین در بقعه العلماء مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آثار الحجة (42 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (55 -54 2/).

آشتیانی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا محمدحسن آشتیانی (ف. تهران 1319 ه.ق.) از اعیان علما و مجتهدان با فضل و دیانت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. وی به تهران آمد و حوزه درس او مرجع استفاده بسیاری بوده است. کتاب «بحرالفوائد فی شرح الفرائد و التقریرات» وی در سال 1315 ه.ق. در تهران چاپ سنگی شده و کتاب «ازاحة الشکوک» نیز به چاپ سنگی رسیده است. آشتیانی در تهران وفات یافت و جنازه او را به نجف بردند و در مقبره شیخ جعفر شوشتری دفن کردند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آشتیانی، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا باقر بن العلامه المتبحر حاج میرزا احمد آشتیانی دام ظله از علماء معاصر تهران و افاضل خاندان آشتیانی میباشند. تولد ایشان در آخر 1323 ق در تهران واقع شده و پس از فراغت از سطوح اولیه در سال 1340 ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه مشکینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به تهران مراجعت و در مدرسه مروی بتدریس معقول و منقول اشتغال یافت.
از تألیفات ایشان است کتب زیر:
1- کتاب النکاح 2- کتاب الطلاق 3- کتاب الصوم 4- کتاب القضاء 5- تعلیقاتی بر فرائد 6- شرح مبسوطی بر کفایه 7- تعلیقاتی بر متاجر شیخ 8- تعلیقاتی بر خمس و زکوه مرحوم حاج آقا رضا همدانی 9- تعلیقاتی بر صلوه آن مرحوم 10- تعلیقاتی بر حج جواهر 11- رساله‌ای در لباس مشکوک 12- رساله‌ای در زکوه الفطر 13- رساله‌ای در میراث الزوجه 14- رساله‌ای در حبوه 15- رساله‌ای در قضاء احکام 16- رساله‌ای در مسالک وحدت وجود 17- رساله‌ای در جبر و تفویض و امر بین الامرین 18- رساله‌ی مختصری در صلوه جمعه 19- رساله‌ای در اجتهاد و تقلید 20- رساله‌ای در احکام و اقسام آبها 21- رساله‌ای در نجاسات و احکام آنها 22- رساله‌ای در احکام مساجد 23- رساله‌ی مفصلی در احیاء موات 25- رساله‌ای در خلع و مبارات 26- رساله‌ای در تصویر مالکیت یا عدم مالکیت بعضی عناوین کلیه 27- رساله‌ای در قاعده ید 28- رساله‌ای در قاعده من ملک 29- رساله‌ای در شروط 30- رساله‌ای در کفو 31- رساله‌ای در جواب تحیت 32- حواشی بر شرح اللمعه 33- حواشی بر قوانین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آشتیانی، حسن، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1319 -1248 /1243 ق)، عالم اصولی و مجتهد. در آشتیان متولد شد و در نجف تحصیل کرد و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. پس از اتمام تحصیلات و رسیدن به مقام اجتهاد، به تهران آمد و به تشکیل حوزه و تدریس مشغول شد. شهرت میرزای آشتیانی به سبب مخالفتش با اعطای امتیاز توتون و تنباکو به بیگانگان، معروف به قرارداد رژی، و کوشش او در لغو این امتیاز بود که سرانجام با ارشاد و حمایت قاطع میرزای شیرازی منجر به لغو قرارداد گردید. وی سفری نیز به دیدار میرزای شیرازی در سامرا رفت و مورد استقبال قرار گرفت. وی در تهران درگذشت و پس از تشییع جنازه با شکوه پیکرش به نجف حمل و در مقبره شیخ جعفر شوشتری مدفون گشت. حاج شیخ مرتضی آشتیانی، شیخ مصطفی آشتیانی، میرزا هاشم آشتیانی و میرزا احمد آشتیانی از فرزندان او هستند.
از آثار میرزای آشتیانی: «بحرالفوائد فی شرح الفرائد»، که حاشیه‌ی مفصلی است بر رسائل شیخ انصاری؛ «مباحث الالفاظ»، در اصول؛ «ازاحةالشکوک فی حکم اللباس المشکوک»؛ «کتاب القضاء»؛ «کتاب الاوانی الذهب والفضه»؛ «کتاب الوقف» و «احیاء الموات»؛ «رسالة فی نکاح المریض»؛ «الاجزاء»؛ «کتاب الاجاره»؛ «الخلل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (38 -37 /5)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (98 -97 /1)، دایرةالمعارف فارسی (155 /1)، الذریعه (139 /25، 301 /24، 248 /7، 137 /5، 44 /3، 527، 39، 274، 122 /1). ریحانه (49 /1)، شرح حال رجال (317 -316 /1)، علماء معاصری (71 -70)، فوائد الرضویه (451، 68)، گنجینه‌ی دانشمندان (364 -363 /4)، لغت‌نامه (ذیل/ محمدحسن)، المآثر والآثار (151)، مؤلفین کتب چاپی (539 -537 /2)، معجم المولفین (186 /9)، یادگار (س 3، ش 4، ص 16).

آشتیانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا محمدحسن بن میرزا جعفر بن میرزا محمد آشتیانی از اعیان علماء و مجتهدین عصر گذشته ما که با فضل و دیانت و وثاقت معروف و از شاگردان مبرز و ممتاز شیخ‌الطائفه علامه انصاری بوده و بعد از وفات استادش در سال 1282 ق به تهران مهاجرت نموده و حوزه درس او مورد توجه و مرجع استفاده بسیاری از اطباء عصر بوده تا در سال 1319 ق که بدرود حیات گفته و جنازه‌اش پس از یکسال حمل به نجف اشرف و در مقبره شیخ جعفر شوشتری بخاک رفته است. آثار علمی او از اینقرار است:
1- بحر الفوائد فی شرح الفرائد 2- کتاب اجاره 3- کتاب اجزاء احکام الاوانی 4- کتاب احیاء الموات- ازاحه الشکوک عن حکم لباس المشکوک 5- کتاب الوقف 6- قضا و شهادات و کتب دیگری که طبع نشده است.
آن مرحوم دارای چهار فرزند عالم و دانشمند بوده است: 1- مرحوم آیه‌اللَّه العظمی حاج شیخ مرتضی آشتیانی که ترجمه و شرح احوالش در ضمن علماء مشهد خواهد آمد.
2- مرحوم آیه‌اللّٰه حاج آقا میرزا آشتیانی معروف بافتخار از علماء و دانشمندان بنام این خاندان بوده و در قضایای مشروطیت ایران در یکی از منازل شهر ری مقتول و در مقبره صحن مطهر در جنب کفش کن زنانه که بنام مقبره افتخار آشتیانی معروف است مدفون گردید دارای تالیفاتی بوده که یکی از آنها بنام: افتخار نامه در غزوات حضرت ولایت ماب مولی الکونین امیرالمؤمنین بنهج فردوسی بطبع رسیده است.
3- مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا هاشم آشتیانی غالبا وارد در امور سیاست بودند و تالیفاتی در ادعیه و زیارت از ایشان بیادگار مانده و در سن 92 سالگی برحمت ایزدی پیوسته و در ارض اقدس رضوی مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آشتیانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی ابن العلامه الجلیل آیت‌اللَّه العظمی حاج میرزا محمدحسن بن العالم العامل میرزا جعفر آشتیانی از مشاهیر علماء و مجتهدین و روسا حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌لند.
تولدش در سال 1281 قمری روز وفات علامه انصاری شیخنا المرتضی ره صاحب فرائد و مکاسب بوده و مرحوم والدش به واسطه کثرت علاقه به استادش مرحوم شیخ وی را به نام او موسوم نموده و همت بر تربیت او گماشت تا اولیات و سطوح را فراگرفت و از محضر مرحوم والدش استفاده کافی نمود و در خدمت آن مرحوم به مکه مشرف و پس از مراجعت در نجف اشرف اقامت و از مجالس ابحاث مرحوم حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل و مرحوم آخوند خراسانی بهره‌مند شده تا به مدارج عالیه اجتهاد و فقاهت رسیده و به ایران مراجعت و در تهران به تدریس و اقامه جماعت مشغول تا در سال 1340 قمری به ارض اقدس رضوی مشرف و در آنجا به تدریس و اقامه جماعت و اصلاح امور مردم موفق و در سال 1353 قمری به حکم اجبار به تهران و چند سالی در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) مجاور تا سال 1360 ق که مشرف به اعتاب عالیات و دو سال در کربلا به تدریس مشغول و به واسطه کسالت مزاج مراجعت به ایران و ثانیا به مشهد مقدس مشرف و به وظائف شرعی قیام تا در 24 ذی‌حجه 1365 قمری که به رحمت ایزدی پیوستند و در پائین مبارک حضرت رضا (ع) درب حرم مطهر مدفون گردیدند.
نگارنده گوید مرحوم علامه آشتیانی عالمی بود ربانی و فقیهی بود سبحانی و اخلاص بسیاری به اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام داشت و در تمام موالید ائمه و اعیاد مذهبی در منزلش مجلس جشن منعقد و در وفیات آنان مجلس سوگواری می‌گذاشت و خود با آن کبر سن از مردم پذیرائی کرده و گاهی مدیحه‌خوانی می‌نمود توسلش بسیار و به زیارت جامعه کبیره مداومت داشت برای او منامات و مکاشفات و نوادر آموزنده بود یکی از مناماتش مربوط به مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محسن صدرالعلماء بود که در ترجمه او نگاشتم و یکی دیگر هم مربوط به خود ایشانست که بسیار جالب است.
مکاشفه آیت‌اللَّه آشتیانی

در شهر ری در ایام اقامتش برای این بنده فرمود در مشهد مقدس که بودم روزی حمام رفتم و خضاب کرده و خوابیدم که خضابم رنگ بگیرد پس دیدم ملک‌الموت آمد و مرا قبض روح کرد و مردم از مردنم خبردار شدند اجتماع کرده و پس از تغسیل و تشییع آورده و دفن کردند شخصی به من گفت بیا نزد این غریب برویم من گفتم من می‌ترسم در زیر خاک و میان قبر نمی‌روم گفت نه باید برویم پس مرا به قبر وارد نمود و لحد گذارده شد چنان وحشت مرا گرفت ناگاه دیدم قبرم وسیع شد و دری از بالای سرم باز و به من گفته شد حضرت رسول و ائمه علیهم‌السلام تشریف می‌آورند و دیدم آن جناب و حضرت زهرا و دوازده امام علیهم‌السلام آمدند و در عقب سر آنان چهارده نفر از علماء بزرگ که آخرین آنها مرحوم پدرم بود آمدند ناگاه دیدم دری از پائین گشوده و دو نفر با قیافه هولناکی وارد و به حضرت رسول (ص) عرض کردند اجازه می‌فرمائید از او سؤال کنیم فرمود نه از من بپرسید عرض کردند سمعا و طاعه.
یا رسول اللَّه من ربک فرمود اللَّه جل جلاله ربی من نبیک فرمود انا نبی نفسی تا آخر عقاید.
پس گفتند حال اجازه می‌فرمائید از او بپرسیم فرمود نه از پسر عمویم علی سوال کنید پرسیدند پس از پایان باز کسب اجازه کردند فرمود نه از دخترم بپرسید، پرسیدند و هر کدام جواب می‌دادند می‌گفتند نه از حسن و از حسین تا آخر حضرت مهدی بپرسید و آنها می‌پرسیدند و حضرات جواب می‌دادند تا بعد از جوابهای چهارده معصوم علیهم‌السلام معروض داشتند حالا بپرسیم فرمودند آری و ارفقابه با وی مدارا کنید. مرحوم آشتیانی فرمود از تلقین حضرت رسول (ص) و ائمه علیهم‌السلام من روان شده و عقایدی که از هول و ترس از یادم رفته بود به یادم آمد پس تا پرسیدند من ربک فورا گفتم اللَّه جل جلاله ربی گفتند من نبیک گفتم هذا محمد بن عبداللَّه (ص) نبیی.
من امامک گفتم هذا علی بن ابی‌طالب امامی و هر جوابی که می‌دادم پیغمبر (ص) من علماء مخصوص پدرم خوشحال و خندان می‌شوند تا پس از پایان سؤال و جواب پیغمبر (ص) حرکت نموده و از همان در که آمده رفتند و در اثر آن حضرت حضرات ائمه علیهم‌السلام یکی بعد از دیگری رفته و قبر تاریک می‌شد گفتم لابد علماء و پدرم آمده‌اند که من تنها نباشم دیدم آنها هم بعد از ائمه علیهم‌السلام رفتند و چنان قبر تاریک و وحشتناک شده و از خواب بیدار شدم.
برادر ارجمندشان جناب مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه آقای حاج میرزا احمد آشتیانی که ترجمه‌شان در ص 364 جلد چهارم گذشت در روز چهارشنبه پانزدهم جمادی‌الثانی 1395 وفات نموده و با تجلیل و تشییع فراوان از تهران حمل به شهر ری و در جوار حضرت عبدالعظیم در مقبره

برادرش مرحوم آقا میرزا مصطفی افتخار آشتیانی مدفون گردیدند.
از یادگارهای ایشان گذشته از کتب و تالیفات دو فرزند دانشمند به نام آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر آشتیانی و حجةالاسلام آقامیرزا محمدصادق آشتیانی می‌باشد.
(ح 1365 -1281 ق)، فقیه و اصولی. او از محضر پدر بهره کافی برد و همراه وی به مکه رفت. در بازگشت در نجف ماند و از مجالس درس میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و دیگران سود جست. وی از بزرگ‌ترین فقهای زمان خود به شمار می‌آمد و از علمای بانفوذ ایران بود. در جنبش مشروطیت شرکت داشت و در قضیه‌ی بانک روس و حوادثی که منتهی به لغو امتیاز آن گردید، نیز دخالت بسزایی داشت. مدتی که در مشهد اقامت داشت (1353 -1340 ق)، ریاست و سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد را برعهده داشت. در سال 1360 ق به عراق رفت و دو سال مقیم کربلا بود. و سپس به ایران آمد و تا پایان عمر در مشهد زیست. کتابی در باب «اجاره»، بر مبنای تقریرات او، باقی است. میرزا محمود آشتیانی و اسماعیل آشتیانی فرزندان او هستند.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (37 -35 / 1)، شرح حال رجال (260 / 6)، گلزار معانی (20 -16)، گنجینه‌ی دانشمندان (96 -95 / 7).

آصف قزوینی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1136 ق)، فقیه. در قزوین متولد شد. مراتب علمی را تا تحصیل اجتهاد در اصفهان طی کرد. سپس به قزوین و از آنجا به تفلیس رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت. چند سال بعد دوباره به اصفهان رفت و دچار فتنه‌ی افغان و محاصره‌ی اصفهان و قحط و غلا گردید و کمر همت به یاری برادران دینی بست و مواسات بسیاری با آنان کرد. از آثار او است: شرح «خطبه همّام» از خطب امیرالمؤمنین (ع)، که برخی آن را ستوده‌اند و بهترین شرح دانسته‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (87 /2)، تذکرة القبور (11)، الذریعه (226 /13 ،113 /7)، ریحانه (448 -447 /4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1 12/)، فوائد الرضویه (53)، مینو در (763 /2).

آفُرانی، ابواحمد، محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 422 ق)، فقیه و محدث. از لیث بن نصر کاجَری نَسفَی حدیث شنید و کتاب «موَّطا» را از او روایت کرد. آفُران قریه‌ای است نزدیک نَسَف و ابواحمد در آنجا درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (1/ 65)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 109)، معجم البلدان (1/ 74).

آفُرانی، ابوالطیب، عبدالملک

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 338 ق)، فقیه، ادیب و شاعر. ابوالطیب از مردم آفُران، قریه‌ای در نزدیکی نسف، بود. از احمد بن حامد مقری نسفی و ابوالفوارس احمد بن محمد بن جمعه و لیث بن نصر کاجَری نَسفَی حدیث شنید و به مرو رفت و در آنجا فقه آموخت و از ابوالعباس معدانی و ابوالحسن محمودی و ابوزید فقیه مروزی حدیث شنید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (1/ 65)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 109).

آفُرانی، ابوبکر، محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 413 ق)، فقیه و محدث. در بخارا اقامت داشت و از ابوصالح خلف بن محمد خیام و برخی دیگر حدیث شنید. او در سن هشتاد سالگی در بخارا درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (1/ 65)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 109)، نام‌آوران فرهنگ (95).

آفرانی، ابوتَمام، عبدالسلام

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 400 ق)، ادیب، شاعر و فقیه. برادر ابوالطیب آفُرانی و از مردم آفُران، دهی در نزدیکی نَسَف بود. در فقه پیرو مذهب شافعی بود و از اصحاب شافعی نیز آموخته بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (1/ 65)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 109).

آقا میری دزفولی، محمدطاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1318 ق) فقیه. وی از نوادگان سید عبدالباقی معروف به سید آقا میر است. در دزفول متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی در دزفول در 1260 ق به نجف رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری تلمذ کرد و سرانجام داماد وی گشت. و در همان‌جا درگذشت. از آثار وی: تحریر «تقاریر» شیخ انصاری در اصول؛ «خلل و مواریث»؛ حاشیه‌ای مفصل بر «شرح لمعه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (144 -143 /5).

آقا نجفی اصفهانی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1332 /1331 -1262 ق)، عالم شیعی و مجتهد. معروف به آقانجفی. وی نوه‌ی شیخ محمدتقی رازی اصفهانی صاحب «هدایة المسترشدین» بود. در اصفهان متولد شد و مقدمات را از پدرش شیخ محمدباقر اصفهانی فراگرفت. در نجف در محضر میرزا محمدحسن شیرازی، حاج شیخ مهدی نجفی و حاج سید علی شوشتری به تکمیل تحصیل پرداخت و به مقام اجتهاد رسید و به اصفهان بازگشت در زمان پدر مرجعیت تام یافت. وی در کمک به مدرم و تأمین وسایل آسایش ایشان کوشا بود، حدود شرعی را اجرا می‌کرد و نسبت به حسن جریان زندگی و تحصیل طلاب علوم دینی اهتمام می‌ورزید. وی در جنبش تنباکو از آغازگران مبارزه بود. مخالفتش با مظالم ظل‌السلطان و مأمورن انگلیسی سبب تبعید وی به تهران شد. اما در تهران نیز همچنان به فعالیت سیاسی خود ادامه داد و دوباره او را به اصفهان باز گرداندند. سرانجام در اصفهان درگذشت و در جوار مرقد امامزاده احمد نواده‌ی امام محمدباقر (ع) به خاک سپرده شد. آثار او را بیش از صد دانسته‌اند، از آن جمله: «آداب العارفین»؛ «الاجتهاد والتقلید»؛ «اسرار الآیات»؛ «اسرار الاحکام»؛ «اصول الدین»؛ «انوار العارفین»؛ «تأویل الآیات الباهرة فی العترة الطاهرة»؛ «بحر الحقائق»؛ «جامع الانوار»؛ «المتاجر»؛ «مفتاح السعادة».[1]
ا آقا نجفی (و. 22 ربیع‌الثانی 1262 ه.ق- ف. 11 شعبان 1332 ه.ق) شیخ محمدتقی بن حاج شیخ محمدتقی بن عبدالرحیم، از علمای بزرگ و متنفذ اصفهان و دارای تألیفات متعددی است در فقه و اصول فقه و کلام.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (6/ 288)، اعیان الشیعه (9/ 196)، تذکرة القبور (16- 18)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 119)، الذریعه (74، 332 /21، 59 /19، 43 /5، 431، 255، 46، 45، 40، 38 /2، 270، 380، 24، 21، /1)، ریحانه (1/ 57- 58)، شرح حال رجال (3/ 326- 327)، علماء معاصرین (101- 102)، فوائد الرضویه (438)، الکنی والالقاب (2/ 6)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 198- 203)، مصفی المقال (95)، معجم المؤلفین (9/ 133- 134)، مکارم الآثار (5/ 1662- 1666).

آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1289 -1293 ق)، کتاب شناس، محقق، فقیه و محدث شیعی. آقا بزرگ تحصیلات مقدماتی خود را در تهران در مدارس دانگی و پامنار و فخریه آغاز کرد و ادبیات و فقه و اصول و منطق آموخت و در 1315 ق عازم نجف شد و نزد حاج میرزا حسین محدث نوری تحصیل علم حدیث کرد. و در حوزه درس آخوند ملا کاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، سید محمدکاظم یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی به تکمیل فقه و اصول پرداخت. در سال 1329 ق به کاظمین رفت تا مقدمات تدوین بزرگ‌ترین دایرةالمعارف کتاب شناسی شیعه، یعنی«الذریعة الی تصانیف الشیعة» را آماده سازد. این دایرةالمعارف در واقع جوابی به جرجی زیدان، ادیب مسیحی عرب بود که مدعی شده وبد که نقش شیعه در فرهنگ اسلامی بسیار اندک است. آقابزرگ برای تهیه‌ی «فهرست الذریعه» در نجف چاپخانه‌ای به نام مطبعةالسعادة دایر کرد. ولی دولت عراق مانع کار وی شد. وی برای تکمیل «الذریعه» سفرهای بسیار کرد و از بیشتر کتابخانه‌های عمومی عراق و ایران و سوریه و فلسطین و مصر و حجاز و بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی بازدید کرد. حاج‌آقا بزرگ از بسیاری از محدثین فرق و مذاهب گوناگون اجازه‌ی نقل حدیث داشت، از جمله: میرزا حسین نوری، سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی، شیخ علی خاقانی، شیخ علی کاشف الغطاء، سید حسن صدر، شیخ محمدعلی ازهری مالکی، شیخ عبدالوهاب شافعی، شیخ ابراهیم الاحمدی، شیخ عبدالقادر طرابلسی، شیخ عبدالرحمن حنفی. بسیاری از بزرگان نیز از او اجازه‌ی نقل حدیث گرفته‌اند، مانند: حاج‌آقا حسین بروجردی، سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، شیخ عبدالحسین امینی، سید عبدالهادی شیرازی، شیخ محمدرضا آل‌یاسین، سید محمدصادق بحرالعلوم، سید شهاب‌الدین مرعشی. وی پس از یک بیماری طولانی در نجف درگذشت و طبق وصیتش، در کتابخانه خود که آن را وقف علما کرده بود به خاک سپرده شد. مهمترین آثار وی عبارت‌اند از: «الذریعة الی تصانیف الشیعة» در 26 جلد؛ «طبقات اعلام الشیعه»، از سده‌ی چهارم تا چهاردهم ق. در یازده جزء که ادامه کتاب «وفیات الاعلام» سید حسن صدر در سه قرن اول بود؛ «مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال»؛ «هدیة الرازی الی المجدد شیرازی»؛ «النقد اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «توضیح الرشاد فی تاریخ

حصر الاجتهاد»؛ «المشیخة»؛ «ضیاء المفازات فی طریق مشایخ الاجازات»؛ «مستدرک کشف الظنون».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینده (س 6، ش 4 -3، ص 253 -247 و ش 8 -7، ص 596 -588)، الذریعه (1/ مقدمه و 20/ مقدمه)، ریحانه (54 -52 /1)، سرآمدان فرهنگ (19 -18 /1)، سواد و بیاض (589 -587)، گنجینه‌ی دانشمندان (280 -279 /1)، مؤلفین کتب چاپی (235 -232 /5)، نام‌آوران فرهنگ (353).

آقاجانی، علیرضا

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1016 ق)، فقیه و محدث شیعی. وی از شاگردان میرزا محمد استرآبادی بود که در مکه پس از قرائت کتاب «تهذیب الاحکام» بر او، به دریافت اجازه روایت نایل شد. وی پدر محمد بن علیرضا آقاجانی، حکیم و فیلسوف بزرگ عصر خویش است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 398 /11).

آقاکوچک بروجردی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1279 ق)، عالم، فقیه و محدث. از اهالی قمیشه و در اصفهان ساکن بود. پس از کسب مقدمات سالها در تحصیل نحو و صرف و معانی و بیان و حدیث و رجال و علوم دینی و معارف صرف اوقات کرد تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. از آثار وی «رساله در استصحاب» که تحریر تقریرات پدرش بود و به انضمام «قواعد الشریفیه‌ی» پدرش به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (2/ 422- 423)، تذکرة القبور (14)، ریحانه (1/ 56- 57)، المآثر والآثار (162).

آقامیری دزفولی، اسدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید اسدالله معروف بامام بن سید نورالله بن سید اسدالله بن سید محمد حسین بن العلامه سید عبدالباقی مشهور بسید آقا میر دزفولی یکی از فضلاء نامدار خوزستان و فقهاء عظام اهواز بوده است.
وی در دزفول متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم مهاجرت بنجف اشرف نموده و از محضر علمین آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده کامل نموده و چند سالی هم در تهران بتحصیل پرداخته و از درس علماء آن سامان بهره‌مند شده آنگاه باهواز منتقل و رحل اقامت افکنده و بوظائف دینی قیام و مورد احترام و تجلیل قرار گرفت و در مسجد جامع آن شهر باقامه جماعت و تدریس پرداخت تا در سال 1357 ق وفات نموده و جنازه‌اش حمل بنجف و در وادی‌السلام مدفون گردید.
فرزند ارشدش حجه‌الاسلام آقای حاج سید هبه‌الله امام از علماء محترم و متصف بفضائل اخلاق و تا هم‌اکنون در مسجد جامع اهواز بجای والدش بامامت اشتغال دارد.
(وف 1357 ق)، فقیه. معروف به امام. وی از نوادگان سید عبدالباقی معروف به سید آقا میر است. در دزفول به دنیا آمد. پس از فراغت از خواندن علوم مقدماتی عازم نجف اشرف شد و در حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی شرکت کرد و از آنان استفاده کامل برد. چند سالی هم در تهران به تحصیل پرداخت. سپس به اهواز منتقل شد و در آنجا عهده‌دار وظایف دینی گشت. در همان‌جا درگذشت. پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (141 / 3).

آقانجفی قوچانی، سید حسن، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1295 ق)، فقیه، حکیم و ادیب. در خسرویه‌ی قوچان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در قوچان، سبزوار و مشهد به پایان رسانید و در بیست سالگی به اصفهان رفت و نزد آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی حکمت و فلسفه و نزد آخوند شیخ عبدالکریم گزی، و سید محمدباقر درچه‌ای فقه و اصول خواند. سپس از اصفهان به نجف رفت و نزد آخوند محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، محمدباقر اصطهباناتی تلمذ کرد و در سی سالگی به اجتهاد رسید و پس از بیست سال توقف در نجف به قوچان بازگشت و متجاور از بیست و پنج سال در قوچان مقام فقاهت و رتق و فتق امو مذهبی مردم و اداره‌ی حوزه‌ی علوم دینی را برعهده داشت. وی در قوچان درگذشت و آرامگاهش از زیارتگاه‌های قوچان است. از آثار وی: «شرح دعای صباح»؛ «عذر بدتر از گناه»، درباره‌ی مشروطیت؛ «سفری کوتاه به آبادیهای قوچان»؛ «سیاحت غرب»؛ در کیفیت عالم برزخ و سیر ارواح؛ «سیاحت شرق» که مهمترین اثر آقا نجفی و شرح حال خود او از کودکی تا مقام اجتهاد است؛ «حیوة الاسلام فی احوال آیةاللّه الملک‌العلام»، در شرح زندگی آخوند خراسانی؛ «شرح کفایةالاصول».[1]
حسن بن سید محمد نجفی صاحب (کتاب سیاحت شرق و سیاحت غرب) از علماء بنام شهرستان قوچان بوده است. وی در سال 1295 قمری در قریه (خروه) از توابع قوچان متولد شده و پس از رشد به مکتب رفته و شروع به دروس فارسی نموده و آن را تکمیل و بعد با عدم رغبت و میلی که به ادامه درس داشت ولی روی اصرار پدرش به تحصیل ادامه داده و مدتی در مدرسه قوچان مقدمات را کاملا خوانده و بعد در سن 20 سالگی از راه کویر لوت به یزد و از آنجا به اصفهان آمده و در یکی از حجرات مسجد شاه و مسجد عربون اقامت و منظومه سبزواری را در خدمت مرحوم آخوند کاشی و رسائل را از شیخ عبدالکریم کزی و حکمت و فلسفه را از میرزا جهانگیر خان قشقائی و فقه را از مرحوم آقا نجفی مسجد شاهی فراگرفته و در درس خارج حاج سید محمدباقر درچه‌ای شرکت و با مشقات بسیاری مواجه شده و به مراقبت و تزکیه نفس خویش پرداخته و بعد از چهار سال توقف در اصفهان در سال 1318 قمری در سن 23 سالگی پیاده به نجف اشرف مشرف شده و به درس مرحوم آخوند

خراسانی و حاج سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر شده و هم از محضر مرحوم آقا شیخ محمدباقر اصطهباناتی در فلسفه استفاده نموده تا در سن سی سالگی به مقام فقاهت و اجتهاد رسیده و بعد از بیست سال اقامت در عتبات عالیات در سال 1338 قمری به قوچان مراجعت و به ارشاد مردم و رتق و فتق امور دینی مردم و حوزه علوم دینی قوچان اشتغال داشته تا بعد از بیست و پنج سال خدمات شایسته در قوچان در شب جمعه 26 ربیع‌الثانی 1363 قمری در سن 68 سالگی وفات نموده و در منزل خودش مدفون و تاکنون قبرش مزار و مورد احترام مردم قوچان است. مرحوم آقا نجفی قوچانی که افتخار این شهرستان بلکه استان خراسان است دارای آثار نفیس و ارزنده‌ای می‌باشد که بعضی طبع و برخی غیره مطبوع مانده است و آنها از اینقرار است.
1- سفر غرب (سیاحت غرب) 2- سیاحت شرق 3- شرح ترجمه رساله تفاحیه ارسطو 4- کتاب عذر بدتر از گناه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (221 -220 /6)، نشر دانش (س 4، ش 2، ص 27 -18).

آقانجفی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1324 ق)، عالم دینی، فقیه و مفسر. در نجف اشرف به دنیا آمد. پس از پرورش در محضر پدر که از علمای همدان بود و خواندن مقدمات و سطرح به حوزه درس علمای بزرگ نجف چون آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه غروی اصفهانی راه یافت و از آنان بهره‌ی کامل گرفت. پس از نیل به مقامات عالیه به همدان مهاجرت کرد و به ترویج مذهب و تألیف و تصنیف پرداخت. از آثار وی: تفسیر شریف «انوار درخشان» است که در پانزده جلد عرضه شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (2/ 244)، گنجینه‌ی دانشمندان (7/ 415- 416).

آل آقا، ابوتراب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوتراب بن العالم الجلیل آقای آقا شمس‌الدین بن العلامه آقا محمدهادی بن آقا محمدصالح آل آقا (حفید آیت‌اللّه العظمی وحید بهبهانی) از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه است
معظم له در حدود سال 1319 قمری در کرمانشاه متولد شده و در بیت اصیل آل آقا پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالیان دراز در باب مدینه علم اقامت و از محاضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و اعلام دیگر استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و در این اواخر به حکم ضرورت به کرمانشاه وطن خود مراجعت و به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آل بحرالعلوم، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1320 /1319 -1248 ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. تفسیر و فقه و اصول و کلام و ادبیات را از پدر آموخت. از او به عنوان شاعر کبیر آل بحرالعلوم یاد شده است. مناعت طبع او مورد ستایش همگان بود. شیخ محمد سماوی نجفی صاحب کتاب «الطلیعة» و شیخ عبدالمحسن کاظمی و شیخ عبدالحسین خیاط نجفی از شاگردان وی در ادبیات و شعر می‌باشند. از آثارش «دیوان» شعری است که با اجازه در فرزندش سید حسن و سید محمد در صیداء به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 29)، اعیان الشیعه (133 -129 /2)، الذریعه (9/ 644)، معجم المؤلفین (24 -23 /1)، مکارم الآثار (1333 /4).

آل بحرالعلوم، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1377 -1281 ق)، فقیه، اصولی، رجالی و محدث. در نجف به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی جدش، سید علی، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات علوم سطوح عالی فقه و اصول را نزد سید محمدکاظم یزدی و سید محمد بحرالعلوم و آخوند خراسانی خواند و به دریافت اجازه نایل شد. او در تاریخ و رجال و درایه چیره‌دست بود. از آثار وی: «تقریرات یزدی و خراسانی»، در مباحث فقهی و اصولی؛ «تحفة العالم فی شرح خطبة المعالم»، در دو مجلد، جلد اول در شرح خود خطبه که تواریخ معصومین علیهم‌السلام و مشاهد آنان است و جلد دوم در شرح سی و نه حدیث که در صدر کتاب معالم بعد از خطبه در فضل علم و علما نگاشته شده؛ «تحفة الطالب»؛ «اسرار العارفین»، در شرح دعای کمیل؛ «بغیه الطالب»؛ «حدائق العارفین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (3/ 448، 451 /2)، علماء معاصرین (276 -271)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 298- 299)، معجم المؤلفین (3/ 145).

آل بحرالعلوم، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1306 -1221 ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. در نجف‌زاده شد و همان جا نشو و نما یافت و مراحل علمی را پیمود. فقه و اصول و کلام را نزد شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء و شریف العلماء مازندرانی و شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» آموخت. وی از صاحب «جواهر» به دریافت اجازه نایل شد. کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» محصول همکاری وی با استادش می‌باشد. عالمانی چون سید میرزا جعفر حایری و سید محمد موسوی ساروی و شیخ فضل‌اللّه مازندرانی و میرزا صادق تبریزی و میرزا محمد همدانی از شاگردان وی هستند. در سفری که برای مداوای چشم به ایران آمد پس از زیارت مشهد حدود دو سال در بروجرد نزد اقوامش ماند. پس از وفات برادرش، سید علی، از سوی خاص و عام به ریاست حوزه‌ی نجف و مرجعیت شیعه برگزیده شد. سید حسین در شعر و ادب نیز شهرت بسزایی دارد، و «دیوان» اشعاری از او باقی مانده که به ترتیب حروف تهجی است و در آن اشعار جدش سید بحرالعلوم را نیز تخمیس کرده است. در فقه و اصول نیز کتابهائی از وی به جا مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (20 -18 /6)، الذریعه (126 /9)، شهیدان راه فضیلت (496)، فوائد الرضویه (156 -155)، معجم المؤلفین (50 /4)، مکارم الآثار (725 -723 /3).

آل بحرالعلوم، محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1318 -1247 ق)، فقیه، اصولی و ادیب. نزد پدرش و عمویش، سید علی صاحب «البرهان القاطع»، و شیخ مرتضی انصاری و میرزا حسن شیرازی فقه و اصول خواند. او دارای دقت نظر بود. او را آثاری در فقه و اصول است و چندین رساله تصنیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (47 /9)، شهیدان راه فضیلت (496)، علماء معاصرین (70 -69)، فوائد الرضویه (374)، معجم المؤلفین (183 /8).

آل بحرالعلوم، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1326 -1261 ق)، فقیه، اصولی و حکیم. در نجف به دنیا آمد. فقه را نزد عمویش، سید علی، و شیخ راضی نجفی و سید حسین ترک کوه کمری و اصول را نزد میرزا عبدالرحیم نهاوندی و فلسفه را نزد میرزا محمدباقر نجفی آموخت. وی از عمویش، سید علی، به دریافت اجازه نایل گشت و پس از درگذشت او در سطح عالی به تدریس پرداخت و سرانجام عهده‌دار ریاست حوزه‌ی نجف گردید. او به امور اجتماعی و سیاسی حوزه و رفع مشکلات مردم اهتمام می‌ورزید. شوق او به تحقیق و تألیف تا بدانجا بود که بینائی خود را نیز در این راه از دست داد. وی کتابخانه بزرگی در زمینه فقهی و اصولی و روایی بنیاد نهاد. او پس از نشستن به سوگ دو فرزند عالم و فاضل خود، سید مهدی و سید میرعلی، در نجف از دنیا رفت. از آثارش: «بلغة الفقیه»، شامل 16 رساله فقهی؛ «مصباح العباد»، رساله عملیه مبسوط؛ «الوجیزه»، مختصر «مصباح العباد»؛ «مواقف حاسمة فی تاریخ التضحیة والفداء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (409 -408 /9)، الذریعه (51 /25 ،114 /21 ،148 /3)، شهیدان راه فضیلت (497)، علماء معاصرین (94 -93)، المآثر والآثار (183)، مؤلفین کتب چاپی (779 /5)، مکارم الآثار (1637 -1636 /5).

آل بحرالعلوم، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1289 -1219 ق)، فقیه اصولی. از فقیهان نامی آل بحرالعلوم بود. در نجف به دنیا آمد. نزد پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و فقه و اصول را نزد شیخ محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» طی کرد. موقعیت علمی وی به گونه‌ای بود که پس از مرگ پدر به رهبری دینی و اجتماعی عراق دست یافت. وی داماد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و پدر سید علی‌نقی معروف به آقاکوچک است که در شعر و ادب دست داشت و در کربلا کشته شد. سید محمدتقی در کربلا درگذشت و در نجف به خاک سپرده است. از آثارش کتاب «قواعد الاصول» است در «اصول الفقه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 288)، اعیان الشیعه (197 -196 /9)، الذریعه (178 /17، 204/2)، شهیدان راه فضیلت (495)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 218 -217 /13)، فوائد الرضویه (432 -431)، معجم المؤلفین (130 -129 /9)، مکارم الآثار (662 -661 /3).

آل بحرالعلوم، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1253 -1189 ق)، فقیه، اصولی، محدث و رجالی. در نجف به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات را نزد پدر خواند. فقه و اصول ر نزد عالمانی چون شیخ جعفر کاشف الغطاء و شیخ محمد سعید دینوری و شیخ محمدتقی ملاکتاب تکمیل کرد و از ایشان به دریافت اجازه نایل شد. او پس از پدر عهده‌دار سرپرستی حوزه‌ی نجف و مرجعیت دینی شد. از آثارش: «اصول الفقه»؛ «شرح الشرایع»؛ «شرح اللمعه»؛ «کشف القناع فی اصحاب الاجماع»؛ «الفقه الاستدلالی»؛ «الفوائد الرجالیة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (282 /9 ،19 /7)، الذریعه (338 ،286 /16 ،205 -204 ،120 /2)، شهیدان راه فضیلت (496 -495)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 573 -571 /13)، فوائد الرضویه (182)، مکارم الآثار (1446 -1445 /4).

آل بحرالعلوم، محمدصادق

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد. تحت نظارت پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و سطوح عالی فقه و اصول را نزد میرزای نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و سید محسن قزوینی، و تفسیر را نزد بلاغی و علم حدیث و درایه را نزد شیخ ابوتراب خوانساری آموخت. و از نایینی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید محسن امین و سید حسن صدر اجازه روایت گرفت. وی کتابخانه‌ای بنیاد نهاد که در آن کتابهای خطی نفیسی گردآوری شد. او آثار بسیاری در فقه و اصول و شعر و ادب پدید آورد. از جمله: «دلیل القضاء الشرعی، اصول و فروعه»؛ «السلاسل الذهبیة»، کشکولی ادبی و تاریخی و رجالی؛ «المجموع الرائق من ازهار الحداق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (55 /20، 211 /12، 259 /8).

آل بحرالعلوم، مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1335 -1302 ق)، فقیه اصولی. از عالمان بنام آل بحرالعلوم بود. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، سطوح عالی فقه و اصول را در حوزه‌ی درس سید محمد بحرالعلوم، صاحب «بلغة»، و شیخ عبدالهادی همدانی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی آموخت. شاگردان بسیاری در حوزه‌ی درس او تربیت شدند. او عالمی پرکار و اهل نقد و نظر و تألیف بود. وی در نجف درگذشت. از آثار او: حاشیه‌ای بر «معالم الاصول» و «منظومه»ای در اصول است که شرحی بر آن نگاشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (156 /10)، علماء معاصرین (70 -69)، معجم المؤلفین (30 /13).

آل بحرالعلوم، میرعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1315 ق)، فقیه و نحوی. در علم و تقوا به درجه کمال رسید. در زمان حیات پدرش از دنیا رفت. پدرش در آخر رساله ولایت در کتاب «بلغة الفقیه» از او تمجید نموده و او را غواص دریای فقه خوانده است. از آثارش: کتاب «کشف الاسرار فی شرح الاظهار»، درنحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (8/ 312- 313)، الذریعه (17 /18)، شهیدان راه فضیلت (497)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1530 -1529 14/).

آل بحرالعلوم، هاشم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1284 -1255 ق)، فقیه اصولی. در نجف زاده شد. نزد پدر خود، سید علی صاحب «برهان»، و میرزای شیرازی مقدمات و سطوح عالی فقه و اصول را آموخت. از آثار وی: «التقریرات» استادش میرزای شیرازی در اصول است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (497)، الذریعه (387 -386 /4)، مکارم الآثار (1515 /5).

آل طالقانی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1319 -1248 ق)، ادیب، فقیه و عارف. در نجف به دنیا آمد. مقدمات را در خدمت برادر خویش، سید هاشم، فراگرفت و ادبیات را در محضر شیخ احمد قفطان خواند. سپس به مجالس درس شیخ انصاری و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء و میرزای شیرازی حاضر شد، تا در فقه و اصول به اجتهاد رسید. در اخلاق نیز مدتی نزد ملا حسینقلی همدانی رفت و از محضرش بهره‌ها گرفت. بیشترین شهرت وی در زمینه ادبیات است بدان پایه که او را سیبویه ملقب کردند. جماعتی از ادباء از شاگردان وی به حساب می‌آیند، از جمله: شیخ جعفر بدیری. در نجف وفات کرد و در صحن علوی دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مکارم الآثار (1340 -1339 /4).

آل طیب شوشتری، عبدالسلام

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1330 ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در شوشتر به دنیا آمد. در خدمت برادرش آقا سید محمد مهدی آل‌طیب و آقا شیخ محمد کاظم ابن‌الشیخ تلمذ نمود تا به درجه اجتهاد رسید و از این دو عالم بزرگ اجازه اجتهاد گرفت. او از دیگر آیات نیز بهره گرفت. چون حاوی کمالات نفسانی بود و در پارسایی و تقوا پیشتاز، مواعظ و نصایح وی بسیار مؤثر بود.او را تألیفات و تصنیفات چندی در فقه است، از جمله: حاشیه استدلالی بر «عروة الوثقی» طباطبائی یزدی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (5/ 415).

آل طیب شوشتری، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1362 -1311 ق)، فقیه، محقق، واعظ و زاهد. از خاندان سید نعمت‌اللّٰه جزایری است. در شوشتر به دنیا آمد. تحصیلات سطوح نهایی را نزد عم خویش آقا سید بزرگ آل طیب و حاج شیخ محمدکاظم شوشتری به پایان رساند و از محضر حاج شیخ محمد رضای دزفولی نیز بهره برد و از او اجازه اجتهاد دریافت کرد. وی در زهد و پارسایی و موعظه و خطابه یگانه دوران خود بود. او عهده‌دار مرجعیت اهالی شوشتر بود. در شوشتر از دنیا رفت و همان جا دفن شد. آثار بسیاری از او به یادگار ماند که از جمله آنها: شرحی بر «کفایة الاصول»؛ شرحی بر «معالم الاصول»؛ «معالی الاخلاق»؛ «الوسیلة الکبری فیما یعم به البلوی»، فارسی، در اصول دین و فروع از طهارت تا آخر عبادات و نیز معاملات؛ شرحی بر وصیت‌نامه حضرت امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش امام حسن (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (25/ 82)، گنجینه‌ی دانشمندان (415 -414 /5).

آل طیب، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدتقی فرزند سید جلیل و عالم زاهد آقا سید علی محمد آل طیب جزایری شوشتری از افاضل سادات و احفاد علامه بزرگوار و محدث عالی‌مقدار سید نعمت‌اللّه جزایری است.
وی در سال 1329 قمری در شوشتر متولد شده و در بیت فضل و دانش پرورش یافته و مقدمات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و قسمتی از سطوح را نزد علامه آقا سید بزرگ آل طیب خوانده و از اساتید دیگر آن زمان استفاده کرده و پس از آن به دزفول عزیمت نموده و از محضر علامه بزرگوار حاج شیخ محمدرضا معزی بهره‌مند شده و از شاگردان خاص آن مرحوم گردیدند و ایشان علاقه مخصوص به ایشان داشتند و اجازه اجتهاد بر ایشان نوشتند که عین آن نزد برادر عزیزش حاج سید کاظم آل طیب موجود است و در ایام تابستان که شیخ به بروجرد می‌رفتند برای گرمی هوای دزفول ایشان را همراه خود می‌بردند و ایشان هم از این فرصت استفاده کرده از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی (ره) که در آن موقع در بروجرد بودند استفاده کرده و کسب فیض می‌نمودند و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت‌اللّه حجت بهره‌مند شده و بعد از وفات شیخ به شوشتر آمده و بعد از چندی به اهواز رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی پرداخته تا در روز پنجشنبه دهم ماه رمضان هزار و سیصد و شصت و پنج قمری سال فوت آیت‌اللّه العظمی اصفهانی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام در جوار جدش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌الصلوه والسلام مدفون شده است.
خدایش رحمت کند که در استقامت رای و بودن فهم از ابناء ممتاز و در بیت شریف آل طیب مشار بالبنان بوده ولی متاسفانه که عمرش کوتاه و در سن 36 سالگی از دنیا رفته ولی خوشبختانه به مضمون آیه شریفه «ما ننسخ من آیه او ننسها ناتی بخیر منها او مثلها» ما هیچ آیه را منسوخ نکرده یا واپس نکردیم مگر اینکه بهتر از آن یا مانند آن را آوردیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل طیب، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدحسین شوشتری مشهور به آقا سید بزرگ آل طیب طاب ثراه از اعاظم علماء خوزستان جامع علوم مختلفه و صاحب ملکات فاضله و مکارم اخلاق و متعبد و زاهد بوده‌اند
در سال 1275 قمری در شوشتر متولد شده و سلسله نسبش به این کیفیت به علامه جزایری منتهی می‌شود.
السید محمدحسین بن السید محمدجعفر بن السید محمدحسین بن السید جعفر بن السید طیب بن السید محمد بن السید نورالدین بن العلامه المحدث السید نعمت اللّه جزایری قدس اللّه اسرارهم.
وی علوم ادبیات را در شوشتر از مرحوم حجةالاسلام آقا سید محمدعلی شیخ‌الاسلام و آسید محمد معلم آموخته و در فقه و اصول از محضر آیات عظام حاج سید عبدالصمد جزایری و حاج شیخ عبدالکریم شوشتری که از اجله تلامذه شیخ انصاری بوده و بعضی علماء دیگر در (ریاضیات و هیئت و نجوم) از عالمان جلیلان حاج سید محمد بنی‌هاشمی و حاج سید حسن منجم و در علم طب از دو عالم بزرگوار حاج سید حسین حکیم بن العالم الزاهد آیت‌اللّه حاج سید علی شوشتری وصی علامه انصاری و سید جعفر سید الاطباء همدانی استفاده کامل نموده و در علوم دیگر نیز حظی وافر داشتند و خط ثلث و نسخ و کتبه را بسیار خوب و زیبا می‌نوشت و در این فن استادش میر اسداللّه قاضی مرعشی که از شاگردان مرحوم میرزای وصال شیرازی است بوده.
و آنجناب جمع نموده بود بین حدت ذهن و قوت حافظه را لذا با قلت مراجعه به کتاب به واسطه ضعف چشم مستحضر از مطالب فنون کثیره متنوعه بوده و غوامض آنها را به آسانی حل می‌نمود و می‌فرمود تحریر اقلیدس را درس نخواندم.
ولی به فکر و ذهن خودم عباراتش را حل و مطالبش را فراگرفته‌ام و اوقات خود را به تدریس و عبادت صرف می‌نمود و قلیل‌المعاشره با مردم بود و غالب علماء شوشتر رشته تحصیلاتشان بلاواسطه یا با واسطه به آن بزرگوار منتهی می‌شود یک سال استخراج نجومی نموده و تقویم نوشته است.
در کثرت عبادت قلیل‌النظیر بلکه یگانه عصر خود بشمار می‌رود نوافل مرتبه از او فوت نمی‌شد مداومت به زیارت عاشوراء به طریق احتیاط و

نماز حضرت جعفر طیار و زیارت جامعه و بعضی صلوات مستحبه داشت در هفته یک ختم قرآن می‌نمود و روزی هزار صلوات می‌فرستاد و ایام‌البیض هر ماه را تا آخر عمرش روزه می‌گرفت عمل استفتاح را بجا می‌آورد و چند سال ماه رجب و شعبان را روزه گرفته و وصل به ماه صیام می‌نمود.
اول شب را کمی می‌خوابید و زود برمی‌خواست و به عبادت می‌پرداخت.
و دارای مقامات معنوی و الهامات غیبی بود و با قرآن استخاره نموده و غالباً مراد شخص را بیان می‌کرد و صلاح و فساد آن کار را توضیح می‌داد.
در معالی اخلاق ممتاز در عصر خویش بود و هیچگاه سائلی را محروم نمی‌کرد و با او با ملاطفت حرف می‌زد و در صورت عجز از قضاء حاجت او از وی عذرخواهی می‌کرد.
با مناعت طبع و عزت نفس زندگی می‌کرد و در امر معاش قانع و شاکر بود و از حقوق شرعی کمتر تصرف می‌کرد و در امر به معروف و نهی از منکر در مواقع مقتضیه قلبی قوی داشت و از ریاست عامه کناره می‌گرفت و متصدی مرافعات و فصل خصومات نمی‌شد و از فتوا دادن نیز خودداری می‌کرد و در اواخر عمر منزوی گردید.
و تمام اوقات را مصروف به عبادت می‌کرد و بالجمله فضائل و کمالات نفسانیه و مکارم اخلاق و محاسن اطوار آن بزرگوار و جدیت او در عبادات و التزام او به مستحبات مهمه و اعراض او از زخارف دنیویه به اندازه‌ای است که سزاوار است کتاب مستقلی در این خصوص نوشته شود و آنچه در اینجا نوشته شده گذشته از اینکه مبالغه نیست به نحو ایجاز تحریر گردیده است.
در شب پانزدهم شوال 1150 قمری در حالی که مشغول ذکر پروردگار بود از این سرای فانی به دار باقی ارتحال نمود.
دارای فرزندانی بنام سید عبداللّٰه و سید ابوالحسن و سید نعمت‌اللّٰه بوده که هر سه وفات نموده و یک فرزند بنام آقا سید محمدحسن از او مانده که ترجمه‌اش خواهد آمد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل عصفور، احمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1131 -1084 ق)، فقیه، متکلم، محقق و نویسنده. در شاخوره به دنیا آمد و علوم مقدماتی را در آنجا فراگرفت. آنگاه نزد استادان بزرگ آن عصر مراتب عالی فقه و اصول را به پایان رساند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. وی از برجسته‌ترین شاگردان شیخ سلیمان ماحوزی بود که فقه و اصول و حکمت را نزد وی آموخت. ریاضیات را نزد شیخ محمد بن یوسف بحرانی فراگرفت. در بسیاری از داشنهای روزگار خود مهارت داشت. علی‌رغم دیگر عالمان آل‌عصفور که اخباری بودند وی به عقل‌گرایی تمایل داشت و کتابهایی در زمینه‌ی علوم عقلی تألیف کرد. همچنین در فصاحت زبان و بلاغت سخن و حاضرجوابی مشهور بود. در آشوب بحرین، و تاخت و تاز اعراب هوله، به قطیف مهاجرت کرد. اما بر اثر شنیدن خبر به تاراج رفتن کتابخانه‌اش بیمار شد و در 47 سالگی در قطیف درگذشت. گفته‌اند که 23 تألیف معتبر داشته است که همگی با کتابخانه‌ی وی، علی‌رغم تلاشهای پسرش شیخ یوسف صاحب «حدائق» که برای حفظ کتابخانه کرد، در فتنه‌ی بحرین از بین رفت. کتاب «اثبات الجزءالذی لایتجزاء» و «الجزءالذی لایتجزی» از جمله کتابهای او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (464 -463 /2)، الذریعه (104 ،7 /5 ،90 88، -87 /1)، ریحانه (230 /1)، شهیدان راه فضیلت (463 -462)، فوائد الرضویه (13).

آل عصفور، خلف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1280 ق)، عالم، نویسنده، فقیه و محدث. در بوشهر متولد شد و پس از آموزشهای مقدماتی در 1306 ق به نجف مهاجرت کرد و در حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا به آموختن سطوح عالی دانشهای متداول روزگار پرداخت. او در درس عالمان و فقیهان بلندپایه چون آخوند ملا محمدکاظم خراسانی شرکت کرد و در 1314 ق به بوشهر بازگشت. پس از درگذشت پدرش، در 1315 ق، به امامت جماعت و دیگر امور شرعی پرداخت. صاحب آثاری در فقه و کلام است، از آن جمله: «الانوار الجعفریه»؛ «قصد السبیل»؛ «منتخب الفوائد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (329 -328 /6)، الذریعه (419 /22، 99 /17، 423 /2)، معجم المؤلفین (104 /4).

آل علی شاهرودی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین آل علی شاهرودی والد ماجد آیت‌اللّٰه حاج سید جواد آل علی شاهرودی از علماء بزرگوار و دانشمندان خدمتگزار شاهرود بوده است که از خدمات معروف ایشان تأسیس حوزه علمیه سامری بوده که بعد از رحلت آیت‌اللّٰه العظمی مجدد شیرازی و انقراض حوزه علمیه سامره در سال 1353 ه.ق تا سال 1365 ه.ق دائر نموده و حدود دویست طلبه در آن اشتغال داشتند تا سال 1373 قمری که از دنیا رفته و در صحن مبارک علوی در حجره شمال غربی دفن شده‌اند.
آن بزرگوار دارای چهار فرزند پسر و سه دختر بوده است، فرزند بزرگ ایشان حاج آقا ضیاءالدین آل علی حسینی شاهرودی بود که در زمان آن مرحوم و بعد از او در مسجد جامع شاهرود و مسجد نخل اقامه جماعت داشته و مؤمنین از مواعظ حسنه ایشان بهره‌مند می‌شدند و یک سال بعد از فوت والدش در نجف اشرف ایامی که برای زیارت عتبات عالیات آمده بودند واقع شده و در مقبره والدش مدفون شده است.
فرزند دوم ایشان حضرت آیت‌اللّٰه حاج سید جواد آل علی است که ترجمه و آثارش را در صفحات بعد خواهید خواند.
فرزند سوم ایشان مرحوم حجةالاسلام حاج آقا علی آل علی است که در طهران اقامت داشتند و چندین سال راهنمای صدها نفر حجاج طهرانی بوده و در سال 1358 شمسی برابر سال 1398 قمری در مدینه طیبه بدرود حیات گفته و در بقیع شریف نزدیک قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام به خاک رفته. در سال 1389 قمری که نگارنده در هند بودم ایشان از مکه به هند آمده و حدود یک ماه در بمبئی و حیدرآباد و دیگر شهرها با ایشان بوده و خاطراتی شیرین از آن سفر دارم.
فرزند چهارم ایشان آقای دکتر نورالدین آل علی است، که نیز در نجف متولد شده و خلاصه‌ای از بیوگرافی ایشان را که به دستم رسیده است در ذیل می‌خوانید: دکتر سید نورالدین آل علی
متولد: 1320
سال 1343 فارغ‌التحصیل رتبه اول رشته زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران.
سال 1965 فوق لیسانس از دانشگاه قدیس یوسف لبنان و سال 1969 دکترای خود را با درجه بسیار عالی از دانشگاه الجزائر دریافت داشته

است.
از سال 1970 -1966 به سمت استادیاری در دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه الجزایر به تدریس مشغول شده و از سال 1970 تا 1972 با سمت وابسته فرهنگی ایران در الجزایر انجام وظیفه نموده است. در سال 1976 -1973 رایزن فرهنگی ایران در کشورهای اسلامی شمال افریقا (الجزائر، مراکش و تونس) بوده و از سال 1979 -1976 رایزن فرهنگی ایران در مصر، او مؤسس مرکز فرهنگی ایران در قاهره، و ناشر بیش از 20 اثر و تألیف از مخطوطات و تالیفهای دانشمندان مصری در ارتباط با فرهنگ و تاریخ ایران در مدت سه سال در مصر است.
در دانشگاههای الازهر، قاهره و عین شمس زبان و ادبیات فارسی و ادبیات تطبیقی تدریس نموده است از سال 1983 تا به حال در دانشکده علوم و مطالعات بین‌الملل در شهر مونتره در ولایت کالیفرنیا به تدریس عربی و تاریخ اسلام مشغول است. او دارای دو فرزند پسر با نامهای امین و هادی است. تألیفات زیر از آثار چاپ شده او است:
1- فارابی موطنه وثقافته، مجله البحث العلمی جامعه محمد الخامس الرباط عدد 26 نوامبر 1976.
2- از زردشت تا زریاب (به فرانسه) مجله المجاهد نوامبر 1971- الجزائر.
3- الصحافه الفارسیه مصر (عربی)- مجله المنتدی شماره‌های یکم و دوم سال 1978 قاهره.
4- ایران و مصر در گذرگاه تاریخ- مجله المنتدی شماره یکم سال 1978 و شماره 2 سال 1979 قاره.
5- هنرهای ایرانی در شمال افریقا- مجله هنر و مردم شماره 157 سال 1355 تهران- ایران.
6- الامام الصادق کما عرفه علماء الغرب (عربی)، چاپ موسسه الوفاء بیروت- لبنان 1988.
7- فضائل الانام من رسائل حجه الاسلام الغزالی (عربی و فرانسه)- چاپ الدار التونسیه للنشر- تونس 1972.
8- التعریب و اثره فی الثقافتین الفارسیه والعربیه با مقدمه‌ای از رئیس مجمع لغت عرب قاهره. چاپ: دارالثقافه للطباعه والنشر قاهره 1978.
9- معربات الرشیدیه (قاموس کلمات فارسی تعریب شده) ترجمه و تحقیق با اشتراک دکتر امین عبدالمجید بدوی. چاپ: درالثقافه للطباعه والنشر قاهره 1978.
10- دروس اللغه والادب الفارسی (2 ج) چاپ: الشرکه التونسیه للتوزیع تونس 1972.
11- الصلات الثقافیه بین ایران و العرب- چاپ: مطبعه الآنجلو المصریه قاهره 1975.

12- جوانب من الصلات الثقافیه بین ایران و مصر جمع و تقدیم- چاپ: درالثقافه للطباعه والنشر قاهره چاپ اول 1975 چاپ دوم 1978.
13- اسلام در غرب (تاریخ اسلام در اروپای غربی)- چاپ دانشگاه تهران 1370.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل گداعلی بیگ، محمدصالح

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1288 -1187 ق)، فقیه، اصولی، مرجع دینی و خطاط. جدش امیرفضل علی‌خان مشهور به گداعلی بیگ نوری از خوانین بزرگ بروجرد و سلطان‌آباد بود که در روزگار دولت صفوی به عراق مهاجرت کرد و در کربلا ساکن شد و با خواهر سید میرزا صالح شهرستانی ازدواج کرد. شیخ محمدصالح از شاگردان برجسته‌ی سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» بود که در فقه و اصول شهره‌ی عام و خاص شد و از مراجع بنام کربلا گشت. از آثار وی: کتیبه‌ی داخل گنبد حضرت سیدالشهداء (ع) به خط ثلث بوده که در آیینه‌کاری از بین رفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 664 -663 /13).

آل‌احمد طالقانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدتقی (آل‌احمد) طالقانی فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد طالقانی که به امر زعیم اعظم آیت‌اللّه بروجردی رهبری شیعیان مدینه را به عهده داشتند تولد ایشان در 1325 ق واقع شده و چند سالی در قم تحصیل نموده و بعد به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و دیگران بهره‌مند شده و بر حسب امریه، مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به مدینه طیبه عزیمت نموده و به خدمات دینی و روحی و ارشاد شیعیان مدینه و راهنمائی حجاج بیت‌اللّه الحرام اشتغال داشته تا در 14 شعبان 1372 ق وفات و در قبرستان بقیع به خاک رفته است.
(1372 -1325 ق)، عالم دینی و مرجع شیعیان مدینه. در تهران به دنیا آمد. پس از طی مقدمات و سطوح اولیه در اوایل تشکیل حوزه علمیه به قم رفت و پس از پایان سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس و بحث آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه عراقی استفاده کرد. وی داماد آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی آملی بود. در سال 1370 ق به امر آیت‌اللّه بروجردی رهبری شیعیان مدینه را عهده‌دار شد و در آنجا به نشر احکام جعفری پرداخت و راهنمای حجاج بیت‌اللّه الحرام گشت. آل‌احمد بطور ناگهانی در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع دفن شد.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجة (2 / 378- 349)، گنجینه‌ی دانشمندان (7 / 66).

آلاشتی سوادکوهی، عباسعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، فقیه اصولی. از علمای عصر آقا محمدخان قاجار بود. در جوانی از آلاشت به تهران آمد. بعد از سه سال اقامت در تهران به قزوین رفت و هفت سال در آنجا به درس و بحث پرداخت. آنگاه به عراق رفت و در محضر درس آقا سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» پانزده سال به تحصیل و تکمیل علم فقه و اصول پرداخت. سرانجام به دریافت اجازه اجتهاد از وی نایل گشت. آقا سید علی طباطبائی او را به بازگشت به ایران مکلف کرد و وی در امتثال امر استاد به تهران آمد ولی پانزده روز بعد از ورود، وقت صبح در سن چهل و پنج سالگی بطور ناگهانی درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :التدوین فی احوال جبال شروین (278)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 695 -694، 694 -693 /13).

آلاشتی سوادکوهی، عبدالباقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1311 ق)، فقیه، قاضی و عالم دینی. از بزرگان سوادکوه بود و از جمله عالمان پرهیزکار آن سامان به حساب می‌آمد. در محضر ملا محمد اشرفی شاگردی کرد. وی عهده‌دار منصب قضا در دیار خود و مرجع دینی مردم سوادکوه بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :التدوین فی احوال جبال شروین (282)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1021 /14).

آل‌آقا تهرانی، عبداللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1317 ق)، فقیه و عالم دینی. از احفاد وحید بهبهانی است. در تهران به دنیا آمد. در سال 1344 ق به قم رفت و در خدمت ادیب تهرانی و میرزای همدانی درس خواند. وی دروس خارج فقه و اصول تحلیلی را از محضر آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت استفاده برد. او از طرف آیت‌اللّه حایری سرپرستی بیمارستان سهامی را که بیمارستان طلاب بود به عهده داشت. وی سرانجام برای انجام خدمات دینی به تهران عزیمت کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الحجة (2/ 258- 259)، گنجینه‌ی دانشمندان (370 /4).

آل‌آقا کرمانشاهی، ابوتراب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1319 ق)، فقیه. در کرمانشاه متولد شد. در خاندان اصیل آل‌آقا پرورش یافت. پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به نجف مهاجرت کرد و در محضر آیت‌اللّه اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی تلمذ کرد تا به مدارج عالی رسید. سپس به کرمانشاه بازگشت و به ترویج امور دینی پرداخت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (359 -358 /6).

آل‌طاهر، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم آل طاهر، پس از تکمیل مقدمات و حفظ تمامی قرآن در خونسار نزد اساتید محل به امر مرحوم والد خود به نجف اشرف مهاجرت نموده و چند سالی از محضر علماء و رجال علمی کسب علم و دانش نموده تا به مرتبه اجتهاد رسیده و پس از آن به خونسار مراجعت و به خدمات دینی از ارشاد مردم پرداخته و برای اصلاح دو طائفه بزرگ بختیار به منطقه بختیار مسافرت و میان آنها التیام داده و صفا و دوستی کامل ایجاد و با اصرار مردم آن سامان و احساس وظیفه دینی در دولت‌آباد توقف و خدمات ارزنده‌ای نموده و در آن محل دورافتاده و نبودن امکانات کمال مراقبت را در تربیت فرزندان خود مبذول داشته و آنها را به تحصیل وامی‌دارد.
و چون آن مرحوم علاقه و استعداد در فرزند ارشد خود حاج شیخ احمد مشاهده می‌کند ایشان را برای ادامه تحصیل به اراک فرستاده و مدت چهار سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید مصطفی محسنی اراکی کسب دانش نموده سپس با کسب اجازه از پدر به اصفهان رفته و مدت 14 سال از محضر اساتید و آیات اصفهان مانند مرحوم آیت‌اللّه آقانجفی اصفهانی و مرحوم آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش که حوادث ناگواری برای جامعه روحانیت انفاق افتاد روحانیون با مشکلات سختی مواجه شدنی برای اینکه بتواند در گوشه و کنار به خدمات روحانی خود انجام وظیفه نماید.
مدت چند سال در یکی از قراء خمین در ملک شخصی خود رحل اقامت افکند. و با اخلاق ملکوتی خود موفق می‌شود قتل و غارت و دزدی را در قسمتی از طوایف بختیاری برانداخته و خدمات ارزنده‌اش در تمام آن نواحی زبانزد خاص و عام قرار گیرد تا عده‌ای از تجار محترم خمین با معیت حضرت آیت‌اللّه حاج شیخ محمد امامی اراکی به ایشان مراجعه و تقاضای آمدن به شهر خمین را از آن مرحوم می‌نمایند.
و ایشان پس از موافقت استخاره قبول و با تجلیل و احترام زیاد وارد خمین و در مسجد جامع به انجام وظائف دینی و روحانی مشغول و به حسن اخلاق و رفتار نیک موفق می‌شود چهل نفر از مسیحیان و یهود آنجا را به دین اسلام هدایت و وارد نمایند تا در سال 1374 قمری از دنیا رفته

و در مقبره شخصی دفن شدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

آل‌طیب شوشتری، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1329 ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در شوشتر متولد شد. در محضر عموی خود سید محمدباقر آل‌طیب علوم مقدماتی را خواند، و نزد پدرش و شیخ محمدکاظم ابن الشیخ سطوح عالی فراگرفت. سپس به دزفول مهاجرت کرد و از محضر شیخ محمدرضا دزفولی در زمینه فقه و اصول و حدیث بهره برد. آنگاه به قم رفت و چند سال در محضر آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خوانساری تلمذ کرد و پس از دریافت درجه اجتهاد به زادگاهش بازگشت و به ترویج مذهب و نشر معارف اسلامی پرداخت. وی از آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی نیز دارای اجازه بود. او در علم هیئت و علوم عقلی مهارت داشت و در فلسفه از شاگردان مبرز میرزا مهدی آشتیانی بود. از او آثار زیادی در فقه و اصول و حکمت و ادبیات باقی مانده، از جمله آثار وی: منظومه «ریاض المرضیه» که متضمن «الفیه» ابن مالک نحوی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (26/ 306- 307)، گنجینه‌ی دانشمندان (5/ 412-414).

آل‌طیب شوشتری، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1350 -1275 ق)، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان و طبیب. مشهور به آقا سید بزرگ. از فرزندزادگان سید نعمت‌اللّه جزایری است. در شوشتر متولد شد و در محضر آقا سید محمدعلی شیخ‌الاسلام و آقا سید محمدعلی معلم ادبیات و در نزد آقا سید عبدالصمد جزایری و شیخ عبدالرحیم شوشتری، از شاگردان شیخ مرتضی انصاری، فقه و اصول را آموخت و در نزد سید جعفر سید الاطباء همدانی طب را فراگرفت. وی در نجوم و ریاضی و خوشنویسی مهارت کامل داشت. او عمر خویش را در ریاضت و عبادت و تدریس بسر برد. از آثار وی تقویمی است که خودش استخراج کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (412 -410 /5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 465 -463 /14).

آل‌طیب، عبدالسلام

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالسلام آل‌طیب از علماء اعلام معاصر شوشتر است که در سال 1330 قمری در شوشتر متولد شده و پس از پرورش در خدمت والد ماجدش به تحصیل پرداخته و مدتها در خدمت برادر معظم له آیت‌اللّه آقا سید محمدمهدی آل‌طیب طابت تربته و مرحوم آیت‌اللّه فی العالمین آقای حاج شیخ محمدکاظم طاب ثراه تلمذ نموده تا به درجه اجتهاد رسیده و آن دو بزرگوار اجازه اجتهاد او را به خط مبارک خود مرقوم فرمودند و در خلال این مدت از محاضر دیگران از آیات عظام و مراجع تقلید انام استفاده نموده.
و پس از فراغ از تحصیل به تألیف و تصنیف و حاشیه استدلالی بر عروةالوثقی علامه طباطبائی نوشتهو به نظر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حجت کوه‌کمری رسانیده و آن مرحوم تقریظی که اثبات و تصدیق اجتهاد ایشان را می‌کند مرقوم فرموده و تمجید وافری از تحقیقات ایشان می‌نماید.
بالجمله معظم له حاوی کمالات نفسانیه از علم و عمل و تقوی و ورع و جامع بین فن فقاهت و وعظ و صاحب تألیفات در فقه و غیره می‌باشند.
بیانات و نصایح و مواعظ منبری ایشان همه دلنشین و جالب قلوب مستمعین است و در ماه رمضان و شبهای ایام عاشوراء مسجد ایشان به آن وسعت بسیار که دارد پر می‌شود و هزارها نفر در خارج و اطراف مسجد از اهالی شهر و اطراف آن برای استفاده حاضر می‌شوند و صدای ضجه و ناله از مردم بلند می‌شود از این جهت بسیار کم‌نظیر است حقا منابرش منابر مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری را مجسم می‌کند.
مکاشفات و منامات عجیب و غریبی برای ایشان و منابرشان دیده شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل‌طیب، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 29 ذیقعده 1329 ق.، شوشتر.
درگذشت: 25 تیر 1373(6 صفر 1415 ق.)، شوشتر.
آیت‌الله محمدحسن آل‌طیب، فرزند آیت‌الله آقا سید محمد حسین آل‌طیب معروف به آقا سید بزرگ، پیش از هفت سالگی خواندن و نوشتن را آموخت. سپس تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. وی ادبیات و مقدمات را نزد عمویش، آیت‌الله سید محمدباقر آل‌طیب فراگرفت. ریاضیات، هیئت، علوم نجوم و بخشی از طب را نزد پدر خود کسب کرد و برای تحصیل علوم فقه، اصول و حدیث به دزفول رفت و از محضر آیت‌الله محمدرضا معزی دزفولی استفاده کرد. سپس به شوشتر برگشت و از محضر آیت‌الله محمدکاظم شیخ شوشتری بهره‌ها گرفت. آنگاه به حوزه‌های علمیه‌ی قم و تهران هجرت کرد و از مراجع آن عصر همچون آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری، آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، به تکمیل علوم دینی پرداخت و از محضر میرزا مهدی آشتیانی حکمت و فلسفه را آموخت. همچنین در ریاضیات، خوشنویسی و ادبیات عرب تبحر داشت. وی سپس به تدریس علوم دینی روی آورد.
آیت‌الله آل‌طیب از مراجعی چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمد کاظم شیرازی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی اجازه اجتهاد داشت.
از جمله تألیفات ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تضمین اشعار الفیه ابن مالک که بیش از 600 شعر است که در آنها به بررسی علوم گوناگون اسلامی می‌پردازد، قاعده لاتعاد، تحریر عروة الوثقی، نوشتارهایی در علم اصول، فقه، ریاضیات و نجوم، منظومه‌ای در حکمت.
آیت‌الله محمدحسن آل‌طیب در هشتاد و شش سالگی جان سپرد و در بقعه‌ی مقام صاحب‌الزمان (ع) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آل‌طیب، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدحسن آل‌طیب بن العالم الجلیل السید محمدمهدی آل‌طیب از علماء بزرگوار معاصر در شوشتر است.
وی در ماه ذی‌العقدة الحرام 1329 قمری در شوشتر متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و دروس مقدماتی را از عموی معظم خود مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدباقر آل‌طیب خوانده.
و سطوح عالیه را از والد بزرگوارش و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدکاظم ابن الشیخ فراگرفته سپس به دزفول مهاجرت و از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضای دزفولی که از مراجع تقلید بوده‌اند در فقه و اصول و علم‌الحدیث استفاده نمود.
آنگاه به قم آمده و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید احمد خونساری بهره‌مند شده و با دریافت اجازات اجتهاد و روایتی و غیره به وطن مراجعت و تا هم‌اکنون به وظائف دینی و روحی از اقامت جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام و تربیت محصلین علوم دینیه و سرپرستی حوزه علمیه شوشتر اشتغال دارد.
نگارنده گوید: مترجم معظم عالمی جامع و فقیهی کامل و در فروع مختلفه فقهیه استحضاری وافر دارد و در مکارم اخلاق و محامد آداب و سرعت انتقال و سلامت نفس و خفض جناح قلیل‌النظیر است در شوشتر و نواحی آن مرجع و ملجأ مردم و طلاب و فضلاء و در نهی از منکر و امر به معروف و مبارزه با فساد سعی بلیغ و اهتمامی عجیب دارند.
از آثر ایشانست منظومه ریاض‌المرضیه که تضمین الفیه ابن مالک نحوی نموده‌اند در علم کلام و اخلاق و بعضی از مباحث فقهیه که آن را نگارنده شرح مزجی نموده و بنام (بستان الرازی) منتشر ساختم و از ابیات آن که در قدح غاصبین حق آل محمد (ع) گفته ابیات زیر است:

یا سیدی ارواحنا فدا کا
لقد بغی و اعتد یا عبد اکا
عن رتبة الخلافة احذف جاز ما
ثلاثهن تقض حکم لازما
و الاول النفاق فیه قدرا
جمیعه و هو الذی قد قصرا

والثانی منقوص و نصبه ظهر
و هو الی الناکذا ایضاً یجر
و ما لاول علمت مطلقا
للثانی والثالث ایضا حققا
الی آخر
دارای اجازاتی جامع و کاملی از نامبردگان ذیل می‌باشند.
1- آیت‌اللّه العظمی اصفهانی
2- آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی
3- آیت‌اللّه حاج شیخ محمدکاظم شیرازی
4- آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی
5- آیت‌اللّه حاج شیخ آغا بزرگ تهرانی.
معظم له در علم هیئت و مباحث عقلیه هم مهارت تامی دارند و هیئت را از والد خود فراگرفته و علم فلسفه و حکمت را از مرحوم حکیم ربانی علامه میرزا مهدی آشتیانی آموخته‌اند و تألیفاتی هم در فقه و اصول و مباحث متفرقه دارند و هم منظومه‌ای در بعض حکمت الهیه و رساله‌ای در حدیث لاتعاد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آل‌عصفور، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1261 ق)، فقیه. شیخ حسن امامی اخباری بوشهری، پس از فوت پدر از بحرین به بوشهر و شیراز رفت و چندی در آنجا بود و سپس به بوشهر بازگشت و در آنجا متوطن شد. وی مرجع اخباری‌ها و امام جماعت و قاضی و مفتی بود و در همان جا نیز فوت کرد. و در خانه‌اش مدفون گشت. از آثارش: «الفوائد»؛ «رساله‌ی عملیه»، در عبادات؛ شرح منظومه‌ی پدرش که «شارحة الصدور» نام داشت؛ «مناسک الحج».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (5/ 57)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (2/ 247- 248)، الذریعه (11/ 214).

آل‌عصفور، حسین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شهادت 1216 ق)، فقیه، محدث، متکلم و شاعر. از سوی مادر نوه‌ی شیخ حسین ماحوزی بود. نزد عمویش یوسف آل‌عصفور درس خواند. و از او و عموی دیگرش عبدعلی آل‌عصفور روایت می‌کرد. او در شاخوره اقامت داشت و به تدریس و مرجعیت دینی و تحقیق و تألیف اشتغال یافت. از بزرگ‌ترین فقهای اخباری زمان خود بود، این که برخی او را مجدد دین در آغاز سده‌ی سیزدهم قمری دانسته‌اند گویای موقعیت علمی و فقهی و نقش وی در ترویج دیانت است. بر بیشتر دانشهای متداول روزگار خود احاطه‌ی کافی داشت طالبان علوم دینی از همه جا به ویژه از قطیف و احساء به حوزه‌ی درس او می‌آمدند. از این رو شاگردان بسیاری در این حوزه پرورش یافتند و خود از عالمان بنام دین شدند. شیخ‌احمد احسائی از او روایت می‌کند. او در پارسایی شهره بود و بویژه در عرض اخلاص به امام حسین (ع) و شهیدان کربلا کوشش بسیار داشت و اشعار بسیاری در رثای آن حضرت می‌سرود و دارای «دیوان» است. وی را شهید نیز نامیده‌اند چون توسط یکی از خوارج کشته شد. کتابهای بسیاری در موضوعات مختلف روایی، کلامی و فقهی نوشته است. تألیفات او را بیش از پنجاه کتاب دانسته‌اند که جز معدودی در دست نیست. از جمله: «اجازة»؛ «الاشراف»؛ «انوار اللوامع»؛ «باهرة العقول»؛ «مصابیح اللوامع»؛ «الحدق الناظرة» یا «عیون الحقائق الناظرة»، در تتمیم «الحدائق الناظرة»؛ «منظومة فی ظن و اخواتها»؛ «منظومة فی الفقه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (358)، الذریعه (127 ،122 /23 ،91 /21)، ریحانه (417 -470 /8 ،59 /1)، شهیدان راه فضیلت (461 -456)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 429 -427 /13)، فوائد الرضویه (149 -148)، مؤلفین کتب چاپی (864 /2)، مکارم الآثار (573 -569 /2).

آل‌عصفور، خلف

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1208 ق)، فقیه، محدث، متکلم، نویسنده و از عالمان اخباری. در بحرین متولد شد. پس از فراگیری علوم به قطیف مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. پس از چندی به بوشهر رفت. وی نزد عمویش یوسف آل‌عصفور درس خواند. به پیروی از اندیشه‌های اخباریان، تنها سنت (حدیث) را قابل استناد می‌دانست و معتقد بود که قرآن به دلیل این که فقط معصومان (ع) می‌توانند آن را دریابند، نمی‌تواند مورد استناد باشد. وی در بوشهر درگذشت. اثر وی شرحی مفصل بر «بحارالانوار» است. او حاشیه‌هایی بر جلد چهارم «بحارالانوار» دارد. از او «مجموعه‌ی رسائل» نیز باقی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (6/ 330)، شهیدان راه فضیلت (465)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 501 -500 /13).

آل‌عصفور، سلمان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد 1261 ق)، عالم و فقیه. ساکن شیراز بود و در آنجا از مراجع مردم فارس به حساب می‌آمد. وی پس از درگذشت عمویش شیخ حسن بن حسین در 1261 ق از دنیا رفت. تصانیف بسیاری از وی باقی مانده که از جمله آنها: «مصارع الشهداء» و مقاتل السعداء، در وفیات ائمه (ع)، در ده هزار بیت؛ «کتاب الزیارات»؛ «وفاة امیرالمؤمنین (ع)»، که در 1436 ق به طبع رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (118 -117 /25، 98 /21)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 603 /13).

آل‌عصفور، محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1186 -1112 ق)، عالم، فقیه و محدث. پدر شیخ حسین آل‌عصفور و برادر شیخ یوسف آل‌عصفور در ماحوز متولد شد و در بحرین می‌زیست. در علم و تقوا مشهور، و در آن سامان عهده‌دار امور شرعی و فقهی بود. از شیخ حسین ماحوزی اجازه‌ی روایت داشت. وی قبل از برادرش یوسف آل‌عصفور در همان سال وفات وی درگذشت. از جمله آثار وی: «مرآت الاخبار فی احکام الاسفار»؛ «اصول الدین»؛ رساله‌ای در نماز.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (262 -261 /20 ،192 /2)، ریحانه (471 /8 232، /1)، شهیدان راه فضیلت (462 -461)، فوائد الرضویه (385).

آل‌عصفور، یوسف

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1186 -1107 ق)، فقیه، متکلم، محدث، محقق، نویسنده و رجال شناس. از فرزندان احمد بن ابراهیم از شخصیتهای معروف روحانی و علمی این خاندان بود. وی در شاخوره‌ی بحرین زاده شد و در مکتب خانه و نزد پدر خواندن و نوشتن و مقدمات علوم را آموخت. هنگام فتنه خوارج در بحرین، و مهاجرت پدرش احمد به قطیف، در شاخوره ماند و پس از چندی به آنان پیوست. در آنجا نزد شیخ حسین ماحوزی و شیح احمد بن عبداللّه بلادی و شیخ‌احمد بن علی به آموختن علوم دینی مشغول شد. فوت پدر و سنگینی معیشت خانواده مانع ادامه‌ی تحصیل وی شد. پس به بحرین و سپس به مکه رفت و یکبار دیگر نزد شیح حسین ماحوزی بازگشت. از آنجا به بحرین، کرمان و شیراز رفت. و چون شیراز دچار خشم و غضب نادرشاه گشت به فسا رفت. در فسا برای تأمین نیازهای زندگی به کشاورزی پرداخت و با فراغت نسبی به کار تدریس و تحقیق مشغول گشت و تألیف مشهورترین اثر فقهی خود «حدائق» را آغاز کرد. اما پس از آشوب خونینی که در فسا رخ داد و میرزا محمدعلی، حاکم وقت فسا، که به وی التفات داشت کشته شد و دارایی و کتابهای خود وی نیز به غارت رفت به اصطهبانات و سپس به عراق رفت و در کربلا اقامت گزید و در این شهر به آرامش و امنیت و رفاه دست یافت و کتاب «حدائق» و چندین کتاب دیگر را تمام کرد. وی تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد و حیات خود را صرف تدریس و تعلیم و تحقیق و تألیف کتابای فقهی، روایی و کلامی و عبادی کرد. او استاد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» و از مشایخ روائی علامه بحرالعلوم است. در کربلا بر اثر طاعون درگذشت. بنابر وصیتش استاد وحید بهبهانی بر وی نماز گزارد و در کنار تربت امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «اعلام القاصدین»؛ «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة»، در فقه استدلالی؛ «سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی‌الحدید»؛ «الدررالنجفیة من الملتقطات الیوسفیة»؛ «انیس المسافر و جلیس الخواطر»؛ «لؤلؤة البحرین فی الاجازة لقرتی العین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 286) ایضاح المکنون (2/ 20، 1/ 103)، تاریخ ادبیات ایران، براون (4/ 229)، الذریعه (18/ 379- 380، 12/ 210- 211

(190 روضات الجنات، 2/ 239، 465- 466، 6/ 289- 290، 8/ 140، 186- 8/)، ریحانه، (472 /8) ،(361- 360 /3) ،(234 /1)، شهیدان راه فضیلت (466)، طرائق الحقائق (186- 180 /1)، فارسنامه‌ی ناصری (1407- 1406 /2)، فوائد الرضویه (716- 713)، گنجینه‌ی دانشمندان (324 /6)، مؤلفین کتب چاپی (879- 876 /6)، مصفی المقال (505)، معجم المؤلفین (269- 268 /13)، هدیة الاحباب (172)، هدیة العارفین (569 /2).

آملی اصفهانی، ابراهیم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1098 ق)، محدث، فقیه، اصولی، متکلم و شاعر. نزد پدرش، خلیفه سلطان، که از علما و دانشمندان بنام عهد خویش بود تلمذ کرد. وی تعلیقات و حواشی بسیاری بر کتابهای فقهی و کلامی و اصولی نوشت که بهترین آنها حاشیه‌ای بر «شرح لمعه»، تا کتاب طهارت، است. او همچنین حواشی متفرقه‌ای بر کتاب «المدارک» نوشته که از آنها گستره‌ی فکر و اندیشه و دقت‌نظر و حسن سلیقه او پدیدار است. وی با اینکه در سه سالگی بینایی خود را از دست داده بود با پشتکار و جدیت به دنبال دانش رفت و بر بسیاری از صاحبان دیده تفوق یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (2/ 135- 136)، ریاض العلماء (2/ 53)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 2 -1 /11)، معجم المؤلفین (1/ 24).

آملی، ابوالحسین احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(421 -333 ق)، فقیه، ادیب، شاعر و محدث. در آمل به دنیا آمد. وی برادر یحیی ملقب به ناطق بالحق و از پیشوایان زیدیه‌ی طبرستان و معاصر صاحب بن عباد بود. و با برادر کوچک‌تر خود به برادران هارونی معروف بودند. پدر وی شیعه‌ی اثنی‌عشری بود و خود او و برادرش نیز نخست دارای این مذهب بودند و بعد از فرقه‌ی زیدیه‌ی پیوستند. آملی در پی کسب دانش به بغداد رفت و نزد دایی خود ابوالعباس احمد بن ابراهیم درس خواند. بعد به همدان رفت و نزد قاضی‌القضاة عبدالجبار همدانی درس خود را به پایان رساند و در فقه و اصول و نحو و لغت عربی و حدیث و درایت تبحر یافت و آراء فقهی او از سوی زیدیان ایران و کوفه و حجاز و یمن پذیرفته شد. وی در فصاحت شهره بود، چنانکه نثر وی را در کتابی که در پاسخ قابوس وشمگیر درباره‌ی فضایل امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) نوشت معجزه مانند دانسته‌اند. در دیلمستان با او به خلافت بیعت کردند و مدت حکومتش بیست سال طول کشید. آثار او عبارتند از: «التجرید»، و شرح آن؛ «دیوان» اشعار؛ «سیاسة المریدین»؛ «کتاب الافادة»؛ «کتاب البلغه»؛ «کتاب النصرة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 112)، اعیان الشیعه (2/ 570)، تاریخ طبرستان (98، 101)، تاریخ گیلان و دیلمستان (27)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 16 -15 /5)، معجم المؤلفین (1/ 209).

آملی، حیدر

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(720- وف بعد از 782 ق) فقیه و عارف شیعی امامی. وی از نوادگان علویان مازندران بود و به صوفی شهرت داشت. در طلب علم از آمل که زادگاه وی بود به استرآباد و خراسان و اصفهان رفت. پس از 20 سال به آمل بازگشت و وزیر فخرالدوله پادشاه مازندران شد و به جاه و جلال فراوان رسید. در سی سالگی شور حقیقت‌جویی در وی پدید آمد و برای تزکیه‌ی نفس، عیال و فرزند و مال و مکنت را گذارده و به قصد حج و زیارت بارگاه پیامبر (ص) از آمل خارج شد، به اصفهان رفت و مدتی به تصفیه‌ی باطن پرداخت و به نورالدین اصفهانی دست ارادت داد و از انفاس او بهره‌مند گردید. سپس آهنگ حج کرد و قصد مجاورت داشت امّا به علت نابسامانی حال جسمی‌اش به عراق سفر کرد و پس از زیارت نجف و کربلا در بغداد رحل اقامت افکند و از محضر مولانا نصیرالدین کاشانی مشهور به حلّی و دیگر علما و عرفای شیعه‌ی امامیّه استفاده برد و در 761 ق فخرالمحققین، پسر علامه حلّی، به وی اجازه داد. سید تا پایان عمر به تزکیه‌ی نفس و تصنیف کتب پرداخت. از آثار وی: «التأویلات»، در تفسیر قرآن؛ «جامع‌الاسرار و منبع الانوار»؛ «نص النصوص»، که شرحی بر «فصوص الحکم» ابن عربی است؛ «الارکان فی فروع شرایع اهل الایمان»؛ «اسرار الشریعة و اطوار الطریقة و انوار الحقیقة»؛ «امثلة التوحید و ابنیة التجرید»؛ «رافعة الخلاف عن وجه سکوت امیرالمؤمنین عن الاختلاف»؛ «محیط الاعظم»؛ «الکشکول فیما جری لآل الرسلول»؛ «رسالة فی العلوم العالیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (273 -271 /6)، ایضاح المکنون (192 /2)، جامع الاسرار و منبع الانوار (مقدمه)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (41 -138)، الذریعه (281 -280 /24، 162 -161 /20، 82 /18، 327 -326 /15، 39 -38 /5، 73 -72 /2)، روضات الجنات (368 -365 /2)، ریاض العلماء (225 -218 /2)، ریحانه (104 /4، 475 /3، 64 /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 70 -66 /8)، الکنی والالقاب (9 /2)، مجالس المؤمنین (54 -51 /2)، معجم المؤلفین (91 /4).

آملی، رکن‌الدین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(860 -800 ق)، ریاضیدان، منجم، فقیه و محدث. سید رکن‌الدین در آمل متولد شد. چندی در فارس و کرمان و هند به سر برد. وی گذشته از ریاضی و نجوم در فقه و حدیث نیز دست داشت و چون به خاندان مرعشی مازندران پیوسته بود کتابی در شرح احوال دانشمندان این خاندان نوشت. تألیفات دیگر او عبارت‌اند از: «زیج جامع سعیدی»، در تنقیح «زیج ایلخانی» خواجه نصیرالدین طوسی، به نام سلطان ابوسعید تیموری؛ و «پنجاه باب سلطانی» به اسم بابرخان بهادر در هرات.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (35 /7)، تاریخ ادبیات ایران، براون (108 -107 /4)، تاریخ نظم و نثر (271)، الذریعه (198 /3)، ریحانه (64 /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 70 -66 /8)، فوائدالرضویه (166 -165)، کارنامه‌ی بزرگان (324)، نام‌آوران فرهنگ (567 -566).

آملی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1391 -1304 ق)، عارف، حکیم، فقیه و اصولی. در تهران متولد شد. پس از آموختن صرف و نحو و منطق، سطوح فقه و اصول را نزد پدرش و شیخ‌رضا نوری آموخت. درس «شوارق» شیخ‌علی نوری را نیز دریافت. حکمت و فلسفه را نزد میرزا حسن کرمانشاهی تحصیل کرد و چهار سال از حوزه درس معقول و منقول شیخ عبدالنبی نوری استفاده برد. در 1340 به عراق رفت و محضر آقاضیاء عراقی، علامه نائینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی را دریافت. وی پس از نیل به اجتهاد در 1353 ق به تهران بازگشت و حوزه‌ی درس حکمت و فقه و اصول دایر کرد. او از اصحاب بزرگ آقا سید علی قاضی طباطبائی بود. آقا شیخ محمدتقی آملی در تهران درگذشت. آثار او عبارت‌اند از: «اثبات صانع از ماتریالیسم تا ایدئالیسم»؛ «تقریرات اصول نائینی»؛ «حیات جاوید»، در اخلاق؛ «خداشناسی»؛ «دررالفوائد»؛ تعلیقه‌ای بر «شرح منظومه‌ی» سبزواری؛ «رسالة فی الرضاع»؛ «رسالة فی قاعدة لاضرر»؛ «کتاب الصلوة»؛ «مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی»؛ «تعلیقة علی المکاسب والبیع»؛ حاشیه بر «شرح اشارات» بوعلی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :خدمات متقابل اسلام و ایران (618)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (1/ 52)، گنجینه‌ی دانشمندان (372 -371 /4)، مؤلفین کتب چاپی (245 -243 /2).

آملی، ملا محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1336 -1263 ق)، فقیه و اصولی. از خاندان بنی‌جوان (جوان ظاهراً نام یکی از شعرای دوره‌ی صفویه است). در آمل به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش در هفده سالگی به تهران آمد و نزد میرزا حسن آشتیانی، میرزا ابوالقاسم کلانتری و سید صادق طباطبایی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. حکمت و فلسفه را نیز نزد میرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی مدرس آموخت. آنگاه خود حوزه‌ی درس دایر کرد. در 1320 ق امامت مسجد مجد در تهران به وی محول شد. ملا محمد آملی از مخالفان مشروطه بود و پس از پیروزی مشورطه‌خواهان زندانی و سپس به آمل تبعید شد و چند سال بعد به تهران آمد و به تدریس پرداخت. آثار او عبارت‌اند از: «تلخیص الفرائض»؛ حاشیه بر «شمسیه»؛ «اخبارالاسرار فی مراحل الابرار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (4/ 424)، مؤلفین کتب چاپی (5/ 631).

آملی، هاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1371 -1292 ش)، عالم و مدرس. مراحل ابتدایی تحصیلات را در شهر خویش و سطوح را در مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری کنونی) تهران فراگرفت. برای تکمیل تحصیلات عالیه به قم رفت و نزد آیت‌اللّه حائری، آیت‌اللّه حاج میر سید علی یثربی، حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و حاج سید محمد حجت کوه کمری تلمذ کرد. سپس به نجف رفت و نزد استادانی چون آقا سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی فقه و اصول را فراگرفت. سپس به تدریس پرداخت. در سال 1381 ق به قصد معالجه و دیدار بستگان و دوستان و دعوت جمعی از استادان به قم عزیمت نمود و به تدریس فقه و اصول پرداخت آثار وی: «کشف الحقایق»؛ «المعالم المأثوره»؛ «مجمع الافکار»؛ «منتهی الافکار»؛ «بدایع الافکار فی الاصول».[1]
فقیه.
تولد: 1322(1282 ق.)، توابع لاریجان آمل.
درگذشت: 7 اسفند 1371.
آیت‌الله العظمی هاشم آملی پس از طی تحصیلات ابتدایی برای کسب علوم دینی به تهران رفت و مورد توجه آیت‌الله سید حسن مدرس واقع شد. ایشان در فرصت کوتاهی ادبیات، منطق و سطوح عالیه را به پایان رسانید. اساتید وی در این برهه، آیت‌الله سید محمد تنکابنی و آیت‌الله یدالله نظرپاک بوده‌اند.
در همین ایام که حوزه‌ی علمیه‌ی قم با استقرار آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی شکل گرفته بود، ایشان برای تحصیلات عالیه به قم عزیمت کرد و به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. در این دوران علاوه بر حضور در محفل درس آیت‌الله مؤسس، در جلسات درس اساتید دیگر از جمله آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و آیت‌الله شاه‌آبادی و آیت‌الله کوه کمره‌ای نیز شرکت کرد.
پس از پنج سال تحصیل و تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم با اخذ درجه اجتهاد از آیت‌الله العظمی حائری و آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای برای ادامه تحصیل عازم نجف شد و در درس آیات عظام محمد حسین نایینی، ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی شرکت کرد.
ایشان توانست در این دوره کلیه‌ی مطالب دروس اساتید خود را تقریر

نماید و در مدت کوتاهی با توصیه اساتید خود پس از چندین سال تدریس سطوح عالیه به تدریس خارج پرداخت. همچنین در سال 1381 ق. عازم قم شد و در آنجا به تدریس فقه و اصول پرداخت.
از جمله آثار ایشان که به رشته تقریر درآمده و به طبع رسیده به شرح زیر هستند: کشف الحقایق عن الفقه الجعفری فی المکاسب که تقریر درس بیع و خیارات ایشان است که بعضی از مجلدهای آن به چاپ رسیده است (جلد چهارم به تحریر سید جعفر حسینی طبرسی در نجف در سال 1380 ق. به چاپ رسیده است)، العالم المأثوره در طهارت؛ منتهی الافکار حاوی مباحث الفاظ اصول فقه (به عربی، جلد دوم، نجف، 1380 ق.) همچنین برخی از آثار قلمی ایشان به شرح زیر است، بدایع الافکار فی الاصول یک دوره مباحث اصول فقه تقریر درس آیت‌الله العظمی ضیاءالدین عراقی (به زبان عربی) است. از این دوره مبحث الفاظ به طبع رسیده است. کتاب الرهن؛ کتاب الاجاره؛ کتاب الصوم؛ رسالة النیة؛ رساله الخلل فی الصلاة؛ حاشیه‌ای بر التحصیل بهمنیار که در زمان تلمذ ایشان نزد استاد نظرپاک تألیف شده است، تعلیقة عروة الوثقی.
آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی به دنبال یک بیماری طولانی در هفتم اسفند ماه 1371 درگذشت.
یکی از مدرسین عالی قدر و علماء بزرگ حوزه علمیه جناب حجه‌الاسلام والمسلین آیت‌الله آقای آقامیرزا هاشم آملی است وی در حدود 1323 قمری در یکی از قراء لاریجان آمل به دنیا آمده و تحصیلات مقدماتی را در آمل از جناب ثقه‌الاسلام آقا شیخ احمد آملی و ثقه‌الاسلام آقا سید تاج فراگرفته سپس به تهران آمده و کتب فلسفه شوارق و منظومه. و اشارات و امور عامه و الهیات اسفار را از استاد این فنون مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و میرزا یدالله نظرپاک آموخته و سطوح وسطی شرح لمعه و قوانین را از حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین آملی و حاج شیخ محمدعلی لواسانی و میرزا عبدالله غروی آملی و سطوح عالی را از مرحوم حجت‌الاسلام آقای میرزا محمدرضا فقیه لاریجانی و حجت‌الاسلام آقای آقا سید محمد تنکابنی فراگرفته آنگاه عزیمت قم نموده و چند سالی از محضر و ابحاث فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و مدت سی سال از محضر وحید عصر مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله میرزا حسین نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی استفاده کافی و وافی نموده تا به درجه اعلاء اجتهاد ارتقاء یافته و ضمنا در همان حوزه مقدسه برای جماعتی از محصلین و فضلاء تدریس فقه و اصول را می‌نمود در مدت بیست سال چهارده دوره اصول و چهارده دوره مکاسب شیخ انصاری را تدریس نموده تا بعد از فوت مرحوم آیت‌الله اصفهانی در عهد ریاست آیت‌الله العظمی

بروجردی به قم مراجعت نموده و تشکیل حوزه تدریس داده و در مدت دوازده سال دو دوره اصول و خیارات مکاسب را تا آخر و طهاره را از عروه در قم تدریس نموده و اکنون نیز در مسجد اعظم حوزه درس را دارند و عده‌ای از فضلاء شمال و غیره به درسشان حاضر شده و از بیاناتشان استفاده می‌کنند از آثار ایشانست 1- کتابی در اصول 2- کتابی در فقه از صلوه، زکاه، قضا، اجاره، غصب، رهن، بیع در پنج مجلد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 10، ش 1، ص 59)، گنجینه‌ی دانشمندان (54 -53 /2)، مؤلفین کتب چاپی (745 -744 /6).

آوی، ابوالفتوح، احمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 705 ق)، فقیه، محدث و کاتب. وی از شاگردان علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین بود و از هر دوی آنان اجازه داشت. علامه حلی در اجازه‌نامه‌اش از او تمجید بسیار کرده است. از آثارش استنساخ از نسخه «نهج‌البلاغه» سید ابوالرضا فضل‌اللّه راوندی و نگارش حواشی بر آن است. از دیگر آثارش شرح «قصیدة العینیة السینائیة» است. او مجموعه‌ای از «نهج المسترشدین» و «مبادیء الاصول» حلی را نوشت و نوشته‌ها را بر فخرالمحققین خواند و از او اجازه گرفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 26 /7، قرن 5 /8).

آیةاللهی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر بن آیت‌اللَّه العظمی میر عبدالباقی معروف به (حاج عالم) از دانشمندان معاصر شیراز است.
وی در بیستم ماه شعبان 1322 ق در شهرستان لار متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سال 1333 ق منتقل به شیراز و تحصیلات اولیه را تمام و به سطوح پرداخته و پس از تکمیل آن مقداری از درس خارج مرحوم والدش و نیز آیت‌اللَّه حاج شیخ علی ابیوردی و آیت‌اللَّه آشیخ محمد محلاتی و آیت‌اللَّه میرزا محمدصادق شیرازی رحمهم‌اللَّه استفاده نمود.
در سال 1346 ق مهاجرت به نجف و مدتی از محضر آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللَّه مشکینی بهره‌مند شد. و به واسطه عروض کسالت مراجعت به شیراز نمود.
پس از بهبودی به اصفهان مسافرت و مدت یک سال از مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا محمدصادق احمدآبادی و آیت‌اللَّه آقا شیخ محمد خراسانی و آیت‌اللَّه حاج میرزا رحیم ارباب استفاده نمود.
در سال 1349 ق به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی مستفیض و در تابستان همانسال به مشهد مقدس مشرف و از درس و محضر آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد کفائی درک فیض کرده و در سال 1351 ق به شیراز بازگشت و تاکنون که هفتاد و دو سال از عمر شریفش می‌گذرد در شیراز به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تدریس و غیره اشتغال دارد.
دارای اجازات عدیده اجتهادی و روایتی از آیات عظام و مراجع بزرگ گذشته می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آیةاللهی، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدکاظم بن آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالباقی آیةاللهی شیرازی برادر مترجم مذکور از علماء متقی معاصر شیراز است.
وی در سال 1332 ق در شیراز متولد و ایام کودکی را در تحت تربیت و پرورش مرحوم والدش گذرانیده و بعد از آن به تحصیل پرداخته و متون فقه و اصول را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخعلی ابیوردی صاحب کتاب (یزبگیا) و آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی فراگرفت.
در سال 1364 ق به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللَّه صدر استفاده نموده و آنگاه به شیراز مراجعت و تا حال به وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اشتغال دارند.
دارای آثار عدیده علمی و غیره می‌باشد که فهرست آن را می‌نگارم: 1- تقریرات درس آیت‌اللَّه حجت 2- تقریرات مرحوم آیت‌اللَّه خوانساری 3- تقریرات درس مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی 4- رساله‌ای در اجازه 5- رساله‌ای در غصب 6- رساله‌ای در شرکت 7- رساله‌ای در ارث زوجه 8- رساله در وصیت 9- رساله‌ای در منجزات مریض 10- رساله‌ای در اقرار مریض 11- رساله در صلوة الجمعه 12- کتاب الصلوة بیاناتی.
دارای اجازه عدید از مراجع گذشته و معاصر می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

آیت نجف آبادی، میر سید علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم مجاهد آیت‌اللَّه میرسید علی آیت نجف‌آبادی در سال 1247ش (1287ق) در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد. ایشان بعد از سن بیست سالگی در اثر حادثه‌ای، به علم و دانش علاقه‌مند شد و وارد حوزه علمیه اصفهان گردید. وی در اصفهان از محضر استادانی همچون: سید محمد فشارکی، سید ابوالحسن جلوه و سید مهدی نحوی استفاده برد و پس از آن رهسپار نجف اشرف گردید. آیت اللّه نجف آبادی در نجف از محضر استادان بزرگی همچون: سید اسماعیل صدر، میرزا محمد تقی شیرازی، حاج آقا رضا همدانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی کسب فیض کرد و در مدت کوتاهی با طی مراحل رشد، در فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق به مقام تبحّر و استادی رسید. وی از آن پس عازم اصفهان گردید و حلقه درس خود را تشکیل داد. آیت‌اللّه نجف‌آبادی یکی از مشهورترین استادان حوزه اصفهان در دوره سرکوب این پایگاه دینی توسط رضاخان بوده است. ایشان به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اهمیت خاصی می‌داد و با حاکمان مستبد محلی و خوانین زورگو مبارزه می‌کرد. همچنین در مقطعی که ایران توسط بیگانگان اشغال شد، آیت اللّه نجف آبادی با خودکامگی روس‌ها مجاهده و مبارزه زیادی کرد؛ در نتیجه خانه‌اش توسط اوباش تحریک شده و مزدوران و مأمورانشان غارت شد و خودش نیز در کنسولگری شوروی در اصفهان زندانی گردید. در آن ایام که در اثر حضور متفقین در ایران، قحطی و گرانی بیداد می‌کرد، ایشان و عالم دیگر اصفهان، میرسید حسن چهارسوقی، ابتکاری به خرج داده و مشترکاً طی اعلامیه‌ای از مردم مسلمان و بازاریان متمکن خواستند در نقاط مختلف شهر، انجمن‌های خیریه تشکیل داده و از بینوایان، بیکاران و گرسنگان، حمایتِ برنامه‌ریزی شده کنند. این برنامه در بین مردم بسیار مؤثر واقع شد؛ به گونه‌ای که اغلب انجمن‌های خیریه فعلی اصفهان نیز از بقایای همان انجمن‌ها هستند. در کنار فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، حلقه درس آیت اللّه نجف‌آبادی، محفل فضلا و فرهیختگان بود و شاگردان نامداری در آن پرورش یافتند که حضرات آیات ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، شیخ احمد فیاض، حیدرعلی صلواتی، سید روح‌اللّه خاتمی، سید علی علامه فانی و سید مرتضی پسندیده از آن جمله‌اند. ایشان مسائل فقه و اصول را به خوبی تجزیه و

تحلیل می‌کرد و در کلام نیز تبحّر وافی داشت. آیت اللّه میرسید علی آیت نجف آبادی سرانجام در 30 بهمن 1321 ش برابر سیزدهم صفر 1362 ق در 74 سالگی در اصفهان وفات یافت و پس از تشییعی باشکوه، در قبرستان تخت فولاد مدفون گشت. این عالم مجاهد و فقیه سترگ، جدّ مادری شهید دکتر حسن آیت، نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره اول و عضو حزب جمهوری اسلامی است که در چهاردهم مرداد 1360 ش توسط منافقین کوردل به شهادت رسید.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

آیت‌اللّه‌زاده مازندارانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1340 -1263 ش) حاکم شرع و شاعر. وی فرزند شیخ‌محمد مازندرانی و نواده‌ی شیخ زین‌العابدین مازندرانی بود که هر دو از مراجع تقلید بوده‌اند. در کربلا متولد شد. پس از گذراندن مقدمات، تحصیلات عالیه را در خدمت آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی تکمیل کرد و موفق به دریافت درجه‌ی اجتهاد گردید. در تشکیلات نوین دادگستری ایران در زمان داور، حاکم شرع خراسان و تهران بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (109).

آیت‌اللهی لاری، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1381 -1314 ق)، مجتهد و پیشوای دینی. وی از اهالی جهرم بود و ابتدا نزد برادر بزرگتر خویش، آقا سید محمد، و سپس نزد سید عبدالباقی شاگردی کرد، آنگاه از این دو مجتهد و سپس از مراجعی همچون آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیای عراقی و حاج‌آقا حسین قمی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. بعد از پدر جانشین وی شد. سالهای دراز به ترویج دین مبین و نشر معارف اسلامی و کمک به فقرا و دستگیری از پاافتادگان و یتیمان گذرانید. ریاضت پیشه و مستجاب‌الدعوه و زاهد و متقی بود که با سادگی تمام زندگی می‌کرد. او از مردان مبارز و شجاع بود. چند روز پیش از رحلتش اصحاب خود را از مرگ خویش آگاه ساخت. وی در شهر جهرم بدرود حیات گفت، و در بقعه «قبر آقا» کنار پدر و برادرش مدفون گشت.[1]
مرحوم حاج سید علی‌اکبر بن آیت‌اللّه حاج سید عبدالحسین بن العالم الجلیل السید عبداللّه ابن سید عبدالرحیم بن السید محمد آیةاللهی مجتهد لاری جهرمی از علماء معروف این ناحیه است.
وی در جهرم متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح وسطی و نهائی در جهرم و شیراز علوم تحلیلی و اجتهادی را از آیات عظام و مدرسین بزرگ معاصر خود فراگرفته تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده و پس از فوت مرحوم والدش بجای او نشسته و سالهای متمادی در جهرم به خدمات دینی و ترویجات مذهبی و نشر معارف اسلامی و مساعدت به فقراء و دستگیری از پاافتادگان و سرپرستی یتیمان و معاشرت با تهی‌دستان و بینوایان گذرانیده است.
معظم له عالمی مرتاض و مستجاب‌الدعوه و زاهد و متقی و بی‌اعتنا به مال بود و با سادگی تمام زندگی می‌کرد و در خانه وی بر روی عموم باز بود و در عین حال دائم‌الذکر بود و جز به هنگام ضرورت سخن نمی‌گفت و چون بر فراز منبر می‌نشست و لب به موعظه می‌گشود دل از عارف و عامی می‌ربود و داد سخن می‌داد چند روز قبل از مرگش دوستانش را از مرگ خویش خبر داد و در تیرماه هزار و سیصد و چهل (ماه صفر 1381) در شهر جهرم لبیک حق را اجابت گفت و رخت به سرای باقی کشید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] بزرگان جهرم (142 -141، 133)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (903 -902 /5)، گنجینه‌ی دانشمندان (7 ،5 -4 /5).

آیتی قائنی، ضیاءالدین محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1310- 1397 ق)، فقیه، متکلم، ادیب و شاعر، متخلص به آیتی. در روستای مهموئی از توابع قاین متولد شد. مقدمات علوم را در بیرجند آموخت. سپس به مشهد رفت و به تحصیل در حوزه علمیه آنجا پرداخت علوم ادبی را نزد شیخ عبدالجواد نیشابوری و مقداری فقه و اصول را از پدر خود آموخت. در سال 1331 ق به مکه رفت و در این سفر از قفقاز، سوریه، ترکیه و عراق دیدن کرد. در بازگشت به اصفهان رفت و مدت دو سال در حوزه‌ی این شهر درسهای فقه و اصول را آموخت و از محضر اساتیدی چون سید علی نجف‌آبادی و شیخ محمد الهی گنابادی استفاده کرد، سپس به نجف رفت و مدت پنج سال نزد آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی دروس خارج فقه و اصول را آموخت. در سال 1343 ق به بیرجند بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس و تألیف پرداخت. علاوه بر بهره کافی در زمینه دانشهای مختلف طبع شاعرانه‌ای هم داشت و حدود بیست هزار بیت شعر سروده است. آثار وی: شرح «کفایة الاصول» علامه خراسانی؛ «درّالفرید فیماروی عن السبط الشهید»، در خطب و مواعظ و اشعار سیدالشهداء (ع)؛ «مقامات معنوی»؛ «مقامات الابرار»؛ «بهارستان»، شرح حال رجال قاینات و قهستان؛ «تتمیم بهارستان»؛ «دیوان درّ غلطان»؛ «فوائد العقول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (1/ 367- 377)، تاریخ تذکره‌های فارسی (2/ 486- 488)، الذریعه (13 /22)، صد سال شعر خراسان (55 -54)، گنجینه‌ی دانشمندان (3/ 266- 268)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 687- 688).

آیتی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

عبدالحسین بافقی یزدی (1288 ق ـ 13741 ق / 1332 ش) معروف به آیتی و متخلص به « ضیایی » ، « آواره » و « آیتی » ، از شعرا ، محققان ، نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر که پس از ورود و درنگ 18 ـ 20 ساله ی او در سلک بهائیت و طی مدارج تبلیغ در آن مسلک و دریافت لقب رئیس المبلغین و القاب دیگر و الواح تشویقی از عباس افندی و شوقی افندی و به سر بردن چند سالی با آنها ، با دیدن کژیها و ناراستیها ، دوباره به اسلام و تشیع بازگشت و شرح حال این دوران سرگشتگی فکری و به تعبیر خود فریب خوردگی را در کتاب کشف الحیل (3 جلد ، تهران ، 1370 ـ 1310 ش با تجدید چاپهای مکرر) نوشته و این زندگی پرتلاطم از او شخصیت پرآوازه و حقیقت جو ساخته است . او فرزند حاج ملا محمد بن محمد بن حاج بزرگ ، در خانواده ی علم و عرفان به دنیا آمد . پدرش حاج (ملا) آخوند تفتی از ائمه ی جماعت و خطبای فرهیخته ی یزد ، و در زادگاه خویش نیز امام جماعت و مرجع حل و فصل امور شرعی مردم بود . زادگاهش قصبه ی تفت از نواحی یزد بود . تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه ی زادگاهش آغاز کرد و اولین معلمش پدرش بود . در سال 1303 ق به یزد رفت و پس از فراگیری صرف و نحو و علم بلاغت و منطق در 1305 ق به قصد ادامه ی تحصیلات ، سفر به عتبات عالیات کرد ، و به فراگیری فقه و اصول پرداخت . یک سال بعد پدرش درگذشت و او به درخواست مادر به زادگاهش بازگشت و نظر به ابراز علاقه ی هم ولایتی ها مسند پدر را که امامت جماعت و وعظ و خطابه بود عهده دار شد . در سی و سه سالگی که امامت جماعت مسجد تفت و تصدی امور شرعیه را عهده دار بود ، بعضی از مبلغان بهایی کتابهای این فرقه را به ترفند ، به تعبیر خودش ، به مطالعه ی او رساندند و چون مطالعه ی این کتابها آشکار شد ، یکی از رقبای روحانی ، او را به بد دینی و انحراف عقیده متهم کرد و آزار و ایذاء و بدنامی و رنجهای روحی همراه آن ، او را به دامان بهائیت سوق داد . خود در این مورد می گوید : « ... دستار از سر برافکندم و ریش خود را از بن برکندم و به جهانگردی پرداختم . چون محرم اسرار شدم و مقام عالی یافته بودم رئیس المبلغین شدم » .
ابتدا مدتی در تهران و رشت و اردستان و کاشان به کارهای فرهنگی و

...

تاسیس مدارس و تبلیغ بهائیت پرداخت و سپس چند بار به عکّا (مقرّ سران بهائیت) مسافرت کرد و از طرف عباس افندی (عبدالبهاء) به « آواره » مشهورگردید و به دستور یا درخواست او و سایر روسای مرکز به تالیف کتاب مآثر البهائیه پرداخت (نام کامل آن الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه) که در تاریخ ظهور و تشکیل بهائیت است . خود در مورد این کتاب می گوید : « چون خواستم طبع کنم عباس افندی نسخه ی آن را طلبید و دستوراتی داد . ناچار بسیاری از آن را تغییر دادم و بنده سه دفعه در تحت نفوذ حضرات به تحریفات و جعلیات مبتلا شد و اینک می گویم آن کتاب که بعداً به کواکب الدریه موسوم شده ، در دو جلد ، به کلی از درجه ی اعتبار ساقط است .... » اما چون تغییرات دلخواه سران بهائیت در آن وارد شده طبیعی است چنانکه در مقاله ی دانشنامه ی ایرانیکا (به انگلیسی ، جلد سوم ، ذیل « آیتی » آمده است « این کتاب هنوز اثر عمده ای در موضوع خود به شمار می آید » .

به نوشته ی دایره المعارف تشیع : « ... پس از فوت عباس افندی (1340 ق) ، شوقی افندی جانشین او آواره را به عکا احضار نمود و آواره از طریق بادکوبه و اسلامبول به عکا و از آنجا به دستور شوقی و برای تبلیغ ، مسافرتی به انگلستان و فرانسه نمود . آواره در اواخر عمر عباس افندی و سپس در اوایل شوقی افندی به میزان زیادی از سوء اخلاق و فساد روسا و مبلغین فرقه ی بهائیت اطلاع حاصل نمود و از کرده ی خود پشیمان شد ؛ و در مسافرت به اروپا و در مراجعت هنگام اقامت در مصر ، در احوالات آنها و مخصوصاً در علل و جهات انصراف میرزا ابوالفضل گلپایگانی و میرزا نعیم و میرزا علی اکبر رفسنجانی [با ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام ، در این عصر ، اشتباه نشود] که از بهائیان اصلی و از مبلغین به نام آنها بودند ، از فرقه ی بهائیت تحقیق و تفحص بسیار نمود و یقین حاصل کرد که آن سه تن با وجود تحمل زحمات و مشقات در طریق بهائیت و انجام تبلیغات فراوان برای این فرقه اخیراً از آن تبری جسته و از عمل خود نادم گشته بودند . آواره نیز هنگام اقامت در مصر زمزمه ی مخالفت آغاز و به جمع آوری اسناد و تصاویر و تهیه ی یادداشتهای لازم علیه بهائیت مبادرت نمود و با ورود به تهران مخالفت خود را آشکار کرد و به تالیف کتاب کشف الحیل اقدام نمود . این کتاب در سه جلد [و گاه چاپ شده در یک مجلد ، چاپ تهران 1307 ـ 1310] و حاوی شرح و تفصیل کافی راجع به حیله ها و نیرنگهای بهائیان تدوین گردیده و ... سند ارزنده و گوهر گرانبهایی است ... » (داریه المعارف تشیع ، ج 1 ، ص 242)

به نوشته ی دایره المعارف بزرگ اسلامی او در سال 1348 ق / 1929 م در تهران اقامت گزید و به خدمت وزارت معارف (آموزش و پرورش)

درآمد ، و به عنوان دبیر به تدریس در دوره ی متوسطه پرداخت . با طبع و ذوق سخنوری که داشت ، به پژوهشهای ادبی روی آورد و نشریه ای ادبی / انتقادی به نام نمکدان [که بعضی منابع برآنند که مقالات مختلف اغلب یا تمامی 61 شماره ی آن را خود او با اسامی مستعار گوناگون نوشته است] در سال 1308 ش منتشر کرد که در واقع گاهنامه بود و انتشارنامنظم آن چند سالی دوام آورد . مجموعه ی آثار او مشتمل بر 17 کتاب است که عمده ترین آنها ترجمه ی تفسیر آمیز قرآن کریم است که به کتاب نبی (به ضم نون) یا قرآن فارسی [یا به قول خود آیتی ، به نقل از یکی از فضلا که در مقدمه ی ترجمه اش آورده فارسی قرآن، که دقیق تر و به ادب شرعی نزدیک تر از قرآن فارسی است] مشهور است . از دو کتاب الکوکب الدریه و کشف الحیل نیز نام بردیم . کتابی نیز به نام تکمیل کتاب کشف الحیل و بیان الحق و نیز جزوه ای به نام ضمیمه ی کشف الحیل دارد و آتشکده ی یزدان (تاریخ یزد) ، و تاریخ فلاسفه ، و فرهنگ آیتی و اثر قرآنی دیگری به نام قصیده ی قرآنیه و ترانه ی روحی (که چون تاریخ نشر آن در منابع شرح حال او نیامده نمیتوان راجع به صحت کلی آنکه در کدام مرحله ی حیاتش نوشته / سروده است ، قضاوت کرد) .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

باخرزی، ابوالحسن، ابوالقاسم علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 467 ق)، ادیب، شاعر و فقیه شافعی. مشهور به رییس علی حسن‌خان و ملقب به تاج الرؤسا. در باخرز و نیشابور به فراگیری علم پرداخت و سفری دور و دراز به شهرهای ایران و عراق کرد. وی در جوانی کاتب طغرل بیگ و شاگرد شیخ ابومحمد جوینی بود. اما به میل خود از دربار بیرون رفت و در سلک عارفان درآمد. وی در مجلس شادخواری به دست والی باخرز کشته شد. باخرزی به زبان فارسی و عربی «دیوان» شعر داشته که «دیوان» فارسی او از میان رفته است و همچنین در شعر فارسی مجموعه‌ی رباعیاتی به نام «طرب خانه» داشته که ظاهرا آن هم در میان نیست. از شعر فارسی او جز یک قصیده و چند قطعه چیز دیگری در دست نیست. از دیگر آثار او کتاب «دمیة القصر و عمرة اهل العصر» که از کتابهای معروف ادبیات عرب و ذیلی است بر «یتیمة الدهر» ثعالبی. گویند علی بن زید بیهقی بر آن ذیلی تحت عنوان «وشاح الدمیة» نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (81/5)، تاریخ ادبیات در ایران (1038 -1037 /2)، تاریخ نظم و نثر (53 -52)، دایرةالمعارف فارسی (362/1)، الذریعه (118/9)، رباعی و رباعی‌سرایان (107 -106) ریحانه (219 -218 /1)، سیرالنبلاء (364 -363 /18)، فرهنگ ادبیات فارسی (83 -82)، فرهنگ سخنوران (401)، کشف الظنون (2049، 1103، 778، 761)، الکنی و الالقاب (63/2)، لغت‌نامه (ذیل/ باخرزی)، معجم الادباء (48 -33 /13)، معجم البلدان (376/1)، معجم المؤلفین (65/7)، وفیات الاعیان (389 -387 /3)، هدیة العارفین (692/1).

باخرزی، سیف‌الدین، ابوالمعالی سعید

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 659 -629 ق)، فقیه، شاعر، صوفی. ملقب به شیخ الاسلام. وی را از مشایخ صوفیه و مریدان و اصحاب عارف مشهور، نجم‌الدین کبری، (618 -540 ق) دانسته و گفته‌اند که نجم‌الدین او را بعد از اعطاء خرقه به بخارا فرستاد. باخرزی در بخارا زیست و طریقه کبرویه را نشر داد و در همان جا وفات یافت. وی با عده‌ای از اصحاب شیخ نجم‌الدین مانند: شیخ مجدالدین بغدادی، فریدالدین عطار و شیخ سعدالدین حمویه و نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد، معروف به دایه و رضی‌الدین علی لالای غزنوی معاصر بوده. سیف‌الدین در نظم و نثر صاحب اثر است و «دیوان» شعر دارد. پاره‌ای از رباعیات وی ضمن مجموعه رباعیات ابوسعید ابوالخیر در تهران به چاپ رسیده است. از وی رساله‌ای به فارسی در معنی عشق و اشعار متوسطی بازمانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اوراد الاحباب (303 -300 و صفحات دیگر)، تاریخ ادبیات در ایران (858 -856 /2)، تاریخ گزیده، (672 -671)، حبیب السیر (61/3)، دنباله جستجو در تصوف (112 -108)، الذریعه (486 -485 /9)، رباعی و رباعی‌سرایان (155 -154)، سفرنامه‌ی ابن‌بطوطه (446 -445 /1)، فرهنگ سخنوران (481)، لغت‌نامه (ذیل- باخرزی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای 658، 576)، نفحات الانس (434 -433)، هفت اقلیم (166 -165 /2).

بادکوبه‌ای، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1358 -1293 ق)، فقیه، فیلسوف و دانشمند. وی نوه‌ی سید موسی حسینی لاهیجی بود و در قریه‌ی خوددلان بادکوبه متولد شد. سید حسین مقدمات و ادبیات را نزد پدرش آموخت و پس از فوت پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی صدر اقامت کرد و در مجلس درس ابوالحسن جلوه، فیلسوف مشهور شرکت جست و ریاضی و فلسفه را از وی و میرزا هاشم اشکوری آموخت. او بعد از هفت سال تحصیل به نجف رفت و در کلاس درس آخوند خراسانی شرکت کرد و فقه را از حوزه‌ی آیت الله آقا شیخ محمد حسن مامقانی فرا گرفت. وی تا آخر عمر نیز در نجف به تدریس پرداخت و در همان جا درگذشت و در جوار مرقد حضرت امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد. فرزندش سید محمد بادکوبه‌ای از علمای بزرگ شمال و مقیم در غازیان بندر انزلی و مروج مذهب در آن ناحیه بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (9/2)، گنجینه‌ی دانشمندان (227/3).

بادکوبه‌ای، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید محمد بادکوبه‌ای فرزند علامه‌العلام والحکیم القمقام آیه‌الله آقای آقا سید حسین بادکوبه‌ای بن العالم الجلیل السید رضا بن السید موسی الحسینی الباد کوبه‌ای اللاهیجی از علماء اعلام معاصر شمال و مقیم در غازیان بندر پهلوی میباشد.
معظم‌له در خاندان فضیلت متولد و تربیت یافته و از مرحوم والد مذکورش و آیات و مراجع دیگر استفاده نموده آنگاه بایران مراجعت و در غازیان رحل اقامت افکنده و اکنون بیش از بیست سال است که در آن ناحیه باقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارد.
والد ماجدش مرحوم آیه‌الله آقا سید حسین بادکوبه‌ای در قریه (خود دلان) از قرای بادکوبه در سال 1293 ق متولد شده و در نزد والد عالمش تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و پس از فوت والدش مهاجرت بطهران و در مدرسه صدر اقامت نموده و ریاضیات و فلسفه را از فیلسوف بزرگ مرحوم آقا سید ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم اشکوری فرا گرفته و کلام را از اساتید این علم در مدت هفت سال با جدیت تمام فرا گرفته آنگاه مسافرت بنجف کرده و در درس آیه‌الله العظمی آقای آخوند خراسانی در اوائل تألیف کفایه‌اش حاضر شده و فقه را از محضر آیه‌الله آقا شیخ محمد حسن مامقانی استفاده نموده و در علم و حکمت مشار بالبنان گشته و جماعت بسیاری از فضلاء گردش جمع شده و از تحقیقات و نظریاتش استفاده مینمودند تا آنکه در شب 28 شوال المکرم 1358 ق در حمام حضرتی نجف وفات نموده و در جوار جد گرامش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند.
معظم‌له دارای چهار فرزند عالم و دانشمند میباشند که اسامی آنها را مینگارم: 1- آیه‌الله آقا سید محمد مذکور 2- آیه‌الله آقا سید حسن ساکن نجف 3- آقا سید احمد علیل 4- آیه‌الله آقا سید محمد باقر مقیم آبادان.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بارفروشی سمنانی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم بن ملا بابا بارفروشی سمنانی عالمی فقیه از شاگردان شریف‌العلماء مازندرانی بوده و بعد از وی به سمنان آمده و به وظائف دینی و روحی قیام نموده تا حدود 1280 ق از دنیا رفته و جنازه‌اش را به کربلا حمل و در رواق شریف مدفون شده است.
و ایشانست والد عالم جلیل معمر مرحوم آقا شیخ میرزا هادی سمنانی متوفی 1328 ق.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

باغ نوی شیرازی، شمس‌الدین حبیب الله

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 995 /994 ق)، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب. معروف به میرزاجان. چون در محله باغ‌نو شیراز می‌زیست به باغ‌نوی معروف بود. او شاگرد جمال‌الدین محمود از دانشمندان زمان خود و از معاصران علامه جلال‌الدین دوانی بود. شمس‌الدین در علوم زمان بخصوص در حکمت و منطق دست داشته است و یکی از آخرین حکمای بزرگ ایران است که پیرو طریقه‌ی اشعریان و از شافعیان متعصب بود و در کلام و اصول نیز دست داشت. وی چند سالی قبل از وفات به هندوستان رفت و همان جا درگذشت. از تألیفات او: «انموذج الفنون»؛ «تعلیقات بر شرح «مختصر العضدی»؛ «حاشیه بر شرح جدید قدیم؛ «تجرید الکلام»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی بر حاشیه‌ی شرح مطالع»؛ «حاشیه بر اثبات الواجب دوانی»؛ «حاشیه بر محاکمات قطب‌الدین شیرازی بر شرح اشارات»؛ «حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی» و «حاشیه بر مطول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (172/2)، بزرگان شیراز (336)، تاریخ ادبیات در ایران (305/5)، تاریخ نظم و نثر (389)، الذریعه (10/6)، روضات الجنات (12/3)، ریحانه (63/6)، صبح گلشن (482)، فارسنامه‌ی ناصری (960 -959 /2)، فرهنگ سخنوران (900)، کشف الظنون (1853، 1716، 842، 685، 476، 475، 185، 95)، الکنی و الالقاب (221/3)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب)، معجم المؤلفین (188/3)، هدیة الاحباب (252)، هدیة العارفین (1/ 262- 263).

بافقی یزدی، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف قبل از 1244 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و رجالی. از شاگردان علامه وحید بهبهانی و سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، است. بافقی در جنگ روس و ایران شرکت داشت. از آثارش: «الوجیزة فی الدرایة»، مرتب بر مقدمه و شش فصل است که به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از این کتاب مهارت علمی مؤلف در حدیث و رجال و دیگر علوم آشکار می‌شود. وی از تألیف این کتاب در 1237 ق فراغت یافته است. در نسخه‌ای از این کتاب که در 1244 ق کتابت شد به وفات مؤلف قبل از 1244 ق تصریح شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (48/25)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 34/13).

بافقی، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1292 ق)، عالم دینی و فقیه. در بافق به دنیا آمد و در خانواده‌ای با تقوا تربیت یافت. برای تحصیل به یزد رفت و در مدرسه مصلی، ادبیات و سطوح را نزد حاج میرزا سید علی مدرس لب خندقی و دیگران فراگرفت. بافقی از ترس حکومت مستبد آن روز یزد گریخت و به نجف رفت و مورد توجه و تشویق آیت الله طباطبایی یزدی قرار گرفت و مدت 19 سال در نجف اقامت کرد و از محضر آیت الله یزدی و آیت الله کفایی خراسانی و حاج سید احمد کربلایی استفاده برد. آن گاه به ایران مراجعت و در قم سکنی گزید. وی در قم اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه کرد و از آیت الله حایری که آن روز در اراک بودند تقاضا کرد که حتما قم را مرکز قرار دهند و برای انجام این کار قدمهای مؤثری برداشت، و با ایشان همه گونه مساعدت، و طلاب و واردین را همه گونه تشویق و ترغیب می‌نمود. وی در 1346 ق به واسطه امر به معروف و نهی از منکر به تهران تبعید شد و رحل اقامت در ری افکند و تا پایان عمر در شهر ری ماند. مؤلف «گنجینه‌ی دانشمندان» کتابی در شرح حال وی به نام «التقوی و ما ادریک ما التقوی» نگاشته که به چاپ رسیده و به زبان اردو نیز ترجمه و نشر یافته است.[1]
مرحوم مبرور حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه مجاهد و عالم متقی حاج شیخ محمدتقی بن حاج محمدباقر تاجر بافقی یزدی از علماء بزرگوار و مجاهدین پرهیزکار زمان معاصر ما و مربی و پدر روحانی نگارنده و از افرادی بودند که حقیقه حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و مردم ایران دارند زیرا اگر اصرار آن مرحوم بمرحوم آیت‌اللَّه حایری موسس حوزه و همکاریهای ایشان نبود حوزه تأسیس نمیشد و آن مرحوم یگانه مشوق و غمخوار طلاب و محصلین علوم دینیه و وحید زمان در امر بمعروف و نهی از منکر و فرید دهر در قدس و ورع و ربیع الایام در حال و حقیقت و اویس الیمان در صفا و معنویت و سلمان عصر در زهد و ولایت و بوذر اوان در شجاعت قلب و رشادت و ترویج و حمایت از امام زمانش بود.
شرح احوال و مقامات معنوی او در این مختصر نگنجد رساله‌ی مستقلی بنام (التقوی و ما ادریک ما التقوی) نوشته و منتشر نموده‌ام. در اینجا هم بطور اجمال می‌نگارم.
وی در سال هزار و سیصد و نود و دو قمری در بافق یزد متولد شده و در

دامن مادر علویه و پدر متدین خود پرورش یافته و از همان اوقات با کمال پاکی و پرهیزکاری زنده‌گانی نموده و از زادگاه خود برای تحصیل به یزد و پس از چند سال بواسطه ابراز حریت و شجاعت و ابلاغ اعلان مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی بر علیه عالم مفتون بدنیا و حب جاه مورد تعقیب دولتیان واقع و بناچار با پای پیاده شبانه مهاجرت به نجف نموده و در آن سرزمین هم کسب روزی حلال و هم تحصیل تا بمقام منیع اجتهاد و معنویت رسیده و چند سالی از اصول مرحوم علامه خراسانی و چندین سال از فقه مرحوم علامه یزدی استفاده کرده و در سال 1337 قمری مهاجرت به قم و نقشه‌ی تأسیس حوزه علمیه را طرح تا ورود مرحوم آیت‌اللّه حایری که موجب شد آن مرحوم تصمیم بماندن در قم و انتقال حوزه اراک را باین سرزمین مقدس نماید و با ایشان همه‌گونه مساعدت و از طلاب و واردین از محصلین تشویق و ترغیب نموده تا سال 1346 قمری که بواسطه امر بمعروف و نهی از منکر تبعید به تهران و رحل اقامت قهری بری افکند و بخدمات دینی پرداخته تا در دوازدهم جمادی‌الاولی سال 1365 قمری که در اثر عمل جراحی در بیمارستان فیروزآبادی با پیش‌بینی قبلی خودش از دنیا رفته و با تشییع مفصلی حمل به قم و در مقبره آیت‌اللّه حایری مدفون گردید.

از کلمات اوست که می‌فرمود علی بن مهزیار اهوازی بیست سال از اهواز بمکه رفت تا حضرت ولی عصر امام زمان علیه‌السلام را زیارت کند چرا یک مرتبه و یا شب نیمه ماه شعبان بکربلا نیامد تا حضرتش را در کنار قبر جدش حضرت امام حسین علیه‌السلام ملاقات کند، و آن مرحوم از متشرفین زمان بود که کرارا این توفیق نصیبش گردیده بود چنانچه حقیر در آثار الحجه والتقوی و بستان الرازی نگاشته‌ام.

حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی اباذر زمان خود بود که حوزه علمیه قم را به امر و اشاره حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف با دعوت از مرحوم آیت‌اللّه حائری یزدی به اقامت در قم بنیان‌گذاری کرد و خود از سال 1340 تا 1346 قمری هجری معاون مرحوم حائری و پدر مهربانی برای طلاب و محصلین آن زمان و آن دوره بود و آقایان طلاب تمام نیازمندیهای خود را به ایشان مراجعه و رفع نیازشان می‌شد.

مرحوم بافقی گذشته از مقام علمی و فقاهت و زهد و پارسائی مردی مجاهد بر علیه بیدادگران و مبارز با منکرات و متظاهرین گناه بود و از ملامت هیچ ملامت کننده از شاه و روحانی و اقشار دیگر کمترین خوف و هراسی نداشت و با ستمگران و طاغوتان و رژیم پلید دولت رضاخان (زندیق) سرسختانه مبارزه می‌کرد و تنها کسی بود علنا جنایات و مظالم شاه را اعلان و برای وی پیامها و نامه‌های داغ سوزنده‌تر از هر آتشی می‌فرستاد.

امام خمینی که بسیار مورد علاقه مرحوم بافقی مجاهد بود از اصحاب و مریدان خاص آن مرحوم بود و غالبا در مدرسه فیضیه یا نقاط دیگر که آن مرحوم اقامه جماعت می‌کرد به ایشان اقتدا می‌نمود و در شبهای جمعه که آن مرحوم به مسجد جمکران می‌رفت با ایشان همراهی می‌نمود.
مرحوم مجاهد بافقی برای امام بهترین مربی و آموزنده‌ترین مدرسین اخلاقی بود که درس شهامت و شجاعت و صبر و استقامت را در حوادث و رویدادهای مبارزه از زندان و تبعید و شکنجه و آزار می‌آموخت.
این نویسنده در خاطر دارم که امام در عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه درس اخلاق یعنی درس انسان‌سازی می‌فرمود و عنوان درسش آیه کریمه (یا ایها الذین آمنو اتقواللّه و لتنظر نفس ما قدمت لغد اتقواللّه ان اللّه خبیر بما تعلمون) بود
ای گرویدگان پرهیز کنید و باید هر انسانی بیاندیشد که برای آتیه‌اش چه پیش فرستاده و پرهیز کنید که خداوند آگاه است که چه می‌کنید.
امام غالبا وقتی می‌خواست یک انسان کا مل و مؤمن حقیقی و مجاهد واقعی را بعنوان الگو و نمونه زمان معرفی کند که شیاطین تسلیم او شده و به او ایمان می‌آورند می‌فرمود سفری به شهر ری زاویه مقدسه (حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) نموده و او را زیارت کنید. و خودشان در هر ماه یک یا دو بار برای زیارت و دیدار مرحوم بافقی مجاهد که در آنوقت در آنجا تبعید بودند راهی ری می‌شدند در خاطر دارم که بعضی از روشندلان و اهل معنی در آن زمان که از دور یا نزدیک به شهر ری می‌رفتند به زبان حال و قال می‌سرودند.
چه خوش بود که براید بیک کرشمه دو کار
زیارت شه عبدالعظیم (ع) و دیدن یار
(یعنی اباذر زمان و مسلمان دوران حجةالاسلام مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی)
امام در مدت شش سالی که مرحوم بافقی در قم با رژیم کثیف شاه و عمال خائن و ستمگران او در شهرستان علمی و مذهبی قم (فرماندار و رئیس شهربانی و..) مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد از نزدیک به ایشان مراوده و از کردار و گفتار او تمامی درس شهامت و مجاهده با ستمگری و مبارزه با گناه بود سرمشق می‌گرفت و خود را آماده برای قیام و نهضت بزرگ می‌نمود.
و مرحوم بافقی هم چون مؤمن پاکدل و یکی از مصادیق حقیقی (المؤمن ینظر بنوراللّه) در سیما و چهره درخشان امام آثار نبوغ با طاغوتیان و مجاهده در راه حق مشاهده می‌کرد و در موقع اقامتش در قم عنایت مخصوص به امام داشت و در پاره‌ای از امور سفارش وی را به مرحوم آیت‌اللّه حائری می‌کرد و بعد از گرفتاری و تبعیدش به شهر ری به محصلین

و دیگران توصیه آن بزرگوار را می‌نمود و حتی خود این نویسنده را که به ارشاد و رهنموئی معظم له برای تحصیل به قم آمدم به آشنائی و مراوده با امام تاکید فرمود. و به همین سبب این حقیر از اوائل ورودم به قم در سال 1357 قمری با آن بزرگوار آشنا و مورد تشویق و محبتشان قرار گرفته و تا این زمان که حدود چهل سال است افتخار ارادت به ساحت قدسشان را دارا و یکی از جان‌نثارانشان می‌باشم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجة (281 -280 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (621 -619 /4، 178 -177 /3).

بافی خوارزمی، ابومحمد عبدالله

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 398 ق)، ادیب، نحوی، شاعر و فقیه شافعی. نسبتش به باف از توابع خوارزم می‌رسد. خطیب بغدادی گوید که اصل وی از بخارا است، لذا، به وی بافی بخاری نیز می‌گویند. او شاگرد ابوعلی بن ابی‌هریره مروزی و ابواسحاق مروزی است. بافی شاعری ماهر بود و در فنون ادب مهارت داشت و فصیح، بدیهه‌گو و نیکو محضر نیز بود. وی متصدی منصب تدریس در بغداد بود و کتب شافعی را درس می‌گفت و شاگردان از دور و نزدیک برای استفاده به محضرش می‌آمدند. به گفته‌ی خطیب او در زمان خود فقیه‌ترین مردم در مذهب شافعی بود. وی در بغداد درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (265 -264 /4)، تاریخ الاسلام (حوادث 358 -357 /400 -381)، تاریخ بغداد (140 -139 /10)، ریحانه (222/1)، سیر النبلاء (69 -68 /17)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومحمد)، معجم البلدان (388/1).

باقری بنابی، یوسف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در بناب به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات قسمت عمده‌ی سطوح را نیز در شهر بناب و حوزه‌ی علمیه تبریز خواند. وی بقیه سطوح را در نجف در محضر آیت الله مشکینی و آیت الله اهری فراگرفت. آن گاه در درس خارج علامه نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ عبدالله مامقانی حاضر شد تا به مدارج عالیه رسید و به اجازه اجتهاد نایل شد. آن گاه وی به زادگاهش بازگشت و بر اثر اصرار اهالی در آنجا اقامت گزید و مرجع امور مردم و دعاوی ایشان گشت. آیت الله باقری بنابی برای تربیت طلاب و محصلین مدرسه‌ای بزرگ تأسیس کرد و خود عهده‌دار تدریس علوم مختلفه در حوزه شد چنانکه اکثر علمای بزرگ بناب و حومه در خدمت ایشان تلمذ کرده‌اند. از آثارش: «ثمرات الفؤاد»، شرح «تفسیر» فرات کوفی، در چند مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (224 -221 /3).

باقری نجف‌آبادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ غلامرضا بن حاج ابوالقاسم بن حاج حسین بن حاج محمدعلی بن حاج یوسف که از شیراز به نجف‌آباد منتقل شده و تا به حال اولاد و احفادش در نجف‌آباد و غیر آن موجود می‌باشند.
والد این دانشمند مرحوم حاج ابوالقاسم در اواخر عمرش از نجف‌آباد به حاجی‌آباد منتقل شده و اولاد و احفادش در آنجا پراکنده شده‌اند در سال 1340 قمری در حاجی‌آباد مذکور متولد شده و در سن پنج سالگی پدر را از دست داده و تا سن 16 سالگی در تحت تربیت مادر و برادر دروس فارسی را خوانده آنگاه به قم آمده و مقدمات و سطوح اولی را از جناب آقای شیخ حیدرعلی و حاج شیخ ابوالقاسم نجف‌آبادی و حجه‌الاسلام حاج سید مرتضی علوی و حاج شیخ محسن الهی لاهیجی و دیگران خوانده سپس در سال 1364 ق به نجف مشرف و سطوح نهائی را در خدمت آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصغرخانی و مرحوم آیت‌الله حاج سید یحیی یزدی و آیت‌الله مرحوم حاج شیخ عبدالحسین رشتی و معقول را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای فراگرفته و به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله العظمی خوئی و آیت‌الله آملی مدظلهما و مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدعلی کاظمینی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقاسید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم قدس‌الله اسرارهم شرکت کرده و از خرمنهای علم و دانش آنان استفاده‌ها برده تا به مدارج علم و کمال رسیده و به تدریس متون فقه و اصول از لمعه و مکاسب و کفایه پرداخته و هر کدام را از دو دوره تا ده دوره تدریس نموده و از سال 1391 قمری تاکنون منحصرا به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند.
معظم‌له تا اواخر سال 1391 قمری در نجف به وظائف علمی مشغول بودند تا در آن اوقات مانند هزاران نفر دیگر از دانشمندان و غیره از طرف دولت شوم بعثی عراق اخراج به ایران و در قم رحل اقامت افکنده به تدریس و مباحثات علمی اشتغال یافته‌اند.
آثار و تالیفات علمی ارزنده‌ای دارند که از نظر فضلاء می‌گذرانم.
1- یک دوره کامل اصول از تقریرات بحث آیت‌الله خوئی 2- اکثر ابواب فقه 3- شرح عروه‌الوثقی. 4- رساله‌ای در ارث زوجه 5- رساله در

اعتقادات 6- مقالاتی در عدالت اسلامی 7- داستان کاروان کربلا.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

باقری همدانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ علی‌اصغر بن کربلائی شعبان باقری همدانی در تاریخ 1343 هجری قمری در یکی از مضافات دره جزین از توابع همدان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در سال 1358 قمری والی به سلک روحانیت گشته و پس از اکمال سطوح عالی از محضر آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله داماد و بعضی دیگر استفاده نموده و بالاخص اختصاصی و انقطاع فوق‌العاده‌ای به مرحوم آیت‌الله عراقی مذکور داشت و در تمام جلسات دروس معظم‌له شرکت می‌نمود و مورد توجه و علاقه شدید آن مرحوم بود و از وی به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردیده است.
ایشان اجازات دیگری از مراجع بزرگ نجف اشرف و قم چون مرحوم آیت‌الله حکیم و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله آملی طهرانی و دیگران دارد.
آثار علمی ایشان عبارت است از جزواتی در اصول عقاید و مطالب منبری و نیز قسمتی از دراسات اساتید غیر منظم دارد.
وی از راه منبر خدماتی انجام داده و جلسات تفسیر و موعظه در قم و خارج از قم داشته و دارد و همه ساله مانند صدها نفر دیگر از فضلاء در ماه رمضان و محرم برای تبلیغ احکام دین و ترویج مذهب به اطراف مسافرت نموده و وظائف دینی و روحی خود را انجام می‌دهد ادام‌الله توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بالا مجتهد دینوری، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آقا میرزا محمد آقا مجتهد معروف به بالا مجتهد بودند شاگرد مرحوم شیخ محمد حسن صاحب جواهر و جامع معقول و منقول و ریاضیات و فلکیات و بعضی علوم غریبه و دارای تصانیف نفیسه که بعضی از آنها در انقلاب مشروطیت در تبریز از بین رفته و کتابی که در ریاضیات تألیف کرده بود (مرحوم ناصرالدین شاه از ایشان می‌گیرند برای طبع و نشر دیگر بدست نمی‌آید) و آنچه از آثار ایشان وجود دارد کتاب (الفصول‌المهمه) در حکمت و کتاب معقول دیگر بنام (التیقضات) موجود است و بطبع نرسیده و بعضی حواشی بر شفاء شیخ‌الرئیس و بعضی نوشتجات دیگر و باقی آنچه نوشته در فقه و اصول از بین رفته این شخص دارای رساله عملیه و مرجع تقلید جمعی بوده و شخصی با ورع و متقی و مرتاض و کراماتی از او مشاهده می‌شده شرحش موجب اطناب است رضوان اللّه علیه. والد ماجدش مرحوم آقا میرزا محمدعلی آقا مجتهد یکی از علمای معروف و مشهور شهر تبریز داماد حاج میرزا علی‌اصغر شیخ‌الاسلام تبریز بود فقیه و متقی و با ورع و در مسجد بزرگی نزدیک مدرسه طالبیه مخصوص محصلین علوم دینی اقامه نماز جماعت می‌فرمود دارای تألیفات من جمله شرح تبصره علامه است:
اکنون از این خانواده جلیله روحانیت دو نفر باقی که هر دو برادرند فرزندان مرحوم آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهدند برادر بزرگ حضرت آیت‌اللّه آقای حاج میرزا کاظم آقا دینوری در تبریز مقام عالی روحانی دارند و دیگری حقیر علاءالدین دینوری زادگاهم تبریز پس از طی دوره مقدماتی از مجلس درس مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد آقا مولانا و مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید مرتضی خسرو شاهی و اساتید دیگر استفاده کرده‌ام و در سفر مشهد مقدس رضوی که مدتی آنجا ماندم یکی از اساتید مرحوم مغفور آقا شیخ آقا محلاتی رضوان اللّه علیه بود که از درسشان بهره‌مند بودم شرح زندگانی خودم را در اثری بنام: (الشاب و الحیاه) بطور مبسوط نوشته‌ام و (خدمات گزیده) در محاکمه و بررسیهای تاریخی اثر فارسی و (علی معلم العربیه و مصلح البشریه) مشتمل بحث‌های علمی و انتقادی موجود است
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بجنوردی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1395 -1316 ق)، فقیه، ادیب و نویسنده. در شهرستان بجنورد به دنیا آمد و همان جا تحصیلات مقدماتی کرد و سپس به مشهد رفت و در آنجا علوم عقلی و نقلی را نزد حاج فاضل خراسانی و آقا بزرگ حکیم و آقازاده‌ی خراسانی و آیت الله قمی، و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری اول فراگرفت. سپس به نجف رفت و در محضر آیت الله اصفهانی و میرزای نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، و در شمار مدرسان نجف درآمد. وی تا آخر عمر به تحقیق و تألیف و تدریس مشغول بود. میرزا حسن با شعر آشنایی کامل داشت و خود نیز شاعر بود. تألیفاتی در فقه و اصول از وی به جای مانده است، از آثارش: «منتهی الاصول»؛ «القواعد الفقهیه»؛ «حاشیة العروة الوثقی»؛ «ذخیرة المعاد»؛ «رسالة فی اجتماع الامر و النهی»؛ «کتاب فی الحکمة» که شرحی است بر «الاسفار الاربعة» صدر المتألهین.[1]
آیه‌الله آقای حاج میرزا حسن بن السید آقا بزرگ ابن السید علی اصغر بن السید فتحعلی بن السید اسماعیل موسوی بجنوردی داماد معظم مرحوم آیه‌الله حاج سید حسین اصفهانی (داماد آیه‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی) از علماء طراز اول معاصر حوزه علمیه نجف و دارای مقام علم و عمل و دقت نظر میباشد.
معظم‌له عالمی محقق و فقیهی مدقق و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول میباشد تولدش در سال 1316 قمری در بجنورد و از آنجا بمشهد و مدت 13 سال از محضر مرحوم آقا زاده کفائی و آیه‌الله قمی و حاج فاضل و دیگران استفاده کرده آنگاه مهاجرت بنجف اشرف نموده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله عراقی و مخصوصا آیه‌الله العظمی اصفهانی شرکت کرده تا به اعلی درجه فقاهت و اجتهاد رسیده است.
تألیفاتی در فقه و اصول دارد که بطبع رسیده و مورد استفاده فضلاء حوزه نجف و قم میباشد و آنها از این قرار است:
1- منتهی الاصول 2- القواعد الفقهیه 3- حاشیه بر عروه الوثقی 4- حاشیه بر وسائل 5- رساله اجتماع امر و نهی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (275/7، 184/3).

بجنوردی، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله حاج شیخ محمد تقی بجنوردی و فرزندش مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مرتضی بجنوردی که هر دو از علماء بزرگوار مشهد و مخصوصا مرحوم حاج شیخ محمد تقی صاحب حسینیه که اکنون در کوچه آنمرحوم در بالا خیابان واقع و در ایام عاشورا روضه خوانی میشود در آن صاحب کرامات باهرارت و مقامات معنوی بوده است. مآثر و آثار ص 158 گوید: شیخ محمد تقی بجنوردی مجاور مشهد مقدس رضوی در عدالت مسلم مردم آن ولایت است بل و غیرها شرح مقامات عالیه وی را از تاریخ علماء خراسان تألیف صدرالافاضل و فخرالاماثل آقا میرزا عبدالرحمن مدرس آستانه رضویه دام علاه باید خواند و در جلد اوسط مطلع الشمس شیرازی ذکر این بزرگوار بر سبیل اختصار کردیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحر العلوم، محمد مهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1212 -1155 ق)، فقیه، محدث، مفسر و مجتهد. وی در کربلا به دنیا آمد. هنوز به هفت سالگی نرسیده بود که خواندن و نوشتن را فراگرفت و سطوح اولیه را در مدت سه یا چهار سال تمام کرد و هنوز، به دوازده سالگی نرسیده بود که در محضر والدش به تحصیل خارج اصول پرداخت و از محضر وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی نیز استفاده کرد. بحرالعلوم به پانزده سالگی نرسیده بود که به درجه‌ی اجتهاد نائل شد و استادانش به اجتهاد او شهادت دادند. سپس به نجف رفت و در درس علماء نجف حضور یافت و مشهور شد. پس از چندی به بروجرد رفت. در اواخر سال 1193 ق مجددا به نجف اشرف مراجعت کرد. وی چنان بر احکام آن مذاهب تسلط علمی داشت که اهل سنت او را از خود می‌دانستند. درباره‌ی وی گفته‌اند که از کسانی که به آخرین مرحله‌ی ترقی رسیده و در فضایل ادبی و علوم عقلی و نقلی بر همگان فائق آمده است. او در شعر و ادب نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده، منظومه‌ی فقهی او شاهد زنده است. برخی از آثار وی: «مصابیح»، در فقه؛ «تحفة الکرام»، در تاریخ مکه و بیت الحرام؛ «رساله در عصیر عنبی»؛ «الفوائد الرجالیه»؛ «شرح باب حقیقة و مجاز»؛ «فوائد اصولیه»؛ «رساله در مناسک حج و عمره»؛ «رساله در قواعد احکام مشکوک»؛ «رساله در انفعال آب قلیل»؛ «الدرة البهیة»، در نظم بعضی مسائل اصولیه؛ «دیوان» شعر، در مدح و رثاء اهل البیت. بحرالعلوم علاوه بر آثار علمیه و تألیفات نفیسه، آثار بنایی و خدمات مذهبی و اجتماعی نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از: تعیین مشاعر حج و مواقیت احرام، بنا سور مسجد کوفه، بناء حجرات در اطراف مسجد کوفه، بناء مأذنه‌ی صحن علوی؛ تجدید ساختمان مسجد شیخ طوسی در نجف، تعیین مقام امام زمان (عج) در مسجد سهله و...
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (334/7)، ایضاح المکنون (242 ،206/2 ،461/1)، تاریخ بروجرد (250 -172 /2)، دایرةالمعارف فارسی (390/1)، الذریعه (83 -82 /21 ،127/9 ،463 -462 /3)، ریحانه (235 -234 /1)، شرح حال رجال (6/4)، الکنی و الالقاب (71 -67 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (187/3)، معجم المؤلفین (61/12)، هدیة العارفین (351/2).

بحرالعلوم رشتی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن بن العالم الجلیل السید حسین الملقب به بحرالعلوم معروف به حاج آقا میر مقتول در سال 1327 ق بن العلامة الکبری والایة العظمی السید عبدالباقی رشتی (متوفی حدود 1308 قمری) از علماء مشهور معاصر رشت می‌باشند.
وی در حدود سال 1314 قمری در رشت متولد شده و در اوائل بلوغ والد ماجدش آیت‌اللّه حاج سید حسین بحرالعلوم را که سبط آیت‌اللّه علامه آسید علی آل بحرالعلوم طباطبائی صاحب کتاب (البرهان القاطع) بودند و در فتنه مشروطه با فرزند جوانش آقا سید جواد در قزوین شهید شدند.
از دست داده و خود با شوق فراوان مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در رشت و غیره خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ شعبان رشتی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و دیگران استفاده کامل نموده تا به مقام منیع علم و اجتهاد رسیده آنگاه مراجعت به وطن و تا حال حاضر در مسجد (گلشن) واقع در بازار رشت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه بحرالعلوم عالمی ظریف و خوش‌مجلس و محاوره و غیور و متعصب در دین می‌باشند و حقیر در حادثه‌ای چند شبانه‌روز در (قزل قلعه) تهران در خدمت ایشان و علماء دیگر مرکز و شهرستانها بوده و از مطایبات و ظرافات معظم له استفاده نموده‌ام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بحرالعلوم رشتی، عبدالباقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالباقی جد آیت‌اللَّه بحرالعلوم معاصر از علماء بزرگ رشت و شاگردان صاحب جواهر و دیگران بوده و بعد از سال 1306 ق درگذشته و در کتاب (المآثر و الاثار) وی را از مراجع عصر ناصرالدین شاه قاجار شمرده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بحرالعلوم رفیع، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّٰه حاج میرزا علی بحرالعلوم رفیع گیلانی (یکی از دامادهای مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی) ابن المرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا مهدی رفیع (برادر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا رفیع مذکور) می‌باشد.
وی در سال 1300 ق در رشت متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف عزیمت نموده و از محاضر و دروس آیات عظام آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و علامه طباطبائی یزدی استفاده نموده آنگاه برشت برگشته و بخدمات دینی مخصوصا قضاء حوائج مؤمنین و حل و فصل بسیاری از معضلات اجتماعی مردم پرداخته و همواره محضرش در تهران و رشت مورد استفاده عالی و دانی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بحرالعلوم، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج سید محمد تقی بحرالعلوم از علماء بنام نجف و در مسجد شیخ طوسی اقامه جماعت مینمود و در نجف اشرف و بالاخص حوزه علمیه محبوبیت خاصی داشت و مورد احترام و تجلیل تمام مقامات بود.
خبر فوتش که بقم رسید از طرف زعیم بزرگوار و مرجع اعلی حضرت آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله در شب اول ماه رجب در حسینیه معظم له مجلس فاتحه عظیمی برقرار و عموم مراجع و آیات و علماء معاودین و مقیمین حوزه شرکت نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحرالعلوم، مهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
الحاج السید مهدی بحرالعلوم بن العلامه السید مرتضی بروجردی قدس‌الله سره اشهر مشاهیر رجال این سلسله و عموی جد آیه‌الله بروجردی است.
آن بزرگوار علامه دهر و وحید عصر مردمک چشم علماء روزگار و اعجوبه چرخ کج‌مدار و دارای فنون بسیار و جامع معقول و منقول و مرجع استفاده جمع کثیری از اکابر عصر خود بوده و صاحب کرامات ظاهره میباشد که در کتب مبسوطه دارالسلام و نجم‌الثاقب و مستدرک حاجی نوری و دارالسلام عراقی و سایر کتب مسطور است.
گروهی انبوهی از یهود در اثر اخلاق فاضله و کرامات باهره‌اش مذهب شیعه را قبول کردند و فیض یابی او بحضور مبارک حضرت ناموس دهر امام عصر عجل‌الله فرجه و جعلنا من اعوانه و انصاره متواتر میباشد و بالجمله جلالت قدر و بلندی مقام آن یگانه‌ی زمان برتر از آنستکه زبان را قدرت تقریر و یا خامه را نیروی تحریر باشد.
شیخ جعفر کاشف‌الغطاء با آن همه جلالت و نبالت و ریاست و فقاهت مطلقه که داشته از راه تبرک خاک نعلین رسید را با گوشه عمامه خود پاک کردی.
از محقق قمی صاحب قوانین که خود از آیات باهرات است منقولست که گفت وقتی بسید عرض کردم که این تبحر عجیب را در فقه و سایر فنون از کجا آوردی و حال آنکه هردوی ما شاگرد آقا باقر وحید بهبهانی هستیم در جواب فرمود این فیض از مولایم حضرت صاحب عجل‌الله فرجه الشریف رسیده (و کیف لا اکون کذلک وقد ضمنی الی صدره الشریف) و کیفیت تشرفش را در مسجد کوفه برای میرزای قمی نقل میکند.
ولادت این بزرگوار در شب جمعه ماه شوال 1154 یا 1155 در کربلا واقع شده و مرحوم والدش سید مرتضی گوید شب ولادتش در خواب دیدم که حضرت رضا علیه‌السلام بتوسط محمد بن اسمعیل بن بزیع شمعی فرستاده و محمد هم آن شمع را در پشت بام منزلم افروخت که نور آن بهمه جا رسید وفات آن بزرگوار در سال 1212 قمری در پنجاه و هفت سالگی در نجف الاشرف واقع و قبر شریفش در مسجد شیخ طوسی نزدیک قبر شیخ زیارتگاه است و عدد لفظ غریب (1212) ماده تاریخ وفات اوست و در نخبه المقال گوید:
والسید المهدی الطباطبائی

بحرالعلوم صفوه الصفاء
والمرتضی والده سعید
مات غریبا عمره مجید
یعنی مدت عمر او عدد لفظ مجید (57) و سال وفات او هم عدد لفظ غریب (1212) است تألیفات آن بزرگوار از این قرار است 1- الاثنی عشریات در مراثی که دوازده قصیده و هر قصیده دوازده بیت است 2- الاجازات 3- الاجتماع الامر والنهی 4- ارجوزه فی الجمل والعقود 5- اصاله البرائه 6- تاریخ مکه و مسجد الحرام موسوم به تحفه الکرام 7- الفوائد الرجالیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحرانی، ابوالحسن سلیمان

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1121 -1075 ق)، فقیه، محقق، محدث، خطیب و شاعر امامی. معروف به محقق بحرانی. در ماحوز بحرین به دنیا آمد. در هفت سالگی «قرآن» را حفظ کرد. او در محضر درس علمای بحرین حاضر شد. شیخ سلیمان بن علی بن سلیمان بحرانی و شیخ سلیمان بن علی شاخوری و شیخ صالح بن عبدالکریم در تکوین حیات علمی وی نقش بسزایی داشتند. وی از شاگردان علامه مجلسی بود و از او و دیگر علمای معاصرش همچون علامه سید هاشم بحرانی، صاحب «البرهان فی تفسیر القرآن» و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و سید محمد بن ماجد بحرانی ماحوزی حدیث نقل کرده است. او در حفظ و دقت و سرعت انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش مرجع استفاده‌ی دانشمندان بود. ابوالحسن در روز جمعه نیز بعد از نماز، صحیفه‌ی سجادیه را تدریس می‌کرد. شیخ عبدالله بن حاج صالح سماهیجی و شیخ احمد بحرانی پدر صاحب «حدائق» از شاگردان وی بودند. در دونج، یکی از روستاهای ماحوز درگذشت و در مقبره‌ی شیخ میثم، جد ابن‌میثم، شارح نهج‌البلاغه، دفن شد. وی متجاوز از شصت تألیف دارد که از آن جمله: «بلغة» یا «بلغة المحدثین»، در رجال؛ «جواهر البحرین»، تاریخ علمای بحرین؛ حاشیه «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی؛ حاشیه «خلاصة الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «مشرق الشمسین» شیخ بهائی؛ «سر المکتوم فی حکمة تعلم علم النجوم»؛ «الشفاء فی الحکمة النظریه»؛ «معراج اهل الکمال الی معرفة الرجال» یا «المعراج»، در شرح «الفهرست» شیخ طوسی؛ «هدایة القاصدین الی عقائدالدین»؛ شرح «الباب الحادی عشر»؛ «النکت البدیعة فی فرق الشیعة»؛ «اربعون حدیثا فی الامامة من طرق العامة»؛ کشکول «ازهار الریاض»، در ادب، در سه جلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (191/3)، اعیان الشیعه (307 -302 /7)، ایضاح المکنون (721، 676، 669، 616، 191، 71، 12، 2/ 159، 110، 104، 66، /1)، تلامذة العلامة المجلسی (29 -28)، الذریعه (33/25، 466/9، 182، -181 /5، 174/4، 148، 147 -146 /3)، روضات الجنات (22 -17

4/)، ریحانه (238 -237 /5 ،231/1)، لغت‌نامه (ذیل/ سلیمان)، معجم المؤلفین (267/4)، هدیة العارفین (405 -404 /1).

بحرانی، احمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1102 ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر امامی. به جهت انتساب به دو تألیف گرانسنگ خویش «خمائل» و «ریاض الدلائل» او را گاهی فاضل الخمائل و زمانی فاضل الدلائل نیز گفته‌اند. وی در روستای مقابی بحرین به دنیا آمد. او برای پیمودن مدارج عالی اجتهاد به اصفهان رفت، و در سلک شاگردان مجلسی درآمد. مجلسی در اجازه‌ی خود او را بسیار ستوده است. ملا محمد باقر سبزواری صاحب «ذخیره» برای استفاده از مراتب علمی او هفته‌ای دو روز با وی مصاحبت داشته است. شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی، صاحب «بلغة الرجال»، و ملا ابوالحسن شریف عاملی فتونی از شاگردان او بودند. وی به مرض طاعون درگذشت و در کاظمین به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاستقلالیه»؛ رساله «البداء»؛ «الحسن و القبح العقلیان»؛ «الخمائل»، در فقه؛ «ریاض الدلائل و حیاض المسائل»، در فقه؛ «الرموز الخفیة فی المسائل المنطقیة»؛ «المشکاة المضیئة فی العلوم المنطقیة»؛ «عینیة صلاة الجمعة»، اثری فقهی که در آن ثابت کرده نماز جمعه در عصر غیبت واجب عینی است. از دیگر آثارش «دیوان» شعر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (229/1)، اعیان الشیعه (173 -172 /3)، ایضاح المکنون (488/2، 601، 584 /1)، تلامذة العلامة المجلسی (18 -16)، الذریعه (325 -324، 252 /11)، ریحانه (142 -141 /2، 230 /1)، روضات الجنات (190/8، 97 -95، 39 /1)، ریاض العلماء (69 -68 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (169/2)، هدیة العارفین (166/1).

بحرانی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شهادت 1319 ق)، فقیه امامی. در بحرین به دنیا آمد. نخست شاگرد پدر دانشمند خویش بود. وی به مطرح منتقل شد و در آن شهر رهبر دینی مردم گشت و طائفه حیدرآبادیه را تحت ارشاد خود قرار داد. سپس به بندر لنگه رفت و مقیم این شهر شد، تا آنکه او را زهر دادند و شهید کردند. از آثار وی: «لسان الصدق»؛ در رد «میزان الحق»، یک کشیش مسیحی؛ «منار الهدی فی اثبات امامة ائمة الهدی (ع)» یا «الامامة»، در امامت؛ «قامعة اهل الباطل»؛ رساله‌ای در «التوحید»؛ رساله‌ای در «التقیة»؛ «الاجوبة العلمیة للمسائل المسقطیة» که خواهرزاده و شاگردش، شیخ احمد بن محمد بن سرحان بحرانی آن را جمع‌آوری کرده و به ترتیب کتاب فقه درآورده است، و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی فتاوای خود را بر این کتاب تعلیق کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (123/5)، الذریعه (244/22، 305/18، 15/17، 330/2، 277/1)، شهیدان راه فضیلت (505 -504).

بحرانی، ماجد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1097 ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. پس از فراگیری مقدمات علوم و ادبیات عربی و فارسی، مدارج عالی‌تر را نزد پدر خود که جامع علوم و شیخ الاسلام شیراز بود فراگرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. بحرانی پس از کناره‌گیری پدرش، مدتی قاضی و شیخ الاسلام شیراز بود. سپس به اصفهان رفت و در آنجا نیز به کار قضاوت پرداخت. وی از معاصران شیخ حر عاملی بود و با او مکاتبه داشت. شیخ حر در رثای وی قطعه‌ای سروده است. از آثار او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» که ناتمام مانده؛ «التحفه السلیمانیه»، ترجمه عهدنامه مالک اشتر، به فارسی، که به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف و در 1301 ق چاپ شده؛ «فصوص سلیمانیه»، شرح فارسی، «دعای بیت المعمور»، که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (236 -235 /16، 145 -144 /14، 442 -441 /3)، ریحانه (232 -231 /1).

بحرانی، هاشم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1109 /1107 ق)، فقیه، مفسر، محدث و رجالی امامی. معروف به علامة البحرین. در کتکان از توابع بحرین به دنیا آمد. نسب او را به سید مرتضی علم الهدی و از او به امام موسی کاظم (ع) می‌رسانند. او محدثی متتبع بود و در کثرت تتبع او را ثانی مجلسی می‌دانند. دامنه مرجعیت او از بحرین فراتر رفت و در بیشتر شهرهای شیعه‌نشین از وی تقلید می‌کردند. صاحب «جواهر» او و مقدس اردبیلی را، به عنوان نمونه یاد می‌کند و واجد ملکه عدالت می‌داند. سید هاشم بحرانی از کسانی چون شیخ فخرالدین طریحی نجفی و سید عبدالعظیم استرآبادی نقل روایت کرده و علمایی همچون شیخ حر عاملی از وی روایت کرده‌اند. او دارای بیش از هفتاد و پنج تألیف بزرگ و کوچک دارد که صاحب «ریاض العلماء» اکثر این کتابها را در نزد فرزندش، سید محسن دیده است. از جمله آثار وی: «اثبات الوصیة»؛ «ارشاد المسترشدین»؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، در شش مجلد، گردآوری خبرهایی در زمینه تفسیر از کتابهای ناشناخته کهن؛ «معالم الزلفی فی معارف النشأة الاولی و الاخری»؛ «مدینة المعجزات» یا «مدینة المعاجز»؛ ترتیب کتاب «تهذیب» شیخ طوسی؛ «البهجة المرضیة فی اثبات الخلافة و الوصیة»؛ «نزهة الابرار و منار الافکار فی الجنة و النار»؛ «روضة العارفین»؛ «غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام»؛ «الدر النضید فی فضائل الحسین الشهید»؛ «تنبیه الاریب»، در رجال «تهذیب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (48/9)، اعیان الشیعه (250 -249 /10)، ایضاح المکنون (716، 689، 634، 505، 456، 442، 141، 125 /2، 595، 453، 421، 419، 323، 279، 203، 179 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (249/5)، الذریعه (48/7، 93/3، 398/2)، روضات الجنات (169 -166 /8)، ریاض العلماء (304 -298 /5)، ریحانه (233/1)، فوائد الرضویه (706 -705)، الکنی و الالقاب (108 -107 /3)، معجم المؤلفین (132/13).

بخاری

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 483 ق)، نحوی و فقیه حنفی. وی در بخارا متولد شد. خواهرزاده قاضی محمد بخاری بود. در بخارا از دنیا رفت. از آثارش: «المبسوط» در فروع؛ «المختصر»؛ «التجنیس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (332/6)، ریحانه (192/2)، کشف الظنون (1580 ،1223 ،569)، لغت نامه (ذیل/ خواهرزاده)، معجم المولفین (253/9)، هدیه العارفین (76/2).

بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، یزدبه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(256 -194 ق)، حافظ، محدث، فقیه و مورخ. وی ثقه‌ترین محدث اهل سنت است. بردزبه زرتشتیی بود که اسلام آورد. ابو عبدالله در بخارا به دنیا آمد و در طلب حدیث به خراسان و عراق و مصر و شام سفر کرد، و از بسیاری مشایخ چون، ابوعاصم و انصاری و مکی بن ابراهیم و عبیدالله بن موسی و ابوالمغیرة حدیث شنید. او از حدود یک هزار شیخ احادیث بسیاری جمع‌آوری کرد که از آن میان هر چه را به راویان آنها اعتقاد داشت در صحیح خویش ثبت کرد و کتاب خود یعنی اولین کتاب «صحیح» را عرضه کرد که محمد بن یوسف فربری از راویان آن است. بخاری از حافظه‌ای شگرف برخوردار بود. ابوعیسی ترمذی، ابوحاتم رازی، صالح جزره، ابراهیم نسفی، ابن خزیمه، ابو زرعه رازی، و مسلم بن حجاج نیشابوری از جمله راویان و شاگردان وی هستند. وی در آخر عمر به واسطه اختلافات فرقه‌ای مذهبی نتوانست در بخارا بماند لذا، به یکی از قراء سمرقند -خر تنگ- رفت و همان جا درگذشت. از آثار وی: «الادب المفرد»؛ «الاسماء و الکنی»؛ «تاریخ اوسط»، «تاریخ صغیر» و «تاریخ کبیر»؛ «ثلاثیات البخاری»؛ «الجامع الصحیح»؛ مشهور به «صحیح بخاری»؛ «خلق افعال العباد»؛ «السنن»، در فقه؛ «الضعفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (258/6)، تاریخ بغداد (34 -4 /2)، تهذیب التهذیب (55 -47 /9)، الجرح و التعدیل (ج 3 ق 191/2)، دایرةالمعارف فارسی (239 -238 /1)، روضات الجنات (269 -264 /7)، ریحانه (238 -237 /1)، سیر النبلاء (471 -391 /12)، الفهرست لابن الندیم (322 -321)، کشف الظنون (1684، 1581، 1471، 1469، 1453، 1449، 1448، 1420، 1402، 1392، 1087، 722، 571، 564، 541، 522، 287، 238، 227، 133، 89، 49، 48)، الکنی و الالقاب (71/2) لغت‌نامه (ذیل/ بخاری)، معجم المؤلفین (54 -52 /9)، معجم البلدان (422/1)، الوافی بالوفیات (209 -206 /2)، وفیات الاعیان (191 -188 /4)هدیة العارفین (16/2).

بخاری، افتخارالدین، طاهر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(542 -482 ق)، فقیه حنفی. در بخارا به دنیا آمد و در سرخس از دنیا رفت. از آثار وی: «خلاصة الفتاوی» که خلاصه‌ی «خزانة الواقعات» و «النصاب» خودش است؛ «خزانة الفتاوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (318/3)، کشف الظنون (718 ،703 ،702)، معجم المؤلفین (33 -32 /5).

بخاری، ظهیرالدین، ابوبکر محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 619 ق)، فقیه و قاضی حنفی. در بخارا قاضی و محتسب بود و از بزرگان مذهب حنفی. از آثارش: «الفتاوی الظهیریة»؛ «فوائد علی الجامع الصغیر الحسامی»، در فقه، که به نام «الفوائد الظهیریة» مشهور است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (215 -214 /6)، ریحانه (77/4)، کشف الظنون (1298، 1226)، معجم المؤلفین (303/8).

بخاری، علاءالدین، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(841 -779 ق)، فقیه حنفی. در خراسان به دنیا آمد و در بخارا نشو و نما یافت. فقه را نزد پدر و عمویش آموخت و ادبیات و علوم عقلی را از سعد تفتازانی و دیگران فراگرفت. سپس به هند سفر کرد و از آنجا به مکه رفت و سرانجام در مصر اقامت گزید و پرآوازه گشت. در اواخر عمر به دمشق رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند و در مزه از توابع دمشق از دنیا رفت. به گفته‌ی ابن‌طولون او امام عصر خویش بود. از آثارش: رساله‌ای در رد ابن‌عربی به نام» فاضحة الملحدین و ناصحة الموحدین»، و به دنبال آن «الملجمة للمجسمه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (276/7)، کشف الظنون (1215)، معجم المؤلفین (294/11)، هدیة العارفین (191/2).

بختیاری، یعقوب

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌ابراهیم بن جمال‌الدین بن ابراهیم بختیاری حویزی اصفهانی.
از شاگردان سید نعمت‌الله جزائری، و خود عالم فقیه محدث بوده، و در حدود سال 1148 به طوری که سید عبدالله جزائری در تذکره‌ی خود فرماید وفات یافته است.
کتب زیر از او است:
1- الاعتبار فی اختصار الاستبصار 2- شرح شرایع 3- شرح صحیفه‌ی سجادیه 4- صوافی الصافی، در تفسیر؛ در غره‌ی ذی‌قعده‌ی سال 1140 هجری از تألیف آن فراغت یافته است؛ و چندین رساله‌ی دیگر.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بدلاء قمی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دارای مقام فضل و دانش و متانت و اخلاق فاضله است والدش مرحوم آقا سید محمد قمی از خانواده‌های علم و شرافت بوده است و آنجناب از احفاد جناب امامزاده شاه بدلا می‌باشد که در بلوک و بخش جاپلق مدفون و دارای مزار و قبه و مورد توجه مردم آن ناحیه است.
تولد وی در پنج‌شنبه چهارم جمادی‌الاول 1326 قمری در قم واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات سطوح از مرحوم ادیب تهرانی و میرزا علی یزدی فراگرفته و پس از آن از دروس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و هم مرحوم آیت‌الله بروجردی و آیات دیگر استفاده کامل نموده و به تدریس فقه و اصول و هم اقامه جماعت اشتغال دارند.
از آثار ایشانست کتابی در دعا و شرایط دعا و اماکن دعا و منتخبی از ادعیه ماثوره.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بدیع اصفهانی، مصطفی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1318 ق)، عالم، فقیه، مدرس، ادیب و شاعر. به مناسبت سکونت در محله درب امام، به درب امامی مشهور بود. پدرانش عموما از دانشمندان اصفهان به حساب می‌آمدند. او نزد حاج ملاحسینعلی تویسرکانی و میرسید محمد شهشهانی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی و حاج شیخ محمد باقر نجفی درس خواند و اجازه اجتهاد گرفت. حاج سید میرزا بدیع در مدرسه نیماورد درس می‌گفت و متجاوز از یکصد دانشمند در محضرش تلمذ می‌کردند و عوام و خواص در وقت نماز بدو اقتدا می‌کردند. او علاوه بر کمالات علمی در هنر خط نیز شهرت داشت و در ادب و شعر توانا بود. از آثار وی: حاشیه بر «ریاض»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ رساله‌ای در «خراج»؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (201 -200)، حدیقة الشعراء (226 -225 1/)، الذریعه (175/6)، معجم المؤلفین (40/3).

بدیع‌الزمان هرندی قهپایی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، فقیه و محدث. شیخ الاسلام یزد در عصر شاه عباس صفوی بود. از آثارش: «ریاض العابدین فی شرح صحیفة سید الساجدین»، به فارسی است، شرحی ترجمه‌وار و ترجمه‌ای شرح گونه است که به نام شاه صفی تصنیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (550/3)، الذریعه (348/13 ،329/11)، ریحانه (243/1)، الکنی و الالقاب (76/2).

برزانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل [مجتهد] زاهد، فوت 1369، قبرش در بقعه‌ی وسط تکیه.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

برغانی علوی قزوینی، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1290 ق)، فقیه و حکیم. در قزوین به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات، فقه و اصول را نزد پدرش ملاعلی برغانی و عمویش، شهید ثالث و عموی دیگرش ملا محمد صالح برغانی آموخت. حکمت و فلسفه را نیز در محضر ملا آقا حکمی و آخوند ملا یوسف حکمی و آخوند ملاصفر علی لاهیجی تلمذ کرد. سپس به عتبات عراق رفت و در درس سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» حاضر شد و از حوزه‌ی درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی استفاده کرد. در کربلا عهده‌دار مقام زعامت امور شرعی و فتوا و تدریس بود. سپس به قزوین بازگشت و از مدرسان مدرسه صالحیه شد و پس از وفات پدرش از مراجع تقلید گشت. او داماد عمویش، ملا صالح برغانی، و شوهر قرةالعین بود. فرزندش، شیخ رضا، شیخ الاسلام قزوین و متولی اوقاف برغانی‌ها بود. از جمله آثارش: «نفحات الالهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ شرح «القواعد» علامه‌ی حلی؛ از اول «طهارت» تا «کتاب المتاجر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (247/24، 19/14، 77/13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 713 -712 /13)، مستدرکات اعیان (303/2)، مکارم الآثار (1709/5)، مینودر (749/2).

برغانی قزوینی، عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1294 ق)، فقیه، مجتهد، متکلم، حکیم، واعظ و شاعر. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را از پدرش و عمویش شهید ثالث فراگرفت. آن گاه به اصفهان رفت و حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس آخوند ملاعلی نوری آموخت و پس از وفات ملاعلی نوری به حوزه درس ملاآقا حکمی قزوینی پیوست و از شاگردان درجه اول او به حساب می‌آمد. برغانی سپس به عراق رفت و در محضر درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» تلمذ کرد و به درجه اجتهاد نایل شد. وی با استادش سید محمد مجاهد در جنگ روسیه و ایران شرکت کرد. او چندی در کربلا به تدریس مشغول بود و چون پدرش درگذشت در قزوین و سپس در تهران اقامت گزید. او مرجع تقلید و فتوا و مدرس طلاب علوم دینی بود و تدریس فلسفه و عرفان بعد از فوت ملا آقا حکمی کاملا بر عهده‌ی او قرار گرفت. از مشهورترین شاگردانش، سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در مدرسه صالحیه فلسفه و عرفان را از او اخذ کرد. به گفته‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، در طلاقت زبان و ملاحت بیان و حلاوت لهجه و حسن تفهیم عموما و در منبر خصوصا در تمام ایران یگانه بود. از آثار وی: «خصائص الاعلام فی شرح شرائع الاسلام»، به عربی، در پانزده مجلد؛ «مخازن الاصول»، به عربی، در اصول فقه، در بیست مجلد؛ شرح بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا؛ «دیوان» شعر؛ کتاب «سوز و گداز»، در قالب مثنوی در واقعه کربلا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 808/13)، المآثر و الآثار (163)، مستدرکات اعیان (304/2).

برغانی قزوینی، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1264/1263 -1184 ق)، فقیه و عالم امامی. مشهور به شهید ثالث. در برغان کرج به دنیا آمد. در آغاز در قزوین به تحصیل مقدمات و ادبیات مشغول شد و پس از آن به قم رفت و در مجلس درس میرزای قمی، صاحب «قوانین»، حاضر شد. سپس به اصفهان رفت و در محضر علمایی آن شهر به ادامه تحصیل پرداخت. او از آنجا به عتبات مشرف شد و در حوزه‌ی درس شیخ جعفر کاشف الغطاء و آقا سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و پسرش سید مجاهد حاضر شد و علوم دینی را اخذ کرد. برغانی از شیخ جعفر نجفی، صاحب «کشف الغطاء»، و از سید محمد مجاهد، فرزند صاحب «ریاض»، و میرزای قمی، صاحب «قوانین»، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل آمد. او در نتیجه‌ی مخالفت با پیروان شیخ احمد احسایی و به تحریک فرقه‌ی بابیه در محراب مسجد جامع الصغیر در حال سجده مجروح و به شهادت رسید و در جوار شاهزاده حسین دفن شد. از آثارش: «عیون الاصول»، در اصول فقه، در دو مجلد؛ «منهج الاجتهاد فی شرح شرایع الاسلام»، فقه استدلالی، در بیست و چهار مجلد؛ شرح بر «لمعتین»؛ رساله‌ای در «نماز جمعه»؛ «رسالة الدیات»، به فارسی؛ «ملحض العقائد»، در علم کلام؛ «مجالس المتقین»، به فارسی، در مواعظ.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (288 -287 /6)، اعیان الشیعه (197/9)، الذریعه (183 -182 /23، 208 /22، 364 /19، 190 /68، 15 -285 /8)، روضات الجنات (387 -386 /4)، ریحانه (247/1)، شهیدان راه فضیلت (479 -476)، فوائد الرضویه (439)، قصص العلماء (66 -19)، الکنی و الالقاب (64/3)، گنجینه‌ی دانشمندان (163 -162 /6)، المآثر و الآثار (144)، معجم المؤلفین (134/9)، مکارم الآثار (1716 -1707 /5)، مینودر (894/2).

برغانی قزوینی، محمد صالح

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1283 -1270 ق)، فقیه اصولی و مفسر. وی برادر شهید ثالث بود. در برغان کرج به دنیا آمد. مقدمات علم و ادب را نزد پدرش در برغان خواند و «قرآن» و «نهج‌البلاغه» را از حفظ کرد و سپس به قزوین رفت. فقه و اصول را نزد علمای قزوین و علوم عقلی را نزد آخوند ملا آقا محمد بیدآبادی فراگرفت. آنگاه به عتبات عراق رفت و در کربلا به حوزه‌ی درس علامه وحید بهبهانی پیوست. بعد از مدتی به زادگاهش بازگشت و از محضر پدر استفاده بیشتر برد. سپس به قم رفت و از حوزه‌ی درس میرزای قمی بهره‌مند شد و پس از آن به اصفهان سفر کرد و در محضر ملاعلی نوری علوم عقلی را تکمیل کرد و بعد در مشهد از حوزه‌ی درس شهید میرزا مهدی خراسانی استفاده برد. وی مجددا به سوی عراق رهسپار شد و در نجف از شیخ جعفر کاشف الغطاء و در کربلا از سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، بهره‌ها گرفت و به درجه اجتهاد رسید. در حدود سال 1220 ق به ایران بازگشت و در تهران سکنی گزید و عهده‌دار کرسی تدریس و فتوا شد و طلاب علوم دینی گرد او جمع شدند. خاندان برغانی با جریان شیخیه و بابیه برخوردی جدی داشتند. وی در کربلا در حال دعا در بالای سر مبارک حضرت سیدالشهدا (ع) از دنیا رفت. از برغانی حدود سیصد کتاب و رساله و حاشیه باقی مانده است که از آن جمله: تفسیر «معدن الانوار و مشکاة الاسرار»، در یک مجلد؛ تفسیر «مفتاح الجنان»، در هشت مجلد؛ تفسیر «بحر العرفان و معدن الایمان»، در هفده مجلد؛ تفسیر «کنز العرفان»؛ «غنیمة المعاد فی شرح الارشاد»، در چهارده مجلد، در فقه؛ «مسالک»؛ «اعمال السنة»، به فارسی؛ «الدرة الثمینة»، در مواعظ؛ «منبع البکاء»، به عربی، مقتل؛ «معدن البکاء»، به فارسی، مقتل.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (34/7)، اعیان الشیعه (369/9)، ایضاح المکنون (148/2 -304/1)، الذریعه (325، 220/ 21، 159، 18/ 71، 16/ 77، 13/ 96، -95 /8، 42- 41 /3، 245 /2)، روضات الجنات (387 -386 /4)، ریحانه (248/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 661 -660 /13)، الکنی و الالقاب (64/3)، گنجینه‌ی دانشمندان (162/6)، المآثر و الآثار (183، 144)، معجم المؤلفین (86/10)، مینودر (845/2).

برغانی قزوینی، محمد علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1175- ح 1269 ق)، عالم دینی، فقیه و عارف. معروف به حاج ملا علی برغانی. در برغان کرج به دنیا آمد و نزد پدر مقدمات علوم را آموخت و «قرآن» و «نهج‌البلاغه» را حفظ کرد. سپس به قزوین رفت و سطوح را نزد دو برادر بزرگتر خود، شهید ثالث و ملا محمد صالح برغانی، تلمذ کرد. آن گاه به اصفهان رفت و فلسفه را از ملا علی نوری اخذ کرد. سپس به عتبات عراق رفت و در کربلا مقیم شد و محضر علامه وحید بهبهانی را درک کرد و بعد از آن در نجف نزد سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و شیخ جعفر کاشف الغطاء مدارج عالی را پیمود و به درجه اجتهاد نایل شد. آن گاه به ایران بازگشت و در تهران مسکن گزید. و یکی از عالمان نام‌آور عهد قاجاری شد. بر اثر مخالفت با فتحعلی شاه به عراق تبعید شد و در کاظمین اقامت کرد و از خواص میرزا محمد اخباری شد. پس از قتل استادش به کربلا رفت و با شیخ احمد احسایی برخورد کرد و تحت تأثیر افکار او قرار گرفت و سالها ملازم وی شد، و از وی نیز اجازه دریافت کرد. وی سالها در کربلا و نجف و کرمانشاه و قزوین به تدریس و فتوا اشتغال داشت. وی بنیانگذار مکتب جدیدی بین شیخیه و متشرعه می‌باشد. از مشهورترین شاگردان وی در عرفان و اخلاق ملا حسینقلی همدانی بود. مصنفات بسیاری در تفسیر و عرفان و فقه و حدیث از او باقی است که از آن جمله: «الاعتقادات»؛ «تذکرة العارفین»؛ «حیاة الایمان فی العرفان»؛ «رموزات العارفین»؛ «ریاض الاحزان» که جلد پنجم آن به نام «جنة النعیم» و جلد هشتم آن به نام «جنة الرضوان» است؛ «الصراط المستقیم»؛ «ضوابط الاصول»؛ «غنائم العارفین فی تفسیر القرآن المبین»؛ «فردوس العارفین فی بیان اسرار آل طاها و یاسین»؛ «لسان العارفین»؛ «مشکاة العارفین فی معرفة اصول الدین»؛ «معراج العارفین»؛ «هموم العارفین و اکسیر الصادقین»؛ «مجمع الرسائل»، در شرح «المختصر النافع» محقق حلی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (244 /25، 232- 231، 58 /21، 307- 306 /18، 166، 64 /16، 317، 253 /11، 117 /7)، ریحانه (248/1)، گنجینه‌ی دانشمندان (162/6)، المآثر و الآثار (144)، مستدرکات اعیان (299/2)، مکارم الآثار (1709 -1707 /5).

برغانی، ام‌کلثوم

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
1224- پس از 1268 ق، از زنان فاضل و فقیه. پدرش شیخ محمدتقی برغانی (1264 ق) معروف به شهید ثالث بود که به دستور برادرزاده‌اش قرةالعین که از سران فرقه بابیه بود به شهادت رسید. وی مقدمات علوم اسلامی و ادبیات عرب را نزد عمه پدرش ماه شرف آموخت، سپس فقه و اصول را از پدر و عمویش شیخ محمدصالح برغانی فراگرفت و در حکمت و فلسفه در درس ملا آغا حکمی قزوینی حاضر شد. ام‌کلثوم با پسر بزرگ عمویش شیخ عبدالوهاب برغانی ازدواج کرد. او در قزوین، تهران و کربلا برای زنان حوزه درس داشت. در سال 1268 ق کتابخانه‌اش را برای همه طلاب علوم دینی وقف کرد و تولیت آن را به دست همسرش و پس از وفات او به دست برادر همسرش شیخ حسن قرار داد. از تالیفات او تغییر سوره‌ی فاتحةالکتاب است. بسیاری از مردان و زنان این خانواده اهل علم و فضل و تقوا بودند.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، 68 / 2؛ دایرةالمعارف تشیع، 508 / 2.

برقانی خوارزمی، ابوبکر احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(425 -336 ق)، فقیه، محدث، قرآن‌پژوه، نحوی. معروف به حافظ کبیر. از اهالی خوارزم بود که در بغداد سکنی گزید. در خوارزم ابوالعباس حیری نیشابوری و در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در بغداد از ابوعلی صواف و محمد بن جعفر بندار و در نیشابور از ابوعمرو بن حمدان و ابواحمد حاکم و در دمشق از ابوبکر بن ابی‌الحدید و در مصر از حافظ عبدالغنی حدیث شنید. ابو عبدالله صوری و ابوبکر بیهقی و ابوبکر خطیب بغدادی و ابواسحاق شیرازی و ابوطاهر احمد کرجی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. خطیب بغدادی او را ثقه، پرهیزکار و دانای فقه و حدیث توصیف کرده است. ابوبکر تا زمان مرگ خویش از تألیف و تصنیف باز نایستاد. او در بغداد درگذشت. از آثار وی «مسند» ی است که جامع تمامی احادیث «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم است. او احادیث سفیان ثوری و شعبه و ایوب و دیگران را نیز جمع‌آوری کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (205/1)، تاریخ بغداد (376 -373 /4)، ریحانه (249 -248 /1)، سیر النبلاء (468 -464 /17)، کشف الظنون (1682)، لکنی و الالقاب (78/2)، معجم المؤلفین (74/2)، الوافی بالوفیات (331/7)، هدیة العارفین (74/1).

برقعی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهرت سلسله‌ای از سادات رضویست که منسوب به جناب موسی المبرقع بن الامام ابی‌جعفر محمد التقی علیه‌السلامند که قبرش در بلده طیبه قم در محل چهل اختران زیارتگاه عالی و دانی و از امامزاده‌گان مسلم و بلافصل مدفون در قم می‌باشد شرح احوال آن جناب و آمدنش از مدینه به سامره و از آنجا به قم در کتب تواریخ و انساب مذکور است و چون آن بزرگوار در موقع ورودش به قم برقعی به روی مبارک انداخته بود از آنجا شهرت به مبرقع و اولاد او را برقعی خواندند و اکنون اکثر سادات قم منسوب به وی و به این لقب و یا رضوی و مبرقع و غیره معروف می‌باشند و عده‌ای از آنها هم به تهران و سایر نقاط منتقل و ساکن گردیده‌اند.
یکی از معاریف این سلسله در عصر ما مرحوم مبرور آیت‌الله حاج میرزا سید حسین برقعی بودند که در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند وی سومین فرزند مرحوم آیت‌الله آقاسید عبدالله قمی است که ترجمه‌اش در جلد اول با ترجمه برادر ارجمندش آیت‌الله آقا سید محمد بن عبدالله برقعی گذشت. معظم‌له در سال 1306 در قم متولد شده و مقدمات و سطوح را نزد اساتید قم آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر دیده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید معروف مانند مرحوم آیت‌الله نائینی استفاده و پس از آن مراجعت به وطن خود کرده و سالها از محضر و درس آیت‌الله حایری و بعد از ورود آیت‌الله بروجردی چند سال هم از محضر آن مرحوم استفاده و در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند و هم تدریس فقه و اصول می‌نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

برقعی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1303، قم.
درگذشت: 6 اردیبهشت 1375.
آیت‌الله سید رضا برقعی پس از طی دوران طفولیت، به فراگیری سواد و تحصیل علم در مدرسه‌های باقریه و حکیم نظامی پرداخت. در سال 1320 پس از فراغت از تحصیل مدرسه حکیم نظامی وارد حوزه‌ی علمیه قم شد و با استفاده از دورس آیت‌الله سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره)، درس خارج را در محضر استادان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به پایان برد. سپس راهی نجف شد و چند سالی در آنجا در درس آقایان سید یحیی و سید احمد یزدی و دیگران حاضر شد. پس از بازگشت به ایران، در وزارت آموزش و پرورش به شکل دهی و تألیف و تدوین کتابهای درسی دینی دبستان و دبیرستان پرداخت. در این راه آقایان گلزاده‌ی غفوری، حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر و آیت‌الله دکتر بهشتی در کنار وی فعالیت می‌کردند. در سال 1354 دفتر نشر فرهنگ اسلامی تأسیس کرد.
از جمله فعالیت‌های اجتماعی ایشان، می‌توان به تأسیس کارگاه قالی بافی، مدرسه راهنمایی، درمانگاه و احداث راه ارتباطی آسفالته اشاره کرد.
تألیف خودآموز قرآن از جمله آثار اوست. وی همچنین با همکاری دکتر باهنر، رساله خداشناسی و کتاب تعالیم قرآن (این کتاب به زبان‌های اردو، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است) و کتاب اصول دین و احکام را منتشر کردند. کتابچه‌ی دیگر معلم قرآن است که به زبان فارسی و عربی منتشر شده است. رساله احکام دین نیز از آثار ایشان است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

برقعی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا سید علی بن آیةاللَّه حاج سید عبداللَّه برقعی رضوی قمی از علماء محترم معاصر تهران بوده و در مسجد امامزاده سید ولی تهران اقامه جماعت می‌نمودند وی سومین فرزند مرحوم آیةاللَّه حاج سید عبداللَّه برقعی می‌باشند که ترجمه‌اش در جلد اول گذشت. در حدود 1298 قمری در قم متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و ادبیات و سطوح را از علماء آن زمان قم خوانده از محضر مرحوم آیةاللَّه حاج میرزا محمد ارباب و آیت‌اللَّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللَّه العظمی حایری و مقداری از آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه علامه نائینی و دیگران فقها و اصولا استفاده نموده و معقول را از مرحوم حاج میرزا علی‌اکبر حکیم و بعض دیگران فراگرفته و در اواخر مرحوم آیت‌اللَّه حایری منتقل به تهران و بخدمات دینی پرداخته و از اکثر معاشرتها و مجالس اجتناب نموده و در منزل خود به تزکیه و تکمیل نفس و تهذیب اخلاق اشتغال و دارای صفا و معنویت گردیده تا در 27 ماه صفر 1394 قمری که بدرود حیات گفته و با تجلیل حمل به قم و در جوار عمه گرامی خود حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده است.
(1394 -1298 ق)، فقیه، نویسنده و شاعر. مقدمات و سطح را در قم فراگرفت و به حوزه‌ی درسی آیت الله محمد ارباب، آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر، آیت الله حائری، آیت الله اصفهانی و آیت الله نایینی راه یافت، و فلسفه را از حاج میرزا علی اکبر حکیم و دیگران آموخت و در اواخر عمر آیت الله حایری به تهران آمد و به درس و بحث پرداخت. او شعر نیز می‌سرود. برخی آثار وی عبارتند از: «الهی نامه»؛ «بطون خسمه»؛ «بطون سته»، شعر؛ «فلسفه‌ی شهادت»؛ «کمال الانسان و میزان الایمان»؛ «مثالی نامه»، شعر.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1]زندگینامه رجال و مشاهیر (58 -56/ 2)، فرهنگ سخنوران (131)، گنجینه‌ی دانشمندان (388 -385/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (141/ 4).

برقعی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقعی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والایمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می‌نهاد طرفی بسته است.
اساتید معظم له در رشته‌های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می‌باشند.
1- عالم جلیل و فقیه نبیه آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتنی و بیانی دلنشین داشت.
2- عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر
3- عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر
4- فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل
5- فقیه متبحر و اصولی محقق آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که 15 سال در حلقات درس ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.
6- آیةاللَّه حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتا احاطه عجیبی به چندین علم داشت.
7- آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)
8- در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی.
مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.
1- مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد ارباب که در سال 1337 قمری مرقوم داشته‌اند.
2- مرحوم ثقةالاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال 1342

قمری نوشته‌اند.
3- مرحوم آیةاللّٰه آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال 1352 قمری نوشته‌اند.
4- مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند.
آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:
1- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.
2- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.
3- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.
4- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام
5- جلوه حق
6- تذکره مبتکران در بنیان گذاران علوم و فنون.
7- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.
8- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.
9- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.
10- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.
11- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح
12- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان‌گذاران فنون و علوم اسلام.
13- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.
و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:
1- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.
2- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.
3- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.
4- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی
5- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرح آن و نام این کتاب جزو تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.
(1366 -1278 ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی نام برد. برقعی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث

قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقعی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال 1313 ش یک دبستان و در سال 1315 ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین (ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛ «تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد.[1]
فقیه، محقق، شاعر.
تولد: 1278(1317 ق.)، قم.
وفات: 13 مرداد 1366.
آیت‌الله سید علی‌اکبر برقعی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش‌پژوهی و دانش‌پروری پرداخت.
در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالیه معقول شیخ علی‌اکبر حکمی یزدی بودند.
در سال 1313 یک دبستان و سال 1315 یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت‌الله برقعی یکی از مشاروان او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقعی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.
در سال 1329 که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست

ملک‌الشعرای بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقعی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنون «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.
آیت‌الله برقعی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.
فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ 1329 -1328)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، 1317)؛ راهنمای دینداران (1324)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ 138)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ 1317)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی‌طالب؛ 1319)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ 1320)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ 1319)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ 1366 ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، 1327)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] سخنوران نامی معاصر (2931 -2924/ 5)، فرهنگ سخنوران (755)، الذریعه (229/ 17 ،64/ 10 ،899/ 9). گنجینه‌ی دانشمندان (393 -389/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (493 -491/ 4).

برقی قمی، ابوعبدالله محمد

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 183 ق)، ادیب، فقیه و محدث امامی. وی منسوب به برق‌رود از نواحی قم بود. ابن‌ندیم او را از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) شمرده است. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد (ع) برشمرده است. او در علوم عربی مشهور و به چیرگی در اخبار معروف بود. وی پدر شیخ اجل احمد بن محمد برقی، صاحب «المحاسن»، است. پسرش، احمد بن محمد، از راویان او است. از آثارش: «البلدان و المساحة»؛ «التأویل و التعبیر»؛ «التبصرة»؛ «التفسیر»؛ «التنزیل»؛ «الرجال»، شامل نام کسانی که از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده‌اند؛ «فضائل القرآن»؛ «العویص»؛ «النوادر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (273/9)، تاریخ ادبیات در ایران (80/1)، الذریعه (362/15، 315/3)، رجال الطوسی (404، 386)، رجال النجاشی (221 -220 /2)، ریحانه (251/1)، الفهرست لابن الندیم (309)، الفهرست للطوسی (292 -291)، الکنی و الالقاب (78/2)، لغت‌نامه (ذیل/ برقی)، معجم المؤلفین (277/9).

برکلی حنفی، تقی‌الدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(981 -929/926 ق)، صوفی، واعظ نحوی، فقیه، مفسر و محدث. وی ایرانی الاصل و از دانشمندان نامی عثمانی بود. ظاهرا چون حنفی مذهب بود، از ترس صفویه به آن سرزمین رفت. از جزئیات احوالش اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف کتابهای بسیاری به زبان عربی و فارسی است که در فنون مختلف نوشته شده است و معلوم می‌شود که در همه‌ی علوم زمان دست داشته است. از آثار وی: تعلیقه بر «اصلاح الوقایة فی فروع» ابن کمال پاشا؛ «اظهار الاسرار»، در نحو؛ «انقاذ الهالکین»، که در سال 967 ق تألیف کرده است؛ «ایقاظ النائمین»، که در سال 972 به پایان رسانیده؛ «رسالة فی عدم جواز اخذ الاجرة للقراءة و عدم جواز وقف النقود»؛ «جلاء القلوب»، که در سال 971 ق به پایان رسانیده است؛ «صحاح عجمیه»، به فارسی؛ «فرائض» و شرح آن؛ «کفایة المبتدی»، در صرف؛ شرح «لب الالباب فی علم الاعراب» یا شرح «مختصر الکافیه» بیضاوی، معروف به «امتحان الاذکیاء»؛ حاشیه بر «شرح الوقایة» صدر الشریعه ثانی. «دامغة المبتدعین و کاشفة بطلان الملحدین»؛ «آداب البرکوی»، «الاربعون»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (287 -286 /6)، ایضاح المکنون (442/1) تاریخ نظم و نثر (395)، الذریعه (125/5)، کشف الظنون (2022 -2020 ،1500 ،1246 ،1074 ،592 ،215 -214 ،184 -183 ،117 ،109 ،54)، معجم المؤلفین (124 -123 /9)، هدیة العارفین (252/2).

بروجردی اصفهانی، منیرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1342 -1269 ق)، محدث و فقیه. اصلا اصفهانی بود و از نوادگان دختری میرزا ابوالقاسم قمی، صاحب «قوانین»، و از شاگردان شیخ محمد باقر مسجد شاهی، فرزند شیخ محمدتقی اصفهانی صاحب «هدایة المسترشدین»، بود و از او اجازه‌ی روایت داشت. بعد از مدتی به عراق و سامرا رفت و مدتی در محضر درس میرزای شیرازی حاضر شد. سپس به اصفهان مراجعت کرد. منیرالدین از استاد خود، شیخ محمد باقر اصفهانی، و از دائی خویش، شیخ حسن کاشف الغطا، صاحب «انوار الفقاهه»، و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و دیگران روایت کرده است. شیخ ابوالقاسم بن محمد تقی قمی و میرزا فخرالدین شیخ الاسلام قمی، سبط صاحب «قوانین»، از او روایت کرده‌اند. وی در هفتاد سالگی در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «الفروق بین الفریضة و النافلة»، که در آن بیشتر از دویست فرق ذکر شده؛ «المحاکمات بین صاحبی القوانین و الفصول»؛ «منظومه‌ی اصحاب الاجماع»؛ «منظومه فی تتمیم الدرة البحر العلومیة»؛ «منظومة فی الرجال»؛ و «الالفیه فی تراجم اساتذه و سیرالعماء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (142/10)، تاریخ بروجرد (398 -395 /2)، الذریعه (109، 91، 76 /23 -134، 133 /20، 177 /16)، ریحانه (57/1)، علماء معاصرین (134)، معجم المؤلفین (25/13)، مکارم الآثار (1922 -1921 /6).

بروجردی، ابوتراب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فقیه زاهد، در محلّه شمس آباد ساکن بوده، و در مسجد آنجا امامت می‌نموده، در شب یکشنبه 15 شوال سال 1328 وفات یافته، در تخت فولاد بیرون بقعه مادر شاهزاده مدفون شده است.
وی دارای چندین پسر بوده که از آن جمله است:
1- حاج میرزا حسن بروجردی که بعداً شرح حال او نوشته می‌شود.
2- میرزا علی واعظ، از وعّاظ معروف، و محدّثین محترم اصفهان بود. در 25 ربیع الثانی 1358 وفات یافته، در صحن تکیه بروجردی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بروجردی، ابوتمام ابراهیم

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(532 -440 ق)، فقیه، محدث و مدرس. در بروجرد به دنیا آمد. اصل او از صیمره‌ی خوزستان است. پس از فراگیری مقدمات در زادگاهش، برای تکمیل تحصیلات به بغداد و مکه مسافرت کرد. ابوتمام از شاگردان یوسف بن محمد خطیب همدانی و ابواسحاق ابراهیم بن احمد رازی است. وی مدتی در همدان ساکن بود و به همین جهت به همدانی نیز مشهور است. سپس به بروجرد بازگشت و به ریاست ظاهری و باطنی شهر رسید. او در بروجرد به تدریس مشغول شد و شاگردان بسیاری از جمله ابوسعد عبدالکریم سمعانی و ابراهیم بن حسن آدمی را تربیت کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (64 -63 /2)، معجم البلدان (499/3).

بروجردی، اسد الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1271 ق)، عالم، فقیه و اصولی. مشهور به حجة الاسلام و معروف به مجتهد بروجردی. در زادگاهش پرورش یافت و در خدمت استادانی همچون میرزای قمی، صاحب «قوانین» و سید محمد مجاهد، صاحب «مناهل»، تلمذ کرد. او مدعی برتری خویش بر تمامی علمای عصرش بود. در عهد وی بروجرد مرکز تحصیل علوم شرعی و مجمع افاضل ایران شد، بطوری که، شیخ انصاری در حوزه‌ی درس وی حاضر شد و چون خود به مقام ریاست و اعلمیت رسید در مجالس خویش از این استاد نقل قول می‌کرد. در «تاریخ بروجرد» نام بیست و دو تن دیگر از علمای بزرگ شیعه، تحت عنوان شاگردان حجة الاسلام آمده است. وی در زادگاهش درگذشت و همان جا دفن شد. سه تن از فرزندان وی به نامهای فخرالدین محمد و جمال‌الدین محمد و نورالدین محمد که جد مادری آنان میرزای قمی بود، در زمره‌ی علمای دین و از مجتهدان بزرگ عصر خویش بودند و حجة الاسلام خود برای آنان اجازه‌ی اجتهادی مبسوط نوشت. از آثار وی حاشیه یا تعلیقه بر «قواعد الاحکام» علامه حلی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (286/3)، تاریخ بروجرد (344 -318 /2)، الذریعه (170/6)، روضات الجنات (110 -109 /1)، ریحانه (26 -25 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 128/13)، فوائد الرضویه (43 -42)، گنجینه‌ی دانشمندان (192 -191 /3)، لغت‌نامه (ذیل/ اسدالله)، المآثر و الآثار (140)، معجم المؤلفین (242/2)، مکارم الآثار (1952/6).

بروجردی، جمال‌الدین محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1302 ق)، فقیه، محدث و مفسر. مشهور به مجتهد بروجردی. وی نوه‌ی دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین»، و خلف حاج ملا اسدالله حجة الاسلام بود که مقام فقاهت و تبحرش در حدیث و تفسیر مسلم بود. وی از پدرش حجة الاسلام اجازه‌ی اجتهاد داشت. جمال‌الدین در اواخر عمر به مشهد مشرف شد و از آنجا به تهران آمد و چندین سال به ترویج شریعت و ارشاد مردم مشغول بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (330 -327 /2)، علماء معاصرین (336 -335)، گنجینه‌ی دانشمندان (192/3)، المآثر و الآثار (143 -142).

بروجردی، حسین، محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1320/1306 ق)، عالم دینی، فقیه و مجتهد. علوم خویش را در محضر اساتیدی همچون حاج ملا اسدالله حجة الاسلام بروجردی فراگرفت، و از جمیع کثیری از علما به دریافت اجازه نایل آمد. در کلام متبحر و در تفسیر محقق و در فقه ماهر و در حدیث مورد اعتماد بود. از آثار وی: «النص الجلی»، در امامت امیرالمؤمنین (ع)؛ «تفسیر قرآن»، مبسوط و مفصل؛ «اسرار التنزیل»؛ «لب الاصول»، در علم اصول فقه؛ «منهاج الولادة» در «اسرار الصلاة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (2/ 489- 490)، الذریعه (271/4، 43/2)، المآثر و الآثار (173)، معجم المؤلفین (253/9).

بروجردی، ریحان الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1328 ق)، عالم دینی، فقیه و مجتهد. وی علوم مقدماتی را در بروجرد فراگرفت. سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان و پس از استفاده از محضر عالمان این شهر به نجف رفت. پس از مدتی به بروجرد بازگشت و چندی نیز در همدان ساکن شد. وی علاوه بر علوم فقه و اصول و حدیث در ادبیات و رجال و تراجم نیز احاطه کامل داشت. او در اواخر از رؤسای مذهبی تهران به شمار می‌رفت و «رساله عملیه» او مورد رجوع مردم بود. از شاگردان وی می‌توان شیخ محمد صادق بروجردی و سید شمس‌الدین محمود مرعشی و شیخ هادی مقدس جعفری و سید عبدالحسین بن سید علی آل کمونه را نام برد از او کتابخانه‌ای به جا ماند که چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت از بزرگترین کتابخانه‌های تهران به شمار می‌رفت. از آثار وی: «ریحان القلوب»، در اخلاق؛ «فواکه الفقهاء»، در فقه؛ ترجمه‌ی «خلاصة الاذکار»؛ «شموس الطالعة»، در شرح زیارت جامعه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (508 -503 /2)، الذریعه (365/16، 234/14، 341/11)، المآثر و الآثار (156)، یادگار (س 3، ش 10، ص 24 -22).

بروجردی، عبدالرحیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1277 ق)، فقیه و عالم دینی. علوم و معارف را از استادان بزرگ عصر در بروجرد فراگرفت و سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت. از جمله استادان وی حاج ملا اسدالله حجة الاسلام و شیخ محمد شریف بیغشی و شیخ حسن کاشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء و شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «الجواهر» و شیخ محمد حسین صاحب «فصول» بودند و در محضر ایشان به درجه اجتهاد نایل شد. سپس به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید. حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی در تهران به تدریس مشغول شد و حوزه‌ی درسش از حوزه‌های مهم به شمار می‌رفت. جمعی از بزرگان از محضرش استفاده کردند که از جمله ایشان محدث نوری و ملا محمد علی محلاتی و شیخ محمد حسن مامقانی بودند. محدث نوری علاوه بر شاگردی داماد وی نیز بود. شیخ محمد حسن مامقانی در 1263 ق تقریر بحث «الصوم» استادش شیخ عبدالرحیم بروجردی را نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (382 -372 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 725 -724 /13)، المآثر و الآثار (159).

بروجردی، عبدالله

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج محمد رحیم، عالم فاضل مصنف، از اکابر فقها و دانشمندان قرن دوازدهم در اصفهان است.
در ربیع‌الاول سال 1191 وفات یافته، در تکیه‌ی مجلسی جنب مسجد جامع مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بروجردی، عبداللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1329 -1256 ق)، عالم، فقیه، اصولی و زاهد. در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، در محضر پدر خویش و حاج ملا اسداللّٰه حجةالاسلام تحصیل کرد. سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و به حوزه درس شیخ محمد باقر اصفهانی فرزند شیخ محمد تقی صاحب «هدایة المسترشدین» وارد شد و از او بهره‌ها گرفت. پس از فراغت از تحصیل به بروجرد بازگشت و تا پایان عمر در آنجا به تدریس پرداخت. آیت‌اللّٰه بروجردی از شاگردان او است. از آثار وی: رساله‌ای در «اجماع»؛ رساله‌ای در «مقدمه‌ی واجب»؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی»؛ رساله‌ای در «قطع».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (512 -510 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1202 -1201 /14).

بروجردی، فخرالدین محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. همچون دو برادرش از نوادگان دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین» بودند که از طرف پدرشان، حجة الاسلام، مجاز به اجازه‌ی اجتهاد شدند. او در بروجرد و حدود آن ریاست داشت. میرزا فخرالدین علاوه بر جنبه‌ی فقاهت از شعر و شاعری نیز بهره‌ی وافری داشت، و «مثنوی» او به نظر اعتماد السلطنه، صاحب «المآثر و الآثار» رسیده است. قصاید و غزلیات او بسیارند که چند غزل از او در «تاریخ بروجرد» در بخش شعرای بروجرد آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (333 -330 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (192/3)، المآثر و الآثار (161).

بروجردی، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد تقی بروجردی مقیم و متوفی در تهران از علماء محققین و مجتهدین مسلمین معاصر دارای مقام علم و فقاهت و از تلامذه مبرز مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران بوده تقریرات استادش مرحوم نائینی را برشته تحریر درآورده و بطبع رسانیده و مورد استفاده فضلاء قم و نجف میباشد.
وی بعد از فوت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی بایران آمده و در قم بملاقات زعیم اعظم آیه‌الله بروجردی رسیده و بنابر امر و اصرار معظم له در قم اقامت و بتدریس خارج فقه و اصول پرداخته ولی پس از چند سال بنابر دعوت مرحوم آیه‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس‌الله سره که نسبت بایشان محبت و عنایت خاصی داشت بتهران مسافرت و رحل اقامت افکنده و در مسجد شیشه خیابان حاج شیخ هادی باقامه جماعت و وظائف دیگر روحانی پرداخته و برای عده‌ای از فضلاء و محصلین حوزه تهران تدریس نموده تا در ماه ذی‌الحجه 1391 قمری هجری در روز فوت مرحوم آیه‌الله حاج میرزا عبدالله سعید تهرانی فوت نموده و جنازه‌اش را حمل بقم و با تشییع باشکوهی در جوار دختر والاگهر موسی بن جعفر علیهماالسلام حضرت فاطمه معصومه دفن نمودند جناب حجه‌الاسلام و خطیب والامقام آقای حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی که از مشاهیر مدرسین و خطباء بنام است برادرزاده‌ی ایشانست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بروجردی، محمد رحیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1309 -1224 ق)، فقیه اصولی و مجتهد. معروف به بالاخیابانی. در آغاز کودکی به تحصیل ادب و زبان عرب مشغول گشت و به خاطر استعداد و مهارتی که در ادبیات عرب داشت، کتابی در همان اوان کودکی در نحو تصنیف کرد که مورد قبول طلاب شد. سپس در محضر علما و فقها حاضر شد و از سید بزرگوار سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسد الله بروجردی استفاضه کرده است. در سال 1241 ق به نجف اشرف رفت و از محضر شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» بهره‌ها برد و در همان اوقات شرحی محققانه بر «مختصر نافع» در فقه تألیف کرد که مورد تحسین و تقدیر صاحب «جواهر» گردید و از او اجازه‌ی اجتهاد گرفت. مدتی در نجف به تحصیل پرداخت و سپس در کربلا مقیم شد. در سال 1258 ق به اصرار دانشمندان مشهد و بزرگان خراسان و امر صاحب «جواهر» به مشهد رفت و به ترویج علوم و نشر احکام اشتغال ورزید و شاگردان زیادی از محضرش استفاده کردند. وی دو بار به سفر حج رفت و در سال 1266 ق پس از فتنه‌ی سالار در خراسان، امیرکبیر او را به تولیت آستان قدس رضوی منصوب کرد. وی بر اثر بیماری وبا در سن 85 سالگی دار فانی را وداع گفت و در جوار مرقد امام رضا (ع) دفن گردید. از آثار وی: «کتابی در نحو» که در کودکی نوشت، «تقریرات دروس فقه و اصول حاج سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسدالله بروجردی»؛ «شرح المختصر النافع»، «الهدایة الرضویه»، «رساله در اثبات سیادت»؛ «رساله در بیع فضولی»؛ «جوامع الکلام» در شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ «رساله در اعمال سال»؛ «رساله در اجازه‌ی شیخ میرزا محمد همدانی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (256/9)، تاریخ بروجرد (480 -474 /2) الذریعه (176/25، 59/14، 252/5)، شرح حال رجال (247/5)، معجم المؤلفین (308/9).

بروجردی، محمد رضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ش)، فقیه، اصولی و مدرس. از سادات نوربخشی، و از طرف مادر منسوب به سادات طباطبایی بروجردی است. در بروجرد به دنیا آمد. پس از خواندن مقدمات و سطوح به مشهد رفت و در حدود بیست سال از محضر آیت الله حاج آقا حسین قمی و آیت الله آقازاده کفایی بهره برد. پس از آن به عراق مهاجرت کرد و مدت دوازده سال در نجف اقامت داشت و از حوزه درس آیت الله نایینی و آیت الله آقا ضیاء عراقی و آیت الله اصفهانی استفاده کرد، و همزمان برای عده‌ای فقه و اصول تدریس می‌کرد. وی از آیت الله اصفهانی و آیت الله عراقی اجازه اجتهاد دریافت کرد. سپس به مشهد بازگشت و به تدریس فقه و اصول و ترویج احکام مشغول شد. از آثار وی: رساله‌ای در «اجتهاد و تقلید و عدالت»، که به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (120 -119 /7).

بروجردی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا بن السید الجلیل فخرالدین الموسوی بروجردی از علماء معاصر مشهد و از سادات نوربخشی از طرف مادر منسوب و به سلسله طباطبایی بروجرد که از آنهاست آیت‌اللّه العظمی آقای حاج آقاحسین بروجردی اعلی اللّه مقامه الشریف می‌باشد.
معظم‌له پس از تولد در بروجرد و پرورش در بیت علم و فضیلت و خواندن مقدمات و سطوح به مشهد رضوی مشرف شده و قریب بیست سال از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج آقاحسین قمی طباطبائی قدس‌اللّه سره و آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده کفائی رئیس حوزه علمیه مشهد در عصرش استفاده نموده و بعد مهاجرت به عراق و مدت دوازده سال در نجف اشرف اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌مند گردیده و ضمنا برای عده‌ای از طلاب تدریس فقه و اصول داشته تا مبتلا به خونریزی گلو گردیده و برای استشفاء به کربلا مشرف فقه و اصول داشته تا مبتلا به خونریزی گلو گردیده و برای استشفاء به کربلا مشرف و توسل به حضرت سیدالشهداء علیه صلوات اللّه پیدا نموده و در شب نیمه شعبان المعظم در عالم رویا می‌بیند که حضرت امام حسین (ع) در رواق مطهر تشریف دارند و فرمودند منبر برو منبر برو عرض می‌کند از کتاب جلاء العیون علامه مجلسی بخوانم فرمودند دو مرتبه بخوان بخوان.
پس به موجب مساعدت استخاره به مشهد برگشته و تاکنون حدود بیست سال است که به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام اشتغال دارند.
از آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه عراقی اجازه اجتهاد و غیره دارند از آثار ایشانست رساله‌ای در اجتهاد و تقلید و عدالت که برای استفاده اهل علم نشته و به طبع رسیده است.
ایشان چندین سال در مسجد جامع گوهرشاد در شبستان بزرگ اقامه جماعت داشتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بروجردی، مرتضی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه بزرگوار حاج سید مرتضی معروف بعلم‌الهدی بروجردی متوفی 1204 یکی از اجداد آیه‌الله بروجردی از مشاهیر این خاندانست که در عصر خود ریاست علمی و دینی و اجتماعی بروجرد باوی بوده و حکام و فرمانداران و زمامداران آنزمان بدیدن او آمده و دست ارادت میدادند. و آن بزرگوار والد ماجد آیه‌الله علی الاطلاق حاج سید مهدی بحرالعلوم است. معروف است روزی آنجناب با اقران خود در حیاط بیرونی مشغول بحث و گفتگو بود و هنوز بسن بلوغ نرسیده و یا در همان حدود بود که فرماندار بدیدن والدش میآید و در ورود و یا خروجش ویرا دیده و میپرسید این آقازاده کیست میگویند فرزند برومند آیه‌الله علم‌الهدی است.
پس فرماندار نزدیک آمده و دست ویرا میفشرد و ابراز علاقه میکند و میرود پس از رفتن او آقا سید مهدی خدمت والد آمده و عرض میکند آقاجان بمن اجازه دهید مهاجرت بنجف اشرف و عتبات عالیات کنم پدرش میفرماید برای چه پسرم باین فکر افتادی میگوید چون فرماندار بمن ابراز علاقه کرد میترسم کم‌کم بین من و او الفت پیدا شود و نمیخواهم با اولیاء دولت و حکام ارتباط و آشنائی پیدا کنم. پس اجازه گرفت و مهاجرت نمود و رسید بآنجائیکه باید برسد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بروجردی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1389 -1300 ق)، مجتهد و نویسنده. در بروجرد متولد شد و دوران مقدماتی تحصیل را در زادگاهش گذراند، سپس به اراک رفت و از محضر آیت الله آقا نور عراقی و آیت الله حایری بهره گرفت. به همراه آیت الله حایری در قم ساکن شد و در تأسیس حوزه‌ی دینی همکار وی گردید. در پایان عمر انزوا اختیار کرد و به تألیف اشتغال ورزید. از آثار وی: «بیان حقیقت»؛ «درد بی‌درمان یا بدبختی‌های اجتماع»؛ «اسلام و مستمندان»؛ «برهان روشن»؛ «تیره‌بخت»؛ «اسرار مقبره‌ی سبز»؛ «اسرار نامه‌ی زرد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه رجال و مشاهیر (60/2)، گنجینه‌ی دانشمندان (86/2)، مؤلفین کتب چاپی (435/6).

بروجردی، نورالدین محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، عالم و فقیه. وی برادر میرزا فخرالدین و آقا جمال‌الدین و هر سه نوه‌ی دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین» و مجاز به اجازه‌ی اجتهاد از طرف پدرشان ملا اسدالله حجة الاسلام بروجردی بودند. او از شاگردان مخصوص شیخ انصاری بود و مدتها از حوزه‌ی فقه و اصول وی بهره گرفت. ولی در عنفوان شباب در عتبات عراق قبل از به پایان رساندن تحصیلات درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (330/2)، گنجینه‌ی دانشمندان (193 -192 /3)، المآثر و الآثار (161).

بروجی، صبغة الله

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1015 ق)، مفسر و فقیه متصوف. اصل او از اصفهان بود. در بروج هند متولد شد، و در مدینه ساکن شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثار وی: «اراءة الدقائق فی شرح مرآة الحقائق»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ «باب الوحدة»؛ «مالا یسع المرید ترکه کل یوم من سنن القوم»؛ و چند رساله دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (287/3)، ایضاح المکنون (420/2، 161، 53 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ بروجی)، معجم المؤلفین (17 -16 /5)، هدیة العارفین (425/1).

برهان بلخی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 548 ق)، فقیه حنفی. مشهور به برهان بلخی. در بلخ زاده شد و در همان شهر برآمد. وی در بخارا از برهان بن مازه حدیث آموخت و زیارت خانه خدا کرد و پس از بازگشت به بلخ، خانه امیر ترخان را برای او مدرسه قرار دادند و او در آنجا به تدریس و وعظ پرداخت اما، بر اثر شورش حنابله‌ی آن شهر مجبور به کناره‌گیری شد، و مدتی نیز در مدرسه خاتونیه برانیه تدریس کرد و سرانجام به دمشق رفت و در مدرسه صادریه به تدریس پرداخت و در همان شهر درگذشت. وی اصحاب بسیاری داشت. مدرسه بلخیه در باب البرید بدو منسوب است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (254/1)، سیر النبلاء (276/20).

برهان، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌اکبر برهان از علماء عالیقدر و مروجین عظیم‌الشأن تهران بوده که بحسن عمل و دیانت و سعی در قضاء حوائج مومنین و دستگیری از ضعفا و فقراء و بینوایان معروف و بتهذیب اخلاق و سلوک و ترویج و تشویق طلاب و محصلین موصوف بوده است. وی در سال 1324 قمری در تهران متولد شده و مقدمات و قسمتی از سطوح اولیه را نزد مرحوم آقا سید محمد قصیر و آقا شیخ علی رشتی و مرحوم آیةاللّه حاج سید محمد استرآبادی خوانده و مشرف به نجف اشرف گردیده و خدمت مرحوم آقا میرزا محمد عراقی و حجةالاسلام عالم ربانی مرحوم حاج شیخ مرتضی طالقانی تلمذ نموده و پس از سه سال به تهران مراجعت و بعد از یکسال مشرف به قم شده و کفایه و مکاسب را خدمت مرحوم آیةاللّه آقا شیخ محمد علی حایری قمی و مرحوم آیةاللّه خونساری خوانده و مدتی هم از محضر مرحوم آیةاللّه حایری یزدی استفاده کرده و بعد از آن به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیةاللّه العظمی اصفهانی و آیةاللّه العظمی خوئی مد ظله بهره‌مند شده و بعد از سه سال در سال 1358 قمری مراجعت به تهران و به تبلیغات و خدمات دینی پرداخته و با داشتن وکالت مطلقه از مرحوم آیةاللّه اصفهانی و مراجع دیگر نجف و مرحوم آیةاللّه العظمی حجت کوهکمری خدمات بسیاری نموده به طوری که مورد رقابت و غبطه بعضی از اقران خود واقع گردیدند.
آثار ایشان در تهران و شهر ری و دماوند و نقاط دیگر بسیار است که ذیلا می‌نگارم.
1- مسجد و مدرسه علمیه لرزاده که از مساجد معموره تهران واقع در خیابان لرزاده است که در حال حاضر جناب حجةالاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا عباسعلی عمید زنجانی داماد معظم آیةاللّه العظمی مرعشی نجفی مد ظلهما در آن امامت می‌کنند.
2- دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه برهان برای پرورش و آموزش پسران و دختران مسلمین.
3- مدرسه علمیه‌ی برهانیه حضرت عبدالعظیم جنب صحن و مسجد جامع ری که با سبکی نوین دارای 34 حجره فوقانی و تحتانی و مدرس و سایر لوازم با مساعدت نگارنده بپایان رسیده و سالها دائر و در حال حاضر هم جمعی از محصلین در آن سکونت دارند. و آن مرحوم در حالی که شب و

روز مشغول ترویج و تبلیغ بود و ساعتی فراغت و لحظه‌ای بیکار نبود آثار قلمی چندی از خود بیادگار گذارد که در اینجا می‌نگارم،
1- رساله‌ای در عدالت 2- تعلیقه‌ای بر مکاسب 3- تفسیر سوره یوسف موسوم با حسن المجالس 4- بشائر النبویه 5- رساله در حدیث ایام 6- ربیع الابرار 7- پریشان نامه
مرحوم برهان اخلاص فوق‌العاده‌ای باهل بیت عصمت علیهم‌السلام داشتند و در تمام ایام موالید و اعیاد و وفیات ائمه علیهم‌السلام مجلس جشن و سوگواری با شکوهی تشکیل می‌دادند و خود در مدح آنان اشعاری می‌سرودند.
آن مرحوم از مردن و مدفون شدن در ری وحشت داشت چنانچه در بیت چهارم شعرش گفته و بالاخره بمقصودش رسید در نیمه ماه ذی‌الحجةالحرام سال 1378 قمری پس از انجام مناسک حج در مکه معظمه وفات نموده و در جده نزدیک مدینه الحاج مدفون گردید و در مرگش مردم خیابان خراسان و لرزاده و دیگر نقاط تهران چنان گریستند که کمتر مثلش دیده شد، قصائد بسیاری در فقدانش سروده شد و نگارنده جزوه‌ای بنام (برهان ما) نوشته و در آن ترجمه و آثار او را نگاشتم که در هزار نسخه بطبع رسیده.
(1378 -1324 ق)، فقیه، و مجتهد و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی نزد آقا سید محمد قصیر و آقا شیخ علی رشتی و حاج سید محمد استرآبادی، به نجف اشرف رفت و مدت سه سال در محضر آقا میرزا محمد عراقی و حاج شیخ مرتضی طالقانی به تحصیل پرداخت. وی پس از بازگشت به تهران، به قم رفت و به تحصیل «کفایه» و «مکاسب» خدمت آقا شیخ محمد علی حایری و آیت الله خوانساری مشغول شد، تا اینکه مجددا برای ادامه تحصیلات به نجف رفت و از حوزه‌ی درس آیت الله اصفهانی و آیت الله خویی بهره‌مند شد، و با اخذ وکالت مطلقه از حاج سید ابوالحسن اصفهانی به تهران بازگشت. وی دارای اجازه‌ی اجتهاد و روایت بود و در مسجد لرزاده در جنوب تهران به اقامت نماز جماعت اشتغال داشت. مسجد و مدرسه علمیه‌ی لرزاده در تهران و دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه برهان و مدرسه‌ی علمیه‌ی برهانیه شهر ری، جنب مسجد جامع ری، از مآثار برهان به حساب می‌آیند.
از آثار علمی وی: «حدیث الایام»، در ادعیه؛ «ربیع الآثار»؛ «تفسیر سوره یوسف» موسوم به «احسن المجالس»؛ تعلیقه‌ای بر «مکاسب»؛ «رساله‌ای در عدالت»؛ «بشائر النبویة»؛ «پریشان نامه» در شعر.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (61/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (494 -493/ 4).

بزدوی، صدر الاسلام، ابوالیسر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(493 -421 ق)، قاضی و فقیه حنفی. مشهور به قاضی صدر. وی بعد از برادرش، فخرالاسلام، شیخ حنفیان ماوراءالنهر به حساب می‌آمد و پیشوای آنان بود و از دیگر نقاط نیز برای امور شرعی به نزد او می‌آمدند. صدر الاسلام مدتی املاء حدیث می‌کرد و عهده‌دار منصب قضای سمرقند بود. عثمان بن علی بیکندی و احمد بن نصر بخاری و محمد بن ابی‌بکر سنجی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در بخارا درگذشت. او در اصول و فروع فقه دارای تصانیفی بود، از جمله آنها: «المبسوط»، در فروع فقه، در چند مجلد؛ «واقعات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (247/7)، سیر النبلاء (49/1)، کشف الظنون (1581)، معجم المؤلفین (210/11)، هدیة العارفین (77/2).

بزدوی، فخر الاسلام، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(482 -400 ق)، فقیه اصولی، محدث و مفسر حنفی. مشهور به ابی العسر. نسبتش به بزده، قلعه‌ای در نزدیک نسف، می‌رسد از بزرگان سمرقند و پیشوای اصحاب ماوراءالنهر و خود صاحب طریقه‌ای در مذهب حنفی بود. سمعانی گوید که دوستش ابوالمعالی محمد بن نصر، خطیب سمرقند، تنها راوی اوست. وی در سمرقند به خاک سپرده شد. او را تصانیف بسیاری است، از آن جمله: «کنز الوصول الی معرفة الاصول» یا «اصول بزدوی»، در اصول فقه، که به همراه شرح آن به نام «کشف الاسرار» علاءالدین بخاری چاپ شده است؛ «المبسوط»، یازده مجلد؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «غناء الفقها»، در فقه؛ «کشف الاستار» یا «تفسیر القرآن»، در یک‌صد و بیست جزء.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (148/5)، ایضاح المکنون (388 ،34 /2)، سیر النبلاء (603 -602 /18)، کشف الظنون (1581 ،1485 ،1016 ،568 ،563 ،553 ،467 ،113 -112)، معجم البلدان (487 -486 /1)، معجم المؤلفین (192/7)، الوافی بالوفیات (430/21)، و هدیة العارفین (693/1).

بسطامی، مطلب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1359 -1274 ق)، فقیه، فیلسوف و عارف. در بسطام به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در بسطام و شاهرود برای ادامه تحصیل رهسپار مشهد شد و پس از دو سال استفاده از محضر فقها و فلاسفه آنجا، به تهران آمد و یک سال به فلسفه پرداخت و نزد آقا سید عبدالحمید گروسی و آقا صادق همدانی و آقا سید محمد اصفهانی و میرزا محمد تقی گرگانی تحصیل کرد. سپس به عتبات مهاجرت کرد و مدت چهار سال در سامرا از محضر میرزای بزرگ شیرازی استفاده کرد. بعد به نجف رفت و هشت سال از حوزه‌ی درس میرزا حبیب الله رشتی و آخوند خراسانی بهره برد. سپس به ایران بازگشت و در مشهد به تدریس پرداخت. در اواخر عمر به شاهرود آمد و در آنجا مشغول ارشاد و تدریس شد. از آثار وی: یک دوره «اصول» آخوند خراسانی؛ «مشاهد سبع» یا «ریاض العقول» که مشتمل بر فلسفه علمی و عملی و شرح سفر نفس است.[1]
میرمطلب بسطامی از علماء بزرگ و معروف گذشته شاهرود بوده‌اند. وی در سال 1274 ق در قصبه بسطام متولد شده و پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی در بسطام و شاهرود جهت ادامه تحصیل رهسپار مشهد مقدس گشته و در آنجا دو سالی توقف و از علماء بزرگ آنجا کسب علوم فقه و فلسفه نموده سپس عزیمت به تهران و یکسال هم در آنجا به درس فلسفه اشتغال ورزیده و نزد مرحوم آقاسید عبدالحمید گروسی و آقا صادق همدانی و مرحوم آقا سید محمد اصفهانی و میرزا محمدتقی گرگانی تحصیل کرده و سپس به عتبات عالیات مهاجرت و مدت چهارسال در سامرا از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا بزرگ شیرازی استفاده نموده و بعد به نجف آمده و از درس مرحوم میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مرحوم آخوند خراسانی مدت هشت سال استفاده نموده و پس از آن مراجعت به ایران و در مشهد مقدس رضوی به افاضه و تدریس پرداخته تا اواخر عمر که مجددا به وطن خود شاهرود برگشته و مشغول افاضه و وعظ و ارشاد و تدریس گردیده تا اینکه در سال 1359 قمری به رحمت ایزدی پیوستند.
معظم‌له گذشته از مقامات علمی دارای نفس زکیه و صاحب کشف و کرامت بودند از جمله در یک ماه رمضانی که در مسجد خودشان مشغول وعظ و ارشاد بودند سرائر و به وطن مردم پای منبر به ایشان کشف شد و

مردم را به صورتهای مختلف دیدند و پس از آن به مسجد و منبر نرفتند و در کنج خلوت و انزوا مشغول به خود شدند تا از دنیا رفتند و دیگر از قضایای منقوله از ایشان این بود که قبل از مرگ خود خبر دادند که در چه وقت خواهند مرد و کجا دفن خواهند شد و گفتند که قبرستان شاهرود به هم خواهد خورد و تفریحگاه خواهد شود و این خبر چند سال قبل به وقوع پیوست ولی هنوز مقبره ایشان دست نخورده و زیارتگاه مردم است و مردم از نذورات برای او و زیارت قبرش نتیجه‌ها گرفتند. از آثاره او یکدوره اصول مرحوم آخوند است که ظاهرا قبل از کفایه نوشته شده و دیگر کتاب مشاهد سبع یا ریاض‌العقول که مشتمل بر فلسفه علمی و عملی و شرح سفر نفس است که تاکنون مخطوط مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (131 -130 /7).

بشارت، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه
تولد: 1324، در دهاقان شهررضا.
شهادت: 14 مرداد 1360، تهران.
حجت‌الاسلام محمدتقی بشارت، فرزند حاجی بابا، تا خارج فقه و اصول تحصیلات حوزوی داشت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به کار تدریس مشغول بود و از طرف حضرت امام خمینی (ره) و جامعه مدرسین حوزه‌ی علیمه، در امور تبلیغ فعالیت داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگی امام در گچساران و نیز جهاد سازندگی را به عهده داشت. همچنین مدتی سرپرست بنیاد شهید و کمیته کهکیلویه و بویراحمد بود. وی از سوی مردم شهر سمیرم به نمایندگی مجلس خبرگان و سپس اولین دوره مجلس شورای اسلامی رسید.
علاوه بر مقاله‌های ایشان در جراید، کتاب خوارج از دیدگاه نهج‌البلاغه را تنظیم نمود و همچنین در ترجمه بخشی از مجموعه ورام نیز سهم داشت.
حجت‌الاسلام بشارت در چهاردهم مرداد 1360 به دست منافقین در جلوی درب منزلش به شهادت رسید. پیکرش در سمیرم به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بغدادی اسفراینی، ابومنصور عبدالقاهر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 429 ق)، فقیه اصولی، متکلم و ادیب شافعی. در بغداد به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد. سپس همراه پدر ساکن نیشابور شد و در اثر فتنه غز مدتی نیشابور را ترک کرد. وی در هفده رشته علمی مدرس بود، بخصوص در زمینه‌ی علم حساب از صاحبنظران بود. او شعر نیز می‌گفت و اشعار زیادی به جای گذاشت. دستی گشاده داشت و آنچه از مال و ثروت داشت بر جویندگان علم و حدیث انفاق می‌کرد. ابومنصور در فقه شاگرد ابواسحاق اسفراینی بود و بعد از او بر مسند استادش نشست و در مجسد عقیل به املا پرداخت. ابوبکر بیهقی، ناصر مروزی، زین الاسلام ابوالقاسم قشیری و عبدالغفار شیرویی از جمله شاگردان وی بودند. ابومنصور در اسفراین از دنیا رفت و در جوار استادش ابواسحاق دفن شد. از آثارش: «بلوغ المدی فی اصول الهدی»، در اصول فقه؛ «التحصیل»، در اصول فقه؛ «تفسیر القرآن»؛ «تأویل متشابه الاخبار»؛ «التکمله»؛ در علم حساب؛ «الفرق بین الفرق»؛ «الملل و النحل»؛ «مشارق النور»، در کلام؛ «معیار النظر»، در عقلیات؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (173/4)، ایضاح المکنون (485، 375، 234 /2)، ریحانه (278 -277 /7)، سیرالنبلاء (573 -572 /17)، کشف الظنون (1970، 1921، 1839، 1820، 1769، 1432، 1418، 1401، 1392، 1274، 1252، 1039، 471، 463- 462، 441، 398، 335، 254)، وفیات الاعیان (203/3)، هدیة العارفین (606/1).

بغوی، ظهیرالدین، ابومحمد حسین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(516/510 -436 ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و عارف. ملقب به محیی السنه و مشهور به ابن‌فراء، یا فراء. منسوب به بغ یا بغشور، از قریه‌های میان سرخس و هرات در فقه شاگرد قاضی حسین بن محمد مرورودی و در عرفان شاگرد شبلی، ابومحمد مرتعش و عبداللّٰه منازل بود. بغوی چون مجلس درس آراست هیچ‌گاه بی‌طهارت به تدریس آغاز نکرد. از جمله شاگردان وی در حدیث ابوالفتوح محمد بن محمد طایی و ابومنصور محمد عطاری و ابوالمکارم فضل‌اللّٰه بن محمد نوقانی بوده‌اند. او با غزالی معاصر بود. وی در مرورود، درگذشت و در کنار شیخش، قاضی حسین مرورودی در مقبره‌ی طالقان دفن شد. از جمله‌ی آثار وی: «التهذیب»، در فروع فقه شافعی؛ «شرح السنه»، در حدیث؛ «معالم التنزیل»، در تفسیر؛ «مصابیح السنه»؛ «الجمع بین الصحیحین»؛ «شمائل النبی المختار»؛ «الکفایه فی فروغ الشافعیه»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (284/2)، تاریخ ادبیات در ایران (929 -928 260، /2)، تاریخ نظم و نثر (126)، حبیب السیر (319/2)، دائره المعارف الاسلامیه (27/4)، روضات الجنات (181 -175 /3)، ریحانه (272 -271 1/)، سرآمدان فرهنگ (179/1)، سیر النبلاء (443 -439 /19)، کشف الظنون (1499)، الکنی و الالقاب (88/2)، لغت‌نامه (ذیل/ بغوی)، معجم البلدان (554 -553 /1)، معجم المؤلفین (61/4)، نامه‌ی دانشوران (259 -257 /7)، الوافی بالوفیات (63/13)، وفیات الاعیان (137 -136 /2)، هدیة العارفین (312/1).

بفروئی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم شیخ محمد علی بن احمد بفروئی یزدی حایری عالمی بزرگ و فقیهی فاضل و مدرسی جلیل بوده‌اند.
این بزرگوار اصلا از بفرو و از معمّرین و مجتهدین بزرگ و رجال علم بوده است در کربلا از محضر علامه شیخ محمد حسین یزدی مشهور بپاشنه طلائی حایری صاحب کتاب (المقالید) و علامه مولی محمد حسین فاضل اردکانی و در نجف از محضر علامه جلیل شیخنا الانصاری و دیگران استفاده نموده تا از بزرگان عصر خود گردیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از فضلاء بدرسش حاضر و همگی از تبحر علمی و ورع او تمجید و تجلیل نموده‌اند. در حرم مطهر حسینی علیه‌السلام اقامه جماعت مینمود تا در حدود سال 1324 قمری وفات نموده و در جوار سالار شهیدان مدفون گردیده است.
وی از استادش علامه اردکانی روایت نموده و جماعتی از شاگردان او مانند شیخ علی بن غلامعلی بهبهانی که از علماء بزرگ خرمشهر بوده از او روایت نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بلادی بوشهری، عبدالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله فی الارضین آقای آقا سید عبدالله بوشهری بلادی صاحب تألیفات چند بوده و از آنها کشکول بلادیست وی در بوشهر اقامت داشته و اصلا بحرینی و بلادیست که مهاجرت بایران و بوشهر نموده و در آنجا باقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغ احکام پرداخته تا از دنیا رفته است.
علامه رازی در کرام البرره ص 784 گوید: اوست سید عبدالله بن سید علی ابن سید محمد بن سید عبدالله بلادی عالمی بزرگ از اجلاد علماء و مشاهیر عصر خود و استاد شیخ یوسف بحرینی صاحب (حدائق) و ساکن بوشهر بوده که حفیدش در (الغیث الزابد) نقل کرده و گفته او در سال 1233 بدنیا آمده و در 1282 وفات نموده و کتابی در ادله اصول الفقه دارد. اولاد او تمامی بنام: آقا سید محمد مهدی و آقا سید مرتضی و آقا سید ابوالقاسم و آقا سید هاشم از علماء بوده و احفادش در بهبهان و خوزستان و تهران و نقاط دیگر میباشند.
شیخ عبدالله بوشهری او فرزند حسن بن محمد علی آل عبدالجبار بوشهری عالمی فقیه بوده منظومه‌ای در اصول فقه بنام (زهره ارض الغری) دارد. آن مرحوم نزد علماء نجف تلمذ نموده تا بدریافت اجازه نائل و عزیمت بسمت وطن نموده ولی قبل از رسیدن به بوشهر در سال 1292 در راه فوت نموده است.
(1282 -1233 ق)، عالم. اصلا بحرینی و بلادی است. جدش از بزرگان علما و مشاهیر عصر خویش بود. سید عبداللّه بن بوشهر مهاجرت کرد و در آنجا تا پایان عمر ماندگار شد. وی استاد شیخ یوسف بحرینی، صاحب «حدائق» است، نوه‌ی او در کتاب «الغیث الزابد» شرح حال سید عبداللّه بوشهری را آورده و گوید که: فرزندان وی جملگی از علما بوده‌اند و احفادش در بهبهان و خوزستان و تهران و دیگر نقاط هستند. از آثار وی کتابی در «ادله من اصول الفقه» است.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 784/ 13)، گنجینه‌ی دانشمندان (237/ 3).

بلادی بهبهانی بوشهری، عبداللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1292- ح 1370 ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در بوشهر متولد شد پس از تحصیل مقدمات به نجف اشرف رفت و سالها در نجف تحصیل علوم دینی کرد و به مقام اجتهاد رسید و سپس به بوشهر بازگشت. سید عبداللّٰه علاوه بر مقام اجتهاد، در زبان و ادبیات عرب نیز تبحر داشت. او از آزادیخواهان و وطن دوستان حافظان استقلال ایران بود. از آثار او: «السحاب اللئالی فی المطالب العوالی»، کشکول، به عربی، در دو جلد؛ «توضیح المآرب»؛ «بصر الحدید فی معرفه الهیئه علی الطرز الجدید»، در هیئت؛ «رحله الحرمین»؛ «الردود السته»؛ «ضیاء المستضیئین»، مجموعه‌ای فارسی؛ «محفظه الانوار»، ترجمه کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)؛ «المسائل الاربعه»؛ «المقالات العشر»، در سیاست اسلامی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (600 -598 /3)، الذریعه (392/21، 152/20، 130/15، 150/12، 238، 168/10، 495/4، 126/3)، زندگینامه رجال و مشاهیر (104/2)، مؤلفین کتب چاپی (937/3).

بلاغی نایینی، صدرالدین، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1290 ش)، فقیه، مترجم، نویسنده، خطیب و شاعر. معروف به سید صدرالدین و مشهور به صدر بلاغی. وی در نایین متولد شد. در سیزده سالگی به اصفهان رفت و مدت شش سال در حوزه درس استادان آن دیار مشغول به تحصیل ادب و منطق و فقه و اصول شد. سپس به شیراز رفت و یازده سال در آن جا به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در 1318 ش به خراسان رفت و دو سال بعد به تهران آمد و در این شهر مقیم شد. بلاغی در سرودن انواع شعر مهارت داشت و اشعارش از مضامین نو و تازه آکنده بود. از آثار وی: «سخنرانیهای بلاغی در رادیو»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «قصص قرآن» و «فرهنگ قصص قرآن»؛ «برهان قرآن»، رد مهمترین شبهات پیروان کمونیسم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (441 -432)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (92 -91)، سخنوران نامی معاصر (549 -543 /1)، فرهنگ سخنوران (140)، مؤلفین کتب چاپی (534 -533 /3).

بلاغی، شیخ حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه شیخ حسن بلاغی
در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ حسن بلاغی ، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال 1282 ق .(80) خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد.
آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب ، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند.
جرعه نوش علم و معرفت .
محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا 24 سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم ، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.
روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال 1306 ق . مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالامال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی ، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالیه اش نایل آید.
ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال 1312 ق . در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.
در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت 14 سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.
شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده

بود در سال 1326 ق . وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی ، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.
این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا 54 سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.
راهنمایان رهرو خوبیها
اندیشمندان و فرزانگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:
1. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی 1323 ق .)
2. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی 1322 ق .)
3. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی 1329 ق .)
4. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی 1354 ق .)
5. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی 1323 ق .)
6. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی 1320 ق .)
7. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی 1323 ق .)
8. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی 1338 ق .)(81)
پیوند دانش و مبارزه
این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال 1336 ق . - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست .
آینده ساز دلسوز
اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نماییم .
1. آیة الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی 1411 ق .)
2. آیة الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی 1414 ق .)
3. آیة الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی 1395 ق .)
4. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی 1380 ق .)
5. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی 1390 ق .)
6. آیة الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی 1386 ق .)
7. آیة الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی 1403 ق .)
8. آیة الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی 1395 ق .)
9. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی 1405 ق .)
10. آیة الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفق 1405 ق .)
11. میرزا محمد علی مدرس خیابانی

12. استاد ادیب علی خاقانی
13. آیة الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی 1395 ق .)
14. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی 1358 ق .)
15. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی
16. آیة الله سید صدرالدین جزایری (متوفی 1388 ق .)
17. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی
18. شیخ مرتضی مظاهری نجفی
19. آیة الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی 1383 ق .)
20. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابیت و بهائیت تدوین یافته است .

نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

1. تفسیر آلاءالرحمن 2. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند 3. الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة 4. الهدی الی یدن المصطفی 5. التوحید والتثلیت 6. اعاجیب الاکاذیب 7. انوارالهدی 8. البلاغ المبین 9. نصایح الهدی 10. المسیح و الانجیل 11. نسمات الهدی 12. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر 13. مصباح الهدی 14. مسئلة فی البداء 15. نورالهدی 16. اجویة المسائل البغدادیة 17. داعی الاسلام و داعی النصرانیة

18. تا 45. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است 46. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول 47. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب 48. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام 49. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی 50 رد بر کتاب ((حیاة المسیح)) نووشته غلام احمد قادیانی 51 رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) 52. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)

53. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) 54. داروین و اصحابه .(82)

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به

رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .
ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :
یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و ثمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیرالمرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الورید

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف (83)

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد

شدگان در سالهای خشکی و سخت .
- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .
- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی (84) را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))(85)

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصد الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .))(86): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با

این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری .))(87)
بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.
خنیاگر بیداری
حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:
((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))(88)
این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.
وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت .(89)
آخرین هجرت
آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.
باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی))(90) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.
سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان 1352 ق .(91) ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت . خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشاند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این

فقدان ، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع ، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام ، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤ لف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.
روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد.

آثار:
تفسیر آلاءالرحمن
الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة
الهدی الی یدن المصطفی
التوحید والتثلیت
اعاجیب الاکاذیب
انوارالهدی
البلاغ المبین
نصایح الهدی
المسیح و الانجیل
نسمات الهدی
المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر
مصباح الهدی
مسئلة فی البداء
نورالهدی
اجویة المسائل البغدادیة
داعی الاسلام و داعی النصرانیة
رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول
رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب
رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام
رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))
رد بر کتاب ((حیاة المسیح))
رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))
رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی
رساله ای در رد حسیون

بلاغی، محمدجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ حسن بلاغی ، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال 1282 ق . خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد.
آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب ، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند.
جرعه نوش علم و معرفت .
محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا 24 سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم ، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.
روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال 1306 ق . مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالامال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی ، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالیه اش نایل آید.
ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال 1312 ق . در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.
در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت 14 سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.
شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال 1326 ق . وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع

مجاهد و رهبر انقلابی ، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.
این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا 54 سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.
راهنمایان رهرو خوبیها
اندیشمندان و فرزانگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:
1. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی 1323 ق .)
2. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی 1322 ق .)
3. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی 1329 ق .)
4. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی 1354 ق .)
5. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی 1323 ق .)
6. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی 1320 ق .)
7. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی 1323 ق .)
8. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی 1338 ق .)
پیوند دانش و مبارزه
این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال 1336 ق . - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست .
آینده ساز دلسوز
اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نماییم .
1. آیة الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی 1411 ق .)
2. آیة الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی 1414 ق .)
3. آیة الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی 1395 ق .)
4. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی 1380 ق .)
5. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی 1390 ق .)
6. آیة الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی 1386 ق .)
7. آیة الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی 1403 ق .)
8. آیة الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی 1395 ق .)
9. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی 1405 ق .)
10. آیة الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفق 1405 ق .)
11. میرزا محمد علی مدرس خیابانی
12. استاد ادیب علی خاقانی

13. آیة الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی 1395 ق .)
14. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی 1358 ق .)
15. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی
16. آیة الله سید صدرالدین جزایری (متوفی 1388 ق .)
17. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی
18. شیخ مرتضی مظاهری نجفی
19. آیة الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی 1383 ق .)
20. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابیت و بهائیت تدوین یافته است .

نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

1. تفسیر آلاءالرحمن 2. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند 3. الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة 4. الهدی الی یدن المصطفی 5. التوحید والتثلیت 6. اعاجیب الاکاذیب 7. انوارالهدی 8. البلاغ المبین 9. نصایح الهدی 10. المسیح و الانجیل 11. نسمات الهدی 12. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر 13. مصباح الهدی 14. مسئلة فی البداء 15. نورالهدی 16. اجویة المسائل البغدادیة 17. داعی الاسلام و داعی النصرانیة

18. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است . رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول . رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب . رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام . رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی رد بر کتاب ((حیاة المسیح)) نووشته غلام احمد قادیانی رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) . رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)

. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) داروین و اصحابه .

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :

یا تریب الخد فی رمض الطفوف
لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر
و حمی الجار اذ عزالمجیر
و شدید الباءس والیوم العسیر
و ثمال الوفد فی العام العسوف
کیف یا خامس اصحاب الکسا
و ابن خیرالمرسلین المصطفی
و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء
و شفیع الخلق فی الیوم المخوف
یا صریعا ثاویا فوق الصعید
و خضب الشیب من فیض الورید
کیف تقضی بین اجناد یزید
ضامیا تسقی بکاسات الحتوف

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .
- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .
- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از

یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصد الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .)): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری .))

بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خنیاگر بیداری

حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:

((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))

این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق

کرد.
وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت .
آخرین هجرت
آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.
باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی)) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.
سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان 1352 ق . ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت . خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشاند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان ، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع ، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام ، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤ لف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.
روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد. آثار: 1. تفسیر آلاءالرحمن
2. الرحلة المدرسية يا المدرسة السيارة
3. الهدی الی یدن المصطفی
4. التوحید والتثلیت
5. اعاجیب الاکاذیب
6. انوارالهدی
7. البلاغ المبین
8. نصایح الهدی
9. المسیح و الانجیل
10. نسمات الهدی

11. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر
12. مصباح الهدی
13. مسئلة فی البداء
14. نورالهدی
15. اجویة المسائل البغدادیة
16. داعی الاسلام و داعی النصرانیة
17. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول
18. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب
19. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام
20. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))
21. رد بر کتاب ((حیاة المسیح))
22. رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))
23. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی
24. رساله ای در رد حسیون

بنابی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله مرحوم آقا شیخ علی بنابی از علماء متبحر و بزرگان فقهاء و مجتهدین بزرگوار و مرجع در احکام و قضاء و زعیمی در امور دین و مجاهدی فی سبیل‌الله بوده و در فتنه شیخ عبیدالله فداکاریها نموده و ید بیضائی داشته و به (سیف‌العلماء) ملقب شده و بقاضی مجتهد شهرت یافته و قیام بکارهای بزرگ نموده و در سال 1305 ق در مشهد رضوی از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بنابی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا محمد بنایی از تلامذه مبرز و با فضل مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله العظمی بروجردیست تولدش در بناب که از مضافات مراغه است اتفاق افتاده و در تبریز مقدمات را خوانده آنگاه به قم مهاجرت از محضر اساتید حوزه و چندی هم از مرحوم آیت‌الله حایری استفاده کرده و در زمان زعامت آیت‌الله بروجردی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از درس بحث مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله شاهرودی استفاده و حدود بیست سال اقامت نموده تا در این حادثه اخیر اخراج ایرانیان مقیم عراق به ایران آمده و اقامت در قم اختیار نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بنابی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ یوسف باقری بنابی از دانشمندان مجاهد و فداکار بنام آذربایجان و مرجع و ملجاء مردم بناب و حومه آنست.
معظم‌له در یک خانواده پرصفا و معنویت بدنیا آمده و پس از نشو و نما علوم مقدمات و قسمت عمده سطوح را در شهر بناب و حوزه علمیه تبریز خوانده و بقیه سطوح را در حوزه مقدسه نجف اشرف از محضر آیه‌الله مشکینی و آیه‌الله حاج شیخ احمد اهری استفاده کرده آنگاه در درس خارج آیه‌الله العظمی نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله حاج شیخ عبدالله مامقانی حاضر و بهره‌مند گردیده تا بمدارج عالیه علم رسیده و از آیات عظام نجف مفتخر باجازه اجتهاد و غیره شده ولی بواسطه بروز کسالت مزاج بایران و مسقط الرأس خود بناب مراجعت کرده و بنابر اصرار زیاد اهالی بناب و حومه آن مجبور باقامت در آنجا شده و در اثر افکار عالیه و روشنی که داشت در آن محل نفوذ عجیب پیدا نمود که مدتها مقامات مربوطه دولتی از رسیدگی بشکایات و خصومات مردم بیکار مانده زیرا آن بزرگوار به احسن وجه رفع خصومات و داوری عادلانه نموده و آنها را خشنود روانه میکرد.
آیه‌الله باقری بنابی عالمی فعال و خدمتگزار و واقعا مجاهد است برای تربیت طلاب و محصلین مدرسه با عظمتی تأسیس نمود و خود تدریس علوم مختلفه را در حوزه متعهد شده چنانچه اکثر علماء بزرگ بناب و حومه در خدمت ایشان تلمذ کرده‌اند.
معظم‌له دارای منطقی شیرین و بیانی جذاب و حافظه‌ای قوی میباشند و روی همین امتیازات و فضائل علمی و معنوی بود که همواره موفق و پیروز میشدند. یکی از مبارزات ایشان منکوب کردن فرقه توده بود که در اکثر اهالی بناب و حومه نفوذ کرده و معتقدات دور از منطق خود را بمردم تزریق میکردند.
2- مبارزه با حزب پوشالی سیاسی باب و بهاء بوده و تا اندازه‌ای جلوی فعالیت ایشان را گرفت و با انحاء مختلفه آنها را در مضیقه قرار دادند تا مجبور شدند یا از آن محیط فرار یا بتوبه و انابه بگرایند.
3- مبارزه با فساد بانوان دور از عفت و نجابت. در سال 1324 -1320 یک عده از زنان بدبخت که در اثر فقر و تنگدستی از راه اعمال منافی عفت ارتزاق مینمودند آنها را در یک منزل با ترتیب خاصی جمع نموده و تحت

کنترل شدید قرار داد و تا مدتی معیشت آنها را کفالت و بعد از مدتی تدریجا تمامی آنها را باستثناء یکی که فرار کرده بود شوهر دادند و طرز ترویج آنها هم خیلی جالب بود یک عده از کسانی که فقیر و بی‌بضاعت بوده و در اثر تنگدستی بی همه چیز بودند بهر یکی سرمایه و وسائل ازدواج داده و هریک از زنها را بیکی تزویج و با این طریق صحیح خدمت بزرگی بعفت اجتماع مسلمین انجام دادند.
4- در عصر تسلط و تهاجم حزب توده منحله (کمونیسم) به آذربایجان معظم‌له با تمام قوا و نیرو و نفوذ خود مبارزات پیگیری با آنها شروع کردند عاقبت در اثر نفوذ تبلیغات ضدکمونیستی ایشان در اهالی بناب و حومه تحت تعقیب مقامات و نیروهای آنان واقع و باتفاق آراء قضات دادگاه آنها با چند نفر از افراد وابسته محکوم باعدام شدند ولی تقدیر و تأییدات خداوندی تدابیر و تصمیمات شیطانی آنها را نقش برآب کرد و آنها شکست خورده و منحل گردیده و این روحانی مجاهد از خطر مرگ نجات یافتند.
5- مبارزه با یک فرد روحانی نما و گرگی بلباس میش و دزد و راه زنی در ماسک و کسوه رهبر که سرلوحه تبلیغات او مبارزه با حوزه‌های علمیه بزرگ جهان شیعه و زعماء مراجع عالیقدر و تحقیر و تخریب مقام با عظمت آسمانی ولایت کلیه الهیه حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌الصلوه و علیه‌السلام ولی‌الله اعظم است.
این عالم فداکار و مجاهد بزرگوار حدود بیست و سه سال است با این اموی مسلک وهابی مذهب مبارزه دارد و چون سد سکندر جلو اشاعه و نشر تبلیغات ضد توحید و ولایت حقیقی او را گرفته و میگیرند.
آیه‌الله باقری بنابی مورد تأیید تمام مراجع عظام نجف و قم و مشهد و بالاخص حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف میباشد.
آثار و باقیات الصالحاتی در بناب و حومه آن تأسیس نموده‌اند که از نظرتان میگذرانم:
1- قبرستان نو 2- غسالخانه عمومی 3- توالتهای عمومی 4- کمک بساختمان شیر و خورشید 5- مساعد تبلیغی باسفالت کوچه‌ها و خیابانهای بناب. و هم اکنون در مسجد خودشان اقامه جماعت مینمایند. و آثار علمی ایشان از اینقرار است: 1- ثمرات الفؤاد شرح تفسیر فرات کوفی در چند مجلد که ناتمام است.
فرزندان ارجمندی در سلک روحانیت دارند که سه نفر آنها در تبریز بتدریس و تبلیغ اشتغال دارند و یکی هم جزو فضلاء محصلین نجف اشرف در آنجا اقامت دارند و یکی هم در لباس کسب و تجارت و از جوانان متدین با احساسات میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بنت المجلسی

قرن:11
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم و فقیه. از ارباب کمال و از علمای روزگار خود به حساب می‌آمد. از آثار وی: «رسائلی در مسائل فقیهه»؛ «حاشیه من لا یحضره الفقیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (607/3)، تذکرةالقبور (29)، ریاحین الشریعه (225/4)، ریحانه (366/8).

بنت‌المنشار

قرن:11
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(ز- 1031 ق)، عالم، فقیه، محدث و مدرس. او همسر شیخ‌بهایی بود. فقه و حدیث و علوم دیگر را به زنان تدریس می‌کرد. چون تنها دختر خانواده بود، چهار هزار جلد کتاب از پدر به وی به ارث رسید. و شیخ‌بهایی تمام کتابهای خود و همسرش را وقف کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (607/3)، تذکرةالقبور (30)، ریاحین الشریعه (225/4)، ریاض‌العلماء (94/5)، ریحانه (366/8)، فوائد الرضویه (510).

بنی‌صدر، نصراللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید نصراللّه بنی‌صدر فرزند مرحوم صدرالعلماء همدانی از علماء معروف و محترم معاصر شهرستان همدان بوده‌اند.
وی در آن سامان متولد شده و در بیت سیادت و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در همدان و تهران خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن مراجعت به همدان و به خدمات روحی و اجتماعی و خدمت به مردم که از اهم مهمات است پرداخته و از بسیاری از بارافتادگان و مستمندان دستگیری نموده تا حدود سال 1391 قمری که در بیروت به رحمت حق پیوسته و به جوار اسلاف پاک خویش شتافته و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در جوار جد گرامش مدفون شده است.
نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللّه بنی‌صدر از علماء متمکن و متنفذ همدان بودند و از غالب مراجع و دانشمندان عراق که به همدان وارد می‌شدند ضیافت نموده و پذیرائی گرم به عمل می‌آوردند منزل وسیع اشرافی که درش به روی همه باز بود داشتند سفری که مرحوم آیت‌اللّه مجاهد علامه امینی صاحب (الغدیر) به همدان نمودند به ایشان وارد و مورد استقبال معظم‌له و مردم عالم دوست همدان واقع و ده شب در مسجد جامع در پیرامون ولایت مطلقه مولی‌الموحدین امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیه‌الصلوه والسلام با شرکت تمام علماء و ده‌ها هزار از مردم علی دوست همدان سخنرانی نموده و تاثیر و نفوذ عجیبی در مردم نمودند که پس از گذشت ده‌ها سال هرگز خاطره آن فراموش نشود.
خاطره‌ای از آیت‌اللّه بنی‌صدر
مرحوم آیت‌اللّه بنی‌صدر دارای حکایات نادره و خاطره‌های عجیبه بودند که یکی از آن را می‌نگارم.
در سفری که در محرم سال 1369 ق به همدان رفتم چند شبی را در ضیافت آن مرحوم به سر برده و از ملکات فاضله و سجایای کریمانه ایشان استفاده نمودم شبی برای حقیر و بعضی از دوستان که بودند حکایتی غریب نقل کردند که عین آن را می‌نویسم.
فرمودند: چند سال قبل سفری برای زیارت به عتبارت عالیات نموده و در کربلا معلی مشرف و خواستم برای زیارت به حرم مطهر حضرت

ابی‌عبداللّه الحسین (ع) مشرف شوم در ایوان حرم به یکی از دوستانم مرحوم آیت‌اللّه آقاسید محمد طباطبائی که از ائمه جماعت صحن مقدس حسینی بود برخورد کرده و پس از تجدید عهد و احوال‌پرسی گفتم آقا خبر تازه چه دارید.
گفتند حکایت عجیبی دارم که اخیرا واقع شده و هرگز از خاطرم محو نمی‌شود. گفتم آن چیست. گفت چند روز پیش در اینجا نشسته و انتظار ظهر را می‌کشیدم که وقت داخل شده نماز ظهر را بخوانم که دیدم مردی غریب نورانی که لباس متوسطی در برداشت نزد من آمده و سلام کرد و گفت آقای طباطبایی یک اطاق سراغ داری که چند شبی در آن بمانم.
من تعجب کردم که این شخص که هیچ وقت او را ندیده و نمی‌شناسم چطور از من منزل می‌خواهد باز گفتم ممکن است از مردم اسم مرا شنیده و یا دیده که من امام جماعت صحن و حرم مطهر هستم.
پس فکر کردم به خاطرم آمد که در نزدیکی منزل ما پیرزنی منزل کوچکی دارد که یک اطاق آن را به مسافرین و زائرین کرایه می‌دهد گفتم یک اطاق سراغ دارم اگر خالی باشد پس به آنجا رفته دیدم اتفاقا آن اطاق خالیست.
پس آن مرد را معرفی کرده و در آنجا منزل دادم و چون خواستم بروم. به من گفت آقا اگر عصر کار نداشتید سری به من بزنید. پس رفتم و بعد از ظهر که روز چهارشنبه بود آمدم به سراغ او که ببینم کیست و چه کاره است.
و چون ساعتی نزد او نشستم هیبتی از او دیدم که مانع شد بپرسم شما کیستید. پس گفت آیا میل دارید برویم جناب حر شهید را زیارت کنیم گفتم بی‌میل نیستم.
پس حرکت نموده و از میان نخلستانها که راه قدیم حر بود رفتیم در وسط نخلستان صدای مهیبی شنیده متوجه شدم که یک افعی بزرگ به سوی ما می‌آید ترسیدم که ممکن است آن حیوان خطرناک جهیده و ما را بکشد با نیش زهرآگین خود .
پس آن مرد نورانی گفت: آقا ترسیدی؟ گفتم: بلی زیرا مار است ممکنست حمله کند و ما را بکشد گفت می خواهی الان آن را بکشم. گفتم چطور اولا اینجا سنگ نیست که بر سر او بزنی علاوه این مار را که تاکنون مثلش را ندیده‌ام با سنگ و چوب کشته نمی‌شود. گفت با هیچکدام بلکه به اذن و اراده خدائی.
پس رو به مار کرده و گفت بمیر به اذن خدا تا این جمله را گفت دیدم آن مار مانند چوب خشک از حرکت افتاده و مرد. تعب کردم. پس گذشته و طولی نکشید به حر رسیدیم و در آن حدود نهر آبی بود که از فرات منشعب می‌شد و آب پائین بود به من گفت وضو داری گفتم آری. گفت

تجدید نمی‌کنی گفتم آب پائین و اطراف این نهر گل است. پس خودش دیدم قدم بر سر آب گذارد و روی آب نشسته و وضو گرفت بدون اینکه فرو رود و یا آلوده به گل شود و آمد پس به حرم جناب حر رفته و زیارت نموده و فاتحه‌ای نثار کرده و به سوی شهر برگشتیم اول مغرب بود در صحن او خداحافظی کرده و رفت و من هم آمدم برای نماز ولی از اول نماز مغرب به یاد آن مرد بودم و در اطراف او فکر می‌کردم که آیا شعبده‌باز و یا جادوگر و یا واقعا از اوتاد و مردان حق است.
پس در نماز عشاء فکرم به اینجا منتهی شد که بعد از نماز به سراغ افعی بروم ناگر وجود خارجی نداشت معلوم می‌شود که آن مرد چشم‌بندی و شعبده کرده است.
پس از نماز عشا به اتفاق نوکرم به آنجا رفته و در وسط نخلستان که شب مهتابی بود دیدم کلاغهای زیادی سرو صدا می‌کنند و چون نزدیک شدیم آنها پرواز کرده و بالای نخلها رفتند. پس دیدم نصفی از آن مار را خورده‌اند برگشتم و به منزل رفته و تا صبح در اطراف آن مرد فکر می‌کردم صبح شد پس مشرف به حرم شده و بعد از نماز در اول و روز به منزل آن شخص رفتم و تا وارد شدم گفت شکر خدا را که دیشب رفتی و لاشه مار را که کلاغها نصف آن را خورده بودند دیدی تا از شک درآئی.
پس تعجبم زیاد شد و ساعتی نزد او نشستم. و بعد گفت روز پنجشنبه زیارت اهل قبور مستحب است مایلید به قبرستان کربلا (وادی ایمن) برویم گفتم بفرمائید پس با او به قبرستان رفته و فاتحه خواندیم. پس از آن گفت آقای طباطبائی برادران ما که در قبرستان وادی‌السلام نجف آرمیده‌اند حق دارند.
برویم آنها را زیارت کنیم گفتم آقا تا نجف چهارده فرسخ است دو روز باید در راه باشیم. فرمود آقا ما انشاءاللّه زودتر می‌رویم دست خود را به من بده و چشم خود را هم بگذار و یک صلوات بفرست. من همین کار را کردم و تا چشم گشودم دیدم در وادی‌السلام هستیم. پس فاتحه خواندیم.
پس از آن گفت آقا تا اینجا آمدیم خلاف ادب است که جدت حضرت علی (ع) را زیارت نکنیم. گفتم آری ولی من فکر می‌کردم چون علماء و طلاب نجف که غالبا شب جمعه کربلا مشرف می‌شوند مرا می‌شناسند ممکن است مرا دیده و بپرسند کی آمده و کجا هستید و کار ما ناتمام بماند.
پس گفت آقا کسی از آشنایان و دوستان شما برخورد نخواهد کرد و یا شما را نخواهد دید. پس مشرف به حرم مطهر علی (ع) شده و زیارت دوره به جا آورده و بیرون آمدیم و هیچکس از دوستان را ندیدم و چون به وادی برگشتیم گفت آقا دستت را به من ده و چشمت را هم بگذار و صلوات بفرست چنان کردم و چشم باز نمودم و دیدم کربلا هستم. نزدیک ظهر بود در راه طاقت نیاورده گفتم تو را به آن خدائی که این مقام را به

تو داده کیستی و از کجا به این مقام رسیده‌ای.
گفت آقا من یک بنده خدا هستم که اطاعت خدا نموده و اوامر و نواهی او را عمل کرده و به فرامین اجداد بزرگوار شما عمل کرده‌ام. این را گفت و از من جدا شد و من رفتم به نماز و دیگر آن روز و فردای آن که جمعه بود به واسطه گرفتاریها نتوانستم از آن مرد احوال‌پرسی کنم پس دو روز بعد به سراغ او رفتم و دیدم از دنیا رفته و صاحب خانه او آن پیرزن امور عجیبی از او نقل نمود و پس آمدم رفقا را خبر کرده و جریان احوال او را تعریف و او را با احترام در صحن مطهر دفن نمودیم.
نگارنده گوید نظیر این حکایات بسیار از اوتاد و اخیار و ابدال دیده و شنیده‌ام که برای اختصار از ذکر آن می‌گذرم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بنی‌فضل، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ مرتضی فرزند آقای حاج یوسف علی بنی فضل تبریزی از چهره‌های درخشان فضلاء و مدرسین حوزه علمیه قم می‌باشد در سال 1352 قمری هجری در تبریز متولد شد و بعد از پرورش مقدمات را در تبریز تکمیل و در سال 1371 قمری مهاجرت به قم نموده و سطح عالی را در محضر اساتید معروف منجمله مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد مجاهدی تلمذ نمود و مدت سه سال از درس خارج فقه صلوه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مدت 8 سال از درس خارج (مکاسب محرمه و بیع) و خارج اصول (دوره کامل مباحث الفاظ و اصول علمیه) مرجع عالیقدر حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای خمینی مدظله بهره‌مند شده و بعد از تبعید معظم‌له از ایران به ترکیه و عراق حدود شش سال خارج فقه طهارت حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای گلپایگانی مدظله و صلوت مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد حاضر شده و ضمنا به تدریس سطوح عالی پرداخته و اکنون مدت 20 سال است که در حوزه اشتغال به تدریس دارند و تاکنون سه دوره تدریس سطح مکاسب و کفایه را نموده و حدود دویست نفر از طلاب و محصلین از محضر درسش استفاده می‌کنند و اکنون قسمتی از کارهای مربوط به آذربایجان در طرف رهبر انقلاب امام خمینی محول به ایشان و سرگرم رسیدگی به امور مذکور هستند.
تالیفات ایشان از این قرار است:
1- تقریات کامل خارج فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی آقای خمینی مدظله العالی.
2- شرح بر کفایةالاصول قسمت مباحث الفاظ.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

بوشهری، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1328 ق)، فقیه، نویسنده و مدرس. وی بیشتر ایام عمر را در شیراز گذرانده و به تألیف و تدریس اشتغال داشته است. سید محمدتقی شفیع، فقیه کازرونی، از شاگردان او بوده است. وی در بوشهر وفات یافت. از تألیفات او: شرح قصیده «بآل محمد عرف الصواب»؛ شرح «دعاء الاحتجاب»، به روایت «مهج‌الدعوات» از پیامبر (ص)؛ شرح «دعاء الاحتجاب»، از امیرالمؤمنین (ع)»؛ شرح «دعاء الاحتجاب»، از امام حسن (ع)، شرح «دعاء الاحتجاب» از سیدالشهداء (ع)، شرح «دعاء الجوشن الصغیر»؛ شرح «دعاء الصباح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (266/1)، الذریعه (13/ 246- 247، 252).

بوشهری، عبداللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1292 -1251 ق)، عالم دینی و فقیه. در بوشهر به دنیا آمد. وی در نجف خدمت علمای بزرگواری همچون شیخ انصاری و علامه کوه‌کمری تحصیل کرد تا اینکه به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از ایشان نایل آمد. وی در راه بازگشت به بوشهر از دنیا رفت. جنازه‌اش به نجف حمل و در آنجا دفن شد. از آثارش: منظومه‌ای در اصول فقه به نام «زهرة ارض الغری» است.[1]
وی شیخ عبدالله بن حسن بن محمد علی آل عبدالجبار بوشهری عالمی فقیه و دانشمندی نبیه و دارای منظومه‌ای در اصول فقه بوده و نام او را (زهره ارض الغری) گذارده بود تحصیلاتش در نجف خدمت علماء بزرگوار آن مانند شیخنا الانصاری و علامه کوهکمری و غیره بوده و پیش از رسیدن ببوشهر در سال 1292 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (72/12)، طبقات الاعلام الشیعه (قرن 13/ 774-)، گنجینه‌ی دانشمندان (239 ،238 -237 /3).

بوشهری، محمد شفیع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1329 -1270 ق)، عالم دینی، فقیه و طبیب. در کازرون به دنیا آمد و در محضر پدر تربیت یافت. آنگاه با پدرش در سال 1291 ق به بوشهر منتقل شد و از آنجا به عراق رفت و به همراه آیت‌اللّٰه میرزای شیرازی به سامرا مهاجرت کرد و ده سال از محضر وی حداکثر استفاده را نمود تا در فقه و اصول به پایه‌ی بلندی رسید. وی همزمان به تحصیل طب پرداخت تا آنجا که معالجات غریبه‌ای می‌کرد. در سال 1310 ق به بوشهر مراجعت کرد و عهده‌دار مقام مرجعیت و تدریس شد. در سال آخر عمر سفری به عتبات کرد و در نجف پس از کسالتی از دنیا رفت و همان جا دفن شد. وی تألیفاتی در فقه و اصول دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (238/3).

بهاءالدینی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 9 فروردین 1267 (عید غدیر خم 1327 ق.)، قم.
درگذشت: 28 تیر 1376(13 ربیع‌الاول 1418 ق.)، قم.
آیت‌الله سید رضا بهاءالدینی، فرزند صفی‌الدین خدمتگزار آستانه حضرت معصومه و حافظ بسیاری از سوره‌های قرآن مجید و معروف به «کشف‌الایات» بود. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در شش سالگی به مکتبخانه رفت و به فراگیری نصاب، گلستان، خواندن و نوشتن پرداخت و پس از آن به آموختن علوم دینی روی آورد، و توانست مغنی را نزد میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، شرح لمعه و فرائد الاصول را در محضر آخوند میرزا محمد همدانی، قوانین الاصول را نزد آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و مکاسب را در مجلس درس آیت‌الله سید صدرالدین صدر بیاموزد.
سپس در نوزده سالگی در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. پس از وفات ایشان به درس حضرات آیات عظام: سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، سید محمدتقی خوانساری و حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد و مبانی فقهی و اصولی‌اش را استوار ساخت و در بیست و پنج سالگی از آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد دریافت نمود.
ایشان در کنار تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح روی آورد و سیوطی، مغنی، حاشیه، مطول، قوانین (پنج دوره) رسایل، مکاسب و کفایه را تدریس کرد و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. سپس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در مدت بیست سال، چند کتاب فقهی و چند دوره اصول را تدریس نمود و مجموع سالهای تدریس وی، شصت سال به طول انجامید.
آیت‌الله بهاءالدینی در جنب تحصیل و تدریس به اقامه جماعت و تألیف نیز پرداخت و نوشتارهایی پیرامون قرآن مجید، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه از او به یادگار ماند و این همه خمیرمایه درسهای اخلاقی وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تشکیل داد.
در اسفند 1375 سمیناری در تحلیل از وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم برپا شد و از شخصیت وی تجلیل گردید و کتابی با نام آیت بصیرت در شرح زندگی او منتشر شد.

آیت‌الله بهاءالدینی در سن نود سالگی در روز شنبه بیست و هشتم تیر 1376 (سیزدهم ربیع‌الاول 1418 ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن در مسجد بالا سر حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهاری همدانی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1333 -1277 ق)، عارف، فقیه، عالم، محدث و رجالی. در بهار از توابع همدان متولد شد و همان جا نزد پدر خود درس خواند. پس از آن به همدان و بروجرد رفت و به ترتیب نزد محمد اسماعیل همدانی و میرزا محمود طباطبایی بروجردی تلمذ کرد پس از پایان سطوح و قرائت درس خارج به نجف رهسپار شد، و نزد ملا حسینقلی همدانی تحصیلات خود را ادامه داد و از خواص اصحاب او شد. پس از مرگ استادش، ملا حسینقلی همدانی، و بعد از مدت بیست سال توقف در نجف به همدان بازگشت و تا پایان عمر در آنجا زیست و در همان شهر دفن شد. در «اعیان‌الشیعه» چهل و چهار تألیف او نام برده شده است. از آثار وی: «ابهی الدرر فی تکملة عقد الدرر»؛ «البیان فی حقیقه الایمان»؛ «السلاح الحازم لدفع الظالم»، رد ابن‌حجر در منع ذم معاویه»؛ «نثار اللباب»؛ «الدرة الغرویة والتحفة الحسینیه»؛ «تسدید المکارم و تفضیح المظالم»؛ «الطلع النضید فی ابطال المنع عن لعن یزید»؛ «رسالة فی احوال أخطب خوارزم»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «ایضاح الخطاء»، در نکوهش استبداد؛ رساله‌ای در «عدالت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (538 -537 /3)، الذریعه (51/24، 179، 178- 15/ 6، 173/3، 494/2، 79/1)، فوائد الرضویه (418)، مؤلفین کتب چاپی (46 -45 /2)، معجم‌المؤلفین (37 -36 /3).

بهاری، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1320- 1390 ق)، عالم دینی و فقیه. در روستای بهار در دو فرسنگی همدان به دنیا آمد. در سال 1336 ق به تهران آمد و نزد آخوند ملاعلی همدانی و شیخ باقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی به تحصیل پرداخت. در سال 1341 ق به قم رفت و نزد آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی سطوح نهایی فقه و اصول به پایان برد و معقول را در خدمت آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی فراگرفت و از محضر آیت‌اللّه یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت استفاده کافی برد. در سال 1360 ق به تهران آمد و به ترویج دین و تفسیر قرآن و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به قم حمل و در جنب مقبره آیت‌اللّه حایری دفن شد. از آثارش: شرح بر «بیع مکاسب» شیخ انصاری؛ شرح بر جلد اول «کفایة»؛ سه رساله در «لباس مشکوک».[1]
حاج اسمعیل بن العالم الجلیل آقا شیخ محمد رضا بهاری از علماء مبرز تهران و تلامذه با فضل و تقوی مرحوم آیةاللّه العظمی حایری و آیةاللّه آقای حجت کوهکمری رحمهماللّه بوده‌اند.
وی در سال 1320 قمری در قریه بهار که در دو فرسخی همدان محل و زادگاه عالم ربانی و سالک سجادی حجةالاسلام و المسلمین آیةاللّه آقا شیخ محمد بهاری صاحب کتاب (تذکره المتقین) که از اوتاد عصر خود بوده بدنیا آمد و در سال 1336 قمری عزیمت به تهران نموده و نزد آخوند ملا علی همدانی و شیخ محمدباقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی بتحصیل پرداخته و در سال 1341 قمری به قم آمده و خدمت علمین مرحومین آیةاللّه خونساری و آیةاللّه میرزا محمد همدانی سطوح نهائی فقه و اصول را بپایان رسانیده و هم معقول را در خدمت مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیم یزدی خوانده و از محضر مرحوم آیةاللّه آقای میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیةاللّه حایری و آیةاللّه حجت و مخصوصا مرحوم آیةاللّه العظمی حایری استفاده کافی نموده و در سال 1360 قمری رحل اقامت به تهران افکنده و در مسجد بازار آهنگرها به اقامه جماعت و تفسیر کلام‌اللّه و ترویج دین و نشر احکام مبین و تدریس متون فقه و اصول پرداخته تا در سال 1390 قمری که دعوت حق را لبیک اجابت گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جنب مقبره آیةاللّه حایری بخاک رفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آثار الحجة (244 -243 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (401 -400 /4).

بهاری، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر بن جعفر بن محمد معروف به (کافی) ابن محمدیوسف بهاری همدانی عالمی جامع و فقیهی بزرگ و متفنن و متتبع بوده است.
وی در بهار همدان متولد شده و پس از پرورش و فراگرفتن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی و ملا محمدکاظم خراسانی استفاده نموده و کتب بسیاری از تقریرات آنان نوشته و علم سلوک و اخلاق را از علامه شهیر آخوند ملاحسینقلی همدانی آموخته و از جماعتی که از آنهاست خاتم‌المحدثین ثالث مجلسین حاج میرزا حسین نوری روایت نموده و در سال 1316 ق به همدان مراجعت و بدون هیچ مسامحه و فتور قیام به انجام وظائف دینی و روحی نموده تا در سال 1333 ق به رحمت حق پیوسته.
آن مرحوم فقیه و مجتهدی متقی و پارسا و شدید در امر به معروف و نهی از منکر و عارفی سالک و مهذبی بارع و دارای تألیفات و تصنیفات ارجداری بوده که ذیلا می‌نگارم.
1- حاشیه بر شرح الفیه در نحو 2- حاشیه بر شرح قطر 3- الدره الغروبیه مربوط به حضرت ابی‌عبداللّه الحسین (ع) 4- مستدرک الدرة 5- بدرالامه (در جفر الائمه) 6- الطلع النضید در ابطال منع از لعن یزید 7- فضائل حمزه و جعفر 8- فضل عمار 9- التقیه 10- ابهی الدرر 11- عقدالدرر در امام منتظر 12- البیان در حقیقة ایمان 13- سلاح الحازم در دفع مظالم جواب ابن حجر هیثمی بر منع از ذم معاویه 14- الدعوه الحسینیه در استحباب گریه بر حسین (ع) 15- اعلان الدعوه 16- نثاب اللباب 17- تنریه المشاهد 18- تلخیص الرسائل الرجالیه 19- رساله در عثمان بن عیسی 20- روح الجوامع در رجال 21- کتاب النور در امام مستور 22- القوانین 23- الفوائد الاصولیه 24- الصحیح و الاعم 25- الحاشیه الجدیده بر فوائد الاصول شیخ انصاری 26- حاشیه بر مکاسب انصاری 27- حاشیه بر رضاعیه شیخ 28- کتاب الصوم 29- کتاب وفاه النبی صلی اللّه علیه و آله 30- کتاب العلائم در علامات ظهور حضرت حجه قائم 31- دعوه الرشاد 32- ایضاح المرام 33- اثبات مذهب الاسلام 34- اصول الدین 35- بعث الاموات قبل ظهور الحجه 36- رساله العصمه 37- حاشیه علی المقاصد العلیه 38- مفارقه الاجزاء للقبول 39- تزویج الصغیره 40- المولود من الزنا

و ده‌ها کتاب و رساله دیگر که اکثرا مخطوط می‌باشد.
آن بزرگوار را در سال 1333 قمری بدرود حیات گفته و به رحمت حق پیوستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بهبهانی آل آقا، محمدجعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اما آقا محمدجعفر در شب چهارشنبه 26 جمادی‌الاولی 1178 در کربلاء متولد شده و با والدش به ایران آمده و مدتی در دارالمؤمنین قم از محضر پرفیض و اثر جناب میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین‌الاصول) استفاده نموده و در کرمانشاه بجای والد ماجدش قرار و ریاست تامه و مرجعیت عامه داشته است.
وی تألیفات عدیده به این اسامی داشته است 1- انیس الطلاب 2- رساله اصول‌الدین فارسی بنام نهج‌الرشاد فی ارشادالعباد 3- تکمله در شرح تبصره 4- الجواهر البهیه 5- منتخب الاصول 6- مصابیح شرح مفاتیح فیض 7- حاشیه بر معالم‌الاصول 8- شرح مختصر نافع 9- شرح عمیدی بر تهذیب الاصول 10- حاشیه بر وافیةالاصول 11- مفتاح‌الجامع 12- کتاب مقتل عربی 13- کتاب ارث 14- تحفةالابرار در سه مجلد در تاریخ.
فرزندان آقا محمدجعفر بنامهای زیر می‌باشند 1- محمدصادق 2- محمدکاظم 3- آقا عبداللّه 4- آقا محمدتقی مرحوم آقا عبداللّه آل آقا از مفاخر علماء خاندان آقا محمدعلی است.
در المآثر والاثار است که آقا عبداللّه مجتهد کرمانشاهی از اجله سلاله وحید بهبهانی بوده است. در سال 1289 وفات نموده و در کربلا در صحن باب‌السدره دفن شده است.
از آثار علمی او کتاب (تحفةالجعفریه) است که بنام پدرش نوشته است.
وی دارای سه فرزند عالم بنام آقا عبدالمحمد که از شاگردان شیخ زین‌العابدین مازندرانی و به سال 1303 وفات نموده و در مقبره جدش آقا محمدعلی مدفون گردیده است.
آقا عبدالمحمد دارای دو فرزند بنام 1- حاج آقا عبداللّه متوفی 1349 ق که از شاگردان حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و علامه یزدی بوده است 2- حاج آقا علاءالدین آل آقا که از علماء محترم این فامیل در کرمانشاه است.
نگارنده گوید: احوال و مآثر و آثار خاندان آقا محمدعلی (و آل آقا) را که فرزند ارجمندش آقا احمد در (مرآت‌الاحوال) و آقای شیخ علی دوانی در (زندگانی وحید) ذکر کرده از عهده این کتاب خارج و ما عده‌ای از آنها را فهرسة ذکر نموده و تفصیل آن را ارجاع به کتب مذکوره و غیره داده و می‌پردازیم بذکر معاصرین خود از این سلسله و دانشمندان دیگر

کرمانشاه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهبهانی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1295 -1229 ق)، عالم دینی و فقیه. نیاکانش از بحرین بودند. در بهبهان به دنیا آمد. وی پس از آموختن مقدمات در زادگاهش رهسپار نجف اشرف شد و در مجلس درس استادانی چون صاحب «جواهر» و شیخ انصاری و شیخ حسن آل کاشف‌الغطاء حاضر شد. مدتی نیز در کربلا در محضر سیدابراهیم قزوینی، مؤلف «ضوابط»، حضور یافت. پس از دریافت اجازه روایت و اجازه‌ی اجتهاد به زادگاهش بازگشت و به تعلیم و تربیت شاگردان پرداخت. پس از چندی مجدداً راهی نجف شد و در سال 1287 ق به درخواست ناصرالدین شاه به تهران آمد و عهده‌دار منصب تدریس و امامت و صدور حکم و فتوا شد. در تهران درگذشت و جنازه‌اش به نجف حمل و در صحن علوی دفن شد. وی پدر سید عبداللّه بهبهانی، شهید انقلاب مشروطه، است. از آثار وی: «الرسالة العملیة»، به فارسی، که برای استفاده مقلدانش نگاشت و در تهران به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (213/11)، شهیدان راه فضیلت (531 -530)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 147 -146 /13)، المآثر والآثار (141 ،140)، مکارم‌الآثار (865 -863 /3).

بهبهانی، رحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رحیم بن شیخ هادی بن شیخ صالح بن شیخ محمد اسماعیل بن العلامه آقا محمدعلی بهبهانی از بزرگان علماء و افاضل دانشمندان و مشاهیر این سلسله بوده و در سال 1340 وفات نموده است
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهبهانی، سعید

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1251 ق)، فقیه. ولادت و نشو و نمای او در کربلا بود. پس از تحصیل مقدمات علوم اسلامی، فقه و اصول را از محضر سیدمحمد مجاهد، متوفی 1242 ق اخذ کرد. به پیروی از حکم جهاد استادش به هنگام حمله روسیه تزاری به سر حدات ایران رفت و در جنگ شرکت جست. در بازگشت از جبهه در قزوین ساکن شد و مدارج اجتهاد را نزد ملا محمدصالح برغانی و شهید ثالث پیمود، و علوم عقلی و عرفان را در محضر ملا آقا حکمی قزوینی تلمذ کرد. سپس به کربلا بازگشت و به تدریس و فتوی اشتغال یافت. او مواعظ استادش، سیدمحمد مجاهد، را در متجاوز از پنجاه مجلس از مجالسی که او به فارسی املاء کرده بود در کتابی به نام «مصباح‌المجالس»، در تاریخ 1251 ق گردآوری کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (119/21)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 600/13).

بهبهانی، شمس‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1247 ق)، عالم دینی و فقیه. او از شاگردان علامه وحید بهبهانی و علامه سیدمهدی بحرالعلوم و سیدعلی طباطبایی، صاحب «ریاض» و میرزا مهدی شهرستانی و دیگران بود. ملا نوروز علی بسطامی در «فردوس التواریخ» تصریح کرده که بهبهانی استاد وی بوده است و شرح حال استاد را در کتاب خود آورده است. او در مشهد ساکن بود و در مشهد نیز درگذشت و در صحن رضوی در ایروان حجره‌ای که وی نزدیک به پنجاه سال در آن ساکن بود دفن شد. از آثار وی: شرح یا حاشیه بر «معالم‌الاصول»، در پنج مجلد، در حدود یکصد و سی هزار سطر؛ حاشیه «قوانین الاصول»، در دو مجلد؛ حاشیه «المطول»؛ «جواهر الکلام فی اصول عقائد الاسلام، نظیر «گوهر مراد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (277/14، 207، 176، 6/ 277/5)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 627/13).

بهبهانی، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1245/1224 ق)، فقیه اصولی، مجتهد و عالم علوم نقلی و عقلی. متولد کربلا و ساکن همدان بود. وی نزد پدر و برادرش، آقا محمدعلی، سیدمهدی شهرستانی و سیدعلی صاحب «ریاض» درس خواند. در قضیه‌ی وهابیون از عراق به ایران آمد و در کرمانشاه ساکن شد، سپس به مشهد رفت و از آنجا راهی همدان شد و بنا به اصرار علمای آن دیار مدتی در آنجا ماند. سپس به اصفهان و مجددا به مشهد و یزد رفت. او سالهای پایان عمر خود را در همدان گذراند و همان جا درگذشت. اثر وی: «حاشیه معالم الاصول» است که مفصل‌ترین حواشی تحقیقاتی بود که تا آن زمان بر «معالم» نوشته شده بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (6/ 207- 208)، روضات الجنات (96/2)، ریحانه (399/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 13/ 707- 708)، الکنی والالقاب (110/2)، مرآت‌الاحوال (168- 169).

بهبهانی، عبداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبداللّه بهبهانی روحانی و سیاستمدار و یکی از دو زعیم روحانی صدر مشروطیت است. وی فرزند سید اسماعیل مجتهد بهبهانی و متولد سال 1260 ه.ق. است. از کودکی تحصیلات خود را به سیره‌ی خانوادگی در مقدمات عربی و فقه و اصول آغاز نمود و در سن 20 سالگی قریب‌الاجتهاد گردید. سپس برای ادامه‌ی تحصیل عازم نجف شد و در حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی حضور یافت و به مقام اجتهاد رسید. در سال 1295 به ایران بازگشت و تدریجاً مقام و موقعیت خاصی در دولت و دربار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه پیدا کرد. از اواخر دوران سلطنت مظفرالدین شاه که وی مجتهدی متنفذ بود وارد مسائل سیاسی گردید و در کلیه مسائل سیاسی آن روز مداخله می‌نمود. در جریان مشروطیت و صدور فرمان آن سید عبداللّه نقش اساسی داشت. پس از فرمان مشروطیت، وی از طرف اقلیت یهود روانه‌ی مجلس شد و در مجلس به اوج قدرت و جلال رسید. بعد از آنکه محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست، سید عبداللّه بهبهانی به وسیله‌ی سربازان سیلاخوری و قزاق‌ها توقیف و به باغشاه برده شد. به دنبال توقیف نامبرده، انجمن‌های شهرستان‌ها نسبت به توقیف او اعتراض کردند و تلگرافات زیادی به تهران مخابره شد و محمدعلی شاه ناگزیر شد او را به حضور پذیرفته و عذرخواهی کند و با پرداخت دوازده هزار تومان، وی را وادار کرد که از ایران خارج شود. وی نزدیک به هشت ماه در عتبات اقامت داشت و سپس با اجازه‌ی دولت به ایران بازگشت. پس از خلع محمدعلی شاه و تشکیل مشروطیت دوم، بهبهانی به نمایندگی رسید و نفوذش در جامعه و محافل سیاسی ایران چند برابر شد. حزب اعتدالیون که اکثریت را تشکیل می‌داد، از بهبهانی تبعیت می‌کرد ولی دموکرات‌ها که تندرو و انقلابی بودند، با بهبهانی مخالفت می‌کردند. در آنجا اختلاف دو دسته بالا گرفت و در روز جمعه هشتم رجب 1328 ه.ق او را در منزلش به ضرب سه گلوله کشتند. بهبهانی ملائی تیزهوش و متهور بود. در سخنوری و خطابت نظیر نداشت و به همین دلیل در بین مردم موقعیت خاصی داشت.
سید عبداللّه (آیةاللّه) از روحانیون طراز اول تهران (مقت. 1288 ه.ش.) و رهبر شجاع آزادیخواهان در انقلاب مشروطیت. وی رهبری مشروطه طلبان را بر عهده داشت و با همکاری سید محمد طباطبائی با نیروهای

استبداد مبارزه کرد و پس از پیروزی انقلاب و استقرار حکومت مشروطه در تیرماه 1288 ه.ش. به وسیله چند تن تروریست درخانه خود به قتل رسید.
محمد تقی‌بهار «ملک‌الشعرا» به سال 1265 خورشیدی در شهر مقدس مشهد دیده به جهان باز کرد. او فرزند حاجی میرزا محمدکاظم صبوری «ملک الشعرای آستان قدس رضوی» است.
محمدتقی بهار ابتدا در محضر پدر خود با علم و دانش آشنایی پیدا کرد و آن را نزد او آموخت و پس از فوت وی به محضر ادیب نیشابوری شاعر و ادیب زمان خود رفت و سال‌ها از محضر آن مرد فاضل بهره‌ور گردید، سپس به مدرسه نواب رفت و علوم عربی را در این مدرسه به پایان برد.
محمدتقی بهار، پس از چندی به تهران آمد و وارد کارهای سیاسی شد با انتشار مقالات سیاسی واشعار مهیج و حماسی و ترانه‌های ملی، هرچه بیشتر به بیداری مردم کمک کرد و چون علاقه و ذوق سرشار در موسیقی داشت، شروع به ساختن تصانیف و ترانه‌های ملی کرد که می‌شود گفت کلیه تصنیف‌های وی جنبه ملی و وطنی و آزادیخواهی دارد.
روی تصنیف‌های ملک‌الشعراء بهار، درویش‌خان، حسام‌السلطنه، رکن‌الدین‌خان و مرتضی‌خان نی‌داود آهنگ گذارده‌اند.
محمدتقی بهار را بنا به قولی بعد از جامی، بزرگترین سخنور و شاعر پارسی گوی زبان ایران می‌گویند. از آثار برجسته او، غیر از دیوان اشعار سبک‌شناسی تا تاریخ تطور نثر فارسی در سه جلد که گواهی وی بر احاطه و تسلط به فرهنگ و ادبیات و شعر پارسی است می‌کند.
ملک‌الشعرا بهار، چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و سالیان متمادی استاد دانشگاه تهران و یک‌بار هم در کابینه احمد قوام (قوام‌السلطنه) وزیر فرهنگ شد.
محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا)، پس از آن همه خدمات پربار علمی و فرهنگی به میهن خود ایران، عاقبت در سال 1330 خورشیدی در سن شصت سالگی چشم از جهان فانی فروبست، روانش شاد.

«مرغ سحر»

مرغ سحر ناله سر کن
داغ مرا تازه‌تر کن
ز آه شرربار این قفس را
برشکن و زیر و زیر کن
بلبل پربسته ز کنج قفس درآ
نغمه‌ی آزادی نوع بشر سرا
وز نفسی عرصه‌ی این خاک توده را
پر شرر کن

ظلم ظالم، جور صیاد
آشیانم داده بر باد
ای خدا ای فلک ای طبیعت
شام تاریک ما را سحر کن
نوبهار است گل ببار است
ابر چشمم ژاله‌بار است
این قفس چون دلم تنگ و تار است
شعله فکن در قفس ای آه آتشین
دست طبیعت گل عمر مرا مچین
جانب عاشق نگه، ای تازه گل، ازین بیشتر کن
مرغ بی‌دل، شرح هجران مختصر مختصر مختصر کن
«در طواف شمع»
دل طواف شمع می‌گفت این سخن پروانه‌ای
سوختم زین آشنایان ای خوشا بیگانه‌ای
بلبل از شوق گل و پروانه از سودای شمع
هر کسی سوزد بنوعی در غم جانانه‌ای
گر اسیر خط و خالی شد دلم، عیبم مکن
مرغ جایی می‌رود کانجاست آب و دانه‌ای
تا نفرمایی که بی‌پروانه‌ای در راه عشق
شمع‌وش پیش تو سوزم گر دهی پروانه‌ای
پادشه را غرفه آبادان و دل خرم چه باک
گر گدایی جان دهد در گوشه ویرانه‌ای
کی غم بنیاید ویران دارد آن کس خانه نیست
رو خبر گیر این معانی را ز صاحب خانه‌ای
عاقلانش باز زنجیری دگر بر پا نهند
روزی از زنجیر از هم بگسلد دیوانه‌ای
این جنون تنها نه مجنون را مسلم شد بهار
باش کز ما هم فتد اندر جهان افسانه‌ای

شاعر، مورخ، محقق، روزنامه‌نگار، سیاستمدار و استاد برجسته‌ی دانشگاه، معروف به ملک‌الشعرا، فرزند میرزا محمدکاظم صبوری، متولد 1304 ه.ق در خراسان. پدرش ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی بود. بهار مقدمات ادبیات را نزد پدر آموخت و تحصیلات ادبی و عربی را نزد استاد ادیب نیشابوری که از ادباء و شعرای مشهور بود دنبال کرد و اصول ادبیات فارسی و عربی را در مدرسه‌ی نواب در خدمت اساتید فن زمان تکمیل نمود. هنوز سنش به بیست نرسیده بود که پدر خود را از دست داد و به جای پدر به خدمت آستان قدس رضوی درآمد. چون در شعر و شاعری با

وجود کمی سن تبحر داشت، از طرف مظفرالدین شاه لقب ملک‌الشعرائی آستان قدس رضوی به او داده شد.
از 1323 ه.ق که آوازه‌ی مشروطیت و آزادی‌خواهی در سراسر ایران طنین‌انداز شد، به سلک آزادیخواهان پیوست و برای برچیدن رژیم دیکتاتوری و حکومت مشروطه با سایر آزادیخواهان همداستان شد و اشعاری در این زمینه سرود که در جراید معتبر آن روز انتشار یافت. در 1328 ه.ق پس از خلع محمدعلی شاه از سلطنت، با کمک سایر دوستان خود حزب دموکرات را در خراسان تأسیس کرد و خود عضو کمیته‌ی مرکزی آن شد و روزنامه‌ی نوبهار را با اعتبار و مسئولیت خویش و به عنوان ناشر افکار حزب دموکرات در مشهد انتشار داد. به اقتضای جوانی و به اعتقاد آزادیخواهی در روزنامه‌ی نوبهار مقالات تندی علیه بیگانگان و دخالت آنان در امور ایران انتشار می‌داد؛ مخصوصاً پس از اولتیماتوم روسیه‌ی تزاری و اخراج شوستر مستشار آمریکائی و خزانه‌دار کل ایران، لحن این مقالات شدیدتر شد و سرانجام منجر به توقیف روزنامه‌ی نوبهار گردید، ولی پس از مدتی کوتاه به جای آن تازه‌بهار انتشار یافت که جنبه‌ی انتقادی آن بیش از روزنامه‌ی قبلی بود. تازه‌بهار نیز توقیف شد و مدیر جوان و پرشور آن به کلات تبعید گردید. هشت ماه این تبعید به طول انجامید. پس از مدتی دوباره نوبهار منتشر گردید.
در انتخابات دوره‌ی سوم قانونگذاری مردم در گز و کلات و سرخس، بهار را روانه‌ی مجلس نمودند. در مجلس اعتبارنامه‌ی او با مخالفت اعتدالیون مواجه شد، ولی سرانجام به تصویب رسید. جنگ جهانگیر اول مجلس را تعطیل نمود و قضیه‌ی مهاجرت را پیش آورد. بهار هم جزء مهاجران بود، ولی از قم به تهران بازگشت و روزنامه‌ی نوبهار را انتشار داد و برای بار دوم تبعید گردید و این بار بجنورد تبعیدگاه او شد.
در دوره‌ی چهارم مردم بجنورد او را به نمایندگی مجلس فرستادند. در دوره‌ی پنجم نماینده‌ی مردم کاشمر بود و در مجلس جزء اقلیتی بود که با سلطنت رضاشاه مخالفت می‌کرد. دوست و یار نزدیک مدرس بود. در دوره‌ی ششم از تهران انتخاب گردید. پس از پایان دوره‌ی ششم از کارهای سیاسی کنار رفت و به خدمات فرهنگی پرداخت و در دارالمعلمین عالی به تدریس ادبیات ایران قبل از اسلام مشغول شد و تا شهریور 1320 دور از کارهای سیاسی به تألیف و تدریس پرداخت و مدتی نیز در زندان، و تبعید در اصفهان به سر برد.
از 1320 مجدداً کارهای سیاسی را از سر گرفت و روزنامه‌ی نوبهار را انتشار داد. در 1324 در کابینه‌ی قوام‌السلطنه به وزارت فرهنگ رسید، ولی عمر وزارتش چندان نپائید و خیلی زود جای خود را به دیگری داد. در تشکیل حزب دموکرات ایران که قوام‌السلطنه آن را بنیان نهاد، نقش

اساسی داشت و در این زمینه فعالیت بسیار نمود. در انتخابات دوره‌ی پانزدهم از تهران وکیل شد و ریاست فراکسیون حزب دموکرات ایران در مجلس با او بود. عده‌ای از نمایندگان به ریاست او تمایل داشتند، ولی حال مزاجی‌اش اجازه‌ی فعالیت بیشتر به او نمی‌داد. در اواخر دوره‌ی پانزدهم بیمار شد و برای معالجه به سویس رفت. معالجاتی نمود، ولی مؤثر نیفتاد و به ایران بازگشت. سرانجام در 1330 به مرض سل درگذشت.
شخصیت ملک‌الشعرا از جهات مختلف قابل بحث و مداقه است. او شاعری توانا، نویسنده و محققی دانشمند، روزنامه‌نگاری سرسخت، سیاستمداری بی‌باک و استادی مبرز بود. مجموعاً پنج دوره نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. جز در دوره‌ی پانزدهم که سنش مقتضی فعالیت‌های شدید نبود، در ادوار دیگر مجلس از متولیان و منقدان امور اجتماعی به شمار می‌رفت. نطق‌ها و خطابه‌هایش در مجلس دولت‌ها را دگرگون می‌کرد. در دوره‌ی پنجم و ششم رسماً جزو فراکسیون اقلیت بود و با سید حسن مدرس لیدر اقلیت، نزدیکی و همفکری داشت. در دوره‌ی چهارم اکثریت را اداره می‌کرد و روی کار آمدن قوام‌السلطنه در 1301 در نتیجه تلاش او و مدرس بود.
شاعری توانا بود. گرچه بیشتر قصیده‌سرا بود، ولی در غزل و رباعی نیز دست داشت. از این گذشته، افکار تازه را او در شعر فارسی وارد کرد و مضامین غیرایرانی را در شعر فارسی آورد. بهار محقق و نویسنده نیز بود. نثرش کمتر از نظم او نیست. شیوه‌ی نویسندگی‌اش مخلوطی از سنت قدیم و روش جدید ایران است. با آنکه به ساده‌اندیشی بیشتر گرایش داشت، ولی استحکام جملات و استعمال لغات فارسی و عربی در جای مناسب خود، شیرینی خاصی به نوشته‌هایش داد. نمونه‌ی سبک شیرین او کتاب سبک‌شناسی است که در سه مجلد است. او در رونق بخشیدن به ادبیات نوین ایران سهم بسزائی دارد. گذشته از تأسیس مجله‌ی دانشکده به تأسیس و تشکیل انجمن ادبی ایران همت گماشت و عده‌ای از محققین و مؤلفین بزرگ ایران مانند عباس اقبال آشتیانی، غلامرضا رشید یاسمی، سعید نفیسی و بدیع‌ازمان فروزانفر از تربیت یافتگان مکتب او می‌باشند. مدت‌ها در دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات در دوره‌ی لیسانس و دکترا تدریس می‌نمود. تألیفات بسیاری دارد که به صورت‌های مختلف به چاپ رسیده است. غیر از مقالات متعدد که در روزنامه‌های نوبهار و تازه‌بهار و مجله‌ی دانشکده انتشار داده است. در جراید مختلف نیز مقالاتی دارد. از آثار برجسته‌ی او تاریخ احزاب سیاسی در دو جلد است. سبک‌شناسی درباره‌ی تحول نثر فارسی از آغاز تا عصر حاضر است. علاوه بر تألیف کتب، در تصحیح و تحشیه‌ی کتب زیر نیز دست داشت: تاریخ سیستان، مجمل‌التواریخ والقصص، جوامع الحکایات و لوامع الروایات

عوفی و ترجمه‌ی تاریخ طبری.
علاوه بر اینها در تألیف و نگارش کتب دبیرستانی نیز مشارکت داشت. در اواخر عمر به فعالیت‌های صلح‌جویانه میل زیادی نشان می‌داد و به همین دلیل ریاست جمعیت هواداران صلح را پذیرفت.
(1330 -1266 ش)، اندیشمند، نویسنده محقق، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به بهار و ملقب به ملک‌الشعراء. در مشهد متولد شد، پدر وی ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی بود. بهار تحصیلات مقدماتی را نزد پدر خود آموخت و علوم ادبی و عربی متداول زمان خود را از استادان مشهور خراسان چون ادیب نیشابوری فراگرفت. در نوجوانی پدر خود را از دست داد و از همان اوان شعر می‌سرود. بعد از مرگ پدر، به فرمان مظفرالدین شاه، لقب ملک‌الشعرایی آستان قدس رضوی را یافت. وی در نهضت مشروطه‌طلبان مجاهدتها کرد. در سال 1328 ق «روزنامه‌ی نوبهار» و در سال 1329 ق «هفته‌نامه‌ی تازه بهار» را نشر داد. در سال 1333 ق از طرف مردم مشهد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و رهسپار تهران گردید. در سال 1336 ق انجمن ادبی دانشکده را با «مجله‌ی دانشکده» که منتسب به همان انجمن بود، تأسیس کرد و در همان سال به تجدید انتشار «روزنامه‌ی نوبهار» همت گماشت. در سال 1338 ق مدیریت روزنامه‌ی «ایران»، که نیمه‌رسمی بود، به وی محول گردید. از طرف مردم تهران دو بار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در سال 1324 ش به وزارت فرهنگ برگزیده شد. در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تدریس می‌کرد. و تا پایان عمر در این خدمت باقی ماند. به منظور مداوا به سویس رفت و پس از چندی اقامت در آنجا، به تهران بازگشت و به تألیف و تحقیق و تصنیف پرداخت. وی واپسین قصیده سرای بزرگ فارسی است. در تهران وفات یافت و در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. از او آثار بسیاری به جای مانده است، از جمله: تصحیح «تاریخ سیستان»؛ «مجمل التواریخ والقصص» و «سبک‌شناسی»، در سه مجلد؛ «تاریخ احزاب سیاسی»؛ «چهار خطابه‌ی منظوم»؛ «ترجمه‌ی احوال محمد بن جریر طبری»؛ «رساله‌ی زندگی مانی»؛ «بهار و ادب فارسی»، مجموعه‌ی مقالات؛ تصحیح «جوامع الحکایات عوفی» و «تاریخ بلعمی»؛ «دیوان» اشعار، در دو مجلد.[1]
(تو 1262/ 1260- شهادت 1328 ق)، مجتهد. اصلا از اهالی بحرین بود، و در نجف متولد شد. از شاگردان حوزه‌ی درس میرزای شیرازی و آیت‌اللّه کوه‌کمری بود. به درجه اجتهاد نایل شد. او در تهران از روحانیون بزرگ و در فقه از سرآمدان روزگار به شمار می‌آمد. در زمان مظفرالدین شاه به مخالفت با عین‌الدوله برخاست. وی در مقاصد خویش آقا سیدمحمد طباطبایی را که مورد اعتماد و احترام عامه بود، با خود موافق و همراه

گردانید و بعد از به توپ بستن مجلس او و عده‌ای دیگر از سران نهضت به همراه چند تن از بستگان وی دستگیر و به کرمانشاه تبعید شدند و تا پایان سلطنت محمدعلی شاه در تبعید بودند. بعد از استعفای محمدعلی شاه، سید و همراهان وی به تهران بازگشتند، و به مبارزات خود ادامه دادند. سید به مخالفت با تقی‌زاده برخاست و مبارزه بین این دو شروع شد. سید به عدالت و آزادی معتقد بود، و حتی برای تربیت جوانان مدرسه‌ای هم تأسیسی کرد و با تحصیل دختران نیز مخالف نبود و برای ارشاد بزرگسالان نیز به تأسیس انجمن مقدس اسلامی مبادرت کرد. در استبداد صغیر به امر دولت به مشهد رفت و در آنجا هر کمیته‌ای سری تشکیل داد و مشروطه‌خواهی را ترویج کرد. آیت‌اللَّه بهبهانی در تنظیم مواد متمم قانون اساسی، از جنبه‌ی دینی، سهیم و شریک بود. وی در تهران در منزلش به ضرب گلوله شهید شد و جنازه‌اش به سال 1332 ق به نجف حمل و در صحن علوی دفن شد. از آثار وی «رسائل و مسائل»، در فقه، مجموعه‌ای مشتمل بر 25 رساله که در هر رساله به یکی از مسائل فقهی پرداخته است.[2]

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[1] از بهار تا شهریار (139 -116)، از نیما تا روزگار ما (487 -473)، با کاروان حله (384 -373)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (242 -240/ 2)، تاریخ برگزیدگان (452 -449)، تاریخ جراید (316 -311/ 4 ،272 -170/ 3 ،98/ 2)، چشمه‌ی روشن (459 -449)، چون سبوی تشنه (40 -31)، الذریعه (146 -145/ 9)، سخنوران نامی معاصر (594 -585/ 1)، شرح حال رجال (350/ 4)، صد سال شعر خراسان (155 -133)، فرهنگ ادبیات فارسی (95 -93)، گلزار معانی (169 -161) گنج و گنجینه (720 -710).

[2] الاعلام (199/ 4)، تاریخ برگزیدگان (141)، تاریخ بروجرد (384)، تاریخ بیداری ایرانیان (صفحات متعدد)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (259/ 1)، دایرةالمعارف فارسی (476/ 1)، شرح حال رجال (289 -284/ 2)، شهیدان راه فضیلت (531 -528)، علماء معاصرین (346 -345 ،228)، فارسنامه ناصری (1478/ 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (403/ 4)، المآثر والآثار (141).

بهبهانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا بهبهانی حایری از علماء محترم معاصر تهران بودند و در سال 1391 قمری عزیمت به حج نموده و در مدینه طیبه به رحمت حق و جوار اسلاف طاهرین خود پیوسته و در بقیع شریف مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بهبهانی، محمدعلی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1216 -1144 ق)، فقیه، متکلم و رجال‌شناس امامی. در کربلا رفت و چندین سال در آنجا با پدر خود به تدریس اشتغال داشت. بعد از ورود به عراق به علت شیوع طاعون و به جهت اصرار اهالی کرمانشاه به ایران آمد و بقیه ایام عمر را در آن ولایت به سر برد، چندان که به آقا محمدعلی کرمانشاهی معروف شد و اعقابش نیز به آن منسوب شدند. بهبهانی از سرآمدان علمای معقول و منقول و محققی بی‌نظیر در متون فروع و اصول و معارف و ادبیات عرب بود تا آنجا که پدرش او را بهاءالدین روزگار خود می‌دانست. آقا محمدعلی، پس از پدر، از مراجع بزرگ ایران بود و تا زنده بود فقیهی به شهرت و بزرگواری وی در ایران وجود نداشت. او در اجرای حدود و احکام، شخصاً اقدام می‌کرد. آقا محمدعلی با صوفیه سخت مخالف بود و در رد آنها «رساله‌ی خیراتیه» را نوشت. در سال 1192 ق به رشت رفت و با هدایت‌اللّه خان رشتی مصاحب شد و کتاب «مقامع» را به نام او تألیف کرد. آقا محمدعلی در کرمانشاه درگذشت، مقبره‌ی وی به نام سر قبر آقا معروف است. از آثار وی: «مقامع الفضل»، شامل هزار و دویست مسأله و حاوی مطالب مشکله بسیاری از فقه و تاریخ که حاکی از جامعیت و آگاهی بهبهانی در اکثر علوم و فنون متداول می‌باشد و هر یک از مطالب طرح شده در خور آن است که کتابی مستقل شود؛ «انتخاب الزاد»؛ «تاریخ الحرمین»؛ «سنة الهدایة لهدایة السنة»؛ «سهوالاقلام»؛ «الفائدة فی مصرف رد المظالم»؛ «الفذالک فی شرح المدارک»؛ «رسالة فی الفیض الالهی»؛ «قطع القال والقیل فی انفعال القلیل»؛ «قطع المقال فی رد اهل الضلال»، در رد صوفیه؛ «مساحة البلاد»؛ «مشکاةالعارفین»؛ «مظهر المختار»؛ «معترک الاقوال»؛ «معرفةالائمة»؛ «مفتاح/فتاح المجامع بمفاتیح الشرایع»؛ «خوان الاخوان».[1]
دوانی در زندگانی وحید ص 362 گوید: آقا محمدعلی آئینه تمام‌نمای پدر عالیقدرش وحید بهبهانی و نابغه عظیم‌الشأنی است که تاریخ رجال اسلام مانند او را کمتر بیاد دارد
کلیه تراجم‌نویسان و تاریخ‌نگاران قرن 13 و 14 وی را به عظمت و جلالت و نبوغ علمی و فکری ستوده و یاد نموده‌اند.
او اول فردیست که از فرزندان وحید از کربلاء به کرمانشاه روی فرمان والد ماجدش مهاجرت و عزیمت نمود و بیت آل آقا از او شروع گردید

معظم له در کرمانشاه خدمات بسیاری نموده از جمله مبارزه با فرقه صوفیه و دراویش (نعمت‌اللهی) و کشتن معصوم علیشاه قطب آن فرقه و غیر از آن که شرحش موکول بکتاب مبسوطی خواهد بود طالبین را ارجاع به کتاب وحید بهبهانی دوانی و مرآت‌الاحوال آقا احمد و غیره می‌نمایم
خلاصه آن بزرگوار با یک جهان عظمت و ریاست و مرجعیت و آقائی بتمام معنی در آخر عمر مبتلا به کسالت (اسهال) شده و در روز جمعه که مصادف با مبعث نبی اکرم صلی اللّه علیه و آله سال 1216 قمری بود در اثنای نماز ظهرین برحمت ایزدی پیوست
تألیفات و آثار علمی آن رادمرد از اینقرار است
1- منع‌المنع در حلیت جمع بین دوزن فاطمی رد بر شیخ یوسف بحرانی که قائل به حرمت بوده است (نگارنده گوید و حق با شیخ یوسف است زیرا قطعاً و قهراً هر دو و یا یکی از آنها ناراضی و ناراحت خواهد شد و از ناراحتی آنها مادرشان حضرت فاطمه سلام‌اللّه‌علیها اذیت خواهند شد و ایذاء آن مکرمه هم حرام خواهد بود) 2- پنج رساله به فارسی در مناسک حج 3- مظهر المختار فی حکم النکاح مع الاعسار 4- مقامع الفضل 5- فتاح المجامع شرح مفاتیح الشرایع 6- رساله در امامت 7- فذالک حاشیه بر مدارک و مسالک 8- (خوان الاخوان اخوا لکشکول والمخلات و ریاض الجنان) 4 مجلد 9- قطع‌المقال 10- ملتقط الدر فی تحقیق الکر 11- معترک المقال فی علم الرجال 12- رساله علیه علویه در پاسخ مسائل جبلیه 13- الرغایب در فوائد غریبه 14- رساله تفضیلیه 15- رساله خیاریه 16- رساله خیراتیة در رد صوفیه 17- تاریخ حرمین شریفین مکه و مدینه در دو جلد بنام ام‌القری 18- الفوائد در اصول عقاید 19- شرح تجرید و ده‌ها رساله دیگر
فرزندان آقا محمدعلی
آن مرحوم دارای 9 فرزند چهار دختر و پنج پسر به اسامی 1- آقا محمدجعفر 2- آقا احمد 3- آقا اسماعیل 4- آقا محمود 5- آقا محمد بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان‌الشیعه (26 -25 /10)، ایضاح‌المکنون (507/2). تاریخ بروجرد (151 -145 /1)، الذریعه (177/25، 14/22، 405، 158/17، 375/20، 21/ 59، 169- 170، 209، 246، 347، ،348 130، 101، 16/ 89، 266، 234، 12/ 95/6، 249/3، 359/2)، روضات‌الجنات (145 -142 /7)، ریحانه (399 -198 /3)، شرح حال رجال (423/3)، طرائق‌الحقائق (185 -184 /1)، فوائد الرضویه (576 -574)، الکنی والالقاب (110 -109 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (356 -355 /6)،

مرآت‌الاحوال (مقدمه)، معجم‌المؤلفين (44 -43 /11)، مكارم‌الآثار (567 -561 /2)، هديةالاحباب (183 -182)، هديةالعارفين (368/2).

بهبهانی، وحید

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ‌الفقهاء والمجتهدین قطب العلماء والمحققین آیت‌اللَّه العظمی فی العالمین العلامة الکبری و استاد الاکبر آقا محمدباقر بن العلامة محمد اکمل معروف به آقا و مشهور به (وحید) بهبهانی چنانچه در (فوائد البهبهانیه) مخطوط خود در سال 1369 ق گفتم.
و ان من مدائن الایران
به قرب بحر الفرس بهبهانی
قد قام منها علماء الاهل
کآیة اللّه (وحید) الفحل
مجددالدین بعون الاکبر
فی مأة الثانیة والعشر
آن بزرگوار را مجدد دین در قرن دوازدهم گفته‌اند چنانچه آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مجدد قرن سیزدهم بوده است.
ترجمه و شرح زندگانی آن بزرگوار و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی است و بحمداللّه والمنه این کار را یکی از فضلاء بنام جناب حجةالاسلام و خطیب و نویسنده عالیمقام آقای حاج شیخ علی دوانی صاحب (تألیفات عدیده که ترجمه‌اش در ج 2 ص 361 گذشت انجام داده و کتاب نسبتاً بزرگی بنام (وحید بهبهانی) تألیف و طبع و نشر نموده‌اند).
و اجمالا ولادت آن بزرگوار در سال 1117 و یا 1118 در اصفهان واقع شده و در سال 1205 ق در سن نود سالگی تقریباً از دنیا رفت و در رواق شریف حسینی قسمت پائین مبارک متصل به حرم مطهر مدفون و دارای صندوق بزرگیست که مورد توجه دانشمندان می‌باشد. و یکی از شعراء آن عصر بنام (شهاب) در رثاء وی که بر قبرش نوشته گفته است.
ندانم باز این شور و مصیبت چیست در عالم
که افغان خلایق از ثری تا بر ثریا رفت
همانا ماتم سر خیل اهل اجتهاد است این
که اهل علم را طاقت ز دل و ز جا شکیبا رفت
جهان فضل و علم آقا محمد با قرآن کاخر
جهان را در عزایش خون ز چشم اشک بالا رفت
هزار افسوس از آن مهر سپهر دانش و عرفان
که سوی مغرب ظلمت چو مهر عالم آرا رفت

غرض آن (باقر) علم و سمی قبله پنجم
شهاب از دار دنیا چون به سوی ملک عقبا رفت
جناب اکبر اولاد امجادش
که یا رب هم عدد اسم شریف او ز اسما رفت
ز کلک فطرت خود در وفات والد ماجد
بلوح دل رقم زد (باقر علمی ز دنیا رفت)

(تو 1118 -1116 وف 1208 -1205 ق)، عالم و فقیه امامی. وی به وحید بهبهانی، آقای بهبهانی، استاد اکبر، معلم البشر و علامه‌ی ثانی و محقق بهبهانی معروف است. در خانواده‌ای مذهبی و دانشمند در اصفهان به دنیا آمد. او از نوادگان دختری مجلسی اول است. مادرش دختر آقا نورالدین، فرزند ملا محمد صالح مازندرانی، است و جده پدری مادرش آمنه بیگم، دختر مجلسی اول است، و لذا محقق بهبهانی از مجلسی اول به جد و از مجلسی دوم به دایی تعبیر می‌کند. پدرش از عالم بزرگ زمان خود و از شاگردان محقق شروانی و علامه‌ی مجلسی و شیخ جعفر قاضی و آقا جمال خوانساری و سیدصدرالدین رضوی قمی و شیخ جعفر کمره‌ای بروجردی بود. آقا محمدباقر با جدیت تمام به تحصیل علوم پرداخت، تا آنکه سرآمد معصران خویش شد. از استادانش فقط نام پدرش ذکر شده است. وی به همراه پدر از اصفهان به بهبهان رفت و مدتی در آنجا زندگی کرد، سپس راهی عتبات شد و در کربلا سکنی گزید. و تا پایان عمر در آنجا زیست و همان جا درگذشت و در رواق مطهر حضرت سیدالشهداء دفن شد. وحید بهبهانی مجدد مکتب اجتهاد، فقه و اصول شیعه بود و به همین جهت او را استاد اکبر و استاد اساتید فقهای شیعه در دویست سال اخیر دانسته‌اند. عده‌ی زیادی از شیوخ و بزرگان فقهای شیعه از شاگردان او بودند، از جمله: سیدمهدی بحرالعلوم، سیدعلی طباطبایی، صاحب «ریاض»، میرزا مهدی شهرستانی، ملا محمد مهدی نراقی، حاجی ابراهیم کلباسی، میرزا مهدی خراسانی، شیخ ابوعلی حایری و سیداحمد طالقانی. محقق بهبهانی حدود شصت کتاب تصنیف کرد که برخی از آنها عبارتند از: «شرح المفاتیح»؛ «الاجتهاد والاخبار»، در رد اخباریان؛ «اثبات التحسین والتقبیح العقلیین»؛ «احکام‌العقود»؛ «اصالة البراءة»؛ «الاستحصاب»؛ « مصابیح الظلام»، «تعلیقات علی منهج المقال»؛ «ابطال القیاس»؛ «آداب التجارة»؛ رساله‌ای در «الجبر والاختیار»؛ «الفوائد الحائریة»، در فقه؛ «شرح الوافی»؛ حاشیه بر «شرح الارشاد» محقق اردبیلی؛ حاشیه بر «تهذیب»؛ حاشیه بر «شرح القواعد»؛ حاشیه بر «مسالک»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «معالم الاصول». گویند که بیست مرتبه «المعالم» را درس گفت و در هر مرتبه یک حاشیه جدید بر آن نگاشت.[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (273/ 6)، اعیان‌الشیعه (182/ 9) تاریخ بروجرد (419، 217، 211، 206، 201، 176، 116/ 2)، تذکرةالقبور (12)، الذریعه (103/ 18، 165، 75/ 14، 254/ 7، 229، 213، 205/ 6، 223/ 4، 300، 270، 269، 86، 70/ 1)، روضات الجنات (96 -91/ 2)، ریحانه (52 -51/ 1)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 74/ 12، قرن 174 -171/ 13)، فوائد الرضویه (408 -404)، کارنامه‌ی بزرگان (364 -363)، الکنی والالقاب (110 -109/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (19 -17/ 2)، معجم‌المؤلفین (90/ 9)، مکارم‌الآثار (235 -220/ 2)، موادالتواریخ (217)، هدیةالاحباب (110، 100)، هدیةالعارفین (351 -350/ 2).

بهجت، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ولادت: آیت الله العظمی محمد بهجت فومنی در اواخر سال 1334 ه.ق. در خانواده ای دیندار و تقوا پیشه، در شهر مذهبی فومن واقع دراستان گیلان، چشم به جهان گشود. هنوز 16 ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید.
درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان آقا نقل شده است که ذکر آن در اینجا جالب می‌نماید، و آن اینکه:
پدر آیت الله بهجت در سن 16-17 سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت:
« با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمد تقی است. »
تا اینکه با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته، اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد.
چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد.
بعد از ازدواج نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سومین را خدا به او می دهد، اسمش را « محمد حسین» می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را « محمد تقی » نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا اینکه سرانجام پنجمین فرزند را دوباره « محمد تقی » نام می گذارد، و بدینسان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.
کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قباله ها به گواهی ایشان می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مراثی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شعر می سرود، مرثیه های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد مداحان آن سامان است.

باری آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام بود، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن بار آمد. از همان کودکی از بازیهای کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات :
تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیآ ورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال 1348 ه.ق. هنگامی که تقریباً 14 سال از عمر شریفش می گذشت به عراق مشرّف شد و در کربلای معلّی اقامت گزید.
بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظّم له خود به مناسبتی فرمودند:
« بیش از یک سال از اقامتم در کربلا گذشته بود که مکلّف شدم. »
آری، دست تربیت حضرت ربّ سبحانه هماره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می پاید، تا در بزرگی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلّی می ماند و از فیوضات سید الشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد و در طی این مدت بخش معظمی از کتابهای فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهّر می‌خواند.
در سال 1352ه.ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرّف می گردد و قسمتهای پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. با این همه، همّت او تنها مصروف علوم دینی نبوده، بلکه عشق به کمالات والای انسانی هماره جان ناآرام او را به جستجوی مردان الهی و اولیاء برجسته وا می داشته است.
یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گوید: در سالهای متمادی که در درس ایشان شرکت می جویم هرگز نشنیده ام که جز در موارد نادر درباره خود مطلبی فرموده باشد. از جمله سخنانی که از زبان مبارکش درباره خود فرمود، این است که در ضمن سخنی به مناسبت تجلیل از مقام معنوی استاد خود حضرت آیت الله نائینی(رحمت الله علیه) فرمود:
« من در ایام نوجانی در نماز جماعت ایشان شرکت می نمودم، و از حالات ایشان چیزهایی را درک می کردم. » استادان بر جسته فقه و اصول :
آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح، و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی(رحمت الله علیه) ، آقا ضیاء

عراقی(رحمت الله علیه) ، و میرزای نائینی(رحمت الله علیه) ، به حوزه گرانقدر و پر محتوای آیتِ حقّ حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (رحمت الله علیه)، معروف به کمپانی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت، و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری سریع و جوّال و متحرک و همراه با تیز بینی بوده، بهره ها برد.
آیت الله محمد تقی مصباح درباره استفاده آیت الله بهجت از استادان خود می گوید:
« در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی- که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود- استفاده کرده، و در اصول از مرحوم آقای نائینی، و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدّت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده های جنبی دیگر.
» سیر و سلوک وعرفان :
آیت الله بهجت، در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکما ل معنوی همّت گمارده، و در کربلا در تفحّص استاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می برد. و پس از مشرف شدن به نجف اشرف از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده های اخلاقی می نماید.
آیت الله مصباح در این باره می گوید:
« پیدا بود که از نظر رفتار هم خیلی تحت تأثیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی بودند، چون گاهی مطالبی را از ایشان با اعجابی خاص نقل می کردند، و بعد نمونه هایش را ما در رفتار خود ایشان می دیدیم. پیدا بود که این استاد در شکل گرفتن شخصیت معنوی ایشان تأثیر بسزایی داشته است. »
همچنین در درسهای اخلاقی آقا سید عبدالغفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می نموده، تا اینکه در سلک شاگردان حضرت آیت الله سید علی قاضی(ره) در آمده و در صدد کسب معرفت از ایشان بر می آید، و در سن 18 سالگی به محضر پر فیض عارف کامل حضرت آیت الله سید علی آقای قاضی بار می یابد، و مورد ملاطفت و عنایات ویژه آن استاد معظّم قرار می گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را بر می انگیزد.
آیت الله مصباح می گوید:
« ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی مستقیماً در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سالها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت الله قاضی از

کسانی بودند که مُمَحَّضِ در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت الله بهجت از اشخاص دیگری نیز گهگاه نکاتی نقل می کردند مثل مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی و دیگران...
خود آقای بهجت نقل می کردند: شخصی در آن زمان در صدد بر آمده بود که ببیند چه کسانی سحر ماه مبارک رمضان در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی می خوانند، آن طور که خاطرم هست اگر اشتباه نکنم کسانی را که مقید بودند این عمل را هر شب در حرم حضرت امیر علیه السلام انجام بدهند شمرده بود و بیش از هفتاد نفر شده بودند.
به هر حال، بزرگانی که تقید به جهات عبادی و معنوی داشتند در آن عصرها زیاد بودند. متأسفانه در عصر ما کمتر این نمونه ها را مشاهده می کنیم. البته علم غیب نداریم، شاید آن کسانی که پیشتر در حرمها این عبادتها را انجام می دادند حالا در خانه هایشان انجام می دهند، ولی می شود اطمینان پیدا کرد که تقید به اعمال عبادی و معنوی سیر نزولی داشته و این بسیار جای تأسف است.»
یکی دیگر از شاگردان آقا (حجّة الاسلام و المسلمین آقای تهرانی) جریان فوق را به صورت ذیل از حضرت آیت الله بهجت نقل می کند:
« شخصی در آن زمان شنیده بود که در گذشته هفتاد نفر در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی را می خواندند، آن شخص تصمیم گرفته بود ببیند در زمان خودش چند نفر این کار را انجام می دهند، رفته بود و شمارش کرده و دیده بود تعداد افراد نسبت به زمان سابق تقلیل پیدا کرده و مجموعاً پنجاه نفر (آن طور که بنده «تهرانی» به یاد دارم) در حرم (اعّم از نزدیک ضریح مطهّر، و رواقهای اطراف) دعای ابوحمزه را در دعای نماز وتر خود قرائت می کنند. »
فلسفه :
آیت الله بهجت، اشارات ابن سینا و اسفار ملا صدرا را نزد مرحوم آیت الله سید حسن بادکوبه ای فرا گرفته است. مرجعیت :
با اینکه ایشان فقیهی شناخته شده اند و بیش از سی سال است که اشتغال به تدریس خارج فقه واصول دارند، ولی هماره از پذیرش مرجعیت سرباز زده اند.
آقای مصباح درباره علت پذیرش مرجعیت از سوی ایشان و نیز پیرامون عدم تغییر وضعیت آیت الله بهجت بعد از مرجعیت می گوید:
« بعد از مرجعیت منزل آآیت الله بهجت هیچ تغییری نکرده است، ملاقات

و پذیرایی از بازدید کنندگان در منزل امکان ندارد لذا در اعیاد و ایام سوگواری، در مسجد فاطمیه از ملاقات کنندگان پذیرایی می شود. اصولاً قبول مرجعیت ایشان به نظر من یکی از کرامات ایشان است، یعنی شرایط زندگی ایشان آن هم در سن هشتاد سالگی به هیچ وجه ایجاب نمی کرد که زیر بار چنین مسؤلیتی برود، و کسانی که با ایشان آشنایی داشتند هیچ وقت حدس نمی زدند که امکان داشته باشد آقا یک وقتی حاضر بشوند پرچم مرجعیت را به دوش بکشند و مسولیتش را قبول بکنند. و بدون شک جز احساس یک وظیفه متعین چیزی باعث نشد که ایشان این مسؤلیت را بپذیرند. و باید گفت که رفتار ایشان در این زمان با این وارستگی و پارسایی، حجت را بر دیگران تمام می کند که می شود در عین مرجعیت با سادگی زندگی کرد، بدون اینکه تغییری در لباس، خوراک، مسکن، خانه و شرایط زندگی پیش بیاید. »
تا اینکه بعد از فوت مرحوم آقای سید احمد خوانساری(ره) جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشتند، و پیش از فوت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی اراکی(ره) اجازه نشر رساله عملیه خویش را دادند، سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از آن جمله حضرت آیه الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی و ... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال در خواستهای مصرانه و مکرر راضی شدند تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.
در همین ارتباط یکی از مرتبطین ایشان می گوید: ایشان پیش از در گذشت آیت الله العظمی اراکی چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان را دارند پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود.
و بعد از فوت مرحوم اراکی و پیام جامعه مدرسین و اطلاع از انتشار اسمشان فرمودند: « فتاوای بنده را در اختیار کسی قرار ندهید. از ایشان توضیح خواسته شد فرمودند: صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط خواست از ما تقلید کند آن وقت فتاوی را منتشر کنید » چندین ماه پس از این رخداد رساله ایشان توسط بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. هجرت:
ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال 1363 ه.ق. موافق با 1324 ه.ش. به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً در حالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و اطّلاع یافتن از وضعیت حوزه

قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند.
در قم از محضر آیت الله العضمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقید سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیه الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد، و همچون حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و ... به درس فقید سعید مرحوم بروجردی حاضر شد.
آیت الله مصباح در این باره می گوید:
« آیت الله بهجت از همان زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی(ره) در قم درس شروع کرده بودند از شاگردان برجسته واز مُستَشکِلین معروف و مبرّز درس ایشان بودند. معمولاً استادانی که درس خارج می گویند، در میان شاگردانشان یکی دو سه نفر هستند که ضمن اینکه بیش از همه مطالب را ضبط می کنند احیاناً اشکالاتی به نظرشان می رسد که مطرح و پی گیری می کنند تا مسائل کاملاً حل شود، اینان از دیگران دقیق ترند، و اشکالاتشان علمی تر و نیاز به غور و بررسی بیشتری دارد، و ایشان در آن زمان چنین موقعیتی را در درس مرحوم آیت الله بروجردی داشتند. »
تدریس :
آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام اصفهانی، کمپانی و شیرازی حضور می یافت، ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالیه را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می دادند. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توا ن گفت که ایشان بیش از چهل سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است، و فضلای گرانقدری سالیان دراز از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند. شیوه تدریس :
آیت الله مصباح در مورد روش تدریس ایشان می گوید:
« ایشان در بیان مطالب سعی می کردند ابتدا مسأله را از روی کتاب شیخ انصاری قدس سره مطرح کنند، و بعد هر کجا مطلب قابل توجهی از دیگران مخصوصاً از صاحب جواهر قدس سره در طهارت، و از مرحوم حاج آقا رضا همدانی و دیگران مطالب برجسته ای داشتند آن را نقل می کردند، و بعد هر جا خود ایشان نظر خاصی داشتند آن را بیان می کردند. این شیوه از یک طرف باعث این می شد که انسان از نظر استادان بزرگ در یک موضوع آگاه بشود و در عین حال صرفه جویی در وقت می شد. استادان دیگر هم برای تدریس شیوه های جالبی داشتند که شاید برای مبتدی مفیدتر بود که هر مطلب را از هر استاد جداگانه طرح میِ کردند،

ولی خوب این باعث می شد که وقت بیشتری گرفته بشود و احیاناً مطالبی تکرار بشود.
در ضمن تدریس، در میان نکته هایی که از خود ایشان ما استفاده می کردیم و طبعاً بعضی از این نکته ها چیزهایی بود که ایشان از استادانشان شفاهاً دریافت کرده بودند، به مطالب بسیار ارزنده و عمیق و دارای دقتهای کم نظیری بر می خوردیم. »
آیت الله مسعودی که خود سالها از درس آیت الله العظمی بهجت بهره برده اند درباره ویژگی تدریس ایشان می گوید:
« سبک درس ایشان سبک خاصی است. معمولاً آقایان مراجع و بزرگان در درس خارج یک مسأله ای را مطرح می کنند و اقوال دیگران را یکی یکی ذکر می کنند، سپس یکی را نقد می کنند و دیگری را تأیید، و سرانجام یکی از آن نظرات را می پذیرند، یا نظریه دیگری را انتخاب می کنند. ولی ایشان بر خلاف همه، نقل اقوال نمی کنند بلکه ابتدا مسأله را مطرح می کنند و بعد روند استدلالش را بیان می کنند. اگر شاگرد آراء علماء را دیده و مطالعه کرده باشد، می فهمد که دلیلی را که استاد ذکر می کند چه کسی گفته است، و اشکال یا تأییدی را که می کند می فهمد به سخن چه کسی اشکال یا قول چه کسی را تأیید می کند. لذا هر کس بخواهد در درس ایشان شرکت کند باید مبانی و نظرات آقایان دیگر را دیده باشد. »
آیت الله محمد حسین احمدی فقیه یزدی درباره شیوه درس ایشان می گوید:
« نوعاً ایشان چند مسئله اصلی یا فرعی را که عنوان می فرمودند بعد از توجه به ظرافتهای حدیث و روایت و یا آیه شریفه ای که دلالت بر موضوع بحث داشت، مقایسه ای بین موضوع بحث و سایر بحثهای مشابه می نمودند و دقت عقلی و فکری خاصی در تعادل آن دو انجام می دادند، آنگاه نتیجه می گرفتند که انصافاً نتیجه علمی و جدید بود. و حقیقتاً مطلبی را که ذکر می کردند ناشی از اوج و عظمت دید و فکرشان بود که از ائمه علیهم السلام و اسلام گرفته بود و اجتهاد صحیح نیز هم این گونه بحث و تجزیه و تحلیل کردن است. » موعظه در درس :
حجة السلام والمسلمین قدس، امام جمعه کلاچای که خود سالها در درس ایشان حضور داشته است می گوید:
« روال آیت الله العظمی بهجت این بود که پیش از شروعِ درس، حدود ده دقیقه موعظه می کرد، ولی نه به عنوان موعظه بلکه به عنوان حکایت حال بزرگان گذشته. و معلوم بود که منظور اصلی آیت الله مصباح یزدی که سالها در درس خارج فقه ایشان شرکت می کردند (15سال)، علاوه بر استفاده علمی، استفاده از روحیه ملکوتی آقا بوده است. »
آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت گاهی داستانی را یا حدیثی را نقل می کردند که برای ما تعجب آور بود ایشان چه اصراری دارند که بر مطالب معلوم و روشن تکیه می کنند، از جمله مطلبی که ایشان در تذکّرات پیش از درس اصرار می کردند امامت امیر المؤمنین علیه السلام بود، ما تعجب می کردیم که ما مگر در آن حضرت شک داریم که ایشان این قدر اصرار دارند که دلائل امامت حضرت علی علیه السلام را برای ما بیان کنند. یک خورده ته دلمان گله مند بودیم که چرا به جای این مطالب یک چیز هایی که بیشتر حاجت ماست (در امور اخلاقی و معنوی) مطالبی را نمی گویند. اما بعد از این که به پنجاه- شصت سالگی رسیدیم، در بسیاری از مباحث دیدیم که آن نکته هایی که ایشان چهل سال پیشتر در درسشان درباره امامت علی علیه السلام می فرمودند به دردمان می خورد. گویا ایشان آن روز می دید که یک مسائلی بناست در آینده مورد غفلت و تشکیک قرار بگیرد.
شاید اگر توجه های ایشان نبود ما انگیزه ای نداشتیم درباره این مسائل مطالعه ای داشته باشیم، حتی از نکته هایی که ایشان چهل سال پیش بیان می کردند امروز بنده در نوشته هایم در مورد مسائل اعتقادی یا جاهای دیگر استفاده کرده‌ام. » جایگاه علمی :
گواهی استادان و هم دوره ایها و نیز شاگردان برجسته که بخشی از آن در ذیل می آید نمایانگر دقت نظر و نبوغ برجستگی علمی ایشان است:
از آن جمله گویند:
روزی ایشان در درس کفایه یکی از شاگردانِ مرحوم آخوند خراسانی به نحوه تقریر مطالب آخوند خراسانی توسط استاد اعتراض می کند، ولی با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سنّ و سال تر بوده در جلسه بعدی پیش از حضور استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرد، ولی در آن هنگام ناگهان استاد وارد می شود و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان می گردد. سپس خطاب به آنان می فرماید: « با آقای بهجت کاری نداشته باشید. » همه ساکت می شوند آنگاه استاد ادامه می دهد: « دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حقّ با ایشان است » و پس از این سخن، از جدیت و نبوغ آیت الله بهجت تمجید می نماید.
یکی از دانشمندان نجف می گوید:
« ایشان در درس، به مرحوم آیت الله کمپانی امان نمی داد، و پیوسته بحثها را مورد نقد قرار می داد. »
مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز می گوید:
« ایشان با اظهار نظرهای دقیق و اشکالات مهمّ، چنان نظر استاد را جلب کرده بود که چند روزی مجلسِ درس از حالت درس خارج شده بود، آن ایرادها برای ما هم مفید بود؛ ولی آقای بهجت برای گریز از شهرت دیگر به

انتقاد نپرداختند و اگر ادامه می دادند معلوم می شد اگر بالاتر از دیگران نباشند بی شک کمتر از آنان نیستند. »
مرحوم علامه محمد تقی جعفری می گوید:
« آن هنگام که در خدمت آقا شیخ کاظم شیرازی مکاسب می خواندیم، آیت الله بهجت نیز که اینک در قم اقامت دارند، در درس ایشان شرکت می نمودند، خوب یادم هست که وقتی ایشان اشکال می کردند آقا شیخ کاظم با تمام قوا متوجه می شد، یعنی خیلی دقیق و عمیق به اشکالات آقای بهجت توجه می کرد، و همان موقع ایشان در نجف به فضل و عرفان شناخته شده بود. »
آیت الله سید محمد حسین طهرانی در کتاب انوارالملکوت می نویسد:
« آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصیّ سید علی آقای قاضی می فرمودند: آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت در فقه و اصول به درس مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حاضر می شدند و چون به حجره خود در مدرسه مرحوم سیّد باز می گشتند بعضی از طلابی که در درس برای آنها اشکالاتی باقی مانده بود به حجره ایشان می رفتند و اشکالشان را رفع می نمودند. و چه بسا ایشان در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند و ایشان هم مانند بیداری جواب می دادند جواب کافی وشافی، و چون از خواب بر می خاستند و از قضایا و پرسشهای در حال خواب با ایشان سخن به میان می آمد ابداً اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گویید در خاطرم چیزی نیست. »
آیت الله مشکینی می گوید:
« ایشان از جهت علمی (هم در فقه و هم در اصول) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقهای شیعه قرار دارند. »
حجة السلام و المسلمین امجد می گوید:
« ایشان در علمیت در افق اعلی است. فقیهی است بسیار بزرگ، و معتقدم که باید مجتهدین پای درسشان باشند تا نکته بگیرند و بفهمند، و حق این است که درس خارج را باید امثال آیت الله بهجت بگویند نه آنهایی که به نقل اقوال بسنده می کنند. » تشویق بزرگان به شرکت در درس ایشان :
آیت الله مصباح می گوید:
« اولین چیزی که ما را جذب کرد آن جاذبه معنوی و روحانی ایشان بود. ولی تدریجاً متوجه شدیم که ایشان از لحاظ مقامات علمی و فقاهت هم در درجه بسیار عالی قرار دارد. این بود که سعی کردیم خدمت ایشان درسی داشته باشیم تا وسیله ای باشد هم از معلومات ایشان بهره ای ببریم، و هم بهانه ای باشد که هر روز خدمت ایشان برسیم و از کمالات

روحی و معنوی آقا بهره مند شویم. کتاب طهارت را در خدمت ایشان شروع کردیم، ابتدا در یکی از حجرات مدرسه فیضیه چند نفر از دوستان شرکت می کردند، و بعد از گذشت یک سال، یکی دو سالی هم در حجره ای در مدرسه خان (مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی) خدمت ایشان درس داشتیم، و بعدها که ضعف مزاج ایشان بیشتر شد از آن به بعد در منزل، خدمتشان می رفتیم که یک دوره طهارت را خدمت ایشان خواندیم، و بعد یک دوره هم مکاسب و خیارات را که تقریباً حدود 15 سال ادامه پیدا کرد. ما در درس ایشان استفاده هایی می بردیم که در بسیاری از درسها کمتر یافت می شد. »

شهید بزرگوار استاد مطهری(ره) نیز به درس ایشان عنایت خاصّی داشتند. آیت الله محمد حسین احمدی یزدی در این رابطه می گوید:

« آیت الله شهید مطهری درباره درس آیت الله بهجت به ما خیلی سفارش می کرد و می فرمود: حتماً در درس ایشان شرکت کنید مخصوصاً در اصول، چون آقای بهجت درس آقا شیخ محمد حسین اصفهانی را دیده حتماً در درس ایشان شرکت کنید.»

استاد خسرو شاهی می گوید:

« بنده در درس فقه خارج خیارات آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری شرکت می کردم. ایشان اواخر عمر مریض بودند و درسشان تعطیل شد. یک روز وقتی که آیت الله حایری از حرم بیرون می آمدند، به خدمتشان رفتم و پس از سلام عرض کردم: ان شاء الله درس را شروع می فرمایید؟ فرمودند: نه. بعد فرمودند:

« شما که جوان هستید من یک ضابطه ای را در اختیار شما قرار بدهم، و آن اینکه درس کسانی شرکت بکنید که فقط نقل اقوال نکنند، بلکه اقوال را بررسی کرده و نکاتی را در درس بیان کنند که در فعلیت رساندن ملکه اجتهاد خیلی سودمند باشد. چون درسی برای شما مفید است که این ملکه اجتهاد را از قوه به فعلیت برساند، و تنها به نقل اقوال کفایت نکند. »

من همان جا به ایشان عرض کردم: جناب عالی کسی را با اسم برای ما معرفی بفرمایید. فرمودند: « من از اسم بردن معذورم. » عرض کردم: من در درس آیت الله العظمی بهجت شرکت می کنم. ایشان اظهار رضایت نمود و تبسم کردند و فرمودند: « درس ایشان از نظر دقت و محتوا همین قاعده و ضابطه ای را که به شما گفتم دارد، خوب است که در درس ایشان شرکت می کنید. درس ایشان از هر جهت سازنده است هم از جهت علمی هم از جهت اخلاقی، این درس را ادامه بدهید. » تألیفات :

حضرت آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول هستند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکرده اند، و گاه به کسانی که می خواهند آنها را حتی با غیر وجوه شرعیه چاپ کنند، اجازه نمی دهند و می فرمایند:

هنوز بسیاری از کتابهای علمای بزرگ سالهاست که به گونه خطی مانده است، آنها را چاپ کنید نوبت اینها دیر نشده است.
فهرست عمده تألیفات ایشان که برخی نیز با اصرار و پشتکاری برخی از شاگردانشان به چاپ رسیده، عبارتند از:
الف) کتابهای چاپ شده:
1. رساله توضیح المسائل (فارسی و عربی)
2. مناسک حجّ
دو کتاب فوق توسط برخی از فضلا بر اساس فتاوی ایشان تألیف و پس از تأیید آقا به چاپ رسیده است.
3. وسیله النجاة
این کتاب در بردارنده نظرات فقهی ایشان در اکثر ابواب فقه است که در متن وسیله النجاه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی(ره) گنجانده شده و نهایتاً جلد نخست آن با تأیید ایشان به چاپ رسیده است.
4. جامع المسائل
این کتاب مجموعه حواشی ایشان بر کتاب « ذخیره العباد» استادش آیت الله العظمی محمد حسین غروی اصفهانی، و نیز تکمیل آن تا آخر فقه می باشد، که قسمتهایی از آن ابتدا با نام « ذخیره العباد» با حروفچینی نه چندان زیبا و در تعداد نسخه اندک در اختیار برخی از شاگردان و خواصّ ایشان قرار گرفت، و بعداً جلد اول از این مجموعه که قرار است در پنج مجلد به چاپ برسد، به خاطر کثرت فروع فقهی که توسط حضرت آیت الله بهجت بر اصل کتاب افزوده شده و جامعیت آن « جامعُ المسائل » نام گرفته و به همت برخی از شاگردان ایشان به چاپ رسید.
ب) تألیفات آماده چاپ و نشر:
1. جلد اول از کتاب صلوة
آیت الله بهجت در این کتاب با سبکی ویژه و تلخیص مطالب به ترتیب مباحث
« جواهر الکلام» به بیان نظریات نو و ابتکاری خویش پرداخته اند.
2. جلد اول از دوره اصول
این کتاب تقریبا" به ترتیب « کفایه الاصول» نگارش یافته است، و بارها توسط ایشان مورد مداقّه و تجدید نظر قرار گرفته، و نظریاتی نو در بسیاری از مباحث اصول را در بردارد.
3. تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری
این کتاب در بردارنده نظرات ایشان درباره مناسک حجّ می باشد.
ج) تألیفاتی که هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است:
1. بقیه مجلّدات دوره اصول
2. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

که به ترتیب مکاسب شیخ انصاری(ره) از اول تا انجام، و پس از اتمام آن ادامه مباحثی که در مکاسب مطرح نشده بر اساس متن « شرائع الاسلام » نگارش یافته است، ایشان در این دوره از مباحث فقهی نظرات جدیدی را ارائه داده اند.

3. دوره طهارت

در این کتاب نیز آیت الله بهجت بسان دوره « کتاب الصلوة » به ترتیب مباحث « جواهر الکلام» با تلخیص و نو آوری نظرات خویش را مطرح نموده اند.

4. بقیه مجلّدات دوره کتاب الصلوة

همچنین ایشان در تألیف سفینة البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری داشته اند، و قسمت زیادی از سفینة البحار خطی، به خط ایشان نوشته شده است. شاگردان :

با توجه به اینکه ایشان به خاطر شهرت گریزی عمدتاً در منزل خود تدریس می کردند، با وجود این افراد بسیاری از محضر آن جناب استفاده کرده و می کنند. که برخی از آنان خود صاحب رساله و فتوی می باشند، اینک نام بعضی دیگر از آنان را با حذف القاب ذکر می کنیم:

1. محمد تقی مصباح یزدی.
2. عبدالمجید رشید پور.
3. سید مهدی روحانی.
4. علی پهلوانی تهرانی.
5. مختار امینیان.
6. محمدهادی فقهی.
7. هادی قدس.
8. محمود امجد.
9. محمد ایمانی.
10. محمد حسن احمدی فقیه یزدی.
11. محمد حسین احمدی فقیه یزدی.
12- مسعودی خمینی
13- سید رضا خسروشاهی.
14- حسن لاهوتی
15- عزیز علیاری
16- سید محمد مؤمنی
17- حسین مفیدی
18- جواد محمد زاده تهرانی
19- سید صابر مازندرانی
20- شهید نمازی شیرازی

این عارف برجسته و فقیه ارزشمند در ساعت پانزده و ده دقیقه عصر 27 اردیبهشت 1388 مطابق با 22 جمادی الاولی 1430 قمری دار فانی را وداع گفتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهجتی اردکانی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای آقا شیخ محمد حسین بهجتی اردکانی از افاضل برجسته و علماء شایسته حوزه‌ی قم است که سالها از محضر آیات عظام مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات استفاده کامل نموده و بمدارج عالیه علم و کمال رسیده است دارای طبع شعر میباشد.
(س چهارم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. از علمای شایسته حوزه علمیه قم بود که سالها از محضر آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه بروجردی و سایر آیات استفاده کامل کرد و به مدارج عالیه علمی رسید. وی دارای طبع شعر بود و قصیده‌ی مخمسی از وی در «گنجینه‌ی دانشمندان» آورده شده است.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (67/ 3).

بهشتی رشتی، محمدعلی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1230 ق)، عالم دینی و فقیه. از علمای قرن سیزدهم و از شاگردان سیدعلی طباطبایی، صاحب «ریاض» بود که در کربلا نزد استاد تلمذ می‌کرد. او فتواهای استادش را از تصانیف وی جمع‌آوری کرد تا مقلدانش بتوانند به رساله‌ی عملیه‌ی او دسترسی پیدا کنند. بهشتی از میان مسایل گردآوری شده استاد، رساله‌ای فارسی به نام «راه نجات»، با فصولی مرتب در طهارت و نماز و روزه، در سال 1230 ق نگاشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (64/10)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 827/13).

بهشتی، سیدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1354 ق)، عالم، ادیب، لغوی، مفسر، فقیه و محدث. معروف به مفسر. در کربلا متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. وی در تهران ساکن و از اعلام معاصر تهران بود. بهشتی در زهد و تقوی کم‌نظیر بود. او متجاوز از بیست و دو سال پی‌درپی در مسجد جامع تهران تفسیر قرآن می‌گفت. در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه شهر ری دفن شد. از آثار وی تفسیر «مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر»، به عربی، در دوازده مجلد است که در تهران به طبع رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (179 -178 /4)، مقنیات الدرر (ج 1/ مقدمه مؤلف).

بهشتی، محمدحسینی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1307، اصفهان.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی در محله‌ی لومبان اصفهان چشم به جهان گشود. پدربزرگ وی، آیت‌الله میر محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی، از مراجع عصر خود بود. آیت‌الله بهشتی تحصیلات خود را تا سال دوم دبیرستان در اصفهان گذراند و سپس در سال 1325 به قم رفت. حدود شش ماه در قم بقیه سطح مکاسب و کفایه را تکمیل نمود و از اوایل سال 1326 به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت‌الله محقق داماد وارد شد. از اساتید دیگر وی آیات عظام بروجردی، خوانساری، کوه‌کمره‌ای و امام خمینی (ره) بودند.
برای پیگیری تحصیلات دانشگاهی، در سال 1327 با گرفتن دیپلم وارد دانشگاه معقول و منقول شد و تا سطح دکتری ادامه تحصیل داد. در فسلفه نیز پنج سال مستمر (1335 -1330) در درس علامه‌ی طباطبائی حضور یافت و علاوه بر بحث‌های اصول فسلفه و روش رئالیسم، اسفار و شفا را نیز فراگرفت.
در همان سالها به سبب آشنایی با زبان انگلیسی به عنوان دبیر به تعلیم این زبان در دبیرستان‌ها پرداخت.
در سال‌های 1329 و 1330 وارد عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی شد. تأسیس مدرسه‌ی منتظریه‌ی با همت آیت‌الله قدوسی و با نظارت ایشان از فعالیت‌های دیگری بود که از سال 1339 آغاز شد. از سال 1341 نیز در جریان‌های سیاسی حضور داشت. از جمله اقدامات وی همکاری در ایجاد «کانون دانش‌آموزان قم» بود که بعدها آیت‌الله دکتر محمد مفتح مسئولیت آن را پذیرفت. در زمستان سال 1342 او را مجبور کردند که از قم خارج شده و به تهران برود.
با ورود به تهران با جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی رابطه سازمان یافته‌ای داشت. در همین جمعیت‌ها بود که به پیشنهاد شورای مرکزی، امام خمینی (ره) یک گروه چهار نفری را به عنوان شورای سیاسی و فقهی تعیین نمود که یکی از آنها آیت‌الله بهشتی بود. بعدها برنامه تغییر کتاب‌های تعلمیات دینی مدارس در رأس فعالیت‌های آنها قرار گرفت.

با دستگیری اغلب رهبران سیاسی نظامی جمعیت‌های مؤتلفه، آیت‌الله بهشتی در اوایل سال 1344 برای راهنمایی مسلمانان آلمان، از ایران به آن کشور رفت و در هامبورگ مستقر شد. در آنجا زبان آلمانی را یاد گرفت. اما فعالیت وی فقط منحصر به آلمان نبود و کشورهای آلمانی زبان (به ویژه اتریش) را نیز در برگرفت. آیت‌الله در این مدت در تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و نشریه «اسلام مکتب مبارز» همکاری کرد و از ایشان در این دوره، سخنرانیها و جزوات چندی به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و آلمانی باقی مانده است. یک دوره تفسیر قرآن از آغاز تا سوره نساء نیز حاصل همین ایام است.
در سال 1349 به ایران بازگشت و با همکاری آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمد مفتح به تشکیل جامعه روحانیت مبارز نمود. در سال 1355 هسته‌هایی برای امور تشکیلاتی به وجود آمد و در سال 1356 روحانیت مبارز شکل گرفت.
در کنار فعالیت‌های دیگرش، از همان سال بازگشت به ایران (1349) کار تحقیقاتی و علمی را آغاز کرد که تا سالهای انقلاب با همکاری آیت‌الله موسوی اردبیلی و دکتر محمد مفتح ادامه یافت و اهمیت این کار تحقیقاتی به حدی بود که حتی در سال 1353 در برگه یادداشت کارهای جاری، پنجاه درصد از وقت خویش را فقط به آن اختصاص داده‌اند و بقیه را به بیش از پانزده کار فرهنگی، تحقیقی و اجرائی دیگر. در سالهای 1355 تا 1357 نیز، جلسه‌ای در روزهای دوشنبه در منزل ایشان برقرار بود که در آن با حضور چند تن از محققان و فارغ‌التحصیلان رشته‌ی اقتصاد، کتاب کاپیتال (سرمایه) کارل مارکس مورد بررسی قرار گرفت.
با عزیمت امام خمینی (ره) به پاریس، آیت‌الله دکتر بهشتی به حضور ایشان رفت و هسته‌ی شورای انقلاب تشکیل شد که وی یکی از اعضای آن بود.
علاوه بر مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، تألیفات وی به شرح زیر است: بانکداری و قوانین مالی اسلام؛ عادت (ترجمه از انگلیسی)؛ قانون علیت در جامعه ما؛ نقش ایمان در زندگی انسان؛ کدام مسلک ؟؛ صدای اسلام در اروپا (به پنج زبان)؛ روحانیت در اسلام و در قرآن؛ یک قشر جدید در جامعه ما؛ حکومت در اسلام (حکومت از نظر اسلام) (1367)؛ نماز چیست؟ (1366)؛ اسلام و مکتب‌های معاصر؛ مباحث شناخت در اسلام (1369)؛ شناخت از دیدگاه قرآن؛ امر به معروف و نهی از منکر، آزادی از دیدگاه اسلام؛ مالکیت از نظر اسلام؛ تکامل از نظر اسلام؛ تخریب در اندیشه اسلامی؛ حقیقت و عرفان؛ اسلام دین واقع‌بین؛ قضای اسلامی؛ اقتصاد اسلامی (فارسی و عربی، 1362)؛ توحید در قرآن؛ حج در قرآن (1365)؛ نقش قیامتی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات؛ با همکاری محمدجواد باهنر).

از آثار دیگر ایشان که چاپ نشده‌اند: ترجمه کامل تاریخ قرآن نولد؛ ترجمه بخشی از کتاب دانش منطق اثر هگل؛ تحقیق گسترده‌ای پیرامون وحی؛ تفسیر قرآن (نوار).
ضمنا تعداد معدودی نوار از جلسات درس دکتر بهشتی با عنوان (فلسفه‌ی هگل) که از سال 1355 برای طلاب آغاز کرد و نیز یادداشتهای آن به جا مانده است.
آیت‌الله دکتر بهشتی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه 1360 در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.
استاد دکتر سید محمد حسینی بهشتی اصفهانی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین و اساتید معاصر و مستخرجین با کمال حوزه علمیه قم است آقای دکتر بهشتی در حدود 1345 قمری در شهر اصفهان به دنیا آمده و پس از خواندن اولیات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و آنگاه به دروس خارج فقه واصول آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی و آیت‌اللّه العظمی آقای شریعتمداری حاضر و از دراسات آنان استفاده کامل نموده و معقول را هم از محضر علامه آیت‌اللّه طباطبائی آموخته و در رشته‌های مختلف علمی عقلی و نقلی یکی از ستارگان درخشنده حوزه علمیه گردیده و چند سالی از طرف مراجع بزرگ برای ارشاد و وظائف روحی و دینی به آلمان مهاجرت و در آنجا رهبری-مسلمین شیعی را نموده و خدمات چشمگیری انجام داده تا در این چند ساله اخیر که مراجعت به ایران و در تهران به تدریس و خدمات دینی پرداخته و هم برای تدریس و سخنرانی در دارالتبلیغ اسلامی قم به دعوت موسس بزرگوار آن حضرت آیت‌العظمی آقای شریعتمداری به قم آمده و ایفاء وظیفه نموده است.
معظم‌له نیز از مجاهدین به نام و مبارزین عیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی است که با تمام سخنرانیهایش مظالم و جرائم دولت را بیان و از اعمال ضد خلقی و مردمی و توحیدی آنان انتقاد نموده است.
استاد بهشتی در انقلاب ایران و پیروزی آن سهم ویژه‌ای دارند و هم اکنون یکی از علماء دولت موقت جمهوری اسلام و از نزدیکان و همکاران جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر می‌باشد سخنرانیها و اعلامیه‌های ایشان جالب و مجموع آن خود کتابی خواهد بود.
آثار و تالیفات عدیده علمی دارند که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است از تالیفات مطبوع ایشان کتب زیر است.
1- خدا از دیدگاه قرآن که در 27 شهریور 1352 برابر 25 شعبان 1393 ق به طبع رسیده است.

2- نماز چیست.
3- شناخت اسلام که به اتفاق دو نفر از افاضل آقای علی آقای گلزار غفوری- محمدجواد باهنر نوشته‌اند کتابهای دیگری که متاسفانه نام آنها را یاد ندارم.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهلول گنابادی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1320 ق)، شاعر. معروف به بهلول. اصل وی بجستان گناباد است. وی در سبزوار متولد شد و همان جا تحصیل علوم قدیمی کرد. سپس بیشتر به وعظ و روضه‌خوانی و مسافرت در ایران و عراق مشغول بود. وی برای مخالفت با قانون اتحاد شکل و تبدیل لباسهای مختلف و معمولی ایرانی به لباس واحد نیم‌تنه و شاپو، در مشهد سخنرانیهایی کرد که منجر به شورشی در آنجا شد که در نهایت وی را به افغانستان بازگشت و در سال 1349 ق به ایران بازگشت. بهلول حافظه‌ای نیرومند داشت. او را منظومه‌ای است در حدود هزار و دویست بیت که خود از آن تعبیر به «مجموعه‌ی دینی» کرده و در آن شرح حال خود و بعضی وقایع زمان خود را به تصویر کشیده است. مجموعه‌ی شعرش به نام «بهلول» به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (149 -148 /9)، سخنوران نامی معاصر (634 -631 /1)، صد سال شعر خراسان (157 -155)، مؤلفین کتب چاپی (262/2).

بیارجمندی خاخورینی خراسانی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1328 ق)، دانشمند، محدث و فقیه. در کودکی از زادگاه خود به مشهد رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت، پس از چندی جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف سفر کرد و نزد نایینی به فراگیری اصول و فقه پرداخت. سپس از محضر شیخ محمدحسین غروی و سیدابوالحسن اصفهانی فیض برد و اجازه‌ی اجتهاد یافت. همچنین در کربلا از محضر ایت الله قمی فیض برد. وی از محدث قمی اجازه‌ی حدیث گرفت. چند دوره «رسائل» و «مکاسب» و «کفایه» را تدریس کرد. پس از آن درس خارج را شروع کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. برخی از آثار وی عبارت اند از: «شرح کفایه»، تقریرات نایینی» در فقه و اصول؛ «تقریرات کمپانی»؛ «حاشیه بر مکاسب»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «زبدةالمسائل»؛ «مدارک‌العروة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (136/3)، مؤلفین کتب چاپی (6/ 887- 889).

بیدآبادی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن حاج سید محمّد باقر. عالم فاضل، از رؤسای علما و متنفّذین. در محلّه بیدآباد عنوان کلّی داشته، و پس از فوت حاج سید اسداللّه مرجع شرعیّات و متولّی مسجد سیّد بوده، و در زمان تولیت او اقداماتی در تکمیل ساختمان مسجد شده، در سال 1320 در مسافرت عتبات وفات یافته، جنب برادر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا محمد در محله بیدآباد اصفهان چشم به جهان گشود و در این شهرمراتب رشد و کمال را پیمود. دوران زندگی وی مصادف با سقوط صفویه و انتقال قدرت به افشاریه و پس از آن زندیه بود و او در دوران انحطاط زندیه درگذشت .
بیدآبادی علوم نقلی و عقلی را در محضر ملا اسماعیل خواجویی (متوفی 1172 ق)و میرزا محمدتقی الماسی (متوفی 1195 ق)فرا گرفت. اما از زمانی که علم رسمی را سر به سرقیل و قال دید و عطش درونی خود را همچنان در اشتداد یافت دست در دامن استاد عرفان و اخلاق سید قطب ا لدین نیریزی شیرازی نهاد.
آقا محمد بیدآبادی مردی بسیار متواضع و مهربان بود.در فقه مجتهد مسلم و در فلسفه تسلط کامل داشت.در عرفان علمی و عملی بسیار متبحر بود، در زندگی شخصی اش با کمال قناعت و زهد زندگی می کرد.چنانکه نقل است در روزگاری وی در اصفهان قحطی سختی روی داد و مردم را به زحمت انداخت در صورتی که آقا محمد هیچ شکایتی از اوضاع نداشت. وقتی علت را جویا شدند دریافتند که وی و خانواده اش شش ماه تمام با هویج پخته یا خام روزگار گذرانده اند.
از دیگر صفات بارز وی بی اعتنایی و عدم توجه اش به حکام زمانه بود . می گویند کریم خان زند و علیمردان خان زند همواره مایل به دیدار و نشست و برخاست با وی بودند ولی آقا محمد بیدآبادی با قناعت و زهدش هیچ توجهی به آنان نمی کرد.
یکی از تربیت یافتگان بید آبادی، حاج محمد ابراهیم کرباسی است که به حق یکی از ستارگان جهان تشیع است. حاجی کلباسی که ده سال بیشتر از عمرش نمی گذشت بنا بر وصیت پدرش به خانه آقا محمد بیدآبادی رفت و تحت تربیت و کفالت این عالم ربانی قرار گرفت.
اما اهمیت ویژه بیدآبادی در انتقال فلسفه غنی اصفهان عصر صفوی به روزگار بعد از خودش بود.زیرا با انقراض سلسله صفویه،فلسفه در حوزه اصفهان دستخوش نابودی فراموشی بود ولی آقا محمد بیدآبادی با تربیت شاگردان بزرگی چون ملاعلی نوری توانست علم حکمت را به نسل بعد منتقل کند.
بیدآبادی همچنین در علم کیمیا مهارت داشت و تبدیل فلزات پست به طلا

را عملاً در اصفهان انجام می داد و چندین رساله و کتاب در این خصوص از خود بجای گذاشته است. در رستم التواریخ آمده است که:«آن مرحوم نزدیک وفات خود به دیدن جناب قدسی آداب،میرزا محمد علی ولد میرزا مظفر خلیفه سلطانی آمد و خواست علم کیمیا را تعلیمش نماید،آن کروبی قریحه قبول ننمود و فرمود این بار بسیار گران است و مرا تاب و طاقت و توانایی برداشتن این بار گران نیست و اگر متحمل این بار گران بشوم تکلیف بر من شاق می شود و در این باب صلاح خود را نمی دانم پس مرحوم آقا محمد چون غیر آن پاک فطرت از برای این علم شریف سزاوار با اهلیتی نیافت، چه از اولاد خود چه از دیگران،پس ناچار این امانت خدایی را مانند درّ مکنون در گنجینه دل به خاک برد و آن را به هیچ کس نسپرد.»
بیدآبادی پس از عمری تلاش و مجاهده در طریق حق و تربیت شاگردان زیاد،عاقبت در سال 1198 در اصفهان دار فانی را وداع گفت.
او قبل از مرگش خوابی در جلالت و منزلت میر معصوم خاتون آبادی(متوفی 1151 ق) دیده بود و به همین اساس وصیت نموده بود او را بعد از مرگ در کنار قبر وی دفن نمایند.همچنین بیدآبادی وصیت کرده بود که بر بالای قبر وی گنبد و بارگاهی ساخته نشود.و بر طبق همین وصیت قبر وی تا حدود 120 سال بعد از وفاتش بدون گنبد و بارگاه بوده است.تا اینکه مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملک که نایب الحکومه اصفهان و از اولاد خلف بیک بود،عمارت چهار طاقی بر بالای قبر وی ایجاد نمود.بر مزار وی سنگی بسیار نفیس و ارزشمند قرار دارد که اشعار آقا محمد کاظم واله به خط بسیار زیبای نستعلیق بر روی آن حک شده است. یکی از کرامات مشاهده شده در تخت فولاد مربوط به ایشان است . مرحوم مهدوی نقل می کنند که هنگام دفن میرزا حسین نایینی در کنار قبر آقا محمد بیدآبادی ، به قبر ایشان راهی باز شد و جسد مطهر آقا محمد بیدآبادی سالم بود و هیچگونه تغییری نکرده بود در حالی که 127 سال از فوت ایشان می گذشت.

بیرجندی، غلامرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شهادت 1270 ق)، عالم و فقیه. در توابع بیرجند به دنیا آمد. در جوانی در خراسان به تحصیل پرداخت و سپس به اصفهان رفت و در آنجا تحصیلاتش را تکمیل کرد. پس از مدتی به بیرجند رفت و با استقبال عمومی مواجه گشت و عهده‌دار مقام مرجعیت منطقه و رهبری و تدریس و قضا و فتوا شد. در فتنه‌ی بابیگری او و علامه سید ابوطالب بیرجندی به مقابله برخاستند. در همان اوقات یکی از بابیان در شیری که او می‌خواست بیاشامد زهر ریخت و او را شهید کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (481 -480).

بیرجندی، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1276 ق)، عالم دینی، مجتهد و شاعر، متخلص به صافی، و صافی قاینی. در قریه‌ی گازار بیرجند متولد شد. تحصیلات خود را در قاین، مشهد و نجف به پایان برد و از حوزه‌های درسی استادانی چون میرزا علی رضا مدرس سبزواری، حاج میرزا هدایت الله مجتهد ابهری و حاج شیخ محمد تقی بجنوردی و سید مرتضی یزدی قاینی و حاج میرزا حبیب الله رشتی و فاضل ایروانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و سرانجام میرزای شیرازی بهره گرفت. وی پس از کسب اجازه‌ی اجتهاد و روایت به بیرجند مراجعت کرد. در بیرجند با آخوند ملا ابراهیم حنفی از افاضل اهل سنت در مسأله‌ی امامت مباحثه کرد و این جلسات سبب شهرت وی شد. او از مشایخ اجازه‌ی آیت الله مرعشی نجفی بود. محمد باقر بیرجندی در بیرجند وفات کرد. از آثار وی: «اکفاء المکائد و اصلاح المفاسد»؛ «زهر الریاض»؛ «فصل الخطاب»؛ «وثیقة الفقهاء»، در شرح «الارشاد»؛ «نور المعرفة»، در عقاید؛ «رساله رجبیه»؛ «ایضاح الطریق»؛ «فوائد الطوسیه»، در رجال؛ «وقایع الایام»؛ «کبریت الاحمر»؛ «عوائد الغرویه»؛ «فاکهة الذاکرین»؛ «ذخیرة المعاد»؛ «ازاحة الریبة»؛ «مفتاح الفردوس»، در مواعظ و اخلاق. [1]
حاج شیخ محمد باقر مجتهد بیرجندی اعلی‌الله مقامه الشریف، از معاریف علماء اعلام و فقهاء اسلام بود که صیت فقاهتش در اقطار و بلدان پیچیده و مقام درایتش در علوم اسلامی بهمه جا رسیده بود مصنفات و مؤلفات ایشان مطبوع خواص و عوام و محررات ایشان مورد توجه فضلاء عظام است. تبحرش در فقه برتبه‌ای بود که میفرمود از برای من میسر است بدون مراجعه به کتب مهمات فقه را از طهارت تادیات با اشاره بفتاوی معظم فقهاء در هر مسئله بنویسم.
در وقوف بر اقاویل ارباب ملل و نحل و کتب مذاهب عالمی بی‌بدیل بود پیوسته در مسائل دینی طائفه شیعه و فرقه حنفیه بایشان رجوع داشتند و در مرقومات دولتی هرات از آن جناب بمفتی‌الفریقین تعبیر میشد و نماز جمعه را در زمان غیبت واجب میدانست بوجهی که ترک نمینمود و غالبا بتدریس فقه و اصول و مطالعه کتب معقول و منقول و اقامه جمعه و جماعت و موعظه و جواب مسائل حلال و حرام عمر عزیز خود را گذرانید.
مؤلفات و مصنفات عدیده برشته تألیف و تصنیف آورد که از آنجمله است:

(نورالمعرفه) در معارف خمسه و در آن جمع کرده است مابین اخبار وارده از ائمه
1- کتاب معصومین و کلمات محققین از حکماء و متکلمین
2- کتاب صمصام مهدوی در رد رساله شمس‌الدین هروی در اثبات عقاید شیعه و رد عامه بهترین کتابیست که تألیف شده.
3- کتاب اکفاءالمکائد در رد عقاید باطله بعضی از مشایخ صوفیه.
4- کتاب زهرالریاض حواشی بر ریاض فقه است.
5- کتاب فصل‌الخطاب در اثبات نبوت خاصه از کتاب سماویه.
6- ذخیره‌المعاد جامع طرق و اجازات.
7- کتاب بغیه‌الطالب دراثبات وجود امام غایب علیه‌السلام.
8- رساله رجبیه شرح زیارت رجبیه مشاهد مقدسه.
9- کتاب وثیقه‌الفقهاء در فقه استدلالی بر طریقه مدارک، عبادات آن تمام است.
10- فوائد الکاظمیه در علم رجال.
11- کتاب ایضاح الطریق در محاکمه بین اصولیین و اخباریین از فقها.
12- فوائد الطوسیه در علوم رجال.
13- عوائد الغرویه در شرح فوائد الغرویه مرحوم آقا سید ابوطالب قاینی در علم درایه الحدیث.
14- کتاب ازاحه الریبه در وجوب صلوه الجمعه فی زمن الغیبه.
15- نصح الاستغاثه در حرمت افیون و شراب و حشیش که از آن بملاعین ثلاثه تعبیر فرموده.
16- کتاب کبریت‌الاحمر فی شرایط المنبر در سه مجلد که یکی از آنها بنام مکین الاساس در احوال حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام.
17- کتاب مفتاح الفردوس در اخبار فضائل و مصائب ائمه طاهرین بر نهج کبریت الاحمر.
18- وقایع الایام.
19- فاکهه الذاکرین در ادعیه و زیارات.
20- رساله‌ای در سیر و سلوک.
21- سفینه‌القماش حاوی لطائف بسیار نظیر کشکول شیخنا البهائی و غیر از اینها و از این کتب هفت مجلد بطبع رسیده بقیه مخطوط مانده است.
مرحوم آیه‌الله بیرجندی طبعی روان و ذوقی فراوان داشته و بصافی تخلص مینموده و حدود دو هزار بیت از اشعار ایشان جمع‌آوری شده ولی بطبع نرسیده است.
آن جناب در سال 1276 ق در بیرجند متولد و در 12 سالگی در تحت تربیت برادر بزرگش حاج ملا محمد علی برای تحصیل بقاین رفته و در مدرسه جعفریه مشغول تحصیل شده و در آنوقت چنان اتفاق افتاد که

مرحوم خانلرخان اعتصام‌الملک که از برای تعدیل مالیات قاینات و سیستان از طرف دولت مأمور بود بمدرسه‌ی قائن رفته و از فضلاء و طلاب مدرسه سئوالاتی کرده و جماعت فضلاء از جواب عاجز مشارالیه با صغر سن از عهده‌ی جواب برآمده و جوابهای شافی و کافی داد که مرحوم خانلرخان ایشان را اعزام بمشهد مقدس نموده و در اثر مساعدت آن مرحوم در مدرسه میرزا جعفر در مدرس مرحوم شیخ‌الرئیس شاهزاده ابوالحسن میرزای قاجار ساکن گردید و چند سالی در آنجا اقامت داشت تا از سطوح فقه و اصول فراغت یافت و در خلال این احوال بدرس حکمت و معقول مرحوم میرزا علی رضا مدرس سبزواری نیز حاضر و امور عامه و طبیعیات و الهیات نزد آن مرحوم تلمذ کرده و نیز از محضر مرحوم حاج میرزا هدایت‌الله مجتهد ابهری و مدرس معروف خراسان استفاده نموده و آن مرحوم مکرر میفرمود که من فقط درس را از برای ایشان میگویم زیرا که شیخ بهائی در عالم خواب توصیه او را بمن فرمود، پس از مشهد مهاجرت بنجف اشرف نموده و بدرس مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و ملا محمد ایروانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی حاضر شده و بعد منتقل بسر من رای گردیده و بدرس مرحوم آیه‌الله العظمی میرزای شیرازی شرکت نموده و علم حدیث را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری تکمیل کرده و در سال 1305 ق بعد از تشرف بمکه معظمه بایران مراجعت و در شهر بیرجند اقامت و تأهل اختیار کرده و در اوائل ورودش در مجلس امیر علم خان حکومت وقت با آخوند ملا ابراهیم حنفی که از افاضل نامی اهل سنت بوده در مسئله امامت و دیگر مسائل خلافیه مذهبی در جلسات عدیده مباحثه کرده و در تمام جلسات غلبه و پیروزی با ایشان بوده و این خود وسیله شهرت مقامات علمی ایشان گردیده و در آن شهرستان بوظائف دینی و روحانی قیام نموده تا در سال 1352 ق در شب جمعه 14 ذی‌الحجه الحرام در وقت سحر داعی حق را اجابت گفته و در تشییع جنازه ایشان تجلیلی بعمل آمد که نظیر آن کمتر دیده شده است.

مقارن فوت ایشان کرامات عدیده بظهور پیوست و منامات عدیده دیده شد که بالجمله کاشف از علو- مقام و درجات اوست. معظم‌له از آیات عظام نجف چون حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و حاج میرزا حسین نوری و آیه‌الله صدر اصفهانی و آیه‌الله سید حسن صدر کاظمینی و دیگر اعلام اجارات جامع اجتهاد و روایتی دارند.

نگارنده این سطور هم بیک واسطه از آن جناب اجازه دارم اعلی‌الله مقامه و رفع‌الله درجاته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (181/9)، بهارستان آیتی (318 -305)، الذریعه (127/25، 377/24، 97/16، 59/3)، ریحانه (304/1)،

زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (2/ 144، 145)، علماء معاصرین (168 -166)، فرهنگ سخنوران (541)، فوائد الرضویه (418)، گنجینه‌ی دانشمندان (3/ 263- 266)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 48- 49)، معجم المؤلفین (9/ 92- 93)، مکارم الآثار (2104/6).

بیضاوی، ابوعبدالله محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 424 ق)، فقیه، محدث، مدرس و قاضی. قاضی بیضاوی ساکن بغداد بود. و در آنجا تدریس فقه می‌کرد و مطابق مذهب شافعی فتوا می‌داد مدتی نیز عهده‌دار منصب قضاوت بود. قاضی بیضاوی از ابوبکر بن مالک قطیعی و حین بن محمد عسکری نقل روایت کرده است. خطیب بغدادی از شاگردان او است و از وی استماع حدیث کرده و مورد اعتماد بودن و راستگویی وی را ستوده است. بیضاوی به مرگ ناگهانی در بغداد از دنیا رفت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (476/5)، ریحانه (307 -306 /1)، الکنی و الالقاب (113/2).

بیغشی، محمد شریف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، عالم، فقیه و مدرس. ملقب به شریف العلماء. اصل او از بیغش، از توابع ملایر است. او از همنامش شریف‌العلمای مازندرانی متأخر است. ملا محمد شریف شاگرد ملا اسدالله بروجردی، ملقب به حجة الاسلام بود و در تهران سکنی گزید. در «المآثر و الآثار» آمده که گروهی از بزرگان علمای عهد قاجار به شاگردی وی مفتخرند، از جمله: شیخ عبدالرحیم بروجردی که در تهران بود و شیخ محمد رحیم بروجردی و سید محمد باقر عراقی و حاج آقا محسن عراقی و ملا شیخ علی بروجردی و آخوند ملاحسین آقا باقر و شیخ محمود عراقی که در تهران بوده و میرزا ضیاءالدین قلعه‌ای و ملا احمد خوانساری که ساکن ملایر بوده و ملا محمد علی محلاتی ساکن شیراز و ملامحمد تقی گلپایگانی و حاج سید علی بروجردی و دیگران.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (373 -372 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 619 -618 /13)، المآثر و الآثار (171).

بینوای مشهدی، داوود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1241 -1191 ق)، ریاضیدان، فقیه و شاعر، متخلص به بینوا. وی در مشهد زاده شد و دانش مقدماتی را نزد پدر و محمد تقی اصفهانی فراگرفت. او علم هیأت و نجوم می‌دانست و از ریاضیدانان نامی خراسان و صاحب کتابخانه‌ای بسیار بزرگ و ممتازی بود که در آن زمان در خراسان خیلی شهرت داشت. وی در مشهد درگذشت. از اوست:
چشم بیمار تو شد باعث بیماری دل
باز دارم من از آن چشم پرستاری دل
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سفینة المحمود (579 -577 /2)، شرح حال رجال (99 -98 /6)، فرهنگ سخنوران (161)، مجمع الفصحا (182/4)، مصطبه‌ی خراب (22 -21)، نگارستان دارا (62 -61).

بیهقی خسروجردی، ابوبکر احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(458 /454 -384 ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث، مفسر و متکلم اصولی. ملقب به فخرالزمان. در خسروجرد بیهق متولد شد، و در همان جا نشو و نما یافت. وی به بغداد و کوفه و مکه سفر کرد و در نیشابور رحل اقامت افکند، در همان جا درگذشت و در بیهق دفن شد. ابوبکر در علوم گوناگون دارای دستی توانا بود. امام الحرمین گوید که: شافعی بر گردن تمام شافعیان حق دارد جز بیهقی، و این بیهقی است که با کثرت تصنیفاتش در حمایت مذهب شافعی بر او منت دارد. ذهبی گوید که اگر بیهقی می‌خواست قادر به تأسیس مذهب جدید بود. بیهقی از شاگردان ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابوالفتح ناصر مروزی و ابن فورک و ابو علی رودباری و عبدالله بن یوسف بن نامویه است. شیخ الاسلام ابو علی انصاری و ابو عبدالله فزاری و ابوالقاسم سحامی و ابوالمعالی محمد فارسی از شاگردان وی بوده‌اند. به خاطر گستردگی دانش و معرفتش به اختلاف، در حدود یکهزار ساله تصنیف کرد. از جمله‌ی آثار او: «السنن کبیر»، ده مجلد و «السنن صغیر»، دو مجلد، در حدیث؛ «دلایل النبوة»، در سه مجلد؛ «الجامع المصنف فی شعب الایمان»؛ «المبسوط فی نصوص الشافعی»، در ده مجلد؛ «الاسماء و الصفات»؛ «المعارف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (113/1)، اعیان الشیعه (569 -568 /2)، تاریخ ادبیات در ایران (274/1)، دائرةالمعارف اسلامیة (430 -429 /4)، روضات الجنات (264 -260 /1)، ریحانه (308/1)، سرآمدان فرهنگ (93/1)، سیرالنبلاء (170 -163 /18)، الکامل (104/8)، کشف الظنون (1957، 2051، 1836، 1739، 1726، 1621، 1582، 1455، 1393، 1391، 1047، 1007، 760، 721، 574، 400، 261، 175، 53، 9)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن حسین)، معجم البلدان (424/2)، معجم المؤلفین (207 -206 /1)، الوافی بالوفیات (354/6)، وفیات الاعیان (76 -75 /1)، هدیة العارفین (78/1).

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 565 -490 ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن‌فندق و فرید خراسان. در سبزوار به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمة بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمة صوان الحکمة» آورده است. او از مشایخ ابن شهرآشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج‌البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمة صوان الحکمة»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمة» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است.[1]
ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. 565 ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج‌البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفةالکرة و ذات الحلق و الاصطرلاب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفایس فی اصناف العلوم، امثلة الاعمال النجومیة.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1]الاعلام (101/5)، ایضاح المکنون (714، 563، 552، 503، 486، 469، 450، 430، 398، 303، 234، 222، 184، 144، 115، 98، 83، 60، 2/ 599، 566، 548، 466، 462، 406، 373، 363، 326، 300، 250، 232، 192، 180، 154، 130، 125، 123، 107، 97، 92

83، 74، 66، 65، 53، 36، 3 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (996 -993 312، -311 /2)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (17 -16)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمة (مقدمه و 72 -71)، دائرةالمعارف الاسلامیة (431/4)، الذریعه (184 /21، 114 -113 /7، 149 /4)، ریاض العلماء (38/7)، ریحانه (335 -334 /4)، سبک‌شناسی (366 -364 /2)، سرآمدان فرهنگ (62 -61 /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 190 -189 /6)، کارنامه‌ی بزرگان (119 -118)، کشف الظنون (2050، 2011، 2007، 1895، 1686، 1514، 1438، 1361، 1200، 1101، 1100، 821، 747، 634، 609، 289)، لغت‌نامه (ذیل/ علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (258 -257 /4)، معجم الادباء (240 -219 /13)، معجم المؤلفین (97 -96/7)، هدیة العارفین (700 -699).

بیهقی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم و پنجم ق)، لغوی، نحوی، فقیه و قاری. معروف به شمس بیهقی. ملقب به شمس الائمه. او جامع علوم و فنون بود و در مرو مسکن داشت. از آثارش: «نقض الاصطلام»؛ «سمط الثریا»، در معانی غرائب حدیث؛ کتابی در «لغت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (675/2)، معجم الادباء (141 -140 /6)، معجم المؤلفین (264/2).

بیهقی، ابوالقاسم زید

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 517 ق)، فقیه و متکلم امامی. او پدر علی بن زید بیهقی، ابن‌فندق، صاحب «تاریخ بیهق»، شارح «النهج» است. ابوالقاسم بیهقی از مشایخ ابن شهرآشوب مازندرانی بوده است. از آثارش: «حلیة الاشراف»؛ «لباب الالباب»؛ «حدائق الحدائق»؛ «مفتاح باب الاصول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (127 -126 /7)، تاریخ بیهق (2)، الذریعه (280/18، 80/7، 283/6)، ریحانه (309/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 114 -113 /6)، فهرست منتجب‌الدین (81).

بیهقی، ابوالقاسم، ابومحمد اسماعیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(402 -328 ق)، فقیه حنفی. او در اصول و فروع حنفی مقتدای زمان خود بود. از آثار وی: «المجرد فی فروع الحنفیة» به نام «الشامل»، در فروع فقه حنفی، در دو جزء؛ «الکفایة الفقهاء»، مختصر شرح القدوری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (308/1)، کشف الظنون (1593، 1498، 1024)، هدیة العارفین (209/1).

بیهقی، ابوجعفر احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 544 -470 ق)، محدث، فقیه، مفسر و ادیب. معروف به بوجعفرک. وی اهل نیشابور بود. گروهی از نجبا همصحبت وی بودند و جماعتی نزد وی دانش فراگرفتند. او از ابونصر احمد بن محمد بن صاعد قاضی و ابوالحسن علی بن حسن بن عباس صندلی واعظ و دیگران سماع حدیث داشت. تاج‌الدین محمود بن ابی‌المعالی خواری، در مقدمه‌ی کتاب «ضالة الادیب» می‌آورد که احمد بن علی بیهقی در ادب و قرائت امام بود و کتاب «صحاح» جوهری، در لغت را، پس از قرائت بر ابوالفضل احمد بن محمد میدانی، حفظ کرد. از جمله‌ی تألیفات او: «المحیط»، در لغات قرآن؛ «ینابیع اللغة»؛ «تاج المصادر»، در لغت عرب؛ کتاب «المحیط بعلم القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (321 -320 /2)، دایرةالمعارف فارسی (497/1)، روضات الجنات (270/1)، سیر النبلاء (208/20)، کشف الظنون (2052 -1619، 269)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن علی)، معجم الادباء (51 -49 /4)، معجم المؤلفین (4/2)، الوافی بالوفیات (215 -214 /7)، هدیة العارفین (84/1).

پارسا، شمس‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 822 ق)، مفسر، فقیه، نویسنده و صوفی. وی اهل بخارا و از اصحاب درجه‌ی اول خواجه بهاءالدین نقشبند و از اولاد عبدالله بن جعفر طیار بود. او نسبتش به حافظالدین کبیر، محمد بخاری می‌رسد. از مشاهیر عرفای سلسله‌ی نقشبندیه است. چون مردی پارسا و دانشمند بود، بهاءالدین وی را پارسا لقب داد. پارسا، کتب بسیاری در تصوف دارد که به شیوه‌ی تفکر و تحلیل ابن‌عربی از مسائل عرفانی، نزدیک است. وی همچنین در نقل حدیث نیز دست داشت و کرامات بسیاری را به او نسبت داده‌اند. در هنگام بازگشت از سفر حج، در مدینه درگذشت و او را در جوار مزار حضرت عباس (ع) به خاک سپردند. وی پسری داشت به نام خواجه حافظالدین ابونصر پارسا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه به شمار می‌رود. از آثارش: «فصل الخطاب لوصل الاحباب»، در محاضرات؛ «الفصول الستة»؛ «اربعون حدیثا»؛ «تفسیر القرآن العظیم»، در یکصد مجلد؛ «رساله‌ی قدسیه»؛ «عقاید حکیم ابوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی»؛ «انیس الطالبین و عدة السالکین»؛ «تفسیر سوره‌ی فاتحة الکتاب»؛ «رساله‌ی کشفیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (273/7)، ایضاح المکنون (191/2)، تاریخ ادبیات در ایران (483 -482 /4)، تاریخ نظم و نثر (281 -280 ،221 -220)، تذکرة الشعراء (379)، حبیب السیر (5 -4 /4)، الذریعه (50 /17 ،233 -232 /16)، رشحات عین الحیات (مقدمه 111 -101 ،88 ،44)، ریحانه (310/1)، طرائق الحقائق (62/3)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 823)، معجم المؤلفین (300/11)، نفحات الانس (400 -397)، هدیة العارفین (183/2).

پایانی اردبیلی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عمده الفضلاء الفخام و العلماء الاعلام آقای حاج شیخ احمد پایانی در سال 1346 قمری در شهرستان اردبیل متولد شده و بعد از اتمام فارسی و طی مقدمات در مدرسه ملا ابراهیم اردبیل در سال 1366 به قم آمده و سطوح عالیه را نزد اساتید معظم قم خوانده و خارج مکاسب را از مرجع عالیقدر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و یک دوره درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد محقق یزدی معروف به داماد را فراگرفته و اکنون به تدریس فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.
وی از فضلاء متین و مدرسین خلیق و باتقوای حوزه علمیه است که علم خود را با حلم و ورع قرین ساخته است.
عالم علوم دینی.
تولد: 1296(5 رمضان 1346 ق.)، اردبیل.
درگذشت: 6 اسفند 1375، قم.
آیت‌الله احمد پایانی اردبیلی در حدود پنج سالگی به مکتبخانه رفت و خواندن قرآن مجید و فنون تجوید و قرائت و متون فارسی چون گلستان و نصاب‌الصبیان را فراگرفت و پس از آن در مدارس دولتی تحصیلات ابتدایی را آموخت. در سن چهارده سالگی به مدرسه علمیه‌ی ملا ابراهیم شتافت و به خواندن ادبیات عرب پرداخت و به لباس روحانیت ملبس شد. در اوایل سال 1366 ق. به مقصد ادامه‌ی تحصیل به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و به تحصیل سطوح فقه و اصول پرداخت و مکاسب را نزد آیت‌الله مجاهدی و رسائل را در محضر آیت‌الله سلطانی طباطبایی و کفایة الاصول را هم در درس آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی فراگرفت.
آیت‌الله پایانی اردبیلی همزمان با ادامه‌ی تحصیل، به تدریس کتابهای حاشیه ملا عبدالله و معاصم الاصول پرداخت. وی در سال 1370 ق. به درس فقه آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای حاضر شد و پس از آن در درسهای فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی و سپس در درسهای فقه و اصول آیت‌الله سید محقق داماد شرکت جست و مبانی عملی خویش را استوار ساخت. استاد حدود پنجاه سال به تدریس کتابهای مهم فقه و اصول پرداخت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی از بدو شروع مبارزات مرجعیت و روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) علیه رژیم ستم شاهی، به پیکار با نظام پهلوی پرداخت. پس از انقلاب اسلامی نیز از تأیید و پشتیبانی مواضع حضرت امام دریغ نکرد. از اشتغالات دیگر ایشان شرکت مستمر در جلسه دیرین تفسیر قرآن کریم بود که با حضور جمعی از بزرگان و دانشمندان تشکیل می‌شدند.
آیت‌الله پایانی به غیر از تدریس متوالی، در ایام تعطیلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم رخت سفر برمی‌بست و برای تبلیغ شعایر دین به نقاط دیگر هجرت می‌کرد و به راهنمائی مردم و اقامه جماعت می‌پرداخت و این تا سالیان پایان عمرش ادامه داشت. او دارای اجازه‌ی نقل حدیث و امور حسبیه از استادش آیت‌الله حجت بود.
تألیفات ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای (بحث بیع)؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ فهرست جامع الشتات میرزای قمی؛ شرح مکاسب به نام «ارشاد الطالی الی حقایق المکاسب» از اول مکاسب محرمه تا اواسط خیارات؛ حاشیه کفایة الاوصل؛ حاشیه‌ی مکاسب (که حاشیه بر مکاسب محرمه (در یک جلد) و حاشیه بر بیع در دو جلد به چاپ رسیده است)؛ «رسالة فی احکام الاراضی و اقسام‌ها» که در مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی شیخ انصاری به چاپ رسیده؛ «رسالة فی بیع الفضولی» که در مجموعه مقالات کنگره‌ی محقق اردبیلی به چاپ رسید. آنچه از تقریرات ایشان به چاپ رسیده است، عبارتند از: در کلاس درس مکاسب (شرح قسمتی از مکاسب محرمه در سه جلد، نوشته آقای رضا محمودی)؛ در محضر شیخ انصاری (نوشته جواد فخار طوسی؛ در این کتاب مکاسب محرمه در نه جلد، و نیمی از بیع در هشت جلد و اکثر خیارات در نه جلد شرح گشته و همه آنها نیز به چاپ رسیده است.)
آیت‌الله پایانی اردبیلی سرانجام در تاریخ یک شنبه ششم اسفند ماه 1375 در هفتاد سالگی جان سپرد. پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله شبیری زنجانی بر آن، در جوار مرقد استادش آیت‌الله سید محقق داماد- که در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پائین‌شهری، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدحسین پائین‌شهری- از مجتهدین بزرگ و با تقوای قم بوده و در بقعه جناب علی بن جعفر مدفون می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

پسندیده، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1274(17 شوال 1313 ق.)، خمین.
درگذشت: 25 آبان 1375، قم.
آیت‌الله سید مرتضی پسندیده به تحصیل علوم اسلامی پرداخت. ادبیات، منطق، کلام، فقه اصول و هیئت و نجوم را نزد عالمان اصفهان از جمله آیت‌الله رحیم ارباب، شیخ علی یزدی، آیت‌الله محمدعلی تویسرکانی آموخت و سالها در محضر آیت‌الله محمدصادق خاتون‌آبادی درس‌های سطح و خارج و فقه و اصول را گذراند. پس از طی دوره‌های سطح و خارج دروس حوزوی به خمین بازگشت و حوزه‌ی دروس فقه و اصول کلام و منطق و نحو را در آن دیار برپا کرد. حضرت امام خمینی (ره) برادر ایشان، نیز در این دروس از زمره‌ی حاضران به شمار می‌رفتند. مراودات آیت‌الله پسندیده با سران مخالف حکومت رضاشاه و ایستادگی ایشان در برابر خوانین و سرسپردگان حکومت باعث شد تا در زمان اشغال خاک ایران از سوی نیروهای متفق، به اتهام مخالفت و جلوگیری از تأمین نان و خوراک نیروهای اشغالگر، با حکم وزیر کشور رژیم رضا پهلوی به تبعید محکوم شود. وی همراه با عالمان اصفهان در زمان جنگ جهانی اول برای ایستادگی در برابر نیروهای انگلیسی آموزش‌های نظامی را فراگرفت و در اردوی نظامی روحانیون منطقه شرکت کرد. زمانی نیز به اتهام مخالفت با برنامه کشف حجاب محاکمه شد. او همچنین از محضر آیت‌الله سید حسن مدرس نیز فیض برده بود و در مبارزات ملی شدن نفت با آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و سران نهضت ملی دیدار و مشارکت داشتند. ایشان همواره در مبارزان سده‌ی اخیر شرکت داشت و پس از خیزش خونین پانزدهم خرداد سال 1342 که منجر به دستگیری امام خمینی (ره) گردید، همراه با مراجع دیگر به تهران آمد و در اعتراض گروهی علما شرکت کرد. وی بارها به دادگاه نظامی احضار شد و تحت محاکمه گرفت.
آیت‌الله مرتضی پسندیده در سال 1357 درگذشت. پیکرش روز جمعه بیست و پنجم آبان در قم تشییع شد و همان جا به خاک سپرده شد.
آیت‌الله آقای حاج سید مرتضی بن العلامه السید مصطفی بن السید احمد معروف به پسندیده برادر بزرگوار امام خمینی عالمی با متانت و دانشمندی با فطانت است در سال 1313 قمری در خمین متولد شده و

مقدمات را در آنجا خوانده آنگاه مهاجرت به اصفهان نموده و سطوح را از مرحوم مبرور آیت‌الله العظمی آقاسید علی نجف‌آبادی و دیگران فراگرفته و به درس خارج آیت‌الله العظمی آقامیرمحمدصادق خاتون‌آبادی و بعضی از مدرسین بزرگ دیگر اصفهان حاضر شده سپس مراجعت به وطن نموده و به وظائف مقرره دینی و روحی پرداخته تا سال 1358 قمری به قم مهاجرت نموده‌اند.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پشت مشهدی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدتقی بن سید عبدالحی بن سید ابراهیم بن سید ماجد بن سید ابراهیم حسینی پشت مشهدی کاشانی از بزرگان علماء عصر و معاصر علامه جلیل‌القدر ملا احمد (فاضل نراقی) بوده و در سال 1258 وفات نموده.
دارای آثاری مانند (تنقیح‌الاصول) و غیره بوده است.
نگارنده گوید: مرحوم آقا سید محمدتقی پشت مشهدی که قبرش در مقبره صحن جناب حبیب بن موسی (ع) در پشت مشهد کاشان مزار است از علماء ربانی و آیات سبحانی زمان خود و از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف بوده چنانچه مرحوم حجةالاسلام میرزا محمود میثمی در (دارالسلام) خود در ضمن حکایت شیخ قاسم واعظ گیلانی نقل نموده است.
بعضی از معاصرین درباره وی فرموده‌اند- سیدالفقهاء والمجتهدین و سند الاتقیاء والزاهدین الحاج سید محمدتقی بن میر عبدالحی ابن ابراهیم بن السید ماجدین السید ابراهیم کاشانی علیهم رحمة الباری جامع علوم ظاهری و باطنی و صاحب کرامات و خوارق عادات و محل وثوق عامه ناس از خواص و عوام بوده.
مزار کثیرالانوارش در پشت مشهد کاشان در جنب شمالی صحن سلطان حبیب بن موسی (ع) دارای بقعه و ضریح مطاف کافه مردم و زیارتگاه ارباب نیاز می‌باشد.
علامه محدث ملا حبیب‌اللّه شریف در (لباب‌الالقاب) فرموده: کان عالماً کاملا فاضلا فقیهاً اصولیا جامعاً بین العلم والظاهر والباطن مرتاضا عابداً زاهدا موثوقاً به عند الخواص والافاضل من تلامذة (صاحب الریاض).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

پوشنگی، ابوعبدالله محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(291 -204 ق)، فقیه مالکی، محدث، لغوی و ادیب. از پیشگامان حدیث، در نیشابور، بود. برای کسب علم و دانش سفرها کرد، و ره‌آوردش تصنیف‌ها بود. او در لغت و کلام عرب پیشتاز بود. از یحیی بن عبدالله بن بکیر و روح بن صلاح و احمد بن حنبل و امیه بن بسطام و بسیاری دیگر حدیث شنید. محمد بن اسماعیل بخاری با اینکه از او مسن‌تر بود در «صحیح» خود از وی نقل حدیث کرده است. محمد بن اسحاق صاغانی (چغانی) و ابوحامد بن شرقی و ابن‌خزیمه و یحیی بن محمد عنبری و علی بن حمشاد و خلق بسیاری از او حدیث روایت کرده‌اند. گفته‌اند که در محرم سال 291 ق و یا در آخر ذیحجه 290 ق درگذشت و ابن‌خزیمه بر او نماز گذاشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (184/6)، تهذیب التهذیب (10 -8 /9)، الجرح و التعدیل (ج 3، ق 187/2)، سیرالنبلاء (589 -581 /13)، الوافی بالوفیات (342/1).

پویا، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا مهدی پویای یزدی از علماء معاصر کراچی بودند.
وی در یزد و یا یکی از مضافات آن متولد شده و علوم عربیه و ادبیه را در مدرسه مصلای یزد خوانده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسین نائینی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی شریعت اصفهانی و دیگران استفاده نموده و از خواص اصحاب و شاگردان مرحوم میرزاء نائینی گردیده و در اواخر آن مرحوم مهاجرت به هندوستان نموده و مدتی در مدارس به خدمات دینی و روحی پرداخته و در تقسیم هندوستان و پاکستان از روی ضرورت به کراچی عزیمت و رحل اقامت افکنده و به ترویج دین مشغول تا در اوائل سال 1394 ق که در همانجا وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

پیش نماز، محمد باقر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پیشنماز مسجد شاه. از علمای ازکیا، عالم فاضل متقّی، کتب بسیاری از فقه و اصول و اخبار و غیر آن بر طلاّب وقف نموده که اکثر از حالت موقوفه خارج شده، لکن هنوز کم و بیش در دست طلاّب باقی است.
در سال 1123 وفات یافته، در بقعه تکیه آقا رضی مدفون شد.
مشارالیه جد سادات عاملی ساکن رنان و خوارسگان می باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

پیشوایی یزدی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1288 ق)، عالم و فقیه. وی در قریه‌ی عزآباد یزد متولد شد. دروس دینی را در یزد در حوزه‌ی درسی آیت‌الله میرزا سیدعلی مدرس و سیدیحیی و حاج ملا ابراهیم لاری و سید ابراهیم مهریزی فراگرفت. در سال 1317 ق به مشهد رفت و از حوزه‌ی درس سیدعلی حائری یزدی بهره جست. سپس به سبزوار رفت و از حوزه‌ی درسی حاج‌میرزا حسین بزرگ و میرزا اسماعیل تهرانی، از شاگردان حکیم سبزواری، استفاده کرد. در سال 1324 ق به عتبات رفت و از حوزه‌ی درسی علامه یزدی و علامه خراسانی بهره‌مند شد و سالها مقسم شهریه آیت‌الله یزدی بود. در سال 1341 ق به قم آمد و در تاسیس حوزه علمیه‌ی قم با آیت‌الله حائری همکاری کرد و به ترویج دین و تدریس مشغول شد. پیشوایی در اواخر دوره‌ی ریاست آیت‌الله بروجردی در قم درگذشت.[1]
آیت‌الله حاج سید علی‌اکبر یزدی از علماء اعلام و فقهاء عظام حوزه علمیه قم و فرزند حاج سید رضای عزآبادی یزدیست در سال 1288 قمری در قریه عزآباد که در شش فرسخی یزد است تولد یافته و برای تحصیل به یزد آمده و از محضر علماء بزرگ مانند آیت‌الله میرزا سید علی مدرس و سید یحیی و حاج ملاابراهیم لاری و سید ابراهیم مهریزی و دیگران استفاده نموده و در سال 1317 به مشهد رضوی مشرف و از محضر سید علی حایری یزدی استفاضه کرده آنگاه به سبزوار آمده و از حضرت حاج میرزا حسین بزرگ و میرزا اسماعیل طهرانی که از شاگردان حکیم سبزواری صاحب منظومه بوده‌اند استفاده کرده و در سال 1324 به عتبات مشرف و از محضر علامه یزدی و علامه خراسانی و بعضی دیگر بهره‌مند شده و سالها مقسم شهریه مرحوم آیت‌الله سید یزدی بوده و در سال 1341 به قم مهاجرت و در تاسیس حوزه با مرحوم آیت‌الله حایری همکاری داشته و ضمنا به ترویج دین و اقامه جماعت در مسجد امام و تدریس هم اشتغال داشته تا در اواخر که به واسطه مرگ ناگهانی فرزند برومندش سید مهدی غریق منکسر شده و در اواخر ریاست آیت‌الله بروجردی بدرود حیات گفته و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (227/2)، گنجینه‌ی دانشمندان (97/2).

پیشوائی یزدی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج حسن بن آیت‌الله حاج سید علی‌اکبر مذکور از علماء با ورع و تقوای حوزه است که تمام تحصیلاتش را در قم نزد والد خود و اساتید دیگر دیده و سالها به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و به امر آن جناب برای ترویج احکام و تبلیغ مردم نورآباد و خرم‌آباد لرستان به آنجا مسافرت و چندین سال در آن سامان این خدمت را به خوبی انجام داده و اکنون در قم مشغول عبادت و بندگی خداست.
نگارنده در سال 1367 ق همسفر مکه وی بودم و تا آنجناب را دیده و شناخته‌ام اهل تعبد و تهجد و توسل یافته‌ام بسیار متواضع و بی‌آلایش و با حزم و احتیاط و مقید به آداب و سنن است ادام‌الله توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پیشوائی، ابوطالب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله آقای حاج سید ابو طالب پیشوائی در سال 1332 ق در شهرستان رشت شروع بتحصیلات علوم دینیه نموده و دوره مقدمات و مقداری از سطوح را نزد اساتید وقت مرحوم آقا شیخ عبدالرحیم رشاد و مرحوم حاج شیخ اسماعیل شفتی صرفی باتمام رسانیدند و در سال 1337 هجری برای ادامه تحصیلات عازم عتبات عالیات شدند و در کاظمین محضر مرحوم آیه‌الله آقای حاج سید اسمعیل صدر قدس سره مشرف شده و در باب توقف در حوزه نجف اشرف و سامرا با ایشان مشورت نمودند فرمودند لازم است شما بعد از زیارت عتبات نجف اشرف را انتخاب نمائید، زیرا از زمین نجف علم میجوشد.
بعد از تشرف بنجف سطوح عالیه را نزد اساتید وقت مرحوم آقای آقا شیخ اسمعیل تنکابنی و آقا شیخ زین‌العابدین مازندرانی و آقا میرزا مجید گنجه‌ای و آقا شیخ علی اکبر خونساری و آقا شیخ نعمت‌الله دامغانی و آیه‌الله میرزا احمد آشتیانی و مرحوم آیه‌الله آقا میرزا ابوالحسن مشکینی قدس سره باتمام رسانیده سپس در درس خارج فقه و اصول مراجع و علماء وقت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شده و در سال 1350 ق به بندر پهلوی بازگشت نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت در مسجد جامع پهلوی و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین مبین اسلام و اقامه نماز جمعه و تربیت طلاب علوم دینیه در مدرسه قائمیه بندر پهلوی اشتغال دارند.
آثار معظم‌له در پهلوی و حومه آن از این قرار است: 1- مسجد قریه بشمن 2- مسجد قریه قلم گوده 3- مسجد میان پشته 4- مسجد سجاد 5- مسجد قریه سنگاچین 6- مسجد رضویه 7- مسجد آذربایجانیهای غازیان 8- مدرسه علمیه قائمیه که با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره و تحت نظر ایشان بنیان گردید که اکنون عده‌ای از طلاب در این مدرسه اشتغال بتحصیلات علوم دینیه دارند و در ضمن محلی است مناسب برای سکونت آقایان مبلغین که در ایام تبلیغ باین شهر وارد میشوند که از طرف ایشان پذیرائی کامل شده و باطراف اعزام میشوند و اکنون یکی از فرزندان معظم‌له بنام آقای آقا سید محمد جواد پیشوائی که جوان فاضل و نجیب و بسیار متدین و عفیف است در حوزه علمیه قم اشتغال بتحصیل

دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

پیکانی، محمد صادق

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا احمد، از افاضل شاگردان شیخ انصاری بوده، و پس از وصول به مقام اجتهاد به اصفهان مراجعت نموده، به تدریس و تألیف اشغال جسته، امید ترقیات زیادی درباره‌ی او می‌رفته، لکن در جوانی وفات یافته، در ایوانچه‌ی بیرون بقعه‌ی تکیه‌ی آقا حسین خوانساری مدفون شد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تألهی، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1280، همدان.
درگذشت: 1375، همدان.
آیت‌الله حاج شیخ هادی تألهی، فرزند آیت‌الله حاج شیخ مرتضی تألهی (ره) سالها در محضر پدرشان به فراگیری علوم دینی پرداخت. مدرسه‌ی زنگنه همدان پایگاه تحقیق و تدریس ایشان بود. ایشان همچنین از محضر علمائی چون آیت‌الله میرزا علی آقا خلخالی، آیت‌الله شیخ محمد بهاری، آیت‌الله حاج سید علی عرب و آیت‌الله حیدر کسب فیض نمود. حواشی بر قواعد انصاری، حواشی به متاجر شیخ و شرحی بر مجموعه حاج ملا هادی سبزواری از جمله تألیفات ایشان است.
آیت‌الله تألهی در سن نود و پنج سالگی به علت کهولت سن درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تبریزی نجفی، راضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ راضی نجفی تبریزی به حجه‌الاسلام و العلامه المحقق حاج شیخ محمدحسین بن العالم الجلیل الحاج شیخ محمدرضا بن وحید عصره (در احسان) الحاج علی تبریزی از علماء اعلام و دانشمندان عظام حوزه علمیه قم می‌باشند در سال 1315 قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از چند سال با والد ماجد به تبریز آمده و در شهر تبریز علوم مقدمات و ادبیات عالیه را از اساتید این فنون مانند مرحوم آقا شیخ حسن نحوی و حجه‌الاسلام والمسلمین آقای اهری و سطوح اصولیه و فقهیه را در خدمت والدشان تکمیل نموده آنگاه در سال 1347 هجری به قم آمده و از چهار استاد بزرگ استفاده کامل نموده و سطوح عالیه را از مرحوم میرزا محمد همدانی فراگرفته و از جلسات درس مرحوم آیت‌الله خونساری و هم آیت‌الله الموسس الحایری استفاده کرده و دروس عقلیه را از مرحوم میرزا محمدعلی شاه‌آبادی آموخته و در سال 1355 قمری پس از فوت مرحوم حایری به تبریز مراجعت و چند سالی اقامت نموده و به تدریس متون فقه و اصول اشتغال و بنابر دعوت مرحوم استادش آیت‌الله خونساری به قم مراجعت و در سال 1359 مشرف به نجف و حدود پنج سال به درس مرحوم آیت‌الله اصفهانی و اندکی آیت‌الله عراقی شرکت و هم تدریس اصول و خارج فقه اشتغال تا در سال 1365 ق برای زیارت ارض اقدس مراجعت به ایران و سرانجام قم را محل اقامت خود قرار داده و به تدریس تحلیلی فقه و اصول می‌پردازند.
والد ماجدش علامه محقق صاحب افکار بدیعه الحاج شیخ محمدحسین از جمله تلامذه بارزه مرحوم علامه یزدی صاحب عروه و مرحوم شریعت اصفهانی بوده است.
جد بزرگوارش مرحوم عالم متقی حاج شیخ محمدرضا بن تاجر با سخاوت و کثیرالاحسان حاج علی بن عبدالنبی بن خلیل تبریزیست.
آقای آیت‌الله حاج میرزا عبدالله مجتهدسرایی از بنی‌اعمام ایشانند و در عبدالنبی بوی متصل می‌شوند و مرحوم حاج علی نجفی الاصل و تبریزی المسکن دارای مضیف خانه‌ای بود برای نائی و وارد.
مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی که ترجمه‌اش در جلد اول گذشت دائی‌زاده والد آن جناب است و جد مادری ایشان مرحوم آیت‌الله حاج سید کاظم خلخالی سر سلسله جلیله طائفه خلخالیه که از تلامذه

میرزای رشتی بوده می‌باشد.
کنیه مترجم ما ابومحمدون است فرزندان محصل و فاضلی به اسامی زیر دارد:
1- محمد محمود 2- محمد مسعود 3- محمدرضا که مشغول تحصیل می‌باشند.
آثار معظم‌له به قرار زیر است:
1- المحاورات الاصولیه الضروریه (الجزء الاول) تحت طبع است 2- تحلیل العروة- الاجتهاد والتقلید 3- قضاء الفطره یا داوری وجدان در توحید 4- الفرقان فی تفسیر القرآن 5- الفوائد المنتخبه ناتمام 6- خلاصه الکلام فی فقه الکلام تا باب وضوء 7- قضاء الفطره فی التمسک امامه العتره 8- عقد اللقاح فی عقد النکاح 9- المسائل التداخلیه 10- شرح شرایع باب طهاره و نجاسات و تیمم ناتمام 11- دیوان مختصر غدیریه و مراثی و اندرز و توحید بهاریه 12- الوجیزه فی الاجازه 13- غراف البحر از وسائل الشیعه 14- طبرق الجنه 15- نتایج‌الافکار کشکول 16- طلوع الفجر در قیام حسینی- مخفی نماند که علامه رازی رحمه‌الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی اکثر این کتب را در الذریعه خود ذکر کرده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1364 -1290 ق)، فقیه اصولی شیعی. در زادگاهش رشد و نمو کرد و مقدمات علوم را در آنجا آموخت. سپس رهسپار عتبات عراق شد و مدت ده سال نزد استادانی چون شیخ محمدحسن مامقانی، فاضل شربیانی، شیخ الشریعه اصفهانی و آخوند خراسانی به تکمیل تحصیلات پرداخت. در سال 1324 ق به تبریز بازگشت و به ارشاد مردم و تالیف کتاب روی آورد.
از آثار وی: «الاجزاء»؛ «البیع»؛ «تذکره العباد لزاد المعاد»، به فارسی، در عبادت و ادعیه؛ «استصحاب»؛ «دلائل الخیرات»، در زکات؛ «روائع الاصول»؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الصلاه»؛ «کتاب المستبین»، در اصول دین، به فارسی؛ «مبانی الاصول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (45/19، 255/11، 250 -249 /8، 40/4)، معجم‌المولفین (149/3).

تبریزی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ جواد تبریزی از علمای محترم و مدرسین معظم درس خارج حوزه علمیه قم می‌باشند... تولد ایشان در حدود سال 1345 قمری در تبریز واقع شد و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات سطوح مهاجرت به قم نموده و از محاضر مدرسین بزرگ آیت‌اللّه العظمی حجت استفاده و در سال 1370 قمری مهاجرت به نجف و از دراسات و ابحاث آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی بهره‌های کافی و وافی برده تا به مدارج عالی علم و اجتهاد رسیده و خود تشکیل حوزه تدریس داده و عده‌ای از فضلاء مانند حجت الاسلام حاج سید عبدالعلی تقوی شیرازی معاصر تهران از محضر و دروسش استفاده نموده تا در سال 1392 هجری که بنا بر فشار دولت بعث عراق به ایرانیان مقیم عراق ناچار به مهاجرت به ایران شده و در شهرستان قم رحل اقامت افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و جماعتی از فضلاء از محضرش استفاده نموده و می‌نمایند. ادامه‌اللّه توفیقه.
نویسنده مکرر از ایشان خواستم ترجمه‌ای از خود در اختیار ما گذارد متاسفانه اجابت نفرمودند از باب وظیفه وجدانی سطور فوق را نگاشتم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تبریزی، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی دیگر از وافدین این شهرستان حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه فی العالمین آقای حاج میرزا صادق تبریزی است معظم له از اکابر علماء ایران و یکی از مراجع امامیه در زمان خود بوده ریاست تامه و مرجعیت تقلید در آذربایجان داشت و او را اعلم وافقه وادق نظراً می‌گفتند جمیل‌الخلق و حسن‌الخلق حلیم و کریم و حکیم وقور و شدیدالعزم والقلب و بصیر در امور و صبور در شداید و متصلب در دین و شرعیات و طیب المحاوره و محاضره و ادیب و منشی و شاعر مجید و خوش‌خط بود.
وی فرزند عالم فقیه و مجتهد و متکلم علامه حجةالاسلام میرزا محمد بن عالم مجتهد میرزا محمدعلی قراجه داغی شارح تبصره علامه حلی رضوان‌اللّه‌علیهم بود آباء کرامش تا پشت هفتم و اخوان بزرگوارش تمامی علماء و فقهاء و مجتهدین طراز اول آذربایجان بودند.
در سال 1274 ق در تبریز متولد و پس از طی مقدمات فقه و اصول در زمان قلیل به امثال و اقران فایق آمده و چون سن شریفش به نوزده سالگی رسید در مصاحبت برادر اکبرش حاج میرزا محسن آقا مجتهد در سال 1488 مسافرت به نجف اشرف و مدت اقامتش در آن مکان شریف 24 سال بود و در آنجا یکی از مشایخ عظام و اساتید کرام بوده که فضلاء طلاب به بحث او حاضر می‌شدند در سال 1311 عزیمت مراجعت به تبریز نموده و پس از ورودش به آن سامان و انتشار فضل و علم و تقوا و اخلاق فاضله‌اش محبوب و مطلوب عموم قرار گرفته و ریاست تامه یافته و هم به تدریس فقه و اصول پرداخته و هم در منبر افاده با بیانی شیوا افاضه فیض نموده تا در واقعه مرحوم آیت‌اللّه بافقی با علماء دیگر تبریز برای استخلاص آن مرحوم قیام و بعد از آزادی وی مسافرتی به کردستان و سنندج کرده و در آنجا مورد تجلیل و تبجیل علماء اهل سنت قرار گرفت و بعد از بیست روز توقف از راه همدان مهاجرت به قم نموده و توطن را اختیار فرمود و در شب جمعه ششم ذی‌القعده 1351 قمری به روح و ریحان و جنت رضوان خداوند رحمان شتافت.
در صبح جمعه در آن زمان سخت و خفقان‌آور که عموم تظاهرات مذهبی موقوف بود بالغ بر پانزده هزار نفر از مردم قم و تهران تشییع جنازه‌اش نموده و مرحوم آیت‌اللّه عالم ربانی حاج شیخ ابوالقاسم کبیر بر جنازه‌اش نماز خوانده و در رواق حضرت معصومه علیهاالسلام در قبری که آماده بود

از قدیم‌الایام مدفون گردید، ماده تاریخش به عربی این جمله است: (قد انجاه اللّٰه تعالی من ایدی الظلمه) و در فارسی این بیت است: (قوام ملت و دین بوده مقتداء انام)
قصاید و آثار ارزنده دارد که ما تبرکاً بعضی از ابیات آن مرحوم را که درباره مرثیه حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام سروده می‌نگاریم:

أیا غافلا والموت لیس بغافل
و سهم المنایا عنک لیس یحول
تروم بطاق العز تبرم عقده
و کل بطاق العز لابد محلول
و من شاهد الدنیا اراها مقیمة
مآتم منها فی السماء عویل
کقتل علی بن الحسین الذی له
لایات نعت الاطهرین شمول
بدی کوکبا من آیة النور ساطعاً
له فی ذرا بیت النبوة تعدیل
هوالکوکب الدری سیماء احمد
به لمعت فانسد فیه الاقاویل
شبیه رسول‌اللّٰه خلقا و منطقاً
له من علی فی الشجاعة تأویل
و شاهده یوم الطفوف الذی به
خیول المنایا فی البسیط یحول
فقام یحامی عن ابیه و اهله
علی موقف قد حار فیه عقول
یخوض المنایا والمنایا تطیعه
الی حیث مال العزم عنه تمیل
فیبدوا کلیث دامیات اظافره
و فی یده ماضی الغرار صقیل
سقی غلة السیف المهند و انثنی
علی ظلماء لم یرومنه غلیل
یرید لقاء من ابیه لعلمه
بان البقا من بعد ذاک قلیل
فجاء لتودیع الامام و نفسه
لاعظم سر فی اللقاء حمول
فقام الیه ابن النبی مبادرا
کان الذی یأتی الیه رسول
و من خلفه للفاطمیات مشیة

تلوی علی اقدامهن ذیول
مشین الیه صارخات فتارة
قیام و اخری للقعود تمیل
فعانقه والدمع ملاء جفونه
افی الدمع من عظم المصاب بدیل
الی ان یقول
فقال حسین والدموع بوادر
و من حوله للباکیات عویل
اذا لم تجد بدا الی ما ترومه
فصبرک یابن الاطیبین جمیل
فعاد الیهم حاسرا عن ذراعه
کحیدرة الکرار حین یصول
تا آخر قصیده‌اش.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

تبریزی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسین تبریزی از علماء اعلام و دانشمندان گرام مشهد مقدس و ائمه جماعت جامعه گوهرشادندوری در سال 1353 قمری در تبریز متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات سطوح متوسط و عالی را از محضر مدرسین و حجج اسلام تبریز مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و غیره استفاده نموده و هم مدتی از درس خارج معظم‌له بهره‌مند شده و برای تکمیل مبانی علمیه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندی از درس مرحوم علامه آخوند ملاکاظم خراسانی (صاحب کفایه) و مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و مقداری از مرحوم علامه یزدی صاحب عروه مستفیض گردیده تا به درجه عالیه اجتهاد رسیده آنگاه به تبریز مراجعت و مشغول به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و امر به معروف و نهی از منکر و غیره گردید و برای همین جهت مورد تعقیب مقامات دولتی آن روز قرار گرفته و مدت هشت ماه در اختفاء به سر برده تا سال 1350 قمری که مهاجرت قهری به آستان قدس رضوی علیه آلاف التحیه والثناء نموده و تاکنون که بالغ بر نود سال از عمر مبارکشان می‌گذرد در مسجد جامع گوهرشاد به اقامه نماز جمعه و جماعت اشتغال دارند و ضمنا تدریس فقه و اصول و غیره می‌نمایند.
مولف گوید: حجةالاسلام تبریزی عالمی عابد و متعصب در دین و دارای معنویت و صفاء می‌باشد آثار مطبوع و مخطوط عدیده‌ای دارند که قسمتی از آن را می‌نگارم.
1- اصول مهذبه در مسائل مهمه اصول فقه.
2- الدروس الدینیه ج 1 مطبوع.
3- الدروس الدینیه ج 2 مطبوع.
4- الدروس الدینیه ج 3 مطبوع.
5- الدروس الدینیه ج 4 مطبوع.
6- گوهرهای درخشان مطبوع.
7- دروس دینیه ج 7 مطبوع.
8- دروس دینیه ج 9 مطبوع.
9- انوار لامعه مطبوع.
10- الدررالثمینه مطبوع.
11- مقالات بنام تذاکرات دیانتی در معارف اسلامی.

12- مقالات در حقانیت تشیع و رد کسروی.
13- ترجمه اعتقادات مفید.
14- ترجمه وجوه اعجاز قرآن علامه بلاغی.
15- ندای راستی در جواب مردوخ در سه مجلد.
و از آثار خیر معظم‌له مدرسه علمیه دینیه است که در آن عده‌ای از طلاب و محصلین اقامت و به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

تبریزی، لطفعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1262 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نزد پدرش میرزا احمد مجتهد تبریزی اخذ مراتب علمی نمود و در کربلا با پدر خود در خدمت آقا سید علی کربلایی درس خواند، و از محضر صاحب «ریاض» بهره برد تا به مقامات شایسته‌ی علمی ارتقاء یافت. آن‌گاه به تبریز بازگشت و در حیات پدر، امام جمعه آن شهر شد. وی در وبای عمومی، سه سال پیش از وفات پدرش، با دو برادر دیگرش میرزا رضا و میرزا جعفر درگذشت. از آثار وی: «اوثق الوسائل»، در شرح «ریاض المسائل» استادش آقا سید علی طباطبائی، «تفسیر»ی بزرگ در دو جلد؛ کتابی در «زکوه»؛ کتاب «ملاذ الداعی»، در اخلاق و مواعظ به فارسی؛ شرح قصیده‌ی «بانت سعاد» کعب بن زهیر، در مدح پیامبر (ص)؛ شرح قصیده‌ی «برده» بوصیری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه 353 / 3 ،32 / 10)، الذریعه (312 -311 / 4 473، / 2)، شهدیان راه فضیلت (547)، علماء معاصرین (333)، مکارم الآثار (1689 -1688 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (129 -128 / 5).

تبریزی، محمد جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد جواد بن السید العلام السید محمد تقی بن السید الجلیل المیرزا ابی القاسم بن العالم الکبیر علی اصغر شیخ الاسلام الطباطبائی تبریزی از علماء بزرگ معاصر تبریزی بودند در نجف اشرف.
وی در سال 1315 قمری در تبریز متولد شده و در بیت شرف خود پرورش یافته و اولیات و مقدمات علوم را نزد افاضل تبریز خوانده آنگاه در سال 1337 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت الله نائینی و آیت الله میرزا علی آقای ایروانی و آیت الله آقا شیخ اسماعیل محلاتی و آیت الله میرزا احمد آشتیانی و آیت الله سید ابوتراب خونساری و غیر آنها استفاده کامل نموده و به مقام منیع اجتهاد رسیده و اشتغال به تدریس در فقه و اصول و حکمت یافته و یکی از مدرسین بزرگ و اعلام نجف و ائمه جماعت آن سامان گردیده است تا در سال 1387 هجری که مسافرت به ایران و تبریز و تهران نموده و در تهران بعروض سکته بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تجلیل شایان حمل به نجف و در جوار جد بزرگوارش به خاک رفته است.
از آثار علمی اوست کتب زیر:
1- اصول مباحث الالفاظ 2- المباحث العقلیه 3- تقریرات المکاسب 4- کتاب ماء و سراب در جواب شبهات وارده بر قرآن کریم 5- کتابی در مقالات روحیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تبریزی، محمدابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1149 -1140 ق)، فقیه و ادیب امامی. نسبش حسینی و مسکنش قزوین بود. مقدمات علوم را در خدمت پدرش فراگرفت، سپس به اصفهان رفت و از مجلس درس آقاجمال خوانساری. علامه محمدباقر مجلسی، شیخ جعفر قاضی اصفهانی و میرزا قوام‌الدین محمد سیفی قزوینی بهره‌مند گردید. پس از چندی به قزوین رفت. وی از علامه مجلسی و آقاجمال خوانساری اجازه‌ی حدیث داشت. وی گذشته از علوم دینی در شعر و ادب نیز استاد و به هر دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و اشعارش بیشتر مدایح و مراثی بود. محمد قطب ذهبی و شیخ عبدالنبی قزوینی، مولف «تتمیم امل‌الآمل» از شاگردان او بودند. وی پدر بزرگوار آقاسید حسین قزوینی و نیای خاندان حاج سید جوادی است. او سرانجام در شهر قزوین درگذشت. برخی منابع جای درگذشت وی را در تبریز و محدث قمی به تصریح قبر وی را در قزوین می‌داند. او را علامه‌ای جامع انواع فنون و عالمی زاهد و با ورع و ادیبی شاعر به هر زبان فارسی و عربی دانسته و نوشته‌اند که کتابخانه‌ای بیش از هزار و پانصد جلد کتاب داشته که اکثر آنها را مقابله کرده یا بر آنها حاشیه نوشته است. هفتاد مجلد کتاب به خط خود نوشته که بعضی از آنها از تالیفات خود ایشان است. از جمله آثار وی: «البداء»؛ «تحصیل الاطمینان»، در شرح «زبده البیان» که حاشیه‌ای بر «آیات الاحکام» مقدس اردبیلی است؛ «سلاح المومنین»، در دعا؛ «العلم الالهی»؛ «مجموعه الفوائد» متفرقه، مثل «کشکول»؛ «تحقیق الصغیره و الکبیره من الذنوب»؛ «مقامات»، همچون «مقامات حریری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (228 -227 /2)، تلامذه‌ی العلامه المجلسی (9 -8)، الذریعه (94/20، 317/15، 209/12، 396، 53 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 17 -15 /12)، فوائد الرضویه (13 -12)، معجم المولفین (114/1).

تبریزی، محمدزمان

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1127 ق)، عالم، فقیه و شاعر امامی. وی پس از اخذ مقدمات و فنون ادب، وارد مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله اصفهان شد و از مدرسان آنجا بهره‌مند شد. سپس مدارج علی اجتهاد را نزد علمای اصفهان پیمود. فقه و حدیث را از علامه محمدباقر مجلسی و شیخ جعفر بن عبدالله بن ابراهیم قاضی حویزی فراگرفت و علوم عقلی را در حوزه‌ی درس آقاحسین خوانساری تلمذ کرد. صاحب «روضات الجنات» می‌نویسد: بعید نیست نزد سید امیرقاسم قهپایی و مجلسی اول که از آنان دارای اجازه می‌باشد، تلمذ نموده باشد. مجلسی دوم در پایان «بحارالانوار» اجازه‌ی صاحب عنوان را به ملا مهرعلی جرفادقانی ذکر کرده که وی از قهپایی و مجلسی اول روایت می‌کند. از جمله آثار وی: «فرائد الفوائد» در احوال مدارس و مساجد، که صاحب «روضات الجنات» این کتاب را یکی از منابع خود دانسته؛ شرح «زبده‌الاصول»؛ «کتاب الجنه»، دارای فوائد متفرقه مانند «کشکول»؛ «کتاب المسعار فی الاسعار»، به فارسی و منظوم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (19/21، 142/16)، روضات الجنات (337 -335 /3).

تبریزی، موسی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1307 ق)، فقیه، مفسر و زاهد. از شاگردان شیخ انصاری و آیت‌الله کوه‌کمری بود. از آثار وی «اوثق الوسائل»، در شرح «رسائل» شیخ انصاری معروف به «حاشیه‌ی میرزا موسی» است که در 1295 ق از تألیف آن فارغ شده و این کتاب به عنوان بهترین شرح «رسائل» مورد استفاده‌ی خواص می‌باشد. از دیگر آثار وی: حاشیه‌ای بر «قوانین الاصول» که پسر خواهرش، میرزا لطفعلی بن میراز علی، آن را تدوین نمود و محتمل است که همان «غایه المأمول»، در کشف معضلات اصول فقه باشد؛ «تفسیر میرزا موسی»، به فارسی و عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (178 / 10)، الذریعه (16 / 16، 179 / 6، 473 / 2)، ریحانه (353 / 3،325 / 1)، شهیدان راه فضیلت (549)، مؤلفین کتب چاپی (333 -332 / 6).

تبریزی، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ هادی تبریزی از علماء ابرار شهر ری بوده است.
وی در سال 1291 قمری در آذربایجان متولد شده و مقدمات و سطوح را در تبریز خوانده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محاضر آیات بزرگ نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسن علامه مامقانی و آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و مرحوم آقای شریعت اصفهانی و اعلام دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده.
و در مصاحبت علامه بزرگوار مامقانی به ایران برای زیارت ارض اقدس رضوی علیه الصلوه والسلام در زمان (مظفر الدین شاه قاجار) به ایران آمده و مورد تجلیل دولت و ملت قرار گرفته میفرمود مرحوم مامقانی مشرف بزیارت حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام گردیده و نماز مغرب و عشاء را در صحن مطهر بجماعت خوانده جماعتی که نظیرش را ندیدم زیرا سجاده آن مرحوم را نزدیک کفشن کن مردانه گذارده و تمام صحن و مسجد و بازار مردم ایستاده و به آن مرحوم در جماعت اقتدا نمودند و من چون آن روحانیت و منظره را دیدم از خدا خواستم مجاورت زاویه مقدسه را نصیب من فرماید و بعد از تشرف بزیارت حضرت رضا علیه الصلوه و السلام مراجعت به نجف نموده و پس از فوت مرحوم علامه مامقانی و مرحوم آخوند خراسانی به تبریز آمده و چون در اسکو و میلان شیخی‌ها نفوذ کرده بودند برای هدایت و ارشاد مردم به آنجا رفته و مدتی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مبارزه با آن منحرفین نموده تا در سال 1361 قمری و غائله پیشوری و توده‌ئی‌ها که وی را مورد حمله اهانت قرار دادند مجبور به مهاجرت از آذربایجان و مجاورت زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام را اختیار و در صحن مطهر به اقامه نماز جماعت و خدمات دینی پرداخته و حتی برای این که از وجوه شرعیه اعاشه نکند با یکی از اخیار شریک و مغازه‌ای گرفته تا در ماه مبارک رمضان سال 1371 قمری در سن هشتاد سالگی وفات و در صحن مطهر در محل نمازش مدفون و تاکنون قبرش مزار خواص و مؤمنین می‌باشد.
نگارنده گوید: مرحوم حاج شیخ هادی جدا عالمی ربانی و آیتی سبحانی و عبادی زاهد و مجتهدی متعبد و دانشمندی متواضع و خلیق و در شهر ری محبوبیت تامه داشت.

داماد ارجمندش جناب ثقةالاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا ابوطالب حایری خوئی از افاضل اهل منبر ری می‌باشد که در این ناحیه به خدمات دینی و ترویجی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تجلی حسینی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
که خود از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه مدرّس اسفه‌ای در مدرسه جدّه کوچک، کاسه‌گران و نیماورد اصفهان بوده و به علت داشتن تحصیلات عالیه حوزوی و درجه اجتهاد و نیز گواهی مرحوم آیت‌اللّه مدرس، سردفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق در قریه محمودآباد برخوار بوده است. وی با صدور حکم و مجوز از وزارت عدلیه، داور وزیر دادگستری وقت در زمان سلطنت رضاخان پهلوی به اجرای امور شرعی مردم مشغول گردید و پس از وفات در قبرستان امامزاده ابراهیم دستگرد مدفون گشت. او از اولاد سیّد حسین ابن سیّد محمّد ابن اقل الطلبه میرسیّد محمد اسماعیل الحسینی صاحب دست‌نوشته‌های جامع‌المواعظ در سنه 1286 ه.ق (مدفون به امامزاده واقع در سین برخوار) ابن میر علاءالدین محمّد ابن میر بدرالدین محمّد از احفاد میر غیاث‌الدین محمود الحسینی ابن شاه طاهر ابن شاه محمّد ابن شاه جعفر ابن میر ابوالقاسم ابن میر مهدی ابن سیّد زین‌الدین ابن شاه نعیم ابن شاه نعمت‌اللّه عمدة القضاة و المتشرعین و خادم شرعِ سیّد المرسلین مدفون به قریه جز برخوار بوده است.
همسرش مرحوم مغفوره بیگم آغا تجلی‌الحسینی از سادات گز برخوار و دختر مرحوم آقا سیّد کاظم ابن آقا میر هدایت‌اللّه ابن آقا میر محمّدباقر ابن آقا میر عبدالکریم ابن آقا میر علی‌اکبر ابن آقا میر محمّد ابن آقا سیّد ابوالحسن الحسینی از سادات امامی‌الحسینی گز است که نسبش با 27 واسطه به امام همام جعفر ابن محمّدالصادق (ع) می‌رسد. از اولاد سیّد محمّدعلی دو فرزند به نامهای حاج سیّد محمّدحسین تجلی‌حسینی محمودآبادی که در قید حیات و از کارمندان بازنشسته آموزش و پرورش و خانم زهرا بیگم تجلی‌حسینی متعلقه مرحوم حاج منصور سجادی جزی فرزند سیّد حسین می‌باشند. در حال حاضر از آقای سیّد محمّد حسین تجلی‌حسینی سه فرزند به نامهای سیّد محمّدعلی مهندس آرشیتکت و سیّد محمّدحسین و سیّد محمّدجعفر تجلی‌حسینی محمودآبادی و از خانم زهرا بیگم چهار فرزند دختر باقی مانده که در قید حیات هستند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

تجلیل، ابوطالب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا ابوطالب فرزند مرحوم حاج میرزا علی‌اکبر تجلیل (که از عباد و صلحاء زمان خود و به قوت ایمان و کمالات نفسانیه ممتاز و در شعبان 1391 ق به رحمت ایزدی پیوسته است) از افاضل دانشمندان و مبرزین تلامذه آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی است که پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی جز معظم‌له به درس دیگری حاضر نشده می‌باشد دارای مقام علم و تقوا و متانت و فضائل نفسانی است.
در سال 1345 ق در تبریز متولد شده و با تشویق والد بزرگوارش در سلک روحانیت وارد و پس از خواندن مقدمات ادبیه و منطق و کلام و مقداری از سطوح در تبریز در سال 1364 ق به قم مهاجرت نموده و پس از فراغت از سطوح نهائی در سال 1365 ق به درس علامه بزرگوار آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حجت تا زمان فوتشان حاضر گردیده و نیز در فلسفه از مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن الهی و میرزا مهدی آشتیانی و زعیم مجاهد آیت‌الله العظمی امام خمینی و علامه و فیلسوف بزرگوار طباطبائی استفاده نموده است.
آقای تجلیل در خلال تحصیل نیز به تدریس مکاسب و کفایه از سال 1366 تا سال 1390 مشغول و از سال 1391 به تدریس خارج عروه و کفایه اشتغال دارد.
از موفقیت آن جناب شرکت (در لجنه ضبط مدارک شیعه) است که حضرت علامه ذوفنون مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله برای معاونت ایشان در جمع فضائل امیرالمومنین و ائمه طاهرین علیهم‌السلام و سائر مدارک شیعه از کتب عامه تشکیل داده و با اطلاع وسیعی که مخصوص معظم‌له است انجام می‌گیرد و انصافا این اقدام ایشان مایه فخر قرن حاضر و آن مقدار مدارکی که تاکنون جمع و مجلدات آن به طور فشرده و اسقاط مکررات اسانید و متون به عنوان ملحقات احقاق‌الحق منتشر می‌شود بی‌نظیر است.
اما آثار آقای تجلیل از مطبوع و مخطوط به قرار زیر است:
1- کتاب البیع مشتمل بر دو قسمت (1) تقریرات مرحوم آیت‌الله الکبری حجت ره 2- و نظریات خودشان که به طبع رسیده است.
2- رساله حجیه الشهره (مطبوع) که در آن حجیه شهره قدما را در فقه با شرایط خاصی اثبات شده و 18 حجت فقهی در آن مورد بحث قرار گرفته

است.
3- معجم الثقات و ترتیب الطبقات (مطبوع) که در آن 1588 نفر موثق بالخصوص و 1009 موثق بالعموم از اسانید استخراج و 1008 ممدوح از کتب شیعه جمع‌آوری شده است.
4- مدارک الحج (مخلوط) مشتمل بر احادیث هر یک از احکام حج و تقسیم آن بر حسب دلالت که با مرحوم آیت‌الله بروجردی تالیف شده است.
5- صلوه المسافر (مخطوط) تقریرات مرحوم آیت‌الله حجت که آن مرحوم بر آن تفریظ نوشته‌اند که طبع شود.
6- تقریرات مرحوم آیت‌الله بروجردی در صلوه 7- تقریرات آن مرحوم در وصیت 8- دراسات الاصول تقریرات مرحوم آیت‌الله بروجردی مخطوط 9- تحریرالاصول تقریرات مرحوم آیت‌الله حجت مخطوط.
10- رساله فی الاستصحاب (مخطوط) 11- فوائد نفیسه فی الاصول (مخطوط) 12- آنچه حجاج باید بدانند (مطبوع) 13- حواشی علی مختصر المحقق (مخطوط) 14- حواشی علی العروه (مخطوط) 15- رساله فی الاجتهاد و التقلید 16- حواشی علی کتب الرجال 17- رساله فی میزان الاستدلال علی الاعتبارات 18- فلسفه حقوق اسلامی و تطبیق آن با حقوق ملل دیگر که بسیار مبسوط است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تجویدی، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ضیاءالدین بن العلامه حاج سید علینقی بن حاج سید اسماعیل بن میر محمدعلی تجویدی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و مدرسین کبار معاصر اصفهان است. در سال 1320 قمری در اصفهان در بیت علم و تقوا به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن ادبیات و مقدمات و متون فقه و اصول از محضر و تدریس مرحوم آیت‌اللّه حاج سید مهدی درچه‌ای و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی مدرس نجف‌آبادی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا خراسانی استفاده نموده و هیئت از مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا هدی کرباسی حفید علامه کبیر آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدابراهیم کرباسی معاصر و شریک درس و بحث آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمدباقر شفتی) فراگرفته و ضمنا خود به تدریس متون فقه پرداخته است.
معظم له اکنون ظهرها در مسجد مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا رحیم ارباب و شبها در مسجد شیخ‌الاسلام به امامت و خدمات دینی اشتغال و در مدرسه صدر (مرکز حوزه علمیه اصفهان) به تدریس صلوة حاج آقا رضا همدانی و شرح ریاض مشغول و با علماء بزرگ و مدرسین سترک اصفهان مباحثه کمپانی دارند و در میان دانشمندان اصفهان و مردم با ایمان آن سامان به فضل و پارسائی و تقوی موصوف و مورد توجه عموم می‌باشند.
از باقیات‌الصالحات ایشان است فرزند برومندش جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج آقا فضل‌اللّه تجویدی مقیم تهران. وی در سال 1345 قمری در اصفهان به دنیا آمده در بیت فضل و ورع پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و سطوح متوسطه از محضر و تدریس مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا رحیم ارباب و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسن نجف‌آبادی استفاده نموده و حکمت را از مرحوم حاج شیخ محمود مفید فراگرفته و بعد مهاجرت به تهران و از درس و محضر حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج احمد خونساری و شوارق را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای آموخته و در حال حاضر در مسجد جامع محمدی خیابان دولت شمیران تهران به امامت و ترویج دین و تبلیغ احکام و سایر خدمات و وظائف دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تربتی، اسحاق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1237 -1157 ق)، فقیه و متکلم امامی. وی در تربت حیدریه به دنیا آمد و در آن شهر و مشهد رضوی تحصیل کرد تا در فقه و اصول و معقول و منقول استادی یافت. پس از آن به تدریس و ارشاد شاگردان پرداخت. تا سالها در آن شهر ساکن بود، در اواخر عمر به سفر حج رفت، اندکی پس از بازگشت از سفر حج از دنیا رفت. از جمله آثارش: حاشیه بر «الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه» شهید ثانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (91/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 122 -121 /13)، فوائد الرضویه (42)، مکارم الآثار (1042/4)، منتخب التواریخ (625 -624).

تربتی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1300 ق)، فقیه امامی. وی از اهالی تربت حیدریه بود اما در سبزوار ساکن بود. در میان مردم شهر زعامت و مرجعیت تام داشت. فرزندش، محمدتقی نیز از بزرگان علمای شیعه و از شاگردان میرزای شیرازی بود. از جمله آثار وی: «الاجتهاد و التقلید»، به عربی؛ «الرد علی من ادعی قطعیه صدور الاحادیث المرویه فی الکتب الاربعه»؛ شرح «الروضه البهیه» شهید ثانی، که خودشرحی بر « اللمعه الدمشقیه» شهید اول است؛ شرح «دعاء الندبه» که در آن به رد فرقه‌های بابی و بهایی پرداخته؛ «المحاکمات بین المحققین الاصولیین» که در آن به داوری میان میرزای قمی، شیخ محمدحسین اصفهانی، صاحب «فصول» و برادرش شیخ محمدتقی اصفهانی پرداخته است؛ «النکاح»؛ «الرضاع»؛ «الواقف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (93/6 -271/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14/ 239، 498).

تربتی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ عباسعلی تربتی عالمی ناسک و دانشمندی زاهد و موصوف بتقوا و ورع و ضرب‌المثل مردم خراسان و برای او کرامات و مقاماتی حکایت کنند.
وی عمری را بپاکی و قدس واقعی گذرانیده و تبلیغ قولی و عملی و ایفاء وظیفه کرده و باجل موعود بموالیان طاهرین خود ملحق و در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام در صحن جدید (نادری) مدفون گردیده است.
واعظ نامی و استاد گرامی آقای حاج شیخ حسینعلی راشد فرزند ارجند اوست که شهرتش او را مستغنی از تعریف و ذکر ما نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تربتی، محمد صالح

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1246 ق)، مدرس و فقیه امامی. وی در مشهد رضوی و عتبات تحصیل کرد. پس از پایان تحصیلات در عراق، به مشهد بازگشت و تا پایان زندگی در آن شهر به سر برد. وی در مشهد به تدریس و امامت جماعت می‌پرداخت و در ترویج مذهب شیعه می‌کوشید و مردم آن سامان وی را به ریاست و مرجعیت می‌شناختند. پیکرش را پس از مرگ در گورستان قتلگاه به خاک سپردند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (370/9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 650/13).

ترشیزی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ اسماعیل ترشیزی (کاشمری) از بزرگان علماء و رؤساء روحانیون عصر از شاگردان آیت‌اللّه العظمی میرزاء مجدد شیرازی در سامرا و از رفقاء و اصدقاء مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (مقیم مشهد) بوده و در مشهد مقدس اقامه جماعت در جامعه گوهرشاد داشته و نیز حوزه تدریس تا در حدود 1320 ق وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترشیزی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی‌اکبر ترشیزی (کاشمری) در اوائل 1300 قمری مشرف به سامرا شده و از محضر آیت‌اللّه مجدد شیرازی استفاده نموده تا در آنجا وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ترشیزی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدباقر ترشیزی (کاشمری) از اجلاء علماء تهران و از شاگردان علامه حجةالاسلام حاج سید محمدباقر شفتی اصفهانی و مرجعی بزرگوار در تهران بوده و در حدود 1275 قمری وفات و دو فرزند بنام شیخ محمد معروف به سرخهی و شیخ حسین والد عالم جلیل معاصر آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخهی از خود باقی گذارد که آنان را مرحوم ملا عباسعلی سرخهی از تلامذه شیخ انصاری تربیت نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترکابادی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1269 ق)، فقیه امامی. وی ابتدا در کاشان در خدمت ملااحمد نراقی و حاج سید محمدتقی پشت مشهدی و میرزا ابوالحسن مجتهد و حاج ملا ابوالقاسم ترکابادی درس خواند. سپس رهسپار عراق گردید و در نجف در مجلس درس شریف‌العلمای مازندرانی آقا سید محمد کربلایی حضور یافت. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد از سید محمد کربلایی به زادگاهش بازگشت و در کاشان به امامت نماز و ارشاد مردم پرداخت. از جمله آثار وی: «زبده الاصلاح» که مختصر «صلاح العمل» سید محمد کربلایی است؛ شرح «زبده الاصلاح»؛ «الرساله الجعفریه»، در دیات؛ «معتمد الانام»، فقه مبسوط؛ «هلال الاحکام»؛ «محبوب القلوب»، در احوال انبیاء و حکما؛ «مجمع الفواید» که در آن «جامع الشتات» میرزای قمی را گرد آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (212/ 21)، مکارم الاثار (1940 -1939/ 6).

ترکستانی قمی، فخرالدین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1065 ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از اهالی ترکستان ماوراءالنهر و سنی مذهب بود. سپس به مشهد مقدس هجرت نمود و پس از اخذ مقدمات و فنون ادب نزد علمای مشهد در اوایل جوانی به تشیع گروید. سپس در قم ساکن شد و مدارج عالی علمی را تا اجتهاد گذرانید و از ائمه فتوی در قم شد. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «توحید المفضل»، به فارسی؛ شرح «حدیث البساط» یا شرح «حدیث الغمامه»، شامل معجزات امیرالمومنین علی (ع)؛ شرح «حدیث الاحتجاج و منهاج الکرامه»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (192 -191 /13، 91/4)، ریاض العلماء (332 -331 /4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 433/11).

تقوی شیرازی، محمدشریف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدشریف بن العالم الجلیل سید محمدحسن بن الفقیه النبیه سید حسین بن السید الجلیل سید علی ابن الشریف الجمیل سید محسن بن سید شاه حسین بن سید زبیر تقوی برقعی رضوی مجتهد ونکی شیرازی نسبش با بیست و چهار واسطه بوسیله جناب موسی مبرقع به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) منتهی می‌شود.
وی در سال 1270 ق در ونک متولد شد و در 5 سالگی به مکتب رفت و در 9 سالگی در محضر پدرش به تحصیل مقدمات عربی مشغول شد و در دوازده سالگی برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و با مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی (صاحب عروة) که به اصفهان آمده بود دوستی پیدا کرد و متحدا در محضر درس اساتید اصفهان به تحصیل فقه و اصول و سایر علوم متداوله عصر مشغول شده تا آنکه سطوح را تمام کرده و سپس به درس خارج حاج شیخ محمدباقر اصفهانی حاضر و در 17 سالگی مهاجرت به نجف نموده و از محضر درس مرحومین علمین حاج شیخ لطف‌اللّه و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی و فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت دوازده سال تکمیل علوم نقلی و عقلی نموده و خود به اصرار طلاب و محصلین حوزه نجف به تدریس پرداخته و جمع کثیری از فضلاء از محضرش استفاده نموده تا اینکه به مرض قلبی مبتلا و ناچار مراجعت به ایران و شیراز نموده و مورد توجه و احترام و تجلیل شایان علماء و اهالی شیراز قرار گرفته و پس از ورود و پذیرائی علماء او را به مسجد برده و عموم مردم از وی درخواست مجلس بحث و فحص و تدریس نموده و حوزه علمی تشکیل داده و قریب چهل سال به رتق و فتق امور شرعی و امر به معروف و نهی از منکر اشتغال داشت و نیز کتب عدیده‌ای تألیف و تصنیف نمود که اسامی آنها را یادآور خواهیم شد.
مرحوم آیت‌اللّه تقوی مزبور از مخالفین سرسخت مشروطه بود و از اینجهت در شیراز تحت فشار مشروطه‌خواهان قرار گرفت و به اصفهان و تهران رفت و پس از شهادت مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ فضل‌اللّه شهید نوری مسافرت به عراق نموده و با مرحوم علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم مباحثه و گفتگو نموده و بعد از چندی به شیراز برگشت و بار دیگر مجلس درس تشکیل و در سال 1342 ق به قصد زیارت مشهد

مقدس حرکت و در اصفهان مریض و پس از معالجه چندی در مدرسه صدر مجلس درس و بحث قرار داده و پس از دو سال اقامت برای زیارت ارض اقدس به تهران آمده و در آنجا مرضش شدت تا در بیست و هشتم ماه رمضان 1352 ق وفات و جنازه‌اش را با تشییع عظیمی حمل به قم و به امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری تعطیل عمومی و تجلیل فراوان از جنازه‌اش نموده و آن مرحوم بر وی نماز خوانده و حسب‌الوصیه‌اش در رواق جدش حضرت موسی مبرقع دفنش نمودند.
آثار علمی آن مرحوم از اینقرار است 1- تبصرة الناظرین (در دواعی مسیحی) 2- کشف‌المرام فی قانون الاسلام (راجع به مشروطه و معایب آن) 3- کشف‌البیان فی تربیة الانسان 4- تذکرة المسلمین فی تهیج العامه (در امر به معروف و نهی از منکر) 5- رساله نفلیه (در نوافل) 6- رساله در رد طائفه وهابیه 7- مرآة‌الاصول (در اصول دین اسلام) 8- رساله عملیه محشی به حاشیه خود آن مرحوم 9- یک دوره فقه فارسی از عبادات تادیات (که در شیراز و اصفهان و تهران چاپ شده) 10- قانون الهی که در شیراز به طبع رسیده است.
آن مرحوم فرزندان عدیده‌ای داشتند که تمامی از ارباب دانش و ادب و زبان و قلم بوده‌اند.
1- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عنایت‌اللّه تقوی.
2- آقا سید عبدالحمید تقوی مدیر روزنامه آرین از نویسندگان معاصر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

تقوی شیرازی، هدایت‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج سید هدایت‌اللَّه تقوی شیرازی بن آیةاللَّه سید محمد شریف مجتهد ونکی بن العالم الجلیل سید محمد حسن بن السید الزکی السید حسین بن العالم العلام السید علی از مشاهیر علماء معاصر تهران و دارای وجاهت تامه و مرجعیت عامه و در امر بمعروف و نهی از منکر جدی (ولا یخافه فی اللَّه لومه لائم) بوده و با مرحوم مبرور آیت‌اللَّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس اللَّه سره رفاقت تام و صداقت مخصوص و در اهداف مقدس دینی و اجتماعی وی هم آهنگی داشتند.
در حدود هزار و سیصد و بیست (1320 ق) در شیراز متولد شده و مقدمات را در محضر پدر بزرگوارش آموخته و از علماء عصر شیراز نیز استفاده کرده و آنگاه به قم مشرف شده و چندی در درس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی (موسس) حوزه شرکت نموده و مورد توجه و عنایت استاد واقع شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و در خدمت مرحومین آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و سایرین علوم دینی خود را تکمیل نموده و بدریافت اجازه اجتهاد و روایتی از اساتید مذکور نائل شده آنگاه بشیراز مراجعت و پس از فوت مرحوم والدش سال (1352 ق) بر حسب دعوت بعضی از علماء مرکز به تهران آمده و رحل اقامت افکنده و تا آخر عمر سال 1390 ق به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و چندین نفر از صاحبان ادیان مختلفه کلیمی و مسیحی و بهائی در اثر بیانات سودمند ایشان مشرف به اسلام گردیده‌اند. مسجدش در خیابان ادیب‌الممالک (خیابان ری) معروف بمسجد سنگی، از مساجد معروفه تهران و از مراکز حساس تبلیغی دینی می‌باشد.
وی در سال 1390 ق در تهران در سن هفتاد سالگی رحلت نموده و با تجلیل فراوان حمل به نجف و در دارالسیاده (مقبره علماء) مدفون گردیده است.
دارای سه فرزند برومند بنام حجةالاسلام آقای آقا سید عبدالعلی و آقا سید غلامرضا و آقا سید عبدالحسین می‌باشند و در میان آنان جناب آقا سید عبدالعلی تقوی شیرازی سالها در قم اقامت و اشتغال بتحصیل داشته و از محضر آیات عظام و مدرسین گرام استفاده نموده و پس از فوت والدش به تهران برگشته و اکنون در مسجد والدش بجای آن مرحوم به اقامه

جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تمیمی نیشابوری، علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 533 ق)، محدث و فقیه شیعی. فقه و حدیث را از پدرش و پدرش از ابوعلی بن شیخ و ابوالوفاء عبدالجبار و دیگران آموخت. او به مقام عالی اجتهاد نایل آمد و در سلسله‌ی مشایخ حدیث شیعه حلقه‌ی واسطی شد. وی از سلسله‌های علمی مشهور بنی‌تمیمی در نیشابور است. خاندان و اجداد و پدرانش همگی از شیوخ علمای حدیث و فقهای عصر خویش بوده‌اند. از جمله آثار وی: «ذخیره الاخره» در ادعیه و اعمال، در چهار فصل، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریاض العلماء (236/4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 204/6)، معجم رجال الحدیث (156/12).

تنکابنی قزوینی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1324 /1323 ق)، نحوی، اصولی، فقیه و عالم شیعی. از نوادگان میرمحمد صالح تنکابنی بود که در قزوین متولد شد. وی پس از کسب مقدمات علوم اولیه، سطوح عالی را از حوزه‌ی درس پدرش و دیگران فراگرفت. سپس در مدرسه صالحیه، علوم عقلی و اصول و فقه را از حوزه‌ی درس شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی کسب کرد. پس از آن راهی عتبات مقدسه عراق شد و در نجف اشرف ساکن. تنکابنی نخست، به حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری و پس از وفات وی، به حوزه‌ی درس میرزا حبیب‌الله رشتی پیوست و در کربلا از محضر درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی بهره‌مند شد. حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس علامه‌ی برغانی آل‌صالحی تکمیل کرد و به مقام اجتهاد نایل آمد، پس از آن به موطن خویش بازگشت و کرسی تدریس و رهبری و فتوی را به خود اختصاص داد. وی آثار و مآثری از خود باقی گذاشت از جمله: مدرسه علوم دینی، موسوم به مدرسه‌ی تنکابنی یا مدرسه‌ی آقا و جنب آن مسجدی به همین نام که موقوفات بسیاری برای آنها تعیین کرد. از آثار قلمی وی: «شرح رسائل»، در چهار مجلد؛ «شرح مکاسب»؛ «شرح مدارک» «تقریرات استادش برغانی» و «رساله‌ای در اخلاق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (115/2)، دایره المعارف الاسلامیه (267/5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 7/14).

تنکابنی، سلیمان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1250 ق)، فقیه، ادیب، متکلم و پزشک ایرانی. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در جوانی به همراه برادرش، ملا عبدالمطلب، رهسپار عتبات عراق گردید و چندی در شهرهای مقدس آن سرزمین به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس راهی اصفهان شد و بیست و دو سال در خدمت آخوند ملاعلی نوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ملاصدرا را نزد وی فراگرفت. «شرح لمعه» را نزد ملا محمدعلی نوری آموخت. پس از آن خود به تدریس روی آورد و در اصفهان «تجرید الکلام»؛ «شوارق»؛ «شرح لمعه» و «تفسیر قاضی بیضاوی» را درس می‌گفت. میرزا سلیمان به آموختن دانش پزشکی پرداخت و در رشته‌ی پزشکی شاگرد میرزا اسماعیل اعرج اصفهانی بود. میرزا اسماعیل به تنکابنی طب آموخت و خود نیز نزد او شرح «تجرید الکلام» فرا می‌گرفت. میرزا سلیمان در اصفهان به ملامحراب، عارف گیلانی، دست ارادت داد. میرزا سلیمان تنکابنی پدر میرزا محمد تنکابنی، مولف «قصص العلماء»، است. از جمله آثار وی: حاشیه بر «مطول» تفتازانی؛ حاشیه بر «مفاتیح الشرائع» ملامحسن فیض کاشانی؛ حاشیه بر «الفوائد الضیائیه» جامی، حاشیه بر «شرح الاسباب»، در پزشکی؛ حاشیه بر «حکمه العین»؛ حاشیه بر «حیوه القلوب»؛ حاشیه بر «تذکره الائمه»؛ رساله‌ای در وبا و طرز معالجه‌ی آن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :قصص العلماء (73 -71)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 609/13).

تنکابنی، محمد بن عبدالفتاح

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مولی محمد بن عبدالفتاح تنکابنی، معروف به فاضل سراب.
از علمای کاملین، و فقها و مجتهدین، عالم فاضل محقق زاهد عابد، از شاگردان محقق سبزواری و علامه‌ی مجلسی بوده.
در شرح حال او حکایات [حکایت] غریبی نقل شده است که جهت اطلاع باید به رجال اصفهان و روضات و دیگر مواضع مراجعه نمود. کتب زیر از اوست:
1- اثبات الصانع القدیم 2- حاشیه بر آیات الاحکام اردبیلی 3- حاشیه بر ذخیره‌ی سبزواری 4- حاشیه بر شرح لمعه 5- حاشیه بر مدارک 6- حاشیه بر معالم 7- حجیة الاجماع و خبر الواحد - حجیة الاخبار 8- رساله در حکم رؤیت هلال قبل از ظهر 9- رساله در وجوب عینی نماز جمعه، به فارسی 10- رساله در نماز جمعه، به عربی 11- رساله در رد آخوند ملا عبدالله تونی که نماز جمعه را حرام دانسته 12- سفینة النجاة، در اصول دین [مطبوع] 13- ضیاء القلوب در امامت؛ و غیره.
مشارالیه در روز عید غدیر سال 1124 وفات یافته، در اول تخت فولاد مدفون گردید.
مقبره‌ی او به تکیه‌ی فاضل سراب و جویباره‌ای‌ها معروف است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تنکابنی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1368 -1285 ق)، عالم، مجتهد و فقیه اصولی. در تنکابن متولد شد. در کودکی به همراه برادرش آیت‌الله محمدرضا تنکابنی به قزوین رفت و نزد استادان و علمای آن سامان به تکمیل سطوح پرداخت. بعد از مدتی، به نجف مهاجرت کرد، و از محضر علمایی چون: میرزا حبیب‌الله رشتی و علامه طباطبایی یزدی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و علامه‌ی مامقانی بهره‌ها برد، و در فقه و اصول به بالاترین درجه نایل شد. وی با مقام اجتهاد مطلق از نجف به ایران بازگشت و در تهران ساکن شد و به تدریس فقه و اصول و ترویج مذهب پرداخت. در تهران درگذشت. پیکر وی با تجلیل به شهر ری منتقل و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی دفن شد. [1]
الشیخ محمدحسین الفقیه الزاهد التنکابنی رحمه اللّٰه بن العالم النبیل الشیخ محمد الواعظ التنکابنی برادر ارجمند آیةاللّٰه تنکابنی مذکور از علماء اعلام و حجج اسلام عموی گرامی علامه فلسفی واعظ می‌باشد در حدود سال 1285 قمری در تنکابن متولد شده و با معیت برادر بزرگوارش به قزوین مسافرت نموده و نزد اساتید و علماء آنجا تکمیل سطوح کرده و بعد از مدتی که بوطن بازگشته، مهاجرت میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و مرحوم علامه طباطبائی یزدی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و مرحوم علامه مامقانی قدس اللّٰه اسرارهم استفاده کامل نمود و در فقه و اصول بمرتبه اقصی نائل گردیده و با مقام اجتهاد مطلق از نجف مراجعت به ایران کرده و سکونت در طهران را اختیار و به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و ترویجات دینی اشتغال یافته تا در سال 1368 ق دنیا را وداع و با تشییع مجللی بشهر ری منتقل و در مقبره ناصرالدین شاه قاجار در جوار سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مدفون گردیده است و این نویسنده ترجمه آن مغفور له را در تذکره المقابر فی احوال المفاخر نوشته‌ام.
فرزند ارجمندش جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای آقا شیخ محمد تنکابنی از ائمه جماعت معاصر تهران است و در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (292/2)، گنجینه‌ی دانشمندان (410 -409 /4).

تنکابنی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1385 -1283 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در تنکابن به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت و به قزوین رفت و سطوح را تکمیل کرد. سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر علمای بزرگی چون آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی، آیت‌الله ملا محمدکاظم خراسانی، علامه طباطبایی یزدی، و ملاعلی نهاوندی حدود بیست سال استفاده کرد و مجتهد جامع‌الشرایط شد. از آن پس، به ایران مراجعت کرد و در تهران ساکن شد، و در مدرسه‌ی فیلسوف‌الدوله به تدریس خارج فقه و اصول و ترویج دینی پرداخت. او از علما و مجتهدان بزرگ تهران به حساب می‌آمد. پیکر وی پس از مرگ با تجلیل به نجف اشرف منتقل، و در جوار امیرالمومنین (ع) دفن شد. در فقه و اصول آثاری از وی باقی است.[1]
حاج شیخ محمدرضا بن العلامه المرحوم الشیخ محمد تنکابنی معروف بواعظ رحمهماالله از علماء اعلام و مجتهدین کرام تهران بوده که در عصر خود اعلم و اتقی و ازهد و اورع دانشمندان مرکز بوده است.
در سال 1383 قمری هجری در تنکابن از بلاد شمال ایران و کناره دریای شمال در آخوند محله رامسر دیده بجهان گشوده و در خاندان علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات را در محل خوانده آنگاه بقزوین آمده و سطوح را در آنجا در خدمت علماء آن شهر تکمیل نموده و مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی و آیت‌الله خراسانی صاحب کفایه و علامه یزدی صاحب غروه و آخوند ملا علی نهاوندی حدود بیست سال استفاده و مجتهد جامع الشرایط گردیده و مراجعت به ایران نموده و رحل اقامت به طهران عاصمه تشیع و پایتخت کشور افکنده و در مدرسه فیلسوف‌الدوله واقع در جنب امامزاده سید اسمعیل خیابان سیروس بتدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت و ترویجات دینی و روحی پرداخته است تا در هیجده ذی‌الحجه 1385 ق در سن یکصد و دو سالگی بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تشییع کم سابقه حمل به نجف اشرف و در جوار مولی الکونین ابن الحسنین امیرالمؤمنین علیه‌السلام مدفون گردید و در رثاء و ماده تاریخش شعراء عصر مخصوصا علی‌اکبر خوشدل شاعر معاصر قصیده‌ای سروده که از نظر اهل ادب می‌گذرانم:
و مخفی نباشد که علامه تهرانی صاحب الذریعه ترجمه اجمالی ایشان را

در قسم دوم از جزء اول طبقات اعلام‌الشیعه ص 768 ذکر کرده است.
آیت‌اللّه تنکابنی دارای شش فرزند ذکور که از مفاخر دانشمندانند به اسامی زیر می‌باشند:
1- استاد بزرگ و خطیب توانا آقای حاج شیخ محمدتقی فلسفی واعظ معروف که ترجمه‌اش در جلد دوم ص 387 گذشت.
2- حجةالاسلام حاج میرزا ابوالقاسم تنکابنی که ترجمه‌اش بعد از این خواهد آمد.
3- حجةالاسلام و المسلمین علامه فقیه حاج میرزا علی آقا تنکابنی نزیل مشهد مقدس.
4- آقای مرتضی فرید.
5- آقای دکتر احمد فلسفی.
6- آقای مهدی فلسفی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (293/2)، گنجینه‌ی دانشمندان (409 -406 /4).

توتونچی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1290 ق)، فقیه و متکلم شیعی. وی در تبریز به دنیا آمد و مقدمات علوم را همان جا فراگرفت. در سال 1314 ق به نجف کوچ کرد و در خدمت استادانی چون محمدحسن مامقانی و شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی به تکمیل دانشهای دینی خود پرداخت. در سال 1324 ق به زادگاهش بازگشت و به تدریس و تصنیف و امامت و ارشاد مردم روی آورد. توتونچی از بزرگان علمای تبریز بود. از جمله آثار وی: «ازاله الوساوس و الاوهام عن قدس ساحه الاسلام»، در رد نصارا و ابطال؛ «بحر الفوائد»، به فارسی؛ «الادله العقلیه»، در اصول؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ «هدایه الانام الی حقیقه الایمان و الاسلام»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (173 -172 /25 ،44/3 ،530/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 597/14)، معجم المولفین (18/4).

توحیدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا محمدعلی توحیدی تبریزی بن علی بن آغا بن حسن التبریزی از علماء عظام و مدرسین عالی مقام امروزه حوزه علمیه است در سال 1344 ق در تبریز متولد شده و مقدمات را در آنجا دیده آنگاه به قم مشرف و سطوح را در خدمت اسانید قم خوانده و در سال 1365 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و بالغ بر بیست و هشت سال توقف و از محاضر آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله العظمی میلانی و آیت‌الله العظمی خوئی استفاده و تقریرات درس فقه ایشان را به نام مصباح الفقاهه در شش مجلد به رشته تحریر آورده.
و سه جلد آن را به طبع رسانیده و مورد استفاده فضلاء نجف و قم می‌باشد و معظم درس ایشان در محضر استاد بزرگوار و علامه عصر آیت‌الله خوئی مدظله العالی بوده تا ماه رجب سال 1391 قمری که از نجف هجرت به قم نموده و به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند.
آثار علمی آن جناب از این قرار است 1- مصباح الفقاهه در 6 جلد که 3 جلد آن مطبوع و سه جلد دیگر آماده طبع است 2- دوره حاشیه بر کفایه 3- شرح عروه تا آخر صلوه 4- رساله فی مناسب الفقیه 5- رساله فی البدایه الطهاره 6- تفسیر القرآن الکریم 7- رساله فی الخمس 8- رساله فی العلم الاجمالی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

توحیدی بسطامی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی توحیدی بسطامی از علماء مبرز و معروف معاصر شاهرود است. وی در سال 1316 ق در بسطام دیده به جهان گشوده و تحصیلات مقدماتی را در بسطام و شاهرود از علماء زمان فراگرفته و سپس برای ادامه تحصیلات به مشهد مقدس عزیمت نموده و مدت هفت سال از حوزه درس مرحوم آقازاده بزرگ آخوند و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی استفاده کرده سپس به قم آمده و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و مدت 16 ساله در آنجا از محضر آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده و پس از نائل شدن به اعلی درجات اجتهاد با دریافت اجازات عدیده اجتهادی از معظم لهم به ایران مراجعت و در شاهرود رحل اقامت افکنده و در مدرسه قلعه شاهرود به تدریس خارج و در مسجد آن مدرسه به اقامه جماعت و افاضه منبری و وعظ و ارشاد اشتغال دارند ادام اللّه عمره و توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

توحیدی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1332 ق.، تبریز.
درگذشت: 1366.
آیت‌الله رضا توحیدی مقدمات را در مدرسه‌ی ملی که زیر نظر علما اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانید و قسمتی از سطوح عالیه را (رسائل مکاسب) در تبریز طی نمود. در سال 1363 ق. برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و مدت بیست و پنج سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس شد. در آنجا از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی خویی و آیت‌الله آقا شیخ حسن حلی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حسن حمامی و آیت‌الله سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و علمای دیگر در چندین دوره اصول را پشت سر گذاشت و خارج صلوة آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت‌الله شاهرودی استفاده نمود و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بود) بهره‌مند شد و نیز تقریرات علامه نایینی اعم از مباحث الفاظ و عطیه را در محضر علامه حلی استفاده نمود. شانزده سال نیز در یکی از مساجد نجف به اقامه نماز جماعت و تبلیغات دینی پرداخت و به بعد از مدتی به تبریز درآمد و در مسجد توحید به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال پیدا نمود.
مشایخ اجازه ایشان عبارتند از آیت‌الله سید محمدهادی میلانی، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله میرزا سید عبدالهادی شیرازی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله شریعمتداری.
آثار علمی آیت‌الله توحیدی به شرح زیر است: تفسیر قرآنی به نام اللئالی المنضودة فی تفسیر الایات المأثوره؛ نفخة القدیر فی شرح خطبة الغدیر؛ القرآن والحجة؛ اربعینات؛ الدراسات الدینیه؛ تقریرات دروس فقه و اصول از آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی و علامه حلی، شرح حدیث اهلیلجه به قلم روز.
رضا بن محمد علی بن عبدالحسین بن محمد حسین معروف بتوحیدی از علماء اعلام و دانمشندان بنام معاصر تبریز است.
وی در سال 1332 قمری در بلده تبریز متولد شده و در خاندان عفیف و

پاکدامنی پرورش یافته است.
دروان صباوت را در مدرسه ملی که به نظارت علماء اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانیده و قسمتی از سطوح عالیه (رسائل و مکاسب) را در تبریز طی نموده و در سال 1363 هجری قمری برای تکمیل تحصیلات از هر گونه علائق مادی دست کشیده به آستان بوسی باب مدینه العلم نجف اشرف علی مشرفها و ساکنها آلاف التحیه و الشرف مشرف شده و مدت 25 سال در محضر پر برکت مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مشغول تحصیل و تدریس و از محاضر آیات عظام و اساتید کرام آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی خوئی و آیت الله آقا شیخ حسین حلی و آیه الله حکیم و آیت الله سید حسین حمامی و آیت الله حاج سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و سایر بزرگان در چندین دوره اصول آقایان نامبرده را دیده و خارج صلوه حاج آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت الله شاهرودی استفاده نموده و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت الله العظمی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بودند) بهره‌مند شده و نیز تقریرات نائینی اعم از مباحث الفاظ و عقلیه را در محضر آقای حلی کامیاب شده و در مدت شانزده سال هم در یکی از مساجد نجف اشرف اقامه نماز جماعت و ضمنا مشغول تبلیغات دینی از مسائل و اصول عقائد و احکام نموده تا چند سال قبل که به وطن مراجعت و در خیابان نادر تبریز در مسجد «توحید» باقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
از آثار قلمی و علمی ایشان کتب زیر است که به آن اشاره می‌شود:
1- تفسیر قرآن بنام «اللئالی المنضوده فی تفسیر الایات المأثوره» از اول فاتحه الکتاب تا آخر سوره بقره و سوره الرحمن و سوره الواقعه و سوره الحدید و مجادله و سوره فجر را تمام نموده‌اند.
2- نفحه القدیر فی شرح الخطبه الغدیر حاوی یک مقدمه و پنج اصل «توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد» و خاتمه در دو مجلد.
3- القرآن و الحجه، کتابی است معادله و موازنه می‌کند حضرت حجت (عج) را با قرآن از حیث آثار و خصایص.
4- اربعینیات کتابی است حاوی چهل حدیث آنهائی که متضمن عدد چهل و مطالبی است.
5- الدراسات الدینیه. کتابیست علمی، اخلاقی، دینی، انتقادی، اجتماعی، فلسفی، در حدود پانصد صفحه.
6- تقریرات دروس فقهیه و اصولیه از آقای شاهرودی و آقای خوئی و آقای حلی.
7- شرح حدیث اهلیلجه بقلم امروز.

مشایخ اجازه مترجم معظم:
1- آیت الله العظمی میلانی. 2- آیت الله العظمی شاهرودی 3- آیت الله العظمی خوئی 4- آیت الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی 5- آیت الله العظمی حکیم طاب ثراه 6- آیه الله العظمی شریعتمداری.
نگارنده گوید آیت الله توحیدی از علماء متین و دانشمندان موصوف به تقوا و دارای صفات جمیله و خصال حمیده و محاسن اخلاق و محامد آداب و اهل سلوک و معنویت است در محرم و صفر سال 1391 قمری که باعتاب عالیات مشرف بودند چند روزی در کاظمین و سامرا درک مصاحبت ایشان را نموده و از حالات و روحیات ایشان استفاده نمودم، در مشاهد مشرفه توجه مخصوص و حال خاصی دارند ادام الله توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

توسلی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ علی توسلی نجفی از علماء فعال معاصر است در تربت جام. وی در حدود 1295 شمسی در حومه میانجام متولد شده و دروس ابتدائی را در محل خوانده سپس بمشهد مقدس آمده و ادبیات و سطوح وسطی را نزد اساتید فن تلمذ نموده و ضمنا موفق بدریافت دیپلم گردیده و در حدود سال 1314 شمسی مهاجرت بنجف اشرف نموده و سطح مکاسب را خدمت آیه‌الله العظمی خوئی مدظله و کفایه را نزد آیه‌الله میرزا باقر زنجانی و رسائل را از آیه‌الله آقا سید ابوالقاسم رشتی فرا گرفته و یکدوره خارج اصول را نزد آیه‌الله خوئی و فقه (خارج صلوه حاج آقا رضا) را از آیه‌الله میرزا باقر زنجانی و قسمتی را از مرحوم آیه‌الله حاج شیخ موسی خونساری استفاده کرده و مدتی هم در حوزه درس آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی استاد المتاخرین والمعاصرین و آیه‌الله العظمی اصفهانی شرکت و بهره کافی برده و موفق باجازه اجتهاد از آن مرحوم گردیده حدود 15 سال در نجف اشرف با کمال متانت و تقوا بسر برده و مورد الطاف و توجهات مخصوصه آیات عظام و بالاخص آیه‌الله اصفهانی و نیز آیه‌الله العظمی بروجردی رضوان‌الله علیهما بودند و در حدود بیست سال قبل که از نجف عازم خراسان بودند بر حسب اصرار و اوامر مؤکد آیه‌الله بروجردی رهسپار تربت جام شدند و بی‌نهایت مورد توجه و تقدیر و تشویق آن مرحوم بودند.
و پوشیده نماند که شهر جام در آن اوقات شش هزار نفر که فقط یک پنجم آن شیعه بودند و محیط جام بسیار ظلمانی و ظاهرا از صدر اسلام تا آن تاریخ هیچ عالم جعفری نداشته و حتی مسجدی هم شیعیان آنجا نداشتند و تمام مراسم مذهبی بوسیله‌ی دیگران انجام میشد و بزرگترین جرم و ذنب لایغفر شهادت بولایت بوده و حوادث ناگواری داشته که بیان آن موجب تأثر است و اکنون با حسن تدبیر و فداکاری و شهامت معظّم له و روش خاصّی که ایشان دارند رشته الفت و اخوّت در میان عامّه و خاصّه برقرار و عدّه‌ای مستبصر و شهر که اکنون سی و پنجهزار جمعیت دارد و اکثر آن شیعه هستند و بشیعه عزّتی داده شده و بحمدالله در کمال سرافرازی میباشند و گاهی در قسمتی از مسائل حضرات تسنّن و علماء عامّه بایشان مراجعه مینمایند و بر حسب مشورت و اشاره مرحوم آیه‌الله بروجردی مدرسه علمیه‌ای بنام مدرسه مهدیه طباطبائی بسیار وسیع و در نهایت

زیبائی تأسیس نموده‌اند که سالهاست عدّه‌ای از طلاب مشغول بتحصیل میباشند نان و شهریّه بآنها میپردازند و نهایت مراقبت را بتعلیم و تربیت آنان دارند و متصل بآن مدرسه مسجدی ساخته شده بسیار مجلل و باشکوه بنام جامع ثقلین که خارج آن مزیّن بکاشی کاری و متّصل بآن کتابخانه بسیار آبرومندی بهمان نام تأسیس که در حدود چهار صد جلد کتاب تا بحال تهیه شده است و نیز تاکنون موفق بتأسیس مساجدی در قراء اطراف و خاصّه دهاتیکه شیعیان آن در اقلیت و قادر به بناء مسجد نبودند و هم چنین چند دستگاه حمّام برای همین سنخ اشخاص تأسیس نموده‌اند.
خلاصه جناب آقای توسّلی عالمی دلسوز و مهربان و بخصوص اگر کسی از اهل سنت کار مشروعی را بایشان ارجاع نماید بهر وسیله است حتّی‌المقدور انجام میدهند. در امور دینی و دفاع از حریم دین و ولایت و روحانیّت متصلّب میباشند.
ایادی مرموز و قلمهای مسموم که بحمایت از مسلک ننگین وهابیّت و کوبیدن مقام شامخ ولایت و روحانیّت از سنندج و تهران و جاهای دیگر بدین منطقه بسیار حساس شخصا یا قلما برای تبلیغ سرازیر شده نتوانسته‌اند حتی یکنفر را گمراه نمایند و گاهی که شنیده‌اند یکی دو نفر از جوانان یا غیر آنان در نتیجه تبلیغات شوم انحرافی پیدا نموده‌اند آرام نگرفته تا آنها را براه آورده‌اند. در بعضی از قراء عده‌ای در حدود 35 نفر خانوار از ملاحده در نتیجه مجاهدات و خدمات ایشان مستبصر و هدایت و اثنی‌عشری شده‌اند.
آثار قلمی ایشان عبارت است از قسمتی از تقریرات اساتیدشان که بطبع نرسیده است و نیز کتابی در بحث ولایت در دست تألیف دارند. و در مسجد جامع ثقلین اقامه جماعت نموده و تبلیغ احکام و نشر آثار اهلبیت علیهم‌السلام مینمایند اطال‌الله عمره و ادام‌الله توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

توکل، رحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید رحیم توکل
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
بعد از اخذ دیپلم تجربی درسال 49 ـ 48 در سال 51 شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در زمان پیروزی انقلاب اسلامی دروس سطح و کفایتین باتمام رسید و در سال 60 ـ 59 وارد دروس خارج شدم.دو دوره اصول را خدمت حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) گذراندم و حدود 4 سال هم در خدمت حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی بحث اصول و فقه معظم له شرکت می کردم و درسال 68 موفق باخذ اجتهاد از آن دو بزرگوار شدم البته چند سالی هم بعد از اتمام دو دوره اصول در درس اصول حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت می کردم تا از مبانی معظم له هم مطلع شوم.از سال 77 به فضل الهی به تدریس خارج فقه مشغول هستم و تا الان (سال 84 ـ 83) هفت سال خارج فقه را تدریس کرده ام با توجه به این نکته در مباحث فقهی هر کجا بحث اصول لازم بود ، بحث اصول آن را مطرح می کردم تا کاربرد اصولی در مسائل فقهی کار بردی تر انجام شود.

تونی، عبدالله

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1071 ق)، عالم، زاهد و فقیه. معروف به فاضل تونی. از پارساترین علمای زمان خود و ثانی مقدس اردبیلی بود. وی از مردم بشرویه خراسان بود. نخست در مدرسه‌ی ملاعبدالله شوشتری اصفهان و سپس در مشهد اقامت گزید. پس از آن با برادرش ملا احمد تونی در مسیر زیارت عتبات عراق مدتی در قزوین به خواهش ملاخلیل قزوینی ماندگار شدند. او معاصر صاحب «امل الامل» است. سرانجام در راه زیارت در شهر کرمانشاهان وفات یافت و نزدیک پل شاه دفن شد. از تالیفات او: حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ شرح بر «الارشاد» علامه؛ «الوافیه»، در اصول؛ فهرست «تهذیب» طوسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (70/8)، الذریعه (17/25، 230/6)، روضات الجنات (240 -237 /4)، ریاض العلماء (239 -237 /3)، ریحانه (356/1)، فوائد الرضویه (255)، الکنی و الالقاب (128 -127 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل تونی)، معجم المولفین (114 -113 /6)، هدیه الاحباب (185 -184).

تویسرکانی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(مآثر و الاثار) ص 162 گوید: میرزا جعفر از فضلاء فقها و به درجه اجتهاد نایل بود فرزند هنرمندش شیخ محمد نیز از علماء معتبر آن حدود معدود است.
جعفر از علماء و فقهاء این منطقه بوده که در عصر خود قیام به وظائف دینی نموده چنانچه فاضل مراغی در (مآثر و الاثار) ص 162 ذکر کرده و بعد از وی فرزند برومندش آقا شیخ محمد از علماء بزرگوار بوده که به جای والدش انجام وظیفه داده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، عبدالغفار

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا عبدالغفار حسینی تویسرکانی فرزند محمد حسین عالم و محقق جلیل، فقیه و مجتهد عالی مقام. که از محضر بزرگانی همچون آقا سید محمد شهشهانی وملا حسینعلی تویسرکانی و....کسب علم نمود.
وی مدتی در شهر همدان به تزکیه وکسب معارف پرداخت وآنگاه در سال 1266 ق برای تحصیل مدارج عالیه به اصفهان هجرت نمود وتا آخر عمر در در این شهر زیست .
این عالم بزرگوار در فقه واصول از شاگردان عالم برجسته مدّرس مطلق (میر سید حسن) ودر معقول از محضر درس حکیم آقا محمد رضا قمشه ای کسب علم نمود. وی در مراتب علم چنان بود که خواص وعوام به او ارادت می ورزیدند. و به نماز ایشان در مسجد حاج محمد جعفر آباده ای حاضر می شدند.
همچنین وی یکی از مشوّقین صاحب روضات در تألیف کتاب ارزشمند خویش«روضات الجنات» بوده وخود نیز صاحب آثار ارزشمند همچون:
1- حواشی بر اسفار
2- حاشیه بر شرح اشارات
3- حاشیه بر شرایع و... می باشد.
فرزندان این عالم بزرگوار نیز مانند پدر اهل علم وفضل بودند. از جمله فرزندش حاج میرزا محمد باقر تویسرکانی از فقهاء وعلمای پرهیزگار زمان خود که صاحب آثار ارزشمند بوده و فرزند دیگرش حاج میرزا ابوالحسن تویسرکانی عالم فاضل جلیل را می توان نام برد (هر دوی آنان کنار پدر بزرگوارشان مدفون می باشند.)
سرانجام این عالم بزرگوار در سال 1319 ق وفات یافت ودر تخت فولاداصفهان در تکیه ای که هم اکنون به نام او مشهور است مدفون گردید . ماده تاریخ فوت وی چنین است.
که مداح شوشتر زغفّار ذنب مرا سال تاریخ شد
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی القبور (415 -414)، الذریعه (94/5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1148 -1147 /13).

ویسرکانی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی ویسرکانی فقیهی بزرگوار و عالمی جلیل بود از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و سید محمد حسن مجدد شیرازی و غیر ایشان از فحول علماء و بزرگان محققین و از محضر آنان به مقام بلندی از علم با کمال صلاح و تقوا رسیده آنگاه به وطن خود برگشته و به وظائف دینی قیام نموده تا بعد از سال 1300 قمری در ویسرکان از دنیا رفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن تویسرکانی از علماء بزرگ و مجتهدین مسلم الاجتهاد یکی از علماء دینی در بروجرد بوده است، علامه رجالی جاپلقی وی را در روضه البهیه خود یاد کرده است و درباره وی در کتاب مزبورش گفته است: (عالم ربانی و محقق صمدانی و الزاهد التارک لنعیم الدنیا الفانی و المحقق الذی لیس له ثانی) و فاضل مراغی او را در مآثر و آثار یاد کرده که وی در بروجرد و در سال 1325 هجری وفات نموده و جنازه‌اش حمل به نجف گردیده و در جوار حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تویسرکانی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه زاهد، از شاگردان حاج شیخ محمد باقر نجفی و دیگران، از مدّرسین مدرسه نیم آورد.
در 1329 وفات یافته، در بقعه مدفون شد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تویسرکانی، محمد نبی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1320 ق)، فقیه شیعی. در اصفهان و تهران در خدمت استادانی چون محمد جعفرآباده‌ای، ملاحسین علی تویسرکانی، ملا عبدالرحیم اصفهانی، ملا علی‌کنی، سید اسماعیل موسوی بهبهانی و عده‌ی دیگری از علما درس خواند و از همه‌ی آنها اجازه‌ی اجتهاد گرفت. وی پس از فراغت از تحصیل در تهران ساکن شد و سرانجام همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «جامع المسائل»، در فقه، «لالی الاخبار و الاثار»، در اخلاق؛ «مقداریه»، رساله‌ای به فارسی، درباره‌ی اوزان شرعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (79/10)، الذریعه (35/22، 258- 257 /18، 70/5).

تویسرکانی، محمدشریف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1322 -1242 ق)، فقیه و مجتهد شیعه. وی پس از تکمیل مقدمات علوم و سطوح نزد افاضل تویسرکان، به عتبات هجرت کرد. در کربلا به حوزه‌ی درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی حایری رفت و بعد در نجف از حوزه‌ی درس شیخ ملاعلی خلیلی و سید علی آل بحرالعلوم و شیخ محمدحسین کاظمی و سید حسین کوه کمری کسب فیض کرد. تویسرکانی از همه‌ی مشایخ مذکور اجازه‌ی اجتهاد دریافت داشت و همگی آنها به علو مرتبه‌ی علمی وی تصریح نموده‌اند. سید محمدشریف سالها عهده‌دار تدریس در کربلا و سامراء بود تا اینکه سرانجام در روز عید قربان در سامراء درگذشت و پیکرش در رواق پایین پای امام حسن عسگری (ع) به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: کتاب «الفقه الاستدلالی»، در چند جلد؛ حاشیه بر «رسائل» انصاری؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری.
السید محمد شریف بن السید محمد طاهر الحسینی تویسرکانی عالمی جلیل و فقیهی فاضل بوده است.
پس از پرورش در مهد علم و سیادت به نجف اشرف مهاجرت نموده و مدتها از محضر بزرگان آنجا مانند شیخ ملا علی خلیلی و السید علی آل بحرالعلوم و شیخ محمد حسین کاظمی و آیه الله سید حسین کوهکمری و شیخ زین العابدین مازندرانی و غیر آنها استفاده کرده و از ایشان نائل به دریافت اجازه اجتهاد و غیره گردیده تا در روز عید قربان 1322 قمری در سامرا در سن هشتاد سالگی وفات نموده و در رواق عسکریین علیهماالسلام بخاک رفته است.
از آثار اوست فقه استدلالی از طهاره و صلوه و زکوه و الصوم و حج و متاجر نکاح و رضاع و میراث و غیره و نیز حاشیه بر رسائل و رساله‌ای در (مایضمن بصحیه یضمن بفاسده) و غیر اینها.
از باقیات الصالحات ایشان است فرزندان دانشمندی بنام 1- حجه الاسلام آقای سید ضیاء الدین 2- حجه الاسلام السید علی نقی 3- حجه الاسلام السید مهدی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (84/18، 12/17، 287/16، 157/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 836/14)، معجم المولفین (68/10).

تهامی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1385 -1314 ق)، مجتهد و فقیه. یکی از مراجع بزرگ عالم تشیع در منطقه بیرجند و قاینات و قهستان بود. او از برجسته‌ترین مفاخر حوزه‌ی علمیه‌ی نجف و نخبه‌ی شاگردان آیت‌الله نایینی بود. وی از آیت‌الله نایینی و سایر آیات و حجج آن زمان به دریافت بهترین تصدیق نایل آمد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (301/2)، یغما (س 18، ش 4، ص 13، ش 5، ص 273 -272).

تهجدی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی تهجدی بن آیت‌اللَّه حاج سید محمد بن العالم الجلیل حاج سید اسماعیل بن حاج سید کوچک بن حاج سید رضی ساوه‌ای عالمی زاهد و متقی و دانشمندی فقیه و متعبد از علماء ساوه بودند و پدرانش جملگی از دانشمندان عظام و حجج اسلام بوده‌اند.
وی در سال 1265 شمسی در ساوه متولد شده و پس از پرورش در بیت علم مهاجرت به نجف اشرف نموده و تحصیلات سطوح خود را به پایان رسانیده و در حوزه مرحوم آیت‌اللّه نائینی و مراجع معاصر دیگرشان شرکت نموده و در عداد تلامذه برجسته آنان آمده و پس از آن مراجعت به ایران نموده و در قم با مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی در تأسیس حوزه علمیه همکاری نموده.
و بالاخره اهالی شهرستان ساوه با درخواست زیادی ایشان را به ساوه طلبیده و آن مرحوم چون اصرار مردم ساوه را مشاهده نمودند ناگزیر تقبل نموده و تا موقعی که در قید حیات بودند مصدر امور و رتق و فتق و مورد توجه کامل اهالی قرار داشتند تا در سال 1329 شمسی که برای تحصیلات یگانه فرزند خود دانشمند معظم آتی‌الذکر حاج سید محمدصالح تهجدی عزم نجف نموده.
و مدت دو سال در نجف اشرف اقامت و سپس مجدداً به ایران مراجعت و در سال 1335 قمری که برای زیارت عتبات عالیات و دیدار فرزند خود به نجف مشرف شدند در آنجا مبتلا به زخم سیاه در ناحیه شصت پا شده که منجر به قطع پا شده و بعد از دو سال در سن 72 سالگی در سال 1337 شمسی دار فانی را وداع نمودند و از ایشان یک پسر و چهار دختر باقی مانده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهرانی عسکری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در سال 1361 هجری بود که مرحوم مبرور حجةالاسلام والبحر الزاخر القمقام فخر الفرقة المحقه و ذخرالشیعه الامامیه استاد اساطین العصر و استاد فضلاء الدهر العالم المحقق الامجد والفاضل الفقیه الاوحد مولینا الاجل العلامة المیرزا محمد العسکری التهرانی به قصد زیارت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوة والسلام به ایران آمده و در شهر ری چند روزی میهمان مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد حجت کوه‌کمری که برای معالجه و گذرانیدن تابستان به آنجا آمده بودند شده و پس از تشرف به ارض اقدس به قم آمده و چند روزی اقامت نمودند و با حضرت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مراوده داشته و اغلب با وی مصاحبت داشتند.
معظم له از شاگردان مبرز آیت‌اللّه سید محمد فشارکی و محقق خراسانی و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی بوده و از آن مرحوم اجازه اجتهاد مطلق داشته‌اند. تألیفات ارزنده‌ای دارد که از آنست مستدرک‌البحار در شش مجلد بزرگ در مستدرک اجازات بحارالانوار و از آنهاست صحیفة المهدیه در ادعیه حضرت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف.
نگارنده گوید آن مرحوم شیخ‌المشایخ اجازه عصر ما بودند که غالباً فقهاء و مجتهدین و محدثین از ایشان اجازه حدیث داشتند و برای این حقیر هم اجازه‌ای در سال 1362 قمری مرقوم فرمودند که در کتاب خلاصة الاجازات خود ذکر کرده‌ام.
فرزندان برومندی دارد که از آنهاست حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج میرزا نجم‌الدین الشریف عسکری که سالها در سامرا در حرم مطهر عسکریین علیهماالسلام اقامه جماعت داشتند ولی اکنون چندین سالست که حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم قدس‌اللّه سره در مدینة الهادی بغداد به ترویج دین و امامت جماعت اشتغال دارند تألیفات مفیده دارند.
و دیگر جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا ابوالحسن الشریف العسکری که در تهران مقیم و ترجمه‌اش را در ضمن تراجم علماء تهران خواهم نگاشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

تهرانی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1368 -1283 ش)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در تهران، در عصر آیت‌الله حایری رهسپار قم شد و سطوح نهایی «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌الله مرعشی نجفی و مدرسان دیگر فراگرفت. به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌الله حاج شیخ مرتضی طالقانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی آملی بهره‌مند شد، و به تهران بازگشت و پس از اقامتی کوتاه به مشهد رفت، و در آنجا از محضر حاج شیخ هاشم قزوینی بهره‌ها برد. از آن پس در حوزه درس خارج آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی حاضر شد و به مدت ده سال تا پایان عمر این استاد در نزد وی بود. بعد از فوت آن مرحوم خود رسماً حوزه‌ی درس خارج تشکیل داد و عده‌ی بسیاری از مبانی علمی و اخلاقی و معارف وی استفاده نمودند. او یکی از مروجان مبانی تفکیک و اصول مکتب تفکیک بود. از آثار وی: «فلسفه بشری و اسلامی»؛ «عارف و صوفی چه می‌گوید»؛ «میزان المطالب».[1]
مدرس، فقیه
تولد: 1283، تهران.
درگذشت: دوم آبان 1368.
آیت‌الله جوادآقا تهرانی خراسانی، فرزند محمدتقی، در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از تحصیل دوره ابتدایی و اخذ گواهی سیکل از مدرسه‌ی ثروت تهران، برای فراگیری علوم دینی راهی قم شد و پس از چند سال سکونت در آن شهر و گذراندن مقدمات و بخشی از سطوح، به نجف اشرف رفت و از محضر آیت‌الله مرتضی طالقانی و آیت‌الله محمدتقی آملی (صاحب دررالفوائد، تعلیقه بر شرح منظومه سبزواری) کسب فیض کرد. آنگاه به امر مادرش به تهران بازگشت و پس از مدتی اقامتی کوتاه در تهران، در سن سی سالگی (سال 1313) به مشهد رفت. نخست از حضور آیت‌الله هاشم قزوینی بهره گرفت. از آن پس به حوزه درس خارج فقه و اصول و معارف آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی حاضر گشت و تا پایان عمر ایشان (19 ذیحجه 1365 ق.) یعنی نزدیک به ده سال از محضر ایشان استفاده کرد و مبانی اصولی میرزای نایینی را، و همچنین فقه و معارف اهل‌بیت (ع) را فراگرفت. این دوره‌ی طولانی باعث شد که میرزای اصفهانی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر وی بگذارد، چنانکه تا پایان عمر، در

تبیین و ترویج مبانی و خط مشی علمی ایشان کوشش داشت و در کتابها و درسهای خود همواره به تفسیر و تقریر معارف براساس آرا و اندیشه‌های استاد می‌پرداخت و بدین گونه یکی از مروجان مبانی «تفکیک» و اصول «مکتب تفکیک» به حساب می‌آمد.
آیت‌الله تهرانی خراسانی پس از این دوره فراگیری، به تدریس و تألیف پرداخت. سالیانی دراز (حدود چهل سال) به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد خدمت کرد و خارج فقه و اصول درس و معارف تدریس می‌کرد و به درخواست طلاب و یکی دو دوره به تدریس شرح منظومه‌ی سبزورای پرداخت. سپس به تفسیر قرآن همت گماشت. محل تدریس ایشان غالبا مدرس فوقانی مدرسه‌ی میرزا جعفر بود. پس از بسته شدن مدرسه در مسجد حاج ملا حیدر درس می‌گفت.
از جمله فعالیتهای اجتماعی او می‌توان به تأسیس اولین خیریه‌ی درمانی مشهد، به نام «درمانگاه خیریه بینوایان» بنا به اشارت و مساعدت ایشان و جمعی از دوستان پزشکی وی، در سال 1334 اشاره نمود. هر هفته یک شب در جلسه‌ی هیئت‌ی مدیره‌ی آن شرکت می‌کرد تأسیس نخستین صندوق قرض‌الحسنه ایران نیز که در سال 1342 در مشهد آغاز به کار کرد تا با تأیید و مساعدت ایشان صورت گرفت؛ این مؤسسه بعدها به صورت مجموعه‌ای شامل صندوق قرض‌الحسنه، فروشگاه تعاونی و کتابخانه درآمد. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دفعات برای دیدار با امام خمینی (ره) در فرصت‌های مختلف، به صورت انفرادی یا با هیئت‌هایی از علما و روحانیون به قم و تهران آمد. ضمنا با وجود کهولت، چندین بار به جبهه‌های دفاع مقدس نیز رفت.
در امر تألیف و نوشتن تلاش داشت برای خود عنوانی قائل نشود و به تعبیرهایی نظیر (ج- زراع) یا «ج» یا «جواد» بسنده می‌کرد و بعدها تحت نام «جواد تهرانی» می‌نوشت. از جمله آثار چاپ شده ایشان این کتاب هاست: فلسفه بشری و اسلامی؛ عارف و صوفی چه می‌گویند؟ (تهران، 1367)؛ میزان الطالب (در دو جلد)؛ آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی؛ بررسی پیرامون اسلام (رد بر کسروی)؛ اصول و عقاید؛ بهایی چه می‌گوید؛ آئین زندگی در اخلاق اسلامی.
آیت‌الله جواد آقا تهرانی خراسانی در سن هشتاد و پنج سالگی درگذشت.
حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه آقای حاج میرزا جواد تهرانی از علماء ربانی و آیات صمدانی و مدرسین برجسته معاصر مشهد مقدسند (کرارا به معظم‌له مراجعه نمودم که بیوگرافی خود را مرحمت نمایند ولی اجابت نفرمودند) اما وجدان نگارنده اجازه نداد که از ذکر معظم‌له صرف‌نظر کنم و قطعا ارباب فضل و دانش و شاگردان آن جناب هم به این امر راضی نیستند که کتاب ما خالی از نام ایشان باشد.

اجمالا آن بزرگوار در حدود سال 1330 قمری در تهران چشم به جهان گشوده و در بیت دیانت و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی و جدید و اولیات و ادنیات در عصر مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی رهسپار قم شده و سطوح نهائی مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و مدرسین دیگر حوزه استفاده نموده.
آنگاه مهاجرت به مشهد و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء رحل اقامت افکنده و از درس و محضر مرحوم مبرور عالم ربانی و آیت سبحانی آیت‌اللّه آقای حاج میرزا مهدی غروی اصفانی تا آخر عمر آن مرحوم استفاده فقه و معارف اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نموده.
و ضمنا به تدریس فقه و اصول پرداخته تا بعد از فوت آن مرحوم که خود رسما حوزه درس خارج تشکیل و عده زیادی از افاضل دانشمندان از مبانی علمی و اخلاقی و معارف آن جناب استفاده نموده و می‌نمایند.
نگارنده گوید: جناب آقای تهرانی از جهت تواضع و محاسن اخلاق و محانمد آداب نسخه اول استادش مرحوم میرزا مهدی اصفهانی می‌باشند و جدا از نوادر دانشمندان عصر محسوب می‌شوند.
آثار و تالیفات علمی چندی دارند که بعضی از آنها مانند کتاب عارف و صوفی چه می‌گوید به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 9، ش 12، ص 40 -39)، گنجینه‌ی دانشمندان (127 -126 /7).

تهرانی، حسنعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسنعلی تهرانی (جد حجةالاسلام حاج آقای مروارید معاصر) و او فرزند حاج محمود تاجر تبریزی الاصل تهرانی المسکن صاحب کرامات باهره و مقامات باطنه و ظاهر از بزرگان علماء و مجتهدین عصر خود بوده است.
وی در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از متون فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را تکمیل و از محضر بزرگان استفاده نموده آنگاه در معیت استادش علامه ملاعلی نهاوندی و شریک به حسش حجةالاسلام حاج سید عزیزالله تهرانی هجرت به سامرا نموده و به امر آن بزرگوار قبل از درس آن جناب مقداری از نهج‌البلاغه را برای تلامذه میرزا خوانده و علماء را به سخنان مبارک کلام علی (ع) (علی الکلام) متذکر و متوجه می‌ساخت. و حقا از اتقیاء ابرار و صالحین اخیار بود و از کثرت احتیاط چیزی از حقوق شرعیه مصرف نمی‌کرد و در عصر مرحوم میرزاء بزرگ شیرازی از مدرسین سامرا بود و جمع زیادی از افاضل طلاب از محضرش استفاده و در مواقع نبودن سید به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمود و تمام ثقات به وی اقتدا می‌کردند و سال بعد از فوت مجدد شیرازی در سال 1314 قمری به تهران برگشته و بعد از توقف کمی مشرف به مشهد مقدس گردیده و رحل اقامت انداختند.
جناب آقای قطب‌المحدثین خراسانی از مرحوم حاج ملاهاشم خراسانی صاحب (منتخب التواریخ) برای نگارنده نقل نمود که وقتی آن مرحوم از اعتاب عالیات مراجعت به تهران کردند همه علماء و رجال دولت و ملت از ایشان دیدن کردند من جمله علی‌اصغرخان اتابک صدر اعظم ناصرالدین شاه و پس از ملاقات در موقع رفتن یک چک ده هزار تومانی (که چند صدهزار تومان امروز بوده) به برادر ایشان مرحوم حلاج میرزا حسینعلی که از تجار تهران بودند می‌دهد برای ایشان ولی آن بزرگوار نارات شده و چک را برگردانیده و می‌فرماید از همه بازدید خواهم کرد جز صدراعظم و شاید برای همین هم از تهران به مشهد مهاجرت نمود که مبادا رجال دولت با او مراوده نمایند و مهاجرت به ارض اقدس نمودند.
وی در مشهد موقعیت عجیبی پیدا نموده و مورد توجه عموم طبقات و بالاخص روحانیت خراسان قرار گرفت و در مسجد جامع گوهرشاد اقامه جماعت می‌نمود و صلحاء و اتقیاء مشهد که با غیر او نماز نمی‌خواندند به وی اقتدا می‌کردند و بسیاری از فضلاء و علماء مشهد به مجلس درسش

شرکت نموده و استفاده می‌کردند و آن بزرگوار با این اشتغالات کثیر البکاء و دائم المراقبه بود تا در چهاردهم ماه رمضان 1325 قمری در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه و ابنائه آلاف التحیه و الثناء رحلت نموده و در نزدیکی حرم مطهر مدفون گردید در روزی که قرین او در علم و تقوا مرحوم عالم ربانی و آیه سبحانی آقا شیخ محمد بهاری همدانی در بهار وفات نمود.
از آثار علمی آن جناب است تقریرات بحث استادش میرزاء بزرگ شیرازی از اول بیع تا آخر خیارات که علامه تهرانی در ج 4 کتاب الذریعه ص 376 ذکر نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

تهرانی، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین بن علی تهرانی متوفی ماه رمضان 1284 ق و مدفون در کربلا معلی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهرانی، عبدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا عبدالعلی ابن التقی الزکی ملا غلامحسین شهید از علماء مبرز و با تقوا و ورع تهران بوده است.
تولدش در تهران واقع و در دوران کودکی مرحوم والد را از دست داده و در خاندان مسجد جامعی‌های تهران پرورش یافته و پس از فراغت از اولیات و سطوح به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیةاللّه حایری و رجال علم دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت به تهران و به تربیت و تهذیب مردم و اقامه جماعت در مسجد بازار و درس اخلاق اشتغال و غالبا بانزوا و دوری از اجتماعات به تزکیه نفس و تصفیه قلب و محاسبه نفس خود پرداخته تا در سال 1371 ق که بقصد مجاورت آستان قدس رضوی عزیمت به مشهد مقدس نموده و چند سال در آنجا اقامت و بتدریس فقه و اخلاق و اقامه جماعت در مسجد بالا سر حضرت رضا علیه‌السلام موفق تا روی بعض جهات مراجعت به تهران و در مسجد مرحوم میرزا موسی معروف بمسجد بزازها بامامت و ترویج دین و نشر معارف اسلامی پرداخته تا هنگامی که در چند سال قبل اجلش رسیده و بسرای دیگر شتافته است.
از یادگارهای ایشانست دو فرزند فاضل و دانشمند بنام حجت‌الاسلام حاج آقا مجتبی تهرانی و حاج آقا مرتضی تهرانی که هر دو سالهای متمادی در قم و نجف اشتغال بتحصیل علم و کمال داشته و از محضر آیات بزرگ مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه حاج آقا حسین فرید محسنی اراکی و آیت‌اللّه اراکی و دیگران استفاده کافی در فقه و اصول نموده تا بمدارج عالیه فقه و اصول رسیده و تقریرات بعضی از اساتید بزرگوار خود را برشته تحریر و طبع درآورده و اکنون بجای مرحوم والد در تهران به اقامه‌ی جماعت و ترویج دین و مباحثات علمی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تهرانی، عزیزاللَّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
السید الجلیل الحاج سید عزیزاللَّه تهرانی از شاگردان میرزاء شیرازی بوده و در سامرا وفات و حمل به نجف اشرف گردیده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تهرانی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در سال 1376 قمری بود که مرحوم مبرور شیخ‌العلماء والمحدثین العلامة المتتبع الحاج الشیخ محمدحسن الرازی مشهور به حاج شیخ آقا بزرگ التهرانی صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه و نقباء البشر و طبقات اعلام الشیعه و غیرها وارد به قم و مورد تجلیل و تکریم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و قاطبه علماء قرار گرفت. این بزرگوار که استاد اجازه و شیخ و جازه متاخرین و معاصرین بوده است، از علماء ابراریست که در حدود هشتاد سال از عمر شریف خود را مصروف تألیف و تصنیف نموده و ساعتی فارغ نبوده است حق عظیمی بر اسلام و مسلمین خاصه بر شیعیان و بالاخص بر روحانیون جهان دارد در یازدهم ربیع‌الاول 1293 متولد و در 1389 قمری بدرود حیات گفته است.
تولدش در تهران واقع و پس از رشد و طی مقدمات در سال 1313 ق از ایران به عراق مسافرت نموده و از محضر محقق خراسانی کفائی و شریعت اصفهانی و آیت‌اللّٰه یزدی اخذ علوم نموده و تقریرات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در سامرا از محضر آیت‌اللّٰه مجاهد میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و بعد به تألیف و تصنیف کتب پرداخته و الحق تألیفات مفیده و ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت و خدمت شایسته‌ای به مسلمین نمود. نسبت به این نگارنده محبت و توجهی مخصوص داشت و اجازه جامعی برایم به طرق عدیده‌اش مرقوم فرمود در سال 1378 که مشرف به زیارت روضه مرتضویه شدم به زیارتش رفتم وقتی وارد به کتابخانه‌اش شدم دیدم مشغول مطالعه و نوشتن است تا مرا دید و شناخت از جا برخاست و مرا در آغوش گرفت و معانقه گرمی نمود و فرمود کتابخانه مرا می‌بینی که همه‌گونه کتاب دارد ولی انیس من کتاب آثار الحجه تو می‌باشد که از آن بسیار استفاده کرده و می‌کنم.
معظم له دو سفر به ایران آمد برای زیارت مشهد مقدس و در هر سفر چند ماه در قم و تهران و مشهد توقف نموده و از کتابخانه‌های عمومی آستان قدس رضوی و کتابخانه ملک تهران و غیره و کتابخانه خصوصی آیت‌اللّٰه العظمی نجفی مرعشی مدظله استفاده نموده و مواد کتاب ارزنده الذریعه الی تصانیف الشیعه خود را تحصیل آنگاه مراجعت به نجف نمودند. بسیار بی‌آلایش و ساده و باصفا و زودباور بود و از این سادگی وی برخی از مغرضین و منحرفین از ولایت سوء استفاده کرده و در بعضی از

تألیفات او دست برده و تحریف کرده و نسبت به بعضی از اعاظم روی اغراض نفسانی اسائه ادب نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

ثابتی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بن العالم الزاهد المتقی آخوند ملامحمدتقی ثابتی همدانی از اکابر علماء و اعاظم اساتید و مفاخر مدرسین حوزه علمیه قم و مشاهیر دانشمندان معاصر همدان بوده‌اند.
وی در سال 1315 ق در قریه (وهنده) دوازده فرسخی همدان متولد شده و در سن 7 سالگی در خدمت پدر خود به تحصیل علوم پرداخته و با داشتن استعداد فوق‌العاده در مدت چهل روز قرآن را ختم و تا حدود قوانین را از محضر ایشان استفاده نموده و برای ادامه تحصیل به همدان آمده و نزد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی گنبدی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی دامغانی درس خوانده و پس از آن به تهران مسافرت و در مدرسه سید نصرالدین (واقع در خیابان خیام) اقامت و نزد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی مدرس و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالنبی نوری تلمذ نموده. و معقول را از حاج ملا محمد هیدجی (معروف به حاج آخوند) استفاده نموده و در سال 1341 ق به ولایت خود برگشته و از آنجا مهاجرت به قم نموده و از محضر و دروس آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری استفاده نموده تا جائی که یکی از بزرگترین شاگردان آن مرحوم به شمار آمده و خود به تدریس سطوح عالی (وسائل و مکاسب و کفایه) پرداخته و بسیار از فضلاء آن روز که از مراجع و دانشمندان معاصر قم و شهرهای دیگر ایرانند از بحث و درس ایشان استفاده نموده‌اند.
آن مرحوم به واسطه داشتن فضل و تقوا مورد توجه مخصوص آیت‌اللّه حایری بودند و گاهی در غیاب آن مرحوم به جای ایشان نیابت و اقامه جماعت نموده و وجوه اهل علم و دیگران در نمازش شرکت می‌کردند تا سال 1356 ق که بنابر تقاضا و دعوت مردم همدان به آنجا منتقل و در مسجد جامعه امامت نموده و مورد توجه و اقبال اهالی واقع شدند تا سال 1364 ق که مسافرت به قم و مشهد نموده و در این سفر چندین بار از حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی ملاقات و مباحثه نموده و توجه آن مرحوم را به خود جلب که پس از مراجعت از مشهد آیت‌اللّه بروجردی نامه‌ای برای ایشان مرقوم که (به نظر من توقف و اقامت شما در قم اصلح است).
بعد از وصول نامه مرحوم بروجردی، بنا را بر حرکت به سوی قم گذاردند لکن اجل مهلتش نداده و در جمعه 22 محرم 1365 ق در سن پنجاه و یک

سالگی پس از انجام غسل جمعه و خواندن سوره (والصافات) و فرستادن پانصد صلوات که معمول هر روزشان بود از دنیا رفته و جنازه ایشان با تجلیل بسیار حمل به قم و از مسجد امام با شرکت عموم مراجع و اهل علم حوزه و شهرستان قم و طبقات دیگر تشییع و بعد از طواف حرم مطهر در قبرستان مرحوم حاج شیخ حائری در مقبره خصوصی مدفون و تا چند روز از طرف زعماء حوزه مجالس ختم منعقد و مرحوم اشراقی واعظ بزرگ در پیرامون شخصیت ایشان داد سخن می‌دادند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ثعلبی، ابواسحاق، احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 437/427/426 ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلدی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (206 -205 /1)، دایره‌المعارف فارسی (713/1)، الذریعه (67 -66 /18، 243 -242 /15)، روضات الجنات (257 -255 /1)، ریحانه (368 -367 /1)، سیرالنبلاء (437 -435 /17)، کشف الظنون (1496، 1131)، الکنی و الالقاب (131/2)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (38 -36 /5)، الوافی بالوفیات (308 -307 /7)، وفیات الاعیان (80 -79 /1)، هدیه العارفین (75/1).

ثقةالاسلام، محمد علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج شیخ محمّد باقر بن شیخ محمّد تقی رازی اصفهانی.
عالم زاهد فقیه مجتهد اصولی، از مشاهیر علما و فقها و مدّرسین اصفهان.
مادرش دختر سید صدر الدین عاملی بوده، به دین جهت از طرف پدر و مادر هر دو، نواده شیخ جعفر کبیر است.
در ربیع الاول سال 1271 در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و نجف نزد: پدر بزرگوار خود، و آقا شیخ مهدی نجفی، وحاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و میرزای بزرگ شیرازی، و شیخ راضی نجفی تحصیل نموده تا به مقامات عالیه اجتهاد نایل شده، در اصفهان به درس و بحث و اقامه جماعت و تدریس پرداخته.
سرانجام در روز 3 شنبه چهارم شعبان المعظم سال 1318 وفات یافته، در نجف اشرف در جنب برادر خود آقا شیخ محمّد حسین مدفون گردید.
در تاریخ اصفهان و ری (:335) درباره او گوید: عقل اکمل آقایان مسجد شاه بوده، و به کارهای خوب اقدام نمود، یکی: دادن سالی هزار تومان به دولت، عوض مالیات قهوه خانه‌های اصفهان و بستن آن انجمن مفاسد و کارخانه اتلاف مال و جان و حال و وقت و شرافت و آسایش مردم را.
دوّم: جلوگیری از خیالات سطحی برادرش آقای حاج شیخ نور اللّه.
تاریخ فوتش «ثقة الاسلام آوی بالجنان» است.
دیگر از آثار او احداث مدرسه‌ای به نام خودش در محّله حسن آباد اصفهان که ظاهراً محلّ مدرسه ساروتقی بوده و در طول زمان خراب شده، ایشان در سال 1317 تجدید بنا کردند.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- حواشی بر کتاب ارشاد الاذهان، که آن را فرزندش حاج شیخ مهدی به دستور او ترجمه کرده و وی حاشیه کرده است 2- رساله در آداب نماز شب و استخاره، مطبوع 3- رساله در اصول دین، مطبوع 4- کتابی در معاصی کبیره، مطبوع 5- کتابی در ولایت به عربی 6- رساله عملیّه که در آن هزار مسأله از مسائل نماز را ذکر فرموده است. 7- مناسک حج؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقفی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1405 -1313 ق)، فقیه، مفسر و شاعر امامی. وی در تهران به دنیا آمد و در آن شهر نشو و نما یافت. مقدمات علوم را در خدمت استادانی چون آقامیرزا کوچک، آقا شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجیان فراگرفت. در سال 1341 ق رهسپار قم شد و به مجلس درس شیخ عبدالکریم حایری یزدی پیوست. نزدیک هفت سال که در قم بود یک دوره معقول و منقول از سید ابوالحسن رفیعی قزوینی آموخت و چندی نیز از مباحث شیخ محمدرضای اصفهانی مسجد شاهی بهره‌مند شد. وی از دو استادش، حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و سید ابوالحسن رفیعی اجازه‌ی روایت و اجتهاد داشت. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به تهران بازگشت و تا پایان زندگی به تالیف کتاب، ارشاد مردم انجام وظایف شرعی پرداخت. چون درگذشت، پیکرش را به مشهد رضوی بردند و در آنجا به خاک سپردند. وی پدر زن امام خمینی (ره) بود. از آثار وی: «تقریرات» بحث نکاح آیت‌الله حایری؛ «غرر العوائد» در حواشی بر «درر الفوائد» آیت‌الله حایری؛ حواشی بر «تقریرات منظومه‌ی» سید ابوالحسن رفیعی؛ «دیوان» اشعار؛ «روان جاوید» در تفسیر «قرآن مجید».[1]
میرزا محمد بن العلامه المتبحر و البحاثه المتتبع صاحب شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور الحاج میرزا ابوالفضل بن العلامه الکبیر صاحب التقریرات و التألیفات الحاج میرزا ابوالقاسم الکلانتر النوری التهرانی معروف به آیت‌اللّٰه ثقفی از مفاخر علماء معاصر و افاضل فقهاء عصر حاضر و ساکن خیابان پامنار تهرانست که در همان ناحیه بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تبلیغات اشتغال دارند.
والد مرحوم ایشان علامه‌ی شهیر حاج میرزا ابوالفضل فرزند عالم محقق حاج میرزا ابوالقاسم تهرانی است که نام نامی آن دو بزرگوار زینت بخش کتب تراجم است در جمادی‌الثانیه سال 1313 ق- ه در تهران ولادت یافته و از بدو عمر اشتغال بتحصیل علوم دینیه داشته مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول را غالبا در نزد دو عالم کامل آقا میرزا کوچک و آقا شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجیان تاب ثراهما بپایان رسانده و در سنه 1341 ق- ه برای تکمیل مدارج علم به بلده مقدسه قم هجرت نموده و قریب هفت سال در آن شهر اقامت داشته و در این مدت یکدوره معقول را در نزد سید الحکماء و المجتهدین آقای حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی

دامت افاداته فراگرفته و جنابش تصدیق کمال ایشان را در علوم عقلیه و نقلیه نموده است و دو دوره اصول خارج و عمده مباحث فقهیه را از بحث رئیس الشیعه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی رضوان اللّه علیه استفاده نموده و حضرتش بخط شریف تصریح بمقام اجتهاد و اعتماد او فرموده و در خلال این احوال چندی از بحث شیخ الفقهاء و المحدثین مرحوم شیخ محمد رضای اصفهانی مسجد شاهی اعلی اللّه مقامه مستفیض بوده و از ایشان بتحصیل اجازه عامه بلیغه مشتمل بر سه طریق متصل بامام علیه‌السلام با تصریح به اهلیت فتوی فائز گشته است.
مترجم محترم دارای تألیفات و آثار گرانقدری است که ذیلا از نظرتان میگذرد:
1- غرر العوائد در حواشی بر درر الفوائد مرحوم حایری.
2- حواشی بر تقریرات منظومه حاج سید ابوالحسن قزوینی.
3- رساله در عدم جواز رجوع بحکام جور.
4- روان جاوید در تفسیر قرآن در 5 جلد که مطبوع میباشد.
5- حواشی بر سیوطی.
6- تقریرات نکاح مرحوم آیت‌اللّه حائری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (419 -412 /4)، مکارم الآثار (2045/6).

ثقه الاسلام، شفیع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1301 -1218 ق)، مدرس و مجتهد. در تبریززاده شد. در سال 1342 ق برای تکمیل معلومات خویش به عراق رفت، و در نجف، از حوزه‌ی درس شیخ محمدحسن اصفهانی، صاحب «جواهر الکلام»، و شیخ علی، نواده‌ی شیخ جعفر، فقه و اصول را آموخت، سپس در پای درس سید کاظم رشتی، پیشوای شیخیه، علوم حدیث و تفسیر را تحصیل و تکمیل کرد و از آنان اجازه‌ی اجتهاد گرفت و بعد به طریقه‌ی شیخیه گروید. پس از بازگشت به وطن، به تدریس اشتغال ورزید و از پیشوایان شیخیه در آذربایجان و صاحب محراب و منبر شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (117 -116 /5).

ثقه الاسلامی، محمدهاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1280 ق)، فقیه و مورخ امامی. وی در مشهد به دنیا آمد و پس از فراگرفتن مقدمات علوم رهسپار نجف شد و در آن شهر از مجلس درس استادانی چون آخوند خراسانی و سید اسماعیل صدر اصفهانی بهره‌مند گردید. پس از بازگشت به مشهد به حوزه‌ی درس آیت‌الله سید علی حایری یزدی پیوست. وی در مشهد درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی ربا»؛ «رساله‌ی رضاع»؛ «رساله‌ی معاملات»؛ «حسن العاقبه فی سعاده الخاتمه»، به فارسی؛ «غایه الامال فی حسن خواتیم الاعمال»؛ «منتخب التواریخ» در تاریخ معصومان (ع) و برخی امامزادگان؛ «وسیله الامان من تسویلات الشیطان» که خلاصه «حسن العاقبه» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (76/25 ،15/7)، منتخب التواریخ (مقدمه).

ثقه‌الاسلام اصفهانی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 -1271 ق)، فقیه امامی. وی در خانواده‌ای که بیشتر آنها عالم دینی بودند به دنیا آمد. نیای او صاحب «هدایه المسترشدین» بود. ثقه‌الاسلام مقدمات علوم و بخشی از سطح و خارج را در خدمت پدرش و برخی علمای اصفهان فراگرفت. حدود سال 1288 ق رهسپار عراق شد و در نجف و سامراء در خدمت استادانی چون میرزا حبیب‌الله رشتی، میرزای شیرازی و دیگران به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس به زادگاهش بازگشت و در مسجد شاه و مدرسه‌ی عربان به تدریس و تربیت شاگردان پرداخت. پس از درگذشت پدر اقامه‌ی نماز جماعت را نیز به عهده گرفت. از شاگردان او سید محمدجعفر میردامادی سدهی و سید جمال‌الدین گلپایگانی و شیخ محمدجواد صافی گلپایگانی و عده‌ای دیگر را می‌توان یاد کرد. در جنبش تنباکو به همراه برادرش آقانجفی به حمایت از فتوای میرزای شیرازی برخاست. پس از درگذشت پیکرش را به نجف بردند و در بارگاه حضرت علی (ع) به خاک سپردند. از آثار وی: «رساله‌ای در اصول دین و اخلاق»، به فارسی؛ «لسان الصدق»، در مواعظ و اخلاق، به فارسی؛ «حاشیه‌ی مجمع المسائل»؛ رساله‌ی عملیه برای عمل مقلدان؛ «رساله‌ای در معاصی کبیره» به فارسی؛ «رساله‌ای در ولایات» به عربی؛ «رساله در کیفیت نماز شب و استخاره و نماز جعفر طیار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (305/18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1348/14)، مکارم الاثار (1973/6).

ثقه‌الاسلام تبریزی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1277- شهید 1330 ق)، عالم امامی، مجتهد و شاعر. اصل وی خراسانی بود اما در تبریز در خانواده‌ای اهل علم متولد شد. او در ایران و کربلا و نجف کسب علم کرد و در فقه و اصول و حکمت سرآمد شد. وی به زبانهای فارسی، عربی، ترکی و فرانسه مسلط بود. از جمله استادانش فاضل اردکانی و شیخ مازندرانی و شیخ علی یزیدی بفرویی بوده‌اند. وی پس از فوت پدرش، حاج میرزا موسی، عنوان ثقه‌الاسلام را یافت. در هنگام حکومت ملی در تبریز فعال بود و عاقبت به امر صاحب منصب روس در میدان مشق تبریز به دار آویخته شد. از آثارش: «ایضاح الانباء فی تعیین مولد خاتم الانبیاء (ص)، و مقتل سیدالشهداء (ع)»؛ «رساله‌ی بث الشکوی»؛ «رساله‌ی لالان»؛ «ترجمه‌ی عتبی»، به درخواست حسنعلی خان امیرنظام؛ حواشی «الغیبه» شیخ طوسی، که تبحر ثقه‌الاسلام را در ادب و مهارتش را در علم رجال نشان می‌دهد؛ «مرآت الکتب»، در اسامی مولفات شیعه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (358/8)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (124 -117 /2)، دانشمندان آذربایجان (92 -91)، ریحانه (370 -369 /1)، سخنوران آذربایجان (280 -274)، شرح حال رجال (374 -373 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 579/13، قرن 1547 -1546 /14)، فرهنگ سخنوران (200)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، مولفین کتب چاپی (420 -419 /4)، مکارم الاثار (2137 -2135 /6)، یادداشتهای قزوینی (163/8)، یادگار (س 3، ش 4، ص 12)، یغما (س 5، ص 217، س 7، ص 232 -224).

جاپلقی، عبدعلی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، فقیه. پدر وی از شاگردان برجسته‌ی محقق کرکی بود. عبدعلی از ایران به هند رفت و در آنجا ساکن شد. وی مدتی در خدمت سلطان سلیمان میرزا بود و متولی آستان قدس رضوی. محمدباقر داماد از وی روایت کرده است. از جمله آثار وی شرح بر «الفیه» شهید است که آن را به درخواست سلیمان میرزا، فرزند شاه طهماسب صفوی، سلطان حیدرآباد، برای خواهرش پری‌خانم نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (31/8)، الذریعه (112 -111 /13)، روضات الجنات (215 -214 /4)، ریحانه (375/1)، ریاض العلماء (151/3)، فوائد الرضویه (238).

جاپلقی، علی‌اصغر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1313 -1231 ق)، فقیه، مدرس و محدث امامی. در روستای جاپلق به دنیا آمد و چون پدرش از دانشمندان بزرگ دینی حوزه‌ی علمی بروجرد بود، مقدمات علوم را در جاپلق آموخت، سپس به بروجرد رفت و در آن شهر فقه و اصول و حدیث و رجال و تفسیر و منطق و کلام و حکمت و درایه را نزد پدر و حجه‌الاسلام بروجردی و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و از پدر و برادرش اجازه‌ی روایت یافت. سید علی‌اصغر پس از چندی اقامت در بروجرد به شهر قم رفت و به تحقیق و تالیف و تدریس پرداخت و درین شهر درگذشت و در جوار حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثار وی: «حج استدلالی»؛ «جامع المقاصد» در اصول فقه استدلالی؛ «طبقات الرواه»، در دو جزء؛ «طرائف المقال»، در علم رجال.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (422/2)، الذریعه (73/5)، چهل سال تاریخ ایران (218، 773)،« المآثر و الاثار (162).

جاپلقی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد اسمعیل بن المرحوم آقا محمد صادق صادقی جاپلقی از علماء و دانشمندان مبرز و مشهور بفضل و تقوای تهران میباشد. وی در سال 1313 ق در یکی از قراء جاپلق که از مضافات اراک است بدنیا آمده و پس از رشد و طی مقدمات به اراک مسافرت نموده و از ابتداء با حضرت آیت‌اللّٰه آقای حاج شیخ محمد علی اراکی رفیق بحث و شریک تحصیل بوده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمدعلی خان و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد سلطان العلماء استفاده سطوح نهائی نموده و از اول ورود مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی در اراک حاضر جلسات درس فقه و سطوح آنجناب شده و پس از مهاجرت و انتقال ایشان به قم مهاجرت بحوزه علمیه نموده و تا سال 1354 ق از مرحوم آیت‌اللّٰه موسس استفاده و هم چند ماهی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی (در موقع تبعیدشان به قم) بهره‌مند شده و در سال مزبور منتقل به تهران و در خیابان صفاری رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر که هشتاد سال از سن شریفش می‌گذرد به اقامه جماعت در مسجد (صفاری) و ترویج دین و خدمات مذهبی و تدریس فقه و اصول اشتغال دارد. از آثار ایشان است تقریرات درس فقه و اصول کاملی مرحوم آیت‌اللّٰه حایری.
فرزند برومند ایشان جناب ثقةالاسلام آقا شیخ خلیل اللّٰه صادقی جاپلقی تهرانی از فضلاء محصلین حوزه علمیه قم است که مدت ده سال در مشهد مقدس بتحصیل اشتغال داشته از محضر مدرسین بزرگ استفاده نموده آنگاه به قم مشرف و چندین سال است که از محضر آیات عظام و مدرسین والا مقام حوزه کسب فیض و کمال می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جاپلقی، محمدحسن

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، فقیه امامی. وی از مردم شفت گیلان بود. در جوانی به اصفهان رفت و در خدمت بعضی از استادان این شهر چون میرزا حبیب‌الله و میرزا هدایت‌الله به تکمیل تحصیلات پرداخت. پس از چندی که استادان وی به فرمان نادرشاه متصدی امور شرعی جاپلق شدند، او نیز در روستای دره‌باغ مسکن گزید. محمدحسن در جاپلق با دختر هدایت‌الله ازدواج کرد و نتیجه این ازدواج پسری شد به نام ابوالقاسم که بعدها به میرزای قمی شهرت یافت. محمدحسن گذشته از علوم دینی در علوم ادبی نیز مهارت داشت و از نخستین استادان فرزندش بود. ملا محمدحسن به دلیل اقامت طولانی در جاپلق به جاپلقی مشهور شد. از جمله آثار وی: «کاس السائلین» که به تقلید از «کشکول» شیخ بهائی نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (232/17)، قصص العلماء (180)، مکارم الاثار (912/3).

جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 746 ق)، فقیه و ادیب شافعی. وی از فضلای شاگردان قاضی بیضاوی و از داناترین دانشمندان تبریز بود و اوقات خود را بیشتر به تدریس و تالیف در زمینه علوم عقلی و نقلی صرف می‌کرد. بین جاربردی و قاضی عضدی ایجی مشاجرات بسیاری در علوم بود. وی در تبریز درگذشت. از تالیفات او: «الحواشی علی الکشاف» زمخشری؛ شرح «المنهاج» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح المفصل» ابن حاجب، در نحو؛ «شرح اصول البزدوی»؛ «شرح الحاوی الصغیر» قزوینی، و فروع فقه شافعی؛ «شرح الشافیه»، ابن‌حاجب، در صرف؛ «شرح الهدایه للمرغینانی» در فروع حنفیه؛ «المغنی»، در نحو.[1]
(منسوب به جاربرد) ابوالمکارم فخرالدین احمد ابن حسن بن یوسف، دانشمند معروف قرن هشتم (ف. تبریز 746 ه.ق.) وی پیوسته موظبت بر تحصیل علوم می‌کرد و به افاده طالبان علم ممارست داشت.
او ساکن تبریز بود و در همانجا درگذشت. جاربردی نزد قاضی بیضاوی صاحب تفسیر معروف تلمذ کرده و با قاضی عضدالدنی ایجی معارضات و مناقضات داشته. وی تألیفات بسیار دارد از جمله: شرح شافیه ابن الحاجب در علم صرف، کتاب السراج الوهاج که شرح بر کتاب منهاج استادش قاضی ناصرالدین بیضاوی است در علم اصول، تعلیقات بر کشاف. المغنی که رساله‌ایست در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (107/1)، حبیب السیر (232/3)، روضات الجنات (347 -345 /1)، ریحانه (380/1)، کشف الظنون (626، 1021، 1478، 1879، 2036، 222)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، الکنی و الالقاب (137/2)، معجم المولفین (199 -198 /1)، هدیه العارفین (108/1).

جراذینی رازی، علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، متکلم، فقیه و محدث امامی. وی از مردم خراذین یا جراذین ری بود. از زندگی وی و روزگاری که در آن بوده، چیزی نمی‌دانیم. نجاشی (م 450 ق)، با چهار واسطه از وی روایت می‌کند. بیشتر رجال‌نویسان شیعه وی را به غلو متهم و نکوهش کرده‌اند و احادیثی را که از وی روایت شده ضعیف دانسته‌اند. علامه حلی نام وی را خراذینی آورده و در دیگر کتب رجال تحت عنوان خرادینی نیز آمده. وی در ری مقیم بود و در همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «آداب و المروات»؛ «الرد علی سلمانیه» یا «سلیمانیه» که یکی از فرق غالی شیعه است. این کتاب که ردی بر غلات شیعه است غالی بودن وی را نفی می‌کند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (201/10، 12/1)، رجال ابن داود (قسم 484 /2)، رجال النجاشی (79 -78 /2)، ریحانه (123/2 -399/1)، ری باستان (331/2)، الفهرست للطوسی (223)، لغت‌نامه (ذیل/ جراذینی)، معجم رجال الحدیث (68/12).

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(366 /362 -290 ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که ثعالبی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن‌مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن‌خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاة ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری درگذشت. جنازه‌اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطة بین المتنبّی و خُصومه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفة التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»؛ «کتاب الوکالة»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 114)، تاریخ ادبیات در ایران (644 -355 /1)، تاریخ الاسلام (حوادث 273 -271 /400 -381)، تاریخ نیشابور (171)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (7/ 946)، ریحانه (1/ 402)، سیر النبلاء (21 -19 /17)، الکامل (7/ 88)، کشف الظنون (1471، 782)، الکنی والالقاب (2/ 144)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (7/ 123)، معجم الادباء (35 -14 /14)، هدیة العارفین (1/ 684)، وفیات الاعیان (281 -278 /3).

جرجانی، اسماعیل، ابوبکر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(371 -277 ق)، فقیه، حافظ و محدث شافعی. یگانه زمان خود و شیخ شافعیان جرجان بود. از دوازده سالگی به دنبال حدیث رفت. از ابراهیم حلوانی و یوسف بن یعقوب قاضی، صاحب «سنن»، و ابن خزیمه و احمد بن محمد بن مسروق و محمد بن یحیی مروزی و جعفر فریابی و عمران سختیانی و سراج و بَغَوی و همطبقه آنان در خراسان و حجاز و عراق و دیگر نقاط حدیث شنید. حاکم و ابوبکر بَرقانی و حسین باشانی و ابوسعید نقاش و ابوالحسن طبری و ابوبکر جَرجَرائی و دیگران از وی حدیث شنیدند. از اسماعیلی تصانیفی به جا مانده که نشانگر تبحر او در فقه و حدیث است. در جرجان درگذشت. از آثار وی: «الصحیح»، منطبق با اصول بخاری، در چهار مجلد؛ «معجم الشیوخ»؛ «مسند عمر»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (83/1)، تاریخ الاسلام (حوادث 492 -489 /380 -351)، سیر النبلاء (296 -292/ 16)، الکامل (111/7)، کشف الظنون (1735)، معجم المؤلفین (135/1)، الوافی بالوفیات (213/6)، هدیة العارفین (66/1).

جرجانی، تاج‌الدین حسن

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 935 ق)، عالم و فقیه امامی. ملقب به تاج‌الدین. وی پس از اخذ فنون ادب و علوم متداول، مدارج عالی اجتهاد را نزد محقق کرکی پیمود. در کاشان می‌زیست و به تدریس و فتوا اشتغال داشت. از مشهورترین شاگردان جرجانی، مولی شاه‌علی یزدی است که دارای اجازه روایت از وی بود. صاحب «ریاض العلماء» وی را از افاضل عصر خویش و اکابر علمای شیعه خوانده است. از جمله آثار وی کتاب «الفقه الفارسی» که یک دوره فقه از طهارت تا دیات است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (294/16)، ریاض العلماء (295/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 49 -48 /10).

جرجانی، جمال‌الدین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 929 ق)، دانشمند، فقیه، متکلم، ادیب و محدث امامی. وی در استرآباد به دنیا آمد و مقدمات علوم را در این شهر فراگرفت، سپس به هرات رفت و نزد ملاحسن حسابی به تحصیل علوم دینی پرداخت و شرح «اللوامع» و کتابهای دیگری را در محضر درس او فراگرفت. وی چندی به وزارت رسید، گویا با امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی مجادله و درگیری داشت، گویند وی با محقق کرکی مجالست و موانست داشت و از محقق کرکی «شرح قوشچی» را آموخت. از جمله آثار وی، شرح «تهذیب الاصول» علامه می‌باشد که در 929 ق از تالیف آن فراغت یافت. این شرح در میان اصولیان شیعه بسیار معروف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (166/13)، روضات الجنات (211/2)، فوائد الرضویه (84).

جرقویه‌ای اصفهانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدرضا جرقویه‌ای اصفهانی حایری از علماء مبرز و مجتهدین بزرگ معاصر کربلاء بودند. تولد آنجناب در جرقویه اصفهان واقع شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و اولیات به اصفهان آمده و سطوح و متون فقه و اصول را در آنجا از مدرسین بزرگ آموخته سپس مهاجرت به نجف اشرف نموده و به درس آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی شریعت اصفهانی و آیت‌اللّٰه محقق میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و دیگران شرکت و استفاده نموده آنگاه به کربلا منتقل و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج آقا حسین قمی بهره‌مند و از خواص اصحاب معظم له گردیده و خود ضمناً شروع به تدریس فقه و اصول و معقول و کلام نموده و عده‌ای از افاضل کربلا از جلسات و دراساتش کسب علم و فیض کرده تا در سال 1392 قمری که دعوت حق را لبیک اجابت گفته و در جوار مولی الکونین ابی‌عبداللّٰه الحسین (ع) مدفون گردیده است.
آثار و تألیفات عدیده علمی دارد که بعضی به طبع رسیده و برخی هم مخطوط مانده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جرموقی خراسانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1339 -1279 ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. به جرموق از روستاهای خراسان انتساب دارد. وی از علمای بزرگ کاظمین به حساب می‌آید. او در علوم عربیت و در فنون عقلی و در قواعد فقهی و اصولی ماهر بود. سید محمدمهدی صاحب «احسن الودیعه» از شاگردان جرموقی است. در کاظمین درگذشت و طی تشییع باشکوهی در نجف دفن شد. از آثار وی: شرح «کفایه الاصول»، در فقه؛ رساله‌ای در «متنجّس»؛ «الاسئله الکاظمیه»؛ «دیوان» شعر؛ حواشی غیر مدون بر کتب علمیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (255/8)، الذریعه (188/6 ،91 -90 /2)، علماء معاصرین (126 -125).

جزایری شوشتری نجفی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1364 -1307 ق)، فقیه اصولی. در شوشتر به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت، سپس به نجف رفت و نزد فضلای آنجا تحصیل سطوح کرد و پس از آن در محضر میرزا محمدحسین نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد و تقریرات آنان را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. پس از مدتی به علت کسالت به تهران آمد و تا آخر عمر در این شهر ساکن شد. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثار او: «تنبیه الجاهلین»، در اصول دین؛ «منهج الیقین»، عربی منظوم در اصول و فروع دین.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (10/3)، الذریعه (200/23، 442، -441 /4)، مؤلفین کتب چاپی (381/1).

جزایری شوشتری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1384 -1291 ق)، عالم دینی و فقیه شیعی. معروف به سید آقا. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد. پدرش مرجع دینی مردم شوشتر بود. سید احمد پس از تحصیل مقدمات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. از مشایخ روایت او کمال‌الدین دولت‌آبادی، معروف به میرزاآقا، و سید عبدالصمد شوشتری و ثقةالاسلام مازندرانی و محمدرضا دزفولی بودند. آیت‌اللّه مرعشی نجفی و محمدجعفر شوشتری و شیخ احمد محلاتی شوشتری از وی اجازه حدیث داشتند. از آثار وی: «الاجازات»؛ «تعویذ اللسان»، در تجوید قرآن؛ «تقویم المعرفة»؛ حاشیه بر «الروضة البهیة» شهید ثانی؛ «الرجال»؛ «العجالة»؛ «الفوز العظیم»، در شرح حال جد بزرگش سید حسین بن عبدالکریم؛ کتابی در شرح احوال و آثار جدش سید نعمت‌اللّه جزایری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (371/16، 221/15، 95/10، 90/6، 403، 227 /4، 123/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14، 96 /648).

جزایری شوشتری، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1291 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد، همان جا نشو و نما کرد و سپس به نجف مهاجرت کرد و در نزد شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر» و سید علی شوشتری درس خواند و با شیخ مرتضی انصاری مصاحبت داشت. قبرش در مقبره‌ی استادش سید علی شوشتری است. از او فرزندانی به جای ماند که همگی از علمای دینی بودند. از آثار وی: «فواکه الاحکام»، در فقه، در هشت مجلد؛ «فواکه الاصول»، در اصول، در دو مجلد؛ «فوز العباد»، در فقه، که رساله‌ی عملیه او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (18/6)، الذریعه (370 -369 ،365 /16)، فوائد الرضویه (135)، معجم المؤلفین (8/4).

جزایری شوشتری، عبدالصمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1337 -1243 ق)، فقیه اصولی و محدث. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، سپس به عراق رفت و در نجف به مجلس درس شیخ انصاری و میرزای شیرازی پیوست. از بزرگانی چون میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج شیخ جعفر شوشتری و حاج ملاعلی میرزا خلیلی اجازه گرفت. پس از چندی به شوشتر بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در نجف به خاک سپرده شد. شوشتری در اغلب زمینه‌های علوم اسلامی کتابهایی نوشته است. از جمله آثار وی: «الاجازات»؛ نظم «کافیه‌ی» ابن حاجب، در نحو؛ «التحفة النظامیة»؛ تعلیقه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «فصل الخطاب»، در تفسیر آیه «ان اللّه اشتری...»؛ حاشیه‌ی «الروضة البهیة» در شرح «اللمعة الدمشقیة»؛ «شرح نتیجة الأنظار»، منظومه عبدالرحیم شوشتری؛ «المحاکمات» میان صاحب «قوانین» و صاحب «فصول»؛ «نقد البیان و بناء التبیان»؛ «رسالة المنطق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (17/8)، الذریعه (274 -273 /24، 133/20، 229 -228 /16، 99/14، 95/6، 478/3، 217، 164 /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1133 -1132 /14)، گنجینه‌ی دانشمندان (408 -407 /5)، مکارم الآثار (1206 -1205 /4).

جزایری شوشتری، عبدالکریم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1215 ق)، فقیه عارف و شاعر. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در کودکی نزد جدش، سید عبداللّه، درس خواند و پس از مرگ او از عموهای خود بهره جست. سید عبدالکریم از علامه وحید بهبهانی و علامه بحرالعلوم اجازه‌ی عامه داشت. وی در سفرش به مشهد از میرزا مهدی شهید خراسانی نیز استفاده حکمیات نمود و اجازه گرفت. جزایری پس از بهره‌جوئی از مجالس درس استادان خود به شوشتر بازگشت. او در نجف درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «کشف الغطاء عن حال الغناء»؛ «الدرر المنثوره فی احکام المأثوره»؛ «مفتاح الجنة»، در اصول و فروع؛ «مفتاح الایمان»، به فارسی؛ «تنبیه الغافل فی حکم الجاهل»؛ «گرز آتشی بر فرق مرتشی»، در حردمت رشوه؛ «هدایة الانام الی ما یستخرج من الاجسام»؛ «نهایة الکفایة»، در شرح مقدمه «بدایة الهدایة»؛ شرح «الفیه‌ی ابن‌مالک؛ «الجنة العاصمة للصوارم القاصمة»؛ «هشت بهشت»، به فارسی، در آداب زیارت، قصائد بسیاری در مدح ائمه معصومین (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (32/8)، الذریعه (172/25، 405/24، 325، 319/21، 44/18، 136/8، 443/4، 255/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 760/13)، مکارم الآثار (553 -552 /2).

جزایری شوشتری، عبداللّٰه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1173 ق)، ادیب، محدث، مورخ و فقیه شیعی. یکسر مذهب اخباری داشت و منکر طریقه‌ی اجتهاد بود. وی از مشایخ اجازه‌ی روایت سید نصراللّٰه مدرس بود و خودش نیز از پدرش و سید امیر محمدحسین خاتون آبادی روایت می‌کرد. از آثار وی: «الاجازة الکبیرة»؛ «اجوبة مسائل السید علی نهاوندی»؛ «الانوار الجلیة»؛ «التذکرة فی التاریخ تستر»؛ «تاریخ شوشتر»؛ «حاشیه ریاض السالکین»؛ «حاشیه نقد الرجال»؛ «شرح مفاتیح الحکام»، ملا محسن فیض؛ «شرح نخبه‌ی» فیض؛ «الذخیرة الباقیة»؛ «الحاشیة علی اربعین البهایی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (87/8)، الذریعه (382 -381 /21 ،254/20 ،102/14 ،15/10 ،842 ،694 /9 ،25 ،13/6 ،89/4 ،245 -243 /3 ،424 -423 /2)، روضات الجنات (372 ،253 -249 /4)، ریحانه (115/3)، فرهنگ سخنوران (716 -715)، فوائد الرضویه (257 -256)، الکنی والالقاب (332/2)، لغت‌نامه (ذیل/ جزایری)، معجم المؤلفین (160/6).

جزایری شوشتری، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1348 /1342 ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. معروف به حکیم. جدش سید علی یار دمساز و وصی شیخ انصاری بود بطوری که از او به مراد شیخ تعبیر می‌کردند. سید علی‌اصغر از مروجین دین و از نویسندگان اسلامی بود. آثار بسیاری دارد که از آن جمله: «مختصر مغنی اللبیب»؛ شرح «عیون الاخبار» شیخ صدوق؛ ترجمه‌ی «لآلی الاخبار» شیخ محمد نبی تویسرکانی؛ مجموعه‌ای در ادعیه و زیارات؛ «الدر الثمین فی مقدمة التضمین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (375/13، 66/8، 200- 201، 131 /4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1574/14)، گنجینه‌ی دانشمندان (410/5).

جزایری شوشتری، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1392 -1319 ق)، عالم دینی و فقیه امامی. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. پدرش محمدمهدی و جدش ملا عبدالصمد هر دو از علمای شیعه بودند. سید محمدحسن در شوشتر به دنیا آمد و مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. سپس رهسپار قم شد و به مجلس درس آیت‌اللّه حائری یزدی راه یافت. سرانجام به خوزستان بازگشت و در اهواز ساکن شد و عهده‌دار مرجعیت امور شرعی مردم شد. وی در بارگاه علی بن مهزیار مدفون است. از آثارش: «نوید اسلام»، در علائم ظهور، ترجمه «بشارة الاسلام» سید مصطفی کاظمی؛ «فلسفه‌ی غیبت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (309/16، 391/24)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 444/14)، مؤلفین کتب چاپی (657 -656 /2)، مکارم الآثار (1206/4).

جزایری شوشتری، محمدشفیع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1211- 1274 ق)، عالم دینی، فقیه و رجال‌شناس امامی. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد و پس از نشو و نما به اصفهان رفت و در محضر استادانی چون محمدابراهیم کلباسی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و سرانجام از وی اجازه اجتهاد گرفت. سید محمدشفیع گذشته از فقه در علم رجال نیز مهارت داشت. پیکر وی در تخت پولاد اصفهان مدفون است. از آثارش: «کشف الریاض» که حاشیه‌ای است بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی؛ حاشیه‌ی «نقد الرجال» میرمصطفی تفرشی؛ «رساله‌ای در منجزات مریض»؛ تحقیقات متفرقه در نحو و فقه و رجال.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (371 -370)، الذریعه (36/18)، معجم المؤلفین (392/13، 70/10)، مکارم الآثار (2062/6، 411 -408 /2).

جزایری شوشتری، محمدعباس

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1306 -1224 ق)، عالم دینی، فقیه امای و شاعر. معروف به علامه مفتی یا مفتی میرعباس، مفتی دیار هند. وی از نوادگان سید نعمت‌اللّٰه جزایری بود. جد وی محمدجعفر از شوشتر به هند مهاجرت کرد و در لکهنو ساکن شد. محمدعباس در لکهنو به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. وی در کلام از شاگردان سلطان العلماء سید محمد بن دلدار علی نصیرآبادی و در فقه شاگرد سید حسین بن دلدار علی بود و از ایشان اجازه گرفت. پس از دریافت اجازه به تألیف و تدریس روی آورد و شاگردان بسیاری تربیت کرد که شماری از آنها از مراجع دینی مردم در هند شدند. علامه میر حامد حسین، صاحب «عبقات» از شاگردان او است. جزایری به زبان فارسی و عربی و اردو کتاب می‌نوشت و در شعر فارسی و عربی دستی توانا داشت. از جمله آثار وی: «الشریعة الغراء»، در فقه؛ «الدرة البهیة فی اثبات حقیقة التقیة»؛ «رشحة الافکار فی تحدید الأکرار» در فقه؛ «ظل ممدود و طلح منضود»، مکاتبات و اشعارش به عربی و فارسی؛ «اوراق الذهب»، در شرح حال استادش سید العلماء؛ «روایح القرآن فی فضائل أمناه الرحمن»؛ «شمع المجالس»، در مراثی سیدالشهداء (ع)، به عربی و فارسی؛ «الجواهر العبقریة»؛ ترجمه‌ی جلد دهم «بحار» (قدیم)؛ «تعلیقة الروضة البهیة»؛ «المنّ والسلوی»، در زهد و تقوی؛ «اجناس الجناس»؛ «رطب العرب»، دیوان شعر عربی؛ «بنیاد اعتقاد»، منظومه‌یی به زبان اردو؛ مثنوی «نان جو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (413 -411 /7)، ایضاح المکنون (377/1)، الذریعه (232 -231 /187، 14/11، 236/8، 91 -476 /475 -2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1012 -1010 /14)، فوائد الرضویه (549 -548)، مستدرکات اعیان (298/2)، معجم المؤلفین (120/10)، مکارم الآثار (778 -777 /3)، هدیة العارفین (390/2).

جزایری شوشتری، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1298 ق)، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. جد بزرگش محمدجعفر از شوشتر به هند مهاجرت کرد و در لکهنو سکنی گزید. سید محمدعلی نیز در آنجا به دنیا آمد و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت. در سال 1325 ق رهسپار عتبات عراق شد و در نجف نزد استادانی چون آخوند خراسانی، آقا سید محمدکاظم یزدی، آقا ضیاءالدین عراقی تحصیل کرد. پس از شش سال به زادگاهش بازگشت و در بنیاد علمی شعبه‌ی عربی کالج به تدریس پرداخت و شاگردانی چون سید علینقی نقوی، میرزا یوسف حسین، شیخ محمدبشیر انصاری و سید ثمرحسن را می‌توان نام برد. در سال 1355 ق به عراق رفت با شیخ آقابزرگ تهرانی دیدار کرد. وی در شعر دست توانایی داشت و به سه زبان فارسی و عربی و اردو شعر می‌سرود. از جمله آثار وی: «الافادات المحمدیه»؛ «تخمیس قصیده‌ی علویه» به عربی که سروده‌ی پدرش بود؛ شرح «یوان امرىء القیس»، به اردو؛ شرح «رنات الطرب فی قصائد العرب»، به اردو؛ «مزاعم العرب فی الجاهلیة»؛ «دیوان» شعر به عربی؛ «ضبط الغریب من لغة العرب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (114/15، 292، 165 /13، 254/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1462 -1460 /14)، مستدرکات اعیان (298/2، 188/1).

جزایری شوشتری، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1384/1283 -1321 ق)، فقیه و نسّابه. معروف به امامزاده. وی در دو سالگی با پدرش به شوشتر کوچ کردند. درین شهرنشو و نما کرد و مقدمات علوم را نزد کسانی چون پدر و پسر عمویش، سید محمدعلی، فرزند سید بزرگ و دیگران فراگرفت. در سال 1344 ق به نجف رفت و به مجلس درس شیخ نعمت‌اللّه دامغانی و دیگر عالمان پیوست. پس از چندی به شوشتر بازگشت و به انجام خدمات دینی مشغول شد. چندی به کشورهای افریقایی سفر کرد. پس از بازگشت، چون پدرش به اهواز رفته بود، به آنجا مهاجرت کرد. اندکی پس از درگذشت پدر، به نجف رفت و از مجلس درس آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید ابوالقاسم خویی بهره‌ها برد و چندی نیز از محضر درس آق سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرد. سپس برای بار دوم و این بار به نمایندگی از طرف آیت‌اللّه بروجردی برای تبلیغ اسلام راهی آفریقا شد. پس از چندی به نجف بازگشت و در این شهر درگذشت. از جمله آثار وی: «بوستان پیغمبر» یا «خاندان سادات جزایری»، که زندگینامه‌ی سادات جزایری است؛ «گلستان پیغمبر» که زندگینامه‌ی سادات مرعشی شوشتر است؛ «تفسیر آیات بینات النازلة»، در فضایل اهل‌بیت سید کاینات؛ «تقریرات» برخی از دروس خودش.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (220/18، 236/4).

جزایری شیرازی، محمد مؤمن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1130 -1074 ق)، عالم، محقق، متکلم، محدث، فقیه و شاعر امامی. وی در شیراز به دنیا آمد و در آن شهر به کسب علم و تحصیل معارف پرداخت، سپس به دیگر شهرها سفر کرد و از محضر بزرگانی چون مولی شاه محمد شیرازی و مولی مسیح‌الزمان فسوی و حکیم محمدهادی بهره گرفت و از علامه مجلسی و شیخ حر عاملی و امثال آنها به دریافت اجازه نایل شد. سید عبدالحیّ در «نزهة الخواطر» استادان وی را در هر رشته به تفصیل آورده است. محمدمحسن شیرازی از شاگردان او است. تألیفات و آثار وی بالغ بر سی و نه کتاب و رساله است که برخی از آنها به چاپ رسیده. از جمله: «مجالس الاخبار و مجالس الاخیار» در هفت جلد؛ «خزانة الخیال المشحونة من طرق المعانی والالفاظ الموزونة بامثال اللال»، در سه مجلد؛ «طیف الخیال فی مناظره بین العلم والمال»، و شرح آن «تعبیر طیف الخیال»؛ «تمیمه لفوائد»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (45/10)، ایضاح المکنون (536، 429/ 2، 428، 347 -322 /1)، الذریعه (358 -357 /19، 196/15، 156/7، 435، 210، -208 /4)، فوائد الرضویه (600 -599)، معجم المؤلفین (69/12)، هدیه العارفین (310/2).

جزایری نجفی، احمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1151 -1149 ق)، عالم، فقیه، محقق و نویسنده‌ی امامی. وی منسوب به «جزایر» خوزستان است. وی پس از فراگیری مقدمات در زادگاه خود، روانه‌ی عتبات شد و در نجف به تحصیلات خود ادامه داد. در این شهر نزد علمای بزرگ شیعه درس خواند و از آنها اجازه گرفت. بسیاری از بزرگان وی را ستوده‌اند. از جمله یوسف بن احمد بحرانی در «لؤلؤ البحرین» وی را فافضلی محقق و باریک‌بین خوانده و سید عبداللّه بن نورالدین بن نعمت‌اللّه جزایری در اجازه‌ای که برای وی نوشته از وی به عنوان «خاتمه المجتهدین» یاد کرده است. از آثار وی: «الارتدادیه»، کتابی فقهی درباره‌ی برگشتن از دیانت اسلام و ارتداد؛ «تبصرة المبتدئین»، در احکام طهارت و نماز؛ «الشافیه»، در نماز؛ حاشیه بر «کافی»؛ «قلائد الدرر فی بیان آیات الاحکام بالاثر» که کتابی تفسیری و فقهی استدلالی درباره‌ی بیان و تفسیر آیاتی از قرآن مجید؛ «میزان المقادیر» که کتابی فقهی استدلالی همراه محاسبات ریاضی که اوزان و مقادیر شرعی در زکوة را با واحد اندازه‌گیری بیان کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (480 -479 /2)، تلامذه العلامه المجلسی (106، 111، 119)، الذریعه (318 -317 /23، 162 -161/17، 11/13، 181/6، 321 -320 /3، 437، 140 /1).

جزایری، صدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید صدرالدین جزایزی شوشتری ابن العلامه الجلیل السید حسین بن العالم النبیل السید محمد علی بن العلامه السید عبداللّٰه بن العالم العلام السید علی اکبر بن العلامه المحدث (صاحب کتاب الاجازه) السید عبداللّٰه بن العالم الجلیل السید نورالدین بن العلامه الکبری و الایه العظمی السید نعمت اللّٰه جزایری موسویست.
معظم له از مشاهیر علماء مبرز معاصر تهران است که بعلم و فقاهت و فضل و وجاهت موصوف و متصف میباشد.
تولدش در هفتم ذی‌الحجه 1313 ق در نجف اشرف واقع شده و در حدود چهار سالگی در مدرسه مروی رفته و ادبیات و سطوح را تقریبا تا 12 سال در تهران خدمت مرحوم والدش و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد رضا نوری و آیت‌اللّٰه آقا میرزا احمد آشتیانی بپایان رسانیده و در ماه شعباه 1325 ق به مشهد مقدس مشرف و قریب هفت سال خدمت جمعی از علماء آنجا مثل مرحوم حاج فاضل و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا محمد آقا زاده کفائی و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی قمی و دیگران تلمذ نموده و از آنجا بعتبات عالیات مشرف و مدت ده سال در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی تلمذ نموده و غالبا از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالغفار مازندرانی کسب فیض نموده و از کلمات نفیسه و شریفه ایشان که نوعا استفادات معارف و اخلاقیات از کتاب ایشان بود استفاده نموده و پنجسال هم در کربلا از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه قمی فقها و اصولا بهره‌مند شده آنگاه برای زیارت والد ماجدش به تهران آمده و بالضروره رحل اقامت افکنده به اقامه جماعت در مسجد عباس آباد بازار و تدریس فقه و اصول و سایر وظائف دینی و روحی تا حال حاضر اشتغال دارد.
نگارنده گوید: مترجم گرامی از مدرسین و اساتید مبرز و ماهر مدرسه مروی می‌باشند و حوزه درس فقه و اصولشان مورد استفاده‌ی فضلاء و محصلین تهران بوده و میباشد ادام اللّٰه توفیقه و ظله.
(1386 -1313 ق)، عالم دینی و فقیه امامی. سید صدرالدین در نجف به دنیا آمد و در چهار سالگی همراه پدر به تهران آمد و از همان سال در مدرسه مروی به تحصیل ادبیات و سطوح، در نزد پدرش و آیت‌اللّٰه سید

محمد تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ محمدرضا نوری پرداخت و «شرح اشارات» را در محضر آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی فراگرفت. 1325 ق به مشهد رفت و از حوزه‌ی درس آقازاده و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی مدت هفت سال بهره گرفت و سپس به عتبات رفت و مدت ده سال در نزد علامه نایینی و حاج شیخ محمدحسین اصفهانی به فراگیری فقه و اصول پرداخت. وی پس از آن مدت پنج سال نیز نزد آیت‌اللّه قمی در کربلا به تحصیل فقه و اصول ادامه داد. آنگاه به تهران آمد و از مدرسان و استادان فقه و اصول مدرسه مروی شد. از آثار وی «یادداشتهایی در عقاید و مساله ولایت اهل بیت (ع)» را می‌توان نام برد.[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 1472/ 14)، علماء معاصرین (230 -229)، گنجینه‌ی دانشمندان (422 -421/ 4).

جزایری، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی‌اصغر بن السید الجلیل و العالم النبیل حاج سید محمد حسین بن العلم العلام حاج سید محمدکاظم بن العلامه آیت‌اللّٰه آقا سید محمد علی موسوی جزایری از علماء اعلام معاصر تهران و مشاهیر احفاد علامه جزایری است.
وی در 22 جمادی الثانی 1314 ق در نجف اشرف متولد شده و پس از دوران صبا در معیت مرحوم والدش به تهران آمده و از محضر مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی مدرس مدرسه مروی متوفی 1327 ق که ماده تاریخ فوتش کریمه‌ی (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداللّٰه) و آیت‌اللّٰه حاج صید محمد تنکابنی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده نموده و در اوائل تاسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و بعد مقداری از آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و مسافرتی هم به نجف اشرف نموده و مدت کوتاهی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی مستفیض گشته و در تهران بوظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد (حاج میرزا شفیع) در اول خیابان جنوبی خیام و ترویج دین اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد موسوی جزایری از اجله علماء و مجتهدین شوشتر است که در سال 1334 قمری در شهر شوشتر به دنیا آمده‌اند.
معظم له در بحث و تدریس و تألیف یدی طولا دارند و از ارباب نظر و تحقیق می‌باشند.
اکثر اوقات خود را صرف اشتغالات علمیه نموده و فضلاء محل از ابحاث علمیه و افادات عالیه فقهیه و اصولیه ایشان مستفیذ هستند و در شوشتر مرجع مردم می‌باشند.
تألیفات آنجناب شرحی بر عروةالوثقی و رساله مستقلی در فروع علم اجمالی بنام الجواهر الغوالی مطبوع دارند و نیز رساله‌ای در قاعده لاضرر نوشته‌اند.
تبصرة الاحباب در نحو اجازات اجتهاد و روایت از اعاظم علماء و مراجع تقلید داشته‌اند.
معظم له سطوح عالیه را از مرحوم آیت‌اللّه آقا سید مهدی آل‌طیب و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدکاظم شیخ و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم خوئی استفاده نموده‌اند.
حاج شیخ هادی امینی در کتاب معجم و رجال‌الفکر والادب اجمالی از ترجمه وی را در تحت عنوان جزایری موسوی نوشته‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جزائری، نعمت‌اللّه

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(قس. نعمة‌اللّه): جزائری. سید نعمت‌اللّه بن عبداللّه جزائری شوشتری (ف. 1112 ه.ق)، از اکابر متأخرین علمای امامیه که در فقه و حدیث و تفسیر و ادب و علوم عربی متبحر و استاد بود. وی از شاگردان علامه‌ی مجلسی و ملامحسن فیض کاشانی است و از تألیفات او: انس‌الوحید، حاشیه‌ی استبصار، حاشیه‌ی شرح جامی، شرح روضه کافی، شرح کبیر، نورالانوار و هدیة‌المؤمنین است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

جزمه‌ای قزوینی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد جزمه‌ای از علماء مبرز و معروف شهرستان قزوین بوده‌اند. آن مرحوم در قزوین متولد شده و پس از رشد و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح در زادگاهش به نجف اشرف مهاجرت نموده و چندین سال در آن سامان از محضر آیتین علمین علامتین آیت‌اللّه آخوند خراسانی صاحب کفایه و آیت‌اللّه آقا سید کاظم یزدی صاحب عروه استفاده نموده تا به درجه رفیعه اجتهاد و دریافت اجازه اجتهادی از معظم لهما شده که نسخه هر دو نزد نگارنده موجود است.
سپس به قزوین مراجعت کرده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و سرسختانه با منکرات و فحشاء و عاملین آن مبارزه کرده و تا پای ریشه‌کن کردن فساد و مفسدین چه یهود و چه غیر آن مقاومت می‌نمود و در موضوع کشف حجاب نیز در برابر رضاخان و عمالش مبارزه منفی نموده و از شهر مهاجرت و تا مدتی به شهر نیامده تا این موضوع نسبتا راکد و متوقف شد.
و آن بزرگوار در اثر تقوا و پرهیزکاری و پارسائی در نزد مردم محبوبیت داشت و او را مستجاب الدعوه می‌دانستند. زیرا سالی در قزوین باران نیامد باغات و کشتها خشکید و مردم و کشاورزان به وحشت و هول و هراس قحطی و کمبود افتادند پس آن مرحوم بنا بر دستور والد ماجدشان مرحوم حاج سید ابوالقاسم جزمه‌ای به نماز استسقاء و باران رفته و دعا نموده و باران مفید و سودمندی بارید و مردم بخصوص کشاورزان از نگرانی درآمدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی جعفری تبریزی یکی از چهره‌های درخشان علم و فضیلت و اساتید فلسفه و حکمت معاصر طهرانست. وی در حدود شصت و شش سال قبل یعنی در سال 1365 قمری برابر هزار و سیصد و چهار شمسی در تبریز به دنیا آمده و در دامن پدر و مادر متدین و با صداقت پرورش یافته، و با آنکه آنها اهل سواد نبودند ولی دارای صفای قلب و پاکی طینت بودند و توان و بنیه مالی نداشتند که وسائل تحصیل ایشان را فراهم کنند زیرا به شغل نانوائی اشتغال و با عفت اداره عائله خویش را می‌نمودند.
ایشان پس از خواندن دوره ابتدائی وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و به خواندن ادبیات مشغول و چون بنیه مالی پدرش ضعیف بود با برادر بزرگترش میرزا محمد جعفر نصف روز را کار و نصف دیگر در مدرسه طالبیه درس خوانده و ادبیات را از مرحوم آقای اهری آموخته. سپس به طهران عزیمت نموده و از درس و بحث مرحوم آقا میرزا مهدی آشتیانی و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی سطوح عالی را به پایان رسانیده و پس از آن به قم آمده و در مدرسه دارالشفا اقامت و از محضر آیات آن زمان چون آیت‌اللّه حجت و حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده کرده و پس از یکسال چون پدرش وفات کرده بود به تبریز آمده و پس از چند ماه به امر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فتاح شهیدی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و غیر آنها استفاده نموده و حدود یکسال و نیم از محضر عالم ربانی و حکیم متاله حاج شیخ مرتضی طالقانی بهره‌مند شده است.
خاطره عجیب آقای جعفری از استادش شیخ مرتضی طالقانی
استاد جعفری در مجله 7 کیهان فرهنگی به خبرنگار مجله چنین گوید: من روزی که آخرین روزهای ذیحجه بود برای درس به خدمتشان رسیدم همینکه وارد شدم و روبروی معظم‌له نشستم فرمودند برای چه آمدی آقا؟ عرض کردم آمدم که درس را ادامه دهید فرمود برو آقا درس تمام شد. چون ماه محرم رسیده بود من خیال کردم ایشان می‌فرمایند که تعطیلات (14 روزه محرم) رسیده است لذا درس را تعطیل کرده‌اند و به ذهنم نمی‌آید که ایشان خبر از مرگ خود می‌دهد و همه آقایان که در نجف بودند می‌دانستند ایشان کسالتی ندارند. پس عرض کردم دو روز به محرم مانده

است و هنوز درسها تعطیل نشده است. فرمودند اللّه‌اکبر می‌دانم آقا می‌دانم به شما می‌گویم درس تمام شد (خر طالقان رفته پالانش مانده) روح رفته جسدش مانده.
پس متوجه شدم که ایشان خبر از مرگ خود می‌دهد سخت منقلب شدم و عرض کردم چیزی بفرمائید برای یادگار اول کلمه لا اله الا اللّه را با یک قیافه روحانی و رویه ابدیت گفت و اشک از دیدگان مبارکش به محاسن شریفش جاری شد و این بیت را سرود.
تا رسد دستت به خود شو کارگر
چون فتد از کار خواهی زد به سر
بار دیگر کلمه لا اله الا اللّه را با حالتی عالی‌تر گفت من برخاستم و هرچه کردم دستش را کشید پس خم شد پیشانی و محاسن مبارکش را بوسیدم چند بار واثر قطرات اشک مقدس آن مسافر ابدیت را در صورتم احساس کردم و رفتم و روز بعد در مدرسه صدر که من در آنجا درس می‌خواندم و محرم 1364 وارد شده بود به یاد سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام نشسته بودم که مرحوم (حجةالاسلام) حاج شیخ محمدعلی واعظ خراسانی آمد و خبر محنت اثر فقدان و رحلت آن عالم بزرگ ربانی را داد پس همگی به مدرسه سید شتافتیم و دیدیم تمام مراجع بزرگ و مدرسین و فضلاء حاضر و آن مرحوم را از آنجا تشییع کردیم.
نگارنده گوید: صریح‌تر از ایشان در اخبار از مرگش مرحوم آیت‌اللَّه استاد المتاخرین حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی بودند که در کتاب خاطرات شریف خود نقل نموده و اینجا هم مناسب دیدم بازگو کنم.
برای نگارنده حکایت کرد آقا حاج سید محمدرضا میبدی یزدی مقیم گرگان که از علماء بنام معاصر آن سامانست که استاد ما مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید یحیی مدرسه یزدی فرمودند که چون استاد ما مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی درگذشت و سه روز برایش درسها تعطیل شد روز چهارم به منزل مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) رفته و عرض کردم آقا سه روز است درسها تعطیل شده خواهش داریم که فردا درس را شروع نمائید که بیکار نباشید.
فرمودند: آسید یحیی خودم هم تصمیم داشتم فردا شروع کنم ولی امروز صبح داشتم تعقیب نماز صبح می‌خواندم و بیدار بودم ناگاه دیدم آقا ضیاء آمد درب اطاق و فرمودند شیخ محمدحسین آماده باش آخر این هفته نزد ما خواهی آمد و من تا آخر هفته بیشتر زنده نیستم و چنین شد و با آنکه سالم بود آخر هفته شب جمعه درگذشت و از دنیا رفت. و نیز استاد ما مرحوم آیت‌اللَّه حجت که در آثارالحجه مفصلا نقل کردم از مرگ خود خبر داد.

خلاصه استاد جعفری حدود ده سال در نجف اقامت نموده و از محضر و ابحاث آیات عظام و مدرسین بزرگ چون حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و دیگران استفاده نموده و با مرحوم شهید آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر روابط نزدیک و دوستانه و اشتراک درسی و عقیدتی داشته و در ضمن تحصیلات فقهی و اصولی و فلسفی با فرهنگ غرب هم آشنا شده و کتب آنان را مطالعه و بررسی نموده و در آنجا تقریرات درس استادش آقای خوئی را در طلب و اراده و جبر و اختیار والامر بین الامرین را عربی به رشته تحریر آورده و به چاپ رسانیده سپس در عصر آیت‌اللّه العظمی بروجردی به ایران و قم آمده و پس از رسیدن محضر آن مرحوم و اصرارشان در اقامت در حوزه و تدریس کردن برای عدم مساعدت آب و هوای قم با موافقت ایشان به مشهد عزیمت نموده و حدود یکسال در آنجا اقامت و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و به تألیف و تدریس در دانشگاه و مدرسه مروی و غیره اشتغال و تا حال تحریر موفق به وظائف روحی و علمی خود می‌باشند.

تألیفات استاد جعفری

در عصر حاضر کمتر کسی به تألیفات و تصنیفات استاد جعفری می‌رسد و گذشته از تألیفاتی که از دید خوانندگان می‌گذرد. مکاتبات و مراسلاتی با پروفسور راسل استاد و فیلسوف فرانسوی دارد و نیز مصاحبات با پرفسور یانگ امریکائی و دیگر علال فارسی مراکشی و دکتر حسووانی در مه ایتالیائی و دکتر کلاوز آلمانی و دکتر بیدفورد آلمانی و چارلیز ادامز امریکائی و برخی دیگر داشته است.

اما تألیفات چاپ شده ایشان

1-الامر بین الامرین که در نجف به طبع رسیده.

2- الرضاع.

3- تعاون الدین و العلم. چاپ تهران.

4- وجدان چاپ تهران

5- جبر و اختیار چاپ تهران

6- آفرینش انسان چاپ تهران

7- علم در خدمت انسان چاپ تهران

8- اخلاق و مذهب چاپ تهران

9- فیزیک و متافیزیک

10- رابطه علم و حقیقت چاپ تهران

11- توضیح و بررسی مصاحبه با فراند راسل- انتشارات تهران.

12- نقد و بررسی برگزیده افکار راسل، چاپ تهران.

13- بینش حضرت حسین علیه‌السلام- انتشارات تهران.

14- منابع فقه، مشتمل بر امارت اهل کتاب و مواد زکوه و غیره.
15- ارتباط انسان و جهان در سه جلد
16- انسان از دیدگاه قرآن چاپ اصفهان.
17- ایده‌آل زندگی و زندگانی ایده‌آل چاپ تحقیقات تهران.
18- نگاهی به امام علی علیه‌السلام مشتمل بر مباحث علی (ع) و سیاست علی (ع) و... چاپ تهران.
19- تفسیر نقد و تحلیل مثنوی در 15 جلد چاپ حیدری.
20- مجموعه مقالات به نام... انتشارات تهران.
21- مولوی و جهان‌بینی‌ها انتشارات تهران.
22- فلسفه و هدف زندگی انتشارات صدر تهران.
23- تفسیر نهج‌البلاغه 14 جلد آن به طبع رسیده و بقیه در دست طبع است.
24- طرحهائی در انقلاب فرهنگی، انتشارات پیشوا تهران.
25- علم از دیدگاه اسلام، انتشار سازمان پژوهشهای علمی و فلسفی.
26- حیات معقول.
27- زیبائی از نظر اسلام.
28- شرحی بر احتجاج حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام با عمران صابی در الهیات چاپ تهران.
29- حیات نقطه اسلامی فلسفه و علم و احساسات و مذهب، چاپ تهران.
30- علیت و اختیار از دیدگاه علامه طباطبائی.
و حدود بیست جلد تألیف مخطوط دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.
(الهیکل قسط من الثمن بل تمام الثمن)
این دانشمند فرزانه با این همه آثار و فضائل بسیار ساده و بی‌آلایش و پیرایه است عمامه‌ای کوچک و جثه‌ای متوسط بلکه ضعیف و لباسی مقتصد دارد و اگر کسی قبلا او را ندیده باشد و برای اولین بار ببیند برای او ارج و ارزشی تصور نمی کند چون نمی‌داند که این مرد با این هیکل متوسط و قد کوتاه دارای این همه آثار بزرگ است و چه افکار روشنی دارد چنانچه خود ایشان مسافرت خود را به سمنان بنا بر دعوت علامه حایری سمنانی نقل و به این موضوع اشاره نموده است.
در مصاحبه‌ای که با کیهان فرهنگی با معظم‌له شده فرمودند روزی نامه‌ای به توسط یکی از دوستان از مرحوم علامه حایری رسید به دستم که مرا دعوت به سمنان کرده بودند برای دیدار و ملاقات با ایشان.
پس به اتفاق یکی از رفقا عازم سمنان شده با قطار به آنجا رفتم وقتی در ایستگاه سمنان پیاده شدم جمعیت بسیاری را دیدم که گویا به استقبال آمده‌اند و در همانحال که پیاده شدیم آقای روحانی دیگری که دارای هیکل بزرگ و لباس جالبی بود از واگن پیاده مردم به سوی او هجوم آوردند و

گفتند برای سلامتی علامه استاد جعفری صلوات پس من به رفیقم گفتم خوب شد نزدیک بود بلائی به سرم بریزد. پس آمدم در میدان ایستگاه به هر درشکه و وسیله نقلیه که گفتم ما را ببر منزل علامه حایری گفت نمی‌توانم چون ما باید میهمانهای علامه حایری را ببریم.
پس به یک درشکه که کرایه‌اش یک تومان بود گفتم ده تومان می‌دهیم ما را ببر به خانه علامه پس با چند نفر دیگر سوار کرد و چون قدری راه رفتیم دیدم خود علامه حایری عصازنان به طرف ایستگاه می‌آید پس به درشکه‌چی گفتم آقای علامه ایشانست. گفت آری، گفتم همین جا ما را پیاده کن و خدمت ایشان رسیدم فرمودند مردم چه شدند گفتم چه مردمی فرمودند مردم را به استقبال شما فرستادم گفتم الان می‌آیند خدمت شما. پس آن مرحوم با کیاست و فراست دریافتند و فرمودند پس تقصیر قیافه و هیکل و لباس شماست و حتما مردم عوضی گرفته‌اند این چه قیافه‌ایست حتما به خودتان برسید و یک مقداری خودت و لباست را جمع و جور کن و مردمی که به استقبال آمده بودند قیافه و لباس ما را دیده احساس کرده بودند که حتما پیشواز آن آقای خوش هیکل آمده‌اند.
پس به سوی او هجوم آوردند که حضرت آقای جعفری بفرمائید منزل آقا علامه که در انتظار شماست و آن آقا متحیر مانده و گفتند جعفری کیست و علامه کدام است؟
پس مردم متوجه شدند که اشتباه کرده‌اند و عوضی گرفته‌اند. پس مانند لشکر شکست خورده پراکنده و به منزل علامه که تهیه نهار دیده بودند آمدند و خلاصه چند روزی که در خدمتشان بودیم بسیار لذت روحانی بردیم و از ایام خوش زندگانی من بود.
پس از مسائلی که با آن مرحوم مورد بحث قرار گرفت موضوع قصیده هبوطیه و عینیه ابن سینا که بیت بیت و مطلعش اینست:
هبطت الیک من المکان الارفع
ورقاء ذات تعزز و تمنع
و من در استقبال آن ابیات گفتم به هشتاد و هفت بیت می‌رسد و از نظر آن علامه نقاد و صراف ادبیات فارسی و عربی گذرانیده که مورد تحسین و تصدیق ایشان قرار گرفت که از نظر عزیزان می‌گذرانم.
طلعت الیک النفس احسن مطلع
مشعوفه و هو ذات تلوع
غابت و لم تعری حصولا انما
عرفت حضوریا و لم تتبرقع
ان العویصه فی حدیث النفس من
تعریفها بالاسطقس الارفع
و به تعالی النفس حتی جاوزت

عن کل قید للکمال الابدع
بل ان قد تمنوا ان استعل کل ما
فی الکون غامض سره المتنوع
فتعود عالمه بکل خفیه
فی العالمین فخرقها لم یرقع
منحوا لها فوق الکمال فاصبحت
کالواجب الاعلی الغنی الامنع
فیقول ما معنی الحراک من الحمی
العالی الی قعر الحضیض الاوضع
قد انشا و اشعرا بلاجبر و لا
کره فحاروا فر الروی الامنع
واظن ان صعودها و هبوطها
لم یعرفا عند اللبیب الالمعی
واستهون الصلصال زعما انه
شبه المعالم و الطلول الخضع
فیخال ما وصلت الیه حضیضها
فیقول منکسرا بغیر ترفع
هبطت الیک من المحل الارفع
ورقاء ذات نعزز و تمنع
لو حقق الشیخ ابن سینا حقه
و جری بفکرته و عقل اروع
لرای التکامل فی صمیم تعلق
الفس البسیطه بالحسوم الخضع

تا آخر ابیات او که برای اختصار از نقل تمام آن خودداری کردیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جلالی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محسن جلالی بن آیت‌اللَّه آقا سید علی جلالی از مشاهیر علماء و ائمه جماعات کربلاء معلی بوده‌اند. معظم‌له در سامری به دنیا آمده و در بیت علم وتقوی پرورش یافته و به اتفاق والد ماجدش مهاجت به کربلاء در عصر زعامت و مرجعیت مجاهد بزرگوار عالم ربانی آیت‌اللَّه العظمی آقا میرزا محمد تقی شیرازی نموده و پس از تکمیل مقدمات و سطوح وسطی و نهائی در رشته‌های معقول و منقول مشرف به نجف اشرف شده و از محضر و دراسات آیت‌اللَّه محقق میرزا حسین نائینی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده آنگاه به‌کربلا مراجعت و در سال 1361 در جلسات بحث خصوصی مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا هادی خراسانی که (ابوالزوجه)ایشان بودند شرکت نموده و در ضمن به تدریس و اقامه جماعت در حرم مطهر حسینی (صبحها) و صحن و حرم حضرت ابوالفضل علیه‌السلام (شبهاو ظهرها) پرداخته تا روز اربعین (20 صفر) 1391 قمری از دنیا رفته و طبق وصیتش جنازه‌اش را بعد از تجلیل و تشیع فراوان حمل به نجف اشرف و در جوار امیرالمومنین علیه‌السلام به خاک سپردند.
مترجم گوید: مرحوم آیت‌اللَّه جلالی عالمی مهذب و پارسا و متحلی به اخلاق حسنه و در زهد و ورع در عصر خود کم نظیر و نسبت به مستمندان رحیم و دلسوز و حتی المقدور در مساعدت به ایشان کوتاهی نمی‌کرد.
دارای آثار ارزنده بوده که فهرست آنها را می‌نگارم.
1- حاشیه برکفایه.
2- تنبیه الامه الی احادیث الائمه.
3- المنتخب من الاحادیث و الخطب.
4- مصباح الهدی فی اصول دین المصطفی.
5- حقیقه التناسخ وابطاله فی الفلسفه.
6- تقریرات دروس اساتیدش در فقه و اصول.
گذشته از آثار علمی دارای پنج فرزند فاضل و صالح می‌باشند که اسامی آنان را یاد می‌نمایم.
1- حجت‌الاسلام آقا سید محمد تقی جلالی.
2- حجت‌الاسلام آقا سید محمد حسین جلالی.
3- حجت‌الاسلام آقا سید محمدرضا جلالی.

4- حجت‌الاسلام آقا سید محمد جلالی.
5- آقا سید محمد جواد جلالی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

جلیلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مصطفی بن العالم الجلیل آقا شیخ مرتضی جلیلی کرمانشاهی از علماء اعلام و حجج اسلام و دانشمندان با متانت و وقار حوزه علمیه قم است که صبحها در مسجد موزه آستانه مقدسه فاطمیه علیهاسلام اقامه جماعت دارند و در هنگام مسافرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری به جای ایشان در همان محل امامت و نیابت می‌نمایند. در ذی‌القعده الحرام در سال 1319 ق در کرمانشاه متولد و در مهد تربیت والد ماجد نشو و نما یافته و مقدمات و سطوح اولیه را در کرمانشاه دیده و در سن بیست سالگی مشرف به نجف اشرف و مدت ده سالی تقریبا توقف نموده و سطوح عالی را از مدرسین نجف آموخته و در سال 1348 ق به قم مهاجرت و مدت هفت سالی از مجلس درس آن مرحوم و سایر علماء استفاده نموده و هم مدت بیست سال از ابحاث فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حجت و پانزده سال از دروس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده و هم ضمنا تدریس فقه و اصول نموده است.
آیات عظام گذشته قم و نجف اشرف مراتب علمی و اجتهاد معظم‌له را تصدیق نموده و اجازاتی که به نظر این مؤلف رسیده است برای آن جناب صادر فرموده‌اند و حقا ایشان واجد مقام علم و کمالات نفسانی و ملکات معنوی و از افراد موفق می‌باشد .
آثار علمی ایشان که حقیر دیده‌ام به قرار زیر است:
1- رساله قاعده لاضرر که تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حجت است.
2- حواشی بر کفایه الاصول 3- حواشی بر جواهر الکلام 4- حواشی بر عروه‌الوثقی . 4- حواشی بر منظومه سبزواری.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

جلیلی، شجاع‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شجاع‌الدین ابن حجةالاسلام حاج شیخ بهاءالدین (معروف به نظام‌العلماء) بن مرحوم آیت حاج شیخ محمدصالح جلیلی کرمانشاهی از علماء اعیان و مشهور استان کرمانشاه و عالمی متین و باوقار و اخلاقی بودند.
تولدشان در سال 1318 ق در شهر کرمانشاه واقع شده و پس از گذرانیدن دوران کودکی در دامن والد ماجدش خدمت مرحوم آقا شیخ حسن کربلایی و آقا شیخ احمد نجفی کرمانشاهی مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده و در سال 1339 عزیمت به نجف اشرف نموده و از دراسات فقه آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و اصول آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و حکمت و معقول را خدمت عالم جلیل مرحوم آقا شیخ مرتضی طالقانی که یکی از اوتاد و زهاد عصر خود بود استفاده نموده‌اند.
و بعد از پنج سال اقامت و مجاورت به واسطه اغتشاش اوضاع عراق و تبعید آیات عظام نجف به ایران اجبارا به وطن خود برگشته و مدت یکسال توقف و در خلال آن مشرف به مکه شده و بعد از مراجعت به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللّه یثربی و آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی مدت یک سال بهره‌مند گردیده.
و در سال 1346 مجددا به نجف مهاجرت تا سال 1350 توقف و از محضر آیتین اصفهانی و عراقی مستفیض شده و پس از رسیدن به مقام شامخ اجتهاد و دریافت اجازه به کرمانشاه بازگشته و به انجام وظایف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تعلیم و تربیت عده‌ای از محصلین کرمانشاه نموده و در سال 1385 ق اقدام به تأسیس مدرسه علمیه (عمادالدوله) که تا هم‌اکنون از مدارس دائر کرمانشاه و در تحت سرپرستی فرزند برومندش حاج‌آقا حسام‌الدین اداره می‌گردد.
وی در روز یکشنبه دوم ربیع‌الثانی 1393 ق دار فانی را وداع گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل به قم گردیده و در آنجا نیز عموم مراجع و آیات عظام و حوزه علمیه تشییع نموده و در مقبره فاطمیه بین مسجد اعظم و صحن عتیق مدفون گردیدند.
دارای آثار قلمی چندیست که به آن اشاره می‌گردد.
1- تقریرات دوره کامل فقه آیت‌اللّه اصفهانی به نام (دررالفقهیه) 2- دوره کامل اصول آقا ضیاءالدین عراقی بنام (دررالنجفیه) 3- رساله‌ای در لاضرر 4- کتابی در توحید 5- کتابی در اثبات امامت و ولایت 6- مجموعه‌ای در

تمام مجالس منبر آن مرحوم در ماه مبارک رمضان و دهه عاشوراء
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

جلیلی، عبدالرحیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ عبدالرحیم بن عبدالرحمن بن عبدالاحد بن عبدالجلیل معروفترین شخصیتهای خانواده جلیلی مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی است وی از اعاظم فقها و مراجع تقلید دوره ناصری محسوب بوده و در سال 1232 هجری قمری در کرمانشاه متولد شده علوم مقدماتی و سطوح را در کرمانشاه فراگرفته و مدتی در بروجرد از محضر فقیه ملا اسداللّٰه بروجردی کسب فیض کرده سپس برای تکمیل تحصیل به نجف اشرف مشرف گردیده مرحوم شیخ عبدالرحیم غالب تحصیلات عالیه خود را در خدمت مرحوم شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف‌الغطاء مؤلف کتاب انوارالفقاهة انجام داده پس از مرحوم شیخ حسن از محضر درس مرحوم صاحب جواهر مستفیض گردیده و از بزرگان اساتید مانند صاحب جواهر و شیخ علی کاشف‌الغطاء و سید علینقلی کربلائی و سید علی صاحب برهان قاطع باخذ اجازه اجتهاد نائل آمده مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم مرجع تقلید مردم کرمانشاه بوده و منصب قضاء و حل و فصل دعاوی اهالی را به عهده داشته حدود سی جلد کتاب و رسائل مختلف در فقه و اصول از خود به یادگار گذاشته که مهمترین آنها عبارتند از: کشف‌الاسرار در شرح دره بحرالعلوم- لمعات‌الانوار در مقدمات صلوة- کتاب البیع- کتاب الاجارة- مجمع‌المسائل- دقایق‌الاصول- رساله درر با رساله در استعمال اوانی ذهب و فضه- اثنی عشریه در حل مشکلات اخبار و احادیث- رساله در کیفیت زیارت عاشورا- کتاب سرالاسرار در وقایع جانگداز طف مرحوم علامه سید محسن عاملی در کتاب اعیان‌الشیعه در جزو 37 صفحه 127 شرح احوالات حاج شیخ عبدالرحیم مفصلا اشاره نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جلیلی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بن عبدالجلیل در معقول و منقول صاحب نظر بوده و دارای تألیفاتی چون شرح اصول کافی است حاج آقا محمد شکسته نستعلیق را خوش می‌نوشته و کتب بسیاری به خط خوش خود استکتاب کرده است حاج آقا محمد به عربی و فارسی شعر می‌سروده و بارق تخلص می‌کرده در سال 1281 قمری در کرمانشاه فوت نموده و جنازه او را به نجف اشرف برده و در وادی‌السلام مدفون شد
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جلیلی، محمدهادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدهادی بن شیخ عبدالرحیم- حاج شیخ محمدهادی جلیلی کرمانشاهی در سال 1288 قمری در کرمانشاه دیده به جهان گشوده تحصیلات مقدماتی و سطوح را طبق معمول آن زمان در زادگاه خود فراگرفت و در سال 1308 ق برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف عزیمت نمود و در نجف اشرف به حلقه درس غالب بزرگان عصر چون میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج شیخ هادی تهرانی و سید محمد بحرالعلوم صاحب بلغةالفقیه راه یافت و سرانجام در ملازم درس مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی گردید مرحوم حاج شیخ محمدهادی پس از نیل به مقام منیع مرجعیت و دریافت اجازات متعدد از اساتید خود به زادگاه اصلی خویش کرمانشاه مراجعت نموده و تا قبل از تشکیل دادگستری به قضاوت شرعی و حل و فصل امور مردم اشتغال داشت مرحوم آیت‌اللّه جلیلی بر حسب تقاضای مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی حوزه علمیه کرمانشاه را تأسیس نمود و به تربیت طلاب علوم دینیه همت گماشت تدریس بحث خارج و اداره امور طلاب را بعهده گرفت تا اواخر عمر شریف خود به تدریس و تألیف کتب فقهی و اصولی اشتغال داشت تألیفات مغفور له بالغ بر بیست مجلد کتاب و رساله است که مهمترین آنها عبارتند از تتمیم کشف‌الاسرار: در این کتاب مرحوم والد ماجدشان دره بحرالعلوم را شرح نموده و قبل از اتمام فوت نموده مرحوم حاج شیخ محمدهادی از مصرع (و سن فیها لحد موسع) تا آخر منظومه را شرح نموده و فصولی در احکام نماز جماعت بر آن افزود.
دیگر از تألیفات ایشان کتاب الطهاره- کتاب القضاء- رساله در مزارعه و مساقات- کتاب الطلاق- رساله در مشتق- رساله در برائت- رساله در حجیت ظن- رساله در میراث زوجه- رساله در اجتماع امر و نهی- رساله در تعادل و تراجیح رساله در مسئله ضد- کتاب القضاء- می‌باشد مرحوم شیخ محمدهادی رئیس مطاع و دارای محبوبیتی خاص در بین اهالی کرمانشاه و اطراف آن بود، نه تنها مورد اعتماد و احترام مسلمانان بودند بلکه اقلیت‌های مذهبی هم به ایشان ارادت می‌ورزیدند مرحوم آیت‌اللّه جلیلی در سال 1375 قمری در ماه مبارک رمضان در حال اداء فریضه ظهر در نجف اشرف به رحمت ایزدی پیوستند و در وادی‌السلام دفن شدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

جناب حسینی اصفهانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1349 -1287 ق)، فقیه، حکیم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی از سادات و معاریف رجال ادبی و ریاضی اصفهانی بود. در نزد علماء این سامان در فقه و اصول و طب و بخصوص ریاضی و در هیأت جدید و قدیم سرآمد معاصران شد، و تمام عمر خود را صرف تحصیل علوم و اشاعه آن از راه روزنامه و کتاب کرد. میر سید علی در سال 1324 ق روزنامه «الجناب» را با چاپ سنگی در اصفهان منتشر کرد. سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه دفن شد. از جمله آثار او: «الاصفهان»؛ «راهبر برای مسافرین اصفهان»؛ و «فعالیتهای فرهنگی بنادر جنوب (بوشهر) در شیخ نشین دوبی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (248 -245 /1)، تذکرة القبور (241 -240)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (103/3)، مؤلفین کتب چاپی (173 -171 /4)، یادگار (س 4 ش 4، ص 56).

جنتی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد جنتی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1303/12/3
زندگینامه علمی
آیة الله احمد جنّتی در سوم اسفند 1305 هجری شمسی در روستای لادان از بلوک ماربین، واقع در سه کیلومتری غرب شهرستان اصفهان، چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم ملا هاشم از روحانیون وارسته و بزرگی بود که از شنبه تا چهارشنبه در شهر اصفهان حضور داشت و به تدریس علوم حوزوی می‌پرداخت و روزهای پایانی هفته را در روستا به سر می‌برد. مردم روستای او که بیشتر کشاورز و دامدار بودند و عمدتاً از نظر اخلاقی در جایگاه مناسبی قرار داشتند، اگر دچار اختلافی می‌شدند برای حل و فصل مسائل خود به او مراجعه می‌کردند، وی تا پایان عمر رابطه‌اش را با حوزه علمیه اصفهان قطع نکرد و از محضر عالمان بزرگی همچون حاج آقا رحیم ارباب و حاج سید علی نجف آبادی بهره برده بود در آمدش منحصر به وجوه شرعی و یا از طریق وعظ و خطابه بود. او یک فرزند بیشتر نداشت. مادر آیة الله احمد جنّتی نیز زنی پاک و صبور بود و علاوه بر خانه داری، قرآن و برخی از کتب دینی را تدریس و بعضی از جلسات مذهبی را نیز اداره می‌کرد و با صبر و قناعت، زندگی می‌گذارند. در زادگاه آیة الله جنّتی و کل آن منطقه مدرسه‌ای وجود نداشت؛ از این رو او به مکتب خانه رفت و خود، اندکی از دروس جدید را خواند و بعدها در قم، مقداری زبان انگلیسی فرا گرفت. او دورة ادبیات عرب و مقدمات سطح را تا سال 1324 در حوزه علمیه اصفهان خواند. دوران نوجوانی او با اختناق رضاخانی همراه بود: پوشیدن لباس روحانی برای بسیاری از طلاب ممنوع شده بود؛ آنها می‌بایست برای پوشیدن آن لباس، مجوّز دریافت کنند و تنها به تعداد کمی از آنان مجوز داده می‌شد. عمامه‌ها را از سر طلاب برمی داشتند؛ کلاههای نمدی را پاره می‌کردند؛ از سر زنان چادر بر می‌داشتند؛ مجالس روضه به تعطیلی کشیده شده بود و مساجد به خلوتی می‌گرایید و ... آیة الله جنّتی خود، از نزدیک شاهد چنین روزگاری بود. او پس از تکمیل

مقدمات و طی کردن برخی از دروس سطح، به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر عالمان و فرزانگان آن دیار نیز بهره ببرد. با ورود به قم به تکمیل دروس دورة سطح پرداخت و در درس خارج بزرگانی همچون آیة الله العظمی بروجردی(ره) و امام خمینی(ره) شرکت می‌جست. در این مدت از شرکت در بحث‌های اخلاق و تفسیر نیز غافل نماند. او در این مدت در مدرسه فیضیه و حجتیه حجره داشت. آیة الله جنّتی بخشی از دروس مقدمات را نزد پدرش و بخشی را نزد مرحوم سید ابوالقاسم هرندی خواند. او بخشی از معانی و بیان را نزد مرحوم سید محمد باقر ابطحی و بخشی دیگر را نزد حاج شیخ احمد فیاض فرا گرفت و معالم را نزد مرحوم حاج شیخ علی مشکاتی آموخت. در قم شرح لمعه را نزد مرحوم شهید صدوقی آموخت و برای آموختن بخشی از رسائل و قوانین به نزد مرحوم آیة الله بهاءالدینی رفت. بخشی از کتاب مکاسب را نزد مرحوم حاج سید محمد باقر طباطبایی بروجردی فرا گرفت. و برای آموختن کفایه به نزد مرحوم حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم مجاهدی رفت. بخشی از مکاسب را نیز نزد مرحوم حاج آقا روح الله کمالوند آموخت.با تکمیل دورة سطح به درس خارج بزرگانی چون آیة الله العظمی بروجردی(ره)، آیة الله العظمی گلپایگانی، آیت الله العظمی حجّت کوه کمره‌ای(ره) و آیة الله العظمی امام خمینی(ره) رفت و سالها در درس فقه و اصول ایشان به طور جدی شرکت کرد. او در طی این سالها در بعضی از درسهای اخلاق نیز شرکت می‌نمود،تا علاوه بر آموختن علم، عمل به آنها را نیز فراگیرد. آیة الله احمد جنتی در دوران تحصیل خود با فضلائی چون شهید سعیدی، شیخ محسن حرم‌پناهی، شهید مفتح، سید کرامت‌الله ملک حسینی، شیخ ابوالقاسم خزعلی و شیخ محمد علی موحدی کرمانی به مباحثه درس می‌پرداخت و با بزرگانی چون شهید بهشتی، شهید قدوسی، آیة الله مصباح یزدی، آیة الله سبحانی، آیة الله مشکینی و آیة الله امینی رابطة دوستانه و مصاحبت داشت. آیة الله جنتی تا کنون آثار علمی و فرهنگی فراوانی از خود بر جای نهاده است. او مدت چهارده سال در مدرسة علمیه حقانی به تدریس دروس دورة مقدمات و سطح پرداخته است. مدرسه علمیة حقانی، مدرسه‌ای بود که با هزینة یکی از تاجران با تقوای زنجان و با مدیریت شهید قدوسی آغاز به کار کرد. این مدرسه که بسیاری از بزرگان کنونی حوزه، در ادارة آن شرکت داشتند، با ابتکار شهید بهشتی و با طرحی نو و شیوه‌ای تازه در تدریس و تحصیل و با برنامه‌ای منسجم و امروزی، به تربیت و آموزش طلاب از مقدمات تا سطح می‌پرداخت که بسیاری از مدیران و متصدیان امور قضایی و اصحاب فرهنگ و پژوهشگران امروز جامعه در آن پرورش یافتند. طلاب این مدرسه در بسیاری از فعالیتهای علمی و سیاسی دورة طاغوت و پس از آن، در اداره و برنامه‌ریزی علمی

و فرهنگی سیاسی انقلاب اسلامی شرکت کردند و این حاصل تلاش استادان این مجموعه، از جمله آیة الله احمد جنتی بود. آیة الله جنتی به ترجمة برخی از کتب حدیث پیشینیان، از جمله «اثبات الهداة»، «ایقاظ الهجعه»، «تحف‌العقول» و «المواعظ العددیة» پرداخته است.فعالیتهای علمی و فرهنگی و تحصیل فقه و اصول مانع فعالیتهای سیاسی آیة الله جنتی نگردید. فعالیتهای سیاسی در پروندة زندگانی او گاه بیشتر و بهتر می‌درخشد. آیة الله احمد جنتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در سخنرانیها، اجتماعات عمومی و جلسات خصوصی همواره به افشای ماهیت پلید حکومت پهلوی و ضرورت براندازی این حکومت وابسته می‌پرداخت. او که خود سالها شاگرد مرجع عالی قدر شیعه، امام خمینی(ره) بود، همواره دیگران را به پیروی از راه امام(ره) دعوت می‌کرد. از سوی دیگر در درون حوزه، ضمن ملاقات با علما و مراجع، آنها را از آخرین اخبار حرکت انقلابی امام و مردم با خبر می‌ساخت. او با عضویت در جامعة مدرسین حوزه علمیه قم، به برنامه ریزی هماهنگ برای برپایی راهپیمایی‌ها، نوشتن اعلامیه‌ها و ارتباط با دیگر مراکز مرتبط با نهضت امام خمینی(ره) ـ همانند جامعه روحانیّت مبارز ـ می‌پرداخت. آیة الله جنتی همواره ارتباط خود را با امام(ره) حفظ می‌کرد تا با الهام‌گیری از ایشان، از آخرین فعالیتهای مبارزاتی در قم، نجف و دیگر شهرها اطلاع پیدا کند. او بارها در قم، رفسنجان و جزیرة خارک مورد تهدید و تعقیب رژیم شاه قرار گرفت و چند بار در قم بازداشت شد. او سه نوبت به زندان رفت و مجموعاً سه ماه زندانی شد و یک بار هم دستگیر و به مدت سه سال به اسدآباد همدان تبعید شد. فعالیتهای وی پس از انقلاب نیز ادامه یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، آیة الله جنتی در مسؤولیتها و سنگرهای گوناگونی به ایفای نقش پرداخت. نخستین مسؤولیت او پس از پیروزی انقلاب، قضاوت در دادگاه‌های انقلاب با حکم امام خمینی(ره) بود. بر کناری و گاه اعدام قضات دوران حکومت شاه، فقدان قوانین و آیین نامه‌های اجرایی در دادگاهها، عدم آشنایی افرادِ مؤمن و انقلابی با سیر اجرایی کار قضاوت و مشکلات متعدد دیگر، کار در دستگاه قضایی سالهای نخستین انقلاب را دشوار ساخته بود. با وجوداین مشکلات، بزرگانی چون شهید قدوسی، شهید بهشتی و آیة الله جنتی در این عرصه پای نهادند به تدوین و اصلاح ساختار قضایی کشور پرداختند. دستگاه قضایی منسجم امروز کشور ما، حاصل تلاش این عزیزان در آن سالهاست. از مسؤولیتهای مهم آیة الله جنتی عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی، از نخستین روزهای تشکیل این نهاد مقدس است. شورای نگهبان از نهادهای مهم انقلاب به شمار می‌آید که با وجود آن، می‌توان گفت توطئه‌هایی چون داستان مشروطه تکرار نخواهد شد و همواره،

مصوّبات مجلس، از صافی فقه اسلام و قانون اساسی خواهد گذشت. این نهاد همواره مورد هجمة دشمنان انقلاب قرار گرفته است. آیة الله جنتی در طول عمر 24 ساله این نهاد، بارها با عنوان عضو فقیه این شوری، به دفاع از این نهاد و مبانی انقلاب اسلامی پرداخته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جوادی آملی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللّه جوادی آملی در سال 1312 (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال 1324 (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال 1330 (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللّه شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال 1335 (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللّه شعرانی (ره) و آیت‌اللّه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللّه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال 1335 (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللّه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللّه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللّه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.
از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر

کرده‌اند.
آیت الله جوادی آملی و وقف :
واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّهُ علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استنّوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه

تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. 1ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. 2ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَموُا اَنّ اللّهَ هُوَ یَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقةً تُطهّرهُم وَ تُزکّیهم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اِذ اَخَذتَ، ولکنّ اللّهَ اَخَذَ. 3ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی‌کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. 4ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. 5 ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّهُ لَهُم مَغفِرَةً وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف

لَهُم و لَهُم اَجرُ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الاّ ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّة هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه خواهد بود. 6 ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرُ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقةُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. 7ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموال جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمةَ عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّهُ له الجنة، عمد الی ماله فَجَعَله صدقةً مبتولةً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. 8 ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام

به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابة ذو مقدرةٍ الاّ وقف وقفا. 9 ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقة، بتةً بتلاً، فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیلٍ، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنة اللّه والملائکة والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. 10 ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمة للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ اللّه یحبّ المقسطین، گـواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیةاللّه نجفی مرعشی) پشت مسجد آیةاللّه گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوة، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جوادی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ عبدالله جوادی دامت برکاته در سال 1341 ق بقم المحمیه مهاجرت نموده و مدت هفت سال از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی حایری حاج شیخ عبدالکریم طاب‌الله ثراه و آیات دیگر استفاده نموده تا بدرجه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات در سال 1348 ق بابهر مراجعت و اقامت دائمی نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
تألیفات و نوشته‌های ایشان از این قرار است:
1- رساله‌ای در لباس مشکوک.
2- رساله در قاعده ید که از محضر درس مرحوم آیه‌الله نائینی استفاده نموده.
3- رساله‌ای در قاعده لاضرر.
4- جزواتی بعنوان حاشیه بر مکاسب و حواشی بر دررالفوائد آیه‌الله حایری.
5- رساله مستقلی در ارث.
6- رساله‌ای در رد مسلک باب و بهاء.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

جواهری، عبدالرسول

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1387 -1301 ق)، فقیه اصولی. نیای وی شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، بود. وی از پارسایان معروف نجف بود که پس از طی دوره‌های مقدماتی، دروس عالی فقه و اصول را از محضر شیخ محمدکاظم خراسانی، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی و عده‌ای از دیگر استادان و رجال حدیث را از محضر سید ابوتراب خوانساری و معقول را از محضر شیخ عبدالهادی شلیله‌ی بغدادی فراگرفت. سپس به تدریس فقه و اصول پرداخت و دانشمندان زیادی از محضر او استفاده کردند. در مقبره‌ی صاحب «جواهر» در نجف به خاک سپرده شد. از آثار وی: ترجمه‌ی «انیس الموحدین» کلباسی از فارسی به عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (82/4)، مستدرکات اعیان (131/3).

جوینی، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 438 /437 /434 ق)، نحوی، مفسر، فقیه شافعی. ملقب به رکن الاسلام. وی پدر امام‌الحرمین بود. عبداللّٰه در جوین متولد شد. ادبیات را نزد پدر در زادگاهش آموخت. سه بار به نیشابور رفت و فقه و اصول را نزد سهل بن محمد صُعلوکی فراگرفت، و سپس در مرو از محضر قفّال مروزی استفاده برد. و از ابونهیم اسفراینی نیز بهره گرفت. رکن‌الاسلام در بغداد در محضر ابوحسین بن بشران حاضر شد. وی در سال 407 ق به نیشابور بازگشت و به تدریس و فتوی مشغول شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «التبصرة»؛ «التذکرة»؛ «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر الجوینی» مشتمل بر انواع علوم؛ «الفرق والجمع» یا «الجمع والفرق»؛ «الفروق والسلسلة»؛ «مختصر المختصر» یا «مختصر الجوینی»؛ «موقف الامام والمأموم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (290 -291 /4)، دایرةالمعارف فارسی (776/1)، روضات الجنات (158 -160 /5)، ریحانه (444/1)، سیرالنبلاء (618 -617 /17)، کشف الظنون (1910، 1626، 1621، 1258، 996، 601، 446، 445- 339، 385)، معجم البلدان (224 -223 /2)، معجم المؤلفین (165/6)، وفیات الاعیان (48 -47 /3)، هدیة العارفین (451/1).

جهرمی، عبدالجبار

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ عبدالجبار مجتهد جهرمی از دانشمندان بزرگ این شهرستان بوده مرحوم والدش که از تجار و بازماندگان بود به عراق عرب رفته و در آنجا مجاور اماکن مشرفه شد. وی در عراق تحصیل علوم دینیه نموده تا به مدارج اجتهاد رسیده آنگاه به شیراز مراجعت و در محله سرباغ شیراز سکونت نموده و در مسجد میرزا محمد تاجر به امامت پرداخته و در مسجد حسینیه حاج قوام‌الملک به تدریس اشتغال داشت تا بعد از 1313 قمری که وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جیلانی اصفهانی، محمد رفیع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، و فقیه جامع، در متولد شده، پس از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده، و سال‌ها به تکمیل فضایل و معلومات خود گذرانیده. در نجف به درس سید بحر العلوم و دیگران حاضر شده.
کتب زیر از اوست:
1- اصل الاصول، در شرح معالم، مفصل 2- جواهر الاصول، حاشیه بر معالم تا آخر تعادل و تراجیح 3- حواشی بر دره‌ی بحرالعلوم 4- رساله در جمعه 5- کشف المدارک، تعلیقه بر مدارک، مطبوع 6- اللثالی الثمنیة در شرح نهج‌البلاغه؛ و غیره.
صاحب عنوان در حدود سال 1245 به بعد در نجف وفات یافته.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

چهاردهی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1334 -1252 ق)، فقیه امامی. در چهارده از روستاهای لاهیجان به دنیا آمد و مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در قزوین به تکمیل تحصیلات پرداخت و پس از چندی به عتبات مهاجرت کرد، در نجف از مجلس سید حسین کوهکمری بهره برد. وی از ملا علی خلیلی تهرانی روایت می‌کرد. شیخ آقابزرگ تهرانی از چهاردهی اجازه‌ی روایت داشت. وی از مشایخ آیت‌اللّه شهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. از جمله آثار وی: «الادعیه والاذکار»؛ «التذکرة الغرویه»، در نمازهای مستحبی و ادعیه؛ ترجمه‌ی «صحیفه سجادیه»، به فارسی؛ «تعقیبات الصلوة»؛ ترجمه‌ی «نواقض الروافض»؛ حاشیه بر «خلاصة الحساب»؛ حاشیه بر «روضة البهیه»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ حاشیه بر «منهج المقال» میرزا محمدعلی استرآبادی؛ «ذریعة العباد»، در اصول و فروع و ادعیه؛ «الرسالة الغرویه فی جواب الطبریه»، در اصول دین؛ شرح «قصیده مطالع الانوار» که منظومه‌ای است در مدح آل‌عبا؛ شرح «نهج‌البلاغه» به فارسی؛ شرح «قواعد الاحکام»؛ «زبدة العبادات» که رساله‌ی عملیه او به فارسی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (444 -443 /9)، الذریعه (45/16، 141/14، 30، 29، 12/ 220/11، 31/10، 96، 84/ 6، 219، 143، 112، 4/ 392/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1549 -1548 /14)، معجم المؤلفین (67/11)، مکارم الآثار (1407 -1406 /4).

چهارسوقی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی اصفهانی مشهور به « صاحب روضات » عالم فاضل مجتهد، ادیب و محقق رجالی برجسته از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم فرزند عالم برجسته حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری (مدفون در تکیه شیخ محمد تقی رازی) می¬باشد.
این عالم بزرگوار در خوانسار متولد شد و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای بزرگی چون سید محمد شهشهانی، سید صدرالدین عاملی ، شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه)، سید محمد باقر حجت الاسلام، حاج محمد ابراهیم کلباسی و ... انجام داد. در نجف اشرف از بزرگانی چون سید ابراهیم قزوینی کسب علم نمود و از بزرگانی چون شیخ محمد کاشف الغطاء و ... اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان به تدریس ، تحقیق ، تألیف و عبادت روزگار سپری نمود.
در عهد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسجدی که در محله چهارسوق به نام وی نام گذاری شد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأیید تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقامات عرفانی او آورده اند ظل السلطان می خواست مالی را به آقا میرزا محمد باقر واگذار کند، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خاندانم کافی است. ظل السلطان ابتدا تصور می¬کرد که واقعا توکل آباد یکی از روستاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است.
ایشان در شب دوشنبه 9 جمادی الاول 1313 هـ . ق در گذشت و بنا بر وصیتش در تخت فولاد در جوار قبر میرزا حسین خان کشیکچی به خاک سپرده شد.
به جهت احترام و تجلیل از مقام برجسته وی به همت میرزا سلیمان خان رکن الملک و فرزندان این عالم بزرگوار بعقه ای بر سر قبرش بنا گردید.
تألیفات ایشان عبارتند از: احسن العطیه یا شرح برالفیه ، تسلیه الاخوان، حاشیه بر شرح لعمه، حاشیه بر قوانین، رساله در ضروریات دین، رساله در شرح حدیث حی ، رساله در امر به معروف و نهی از منکر، رساله عملیه، قصاید عربی و فارسی در مدح و فضیلت اهلبیت پیغمبر، مجالسی در مصائب حضرت سید الشهداء و کتابهای ارزشمند بسیار دیگر.
او تالیفات چندی در فقه، اصول و کلام دارد. از جمله: «روضات الجنات»،

در احوال علما و سادات؛ «احسن العطیه» در شرح «الالفیه» شهید اول؛ «تسلیه الاحزان» فارسی، در مصیبت؛ حاشیه بر «شرح لمعه »؛ «ارجوزه»، در اصول فقه؛ «اقسام اسباب البلایا النازله فی هذه الدنیا علی الشقی و السعید»؛ «تفصیل ضروریات الدین و المذهب»؛ «حاشیه‌ی قوانین الاصول»؛ «قرةالعین و سرور النشاتین»؛ «رساله عملیه»؛ «رساله فی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر».
مشهورترین کتاب ایشان « روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات » به عربی است که بیش از ده سال از عمر خویش را مشغول تحقیق و تألیف این کتاب ارزشمند نموده است. این کتاب از کتاب های رجال شناسی بسیار محققانه و عمیق بوده و مورد استفاده بسیاری از محققین و رجال شناسان قرار گرفته و بسیاری ازبزرگان حواشی و فهرست ها بر این کتاب نموده اند. شهرت این کتاب به حدی بود که پس از درگذشت این عالم بزرگوار به مرور زمان این خاندان به « صاحب روضات » و فرزندان بزرگوارش به « سادات روضاتی» معروف گشتند.

چهارسوقی، محمدهاشم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 -1235 ق)، مجتهد و نویسنده. وی برادر کوچکتر میرزا محمدباقر خوانساری، مؤلف «روضات الجنات»، بود. وی پس از مدتی از زادگاه خویش، خوانسار، برای کسب تحصیل به اصفهان آمد و در زمره‌ی علمای طراز اول اصفهان قرار گرفت. بسیاری از علمای روحانی اصفهان از شاگردان او بودند. وی در سن 81 سالگی در نجف درگذشت و در وادی السالم به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاحکام الایمان»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «مجمع الفوائد، معدن الفوائد، مخزن الفوائد»؛ «مجموعة الرسائل»؛ «میزان الانساب»؛ «اصول الدین»؛ «التجوید»؛ «اصول آل الرسول»، در اصول فقه؛ «حاشیه ریاض»؛ «حاشیه قوانین» و چند اثر دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (353/7)، اعیان الشیعه (83/10)، الذریعه (275/22، 45/19، 102/6، 148/4، 196، 177، 2/ 296/1)، ریحانه (2/ 191- 192)، شرح حال رجال (6/ 253- 254)، علماء معاصرین (67)، گنجینه‌ی دانشمندان (49/5)، المآثر والآثار (145)، مؤلفین کتب چاپی (6/ 752- 753)، معجم المؤلفین (86/12).

چیذری، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ علی (مدرس) نهاوندی از علماء اعلام و مدرسین عظام تهران بودند.
وی از شاگردان مبرز مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه الاصول و علامه طباطبائی یزدی صاحب عروه و بعد از آنان از تلامذه و شاگردان و اصحاب خاص مرحوم آیت‌اللّه العظمی و المجاهد میرزا محمدتقی شیرازی بودند که پس از فوت آن بزرگوار به تهران آمده و در مدرسه سپهسالار و مروی بتدریس فقه و اصول اشتغال داشتند تا در قضایای اتحاد شکل و کشف حجاب که از تهران به شمیران منتقل و چندی در تجریش اقامت و در مسجد همت واقع در بازار به اقامه جماعت و تربیت افراد پرداخته و چون آنجا هم از مفاسد عمومی مصون نماند در چیذر که نسبتا از مظاهر فساد بر کنار بود رحل اقامت افکنده و حوزه علمیه تشکیل و افراد صالحی تربیت نمود تا از دنیا رفت و در جنب امامزاده آنجا مدفون گردیده است.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه چیذری عالمی ربانی و آیتی سبحانی خالی از هوا و تظاهرات و دارای نفس قدسی و ملکات فاضله اخلاقی و خصال حمیده و صفات پسندیده و سیمائی ملکوتی بود کرارا از محضرش استفاده نموده و از بیاناتش بهره‌مند شده‌ام.
از جمله مطالبی که از ایشان شنیدم این بود که فرمودند یکی از شاگردان و اصحاب حضرت امام صادق علیه‌السلام به آن حضرت عرض کرد وقتی من بمحل خود می‌روم اهل قریه من می‌گویند برای ما امامت کن شما اجازه می‌فرمائید. حضرت فرمود (ان لم یکن نظرک بالوراک فتامم) اگر نظرت به پشت سرت نیست. یعنی قلت و کثرت و کم و کیف مأمومین در تو تأثیر نمی‌کند امامت کن.
و این عجیب حدیثی است باید تمام ائمه جماعت این حدیث شریف را نصب‌العین قرار داده و درباره آن فکر نمایند.
فرمودند: این حدیث را برای مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی که مجسمه زهد و تقوا بود خواندم رنگ ایشان پرید و مدت هیجده شبانه‌روز از منزل بیرون نیامده و کسی را نزد خود نپذیرفت و مشغول باصلاح خود بود.
از آثار آن بزرگوار که بطبع رسیده است.
کتاب تنبیه‌الغافلین است که در شهریور 1312 شمسی منتشر گردیده

است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حاتمی لنکرانی، مجتبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1330 ق.، اصفهان.
درگذشت: 23 فروردین 1365.
آیت‌الله مجتبی حاتمی لنکرانی در اوایل جوانی به نجف مهاجرت نمود و در آنجا از محضر آیت‌الله محمد حسین نایینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محمدحسین غرری و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و علامه محمدجواد بلاغی و دیگران استفاده نمود. وی سپس به تدریس در حوزه پرداخت.
ایشان مدتی در سامره اقامت داشت تا در ذی‌القعده 1391 ق. به اجبار دولت عراق ، آنجا را ترک گفت و به اصفهان آمد و تا پایان عمر به تدریس علوم مذهبی مشغول بود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حاج مجتهد، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ ملا احمد معروف به حاج مجتهد بن عباس اصفهانی قائنی ترشیزی عالمی کبیر و متقی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری بوده و در سامرا از محضر آیت‌اللّه مجدد شیرازی استفاده نموده آنگاه به ترشیز (کاشمر) مراجعت و از بزرگان علماء آن سامان گردیده و خدمات شایسته به شرع مقدس نموده تا در سال 1323 قمری وفات و بجای او فرزند بزرگوارش مرحوم حجةالاسلام میرزا محمدرضا قرار گرفته و در آن سامان مرجعیت دینی یافته تا در سال 1340 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حاج مجتهد، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن معروف به حاج مجتهد از شاگردان میرزاء رشتی بوده و بعد 1310 وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حاج‌آخوند، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله شیخ محمدجواد بن العلامه حاج ملا غلامرضا مجتهد قمی از اکابر علماء و اعاظم مجتهدین شهرستان قم معروف به حاج آخوند در سال 1295 قمری در نجف متولد و در 7 سالگی به قم آمده و مقدمات را نزد مرحوم سید میرزای اصفهانی و سید محسن قمی خوانده و فقه و اصول را نزد والد خود آیت‌الله حاج ملا غلامرضا و آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی تحصیل نموده و در سن 20 سالگی به تهران آمده و از محضر مرحوم میرزا آشتیانی و حاج شیخ علی نوری و میرزا محمود حکمی و شیخ عبدالحکیم سبزواری فراگرفته و بعد از سه سال به قم مراجعت و پس از یکسال توقف در سال 1319 قمری به نجف اشرف مسافرت و از علامه یزدی و آخوند خراسانی استفاده کافی و وافی نموده و بعد از چهارده سال توقف در سال 1333 به قم معاودت نموده و به جای والد ماجدش به امامت و خدمات دینی پرداخته تا در اوائل ریاست آیت‌الله بروجردی که دعوت حق را اجابت گفته و در خاک مقدس قم و قبرستان شیخان مدفون شده است.
آثار و تالیفات مطبوع و مخطوط آن مرحوم از این قرار است:
1- صراط المستقیم جلد اول در اثبات صانع و توحید. 2- جلد دوم در فروع دین 3- در معاملات 4- عدم جواز تقلید میت بدوا و استمرارا 5- سعادت بشر در اثبات نبوت مطلقه و خاصه 6- آئینه حق در ولایت مطلقه و خاصه 7- کیمیا در معاد جسمانی 8- توحید قمی در اصول عقاید در دو جلد 9- یاقوت در رد مادیین و طبیعین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حاجی، غلامرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مشهور به حاجی آخوند از علماء بزرگ و فقهاء سترک این سرزمین است که در عصر خود در اولین صف علماء قم بود علاوه بر فضل ظاهر قدس باطن نیز داشت در ابتدای جوانی به اتفاق مرحوم حاج سید صادق مسافرت به نجف اشرف نموده و در آنجا در محضر آیةاللّه مجدد شیرازی مرحوم میرزا محمدحسن و حاج میرزا حبیباللّه رشتی قدس سرهما مشغول تحصیل شده و از مباحث فقه و اصول آن دو بزرگوار استفاده نمود تا به مقام منیع اجتهاد رسید آنگاه با مصاحبت همان دوست مذکورش در سال 1298 ق روی به وطن آورد و در این شهرستان دینی مشغول تدریس و افاضه و ترویج دین و اقامه جماعت بود تا در سال 1332 وفات نمود و در ایوان آئینه صحن اتابکی قم مدفون گردید از آثار آن مرحوم است حاشیه‌ای بر فرائد شخینا الانصاری رحمةاللّه علیه که به طبع رسیده و مورد مراجعه فضلاء می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

حارثی عاملی، عزالدین حسین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(984 -918 ق)، فقیه امامی، مفسر، محدث، متکلم و محقق. پدر شیخ بهایی بود. اصلاً از جبل عامل و ساکن اصفهان و قزوین بود. نسبت او به حارث اعور هَمْدانی، از خواص امیرالمؤمنین علی (ع) می‌رسد. حارثی با خانواده خود به دعوت شاه طهماسب صفوی از موطن اصلی به اصفهان آمد و مدتی در آن شهر به تدریس و افادات علمی مشغول شد و بعد به درخواست شاه صفوی در قزوین متوطن شد. عزالدین در پایان عمر به بحرین رفت و در آنجا مسکن اختیار کرد و همان جا درگذشت و در دیه مصلی، از توابع هجر بحرین، دفن شد. وی از شاگردان برتر شهید ثانی و سید حسن بن جعفر کرکی بود و در اکثر علوم اسلامی روزگار خود توانا و یگانه دهر بود. فرزندش شیخ بهایی و شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «المعالم»، و سید حسن بن علی بن شدقم حسینی و شیخ رشیدالدین اصفهانی و بسیاری دیگر از شاگردان شیخ حسین می‌باشند. از آثار وی: شرح «الفیه» الشهید؛ «مناظرة مع بعض علماء حلب»، در امامت؛ «دیوان» شعر؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه، «درایة الحدیث» یا «وصول الاخیار الی اصول الاخبار»؛ «تحفة اهل الایمان»، در قبله؛ کتاب «الاربعین»، در اخلاق؛ رساله‌ی «الوسواسیة»؛ رساله‌ی «الرضاعیة»؛ «الغرر والدرر»؛ «جوابات الاعتراضات العشره»؛ «رساله فی الاعتقادات حقة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (260/2)، اعیان الشیعه (56/6)، ایضاح المکنون (1/ 346، 516)، تکمله امل الآمل (186 -182)، الذریعه (70/15، 38/11، 249/9، 163 -162 /6، 175/5، 414/1)، روضات الجنات (336 -392 /2)، ریحانه (130 -126 /4)، فوائد الرضویه (140 -138)، الکنی والالقاب (105 -102 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین)، معجم المؤلفین (17/4)، هدیة العارفین (320/1).

حافظی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(984 -930 ق)، فقیه و شاعر، متخلص به حافظی. شاعر عهد شاه طهماسب صفوی بود. کتاب «التحفه الطهماسبیه» را که منظومه‌ای 200 بیتی است به فارسی در اصول دین به امر آن پادشاه به نظم درآورد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (380/4)، الذریعه (450/3)، ریحانه (16/2)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظی).

حاکم حسکانی، ابوالقاسم، عبیداللّٰه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 470 ق)، متکلم، فقیه، محدث و قاضی. مشهور به ابن حداد یا ابن حذاء. او از نوادگان عبداللّٰه بن عامر، فاتح خراسان، بود. برخی وی را حنفی پنداشته‌اند، اما بیشتر رجال‌نویسان شیعی بر تشیع وی حکم کرده‌اند. او معاصر صدوق دوریستی بود و از جد خود و از ابوالحسن علوی و ابوعبداللّٰه حاکم و ابوطاهر بن محمش و ابن فنجویه دینوری و همطبقه‌ی آنان روایت می‌کرد. وی از ملازمان ابوبکر بن حارث اصفهانی نحوی بود و از احمد بن علی بن منجویه نیز بهره گرفت، اما فقه را از قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمد آموخت. ابن شهرآشوب در «معالم العلماء» به شرح حال او پرداخته است. از آثار وی: «تصحیح خبر ردالشمس لعلی (ع)»؛ «خصایص علی بن ابی‌طالب (ع) فی القرآن» و «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»؛ «دعاء الهداة الی اداء حق الموالات»، ذکر حدیث غدیر خم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (137 -136 /8)، الذریعه (243 -242 /14 196/8، ،166/7، 195 -194 /4)، ریاض العلماء (257 -256 /3)، سیر النبلاء (269 -268 /18)، الغدیر (146/1)، معجم رجال الحدیث (75 -74 /11)، هدیة الاحباب (116).

حاکم نیشابوری، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(405 -321 ق)، حافظ، محدّث، فقیه و عارف. معروف به ابن البیّع و مشهور به شیخ المحدثین. در نیشابور متولد شد. از همان دوران کودکی به تحصیل علم و دانش پرداخت. وی در طلب علوم عصر بویژه دانش حدیث که پرجاذبه‌ترین دانشهای آن روزگار بود به نقاط مختلف عالم اسلامی از نیشابور تا عراق و حجاز و ماوراءالنهر و دیگر بلاد خراسان سفر کرد، و در نیشابور و دیگر بلاد از حدود دو هزار تن از مشایخ سماع حدیث داشته است. در شناختن و نقد حدیث در آن روزگار کسی همتای او نبود. یکی از استادان وی حاکم ابواحمد نیشابوری است. ابوعبداللّٰه در تصوف نیز از محضر ابوالحسن پوشنجی و جعفر بن نصیر و ابوعمر و زجاجی و ابوعثمان مغربی کسب فیض کرد. وی در عصر سامانیان به روزگار وزارت عُتبی در سال 359 ق چندی قضاوت نیشابور را عهده‌دار بود. برخی نویسندگان یادآور شده‌اند که وی نقش میانجی سیاسی میان سامانیان و آل‌بویه را نیز عهده‌ار بوده است. مشهورترین عنوانی که وی بدان شناخته می‌شود «الحاکم» است. بنا به گفته‌ی ابن خلکان، این عنوان به اعتبار مقامی است که در قضاوت داشته است و به گفته‌ی محدث قمی در «الکنی والالقاب»، حاکم در اصطلاح محدثان به کسی اطلاق می‌شود که احاطه به جمیع احادیث داشته باشد. بسیاری از محدثان عامه چون او را متشیع دانسته‌اند، نقل حدیث- غدیر- «من کنت مولاه...» و حدیث «طیر» و نگارش کتاب «فضایل حضرت زهرا (س) را از نقاط ضعف او شمرده‌اند. آنه مسلم است این که وی اگر چه در باطن شیعی مذهب بود، اما در ظاهر مسلمانی سنی و بر مذهب امام شافعی بوده و مانند اغلب شافعیان به اهل‌بیت رسول و امیرالمؤمنین علی (ع) ارادتی خاص داشته است. او بر اثر سکته در نیشابور درگذشت. از آثار او: «تاریخ نیشابور»؛ «المستدرک علی الصحیحین»؛ «معرفة علوم الحدیث»؛ «مُزَکّی الاخبار»؛ «المدخل الی الاکلیل»؛ «فضایل فاطمة الزهرا»؛ «فضایل الشافعی»؛ «المدخل الی الصحیح»؛ «مفاخر الرضا»؛ «فوائد الشیوخ»؛ «الامالی».[1]
عبدالمجید طالقانی. خطاط معروف ایرانی (ف. 1185 ه.ق.). وی از مردم طالقان بود و در آغاز جوانی به اصفهان رفت و چندی در کسوت فقر گذرانید. سپس به مشق خط پرداخت و از نستعلیق شروع کرد. پس از اندک زمانی به خط شکسته مشغول شد و در این هنر استاد مسلم گردید.

خط شکسته را درویش کامل کرد، قواعد این خط را استوار نمود و زیبایی و شیوایی آن را به حد اعلی رسانید. از گرانبهاترین آثار او جز مقطعات و مرقعات متعدد نسخه «کلیات سعدی» است که در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است. وی شاعر بود و در شعر «خموش» و «درویش» تخلص می‌کرد و دیوان غزلیاتش موجود است. وی در جوانی (سی و پنج سالگی) درگذشت و از معروفترین شاگردانش میرزا کوچک است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (101/7)، اعیان الشیعه (391/9)، تاریخ بغداد (474 -473 /5)، تاریخ نیشابور (مقدمه/42 -30)، دایرةالمعارف فارسی (828/1)، الذریعه (199/2)، روضات الجنات (266/7)، ریحانه (427/7)، سیرالنبلاء (177 -162 /17)، کشف الظنون (144)، الکنی والالقاب (170 -172 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن بیع)، مؤلفین کتب چاپی (583 -582 /5)، معجم المؤلفین (238 -239 /1)، الوافی بالوفیات (321 -320 /3)، وفیات الاعیان (280 -281 /4).

حامد حسین، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1306 -1246 ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، مفسر، محدث، متکلم و ادیب. وی را با نسبتهای موسوی نیشابوری، کنتوری، هندی و کلهنوی نوشته‌اند. حامد حسین در لکهنو به دنیا آمد. وی از ارکان علمای امامیه بوده است. کلام را در محضر پدرش، مفتی سید محمدقلی، و فقه و اصول را نزد سید حسین بن دلدار علی نقوی، و معقول را در خدمت سید مرتضی بن سید محمد و ادب را در حوزه‌ی مفتی سید محمد عباس فراگرفت. او تصنیفات فراوانی دارد با مراجعه به کتاب «عبقات» وی معلوم می‌شود که کسی به پایه او در فن کلام بخصوص در باب امامت بدان منوال کار نکرده است. کتابخانه‌ی ارزشمند میرحامد حسین یکی از خزاین گرانبهای شرقی در دوران اخیر است. این کتابخانه حاوی هزاران جلد کتاب است که برخی از آنها از دستنویسهای قدیمی است. از آثار وی: «عبقات الانوار فی امامة الائمه الاطهار»؛ «اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار»؛ «استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی رد المنتهی الکلام»؛ «الشریعة الغراء»، در فقه: «الشعلة الجوالة»؛ «شمع المجالس»، قصاید عربی و فارسی در مراثی؛ مثنوی «شمع و دمع»، به اردو؛ «الظلل الممدود والطلح المنضود»؛ «افحام اهل الیمن فی رد ازالة الغین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (381/4)، ایضاح مکنون (92/2)، الذریعه (215 -214/ 15، 23/10، 257، 31 /2)، ریحانه (379 -377 /3)، فوائد الرضویه (92 -91)، لغت‌نامه (ذیل/ حامد حسین)، معجم المؤلفین (717/3).

حایر، محمدتقی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدتقی بن رمضانعلی حایری عالمی فاضل بود و بعد 1228 وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری تهرانی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1370/1360 -1298 ق)، فقیه و نویسنده. وی در تهران متولد شد. تا دوازده سالگی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر فراگرفت و سپس در مدرسه‌ی مروی تهرن به فراگیری علوم دینی و ادبی پرداخت. پس از چندی به نجف رفت و در خدمت مراجع بزرگ آنجا تکمیل مبانی علمی کرد، در سی سالگی به اجتهاد رسید. در کربلا و عراق به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت و به ایران بازگشت و در قم اقامت کرد. در تاسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم با آیت‌اللّه حایری همکاری داشت و به تقاضای جمعی از مولفین به تهران عزیمت کرد و در این شهر درگذشت. پیکرش را به کربلا حمل، و در جنب در قاضی‌الحاجات دفن کردند. از آثار وی: «شرح اصول کافی، جزء اول»؛ «رساله‌ی رضاع»؛ «موائد الکریم لزوار عبدالعظیم حسنی (ع)»؛ «رساله‌ی ادائیه»؛ «شرحی بر حاشیه‌ی ملا عبداللّه»؛ «کتاب الصلوه» و «مباحث الفاظ».[1]
آیت‌اللّه مرحوم حاج شیخ عباس بن التقی الزکی حاج ملا حاجی حایری تهرانی از علماء عظام تهران بودند و در اوائل تاسیس حوزه علمیه در قم اقامت داشتند و در تشیید حوزه و تشویق طلاب کوتاهی نمی‌کردند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری موسس حوزه هم بایشان عنایت و نظر مخصوصی داشتند و در موقع کسالت و مواقع دیگر ایشان را بجای خود برای نماز می‌فرستادند.
تولدش در سال هزار و دویست و نود و هشت در تهران واقع شده و تا سن 12 سالگی در مهد تربیت والد ماجدش مرحوم حاج ملا حاجی که از اخیار و اتقیاء تجار تهران بودند تربیت شده سپس در مدرسه مروی به فراگرفتن علوم دینی و ادبی پرداخته و در سلک اهل علم و ادب درآمده و پس از چندی به نجف مشرف و در خدمت مراجع بزرگ آنجا تکمیل مبانی علمی نموده و در سن سی سالگی بحد کمال علمی و درجه علیای اجتهاد رسیده و در کربلا و عراق به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و بعد از چندی به ایران آمده و در قم سکونت نموده و بخدمات دینی و روحی مشغول تا به تقاضای جمعی از مومنین تهران عزیمت به آن سامان نموده تا سال 1370 ق که از دنیا رحلت و بسرای ابد خرامید. بازار تهران در مرگش تعطیل و جنازه او را بسر دوش گرفته و از بازار با گریه و زاری عجیبی تا حضرت عبدالعظیم آورده و بعنوان امانت گذاردند و پس از چندی حمل بکربلا و در

جنب درب قاضی‌الحاجات در مقبره شخصی خودش بخاک سپردند.
نگارنده گوید: خاطرم هست که آن مرحوم در شبهای شنبه بحضرت عبدالعظیم علیه‌السلام آمده و در مسجد بالای سر و یا رواق مطهر اقامه نماز جماعت می‌کردند و جماعت بسیاری از وجوه مردم تهران و ری به نماز ایشان آمده و استفاده می‌کردند.
مرحوم آیت‌اللّه حایری تهرانی تألیفات عدیده‌ای داشتند که ذیلا می‌نگارم:
1- شرح اصول کافی که جزو اول آن به طبع رسیده. 2- رساله رضاع. 3- موائد الکریم و الزوار عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام 4- رساله ترتیبیه. 5- رساله در وصیت 6- اسرار الصلوه 7- رساله ادائیه 8- رساله در اسلام ابوطالب 9- اصول و فروع دین مختصر و مفصل 10- کتاب الصلوه و بسیاری از ابواب فقه 11- شرح زیارت عاشورا 12- شرح زیارت جمامعه کبیره 13- شرحی بر حاشیه ملا عبداللّه 14- شرح صمدیه 15- مباحث الغاط.
از باقیات الصالحات آن مرحوم است فرزند فاضل برومندش حجت‌الاسلام حاج آقا مهدی حایری تهرانی که ترجمه‌اش در جلد دوم خواهد آمد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (98/13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 991 -990 /14)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (67 -66 /3)، گنجینه‌ی دانشمندان (427 -426 /4)، معجم المولفین (59/5).

حایری سمنانی، محمد صالح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1391 -1297 ق)، عالم، مجتهد، نویسنده و شاعر. در کربلا متولد شد. و مقدمات علوم دینی را نزد آخوند، ملاعباس اخفش و ملاعلی سیبویه آموخت. سپس به نجف رفت و در حوزه‌های درسی آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین جلیل تهرانی، به فراگیری فقه و اصول پرداخت، و فلسفه را نیز نزد حاج ملا اسماعیل بروجردی حایری فراگرفت و در جوانی به اجتهاد رسید. برای معالجه‌ی چشم به ایران آمد و مدتی در تهران ماند، سپس به بابل رفت و در آنجا اقامت کرد و مرجع تقلید مردم شد. پس از چندی از بابل به سمنان تبعید شد و در آن شهر به اقامه‌ی نماز جماعت و تدریس مشغول شد. پس از رحلت، جنازه‌اش به مشهد حمل و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. او در سرودن انواع شعر دست داشت، خصوصا در قصاید عربی و غزلیات و قصاید فارسی و انشاء مدایح و مراثی اهل‌بیت (ع). وی حدود سیصد تالیف و رساله دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: «سبیکه الذهب»، که «کفایه الاصول» علامه خراسانی را به نظم درآورده؛ «دیوان الادب»؛ «تاریخ معارف امامیه متضمن مذاهب اسلامیه»، در ترجمه‌ی کتاب «ظلامه العتره الطاهره».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (135/12)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (69 -68 /3)، گنجینه‌ی دانشمندان (338 -335 /5).

حایری طباطبایی، علینقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1289 ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. معروف به حاجی آقا. از نوادگان سید علی طباطبایی صاحب «ریاض» بود. در کربلا ولادت یافت و در همان شهر تحصیلات خود را به انجام رسانید و به ریاست عملیه آنجا منصوب شد. سید علنیقی در کربلا درگذشت و در مقبره‌ی پدرش در بازار حضرت ابوالفضل (ع) دفن شد. از آثار وی: «الدره فی العام و الخاص»؛ «الدره الحائریه»؛ در شرح «الشرائع»؛ کتاب «البیع»، کتابی مبسوط همراه «الخیارات»؛ «رساله فی طهاره و الصلاه و الصوم و الحج»؛ «اصول الفقه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (182/5)، اعیان الشیعه (367/8)، الذریعه (192/15، 97/8، 192/3، 208/2)، ریحانه (6/2)، لغت نامه (ذیل/ علینقی)، معجم المولفین (69/7).

حایری طبرسی مازندرانی، ابوعلی محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1215 -1159 ق)، مورخ و فقیه اصولی امامی. معروف به ابی علی. اصل وی از طبرستان و زادگاهش کربلا بود. ابوعلی از شاگردان محمد باقر وحید بهبهانی، سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و سید محسن کاظمی اعرجی بود. وی در عراق درگذشت. از آثار او: «زهر/ ازهار الریاض»؛ «عقداللالی البهیه»، در رد اخباری‌ها؛ «منتهی المقال»، در رجال؛ «العذاب الواصب» یا «نقض نواقض الروافض».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (124/9)، الذریعه (291/24، 14 -13/ 23، 240/15، 71/12)، ریحانه (210/7)، الکنی و الالقاب (124/1)، معجم المولفین (58 -57/ 9).

حایری کرمانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله مرحوم حاج شیخ محمدعلی حایری از علماء حوزه علمیه و اصحاب خاص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله بودند که در سال 1308 در کرمان متولد و مقدمات و ادبیات را در آن سامان دیده و قبل سنه 1335 ق از راه شیراز عازم نجف اشرف شده و به واسطه کسالت مزاج یکسال در آنجا توقف و سطوح وسطی را خوانده آنگاه به کرمان مراجعت و بعد از چند سال اقامت و تمام کردن سطوح عالی در سال 1335 به مشهد مشرف و از تدریس فقه و اصول مرحومین علمین آیت‌الله قمی و آقازاده خراسانی استفاده نموده و پس از یکسال مراجعت به کرمان و در سال 1339 باز از راه قم مشرف به نجف و از حین ورود تا هشت سال از فقه و اصول مرحوم آقا ضیاء و فقه مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی استفاده برده و در سال 1347 مراجعت به کرمان و به وظائف و خدمات دینی و تدریس و امامت در مسجد جامع کرمان پرداخته و در سال 1356 به واسطه محذورات اعراض از کرمان و پس از دیدن اوضاع مشهد و بلاد دیگر پناه به قم حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام آورده و شروع به تدریس نموده و با مرحوم آیت‌الله صدر و آیت‌الله زنجانی و آیت‌الله صادقی قمی مباحثه کمپانی و خصوصی گذارده و بعد از ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به ایشان پیوسته تا در اواخر ریاست آن مرحوم به رحمت حق و اصل و در جوار حضرت معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حایری گلپایگانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام و المسلمین آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد بن السید الجلیل و العالم النبیل آیت‌اللّه حاج میرزا هدایت اللّه حایری گلپایگانی از علماء محترم و مبرز معاصر تهران است. وی در سال 1322 قمری در گلپایگان متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات در محل خود به اراک آمده و پس از انتقال حوزه به شهرستان قم مهاجرت ببلده طیبه قم نموده و حدود چهار سال از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی و دیگران استفاده نموده و از آنجا مهاجرت به نجف اشرف و از محضر آیات بزرگ مانند آیت‌اللّه محقق نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و در سال 1353 قمری به ایران و شهرستان گلپایگان مراجعت کرده و مدت بسیت سال توقف و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تاسیس مدرسه علمیه و تربیت طلاب و محصلین و غیره پرداخته تا سال 1373 ق به تهران منتقل و تاکنون بوظائف مقرره شرعی از اقامه نماز جماعت در مسجد (فخر الحاجیه) خیابان راه‌آهن و تدریس و مباحثات کمپانی با اقران خود اشتغال دارد.
دارای دو فرزند فاضل و دانشمندی می‌باشند که اجمالا به آنها اشاره می‌شود:
1- مرحوم مغفور حجت‌الاسلام آقا سید جمال الدین حایری که از فضلاء حوزه علمیه‌ی قم بودند و پس از فراغت از تحصیل در تهران اشتغال بخدمات دینی و روحی داشتند و در ماه شعبان 1386 ق در سن جوانی بدرود حیات گفته و در مقبره شیخان قم مدفون گردیدند.
2- جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید مرتضی حایری که نیز تحصیلات خود را در قم تکمیل و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده و به تهران منتقل و اکنون در مسجد مرحوم برادرش در سلسبیل تهران خیابان هاشمی (مسجد رضوی) بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
مرحوم مترجم معظم ما نیز از آیات عظام و علماء اعلام گلپایگان بوده‌اند

که شرح احوال و آثارش در جلد چهارم گنجینه در باب گلپایگان خواهد آمد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حایری گلپایگانی، هدایةاللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید هدایةاللّه فرزند آیت‌اللّه آقا میرعباس (که از علماء بزرگ و شاگردان مرحوم آیت‌اللّه انصاری بوده و تقریرات فقه و اصول معظم له را تحریر و اکنون موجود است).
در سال 1274 قمری در بیت علم و تقوا چشم به دنیا گشوده و در تحت تربیت چنان پدری (که مکرر می‌فرموده من در بین چهارده فرزند ذکورم نور ایمان و شوق به تحصیل را در میرزا هدایت‌اللّه مشاهده کردم) پرورش یافته و حتی شبها نزد خودش می‌خوابانید تا هنگام سحر با کمال رغبت برای تهجد برمی‌خواست.
تحصیلات مقدمات و سطوح را نزد والد محترمش و سایر اساتید انجام داده و در سال 1295 مهاجرت بنجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّه طباطبائی یزدی و آیت‌اللّه خراسانی قدس سرهما حداکثر استفاده را نموده و در بین فضلاء معاصر علماً و عملا مشار بالبنان بوده است.
جناب آیت‌اللّه حاج سید کاظم گلپایگانی از استادشان مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدصادق اصفهانی که از فحول علماء عصر خود بودند نقل نمودند که ایشان می‌فرمودند مرحوم آمیرزا هدایةاللّه در هر جلسه از فضلاء که شرکت می‌کرد از حیث تقوی و فضیلت وزنه‌ای بشمار می‌رفت و در موقع مراجعت به ایران اجازاتی به ایشان داده شده که در آنها مخصوصاً در اجازه مرحوم آیت‌اللّه العظمی سید اعلی اللّه مقامه ترغیب به تقلید از ایشان شده بود و لذا در همان اوان معظم له اجازات را خواسته و ملاحظه نمودند که در مقام تصدیق اجتهاد ایشان تعبیر (بل فوق رتبة الاجتهاد) شده و باز پس از جمله (و بحرم علی التقلید و علی العوام الرجوع الیه) و امثال این تعبیرات گردیده.
مرحوم آیت‌اللّه آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی قدس سره به فرزند ارجمندش جناب آقای حاج سید محمد حایری مذکور در اوائل تشرفش به نجف اشرف برای تحصیل در مقام نصیحت و تشویق فرموده بودند که مرحوم پدرت مردی بود که در بین فضلاء معاصرش مخصوصاً از جهت تقوی و ورع شخصیت ممتازی داشت و در موقع حرکت به ایران مرحوم سید اظهار تأسف می‌کرده و می‌فرموده که من در بین شاگردانم افقه از میرزا هدایت‌اللّه سراغ ندارم و به این شاگرد ارادت دارم.
اجمالا آن مرحوم در سال 1305 به واسطه ابتلا به تب لازم به حکم اجبار

مراجعت به ایران که پس از معالجه باز مشرف شوند لکن مقدرات ایشان را پای‌بند و دیگر وسیله مراجعت بر ایشان فراهم نشده و باقی عمر را در گلپایگان اقامت و در حدود امکانات محل به تدریس علوم و ارشاد و هدایت مردم بسر بردند و با اصرار زیادی که حتی بزرگان از علماء معاصرشان داشتند زیر بار قضاوت نرفتند و تا اواخر عمرشان می‌فرمودند شکر خدا را می‌کنم که من به الکفایه هست و من ملتزم نیستم که زیر این بار سنگین بروم.
از سیاست بکلی بر کنار و منزوی و تارک معاشرت هم نبودند با خواص علماء معاصرشان که اکثراً از شخصیتهای بزرگ علمی و در طراز مراجع وقت بودند بعنوان افاده و استفاده و با عوام با کمال حلم و تواضع برای انجام حوائج دینی و دنیوی آنها معاشرت می‌کردند تا صبح روز بیست و یکم شعبان المعظم 1337 قمری هجری که در اثر بیماری حصبه بدرود حیات گفته و دعوت حق را اجابت نمودند
و قبرشان در نزدیک امامزاده احمد بن عمران واقع و بقعه برایشان بنا کردند که مورد توجه و مزار عمومی گلپایگان و حومه آنست. و چون بنای قدیمی مندرس و گنجایش برای اجتماعات زیاد نداشت در سال 1390 ق تجدید بناء وسیعی گردید که جوابگوی اجتماعات مذهبی و حتی اقامه جماعت در ماه مبارک رمضان برای اهالی محل و مجاور می‌باشد
آن مرحوم در گلپایگان و حومه آن ریاست عجیبی داشته و نافذالکلمه بوده تا از دنیا رفته و قبرش اکنون یکی از مزارات مهم گلپایگان است و اخیراً صندوقی برای قبر او از تهران برده و در روی قبرش نصب نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری لاهیجی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1296 ق)، فقیه. وی پس از اخذ مقدمات علوم اسلامی، مدارج عالی اجتهاد را نزد سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و فرزند وی، سید مجاهد، و محمد صالح برغانی گذرانید. او دارای اجازه از استاد خود سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، بود. وی در جهاد علیه روسیه با استادش، محمد مجاهد همراه بود. سالها کرسی تدریس را در کربلا به خود اختصاص داد. از آثار وی: «ریاض المومنین فی احوال المعصومین (ع)»؛ «رساله فی صلاه الجمعه»؛ «اصول الفقه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (404/2)، الذریعه (339 -338 /11 219/1،)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 48 -47 /13).

حایری مازندرانی، زین‌العابدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1309 -1227 ق)، عالم و فقیه امامی. در بارفروش (بابل) مازندران ولادت یافت و در همان شهر نزد سعید العلماء مازندرانی درس خواند. وی پس از آن به کربلا رفت و در آنجا نزد سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» و شیخ محمد حسین اصفهانی، صاحب «فصول»، به تحصیل فقه و اصول پرداخت و سپس در محضر شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر» و شیخ انصاری این علوم را تکمیل کرد. شیخ زین‌العابدین علاوه بر مرجعیت تقلید بسیاری از مردم هند و ایران و عراق، به تدریس و فتوی نیز مشغول بود. زین‌العابدین در کربلا وفات یافت و در صحن مطهر دفن شد. از آثار وی: «رساله فی الصلاه»؛ «مناسک الحج»؛ «ذخیره المعاد»، به فارسی معروف به «سؤال و جواب»؛ «زینه العباد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (106/3)، اعیان الشیعه (168 -167 /7)، الذریعه (56/15، 93/12، 20/10)، ریحانه (146 -145 /5)، لغت نامه (ذیل/ مازندرانی)، المآثر و الاثار (150)، معجم المولفین (198/4)، مکارم الاثار (844/3).

حایری یزدی، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1355 -1276 ق)، مجتهد، مرجع و بنیانگذار حوزه علمیه قم. حایری در قریه‌ی مهرجرد/ میجرد میبد، از توابع اردکانی یزد متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود، نزد مجدالعلماء اردکانی و آقا سید یحیی مجتهد یزدی به عراق رفت و از محضر سید محمد طباطبایی فشارکی و آیت‌اللّه شیرازی درس آموخت و در نجف از محضر ملامحمد کاظم خراسانی و آیت‌اللّه یزدی بهره برد و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد، سپس به ایران بازگشت و در اراک حوزه‌ی علیمه دایره کرد و به تدریس مشغول شد. سپس به علت عدم تمایل در درگیریهای سیاسی زمان مشروطیت، چند سالی به نجف و کربلا رفت و به تدریس پرداخت. در سال 1331 ق به دعوت حاج سید اسماعیل اراکی به اراک رفت و به تدریس علوم دینی، فقه و اصول پرداخت. حایری بعد از پنج سال به قصد زیارت به مشهد رفت و در راه بازگشت در قم توقف کوتاهی کرد و علمای شهر با ایشان ملاقات کردند. بنا به اصرار و دعوت علمای آن شهر در آنجا اقامت کردند. بنا به اصرار و دعوت علمای آن شهر در آنجا اقامت کرد و حوزه‌ی علمیه قم را بنیان گذارد. امام خمینی، آیت‌اللّه گلپایگانی، آیت‌اللّه مرعشی نجفی، آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه شریعتمداری از شاگردان وی بودند. او در قم درگذشت و در جوار حرم حضرت معصومه دفن شد. از جمله‌ی تاسیسات و آثار خیریه‌ی او: «بیمارستان قم»؛ «قبرستان تازه و غسالخانه‌ی شهر قم» و «احداث کتابخانه مدرسه‌ی فیضیه» و «تاسیس قلعه‌ی مبارک آباد و سد رودخانه‌ی قم». آثار علمی او عبارتند از: «تقریرات»؛ « درر الفوائد فی الاصول» یا «درر الاصول»؛ «کتاب الرضا (ع)»؛ «کتاب الصلوه»؛ «کتاب المواریث»؛ «کتاب النکاح»؛ «حاشیه‌ی انیس التجار»؛ «حاشیه‌ی عروه الوثقی»؛ «ذخیره‌ی المعاد»؛ «مناسک حج»؛ «وسیله النجاه»؛ «منتخب الرسائل»، شامل فتاوی فقهی ایشان.[1]
آیةاللّه حاج شیخ عبدالکریم بن محمد جعفر مهرجردی یزدی، مرجع تقلید شیعیان (و. مهرجرد یزد 1376 ه.ق.- ف. قم 1355 ه.ق./ 1315 ه.ش.)
وی در عتبات نزد حاج میرزا محمدحسن شیرازی، میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ فضل‌اللّه نوری، آخوند ملا کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی تلمذ کرد و از محضر سید محمد فشارکی استفاده نمود. پس از بازگشت به ایران حوزه علمیه قم را تشکیل داد. از آثار اوست: 1-

تقریرات، و آن تحریر تقریرات سید محمد فشارکی است، 2- درر الفوائد فی الاصول، 3- کتاب الرضاء 4- کتاب الصلوة، 5- کتاب المواریث، 6- کتاب النکاح.
مرحوم حاج شیخ عبدالکریم بن محمد جعفر در سال 1276 قمری در قریه مهرجرد از مضافات میبد که از توابع اردکان یزد است متولد شده و تحصیلات مقدمات خود را در اردکان یزد خدمت مجدالعلماء اردکانی و دیگران نموده و بعد از آن به یزد آمده و در مدرسه خان سکونت و در نزد مرحوم حاج میرزا سید حسین وامق و آقا سید یحیی مجتهد یزدی تحصیل سطوح نموده آنگاه در اوان شباب و جوانی مهاجرت به عراق و سر من رای که به زعامت و ریاست علی‌الاطلاق مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدحسن شیرازی اداره می‌شد وارد شده و رحل اقامت افکنده و در نزد جماعتی که از آنها بود استاد مرحوم آقا سید محمد طباطبائی فشارکی اصفهانی تلمذ نموده و هم از محضر آیت‌اللّه مجدد استفاده و بعد از فوت آن دو بزرگوار به نجف اشرف آمده و از مرحومین علمین خراسانی صاحب کفایه و یزدی صاحب عروة استفاده کافی کرده تا به مقام رفیع اجتهاد ارتقاء یافته سپس به کربلاء معلی توطن نموده و به تدریس و تربیت عده‌ای از فضلاء پرداخت تا آنگاه که به دعوت مرحوم حاج سید اسماعیل عراقی فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا محسن عراقی در سال 1332 قمری به اراک آمده و حوزه درس تشکیل و جماعتی از فضلاء بلاد و شهرستان اراک به محضرش شتافته و از دروس فقه و اصولش استفاده می‌کردند و بیش از هشت سال این حوزه به گرمی دائر و گذشته از آن مرحوم رجال بزرگی چون مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد سلطان العلماء و آیت‌اللّه آقا نورالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج میرزا محمد علیخان و آیت‌اللّه حاج آقا مصطفی فرید محسنی و دیگران تدریس می‌نمودند.
آیت‌اللّه حایری پس از پنج سال توقف در اراک به قصد زیارت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوة والسلام به جانب مشهد عزیمت و در ایاب و ذهاب چند روزی در قم توقف نموده و علماء قم به زیارتشان نائل شده و از محضرشان بهره‌مند گردیده و دانستند چه شخصیت ارزنده‌ای در نزدیکی آنها وجود دارد.
آیت‌اللّه حایری مراجعت به اراک نمودند و تا سال 1340 توقف و تدریس و رسیدگی به امور مسلمین نمودند تا سال مزبور که برای زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام و گذرانیدن ایام نوروز به سوی قم حرکت کردند.
آمدن آیت‌اللّه به قم
موقعی که خبر حرکت مرحوم حایری به قم رسید مردم به تشویق و تحریک مرحوم بافقی و علماء دیگر، اکثر علماء قم و طبقات دیگر به استقبال آن مرحوم رفته و تا امامزاده شاه جمال که در 4 کیلومتری قم در

مسیر راه اراک واقع است استقبال نموده و پس از رسیدن آن مرحوم خیر مقدم گفته و در همان یک ساعتی که برای استراحت در آنجا توقف فرمودند اولین زمزمه اقامت ایشان را در قم نموده و از آنجا با تجلیل فراوان حرکت و در منزل مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی پائین‌شهری نزول نمودند و چنانچه سابقاً هم اشاره کردم ماده تاریخ ورود ایشان به قم نام شریف آن جناب (الشیخ عبدالکریم الحایری الیزدی) 1340 می‌باشد به این کیفیت: الف (1) ل (30) ش (300) ی (10) خ (600) ع (70) ب (2) و (4) ل (30) ک (20) ر (200) ی (10) م (40) الحایری (260) الف (1) ل (30) ی (10) ز (7) د (4) ی (10) جمع این اعداد حروف هزار و سیصد و چهل، قال علیه‌السلام (الاسماء تنزل من السماء)

حرکت از اراک روز بیست و دوم ماه رجب المبارک و ورودشان به قم روز بیست و چهارم ماه مزبور بوده است و در آن هنگام که بسیاری از مردم ایران از تهران و اصفهان و کاشان و اراک و نقاط دیگر برای تحویل حمل به قم آمده بودند و جمعی از علماء و خطباء نامی هم به همین عنوان مشرف بودند به زیارت و دست‌بوسی ایشان آمده و ضمناً تقاضای اقامت در قم را از معظم له نمودند که این شهر مذهبی را مرکز و محل توقف خود قرار داده و تشکیل حوزه دهند و مخصوص چندین نفر از خطباء و وعاظ نامی تهران مانند مرحوم مبرور حاج شیخ محمد سلطان الواعظین تهرانی که سمت ریاست گویندگان تهران را داشت به زیارت آمده بودند چون اصرار مردم را دیدند به توقف آن مرحوم در منبرهائی که در صحن مطهر و حرم منور می‌رفتند بیشتر مردم را تشویق نموده و تحریک به نگه داشتن آن مرحوم در قم نموده و در آن ایام در اغلب محافل و مجالس قم سخن از آیت‌اللّه حایری و اقامت در قم بود و از تمام علماء و خطباء جدی‌تر بر این موضوع مرحوم حاج شیخ محمدتقی بافقی بود که از نجف سوابق درخشان آن مرحوم را داشت و با آن دیدگان ملکوتی حق‌بین و آتیه‌بین خود می‌دید که اگر آن مرحوم در قم اقامت کند یکی از علائم فرج آل محمد علیهم‌السلام که ظهور علم و تشکیل حوزه علمیه است در قم بارز و واقع خواهد شد پس بیش از دیگران اصرار بر این امر داشت.

در خاطر دارم که مرحوم بافقی برای این نگارنده و جمعی دیگر می‌فرمود که مرحوم آیت‌اللّه حایری با اینکه در سفر مشهدشان وضع مدارس مهجور ویران قم را از فیضیه و دارالشفا دیده که چگونه دانشگاه روحانی و محل تدریس و افاضات مرحوم محدث بزرگوار ملا محسن فیض و ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی و صدرالمتالهین شیرازی و دیگران به مرکز گدایان و فقراء و دیوانه‌گان و بیماران تبدیل شده و ابراز تاسف نموده و می‌گفتند که چه می‌شد اگر این مدارس هم از غربت بیرون می‌آمد، ولی به نظر مبارکشان مشکل و گران می‌آمد که ممکن باشد حوزه را از اراک به قم منتقل

نمایند.
فرمودند وقتی به ایشان اصرار کردم برای توقف موانعی ذکر کردند جواب آنها را دادم و آخر ایشان را به این کلمه قانع نموده و منصرف از مراجعت به اراک کردم.
گفتم شما این اخباری را که از حضرات معصومین علیهم‌السلام راجع به آخرالزمان که «قم مرکز علم و دانش خواهد شد (و منها تفیض العلم الی سائر البلدان) و اینکه در آن زمان علم در نجف چون ماری به زمین فرورفته و از قم بیرون خواهد آمد» دیده‌اید فرمودند: آری گفتم آیا قبول دارید و یا شبهه می‌کنید فرمودند: قبول دارم.
گفتم نمی‌خواهید که تأسیس این اساس به دست شما گردد و برای همیشه این سکه به نام شما زده شود و باقیات الصالحات شما باشد فرمودند چرا گفتم تصمیم به توقف بگذارید و به اراک پیام دهید هرکس مایل باشد به قم بیاید.
و گذشته از مرحوم بافقی عده دیگری از بزرگان قم چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ارباب و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضای ساوه‌ای و مرحوم حاج سید حسن متولی‌باشی آستانه مبارکه فاطمیه و حاج میرزا محمود روحانی و دیگران از افراد مؤثر و علاقه‌ای که عموم مردم قم و زوار آن سال ابراز داشتند مرحوم حایری را به حال تردید درآورده و فرمودند استخاره خواهیم کرد که آیا صلاح است در قم مانده و به فضلاء و محصلین حوزه اراک که انتظار بازگشت را دارند بنویسیم به قم بیایند.
پس با اینکه کمتر به قرآن مجید تفأل زده و استخاره می‌نمودند صبحگاهی که به حرم مطهر مشرف شدند با قرآن شریف استخاره کردند آیه 29 سوره مبارکه یوسف علیه‌السلام آمد (إذهبوا بقمیصی هذا و القوه علی وجه أبی یأت بصیرا و أتونی باهلکم أجمعین) و اول جمله‌ای که در اول صفحه قرآن بود ذیل آیه و أتونی باهلکم اجمعین بود پس با عزمی راسخ و قلبی مطمئن بنا را بر توقف گذارده و به منزل مرحوم حاج سید علی مصطفوی تاجر قمی که علماء و طبقات تجار و اصناف دیگر مجتمع و انتظار نتیجه و تصمیم نهائی آنجناب را داشتند آمده و اظهار مطلب فرمودند، مردم بی‌اندازه مسرور شده و یکی از بزرگان دانشمند گفت:
و ترتجیه من الرحمن سائلة
حتی استجیب لما ترجوه داعیها
مرحوم حاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری بروجردی که مقسم مرحوم حایری بود در اراک برای نگارنده گفت که: چون پیام ایشان به اراک رسید اول کسی که به اتفاق آقای حاج میرزا هدایت‌اللّه وحید گلپایگانی به ایشان پیوست بنده بودم که بعد از دو ماه که شهریه محصلین حوزه اراک را پرداختم به قم آمده و خدمتشان رسیدم فرمودند: ما ماندنی شدیم اگر

شما هم بخواهید بمانید خدا کریم است بروید خانواده خود را بیاورید.
پس آقای حاج میرزا هدایت‌اللّه به اراک رفته و رفقا و أصحاب آیت‌اللّه را از قضیه اطلاع داده و خانواده خود و مرا به قم آورد و کم کم رفقای اراک به قم آمده و رفته رفته حوزه علمیه قم تأسیس گردید و پیش‌بینی‌ها و پیش‌گوئیهای حضرات أئمه معصومین علیهم‌السلام مصداق یافت.
خدمات و آثار مرحوم آیت‌اللّه حایری پس از توقف در قم با همت والا و سجایای حسنه و اخلاق فاضله خود، فضلاء اراک و تهران و شهرستانهای دیگر را دور خود جمع نموده و کم کم حوزه علمیه رو به افزایش گذاشت تا بیش از هزار نفر طلبه و محصل جدی جمع شده و از محضر آیت‌اللّه و مدرسین دیگر استفاده می‌نمودند و اما آثار آن مرحوم به شرح زیر است:
1- حوزه رسمی علمیه قم که تا آمدن وجود ذیجود حضرت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف باقی خواهد بود.
2- بیمارستان سهامی و فاطمی که از ثلث مرحوم حاج سید محمد فاطمی برای طلاب تأسیس شد.
3- سد رودخانه قم پس از آمدن سیل و خرابی بسیار از منازل کوچه حرم و غیره.
4- بناء قلعه مبارک‌آباد که امروز به نام کوچه رهبر معروف است برای افرادی که منازلشان در سیل ویران شد.
5- تعمیر مدارس فیضیه و دارالشفا که رو به ویرانی گذارده بود چنانچه در جلد اول اشاره کردیم.
6- کتاب دررالفوائد در علم اصول فقه که غالباً در درس اصولشان عنوان می‌فرمودند.
7- کتاب صلوة که مطبوع و مورد نظر فقهاء می‌باشد.
8- کتابخانه مدرسه فیضیه که تفصیل آن در جلد اول گذشت.
9- غسالخانه در جنب رودخانه قم.
10- قبرستان آیت‌اللّه حایری معروف به قبرستان حاج شیخ و قبرستان نو.
11- معظم تلامذه و اصحاب برجسته آیت‌اللّه حایری.
بزرگترین آثار و ثمرات حوزه علمیه و مکتب و مؤسسه مرحوم آیت‌اللّه حایری رجال علمی قم و ایرانست زیرا هر کدام دارای مقام فضل و دانش و کمال و تقوا و غالباً حائز اجتهاد مطلق و یا مجتهد متجزی و نویسنده نامی و گویندگان سامی می‌باشند و تمام آنان از درس و بحث آن فقید معظم حیازت آن مقام شامخ را نموده‌اند:
مرحوم حایری رحمه‌اللّه از نوابغ و فحول علمی چنانیست که از حوزه او مجسمه‌های فضیلت و استوانه‌های شرافت و مجتهدین جامع الشرایط و علماء عالیقدر و مدرسین کرام و اساتید عظام بیرون آمده است.
و حوزه او مانند حوزه وحید بهبهانی و شیخنا الانصاری و میرزای شیرازی و

شیخنا الاستاد الخراسانی و استاد المعاصرین آقا ضیاءالدین عراقی قدس‌اللّه اسرارهم رادمردان بزرگ و دانشمندان سترکی برخاسته‌اند.
این نگارنده در اینجا فهرست اسامی معظم آنها را با محل سکونتشان نگاشته و ترجمه احوال و مآثر و آثارشان را در این جلد و جلد دوم می‌نگارم انشاءاللّه تعالی، و مخفی نباشد که بسیاری از آنان دار فانی را وداع و جماعتی هم در قید حیات و از زعماء و مراجع بزرگ معاصر می‌باشند.
شماره، اسم و شهرت، محل اقامت
1- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید میرزا آقای ترابی، دامغان
2- آیت‌اللّه حاج سید ابراهیم علوی خوئی، تهران
3- آقا شیخ ابراهیم ریاضی، نجف‌آباد
4- آیت‌اللّه حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، تهران
5- حاج سید ابوالحسن اسلامبولچی، تهران
6- مرحوم حاج سید ابوالحسن روحانی قمی، نجف
7- حاج میرزا ابوالفضل خراسانی، تهران
8- آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی، قم
9- حاج سید ابوالقاسم فقیه ارسنجانی، شیراز
10- مرحوم شیخ ابوالقاسم اصفهانی، قم
11- آیت‌اللّه حاج شیخ اسماعیل جاپلقی، تهران
12- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ اسماعیل بهاری، تهران
13- آیت‌اللّه حاج سید احمد خونساری، تهران
14- آیت‌اللّه حاج سید احمد زنجانی، قم
15- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد لواسانی، تهران
16- آیت‌اللّه حاج آقا بزرگ، کنگاور
17- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید جعفر شاهرودی، تهران
18- مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسن فرید محسنی، قم
19- مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا میرزا حسن یزدی، نجف
20- آیت‌اللّه حاج میرزا حسن معینی، شهر ری
21- آیت‌اللّه حاج سید حسن اصفهانی، تهران
22- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید حیدر طاهری، خرم‌آباد
23- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوتراب طاهری، خرم‌آباد
24- آیت‌اللّه حاج میرزا خلیل کمره‌ای، تهران
25- آیت‌اللّه حاج شیخ راضی تبریزی، تهران
26- آیت‌اللّه حاج آقا رضا زنجانی، تهران
27- آیت‌اللّه حاج آقا رضا مدنی کاشانی، تهران
28- آیت‌اللّه العظمی آقای حاج روح‌اللّه خمینی، نجف

29- مرحوم آیت‌اللّه حاج روح‌اللّه کمالوند، خرم‌آباد
30- آیت‌اللّه حاج روح‌اللّه خاتمی، اردگان
31- آیت‌اللّه حاج ریحان‌اللّه گلپایگانی، تهران
32- آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی، گرگان
33- آیت‌اللّه العظمی آقای سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی، قم
34- مرحوم حاج میرزا شهاب همدانی، ملایر
35- مرحوم حاج سید شمس‌الدین ابهری، تهران
36- مرحوم آیت‌اللّه صدرالدین صدر، قم
37- مرحوم آقا ضیاءالدین خونساری، قم
38- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی، قم
39- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباس تهرانی، قم
40- آیت‌اللّه آقا شیخ عباس حایری، تهران
41- آیت‌اللّه آقا شیخ عباس انصاری همدانی، تهران
42- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه تهرانی، تهران
43- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه مجتهدی، تبریز
44- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه سرابی، تبریز
45- مرحوم حاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری، قم
46- مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی، تهران
47- آیت‌اللّه حاج میرزا سید علی یثربی، کاشان
48- آیت‌اللّه آقای آخوند ملاعلی همدانی، همدان
49- آیت‌اللّه حاج علی محمد مزلقانی، همدان
50- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی اصغر صالحی، کرمان
51- مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا علی مهرابی، کرمان
52- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی‌اکبر برقعی، تهران
53- آیت‌اللّه آقای فضلعلی، قزوین
54- مرحوم آیت‌اللّه فاضل لنکرانی، قم
55- آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین جزایری، تهران
56- آیت‌اللّه حاج سید کاظم شریعتمداری، قم
57- آیت‌اللّه آقا سید کاظم گلپایگانی، نجف
58- آیت‌اللّه حاج آقا مجتبی عراقی، قم
59- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد حجت، قم
60- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد داماد یزدی، قم
61- مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی، همدان
62- آقا شیخ محمد غروی، سنقر
63- آقا آیت‌اللّه سید محمد صدرالعلماء، قم
64- آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ثقفی، تهران

65- آیت‌اللّه میرزا محمد ثابتی، همدان
66- آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر مهاجرانی، همدان
67- میرزا محمدتقی اشراقی، قم
68- آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری، قم
69- آیت‌اللّه حاج سید محمد جلالی، مشهد
70- آیت‌اللّه حاج سید محمد حسن یزدی، قم
71- حاج شیخ محمد حسن فرید گلپایگانی، تهران
72- آیت‌اللّه، حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار، ساوه
73- آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی، قم
74- آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدرضا طبسی، قم
75- آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی عراقی، قم
76- آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود روحانی، قم
77- آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا مصطفی صادق، قم
78- آیت‌اللّه العظمی حاج سید مصطفی خونساری، قم
79- مرحوم حاج سید محی‌الدین طالقانی، تهران
80- حاج سید محمدرضای طالقانی، قم
81- حاج میرزا مهدی بروجردی، قم
82- آیت‌اللّه حاج سید مهدی کشفی، تهران
83- آیت‌اللّه حاج سید مهدی انکجی، تهران
84- آیت‌اللّه آقا شیخ مهدی کوچه حرمی، قم
85- آیت‌اللّه حاج سید هادی روحانی، رودسر
86- آیت‌اللّه میرزا هاشم آملی، قم
87- حاج میرزا هدایت‌اللّه وحید، تهران
88- حاج سید یحیی یزدی، نجف
89- حاج سید یحیی بفروئی، بفروی یزد
90- آقا سید یحی اسلمبولچی، تهران

و صدها نفر دیگر که ذکرشان موجب اطنابست و انشاءاللّه ترجمه هر یک در این کتاب و جلد دوم خواهد آمد.

رحلت مرحوم آیت‌اللّه حایری

مرحوم آیت‌اللّه حایری از اوائل ورودش به قم تا آخر عمرش که حدود پانزده سال بوده است مواجه با حوادث سهمگین و ناملایمات فراوانی بوده است که در جلد اول آثارالحجه نگاشته‌ام ولی در اینجا برای بعضی از محذورات از شرح آن معذورم و این نوائب ضربات بسیاری در روح و قلب آن بزرگوار وارد نموده که در اواخر او را از پا درآورده و بسیار ضعیف نموده بود تا جائی که گاهی تمنای مرگ نموده و می‌فرمود دیگر مردن سرقفلی دارد (فیاموت زرنی ان الحیاة ذمیمة) ای مرگ بیا که زندگی مرا

کشت و در اواخر عمرش بسیار خلوت و اعراض و انزوا را دوست می‌داشت و غالباً در غیر وقت درس و تحصیل طلاب در سالاریه مرحوم متولی بزرگ پدر جناب آقای مصباح التولیه متولی معزول که به ایشان نهایت ارادت و اخلاص را داشت به سر می‌برد و روز به روز بر ضعف و کسالتش افزوده می‌شد زیرا دیگر برای مرد غیور و متدین با دین آن حملات و تهاجم به قرآن مقدس و نوامیس مسلمین و حوزه روحانیت جای تحمل و صبر و طاقت نبود و به گفته یکی از مراجع و اساتید بزرگ حوزه آن مرحوم به مرض دق از دنیا رفت خلاصه ضعف بالای ضعف و غصه بر غصه ایشان اضافه می‌شد تا در شب هفدهم ذی‌القعده هزار و سیصد و پنجاه و پنج قمری از دنیای فانی فارغ و از ناملایمات آن راحت گردید (در سن هشتاد و سه سالگی).
مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید صدرالدین صدر رضوان‌اللّه‌علیه قصیده‌ای در مرثیه و تاریخ فوتش سروده‌اند که در میان قصائد و مراثی بسیاری که در ضایعه فوت ایشان گفته شده بیشتر مرضی خدا و مورد توجه آن مرحوم واقع گردیده است.
عبدالکریم آیت‌اللّه قضی
وانحل من سلک العلوم عقده
اجدب ربع العلم بعد خصبیه
و هد ارکان المعالی فقده
کان لاهل العلم خیر والد
و بعده امست یتامی ولده
کوکب سعد سدالعلم به
دهرا و غاب الیوم عنه سعده
فی شهر ذی القعدة غاله الردی
بسهمه یالیت شلت یده
فی حرم الائمة الاطهار فی
شهر الحرام کیف حل صیده
دعاه مولاه فقل مورخا
لدی الکریم حل ضیفا عبده
فرمود پس از انشاد این قصیده در عالم رؤیا دیدم در باغی هستم که فوق‌العاده از حیث اشجار و اثمار و ازهار و انهار جاریه و خیابانها زیبا و بی‌نظیر بود و من در خیابانها قد می‌زدم شخصی از مقابل به من رسیده و گفت میل دارید آقای حاج شیخ را ملاقات نمائید گفتم کدام حاج شیخ گفت حاج شیخ عبدالکریم حایری گفتم کمال میل را دارم.
آن شخص جلو افتاد و گفت بفرمائید سه چهار خیابانی طی کردیم رسیدیم به فضائی که وسط باغ بود و به حوضی برخوردیم که اطراف آن گل‌کاری

بود و در سمت راست آن فضا عمارتی بود که سه چهار پله از زمین باغ بالا بود و درهای چندی به طرف باغ داشت نگاه کردم دیدم در آخر اطاق گوشه دست راست حاج شیخ را دیدم تکیه به در داده و به باغ نگاه می‌کند من سلام کردم و با عجله بالا رفتم و وارد اطاق شدم ثانیاً سلام کردم جواب دادند و بعد از پذیرائی من احوال‌پرسی کردم فرمودند حالم خوبست و احوال آقایان و حوزه را پرسیدند گفتم الحمدللّه خوبست خوشحال شدند و در این حال پیشخدمت وارد شد و برای ایشان چائی آورد فرمودند برای آقا هم بیاور، رفت و یک استکان چائی برای من آورد و در تمام این جریانات من تصور می‌کردم حاج شیخ زنده است و به باغ آمده‌اند گفتم تنها تشریف آورده‌اید میل مبارک باشد من هم خدمت شما باشم فرمودند خیر شما کار دارید و با شما کار دارند و باید بروید و بعد هر دو دست را بلند کرده فرمودند من تنها نیستم خیر تنها نیستم در آن وقت متوجه شدم که فوت کرده‌اند باز احوال‌پرسی کردم و ایشان هم احوال‌پرسی نمودند و بعد توجهی به باغ انداختم و ایشان همچون فهمیدند که من به منظره باغ مجذوب شده و از نزاهت و طراوت آن استعجاب می‌کنم. کمی بلند شده و هر دو دست را بلند و به طرف من اشاره کردند فرمودند (لدی الکریم حل ضیفاً عبده).

منظره‌ای از تشییع جنازه‌ی مرحوم آیت‌اللّه حایری

و یکی دیگر از قصائد و ماده تاریخ‌های خالص که با صدق نیت گفته شد در فوت آن مرحوم ابیات زیر است

عجب از سیرت بی‌ارزش دنیای دنی
صلح ناکرده ز اول دل دانا با او
زهد و دنیاطلبی ساز نیایند به هم
نشده یک قدمی سازش دنیا با او
بی‌مکارم نرسد فایده علم بکس
گرچه علم و هنرش بوده چو دریا با او
گشت از حوزه علمیه روان سوی جنان
آنکه شد ماحصل دانش و تقوا با او
نشنیدیم در این ملک چو او مردی راد
همه اسباب شرف بوده مهیا با او
خود اگر داشت کسی دیده بینا می‌دید
رسم و آئین تدین که هویدا با او
همه کس را نرسد رتبه همپائی وی
«فیض روح‌القدسی بود به پیدا با او»
گفتم این چامه که داور بکشد روز پسین
خط بطلان بخط جرم خطاها با او

اثر عمیق فوت مرحوم حایری
قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله: اذامات العالم ثلم فی الاسلام ثلمة لا یسدها شیىء وقتی عالمی از دنیا رود رخنه‌ای در دیوار اسلام واقع شود که چیزی آن را مسدود نکند.
و قال صلی اللّه علیه و آله و سلم: اذا مات العالم بکت علیه السموات والارضون اربعین صباحا وقتی عالمی از دنیا رود آسمانها و زمین‌ها بر او چهل صبح گریه می‌کند در کتب اخبار و احادیث و تفسیرهای فریقین وارد شده است که مرگ عالم ربانی و مرجع با تقوی تأثر عمیقی در جامعه و جهان هستی دارد به طوری که آسمانها و زمین‌ها و هوام و حشرات و وحوش و طیور و درندگان برای فقدان او متأثر شده و گریه می‌کنند.
ای بسا کس مرد و کس آگه نشد
از عیانش مبدئی و مختمی
لیک اندر مرگ مردان بزرگ
عالمی گرید برای آدمی
عالمی گردد قرین درد و رنج
گر بمیرد برگزیده عالمی
آیتی چون حایری رفت از جهان
یک جهان گردد غریق ماتمی
رحلت و فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری در چنان بحران و کوران عصر تاریکی که تمام دست‌ها و قوای مرموز استعمارگران و دشمنان دین و استقلال کشور بر علیه قرآن و اسلام فعالیت می‌کرد و روزی نبود که بدعت تازه و منکری بر مردم ضعیف‌الایمان تحمیل نشود بزرگترین ضایعه بود زیرا که تمام علماء و دانشمندان بزرگ و فعال و متعصب و متنفذ را یا تبعید و یا زندانی و یا خانه‌نشین و یا از بین برده بودند و تنها مرد میدان مجاهده بود که با مبارزات منفی و مثبت خود دشمنان و بیگانه‌پرستان را عقب رانده و از تهاجم و حمله اساسی آنها جلوگیری می‌کرد.
آیت‌اللّه حایری با آن متانت و بردباری و تقیه و محافظه‌کاری که مشروحاً بیان شد دشمن را که همواره می‌گفت همه را از میان بردم اگر این یکی را هم می‌بردم از اسلام و دین آسوده شده و از حدود و قیود آئین و مذهب آزاد و راحت می‌شدم به زانو درآورده و مجذوب خود گردانیده بود.
در صبح هفدهم ذی‌القعده 1355 قمری که این خبر در قم و وسیله تلگراف و تلفون در تهران و سایر بلاد منتشر شد عموم مردم متأثر شده و جهان در نظر ملت متدین و شیعیان متعصب تاریک شده و انتظار بلیات و مصائب دیگر را احساس نمودند که این نگارنده آن را در جلد اول آثار الحجة مشروحاً نگاشتم طالبین به آنجا مراجعه کنند.
تشییع جنازه در آن موقع موقوف و کلیهِ تظاهرات و مظاهر دینی و شعائر

مذهبی تعطیل بود لکن مردم قم عموماً زن و مردم عالم و جاهل و طبقات مختلف مردم دولتی و غیره چنان آشفته و پریشان بودند و به سر و صورت می‌زدند و فریاد می‌کشیدند که گویا صاعقه‌ای از آسمان آمده و تمامی را سوزانیده است در آن خفقان عجیب و شرایط سخت تشییعی از جنازه آن مرحوم شد که کم‌نظیر بوده و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین شیخ‌الاسلام قم بر ایشان نماز خوانده و در جوار حضرت معصومه سلام‌اللّه‌علیها در مسجد بالا سر همانجائی که خود نماز می‌خواندند و درس می‌گفتند مدفون شده و اشعار مرحوم آیت‌اللّه صدر را که ذکر شد بر روی سنگ قبرش منقوش نمودند (لدی الکریم حل ضیفا عبده).

رجال علم و تقوائی که در اطراف قبرش مدفون می‌باشند

یکی از مزارات و قبوری که بعد از حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام در قم زیارت می‌شود قبر مرحوم آیت‌اللّه حایری است و کمتر کسی مشرف به قم برای زیارت می‌شود که قبر آن مرحوم را زیارت نکند در شبانه روز هزارها نفر به زیارت قبر او می‌روند، در اطراف قبرش شخصیتهای برجسته علمی و مردان با فضیلت و تقوا بسیاری مدفون می‌باشند که غیر از دو قبر مرحومین آیتین خونساری و صدر قبور دیگران اثر و مظهری ندارد و ما فهرست آنها را در اینجا می‌نگاریم و ترجمه و آثارشان را در جای خود آورده و خواهیم آورد:

1- آیت‌اللّه آقا سید محمد بن آیت‌اللّه آقا سید عبداللّه برقعی متوفی 20 ربیع‌الثانی 1350 قمری ترجمه‌اش قبلا گذشت.

2- آیت‌اللّه آقا شیخ محمد بن آیت‌اللّه شیخ زین‌العابدین مازندرانی متوفی. 23 ج 1350 /2.

3- آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر متوفی اواسط ماه جمادی‌الثانی 1353 قمری

4- آیت‌اللّه حاج سید احمد عراقی بن آیت‌اللّه حاج آقا محسن عراقی متوفی 10 ذی‌الحجه 1356 قمری.

5- آیت‌اللّه حاج سید حسین کوچه حرمی متوفی 15 ذی‌القعده 1357 قمری.

6- آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی متوفی دوشنبه 22 ربیع‌الثانی 1358 قمری.

7- آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بهبهانی متوفی دوم ربیع‌الثانی 1360 قمری.

8- آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی پائین‌شهری متوفی جمعه نوزدهم شعبان 1360 قمری.

9- آیت‌اللّه حاج سید حسین شوشتری متوفی 18 محرم 1362 قمری.

10- آیت‌اللّه حاج سید فخرالدین سبط میرزای قمی متوفی سوم شعبان

1362 قمری.
11- آیت‌اللّه حاج شیخ عیسی لواسانی متوفی دوم صفر 1364 قمری.
12- آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر قزوینی متوفی 28 صفر 1364 قمری.
13- آیت‌اللّه سید محمدصادق بهبهانی متوفی ذی‌القعده 1364 قمری.
14- آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بافقی متوفی 12 جمادی‌الاولی 1365 قمری.
15- آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری متوفی 7 ذی‌الحجه 1371 قمری.
16- آیت‌اللّه حاج سید صدرالدین صدر متوفی 19 ربیع‌الثانی 1373.
17- آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی.
18- آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی بروجردی.
19- آیت‌اللّه حاج آقا روح‌اللّه کمالوند
20- آیت‌اللّه حاج سید احمد لواسانی
21- آیت‌اللّه حاج شیخ عباس تهرانی
22- آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسن طالقانی
23- آیت‌اللّه حاج میرزا رضی تبریزی
24- آیت‌اللّه حاج سید مهدی کشفی بروجردی
25- مرحوم حجة‌الاسلام میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ارباب متوفی 25 ماه رمضان 1368 قمری
26- مرحوم حجة‌الاسلام آخوند ملا عبداللّه متوفی 1357 قمری
27- آیت‌اللّه حاج میرزا سید حسن برقعی رحمه‌اللّه
28- آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد صافی گلپایگانی
29- آیت‌اللّه حاج میرزا محمود اصولی تبریزی
و ده‌ها نفر دیگر که نزدیکی قبر آن مرحوم مدفونند و گذشته از علماء مردان صالح و نیکوکاری چون مرحومین اخوان سلامت حاج شیخ علی‌اصغر و حاج شیخ علی‌اکبر سلامت رضوان‌اللّه علیهم اجمعین.

کرامت حضرت امام حسین علیه‌السلام نسبت به مرحوم حایری

از خصایص و امتیازات مرحوم آیت‌اللّه حایری قدس‌اللّه‌سره کثرت توسلش بود به خداندان جلیل عصمت و طهارت بالاخص بمولینا الکونین نورالثقلین امام المشرقین حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه الصلوة والسلام حتی در مجلس درس فقه‌اش مرثیه‌خوانی چون مرحوم حاج شیخ ابراهیم صاحب‌الزمانی تبریزی را که از اوتاد زمان بود تعیین کرده بود که هر روز قبل از درسش ذکر مصیبتی کند و بعد از آن خودش به منبر رفته و تدریس می‌نمود در ایام عاشوراء روضه‌خوانی داشت و روز عاشوراء خود در جلوی هیئت اهل علم پا برهنه و گل به پیشانی و صورت مالیده حرکت می‌کرد وقتی بعضی از نزدیکانش از علت این توسل و تمسکش به سفینةالنجاة

امت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام پرسید جواب می‌فرمایند من هرچه دارم از آن حضرت دارم و بعد قصه کرامت حضرتش را درباره خودش شرح می‌دهد که این نگارنده در سفرم به اراک از دو نفر مرد موثق و عادل شنیدم که عیناً آن را در ج 2 کتاب آثارالحجه ص 208 نگاشته و اینجا هم که جای آنست می‌نگارم.
آقای حاج دفتری مباشر کارهای آیت‌اللَّه حاج مصطفی محسنی که مرد موثق و متدینی است با تأیید مرحوم مبرور آقای آیت‌اللَّه حاج آقا حسن فرید محسنی که مرحوم آیت‌اللَّه حایری در منزل مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا مصطفی در اراک هنگامی که سرپرستی حوزه عراق را داشتند پس از نقل خواب آن مرحوم که در آثارالحجه نوشته‌ام فرمودند هنگامی که من در کربلا بودم شبی در عالم خواب دیدم که شخصی به من گفت شیخ عبدالکریم کارهایت را بکن که تا سه روز دیگر خواهی مرد. من از خواب بیدار شدم متحیر بودم گفتم البته خوابست تعبیر ندارد اتفاقاش شب سه‌شنبه بود روز سه‌شنبه و چهارشنبه را مشغول به درس و بحث بودم تا خواب از خاطرم رفت روز پنجشنبه تعطیلی دروس با بعضی از رفقا به ناحیه باغ مرحوم سید جواد رفتیم در آنجا قدری گردش و مذاکره علمی نموده تا ظهر نهار را صرف و ساعتی خوابیدیم در آن موقع لرز شدیدی به من عارض شد رفقا آنچه عبا و رواندار بود بر من انداختند باز می‌لرزیدم پس از ساعتی تب بسیار سوزانی کردم و کم کم حس کردم که حالم بسیار خراب است به رفقا گفتم مرا زودتر به منزلم برسانید.
رفقا وسیله‌ای فراهم کرده و مرا به شهر آورده و به منزلم رسانیدند در آنجا بی‌حال و حس افتادم کم کم حواس ظاهره‌ام از کار افتاد یک مرتبه به یاد خواب سه شب قبل افتادم علائم مرگ را در خود مشاهده کردم و ناگهان دیدم دو نفر ظاهر شده و از راست و چپ من نشستند و به هم نگاه کردند و گفتند اجل او رسیده مشغول قبض روح او شویم.
من در آن حال مرگ را معاینه کردم از راه قلب توجهی به ساحت مقدس حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه الصلوة والسلام نموده عرض کردم مولای من از مرگ هراس و ترس ندارم ولکن از این می‌ترسم که دستم خالیست کاری نکرده و زادی تهیه ننموده‌ام شما را به حق مادرتان حضرت صدیقه طاهره علیهاالسلام شفاعت کنید که خدا مرگ مرا تأخیر اندازد تا فکری به حال خود نمایم.
و تا از راه دل این توسل را نمودم دیدم شخصی وارد شد و نزد آن دو آمده و گفت حضرت سیدالشهداء فرمودند شیخ عبدالکریم به ما توسل نمود و ما هم نزد خدا شفاعت کردیم که عمر او را دراز و اجل او را تأخیر اندازد و خداوند تعالی اجابت فرمود شما روح او را قبض نکنید.
پس آن دو به هم نگاه کرده و رو به آن شخص نموده و گفتند سمعاً و

طاعه و از جا حرکت کردند و سه نفری صعود نمودند.
پس در آن هنگام احساس کردم که حالم بهتر شده صدای گریه و زاری و ناله خانواده خود را شنیدم که به سر و صورت خود می‌زدند آهسته دست خود را حرکت دادم و چشم خود را گشودم دیدم چشم مرا بسته و رویم چیزی کشیده‌اند، خواستم پایم را جمع کنم ملتفت شدم که شصت مرا هم بسته‌اند.
پس دستم را بلند کردم برای برداشتن چیزی که رویم بود شنیدم می‌گویند ساکت شوید گریه نکنید که حرکت دارد و آرام شدند و روی مرا برداشتند و چشمم را گشودند و پایم را فوراً باز کردند با دست اشاره به دهانم کردم که آبم دهید. پس آب به دهانم ریختند و کم کم از جا برخاسته و نشستم و تا پانزده روز ضعف مفرط و کسالت داشتم، از آن حالت الحمدللّه به کلی رفع نقاهتم شده و بهبودی یافتم و این از برکت مولایم حضرت حسین علیه‌السلام بود. آری به خدا قسم.
مرا بغیر حسین ملجأ و پناهی نیست
در این عقیده یقینم که اشتباهی نیست
ره نجات حسین است و دوستی حسین
به سوی حق به جز از این طریق راهی نیست
اگر تو حکم غلامی من کنی امضا
به هیچ محکمه خوفم ز دادگاهی نیست
بیت آیت‌اللّه حایری
بیت و خانواده آن مرحوم بیت علم و تقوا و فضیلت است دارای دو پسر و سه دختر بوده‌اند پسران جناب آیت‌اللّه آقای حاج آقا مرتضی حایری و جناب حجةالاسلام آقای حاج آقا مهدی حایری که ترجمه هر یک خواهد آمد
و اما دختران
1- همسر مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ محمد توسرکانی
2- همسر مرحوم حاج شیخ احمد همدانی
3- همسر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد محقق داماد یزدی بودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (17 -13 /1)، الذریعه (132/8 -378/4)، ریحانه (68 -66 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (63 -59 /3)، مولفین کتب چاپی (917 -915 /3).

حایری یزدی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی بن میرزا محمدرضا بن میرزا ابی‌الحسن بن میرزا محمدعلی جعفری یزدی حایری بزرگ فقیهی متبحر و مجتهدی جامع بوده است.
وی در یزد متولد و در اصفهان از محضر علامه آقا شیخ محمدتقی اصفهانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به کربلا و از محضر فاضل اردکانی تا وصول به مقام اجتهاد بهره‌مند شده و پس از آن به ایران مراجعت و مجاورت مشهد مقدس را اختیار و به تدریس و اقامه جماعت و وظائف شرعیه اشتغال داشته تا هنگام وقعه توپ بستن روسها آستان قدس را که نتوانسته این منظره را مشاهده نماید ناچار به یزد منتقل و در بعضی از نواحی شهر ساکن تا در سال 1330 قمری بدرود حیات گفته و در حرم جدش امامزاده جعفر عریضی مدفون شده و فرزند صالحی چون حجةالاسلام والمسلمین آقا سید علیرضا متولد 1304 قمری مجموعه کمالات را بجا گذارد.
معظم‌له نیز سطوح را در ایران به پایان رسانیده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف در سال 1330 ق نموده تا سال 1336 توقف و از محضر علماء بزرگ چون آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمدکاظم یزدی و دیگران استفاده و پس از آن به یزد مراجعت و به انجام وظائف شرعی و روحی مشغول تا در چند سال اخیر که بدرود حیات گفتند.
وی دارای طبعی سرشار بود و به عربی و فارسی اشعاری سروده که از آن است این بیت:
فانهض و شمر للمعالی مسرعا
اذلیس للانسان الا ما سعی
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حایری، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّٰه آقا شیخ ابوالقاسم حایری از علماء ماهر کربلا بوده و بعد 1284 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، احمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ احمد بن شیخ محمدعلی سلطان الحایری فاضلی جلیل بود و بعد از 1214 در کربلا وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، جواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ جواد بن شیخ راضی بن شیخ محسن سلطان حایری عالمی فاضل بود و بعد از 1253 وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، طاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید طاهر بن میرزا مهدی بن سید محمدباقر موسوی قزوینی حایری فقیهی متقی از علماء جلیل کربلا بوده و در سال 1329 وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1327 -1253 ش)، مجتهد، نویسنده و شاعر. در شهر کربلا در خاندانی با فضیلت متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در حوزه‌ی علمیه‌ی کربلا طی کرد و در آنجا از محضر استادانی چون: شیخ زین‌العابدین، ملا اسماعیل بروجردی و میرزا محمد هاشم خوانساری اصفهانی کسب فیض کرد. در هفده سالگی کتابهای زیادی نوشت و موفق به دریافت بیش از سی اجازه‌ی روایتی و اجتهادی شد. سفری به مکه داشت و در طول راه با علمای اهل تسنن ملاقات و بحث کرده است. در تهران و دیگر شهرها، چون قم، اراک و مشهد، جامعه‌ی اخوان اسلامی را بر اساس اخوت اسلامی تاسیس کرد. وی یکی از پیشنهاد کنندگان ملی کردن صنعت نفت به رضاخان بود. حایری به فارسی و عربی شعر می‌سرود. از جمله آثار او: «هدایه العامه فی اثبات الامامه»؛ «منظومه‌ی موجز المقال»، در علم درایه؛ «منظومه‌ای در علم رجال»؛ «منظومه‌ای در بیع فضولی»؛ «ودایع الاسرار و بدایع الاخبار»؛ «دیوان قصاید و غزلیات»؛ «حکم تشریع احکام دین»، در تصوف؛ و «غنائم التبیان در تفسیر قرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (155 -151)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 2، ص 53 -52).

حایری، محمدسعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد سعید حایری بن شیخ محمدحسین عالمی جلیل و مدرسی فاضل و مدیر (مدرسه هندی) بود و حدود 1350 وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حایری، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای شیخ مرتضی بن آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم از اکابر علماء فعلی و آیات عظام حوزه علمیه و شهرستان قم می‌باشد که به زیور علم و حلم و متانت و صفا آراسته است وی در ماه ذی‌الحجه 1334 ق در اراک متولد شده و فنون ادب و صرف و معانی و بیان را از مرحوم حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و آقا شیخ ابوالقاسم نحوی فراگرفته و مقداری از سطوح و متون فقهیه و اصولیه را در خدمت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی و آیت‌الله صالحی کرمانی خوانده و چندی هم از محضر والد معظم بهره‌مند شده و پس از آن حدود 15 سال از دروس فقه و اصول آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله خونساری استفاده نموده و هم چند سالی به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و ضمنا به تدریس سطوح عالی و اکنون خارج فقه و اصول اشتغال دارند و در مسجد امام قم اقامه جماعت می‌نمایند. از آثار و تالیفات ایشانست 1- رساله‌ای در حدیث رفع 2- رساله‌ای در مسئله تعاقب ایادی 3- کتاب ابتغاء الفضیله.
این کتاب شرح بر وسیله مرحوم آیت‌الله اصفهانی که ملفقی از چند کتاب فقهی قدماء، تذکره، شرایع، لمعه، قواعد و غیر آن می‌باشد و آن 6 جلد است که جلد اول به نام ابتغاء الفضیله به طبع رسیده است.
4- شرح بر عروه الوثقی تا مبحث اغسال سه جلد 5- دوره اصول به نام مبانی الاحکام فی اصول شرایع الاسلام سه جلد 6- حاشیه بر کفایه 7- حاشیه بر مکاسب ناتمام 8- رساله مبسوطی در صلوه جمعه نظیر ابتغاء الفضیله.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حایری، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج آقا مهدی بن العلامه الورع حاج شیخ عباس بن الزکی الصالح التقی حاج ملا حاجی تهرانی حایری از علماء اعلام و افاضل کرام حوزه علمیه قم دارای فضل و دانش و اخلاق حمیده و صفات پسندیده است.
در سال 1304 شمسی در کربلاء معلی متولد شده و در معیت والد مبرورش به ایران آمده و پس از طی مقدمات ادبیات در تهران خدمت حاج شیخ محمدحسین زاهد خوانده و قسمتی از سطوح را خدمت حاج سید صدرالدین جزایری دیده و در سال 1327 شمسی مهاجرت به قم نموده و بعد از تکمیل سطح به درس آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله اراکی حاضر شده و از خرمن علمشان استفاده نموده و نیز اصول و فلسفه و کلام را خدمت علامه طباطبائی تلمذ نموده.
جناب آقای حایری از مراجع بزرگ نجف اجازات اجتهاد و غیره دارد، دارای پشتکار عجیب و همتی بلند می‌باشد. نوشته‌هایی از دراسات و تقریرات دروس اساتید خود مخصوص علامه‌ی طباطبائی دارد، مضافا یک سلسله مقالات دارند که در مکتب تشیع و مکتب اسلام و معارف جعفری به چاپ رسیده است و آنها به شرح زیر است:
1- کتابی در سیر قرآن و تفسیر که بعضی مقالات آن در مکتب تشیع به چاپ رسیده است.
2- کتابی در سیره عقاید و مذاهب که قسمتی از آن در مکتب تشیع به چاپ رسیده است.
3- کتابی در سیر کتابخانه در اسلام.
4- کتابی در روش تبلیغات اسلامی که قسمتی از آن در مکتب اسلام به چاپ رسیده است.
5- کتابی در اخلاق و کلید خوشبختی که قسمتی از آن در معارف جعفری به چاپ رسیده است.
6- اخلاق از نظر قرآن و دستورات اجتماعی اسلام.
مترجم معظم چون تهرانی‌الاصل و ریشه‌دار و از خاندان فضل و شرافت است فکری عمیق دارد در خدمات اجتماعی و باقیات الصالحات نیز سعی بلیغ و کوششی فراوان نموده تا از خود آثاری نیز در موضوع گذارده است.
1- کتابخانه مدرسه حجتیه که در سال 1330 شمسی به همت ایشان

تاسیس گردید که در ضمن کتابخانه‌های حوزه اشاره شد.
2- در تحت نظر آیت‌الله العظمی میلانی در سال 1341 شمسی و بعضی مدرسین دیگر اقدام به تاسیس مدرسه حقانی (منتظریه) که در باب مدارس فعلی قم مشروحا گذشت.
3- در عصر زعامت آیت‌الله العظمی بروجردی مدت سه سال در مدرسه فیضیه برنامه غذاخوری به کمترین قیمتی...
4- تاسیس دبستان نمونه برای دختران در خیابان بهروز قم تا فرزندان روحانیین با برنامه‌های دینی و تعلیم و تربیت صحیح پرورش یابند.
5- اداره و سرپرستی دبیرستان دین و دانش قم.
6- تاسیس یک کتابخانه سیار اسلامی حایری تهرانی.
7- اعزام مبلغین در شبهای جمعه و پنجشنبه به اطراف و نواحی قراء و قصبات تهران و قم.
8- ساختمان یک مدرسه علمیه برای آقایان طلاب واقعه در خیابان آذر جنب شاهزاده زید.
9- ساختمان طبقه دوم مدرسه رضویه.
10- چاپ و نشر کتب دینی و اخلاقی و عقاید برای نشر معارف اسلامی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حائری شیرازی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمدتقی بن میرزا محب علی بن ابی‌الحسن میرزا محمدعلی گلشن حایری شیرازی زعیم ثوره عراق که مجسمه علم و تقوا و فضیلت بوده و در سال 1338 در کربلا وفات نموده است شرح آن بزرگوار محتاج به کتاب مستقل و مجال بیشتریست و این وجیزه ظرفیت و قابلیت ترجمه آن بزرگوار را ندارد.
میرزا محمدتقی بن میرزا محبعلی بن ابی‌الحسن میرزا محمدعلی (متخلص به گلشن) حایری شیرازی زعیم نهضت و ثوره عراق از اشهر مشاهیر عصر خود در علم و تقوی و غیرت دینی بوده است.
تولد آن بزرگوار در شیراز ولی نشو و پرورش او در کربلا بوده و اولیات و مقدمات را در آنجا خوانده و به درس علامه شهیر فاضل اردکانی شرکت نموده و پس از مهارت و تبحر در علوم عقلی و نقلی با شریک و رفیق درسش مرحوم سید استاد آیت‌اللّه علامه آقا سید محمد فشارکی اصفهانی مهاجرت به سامره و از محضر آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن مجدد شیرازی استفاده و ضمناً برای عده‌ای از فضلاء شاگردان میرزا تدریس و تقریر درس استاد را نموده تا بعد از فوت آن مرحوم که برای مرجعیت و زعامت و تدریس و فتوا معین گردیده و عده بسیاری از بزرگان مراجع تقلید از محضرش استفاده و کسب علم و اجتهاد نمودند.
پس آن بزرگوار از سامره به کربلا منتقل و تشکیل حوزه علمیه داده و جماعتی از اکابر و اعاظم وقت اطرافش را گرفته و از تحقیقات و دقت نظر و تعمق فکر و اصابت رأی او بهره‌مند شده تا در سال 1338 ق که دعوت حق را لبیک اجابت گفته و در صحن شریف حسینی (ع) مدفون و اکنون قبر پاکش مزار اهل فضل و ایمان و مشهور همگانست.
آثار علمی آن بزرگوار از اینقرار است.
1- حاشیه مکاسب 2- رسالة صلوة الجمعه 3- رسالة الخلل 4- المنظومة الرضاعیه 5- دیوان اشعار فارسی در مدائح و مراثی اهل‌بیت علیهم‌السلام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حائری، آمنه

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
1243 ق، از زنان فاضل و مجتهد. دختر آقا محمدباقر بن محمد اکمل اصفهانی، معروف به وحید بهبهانی. وی شاگرد پدر خویش و همسر سید علی طباطبایی صاحب ریاض و مادر سید محمد مجاهد و سید مهدی طباطبایی بود. از تالیفات او مبحث حیض از کتاب ریاض همسر خویش است. وی در کربلا درگذشت و نزد فرزندش سید محمد مجاهد دفن شد.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه، 155 / 10 ،443/ 9؛ دایرةالمعارف تشیع، 235 / 1؛ وحید بهبهانی، 259.

حائری، آمنه‌بیگم

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(وف 1243 ق)، فاضل و مجتهد. دختر آقا محمدباقر بن محمد اکمل اصفهانی معروف به وحید بهبهانی. وی شاگرد پدر خویش بود و همسر سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» و مادر سید محمد طباطبائی مجاهد و سید مهدی طباطبائی. از تألیفات او مبحث «حیض» از کتاب «ریاض» همسر خویش است. وی در کربلا درگذشت و در همان جا دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (10/ 155، 9/ 443)، مشاهیر زنان (8 -7).

حائری، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه
تولد: ذی‌الحجه 1334 ق.، اراک.
درگذشت: اسفند 1364.
آیت‌الله مرتضی حائری، فرزند آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، متون ادب و صرف و معانی و بیان را از ابوالقاسم نحوی فراگرفت و مقداری از سطوح و متون فقهیه و اصولیه را در خدمت آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی و آیت‌الله صالحی کرمانی خواند و چندی هم از محضر والد خود بهره‌مند شد. بعد از طی مراحل سطح، مدت پانزده سال از دروس خارج فقه و اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و نیز از درس خارج آیت‌الله سید حسین بروجردی استفاده کرد و سپس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. وی در مسجد امام قم اقامه‌ی جماعت می‌نمود. ضمنا ایشان دارای طبع شعر بود و اشعاری در توحید و مدح اهل‌بیت عصمت و طهارت از او به جا مانده است.
از آثار ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: رساله‌ای در حدیث رفع؛ رساله‌ای در تعاقب ایادی؛ کتاب ابتغاء الفضلیه (این کتاب شرحی است بر وسیله نجاة آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که تلفیقی از چند کتاب قدماء، تذکره؛ شرایع؛ لمعه؛ قواعد و غیر آن میباشد و آن شش جلد است که جلد اول به نام ابتغاء الفضلیه به طبع رسیده است)؛ شرتح بر عروة الوثقی تا مبحث اغسال؛ سه جلد؛ دوره اصول به نام مبانی الاحکام فی اصول شرایع الاسلام؛ سه جلد؛ حاشیه بر کفایه؛ حاشیه بر مکاسب (ناتمام)؛ رساله مبسوطی در صلوة جمعه.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حبلرودی رازی، نجم‌الدین خضر

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 850 ق)، متکلم و فقیه امامی. در حبلرود ری متولد شد و در نجف ساکن. وی از شاگردان شمس‌الدین محمد بن سید شریف جرجانی بود و معاصر با علامه دوانی و شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی. از آثار وی: «التحقیق المبین فی شرح نهج المسترشدین»، در اصول؛ «جامع الاصول»، در شرح کتاب «الفصول فی الاصول»؛ «حقایق العرفان فی خلاصه الاصول و المیزان»؛ «توضیح الانور»؛ «تحفه المتقین فی اصول‌الدین»؛ «جامع الدقائق»، در منطق؛ «القوانین»؛ «جامع الدرر»، در شرح «الباب الحادی عشر» علامه، خلاصه‌ی آن: «مفتاح الغرر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (323/6)، الذریعه (337 -336 /21، 41/5، 491/4، 484/3)، روضات الجنات (251/3)، ریاض العلماء (239 -236 /2)، ریحانه (138 -137 /6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 56 -55 /9)، لغت نامه (ذیل/ خضر)، معجم المولفین (102/4).

حبیب خراسانی، حبیب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1327 -1266 ق)، فقیه، مجتهد، عارف و شاعر، متخلص به حبیب. مشهور به شهیدی و آقا. وی از خاندان شهید ثالث بود که در مشهد متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی و فراگیری زبان فرانسه، جهت تکمیل تحصیلات به عراق رفت. در سامرا شاگردی میرزا حسن شیرازی کرد و در نجف به محر حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی رسید. در عراق توسط میرزا مهدی گیلانی، معروف به خدیو، به جمع مریدان غلامعلی‌خان هندی پیوست و بعد از مرگ مرشدش، مرید میرزا خدیو شد. میرزا حبیب پس از بازگشت به مولد خویش، راه عراق را پیش گرفت و به ارشاد مردم پرداخت و در میان مردم محبوبیتی خاص پیدا کرد. سید حسن مشکان طبسی از شاگردان وی بود. میرزا حبیب در مشهد درگذشت و در صفه شاه طهماسب دفن شد. وی طبع و ذوق شاعری داشت و به زبان فرانسه، مسلط بود. از آثار او: «دیوان» شعر و «گنج گهر».[1]
حبیب خراسانی (حاج میرزا) ابن حاج میرزا هاشم بن میرزا هدایت‌اللَّه بن میرزا مهدی خراسانی شهید، عالم و شاعر خراسانی (و. مشهد 1266 ه.ق.- ف. 1327 ه.ق.). وی پس از طی دوره کودکی در دامان علم و ادب و فضل تربیت یافت و سرآمد اقران گردید و صاحب ملکات فاضله بود و از عرفان وقوفی تام داشت. دیوان کامل اشعارش به طبع رسیده. غزلیات وی شور و حالی مخصوص دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (562 -561 /9)، سخنوران نامی معاصر (1080 -1074 /2)، سرآمدان فرهنگ (288 -287 /1)، شرح حال رجال (77 -76 /6)، مولفین کتب چاپی (495/2).

حجازی خمینی‌شهری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدمهدی بن سید محمدحسن بن سید محمدعلی بن سید حسنعلی بن سید محمد بن سید محمدرضا بن سید محمدعلی بن سید مهدی بن سید تراب بن حیدر بن کاظم بن سید هدایت‌اللّه بن سید مهدی بن سید ابراهیم بن سید زین‌العابدین بن سید ابراهیم بن سید کریم‌الدین بن سید رکن‌الدین بن سید زین‌الدین بن سید صالح بن سید محمد بن سید محمود بن سید حسین بن سید حسن بن سید احمد بن سید ابراهیم بن سید عیسی بن سید حسن بن سید یحیی بن سید ابراهیم بن سید حسن بن سید عبداللّه بن الامام موسی الکاظم علیه الصلوه والسلام.
معظم‌له که بسی واسطه به حضرت باب‌الحوائج الی‌اللّه امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهاالسلام منتهی می‌شود از علماء مبرز و محترم اصفهانست.
شجره‌نامه ایشان که به امضاء و تصحیح آیات عظام اصفهان و غیره توشیح گردیده به نظر حقیر رسید. و نسب فوق از آن اتخاذ شده است.
وی در سال 1320 قمری هجری در سده به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و خدمت مرحوم والدش مقدمات را خوانده و قبل از پانزده سالگی از آن و شرایع‌الاسلام فارغ شده و سطوح را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی یزدی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا احمد اصفهانی و آیت‌اللّه حاج میرزا رحیم ارباب خوانده و سطوح عالی را از مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمدحسین فشارکی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکرمی کزی و حساب و هندسه را از آقای حاج‌آقا رحیم ارباب آموخته و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقاشیخ محمدرضا مسجدشاهی و آخوند گزی و آقای فشارکی استفاده نموده و بعدا قریب هفده سال در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی شرکت و دو دوره اصول و طهاره و صلوه و مکاسب و غیره را به ترتیب تکمیل نموده تا به مرحله اجتهاد رسیده‌اند.
حکمت و فلسفه را هم از مرحوم حاج میرزا جواد آدینه‌ای و حاج شیخ محمد خراسانی و حاج شیخ اسداللّه قمشه‌ای فراگرفته تا بعد از فوت استادش مرحوم خاتون‌آباد به تدریس سطح و خارج فقه و اصول اشتغال یافته و در حال حاضر در خمینی‌شهر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و بیان احکام موفق می‌باشند.

دارای 9 فرزند ذکور که اکثریت در سلک روحانیت و مشغول به تحصیل فقه و اصول و علوم اسلامی به اسامی ذیل می‌باشند.
1- جناب حجةالاسلام آقا سید محمدتقی حجازی 2- حجةالاسلام آقا سید محمدحسن حجازی 3- حجةالاسلام آقا سید محمد 4- آقا سید محمدعلی 5- آقا سید احمد 6- آقا سید محمدرضا.
از تألیفات معظم‌له 1- دوره اصول الفقه 2- اکثر کتب فقهیه 3- رسالاتی در متفرقات.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حجازی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی حجازی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1303/1/1
زندگینامه علمی
نا به سامانی های واپسین روزهای حکومت قاجار در کام زمانه شراره می ریخت ، سال 1303 هجری بود . در کانون کهن علم و فلسفه شهر باستانی قمشه (شهرضا) و در خانه عالم بزرگ شهر «حاج سید فضل الله حجازی» لبخندها می شکفت و تولد سید مهدی حجازی را با شادی می آمیخت ، او دوران کودکی را در خانواده ای که در علم و تقوا سابقه دیرین داشت سپری کرد و از تربیت های علمی و اخلاق پدر و نیاکان خویش پرتو گرفت.در آغاز جوانی برای تحصیل علوم دینی رهسپار اصفهان گردید. سالها در اصفهان با تلاش پیگیر ، ساده زیستی ، خودسازی و باور پولادین ، رشته های ختلف فرهنگ اسلامی را فرا گرفت ، استادان او در اصفهان عبارت بودند از :آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی ، آیت الله میرزا علی آقای شیرازی ، آیت الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، آیت الله طیب ، آیت الله خادمی ، آیت الله حاج آقا صدر کوهپایه ای ، آیت الله حاج شیخ احمد فیاض .آیت الله حجازی در سال 1370 هجری برای تعالی بیشتر علمی و کسب تخصص فراتر فرهنگی و نیل به درجه عالی اجتهاد رهسپار نجف اشرف شد .وی علی رغم تنگناهای مادی در طول 17 سال سکونت در نجف اشرف به فراگیری پیگیر علوم اسلامی پرداخت و از محضر مراجعی چون:حضرت امام خمینی ، آیت الله العظمی حکیم، آیت الله العظمی خویی، آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، آیت الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، آیت الله العظمی حاج سید جواد تبریزی، آیت الله العظمی حاج سید یحیی یزدی رحمه الله علیهم اجمعین بهره کافی گرفت.دستیابی به درجه اجتهاد یکی از فرازمندترین فله های ارتقای علمی و فقهی در حوزه های علمیه رسیدن به رتبه اجتهاد و گرفتن اجازه اجتهاد از مراجع بزرگی که به ایشان اجازه اجتهاد داده اند عبارتند از :آیت الله العظمی سید یحیی حسینی یزدی نجفی، آیت الله العظمی حاج

سید محمد جواد طباطبائی تبریزی نامبرده در اول نوشته خویش آیت الله حجازی را این گونه وصف می کند:سید مهدی حجازی، دانشمند فاضل ، تقوا پیشه پیراسته، برگزیده بزرگان، پشتوانه دانشمندان اسلام، رهرو راه استوار صاحب ذوق آراسته به مرتبه اجتهاد رسیده اند.آیت الله العظمی سید ابوالمعالی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، ایشان نیز در مرقومه خویش درباره آیت الله حجازی می نویسد:حجه الاسلام حجازی با آراستگی اخلاق معارف اسلامی را فرا گرفته است، مبانی احکام را استوار ساخته و به درجه اجتهاد رسیده است.

حجت حایری طباطبایی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1319 -1242 ق)، عالم و فقیه اصولی امامی. معروف به حجت در کاظمین به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود و در کربلا فقه و اصول تدریس می‌کرد. وی با میرزا محمد حسن مولی علی علیاری تبریزی و سید ابراهیم بن سید محمد تقی معاصر بود و چند تن از علمای هند و تبریز از وی اجازه گرفتند. میرزا ابوالقاسم فردی زاهد و خوش‌خلق بود. در کاظمین وفات یافت و در بقعه‌ی سید مجاهد در کربلا دفن شد. از آثارش: «اجازه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (404 -403 /2)، الذریعه (139/1)، ریحانه (22/2)، لغت نامه (ذیل/ حجت طباطبایی).

حجت حایری، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالحسین بن السید علی بن السید ابی‌القاسم ملقب (بالحجة) ابن سید حسن معروف (بالحاج آقا) ابن سید محمد مجاهد حایری فقیهی فاضل و عالمی جلیل و مرجعی معروف در کربلا بود
و در سال 1363 وفات نمود و مخفی نماند که (آل طبائی) از بیوتات علمی معروفه کربلا بودند و زعامت و ریاست و مرجعیت عامه آنها از عصر جد گرامشان علامه بزرگ آقا سید علی صاحب ریاض متوفی 1231 و بعد از او فرزندش علامه مجاهد آقا سید محمد متوفی 1242 و پس از وی فرزندش علامه سید حسن سپس فرزند وی علامه آقا سید ابوالقاسم ملقب (به حجت) و متوفی 1309 ق ثابت بوده است.
و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالقاسم حجت دارای دو فرزند بودند 1- بنام آیت‌اللّه آقا سید محمدباقر حجت 2- آیت‌اللّه آقا سید علی والد مترجم ما.
سید استاد ما آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله می‌فرمودند یکی از خطباء بنام کربلا در خواب دید حضرت صدیقه طاهره سلام‌اللّه‌علیها را که فرمودند برو به پسرم سید محمدباقر حجت بگو کسی که مادری چون من دارد دیگر به عایشه مادر نمی‌گوید آن عالم خطیب از خواب بیدار شده و صبح اول وقت به خانه آقا سید محمدباقر مذکور آمده و می‌گوید آقا جان آیا تازگی شعری گفته‌ای می‌گوید آری قصیده‌ای در مدح حضرت صدیقه سلام‌اللّه‌علیها و طعن به عایشه گفته‌ام می‌گوید بخوانید سید قرائت می‌کند تا می‌رسد به این بیت که خطاب به عایشه نموده است
یا امنا فسبک محرم
لاجل عین الف عین تکرم
پس آن خطیب خواب خود را بیان کرده و می‌گوید فورا شعرت را عوض کن پس آن بیت را تغییر داده و می‌گوید (فیا حمیر اسبک محرم)...
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حجت، اسداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسداللّه بن المرحوم العلامه الایه المیرزا محمد حجت از مشاهیر علماء و اعاظم دانشمندان معاصر همدانست.
وی در دوم شهر رمضان المبارک 1313 ق در همدان متولد شده و تا سن نوزده سالگی در تحت سرپرستی و تربیت والد ماجدش پرورش یافته و از آن بزرگوار استفاده نموده و در سال 1332 قمری به اصفهان مسافرت و متجاوز از چهار سال از بحث خارج مرحومین حجتین آیت‌اللّه آقا سید محمدباقر درچه‌ای و آیت‌اللّه آقا شیخ عبدالکریم گزی استفاضه فرموده و به تصدیق آیات عظام درجه اجتهاد نائل شده و به همدان مراجعت و مدت دو سال توقف و به بحث و استفاده پرداخته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و حدود سه سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی نائینی و زعیم اعظم شیعه آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و سایر آیات عظام بهره‌مند گردیده سپس به همدان بازگشت و از آنجا به قم مشرف و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاعج شیخ عبدالکریم یزدی مؤسس حوزه استفادم نموده و پس از آن به همدان برگشته و به مباحثه در محضر مرحوم آیت‌اللّه والدش و تدریس طلاب علوم دینیه اشتغال ورزیده تا سال 1361 قمری که والدش به رحمت ایزدی پیوسته و از آن تاریخ تاکنون به جای آن مرحوم به اقامه نماز جماعت و تدریس علوم شرعیه و سایر وظائف دینیه اشتغال دارند.
از آثار ایشان چند رساله در فقه و اصول می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است و دیگر حواشی بر رساله عملیه مرحوم والد مبرورش.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حجت، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای سید محسن بن العلامه الکبری والایه العظمی السید محمد بن العلامه السید علی کوه کمری عالمی کامل و فاضلی بارع و در اخلاق و وقار ثانی آن پدر بزرگوار است در حدود سال 1335 ق در نجف متولد و با والد معظم به تبریز آمده و بعد از چند سال توقف به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از اساتید مبرز حوزه فراگرفته و به درس والد خود شرکت نموده و با اجازه و امر آن جناب به نجف مسافرت و چند سالی از دروس فقه و اصول آیات عظام‌خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج سید محسن حکیم و دیگران استفاده کامل نموده و در سال 1370 ق سفری به عزم زیارت والد و معالجه کسالت به ایران و قم آمده و مورد استقبال اهل علم و حوزه علمیه قرار گرفته و پس از آمدن در خدمت والد به شهر ری و توقف سه ماه مراجعت به نجف و تا چند سال بعد از فوت پدر توقف آنگاه به قم مراجعت و تاکنون به تدریس فقه و اصول و تالیف و اقامه جماعت در مسجد حجتیه اشتغال دارد.
و اما آثار و تالیفات علمی مطبوع و مخطوط ایشان از این قرار است:
1- الجزءالاول من نهج‌الطالب مطبوعه.
2- الجزءالثانی من نهج‌الطالب مطبوعه.
3- کلمه موجزه مطبوعه.
4- کلمه ثانیه مطبوعه.
5- کلمه التقه مطبوعه.
6- الرساله العلمیه مطبوعه.
و تالیفات مخطوط از این قرار است:
1- تبصره فی کفاید الاصول.
2- تبیان فی فرائد الاصول.
3- ولایه الفقیه.
4- مباحث الالفاظ.
5- لبس اللباس السواد فی ایام شهادت امام الشهید ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام
6- قاعده لاضرر 7- حقیقه التجرشی 8- المعنی الحرفی.
9- الحکم فی اللباس المشکوک 10- الاستصحاب 11- العلم الاجمالی و

فروعه.
12- قاعده الید 13- مکاتبات الائمه علیهم‌السلام.
14- صحابه النبی الاکرم و ائمه‌الدین علیهم‌السلام.
15- سلمان الفارسی 16- ثقاه الرواه.
17- الاربعین فی حیاه سلمان الفارسی.
18- فاطمه بنت الامام الکاظم علیهماالسلام.
19- قصار الکلمات فی الاحکام 20- تعلیقه علی العروه الوثقی.
21- تفسیر اوائل سور القرآن المجید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجت، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مولینا الامجد و سیدنا الممجد و الحبر المعتمد العلامة الکبری آیةاللَّه العظمی السید محمد بن العالم الکامل السید علی بن السید الاعلام السید علینقی بن السید محمد الحسینی الکوه کمری.
اصلا از قریه کوه کمر که یکی از قراء تبریز است می‌باشد منشاء و تولدش تبریز مرکز استان آذربایجان از سادات و خانواده‌های اصیل و نجیب کوه کمر تبریز است که به گفته نقیب‌السادات و نسابه کبری عصر حاضر علامه فقیه آیت‌اللَّه نجفی مرعشی سادات کوه کمر بخصوص سادات حسینی آن که آیت‌اللَّه حجت از آنهاست و از طرف مادر منسوب به آنها هستم به صحت نسب و شرافت حسب در غایت شهرت و در هر عصری مورد توجه عامه و خاصه مردم بوده‌اند.
نسب عالی ایشان به سید اجل سید محمد مصری ملقب به حجازی از فرزندان علی‌اصغر بن الامام زین‌العابدین علی بن الحسین علیهماالسلام موصول و تا آن بزرگوار بیست و پنج واسطه دارد.
آن جناب حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول و عالم عامل و فقیه کامل و محدث فاضل و حکیم ماهر و اصولی محقق و رجالی مدقق و عابد زاهد جلیل‌القدر عظیم‌الشأن دارای کمالات نفسانیه عالیه و حایز مقامات معنویه سامیه که در مضمار مسابقه حاوی قدح معلی بوده و گوی سبقت از اکابر وقت ربوده و از مراجع تقلید و رؤساء فرقه محقه اثنا عشریه و مدیر و مدبر حوزه علمیه قم صانه‌اللَّه عن الحدثان گردیده بود.
در ماه شعبان 1310 هجری در شهر تبریز متولد و در مهد تربیت پدر و حجر مادر عفیفه‌ای نشو و نما نموده تا وقت تحصیل و از آن استعداد سرشار و هوش و ذکاوت و ادراک و سرعت انتقال و فهم و قوة دراکه فوق‌العاده به سرعت زیاد و مدت کوتاهی تحصیلات مقدماتی لازمه و ادبیات معموله را مدتی در همان شهر خوانده و پس از آن فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و تجرید و مقدار وافی از علوم جدید فیزیک و شیمی و سایر فنون متنوعه را از اجلاء علماء و اکابر دانشمندان فضلاء آن شهر دیده و اغلب تحصیلات فقهی و اصولی سطوح او نزد والدش مرحوم سید علی آقای کوه کمری بوده است.
خود این نگارنده از آن جناب شنیدم که می‌فرمود شرح کبیر موسوم به ریاض را به تمامه نزد پدرم خواندم و جلدین شرح لمعه را با مطالعه تنها

درست کردم و دو دوره آن را در تبریز درس گفتم و پس از تکمیل سطوح به نجف اشرف عزیمت نمودم.
مرحوم آیت‌اللّه حجت پس از تکمیل مقدمات سطوح و فنون ادبیات و متون متداوله سنه 1330 پس از گذشتن بیست سال از عمرش به نجف اشرف مهاجرت نموده و در حوزه درس علامه یزدی صاحب عروه حاضر شده و رجال و حدیث را از عالم رجالی مرحوم آقا سید ابوتراب خونساری فراگرفته هم از محضر مرحوم آیةاللّه شریعت اصفهانی استفاده کامل فرموده و هم از مرحوم حاج شیخ علی قوچانی و حاج شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه فیروزآبادی و وحید عصر آقای آقا ضیاءالدین عراقی و اجلاء دیگر بهره‌مند شده تا در سال 1349 که به قم آمده و یکی از اعاظم علماء و مدرسین آن حوزه مقدسه بود، آیت‌اللّه مؤسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری توجهی مخصوص به آن عالم و فقیه کامل نمود و در تکریم و بزرگداشت وی سعی بلیغ مبذول داشت. تا بعد از رحلت آن مرحوم آیت‌اللّه حجت در جای وی تدریس می‌کرد و سایر فقهاء و علماء حوزه نیز تقدمش را مراعات نموده و بدینگونه آوازه علم و فضیلتش شایع و همان موقع از مراجع بزرگ تقلید و زعمای عالیقدر حوزه محسوب گشت، و در حفظ حوزه و اداره امور طلاب و امتحانات آنان کوششی فراوان داشت.
و آن مرحوم با اینکه از نجف مبتلا به چندین کسالت، درد سینه و ضعف قلب و فشار خون و سوء هضم بود و پیوسته از سوزش بیماری می‌سوخت و فوق‌العاده در ناراحتی به سر می‌برد و چندین مرتبه برای معالجه به شهر ری و بیمارستان فیروزآبادی مسافرت کرد معذلک تا آخر ایام زندگانی به تدریس و جواب استفتاآت و رسیدگی به امور مسلمین و پرداخت نان حوزه علمیه که آن مرحوم به عهده داشت و مخصوصاً امر ساختمان مدرسه بزرگ (حجتیه) و غیره را رها نکرد.
آثار و باقیات الصالحات و معنویت آن مرحوم
تالیفات ذیقیمتی در فقه و اصول و رجال و حدیث بخصوص مستدرک البحار در چند مجلد از خود به یادگار گذاشت ولی متاسفانه هنوز هیچکدام چاپ و منتشر نشده است. آثار ارزنده و ارجدار آن بزرگ مرد دین و فضیلت گذشته از تألیفات سودمند، تربیت علماء و دانشمندان بسیار و از آنهاست مدرسه عالی حجتیه که بهترین یادگار آن مرحوم و نشانه علو همت و نیت پاک آن رادمرد بزرگ است.
اما معنویت آن بزرگوار به اندازه‌ئیست که در این کتاب گنجایش ندارد، شمه‌ای از آن را در جلد اول آثارالحجه نگارش داده‌ام و به طور اجمال در زمان ما بسیار کم‌نظیر و بی‌عدیل از هواها عاری و از تظاهرات فراری و جداً مصداق حقیقی «مخالفاً لهواه مطیعاً لامر مولاه صائنا لنفسه حافظاً

لدینه» بود در این خصایص هرچه بیشتر گشتم مثل او را کمتر یافتم و چون بسیار کتوم و تودار بود نزدیکترین افراد به او هم آن طور که باید وی را نشناختند و آن جناب در زمان ما از افرادی بود که به فیض تشرف و لقاء حضرت ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف نائل آمده بود و بعد از وفاتش معلوم شد که آن بزرگوار چه نابغه‌ای در علم و تقوا و چه نادره‌ای در صفا و معنویت بودند.

فوت مرحوم آیت‌اللّه حجت و ضایعه جبران‌ناپذیر

حوزه علمیه قم و دانشگاه روحانی تشیع از اول تأسیس آن تا سال 1372 که 33 سال از عمرش می‌گذشت ناظر حوادث مؤثر و وقایع عالم سوزی بوده لکن هیچکدام از این حوادث و ضایعات پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری مؤثرتر از دو حادثه ناگوار، فقدان آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی حجت نبوده است.

اولا خودش این پیش‌بینی را نموده و کراراً از روز فوتش که دوشنبه سوم جمادی‌الاولی است خبر می‌داد و حتی در روز مذکور از ظهر می‌پرسید و دو ساعت قبل از حادثه فوتش جمعی از علماء حوزه را طلبید و دستور داد مهر مخصوص ایشان را بشکنند و فرمود این مهر دیگر لزومی ندارد و تربت پاک حسینی علیه‌السلام خواست و بر زبان گذارد و گفت آخر زادی من الدنیا تربة الحسین علیه‌السلام و بعضی از آقایان که این مناظر را دیدند روی مقدسی یا جهات دیگر در شکستن مهر ایشان گفتند آقا استخاره بفرمائید خود با قرآن شریف استخاره کرده و با صدای بلند انا للّه و انا الیه راجعون گفتند آقایان تعجب کردند مگر چه آیه‌ای آمده، آقا قرآن را به دست آیت‌اللّه زنجانی دادند دیدند اول سطر قرآن این آیه است «له دعوة الحق» پس قرآن را همه آقایان نگریسته و از فراست و کیاست آن جناب متحیر شدند و غافل از این بودند که آن مرحوم محدث است و مصداق این حدیث شریف است که حضرت صادق علیه‌السلام در ذیل حدیثی که در رجال کشی مسطور است و سابقاً هم تمام آن را نوشتم فرمودند «فانا لانعد الفقیه منهم فقیها حتی یکون محدثا قیل له یابن رسول‌اللّه او یکون المؤمن محدثاً قال بلی یکون مفهما والمفهم محدث».

نه تنها آن مرحوم از مرگ خود خبر داد و می‌دانست که در آن روز باید به اجداد طاهرین خود ملحق شود بلکه عده‌ای از اهل معنی و معنویت هم چه در قم و چه در تهران و چه در نقاط دیگر در شب و روز حادثه قبل از انتشار به وسیله اطلاعات و رادیو و غیره فهمیده بودند که بعضی از آن را در آثارالحجه نقل کردم و منجمله جناب حجةالاسلام والمسلمین علامه متتبع آقای حاج سید محمدحسن میرجهانی سلمه‌اللّه فرمودند در روز دوشنبه سوم جمادی‌الاولی یعنی همان روز حادثه ساعت یازده قبل از ظهر در مشهد مقدس در حجره‌ای که در صحن جدید داشتم خواب قیلوله بودم

ناگاه دیدم حضرت ثامن الحجج علیه الصلوة والسلام با حالی پریشان از حرم مطهر بیرون آمده و عازم است که به جائی رود عرض کردم بعد از تقدیم سلام و اخلاص آقاجان چرا مضطربی و کجا تشریف می‌برید فرمودند به قم می‌روم گفتم برای چه فرمودند سید محمد حجت از دنیا رفته است.
پس از خواب پریدم و یک ساعت بعد رادیو فوت آن مرحوم را خبر داد.
مرگ آن بزرگوار اثر عمیقی در مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی داشت و اصحاب جرئت نمی‌کردند که ناگهان این خبر موحش را به ایشان بدهند تا خود آن مرحوم از وضع آقایان احساس بلیه کردند پرسیدند چه خبر است این سر و صدا برای چیست کم کم به عرض رسانیدند و ایشان فرموده بودند کمرم شکست. آقای حجت برای من کمک و پشتیبانی بود و دیگر بارهای ایشان هم برعهده من آمد و گریستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

حجتی کرمانی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا عبدالحسین کرمانی در خانواده زرتشتی قدم به عرصه وجود گذارده و در اوان بلوغ تحت تأثیر شکوه و سازندگی و حقانیت تعالیم اسلام قرار گرفته و در محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی عالم بزرگ آن روز (عموی مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدرضا کرمانی) به آئین مقدس اسلام مشرف گردید و پس از چندی به امر مرحوم حاج شیخ علی به نجف اشرف رهسپار شده و بیش از بیست سال اقامت در عتبات عالیات و فراگرفتن علوم اسلامی و کسب کمالات معنوی در زمان مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری (مؤسس حوزه علمیه قم) رهسپار به قم گردیده و سالیان درازی در قم اقامت داشت تا به درخواست اهالی کرمان و امریه آیت‌اللّه حایری بوطن اصلی خود شهر کرمان برگشته و در مسجد تاریخی ملک به اقامه جماعت و ترویج احکام اسلام پرداخت
نکته قابل توجه در زندگانی این عالم بزرگ این بود که به مصداق (کونوا دعاة الناس بغیر السنتکم) مشی و روش و برنامه زندگی. توکل و بی‌هوائی تقوا و پاکی و دستگیری از بیچارگان و مستمندان و بالاخره پیروی عملی وی از تعالیم عالیه اسلام مبغلی عملی و عینی برای اسلام بود
مردم کرمان به او علاقه و عشق فراوانی داشتند و او را به عنوان (سلمان زمان) می‌خواندند و هنگامی که پس از عمری پاکی و قداست و عبادت خالق و خدمت به خلق در هفتم ذی‌قعده 1377 ق دار فانی را وداع گفت شهر کرمان یک پارچه عزا و ماتم شد و مدت یک ماه مجالس ختم و عزاداری برقرار بود و در آن هنگام دکتر ناظرزاده کرمانی که از شاگردان آن مرحوم بود در یکی از روزنامه‌های معروف کشور تحت عنوان (سلمان زمان در گوشه کرمان از دنیا رفت) مقاله مبسوطی در پیرامون خصایص اخلاقی و معنوی مرحوم حجتی کرمانی نوشت
معظم له دارای چهار پسر و پنج دختر بودند که دو نفر از پسران آن مرحوم از پدر پیروی نموده و در سلک روحانیت درآمدند و بحمداللّه هر دو از زبدگان و برجستگان فضلاء عصر حوزه علمیه قم روحانیت کرمان می‌باشند.
(وف 1377 ق)، عالم و مدرس. در کرمان در خانواده‌ی زرتشتی متولد شد. در جوانی تحت تاثیر تعالیم اسلام قرار گرفت و در محضر آیت‌اللّه حاج شیخ علی به آیین اسلام گروید. پس از چندی به نجف رفت و مدت

بیست سال در عتبات به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. میرزا عبدالحسین پس از بازگشت به ایران سالیان طولانی در قم اقامت داشت تا اینکه به درخواست اهالی کرمان و پیشنهاد آیت‌اللّٰه حایری به کرمان رفت. وی در مسجد تاریخی ملک به اقامه‌ی نماز جماعت و ترویج احکام اسلام پرداخت و آنچنان به زهد و پرهیزکاری معروف شد که وی را «سلمان زمان» لقب دادند. حجتی در کرمان درگذشت.[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (83/ 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (346 -345/ 6).

حجتی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام حاج شیخ ابوالقاسم حجتی رشتی ابن‌العلامه شیخ محمدحسین از علماء محترم رشت بودند که مهاجرت به قم نموده دارای کمالات نفسانی و معنوی بوده‌اند تولدش در قریه (لشت نشارد) رشت واقع شده و بعد از تحصیل مقدمات در سن 17 سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و سطوح را در خدمت اساتید وقت مانند آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله اصطهباناتی و مرحوم شیخ فتاح نموده آنگاه به درس مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ شعبان رشتی حاضر و بعد از دوازده سال اقامت به درجه اجتهاد رسیده و مراجعت به گیلان نموده و به ترویج دین و اقامه جماعت و احیاء مساجدی در رشت پرداخته و بعد از بیست سال توقف مهاجرت به قم و به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت و هم به تدریس سطوح فقه و اصول پرداخت تا 23 محرم در سال 1388 ق که به داغ فرزند برومندش مرحوم حاج شیخ حسن حجتی واعظ توانا و خطیب زبردست گیلان که در راه اصفهان در اثر تصادف ماشین با فرزندش بدرود حیات گفته مبتلا و این داغ او را چنان شکست که دیگر نتوانست قد راست کند به فاصله چندی او هم بدرود حیات گفته و در جوار فرزند مذکورش در قبرستان شیخان قم مدفون گردید از آثار قلمی ایشانست 1- تفسیر سوره یوسف 2- شرح احوال ائمه علیهم‌السلام که مخطوط مانده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حججی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد حججی بن ملاحسین بن ملا محمد عالمی جلیل القدر و عظیم‌الشان و کثیرالعلم و العمل بوده‌اند.
وی در خاندانی که بسیار علاقمند به علم و روحانیت بود در شهرستان نجف‌آباد متولد شده و بعد از رسیدن به حد بلوغ و رشد و اتمام تحصیلات ابتدائی خود عازم به نجف اشرف گردیده و پس از مدتی اقامت در جوار ائمه‌اطهار (ع) و درک درس اساتید بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف به واسطه اخلاص و محبت به خاندان عصمت و طهارت و ایمان راسخ و جدیت در تحصیل به مقام اجتهاد رسیده و مورد توجه معاصرین خود قرار گرفته.
ولی به واسطه کسالت و فوت والدش حسب الامر و وصیت پدرش برای سرپرستی عائله والدش به نجف‌آباد آمده و در اصفهان از مجلس درس عالم جلیل حاج میرزا محمدصادق اصفهانی و مرحوم فشارکی استفاده نموده و مورد توجه مخصوص ایشان قرار گرفته و ضمنا خود به تدریس پرداخته و هم در مدرسه تحریریه اقامه جماعت و در نجف‌آباد جلسات تبلیغی تشکیل داده و صدها نفر را به مبانی اسلامی آشنا نموده است.
از آثار بزرگ آن مرحوم تأسیس حوزه علمیه نجف‌آباد است که در اثر زحمتهای پی‌درپی و طاقت‌فرسا شبانه‌روزی آن مرحوم دائر و غالب علماء و مروجین آن ناحیه مانند مرحوم آقا شیخ ابراهیم ریاضی و حاج سید محمود سجادی و مرحوم منصور و غیره از آثار حوزه علمیه ایشانست و این هم از برکت خوابی است که دیده بودند و آن چنان بود که فرمود خواب دیدم شبی که باز به نجف اشرف برگشته‌ام و پس از زیارت حضرت علی (ع)به ایوان آمده و دیدم جمعی از روحانیون در زاویه ایوان در اطراف منبری نشسته و انتظار دارند پرسیدم از علت اجتماع آنها گفتند حضرت امیرالمومنین علی (ع) برای گفتن درس تشریف می‌آوردند.
پس رفتم کنار منبر نشستم که خوب بیانات حضرت را بشنوم پس دیدم حضرت از حرم بیرون آمده و به طرف منبر تشریف آوردند و من برخاستم بازوی حضرت را گرفته تا بر منبر بالا رفتند و بعد از اتمام منبر هم باز بازوی مبارکش را گرفته تا پائین آمدند و از خواب بیدار شدم دیگر از آثار آن مرحوم قبله نجف‌آباد بود که تا آن زمان مردم مستقیم نماز می‌خواندند و حال آنکه (تیامن) و انحراف داشت و ایشان با تبلیغات بسیاری مردم را

متوجه به قبله واقعی نمود.
سوم از آثار ایشان مسجدیست به نام ایشان که اکنون معروف و مشهور می‌باشد دارای هشت فرزند بودند که از آنها سه نفر ذکور می‌باشند.
وی در ماه صفر سال... در نجف آباد از دنیا رفته و در همانجا مدفون و اکنون قبرش مزار و مورد توجه عموم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حدائق، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر.
تولد: 1322، ق.شیراز.
درگذشت: 30 بهمن 1366.
ضیاءالدین حدائق معروف به «ابن یوسف»، فرزند آیت‌الله یوسف حدائق، پس از تحصیل مقدمات علوم در مدارس جدید و مدرسه‌ی علمیه‌ی منصوریه، به سال 1345 ق. برای تکمیل علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، تهران و مشهد رفت و مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید و با گرفتن لیسانس دانشکده‌ی معقول و منقول، در مدرسه‌ی علی سپهسالار و مدرسه خان مروی به تدریس پرداخت. او از علمای تهران اجازه گرفت، سپس به عتبات عالیات رفت و از علمای آنجا نیز موفق به اخذ اجازه‌ی اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعت کرد. وی در جلسات کانون دانش پارس و انجمن صدر شرکت می‌جست. آثار چاپ شده او عبارتند از: رساله‌ای درباره نهج‌البلاغه؛ رساله صدرالدین شیرازی؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (یک جلد)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار (دو جلد)؛ کتاب النظائر و المقتبسات، گمشده‌ها در «مصاریعی که مثل سائر شد».
ضیاءالدین بن حاج شیخ یوسف مذکور مشهور به ابن‌یوسف از نویسندگان و دانشمندان بنام و مؤلفین عظام شیراز است.
وی در 1323 ق متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به تحصیل سطوح منقول و معقول پرداخت و مدت پانزده سال در تهران از محضر درس فحول علماء استفاده نموده و جامع معقول و منقول شد و مدتی در مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه خان مروی بتدریس و افاده اشتغال داشت و پس از آن مسافرتی به نجف اشرف نموده و با مذاکرات علمی که با مراجع بزرگ تقلید و آیات عظام نمود موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و به شیراز مراجعت و به تدریس و تالیف و ارشاد و هدایت مردم پرداخت تالیفات عدیده ارزنده دارد که آنها را متذکر می‌شوم.
1- رساله نهج‌البلاغه چیست (چاپ شده)
2- فهرست کتب خطی مدرسه عالی سپهسالار در دو جلد (چاپ شده)
3- فهرست کتب خطی ادبی کتابخانه مجلس شورای ملی (چاپ شده)

4- گمشده‌ها
5- النظائر والمقتبسات.
از رباعیات ایشانست این دو رباعی.
دیدار تو ای دوست مرا جان بخشد
گفتار روانبخش تو ایمان بخشد
شایسته ز چون توئی بود آیت حسن
کایمان و روان ز رویت احسان بخشد
من از دل و جان طالب دیدار توام
آشفته و مدهوش ز رفتار توام
با اینهمه بندگی و عجزی که مراست
از چیست که محروم ز دیدار توام
(تو 1323 ق)، مجتهد، نویسنده، شاعر و فهرست‌نگار. در شیراز به دنیا آمد و تا بیست و سه سالگی در شیراز، مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی را در مدارس رحمت، شعاعیه و منصوریه و نزد پدر آموخت. در سال 1345 ق برای تکمیل تحصیلات علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، مشهد و تهران سفر کرد. مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید. وی در رشته‌ی علوم معقول لیسانس گرفت و به مقام مدرسی رسید. پس از سی این مراحل در مدارس سپهسالار و مروی به تدریس پرداخت. پس از آن به عراق رفت و بعد از گذراندن امتحان به کسب اجازه‌ی اجتهاد نایل شد و به شیراز بازگشت و مقیم آن شهر گردید. وی گهگاهی شعر نیز می‌سرود. آثار به جای مانده از او: «رساله‌ی صدرالدین شیرازی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی سپهسالار»؛ «نهج‌البلاغه چیست؟»؛ «گمشده‌ها»؛ «النظائر و المقتبسات».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (240 -238/ 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (84/ 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (442 -441/ 5)، مولفین کتب چاپی (561 -560/ 3).

حر عاملی، احمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد ابن حسن بن علی مشغری، از دانشمندان شیعه عهد صفوی (و. 1040 ه.ق.- ف. پس از 1120 ه.ق.) وی برادر محمد شیخ‌الاسلام مشهور است. او پس از مرگ برادر در 1104 به مقام شیخ‌الاسلامی رسید و در 1115 به دستور شاه سلطان حسین صفوی به اصفهان رفت.
از آثار او: تاریخ صغیر، تاریخ کبیر، تفسیر قرآن، جواهر کلام، حاشیه بر مختصر نافع را باید نام برد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حرم پناهی قمی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله مرحوم شیخ مهدی بن العلامه آقاحسن حفید آیت‌الله حاج ملا آقاحسین قمی از علماء ابرار قم بوده‌اند در دهم ماه شعبان 1319 ق در قم متولد شده و ادبیات و سطوح را از والد خود و مرحوم آیت‌الله شیخ ابوالقاسم کبیر فراگرفته و فقه و اصول خارج را از مرحوم آیت‌الله حایری و هم مقداری از آیت‌الله اصفهانی استفاده نموده و در سن 27 سالگی به درجه رفیعه اجتهاد رسیده ولی غالبا از اجتماعات کناره‌گیری نموده و به عبادت و بندگی خدا پرداخته تا در جمادی‌الثانی 1374 دعوت حق را اجابت و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام به خاک رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حرم پناهی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حضرت آیت الله حاج شیخ محسن حرم پناهی در سال 1308 هجری شمسی در یک خانواده روحانی در قم متولد شد. تحصیلات:
از چهار سالگی به آموختن قرآن، و تا دوازده سالگی در کنار قرآن، فارسی و ریاضی را فرا گرفت و از سیزده سالگی به آموختن علوم دینی پرداخت.
دروس مقدماتی و سطح حوزه را نزد اساتید معظمی مانند حضرات آیات آقایان فرهادی، فاضل کاشانی، بدلا، حاج شیخ یوسف احمدی همدانی، حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی سده‌ای، شهید صدوقی، حاج شیخ محمد علی کرمانی و مجاهدی تلمذ کرد.
پس از اتمام سطح، درس خارج را از محضر آیات عظام مرحوم بروجردی ؛ (14 سال) مرحوم گلپایگانی ؛ ، مرحوم حجت ؛ ، مرحوم حاج سید محمد تقی خوانساری ؛ ، مرحوم اراکی ؛ ، مرحوم امام خمینی 1 بهره برد.
تدریس:
وی تدریس را از زمانی که در درس سیوطی شرکت می‌کرد با تدریس عوامل ملامحسن آغاز و در ادامه کلیه سطوح حوزه را از مقدمات، سطح و درس خارج تدریس کردند و تا آخر عمر شریفشان به تدریس اشتغال داشتند. تالیفات:
آثار تألیفی ایشان را می‌توان در کتاب «معالم جامع احادیث شیعه» و در مجلة «نورعلم» مشاهده کرد، تألیفات دیگری از آن حضرت در زمینه تقیه، ولایت فقیه و... موجود است که هنوز به چاپ نرسیده است. مبارزات:
وی از همان زمانی که امام خمینی 1 مبارزه را آغاز کرد با توجه به افکار ضدطاغوتی که داشت به هیأت سیاسیون پیوست و در جلساتی که اعضاء جامعه مدرسین قبل از انقلاب تشکیل می‌دادند شرکت می‌کرد.
از فعالیتهای قبل از انقلاب ایشان می‌توان به سفرهای تبلیغی ایشان به ورامین ـ آشتیان و تهران اشاره کرد که در ورامین به علت سخنرانی‌های روشنگرانه به شهربانی وقت احضار شدند که با تدبیر و پشتیبانی مردم شهربانی نتوانست وی را جلب کند بلکه به جلسات خود ادامه داد.
حضرت آیت‌الله حرم پناهی مدرس حوزه علمیه قم و از اعضاء موسس و عضو جامعه محترم مدرسین در شانزدهم ماه رجب 1423 برابر با دوم مهرماه 1381 در ساعت شش بعداز ظهر بعلت عارضه قلبی دعوت حق را لبیک گفت و به ملکوت اعلی پیوست.

روحش شاد و یادش گرامی باد
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حسن زاده آملی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد 1307 شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.
دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و 5 جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد 15 تا جلد 19 میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که 15 مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.
مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد 15 شرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد 14 شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:
(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف‌الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.
العبد ابوالحسن الشعرانی
تألیفات و تصحیحات
آثار عرفانی و اخلاقی
لقاء الله
وحدت از دیدگاه عارف و حکیم
انه الحق
ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه
الهی نامه متن الهی نامه
انسان در عرف عرفان
کلمه علیا در توقیفیت اسماء
اصول و امّهات حکمی و عرفانی
تصحیح رساله مکاتبات
تصحیح و تعلیق تمهید القواعد
تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری
تصحیح و تحشیه رساله تحفة الملوک فی السیر و السلوک
مفاتیح المخازن
شرح فصوص الحکم
مشکاة القدس علی مصباح الأنس
شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ
نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور
باب رحمت
نامه ها برنامه ها
قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
آثار فلسفی و منطقی
اتحاد عاقل به معقول
نصوص الحکم بر فصوص الحکم
رساله جعل
صد کلمه
تصحیح اسفار اربعه
تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء
رساله ای در تضاد
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله ای در حرکت جوهری
ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم
رساله نَفس الأمر
نهج الولایه
درر القلائد علی غررِ الفَرائد
النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی
مفاتیح الاَسرار لسلّاک الأسفار
سرح العیون فی شرح العیون
گشتی در حرکت
الحجج البالغة علی تجرد النفس الناطقة

گنجینه گوهر روان
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله مُثُل
تصحیح و تعلیق شرح اشارات
ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات
تصحیح و تعلیق شفا
ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرَّأیَین
رساله اعتقادات
الأصول الحکمیّة
رساله رؤیا
من کیستم
رسالة فی التضاد
دروس معرفت نفس
نثر الدراری علی نظم اللئالی
آثار فقهی
رساله ای در مسائل متفرقه فقهی
تعلیقات علی العروة الوثقی فی الفقه
وجیزه ای در مناسک حج
آثار تفسیری
تصحیح خلاصة المنهج
انسان و قرآن
آثار کلامی
خیر الأثر در رد جبر و قدر
تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار
لیلةالقدر و فاطمه علیها السلام
رسالة فی الإمامة
رساله ای در کسب کلامی
فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب
رسالة حول الرؤیا
آثار روایی
تصحیح نهج البلاغه
تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّة)
تکملة منهاج البراعة
مصادر و مآاخذ نهج البلاغه
انسان کامل از دیدگاه نهج الیلاغه
شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین
آثار ریاضی و هیوی
دروس معرفة الوقت و القبلة
رساله کلّ فی فلک یسبحون
رساله ای در تناهی ابعاد
تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعة الأصطرلاب للبیرونی
تعیین سمت قبله مدینه
الصحیفة العسجدیّة فی آلاتٍ رصدیّة
الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری
رساله سی فصل
تعلیق تحفة الأجِلّة فی معرفة القبلة
رساله قطب نما و قبله نما
تعلیقه بر رساله مولا مظفر
رساله میل کلّی
رساله ظِلّ
رساله تکسیر دایره
تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّة الابصار
رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور
رسالة فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج
رسالة فی الصّبح و الشّفق
رساله ای پیرامون فنون ریاضی
رساله ای در مطالب ریاضی
دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی
تصحیح و تعلیق شرح جغمینی
تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس
تصحیح و تعلیق اُکَرِ مانالاؤس
تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس
شرح زیج بهادری
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب
تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی
استخراج جداول تقویم
تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون
دروس معرفت اوفاق
شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی
تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه
تصحیح و اعراب اصول کافی
دیوان اشعار
قصیده یَنبوع الحیاة
مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین
تعلیقه بر باب توحید حدیقة الحقیقة
تصحیح گلستان سعدی
تعلیقه بر قسمت معانی مطوَّل
امثال طبری
آثار متفرقه
تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن
هزار و یک نکته
هزار و یک کلمه
مجموعه مقالات
ده رساله فارسی
کشیکل
مصاحبات مناجات علامه حسن زاده
- الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟
- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر
- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد
- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده
- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم
- الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد
- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو
- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار
- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی
- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
- الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!
- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی
دهان روح و تن
انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که

دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی‌که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود; و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار
بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را درياب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است; و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش» ; یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسنی خوئی، مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالمی فقیه و دانشمند بزرگوار بود در خوی متولد شد و در تبریز رحل اقامت افکند و سادات خوئی در تبریز از اولاد او هستند این عالم جلیل از شاگردان صاحب جواهر و شیخ محسن خنضر و شیخ انصاری می‌باشد از تألیفات او حاشیه بر قوانین میرزا و قواعد علامه است در تبریز از دنیا رفت و جنازه او حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسنی کاظمی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد بن سید حیدر بن ابراهیم الحسنی الکاظمی عالمی فقیه از بزرگان عصر خود بوده وی در 222 ق متولد و در 1295 ق وفات نموده و والد او سید حیدر جد سلسله (آل حیدر) است در کاظمین شیخ صالح حریری در آخر قصیده رثائیه خود که درباره او سروده ماده تاریخ وفاتش را چنین گفته.
فان دعوتم فتاریخی مجیبکم
فعیش احمد فی دارالنعیم صفا
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حسین آبادی، محمد جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آقا شیخ محمّد جواد از علمای اعلام، و فقهای اسلام، و از شاگردان شیخ محمّد حسن صاحب جواهر، و مجاز از ایشان بوده، تاریخ اجازه: 1265، و مجاز از شیخ مرتضی انصاری می‌باشد.
وی را تألیفات چندی است که از آن جمله است:
1- بحر البکاء، فارسی 2- بساتین الریاحین، در اصول فقه 3- ترجمه ی رساله ی نجاة العباد 4- ترتیب و تلخیص خلاصه (الاقوال) علاّمه حلّی که به طبع رسیده است. 5- الرسالة الاحمدیّة، به نام فرزندش آقا شیخ احمد صاحب عنوان 6- الریاحین، در فقه استدلالی 7- سراج الوهّاج، در شرح نتایج الاصول تألیف سید ابراهیم قزوینی 8- کنوز اللئالی، در اصول فقه 9- النتایج، در اصول فقه [تقریرات سید ابراهیم قزوینی].
در ذی قعده سال 1312 وفات یافته، و در تکیه ی آقا حسین خوانساری، در قبری که حاج شیخ محمد باقراصفهانی جهت خود تهیّه نموده بود مدفون گردید (قبر در زیر دیوار مابین تکیه آقا حسین و مادر شاهزاده در سردابه واقع است).
مشارالیه مدّت چهارده سال در طهران ساکن بوده، و در مسجد سراج الملک امامت و تدریس می‌نموده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی تهرانی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1305.
درگذشت: 1374.
از آثار اوست: امام شناسی: بحثهای تفسیری، فلسفی، روانی (تهران، 1362)؛ ترجمه رساله بدیعه در تفسر آیه الرجال قوامون علی النساء (ترجمه توسط چند تن از فضلاء؛ تهران، 1363)؛ داستان‌های عبرت‌انگیز (جمع‌آوری و تنظیم مهدی شمس‌الدین، قم، 1373)؛ رساله بدیعه فی تفسیر آیه‌ی الرجال قوامون علی النساء (تهران، 1366 ،1360)؛ رساله حول مسئله رویه الهلال، موسوعه علمیه‌ی فقهیه فی لزوم اشتراک... (1371)؛ مقدمه و شرح رساله سیر و سلوک (منسوب به بحرالعلوم مهدی بن مرتضی الطباطبائی نجفی، تهران، 1372)؛ روح مجرد: یادنامه موحد عظیم شأن و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد (تهران، 1373)؛ مقدمه و تذییل هدیه غدیریه: دو نامه سیاه و سپید (تألیف محمد رفیع بن عبدالواحد طبسی، مشهد، 1374)؛ رساله نوین درباره‌ی بناء اسلام، سال و ماه قمری و تفسیر آیه‌ی ان عده الشهور عند الله اثنا عشر شهدا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعه حرم ذلک الذین القیم: بحث تفسیری، روائی، فقهی و تاریخی (تهران، 1364)؛ رساله فکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین (تهران، 1373)؛ رساله لب اللباب در سیر و السلوک اولی الالباب (تهران، 1366)؛ مکاتیب حکمی و عرفانی میان آیتین علمین: حضرت آیه الحق و التوحید حاج سید احمد کربلائی و حضرت آشیخ المحقق حاج شیخ محمدحسین اصفهانی... (تهران، 1373)؛ معادشناسی (تهران، 1361)؛ لمعات الحسین: برخی از کلمات و مواعظ و خطب حضرت سیدالشهداء ابی‌عبدالله الحسین (ع) (تهران، 1371)؛ ولایت فقیه در حکومت اسلامی (از منشات محمدحسین حسینی تهرانی، تنظیم و گردآوری از محسن سعیدیان و محمدحسین راجی، تهران، 1373)، نور ملکوت قرآن (مشهد، 1368)؛ نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت دکتر عبدالکریم سروش (تهران، 1374)؛ مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه محمدحسین طاطبایی تبریزی (تهران، 1375).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی درکه‌ای، عزیزاللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1370 ق)، مجتهد و دانشمند. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه پامنار تهران به پایان رساند و در سال 1316 ق راهی نجف شد و از محضر آخوند خراسانی و حاج سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی و میرزا محمدتقی شیرازی استفاده کرد و به مرتبه‌ی والایی از علم رسید و درجه اجتهاد دریافت کرد. وی به امر میرزا محمدتقی شیرازی به تهران مراجعت کرد و از رؤسای روحانیت شد و در تهران به امامت جماعت و بحث و درس مشغول شد. مقبره‌ی وی در نجف اشراف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (107/3)، گنجینه‌ی دانشمندان (452 -451 /4).

حسینی زنجانی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن بن سید حبیب‌اللّٰه حسینی زنجانی متوفی حدود 1250 ق عالمی فاضل بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی سبزواری، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیداسماعیل بن سید اسداللّٰه مذکور در اصفهان عالمی فقیه از شاگردان علامه میرزا حبیباللّٰه رشتی بوده و در سال 1322 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شاهرودی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد حسینی شاهرودی در جمادی‌الثانی 1344 هجری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته.
و پس از فراگرفتن اولیات مقدمات را خدمت علامه شیخ علی شهر بابکی و شیخ شمس زنجانی خوانده و سطوح وسطی و عالی را از مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ عبدالحسین رشتی و والد ماجدش فراگرفته و پس از آن در درس خارج مرحوم والدش آیت‌اللّه العظمی شاهرودی فقهاً و اصولا در سنین 16 سالگی حاضر شده و تقریر درس آن مرحوم را نموده.
و ضمناً به تدریس سطوح و بعد به درس خارج فقه و اصول پرداخته و تا حال تحریر اشتغال دارد و عده‌ای از افاضل از محضرش استفاده می‌کنند تألیفات علمی او عبارت است از «تقریرات الاصول» والدش و کتاب صلوة الجمعه و کتابهای دیگر و مخفی نیست که جناب مستطاب آیت‌اللّه زاده شاهرودی گذشته از مقامات علمی و اجازه اجتهادی که از مرحوم والد مبرورش دارد موصوف به اخلاق حسنه و ملکات فاضله و محامد آداب و محاسن اخلاق و در واقع ثانی پدر بزرگوار خود می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شهرستانی، عبدالرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1339 ق.، کربلا.
درگذشت: 11 مرداد 1376، مشهد.
آیت‌الله حاج سید عبدالرضا حسینی شهرستانی، فرزند حجت‌الاسلام سید زین‌العابدین شهرستانی، بود. وی پس از پست سر نهادن دوران کودکی به سال 1346 ق. وارد مدرسه‌ی جعفریه شد و به یادگیری خواندن و نوشتن و علوم ابتدایی پرداخت و پس از آن به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و سطوح را نزد حضرات آیات شیخ علی‌اکبر سیبویه و شیخ جعفر رشتی فراگرفت. سپس به یادگیری رسائل و مکاسب و کفایة و علوم هیئت و ریاضیات نزد حضرات آیات شیخ محمد رضا اصفهانی و سید محمد طاهر بحرانی پرداخت و خارج فقه و اصول را نیز در محضر آیات عظام سید محمدهادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سید عبدالحسین حجت و شیخ مرتضی آشتیانی آموخت. ایاشن در کنار تحصیل به تدریس سطوح عالیه پرداخت و پس از سالیان فراوان تدریس سطح، در سال 1392 ق. تدریس خارج فقه را آغاز کرد. سپس به مشهد هجرت کرد.
آیت‌الله حسینی شهرستانی علاوه بر تحصیل و تدریس، به اقامه‌ی جماعت در صحن حسینی (ع) پاسخگویی به مسائل دینی پرداخت. وی در برابر نفوذ و تبلیغات فکری و سیاسی و ایجاد شبهات دینی از سوی کمونیست و چپگرایان عراق سخت ایستادگی کرد و به منظور استحکام بنیان‌های فکری جوانان، اقدام به تأسیس مجله‌ی «اجوبة المسائل الدینیه» کرد و در آن- با همیاری و همکاری حضرات آیات سید محمدباقر صدر، سید حسن شیرازی، سید عبدالصاحب حکیم و استاد احمد امین- به صدها پرسش فکری و اعتقادی جامعه پاسخ داد و حوزه‌ی خوانندگان خود را به فراسوی مرزهای عراق گسترانید. دامنه نفوذ این مجله در آن سال‌های پر اختناق عراق باعث شد تا رژیم بعث، پس از آزار و اذیت‌های فراوان و زندانی ساختن فرزندش جلو انتشار آن را بگیرد و او را هم از عراق بیرون نماید.
ایشان به جز تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و تبلیغ شعائر دینی، با همیاری و مساعدت گروهی از علمای بزرگ و تجار کربلا دست به بنیاد مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه‌ای زد که برخی از آنها عبارتند از مدرسة الامام الصادق. (این مدرسه برای دانش‌آموزان بر مبنای تعالیم اسلامی در

سال 1371 ق. تأسیس شد و تا سال 1395 ق. ادامه یافت)؛ مدرسة اسلامیه (در این مدرسه به دانش‌آموزان دروس فقه؛ حدیث تفسیر و عقاید آموزش داده می‌شد)؛ درمانگاه کودکان؛ الجمعیة الهریة الاسلامیة؛ المکتبة الجعفریة (این کتابخانه با پنج هزار کتاب چاپی و خطی در مدرسه هندی گشایش یافت)؛ لجنة الثقافة الدینیة (که پاسخگویی به شبهات و پرسشهای دینی را بر عهده داشت و در خلال پانزده سال فعالیت خویش، توانست صدها سئوال را پاسخ دهد).
از تألیفات آیت‌الله حسینی شهرستانی می‌توان این آثار را نام برد: مقالید الهدی فی شرح العروة الوثقی (هفت جلد، که سه جلد آن به چاپ رسیده است)؛ حیاة الامام الحسین بن علی (ع)، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، السجود علی التربة الحسینیة؛ صلاة الجمعة فی عصر الغیبة؛ النوروز فی السلام نوروز در تاریخ و دین؛ اجوبة المسائل الدینیة (چهارده جلد که دو جلد آن به نام امید جوان ترجمه و چاپ شده است)؛ اجوبة المسائل فی التفسیر (دو جلد)؛ اجوبة المسائل فی العقائد؛ تقویم هجری (از سال 1363 تا 1463 ق.). تألیفات مخلوط ایشان عبارت است از: المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه؛ الطریق القویم الی جنة النعیم (پیرامون امامت)؛ دفع الشبهات و حل المشکلات؛ غایة التقرب فی شرح منظومة التهذیب؛ حاشبه بر مکاسب؛ حاشیه بر رسائل؛ حاشیهبر معالم؛ حاشیه بر قوانین؛ حاشیه بر شرح لمعه؛ الطریق المستقیم فی بیان اصول‌الدین؛ عقاید المؤمنین فی اصول الدین.
در سال 1397 ق. به علت فشارهای رژیم بعثی، وی عراق را به قصد ایران ترک کرد و در مشهد اقامت گزید و به تدریس سطوح عالیه و عقاید، امامت جماعت (در مسجد الحمید) و تأسیس مجله «الارشاد»- که از آن هفت شماره منتشر گردید پرداخت. اما در سال 1400 ق. به دنبال سکته‌ای ناقص توان کار و کوشش از او سلب شد و تا پایان عمر خانه‌نشین شد.
آیت‌الله حسینی شهرستانی سرانجام پس از هفتاد و هفت سال زندگی در یازدهم مرداد 1376(27 ربیع‌الاول 1418 ق.) چشم از جهان فروبست و پیکرش در روز سه شنبه بیست و هشتم ربیع‌الاول، پس از تشییع و نماز آیت‌الله شیخ حسنعلی مروارید بر آن، در صحن آزادی حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی شیرازی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید میرزا آقا بن احمد المستوفی بن محمود الحسینی الشیرازی فاضلی متقی و زاهد داماد آیت‌اللّٰه العظمی میرزای شیرازی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسماعیل بن سید رضی بن سید اسماعیل الحسینی الشیرازی عالمی جلیل و فقیهی بارع و ادیبی مشهور والد آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و پسرعموی میرزای بزرگ مجدد شیرازی بوده ولادتش 1258 وفاتش در 1305 واقع شده است و اوست صاحب مولودیه امیرالمؤمنین (ع) که در جلد اول در ضمن ترجمه والد مبرورش ذکر نمودم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی شیرازی، صادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی روز 20 ذی حجه 1360ق در کربلای معلا دیده به جهان گشود.
وی دروس دینی و حوزوی را از بزرگان علما و مراجع در حوزه ی علمیه فرا گرفت وبه درجات عالی اجتهاد نائل شد.
عالمان اسلامی ایشان را فقیهی جامع، اصولیِ مبرز وآشنا به علوم معقول ومنقول می شناسند و به پرهیزکاری و زهد و ورع و فضایل اخلاقی ایشان اعتراف دارند.
ایشان در بیت مجدد شیرازی رحمة الله علیه که خاندان علم وفضیلت و پرهیزکاری واجتهاد است رشد یافت.
نگارش آثار متعدد و گوناگون برای سطوح مختلف مردم از خصوصیات ایشان می باشد که در ادامه فهرست آنها خواهد آمد. ایشان همچنین برای فقها و مجتهدان درس ها و مباحثی را در فقه و اصول با استدلال علمی و دقیق و با روشی متین و زیبا و علمی به رشته تحریر در آورده اند.
بیش از 30 سال است که در بحث خارج فقه و اصول ایشان جمعی از علما و دانشمندان و فضلا حاضر می شوند و برخی از مدرسان خارج در حوزه علمیه قم و سوریه وشماری از مبلغان نقاط مختلف دنیا از شاگردان این عالم فرزانه می باشند.

خاندان آیت الله العظمی شیرازی
آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی از فرزندان زید بن علی بن الحسین بن علی امیرالمؤمنین سلام الله علیهم است و در خاندانی پرورش یافته که در طول یکصد و پنجاه سال اخیر در فقاهت ومرجعیت معروف وشاخص بوده اند. در زیر به نام برخی از این اختران تابناک اشاره می نماییم:
1. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید محمد حسن شیرازی قدس سره معروف به مجدد شیرازی صاحب نهضت مشهور تنباکو در ایران (وفات وی در سال 1312ق می باشد)؛
2. بزرگ مرجع آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره رهبر انقلاب 1920م در عراق (وفات وی در سال 1338ق می باشد)؛
3. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید علی شیرازی قدس سره فرزند

مجدد شیرازی از بزرگان ومراجع شیعه در نجف اشرف (وفات وی در سال 1355ق می باشد)؛
4. آیت الله العظمی آقا سید اسماعیل شیرازی قدس سره (وفات وی در سال 1305ق می باشد)؛
5. بزرگ مرجع حضرت آیت الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی (وفات وی در 11 صفر 1382ق می باشد)؛
6. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره (پدر ایشان) از بزرگان مراجع شیعه در کربلای معلا (وفات وی در 28 شعبان 1380ق می باشد)؛
7. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته (برادر معظم له) که در 2 شوال 1422ق به رحمت ایزدی پیوست؛
8. آیت الله شهید سید حسن شیرازی اعلی الله مقامه (یکی دیگر از برادران معظم له) بنیانگذار حوزه علمیه در کنار حرم مطهر حضرت زینب کبری سلام الله علیها که در 6 جمادی الثانی 1400ق در بیروت با ترور ناجوانمردانه دژخیمان بعث عراق به شهادت رسید.

استادان

ایشان مراحل مختلف دروس علمی را زیر نظر بزرگان علما و مراجع در حوزه علمیه کربلا دنبال کردند و به درجات بالای اجتهاد دست یافتند. برخی از استادان ایشان عبارتند از:
1. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی قدس سره .
2. برادر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره .
3. آیت الله العظمی آقا سید هادی میلانی قدس سره .
4. آیت الله العظمی آقا شیخ محمد رضا اصفهانی قدس سره .
5. آیت الله شیخ محمد شاهرودی قدس سره .
6. آیت الله حاج شیخ محمد صدقی مازندرانی قدس سره .
7. آیت الله حاج شیخ جعفر رشتی قدس سره .
8. آیت الله سید کاظم مدرسی قدس سره .

مؤسسات

از جمله اهتمامات خاص ایشان توجه به امر مؤسسات دینی، فرهنگی، خیریه و خدماتی است. صدها مؤسسه دینی وفرهنگی، مساجد، حسینیه ها، شبکه های تلویزیونی، شبکه های ماهواره ای، رادیو ، حوزه ها، زائرسرا، سایت های اینترنتی، مدارس، کتابخانه ها، مراکز انتشاراتی و درمانگاه ها تحت عنایات و ارشادات ایشان مشغول به فعالیت می باشند.

توجه به اخلاق وتهذیب
این بزرگ مرد علم و اخلاق نسبت به تربیت علمی و اخلاقیِ طلاب و فضلا اهمیت شایانی قائل است. دروس اخلاق ایشان که در کشورهای عراق، کویت و ایران ایراد شده است زبانزد همه علاقه مندان مکتب اخلاقی اسلام می باشد و از محضر مبارکش شمار فراوانی از فضلا و علما استفاده کرده اند. شایان ذکر است که درس های اخلاق ایشان به صورت جزوه و کتاب چندین مرحله به چاپ رسیده است. اخلاق اسلامی و نمونه ایشان زینت بخش شخصیت والای علمی معظم له می باشد وهر شخصی که با ایشان معاشرت داشته باشد خلق نیک و فضایل انسانی و خوشرویی معظم له، اولین چیزی است که توجه او را جلب خواهد کرد.
دوری از مظاهر دنیا در کنار تقوا و ورع، توکل بر خدا، تواضع فراوان در برابر مردم، اخلاق نیکو، احترام به کوچک و بزرگ، صبر، پایداری و ثبات قدم، تحمل مشکلات در راه اِعلای کلمه حق، نشر ومعرفی فرهنگ اهل بیت عصمت وطهارت سلام الله علیهم، دوستی برای خدا و در راه خدا، خدمت به مردم و مدارا با آنان و محاسبه نفس شعار این بزرگوار می باشد که خود، قبل از دیگران به این امور عمل می نماید.
تألیفات
ایشان تألیف وتصنیف را در سن جوانی آغاز کرده و تاکنون نیز آن را دنبال می کند. همچنین در موضوعات وابواب مختلف فقهی، اصولی، اعتقادی، فرهنگی و تاریخی تألیفاتی دارند که در این جا به برخی از آثار ایشان اشاره می شود: ـ بیان الفقه:
در چند مجلد که جلد اول آن در باب اجتهاد و تقلید می باشد و 72 مسأله از کتاب اجتهاد و تقلید را شامل می شود و دارای 700 صفحه می باشد. این کتاب در لبنان به چاپ رسیده و از تألیفات آن مرجع بزرگوار در کربلای معلاست. ـ بیان الأصول «10جلد»:
6 جلد آن (مجلدات مربوط به قاعده «لاضرر ولا ضرار» و استصحاب «قطع ظن» «تعادل و ترجیح») به چاپ رسیده است. این کتاب شامل مباحث علمی، دقیق، استدلالی و مفصل در علم اصول بوده، از تألیفات ایشان در شهر مقدس قم می باشد وتاکنون چندین مرتبه به چاپ رسیده است. ـ توضیح شرائع الاسلام «4 جلد»:
شرح توضیحی بر کتاب شرائع الاسلام تألیف محقق حلی قدس سره شامل هزاران تعلیق و توضیح در ابواب مختلف فقهی نظیر عبادات و معاملات و ایقاعات و غیره می باشد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا بوده و مورد توجه بسیار حوزه های علمیه ومجامع علمی ودانشگاهی قرار گرفته و حتی به عنوان کتاب درسی و مرجعی مهم تعیین گردیده است. ـ شرح تبصرة المتعلمین «2جلد»:

شرحی بر کتاب تبصرة المتعلمین فی أحکام الدین مرحوم علامه حلی رحمة الله علیه بوده و ابواب مختلف فقه از طهارت تا دیات را مورد بررسی قرار می دهد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال 1382ق می باشد وتاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده و اولین بار در نجف اشرف در سال 1382ق به چاپ رسیده است. ـ شرح بر کتاب سیوطی «2جلد»:
شرح تعلیقی است بر کتاب البهجة المرضیة فی شرح الألفیة تألیف جلال الدین سیوطی. این کتاب از کتب علمی و درسیِ حوزه های علمیه و از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال 1386ق می باشد. در پی استقبال فراوان طلاب سطوح حوزه چندین بار تجدید چاپ شده است.
ـ شرح اللمعة الدمشقیة «10جلد»:
شرح تعلیقی جامع و کامل بر کتاب شرح اللمعـة الدمشقیة تألیف شهید ثانی قدس سره که از مهم ترین کتب درسی در حوزه علمیه می باشد و ان شاء الله به زودی چاپ خواهد شد. ـ موجز در منطق:
در این اثر اصول علم منطق به روشی آسان و روشن برای نوآموزان حوزه نوشته شده و در بعضی از حوزه ها جزء برنامه درسی قرار گرفته است. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال 1384ق می باشد. ●
کتاب های اعتقادی:
از جمله کتب مهم در دفاع از مذهب اهل بیت علیهم السلام می توان به مجموعه کتاب هایی اشاره کرد که این عالم ربانی ومرجع بزرگوار تحریر نموده است. ـ علی سلام الله علیه در قرآن «2 جلد»:
در این کتاب 711 آیه شریفه از قرآن کریم که در بیان فضیلت و عظمت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه ودر شأن ایشان نازل شده مورد بررسی قرار گرفته است. تمامی این فضایل برگرفته از مصادر و کتب معتبر عامه می باشد و بر اساس ترتیب سوره های قرآنی، از سوره حمد تا سوره اخلاص می باشد. جمع آوری و تدوین آن در کربلای معلا انجام شده است. ـ فاطمه زهرا سلام الله علیها در قرآن:
شامل آیاتی است که پیرامون حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده است. این کتاب بنابر مصادر و کتب عامه و در شهر مقدس قم در سال 1408ق تألیف شده است. تعداد صفحات این کتاب 360 صفحه می باشد وچندین بار تجدید چاپ شده است. ـ اهل البیت سلام الله علیهم در قرآن:
این کتاب نیز شامل آیاتی است که در شأن و مقام باعظمت اهل بیت علیهم السلام نازل شده و از مصادر و کتب معتبر عامه جمع آوری گردیده واز سوره فاتحه تا کوثر را شامل می شود و از تألیفات ایشان در کویت است و شامل 407 صفحه می باشد. ـ شیعه در قرآن:

موضوع این اثر آیات شریفه ای از قرآن کریم است که درباره شیعیان حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما نازل شده. در این کتاب تمامی شأن نزول ها، تأویل ها و تفسیرهای آیات از کتب و مصادر عامه آورده شده است. ـ حضرت مهدی سلام الله علیه در کتب اهل سنت:
این کتاب شامل مجموعه زیادی از روایات نبوی پیرامون حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تمامی مصادر آن از کتاب های عامه می باشد. این اثر ارزشمند از تألیفات ایشان در کربلای معلاست و در 126 صفحه چندین بار چاپ شده که نخستین چاپ آن مربوط به سال 1400ق در مؤسسة الوفای لبنان می باشد. ـ حقائق عن الشیعة: (شیعه و اتهامات ناروا)
این کتاب در اثبات عقاید و رد برخی شبهاتی است که از طرف دشمنان مذهب مطرح شده و ایشان در این کتاب با بیانی روشن، زیبا و آسان به این شبهات پاسخ داده اند. کتاب مذکور از تألیفات آن بزرگوار در کربلای معلاست که در 80 صفحه چندین مرتبه به چاپ رسیده است. ● کتاب های فرهنگی:
در این بخش به معرفی آثار فکری و ارشادی معظم له می پردازیم: ـ قیاس در شریعت اسلامی:
این کتاب مسأله مهم قیاس و احکام آن را در شریعت و دین اسلام مورد بحث وبررسی قرار می دهد و از تألیفات ایشان در شهر مقدس کربلاست. ـ منزلت نماز جماعت در اسلام:
این کتاب شامل مجموعه ای از احادیث شریفه در فضیلت نماز جماعت و بیان فلسفه و احکام آن است و ایشان در سن جوانی در کویت تألیف کرده اند. ـ روزه:
فلسفه روزه و احکام آن که به صورتی ساده و روان در کربلا تألیف شده و در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ حج
شامل احکام و مسائل مربوط به حج به صورت ساده و روان که در کربلای معلا تألیف شده است.
ـ مقدماتی در اقتصاد اسلامی:
در این کتاب که در کویت و ایران به چاپ رسیده ویژگیهای مهم اقتصاد اسلامی بررسی شده و تفاوت آن با دیگر مکاتب اقتصادی به روشنی نمایان شده است. ـ اقتصاد و مشکل ربا:
بیانگر زیان های ربا در اقتصاد جهانی و راه حل آن می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی است که در کویت و ایران به چاپ رسیده است. ـ اسلام و سیاست: (السیاسة من واقع الإسلام)
در این کتاب دیدگاه اسلام درباره سیاست وسیره رسول خدا، امیرالمؤمنین وائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین در زمینه مسائل سیاسی شرح و

توضیح داده شده است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلاست و شامل 414 صفحه می باشد و ترجمه آن به نام اسلام و سیاست در ایران به رشته چاپ در آمده است. ـ شراب و جامعه:
زیان ها و مفاسد شراب در جامعه موضوع این کتاب است که ایشان در کربلای معلا در سن جوانی تألیف کرده اند و چندین بار در نجف و قم تجدید چاپ شده است. ـ زشتی های بی حجابی:
شامل بحثی درباره ضرورت حجاب و مفاسد بی حجابی می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی در کربلای معلاست. ـ داستان های آموزنده:
شامل مجموعه ای از داستان های آموزنده و از نوشته های ایشان در سن جوانی در کربلای معلاست که در نجف اشرف در سال 1378ق به چاپ رسیده است. ـ حدود در اسلام:
این کتاب درباره فلسفه حدود در اسلام و بیان شروط و احکام آن می باشد و از تألیفات ایشان در کربلای معلاست که در بیروت به چاپ رسیده است. ـ راهی به سوی بانک اسلامی:
این کتاب دیدگاه کاملی درباره بانکداری اسلامی ارائه می دهد و مسائل و اشکالات برطرف شدن قانون ربا را در نظام بانکی بررسی می نماید و مسائل و وظایف مهم بانک های اسلامی را با توجه به آخرین نظریات موجود در قانون اقتصاد جهانی روشن و بیان می کند. این اثر 104 صفحه دارد و در سال 1392ق در کربلای معلا تألیف شده و در سال 1972م در دارالصادق لبنان به چاپ رسیده است. • رجال و شخصیت ها
ـ مالک اشتر نخعی:
شرح حال شخصیت وسردار بزرگ اسلام مالک اشتر نخعی رضوان الله تعالی علیه است که در کربلا تألیف شده و در سال 1387ق در چاپخانه الغری الحدیثة در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ شهید اول:
شرح حال و بیان زندگی مختصری از شهید اول شیخ شمس الدین ابو عبد الله محمد بن جمال الدین مکی فرزند شمس الدین محمد مطلبی دمشقی عاملی جزینی همدانی است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلای معلاست وضمن سلسله کتاب هایی تحت عنوان «بزرگان شیعه» می باشد که در نجف اشرف چاپ شده است. ـ شهید ثانی:
شرح حال مختصر شهید ثانی شیخ زین الدین علی بن احمد الجبل عاملی می باشد. این اثر از نوشته های آن بزرگ مرجع در کربلای معلا و جزء سلسله کتاب های «بزرگان شیعه» است که در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ پدر:
این کتاب شامل بخش های آموزنده ای از زندگی مرحوم آیت الله العظمی حاج سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره می باشد که به مناسبت چهلمین سالگرد رحلت آن مرجع عظیم به رشته تحریر درآمده است.

شایان ذکر است تعدادی از کتاب های یادشده به زبان های فارسی، انگلیسی، اردو، آذری، کُردی، بنگالی، سواحلی، هندی و دیگر زبان ها ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

اجازه مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شیرازی قدس سره

متن اجازه اجتهاد و ارجاع از طرف مرحوم حضرت آیت الله العمظی حاج سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته به حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله العالی در امور تقلید.

« ترجمه متن »

بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و الصلاة و السلام علی محمد و آله الطاهرین

اما بعد، همان گونه که از نزدیک مشاهده کردم، حضرت آیت الله حاج سید صادق شیرازی دامت تأییداته به مرتبه بالایی از مقام اجتهاد و همچنین مقام والایی از تقوا و عدالت رسیده است و ایشان را شایسته مقام فتوا و تقلید و هر آنچه یک فقیه عادل عهده دار می شود، می دانم.

بنابراین رجوع به ایشان در کلیه مسائل، مشروط به اجازه مرجع عادل وتقلید از ایشان جایز می باشد، و او را به تقوای بیشتر و احتیاط در کلیه احوال که راه نجات است توصیه می کنم، همان گونه که برادران ایمانی را سفارش می کنم تا به گِرد ایشان جمع شده، از وجودشان در کلیه زمینه ها استفاده کنند. خدای متعال توفیق دهنده وهدایتگر می باشد و تنها او یاری دهنده است. محمد الشیرازی

حسینی شیرازی، علی‌محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی‌محمد بن میرزا سید ابوالقاسم حسینی شیرازی عالمی متقی و داماد آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی بوده و فرزندان دانشمندی بنام آسید میرزا احمد و آمیرزا سید مهدی و آمیرزا سید تقی داشته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی صادقی بحرانی، ابوعلی ماجد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1028 ق)، فقیه، محدث و شاعر امامی. در بحرین متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. در شیراز اقامت اختیار کرد و در آنجا به نشر علم حدیث پرداخت. با شیخ بهایی رابطه‌ی دوستی داشت و از او نقل حدیث کرده است. او استاد ملامحسن فیض کاشانی و شیخ سلیمان ماحوزی بود. وی مدتی نیز در بحرین منصب قضا داشت. گویند اول کسی بود که علم حدیث را در شیراز نشر داد. فیض کاشانی برای فراگیری علم حدیث به شیراز رفت و در محضرش حضور یافت. او در شیراز درگذشت و در شاهچراغ دفن شد. از آثار وی: «التعلیقات عی خلاصه الاقوال فی الرجال»؛ «سلاسل الحدید فی تقیید اهل التقلید»؛ «رساله الیوسفیه»، در اصول؛ رساله در «مقدمه الواجب»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (120/6)، الذریعه (301 -300 /25 ،210/12)، روضات الجنات (87 ،84 ،74 ،72 -67 /6)، ریحانه (374 -373 /3 232/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 483 -482 /11)، معجم المولفین (163/8)، هدیه العارفین (1/2).

حسینی طباطبایی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1307، زابل.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
حجت‌الاسلام سید محمدتقی حسینی طباطبایی، فرزند سید علی، تا سطح اجتهاد به تحصیل پرداخت و موفق شد که همچنین فوق لیسانس خود را در رشته‌ی فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات اخذ نماید. پیش از انقلاب اسلامی معلم بود و در حوزه‌ی علمیه‌ی زابل نیز تدریس می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی در ادامه کار تدریس خود، مسئول کمیته انقلاب اسلامی زابل بود. ایشان در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم زابل انتخاب شد. تألیفات وی عبارتند از منطق و منظوم؛ منتهی المیزان؛ احسن البیان و جزوه‌ای به عربی در مدح حضرت علی (ع).
حجت‌الاسلام حسینی طباطبائی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه 1360 در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در زابل به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی فیروزآبادی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1289.
درگذشت: 1368.
مرتضی سید محمد حسینی فیروزآبادی نجفی صاحب کتب زیر است: السبعه من السلف: ابوبکر، عمر،... (قم، 1371)؛ شناسایی هفت تن در صدر اسلام (ترجمه کتاب السبعه من السلف...، مترجم عباس راسخی نجفی، قم، 1373)عناية الاصول فی شرح كفاية الاصول]آخوند خراسانی[(قم)؛ فضائل الخمسه من الصحاح السنه و غیرها من الکتب المعتبره عند اهل السنه و الجماعه (قم، 1372)؛ فضائل پنج تن (ع) در صحاح ششگانه اهل سنت (ترجمه‌ی کتاب فضائل الخمسه... (ترجمه محمدباقر ساعدی، قم، 1374).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی کاشانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدمهدی طاب ثراه فرزند فقیه محقق آیت‌اللَّه حاج سید محمدصادق حسینی که از اجله علماء بیت شریف سادات حسینی کاشانی بوده‌اند.
وی عالمی عامل و فقیهی جامع و زاهدی ناسک و متعبدی باورع و متهجد و مدرسی تحریر و در جامعیت معقول و منقول ممتاز بوده و عمده تلمذش نزد فقیه اعظم مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید حسین کوهکمری و آیت‌اللَّه العظمی میرزاء بزرگ شیرازی و غیرهما بوده و جمعی نزد وی تلمذ نموده و از وی مجاز می‌باشند.
مؤلفات ارزنده و نفیسی در علوم متفرقه از قبیل فقه و اصول و حکمت و ریاضی و ادب و غیرها دارد که در کتابخانه نجل جلیلش مرحوم علامه بزرگوار آقای حاج سید علی‌اکبر حسینی و اکنون نزد حفید معظمش آیت‌اللَّه حاج سید عباس کاشانی حایری دام‌ظله می‌باشد که انشاءاللَّه به سعی ایشان- به طبع خواهد رسید- مترجم معظم در اواخر عمرش در نجف اشرف اقامت نموده و به تدریس اشتغال داشته و همانجا بدرود حیات گفته و روز وفاتش تجلیل و احترام باشکوهی از جنازه به عمل آمده و بازار نجف اشرف و حوزه‌های درس تعطیل و حسب‌الوصیتش در بقعه اختصاصی خود در وادی‌السلام مدفون گردیده است و بقعه او در آنجا معروف و مورد احترام علماء و سایر مؤمنین است.
و یکی از نیاکان این بزرگوار که از چهره‌های درخشان علمی این سلسله است ولی گمنام مانده در حالی که در عصر خود از اکابر علماء و اعاظم مجتهدین شیعه عصر خود و از نوابغ و فطاحل دوران و علامه دهر خود بشمار می‌رفته آیت‌اللَّه العظمی آقای آقا میر سید عبدالباقی می‌باشد که در زمان خود شبهه اعلمیت را حایز بوده ولی در اثر کثرت زهد و تقوی و پرهیزکاری انزوا را اختیار نموده و به هیچ وجه متصدی امر فتوی و تقلید نگردیده- بلکه انس عجیبی به انزوا و گوشه‌گیری و تنهائی داشته و وحشت بسیاری از شهرت و ریاست می‌نموده لذا با یک دنیا شخصیت علمی که داشته گمنام و در اکثر کتب بلا ذکر است و این معنی هم آرزوی مترجم معظم بوده است و در سال 1190 ق هجری در سن متجاوز از صد و بیست سالگی در نجف اشرف وفات نموده و در صحن مطهر حضرت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در ایوان پشت پنجره حرم شریف حسب‌الوصیتش

مدفون گردیده است و روز وفاتش با آنکه شهرتی نداشته شورش و غوغائی عجیب برپا گردیده و مجالس فاتحه در اکثر بلاد منعقد گردیده و امروز جمعی از احفاد ایشان از علماء اعاظم و فقهاء گرامی در عراق و ایران و مناطق دیگر می‌باشند که از جمله آنان حضرت آیت‌اللّه حاج سید عباس کاشانی حایری صاحب‌المصابیح که از اجلاء علماء به نام کربلا بوده و اکنون در شهر مذهبی قم اقامت و مورد تجلیل و تبجلیل عموم طبقات می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حسینی مراغی، عبدالفتاح

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، فقیه، محدث امامی و شاعر، متخلص به اشراق در شعر فارسی و فتاح در شعر ترکی. در مراغه تولد یافت و در نجف اقامت اختیار کرد و نزد شیخ موسی و شیخ علی، فرزندان کاشف الغطاء، تحصیل کمال کرد. پس از آن به مشهد سفر کرد و در آنجا دست ارادت به میرمحمد تقی مشهدی داد و بعد از طی مدارج و مراحل سلوک به مراغه بازگشت و به امر شیخ‌الاسلامی مراغه مشغول شد. میر عبدالفتاح در سرودن شعر به دو زبان فارسی و ترکی با مضامین عارفانه استاد بود. او در نجف درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «عناوین الاصول»؛ «قیامت نامه» به ترکی؛ مثنوی «ریاض الفتوح»؛ «دیوان» اشعار؛ «ساقی نامه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (258)، الذریعه (83 -82 /22 ،223/17 ،350/15 ،111 -110 /12 ،1046 ،807 ،77 /9)، ریحانه (379/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 442 -441 /12)، مکارم الاثار (1366 -1365 /4).

حسینی مرعشی، محمد خلیل

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1220 ق)، فقیه، ادیب و شاعر. محمد خلیل که به سلطان میرزا نیز مشهور بود، از طرف پدر مرعشی، و از طرف مادر صفوی است. جدش، سید محمد حسین، مدتی در مشهد سلطنت کرد و به شاه سلیمان ثانی معروف شد. میرزا محمد خلیل به عتبات رفت و بعد به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد. از آثار او: «مجمع التواریخ»؛ «حاشیه‌ی تحریر اقلیدس»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «من لا یحضره الفقیه»؛ و «شرح تذکره‌ی هیئت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (25/20)، ریحانه (292/5)، مولفین کتب چاپی (3/ 28- 29).

حسینی نایینی اصفهانی، بهاءالدین محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1133 -1080 ق)، متکلم، محدث، فقیه امامی و ادیب. در اصفهان ساکن بود و با فاضل هندی معاصر. او از شیخ حر عاملی اجازه روایت داشت. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «ارتشاف الشافی» و «صفوه الصافی من رغوه الشافی»، تلخیص «الشافی» علم الهدی؛ «اناره الطروس فی شرح عباره الدروس»؛ «تعلیقات اشباه و نظایر سیوطی»؛ «رساله فی صیغ العقود»؛ «تفریج القاصد لتوضیح المقاصد»؛ «تعلیقات شرح صحیفه‌ی سید علی خان»؛ «زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر»، نظیر «مقامات» حریری؛ شرح «بدایه الهدایه» شیخ حر عاملی؛ «شرح صمدیه‌ی شیخ بهایی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (615/1)، تذکره القبور (477)، الذریعه (194/24، 362/13، 61/12، 153/4)، روضات الجنات (116 -115 /7)، ریحانه (390/1)، فوائد الرضویه (601)، معجم المولفین (196/11)، هدیه الاحباب (109)، هدیه العارفین (316/2).

حسینی نایینی، شمس‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1312، سلطان نصیر نایین.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
شمس‌الدین حسینی نایینی، فرزند سید رضا، تا مقطع سطح به تحصیل حوزوی پرداخت. وی همچنین موفق شد که دکترای خود را در رشته‌ی الهیات اخذ کند. پیش از انقلاب اسلامی تدریس می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی کارشناس مسائل دینی در امور تربیتی و سازمان تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزشی بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم نایین می‌شود. تألیفات وی عبارتند از مقایسه نیایش شیعه با سایر ادیان؛ جهاد در اسلام. از وی مقالات تربیتی در مجلات به چاپ رسیده است.
شمس‌الدین حسینی نایینی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه 1360 در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شده.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی نجفی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1323 ق.، نجف.
درگذشت: 8 مهر 1375، همدان.
آیت‌الله حاج سید محمد حسینی نجفی، فرزند آیت‌الله حاج سید علی عرب، بود. خانواده‌ی وی در سال 1330 از عراق به ایران آمد و ایشان مدت سیزده سال تحت تربیت علمی و عملی پدر قرار گرفت و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال 1343 ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف بازگشت و ابتدا نزد آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله عماد رشتی به فراگیری علوم دینی پرداخت. سپس در محضر مراجع حوزه‌ی علمیه‌ی نجف حضرات آیات عظام محمد حسین نایینی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمد حسین غروی و آیت‌الله سید علی قاضی کسب فیض کرد. سپس به ایران بازگشت و در همدان ساکن شد و به اقامه‌ی نماز جماعت و خدمات دینی و تألیف و تصنیف پرداخت.
از جمله آثار ایشان تفسیر فارسی قرآن کریم با نام انوار درخشان (هیجده جلد) است.
آیت‌الله حاج سید محمد حسینی نجفی سحرگاه یک شنبه هشتم مهر 1375(15 جمادی‌الاول 1417 ق.) در نود و پنج سالگی بدرود حیات گفت.
پیکرش به مشهد منتقل یافت و در دارالزهد آستان مقدس حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی، عبدالهادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا عبدالهادی بن سید اسماعیل بن سید رضی‌الدین بن سید میرزا اسماعیل حسینی فقیهی بزرگوار و مجتهدی عالیمقدار و مرجع بزرگ تقلید شیعیان بعد از رحلت مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بوده است.
والد ماجدش آیت‌اللّٰه سید اسماعیل پسرعموی زعیم‌الشیعه آیت‌اللّٰه مجدد شیرازی بزرگ و متوفی سال 1305 ق صاحب میلادیه مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است وی در سال 1305 ق سال وفات مرحوم والدش بدنیا آمده و در تحت پرورش آیت‌اللّٰه العظمی مجدد شیرازی تا 7 سالگی تربیت یافته و بعد از رحلت آن بزرگوار در سایه تربیت آیت‌اللّٰه آقا میرزا علی آقا شیرازی فرزند ارجمند مجدد بزرگ شیرازی نشو و نما یافته و اولیات و مقدمات و سطوح را خوانده و در سال 1326 مهاجرت به نجف نموده و از محضر علامه خراسانی و شریعت اصفهانی و شیخ محمدباقر اصطهباناتی و آیت‌اللّٰه میرزا علی آقا شیرازی و دیگران استفاده نموده و در سال 1349 ق به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و یکی از مراجع بزرگ تقلید و اساطین فقه گردیده و صدها نفر از افاضل و علماء از محضرش استفاده نموده تا بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی که اکثر مردم به ایشان رجوع نموده تا در 1383 ق که رحلت نموده و جامعه تشیع را در سوک و ماتم خود عزادار نمودند.
نگارنده گوید: گرچه آن بزرگوار در سال 1369 ق مبتلا به عارضه چشم گردید و در بیمارستان فارابی تهران عمل شد ولی نتیجه معکوس شد و معظم له از دید چشم محروم و نابینا شد ولی به واسطه صفا و معنویت و تقوای عجیبی که داشت، دارای بصیرت باطنی بود و کرامات از وی مشاهده گردید من جمله مهم این نگارنده بود که برای اصلاح آن عریضه‌ای خدمت ولی‌اللّٰه اعظم حضرت حجة بن الحسن صاحب‌الزمان روحی له الفداء و عجل اللّٰه فرجه الشریف نوشتم حواله به آن مرحوم فرموده و به دست وی کفایت گردید.
دارای آثار علمی بسیاریست که از آنها (دارالسلام) در فروع اسلام و رساله در لباس مشکوک و کتاب الصوم و کتاب الزکاة و کتابی در نجاسات و طهارت و کتابی در استصحاب و کتابی در اجتماع امر و نهی و حواله و رضا (ع) نوشته و طبع شده است.
دارای دو فرزند دانشمند بنام جناب حجةالاسلام حاج سید محمدابراهیم و

حجةالاسلام حاج سید محمدعلی می‌باشد که از فضلاء نجف می‌باشند.
و نیز دامادهای ارجمندی بنام آیت‌اللّه حاج سید کاظم مقیم قم و آیت‌اللّه حاج سید مهدی مقیم نجف اخوان مرعشی و حجةالاسلام حاج شیخ جواد بروجردی که از معاودین و مقیم تهران می‌باشند دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی، محمد جواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن میر محمّد حسین مذکور. از علمای اخیار، نزد پدر در اصفهان تحصیل نموده، و در کربلا به درس میرزا علی نقی طباطبائی، و در نجف به محضر شیخ انصاری حاضر شده، و از آن دو استفاده نموده، یک دوره فقه، و یک دوره اصول از تقریرات اساتید خود نوشته، سرانجام در سال 1280 در مراجعت از مکّه معظّمه بین راه وفات یافته، در نجف اشرف مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی، محمد رضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد صالح حسینی، از [فقهای عصر خود و] همدرسان میرزا محمد همدانی معروف به امام الحرمین بوده، و جهت او اجازه‌ای در سال 1281 مرقوم داشته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود حسینی موسوی بن السید الجلیل والعالم النبیل السید ابوالفضائل امام جمعه حفید مرحوم مبرور آیت‌اللّه سید محمد مجتهد طارمی (مؤلف کتاب انیس‌الفقهاء که در الذریعة ذکر شده) و در غائله بابیه زنجان حکم جهاد داده که شرحی از آن در جلد قاجار ناسخ‌التواریخ موجود است می‌باشد.
مرحوم امام جمعه در سال 1309 قمری تولد یافته و در سال 1374 ق در سن 65 سالگی در تهران به رحمت ایزدی پیوست. معظم له مقدمات و سطوح اولیه را نزد اساتید و مجتهدین زنجان مانند مرحوم حجةالاسلام آخوند ملا سبزعلی و مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ جواد طارمی و منظومه حکمت و اسفار را پیش مرحوم علامه میرزا مجید زنجانی تحصیل و سپس از درس خارج مرحوم آقا شیخ غلامحسین فقیه زنجانی و آیت‌اللّه آخوند ملا باقربانعلی مجتهد معروف زنجان استفاده کرده و مدتی نیز کفایةالاصول مرحوم خراسانی را که تازه طبع شده و پیش علماء مورد اهمیت بود خدمت مرحوم آقا میرزا عبداللّه زنجانی که از اجله شاگردان و تلامذه مرحوم میرزای بزرگ شیرازی بودند تحصیل نموده و در همان اوان به دستور مرحوم آخوند ملا غلامحسین فقیه زنجانی در مسجد سلطانی معروف به مسجد سید اقامه جماعت می‌نمودند و فقیه نامبرده مراجعین خود را به اقتداء و حضور در جماعت ایشان امر می‌فرمودند و بالاخره برای تکمیل تحصیلات در سن بیست و یک سالگی در سال 1330 به نجف اشرف مشرف شده و در درس مرحومین آیتین حجتین آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروةالوثقی و مرحوم شریعت اصفهانی و همچنین درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی حاضر شده و این در هنگامی بود که تلامذه مرحوم نائینی عده معدودی از بزرگان بودند مانند آیت‌اللّه آسید جمال‌الدین گلپایگانی و آیت‌اللّه آمیرزا مهدی اصفهانی و پس از فوت مرحوم والد ماجدشان و پیش‌آمد کارهای ضروری به زنجان مراجعت نموده و مشغول افاضات علمی از معقول و منقول گردیده و در مسجد سلطانی به اقامه جمعه و جماعت پرداختند.
پس از زمانی بنا به اشتیاقی که به حوزه مقدس نجف داشتند مجددا مشرف شده و در حوزه درس مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی حاضر و شرکت نمودند. در این هنگام غائله تبعید مراجع از عراق به ایران

پیش‌آمد می‌کند و حوزه نجف از وجود اساتید بزرگ خالی و از طرفی شهرت مقام شامخ علمی مرحوم آیت‌اللّه کمپانی زبانزد خواص گردیده بود فرصت را مغتنم شمرده با عده معدودی مانند آیت‌اللّه خوئی و آیت‌اللّه میلانی و مرحوم اعتماد رشتی به درس خصوصی آن مرحوم حاضر شده و مجذوب مقام علمی و معنویت این استاد بزرگوار واقع شده و چون حاشیه مرحوم کمپانی بر کفایه هنوز چاپ نشده بود به خط خود از روی نسخه مؤلف استنساخ نمودند که نزد فرزند ارجمند ایشان موجود است و قسمتی از مکاتیب خصوصی که بعد از مراجعت از نجف از مرحوم کمپانی بعنوان ایشان ارسال شده که بعضی از آن مشتمل بر فوائد علمی و دستورالعمل‌های معنویست با خط آن مرحوم باقی مانده است

مرحوم آیت‌اللّه امام جمعه در سفر دوم نجف موفق به اخذ اجازات اجتهاد گردیده و پس از مراجعت به زنجان مشغول افاضه علمی و ترویج شدند و در مدرسه مسجد شاه که تولیت آنجا از طرف مرحوم شاهزاده عبداللّه میرزا به خاندان ایشان نسلا بعد نسل واگذار شده بود.

بناء اصلاحات و تنظیم امور طلاب را گذاشته و با تعیین مدرسین برای سطوح متوسطه و عالی و دادن شهریه رونقی بسزا بخشیده و خودشان تدریس خارج طهارت شیخ و مکاسب و کفایه را به عهده گرفته و درس خصوصی نیز از منطق حکمةالاشراق و معیارالعلم غزالی و مبدء و معارف صدرالمتألهین گذارده که عده‌ای حاضر شده که از جمله آنان دانشمند متقی جناب آقای حاج رضا روزبه و فرزند معظم ایشان آقای امام جمعه معاصر بوده‌اند.

از صفات عالی و برجسته ایشان ترویج رشته روحانیت و تشویق محصلین علوم دینی بوده و در مبارزه با منکرات از هیچ اقدامی فروگذاری نمی‌نمودند.

در حادثه حزب توده و تجزیه آذربایجان از طرف پیشه‌وری دست نشانده شوریها و اشغال زنجان یکی از رجال مقتدر خمسه را تشویق به مقاومت و با استمداد از دولت مشارالیه را وادار به دفاع نموده و با جنگهای چریکی در دهات اطراف زنجان و نقاط تمرکز فدائیان توده شهر زنجان را از خطر تجزیه نجات بخشیدند.

از امتیازات ویژه آن مرحوم در وعظ و ارشاد مردم مطالب باز یافته و حقایق علمی که برای عموم طبقات از روحانی و بازاری و حتی مجددین عصر بسیار سودمند و جالب بود و اثر قابل توجه در افراد باقی می‌گذاشته است و به قدری شیوا بود که کمتر گوینده‌ای واجد این امتیاز می‌باشد.

در لحاظ ایمان به مقام شامخ ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام طوری اخلاص داشت که در تشرف به حرم ثامن‌الائمه (ع) با از خود گذشتگی خود را روی آستانه حرم انداخته و می‌بوسید و روی علاقه وافری که به عتبات

مقدسه داشت بجز از دو دفعه تشرف به نجف اشرف برای تحصیل دو دفعه دیگر به زیارت ائمه عراق مشرف شدند و آخرین دفعه به دعوت مرحوم آیت‌اللّه قمی حاج آقا حسین طباطبائی با معیت فرزند ارجمندش امام جمعه معاصر بوده که آن مرحوم برای شرکت در اداره کردن حوزه علمیه نجف معرفی و در جوار امیرالمؤمنین (ع) اقامت نمودند.
مرحوم آیت‌اللّه امام جمعه بزرگ بعد از مراجعت به زنجان روی علاقه به حوزه علمیه و عتبات ائمه علیهم‌السلام مدتی در قم توقف نمودند در موقعی که فرزند گرامی ایشان آیت‌اللّه حاج آقا عزالدین امام جمعه معاصر از فیوضات درسی مرحوم آیت‌اللّه کوه‌کمری و مرحوم آیت‌اللّه صدر و آیت‌اللّه خوانساری مستفیض بودند معظم له نیز اکثراً در قم توقف نموده و با آیات عظام و مراجع کرام روابط نزدیک داشتند تا در سال 1374 قمری در مراجعت از مشهد مقدس در تهران پس از کسالت و بیماری ممتدی که سالها ایشان را رنج می‌داد در جمادی‌الاولی به رحمت ایزدی پیوستند.
و موقعیت خاص ایشان در قلوب مردم به حدی بود که با شنیدن خبر فوت ایشان از رادیو تهران اصناف و طبقات مردم زنجان تا اربعین ایشان مجالس فاتحه گذارده و از صاحبان قریحه اشعاری در مرثیه ایشان سروده شده که در دفتر مخصوصی ثبت شده است.
محضرشان بسیار قابل استفاده و مورد اشتیاق اشخاص دانش‌دوست بود و هر موقع در تهران می‌آمدند رجال روشنفکر و افراد دانشمند ملازم حضورش بودند و از گفتار باارزش و نفس گرم ایشان مستفیذ می‌شدند مانند مرحوم غلامحسین رهنما و حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری و محمدعلی بامداد و مرحوم ابوالقاسم فیوضات و آقای سید مهدی بهشهری و دیگران و همینطور از بزرگان روحانیان تهران دائماً به محضرشان می‌رسیدند.
تألیفات ایشان با داشتن کسالت ممتد مزاجی و اشتغالات مرجعیت محلی و تدریس و وعظ و ارشاد باز مهما امکن از تحریر مطالب علمی و دینی غفلت نمی‌کردند و نوشتجاتی که از ایشان باقی منده به اسامی زیر است.
1- رساله مختصری در جبر و تفویض که در نجف تألیف شده و از نظر مرحوم آیت‌اللّه آقای سید جمال‌الدین گلپایگانی گذشته است و در یک مورد به خط خود بر آن حاشیه نوشته‌اند.
2- ذخرالبشر فی شرح باب حادیعشر که در اواخر عمر تا مبحث امامت نوشته‌اند
3- تعلیقات بر صحیفه‌ی مبارکه سجادیه صلوات‌اللّه‌علیه.
4- حاشیه بر تقریرات کاظمینی که موقع مباحثه خارج مرقوم نموده‌اند.
و آنچه که بخط خود استنساخ نموده‌اند 1- صحیفه سجادیه که برای تیمن و

تبرک با خط ثلث نوشته‌اند 2- قسمتی از قرآن مجید که به خط خود مرقوم داشته‌اند 3- حاشیه مرحوم کمپانی بر کفایه که در نجف پیش از چاپ شدن نوشته‌اند 4- متفرقات از مسائل گوناگون دینی و علمی که جمع‌آوری شده و به طور پراکنده بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی، میرهادی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از شخصیت‌های معزّز و روحانی و مورد احترام مردم عصر خویش مرحوم آقا میرهادی الحسینی است که نامبرده نیز از سادات و بزرگان و علمای مذهبی عصر خویش در منطقه برخوار و اصفهان بوده و به علت نمایندگی از طرف شیخ بهایی (953-1083 هجری قمری) شیخ‌الاسلام عصر شاه عباس اوّل برای اداره امور شرعیه و حسبیه مردم و تبلیغات دین تشیع و سایر ائمه اطهار- علیهم السلام- در این منطقه و بلوک برخوار بوده و بعدها نواده‌اش سیّد ابوالحسن ابن سیّد محمّد ابن میر هادی الحسینی مدفون در بقعه امامزاده شاه نعمت‌اللّه گز و فرزندانش آقایان میر مهدی، میر هادی، میر محمّد آقا سلطان و آقا سیّد کمال‌الدین ابن سیّد ابوالحسن که از سادات حسینی منطقه گز و دارای مرجعیت تام بوده‌اند و همان طور که قبلاً نیز یادآوری شده است طبق نمودار ارائه شده با 27 واسطه از اولاد علی العریض و فرزندان امام همام جعفر ابن محمّد صادق- علیهما السلام- بوده و به علت امکانات علمی و قومی و نفوذ اجتماعی و حمایت قبلی حکومت صفویه و بخصوص از زمان شاه اسماعیل اوّل صفوی برخوردار بوده‌اند، همگی در تشکیل شاکله اجتماعی و تاریخی این منطقه سهیم و قسمتی از تاریخ و تمدن منطقه را پایه‌گذاری نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

حفید تفتازانی، سیف‌الدین، احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 916 ق)، فقیه، محدث، مفسر و متکلم شافعی. معروف به شیخ‌الاسلام. چون از نوادگان محقق تفتازانی بود، به احمد حفید نیز شهرت داشت. وی مدت سی سال در زمان سلطان حسین بایقرا عهده‌دار قضای هرات بود. شاه اسماعیل صفوی، او را با پنج تن از علماء هرات در مرو کشت. وی در بیشتر علوم زمان، بویژه فقه و حدیث و تفسیر یگانه‌ی زمان و فرید عصر بود. از آثار وی: «شرحی بر تهذیب المنطق و الکلام»؛ «تعلیقه بر شرح عقاید نسفیه»؛ «حاشیه بر مختصر»؛ «حاشیه بر مطول»؛ «الفوائد و الفرائد» و «شرح فرائض السراجیه»؛ «حاشیه بر شرح الوقایه لصدر الشریعه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حبیب السیر (349/4)، روضات الجنات (353 -352 /1)، کشف الظنون (2023، 1480، 1247، 1144، 516، 475)، الکنی و الالقاب (122 -121 /2)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المولفین (206 -205 /2)، هدیه العارفین (138/1).

حقانی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
تولد: 1320، قم.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
حجت‌الاسلام غلامحسین حقانی، فرزند محمد، تا مقطع اجتهاد به تحصیل حوزوی پرداخت. بعد از انقلاب اسلامی، امام جمعه بندرعباس شد. وی همچنین دبیر شورای هماهنگی دفتر تبلیغات قم و تهران و دبیر شورای هماهنگی دفتر تحکیم وحدت بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی از مردم بندرعباس در مجلس حضور داشت. ایشان همچنین در دانشگاه تربیت معلم به تدریس می‌پرداخت.
آثار ایشان عبارتند از اسلام پیشرو نهضت ها؛ و برخی از جزوات مؤسسه در راه حق.
حجت‌الاسلام حقانی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه 1360 در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در قم به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حقشناس، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید ابراهیم بن حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج سید اسداللَّه حقشناس یکی از علماء عاملین معاصر است در شهرستان جهرم. وی در حدود 1322 قمری در آن شهرستان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح به شیراز آمده و متون فقه و اصول را از اعلام آنجا آموخته و بیشتر، از مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمدعلی فاضل شریعتمداری استفاده نموده است.
آقای محمدکریم اشراق در کتاب بزرگان جهرم ترجمه آن بزرگوار و والدش را چنین نگاشته است.
پدر حقشناس مرحوم (حاج سید اسداللَّه) از علماء روشن‌ضمیر و شجاع و آزاده عصر خود بوده فتوت کم‌نظیری داشت. در مسجد گازران که از بناهای مرحوم حاج محمدعلی بیگ ذوالقدر است نماز می‌گذارد. آن مرحوم به روشنفکر مشهور بوده است. مردمان از او به نیکی یاد می‌کنند «الا ان اولیاء اللَّه لا یموتون بل ینقلون من دار الی دار»
محمد ابراهیم حقشناس (مترجم معظم ما) مانند پدر، انسانی بافضیلت و راستین می‌باشد. مردم جهرم را ملجأ امور روحانی و بخصوص در مورد درماندگان و بیچارگان و یتیمان سرپرستی دلسوز و پناهگاهی مؤتمن است.
پس از درگذشت آقا سید عبدالحسین حجةالاسلام و شیخ عطاءاللَّه حقدان بنابر اعتماد همگان اداره امور مذهبی مردم را در دست گرفت.
حقشناس علاوه بر امور روحانی و دینی به نیازهای بیچارگان و درماندگان رسیدگی می‌کند و در مسجد گازران نماز برپا می‌دارد و متون فقهی و ادبی می‌آموزاند. گشاده‌روی و پرهیزکار و پاکدل است او در این رهگذر بت‌های خودی را شکسته.
ای خنک آن را که ذات خود شناخت
اندر امن سرمدی قصری بساخت
نگارنده گوید: همانطور که آقای اشراق درباره حضرت آقای حقشناس نوشته است حقیر هم با هر کدام از علماء شیراز و جهرم و غیره استفسار احوال آنجناب نمودم جز مدح و ثناء و نیکی چیز دیگر نشنیدم و وقتی در مشهد مقدس رضوی بیمار شدم معظم له به عیادتم آمد و هرچه اصرار کردم که ترجمه و عکس خویش را بدهند که در این گنجینه یاد نمایم

نپذیرفته و فرمودند من خود را لایق نمی‌دانم که در ردیف بزرگان نوشته گردم و الحق ایشان عالمی ربانی و آیتی سبحانی و دانشمندی بارع و موصوف به تقوا و ورع می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حق‌شناس، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس تهرانی از علماء مبرز و فضلاء بنام و مدرسین کرام معاصر تهران است.
وی در سال 1338 ق در تهران متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح متوسط و عالی را در تهران در خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ محمد رضا تنکابنی و عرفان و معقول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه شاه آبادی خوانده و در سال 1358 که مرحوم ثقةالاسلام حاج شیخ محمد حسین زاهد تهرانی (امام جماعت مسجد امین‌الدوله) تهران وفات نمود مومنین مسجد مزبور که غالبا از مقدسین و متدینین و اخیار تهرانند به قم آمده و از آیت‌اللّه بروجردی تقاضا کردند ایشان را بجای آن مرحوم برای امامت آن مسجد انتصاب و اعزام فرماید.
پس ایشان حسب‌الامر آیت‌اللهی به تهران عزیمت و تا حال حاضر در مسجد مزبور اقامه جماعت و هم بتدریس فقه و اصول و معقول در مدرسه سپهسالار قدیم و خدمات دینی دیگر اشتغال دارد و نزدیک چهل سال است که این نگارنده ایشان را می‌شناسم حقا دارای مقام فضل و دانش و تقوا و به پاکدامنی و بی‌آلایشی موصوف و در تربیت و تهذیب اخلاق جوانان محیط خود بسیار ساعی و تربیت یافتگان مکتب او در بازار و حوزه‌های علمی قم و مشهد بسیار است و از روز آشنائی تاکنون مکروهی از وی ندیده‌ام.
از آثار ایشانست: 1- رساله‌ای در ارث زوجه. 2- تقریرات فقه مرحوم آیت‌اللّه حجت. 3- تقریرات اصول آیت‌اللّه خونساری. 4- تقریرات فقه و اصول آیت‌اللّه بروجردی.
شریک بحثی در قم داشتند بنام مرحوم ثقةالاسلام استاد میرزا حسین نظر لوئی تبریزی که از افاضل تلامذه مرحوم آیت‌اللّه حجه و داماد مرحوم ایه اللّه قزوینی بوده بفضل و تقوا موصوف و مشار بالبنان بود و ایشان علاقه تام و ارادات کاملی بوی داشت او را دعوت نمود که به مشهد مقدس ببرد ولی متأسفانه در تهران مرگ ناگهانی او را ربود و در ری در جوار ابن بابویه با همت عالی معظم له دفن گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حکیم طباطبائی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید یوسف فرزند بزرگ آیت‌اللَّه حاج سیدمحسن طباطبائی حکیم قدس‌اللَّه سرهما از آیات عظام و حجج اسلام نجف اشرف بوده است.
مجله مکتب اسلام (12) سال سی‌ام می‌نویسد روز بیست و هفتم رجب روز بعثت پیامبر گرامی اسلام در حالی که مردم در صحن مطهر امیرالمؤمنین علیه الصلوه والسلام مشغول راز و نیاز و ابراز تهنیت و تبریک بودند ناگهان در سرتاسر شهر منتشر شد که فرزند ارشد مرجع بزرگوار و فقیه عالیقدر حضرت آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محسن حکیم، آیت‌اللَّه حاج سیدیوسف طباطبائی حکیم دعوت حق را لبیک گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.
انتشار این خبر غم و شادی را به هم آمیخت هر چند از دوران تسلط بعثیها عراق و بالاخص قسمت سوافل فرات روز خوش و شادی به خود ندیده بودند اما همین شادی که با فرارسیدن بعثت منجی بشریت دست داده بود با غم و تلخی به هم آمیخت و تاثر و تاسف حوزه علمیه نجف و علماء بزرگ و بیوت علمی و دیگر طبقات را به خود گرفت.
حاج سید یوسف حکیم رحمه‌اللَّه در سال 1322 هجری قمری در نجف اشرف دیده به جهان گشود و در دوران جوانی ادبیات و منطق و سطوح عالی را از اساتید متخصص حوزه علمیه نجف فراگرفته آنگاه از دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللَّه حاج آقا ضیاءالدین عراقی و والد ماجدش آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله العالی فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و در رشته سلوک و اخلاقیات از محضر عالم ربانی آیت‌اللَّه حاج سید علی قاضی رحمه‌اللَّه بهره‌مند شده و به مقام معنویت نائل گردیده بود.
مرحوم حاج سید یوسف در دوران مرجعیت گسترده والد بزرگوارش قسمتی از زحمات علمی مرجعیت را به دوش داشت و بررسی استفتاآت و پاسخ به اشکالات بر عهده او بود زیرا بر اثر حضور ممتد در درس مرحوم آیت‌اللَّه حکیم در صحن مقدس و مسجد هندی اقامه جماعت می‌کرد و شیفتگان فقه و اصول را با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت.
وقتی والد ماجدش از دنیا رفت او با اصرار مردم بر نشر رساله و قبول مرجعیت روبرو شد ولی زهد و پارسائی او و وجود مرجع بزرگواری چون

حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله العالی (در حوزه علمیه نجف) باعث شد که این مسئولیت را نپذیرفت.
از بعضی از دانشمندان شنیدم که چون آیت‌اللَّه العظمی حکیم رحلت نمود مرحوم حاج سید یوسف به واسطه داشتن محبوبیت و موقعیت خاص بین مردم عراق بالاخص مقلدین والد بزرگوارش، مواکب عزا و دسته‌جات و عشایر عرب از اطراف و اکناف که برای شرکت عزاء و تسلیت مراجع تقلید نجف و حوزه علمیه هزار ساله نجف و به ویژه بیت جلیل حکیم به نجف آمده بودند اطراف بیت و دارالعلم آن مرحوم جمع گردیده و پس از عرض تسلیت و سوگواری خطاب به آن مرحوم کرده و فریاد می‌زدند و حماسه می‌کردند (سید یوسف قلدناک سید یوسف قلدناک) یعنی ای آسید یوسف ما شما را تقلید می‌کنیم و پس از پدر بزرگوارت رجوع به شما نموده و رشته تقلید شما را به گردن خود بسته‌ایم.
پس آن مرحوم برای قداست نفس و تزکیه روح و پاکی طینت و تهذیب اخلاقی که ذاتا داشت و از استادش مرحوم آیت‌اللَّه قاضی آموخته بود. از آنان تشکر نموده و فرمودند اما با بودن مجتهد و مرجع تقلیدی چون آیت‌اللَّه العظمی حاج ابوالقاسم خوئی دامت برکاته مرجعیت به مانند من نمی‌رسد همه باید به ایشان رجوع کنیم.
مصائب وارده بر آن مرحوم
نگارنده گوید: بزرگی روح و عظمت نفس و معنویت آن بزرگوار از صبر و ثبات و استقامت و پایداری آن مرحوم در برابر مصائب وارده و آزار و شکنجه‌های روحی که از ناحیه بعثیها و صدام تکریتی لعنهم اللَّه معلوم می‌شود زیرا اگر یکی از آنها بر کوه وارد می‌شد آن را متلاشی کرده و از پای درمی‌آورد اما بنابر فرمایش حضرت امام محمدباقر صلوات اللَّه علیه «الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین و تقدیر المعیشه والصبر علی النائبه» چون به کمال و تمام کمال نائل شده بود به گفته بیانیه مکتب اسلام. در دوران زندگی خود فشارهای سختی از جانب حکومت بعث عراق متحمل شد حتی در بیست و هفتم ماه رجب 1403 قمری همه خاندان آیت‌اللَّه حکیم را از پیر و جوان با وضع فجیعی دستگیر کردند و به بغداد فرستادند و پس از مدتها بازداشت گروهی از آنان از جمله مرحوم حاج سید یوسف آزاد شده و در بیمارستان بستری شد و از آن به بعد ماموران امنیتی لحظه‌ای اطراف بیت او را ترک نکردند و حتی نزدیکترین افراد به ایشان نمی‌توانستند با وی تماس بگیرند.
داغهای جانفزاء آن مرحوم
مرحوم حاج سید یوسف قدس‌اللَّه سره پس از بازگشت از بغداد و محصور شدن بعثیها مصائب و داغهای پیاپی دیده و تحمل نموده‌اند که از آنهاست شهادت دو تن از فرزندان جوان و فاضلش بنام 1- حاج سید کمال حکیم 2-

حاج سید وهاب حکیم و شهادت چند تن از برادران گرامیش که در یک روز در بغداد خراب از طرف حکومت ظالمانه بعث به فیض شهادت رسیدند به نامهای یاد شده:
1- آیت‌اللّه حاج سید عبدالصاحب حکیم.
2- حجةالاسلام حاج سید علاء حکیم.
3- حجةالاسلام حاج سید محمدحسین حکیم قدس‌اللّه اسرارهم و لعن‌اللّه اعدائهم و قاتلیهم.
و پس از چند سال برادر مبارز دیگرش مرحوم آیت‌اللّه زاده حاج سید مهدی حکیم را که همواره مورد تعقیب بعثیها و از وطن و زادگاهش آواره بود در یکی از کشورهای آفریقائی (سودان) ترور و شهید کردند که جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه علیهاسلام در مسجد بالاسر مدفون گردید.
و آن مرحوم همواره تحت نظر مامورین بعث بوده و چند بار می‌خواستند که ایشان را به بغداد منتقل کنند که با اعتراض شدید آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله مواجه شده و منصرف از انتقال ایشان شدند.
رحلت آن بزرگوار
سرانجام آن فقیه نبیه و شخصیت بزرگ علمی و دینی در روز بیست و هفتم رجب 1411 قمری در سن هشتاد و چهار سالگی در نجف اشرف در حالیکه شهرهای عراق زیر بمباران نیروهای چند ملیتی به سرکردگی امریکا بودند و هزاران زن و کودک و پیر و جوان بر اثر این بمبارانها جان می‌باختند. با دلی پر از غصه و اندوه از دنیا رفته و به نیاکان پاکش پیوست.
آثار علمی آن مرحوم
1- بحث حول علم الاجمالی
2- خیارات
3- ابحاث فی التفسیر
این آثار را برخی از ارباب فضل از شاگردان ایشان به نام حاج سید محمدصادق حکیم و آقا سیدطاهر احسائی به رشته تحریر آورده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حکیم کازرونی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی حکیم متخلص به رحمت فرزند حاج سید عباس مجتهد طباطبائی کازرونی معروف به حاج مجتهد از فقهاء و مجتهدین و عرفاء و حکماء اشراق و شعراء دانشمند معاصر است.
معظم له در ذی‌حجه 1278 متولد شده و پس از پرورش در سن 7 سالگی سال 1285 قمری از کازرون به شیراز آمده و مقدمات و ادبیات عربی را در خدمت مرحوم حاج سید محمدعلی کازرونی فراگرفته و حکمت را در محضر درس حاج شیخ احمد معروف به شانه‌ساز و فقه و اصول را نزد آقا شیخ محمدحسین مجتهد شیرازی آموخته و در سال 1303 قمری به نجف مشرف شده و مدت دوازده سال از محضر مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی و علامه یزدی صاحب (عروه) و دیگران استفاده نموده و در سال 1315 قمری به موطن و مولد خود کازرون برگشته و اهالی آن شهر مقدم او را گرامی داشته و بنابر اصرار اهالی تا سال 1319 در آنجا اقامت نموده و بعد از آن به شیراز آمده و در شاه‌چراغ به اقامه جماعت و در مدرسه مقیمیه و منزل خود و مسجد نو به تدریس اسفار اربعه و فصوص الحکم و فقه و اصول پرداخته تا در روز پنجشنبه هیجدهم رجب سال 1343 ق در شیراز به رحمت ایزدی پیوست و در تکیه حافظیه مدفون شد.
از آثار علمی او کتب زیر است.
1- دوره اصول 2- دیوان اشعار فارسی و عربی (در شیراز چاپ شده) 3- دو رساله دیگر که چاپ شده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حکیم یزدی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1322 ق)، فقیه اصولی و متکلم. در یزد و تهران درس خواند، در معقول شاگرد آقا محمدرضا قمشه‌ای در منقول شاگرد میرزا ابوالقاسم کلانتری و میرزا محمد حسن آشتیانی بود و از میرزای آشتیانی اجازه اجتهاد داشت. پس از پایان تحصیلات در قم ساکن شد و به تدریس پرداخت. بیشتر آوازه‌ی شهرت او به خاطر مهارت او در حکمت بود. شیخ محمد علی، فرزند محمد جعفر قمی، از شاگردان اوست که «رسائل» شیخ مرتضی انصاری را در خدمت وی فراگرفت. حکمی در قم درگذشت و پیکرش در مقبره‌ی شیخان به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الرساله الرضاعیه» یا «الرضاعیات»، به فارسی؛ شرح «الشواهد الربوبیه» ملاصدرا؛ شرح «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه بر «بدایع الاصول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (176/8)، خدمات متقابل اسلام و ایران (611)، الذریعه (192/11)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1607/14).

حکیم، حسین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حکیم عالم فاضل، و فقیه کامل، از حکمای الهی در قرن دهم بوده، در سال 1004 وفات یافته، قبرش نزدیک مسجد مصلی در تخت فولاد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حکیم، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1390 -1306 ق)، فقیه، مجتهد و مرجع تقلید. در نجف متولد شد. در شش سالگی پدرش را از دست داد و برادرش سرپرستی او را بر عهده گرفت. وی مقدمات را تا قوانین نزد برادر بزرگ خود و بقیه‌ی علوم را نزد سایر فضلا فراگرفت. پس از اتمام درس سطح، محضر ملا محمدکاظم خراسانی رسید، و از وی بهره گرفت. آنگاه به تدریس فقه و اصول پرداخت، و مدتی در صحن نجف و مسجد هندی به اقامه‌ی نماز جماعت پرداخت. وی پس از فوت آیت‌اللّه حاج آقا حسین بروجردی، مرجعیت تام در میان شیعیان دوازده امامی پیدا کرد. آیت‌اللّه حکیم در هشتاد و چهار سالگی در کاظمین درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد. آثار او عبارت‌اند از: «رساله‌ی عملیه»؛ «حاشیه علی العروة الوثقی»؛ «حقایق الاصول تعلیقه علی کفایة الاصول»؛ «دلیل الناسک» یا «راهنمای مناسک حج»؛ «منهاج السالکین» و «منهاج الناسکین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (163/23 -149/6)، شرح حال رجال (192 -190 /5)، مولفین کتب چاپی (220 -217 /5).

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد حکیمی در چهاردهم فروردین 1354 (1314 ق) (استاد، تاریخ درگذشت خویش را به اصحاب سرش گفته است (و «سر اهل السر مما لا یباح»)؛ اما امید است که با دعای همان اصحاب سر، آن تاریخ به تأخیر افتد و استاد دیرتر بزید. ان ذلک علی الله یسیر.)، در مشهد زاده شد. پدرش، حاج عبدالوهاب حکیمی (م 1369 ش)، که از یزد به آستان امام رضا - ع - پناه برده بود، از محترمین بازار مشهد و متشرع و اهل مراقبه بود و از شبهات می‌گریخت. حکیمی در سال 1320 به مکتب و سپس به مدرسه رفت. پس از فرا گرفتن قرآن و صد کلمه (از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی -ع- با ترجمه‌ی منظوم)، و نیز مقداری از دیوان حافظ، درسهای دوره‌ی ابتدایی را در مدرسه فرا گرفت. درسال 1326 به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد وارد شد و بیست سال در آنجا به علم اندوزی و خود سازی پرداخت. هشت سال به درسهای مقدمات و سطح و دوازده سال به درس خارج اشتغال داشت و در جنب آن، پانزده سال به تحصیل فلسفه و کلام پرداخت.
ادبیات عرب را نخست در نزد چند تن از طلاب فاضل، و بار دیگر در نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی (م 1355 ش)، فرا گرفت و تقریرات همه‌ی دروس او را نوشت. اصول فقه و فقه را در محضر آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی (م 1350 ش)، که خویشاوندش بود، و آیت الله علی نمازی شاهرودی (م 1364 ش)، و دیگر دروس سطح و مقداری از خارج را، از جمله خارج کفایه، در محضر آیت الله شیخ هاشم قزوینی (م 1339 ش)، آموخت. همچنین دوازده سال از افاضات آیت الله شیخ مجتبی قزوینی (م 1346 ش)، بهره برد و جلدین کفایه و خارج فقه و نیز درس معارف اعتقادی و اجتهادی و فلسفه (شرح اشارات و اسفار) و نقد فلسفه را از محضر او فرا گرفت و ضمن تماشای رواق اشراق، همراه مشائیان تمشی کرد. ده سال نیز در درس خارج فقه واصول آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی (م 1354 ش)، حاضر شد و تقریرات درس اصول وی را بتفصیل و تقریرات برخی از دروس فقه را باختصار نوشت.
شرح باب حادی عشر را از بعضی از فضلا، و شرح تجرید را در محضر شیخ عبدالنبی کجوری (م 1419 ق)، و شرح منظومه را از شیخ غلامحسین

محامی بادکوبه‌ای (م 1333 ش)، آموخت، در پی آموختن علوم مرسوم حوزه، در سری هم در علوم دیگر کشید که مبادا چیزی را فروهشته باشد: نجوم و تقویم را در نزد حاج شیخ اسماعیل نجومیان (م 1356 ش)، و اوفاق و رمل را از محضر حاج سید ابوالحسن حافظیان (م 1360 ش)، و حاجی خان مخیری (م ح 1350 ش)، و شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت.
گزافه نیست اگر بگویم از کوچکی آثار بزرگی در مشی حکیمی نمایان بود و: بالای سرش ز هوشمندی می‌تافت ستاره‌ی بلندی. شاهد اینکه در نوزده سالگی، هنگامی که درسهایش در نزد ادیب ثانی پایان یافته بود، قصیده‌ای به عربی، در بیش از چهل بیت، پاس مقام استاد را، سرود و در شب نوروز 1333، به وی پیشکش کرد. آنکه که آن ادیب اریب، آن قصیده‌ی عربی را، از آن طلبه‌ی نوجوان دید، انگشت تعجب به دهان گرفت و او را، علی رؤوس الاشهاد، برکشید و «متنبی جوان» خواند. (شرح این موضوع خواهد آمد.).
نیز گفتنی است که استاد حکیمی دو جلد کفایه را در طی یک سال تحصیلی در نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. شیخ استاد چندان از ذکاوت وسرعت انتقال وی شگفت زده شده بود که گفت: «تاکنون کسی با این استعداد ندیدم که جلدین کفایه را در یک سال بخواند». (معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص 402.).
این را هم بگوییم چندی پس از آنکه حکیمی شرح منظومه را به صورت اجتهادی و انتقادی، در نزد محامی بادکوبه‌ای فرا گرفت، وی دیگر او را نه «حکیمی»، که «حکیم» می‌خواند و می‌گفت: «یا»ی نسبت را از نام حکیمی بردارید؛ او دیگر نه «حکیمی»، که «حکیم» است.
همچنین روزی آیت الله میلانی، در هنگام درس اصول، پس از اینکه بسمله گفت و خطبه خواند، چشم چرخاند و شاگرد جوانش را، که در گوشه‌ای نشسته بود و در دیدگاه استاد نبود، ندید. سکوت کرد و سکوت مجلس را فرا گرفت که مگر چه شده آقا درس را متوقف کرده است! آنگاه فرمود: آقای حکیمی نیستند. افلاطون تا ارسطو حاضر نمی‌شد درس را شروع نمی‌کرد؛ می‌گفت عقل در مجلس درس حاضر نیست.
آری، آن «متنبی جوان»، در نزد ادیب ثانی، و آن «حکیم»، در نظر محامی بادکوبه‌ای، «ارسطوی دوم» و «عقل مجلس درس»، در نزد آیت الله میلانی بود. و دانستنی است که حکیمی جوانترین فرد در درس میلانی بود و همگان از او پیشنه‌ی علمی و حوزوی دیرینه‌تری داشتند. حتی در آن جمع، فاضلانی بودند که حکیمی برخی از متون مقدمات و سطح را نزد آنان خوانده بود.
این را نیز بگوییم که استاد حکیمی قدم در سی سالگی نگذاشته بود که علامه شیخ عبدالحسین امینی (م 1349 ش)، در نامه‌ای که از نجف برایش

نوشت، وی را با عنوان «العلامة الجلیل» مورد خطاب قرار داد. در این نامه، که با عبارت «با هزاران شوق دیدار» آغاز شده، استاد حکیمی به همکاری مطبوعاتی دعوت گردیده و در آن آمده است:
زیاد از حد مایلم که از قلم و قدم شما خدمات شایانی نسبت به مولا بوده باشد و شما شریک این اعمال گردید که تحقیقا موجب توفیق است. لذا این زحمت را به عهده‌ی جناب عالی می‌گذارم؛ والا رفقای زیادی در تهران هست که با جان و دل حاضرند که این خدمات را عهده‌دار شوند. و این تصدیع، رمز محبت حقیر است نسبت به شما. (این نامه‌ی بدون تاریخ در حدود 1341 نوشته شده و تصویری از آن در نزد اینجانب هست.).
در همین سالها بود که شیخ آقا بزرگ تهرانی (م 1348 ش)، در ضمن اجازه‌ی روایی به استاد حکیمی، از وی با القاب «الفاضل الکامل البارع الاریب والاستاد المحقق الماهر الادیب» یاد کرد. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص 67. تاریخ ابن اجازه رجب 1382، برابر با آذر 1342 است.) و این اجازه کتبی، پس از اجازه‌ی شفاهی‌ای بود که شیخ در حرم مطهر امام رضا -ع- در جمادی الاول 1382 به استاد حکیمی داده بود.
هیچگاه استاد حکیمی از زندگی آموزشی خود حکایت نکرده است؛ فقط در یک - دو جا، آن هم جایی که می‌خواسته است خاطر نشان کند که با علم اصول مخالف نیست، بناچار، از تحصیلاتش، آن هم فقط تحصیلات اصولی خویش، سخن گفته است:
در ایام تحصیل، کفایه و مقداری از درس خارج را نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خواندم، و مقداری خارج کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی. و هفت سال در درس خارج اصول آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (1313 ق - 1395 ق)، حاضر می‌شدم و همه‌ی درس را با دقت می‌نوشتم؛ به طوری که هیچیک از شاگردان ایشان در آن دوره به این تفصیل نمی‌نوشتند. سپس مقداری از مطالب را (از باب «اوامر»)، به عربی برگردانم و در صدد تنظیم و تألیف تقریرات اصول ایشان بر آمدم. بخشی از مقدار عربی شده را نزد ایشان بردم، دیدند و پسندیدند و بسیار تشویق و ترغیب کردند که همه، به همان صورت، آماده شود تا به چاپ برسد. و خود اظهار می‌داشتند که اگر این تقریرات تدوین یابد و تعریب گردد و به چاپ برسد، در شمار بهترین و مهمترین کتب علم اصول جای خواهد گرفت...
باری، این امور بود، لیکن اینجانب پس از تأمل در اینکه در علم اصول فقه کتابهای بسیاری نوشته شده است، و اصول آیت الله میلانی نیز مفصل است، و همچنین پس از اینکه استاد دیگر، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی، به چاپ کتابهایی در اصول و تقریرات اصولی، افزون بر آنچه هست، رضایت خاطری ندارند، از ترجمه‌ی کامل و چاپ و عرضه‌ی آن

تقریرات منصرف گشتیم. (مکتب تفکیک، ص 369-368. همچنین استاد در همین باره مرقوم داشته‌اند: «کتاب اصولی را که از افاضات مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م 1395 ق)، با تحریراتی از خودم، شروع به نوشتن کردم و مقداری را خدمتشان بردم، پس از ملاحظه فرمودند: «اگر این کتاب را تکمیل کنید و چاپ شود کفایه را نسخ می‌کند.» معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص 403.).
استاد حکیمی سالها در لباس روحانیت بود، (حکیمی تا سال 1345، که در حوزه‌ی مشهد بود، کسوت روحانیت داشت، اما لباسش را سنگین نکرده بود. به جای قبا یک پالتوی ساده می‌پوشید و عمامه‌اش به دستار شبیه بود.) اما هرگز روحانیت را حرفه‌ی خود نکرد. زیرا پس از آنکه لباس روحانیت به تن کند، لباس زهد و اعراض به تن کرده بود. سرانجام در سال 1345، با رضایت استادش، شیخ مجتبی قزوینی، از حوزه و لباس روحانیت بیرون آمد، اما همواره نگاهش به حوزه است و مخاطبش، نسلهای جوان.
حکیمی جوان، در حوزه علمیه‌ی خراسان، در محضر استادانی زانو زد که، همه و همه، پروا پیشه بودند و از دنیا رسته و پشت کرده به جاه و مقام. هر یک، جهانی در گوشه‌ای بودند و همنشین خدا (گفته‌اند: «رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند»، اما از این برتر هم در امکان است و می‌توان گفت رسد آدمی به جایی که همنشین خدا شود. این، ادعایی از جانب انسان نیست، بلکه ارتقایی است که خداوند به آدمی ارزانی داشته و فرموده است: انا جلیس من ذکرنی.) و خدازی («خدازی»، از ساخته‌های استاد حکیمی است و آن را معادل کلمه‌ی «متأله» نهاده و در توضیح آن نوشته است: «انسانی که در شناخت خدا و توجه به خدا و عبادت خدا غرق است؛ برای خدا هست و برای خدا زندگی می‌کند...» خورشید مغرب، ص 192. به عبارت دیگر، خدازی کسی است که ترجمه‌ی این آیه باشد: قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین. سوره‌ی انعام (6)، آیه‌ی 162.) و به دور از تعلقات دنیوی و مرید بازی و آقا منشی و اشرافیگری علمی. استاد حکیمی، حکایتهایی از مشی و منش ساده و مردمی آنان نقل می‌کند که امروزه افسانه و مثل شده است و مانند آنها را در کتابهای گذشتگان می‌توان یافت. (شرح حال شماری از این استادان در کتاب مکتب تفکیک آمده است.).
از میان آن استادان، آنکه بیش از همه بر حکیمی تأثیر گذاشت و در معماری شخصیت علمیش نقش داشت، شیخ مجتبی قزوینی بود. وی، به گفته‌ی استاد حکیمی، یکی از سه رکن مکتب تفکیک (مکتب تفکیک به نظریه‌ای گفته می‌شود که قائل به تفکیک دین از فلسفه و عرفان است. شرح آن بیاید.) در قرن چهاردهم هجری بود و صاحب کشف و کرامات و مشرف شده به آستان حضرت ولی عصر - عج - و داری اخلاق باطنی و

اهل عبادات و ریاضات و مسغرق در خلسات. (برای تحقیق بیشتر درباره‌ی وی رجوع شود به: محمد علی رحیمیان، متأله قرآنی شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، مقدمه‌ی محمد رضا حکیمی (چاپ اول: قم، انتشارات دلیل ما، 1382).) حکیمی دوازده سال از محضر او درس آموخت، اما چهل سال است که به مکارم اخلای او رطب اللسان است و هنوز خود را مرید وی می‌داند.
استاد حکیمی در کتاب خورشید مغرب، از چهار تن از متقدمان و چهار تن از معاصران یاد کرده است که به محضر آن حضرت مشرف شدند. چهار فرد اخیر عبارتند از: سید موسی زر آبادی (م 1353 ق)، میرزا مهدی اصفهانی (م 1365 ق)، شیخ علی اکبر الهیان (م 1380 ق) و شیخ مجتبی قزوینی (م 1386 ق). (ر.ک: خورشید مغرب:، ص 205.) از این چهار تن، دو فرد اخیر، استاد حکیمی بودند و دو فرد نخست، استاد استادان او.
به هر رو، حکیمی در محصر استادانی زانوی ادب زد که، به یافت او، به محضر حضرت ولی عصر - عج - حضور یافته بودند. از این روست که وی، شاهکار خویش را (جلد سوم تا ششم الحیاة (کتاب مزبور، تألیف استاد حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، از دانشوران حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان، است. این کتاب همواره به استاد نسبت داده می‌شود و ما نیز در کتاب حاضر، برای رعایت اختصار، گاه چنین کرده‌ایم؛ اما به گفته‌ی استاد، الحیاة «تألیف مشترک» است.)، به این چهار چهره تقدیم و از آنان چنین یاد کرده است: «عالمان بزرگ ربانی»، «متألهان سترگ قرآنی»، «سره سازان معارف وحیانی»، «پیرایندگان بنیادهای تعقل قرآنی»، «متعقلان ژرفکاو» و «مربیان تأثیر آفرین». (ر.ک: ترجمه‌ی الحیاة، ج 3، ص 4-3.
گفتنی است از آنجا که ترجمه‌ی الحیاة را استاد حکیمی، با دقت بسیار، ویراسته و با متن آن تطبیق داده، در سراسر این کتاب بدان ارجاع داده شده است. به هر حال، ترجمه‌ی الحیاة، اعتبار اصل کتاب را دارد و، مضافا اینکه، گاه مطالبی افزون بر اصل، به خامه‌ی استاد حکیمی، در آن آمده است.).
هنگامی که حکیمی مدارج عالی علمی را در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد گذراند، دو راه در پیش داشت: یا مانند دیگر همدرسان خود در حوزه بماند و به تدریس فقه و اصول بپردازد و، النهایه، سر از مرجعیت در آورد، و یا اینکه پلی از حوزه به جامعه و جوانان بزند و خوراک فکری برای آنان فراهم آورد و، النهایه، به آنجا برسد که اینک رسیده است.
گذشت که استاد حکیمی، مانند همدرسان خود، در حوزه نماند و پلی از حوزه به جامعه زد و، به عبارت خویش، «هجرت الی التکلیف» کرد. وی در خرداد 1345، هنگامی که از سی سالگی گذشته بود، از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تهران آمد، و در واقع، از همه‌ی القاب و مقامات و مزایا و عناوین

حوزه چشم پوشید.
استاد حکیمی از سال 1345 تا 1357 در چند مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی در تهران، از جمله بنیاد فرهنگ ایران، شرکت سهامی انتشار و مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، اشتغال داشت. (برخی از همکاران حکیمی در انتشارات فرانکلین عبارت بودند از: احمد آرام، احمد سمیعی گیلانی، ابوالحسن نجفی، نجف دریابندری، جهانگیر افکاری، اسماعیل سعادت، عبدالمحمد آیتی، غلامعلی حداد عادل و عبدالحسین آذرنگ. کریم امامی، از مسؤولان این انتشارات، در مصاحبه‌ای گفته است: برخی از کارکنان فرانکلین کسانی بودند که به علت فعالیتهای سیاسی به زندان رفته بودند و در سازمانهای دولتی نمی‌توانستند شاغل شوند. مؤسسه‌ی فرانکلین این افراد را می‌پذیرفت و ساواک هم تقریبا راضی بود که اینها در فرانکلین مشغول به کار شوند. زیرا می‌خواست در جایی کار کنند که آمد و رفت و روابطشان زیر نظر باشد. یکی از کسانی که تحت نظر ساواک بود، آقای محمدرضا حکیمی بود. عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی (به کوشش)، «سلسله گفت و گوها پیرامون نشر ئو فرهنگ»، بخارا (شماره‌ی 22-21، آذر ذ اسفند 1380)، ص 157.) او، بدرستی و از سر اجتهاد، تشخیص داده بود که باید در مؤسسه‌های فرهنگی داخل شد و تا آنجا که می‌توان «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.» همچنین محض احتیاط و برای اطمینان بیشتر، از دو مرجع تقلید (آیت الله خمینی و آیت الله خوئی)، اجازه گرفت. پس از چند سال فعالیت هم که می‌خواست کناره بگیرد، با استاد مطهری مشورت کرد و او نه تنها کناره‌گیری را صلاح ندانست، بلکه «حرام» شمرد. بدین ترتیب با اطمینان بیشتر به کار مشغول شد و در آن مدت با صتحیح محتوایی شماری آثار و تعلیقه نگاری بر چند کتاب مهم، ضمن کار اداری، «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.»
همکاران حکیمی در آن مؤسسه‌ها، او را یک روحانی بی عمامه می‌دانستند که بر نمی‌تابد کتابی منتشر شود و کلمه‌ای خلاف دین در آن باشد. به گفته‌ی یکی از همکاران او در انتشارات فرانکلین: «محمدرضا حکیمی همه‌ی دانش و تجربه‌ی خود را معطوف به این می‌کرد که هیچ اصلی از اصول اسلام نقض نشود و نکته‌ای خلاف واقع در نوشته نباشد.»
در خود ذکر است که تدریس استاد حکیمی در دانشگاه تهران، در دوره‌ی دکترای ادبیات، از سال 1355 تا 1357، و بنا به دعوات دکتر عبدالحسین زرین کوب بود. در آغاز در حدود سی نفر در این دوره ثبت نام کردند؛ اما دیری نگذشت که بیش از سیصد نفر در کلاسهای استاد حضور می‌یافتند. وی برای نخستین بار به جای متونی چون تاریخ ابن خلکان، که رایج بود، نهج البلاغه را متن درسی قرار داد. استقبال دانشجویان از این کلاس و مرعوبیت ساواک از این ازدحام، منجر بدان شد که با دخالت پلیس و

ساواک، تعطیل شود.
همچنین گفتنی است که استاد حکیمی، در پی هجرت تکلیفی از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، به جرم فعالیت علیه رژیم شاه، در سال 1345، چند بار در وی و مرند و سلماس و ارومیه بازداشت و زندانی شد. وی آخرین بار در سال 1357 دستگیر و در کمیته‌ی تهران زندانی گردید.
در آثار حکیمی، تا سال 1357 (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، بیشتر از قیام و پیکار سخن رفته و از موضوعات دیگری هم که سخن گفته شده، قیام و پیکار نتیجه گیری و بدان دعوت شده است. (از جمله رجوع شود به: فریاد روزها، سرود جهشها، بیدارگران اقالیم قبله و امام در عینیت جامعه.) آهنگ و جهت کلی کتابهای او، تا آن تاریخ، «قیام» است و گفته‌ها و نوشته‌های دیگر مقدمه و زمینه و برای آن است. اما از سال 1357 بدین سو، آهنگ و جهت کتابهای حکیمی تغییر کرد و به «قسط» تبدیل شد. (از جمله رجوع شود به: کلام جاودانه، قیام جاودانه، جامعه سازی قرآنی و الحیاة (بویژه جلد سوم تا ششم).) وی از آن هنگام همواره از قسط سخن گفته و سخنهای دیگر را همچون مقدمه‌ی آن قرار داده و، در واقع، قسط را ترجیع بند سخنان خود ساخته است. بنابراین چکیده‌ی همه‌ی نوشته‌های حکیمی و آهنگ و پیام آن، در یک عبارت، عبارت است از: «قیام به قسط».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

حلی، ابوالقاسم، نجم الدین جعفر

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(علامه) ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن بن یحیی معروف به محقق اول یا محقق حلی، از بزرگان فقیهان شیعه (ف. 676 ه.ق.). وی معاصر نصیرالدین طوسی بود و از او و پدر خویش اجازه گرفت. از تألیفات او شرایع الاسلام، نافع، معتبر، مسالک (در اصول دین)، نکت النهایة (شرح نهایه شیخ طوسی)، معارج (اصول فقه)، تنبیه (منطق)، و نهج الاصول را باید نام برد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حمامی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدحسین بن سیدعلی بن سیدهاشم متولد 1298 و متوفی 1379 قمری از آیات باهرات و کبار علماء معاصر نجف و اهل فضل و کمال و تدقیق و از بزرگان دانشمندان و مراجع عراق و موصوف به طهاره ضمیر و صفاء قلب و معنویت و حسن سریره از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و غیره بوده است.
دارای آثار علمی به اسامی زیر می‌باشد.
1- المسائل النجفیه 2- تقریرات در فقه 3- تقریرات در اصول 4- حاشیه بر وسیله النجاه 5- هدیه المسترشدین.
از باقیات الصالحات ایشان دو فرزند عالم و فاضل برومند است که ذیلا می‌نگارم.
1- حجةالاسلام والمسلمین آقا سید محمدعلی متولد 1340 ق که عالمی فاضل و نویسنده‌ی مورخ از ائمه جماعت نجف اشرف و مانند والد ماجدش متصف به خصال حمیده و اخلاق جمیل و از مدرسین فقه و اصول حوزه علمیه است. از تالیفات او:1- تاریخ خلافه الاسلامیه 2- المطالعات فی مختلف المولفات 3- دیوان شعر می‌باشد.
2- حجةالاسلام والفاضل العلام آقاسید محسن متولد 1350 فاضلی جلیل و شاعر دقیق الطبع و اشعار زیادی از او در مجلات نجف به طبع رسیده از آثار اوست تقریرات دروس فقه و اصولش و دیوان شعر که از آنست.
دعونی احباء الفواد و مابیا
لعلی استوقی الشعور تناجیا
دعونی علی رسلی اثیر عواطفی
وخلوا اغادیدی تهزالنواديا
فانی قد ذویت و جدا حشاشتی
فارسلتها دفعا من العین قانیا
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حمدی، برهان‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، شاعر، محقق.
تولد: 24 ذیقعده سال 1323 ق. (1282)؛ سنندج.
درگذشت: 12 آذر 1366.
شیخ برهان‌الدین حمدی فرزند حاج شیخ عبدالمجید عرفان پس از ختم قرآن و خواندن کتاب‌های اخلاقی، دینی و ادبی فارسی، مقدمات علوم (صرف و نحو) را نزد پدر فراگرفت و سپس در محضر اساتیدی چون ملا صادق منبری، شیخ حبیب‌الله کاشتری (ادبیات عرب) و ملا عبدالعظیم مجتهد (علم حکمت و کلام) به تحصیل علوم پرداخت و سرانجام در سال 1312 به دریافت اجازه‌ی فتوا و اجتهاد و تدریس علوم اسلامی نایل گردید (این اجازه از طرف ملا محمد صادق نیری صادر شد و دو استاد دیگرش ملا عبدالعظیم کاشتری و شیخ حبیب‌الله کاشتری آن را تأیید کردند .) وی ابتدا در مسجد رشید قلعه بیگی (نزدیک بازار والی سنندج) به تدریس آموزش و پرورش درآمد و پس از سی و سه سال خدمت به سال 1348 بازنشسته شد. در این مدت ایشان در دبیرستان‌ها و دانشسراها مدرس ادبیات فارسی و عربی بودند. مدتی نیز ریاست دبیرستان شاهپور سنندج (شهید قصری فعلی) را که در آن زمان تنها دبیرستان شش کلاسه سنندج بود بر عهده داشت. وی همچنین اصول کلامی چون مواقف قاضی عضدالدین ایجی و شرح میر سید شریف جرجانی و بحث در تفسیر جلالین و بیضاوی را تدریس می‌کرد. بعدها قریب سه سال به ریاست اداره‌ی اوقاف کردستان منصوب شد. پس از رسیدن به بازنشستگی به دعوت هیئت امنای دانشگاه رازی در دانشکده‌ی تربیت دبیر سنندج به عنوان استاد فارسی برگزیده و مشغول گردید. ایشان کتابخانه‌ی خود را که شامل تعداد بسیاری از کتب نفیس خطی و چاپی بود به کتابخانه‌ی شهر سنندج واگذار نماید. ترجمه‌ها و تألیفات ایشان به شرح زیر هستند: ترجمه مشکوةالانوار امام محمد غزالی، ترجمه رسالة الطیر ابن سینا شامل رسالات «فلسفه نماز» و کتاب مرآت الفلسفه در یک جلد به نام فلاسفه و خداشناسی؛ مرآت الفلسفه طنطاوی؛ ترجمه‌ی رساله‌ی حی بن یقضان ابن سینا؛ شیخ اشراق و ابن طفیل؛ ترجمه‌ی عقاید نسفی؛ ترجمه‌ی متسطاب الاربعین فی اصول الدین امام محمد غزالی. آثار چاپ نشده‌ی وی عبارتند از: ترجمه‌ی قصائد سه گانه: لامیه‌ی العرب شنفری و لامیة العجم طغرایی

و لامیة الکرد عرفان از: حاج شیخ عبدالحمید (پدر برهان‌الدین حمدی)؛ ترجمه‌ی قصیده‌ی «بانت سعاد کعب ابن زهیر» و چند رساله دیگر.
شیخ برهان‌الدین حمدی روز دوشنبه دوازدهم آذر 1366 به سبب بیماری معده و روده و ضیق‌النفس جان سپرد.
جنازه‌ی وی در قبرستان تایله سنندج در جوار اقوامش دفن گردیده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حویزی اصفهانی، قوام‌الدین جعفر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1115 ق)، فقیه امامی، مفسر اخباری و متکلم. اصلا از حویزه بود و در کمره مولد شد و در اصفهان مسکن گزید. علم حدیث و اخبار را از محمدتقی مجلس فراگرفت و در علوم معقول و منقول از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری و محقق سبزواری بود. سید صدر قمی شارح «وافیه» و محمد اکمل بهبهانی، پدر علامه وحید بهبهانی، نیز از شاگردان صاحب عنوان بودند. وی در تمامی عمر شیخ‌الاسلام و قاضی اصفهان بود به همین جهت در میان علماء به شیخ جعفر قاضی شهرت یافت. او داماد محقق خوانساری بود. از آثار وی: «اصول‌الدین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «الروضه البهیه»؛ «ذخائر العقبی»، در تعقیبات نماز؛ حاشیه بر «کفایه» محقق سبزواری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (115 -114 /4)، الذریعه (6/10، 93 -92 /6)، روضات الجنات (192 -188 /2)، ریحانه (87 -85 /2)، معجم المولفین (141 -140 /3).

حویزی، عبدالعلی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1065 ق)، فقیه، محدث، مفسر، ادیب و شاعر امامی. معروف به عبدالعلی عروسی. در حویزه متولد شد و در شیراز ساکن. وی استاد سید نعمت‌اللّه جزایری و معاصر شیخ حر، عاملی و علامه مجلسی است. از آثار وی: شرح «لامیه العجم» طغرایی؛ «نورالثقلین»، تفسیری روایی از قرآن، در چهار مجلد؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (366 -365 /24، 690/9)، روضات الجنات (27 -25 /5)، ریحانه (124/4، 89/2)، فوائد الرضویه (237)، معجم المولفین (265/5).

حویزی، کرم اللّٰه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1154 ق)، فقیه، عالم و نویسنده امامی. اصل وی از حویزه یا هویزه خوزستان بود. علم را در خدمت عمو و پدرزنش، عبداللّٰه بن کرم اللّٰه، آموخت. وی عالمی ارجمند و از بزرگوارترین پرهیزکاران و گرامی‌ترین هوشمندان بود. کرم اللّٰه شیخ‌الاسلام شهر خود بود. او در نزدیکی خرم‌آباد درگذشت و در حویزه به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (29/9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 614/12)، مکارم الاثار (53/1).

خاتمی اردکانی، روح‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا روح‌الله خاتمی اردکانی از علماء عصر اردکان دارای مقام علم و عمل و تقوا میباشد، معظم له در اردکان متولد شده و پس از خواندن ادبیات در یزد و اردکان باصفهان آمده و سطوح عالی و مسائل و مکاسب و غیره را نزد علماء اصفهان خوانده و مهاجرت بقم نموده و چندین سال از محضر مؤسس حوزه آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی طاب‌الله ثراه استفاده نموده آنگاه باردکان مراجعت و باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام سیدالمرسلین علیه و علی آله صلوات المصلین و وظائف دینی و روحی پرداخت. وی والد حجه‌الاسلام والمسلمین خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران است.
مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان.
تولد: 10 رمضان 1324 ق.، اردکان.
درگذشت: 10 آبان 1367.
آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی دوران طفولیت در اردکان طی کرد، همان جا به مکتب رفت و تا سیزده سالگی فارسی و عربی را آموخت. سپس در سال 12342 ق. به اصفهان رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی آن شهر به تحصیل مشغول شد. از جمله اساتید ایشان در این مرحله حاج میرزا علی آقای شیرازی و شیخ محمد خراسانی و در فقه و اصول به ترتیب آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی، آقا سید علی نجف‌آبادی و ایت‌الله رحیم ارباب بودند. در سال 1354 ق. از اصفهان به اردکان بازگشت. آیت‌الله خاتمی قصد داشت به نجف برود که مقدور نگردید. با شروع جنگ جهانی دوم، ایشان به همراه عده‌ای طلبه دیگر مدرسه‌ای را در اردکان ترمیم کردند که به تدریج به حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان تبدیل شد.
(ح 1367 -1285 ق)، عالم دینی. در خانواده‌ای روحانی در اردکان به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، پس از آن برای تکمیل تحصیلات خود به اصفهان رفت و از محضر اساتیدی چون حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج رحیم ارباب، حاج سید علی نجف آبادی و سید محمد نجف‌آبادی بهره‌ها گرفت و چندین سال در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حایری یزدی در قم کسب فیض کرد. سپس به اردکان بازگشت و به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت و در این شهر تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. از آثار وی «آیینه‌ی مکارم» است.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (25 -24)، کیهان فرهنگی (س 5، ش 9، ص 63)، گنجینه‌ی دانشمندان (67 -66/ 3 ،291/ 1).

خاتمی بروجردی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدرضا بن العالم الجلیل و الزاهد النبیل حاج شیخ حسن خاتمی بروجردی از علماء مبرز معاصر شهر ری و اصدقاء این نویسنده است. وی در سال 1341 قمری در بروجرد متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و اولیات و مقدمات را در بروجرد خوانده و به قم آمده و با آشنائی و رفاقت با مرحوم والدش حدود دو سالی در قم با این نویسنده محشور و مأنوس بوده و قسمتی از سطوح وسطی را نزد حقیر و دیگران خوانده و در ماه ذی القعده الحرام 1361 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر اساتید بزرگ چون آیت‌اللّه حاج شیخ غلامحسین اردبیلی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی (صاحب تقریرات) استفاده نموده و در مدت کوتاهی در اثر استعداد ذاتی و مطالعه و زحمت گوی سبقت از اقران ربوده و بدرجه سامیه اجتهاد رسیده و از آیات عظام نجف و قم چون مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حجت مفتخر به اجازه اجتهاد گردیده و در سال 1365 قمری مراجعت به ایران و قم نموده و مدت سه سالی در قم بتدریس فقه و اصول پرداخته و در سال 1370 قمری بنابر استدعاء این حقیر برای تدریس مدرسه علمیه برهانیه شهر ری منتقل باین شهر شده و تا هم‌اکنون بتدریس و اقامه جماعت و تبلیغات دینی اشتغال دارد.
مرحوم والدش حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن کمره‌ای خاتمی از علماء محترم بروجرد و دوستان خالص حقیر بود و محبت تامی نسبت به این کمترین داشت ذکرش در علماء بروجرد گذشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خاتون آبادی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
برادر ایشان: مرحوم حاج میرزا ابوالفضل خاتون‌آبادی، عالم زاهد مقدس، و فقیه جامع، مدرس مدرسه‌ی ملا عبدالله، و امام جماعت در آن مدرسه و مسجد ساروتقی در بازار، و مورد وثوق و اعتماد قاطبه‌ی اهالی اصفهان بود، و در شب دوشنبه 11 رمضان المبارک 1388 در طهران وفات یافته، جنازه با احترامات لازمه به قم منتقل شده، در آن ارض اقدس مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون‌آبادی اصفهانی، محمدحسین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1151 ق)، فقیه، محدث، مفسر، شاعر و خطاط. وی دخترزاده‌ی علامه مجلسی است و از پدر خود که شاگرد خاص میرعماد بود و نیز از آقاجمال خوانساری کسب علوم کرد. او منشی زبردستی بود، و انواع خطوط را نیکو می‌نوشت. سرانجام در اصفهان درگذشت و جنازه‌اش را به مشهد منتقل کردند. در «تاریخ اصفهان» تالیفات چندی از جمله «نجم الثاقب» بدو نسبت داده شده در حالی که در «الذریعه» این کتاب از جمله کتب پدر وی قلمداد شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (678/3)، الذریعه (69/24).

خاجویی اصفهانی، اسماعیل

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1173 ق)، فقیه امامی. اصل وی از مازندران بود و در محله‌ی خاجو از محلات اصفهان سکونت داشت. ملا اسماعیل عالمی جامع و حکیمی بارع، که به اخلاق حمیده موصوف بود. خاجویی با نادرشاه افشار معاصر و از شاگردان ملا مهدی نراقی، آقا محمد بیدآبادی و میرزا ابوالقاسم مدرس اصفهانی بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی تخت فولاد دفن شد. از آثار وی: «ابطال الزمان الموهوم»؛ «الامامه»؛ «بشارات الشیعه»؛ «تحقیق الغناء و عظم اثمه»؛ «تحقیق ما لایتم فیه الصلوه»؛ «تعیین عیدالنوروز»؛ «جامع الشتات فی النوادر و المتفرقات»؛ «الجبرو التفویض»؛ حاشیه بر «آیات الاحکام» اردبیلی؛ حاشیه بر «اربعین» شیخ بهایی؛ «رد صوفیه»؛ «فوائد الرجالیه»؛ «هدایه الفواد الی احوال العباد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (325/1)، اعیان الشیعه (403 -402 /3)، الذریعه (186/25، 60/5، 112/3، 70 -69 /1)، روضات الجنات (128 -123 /1)، ریحانه (105/2)، الکنی و الالقاب (200/2)، لغت نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم المولفین (391/2)، هدیه العارفین (221/1).

خادم‌الشریعه دزفولی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدحسین دزفولی از علماء اعلام و دانشمندان کرام حوزه علمیه عالمی عادل و زاهدی فاضل و از قدماء حوزه علمیه است که در حدود سال 1325 قمری در دزفول مسقط الراس شیخنا الانصاری تولد یافته و پس از رشد و طی مقدمات و پایان سطوح چندی از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضای معزی دزفولی استفاده نموده و در زمان مرحوم آیت‌الله حایری به قم مهاجرت و به درس آن مرحوم حاضر شده و پس از فوت وی به حوزه درس مرحوم آیت‌الله حجت رحمه‌الله شرکت نموده.
و اعتقاد مخصوصی مانند مولف به مقام علمی و تحقیقات معظم‌له دارد که غالبا وی را به عظمت یاد می‌کند و از محاضر آیات دیگر چون آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر هم کسب فیض نموده و بالغ بر 18 سال هم از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده کرده و اکنون به مباحثات و مطالعات و توسل به اهل‌بیت علیهم‌السلام و دوام ذکر اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خادمی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1319 ق.، اصفهان.
درگذشت: 1363، اصفهان.
آیت‌الله سید حسین خادمی پس از فراگیری مقدمات، برای تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار و سالی چند در حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا به تحصیل پرداخت و بعدا به اصفهان مراجعت نمود. ایشان رئیس حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود. از آثار اوست: رهبر سعادت یا دین محمد (ص) (تهران، 1318).
حاج آقا حسین خادمی یکی از مراجع بزرگ علمی اصفهانست که در روز جمعه سوم شعبان 1319 قمری متولد شده و تا 13 سالگی دوره ابتدائی را فرا گرفته و سپس بتحصیل علوم دینی پرداخته و کتب مقدمات را نزد مرحوم حاج شیخ علی یزدی و آقا میرزا اردستانی و آقا میرزا احمد اصفهانی و رسائل محقق انصاری را نزد مرحوم آخوند ملا عبدالکریم جزی و حاج میرزا سید علی نجف آبادی و سطح کفایه را خدمت مرحوم آیه‌الله سید محمد نجف‌آبادی خوانده و دروس عالی و رشته خارج فقه و اصول را از مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی استفاده کرده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر درس مرحوم آیه‌الله آقا میرزا حسین نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌برداری کافی نموده و در فن کلام و بحث مذاهب از آیه‌الله آقا شیخ جواد بلاغی استفاده کرده و رجال و درایه را از مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوتراب خونساری بهره‌مند شده و بمراتب عالیه علمی ارتقاء یافته و بوطن خود مراجعت و تا حال حاضر بافاده و افاضه تدریس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اصفهان و اقامه جماعت پرداخته است.
آثار قلمی ایشان از این قرار است:
1- بحث خاتمه برائت و استصحاب و تعادل و تراجیح و از اول مباحث الفاظ تا مقدمه واجب در اصول.
2- لباس مشکوک تا قواطع صلوه.
3- رساله در عدم ارث زوجه مطلقا از غیرمنقول.
4- حواشی متفرقه در فقه کتاب طهاره و صلوه و زکوه مرحوم محقق همدانی و نیز حواشی بر کتب اصول.

5- رهبر سعادت (جلد اول).
6- رهبر سعادت جلد دوم.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خادمی، شمس‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید شمس‌الدین خادمی اصفهانی ملقب به ابوالمعالی برادر ارجمند آیت‌اللّه عالم ربانی آقای حاج آقا حسین خادمی رئیس حوزه علمیه اصفهان و یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر اصفهان می‌باشند والد این دو بزرگوار مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه از علماء طراز اول عصر خود فرزند آیت‌اللّه آقا سید صدرالدین موسوی است که در منتهی‌الآمال محدث قمی مذکور و با 34 واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهاالسلام منتهی می‌شود.
مترجم ما در سال 1316 قمری متولد شده و در هفت سالگی پدر را از دست داده و در حمایت و کفایت والده ماجده‌اش پرورش یافته و دروس فارسی و مقدماتی عربی را در مدرسه علمیه اصفهان تحصیل نموده و به مدرسه صدر وارد گردیده و شرح لعمه و قوانین را نزد مرحوم آقا شیخ علی یزدی و مرحوم آقا سید احمد اصفهانی در مدرسه نیم‌آور تحصیل نموده فرائد و جواهر را از مرحوم آیت‌اللّه حاج میر محمدصادق میرعمادی استفاده نموده و کفایه را نزد مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد نجف‌آبادی تلمذ نموده و قسمتی از حکمت را نزد مرحوم آق سید محمدعلی تویسرکانی خوانده و هم از مرحوم آیت‌اللّه آق شیخ عبدالکریم جزی و آیت‌اللّه ملاحسین فشارکی بهره‌مند شده سپس مهاجرت به نجف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی استفاده نموده و بعد مراجعت به اصفهان و به واسطه عارضه کسالت درد چشم از ادامه تحصیل مانده و به اقامه جماعت و خدمات دینی تا کنون اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خارزنجی نیشابوری، یوسف

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 445 ق)، فقیه شافعی. وی اهل خارزنج از روستاهای نیشابور بود. در نیشابور کلام و اصول فقه را از اصحاب ابوعبداللّٰه حاکم نیشابوری آموخت سپس به درس جوینی رفت و آمد کرد. پس از آن از زادگاهش به مرو سفر کرد و در آنجا نزد ابوالمظفر سمعانی و ابومحمد عبداللّٰه بن علی صفار دانش آموخت، سپس به نیشابور بازگشت و کتابی در بیست قسم از علوم تالیف کرد، خارزنجی به بغداد نیز رفت و در آنجا از ابواسحاق شیرازی حدیث شنید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم البلدان (385/2)، معجم المولفین (293/13)، هدیه العارفین (551/2).

خاقانی، سلمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب، محقق.
تولد: 1332 ق، سوق الشیوخ (از شهرهای ناصریه عراق).
درگذشت: 24 بهمن 1366، قم.
آیت‌الله شیخ سلمان خاقانی، فرزند شیخ عبدالحسین آل خاقانی، پس از طی دوران کودکی در زادگاه خود در سال 1345 ق. جهت تحصیل به نجف اشرف هجرت نمود و در حوزه‌ی آن شهر تحصیلات خود را شروع کرد. نخست درسهای مقدماتی نظیر صرف و نحو منطق، معانی و بیان و سطوح اصول را نزد برادر بزرگ خود شیخ عبدالمنعم خاقانی فراگرفت. سپس مراحل عالیه‌ی تحصیلات خود را آغاز نمود و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله محمدحسین اصفهانی، آیت‌الله محمدجواد بلاغی، آیت‌الله محمدعلی کاظمینی، آیت‌الله باقر زنجانی و آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی استفاده نمود.
آیت‌الله خاقانی فعالیت‌های فرهنگی- ادبی خود را از سنین جوانی آغاز کرد. در آغاز این فعالیت‌ها از حرکت‌هایی مانند تأسیس انجمن «منتدی النشر) و انجمن «رابطة الادبیه» و بالاخره «کلیه الفقه» و تأسیس مجله‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی مانند «البیان» «النجف» و غیره بود که توسط افرادی مانند سید هبةالدین شهرستانی و شیخ محمدرضا مظفر و دیگر نویسندگان و متفکران آن روز نجف تشکیل شده بود. آیت‌الله خاقانی در بسیاری از این امور شرکت می‌جست.
هنگامی که آیت‌الله امین عاملی حرکت اصلاح طلبانه خود را برای تنزیه عزاداری‌ها و مجالس سوگواری اباعبدالله الحسین (ع) از شوائب وارده و زوائد منافی با شرع و دین اعلان نمود، ایشان به همراه دوستان خود به دفاع از این حرکت پرداخت.
آیت‌الله خاقانی در سال 1375 ق. پس از درگذشت پدرش که از علما و ائمه‌ی جماعت خرمشهر بود در این شهر سکونت گزید و نزدیک به سی سال به ارشاد و هدایت مردم و دستگیری از مستمندان پرداخت. شهرت و آوازه او از ایران به عراق به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس رسید و در آنجا نیز مریدانی داشت.
آیت‌الله خاقانی در طرفداری از وحدت اسلامی کوشا بود و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی

و پشتیبانی از دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه در قاهره انجام داد. لیکن در عین حال از مدافعان تشیع و مذهب اهل‌بیت (ع) بود و همواره با قلم خود از این مکتب دفاع نمود.
کتاب‌هایی که از ایشان بر جای مانده عبارتند از: طریق المعرفة، در اعتقادات که مکررا در عراق و بیروت به چاپ رسیده است، مع الخطوط العریضة لمحب الدین الخطیب؛ بین‌الحق و الباطل؛ السنة و الشیعه فی المیزان کتابی در رد گفته‌های احسان ظهیرالهی؛ دیوان شعر (گفته می‌شود این کتاب در جریان دفاع مقدس از میان رفت).
خانه‌ی وی در این خرمشهر قرار داشت. در روزهایی که این شهر مورد تجاوز عراق قرار گرفت، خانه او پناهگاه آورگان بود. در آن روزها مردم را به مقاومت دعوت می‌نمود لیکن بعدها که خانه‌ی او هدف مستقیم توپ‌ها و خمپاره‌های عراق قرار گرفت مجبور به ترک دیار گشته و چندی در اهواز و سپس در قم مستقر شد. در گیراگیر جنگ نه تنها خانه‌ی او را غارت شد بلکه اموال مسجد او را نیز به تاراج بردند. قسمتی از کتابخانه‌ی نفیس او به یغما رفت و در بصره به حراج گذاشتند و قسمت دیگر آن، مدت‌ها در زیر خاک‌ها مدفون بود و پس از آزادی خرمشهر به قم منتقل گشت. در این جریان قسمتی از دست نوشته‌ی او از جمله دیوان اشعارش از میان رفت.
آیت‌الله خاقانی به عربی شعر می‌سرود، به ویژه در مدح پیامبر (ص) یا معصومین (ع).
آیت‌الله پس از هفتاد و شش سال زندگی، بالاخره در شب بیست و چهارم بهمن 1366 (برابر با بیست و پنجم رجب 1408 ق.) درگذشت و پس از مراسم تشییع، در یکی از حجره‌های صحن اتابکی حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خالدی نقشبندی، فاطمه

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
1286 -1241 ق، از زنان فقیه، ادیب و شاعر. وی دختر مولانا خالد ذوالجناحین شهر زوری است و در هوش و استعداد کم‌نظیر بوده است. او با ادبیات فارسی، عربی و کردی آشنا و دارای طبع شعر و فن نویسندگی و متمایل به طریقت نقشبندی بود. بسیای از زنان در دمشق از محضر او استفاده شریعت و طریقت کردند. فاطمه در سال 1280 ق به ازدواج یکی از بزرگان دمشق که از مریدان پدرش بود درآمد. در سال 1286 ق به سفر حج رفت و در همان سفر بود که در منی درگذشت جنازه‌اش را به مکه حمل کردند و در معلاه به خاک سپردند.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، 432 / 1.

خالصی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم مغفور آیت‌اللَّه حاج شیخ مهدی خالصی بن الشیخ حسن خالصی اصلا کاظمی مسکنا والخراسانی مدفناً از اکابر علماء و مجتهدین و افضال فقهاء بارعین و ناصرین دین مبین بود.
در ایام حکومت عثمانیه با جمعی از علماء مجتهدین مجاهده و از بین امثال و اقران به وظائف اسلامیه و شئون دینیه قیام و نهضت‌ها با حکومت عراقیه نمود و بدین‌واسطه کدورت شدیده بین آنان واقع و در شب سه‌شنبه دهم ذی‌القعده الحرام 1341 وی را گرفته و تبعید به حجاز نمودند و بعد از حج و زیارت حضرت رسول و ائمه بقیع علیهم‌السلام والصلوات بنابر دعوت دولت ایران به طرف بندر بوشهر متوجه و اهالی آن سامان باصنافهم استقبال و پذیرائی شایسته نموده و پس از ایامی به اصفهان و بعد به دارالعلم قم وارد و به علامتین اصفهانی و نائینی ملحق گردیده و پس از چندی از قم به خراسان عزیمت و در همه جا مورد استقبال و تجلیل دولت و ملت قرار گرفته و پس از ورود به مشهد قصد توطن نموده و به وظائف دینیه از اقامه جماعت و تدریس و افتاء و سایر شئون مرجعیت تا آخر عمر اشتغال داشت.
تولدش در پانزدهم ذی‌الحجة الحرام 1277 در کاظمیه واقع شده و در آنجا و نجف و سامری نزد اکابر فقهاء مانند میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و شیخ محمدحسین کاظمی تلمذ نموده زندگانی را بر خود حقیر و دنیا را موهون و در آن زهد اختیار فرمود حتی وجوهی که خدمتش می‌آوردند قبول نمی‌کرد اذن می‌داد که ببرید به مستحقین برسانید بالجمله مجسمه اخلاق فاضله قلیل‌الکلام و در اغلب اوقات متبسم «بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه» بود.
مؤلفات ارزنده‌ای دارد که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است فوت ایشان در روز دوازدهم شهر رمضان 1343 قمری در مشهد مقدس واقع گردید و بعد از تشییع عظیمی در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌السلام مدفون گردید.
پسری داشت برخلاف آن پدر بزرگوار به نام شیخ محمد خالصی‌زاده که عاق آن مرحوم و ائمه مرحوم علیهم‌السلام بود به توسلات و امور معنوی و معجزات ایمان نداشت نسبت به بسیاری از بزرگان فقهاء شیعه و مراجع و کسانی که با عقاید و مبانی وی توافق نداشتند اهانت می‌کرد نماز جمع را

واجب عینی می‌دانست و تکفیر می‌کرد مخالفین آنرا.
نگارنده در کاشان با او مناظراتی داشتم و صریحاً به وی گفتم که وهابی مسلکی نفی نکرد گفت من شفاعت را قبول دارم ولی این توسلات را شرک می‌دانم گفتم وهابی معتزلی هستی، خلاصه نه شیعه شیعه نه سنی سنی، در کاظمین و ایران مرام مخصوصی در میان عده‌ای گذارد و بعضی را از اهل‌بیت پیغمبر صلی اللّه علیهم اجمعین منحرف نمود و ائمه معصومین علیهم‌السلام را در نظر آنان کوچک کرد و جداً نسبت به ذوات مقدسه آن اوصیاء کرام و امامان واجب الاحترام علیهم صلوات الملک العلام مقصر بوده از مصادیق این مأثوره بود که (والمقصر فی حقکم زاهق) محمد بن ادریس شافعی که از ائمه ضلال است درباره این خاندان گوید:

یا اهل‌بیت رسول‌اللّه حبکم
فرض من اللّه فی القرآن انزله
یکفیکم فی عظیم القدر انکم
من لم یصل علیکم لا صلوة له

و نگارنده بدین ابیات متمثل گشته و می‌گویم یا اهل‌بیت النبوه صلی اللّه علیه و آله و سلم

الذ حیوتی وصلکم و لقاکم
و لست الذ العیش حتی اراکم
و ما استحسنت عینی من الناس غیرکم
و لا لذ قلبی یا حبیب سواکم
علی الراس والعینین جملة سعیکم
و من ذاالذی من فعلکم قد عصاکم
و ما انا مجنون علیکم باجمعی
و روحی و مالی یا حبیب فداکم
و ما غیر کم فی الحب یسکن مهجتی
و ان شئتم تفتیش قلبی فهاکم

مهدی بن العالم الجلیل شیخ حسن خالصی از اکابر مراجع تقلید و اعاظم فقهاء و مجتهدین مجاهد عصر خویش بوده.
وی در پانزدهم ذی الحجةالحرام 1277 در کاظمین متولد شده و در ذی‌قعده 1341 در مشهد وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

خامنه ای، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی فرزند برومند عالم ربانی و آیت سبحانی حاج سید جواد خامنه‌ای و سبط عالم زاهد و مفسر عابد آیت‌اللّه حاج سیدهاشم میردامادی نجف‌آبادی و رهبر انقلاب اسلامی پس از رحلت امام راحل آیت‌اللّه العظمی خمینی.
از افاضل دانشمندان حوزه علمیه مشهد مقدس و حوزه علمیه قم می‌باشند. معظم‌له در حدود سال 1350 قمری هجری در مشهد مقدس رضوی به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و دروس جدید را ابتداء خوانده آنگاه به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات را نزد مرحوم ادیب نیشابوری مدرس بزرگ مشهد آموخته و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید حوزه علمیه مشهد فراگرفته و پس از پایان کفایه و مکاسب به درس خارج آیت‌اللّه العظمی میلانی شرکت نموده و پس از آن به قم آمده و چندی از محضر آیت‌اللّه العظمی خمینی و آقای آیت‌اللّه محقق داماد و علامه طباطبائی استفاده نموده و در واقعه 15 خرداد چهل و دو در مشهد مقدس در اثر سخنرانیها بر علیه رژیم منفور طاغوتی دستگیر و زندانی شد و بعد از آن تبعید به زهدان و زابل گردید و مکرر گرفتار ساواک رژیم گذشته بوده است. معظم‌له در انقلاب جمهوری اسلامی به اتفاق دو هم سنگرش 1- مرحوم حاج سید عبدالکریم هاشمی نژاد شهید (باجناق نگارنده) 2- حاج شیخ عباس واعظ طبسی تولیت آستان قدس رضوی نقش موثری در انقلاب استان خراسان بالاخص مشهد مقدس داشته است.
از مهرماه 1360 شمسی که به ریاست جمهوری اسلامی از طرف ملت غیور و انقلابی ایران انتخاب گردید تا بعد از رحلت امام (ره) در مدت هشت سال به خوبی از عهده این مسئولیت برآمده و خدماتی به انقلاب نمود.
در خاطر دارم یک هفته قبل از ارتحال امام با یکی از دانشمندان که سالها در هندوستان اشتغال به خدمات دینی و فرهنگ اسلامی و نشر معارف اهل البیت علیهم‌السلام می‌نمود و از مرتاضین هند خاطراتی داشت که حوادث و رویدادهای کشور عزیز ما را پیشگوئی کرده بود من جمله گفته بود که پس از درگذشت و رحلت رهبر کبیر انقلاب (سید علی) نامی از خراسان به جای ایشان خواهد نشست و رهبری انقلاب را پس از ایشان متعهد خواهد بود و شد آنچه پیش گوئی کرده بود.

جناب آقای خامنه‌ای بیانی شیوا و حاد و انقلابی دارد و مجموعه سخنرانیهای و خطابات ایشان چه در دوران ریاست جمهوری و چه در دوران رهبری جمع و تدوین گردیده و در روزنامه‌های کثیرالانتشار جمهوری اسلامی و اطلاعات و کیهان و رسالت و غیره منتشر شده و می‌شود.
آثار و تألیفاتی دارند که در اینجا یادآور می‌شوم:
1- نقش مسلمانان در آزادی هندوستان.
2- صلح امام حسن (ترجمه صلح امام حسن آل‌یاسین).
3- آینده در قلمرو اسلام (ترجمه المستقبل لهذا الدین سید قطب).
4- ادعاء نامه علیه تمدن غرب.
5- طرح کلی اندیشه اسلامی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خان برومند، حیدر علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از افراد صاحب نام دیگر این خاندان در گز و منطقه اصفهان دانشمند محترم مرحوم حاج حیدر علی خان برومند المفتقر الی الله متولد به سال 1293 و متوفی به 1379 ه. ش است که نامبرده کوچکترین فرزند مرحوم حاج عبدالغفار خان برومند جزی معروف به حاج نایب و نواده پسری مرحوم حاج محمدحسین خان برومند معروف به حاج سلطان جزی و نواده دختری مرحوم محمدرضاخان برومند (سرتیپ گزی) بوده که تحصیلات اولیه خود را در سن 6-8 سالگی در محل ودر مکتب مرحوم ملامهدی بکائی جزی و سایرین در حدود سالهای 1300 تا 1305 هجری شمسی و در محل مسجد جامع گز برخوار آموخته و بعداً جهت ادامه تحصیلات به اصفهان مدرسه قدسیه وارد شده و مقدمات حساب وهندسه و ریاضیات را نزد مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی مدیر مدرسه مزبور فرا گرفته و جهت ادامه تحصیلات حوزوی در مدارس صدر بازار و نیم آورد که در آنزمان از مراکز علمی حوزوی و علوم قدیمی بوده وارد و مشغول فراگیری بطوریکه دروس صرف و نحو- انموزج و صمدیه- سیوطی و شرح نظام را در محضر میرزا حسن قدسی و ادامه سیوطی را در کلاس درس مرحوم آخوند ملامحمد علی حبیب آبادی و بعدها مغنی و مُطَوَل و شرح لمعه را نزد مرحوم آقا شیخ علی مدرس یزدی و معالم و قوانین از تقریرات شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج ملا حسن دولت آبادی و متاجر را نزد مرحوم سید مهدی درچه‌ای و تشریح الاصول را نزد سید مرتضی خوانساری و کفایةالاصول و قسمتی از متاجر را نزد سید محمد نجف‌آبادی و فلسفه و معقول و قسمتهائی از درس خارج فقه را نزد حاج سید علی نجف‌آبادی و شیخ محمدرضا نجفی غروی و اصول فقه را نزد محمد صادق یزدآبادی و فلسفه را نزد مرحوم شیخ محمد حکیم خراسانی که همگی از جمله فقیهان و مدرسان مبرز علوم و معارف اسلامی عصر خویش بوده‌اند آموخته و خود معلم و مدرسی گرانقدر گردیده است.
و از تالیفات ایشان تبیین و شرح فارسی کتاب طریق‌الرشاد فی شرح تجریدالاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی قدس سره که در فن کلام تحریر گردیده و هم چنین شرح کتاب کشف‌المراد العلامه حلی فی شرح‌التجرید که توأمان توسط کتابفروشی دین و دانش اصفهان در زمان حیات ایشان چاپ و در اختیار طلاب و علم پژوهان مشتاق قرار گرفته بوده است و

بدین ترتیب آن مرحوم خوداز مدرسین و دانشمندان و معاریف فقهای مقبول القول و معتمد و در زمره محققان و مدرسان و مؤلفان اخیر حوزه‌های علمیه اصفهان در مدرسه صدر بازار و مدرسه سلطانی چهارباغ بوده و در گسترش مبانی علوم و معارف اسلامی سعی و جهد بلیغ می‌فرموده و از اکابر علمای معاصر محسوب می‌شود.
آن مرحوم در سال 1379 در سن 86 سالگی بعلت کسالت و کهولت سن و استراحت در بستر دار فانی را وداع و به جوار رحمت حق پیوسته که امید است خداوند تعالی ایشان را مورد لطف و رحمت واسعه خویش قرار داده و در زمره خدمتگزاران دین حنیف و جامعه اسلامی اصفهان و ایران بپذیرد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

خجندی، ابوبکر، محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 483 ق)، فقیه شافعی. وی از خاندان مشهور خجندیان بود که در مرو مسکن داشت. خواجه نظام‌الملک او را به خاطر فضل و بلاغتش جهت تدریس در نظامیه‌ی اصفهان بدان شهر برد و خاندانش در آنجا شهرت و ریاست یافتند. خجندی در اصفهان جاه و مکنت عظیمی یافت. از آثار وی: «روضه المناظر و زواهر الدر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دایرةالمعارف فارسی (28/1)، سرآمدان فرهنگ (176/1)، کشف الظنون (932)، لباب الالباب (354)، لغت نامه (ذیل/ خجندی).

خرازی تهرانی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محسن خرازی تهرانی فرزند مرحوم حاج سید مهدی خرازی، از فضلاء حوزه علمیه قم و مدرسین و مروجین معارف اسلامی و مؤسس مؤسسه راه حق حوزه علمیه قم می‌باشند.
در سال 1316 شمسی برابر سال 1357 قمری (سال هجرت نویسنده این کتاب از تهران به قم) در تهران به دنیا آمده و در بیت سیادت و شرافت و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید در سال 1375 قمری برابر 1334 شمسی به تحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و دروس اخلاقی را در تهران از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و حاج شیخ احمد مجتهدی و آقا میردامادی و حاج میرزا علی آقای فلسفی خوانده سپس مهاجرت به قم نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین حوزه چون حاج شیخ رحمت‌اللّه فشارکی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج شیخ محمدشاه آبادی و حاج میرزا علی مشکینی و حاج شیخ علی‌اصغر فقیهی و حاج شیخ محمد کاظم معزی و حاج سید محمدباقر سلطانی به پایان رسانیده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام مرحوم محقق داماد و حاج آقاحسن فرید محسنی و حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی مخصوصا استفاده نموده و مورد توجه خاص معظم‌له گردیده است.
آثار علمی آقای خرازی
الف:
1- کتاب احیاء الموات فی شرح شرایع الاسلام که در سال 1396 قمری به طبع رسیده است.
2- حکمه حول نقض حکم الحاکم که در سال 1366 شمسی که در سه شماره نور علم چاپ شده.
3- حکمه حول العرف نیز در مجله التوحید شماره 34 چاپ شده است.
4- ولایت فقیه در زمان غیبت که در مجله کنگره آستان قدس به طبع رسیده است.
5- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری از اول بیع تا خیارات.
6- حاشیه بر دو جلد کفایه الاصول.
7- تعلیقه بر نکاح مستمسک العروه.

8- تعلیقه کتاب الهادی فی شرح شرایع الاسلام.
9- کتاب الربا فی شرح ملحقات العروه الوثقی.
10- کتاب الخمس فی شرح خمس العروه الوثقی.
11- کتاب الضمان فی شرح ضمان العروه الوثقی.
12- انواع و اشکال که خلاصه از آن در کتاب بازشناسی خبرهای تجاوز و دفاع به چاپ رسیده است.
13- انواع تشریح و احکام آن.
14- کتاب الاجتهاد و التقلید.
15- تعلیقه بر تعلیقه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی بر مکاسب و کفایه.
16- تعلیقه بر چند جلد از جامع المدارک.
17- شرکت در تدوین کتاب الحکومه الاسلامیه که توسط مؤسسه راه حق با همکاری گروهی از حجج و آیات جمع‌آوری و تألیف شده است.
18- پذیرش و تولی از ولی فقیه.
ب: اصول عقاید
91- بدایه المعارف الالهیه فی شرح عقاید الامامیه تألیف شیخ محمدرضا مظفر در دو جلد که توسط شوراء مدیریت حوزه به چاپ رسیده است.
20- نمونه‌ای از اصول حکمی عقلی- اعتقادی مستفاد از روایات امام کاظم علیه‌السلام
21- معاد این رساله فارسی برای دبیران استان مرکزی تهیه و تدوین شده و در سال 1362 شمسی به چاپ رسیده است.
22- تعلیقه بر شرح تجرید الاعتقاد قسمت الالهیات بالمعنی الاخص.
23- تعلیقه بر شرح باب الحادی عشر.
24- شرکت در تدوین و تنظیم کتاب اصول دین که توسط مؤسسه در راه حق با همکاری چند نفر از اساتید و فضلاء به چند زبان فارسی عربی- اردو- انگلیسی و غیره به چاپ رسیده است.
25- شرکت در تدوین کتاب بیان عقیدتی اسلامی که توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با همکاری جمعی از اعضاء جامعه برای تدریس در دانشگاههای کشور جمهوری اسلامی ایران تألیف گردید و توسط مرکز نشر دانشگاهی چند بار به چاپ رسیده است.
26- تعلیقه بر الهیات بمعنی الاخص منظومه حاجی سبزواری.
27- حاشیه بر قسمتی از درر الفوائد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی آملی.
د: اخلاق
28- چند مقاله درباره موضوع علم اخلاق که توسط مجله نور علم به چاپ رسیده است.
29- شرح خطبه المتقین به زبان عربی.

30- شرح رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام.
ه: اقتصاد
31- اقتصاد، حاشیه بر جلد دوم کتاب اقتصادنا مرحوم آیت‌اللَّه شهید صدر.
32- شرکت در بحث و جمع‌آوری کتاب التوازن فی الاقتصاد الاسلامیه که توسط مؤسسه راه حق و همکاری گروهی از حجج و آیات جمع‌آوری و تألیف شده است.
33- تأسیس مؤسسه در راه حق در سال 1344 -45 با همکاری عده‌ای از اساتید و فضلاء حوزه علمیه قم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خراسانی، ابوغانم بشر

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوم و سوم ق)، فقیه. در خراسان متولد شد. از تألیفات وی کتاب «المدوّنة» است که قدیمی‌ترین کتاب فقه عمومی اباضی بنا بر مذهب ابوعبیده مسلم تمیمی است که توسط شاگرد وی نقل شده است. نسخه‌ی «مدونه» که عمروس بن فتح استنساخ کرد مشتمل بر دوازده جزء بود. عناوین آنها در فهرست کتب اباضی تألیف ابوالقاسم برّادی آمده است. نسخه‌های این کتاب بسیار نادر است. نسخه‌ی منحصر به فردی از آن در تصرف شیخی اباضی در گرّاره بود. در فهرست کتب اباضی تصرف شیخی اباضی در گرّاره بود. در فهرست کتب اباضی برادی نام کتاب فقهی دیگری نیز از ابوغانم آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1085 -1084 /8).

خراسانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله حاج سید محمدرضا خراسانی از مشاهیر علماء و معاریف مراجع و مدرسین معاصر اصفهانست. وی در حدود سال 1302 قمری بدنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آیه‌الله حاج سیدابوالقاسم ده کردی و آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی و آیات دیگر اصفهان استفاده نموده تا بمدارج عالیه فقاهت و اجتهاد ارتقاء یافته و از مدرسین و مراجع بنام اصفهان گردیده و همه روزه قبل از ظهر در مدرسه صدر و بعدازظهرها در مدرسه چهارباغ تدریس خارج فقه و اصول مینمایند.
و در مسجد فلکه شاه عباس اقامه جماعت نموده و وظائف دینی را انجام میدهند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خراسانی، محمدهادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمدهادی بن العالم الجلیل السید علی بن العلامه السید محمد البجستانی الخراسانی النجفی الحایری از علماء مبرز و جلیل کربلاء بوده‌اند.
وی در شب جمعه اول ذی‌الحجه 1297 ق در کربلا متولد شده و با مرحوم والدش به مشهد مقدس آمده و قرآن را قبل از ده سالگی ختم نموده و به دروس مقدمات و ادبیات خدمت مرحوم والدش و دیگران پرداخته و پس از آن در سال 1315 ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح به درس خارج محقق خراسانی مرحوم آخوند ملا محمدکاظم صاحب کفایه و محقق یزدی آقا سید محمدکاظم صاحب عروه و مرحوم علامه شریعت اصفهانی حاضر و استفاده سرشار نموده آنگاه در سال 1320 ق به سامرا منتقل و به درس آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی شرکت نموده و در سال 1336 در خدمت استاد مذکورش به کربلا آمده و به امر آن مرحوم در (ثوره) عراق بر علیه انگلیسها شرکت نموده و پس از فوت مرحوم میرزاء به تدریس و اقامه جماعت و تألیف و تصنیف پرداخته تا در دوازدهم ربیع‌الاول 1368 ق که در کربلا به رحمت حق پیوسته و در مقبره میرزاء موسی وزیر در صحن مقدس حسینی (ع) مدفون گردیده و در ماده تاریخ وفاتش گفته شد.
اروع فی تاریخه (ماجد
هادی البرایا قر فی الخلد)
اما آثار و تألیفات ارزنده آن مرحوم از اینقرار است.
1- الفتن فی دین المصطفین 2- اصول الشیعه و فروع الشیعه 3- الباقیات الصالحات 4- سراج‌الحاج 5- ذخیرةالمعاد 6- دعوة الحق الی ائمة الخلق 7- رسالة فی الشعائر الحسینیه 8- السبع الثانی 9- المسائل النفیسه 10- المعجزة والاسلام 11- کراسة فی صلوة الجمعه 12- لله الحجة البالغه 13- معجزات و کرامات 14- المغرقة فی المعرفه 15- القول السدید بشأن الحر الشهید تمام کتب و رسالات مذکوره مطبوع و منتشر می‌باشد.
نگارنده گوید: آن مرحوم در سال 1365 قمری به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌الصلوة والسلام به ایران مسافرت نموده و در شهر ری به عیادت مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای سید محمد حجت قدس سره و زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) آمده و توفیق زیارت و ملاقاتشان را پیدا

نمودم و فرمودند رفتم به زیارت قبر امامزاده داود تهران و واقعاً اگر نباشد کرامتی برای آن امامزاده مگر همین که این راه سخت و دشوار خطرناک را هزارها نفر پیر و جوان، کوچک و بزرگ شب و روز می‌روند و به سلامت به مقصود نائل شده و برمی‌گردند هر آینه کافی می‌باشد برای کرامت و بزرگواری آن.
و گذشته از آثار خالده مذکوره آن مرحوم از باقیات الصالحات است فرزند دانشمند جناب مستطاب رکن‌الاسلام و عمادالاعلام آقای حاج سید مهدی خراسانی حایری که سالها از طرف مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و آیات دیگر نجف در لندن رهبری جمعی از شیعیان مقیم آنجا را داشتند و اکنون نزدیک یک سال است که به امریکا مهاجرت و به خدمات روحی و هدایت جوانان و محصلین ایرانی و غیره امریکا اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خراسانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم ثقه‌ی جلیل، و فقیه مجتهد عادل عامل، از اجله‌ی علما و فقها و مدرسین و ائمه‌ی جماعت اصفهان بوده، عمری به زهد و عبادت گذرانیده، در 1357 وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خزاز قمی، علی بن محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از دانشوران فرزانه و محدّثان و فقیهان قم، علیّ بن محمد خزّاز قمی است. این دانشمند نامدار، در حدود نیمه دوّم سده چهارم و اوائل سده پنجم هجری می‌زیست. به هنگام تولّد، نامش را علی نهادند. تاریخ دقیق طلوع این ستاره تابناک شیعه، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.امّا با نظر به دوران حیات استادان وی، همانند شیخ صدوق متوفای 381 قمری، و ابن عیّاش جوهری متوفی 401 قمری و ابوالمفضّل شیبانی متوفای 387 قمری، می‌توان گفت که این محدّث فرزانه، تقریباً در نیمه دوم سده چهارم هجری قمری پا به عرصه وجود نهاده است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : یکی از محکمترین باورهای شیعه، در مبحث امامت و رهبری معصومین، بعد از رحلت رسول اکرم (ص) این اندیشه ژرف است که از جانب رسول اکرم (ص)، حضرت امیرالمؤمنین (ع) و یازده فرزند او، به عنوان رهبران و امامان امّت تعیین شدند. پیامبر اکرم (ص) در مکه و مدینه، به دستور خداوند متعال، بارها و بارها مسئله جانشینی علی و فرزندان او را با امّت مطرح فرمود، به ویژه در حادثه شکوهمند غدیرخم، که رسماً در حضور جمعیّت انبوهی علی را به عنوان خلیفه و امام بعد از خود به مردم معرفی کرد ؛ ولی با کمال تأسف این توصیه‌ها و دستورات رسول اکرم، نه تنها مقبول کوردلان ریاست طلب و تشنگان قدرت قرار نگرفت، بلکه آنها به خاندان علی (ع) نیز پشت کردند و زمام خلافت را به نا اهلان سپردند. با گذشت زمان آن دلائل روشنی را که شیعه بر حقانیت رهبری حضرت علی (ع) مطرح می‌کرد، مورد بی مهری قرار دادند.یکی از گروه‌های اهل سنّت بنام معتزله ضمن اینکه به ظاهر بر این باور است که: حضرت علی (ع) از تمام صحابه پیامبر (ص) با فضیلت‌تر است، فضل هیچ یک از آنها به پایه شأن و منزلت حضرت علی (ع) نمی‌رسد ؛ اما دلائل و نصوصی که از رسول‌اللّه (ص) بر خلافت علی (ع) نقل شده بود را نیز پذیرفت و آنها را تفسیر و توجیه کرد که معنای این نصوص این نیست که خلافت و امامت جامعه اسلامی بعد از رسول‌اکرم (ص) مختص علی (ع) و حق مسلم اوست ؛ بلکه به این معنا است که علی بن ابی‌طالب از دیگران برای بر عهده گرفتن رهبری جامعه، شایسته‌تر است .اینان با طرح مسئله «افضل و مفضول» گفتند: آری ما هم قبول داریم علی (ع) افضل و بهتر از تمام

صحابی است؛ ولی برای مصحلتی غیر افضل - ابوبکر - رهبری را به دست گرفت.طرح این مسائل از یک سو و از سوی دیگر چون حکومت‌ها در دست مخالفین شیعه بود، و آنان تبلیغات گسترده‌ای را علیه باورهای شیعه راه انداخته بودند. های و هوی تبلیغات آنها به حدّی شد که جمعی از معتقدان به امامت را که اطلاع درستی از تاریخ اسلام نداشتند، دچار لغزش کرد.در این موقعیّت خزّازقمی به عنوان یک عالم روشن ضمیر، متعهّد و پاسدار مرز عقاید شیعه، دست به سلاح قلم زد و با تألیف کفایة الاثر از باورهای شیعه به دفاع برخاست او در این کتاب به نقل از جمع زیادی از صحابه رسول اللّه، حقانیت حضرت علی و امامان بعد از او را به زیبایی اثبات کرد، و راه را بر توجیه و تفسیرهای خود خواهانه ارباب اعتزال فرو بست.او با این کتاب جلو انحرافات و شبهات مخالفین را سدّ کرد.استادان و مربیان : علی بن محمّد خرازقمی، توفیق زیستن در روزگاری را داشت که در جای جای جهان اسلام، دانشوران برجسته‌ای را در دامن خود پرورده بود، و پایه‌های دین به وجود آنان ثبات و استقرار می‌یافت. عطش حکمت و دانش، دل و جان این بزرگوار را گداخته بود، و او برای این که جان خویش را از جام آن زلال معرفت سیراب کند، در نزد استادان برجسته حدیث و فقه حاضر شد و از خرمن انبوه دانش آنان توشه‌ها برگرفت. آن طور که از بررسی اثر گرانسنگ او به دست می‌آید، وی از استادان زیادی کسب فیض کرده است. در اینجا به شاخص‌ترین و برجسته‌ترین اساتید ایشان اشاره می‌کنیم.1 - مشهورترین استادش، محمّد بن علی بن بابویه قمی، 2 - محمّد بن عبداللّه، معروف به ابوالمفضّل شیبانی،3 - احمد بن محمد بن حسن جوهری، مشهور به «ابن عیّاش» ،4 - محمد بن وهبان بصری،5 - حسین بن محمد بن سعید خزاعی،6 - علی بن حسین بن مندهزمان و علت فوت : علی بن محمّد خزّاز قمی بعد از تلاش مستمر، در راه استوار ساختن باورهای عمیق ولایتی خویش، و به جای نهادن میراث مکتوبی ارزشمند، در نهایت جان به پیک جان آفرین پاک تسلیم کرد و به دیار اولیاء دین بال در کشید.سال رحلت این شخصیّت سترگ، اطلاع دقیقی در دست نیست. شاید بتوان حدس زد که این بزرگوار در نیمه اول سده پنجم هجری قمری چشم از جهان فرو بسته باشد،مبنای این سخن این است که استاد او، ابن عیاش جوهری در سال 401 قمری از دنیا رفت. و نیز علامه تهرانی در اثر ارزشمند خویش، خزّاز قمی را از بزرگان سده پنجم قمری بشمار آورده است، به لحاظ اینکه وی بیشتر حیات علمی خود را در این سده سپری کرد. او در شهر ری وفات یافت و شاید هم در همین شهر سر بر بالین خاک نهاده باشد.شاگردان : با این که علی بن محمد خزاز قمی از نخبگان عالمان شیعه است، و طبعاً باید گروه زیادی از سرچشمه دانش او بهره برده باشند ؛ ولی در کتاب‌های تراجم تنها

به نام اندکی از شاگردان حدیثی وی اشاره شده است: ابوالبرکات علی بن حسین جوزی ؛ محمد بن حسین بن سعید قمی که در شهر بغداد می‌زیست؛ و محمد بن ابی الحسن بن عبدالصمد القمی.آثار : 1 الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة ویژگی اثر : در مسائل فقهی.گویا این کتاب نیز همانند الایضاح - همچون بسیاری از کتاب‌های دیگری که عالمان شیعه تألیف کردند - در کشاکش مبارزات سیاسی علیه مذهب اهل‌بیت (ع) از بین رفته است و اثری از آنها در دست نیست.2 الایضاح فی اصول الدی ویژگی اثر : البته امروزه ما، از سرنوشت این کتاب اطلاعی در دست نداریم.در دانش استدلالی حکام3 کفایة الاثر فی النص علی ائمة الاثنی عشر ویژگی اثر : کتاب کفایة الاثر از او، کتابی است که مانند آن در زمینه امامت تألیف نشده، و این اثر بهترین نشانه برفضل و کمال و وثاقت و دیانت مؤلف اوست.این اثر از بهترین و مهمترین تألیفات خزاز قمی است، کتابی که به مدرک و مأخذ عمده دو کتاب معروف شیعه تبدیل شده است:بحارالانوار و وسائل الشیعه .(29) پیش از این سخن علامه مجلسی را در این باره آوردیم که: «همانند این کتاب درزمینه امامت تا کنون تألیف نشده است.»(30)وی در این کتاب تلاش می‌کند تا با دلائل روشن و غیر قابل انکار حقانیت امامت امامان شیعه از بعد از رحلت رسول اکرم (ص) را اثبات کند و البته در این هدف والای خویش نیز نردبان توفیق را تا اوج پیموده است. او در مطلع کتابش، راز و رمز این تلاش مقّدس را چنین می‌نگارد: آنچه انگیزه شد تا من در جهت نوشتن این کتاب گام بردارم، این بود که مشاهده کردم گروهی از عوامّ بلکه خواصّ شیعه، در مسئله نصّ و دلیل قطعی بر امامت امامان معصوم، دچار نوعی تحیّرند و شبهه افکنی‌های گروه معتزله از اهل سنّت، آنها را سر در گم کرده است و کار به جائی رسیده که بعضی از علاقه‌مندان به خاندان پیامبر اکرم (ص) می‌گویند از صحابه پیامبر، و حتی از خود امامان (ع) نیز دلیلی بر این باور شیعه نداریم. چون چنین انحراف و کتمان حقیقت را دیدیم، دامن همت به کمر بستم تا حقایق را روشن و شک و شبهه مخالفین را بر طرف کنم. این اقدام را فقط برای خشنودی پروردگار عالم و تقرّب به رسول‌اللّه (ص) و امامان (ع) انجام دادم.در مبحث مهم رهبری معصوم (ع) در جامعه دینی.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما1k - www.hawzah.net/

خزعلی، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم خزعلی
محل تولد : بروجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1304/1/1
آیة الله ابوالقاسم خزعلی، در سال 1304 هجری شمسی در بروجرد، از توابع استان لرستان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم غلامرضا، به شغل ندافی روزگار می‌گذراند و بسیار شیفته خاندان پیامبر (ص) بود؛ به گونه‌ای که شبها فرزند خود را به روضه‌های مخفی و منبرهای استادان با سواد آن روزگار می‌برد تا بذر عشق و محبت به قرآن و اهل بیت : در دل و جان فرزندش شکوفه بزند. اوضاع اقتصادی خانوادة آیة الله خزعلی نابسامان بود تا آنجا که مادرش، مرحوم ربابه، مجبور بود محصولات غذایی خانگی، از قبیل ترشی تهیه کند و آن را بفروشد تا کمکی برای مخارج خانواده باشد. آقای خزعلی ده ساله بود که به همراه خانواده و برخی از بستگان به مشهد مقدس مهاجرت کرد و در آنجا روزگار گذرانید. دوران تحصیل آیة الله خزعلی، در 6 یا 7 سالگی به مکتب خانة محلة «سرسوزنی» در بروجرد رفت. معلّم او فردی بود به نام «سید جعفر شیرازی» که در مسجد محلّه درس می‌گفت. با هجرت به مشهد به دبستان رفت و پس از قبولی در امتحان، در کلاس چهارم ابتدایی مشغول به تحصیل شد و همواره از شاگردان نمونة کلاس بود. پس از پایان رساندن کلاس ششم ابتدایی، به دبیرستان رفت. در آن زمان در مدارس، زبان فرانسوی تدریس می‌شد؛ وی نیز به فراگیری زبان فرانسه مشغول بود که بعدها آن را رها کرد. در سن 17 سالگی ـ هم زمان با سقوط حکومت رضاشاه و اشغال ایران از سوی متفقین ـ به کار نوشتن دخل و خرج مغازه‌ای و توزیع جنسها بین کسبه سرگرم بود تا از این راه، به امرار معاش خانواده کمک کند که ناگهان، بارقه‌های اشتیاق به علوم حوزوی و تحصیل حوزة علمیة مشهد دل و جانش را شعله ور ساخت؛ به گونه‌ای که کار و کسب را وانهاد، به تحصیل علوم دینی روی آورد. مقدمات را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تحصیل سطوح به سراغ استادان ممتاز آن دیار رفت. دو سال قبل از ازدواج راهی قم شد تا از محضر بزرگان آن شهر مقدس نیز بهره گیرد و

برای نخستین بار در درس خارج فقه آیةالله بروجردی (ره) و خارج اصول امام خمینی (ره) حاضر شد که این مسأله تا سالها ادامه داشت. همچنین وی در زمینة فلسفه و تفسیر نیز از استادان بسیاری در حوزه علمیه قم بهره برد. استادان و دوستان آیة الله خزعلی در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان ممتاز و وارستة بسیاری بهره برده است. نخستین استاد وی، مرحوم سید جعفر شیرازی بود که در مکتب خانه به ایشان قرآن و مسائل مذهبی را آموخت. وی از اینکه نخستین استادش یکی از فرزندان پاک حضرت زهرا 3 بوده اظهار خرسندی می‌کند و آن را به فال نیک می‌گیرد. با شروع به تحصیل در حوزة مشهد، صرف و نحو را نزد شیخ علی اکبر دامغانی فرا گرفت و کتاب مغنی اللبیب را نزد محقق قوچانی خواند. معالم و لمعه و قوانین را نزد سید احمد یزدی آموخت. رسائل، مکاسب و کفایه را نزد مرحوم شیخ هاشم قزوینی و بخشی از کفایه را نزد شیخ مجتبی قزوینی فراگرفت. این دو، از استادان ممتاز حوزه علمیه مشهد در علم و عمل بودند که آثار علمی و معنوی ایشان، هنوز در میان شاگردانشان و در رشد و تعالی حوزه علمیه مشهد باقی است. آیة الله خزعلی در قم، در درس خارج فقه آیة الله بروجردی (ره) و درس خارج فقه حضرت امام خمینی (ره) شرکت کرد. وی همچنین مدتی در درس آیة الله بهجت حاضر شد و از محضر این مرد بزرگ نیز کسب فیض کرد. در بخش فلسفه، اشارات را نزد مرحوم حاج شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی خواند و در درس منظومه و اسفار علامه طباطبایی حاضر شد. آیة الله خزعلی در دوران تحصیل و مبارزه با طلاب و فضلای بسیاری همراه بود که از میان آنان می‌توان به شهید آیة الله مطهری، شهید آیة الله بهشتی و آیة الله ربانی شیرازی اشاره کرد.فعالیتهای علمی و فرهنگی آیة الله خزعلی در سالهای تحصیل و مبارزه خدمات فرهنگی و علمی شایانی به جامعه اسلامی ارزانی داشته است. مهم‌ترین خدمت فرهنگی ایشان در دورة طاغوت، تنویر افکار عمومی و آگاه کردن جوانان مستعدّ و انقلابی از خطرهای موجود، همچون جریانهای التقاطی و تز اسلام منهای روحانیت و مبارزه با جریان روشنفکری غیر متعهّد بود. وی در سخنرانیهای خود همواره بر اسلام ناب و اصیل پای می‌فشرد و جوانان را به اُنس با علما روحانیّت شیعه و پرهیز از فراگیری اسلام از دست دیگران دعوت می‌کرد. در زمینة فعالیتهای علمی، تنها اثری که از وی به چاپ رسیده، تفسیر سورة فاتحة الکتاب است. همچنین او بر شعرهای عینیّه ابن ابی الحدید دربارة امیرمؤمنان 7 شرحی نگاشته است و در زمینه‌های قرآنی نیز تلاشهایی انجام داده است. بیشتر مطالعات و فعالیتهای ایشان دربارة قرآن و نهج البلاغه است. بخش زیادی از زندگی آیة الله خزعلی به مبارزه با رژیم طاغوت مصروف شده است. او در فاجعه مسجد گوهرشاد در مشهد،

نوجوانی ده ساله بود که فردای حادثه، با پدرش در محل حاضر شده بود و خود می‌گوید فجایع رژیم پهلوی چنان بود که بر من تأثیر گذاشت و آن شب، تب کردم! از آغازین حرکتهای ایشان در مبارزه بر ضد رژیم شاه، تبلیغ در رفسنجان و افشای ماهیت شاه بر سر منبر بود که به دست‌گیری ایشان و تبعید به گناباد انجامید. در ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی، آیة الله خزعلی همواره در کنار امام (ره) بود و از جمله، حامل پیام ایشان برای علمای نجف آباد شد. همچنین وی در هیجدهم فروردین ماه 1343 به دیدار امام رفت. امام (ره) به تازگی آزاد شده بود و روزنامه اطلاعات در آن زمان مطلبی نوشته بود مبنی بر اینکه امام با دستگاه شاه کنار آمده و آزاد شد. این مطلب باعث تأثر امام شده بود در جلسه‌ای که چند روز بعد در فیضیه تشکیل شده بود، آیة الله خزعلی به دستور امام بر سر منبر رفت و ماهیّت کذب مطلب روزنامه اطلاعات را افشا کرد. این سخنرانی، در آن روزگار، به دلیل حماسی و مستحکم بودن، مشهور شد. آیة الله خزعلی در طول دوران رژیم شاه، یک بار در زندان قزل قلعه زندانی شد و سه بار تبعید شد. تبعید نخست ایشان به گناوه و دامغان بود که سه سال به طول انجامید. تبعید دوم به زابل بود و در تبعید سوم پنهان شد و روی نشان نداد. در این زمان بود که حضرت آیت الله خامنه‌ای در مخفیگاه به دیدار ایشان رفته و با هم از نزدیک آشنا شدند. آیة الله خزعلی در گزارشهای ساواک، روحانی افراطی، اخلال گر طرفدار خمینی نامیده شده بود. در تبعید سوم وی پنهان شده بود تا ساواک نتواند او را دستگیر کند. در این هنگام خبر شهادت فرزندش در قم به دست او می‌رسد. آیة الله خزعلی در تشییع جنازة فرزندش شرکت می‌کند. او هرگز در تشییع فرزندش، اشک نریخت و خدا را در آن مصیبت سپاس می‌گفت. امضای آیة الله خزعلی در بسیاری از بیانیه‌ها در مرجعیت امام (ره) و لزوم مبارزه با رژیم شاه به چشم می‌خورد. همچنین وی در دوره طاغوت، همکاری نزدیکی با جامعة مدرسین حوزة علمیه قم و اعضای آن داشته است و در مبارزات آن مرکز با رژیم شاه به طور جدی شرکت می‌کرده است. از دیگر فعالیتهای او در پیش از انقلاب اسلامی، حمل پیامهای امام (ره) به آیة الله سید کاظم شریعتمداری و همچنین دریافت پاسخ آیة الله شریعتمداری به امام(ره) بوده است. حضرت آیة الله خزعلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فعالیتهای گسترده‌ای برای پیشبرد انقلاب انجام داده است. وی در این سالها، همواره یار صدیق امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیة الله خامنه‌ای بوده و همواره مردم را به پیروی از ولایت مطلقة فقیه، و شناخت هوشمندانة توطئه‌های دشمن و نیز مبارزه با خط نفاق تشویق می‌کرده است. آیة الله در طول دوران جنگ

تحمیلی بارها در جبهه‌ها حضور یافت و همواره مایة دلگرمی رزمندگان اسلام بوده است.

خسروشاهی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مرتضی بن العالم الجلیل السید احمد بن العلم العلام و الحجه الاسلام محمد بن العلامه السید علی ابن آیه الله السید ابوالحسن خسروشاهی از علماء اعلام و مجتهدین عظام آذربایجان و تبریز بوده‌اند، معظم له در تاریخ 14 شوال 1299 قمری در نجف الاشرف متولد شده و سپس باتفاق والد ماجدش به تبریز آمده و مشغول تحصیل گردیده و مقدمات و قسمتی از فقه و اصول را در تبریز فراگرفته و در سن بیست سالگی برای ادامه تحصیلات عزیمت به نجف نموده و پس از تکمیل تحصیل و نیل به مقام عالی اجتهاد دوباره به تبریز برگشته و دهها سال مشغول انجام وظائف علمی و معنوی از قبیل تدریس طلاب و وعظ و ارشاد در مسجد خود و امر به معروف و نهی از منکر شدند.
در سال 1313 شمسی آن جناب به اتفاق جمعی دیگر از علماء تبریز به علت مخالفت با بعضی از بدعتها به سمنان تبعید و زندانی شده و بعد از چندی آزاد و به همراهی جمعی از علماء که با وی بودند به مشهد مقدس مشرف و عده‌ای از آنها اقامت و معظم له پس از چندین ماه اقامت بنابر تقاضا و اصرار مردم آذربایجان به تبریز مراجعت نموده و در مسجد بزرگ خود به مبارزه با دشمنان اسلام پرداخته مخصوصا در زمان فتنه پیشه‌وری‌ها بدون ترس و واهمه با خطابه‌های آتشین خود وظیفه خود را در برابر خائنان و دشمنان بدین مقدس انجام دادند و این مبارزات ایشان تا اندازه‌ای توده‌ای‌ها را عصبانی و ناراحت نمود که تصمیم قتل ایشان را گرفتند که در روز (عید خون) که بنا داشتند عده‌ای از علماء و رجال آذربایجان را بکشند ایشان را هم بقتل آورند که شب معهود بلطف پروردگار پیشه‌وری و یارانش فرار و آن فرقه مضمحل گردیده و آقایان مذکور از خطر آزاد شدند.
سید مرتضی متولد 1299 ق بن العالم الجلیل حاج سید احمد آقا از علماء طراز اول و فقهاء طبقه اولای تبریز عالمی تقی نقی و فاضل و فقیهی بارع و جامع و در امر بمعروف و نهی از منکر متصلب و در حفظ قوانین دینیه و نوامیس شرعیه و حرمات الهیه متعصب و خشن بوده‌اند، آن جناب در ششم ماه رجب 1372 ق بدرود حیات گفت و از خود آثار چندی از تألیفات و پسران دانشمندی بجای گذارد.
تألیفات آن جناب

1- فوائد الافهام فی شرح قواعد الاحکام که جلد طهارتش تمام شد.
2- نثارات الکواکب علی خیارات المکاسب.
3- اهداء الحقیر معنی حدیث الغدیر که به طبع رسیده است و چندین رساله دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خضری شیرازی، عبداللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبداللّٰه بن سید جعفر بن اسماعیل موسوی خضری شیرازی عالمی فاضل و کامل و متقی از شاگردان میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و میرزا حسین خلیلی و شیخ عبداللّٰه مازندرانی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خطیب اسکافی، ابوعبداللّه محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 421/420 ق)، فقیه، ادیب و لغوی. در اصفهان متولد شد. وی نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و در این فن سرآمد و همچنین در نحو و لغت و ادب نیز مشتهر. به گفته سمعانی، ابتدا از اصحاب رای بود و پس از آن اصحاب حدیث شد. خطیب از ابوبکر قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید و ابومنصور سمعانی از وی روایت می‌کرد. از آثارش: «مبادی اللغه العربیه»؛ «نقد الشعر»؛ «لطف التدبیر فی سیاسه الملوک»؛ «دره التنزیل و غره التاویل فی الایات المتشابهه»؛ «شواهد سیبویه»؛ «غلط کتاب العین»؛ «العزه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (102/7)، ریحانه (144 -143 /2)، کشف الظنون (1973، 1579، 1555، 1428 -691)، لغت نامه (ذیل/ خطیب)، معجم الادباء (215 -214 /18)، معجم المولفین (211/10)، الوافی بالوفیات (337/3)، هدیه العارفین (64/2).

خطیب قزوینی، جلال‌الدین، ابوالمعالی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(739 -666 ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به خطیب دمشقی. اصل او از قزوین است. وی به روم و مصر و شام سفر کرد. مدتها قاضی‌القضاه آناتولی، قاضی بلاد مصر و قاضی خطیب دمشق بود. وی اقوال اوقاف را صرف نیازمندان و درویشان می‌کرد. خطیب قزوینی شیرین‌سخن بود و به ادبیات عربی و ترکی و فارسی کاملا مسلط بود. در دمشق درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «الایضاح»، در شرح «التلخیص»، در معانی و بیان؛ تلخیص «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «السور/ الشذر المرجانی من شعر الارجانی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (66/7)، تاریخ ادبیات در ایران (295 -293 /3)، روضات الجنات (81 -80 /8)، ریحانه (148/2)، کشف الظنون (210)، الکنی و الالقاب (216 -215 /2)، معجم المولفین (146 -145 /10)، مینو در (243 ،120 /2)، الوافی بالوفیات (243 -242 /3)، هدیه الاحباب (132).

خلخالی، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام و مدرس گرامی آقای حاج صادق خلخالی از فضلاء و اساتید بنام حوزه علمیه قم می‌باشند ولادتش در خلخال واقع شده و پس از نشو و نما و طی دوران ابتدائی و مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح را نزد مدرسین بزرگ خوانده و سالها از محضر آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و بعض دیگر استفاده کامل نموده و در میان اقران مشار بالبنان گردیده و اکنون به تدریس فقه و اصول اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خلخالی، محمد کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید محمد کاظم در سن شانزده سالگی از خلخال برای تحصیل علوم دینی مهاجرت به شهرستان رشت و سپس به قزوین آمده و در مدرسه علمی قزوین دو سالی توقف نموده و شخص تاجری ماهی سه تومان جهت مخارج ایشان مقرر داشت تا بعد از دو سال عزیمت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل متون فقه و اصول از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا حبیب‌اللّه رشتی استفاده نموده و تقریرات و دراسات فقه و اصول آن مرحوم را با نظریات دقیق علمی خود برشته تحریر در آورده (که آماده برای طبع می‌باشد)
آن مرحوم در مدت اقامت نجفش چند مسافرت به ایران نموده و از رشت و خلخال و اردبیل دیدن کرده و در همه جا مورد استقبال و احترام علماء و مردم شهرستانها بودند مخصوصا در شهرستان رشت مرحوم آیت‌اللّه حاج مجتهد که از علماء بزرگ رشت بودند مسجد خود را که اکنون در کنار خیابان دائر و به مسجد حاج مجتهد معروف است بمعظم له تفویض نمودند که تا مدت اقامتشان در رشت مردم را از نماز جماعت و منبر خود بهره‌مند فرمایند.
در سال 1319 ق بر حسب تقاضای جمعی مخصوصا فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا جواد آقای مجتهدی برای اقامه جماعت و غیره به تبریز آمده و تا سال 1332 قمری مرجع عالی روحانی بوده و بامامت و تدریس و حل و فصل امور قضائی و شرعی اهالی آذربایجان مشغول بودند. و در ابتداء مشروطه و انقلاب داخلی ایران در تبریز بودند و برای اصلاح امور مسلمین به طهران و شهر ری آمده و با مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ فضل اللّه شهید نوری ملاقات نموده سپس به نجف اشرف برای مذاکره با مراجع عالیقدر شیعه بالاخص مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی و آیت‌اللّه آخوند خراسانی مسافرت نموده آنگاه به تبریز مراجعت و در سال 1332 ق مجددا با عائله خود از تبریز به نجف اشرف هجرت نموده بتدریس و مباحثات علمی پرداخته و منزلش مجمع فضلاء نجف گردیده و از کثرت علاقه‌اش بمذاکرات علمی در هر مجلسی که شرکت می‌کردند مباحثه علمی در میان آورده و فروعی را مطرح و بتحقیق آن می‌پرداختند تا در سال 1336 ق در سن شصت و هفت سالگی وفات نموده و در صحن مقدس علوی مدفون گردیدند.

مخفی نباشد که آن مرحوم بزرگترین خاندان خلخالی بودند که در ایران و عراق شهرت علمی و تقوائی داشتند و یکی از علماء موفق و متهجد و دائم الذکر بودند که از اوائل بلوغ و تکلیف شرعی باین فیض و توفیق نائل و فائز بودند.
برادران آن مرحوم از آیات عظام و علماء اعلام نجف اشرف و تبریز و گیلان بودند که ترجمه هر یک در محل خود خواهد آمد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخالی، محمد مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد مهدی بن المرحوم آیت‌اللّٰه آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی (متوفی سال 1346 ق در تبریز) از علماء محترم معاصر تهران است وی پس از فوت مرحوم والدش در سن چهار سالگی باتفاق والده ماجده‌اش از رشت مهاجرت به نجف اشرف نموده و در بیت علم و فضیلت مرحوم عم گرامش آیت‌اللّٰه آقای آقا سید محمد خلخالی «قده» پرورش یافته و علوم مقدماتی را فراگرفته و سطوح را از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و دروس خارج را چندی از محضر استاد بزرگ آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین حلی و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شید محسن حکیم فراگرفته و سپس از محضر آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی فقها و اصولا استفاده نموده و تمحض بدروس ایشان یافته و مورد عنایت مخصوص آیت‌اللّٰه خوئی مد ظله العالی از جهت فراگرفتن دقائق علمی و مبانی رشیقه معظم له قرار گرفته و مدت چهارده سال تمام از سال 1370 ق تا سال 1384 ق از بحثهای عمومی و خصوصی آن جناب برخوردار شده و در سال مزبور به تهران مسافرت نموده و بنا به تقاضای جمعی از اهالی تهران در مرکز کشور عاصمه جهان تشیع توقف نموده و اقامت ایشان در تهران موجب تاثر عمیق استاد معظم آیت‌اللّٰه خوئی دام ظله گردید و در ضمن نامه تأثرات خود را بمعظم له ابلاغ داشتند زیرا وجود ایشان را در حوزه علمیه نجف اشرف لازم می‌دانستند و اکنون در تهران نیز به بحثهای علمی اشتغال داشته و در مسجد صدریه واقع در خیابان رسام میدان خراسان اشتغال به اقامه نماز جماعت و انجام خدمات دینی دارند.
دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای بشرح زیر می‌باشند.
1- یک دوره حاشیه کفایه در اصول غیر مطبوع.
2- تقریرات درس آیت‌اللّٰه العظمی خوئی در مکاسب.
3- تقریرات دوره کامل اصول معظم له.
4- تقریرات درس طهارت شرح بر عروةالوثقی بنام فقه‌الشیعه که دو جلد آن بطبع رسیده و بقیه اجزاء آن آماده طبع است.
5- شرح عروةالوثقی کتاب الحج.
6- رساله‌ای در رضاع و تقیه تقریرات آیت‌اللّٰه خوئی.

و اما والد معظم ایشان حضرت آیت‌اللّه آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی از اجله علماء و مشهور بتقوی و از شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی و شریعت اصفهانی بودند و در سال 1337 ق پس از نیل بدرجه رفیعه اجتهاد از نجف اشرف به شهرستان رشت عزیمت نموده و مورد علاقه و توجه عموم گیلانیها واقع گردیده و در مسجد معروف حاج سمیع بامامت جماعت و تدریس اشتغال داشتند و پس از چند سال اقامت در رشت اخیراً کسالتی عارض شد و برای معالجه به تهران و سپس برای تغییر هوا به تبریز حرکت نموده و در آنجا دار فانی را در سال 1346 ق وداع گفته و مدفن معظم له در شهر تبریز در امامزاده معروف به سید ابراهیم قرار دارد.
و آثاری از فقه و اصول تقریر اساتید بزرگ و یا تألیف خود ایشان غیر مطبوع باقی گذارده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخالی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدباقر خلخالی فاضلی جلیل و خطیبی بارع بود و در سال (1333) قمری در مشهد مقدس رضوی وفات نموده و در آن آستان به خاک رفته است
تألیفاتی دارد که از آنهاست (النجات الثمان) در تواریخ مشاهد ثمانیه علی مشرفیهاالسلام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خلیفه سلطان، علاءالدین حسین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1066/1064 -1001 ق)، فقیه، محقق و دانشمند. ملقب به سلطان العلماء. وی از دانشمندان محقق و فقهای موجه بود. وی علاوه بر تقدم در علم به سمت وزارت و صدارت شاه عباس اول در اصفهان منصوب شد و پس از مرگ شاه عباس اول در اصفهان منصوب شد و پس از مرگ شاه به قم رفت و به امور علمی و تحقیق و مطالعه پرداخت. سپس در عهد شاه عباس ثانی به صدارت رسید و تا پایان عمر در آن منصب باقی ماند. وی در هنگام مراجعت از فتح قندهار در آستانه‌ی اشرفیه درگذشت. پیکرش را به نجف بردند و در آنجا به خاک سپردند. از اساتید وی می توان به پدرش سید رفیع‌الدین محمد و مولی حاج محمود رنانی و شیخ بهایی اشاره کرد. از جمله آثار وی: حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «معالم الاصول» در اصول فقه؛ حواشی بر بعضی ابواب «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه بر «الکافی» در حدیث؛ حاشیه بر «کشاف» در تفسیر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (166/6)، فوائد الرضویه (159)، معجم رجال الحدیث (123/6)، معجم المولفین (58 -57 /4).

خلیفه سلطانی، ابراهیم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید علاء الدین حسین خلیفه سلطان است. مادرش دختر شاه عباس صفوی است. در سال 1038 متولّد، و در 1098 وفات یافته است.
مشارالیه در سنّ سه سالگی (سال سوّم سلطنت شاه صفی) به دستور شاه صفی کور شد، و با وجود این، تحصیل علم و دانش نموده و در جمیع علوم و فضائل بر امثال و اقران خویش فائق گردیده است.
در کتاب مقتبس الاثر(299:2) گوید: به ابن الخلیفه مشهور است.
در هر صورت، عالم فاضل و فقیه محدّث اصولی بوده، کتب زیر از تألیفات اوست:
1- حاشیه بر کتاب روضه [البهیّة] تا مبحث تیمم 2- حاشیه‌ای بر مدارک - حاشیه بر شرح لمعه تا آخر طهارت
در کتاب الذریعه(90:6 و 196) پس از آن که نام تألیفات او را ذکر می‌کند از قول قزوینی در تتیمم امل الآمل فرماید: یظهر منه قوة فکره و دقة نظره
صاحب عنوان هفت فرزند پسر داشته که عبارتند از: 1- میرزا جمال الدین محمّد 2- میرزا معین الدین محمّد 3- میرزا معزالدین محمّد 4- میرزا سیّد محمد 5- میرزا کمال الدین حسین 6- میرزا محمّد حسین 7- میرزا فضل اللّه.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خمینی، روح‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.
تولد: 30 شهریور 1281(20 جمادی‌الثانی 1320 ق. 24 سپتامبر 1902)، خمین.
درگذشت: 14 خرداد 1368، تهران، بیمارستان قلب.
روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.
دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبدة التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.
از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی‌محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال 1298 عازم حوزه‌ی علمیه‌ی اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.
در سال 1339 ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائی یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلای و مدرسین حوزه علمیه قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام‌آور شد. ایشان که در همان زمان با

محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.
درسال 1340 با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین 15 خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجددا در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال 1344 به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان- آیت‌الله سید مصطفی خمینی- به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در 12 بهمن 1357 با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در 22 بهمن ماه 1357 با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال 1368 در تهران درگذشت.
از آثار ایشان میتوان به این عنوان‌ها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تألیف 1348)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح‌الهدایة الی الخلافة والولایة، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح‌الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوة (صلاة العارفین و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوة)، رسالة لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی‌زاده، چاپ سوم 1363 ق.)، انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، بدایع الدرر فی قاعدة نفی الضرر، رسالة الاستصحاب، رسالة فی التعادل و التراجیع، رسالة الاجتهاد و التقلید، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رسالة فی الطلب و الارادة، رسالة فی التقیة، رسالة فی قاعدة من ملک، رسالة فی تعیین الفجر فی الیالی المقمره، کتاب الطهارة (چهار جلد)، تعلیقه علی العروة الوثقی، مکاسب محرمه (دو جلد) تعلیقة علی وسیلة النجاة، رسالة نجاةالعباد)، حاشیه بر

رساله ارث، تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیة)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات دروس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوة، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتائات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، المکاسب المحرمة (عربی، 1381 ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، 1380 -1375 ق.).
حضرت آیةاللّه العظمی امام سید روح‌اللّه موسوی خمینی 20 جمادی الثانی 1320 (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان- آیةاللّه سید مصطفی خمینی- در اواخر 1320 در سن 47 سالگی به وسیله فئودالها شهید شد.
امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبت‌های برادر بزرگوارش آیةاللّه پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در 1339 عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در 1340 در محضر آیةاللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائی به قم عزیمت کرد. او در 1345 ه.ق. سطوح عالیه را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه- آیةاللّه حائری حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائری در 1355، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت و از محضر آیةاللّه شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت- رضاخان- گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجددا در فیضیه آغاز گشت.
در سال 1364 ه.ق. همزمان با ورود آیت‌اللّه بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند.
در سال 1340 ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه- که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود- مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه 15 خرداد 1341 پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود

ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسوا کننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در 13 آبان 1342 به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب 15 سال اجبارا در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصت‌های مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در 1356 ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیةاللّه مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.
آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسیله کتاب الصلوة، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الخلل، کتاب البیع (در 5 جلد)، مصباح الهدایة (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:
خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!
(1410 -1320 ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌اللّه پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال 1339 ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالیه را خواند. با عزیمت آیت‌اللّه حائری یزدی در سال 1340 ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل 1345 ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت اللّه شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌اللّه حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یثربی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی‌اکبر حکمی‌یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام

خمینی از سال 1368 ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال 1340 ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه حادثه‌ی پانزده خرداد 1342 ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال 1356 ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا 14 خرداد ماه سال 1368 ش که جان به جان آفرین تسلیم کرد، خردمندانه عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم با شکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسیله»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهارة»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»، در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایة»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»، که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت.[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (187 -185)، الذریعه (52 / 22 123، / 21 ،13 / 18 ،69 / 13)، سخنوران نامی معاصر (347 -340 / 1)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 3، ص 15 -1)، گنجینه‌ی دانشمندان (29 -12 / 8)، مؤلفین کتب چاپی (232 -231 / 3).

خمینی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجت‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج آقا مصطفی خمینی فرزند ارجمند زعیم‌الشیعه آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی مدظله العالی یکی از افاضل بنام و مدرسین والامقام حوزه علمیه نجف اشرف و حوزه قم بوده‌اند که در سن جوانی به مرگ مشکوک و اجل غیر غیر طبیعی از دنیا رفت و جهان علم و فضل را در سوگ خود نشانید معظم له در دوازدهم ماه رجب‌المرجب 1349 قمری در شهرستان علمی و مذهبی قم به دنیا آمد و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از دوران کودکی و خواندن دروس ابتدائی به خواندن مقدمات و ادبیات پرداخته و دروس سطوح را از محضر آیات و مدرسین بزرگواری چون آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه صدوقی و آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی استفاده نمود و با آن قریحه سرشار و هوش و استعداد فطری که مخصوص بیت جلیل اوست در مدت کوتاهی از سطوح فارغ شده و در سن بیست و یک سالگی به درس خارج فقه آیت‌اللّه العظمی بروجردی و درس اصول والد ماجدش و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد شرکت و از خرمن علوم آنان بهره‌های وافی برده و کم کم مشاربالبنان گردیده و خود حوزه درس مستقلی تشکیل و عده چشمگیری به حوزه درس معقول و منقولش حاظر و از بیانات ایشان استفاده نموده تا در روز سیزدهم آبانماه 1343 برابر سوم ماه رجب 1384 قمری ایشان را عمال سفاک رژیم منحوس پهلوی و عوامل سازمان امنیت (به قول خودشان) در منزل حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله غفلتا دستگیر و به شهربانی برده و از آنجا به تهران و به زندان (قزل قلعه) منتقل نمودند.
اما داستان دستگیری ایشان برخلاف تفسیر بعضی از مغرضین از این قرار است. چون در نیمه شب مزبور نایب‌الامام والد معظم ایشان را از قم مأمورین ساواک به امر مستقیم دربار و اربابانشان به تهران و یکسره به ترکیه تبعید نمودند فرزند برومند مذکورش صبح آنروز برای مذاکره و مشاوره به منزل حضرت آیت‌اللّه مرعشی نجفی مدظله آمدند و چون منزل نایب‌الامام در محاصره مأمورین ساواک بود و آن مرحوم هم تحت مراقبت شدید آنها بودند به مجرد ورودشان به منزل آقای مرعشی منزل در محاصره عمال دولت از پلیس و سازمانیها و غیره قرار گرفت و آیت‌اللّه مرعشی میهمان عزیز خود را به اندرون برده و هنوز چند لحظه‌ای نگذشته

و مذاکره‌ای نشده که دژخیمان و جلادان بدتر از لشکر چنگیز بدون در زدن از دیوار و بام منزل هجوم آورده که آقازاده را دستگیر کنند آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی روحی فداه پیش آمده و فریاد زدند چه می‌خواهید گفتند فلانی پسر فلانی را فرمودند ایشان میهمان من است و من نمی‌گذارم میهمان مرا ببرید گفتند دستور بردن شما را نداریم وگرنه می‌بردیم. پس خواستند به اطاق مخصوص آقا وارد شوند. آقا جلوی آنها را گرفت پس آن بیشرفها از خدا و پیامبر (ص) شرم نکرده و از آن پیرمرد نورانی و مرجع بزرگواری که مبتلا به چندین کسالت قلب و فشار خون و قند و اعصاب بودند و هنوز هستند (عافاه‌اللّه) از پله‌های اطاق به میان حیات منزل انداخته و آقازاده عزیز را در حالی که میزبانش بیهوش افتاده بود جلب نموده و به شهربانی برده و از آنجا به تهران و زندان قزل قلعه برده و مدت پنجاه و هفت روز در آنجا بازداشت و سپس در روز سه‌شنبه 24 ماه شعبان مطابق هشتم دی ماه 1332 شمسی آزاد و به قم آمده و پس از یک روز مجددا جلب و تبعید به ترکیه خدمت والد بزرگوارشان شدند.

اما از آن طرف میزبان گرامی ایشان آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی که چند ساعتی بیهوش بودند چندین روز به واسطه این حادثه فشار خونشان بالا رفته و به خطر افتاده و از طرف پزشکان ممنوع‌الملاقات شدند و ایشان پس از اندکی بهبودی کرارا می‌فرمودند دوست داشتم مرا ببرند و میهمان مرا نبرند.

آیت‌اللّه زاده خمینی حدود ده ماه در خدمت والدشان در تبعیدگاه ترکیه بسر برده و از ابحاث خصوصی علمی والدش استفاده می‌نموده تا در تاریخ نهم جمادی‌الثانی 1385 قمری از ترکیه به عراق تبعید و با استقبال گرم حوزه علمیه نجف اشرف وارد به حرم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام باب مدینه علم گردیده و رحل اقامت افکند و به تدریس فقه و اصول پرداخته و جمع کثیری از فضلاء نجف اشرف از محضرش استفاده نموده تا در هفتم ذی‌قعده 1397 به مرگ مشکوکی از دنیا رفته و جهان فضل را غرق ماتم نموده و در حوزه‌های علمی نجف و قم را در سوک خود نشانید. نویسنده که از قدیم افتخار دوستی و ارادت و علاقه به آن شهید بزرگوار را داشتم و در محرم و صفر 1390 قمری که از راه قطر به سوریه و از آنجا به عراق و نجف مشرف شدم مکرر توفیق دیدارشان را یافته و از ضیافت گرم ایشان برخوردار شدم بعد از نماز مغرب و عشاء شب هشتم ذی‌قعده که عازم منزل بودم از جائی خبر نداشتم درب صحن مطهر به یکی از دوستانم برخورد کرده خبر ناگهانی این ضایعه اسفناک را داد پایم لغزیده و حال شوکی دست داد و هرگز باور نمی‌کردم که نخل شکوفای علم و فضل و صداقت و اخلاق و محاسن آدابی چون آیت‌اللّه حاج

آقا مصطفی خمینی عزیز در بهار زندگی به زمین افتاد و ستاره درخشان و چراغ فروزانی مانند او به این زودی غروب و یک جهان فضل و دانش را با خود به گور برد.
یا کوکباً ما کان اقصر عمره
و کذا تکون کواکب الاسحار
در مرگ و شهادت این بزرگوار موج عجیبی سراسر ایران و بالخصوص در نجف و قم و تهران برخاست و طلیعه انقلاب ایران گردید و در واقع شهادت ناگهانی ایشان موجب حیات و نجات ایران و ملت محروم و مستضعف ایران از زیر بار استعمار و رژیم شاهنشاهی و دربدر و آواره شدن پهلوی گردید.
به مجرد شیوع این فاجعه بازارها و کلیه دکاکین قم و تهران و سایر بلاد بسته و حوزه‌های علمی تعطیل و مجالس سوگواری و فاتحه تشکیل و عموم مردم با دل سوزان و دیدگان اشک‌آلود شرکت و صدای گریه و ناله مردم به خصوص علماء و فضلا و محصلین علوم دینیه بلند و همه می‌گفتند خدا به داد دل نایب‌الامام رسیده و صبر جزیل و اجر جمیل مرحمت فرماید.
شرح اثر این حادثه بسیار و در کتاب (شهیدی دیگر از روحانیت) منعکس و ثبت می‌باشد خلاصه در تمام ایران مجالس عدیده منعقد و به یاد آن بزرگوار اشک می‌ریختند. در آن هنگام سیل تلگرافات تسلیت از همه طبقات حتی از یاسر عرفات رهبر انقلابی فلسطینی محضر امام مخابره شده مراتب همدردی و تاثر عمیق خود را ابلاغ نمودند.
آثار علمی آنجناب:
1- یکدوره کامل بیع در ده مجلد
2- کتابی در مبحث اجاره- این کتاب در یورش مأمورین شاه به منزل نایب‌الامام (خمینی) در قم به ضمیمه صدها کتاب خطی دیگر از تالیفات امام و غیره به یغما برده شد.
3- کتابی در مبحث نکاح
4- حاشیه بر عروه‌الوثقی مرحوم علامه طباطبائی سید محمدکاظم یزدی
5- کتاب اصول از اول تا مبحث استصحاب
6- تفسیر قرآن در حدود چهار هزار صفحه ناتمام
7- حاشیه‌ای بر اسفار
مبارزات فقید سعید و قربانیهای آن
مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا مصطفی رحمه‌اللّه. در مبازرات ایران از سال 1341 شمسی یکی از افراد فعال و پرکار و متحرک روحانیون یود و در به حرکت درآوردن نیروهای اصیل و فعالیت و کوششهای طاقت‌فرسائی داشت.
در سال 1342 شمسی بعد از دستگیری والد بزرگوارش در اثر هجوم

وحشیانه جلادان شاه یکی از فرزندانش را از دست داد و نیز در حمله دیگری که دژخیمان دربار در سیزدهم آبانماه 1343 به منزل ایشان نمودند فرزند خردسال دیگرش کشته شد.
آن مرحوم بارها می‌فرمود که در راه آزادی کشته‌های بسیار خواهیم داد و بالاخره پیروزی ثمره پایداری است.
مزار آن شهید مجاهد
چون آن فقید دانشمند به مرگ غیر مترقبه ناگهانی مشکوکی از دنیا رفت و جنازه‌اش با یک دنیا تاثر از نجف برای تغسیل و تجدید عهد با جدش حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام حمل به کربلا و پس از غسل با آب فرات و طواف در حرمین شریفین حضرت حسین و حضرت عباس علیهماالسلام با بیش از هفتاد اتوبوس تشیع و به نجف اشرف برگردانیده و با تجلیل کم سابقه‌ای از عموم طبقات و تعطیل بازار کلیه دکاکین نجف در معیت حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و تمام مراجع و آیات عظام نجف جز والد ماجدش که اندکی تشیع نمودند (به اندازه تشیع‌هایی که از دیگران می‌کرد) به حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) آورده و پس از نماز خواندن آیت‌اللّه خوئی و طواف حرم مطهر در میان انبوه اشک و ناله در ایوان مطهر در مقبره علامه مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) در جنب مقبره علامه حلی به خاک رفت عاش سعیدا و مات سعیدا حشره‌اللّه مع السعداء والصالحین
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خواجوی، ملا محمد اسماعیل

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا محمد اسماعیل خواجوئی، یکی از بزرگترین دانشوران قرن دوازدهم هجری است. وی مازندرانی بود اما در اصفهان به تحصیل پرداخت. از اساتید او اطلاع دقیقی در دست نیست او ظاهراً نزد بهاء الدین محمد اصفهانی مشهور به " فاضل هندی" و ملا محمد تنکابنی مشهور به " فاضل سراب" تحصیل می‌کرده است. اواسط زندگی خواجوئی مقارن با حمله افغانها و محاصره اصفهان است. دراین سالها (1134–1137) هـ. ق بسیاری از مردم در اثر قحطی جان سپردند و عده دیگری به دست مهاجمان افغان کشته شدند. سقوط سلسله صفویه و بروز قحطی و هرج و مرج و آشفتگی اوضاع و نابسامانی وضع معیشتی مردم موجب از هم گسیختگی حوزه بزرگ علمی، ادبی و هنری اصفهان شد. پس از فرار افغانها از ایران و فروکش کردن آتش فتنه ، آنچه باقی ماند خرابی و ویرانی شهر و از دست رفتن هزاران دانشمند و نابودی صدها کتابخانه و مرکز علمی بود. ملا اسماعیل خواجوئی از معدود کسانی بود که با همت والای خود کمر به احیای حوزه علمی اصفهان زد و با رونق بخشیدن به مدارس علمیه و برپایی جلسات درس و تالیفات بسیار، بار دیگر از نابودی حتمی حوزه علمی اصفهان جلوگیری کرد. خواجوئی در فقه ، اصول، کلام، حکمت، ریاضی ، هیات و ادبیات ، مهارت به سزایی داشت و از کسانی بود که فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه) را به نسل های بعد انتقال داد.از او آثار علمی بسیاری به جای مانده است که از همه مهمتر" مفتاح الفلاح" در شرح دعای صباح، "جامع الشتات " ، " ابطال الزمان الموهوم" و " حاشیه بر اربعین" شیخ بهائی را می توان نام برد. "ملا محمد مهدی نراقی"، "آقا محمد بید آبادی"، "میرزا ابوالقاسم مدرس" و "ملا محراب گیلانی" مشهورترین شاگردان خواجوئی به شمار می روند. سرانجام این دانشمند عالیقدر به سال 1173 هـ ق به دیار باقی شتافت و در تخت فولاد اصفهان نزدیک قبرستان فاضلان به خاک سپرده شد.در سالهای اخیر مجموعه تاریخی فرهنگی و مذهبی تخت فولاد بقعه ای بر سرمزار او بنیاد نهاده است.

خوارزمی، ابوعلی حسن

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 442 ق)، فقیه، ادیب و شاعر شیعی. ملقب به ضریر. پدرش از مردم نیشابور بود که به خوارزم مهاجرت کرد. حسن در این شهر نشو و نما یافت. از جمله آثار وی: «تهذیب دیوان الادب»؛ «تهذیب اصلاح المنطق»؛ «زیادات اخبار خوارزم»؛ «محاسن من اسمه الحسن»؛ «دیوان» شعر، دو مجلد؛ «دیوان رسائل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (313 -312 /5)، الغدیر (30/4)، کشف الظنون (108)، معجم الادباء (191/9)، معجم المولفین (296/3)، الوافی بالوفیات (272 -271 /12)، هدیه العارفین (275/1).

خوانساری نجفی، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ موسی خوانساری از مشاهیر مراجع و اکابر دانشمندان این شهرستان بودند و در نجف اشرف. وی در حدود 1293 قمری در خوانسار متولد شده و پس از بلوغ به اصفهان مسافرت و چند سالی در آنجا تحصیل نموده سپس به نجف مهاجرت و چندی از محضر مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی و مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و بالاخص آیت‌اللّه محقق نائینی استفاده نموده و ضمناً خود به تدریس فقه و اصول استدلالی پرداخته تا در 26 ذی‌الحجه 1363 قمری در سن هفتاد سالگی در نجف اشرف وفات و در مقبره مرحوم استادش مدفون گردیده است.
از آثار علمی او کتب زیر است که بطبع رسیده است:
1- حاشیه بر مکاسب
2- تقریرات اصول مرحوم آیت‌اللّه نائینی
3- کتاب صلوة.
آنجناب داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی خوانساری و عدیل حضرت آیت‌اللّه حاج سید احمد خوانساری مدظله مقیم معاصر تهران بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوانساری، ابوتراب عبدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1346 -1271 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و رجالی. وی عالم در علوم عقلی و نقلی بود. در خوانسار متولد شد و در اصفهان تحصیل کرد. در علوم شرعیه و حساب و جغرافیا و ریاضیات و هندسه به مقام بلندی رسید. او از شاگردان سید حسین کوه کمری بود که بعد از وفات او مشغول به تدریس شد و در احکام و فتاوی مرجع خاص و عام گردید. محمدمهدی اصفهانی درباره‌ی وی رساله‌ای به نام «مواهب الباری فی ترجمه العلامه الخوانساری» نگاشته است. پیکر وی را پس از مرگ در وادی السلام نجف دفن کردند. از آثار وی: «الاحکام الوضیعه»؛ «اصاله العدم»؛ «اصول الفقه»؛ «البیان»، در تفسیر قرآن؛ «الصراح فی الاحادیث الحسان و الصحاح»؛ «سبیل الرشاد فی شرح نجاه العباد»، در ده مجلد؛ «النجوم الزاهرات»، در اثبات امامت ائمه (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (156/4)، الذریعه (238/23، 172/3، 117/2، 303/1)، ریحانه (189 -187 /2)، علماء معاصرین (143 -139)، معجم المولفین (90/3).

خوانساری، جمال، جمال‌الدین محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1125/1121 ق)، فقیه، اصولی، حکیم، محقق، محدث و متکلم. معروف به جمال المحققین. معاصر ملامیرزا شیروانی و علامه مجلسی بود. به همراه برادرش، آقا رضی، نزد پدرش، محقق خوانساری، و دایی‌اش ملا محمدباقر محقق سبزواری در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان تحصیل کرد و همانند پدرش صاحب تالیفات بسیاری شد، با این تفاوت که تالیفات وی بیشتر نقلی و تالیفات پدرش بیشتر عقلی است. از پدرش محقق خوانساری و سید ابرهیم بن میر معصوم حسینی قزوینی روایت می‌کرد و از ملا محمدتقی مجلسی اجازه‌ی نقل حدیث داشت. علمای بسیاری از وی اجازه روایت داشتند که از آن جمله: محمد اکمل بهبهانی و محمد رفیع گیلانی. وی صاحب طبعی ظریف و نکته‌سنجی دقیق و باهوش، بخصوص در فهم ظواهر حدیث کم‌نظیر بود. چنانکه تیزهوشی وی را از روی ترجمه‌ی «مفتاح الفلاح» و تعلیقاتی که بر آن نگاشته است و کتاب مزاری که برای شاه سلطان حسین هنگام زیارت امام رضا (ع) و توضیحاتی که برای الفاظ زیارات آورده است، می‌توان فهمید. وی که عالمی متکلم بود، مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت را نقد کرد. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. اغلب منابع تاریخ وفات وی را سال 1125 ق نقل کرده‌اند و آقا بزرگ تهرانی با استناد به ماده تاریخ زیر تاریخ وفات وی را سال 1121 ق می‌داند: «فوتش را بفاتح هاتفی از غیب گفت: کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال یعنی 1121». از آثار وی: ترجمه‌ی «قرآن مجید»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ شرح فارسی «غرر و درر»؛ شرح فارسی «مفتاح الفلاح»؛ حاشیه بر «شرح عضدی»؛ حاشیه بر «تهذیب الاحکام»؛ حاشیه بر «بر من لا یحضره الفقیه»؛ «شرح اللمعه ش الشرائع»؛ شرح «الشفاء»؛ شرح «اشارات»؛ «شرح حدیث البساط»؛ «النیه»؛ «اختیارات الایام»؛ «اصول‌الدین»، در امامت؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول»؛ «جبر و اختیار»؛ شرح بر «حدیث الطینه»؛ در جبر؛ «کلثوم ننه» یا «عقائد النساء» که در آن رسوم و پندارهای معمول میان زنان آن روزگار ایران به نقد کشیده. از دیگر آثار او ترجمه «الفصول المختاره من العیون و المحاسن» معروف به «مجالس» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (231/9)، تاریخ ادبیات در ایران (316/5)،

تذکره القبور (238)، الذریعه (440/24، 192/13، 82/14، 53/6، 506، 122، /4، 367/1)، روضات الجنات (210 -208 /2)، ریاض العلماء (11/7، 114/1)، ریحانه (54/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 148 -146 /12)، فوائد الرضویه (84 -83)، لغت نامه (ذیل/ جمال)، مولفین کتب چاپی (383 -381 /2)، معجم المولفین (255/9، 154/3)، هدیه الاحباب (120)، هدیه العارفین (321/2).

خوانساری، رضی‌الدین محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1113 ق)، عالم، فقیه، متکلم و شاعر. برادر کهتر آقا جمال خوانساری است و هر دو به نام محمد نامیده شده‌اند و هر دو در اصفهان نشو و نما یافتند، و هر دو محضر پدر بزرگوارشان، محقق خوانساری و دایی دانشمندشان، ملا محمدباقر سبزواری، علم آموختند. وی قبل از برادرش در جوانی درگذشت. او از کسانی است که حکم شاه سلطان حسین را در نهی از منکرات امضاء کرد. آقا خلیل اصفهانی قاینی از شاگردان اوست. از آثار وی: «المائده السماویه» یا «الاطعمه و الاشربه» که برای شاه سلیمان صفوی به زبان فارسی تالیف کرد، این کتاب متمم «مشارق الشموس فی شرح الدورس» پدرش آقا حسین خوانساری است؛ «شرح حدیث البیضه»، که در «کافی» آمده است، در احوال سفرا و کیفیت غیبت به زبان فارسی، که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی نوشت؛ «شرح کتاب الصوم و الاعتکاف» از «شرح الدورس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (36/21، 193/13، 218/2)، ریحانه (230/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 274 -273 /12)، فوائد الرضویه (183 -182)، لغت نامه (ذیل/ رضی‌الدین).

خوانساری، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در یکی از روزهای اردیبهشت سال 1267 ق . که بهار با ماه رمضان تواءمان گشته بود و غنچه های یاد در آن می شکفتند، در خوانسار شهری که جای جایش چشمه ای سر به بیرون آورده و چون نگینی سبز و بلند با دستهایی گشوده سخاوت را به تمام معنا به رخ می کشد، در خانه سید اسدالله ، عالم بزرگ شهر، نورسیده ای پای در حیات نهاد که نام او را محمد تقی گزاردند.
سید محمد تقی جوانه ای بود روییده بر شاخه سار تباری که در عرصه علم و زندگی درخت تناوری را شکل داده بودند و این طلیعه نیکویی برای او به شمار می آمد. سلسله نسب او چنین بود سید محمد تقی خوانساری فرزند علامه سید اسدالله و او فرزند دانشمند محقق سید حسین و او فرزند عالم بزرگوار سید ابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ... .
و در پایان سلسله نیز سرچشمه دانش و عصمت امام موسی بن جعفر علیه السلام قرار داشت .
ایام مکتب آمد، سید محمد تقی در تیزهوشی گوی سبقت از همگنان ربود. او در این سنین کم هم جذبه های معنوی را در خود احساس می کرد. او که در مکتب خط را بخوبی آموخت و قرآنی را به خط خود نشوت و آن را وقف مسجد کرد.
حوزه خوانسار که در آن زمان به برکت پدران سید محمد تقی و دیگر فرزانه های علمی اش رونقی داشت ، دومین جایی بود که سید محمد تقی در دامنش استواری یافت و قامت راست کرد. سرعت فراگیری سید محمد تقی چنان بود که به هفده سالگی نرسیده ، ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فراگرفت . او در همین مدت قسمتهایی هم از فقه و اصول دوره سطح را خواند.
پای درس بزرگان
خوانساری جوان پس از مشورتهایی که با پدر کرد برای تکمیل اندوخته ها رهسپار حوزه دیرپای نجف شد. هجرت به نجف بر شتاب حرکت او افزود .او در نجف پس از تکمیل درسهای ناتمام ، در درس محققان بزرگ این رشته ها حاضر شد تا جوانه های اجتهاد که از توانایی در تحقیق ریشه می

گیرد در او بروید. خوانساری جوان چهار سال در درس فقه و محقق بزرگ اصولی آیة الله آخوند خراسانی شرکت کرد. در کنار این آدرس به درس فقیه برجسته آیة الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی هم حاضر گشت . بعد از ارتحال این دو او از درسهای اصول آیة الله نائینی ، آیة الللله آقا ضیاء عراقی و از درس فقه آیة الله در گرفتن اجتهادنامه خود از اساتیدش کوشش نکرد. اما آقا ضیاء عراقی - که بارها مقام این شاگردش را ارج نهاده و گفته بود ((و حفظ مقام و نگهداری شؤ ونات آقای خوانساری را مانند علمای متاءخر بر خود فرض می دانم)) هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، اجتهادنامه وی را از نجف برایش فرستاد. افزون بر این آقای خوانساری از این استاد خود اجازه روایی نیز یافته بود.

بر بلندای حماسه

با شروع جنگ جهانی اول که حکومت عثمانی به نفع آلمان درگیر این جنگ شد و در صف متحدین قرار گرفت ، قمرو عثمانیها در حیطه جنگ واقع گردید. در 28 آبان 1293 ق . بصره و حوالی آن به تصرف قوای انگلیس درآمد. موقعیتی حساس بود، دولت عثمانی از روحانیون کمک طلبید علمای شیعه با آنکه استبداد گسترده از طرف آن دولت بر جامعه اکثریت شیعی عراق روبرو بودند، نتوانستند در چنین هنگامه ای ناظر پایمال شدن سرزمین مقدس عراق شوند. این بود که جمع بسیاری از مراجع فتوای جهاد دادند و چون خود در سنین پیری بودند فرزندانشان را به نیابت خویش رهسپار نبرد کردند و گروه دیگری از مجتهدان نیز خود راهی صحنه جهاد گشتند. در ایام محرم فتواهای شورانگیز جهاد شراره حماسه را بویژه در جان طلایه داران دانش برانگیخت و در این میان آقای خوانساری نیز کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت . او به گروه مجاهدانی که به همراه آیة الله سید مصطفی کاشانی عازم نبرد بودند، پیوست . این گروه سوار بر کشتی در رود دجله و فرات پیش تاختند و خود را به صفوف مقدم جبهه در حوالی بصره رسانیدند.

آقای خوانساری در سنگرهای جلو جبهه همراه با همدرسان خود آقای سید ابوالقاسم کاشانی و آقای بختیاری زاده مستقر گشت . او در نبرد با هزار تیری که داشت و با مهارتی که در تیراندازی یافته بود سینه سپاهیان دشمن را آماج خشم ساخت و آنگاه که دشمن برای درهم شکستن مقاومت جنوب هجومی سخت را آغاز کرد او پر نشاط برود و خنده های بلندش تعجب دوستان را برمی انگیخت و وقتی هم که سایه رخوت بر گروهی از جنگاوران افتاد باز فریاد او که حرام بودن عقب نشینی در برابر دشمن را اعلام می کرد، پرطنین بود، و شگفت تر زمانی بود که با تنگ تر شدن حلقه محاصره دشمن مجاهدان مهیای مرگ می شدند و او شور نماز داشت و همگان را به آن می خواند. گویی نماز عاشورایی حسین علیه

السلام در ذهنش زندگی یافته بود.
قوای دشمن پیروزیهای شایانی در جبهه فرات به دست آورد. ولی شکست در کوت العماره پای رفتن را از آنان گرفت و به ناچار جبهه جنگ از جنوب به شرق تغییر یافت .
با اشغال بغداد که مقارن با پیروزیهای دیگر متفقین بود، پایان جهاد فرارسید. از آن سو اشغالگران در تعقیب نیروهای مقاومت برآمدند. دستگیریهای وسیعی آغاز گشت و سرانجام خوانساری جوان هم که در نبرد از قسمت پا مجروح شده بود، دستگیر شد. مجاهدان عرب تنها با سپردن تعهدی آزاد گشتند اما برخورد با مجاهدان دیگر متفاوت بود. انگلیسی ها از آزادی آنان اجتناب ورزیدند. در این میان وساطتهایی نیز برای آزادی آقای خوانساری صورت گرفت ولی بی ثمر بود. اشغالگران اسرای جنگی را در بندر بصره جمع نموده ، آنجا یا کشتی هایی به اسرارتگاههای خود در مستعمراتشان فرستادند و آقای خوانساری و قریب چهارصد تن دیگر از اسراء به جزیره سنگاپور برده شدند. چهار ماه طول کشید تا کشتی آنان در آن سرزمین پهلو گرفت . در سنگاپور، اسرا در زندانی صحرایی قرار داده شدند. در این زندان گروهی از مردمان وحشی جزیره نیز به نام کوکا به چشم می خوردند. آنها به آدمخواری معروف بودند از آن رو هر روز صبح که شیفت زندانبان عوض می شد اسرا سرشماری می شدند. در آن محیط خش آقای خوانساری به تلاش علمی روی آورد. او علاوه بر تدریس منطق و حکمت ، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبان انگلیسی را از یک راجه هندی بیاموزد. رئیس زندان که متوجه مقام علمی او شده بود با توجه به آشنایی او به زبان انگلیسی از او خواست کتابی گمراه ساز را ترجمه کند. او با آنکه روزهای سختی را پیش روی خود داشت با این درخواست مخالفت نمود. و شاید هم برای انتقام از این سرسختی بود که زندانبانان قصد جان او را کردند. او خود در این باره گفته است :
((روزی همه به بیرون رفته بودند و من تنها بودم . زندانبانان حیوانی وحشی را از آن دم در بر درون زندان ول کردند. حیوان جستی زد و بسرعت به طرف من آمد. خیلی نزدیک شد اما کاری به من نداشت . به دم در رفت و دو مرتبه برگشت . چند دفعه این کار را انجام داد ولی کاری با من نکرد.))
بعدها که راجه هندی آزاد شد در آزادی آقای خوانساری کوشید. در نتیجه آقای خوانساری نیز پس از گذشت چهار سال تحمل رنج اسارت ، آزاد گشت .
مرجعیت
آیة الله خوانساری بعد از رهایی از اسارت به زادگاهش خوانسار بازگشت . پس از آن ، آوازه حوزه نوبنیاد سلطان آباد اراک ، در او شیفتگی نخستین

را زنده ساخت و از همین رو در حوزه سلطان آباد به احترام آیة الله حائری در درسشان شرکت جست و خود نیز جداگانه به تدریس فقه ، اصول و حکمت پرداخت . دیری نگذشت که او توجه آیة الله حائری را به خود برانگیخت . آقای خوانساری در سلک یاران نزدیک و مشاوران برجسته (هیاءت استفتایی) آیة الله حائری قرار گرفت . وی در پی این نزدیکیها نقش برجسته ای در شکل گیری حوزه علمیه قم ایفا کرد و مشوقی در هجرت آیة الله حائری به قم بود. در سال 1315 ش . حوزه قم در ماتم از دست دادن بنیانگذارش به سوگ نشست . در آن موقعیت خطیر آیة الله صدر و آیة الله حجت و همچنین آیة الله خوانساری که سه تن از شاگردان و یاران برجسته آیة الله حائری بودند، برای تصدی مسؤ ولیت حوزه و عهده داری رهبری دینی مردم مورد توجه قرار گرفتند. در این میان آیة الله خوانساری با شایستگی های فراوان اخلاقی و علمی که داشت پیشگام نگشت ، اما شیخ محمد صدوقی و شیخ مجتبی عراقی و تنی چند از دوستانشان در پاگیری مرجعیت ایشان تلاش ورزیدند. درس خارج برای ایشان تدارک گردید و قرار شد ادامه درس استادش حائری را بگوید. رفته رفته این شخصیت برجسته مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت و با طرح جواز رجوع در مسائل احتیاطی به ایشان از طرف آیة الله سید ابوالحسن اصفهانی دامنه مرجعیت او گسترش یافت . اما با این همه او آیة الله صدر و آیة الله حجت برای حاکم نمودن وحدت رهبری دینی مردم و زدودن شائبه های تفرقه ، آیة الله بروجردی را به قم خواندند و با اصرار زیاد او را بر این سمند نشاندند.
سالهای طولانی تدریس آیة الله خانساری که از حوزه نجف آغاز گشت ، جمع زیادی از آموختگان فضل او را همراه داشت . در سالهای آخر تدریس هم درس خارج او چنان با عمق و دقت طرح می شد که تنها شایستگانی چند یارای حضور در آن را یافتند. آثار علمی ایشان غیر از آن رساله های فتوایی که نظریات فقهی ایشان را در بر داشت ، تقریرات درسهای خارجی بود که شاگردانش جمع آوری کرده بودند. از آن جمله درس طهارت ایشان بود که به همت شاگرد برجسته اش آیة الله محمد علی اراکی و درس صلوة که از سوی شاگرد فرزانه دیگرشان آقا مجتبی عراقی نگارش یافت .
نماز
نماز آیة الله خوانساری حدیث شگفتی داشت . در او چنان باور خدا تجلی کرده بود که در نماز حجاب برمی کشید و روحش به بهشت یاد درمی آمد. او خود در این باره چنین گفته بود: در نماز که می ایستم مثل این که است که با خدا شفاهی صحبت می کنم و انگار رخ به رخ هستم . در پی نمایاندن این چهره معنوی او بود که با درخواست جمعی از دل باوران ، آیة الله سید

احمد خوانساری ، برقراری نماز جماعت فیضیه را به او واگذاشت . در این نماز پرشکوه حتی مقدسانی که تردیدشان در عدالت امامان جماعت بسیار بود و به هر کس اقتدا نمی کردند، بی هیچ واهمه ای با او به نماز می ایستادند. بعضی از شبها هم که آقای خوانساری نمی آمد آیة الله (امام) خمینی که از اساتید بنام حوزه بود اقامه نماز می کرد. از آن رو که نماز جمعه در نظرگاه فقهی آیة الله خوانساری واجب احتیاطی بود در حوالی سال 1320 بعد از سالیان سال این نماز متروک و مهجور مانده بود، از سوی آن فقیه بزرگ در مدرسه فیضیه بپا شد. بعدها فیضیه هم گنجایش خیل آن همه مشتاقان نداشت . برای همین ، مکان نماز به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام انتقال یافت . برگزاری این نماز چنان پرتاءثیر شد که به دنبال آن در بیشتر شهرها نماز جمعه جانی تازه گرفت .

نماز باران

یکی از حوادث مهم که از آثار شهودی آقای خوانساری از نگاه دینی ، نماز بارانی است که او آن را اقامه نمود تا تجلی دعا و نماز را در زندگی به گونه ای ملموس آشکار کند. در شهریور 1320 که متفقین در ایران به طور انبوه حضور یافتند. در آن موقع موجی از قحطی و نابسامانی در کشور به راه افتاد. قسمتی از سپاه متفقین در منطقه خاکفرج قم استقرار یافت و بعد از مدتی کنترل شهر در دست آنان قرار گرفت . اشغال هنوز ادامه داشت که زمینهای مساعد و وسیع شهر قم - که به صورت دیم کشت می شد - با گذشت دو ماه بهاری از سال 1323 هنوز تشنه بودند. با بروز این خشکسالی موقعیت غذایی مردم بحرانی شد. اهالی قم ، چاره در خواندن نماز باران دیدند. آنان به جستجوی امامی برآمدند تا آنها را به ساحل اجابت رساند و با خلوص و صفایش خواستن را معنی بخشید. مردم راهی خانه های آقایان صدر، حجت و خوانساری شدند. آقایان صدر و حجت در پاسخ مردم گفتند اگر شما وظیفه های شرعی خود را بجا آورید، آسمان و زمین دستهایشان بر شما گشوده خواهد بود. اما آقای خوانساری نتوانست جواب نه بگوید و مردم هم گمان بردند او موافق با خواندن نماز باران است . به همین علت اطلاعیه هایی در سطح شهر نصب گردید که آقای خوانساری در روز جمعه نماز استسقا خواهد خواند. گروهی ایشان را از پایان بد کار بیم دادند اما او گفت حالا که چنین شده ، خواندن این نماز بر من تکلیفی است و هر چه صلاح باشد همان واقع خواهد شد. با نزدیک شدن لحظه موعود بهائیان شهر، متفقین را به انگیزه های این حرکت بدبین نمودند تا جایی که این نیروها در پوششی دفاعی رفتند. در روز موعود، جمعیت از گوشه و کنار شهر روانه شدند تا به صحرای خاکفرج که در نیم کیلومتری شهر قرار داشت و مصلای آن محسوب می شد بروند. آیة الله خوانساری هم با طماءنینه و آرامش مخصوص و در حالی که پاها را برهنه

کرده و تحت الحنک انداخته بود با عده ای از همراهان به سمت آن نقطه حرکت نمودند. جمعیت افزون بر بیست هزار نفر بود و 3/2 ساکنان شهر را در بر می گرفت . با عبور آرام مردم از کنار پادگان ، شائبه های تردید زدوده شد و توطئه بهائیان بی اثر ماند. آن روز نماز خوانده شد اما اثری از اجابت دیده نشد. آیة الله خوانساری که بارها عطوفت و مهربانی پایان ناپذیر خدا را با همه وجود خود درک کرده بود، بخوبی می دانست که خواستن را با اصرار معنا بخشد. چه آنکه اگر خواهش باشد اجابت حتمی است . او بعد از پایان درس و بحث از شاگردانش خواست که تا همپای او باز به کوی خواهش روند و نماز بارانی دیگر بخوانند. این بار نماز در باغهای پشت قبرستان نوبپاگشت . غروب یکشنبه فرا رسید و آسمان بی تکه ابری سرخ گونگی خورشید را به نظاره نشست . گزارش هواشناسان غربی که در پادگان خاکفرج بودند گویای این بود که بارشی روی نخواهد داد.
دین ناباوران زبان تمسخر گشودند. استاد رسولی در خاطره خود می گوید: ((آن روز گذشت و ما مطابق معمول به نماز جماعت آیة الله خوانساری در مدرسه فیضیه رفتیم . اکنون یادم نیست که به چه مناسبتی شبها در مدرسه فیضیه بعد از نماز جلسه روضه خوانی و سخنرانی بود. مرحوم حاج محمد تقی اشرافی به منبر رفت و هنوز اوایل سخنرانی ایشان بود که باران شروع شد... آن شب باران مفصلی آمد.))
این باران چنان گسترده و بی امان بود که تا آن وقت چنین بارشی را کسی سراغ نداشت . بی سیم های پادگان خاکفرج به کار افتاد و خبر این حادثه شگفت به جهان مخابره شد و در مدتی کوتاه پس از تاءیید آن از طرف مقامهای رسمی لندن و آمریکا، از طریق رادیو انعکاس جهانی یافت .
حج نمونه
تا شهریور 1328 ش هفت سال می گذشت که ایران از حج محروم بود. در آن سال حضور روحانیان که تشنه تر از همه می نمودند در این حج ، حضوری پرجلوه بود. حضوری آنچنان که حج آن سال را حجة العلما نامیدند. روحانیان بزرگی چون آیة الله میرزا محمد فیض و تنی چند از علمای برجسته در این حرکت به چشم می خوردند. آیة الله خوانساری هم به دعوت یکی از بازاریان تهران به این کاروان پیوست . در همان روزهای نخست ورود ایشان به مکه او وحدت آفرین گشت و با اعلام ثبوت رؤ یت ماه از طرف ایشان اختلاف رخت بربست و وقتی هم که جمعی از شیعیان از او تقاضای برپایی جماعت نمودند، او بی اعتنا به درخواست ایشان ، به نمازجماعت برادران اهل سنت رفت . چه آنکه این حج برای همبستگی بود و دلبستگی و دمیدن روح برادری ، تا در سایه وحدتی ظاهری روحها به وحدت رسند در مدینه نحل اقامت آیة الله خوانساری جای آمد و شد

هیاءت ها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جمله آنها هیاءت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء، مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود. گفتگوهای دوستانه اش آغاز گشت و تلاش آیة الله خوانساری در نزدیکی و ایجاد تفاهم هر چه بیشتر بود. در پاسخ به این خبر اخوان وحدت ، خطبای مصری هم با او، همصدا گردیدند.

فتواهای شورآفرین

آیة الله خوانساری همگام با آیة الله حاج آقا حسین قمی ، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب ، در این مبارزه شرکت نمود. او در آن جو پراختناق در فتوای روشنگرانه بر زروری بودن حجاب پای فشرد.

با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین ، آیة الله خوانساری با فریاد آیة الله کاشانی همنوا بود. او در فتوایی فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد سرانجام فریادها کارساز شد و هزاران فدایی اسلام آماده عزیمت به فلسطین گردیدند اما با سنگ اندازی های دولت وقت این اعزام چشمگیر انجام نپذیرفت .

همگامی آیة الله خوانساری با آیة الله کاشانی مرزهای فراتری پیموده است . او با فتوایی سرنوشت ساز ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خداداد خواهان گردید. در هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفدهم که پس از پیروزی نهضت ملی انجام گرفت ، ایشان بار دیگر به یاری رهبری نهضت آیة الله کاشانی شتافت و در فتوایی مهم شرکت در انتخابات را ادای وظیفه شرعی دانست و سستی در این راه را عملی مسؤ ولیت آفرین در پیشگاه خدا قلمداد نمود. انتشار این فتوا، تاءثیر بسزایی در انتخابات مزبور گذاشت . و در تهران تاءثیر آن شگفت آورتر بود.

پاییز حزن

سال 1331 ش علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیة الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هوای ییلاقی همدان سپری کند. با قبول این درخواست ، آیة الله خوانساری با همراهانش آیة الله اراکی ، آیة الله آخوند ملاعلی همدانی ، آیة الله خمینی و فرزند بزرگشان سید محمد باقر، مؤ لف محترم آقای مجتبی عراقی راهی آنجا گردید.

آیة الله خوانساری در استقبالی پرشور وارد شهر شد. در پی اغتنام از انفاس قدسی او مردم شهر از وی تقاضای اقامه جماعت در مسجد جامع کردند. در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می رفت ، در بین راه دچار حمله قلبی گشت و سرانجام نزدیکیهای ظهر هفتم ذیحجه 1371 ق به احرام جانان در آمد و لبیک گویان به سرای او شتافت که حج چهره ای از زندگی هر روز است . و چنین شد که رؤ یای آیة الله بروجردی

نیز تعبیر گشت . او در رؤ یای در همان شبهای قبل از وفات آن فقیه نامدار دیده بود که سید مرتضی رحلت کرده و او را به شهر قم می آوردند. قبر او اینک در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام هم آغوش استادش آیة الله حائری قرار دارد.

خوزانی، محمد ابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن غیاث الدین از علمای قرن دوازده هجری در اصفهان است. عالم فاضل کامل، متبحّر در فقه و اصول و حکمت بوده، اوایل قاضی اصفهان بوده، و سپس قاضی عسکر نادر شاه گردید.
از شاگردان و مجازین از امیر محمّد حسین خاتون آبادی و میر محمّد باقر خلیفه سلطانی است، و جمعی کثیر از او اجازه روایت یافته‌اند.
در سال 1160 در اصفهان وفات یافته، در مقبره آب بخشان مدفون گردید.
در فوائد الرضویة(9:1) درباره او گوید: متمهّر در اصول فقه، و حاذق در حکمت و معقول، دقیق الذهن، عمیق الفکر، کامل العلم، شیرین کلام و عذب البیان.
کتب زیر از تألیفات اوست:
- امان الحثیث فی درایة الحدیث 1- تفسیر آیه و اذا قرىء القرآن 2- تفسیر قرآن 3- حواشی بر کتب اربعه 4- رساله در تحریم غنا 5- رساله در این که درهم و دینار مانند هم است یا قیمت در آنها معتبر می‌باشد؛ 6- رساله در مشروعیّت تلقین میّت جهت اطفال؛ و غیره.
در کتاب روضات الجنات(:652) در ضمن شرح حال حاج شیخ محمد [بن محمد زمان] کاشانی از او نامی برده شده است.
در کتاب راهنمای دانشوران(259:1) گوید: خوزانی (با ضمّ و سکون) منسوب است به خوزان، و آن نام چندین موضع است، و از جمله قریه خوزان ماربین اصفهان است، و از منسوبین بدانجاست: قاضی محمّد ابراهیم خوزانی... و احمد بن محمد خوزانی اصفهانی، در طبقه شعرا.
از اشعار اوست:
خذفی الشباب من الهوی بنصیب
إنّ المشیب إلیه غیر حبیب
ودع اغترارک بالخضاب و عاره
فالشیب احسن من سواد خضیب
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خونساری، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن موسوی خونساری رحمةاللَّه از علماء بنام همدان بوده‌اند.
وی از اصحاب و خصصیین و شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای سید محمدکاظم یزدی بوده و مدت یازده سال تمام در نجف اشرف مشغول تحصیل و از اساتید وقت مثل مرحوم حاج آقا رضای همدانی و آیت‌اللَّه العظمی حاج میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و چند سالی هم اواخر مرحوم میرزای بزرگ «آیت‌اللَّه مجدد شیرازی» را درک نموده و کراماتی هم نقل کرده‌اند تا آنکه اهالی همدان مسجدی مخصوص او بنا کردند پس در زمان مرحوم آیت‌اللَّه طباطبایی یزدی صاحب عروةالوثقی از نجف اشرف حرکت با تجلیل زیادی وارد همدان و مورد توجه قاطبه مردم همدان به طبقات مختلف گردیده و در زمان خود معروف به زهد و تقوی و در اقامه جماعت اول روحانی محسوب بودند و پس از شصت سال خدمت و ترویج شرع در سن نود و دوسالگی در اول ماه شعبان 1337 شمسی به رحمت ایزدی پیوسته و با تجلیل فوق‌العاده جناره آن مرحوم حمل به نجف اشرف گردیده و در جوار مولی الموحدین امیرالمومنین علیه صلوات المصلین مدفون گردیده است دارای پنج پسر می‌باشد که ترجمه دو نفر از آنها را می‌نگارم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

خونساری، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام سید ضیاءالدین خونساری از علماء اعلام و افاضل کرام حوزه علمیه و مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌الله حایری بودند که از اراک به قم هجرت نموده و تا آخر عمر مرحوم حایری از دروس فقه و اصول وی استفاده کرده‌اند.
تولد او در سال 1312 ق- در خونسار واقع شده و پس از طی مقدمات و سطوح به اراک رفته و بعد با انتقال حوزه به قم آمده تا سال 1358 قمری که از دنیا رفته و در جوار امامزاده معروف به شاه محمدقاسم مدفون شده است.
در تقوا و علم و فضیلت و جودت ذهن مشار بالبنان بوده و مرحوم آیت‌الله حایری توجه مخصوصی به ایشان داشت در عید فطر 1352 قمری مرحوم آیت‌الله نماز عید را به وی واگذار نموده که در صحن به جماعت انجام دادند.
نفوذی در خونسار و حومه آن داشت و در تابستانها که آنجا می‌رفتند فصل دعاوی و خصومات با ایشان بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خونساری، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آخوند ملا محمدعلی خونساری قدس‌اللَّه سره متوفی 1332 قمری از علماء برجسته و مجتهدین حوزه علمیه نجف اشرف از شاگردان بزرگ مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و اکابر مراجع و آیات عظام نجف اشرف و مدرسین به نام آن سامان و دارای دامادهای بزرگواری مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ موسی خونساری متولد 1293 متوفی 1363.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

خونساری، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم مبرور سیدالفقهاء والمجتهدین و سند العلماء والمتقین الورع الزکی والمجاهد الصفی والتقی النقی الحاج السید محمدتقی بن سید الاعلام السید اسداللّه الموسوی الخونساری قدس اللّه نفسه الزکیه ابن العلامة الاوحد السید محمد بن المحقق السید حسین بن العلامة الافضل السید ابوالقاسم بن الامام الاکبر العلامة الاجل الحاج السید حسن بن مولا العلامة الحاج میرزا ابوالقاسم (جعفر) ابن السید حسین بن السید قاسم ابن السید محب‌اللّه بن السید قاسم ابن السید مهدی بن السید زین‌العابدین بن السید ابراهیم ابن السید کریم‌الدین بن السید رکن‌الدین بن السید زین‌العابدین ابن السید صالح (العالم الجلیل الشهیر بالقصیر) ابن السید محمد بن السید محمود بن السید حسین بن السید حسن بن السید احمد بن السید ابراهیم بن السید المجاهد السید عیسی بن السید حسن بن السید یحیی ابن السید ابراهیم بن السید حسن بن السید عبداللّه ابن الامام الهمام موسی بن جعفر علیهماالسلام
ساروا و قد بعدت عنا منازلهم
هذه المنازل والاثار والطلل
مخبرات بان القوم قد رحلوا
فالان لا عوض عنهم و لا بدل
فسرت شرقا و غربا فی تطلبهم
و کلما جئت ربعاً قیل لی رحلوا
ولادت این بزرگوار در سال 1305 قمری در قصبه خونسار واقع و وفاتش در هفتم ذی‌الحجه 1371 قمری در همدان اتفاق افتاد و از آنجا با تشییع کم‌نظیری حمل به تهران و از آنجا به قم و در مسجد بالاسر کنار در قبله و قبر مرحوم آیت‌اللّه حایری مدفون گردید.
نگارنده ترجمه معظم له را درج اول آثار الحجه از ص 142 تا ص 161 نگاشته و نیز در ص 384 ج 4 کتاب مشاهیر دانشمندان اسلام متذکر شده در اینجا به طور متوسط می‌نگارم. آن جناب پس از طی مقدمات در خونسار در سال 1322 قمری مشرف به عتبات عالیات شده و در درس مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی شرکت نموده و پس از فوت آنان در درس بزرگانی مانند مرحوم شریعت اصفهانی و آقای آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ علی قوچانی حضور یافته و در هنگام ثوره عراق با مرحوم

آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آیت‌اللّه کاشانی به جنگ انگلیس و استعمارگران رفته تا در سال 1333 تبعید به هندوستان شده و بعد از چهار سال گرفتاری به ایران و وطن خود خونسار مراجعت و بعد از اندکی توقف به اراک رفته و در درس مرحوم آیت‌اللّه حایری حاضر و با معیت آن مرحوم به قم مهاجرت نموده و در تشکیل حوزه قم و حفظ آن تشریک مساعی داشته و بعد از فوت آن مرحوم به اتفاق دو قرین عزیز خود مرحومین آیتین حجت و صدر تا آمدن مرحوم آیت‌اللّه بروجردی از نگهداری حوزه و سرپرستی و تربیت طلاب و محصلین لحظه‌ای مسامحه ننمودند و چه بسیار از افاضل بلکه مراجعی که از حوزه آن مرحوم بیرون آمده‌اند.

نیاکان و اسلاف آیت‌اللّه خونساری

در میان آن سلسله جلیله ستارگان درخشانی در آسمان علم و دانش و چراغهای فروزانی در طریق هدایت و خداپرستی و گلهای زینت‌بخشی در مجالس زهد و تقوا یافت شده که هر یک به نوبه خود علم اسلام و پرچم دین را به دوش کشیده و هزاران نفر را از گمراهی جهل و نادانی به شاهراه مستقیم دیانت هدایت نموده و نامهای نیک و یادگارهای ارزنده‌ای از خود به جای گذارده‌اند و جامعه علم و روحانیت را مرهون زحمات و مشقتهای طاقت‌فرسای خویش ساخته‌اند یکی از آن رجال برجسته دانشمند متقی آقا سید ابوالقاسم فرزند آیت‌اللّه حاج سید حسین است که در سال 1161 در قصبه خونسار متولد شده و در اعلا درجه زهد و تقوا و علم و دانش بوده و به علت شدت احتیاط در دین و اجتناب از پیروی هوا و دنیا سراسر زندگی از اقامه جماعت و ریاست و حکم و فتوا کناره‌گیری نموده و به تمام قوا کوشش در انجام مهمات و قضاء حوائج اخوان می‌فرمود دارای نفسی عجیب و دعائی مجرب که در زمره کراماتش شمرده می‌شد چنانچه مشهور است که به مجرد خواندن یا نوشتن دعاء بیماران شفا می‌یافتند.

در اواسط ماه مبارک رمضان در سال 1240 در قصبه خونسار به رحمت حق واصل شده (از روضات‌الجنات ص 126- الکنی والالقاب ج 1 ص 135).

دیگر از اعاظم این خانواده آیت‌اللّه العلام الحاج سید حسین است که از اکابر محققین اعلام و عظام علماء اسلام دارای اخلاق نیکو و در اعلا درجه زهد و تقوا و دین در زمان خود بوده زاویه خونسار را به جهت خود اختیار و کمتر از آن قصبه بیرون آمده از مسافرت خودداری می‌فرمود و از این رو نامش بر بسیاری از علماء و دانشمندان مخفی و پوشیده گشته در روز یکشنبه هشتم رجب سال 1291 در قصبه نامبرده رحلت و در جوار منزلش مدفون و قرش مزار مردم خونسار است.

و دیگر ابوالقاسم جعفر بن الحسین است که در ماه صفر روز اربعین سال 1090 در اصفهان متولد مقدمات و سطح را در نزد علماء و دانشمندان اصفهانی تحصیل و در قسمت دروس نهائی خدمت علامه مجلسی تلمذ نموده است و لذا از ایشان در کتب و مصنفاتش تعبیر می‌نماید (شیخی الاعظم و استادی الافخم).
دارای تالیفات و تصنیفات چندیست در کلام و فقه و ادعیه و غیر ذلک و یکی از شاهکارهای ادبی ایشان منظومه عربی میمی که خالی از همزه و الف و متجاوز از سه هزار بیت که در حکم و آداب شرعیه نوشته است.
در حدود سال 1130 به واسطه فتنه افاغنه در اصفهان حرکت نموده و به موجب تقاضای اهالی خونسار را محل اقامت خود قرار داده و در آنجا قیام و اقدام به امورات شرعیه نمود تا در سیزدهم ذی‌القعده سال 1157 در قریه قودجان که از قراء خونسار است رحلت و به رحمت حق واصل و در همان قریه مدفون و قبرش مزار هر خاص و عام است و در رحلتش اشعاری سرودند که از آن جمله است.

میر ابوالقاسم اعلم ز جهان رحلت کرد
از میان نسخه آداب مسلمانی رفت
سال تاریخ وفاتش ز خرد پرسیدم
گفت دانای ادب عالم ربانی رفت

و در شرح نوابغ و بزرگان این سلسله به تراجم رجال و مشجرات آل الرسول مراجعه شود زیرا که این کتاب را گنجایش آن نیست.
یکی از آثار و کرامات باهرات مترجم معظم ما نماز استسقاء اوست که در آثار الحجه مشروحاً ذکر کردم و در جرائد و مجلات آن روز هم مسطور گردیده و حتی به کشورهای دیگر هم مخابره شده است و آن در سال 1363 قمری بود همان سالی که متفقین ایران را اشغال کرده بودند و در قم باران نبارید و باغات و مزارع خشکیده و خطر قحطی و خشکسالی مردم قم را تهدید می‌کرد آن مرحوم دو روز متوالیا برای نماز باران به صحرا رفتند و در روز دوم چنان باران آمد که سیلها روان و جویبارها به راه افتاد و این از انفاس قدسیه آن مجسمه تقوا و پیکره فضیلت بود.
اشعار دانشمندان درباره نماز باران آن مرحوم
ادباء و فضلاء قم و سایر بلاد در فوت و مدح آن مرحوم بسیار داد سخن داده که برای اختصار چند قصیده آن را می‌نگارم. آقای نبوی قمی که از فضلاء و خطباء به نام حوزه علمیه قم است گوید:

مخزن علم و کمالی مصدر زهد و ورع
زهره افلاک زهدی بهتر از هر اختری
یاور دین را تو یاری خصم او را دشمنی
بی نوایان را نوائی بی‌کسان را یاوری

قهرمان عرصه میدان علم و دانشی
علم و تقوا را سراسر کشور پهناوری
از محمد وز تقی شد نا نامیت تمام
زین دو نور حق عیان گردیده اینک انوری
ای مجاهد کز سر صدق و صفا کردی قیام
الحق الحق در زمانه مظهر یا قاهری
باید اینسان معدن علم و هنر آید برون
از دبستانی که او آموخت علم و سروری
مایه فخر و مباهاتی تو بر اسلامیان
دشمنان دین و آئین را فروزان آذری
بر سر اسلامیان جاوید بادا سایه‌ات
بخت خصمت تیره‌گون گردد جهان کافری
عقل عاجز گردد از وصف تو ای یکتاپرست
یکه‌خواه و یکه‌جوی و یک‌نوای یک‌سری
علامه ادیب آقای کرمی اهوازی گوید
لهفی علی رجل الحقیقة والتقی
الایة العظمی محمد التقی
بطل اقام عماد دین المصطفی
بجهاده و تعلیمه المتدفق
القت له الدنیا مقالید الوری
فهو الزعیم بمغرب و بمشرق
خونسار مولده و فی النجف استقی
من فیض حیدرة السعادة والرقی
کمعاهد الکفار حتی حل من
کید العدی بمحیط اسر ضیق
مازال منتصبا تؤم جماعة
و یشید فی الجمعات احسن منطق
شحت بوابلها السماء فما انثنی
من ورده و صلوته حتی سقی
ارخه ماظلت بنوحک امه (1371)
لهوی التقی الا لانک متقی
مرحوم حجةالاسلام حاج سید هادی روحانی رودسری گوید
بهر بهار گل از گل شکفته مالامال
گل شریعت ایمان شده است محوالحال
گلی فروشده در گل که تا به یوم قیام
گلاب اوست که هر دم ز دیدگان سیال

برفت آیت عظمای عصر خونساری
فقیه آل محمد همان ستوده خصال
جهاد کرد و اسارت برفت و حبس نشست
که تا ستون دیانت بیابد استقلال
بحفظ حوزه و در تربیت نموده قیام
در آن زمان که شدی بدر حوزه همچو هلال
نماز جمعه بپا کرد نفس قدسی او
به تشنگان حقیقت چشاند آب زلال
هزار و سیصد و هفتاد و یک پس از هجرت
بروز هفتم ذی‌الحجه با شکوه و جلال
برفت آن تقی متقی و زاهد دهر
به نزد جد گرامش کشیده رخت وصال
نمود ختم بگفتار خویش روحانی
که پیش از این ز تأسف نداشت حال مقام

در شب فوت آن مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در خواب می‌بیند که سید بزرگوار علم‌الهدی سید مرتضی موسوی شاگرد مبرز شیخ مفید رحمه‌اللّه از دنیا رفته و جنازه او را به قم می‌آورند بسیار متأثر شده و با وحشت از خواب بیدار و انتظار وقوع حادثه‌ای را می‌برد که از همدان تلفوناً اطلاع ضایعه فوت معظم له را می‌دهند پس تعبیر خواب خود را یافته و عموم علماء و محصلین حوزه و مردم متدین قم را برای استقبال از جنازه و تشییع آن اعزام می‌فرمایند نگارنده هم در مشهد مقدس بودم که آنشب خواب عجیبی دیدم که در حرم مطهر ایستاده‌ام ولی ضریح و صندوق قبر شریف نیست بسیار نگران بودم از خواب بیدار شده و با یکی از علماء و مراجع مشهد خواب را گفته و گفتم گمانم اینست که یکی از علماء بزرگ از دنیا رفته است تا دو ساعت بعد رادیو خبر این حادثه را داد.
فرزندان برومندی دارد که در میان آنان جنابان حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمدباقر و آقای حاج سید محمدعلی به فضل و دانش موصوف و ترجمه آنان در ج 3 مذکور خواهد گردید.
(1371 -1305 ق)، مجتهد، مدرس حوزه و مرجع. در خوانسار متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در خوانسار به عتبات رفت و از محضر آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و علامه یزدی بهره جست. سپس در حوزه‌ی درس بزرگانی چون شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ علی قوچانی حضور یافت. وی هنگام انقلاب عراق همراه با آیت‌اللّه محمد تقی شیرازی و آیت‌اللّه کاشانی، با انگلیس و استعمارگران به مبارزه پرداخت و در پی آن به هندوستان تبعید شد. آیت‌اللّه خوانساری بعد از چهار سال گرفتاری به ایران بازگشت و پس از مدت کوتاهی توقف در خوانسار، به

اراک رفت و از حوزه‌ی درسی آیت‌اللّه حایری بهره‌مند شد. پس از مدتی همراه وی به قم مهاجرت کرد و در تشکیل حوزه‌ی قم سعی بسیار کرد. بعد از فوت آیت‌اللّه میرزا عبدالکریم حایری به اتفاق آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه صدر، تا آمدن آیت‌اللّه بروجردی، به نگهداری از حوزه و سرپرستی و تربیت طلاب مشغول شد. نماز باران وی در سال 1363 ق در قم بسیار مشهور است. وی سرانجام در همدان درگذشت و در مسجد بالا سر قم دفن شد.[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (157/ 3)، الکنی و الالقاب، ترجمه (385 -384/ 4)، گنجینه‌ی دانشمندان (322 -321/ 1).

خونساری، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله حاج سید مصطفی بن العلامه حاج سید احمد موسوی خونساری از علماء اعلام و آیات عظام حوزه علمیه قم است دارای مقامات علمی و کمالات نفسانی حسبی و نسبی است.
تولدش در ربیع‌المولود سال 1321 قمری در خونسار واقع شده و پس از رشد و تمیز مقدمات را از مرحوم آقا سید علی خونساری دائی خویش خوانده و سطوح را از والد ماجدش فراگرفته و در سال 1340 هجری به قم مشرف و از اول ورود به قم به حوزه درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر و چندین دوره فقه و اصول را نزد آن جناب استفاده نموده تا حائز مقام اجتهاد و استنباط و مورد تصدیق معظم‌له واقع شده و حدود ده ماه هم از مرحومین علمین اصفهانی و نائینی در قم بهره‌مند گردیده و هم مدت کوتاهی از مرحوم آیت‌الله قمی و آقازاده خراسانی و آیت‌الله میرزا محمدصادق اصفهانی و آقا رضای مسجد شاهی اصفهانی استفاده کرده‌اند و از هر خرمنی از علوم آنها خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا ورود آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله که به ایشان پیوسته و از اصحاب استفتاء و خواص حواریین معظم‌له گردیده و هم تدریس فقه و اصول داشته و دارد.
تالیفات چندی دارد که فهرست آنها را می‌نگارم 1- الدیانه الاسلامیه در اصول اعتقادات می‌باشد 2- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله حایری در اصول و صلوه و نکاح و مکاسب.
3- الجواهر المودعه که کتاب نفیسی است ولی هیچکدام آنها تاکنون به طبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خویی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1247- شهادت 1325 ق)، عالم و فقیه امامی. مشهور به علامه خویی. وی از طایفه دنبلی بود که در شهر خوی متولد شد و در همان جا ساکن بود. او در بیشتر علوم دینی اعلم از فقه، اصول و حدیث تبحر داشت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه‌کمری به شمار می‌رفت، و از شیخ محمد حسین کاظمی و شیخ مهدی نجفی کاشف الغطاء روایت می‌کرد. عمر وی به بخشش و داد و دهش و تحکیم اساس دین گذاشت. حاج میرزا ابراهیم در طی حوادث مشروطه در منزل خود در خوی شهید شد و جنازه‌اش مدتی بعد به نجف انتقال یافت. از آثار وی: حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری؛ «ملخص المقال فی تحقیق احوال الرجال»؛ «شرح چهل حدیث»؛ «الدره النجفیه»؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «الدعوات»؛ «رساله‌ای در اصول».[1]
مرحوم اوردبادی رحمه‌اللّه گوید العلامة الاکبر حاج میرزا ابراهیم خوئی شهید الانقلاب خوی سال 1325 قمری از تلامیذ شیخ الطائفه حجة الحق شیخ انصاری و آیت‌اللّه العظمی حاج سید حسین کوه‌کمریست.
از تألیفات او 1- حاشیه بر رسائل شیخ مخطوط که نسخه آن در کتابخانه رضویه موجود است 2- شرح نهج‌البلاغه 3- کتاب الاربعین حدیث 4- کتاب الرجال 5- کتاب فی الدعوات و این چهار کتاب مطبوع است.
مرحوم آیت‌اللّه امینی در ص 342 شهداء الفضیلة گوید مرحوم حاج میرزا ابراهیم خوئی متولد 1247 قمری از طراز اول راسخین در علم و منضلعین مشارکین در فنون فقه و اصول و کلام و حدیث و حکمت و عرفان و رجال بود و اما اخلاق: پس او قدوه ارباب اخلاق بوده و مردم باید به وی اقتدا و تبعیت بنمایند دارای جود و کرم و علو طبع و مناعت نفس و انفاق فی سبیل‌اللّه مقامات و مواقفی بود که تاریخ ناطق و تشکر بر آنها ابدیست چنانچه فوائد علمیش مدی الدهر باقی و سرمدیست او را ثروتی مهم بود و در محلی که خدا راضی و دوست می‌داشت صرف می‌کرد.
کسی بر چشمه احسانش وارد نمی‌شد مگر آنکه سیراب برمی‌گشت واحدی به امیدی حضرتش را قصد نمی‌نمود الا آنکه روضه آرزویش با ابر جودش سبز و خرم می‌گشت و از عایدات خود با کثرت آن صرف نمی‌کرد بر نفس خود مگر نصف عشر آن را و همین طور بذل و عطا می‌کرد و اقامه عمود دین و تعظیم شعائر اللّه می‌نمود. تا اینکه در صبح ششم ماه

شعبان 1325 در سن هفتاد و هشت سالگی در صحن خانه خود بضرب گلوله در راه دین با رشد و عقل و مجد و شرف طاهر از دنس به درجه شهادت فایض گشت و فقدا و طامه کبری گشت که چشمه‌ها خون گریست و دلها از عظم خطب فادح و کرب شدید متفطر گردید سوگند با خدای که آن مصیبتی بود که خسارت بر اسلام وارد آورد که به هیچ چیز جبران آن نمی‌شود و بر اساس دین ثلمه‌ای رسید که سد و التیام نمی‌پذیرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (30/1)، اعیان الشیعه (135/2)، ایضاح المکنون (553/2)، الذریعه (214/22، 113/14، 200، 199/8، 152/6، 428/4، 409/1)، لغت نامه (ذیل/ دنبلی).

خویی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1317 ق- 1371 ش)، مجتهد، فقیه، اصولی، مفسر، مدرس و مرجع بزرگ شیعه. آیت‌اللّه خویی در خوی متولد شد. در سال 1330 به نجف رفت و پس از تحصیل علوم ادبی و منطق و اصول فقه و کلام و فلسفه، بحث عالی خارج را نزد مجتهدان بزرگی چون آیت‌اللّه شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، شیخ مهدی مازندرانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی، شیخ محمد حسین نایینی، شیخ محمد جواد بلاغی و آیت‌اللّه سید حسن بادکوبه‌ای، فراگرفت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. آیت‌اللّه خویی مدتی در مسجد الخضراء نزدیک حرم امیرالمومنین (ع) به تدریس بحث خارج «مکاسب» شیخ انصاری، کتاب «صلاه» و بحث خارج «عروه»، و همچنین تفسیر قرآن پرداخت. در حوزه‌ی درس ایشان هزاران شاگرد تربیت یافتند که هر یک به عنوان مرجعی در سراسر بلاد اسلامی منتشرند. در عراق درگذشت و در نجف دفن شد. او تالیفات متعددی دارد که برخی از آنها عبارت است از: «اجود التقریرات»؛ «الامر بین الامرین»؛ «البیان فی تفسیر القرآن»؛ «التنبیه علی حکم اللباس المشکوک علیه»؛ «التنقیح فی شرح العروه الوثقی»؛ «مدارک العروه»؛ «الدراسات فی الاصول»؛ «مصباح الفقاهه»؛ «تکمله منهاج الصالحین»؛ «مبانی تکمله‌ی منهاج الصالحین»؛ «تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین»؛ «مستحدثات المسائل»؛ «منتخب الرسائل»؛ «مناسک الحج»؛ «المسائل المنتخبه»؛ «فقه القرآن علی المذاهب الخمس»؛ «المحاضرات فی الفقه الجعفری»؛ «معجم رجال الحدیث» در بیست و سه جلد و برخی کتب دیگر که هنوز طبع نشده.[1]
فقیه مرجع مدرس.
تولد: 15(1278 رجب 1317 ق.)، خوی.
درگذشت: 17 مرداد 1371، کوفه.
آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، فرزند علی‌اکبر فرزند هاشم موسوی خویی نجفی، در شهر خوی به تحصیل برخی مقدمات پرداخت. در سال 1330 ق. به نجف اشرف رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف به فراگرفتن علوم ادبی و منطق پرداخت. پس از فراگیری کتاب‌های درسی اصولی و فقهی و از جمله نزد پدرش، به تحصیل خارج نزد استادان مختلف و از جمله آیت‌الله شیخ فتح‌الله معروف به شیخ الشریعه اصفهانی، آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی، آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمدحسین اصفهانی،

آیت‌الله محمدحسین نایینی، آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی، آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی پرداخت. بعد با اجازه آیت‌الله محمدحسین نایینی به تدریس کتب امامیه و غیر امامیه، کتب اربعه (کافی، فقه، تهذیب، استبصار) و جوامع (وسایل بحار، وافی) پرداخت.
در سال 1352 ق. بسیاری از علما مانند آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله عراقی و آیت‌الله بلاغی به مقام علمی و اجتهاد ایشان شهادت دادند. در این زمان بود که آیت‌الله العظمی خویی مجلس بحث خارج خود را در مسجدالخضراء نزدیک حرم حضرت امیر (ع) تشکیل داد و سال‌ها به تدریس بحث خارج مکاسب آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری، کتاب صلاة و بحث خارج عروة از سید محمدکاظم یزدی از کتاب طهارت وبعدها نیز به تفسیر قرآن کریم پرداخت.
از جمله آیار ایشان می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: البیان فی تفسیر القرآن؛ اجود التقریرات (دو جلد)؛ تکمله منهاج الصالحین؛ مبانی تکمله منهاج الصالحین (دو جلد) المسائل منتخبه، مستحدثات المسائل؛ تعلیقه علی العروة الوثقی؛ رسالة فی اللباس المشکوک؛ نفحات الاعجاز فی الرد علی حسن الایجاز؛ منتخب الرسائل؛ تعلیقه علی المسائل الفقیه؛ منتخب توضیح المسائل؛ تلخیص المنتخب؛ مناسک الحج (به عربی و نیز به فارسی)؛ تعلیقه المنهج الاحکام الحج؛ معجم رجال الحدیث (بیست و سه جلد).
تقریرات آیت‌الله العظمی خویی به شرح زیر هستند: تنقیح العروة الوثقی، شش جلد در علم و فقه، دروس فی فقه الشیعه چهار جلد در علم فقه، مستند العروة سه جلد در علم فقه، فقه العترة، دو جلد در علم فقه، تحریر العروة یک جلد در علم فقه، مصباح الفقاهه، سه جلد در علم فقه، محاضرات فی الفقه الجعفری، دو جلد در علم فقه، الدر الغوالی فی فروع العلم الاجمالی، یک جلد در علم فقه، محاضرات فی اصول الفقه، پنج جلد در علم اصول، مصباح الاصول، دو جلد در علم اصول؛ مبانی الاستنباط، دو جلد در علم اصول؛ دراسات فی الاصول، مصابیح الاصول یک جلد در علم اصول، جواهر الاصول، یک جلد در علم اصول؛ الامر بین الامرین، یک جلد در علم اصول؛ الرأی السدید فی الاجتهاد و التقلید، یک جلد در علم فقه؛ رسالة فی التحقیق الکر، یک جلد در علم فقه؛ رسالة فی حکم اوانی الذهب، یک جلد در علم فقه.
از کتاب‌های طبع نشده وی میتوان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: اضاةالقلوب؛ فقه القرآن علی المذاهب الخمس؛ فهرست جامع الشتات؛ ازالة المحاده عن ملک المنافع المتضادة؛ آثارة العقول؛ قاعدة التحاوز؛ تعارض.
آیت‌الله العظمی خویی در پی یک بیماری قلبی در بیمارستان ابن‌النفیس

بغداد بستری و پس از یک هفته به نجف اشرف بازگشت و پس از گذشت چند روز به علت کهولت سن در ساعت سه بعدازظهر به وقت بغداد در روز هفدهم مرداد 1371 (مطابق با هشتم صفر 1413 ق.) در کوفه چشم از جهان فروبست. پیکر ایشان صبح یک شنبه در نجف اشرف تشییع شد و در مسجد الخضراء (صحن مطهر علوی) به خاک سپرده شد.
منابع: معجم رجال الحدیث، جلد 22، ص. 17. آیت‌الله العظمی خویی به رحمت ایزدی پیوست»، کیهان فرهنگی س. 9 ش. 6 (شهریور 1371)، ص. 55. «چهره درخشان علوم مختلف اسلامی، حاج سید ابوالقاسم خویی (ره)»، کیهان، ش. 14575(25 شهریور 1371)، ص. 18 ص. گنجینه دانشمندان، جلد پنجم/ شیخ محمد شریف رازی، ص. 65 -64 مجلس نشین قدس، یادوراه پیشگام شهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبائی/ شعر دوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سدی حسین موسوی تبریزی گنجنیه دانشمندان، جلد دوم/ شیخ محمد شریف رازی، ص. 9 -3.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 9، ش 6، ص 55)، مولفین کتب چاپی (242 -240 /1).

خویی، ابوعبداللّٰه، شهاب‌الدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(693 -626 ق)، فقیه شافعی و قاضی. وی در دمشق به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. وی متولی قضاوت در قدس، سپس در حلب و مصر بود. از جمله آثار وی: «اقالیم التعالیم»؛ «الجبرو المقابله»؛ «البیان»؛ «العروض».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (219/6)، روضات الجنات (78 -77 /8)، لغت نامه (ذیل/ ابن‌خویی)، معجم المولفین (258/8).

خویی، شمس‌الدین، ابوالعباس احمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(639/637 -583 ق)، قاضی و فقیه شافعی. معروف به قاضی‌القضاه خویی. از مشاهیر حکما و فقهای شافعی مذهب بود که در آذربایجان تولد یافت. علوم عقلی را نزد فخرالدین رازی فراگرفت و دیگر استادانش علی طوسی، ابن الزبیدی و ابن الصلاح بودند. در زمان الملک معظم عیسی به شام سفر کرد و در دمشق اقامت گزید و به منصب قاضی‌القضاتی آنجا رسید. وی در علوم شرعی و حکمی دست داشت و به اصول طب و علوم دیگر نیز آشنا بود و در مدرسه‌ی عادلیه، مجلس درس فقه داشت. در دمشق درگذشت. از آثار وی: تکمیل تفسیر کبیر «مفاتیح الغیب» استادش فخر رازی که موفق نشده بود آنرا به پایان رساند؛ «ینابیع العلوم»؛ شرح «الارشاد» محمد عمیدی، در علم خلاف و جدل؛ مختصر «النفائس» محمد عمیدی، در جدول به نام «عرائس النفائس»؛ کتابی در «نحو»؛ کتابی در «عروض». خویی منظوماتی نیز داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (588/1)، تاریخ ادبیات در ایران (236/3)، ریحانه (195/2)، سیرالنبلاء (65 -64 /23)، کشف الظنون (2051، 1966، 1113، 918، 69)، الکنی و الالقاب (222 -221 /2)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المولفین (216/1)، الوافی بالوفیات (376 -375 /6)، هدیه الاحباب (133)، هدیه العارفین (93 -92 /1).

خوییني قزويني، احمد

قرن:13
جنسيت:مرد
مليت:ايران
(1307 -1247 ق)، فقيه، محقق و محدث شيعى. معروف به حاج ملا آقا. وى در خويين متولد شد. پس از تحصيل علوم اوليه به قزوين رفت و چندى در آنجا تحصيل كرد، آنگاه به اصفهان رفت و در نزد مشايخ آن شهر درس خواند سپس به عتبات عاليه رفت و پس از بازگشت در قزوين مسكن گزيد و به امر تدريس و فتوى اشتغال يافت. از آثار وى: «الارث»؛ «مرآت المراد»، در رجال؛ «منظومه ديات»؛ «معراج الوصول الى علم الاصول»؛ در دو جلد؛ «اللوامع»، در فقه، در سه مجلد؛ رساله‌ى «الجبر و التفويض»؛ حاشيه بر «تفسير الصافى»، تا پايان سوره‌ى بقره؛ حاشيه بر «صيغ العقود» زنجانى.
برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)
منابع زندگينامه :اعيان الشيعه (175/3)، الذريعه (286 -285/20، 84 -83 /5، 441/1)، ريحانه (196 -195 ،8 /2)، المآثر و الآثار (143)، معجم المولفين (176/2)، مكارم الآثار (1297 -1296 /4).

خوییِنی قزوینی، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1372 -1289 ق)، مجتهد، فقیه و نویسنده. در خوییِن متولد شد. مقدمات را در قزوین فراگرفت، سپس به عراق رفت و نزد علمای آنجا تلمذ کرد. شیخ عبدالکریم پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و تا سال 1320 ش سمت ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی زنجان را بر عهده داشت. در سال 1325 ش به قم رفت و در همان جا درگذشت. و در قبرستان شیخان قم دفن شد. آثار وی: «خودآموز کفایه یا تقریرات آخوند خراسانی»، در دو جلد؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «حاشیه بر عروه الوثقی»، ناتمام؛ «کتاب الفوائد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الحجه (226/1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (161/3)، مولفین کتب چاپی (910/3).

خوئی زنجانی، اسحاق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسحق بن المولی ابراهیم الخوئی الزنجانی متوفی حدود 1324 ق عالمی فاضل بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولدش در نیمه ماه رجب سنه هزار و سیصد و هفده در شهر خوی واقع شده و والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی در سال 1364 قمری در مشهد مقدس برای نگارنده گفت قبل از ولادتش یکی از فضلاء خوی از شاگردان من که طلبه باتقوا و متدینی بود نزد من آمد و گفت حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام را در خواب دیدم و چند پیام برای شما داده و گفت فرمودند به سید علی‌اکبر بگو نماز و روزه استیجاری را بده و آن خانه را هم مال ایتام نیست مال مدعی است به صاحبش بگذار و حملی که همسرت دارد پسر است نامش را ابوالقاسم بگذار.
آن بزرگوار پس از تولد و نشو و نما در خاندان علم و دانش در سال 1330 با مرحوم والدش به نجف مشرف شده و به ادامه تحصیل پرداخته تا در مدت کوتاهی حاضر درس مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی گردیده و گوی سبقت از همگنان ربوده و تقریرات استادش مرحوم نائینی را به نام (اجود التقریرات) به رشته تحریر و طبع آورده و شهرت علمیش مخصوص در علم اصول زبانزد همه گردیده و حوزه درس مستقلی تشکیل و فضلاء بلاد از همه جا به درسش حاضر و کسب افتخار می‌نمودند.
از مزایای درس معظم‌له عربی تدریس کردن بود زیرا با اینکه ایرانی و آذربایجانی بود درس فقه و اصول خود را در مسجد الخضراء عربی سلیس و کتابی و فصیح بدون هیچ وقفه و لکنتی بیان می‌کرد که عرب و عجم از او استفاده و کامیاب می‌شدند.
مرحوم والدش حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی که از علماء مشهد و ائمه جماعت مسجد جامع گوهرشاد بودند سیدی بسیار جلیل و بزرگوار و به خود می‌بالید و افتخار می‌کرد با داشتن چنین فرزند برومندی که از مبرزین علماء و مراجع و مجتهدین شیعه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خوئی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن خوئی بن آیه الله حاج سید ابوالقاسم بن آیه الله حاج سید مهدی بن حجه الاسلام سید صادق حسینی خوئی قدس سره دائی معظم آیه الله العظمی فقیه اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام فی عصره و جامع العلوم و الفنون فی دهره العلامه الکبری ابوالمعالی سید شهاب الدین النجفی مرعشی مدظله العالی از علماء بنام تبریز بوده‌اند.
سلسله نسب آن بزرگوار با نسب مرحوم آیه الله حاج سید حسین کوهکمری و آیه الله حجت کوهکمری یکی می‌شوند و منتهی می‌شوند بسید حسن که در زنوز نزدیک شهر مرند قبرش مزار مؤمنین می‌باشد و نسب سید حسن هم منتهی به حضرت علی اصغر فرزند حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام منتهی می‌گردد. و آیه الله سید مهدی جد آقا سید حسن از اعاظم تلامذه شیخنا الانصاری بوده و آیه الله آقا سید ابوالقاسم والدشان از تلامذه فاضل شربیانی و آیه الله حاج شیخ محمد حسن مامقانی بوده است.
مترجم معظم در سال 1289 در شهر تبریز متولد شده والده ایشان مخدره صالحه بانو حاجیه همای خانم صبیه مرحوم حاج منجم بانی پل معروف به پل منجم در شهر مذکور می‌باشد.
اساتید ایشان والدشان و عموی مکرمشان آیه الله آقای حاج سید رضا خوئی و سایر علماء تبریز بوده و بعد به نجف اشرف مهاجرت و سالهای متمادی در درس مرحوم آیه الله حاج سید کاظم یزدی صاحب عروه و آیه الله شریعت تلمذ نموده و پس از وفات آن دو بزرگوار به تبریز آمده و به تدریس و اقامه جماعت و بیان عقاید و احکام دینیه پرداخته.
اجتهاد و روایتی
دارای اجازات عدیده از آیه الله یزدی و آیه الله شریعت و آیه الله فیروزآبادی و آیه الله آقا شیخ زین العابدین مرندی و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می‌باشد:
آثار قلمی ایشان از این قرار است:
1- مجالس المواعظ کتابی است به نحو مجلس مجلس 2- شرح زیارت عاشورا 3- شرح صحیفه سجادیه 4- شرح دعاء سمات 5- حاشیه بر عروه الوثقی 6- غایه القصوی.
در سال 1379 قمری وفات نموده و پس از مدتی که در مزار سید ابراهیم

امانت سپرده شده بود حمل به نجف اشرف و در وادی السلام در قبرستان خانوادگی مدفون گردید. دارای دو پسر به نام آقا سید باقر که از تجار و ساکن مشهد مقدس است 2- آقا سید عبدالکریم ساکن تبریز و داماد مرحوم آیه الله حاج میرزا مهدی انگجی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خوئی، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صادق بن المرحوم کربلائی علی خوئی از علماء معروف معاصر شهرستان خوی می‌باشد.
وی در سال هزار دویست و هفتاد و هشت شمسی در خوی متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید و تدریس در مدارس جدید موفق به تحصیل علوم دینیه گردیده و مقدمات و سطوح وسطی را در مدت سه سال در خوی خوانده و پس از آن مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی رحمةاللّه فراگرفته و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حجت رضوان اللّه تعالی علیه در مدت بیست و سه سال استفاده کامل نموده تا به مدارج علم کمال رسید و به تدریس فقه و اصول پرداخته اما جمع کثیری از اهالی خوی از حضرت آیت‌اللّه حجت ره تقاضا نمودند که ایشان را برای هدایت و ارشاد مردم اعزام به خوی فرمایند پس به امر معظم له به وطن برگشته و تاکنون به اقامه جماعت و ترویج دین و نشر احکام مبین و تدریس علوم دینی فقهاً و اصولا اشتغال دارند. آثار علمی ایشان از اینقرار است:
1- دوره اصول من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجة ره
2- کتاب طهارة من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجة ره
3- کتاب صلوة من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجة ره
4- لباس مشکوک من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجة ره
5- کتاب صوم من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجة ره
6- کتاب خمس من اول الی آخره از تقریرات و دراسات آیت‌اللّه حجة ره
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از علماء طراز اول و از شاگردان مبرز شیخنا الانصاری کاتب تقریرات او بود که برخی احتمال می‌دادند که بعد از شیخ جانشین او گردد در سال 1309 قمری از دنیا رفت از تألیفات او حاشیه بر رسائل می‌باشد اعیان‌الشیعه جزء 41 ص 253 درباره وی گوید الشیخ علی الخوئی النجفی توفی فی النجف اول المحرم 1309 و دفن به وادی‌السلام من کبار تلامیذ الشیخ مرتضی الانصاری کان محققا مدققا عمیق النظر فی علم الاصول والفقه کان یدرس بعد استاده الرسائل و یحضر درسه افاضل طلبة العرب و کان و رعاً تقیا موثوقاً به عند اهل العلم و قوراً قلیل الکلام حسن التقریر له رسائل فی حجیة الظن.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خوئی، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید علی‌اصغر بن المرحوم العالم الجلیل السید مجتبی بن العلامه آیت‌اللّه آقا سید صادق حسینی صادقی خوئی از علماء محترم و معروف معاصر تهران می‌باشند.
وی در تاریخ 13 محرم‌الحرام 1312 ق در خوی متولد شده و پس از پرورش در حجر والد ماجد و خواندن مقدمات و ادبیات از مرحوم آخوند حاج ملا علی مدد بدل آبادی (یکی از مضافات شهرستان خوی) و مقداری از سطوح فقه و اصول را از مرحوم حاج شیخ محمد خوئی معروف به ساکن کوچه (درق) و مقداری از پسر عم گرام خود آیت‌اللّه آقا سید باقر مرحوم استفاده کرده و در تاریخ 1341 ق- ه مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت یکسال رسائل و خیارات مکاسب را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی خوانده و بعد از درس خارج (صلوه) مرحوم آیت‌اللّه حجت کوهکمری و مدتی از ابحاث متاجر مرحوم آیت‌اللّه ایروانی و ضمنا از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) و مرحوم آیت‌اللّه محقق آقا میرزا حسین نائینی رحمهم اللّه فقها و اصولا و مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده آنگاه در سال 1350 ق به ایران مراجعت و بواسطه دعوت رسمی اهالی محترم شهرستان خوی و امریه مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی به شهرستان خوی عزیمت نموده و قریب پنجسال در آن سامان بوظائف روحی و دینی از اقامه جماعت و غیره پرداخته و پس از آن بواسطه عدم امنیت به نجف بازگشت و حدود سه سال و اندی بتدریس اشتغال داشته و در سال 1358 ق باز بخوی آمده و مدرسه مخروبه (نمازی) خوی را تعمیر اساسی و بجمع و تربیت طلاب و محصلین از شهر و حومه آن مبادرت نموده و عده کثیری که اکنون در خوی و حومه آن بوظائف مقرره روحانیت اشتغال دارند و از علماء مبرز بشمار می‌روند از محصلین دوره اول (مدرسه نمازی) معظم له (پس از تعمیر آن) می‌باشند و معاریف آنها عبارتند از:
1- حجةالاسلام آقای حاج سید جعفر مرقانی (داماد معظم له)
2- حجةالاسلام حاج شیخ ابوطالب فاضلی مقیم تهران.
3- حجةالاسلام آقای حاج میرزا خلیل قبله‌ای مقیم فعلی تهران.
4- حجةالاسلام حاج شیخ حسن بصیری ساکن خوی.
5- حجةالاسلام آقای حاج سید محمد مصری ساکن خوی.

6- حجةالاسلام میرزا محمدعلی دیلمقانی ساکن تبریز.
7- حجةالاسلام آقای میرزا حسین رائی ساکن تهران.
8- حجةالاسلام میرزا محمود صمیمی ساکن (مکان خوی) و غیر آنها
و در سال 1361 ق به جهت پاره‌ی از محذورات و ناامنی محل به تهران مهاجرت و تاکنون به اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف روحی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه خوئی مذکور که در حال حاضر هشتاد و دو سال از سن مبارکش می‌گذرد از آیات عظام و علماء اعلام آذربایجان مقیم تهرانند عالمی متین و موصوف بفضل و تقوا و با مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حجت (استاد معظم ما) صداقت تام و ارادت تمام داشتند و مورد توجه مخصوص آن مرحوم بودند.
از آثار ایشان است:
1- تعمیر و بنیان اساسی مدرسه نمازی خوی که خود مخارج اولیه آن را مرحوم مبرور حاج یحیی سلماسی مقیم قم دادند و مابقی را مردم متدین دیگر مساعدت نمودند. 2- تأسیس کتابخانه مدرسه نمازی. 3- اهداء مقداری از کتب به آن کتابخانه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، محمد شفیع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد. در خوی از شهرهای آذربایجان متولد گردیده، و در تبریز و خوی تحصیل نموده تا به درجه‌ی اجتهاد رسیده، پس از جنگ ایران و روس جزو علمای مجاهد وارد شده، و به میدان جنگ شتافته، پس از آن مجبورا ترک آن حدود نموده، و به جهت اشتهار و قدرت سید حجة الاسلام به اصفهان آمده، نزد ایشان در کمال احترام می‌زیسته، و پس از آن که مسجد سید ساخته می‌شود مرحوم حجة الاسلام امامت یک وقت مسجد میرزا باقر را به ایشان واگذار نموده، و در کمال زهد و قناعت زندگی نموده، در سال 1265 وفات یافته، در مقبره‌ی کوچک مسجد سید مدفون می‌شود. ظاهرا وی را تألیفاتی بوده که از بین رفته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوئینی، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم بن العلامه حاج ملا ابراهیم خوئینی زنجانی عالمی با ورع و مجتهدی باکمال بوده که از مسقط الراس خود به زنجان آمده و پس از پایان سطوح به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیت‌الله کفائی استفاده نموده و از اجلاء تلامذه آن بزرگوار گردیده و هم از آیات دیگر آنجا بهره‌مند شده و پس از مراجعت به زنجان و خوئین در سال 1366 ق مهاجرت به قم نموده و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته تا سال 1372 که داعی حق را اجابت نموده و در زمین پاک قم به خاک رفته است.
تالیفات و آثاری دارد از جمله: 1- رساله عملیه 2- حاشیه بر عروه الوثقی.
3- شرح بر کفایه الاصول فارسی به نام خودآموز کفایه در دو مجلد که به طبع رسیده است 4- کتاب الفوائد در مطالب متفرقه.
فرزندان فاضل و صالح و برومندی دارد مانند 1- جناب آقا شیخ عبدالرحیم خوئینی که از فضلاء حوزه علمیه و شاگردان مبرز آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی و آیات حاضر دیگر می‌باشند و دارای مقام علم و عمل و تقوایند.
2- آقای آقاشیخ احمد 3- آقای آقاشیخ محمد 4- آقای آقاشیخ محمود 5- آقای آقاشیخ هادی 6- آقای آقاشیخ اسمعیل 7- آقای آقاشیخ علی 8- آقای آقاشیخ علی‌اصغر که تمامی از علماء و فضلاء معاصر قم و نجف و تهرانند و تفصیل ترجمه ایشان و مرحوم والدشان را جناب حجه‌الاسلام آقای حاج سید ابراهیم موسوی زنجانی در تاریخ علماء زنجان از ص 358 تا 366 نوشته و به طبع رسانیده است بدانجا مراجعه شود...
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خیابانی سبحانی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1392 -1299 ق)، عالم، مجتهد و محدث. محمدحسین در تبریز متولد شد. مادرش شهربانو نوه‌ی فتحعلی‌شاه بود. پس از فراگیری مقدمات، نجوم و حساب استدلالی را نزد میرزا علی منجم و سطوح عالی فقه و اصول را نزد آیت‌اللّه انگجی و شرح «اشارات» را نزد شیخ حسین قراچه‌داغی فراگرفت. در سال 1327 ق به نجف رفت و حدود یازده سال از محضر آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی، آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند شد، و با کسب اجازه‌ی اجتهاد و روایت در سال 1339 ق به تبریز بازگشت و به تدریس علوم دینی پرداخت. پس از فوت در جوار حضرت معصومه (ع) در قم دفن شد. از آثار وی: حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ یک دوره «صلاه استدلالی»؛ «خیارات»؛ حایه بر «رسائل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (162/3)، گنجینه‌ی دانشمندان (315 -314 /3).

خیارجی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد از مجتهدین مبرز زمان خود و به زهد و ورع و تقوا موصوف و معروف و در سال 1343 وفات نموده مرحوم والدش آقا شیخ علینقی از اجلاء شاگردان شیخنا الانصاری و صاحب رساله عملیه بوده و در قزوین در عصر خود مرجعیت مطلقه داشته و قریب سیصد نفر از فضلاء به درسش حاضر می‌شدند تا در سال 1302 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خیارجی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وی فرزند شیخ محمد است وی در قزوین در بیت علم و تقوا در سال 1289 شمسی متولد شد و در حجر فضیلت و دانش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح وسطی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ آنجا تکمیل آنگاه از محضر و دراسات خارج آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّه شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی استفاده نموده و به دریافت اجازات از آنان نائل شده آنگاه به وطن خود مراجعت و به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و تا هم‌اکنون اشتغال دارند.
دارای تألیفات عدیده در رشته‌های مختلف مانند رد بر صوفیه و غیره می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر بن ابی اسحاق العلوی الموسوی الدارابی المعروف به کشفی از بزرگان علماء امامیه در قرن سیزدهم و عالمی محقق و متبحر و دانشمندی جامع و مصنفی بزرگوار بوده است. تولد وی در سال 1189 قمری واقع شده و بر حب علم و دانش پرورش یافته و در دریای علوم و فنون شناور گردیده تا جمع نمود بین علم و ارتعان و ذوق و عرفان را و در عصر خود ممتاز و ریاست عامه و مرجعیت تامه پیدا نمود و او یکی از اعاجیب روزگار و نوابغ دوران و یگانه در فنون تفسیر و عرفان بود و آثار ارزنده و آموزنده که از آنها کتاب شریف (تحفةالملوک) است در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوای عقلانی و جهلانی به فارسی نوشت که مانند آن تألیف نگردیده است علامه رازی در کتاب (الذریعه) ج 3 ص 471 آن را یاد و تعریف بسیار نموده است و دیگر کتاب (اجابة المضطرین) به فارسی در اصول دین که نیز در ج 2 کتاب الذریعه ص 120 مذکور شده است و دیگر کتاب (البلدالامین) در اصول دین منظوم بیش از هزار بیت که در ج 3 ص 144 کتاب مذکور یاد شده و دیگر کتاب (میزان‌الملوک) در عدالت سلطان در بین رعیت و دیگر منظومه در علم کلام و کتاب (کفایةالایتام) سه جلد در فقه و کتاب (برق و شرق) در شرح بعضی از احادیث و کتاب (سنابرق) در شرح دعاء ماه رجب دعاء ناحیه مقدسه (اللهم انی اسئلک بمعانی جمیع ما یدعوک) که در آن نسب خویش را ذکر کرده است.
آن بزرگوار در سال 1267 قمری در بروجرد وفات نمود.
ترجمه او را فاضل مراغی در (المآثر والاثار) و میرزا فرصت شیرازی در آثار العجم و دیگران ذکر کرده‌اند وی دارای اولاد عدیده بوده که نوعاً از علماء و دانشمندان فارس و بروجرد و تهران بوده‌اند بدین شرح:
1- سید اسحق 2- سید صبغةاللّٰه 3- سید یعقوب از یک مادر نجفیه 4- سید مصطفی که مادرش اهل اصطهبانات بوده 5- سید سینا 6- سید عیسی مادرشان اهل اصفهان بوده 7- سید حسن 8- سید علی 9- سید یحیی مادرشان یزدی بوده 10- سید موسی 11- سید روح 12- آیت‌اللّٰه سید ریحان اللّٰه که مادرشان بروجردی بوده و آیت‌اللّٰه سید ریحان‌اللّٰه پدر مرحوم حجةالاسلام حاج سید مهدی کشفی در عصر خود یکی از رؤساء روحانی و علمی تهران بوده است.

مرحوم حجةالاسلام آسید یحیی کشفی دارابی یکی از فرزندان آن بزرگوار در سال 1266 قمری در موقع ریاست آنجناب در فتنه بابیه به شهادت رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دارابی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، فقیه، اصولی، عالم و فیلسوف. وی از عالمان بزرگ و فیلسوفان برجسته بود. در معقول و منقول سرآمد و در فقه و اصول نابغه بود. وی در اکثر علوم به مرتبه‌ی بلندی رسیده بود. حکمت را از ملا هادی سبزواری صاحب «منظومه» فراگرفت. وی کتاب «الاسفار» را به خط خود نوشت و حواشی بر آن نگاشت. این حواشی بر تبحر و تحقیق او دلالت می‌کند. از شاگردانش شیخ احمد شیرازی نجفی معروف به شانه‌ساز و میرزا ابراهیم نیریزی می‌باشند. از دیگر آثارش: شرح «دعاء کمیل»، به شیوه‌ی استادش در شرح «دعاء الصباح» و «دعاء جوشن»؛ شرح «قصیده‌ی میرفندرسکی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (15/14، 259/13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14/ 983- 984)، گنجینه‌ی دانشمندان (106/5).

دارکی اصفهانی، ابوالقاسم عبدالعزیز

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 375 ق)، فقیه شافعی. دارک از روستاهای اصفهان است. پدرش در زمان خود محدث برجسته‌ی اصفهان بود. دارکی در 353 ق به نیشابور، و پس از چندی به بغداد رفت و تا پایان عمر در آنجا ساکن شد. وی فقه را از ابواسحاق مروزی و حدیث را از جد مادری خود، حسن بن محمد دارکی، فرا گرفت. او در مسجد دعلج بغداد درس می‌گفت و در جامع بغداد حلقه‌ی فتوی و نظر داشت. وی در مذهب شافعی سرآمد بود. گرچه متهم به اعتزال بود، اما او را در حدیث ثقه‌ای امین می‌دانستند. بیشتر اوقات به استناد حدیث نبوی، برخلاف دو مذهب شافعی و حنفی، فتوی می‌داد و در پاسخ اعتراض می‌گفت: «حدیث شریف مقدم بر فتوای آن دو اما است» و ذهبی در «سیر» گوید که این کلام صحیح است اما به شرط صحت سند. شیخ ابوحامد اسفراینی و جمعی دیگر از شیوخ بغداد و دیگر شهرها همچون ابوطالب فقیه، ابوالقاسم تنوخی از شاگردان وی بودند. ابوحامد اسفراینی او را ستوده و گوید که فقیه‌تر از او ندیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ الاسلام (حوادث 576 -575/ 380 -351)، تاریخ بغداد (465 -463 /10)، ریحانه (205/2)، سیر النبلاء (406 -404 /16)، الکنی و الالقاب (483/2)، وفیات الاعیان (189 -188 /3).

دارمی سرخسی، ابوجعفر احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 253 ق)، محدث و فقیه اهل سنت. در سرخس متولد شد. و در نیشابور نشو و نما یافت. اکثر اوقات زندگی وی در طلب حدیث گذشت. جهت استماع حدیث به بغداد رفت. وی مدتی در سرخس متولی امور قضا بود. پس از چندی به نیشابور بازگشت و در همان جا زیست تا درگذشت. از نضر بن شمیل و علی بن حسین بن واقد و جعفر بن عون و ابوعاصم نبیل حدیث شنید. وی در حدیث ثقه بود و بخاری و مسلم در «صحیح»های خود و عمرو بن علی فلاس و محمد بن المثنی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. احمد حنبل او را زبده‌ترین فقیه خراسانی می‌داند که دیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (169 -166/4)، تهذیب التهذیب (31 -30/1)، ریحانه (205/2)، الکنی و الالقاب (225/2)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، الوافی بالوفیات (390/6).

دارمی سمرقندی، ابومحمد عبداللّه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(255 -181 ق)، مفسر، فقیه و محدث. در سمرقند به دنیا آمد و در همان شهر ساکن بود. به اصرار سلطان، منصب قضاوت سمرقند را پذیرفت، اما پس از اولین مرافعه استعفا داد. در طلب حدیث سفرهای بسیاری کرد و در حجاز و شام و مصر و عراق و خراسان استماع حدیث نمود. از یحیی بن حسان و ابوعلی عبیداللّه بن عبدالمجید و یزید بن هارون و یعلی بن عبید و جعفر بن عون و وهب بن جریر و نضر بن شمیل و بشر زهرانی حدیث شنید. مسلم و ابوداود و ترمذی، سه تن از صاحبان «صحاح» ششگانه، و نیز ابوزرعه و ابوحاتم رازی و محمد بن بشار بندار و عیسی بن عمر سمرقندی و دیگران از او استماع حدیث کرده‌اند و همگان به فضل و کمال او اقرار داشتند. در شهر مرو درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «مسند»، در حدیث؛ «التفسر»؛ «الجامع الصحیح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (230/4)، تاریخ بغداد (32 -29/10)، تهذیب التهذیب (262 -261/5)، الجرح و التعدیل (ج 2 ق 99/2)، ریحانه (206/2)، سیر النبلاء (232 -224/12)، الکنی و الالقاب (225/2)، لغت نامه (ذیل/ ابومحمد)، معجم المولفین (71/6).

داماد یزدی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم مبرور آیت‌الله حاج سید محمد داماد معروف به محقق یزدی که به واسطه مصاهرت با مرحوم آیت‌الله العظمی حایری موسس حوزه مشهور به داماد گردیده از آیات عظام و مدرسین کرام حوزه علمیه قم بوده است تولدش در سال 1321 در احمدآباد یزد واقع شده و از مسقط الراس خود به بلده یزد آمده و در نزد مرحوم سید احمد مدرس و حاج سید یحیی واعظ و آقاسید حسین باغ گندمی و آقا سید محمدرضا حایری درس خوانده و در سال 1341 به قم مهاجرت نموده و در خدمت آیات عظام یثربی کاشانی و مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و میرزا محمد همدانی و حاج شیخ محمود اردکانی و آقا سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله حجت و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی حایری تلمذ نموده و معقول و منقول را از نامبردگان فراگرفته و آنگاه به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجا پرداخته و بعد از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی نیز شرکت در درس و بحث آن مرحوم نموده و ضمنا عده‌ای از فضلاء برجسته را تربیت و در مسجد بازار مسکرها هم به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال داشته تا در ماه ذی‌الحجه 1388 قمری که به کسالت سکته قلبی در سن 67 سالگی بدرود حیات نموده و با تشییع بسیار مجللی در صحن مطهر فاطمیه علیهاسلام در مقبره‌ای از مقابر شرقی صحن مقابل ایوان آئینه مدفون گردید.
فرزندان برومند و فاضل و بسیار متین به نام حاج‌آقا علی و آقاسید مصطفی دارد که از اسباط مرحوم آیت‌الله حایرای و باقیات الصالحات معظم‌له و چشم و چراغ حوزه علمیه می‌باشند.
جناب حجه‌الاسلام آقای حاج آقا علی داماد آیت‌الله آقا میرزا هاشم آملی می‌باشند و بسیار آراسته‌اند و در مسجد بازار به جای مرحوم والد اقامه جماعت می‌نمایند ادام‌الله توفیقاتهما و جعلهماالله و ایانا من العلماء العاملین الصالحین الذین لاخوف علیهم و لاهم یحزنون آمین یا رب العالمین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دامغانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(478 -398 ق)، فقیه و قاضی حنفی. وی در دامغان به دنیا آمد. در دامغان و نیشابور و بغداد فقه آموخت. و از ابوحسین قدوری بهره گرفت. وی از قاضی ابوعبداللّٰه صیمری و محمد بن علی صوری حدیث شنید. عبدالوهاب انماطی و علی بن طراد زینبی و حسین مقدسی از وی روایت کرده‌اند. اصحاب وی که در شهرها پراکنده شدند، عبارت‌اند از: ابوسعد ابن بابشاذ مصری و نور الهدی حسین زینبی و ابوطاهر الیاس دیلمی و ابن‌سمنانی. وی مدت سی سال پس از ابن‌ماکولا عهده‌دار امر قضاوت بغداد بود، و مانند قاضی ابویوسف حشمت و جاه و آقایی داشت. دامغانی در بغداد درگذشت. و در جنب ابوحنیفه دفن شد. از جمله آثار وی: «مختصر الحاکم»، در فروع فقه؛ «مسائل الحیطان و الطریق»؛ «الزوائد و النضائر فی غریب القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (163/7)، تاریخ بغداد (109/3)، سیر النبلاء (486 -485 /18)، الکامل (129/8)، معجم البلدان (27/4)، معجم المولفین (49 -48 /11)، الوافی بالوفیات (139/4)، هدیه العارفین (74/2).

دامغانی، نعمت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نعمت‌اللّه دامغانی از علماء اعلام و مدرسین عظام نجف اشرف بوده‌اند وی در حدود سال 1291 قمری در دامغان متولد گردیده و پس از فراگرفتن مقدمات به مشهد مقدس مشرف و مدت بیست و یک سال توقف و سطوح عالی فقه و اصول و حکمت و دروس خارج را از آیات بزرگ حوزه مشهد چون مرحوم آیت‌اللّه‌زاده کفائی و مرحوم حاج فاضل (حدود بیست سال) استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و هم در دروس اخلاق و سلوک و عرفان از محضر عالم ربانی و آیت‌اللّه سبحانی مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی کامیاب گردیده و در سال 1335 قمری مجتهداً مستغنیاً مهاجرت به نجف اشرف نموده و در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه عراقی شرکت و در عداد خواص اصحاب و معاونین مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی درآمده و مورد توجه و اعتماد و وثوق کامل معظم له گشته که قسمتی از کارهای مهمه را محول به ایشان فرمودند.
حوزه تدریس فقه و اصول و فلسفه داشتند و جماعتی از علماء و فضلاء معاصر نجف و ایران از محضرش استفاده و تلمذ نموده‌اند تا در سال 1361 قمری که در نجف اشرف بدرود حیات گفته و در ارض مقدس غری در جوار مولی الموحدین مدفون گردیده‌اند.
(1361 -1291 ق)، عالم و مدرس. در دامغان متولد شد. پس از فراگرفتن مقدمات به مشهد رفت و مدت بیست و یک سال سطوح عالی فقه و اصول و حکمت و خارج را از آیات بزرگ حوزه‌ی مشهد همچون آیت‌اللّه‌زاده کفائی و حاج فاضل آموخت تا به مدارج عالیه علوم دینی رسید. اخلاق سلوک و عرفان را نیز در محضر حاج شیخ حسنعلی اصفهانی آموخت. در 1335 ق در حالی که مجتهد بود به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه عراقی شرکت کرد و به زودی یکی از اصحاب و از معاونان آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی شد. وی در نجف حوزه‌ی تدریس فقه و اصول و فلسفه دایر کرد. به تعلیم علوم دینی همت گماشت. او در نجف در گذشت و در جوار امیرالمومنین (ع) به خاک سپرده شد.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (175/ 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (117/ 5).

دامغانی‌زاده، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی بن العالم الجلیل حاج شیخ علی دامغانی از علماء مبرز و معروف معاصر همدان است.
وی در روز بیست و یکم شهر ذیقعده الحرام 1324 ق در شهر همدان متولد و در حجر تربیت پدر بزرگوار خود مرحوم (حجةالاسلام والمسلمین) حاج شیخ علی دامغانی قدس سره که از تلامذه مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین تهرانی و به آیت‌اللّه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی بوده و به امر حاجی مزبور به همدان مهاجرت نموده و مدت چهل و دو سال تقریبا در آن حدود به ترویج و تدریس اشتغال و غالب فضلاء فعلی همدان از آن مرحوم استفاده نموده‌اند قریب بیست سال بوده و ده سال را در زنگنه معروف به مدرسه بزرگ اشتغال به ادبیات و سطوح داشته و مقداری از سطوح را خدمت حجةالاسلام آقا میرزا ابراهیم خلیلی و مرحوم آقا شیخ حسین شورمینی خوانده و در سال 1348 ق مهاجرت به قم نموده و بقیه سطوح فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللّه صدر و اصول را از محضر آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی استفاده نموده است.
و پس از آن در درس فقه مرحوم آیت‌اللّه حائری حاضر گردید و در فقه خصوصی و اصول عمومی مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمدعلی قمی شرکت کرده و مورد عنایت و توجه مخصوص آن مرحوم قرار گرفته و از فقه مرحوم آیت‌اللّه فیض هم استفاده نموده.
و پس از فوت مرحوم آقا شیخ محمدعلی قمی درس مرحوم علمین آیتین حجت و خونساری حاضر و استفاده نموده و قریب ده سال در حوزه مقدسه اقامت و همه سال در موقع تعطیل برای زیارت والد ماجد به همدان آمده و در سفر اخیر آن مرحوم فرمودند دیگر به قم نروید.
اجازه خواستند که چندی برای ادامه تحصیل به مراکز علم نجف و کربلا بروند فرمودند مقصود از درس خواندن ترویج است.
وقت آن شده که به ترویج و خدمات دینی بپردازد.
پس بنابر امر مرحوم والدش در همدان توقف و در مسجد حاج کلبعلی که جنبه مدرسه هم دارد به تدریس فقه و اصول پرداخته تا در سال 1362 ق که والدش به رحمت ایزدی پیوستند.
پس از یکسال از فوت آن مرحوم با کمک جمعی از اهل خیر اطراف مقبره آن مرحوم را خریداری نموده و به نام مدرسه دامغانی بنا که فعلا از

مدارس معروف علمی شهر همدان و بیش از پنجاه طلبه در آن اشتغال به تحصیل دارند.
و چون نماز جمعه را افضل‌الافراد واجب تخییری می‌دانند در همان مسجد حاج کلبعلی اقامه جمعه می‌نماید.
آثار قلمی ایشان مختصری از درس اصول آیت‌اللَّه شیخ محمدعلی حایری قمی می‌باشد. و ضمنا ناگفته نماند که معظم‌له در استخاره ید طولائی دارند و استخاره بسیار عجیب و در این موضوع مبتلا به الناس و حتی از خارج همدان، تهران و غیره در حوائج مهمه به ایشان مراجعه می‌شود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

دانش تبریزی، نجفعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1309 ق)، عالم، ادیب و روزنامه‌نگار. وی در فقه و اصول و احادیث و اخبار و علوم ادبی اطلاع کامل داشت. دانش معاصر با ناصرالدین شاه قاجار بود و در 1273 ق از آذربایجان به استانبول رفت و با میرزای سنگلاخ همنشین شده و اشعاری را که شعرای آن عهد در مدح سنگلاخ گفته بودند جمع‌آوری و به عنوان «مجمع الاوصاف» چاپ کرد. در آن جا تا 1303 ق کنسول ایران بود. وی در این مدت از 1292 ق اقدام به تاسیس روزنامه‌ی هفتگی «اختر» کرده و مدت بیست و یک سال آن را انتشار داد، تا اینکه پس از کشته شدن ناصرالدین شاه، روزنامه‌ی مزبور از طرف دولت عثمانی توقیف شد. در 1303 ق منصب سرتیپی گرفت و نایب و مترجم اول گردید و یک سال بعد سمت سر کنسولی ایران در مصر را عهده‌دار شد تا این که در 1308 ق به تهران آمد و جزو صاحب منصبان وزارت خارجه گردید و تا پایان عمر در همین سمت باقی ماند تا درگذشت.
آثار وی: «مجمع الاوصاف»؛ «مشکوه الحیات فی تفسیر الایات»، «تفسیر آیه ذوالقرنین»؛ «میزان الموازین فی امر الدین»، در رد «میزان لحق» هانری مارتن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (144 -143)، الذریعه (328 -327/23، 20/20، 315/9)، شرح حال رجال (330/4)، المآثر الآثار (198 -197)، مؤلفین کتب چاپی (543 -542 /6).

دانش شوشتری، حسنعلی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1075 ق)، فقیه و شاعر. از دانشمند بنام روزگار خود بود که در هر دو عرصه علوم عقلی و نقلی یگانه گوهر و مثل خورشید مشهور و معروف بود. وی در اصفهان می‌زیست و علاوه بر کارهای علمی و دینی چون از جودت طبع و حدت ذهن و طلاقت لسان و حاضر جوابی بهره‌مند بود و همچنین به تتبع اشعار قدما رغبت تمام داشت به سرودن اشعار نیز می‌پرداخت. ابیاتی چند از او در تذکره‌ها نقل شده است. از آثار وی: «التبیان فی الفقه» و «حواشی بر قواعد شهید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (256)، تذکره‌ی نصرآبادی (155-154)، الذریعه (316، 243/ 9)، صبح گلشن (132).

دانش، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1318، دزفول.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
حجت‌الاسلام سید محمدکاظم دانش، فرزند سید محمود، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. پیش از انقلاب اسلامی، به معلمی اشتغال داشت و عضو هیئت تحریریه‌ی «مکتب اسلام» بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام جمعه و مسئول کمیته انقلاب اسلامی شوش شد. در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم شوش و اندیمشک بود.
از آثار اوست: سیمای فداکاران (در دو جلد)، قورباغه‌ها و غازهای مهاجر. مقالاتی از وی نیز در «مکتب اسلام» به چاپ رسیده است.
حجت‌الاسلام دانش در بمب‌گذاری هفتم تیرماه 1360 در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش دربهشت زهرا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دانش‌آشتیانی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1309، آشتیان.
شهادت 7 تیر 1630، تهران.
حجت‌الاسلام غلامرضا دانش‌آشتیانی، فرزند ابوالفضل، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. ایشان همچنین دارای دکترای حقوق اسلامی بود. پیش از انقلاب اسلامی، به تدریس در دبیرستان‌ها می‌پرداخت. وی همچنین مسئولیت یک گروه فرهنگی را داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بازرس ویژه‌ی وزارت آموزش و پرورش و در اولین‌ی دوره مجلس شورای اسلامی، نماینده مردم تفرش و آشتیان شد.
از آثار ایشان است: سنت در زمینه فقه و اصول. حجت‌الاسلام آشتیانی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه 1360 در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

داور شیرازی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1251 ق)، فقیه، عارف، حکیم، تذکره‌نویس، شاعر، متخلص به داور. در شیراز متولد شد. در زادگاهش علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در عین حال مشغول ریاضت نیز بود. به کرمان رفت و در آنجا هم چله‌نشینی کرد و هم ریاضیات را تکمیل کرد و در شیراز مدتی به تدریس فقه و اصول و تفسسیر کلام پرداخت. داور مدتی امام جماعت شاهچراغ بود و در شاعری استاد فرصت شیرازی و قدسی مشهدی. از آثار وی: «اصلاح الفاظ»؛ «حاشیه‌ی تفسیر صافی»؛ شرح «زیارت عاشورا»؛ «ضیاء القلوب»؛ «نور الیقین فی شرح الاربعین»؛ «دیوان» اشعار؛ «مرآت الفصاحه»؛ «اساس الکمال»؛ «گنج گوهر»؛ «العشره الکامله»؛ «الاربعین»، در شرح چهل حدیث.[1]
(شیخ) محمد مفید بن محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شیرازی، امام جماعت شاه چراغ در شیراز و مردی فاضل (و. 1251- ف. شیراز 1325 ه.ق.). وی استاد فرصت بود افادات او در باب اشعار حافظ در حواشی دیوان حافظ چاپ قدسی مندرج است. قبرش در قبرستان «درسلم» در جنوب شیراز است
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار العجم (33 -26)، ایضاح المکنون (688، 461، 265، 101، 2/ 90، 1/)، تاریخ تذکره‌های فارسی (263 -247 /2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (517 -493/ 2)، الذریعه (268 -267 /127، 15 1088- 1087، 319 /9)، ریحانه (360 -359 /5)، مرآت الفصاحه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (271 -270 /6)، هدیه العارفین (469/2).

دبوسی، ابوالقاسم علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 482 ق)، ادیب، فقیه و مدرس و عالم شافعی. دبوسیه شهری بین سمرقند و بخارا است. وی از شاگردان محمد بن عبدالعزیز قنطری و ابوسهل ابیوردی و ابومسعود بجلی است. در 479 ق برای تدریس در نظامیه وارد بغداد گشت و مجلس آراست و عهده‌دار تعلیم شد. از او تعبیر به امام و شیخ شافعیه کرده‌اند. گذشته از قرائت و فقه و حدیث و اصول و لغت، در کلام و مناظره نیز پیشگام بود. هبه‌اللّه سقطی و ابوالعز قلانسی و عبدالوهاب انماطی از شاگردان وی بودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (93 -91 /19)، الکامل (152/8)، لغت نامه (ذیل/ دبوسی)، مدارس نظامیه (141 ،129)، معجم البلدان (499/2).

دبوسی، ابوزید عبداللَّه، عبیداللَّه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 430 -367)، فقیه، اصولی و قاضی حنفی. اصل وی از دبوسیه، بین بخارا و سمرقند، است. وی از مشایخ و بزرگان فقه حنفی است که در فقاهت ضرب‌المثل بود. او پایه‌گذار علم خلاف است. دبوسی قاضی سمرقند بود و در بخارا درگذشت. در «معجم البلدان» سال مرگ وی 432 ق ذکر شده است. از آثار وی: «الاسرار»، در اصول و فروع حنفیه؛ «الامد الاقصی»؛ «تاسیس النظر»، در جدل و اختلاف بین ابوحنیفه و دو پیشوای دیگر: مالک و شافعی؛ «تقویم الادله»، در اصول؛ «الانوار»، در اصول فقه؛ «خزانه الهدی»، در فتاوی؛ «شرح جامع الکبیر» شیبانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (248/4)، ریحانه (213/2)، سیر النبلاء (521/17)، کشف الظنون (703، 568، 467، 352، 334، 196، 168، 84)، الکنی و الالقاب (228/2) لغت نامه (ذیل/ عبداللَّه)، معجم المؤلفین (96/6)، معجم البلدان (499/2)، وفیات الاعیان (48/3)، هدیه العارفین (648/1).

درب امامی، بدیع

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید مصطفی بن میر عبدالحمید بن میر سید محمّد موسوی.
عالم جلیل، و فاضل ادیب مجتهد فقیه، از مشاهیر علما و مدّرسین اصفهان.
به مناسبت سکونت در محّه درب امام بدین لقب مشهور گردید. پدرانش عموماً از فضلا و دانشمندان اصفهان بوده و قبر آنها (پدر و جدّش) در صحن درب امام می‌باشد.
مرحوم حاج میزا بدیع که [به گفته آخوند گزی:] واقعاً بدیع الزمان بوده در مدرسه نیم آورد، تدریس و در مسجد جنب بازارچه وزیر، املامت می نمود، و عمری، به زهد و تقوی و فقر و استغنا گذرانید، و علاوه بر کمالات مذکوره، در حسن خطّ و ادب شعر نیز شهرت داشته.
در نزد حاج ملا حسین علی تویسرکانی، و میر سید محمّد شهشهانی، و آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی، و حاج شیخ محمّد باقر نجفی درس خوانده و از هر سه نفر اجازه داشته.
کتب زیر از اوست:
1- حاشیه بر ریاض المسائل 2- حاشیه بر قوانین 3- دیوان اشعار 4- رساله در حجّیّت استصحاب به اخبار 5- رسال در خراج و مقاسمه؛ و غیره.
مشارالیه در عصر روز جمعه 21 شعبان سال 1318 به سنّ شصت و هفت سالگی وفات یافته، در تکیه میر سید محمّد شهشهانی در بقعه مدفون گردید.
مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه نیّر در تاریخ وفاتش گوید:
فیا نیّر اکتب لتاریخ فوته
بفردوس خلّد رواح البدیع
و مرحوم سید عبدالوّهاب مستشار دفتر، در تاریخ وفاتش گوید:
«بدیع هم به مکان رفیع جای گرفت»
از اشعار اوست:
جام و جانان، شمع و من جمعیم در یک انجمن
جام خندان است و جانان، شمع گریان است و من
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درب امامی، فتح الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج میرزا فتح الله عالم زاهد، از علمای اخیار، و فضلای ابرار، در چهارشنبه 17 ربیع الاول سال 1301 متولّد، و در صبح شنبه 11 رجب سال سال 1377 وفات یافته، و در بقعه تکیه شهشهانی مدفون شد.
در نزد پدر خود، و مرحوم جهانگیر خان، و میر محمّد تقی مدّرس، و آخوند کاشی، و حاج ملاّ جواد آدینه‌ای، و آخوند گزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آقا میرزا احمد مدّرس در فقه و اصول و حکمت و ادبیّات تحصیل نموده، و از مرحوم فشارکی اجازه روایت داشت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دربندی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1286/1285 ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. مشهور به فاضل دربندی. متولد و بزرگ شده‌ی دربند ایران. مدتی در کربلا زیست. دربندی از شاگردان شریف العلمای مازندرانی بود و از معاصران شیخ مرتضی انصاری. در بلاغت و فصاحت عرب و عجم و علوم عربی و رجالی و کلام و حکمت بی‌نظیر بود. میرزا محمد تنکابنی، صاحب «قصص العلماء»، و میرزا سید محمدرضا موسوی هندی، ملقب به میرزا علی جاه بهادرخان، از شاگردان وی بودند. در تهران درگذشت و در کربلا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اسرار الشهاده» یا «اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات»، و ترجمه قسمتی از آن به نام «سعادات ناصری»؛ «جواهر الایقان»؛ «الجوهره» یا «جوهر الصناعه»، در اسطرلاب؛ «خزائن الاحکام»؛ «خزائن الاصول»؛ «قوامیس القواعد»، در رجال؛ «قوامیس الصناعه فی فنون الاخبار»، در اخبار و تراجم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (18 -17 /1)، اعیان الشیعه (88 -87 /2)، الذریعه (153، 152 /7، 291، 289 /5، 279، 46 /2)، ریحانه (216/2)، شرح حال رجال (138 -137 /4)، قصص العلماء (113 -107)، الکنی و الالقاب (229 -228 /2)، لغت نامه (ذیل/ فاضل)، المآثر و الآثار (139)، معجم المؤلفین (309، 304 /2)، هدیه الاحباب (135 -134).

درچه‌ای اصفهانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1342 -1264 ق)، عالم دین و فقیه. در اصفهان ولادت یافت. وی در نجف در محضر استادانی چون شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی تلمذ کرد. پس از بازگشت به اصفهان به امر تدریس اشتغال یافت، و در آنجا مدرس منحصر به فرد فقه و اصول به حساب می‌آمد. آیت‌اللّه حاج آقا حسین بروجردی، مرجع بزرگ شیعه، از شاگردان وی بود. او پس از فوت آیت‌اللّه سید اسماعیل صدر مرجعیت یافت و جزء مراجع تقلید شد. درچه‌ای روحانی متقی و وارسته‌ای بود. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثا وی: حاشیه بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «رسائل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (203/3)، شرح حال رجال (302/3، 218/5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 225 -224 /14)، معجم المؤلفین (96/9).

درکه‌ای، عزیزاللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید عزیزاللَّه حسینی درکه‌ای ابن السید حسین تهرانی عالمی متقی و زاهدی پارسا بود.
وی در درکه دو فرسخی تهران متولد شده و در اوائل در مدرسه پامنار بتحصیل پرداخته و در حدود سال 1316 ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم علامه خراسانی و علامه حاج سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی استفاده نموده و بدرجه سامیه علم رسیده و در نزد اساتید گرامش به مقامی عالی ارتقاء یافته و بامر مرحوم آیت‌اللَّه مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی در سال 1336 ق به تهران مراجعت و قیام بوظائف دینی از اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی نموده و یکی از زعماء روحانیت تهران گردیده و در مسجد (چهارسوق بزرگ) بازار بوظائف شرعی از اقامه جماعت و غیره پرداخته تا در روز بیست و پنجم محرم الحرام 1370 ق که روز شهادت حضرت سجاد علیه‌السلام است وفات نموده و با تشییع کم‌نظیری حمل به نجف اشرف گردیده و در آنجا با احترامات عجیب در یکی از حجرات صحن شریف علوی بخاک رفته است.
علامه تهرانی صاحب الذریعه درباره وی گوید: (صار رئیسا مبجلا و زعیما مطاعا له نفوذه و کان من رجال اللَّه الابدال و الاتقیاء الصالحین البرره منذ شبابه و اوائل عمره و نمت ملکاته النفیسه فی النجف علی ید الاوتادین من عمد الشریعه و ارکان الدین و الخلق والورع.
دارای دو فرزند روحانی بودند که ذیلاً یاد می‌گردند:
1- حجةالاسلام والمسلمین مرحوم حاج سید حسین درکه‌ای از علماء ابرار معاصر ما بودند در تهران و در مسجد چهارسوق بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشتند. عالمی بود متین و مانند والدش متقی و عابد و دارای مقام فضل و تقوا و موصوف بورع و قدس و مورد توجه مردم تهران بخصوص تجار و اصناف بازار بودند.
وی از سال 1370 ق که والدش رحلت نمود بجای ایشان بوظائف دینی پرداخته تا سال 1395 ق که بدرود حیات گفته و به آباء گرامش ملحق گردید.
2- ثقه‌الاسلام آقای حاج سید حسن درکه‌ای که سالها در رشته تبلیغات دینی اشتغال و از طریق منبر ترویج می‌نمودند و بعد از فوت مرحوم

برادرش به اصرار مردم متدین بجای آن مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دروازه‌ای تبریزی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابراهیم تبریزی مشهور به (دروازه‌ای) ابن المرحوم آیت‌اللَّه العلامه السید مهدی قدس سرهما از مشاهیر و بزرگان علماء تبریز بوده که در زهد و جلالت شان و مکارم اخلاق و کرم اعراق نادره دوران و از لحاظ علم و قدرت و حلاوت بیان و تربیت صدها تن افراد فاضل و دانشمند مشار الیه بالبیان و در حسن اخلاق و معاشرت و سلوک و رفتار فایق بر اقران.
معظم له در 1313 ق در یکی از بیوتات سیادت و علم و روحانیت متولد و بعد از فراگرفتن مقدمات علمی در جلسات درس مشاهیر علماء تبریز از جمله مرحوم والدش آیت‌اللَّه حاج سید محمد مولانا شرکت نموده سپس مدتها در حوزه درس بزرگان فقهاء و دانشمندان اسلامی تبریز از جمله مرحوم علامه بزرگوار و فقیه عالیقدر آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی حاضر و به دریافت مدرک کتبی اجتهاد از معظم له نائل بعدا مجتهدا به نجف اشرف عزیمت نموده و در حوزه‌های علمی و درسی بزرگان فقهاء از جمله مرحوم آیت‌اللَّه علامه کمپانی اصفهانی و علامه آقا ضیاءالدین عراقی شرکت نموده ولی به جهت فوت والدش و استدعا اهالی تبریز نتوانسته زیاد در نجف بماند لذا به وطن مراجعت و مشغول خدمات دینی و تدریس در قسمتهای مختلفه علمی مانند ادبیات و تفسیر و کلام و فقه و اصول بوده است.
مرحوم دروازه‌ای علاوه بر مهارت در رشته‌های فقه و اصول در ادبیات عربی نیز ید طولائی داشته و تدریس کتابهای معروف ادبی مانند مغنی و مطول و مقامات حریری را از حفظ می‌خواند و از اشعار و کلمات بزرگان این فن به قدری استادانه استشهاد می‌کرد و تمثل می‌جست که شنونده را به اعجاب و تحیر وامی‌داشت.
وی در حلاوت بیان و قدرت و شیوائی منطق اعجوبه دهر بود در جلسه تفسیر افاضل و اهل علم شرکت می‌کردند و هم افراد عامی و تحصیل نکرده و عجب است که مطالب متنوع تفسیر را طوری القا می‌نمود که همه استفاده می‌کردند و از خرمن علمش خوشه‌چینی می‌نمودند.
از آن مرحوم نوشته‌جات زیادی در رشته‌های مختلف علمی به یادگار مانده که متأسفانه تا حال اقدام به طبع و نشر آن نشده از جمله حواشی بر لمعتین مرحوم شهید و حاشیه مکاسب و حواشی بر مغنی و مطول والتفسیر الوجیز و اللطائف الادبیه و تحفة الاخیار فی علائم آخر الاعصار و

رساله فی الصلوة (که کتابی است عربی علمی و استدلالی) و دیوان شعر عربی.
آن مرحوم در اواخر عمر به جهت کسالت مزاج و ابتلاء به مرض قلب و اعصاب به قصد معالجه به تهران مهاجرت نمود ولکن معالجه‌ها مؤثر واقع نگردید بالاخره نهم ماه رجب 1381 ق با یک سکته قلبی دعوت حق را لبیک گفته و جنازه‌اش را با تشییع و تجلیل کم‌نظیر حمل به قم و در مقبره اتفاق در قبرستان نو به خاک سپردند و مجالس عدیده در قم و تهران و تبریز از طرف مراجع و علماء برای بزرگداشت ایشان برقرار شده و شعراء اشعار نغز و جالبی در سوکش سرودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درود آبادی همدانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1343 -1280 ق)، عالم دینی. وی پس از تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف مهاجرت نموده و درس ملا حسینقلی همدانی را در آنجا درک نمود. سپس به موطن خود بازگشت. از آثارش: «در المنضود فی اجوبه مسائل الیهود»؛ «شرح اسماء الحسنی»، عربی؛ «الشموس الطالعه فی مشارق زیارت الجامعه»، عربی.[1]
سید حسین بن سید محمدتقی درودآبادی همدانی متوفی 1344 عالمی جلیل و فقیهی فاضل و اخلاقی کامل از شاگردان میرزا بزرگ شیرازی در سامره و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند ملا حسینقلی همدانی و میرزا حسین خلیلی در نجف اشرف و داماد عالمه سید محمدشاه عبدالعظیمی و دارای مقامات معنوی و سیر و سلوکم و حسن باطن و تقوا و صلاح بوده و در حدود 1319 ق به همدان مراجعت و به خدمات دینی و وظائف شرعی پرداخته تا در سال 1344 ق وفات و در مقبره شخصی مدفون شده است.
آثار و تألیفات او از این قرار است 1- تنبیه الراقدین و جمال الوافدین در اخلاق 2- ملخص الاصول 3- الشموس الطالعه در شرح زیاره الجامعه 4- القسطاس المستقیم 5- الرد علی التثلیث 6- الدر المنضود 7- التحفه الرضویه 8- تفسیر القرآن ناتمام 8- شرح اسماء الحسنی وی دارای دو فرزند دانشمندان به نام آقا سید فخرالدین و آقا سید ابوالفضل عارفی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (89/13، 78/8)، مؤلفین کتب چاپی (713/2).

دری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند رجب علی اصلاً از اهالی جوشقان است، پدرش به قصبه در منتقل گردیده و صاحب عنوان در آنجا متولّد گردیده.
عالم فاضل، و فقیه جامع و حکیم زاهد بوده، در اصفهان تحصیل نموده تا به مقام اجتهاد رسیده، عمری به عزّت و قناعت و زهد گذرانیده، و تا اواخر عمر، لباس دهاتی خود را عوض ننموده و با کلاه بوده است، لکن در سالهای آخر عمر به اصرار جمعی از علما معمّم شده است.
در مدرسه نیم آورد تدریس و در مسجد نو بازار حجره داشته.
کتاب‌های چندی تألیف نموده است که از آن جمله است: 1- یک دوره فقه استدلالی فارسی 2- مناسک حج، عربی استدلالی و مفصّل.
در ربیع الاول سال 1336 وفات یافته، در تکیه ملک مدفون گردید.
مرحوم انصاری در تاریخ وفاتش گوید:
فقیه در حسن آن درّ یکتا
که زندی گفت بر ابر و به مرّیخ
صدف بشکست و جست و جابری گفت
(غیاب الکوکب الدرّی) به تاریخ
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دری، فرج الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند شیخ عباس (عالم و فاضل و مجتهد بوده، و انواع خطوط را نیکو می‌نوشته) فرزند آقا صبور (شاعر و ادیب بوده، دیوان اشعاری دارد) فرزند محمد سعیدبن محمد زکی.
عالم فاضل محقق زاهد، از شاگردان آقا سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند کاشی، و از مخصوصین و اصحاب سر ایشان بوده، ضمنا خدمت جانگیرخان قشقائی و جمعی دیگر از علمای اصفهان تحصیل نموده، سال‌ها در مدرسه‌ی عربها ساکن، و جمعی کثیر از طلاب در خدمت او مستفیض می‌شدند.
سرانجام در 29 ربیع الاول سال 1382 به سن قریب نود سال وفات یافته، در تکیه‌ی حاج آقا باقر قزوینی که به تکیه‌ی خلیلیان معروف است مدفون گردید.
استاد جلال‌الدین همایی در تایخ وفات او قطعه‌ای سروده، از آن جمله است:
واحسرتا که کوکب دری افول کرد
در حالتی که نادره‌ی بی‌مثال بود
شیخ جلیل مافرج الله دری آنک
اندر زمانه قدوه‌ی ارباب حال بود
فرزانه طبع، شیخ پسندیده روزگار
آزاده خوی، مرد ستوده خصال بود
رفت از جهان و داشت به وقت فراق مرگ
حالی چنان که گفتی عید وصال بود
تاریخ را سنا به میان پا نهاد و گفت
دری دری ز مخزن علم و کمال بود
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دزفولی کاظمی، اسداللَّه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1234 -1186 ق)، عالم دینی و فقیه محقق. در نوجوانی در محضر پدر مقامات علوم را فراگرفت سپس به جزوه درس استاد وحید بهبهانی و علامه سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، و سید میرزا مهدی شهرستانی راه یافت و بهره‌ها گرفت و از تمامی ایشان به دریافت اجازه اجتهاد نایل آمد. آنگاه که استاد و پدر همسرش، شیخ جعفر کاشف الغطاء، از دنیا رفت مردم بر گرد وی جمع شدند و او در کنار قیام به وظائف مرجعیت به تدریس و تصنیف پرداخت و شاگردانی همچون سید عبداللَّه شبر و شیخ موسی بن جعفر کاشف الغطاء و برادرش شیخ علی کاشف الغطاء تربیت کرد. وی از پیشروان نظریه حجیت اجماع است. در نجف از دنیا رفت و در کنار مقبره‌ی استادش کاشف الغطاء دفن شد. از آثار وی: «مقابس الانوار و نفائس الابرار فی احکام النبی المختار و عترته الاطهار»؛ «کشف القناع عن وجوه حجیه الاجماع»؛ «منهج التحقیق»؛ «مستطرفات من الکلام»؛ «اللولو المسجور فی معنی الطهور».[1]
اسداللَّه بن العلامة الشیخ اسماعیل دزفولی کاظمی از مجتهدین و محققین طراز اول شیعه و از بزرگان فقهاء معروف امامیه در عصر خویش بوده.
وی در حدود 1186 قمری در دزفول تولد یافته و مقدمات علوم را نزد پدرش فراگرفته آنگاه مهاجرت به عراق نموده و از محضر علامه بزرگ وحید بهبهانی استفاده کرده و بعد از وفات آن بزرگوار از درس علامه بحرالعلوم و علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و صاحب ریاض و آیت‌اللَّه میرزا مهدی شهرستانی تکمیل نموده و شاگردان بزرگی چون علامه سید عبداللَّه شبر و علامه شیخ موسی کاشف‌الغطاء و برادرش شیخ علی و نظایر اینان از حوزه‌اش برخاسته است.
شیخ اسداللَّه دارای ذهنی وقاد و فهمی سرشار و دقت نظر و تحقیقاتش بین علماء مشهور و در تأسیس قواعد فقهی و اصولی تقدمش بر سایرین متفق علیه همه اعلام است.
مرحوم شیخ انصاری ره در اواخر اجماع رسائل قبل از نقل کلامش از (کشف القناع) او را ستوده است از وی نقل شده که 12 سال لذت خواب را نبرد و تمام اوقاتش مستغرق تألیف بوده آری این زحمات و مشقتها و رنج‌ها در راه کسب علوم و فضائل سبب شد که علماء و نویسندگان او را

در ردیف بزرگترین علماء این مذهب بشمار آرند.
وی بعد از فوت پدر همسرش (علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطا) به مرجعیت رسید و تألیفات سودمندی از خود گذاشت که معروفترین آنها کتاب مقابس‌الانوار و منهج‌التحقیق و مناهج‌الاعمال در اصول و کشف‌القناع و البحر المسجور و نظم زبدةالاصول شیخ‌بهائی و حاشیه بر نخبة الطالب شیخ جعفر کاشف‌الغطاء می‌باشد
وی در سال 1234 قمری در نجف اشرف رحلت نموده و در مقبره خویش نزدیک مقبره شیخ جعفر مدفون گردید و از آن بزرگوار شش فرزند دانشمند و فقیه بنامهای زیر ماند که تمام از اجله و بزرگان بوده‌اند و آل اسداللّه که فامیل معروفی در کاظمین می‌باشند از احفاد وی هستند.
اما فرزندان او از اینقرارند:
1- حجةالاسلام شیخ مهدی 2- حجةالاسلام شیخ اسماعیل 3- حجةالاسلام شیخ باقر 4- حجةالاسلام شیخ تقی 5- حجةالاسلام شیخ حسن 6- حجةالاسلام شیخ کاظم.
اسداللّه بن شیخ اسماعیل دزفولی کاظمینی صاحب (مقابس‌الانوار) متولد 1186 و متوفی 1224 از مشاهیر علماء عصر و اکابر فقهاء زمان خود بوده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان ا لشیعه (285 -283 /3)، تاریخ بروجرد (201 -200 /2)، الذریعه (184/23، 375/21، 54/18)، روضات الجنات (99/1)، ریحانه (398 -397 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 135 -134 124، -122 /13)، گنجینه‌ی دانشمندان (141 -410 /5)، لغت نامه (ذیل/ اسداللّه)، معجم المؤلفین (241/2)، مکارم الاثار (978/3).

دزفولی کاظمی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1247/1246 ق)، عالم دینی و فقیه. در محض پدر نشو و نما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. وی از شاگردان سید عبداللّه شبر بود. اجتهاد وی مورد تصدیق اغلب علمای زمانش قرار گرفت. او بسیار مراقب حال بینوایان و فقرا بود. وی بر اثر طاعون در حدود سی سالگی از دنیا رفت.
از آثارش: «المنهاج»، در اصول فقه؛ رساله‌ای در «اصول‌الدین»؛ «رساله‌ی علمیه»، برای مقلدین؛ «مناسک الحج».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (313/3)، ریحانه (398/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 138/13).

دزفولی کاظمی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1298 ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. فرزند شیخ اسداللّٰه دزفولی صاحب «مقابس» و پدر شیخ محدتقی دزفولی فقیه معروف است. وی در محضر پدر و سپس در نزد علمایی چون دائی خود، شیخ حسن کاشف الغطاء، صاحب «انوار الفقاهه»، و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت. ظاهرا وی به سبب طاعون درگذشت. از آثارش: «انوار مشارق الاقمار من احکام النبی المختار»، فقه مبسوط، در چند مجلد، که بر اولین آنها استادش، شیخ انصاری، تقریظی مشتمل بر تصدیق اجتهاد وی با خط خویش نگاشته و بر پایان آن مهر نهاده است؛ «مسلک النجاه»، در زکات استدلالی، که در صفحه پشت این کتاب نیز تقریظی لطیف مشتمل بر تصدیق اجتهاد وی به خط علامه انصاری و مهر او به چشم می‌خورد؛ «کتاب النکاح» شرحی بر «الشرایع». از دیگر آثار فقهی او «کتاب الوقف» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (20/5)،الذریعه (298/24، 24/21، 319/13، 440/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 307 -306 /13).

دزفولی کاظمی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1327 -1255 ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. وی در نجف از محضر میرزای شیرازی (قبل از هجرتش به سامراء) و شیخ محمدحسن کاظمی بهره برد و اجازه روایت گرفت. آنگاه به کاظمین بازگشت و در راس امور قضاء و حکم و تدریس قرار گرفت. از آثارش: «منتهی الامل»، در شرح «القواعد» حلی، در لفقه؛ «وسیله النجاه»؛ رساله‌ی عملیه برای مقلدین؛ شرح «الکافیه» ابن حاجب، در نحو، به نام «شقائق المطالب»؛ «اشعار»ی در مواعظ و اخلاق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (195 -194 /9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 250/14)، علماء معاصرین (96 -95)، فوائد الرضویه (431)، معجم المؤلفین (128/9)، هدیه العارفین (390/2).

دزفولی معزالدینی، محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1249/1245 ق)، فقیه اصولی. وی از شاگردان حجةالاسلام شفتی و داماد سید صدرالدین عاملی بود. در شهرهای خوزستان فقیه و مرجع دینی بود و از کرباسی و بحرالعلوم و صاحب «ریاض» و صاحب «کشف الغطاء» روایت می‌کرد. در دزفول بدرود جهان گفت و در سرداب مسجدی که در آن امامت می‌کرد دفن شد. از آثارش: «حاشیه المعالم»؛ «شرح الارشاد»؛ رساله فارسی در «اصول دین»؛ و رساله در «طهاره» و «صلاه»؛ چند رساله دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (46/9)، گنجینه‌ی دانشمندان (146 -145 /5).

دزفولی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1265 ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از دزفول بود، در کرمانشاه متولد شد و در کربلا مسکن گزید. به گفته‌ی شیخ حسن گوهر، وی از شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود. و از سید کاظم رشتی اجازه داشته است. وی گویا پدر سید احمد بن ابراهیم دزفولی موسوی حائری، صاحب «قسطاس الاوزان»، است. از آثارش: تعلیقه بر «الحدائق»؛ رساله‌ای در «عقاید»؛ تقریراتی فراوان از مباحث فقهی که اکثر آنها ناقص مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (224/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 22/13).

دزفولی، بشیر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1270 ق)، فقیه. وی گویا از شاگردان شیخ انصاری بوده و از فتاوی شیخ خود گزینشی کرده و آن را «المنتخب المسائل» نام نهاده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (434/22)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 199/13)، معجم المؤلفین (47/3).

دزفولی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، فقیه امامی. معروف به قاضی. از آثارش «فاروق الحق»، در موارد فرق بین مجتهدین و اخباریون، که در آن هشتاد و شش مساله از مسائل دینی مورد خلاف طرفین آورده شده است، و در 1280 ق در نجف از تالیف آن فراغت یافته است. این کتاب یک بار در حاشیه «الحق المبین فی تصویب المجتهدین» شیخ جعفر جناجی نجفی، در تهران، در 1316 ق، به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (36/10)، الذریعه (95/16، 38 -37 /7).

دزفولی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1352 -1273 ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. در محضر عمویش شیخ محمد طاهر، شاگرد شیخ انصاری، و دیگر علمای بزرگ چون آخوند خراسانی شاگردی کرد تا به درجه والائی دست یافت. آیت‌اللّٰه شهاب‌الدین نجفی مرعشی از وی روایت کرده است. در بروجرد درگذشت و در جوار امامزاده ابوالحسن دفن شد. از آثارش: «جهد المقل»، در پاسخ سوالها، فقه استدلالی ملمع؛ «فیض الباری» شرح «مکاسب» محقق انصاری؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه «فصول» در علم اصول؛ «کلمه التقوی»، رساله فتوائیه؛ رساله‌ی عملیه ای فارسی که منتخب «منهج الرشاد» است؛ قسمتی از «اشعار» وی به همراه «مخزن الدرر» در بمبئی چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (280/9)، تاریخ بروجرد (551 -549 /2)، الذریعه (124/18، 406/16، 157 -156 /6، 302/5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 744/14).

دزفولی، محمدطاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدطاهر بن العلامه آشیخ محسن بن الفقیه شیخ اسماعیل از بزرگان حمله دین و اکابر فقهاء و از مراجع معروف خوزستان و در قدس و زهد و صلاح و تقوی یگانه عصر خود بوده است.
وی به سال 1230 قمری در دزفول تولد یافت و پس از فراغ از مقدمات در اصفهان از محضر حجةالاسلام حاج سید محمدباقر شفتی و حجةالاسلام حاج ملا محمد ابراهیم کلباسی تلمذ نموده و در نجف اشرف از صاحب جواهر و شیخنا الانصاری نیز استفاده نموده تا به درجه اجتهاد رسیده آنگاه به دزفول مراجعت و بنای تدریس گذاشته و مورد توجه عموم طبقات گردیده و شاگردان مبرزی تربیت نموده و ریاست و مرجعیت تقلید در خوزستان بدو منتهی شده است.
در تکمله. گوید: محمدطاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی از اجله علماء عصر ما در خوزستان و در آن نواحی مرجعیت عامه دارد و آوازه زهد و پارسائی و پرهیزکاری و قدس و فقاهت او در تمام ایران و عراق رفته و مردم عربستان و خوزستان در تقلید به او رجوع کرده‌اند و از برجستگان شیعه از خاندان علمی قدیمی است
عموی او شیخ اسدالله صاحب مقابیس و پدر او شیخ فقیه و نوادگانی اهل فضل و علم دارند و او در فقه و اصول تألیفاتی دارد
وی در اوائل سال 1315 قمری در دزفول داعی حق را اجابت نمود و در مقبره اختصاصی خود مدفون گردید فرزند ارجمندش آشیخ عبدالحسین در تاریخ فوتش سرود.
سال فوت او ز قرآن مبین
آمدان العاقبة للمتقین
عاقبت را تا عدد دان چارصد
برخلاف رای اصحاب عدد
از آثار علمی اوست. گذشته از رساله عملیه 1- شرحی بر شرایع محقق بنام (مشارع الاحکام)
پدر بزرگوارش آقا شیخ محسن هم از بزرگان علماء امامیه و داماد علامه سید صدرالدین عاملی فقیه اصولی و متکلم و از شاگردان حجةالاسلام شفتی اصفهانی بوده و به سال 1245 قمری در دزفول بدرود جهان گفت و در سرداب مسجدی که در آن امامت می‌نمود مدفون شد

تألیفات او عبارت است از: 1- حاشیه مفصلی بر معالم 2- رساله فارسی در اصول دین 3- رساله در طهارة و صلوة 4- رساله در صحت عبادت تارک طریق تقلید و اجتهاد 5- رساله در جواز بقاء تقلید میت و غیره.
در بیت این بزرگوار مردان فضیلت و رجال علم بسیار بوده و تا حال هم می‌باشد و اکنون شخصیت علمی این سلسله در عصر حاضر آیت‌اللّه میرزا محمدعلی معزی بن آیت‌اللّه آشیخ عبدالحسین است که یکی از فقهاء و مراجع دزفول می‌باشد
(1315 -1230 ق)، فقیه اصولی. وی از بزرگان دینی روزگار خود است که در ایران و عراق به فقاهت شهره بود. شیخ محمدطاهر از شاگردان حاج محمد ابراهیم کلباسی، و شیخ مرتضی انصاری اجازه روایت داشت. وی یکی از مشایخ حدیث سید عبدالصمد شوشتری بوده است. صاحب عنوان در خوزستان به ارشاد و هدایت مردم مشغول بود تا به جوار رحمت حق شتافت. از آثار وی: «مشارع الاحکام»، در شرح «الشرایع» محقق؛ « رساله‌ی عملیه».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (376/ 9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 976 -974/ 14)، المآثر الآثار (152 -151).

دستغیب شیرازی، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1260 ق)، حکیم، مجتهد و شاعر، متخلص به دستغیب. در شیراز به دنیا آمد و در آنجا علوم فقه و اصول و منطق و حکمت را فراگرفت. تولیت بقعه‌ی امامزاده‌ی سید میرمحمد بن امام موسی بن جعفر (ع)، با او بود و مدتی تولیت مسجد نصیرالملک ار نیز بر عهده داشت نصیرالدین فرصت از شاگردان وی می‌باشد که در محضرش حکمت الهی را فراگرفته است. از آثار وی: حواشی بر «اسفار اربعه» صدرالمتالهین؛ شرحی بر «کلمات قصار» امیرالمومنین (ع)؛ اشعار و خطب عربی و فارسی.[1]
میرزا ابوالحسن دستغیب مجتهد و حکیم شیرازی بن میرزا احمد بن میرزا مهدی متولد حدود 1260 ق.
سید ابوالحسن دستغیب شیرازی از افاضل علماء و در علوم معقول و ریاضیات مهارت بسزائی داشته و بعد از 1300 وفات نموده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (450)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (529/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 32/14)، طرائق الحقائق (332/3)، فارسنامه‌ی ناصری (915 -914 /2)، فرهنگ سخنوران (340)، گنجینه‌ی دانشمندان (443/5).

دستغیب شیرازی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم، خطیب.
تولد: 1290 (عاشواری 1322 ق.) شیراز.
شهادت: 20 آذر 1360، شیراز.
آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در شیراز به پایان برد و تحصیلات عالی و خارج را نزد اساتید آن زمان در نجف اشرف مانند آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله شیخ محمدکاظم اصفهانی و نیز آیت‌الله میرزا آقا اصفهانی گذراند. پس از گرفتن گواهی‌های متعدد اجتهاد از مراجع نجف اشرف به شیراز مراجعت نمود و به فعالیت در امور دینی و اجتماعی پرداخت.
آیت‌الله دستغیب مسجد جامع عتیق شیراز را که مخروبه شده بود با همکاری مردم تجدید بنا کرد و آنگاه اسباب تجدید حیات حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز را مهیا نمود.
سابقه مبارزاتی آیت‌الله دستغیب به زمان حاکمیت رضاشاه برمی‌گردد. همچنین ایشان در قیام خونین و تاریخی پانزده مرداد 1342، در انسجام مردم و حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز نقش به سزایی بر عهده داشت. ایشان در مسیر این مبارزات چندین بار دستگیر و محبوس یا تبعید شد.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله دستغیب به عنوان نماینده‌ی اول استان فارس، به عضویت مجلس خبرگان درآمد و در تدوین قانون اساسی نقش مؤثری داشت. آنگاه به درخواست مردم فارس طی حکمی از سوی حضرت امام خمینی (ره)، به عنوان امام جمعه شیراز منصوب شد. وی همچنین ریاست حوزه علمیه‌ی فارس و نمایندگی امام خمینی (ره) را در آن استان به عهده داشت.
آیت‌الله دستغیب خطیب و نویسنده‌ای توانا بود. شیوه بیان او بسیار روان و بی‌تکلف بود. در همه آثار آیت‌الله دستغیب آیات و روایات بسیار دیده می‌شود. فهرست آثار ایشان به این شرح است: قلب سلیم (متمم گناهان کبیره، 1351)؛ حقایقی از قرآن (در تفسیر سوره شریفه قمر، 1354)؛ معراج؛ ماه خدا؛ صدیقه کبری؛ داستان‌های شگفت؛ هشتاد و دو پرسش (1337)؛ گناهان گبیره (دو جلد، 1360)؛ تفسیر سوره شریفه نجم؛ سید الشهداء (ع)؛ معاد؛ قلب قرآن؛ صلوة الخاشعین؛ گناهان کبیره (دو جلد 1360)؛ استعاذه؛ شرح حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی مخطوط؛ ازدواج

اسلامی و تعداد زیادی از کتب تفسیر و در علوم اسلامی. و آثاری که برخی از آنها چاپ نشده، از جمله شرح و حاشیه بر کفایه و رسائل و مکاسب و تفسیر سوره‌های متعددی از قرآن مجید.
آیت‌الله دستغیب در بیستم آذر 1360 بر اثر توطئه منافقین در شیراز به شهادت رسید.
حاج سید عبدالحسین بن آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی مجتهد بن آیت‌اللَّه العظمی هدایةاللَّه دستغیب شیرازی از دانشمندان و آیات بنام معاصر شیراز است.
وی در حدود سال 1328 قمری متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی حاج سیدمیرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل نموده و با دریافت اجازات عدیده اجتهاد و غیره به شیراز مراجعت و در مسجد جامع (عتیق) به اقامه جماعت و تبلیغ دین و تنویر افکار پرداخته و خدمات شایان ارزنده‌ای نموده است.
نگارنده گوید آیت‌اللَّه دستغیب از علماء با معنویت و خدمتگذار عصر حاضر است زهد و تقوای معظم له زبانزد خاص و عام و مورد علاقه همگانند از آثار و خدمات اجتماعی ایشان ساختمان و تعمیر اساسی مسجد جامع شیراز که از بناهای عمرو لیث صفار و بیش از هزار سال از تاریخ بنیاد آن می‌گذرد و به واسطه مرور و دهور سال رو به ویرانی گذارده و مسکن مار و مور و حشرات گردیده که معظم له اقدام به تعمیر آن نموده و به طور اساسی آن را مرمت نموده که گویا تازه بنا شده است.
1- کتاب قلب سلیم که کتاب قطور و بزرگی است در رشته اخلاق و بسیار نفیس و ارزنده می‌باشد و در قم بطبع رسیده است.
2- حقایقی از قرآن 3- معراج 4- ماه خدا 5- صدیقه کبرا علیهاالسلام 6- کتاب داستانهای شگفت 7- هشتاد و دو پرسش 8- گناهان کبیره (مطبوع) 9- سوره نجم 10- سیدالشهداء 11- معاد 12- صلوة الخاشعین مطبوع 13- شرح و حاشیه بر کفایةالاصول 14- حاشیه بر رسائل شیخ مخطوط می‌باشد.
نگارنده گوید: آیت‌اللَّه دستغیب از روحانیون فعال و همواره وجودشان موجب ترویج احکام بوده و علاوه بر تدریس فقه و اصول بحث تفسیرش سالهاست که ادامه داشته و گروه کثیری هر شب از فرمایشاتشان بهره‌مند می‌گردند.
(ح 1328 ق- شهادت 1360 ش)، عالم دینی و مجتهد. در شیراز نشو و نما یافت و پس از فراگیری ادبیات و سطوح به نجف رفت و از محضر آیات عظام حاج شیخ کاظم شیرازی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج سید

میرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل برد و به دریافت اجازات اجتهاد نایل شد. سپس به شیراز بازگشت و مسجد جامع عتیق را که از بناهای عمرو لیث صفاری است مرمت کامل کرد و در آنجا به اقامت جماعت و تبلیغ دین و خدمات مذهبی پرداخت. از آثار وی: «قلب سلیم»؛ «حقایقی از قرآن»؛ «هشتاد و دو پرسش»؛ «گناهان کبیره»؛ «معاد».[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (533/ 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (444 -443/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (729/ 3).

دستغیب شیرازی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1336 -1262 ش)، مجتهد و واعظ شیعی. در شیراز متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. پدرش روحانی بود و او نیز بعد از اتمام تحصیلات به وعظ و منبر پرداخت. وی در دوره‌های چهارم و پنجم از طرف مردم بندرعباس به مجلس راه یافت. و به مبارزه با استبداد و ظلم پرداخت. در اواخر عمر به شیراز بازگشت و در همان شهر درگذشت و در امامزاده سید میرمحمد دفن شد. از وی کتابخانه‌ای مشتمل بر یک هزار جلد کتاب در جوار مزارش به جای مانده است. از آثار قلمی وی «التوسل الحسینی» است که نظیر «اللهوف» است.[1]
حاج سید محمدباقر بن میرزا هدایت‌اللّه مجتهد دستغیب متوفی 1336 شمسی هجری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (531 -529 /2)، الذریعه (488/4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (217/3)، گنجینه‌ی دانشمندان (443/5)، مؤلفین کتب چاپی (84/2).

دستغیب شیرازی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1294 ق)، فقیه و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در خدمت پدر به شیراز رفت و مدتی در محضر علمای شیراز به تحصیل علوم گوناگون مشغول شد تا اینکه سرانجام به درجه‌ی اجتهاد رسید و در مسجد حاج علی به امامت و ارشاد مردم مشغول شد. وی دو سال تولیت موقوفات شاه‌چراغ را بر عهده داشت. در شیراز از دنیا رفت و پیکرش در نجف دفن شد.[1]
سید محمدرضا بن میرزا هدایةاللّه مجتهد دستغیب متولد 1294 و متوفی 1369 ق.
آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی مجتهد دستغیب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (533 -532 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (443/5).

دستغیب شیرازی، هدایت‌اللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1240- ح 1320 ق)، فقیه، مجتهد و مدرس. معروف به مجتهد شیرازی. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل مراتب علمی در خدمت علمای شیراز به عراق رفت و فقه و اصول را در محضر علمای آنجا به تکمیل رساند. سپس به شیراز بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم گشت و در مسجد نصیرالملک در محله اسحاق بیگ شیراز امامت نمود و به نشر علوم دینی پرداخت.[1]
هدایت‌اللّه بن میرزا اسماعیل بن میرزا مهدی دستغیب مجتهد شیرازی در حدود 1240 به دنیا آمده و در حدود 1320 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (438)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (528/2)، فارسنامه‌ی ناصری (914/2)، گنجینه‌ی دانشمندان (445/5).

دشتکی شیرازی، صدرالدین، ابوالمعالی محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(828- شهادت 903 ق)، حکیم و فقیه امامی. معروف به صدرالدین کبیر و ملقب به صدرالعلماء، صدر الحکماء، صدر الحقیقه و سید الحکماء. نسب وی به زید شهید فرزند حضرت سجاد (ع) می‌رسد. او پدر امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی است. در شیراز به دنیا آمد. علوم دینی را نزد پدر و و امیر نظام‌الدین احمد بن اسحاق فراگرفت و علوم ادبی را از پسر عمه‌اش امیر حبیب‌اللّه آموخت و علوم عقلی را نزد سید دانشمند مسلم فارسی یاد گرفت. با قوام‌الدین کرمانی که از شاگردان برجسته‌ی شریف جرجانی است مباحثات و مناظراتی داشت. وی در فن مناظره یگاه عصر خویش بود و مناظرات او با علامه دوانی مشهور است. از شاگردان وی می‌توان به حاج محمود نیریزی و شیخ تقی‌الدین ابوالخیر اشاره کرد. در عهد شاه طهماسب صفوی مدتی منصب صدارت داشت و سرانجام به دست ترکمانان در شیراز شهید شد و در مدرسه منصوریه به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اثبات الواجب تعالی»؛ «الحقایق المحمدیه»؛ «الجذر الاصم»، در تحقیق مغالطه معروف به جذر اصم؛ حاشیه بر «تیسیر الوصول الی جامع الاصول»، در فقه شافعی؛ حاشیه بر «شرح تجرید» قوشچی؛ حاشیه «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه «شرح مطالع»؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «مطول»؛ رساله‌ای در علم کشاورزی و چندین رساله دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (192/6)، اعیان الشیعه (60/9)، تاریخ ادبیات در ایران (99 ،83 /4)، تاریخ نظم و نثر (385)، الذریعه (37/25 ،36 -35 /7 135/6، 92/5، 108/1)، ریحانه (426/3)، شهیدان راه فضیلت (188 -185)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 219 -218 /10)، الکنی و الالقاب (411/2)، لغت نامه (ذیل/ صدرالدین)، معجم المؤلفین (215/8)، هدیه الاحباب (186)، یادداشتهای قزوینی (251/5).

دشتی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا احمد بن العلامه آیت‌الله آخوند ملاحسن الدشتی النجفی از علماء اعلام و فقهاء عظام و مجتهدین کرام نجف اشرفند که در حادثه شوم دولت بعثی عراق اخراج به ایران و سرانجام رحل اقامت به قم انداخته‌اند.
تولد معظم‌له در یکی از محال فارس دشتی از نواحی شیراز واقع شده و در مهد تربیت والد مجاهدش (که یکی از مراجع عالی‌مقام فارس و از مجاهدین تاریخ 1335 قمری تقریبا بوده که با مساعدت و همکاری جمعی از آقایان آیات مخصوصا آیت‌الله حاج شیخ جعفر محلاتی قیام نموده و در مقام دفاع با اردوی انگلیس که در بندر بوشهر پیاده شده بودند جنگیده و با کشته شدن جماعتی از مسلمین و مهاجمین و اسارت بعضی دشمن را خارج کردند) تربیت یافته و مقدمات را نزد والد ماجد و بعضی دیگر از علماء تلمذ نموده و بعد از فوت والدین در تاریخ 1350 قمری به نجف اشرف مهاجرت و بعد از فراغت از سطوح در محضر آیات عظام و اساتید والامقام میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین اراکی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و بالاخص آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده کرده تا به مدارج عالیه اجتهاد و فقاهت نائل و آیات نامبرده مقام علم و کمال و اجتهاد ایشان را گواهی کرده و اجازاتی مرقوم نمودند که نگارنده آنها را دیده‌ام و آثار علمی آن جناب در اسات و تقریرات ابحاث اساتید مذکور است که مخطوط مانده فقط شرح شرح لمعه دمشقیه ایشان به همت حجه‌الاسلام حاج سید محمد کلانتر به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دعویدار قمی، رکن‌الدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم و هفتم ق)، فقیه و شاعر، متخلص به دعوی. معروف به ملک‌الشعراء، نسب وی به سه پشت به دعویدار قمی می‌رسد. در قم متولد شد و در بدایت حال تصدی مقام شرعی در همان شهر داشت وی از مفتیان زمان خود بوده و به شاعری و ستایشگری بزرگان زمان خود مشغول بود. وی علاوه بر مدح آخرین پادشاه باوندی در تبریز مدتی مدح اتابکان آن سامان گفت. رکن‌الدین با کمال‌الدین اسماعیل رابطه ادبی داشته و قصیده لامیه را در سی و شش بیت در مدح او سروده و بدو فرستاده، کمال نیز پاسخ گفته، همچنین نوشته‌اند که با اثیرالدین اومانی نیز مکاتبه و مشاعره داشته است. دعوی شاعری ذو لسانین بود که در نظم و نثر عربی و فارسی قدرتی تمام داشت. آثار وی: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (3/ 1250- 1253)، تاریخ ادبیات در ایران (3/ 346- 352)، تاریخ نظم و نثر (172)، تذکره‌ی روز روشن (261)، دیوان رکن‌الدین دعویدار قمی (مقدمه/ 39 -7)، الذریعه (382- 383 /9، 327)، ریاض العلماء (106/5)، سرآمدان فرهنگ (1/ 399- 400)، فرهنگ سخنوران (394)، فهرست منتجب‌الدین (185)، مجمع الفصحا (680/2).

دغولی سرخسی، ابوالعباس محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 325 ق)، لغوی، فقیه و محدث. از پیشوایان فقه و لغت و روایت در سرزمین خراسان بود. مدتی در نیشابور اقامت گزید و از محمد بن یحیی ذهلی و عبدالرحمان بن بشر و اقران آنها بهره‌ها برد و در عراق و حجاز از محمد بن اسماعیل احمسی خدیث نوشت و از زعفرانی و سعدان بن نصر و احمد بن سیار و محمد بن عبداللّه قهزاد و محمد بن مشکان و محمد بن مهلب سرخسی و عبداللّه بن‌هاشم طوسی و ابوزرعه رازی حدیث روایت کرد. ابوحاتم بن حبان و ابواحمد بن عدی و یحیی بن عمرو بستی و ابوبکر جوزقی وابوعلی نیشابوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌خزیمه گوید که چون ابوالعباس دغولی دانشمندی ندیده است. از آثار وی: کتاب «الاداب»؛ «فضائل الصحابه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (562 -557 /14)، الوافی بالوفیات (226/3).

دلوی استوایی، ابوحامد احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(434 -358 ق)، ادیب و فقیه شافعی اشعری. اصل وی از استواء، از نواحی نیشابور، است. از ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوالعباس احمد انماطی و ابوسعید عبداللّه بن محمد رازی حدیث شنید، سپس وارد بغداد شد و از دارقطنی و همطبقه‌ی او حدیث روایت کرد و در آن شهر مسکن گزید. دلوی از جانب قاضی ابوبکر باقلانی، مدتی در عکبرا قضاوت کرد. در فقه شافعی مذهب، و در اصول اشعری مذهب بود. به گفته‌ی خطیب بغدادی، وی ادب شناس بود و از ادبیبت و رعبیت حظی تمام داشت، اما حدیث اندکی روایت کرده است. یاقوت حموی گوید که بسیاری از کتابهای ادبی موجود، به خط اوست. در بغداد درگذشت و در قبرستان شونیزیه دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (378 -377 /4)، ریحانه (227/2)، سیر النبلاء (582/17)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (39 -38 /5)، الوافی بالوفیات (351/7).

دماوندی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا علی دماوندی از بزرگان علماء و فقهاء معاصر ناصری بوده است وی در عصر شیخ انصاری مشرف به نجف اشرف گردیده و از محضر علامه کوه‌کمری استفاده نموده و تقریرات درس او را نوشته آنگاه مهاجرت به سامره نموده و از محضر میرزاء بزرگ شیرازی بهره‌مند گردیده تا یکی از رجال فضل و مبرزین تلامذه سید گشته است و آنجناب گذشته از مقام علم از اجلاء علماء اخلاق و مشاهیر اهل سلوک و عرفان و بسیار متقی و پارسا و زاهد بوده است در سامره حوزه تدریس داشته و جمع زیادی مانند عالم ربانی حاج شیخ حسنعلی تهرانی و آسید عزیزاللّه تهرانی از محضر و درسش استفاده می‌نمودند و همواره شاگردان خود را توصیه به تهذیب اخلاق و تزکیه نفس می‌نمود و اکثر از شاگردان او از اتقیا و پرهیزکاران بوده‌اند و در جماعت بسیاری از صلحاء و ابرار شرکت می‌کردند تا در 25 ذی‌قعده سال 1304 قمری در کاظمین از دنیا رفته و در یکی از حجرات صحن شریف مدفون گردیده است.
(وف 1304 ق)، فقیه و عالم دینی. از علما و فقهای بزرگ عصر ناصری است که در زمان شیخ انصاری به نجف رفت و از محضر علامه کوهکمری استفاده‌ی بسیار برد و «تقریرات» درس وی را نگاشت، آنگاه به سامراء رفت و از محضر میرزای بزرگ شیرازی نیز بهره‌مند شد تا به حدی که او را از شاگردان برجسته‌ی سید شمردند. وی گذشته از مقام علم در زمینه‌ی اخلاق و تقوی نیز مبرز بود. سرانجام در سامراء حوزه‌ی تدریس برقرار کرد و جمع زیادی، مانند حاج شیخ حسن علی تهرانی و آقا سید عزیزاللّه تهرانی، از محضرش استفاده نمودند. او همواره شاگردان خود را به تهذیب اخلاق و تزکیه‌ی نفس توصیه می‌کرد؛ لذا اکثر شاگردانش از پرهیزکاران بنام زمان خود بودند. وی در کاظمین از دنیا رفت و در یکی از مقابر صحن شریف دفن شد.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 1302 -1301/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (158 -157/ 5).

دماوندی، غلامرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا دماوندی عالمی جلیل و فقیهی متقی و ملقب (به مقتدی) و از روساء روحانی و مراجع دینی دماوند و مورد وثوق عموم مردم و بسیار ساعی در قضاء حوائج ایشان بوده و از اتصال و ارتباط به دولت موقت احتراز و اجتناب می‌نمود تا در سال 1307 قمری وفات نموده و برادرش مرحوم آقا شیخ حسین مقتدی بجای او قرار گرفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دماوندی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1307 ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، ریاضی‌دان و زاهد. او در نجف در محضر شیخ انصاری و سید حسین کوهکمری به مقامات عالیه‌ی علمی رسید، تا جایی که علامه‌ی کوهکمری وی را بر میرزای بزرگ شیرازی برتری می‌داده است. گذشته از فقه و اصول، دماوندی در علم طب و حکمت و ریاضیات ماهر بود و بر تاریخ و سیر احاطه‌ی بسیاری داشت، و از حافظه‌ی قوی و عجیبی نیز برخوردار بود به طوری که بیشتر متون ادبی و فقهی را در حافظه داشت. در عصر علامه کوهکمری به دماوند بازگشت و در آن نواحی مرجع امور دینی مردم شد. او از مکارم والای اخلاقی برخوردار بود.[1]
محمدباقر بن حسن سارانی عالمی بزرگ و دانشمندی متقی و پارسا بوده است وی از دماوند هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامتین شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه‌کمری استفاده نموده و در عصر علامه کوه‌کمری به دماوند برگشته و به وظائف دینی پرداخته است دارای کمالات و مقامات عالیه علم و عمل بوده تا جائی که علامه کوه‌کمری وی را بر میرزاء بزرگ مجدد شیرازی تفضیل می‌داده است مخصوص در علم طب و حکمت و ریاضیات ید طولائی داشته و به تواریخ و حکایات اطلاع زیاد و حافظه‌اش نیز عجیب و بیشتر متون ادبیه و فقهیه را محفوظ بوده و در دماوند و حومه آن ریاست تامه داشته و حتی در بعضی از قضایا علامه کنی ره با وی معارضه می‌نموده است و آن مرحوم عالمی ثروتمند و میهمان‌دوست و کریم‌النفس و منیع‌الطبع و بخشنده بوده است در سال 1307 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 206 -205 /14)، گنجینه‌ی دانشمندان (157 -156 /5).

دوانی، جلال‌الدین محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(830- ح 918/908 ق)، حیکم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباده صحابی) درآمد. دوانی مسافرتهایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به تدریس مشغول بود.بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رباطه اشعاری نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القدیم»؛ «اثبات الواجب الجدید»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون».[1]
(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان 830 ف. 908 ه.ق.). پدرش قاضی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذرانید و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از

آثار اوست: اخلاق جلالی (علم اخلاق) اثبات الواجب الجدید، اثبات الواجب القدیم، افعال اللّه تعالی انموذج علوم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (325 -309)، احقاق الحق (124 -122 /3)، الاعلام (257/6)، اعیان الشعیه (12/9)، تاریخ ادبیات در ایران (100 -99 /4)، تاریخ نظم و نثر (267 -265)، تذکره‌ی روز روشن (175 -167)، الذریعه (57/25، 147/15، 199/9، 82/5، 206/2)، روضات الجنات (548 -541 /2)، ریحانه (236 -232 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1096، 1144، 1567، 1893، 2048، 863، 847، 842، 516، 457، 449، 349، 195، 184)، لغت نامه (ذیل/ دوانی)، مجالس المومنین (229 -221 /2)، معجم المؤلفین (47/9)، هدیه الاحباب (136).

دوریستی، نجم‌الدین، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 600 ق)، فقیه امامی. اهل ری بود و نسب خود را به حذیفه بن یمان منتسب می‌داشت. از جدش روایت می‌کرد. در سال 566 ق به بغداد رفت و به نشر احادیث امامیه پرداخت و از شیخ صدوق به سه واسطه و نیز از شیخ مفید و سید رضی و سید مرتضی و شیخ طوسی و از جدش، محمد بن موسی دوریستی، روایت کرد. وی سرانجام به شهر خود بازگشت و در همان جا وفات یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (49/8)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 93 -92 /7)، ریاض العلماء (190 -187 /3)، ری باستان (545/2)، ریحانه (238/2)، الکنی و الالقاب (234/2)، معجم البلدن (551 -550 /2).

دوزدوزانی تبریزی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1312 ق)، فقیه اصولی. در دوزدوزان از توابع سراب به دنیا آمد و در تبریز از محضر آقا میرزا محمدصادق آقا استفاده برد و سپس به نجف رفت و مدت دوازده سال در خدمت شیخ احمد کاشف الغطاء و شیخ علی‌اصغر ختائی و شیخ مهدی مازندرانی به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت، و از آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللّه آقا شیخ احمد کاشف الغطاء اجازه اجتهاد گرفت و به موطن خویش بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. از آثار وی: «لب الاصول»، در مباحث الفاظ و اصول علمیه؛ «کتاب الطهاره»؛ «منجزات المریض»؛ حاشیه بر «العروه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :علماء معاصرین (284).

دوست گیلانی، عبدالسلام

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوم ق)، عالم و زاهد. در بغداد می‌زیست و از خاندان تصوف و زهد بود. در روزگار الناصر لدین‌اللّه عباسی به جهت حسادت عده‌ای و علاقه وافری که به علوم علقلی داشت او را به الحاد متهم کردند و کتابخانه عظیمی را که در این زمینه فراهم کرده بود بیشتر کتابهای آن را در حضور مردم سوزانیدند و خودش را به زندان افکندند پس از چندی آزاد شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کارنامه بزرگان (33).

دولت آبادی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند عبّاس (دولت آباد از بلوک برخوار، و در دو فرسنگی اصفهان است) عالم فاضل زاهد، در اصفهان خدمت آقا میرزا احمد مدّرس، و آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و ملاّ عبدالکریم گزی، و حاج میر محمّد صادق (خاتون آبادی) و غیره تلمّذ فرموده، و در نجف اشرف از محضر آخوند خراسانی، و شیخ الشریعه ی اصفهانی، و میرزا محمّد حسین نائینی و دیگران استفاده نموده تا خود فقیهی جامع، و مجتهدی کامل گردید، و در سال 1337 به ایران مراجعت فرموده، گاهی در شهر، و زمانی در ده ساکن بود، و به تدریس و ترویج اشتغال داشته.
بالاخره در 26 ذی حجّة الحرام سال 1366 به سنّ متجاوز از هفتاد سال وفات یافته در امامزاده شاهزاده محمود، قریه ی دولت آباد مدفون گردید.
کتب و رسائلی در فقه و اصول نوشته، و پس از فوت مرحوم آیة اللّه اصفهانی رساله ذخیره العباد ایشان را حاشیه نوشته و به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دهاقانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدباقر معروف به شریعت دهاقانی از علماء مبرز حوزه علمیه نجف است که در سال 1301 قمری برحسب ایذاء و اجبار دولت بعث عراق به قم مهاجرت نموده است.
تولد ایشان در حومه‌ی اصفهان واقع شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان چون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و به تدریس فقه و اصول پرداخته تا در اوائل ذی‌الحجه سال مزبور که اخراج به ایران و رحل اقامت به قم انداخته است.
نگارنده گوید آقای دهاقانی عالمی ظریف و خوش مجلس و اخلاقی می‌باشد،
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ده‌سرخی اصفهانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید محمود بن العلامه السید مهدی بن سید اسدالله موسوی ده‌سرخی نجفی از علماء فاضل و فضلاء کامل معاودین حوزه نجف اشرف است که در قم رحل اقامت انداخته است.
اصلا از شهرک سه کیلومتری شهرکرد اصفهان بوده و مرحوم جدشان بده سرخ لنجان که شش فرسخی اصفهانست هجرت نموده و ایشان در سال 1345 قمری در آنجا به دنیا آمده و والدش در روز شنبه دهم رجب 1354 قمری در اصفهان فوت نموده و در تخت فولاد مدفون شده است.
وی در سال 1366 ق به تحصیل علوم دینی پرداخته و در سال 1368 قمری هجرت به قم و بعد از چند ماهی عزیمت به نجف نموده و سطوح عالی را به پایان رسانیده و دروس عالی را از آیت‌الله آقا سید علی فانی اصفهانی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و بیشتر آیت‌الله العظمی خوئی مدظله آموخته تا به مدارج عالیه علم رسیده و مفتخر به دریافت اجازات از اساتید و آیات عظام نجف شده و پس از 24 سال اقامت در نجف به حکم اجبار دولت شوم بعث عراق به ایران مراجعت و در قم رحل اقامت انداخته است آثار ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم.
1- سراج المبتدئین در شرح منیه المرید شهید ثانی که در سال 1376 در اصفهان به طبع رسیده.
2- کتاب هدایه‌الطالبین شرح آداب المتعلمین در سال 1376 در نجف چاپ شده.
3- کتاب مفاتیح الصحه فی طب النبی و الائمه علیهم‌السلام فارسی در سال 1379 در نجف چاپ شده.
4- کتاب رمز الصحه عربی در سال 1381 در نجف طبع شده.
5- کتاب الجمان الحسان فی احکام القران در سال 1382 در تهران چاپ افست شده است.
6- مفتاح الکتب الاربعه فهرست کافی و تهذیب و استبصار و من لایحضره الفقیه درسی مجلد که تاکنون پنج جلد آن طبع شده است.
7- حظ الشباب در خلاصه و ترجمه خصال مرحوم شیخ صدوق که به طبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دهکردی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1353 -1272 ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در دهکرد (شهرکرد) متولد شد. پدرش و پدر مادرش هر دو از علمای دهکرد بودند. چند سال در اصفهان نزد آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی و دیگران تحصیل نمود، سپس در عراق خدمت چند نفر از اجله‌ی علما و فقها تحصیلات خود را تکمیل کرد. وی از شاگردان میرزا محمدحسن شیرزای و میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و حاج میرزا حسین نوری و از مشایخ روایت آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی بود. پس از بازگشت، در اصفهان به تدریس و تالیف و تبلیغ مشغول شد. متجاوز از سیصد تن از فضلا در مجلس درس او، در مدرسه‌ی صدر، حاضر می‌شدند. وی مرکز فتوی و مراجع مردم بود. در اصفهان درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الوسیله» یا «وسیه النجاه» یا «وسیله المنابر» یا «منبر الوسیله» یا «وسیله المعاد»، در دو قسمت: بخش اول در توحید و عدل و بخش دوم در نبوت و امامت، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ حاشیه بر «وافی» فیض کاشانی؛ حاشیه بر «متاجر» شیخ مرتضی انصاری؛ رساله‌ای در «قبض»؛ شرح بر «شرایع»، در دو مجلد؛ شرح فارسی بر «من لا یحضره الفیه» صدوق.[1]
سید ابوالقاسم بن سید محمدباقر دهکردی اصفهانی دانشمندی بزرگوار و خطیبی عالیقدر از شاگردان علامه میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و معاصرین وی بوده که پس از تکمیل مبانی علمی به اصفهان برگشته و به انجام وظائف دینی از تدریس و وعظ و ارشاد و اقامه جماعت پرداخته و در مدرسه صدر اصفهان عده زیادی به درسش حاضر شده و استفاده می‌نمودند و در ماه رمضان جمعیت زیادی برای درک فیض پای منبرش حاضر می‌شدند بسیاری از اعلام معاصر اصفهان از تلامذه و شاگردان ایشانند.
وی در یکشنبه هفتم شوال 1353 ه در سن 81 سالگی وفات نموده تاریخ ولادتش 1272 هجری بوده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (417/2)، تذکره القبور (94 -93)، الذریعه (85 ،84 /25 ،356/22)، ریحانه (244/2)، علماء معاصرین (169 -168)، مؤلفین کتب چاپی (246 -245 /1)، معجم المؤلفین (115/8)، مکارم الاثار (2011 -2007 /6).

دهکردی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر دهکردی والد مترجم مذکور از علماء منسوب شهرکرد و از شاگردان مرحوم علامه کلباسی و حجةالاسلام سید محمدباقر کشفی بوده تألیفاتی دارد که از آنهاست.
1- منبر الوسیله.
2- اللمعات فی شرح دعاء سمات.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دیزجی زنجانی، فیاض

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فیاض بن العالم الجلیل ملا محمد مدرس دیزجی زنجانی متولد 1285 ق و متوفی 1360 ق از اکابر فقهاء امامیه و مراجع تقلید گذشته و جامع معقول و منقول بوده است.
وی پس از تولد و پرورش در بیت علم و تقوا و خواندن متون فقه و اصول به تهران مهاجرت نموده و معقول را از سید الفلاسفة المتالهین میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی فراگرفته و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّٰه والعلامة الکبری میرزا محمدحسن آشتیانی و دیگران استفاده نموده تا به رتبه اجتهاد رسیده و عزیمت به عراق نموده و در نجف اشرف علی من تشرفها آلاف التحیة والثناء به حوزه درس علامه تهرانی حاج شیخ هادی پیوسته و از بحث آن نابغه علمی استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال 1326 قمری به زنجان مراجعت کرده و مورد استقبال و توجه مردم قرار گرفته و عده‌ای از مردم آن استان به وی تقلید نموده تا در روز جمعه 18 ذی‌الحجه (عید سعید غدیر) 1360 قمری وفات و نزدیک مقبره آخوند ملا علی قارپوزآبادی مدفون گردیده است.
آثار علمی و باقیات الصالحات آن مرحوم.
1- کتاب الخمس
2- ذخایر الامه
3- کتاب الاجاره
4- کتاب الزکاة
5- رساله در ماهیة وجود (تقریر بحث استادش علامه تهرانی)
6- رساله حجائیه.
و اما باقیات الصالحات ایشان فرزند ارجمندش.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دیلمی طبرستانی، سلار، سالار، ابویعلی حمزه عبدالعزیز

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 463 ق)، فقیه، اصولی، ادیب و محدث امامی. ملقب به سلار یا سالار. در فقه و ادب پیشگام بود. سیوطی در «طبقات» خود او را از جمله‌ی ادیبان بنام برشمرده است. ساکن بغداد بود و مورد اعتماد و احترام. شیخ مفید و سید مرتضی از مشایخ او می‌باشند. شیخ ابوعلی طوسی، فرزند شیخ الطائفه، و شیخ منتجب‌الدین و ابوالمکرم مبارک بن فاخر نحوی و ابوالفتح عثمان نحوی و ابوالصلاح حلبی و ابوالفتح کراجکی از شاگردان وی بودند. سلار گاهی به جانشینی سید مرتضی درس می‌گفت. وی در قریه خسرو شاه تبریز درگذشت. سیوطی به نقل از صفدی سال مرگ وی را 448 ق می‌داند. از آثارش: «المقنع فی المذهب»؛ «التقریب»، در اصول فقه؛ «المراسم العلویه»، در احکام نبویه، در فقه؛ «الرد علی ابی‌الحسین البصری فی نقض الشافعی»؛ «التذکره فی حقیقه الجوهره»؛ «الابواب و الفصول»، در فقه؛ «المسائل السلاریه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (309/2)، اعیان الشیعه (172 -170 /7)، ایضاح المکنون (553، 275 /1)، الذریعه (124/22، 352، 298/20، 180 -179 /10، 365، 24/4)، ریاض العلماء (444 -438 /2)، ریحانه (51 -50 /3)، فهرست منتجب‌الدین (84)، الکنی و الالقاب (238/2)، لغت نامه (ذیل/ سلار الدیلمی)، معجم المؤلفین (235، 79 /4)، هدیه العارفین (380/1).

دیلمی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1281 -1229 ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه زیدی. وی در اکثر علوم دست داشت. در شهر ذمار یمن به دنیا آمد و در همان شهر نشو و نما یافت. در مکه از دنیا رفت. از آثارش: «تحفه الحبیب بنظم مسائل التهذیب»، در منطق؛ «نزهه الطرف فی احکام الصرف»؛ «الابریز المذاب فی قواعد الاعراب»؛ «الطراز المذهب فی المختار لاهل المذهب»، در فقه؛ «مختصر الاتقان فی علوم القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (213/2)، معجم المؤلفین (243/3).

دیلمی، حسن بن الحسن

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مولی حسن بن الحسن الدیلمی عالم فاضل، و حکیم بارع و فقیه. به اتفّاق پدر خود از گیلان به اصفهان مهاجرت نموده، و از معاشرین و مصاحبین و همدرسان افندی مؤلف ریاض العلماء می‌باشد. تألیفاتی دارد از آن جمله شرح صحیفه سجّادیّه است. در 26 رمضان المبارک سال 1119 وفات یافته است.
مؤلّف تاریخ علما و شعرای گیلان را در نام صاحب عنوان اشتباهی روی داده، زیرا که مؤلّف شرح صحیفه سجادیه نامش: مولی حسین بن حسن است. گویند: شرح صحیفه او انتحال از شرح سید علی خان مدنی است. علاّمه جلیل القدر مؤلّف الذریعه (350:13) فرماید: من شرح سیّد علی خان را دیدم که به خط خود در حواشی آن، مواضع انتحال را تعیین نموده بود.
مولی حسین گیلانی دایی سید ابوالقاسم بن حسین موسوی خوانساری جدّ صاحب روضات است، و قبرش در بقعه مشارالیه قرار دارد، و آقا میرزا محمّد باقر به مناسبت بودن قبر او در این محل وصیّت به دفن در اینجا نموده است. در اسامی حسین مجدّداً از او نامی برده خواهد شد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دین‌پرور دربندی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید جعفر بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه السید ابوتراب بن العلامه الورع سید مهدی دربندی تهرانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار تهران بوده و در سال 1263 شمسی در نجف اشرف متولد گردیده و در تحت مراقبت و تربیت والد معظمش پرورش یافته و پس از انقلاب عراق علیه انگلیسها و اخراج آنان باتفاق والدش به ایران آمده و مورد استقبال و اقبال مردم تهران و شمیرانات قرار گرفته و بخدمات دینی و علمی پرداخته والد ماجدشان آیت‌اللَّه دربندی علاوه بر داشتن حوزه درس، در مجالس معمولی و مهمانیها به نشر حقایق اسلام و اخبار ائمه اطهار اهتمامی بلیغ داشت و در مجالسش غیر از اخبار و احادیث اهلبیت علیهم‌السلام سخن دیگری نمی‌فرمود.
مترجم ما پس از مراجعت از عراق تحصیلات خود را در نزد والد خود ادامه داده و علاوه بر استفاده‌های علمی تقوا و فضائل و ملکات نفسانی را از آن بزرگوار فراگرفته و با لباس کرباس وطنی و کمال زهد و قناعت و مناعت طبع بخدمات دینی پرداخته و نشر حقایق و معارف اسلام مینمود. نماز جماعتش در شمیرانات و دربند بسیار باشکوه و مخصوصا ماه رمضان پر جمعیت بود و مردم از اطراف برای درک فیض از نماز و محضرش بدربند می‌شتافتند تا هشتم ماه رجب سال 1343 شمسی وفات نموده و با تجلیل زیاد جنازه‌اش حمل بشهر ری و در ابن بابویه مقبره شخصی خانواده‌گیش مدفون گردید.
نگارنده گوید: آن مرحوم ارادت مخصوصی بمرحوم آیت‌اللَّه العظمی و مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی داشت خودم ناظر بودم که با آن کهولت و کبر سن با پای برهنه از تهران تا بشهر ری در تشییع جنازه آن مرحوم شرکت داشته و اظهار تأثر و تأسف از فقدان آن مرحوم می‌نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، ابوالقاسم یوسف

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 405 ق)، فقیه و قاضی شافعی. معروف به ابن کج. وی از شاگردان ابوالحسین بن قطان بود، و در مجلس درس دارکی حاضر می‌شد. عده‌ای او را بر شیخ ابوحامد اسفراینی مقدم می‌دانند بطوری که یکی از شاگردانش روزی به وی گفت: ای استاد، گرچه ابوحامد صاحب نام است، اما علم نزد توست. دینوری مردی محتشم بود و مردم از اطراف به سویش می‌آمدند. وی در ماه رمضان به دست حرامیان کشته شد. دینروی داری تصانیف بسیاری است از که از آن جمله کتاب «التجرید» را می‌توان نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (184 -183/ 17)، معجم المؤلفین (273/13).

دینوری، ابوبکر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 333 ق)، قاضی، محدث و فقیه مالکی. ابتدا عهده‌دار منصب قضای قلزم و سپس چندین سال در اسوان مصر اقامت گزید و مدتی مقام قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. از کسانی مثل ابوبکر بن ابی الدنیا و ابوقلابه الرقاشی و ابن‌قتیبه دینوری و محمد بن یونس کدیمی و عباس بن محمد دوری و محمد بن عبدالعزیز دینوری روایت کرده است و از راویان کتب ابن قتیبه به شمار می‌آید. قاضی ابوبکر ابهری و ابوبکر ابن‌شاذان و ابوبکر ابن‌مهندس و ابراهیم بن علی تمار مصری و حسن بن اسماعیل ضراب از وی روایت کرده‌اند دارقطنی او را از محدثان مورد اعتماد نمی‌داند و در «غرائب مالک» او را به وضع حدیث متهم کرده است. دینوری در مذهب مالک صاحب نظر بود. کتابی در «مناقب مالک» و کتابی در «رد شافعی» تالیف کرده است. وی همچنین صاحب کتاب «المجالسه» است که بوصیری از آن روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (241/1)، سیر النبلاء (428 -427 /15)، کشف الظنون (1841، 1591)، لسان المیزان (469 -468 /1)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (175 -174 /2).

دینوری، ابوبکر مکی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 468 ق)، حافظ، محدث و فقیه. وی مذهب سفیانی داشت. از عبدالغنی بن سعید و خلف بن محمد واسطی و صدقه بن دلم حدیث شنید. عبدالعزیز کتانی و ابوطاهر حنایی و غیث ارمنازی از او روایت کرده‌اند. گویند به معرفت رجال توجه خاصی داشت و حدیث کم می‌گفت و ابوبکر خطیب در پی آن بود که از وی حدیث بشنود. و دینوری رغبت چندانی نشان نمی‌داد. او مدتی منصب قضاوت دمیره را عهده‌دار بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (413 -412 /18).

دینوری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد شخصی فقیه و اصولی و دارای علوم غریبه و مردی با ورع و متقی و اغلب اشتغال بتحریر مطالب علمی و عملی داشت و منزوی از مردم و عابد و شب زنده‌دار و اوضاع و عوالم عجیب و غریبی داشت رضوان اللّه علیه. کتابی موسوم به (نظام العالم) دارد بسیار نفیس و عالی ولی بطبع نرسیده و تألیفاتی در علوم غریبه دارد و اشعاری شیوا گفته و در تاریخ 1347 در اثر مبارزه با بدع با برادر کوچکش مرحوم آقای حاج میرزا عبدالعلی آقا مجتهد به سمنان تبعید و مدتی در آنجا حبس نظری بودند بعد بارض اقدس رضوی برده و در تحت مراقبت بودند پس از طی مدت یکسال و نیم دوره‌ی نفی به تبریز مراجعت بعد از فوت برادر بزرگش آیت‌اللّه آقا میرزا صادق آقا مرحوم در مسجد آن مرحوم اقامه نماز جماعت کرده مقتدای مردم بود در سال 1283 در تبریز متولد شب دوشنبه 23 شهر ذی‌القعده 1359 بدار بقاء رحلت و در وادی‌السلام نجف اشرف در مقبره مخصوص خودشان مدفون است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آیت‌اللَّه میرزا صادق آقا مرجع تقلید اهالی آذربایجان بود و مردم فریفته تقوی و عمل و علمیت این مرد برجسته بودند طوری که با تحریر و تقریر پایان نیابد شاگر آخوند ایروانی و آیت‌اللَّه فاضل شربیانی و آیت‌اللَّه آقا شیخ هادی تهرانی بود در فقه و اصول متبحر و شخصی دارای دقت نظر و تحقیق و صاحب تألیفات زیاد در فقه و اصول بود منجمله (مقالات غرویه) مربوط به مباحث الفاظ در تبریز بطبع رسیده و کتاب (مشتقات) اینهم در تبریز بچاپ رسیده و (کتاب فوائد) در مطالب مختلف از فقه و اصول و تفسیر مطبوع تهران که دوره تبعید خود در قم نوشته شده و کتابهای مفصله استدلالی در طهارت و صلوه و غیره دارد که بطبع نرسیده این شخص قریب سی سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس بوده نزدیک پنجاه سال ریاست روحانیت آذربایجان را در دست داشت در اثر مبارزه با بدع سال 1347 به قم تبعید و در سال 1351 شانزدهم شهر ذی القعده الحرام شب جمعه برحمت ایزدی رفته و در رواق حضرت معصومه سلام‌اللَّه‌علیها در مقبره مخصوص مدفون است اشعار عالی عربی در مدائح و مراثی زیر دارد رضوان اللّه علیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، عبدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا عبدالعلی آقا مجتهد است مرد فقیه و اصولی و شخصی اجتماعی و خلیق بود که مردم فریفته حسن خلق و رفتار نیک او بودند مشغول قضاوت و تدریس طلاب بود شاگردهای برجسته تحویل داده و فرزندانی برای آینده تربیت نموده و از اساتید متن نگارنده بوده استفاده‌های فراوانی از ایشان نموده‌ام کتابی مرکب از اصول و فروع جمع و حواشی نوشته و مجموعه‌ای مانند کشکول شیخ بهاء دارد در دویم ماه محرم وفات نموده و در وادی السلام نجف اشرف در مقبره مخصوصه خودشان مدفون است رضوان اللّه علیه.
این پنج برادر هر کدام عالم و عامل و فاضل و با ورع و متقی و محبوب عند العامه و دارای کمالات سرشار بودند و اکنون هم اهالی تبریز اسامی اینها را به خیر و خوبی یاد می‌کنند و از فقدان این راد مردان عالم دیانت اظهار تأسف و تأثر می‌نمایند قریب پنجاه سال مبارزاتی با معاندین دین و مخالفین قوانین حقه اسلامی نموده و متحمل هر گونه شدائد و با همواریها شده و مکرر خانه‌شان به یغما و غارت رفته و به مدلول آیه شریفه ان تنصروا اللّه ینصرکم و یثبت اقدامکم خداوند نجات داده و عزت شأن را حفظ نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، علاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا علاءالدین دینوری بن آیت‌اللّٰه العظمی حاج میرزا احمد مجتهد از علماء محترم معاصر تهرانست. معظم له شمه‌ای از ترجمه و بیوگرافی بیت جلیل و خاندان اصیل خویش را بشرح زیر مرقوم داشته‌اند:
راقم علاءالدین دینوری پسر مرحوم آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد دینوری از اولاد محمد دینوری که از اصحاب حضرت علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام بوده وی را بجهت تبلیغ مذهب حق به آذربایجان اعزام نموده‌اند در قریه (پیر کندی) از قراء حسن‌آباد از محال قراجه داغ وفات نموده و در همان قریه بخاک سپرده میشود او را مزاری است که اهالی بزیارتش میروند و نذوراتی به مرقدش میبرند. والد مرحوم پنج برادر بودند بزرگترین این پنج برادر مرحوم آقای حاج میرزا محسن آقا مجتهد صاحب کتاب (تبیین المحجه الی تعیین الحجه) در تبریز بطبع رسیده توان گفت یگانه تألیفی است در اثبات حجه در سال 1267 هجری این شخص در تبریز متولد و در سال 1288 برای تکمیل معارف دینی به نجف اشرف مشرف و بعد به تبریز مراجعت و به حج بیت‌اللّٰه‌الحرام موفق و در سال 1344 مبتلا بدرد چشم بود در اثر شدت مرض چهارم محرم‌الحرام 1352 دار فانی را وداع و جنازه‌اش به نجف اشرف حمل و جنب قبر والد ماجدش در وادی السلام دفن میشود. این شخصیت بزرگ فقیه و اصولی و درستکار و عاقل و مسیس و مورد شور رجال و عقلاء بوده ریاست روحانیت شهر تبریز را داشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ذره‌ی اصفهانی، عبداللّه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1137 ق)، مجتهد امامیه و شاعر، متخلص به ذره. در ابتدا توجهی به علم نداشت ولی در اندک مدتی علاقه‌مند گردید. شروع به فراگیری آن کرد. در محاصره‌ی اصفهان توسط افغانها به خرم‌آباد مهاجرت کرد و در آنجا درگذشت. این رباعی از اوست:
آرایشی به هر خس و خاک از بهار ماند
نخل حیات ماست که بی‌برگ و بار ماند
چون شاخ خشک دستم از آغوش گل جداست
داغی بدل ز لاله رخی یادگار ماند
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (338/9)، ریحانه (257/2)، صبح گلشن (166)، فرهنگ سخنوران (352).

راز شیرازی ذهبی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1286 -1202 ق)، فقیه، عارف و شاعر، متخلص به راز. مشهور به میرزا بابا. وی در شیراز متولد شد و به اقتضای حال خانوادگی و محیط زندگی به تحصیل علوم زمان خود همت گماشت و در امور مذهبی به درجه‌ی اجتهاد رسید. او از مریدان پدر خود، که قطب سلسله‌ی ذهبیه بود، شد و پس از مرگ او، به ارشاد آن سلسله پرداخت و تولیت آستانه‌ی شاهچراغ شیراز بدو محول گردید. وی به قصد زیارت مشهدالرضا به مشهد رفت و در مراجعت سه سال در تهران ماند از جانب ناصرالدین‌شاه لقب مجدالاشراقی یافت. در سال 1286 ق، به هنگام مراجعت از تهران در مورچه خورت اصفهان وفات یفات. پیکرش را به مشهد منتقل کردند و در ایوان طلا به خاک سپردند. وی دارای تالیفات و تصانیف بسیار است از آن جمله: «آیات الولایه»؛ «اسرار التوحید و النبوه و الولایه و المعاد»؛ «اسرار الولایه»؛ «انوار الشموس المطالعه»، در عقاید ذهبیه؛ «اقطاب سلسله‌ی ذهبیه»؛ «براهین الامامه»؛ «تنبیه المرید»؛ «تباشیر الحکمه» و «مجموعه‌ی اشعار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (416/2)، حدیقه الشعراء (652 -650 /1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (565 -559 /2)، الذریعه (346/9 49/1،)، ریاض العارفین (259 -258)، ریحانه (284 -283 /2)، طرائق الحقائق (456/3)، فارس نامه‌ی ناصری (948 -946 /2)، فرهنگ سخنوران (361)، لغت نامه (ذیل/ راز شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (250 -247 /1)، مرآت الفصاحه (226 -223).

رازی اصفهانی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1301 ق)، عالم و فقیه. معروف به حاج شیخ محمدباقر نجفی مسجد شاهی. پدرش صاحب «هدایه المسترشدین» و پدر مادرش، شیخ جعفر کاشف الغطاء است. در زمان وفات پدرش خردسال بود اما به کوشش مادرش به درجات عالی رسید. وی پس از بهره‌گیری از محضر شاگردان برگزیده‌ی پدرش و ازدواج با دختر خاله‌اش که از نوادگان سید صدرالدین موسوی عاملی بود، به نجف رفت و در آنجا در سلک شاگردان شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری و دائی خویش، شیخ حسن کاشف الغطاء، درآمد تا خود عالمی جلیل گشت. آنگاه به وطن خویش بازگشت و به ترویج دین و تالیف و تصنیف و دادرسی مظلومین پرداخت. در اواخر عمر ریاست شرعیات اصفهان به او اختصاص یافت. در پایان عمر مجددا به نجف رفت. در آنجا بیمار شد و از دنیا رفت و در مقبره‌ی جدش، کاشف الغطاء دفن شد. فرزند وی آقا نجفی اصفهانی است. از آثار وی: شرح رساله «حجیت مظنه» پدرش؛ «لب الاصول»؛ «لب الفقه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (160)، روضات الجنات (123/2)، ریحانه (404/3)، المآثر و الآثار (142)، هدیه الاحباب (185).

رازی اصفهانی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1248 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مجتهد. اصلا تهرانی و ایوان کیفی بود. به همراه پدر به عراق مهاجرت کرد و در کاظمین از محسن اعرجی کسب علم کرد و به کربلا رفت و از محقق بهبهانی استفاده برد. در نجف نزد سید مهدی بحرالعلوم و سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و سید محسن کاظمینی و پدر زن خود، شیخ جعفر کاشف الغطاء، تلمذ کرد. از کاشف الغطاء اجازه روایت و فتوا داشت. در فتنه وهابیه به ایران بازگشت و در اصفهان سکنی گزید و مجلس درس برقرار کرد و حدود سیصد عالم و فاضل بر او اجتماع کردند که از جمله‌ی آنها، سید محمدباقر خوانساری، صاحب «روضات الجنات» بود. وی در اصفهان درگذشت و حاج سید محمدباقر حجةالاسلام بر او نماز گزارد و در تحت فولاد نزدیک قبر محقق خوانساری دفن شد. از آثار وی: «حاشیه المعالم» به نام «هدایه المسترشدین»، در شرح اصول «معالم‌الدین»؛ شرح «طهاره الوافی» یا «تقریرات» استادش بحرالعلوم؛ «الفقه استدلالی»؛ «حجیه المظنه»؛ «شرح الاسماء الحسنی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (287/6)، اعیان الشیعه (198/9)، ایضاح المکنون (723/2)، تذکره القبور (215 -212)، الذریعه (195/25، 284 -283 /16 165/14، 366/13، 205/6)، روضات الجنات (123 -119 /2)، ریحانه (404 -403 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 217 -215 /13)، فواید الرضویه (435 -434)، لغت نامه (ذیل/ محمدتقی)، معجم المؤلفین (131 -130 /9)، هدیه الاحباب (185)، هدیه العارفین (364/2).

رازی اصفهانی، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1261 ق)، فقیه، اصولی و عالم امامی. اصلا تهرانی بود که در ایوان کیف متولد شد و همان جا برآمد. وی مشهور به صاحب «الفصول فی علم الاصول»، و برادر شیخ محمدتقی رازی اصفهانی، صاحب «هدایه المسترشدین» است. از برادرش و همچنین شیخ علی بن جعفر، کسب علم کرد. کتاب وی در اصول فقه، حاکی از نقطه نظرات تحقیقی و فکر عمیق او می‌باشد. در کربلا اقامت گزید و به تدریس فقه و اصول مشغول شد و جماعتی از علما در محضرش تلمذ کردند. از شاگردان وی می‌توان حاج میرزا علینقی و میرزا زین‌العابدین طباطبایی را نام برد. او آشکارا و شدیدا از عقاید فرقه‌ی شیخیه اظهار تبری می‌کرد. در کربلا درگذشت و در صحن صغیر در بقعه‌ی سید مهدی طباطبائی دفن شد. سال وفات وی را 1254 ق نیز نوشته‌اند. از آثار وی: «الفصول الغرویه فی الاصول الفقهیه»، معروف به «فصول»، در اصول فقه؛ رساله‌ای در طهارت و نماز و روزه‌داری؛ «رساله‌ی عملیه»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (337/6)، ایضاح المکنون (319/2)، تذکره القبور (214)، الذریعه (242 -241 /16)، روضات الجنات (123 -122 /2)، ریحانه (380/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 391 -390 /13)، فوائد الرضویه (591)، لغت نامه (ذیل/ محمدحسین)، معجم المؤلفین (256 242/9/16/4،)، مکارم الآثار (1485 -1484 /5)، هدیه الاحباب (177)، هدیه العارفین (371/2).

رازی تهرانی، عزالدین یوسف

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 773 ق)، فقیه حنفی. وی از طبقه‌ی فقها بود. از آثارش کتاب «شرح کنز الدقائق فی فروع الفقه الحنفی»، که به سال 773 ق در قاهره تالیف آن را به پایان رسانید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ری باستان (406/2)، کشف الظنون (1516)، معجم المؤلفین (335 -334 /12)، هدیه العارفین (558/2).

رازی کردری، احمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 642 ق)، فقیه حنفی. ملقب به شمس الائمه. از آثارش: «کتاب فی مشکلات مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1790 ،1632)، معجم المؤلفین (180/2).

رازی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 400 ق)، فقیه شافعی. او را پیشگام شافعیان خوانده‌اند. وی از ابن ابی‌حاتم و از احمد کاغدی و احمد بن خاله حزوری و ابن‌سماک روایت کرده است. خلیلی که از شاگردان بنام وی به شمار می‌آید، درباره‌ی استادش گفته: او عالمی بزرگ بود که از هر رشته‌ی علمی حظی وافر داشت و در حدود یک قرن در فقه امام بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (62 -61 /17).

رازی، ابوالحسن محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 338 ق)، فقیه، شافعی، حافظ، محدث و قاضی. معروف به ابن‌حیکویه. پدرش، حیکویه، محدثی مورد اعتماد بود که از شاگردان یحیی بن عبدک به شمار می‌آمد. قاضی ابوالحسن رازی از سهل بن سعد و علی بن ابی‌طاهر و ابوشعیب حرانی و محمد بن یحیی مروزی و ابوخلیفه و ابویعلی فقه و حدیث آموخت. او تا پایان عمر ملازم ابن‌سریج بود. چهار سال در قزوین و همچنین مدتی در همدان عهده‌دار امور قضاوت بود. به گفته‌ی ذهبی او سنی متعصبی بود. وی دارای تصانیفی در اصول و فروع فقه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (379/15)، معجم المؤلفین (102/12).

رازی، ابوالفتح سلیم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 447 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب شافعی و محدث. وی در آغاز فنون ادب را به کمال آموخت و پس از چهل سالگی به تدریس پرداخت. او در فقه شاگرد ابوحامد اسفراینی بود و از احمد بن محمد بن بصیر و احمد بن فارس لغوی و محمد بن جعفر تمیمی و ابی‌حامد اسفراینی و احمد بن محمد بن صلت مجبر و ابواحمد فرضی روایت می‌کرد. وی به بغداد رفت و به فقه پرداخت و به نشر علم در سواحل شام و صور همت گماشت. ابوبکر خطبی و ابومحمد کتانی و سهل بن بشر اسفراینی و فقیه نصر بن ابراهیم مقدسی و ابوالقاسم نسیب از وی روایت کردند. گویند: وقتی که در بغداد بود نامه‌هایی را که برایش می‌آمد باز نمی‌کرد و همه را جمع می‌کرد، تا موقعی که از تحصیل علم فراغ حاصل کرد، سپس همه‌ی نامه‌ها را گشود و خواند و به اخبار دردناک مندرج در آنها- که اگر قبلا خوانده بود از کار علم باز می‌ماند همانند مرگ کسان و خویشان- وقوف یافت. سلیم در سفر مکه پس از انجام اعمال حج در ساحل جده در دریای قلزم غرق شد. از آثارش: «التقریب» در فروع؛ «روح المسائل»، در فروع؛ «ضیاء القلوب»، در تفسیر قرآن؛ «غریب الحدیث»؛ «الکافی»، در فروع؛ «المجرد»، در فروع؛ «الاشاره»، در فروع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1630، 1593، 1378، 1205، 1091، 915، 466، 98)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (128 -127)، معجم المؤلفین (243/4)، الوافی بالوفیات (334/15)، وفیات الاعیان (399 -397 /2)، هدیه العارفین (409/1).

رازی، ابوالقاسم عبداللّٰه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 387 ق)، محدث و فقیه شافعی. ملقب به دود. در ری از عبدالرحمان بن ابی‌حاتم رازی و در دمشق از احمد بن ابراهیم بن عبادل و محمد بن یوسف هروی حدیث شنید. وی در مصر سکنی گزید. عبدالکریم بن عبدالواحد حسن‌آبادی و عبدالوهاب بن محمد مصری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ الاسلام (حوادث 140/ 400 -381)، الوافی بالوفیات (496/17).

رازی، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 615 ق)، فقیه و اصولی. وی شیخ حنفیان و مدرس ایشان در موصل بوده و به اربل نیز ترددی داشته است. در موصل درگذشت. از آثارش: «الفرائض» یا «فرائض الرازی»؛ «النوری فی مختصر القدوری»، کتابی در فروع فقه حنفی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (185/2)، ری باستان (345/2)، کشف الظنون (1632 -1631)، معجم المؤلفین (218/8)، هدیه العارفین (109/2).

رازی، ابوسهل موسی

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 188 ق)، فقیه و محدث حنفی. وی از اصحاب محمد بن حسن شیبانی و از راویان جریر بن عبدالحمید رازی (م 188 ق) است. او را از عقلای اهل ری از محدثان مورد اعتماد شمرده‌اند. ذهبی در «تاریخ الاسلام» و ابن‌حجر در «لسان المیزان» سال مرگ وی را پس از 260 ق ذکر کرده‌اند. از آثارش: «کتاب الشفعه»؛ «کتاب المخارج»؛ «کتاب الخراج»؛ «مختصر»ی در فروع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ری باستان (395/2)، کشف الظنون (1456 ،1430)، لسان المیزان (137/7)، معجم المؤلفین (49/13)، هدیه العارفین (477/2).

رازی، ابویعلی معلی

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 211 ق)، حافظ، محدث و فقیه حنفی. وی در بغداد ساکن بود و در آنجا از مالک بن انس ولیث بن سعد و ابویوسف قاضی و دیگران حدیث روایت می‌کرد. علی بن مدینی و ابوبکر بن ابی‌شبیه و ابوخیثمه و احمد رمادی و عباس دوری و محمد جوهری و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند او از اصحاب ابویوسف قاضی و محمد بن حسن شیبانی، دو شاگرد ابوحنیفه، به شمار می‌رفت و از فقهای اصحاب رای شمرده می‌شد. چند بار از او خواستند که عهده‌دار امور قضاوت شود اما نپذیرفت. ابن‌حبان او را از محدثان مورد اعتماد می‌داند. او از کسانی بود که مجموعه‌هایی از شنیده‌هایی خود تصنیف کرد. از آثارش: «کتاب الصلاه»؛ «النوادر»؛ «الامالی»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (189/8)، تاریخ بغداد (188/13)، ری باستان (392/2)، کشف الظنون (1433)، معجم المؤلفین (309/12)، هدیه العارفین (466/2).

رازی، زین‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 666 ق)، فقیه، مفسر، لغوی، ادیب و صوفی حنفی. اصل وی از ری است. طی سفری از مصر و شام دیدار کرد و در پایان عمر، در سال 666 ق، در قونیه بود. او در تفسیر قرآن مشهور است. صاحب «ریحانه الادب» و به تبع آن دهخدا در «لغت نامه» رازی را از علمای قرن هشتم و متوفای بعد از سال 768 ق دانسته‌اند. از آثار وی: «انموذج جلیل فی اسئله و اجوبه من غرائب آی التنزیل»؛ «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز»؛ «روضه الفصاحه»، در علم بیان؛ «کنوز البراعه فی شرح المقامات الحریریه»؛ «مختار الصحاح»، در لغت که تلخیص «صحاح» جوهری است و در 660 ق خاتمه یافته؛ «حدائق الحقائق»، در مواعظ؛ «دقائق الحقایق»، در تصوف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (279/6)، ایضاح المکنون (389/2، 475/1)، تاریخ ادبیات در ایران (287 -286 /3)، ری باستان (346/2)، ریحانه (405 /2، 288)، کشف الظنون (1073 -1072، 633، 92)، لغت نامه (ذیل/ رازی، زین‌الدین)، معجم المؤلفین (112/9)، هدیه العارفین (127/2).

رازی، سراج‌الدین عمر

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(717 -645 ق)، فقیه حنفی. از آثار وی: «جزء فی منع الاستبدال».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ری باستان (338/2)، معجم المؤلفین (319/7).

رازی، عمر

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 707 ق)، فقیه شافعی. از آثارش کتاب «جامع الفتاوی فی اقوال الائمه الاربعه» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ری باستان (336/2)، معجم المؤلفین (273/7).

رازی، مجدالدین اسماعیل

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 750 ق)، ففیه و قاضی. وی از فقهای عصر خویش بود که سمت قضاوت را نیز برعهده داشت. از آثار وی: «القرائن الرکنیه»، در فروع فقه شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ری باستان (288/2)، کشف الظنون (1324)، معجم المؤلفین (262/2).

راستگوی شیرازی، منصور

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، عالم و فقیه امامی. در شیراز اقامت داشت. با غیاث‌الدین منصور بن امیر صدرالدین معاصر بود. وی همطبقه‌ی شهید ثانی (م 966 ق) است. شیخ تاج‌الدین حسین بن شمس‌الدین صاعدی از شاگردان اوست. از آثار وی: حاشیه بر «شرح مختصر الاصول ابن‌حاجب» سید شریف جرجانی؛ شرح «تهذیب الاصول» علامه‌ی حلی به نام «الفصول» یا «الفوائد المنصوریه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (360، 243/ 16، 129- 128/ 6، 514/4)، ریحانه (290/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 257/10)، لغت نامه (ذیل/ راستگو).

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 502 ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی/ معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را همتا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل‌بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را 565 ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «درة التاویل فی متشابه التنزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمدصالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است.[1]
(بخش 1) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. 502 ه.ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل التشأتین، الذریعة الی مکارم الشریعة (ه.م.)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (279/2)، اعیان الشیعه (162 -160 /6)، تاریخ ادبیات در ایران (266/2)، تاریخ گزیده (693)، دایرةالمعارف فارسی (1061/1)، الذریعه (364/21 -128/20، 28/10، 46 -45 /5)، روضات الجنات (216 -186 /3)، ریاض العلماء (101/7، 172/2)، ریحانه (293 -292 /2)، سرآمدان فرهنگ (371 -370 /1)، سیر النبلاء (121 -120 /18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 82 -81 /6)، فرهنگ سخنوران (363)، کشف الظنون (1773، 1729، 1609، 881، 827، 739، 462

447، ،377 ،131 ،36)، الکنی و الالقاب (269 -268 /2)، لغت نامه (ذیل/ راغب اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (862/2)، معجم المؤلفین (59/4)، هدیه الاحباب (140 -139)، هدیه العارفین (311/1).

رافعی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد قزوینی شافعی فقیه و محدث و مورخ اسلامی (ف. قزوین 623 ه.ق./ 1226 م.). از مؤلفات او «فتح العزیز فی شرح الوجیز» تألیف غزالی در فقه، «التدوین فی علماء قزوین»، «شرح مسند الشافعی»، «الامالی اشارحة لمفردات الفاتحة» و «المحرر» در فقه است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رافعی قزوینی، امام‌الدین، ابوالقاسم عبدالکریم

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 557 -555 وف ح 623 ق)، عالم، شاعر، محدث و فقیه شافعی. وی از شاگردان شیخ منتجب‌الدین قمی بود. در جامع قزوین حزوه تفسیر و حدیث داشت. او از حامد بن محمد خطیب رازی و ابوالخیر طالقانی و ابوالکرم همدانی و علی بن عبیداللّٰه رازی و ابوسلیمان حسنویه و عبدالعزیز خلیلی روایت کرده است. حافظ عبدالعظیم از وی روایت کرده و ابوالثنا محمود طاووسی از وی اجازه روایت گرفته است. ابن‌صلاح گوید که در بلاد عجم ذوفنونی یگانه بود و او را از علمای عاملین شمرده‌اند. رافعی قریحه‌ی شعری نیز داشت و اشعاری از او بر جای مانده است. در قزوین درگذشت و در همان جا دفن شد. صاحب «ریاض العارفین» وی را تحت عنوان رافعی قزوینی آورده و سال مرگش را 633 ق ذکر کرده است. از آثار وی: شرحی وسیع بر کتاب «الوجیز» غزالی، به نام «الفتح العزیز»، در فروع، در 16 مجلد، و جزئی از آن به نام «التذنیب»، که فوائدی بر «الوجیز» است؛ «المحرور»، در فروع فقه شافعی؛ «شرح مسند شافعی»، در دو جلد؛ «التدوین فی ذکر اخبار قزوین» یا «فی ترجمه علماء قزوین»؛ «الامالی الشارحه علی مفردات الفاتحه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (1169 -1167 /3)، الاعلام (179/4)، تاریخ ادبیات در ایران (225/3)، دایرةالمعارف فارسی (234/1)، الذریعه (350/9)، روضات الجنات (305/4)، ریاض العارفین (195 ،78)، ریحانه (295/2)، سیر النبلاء (255 -252 /22)، فرهنگ سخنوران (365 -364)، کشف الظنون (2002 ،1683 ،1613 ،1612 ،930 ،394 ،383 ،382 ،205 ،164)، الکنی و الالقاب (269/2)، لغت نامه (ذیل/ عبدالکریم)، مجمع الفصحا (654/2)، معجم المؤلفین (3/6)، مینودر (183 -182 /2)، هدیه الاحباب (140)، هدیه العارفین (610 -609 /1).

راوندی کاشانی، عزالدین، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. معاصر با شیخ منتجب‌الدین بود. سید علی خان در «الدرجات الرفیعه» وی را ستوده و گوید: «مدرسه‌ای بی‌نظیر در کاشان بنا نهاد که علماء و فضلا و زهاد و حجاج و خلق بسیاری در آن ساکن بودند. از آثار وی: «تفسر القرآن»، که به «تفسیر عزالدین» معروف است و ناتمام؛ «الطراز المذهب فی ابراز المذهب»؛ «مجمع الطائف و منبع الطرائف»؛ کتاب «غمام الغموم»؛ کتاب «مزن الحزن»؛ کتاب «نثر اللآلی لفخر المعالی»؛ کتاب «الحسیب النسیب»؛ «غنیه المتغنی یا المستغنی یا المستفتی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (301/8)، الذریعه (55/24، 328/20، 69، 60، /16، 159/15، 21/7، 282/4)، ریاض العماء (178/4، 313- 312/3)، ریحانه (11/4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 200 -198 /6)، فوائد الرضویه (355 -354)، الکنی و الالقاب (436 -435 /2)، هدیه الاحباب (141 -140).

راوندی، ابوالرضا، فضل الله

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(منسوب به راوند) ابوالرضا فضل‌اللَّه بن علی حسنی، ضیاءالدین، از فضلای شیعه (ف. 580 ه.ق.) از آثار اوست: ضوء الشهاب، ادعیة السر، شرح الرسالة الذهبیه.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

راوندی، قطب‌الدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
متوفی 573 هجری
و اوست شیخ و امام فاضل متبحر و فقیه محدث شاعر ادیب جامع الفضائل والمناقب قطب‌الدین ابوالحسین سعید بن هبةاللّٰه بن الحسن بن عیسی الراوندی ره که قبر شریفش در صحن بزرگ فاطمیه در محل نماز تابستان آیةاللّٰه نجفی مرعشی مدظله سنگ بزرگی دارد و مورد توجه عموم و بالاخص دانشمندان و اهل معرفت است.
ترجمه او را علماء رجال در کتب خویش ذکر کرده و وی را به تمام معنی ستوده و تمجید کرده‌اند، شیخ منتجب‌الدین در تاریخ گوید: وی فاضلی در جمیع علوم بوده مصنفات بسیاری در هر نوع دارد و بر مذهب شیعه هم بوده است.
سید بن طاوس در ص 20 کشف‌المحجة گوید: الشیخ العالم فی علوم کثیره قطب‌الدین الراوندی و اسمه سعید بن هبةاللّٰه- رحمه‌اللّٰه.
سماهیجی در اجازه‌اش گفته عالمی فاضل و متبحر و کامل و فقیهی محدث و ثقه‌ای معین و علامه و بعض افاضل گفته‌اند که او از بزرگترین محدثین شیعه بوده است.
و شیخ اسداللّٰه کاظمی در مقابس ص 14 گفته وی فقیهی محدث و فاضلی متبحر و علامه‌ای کامل و کم‌نظیر بوده است.
و ابن شهر آشوب هم در معالم العلماء او را بسیار تعظیم و تمجید و تعریف نموده و شیخ منتجب‌الدین در فهرست و صاحب لسان‌المیزان در ج 3 ص 48 و میرزا عبداللّٰه در ریاض العلماء و شیخ یوسف در لؤلؤة البحرین و محدث نوری در ج 3 مستدرک الوسائل ص 489 و صاحب روضات در ص 300 روضات و مامقانی در ج 2 ص 22 تنقیح‌المقال و هم ص 148 منتهی‌المقال ذکر کرده است صاحب کرامت بوده و از کرامات وی که کرارا از سید استادم علامه نجفی مرعشی شنیدم می‌فرمود از چند نفر از پیرمردهای موثق شنیدم که می‌گفتند در موقع ساختن صحن شریف قبر مطهرش خراب و بدن شریفش نمایان شد که بعد از هفتصد سال تازه کمترین عیبی نکرده که گویا الان در اینجا خوابیده است.
تالیفات راوندی
تالیفات و تصنیفات ارزنده آن بزرگوار به قرار زیر است.
1- الخرائج والجرائح مطبوع 2- قصص الانبیاء 3- فقه القرآن 4- منهاج

البراعه فی شرح نهج‌البلاغه در دو جلد 5- اللباب 6- اسباب النزول 7- المغنی فی شرح النهایه ده مجلد 8- سلوة الحزین 9- المعارج فی شرح خطبه من نهج‌البلاغه 10- احکام الاحکام 11- خلاصه التقاسیر ده جلد 12- المستقصی شرح الذریعة سید مرتضی در سه جلد 13- ضیاء الشهاب فی شرح الشهاب 14- حل العقود فی الجمل والعقود 15- الانجاز فی شرح الایجاز 16- نهیة النهایه 17- بیان الانفرادات 18- التغریب فی التعریب 19- الاغراب فی الاعراب 20- زهر المباحثه 21- تهافت الفلاسفه 22- جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام 23- رسالة الفقهاء و غیر اینها که موجب اطناب است اساتید و مشایخ اجازه و شاگردان بزرگوار وی بسیاراند که از ذکر آنان خودداری نمودم وفاتش در روز چهارشنبه چهاردهم شوال المکرم 573 قمری اتفاق افتاده و در مکان مذکور مدفون گردید علامه معاصر ما آیةاللّه مرعشی سنگ و لوح قبر شریفش را تجدید و مرمت نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

ربانی املشی، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم.
درگذشت: 17 تیر 1364، تهران.
آیت‌الله محمدمهدی ربانی املشی در سمت‌هایی چون نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی، ریاست شعبه اول دادگاه عالی، عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی، عضویت در شورای عالی قضائی، دادستانی کل کشور، عضویت در شورای نگهبان، عضویت در مجلس خبرگان رهبری و نیابت ریاست مجلس شورای اسلامی (نماینده مردم تهران) خدمت کرده است.
آیت‌الله ربانی املشی از شاگردان حضرت امام خمینی (ره) در حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. ایشان با تأسیس جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به عنوان یکی از اعضای فعال این جامعه سال‌ها زندان و شکنجه و تبعید را تحمل کرد. با این همه از پای ننشست و در راه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، بی‌وقفه تلاش کرد.
آیت‌الله ربانی املشی در تاریخ هفدهم تیرماه 1364 در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ربانی شیرازی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای آقا میرزا عبدالرحیم شیرازی از علماء و فضلاء به نام حوزه علمیه است. وی در شیراز متولد شده و پس از طی مقدماتی برای تکمیل مبانی علمی و تحصیل کمالات به قم مهاجرت نموده و سطوح و متون فقهی و اصولی را از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد یزدی و دیگران فراگرفته و دروس فقه و اصول استدلالی و تحلیلی را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی. و نیز بعضی دیگر استفاده نموده و به تالیف و مباحثات خصوصی پرداخته است.
از آثار اوست تعلیقات بر وسائل الشیعه از اول طهارت تا آخر دیات که 16 مجلد آن به طبع رسیده و نیز آثار دیگری از تعلیقات بر بحارالانوار و غیره دارد که بعضی مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است.
عالم.
تولد: 1303، دارالفضیله شیراز.
درگذشت: 17 اسفند 1360، بین راه دلیجان- محلات.
آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی، فرزند حاج مهدی، ایام کودکی را در مکتبخانه‌ها و جوانی را در مداس علمیه‌ی شیراز به سر آورد. هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که از پدر مستقل شد و حجره‌ای برای خود دست و پا کرد. در جوانی به حزب «برادران» پیوست که به رهبری آیت‌الله آقا سید نورالدین حسینی برای مقابله با تجاوزات استعمارگران خارجی و عمال داخلی آنها به حریم اسلام و روحانیت تأسیس شده بود و رسما به فعالیت‌های حزبی و سیاسی پرداخت. همزمان با آن برای تکمیل اطلاعات دینی خود به مدرسه‌ی علمیه‌ی آقا باباخان رفت. سپس در زمان مرجعیت آیت‌الله سید حسین بروجردی به قم مشرف شد. در قم، چند سالی در مدرسه‌ی حجتیه سکنی گزید تا آن که ازدواج کرد و به منزلی که در یکی از محله‌های قدیمی قم اجاره کرده بود، نقل مکان نمود. ایشان برای امرار معاش به خرید و فروش می‌پرداخت.
شروع مبارزات آیت‌الله ربانی شیرازی با رضاشاه، ایستادگی در مقابل برنامه کشف حجاب بود. ایشان تصمیم گرفت آیات و روایاتی را که دلالت بر لزوم پوشش برای زن دارد، استخراج نموده و آنها را به صورت اعلامیه‌ای نوشته و بر معابر عمومی نصب نماید. برای کسب اجازه به نزد

آیت‌الله آقا سید نورالدین رفت که به وی اجازه داده شد. از دیگر فعالیت‌های او در زمان اقامت در حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، مبارزه با فرقه‌های مذهبی و سیاسی نظیر بهاییان و صوفیان دراویش و نیز تبلیغات حزب توده در سال‌های 1320 بود.
آیت‌الله ربانی در مدت اقامت خود در شیراز به مرتبه‌ای از دانش رسید که دیگر ادامه تحصیلش در آن شهر امکان نداشت. از همین روی علیرغم مساعد نبودن شرایط و آماده نبودن زمینه مهاجرت، سرانجام در سال 1327 راهی شهر مقدس قم گردید و بلافاصله در حوزه‌ی درس آیت‌الله بروجردی حاضر شد.
از جمله آثار ایشان به این شرح هستند: تصحیح و تعلیق وسائل الشیعه؛ تصحیح و تعلیق بحارالانوار؛ قضاءالحقوق فی ترجمة الصدوق؛ حرکت طبیعی از دو دیدگاه؛ رساله در عدم تحریف قرآن مجید؛ کتاب صلاة و ادعیه و قرآن و ملابس که به سبک جدیدی نوشته شده است؛ مقدمه بر بحارالانوار و وسایل الشیعه؛ مقدمه‌ی مبانی الاخبار (در 94 صفحه، در ترجمه صدوق علیه‌الرحمه)؛ رساله‌ها و جزوه‌های پراکنده و چاپ نشده.
آیت‌الله ربانی شیرازی برای شرکت در جلسات شورای نگهبان از شیراز عازم تهران بود در بین راه دلیجان محلات، اتومبیل حامل ایشان پس از ترکیدن لاستیک آن توسط گلوله از جاده منحرف و واژگون شد. کمی پس از واژگون شدن اتومبیل حامل ایشان مینی‌بوسی از راه رسید و تنها ایشان را که حتی به مقدار کمتری از بقیه‌ی همراهان خود، دچار آسیب دیدگی و جراحت شده بودند با خود به یکی از درمانگاه‌های شهرستان محلات بردند و مصبین بدون آنکه هیچ گونه رد پایی از خود به جا بگذارند، محل را ترک کرده و متواری شدند. هنوز ساعاتی چند از انتقال به درمانگاه نگذشته بود که درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ربیعی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد بن العالم الجلیل ملا ربیع شاه عبدالعظیمی از علماء محترم زاویه مقدسه بوده که پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه مسافرت به مشهد مقدس نموده و از علماء حوزه مشهد استفاده کامل نموده آنگاه مراجعت بوطن و بتدریس و خدمات روحی و دینی پرداخته و در مدرسه مروی تهران بمباحثات علمی پرداخته و از محضر مراجع بزرگ علمی تهران معقولا و منقولا بهره‌مند شده تا در 1349 قمری در سن هفتاد سالگی بدرود حیات گفته و در مقبره دربانی آستانه صحن مقدس حضرت عبدالعظیم مدفون گردیده است و ایشان شوهر عمه مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسین اثنی عشری رحمه‌اللّه بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رجایی زفره‌یی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1281 ق)، نویسنده، فیقه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به رجا. در زفره به دنیا آمد در اثر سعی و کوشش بسیار در اغلب علوم از قبیل صرف و نحو و رمل و جفر و اعداد سرآمد گردید. وی در قریه‌ی زفره به تدریس و وعظ و تحریرات شرعی روزگار می‌گذرانید. سرانجام در زفره وفات یافت و در همان جا دفن شد. از او آثار فراوان به جای مانده است. از جمله: «اسهل اللغات یا منتخب اللغات»؛ «کتاب الارث»؛ «تجوید و ترتیل قرآن»؛ «دبستان الشعراء»، در عروض و قافیه؛ «قواعد الرمل»؛ «سپهر اللغه»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (209 -207)، تذکره القبور (102 -101)، الذریعه (741 ،355 /9)، فرهنگ سخنوران (369).

رحمانی خلیلی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم.
تولد: 1302 خلیل محله‌ی بهشهر.
درگذشت: 27 اسفند 1374.
آیت‌الله ابوالقاسم رحمانی خلیلی مازندرانی در حدود هشت یا نه سالگی کسب علم و دانش را آغاز نمود و آموزش را از مکتبخانه‌های قدیمی آن روزگاران آغاز کرد و سپس به تحصیل علوم الهی و حوزوی حوزه‌ی علمیه‌ی کوهستان تحت نظر و آموزش آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی پرداخت. ایشان دوره مقدمات و دوره سطوح را در حوزه‌ی علمیه‌ی کوهستان فراگرفت و سپس برای تکمیل مدارج علمی در سال 1325 در بیست و سه سالگی به حورزه علمیه نجف اشرف رفت و از محضر عالمانی همچون حضرات آیات عظام حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید محسن کریم، سید ابوالقاسم خویی، حاج میرزا هاشم آملی، میرزا حسن یزدی و شیخ صدر بهره‌های فراوان برد. در همان حوزه‌ی علمیه‌ی نجف به تدریس نیز اشتغال ورزید.
آیت‌الله رحمانی خلیلی مازندرانی بعد از چهارده سال اقامت در حوزه‌ی نجف اشرف به زادگاه خود مراجعت نمود. بعد از مراجعت وی، و پس از یک هفته اقامت نزد آیت‌الله کوهستانی، ایشان اعلام فرمودند که «شیخ ابوالقاسم فقیه است، ملاست، عالم است، باید از ایشان استفاده بشود ».
پس از مدتی در سال 1339 حوزه‌ی علمیه‌ی «خلیل محله» را تأسیس نمود و به این ترتیب به آموزش طلاب منطقه پرداخت. از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تأسیس مسجد و حسینیه‌ای با کمک مردم محله بود.
مدتی بعد به تهران رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید، در سال 1364 به قم مهاجرت نمود.
از جمله فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ایشان باید به درستی کمیته‌ی انقلاب اسلامی مسجد شفا اشاره نمود.
تألیفات و آثار قلمی آیت‌الله رحمانی به این شرح است: شرحی بر تبصره علامه حلی (ره)؛ شرحی بر عروة الوثقی (رساله فی الاجتهاد والتقلید)؛ تفسیری بر سوره شریفه حمد؛ رساله در مشتق؛ رساله در طلب و اراده؛ نامه‌ها و مکتوبات عرفانی و اسرار و اذکار؛ کتابی در نحو.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رحمت کازرونی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1343 -1278/1277 ق)، مجتهد، عالم، عارف و شاعر، متخلص به رحمت. معروف به مجتهد یا حاج مجتهد. وی در شیراز به دنیا آمد و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت. به نجف هجرت کرد و در مجلس درس میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و شیخ محمدکاظم خراسانی و دیگران حضور یافت. آنگاه به ایران بازگشت و در کازرون و سپس در شیراز امام جمعه و مدرس شد. وی در شیراز درگذشت و در حافظیه به خاک سپرده شد. از آثارش: «تقریرات اصول»؛ «تقریرات» بحث استادانش در «صلاه» و «بیع»؛ «فوائد مشروطیت»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (594 -578 /2)، الذریعه (723، 356 /9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1460/14)، فرهنگ سخنوران (370)، مؤلفین کتب چاپی (306/4)، مرآت الفصاحه (234 -231).

رحمتی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رحمتی سیرجانی از افاضل علماء معاصر سیرجان می‌باشند.
وی در سن 15 سالگی به مقدمات پرداخته و دو سال در حوزه علمیه کرمان در محضر اساتید آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اصغر صالحی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا علی آقا محرابی در فقه و اصول مراحل عالیه را طی کرده آنگاه برای تکمیل تحصیلات خود در سال 1368 ق مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی یزدی مدرسی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه حاج میرزا حسن بجنوردی کسب فیض نموده و از چند نفر آنان موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردیده است.
در سال 1391 ق برای انجام وظائف مذهبی و نشر فضائل اهل‌بیت به سیرجان مراجعت و در آنجا مدرسه علمیه مفیدیه را تعمیر نموده و سرپرستی امور طلاب آنجا را به عهده گرفته‌اند. از آثار دیگر ایشان تجدید بناء مسجد حاج سبزعلی که به صورت مخروبه درآمده بود ترمیم نموده و به صورت سبک جدیدی درآوردند.
و دیگر کتابخانه آنجا که اکنون حدود هزار و پانصد جلد کتاب دارد و دیگر بناء مساجد در حومه شهر و نقاط دوردست از قبیل خبر و منطقه شاه‌ماران که قبلا فاقد مسجد بودند و دیگر مبارزه با مذاهب مختلفه بهائی‌گری و شیخی‌گری و آقاخانی و غیره نموده و موفقیتهای شایانی هم به دست آورده‌اند از آثار علمی مخطوطه ایشان کتابی در حج مشروح و مفصل که در شرف طبع می‌باشد و دیگر حاشیه بر منهاج المناسکین آیت‌اللّه حکیم و دیگر حاشیه بر عروةالوثقی.
و از معاصر بن علماء دیگر سیرجان جناب حاج حسن خان کرانی از دانشمندان محترم شهر می‌باشد.
و دیگر مرحوم حاج آقا محمد ابوجعفری که در سنین پیری درگذشت.
و دیگر مرحوم حاج شیخ حبیب‌اللّه اسلامی که بعد از فراغ از تحصیلات در حوزه علمیه نجف اشرف در سن چهل و هفت سالگی فوت گردید.
و دیگر جناب آقا شیخ حبیب فهیمی سیرجانی که تحصیل کرده حوزه علمیه قم می‌باشند به زهد و تقوا معروف می‌باشند و فعلا در گوشه انزوا قرار گرفته و به وظائف بندگی اشتغال دارند.
و دیگر جناب آقای حاج میرزا محمدحسین برهان دیانی که از قم در عصر

مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری به سیرجان مهاجرت نموده و تا آخر عمر به وظائف روحی و دینی و ترویجی اشتغال داشتند و ترجمه ایشان با برادر ارجمندش حجةالاسلام حاج میرزا محمدرضا برهان در ضمن علماء و دانشمندان رامسر و تنکابن گذشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رسولی محلاتی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین بن السید عباس محلاتی از علماء و فضلاء حوزه علمیه قم بوده‌اند.
وی در محلات که در 18 فرسخی قم است متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی سطوح را فراگرفته و چندی از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و آنگاه بنا بر دعوت مردم امامزاده قاسم شمیران و امریه حضرت آیت‌اللّه بروجردی عزیمت به آنجا و بوظایف دینی پرداخته تا در 25 جمادی‌الثانی سال 1386 قمری که در سن 59 سالگی بدرود حیات گفته و فرزند صالح و دانشمندی چون مترجم معظم را بجای گذارده که تا هم اکنون در مسجد آن محل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و وظائف دیگر اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا حسن رسولی گاوگانی فرزند مرحوم یوسف از دانشمندان باتقوا و فضیلت آذرشهر است در سال 1392 خورشیدی در قصبه گاوگان از توابع آذرشهر متولد شده و در آنجا نشو و نما یافته و تحصیل مقدمات فارسی و صرف و نحو را انجام داده و از سن چهارده سالگی در شهرستان تبریز در مدرسه صادقیه نزد دانشمندان، فقه و اصول و منطق و سایر علوم متنوع را تحصیل نموده و از طریق فرهنگ نائل باخذ مدرک لیسانس دانشکده معقول و منقول گردیده است.
در سال 1316 شمسی بقم مشرف و از بزرگان اساتید حوزه چون حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیه‌الله خمینی و آیه‌الله العظمی حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله فیض و سایر علماء حکمت و فلسفه علوم عقلی و نقلی را تکمیل نموده و در سال 1317 تصدیق مدرسی گرفته و در دروس خارج آیات مذکور شرکت کرده تا بمدارج عالیه علم و کمال و دریافت اجازات کامل از آیات عظام نجف چون آیه‌الله العظمی خوئی و آیه‌الله آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله اصطبهاناتی و هم از آیات عظام قم آیه‌الله حجت و آیه‌الله نجفی مرعشی و آیه‌الله خونساری و آیه‌الله صدر و آیه‌الله میلانی و غیر هم نموده است.
در سال 1325 شمسی بنابر تقاضای اهالی محل بقصد گاوگان وارد گردید و نزدیک دو سال در آنجا باقامه جماعت و تبلیغات و سایر وظائف دینی و روحانی پرداخته و در عرض آنمدت کم یک نهضت دینی ایجاد نمود و تمام مساجد را از نو آباد و یا تعمیر و نوجوانان را اصلاح و جامعه را بسوی تکامل سوق داد و چون اهالی آذرشهر از نزدیک فعالیت مشارالیه را مشاهده کردند با اشتیاق تمام معظم‌له را بآذرشهر دعوت نموده و در روز دوم ماه صفر 1327 شمسی رحل اقامت بآذرشهر افکندند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

رشتی حایری، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی رشتی حایری عالمی فاضل و متقی از شاگردان میرزاء رشتی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی نجفی کاظمی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1348 ق)، فقیه، اصولی، متکم و محدث. او در نجف نزد علامه طباطبائی یزدی فقه، و در نزد محقق خراسانی اصول فراگرفت و بعد از استادان خود مدرس بزرگی شد. به خاطر مشکلات، نجف را به قصد کاظمین ترک کرد و در آنجا مجلس درس تشکیل داد و در کنار آن به انجام دیگر وظائف شرعی می‌پرداخت تا اینکه در همان جا درگذشت و در صحن دفن شد. سید محمدمهدی خوانساری اصفهانی کاظمی صاحب «احسن الودیعه»، در فقه و اصول، از شاگردان او بود. از آثار وی: «خلاصه الفقه» که کتاب بزرگی در فقه استدلالی است؛ حاشیه بر «الکفایه»؛ حواشی فتواییه بر بسیاری از رساله‌های عملیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (231/7)، علماء معاصرین (146 -145)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 599 -598 /14).

رشتی نجفی، شعبان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1348 -1275 ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. جدش، عبدالوهاب، از خراسان به گیلان مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. در نزدیک رشت به دنیا آمد و برای تحصیل مقدمات و عربیت به لاهیجان رفت و در محضر میرزا حسین مدرس تصحیل کرد. در 1292 ق برای فراگیری سطوح به قزوین رفت و در حوزه‌ی درس سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، و حاج میرزا عبدالوهاب بهشتی حضور یافت. در 1302 ق به نجف رفت و حاضر بحث حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و فاضل ایروانی شد و پس از وفات علامه رشتی نزد علمایی چون ملا محمد شرابیانی و شیخ محمدحسن مامقانی و حاج شیخ عبداللّه مازندرانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت تا آنجا که مجتهد مطلق شد و حلقه درس تشکیل داد و بسیاری بر گردش جمع شدند. او در نجف از دنیا رفت و در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: کتاب «صلاله المسافر»؛ «کتاب القضاء»؛ «کتاب فی احکام الخلل»؛ «کتاب المتاجر»؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در «القطع» و «الظن» و «البرائه» و «الاستصحاب» و «التعادل» و «التراجیح»؛ رساله‌ای در «عدم وجوب الترتیب فی فوائت المیت»؛ رساله‌ای در «الانعزال و عزل الولاه المنصوبین من الائمه (ع)»؛ رساله‌ای در «انتقال الترکه الی الوارث مع‌الدین المستغرق للترکه»؛ حواشی بر «العروه الوثقی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :علماء معاصرین (145 -144)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14/ 838- 839).

رشتی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1320 ق)، فقیه اصولی. وی از علمای بزرگ و زهاد نجف بود. در محضر علامه میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی تحصیل علم نمود و بسیاری از «تقریرات» استادش را در فقه و اصول نگاشت، و «تقریرات» اصولی او در مجلدی باقی است. وی در نجف درگذشت.[1]
ابراهیم از شاگردان آیت‌اللّٰه العظمی میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی بوده و در حدود 1320 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 3/14)، معجم المؤلفین (31/1).

رشتی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن (شریعتمدار) بن میرزا مهدی بن ملا رفیع رشتی متوفی 1368 ق از شاگردان علمین خراسانی و یزدی و شریعت اصفهانی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، اسحاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسحاق بن العلامه میرزا حبیب‌اللَّه رشتی عالمی فاضل و مرجعی جلیل در تهران و داماد علامه خراسانی صاحب (کفایةالاصول) بوده و در 3 جمادی‌الثانی سال 1357 ق در تهران وفات و حمل به نجف و در مقبره والدش مدفون گردیده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر بن ملا طاهر رشتی از شاگردان میرزای رشتی بوده است
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، باقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
باقر رشتی از شاگردان میرزاء رشتی بوده و در رشت اقامه جماعت داشت تا درگذشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر بن ملا محمدعلی رشتی عالمی فاضل و جلیل و اهل قریه خشگبیجار رشت بوده و بعد از 1330 وفات نموده و فرزندش آقا شیخ مهدی بجای او قرار و به خدمات دینی پرداخت تا وی نیز وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، جواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1309 ق)، عالم، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی و ادیب. وی از دیارش به نجف سفر کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث و کلام پرداخت. مدت دو سال درک محضر شیخ انصاری نمود و پس از او به شاگردی شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی و سید حسین کوه‌کمری درآمد. کسانی چون سید کاظم یزدی و میرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهی از شاگردان وی بودند. وی از مدرسان اصول و فقه و کلام بود که به حسن تعبیر و فصاحت و روشنی بیان شهره بود. او پس از مدتها به رشت بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در امر به معروف و نهی از منکر جدی بود، بحدی که یک بار توسط ناصرالدین شاه به تهران احضار شد و سرانجام آزاد گشت و به رشت بازگشت. او در رشت درگذشت و پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد. از جمله آثار وی: «کتاب فی الصرف»؛ «کتب ثلاثه فی الکلام و الفقه و الاصول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (277/4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 333 -332 /14)، معجم المؤلفین (166/3).

رشتی، حبیب الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا حبیباللَّه رشتی از فقها و علمای نامی زمان خود و در فقه و اصول یگانه بود. از جمله تألیفاتش: 1- الاجاره 2- اجتماع الامر والنهی در اصول فقه. 3- الامامه 4- بدایع‌الافکار و چند کتاب دیگر است. در سال 1312 ه.ق در نجف اشرف وفات یافت.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

رشتی، رضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا بن العلامه میرزا حسن رشتی عالمی بزرگ و رئیسی بزرگوار از شاگردان میرزاء رشتی بوده و در حدود سال 1323 قمری در رشت وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، رمضانعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رمضانعلی رشتی عالمی بزرگوار و فاضلی جلیل و صالح از شاگردان میرزاء رشتی بوده و در حدود 1325 درگذشته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، صادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید صادق رشتی از اجلاء علماء رشت و شاگردان میرزاء رشتی و مراجع بزرگ عصر خود در گیلان بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، صالح

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صالح بن شیخ باقر بن شیخ عبدالعلی رشتی عالمی بارع و فاضلی جلیل و صاحب تألیفات علمی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس بن آقا سید حسین لشنه نشائی رشتی از شاگردان شیخ انصاری و عالمی متقی بوده و در سال 1305 ق درگذشته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین بن الشیخ عیسی بن یوسف بن علی بن عبدالغنی رشتی عالمی بزرگ و فقیهی جلیل و فیلسوفی ماهر بوده و در سال 1292 قمری در کربلا متولد شده و در سن چهار سالگی با مرحوم والدش به رشت آمده و پس از پرورش در مهد علم مقدمات و سطوح را در رشت خوانده و در سال 1312 قمری به تهران آمده و از محضر علامه آشتیانی فقها و اصولا بهره‌مند شده و بعد از ده سال تحصیل و تدریس در مدرسه صدر تهران مهاجرت به نجف نموده و از محضر علامتین خراسانی و یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی در هر رشته استفاده نموده تا به مقام استادی رسیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از افاضل از محضرش کسب فیض نموده تا در روز سه‌شنبه 12 جمادی‌الثانیه 1373 ق به رحمت ایزدی پیوسته و در وادی‌السلام در مقبره شخصی مدفون گردیده است. آثار علمی آن بزرگوار بسیار است و از آنهاست شرح (کفایةالاصول) که در سال 1370 ق بطبع رسیده و حاشیه بر (طهارت علامه انصاری) و تعلیقه بر بحث الموضوع (شرح المطالع) و (الثمرات) و حاشیه (اسفار) و ده‌ها رساله و حواشی دیگر بر کتب علمیه.
فرزند ارجمندش مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ محمد رشتی از خواص اصحاب مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم بودند که در حادثه حکومت بعث عراق به ایران اخراج و در سال 1394 ق در مشهدالرضا علیه‌السلام بدرود حیات گفتند.
(1373 -1292 ق)، عالم دینی، فقیه و فیلسوف. پدرش از علمای بزرگ بود که اصل وی از قریه‌ی بجاربند رشت است. شیخ عبدالحسین در کربلا متولد شد و در سن چهار سالگی به همراه پدر به رشت آمد و مقدمات و سطوح را در این شهر خواند. در 1312 ق به تهران آمد و از محضر شیخ محمدحسن آشتیانی در اصول و فقه بهره گرفت. حکمت و کلام را نیز نزد شیخ علی نوری و سید شهاب‌الدین تبریزی شیرازی فراگرفت. وی همزمان در مدرسه‌ی صدر تهران به تدریس ادبیات و سطوح ادبی مشغول بود. پس از ده سال به نجف مهاجرت کرد و در محضر علامه‌ی خراسانی و علامه‌ی یزدی و شریعت اصفهانی فقه و اصول و حدیث و رجال و فلسفه و اخلاق را به نهایت رسانید و به دریافت اجازه اجتهاد از استادان خود نائل آمد. آنگاه حوزه‌ی تدریس تشکیل داد و بسیاری از افاضل را از محضر

خویش بهره‌مند ساخت. او در نجف درگذشت و در وادی‌السلام در مقبره‌ی شخصی دفن شد. فرزندش، حاج شیخ محمد رشتی، از شاگردان وی به حساب می‌آید. از آثار علمی او: شرح «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «طهارت» علامه انصاری؛ تعلیقه بر بحث «الموضوع من شرح المطالع»؛ «الثمرات»، در تحدید موضوع علوم؛ حاشیه‌ی «الاسفار» رساله‌ی «اصول‌الدین»؛ «الاطوار»، در مباحث مختلف تنفسر آیات؛ رساله‌ای در «صرف و نحو»؛ رساله در «منطق»؛ تعلقات بر «جواهر الکلام» و «الرسائل» و «المکاسب».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (34/ 14 ،148/ 6 ،12/ 5 ،219 -218/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1067 -1064/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (178/ 5).

رشتی، عبدالرسول

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول رشتی از فضلاء دانشمندان رشت و شاگردان مبرز میرزاء رشتی بوده و در حدود 1330 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، علیرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا بن محمدحسن بن محمد سمیع بن محمد طالشی رشتی عالمی باتقوا و جلیل‌القدر بوده و در کربلاء از محضر فاضل اردکانی و آیت‌اللّه آسید علی نقی طباطبائی استفاده و از ایشان اجازه‌ی اجتهاد داشته و در کاظمین در سال 1381 ق وفات نموده و در رواق شریف نزدیک قبر خواجه نصیرالدین طوسی مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، عیسی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عیسی رشتی دانشمندی متبحر و عالمی ماهر از شاگردان علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و از وی اجازه‌ی اجتهاد داشته و در حدود 1296 ق به رشت برگشته و به وظائف شرعی پرداخته تا حدود سال 1325 قمری وفات نموده است و ایشان والد ماجد آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی بودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، غلامحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلام‌حسن رشتی عالمی باورع و فاضلی بزرگوار از شاگردان آخوند ملا حسینقلی همدانی متوفی 1311 ق در رشته اخلاق و تلامذه علامه خراسانی صاحب (کفایه) و شریعت اصفهانی و دارای ملکات فاضله اخلاقی و محاسن آداب و اعمال بوده و در عصر استادش آخوند خراسانی به رشت آمده و به وظائف شرعی پرداخته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، کاظم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1259 -1212 ق)، فقیه و ادیب. در رشت متولد شد و در کربلا مسکن گزید. نزد علمای عصر خویش درس خواند و از شاگردان برجسته و از نزدیکان شیخ احمد احسائی بود و تا او به مجلس حاضر نمی‌شد، شیخ درس را شروع نمی‌کرد. وی پس از استادش نایب او و پیشوای فرقه‌ی شیخیه شد و در ترویج مرام احسائی سعی بسیار کرد. سید کلمات شیخ را در مجلس درس بیان و آنها را تایید و کلمات مخالفان را رد می‌کرد. او از شیخ احمد احسائی و سید عبداللّه شبر و ملا علی رشتی و شیخ موسی نجفی اجازه‌ی روایت داشته است. میرزا ابراهیم شیرازی و میرزا حسن بن امان‌اللّه دهلوی عظیم‌آبادی در نزد سید کاظم رشتی درس خوانده‌اند. از آثار وی: «رسائل الرشتی» یا «الرسائل و جوابات المسائل»؛ شرح «قصیده لامیه‌ی» عبدالباقی عمری، در مدح حضرت موسی بن جعفر (ع)؛ «شرح قصیده البائیه»؛ «اسرار الشهاده»؛ «اسرار الحج»؛ «اسرار العباده»؛ «الحجه البالغه»، در رد ملل باطله؛ «دلیل المتحرین و ارشاد المسترشدین»؛ «المحجه الدامغه»؛ «اللوامع الحسینیه»؛ «مقامات العارفین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (67/6)، ایضاح المکنون (536، 457، 442، 46/ 2، 479، 392، 75/ 1)، دایرةالمعارف فارسی (2143/2)، الذریعه (12/22، 260/10، 360/8، 259/6، 181/5، 192، 52، 46/ 2)، روضات الجنات (101 -100/ 1)، لغت نامه (ذیل/ کاظم)، معجم المؤلفین (157/ 11، 139 -138/ 8)، مکارم الآثار (220 -209/ 1)، هدیه العارفین (837 -836/ 1)، یادگار (س 5، ش 4 و 5، ص 114 -111).

رشتی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر بن شیخ مهدی رشتی عالمی فقیه معاصر اوائل دولت ناصرالدین شاه بوده و در حدود 1270 ق درگذشته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، فقیه. آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» گوید: مجلد اول «جواهر» را در کتابخانه‌ی شیخ مشکور در نجف دیدم که صاحب عنوان آن را تصحیح و مقابله‌ی دقیق و به غایت محققانه کرده بود و در حواشی آن تقریبا حدود هزار بیت از افتادگیهای کاتب را نگاشته بود. حواشی و تحقیقاتش دلالت بر فضل و برتری و پیشگامی وی در فقه می‌کند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 211 -210 /13).

رشتی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین بن شیخ اسداللّٰه رشتی از شاگردان آخوند خراسانی متولد 1305 و متوفی حدود 1356 بوده است
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا بن میرزا کاظم رشتی عالمی فقیه از شاگردان میرزاء رشتی و رأساء دینی رشت بوده و در حدود 1340 ق وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی رودباری رشتی متوفی 28 ماه صفر 1365 قمری از شاگردان علامه کفائی و یزدی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رشتی، میرزا حبیب الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا حبیب الله رشتی فرزند میرزا محمد علی خان فرزند جهانگیر خان قوچانی گیلانی ، دانشمند و محقق ژرف نگر، از بزرگترین فقهای جهان تشیع و یگانه ی دوران خود بود.
پدرانش در اصل اهل قوچان بودند که در سالهای آغازین قرن یازده به گیلان کوچانده شده و از آن پس در گیلان ساکن شدند.
میرزا حبیب الله سال 1234 ق . در املش چشم به جهان گشود و پدر خود را که مدتها در انتظار بود شاد کرد. آری میرزا محمد علی خان که از نیک مردان روزگار و حاکم منطقه بود خوابهایی دیده بود که این فرزند را از طلایه داران قرن نشان می داد.او در سالهای نخستین زندگی حبیب الله در تکاپوی یافتن معلمی مومن و دانا بود تا فرزندش گامهای اول ترقی را در زادگاه بپیماید. چنین بود که حبیب الله در خانه ، نخستین کلمات را از قرآن آموخت .
دوازده ساله بود که از املش به لنگرود و سپس به رشت عزیمت نمود تا بر اندوخته اش افزوده و پاسخی درخور پرسشهایش بیابد.
هیجده بهار را دیده بود که به خواست پدر در میهمانی یکی از خوانین (امین دیوان لاهیجی) منطقه حضور یافت . خان حاکم با استفاده از قدرت و نفوذش تصمیم به پایمالی حق رعیتی داشت که با مخالفت سر سخت شیخ حبیب الله جوان روبرو شد. چون نصایح روحانی جوان کارگر نیفتاد به نشانی اعتراض مجلس مهمانی را ترک کرد و از همان روز تصمیم به ترک دیار گرفت .
در حوزه قزوین
شیخ حبیب الله در پی آرمانی بلند راه هجرت پیش گرفت و عازم حوزه ی عملیه ی قزوین شد. پدرش که او را به دلیل شهامت و اراده ی شگفتش می ستود برای تهیه لوازم زندگی ، او را تا قزوین همراهی نمود.
او در قزوین استادی عالیمقام یافت که ((شیخ عبدالکریم ایروانی)) نام داشت . استادی که در فقه و اصول نامور و ممتاز بود. شیخ حبیب الله هفت سال پیاپی از محضر ایشان بهره گرفت . و در همان شهر به خواست پدر، با خانواده ی ارباب وصلت نمود.
مشی زاهدانه ی استاد تاثیر شگرفی در او نهاد به گونه ای که از آن پس خود به زندگی زاهدانه روی کرد و تا پایان عمر بر روش پسندیده ی استاد

وفادار ماند.
در 25 سالگی ، سیراب از سرچشمه ی معارف دینی به مقام عالی اجتهاد نائل آمد و با نظر شیخ عبدالکریم ایروانی خود را مهیای سفر به املش نمود.
سال 1259 ق . از قزوین به املش بازگشت و چهار سال مرجع امور دینی مردم بود. برپایی نماز جماعت ، هدایت و ارشاد مردم ، پاسخگویی به پرسشهای اعتقادی و قضاوت عادلانه او موجب شده بود مردم ارادتی عاشقانه به مجتهد جوان داشته باشند اما او دوست داشت سفری به دیار اهل بیت علیهم السلام نماید و از اساتید آن سامان بهره جوید. آری او تصمیم گرفت به نجف اشرف رفته و از حوزه ی علمیه ی آن شهر مقدس جرعه جرعه شراب معرفت نوشد.
مردم که از حضورش غرق محبت بودند، او را با عواطفی وصف ناپذیر بدرقه نمودند و او، همسر و فرزندش محمد را به خدای بی همتا سپردند.
شهر آسمانی
شیخ حبیب الله مجتهد املشی در سال 1263 ق . وارد نجف شد و در حلقه ی شاگردان فقیه کبیر شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) به کامجویی نشست . او تا سال 1266 ق . که سال وفات صاحب جواهر بود از کلاسش بهره برد و از آن فقیه نامور اجازه ی اجتهاد دریافت داشت .
پس از آن به درس شیخ اعظم انصاری دل بست و تا پایان زندگی پر افتخار شیخ اعظم از شاگردان ممتاز درس وی بود. شیخ حبیب الله فرموده بود: ((با آنکه هفت سال پیش از فوت شیخ از درس او مستغنی بودم ولی از هنگام ورود در جلسه ی شیخ تا موقع تشییع جنازه اش بحثی از ابحاث او از من فوت نشد.))
اسرار عشق
ویژگیهای اخلاقی میرزا حبیب الله رشتی او را به شخصیتی وارسته تبدیل کرد که زهدش زبانزد خاص و عام بود. در این مختصر تنها به اشاره ای اکتفا کرده تا دوستداران بخوانند و بدانند شخصیتهای روحانی تاریخ شیعه چگونه زیستند.
1. میرزا حبیب الله پس از مرگ پدرش که حاکم منطقه بود برای پاسداشت مقامش به گیلان سفر نمود اما اختلاف برادران بر میراث پدری موجب بازگشت او به نجف اشرف شد. او با اینکه زندگی بسیار فقیرانه ای داشت از سهم ارث چشم پوشید. میرزای رشتی پس از رسیدن به نجف ، برای تامین معاش ، بتدریج لوازم زندگی را یکی پس از دیگری فروخت به گونه ای که در گرمای طاقت فرسای تابستان از خرید آب نیز عاجز بود.
2. یاد خدا در جان او چنان عجین شده بود که از هر فرصتی برای ذکر و

تسبیح و قرائت قرآن کریم بهره می جست . حتی هنگامی که برای تدریس به سوی حرم مطهر می رفت وضو می گرفت و سوره ی مبارکه ی ((یس)) را در راه از حفظ می خواند تا به در قبله ی صحن امیرالمومنین علیه السلام می رسید، خواندن سوره را در کنار آرامگاه استاد خود شیخ انصاری (ره) به پایان می رسانید.
3. در دقت و احتیاط ضرب المثل بود. همین امر وی را از پاسخگویی سریع و بدون تحقیق باز می داشت .
از دیگر سو مردم را تشویق می نمود تا استفتائات خود را به میرزای شیرازی ارجاع دهند. نوشته اند پس از پایان ماه رمضان برای اثبات اولین روز شوال بیش از 40 نفر شهادت دادند و او فرمود ((نزدیک قطع شده است)) کنایه از اینکه هنوز برایم قطعی و یقین نشده است .
4. او در ادب عشق نیز ممتاز بود. آنگاه که جان به حضرت عزرائیل می سپرد، هر چه پایش را رو به قبله دراز می کردند او پای خود را جمع می کرد و چیزی نمی گفت . چون چند بار این کار تکرار شد، از او علت را پرسیدند، به زحمت فرمود: ((چون وضو ندارم پایم را رو به قبله دراز نمی کنم)).
5. هرگز وجوه شرعی را نمی پذیرفت ، با آنکه امری مرسوم و رایج بود. نقل می کنند: مردی ثروتمند از هند برای پرداخت وجوه شرعی به زیارت میرزای رشتی شتافت ، اما او چندان عصبانی شد که اطرافیان از حالتش متعجب شدند و چون از عصبانیتش پرسیدند فرمود: ((چاره ای جز عصبانیت نبود)). نیز نوشته اند علاءالدوله برای پرداخت پولی به عنوان وجوه شرعی به نجف اشرف مسافرت کرده بود ولی با بی اعتنایی میرزای رشتی مواجه شد و محقق رشتی با این رفتار به آیندگان نشان داد که مردان بزرگ خدا برای مال دنیا ارزشی قائل نیستند.
6. نوشته اند: چهار نفر از شاگردان شیخ انصاری ارکان پایدار اعلمیت و ریاست بودند ولی مقام علمی و تدریس منحصر به میرزا حبیب الله رشتی بود. او جز تدریس منظوری نداشت . ریاست نمی خواست ، از روی عمد تجاهل می ورزید و شاگردان خود را نمی شناخت برای اینکه از او اجازه ی اجتهاد نخواهند و تنها درس بخواهند... در خط مرجعیت هم نبود. کسی از مجتهدین به خوش نیتی و سلامت نفس میرزای رشتی نبود. از پرتگاه های ریاست خود را نجات داد. قناعت پیشه نمود...))
7. محقق رشتی دیانت و سیاست را به هم سرشته بود. پس از رحلت شیخ انصاری بسیاری از دانشمندان مردم را برای تقلید به میرزای رشتی ارجاع داده بودند. اما او با پیشنهادها مخالفت می کرد و نیک می دانست که دنیای اسلام به مرجعی سیاستمدار نیازمند است . او میرزای شیرازی را مجتهدی آگاه به مسائل سیاسی و چهره های سرشناس و محبوب یافته

بود.
محقق رشتی بر آن بود تا مرجعیت میرزای شیرازی را به علمای نجف پیشنهاد کرده از آن حمایت کند. این امر موجب شد تا توطئه ی دشمن برای لطمه زدن به وحدت شیعیان نقش بر آب شود.
ژرف اندیشی سیاسی میرزای رشتی را در گفتارش می جوییم . وقتی پرسیدند از چه کسی تقلید کنیم ؟ در پاسخ گفت : ((از مرجعی تقلید کنید که تقلیدش جایز باشد. امروز پرچم بر دوش عالم جلیل سید محمد حسین (شیرازی) است و همه پیرامون اویند که پرچم ساقط نشود.))
8. نظم از دیگر ویژگیهای محقق رشتی بود. او پس از ادای نماز مغرب و عشا و انجام مستحبات مربوط به آن و پس از صرف مقدار کمی شام ، آنگاه که آسمان چادر سیه شب را بروی خود می کشید و ستاره ها چشمک زنان نمایان می شدند، اندکی می خفت تا جان را آماده ی خدمت روح کند و جان خود را در چشمه ی نور بشوید و عاشقانه تر با خدای خویش راز و نیاز کند.
9. تواضع و فروتنی (از دستورات عالی اسلامی) در جای جای رفتار محقق رشتی نمایان است . او دانشمندان را به دیده ی احترام می نگریست و با بهره گیری از نظر نیک ، برترین روش را بر می گزید. در پی سفر محقق رشتی به ایران ، حوزه ی درس ایشان تعطیل شد و دانشوران از خورشید وجودش محروم شدند. آنگاه که به سفری دیگر بار بست ، دانشمندان نجف بر آن شدند تا او را از سفر باز دارند. وی به وساطت شیخ حسن مامقانی برنامه ی سفر را لغو کرد و به او فرمود: ((چون شما مجتهد عادل هستید، حکمتان را واجب الاطاعه می دانم)) این در حالی است که شیخ حسن مامقانی در ردیف شاگردان محقق رشتی بود و نسبت میان آن دو مثل استاد و شاگرد بود.
10. اعزام شاگردان برجسته برای تبلیغ ، از دیگر ویژگیهای این محقق بود. از جمله ی آنان آیت الله سید علی اکبر فال اسیری از شاگردانی بود که در پرتو اندیشه ی والای آن استاد پرورش یافت . او به تشویق محقق رشتی و میرزای شیرازی به شیراز بازگشت و با کوششی در خور به تبلیغ و هدایتگری پرداخت . همچنین در نهضت توتون و تنباکو نیز عهده دار نقشی سترگ در تثبیت فتوای میرزای شیرازی بود.
11. سپاسگزاری او در حق پدر و مادر آموختنی و بی نظیر است و نشانه ی بالندگی او در مراحل عالی شکر به درگاه حضرت ربوبی است . درخشندگی معنوی او مدیوین دعاهای پدر و مادر در روزگاران دور بود. نوشته اند او نمازهای پدر و مادر خود را سه بار خواند. یک بار به تقلید از مراجع آنان و دو بار به اجتهاد خودش و این مطلب درباره ی هیچیک از علمای تاریخ ذکر نشده است .

12. او را باید به حق از حافظان حریم روحانیت در عصر خویش خواند. شخصی در نجف بود که به هنگام سخن حرمت علما را پاس نمی داشت و بارها از او پرخاشگری و اهانت نسبت به علمای سابق و معاصر شنیده می شد.
محقق رشتی در جمعی که وی نیز حضور داشت دستور داد استکانش را آب بکشند، به گونه ای که مردم گمان بر تکفیر وی برده و او را راندند. پس از آن هرگز نتوانست جایگاه از دست رفته خود را بازیابد.
باری رفتار شدید میرزای رشتی و شیوه نهی از منکر او موجب شد تا آنانکه در پی چنین خیالی بودند از گمان خویش بازگردند.
گنج نامه
آثار میرزاحبیب الله جلوه گاه تلاش های شبانه روزی اوست . وی کاوشگری گنج یاب بود که هرگاه معدنی نوین می یافت از جواهر آن استخراج می کرد و بر دانش طلبان ارزانی می داشت .
آثار او در علم اصول عبارتند از:
رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشی ء النهی عنه و عدمه ، التعادل و التراجیح ، بدایع الافکار، اجتماع الامر و النهی ، رساله فی مقدمه الواجب ، رساله فی المشتق ، التقریرات .
در علم فقه :
کتاب الطهاره ، الحاشیه علی المکاسب ، کتاب الزکاه ، کتاب الاجاره ، الالتقاط، کتاب العضب ، کتاب القضاء و الشهادات ، الوقوف و الصدقات ، رساله فی اللباس المشکوک ، حاشیه علی منهج الرشاد، حاشیه علی نجاه العباد، حاشیه علی النخبه .
در علم تفسیر:
حواشی بر تفسیر جلالین ، و علم کلام : الامامه ، کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام است .
نسخه های خطی از آثار محقق رشتی که می رفت در غبار زمان به فراموشی سپرده شود اخیرا به کتابخانه آیت الله مرعشی سپرده شد و اکنون در کاروان نسخه های خطی آن کتابخانه ماندگار است .
تقریرات
از انبوه شاگردان کوشا و دانشمند محقق رشتی ، بسیاری تقریرات درس ایشان را نوشته اند که در گرامی داشت مقامشان نام برخی از آنان می آید:
سید حاج میرزا حسن همدانی ، سید صادق قمی ، میرزا باقر فرزند میرزا محمد علی ، شیخ حسن تویسرکانی ، شیخ محمد باقر فرزند محمد جعفر بهاری همدانی ، سید ابوالقاسم فرزند معصوم حسینی اشکوری ...
اجازات

محقق رشتی از صدور اجازه ی اجتهاد به شدت پرهیز داشت و تنها برای اندکی از شاگردان برگزیده اجازه ی اجتهاد نگاشت . نام برخی شاگردان ارجمند وی که مفتخر به اجازه ی نقل روایت و اجتهادند ذکر می شود. حاج آقا مجتهد رشت (اجتهاد)، سید عبدالکریم فرزند سید حسن اعرجی (روایت)، حاج میرزا احمد دیلارستاقی لاریجانی (اجتهاد)، سید علی آقا میری دزفولی (اجتهاد)،...

با کاروان دانش

نظر گاه همه ی اندیشمندان حوزه بر شیوه ی نقادانه ی محقق رشتی در تدریس و دیگر پهنه های علمی ، پدیدآور محفل علمی ، پدیدآور محفل علمی شکوهمندی بود که دلدادگان آن ، پس از کامجویی هر یک چون ستاره ای درخشان ، روشنگر جامعه ی خویش شدند. برخی مرجع دینی شدند و عده ای رهبر حرکتهای سیاسی و اجتماعی دیار خویش و دسته ای نیز در عرصه ی تدریس و تحقیق طلایه دار حوزه بودند.

نام مسافران این کاروان به اختصار می آید و شرح حال هر یک در کتب تاریخ آمده است که دوستداران را بدان حوالت می دهیم .

آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی ، آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی ، آیت الله العظمی حاج میرزا حسین نائینی ، آیت الله شیخ شعبان دیوشلی (لنگرودی)، آیت الله شیخ عبدالله مازاندرانی (لنگرودی)، آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری ، آیت الله شهید حاج آقا میر بحرالعلوم رشتی ، آیت الله شهید شیخ علی رشتی ، آیت الله شهید شیخ عبدالغنی بادکوبه ای ، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید ابوالقاسم اشکوری .

پرواز تا آسمانها

مردم نجف به چهره نورانی پیرمردی که سحرگاهان در بارگاه ملکوتی امیر المومنین (ع) به زیارت ، نماز و تضرع می نشست انس گرفته بودند. چهره ای که هیبت و شوکتش یادآور پیامبران و لطف و صفا در صورتش نمایان بود. اما شب پنج شنبه چهاردهم جمادی الثانی 1312 ق . فرا رسید. خبر کسالت محقق رشتی مردم را در نگرانی فرو برده بود و آنگاه که صدای ناله و فغان از منزل وی برخاست همگان یافتند که دوست خدا، پیش خدا رفته است . او آسوده در بستر خفته بود. تو گویی به خوابی نازنین آسوده که چنین چهره اش متین است . شهر را گویا با پارچه ای سیاه پوشانده بودند و همه جا صدای گریه به گوش می رسید. در تهران و مشهد و دیکر شهرها نیز مجالس عزا و سوگواری بپا شد. مردم نوحه کنان می خواندند:

باز خاکستر غم ریخت فلک بر سر ما

رفت از دار فنا نائب پیغمبر ما

و نجف آماده ی تشییع پیکر مطهر آن فرزانه پارسا بود. جنازه ی پاک او را مشایعت کردند و به بارگاه امام متقین انتقال داده و در یکی از حجره های صحن مطهر علوی دفن کردند.
بازماندگان
1. آیت الله محمد رشتی ، فرزند ارشد، که از معصومه ارباب همسر اول میرزای رشتی بود. او در علم و فضل به مراتبی درخور دست یافت و در سال 1316 ق . به دیار باقی شتافت . آرامگاهش در مقبره ی پدر ارجمندش می باشد.
2. آیت الله شیخ اسماعیل رشتی ، که از همسر دوم میرزای رشتی ولادت یافت . او در کسب دانش سخت کوشید و پله های ترقی را پیمود و در 1343 ق . به دیدار دوست شتافت .
3. آیت الله شیخ اسحاق رشتی ، او در نجف ولادت یافت . مادرش کلثوم همسر دوم میرزای رشتی بود ابتدا نزد پدرش به تحصیل پرداخت و پس از عمری تحقیق ، تالیف و تدریس در سال 1357 ق . دیده از جهان فرو بسته ، رخ در نقاب خاک کشید.

آثار:
رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشی ء النهی عنه و عدمه
التعادل و التراجیح
بدایع الافکار
اجتماع الامر و النهی
رساله فی مقدمه الواجب
رساله فی المشتق
کتاب الطهاره
الحاشیه علی المکاسب
کتاب الزکاه
کتاب الاجاره
الالتقاط، کتاب العضب
کتاب القضاء و الشهادات
الوقوف و الصدقات
حاشیه علی منهج الرشاد
رساله فی اللباس المشکوک
حاشیه علی نجاه العباد

حاشیه علی النخبه
حاشیه بر تفسیر جلالین
الامامه
کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام

رضوانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد رضوانی نجفی فرزند مرحوم مبرور ثقه‌الاسلام والتجار حاج محمد اسمعیل رضوانی از افاضل معاودین نجف و مدرسین بزرگوار معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند.والد ماجدش از اخیار شهر زنجان بودند که مدتی از عمر خود را صرف تحصیل نموده و بعد مشغول به تجارت گریده روزها اشتغال به کسب و تحصیل روزی حلال و شبها به مطالعه اخبار و تفاسیر می‌گذارانیدند تا دعوت حق را لبیک اجابت گفتند مترجم در سال 1302 شمسی در زنجان متولد شده و در تحت پرورش چنین پدر با تقوائی تربیت یافته و مقدمات را در آنجا تمام و به شهر قم در سن 17 سالگی مهاجرت و مدت 9 سال اقامت و سطوح و مقداری از دروس خارج را خدمت بزرگان حوزه علمیه مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم خوئینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمد حجت و آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان‌اللّه تعالی علیهما فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه در سال 1369 ق مهاجرت به نجف اشرف و مدت بیست و شش سال سکونت و از محاضر آیات عظام آن سامان چون مرحوم آیت‌اللّه حکیم و شاهرودی و یک دوره اصول آیت‌اللّه خوئی و بالاخص محضر و ابحاث شیخ‌الفقهاء و المجتهدین آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر مجتهد زنجانی (تغمده‌اللّه بغفرانه) استفاده نموده تا در سال 1394 ق که بنابر فشار دولت بعث عراق مجبور به معاودت ایران و رحل اقامت در حرم اهل بیت علیهم‌السلام و جوار حضرت فاطمه معصومه سلام‌اللّه علیها افکنده و به تدریس پرداخته‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

رضوی قمی، ابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1168 ق)، شاعر، عالم، حکیم، مفسر، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از قم است، ولی در همدان متولد شد.
در همان جا نشو و نما یافت. او برادر صدرالدین رضوی قمی، شارح «الوافیه»، است ک از وی روایت کرده است. سید ابراهیم بعد از وفات برادرش به کرمانشاه رفت. وی یکی از مشایخ دوازده‌گانه سید شبر حویزی است. حاج محمدجعفر مجذوب (مجذوب علیشاه) نیز از شاگردان وی به حساب می‌آید. سال درگذشت و محل دفنش نامعلوم است. او خطی نیکو داشت. از آثار وی: «شرح مفاتیح الشرایع»؛ «شرح الوافی» فیض کاشانی.[1]
سید صدرالدین بن سید محمدباقر الرضوی القمی مجاور نجف اشرف از علماء اواخر دولت صفویه به بعد و از بزرگان محققین این طایفه علیه می‌باشد صاحب روضات در کتابش گوید: در مرحله فضیلت و تدقیق وجودت تصرف و تحقیق فردیست بلاثانی و تلمذش در بدو امر نزد آقا جمال‌الدین خونساری و شیخ جعفر قاضی و مدقق شیروانی و سایر علماء اصفهان بود و پس از فراغ از تحصیل بوطن مألوف معاودت نموده و در آن ارض شریف مشغول تدریس و ارشاد عباد گردیده.
تا زمانی که در آن جایگاه فتنه افاغنه رخ نمود بناچار به موطن برادر خود سید ابراهیم رضوی به همدان هجرت فرمود و از آنجا به نجف اشرف علی مشرفها آلاف التحیة والثناء رفت و در آن ارض مقدس نیز نزد شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزایری مشغول تحصیل شد تا فارغ‌التحصیل گردید سپس در آنجا مشغول تدریس شد.
و از شاگردان اوست سید عبداللّٰه بن سید نورالدین بن سید نعمت‌اللّٰه جزایری صاحب اجازه کبیره و از جمله چیزی که سید مذکور در آن اجازه در حق استادش گفته اینست که او اعلم علمائی است که من آنها را در عراق عرب دیده‌ام و اجمع آنها در معقول و منقول نزد اهل عراق و عظیم‌القدر بوده و زوار از هر ناحیه به ملاقات او می‌آمدند و به زیارتش تبرک می‌جستند و از وی استفاده می‌نمودند و از جمله تلامذه اوست وحید بهبهانی آقا باقر معروف رحمةاللّٰه علیه دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنهاست «کتاب طهارت» و کتاب «شرح وافیه ملا عبداللّٰه تونی» در سال 1160 وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (204/2)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (86/2)، الذریعه (165 ،74 /14 ،144 -143 /11 ،229/6)، ریاض العارفین (302)، ریحانه (431/3)، الکنی و الالقاب (415/2)، طرائق الحقائق (258/3)، معجم المؤلفین (87/1)، مکارم الآثار (642/3).

رضوی قمی، زین‌العابدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام آقا سید زین‌العابدین بن سید جواد حسینی رضوی قمی عالمی بزرگ و فقیهی صالح از شاگردان حاج میرزا حسین خلیلی و شیخ محمد طاها و شیخ هادی تهرانی و آخوند خراسانی و علامه یزدی بوده و بعد از 1327 وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی قمی، صدرالدین محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1160 ق)، عالم، محدث، فقیه اصولی و مرجع تقلید. اصل وی از قم است و نسبش به امام محمدتقی (ع) می‌رسد. در اصفهان نزد آقا جمال خوانساری و شیخ جعفر قاضی و محقق شیروانی تلمذ کرد. سپس به قم رفت و به تدریس و ارشاد مشغول شد. در فتنه‌ی افغان به موطن برادرش، همدان و از آنجا به نجف رفت و مراتب علمی خود را به کمال رساند و از ملا شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزائری بهره گرفت استاد اکبر، محقق بهبهانی، شاگرد اوست و در نوشته‌هایش از رضوی قمی به سید سند استاد تعبیر می‌کند. سید عبداللّه جزائری نیز از وی روایت کرده است. از آثار وی: شرح «الوافیه» ملا عبداللّه تونی، در اصول فقه، در پانزده هزار سطر؛ «کتاب الطهاره»؛ حاشیه بر «المختلف» علامه حلی؛ «المعراج»؛ رساله‌ای در «حدیث ثقلین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (406/9، 386/7)، الذریعه (226/21، 185/15، 166/14، 121/13، 194/6، 325/4)، روضات الجنات (122 /4 -119)، ریحانه (430/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 384 -382 /12)، فوائد الرضویه (213)، الکنی و الالقاب (415 -414 /2)، لغت نامه (ذیل/ صدرالدین)، معجم المؤلفین (197 -196 /11، 87/9، 18/5)، مکارم الآثار (642/3)، هدیه الاحباب (187).

رضوی مشهدی، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1311 ق)، فقیه، زاهد و شاعر. وی در نجف نزد علامه‌های بزرگ شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء و شیخ مرتضی انصاری تلمذ کرد و به دریافت اجازه اجتهاد نایل آمد. در اواخر عمر به بیماری عصبی دچار شده بود و به همین بیماری از دنیا رفت و در مشهد در دارالضیافه به خاک سپرده شد. صاحب «شجره الطیبه» در شرح حال وی گوید که وی حواشی بر کتب متفرقه داشته و اشعاری به عربی و فارسی از وی ذکر کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (331/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 44/14)، معجم المؤلفین (281/3).

رضوی نیشابوری، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1341 -1261 ق)، فقیه اصولی. پدرش، سید ابوتراب (م 1285 ق)، از افاضل و بزرگان مجتهدین بود که از شیخ انصاری اجازه داشت. سید محمدحسن در نجف نزد شیخ میرزا حبیب‌اللّه رشتی به تحصیل پرداخت و «تقریرات» بحثهای درس او را نگاشت. آنگاه به سامراء رفت و در مجلس درس میرزای شیرازی حاضر شد. پس از چند سال به همدان بازگشت و مرجعیت امور شرعی را بر عهده گرفت. آقابزرگ تهرانی گوید: فرزندش آقا سید علی کبیر برایم گفت که پدرش کتابی بزرگ در «اصول» داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 379/14)، معجم المؤلفین (185/9).

رضوی، قمی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1283 ق)، عالم، فقیه و ادیب امامی. در 1313 ق در تهران در بحث و درس علامه سید عبدالکریم لاهیجی شرکت کرد. سپس به نجف مهاجرت و در محضر شیخ الشریعه اصفهانی تلمذ نمود و از ملا محمد کاظم خراسانی بهره گرفت. او در حدود 1326 ق به قم رفت و در 1331 ق به حج مشرف شد و در بازگشت ساکن تهران گردید و به انجام وظائف شرعی مشغول گشت. از آثارش: «تقریرات» دروس استادانش در فقه و اصول با تصرفات و تحقیقات؛ کتاب «نهایه المأمول»، در شرح «کفایه الاصول» که شرح مزجی است بر «کفایه» آخوند خراسانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (405 / 24 ،34 / 14 ،877 / 9)، ریحانه (487 -486 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 413 -412 / 14).

رضوی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدحسین ملقب (به علم الهدی) بن سید هبةاللّٰه بن سید محمد بن سید عبدالحی بن محمد بن عبدالغفار ابن عبدالرزاق بن ابراهیم رضوی کاشانی عالمی جلیل و متقی بوده است.
وی در کاشان متولد و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات و سطوح از مرحوم آخوند ملا حبیباللّٰه و دیگران در کاشان به نجف مهاجرت و از محضر مرحوم آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و غیر آنان از اعاظم علماء و اکابر مدرسین استفاده نموده و در سال 1352 قمری به کاشان مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج پرداخته تا سال 1386 قمری که بدرود حیات گفته است.
دارای تألیفات عدیده مانند بهجةالتنزیل در تفسیر و تأویل و (العندبیل) در تمیز بین صحیح و علیل و (المائدة العرشیه) و غیر ذلک بوده است.
نگارنده در سال 1364 قمری که با جنابان فاضلان باذلان آیتین علامتین آقای حاج سید کاظم و آقای حاج سید مهدی اخوان مرعشی و دانشمند گرامی حاج شیخ مرتضی مطهری به کاشان مسافرت کردم از نزدیک آن مرحوم را ملاقات کرده‌ام. آن مرحوم در کاشان مخصوص محله خود بسیار متنفذ و مورد توجه بود و مردم به او علاقه بسیاری داشتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدصادق رضوی امام جمعه لاهیجان سید بزرگوار و جلیل‌القدر بودند و در شهرستان لاهیجان سمت امام جمعه‌ای داشتند و گویا این منصب در خاندان آن مرحوم موروثی بود. وی دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله و بسیار متین و منیع‌الطبع بود چند سفری در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم مشرف شدند و توفیق زیارتشان را یافتم در حدود 1380 ق به رحمت حق پیوسته و به اجداد گرامش ملحق گردیدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

رضوی، محمدمهدی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن السید محسن الرضوی المذکور و از علماء مبرز قم بوده و محقق ثانی شیخ علی کرکی در سنه 936 هنگام رفتن به کاشان در قم به ایشان اجازه داد و قبر شریفش علی‌الظاهر در جنب تکیه کوچه حرم که اکنون به صورت مسجد زیبائی درآمده در مقبره کوچکی که معروف به محمدیه است می‌باشد املاک بسیاری وقف بر مزار کثیرالانوارش بوده که حالیه از بین رفته است و از احفاد اوست میرزا محمدباقر ابن میرزا محمد ابراهیم بن میر محمدعلی بن میر محمدمهدی بن السید محسن الرضوی القمی که از جمله علماء بوده است.
صاحب روضات الجنات گوید: میرزا محمد نیشابوری در رجالش آورده که آن سید جلیل شرحی بر اصول کافی نوشته و ساکن همدان بوده و در هیجدهم ماه صفر 1218 در همدان وفات نموده و جنازه او را به قم آورده و در دارالحفاظ دفن نمودند. والد ماجدش میرمحمد ابراهیم نیز از جمله علماء بوده و او جد سادات همدانست و او راست کتاب «نجات المسلمین» در اصول دین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

رفیع رشتی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1292 -1211 ق)، عالم دینی و فقیه امامی. معروف به ملا رفیع و مشهور به شریعتمدار. نسب وی به عمار یاسر صحابی مشهور پیامبر (ص) می‌رسد. در نزد شریف‌العلماء مازندرانی و سید محمدباقر حجةالاسلام رشتی اصفهانی تحصیل کرد، تا اینکه در فقه و اصول و رجال به درجه‌ی والایی رسید و به کسب دو اجازه از استادش حجةالاسلام رشتی نایل شد. علامه شیخ ابوالحسین تهرانی، مشهور به شیخ‌العراقین، از شاگردان و راویان وی می‌باشد. فرزندان او نیز حاج آقا مجتهد و حاج میرزا مهدی بحرالعلوم (شریعتمدار) و فرزندزادگانش میرزا ابوالحسن شریعتمدار و میرزا علی بحرالعلوم و حاج آقا رفیع و حاج آقا نورالدین رفیع، همگی از علمای مشهور زمان خود بودند. از آثار ملا رفیع احداث پل سیاه‌رود و پل سابق منجیل و راههای ارتباطی دیگر بوده است. از آثار علمی وی: شرح «اصول کافی» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 581 -580 /13)، گنجینه‌ی دانشمندان (471 -468 /4)، المآثر و الآثار (151).

رفیع، رفیع

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا رفیع رفیع بن المرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا رفیع ابن العلامه الکبری آیت‌اللَّه حاج ملا رفیع گیلانی رحمهم‌اللَّه می‌باشد.
وی در سال 1317 ق در شهر رشت تولد یافته‌اند، سطوح و مقدمات را در رشت و تهران گذرانیده. و برای استفاده از محاضر درس آیات عظام نجف اشرف آیةالعظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه محقق حاج میرزا حسین نائینی به نجف اشرف عزیمت نموده و پس از کسب درجه اجتهاد برشت بازگشت نموده و چندین سال در آن شهر بامور علمی و شخصی پرداخته سپس به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و در مسجد عالی سپهسالار به اقامه جماعت و تدریس پرداخته تا سال 1318 قمری که در تهران بدرود حیات گفته و جنازه‌اش را با تجلیل حمل به نجف و در صحن مطهر در مقبره خانوادگی مدفون شده‌اند.
دارای تألیفاتی می‌باشند که محفوظ مانده است.
نگارنده گوید: بیت رفیع از بیوتات رفیعه و اصیله روحانیت گیلان و تهران است و بزرگ این خاندان آیت‌اللَّه العظمی حاج ملا رفیع گیلانی صاحب شرح اصول کافی است که ترجمه‌اش در کتاب (مآثر و آثار) مبسوطا ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیع، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا نورالدین شریعتمدار رفیع بن آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالحسن شریعتمدار مذکور است وی در سال 1318 ق در شهر رشت تولد یافته و مقدمات را در مدرسه مستوفی آن شهر خوانده آنگاه به تهران آمده و سطوح را از محضر اساتید فن فراگرفته و حکمت و شرح منظومه را از مرحوم حاج آخوند هیدجی آموخته سپس برای تکمیل معلومات مهاجرت به نجف و قریب پانزده سال توقف و از محاضر آیات عظام اصفهانی و نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و تقریرات آنان را برشته تحریر درآورده پس از آن به تهران مراجعت و در خیابان صفی‌علی شاه سکونت و به خدمات روحی و دینی پرداخته تا در سال 1386 ق رحلت و جنازه‌اش حمل به نجف و در مقبره خانوادگی در صحن مطهر دفن گردیده است.
دارای آثار و تألیفاتی در فقه و اخلاق می‌باشد که فرزندان ارجمندش به طبع خواهند رسانید.
نگارنده گوید: آن مرحوم دارای اخلاقی حمیده و خصالی پسندیده بود و منزلش محل رفت و آمد و نزول آیات عظام معاصر بوده و خود حقیر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید یونس اردبیلی و آیت‌اللَّه العظمی حاج سید علی مدد قائینی را در بیت معظم له دیدن نمودم.
از باقیات الصالحات آن مرحوم فرزند برومند ایشان جناب حجةالاسلام حاج شیخ مرتضی رفیع می‌باشد که در خانه پدر را بازداشته و مانند نیاکان و اسلاف خود بوظائف روحی و دینی اشتغال دارد.
(1386 -1318 ق)، عالم دینی. در رشت به دنیا آمد. مقدمات را در مدرسه‌ی مستوفی رشت خواند و سطوح را نزد استادان تهران آموخت. حکمت و «شرح منظومه» را نزد حاج آخوند هیدجی فراگرفت. سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و پانزده سال از محضر آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی استفاده برد و تقریرات آن را تحریر کرد. با دریافت اجازه‌ی اجتهاد به تهران بازگشت و به تدریس و تبلیغ پرداخت. در تهران درگذشت و جنازه‌اش به نجف حمل و در صحن علوی دفن شد. وی آثار و تالیفاتی در فقه و اخلاق دارد.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (337/ 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (471 -470/ 4).

رفیعا نایینی، رفیع‌الدین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1000- وف 1082 -1080 ق)، حکیم، متکلم و فقیه امامی. وی اصلا نائینی بود ولی در اصفهان اقامت داشت. او از شاگردان میرفندرسکی، میرداماد و شیخ‌بهایی بود و از ملا عبداللّه شوشتری و شیخ‌بهایی روایت کرده است. علامه محمدباقر مجلسی و شیخ حر عاملی از شاگردان وی می‌باشند. به او رفیعا، آقا رفعیا، میرزا و رفیع‌الدین نیز گفته‌اند. میرزای جلوه از نوادگان او است. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. بر مزار وی گنبدی ساخته‌اند که اکنون جزء آثار باستانی اصفهان به شمار می‌آید. در «الفیض القدسی» تاریخ وفات او 1099 ق ذکر شده که صحیح نمی‌باشد، زیرا شاگرد ملا خلیل قزوینی که در 1089 ق از دنیا رفته در کتاب «منهاج الیقین» خود سال مرگ او را ذکر کرد است. از آثار وی: «اقسام التشکیک و حقیقه»؛ «الثمره»، در تلخیص «الشجره»؛ «شجره الهیه»، به فارسی، در اصول دین که برای شاه صفی در 1047 ق نوشته شده است؛ «حاشیه اصولی کافی»؛ حاشیه «شرح ارشاد» مقدس اردبیلی؛ حاشیه «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه «شرح حکمه العین» میرک بخاری؛ حاشیه «مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه «صحیفه سجادیه»؛ حاشیه «مختلف الشیعه» علامه حلی؛ «حاشیه‌ی مدارک الاحکام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (344 -343)، الذریعه (29 -28 /13 195/6، ،13/5)، روضات الجنات (82 -81 /7)، ریاض العلماء (106/7)، ریحانه (128/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 226/11)، فوائد الرضویه (532 -531)، الکنی و الالقاب (279/2)، مؤلفین کتب چاپی (447 -446 /5)، هدیه الاحباب (143 -142)، هدیه العارفین (293/2).

رفیعی قزوینی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مد ظله از مراجع عصر حاضر و اعاظم مجتهدین معاصر است در تهران. وی در حدود سال 1312 ق در قزوین متولد و مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوائل فرائد در آنجا خوانده و پس از آن به تهران آمده و از مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌اللّه آقا شیخ محمد رضا نوری استفاده نموده و حکمت و کلام را نزد حکیم ربانی مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی و مرحوم حاج فاضل و مرحوم میرزا محمود قمی قدس اللّه اسرارهم تحصیل نموده و فنون ریاضی را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی (از هیئت و هندسه و اسطرلاب و بعضی دیگر از ریاضیات را) فراگرفته تا سال 1338 ق که به قزوین مراجعت و بعد از یکسال معاودت به تهران نموده و فقط به تدریس شرح لمعه و قوانین و شرح منظومه و اشارات در مدرسه عبداللّه‌خان پرداخته و طلاب آن عصر تهران را که از مدارس دیگر بمحضرش می‌شتافتند افاده نموده تا سال 1340 ق که مرحوم رئیس‌الشیعه آیت‌اللّه العظمی علامه استاد حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رحل اقامت افکندند، به قم مهاجرت و منحصرا از درس و بحث فقه و اصول معظم له استفاده و خود بتدریس کفایه و رسائل و مکاسب شیخ و اسفار اربعه و شرح منظومه اشتغال تا در ماه رمضان 1344 ق به امر مرحوم آیت‌اللّه حایری در مسجد بالا سر به منبر تدریس بالا رفته و قریب دویست و پنجاه نفر از فضلاء و طلاب را که حاضر می‌شدند مستفید فرموده و در همان اوان حواشی مفصلی بر شرح منظومه سبزواری که معروفست نوشته و هم تعلیقات بر رسائل شیخ مرقوم نمودند تا سال 1349 ق با اجازه صریح در اجتهاد و حرمت تقلید مراجعت به قزوین نموده و تا سال 1380 قمری در آنجا بتدریس خارج کفایه و اسفار و فقه و اقامه نماز جماعت و تفسیر کلام‌اللّه مجید اشتغال داشته آنگاه به تهران آمده و تاکنون در مسجد جمعه به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
از تألیفات معظم له است: 1- رساله در رجعت بقواعد عقلیه 2- شرح بر دعاء سحر. 3- حاشیه بر وسیله مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی. 4- رساله عملیه 5- حواشی متفرقه.
سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اکابر فقهاء و مجتهدین و اعاظم حکماء

متألهین و مراجع تقلید معاصر بوده‌اند وی حدود دوازده سال بود که از قزوین زادگاه خویش به تهران منتقل و در مسجد جمعه اقامه جماعت و هم تدریس می‌نمودند تا درروز اول محرم 1395 قمری بعد از کسالت ممتدی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد بالا سر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی مدفون گردیدند.
نگارنده. گوید آیت‌اللّه رفیعی که بعضی از مراجع معاصر از تلامذه و شاگردان ممتاز او می‌باشند از اسطوانه‌های علمی و اساتید بزرگ و فلاسفه سترک معاصر بودند و شایسته بود که در حوزه‌های علمیه بزرگ به تدریس و رهبری و اداره آن پرداخته و فضلاء بیشتری تربیت نمایند ولی گویا تقدیر آن مرحوم غیر از این بود و المقدر کائن.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیعی، قزوینی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1395 -1310 ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه و مدرس. در قزوین به دنیا آمد. مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوایل فرائد در قزوین خواند و پس از آن به تهران آمد و از محضر آیت‌الله آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌الله حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌الله آقا شیخ محمدرضا نوری استفاده نمود. حکمت و کلام را نزد میرزا حسن کرمانشاهی و میرزاهاشم اشکوری و حاج فاضل رازی و میرزا محمود قمی، و فنون ریاضی را از میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی فراگرفت. در 1338 ق به قزوین رفت و پس از یکسال به تهران آمد و به تدریس «شرح لمعه» و «قوانین» و «شرح منظومه» و «اشارات» در مدرسه‌ی عبدالله‌خان پرداخت. در 1340 ق که آیت‌الله حایری یزدی به قم رفت، وی نیز به قم مهاجرت کرد و از درس و بحث و فقه و اصول ایشان استفاده نمود و خود به تدریس «کفایه»و «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری و «اسفار اربعه» و «شرح منظومه»، پرداخت. در 1349 ق به دریافت اجازه نایل شد. سپس به قزوین رفت و به تدریس خارج «کفایه» و «اسفار» و فقه، و نیز اقامه جماعت و تفسیر قرآن پرداخت. در 1380 ق به تهران آمد و در مسجد جامع به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی مشغول شد. امام خمینی قسمتی از «اسفار» و «شرح منظومه» را در نزد وی خواندند. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در مسجد بالاسر در جوار قبر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی دفن شد. از آثار وی: تعلیقه بر «شرح منظومه سبزواری»؛ رساله در «مراتب وجود»؛ رساله در «مبدأ و معاد»؛ رساله در «رجعت به قواعد عقلیه»؛ «شرح دعاء سحر»؛ حاشیه بر «وسیله» آیت‌الله اصفهانی؛ «رساله عملیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (184 -182)، خدمات متقابل اسلام و ایران (620 -619)، گنجینه‌ی دانشمندان (156 / 6 ،467 -466 / 4)، نشر دانش (س 3، ش 1، ص 18 -17).

رکعی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله شیخ محمد رکعی جوادی فرزند مرحوم عباسعلی از علماء اعلام و آیات باهرات سبحانی بودند که در قم رحل اقامت افکنده و به عبادت و بندگی خدای تعالی شب و روز خود را می‌گذرانید وی در سال 1343 قمری از رضائیه به قم آمده و از محضر و درس و بحث مرحوم آیت‌الله حایری استفاده نموده آنگاه به تدریس متون فقه و اصول و تربیت عده‌ای از محصلین پرداخته تا روز جمعه 23 ذی‌الحجه 1392 که بنابر پیش‌بینی قبلی خود دعوت حق را لبیک اجابت گفته و به سرای جاودان خرامیده است.
آن مرحوم بنابر گفته آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله سلمان عصرش بود در زهد و تقوا و تا آخر عمرش در یک منزل مخروبه اجاره‌ای سکونت داشت کتب نفیس خطی داشت که بنا بر وصیتش اهداء و وقف کتابخانه آیت‌الله العظمی نجفی نموده و نگارنده آنها را دیدم که متعلق به چهارصد سال قبل بود فرزندان برومندی دارد که در سلک روحانیت و از سربازان ولی عصر ارواحنا فداه می‌باشند که به اسامی زیراند 1- شیخ محمدتقی 2- شیخ محمدحسین 3- آقاشیخ علی رکعی جوادی 4- میرزا عبدالحسین رکعی که از اخیارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحانی قمی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1388 -1322 ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در قم متولد شد، تا پانزده سالگی در خدمت پدرش به تحصیل مقدمات پرداخت. سطوح معقول را نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی و فقه و اصول را در محضر آیت‌اللّه میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حائری یزدی و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری فراگرفت. در 1344 ق به‌عزم تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار شد و در حوزه‌ی درس و بحث آیت‌اللّه قمی شرکت کرد و بهره‌ها برد. سپس به تهران و قزوین رفت. احتیاج شدید جامعه آن روز به امرتبلیغ وی را بر آن داشت که به وعظ و خطابه روی آورد. او بارها به هندوستان، برای ترویج دین سفر نمود. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثارش: «سر السعاده»، به عربی؛ کتاب «خاطرات»؛ کتاب «تسلیه المریض»؛ کتاب «کفایه النحو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سرالسعاده (مقدمه)، گنجینه‌ی دانشمندان (339/1).

روحانی قمی، صادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1255 ق)، فقیه، اصولی و مرجع. در قم به دنیا آمد تا هجده سالگی تحت نظر پدر مشغول به تحصیل مقدمات بود. سپس دو سال در اصفهان اقامت کرد و چندی هم در تهران نزد حکیم معروف آقا علی مدرس به تحصیل حکمت اشتغال داشت. در حدود 1279 ق به نجف رهسپار شد و از محضر درس شیخ مرتضی انصاری دو یا سه سال استفاده کرد. پس از وفات شیخ به درس حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی حاضر شد. او پس از سالها بهره‌گیری از محضر علمای نجف به سامراء مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌اللّه میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرد. در 1298 ق به قم بازگشت و مرجع امور شرعی مردم گشت. آیات عظامی چون حاج شیخ حسن فاضل و میرزا فخرالدین سیدی و حاج آقا محمد کبیر و حاج سید ابوالقاسم مرتضوی و شیخ ابوالقاسم صغیر و آخوند ملا علی‌اکبر از شاگردان وی می‌باشند. او در قم درگذشت و در شیخان به خاک سپرده شد. از اثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ای در شهر قم است. آثار علمی‌اش عبارت‌اند از: «تقریرات» فقه و اصول استادانش؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در «الادله العقلیه»؛ قسمتی از «زکات»، از اول زکات تا اصناف مستحقین، که شرح مبسوطی بر این بخش از «شرایع» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سرالسعاده (مقدمه)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 856 -855 /14).

روحانی قمی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، عالم و فقیه. در قم در خانواده جلیل روحانی به دنیا آمد و خدمت آقا شیخ حسین علامه به تحصیل مقدمات پرداخت و نیز در محضر حاج شیخ حسن فاضل و حاج ملا غلامرضا صاحب «حاشیه بر رسائل» و آیت‌اللّه حاج آقا احمد طباطبائی درس خواند و در سال 1330 ق به نجف مشرف و از حوزه‌ی درس آیت‌اللّه اصفهانی بهره گرفت. وی مدتی هم در مشهد رضوی از آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی استفاده کرد. او در معقول شاگرد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی بود. با سعی و کوشش وی مقدمات ورود آیت‌اللّه حایری به قم فراهم شد. او تا پایان عمر به انجام وظائف دینی در زمینه تدریس و ارشاد مشغول بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الحجه (73 -72 /2)، آینه‌ی دانشوران (205 -204)، گنجینه‌ی دانشمندان (339 -337 /1).

روحانی، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1340 ق)، فقیه، اصولی، مجتهد و مرجع تقلید. وی در خاندانی که قرنها در شهر قم ریاست علمی و دینی داشتند متولد شد. پس از تحصیلات مقدمات در نزد پدر بزرگوارش در سال 1357 ق به اتفاق برادر بزرگش آیت‌اللّه حاج سید محمد روحانی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و نزد آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه غروی و آیت‌اللّه شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه خوئی به تکمیل تحصیل پرداخت و در عنفوان جوانی حایز مقام اجتهاد گشت. وی در سال 1368 ق به قم بازگشت و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. او را به داشتن صفاتی چون همت عالی و قلب وسیع و فکر بلند و رای متین و نظر دقیق و خلق حسن ستوده‌اند. وی تالیفاتی ارزنده‌ای در فقه و اصول دارد که از جمله آثارش: «فقه الصادق»، شرح «تبصره‌ی» علامه، در بیست و شش مجلد؛ «منهاج الفقاهه»، شرح «مکاسب» شیخ انصاری، در جهار مجلد؛ «مسائل مستحدثه»؛ شرح «کفایه الاصول»؛ رساله‌ای در «جبر و اختیار»؛ «القواعد الثلاث»؛ رساله «اجتهاد و تقلید»؛ حاشیه «عروه الوثقی»؛ حاشیه‌ی «رسائل» شیخ انصاری؛ «توضیح المسائل».[1]
آیت‌الله حاج آقا محمد بن العلامه الحاج میرزا محمود بن الایه السید صادق الروحانی الحسینی برادر ارجمند و بزرگ آیت‌الله روحانی معاصر از علماء اعلام و فضلاء بنام حوزه علمیه نجف اشرف است.
تولدش در سال 1336 قمری در قم واقع شده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات و سطوح در سن بیست سالگی به اتفاق برادر بزرگوارش آیت‌الله آقا سید صادق در سال 1355 قمری سال فوت مرحوم آیت‌الله حایری به نجف مهاجرت نموده و از آیات عظام حاج شیخ محمدحسین غروی کمپانی و آیت‌الله اصفهانی و کاظمینی و اکثرا آیت‌الله العظمی خوئی مدظله العالی استفاده نموده تا در حوزه هزار ساله نجف مشار با لبنان گردیده است. برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (95/2)، آینه‌ی دانشوران (207 -206)، الذریعه (135/13)، گنجینه‌ی دانشمندان (162 -160 /2)، مؤلفین کتب چاپی (490 -489 /3).

روحانی، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله السید محمدصادق الحسینی الروحانی ابن العلم الحاج میرزا محمود بن العلامه الحجه السید صادق القمی (صاحب فقه الصادق) مدظله از آیات عظام و اساتید کرام و مدرسین عالی مقام حوزه علمیه شهرستان مذهبی قم می‌باشند، و از علماء بزرگواری که در اثر مجاهدات نام گرامیش به تمام کشور و حتی خارج از ایران رسیده و در راه مبارزه شدائدی را تحمل نموده ایشان است.
ترجمه معظم‌له و معالی امور و خاندان جلیل روحانی وی که قرنها در شهر مذهبی قم ریاست علمی و دینی داشتند و خدمات و آثار و متن بیانیه‌های ایشان در خور رساله و کتاب مستقلی است که نگارنده اجمالی از آن را از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانم.
در سال 1340 در قم متولد گردیده و در حجر تربیت والد معظم پرورش یافته و از اوائل صباوت دروس مقدمات و ادبیات را خوانده تا سال 1355 قمری که به اتفاق برادر ارجمندش آیت‌الله آقای حاج آقا محمد روحانی مقیم نجف مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و مدرسین و مراجع والامقام نجف استفاده کامل نموده تا بذروه علیای علم ارتقاء یافته و از غالب آنها نائل به اخذ اجازه اجتهاد گردیده و در سال 1368 قمری مراجعت به وطن خود نموده و از همان اوان ورود به تدریس خارج فقه و اصول و افاده پرداخته است.
دارای کمالات نفسانی و ملکات فاضله روحانی و همتی عالی و قلبی وسیع و فکری بلند و رایی متین و نظری دقیق و چهره‌ای گشاده و خلقی حسن می‌باشد.
اگر وسائل و اسباب برایش میسور باشد خدمات بزرگ و اساسی خواهد نمود در میان حوزه و شهرستان قم و غالب ایران محبوبیت و شهرتی یافته و از مجاهدین شناخته شده است مسافرتهائی قهرا و اختیارا در بلاد شرق کشور چون زایل و زاهدان و یزد و شهرستانهای غربی چون تبریز و خوی و زنجان نموده که مورد استقبال و تجلیل غالب مردم آن سامان قرار گرفته که در موقع خود کم‌نظیر بوده است. تالیفات ارزنده‌ای در فقه و اصول دارد که ذیلا توضیح داده می‌شود:
1- فقه الصادق در بیست مجلد که 16 جلد آن به طبع رسید و باقی آماده طبع است .

2- منهاج الفقاهه در 4 مجلد شرح بر مکاسب شیخنا الانصاری که چاپ شده است.
3- مسائل مستحدثه جلد که مکرر چاپ شده و مسائل روز را در آن تشریح کرده و روشن نموده است.
4- شرح بر کفایه الاصول در دو جلد کامل آماده طبع است.
5- رساله‌ای در جبر و اختیار مکرر به طبع رسیده است.
6- القواعد الثلاث مطبوع می‌باشد.
7- رساله اجتهاد و تقلید مطبوع می‌باشد.
8- فروع علم اجمالی که تقریرات درس معظم‌له است و طبع شده است.
9- القواعد السبعه مخطوط.
10- حاشیه عروه‌الوثقی مطبوع.
11- حاشیه‌ای بر رسائل شیخنا الانصاری.
12- توضیح المسائل مکرر به طبع رسیده.
13- توضیح المناسک نیز مکرر به طبع شده.
14- تقریرات و دراسات اساتید نجف فقها و اصولا که مخطوط می‌باشد.
آثار دیگری از قبیل مساجد در قم و اطراف دارد و نیز بنا دارند مدرسه بزرگی برای طلاب تهیه نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحانی، محمدهادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدهادی روحانی که از بیت علم و روحانیت بوده و والد ماجد و اجداد گرامش از علماء عصر خود بوده‌اند در سال 1324 ق متولد شده و تا سن 17 سالگی در تنکابن ادبیات و قسمتی از فقه و اصول را فراگرفته و بعد در تهران چند سالی به تحصیل معقول و منقول ادامه داده و در سال 1343 قمری در حوزه علمیه قم وارد و از محاضرِ دروس آیات عظام استفادات کامل نموده و در حوزه درس مرحوم آیت‌اللّه حایری از معاریف فضلاء بشمار رفته و مورد توجه مخصوص آن مرحوم قرار گرفته و در سنه 1353 قمری با دریافت اجازه اجتهاد به گیلان مراجعت و برای امر معاش خود به فلاحت و کشاورزی و با تأمین امور مادی به ترویج دین در هر حال پرداخته و برای داشتن بیان و منطق شیوا در موعظه و تبلیغ مورد اطمینان و اعتماد مردم گیلان واقع شده و خدمات ارزنده‌ای نموده است از آثار اوست مدرسه روحانیه رودسر که مسکن طلاب و واردین اهل علم به رودسر است و این نگارنده هم در ماه صفر 1382 قمری شبی را در در آن بیتوته نموده‌ام
آن مرحوم دارای طبع شعر بوده و اشعار زیادی سروده است که از آنهاست رثائیه‌ای که در فقدان مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری طاب ثراه گفته
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

روحانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمود روحانی بن العارمة السید صادق المذکور از مشاهیر علماء و اکابر دانشمندان حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم و دومین فرزند مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید صادق می‌باشد در سال 1307 قمری در قم متولد شده و خدمت مرحوم شیخ حسین علامه به تحصیل پرداخته و هم خدمت مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌اللّٰه حاج ملا غلامرضا صاحب حاشیه و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا احمد طباطبائی درس خوانده و در سال 1330 قمری به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللّٰه اصفهانی بهره‌مند شده و مدتی هم در مشهد رضوی از آیت‌اللّٰه حاج آقا حسین قمی استفاده نموده و معقول را هم از مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی به دست آورده و عمده فقه و اصول را از مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی استفاده نموده و نسبت به وی اعتقاد مخصوصی داشت و از آن جماعتی بود که برای آوردن آیت‌اللّٰه حایری به اراک رفته و حدود 9 ماه توقف و با مرحوم حاج شیخ حسین قمی معروف به نجار استقامت ورزیده و جدیت نموده تا بالاخره به مقصود نائل شده و آن مرحوم را به قم منتقل نمودند.
مؤلف گوید: آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمود روحانی عالمی ناسک و فقیهی ورع و متعبد بود فرزندانی برومند به یادگار گذارد که موجب افتخار روحانیت در ایران و عراق و اروپایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

روحانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای حاج سید مهدی بن العلامه الحاج میرزا ابوالحسن بن العلامه السید صادق الحسینی روحانی از افاضل دانشمندان و فضلاء نامی حوزه علمیه و شاگردان برجسته آیات عظام مرحوم محقق داماد و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی مرحوم بروجردی و اساتید دیگر می‌باشند، در میان اقران خود به فضل و کمال موصوف و به متانت و فطانت مشهور است و اکنون که سن شریفش از چهل گذشته و عشره پنجم را می‌گذراند به تدریس فقه و اصول و مباحثات کمپانی با چند تن از فضلاء برجسته مشغول و ضمنا اقامه جماعت هم دارند آثار ایشان دراسات و تقریرات اساتیدشان می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رودباری رانکوهی اشکوری، اسداللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1333 -1276 ق)، عالم، فقیه و نویسنده. از اولاد میر بزرگ مدفون در آمل است. جد بزرگ وی ابتدا در رودبار سکنی گزید، سپس به رانکوه و بعد از آن به اشکور رفت. سید اسداللّه در قزوین نزد سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، تلمذ کرد. وی در 1303 ق به عتبات هجرت کرد و نزد علامه میرزا حبیباللّه رشتی به تصحیل پرداخت و «تقریرات» بحث استاد را در یازده مجلد نوشت که پنج جلد در «اصول» و شش جلد در «فقه» بود. وی در نجف درگذشت. از دیگر آثارش «کتاب الاوانی من الذهب و الفضه» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (286/3)، الذریعه (471 -470 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 138/14)، معجم المؤلفین (241/2).

رودباری، ابوعلی احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 322 ق)، صوفی، ادیب و فقیه. در رودبار متولد شد. و در بغداد ساکن گردید. او از وزیرزادگان سلاله‌ی کسری بود و نسبش را به انوشیروان می‌رساند. روزی با مریدان جنید بغدادی صحبت کرد و چون کلماتی از او شنید در دل وی محبت اهل طریقت جای گرفت و ترک مال و منال کرد و در سلک مریدان جنید درآمد. از مسعود رملی حدیث روایت کرد. با ابن‌جلاء و ابوالحسین نوری و ابوحمزه بغدادی صحبت داشت و همنشین بود. فقه را نزد ابوالعباس بن سریج و ادبیات را نزد ثلعب و حدیث را از ابراهیم بن سریج و ادبیات را نزد ثلعب و حدیث را از ابراهیم حربی آموخت. عاقبت به مصر رفت و خود مرجع استفاده علما شد. سرانجام در همان جا درگذشت. بعضی او را جامع سه علم شریعت و طریقت و حقیقت می‌دانند. فرزند خواهرش، احمد بن عطا رودباری، محمد بن عبدالله رازی، احمد بن علی وجیهی و معروف زنجانی از شاگردان وی می‌باشند. وی تصانیفی نیکو در تصوف دارد. اشعاری نیز از وی به جای مانده است. از کلمات او است: «برترین یقین آن است که حق را در چشمان تو عظمت بخشد و هرچه جز اوست کوچک گرداند، و امید و ترس را در دلت تثبیت کند».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (333 -329 /1)، تاریخ گزیده (651)، تاریخ نظم و نثر (753)، تذکره الاولیاء (288 -285 /2)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (73 -72)، حلیه‌الاولیاء (357 -356 /10)، ریاض العارفین (40)، سیر النبلاء (536 -535 /14)، طبقات الصوفیه سلمی (360 -354)، کشف المحجوب (198 -197)، الکنی و الالقاب (125/1)، لغت نامه (ذیل/ ابوعلی)، معجم البلدن (89/3)، نفحات الانس (207 -205).

رودباری، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن رودباری از شاگردان علامه میرزا حبیباللَّه رشتی بوده و در رشت ریاست تامه و مرجعیت عامه داشته تا بعد از 1320 قمری وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

رودباری، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی رودباری که در رشت ریاست و مرجعیت دینی و علمی و روحی داشتند و در مسجد (کاسه‌فروشان) اقامه جماعت می‌نمودند و در 28 ماه صفر 1365 فوت نموده و در جنب مسجد مزبور مدفون گردیده‌اند. از آثار ایشانست مدرسه علمی جنب مسجد مذکور.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

روضاتی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی بن آیه‌الله العظمی آقا میرزا مسیح روضاتی در 21 ماه صفر 1283 در اصفهان متولد شده و در فقه و اصول بدرجه عالیه اجتهاد رسیده و از مشایخ خود اجازه اجتهاد داشت و تمام عمر خود را بمطالعه و تألیف و اقامه جماعت و نشر احکام صرف کرد و کتابخانه بسیار نفیسی داشت که همیشه در گوشه آن مشغول تألیف بود و در خدمت مرحوم حاج میرزا بدیع و جد خود صاحب روضات و عموی خود صاحب مبانی الاصول تلمذ نموده و از جدش صاحب روضات و عمو و پدرش خود اجازه داشت و در مدت حیاتش در مسجد خیابان اقامه جماعت نموده و نشر احکام میفرمود. از آثار و تألیفات ایشانست کتاب بزرگ (مکائد الشیطان) و نیز شش جلد بزرگ که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است در جنگ متفرقات.
در 16 ماه رمضان 1360 قمری وفات نموده و در مقبره جدش مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روضاتی، مسیح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله العظمی آقا میرزا مسیح ابن العلامه صاحب روضات در 27 شوال 1255 قمری در اصفهان متولد شده و تحصیلات خود را نزد حاج ملا حسین علی تویسرکانی و حاج شیخ محمد باقر بن حاج شیخ محمد تقی صاحب حاشیه معالم و مرحوم والدش و عم گرامش بپایان رسانیده تا از مجتهدین بزرگ و بنام اصفهان گردیده و از والد و برادرش اجازه اجتهاد داشت و در اصفهان ملجاء عوام و خواص و پناهگاه مردم و مورد وثوق همگان بود تا در نهم ذی‌الحجه 1325 قمری در اصفهان وفات نموده و در مقبره والدش مدفون گردیده و شعراء در رثاء او قصائدی سروده‌اند از جمله طرب گوید:
طرب ز شور پی سال رحلتش گفتا
(در آسمان چهارم مسیح یافت مکان)
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روغنی قزوینی، ام‌کلثوم

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
حدود 1320 -1243 ق، از زنان مجتهد، محدث و نیکوکار. وی دختر شیخ کریم روغنی از فضلا و مدرسین قزوین بود. او علوم اسلامی را از علمای مدرس قسمت زنانه مدرسه صالحیه قزوین فراگرفت و سپس در درس فقه و اصول شیخ محمدصالح برغانی (1275 / 1270 ق) و شهید ثالث، شیخ محمدتقی برغانی (1264 ق) و پدرش حضور یافت. وی به همراه خانواده‌اش به کربلا و نجف مهاجرت کرد و در درس علمای بزرگ این شهر حاضر شد. در جوانی با شیخ ابراهیم زنجانی ازدواج کرد و دارای چهار فرزند شد که همگی آنها از علما و فضلای عصر خود بودند.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، 43 / 3؛ تاریخ زنجان، 358؛ دایرةالمعارف تشیع، 508 / 2.

رویانی طبری، فخرالاسلام، ابوالمحاسن عبدالواحد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(415- شهادت 502 ق)، قاضی و فقیه. اصل وی از رویان مازندران است. از عبدالغافر بن محمد فارسی حدیث شنید و از محمد بن بیان کازرونی فقه آموخت. زاهر بن طاهر شحامی یکی از شاگردان او بود رویانی یکی از مشایخ سید ضیاءالدین فضل‌اللّه راوندی و قطب راوندی است. وی از نظر اخلاقی و مذهبی از بزرگان عصر خود به شمار می‌رفت، موجه بود و حرمت بسیار داشت و نظام‌الملک وزیر او را به خاطر فضلش بسیار احترام می‌کرد. او سفری به بخارا داشت و در این سفر از غزنه و نیشابور نیز دیدار کرد و با فضلا ملاقات نمود و در مجلس درس ناصر مروزی حاضر گشت. او در آمل مدرسه‌ای ساخت و در آنجا حدیث گفت، سپس به ری آمده و به تدریس پرداخت. سفری نیز به اصفهان داشت و در جامع اصفهان حدیث گفت. سرانجام در روز جمعه یازدهم محرم در جامع آمل پس از املاء حدیث، چون به الحاد اسماعیلیه (باطنیه) فتوا داده بود به دست آنها به شهادت رسید. از آثار وی: «بحر المذهب»، در فروع که از کتب مفصل شافعی‌ها است؛ «مناصیص الامام الشافعی» یا «نصوص الشافعی»؛ «الکافی»، در فروع؛ «حلیه المومن»؛ «التهذیب فی غریب الحدیث»؛ «الفروق»؛ «التحبیر»؛ «العوالی»، در حدیث؛ «المبتدا»؛ «حقیقه القولین»؛ «الجعفریات»؛ «تکمله السعادات فی تکمله العبادات المسنونات»، به فارسی؛ «جمع الجوامع»؛ «التخلیص». وی در اصول و خلاف نیز تصنیفاتی دارد. در «ریاض العلماء» وی را شیعه مذهب دانسته که به تقیه روزگار می‌گذرانیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (324/4)، ایضاح المکنون (130/2)، خاتمه مستدرک الوسائل (109/3، 177 -175 /1)، ریاض العلماء (279 -276 /3)، ریحانه (345 -344 /2)، شهیدان راه فضیلت (77 -73)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 168/6)، کشف الظنون (1957، 1579، 1456، 1379، 1378- 1178، 691، 674، 518، 355، 226)، الکنی و الالقاب (152/1)، لغت نامه (ذیل/ عبدالواحد)، وفیات الاعیان (199 -198 /3)، معجم البلدان (118/3)، معجم المؤلفین (207 -206 /6)، هدیه العارفین (634/1).

رویانی، ابوبکر محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 307 ق)، حافظ، محدث، مسند و فقیه. از ابی‌ربیع زهرانی و اسحاق بن شاهین و محمد بن حمید رازی و ابوزرعه رازی و ابن‌واره رازی و ابوکریب محمد بن علاء و عمرو بن علی فلاس و عده‌ای دیگر حدیث روایت کرد. ابوبکر اسماعیلی و ابراهیم بن احمد قرمیسینی (کرمانشاهی) و جعفر بن عبداللّه بن فناکی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی تصانیفی در فقه است. از دیگر آثارش «السمند»، در حدیث است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (482/2)، سیر النبلاء (510 -507 /14)، کشف الظنون (1683)، معجم المؤلفین (85/12)، الوافی بالوفیات (148/5)، هدیه العارفین (25/2).

رویانی، ابونصر شریح

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 505 ق)، قاضی، فقیه و اصولی شافعی. وی سمت قضای آمل را بر عهده داشت. از آثارش «روضه الحکام و زینه الاحکام» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (592/1)، کشف الظنون (923)، معجم المؤلفین (298/4)، هدیه العارفین (416/1).

ریاض همدانی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1268 ق)، خطاط، شاعر و نویسنده. وی در همدان متولد شد. نزد ابوالقاسم ذوالریاستین تحصیل کرد و بعد از مرگ استادش به تهران سفر نمود بعد از مدتی در انزوا زیستن، امیرکبیر او را شناخت و برکشید. بعد از مرگ امیرکبیر مریض شد و در سن جوانی درگذشت. ریاض از شاعران و نثرنویسان عهد محمدشاه و ناصرالدین‌شاه بود. وی صاحب مقالاتی به سبک بدیع‌الزمان و مقامات حمیدالدین بلخی است و کتابی نیز به نام «گنج شایگان» دارد که در آن از «گلستان» سعدی و «پریشان» قاآنی تقلید کرده است. میرزا جعفر به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفته و در نجوم و هندسه و حساب نیز دست داشته است و به قولی رساله‌ای در موسیقی نیز داشته و در نگارش خطوط نسخ و شکسته توانا بوده است. از آثار چاپ شده‌ی وی: «غزلیات ریاض»؛ «الف لیله»؛ «دیوان شعر».[1]
ابراهیم ریاضی از علماء بنام و دانشمندان گرامی نجف‌آباد بوده‌اند.
وی در سال 1277 شمسی در نجف‌آباد در یک خانواده زراعت پیشه‌ای متولد شده و چون در کودکی پدر خود را از دست داد تا سن 18 سالگی تحت سرپرستی برادر بزرگش به زراعت اشتغال داشت.
ولی در این سنین علاقه‌ای که از مدتها پیش به تحصیل علم داشت او را به سوی حوزه علمیه اصفهان کشانیده و پس از فراگرفتن علوم مقدماتی و ادبیات و... در اصفهان عزیمت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری (مؤسس) حوزه استفاده نموده و به واسطه شدت علاقه‌اش به تحصیل و تقوای باطنی که داشت مورد توجه و اعتماد استاد واقع و کم‌کم جزو معاریف حوزه و نزدیکان آن مرحوم گردید.
خلاصه آن مرحوم مدت دوازده سال در اصفهان و قم تحصیل و کسب علم و کمال نمود و در سن سی‌سالگی به نجف‌آباد مراجعت و ازدواج نموده و در آنجا ملازمت فقیه زمانش مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ احمد حججی که عالمی بی‌آلایش و مروجی کم‌نظیر بود اختیار و مشغول به تبلیغ و ترویج گردید و در مدت کوتاهی به خدمتگذاری و خیراندیشی معروف و با همت بلند و کوشش صادقانه خود و کمک مردم یک مرکز علمی و دینی به نام (مدرسه الحجتیه) تأسیس که دارای سی حجره و مدرس و کتابخانه مجهز و مسجدی آبرومند می‌باشد.
مرحوم ریاضی برای تدریس و تربیت طلاب علوم دینی زحمات فراوانی

متحمل شده و بر اثر کوشش معظم‌له در این مورد بالغ بر سیصد نفر دانشجوی علوم دینی در مقامات مختلف از این شهر و حومه آن برخاسته که هر کدام به نوبه خود مشغول انجام وظیفه هستند.
باری آن مرحوم بر اثر فعالیتهای خستگی‌ناپذیر و عشق و علاقه‌ای که به خاندان رسالت داشت چندین مسجد بنام آن بزرگواران و نیز برای رفاه مردم حمام و حسینیه بنا نموده است.
مرحوم ریاضی به واسطه کاردانی و معنویت و تقوائی که داشت در شهر نجف‌آباد چنان نفوذ کلام داشت که حتی دعاوی و اختلافات چندین ساله محاکم قضائی را در یک جلسه فیصل می‌داد و مردم شهر به دیده احترامی بیش از حد به وی می‌نگریستند که این توجه برای خدمت به خلق و بسندگی خالص خدا و پاکی نیتش بود بارها شده بود که برای تشویق مردم به امور خیر شخصا بیل و کلنگ به دست گرفته و به امور ساختمانی مدرسه و مسجد و... کمک می‌کرد.
خلاصه عمری کوتاه و بابرکت داشت به طوری که این همه خدمت و فعالیت در این مدت کوتاه جز به توفیقات الهی میسر نیست.
آن مرحوم در مهرماه 1333 شمسی در سن پنجاه و شش سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت و در حسینیه اعظم که از بناهائی است که به دست آن مرحوم پایه‌گذاری شد دفن گردید و فوت آن مرحوم انقلاب عظیمی در استان اصفهان به وجود آورد به طوری که از فرسخها راه عزاداران به صورت دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن حرکت و به نجف‌آباد آمده و مورد استقبال گرم مردم نجف‌آباد شده و این تظاهرات موجب شد که عده‌ای از جوانان علاقمند به تحصیل علوم دینی گردیدند.
آری مرحوم ریاضی حیات و مماتش برکت و تبلیغ بود. دارای چندین فرزند می‌باشد که از آنها فرزند ارشدش ثقه‌الاسلام آقا شیخ حیدرعلی ریاضی در لباس مقدس روحانیت اشتغال به انجام وظیفه دینی دارند و مورد احترام طبقات مختلف شهر می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (396 -395 /9)، فرهنگ سخنوران (407 -406)، المآثر و الآثار (205)، مؤلفین کتب چاپی (318/2)، مجمع الفصحا (331/4).

ریاضی خوانساری، ابوالقاسم جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1380 -1313 ق)، فقیه، حکیم، ادیب و ریاضیدان. وی در 1328 ق از اصفهان به نجف مهاجرت کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث پرداخت و در ریاضیات سرآمد اقران شد وی به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نشر احکام پرداخت. او در گلگیت نزدیک کشمیر از دنیا رفت. کتابخانه نسبتا غنی از وی باقی ماند. او تالیفاتی چند به نظم و نثر دارد. که از آن جمله می‌توان به «سفائن البحار»، به فارسی، منظوم؛ «بحر الحساب»، به فارسی؛ «اعجاز المهندسین»؛ رساله‌ی «الجبر و المقابله»؛ رساله «قابلیه التقسیم»، در اعداد؛ رد «ابطال الرمل»؛ و «تسهیل القسمه» اشاره کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 64/14)، مؤلفین کتب چاپی (255/1).

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1290 ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام».[1]
سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمنا تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.
آقای ریحان محرم 1330 قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.
وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.
آثار قلمی ریحان از این قرار است: 1- آئینه دانشوران 2- درس انشاء یا علم بیان 3- بازرگانی محمد (ص) 4- تفسیر ریحان 5- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی 6- کتابهائی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد 7- داماد کربلا.
آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.
نگارنده در دو سفری که در سال 1389 و سال 1390 قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌اللّه توفیقه.
وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.
تولد: 1330، ق.، یزد.
درگذشت: 1367.
سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (263 -262 /2)، آیینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (822/2)، تذکره سخنوران یزد (545 -541)، الذریعه (19/26)، گنجینه‌ی دانشمندان (457 ،451 /7)، مؤلفین کتب چاپی (566 -565 /4).

ریزی لنجانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا عبدالوهاب بن شیخ علی. عالم فاضل جلیل زاهد، فقیه مجتهد اصولی، از اکابر علما و مدرسین اصفهان. در قریه‌ی ریز متولد، لنجان و در نزد پدر و جمعی دیگر از بزرگان در اصفهان تحصیل نموده، به نجف اشرف مهاجرت کرده، و مدت دو سال درس شیخ انصاری را درک نموده، و به درس آقا سید حسین ترک و جمعی دیگر نیز حاضر شده، و او اول کسی است که در اصفهان کتاب فرائد استادش را تدریس نمود.
به زهد و عبادت و استجابت دعا و اعراض از مردم دنیا معروف بوده، در مسجد ذکر الله تدریس و امامت می‌نموده، و شبهای جمعه در تخت فولاد به احیا و قرائت دعای کمیل مشغول بوده، و جمعیتی متجاوز از ده هزار نفر پای منبر حاضر می‌شده‌اند.
سرانجام در شب 17 رمضان المبارک سال 1329 به سن حدود هشتاد وفات یافته، در تکیه‌ای مخصوص به نام خود مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش را مرحوم حبیب‌الله نیر گوید:
«انهدمت ارکان زهد و الرشد»
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ریزی، مرتضی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ مرتضی ریزی فرزند شیخ عبدالوهاب از اساتید مسلم فقه و اصول و از مدرسین جامع و عالی قدر حوزه علمی اصفهان بود. این عالم بزرگوار نزد پدر و جمعی از بزرگان اصفهان تحصیل نمود و به نجف اشرف مهاجرت کرده و مدت دو سال درس شیخ مرتضی انصاری را درک نموده و در مجالس درس آقا سید حسین ترک و جمعی دیگر نیز حاضر شده و به درجه اجتهاد رسید ایشان اولین عالم در اصفهان است که کتاب فرائد استادش را تدریس مینمود و در زهد پرهیزکاری، عبادت، استجابت دعا و کناره گیری و کم معاشرت نمودن با مردم معروف بود.
ایشان در مسجد ذکرالله تدریس و امامت می نمود و شبهای جمعه در تخت فولاد به احیاء و قرائت دعای کمیل مشغول بوده و جمعیتی متجاوز از ده هزار نفر پای منبر او حاضرمی شدند و چنان «الهی العفو» و یا « نور یا قدوس»می گفتند که صدایشان در اصفهان شنیده می شد. حتی نقل شده که آخوند کاشی نیز در مجالس دعای کمیل مرحوم ریزی شرکت می نموده و آن مجلس را با شور حال و وصف می کند.
سرانجام این عالم جلیل در شب هفدهم رمضان المبارک سال 1329 ق در اصفهان در گذشت و در محل محراب عبادت شب های جمعه خود در تخت فولاد مدفون گردید. حاج محمد حسین کازرونی از تجار خوش نام اصفهانی بر مزارش تکیه و بقعه ای را بنا نهاد.

رییس شیرازی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1330 ش)، فقیه و شاعر. ملقب به رئیس‌العلما. وی در شیراز متولد شد. علوم دینی را از پدر آموخت و سالها در آن شهر به رتق و فتق امور شرعی می‌پرداخت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (570 -567 /2)، فرهنگ سخنوران (367).

رئیسی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود رئیسی از علماء مبرز و به نام معاصر شهرستان قزوین است تولدش در سال 1300 قمری واقع شده و اکنون نود و پنج سال از عمر مبارکش می‌گذرد و در دارالمؤمنین قزوین به خدمات دینی و امامت در مسجد جامع آنجا اشتغال دارد و روزهای جمعه برای دعای سمات به مزار کثیر البرکات جناب شاهزاده حسین قزوین آمده و با صدها نفر مردم متدین آن شهرستان پس از دعای مزبور اقامه جماعت می‌نمایند.
معظم له پس از خواندن اولیات شرح لمعه و قوانین را در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه آقا محمد تحصیل کرده و رسائل و مکاسب را از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج ملا علی طارمی خوانده و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج ملا علی‌اکبر قزوینی که از مجتهدین بزرگ این شهرستان بودند استفاده نموده و فنون مختلف دیگر مانند خلاصة الحساب شیخ‌بهائی و بیست باب ملا مظفر و هیئة فارسی را نزد مرحوم حاج ملا علی و مارگوولیک تور فرانسه فیزیک و شیمی را نزد دکتر ابوالقاسم خان و قانونچه و شرح نفیس و شرح اسباب را نزد مرحوم حاج میرزا احمد احسن الحکماء خوانده و ضمناً تدریس مطول و شرح لمعه و قوانین را نموده و در مسجد خویش بعد از اداء فرائض برای مردم مسائل اعتقادی و احکام شرعی و موعظه می‌نماید.
مرحوم میرزا فضل‌اللّٰه جد معظم له رئیس جامع معقول و منقول بوده و اهل صنعت در حق او عقیده بزرگی داشتند و می‌گفتند که وی دارای علم کیمیا بوده و خودش در یکی از دو بیت اشعارش به این موضوع اشاره کرده و گفته:
چه فاضل از غم ایام می‌سوخت
خداوندش ز صنعت بهرور کرد
و در بیت دیگر گفته:
تو فاضلا نرسیدی به این مقام بلند
مگر بحب علی و مگر بلعن ع م ر
جناب آقای رئیسی در علم طب نیز زحماتی کشیده و اطلاعاتی در این فن بدست آورده و درباره چشم و اجزاء آن سروده است.
کرد آفریدگار تعالی بلطف خویش
چشمت به هفت پرده و سه آب منقسم

فلس مشیمه شبکه زجاجی و پس جلیه
پس عنکبوت بیض عنبسه قرن ملتئم
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زابلی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید رضا بن مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید محمد امین‌الرعایا زابلی از علماء معروف معاصر شهرستان کرج است، وی در سال 1322 ق در شهر زابل متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سن 18 سالگی با معیت برادر بزرگشان مرحوم حجةالاسلام آقا سید حسن زابلی جهه تحصیل به مشهد مقدس مشرف و در مدرسه باقریه ساکن و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و پس از چند سال برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه قوام اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و ضمناً مباحث اخلاقی و سلوکی جمال السالکین و سید العارفین آیت‌اللّه آقا سید علی آقای قاضی طباطبائی استفاده نموده آنگاه به امر مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی منتقل بسامرای و چندی سرپرستی مدرسه علمیه مرحوم میرزاء شیرازی را بعهده گرفته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی به قم آمده و مورد لطف و محبت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قرار گرفته و به امر آن بزرگوار برای ارشاد و هدایت مردم کرج به این شهرستان عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا اکنون در مسجد اعظم خیابان کشاورز آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام مشغول میباشند.
دارای فرزندان برومندی هستند که همگی در پستهای حساس روحانیت اشتغال بخدمات دینی دارند و آنها از این قرار می‌باشند:
1- جناب حجةالاسلام آقا سید محمد زابلی که اکنون در مدرسه سپهسالار قدیم به تدریس و مباحثات اشتغال دارند.
2- جناب حجةالاسلام آقای سید علی زابلی مقیم نجف که از تلامذه و مشترکین مباحث آیت‌اللّه العظمی خوئی هستند.
3- جناب حجةالاسلام آقا سید ابوالحسن زابلی که در بروجرد سکونت و به اقامه جماعت و تبلیغات احکام دین اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

زاز سرخسی مروزی، ابوالفرج عبدالرحمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 494 -432 ق)، فقیه و محدث شافعی. معروف به زاز بود. نزد قاضی حسین فقه آموخت و از استاد ابوالقاسم قشیری و حسن بن علی مطوعی و ابومظفر محمد تمیمی و بسیاری دیگر حدیث شنید. احمد بن محمد نیشابوری و ابوطاهر سنجی و عمر بن ابی‌مطیع و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. از آثار وی: کتاب «الاملاء»، در مذهب شافعی، که به گفته یاقوت حموی از «الشامل» ابن‌صباغ بزرگتر است. در «کشف الظنون» این کتاب تحت عنوان «الامالی»، در فقه، آمده است. از دیگر آثار وی «تعلیقه» است که نووی در «تهذیب الاسماء و اللغات» از آن نام برده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (155 -154 /19)، کشف الظنون (163)، معجم البلدان (235/3)، معجم المؤلفین (122 -121 /5)، هدیه العارفین (518/1).

زاغولی مروزی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(559 -472 ق)، حافظ، محدث، مفسر، لغوی و فقیه شافعی. منتسب به زاغول از قرای پنج ده مرو رود بود در انجا به دنیا آمد و در مرو سکنی گزید و اشتهار یافت. نزد ابوبکر محمد سمعانی و موفق بن عبدالکریم هروی فقه آموخت و از ابوالفتح نصر بن ابراهیم حنفی و ابومحمد بغوی و عیسی بن شعیب سجزی حدیث شنید. وی تمام عمر خویش را در طلب و گردآوری حدیث و تالیف و تصنیف به سر آورد. او در لغت صاحب نظر بود. سفری به هرات کرد و در آنجا شاگردانی تربیت کرد. ابوسعد عبدالکریم سمعانی و پسرش ابوالمظفر عبدالرحیم سمعانی از شاگردان وی می‌باشند. زاغولی بیش از چهارصد مجلد مشتمل بر تفسیر و حدیث و فقه و لغت را گردآورد و آن را «قید الاوابد» نامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (333/6)، سیر النبلاء (493 -492 /20)، کشف الظنون (1367)، معجم المؤلفین (254/9)، الوافی بالوفیات (373/2)، هدیه العارفین (94/2).

زاهد علایی بخاری، ابوعبداللّه، محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 546/545 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، واعظ و متکلم حنفی. معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املای حدیث می‌کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمان» یا «تفسیر علائی» است که بیش از هزار جزء می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (458 ،454)، معجم المؤلفین (133/10)، الوافی بالوفیات (232/3)، هدیه العارفین (91/2).

زاهد قمی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی بن شیخ ابراهیم بن شیخ محمدعلی قمی نجفی از علماء نامی و زهاد سامی و معروف به (زاهد قمی) معاصر ما بوده است
وی در 27 رمضان در سال 1380 ق در تهران از دختر علامه شیخ مشکور نجفی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح اولیه را در تهران خوانده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نموده و از ابحاث میرزا حبیب‌اللّه رشتی و علامه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و علامه حاج میرزا حسین خلیلی و علامه آسید محمدکاظم یزدی و آشیخ رضا همدانی صاحب (مصباح الفقیه) استفاده نموده و به مدارج علم و کمال رسیده و بیشتر به علم و عبادت و زهد و قناعت پرداخته و در مسجد هندی اقامه جماعت نموده و خود نگارنده مدتها ناظر و شاهد بودم که وجوه آیات عظام و علماء اعلام و مراجع کرام مانند آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی و حاج شیخ موسی خونساری و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج سید محسن حکیم و آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آسید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی حاج ابوالقاسم خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و آشیخ عبدالکریم جزایری و صدها نفر امثالهم به وی اقتدا نموده و درک جماعت او را فوز و فیض عظیم می‌شمردند
آن مرحوم در درس اخلاق ناسک و سالک بزرگ الی‌اللّه آخوند ملا حسینقلی همدانی متوفی (1311) شرکت و استفاده سرشار نموده و روش آن عالم ربانی را گرفته و علم حدیث و درایه را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری بهره‌مند شده است دارای تألیفات عدیده می‌باشد که صاحب الذریعه آن را کتابش ذکر کرده است و از آنهاست کتب زیر:
1- شرح التبصره در ده جلد بزرگ 2- صلوة المسافر بحث فقهی استدلالی.
3- تقریرات استادش میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی.
4- الرجال- تراجم اسانید کافی 5- الاجاره 6- الکشکول در چندین جزء
دارای فرزندان صالح و برومندیست که ذیلا می‌نگارم.
1- علامه فاضل مرحوم آقا شیخ حسن قمی داماد شیخ مشکور صغیر که در راه کربلا بدست قطاع الطریق در حیاة والدش مقتول گردید.
2- شیخ شریف که به مرض سل در زندگی پدرش در تهران وفات و در مقبره‌ی ابن‌بابویه مدفون شده است.

3- شیخ محمد نیز در زمان پدرش وفات نمود و او اهل فضل و تقوا بود.
4- حجةالاسلام والعالم العلام حاج شیخ موسی که از معاودین و اعلام معاصرین قم می‌باشد.
5- حاج محمدجعفر که از اخیار تجار و اصناف می‌باشد.
6- یک دختر که همسر علامه شیخ محمد مؤمنی قوچانی نجفی بوده است.
آن مرحوم در سال 1366 ق مبتلا به کسالت شده و در بغداد و تهران معالجه نموده ولکن مفید نشده تا در شب چهارشنبه 22 جمادی‌الاولی 1371 ق وفات نموده و در جوار مولی‌الموحدین مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زاهدی غزمینی خوارزمی، نجم‌الدین، ابوالرجاء مختار

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 658 ق)، فقیه و اصولی حنفی. معروف به زاهدی. نسبت وی به غزمین از قصبات خوارزم می‌رسد. سفری به بغداد و روم کرد. وی از شاگردان سکاکی بود. از آثارش: «المجتبی» در شرح «المختصر القدوری»، در فقه حنفی، در سه مجلد؛ «الصفوه»، در اصول فقه؛ «فرائض زاهدی»؛ «الجامع فی الحیض»؛ «کتاب فضائل» یا «فضائل شهر رمضان»؛ «رساله الناصریه»، در نبوت و معجزات؛ «قنیه الفتاوی»؛ «قنیه المنیه لتتمیم الغنیه»؛ «الحاوی فی الفتاوی»؛ «تفسیر قرآن» یا «تفسیر زاهدی»؛ «زاد الائمه فی فضائل خصیصه الامه»؛ «فضل التراویح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (72/8)، ریحانه (357/2)، کشف الظنون (1921 1631، 1592، 1446- 1447، 1278، 1357، 1247، 1080، 945، 897، 895، 893، 866، 628، 577)، لغت نامه (ذیل/ مختار)، معجم المؤلفین (211/12)، هدیه العارفین (423/2).

زاهدی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1309 ق)، محدث، مفسر، فقیه و مدرس. وی در قم به دنیا آمد. پس از گذراندن مقدمات و سطوح نزد میرزا سید محمد برقعی حدود ده سال از محضر حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده نمود. مدت دو سال در اراک اقامت داشت، سپس به قم مراجعت کرد و در درس فقه و اصول آیت‌اللّه حایری، موسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، حاضر شد. علم حکمت و فلسفه را نزد میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی فراگرفت. پس از فوت آیت‌اللّه حایری دو سال در تهران در مسجد جامع به گفتن تفسیر و احادیث و مواعظ پرداخت. در 1368 ق به قم بازگشت و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه‌ی فیضیه و تدریس فقه و اصول مشغول شد. از آثار عام‌المنفعه وی، بناء و تعمیر قسمت غربی مسجد امام که در دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته شده است. از آثار علمی‌اش: «رساله الشرط و آثاره»؛ «رساله الضرر»؛ «افعل و ما افعل»؛ «منطق الحسین (ع)»؛ «مقصد الحسین (ع)»؛ «تسهیل الامر فی بحث الامر»؛ «اثبات المعلوم فی نفی المفهوم»؛ «ارغام الکفره فی سوره البقره»، ناتمام؛ «اقسام‌الدین»، ناتمام؛ حواشی بر «جواهر». [1]
آقای حاج میرزا ابوالفضل بن العلامه الناطق حاج ملا محمود الواعظ از آیات عظام و علماء اعلام و حجج اسلام شهرتسان قم و حوزه علمیه عالمی عامل و فاضلی کامل و محدثی خبیر و مفسری بصیر است و ایشان از طرف مادر منسوب به سادات رضوی و سبط مرحوم حاج سید عبدالباقی رضوی که از خدام ذوی الاحترام حضرت معصومه علیهاالسلام بوده می‌باشد.
تولدش در 16 شعبان 1309 قمری در بلده طیبه قم واقع شده و پس از بلوغ و رشد مقدمات و سطوح را خدمت مرحوم علامه میرزا سید محمد برقعی بن العلامه حاج سید عبدالله قمی خوانده و حدود ده سال از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده نموده و دوبار در سال 1336 و 1339 به اراک مسافرت کرده و دو سالی در آنجا توقف و در سال 1340 قمری مراجعت به قم و حاضر به درس فقه و اصول مرحوم آیت‌الله موسس حایری گردیده و علم حکمت و فلسفه را نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر یزدی خوانده و پس از فوت مرحوم حایری چند سال در تهران توقف نموده و به گفتن تفسیر و احادیث و مواعظ در منبر مسجد

جامع ترویج دین نموده و هم در آنجا اقامه جماعت کرده تا سال 1368 قمری که مراجعت به قم و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه فیضیه و درس فقه و اصول برای طلاب و فضلاء حوزه اشتغال و از تاریخ مزبور تاکنون در مسجد امام علیه‌السلام قم اقامه جماعت دارند و شبها برای مردم تفسیر گفته و از این طریق خدمت به شرع انور می‌نمایند. آثار علمی و باقیات الصالحات معظم‌له از این قرار است:
1- بناء و تعمیر قسمت غربی مسجد امام دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته و تکمیل نموده و برای این منظور در مقابل نادانان و حسودان ابناء نوع استقامتی عجیب کرده و در راه حق از ملامت ملامت‌کننده نهراسیده تا به مقصود که احیاء مسجد باشد رسیده است.
و اما آثار علمی از این قرار است:
1- رساله الشرط و آثاره 2- رساله الضرر 3- افعل و ما افعل 4- منطق الحسین علیه‌السلام 5- مقصد الحسین علیه‌السلام 6- تسهیل الامر فی بحث الامر 7- اثبات المعلوم فی نفی المفهوم 8- ارغام الکفره فی سوره البقره ناتمام 9- اقسام الدین ناتمام 10- بعضی حواشی بر جواهر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (166 -165 /2).

زجاجی طبری، ابوعلی حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 400 ق)، محدث و فقیه شافعی. وی متولی قضاوت بود. از آثارش «التهذیب»، در فروع فقه شافعی که مختصری مشتمل بر «فروع زائده علی المفتاح» است که به همین مناسبت به نام «زوائد المفتاح» نامیده شده است. از دیگر آثارش تصنیف کتابی در «علل الحدیث» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1769، 1160، 517)، معجم المؤلفین (284/3).

زرآبادی، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید موسی حسینی زرآبادی که سبط عالم جلیل مولی کریم روغنی است فیلسوف متاله و حکیمی الهی و متکلمی توانا و فقیهی اصولی و مبین معارف ائمه معصومین علیهم‌السلام بود.
در سال 1311 قمری در بیت علم و تقوا به دنیا آمده و در دوران کودکی مقدمات و ادبیات را خوانده و از محضر اساتید بزرگ چون حاج مولی علی‌اکبر ایزدی متوفی 1330 فقها و اصولا استفاده نموده و تقریرات درس ایشان را مبسوطا نوشته و به تهران مسافرت کرده و در مدرسه سید نصرالدین مشغول تکمیل علوم عقلی و نقلی و ریاضی شده و از محضر میرزا ابوالحسن جلوه متوفی 1314 قمری و میرزا حسن کرمانشاهی متوفی 1336 قمری و میرزا شهاب شیرازی و شیخ علی نوری متوفی 1335 بهره برده و پس از تکمیل مراتب علمی به قزوین مراجعت و به تدریس علوم اسلامی از عرفان و فلسفه و کلام و فقه و اصول و تربیت و ارشاد مشغول و شاگردانی مبرز در علم و تقوی چون مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر الهیان و حاج شیخ مجتبی قزوینی و حاج سیدعباس مدرسی و حاج سید جوادی تربیت نموده است. دارای تألیفاتی نافع در علوم مختلفه می‌باشند.
1- اصول دین
2- اعتقادات
3- تعلیقه بر رسائل شیخ انصاری
4- حاشیه بر منظومه سبزواری
5- حاشیه بر الهیات اشارات
6- حاشیه بر منطق اشارات
و رساله‌های دیگری در مواعظ و علوم فلسفه و غیر اینها.
معظم‌له در دوم ربیع‌الثانی 1353 هجری قمری از دنیا رفته و در جوار حضرت شاهزاده حسینی قزوین مدفون شده است.
(1353 -1294 ق)، فقیه. وی در قزوین و تهران به تحصیل علوم معقول و منقول پرداخت. حاج ملا علی‌اکبر ایزدی سیادهنی تاکستانی از استادن وی بود که سید موسی «تقریرات» درس فقه و اصول ایشان را نگاشته است. وی در تهران در محضر اساتیدی چون میرزا حسن کرمانشاهی و سید شهاب‌الدین شیرازی و شیخ علی نوری حکمی و شیخ فضل‌اللّٰه نوری

کسب فیض کرد. شیخ علی الهیان تنکابنی و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی و شیخ هاشم قزوینی و سید محمدتقی معصومی اشکوری و سید علی محمد حاج سید جوادی و بسیاری دیگر از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: تعلیقه بر بخشی از «رسائل»؛ حاشیه بر «مطول»، بخش علم بیان؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ شرح «سامان و ابسال» ابن‌سینا؛ رساله‌ی «اعتقادات»، به عربی؛ حاشیه بر «منظومه» سبزواری؛ حاشیه بر «شرح اشارات»، بخش الهیات؛ «اصول‌الدین»، به فارسی؛ رساله‌ای درباره‌ی مشروطیت؛ حاشیه بر منطق «اشارات».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 9، ش 12، ص 27 -26 ،5).

زرندی، شمس‌الدین، جمال‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(693- ح 750 ق)، حافظ، محدث، قاضی و فقیه حنفی. وی در مدینه نبوی به دنیا آمد. پس از پدرش منصب تدریس در آن شهر را بر عهده داشت و محدث آنجا بود. بعد از 742 ق به شیراز رفت و به نشر حدیث و تدریس پرداخت. زرندی منصب قضاوت را در آن شهر تا پایان عمر عهده‌دار بود. او در شیراز از دنیا رفت. از آثارش: «درر السمطین فی مناقب السبطین (ع)» یا «درر السمطین فی فضائل المصطفی و البتول و السبطین (ع)» یا «فی فضائل المصطفی و المرتضی و السبطین»؛ «بغیه المرتاح»، شامل «چهل حدیث» با شروح و اسانید؛ «مولد النبی (ص)»؛ «معارج الوصول الی معرفه آل الرسول (ع)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (27 -26 /8)، ریحانه (375/2)، کشف الظنون (747 ،250)، الکنی و الالقاب (297/2)، معجم المؤلفین (125 -124 /12)، هدیه العارفین (157/2).

زمانی، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی زمانی درسال 1353هجری قمری درنجف آباد اصفهان درخانوادهای متدیّن و اهل فضل و تقوی بدنیا آمد. وی درپایان تحصیلات مقدماتی به قم رفت و به آموزش علوم دینی و زبان عربی پرداخت. زمانی مدت هشت سال ازدروس فقه و اصول حضرت امام(ره) بهرهمند شد و پس ازآشنایی با شهید دکترمفتح نخستین اثرش را با نام ابراهیم بت شکن یا قهرمان توحید منتشرکرد. مرحوم زمانی روحیه ظلم ستیزی داشت؛ ازاین رو چندین بارعوامل رژیم پهلوی وی را دستگیرو زندانی کردند. مرحوم زمانی درهریک ازآثارش به نشرحقایق اسلامی و طرح اندیشههای مذهبی دربرخورد با مسائل اجتماعی و اخلاقی میپردازد. گفتنی است که کتاب« اَلشّیعَةُ وَالحاکِمون » تألیف محمد جواد مغنیه را تحت عنوان «شیعه و زمامداران خودسر» به فارسی ترجمه کرده است.30بهمن ماه سال1369هجری شمسی حجة الاسلام مصطفی زمانی نویسنده، محقق و ازمدرسان حوزه علمیه قم در58 سالگی بدرود حیات گفت.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

زنجانی نجفی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1296 ق)، فقیه، مجتهد و حکیم. وی در قریه‌ی دواسب از توابع زنجان متولد شد. مقدمات و متون فقهی را در زنجان خواند پس از آن به نجف مهاجرت نمود. بعد از تکمیل تحصیلات در سال 1330 ق به زنجان بازگشت و به انجام وظائف شرعی پرداخت. در زنجان درگذشت و پیکرش را به قم بردند و در جوار مرقد علی بن جعفر دفن شد. از آثارش «فلسفه‌ی اتحاد مسلک» یا «فصل الخطاب و فلسفه‌ی اتحاد صواب» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (305/16)، گنجینه‌ی دانشمندان (231/5)، مؤلفین کتب چاپی (399 -398 /1).

زنجانی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید میرزا ابوالقاسم بن سید محمدباقر زنجانی اصفهانی عالمی جلیل بوده و در سال 1336 ق وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، ابوالمکارم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالمکارم بن ابی‌القاسم زنجانی متولد 1255 و متوفی 1330 ق عالمی فاضل و فقیهی کامل بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، ابوالمناقب محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 656 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و لغوی شافعی. وی در بغداد متوطن بود. مدتی نیز نیابت قاضی القضاتی را بر عهده داشت تا عزل شد. در نظامیه به تحصیل و تدریس پرداخت. وی درایام فتح بغداد به دست هلاکو کشته شد. از آثارش: «السحر الحلال فی غرائب المقال»، در فروع فقه شافعی؛ «ترویح الارواح فی تهذیب الصحاح» جوهری، در لغت؛ «تفسیر القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1073، 981)، معجم المؤلفین (149 -148 /12)، هدیه العارفین (405/2).

زنجانی، امین‌الدوله، ابوالقاسم محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1224- 1292 ق)، عالم، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. نسبش به اما موسی کاظم (ع) می‌رسد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. در زنجان مدتی به تحصیل مقدمات مشغول بود آنگاه به قزوین مسافرت کرد و به محضر درس بزرگانی چون ملا عبدالوهاب و ملا محمدتقی شهید حاضر شد، سپس به اصفهان رفت و از شاگردان سید محمدباقر حجةالاسلام رشتی و حاج محمد ابراهیم کلباسی شد. در سی و پنج سالگی پس از تکمیل تحصیلات علمیه به زنجان مراجعت نمودند. ستیزش با بابیان مشهور و احضارش به تهران به امر محمدشاه قاجار معروف است. او پدر سه دانشمند معروف: میرزا ابوطالب مجتهد و حاج میرزا ابوالمکارم و حاج میرزا ابوعبداللّه است. وی در زنجان درگذشت و در خارج این شهر در بقعه‌ی مخصوصی به خاک سپرده شد. از آثارش: «ایضاح الدلائل فی حساب عقد الانامل»؛ «نارالله الموقده»؛ «فصل الخطاب»، در شرح «علماء امتی افضل من انبیاء بنی‌اسرائیل»؛ «تخریب الباب»؛ «رد الباب»؛ «قلع الباب»؛ «قمع الباب»؛ «سد الباب» همگی در رد بابیه؛ «الحیوه»؛ «حجه الابرار علی فرقه الاشرار فی اثبات حرمه الخمر فی الشرایع السابقه و جمیع الادوار»؛ «قره الابصار فی اثبات امامه الائمه الاطهار (ع)»؛ «شرح الحساب»؛ «المحمودیه»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «المقاصد المهمات فی صیغ العقود و الایقاعات»؛ «مقالید الابواب»؛ «هدایه المتقین»، در عقاید و اصول و فروع دین؛ «نور العین فی عزاء الحسین (ع)»؛ «قواطع الاوهام»؛ «تسلیه الملهوفین و تسکین المغمومین»؛ «کشف الساتر فی شرح کلمات باباطاهر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (15/6) اعیان الشیعه (409/2)، الذریعه (37/18، 175- 174، 6/17، 228/16، 179/4، 495/2)، ریحانه (385- 384 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 62- 61 /13)، المآثر و الآثار (149)، معجم المؤلفین (156/11)، مکارم الآثار (782- 780 /3).

زنجانی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد بن احمد زنجانی متوفی حدود 1350 ق ادیبی کامل و مدرسی فاضل بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1360 ق)، فقیه اصولی. از آثار وی: کتابی در «اصول»؛ رساله‌ای در «فقه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (18/4).

زنجانی، سبزعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سبزعلی بن فتحعلی بن رحیم بن حسین بن نوروز زنجانی متوفی حدود 1322 ق عالمی بزرگوار و فاضلی پرهیزکار از شاگردان میرزاء آشتیانی و علماء بزرگ عصر خود در زنجان بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1313 -1262 ق)، فقیه، منطقی، عروضی و قاضی. مقدمات را در زنجان فراگرفت. در 1280 ق برای ادامه تحصیل به قزوین رفت. سپس به مشهد مشرف شد و در سبزوار چندی در خدمت حاج ملاهادی سبزواری درس خواند. در حدود 1285 ق به نجف رفت و نزد علامه سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی تلمذ کرد، و در آنجا با دختر سید محمدطاهر بن اسماعیل موسوی شوشتری، داماد علامه انصاری، ازدواج کرد. پس از تکمیل تحصیلات در 1294 ق به زنجان بازگشت و مرجعیت امور شرعی و تدریس را در آن شهر بر عهده گرفت.
از آثارش: «مطالع الشموس»، در شرح «الدروس»؛ «فن القطع» ئر «حجیت»؛ «الانصاف»، در حسن و قبح عقلی؛ «مصابیح الدجی»، در مواعظ؛ «نور المنابر»، در مقتل، به فارسی؛ «الایقاظات»؛ «المناطق»؛ «اجزاء العلوم»؛ «تقسیم العلم»، به اقسام اولیه و ثانویه؛ «رشحات الملکوت»؛ «الایماضات»، در حکمت اشراقی؛ «نفحات اللاهوت»؛ «المیزان»، در عروض؛ رساله‌ای در «قوافی»؛ رساله‌ای در شرح «بعض صفات النبی (ص)»؛ «رساله فی الامانات»؛ «الیواقیت»، در حساب؛ کتابی در «نحو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (378/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 51 -50 /14)، معجم المؤلفین (148 ،11 ،104 /6)، مکارم الآثار (1661/5).

زنجانی، ظهیرالدین، ابوالثناء محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(674 -597 ق)، فقیه شافعی و صوفی. وی از اصحاب شهاب‌الدین سهروردی بود و از او و ابوالمعالی صاعد حدیث روایت کرده است. از آثارش «الرساله المقنذه منالجمر فی الحاق الانبذه بالخمر» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (178/12).

زنجانی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباسعلی زنجانی متوفی 1344 ق از دانشمندان فاضل عصر خود بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، عبدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1349 -1268 ق)، عالم. از آثار وی: شرح «دعاء صباح»؛ حاشیه بر «رسائل».[1]
عبدالعلی بن مولی عبدالصمد بن مولی علی‌اکبر بن محمد سعید زنجانی متولد 1268 و متوفی 1349 قمری دانشمندی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار از شاگردان ملا قربانعلی زنجانی و علامه شیخ محمدحسن مامقانی و علامه ملامحمد شربیانی و دارای تألیفات و آثار عدیده بوده است.
عبدالعلی بن علی نقی بن مصطفی سعدآبادی زنجانی متوفی حدود 1357 قمری عالمی فاضل و دانشمندی بزرگوار و کامل از شاگردان آیت‌اللّه آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) و شریعت اصفهانی بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] معجم المؤلفین (226/5).

زنجانی، عبدالواسع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1291 -1235 ق)، فقیه، اصولی، امام جمعه، مجتهد و واعظ. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود. پس از پدرش تولیت مجسد فتحعلی‌شاه قاجار را بر عهده داشت. وی در زنجان وفات یافت و در بقعه‌ی پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ی «الاجتهاد و التقلید»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «الرد علی رساله التکفیر» یا «رساله تکفیر الرومی»؛ وی حدود ده جلد کتاب در مواعظ دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (198 -197 /10 ،177 ،100 /6 ،272 /1)، ریحانه (387/2)، طبقات اعلام الشیعه قرن (804/13)، المآثر و الآثار (164)، معجم المؤلفین (215/6).

زنجانی، عزالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1338 ق)، فقیه، اصولی و امام جمعه. در شهر زنجان به دنیا آمد، بعد از فراگرفتن مقدمات و ادبیات عرب نزد استادان ادبیات، چون آقا میرزا علی‌اصغر فصاحتی، به همراه استاد رضا روزبه، منطق «حکمه الاشراق» و «معیار العلم» غزالی را نزد پدرش تحصیل نمود. بعد از فراغت از کتابهای سطوح، «رسائل» و «مکاسب» و قسمت عمده‌ای از «طهاره» شیخ انصاری را نزد آقا شیخ حسین زنجانی که از مجتهدین زنجان و از شاگردان آخوند خراسانی بود، خواند. «کفایه الاصول» را در خدمت حاج شیخ عبدالکریم خوینی زنجانی فراگرفت و پس از دو سال تحصیل آن کتاب به درس خارج اصول پدرش، سید محمود امام جمعه، که تحت عنوان «تقریرات» کاظمینی بود، حاضر شد. در شهریور 1320 به قم رفت و به درس خارج فقه و اصول آیةاللّه حجت حاضر شد، و شبها به درس خارج اصول آیةاللّه صدر و آیةاللّه خوانساری شرکت نمود، و در معقول «اسفار» را به همراه استاد شهید مطهری و آیةاللّه حاج سید محمدعلی طباطبایی تبریزی نزد امام خمینی (ره) خواند، و با ورود علامه طباطبایی به قم در نزد ایشان ادامه داد. وی سپس فقه و اصول را در نزد آیةاللّه بروجردی تکمیل کرد و «تقریرات» ایشان را به رشته تحریر درآورد. آنگاه به نجف رفت و در حوزه درس آیةاللّه حکیم و آیةاللّه آقا سید عبدالهادی شیرازی حاضر شد. پس از چندی به زنجان بازگشت و به تبلیغ و نشر احکام دینی و تدریس و امامت جماعت پرداخت. از آثار وی: تاسیس کتابخانه به سبک جدید و مساجد گوناگون در زنجان؛ تشکیل انجمنهای تبلیغی. از آثار علمی‌اش «تقریرات» اصول آیةاللّه بروجردی؛ شرح قسمت اعظم «وسیله»؛ حواشی متفرقه در «منظومه‌ی حکمت»؛ تحریر «کفایه الاصول»؛ کتابی در تصوف؛ «رساله‌ی عملیه»؛ تحریر «الوسیط»، در فقه، به سبک استدلالی؛ تحریر کتاب «خمس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (241 -239 /5).

زنجانی، عزالدین، ابوالفضائل ابراهیم

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 655 ق)، نحوی، صرفی و فقیه شافعی. از آثارش: «الکافیه»، در حساب؛ مختصر شرح رافعی بر کتاب «الوجیز» ابوحامد غزالی که آن را «نقاوه (فتح) العزیز»، در فروع فقه شافعی، نامیده است؛ «العزی»، در تصریف به نام «تصریف زنجانی»؛ «الکافی» در شرح «الهادی»، در نحو تصریف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (2003، 1139 -1138، 412)، معجم المؤلفین (57/1)، هدیه العارفین (12/1).

زنجانی، عزیزالدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1255 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، ادیب و شاعر. در زنجان به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش به قزوین رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد. در 1278 ق به عراق رتف و در نجف اشرف نزد شیخ انصاری و علامه سید حسین ترک کوه‌کمری و میرزای شیرازی تحصیلات خود را تکمیل کرد. در 1288 ق به زنجان بازگشت و پس از وفات پدرش مرجع ریاست شرعی شد و منصب قضا و افتاء بدو رسید. وی دارای تصانیف بسیاری است که از جمله آثارش: «لطائف الکلام فی الاوانی الذهب و الفضه من الاحکام»؛ «مفتاح الظفر»، در نماز سفر؛ «التحیه المبارکه»، در احکام سلام؛ شرح «دعاء کمیل»؛ «جواب السوال عن آیات بدء الخلق و آیه رد الشمس لسلیمان»؛ «الصبح الصادق»، به فارسی، در مسائل اجتماعی و وظائف سلطان؛ «معارج الرضوان فی مصائب الامام العطشان»؛ تعلیقات بر «الرسائل»؛ حواشی بر «الریاض»؛ «رساله فی حرمه الخمر»؛ وی قصایدی به عربی و فارسی نیز داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (63/9)، الذریعه (321/18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 81 -80 /14)، علماء معاصرین (340 -339)، المآثر و الآثار (149)، مکارم الآثار (1503 -1502 /5).

زنجانی، علی نقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر محسن جدّ سادات موسوی زنجان و اصفهان است که نواده او حاج میرزا علی نقی به اصفهان، مهاجرت نموده است و در این شهر پس از وصول به مقامات عالیه علم و اجتهاد به تدریس و اقامه ی جماعت در مسجد خیاطها که آن را مسجد زنجانی ها نیز گویند اشتغال جسته، دارای تألیف و تصنیف بوده.
در ماه صفر سال 1258 وفات یافته، در تخت فولاد، جنب فاضلان مدفون گردید. دارای خطّی نیکو بوده و حواشی بر کتاب ذریعة الضراعه تألیف محقّق فیض کاشانی در سال 1221 نگاشته. نسخه ی آن در کتابخانه آستانه ی رضویّه موجود است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زنجانی، فتحعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1268 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و شاعر. وی برادرزاده و به آورده‌ی «الذریعه» (807/9) خواهرزاده‌ی مجتهد بزرگ آخوند ملا قربانعلی زنجانی، شاگرد شیخ انصاری، است. شیخ فتحعلی در زنجان متولد شد. مقدمات و علوم عربیت را در زادگاه خود به پایان رساند، سپس به قزوین منتقل و «قوانین»، تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در بحث خارج فاضل آشتیانی شرکت کرد. پس از بازگشت به زنجان، نزد عموی دانشمندش، آخوند ملا قربانعلی زنجانی هشت سال تلمذ کرد و سپس به تهران مراجعت و بعد از انتقال به حضرت عبدالعظیم به نجف اشرف رفت و در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی حضور یافت و در کربلا از محضر اردکانی و مازندرانی بهره گرفت و در سامرا در بحث میرزای شیرازی شرکت نمود. پس از وفات میرزای شیرازی، در خانه نشست و به تالیف پرداخت و تالیفات بسیاری انجام داد. از جمله آثارش: «مفتاح اللباب فی شرح خلاصه الحساب»؛ «تنقیح المسائل فی التعالیق علی الرسائل»؛ «حاشیه علی الروضه»؛ «حاشیه علی المکاسب»؛ «مجمع الانوار و معدن الاسرار»، در تفسیر قرآن؛ حواشی «حجیت القطع»؛ منظومه‌ای در «القطع»؛ «دیوان» اشعار فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (807/9، 346/21)، علماء معاصرین (359 -358)، معجم المؤلفین (48/4)، مکارم الآثار (1889/6).

زنجانی، محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن زنجانی قزوینی‌الاصل متوفی 1321 قمری و مدفون در ایوان عسکریین (ع) از تلامذه و شاگردان آیت‌اللّٰه مجدد شیرازی
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زنجانی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدتقی زنجانی متوفی حدود 1260 ق از شاگردان حجةالاسلام آسید محمدباقر شفتی اصفهانی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زند کرمانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله شیخ محمد باقر زند کرمانی
آقا شیخ محمد باقر زندکرمانی، عالم فاضل جلیل، فقیه واعظ فرزند مرحوم حاج آقا رضا، به سال 1313هـ.ق در کرمان به دنیا آمد. نسب او به خاندان زندیه (صادق خان برادر کریم خان زند) می‌رسد.
معظم له اولین گامهای تحصیلی را در مکتب خانه‌های قدیمی کرمان برداشت و پس از چندی به محضر درس استاد بهمنیار روی آورد،تحصیل در نزد استاد بهمنیار موقعیت بسیار مساعدی جهت شکوفایی استعدادهایش را به همراه داشت. آیت الله شیخ محمد باقر زند کرمانی شش کلاس ابتدایی را در مدرسه سعادت گذراند و سپس به مدرسه شهاب وارد شد. وی ازمرحوم آقا جواد کرمانی برادر استاد بهمنیار نیز به عنوان استادی مبرزیادمی‌کند و تبصره و شرایع و درس فقه را نزد ایشان فرا گرفت همچنین استحضار و تکمیل ادبیات عربی و مقامات حریری را هم نزد مرحوم حاج سید محمد باقر زنوزی فراگرفت.
پس ازگذراندن این دروس، معظم‌له، در مدرسه انگلیسیها ثبت نام نمود تا از این طریق علاوه بر فراگیری زبان انگلیسی، علوم و فنون جدیدی که در آنجا تدریس می‌شد را نیز فرا گیرد. در آنجا به علوم شیمی، فیزیک، طب ، جغرافیا نیز تا حدی آشنا شد و در این دوران با مسیحیان و پیروان ادیان دیگر در این مدرسه مباحثات مذهبی برپا می‌کرد[1].
آیت الله زندکرمانی پس از آن جهت تکمیل علوم حوزه‌ای به ا صفهان مهاجرت نمود و در اصفهان از محضر بزرگانی چون آیت‌الله العظمی آخوند فشارکی، آیت‌الله سید علی نجف آبادی و آیت‌الله حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی استفاده نمود. ارادت وی به مرحوم آیت‌الله فشارکی به حدی بود که جزء خواص ایشان قرارگرفت.
آیت‌الله زندکرمانی سفری نیز به عتبات عالیات داشت اما ضعف بنیه و گرمای آن منطقه باعث شد تا به دستور ایت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به قم مهاجرت نماید. با عزیمت به شهرمقدس قم، به محضر درس مرجع عالیقدر جهان شیخ آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری شتافت و حدود هفت سال ازمحضر درس ایشان استفاده نمود همچنین در این مدت مرحوم زند کرمانی هم درس مرحوم حضرت امام‌خمینی(ره) بوده است. [2]

آیت‌الله زند کرمانی در سفر دیگری که به عتبات عالیات داشت مدتی ازمحضر پــر فیض عــالم فــرزانه آیت الله‌شیخ‌حسین آلکاشف الغطا به بهره‌گیری علمی و اخلاقی پرداخت و ازجانب ایشان تائیدی مبنی بر حصول به مراتب والای اجتهاد دریافت نمود.
مراتب علمی و ایمانی آیت‌الله زند همچنین از جانب علمای بزرگ دیگری چون : آیت‌سیدجمال‌الدین گلپایگانی، آیت‌الله قاضی، آیت‌الله آقای شیخ آغا بزرگ تهرانی، آقا سید ابوالحسن شیرازی، تایید وآن بزرگان اجتهاد وی راتأیید نمودند.[3]
ایشان همچنین سفرهایی به تهران، و مشهد مقدس نمود و سرانجام مجالست با عالم ربانی آیت‌الله آخوند شیخ محمد حسین فشارکی را ترجیح داده ودر اصفهان رحل اقامت همیشگی افکند. و به وعظ و ارشاد در مجالس خصوصی و اقامه جماعت در مسجد جامع و تدریس در مدرسه ذوالفقار مشغول شد.پس از چند سال در یکی از اتاق‌های شمالی مدرسه صدر بازار، «شرایع» یا «شرح لمعه» را تدریس می‌نمود.
ایشان نسبت به علمای عاملین فوق‌العاده ارادت داشتند از جمله مرحوم حاج آقا صدر کوپایی از حکمای درجه اول اصفهان و با اینکه هیچ اسم و عنوانی نداشت آقای کرمانی نسبت به ایشان خیلی ارادت داشتند.
ایشان در طب هم ید طولایی داشت معظم له حداکثر احترام وکوچکی را درمقابل مرحوم حاج میرسید علی‌نجف‌آبادی انجام می‌داد درس را بسیار دقیق و تحقیقی می‌گفت. ابتدا متن درس رامی‌خواند و بعداً آنرا معنی می‌نمود اگر این متن شرح و یا شارحی داشت قول آن رانقل می‌نمود ایشان در دانش فیزیک و شیمی در سطح بالایی بود لذا در کنگره اتم شناسی از طرف مرحوم دکتر محمود حسابی دعوت شدند و سخنرانی نمودند حتی درایام ملی شدن نفت ایران جلسه‌ای در دانشگاه تهران با شرکت شخصیتهای سیاسی متخصص در رشته نفت که از کشورهای مختلف به ایران آمدند تشکیل شد و از ایشان دعوت کردند و که در آن جلسه به زبان انگلیسی صحبت کردند و همه مبهوت وحیران می‌شوند شاید ازجمله عواملی که باعث برخوردها و احیاناً وارد کردن تهمت به این مرد بزرگ بود حسادت به ایشان یا غبطة برخی از افراد بود که می‌دیدند آقای زند کرمانی جامعه را به خوبی می‌شناسد و حال مردم را بسیار خوب درک می‌کند.
از جمله کسانی که درحوزه علمیه اصفهان قبل از نهضت پانزده خرداد و پس از آن به حضرت امام(ره) بسیار علاقه‌مند بود مرحوم آیت‌الله زند کرمانی بود و نظرشان در مورد حضرت امام (ره) این بود که آیت‌الله خمینی مردی مستعد و انسانی وارسته و به تمام معنا است شما می‌دانید من چندان به دیدن اشخاص نمی‌روم اما زیارت ایشان را باتمام وجود لازم

می‌دانم .ایشان از اولین افرادی بودند که درمسائلی که برای حضرت امام پیش آمد اعلامیه داد ودر سال 1342 ش که امام خمینی را دستگیر کرده بودند بیانه‌ای داده واز امام دفاع کرده است.[4] از خدمات ایشان یکی سعی وکوشش در افتتاح مجدد درب مسجد جامع بود که در دوره پهلوی به روی نمازگزاران بسته شده بود همچنین تاسیس مرکز خیریه و بیمارستان امام حسن عسکری در اصفهان می‌باشد.
برخی ازآثار وتالیفات ایشان عبارت‌اند از: الفیوضات الامعه فی حال الکتب الاربعه، نبده فی کتاب قرب الاسناد، رفع النزاع عن البین فی الصلح المقصود منه الفرار عن الدین ، رساله اماره الولایه، که به نام نشانه‌های ولایت چاپ شده است،[5] رساله در فقه احکام البهار، رساله در رجال، رساله درموضوع نفت که توسط آقای موسی نجفی به ضمیمه کتاب تعامل دین و سیاست تجدید چاپ شده است . [6]
از جمله ویژگیهای مهم مرحوم زند کرمانی در امر تدریس تفسیر قرآن بوده که اشخاص زیادی از جمله مرحوم آیه‌الله سید اسماعیل هاشمی وبرادر ایشان شیخ‌احمد ربانی، سید ابوللفضل صفوی ریزی، شیخ نعمت‌الله، شیخ نصرالله صالحی و ابراهیم جواهری و افراد دیگر ازتفسیر قرآن ایشان استفاده می‌کردند، ایشان درمیان تفاسیر شیعه «مجمع البیان» را تدریس می‌کردند و تسلط کاملی برآن داشتند ومتن عربی آن رامثل یک کتاب فارسی راحت و سلیس می‌خواندند و معنی می‌کردند وی فرمودند: « درمیان تفاسیر شیعه « مجمع‌البیان» مورد قبول شیعه و سنی است و در عین حال جامع است»[7]
سرانجام این عالم غیور در جمادی الثانی 1389 هـ . ق مطابق 19 شهریور سال 1348 ش در اثر بیماری در خارج از کشور فوت نمودو پیکر پاکش را با تشییع کم سابقه به تخت فولاد حمل ونزدیک تکیه زرگرها در تکیه مخصوص به خاک سپردند.
1- نیک پور، محمد: نام آوران علم و اجتهاد کرمان از قاجاریه تا پهلوی، نشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی، 1383 ش.ص391 تا394
2- زاهد نجفی، محمد: فطرت بیدار زمان،جلد اول، نشر بشیر،1382ش، ص44 تا 45
3- نیک پور ، محمد، نام آوران علم و اجتهاد کرمان، ص395
4-زاهد نجفی، محمد: فطرت بیدار زمان، جلد اول، ص 84-129
5-نصرالهی، غلامرضا: مشاهیرتکیه زند کرمانی، ص 3
6- مهدوی، سید مصلح‌الدین: سیری درتاریخ تخت فولاد، نشر انجمن کتاب‌های اصفهان ، 1370 ،ص 177
7- زاهد نجفی ، محمد : فطرت بیدار زمان، جلد اول ، ص 84 و 99 و

جواهری ، ابراهیم: علوم و عقاید، چاپخانه گیتی مقدمه
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زنوزی تبریزی، رضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1294 ق)، فقیه، مجتهد و عالم دینی. در تبریز متولد شد. پس از خواندن مقدمات و ادبیات نزد آقا جمال شیروانی و دیگران در هفده سالگی به فقه و اصول پرداخت. سپس به نجف رفت و به حوزه درس اساتیدی چون آیت‌اللّٰه شرابیانی، آخوند خراسانی و علامه یزدی و شریعت اصفهانی راه یافت و به درجه‌ی اجتهاد نائل آمد. مسافرتهای مکرری به نجف، مشهد و قم کرد و سرانجام در 1366 ق در قم اقامت گزید و به تدریس طلاب علوم دینی پرداخت. در 1370 ق به تبریز بازگشت و پس از چند سال توقف در آن شهر درگذشت و در مسجد بالا سر حضرت معصومه (ع) در قم مدفون گشت. برخی از آثار وی: «کتاب قضا و شهادات»؛ «فهرست ترتیب رجال‌کشی و نجاشی و خلاصه‌ی علامه»؛ رساله «در کنی و القاب»؛ حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ حاشیه بر «نجاه العباد»؛ حاشیه بر «مجمع المسائل»؛ حاشیه بر «رساله‌ی عملیه» کلباسی؛ زساله عملیه به نام «فلاح العامل»؛ «تقریرات» درس و بحث اساتیدش.[1]
رضی بن العلامه الکبری و الایه العظمی میرزا محمد حسن مجتهد زنوری تبریزی. از علماء طراز اول قم و تبریز در عصر خود بود. وی در 14 ذی القعده 1294 در تبریز متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در خدمت آقا جمال شیروانی و غیره در سن 17 سالگی به فقه و اصول پرداخته و تا سال 1317 در تبریز اقامت آنگاه مهاجرت به نجف نموده و در آنجا بدرس مرحوم آیه الله شربیانی و آیه الله آخوند خراسانی و علامه یزدی و شریعت اصفهانی و دیگران شرکت کرده تا بدرجه سامیه و اعلی مرتبه اجتهاد مطلق ارتقا یافته و بواسطه ابتلائات و اختلال اوضاع زمان بکرات از نجف به تبریز و از تبریز به نجف مراجعت و در سنه 1342 قمری بقصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام از تبریز حرکت و پس از زمانی به قم مراجعت و چندین سفر نیز بین قم و تبریز رفت و آمد نموده تا در سال 1366 قمری در قم اقامت و بتدریس جمعی از محصلین پرداخته تا در حدود سال 1370 به تبریز مراجعت و پس از چند سال توقف بدورد زندگی گفته و جنازه‌اش با تشییع و تجلیل زیاد در مسجد بالاسر قم مدفون گردید.
آثار و تألیفات ایشان از این قرار است 1- کتاب قضا و شهادات 2- فهرست تربیت رجال کشی و نجاشی و خلاصه علامه 3- رساله مستقله در ضمنیات کتب رجال 4- رساله در کنی و القاب 5- حاشیه بر رساله عملیه

مرحوم کلباسی 6- رساله عملیه مستقلی موسوم بفلاح العامل 7- حاشیه‌ای بر نجاه العباد و مجمع المسائل 8- حاشیه بر عروه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (368/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 784/14)، گنجینه‌ی دانشمندان (312/3).

زنوزی تبریزی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1310 ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و طبیب. وی در نجف از شاگردان شیخ مهدی نجفی و شیخ انصاری و فضال ایروانی بود. به تبریز بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. وی پدر میرزا عبدالحسین، فیلسوف‌الدوله، و میرزا رضی و میرزا ابوالحسن بود. پس از مرگ پیکرش را به نجف بردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثارش: «کتاب الحج»؛ «مباحث الالفاظ»؛ «اصل البراءه»؛ «استصحاب»؛ «المتین فی الامامه علی نمط الالفین»، در امامت؛ شرح مبسوطی بر «تائیه» دعبل خزاعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (141/9)، ریحانه (392/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 408/14)، معجم المؤلفین (196/9).

زنوزی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی آقا بن العلامه آقا میرزا رضی ابن العلامه الکبری آقا میرزا محمد حسن مجتهد تبریزی زنوزی از علماء اعلام معاصر است در تبریز. وی در بیت علم متولد و پرورش یافته و پس از طی مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی فقه و اصول را در محضر مرحوم والدش خوانده و در معیت آن بزرگوار به قم مهاجرت و قریب 16 سال توقف و از محضر آیات عظام مرحوم آیه الله حجت و آیه الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و به مقام عالی از علم و فقاهت رسیده و برای کسالت مرحوم والدش به تبریز برگشته و بعد از رحلت آن مرحوم ناچار باقامت شده و تاکنون بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان موصوف به کمال علم و تقوا و فضائل روحی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

زواره‌ای، ابوالحسن علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، مفسر، فقیه، محدث و ادیب امامی. وی از عالمان بزرگ تفسیر، حدیث و فقه و ادب بود در عصر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی در اصفهان می‌زیست. وی از اکابر شاگردان محقق کرکی، شیخ علی بن عبدالعالی، سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای مفسر و سید امیر عبدالوهاب استرآبادی بود. تفسیر را از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای اخذ و از میر عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی روایت کرد. زواره‌ای استاد ملا فتح‌اللّه کاشانی مفسر معروف است. از آثار وی: «ترجمه الخواص» یا «تفسیر زواری»، در تفسیر قرآن، تالیف شده در سال 946 ق؛ شرح «نهج‌البلاغه» به فارسی به نام «روضه الابرار»؛ ترجمه‌ی «کشف الغمه» بهاءالدین عیسی اربلی به نام «ترجمه المناقب»؛ ترجمه‌ی «مکارم الاخلاق» رضی‌الدین طبرسی به نام «مکارم الکرائم»؛ ترجمه‌ی «عده الداعی» ابن‌فهد حلی به نام «مفتاح النجاح»؛ ترجمه «الاحتجاج» طبرسی که به نام شاه طهماسب به پایان رسانید؛ ترجمه تفسیر منسوب به امام عسگری (ع) به نام «آثار الاخیار»؛ ترجمه «الطرائف» ابن‌طاووس به نام «طراوه اللطائف»؛ «مرآت الصفا»، در زیارات؛ «مجمع الهدی»، در تاریخ پیامبران، تلخیص «احسن الکبار فی مناقب ائمه الاطهار» ورامینی به نام «لوامع الانوار الی معرفه ائمه الاطهار»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (186/8)، ایضاح المکنون (528، 459، 436، 413، 2/ 281/1)، تاریخ ادبیات در ایران (1626 -1623 /5)، تاریخ نظم و نثر (371)، الذریعه (88/25، 355/21، 362 -361 /18)، روضات الجنات (159/15/285/11، 227/7، 315/5، 140 -139، 75 /4)، ریاض العلماء (396 -394 /3)، ریحانه (393/2)، سبک شناسی (303 -302 /3)،طبقات اعلام الشیعه (قرن 152/10)، الکنی و الالقاب (200/2)، هدیه العارفین (745/1).

زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 370 ق)، فقیه، مفسر، محدث و ادیب. وی در نواحی خراسان و ماوراءالنهر منصب قضاوت داشت و در بخارا از دنیا رفت. تصانیفی در «تفسیر» و «حدیث» و «فقه» و «ادب» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (193/9).

زوزنی، ابوعمرو محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوعمرو احمد بن محمد بن ابراهیم زوزنی (ف. 374 ه.ق.) وی فقیه به مذهب ابوحنیفه بود. او سالها در باب غدره سکونت داشت و سپس به زوزن رفت و هم بدانجا درگذشت.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زیارتی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد زیارتی فرزند مرحوم سید محمدصادق زیارتی سمنانی در سال 1280 شمسی در روستای زیارت از توابع مهدی شهر سمنان به دنیا آمده و دروس ابتدائی و مقدمات را نزد والد ماجدش و نیز پدر همسرش خوانده و بعد عزیمت به تهران نموده و چند سالی مقدمات و ادبیات و سطوح را از اساتید و مدرسین آن سامان در مدرسه سید نصرالدین و مدرسه فخریه (مروی) استفاده کرده و بعد به قم عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشغول تکمیل مبانی علمی فقه و اصول شده و از محضر آیات عظام حوزه چون آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه العظمی حایری مؤسس یزدی و دیگران استفاده نموده، تا به مدارج علمی اجتهاد رسیده و به تهران آمده و در مدرسه خان مروی یاد شده به تدریس فقه و اصول و غیره مشغول شده تا در سال 1366 قمری که به سنگسر (مهدی شهر) برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و بالاخص مبارزه با فرقه ضاله (بهائیه) پرداخته و مجاهدات طاقت فرسائی نموده و صدمات و لطمات طاقت‌فرسائی متحمل شده و از آشنا و بیگانه مصائبی را به جان خریده و مدتی هم از طرف دولت طاغوتی به تحریک منافقین و فرقه گمراه تبعید به کاشان شده و پس از چندی آزاد و به تهران آمده سپس به محل خود برگشته و به وظائف خویش مشغول گردیده تا در روز بیست و هفتم ذی‌حجه سال 1400 قمری برابر سال 1359 شمسی در سن هفتاد و هشت سالگی در تهران از دنیا رفته و با تشییع و تجلیل کم‌سابقه‌ای حمل به سنگسر (مهدی شهر) و در حسینیه المهدی (ع) آنجا مدفون گردیده است.
آثار و باقیات الصالحات ایشان
1- حسینیه المهدی (مهدی شهر)
2- غسالخانه قریه زیارت
3- تجدید بناء مسجد پامنار مهدی شهر
4- تجدید بناء مسجد صاحب الزمان
5- حمام ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف
دارای دو فرزند روحانی می‌باشند که به خدمات فرهنگی و علمی و دینی اشتغال دارند.
1- آقای سید حمید روحانی زیارتی مؤلف کتاب نهضت امام خمینی در دو

مجلد بزرگ .
2- حاج سید محمدعلی روحانی زیارتی که در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل مبانی علمی دارند.
بیوگرافی آقای زیارتی به قلم یکی از فرزندان ایشان در سالگرد درگذشت ایشان
از درگذشت مجتهد عالیقدر حضرت آیت‌اللّٰه آقای حاج سیداحمد زیارتی یکسال می‌گذرد.
ابر عالمی که عمر گرانبهای خود را در خدمت به اسلام، نشر احکام، ترویج دین و هدایت انسانها ارشاد مسلمانها گذراند و از مبارزه با کفر و الحاد، انحراف و گمراهی و سیاهی و تباهی هیچگاه باز نایستاد.
آیت‌اللّٰه زیارتی در مورخه 1282 در دهکده‌ی زیارت چشم به جهان گشود. تقریبا در سن 20 سالگی برای تحصیل علوم اسلامی راهی حوزه علمیه‌ی قم گردید و از محضر پر ارج علمای عظیم‌الشان عصر خویش چون حضرات آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و حاج سید محمدتقی خوانساری و حاج فاضلی قمی (اعلی اللّٰه مقامهم) به کسب فضائل علمی پرداخت و دیری نپائید که قوه استنباط و مقام اجتهاد را احراز کرد. در سال 1320 به تهران منتقل و در مدرسه مروی به تشکیل جلسات علمی، اسلامی، برگزاری نماز جماعت و تدریس پرداخت و نیز عهده‌دار تولیت مسجد مروی شد. علیرغم استقبال شایان توجهی که اهالی تهران به ویژه دانش‌پژوهان مدرسه دارالفنون از جلسات ارزنده ایشان به عمل می‌آورند طبق دستور صریح قرآن که اعلام می‌دارد (فلولا نفر من کل فرقهمنهم طائفه...).
در سال 1322 مهدی‌شهر سمنان که به صورت پایگاه مخوف و مرکز مرموزی برای حزب صهیونیستی بهائیت درآمده بود مهاجرت کرده و به یاری شهروندان بی‌پناه خویش که از هر طرف مورد هجوم دشمنان اسلام و دین‌سازان بین‌المللی قرار گرفته بودند شتافت و یک تنه در برابر راهزنان عقیده و ایمان که با به راه انداختن بساط بهائیگری و صوفیگری می‌خواستند ریشه اسلام را از بیخ و بن برکنند ایستاد و به روشنگری پرداخت و چراغ هدایت را فرا راه توده‌های مستضعف مسلمان نهاد و دست آنان را گرفته یکی پس از دیگری به صراط مستقیم رهبری نمود و از کجروی، کج‌اندیشی و غلطیدن در سراشیبی انحراف و انحطاط جلوگیری کرد.
بدخواهان، کج‌اندیشان، زراندوزان، دین‌سازان و دزدان عقیده و ایمان که با مبارزه منفی و قاطع آیت‌اللّٰه زیارتی بایکوت. ایزوله و منفور شده بودند به توطئه‌چینی دست یازیدند و با همکاری مزدوران دولتی به پرونده سازی واهی علیه ایشان پرداخته نقشه تعقیب و محکومیت ایشان را فراهم

ساختند که منجر به مهاجرت ایشان به تهران در سال 1331 گردید. لیکن از آنجا که آیت‌اللّه زیارتی هماره مشمول الطاف خداوندی و عنایات ویژه حضرت ولی عصر امام زمان عجل‌اللّه تعالی فرجه الشریف قرار داشتند در این برهه حساس توانستند با پشتکار و پایداری و اتکال بر لایزال این توطئه خائنانه دشمنان اسلام را خنثی سازند و پیروزمندانه و مقضی المرام به مهدی شهر بازگردند و رسالت مقدس خود را در ارشاد توده‌ها و ریشه‌کن ساختن کجرویها و کج‌اندیشی‌ها دنبال کنند و «سنگسر» کفرخیز و فسادانگیز را به «مهدی شهر» اسلام پناه بدل سازند و اهالی محل را هرچه بیشتر از گروه‌های کافر پیشه و منحرف دور داشته به اسلام آشنا و اولیای خدا متوجه کنند و ده‌ها نفر دانشمند در مسائل دینی تربیت نمایند.
آقای زیارتی علاوه بر ارشاد و هدایت توده‌ها به عمران و آبادی شهر نیز اهتمام ویژه‌ای داشتند و با امکانات محدود و با کمک مردم مستضعف و مستمندی که با دسترنج خود ایشان در مسائل عمرانی یاری می‌کردند توانستند سه باب حمام، دو مسجد، یک حسینیه، یک غسالخانه، و یک داروخانه تأسیس نمایند و بدین وسیله تا حد امکان وسائل رفاه و آسایش اهالی را فراهم سازند.
حزب صهیونیستی بهائیت که هیچگاه از توطئه و دسیسه علیه اسلام و ایران بازنمی‌ایستد، در سال 1338 با همدستی بعضی از خوانین محل به منظور ضربه زدن به اسلام در مقام تأسیس کانون فساد و جاسوسی به اسم «مشرق الاذکار» در مرتفع‌ترین مکان شهر برآمدند که با همت مردم مسلمان و غیور شهر درهم کوبیده شد و پس از سالها کشمکش سرانجام در سال 1351 بار دیگر عنایت ویژه حضرت امام مهدی منتظر شامل حالی اهالی گردید و آن مکان حساس در اختیار مسلمانان قرار گرفت که به اراده آیت‌اللّه زیارتی ساختمان حسینیه باشکوهی در آن مکان به نام آن حضرت تأسیس شد که اکنون مرکز نشر و تبلیغ اسلام و محل مراسم هفتگی نماز جمعه می‌باشد.
آقای زیارتی طبق فرامین اسلامی با رژیم ضد اسلامی ایران موضع آشتی‌ناپذیر و استواری داشت و نه تنها هرگونه مراوده و ارتباط با مقامات دولتی را مردود و محکوم می‌شمرد بلکه حتی عقد طلاق در محضرهای دولتی را جایز نمی‌دانست و در طول عمر پر افتخار خویش هرگز با مقامات مزدور رژیم پهلوی ارتباط برقرار نکرد در مراسم رسمی دولتی شرکت ننمود و علیرغم فشار همه جانبه‌ی ساواک از دعاگوئی و مدیحه سرائی برای رژیم به شدت خودداری کرد و دست رد بر سینه‌ی نامحرم زد. این موضع انعطاف‌ناپذیر و سرسختانه آیت‌اللّه زیارتی در برابر رژیم طاغوت و ضربه‌های سنگینی که بر حزب صهیونیستی بهائیت وارد کرده بود موجب گردید که بار دیگر توطئه ننگین و خائنانه‌ای علیه ایشان به مرحله‌ی

اجرا درآمد و در تاریخ اسفند ماه 1354 بدون محاکمه و اثبات بزه به 2 سال تبعید در کاشان محکوم گردید و بر اثر کسالتی که در تبعیدگاه دچار شد برای همیشه زمین‌گیر و سرانجام در تاریخ 27 ذیحجه 1399 به رحمت ایزدی پیوست.
انا لله و انا الیه راجعون
ذیحجه 1400- آبان 59
باقیات الصالحات مرحوم زیارتی
در سنگسر مکان مناسب و مرتفعی به نام (قلعه) از قرنها پیش برای مسلمانان محل دعا و خیرات و عزاداری ماه محرم بوده در سال 1310 ش منکرین امام زمان عجل‌اللّه تعالی فرجه بقصد لطمه به دین مبین اسلام در خفا با نیرنگ و تشبث آنجا را به ثبت رسانیدند و در سال 1338 به عنوان کانون ضد اسلامی مشغول بنائی شدند که از جانب عموم مسلمین سنگسر منهدم گردید و پس از یکسال کشمکش بالاخره شورای عالی ثبت پرونده ثبتی قلعه را باطل اعلام نموده و کار به دادگستری کشید.
چون مبارزه دینی محض بود حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی اعلی‌اللّه مقامه و حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری ادام‌اللّه عزه و حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید احمد زیارتی ادام‌اللّه عزه در امر آن توجهات مخصوصه فرمودند در مدت 14 سال جریان محاکمات که دوران اضطراب و درماندگی مؤمنین سنگسر بود جز دعا و استغاثه به درگاه پروردگار و توسل به حضرت ولی عصر عجل‌اللّه تعالی فرجه که فریادرسی از شیعیان شیوه آن بزرگوار است راهی نبود پس از سالها تلاش الحمدلله در سال 1351 رای قطعی بر حقانیت مسلمین صادر گردید و قدرت اعجاز حضرت حجه منتظر (فرزند برومند فاتح قلعه خیبر) در تمام مراحل مشهود بوده است پیروان و دوستداران آن حضرت برای بزرگداشت این موهبت عظمی و افتخار بی‌همتا و برای عرض ادب به ساحت مقدس حضرت بقیه‌اللّه لازم دانستند ساختمان حسینیه مجلل و باشکوه که جلوه‌گر معجزه نمائی آن حضرت باشد بنا نمایند تا آن نور دیده اهل ایمان به آستان تابناک جد گرامی خود حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام اهداء نماید امید است این خدمت ناچیز قبول حضرتشان باشد و به یادگار معجزه امام زمان برای قرون و اعصار بماند.
و سنگسر به نام نامی حضرت مهدی منتظر (ارواحنا فداه) مهدی شهر نامیده شود. «ان‌شاءاللّه تعالی».
خاطره نگارنده (از مهدی‌شهر)
نگارنده گوید: در ماه رمضان 1367 قمری برای تبلیغ به شهمیرزاد واقع در یک فرسخی (6 کیلومتری) مهدی‌شهر که در آن وقت معروف به سنگسر

بود رفته بودم و در آن موقع هشتاد درصد (80 درصد) مردم آنجا منحرف و پیروی مرام سخیف و کثیف باب و بهاء بودند و در شهمیرزاد هم چندین خانواده از آنان بودند پس همه روز بر علیه آنان سخنرانی کرده و بدعتها و انحرافات آنان را فاش نموده و تبلیغ می‌نمودم و آنها ناچار مبلغی برای مناظره با من از محفل خود خواستند و وی که مرد سالخورده‌ای بود و می‌گفت کرارا به حیفا وعکا رفته‌ام بحمداللّٰه و فضله در یک مجلس مباحثه و مناظره محکوم شده و عده‌ای ازآنها برگشته و یا در مرامشان متزلزل شدند و پس از ماه رمضان که عازم مراجعت گردیدم و عده‌ای بسیار برای مشایعتم آمدند و چون از شهمیرزاد خارج و به سنگسر (مهدی شهر) رسیدم جماعتی به استقبال آمده و مرا به گرمی از ماشین پیاده نموده و به منزلی بردند و می‌گفتند شما یک ماه در شهمیرزاد افاضه نموده یک شب هم به ما می‌رسد.
پس از ورود به منزل آنان و وضع آنجا و قیافه آنها ناگهان ملهم شدم که شاید اینها بهائی و منحرف از اسلام باشند و نقشه‌ای برای کشتن من داشته باشند وحشت عجیبی به من دست داد تفال به قرآن مجید زدم تا مطلب برایم روشن گردد پس چون قرآن را گشودم این آیه آمد «ان الملاء یأتمرون بک لیقتولک» به تحقیق که این گروه نسبت به تو سوء قصد دارند و نقشه می‌کشند که تو را بکشند. پس فورا از آن محفل بیرون آمده و فرار را برقرار اختیار نموده و خود را به خدا و حضرت ولی‌اللّٰه اعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء سپرده و به راه آهن سمنان آمده و با وسیله قطار به مشهد رسانیدم و از حضرت رضا علیه الصلوه والسلام تشرف مکه را خواستم پس من حیث لا یحتسب موفق و مشرف در مراجعت به ایران پایم که در اثر درد کوتاه و مرحوم دکتر علوی که طبیب معالجم بود و می‌گفت پایت باید عمل جراحی شود چون استخوان پای سیاه و 70 درصد حتما از ساق بریده و یا سی درصد کوتاه خواهد شد در اثر توسل به باب الحوائج الی اللّٰه حضرت موسی ابن جعفر علیهماالسلام شفا یافت.
و داستان سنگسر هم قبل از آمدن مرحوم آیت‌اللّٰه زیارتی بسنگسر (مهدی‌شهر) بوده است و الحمدلله علی العافیه و التوفیق.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زین‌الدینی اراکی، عطاءالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید عطاءالله زین‌الدینی بن السید العلام و الحجه الاسلام حاج سید عنایت‌الله زین‌الدینی موسوی که سی و چهار پشت فاصله تا حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام دارند از فضلاء دانشمندان اراک دارای حسب و نسب عالی می‌باشند در سال 1308 شمسی در شهرستان اراک متولد شده و پس از خواندن دروس ابتدائی و ادبیات را خدمت آشیخ قنبر رفیعی و آقای حاج سید اسمعیل به قم مهاجرت نموده و قسمتی از ادبیات را هم از مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی فراگرفته و سطوح را از مرحوم آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله سلطانی و بعض دیگر استفاده نموده و در امتحاناتی که از طرف آیت‌الله العظمی بروجردی تشکیل می‌شد شرکت نموده و مورد قبول و تشویق آیت‌الله واقع و پس از تکمیل سطوح به درس معظم‌له حاضر شده و از محضر آیات عظامی چون آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و بعضی دیگر استفاده نموده و به دریافت اجازه روایتی و غیره از آیات عظام نجف و قم گردیده است.
آثار قلمی ایشان دراسات و تقریرات دروس اساتید قم می‌باشد در فقه و اصول و نیز قسمتی از مباحث اخلاقی را به رشته تحریر آورده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ساروی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1351 ق)، فقیه، عالم دینی و زاهد. وی در نجف از شاگردان علامه ملا محمدکاظم خراسانی بود. سپس به زادگاهش بازگشت در ساری ریاست و مرجعیت امور دینی را بر عهده داشت. از آثارش: «تقریرات» استادش در فقه و اصول، و از آن جمله «التحفه الغرویه»، در فوائد قرآنیه، تجوید فارسی، می‌باشد.[1]
سید حسن بن سید محمد بن سید اسماعیل ساروی عالمی فقیه و فاضلی پرهیزکار از شاگردان علامه خراسانی صاحب (کفایه) بوده و در ساری ریاست تامه و مرجعیت عامه داشته و در حدود 1351 ق وفات نموده است دارای آثاری از تقریرات استادش و غیره بنام (التحفة الغرویه) در فوائد قرآنیه بوده است
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (458/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 434/14)، گنجینه‌ی دانشمندان (270 -269 /5).

ساروی، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین بن محمد مازندرانی از بزرگان عصر خود و فحول علماء و اکابر فقهاء از شاگردان سید ابراهیم قزوینی صاحب (الضوابط) در کربلا بوده و در نجف از محضر صاحب جواهر استفاده نموده و با سید کاظم رشتی مناظره نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساعاتی، فاطمه

قرن:8
جنسیت:زن
ملیت:ایران
قرن هفتم و هشتم هجری، از زنان فقیه. وی دختر احمد بن علی ساعاتی (690 ق) صاحب کتاب البدیع در اصول فقه و مجمع‌البحرین در فقه و از خانواده علم و دانش و اصلا خراسانی بود محمد بن علی بن رستم (580 ق) عالم مکانیک و ساعت‌ساز بود و به همین دلیل او و خاندانش به ساعاتی معروف شدند. فاطمه نزد پدرش فقه آموخت و در این علم مهارت یافت و مجمع‌البحرین را به خط تعلیق خوش نوشت.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: اعلام‌النساء، 29 / 4؛ خیرات حسان، 10 -9 / 4؛ دایرةالمعارف فارسی، 19 / 1.

سامت قزوینی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1321- ز 1362 ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در قزوین متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در قزوین به قم رفت و مدت پنج سال در آن شهر نزد استادانی چون آیت‌اللّه شیخ یحیی مفیدی و آیت‌اللّه شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی تلمذ کرد. پس از آن به نجف سفر کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی در فقه و از آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی در اصول و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده نمود. در سال 1362 ق به قزوین مراجعت نمود و به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در مسجد ملا باشی و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی از آیت‌اللّه اصفهانی دارای اجازه‌ی اجتهاد و روایت بود.
از آثارش: «تقریرات» مباحث آیت‌اللّه اصفهانی، در طهارت و بیع و حج؛ «تقریرات» اصول آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی یکدوره‌ی کامل؛ «تقریرات» مباحث فقه میرزا ابوالحسن مشکینی در «صلاه» و مباحث اصول در «حجیت ظن» و «اصل برائت»؛ «تقریرات» مباحث فقه آیت‌اللّه نایینی، در «خیارات»؛ «تقریرات» آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی، در «غصب» و «قضاء» و «زکوه».[1]
میرزا عبدالرحیم بن العالم الجلیل والفاضل الجمیل میرزا حسن از احفاد ملا محمد رفیع‌الدین واعظ قزوینی صاحب (کتاب ابواب الجنان) در مواعظ و اخلاق متوفی 1089 ق می‌باشد.
معظم له از علماء و ائمه جماعت محترم معاصر قزوین و دانشمندان بنام آن سامانست. وی در ماه ربیع‌الثانی 1321 ق در شهرستان قزوین متولد شده و پس از رشد مدت پنج سال در قزوین تحصیل و بعد از آن به قم مسافرت نموده و مدت پنج سال در قم توقف و از محاضر آیات و مدرسین حوزه مانند آیت‌اللّه آقا شیخ یحیی مفیدی و آیت‌اللّه حاج شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی فقها و آیت‌اللّه عراقی آقا ضیاءالدین اصولا و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه حاج آقا شیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نموده و در سال 1362 قمری مراجعت به قزوین و تا هم‌اکنون به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در

مسجد سلطانی و مسجد ملاباشی و تدریس فقه و اصول و غیر ذلک اشتغال دارد. و دارای اجازات روایتی و اجتهادی و غیره از مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و غیره می‌باشد.
آثار علمی ایشان از این قرار است 1- تقریرات مباحث مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی در طهارت و بیع و حج 2- تقریرات اصول مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی یک دوره کامل 3- تقریرات مباحث فقه مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی در صلوة و نیز اصول ایشان در حجیة ظن و اصل برائت.
4- تقریرات مباحث فقه مرحوم نائینی در خیارات.
5- تقریرات مباحث فقه مرحوم آقا ضیاء عراقی در غصب و قضاء و زکوة و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (162 -161 /6).

ساوجی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد ساوجی از مشاهیر علماء و فقهاء عصر خود بوده و فاضل مراغی در (المآثر والاثار) ص 163 او را با عظمت یاد کرده و گفته که او از شاگردان علامه نراقی و میرزا مسیح تهرانی بوده و در 1305 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن ساوجی از علماء اتقیاء و افاضل بزرگوار و معروف به شیخ آغا بزرگ ساوجی از تلامذه میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی و مدرسین بزرگ مدرسه مروی تهران بوده که جماعتی از اعلام معاصر تهران خدمت وی تلمذ نموده است وی در 9 شوال 1357 قمری از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، نظام‌الدین، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1038 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، رجالی و ریاضیدان. اهل ساوه و از شاگردان شیخ‌بهائی بود، پس از مرگ پدرش تحت نظر شیخ‌بهائی تربیت یافت. پس از درگذشت استادش، در دربار صفویه زندگی کرد. در 1033 ق سفری به عتبات عالیات نمود. ساوجی به امر شاه عباس صفوی کتاب «جامع عباسی» استادش شیخ‌بهائی را، که تا باب حج تألیف شده بود، تکمیل کرد و «تحفه‌ی عباسی»، در فضائل و مناقب را در تتمیم «جامع عباسی» نگاشت. او پس از عزل ملا خلیل قزوینی، از مدرسی حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار تدریس در بقعه‌ی عبدالعظیم حسنی شد و اندکی پس از درگذشت شاه عباس (1038 ق)، در شهر ری درگذشت. از دیگر آثارش: «زینة‌المجالس»، به شیوه‌ی «کشکول» استادش شیخ‌بهائی، «نظام الاقوال»، در شناخت رجال، «الصحیح العباسی»؛ رساله‌ای در «وجوب نماز جمعه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (253 -252/ 9)، الذریعه (191/ 24، 15/ 95، 15 ،12 ،452 ،340/ 3)، ریاض‌العلماء (243 -242/ 5)، ریحانه (204 -203/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 618/ 11)، الکنی والالقاب (257/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام‌الدین ساوجی)، معجم‌المؤلفین (250/ 9)، هدیة‌الاحباب (257).

ساوئی، محمدابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدابراهیم بن علی‌اکبر ساوئی عالمی جلیل و فقیهی متقی از شاگردان علامه میرزا محمدحسن آشتیانی در تهران بوده و در ساوه به وظائف روحی و دینی اشتغال داشته تا در سال 1326 قمری وفات و حمل به قم شده و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبحانی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ جعفر بن العلامه الزاهد حاج شیخ محمدحسین سبحانی تبریزی از اساتید بنام و فضلاء بلا کلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه قم است که در فروردین ماه 1308 شمسی در تبریز متولد شده و در مهد علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در مدت 5 سال در تبریز خوانده و در سال 1365 قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت دو سال بقیه سطوح را خوانده و به درس و بحث آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و دراسات و تقریرات آن دو بزرگوار را به رشته تحریر آورده و در خلال آن از آیات عظام دیگر حوزه استفاده نموده و فلسفه و معقول را از علامه طباطبائی فراگرفته و جلد اول اصول فلسفه را به امر استادش علامه به عربی ترجمه و منتشر نموده است.
استاد سبحانی حوزه درس بخصوصی دارند و در تربیت و پرورش طلاب و فضلاء روش مخصوصی دارند و از روز تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم در رشته‌های تفسیر و عقاید و رجال در آن مهد بزرگ اسلامی به تدریس پرداخته‌اند و نیز از روز نخستین مجله وزین و ارزنده (درسهائی از مکتب اسلام) از مؤسسین آن و جزو هیئت تحریریه آن بوده و در هر شماره از این مجله علمی و دینی (که ارگان رسمی حوزه علمیه قم) است علاوه بر مقاله مخصوصی که به نام وی چاپ می‌شود و مقاله دیگر یکی پیرامون تفسیر قرآن و دیگری پاسخ به سوالات علمی خوانندگان می‌نویسد گذشته از مقالات مذکوره آثار علمی دیگری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:
1- اصول فلسفه که در نجف اشرف طبع شده.
2- تهذیب‌الاصول در سه مجلد تقریرات یکی از اساتید عالی مقام خود که در قم به طبع رسیده.
3- مفاهیم القرآن که در دست انتشار است.
4- فروغ ابدیت در دو جلد در زندگی پیامبر عالیقدر اسلام که از مدارک صحیح اسلامی با تجزیه و تحلیل کامل نوشته شده است.
5- رسالت جهانی پیامبران در نبوت عامه.
6- قرآن و معارف عقلی تفسیر سوره حدید.
7- مرزهای اعجاز، ترجمه بخش اعجاز قرآن تفسیر (البیان).
8- تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن.

9- سیستم اخلاقی اسلام تفسیر سوره حجرات.
10- رمز پیروزی به عنوان اخلاق برای جوانان نوشته و مکرر به طبع رسیده است.
11- سرچشمه هستی در توحید.
12- داروینسم شرح نظریه تکامل انواع (ترانسفورمیسم) مکرر چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سبحانی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین خیابانی سبحانی از علماء مبرز و معاصر تبریز بودند که در فضل و دانش و تقوی و پرهیزکاری و خشیت و خداترسی نمونه محیط خود بود.
وی در شب نوزدهم ماه رمضان 1299 ق در شهرستان تبریز بدنیا آمده و والده موسومه به شهر بانو دختر مرحوم (اسماعیل میرزا) فرزند مرحوم (فتحعلی شاه) قاجار بود. پس از دوران کودکی و آموزش و ادبیات فارسی و قسمتی از مقدمات عربی روی عشق فطری که به تحصیل معارف اسلامی داشت تصمیم به ادامه تحصیل گرفت. نجوم و حساب استدلالی را نزد مرحوم (میرزا علی) منجم و سطوح عالی فقه و اصول را نزد مرحوم آیه الله انگجی و شرح (اشارات) مرحوم خواجه را نزد فیلسوف دوران خود مرحوم شیخ حسین قراجه داغی که بیک واسطه از شاگردان میرزای جلوه بود فراگرفت و برای تکمیل معارف در سال 1327 ق رهسپار نجف اشرف و 11 سال تمام از محضر اساتید آن دانشگاه بزرگ شیعه مانند مرحوم آیه الله سید محمد کاظم یزدی و آیه الله شریعت اصفهانی و محقق عالیقدر آیه الله آقا ضیاء الدین عراقی استفاده‌ها نموده و از هر گلشنی گلی چیده. آنگاه با کسب اجازه از محضر اساتید و دریافت عالیترین اجازه‌های اجتهاد که قسمتی از آنها را مرحوم حاج میرزا علی خیابانی در کتاب علماء معاصر آورده است. در سال 1339 ق مراجعت به ایران و تبریز نموده و پس از بازگشت به وطن به امر تدریس و تربیت محصلین و تألیف و تصنیف پرداخته و آثار گرانبهائی که هر کدام روشنگر مقام عملی و فضلی اوست بیادگار گذارد و ما برخی از آنها را در اینجا یادآور می‌شویم:
1- حاشیه بر کفایه الاصول. 2- یکدوره صلوه استدلالی. 3- خیارات. 4- حاشیه بر رسائل و غیره که همه آنها با خط بسیار زیبای خودش موجود است.
مرحوم آیه الله خیابانی در خلق و حلم و تواضع و فروتنی و زهد و تقوا در میان علماء و بزرگان شهر تبریز ضرب المثل بود طرز زندگی و نحوه معاشرت شیوه سخن گفتن او انسان را بیاد خدا افکنده در افراد مستعد اثر عمیق و انقلاب خاصی بوجود می‌آورد.
این عالم ربانی در روز یازدهم شوال 1392 ق دعوت حق را لبیک گفت و

طی مراسم با شکوهی در جوار حضرت فاطمه معصومه بخاک سپرده شد.
تالیفات و آثار ارزنده او را مرحوم علامه تهرانی در الذریعه و مرحوم حاج میرزا علی خیابانی در علماء معاصر یاد کرده است.
از باقیات الصالحات آن بزرگوار فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ جعفر سبحانی تبریزی است که از مدرسین بنام حوزه علمیه قم می‌باشد و ترجمه‌اش در صفحه 171 از جلد دوم این گنجینه گذشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سبذمونی بخاری، ابومحمد عبداللّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(340 -258 ق)، فقیه حنفی، مورخ و محدث. در روستای سبذمون بخارا متولد شد. در جستجوی حدیث به خراسان و عراق و حجاز سفر کرد. ابن‌اثیر او را از محدثان غیر ثقه به حساب آورده است. از آثارش: کتاب «مسند ابی‌حنیفه»؛ و کتاب «کشف الآثار» در مناقب ابی‌حنیفه که آن را بر چهارصد نویسنده املا کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 263- 264)، ریحانه (1/ 113)، کشف الظنون (1837، 1485)، معجم المؤلفین (6/ 145)، هدیة العارفین (1/ 445).

سبزواری، محمد ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1291- ح 1360 ق)، عالم دینی، فقیه، ریاضیدان و شاعر. وی نوه‌ی دختری حکیم سبزواری است. معقول را نزد جد مادری خود، ملا محمد سبزواری، و منقول را از علامه میرزا حسین سبزواری و ریاضیات و طب را از افتخارالحکماء اسماعیل تهرانی فراگرفت. از آثارش: «اصول الفقه» و شرح آن به نظم؛ «منظومه‌ی حساب»، و شرح آن؛ شرح «دعای کمیل»، به عربی و فارسی؛ شرح «دعای سمات»؛ شرح «دعای ابی‌حمزه»؛ «دیوان» شعر فارسی، حدود هشت هزار بیت، در عرفان و اخلاق مصائب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (16/9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 18 -17 14/)، فرهنگ سخنوران (58)، گنجینه‌ی دانشمندان (305/5).

سبزواری، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1312 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. او ساکن قوشتنگ، از توابع سبزوار بود. مدتی طولانی در محضر شیخ انصاری تلمذ کرد و «تقریرات» فقه و اصول استادش را در چهار مجلد نگاشت. در زمینه‌ی اصول، مجلدی کامل، در مباحث «الفاظ» و «اجتهاد» و «تقلید» و «حجیت ظن» و «استصحاب»، و در فقه سه مجلد، اولی در «صلاه» تا آخر «سجود» و «روزه» و دومی در «خلل الصلاه» و «وقف» و «اجاره» و «رهن» و سومی در «احیاء موات» و «تجارت» از آثار اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 265/14)، گنجینه‌ی دانشمندان (307/5).

سبزواری، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدجواد سومین فرزند آیت‌اللّه فقیه سبزواری از فضلاء و علماء معاصر مشهد می‌باشند.
وی در بیست و هفتم 1349 ق در شهر مقدس مشهد متولد و پس از دوران طفولیت و کودکی دوره تحصیلات ابتدائی را در مدرسه مبارکه محمدیه سعادت تکمیل و سپس ادبیات را نزد آقای ادیب نیشابوری و سایرین کسب نموده و سطح فقه را از محضر حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا احمد مدرس یزدی رحمه‌اللّه فراگرفته و رسائل و مکاسب و دوره کفایه را نزد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی خوانده و حکمت و فلسفه را نزد مرحوم حجةالاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا کلباسی تکمیل نموده و دوره خارج فقه و اصول را نزد والدشان به اتمام رسانیده تا به دریافت اجازه اجتهاد از معظم له نائل گردیده و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در ظهرها در سالن باغ رضوان در کنار مزار والدشان و شبها در مسجد حاج حکیم خیابان طبرسی اقامه جماعت دارند و فعلا از مدرسین ممتاز مشهد می‌باشند و به تدریس کفایه و مکاسب اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، هادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1289 -1212 ق)، عالم و شاعر، متخلص به اسرار. پدر و جدش همه در سبزوار اهل ثروت و شهرت و اعتبار و مردمانی خیر و نیکوکار بودند. وی در دوران ناصرالدین شاه قاجار، مانند ملاصدرا در عهد شاه عباس بود. صاحب المآثر و الآثار می‌گوید: «در این مائه گذشته حکمت و معقول را این مرد فرد به همان طور تاسیس کرد که شیخ مرتضی انصاری فقه و اصول را». در هفت هشت سالگی شروع به خواندن صرف و نحو نمود. پدرش در ایام سفر حج، در شیراز درگذشت. بنا به وصیت پدر حاج ملا حسین سبزواری که از بستگان نزدیک او بود، تربیتش را به عهده گرفت و او را به مشهد برد. در آنجا ادبیات، فقه، اصول، منطق و فلسفه و ریاضیات را آموخت. بعد از ده سال به اصفهان رفت و از آخوند ملا اسمعیل، واحدالعین، حکمت، و نزد آقا محمدعلی نجفی، فقه را فراگرفت. در مدت اقامت در اصفهان به فرائض و نوافل مشغول بود و محاوره و گفتگوهایی باکشیشی مسیحی کرد. سپس به خراسان بازگشت و مدت پنج سال به تدریس حکمت و فقه و اصول در مشهد پرداخت. در 1250 ق در سفر حج همسرش را از دست داد و پس از بازگشت، حدود سه سال، در اطاق یکی از طلاب، به نام ملا محمد عارف، که خادم مدرسه نیز بود اقامت گزید، و با دختر وی ازدواج کرد. به سبزوار بازگشت و مجلس درس تشکیل داد. بزودی آوازه علمی او به نقاط مختلف رسید و از داخل و خارج کشور طالبان فلسفه و حکمت به محضر درس وی روی آوردند از آن جمله‌اند: شیخ ابراهیم تهرانی معروف به شیخ معلم، شیخ احمد میامیه‌ئی، سید احمد ادیب پیشاوری، میرزا اسداللّه سبزواری، میرزا اسماعیل افتخار الحکماء طالقانی، ملا اسماعیل سبزواری. حاج ملاهادی، شعر فارسی و عربی را به روانی و نهایت سلامت می‌سرود. از ویژگیهای آثار وی شرح و تفسیر آثار ملاصدرا و روشن کردن نکات مبهم عقاید اوست. در سبزوار درگذشت و همان جا دفن شد. آثار به جا مانده از او: «اسرار الحکم»، نیز می‌گویند؛ «اسرار العباده»، در فقه؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ حاشیه «زبده الاصول» شیخ بهایی؛ حاشیه «شرح سیوطی» بر «الفیه» ابن‌مالک؛ حاشیه‌ی «شواهد الربوبیه‌ی» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده؛ حاشیه بر «مبدا و معاد» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده است؛ شرح «مثنوی» ملای رومی؛ حاشیه «مفتاح/

مفاتیح الغیب»، که در حاشیه خود «مفاتیح» چاپ شده است؛ «دیوان» شعر، به فارسی؛ شرح «غرر الفرائد» و «هدایه المسترشدین».[1]
حاج ملا هادی سبزواری (و. سبزوار 1212- ف. 1289 ه.ق) متخلص به اسرار پسر حاج محمد سبزواری از دانشمندان بزرگ و حکمای عصر خود بود. نخست در مشهد و سپس در اصفهان حکمت، فقه، اصول و کلام آموخت. معروف‌ترین تألیف او منظومه و شرح آن دو منطق و حکمت است در دو قسمت که قسمت اول آن «اللالی‌المنتظمه» و قسمت دوم «غررالفرائد» نام دارد و هر دو در یک جلد چاپ شده و به نام شرح منظومه مشهور است. شیخ به فارسی نیز «اسرارالحکم» را نوشته است که در حکمت الهی است و همچنین حواشی متعددی بر شواهد الربوبیة و سایر مصنفات ملاصدرا تحشیه کرده و ضمناً به تخلص «اسرار» غزلیات حکمی و مایل به تصوف سروده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (38/9)، اعیان الشیعه (234/10)، تاریخ ادبیات ایران، براون (287/4)، تاریخ ادبیات در ایران (322 ،187 /5)، تاریخ فلاسفه ایران (576 -565)، حدیقه الشعراء (128 -127 /1)، دایرةالمعارف فارسی (3228/2)، الذریعه (292/26 ،98 ،55/14 ،256 -255 ،179/13 ،72/9 ،191 ،214 ،144/6 ،44/2)، ریاض العارفین (241)، ریحانه (427 -422 /2)، شرح حال رجال (326/5)، طرائق الحقائق (466 -465 /3)، فلاسفه‌ی شیعه (261 -251)، گنجینه‌ی دانشمندان (310 -308 /5)، لغت نامه (ذیل/ هادی)، المآثر و الآثار (147 -146)، مؤلفین کتب چاپی (737 -731 /6)، معجم المؤلفین (127/13)، مکارم الآثار (469 -450 /2)، یادگار (س 1، ش 3، ص 48 -43).

سبط الشیخ انصاری، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1330 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نجف از دخترزاده‌ی شیخ انصاری به دنیا آمد. سطوح را نزد آیت‌اللّه خویی و آیت‌اللّه شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه سید علی نوری و میرزا محمد عراقی و حاج شیخ غلام علی قمی فراگرفت. آنگاه به محضر درس آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمدکاظم شیرازی و بویژه آیت‌اللّه اصفهانی راه یافت و به مدارج عالیه علم و کمال رسید و از آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه عراقی و حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین و حاج شیخ محمدرضا معزی دزفولی و محدث قمی اجازه‌ی اجتهاد و روایت گرفت. وی دارای تالیفات و حواشی بسیاری بر «مکاسب» شیخ انصاری و غیره می‌باشد.[1]
حاج سید محمدعلی بن العالم الجلیل حاج سید محمد نبی بن العالم العلام حاج سید موسی آقا میری بن السید اسمعیل بن العلامه میر عبدالباقی دزفولی معروف بسبط از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر تهرانست که بمکارم اخلاق و محاسن آداب متصف و به بزرگواری و اصالت معروفست. وی در ربیع‌الثانی سال 1330 قمری در نجف اشرف از دختر زاده شیخ انصاری علویه بی‌بی خدیجه متولد گردید و چون از سطوح نزد آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد علی کاظمینی و مرحوم آیت‌اللّه سید علی نوری و میرزا محمد عراقی و حاج شیخ غلامعلی قمی فارغ شد از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و بالاخص آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و در سال 1357 قمری مهاجرت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه علمیه مروی بتدریس فقه و اصول پرداخته و هم در مسجد مروی به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارند.
دارای تألیفات و حواشی عدیده‌ای بر مکاسب شیخ و غیره میباشند و از مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین و آیت‌اللّه حاج شیخ محمد رضا معزی دزفولی و مرحوم محدث قمی حاج شیخ عباس اجازات روایتی و اجتهاد دارند.
مرحوم والدش از علماء کرام و شاگردان علامه یزدی بوده چنانچه جدش آیت‌اللّه حاج سید موسی نیز از اجله علماء و پارسای بتمام معنی و وارسته از هر جهت بوده در حدود 1260 قمری از دزفول مهاجرت به نجف و نزد

بزرگان آنجا تلمذ نموده و در سال 1322 قمری در سن نود سالگی وفات نموده و در پائین مقبره جد امی خویش جناب شیخنا الانصاری در دالان قبلی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (476 -475 /4).

سبط الشیخ دزفولی نجفی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1355 -1280 ق)، فقیه، مدرس و زاهد. در نجف اشرف متولد شد. پس از فراغ از مقدمات چند سالی از محضر پدرش و میرزای بزرگ شیرازی استفاده نمود و پس از فوت ایشان از محضر علامه خراسانی بهره‌مند گردید تا به مقام اجتهاد رسید. در 1353 ق به زیارت مشهد رضوی مشرف شد و به سبب اصرار گروهی در آنجا ساکن گردید و به تدریس پرداخت. وی در همان شهر درگذشت و در جوار مرقد امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری، حاشیه بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول».[1]
سید احمد بن العلامه الورع حاج سید محمدطاهر بن السید العلامه السید اسماعیل آغا میری دزفولی نجفی از اجله علماء و فقهاء امامیه جامع فروع و اصول که به زهد و تقوا آراسته بوده.
در اواخر سال 1280 قمری در نجف اشرف متولد شده و پس از فراغ از مقدمات چند سالی از محضر مجدد شیرازی و والد ماجدش استفاده نموده و پس از فوت ایشان از محضر مرحوم علامه خراسانی بهره‌مند گردیده تا به مقام شامخ اجتهاد رسیده است.
وی در سال 1353 قمری به زیارت حضرت رضا علیه‌السلام مشرف شد و به سبب اصرار جمعی در آنجا اقامت و به تدریس پرداخته تا در روز بیست و ششم ربیع‌الثانی 1355 قمری بدرود حیات گفته و در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا علیهماالسلام مدفون گردید.
آثار علمی او از اینقرار است:
1- حاشیه بر رسائل شیخ
2- حاشیه بر مکاسب
3- حاشیه بر کفایةالاصول.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (144/5).

سبط الشیخ، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1327 ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. چون مادرش دخترزاده‌ی شیخ انصاری است به سبط الشیخ معروف بود. او از سادات آقا میری است چون جد بزرگش سید حسین مشهور به آقا میر بوده است. در نجف متولد شد. پس از فراغت از مقدمات، سطوح را در کربلا نزد آیت‌اللّه شیخ یوسف بیارجمندی و آیت‌اللّه شیخ محمد بایگی تربتی فراگرفت. آنگاه به تهران آمد و تا پایان عمر در تهران زیست. او به فضل و ادب و کمالات نفسانی متصف بود. وی در کنار فقه، اصول، در زبان انگلیسی نیز تسلط کامل داشت و زبان‌دانی ماهر به حساب می‌آمد. از آثار وی کتاب «شیعه در اسلام» است، در مبحث امامت، به فارسی، در دو جلد به چاپ رسیده. از دیگر آثارش: کتاب «الرضا من آل محمد فی حیاه الامام الرضا (ع)» است که در 1377 ق از تالیف آن فارغ شده است؛ پاورقی بر ترجمه «شرح نهج‌البلاغه».[1]
سید موسی بن العالم العلام حاج سید محمد نبی ابن العالم العامل حاج سید موسی آقا میری دزفولی از علماء ابرار تهران و برادر ارجمند مترجم فوق‌الذکر ما می‌باشند. در سال 1327 قمری در نجف اشرف تولد یافته و پس از فراغت از اولیات سطوح را در کربلا نزد آیت‌اللّه حاج شیخ یوسف بیارجمندی و آیت‌اللّه آقا شیخ محمد بایگی تربتی فراگرفته و به ایران مهاجرت و در تهران اقامت و بتألیف و تصنیف پرداخته تا بدرود حیات گفته و برادر گرامی و دوستان خود را برای همیشه داغدار نموده است.
آثار ارزنده وی از این قرار است 1- شیعه در اسلام در دو بخش که بچاپ رسیده
2- الرضا من آل‌محمد در شرح حالات حضرت امام رضا علیه‌السلام.
3- پاورقی بر ترجمه شرح نهج‌البلاغه.
شرح احوال نیاکان این دو برادر در کتاب زندگانی شیخ انصاری و کتب تراجم و رجال دیگر مسطور و مذکور است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (272/14)، گنجینه‌ی دانشمندان (477 -476 /4)، مؤلفین کتب چاپی (338/6).

ستوده، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1340 ق)، مدرس و عالم. وی در اراک متولد شد و پس از خواندن مقدمات و سطوح، در اراک، به قم مهاجرت کرد و سطوح عالی را از مدرسین قم فراگرفت و در درس آیت‌اللّٰه بروجردی شرکت کرده و هم از محضر آیت‌اللّٰه گلپایگانی و آیت‌اللّٰه خوانساری در مباحث فقهی و کلامی استفاده نمود و به تدریس سطوح نهایی پرداخت. سپس در مسجد رضائی قم اقامه جماعت می‌نمود و به خدمات دینی می‌پرداخت. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌اللّٰه بروجردی؛ «تقریرات» بحث آیت‌اللّٰه محقق داماد؛ تنظیم و ترتیب قسمتی از «جامع الاحادیث» آیت‌اللّٰه بروجردی.[1]
آقای حاج شیخ محمدتقی بن العلم العلام و الحجه‌الاسلام آقای قاضی رحمت‌الله عراقی (که دارای مکارم اخلاق و فضائل انسانی بوده‌اند).
از فضلاء بنام و علماء عظام و مدرسین کرام حوزه علمیه قم که به فضل و تقوا موصوف و به علم و کمال معروف می‌باشند، ولادتش در سال 1340 قمری در اراک واقع شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولی در اراک در سال 1326 شمسی مهاجرت به قم کرده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگوار قم فراگرفته و در درس تحلیلی آیت الله محقق یزدی و بالغ بر 14 سال در درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و هم از محضر آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی خونساری استفاده مباحث فقه و کلام نموده و به تدریس سطوح نهائی پرداخته و اکنون در مسجد رضائی قم اقامه جماعت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
آثار علمی ایشان از این قرار است:
1- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی.
2- تقریرات بحث مرحوم آیت‌الله محقق داماد.
3- تنظیم و ترتیب قسمتی از جامع الاحادیث آیت‌الله العظمی بروجردی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (173/2).

سجادی جزی،محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند مرحوم سید ابوتراب معروف به آقا معلم متولد سال 1275 ه. ش که پس از طی مراحل تحصیلی اولیه درگز و در محضر مرحوم والد خویش باصفهان به حوزه‌های علمی و تدریسی زمان خویش مراجعه و در مدارس نیم آورد و ملا عبدالله وجده کوچک و کاسه گران از محضراساتیدی هم چون حاج ملاعلی نجف آبادی- حاج مرتضی فشارکی- آقا سید مهدی درچه‌ای- و حاج شیخ علی اکبر عالم حبیب آبادی دروس مقدمات سطح و خارج فقه و اصول را طی و پس از اخذ اجازه اجتهاد از مرحوم آیت الله سید حسن مدیسه‌ای به خدمات علمی و اجتماعی و دینی خویش بصورت وعظ- خطابه و اقامه جماعت در مسجد آقا یوسف و جامع گز و مسجد باب الدشت اصفهان مشغول و نسبت به ترویج دین حنیف و تبلیغات اسلامی مشغول و در امور حسبیه و امور ثبتی و اجرای احکام اسلامی در منطقه برخوار مشغول و در سال 1344 ه . ش در سن 69 سالگی وفات و در تخت فولاد تکیه ملک محل گلزار شهدای فعلی در اصفهان با تشییع و بدرقه دوستان و امت مسلمان بخاک سپرده شدند خداوند روح آن مرحوم را شاد و قرین رحمت فرماید.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

سجادی صدرالعلماء، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج سید محسن صدرالعلماء برادر مرحوم حاج آقا یحیی سجادی از علماء اخیار و دانشمندان ابرار تهران و قبل از مرحوم برادرش در مسجد حاج سید عزیزالله امامت می‌نمودند. عالمی بزرگوار و خدمتگزار و در قضاء حوائج اخوان و سعی در اصلاح امور مسلمین و مردم نادره دوران بود در فتنه مشروطیت مقتول و جنازه‌اش از تهران حمل به مشهد مقدس و در دارالسیاده مدفون گردید. مرحوم آیت‌الله آشتیانی حاج شیخ مرتضی- ره- برای این نگارنده و جمعی دیگر فرمودند او را بعد از مردنش در خواب دیدم که از حرم حضرت رضا علیه‌السلام بیرون آمده بطرف مقبره‌اش می‌رود متوجه مردن او شدم فورا نزدیک رفته سلام کرده او را محکم گرفتم و پرسیدم از حال و وضع او گفت مرا رها کن گفتم به صاحب این قبر تا نگوئی رها نکنم پس تبسم کرده و گفت فی روح و ریحان و جنه و نعیم و رضوان گفتم با این مقام حاجت دیگر داری گفت آری خدا مرا بدنیا آورده و سعی در قضاء حوائج مؤمنین نمایم که هیچ چیز باندازه این عمل ارزش و ثواب ندارد گفتم مرا چگونه می‌بینی گفت تو هم همین طور و هر کس متمسک بصاحب این قبر (حضرت رضا علیه‌السلام) باشد فی روح و ریحان و جنه و نعیم و رضوان.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سجادی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّٰه حاج آقا یحیی ابن العالم الجلیل السید محمدباقر (صدرالعلماء) سجادی از علماء مبرز و معروف معاصر تهران دارای مقام علم و معنویت و مقامات باطنی و قدس واقعی بوده است سالهای متمادی در مسجد حاج سید عزیزاللّٰه بازار تهران که مرکز اجتماع تجار و اصناف است امامت می‌نموده و هر شب بعد از نماز عشاء به منبر رفته و با بیانی قاطع و بلیغ تفسیر قرآن کریم نموده و موعظه می‌کرد.
در منبر بسیار آرام و متین و مودب بود هرگز دیده نشد بدن و یا دست خود را حرکت دهد. وی در خاندان علم و ادب پرورش یافته بود زیرا پدران و نیاکان او تمامی از علماء و مجتهدین مبرز بودند و با سلسله جلیله خاتون آبادیها و امام جمعه‌ای‌های تهران و اصفهان انتساب و بستگی داشت. وکیل مطلق زعیم اعظم و مرجع اعلاء عصرش مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود و وجوهات تهران را به نجف و حوزه علمیه قم بامر مرحوم سید می‌رسانید. حقا عالمی بود ربانی و دانشمندی سبحانی، منطق و منظرش انسانی را بیاد خدا می‌آورد بسیار دیده شد که شبهای تار عبا بسر کشیده و درب منازل ارامل و ایتام و بینوایان رفته و مانند اجداد کرامش به آنها مساعدت می‌نمود. به مرحوم حجةالاسلام و المسلمین آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدتقی بافقی اخلاص مخصوصی داشت و هر ماه یکی دوبار برای دیدن او بشهر ری آمده و او را ملاقات می‌کرد باین نگارنده میفرمود افسوس که دیر حاج شیخ را شناختم و در مرگ آن مرحوم بتشییع او شرکت کرده و اظهار تأثر می‌نمود. در هشتم محرم در سال 1370 ق از دنیا رفته و جنازه‌اش را با شکوه و جلال حمل به نجف اشرف و در جوار جدش بخاک سپردند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سجاوندی غزنوی، محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 560 ق)، مفسر، قاری، فقیه حنفی، ریاضیدان و شاعر. وی از دانشمندان و عالمان بزرگ قرن ششم هجری است که با سلطان سنجر سلجوقی معاصر بود و آثار بسیار ارزشمندی در تفسیر و علوم دینی تالیف کرد. وی در سرودن شعر نیز توانا بود، اشعار چندی نیز از وی در تذکره‌ها نقل است. از جمله آثارش: «انسان عین المعانی» در تفسیر و مختصر آن «عین المعانی فی تفسیر السبع المثانی»؛ «ذخایر الثمار فی اخبار السید المختار»؛ «التفسیر»؛ «الایضاح فی الوقف و الابتداء»، در مجلدی بزرگ که دلیل تبحر سجاوندی در علم قرآن است؛ «علل القراآت»، در چند مجلد؛ «غرائب القران»، در تفسیر لغات مشکل آن؛ «السراجیه» «یا فرائض سجاوندیه»، که شرحهای بسیاری بر آن نوشته شده و مشهورترین آنها «شرح سید شریف جرجانی» است؛ «التجنیس»، در حساب و ریاضیات. در منابع مختلف، کنیه و لقب او چون نام و نام پدرش محل اختلاف است و به صورتهای مختلف ابوعبداللّه، ابوطاهر، مجدالدین و سراج‌الدین ذکر شده است.[1]
ابوالفضل محمد بن ابویزید طیفور عزنوی، از دانشمندان علم قرائت در قرن ششم (ف. 560 ه.ق.). از آثار معروف وی کتاب وقوف است در شرح موادر وقف در قرآن، کتاب الوقف و الابتداء در شرح انواع وقف، کتاب الموجز در شرح بعض انوع وقف، کتاب انسان عین المعانی در تفسیر سبع المثانی، نسخ همه کتابهای مذکور در دست است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (48/7)، دایرةالمعارف فارسی (1275 -1274 /1)، الذریعه (31/16)، ریاض العارفین (174)، ریحانه (443 -442 /2)، کشف الظنون (1182، 852، 353)، الکنی و الالقاب (308/2)، لباب الالباب (283 -282 /1)، لغت نامه (ذیل/ سجاوندی و احمد)، معجم المؤلفین (233/11، 112/10)، الوافی بالوفیات (178/3)، هدیه الاحباب (148)، هدیه العارفین (106/2).

سجاوندی، محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بن عبدالرشید (یا محمد بن محمد بن عبدالرشید) حنفی مکنی به ابوطاهر و ملقب به سراج‌الدین از بزرگان علما و فقهای قرن پنجم (ف. حدود 470 ه.ق.). از تألیفات اوست: کتاب «فرائض سجادیة» که چند بار در لندن، کلکته و مصر به طبع رسیده و شروح بسیار بر آن نوشته‌اند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سجزی بغدادی، ابومحمد دعلج

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 351 -259 ق)، فقیه و محدث. اصل او از سیستان است. محدث بغداد در زمان خود بود. به شهرهای خراسان و ری و حلوان و بغداد و بصره و کوفه و مکه سفر کرد و حدیثها شنید. از محمد بن عمرو قشمرد نیشابوری و عبداللّه بن محمد شیرویه و جعفر بن محمد ترک و علی بن محمد حکانی قزوینی و هشام بن علی سیرافی و عبداللّه بن احمد بن حنبل و محمد بن ابراهیم بوشنجی و محمد بن ایوب رازی و علی بن حسین بن جنید رازی و عثمان بن سعید دارمی و ابومسلم کجی و امام الائمه ابن‌خزیمه و دیگران حدیث روایت کرد. دارقطنی و ابوعلی بن شاذان و احمد بن ابی‌عمران هروی و استاد ابواسحاق اسفراینی و ابن‌رزقویه و ابن جمیع غسانی و ابوعبداللّه حاکم نیشابوری و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را در روایت به دریا تشبیه کرده‌اند. مدت زمانی مجاور مکه شد؛ سپس به بغداد رفت و در آنجا ساکن گردید. از آنجایی که تاجر پیشه و دارای اموال بسیار بود، صدقات جاریه و وقفهای بسیاری بر اهل حدیث سیستان و بغداد و مکه نمود و حاکم گوید که گشاده دست‌تر از وی نبود. از آثارش: «مسند» یا «المسند الکبیر»، در «الاعلام»، «مسند المقلین» نیز به وی نسبت داده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (18/3)، تاریخ بغداد (392 -387 /8)، سیر النبلاء (35 -30 /16)، معجم المؤلفین (145/4)، وفیات الاعیان (272 -271 /2).

سجستانی، ابوداوود سلیمان

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(275 -202 ق)، حافظ، محدث و فقیه اهل سنت. اصل وی از سیستان بود. به دنبال حدیث به گرد شهرها گشت و از خراسانیان و عراقیان و شامیان و جزریان و مصریان و دیگران پانصد هزار حدیث نوشت و از آن میان چهار هزار و هشتصد حدیث را انتخاب کرد و این مجموعه را کتاب «السنن»، که یکی از «صحاح» ششگانه‌ی اهل سنت است، نام نهاد. وی از سلیمان بن عبدالرحمان دمشقی و احمد بن صالح و ابوالولید طیالسی و اسحاق بن راهویه و احمد بن حنبل و قتیبه بن سعید بلخی و علی بن مدینی و عبدالرحمان بن مبارک و محمد بن صباح دولابی و علی بن جعد و یحیی بن معین و بسیاری دیگر حدیث شنید. ترمذی و سنایی، صاحبان «صحاح»، و ابوحامد احمد اشعری اصفهانی و احمد بن محمد هروی و حرب بن اسماعیل کرمانی و حسین بن ادریس هروی و عبداللّه بن احمد اهوازی و عبدالرحمان بن خلاد رامهرمزی و ابوبشر دولابی و محمد بن جعفر فریابی و محمد بن خلف بن مرزبان و ابوعوانه یعقوب اسفراینی و عبداللّه بن محمد رازی و بسیاری دیگر از روی روایت کرده‌اند. او در بصره ساکن شد و چندین بار به بغداد رفت و کتاب «السنن» خود را روایت می‌کرد و یک بار آن را بر احمد حنبل عرضه کرد و به تایید وی رساند. ابوداوود در بصره درگذشت. از آثارش: «السنن» یا «سنن ابی‌داود»، در دو جزء؛ «المراسیل»، در حدیث؛ «البعث»؛ «تسمیه الاخوه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (182/3)، تاریخ بغداد (59 -55 /9)، تهذیب التهذیب (156 -153 /4)، الجرح و التعدیل (ج 2، ق 102 -101 /1)، روضات الجنات (78 -77 /4)، ریحانه (95 -94 /7)، سیر النبلاء (221 -203 /13)، طبقات الحفاظ (266 -265)، کشف الظنون (1739، 1462، 1458، 1423، 1418، 1405، 1402، 1387، 1004، 760)، الکنی و الالقاب (65 -64 /1)، معجم المؤلفین (256 -255 /4)، الوافی بالوفیات (354 -353 /15)، وفیات الاعیان (405 -404 /2)، هدیه الاحباب (15).

سراب تنکابنی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1124 -1040 ق)، فقیه، اصولی، فیلسوف و متکلم امامی. معروف به فاضل سراب. وی با شیخ جعفر قاضی معاصر بود و در محضر علامه‌ی مجلسی و محقق خوانساری تلمذ کرد. او از شاگردان محقق سبزواری در فقه بود. از استادانش مجلسی و سبوزاری اجازه‌ی روایت داشت. ملا محمدعلی استرآبادی و شیخ علی عاملی، نوه‌ی شهید ثانی، نیز به وی اجازه دادند. فرزندانش ملا محمد صادق و ملا محمدرضا و همچنین ملا محمد شفیع لاهیجی و سید محم صادق حسینی و شیخ زین‌الدین خوانساری از وی اجازه‌ی روایت کسب کردند. در اصفهان از دنیا رفت و در محل خاجو در اول تخت پولاد دفن شد. از آثارش: «اثبات الصانع القدیم بالبرهان القاطع القویم»؛ «اثبات الواجب»؛ «سفینه النجاه»، در کلام؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ رساله ای در «الاجماع»؛ «حجیه الاخبار»؛ چهار رساله در «وجوب الجمعه»؛ «ضیاء القلوب»، در امامت؛ حاشیه بر «مدارک الاحکام»، حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حاشیه بر «ذخیره المعاد» محقق سبزواری؛ حاشیه بر «آیات الاحکام» اردبیلی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (381/9)، ایضاح المکنون (24/1)، تذکره القبور (455 -454)، تلامذه العلامه المجلسی (66)، الذریعه (203/12 269/6، ،96/1)، روضات الجنات (104 -101 /7)، ریحانه (5/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 673 -671 /12)، فوائد الرضویه (553 -550)، معجم المؤلفین (180/10)، هدیه العارفین (312/2).

سرابی مجتهدی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله بن العلامه العلام آیه الله حاج میرزا علی اکبر مجتهد سرابی از علماء بنام معاصر تبریز است که سالها در حوزه علمیه قم از محضر اساتید استفاده کرده و پس از پایان تحصیلات مراجعت به تبریز و به امامت جماعت و تدریس و سایر خدمات دینی و اجتماعی پرداخته است.
معظم له نسبا عرب می‌باشند که از نجف اشرف مهاجرت به زنجان نموده و تشکیل خانواده در شهر زنجان داده و یکی از آنها مهاجرت به تبریز نموده و در آنجا رحل اقامت افکنده و آثار خیریه از خود باقی گذارده‌اند.
وی از طرف مادر سبط مرحوم آیه الله حاج میرزا باقر آقا مجتهد رئیس مطلق تبریز بوده بعد از برادر بزرگش حاج میرزا جواد آقا و نیز بعد از ایشان ریاست مطلقه تبریز با فرزند بزرگ حاج میرزا باقر آقا مرحوم آیه الله حاج میرزا حسن آقا مستقر گشته و آن مرحوم در انقلاب مشروطیت چند سال بسراب مسافرت نموده و بعدا دو مرتبه به تبریز مراجعت نموده‌اند.
ایشان سطح را در تبریز پیش اساتید بزرگ خوانده و در اواخر سال 1344 قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را خدمت مرحوم آیه الله خونساری و آیه الله حاج سید احمد خونساری و مرحوم آیه الله میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و بدرس خارج آیه الله حایری شرکت و مدت شش سال از محضر آن مرحوم استفاده کرده و به اجازه اجتهاد نائل و مدتی هم از محضر مرحوم آیه الله حجت کوهکمری کسب فیض نموده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف کرده و مقداری از محضر آیه الله العظمی اصفهانی بهره‌مند و به دریافت اجازه اجتهاد از آن حضرت مفتخر و مراجعت به تبریز نموده و تا هم اکنون در آنجا به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سرایی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1329 ق)، فقیه و مجتهد. وی در قریه‌ی سرای تبریز در خانواده‌ای باتقوا و معنوی به دنیا آمد. در 1343 ق برای تحصیل به تبریز رفت و مقدمات علوم را از محضر اساتید آنجا فراگرفت. سپس به قم رفت و نزد مدرسین بزرگ آنجا همچون آیت‌اللّه نجفی مرعشی و آیت‌اللّه لنکرانی و آقا شیخ جواد تبریزی و دیگران به فراگیری علم و تکمیل آن پرداخت. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه آقا میرزا باقر زنجانی بهره‌ها برد تا به مدارج عالیه علمی و اجتهاد دست یافت و از آیات مذکور اجازه اجتهاد گرفت. پس از بازگشت به وطن، به تدریس و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت. از کارها و آثار ارزنده‌ی وی بنای منازلی برای علماء و اهل علم؛ و احداث حمام برای روستاهای محروم؛ و همچنین بحث، مناظره و مجادله حسنه با منحرفین اعتقادی؛ و مسافرت به ممالک مختلف اسلامی برای تبلیغ و ارشاد؛ و تربیت مبلغ و طلاب علوم دینی را می‌توان نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (317 -315 /3).

سرائی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد سرائی ابن المرحوم حاج محمد رضا از مشاهیر علماء و اعاظم دانشمندان معاصر تبریز است. وی در سال 1329 ق در قریه سرای از مضافات تبریز در یکی از خانواده‌های با تقوا و معنویت بدنیا آمده و بنابر اقرار والد ماجده‌اش در سراسر دوران شیرخوارگی او را با طهارت و وضو شیر داده و در پرورش وی سعی بلیغ نموده و در سال 1343 ق برای تحصیل به شهرستان تبریز آمده و مقدمات علوم را در محضر اساتید ارجدار فراگرفته سپس به قم مشرف شده و علوم و فنون مختلفه را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه مانند حضرت آیه الله العظمی آقای نجفی مرعشی و آیه الله لنکرانی و مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی فرزند آیه الله آقا میرزا صادق آقا و دیگران استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محاضر آیات عظام حوزه نجف چون مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله العظمی حکیم و آیت الله العظمی آقا سید محمود شاهرودی و آیت الله آقا میرزا باقر زنجانی بهره‌مند شده تا به مدارج عالیه علم و کمال و اجتهاد ارتقاء یافته و از آیات مذکوره نائل باخذ اجازه اجتهاد گردیده پس از آن مراجعت به وطن و بنابر اصرار بسیاری از مردم متدین تبریز اقامت در دار الایمان تبریز نموده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس علوم پرداخته و بحمد الله تاکنون موفق به خدمات مذکوره می‌باشد. آثار معظم له از این قرار است:
1- تربیت مبلغ و طلاب علوم دینیه و تکفل مخارج ضروری عده‌ای از آنان که تربیت شدگان مکتب ایشان از روحانیون فعال و خدمتگزار در نقاط مختلف آذربایجان و غیره می‌باشند.
2- دو فرزند برومند و فاضل معظم له بنام: 1- آقا میرزا عبدالرحیم 2- آقا شیخ اسحق سرائی داماد آیت الله باقری بنابی که در حوزه علمیه قم بتدریس متون فقه و اصول اشتغال دارند.
3- مسافرت به ممالک مختلف اسلامی برای تبلیغ و ارشاد بالاخص مکه معظمه که چندین بار رهبری مردم تبریز را داشته و خالصا تعلیم مناسک حج را نموده‌اند.
4- بناء منازلی برای علماء و اهل علم که در اثر تبلیغات و فعالیتهای ایشان انجام یافته است.

5- نجات بسیاری از مردم مستمند و بینوا در زمان قحطی که بامر مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی در شهرستان هریس انبار بیت المال تشکیل داده و حقوق واجبه ثروتمندان را از قبیل: زکوه، رد مظالم و غیره در آن جمع و بین بیچارگان و فقراء تقسیم و بدین وسیله آنان را از خطر مرگ و هلاکت بحول و قوه الهی مصونیت دادند.
6- بناء و تأسیس حمام در چندین قریه و آبادی که فاقد حمام بود و مردم نمی‌توانستند وظائف تطهیر خود را انجام دهند و همچنین لوله کشی و اجراء نهر آب در بعضی از آبادیهای اطراف تبریز و سرای.
7- شهریه بطلاب و محصلین آذربایجانی حوزه علمیه قم که چند سالی موفق باین خدمت بودند.
8- مبارزه با وهابیها و منحرفین دیگر و مجادله حسنه با آنها که موجب ارشاد و هدایت عده‌ای از آنها شدند.
نگارنده گوید: آن طوری که از دانشمندان متدین و بی غرض تبریز و غیره شنیدم آیت الله سرائی دانشمندی خدوم و متقی و پارسا و موصوف بفضل و کمال و معنویت می‌باشد و در میان مردم آذربایجان و بالاخص تبریز و محل خود محبوبیت خاصی دارند، از خداوند بزرگ توفیق و عزت این گونه افراد خدمتگزار روحانی حقیقی را مسئلت می‌نمایم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سرخسی، رضی‌الدین، ابوعبداللّه

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 571 ق)، عالم و فقیه حنفی. ملقب به برهان‌الاسلام یا برهان‌الدین. در سرخس به دنیا آمد. به شام رفت و در حلب ساکن شد و محمود زنکی او را عهده‌دار تدریس در مدرسه حلاویه آنجا کرد. گروهی از فقهای حنفی بر او تعصب ورزیدند و سرانجام به سبب سعایت آنان به دمشق رفت و در همان جا و فات یافت. از آثار وی: «المحیط الرضوی» در فقه، در حدود چهل مجلد؛ سه کتاب به نام «المحیط» که اولی در ده مجلد، و دومی در چهار مجلد، و سومی در دو مجلد، همگی در فروع فقه؛ «الوجیز»، در اصول و فتاوی؛ «الوسیط»؛ «الطریقه الرضویه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 249- 250، 10/ 223- 224)، ایضاح المکنون (514/2)، ریحانه (12/3)، کشف الظنون (1620، 2002)، لغت نامه (ذیل/ سرخسی)، معجم المؤلفین (11/ 278- 279)، هدیه العارفین (91/2).

سرخسی، شمس الائمه، ابوبکر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 483 ق)، فقیه اصولی، متکلم جدلی، قاضی و عالم حنفی. در سرخس به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. از مشاهیر علمای حنفیه است. به سبب گفتن کلمه‌ای در پن خاقان در اورجند زندانی گشت و «المبسوط» را در همان زندان در حالی که هیچ کتابی حاضرش نبود نگاشت. بعد از آزادی از زندان به شهر فرغانه رفت به نشر علوم و معارف همت گماشت و تا پایان عمر در همان جا ماند. از آثار وی: «المبسوط»، در فقه حنفی و تشریع، در سی جزء؛ شرح «الجامع الکبیر» امام محمد شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «السیر الکبیر» امام محمد سیبانی، در چهار مجلد؛ «الاصول»، در اصول فقه؛ شرح «مختصر الطحاوی»؛ «ادب القاضی علی مذهب ابی‌حنیفه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (208/6)، ریحانه (12/3)، الکنی و الالقاب (313/2)، کشف الظنون (1628، 1620، 1580، 1452، 1414، 1079، 1014، 963، 568، 561، 112، 46)، لغت نامه (ذیل/ سرخسی) معجم المؤلفین (268 -267، 239 /8).

سرخه‌ای، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّه آقای حاج شیخ زین‌العابدین بن المرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین سرخه‌ئی از مشاهیر علماء و مجتهدین معاصر تهران است. وی در تاریخ 14 ذی‌الحجه 1307 ق در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم اولیات و ادبیات و سطوح را خدمت مرحوم والد و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ باقر معزالدوله و حجةالاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی خوانده و کلام را از مرحوم حاج شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشگوری فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه بهبهانی بهره‌مند گردیده و چندی در مشهد مقدس از درس و بحث آیت‌اللّه زاده کفائی مرحوم آقا محمد و مرحوم حاج فاضل استفاده نموده آنگاه مجتهدا به نجف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه التقی میرزا محمد تقی شیرازی در کربلا استفاضه نموده آنگاه به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی علیه‌السلام اقامت و تاکنون بوظائف دینی از اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
دارای آثار علمی و اجتماعی که ذیلا توضیح می‌دهم می‌باشد.
1- حاشیه مبوسطی بر کفایةالاصول.
2- حواشی بر شوارق.
3- احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده یحیی که بکلی ویران و از بین برده بودند و ایشان قیام و مقاومت و اقدامات جدی نموده تا آن را برگردانیده و بهتر از اول تجدید و بناء گنبد و صحن و سرای عالی نمودند که مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه سره بمعظم له فرمودند شما با این عمل حق عظیمی بر حضرت رسول و اهلبیت عصمت علیهم‌السلام داری.
4- تعمیر و توسعه مسجد امامزاده یحیی علیه‌السلام.
(تو 1307 ق)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد پدر خود و سپس نزد حاج شیخ باقر معزالدوله و حاج شیخ مسیح طالقانی خواند و کلام را از آقا شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فراگرفت و از محضر آیت‌اللّه بهبهانی نیز بهره‌مند گردید. چندی در مشهد از درس و بحث آیت‌اللّه‌زاده آقا محمد کفایی و حاج فاضل استفاده نمود. آنگاه در حالی که مجتهد بود به نجف رفت و از محضر میرزا محمدتقی شیرازی در کربلا بهره‌ها گرفت.

سپس به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده‌ی یحیی است. از آثار علمی‌اش: حاشیه‌ی مبسوطی بر «کفایه الاصول»؛ حواشی بر «شوارق».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (481 -480/ 4).

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1293 ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در 1304 ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدیده به تحصیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی و شیخ علی‌اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در 1310 ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌اللّه حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه به نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از

انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکاییل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه‌ی» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (340/2، 200 -197 /1)، اعیان الشیعه (274 -273 /6)، الذریعه (283/22، 116/21، 46، 17، 11/16، 139، 80 -79 /8، 410، 317 /3، 366/2، 493، 415 /1)، ریحانه (7 -5 /5، 15 -13 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 699 -693 /14)، علماء معاصرین (296 -292)، گنجینه‌ی دانشمندان (227 -225 /6).

سعید العلماء، محمد سعید

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1270 ق)، فقیه، اصولی و مجتهد. از بزرگان علمای شیعه در قرن سیزدهم است. مقیم بارفروش بود. پس از تحصیلات مقدماتی برای تکمیل اصول فقه به عراق رفت. او شاگرد برجسته شریف‌العلمای مازندرانی و معاصر شیخ انصاری و سید شفیع جاپلاقی و همدرس ملا آقا دربندی است. پس از دریافت اجازه‌ی اجتهاد از شریف‌العلماء به بارفروش بازگشت. ریاست علمی مذهبی وی مورد توجه همه حتی ناصرالدین‌شاه بود. خبرگان او را هم‌سنگ و عده‌ای وی را بر شیخ انصاری ترجیح می‌دادند. خود شیخ با وجود او فتوا نمی‌داد تا اینکه سعید العلماء در نامه‌ای نوشت که «اگر من در زمان اشتغال علمی اعلم از شیخ بوده‌ام لیکن اکنون در ایران تارک شده‌ام ولی شیخ هنوز مشغول علم است و اینک او برای تقلید و فتوا متعین است». حاج ملا محمد اشرفی و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی حایری از شاگردان بنام سعیدالعلماء بودند و دومی از وی روایت نیز کرده است. سید محمد بن ربیع تستری در حدود 1246 ق بعضی از «تقریرات» وی را نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (38/3)، شرح حال رجال (71/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 599/13)، الکنی و الالقاب (314/2)، مکارم الآثار (1971 -1970 /6).

سعید تهرانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1337 ق.، تهران.
درگذشت: 21 دی 1374، قم.
حضرت آیت‌الله شیخ حسن سعید تهرانی، فرزند آیت‌الله میرزا عبدالله چهل ستونی تهرانی و نوه آیت‌الله العظمی حاج میرزا مسیح تهرانی (از مراجع دوران قاجار که در واقعه قتل گریبادوف مرجع و پناه مردم به حساب می‌آمد) بود. ایشان علوم مقدماتی را در حوزه‌های علمیه قم و تهران تحت تربیت و نظارت پدرشان فراگرفت.
سپس در بیست و پنج سالگی به دانشگاه رفت و لیسانس معقول و منقول گرفت و سپس در سال 1370 ق. به نجف اشرف رفت و در دورس آیات عظام حاج سید محسن حکیم، آیت‌الله خویی به خصوص آیت‌الله شیخ حسین حلی شرکت جست و تقریرات دروس فقه و اصول آنها را نگاشت (چندین مجلد تقریرات دروس آیت‌الله حلی به چاپ رسیده است). در سال 1385 ق. به تهران آمد و ضمن امامت جماعت مسجد جامع چهل ستون تهران به تدریس فقه و اصول و تفسیر، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردم، به خصوص جوانان و دانشجویان، تألیف کتاب‌های دینی چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی، تأسیس بنای کتابخانه و مدرسه چهل ستون و گنجینه قرآن کریم پرداخت. این کتابخانه با بیش از چهل هزار نسخه‌های خطی و چاپی یکی از مهمترین کتابخانه‌های مساجد تهران می‌باشد.
آیت‌الله سعید برای تبلیغ اسلام و تشیع کوشش فراوان کرد و دهها کتاب به زبان‌های مختلف برای بیان اندیشه‌های تشیع و عقاید شیعی و ولایت به کشورهای مختلف فرستاد. از وی در طول عمر خویش دهها کتاب به زبان فارسی و عربی باقی مانده است. مهمرتین آثار ایشان عبارتند از: اسلام از دیدگاه قرآن و عترت؛ اصول دین (آبان 1333)؛ افکار پریشان یا مقالات سعید (1326)؛ تقریرات علامه حلی؛ ترجمه نورالابرار من حکم انیرالمؤمنین علی (ع) (1412 ق.)؛ حسین (ع) ازدیدگاه وحی (1396 ق.)؛ حکومت از دیدگاه قرآن و عترت (1399 ق.)؛ حیات یابی (ترجمه احیاءالمیت به فضایل اهل‌بیت، 1367)، خدا و رمضان (1391 ق.)؛ خدا و ولی الامر (1392 ق.)؛ خدا و مهدی (1394 ق.)؛ دایرةالمعارف قرآن (12 مجلد، به فارسی و عربی) سیره رسول‌الله (ص) سنت الهی است (1406

ق.)، غدیر پیوند ناگسستنی رسالت و امامت (1361)؛ فاطمه زهرا (س)؛ دژ شکست ناپذیر وحی در طول زمان (1361)؛ ما با خدا کار داریم (1406 ق.)؛ مکتب امام حسن (ع) (1402 ق.)؛ مبعث، بیانگر رسالت و امامت در مکتب تشیع (1412 ق.)؛ مسئولیت (1409 ق.)؛ مهدی (ع) ما راهگشای عالم غیب (1404 ق.)؛ نگهبان مکتب توحید (کتابنامه مکتب مهدی عج) (1415 ق.)؛ نگهبان مکتب ما (1410 ق.)؛ نموداری از حکومت علی (ع) (1403 ق.)؛ ولایت فقیه ره‌آورد غدیر (1399 ق.).
آثار عربی وی به این شرح است: الفقه تشریعه و تنبیه و استنباطه (1380 ق.)؛ الرسول یحدثنا (1394 ق.) الرسول یدعوکم (1398 ق.)؛ الرسول الشیعه (1398 ق.)؛ دلیل عروالوثقی (تقریرات بحث‌های آیت‌الله شیخ حسین حلی، دو جلد: جلد اول 1379 ق. جلد دوم 1382 ق.)؛ شیعتنا (1402 ق.)؛ موسوعة المکاسب (تألیف شیخ مرتضی النصاری، تقریر شیخ حسن حلی، کاتب تقریر شیخ حسن سعید، چهار جلد با تفریظ).
آیت‌الله سعید سرانجام در بیست و یکم دی 1374 (نوزدهم شعبان 1416 ق.) در هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در شهر قم در مقبره‌ی شیخان (ره) به خاک سپرده شد.
حاج حسن آقا سعید بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه حاج میرزا عبداللَّه مسیح تهرانی از افاضل علماء معاصر تهرانست.
تولدش در تهران واقع شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد مدرسین آنجا بپایان رسانیده آنگاه از محضر آیت‌اللَّه العظمی حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و بالاخص آیت‌اللَّه حلی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و تقریرات استاد حلی را در شرح عروه بنام مدارک العروه برشته تحریر و طبع درآورده و به تهران مراجعت و در مسجد جامعه بجای والد خود به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تدریس پرداخته است. از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه مسجد جامعه و نشریه‌های آن است.
(1416 -1338 ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. او از فرزندزادگان میرزا مسیح تهرانی است. در تهران به دنیا آمد. پس از خواند دروس کلاسیک و مقدمات و ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به محضر آیت‌اللَّه حیکم و آیت‌اللَّه خویی راه یافت. او به ویژه از آیت‌اللَّه حلی بهره‌ها برد تا به مدارج عالیه علم و کمال رسید. آنگاه به تهران بازگشت و در مسجد جامع تهران به ترویج دین و تدریس پرداخت. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثار ایشان تاسیس کتابخانه مسجد چهلستون جامع تهران در 1380 ق و نیز گنجینه‌ی قرآن حاوی نسخ گوناگون کهن و جدید قرآن در همان جا. این کتابخانه هم‌اکنون با بیش از چهل هزار جلد کتاب یکی از ذخایر گران‌بهای

کتب اسلامی است. از دیگر اقدامات وی انتشارات وسیع و گسترده به صورت نشریات متعدد به زبانهای مختلف برای کشورهای شرق و غرب جهان بود. از آثار علمی وی: «الرسول یحدثنا»؛ «الرسول یدعوکم»؛ «الرسول و الشیعه»؛ «شیعتنا»؛ «الفقه فی تشریعه و تبیینه و استنباطه» «دلیل العروه الوثقی»، تقریرات بحثهای استادش آیت‌اللّه حلی؛ نشریه «دائرةالمعارف قرآن کریم»؛ «اسلام از دیدگاه قرآن و عترت»؛ «اصول دین»؛ «حسین از دیدگاه وحی»؛ «خدا و اولوالامر»؛ «فاطمه الزهرا (ع)»؛ «نموداری از حکومت علی (ع)»؛ «مهدی (ع) راهگشاری عالم غیبت».[1]
حاج شیخ حسن فرزند عالم ربانی حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه سعید تهرانی (معروف به جهل ستونی) ابن آیت‌اللّه حاج میرزا مسیح که ترجمه‌اش اجمالا در جلد چهارم ص 483 گذشت معظم‌له در سال 1337 قمری در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم در تهران مقدمات را خوانده وسپس در قم به تحصیل سطوح عالیه پرداخته و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام حوزه علمیه نجف مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و شاهرودی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّه خوئی استفاده نموده و با مدارک عالیه علمی به زادگاه خود تهران مراجعت و در مسجد جامع به خدمات دینی و وظائف روحی و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و نشر معارف اسلامی و قضاء حوائج محتاجین حتی‌المقدور پرداخته و تا این تاریخ 1399 قمری به فعالیت اشتغال و سرپرستی عده‌ای از طلاب تهران را به عهده دارند و کتابخانه مسجد جامع که از تاسیسات معظم‌له است یکی از مجامع علمی تهران و پایگاه‌های خدمات اسلامی است آثار گرانقدری دارند که به آن اشاره می‌شود.
1- دلیل‌العروه دو جلد مطبوع.
2- شرح مکاسب سه جلد.
3- اصول دین.
4- افکار پریشان.
5- همه در انتظار اویند چاپ شده.
نویسنده گوید: آیت‌اللّه سعید تهرانی دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و بیانی شیوا می‌باشد در منزلش طبق سنت نیاکانش همه ساله از اول محرم تا سوم عاشورا مجلس تبلیغ و سوگواری منقد و گویندگان فاضل و دانشمند و آگاه در پیرامون معارف اسلامی و مکتب خاندان رسالت ایراد سخن نموده و طبقات مختلف و بالاخص علماء تهران که همه روزه شرکت می‌کنند زیب بخش مجلس ایشانند.
خدمات و فعالیتهای آقای سعید بسیار و این مختصر ظرفیت شرح آن را ندارد ادام اللّه توفیقه همه ساله در ایام موالید ائمه معصوم علیهم‌السلام

مخصوص حضرت رسول (ص) و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام و حضرت سیدالشهداء و حضرت بقیه‌اللَّه عجل اللَّه فرجه جزوه‌هائی آموزنده به دان مناسبت طبع و نشر می‌نمایند جزاه‌اللَّه عنهم خیرالجزاء.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار حضرت آیت‌اللَّه سعید (ره)، گنجینه‌ی دانشمندان (483/ 4).

سعید تهرانی، عبداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1391 -1305 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در تهران به دنیا آمد. مدتی در تهران نزد علمای دین چون شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح تهرانی و میرزا هاشم شفتی و حاج آقا بزرگ و حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تحصیل علوم دینی کرد. در 1330 ق در مراجعت از مکه به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌اللّه نایینی و آیةاللّه شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید احمد کربلایی استفاده نمود. در 1333 ق به تهران مراجعت و بعد از فوت پدرش چند سالی مسجد جامع تهران را امامت می‌کرد. در 1342 ق به قم رفت و از آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه کبیر بهره‌ها گرفت. در 1356 ق به تهران بازگشت و به تدریس و انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی: حاشیه بر «مکاسب»؛ هفت رساله در «مبداء و معاد» و جمع «کتاب و سنت و عقل تفسیر»؛ رساله‌ای در «مشتق»؛ «سنن النبی (ص)».[1]
آیت‌اللّه مرحوم حاج میرزا عبداللّه ابن آیت‌اللّه حاج میرزا مسیح مشهور بحاج میرزا بزرگ ایلچی کش از طراز اول علماء معاصر تهران بوده است در سال 1305 ق در تهران متولد شده و نزد علماء تهران چون مرحوم آقای شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح طالقانی و میرزا هاشم شفتی و آقای حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تلمذ نموده و در سال 1330 ق در مراجعت از مکه معظمه به نجف در آن سامان رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه شریعت و آیت‌اللّه آقا ضیاء عراقی و عالم ربانی حاج سید احمد کربلائی و غیر هم استفاده نموده و در سال 1333 ق مراجعت به تهران و پس از فوت مرحوم والدش (در سال 1334 ق) چند سالی امامت مسجد جامع تهران را نموده تا سال 1342 ق که آیات بزرگ و مراجع عالیقدر شیعه از عراق تبعید به ایران شدند وی باستقبال آنان شتافته و در خدمت آنان به قم آمده و بافاضه و استفاضه از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر پرداخته تا سال 1356 ق پس از فوت آیت‌اللّه حایری به تهران مراجعت نموده و تا سال 1391 قمری به اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر دینی و اجتماعی اشتغال داشته تا در ذی‌الحجه سال مزبور در سن 86 سالگی وفات نموده و جنازه‌اش حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه موسوی بعنوان امانت بخاک

سپرده شد تا در شرایط مناسب و رفع موانع به نجف منتقل گردد. از آثار ایشان است:
1- حاشیه بر مکاسب 2- هفت رساله در مبدء و معاد و جمع کتاب و سنه و عقل و تفسیر 3- اصول فلسفه 4- رساله‌ای در مشتق 5- سنن النبی (ص) 6- متفرقات دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (258/2)، آینه‌ی دانشوران (209 -208)، زندگینامه رجال و مشاهیر (53/4)، گنجینه‌ی دانشمندان (483 -482 /4).

سعیدالعلماء مازندرانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مآثر و آثار ص 150 گوید: سعیدالعلماء از افاضل مجتهدین بود و ریاستی معتدبها داشت و بعضی از اهل تحقیق او را با شیخ الطائفه استاد الکل مرتضی الانصاری هم سنگ میگرفتند. این بزرگوار بملاحت منطق و فصاحت بیان یگانه‌ی روزگار بنظر میآمد.
نگارنده گوید آنجناب مبارزات دامنه‌داری با فرقه ضاله بابیه و سران آنها ملاحسین بشروئی و قره‌العین نمود و نگذارده آنها وارد شهر بابل بشوند و در قلعه‌ای نزدیک بابل آنها را محاصره کرده و نابودنشان نمودند.
در ریحانه الادب گوید ملا محمد سعید العلماء مازندرانی بارفروشی از اکابر علماء امامیه قرن سیزدهم هجرت که از افاضل مجتهدین و در فصاحت و نطق و بیان یگانه‌ی زمان و با شیخ مرتضی انصاری معاصر و از تلامذه شریف العلماء مازندرانی است. ریاست علمی مذهبی معتدبه داشته و مورد توجهات ملوکانه ناصرالدین شاه قاجار بوده و بعضی از اهل خبره او را هم سنگ شیخ انصاری دانسته و بلکه گاهی ترجیحش میدهند و بالجمله فقه و اصول او مسلم اهل عصر خود بوده و شیخ انصاری با آن همه جلالت علمی که داشته با حضور وی فتوا نمیداده تا آنکه نامه‌ای از خود سعیدالعلماء در رسید که اگر من در اوقات اشتغال علمی اعلم از شیخ بوده‌ام لکن در بلاد عجم تارک شده‌ام ولی شیخ هنوز مشغول علم بوده اینک برای تقلید و فتوا معین میباشد.
شاگردان بزرگواری مانند حاج ملا محمد اشرفی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی دارد وفاتش در سال 1270 قمری اتفاق افتاد و در شهر در مقبره معروفه‌اش مدفون و اکنون قبرش یکی از بقاع متبرکه و مزارات مردم بابل است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سلطان‌العلماء سلطان‌آبادی اراکی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1382 -1296 ق)، عالم و فقیه. وی در اراک متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در همان شهر گذراند سپس به اصفهان رفت و سطح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به عتبات رفت و نزد میرزا محمدتقی شیرازی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی تلمذ کرد و به اراک بازگشت، به تدریس و اداره حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا پرداخت. بسیاری از علماء حوزه‌ی قم و اراک از شاگردان وی بوده‌اند. او در اراک فوت کرد. اثر به جا مانده از وی: «الحاشیه علی کفایه الاصول».[1]
حاج شیخ محمد سلطان العلماء اراکی از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی و دارای تألیفاتی که از آنها حاشیه بر کفایه مطبوع میباشد.
وی از علماء مبرز و مدرسین بزرگ و مجتهدین مسلم اراک بوده بسیار از علماء حوزه قم و اراک نزد وی تلمذ نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (112/1)، گنجینه‌ی دانشمندان (54/3).

سلطان‌آبادی، ابوطالب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف قبل از 1320 ق)، عالم، فقیه، مرجع و زاهد. اصل وی از کزاز اراک است. از شاگردان شیخ انصاری شمرده شده. او در محضر میرزای بزرگ شیرزای در نجف و سامراء تحصیل نمود. سرانجام به وطنش بازگشت و به اقامه‌ی وظائف شرعی و تدریس در مدرسه‌ی حاج آقا محسن عراقی پرداخت و مرجع مردم اراک شد. در «الذریعه» سال مرگ وی 1329 ق است. وی تصانیفی در فقه و اصول دارد. او شرحی بر «نجاه العباد» نگاشته که مجلد «طهارت» آن موجود است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (101/14)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 47/14).

سلطان‌آبادی، فتحعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مآثر و آثار گوید: آیه‌الله عالم ربانی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی از مشاهیر علماء این سامان و اساتید بزرگ علم اخلاق بوده است.
مآثر و آثار در ص 149 گوید: عالم عامل و فقیه فاضل و عارف کامل است مردم در علو درجه و ورع و تقوا و زهد باو مثل میزنند اصلا از عراق ایران میباشد... در سر من رأی ملتزم محضر سر کار حجه‌الحق و سید الطائفه حاج میرزا محمد حسن شیرازی دام ظله الممدود است و امامت جماعت را باوی گذارده‌اند. اکابر علماء مجاورین و غیرهم که خود هریک یا چندین هزار معتقد و مرید داشته نسبت بآخوند ملافتحعلی مذکور در مقام خلوص و ارادت هستند و از وی بعضی مشاهده کرامت مدعی میباشند. فقیه اجل حافظ عصر حاج میرزا حسین نوری طبرسی در دارالسلام و کلمه طیبه از وی بکرات نام برده و خویشتن را نسبت به وی از معتقدین و مریدان شمرده و کفی بذلک حجه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سلطان‌آبادی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مآثر و آثار در ص 165 گوید: ملامحمد علی سلطان آبادی عالمی ادیب و فاضلی از فرط ذکاء وحدت ذهن و سرعت انتقال کثیرالتصنیف بود نزد حاج سید شفیع جاپلقی بروجردی تلمذ کرد و بکزاز رفت و آنجا بتدریس علوم و تربیت طلبه اشتغال گرفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سلطان‌آبادی، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1314 ق)، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از کره رود، از توابع سلطان‌آباد بود. او داماد علامه اخلاق ملا فتحعلی سلطان‌آبادی است. وی در نجف اشرف در بهره بردن از مدرسین و عالمان مواظب و کوشا بود. به سامراء سفر کرد و نزد میرزای شیراز به تحصیل پرداخت و تا پایان عمر استادش ملازم وی بود. پس از درگذشت استاد به کاظمین رفت و دو سال بعد در آنجا درگذشت و در یکی از حجره‌های شرقی صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «اجوبه الاجوبه»؛ «الاشارات اللطیفه الحسان»، در احوال ابوحنیفه؛ «اشرف الوسائل»، در فهم «الرسائل»؛ «البحر المحیط»؛ «البیت المعمور»؛ «توضیح الدلائل علی ترجیح مسائل الرسائل»؛ «جامع‌الدین و الدنیا»؛ «حل المعقاد عن وجوه الفرائد» که حاشیه مبسوطی بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «فلک الشمحون»، کشکول مانند، در چهار مجلد که چون در نجف نگارش یافته به نام «الجاع الغروی» نیز نامیده شد، و مجلد پنجمی در سامراء به نام «الجامع العسگری» بر آن افزوده شده است؛ رساله‌ای در «فقه»؛ رساله‌ای در «کیمیا»؛ «سواء الطریق»؛ «الشهاب الثاقب»؛ «الصراط السوی و البرهان الجلی فی تعیین خلافه علی بعد النبی (ص)»؛ «الصوامع»؛ «منتهی الوصول الی علم الاصول»؛ «نخبه الادعیه»؛ «هدایه المجاهدین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (254/9)، الذریعه (313 -312 /16، 95، 33، /2 276، /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 661 -659 /14)، معجم المؤلفین (258/9).

سلطانی طباطبایی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1418 -1332 ق)، فقیه اصولی و مدرس. در بروجرد به دنیا آمد پس از طی مقدمات و فراگیری سطوح اولیه در 1348 ق به قم رفت از محضر آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه فیض و آیت‌اللّه اراکی استفاده کرد. آنگاه به نجف مشرف و حدود دو سال حوزه درس آیاتی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا اصفهانی و حاج شیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نمود. پس از بازگشت به ایران، نزدیک یک سال، در مشهد از مباحثات آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی بره‌مند شد. در 1359 ق رسما در قم سکنی گزید و به تدریس فقه و اصول و «کفایه» و «مکاسب» پرداخت. همزمان در درس فقه و اصول آیت‌اللّه بروجردی شرکت می‌کرد. وی معقول را از آیت‌اللّه شاه‌آبادی فراگرفت. از آثارش: رساله‌ای در «استصحاب»؛ رساله‌ای در «واجب مطلق و مشروط»؛ «الفوائد الفاطمیه»، در اصول؛ رساله‌ای در شرح «منظومه‌ی» میرزا محمد تنکابنی؛ رساله‌ای در «خیارات»؛ رساله‌ای در «ادبیات فارسی».[1]
آیت‌الله آقای حاج سید محمدباقر بن العلامه العلام الحاج السید علی‌اصغر الملقب بسلطان العلماء المتوفی فی 1342 المدفون فی بلده قم ابن العلامه الحاج آقامهدی طباطبائی متوفی 1324 المدفون فی رواق الکاظمین علیهماالسلام عالمی عامل و فاضلی کامل و مدرسی محقق است در سال 1332 در بروجرد متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات و سطوح اولیه در سال 1348 ق مهاجرت به قم نموده و تا سال 1355 ق از مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی استفاده نموده و در سال فوت مرحوم آیت‌الله حایری مؤسس به نجف مشرف و حدود دو سال از محضر آیات عظامی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و مقداری آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده نموده و پس از آن مراجعت به بروجرد و از آنجا به مشهد رضوی مشرف و حدود ده ماهی از مباحثات مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بهره‌مند شده و بعد از آن مراجعت به بروجرد نموده و در سال 1359 هجری مهاجرت به قم کرده و رسما رحل اقامت افکنده و به تدریس فقه و اصول و سطوح عالی (کفایه و مکاسب) پرداخته و مدتها درس سطح ایشان دائر و جمعیت زیادی از فضلاء محصلین شرکت کرده و استفاده می‌نمودند ولی دو سه سالی است که در مسجد امام

علیه‌السلام خارج کفایه و عروه را شروع کرده و جماعتی را از بیانات خود بهره‌مند می‌کنند.
معظم‌له مضافا بر آن اساتید مذکوره معقول را از مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی خوانده و از اول ورود آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه هم تا آخر عمر ایشان بالغ بر 18 سال به درس فقه و اصول آن مرحوم شرکت کرده و مورد توجه مخصوص ایشان بودند.
ایشان در نسب با مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی یکی هستند و در مرحوم حاج میرزا علینقی جد دوم آیت‌الله به هم می‌رسند و از دو جهت با آن مرحوم رحم و خویش بودند یکی از جهت پدری که پسرعمو بودند دیگر از جهت مادری که مادرشان خواهر مرحوم حاج‌آقا علی پدر آیت‌الله بودند و آیت‌الله پسر دائی ایشان می‌شدند، خلاصه آن بزرگوار جمع کرده میان نسب و حسب را و از طرف دیگر هم داماد مرحوم آیت‌الله العظمی آقای صدر می‌باشند و برادر خانواده ایشان است صاحب فضیلت و مکرمت علامه العلام و المجاهد الفهام حاج آقا موسی صدر رئیس مجلس اعیان و شیعیان لبنان در بیروت که امروز افتخاری برای عالم تشیع و اسلامند و خدماتی کرده و می‌کنند که در ترجمه ایشان خواهیم نوشت.
و از طرف دیگر هم جناب سید الافاضل الکرام آقای آقا احمد دومین فرزند برومند آیت‌الله العظمی امام خمینی داماد معظم ایشانست.
اما آثار مفیده و ارزنده مترجم معظم ما از این قرار است:
1- رساله‌ای در استصحاب. 2- رساله‌ای در واجب مطلق و مشروط.
3- کتاب الفوائد الفاطمیه فی الاصول (که به نام فاطمه معصومه علیهاسلام نوشته و موسوم نموده است).
4- رساله‌ای در شرح منظومه میرزا محمد تنکابنی 5- رساله‌ای در خیارات.
6- رساله‌ای در ادبیات فارسی و رسالات و کتب دیگر.
عالم علوم دینی.
تولد: 1328 ق.، بروجرد.
درگذشت: 31 خرداد 1376، قم.
حضرت آیت‌الله حاج سید محمدباقر سلطانی طباطبایی، فرزند آیت‌الله آقای حاج سید علی‌اصغر سلطان العماء بروجردی از علما و بزرگان بروجرد بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگرفتن مقدمات و سطوح اولیه در شهر بروجرد، به سال 1348 ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و دانش معقول و منقول را در مدت هفت سال از محضر حضرات آیات عظام حاج سید صدرالدین صدر، آقا سید محمدتقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، آقا شیخ محمدعلی حایری قمی، حاج سید احمد خوانساری و میرزا محمدعلی شاه‌آبادی فراگرفت. سپس در سال 1355 ق. رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف گردید و حدود دو

سال از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و شیخ محمدحسین اصفهانی بهره برد و در 1357 ق. به بروجرد بازگشت. در 1358 ق. به مشهد مشرف شد و حدود ده ماه از بحث‌های فقهی، کلامی و تفسیری آیت‌الله حاج میرزا مهدی اصفهانی استفاده کرد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. سال 1359 ق. به قم رفت و به تدریس سطوح عالیه (رسائل، مکاسب و کفایه) پرداخت و در کنار آن در دروس فقه و اصول و جلسات استفتاء آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت جست.
ایشان در اولین دوره‌ی مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی مردم لرستان برگزیده شد.
برخی از تألیفات آیت‌الله سید محمدباقر سلطانی طباطبایی عبارتند از: رسالة فی الاستصحاب؛ رسالة فی المطلق و المقید؛ رسالة فی الخیارات؛ الفوائد الفاطمیة فی الاوصل (که این کتاب را به نام حضرت فاطه معصومه نام نهاده است)؛ رساله در شرح منظومه فقهی علامه میرزا محمد تنکابنی؛ رساله در ادبیات فارسی.
حضرت آیت‌الله سلطانی طباطبایی پس از هشتاد و پنج سال زندگی در عصر روز شنبه سی و یکم خرداد 1376 (پانزدهم صفر 1418 ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش، پس از یک تشییع در قم و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن، در جوار مرقد حضرت امام خمینی (ره) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (176 -174 /2).

سلطانی، مسعود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1325 ق)، فقیه و عالم دینی. در قریه‌ی یالقوز آقاج از توابع میانه به دنیا آمد. پس از طی مقدمات به تبریز رفت و در مدرسه‌ی طالبیه به تحصیل پرداخت، پس از چهار سال و خواندن سطوح در 1353 ق به قم مهاجرت نمود و به خواند فقه و اصول و فلسفه پرداخت. در سال 1360 ق به نجف رفت و از محضر اساتیدی چون آیت‌اللّه آقا شیخ محمدعلی کاظمی و آیت‌اللّه خویی استفاده‌ها برد. در 1365 ق به قم بازگشت و در درس آیت‌اللّه حجت کوه‌کمری شرکت جست و پس از فوت استاد به تدریس خارج پرداخت. وی از آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی اجازه‌ی اجتهاد داشت. از آثارش: «کتاب الاصول»؛ «منهج العارفین»، در فتسیر، در چهار جلد؛ «کتاب الصلوه»؛ «ارث الروج و الزوجه»؛ «فقه الحج»، در دو جلد؛ «مستمسک الوسیله» تا زکوه؛ «ذخیره العباد»، که رساله‌ی علمیه وی می‌باشد؛ «منهج السالکین»؛ «واقفی البیان»، در آیات احکام.[1]
آقای حاج شیخ مسعود بن حیدر بن احمد بن سلطان علی بن ولی یکی از علماء اعلام و مدرسین فخام حوزه علمیه قم است، در دوم ماه ربیع‌الثانی 1325 قمری در قریه یالقوز آقاج دوران کودکی و طی مقدمات در سال 1349 قمری به تبریز رفته و در مدرسه طالبیه به تحصیل پرداخته و پس از چهار سال و خواندن سطوح در سال 1353 قمری مهاجرت به قم گردیده و در سال 1360 قمری مسافرت به نجف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدعلی کاظمی و آیت‌الله العظمی خوئی استفاده کرده و در تاریخ 1365 قمری مراجعت به قم نموده و به درس حضرت آیت‌الله العظمی آقای حجت کوهکمری قدس‌الله سره شرکت نموده و پس از فوت آن مرحوم از سال 1378 قمری شروع به تدریس خارج نموده و تاکنون اشتغال دارند و عده‌ای از محصلین از درسشان استفاده می‌کنند.
معظم‌له دارای اجازات اجتهاد از مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی می‌باشند.
تالیفات مطبوع و محفوظ ایشان از این قرار است:
1- کتاب الاصول 2- منهج العارفین در تفسیر 4 جلد 3- کتاب الصلوه 4- ارث الزوج و الزوجه 5- فقه الحج در دو جلد مطبوع 6- مستمسک الوسیله

تا زکوة 7- ذخیره العباد رساله عملیه 8- منهج السالک 9- واقفی البیان در آیات احکام.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (177 -176 /2).

سلطانیه‌ای، علی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، خطاط، ادیب و فقیه. وی از علوم متداول مانند فقه و حدیث و لغت و تجوید و قرائت و ادب بهره‌مند و خطشناسی ماهر بود و همگی خطوط را خوش می‌نوشت. در کتابت و انشاء رتبه‌ی اعلی داشت و بعضی از کتابهای حدیث فقه و ادعیه را به خط خود نشوت و تصحیح و تحشیه کرده است. میرزاعلی بسیاری از فرمانهای دیوانی و قباله‌ها را به خود نوشته و امر قضای سلطانیه به او محول بوده است. به گفته‌ی صاحب «احوال و آثار خوشنویسان» صاحب عنوان در تاریخ تألیف «گلستان هنر» (ح 1052 ق) زنده بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (469 -468 / 2).

سلفی اصفهانی، صدرالدین، ابوطاهر احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(576 -478 ق)، حافظ، محدث، فقیه، نحوی و لغوی شافعی. شهرت وی به سلفی به خاطر نام نیای بزرگش سلفه- معرب سه لبه- می‌باشد. در اصفهان به دنیا آمد. در طلب حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد و اکثر مشایخ حدیث را ملاقات کرد. لغت را از خطیب تبریزی فراگرفت و چون به بغداد رفت فقه را نز الکیا هراسی آموخت. وی از ابومطیع صحاف و ابوطالب احمد کندلانی و احمد بن محمد بن ابی‌بکر بن مردویه و احمد بن محمد بن بشرویه و احمد بن محمد بن قولویه حدیث روایت کرده است. او همچنین از زنان بسیاری در اصفهان حدیث شنید. از وی حافظ محمد مقدسی و محدث سعدالخیر و ابوالعز محمد ملقابادی و علی بن ابراهیم سرقسطی و طیب مروزی و ابوسعد سمعانی و قاضی عیاض و عمر میانشی و حماد حرانی و محمد بن عبدالغفار همدانی و جعفر بن علی همدانی و محمد بن ابراهیم فارسی و حسان مهدوی و بسیاری دیگر حدیث روایت کردند. ابوالحسن علی بن سلار وزیر ملوک فاطمیه در مصر مدرسه‌ای در اسکندریه برای او تاسیس کرد و وی را عهده‌دار تدریس در آن مدرسه نمود. علماء از دور و نزدیک به محضرش شتافتند و از وی بهره بردند. او در سرحد اسکندریه درگذشت. از آثارش: «الاربعین البلدانیه»، در حدیث؛ «السداسیات»، در حدیث؛ «المشیخه البغدادیه» یا «معجم شیوخ بغداد»؛ «معجم مشیخه اصفهان»؛ «السلفیات من اجزاء الاحادیث» یا «اجزاء السلفیات»، انتخابهایی از «اصول» ابن شرف انماطی و «اصول» ابن الطیوری؛ «السلماسیات» یا «مجالس پنج گانه» از املاهای ابوطاهر سلی؛ «شرط القراءه علی الشیوخ»؛ «معجم السفر»؛ «الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (209/1)، ایضاح المکنون (508/2)، تذکره القبور (125 -124)، روضات الجنات (276/1)، ریحانه (65 -64 /3)، سیر النبلاء (39 -5 /21)، الکامل (152/9)، کشف الظنون (1696، 1044، 997، 996، 982، 587، 54)، الکنی و الالقاب (321 -320 /2)، لسان المیزان (451 -450 /1)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (76 -75 /2)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (72 -68 /19)، الوافی بالوفیات (356 -351 /7)، وفیات الاعیان (107 -105 /1)، هدیه العارفین (87/1).

سلماسی، ابوالفتح مسعود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 629 ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از سلماس از شهرهای آذربایجان است. از آثارش: شرح «المقامات»؛ شرح «الجمل»، در نحو؛ وی خطبه‌ها و نظمی زیبا داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (110/8).

سلماسی، باقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
باقر بن العالم الجلیل شیخ زین‌العابدین سلماسی عالمی جلیل و متقی از شاگردان علامه شیخ عبدالحسین شیخ‌العراقین تهرانی و فقیه کامل شیخ محمدحسن آل یس کاظمی و مباشر بسیاری از تعمیرات حرم عسکریین و کاظمین بوده و در هفتم ربیع‌الثانی 1301 ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سماحی حایری، عبدالطیف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ عبدالطیف سماحی حایری معروف به تنکابنی سرآمد علماء و دانشمندان تنکابن است. وی در سال 1330 قمری در (نارنج بن) رامسر تحصیلات ابتدائیه خود را در مدرسه مرحوم آیت‌اللّه شیخ محمد حسین بن ملا حبیب‌اللّه سماحی نارنج بن فراگرفت و در سال 1347 به قزوین رهسپار گردید و در مدرسه التفاتیه جهت تحصیل اقامت گزیده و پس از مدتی به مشهد و بعد به قم آمده و در سال 1350 ق مهاجرت به عتبات عالیات نموده و سالها در نجف و کربلا اقامت و از محضر علماء بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج آغا حسین قمی و آیت‌اللّه حاج سید حسین حمامی و آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه اصطهباناتی و آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده تا به دریافت اجازه اجتهاد از علماء مذکور نائل و از سال 1370 ق هرساله چند ماهی را در رامسر جهت رسیدگی به امورات زندگی و ترویج آمده و از سال 1390 ق که دولت بعث عراق ایرانیها را تفسیر و اخراج نمود رسما اقامت گزیده و در فصول اعتدال هوا و گرما درمسجد جامع بازار رامسر اقامه جماعت و به تدریس عقاید و اخلاق اشتغال دارند.
آیت‌اللّه سماحی حایری دانشمندی کم نظیر و دارای اخلاق حمیده و مورد احترام مردم رامسر و علماء شمال و غیره و دارای تالیفاتی امام شناسی و رد تصوف و تقریرات مختلفه در فقه و اصول می‌باشند که تاکنون به طبع نرسیده.
از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندش حاج شیخ محمد سماحی حایری که در سال 1323 خورشیدی در کربلا متولد شده و پس از طی مقدمات نزد اساتید بزرگ تا سال 1391 ق در نجف تحصیل نموده و در ضمن به اخذ لیسانس نائل شده تا خطیبی توانا و نویسنده‌ای فاضل گردیده و تاکنون 17 کتاب در رشته‌های مختلف نوشته که از آنهاست تاریخ و جغرافیای رامسر و بزرگان تنکابن و غیره می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده به جز بعضی از مقالات مختلفه که در مجلات ایرانی و عراقی چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

سمرقندی، ابواللیث نصر

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 375/373 ق)، محدث، متکلم و فقیه حنفی. معروف به امام الهدی. وی از محدثان بنام خراسان بود که در رشته‌های مختلف علوم اسلامی تالیفات داشت و کتابهای او از مراکش تا اندونزی رایج بود. در برخی منابع او را با حافظ سمرقندی که معاصر وی بود و مانند او نام ابوللیث نصر داشت اشتباه کرده‌اند. ابواللیث از محمد بن فضل بخاری و یگران روایت کرد و ابوبکر محمد بن فضل بخاری و دیگران روایت کرد و ابوبکر محمد بن عبدالرحمان ترمذی از وی روایت کرده است. آثار عمده‌ی وی عبارتند از: «تفسیر» که به وسیله ابن عربشاه به ترکی عثمانی ترجمه شده؛ «خزانه الفقه»، در فقه حنفی؛ «مختلف الروایه»، درباره اختلاف تعلیمات علمای قدیم حنفی؛ «المقدمه فی الصلاه»، در آداب نماز؛ «تنبیه الغافلین» و «البستان» یا «بستان العارفین»، هر دو در اخلاق و زهد؛ «صحائف الالهیات»؛ «مختصر مقدمات الصلوات»؛ «النوازل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8/ 348- 349)، ایضاح المکنون (474/1)، تاریخ ادبیات در ایران (276/1)، تاریخ نظم و نثر (330)، دانشنامه ایران و اسلام (991/7)، ریحانه (73/3)، سیر النبلاء (16/ 322- 323)، کشف الظنون (1187، 120، 1580، 1634، 1636، 1795، 1980، 1981، 703، 668، 568، 563، 487، 441، 334، 243)، الکنی و الالقاب (150/1)، لغت نامه (ذیل/ ابولیث)، معجم المؤلفین (91/13)، هدیه العارفین (490/2).

سمرقندی، ابومنصور

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 575 ق)، فقیه حنفی. از اهالی سمرقند بود. وی استاد ابوبکر بن مسعود کاشانی است. از آثارش «تحفه الفقهاء»، در فروع است که شاگردش ابوبکر بن مسعود، شرح عظیمی در سه مجلد بر آن نگاشته است. در «کشف الظنون» و «هدیه العارفین» تحت عنوان سمرقندی علاءالدین، ابوبکر محمد بن احمد به کتابهای «اللباب فی اصول الفقه»؛ «میزان الاصول فی نتائج العقول» و «ایضاح القواعد» اشاره شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (212/6)، کشف الظنون (1917 -1916، 1542، 371، 209)، معجم المؤلفین (267، 228 /8)، هدیه العارفین (90/2).

سمرقندی، ناصرالدین، ابوالقاسم محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 556 ق)، فقیه حنفی، مفسر، محدث و واعظ. اهل سمرقند بود. در 542 ق به مکه رفت و در بازگشت مدتی در بغداد ماند. در سمرقند از دنیا رفت. از آثار وی: «الجامع الکبیر» یا «جامع الفتاوی»؛ «الفقه النافع»؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب»؛ «ریاضه الاخلاق»؛ «مصابیح السبل»، در دو مجلد، در فروع فقه حنفی؛ «الملتقط فی الفتاوی الحنفیه» به نام «مال الفتاوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (23 -22 /8)، ایضاح المکنون (168/2)، کشف الظنون (1921، 1813، 1697، 1580، 717، 571، 565)، معجم المؤلفین (137/12).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر عبدالرحیم

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(537- ح 617 ق)، محدث، فقیه و ادیب شافعی. از کودکی تحت تربیت پدر قرار گرفت. پدرش او را در پاره‌ای از سفرها همراه کرد و تا آنجا که توانست برای او حدیث خواند و او را به فراگیری فقه و حدیث و ادب واداشت تا اینکه از هر خرمن خوشه‌ای برچید. او «صحیح بخاری» و «سنن ابی‌داود» و «جامع ابی‌عیسی» و «مسند ابی‌عوانه» و «تاریخ فسوی» و «الحلیه» و «مسند الهیثم» و «صحیح مسلم» را سماعی روایت می‌کند. او از رییس اسعد مهروی و ابوالبرکات عبداللّٰه فراوی و ابوسعد عبدالوهاب کرمانی و وجیه شحامی و ابوالفتوح خرکوشی و جنید قاینی و ابوالوقت سجزی و ابوالاسعد ابن القشیری و محمد بن عبداللّٰه شیرازی و حسن بن محمد سنگبستی و سعید بن علی شجاعی و عبدالسلام هروی و بسیاری دیگر در بخارا و سمرقند و هرات و نیشابور و مرو شهرهای دیگر حدیث شنید. ابوبکر محمد حازمی و برزالی و ابن الصلاح و ابن النجار و ابن هلاله و شرف مرسی و احمد غرافی و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. او سرانجام شیخ مرو شد و به مقام پیشگامی شافعیان آن شهر رسید. پدرش «عوالی» را در دو مجلد برای او گفت و «معجم» را در هیجده جزء برایش پرداخت. این کتابها به نام «العوالی من مسموعات الفراوی» و «معجم الشیوخ» گردآوری شده است.[1]
فخرالدین ابوالمظفر عبدالرحیم بن عبدالکریم فقیه و عالم بزرگ خراسان و از خاندان سمعانی (و. 537- ف. 614 یا 616 ه.ق.)
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] سرآمدان فرهنگ (483 -482 /1)، سیر النبلاء (109 -107 /22)، کشف الظنون (1179)، لسان المیزان (339 -338 /4)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (158 -157 /19)، معجم المؤلفین (207 -206 /5)، الوافی بالوفیات (331/18)، هدیه العارفین (560/1).

سمعانی مروزی، تاج الاسلام، ابوبکر محمد بن مصنور

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 510 -466 ق)، عالم، فقیه، محدث و واعظ شافعی. در مرو به دنیا آمد. در نیشابور و اصفهان و همدان و کوفه و حجاز و بغداد حدیث شنید. او در مدرسه‌ی نظامیه بغداد وعظ گفت. سرانجام در مرو اقامت گزید. وی بسیار املای حدیث می‌کرد و صد و چهل مجلس املا در جامع مرو داشت و همراه مواعظ احادیثی که از اساتید خود چون پدرش و ابوالخیر صفار و ابوالقاسم زاهری و عبداللّه طاهری و ابوالفتح هاشمی و نصراللّه بن احمد خوشنامی و عبدالواحد قشیری و ثابت بن بندار و محمد بن عبدالسلام انصاری و ابوغالب عدل و ابوبکر، نوه‌ی ابن‌مردویه، و ابوالفتح حداد شنیده بود، بیان می‌کرد. سلفی و ابوالفتوح طائی و ابوطاهر سنجی از شاگردان وی می‌باشند. او رئیس شافعیان در مرو بود. پیش از وفات اشعار خود را تماما شست و محو کرد. سرانجام در مرو درگذشت او دارای آثاری در زمینه‌ی حدیث و وعظ می‌باشد که از آن جمه کتاب «الامالی» «امال».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (332/7)، ریحانه (76/3)، سیر النبلاء (373 -371 /19)، الکامل (277/8)، الکنی و الالقاب (323/2)، معجم المؤلفین (53 -52 /12)، الوافی بالوفیات (75/5)، وفیات الاعیان (311 -310 /3).

سمعانی مروزی، قوام‌الدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(562 -506 ق)، مورخ، حافظ، محدث، فقیه، نسابه و مفسر شافعی. در مرو متولد شد. در چهار سالگی پدرش او را در محضر عبدالغفار شیرویی و عبید قشیری و سهل سبعی حاضر کرد. او به اشاره‌ی پدرش از ابومنصور محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنید. هنوز کودک بود که پدر را از دست داد و عمو و دیگر خویشان کفالت او را بر عهده گرفتند و او را از همان نوجوانی علاقه‌مند به علم و دانش نمودند. در 530 ق به نیشابور سفر کرد و برای طلب علم و استماع حدیث به شرق و غرب و شمال و جنوب عالم سفر کرد و با علما و محدثین بسیاری ملاقات نمود. شمار مشایخ او را بالغ بر چهار هزار تن دانسته‌اند که در «سیر النبلاء» و دیگر کتب رجال نام شهرهایی که وی بدان سفر کرده و مشایخ معروفی که ملاقات کرده، آمده است. از وی تصانیف نیکوی بسیاری بجای ماند که از آن جمله‌اند: «تذییل تاریخ بغداد»، در پانزده مجلد؛ «تاریخ مرو» یا «تاریخ المراوزه»، متجاوز از بیست مجلد؛ «الانساب» حدود هشت مجلد؛ «طراز الذهب فی ادب الطلب»؛ «معجم البلدان»؛ «الاسفار عن الاسفار»؛ «الاملاء و الاستملاء»؛ «التذکره و التبصره»؛ «الدعوات»؛ «سلوه الاحباب و رحمه الاصحاب»؛ «التحبیر فی المعجم الکبیر»؛ «الامالی»؛ «وفیات المتاخرین» یا «تاریخ الوفاه، للمتاخرین من الرواه»؛ «الادب و استعمال الحسب»؛ «المناسک»؛ «فضل یس»؛ «الرسائل و الوسائل»؛ «تبین معادن المعانی»، در لطائف قرآن کریم.[1]
(ع. منسوب به سمعان، بطنی از تمیم) ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی شافعی فقیه و مورخ و حافظ حدیث (و. 562 ه.ق./ 1113 م.- ف. 562 ه.ق./ 1167 م.). وی به شهرهای دور سفر و با علما و محدثان ملاقات کرد و از آنان علم آموخت و گروهی نیز از او کسب علم کردند. از اوست: کتاب الانساب، کتاب تذییل تاریخ بغداد، تاریخ مرو، فضائل الصحابة معجم المشایخ، تاریخ الاوفاة للمتأخرین من الرواة الامالی، التحبیر فی المعجم الکبیر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (179/4)، ایضاح المکنون (30/2)، ذیل تاریخ بغداد (16/ مقدمه)، روضات الجنات (96 -95 /5)، ریحانه (7/3)، سیر النبلاء (465 -456 /20)، کشف الظنون (1737، 1735، 1123، 1108

162، 169، 179، 288، 303، 370، 374، 729، 756، 902، 998، ،999
161، ،131 ،86 ،49 ،35)، الکنی و الالقاب (322/2)، لغت نامه (ذیل/ ابوسعد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (173 -172 /19)، معجم المؤلفین (5 -4 /6)، وفیات الاعیان (379 -378 /1)، هدیه العارفین (609 -608 1/).

سمنانی، ابوجعفر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(444 -361 ق)، قاضی و فقیه حنفی. اصل وی از سمنان بود که در بغداد نشو و نما یافت. از نصر بن احمد مرجی موصلی و ابوالحسن دارقطنی حدیث شنید. وی ملازم ابوبکر باقلانی و از اصحاب برجسته‌ی او به شمار می‌رفت. خطیب بغدادی گوید که از وی حدیث نوشتم زیرا که مردی دانشمند و راستگو بود. او از پیشگامان اشعریه در زمان خود بود. وی عهده‌دار منصب قضای موصل شد و تا پایان عمر در آن سمت باقی ماند. او دارای تصانیفی در «فقه» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (206/6)، تاریخ بغداد (355/1)، سیر النبلاء (652 -651 /17)، الکامل (64/8)، الوافی بالوفیات (65/2).

سمویه اصفهانی، ابوبشر اسماعیل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 267 -190 ق)، فقیه و محدث. از ابونعیم ملایی در کوفه، و از ابومسهر غسانی در دمشق، و از علی بن عیاش در حمص، و از حمیدی در مکه، و از عبداللّه بن یوسف و سعید بن ابی‌مریم در مصر، و از بکر بن بکار و حسین بن حفص در اصفهان حدیث شنید. محمد بن یحیی منده و ابوبکر بن ابی‌داوود و عبداللّه بن جعفر بن فارس و ابن ابی‌حاتم از وی حدیث شنیدند. ابن ابی‌حاتم او را محدثی راستگو و مورد اعتماد توصیف کرده است و ابونعیم اصفهانی او را از فقها و حفاظ می‌داند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الجرح و التعدیل (ج 1، ق 182/1)، سیر النبلاء (12 -10 /13)، طبقات الحفاظ (247).

سنجاری، محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(721 -675 ق)، فقیه حنفی. اصل وی از سمرقند است. در سمرقند یا سنجار، از نواحی جزیره و نزدیک موصل، به دنیا آمد. او از بزرگان علمای حنفیه بود. در شهرهای مختلف سیاحت کرد و عاقبت در ماردین از توابع جزیره اقامت گزید و در آنجا به تدریس و تصنیف و فتوا اشتغال یافت و همان جا درگذشت. از آثارش: «عمده الطالب لمعرفه المذاهب»، در بیان اختلاف مابین شیعه و مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت و بعضی مذاهب دیگر. در «الکنی و الالقاب» و «ریحانه» مولف این کتاب به جای سنجاری، سخاوی ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (65/7)، ریحانه (88/3، 450/2)، کشف الظنون (1168)، الکنی و الالقاب (311/2)، معجم المؤلفین (155/10).

سنگلجی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1315 ق)، فقیه و استاد. در تهران متولد شد. وی در محضر اساتیدی چون میرزا خلیل طالقانی و میرزا غلامعلی نایینی ادبیات و علوم عربی را فراگرفت و سیر و سلوک و عرفان را در خدمت ملا محمد هیدجی و فلسفه را نزد میرزا علی‌اکبر یزدی و میرزا حسن کرمانشاهی آموخت. دوره‌ی کامل فقه و اصول را نزد شیخ محمدرضا نوری و سید محمد تنکابنی و سید محمد یزدی فراگرفت. سنگلجی به همراه برادرش شریعت به نجف رفت و در حوزه‌ی درس میزای نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی شرکت کرد. پس از بازگشت به ایران در مدرسه حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق فقه و اصول به تدریس مشغول شد از 1326 ش برای تدریس دوره‌ی دکترا انتخاب شد. از آثارش: «آیین دادرسی در اسلام»؛ «تشریع» یا «قانون‌گذاری در اسلام»؛ «تفسیر سوره حمد و اخلاص»؛ «دلائل السداد فی قواعد الفقه و الاجتهاد»؛ «الشرایع»؛ «عالم معنی»؛ «قانون رضاع در اسلام»؛ «قضاء در اسلام»؛ «کلیات عقود ایقاعات»؛ «مصباح المیزان»، در منطق؛ «مقاصد الاصول»، در اصول فقه، فارسی؛ «الوقایه فی تهذیب الکفایه».[1]
محقق، استاد، عالم علوم دینی.
تولد: 1276.
درگذشت: مهر 1359.
شیخ محمد سنگلجی، فرزند رضاقلی سنگلجی از روحانیون تهران)، سال‌های درازی با سمت استادی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی به تدریس فقه اسلامی اشتغال داشت و متن درسش شرایع الاسلام بود. کانونی هم به نام رواق تأسیس کرد که در آنجا به تفسیر قرآن می‌پرداخت. تألیفات عمده‌ی او عبارتند از: مصباح المیزان در منطق (تهران، 1347)؛ دلائل السداد فی القواعد الفقه و الاجتهاد (تهران، 1313)؛ قانون رضاع در اسلام (تهران، 1315)؛ مقاصد الوصول (1317)؛ کلیات عقود و ایقاعات (تهران، 1324)؛ تفسیر سوره‌ی حمد (تهران، 1325)؛ آیین دادرسی در اسلام (تهران، 1329)؛ عالم معنی (تهران، 1331)؛ چهار رساله در وصیت، میراث، بیع فضولی، جمله‌ای از قواعد فقه (تهران، 1333)؛ فضا در اسلام (1338)؛ سیری اجمالی در منطق و فلسفه الهی (تهران، 1355).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الذریعه (379/21، 26، 22/17، 250/8)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (72 -71 /4)، مؤلفین کتب چاپی (515 -512 /5).

سهروردی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 533 ق)، فقیه و ریاضیدان. مشهور به ابن سهروردی و ملقب به جمال‌الاسلام.وی در فقه اصول و تفسیر و علم ریاضی از برجستگان روزگار بود که در نزد غزالی تلمذ کرد و در دمشق درگذشت. اثر وی: «المقدمه الکافیه فی اصول الجبر و المقابله و ما یعرف به قیاسه من الامثله».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی ریاضیدانان (320)، لغت نامه (ذیل/ علی سهروردی).

سهروردی، شهاب‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(632 -539 ق)، حکیم، صوفی، فقیه شافعی و محدث. ملقب به شیخ‌الاسلام. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. نسبش به ابوبکر صدیق می‌رسد. وی نزد عمویش ابونجیب سهروردی فقه و وعظ و تصوف آموخت. و در بصره با شیخ ابومحمد بن عبد مصاحب بود. وی به بغداد مسافرت کرد و در آنجا سر سلسله‌ی عرفا شد. به صحبت عبدالقادر گیلانی رسید. وی پیشوا و موسس سلسله‌ی عرفانی سهروردیه بود. کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و سعدی شیرازی از ارادتمندان وی بودند. وی از کسانی مثل هبه‌اللّه بن احمد شبلی، ابن بطی، ابوزرعه مقدسی، معمر بن فاخر و یحیی بن ثابت حدیث شنید. و ابن‌نقطه، ابن‌نجار، ظهیرالدین محمود زنجانی و ابواسحاق ابن‌واسطی از وی روایت نقل کرده‌اند. وی هر سال به سفر مکه و مدینه می‌رفت و بیشتر عمرش را به وعظ اشتغال داشت. شهاب‌الدین با ابن‌فارض وابن‌عربی و نجم‌الدین دایه ملاقات داشته است. وی در بغداد درگذشت و در وردیه این شهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «عوارف المعارف» که در سفر مکه نوشته و اسماعیل بن عبد مومن و ظهیرالدین بزغش آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند؛ «رشف النصایح الایمانیه و کشف الفایح الیونانیه؛ رساله‌ی «السیر و الطیر»؛ «بهجه الاسرار فی مناقب الغوثیه»؛ «نغبه البیان فی تفسیر القرآن»؛ «جذب القلوب الی مواصله المحبوب»؛ رساله‌ی «اعلام الهدی و عقیده ارباب التقی»؛ «دیوان» اشعار.[1]
ابوحفص عمر، برادرزاده ابوالنجیب عبدالقاهر سهرودی عارف معروف که نسبت تعلیم او به احمد غزالی می‌رسد (ف. 632 ه.ق.) از تألیفات او کتاب «عوارف» «رشف النصائح» «اعلام التقی» و «اعلام الهدی» است. وی مؤسس فرقه سهرودیه و مرشد سعدی و اوحدالدین کرمانی است (سهروردیه).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1192 -1189 /3)، آثار عجم (71 -70)، الاعلام (223/5)، تاریخ ادبیات در ایران (221/2)، تاریخ نظم و نثر (142 -141)، تذکره‌ی روز روشن (443 -442)، جستجو در تصوف (178 -172)، دایرةالمعارف فارسی (1384/1)، الذریعه (555 -554، 478 /9)، ریاض العارفین (96 -95)، ریحانه (100 -98 /3)، سیر النبلاء (378 -373

22/)، طرائق الحقائق (531 ،530 ،490 ،405 ،304 ،291 /2)، فرهنگ سخنوران (518)، کشف الظنون (1965 ،1832 ،1792 ،1723 ،1697 ،1673، 1517، 1492، 1177، 1161، 1157، 905، 877، 872، 451، 126، 90، 50)، الکنی و الالقاب (326 -325 /2)، لغت نامه (ذیل/ سهروردی)، مؤلفین کتب چاپی (635 -634 /4)، مجالس المومنین (72 -70 /2)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 632)، مجمع الفصحا (819/2)، معجم المؤلفین (313/7)، معجم البلدان (329/3)، نحفات الانس (474 -473)، وفیات الاعیان (448 -446 /3)، هدیه العارفین (786 -785 /1)، هفت اقلیم (201 -199 /3)، یادداشتهای قزوینی (572/3).

سهروردی، ضیاءالدین، ابوالنجیب عبدالقاهر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(563 -490 ق)، فقیه شافعی، صوفی، محدث و مورخ. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. در جوانی به بغداد رفت و از علوم رسمی بهره‌ی بسیار یافت فقه شافعی را از اسعد میهنی آموخت و کتاب «غریب الحدیث» را از ابوعلی بن نبهان شنید همچنین از ظاهر شحامی و ابوبکر انصاری نیز حدیث شیند. چندی متولی تدریس در نظامیه شد، اما از آن کار نیز منصرف شد و به عزلت و تصوف گرائید. در این امر هم از شیخ احمد غزالی ارشاد یافت. در مدت عزلت و مجاهدت از کسب دست خویش می‌خورد و چندی نیز سقائی کرد. پس از آن به و عظ پرداخت و شهرت و قبول فوق‌العاده یافت. مدرسه و رباطی بنا کرد که وجود او را ملجاء فقراء و درماندگان ساخت و مجالس او را محل توجه عام و خاص. در اواخر عمر به قصد زیارت بیت‌المقدس به شام رفت، اما به سبب غلبه و تهدید صلیبیها موق به زیارت نشد، با این همه نورالدین زنگی مقدمش را گرامی داشت و او یک چند در دمشق ماند و مجلس وعظ هم برپا کرد. پایان عمرش در بغداد رسید. از جمله آثارش: «آداب المریدین» که شروح بسیاری بر آن نوشته شده؛ «شرح اسماء الحسنی»؛ «غریب المصابیح». صاحب «الکامل» نسبت وی را شهرزوری آورده.[1]
(منسوب به سهرورد) ابوالنجیب ضیاءالدین عبدالقاهر بن عبداللَّه عارف معروف (و. حدود 409- ف. 563 ه.ق.) از مریدان احمد غزالی (ه.م.) است و مصنفات بسیار بدو نسبت داده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (174/4)، تاریخ ادبیات در ایران (220/2)، تاریخ نظم و نثر (725)، جستجو در تصوف (172 -171)، دایرةالمعارف فارسی (1385 -1384 /1)، الذریعه (29 -28 /1)، ریحانه (283 -282 /7)، سیر النبلاء (478 -475 /20)، الکامل (98/9)، کشف الظنون (1101 43،)، لغت نامه (ذیل/ ابونجیب)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 563)، معجم البلدان (329/3)، معجم المؤلفین (311/5)، نحفات الانس (421 -420)، وفیات الاعیان (205 -204 /3)، هدیه العارفین (607 -606 /1).

سیادتی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1385 -1299 ق)، عالم دینی و مجتهد. وی از سادات حسینی بود که در قریه‌ی ایزی از محال سبزوار در خانواده‌ای باتقوا به دنیا آمد. قرآن و کتب فارسی و مقداری صرف و نحو را در همان جا خواند، سپس برای ادامه‌ی تحصیل به سبزوار رفت و در مدرسه‌ی فصیحیه تا مدت بیست سال به تصحیل پرداخت. از جمله اساتیدش آیت‌اللّه حاج میرزا حسین علوی سیزواری و عمویش، آقا میرزا موسی، پدر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری، و آقا میرزا اسماعیل مشهور به افتخارالحکماء شاگرد علامه و حکیم سبزواری را می‌توان نام برد. پس از آن به تدریس پرداخت و دو دوره «رسائل» و «مکاسب» را درس گفت. در 1337 ق به نجف اشرف سفر کرد و مدت شانزده سال در آنجا از محضر آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی استفاده‌ها برد و «تقریرات» فقه و اصول هر دو استاد را در شش مجلد به رشته تحریر درآورد. از دیگر اساتید وی، در نجف، می‌توان به آیت‌اللّه حاج شیخ اسماعیل محلاتی، پدر همسرش، اشاره کرد. در 1353 ق به سبزوار بازگشت و به کارها و امور دینی پرداخت و حوزه‌ی علمیه‌ی متلاشی شده را حیات جدیدی بخشید. وی در سبزوار درگذشت و در حسینیه که بنا نهاده بود به خاک سپرده شد.[1]
سید حسن سیادتی از علماء بزرگ و مجتهدین جلیل‌القدر سبزوار بوده وی در اواخر سال 1299 ق در قریه ایزی (پنج کیلومتری شرقی شهر سبزوار) در خاندان تقوا و سیادت دیده به جهان گشود.
پدرانش از سادات جلیل حسینی در قریه مزبوره مورد احترام بوده‌اند قرآن شریف و کتب فارسی و مقداری صرف و نحو را در نزد ملایان قریه آموخته و در اوائل بلوغ به قصد ادامه تحصیل به سبزوار وارد و در مدرسه فصیحیه در سلک طلاب علوم دینیه درآمده و تا مدت بیست سال با کمال جد و جهد به تحصیل و آنگاه به تدریس اشتغال داشته و در این مدت از محضر علماء آن عصر سبزوار استفادات علمیه و ادبیه و فقهیه و اصولیه و حکمیه نموده و از مدرسین نامی عصر خود گشته و ضمناً در مسجد جامع سبزوار به امامت جماعت اشتغال داشته است.
پس از تدریس دو دوره رسائل و مکاسب مرحوم شیخ قدس سره در سال 1337 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت 16 سال در آستان ملک پاسبان حضرت مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علیه صلوات المصلین

اقامت نموده و از محضر آیات عظام آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی استفاده و تقریرات فقه و اصول هر دو را در 6 مجلد به رشته تحریر آورده که اکنون نزد فرزند فاضلش موجود است.
در ذیقعده سال 1353 قمری به سبزوار بازگشته و به امور روحانیت قیام نموده و در سال 1363 قمری حوزه علمیه متلاشی شده آن را حیات جدیدی بخشیده به اغلب قراء اطراف نامه‌ها نوشته و تقاضای ارسال محصل به مدارس سبزوار و حوزه علمیه دائر نموده که اثر آن اقدام از آن تاریخ تاکنون مشهود است در علم و تقوا مورد قبول عامه و خاصه و در نفوذ کلام و محبوبیت قلیل‌النظیر بوده است.
در عصر یکشنبه 23 ماه رمضان المبارک 1385 قمری در سن 86 سالگی طی کسالت و نقاهت طولانی دیده از جهان فروبست و در حسینیه‌ای که از خالص مال خود در سبزوار ساخته است به خاک رفته است.
اساتید مشهور آن مرحوم در سبزوار از اینقرار است.
1- مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا حسین علوی سبزواری
2- مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقای آقا میرزا موسی عموی بزرگوارش والد آیت‌اللّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری
3- مرحوم آقا میرزا اسماعیل مشهور به افتخارالحکماء شاگرد علامه و حکیم سبزواری
4- مرحوم حجةالاسلام حاج میرزا اسماعیل مجتهد سبزواری و در نجف مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه حاج شیخ اسماعیل محلاتی بوده است دارای ده فرزند چهار پسر و شش دختر از دختر مرحوم آیت‌اللّه محلاتی مذکور می‌باشد.
فرزند اکبر و ارشدش حجةالاسلام حاج سید مصطفی سیادتی است که تحصیلات خود را در نزد آن مرحوم به پایان رسانیده و اکنون به جای معظم له به امامت جماعت و وظائف روحانیت مشغول و مورد احترام مردم سبزوار است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (317 -315 /5).

سیاری، ابوالعباس قاسم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 343/342/340 ق)، عالم، عارف، فقیه، و محدث. در مرو متولد شد. به جهت انتساب به جد مادری خود احمد بن سیار، سیاری خوانده می‌شد. وی در علوم شریعت و فنون طریقت بصیر و نخستین کسی است که در مرو سخن از حقیقت گفته است. گویند که پدرش بسیار مالدار بود، بعد از وفات او قاسم آن همه را به بهای یک تار گیسوی عنبر بوی حضرت رسالت می‌داد، سپس به برکت آن موی مبارک موفق به توبه گردید و فرقه سیاریه از فرق صوفیه نیز منتسب به او می‌باشد که به وسیله خواهرزاده‌اش عبدالواحد بن علی نشر یافت، اساس طریقه وی مبنی بر مساله جمع و تفرقه که مراد از جمع مشاهده و مراد از تفرقه مجاهدت بوده. سیاری از ابوالموجه و احمد بن عباد حدیث شنید و ابوعبداللّٰه الحاکم از وی روایت کرده است. وی در مرو درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره الاولیاء (306 -304 /2)، جستجو در تصوف (56 -55)، حلیه الاولیاء (381 -380 /10)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (79 -78)، ریحانه (104 -103 /3)، سیر النبلاء (501 -500 /15)، شرح شحطیات (40)، طبقات الصوفیه سلمی (447 -440)، طبقات الصوفیه هروی (365 -364)، کشف المحجوب (199 -198)، لغت نامه (ذیل/ ابوالعباس)، نفحات الانس (148 -147).

سید العراقین (عبدالحسین)

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج میرزا عبدالحسین خاتون آبادی فرزند آقا میر محمد مهدی بن حاج میر معصوم بن حاج میرزا محمد علی بن میر ابوالمحسن بن میر محمد اسماعیل [بن میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل] مدرس کبیر خاتون آبادی. پدرانش عموما از علمای بزرگ اصفهان، و رؤسای این شهر بوده، و به مناسبت سکونت در محله‌ی پاقلعه (از محلات اصفهان) به سادات پاقلعه معروف شده‌اند.
مرحوم سید العراقین در سال 1294 در اصفهان متولد شده، و مقدمات علوم را در این شهر آموخته، سپس جهت تکمیل به عراق عرب رفته، سال‌ها در نجف اشرف از محضر اساتید بزرگ آنجا در فقه و اصول استفاده نموده، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل گردیده، به اصفهان مراجعت نموده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت، و فصل خصومات، و ترویج دین پرداخته.
سرانجام در شب چهارشنبه 10 شوال 1350 وفات یافته، در تکیه‌ای مخصوص در مجاورت تکیه‌ی خاتون آبادی‌ها مدفون گردید. (پس از آن جمعی کثیر از فضلا و علما در مجاورت او در بقعه و خارج آن مدفون شدند که ذیلا به نام برخی از آنها اشاره می‌شود.
مرحوم سید العراقین آخرین مدرس معروف مدرسه‌ی چهارباغ به شمار می‌رفت که پس از فوت او، به مناسبت چندی، سال‌ها مدرسه تعطیل، و خالی از طلبه و محصل بوده، و امورات وقفی آن زیر نظر اداره‌ی اوقاف اداره می‌شد، تا پس از وقایع شهریور 1320 مجددا مدرسه به تصرف وقف داده، و حق به من له الحق بازگشت. سپس طلاب در آن ساکن شده و به تحصیل مشغول شدند، و به حمدالله تاکنون دایر، و صبح و عصر جلسات تدریس فقه و اصول حکمت و ادب در آنجا دایر است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سید مجاهد، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد بن العلامة الفقیه السید علی صاحب (ریاض) معروف به سید مجاهد طباطبائی. محدث قمی در فوائد الرضویه گوید. السید الاجل الاعظم الاکرم الافخم البحر الزاخر والسحاب الماطر الفایق علی الاوائل و الاواخر صاحب التحقیقات الرشیقه و التألیفات الانیقه کالمفاتیح والمناهل و غیرهما ولادت و وفات این بزرگوار در کربلا واقع شده و بعد از مرحوم والدش ریاست روحانیت شیعه در کربلا و اکثر بلاد با او بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1316 -1202 ق)، فقیه، طبیب، فیلسوف، مورخ و ریاضیدان.در تبریز متولد شد و پس از تحصیلات ادبی در زادگاهش، رهسپار نجف اشرف شد و در آنجا علوم منقول را نزد صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و به کسب اجازه اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت به زادگاهش به دلایلی از تدریس و ترویج علوم دینی روی برتافت و به اصفهان رفت و در آنجا مدت پانزده سال به فراگیری طب نزد میرزا حسن شروانی پرداخت، علوم معقول را نیز نزد ملا علی نوری و حاج ملاهادی سبزواری در سبزوار فراگرفت. پس از آن به تبریز بازگشت و به امر طبابت مشغول بود تا دار فانی را در همان جا وداع گفت. پیکر وی را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام دفن نمودند. از آثار وی: «تاریخ تبریز»؛ «تعیین قبله»؛ حاشیه «جواهر الکلام»، در فقه؛ حاشیه «شرح منظومه» سبزواری، حاشیه «کلیات قانون» شیخ الرئیس؛ حاشیه‌ی «مکاسب شیخ انصاری؛ شرح «طب الائمه»؛ شرح در «طب النبی»؛ «قانون العلاج»؛ حاشیه «شرح نفیسی»، در طب؛ «طلسمات و مثلثات و مربعات»؛ «کیفیت پر کردن صد اندر صد عددی»؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «رساله‌ی تعلیم خط کوفی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (10)، الذریعه (23 /17، 45/12، 19/8، 63/5، 73/4)، ریحانه (117 -115 /3)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (203/7)، مکارم الآثار (134 -133 /1).

سیدی، فخرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله آقای حاج سید فخرالدین بن آیت‌الله سید ابوالقاسم القسمی سبط آیت‌الله العظمی میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین از معمرین و بزرگان علماء قم و مجتهدین حوزه علمیه قم و تلامذه آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی بوده‌اند.
بسیار محترم و مجلل و معظم بود. در تشییید حوزه علمیه خدماتی نموده و اوست همان شخصیتی که مراجع و زعماء حوزه وی را مقدم داشتند که بر جنازه آیت‌الله حایری نماز بخوانند در سال 1363 قمری در سنین صد سالگی تقریبا از دنیا رفته و در بقعه‌ی مرحوم حایری مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سیستانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله العظمی سید علی سیستانی : معظم له در روز 9 ربیع الاول سال 1349 هـ . ق در شهر مقدس مشهد متولد گردید و پدرش به میمنت نام جدّش او را (علی) نام نهاد.
نام پدر گرامیشان مرحوم سید محمد باقر و نام جدّ ایشان که از بزرگان علم و زهد بوده سید علی میباشد. زندگینامه ایشان را مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب (طبقات أعلام الشیعه قسمت چهارم ص 1432) ذکر نموده است. گفته شده در نجف از شاگردان مولا علی نهاوندی و در سامرا از شاگردان مجدّد شیرازی و از شاگردان خاص مرحوم سید اسماعیل صدر گردید و در سال 1308 هـ . ق به شهر مقدس مشهد بازگردید و در آنجا مستقر گشت، و از مهمترین شاگردانش، فقید بزرگوار شیخ محمد رضا آل یاسین (قدس سره) میباشد.
خاندان معظم له از سادات حسینی میباشند که در عهد صفوی در اصفهان میزیستند و از طرف سلطان حسین صفوی، جدّ اعلی ایشان سید محمد را به منصب شیخ الاسلامی در سیستان منصوب نمود و ایشان به آنجا منتقل شده و با خانواده شان در آنجا سکنی گزیدند.
از نوادگان ایشان سید علی جدّ معظم له، اولین شخصی بود که به شهر مقدس مشهد مهاجرت نمود و در مدرسه مرحوم ملا محمد باقر سبزواری مستقر گردید و از آنجا برای تکمیل درس خود به نجف اشرف مهاجرت نمود.
حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) در پنج سالگی به تعلیم قرآن کریم پرداخت، سپس وارد مدرسه دار التعلیم دینی به منظور آموزش علوم دینی شد که در این مدت نیز خوشنویسی را از استاد فن آموخت.
در سال 1360 هـ . ق به امر پدر بزرگوارشان شروع به آموختن مقدمات علوم حوزوی نمود که مجموعه ای از دروس ادبی همچون (شرح الفیه ابن مالک، مغنی ابن هشام، مطول تفتازانی، مقامات حریری و شرح نظام) را نزد مرحوم ادیب نیشابوری و بعضی دیگر از اساتید پرداخت. همچنین (شرح لمعه و قوانین) را نزد مرحوم سید احمد یزدی فرا گرفت و قسمتی از دروس سطوح مثل (مکاسب، رسائل و کفایه) را نزد عالم جلیل شیخ هاشم قزوینی خواند.
تعدادی از کتب فلسفی همچون (شرح منظومه سبزواری، شرح الاشراق و

اسفار) را نزد مرحوم آیسی خوانده و (شوارق الالهام) را نزد مرحوم شیخ مجتبی قزوینی آموخت و از محضر علامه محقق میرزا مهدی اصفهانی و همچنین از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا هاشم قزوینی بهره های فراوان برده است.
پس از فراگیری (علوم ابتدائی، مقدمات و سطح) نزد برخی از اساتید و مدرّسان به فراگیری (علوم عقلیه و معارف الهیه) پرداخت. سپس در سال 1368 هـ . ق به شهر مقدس قم مهاجرت نموده و از محضر مرجع بزرگ آیت الله بروجردی (قدس سره) در درس فقه و اصول شرکت نمود و از دانش و معرفت فقهی او بویژه در علم رجال و حدیث استفاده بسیاری نمود. وی همچنین در دروس فقیه و عالم فاضل سید حجت کوه کمره ای (قدس سره) و تعدادی از علمای معروف آن دوره شرکت جست.
معظم له در مدت اقامت خود در قم مکاتباتی که با مرحوم سید علی بهبهانی (یکی از علمای برجسته اهواز و از تابعین مدرسه محقق شیخ هادی طهرانی) درباره بعضی از مسائل (قبله) داشته است، به طوری که در این مسائل مناقشات مفصلی حول آراء مرحوم محقق طهرانی داشته و مرحوم بهبهانی از آراء استاد خود دفاع می نمود، پس از مدتی مکاتبه، مرحوم بهبهانی نامه تشکری برای معظم له فرستاده و از ایشان تمجید و تقدیر کاملی نمود، و قرار بر آن شد که ادامه بحث در موقع تشرّف ایشان به مشهد انجام گیرد.
در سال 1371 هـ . ق معظم له از قم به نجف اشرف مهاجرت نمود، و در روز اربعین حسینی (علیه السلام) وارد کربلا گردید، سپس به نجف سفر نمود. به مدرسه بخارائی وارد شده و مستقر گردیدند، که در محضر اساتید بزرگی همچون آیت الله خوئی و شیخ حسین حلی (قدس سرهما) در فقه و اصول به مدت طولانی حاضر گردید و همچنین در این مدت هم در دروس بزرگانی همچون آیت الله حکیم و آیت الله شاهرودی (قدس سرهما) حاضر گردید.
در سال 1380 هـ . ق معظم له تصمیم رجوع به موطن خود مشهد گرفت و با تصور اینکه در آنجا مستقر خواهد شد، لذا اساتیدشان آیت الله خوئی و شیخ حسین حلی (قدس سرهما) درجه اجتهاد وی را مکتوب نمودند. همچنین محدث بزرگ، آقا بزرگ طهرانی شهادت دیگری در تبحر ایشان به علم رجال و حدیث مکتوب نمود.
معظم له در سال 1381 هـ . ق بار دیگر از وطن خود به نجف بازگشت و با ورودشان شروع به درس (خارج فقه در باب مکاسب شیخ انصاری) و متعاقب آن (شرح عروه در باب طهارت) و بیشتر (کتاب صلاة) را تدریس نمودند، تا در سال 1418 هـ . ق بعد از آنکه (کتاب صوم) را به پایان رسانده بود، شروع به (شرح کتاب اعتکاف) نمود.

در این مدت در موضوعات مختلفی همچون (کتاب قضاء، ابحاث ربا، قاعده الالزام و قاعده تقیه) بحثهای فقهی داشته اند. همچنین در این مدت بحثهایی در (علم رجال) که شامل (حجیت مراسیل ابن ابی عمیر، شرح مشیخة التهذیبین و غیره) نیز داشته اند.
همچنین معظم له بحثهایی در علم اصول را در شعبان 1384 هـ . ق شروع نموده و دوره سوم تدریس را در شعبان 1411 هـ . ق به پایان رساندند و تمام درسهای ایشان در بحثهای فقه و اصول از سال 1397 هـ . ق تا به حال به صورت کاستهای صوتی موجود میباشد. و در این روزها (1423 هـ) مشغول به تدریس (کتاب زکات از شرح عروة الوثقی) میباشند.
نبوغ علمی
معظم له همواره در بحوث اساتید خود استعداد و هوش فوق العاده ای داشته و برجسته تر از همه همشاگردانش بود. وی در کثرت تحقیق و تتبع در مسائل فقهی و رجال و تداوم فعالیت عـلمی و آشنائی با بسیاری از نظریه ها در میدانهای علمی گوناگون در حوزه، مهارت استثنائی نشان دادند.
شایان ذکر است که میان معظم له و شهید صدر (قدس سره) در حوزه نبوغ علمی، رقابت شدید بود. لذا می توان از گواهی اجتهاد ایشان که دو تن از اساتید وی یعنی آیت اللّه العظمی سید ابوالقاسم خوئی (قدس سره) و علامه حسین حلی (قدس سره) نگاشته اند پی برد.
مـعروف است که آیت اللّه خوئی (قدس سره) به هیچ یک از شاگردان خود، به جز حضرت آیت اللّه الـعـظمی سیستانی (دام ظله) و آیت اللّه شیخ علی فلسفی (یکی از علمای معروف مشهد) گواهی خطی ندادند. و نـیـز علامه آقا بزرگ تهرانی (قدس سره) برای معظم له در سال 1380 هجری قمری گواهینامه نوشته است و در آن از مهارت و درایت وی در علم رجال و حدیث تمجید نموده است . یـعـنی هنگامی که ایشان هنوز به سن 31 سالگی نرسیده بودند حائز این مرتبه والا گردیده اند.
تألیفات و دستاوردهای فکری
نـزدیک بـه 34 سال پیش، ایشان تدریس بحث (خارج فقه، اصول و رجال) را شروع نمودند. و نیز بحثهایی پیرامون (مکاسب، طهارت، نماز، خمس) و برخی از قواعد فقهی مانند (تقیه، و الزام) به انجام رساندند. ایشان تـدریـس اصول را در سه دوره تمام نموده که بعضی از بحثهای این دوره، مثل بحثهای (اصول عـلمی، تعادل و تراجیح) و همچنین بعضی از مباحث فقهی و برخی از (ابواب نماز، قاعده تقیه و الزام) آماده چاپ است.
عـده ای از فـضـلای مـعروف که هم اکنون بعضی از ایشان مدرّس بحث خارج می باشند مانند (علامه شیخ مـهـدی مـروارید، علامه سید مرتضی مهری، علامه سید حبیب حسینیان، سید مرتضی اصفهانی، علامه سید احمد

مددی، عـلامه شیخ باقر ایروانی) و تعدادی از اساتید حوزه های علمیه، بحث ایشان را به بررسی گذاشتند. معظم له همزمان با تدریس و بحث، مشغول تألیف و نگاشتن کتابهای مهم و چند رساله شدند. هـمـچنین، ایشان کلیه تقریرات بحثهای اساتید خود را نیز به رشته تألیف درآورده اند.
روش بحث و تدریس
روش حـضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) از دیگر روشهای اساتید حوزه و ارباب بحث خارج تفاوت دارد. برای مثال: در زمینه بحث (علم اصول) به ویژگیهای زیر اشاره کرد:
الف ـ ذکر تاریخ بحث و شناخت اصول و پایه های آن:
مانند: سهولت و آسـانی (مشتق) وترکیبات آن باشد، یا عقیدتی ـ سیاسی ، مانند: بحث تعادل و تراجیح، که در آن گفته است: (قضیه اختلاف احادیث نتیجه مبارزات و کشمکشهای فکری و عقیدتی آن زمان و نیز شرایط سیاسی زمان امامان علیهم السلام بود. و اندک اطلاعی از تاریخ این بحث ما را به گوشه و کنار آن مسئله و حقیقت افکار و آراء که در این باره مطرح است، می رساند).
ب ـ پیوند میان فکر حوزوی و فرهنگهای معاصر ضمن بحث از معنی الفاظ:
مؤلف کتاب (الکفایة) عقیده خود درباره معانی الفاظ را بر اساس نظریه فلسفی معاصر، که به نام (نظریه تکثر ادراکی) در فعالیت ذهن بشری و خلاقیت آن است، ساخته است. بـه ایـن مـعـنی کـه ذهـن ممکن است یک مطلب را با دو شکل مختلف تصور کند: یکی را با استقلال و دقت و وضوح ، که به او (اسم) گفته می شود و دیگری با انقباض یا گرفتگی ، که آن (حرف) نامیده می شود، و وقـتی که وارد بحث (مشتق) می شود، ایشان از زمان، با بینش فلسفی جدید که در غرب رایج است، و اینکه باید زمان را از مکان به لحاظ تعاقب نور و ظلمت جدا کرد، سخن می گوید.
و ضـمن بحث درباره (صیغه امر) و بحث از (تجری)، نظریه برخی از علمای جامعه شناسی را مـطـرح می کـنـند که بر این عقیده اند که سؤال ناشی از تداخل صفت درخواست کننده باید از حقیقت درخواست او تفکیک شود.
مـلاک اسـتـحـقـاق عقوبت و جزا، یاغی شدن عبد بر علیه مولای خود است، و این حالت مبنی بر تقسیمات و طبقه بندی جوامع قدیم بشری است که سروران، غلامان، برتر، بدتر، و... داشته است. در واقـع، ایـن نظریه از بقای فرهنگهای دیرین، که با زبان رده بندی نه زبان قانونی که مبنی بر مصالح انسانی عام است تکلم می کردند.
ج ـ اهتمام نسبت به اصولی که با فقه ارتباط دارد:
یک طلبه می تواند اغراق و تفصیل علماء را در بـحـثـهای فقهی که هیچ

ثمره علمی یا فایده فکری ندارند، ملاحظه کند، مانند بحثهایی که درباره (وضع) می کنند، و اینکه آیا (وضع) یک امر اعتباری یا تکوینی ، یا امری است که متعلق بـه تـعـهـد یـا تخصیص است، یا بحثهایی که در بیان موضوع (علم) و برخی از عوارض ذاتی در تعریف موضوع (علم) و مانند آن می کنند.
امـا آنـچـه کـه در دروس حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) مشاهده می شود، کوشش فراوان و بذل نهایت زحمت برای به دست آوردن مبنای علمی محکم و استوار در بحثهای اصولی در رابطه با روشهای استنباط، نظیر مباحث اصول عملی، تعادل و تراجیح، و عام و خاص، می باشد.
د ـ نوآوری:
بسیاری از اساتید ماهر حوزه، روح یا فن نوآوری و تجدید را دارا نیستند، و همیشه سـعی ایـشان بر این بوده که تعلیقی یا حاشیه ای بر این کتاب یا آن رساله بنگارند، بدون اینکه به جوهر بحث بپردازند، لذا می بینیم که این نمونه از اساتید فقط آری موجود را بحث نموده و از بین آنـها یکی را انتخاب می کنند، و خود را با عباراتی مانند (فتأمل) یا (فأفهم) یا (در این اشکال دو اشکال وجود دارد) و (باید در این دو اشکال تامل بخرج داد) و... مشغول می کنند.
هـ ـ نـکـاح اهل شرک جایز است:
ایشان این قاعده را که (تـزاحـم) نـام دارد، و فـقـهـا و اصولیین آن را به عنوان یک قاعده عقلی یا عقلائی صرف، مطرح می کـنـند، ضمن قاعده (اضطرار)، که یک قاعده شرعی و نصوص فراوانی درباره اش ذکر شده ، مثل (هر چیزی را که خداوند حرام کرده است برای مضطر حلال کرده است)، می دانند. در واقع ، قاعده (اضطرار) همان قاعده (تزاحم) است .
و یـا ایـنـکه فقها و اصولیین قاعده ای را بیهوده طول می دهند، مانند آنچه در قاعده (لا تعاد) مشاهده می کنیم، که فقها آن را، به دلیل وجود نص مخصوص نماز می دانند. در صـورتی کـه آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) روایت (لا تعاد الصلاة الا من خمسة) را مصداق کبری دیگری که شامل نماز و واجبات گوناگون می باشد، می شناسند. ایـن کـبری در آخر متن روایت موجود است که عبارت است از (و لا تنقض السنة الفریضة)، پس آنـچـه کـه مسلم است در نماز و غیره ترجیح فریضه بر سنت است، مانند ترجیح وقت و قبله، زیرا وقت و قبله از فرایض هستند نه سنت.
و ـ دیدگاه اجتماعی:
بعضی از فقها متون را تحت اللفظی ترجمه و معنی می کنند. به عبارت دیگر، خودشان را مقید به حروف متن می سازند بدون اینکه فراتر از آن بروند و به معانی وسیع آن متن، بپردازند.

بـعـضی دیـگـر از فـقـهـا شرایطی که متن در آن گفته شده است را مورد بحث و بررسی قرار می دهند تا با حوادثی که بر دلالت آن متن تاثیر مستقیم می گذارند، آشنا شوند. بـه طـور مـثال، اگر به حدیث پیغمبر گرامی، که در آن خوردن گوشت حمار اهلی را (در جنگ خیبر) حرام کردند بنگریم، می بینیم که بعضی از فقها به یکایک حروف این حدیث عمل می کنند، بـه ایـن معنی که گوشت حمار اهلی را، طبق این حدیث ، حرام می دانند، در صورتی که که اگر به شـرایط خاصی که این حدیث در آن گفته شده است توجه کافی مبذول شود، به منظور اصلی و هدف اساسی که پیغمبر گرامی می خواستند آن را در این حدیث پیاده کنند پی خواهیم برد، و آن این است که جنگ با یهودیان خیبر نیاز مبرم به سلاح و تجهیزات داشت، و سلاح و تجهیزات، در آن زمان آن هم با آن شرایط سخت که مسلمانها در آن بسر می بردند، به غیر از چهارپایان قابل حمل و نقل نبود. پـس، بـه ایـن نتیجه می رسیم که مراد از این حدیث نهی حکومتی بوده یعنی بری یک مصلحت خـارجی کـه شـرایـط آن روزها اقتضا می کرد، چنین دستوری صادر شده است و نباید به عنوان تشریع یا حرمت و یا کراهت تلقی شود.

ز ـ داشـتن علم و درایت در استنباط:

معظم له بر این عقیده هستند کـه یک فقیه باید از زبان و دستور عرب اطلاع کامل داشته باشد، و با نثر، اشعار و مجازهای عربی آشنا باشد تا بتواند متون را بر طبق موضوع ، نه ذات ، درک و طبقه بندی کند. و نـیـز بـاید بر احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و راویان آن، احاطه کامل داشته باشد زیرا معرفت علم رجال برای هر مجتهد واجب و ضروری است. هـمچنین ، حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) آرای منحصر به فردی دارند که با آنچه مشهور و معروف است، تفاوت دارد.

مـثـل ایـشان در مساله عدم اعتماد به توهین (ابن غضائری) نسبت به دیگران ، یا به خاطر توهین بیش از حد، و یا به خاطر عدم ثبوت نسبت کتاب به او، رأی مغایری دارند، و آن این است که ، کتاب مزبور تحقیقا به او برمی گردد، و غضائری بیش از نجاشی، شیخ، و غیره، مورد اعتماد می باشد. ایشان بر این عقیده اند که برای تعیین شخصیت راوی و تایید کردن او تا اینکه بتوان یک حدیث را، حـدیـث مسند یا مرسل نامید، باید به روش طبقات اعتماد کرد، و این همان روش مرحوم آیت اللّه بروجردی (قدس سره) بود.

معظم له باور دارند که فقیه باید از کتب حدیث و اختلاف نسخه ها با یـکـدیگر، و درک موقعیت و حال و احوال مؤلف، از لحاظ ضبط و صحت، و نیز روش تالیف که این مؤلف یا آن راوی به کار برده ، اطلاع کافی داشته باشد. به عنوان مثال ایشان این امر را که، صدوق در نقل اخبار، روایات و

احـادیـث دقـیـقـتـر از دیـگران می باشد قبول ندارد، بلکه شیخ را، طبق کتب موجود و بر اساس قرینه، ناقلی امین و قابل اعتماد می داند. و حـال آنـکـه معظم له و شهید صدر در این باره کوشش و فعالیت بسیاری از خود نشان داده اند، و همواره نوآوری و تجدید را پیشه می گیرند. و وقـتی که آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) وارد بحث (تعادل) و (تراجیح) می شوند به این نتیجه می رسند که راز این بحث، در علت اختلاف احادیث نهفته است. پـس، اگـر مـا به علل اختلاف متون شرعی بپردازیم، آن مشکل بزرگ و به ظاهر حل نشدنی حل خواهد شد. و خواهیم دید که، از روایات (ترجیح) و (تغییر) که صاحب (کفایه) آنها را بر استحباب حمل کرده است، بی نیازیم . شـهید صدر همین بحث را بررسی کرده است، لکن بر اساس عقل صرف، نه بر اساس ذکر شواهد تاریخی و حدیثی، و ارائه قواعد مهم برای حل اختلاف.

ح ـ مقایسه میان مکتبهای گوناگون:

همه می دانیم که بیشتر اساتید بحثها را از دید یک مکتب یا عقیده بررسی و مطالعه می کنند، ولی معظم له از این قبیل نیستند. وی مـیـان حـوزه مشهد، قم و نجف اشرف مقایسه می کند، و آرای میرزا مهدی اصفهانی (قدس سره) که یکی از علمای معروف مشهد بشمار می رود، آرای آیت اللّه بروجردی (قدس سره) که سمبل تفکر حوزه علمیه قم می باشد، و نیز آرای سه محقق معروف، آرای آیت اللّه خوئی (قدس سـره) و شیخ حسین حلی (قدس سره)، به عنوان نمایندگان حوزه علمیه نجف اشرف را، همه با هم مطرح می کند. در حقیقت، این نوع روش، زوایا و گوشه های بحث را به نحو احسن به ما نشان می دهد.

و اما روش فقهی آن بزرگوار، در واقع چند ویژگی دارد، از جمله :

1 ـ مـقـایـسـه میان فقه شیعه و فقه دیگر مذاهب اسلامی بدون تردید، آگاه شدن از تفکر فـقهی اهل تسنن در عصر به وجود آمدن متن، مثل (موطا مالک) و (خراج ابو یوسف) و امثال آن، ایـن امکان را به ما می دهد تا از مقاصد ائمه (علیهم السلام) و نظر ایشان هنگام گفتن این حدیث یا آن سخن، مطلع شویم.

2 ـ بکارگیری علم حقوق معاصر در بعضی از موارد فقهی، مانند مطالعه قانون دولت عراق، مصر و فرانسه، هنگام بررسی (کتاب بیع و خیارات)، چرا که شناختن اسالیب قانونی معاصر به انسان تـجـربـیـات زیـادی می بخشد، که بتواند در تحلیل قواعد فقهی و توسعه دادن به طرز تفکر او و موجبات تطبیق آن همه نکات مهم ، فعال باشد.

3 ـ بـیـشـتر علمای ما هیچ تغییری روی قواعد فقهی که از علمای گذشته به آنها رسیده انجام نـمی دهـنـد، در حـالیکه می بینیم آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) سعی بر این دارد که به بعضی از قواعد فقهی تنوع

بخشد. مثلا درباره قاعده (الزام) که بعضی از فقها آن را به عنوان قاعده (مصلحت) می شناسند که بر اساس آن مسلماً حق دارند برای بدست آوردن منافع شخصی خود، گاهی از قوانین مذاهب دیگر اسلامی، ولو اینکه این قوانین با مذهب اصلی خود آنها سازگار نیست، تبعیت می کنند، در صورتی که حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) این وضع را قبول ندارند، و احترام هر مذهب و قوانین آن مذهب و مذاهب دیگر را، واجبتر و مقدمتر می دانند، همانند قاعده (لکل قوم نکاح) یعنی (هر ملت، نکاح و رسم ازدواج مخصوص به خود را دارد).

خصوصیات و ویژگیها

هر کس که از نزدیک با حضرت آیت اللّه سیستانی (دام ظله) معاشرت و رفت و آمد کند، به زودی به شخصیت ممتاز و روحیه ای ایده آل او پی خواهد برد. این شخصیت و روحیه ای که ایشان دارا هستند، وی را به یک الگوی برجسته و عالم ربانی مبدل کرده است. اکنون به بعضی از فضایل و مکارم اخلاقی آن بزرگوار، که از نزدیک شاهد آن بوده ایم، می پردازیم:

الف ـ انصاف و احترام به رأی دیگران:

ایشان عاشق علم هستند، و ارادت خاص نسبت به معرفت و رسیدن به حقایق دارند. همواره به رأی دیگران احترام می گذارند، همیشه کتاب به دست هستند، و هرگز خواندن، تتبع، بحث و آگاه شدن از آرای دیگر علما را فراموش نکردند. لذا گاهی اوقات، ایشان بحثهای برخی از علما که شاید هم به آن صورت معروف نباشند، مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد. و این خودش نشانگر این است که، حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) توجه خاصی و احترام فوق العاده نسبت به رأی دیگران دارد.

ب ـ ادب و نزاکت در محاوره ها:

همینطور که همه می دانند، جلسات بحث و محاوره ای که بین طلبه ها یا میان یک طلبه و استادش ، بخصوص در حوزه علمیه نجف اشرف، انجام می گیرد، بسیار محکم و جدی می باشند. البته، در بعضی مواقع، این نوع روش برای طلبه ها مفید است، ولی در عین حال، همیشه تندی، روش صحیحی برای بحث و گفتگو نیست، و هرگز به هدف علمی مطلوب نمی رساند، و به غیر از تلف کردن وقت، و دور ساختن طلبه ها از روح مذاکره، چیز دیگری دربرندارد.

از جهت دیگر، همیشه درسها و بحثهایی که حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) با شاگردانشان برپا می کنند، بر اساس ادب و احترام دوجانبه میان شاگرد و استاد بوده و هست، گرچه حتی بسیاری از موضوعات یا بحثهایی که جلوی ایشان مطرح می شوند، ضعیف و بی پایه اند. یکی دیگر از خصوصیات ایشان این است که سِعی دارند جوابی را که

به شاگردانشان می دهند تکرار کنند، تا آنها مسأله مطرح شده را درک کنند. اما، اگـر سـؤال کننده روی نظر خود اصرار کند، ایشان سکوت را ترجیح می دهند.

ج ـ تـربیت:

تدریس، یک وسیله برای کسب پول در مقابل آن، یا یک وظیفه رسمی که استاد را وادار به انجام آن کند، نیست. بلکه سعی یک استاد خوب، مهربان و دلسوز، باید بر این باشد که شاگردانش را تربیت کند، و آنان را به مقام علمی والا و پیشرفت دائم برساند. لذا محبت، لازمه این کار می باشد. گذشته از اینکه، همواره و در همه جا آدم بی خیال و وظیفه نشناس موجود است، ولی در کنار آن، اساتیدی هستند مخلص، دلسوز، رئوف و فهمیده، که هدف اصلی ایشان ادای رسالت تعلیم و تعلم به نحو احسن است.

شایان ذکر است که آیت اللّه حکیم (قدس سره) و آیت اللّه خوئی (قدس سره) همیشه سمبل اخلاق حـسـنـه بـودنـد، و آنـچـه که از آیت اللّه سیستانی (دام ظله) دیدیم و شاهد آن بودیم ، همان اخلاق اساتیدشان بوده است. ایشان همواره از شاگردانشان تقاضا می کنند که بعد از پایان درس، از ایشان سئوال کنند.

حـضـرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) همیشه به شاگردان خود توصیه می کنند که به اساتید و علما اعلام احترام بگذارند، و هنگام سئوال یا بحث هر موضوع با آنان، نهایت ادب را رعایت کنند. وی مدام از اساتید خود، و روحیه عالی ایشان اخبار و قصه های فراوانی نقل می کند.

د ـ پارسائی و تقوا:

بعضی از علمای نجف اشرف خود را از دعوا و مرافعه دور می کنند، اما عده ای آن را گریز و فرار از واقعیت، یا هراس و ضعف در بیان می دانند. ولی اگر به این مسأله، از زاویه دیگری بنگریم، خواهیم دید که در واقع، این یک امر مثبت است، بلکه در خیلی از موقع ها، مهم و ضروری است. حـال، اگر همان علما احساس کنند که امت اسلامی یا حوزه، به علت رویداد مهیج و یا ابهامی در بـعضی از مفاهیم اسلامی در معرض خطر قرار گرفته است، بدون تردید، در صحنه خواهند بود، چرا که آنان خوب می دانند که هر عالم باید، در مواقف سخت و حساس، علم خود را اظهار کند.

نـکته مهمی که نباید اینجا از یاد برد این است که ، همیشه ایشان در مواقع فـتـنـه و آشـوب، سکوت را رعایت می کردند، همانطوری که بعد از درگذشت آیت اللّه بروجردی (قـدس سـره) و آیـت اللّه حـکـیـم (قدس سره)، و بروز تعصبات شخصی و رقابت برای رسیدن به مـنـصـب و کرسی، حضرت آیت اللّه سیستانی (دام ظله) همان سیاست ثابت خود را دنبال کرد، و هیچگاه هدف خود را، رسیدن به لذتهای دنیوی، سلطه جوئی، یا مقام قرار نداد.

هـ ـ آثـار فـکـری:
حـضـرت آیت اللّه سیستانی (دام ظله) تنها یک فقیه نیستند، بلکه ایشان یک شخصیت متبحر، دانا و داری یک بینش بالنده در حوزه اقتصادی و سیاسی است. ایشان نـظرات ارزشمندی درباره اداره و جامعه شناسی دارد، و همواره از اوضاع معاصر که بر جامعه اسلامی حاکم است، مطلع و آگاه است.
قابل ذکر است که معظم له در عیادتی که از استادشان مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم خوئی (قدس سره) در 29 ربیع الثانی 1409 هـ . ق داشته اند استادشان از ایشان خواستند که به جای ایشان در مسجد خضراء امامت نماز جماعت را به عهده بگیرند که ایشان در بدو امر این موضوع را قبول ننمودند و لیکن آن مرحوم اصرار زیادی نموده و فرمودند: (اگر میتوانستم همچنانکه مرحوم حاج آقا حسین قمی (قدس سره) حکم میکرد شما را مجبور به قبول مینمودم) اما معظم له چند روز مهلت خواستند و پس از آن در 5 جمادی الاول 1409 هـ . ق امامت نماز را قبول نموده و این کار تا آخرین جمعه ماه ذی الحجه سال 1414 هـ . ق که مسجد خضراء بسته شد، ادامه داشت.
معظم له جهت اداء فریضه حج در سال 1384 هـ . ق و دو بار متوالی در سالهای 1405 هـ . ق و 1406 به بیت الله الحرام مشرف شده اند.مرجعیت ایشان
بـعـد از فوت آیت اللّه سید نصراللّه مستنبط (قدس سره) عده ای از فضلا و علما از آیت اللّه خوئی (قـدس سـره) خواستند شرایطی را برای انتخاب جانشینی که دارای صلاحیت مرجعیت در حوزه علمیه نجف اشرف داشته باشد فراهم کنند. ایشان آیـت اللّه سـیـستانی (دام ظله) را، برای علمشان و پاکی مسلکشان و نیز خط مشی استوارشان انتخاب نمودند.
معظم له ابـتـدا، نماز جماعت را در محراب آیت اللّه خوئی (قدس سره) برپا نمودند، سپس شروع به بحث و نگاشتن تعلیقات بر رساله و مسلک ایشان پرداختند. بـعـد از رحـلـت آیت الله خوئی (قدس سره) معظم له یکی از تشییع کنندگان جنازه آن مرحوم بوده و نماز میت نیز را بر او گذاردند. بعد از آن، زمـام مرجعیت حوزه علمیه را بدست گرفتند، و شروع به فرستادن اجازات، تقسیم و پخش حقوق، و تدریس از روی منبر آیت اللّه خوئی (قدس سره) در مسجد (خضرا) نمودند. و به این صورت، آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) شهرت زیادی در عراق، کشورهای خلیج فارس، هند، آفریقا و... مخصوصاً در میان قشر جوانان پیدا کردند.
هم اکنون حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) یکی از علمای سرشناس و برجسته ای هستند که مشهور به اعلمیت هـسـتـنـد، و جـمـع

کثیری از اهل علم و اساتید حوزه علمیه قم و نجف اشرف بر اعلمیت ایشان گواهی می دهند.

شاشی، ابوبکر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 507 ق)، مدرس و فقیه شافعی. معروف به مستظهری. منسوب به شاش ماوراءالنهر پشت رود سیحون است. در میافارقین به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما کرد و در نزد قاضی آنجا، ابومنصور طوسی، و همچنین نزد محمد بن بیان کازرونی فقه آموخت. آنگاه وارد بغداد شد و ملازم ابواسحاق گشت. او از کازرونی، شیخ خود، و از ثابت بن ابوالقاسم خیاط و ابوبکر خطیب و بسیاری دیگر روایت کرده است. ابومعمر ازجی و علی بن احمد یزدی و ابوطاهر سلفی و فخرالنساء شهده از شاگردان و راویان وی بودند. او مدتها عهده‌دار تدریس مدرسه نظامیه بغداد بود. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی شیخ ابواسحاق شیرازی دفن شد. از آثارش: کتاب «حلیه العلماء فی مذاهب الفقهاء»، در دو مجلد، که برای خلیفه المستظهر تصنیف کرده و آن را «المستظهری» نامیده است؛ کتاب «العمده»، در فروع فقه شافعی است که برای عمده‌الدین مسترشد، فرزند مستظهر، خلیفه عباسی، نگاشته است؛ «الترغیب»؛ «المعتمد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (394 -393 /19)، کشف الظنون (1733 ،1635 ،1169 ،1025 ،690 ،401)، الکنی و الالقاب (347/2)، معجم المؤلفین (253/8)، الوافی بالوفیات (74 -73 /2)، وفیات الاعیان (221 -219 /4)، هدیه العارفین (81/2).

شانه‌ساز شیرازی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1332/1330 ق)، فقیه اصولی، حکیم، خطیب و ریاضیدان. به جهت شغل پدر به نام شانه‌ساز شهرت یافته بود. وی از بزرگان علمای امامیه در عصر خود و از راویان سید مهدی قزوینی حلی و از شاگردان میرزای شیرازی بود. سالها در محضر استاد در سامراء بود و سپس به شیراز بازگشت. پس از چندی از شیراز به نجف رفت و به تدریس و تعلیم پرداخت. وی در مدرسه‌ی قوام شیرازی تدریس می‌کرد، بویژه در تدریس «فصول» شهرتی بسیار داشت. آقا شیخ بزرگ تهرانی از شاگردان او بود. آیت‌اللّه مرعشی نجفی از وی روایت کرده است. وی در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الفصول»؛ رساله‌ای در «اللباس المشکوک»؛ «اثبات سیاده الشریف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (603/2)، الذریعه (294/18، 164/6)، ریحانه (166/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 85/14)، معجم المؤلفین (242/1).

شاه آبادی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آقا شیخ محمد علی معروف به ادیب شاه آبادی عالم فقیه مجتهد اصولی، جامع معقول و منقول، در نزد پدر و برادر سابق الذکر خود تحصیل نموده، و به درس میرزا محمّد حسن آشتیانی در طهران حاضر شده، و در نجف خدمت آخوند خراسانی، و حاج میرزا حسین خلیلی، و میرزا محمّد تقی شیرازی، و میرزا هاشم رشتی و دیگران تحصیل نموده.
در 1292 متولّد، و در عصر پنجشنبه 3 صفر سال 1369 در طهران وفات یافت.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- الانسان و الفطرة 2- الایمان و الرجعة 3- حاشیه بر کفایه ی استادش 4- القرآن و العترة 5- مرام الاسلام 6- منازل السالکین، در عرفان؛ و غیر اینها رسائلی در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و غیره.
چون در اوّل ورود به طهران در محلّه شاه آباد ساکن شده به شاه آبادی شهرت یافته، و در مسجد جامع طهران امامت و تدریس می‌نمود.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شاه عبدالعظیمی اصفهانی، محمد طاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد طاهر بن العالم الجلیل الشیخ محمد کاظم اصفهانی دانشمندی جلیل و عالمی متبحر بوده. وی از اصفهان مهاجرت به نجف اشرف نموده بعد از آن که مقدمات علوم را در وطن خود خوانده و در نجف بدرس مرحوم آیت‌اللّه فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و غیر آنها حاضر شد و از آنان نائل به دریافت اجازه اجتهاد گردید به ایران بازگشت نموده و در شهر ری جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام رحل اقامت افکند و بانجام وظائف دینی از تدریس و اقامه جماعت و نشر احکام اشتغال یافت و در ترویج دین و تعظیم شعائر شرع مبین اهتمام بسیار نمود و مورد توجه و اقبال مردم قرار گرفت و مرجعی بزرگوار گردید تا در سال (1310) قمری هزار و سیصد و ده وفات نمود.
مرحوم والدش شیخ محمد کاظم نیز از علماء مبرز اصفهان و صاحب تألیفات و تصنیفات بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ حسن از علماء و فقهاء و اصولیین متبحرین زمان خود بوده اکثر تلمذش خدمت مرحوم علامه کبری آیت‌اللّٰه حاج سید حسین کوهکمری بوده و بسیاری از تقریرات او را هم نوشته که از آنهاست کتاب بزرگی در اصول فقه بنام (الذخیره) و با آن مقام علم و فقاهت حظی از ریاست و تدریس و حتی امامت جماعت نداشته و بعد از استادش در سال 1350 قمری تقریباً وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1334 -1258 ق)، عالم دینی، فقیه و زاهد. در شهر ری متولد شد، و در همان جا پرورش یافت. قسمتی از علوم مقدماتی را خواند و در سال 1272 ق به نجف سفر کرد و مقدمات و سطوح را کامل نمود. از محضر شیخ انصاری استفاده برد و سپس به درس فقه و اصول و حدیث و رجال آیت‌اللّه شیخ ملا علی خلیلی رفت و مدتی نیز در محضر آیت‌اللّه میرزای شیرازی در نجف حاضر شد. وی از آیت‌اللّه خلیلی، که پدرزنش بود، استفاده‌ها نمود تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. پس از فوت استادش، آیت‌اللّه خلیلی، به سامراء رفت و باز به محضر آیت‌اللّه میرزای شیرازی رسید. آنگاه به نجف بازگشت و مورد توجه و اقتدای عموم مردم گشت. وی در حالی که از زیارت حرم سیدالشهداء (ع) باز می‌گشت، در طویرج درگذشت و در نجف در ایوان طلای علوی، جنب مقبره‌ی علامه حلی به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «الایقاد»؛ «الایقاظ»؛ «الاربعون حدیثا»؛ «موعظه السالکین»؛ «الجوهره»، منتخبات سه‌گانه از «الکافی» موسوم به «مستند الفقهاء» و از «التهذیب» موسوم به «اتمام المستند»؛ «حلیه الزائرین»؛ «حلیه المعاشرین»؛ «منتخب الخلاصه»، در رجال؛ «لب التفسیر»؛ «وجیزه» در فضائل ضیافت؛ «غرفه المعجزات»؛ «منتخب کتب الرجال الاربعه»، «رجال الطوسی» و «الفهرست للطوسی» و «رجال النجاشی» و «رجال الکشی». از او آثار خطی بسیاری نیز باقی مانده که می‌توان در «طبقات اعلام الشیعه» از آنها نشانی گرفت.[1]
السید محمدعلی بن السید الجلیل السید میرزا محمد بن میرزا جان معروف به میرزا هدایةاللّه حسینی شاه عبدالعظیمی نجفی قدس اللّه سره فقیهی پرهیزکار و عالمی بزرگوار بود در 17 جمادی الاولی هزار و دویست و پنجاه و هشت در زاویه مقدسه شهر ری متولد شده و در آنجا پرورش یافته و اولیات و قسمتی از علوم مقدماتی را خوانده و در سال 1272 قمری در سن 14 سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را به پایان رسانیده و چند سالی از محضر مرحوم شیخنا الانصاری استفاده کرده آنگاه بدرس فقه و اصول آیت‌اللّه آقا شیخ علی خلیلی و آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی حاضر شده و از این دو بزرگوار و بالاخص آیت‌اللّه خلیلی که ابوالزوجه و جد امی فرزندانش بود استفاده کامل نموده تا بدرجه سامیه علم و اجتهاد و اخلاق رسیده و پس از فوت استادش

مهاجرت بسامری نموده و از محضر آیت‌اللّه مجدد شیرازی باز بهره‌مند شده آنگاه مراجعت به نجف نموده و شهرت بزرگی در علم و کمال و تقوی و مقامات معنوی و موثق در نزد عوام و خواص مردم گردیده و در صحن شریف علوی اقامه جماعت داشته و عموم مردم حتی محتاطین بوی اقتداء نموده و روش او را برنامه عملی خویش قرار می‌دهند و آن جناب در ظاهر و باطن از علماء ربانی و مروجین شریعه اسلامی و در زهد و اعراض از دنیا مافوق توصیف و تعریف و با این حال به تألیف و تصنیف اشتغال داشت تا در ماه رمضان 1334 قمری در حالی که از زیارت مخصوص حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام برمی‌گشت در طویرج در منزل فرزندش مرحوم آیت‌اللّه سید محمدحسین که مرجع مردم طویرج بود از دنیا رفته و حمل به نجف و در ایوان طلای علوی علیه صلوات المصلین مدفون گردید.

استاد بزرگوارم حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله می‌فرمود که آن بزرگوار دارای کمالات نفسانی و مقامات معنوی بود و ملائکه نقاله که مرده‌ها را از مکانی بمکان دیگر می‌بردند با چشم خود دیده و قصه‌ی آن چنین بوده که ایشان حجره‌ای در صحن مطهر داشته که غالب شبها در آن بیتوته می‌نموده تا یکی از شبها مشغول عبادت بوده می‌بیند اشخاصی آمدند قبری در صحن نبش کرده و جنازه‌ای را بیرون آورده و بردند بعد فردای آنشب تحقیق میکند معلوم میشود یکنفر فاسق و ستمکاری بوده است.

تألیفات بسیار ارزنده‌ای مطبوعا و مخطوطا دارد که در جزء چهارم اعلام‌الشیعه ص 1523 مذکور است.

دارای هفت فرزند عالم و دانشمند بزرگوار بنامهای زیر بوده است.

1- آیت‌اللّه سید محمدحسین شاه عبدالعظیمی
2- آیت‌اللّه سید محمد رضا شاه عبدالعظیمی.
3- آیت‌اللّه سید محمدتقی شاه عبدالعظیمی
4- آیت‌اللّه سید محمد کاظم شاه عبدالعظیمی
5- آیت‌اللّه زین‌العابدین شاه عبدالعظیمی
6- آیت‌اللّه سید محمدباقر شاه عبدالعظیمی
7- آقای آقا سید احمد که اهل تقوا بوده است
8- صبیه تقیه که همسر آیت‌اللّه آقا سید مرتضی کشمیری بوده است و آن مرحوم دارای سه خواهر کریمه بوده که هر کدام همسر آیتی از آیات عظام روحانی بوده‌اند.

1- همسر آیت‌اللّه حاج سید عزیزاللّه تهرانی
2- همسر آیت‌اللّه آقا شیخ محمدباقر قمی
3- همسر آیت‌اللّه آقا سید محمدحسین همدانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (51/25، 270/23، 44/16، 81/7، 292/5، 503/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1534 -1531 /14)، گنجینه‌ی دانشمندان (627 -625 /4).

شاه‌آبادی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقا محمد بن العلامه الکبری والایه العظمی میرزا محمدعلی الشاه‌آبادی از علماء مهذب و فضلاء مسلم و بسیار متدین و با ورع و کمال حوزه علمیه قم است دارای جمال ظاهری و معنوی است و در حدود سال 1339 قمری متولد شده و در محیط علم و تقوا تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از مرحوم والد و علماء تهران فراگرفته و در دروس خارج معقول و منقول پدر شرکت کرده و از کمالات پدر استفاده‌ها نموده و چندین سال در مسجد جامع تهران در شبستانی که به نام والد اوست اقامه جماعت و ترویج دین نموده و ضمنا حوزه درس و بحث داشته و هم جلسات تفسیر برای مردم تهران یک مرتبه اعراض از این جهات نموده و مهاجرت به قم و مجاورت روضه فاطمیه علیهاسلام را بر اقامت و ریاست تهران ترجیح و سالهاست که در این شهرستان دینی رحل سکونت افکنده و از درس و بحث آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی اراکی و نماز معظم‌له استفاده می‌نمایند و هم مباحثات و تدریس فقهی و اصولی و غیره دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شاه‌آبادی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1292 ق)، عالم امامی، عارف، متکلم و فقیه اصولی. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود و حاوی فروع و اصول. در اصفهان متولد شد. ابتدا نزد پدر، که از اکابر شاگردان صاحب «جواهر» و مسلم الاجتهاد بود، به تحصیل پرداخت. سپس در اصفهان در حوزه‌ی درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد، معروف به حسین‌آبادی اصفهانی، که اجتهادش پیش از بلوغ مورد تصدیق بود، و هم در حوزه‌ی درس میرزا محمدهاشم چهارسوقی حاضر شد و به تکمیل مراتب علمیه خود پرداخت. سپس به تهران آمد و نزد حاج میرزا حسن آشتیانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف رفت و در حوزه‌ی درس استدلالی آیات آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد تا آنکه اجتهاد وی مورد تصدیق آن بزرگان قرار گرفت. وی علم معقول را از شیخ المتالهین میرزا هاشم رشتی فراگرفت. از آنجا که در اول ورود به تهران در خیابان شاه‌آباد اقامت گزید، به این نام شهرت یافت. او در تهران در مسجد جامع، امامت و تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در شهر ری در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانسان و الفطره»؛ «الایمان و الرجعه»؛ «القرآن و العتره»، همه در یک مجلد؛ حاشیه «کفایه» آخوند خراسانی، در اصول؛ «منازل السالکین»، در عرفان؛ «شذرات المعارف» و «مرام الاسلام»، در دو مجلد؛ «العقل و الجهل».[1]
مرحوم حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی از علماء و مراجع بزرگ و حکماء بنام معاصر تهران بوده و سالها در حوزه علمیه قم تدریس فلسفه و حکمت و فقه و اصول نموده است.
صاحب ریحانه الادب گوید: میرزا محمدعلی شاه آبادی بن میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی از اکابر علماء امامیه عصر حاضر ما و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در تهران در هر رشته تدریس فرموده و مورد استفاده افاضل و مرجع تقلید جمعی از شیعه بوده است.
وی در سال هزار و دویست و نود و دو قمری در اصفهان متولد و نخست از والد معظم خود که از اکابر تلامذه صاحب جواهر و مسلم الاجتهاد بوده بتحصیلات علمی پرداخته سپس در اصفهان در حوزه درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد معروف بحسین آبادی اصفهانی که اجتهادش پیش از بلوغ و کبر سن مصدق بوده و هم در حوزه آقای آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم

چهارسوقی حاضر و بتکمیل مراتب علمیه پرداخته پس در تهران نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا هاشم گیلانی تلمذ نموده سپس در نجف حاضر حوزه درس استدلالی مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمد تقی شیرازی شده تا آن که اجتهاد و دارای قوه مستنبط بودن وی مورد تصدیق اکابر وقت گردیده و از نجف مراجعت به ایران و در تهران در خیابان شاه آباد ساکن و از این رو بشاه آبادی معروف گردیده و در سال 1347 به قم آمده و فضلاء و بعضی از اساتید امروزه حوزه نجف و مراجع عصر حاضر را از سرچشمه علوم و معارف خویش سیراب و بهره‌مند نموده تا در سال 1354 ق که به تهران مراجعت و بناء ترویج دین و تدریس فقه و اصول و فلسفه و معقول را گذارده و نیز مبانی علمی خود را برشته تحریر درآورده و در مسجد جامعه اقامه جماعت نموده تا در 1369 ق برحمت ایزدی پیوسته و با هزاران تجلیل در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون گردیده است.
(چنانچه نگارنده در تذکره المنابر خود یاد نموده‌ام)
از آثار اوست: 1- الانسان و الفطره 2- الایمان و الرجعه 3- القرآن و العتره 4- حاشیه کفایه 5- مرام اسلامی 6- منازل السالکین در عرفان و غیر اینها در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و موضوعات دیگر.
از باقیات الصالحات ایشان است: فرزندان فاضل و برومند ایشان که در قم و تهران بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند:
1- مرحوم حجةالاسلام آقای آقا شیخ محمد جواد که در زمان ایشان در سنین جوانی وفات نموده و در شهر ری مقبره مذکور مدفون گردیده.
2- حجةالاسلام والمسلمین آقای آقا محمد شاه‌آبادی که چندی در تهران بجای آن مرحوم اقامه جماعت ولی اکنون سالهاست که در قم بتحصیل و تدریس اشتغال دارند و ترجمه ایشان را در جلد دوم ص 178 یاد نموده‌ام.
3- حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ نصرالله که سالها در نجف اشتغال بتحصیل داشته ولی چند سالیست معاودت و در مسجد لاریجانی خیابان پامنار اقامت می‌کنند.
4- حجةالاسلام آقای حاج مهدی شاه‌آبادی که در تهران امامت دارند و سالها در قم تکمیل مبانی علمی و دینی نموده‌اند.
5- حجةالاسلام آقای حاج شیخ روح‌الله شاه آبادی که سالها در نجف و کربلا بتحصیل فقه و اصول اشتغال داشته‌اند.
6- حجةالاسلام آقای حاج نورالله شاه آبادی که بعد از تحصیلات بخدمات دینی در تهران اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (218 -217 /1)، تذکره القبور (119

-118)، الذریعه (59/17)، ریحانه (168 -167 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1371 -1370 /14)، گنجینه‌ی دانشمندان (485 -483 /4)، مؤلفین کتب چاپی (174 -173 /4)، معجم المؤلفین (47/11).

شاه‌چراغی، سید محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج سید محمدحسین شاه‌چراغی شیرازی از علماء بزرگوار معاصر تهران بوده و در خیابان مولوی اقامت و در مسجد قمی‌ها واقع در اول خیابان سیروس اقامه نماز جماعت و ترویج دین و نشر احکام شرع مبین می‌نمودند.
ترجمه آن مرحوم چنانچه در کتاب مجمع السادات فی فضائل السادات نگاشته‌اند از این قرار است: سید محمدحسین موسوی شاه چراغی ابن العالم العلامه الفقیه المرحوم حاج سید علی نهاوندی و سبط حجةالاسلام و المسلمین زبده الفقهاء الراشدین الشیخ علی استرآبادی مشهور به شریعتمدار بن العلامه الشهیر حاج محمد جعفر استرآبادی که علماء عصر فتحعلی شاه قاجار صاحب تصانیف و تألیف بوده‌اند می‌باشد.
در سال 1320 ق در تهران متولد و یکسال و نیم پس از ولادت مادرش از دنیا رفته و در حجر والد ماجدش تربیت یافته و پس از تحصیل مقدمات اشتغال به سطوح فقه و اصول داشته تا در سال 1340 ق که والد ماجدش وفات نموده به قم مشرف و از محضر آیات آنجا استفاده نموده و پس از تکمیل اجازات به تهران مراجعت و بحال انزوال و اعتزال از مردم به مصداق (کونوا اجلاس بیوتکم) بعبادت و تألیف کتب مشغول گردیده تا در سال 1387 ق که بدرود حیات گفتند.
نگارنده گوید: مرحوم شاه چراغی دارای تألیفات و آثار چندیست که از آنها مجمع‌السعادات یا فضائل السادات بهمت و دقت فرزندش مرحوم ثقةالاسلام آقا سید علی شاه چراغی بطبع رسیده است و از مفاخر آن بزرگوار است که داماد ارجمندی چون حجةالاسلام والمسلمین علامه متتبع حاج سید احمد روضاتی دارد که ترجمه‌اش در سابق گذشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاهرودی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ عباسعلی شاهرودی از علماء اعلام و آیات عظام و مدرسین فخام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سادگی و تواضع و محامد آداب و محاسن اخلاق و زهد و مناعت طبع و ملکات فاضله کم‌نظیر بوده‌اند و به این صفات حمیده مخصوصا متانت افعال و تعفف مشهور دانشمندان و معروف بین مردم قم بوده است.
در سال 1320 قمری در شاهرود متولد و مقدمات و ادبیات را در آنجا خوانده آنگاه به مشهد مشرف و سطوح عالی را از مدرسین ارض اقدس فراگرفته و در سال 1341 قمری مهاجرت به قم و در درس مرحوم آیت‌الله حایری شرکت و ضمنا تدریس سطوح عالی نموده و بعد از فوت آن مرحوم به تدریس خارج فقه و اصول در مدرسه فیضیه پرداخته و در مسجد حاج محمدجعفر واقع در بازار قم اقامه جماعت نموده تا 23 ماه رمضان سال 1383 قمری که بدرود حیات گفته و در مجاورت روضه حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام در قبرستان شیخان مقبره خصوصی مدفون گردیده است.
تالیفات مطبوع ایشان از این قرار است:
1- حاشیه بر کفایه که در نجف طبع شده 2- حاشیه بر وسیله آیت‌الله اصفهانی 3- برهان الشیعه در اثبات رجعت 4- تقریرات اصول ایشان 5- بحث اجتهاد و تقلید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شاهرودی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1350 -1281 ق)، عالم دینی و فقیه. وی خراسانی‌الاصل بود. پدرش ملا محمدعلی شاهرودی (م 1293 ق) از جمله شاگردان سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» بود. شیخ احمد در دامان پدر پرورش یافت. مقدمات را در شاهرود گذراند و برای تکمیل تحصیلات، به همراه برادرش، آقا شیخ حسن، به مشهد رفت و پس از بهره‌گیری از استادان آنجا در 1346 ق به عتبات رفت و پس از حضور در محضر درس و بحث حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی به وطن بازگشت و به انجام وظایف و خدمات دینی در شهر شاهرود مشغول گشت و مرجع خاص و عام شد. آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی از وی روایت کرده است. از جمله شاگردان وی آیت‌اللّه حاج سید محسن اشرفی است. از آثار وی: «الحق المبین»، در رد بابیه؛ «مراه العارفین»؛ «ازاله الاوهام»، در جواب «ینابیع الاسلام»؛ «ایقاظ النائمین»، در رد بابیه؛ «تنبیه الغافلین»؛ «مدینه الاسلام»؛ «روح التمدن»؛ «راهنمای دین»؛ «تفسیر»ی ناتمام در رد بعض کلمت شیخ طنطاوی.[1]
شیخ احمد که در سال 1281 قمری (سال فوت علامه شیخ مرتضی انصاری) در شاهرود به دنیا آمده و در 15 محرم 1350 قمری وفات نموده است.
این عالم جلیل‌القدر در دامان پدر عالیمقدارش پرورش یافته و فضائل نفسانی و کمالات اخلاقی را از وی آموخت. دوران تحصیلات مقدماتی را در شاهرود گذراند و برای تکمیل تحصیلات خود با برادر بزرگوارش مرحوم آقا شیخ حسن به مشهد رفته و در آنجا نزد اساتید فن سطوح را تکمیل نموده.
سپس به نجف اشرف مهاجرت و از محضر و بحث مرحوم علامه بزرگ آیت‌اللّه حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و بعداً آخوند ملا محمدکاظم خراسانی استفاده نموده و در مدتی کوتاه از مبرزین شاگردان ایشان شناخته شده و مشار بالبنان گردید تا بعد از مدتی به ایران مراجعت و در شاهرود حوزه درسی برقرار کرده و شاگردانی مانند آیت‌اللّه حاج سید محسن اشرفی و دیگران را تربیت نمود.
معظم له در اصول ید طولائی داشت و فقیهی متبحر بود و تألیفات زیادی در هر یک از مباحث فقه و اصول از ایشان باقی مانده که هنوز بطبع

نرسیده و کتابهائی در رد ادیان باطله مانند بهائیت و مسیحیت تألیف فرموده‌اند که از آنهاست.
1- حق‌المبین در رد بابیت و بهائیت که کتابی است جامع و استدلالی و در سال 1334 ق بطبع رسیده.
2- ازالةالاوهام رد یکی از فضلاء نصاری که کتابی بنام (ینابیع اسلام) در رد اسلام نوشته.
3- راهنمای دین که با دلائلی متقن تار و پود بهائیت را بر باد داده است.
4- مدینةالاسلام که در آن اثبات نموده که روح مدنیت را باید در تمدن اسلامی جستجو کنیم.
از باقیات الصالحات آن بزرگوار فرزند ارجمند او جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالله مهدوی شاهرودی مقیم تهران می‌باشد که ترجمه‌اش در جلد چهارم گذشت و حفید گرامی او دانشمند گرانقدر و دوست عزیز ما جناب آقای آقا دکتر شیخ محمد شریف مهدوی که گذشته از مقامات علوم دینی واجد علوم روز و مخصوصاً استاد در زبان انگلیسی و عربی می‌باشند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (136/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 115/14)، علماء معاصرین (387)، گنجینه‌ی دانشمندان (358 -357 354، /5)، مؤلفین کتب چاپی (410 -409 /1).

شاهرودی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید جعفر شاهرودی از علماء اعلام تهران بوده‌اند.
وی در شاهرود متولد شده و پس از خواندن مقدمات به مشهد مقدس رفته و مقداری سطوح را در آنجا خوانده و از آنجا در سال 1341 ق به قم مهاجرت نموده و سالها از محضر عالم ربانی مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و اساتید دیگر حوزه قم استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرده و چندین سال از درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه العظمی نائینی و آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و اجتهاد رسیده و صاحب رای و فتوا گردیده و در سال 1364 ق مراجعت و چند ماهی در شهر ری توقف آنگاه به تهران منتقل و بنابر اصرار و تقاضای مردم سلسبیل تهران رحل اقامت بدانجا انداخته و بخدمات دینی و روحانی و اقامه جماعت در مسجد خیابان شیر و خورشید و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی مشغول گردیده تا در ماه ربیع‌الاول 1393 ق که دعوت حق را اجابت گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است.
نگارنده گوید: آن مرحوم از دانشمندان و مراجعی بود که بزیور علم و حلم آراسته و دارای معنویت و صفاء قلب و تزکیه نفس و بر کنار از تظاهرات و هواهای نفسانی بوده است.
خواب و مکاشفه آن مرحوم
برای این نویسنده فرمودند در اوقاتی که در شاهرود تحصیل می‌کردم شبی حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف را در خواب دیدم که در صحرائی تشریف دارند و شیخ بزرگواری در کنار آن حضرت ایستاده است که مورد لطف و توجه مخصوص آن بزرگوار است قیافه او را در خاطر سپردم و چون از خواب بیدار شدم برای این که او را پیدا کنم به مشهد مقدس رفته و چند سالی توقف و جستجوی آن شخص را نمودم او را در مشهد نیافتم پس به قم آمده و در تکاپوی او گردیدم تا روزی در مدرسه فیضیه آمده و لب ایوان یکی از حجرات نشستم و دیدم بعضی از آقایان طلاب به آن حجره می‌روند متوجه شدم که در اینجا جلسه درس است نگاه کردم ببینم مدرس کیست دیدم آقائی که درس میگوید و درسش مفاتیح فیض است قیافه‌اش بنظرم آشناست چون دقت کردم فهمیدم این همان

شخصی است که در خواب در کنار حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه دیده بودم پرسیدم این آقا کیست گفتند عالم ربانی آقای حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزیست پس خدمتش رسیدم و تا مرا دیدند گویا مدتها آشنائی داشته‌اند مرا با خود بمنزل برده و از وجود ذیجود و بیاناتش استفاده کامل نمودم تا شبی در عالم رویا و مکاشفه دیدم درهای آسمان برایم باز تا در ظل عرش و آقای حاج میرزا جواد آقا در آنجا بمناجات و قنوت می‌باشند و من از قرب او در تعجب بودم که ناگاه از صدای درب منزل متنبه شده و برخاستم و آمدم در را گشودم دیدم یکی از دوستانست در حال گریه گفت بیا که آقا از دنیا رفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاهرودی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس بن السید علی موسوی شاهرودی مشهدی از اجلاء علماء خراسان است.
وی در شاهرود متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات به تهران آمده و از محضر مدرسین بزرگ تهران چون مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه متوفی سال 1314 قمری در فلسفه و آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن آشتیانی در فقه و اصول و عده دیگری استفاده نموده تا به مقام بلندی در معقول و منقول رسیده و متصدی امر تدریس گردیده و بسیاری از علماء و فضلاء خراسان و مشهد از درس و محضرش استفاده نمودند.
او از تهران منتقل به مشهد مقدس گردیده و مورد توجه اهل فضل واقع شده و در جامعه گوهرشاد اقامه جماعت نموده و به واسطه زهد و ورع و تقوای او نمازش پرجمعیت‌ترین نمازهای آنجا گردید.
از خصایص وی دوام ذکر و کثرت قرائت قرآن بود و جز تدریس و افاده و وعظ و عبادت خود را به چیزی مشغول نمی‌کرد در سال 1341 قمری مشرف به عتبات عالیات شده و در مراجعت در هشتم ماه شوال همان سال از دنیا رفته و در دارالسیاده در بقعه علماء مدفون گردیده است.
از آثار اوست رساله‌ای در کلی از بحث جلوه که در سال 1307 قمری از تحریر آن فارغ شده است.
و نیز رسائل دیگری از تقریرات و دراسات استادش میرزا جلوه.
(وف 1341 ق)، عالم دینی و فقیه. در شاهرود متولد شد و پس از پرورش و خواندن مقدمات و ادبیات به تهران آمد و از محضر مدرسین بزرگ تهران چون میرزا ابوالحسن جلوه در فلسفه، و آیت‌اللّه میرزا محمدحسن آشتیانی در فقه و اصول، و عده‌ای دیگر استفاده نمود، تا به مقام بلندی در معقول و منقول رسید و متصدی امر تدریس شد. بسیاری از علماء و فضلای خراسان و مشهد از درس و محضرش استفاده‌ها نمود. وی از تهران به مشهد رضوی رفت و مدتی در مسجد گوهرشاد اقامه‌ی نماز جماعت کرد. در 1341 ق به عتبات عالیات رفت و در مراجعت به مشهد، در همان سال، از دنیا رفت و در دارالسیاده در بقعه‌ی علماء مدفون شد.
وی رسائلی از «تقریرات» و درسهای استادش: میرزا ابوالحسن جلوه، را نگاشته بود، و رساله‌ای در «کلی» از بحث جلوه. رساله‌ی «نسبه ارتفاع

اعظم الجبال الی قطر الارض» شیخ بهایی به خط شاهرودی موجود است.
[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 1005/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (364 -363/ 5)، منتخب التواریخ (626).

شاهرودی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1293 ق)، فقیه، مفسر، عالم و زاهد. در اصفهان به تصحیل اشتغال ورزید و فلسفه کلام را در آنجا فراگرفت. پس از آن برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات رفت و در بحث صاحب «ضوابط» حاضر گشت. او نه تنها در فقه و اصول بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان نیز متبحر بود و بیشتر ایام زندگی خویش را به تکمیل نفس و ریاضت گذرانید. از وی در حدود پنجاه اثر در فقه و اصول و حدیث و کلام و دعا و زیارت به جای مانده است که از آن جمله: «نور الانوار» که تفسیری فارسی است؛ «لمعات الانوار»؛ کتاب «القضاء»؛ کتاب «الرد علی الاخباریه»؛ کتابی بزرگ در «دعاء»؛ «عصاره الفقاهه فی المهمات الفقهیه»؛ «البوارق الحیدریه فی احوال الائمه»؛ شرح رساله‌ی «السیر و السلوک» محقق طوسی.[1]
والد عالیقدر آن مرحوم علامه محقق جامع المعقول والمنقول آیت‌اللَّه ملا محمدعلی قدس سره معاصر شیخ انصاری بود.
این عالم جلیل ابتداء در اصفهان به تحصیل اشتغال داشت و فلسفه و کلام را در آنجا فراگرفت و پس از آن برای ادامه تحصیلات به عتبات عالیات مشرف شد و در بحث صاحب ضوابط حاضر گشت.
معظم له نه تنها در فقه و اصول متبحر بود بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان اطلاعات وسیعی داشت که تألیفات ایشان در هر یک از این علوم از مایه علمی این علامه بزرگوار حکایت دارد.
در دعاء و زیارت نیز تألیفات نفیسی دارد.
و نظر به ارادت کم‌نظیری که به ساحت مقدس مولا امیرالمؤمنین (ع) و زیارت آن حضرت داشت غالب از ایام عمر خود را در نجف اشرف می‌گذرانید و به عبادت و ریاضت و تکمیل نفس مشغول بود ادب و احتراماتی را که نسبت به آن حضرت انجام می‌داد از کمتر کسی مشهود شده است.
او مدتها در جوار مولایش زندگی کرد تا به استدعاء اهالی شاهرود و اصرار مراجع بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج میرزا حسن شیرازی قدس سره به شاهرود مراجعت نمود.
ولی با قلبی سوزان و چشمی گریان از مفارقت مولایش و پس از ورود به شاهرود زندگی او به پایان رسید و بعد از چهل روز در سال 1293 قمری درگذشت.

از این بزرگوار سه فرزند برومند باقی ماند که هر یک به نوبه خود ستاره درخشانی در علم و عمل بودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (427/9)، الذریعه (359/24، 344/18، 137/17، ،271/15 ،183/10 ،153/3)، گنجینه‌ی دانشمندان (356/5).

شاهرودی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمود بن السید علی بن السید عبداللَّه حسینی شاهرودی اعلی اللَّه مقامه یکی از مشاهیر مراجع تقلید معاصر ما و مفاخر بزرگ شهرستان شاهرود بودند این فقید سعید در سال 1301 قمری در یکی از قراء و مضافات شاهرود بنام قریه (آقا عبداللّه) در یک خانواده پاک و فضیلت به دنیا آمده و دروس ابتدائی و مقدمات علوم دینی و سطوح عالی اسلامی را در شهر بسطام که در آنروز حوزه قابل ملاحظه‌ای داشت فراگرفت.
و در سال 1328 قمری برای ادامه تحصیلات عالی به حوزه علمیه رهسپار شده یک سالی از محضر مرحوم علامه آخوند خراسانی صاحب کفایه و مرحوم آیت‌اللّه محقق نائینی کسب فیض و علم نموده و به زودی در ردیف علماء و مراجع بزرگ قرار گرفت.
نسب شریف آن بزرگوار به حضرت زید بن علی بن الحسین شهید منتهی می‌شود و جد گرامیش آقا سید عبداللّه از علماء موجه و جلیل‌القدر حومه شاهرود و مبلغ سیار آن منطقه بوده که برای ترویج دین و ارشاد مردم به قراء مجاور مسافرت نموده و ارشاد مردم می‌کرد و به زهد و تقوا و صلاح و سداد معروف به کرامت و به مقامات عالیه موصوف بود.
والد مبرورش مرحوم سید علی حسینی از کشاورزان صالح و پرهیزکار و دارای پنج فرزند ذکور بنامهای زیر بوده است.
1- آیت‌اللّه آقا سید محمود (مترجم معظم ما)
2- آقا سید صادق که به جود و سخاوت معروف آن منطقه بود
3- آقا سید عباس
4- آقا سید حسین
5- آقا سید حسن
در میان فرزندان مرحوم آقا سید علی تنها آقا سید محمود فارس میدان علم و فضائل و قهرمان قدس و ورع و زهد و تقوا گردید تا به ذروه علیای آیت‌اللهی رسید.
آیت‌اللّه شاهرودی در اوان کودکی پدر را از دست داد ولی با تشویق والده ماجده‌اش و میل ذاتی خود اولیات را در قریه (آقا عبداللّه) زادگاه خود خوانده و بعد به شهر بسطام که آن روز حوزه علمیه‌اش دائر بود آمده و مقدمات و سطوح را خوانده و از آنجا به مشهد مقدس عزیمت نموده و سطوح عالی را به پایان رسانیده و خود در آنجا به تدریس (کفایةالاصول)

پرداخته.
و در سال 1328 قمری برای وصول به مقامات عالیه و تحکیم مبانی علمی خود به عزم نجف اشرف به زادگاه خود آمده و با کسب اجازه از والده کریمه‌اش در سن 27 سالگی مهاجرت به عراق و به باب مدینه علم رحل اقامت افکنده و به درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا کاظم خراسانی حاضر و مدت 18 ماه از آن منبع علم استفاده نموده.
و بعد به درس مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه محقق آقا میرزا حسین نائینی شرکت نموده و بیشتر به مرحوم نائینی اختصاص یافته و تقریرات هر دو را در فقه و اصول به رشته تحریر آورده.
و ضمناً خود حوزه تدریس رسائل و مکاسب و کفایه دائر و جمع کثیری از فضلاء و محصلین از درسش بهره‌مند تا اواخر مرحوم استادش نائینی که تشکیل درس خارج داده و حدود پنجاه سال تدریس خارج فقه و اصول نموده و هر کدام را چند دوره فرموده تا شهرت علم و ورعش به گوش شیعیان جهان رسیده.
بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بسیاری از مردم ایران و بلاد دیگر رجوع به معظم له نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی اکثر مردم خراسان و مازندران و قاطبه مردم شاهرود و دامغان و کثیری از خواص مردم تهران و افغانستان و مناطق عربی مقلد ایشان گردیدند.
تا در 18 ماه شعبان 1394 قمری که در سن 93 سالگی در اثر ناراحتیها و اهانتهائی که از طرف دولت شوم بعث عراق به آن مجسمه علم و تقوا و پیکره زهد و ورع رسید از دنیا رفت و جهان شیعه را به مرگ و سوک خود قرین ماتم و عزا نمود
خدمات و آثار خالده آیت‌اللّه شاهرودی.
خدمات مغفور له به حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف و سایر حوزه‌های خراسان و شاهرود و... از دادن راتبه و شهریه و تقویتهای دیگر بسیار شمه‌ای از آن را استاد اشکوری در کتاب (حیاة امام الشاهرودی) مذکور داشته است.
و اما آثار خالده آنجناب بر دو قسم است.
1- تألیفات رشیقه در فقه و اصول بدین طریق.
1- تقریرات بحث آیت‌اللّه الشیخ ضیاءالدین عراقی.
2- تقریرات بحث آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی در اصول.
3- تقریرات بحث آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی در فقه.
4- کتاب طهارة 5- رساله تیمم 6- رساله وضوء 7- رساله‌ای در وقت.
8- رساله در لباس مصلی 9- رساله در قواطع نماز 10- رساله در صلوة مسافر.

11- کتاب خمس 12- کتاب الحج 13- رساله‌ای در مواریث 14- کتابی در زکاة 15- تعریف علم اصول فقه 16- کتاب قضاء 17- رساله‌ای در ضمان 18- رساله‌ای در قطع 19- رساله‌ای در قاعده ید 20- رساله‌ای در قاعده لاضرر 21- کتاب رجال 22- کتاب فی النحو.
و حواشی دیگری بر کتب علمیه و رسائل علمیه عروةالوثقی و وسیلةالنجاة و غیره.
و اما قسم دوم از آثار خالده و باقیات الصالحات معظم له سه فرزند دانشمند و برومند ایشانست.
(1394 -1301 ق)، مخرجع تقلید شیعه و فقیه اصولی. در آقا عبداللّه از دهات شاهرود به دنیا آمد. در اوان کودکی پدر را از دست داد ولی با تشویق مادرش به تحصیل روی آورد. دروس ابتدایی و مقدمات علوم دینی و سطوح عالی را در شهر بسطام فراگرفت. سپس به مشهد رفت و سطوح عالی را در آنجا آموخت و خود را به تدریس «کفایه» پرداخت. در 1328 ق برای تکمیل تحصلات عالی به حوزه‌ی علمیه نجف رهسپار شد و از محضر علامه آخوند خراسانی، صاحب «کفایه» کسب فیض کرد. پس از آن در درس آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه محقق نایینی شرکت نمود و بیشتر به آیت‌اللّه نایینی اختصاص یافت و «تقریرات» هر دو را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. ضمنا خود نیز حوزه‌ی تدریس «رسائل» و «مکاسب» و «کفایه» دایر کرد و جمع کثیری از فضلا و محصلین از درسش بهره‌مند شدند. پس از درگذشت آیت‌اللّه اصفهانی، بسیاری از مردم ایران و شهرهای دیگر و پس از درگذشت آیت‌اللّه بروجردی، اکثر مردم خراسان و مازندران و شاهرود و دیگر شهرها مقلد ایشان شدند. از آثارش: «تقریرات» آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی؛ «تقریرات» بحث آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی، در اصول و فقه؛ کتاب «طهاره»؛ رساله‌ی «تیمم»؛ رساله‌ی «وضو»؛ رساله‌ای در «وقت»؛ رساله‌ای در «قواطع نماز»؛ کتاب «الحج» کتاب «خمس»؛ کتابی در «زکاه»؛ کتاب «قضاء»؛ تعریف علم اصول فقه؛ کتاب «رجال»؛ کتابی در «نحو»؛ رساله‌ای در «قاعده لاضرر»؛ رساله‌ای در «مواریث»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی ید»؛ رساله‌ای در «قطع»؛ «جامع المقاصد»؛ «ذخیره المومنین»؛ رساله‌ی «توضیح المسائل».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (369 -364/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (41 -40/ 6)، مستدرکات اعیان (219/ 1).

شاهرودی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی از مراجع و اساتید و مدرسین بزرگ معاصر کربلا می‌باشند.
ولادت آن بزرگوار حدود 1312 قمری در یکی از مضافات شاهرود واقع شده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات و سطوح در شاهرود و مشهد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر اعاظم نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مراجع دیگر استفاده و بعداً منتقل به کربلا و در جوار حضرت ابی‌عبداللّه الحسین (ع) رحل اقامت افکنده و در صحن مطهر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول پراخته تا سال 1391 قمری که به حکم اجبار و اکراه به ایران و چندی در قم توقف سپس به مشهد مقدس رضوی عزیمت و بنابر اصرار فضلاء و علما آن سامان رحل اقامت افکنده و به تدریس خارج و اقامه جماعت در جامعه گوهرشاد اشتغال یافته است.
فرزند ارجمندش حجةالاسلام و عمادالاعلام حاج شیخ محمد شاهرودی حایری از افاضل معاصر کربلا می‌باشند.
ولادت و پرورش ایشان در کربلا و تحصیلاتش نیز در آنجا در خدمت والد ماجدش و علماء دیگر بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاهزیدی، غلامحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به (شاه زیدی) از علماء و مقدسین و فقهاء و متدینین شهر قم بود که در نوشتن مکاتبات و قباله‌های شرعیه ربطی عظیم داشت. در مسجد واقع در صحن شاهزاده زید به جماعت نماز می‌گذاشت و نیز در آنجا برای تحریرات خود حجره‌ای داشت مسائلی از مرحوم آیت‌اللّه آقای سید کاظم یزدی صاحب عروةالوثقی پرسش نموده و آن را رساله‌ای کرده و به طبع رسانیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شبستری، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا کاظم آقای شبستری از علماء و مفاخر بزرگ شهرستان شبستر است.
علماء معاصرین گویند آن بزرگوار عالمی محقق امجد و فاضل مدقق اوحد فخرالشیعه و رکن الشریعه الشیخ الثقة الجلیل والفقیه العدل النبیل الواصل عواطفه علی الحاضر والبادی والمؤید بنعم اللّه و الایادی سناد العلم الشامخ و عماد الفضل الراسخ آن عالم یگانه از دعاة دین و ملت و حماة شرع و سنت و حمله اخبار و حفاظ آثار اهل‌بیت اطهار علیهم الصلوة والسلام معدود می‌گردد.
در کلیه موجبات تقدم و اسباب تفوق و وسائل براعت و ادوات رفعت حائز مقام منیع و فائز رتبه رفیع می‌باشد نه تنها در کسبیات از قبیل فن کلام و اصول عقاید و مهمات معارف و امهات ریاضیات و علم معقول و منقول و قسمت فقه و اصول و معرفت تفسیر و ضاعت اعراب و شعب ادب از احاد است بلکه در موهبیات نیز مانند حصافت عقل و حصانت فکر و اصالت رای و اصابت خاطر و مناعت جانب و سعه صدر و ملکه جود از افراد نمومه به شمار می‌رود.
در ایام جمعه و وفیات ائمه علیهم الاف الثناء والتحیة و مواقف شریفه و اوقات متبرکه مردم از هر طرف و محلات دوردست برای استفاده از بیانات وافیه و تحقیقات کافیه معظم له بپای منبر ایشان اجتماع می‌کنند و منبر و صحبتش جامع و نافع همه طبقات ناس که هرکس بحسب استعداد خود از انوار کلمات شریفه‌اش اقتباس می‌نماید.
تولد آنجناب در سال 1307 ق واقع شده والد مرحومش آقا میرزا علی اشرف شبستری از شاگردان مرحوم علامه انصاری و واجد مقامات عالیه علم و فضل و تقوا و حائز ملکه استنباط بوده و مصنفات و مؤلفاتی در فقه و اصول دارد که بطبع نرسیده و نزد فرزند فاضلش موجود می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شبستری، نصرالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330- ز 1392 ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در تبریز متولد شد، مقدمات و سطوح را در زادگاهش خواند. سپس به قم مسافرت کرد و در فقه و اصول شاگردی آیت‌الله حجت کوهکمری را نمود. آنگاه به نجف رفت و از محضر آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله شیخ محمدحسین غروی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و پس از آنان از آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خویی و آیت‌الله میرزا باقر زنجانی استفاده‌ی کامل نمود. دوره‌ی فلسفه و حکمت را از آقا شیخ صدرا بادکوبه‌ای فراگرفت و با اجازات عدیده اجتهاد و روایت به وطن بازگشت و در تبریز به انجام وظائف دینی و اقامه‌ی نماز جماعت و تدریس پرداخت. از آثارش: «زندگانی حضرت لقمان حکیم» به نام «در یتیم»؛ «هدایه الاقران الی اخبار لقمان الحکیم» و مختصر آن «الکلمه الطیبه»، در نصایح لقمان حکیم؛ «اللولو النضید فی شرح زیاره مولینا ابی عبدالله الشهید (ع)»؛ مقدمه و تعلیقات بر «آداب الصلاه» علامه مجلسی؛ کتاب «وفادار باشید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (170/25، 125/18)، گنجینه‌ی دانشمندان (380 -379 /5، 319 -318 /3)، مؤلفین کتب چاپی (582 -581 /6).

شبلی خراسانی، ابوبکر دلف

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(334 -247)، صوفی، فقیه و محدث. اصل وی از شبلیه‌ی اسروشنه ماوراءالنهر بود. در سامراء به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما کرد. پدرش از پرده‌داران خلیفه بود. شبلی صحبت جنید و حلاج و خیرالنساج را درک کرد و یکی از مشایخ بزرگ صوفیه گشت. او فقیه عارفی در مذهب مالک بود، گرچه عده‌ای او را امامی دانسته‌اند. وی از محدثین حدیث روایت و کتابت می‌کرد. شعر می‌سرود و الفاظ و حکم و نوادر و حکایات بسیار از او نقل شده است. از او پرسید که نشانه‌ی عارف چیست؟ گفته: سینه‌ای مشروح، قلبی مجروح و جسمی مطروح. نسبت به تعظیم شرع مطهر سعی بسیار می‌نمود. محمد بن عبداللّٰه رازی و محمد بن حسن بغدادی و منصور بن عبداللّٰه هروی از شاگردان وی می‌باشند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی خیزران دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (21 -20 /3)، تاریخ بغداد (397 -389 /14)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (349 -348)، ترجمه‌ی رساله قشیریه (72 -71)، تذکره الاولیاء (182 -160 /2)، تعلیقات اسرار التوحید (703)، جستجو در تصوف (158 -151)، حلیه الاولیاء (375 -366 /10)، دائرةالمعارف الاسلامیه (167 -165 /13)، دائرةالمعارف البستانی (411 -409 /10)، دایرةالمعارف فارسی (1452 -1451 /2)، روضات الجنات (229 -225 /2)، ریحانه (182 -180 /3)، سیر النبلاء (369 -367 /15)، طبقات الصوفیه هروی (449 -448)، کارنامه‌ی بزرگان (60 -59)، الکامل (322/6)، کشف المحجوب (صفخات متعدد)، الکنی و الالقاب (354 -353 /2)، لغت نامه (ذیل/ ابوبکر)، مبانی عرفان و احوال عارفان (334 -326)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 334)، نفحات الانس (187 -183)، وفیات الاعیان (276 -273 /2)، هدیه الاحباب (160).

شبیری زنجانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد شبیری زنجانی از آیات عظام و ارکان حوزه علمیه قم و اعوان نزدیک استاد ما مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید محمد حجت کوهکمری بوده که در روز چهارم ماه صفر 1308 هجری قمری در زنجان متولد شده و در شب شنبه 29 ماه رمضان 1393 هجری قمری در قم درگذشت و در یکی از حجرات مقبره خودش مدفون گردیده و ترجمه‌اش در جلد دوم گنجینه صفحه 166 گذشت.
دارای سه فرزند روحانی خدمتگزار می‌باشد که دو نفر آنان بنامهای:
1- حاج سید جعفر شبیری زنجانی در تهران به خدمات دینی از اقامه جماعت در مسجد کانون توحید در خیابان پرچم و امور قضائی در دادگستری اشتغال دارند.
2- حاج سید ابراهیم شبیری زنجانی که نیز در تهران اشتغال به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغی وعظ و خطابه دارند.
3- فرزند ارشد معظم‌له که از مفاخر مدرسین و حجج اسلام و آیات عظام معاصر حوزه علمیه‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شبیری، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید موسی شبیری زنجانی فرزند مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید احمد زنجانی مدفون در صحن مطهر حضرت معصومه (س) از افاضل مدرسین و متتبعین و محققین حوزه علمیه قم می‌باشند که در تاریخ هشتم ماه مبارک رمضان 1326 قمری در قم چندماه بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللّه والدشان در این شهر مقدس متولد شده.
این بیت را والدشان برای تعیین تاریخ ولادت حقیر سروده‌اند:
سال تاریخ ولادت عجب الهامم شد
از مبارک رمضان هشت کم هنگام سحور
مبارک رمضان که با 1354 مطابق است بعد از کم کردن هشت با 1346 قمری که سال تاریخ ولادت است موافق خواهد شد ضمنا در این بیت به ماه و روز و ساعتند نیز اشاره شده است مانند «هنگام زوال رابع شهر صفر» که برای تاریخ ولادت خودشان سروده‌اند.
باری ایشان بعد از گذراندن دروس ابتدائی در مدارس جدیده در سال 1359 قمری به مقدمات علومی دینی اشتغال پیدا کردم و چون دروس مقدماتی چندان جاذبیت نداشت و از طرفی در آن زمان رغبت عمومی به ورود در مدارس دینی نبود و هم بحثی نداشتم حدود یکسال به طور غیر جدی به درسها اشتغال داشتم بعد از یکسال در اثر یافتن بعضی از هم بحثی‌ها که از مستعدین درجه اول بودند و جاذبیت دروس غیر ابتدائی با جدیت تمام در مدت نسبتا کوتاهی دروس مقدماتی و سطوح را به پایان برده و در سال 1363 قمری در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه صدر حاضر شده و مقداری از بحث خبر واحد را نوشته سپس بعد از ورود مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به قم در محرم 1364 در درس خارج فقه و اصول ایشان شرکت کرده و همچنین مدتی در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت و مختصری در بحث خارج فقه ایشان حاضر گردیدم و مقداری از تقریرات اصول از اوائل درس را نوشته استاد عمده ایشان مرحوم آیت‌اللّه داماد بوده که حدود بیست سال از بحث فقه و قریب یکدوره از درس اصول آن مرحوم بهره‌مند گردیده و کتاب طهارت و خمس و زکاه و صوم و حج را به استثناء مقداری از بحث طهارت که به مناسبت سفر عراق تعطیل شده از محضرشان استفاده کرده و مقدار بسیار کمی نیز از بحث دوره اول کتاب صلاه را مستفیض شده است.

در سال 1374 قمری به عتبات عالیات مشرف شده و در درس فقه آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حکیم قدس سرهما و درس اصول آیت‌اللّه خوئی مدظله شرکت کرده بعد از حدود هفتاد روز به ایران مراجعت کرده و در سال 1375 بار دیگر به عتبات مشرف شده حدود 6 ماه در دروس آیات مزبور حاضر گشته و در رمضان آن سال مقداری از مبحث رضاع را از بحث تعطیلی آیت‌اللّه خوئی استفاده کرده ضمنا مختصری در قم از منظومه سبزواری را پیش مرحوم علامه طباطبائی خوانده و کمی هم مباحثه کرده ولی چون به این علم مانوس نبوده درس و بحث در مدت کوتاهی تعطیل شده همچنین مقداری جبر و هندسه را با یکی از اعاظم دوستان خود بحث کرده است.
اما اساتید ایشان قبل از ورود به درس خارج زیادند برای نمونه نام مبارک چند تن از آنان را متذکر می‌شویم.
1- مرحوم آیت‌اللّه والدشان که اولین استاد و آخرین اساتید سطوح عالیه ایشان بودند قسمتی از مقدمات و کمی از کفایه را پیش ایشان خوانده.
2- محقق بزرگوار آقای سید مرتضی علوی اصفهانی داماد آیت‌اللّه گلپایگانی مدظله که استاد مطول ایشان بودند و از نظر تعمق و حسن تقریر نظیر ایشان را در موضوع مزبور ندیده‌اند.
3- رهبر فقید انقلاب مرحوم آیت‌اللّه خمینی که قسمت عمده مبحث برائت شیخ انصاری را نزد ایشان خوانده و گاهی به بحثهای خارج از کتاب نیز می‌پرداختند.
4- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حائری که قسمتی از بیع مکاسب شیخ و مقدار کمی از بحث ظن و استصحاب فرائد و مختصری از کفایه را پیش ایشان خوانده درس اگرچه اسماً درس سطح حساب می‌شد ولی واقعا درس خارج بوده است.
تألیفات معظم‌له
ایشان با اینکه صفحات زیادی را در فقه و اصول و حدیث و تراجم و رجال و انساب و غیره نوشته است و تقریرات درس عده‌ای از اساتید را نگاشته ولی در اثر کثرت تشکیک و تجدیدنظر که آفت بزرگی است برای حفظ مواریث علمی این آثار مدون نشده فقط مقدار کمی به عنوان مقاله چاپ شده و متاسفانه قسمت زیادی در اثر عدم اهتمام مفقود گردیده و مقدار موجود هم اغلب مسوده است. از خداوند متعال توفیق تبییض و تکمیل آنها را مسئلت می‌نمایم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شرابیانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1322 -1254 ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. معروف به فاضل شرابیانی. در شرابیان به دنیا آمد. و در تبریز برآمد. در حدود 1272 ق به نجف مهاجرت کرد و در محضر شیخ انصاری و آیت‌اللّه کوه‌کمری و استادان دیگر تلمذ کرد. او از برجسته‌ترین شاگرد شیخ انصاری به شمار می‌آمد. در عهد میرزای شیرازی به تدریس اشتغال داشت و مرجع تقلید جمعی بود و بعد از وفات میرزای شیرازی مرجعیت عام یافت و تمامی مردم آذربایجان و قفقاز از وی تقلید می‌کردند. سید محسن امین از شاگردان اوست. وی در نجف اشرف از دنیا رفت. از آثارش: حاشیه «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری؛ «المتاجر»؛ «تقریرات» دروس فقه و اصول استادش سید حسین کوه‌کمری، در نه مجلد؛ کتابی در «صلاه»؛ کتابی در «اصول فقه» بزرگتر از «قوانین»؛ «رساله‌ی عملیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (223/7)، اعیان الشیعه (36/10)، الذریعه (385/4)، ریحانه (184/3)، شرح حال رجال (200/5)، علماء معاصرین (80 -76)، الکنی و الالقاب (354/2)، مؤلفین کتب چاپی (665 -664 /5)، معجم المؤلفین (129/11)، مکارم الآثار (1258 -1256 /4).

شرر خراسانی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1289 ق)، فقیه، مدرس، امام جماعت و شاعر. اصل ایشان از اصفهان بود، نیای او به مشهد رفت در آن شهر متوطن شد. وی مردی فاضل و کامل بود که به تدریس فقه و امامت جمعه‌ی مشهد اشتغال داشت، نزد سلاطین و حکام با عزت و احترام بوده است. او در اواخر عهد محمدشاه به تهران آمد. گاهی غزل می‌سرود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (841 -839 /2)، سفینه المحمود (612 -611 /2)، مجمع الفصحا (540/5)، مصطبه‌ی خراب (95).

شرف شفروه اصفهانی، شرف‌الدین عبدالمومن، محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، فقیه، واعظ و شاعر. مشهور به شفروه و شرف اصفهانی. وی از خاندان بسیار معروفی از مردم اصفهان بوده که همه به مناسبت نام جدشان به شفروه معروف بوده‌اند. وی در زبان فارسی و عربی مهارت داشت. وی از قران جمال‌الدین عبدالرزاق و رفیع‌الدین لنبانی بود. در خدمت اتابک شیرگیر لقب ملک‌الشعراء داشت و می‌گویند که او جمال‌الدین و مجیرالدین بیلقانی را اهاجی رکیک گفته است. از ممدوحان وی اتابک مشیرگیر برادر اتابک ارسلان از سران دولت سلاجقه‌ی عراق بوده است. از جحمله مولفاتش: «اطباق الذهب فی المواعظ و الخطب». که به زبان منشیانه فصیح و به زبان عربی نگاشته شده است؛ «دیوان» اشعارش مشتمل بر هشت هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (950 -948 /3)، تاریخ ادبیات در ایران (743 -740 /2)، تاریخ گزیده (737 -736)، تاریخ نظم و نثر (102)، تذکره الشعراء (172 -170)، دایرةالمعارف فارسی (1464/2)، الذریعه (513/9، 216/2)، ریاض العارفین (213 -212)، ریحانه (193 -192 /3)، فرهنگ سخنوران (499 -498)، کشف الظنون (116)، لباب الالباب (273 -268 /1)، لغت نامه (ذیل/ شفروه) هفت اقلیم (366 -361 /2)، یادداشتهای قزوینی (214 -213 /5).

شرف‌الاسلام شیرازی، ابوالقاسم عبدالوهاب

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 536 ق)، واعظ، فقیه اصولی، متکلم و محدث حنبلی. معروف به ابن حنبلی واعظ. اصل وی از شیراز است. از پدر فقه آموخت و از ابوطالب بن یوسف، حدیث. وی را شیخ حنبلیان دمشق گویند. از آثارش وقف مدرسه‌ی بزرگ شریفیه در کنار جامع دمشق است. از آثار علمی‌اش: «البرهان»، دراصول دین؛ «رساله فی رد الاشعریه»؛ «المفردات»؛ «المنتخب»، در اصول فقه حنابله.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (2/ 529، 568)، سیر النبلاء (104 -103 /20)، معجم المؤلفین (224/6).

شرف‌الدین، علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
الاسترآبادی معروف به شرف‌الدین عالمی فقیه شارح کتاب محقق کرکی و شاگرد آنجناب بوده و علامه مجلسی در مقدمه بحار فرموده و کتاب تأویل الایات الظاهره فی فضائل العترة الطاهره تألیف سید فاضل علامه زکی شرف‌الدین علی الحسینی الاسترآبادی مقیم نجف و مؤلف کتاب الغرویه در شرح جعفریه و شاگرد شیخ اجل نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شرف‌الدین، محمدمهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی بن العلامه شیخ محمد شرف‌الدین بن العالم الجلیل الشیخ جعفر شرف‌الدین (متولد حدود 1250 و متوفی 1335 ق) از علماء بزرگ و دانشمندان جلیل‌القدر معاصر شوشتر است.
وی در شب شنبه 16 ربیع‌المولود 1318 قمری در شوشتر متولد شده و اولیات و سطوح را در وطن آموخته و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از مراجع بزرگ نجف چون مرحوم علامه یزدی و شریعت اصفهانی و مراجع و مدرسین بزرگ دیگر استفاده نمود.
تا به مقام رفیع علم و فقاهت رسیده و به وطن مراجعت و به ترویج دین و اقامه جماعت و تالیف و تصنیف پرداخته است از تالیفات ایشانست آثار جدش بنام (البدایع الجعفریه).
جد گرامی ایشان مرحوم شیخ جعفر بن محمدباقر بن حسن علی بن محمدرضا بن عبداللّه شرف‌الدین شوشتری عالمی جلیل و خطیبی ادیب بود.
وی در ماه صفر 1250 ق متولد شده و اولیات و مقدمات را از فضلاء عصر فراگرفته و در فن خطابه و وعظ مهارتی پیدا نموده و تالیفات بسیاری عربی و فارسی نظماً و نثراً داشته که از آنهاست (شرح الخصایص الحسینیه) شیخ جعفر شوشتری معروف و منظومه‌ای در تضمین الفیه در مواعظ و اخلاق و مدح‌الائمه و منظومه الارث و منظومةالرضا (ع) و نظم حدیث الکساء و قصیده‌ای در غدیر دارد که پنجاه بیت می‌شود و نیز مراثی و مدایح دیگر.
وی در نهم ماه صفر 1335 قمری وفات نموده و در مقبره‌ای که جنب مسجد جد اعلایش شرف‌الدین است، مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعت اصفهانی، فتح‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ‌الفقهاء والمجتهدین علامه قمقام و محقق عالیمقام مرحوم حاج ملا فتح‌الله شریعت اصفهانی که پس از مرحوم آیه‌الله علامه طباطبائی یزدی ریاست حوزه علمیه نجف و زعامت کلیه شیعه بوی منتهی شد ولی دولت مستعجل بود زیرا بیش از شش ماه نکشید که باسلاف صالحین ملحق شد و ریاست بآیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی رسید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شریعت اصفهانی، فتح‌اللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1339 -1266 ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم و ادیب امامی. معروف به شیخ الشریعه اصفهانی. نسب وی به محمدعلی نمازی شیرازی می‌رسد. اصل وی از شیراز بود که در اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان از ملا عبدالجواد خراسانی، مدرس کبیر، و ملا حیدر علی اصفهانی و ملا احمد سبزواری و ملا محمدصادق تنکابنی و حاج شیخ محمدباقر و ملا محمدتقی هروی اصفهانی درس خواند. سپسی به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمین استفاده کرد. وی از دوستان و نزدیکان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال، ضد انگلیسی، عراق در کنار آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی قرار داشت. در 1313 ق به حج رفت و بعد از مراجعت به درس و تالیف و فتوی پرداخت و مرجع تقلید اغلب شیعه‌ی امامیه‌ی گردید. وی از شیخ محمد طه نجف و سید مهدی قزوینی و صاحب «روضات الجنات» و برادرش میرزا محمدهاشم چهارسوقی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمی اجازه‌ی روایت داشت. محدث قمی از شاگردان وی بود. شیخ فتحعلی بن گل محمد حکیم برادگاهی لنکرانی نیز از خواص شاگردان وی بود که «تقریرات» او را در چهار مجلد نگاشته است. از آثارش: «ابانه المختار فی ارث الزوجه من ثمن العقار»؛ «صیانه الابانه عن وصمه الرطانه»؛ «اصاله الصحه»؛ «افاضه القدیر فی حل العصیر»؛ «اناره الحالک فی قرائه ملک و مالک»؛ حاشیه «فصول»؛ «قاعده‌ی صدور» یا «قاعده‌ی الواحد البسیط»؛ قاعده‌ی «ضرر»؛ قاعده‌ی «طهارت»؛ رساله‌ای در «صحاح» ششگانه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (334 -333 /5)، اعیان الشیعه (392 -391 /8)، الذریعه (6/25، 104- 103، 44/15، 188/10، 195/7، 59/1)، ریحانه (207 -206 /3)، شرح حال رجال (175/6)، علماء معاصرین (124 -122)، فوائد الرضویه (345)، معجم المؤلفین (53 -52 /8)، مکارم الآثار (1819 -1816 /5).

شریعت سنگلجی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1363 ق)، فقیه. تحصیلات خود را نزد پدر آغاز کرد سپس به مدرسه‌ی میرزا زکی در کوی سنگلج تهران وارد شد. دوره‌ی سطح فقه را نزد حاج شیخ عبدالنبی نوری به اتمام رسانید. حکمت و فلسفه را در محضر میرزا حسن کرمانشاهی و عرفان را نزد میرزا هاشم اشکوری فراگرفت. او همچنین در حوزه‌ی درس شیخ علی نوری و شیخ فضل‌اللّه نوری تلمذ کرد. آنگاه به همراه برادرش، شیخ محمد سنگلجی، به نجف رفت و در محضر اساتیدی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او مرعوب عقاید وهابیه و بعضی از نویسندگان نوپرداز مصری گردید و در تهران در محله سنگلج دارالتبلیغی به نام رواق تاسیس نمود و به ترویج عقاید وهابیان پرداخت. از آثارش: «حرمت ربا»؛ «اسلام و موسیقی»؛ «توحید عبادت» یا «یکتاپرستی»؛ «کلید فهم قرآن»؛ «محو الموهوم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (283/25، 134/18)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (70 -69 /4)، مؤلفین کتب چاپی (561 -560 /2).

شریعت، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فرزند آیت‌اللَّه العظمی مرحوم حاج ملا فتح‌اللَّه شریعت اصفهانی عالم معاصر کراچی می‌باشند.
وی در حدود سال 1325 قمری در نجف اشرف متولد شده و در حجر والد ماجدش که از مراجع بزرگ تقلید و مدرسین و زعماء روحانیت نجف اشرف بودند پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء و اساتید نجف آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی شرکت و استفاده نموده تا حدود سال 1370 قمری که بنابر دعوت مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی پویا به کراچی مهاجرت و رحل اقامت افکنده و تاکنون شاغل وظائف دینی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 -1249 ق)، عالم، فقیه اصولی، رجالی و ادیب. وی در کربلا متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. به همراه پدر به سفر در شهرهایی همچون کرمانشاه، تهران، استراباد، مشهد رضوی و سرانجام تهران پرداخت. در خلال سفر از پدر علوم عربی و سطوح فقه و اصول را فراگرفت. پس از درگذشت پدر و رسیدن به سن بلوغ به نجف رفت و در محضر درس و بحث شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی و شیخ محسن خنفر و شیخ راضی شرکت کرد و فقه و اصول را در نزد ایشان تکمیل نمود و در بیست و سه سالگی به دریافت درجه‌ی اجتهاد نائل شد. وی از شیخ راضی و شیخ مشکور و علامه انصاری دارای اجازه بود. پس از آن به تهران آمد و به مرجعیت عام و خاص رسید. در عین حال به تدریس و تصنیف نیز پرداخت. از آثار وی: «مظاهر الآثار و حقایق الاسرار»، در پنج مجلد بزرگ؛ «ینابیع العقول»، در علم اصول، در سه مجلد؛ «اساس الاحکام»، در شرح «شرایع الاسلام»، در چهار مجلد؛ «نصره المستبصرین»، در شرح «التبصره»؛ «معراج المومنین»، در شرح «الالفیه» شهید؛ «النفلیه»، در نماز؛ «ادعیه الوباء و الطاعون و جمله من الامراض و بعض العوذات و الاحراز»؛ «تحفه الممالک فی ترکیب الفیه ابن مالک»؛ «اثبات الفرقه الناجیه»؛ «رساله فی سند دعاء الخضر»؛ «مجمع الاراء و الادله»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (141/9)، الذریعه (289/25، 177/24، 234، 162- 161/ 21، 15- 14/ 20، 235/12، 47/11، 472/3، 4/2، 98/1)، ریحانه (211- 210/ 3)، شرح حال رجال (224/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 392- 391/ 14)، لغت نامه (ذیل/ شریعتمدار)، معجم المؤلفین (213/9)، مکارم الآثار (1350- 1349/ 4).

شریعتمدار دامغانی، رضا، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1346 ق)، عالم دینی، مجتهد و شاعر. مقدمات علوم را در مشهد آموخت پس از آن به نجف مهاجرت کرد و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داد. پس از پایان تحصیل به ایران بازگشت و به خدمات دینی و اجتماعی مشغول شد. او دارای طبع شعر و ذوق ادبی و اشعار زیادی به فارسی و عربی سرود که قطعاتی از اشعار فارسی آن در «گنجینه‌ی دانشمندان» آورده شده است. وی دارای کتابخانه‌ی بزرگی بود که بیشتر اوقات خود را در آن به تالیف کتب مشغول بود. از آثارش: «اصول دین»؛ «انتباه نامه‌ی اسلامی»؛ ترجمه‌ی «العقائد الوثنیه فی الدیانه النصرانیه»، به نام «بت‌پرستی و مسیحیت کنونی».[1]
رضا شریعتمدار بن میرزا حسن مجتهد از علماء بزرگ اخیر دامغان بوده است.
وی مقدمات علوم را در مشهد آموخته و پس از آن به نجف اشرف عزیمت نمود و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داده و پس از پایان تحصیل به ایران برگشته و به خدمات دینی و اجتماعی و خدمت به مردم پرداخت دارای کتابخانه بزرگی بود و بیشتر اوقات خود را در آن به مطالعه و تألیف کتب مصروف می‌داشت تألیفات وی به شرح زیر است.
1- اصول دین چاپ 1319 قمری
2- انتباه نامه اسلامی که به سال 1320 قمری تألیف و در سال 1297 شمسی در 224 صفحه به چاپ رسیده است
3- ترجمه العقاید الوثنیه فی الدیانة النصرانیه در سال 1342 قمری بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (16 -15 /3، 357/2)، ریحانه (211/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 542 -541 /13، قرن 728/14)، گنجینه‌ی دانشمندان (115/5)، المآثر و الآثار (170)، مؤلفین کتب چاپی (168 -167 /3).

شریعتمدار رفیع، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا ابوالحسن شریعتمدار رفیع بن المرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا مهدی رفیع سابق‌الذکر می‌باشد.
وی در حدود یکهزار و سیصد هجری در مشهد مقدس متولد گردیده و مقدمات و سطوح را در رشت خوانده و بعد باتفاق برادرش حاج میرزا علی بحرالعلوم به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحومین آیتین حاج سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی استفاده کامل نموده تا بدرجه‌ی رفیعه اجتهاد نائل گردیده آنگاه به ایران مراجعت و چندی در رشت اقامت و پس از آن مهاجرت به تهران و مورد توجه کلیه و احترام مقامات روحانی و علمی و غیره واقع شده و حوزه درس تشکیل و بسیاری از دانشمندان مرکز از محضر و بیاناتش بهره‌مند گردیداند.
منزلش مهبط نزول رجال علم و فضیلت و آیات عظام مانند مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محسن امین و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی و غیره بوده است. در حل مشکلات و فصل معضلات و قضاء حوائج دستی باز و با حسن خلق از ارباب حوائج پذیرائی و حتی المقدور رفع نیاز آنها می‌نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریعتمدار، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل شریعتمدار عالمی جلیل و سخی‌الطبع بوده و از تلامذه مرحوم علامه آقا شیخ هادی تهرانی و از مجتهدین مسلم سبزوار بوده است در سال 1336 ق به رحمت حق واصل و در سبزوار مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمدار، عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا عبدالوهاب جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بوده و سطوح را در تهران مخصوصا در خدمت میرزا ابوالحسن جلوه تکمیل نموده و بعدا برای اتقان مبانی فقه و اصول مشرف به نجف اشرف شده و چندین سال در خدمت اساتید دینی تلمذ نموده تا به اعلا درجه اجتهاد رسیده سپس به وطن مراجعت و به خدمان دینی و ترویج احکام شرعیه نمود و بعد از چند سال مراجعت به عتبات و مجاورت کربلا را اختیار و در آنجا بدرود زندگی گفته و در جوار سالار شهیدان و شفیع عاصیان مدفون گردیده است.
آن مرحوم با آیت‌اللّه العظمی آقا سید اسمعیل صدر موانست و مجالست داشته و مرحوم آیت‌اللّه صدر یکی از علماء حوزه علمیه قم می‌فرمودند من شوارق را در خدمت مرحوم آقا شیخ عبدالوهاب خواندم.
دارای تألیفات زیادی در علوم عقلیه و نقلیه بوده‌اند که متأسفانه به طبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

شریعتمدار، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1315 -1242 ق)، فقیه، اصولی و هیوی. مشهور به مجتهد شریعتمدار. در محضر پدرش و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری در معقول و منقول تبحر یافت. چون هوش و ذکاوت و حافظه سرشار داشت، جامع انواع علوم و فنون اسلامی و اختراعات انواع صنایع و آلات بود. با وجود علم سرشار و نبوغ بسیار در تواضع و زهد و ساده‌زیستی ممتاز بود. ناظم‌الاسلام صاحب «تاریخ بیداری ایرانیان» از شاگردان اوست. شریعتمدار به گفته خود از دوازده سالگی شروع به نگارش کرده و بیش از هفتاد اثر علمی بر جاری گذاشته است. از آثارش: «البرد الیمانی فی الفاظ المعانی» در لغت؛ «مبدأ الآمال»، در قواعد علوم الحدیث و درایه و رجال؛ «غایه الآمال» در علم رجال؛ «بروج العروج»، در هیئت؛ «بروز الرموز»؛ «البروق اللامعه»، در شرح زیارت جامعه؛ «تحریر الاصول»، در اصول فقه؛ «آیینه‌ی جهان نما»، در تاریخ کره زمین؛ «درر الاحکام»، در پانزده علم: صرف، نحو، معانی، لغت، میزان، رجال، درایه، حدیث، اصول، تفسیر، تجوید، هیئت، حساب، کلام و فقه؛ «جامع ناصری» به سبک «جامع عباسی»، در فقه عملی که ناصرالدین‌شاه می‌خواست آن را قانون رسمی و جاری کشور نماید اما مخالفان استقرار قوانین اسلامی او را منصرف کردند؛ «منهاج الدرایه» رساله فقهی فارسی؛ «الجامعه النحویه و الصرفیه بین الترکیب و شرح الالفیه»؛ «مطالع البکور»؛ «رموز الاقوال»؛ «بوستان»، منظومه فارسی، در تجوید؛ «الدرر الایتام»؛ «نثر الدرر الایتام»؛ «انیس الغرباء»؛ «ایضاح التحریر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (309/8)، الذریعه (48/19، 6- 5/ 16 -51 /1)، ریحانه (210/3)، شرح حال رجال (224/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1365 -1361 /14)، علماء معاصرین (337)، لغت نامه (ذیل/ علی استرآبادی)، المآثر و الآثار (149)، معجم المؤلفین (188/7)، مکارم الآثار (1172 -1169 /4).

شریعتمدار، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین بن العالم الجلیل الحاج الشیخ محمدرضای مذکور از علماء اعلام معاصر ساوه است. معظم له در ساوه تولد یافته و ادبیات را خدمت والد ماجدش تحصیل نموده و پس از آن هجرت به قم نموده و معقول را خدمت مرحوم آقای میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی و سطوح نهائی را قسمتی از مرحوم آمیرزا محمد همدانی و قسمتی از سطح و خارج را خدمت آیت‌اللّه آمیرزا سید علی یثربی کاشانی خوانده و چهار دوره تمام از درس مرحوم آیت‌اللّه حایری استفاده فرموده و هم در موقع مهاجرت آیت‌اللّه نائینی لباس مشکوک را از درس آن مرحوم مستفیض شده و در مدت 20 سال توقف و اقامت در قم و حوزه علمیه دائماً مشغول تدریس در اوائل ادبیات را و در اواخر کفایه و مکاسب و وسائل را تدریس می‌نمودند و پس از نیل به مرتبه اجتهاد به تصدیق حضرات آیات عظام حایری و اصفهانی و حجت و اجازه مفصل حدیث از طرف مرحوم محدث قمی به ساوه مراجعت و حوزه علمیه در آنجا به امر مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی تشکیل و حدود بیست طلبه و محصل تربیت نموده و بسیاری از فضلاء حوزه علمیه قم هم در موقعی که معظم له در قم تدریس می‌نمودند از درس و بحث ایشان استفاده نموده‌اند.
نگارنده در سال 1368 ق سفری به ساوه رفته و مدت دو هفته در ضیافت ایشان بودم و حوزه علمیه ایشان را دیده‌ام.
آقای شریعتمداری بالغ بر چهل سالست که در ساوه به اقامه جماعت و ترویج دین و اغاثه ملهوفین و دستگیری ضعفا و بینوایان اشتغال دارند و نه باب دکان برای مصارف مدرسه و مسجد تأسیس و وقف نموده‌اند که سه باب دکان به معاونت اهالی و بقیه به خرج شخص خودشان شده است و فقه اللّه تعالی لمرضاته و خدمةالدین
معظم له دارای طبع شعر و ذوق ادیبانه و قصائد عربی و فارسی بسیار در مدح و مراثی و غیره دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمدار، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدرضا معروف به شریعتمدار ساوه‌ای از علماء اعلام و دانشمندان بنام این شهرستان بوده است.
معظم له سبط مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا احمد معروف به حجةالاسلام (که قبر شریفش در شیخان قم مزار عمومی مردم ساوه است) و پدر مادرش مرحوم آیت‌اللّه حاج سید اسماعیل شیخ‌الاسلام مدفون در رواق مطهر مولانا امیرالمؤمنین علیه‌السلام از مفاخر اسلام و مراجع عموم مردم ساوه بوده‌اند.
آنجناب از علماء دوره اخیر و علماء و عملا هنوز ضرب‌المثل قم و ساوه می‌باشند. در فنون ادبیت از عربی و فارسی و تفسیر و فقه و اصول سرآمد اقران و کتابی منظومه تألیف فرموده‌اند در سنن و آداب اسلامی که سابقه نداشته و چون حتی‌الامکان عین عبارات ائمه معصومین علیهم‌السلام است مطلع آن را از نظر خوانندگان معظم می‌گذرانیم.
السنن الاداب فیه مستطر
تقدیم حضرت الامام المنتظر
جمعتها طبقا علی الوسائل
لنلت ما ترید خیر نائل
ما امکنت اذکر لفظ الخبر
تبرکا بذکر عین الاثر
در زهد و تقوی و قدس و ورع از افراد نادره زمان خود بوده و هم ایشانست که در ورود مرحوم آیت‌اللّه المؤسس حاج شیخ عبدالکریم حایری در قم بوده و در شبی که آنجناب در منزل مرحوم آیت‌اللّه فیض دعوت داشتند به اتفاق جماعتی از علماء و وعاظ مهم تهران و قم آن مرحوم هم جزو مدعوین بوده و به آن مرحوم می‌گویند به چه خیالی قم مشرف شده‌اید می‌فرمایند شما به چه قصدی آمده‌اید.
ایشان می‌گویند من به قصد زیارت آمده‌ام مرحوم آیت‌اللّه حایری می‌فرمایند من هم مثل شما آقای ساوجی عرض می‌کنند هیهات مگر این قمیها از نسل آن قمیها نباشند که وقتی دعبل خزاعی جبه حضرت امام هشتم (ع) را به قم آورد اهالی به هر قیمتی که خواستند بخرند نداد عاقبت وقتی بیرون رفت از قم عده‌ای از داشها و جوانهای آن زمان در راه جبه را به هر قسمی بود از چنگش درآوردند.

آقای حایری فرمودند دعبل جبه امام داشت به من چه مربوط است. آقای ساوجی گفتند شما هم علم امام (ع) را دارید اگر از او جبه گرفتند شما را به هر قیمتی است نگاه می‌دارند.
پس این مذاکره جدی شوخی‌نما را وعاظ محترم در مجامع عمومی صحن چون فصل عید بود مطرح کردند و مردم قم نیز علاوه تجار تهران تهییج شدند تا عاقبت حضرت آیت‌اللّه حایری قصد اقامه و مجاورت در قم فرموده و تأسیس حوزه علمیه گردید.
رحلت آن مرحوم
اما قضیه فوت آقای ساوجی که در ساوه سابقه نداشته و حقیقة اسباب تنبه و دلیل بر جلالت قدر ایشانست این است که سالها می‌فرمود و غالب اهالی ساوه از ایشان شنیده بودند که پدرم و عمویم و جدم در سن هفتاد از دنیا رفتند من هم منتظر هفتادم وارد هفتاد شدند و در شب 13 رجب 1363 قمری از دنیا رفتند طاب اللّه ثراه و جعل الجنة مأواه و مثواه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شریعتمداری تبریزی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1406 -1322 ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. جد وی سید محمد اصلا اهل بروجرد بود که به تبریز مهاجرت کرده بود. خود وی در تبریز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات قبل از بلوغ به درس «مکاسب» حاضر شد و در هیجده سالگی به حوزه‌ی درس خارج آیت‌اللّه آقا میرزا صادق آقا و آیت‌اللّه میرزا ابوالحسن انگجی راه یافت. در 1342 به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری بهره‌ها برد و چند دوره اصول و عده‌ای از کتب فقه را در نزد ایشان استفاده کرد. وی اخلاق را در محضر حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و علم معقول و کلام و هیئت و اسطرلاب را نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی فراگرفت. در خلال تحصیل دو مرتبه به نجف مشرف و به درس آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه شیخ محمد اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شد و سرانجام موفق به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه عراقی گشت. پس از آن به زادگاهش مراجعت کرد و ده سال در تبریز اقامت گزید و به تدریس و ترویج و ارشاد و هدایت پرداخت. آنگاه به قم بازگشت و از مراجع دینی مردم گشت. وی در قبرستان ابوحسین قم مدفون است. از آثار وی تاسیس مراکز تبلیغی و مساجد و مدارس در قم و تهران و تبریز و به ویژه دارالتبلیغ اسلامی قم بود. از آثار علمی‌اش: رساله‌ای در اجتماع «امر و نهی»؛ رساله‌ای در «نهی»، در معاملات؛ «خلاصه الاحکام»؛ «مناهج التقی»، حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ «وسیله العباد لیوم المعاد»؛ «مناسک حج».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الحجه (61/2)، علماء معاصرین (286 -284)، گنجینه‌ی دانشمندان (30 -12 /2)، مؤلفین کتب چاپی (23 -22 /5).

شریعتمداری، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1282(1322 ق.)، تبریز.
درگذشت: 1365.
آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری پس از طی مقدمات و سطوح نهایی، چندی از مجلس درس آیت‌الله میرزا صادق و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی استفاده نمود و ضمنا سطوح عالی رسائل و مکاسب را تدریس تا در سال 1343 ق. مهاجرت به قم نمود و در مجلس درس آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد و حکمت را از آقا شیخ علی‌اکبر یزدی آموخت و دو مرتبه به نجف اشرف مسافرت نمود و از درس آیت‌الله العظمی محمد حسین نایینی و آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی استفاه نمود. دروس اخلاقی و فقهی را نیز نزد آیت‌الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی آموخت. وی اجازه و تصدیق اجتهاد خود را از حضرت آیت‌الله عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی دریافت نمود.
بنا بر دعوت علمای تبریز از عراق به ایران مراجعت و در تبریز به تدریس فقه و اصول پرداخته تا سال 1369 ق. که به درخواست گروهی از فضلاء تبریزی مقیم قم به حوزه برگشت و مشغول به تدریس فقه و اصول استدلالی شد. برخی از تقریرات دروس وی مکتوب شده و برخی از آنها به چاپ رسیده است.
از جمله فعالیت‌های ایشان قبل از انقلاب اسلامی تأسیس دارالتبلیغ اسلامی قم است که در بسیاری از نقاط مانند تهران و غیره شعبه‌هایی دارد. هدف از تأسیس داراتبلیغ اسلامی تربیت مبلغ با اصول تازه بود. انتشار مجله «الهادی» از فعالیت‌های انتشاراتی این مؤسسه بود. عملکرد ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشکلاتی در پی داشت و بحث‌های فراوانی برانگیخت.
از آثار اوست: خلاصة الاحکام (1379 ق.، قم، جلد دوم در سال 1382 ق. منتشر شد)؛ مناسک حج؛ مناهج التقی؛ حاشیة علی عروة الوثقی (دو جلد 1382 ق.)؛ وسیلة العباد لیوم المعاد (1372 ق.).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شریعتمداری، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1325 ق)، عالم دینی و فقیه. در تبریز به دنیا آمد. در کودکی از نعمت پدر محروم شد و در دامن مادرش پرورش یافت. مقدمات و ادبیات و سطوح را در تبریز خواند سپس به قم مهاجرت کرد. چندی از محضر آیت‌اللّه حایری و پس از وی آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری استفاده کرد. آنگاه به نجف رفت و از محضر درس آیت‌اللّه اصفهانی و دیگر اساتید بهره‌مند شد. سپس به قم بازگشت و به تدریس فقه و اصول نهایی پرداخت؛ با ورود آیت‌اللّه به قم، چند سالی هم در جلسات درس فقه و اصول ایشان شرکت کرد. وی در سال 1372 ق به تهران آمد و به خدمات دینی و تدریس پرداخت. چندی هم در مشهد رضوی تدریس فقه و اصول کرد و سرانجام به تهران بازگشت و به انجام وظائف دینی مشغول شد. وی دارای اجازاتی از اساتید بزرگ همچون آیت‌اللّه سید محمد حجت و آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و دیگر اساتید بود، که به صحه‌ی برادرش آیت‌اللّه شریعتمداری رسیده است. از آثار وی حواشی بر «جواهر» و قسمتی از «کفایه» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الحجه (53/2)، آینه‌ی دانشوران (508)، گنجینه‌ی دانشمندان (491 -490 /4).

شریف زاده نجفی، محمدجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در خصوص ولادت مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی نتوانستیم به نقطه‌نظر مطمئنی دست یابیم، اما بر اساس قرائن و شواهد، هنگام رحلت، بیش از هشتاد سال از عمر آن مرحوم می‌گذشت؛ لذا تاریخ تولد ایشان حدود سال 1278 هجری شمسی و در نجف اشرف می‌باشد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر - علی محمدشریف زاده نجفی - از روضه‌خوان‌های نجف اشرف بوده و سال‌ها قبل از یزد به نجف مهاجرت کرده است. بر این اساس، اگرچه حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی هیچ دوره از عمر خود را در یزد سپری نکرده، اما به نوعی ریشه در دل این دیار داشته و شاید این نکته در انتخاب شهر «ابرقو» از میان شهرهایی که از حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ درخواست روحانی داشته‌اند، بی‌تأثیر نبوده است.مادر ایشان - بانو سلطان بیگم - علویه باکرامتی بوده که با حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی؛ نسبت داشته و آن مرجع بزرگ به کرامت و بزرگواری‌اش اذعان داشته و آن بانو مشمول عنایات ایشان بوده است.خاطرات کودکی : مادر محمد جوادشریف زاده نجفی در ایامی که حاج شیخ محمد جواد، نوزاد و یا طفلی نوپا بوده است، خوابی می‌بیند. خواب را برای حضرت آیت‌اللّه محمد کاظم یزدی بازگو و ایشان هم رؤیای این بانو را چنین تعبیر می‌کند که فرزندش مجتهد می‌شود. سپس سجّاده‌ای به ایشان می‌دهد تا فرزندش بر آن نماز بگزارد. حاج شیخ محمد جواد سال‌ها این سجّاده را با خود داشت و حتّی پس از آمدن به ابرقو هم بر آن نماز می‌خواند. متأسفانه این سجّاده در یکی از مساجد مفقود گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سنین عمر محمد جواد شریف زاده نجفی ، از دو مرحله عمده تشکیل می‌شود: روزگار تفقّه و عصر تبلیغ.اول: سال‌های حضور در نجف اشرف و کربلای معلّا، یعنی از تولد تا حدود سال‌های 1325 یا 1326 هجری شمسی، صرف‌نظر از ایام کودکی، آنچه طی این سال‌ها وجهه همت ایشان را تشکیل داده، تلاش برای نیل به کمالات اخلاقی و علمی، و استفاده هر چه بیشتر از معادن معنوی و علمی این دو شهر مقدس می‌باشد. بدون شک تنفس در فضایی که معطّر به قبور ائمه طاهرین (ع) باشد، مستلزم توفیق بالایی است. آری، در چنین فضایی مس وجود، کیمیا گردد و پربها.علاوه بر این بهره معنوی، حضور در پای درس بزرگانی همچون آیات عظام: سید

محمد کاظم یزدی و سید ابوالحسن اصفهانی و پس از ورود به کربلا استفاده از محضر حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی، همچنین اجازه اجتهاد و اخذ وجوهات از همین بزرگواران و بزرگانی دیگر همچون آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم و سید حسین بروجردی، دستاورد این دوره از عمر مرحوم حاج شیخ محمد جواد است.فعالیتهای ضمن تحصیل : حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، پس از رحلت حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی خواستند که ایشان به سامرا برود و در مدرسه‌ای که متعلق به مرحوم حاج سید محمد کاظم یزدی بوده است، تدریس نماید. حاج شیخ محمد جواد این درخواست را پذیرفت و به سامرا رفت ولی پس از چهار الی پنج ماه مجدداً به نجف برگشت و بعد از اقامتی کوتاه، به کربلا مهاجرت نمود و تا زمان رحلت حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، در این شهر ماند. پس از رحلت این مرجع بزرگ - که زمزمه مرجعیت حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی به گوش رسید. - ایشان به نجف برگشت ولی اقامتش چند ماهی بیشتر طول نکشید که آن مرحوم قصد مسافرت به مشهد نمود و در قم سرنوشت دیگری برای ایشان رقم خورد که بدان خواهیم پرداخت.وقایع میانسالی : چگونگی آمدن حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی از نجف به ابرقو، شرح مفصلی دارد که اجمال آن، بدین قرار است:مرحوم حاج شیخ محمد جواد در سال 1325 یا 1326 جهت رفتن به زیارت ثامن الائمه - امام رضا (ع) - وارد شهر قم شد و مسافرخانه «قبله» را به عنوان اسکان موقت انتخاب کرد. بزرگواری ایشان توجه صاحب مسافرخانه را به خود جلب کرده، به طوری که از ایشان درخواست کرد اتاقی در منزل خود - که به افرادی معدود اختصاص می‌داده - در اختیار آن مرحوم و همراهان قرار بدهد.در یکی از این روزها، برخی طلبه‌ها که یا از شاگردان آن مرحوم بوده و یا از مراتب علمی و کمالات اخلاقی ایشان در نجف و کربلا، اطلاع داشته‌اند، از آمدن ایشان به قم باخبر شده، مراتب را به اطلاع حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ می‌رسانند و ترتیب دیداری میان این دو بزرگوار در بیت حضرت آیت‌اللّه بروجردی داده می‌شود.در این ملاقات، از جمله سؤالات حضرت آیت‌اللّه بروجردی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد، این بوده است که آیا شما توان تدریس مکاسب و کفایه را دارید؟ مرحوم حاج شیخ محمد جواد جواب می‌دهد: «بحول اللّه؛ (توان تدریس این دروس را دارم.)»سپس سؤالاتی تخصصی از ایشان پرسیده می‌شود و چون آن مرجع بزرگوار به توانمندی مرحوم حاج شیخ محمد جواد در این زمینه، اطمینان پیدا می‌کند، درخواست مردم ابرقو را - مبنی بر یک روحانی مجتهد و پرهیزکار که توان تدریس مکاسب و کفایه را داشته باشد. - خدمت ایشان ارائه می‌دهند و مصرانه از آن

مرحوم اجابت این درخواست را می‌طلبند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد به رغم میل باطن و در جهت امتثال امر حضرت آیت‌اللّه بروجردی اعلام آمادگی کرده و ایشان نیز ظاهراً ذیل همان برگه، مرحوم حاج شیخ محمد جواد را به اهالی ابرقو معرفی می‌کنند.در پایان این دیدار قرار می‌شود که روز بعد، حضرت آیت‌اللّه بروجردی به دیدار ایشان بروند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد صاحب منزل را در جریان می‌گذارد و صاحب منزل که این تشریف‌فرمایی را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانسته، درصدد تدارک پذیرایی برمی‌آید و کوچه و منزل را آب و جارو می‌کند.روز بعد، آن مرجع بزرگوار با درشکه به محل سکونت ایشان رفته و در واقع دید و بازدید این دو مرد الهی تکمیل می‌گردد. مرحوم حاج شیخ محمد جواد سپس به مشهد رفته و پس از زیارت ثامن الحجج (ع) مجدداً به قم بر می‌گردد و بلافاصله عازم ابرقو می‌شود و در ابتدای راهی قرار می‌گیرد که مرحله دوم عمر ایشان را رقم می‌زند.زمان و علت فوت : نوروز سال 1358 هجری شمسی، آخرین بهار را فراروی دیدگان محمد جواد شریف زاده نجفی قرار داد.علاقه به ثامن الائمه - امام علی بن موسی الرضا (ع) - آن مرحوم را به ارض اقدس طوس کشاند، تا برای آخرین بار ترجیع بند ارادت خود را ارزانی آن آستان کند.همراه ایشان در این سفر می‌گوید:با این که هنوز بنا بود در مشهد بمانیم، اما برخلاف انتظار، ایشان گفتند: باید برگردیم تهران! حاج شیخ محمد جواد در تهران به منزل فرزندش رفت و ما هم در شهر ری به خانه بستگانمان رفتیم.پس از یک روز، بیماری مختصری بر آن مرحوم عارض شد، پیغام داد: بلیطی که برای رفتن از تهران به ابرقو گرفته‌اید، خودتان استفاده کنید، مورد نیاز من قرار نمی‌گیرد. (نقل به مضمون) و فرمودکه این‌ها مورد استفاده‌ام قرار نمی‌گیرند. سپس ادامه داد: فردا اذان صبح به این جا بیاید.ما به شهر ری برگشتیم اما با کلی نگرانی. اصرار بر این که هر چه زودتر به تهران برویم، بیماری ایشان، عدم ضرورت استفاده از بلیط، این که فردا وقت اذان صبح ما را ببینند و... این افکار تا ساعت 12 شب ما را به خود مشغول کرده بود. در این ساعت فرزند ایشان تلفن کرد که پدرمان به رحمت خدا رفتند. این‌ها نشانه‌ای بر آگاهی آن مرحوم از نزدیک شدن زمان رحلت خود بود.فرزند ایشان می‌گوید:حدوداً نیمه شب ملاحظه کردم که پدرم آهسته چیزی می‌خوانند. گوش خود را نزدیک دهان ایشان بردم، دیدم مشغول خواندن زیارت عاشورا هستند. پس از چند دقیقه، شهادتین را بر زبان آوردند و دیگر چیزی نگفتند. ما ابتدا فکر کردیم که ایشان خواب رفته‌اند، اما پس از چند دقیقه که سراغشان رفتیم، ملاحظه کردیم در حالی که رو به قبله خوابیده‌اند، از دنیا رحلت کرده‌اند. وقتی با ابرقو تماس تلفنی گرفتیم تا این خبر را به اطلاع مردم برسانیم، ملاحظه کردیم که برخی از دوستان و مأمومین از

رحلت مرحوم پدرم اطلاع دارند!قضیه از این قرار است که سیدی از ارادتمندان ایشان در عالم رؤیا می‌بیند آجری از زیر گلدسته مسجد امامزاده فرو افتاد. آن سید خواب خود را به رحلت مرحوم پدرم تعبیر می‌کند و با عده‌ای نیز این مطلب را در میان می‌گذارد، لذا وقتی که با آنان تماس گرفتیم، این خبر برایشان غیر منتظره نبود. پدرم برای دفن خود ما را بین سه مکان مخیّر کرده بود که به ترتیب عبارت بودند از: حضرت عبدالعظیم (ع) ، قبرستان بقیع قم و بهشت زهرای تهران، که با توجه به جوانب قضیه، ایشان را در قبرستان بقیع قم در مسیر جمکران به خاک سپردیم. گویی عارف گمنام بر آستان مقدس صاحب الزمان (ع) چشم دوخته و انتظار دیدار با آخرین یادگار پیامبران را دارد.مردان الهی از دنیا نمی‌روند، بلکه از سرای فرش به عالم عرش نقل‌مکان می‌کنند. کوته نگری است اگر تربت کیمیا اثر آنان را در دل زمین بجوییم، باید به اندرون سینه مردان راه نقبی زد تا اشک دیده از مزار آنان متبرک سازیم.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحله دوم از عمر مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، 32 الی 33 سال پایانی عمر ایشان را رقم می‌زند، یعنی از سال‌های 1325 یا 1326 لغایت 1358 هجری شمسی و زمانی که از طرف حضرت آیت‌اللّه بروجردی به ابرقو عزیمت نمود و در این خطه به تبلیغ دین، اقامه جماعت و تشکیل مجالس روضه پرداخت؛ این دوره از عمر آن مرحوم، فرصت انجام رسالتی است که خداوند متعال بر دوش عالمان ربّانی نهاده و در روایات «زکات علم» قلمداد شده است.این دو مرحله، مکمل یکدیگرند و مجموعه‌ای واحد را تشکیل می‌دهند، نه اندوختن کمالات علمی و معنوی بدون تبلیغ و انذار، ایفای تام و تمام رسالت عالمان دینی است، و نه تبلیغ دین بدون کسب علم و تهذیب نفس، دل و جانی را نشاط معنوی می‌بخشد. دو مرحله‌ای که عنوان گردید، در زندگی مرحوم حاج شیخ محمد جواد کاملاً قابل تبیین است.فعالیتهای آموزشی : اهالی ابرقو، به محض اطلاع از تصمیم مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، برنامه استقبال از ایشان را تدارک دیدند، بدین منظور عده‌ای از ابرقو به شهرستان آباده - در 72 کیلومتری ابرقو - عزیمت کرده و آن مرحوم را با سلام و صلوات به ابرقو آوردند.ایشان پس از ورود به ابرقو، در منزل یکی از اهالی در محله «دروازه میدان» موقتاً اسکان نمود و تا 4 - 5 روز رفت و آمدها ادامه داشت. پس از این چند روز، آن مرحوم با توجه به مفاد درخواست، سراغ جلسه درسی و بحث را گرفت و پس از آن که مشخص شد جلسه در یکی از مساجد شهر است، شخصاً با دو کتاب «مکاسب» و «کفایه» در محل درس حاضر گردید تا در اولین جلسه، سطح کلاس را ارزیابی و تدریس را آغاز کند. آنچه در همان اوایل به عنوان نتیجه‌ای نه چندان مطلوب و خوشایند عاید آن مرحوم شد، پایین بودِن سطح علمی

کلاس درس بود، به طوری که موجب گله ایشان گردید. متأسفانه در ادامه، از همان رونق اندک اولیه هم کاسته شد و چندی بعد این کلاس کلاً تعطیل گردید. از آن پس، اقدامات ایشان از تشکیل درس و بحث بیرون آمد و به شکلی ادامه یافت که بدان خواهیم پرداخت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تشکیل حوزه درسی در مدرسه «هندی» - در کربلای معلا - و تربیت شاگردان دیگر دستاورد ارزشمند مرحله اول یعنی روزگار تفقه عمر آن مرحوم می‌باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پس از آن که جلسه درس محمد جواد شریف زاده نجفی منحل گردید، آنچه بیشتر ذهن آن مرحوم را به خود مشغول کرد، این بود که فعالیت‌های خود را بر محور تبلیغ، روضه، اقامه جماعت، محاسبه وجوهات و مواردی این گونه قرار بدهد. ایشان در ابتدا برنامه نماز جماعت خود را در مسجد جامع ابرقو قرار داد، با بروز برخی موانع، این برنامه را به مسجد امامزاده و داخل امامزاده و برخی مساجد دیگر منتقل نمود. علت این تغییر مکان‌ها را باید در بروز بعضی موانع دانست، و این علاوه بر مشکلات جنبی بود که پیش می‌آمد، تا جایی که ایشان چشم انداز خوبی از موفقیت پیش روی خود ندید!مجموعه این عوامل، آن مرحوم را وادار نمود با مراجعه به حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ از معظم له بخواهد که ایشان را از ماندن و اقامت در ابرقو معذور بدارد!اما مرحوم آیت‌اللّه بروجردی کسی نبود که این‌ها را دلیلی موجه برای خالی کردن میدان بداند، وانگهی چه کسی بهتر از مرحوم حاج شیخ محمد جواد می‌توانست نیازهای متنوع دینی یک شهر را پاسخگو باشد؟بر همین اساس، درخواست آن مرحوم مقبول واقع نشد و چون بنا را براستخاره گذاشتند، مراجعت ایشان به ابرقو و ماندن در این شهر، بسیار خوب آمد.مرحوم حاج شیخ محمد جواد، دوباره به ابرقو برگشت، با این نیت که این بار به صورت جدی‌تر به مجالس وعظ و روضه، اقامه جماعت، حساب و کتاب وجوهات شرعیه و مواردی از این نمونه بپردازد. پس از بازگشت، حدود دو سال را در برخی از روستاهای ابرقو از جمله «مهر آباد» و «نصرت آباد» سپری نمود که دلیل آن را باید بروز همان مسائل و موانعی دانست که به کلیت آن، اشاره شد.مدتی بعد تنی چند از ارادتمندان، از آن مرحوم خواستند تا در مسجد امامزاده اقامه جماعت نماید و آنها تضمین کردند که مسأله‌ای خاص بروز نکند. خوشبختانه این قضیه مشکل را حل کرد و از آن پس، این مسجد به صورت ثابت محلّ اقامه جماعت ایشان گردید. قابل ذکر است که مرحوم حاج شیخ محمد جواد، در مدت سی و چند سال اقامت در ابرقو، سه، چهار بار به عراق جهت زیارت عزیمت نمود و هر بار در کربلا در مسجدی به نام مسجد «بازار داماد» اقامه جماعت داشت.آرا و گرایشهای خاص : چیزی که باور مردم را نسبت به محمد جواد شریف زاده نجفی روز به روز بیش‌تر و

ارادت آنان را به آن مرحوم افزون‌تر می‌ساخت، ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.آنچه مردم در وجود این عالم پارسا می‌دیدند، پرهیزکاری بود و دوری از زر و زیور دنیا؛ عشق و محبت به ثقلین یعنی قرآن و عترت (ع) بود و بخشش و سخاوت؛ برخوردهای بزرگوارانه بود و آزادگی و وارستگی. همین ویژگی‌های ملکوتی، ارادتمندان آن مرحوم را واداشته که با گذشت بیش از بیست سال از رحلت ایشان، هنوز هم برای شادی روحش صلوات بفرستند. - ایشان به رعایت آداب سفره مقید بود. در ابتدای هر لقمه غذا «بسم اللّه الرحمن الرحیم» و در پایان هر لقمه «الحمدللّه ربّ العالمین» می‌گفت.- غذا را با دست راست می‌خورد.- مقید بود که رو به قبله بخوابد.- هرگز با صدای بلند نمی‌خندید، خنده ایشان عموماً تبسّم بود.- به نماز اول وقت و رعایت پرهیزکاری توصیه فراوان می‌کرد.- هنگام منبر چنان غرق در آیات و روایات می‌شد که مکرر آستین‌های پیراهن را بالا می‌زد و وقت منبر از دستش خارج می‌گردید؛ به طوری که گاهی وقت‌ها مستمعین به ایشان تذکر می‌دادند که منبر طولانی شد. البته از آنجا که ایشان اصولاً آخرین کسی بود که در مجالس منبر می‌رفت، وقت دیگر روضه‌خوان‌ها به خاطر طولانی بودن منبر ایشان گرفته نمی‌شد.- ایشان برای شرکت در برخی مراسم از جمله عزاداری عاشورا و رفتن به اقامه نماز عید فطر، با پای برهنه اقدام می‌نمود.- نسبت به قرائت صحیح خطبه عقد ازدواج، فوق العاده حساس بود.- از آن جا که ممکن بود کسانی از تأیید با دستخط ایشان سوء استفاده کنند، آن مرحوم نسبت به این کار وسواس عجیبی داشت. یکی از ارادتمندان از ایشان پرسیده بود: «مگر شما قلم ندارید که کسی را تأیید و توصیه‌ای فرمایید؟» البته ایشان یک بار مطلبی را تأیید و امضا کرده بود و آن مربوط به «اصلاح ذات البین» بوده است.- ادعیه روزهای ماه مبارک رمضان را هر سه وعده با معنای فارسی برای مستمعین می‌خواند.- نسبت به کتاب «اقبال» مرحوم «سید بن طاووس» توجه خاصی داشت و می‌گفت:«هرکس اقبال سید را ندارد، اقبال ندارد!- یک لحظه دیده نشد که ایشان بدون ذکر باشد. منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماwww.hawzeh.net

شریف‌العلماء مازندرانی، ملا محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1245 ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. ملقب به شریف‌الدین و مشهور به شریف‌العلماء. در کربلا به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد و در محضر سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و فرزندش سید مجاهد شاگردی کرد. پس از چندی با پدر خود به ایران بازگشت، و در قم یک سالی به درس میرزای قمی رفت و مجددا به کربلا مهاجرت کرد. او در کربلا در مدرسه‌ی حسن خان مجلس درس معظمی پیدا کرد بگونه‌ای که زیاده بر هزار نفر در محضر درسش زانو می‌زدند. سعیدالعلمای بارفروش و شیخ مرتضی انصاری و ملا آقای دربندی و سید ابراهیم قزوینی حایری، صاحب «ضوابط»، و سید محمد شفیع جاپلقی و ملا اسماعیل یزدی و حاج سید حسین ترک و شیخ محمد آل‌یاسین از شاگردان وی در علم اصول بودند. شریف‌العلماء در کربلا به طاعون درگذشت و در نزدیکی صحن مطهر حسینی دفن شد. اشتغال بیش از حد وی به تدریس مانع از آن شد که آثار قلمی‌اش بسیار باشد. از آثار او: رساله‌ی «جواز امرالامر مع العلم بانتفاء الشرط» که بسیار مبسوط است؛ «النسخ و اینکه آیا عقلا جایز است یا خیر؟»؛ «بیع المعاطات و الصرف و الخیارات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (165 -146، 24، 242 /5، 194/3)، روضات الجنات (48 -47 /1)، ریحانه (220 -229 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 620 -619 /13)، الکنی و الالقاب (361/2)، مکارم الآثار (1272 -1269 /4)، هدیه الاحباب (162 -161).

شریفی حسینی، ابوالفتح

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 976 ق)، متکلم، محدث، فقیه و مفسر امامی. معروف به امیر ابوالفتح شرقه. از خانواده‌ای شیرازالاصل و سنی مذهب در ماوراءالنهر متولد شد. وی نزد عصام‌الدین ابراهیم اسفراینی و جامی تلمذ کرد. امیر ابوالفتح چون به مذهب شیعه گروید به اردبیل رفت و در آنجا به تحقیق در فقه شیعه پرداخت و تا پایان عمر در این کار بود. از آثار وی: «آیات الاحکام» به نام «تفسیر شاهی»؛ «اصول الفقه»؛ «تاریخ الصوفیه»؛ «تحقیق معنی الاقوال الشارحه فی المنطق»؛ «حاشیه الکبری»؛ حشایه‌ی «شرح المطالع»؛ «صفوه الصفاء». استاد نفیسی در «تاریخ نظم و نثر» و دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» وی را از شاگردان موسی بن محمد قاضی‌زاده‌ی رومی دانسته و تاریخ وفاتش را 950 ذکر کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (394/2)، تاریخ ادبیات در ایران (252/5)، تاریخ نظم و نثر (374 -373)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (972/7)، الذریعه (346 -345، 314 /21، 49/15، 133، 59/6، 277/4، 261/3، 202/2، 41/1)، ریحانه (220/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 176/10).

شعرانی تهرانی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1393 -1320 ق)، عالم دینی، مدرس و فقیه. پس از فراگیری مقدمات در مدرسه‌ی خان مروی، به یادگیری معانی و بیان و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت پرداخت. به علاوه در تکمیل ریاضیات قدیم و زیج و طب کلیات «قانون» کوشید. فقه و اصول را از اساتیدی همچون آقا شیخ بزرگ ساوجی و علوم عقلی را از میرزا محمود قمی، شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه، و شیخ محمدرضا قمشه‌ای و میزا طاهر تنکابنی و میرزا علی‌اکبر یزدی فراگرفت. در 1346 ق که پدرش درگذشت به نجف رفت و رجال و حدیث را از محدث رجالی سید ابوتراب خوانساری فراگرفت و از دیگر اساتید نیز بهره‌ها برد. سپس به وطن بازگشت و در منزل خویش به تدریس علوم و فنون و ترجمه و تالیف پرداخت. وی در مسجد جدش ملا ابوالحسن، معروف به مسجد حوض تهران، اقامه جماعت می‌کرد. او به زبان عبری، فرانسه و عربی تسلط کامل داشت. شاگردان بزرگی را تربیت کرد که از آن جمله می‌توان به حجةالاسلام حسن‌زاده‌ی آملی اشاره کرد. وی در یکی از شهرهای آلمان بر اثر عارضه‌ی قلبی درگذشت و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثارش: تعلیقات بر «تفسیر» ابوالفتوح رازی در دوازده جلد؛ تعلیقات بر تفسیر «مجمع البیان» طبرسی، در ده جلد؛ تعلیقات بر «وافی» فیض کاشانی، در سه جلد؛ تعلیقات بر «وسائل الشیعه» شیخ حر عاملی؛ تعلیقات و ترجمه‌ی «تبصره» علامه، در دو جلد؛ تعلیقات بر «شرح اصول کافی» ملا صالح مازندرانی، در دوازده جلد؛ «لغات القرآن»؛ «راه سعادت»، در اثبات خدا و بحث نبوت و ولایت و معاد؛ «ندای عدالت»، ترجمه «الامام علی (ع)» جرج جرداق؛ تعلیقات بر «تفسیر صافی»، در دو جلد؛ تعلیقات بر تفسیر کبیر «منهج الصادقین»، در ده جلد؛ تعلیقات بر «اسرار الحکم» حکیم سبزواری؛ ترجمه و شرح «تجرید الاحکام» خواجه نصیرالدین طوسی؛ حاشیه «ارشاد القلوب» دیلمی؛ «فلسفه اولی و ما بعد الطبیعه»؛ ترجمه «صحیفه کامله»؛ «دمع السجوم»، ترجمه «نفس المهموم» محدث قمی.[1]
قدوه العلماء المتتبعین و حجةالاسلام والمسلمین علامه الاستاذ حاج میرزا ابوالحسن بن العالم الکامل الشیخ محمد بن علم العلام ملا غلامحسین بن العالم الجلیل ملا ابوالحسن تهرانی از علماء بزرگوار و مدرسین عالی مقدار معاصر تهرانست و شرح احوال پدران روحانی وی در نامه

دانشوران و کتاب مآثر و آثار و غیر آنها مذکور است.
وی در حدود سال 1320 قمری چشم بجهان گشوده و جد مادری وی عالم بزرگوار آقا محمد ابراهیم نواب صاحب (فیض‌الدموع) و ترجمه نامه مالک اشتر و منشآت دیگر معروف بفصاحت و عذوبت انشاء بوده و در کتابت ید بیضا می‌نموده است. مترجم معظم ما استاد شعرائی در مهد علم و فضائل پرورش یافته و پس از تعلیم خط و املاء و مقدمات در مدرسه خان مروی که مجمع فضائل بوده بدرس کتب معمول معانی بیان و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت پرداخته و هم تکمیل ریاضیات قدیم و زیج و مقداری از طب و کلیات قانون نموده و فقه و اصول را از اساتید مختلف بخصوص مرحوم آقا شیخ بزرگ ساوجی و در علوم عقلیه از مرحوم میرزا محمود قمی که شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه و عارف کامل آقا شیخ محمد رضا قمشه‌ای و میرزا طاهر تنکابنی و مرحوم میرزا علی اکبر یزدی (در قم) استفاده نموده و در سال 1346 قمری که والدش برحمت ایزدی پیوست مهاجرت به نجف اشرف نموده و رجال و حدیث را از مرحوم محدث رجالی حاج سید ابوتراب خونساری فراگرفته و از محضر اساتید دیگر نیز بهره‌ها برده و بوطن مراجعت و از وضع اجتماع باندازه‌ای ناراحت گردیده که تصمیم به انزوا و ترک معاشرت با مردم گرفته و در منزل بتدریس علوم و فنون مختلف و تألیف و ترجمه کتب مفیده احادیث و اخبار و تفاسیر قرآن اشتغال داشته و در مسجد جد خویش مرحوم ملا ابوالحسن معروف به مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک چهار راه سیروس اقامه جماعت می‌نمود.
نگارنده گوید علامه شعرائی دانشمندی بسیار متواضع و بی‌آلایش و وارسته از صفات رذیله و آراسته بفضل و تقوا و متانت روش و مناعت طبع بود.
آثار این مرد بزرگوار از تراجم کتب دینی و تفاسیر بسیار است و در کتب چندی مانند وسائل‌الشیعه و تفسیر منهج و ابوالفتوح رازی و غیره تعلیقات ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم.
1- تعلیقات بر تفسیر ابوالفتوح رازی در 12 جلد.
2- تعلیقات بر تفسیر مجمع‌البیان شیخ طبرسی در 10 جلد.
3- تعلیقات بر وافی شریف محدث فیض در 3 جلد.
4- تعلیقات بر وسائل الشیعه شیخ حر عاملی.
5- تعلیقات و ترجمه تبصره علامه در فقه فارسی در دو جلد.
6- تعلیقات بر شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی در 12 جلد.
7- لغات القرآن که از باب الف تا باب ظاء چاپ شده و در موضوع خود کم‌نظیر است. (دنباله آن تا حرف ی تکمیل و تحت طبع است).
8- راه سعادت در اثبات خدا و بحث نبوت و ولایت و معاد.

9- ترجمه الامام علی جرج جرداق.
10- تعلیقات بر تفسیر صافی در 2 جلد.
11- تعلیقات بر تفسیر کبیر منهج‌الصادقین در 10 جلد.
12- تعلیقات بر اسرار الحکم حکیم سبزواری.
13- ترجمه و شرح تجرید الاحکام شیخ نصیرالدین طوسی.
و ده ها تعلیقات و حواشی بر کتب مفیده علمی دیگر.
نگارنده گوید علامه شعرائی از نوادر دانشمندان معاصر ما بودند که در کمال بی‌آلایشی و ساده‌گی زندگی کرده و با موقعیتهای حساسی که برای او پیش می‌آمد دست خود را آلوده بزخارف دنیوی و مادی ننموده و همواره بتألیف و نوشتن تعلیقات و حواشی بر کتب علمی و حدیثی و تفسیری و غیره و تدریس علوم مختلف اشتغال داشت و مدتی در شورای عالی فرهنگ و ناظر شرعایت در وزارت فرهنگ بوده و در مواقع حساس از وجود ایشان در دادگستری و اوقاف دعوت بعمل آمده و از ایشان در موارد مشکله نظر می‌خواستند.
وی بزبان عبری فرانسه و عربی تسلط و احاطه کاملی داشت و در علوم متنوع استاد و علامه بود و در علم هیئت و نجوم و زیج مهارت تامی داشت و شاگردان برجسته‌ای تربیت نمود که بعضی از آنان مانند جناب حجةالاسلام فخر الاماثل و الاعلام آقای نجم‌الدین حسن‌زاده آملی از فضلاء مبرز قم و دارای تقویم نجومی بوده و بعضی از اساتید دانشگاه می‌باشند.
در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته چندی از فضلاء قم برای فراگرفتن علوم متنوع روز از قم به تهران آمده و از محضر این استاد بزرگوار استفاده می‌کردند.
معظم له در شب یکشنبه هشتم ماه شوال‌المکرم 1393 قمری در اثر کسالت قلبی در آلمان بدرود حیات گفته و هزاران دانشمند و مردم مطلع تهران و قم را در سوک و داغ خود مبتلا و داغدار نموده و سه روز بعد جنازه حمل به تهران و از مسجدش با تجلیل و تشییع باشکوهی منتقل بری و در جوار حضرت سید الکریم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در مقبره خسرو خانی (مقبره زمردیان) مدفون گردید خدایش رحمت کند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (239/2)، الذریعه (63/10)، گنجینه‌ی دانشمندان (493 -491 /4 ،40/3)، مؤلفین کتب چاپی (155 -154 /1).

شفتی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
السید محمدباقر مشهور (به حجةالاسلام شفتی) صاحب (مسجد سید) اصفهان بن سید محمدتقی بن سید محمد زکی بن محمدتقی بن شاه قاسم بن امیر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم ابن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابی‌القاسم بن حمزة بن الامام موسی الکاظم (ع) از فحول علماء امامیه در قرن دوازدهم هجری بوده است.
تولد آن بزرگوار در سال 1175 قمری در نواحی طارم علیاء زنجان در قریه‌ای که به آن (چرزه) می‌گویند در ده فرسخی شفت واقع شده و در سن هفت سالگی منتقل به شفت شده.
و پس از ده سال در سن 17 سالگی و سال 1192 ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در کربلا به درس وحید علی‌الاطلاق و استاد اکبر علامه محمدباقر بهبهانی و پس از آن علامه سید علی صاحب ریاض استفاده کرده.
و بعد به نجف مشرف و از محضر علامه بزرگ سید مهدی بحرالعلوم و علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بهره‌مند شده و مسافرتی به کاظمین نموده و از حضرت علامه سید محسن اعرجی مستفیض گردیده و پس از هشت سال توقف در عراق در سال 1200 ه به ایران برگشته و در قم از محضر مدقق بزرگوار میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین‌الاصول) استفاده نموده.
و از آنجا به کاشان عزیمت و از محضر و دروس اخلاقی ملا مهدی نراقی صاحب (جامع‌السعادات) کامیاب شده و در سال 1206 ه به اصفهان وارد و رحل اقامت افکنده و افاضل طلاب و علماء در گردش جمع و از درس و بحثش استفاده نموده و شهرت عالمی پیدا و به ریاست عامه و مرجعیت تامه رسیده و بسط یدش تا اجراء حدود الهی رسیده و شمشیری که با آن ده‌ها حد الهی را جاری کرده است.
اکنون در بیت آن بزرگوار در دست حفیدش حجةالاسلام والمسلمین حاج سید رضا شفتی باقی و موجود است و تاریخ روحانیت شیعه یاد ندارد که این موقعیت برای احدی از علماء و مراجع شیعه غیر آنجناب پیدا شده باشد و این نبود مگر حسن باطن و سلامت نفسش (اللّه اعلم حیث یجعل

رسالته).
از خصایص آن بزرگوار سخاوت وجودش بود که هیچ صاحب حاجتی به ایشان مراجعه نمی‌کرد مگر اینکه فوراً حاجتش را روا می‌ساخت و هیچ مستحقی نزد او نمی‌رفت مگر اینکه او را مستغنی و مستطیع و توانگر می‌کرد حکایاتی از کرم و عطاء او شنیده‌ام که اینجا مجال ذکر آن نیست.
از اقران و اصدقاء خالص او عالم ربانی و آیت سبحانی علامه بزرگ حاج ملا محمدابراهیم کلباسی بود که با آن همه عظمت سید را بر خود مقدم می‌داشت و حتی حکم او را بدون وضو نمی‌گرفت.
آن بزرگوار در یکشنبه دوم ربیع‌الثانی 1260 هجری از دنیا رفت و در مقبره خودش در زاویه مسجدش (مسجد سید اصفهان) در محله بیدآباد مدفون گردید.
آثار خالده سید
1- مسجد عظیم و زیبای او در در محله بیدآباد خیابان مذکور که از مساجد مهمه و معروفه اصفهان و بلکه ایرانست.
2- کتاب (مطالع‌الانوار) در شرح شرایع که پنج جلد آن بیرون آمده
3- جوابات المسائل در دو مجلد.
4- تحفة‌الابرار رساله عملیه فارسی
5- قضاء و شهادات.
6- زهرة‌الباهره در اصول فقه و ده‌ها رساله و تعلیقات دیگر.
دارای 6 فرزند بزرگوار بودند که تمامی از علماء بزرگ عصر خود بوده‌اند.
1- حجة‌الاسلام ثانی علامه جلیل‌القدر آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسداللّه.
2- آیت‌اللّه آسید ابوالقاسم شفتی
3- آیت‌اللّه آسید محمدعلی
4- آیت‌اللّه میرزا زین‌العابدین
5- آیت‌اللّه آسید جعفر
6- آیت‌اللّه آسید مؤمن.
در حال حاضر دو نفر از احفاد آن بزرگوار در قید حیاتند و در مسجد او (مسجد سید) بجای نیاکان خود اقامه جماعت می‌نمایند.
(1260 -1175 ق)، علام امامی، فقیه اصولی، ادیب نحوی و رجالی. معروف به حجة‌الاسلام. در قریه‌ای از قرای رشت از نواحی طارم علیا به دنیا آمد و در هفت سالگی به شفت منتقل شد. وی در اصفهان سکنی کرد. از شاگردان بهبهانی، بحرالعلوم، صاحب «ریاض»، کاشف الغطاء، ملا مهدی نراقی و میرزای قمی است. شفتی از بزرگان علمای امامیه بود که در فقه، اصول، ادبیات، رجال، حدیث، درایه، ریاضی و هیئت تبحر داشت و در اخلاقیات از نوادر بود. پس از سفر علمی طولانی به شهرهای مختلف در اصفهان مقیم شد و اهل علم و دانش‌پژوهان گردش جمع شدند و ریاست

و زعامت به طور کامل به وی منتقل شد. حاج محمد ابراهیم اصفهانی قزوینی و میرزا محمد رضوی و ملا محمدعلی محلاتی و سید فضل‌اللّه استرآبادی و شیخ علی نخجوانی و سید محمدتقی زنجانی و ملا محمد رفیع گیلانی و حاج عبدالباقی کاشانی و سید محمدعلی ابرقویی از شاگردان و راویان وی بودند. وی در اصفهان درگذشت و در مسجدی که خودش در کوی بیدآباد اصفهان بنا نهاده و به مسجد سید مشهور است، و دارای مدارس و حجره‌هایی برای طلاب می‌باشد، دفن شد. از آثارش: کتاب «السوال و الجواب»؛ «مطالع الانوار»، در فقه که شرح «شرایع» محقق است؛ «تحفه الابرار»، به فارسی، در احکام شرعیه؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ رسائلی در «فقه» و «رجال» که بطور تحقیقی نگاشته شده است؛ «الزهره البارقه فی احوال المجاز و الحقیقه»؛ «قضاء و شهادات استدلالی»؛ «وجوب اقامه‌ی حدود در زمان غیبت بر فقها و مجتهدین»؛ «اصحاب الاجماع»؛ «تمییز مشترکات الرجال»؛ «الاجازات»؛ «آداب الصلاه اللیل و فضلها».[1]

شفتی، سید محمدباقر بن تقی موسوی شفتی از بزرگان علمای امامیه (ف. اصفهان 1260 ه.ق.). وی فقیه اصولی، ادیب نحوی، رجالی و ریاضی و شاگرد بهبهانی و بحرالعلوم سید مهدی و کاشف الغطاء شیخ جعفر و ملا مهدی نراقی و میرزای قمی و غیره بود. آثار عمده او عبارتند از: آداب صلوة الیل و فضلها، الاجازات، الاستقبال فی شرح مبحث القبلة من التحفة، اصحاب الاجماع، اصحاب العدة للکینی، تحفة الابرار در احکام شرعی (فارسی)، تمییز مشترکات الرجال و رساله‌های بسیار در تحقیق حال رجال حدیث امامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (188/ 9)، الذریعه (149/ 11 ،12/ 2 81،/ 1)، روضات الجنات (102 -96/ 2)، ریحانه (26/ 2)، شرح حال رجال (305 -304/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 196 -192/ 13)، الکنی و الالقاب (174 -173/ 2)، لغت نامه (ذیل/ حجةالاسلام)، معجم المؤلفین (96/ 9)، مکارم الآثار (1614/ 5).

شفیعا ابرو، محمد شفیع

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1161ق)، فقیه شیعی. مشهور به آخوند شفیعا خوش ابرو. اصل وی از طالقان است. در اصفهان سکونت داشت. پدرش میرزا رفیعا نیز از مخحدثان روزگار خویش بود.
او از اجداد شیخ عبدالحسین محلاتی است. در اصفهان درگذشت و در قبرستان شاه میر حمزه دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 12/ 343)، وقایع السنین والاعوام (570).

شفیعی همدانی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1327 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در همدان متولد شد. در همان شهر در مهد تربیت پدرش، آقا شیخ ربیع همدانی، که از علمای همدان بود به تحصیل مقدمات و اصول پراخت. پس از پایان سطوح به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه آقا شیخ محمدعلی حائری قمی استفاده برد. پس از دوازده سال اقامت در شهر قم و تحصیل علم به زادگاهش بازگشت و به اقامه‌ی نماز جماعت و تبلیغ دین و تدریس فقه و اصول پرداخت. از آثارش: تفسیر و شرح «سوره مبارکه یس»؛ تفسیر «سوره الرحمان و سوره نبا»؛ «اسرار الصلاه»؛ کتابی در «اخلاقیات»؛ حواشی بر «عبادات عروه الوثقی» با ذکر ادله اجمالیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (412 -411 /7).

شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1333/1331 ق)، عالم دینی، منطقی، ادیب و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. در زادگاه خود به فراگیری مقدمات و ادبیات پرداخت. نزد شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد بحرالعلوم فقه و اصول خواند. شلیله از شیخ عبدالهادی مازندرانی و سید محمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و شیخ احمد مشهدی روایت کرده است. سید عبداللّه بهبهانی و سید مهدی بحرانی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. با شروع جنگ جهانی اول به همدان رفت و در کرند همان جا درگذشت. با پایان گرفتن جنگ جهانی جنازه‌ی به امانت گذاشته شده‌ی وی به عراق منتقل شد و در نزدیکی باب طوسی در مقبره‌ی خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «العقد الفرید فی مقاصد المفید و المستفید»؛ «لولوه المیزان»، ارجوزه‌ای در منطق که در 1317 ق از نظم آن فراغت یافت، و شرح آن به نام «منتقی الجمان»؛ تعلیقه بر «حاشیه ملا عبداللّه»، در منطق؛ «حاشیه القوانین»؛ «غایه المامول»، در فقه و اصول؛ «رساله فی الاجتهاد و التقلید»؛ «منتقی الشیعه فی احکام الشریعه»؛ «فرائض الفقه»، ارجوزه‌ای در ارث؛ کتابی در «صلاه المسافر»؛ «المختصر الشافی فی العروض و القوافی»؛ «حاشیه الرسائل»؛ «منظومه»، در کلام.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (130/8)، الذریعه (8/23، 382/18، 108/8، 499/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1258 -1255 /14)، معجم المؤلفین (203 -202 /6).

شمس‌آبادی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید ابوالحسن بن العلامه آیه‌الله المرحوم میرزا محمد ابراهیم موسوی شمس‌آبادی مازندرانی از علماء طراز اول معاصر اصفهان و وکیل مطلق زعیم اعظم آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی میباشد. وی عالمی ناطق و فقیهی جامع و در ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام دانشمندی خالص و کامل میباشد.
جد اعلای وی مرحوم سید محمد لاریجانی فرزند مرحوم حاج سید عبدالله مازندرانی که دارای چهل فرزند و همه از اعیان و اشراف و مالکین مزرعه لاریجان بوده‌اند و او آخرین پسر او بوده و علاقه شدیدی بتحصیل علم داشته و حتی شب هفته‌ی مرحوم پدرش بمطالعه معالم مشغول بوده برادر بزرگترش بوی تندی میکند که امشب وقت مطالعه نیست وقت تعارف با مردم است، او از این عتاب رنجیده و شبانه از محل حرکت و با پای پیاده بسمت تهران میآید و در تهران با میرزا شفیع صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار برخورد نموده و سؤال می کند که آقا سید محمد کجا بوده و کی آمده‌ای وی جریانرا بیان میکند صدر اعظم مزبور اصرار میکند بیا برگرد بمحل و من همه‌گونه وسائل عزت تو را فراهم میکنم قبول نمیکند می گوید کجا میخواهی بروی میگوید بخواست خدا باصفهان خدمت آقای آقا محمد بیدآبادی میروم تحصیل کنم صدر اعظم میگوید من برای شما فکری کرده‌ام زمینی در اصفهان دارم بشما میبخشم و شما در عوض آن چهل ختم قرآن بخوانید برای پدرم میگوید معلوم نیست عمر من وفا کند میگوید مانعی ندارد فرزندان شما بخوانند پس قبول میکند.
اما جد دوم ایشان مرحوم آیه‌الله حاج سید عبدالله عالمی جلیل از شاگردان مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمد هاشم چهارسوقی خونساری و مرحوم آیه‌الله آقای نجفی مسجد شاهی اصفهان بوده و بعد از فوت مرحوم آیه‌الله میرزا محمد علی مازندرانی که عالمی ربانی و دارای مقامات و کرامات باهره بود در مسجد قطبیه که برای او بنا کرده بودند بنا بر وصیت او اقامه جماعت نموده ولی بعلل و جهاتی ادامه جماعت را تعطیل و آخرالامر تفویض بمرحوم صدرالعلماء فرزند مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید عبدالوهاب شمس‌آبادی نموده و مدتها آنمرحوم اقامه جماعت میکردند.
معظم‌له در حدود سال 1326 ق در اصفهان متولد شده و پس از دوران

ادبیات و سطوح در خدمت مرحوم حاج ملا ابوالقاسم زفره‌ای مدت دو سال از درس خارج مرحوم آیه‌الله حاج میرزا سیدعلی نجف‌آبادی و مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد نجف‌آبادی استفاده کرده و قسمتی از شرایع را با معیّت اخوی بزرگش جناب فاضل عالم زبده‌العلماء الاعلام آقای حاج میرزا محمد رضا آل رسول دامت برکاته نزد حجه‌الاسلام والمسلمین فقیه اهل البیت مرحوم آقا شیخ احمد حسین آبادی برادر بزرگ مرحوم آیه‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی خوانده و در سن 25 سالگی بنجف اشرف مهاجرت نموده و قریب ده سال بدرس خارج ملجاء الشیعه آیه‌الله المطلق فی الارضین مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حدود شش سال بدرس اصول استاد الکل آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شده و بحث آنجناب را برای عده‌ای از فضلاء تقریر نموده و مدتی هم در درس تعطیلی مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه شرکت نموده و مدت دو سال هم از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی طاب ثراه استفاده نموده و مدت کمی هم از محضر و درس جمال‌الفقهاء والمجتهدین آیه‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی بهره‌مند گردید و خلاصه پس از توقف مدت دوازده سال در مهد علم و کمال و معنویت نجف اشرف باصفهان مراجعت و باقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد. دارای آثار قلمی میباشد:
1- شرح بر صحیفه سجادیه 2- موعظه ابراهیم 3- رساله مختصری در اصول دین 4- اشعاری در مراثی و مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام.
حاج سید ابوالحسن شمس‌آبادی (شهید اصفهانی) که ترجمه - و زندگینامه‌اش در جلد سوم گنجینه دانشمندان گذشت از علماء صالحین و خدمتگزاران راستین اسلام و مسلمین معاصر بوده است.
معظم‌له حدود هفتاد سال از عمر شریف خود را در راه تحصیل علم و کمال و خدمت به اسلام و ملت گذرانیده و با خلوص نیت و صداقت کامل این وظیفه را انجام و آثار و باقیات الصالحات چشمگیر و ارزنده‌ای از قبیل موسسه آموزش (ابابصیر) برای نابینایان تاسیس و صدها نابینا را با خواندن قرآن و سایر تعلیمات دینی آشنا بدین وسیله خدمت حیات بخشی نموده است مرحوم شمس‌آبادی که در اثر یک توطئه ناجوانمردانه از طرف دشمنان ولایت و خاندان رسالت در روز چهارشنبه سوم مراجعتش از عمره مفرده در روز هفتم ربیع‌الثانی 1396 برابر 18 فروردین 1355 شمسی در هنگام طلوع فجر در وقتی که به قصد اداء فریضه صبح عازم رفتن به مسجدش بود ربوده شد و در نزدیکی اصفهان (درچه) به شهادت رسیده و به (شهید اصفهانی) شهرت یافته است.
و چون خبر این ضایعه اسفناک و فاجعه دردناک به مردم استان اصفهان و غیره رسیده چنان موجی از جنبش مردم در اصفهان ایجاد شد که در تاریخ

این شهر باستانی بی‌نظیر بوده است تا یک هفته کلیه دکاکین تعطیل و شوری از مردم برخاست که مانندش دیده نشده بود. نویسنده که از قم برای شرکت در مجلس شب هفت آن مرحوم به اصفهان رفته بودم از نزدیک ناظر انقلاب و هیجان مردم بودم مجالس ترحیم و فواتح برای آن مرحوم در سراسر ایران و مخصوص در اصفهان تا چهلم آن شهید بزرگوار ادامه داشت و نویسنده در چهلم شهادت آن مرحوم نیز در مجلس بزرگی که در (تخت فولاد) در سر مزار ایشان تشکیل و از سراسر کشور آمده بودند شرکت و شور و آشور عجیبی مشاهده کردم که نظیر آن را کمتر دیده بودم و در تمام محافل و مجالس خواسته عموم مردم گذشته از تاثرات عمیق مجازات سریع و قاتلین آن شهید مظلوم بود ولی متاسفانه عده‌ای که به اتهام شرکت در توطئه و قتل آن مرحوم دستگیر و بعضی از آنها هم که اعتراض کرده بودند به واسطه سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی هیئت حاکمه طاغوتی در امر قصاص ومجازات متجاسرین به ویژه که مربوط به روحانیت و چنین عالم مجاهد بزرگواری بود به تاخیر انداخته تا در انقلاب و جنبش مردم مبارز ایران درهای زندانهای کشور شکسته و تمام زندانیهای سیاسی و جنائی و غیره آزاد قاتلین آن شهید مظلوم هم آزاد و خون- چنین عالم ربانی از بین رفت. شهراء و ادباء بسیاری از اصفهان و قم و تهران و سایر نقاط این حادثه جبران‌ناپذیر را به نظم و قصایدی در شهادت و رثاء ایشان سروده‌اند.
پس از انقلاب با دستگیری مهدی هاشمی معدوم داستان شهادت آیت‌اللّه شمس‌آبادی مشخص شد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شوشتری جزایری، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا بن سید حسین بن سید رضا بن سید علی‌اکبر بن سید عبداللّه شوشتری جزایری عالمی فقیه و صالح بوده است و پدرش از بزرگان علماء و دوستان صادق و خواص اصحاب شیخ مرتضی انصاری و از شاگردان میرزاء شیرازی بزرگ و بعد شیخ محمدحسین کاظمینی و میرزا حسین خلیلی بوده و در صحن شریف علوی اقامه جماعت می‌نمود تا در 17 شعبان 1329 ق وفات و در مقبره سید علی شوشتری مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، باقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
باقر بن غلامعلی شوشتری نجفی عالمی خبیر و فقیهی معروف از شاگردان شیخ انصاری و ملا علی خلیلی و در اواخر از تلامذه حاج میرزا حسین خلیلی بوده و چندین مرتبه به مکه مشرف و چندین سال مجاور خانه خدا گشته و موجب ارشاد و استبصار عده‌ای از مردم مکه شده و در مراجعت در بمبئی در سال 1327 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، حسین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین بن حسن بن علی بن علی بن الحسین شوشتری فقیهی فاضل از علماء زمان خود و از شاگردان سید محمد طباطبائی مجاهد در کربلا و در حدود 1230 ق وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، شفیع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمد بن عبدالکریم بن جواد بن عبدالله بن نورالدین علی بن سید نعمه الله موسوی جزایری.
عالم فاضل، از علمای ازکیا بوده، و در جمله علوم بالاخص فقه و رجال مهارت داشته، و در اصفهان در محله دردشت ساکن، و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال داشته.
در 1211 متولد، و در 21 ذی الجحه الحرام سال 1274 وفات یافته، در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید.
کتب زیر از اوست:
1- حواشی بر شرح کبیر، معروف به «کشف الریاض» 2- فوائد متفرقه ای در رجال، که اغلب آن را در حواشی کتب رجالی به خط زیبای خوش مرقوم داشته است که اگر جمع آوری شود کتاب بزرگی خواهد شد. 3- حواشی بر نقد الرجال.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوشتری، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین بن محمدرضا شوشتری دانشمندی بزرگ از فقهاء و اصولیین از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و مبرزین تلامذه وی و نزد استاد مقامی والا داشته و اوست همان کسی که رسائل شیخ را موسوم به (فرائد الاصول فی تمییز المزیف من المقبول) نمود و حواشی بر او زد از آنچه را که از استادش استفاده نموده بود تاریخ وفاتش معلوم نیست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوشتری، غلام حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، و مجتهد زاهد، از مدرسین معروف، و فضلای مشهور بوده. در سال 1222 وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.
وی از شاگردان شیخ جعفر شوشتری معروف می‌باشد، و خود در مجالس خصوصی منبر می‌رفته، و عمر خود را به زهد و تقوی به عزلت و انزوا گذرانیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شوشتری، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، عالم اسلامی.
تولد: مرداد 1281(1320 ق.) نجف.
درگذشت: 31 اردیبهشت 1374، شوشتر.
علامه حلی تقی شیخ شوشتری، فرزند کاظم، در سال 1281 زمانی که پدر وی در نجف به کسب علم مشغول بود، در این شهر دیده به جهان گشود و تا سن هفت سالگی در آن شهر ساکن بود. در این مدت خواندن و نوشتن فارسی و قرآن را فراگرفت و پس از آن همراه خانواده به شوشتر مراجعت نمود. در شوشتر مقدمات علوم اسلامی را نزد حجت‌الاسلام سید حسین نوری و حجت‌الاسلام سید محمدعلی امام و سید علی‌اصغر حکیم فراگرفت و برای دوره سطح نزد اساتیدی چون حجت‌الاسلام آقا سید محمدتقی شیخ الاسلام و آیت‌الله سید مهدی آل‌طیب و والدشان تلمذ جست و به درجه عالی اجتهاد نایل آمد. به سال 1314 به علت مخالفت با کشف حجاب جلای وطن نمود و به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در حوزه‌های علمیه نجف و کربلا به کسب علوم و معارف اسلامی ادامه داد. در عتبات با آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری داشت و در سال 1321 پس از سقوط رضاشاه به ایران بازگشت و در شوشتر ساکن شد. از آن پس علاوه بر تدریس علوم دینی و تعلیم طلاب، به تحقیق در علوم اسلامی پرداخت. وی صاحب تألیفاتی است که از آن جمله‌اند: قضاء امیرالمؤمین علی بن ابی‌طالب (ع) (نجف، 1369 ق.)؛ بهج الصباغه فی شرح نهج‌البلاغه (چهارده جلد، 1400 -1390 ق.)؛ قاموس الرجال (تعلیقات تنقیح المقال، در چهارده جلد برنده جایزه دهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ الاخبار الدخیله و مستدرک آن (در سه مجلد، این کتاب برنده جایزه نخستین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد)؛ آیات بینات فی حقیقة بعض المنامات، الاربعون حدیثا (1400 ق.)؛ رسالة سهو النبی (ص)؛ الرسالة المبصرة فی احوال الصیریة (شرح احوال افراد مکنی به ابی‌بصیر، 1390 ق.)؛ جوامع احوال المعصومین؛ النجعة فی شرح اللمعة (یازده جلد)؛ الغرر و الدرر؛ رساله در محاکمه بین شیخ صدوق و شیخ مفید دریک مسأله کلامی (1390 ق.)؛ الاوائل (1405 ق.)؛ البدایع (زیر چاپ)؛ رسالة فی تواریخ النبی و آلال؛ مقدمه بر توحید مفضل (ترجمه علامه محمدباقر مجلسی).

محمدتقی بن شیخ کاظم بن محمدعلی بن العلامه شیخ جعفر شوشتری (معروف) عالمی مصنف و متبحر بوده و در سال 1321 ه در نجف متولد و در بیت علم پرورش یافته و به قانون وراثت بحب علم و فضیلت نشو و نما یافته و در خدمت اعلام و افاضل با جدیت و کوشش بسیار اشتغال یافته تا به مقامات عالیه رسیده دارای تألیفات عدیده‌ای که از آنها کتب زیر است می‌باشد.

1- تحقیق المسائل شرح بر (روضةالبهیة)
2- رسالة المبصرة در احوال ابی‌بصیر
3- (رساله سهو النبی (ص))
4- تعلیقات تنقیح المقال
5- قضاء امیرالمؤمنین (ع) مطبوع
6- الاربعینیات الثلاث
7- جوامع احوال الائمه.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شوشتری، نوراللّه

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاضی نوراللّه بن سید شریف‌الدین شوشتری مرعشی که نسب شریفش با بیست و یک واسطه به سید علی مرعشی موصول و با بیست و شش واسطه به حضرت سیدالساجدین زین‌العابدین (ع) می‌رسد.
از مفاخر عالم تشیع و افتخارات دارالمؤمنین شوشتر و معاصر با عهد صفویه شاه عباس کبیر فقیهی اصولی و محدثی رجالی و ادیبی ریاضی و متکلمی محقق و شاعری ماهر و با کمالات صوری و معنوی و نفسانی و روحانی معروف بوده است.
در زمان اکبرشاه هندی برای تبلیغ اسلام و ارشاد عوام کالانعام هندوستان به هند مسافرت نمود و در لاهور به منصب قضاوت و داوری بین مردم رسید و مرجع خودی و بیگانه گردید و اهتمام تمام در انجام وظائف و امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغات دینیه نمود.
و ضمناً تألیفات نافعه متنوعه بسیاری در فنون مختلفه که حاکی از تبحر و نبوغ و جامع معقول و منقول بودنش بوده به یادگار گذاشت و جان شریفش را در راه خدمت به مذهب حقه اثنا عشریه تقدیم نمود و در راه این هدف به دست سنیان متعصب به وضع فجیعی شهید و رغما لانفهم قبرش در آگره هند (اکبرآباد) مزار موافق و مخالف گردید.
و چندین سالست که در نیمه ماه شعبان صدها هزار نفر از شیعه و سنی هند و پاکستان و نقاط دیگر به زیارت قبرش شتافته و مراسمی را انجام می‌دهند.
کیفیت شهادت
اما چگونگی شهادت او چنانچه در شهداء الفضیله علامه امینی و ریحانةالادب خیابانی و مقدمه شرح احقاق‌الحق علامه نسابه آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله است.
از این قرار است که علماء نواصب اهل سنت بر موقعیت وی حسد بردند و از کتاب احقاق‌الحق او سعایت کردند نزد سلطان اکبرشاه که این سید رافضی است و دلیل بر رفض او اینست که در کتابهایش بر علی کرم اللّه وجهه صلوات می‌فرستد و صلوات‌اللّه‌علیه می‌گوید.
و این خلاف سنت کرده و مرتکب بدعتی شده است و همگی فتوای قتل او را دادند.
پس شاه گفت همه بنویسند پس نوشتند و امضا کردند و شاه چون امضاها

را خواند گفت:
پس چرا فلان عالم امضا نکرده او باید حتماً امضا کند پس نزد آن عالم رفتند که از او امضا بگیرند او گفت این شخص چرا واجب‌القتل باشد گفتند چون برای علی صلوات‌اللّه‌علیه می‌نویسد و صلوات مخصوص به پیغمبر است.
در جواب نوشت حدیث نبوی (یا علی لحمک لحمی و دمک دمی... مسلم اهل قبله است و چون علی لحم و دم پیغمبر است پس همچنانکه برای پیغمبر صلی اللّه علیه می‌گوئیم برای علی هم باید (صلوات‌اللّه‌علیه) بگوئیم بنابراین سید مرتکب بدعت نشده و این شعر را به هندی نوشت.
گر لحمک لحمی بحدیث نبوی هی
بی صلی علی نام علی بی‌ادبی هی
پس اکبرشاه اجازه قتل او را نداد تا بعد از او در زمان پسر جوان ساده و مستش شده عالم‌گیر در سال 1019 هجری علماء حسود ناصبی آن بزرگوار را در راه گرفته و چندان سیم خاردار بر بدن او زدند تا اعضایش را پاره پاره نمودند و وی را شهید راه حق کردند. از اشعار اوست این ابیات:
عشق تو نهالیست که خواری ثمر اوست
من خاری از آن بادیه‌ام کاین شجر اوست
بر مائده عشق اگر روزه گشائی
هش دار که صد گونه بلا ما حضر اوست
وه کاین شب هجران تو بر ما چه دراز است
گوئی که مگر صبح قیامت سحر اوست
فرهاد صفت این همه جان کندن (نوری)
در کوه ملامت بهوای کمر اوست
تخلص آن بزرگوار نوری می‌باشد و وقتی در هندجان خود را در مخاطره دید با خویش گفت.
خوش پریشان شده‌ای با تو نگفتم نوری
آفتی این سر و سامان تو در پی دارد
صاحب عبقات‌الانوار علامه میر حامد حسین هندی زحمات بسیاری برای مزار آن بزرگوار کشید و به فرزندش علامه سید ناصر حسین وصیت کرد که در احیاء مزار شهید کوشش و تکمیل نماید و او به فرزندش ناصر سعید سفارش کرد خلاصه به همت و جدیت بیت جلیل صاحب عبقات مزار کثیرالبرکاتش بنا و همه ساله در ماه شعبان و غیر آن مردم از دور و نزدیک به زیارتش می‌روند.
در سال 1390 هجری که مزار و کتابخانه شهید را افتتاح نمودند از تمام مراجع بزرگ و آیات عظام عراق و ایران و بلاد دیگر رسماً دعوت کردند و

نگارنده هم دعوت داشتم لکن موفق نشدم و نمایندگان مراجع آیت‌اللّه العظمی میلانی و آیت‌اللّه العظمی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و شریعتمداری و دیگران با شرکت صدها هزار نفر آنجا را افتتاح و مراسمی را انجام و پیام آیات عظام را به مردم مسلمان هند رسانیدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوندی در جزینی همدانی، حسینقلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1311 -1239 ق)، فقیه و عالم. در قریه‌ی شوند متولد شد. در کودکی با پدر به تهران آمد و پس از فراگیری مقدمات، به تحصیل سطوح در محضر شیخ عبدالحسین تهرانی، معروف به شیخ العراقین، پرداخت و بعد در سبزوار از محضر ملاهادی، فیلسوف معروف، کسب فیض کرد و در نجف از حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری استفاده‌ی فراوانی برد. ملاحسینقلی به ریاست و مرجعیت دل نیست و در خانه‌ی خود به تدریس درس اخلاق و سپس فقه و اصول پرداخت، و سرانجام در کربلا درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (94/6).

شهابی خراسانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد، فقیه.
تولد: 1280(1321 ق.)، تربت حیدریه.
درگذشت: مرداد 1365، استراسبورگ فرانسه.
علامه محمود شهابی خراسانی (نام وی در سواد اجازت وی به این صورت به کار رفته است: میرزا محمود تربتی)، فرزند عبدالسلام، تحصیلات مقدماتی را در تربت حیدریه گذراند و پس از آن در مشهد نزد اساتید زمان، همانند حاج آقا حسین قمی، آقا میرزا محمد آقازاده خراسانی به آموختن علوم دینی پرداخت. همچنین در مشهد از محضر آیات عظام عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول) در ادبیات فارسی و عربی، استفاده نمود. سپس در نوجوانی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شد و به تکمیل علوم و معارف اسلامی همت گماشت. در حوزه اصفهان از درس اساتیدی همانند آیت‌الله محمدحسن فشارکی در فلسفه و عرفان بهره جست و بنا بر قولی نزد آقا بزرگ خراسانی به آموختن دانش رجال پرداخت. استاد شهابی چنانکه در اجازات وی آمده است در سن بیست و پنج سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی دارای جواز اجتهاد و روایت از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمدحسن فشارکی بود.
پس از طی تحصیلات، به تدریس در مدرسه علمیه‌ی اصفهان پرداخت. از سال 1310 نیز در تهران به تدریس در مدرسه معقول و منقول پرداخت و پس از تأسیس دانشگاه در سال 1313 برای تدریس به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دعوت شد که در آن دانشکده به تدریس قواعد و اصول فقه مشغول بود. مدتی نیز در شورای عالی فرهنگ عضویت داشت و چندی نیز قاضی تجدید نظر در محاکم شرع بود. پس از بازنشستگی به فرانسه رفت و در حوالی شهر استراسبورگ زندگی می‌کرد.
علامه محمود شهابی نزدیک به پنجاه اسل در مراکز دانشگاهی به تعلیم و تربیت اشتغال داشت. از آثار اوست: ادوار فقه (سه جلد، 1362)؛ رساله بود و نبود (در فلسفه، 1332)؛ رهبر خرد (در منطق، 1313)؛ تقریرات اصول (در علم اصول، 1321)؛ قواعد فقه (1323)؛ الاسلام و الشیعه (الامامیه) فی اسها التاریخی و کیانها (الاعتقادی)؛ تعلیق و تحشیه بر بخش العقود و الایقاعات از قسمت متاجر کتاب شرایع الاسلام محقق حلی (1323)؛ ترجمه و تعلیق مبدأ و معاد ابوعلی سینا (1332)؛ عظمت محمد

(ص) (محمد احمد جاد المولی ترجمه به امضای م. ش.، 1318)؛ رساله روان‌شناسی ابن سینا (1315)؛ قاعده لاضرر (1330)؛ فاروق یکم (1313)؛ تصحیح و تعلیق لباب الاشارات (1329) امام فخر رازی؛ منطق (1317)؛ رساله وضع الفاظ؛ التنبیهات و الاشارات ابن سینا (به انضام لباب الاشارات فخر رازی، 1339). از جمله آثار وی که به چاپ نرسیده‌اند می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: الظل الممدوده فی امهات مباحث الوجود؛ مسرح الفؤاد فی ترجمة السید الداماد (مقدمه این کتاب در سیر و تطور و چگونگی دانش فسلفه و ترجمه احوال میرداماد بوده است با خط خود استاد در کتاب گلزار معانی چاپ شده است)، اجراء الفلک فی تفسیر سورة الملک (این تألیفات تماما به عربی است)؛ رساله بیم و امید (در شرح حدیث من سأل عن التوحید)؛ خرد سنج (این کتاب جزوه کوچکی است که در زمینه دانش منطق و به پارسی نگاشته شده است). برخی از آثارش در مجلات به چاپ رسیده‌اند. «ایمان» که مؤسس آن خود وی بوده نوشته است. این مجله نوزده شماره در سالهای 1324 تا 1325 منتشر شد. استاد به سبب یک بیماری جانکاه درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهده، زینب

قرن:6
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(574 -485/482 ق)، فقیه، محدث و خطاط. ملقب به فخرالنساء بانویی عالم و هنرمند از ابیورد خراسان و همسر ثقةالدوله ابن انباری، از خاصان دربار المقتفی عباسی بود که در بغداد متولد شد و در فصاحت بیان مقامی بلند داشت. وی از محدثان زیادی مانند ابوالخطاب نصر بن احمد بطروانی ابوعبداللّه حسین بن احمد طلحه نعالی و طراد بن محمد زینبی و فخرالاسلام ابوبکر محمد بن شاشی سماع حدیث کرد و همچنین کسانی مانند ابن‌جوزی و علی بن هبه‌اللّه شافعی و عبداللّه بن عمر ابن ابی‌بکر مقدسی و عبدالرحمان بن عبدالوهاب حنبلی از او روایت و سماع حدیث کردند. او را جزو استادن خطوط سبعه، بخصوص ثلث و نسخ نیز آورده‌اند. زینب شهده قطعات و مرقعات نیکو می‌نگاشته و در بغداد چشم از جهان فروبسته است. اینکه وی را استاد یاقوت مستعصمی دانسته‌اند، به هیچ وجه روا نیست. شهده را به جهت حسن خط و انشاء شهده الکاتبه نیز گفته‌اند. او از صوتی زیبا نیز برخوردار بود.[1]
13 محرم 574 ق، زینب دختر احمد بن فرج بن عمر ابری دینوری (یا ابیوردی خراسانی) ملقب به فخرالنساء از زنان دانشمند. وی در بغداد متولد شد و از محدثان بزرگی مانند ابوالخطاب نصر بن احمد بطروانی، ابوعبداللّه حسین بن احمد طلحه نعالی، طلحة بن محمد زینبی، ابوالحسن علی بن حسین بن ایوب، ابوالحسین احمد بن عبدالقادر بن یوسف، فخرالاسلام ابوبکر محمد بن شاشی، طراد بن محمد زینبی و ثابت بن بندار روایت و سماع حدیث کرد. همچنین کسانی مانند ابن جوزی، علی بن هبةاللّه شافعی، عبداللّه بن عمر بن ابی‌بکر مقدسی، حسن بن عمر بن نصر، عبدالرحمن بن عبدالوهاب حنبلی و... از او روایت و سماع حدیث کردند.
علاوه بر این وی دارای فضایل و کمالات گوناگون بود. حلاوت بیان و فصاحت لسان داشت و بدیهه‌گو بود و قطعات و مرقعات را نیز نیکو می‌نوشت. برخی او را استاد خط یاقوت مستعصمی دانسته‌اند که با توجه به تاریخ وفات یاقوت (697 -677 ق)، این قول درست به نظر نمی‌رسد. وی در هشتاد سالگی درگذشت.[2]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار خوشنویسان (1227/4)، الاعلام

(259/3)، پیدایش خط و خطاطان (110)، تاریخ مشاهیر کرد (49 -48 /1)، خوشنویسان و هنرمندان (23 -22)، ریحانه (270/3)، لغت نامه (ذیل/ شهده الکاتبه)، مشاهیر زنان (137)، وفیات الاعیان (478 -477 /2).

[2] منابع: احوال و آثار خوشنویسان، 1227؛ اعلام‌النساء، 312 -309 /2؛ پیدایش خط و خطاطان، 158؛ تاریخ مشاهیر کرد، 49 -48 /1؛ قاموس الاعلام، 2887 /142.

شهرستانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا نجفی شهرستانی بن السید الجلیل السید محمد بن المرحوم میرزا مهدی بن المرحوم میرزا صالح بن العالم الکامل السید محمدحسین بن العلامه الکبری میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی حایری از علماء مبرز و بنام معاصر تهران است که در ششم جمادی الاول سنه 1329 ق در نجف اشرف متولد و در دو سالگی در خدمت والدش به مشهد رضوی مشرف و بعد به طهران آمده و دوران مدارس ابتدائی را در ایران خوانده و در سال 1344 ق به نجف اشرف مشرف و شروع بتحصیل و مقدمات علوم قدیمه نموده و در اواسط سال 1349 ق به قم مشرف و مدت دو سال در قم اشتغال بتحصیل داشته و از درس و محضر آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و مرحوم حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی اصغر صالحی کرمانی استفاده نموده آنگاه به نجف مراجعت و بعد از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین کمپانی بهره‌مند گردیده و بعد از فوت مرحوم کمپانی بدرس مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله حاضر شده و از خرمن علمشان خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا در سال 1367 ق بقصد مشهد مقدس به قم آمده و مورد لطف و عنایت اللّه العظمی بروجردی گردیده و بامر معظم له بلرستان عزیمت و مدت شش سال در خرم‌آباد و الیشتر به ترویج پرداخته و در سال 1373 ق بنابر دعوت جمعی از مردم تهران و شمیرانات بتجریش آمده و بعد از چندی اقامت در آنجا به تهران رحل سکونت افکنده در خیابان روحی شهباز و در مسجد آشتیانیهای مرکز واقع در خیابان آشتیان به اقامه جماعت و ترویجات دینی و نشر احکام و سایر وظائف روحی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: آقای شهرستانی عالمی فعال و جدی در امور و بسیار ظریف و خوش محاوره و خوش مجلس و روشن فکر و بصیر باوضاع و سخنوری ماهر و چندین سال بعنوان سرپرست حجاج ایرانی به مکه معظمه مشرف گردیده و این وظیفه را بخوبی انجام داده است.
وی در مطایبات مهارت کاملی و در مجلسی که شرکت داشته باشد آن مجلس رونق و صفا و ضیاء دیگری دارد. خاطرات شیرین و نوادر آموزنده

و ارزنده‌ای دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شهرستانی حایری، ضیاءالدین محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1315 -1256 ق)، محقق، فقیه، حکیم، ادیب و شاعر امامی. میر قوام‌الدین معروف به میر بزرگ مدفون در آمل از سادات مرعشی مازندرانی نیای بزرگ وی است. او در کرمانشاه متولد شد. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. او از شاگردان شیخ محمدحسین اردکانی در فقه و اصول بود و به دریافت اجازه از از وی نایل گشت. هئیت و نجوم را از میرزا باقر یزدی و حساب و هندسه و عروض را از میرزا علام هروی حائری فراگرفت. در 1305 ق به زیارت مشهد رضوی رفت و چون به تهران آمد مورد استقبال عموم واقع شد و تدریس در مدرسه‌ی صدر قزوینی به وی تفویض گشت، اما او به کربلا بازگشت و در آنجا مرجعیت جمعی از شیعیان را بر عهده گرفت. شهرستانی در کربلا درگذشت و در رواق حسینی نزدیک دیوار شهداء دفن شد. از دوازده سالگی شروع به تالیف نمود، و حدود هشتاد اثر از خود به جای گذاشت که از آن جمله‌اند: «الاستصحاب»؛ «اصول الاصول» در تلخیص «الفصول»؛ «غایه المسول و نهایه المامول»، در علم اصول؛ «العنصر المتین»، که حاشیه «قوانین الاصول» است؛ «تحقیق الادله»، در اصول فقه؛ «الحجه البالغه و النعمه السابقه»؛ در اثبات حضرت حجت (عج)؛ «جنه النعمی»، در امامت؛ «تاریخ شهرستانی»؛ «تذکره النفس»؛ «تسهیل المشاکل»، در نحو؛ «تقویم الکواکب»؛ «الکوکب الدری»، در معرفت تقویم؛ «مواقع النجوم»، در هئیت؛ «اللباب فی الاسطرلاب»؛ «زوائد الفوائد»، در متفرقات؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق» به نام «مهذب التهذیب»؛ «لباب الاجتهاد»؛ «لب اللباب» لب «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی؛ منظومه «خوان نعمت»، در بیان نعمتهای الهی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (338/6)، اعیان الشیعه (232/9)، الذریعه (290 /274/18، 376، 441، 258/6، 275/7، 264/8، 138/12، 236/14، 183، 171/4، 191/25، 293/23، 22، 11/16، 161/5، 481/3، 168، 19/2، 46/1)، ریحانه (273 -272 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 631 -627 /14)، الکنی و الالقاب (376/2)، مؤلفین کتب چاپی (871 -870 /2)، معجم المؤلفین (257/9)، مکارم الآثار (1538 -1536 /5)، هدیه العارفین (397 -396 /2).

شهرستانی، ابوالفتح محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(548 -479/467 ق)، فقیه، فیلسوف و متکلم اشعری. در شارستان (شهرستان) خراسان، بین نیشابور و خوارزم به دنیا آمد. او عالمی نیکو صفات بود. اما تایید مذهب فلاسفه و اتهام به گرایش به اسماعیلیه او را از درجه امامت و پیشوایی ساقط کرد. مدتی در خوارزم ساکن بود، سپس به خراسان منتقل شد. در نیشابور نزد احمد خوافی و ابونصر قشیری فقه آموخت و در نزد ابوالقاسم انصاری علم کلام را فراگرفت. او در نیشابور از علی بن مدینی و ابوالحسین بن اخرم حدیث شنید. در 510 ق وارد بغداد شد و سه سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس مشغول شد و درس و مجلس وعظش در نظامیه‌ی بغداد مورد توجه و رغبت عامه واقع شد. از شاگردان بنام او ابوسعد عبدالکریم سمعانی است. شهرستانی در شهرستان خراسان درگذشت. از آثارش: «نهایه الاقدام فی علم الکلام»؛ «الملل و النحل»؛ «المناهج و البینات»؛ «کتاب المضارعه»؛ «تلخیص الاقسام لمذاهب الانام»؛ «الارشاد الی عقاید العباد»؛ «مصارعات الفلاسفه»؛ «تاریخ الحکماء»؛ «المبداء و المعاد»؛ تفسیر فلسفی «سوره‌ی یوسف»؛ «غایه المراد»؛ «دقائق الاوهام».[1]
(شهرستان) ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم فقیه و متکلم و عالم ادیان از دانشمدان اشعری (و. شهرستان 479- ف. 548 ه.ق.)، از شهرستان خراسان. وی نزد ابوالمظفر خوافی قاضی طوس و ابونصر قشیری و ابوالقاسم سلمان بن ناصر انصاری و ابوالحسن علی بن احمد مدینی علم آموخت، و در بحث و مناظره و وعظ و تذکیر از مشاهیر عهد گردید. مدتی در خوارزم به سر برد و سه سال در بغداد زیست، و پس از بازگشت از بغداد باقی عمر را در خراسان گذرانید، و مدتی ملازم مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب سادات ترمذ بود و دو کتاب خود الملل و النحل (ه.م.) والمصارعه (ه.م.) را به نام او تألیف کرد، و سپس به خدمت سلطان سنجر پیوست، و آنگاه به مولد خود شهرستان رفت و همانجا بود تا درگذشت. دیگر از آثار او نهایةالاقدام (ه.م.) است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (84 -83 /7)، تاریخ ادبیات در ایران (297 -296، 286 -285، 270 -269 /2)، تاریخ علم کلام در ایران (266 -246)، روضات الجنات (28 -24 /8)، ریحانه (272/3)، سیر النبلاء (288

-286 /20)، الکنی و الالقاب (374/2)، لسان المیزان (306 -304 /6)، لغت نامه (ذیل/ شهرستانی)، مؤلفین کتب چاپی (570 -568 /5)، مدارس نظامیه (173 ،105)، معجم المؤلفین (187/10)، معجم البلدان (428 -427 /3)، الملل و النحل (مقدمه)، الوافی بالوفیات (279 -278 /3)، وفیات الاعیان (275 -273 /4)، هدیه الاحباب (165 -164).

شهرستانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1324 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در نجف به دنیا آمد، و در همان شهر نشو و نما یافت. پدرش، سید علی‌اصغر، از علمای بزرگ نجف و از مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله‌ی شهرستانی بود. پس از گذراندن دوران سطوح از محضر آیت‌اللّه شیخ ابوالحسین مشکینی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمدحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود تا به مدارج کمال رسید. وی از همه اساتیدش دارای اجازه اجتهاد بود. وی سالهای متمادی در مدرسه‌ی فیروزآبادی تهران به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت و در مسجد سنگی مولوی اقامه جماعت می‌نموده است. از آثار وی: «تقریرات» درس استادش مشکینی؛ شرح «وقت و قبله لمعه»؛ «تضویح الکفایه»، در شرح «کفایه الاصول»؛ رساله «الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم»؛ رساله‌ای در «عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری».[1]
حاج سید احمد شهرستانی ابن العالم الجلیل آیت‌اللّه حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهرانست. وی در 19 ذیقعده‌الحرام 1324 قمری در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و تقوی پرورش یافته و پس از دوران سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه مشکینی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده و از نامبردگان در سال 1350 مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و موفق بجمله‌ای از تحریرات و تألیفاتی که ذیلاً می‌نگارم گردیده است و آنها از این قرار است:
1- شرح وقت و قبله لمعه که در سال 1346 قمری فارغ شده 2- توضیح الکفایه شرح بر کفایه الاصول 3- رساله الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم در سال 1352 قمری فراغت یافته 4- رساله در عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری در سال 1354 اتمام یافته است.
نگارنده گوید مترجم گرامی ما آقای شهرستانی از علماء با تقوا و فضیلت و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب است و سالهای متمادیست که در مدرسه فیروزآبادی در خیابان سیروس بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند

و در مسجد سنگی واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت نموده و بنشر معارف اسلامی و وظائف روحی و دینی موفق می‌باشند و بیت جلیل معظم له از بیوتات اصیله روحانیت و سر سلسله آنها مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا شهرستانی بزرگ بوده که بر جنازه مرحوم آیت‌اللّه علامه بحرالعلوم نماز خوانده و در سال 1216 وفات و ترجمه‌اش در اغلب کتب رجالی موجود و اعلام این طایفه ذکرشان در کتب تراجم منتشر و از آنها مرحوم والد ماجدش حجةالاسلام والمسلمین علم الاعلام آیت‌اللّه حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء بزرگ نجف و مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله شهرستانی بوده و ترجمه‌اش در اعیان الشیعه آیت‌اللّه حاج سید محسن امین و اعلام‌الشیعه آیت‌اللّه آقا بزرگ تهرانی و سایر کتب مسطور است.
فرزند آن بزرگوار جناب حجةالاسلام آقای حاج سید احمد شهرستانی از افاضل این دودمانست که سالها در قم از محضر آیات کسب فیض و علم و کمال نموده و اکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (32/15، 170/14، 494/4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1572/14)، گنجینه‌ی دانشمندان (498 -496 /4).

شهرستانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم علامه بزرگوار و مجاهد فداکار آیت‌اللَّه سید محمدعلی شهیر بهبةالدین شهرستانی که از نوابغ زمان ما و نوادر دانشمندان و پیکره علم و سیاست و بیان و قلم و صاحب تصانیف کثیره می‌باشد.
معظم له از اکابر علماء و اعاظم دانشمندان شیعه و مفاخر امامیه و مسلمین بودند در بغداد و با اینکه دشمنان دین اسلام انگلیس‌ها از دو چشم و بینائی محرومش نمودند که به گفته یکی از علماء بزرگ مصر دو چشم علم و سیاست را کور کردند روزی از تصنیف و تألیف و تدریس غفلت ننموده و شب و روز خود را مصروف این موضوع می‌داشت در حیات مرحوم آیت‌اللَّه حایری و بعد از فوت ایشان به قم مشرف شده و مورد تجلیل رؤساء و زعماء حوزه قرار گرفت.
روزی در شهر ری برای استراحت به منزل این نگارنده آمده و تلطف بسیاری نموده و فرمودند شنیده‌ام کتابی در شرح زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام نوشته‌ای عرض کردم آری و دو جلد خدمتشان تقدیم نمودم فرمودند نه تنها بر سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام حقی داری بلکه بر ما آل شهرستانی که از طرف مادر منسوب به آن حضرت هستیم نیز حقی داری نسب شریف این بزرگوار به حضرت حسین بن علی علیه‌السلام می‌رسد جد ایشان سید محمد مهدی بن سید ابوالقاسم شهرستانی معاصر سمی خود بحرالعلوم متوفی 1216 قمری از ایران به کربلا مهاجرت کرد و این خاندان جلیل در کربلا و اصفهان و تهران و غیر آن منتشر و اغلب ایشان از اشراف و رجال علم و سیاستند.
و از این سلسله طاهره است سید اسماعیل صدرالدین وزیر دولت صفویه در سنه 963 قمری که بر علم و دین خدماتی نموده است ولادت مرحوم علامه هبةالدین شهرستانی روز سه‌شنبه 24 رجب 1301 در سامرا واقع شده و در حجر جد امیش مرحوم سید حسین و مادرش سیده مریم پرورش یافته و مبادی علوم و آداب را نزد بعضی از افاضل کربلا تحصیل نمود و بعد از وفات والد ماجدش عالم و محدث مشهور سید مرتضی کشمیری از نجف اشرف به جهت تعزیت پدر بزرگوارش آمد و هجرت نجف را برای تکمیل ترجیح داد و فرمود اگر تردید داری استخاره کن. گفت شما استخاره بفرمائید. مرحوم آیت‌اللَّه کشمیری استخاره کرد این آیه آمد (و جعلنا ابن

مریم و امه آیة و آوینا هما الی ربوة ذات قرار و معین).
پس سید هبةالدین مهاجرت به نجف را اختیار نمود به او والده کریمه‌اش به آن بلده طیبه در 21 شعبان سال 1320 قمری مسافرت فرمود و در نزد اعلامی مانند آخوند خراسانی و شیخ‌الشریعه و دیگران تلمذ نمود و ضمناً حوزه تدریس تشکیل داده و از مجلس درس او جماعتی که شهرت و آثار علمیه ایشان آفاق عالم را گرفت مانند شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شبیبی و سید سعید کمال‌الدین و بسیاری دیگر بیرون آمدند.
مسافرت مهمی به بلاد هند و دریای عمان نمود و شهرهای بسیاری را دیدن کرد و حدود هفت سال این مسافرتش طول کشید و جماعتی از هند و یهود عنود و دیگران را مسلمان کرد و در بازگشتش در عماره استقبال بی‌نظیری از ایشان به عمل آمد و اشعاری در مدح ایشان سروده شد که مطلع یکی از قصائد این است:
سریت و سار النصر قبلک والسعد
وابت و آبت خلفک الهند والسند
و لا عجب اذ کنت ترشد مثلهم
فمثلک منه یطلب العلم والرشد
چند سالی بنابر اصرار و دعوت ملک فیصل و الحاح علماء عراق وزیر معارف عراق گردیده و در 25 محرم 1340 قمری به امر ملک فیصل و اصرار فقهاء آن عصر تشکیل محکمه علیا برای تمیز احکام به مذهب جعفری و ریاست محکمه موسومه در مجلس تمیز با او بوده و خدمات بسیار به مذهب و شیعیان اهل‌بیت عصمت نمود خدایش رحمت کند و درجاتش را متعالی گرداند. در سال 1385 رحلت نموده و در صحن مطهر کاظمین در جنب کتابخانه جوادین علیهماالسلام مدفون گردید. آثار علمی او بسیار مانند الهیئة والاسلام و کتاب نهضة الحسین علیه‌السلام و ده‌ها کتاب دیگر که در الذریعه مذکور است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شهرستانی، محمد مهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید ابوالقاسم موسوی اصفهانی.
از اکابر علمای امامیه، فقیه زاهد عالم کامل مفسر. در حدود سال 1130 در اصفهان متولد گردید، و در 12 صفر 1216 در کربلا وفات یافته. پس از تحصیل مقدمات در اصفهان با اهل و عیال و خانواده به کربلا مهاجرت نموده، و در آن ارض اقدس سکونت فرمود، و در آنجا نزد: وحید بهبهانی، و شیخ یوسف بحرانی، و ملا مهدی فتونی تحصیل نموده، و خود حوزه‌ی درس فقه و اصول و تفسیر داشته، و در بین شاگردان بهبهانی از جنبه‌ی تفسیر شهرت داشته، کمتر تألیف می‌نموده.
تألیفات او عبارت است از: 1- تفسیر برخی از سوره‌های قرآن 2- حاشیه بر مفاتیح 3- فذالک، در شرح مدارک 4- مصابیح، در فقه؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهرستانی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میر محمدحسین حسینی مرعشی شهرستانی از مشایخ روایتی سید استاد ما آیت‌اللّه نجفی مرعشی است دارای تألیفات چندی است مانند البیان المبرهن فی عرس القاسم بن الحسن والتبیان فی تفسیر غریب القرآن والتحفة العلویه فی الافاق الرضویه و تحفةالمؤمنین می‌باشد.
در سال 1341 به اتفاق مراجع مذکور به قم آمده و پس از مدت مذکور مراجعت به کربلا نموده وفاتش در یازدهم رجب هزار و سیصد و چهل و چهار واقع گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شهرستانی، هبةالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1386 -1301 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، هیوی، مجتهد، مفسر و رجالی. ملقب به هبةالدین و معروف به شهرستانی. نسبش با سی واسطه به زید بن علی بن حسین (ع) می‌رسد. او از سادات شهرستانی اصفهان است. در سامرا به دنیا آمد. مقدمات را در محضر پدرش آموخت. وی علاوه بر فراگیری صرف و نحو، منطق، عروض، بدیع، معانی و بیان از تاریخ و حدیث و ریاضیات نیز بهره‌مند گشت. در 1319 ق به نجف رفت و در حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی شرکت نمود و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد و خود مستقلا به تدریس پرداخت. شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شبیبی و سید سعید کمال‌الدین از شاگردان او بودند. وی از شیخ محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و سید عبدالصمد موسوی شوشتری و امیر سید محمد آل امیر سید علی کبیر و سید حسن بن هادی شرف‌الدین کاظمی و سید صدرالدین عاملی اصفهانی و آخوند خراسانی اجازه‌ی روایت و از سید مصطفی حجت کاشانی و سید محمد مجتهد کاشانی و سید مولوی هندی و سید محمد مهدی حکیمی و سید محمد حجت فیروزآبادی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او در 1328 ق مجله‌ی «العلم» را منتشر نمود که نخسین مجله عربی در نجف است و برای پشتیبانی آن کتابخانه‌ای تأسیس کرد تا علما و ادبا و به ویژه جوانان بتوانند از آن استفاده کامل برند. وی همچنین با مجله «المرشد البغدادیة» همکاری داشت، و برای نشر معارف دینی به سوریه، لبنان، مصر، حجاز، یمن، ایران و هند مسافرت نمود. در دوره‌ی ملک فیصل، پادشاه عراق، عهده‌دار منصب وزارت معارف گردید. در 1340 ق از مقام خود استعفا نمود و به امر تألیف پرداخت. در 1342 ق مجدداً به امر حکومت عراق به ریاست دیوان عالی تمیز (مجلس تمیز جعفری) منصوب گشت. همچنین در 1352 ق از طرف مردم بغداد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و پس از انحلال مجلس در همان سال، تمامی اوقات خود را صرف تألیف نمود. در اواخر عمر در کاظمین کتابخانه‌ای به نام مکتبةالجوادین تأسیس نمود و کتابخانه شخصی خود را به آنجا منتقل کرد. او در کاظمین درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار علمی‌اش: «الامامة والامة»؛ «الجامعة الاسلامیة و العقائد القرآنیة»؛ «الجان والجن»؛ «حکمة الاحکام»؛ «الشریعة والطبیعة»؛ «فغان اسلام» یا

«دعوةنامه»؛ «ماهو نهج‌البلاغة»؛ «المعارف العالية للمدارس الراقية»؛ «ثقاة الرواة»؛ «مواقع النجوم فی تحقیق سماء الدنیا والرجوم»؛ «نقض الفرض فی اثبات حرکة الارض»؛ «نهضة الحسین (ع)»؛ «الهیة والاسلام»؛ تفسیر سوره‌ی «الواقعة»؛ «توحید اهل التوحید»؛ «المرجانیة»، در تلخیص «دلائل الخیرات»؛ «تنزیه التنزیل»، در اثبات صیانت مصحف از نسخ و نقص و تحریف؛ «التنبه فی تحریم التشبه بین الرجال والنساء» یا «التنبه فی حرمة التشبه بین النساء والرجال»؛ «المعجزة الخالدة»، در اعجاز قران؛ «رواشح الفیوض فی علم العروض»؛ «اشاعة النوادر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (261/ 10)، الذریعه (260 -259/ 25 ،430 /290، 24 ،243 ،230/ 23 ،302/ 20 ،32/ 19 ،278 ،277 ،106 -105 /3، 16 ،183/ 14 ،101 ،38 -37/ 12 ،257 ،139/ 11 ،189 ،44/ 10 /87، 8 ،378/ 6 ،77 ،76 ،8/ 5 ،484 ،229/ 4 ،487 -486 ،130 ،63/ 3 481، ،214 ،99/ 2)، ریحانه (352 -350/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 1418 -1413/ 14)، علماء معاصرین (211 -201)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (762 -761/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (285 -282/ 4).

شهشهانی اصفهانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1289/1287 ق)، عالم، فقیه، اصولی و شاعر امامی. وی از محله‌ی شهشهان اصفهان بود به همین جهت به شهشهانی مشهور شده بود. از معاصرین صاحب «جواهر» و شیخ مرتضی انصاری و از شاگردان صاحب «ریاض» و فاضل اردکانی و سید مجاهد و حاجی کلباسی بود. میرزا محمدحسن شیرازی و سید محمدباقر خوانساری، صاحب « روضات الجنات»، و دیگران از شاگردان وی بودند. در عصر خود ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان را بر عهده داشت و تدریس و فتوی آن شهر منحصر به او بود. وی در تخت فولاد اصفهان مدفون است از آثار وی: «الارجوزه الفقهیه»؛ «انوار الریاض» که حاشیه‌ی «ریاض المسائل» استادش، در هشت مجلد؛ «جامع السعاده» که رساله‌ی عملیه اوست؛ «جنه الماوی» که منظومه‌ایست در فقه، «العروه الوثق»، در فقه؛ «الغایه القصوی»، در اصول؛ «انیس المتقین»، در گناهان کبیره؛ حاشیه بر «قوانین» به نام «رضوان الاملین»، در دو مجلد؛ «عیشه الراضیه»، در فقه شیعه، به فارسی؛ «منظومه» عربی در مراثی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (381/9)، تذکره القبور (488 -487)، الذریعه (364/15، 240/11، 427/2)، ریحانه (275/3)، فوائد الرضویه (550)، الکنی و الالقاب (377 -376 /2)، معجم المؤلفین (172/10)، هدیه الاحباب (165).

شهید ثالث، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهید حاج ملا محمدتقی برغانی که از علماء بزرگ عالم تشیع بوده و در امر فقاهت و بحث ید طولائی داشته.
و بالنتیجه در اثر بحث با مخالفین در سال 1263 قمری در محراب مسجدی که خود آن مرحوم در قزوین بنا کرده بود (به نام مسجد جامع صغیر) و از مساجد معظم شهرستان قزوین بوده و خودش در آن مسجد اقامه جماعت می‌نموده است در موقع اذان صبح به تحریک فرقه ضاله بابیه و پیروان شیخ احمد احسائی به شهادت رسید در سال 1264 قمری.
و قبر آن مرحوم در جنب مزار حضرت شاهزاده حسین بن علی بن موسی‌الرضا (ع) می‌باشد و روی ارادتی که مردم قزوین به آن عالم جلیل‌القدر داشتند مقبره مجللی بنا کردند و فعلا هم مزار او مورد توجه عموم اهالی شهرستان قزوین و علاقمندان به فضل و علم و روحانیت می‌باشد.
آن بزرگوار دارای ده پسر بوده‌اند که تمامی از علماء مبرز و دانشمندان بافضیلت قزوین به اسامی زیر بوده‌اند.
1- حجةالاسلام والمسلمین آقا محمد امام جمعه 2- حجةالاسلام والمسلمین آقا عبداللّه امام جمعه 3- حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ صادق معروف به حاج مجتهد 4- حجةالاسلام آقا میرزا ابوالقاسم 5- حجةالاسلام مرحوم آقا شیخ کاظم 6- ثقةالاسلام آقا میرزا محمود 7- ثقةالاسلام آقا شیخ جعفر 8- ثقةالاسلام مرحوم آقا شیخ باقر 9- ثقةالاسلام آقا تقی 10- حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ عیسی. اعقاب آن مرحوم در قزوین و تهران و برغان و کربلا و حله بسیارند آثار خیر ایشان در قزوین مسجد آن مرحوم است که به نام مسجد شهیدی معروف است و مرحوم آقا شیخ مرتضی امام جمعه و مرحوم آقای حاج شیخ عبدالحسین امام جمعه در آن اقامه نماز جمعه و جماعت می‌نمودند و فعلا حفید آنجناب حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ عبداللّه امام جمعه در آن اقامه جمعه و جماعت می‌نمایند آثار علمی شهید ثالث از این قرار است.
1- عیون‌الاصول 2 جلد 2- منهج‌الاجتهاد فقه استدلالی دوره کامل 24 جلد 3- شرح بر شرح لمعتین 1 جلد 4- رساله‌ای در نماز جمعه 5- رساله‌ای در دیات 6- مجالس المتقین.
مرحوم شهید اجازات عدیده‌ای از فقهاء مراجع بزرگ خود داشتند که برخی

از آن را می‌نگارم 1- اجازه به خط العلامه خریت الفقاهه شیخ جعفر النجفی صاحب کتاب کشف‌الغطاء 2- اجازه به خط العلامة الفقیه السید محمد بن العلامة صاحب الریاض و هوالمعروف بالسید المجاهد.
3- اجازه به خط محقق الشهیر به علامة بن مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شهیدی خراسانی، حبیب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا حبیب بن آیت‌اللَّه حاج میرزا هاشم شهیدی و نواده مرحوم علامه میرزا مهدی شهید از علماء بزرگ و ادباء عالیقدر مشهد مقد است وی در سال 1266 ق متولد شده و مقدمات را در مشهد تکمیل و با عتاب عالیات مهاجرت و از محضر میرزا بزرگ شیرازی و میرزاء رشتی و فاضل دربندی و دیگران استفاده نموده تا سرآمد اقران گردیده و در حدود 1300 ق با دریافت اجازه اجتهاد به وطن خویش و مراجعت و به ترویج دین و احکام شرع مبین از طریق منبر و موعظه و درس و بحث پرداخته تا در 27 شعبان 1327 قمری به رحمت حق پیوست و در حرم مطهر پشت سر مبارک مقبره خانوادگی مدفون گردید. از آثار او دیوان بزرگی است که قسمتی از آن به نام گنج گهر به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی قزوینی، عبداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1340- ز 1372 ق)، عالم امامی، فقیه و مدرس. در قزوین متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. مقدمات و ادبیات را در قزوین نزد پدرش و دیگران خواند. در 1361 ق به قهم مهاجرت کرد. سطوح عالی را نزد مدرسین و اساتید حوزه تکمیل نمود و از محضر آیت‌اللّه حجت استفاده‌ها برد و پس از ورود آیت‌اللّه بروجردی به قم حدود هیجده سال در درس و بحث این استاد حاضر شد و پس از فوت آن استاد، به محضر آیت‌اللّه نجفی مرعشی پیوست و حدود ده سال از اصحاب و نزدیکان وی بود. در 1372 ق داماد آیت‌اللّه حجت شد و مورد توجه و عنایت خاصه‌ی وی. شهیدی بعد از فوت پدرش در آستانه‌ی مبارکه‌ی سلطان محمد، از اولاد امام صادق (ع)، و همچنین در مسجد جدش، مسجد شهیدی، به انجام وظائف دینی مشغول بود. شهیدی در ترمیم و بازسازی آستانه‌ی مبارکه امامزاده سلطان محمد کوششها کرد. از آثارش: «تفسیر سوره‌ی یوسف»؛ کتابی درباره‌ی «معراج».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (182 -180 /2).

شهیدی مشهدی، آقابزرگ حکیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1355 -1285 ق)، حکیم، فقیه و عالم دینی. وی از احفاد میرزا مهدی شهید، معروف به شهید ثالث، یکی از چهار مهدی از شاگردان مبرز وحید بهبهانی، است. مقدمات را نزد پدرش و ملا غلامحسین شیخ الاسلام و شیخ موسی منطقی و میرزا محمد سروقدی در مشهد خواند و بعد به تهران آمد و در محضر حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و حکیم اشکوری و حکیم کرمانشاهی درس خواند. وی سپس سالیانی در نجف از حوزه‌ی درس آخوند خراسانی بهره برد. سرانجام در 1333 ق به مشهد بازگشت و متجاوز از بیست و دو سال به تدریس خارج «شرح لمعه» و «شرح قوشچی» و «اشارات» و «شوراق» و «شرح منظومه» و «اسفار» پرداخت. آقابزرگ و فرزندش، میرزا مهدی، دو ستاره‌ی درخشان حکمت و فلسفه خراسان در زمان خود بودند. وارستگی و صراحت لهجه و آزادگی و آزادمنشی آقابزرگ زبانزد خاص و عام بود. در فلسفه پیرو حکمت مشاء ابن‌سینا و خواجه نصیر بود. و شاگردانی همچون آقا شیخ سیف‌اللّه ایسی و سید حسن بجنوردی و حسینعلی راشد و محمود شهابی و مهدی الهی قمشه‌ای و آقا شیخ هادی کدکنی پرورش داد. درگذشت فرزندش، میرزا مهدی در 1354 ق توان پدر را گرفت و وی در سال بعد از دنیا رفت. تنها اثر وی: رساله‌ی «حکومت در اصالت وجود و اصالت ماهیت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (67)، خدمات متقابل اسلام و ایران (615 -614)، گنجینه‌ی دانشمندان (137 -134 /7).

شهیدی، جلال

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جلال شهیدی فرزند مرحوم آسید محمدعلی محلاتی از علماء معاصر ما بودند در محلات تولد آن جناب در ذی‌حجةالحرام 1325 قمری در محلات واقع شده و پس از تحصیلات فارسی به تحصیل عربی پرداخته و قسمتی از نحو و صرف را در محلات خوانده و در ماه شوال المکرم 1343 قمری مهاجرت به قم نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب طهرانی فراگرفته و سطوح وسطی و عالی را از آیت‌اللّه آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی به پایان رسانیده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال 1357 قمری به محلات بازگشت نموده و تا بعد از 1380 قمری اشتغال به اقامه جماعت و خدماتی دینی و ترویج و تبلیغ دین داشته و پس از آن به رحمت حق پیوسته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر بن العالم الجلیل المرحوم الحاج سید هاشم گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی عالمی فعال و در ترویج دین جدی و صاحب تألیفات عدیده می‌باشد. ترجمه مفصل آنجناب در اول کتاب (درد و درمان) یا امراض جامعه و علاج آن ترجمه کتاب (الامراض الاجتماعیه و علاجها که در سال 1377 قمری در تهران چاپ شده و نیز در اول کتاب (راهنمای سعادت) ترجمه کشف المحجه سید بن طاوس که در سال 1382 نیز در تهران منتشر شده است مسطور و اجمال آن اینست.
وی در سال 1318 قمری در گلپایگان متولد شده و مقدمات را در نزد اساتید محل خوانده و در سال 1338 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد علماء اعلام آن آستان عرش بنیان مانند مرحوم آیت‌اللّه مشکینی فراگرفته و بسامری مشرف و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده و در سال 1342 قمری که مرحوم والدش فوت نموده به ایران مراجعت و پس از یکسال توقف در گلپایگان به اصفهان مسافرت و از محضر علماء اعلام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد صادق بهره‌مند شده و در سال 1345 قمری مجددا به نجف اشرف مشرف و از محضر مقدس مرجع وقت آیت‌اللّه عراقی آقا ضیاءالدین و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب خونساری متوفی 1346 قمری استفاده کامل نموده و در ماه رجب 1349 بشهر رنگون عاصمه (برما) (هند و چین) مسافرت نموده تا اول سال 1361 قمری در آنجا بانجام وظائف دینی و تبلیغ احکام اسلامی اشتغال داشته و در اثناء جنگ جهانی دوم و حمله دولت ژاپن به آن دیار پس از متواری بودن دو ماه در جنگلها بفضل خداوند متعال از آن بلیه رهائی یافته و به ایران مراجعت و در شهر اراک بانجام وظائف دینی پرداخته تا در سال 1365 قمری پس از زیارت عتبات عالیات به تهران آمده و تا حال حاضر بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
معظم له در سال 1376 قمری بمنظور شرکت در جشن چهاردهمین قرن ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که در پاکستان منعقد شده بود بدعوت انجمن یادگار مرتضوی کراچی باتفاق عده‌ای از

علماء اعلام و وعاظ محترم که از آنها بود علامه فن وعظ و سخنوری جناب استاد فلسفی واعظ مسافرت به پاکستان نموده و در آن جشن بزرگ و باشکوه که یک هفته در کراچی برقرار بود و هر شب حدود سی هزار نفر افتخار حضور داشتند و از تمام بلاد اسلامی هم عده‌ای از علماء و وعاظ و خطباء و محترمین شرکت کرده بودند حاضر بوده و پس از شرکت در جشن شهر (لاهور) و (حیدرآباد) سند که بهمین منظور منعقد بود از طریق عراق و توفیق زیارت عتبات عالیات به ایران مراجعت و تا اکنون در غرب تهران میدان قزوین و خیابان غفاری و مسجد آن به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام اشتغال دارد.
تألیفات و آثار قلمی ایشان از این قرار است.
1- کتاب درد و درمان ترجمه کتاب الامراض الاجتماعیه و علاجها.
2- (راهنمای سعادت) ترجمه کتاب کشف المحجه 3- کتاب (نسیم الصباح) ترجمه و شرح دعاء صباح 4- کتاب (ادعیه و تهلیلات) من الایات البینات و این کتب بتمامه بطبع رسیده است.
(تو 1318 ق)، الم دینی، مدرس و فقیه امامی وی در گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات را در نزد اساتید آن شهر فراگرفت. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و سطوح را نزد علمای بزرگ آن شهر همچون آیت‌اللّه مشکینی آموخت. سپس به سامراء رفت و از محضر آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در 1342 ق، که پدرش درگذشت، به مولدش بازگشت سپس به اصفهان رفت و نزد بزرگانی چون یت‌اللّه سید محمدصادق تلمذ کرد. در 1345 دوباره به نجف بازگشت و از محضر آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب خوانساری استفاده‌ها نمود. وی سفری به هند و چین (برمه) نمود و در آنجا به تبلیغ احکام اسلامی پرداخت، سپس به ایران بازگشت. مدتی در اراک به انجام وظائف دینی مشغول بود. پس از سفری به عتبات به تهران آمد و به وظائف دینی پرداخت. وی به همراه عده‌ای از علما و خطبا در 1376 ق در کنگره‌ی چهاردهمین قرن ولادت امیرالمومنین (ع) در کراچی پاکستان شرکت کرد. از آثار وی: کتاب «درد و درمان» که ترجمه‌ی کتاب «الامراض الاجتماعیه و علاجها»؛ «راهنمای سعادت»، ترجمه‌ی کتاب «کشف المحجه»؛ کتاب «نسیم الصباح» ترجمه و شرح «دعاء صباح»؛ کتاب «ادعیه و تهلیلات من الایات البینات».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (496 -494/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (83/ 2).

شهیدی، هدایت‌اللَّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هدایت‌اللَّه بن آیت‌اللَّه العظمی میرزا مهدی شهید متولد 1178 و متوفی 1248 ق صاحب تاریخ علماء خراسان درباره وی گوید. السید الماجد و العالم العلم العابد المخصوص بعنایت اللَّه مولانا الحاج میرزا هدایت‌اللَّه اسکنه اللَّه فی علیین و سلکه مسلک الصالحین از علماء عظام و فضلاء گرام ارض اقدس ریاست علمیه خراسان در آن عصر منحصر به ایشان بوده از محضر والدش کسب علم و تکمیل فنون نموده و در تمام زندگانیش اشتغال به نشر فضائل و ترویج احکام و رفع خصومات داشت و دادرسی مظلومین و حفظ اموال و اعراض مسلمین اهتمام تمام مبذول می‌داشت.
از آثار او کتابی در تفسیر کلام‌اللَّه مجید باقیست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شیخ بهایی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهاء الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد بن حسن بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جبعی (جباعی) معروف به شیخ بهائی در سال 953 ه.ق 1546 میلادی در بعلبک متولد شد. او در جبل عامل در ناحیه شام و سوریه در روستایی به نام "جبع" یا "جباع" می زیسته و از نژاد "حارث بن عبدالله اعور همدانی" متوفی به سال 65 هجری از معاریف اسلام بوده است.
ناحیه "جبل عامل" همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده است و پیشوایان و دانشمندان شیعه که از این ناحیه برخاسته اند، بسیارند. در هر زمان، حتی امروزه فرق شیعه در جبل عامل به وفور می زیسته اند و در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد یاری بسیار کرده و در این مدت پیشوایان بزرگ از میان ایشان برخاسته اند و خاندان بهائی نیز از همان خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است.
بهاءالدین در کودکی به همراه پدرش به ایران آمد و پس از اتمام تحصیلات، شیخ الاسلام اصفهان شد. چون در سال 991 هجری قمری به قصد حج راه افتاد، به بسیاری از سرزمینهای اسلامی از جمله عراق، شام و مصر رفت و پس از 4 سال در حالی که حالت درویشی یافته بود، به ایران بازگشت.
وی در علوم فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت، مجموعه تألیفاتی که از او بر جای مانده در حدود 88 کتاب و رساله است. وی در سال 1031 ه.ق در اصفهان درگذشت و بنا بر وصیت خودش جنازه او را به مشهد بردند و در جوار مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام جنب موزه آستان قدس دفن کردند. شخصیت ادبی شیخ بهایی:
ـ بهائی آثار برجسته ای به نثر و نظم پدید آورده است. وی با زبان ترکی نیز آشنایی داشته است. عرفات العاشقین (تألیف 1022ـ 1024)، اولین تذکره ای است که در زمان حیات بهائی از او نام
برده است.
بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کشکول است تا جائی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست. از اشعار و آثار فارسی بهائی دو تألیف معروف تدوین

شده است؛ یکی به کوشش سعید نفیسی با مقدّمه ای ممتّع در شرح احوال بهائی، دیگری توسط غلامحسین جواهری وجدی که مثنوی منحول « رموز اسم اعظم » (ص 94 ـ 99) را هم نقل کرده است. با این همه هر دو تألیف حاوی تمام اشعار و آثار فارسی شیخ نیست.
اشعار فارسی بهائی عمدتاً شامل مثنویّات، غزلیّات و رباعیّات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابو سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار بهائی میل شدید به زهد و تصوّف و عرفان است. ازمثنوّیات معروف شیخ می توان از اینها نام برد: «نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز»، این مثنوی ملمّع چنانکه از نام آن پیداست در سفر حج و بر وزن مثنوی مولوی سروده شده است و بهائی در آن ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین کرده است. او این مثنوی را به طور پراکنده در کشکول نقل کرده و گردآورندگان دیوان فارسی وی ظاهراً به علت عدم مراجعه دقیق به کشکول متن ناقصی از این مثنوی را ارائه کرده اند.
«نان و پنیر»، این اثر نیز بر وزن و سبک مثنوی مولوی است؛ «طوطی نامه» نفیسی این مثنوی را که از نظر محتوا و زبان نزدیکترین مثنوی بهائی به مثنوی مولوی است، بهترین اثر ادبی شیخ دانسته و با آنکه آن را در اختیار داشته جز اندکی در دیوان بهائی نیاورده و نام آن را نیز خود براساس محتوایش انتخاب کرده است.
«شیر و شکر»، اولین منظومه فارسی در بحر خَبَب یا مُتدارک است. در زبان عربی این بحر شعری پیش از بهائی نیز مورد استفاده بوده است. « شیر و شکر » سراسر جذبه و اشتیاق است و علی رغم اختصار آن (161 بیت در کلیات، چاپ نفیسی، ص 179 ـ 188؛ 141 بیت در کشکول، ج 1، ص 247 ـ 254) مشحون از معارف و مواعظ حکمی است، لحن حماسی دارد و منظومه ای بدین سبک و سیاق در ادب فارسی سروده نشده است؛ مثنویهایی مانند «نان و خرما»، «شیخ ابوالپشم» و «رموز اسم اعظم» را نیز منسوب بدو دانسته اند که مثنوی اخیر به گزارش میر جهانی طباطبائی (ص 100) از آنِ سید محمود دهدار است. شیوه مثنوی سرایی بهائی مورد استقبال دیگر شعرا، که بیشتر از عالمان امامیّه اند واقع شده است. تنها نثر فارسی بهائی که در دیوان های چاپی آمده است، « رساله پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش » است.
بهائی در عربی نیز شاعری چیره دست و زبان دانی صاحب نظر است و آثار نحوی و بدیع او در ادبیات عرب جایگاه ویژه ای دارد. مهمترین و دقیقترین اثر او در نحو، « الفوائد الصمدیّه » معروف به صمدیّه است که به نام برادرش عبدالصمد نگاشته است و جزو کتب درسی در مرحله متوسط علم نحو در حوزه های علمیّه است. اشعار عربی بهائی نیز شایان

توجه بسیار است. معروفترین و مهمترین قصیده او موسوم به « وسیله الفوزوالامان فی مدح صاحب الزّمان علیه السلام » در 63 بیت است که هر گونه شبهه ای را در اثناعشری بودن وی مردود می سازد. بهائی در ارجوزه سرایی نیز مهارت داشت و دو ارجوزه شیوا یکی در وصف شهر هرات به نام « هراتیه یا الزّهره » (کشکول، ج1،ص 189 ـ 194) و دیگر ارجوزه ای عرفانی موسوم به « ریاض الارواح » (کشکول، ج1، ص225 ـ 227) از وی باقی مانده است. دوبیتیهای عربی شیخ نیز از شهرت و لطافت بسیاری برخوردار بوده که بیشتر آنها در اظهار شوق نسبت به زیارت روضة مقدّسه معصومین علیه السلام است.
شیخ محمدرضا فرزند شیخ حرّعاملی (متوفی 1110) مجموعه لطیفی از اشعار عربی و فارسی شیخ بهائی را در دیوانی فراهم آورده است. اشعار عربی وی اخیراً با تدوین دیگری نیز به چاپ رسیده است. بخش مهمی از اشعار عربی بهائی، لُغَز و معمّاست.
از بررسی شیوه نگارش بهائی در اکثر آثارش، این نکته هویداست که وی مهارت فراوانی در ایجاز و بیان معمّا آمیز مطالب داشته است. وی حتی در آثار فقهی اش این هنر را به کار برده که نمونه بارز آن «رسائل پنجگانه الاثناعشرّیه »، است. این سبک نویسندگی در « خلاصه الحساب، فوائد الصمّدیه، تهذیب البیان و الوجیزه فی الدرایه » آشکاراتر است. بهائی تبحّر بسیاری در صنعت لغز و تعمیه داشته و رسائل کوتاه و لغزهای متعدّد و معروفی به عربی از وی بر جا مانده است. مانند:
« لغزالزبده » (لغزی است که کلمه زبده از آن به دست می آید)، « لغزالنحو »، « لغزالکشّاف »، « لغزالصمدیه »، « لغزالکافیه » و « فائده ». نامدارترین اثر بهائی الکشکول، معروف به «کشکول شیخ بهائی» است که مجموعه گرانسنگی از علوم و معارف مختلف و آینه معلومات و مشرب بهائی محسوب می شود.
بهائی در شمار مؤلفان پر اثر در علوم مختلف است و آثار او که تماماً موجز و بدون حشو و زواید است، مورد توجه دانشمندان پس از او قرار گرفته و بر شماری از آنها شروح و حواشی متعدّدی نگاشته شده است. خود بهائی نیز بر بعضی تصانیف خود حاشیه ای مفصّل تر از اصل نوشته است. از برجسته ترین آثار چاپ شده بهائی می توان از اینها نام برد: «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین» (تألیف 1015)، که ارائه فقه استدلالی شیعه بر مبنای قرآن (آیات الاحکام) و حدیث است. این اثر دارای مقدمه بسیار مهمی در تقسیم احادیث و معانی برخی اصطلاحات حدیثی نزد قدما و توجیه تعلیل این تقسیم بندی است. از اثر مذکور تنها باب طهارت نگاشته شده و بهائی در آن از حدود چهارصد حدیث صحیح و حسن بهره برده است؛ «جامع عباسی»، از نخستین و معروفترین رساله ِهای

علمیّه به زبان فارسی؛ « حبل المتین فی اِحکام احکام الدّین » (تألیف 1007) در فقه که تا پایان صلوه نوشته است و در آن به شرح و تفسیر بیش از یکهزار حدیث فقهی پرداخته شده است؛ « الاثنا عشریه » در پنج باب طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم و حج است. بهائی دراین اثر بدیع، مسائل فقهی هر باب را به قسمی ابتکاری بر عدد دوازده تطبیق کرده است، خود وی نیز بر آن شرح نگاشته است.
«زبده الاصول» این کتاب تا مدتها کتاب درسی حوزه های علمی شیعه بود و دارای بیش از چهل شرح و حاشیه و نظم است. « الاربعون حدیثاً » (تألیف 995) معروف به اربعین بهائی ؛ « مفتاح الفلاح » (تألیف 1015) در اعمال و اذکار شبانه روز به همراه تفسیر سورة حمد. این اثر کم نظیر که گفته می شود مورد توجه و تأیید امامان معصوم علیه السّلام قرار گرفته است.
«حدائق الصالحین» (ناتمام)، شرحی است بر صحیفة سجادیه که هر یک از ادعیة آن با نام مناسبی شرح شده است. از این اثر تنها الحدیقه الهلالیّه در شرح دعای رؤیت هلال (دعای چهل و سوم صحیفة سجادیه) در دست است.
«حدیقة هلالیّه » شامل تحقیقات و فوائد نجومی ارزنده است که سایر شارحان صحیفه از جمله سیّد علیخان مدنی در شرح خود موسوم ریاض السالکین از آن بسیار استفاده کرده اند. همچنین فوائد و نکات ادبی، عرفانی، فقهی و حدیثی بسیار در این اثر موجز به چشم می خورد. بنا بر قـول کلیة کسـانی که در احوال شیخ سخن گفته اند. وی نزد پدر تفسیر ، حدیث و عربیت و امثال این ها راآموخت و پس از محضر استادان دیگر از جمله مولانا عبدالله مدرس(1) یزدی حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را نزد ملاعلی مذهّب و ملا افضل قاضی مدرس و ملا محمد باقرین زین العابدین یزدی ریاضی را آموخت و در طب از حکیم عماد الدین مسعود کسب فیض نموده ». (نفیسی : 1368 ، ص 17) بهاءالدین محمّد عاملی در عصر خود ، چه در دانش و چه در اخلاق از مردان بزرگ جهان به شمار می رفت .
وی در علوم ریاضی و نجوم و هیأت استاد مسلم عصر خود بود وپس از یکصد سال که این علم در ایران رواجی نداشت . برای نخستین بار در اواخر قرن دهم و ابتدای قرن یازدهم هجری قمری این علوم را درهرات آموخته است و بار دیگر در ایران رواج داد . خدمات شیخ بهائی:
در عرف مردم ایران، شیخ بهائی به مهارت در ریاضی و معماری و مهندسی معروف بوده و هنوز هم به همین صفت معروف است، چنانکه معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند. و نیز شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به

اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست که می گویند وی ساخته است.
در احاطه وی در مهندسی مساحی تردید نیست و بهترین نمونه که هنوز در میان است، نخست تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و قرای مجاور رودخانه است که معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شیخ بهائی مأمور شده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادیها داده اند که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان هست.
دیگر از کارهای علمی که به بهائی نسبت می دهند طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان است که به نام قنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن 9 فرسنگ است و به 11 جوی بسیار بزرگ تقسیم می شود و طرح ریزی این کاریز را نیز از مرحوم بهائی می دانند.
دیگر از کارهای شیخ بهائی، تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم اختلاف داشته اند.
یکی دیگر از کارهای شگفت که به بهائی نسبت می دهند، ساختمان گلخن گرمابه ای که هنوز در اصفهان مانده و به حمام شیخ بهائی یا حمام شیخ معروف است و آن حمام در میان مسجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه معروف به درب امام واقع است و مردم اصفهان از دیر باز همواره عقیده داشته اند که گلخن آن گرمابه را بهائی چنان ساخته که با شمعی گرم می شد و در زیر پاتیل گلخن فضای تهی تعبیه کرده و شمعی افروخته در میان آن گذاشته و آن فضا را بسته بود و شمع تا مدتهای مدید همچنان می سوخت و آب حمام بدان وسیله گرم می شد و خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشکافند، شمع خاموش خواهد شد و گلخن از کار می افتد و چون پس از مدتی به تعمیر گرمابه پرداختند و آن محوطه را شکافتند، فوراً شمع خاموش شد و دیگر از آن پس نتوانستند بسازند.
همچنین طراحی منار جنبان اصفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می شود. استادان شیخ بهائی:
آن طور که مؤلف عالم آرا آورده است، استادان او بجز پدرش از این قرار بوده اند: "تفسیر و حدیث و عربیت و امثال آن را از پدر و حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را از مولانا عبدالله مدرس یزدی مؤلف مشهور حاشیه بر تهذیب منطق معروف به حاشیه ملا عبدالله آموخت. ریاضی را از ملا

علی مذهب ملا افضل قاضی مدرس سرکار فیض کاشانی فرا گرفت و طب را از حکیم عماد الدین محمود آموخت و در اندک زمانی در منقول و معقول پیش رفت و به تصنیف کتاب پرداخت."
مؤلف روضات الجنات استادان او را پدرش و محمد بن محمد بن محمد ابی الطیف مقدسی می شمارد و گوید که صحیح بخاری را نزد او خوانده است. علاوه بر استادان فوق در ریاضی، بهائی نزد ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی مؤلف کتاب مطالع الانوار در هیئت و عیون الحساب که از ریاضی دانان عصر خود بوده نیز درس خوانده است. شاگردان شیخ بهایی : برای پی بردن به مقام علمی و میزان دانش شیخ، کافی است بدانیم که متجاوز از چهل تن از دانشمندان و بزرگان قرن یازدهم هجری قمری از وی علم آموخته و بهره برده‌اند و بعضی از آنان، اشخاص زیر هستند:
1- صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا، فیلسوف معروف.
2- ملا محمد محسن بن مرتضی بن محمود، معروف به فیض کاشانی، صاحب تفسیر صافی.
3- ملا عزالدین فراهانی مشهور به علینقی کمره‌ای، شاعر معروف قرن یازدهم .
4- ملا محمدباقر بن محمد مؤمن خراسانی، معروف به محقق شیخ الاسلام.
5- شیخ جواد بغدادی، مشهور به فاضل جواد، صاحب شرح خلاصة الحساب و زبدة فی الاصول.
6- ملا محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، صاحب روضة المتقین(م 1070) .
7- سید عزالدین حسینی کرکی عاملی، مشهور به مجتهد مفتی اصفهانی.
سخنی در تاریخ وفات شیخ
در مورد تاریخ وفات شیخ بهایی اقوال گوناگونی وجود دارد، صاحب «تاریخ عالم آرای عباسی» که از مآخذ مورد اعتماد است، می‌گوید که در شب چهارم شوال سال1030 ه.ق بیمار شد و هفت روز رنجور بود، تا این که در شب 11 شوال درگذشت، و چون وی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند.
صاحب روضات الجنات می‌گوید که چون شیخ درگذشت، پنجاه هزار نفر بر

جنازه وی نماز گزاردند و در تاریخ فوت وی گفته‌اند: «بی سر و پا گشت و شرع و افسر فضل اوفتاد.» مقصود از «بی‌سر و پا گشت شرع» این است که شین و عین از آغاز و آخر شرع می‌افتد، و «راء» می‌ماند که 200 باشد، و «افسر فضل اوفتاد»، یعنی «فاء» از آغاز آن ساقط می‌شود و «ضاء» که 800 و «لام» که 30 باشد می‌ماند و روی هم رفته،1030می‌شود.
صاحب کتاب تنبیهات می‌گوید که سال یک هزار و سی هجری، مریخ در عقرب راجع شد، و شیخ پس از یک هفته مریضی به رحمت ایزدی پیوست.
اعتماد الدوله میرزا ابو طالب در تاریخ رحلت وی گفته است:
رفت چون شیخ از این دار فنای گشت ایوان جنانش ماوای دوستی جست ز من تاریخش گفتمش «شیخ بهاء الدین وای» که از جمله آخر بدون همزه «بهاء»، عدد 1030 به دست می‌آید.
صاحب مطلع الشمس می‌گوید که در چهارم شوال سال 1030 هجری شمسی مریض گشت و در سه‌شنبه دوازدهم رحلت نمود و جسد شریفش به مشهد نقل شد.
صاحب امل الآمل در مورد تاریخ وفات شیخ گوید که از مشایخ خود شنیدم که در سال 1030 هجری قمری درگذشت.
ولی صاحب قصص العلماء تاریخ درگذشت وی را سال 1031 هجری قمری ذکر کرده است.
صاحب سلافة العصر، تاریخ وفات شیخ را دوازده روز مانده از شوال سال 1031 هجری قمری نوشته است، و در کتاب دیگر خویش موسوم به حدائق الندیه فی شرح الفوائد الصمدیه در دوازدهم شوال سال 1030 هجری قمری ذکر کرده است و ممکن است در چاپ کتاب اول تحریفی شده باشد. به طور کلی آنچه از این اقوال برمی‌آید، وفات شیخ در دوازدهم شوال سال1030 یا 1031 هجری قمری اتفاق افتاده است و چون صاحب تاریخ عالم آرای عباسی که نظرش معتبرتر از دیگران است، و همچنین کتاب تنبیهات که تالیف خود را چند ماه بعد از آن واقعه نوشته است، سال 1030 را ذکر کرده‌اند، از این رو گفته کسانی که وفات شیخ را در این سال نوشته‌اند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.
در این صورت وفات شیخ در دوازدهم ماه شوال سال 1030 ه.ق در شهر اصفهان روی داده است.
وقتی شیخ بهایی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به

مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند. نمونه اشعار :

تا کی به تمنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
خواهد که سرآید غم هجران تو یا نه
ای تیره غمت را دل عشاق نشانه
جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه
رفتم به در صومعه عابد و زاهد
دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد
در میکده رهبانم و در صومعه عابد
گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه
روزی که برفتند حریفان پی هر کار
زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار
من یار طلب کردم و او جلوه گه یار
حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار
او خانه همی جوید و من صاحب خانه
هر در که زنم صاحب آن خانه تویی تو
هر جا که روم پرتو کاشانه تویی تو
در میکده و دیر که جانانه تویی تو
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
مقصود تویی ...کعبه و بتخانه بهانه
بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید
پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید
عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید
یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
دیوانه منم ..من که روم خانه به خانه
عاقل به قوانین خرد راه تو پوید
دیوانه برون از همه آئین تو جوید
تا غنچهء بشکفتهء این باغ که بوید
هر کس به بهانی صفت حمد تو گوید
بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
بیچاره بهایی که دلش زار غم توست
هر چند که عاصی است ز خیل خدم توست
امید وی از عاطفت دم به دم توست
تقصیر "خیالی" به امید کرم توست

یعنی که گنه را به از این نیست بهانه
نصایح شیخ بهایی به فرزندش
اگر پیامبر هم باشد از زبان مردم آسوده نیست.
اگر بسیار کار کند، می‌گویند احمق است.
اگر کم کار کند، می‌گویند تنبل است.
اگر بخشش کند می‌گویند افراط می‌کند.
اگر ثروت اندوزی کند، می‌گویند بخیل است.
اگر ساکت و خاموش باشد می‌گویند لال است.
اگر زبان‌آوری کند، می‌گویند وراج و پر روست.
اگر روزه بدارد و شب‌ها نماز بخواند می‌گویند ریاکار است.
و اگر نماز نخواند می‌گویند کافر و بی دین است.
پس فرزندم نباید به حمد و ثنای مردم اعتنا کرد و جز از خداوند نباید از کسی ترسید . منبع :
سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
سایت مشاهیر ، سایت شهید آوینی
کشکول شیخ بهایی
فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص 211

شیخ‌الاسلام تبریزی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1310 -1240 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و ادیب امامی. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری کتب مقدماتی، عربی و فارسی، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و در آنجا در نزد شیخ انصاری و حاج شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء و فاضل ایروانی و شیخ محسن خنفر و شیخ مشکور و دیگران درس خواند. پس از نیل به مدارج عالی به زادگاهش بازگشت و مورد توجه خاص و عام گردید. در 1282 ق پس از وفات برادرش میرزا شفیع به منصب شیخ‌الاسلامی رسید. شیخ‌الاسلام علاوه بر مراتب علمی قریحه‌ی شعری نیکویی داشت و اشعار لطیفی از خود بجای گذاشت. وی سفری از تبریز به نجف و از آنجا به مکه کرد و در حال حج‌گزاری از دنیا رفت و در قبرستان ابوطالب (ع) دفن شد. از آثار وی: «درایه الحدیث»؛ «دکه القضاء»، در شهادت و قضاء؛ «رساله‌ی مشتقات»؛ «حقایق القوانین» که حاشیه‌ی «قوانین الاصول» است؛ «تمییز الصحیح من الجریح»، در تعادل و تراجیح؛ حواشی بر «مجمع البحرین» طریحی؛ «کاشفه الکشاف»، حاشیه بر «کشاف» زمخشری؛ «مفتاح البسمله»؛ «منتهی المقاصد»، در علم نحو؛ «مواقع النجوم فی مشکلات العلوم» یا «غایه الاملین»، در حل مشکلات آیات؛ «المنهل الصافی»، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ رساله‌ای در «عدم حجیت اصول مثبته»؛ «عجب العاجب»، در مساله اجرت بر واجب؛ «ابداء البداء»، در حقیقت قدر و قضا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (55/8)، اعیان الشیعه (107/10)، دانشمندان آذربایجان (268)، الذریعه (230/23، 41/21، 6/16، 220/5، 64/1)، ریحانه (298 -296 /3)، علماء معاصرین (44 -40)، معجم المؤلفین (181/12)، مکارم الآثار (1125 -1123 /4).

شیخ‌الاسلام دامغانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، عالم دینی و شاعر. وی معاصر آیت‌اللَّه میرزای رضای بزرگ شریعتمدار دامغانی بود و از علمای عصر ناصری. وی دارای تالیفاتی می‌باشد از آن جمله‌اند: «فرق الملل» یا «بیان المذاهب»؛ رساله‌ای در بیان «احکام حلال و حرام» و «عبادات».[1]
محمد بن حسین بن باقر معروف به شیخ‌الاسلام دامغانی معاصر با مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا رضای بزرگ شریعتمدار دامغانی و ناصرالدین شاه قاجار و بنابر مشهور وظیفه‌ای از شاه مزبور بنام شیخ‌الاسلامی داشته و در سال 1271 قمری می‌زیسته است.
دارای تألیفاتی که از آنهاست (فرق‌الملل یا بیان‌المذاهب) و رساله‌ای در بیان احکام حلال و حرام و عبادات و غیره بوده و آنها را با کتب دیگرش بنام فرزندش عالم جلیل ملا عبدالرزاق که مورد علاقه‌اش بوده وقف نموده است
آن مرحوم از مردم شهر خود دلتنگ و ناراحت و همواره به غم و افسردگی روزگار خود را می‌گذرانیده چنانکه از این ابیاتش ظاهر است.
محمد بن حسین دامغانیست ولیکن
نمانده در دلش از دامغان و فاز کسانی
کنند دعوی علم و عمل ولیک ندارند
بغیر بخل و حسد از عمل بدهر نشانی
بر این قیاس نظر کن بحال پیر و جوانش
چه کوفه است شود کوفه آن بلد بزبانی
ز ناظرین بر این شرح ممکن است توقع
برند نام شریفم بخیر در همه آنی
بعارفان سخن سنج باد رحمت یزدان
که اوست باقی و جز ذات او بود همه فانی
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (121/5).

شیخ‌الاسلام زنجانی، فضل‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1373 -1303 ق)، فقیه، متکلم، رجالی و حکیم. در زنجان به دنیا آمد. مقدمات و متون را نزد استادان زنجانی فراگرفت و فلسفه را از علامه میرزا عبدالمجید آموخت و به درس خارج علامه میرزا عبداللّه زنجانی حضور یافت. در 1331 ق به همراه برادرش به نجف مهاجرت کرد و در آنجا نزد آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ الشریعه اصفهانی و دیگر مدرسان به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در 1339 ق به زنجان بازگشت و به وظائف امور علمی و شرعی مشغول گردید. او از آیت‌اللّه سید حسن صدر عاملی کاظمی و علامه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه شیخ الشریعه اصفهانی و علامه سید محمود شکری علوی آلوسی دارای اجازه بود. از آثارش: حاشیه بر «منطق» شرح «منظومه» سبزواری؛ رساله‌ای در رد نظریه‌ی «واحد بسیط...»؛ «تاریخ علم کلام در اسلام»؛ حاشیه بر «اوائل الشوارق» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛ نقد «رساله‌ی حدوث» ملا صدرا شیرازی؛ «تشیع در تاریخ اعتقادی و سیاسی و ادبی شیعه» یا «تاریخ مذهب شیعه»؛ تعلیقاتی بر کتاب «اوائل المقالات» شیخ مفید؛ شرح و حاشیه‌ای بر «منهج المقال» استرآبادی؛ «شرح حال رجال زنجان و راویان آن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (390 -389)، علماء معاصرین (228 -224)، مؤلفین کتب چاپی (871 -870 /4).

شیخ‌العراقین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن شیخ زین‌العابدین مازندرانی، فقیه و حکیم (ف. عراق عرب 1340 ه.ق.).
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شیخ‌العراقین تهرانی، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1286 ق)، مجتهد، عالم و محقق امامی. در نجف نزد شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، تلمذ کرد تا اینکه به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. آنگاه به عنوان پیشوای دینی به تهران بازگشت و مرجعیت عام یافت. او به ترویج دین و امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و از ناصرالدین‌شاه قاجار نهراسید و، در بسیاری موارد، در مقابل وی ایستادگی کرد. او در دقت، تحقیق، سرعت انتقال، کثرت حافظه از نوادر به شمار می‌رفت و در فقه و حدیث و رجال و لغت متبحر بود. او از صاحب «جواهر» و سید شفیع جاپلقی و ملا رفیع رشتی روایت کرده است. پس از تلاش برای بازسازی قبه‌ی مبارکه‌ی حسینی و قبه‌ی مبارکه عسکریین به کاظمین رفت و در آنجا از دنیا رفت و پیکرش به کربلا منتقل و در صحن مقدس حسینی دفن شد. از آثار وی: احداث مسجد و مدرسه‌ی بزرگی در تهران به نام مسجد و مدرسه‌ی شیخ‌العراقین؛ کتابخانه‌ی بزرگی حاوی کتب خطی نفیس در کربلا. از آثار علمی وی: کتابی در «طبقات الراوه»، در رجال، که در جدولی زیبا تنظیم کرده است؛ ترجمه‌ی «نجاه العباد»؛ «ساله‌ی عملیه»؛ حواشی و تعلیقات بسیار؛ «مصباح النجاه»، در سراسر نماز و سر استغفار بین سجدتین.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (439 -438 /7)، الذریعه (122/21، 142/4، 126/1)، ریحانه (329/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 715 -713 /13)، الکنی و الالقاب (398 -397 /2).

شیخ‌بهائی، بهاءالدین، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1031/1030 -953 ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شهید ثانی، و عبداللّه بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرندیب و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرتها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی-مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ‌بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعداللّه، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین نایینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محدصالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهائی، منتقل شده بود. شیخ‌بهایی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در

«ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «حبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثا»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زبده الاصول» یا «الزبده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره».[1]

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک 953 ه.ق./ 1546 م.- ف. اصفهان 1031 ه.ق./ 1622 م.) پدرش عزالدین حسین در سال 966 به ایران مهاجرت کدر و بهاءالدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به 88 کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است:

دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصةالحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (بعربی)، کشکول که مجوعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله واشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (927 -926 /3)، الاعلام (334/6)، اعیان الشیعه (234/9)، تاریخ ادبیات ایران، براون (279 -277 /4)، تاریخ ادبیات در ایران (1047 -1039 /5)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (515 -502)، تذکره‌ی روز روشن (122 -121)، تذکره‌ی نصرآبادی (151 -150)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (506 -495)، دایرةالمعارف فارسی (1522/2)، دنباله جستجو در تصوف (259)، الذریعه (77/18، 983، 143، 88، 103، 168، 173، 195، 203، 211، 224- 225، 6/ 240- 241، /9، 39، 425، 4/ 185- 186، 200، 498، 509، 5/ 62- 63، 301- 302، 6/ 36، -35 /3، 42/2، 117- 118، 115، 85، 1/)، روضات الجنات (80 -54 7/)، ریاض العارفین (49 -45)، ریاض العلماء (97 -88 /5)، ریحانه (320 -301 /3)، زندگینامه ریاضیدانان (172 -170)، سرآمدان فرهنگ

(232/1)، سیری در شعر فارسی (384 -383)، شخصیتهای نامی (273 -270)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 88 -85 /11)، عالم آرای عباسی (157 -155 /1)، فرهنگ ادبیات فارسی (311 -310)، فرهنگ سخنوران (147)، فقهای نامدار شیعه (228 -209)، فوائد الرضویه (521 -502)، فلاسفه‌ی شیعه (429 -415)، کارنامه بزرگان (325 -324)، الکنی و الالقاب (100/2)، مؤلفین کتب چاپی (432 -421 /5)، مجمع الخواص (41 -40)، مجمع الفصحا (15 -12 /4)، مطلع الشمس (388 -386 /2)، معجم المؤلفین (242/9)، منظومه‌های فارسی (356 -353)، نتایج الافکار (105 -103)، یغما (س 13، ص 146 -143).

شیرازی، ابومحمد، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1230 -1312 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. مشهور به میرزای مجدد، زیرا که در آغاز قرن سیزدهم قمری مجدد مذهب جعفری بوده است. در شیراز به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی دایی خویش ، سید میرزا حسین موسوی مجد الاشراف، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمدتقی رازی، صاحب «حاشیه بر معالم»، و سید حسن مدرس بیدآبادی و حاج ابراهیم کرباسی استفاده نمود و قبل از بیست سالگی از مدرس بیدآبادی به دریافت اجازه نایل آمد. او مدتی در اصفهان به تدریس پرداخت و جماعتی از مجلس درس او بهره بردند. در 1259 ق به عراق رفت و در نجف در محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ حسن آل کاشف الغطاء، صاحب «انوار الفقاهة»، و در کربلا در محضر سید ابراهیم، صاحب «ضوابط»، تلمذ نمود. پس از درگذشت استادش، صاحب «جواهر»، در درس شیخ انصاری شرکت نمود و مدتها بحثهای او را در فقه و اصول ملازمت کرد و در بین چند صد نفر از شاگردان شیخ شاخص شد. پس از درگذشت شیخ انصاری در 1281 ق، وی عهده‌دار مرجعیت دینی گردید. در 1291 ق به سامرا رفت و در آنجا تشکیل حوزه‌ی درس داد. میرزا محمدتقی شیرازی، آخوند خراسانی، علامه سید محمدکاظم یزدی، حاج سید اسماعیل صدر، سید حسن صدر، میرزا محمدحسین نایینی، حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی، حاج آقا رضا همدانی، حاج سید اسداللّه اصفهانی، حاج شیخ فضل‌اللّه نوری، حاج میرزا ابوالفضل کلانتری، حاج شیخ احمد شانه‌ساز و سید میرزا حسین علوی از شاگردان او بودند. در اواخر عمرش، زعامت شیعه در او منحصر گشت و این امر برای کمتر زعیمی در طول تاریخ شیعه اتفاق افتاده است. وقتی در رجب 1308 ق، ناصرالدین شاه امتیاز انحصار تنباکوی ایران را به تالبوت واگذار کرد و به خواسته مردم و رهبران دینی که خواستار لغو چنین امتیازی بودند وقعی ننهاد، میرزای شیرازی طی حکمی در چند کلمه استعمال دخانیات را تحریم کرد. این واقعه به نهضت تحریم تنباکو معروف گشت. میرزا در اثر بیماری سل در سامرا درگذشت و طبق وصیت او، پیکرش را به نجف منتقل و در حرم امیرالمؤمنین (ع) دفن کردند. از آثارش: حاشیه بر «نجات العباد» شیخ محمدحسن نجفی؛ حاشیه بر «النخبة» ملا محمد ابراهیم کرباسی؛ کتابی

در «طهارت»؛ رساله در «رضاع»؛ کتابی در «فقه»، از اول مکاسب تا آخر معاملات؛ تلخیص «افادات» شیخ انصاری؛ رساله «اجتماع الامر و النهی». [1]

محمدحسن بن میرزا محمود بن میرزا اسماعیل بن السید فتح‌اللّه بن سید عابد بن لطف‌اللّه بن محمد مؤمن الحسینی الشیرازی نجفی اعظم و اشهر و اعلی مرجع امامیه در تمام بلاد اسلامیه در زمان خودش در 15 جمادی‌الاولی 1230 قمری در شیراز متولد شد و در آنجا مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را خوانده در سن 17 سالگی به اصفهان آمده و به درس علامه بزرگ شیخ محمدتقی (صاحب حاشیه معالم‌الاصول) آمده و درین 20 سالگی به درس علامه ورع شیخ محمدابراهیم کلباس شرکت نموده تا یکی از مدرسین فاضل اصفهان گردیده جماعتی از فضلاء از محضرش استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف در سال 1259 ق نموده و به درس صاحب جواهر و شیخ حسن آل کاشف‌الغطاء مؤلف (انوارالفقاهه) حاضر شده و پس از آنها عمده استفاده‌اش از علامه شیخ مرتضی انصاری و در میان تلامذه شیخ موجه و مشار بالبنان بوده است و کراراً شیخ می‌فرموده من برای سه نفر مباحثه می‌کنم میرزا محمدحسن شیرازی (مترجم معظم ما) و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آقا حسن تهرانی و بعد از فوت شیخ در سال 1281 ق مردم متوجه به میرزا شده و همه شاگردان شیخ وی را بر خود مقدم داشته تا زعامت عامه و ریاست عامه به آنجناب منتهی شده و در سال 1287 ق در عصر شریف عبداللّه الحسنی مشرف به مکه گردیده و در خانه موسی بغدادی وارد شده و وقتی شریف مکه یعنی پادشاه حجاز از ورودش مطلع شد وقتی معین کرد که میرزا به ملاقات او برود. میرزا به او جواب داد: قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله. (اذا رایتم العلماء علی ابواب الملوک فقولوا بئس العلماء و بئس الملوک و اذا رأیتم الملوک علی ابواب العلماء فقولوا نعم العلماء و نعم الملوک).

وقتی که دیدید دانشمندان و علماء را که به دربار سلاطین رفت و آمد می‌کنند. بگوئید که چه بد علمائی هستند و چه بد ملوکی می‌باشند و بالعکس هنگامی که دیدید پادشاهان به منزل علماء آمد و شد می‌کنند بگوئید چه خوب علماء و چه خوب سلاطینی هستند. پس وقتی این جواب به شریف رسید فوراً به زیارت آن بزرگوار مشرف شد.

آثار و خدمات آنجناب به عالم تشیع بسیار است یکی از آنها تشکیل حوزه علمیه و بناء مدرسه در سامره بود که این شهری که مدفن دو امام معصوم و خاندان جلیلشان می‌باشد و زادگاه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف است از ناامنی و خطر نواصب و متعصبین اهل سنت مصون شود و شیعیان با اطمینان خاطر برای زیارت و بیتوته در این مقام شریف مشرف شوند.

و دیگر از خدمات ایشان تحریم تنباکو و لغو شدن امتیازاتی که استعمارگران غربی از ناصرالدین شاه قاجار گرفته بودن و اثر این مسئله که کتابها در این موضوع نوشته شده و تفصیل این مطالب مربوط بکتب مبسوطه دیگر است و علامه تهرانی صاحب الذریعه کتابی بنام (هدیة الرازی الی مجدد الشیرازی) نوشته و در آن بسط کلام داده است. آن بزرگوار در شب چهارشنبه 24 شعبان 1312 بکسالت سل از دنیا رفت و جنازه‌اش را مردم با دوش از سامره به نجف اشرف که بالغ بر چهل فرسخ است حمل کردند و در صحن شریف مقبره جنب باب طوسی دفن نمودند.
حاج میرزا محمدحسن بن میرزا محمود بن محمد اسماعیل حسینی شیرازی (ف. 1312 ه.ق)، از علمای عالیقدر شیعه. میرزا در اوایل زندگی در سال 1248 ه.ق از مولد خویش شیراز به اصفهان آمد و نزد علمای آن شهر به تحصیل علوم عقلیه و نقلیه پرداخت و از آنجا در 1259 ه.ق به عتبات رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تلمذ پرداخت. در سال 1291 ه.ق در سامره اقامت نمود و در آنجا به تدریس و تعلیم مشغول بود تا اینکه در 1312 ه.ق بدرود حیات گفت و جنازه‌اش را به نجف حمل کرده و به خاک سپردند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (310 -304/ 5)، الذریعه (91/ 24 ،227/ 6)، ریحانه (68 -66/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 441 -436/ 14)، کارنامه‌ی بزرگان (393)، الکنی و الالقاب (223 -222/ 3)، لغت نامه (ذیل/ حسن شیرازی)، معجم المؤلفین (293 -292/ 3)، مکارم الآثار (890 -883/ 3)، میرزای شیرازی.

شیرازی، سید عبدالهادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آیت الله حاج سید عبد الهادی شیرازی فرزند حجت الاسلام حاج میرزا اسماعیل یکی از علما و مراجع بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. معظم له فقیهی محقق مجتهدی اصولی و عالم به علم رجال و حدیث بود. در سال 1305 در عتبات متولد شد و در طفولیت از فیض پدر مرحوم گردید. در شهر سامرا منزل میرزای بزرگ عموی پدرش نشو و نما نمود و از کودکی با مبانی اسلامی آشنا شد. در نوجوانی سالها از حضور حاج میرزا علی فرزند امام مجدد مدارج علمی و معنوی را پیمود و از سن بیست سالگی رهسپار نجف اشرف گردید و سالها از کرسی درس پر برکت آخوند خراسانی، علامه یزدی، آقا شریعت اصفهانی و در سامرا از محضر حاج میرزا محمد تقی شیرازی استفاده می نمود وخود به مراتب علمی و عملی و اخلاقی ارتقاء یافت.
مرحوم آیت الله شیرازی حدود سی سال در رأس اساتید بزرگ حوزه نجف معاصر با مرحوم آیت الله اصفهانی بود که پس از فوت وی در جمله مراجع و علمای بزرگ قرار داشت و بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی زعامت ومرجعیت شیعیان جهان و تصدی حوزه چندین ساله نجف به معظم له منتهی شد. مرحوم آیت الله شیرازی رسائلی در فروع و عبادات و کتابی به نام دار السلام و رساله برای عمل مقلدین خویش به رشته تحریر برد و در سال 1369 جهت معالجه چشم سفری به ایران نمود که مورد استقبال علما و مراجع قرار گرفت و بعد از یک عمل جراحی مجددا به نجف اشرف مراجعت نمود. معظم له در اواخر عمر به علت مطالعه و تحقیق زیاد متأسفانه بینائی خود را از دست داد و بعد از سالها تحقیقات علمی و خدمت به اسلام و مسلمین سرانجام در دهم صفر سال 1382 چند ماه بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی جهان فانی را وداع نمود. برگرفته از کتاب :پایگاه شهیر

شیرازی، صدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید صدرالدین حسینی مجتهد شیرازی فرزند سید ابوطالب فرزند محمدهاشم شیرازی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر شیراز است.
آنجناب در ذی‌الحجه 1221 ق در شیراز متولد شده و پس از تحصیل مقدمات مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محضر مرحوم آیت‌اللّه آمیرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده تا به مقام منیع اجتهاد نائل و با دریافت اجازات اجتهاد و غیره به سوی وطن مراجعت و به وظائف شرعی از اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ قیام نموده و در طول خدمت خود به سوانح و گرفتاریهائی از قبیل تبعید و تحت نظر بودن برخورد کرده و خاطرات عجیبی دارد.
در ماه ربیع‌الثانی 1349 ق پس از چندین ماه تبعید و مسافرت به ارض اقدس مراجعت به شیراز نمود و مورد استقبال شایان مردم فارس قرار گرفت و بعد از ورود به خدمات دینی پرداخت تا در سال 1376 که برادر ارجمندش مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین (نایت‌الامام) به رحمت حق پیوست.
وی تشکیل جمعیتی بنام (جمعیت انصار) داد که تا اکنون برقرار است. لکن معظم له به واسطه ناراحتیهای روحی از شرکت در اکثر اجتماعات خودداری نموده و بیشتر در کتابخانه شخصی به مطالعه و تألیف و تصنیف اشتغال دارد.
از آثار گرانقدر ایشان یک دوره دائرةالمعارف است در بیست جلد بنام (مجموعه الاشقات) که در هر علم و فنی که توانسته‌اند تألیف کرده‌اند.
دارای طبعی موزون و ذوق سرشار می‌باشند و اشعار بسیاری در مواعظ و مدایح و غیره دارند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، عبدالجبار

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ عبدالجبار شیرازی فقیهی بزرگ و عالمی جلیل از شاگردان شیخ انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و مراجع بزرگ شرعی شیراز و در سال 1319 ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از رجال برجسته علم و دانشی که شایسته است به مناسبت ورودش در سال 1366 هجری قمری به قم از او یاد شود مرحوم مغفور آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازیست که از فحول علماء و اکابر فقهاء حوزه نجف اشرف در عصر ما بودند که به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام از نجف حرکت نموده و در قم به منزل مرحوم آیت‌اللّه فیض ورود فرمودند و در روز ورودشان مورد تجلیل و استقبال حوزه علمیه و قاطبه علماء و زعماء حوزه چون آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه فیض و آیتین خونساری و صدر و دیگران از علماء و فضلاء و عموم محصلین گردیدند.
صاحب احسن‌الودیعه در ج 2 ص 131 گوید شیخ کاظم نجفی شیرازی ادام‌اللّه بقاه و من کل مکروه وقاه از اکابر علماء و مجتهدین و عظماء و فقهاء متتبعین، جمعی از اصحاب و گروهی از طلاب به بحث او حاضر می‌شوند جید التقریر لطیف التحریر حسن المعاشرة ظریف المحاورة می‌باشد ولادتش تقریباً سال 1290 و در سال 1300 به والدین خود از شیراز به عتبات منتقل و در کربلا ساکن و به علوم عربیه مشتغل و تا دو سال با والدین خویش در آن مکان شریف متوقف و پس از آن والدین او به شیراز مراجعت و او در کربلا تنها به علوم ابتدائیه مشغول و پس از چهارده سال او نیز به شیراز برگشته و مطول و معالم را نزد عالم کامل حاج سید محمدعلی کازرونی که در تدریس مطول ماهر بودند خوانده و پس از دو سال اقامت در شیراز به کربلا حرکت و پس از فراگرفتن سطوح در سال 1310 به سامراء مهاجرت و وسائل و مکاسب را نزد عامل کامل حاج شیخ حسنعلی تهرانی که از اجلاء علماء اتقیا بودند خوانده و به بحث مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی حاضر شده و تا روز وفات آن مرحوم ملازم بحث او بود و بعد به کاظمین مشرف و در آنجا به تدریس مشغول و پس از مدتی به نجف مهاجرت و حوزه درس تشکیل داده و غالب استفتاءات مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی به نظر آن مرحوم بود که به امضاء و مهر سید می‌رسید تا در سال 1367 که وفات نموده و در یکی از حجرات صحن علوی مدفون گردید رضوان‌اللّه‌علیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

شیرازی، محمدجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدجواد شیرازی از اکابر علماء و فقهاء متبحر و عالمی جامع بوده و در حدود 1260 ق وفات نموده آثاری دارد که از آنهاست (الکواکب المضیه).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزّالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی بود که در 15 جمادی الاولی سال 1230 ق در شیراز متولد گردید. وی قبل از 20 سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از جمله استادان وی صاحب جواهر و صاحب انوارُ الفِقاهَه، محمد ابراهیم کلباسی، محمدتقی اصفهانی و علی تُستَری بودند. میرزای شیرازی پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام گردید و در حدود سی سال این سمت را به عهده داشت. شاگردان زیادی در مکتب میرزا کسب علم کرده‌اند که از آن میان حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ‌فضل‌اللّه نوری، میرزا حسین نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را می‌توان نام برد. از کارهای بزرگ میرزای شیرازی، صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اولین مقاومت منفی مردمی در ایران علیه بیگانگان بود که باموفقیت انجام شده است. از آثار این مرجع بزرگ: کتابٌ فی الطّهارَه، نِجاةُ العِباد، رسالةٌ فی الرَّضاع و رسالَةٌ فی المُشْتَق می‌باشد. میرزا در سال 1312 ق در 82 سالگی در سامرا فوت نمود و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیرازی، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید نورالدین بن میرزا ابوطالب بن محمدهاشم حسینی شیرازی از مشاهیر دانشمند معاصر شیراز بوده‌اند.
وی در شیراز متولد و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی استفاده نموده و چون در سال 1342 ق مرحوم والدش به رحمت ایزدی پیوست به شیراز مراجعت و در مسجد وکیل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ و ارشاد مسلمین پرداخته و جمعیتی بنام برادران و حزب نور تشکیل داده و خود بنام نایب‌الإمام شهرت یافته بود.
آیت‌اللّه شیرازی مذکور مضافاً بر مقام رفیع اجتهاد به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنا بود و خط زیبائی داشت و شعر هم نیکو می‌گفت و در امور اجتماعی ید طولائی داشت.
وی در سال 1367 قمری مسافرتی به قم و تهران و ارض اقدس با صدها نفر از حزب برادران نموده که بسیار پرصدا و باهمیت بود.
و آن مرحوم با اینکه شب و روزش مستغرق خدمات بود تالیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که به آنها اشاره می‌شود.
1- اسلام و جهان امروز
2- اصل الاصول در دو جلد
3- تفسیر قرآن مجید
4- حاشیه بر عروةالوثقی
5- حکمت الهی
6- سیاست اسلام
7- علم خطابه و منبر
8- علم رجال و درایه
9- علم کلام
10- مثنوی و تالیفات دیگر.
در سال 1367 قمری سال فوت مرحوم حاج شیخ کاظم فوق‌الذکر شخصیت برجسته‌ای که حقاً مجسمه فضائل و کمالات بود از شیراز حرکت و با صدها نفر از حزب برادران شیراز وارد شهر دینی و علمی قم گردید.

آیت‌اللّه حاج سید نورالدین که در فارس و خصوص شیراز مشهور بود (نایب‌الامام) می‌بودند از رجال علم و بیان و قلم و سیاست و کیاست عصر ما و از علماء طراز اول شیراز و بلکه کلیه ایران است.
در سال مزبور به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام و بعضی اقدامات دینی با حدود پانصد نفر از جمعیت حزب برادران که در تحت ریاست و رهبری آنجناب بود از فارس حرکت و با عظمت بسیاری به اصفهان و از آنجا به قم وارد و به منزل مرحوم آیت‌اللّه صدر نزول فرموده و مورد تجلیل مراجع عظام حوزه علمیه واقع شده و پس از چند روز به تهران و شهر ری عزیمت و از آنجا به مشهد و پس از مدتی مراجعت به شیراز نمودند و در تمام ایاب و ذهابش مجللانه وارد و حرکت فرمودند در موقع ورود به تهران یکسره به مسجد شاه آمده و باده‌ها هزار نفر نماز جماعت و پس از آن به منبر رفته و بیانات حاد و پرحرارتی ایراد نموده و بعضی از پیشنهادهای دینی به دولت وقت نمودند. خود نگارنده، در موقع ورودشان به ری و تهران حاضر و ناظر احساسات مردم شیراز و تهران بودم.
معظم له از اساطین علم و سیاست زمان ما بودند از تلامذه مبرز مرحوم شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه میرزا علی آقای شیرازی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و صاحب تألیفات و تصنیفات و جمعیت متجاوز از ده هزار نفر حزب برادران بودند که در شیراز خدماتی نموده‌اند در شیراز از دنیا رفته و در مقبره مخصوص خود در مقابل بیت‌العباس که از آثار اوست مدفون شده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرزای، صدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1321 ق)، عالم دینی، مجتهد، فقیه و شاعر. در شیراز متولد شد و پس از طی مقدمات به نجف اشرف مهاجرت کرد و در آنجا از محضر آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه اصفهانی استفاده نمود، تا به مقام اجتهاد نایل شد و با دریافت اجازه‌ی اجتهاد به وطنش بازگشت و به وظایف شرعی و تدریس پرداخت. وی در طول زندگی دچار دشواریها و گرفتاریهای از قبیل تبعید و تحت نظر بودن و سایر تضییقات شد. او دارای طبعی موزون و ذوقی سرشار بود و اشعار بسیاری در مواعظ و مدایح و غیره دارد. وی جمیعتی به نام جمعیت انصار تشکیل داد، اما خود وی بیشتر در کتابخانه شخصی‌اش به مطالعه و تالیف و تصنیف اشتغال داشت. از آثارش: دایرةالمعارفی است در بیست جلد به نام «مجموعه‌ی الاشقات»، که در هر علم و فنی که توانسته، نگاشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (448 -447/ 5).

شیروانی جزی، محمّد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج محمّدابراهیم شیروانی جزی، عالم، فاضل، معمّر، مؤلف کتاب «فقهیه» و مدرس مدرسه صدر بازار اصفهان بوده که در شب دوشنبه 26 رمضان المبارک سال 1326 در دوران سلطنت قاجاریه وفات و در تکیه فاضل هندی در تخت فولاد مدفون گردیده است که در نظر بوده به نجف اشرف منتقل گردد. از آثار دیگر او کتاب «مجمع الرسایل» است که در هنگام سفر به سامرا در سال 1306 به تأیید مجدد میرزا محمّد حسن شیرازی رسیده و در سال 1310 چاپ شده و بعد از وفات او با حواشی بعضی از شاگردان او نظیر آیت‌اللّه محمّدتقی شیرازی و ملّا محمّد کاظم خراسانی مجدداً چاپ شده است. وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و دیگران بوده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

شیروانی، محمد بن حسن

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مولی محمد بن حسن معروف به ملا میرزا، از اعاظم علما و فقها و مدرسین اصفهان بوده، و کتب عدیده در فقه و اصول تألیف فرموده، و در جمعه 29 رمضان 1098 وفات یافته، جنازه‌ی او به مشهد مقدس نقل شده، در سرداب مدرسه‌ی میرزا جعفر مدفون گردیده است.
کتب زیر از اوست:
1 - انموزج العلوم 2 - دو حاشیه بر معالم، عربی و فارسی 3 - حاشیه بر حکمة العین 4 - شرح بر شرایع 5 - شرح بر رساله‌ی اثبات الواجب؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(373- 449 ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، خطیب و واعظ. در بوشنج به دنیا آمد.نه ساله بود که به دنبال قتل پدرش، که از وعاظ بزرگ نیشابور بود، اولین مجلس وعظ را برقرار کرد. از ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوبکر بن مهران و ابومحمد مخلدی و زاهر بن احمد فقیه سرخسی و ابوحسین خفاف و ابوالعباس تابوتی و ابوسعید سمسار و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن فرات و دیگران حدیث روایت کرد. او در نیشابور و هرات و سرخس و حجاز و شام و جبال حدیث شنید و در خراسان و هند و گرگان و شام و حجاز و فلسطین حدیث گفت. صابونی در معره‌ی نعمان با ابوالعلاء معری ملاقات کرد. کتانی و علی صصری و بیهقی و محمد فراوی از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر بیهقی او را امام مسلمین تعریف می کند و دیگران قدرت او در تفسیر و حافظه‌ی سرشارش را تحسین کرده‌اند. به قول عبدالغافر، در «السیاق» هفتاد سال وعظ گفت و بزرگان زمان همچون ابوطیب صعلوکی و استاد ابواسحاق اسفراینی و استاد ابوبکر بن فورک در مجلس وعظ او حاضر می‌شدند. او بیست سال در جامع شهر خطبه خواند و اقامه‌ی نماز کرد.سرانجام در نیشابور درگذشت. وی تصانیف بسیاری از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «عقیده السلف»، «الفصول فی الاصول»، «الاربعین»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (688)، الاعلام (198 / 7)، الاعلام بوفیات الاعلام (299 / 1)، انساب سمعانی (506 / 3)، ریحانه (198 / 7)، سیر النبلاء (44 -40 / 18)، شذرات الذهب (283 -282 / 3)، العبر (294 / 2)، الکامل (81 / 8)، کشف الظنون (53)، لغت نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (19 -16 / 7)، معجم المؤلفین (276 -275 / 2)، النجوم الزاهره (63 / 5)، الوافی بالوفیات (144 -143 / 9)، هدیه العارفین (210 / 1).

صاحب ریاض، علی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1231 -1161 ق)، علامه کبیر، فقیه اصولی و عالم دینی. اصلش از اصفهان بود که در کاظمین به دنیا آمد و در کربلا نشوونما یافت. او خواهرزاده، شاگرد و داماد محقق بهبهانی است و رد کنار وی در کربلا مدفون است. سید محمد باقر حجه‌الاسلام و حاجی کرباسی و ملا محمد تقی برغانی و ملا صالح برغانی و شریف العلمای مازندرانی و شیخ احمد احسایی و سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و شیخ ابوعلی رجالی از شاگردان وی بودند. وی در اصول پیشگام بود، ولی کتاب فقه او یعنی «ریاض المسائل» معروف به «شرح کبیر» که شرح «مختصر نافع» محقق حلی است، شهرتی همه‌گیر پیدا کرد. از دیگر آثار وی: تکلیف الکفار بالفروع»؛ حاشیه‌ی «حدائق» شیخ یوسف بحرانی، حاشیه‌ی «مدارک الاحکام»؛ حاشیه‌ی «معالم الاصول»؛ شرح «مفاتیح» ملا محسن فیض؛ «حجیت الاجماع و الاستصحاب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (336 / 11، 269، 208، 198، 81 / 6، 407 / 4)، ریحانه (372 -370 / 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (324 / 6).

صاحب ضوابط الاصول، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1214- وف 1264 -1262 ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در قزوین به دنیا آمد. با پدرش، که از علمای بنام آن دوره بود، به کرمانشاه رفت و در آنجا مقدمات علوم دینی را آموخت. سپس عازم کربلا شد و نزد سید علی صاحب «ریاض» و ملا محم شریف العملای مازندرانی درس اصول را فرا گرفت. پس از آن به نجف رفت و در محضر شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء فقه آموخت. آن‌گاه به کربلا و نزد شریفه العلما بازگشت و علاوه بر حضور در درس ایشان خود نیز به تدریس مشغول شد و گویا بین هفتصد تا هزار نفر در نز او تلمذ می‌کردند. از جمله مشهورترین شاگردان ایشان: شیخ زین‌العابدین بارفروشی مازندرانی و آقا جمال محلاتی و سید اسدالله شفتی حجه‌الاسلام اصفهانی و شیخ مهدی کجوری و سید حسین کوه‌کمری و میرزا محمد تنکابنی، صاحب «قصص العلماء»، و حاج محمد کریم لاهیجی و شیخ عبدالحسین تهرانی و ملا علی کنی و میرزا محمد حسن اردبیلی بوند. او بر اثر وبا درگذشت.قبر وی در نزدیکی مشهد شریف حسینی است. از آثار وی: «ضوابط الاصول»، در دو مجلد؛ «نتایج الافکار فی الاصول الفقه»؛ «رساله فی حجیه الظن»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرائع الاسلام»، در فقه از طهارت تا دیات؛ «مناسک الحج»؛ «رساله فی الغیبه»؛ «رساله فی صلاه الجمعه»؛ «رساله فی القواعد الفقهیه»؛ «رساله‌ی عملیه»، در طهارت و نماز.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (66/ 1)، اعیان الشیعه (205 -204/ 2)، دایره‌المعارف فارسی (1605/ 2)، الذریعه (43 -42 / 24 ،119 / 15 ،212 ،188/ 11 ،240 -239/ 8 ،276/ 6)، روضات الجنات (51 -47 / 1)، ریحانه (377 -376 / 3)، طبقات اعلام الشیعه 0 قرن 11 -10/ 13)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم قزوینی)، معجم المؤلفین (87/ 1)، مکارم الآثار (526 -518/ 2)، هدیه الاحباب (176)،

صادق اردستانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1323 ق)، عالم دینی، مدرس و نویسنده. در کچو مثقال اردستان به دنیا آمد.پس از پایان تحصیلات مقدماتی، در 1341 ق، به قم مهاجرت نمود. و به تصحیل علوم اسلامی پرداخت و در ضمن تحصیل به انجمنها و محافل ادبی و قلمی نیز می‌رفت. از آثار وی: «سلمان فارسی»، اولین اثر تاریخی- اخلاقی او که در بیست و چهار سالگی تألیف کرد؛ «زندگی قهرمانانه‌ی مالک اشتر»؛ «حسین پرچمدار آزادی»، ترجمه‌ی «الحسین اسوه» آیت‌الله سید محمد شیرازی؛ «بدنبال نور ظلمت»؛ ترجمه و نگارش؛ «اسلام»، ترجمه‌ای از «انفقوا لکی تتقدموا» آیت‌الله سید محمد شیرازی؛ «طرح ساده‌ای از زیربنای امور اقتصادی و اجتماعی اسلام»، ترجمه‌ای از یکی از کتابهای آقا شیخ محمد ابراهیم جناتی.[1]
سید محمدباقر تربتی از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر تربت است.
وی تحصیلات مقدمات و ادبیات و سطوح خود را در مشهد مقدس به پایان رسانیده و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی و اساتید مشهد استفاده نموده، تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و پس از آن به تربت آمده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین تا حال حاضر اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (474 -472 / 7).

صادقی اصفهانی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید محمد علی حسینی صادقی بن السیدالجلیل السید محمد صادقی از علماء و مدرسین معاصر اصفهان است، وی در 11 شوال المکرم 1346 ق متولد شده و در سن 18 سالگی شروع بتحصیل علوم دینیه نموده و ادبیّات و کلیه مقدمات علوم باندازه کافی از اساتید آن علوم فرا گرفته و سطوح فقه و اصول را از غالب علماء اصفهان آن زمان خوانده و پس از تکمیل آن در سال 1372 ق مهاجرت باعتاب عالیات نموده و بخارج درس فقه آیه‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌الله آقا شیخ حسین حلی قریب یکسال حاضر شده سپس بحضرت آیه‌الله العظمی قدوه الفقهاء والمجتهدین آقای آقا میر سید علی علامه فانی دام ظله‌العالی پیوسته و از مبانی رشیقه فقهی و اصولی معظم‌له استفاده نموه و تقریرات و دراسارت ایشان را برشته تحریر درآورده است.
تألیفات و آثار علمی ایشان بشرح زیر است:
1- تقریرات اصول آیه‌الله فانی دوره‌ی کامل در 4 جلد.
2- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در طهارت در 5 جلد.
3- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در صلوه در 7 جلد.
4- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در زکوه و خمس و صوم.
5- تقریرات فقه آیه‌الله فانی در حج و اجاره و کلام.
6- رساله‌ای در جبر و اختیار.
7- رساله‌ای در عدم تحریف قرآن.
8- رساله‌ای در فرق میان صغیره و کبیره.
9- تفسیر سوره جمعه.
10- جوائز سلطان و احکام بانکها.
از کتب مذکوره دو جلد در طهاره و رساله جبر و اختیار بطبع رسیده است.
وی تا ماه شعبان 1390 ق در نجف اقامت داشتند و در تاریخ مزبور بعلت کسالت مزاج مراجعت باصفهان نموده و بتدریس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اشتغال دارند و دیگر از آثار ایشان ترجمه رساله علم امام استادش آیت‌الله فانی و کتابی در معاد و کتابی در امامت میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

صادقی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد صادقی فرزند زین‌الخطباء و المبلغین مرحوم حاج شیخ محمدرضا لسان المحققین تهرانی.
در سال 1307 شمسی هجری برابر 1348 قمری در تهران دیده به جهان گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی تا متوسطه به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و قسمتی از سطوح را در تهران خوانده ودر اوائل ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی مدظله و آیات دیگر شرکت و هم معقول و فلسفه را از آیت‌اللّه علامه طباطبائی و آیت‌اللّه شاه‌آبادی و میرزا مهدی آشتیانی و امام خمینی و آقای رفیعی قزوینی و عرفان را از مرحوم میرزا مهدی اصفهانی استفاده نموده تا بعد از رحلت مرحوم بروجردی و زعامت و نهضت نایب الامام بر علیه امپریالیسم شرقی و غربی وارد صحنه مبارزه شده و با سخنرانیهای آتشین خود در قم و تهران و محکوم کردن رژیم طاغوتی در سال 1384 قمری مورد تعقیب عوامل ساواک و عمال جنایتکار شاهنشاهی قرار گرفته که مجبور به بیرون رفتن از کشور شده پس به عراق رفته و در جوار امیرالمومنین علیه‌السلام رحل اقامت افکنده و از محضر آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی و برخی آیات عظام دیگر استفاده نموده و خود به تدریس و گفتن تفسیر پرداخته تا در سال 1392 هجری قمری که روی فشار وتهدیدهای دولت شوم بعث عراق به لبنان و بیروت عزیمت نموده و پنج سالی نیز در آنجا به فعالیت و خدمات دینی پرداخته تا در سال 1396 قمری و آشفتگی وضع لبنان مهاجرت به مکه معظمه نموده و دو سالی در جوار بیت‌اللّه الحرام رحل اقامت افکنده و تا سال 1398 قمری در نزدیکی مقام ابراهیم علیه‌السلام کرسی تدریس فقه جعفری گذارده و به تدریس فقه شیعه و نشر معارف حقه اثنی‌عشریه پرداخته و در ماه ذی‌قعده الحرام برای پخش اعلامیه و سخنرانی بر علیه رژیم منفور پهلوی از طرف دولت سعودی زندانی شده و بعد از چند ماه آزاد و پس از سقوط دولت طاغوتی و اعلان حکومت جمهوری اسلامی و آزادی بعد از پنجاه و هفت سال اختناق و استبداد برای دیدار امام و خویشان و دوستان پس از چهارده سال به وطن برگشته و برای ادامه

وظائف روحی و دینی رحل اقامت به قم افکنده و مشغول تدریس و گفتن تفسیر موضوعی قرآن و اقامه نماز جمعه در مسجد جمکران قم گردیده است جناب دکتر صادقی دو بار به زندان بیدادگران مبتلا گردیده است اول برای سخنرانی در مسجد اعظم قم بر علیه شاه جلاد و عمال جنایتکارش دوم در مکه معظمه از طرف دولت سعودی به اشاره دولت طاغوتی ایران و جمعا مدت هفده سال در خارج کشور به شرح زیر ده سال در نجف اشرف پنج سال در لبنان و بیروت و دو سال در مکه معظمه به سر برده و در طول این مدت شب و روز به تالیف و تصنیف اشتغال داشته و کتب سودمندی به یادگار گذارده که فهرست مطبوع مخلوط آن را تقدیم می‌دارم.

تالیفات عربی مطبوع مترجم محترم.

1- المقارنات العلمیه و الکتابیه بین کتب السماویه.
2- علی والحاکمون.
3- حواربین الالهین و المادیین.
4- رسول الاسلام فی الکتب السماویه.
5- عقاید نابین کتب السماویه.
6- الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه 20 جلد چهار جلد به طبع رسیده. 7- فتیاتنا.
8- حواربین اهل الجنه و النار.
9- علی شاطئی الجمعه.
10- لماذا انتصرت اسرائیل و متی تنهزم.
11- المناظرات بین الالهین و المادبین.
12- الفقه علی ضوء القرآن.
13- تالیفات فارسی چاپ شده.
14- بشارات عهدین.
15- زمین و آسمان ستارگان از نظر قرآن.
16- آفریدگار و آفریده از نظر مادی و الهی.
17- مسیح از نظر قرآن و انجیل.
18- گفتگوئی در مسجد النبی.
19- دولت مهدی پرچم‌دار انقلاب جهانی.
20- خاتم پیغمبران از نظر قرآن.
21- حکومت قرآن.
22- اسرار ومناسک و ادله حج.

تالیفات چاپ نشده.

23- تقریرات الفقه عن الاستاد المحقق البروجردی.
24- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری.

25- حاشیه بر منظومه سبزواری.
26- حاشیه بر شرح لمعه.
27- المعاد فی نظر القرآن.
28- النبوه فی نظر القرآن.
29- حول آیه التطهیر.
30- شذرات الوسائل والوافی.
31- حاشیه تحریر الوسیله.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صادقی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا مصطفی صادقی ابن علامه الحجة آقای حاج میرزا ابوالحسن عالم طراز اول و روحانی عالیقدر بود.
فقید سعید از خاندان جلیل روحانیت و نواده عالم گرانقدر خاتم المجتهدین مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمدصادق قمی یکی از شخصیتهای بزرگ و مشهور تاریخ اسلام و تشیع در قرن اخیر است.
مرحوم آیت‌اللّه صادقی عمر پربرکت خود را در راه علم و فقاهت و تدریس و تعلیم و معارف اسلامی در حوزه علمیه قم به پایان رسانید. وی نمونه‌ای عالی از روحانیت و تربیت درخشان مکتب اسلام بود. علم و عمل و زهد و پارسائی در وجود شریفش جمع و ناصیه بلندش را هاله‌ای از نور معنویت و قداست فراگرفته بود. آنچنان شخصیتی جذاب و محبوب داشت که خاطره‌اش برای همیشه در دل دوستان و ارادتمندانش باقی خواهد ماند.
آیت‌اللّه صادقی در سال 1311 قمری در قم به دنیا آمده و پس از تحصیل و تکمیل سطوح مهاجرت به نجف نموده و بعد از انجام تحصیلات عالیه در نجف اشرف در محضر اساتید بزرگ علمی مانند آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه آقای ضیاءالدین عراقی و دریافت اجازات عالیه اجتهاد از آیات عظام مذکور به زادگاه خود شهرستان مذهبی قم مراجعت کرده و سپس بیش از نیم قرن، به تربیت علمی و معنوی و اخلاقی طلاب و دانشجویان معارف اسلامی پرداخت و بسیاری از فضلا و دانشمندان از محضر درسش کسب فیض کردند و مشکلات اجتماعی فراوانی از اهالی قم در مجلس او حل و فصل می‌شد. و معظم له در طول سی سال مرجع مردم شرافتمند قم بوده و اکثر کارهای مذهبی و اجتماعی و سمت قضاوت شرعی در مرافعات و دعاوی اهالی قم به دست ایشان جاری می‌شد فقد سعید، تجسم قطعی اخلاق حسنه تربیت مکتب اسلام بود. برخورد ملایم و چهره پیوسته مهربان و متبسم وی جلوه‌ی صداقت و مظهر پاکی و محبت بود. مقام زهد و کم‌توجهی او به مظاهر فریبنده مادی و قناعت به حداقل معیشت و اجتناب از تجمل، از خصوصیات بارز این روحانی بزرگ است. در طول زندگانی طولانی و سودمندش، هرگز دلی از گفتار و خاطری از رفتارش نرنجید و پیوسته زبان نصیحتش بر طبق موازین «موعظه حسنه» نرمی و جاذبه و نفوذ و متانت را یکجا

جمع داشت. زندگانی آیت‌اللّه فقید در ده سال اخیر در اثر کهولت همراه با کسالت و ناتوانی گشت و همین فرسودگیها بود که رفت و آمد و فعالیتهای اجتماعی او را محدود ساخت. لیکن جلسات تحقیق و تدقیق مسائل فقهی به طور مداوم در منزلشان با حضور جمعی از علما و دانشمندان برگزار می‌گردید.
و بالاخره با کمال تاسف در سحرگاه شنبه دوازدهم خرداد ماه 1358 برابر با هفتم رجب‌المرجب 1399 ق پس از یک دوره بیست روزه بیماری آپاندیس در تهران به جوار رحمت حق‌تعالی پیوست.
جنازه‌ی این روحانی عظیم‌الشأن در میان استقبال و تشییع گروه‌های مختلف از اهالی شهرستان قم و با حضور دانشمندان و فضلاء حوزه علمیه و با شرکت مراجع ارجمند تقلید حضرات آیات عظام گلپایگانی و نجفی مرعشی در گورستان متبرک «شیخان» قم همراه با اندوه فراوان به خاک سپرده شد.
از تاریخ فوت تا چندین روز، جلسات ترحیم از سوی رهبران حوزه علمیه و مراجع تقلید در قم و تهران برگزار شده است.
ضمنا مراسم شب هفت فقید سعید، ساعت 5 تا 7 بعد از ظهر پنجشنبه دوازدهم رجب مطابق با هفدهم خرداد در مسجد امام قم برگزار گردیده است.
از باقیات الصالحات آن مرحوم یگانه فرزند برومند آن مرحوم جناب حجت‌الاسلام استاد دکتر علی‌اکبر صادقی است که در سال 1308 شمسی متولد شده است. معظم له پس از پرورش در بیت علم و تقوی و طی دوره تحصیلات جدید به تحصیل علوم دینیه پرداخته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه داماد و آیت‌اللّه العظمی صدر (پدر همسر ایشان) و مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده تا به دریافت اجازه اجتهاد نائل و بنابر تشویق آیت‌اللّه صدر و آیات دیگر برای خدمت بیشتری در دانشگاه تهران قسمت دانشکده حقوق وارد شده و پس از پایان دوره آن و اخذ گواهی دکترا به عنوان دانشجوی ممتاز در دوره دکتری حقوق فارغ‌التحصیل شده و هم‌اکنون استاد دانشکده در دانشگاه و برخی دانشکده‌های دیگر است که در کنار تدریس برنامه‌های دانشگاهی دانشجویان را با معارف اسلامی و اخلاقی دینی آشنا می‌سازند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صافی اصفهانی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ محمد حسن صافی اصفهانی از علماء و مدرسین و چهره‌های درخشان علمی معاصر اصفهانند. تولد ایشان در اصفهان شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات به قم آمده و چندی اقامت و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته آنگاه در عصر آیت‌اللّه العظمی بروجردی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا کفایه را سطحا و خارجا از مرحوم آیت‌اللّه...حاج شیخ عبدالحسین رشتی شاگرد مبرز مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و آیات عظام دیگر استفاده نموده و خود به تدریس سطوح عالی و گفتن درس خارج فقه و اصول پرداخته و عده‌ای از افاضل مانند حجةالاسلام والمسلمین حاج سید عبدالعلی تقوی شیرازی معاصر تهران از دروس سطح و خارجش استفاده نموده تا در حادثه اخیر عراق و فشار دولت بعث به ایرانیان مقیم و اتباع خارجه مجبور به مراجعت و در اصفهان رحل اقامت افکند و به تدریس خارج و اقامه جماعت و نشر معارف و حقایق دینی اشتغال یافت.
شیخ حسن صافی فرزند آقا نصراللّه متولد 1298 شمسی در قم از آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی خمینی و در نجف از آیات عظام حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج شیخ محمدعلی خراسانی و حاج سید عبدالهادی شیرازی و حاج سید محسن حکیم و بیشتر آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نمود سپس به اصفهان بازگشت و سالها به تدریج خارج فقه و اصول اشتغال داشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صافی گلپایگانی، لطف‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم و پانزدهم ق)، عالم دینی و نویسنده. در گلپایگان به دنیا آمد و پس از طی مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نمود و از محضر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی در فقه و اصول استفاده نمود. آن‌گاه به همراه پدر در 1366 ق به نجف مشرف شد. وی از اساتید حوزه‌ی علمیه قم و داماد آیت‌الله گلپایگانی است. از آثارش: «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر»، در اثبات وجود حضرت امام زمان (عج)؛ «شهید آگاه»، رد بر «کتب شهید جاوید»؛ «ماه رمضان یا روش تربیت و اخلاق».[1]
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج‌آقا لطف‌الله صافی بن العلامه البارع الحاج شیخ محمدجواد گلپایگانی مذکور از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم و داماد معظم آیت‌الله العظمی گلپایگانی است.
تولدش در گلپایگان واقع شده و پس از طی مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی فقها و اصولا استفاده نموده و مانند برادر ارجمندش حجه‌الاسلام آقای حاج‌آقا علی صافی به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و مورد نظر مخصوص مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی واقع شده و اثرات نفیس و ارزنده‌ای از خود منتشر نموده است:
1- منتخب‌الاثر در اثبات وجود حضرت امام ثانی‌عشر حجه بن الحسن ارواحنا له الفداء و عجل‌الله فرجه الشریف که مورد نظر و توجه مخصوص آیت‌الله بروجردی واقع و به امر آن جناب به طبع رسیده.
2- شهید آگاه رد بر کتاب شهید جاوید.
3- ماه رمضان یا روش تربیت و اخلاق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (367 / 22)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14 / 331- 332)، گنجینه‌ی دانشمندان (189 / 2).

صافی، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدجواد ملقب به صافی ابن ملا عباس گلپایگانی عالمی فقیه و مصنفی ادیب و فاضلی جلیل از حسنات معاصر ما بوده‌اند. ایشان در 1288 در گلپایگان متولد شده و پس از پرورش در سال 1305 قمری به اصفهان مهاجرت و از محضر حکیم قشقائی میرزا جهانگیر خان و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمدعلی توسرگانی و سید محمدباقر درچهی و آقانجفی اصفهانی و غیرهم حدود ده سال استفاده نموده و در سال 1316 ق به گلپایگان مراجعت و به تدریس و تصنیف و سایر امور پرداخته تا به رحمت حق پیوسته است
از آثار اوست (گنجینه گهر) و (گنج عرفان) و (مصباح‌الفلاح) و (نفایس‌الوفان) و غیره و از باقیات الصالحات است دو فرزند دانشمند و بزرگوارش بنام آیت‌اللّه حاج آقا علی صافی که از مدرسین بزرگ حوزه علمیه و 2 حجةالاسلام والمسلمین حاج آقا لطف‌اللّه صافی صاحب (منتخب‌الاثر) و تالیفات دیگر که در ج 2 ص 188 و 189 گنجینه ایشان را یاد نمودیم
حجةالاسلام آشیخ محمدحسن بن ملا محمدحسین گلپایگانی عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان آقا نجفی اصفهانی و غیره بوده و در حدود 1315 وفات نمود
(تو 1368 -1288 ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. در گلپایگان به دنیا آمد و در همان شهر نشوونما یافت. در حدود 1305 ق به اصفهان رفت و در محضر درس حکیم معروف، میرزا جهانگیرخان قشقایی، و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمد علی تویسرکانی و سید محمد باقر درچه‌ای و آقا نجفی اصفهانی و برادرانش، آقا نورالله و ثقه‌الاسلام، حاضر شد و حدود ده سال در آن شهر به کسب علم پرداخت. او همچنین در تهران نزد شیخ فضل‌الله نوری تلمذ کرد. در 1316 ق به گلپایگان بازگشت و به تدریس و تصنیف و سایر امور دینی پرداخت. وی در قم مدفون است. از آثار منظوم و منثور وی: «گنجینه‌ی گهر» یا سخنان پیغمبر (ص)، شعر؛ «گنج عرفان» یا سخنان امیر مومنان (ع)؛ «مصباح الفلاح و مفتاح النجاح»؛ «نفایس العرفان»؛ «دیوان» شعر، حدود پانزده هزار بیت؛ «صافی نامه» یا «فیض ایزدی»، در پاسخ احمدی؛ «بشارت میلادیه»؛ «اشعار شیوا»، در رد باب و بها؛ «گنج دانش»، پندنامه، شعر.[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (241 / 24 ،116 / 21 ،239 / 18 ،5 / 15 585، / 9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 332 -331 / 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (422 -421 / 6)، مؤلفین کتب چاپی (421 / 2).

صالحی، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌اصغر صالحی کرمانی اول عالم و دانشمند متنفذ و نافذالکلمه معاصر کرمان و از شخصیتهای برجسته و رجال فضیلت و تقوای اسلامست در آن سامان.
ولادت آنجناب در حدود 1318 ق واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات سطوح اولیه و متون فقه و اصول را در کرمان تحصیل نموده و برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد نجف‌آبادی و آیت‌اللّه حاج میرزا محمدصادق اصفهانی و آیت‌اللّه حاج میرزا سید علی مدرس نجف‌آبادی استفاده و سطوح را به پایان رسانیده و در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و در خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری تلمذ نموده و قسمت عمده معقول را از آیت‌اللّه حاج میرزا خلیل کمره‌ای فراگرفته و پس از شش سال و نیم اقامت در قم مراجعت به کرمان و چون اوضاع آن روز کرمان مساعد نبود مجدداً به قم برگشته و حدود سه سال دیگر توقف و بعد از آن بنابر درخواست مردم کرمان و امریه مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری به کرمان عزیمت و از اول ورود به انجام وظائف دینی و تدریس و تربیت طلاب و محصلین اهتمام و سعی بلیغ گماشته و با همت رفیق شفیق و مصاحب موافق خود مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا علی آقای مهرابی و بعض دیگر مدرسه معصومیه را دائر و مسکن طلاب قرار داده و عده‌ای از جوانان مهذب کرمان را تربیت و در سلک محصلین و دانشجویان علوم دینی درآورده که هر کدام در حال حاضر از علماء بنام و وعاظ گرام و ائمه جماعت مقیم کرمان و تهران و غیره می‌باشند.
آیت‌اللّه صالحی در کرمان مانند علماء گذشته آن سامان مواجه با فرقه ضاله شیخیه می‌باشد و غالباً با آنان مبارزه منفی و مثبت نموده و از شیوع مرام باطل آنها جلوگیری و شر آنها را دفع و از تبلیغات سوء و افکار موهوم و بدعتهای آنان بوسیله دعوت کردن از مبلغین و وعاظ توانا چون خطیب شهیر جناب آقای فلسفی و مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری واعظ و غیره جلوگیری نموده تا حدی که بحمداللّه در حال حاضر ساقط گردیده‌اند.
معظم له از خاندان علمی کرمانست و دو نفر از رجال علم و دانش کرمان

یکی مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا علی‌اکبر معروف به مجتهد (که ذکرش گذشت) عموی ایشان و دیگر مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا محمدصالح کرمانی خال و دائی گرامی ایشانست که از اینجهت شهرت به صالحی گرفته‌اند برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

صانعی، یوسف

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیة الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی، در سال 1316 ش، در خانواده ای روحانی در روستای نیک آباد اصفهان ولادت یافتند. جدّ ایشان آیة الله حاج ملاّیوسف، از علمای پرهیزکار و وارسته زمان خود بودند. ایشان در فلسفه، از شاگردان میرزا جهانگیرخان و در فقه، از شاگردان آیة الله العظمی میرزا حبیب الله رشتی بودند. آن بزرگوار به میرزای شیرازی بزرگ، رهبر نهضت تنباکو، دلبستگی فراوان داشته و از مروّجان وی بوده است. ایشان از آزادمنشی قابل وصفی برخوردار بودند و همواره در مقابل خوانین و زورمداران آن زمان، ایستادگی می کردند.
پدرشان مرحوم حجة الاسلام آقای شیخ محمدعلی صانعی نیز عالمی وارسته و روحانی زاهد و پرهیزکاری بودند و همواره ایشان را به فراگیری علوم حوزوی فرا می خواندند.
این گونه بود که معظّم له، در سال 1325 ش، وارد حوزه علمیه اصفهان شدند و پس از گذراندن دروس مقدمات و کسب فیض از محضر علمای آن حوزه، در سال 1330 ش، برای ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم شدند. استعداد زیاد و جدّیت فراوان ایشان، باعث شد که از همان زمان، در زمره طلاّب موفّق و مورد توجّه و علاقه بزرگان حوزه در آن زمان قرار گیرند. ایشان در امتحانات سطوح عالی حوزه در سال 1334 ش، رتبه اول را احراز نمودند و مورد تشویق مرحوم آیة الله العظمی بروجردی(قدس سره) قرار گرفتند.
از همین سال بود که با توجّه به ویژگیهای منحصر به فرد درس خارج حضرت امام خمینی سلام الله علیه، در آن شرکت نموده، توانستند با نبوغ و جدّیت خود، تا سال 1342 به طور مستمر از حوزه درس اصول و فقه و مبانی مُتقن حضرت امام بهره برده، در زمره شاگردان برجسته ایشان قرار گیرند. حضور فعّال در درس خارج امام سلام الله علیه طی سالیان دراز و ممارست فراوان نسبت به فراگیری مبانی و تحقیقات آن بزرگوار، اِشراف ایشان را بر دیدگاه های فقهی و اصولی امام را به درجه ای رساند که به تعبیر خودشان، در حدّ شعور مبانی بود و از حدّ صِرف دانستن، بالاتر.
آیة الله العظمی صانعی با سعی و اهتمام و توفیق الهی توانستند در 22 سالگی به مرحله اجتهاد دست یابند. ایشان علاوه بر سالها تلمّذ در حوزه درس حضرت امام، از محضر اساتید بزرگی چون: آیة الله العظمی

بروجردی، آیة الله العظمی محقّق داماد و آیة الله العظمی اراکی ـ رحمهم الله ـ نیز بهره برده اند و از سال 1354، رسماً تدریس خارج فقه را با کتاب زکات در مدرسه حقّانی (شهیدین) شروع نمودند و تقریرات آن درس به قلم دو تن از شاگردانشان، موجود است.
جمع کثیری از طلاّب و فضلا، با شروع درس خارج فقه ایشان، توانستند از حوزه درس معظّم له استفاده کنند که اینک بسیاری از آنان، جزو محقّقان و پژوهشگران ارزنده حوزه اند و برخی نیز در حدّ اجتهاد هستند که در حوزه های علمیه اشتغال داشته اند و یا در اداره نظام جمهوری اسلامی، ایفای وظیفه می کنند. فعّالیتها و مبارزات سیاسی

اغلب مبارزات سیاسی و فعّالیتهای انقلابی ایشان در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش در ابعاد فرهنگی و تبلیغاتی بوده است. این تلاشهای ظلم ستیزانه، از طریق تبلیغ، سخنرانی، حضور در تظاهرات و راهپیماییها و صدور اعلامیه و بیانیه های سیاسی انجام می گرفت.
بر اساس آنچه در جلد سوم کتاب اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است، نام و امضای آیة الله العظمی صانعی، در ذیل حدود سی اعلامیه سیاسی و انقلابی به ثبت رسیده است که اولین آن، نامه ای است که پس از انتقال حضرت امام خمینی از ترکیه به نجف اشرف، از سوی علمای قم، خطاب به رهبر کبیر انقلاب نوشته شده است. تاریخ انتشار این نامه مهر ماه 1344 است. همچنین آخرین بیانیه ای که نام و امضای ایشان و دیگر همراهان انقلاب در ذیل آن می درخشد، اعلامیه ای است که در مخالفت با دولت بختیار، در تاریخ 17/10/1357 صادر شده است.
البته بدیهی است که تمامی اعلامیه های آن دوران، در کتاب مزبور نیامده است. مهم ترین بیانیه شدیداللحن علمای قم در قبل از انقلاب، درباره «خلع ید شاه از حکومت» است که به تأیید جمعی از فضلا و مدرّسان حوزه علمیه قم رسیده است و نام و امضای آیة الله صانعی نیز در ذیل آن به چشم می خورد.
موضوع اعلامیه مذکور، همچون سایر بیانیه های سیاسی آن دوران، بسیار حسّاس، خطرناک و به گونه ای بود که تنها انقلابیان واقعی و یاوران شجاع حضرت امام خمینی، جسارت امضای آن را داشتند; چه اینکه بسیاری از آن اعلامیه ها، از دیدگاه حکومت پهلوی، جرمی نابخشودنی و مستوجب قتل بود. شاید ترس از همین عواقب خطرناک موجب گردید تا امضای افراد معدودی از علما در ذیل اعلامیه «خلع شاه از حکومت» قرار گیرد.
سردمداران حکومت پهلوی، برای جلوگیری از رشد فزاینده انقلاب اسلامی، همواره می کوشیدند تا مسئله مرجعیّت امام خمینی را خدشه دار

جلوه دهند و از آن طریق، در اذهان عمومی نسبت به صلاحیت علمی، سیاسی و مذهبی معظّم له خللی وارد کنند. از این رو، جمعی از علما و فضلای حوزه های علمیه، از جمله حضرت آیة الله صانعی، بخشی از تلاش سیاسی و علمی خود را در خنثا کردن این توطئه حکومت پهلوی قرار دادند و در جهت تثبیت مرجعیّت امام خمینی، فعّالیت می کردند.

صائغ، ابراهیم

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بخش 1) ابراهیم ابن میمون مکنی به ابواسحاق، از مردم مرو (مقت. 131 ه.ق.). وی فقیهی فاصل و آمر به معروف بود. ابومسلم خراسانی او را بکشت.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صائن‌الدین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بن محمد بن محمد ترکه اصفهانی دانشمند معروف (ف. 835 ه.ق.). وی ابتدا نزد برادر بزرگ خود که فقیه و متصوف و متشرع بود به تحصیل علوم پرداخت، سپس به امر برادر، پانزده سال به سیاحت بلاد و تحصیل علم گذرانید، و در علوم معقول و منقول و علوم غریبه (علم نقطه، حروف، اعداد، جفر و غیره) مهارت یافت. امیر تیمور پس از فتح اصفهان او و برادرانش را به سمرقند کوچ داد. صائن از نزد برادر بزرگ خویش، به طلب کمال و زیارت کعبه سفر کرد و به شام و مصر و حجاز رفت و در مصر به خدمت شیخ سراج‌الدین رسید. پس از بازگشت از عراق خبر مرگ تیمور را شنید و در اصفهان منزوی گردید و به افاده و استفاده پرداخت. پیر محمد والی فارس در حدود 809 -808 او را به شیراز دعوت کرد و پس از کشته شدن پیرمحمد (813 ه.ق.) و حکومت برادر وی میرزا اسکندر، صائن در خدمت شخص اخیر بود و در اصفهان نزد وی مقرب میزیست. پس از طغیان اسکندر بر شاهرخ (817) و فتح اصفهان و فارس به دست شاهرخ، صائن بار دیگر انزوا اختیار کرد، و در این اثنا دو سفر به خراسان رفت و بار دوم منظور نظر شاهرخ گردید و به قضاوت ولایت یزد منصوب منصوب گردید. از تألیفات اوست به عربی، شرح فصوص الحکم (814 ه.ق.)، مفاحص در علم حروف و اعداد مبتنی بر بیان توحید، رساله بائیه در اعداد و حروف و جفر، رساله انزالیه در نزول کتاب مطابق مشرب متکلمان، رساله محمدیه در الفاظ و حکم قرآن و کشف اسم محمد مطابق مشرب حروفیان، رساله مختصر در توضیح تعلیقات کشاف، کتاب مناهج در منطق، و از تألیفات فارسی اوست: شرح قصیده تائیه ابن فارض به پارسی و به نثر فنی، اسرار الصلوة مطابق اصول تصوف، رساله در اطوار ثلاثه تصوف، تحفه علائیه در اصول و آداب اسالم بر طبق چهار مذهت سنت، مدارج افهام الافواج فی تفسیر ثمانیة ازواج، رساله در اعتقاد به نام شاهرخ (برای رد تهمت تصوف)، رساله در شرح لمعات عراقی.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صباغ، محمد صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه. نزد ملا هادی سبزواری تصحیل علم نمود و از خواص و مشاهیر شاگردان وی شد. صاحب «المآثر و الآثار» وی را کاشانی و در فقه و زهد و اخلاق ممتاز توصیف کرده است، ولی شیخ محمد علی حبیب‌آبادی وی را اصفهانی‌الاصل می‌داند. از آثارش شرح «تشریح الافلاک» را می‌توان نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 855 -854 / 14)، المآثر و الآثار (160).

صبغی نیشابوری، شیخ‌الاسلام ابوبکر

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(342 -258 ق)، مفتی، محدث، عالم و فقیه شافعی. پدرش، اسحاق بن ایوب، از علمای نیشابور بود. احمد از نیشابور به ری، بصره، بغداد و حجاز سفر کرد. او یحیی بن محمد ذهلی و ابوحاتم رازی را درک کرد و از فضل بن محمد شعرانی و اسمعیل بن قتیبه و یوسف بن یعقوب یا یعقوب بن یوسف قزوینی و حارث بن ابی‌اسامه و هشام بن علی سیرافی و علی بن عبدالعزیز بغوی و محمد بن ایوب بجلی و اسماعیل قاضی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید و آن گاه به جمع‌آوری و تصنیف پرداخت. صبغی در فقه و شناخت حدیث سرآمد بود. در 283 ق به حج رفت. او رئیس شافعیه نیشابور شد و متجاوز از پنجاه سال متصدی منصب افتاء بود و به عقل و رای ضرب‌المثل. حاکم گوید که صبغی به احدی اجازه نمی‌داد که در مجلسش غیبت کند. حمزه بن محمد زیدی و ابوعلی حافظ نیشابوری و ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن ابراهیم جرجانی و ابوعبدالله حاکم نیشابوری و بسیاری دیگر از او حدیث روایت کرده‌اند. از وی آثار مبسوطی، در فقه و حدیث، به جای مانده است که از آن جمله‌اند: «الطهاره»؛ «الصلاه»؛ «الزکاه»؛ «المبسوط»؛ «الاسماء و الصفات»؛ کتاب «الایمان»؛ «القدر»؛ کتاب «فضائل الخلفاء الاربعه»؛ کتاب «الرؤیه»؛ کتاب «الاحکام»؛ «الامامه».
در «الوافی بالوفیات» کتاب «الایمان» وی تحت عنوان «الایماء» و سه کتاب «الرؤیه» و «الاحکام» و «الامامه» تحت یک عنوان «الرؤیه و الاحکام و الامامه»آورده شده است. در «شذرات الذهب» و «العبر»، صاحب عنوان به نام ضبعی آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (91 / 1)، الاعلام بوفیات الاعلام (234 / 1)، انساب سمعانی (521 / 3)، تاریخ نیشابور (179)، سیر النبلاء (489 -483 / 15)، شذرات الذهب (361 / 2)، العبر (63 / 2)، الکامل (345 / 6)، کشف الظنون (1275)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (160 / 1)، النجوم الزاهره (353 / 3)، الوافی بالوفیات (239 / 6)، هدیه العارفین (62 / 1).

صبوری قمی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1335 ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر. پس از فراغت از مقدمات، در بیست سالگی شروع به تحصیل سطوح عالی در خدمت شیخ حسن فاضل و آیت‌الله میرزا محمود روحانی و آیت‌الله آقا میرزا محمد همدانی کرد. پس از تکمیل سطوح، مدت کوتاهی از درس خارج آیت‌الله حایری و پس از فوت آن استاد از درس آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله سید صدرالدین صدر در فقه و اصول، استفاده‌ها برد. آن‌گاه به بروجرد رفت و از درس آیت‌الله بروجردی بهره برد. وی دارای اجازاتی از آیت‌الله خویی و آیت‌الله میلانی و آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله سید علی علامه فانی اصفهانی بود. او در قم به انجام وظائف دینی مشغول بود تا به دعوت بعضی علمای کاشان در 1346 ق، برای تدریس و رسیدگی به امور محصلین آنجا،به آن شهر رفت و در مدرسه‌ی سلطانی و مدرسه‌ی گذر باباولی به تدریس سطوح عالی و خارج پرداخت. از آثارش: «الفیه» موسوم به «سلک الدرر فی نظم الاثر»؛ «الدرر البهیه»، در ترجمه‌ی وصیت‌نامه‌ی امیرالمومنین (ع)، «الحجه القامعه علی الکسرویه المبدعه»؛ «انباء الغیب فیما فیه لا ریب».[1]
شیخ جعفر بن حسین بن باقر صبوری قمی از علماء مبرز و دانشمندان متقی معاصر کاشانست.
آنجناب در شهرستان مذهبی و علمی قم که حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام است در حدود سال 1335 قمری به دنیا آمده و بعد از پرورش در اوان بلوغ به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخته و بعد از فراغت از مقدمات در سن بیست سالگی شروع به تحصیل سطوح عالی خدمت مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌اللّه آقای حاج میرزا محمود روحانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی نموده و پس از تکمیل آن مدت قلیلی از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و پس از فوت آن مرحوم از درس خارج آیت‌اللّه محقق حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه حاج سید صدرالدین صدر فقهاً و اصولا استفاده نموده.
آنگاه مهاجرت به شهرستان بروجرد و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب ثراه در مدرسه (نوربخش) که تدریس مکاسب محرمه می‌نمودند مستفیض گردیده سپس به قم مراجعت و به انجام وظائف

معموله پرداخته تا در سال 1364 قمری که بنابر دعوت بعضی از علماء مقیم کاشان که حوزه علمیه تأسیس و از آیات عظام و زعماء حوزه علمیه قم استدعاء مدرسی و مدیری برای اداره سرپرستی حوزه مذکوره کرده بود و آقایان هم معظم له را انتخاب کردند به کاشان عزیمت و چندی قیام به تدریس و رسیدگی امور محصلین آنجا نموده و بعد به وطن خود برگشته به قصد اینکه در حرم ائمه معصومین علیهم‌السلام اقامت نماید که اهالی کاشان از مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استدعاء بازگشت آنجناب را نموده و آن مرحوم هم فرمودند که معین است معاودت شما به کاشان.
پس قبول نموده و به کاشان منتقل و در مدرسه سلطانی و مدرسه گذربابا ولی به تدریس سطوح عالی و خارج و تا حال تحریر بیش از سی سالست که در دارالمؤمنین کاشان به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس و تألیف اشتغال دارند.
و از آثار قلمی و علمی آنجناب کتب زیر می‌باشد.
1- الفیه موسوم به سلک الدرر فی نظم الاثر
(الفیة سمیتها سلک الدرر
و شحت بالاسناد فی نظم الاثر)
2- الدرر البهیه در ترجمه وصیت‌نامه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) با فرزندش حضرت امام حسن (ع).
3- الحجة القامعة علی الکسرویة المبدعه 4- انباء الغیب فیما فیه لا ریب.
آنجناب دارای اجازات عدیده روایتی و غیره از آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه العظمی میلانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّه حاج سید علی علامه فانی اصفهانی ادام اللّه ظلالهم علی رؤس المسلمین می‌باشد.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه صبوری عالمی متین و دانشمندی بارع و مانند شهرتش صبور و در مصائب و امور و دارای محامد اخلاق و محاسن اوصاف و عاری از تظاهر می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمدان (271 -269 / 6).

صد تومانی، محمد سعید

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1250 ق)، فقیه و عالم. خاندان صد تومانی از خانواده‌های معروف و قدیم نجف است که علمای بزرگی از میان آنان برخاسته، اگر چه از کتب رجال بدور افتاده‌اند. وی از شاگردان بزرگ سید مهدی بحرالعلوم است که از وی اجازه داشت.او رساله‌ی در مناظره‌ی استادش با علمای یهودی تألیف کرد. وی همچنین از شیخ جعفر کاشف الغطاء و استاد کل وحید بهبهانی و سید محمد جواد عاملی، صاحب «مفتاح الکرامه»، با اجازه روایت کرده است. سید رضا فرزند سید مهدی بحرالعلوم و میرزا احمد بن لطفعلی تبریزی و شیخ مرتضی انصاری از وی روایت کرده‌اند، و شیخ انصاری به روایتش از صد تومانی که، از مشایخ وی بود، افتخار می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 602 -601 / 13).

صدر الافاضل خوارزمی، ابومحمد، قاسم

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(617 -555 ق)، ادیب، نحوی، فقیه حنفی و شاعر. مقلب به مجدالدین. وی در خوارزم به دنیا آمد. از ادبای نامی عصر خود که در نحو و خطب و فنون شعری و علوم ادبی و عربی وحید دهر بود. وی در فتنه‌ی تاتار کشته شد. از تألیفات وی: «بدایع الملح»؛ «التوضیح»، در شرح «مقامات» حریری؛ «الزوایا فی الخبایا»، در نحو؛ «شرح الابنیه»؛ شرح «الاحاجی» زمخشری؛ شرح «مفصل» زمخشری که سه گونه است: شرح وسیط و صغیر و کبیر به نامهای «سبیکه»، «مجمره» و «تجمیر»؛ ««شرح النموذج»؛ «عجائب النحو»؛ «لهجه الشرع»، در شرح الفاظ فقهی؛ «المحصل»، در بیان؛ «ضرام السقط»، در شرح «سقط الزند»، شرح مشکلات «دیوان» ابوالعلاء معری.[1]
(ع. پیشوای دانشمندان بخش 2) قاسم بن حسین بن احمد خوارزمی نحوی حنفی مکنی به ابومحمد و ملقب به مجدالدین، ادیب ایرانی (مقت. 617 ه.ق.). وی در نحو و خطب و فنون شعر و علوم ادبی عرب کم نظیر بود. اوراست: بدایع الملح، التجمیر (شرح کبیر کتاب مفصل زمخشری)، التوضیح (در شرح مقامات)، السبیکة (شرح وسیط کتاب مفصل)، (الزوایا فی الخبایا) (نحو)، شرح الابنیة، شرح الاحاجی (تألیف زمخشری)، ضرام السقط (شرح سقط الزند ابوالعلاء معری) و غیره. وی در فتنه مغول به قتل رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (8 / 6)، ریحانه (424 -423 / 3)، کشف الظنون (1790، 1789، 1775، 161، 993- 992، 956، 230)، الکنی و الالقاب (410 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر الافاضل)، معجم الادباء (253 -238 / 16)، معجم المؤلفین (98 / 8)، هدیه الاحباب (185)، هدیه العارفین (828 / 1).

صدر جهان طبسی، امیر حسین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر، متخلص به لسان. از شاگردان شیخ محمود لاهیجی، شاگرد شهید ثانی، است و از وی در 974 ق موفق به دریافت اجازه شد. او ساکن حیدرآباد دکن بود و در همان شهر نیز وفات یافت. در «ریاض العلماء» صاحب عنوان یکبار تحت نام امیرحسین آمده است. از آثارش: «الصید و الذبائح» ، به فارسی که برای همایون اعظم قطب شاه نگاتشه و در ان اسامی حیوانات و پرندگان و حشرات را به فارسی و عربی و ترکی و دکنی مرتب بر حروف الفبا ذکر کرده و حکم هر یک و فایده‌ی طبی هر کدام و حکایاتی درباره‌ی آنها آورده است؛ کتاب «ذخیره الجنه»، در اعمال سال و ادعیه و آداب، که آن را برای سلطان ابراهیم قطب شاه، ملک دکن، (متوفی 988 ق) تألیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (105 / 15، 15 / 10)، ریاض العلماء (91 / 2 176،/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 108 / 10، قرن 292 / 11)، گنجینه‌ی دانشمندان (30 / 6).

صدر شهید، حسام‌الدین، ابومحمد، ابوحفص عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(536 -483 ق)، فقیه حنفی. معروف به ابن‌مازه. اهل خراسان بود. نزد پدرش، علامه ابوالمفاخر، فقه آموخت و به پایه‌ای رسید که ضرب‌المثل شد و نزد سلطان جایگاه رفیعی یافت. عده‌ای از او فقه آموختند. وی از عی بن محمد خدام حدیث شنید و ابوعلی بن وزیر دمشقی از وی حدیث روایت کرده است. در واقعه قطوان در سمرقند کشته شد و در بخارا دفن شد. از آثارش: «الجامع»، در فقه؛ «الفتاوی الصغری» و «الفتوی الکبری»؛ «عمده المفتی و المستفتی»؛ «الواقعات الحسامیه»،به نام «الاجناس»، در فروع؛ «اصول حسام‌الدین»؛ شرح «ادب القاضی» خصاف؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی، در فروع فقه حنفی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (210 / 5)، ایضاح المکنون (124 / 2)، سر النبلاء (97 / 20)، کشف الظنون (1998، 1471، 1435، 1431، 1404، 1403، 1228، 1224، 1222، 569، 563، 113، 46، 11)، معجم‌المؤلفین (291 / 7)، النجوم الزاهراه (262 / 5)، هدیه العارفین (783 / 1).

صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1354 -1272 ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل‌عامل و سکونتش در اصفهان و مهاجرتش به عراق بود، به دنیا آمد. وی برادرزاده‌ی آیت‌الله سید صدرالدین عاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو معانی و بیان و بدیع و منطق را فرا گرفت و تحصیل فقه را آغاز کرد در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه خارج استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضیات را از بزرگان وقت فراگرفت و قسمتی از علوم غریبه را نزد شیخ عبدالحسین هندی خواند.در 1297 ق از نجف به سامراء رفت و در حوزه‌ی درس میرزای شرازی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان 1314 ق به کاظمین بازگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. سید صدر از مشایخ اجازه در زمان خود بود و جمع کثیری از بزرگان همچون علامه سید محمد مرتضی جنفوری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام اصفهانی و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود. سید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس الشیعه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاغت و کلام و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. مختصر این کتاب «الشیعه و فنون الاسلام» است. از دیگر آثار وی: «نهایه الدرایه»، شرح و «جیزه‌ی» شیخ بهائی، در درایه الحدیث؛ «ذکری المحسنین»؛ «نزهه اهل الحرمین»؛ «وفیات الاعلام من الشیعه الکرام»؛ رساله‌ای در «رد وهابیت»؛ «سبیل الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»، در سلوک و بیان طریق عبودیت؛ «سبیل النجاه»، در فقه معاملات؛«تکمله امل الآمل»؛ «جامع اخبار الغیبه»؛ «تبیین الاباحه للمصلین»؛ «تحصیل الفروع الدینیه فی فقه الامامیه»؛ «حدائق الوصول الی علم الاصول»؛ «مجالس المومنین»، در وفیات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف الرجال»؛ «مناقب آل الرسول من طریق الجمهور»؛ «خلاصه

النحو»؛ «آداب الحج واسراره»؛ «انتخاب القریب من التقریب»، گردآوری نام محدثانی که ابن‌حجر آنان را شیعه ذکر کرده است؛ «الدرر الموسویه فی شرح العقائد الجعفریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (209 / 1)، الاعلام (240 -239 / 2)، اعیان الشیعه (330 -325 / 5)، تأسیس الشیعه (مقدمه 35 -1)، الذریعه (114 / 24 ،320 / 22 ،137 / 3 ،359 / 2 ،16 / 1)، ریحانه (425 -424 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 449 -445 / 14)، علماء معاصرین (175 -170)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، معجم المؤلفین (300 -299 / 3)، مکارم الآثار (2019 -2015 / 6).

صدر، اسدالله

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن میرزا علی نوّاب خلیفه سلطانی. عالم فقیه، در اصفهان نزد پدر و دیگران تحصیل نموده، به مقام صدارت در دستگاه صفویّه رسیده، در سال 1114 وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدر، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1258 ق)، عالم دینی، فقیه و مرجع تقلید. معروف به صدر اصفهانی. نسبش به ابراهیم اصغر فرزند امام کاظم (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت، در شش سالگی پس از فوت پدر تحت تربیت برادرش، حاج سید محمد علی آقا مجتهد، قرار گرفت و مقدمات را نزد او خواند. بعد از فوت آقا مجتهد، تحت تعلیم شوهر خواهرش، شیخ محمد باقر اصفهانی، صاحب «هدایه المسترشدین»، قرار گرفت و نزد وی فقه آموخت. در 1281 ق به نجف مهاجرت کرد و ملازم بحث شیخ راضی بن محمد آل خضر نجفی و بحث شیخ مهدی بن علی کاشف الغطاء گشت. سپس مدتی در خدمت میرزای شیرازی قرار گرفت. و با وی به سامراء مهاجرت کرد و عده‌ای از شاگردان سطح متوسط میرزا را درس گفت و بعد از وفات میرزا یک سال و چند ماه در سامراء ماند و در 1314 ق به کربلا رفت و در انجا به ترویج دین و انجام وظائف مذهبی مشغول شد و مرجع تقلید آن دیار گشت. میرزای نایینی، سید شرف‌الدین عاملی، حاج سید حسین فشارکی، شیخ غلامحسین مرندی حائری و شیخ موسی کرمانشاهی حائری از شاگردان وی بودند. او در کاظمین از دنیا رفت و همان جا دفن شد. در «ریحانه الادب» سال وفات وی 1337 ق ذکر شده است. از آثارش: «انیس المقلدین»؛ حاشیه «نجاه العباد» شیخ محمد حسن صاحب «جواهر»؛ «مفتاح الهدایه»، رساله عملیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الحجه (208 -201 / 1)، اعیان الشیعه (404 -403 / 3)، الذریعه (138 / 5)، ریحانه (423 -421 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 160 -159 / 14)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، مکارم الآثار (1567 -1565 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (601 1600 / 1)، میرزای شیرازی (114 -113).

صدر، سید رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1415 -1339 ق)، عالم دینی و فقیه. در مشهد به دنیا آمد و دربیت علم و عزت نشو و نما یافت. او نوه‌ی دختری آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی است. به همراه پدر به قم مهاجرت کرد. پس از خواندن ادبیات، سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فرا گرفت. سالها از دروس خارج پدرش، آیت‌الله صدر، استفاده نمود و معقول را از آیت‌الله موسوی آموخت. او از محضر درس برخی دیگر از اساتید بهره‌مند شد تا خود به تدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه‌ی نماز پرداخت. در 1385 ق بنا به خواسته‌ی آیت‌الله شریعتمداری به تهران آمد و در مسجد حضرت امام حسین (ع) به ترویج دین و اقامه‌ی نماز و تفسیر قرآن پرداخت. آیت‌الله سید رضا صدر برادر بزرگ امام موسی صدر، مرجع و رهبر بزرگ لبنان، است. وی در تهران درگذشت، ماده تاریخ وفاتش (این جهان خرد بود و مرد بزرگ) است. او در جوار حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از جمله آثارش: کتاب «استقامت»؛ کتاب «حسد»؛ کتاب «دروغ»؛ «بانوی کربلا زینب دختر زهراء»، ترجمه‌ی کتاب «زینب» دکتر عائشه بنت الشاطی.[1]
آقای حاج سید رضا بن العلامه الورع آیت‌اللّٰه الحاج سید صدرالدین ابن العلامه الکبری و الایه العظمی الحاج السید اسمعیل صدر موسوی از فضلاء و دانشمندان معاصر تهران و دارای مقام حسب و نسب و علم و ادب می‌باشند. وی در حدود سال 1338 قمری متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و در معیت والد ماجدش به قم مهاجرت نموده و پس از خواندن ادبیات سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه خوانده و سالها از دروس خارج مرحوم والدش آیت‌اللّٰه العظمی صدر استفاده نموده و معقول را از آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی آموخته و از محضر بعض آیات دیگر بهره‌مند شده خود بتدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه نماز پرداخته تا در سال 1385 قمری که حسب الاراده آیت‌اللّٰه شریعتمداری به تهران منتقل و در مسجد حضرت امام حسین علیه‌السلام واقع در میدان (شهناز) تهران به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و درس اخلاق و غیره اشتغال دارند.
دارای تألیفات عدیده در اخلاق و غیره می‌باشند که از آنها کتب زیر است:
1- کتاب استقامت

2- کتاب حسد
3- کتاب دروغ
و مخفی نیست که معظم له از طرف پدر موسوی و بحضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام منتهی می‌شوند و از طرف مادر طباطبائی و بحضرت امام حسین مجتبی علیه‌السلام متصل می‌گردند. زیرا والده ماجده ایشان صبیه مرحوم مغفور سیدالفقهاء و المجتهدین آیت‌اللّه العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی که ترجمه‌اش در جلد اول ص 264 گذشت می‌باشد و ایشان سبط آن بزرگوار هستند ادام اللّه توفیقه.
برادر ارجمندش جناب استاد و زعیم بزرگوار آقای حاج سید امام موسی صدر مرجع و رهبر بزرگ مردم لبنانست که امروز صوت وصیتش بتمام جهان رسیده و برای شیعیان دنیا آبروی عظیمی گردیده و باید ایران و ایرانی فخر کند که یکی از هم میهنان او باین پایه قدرت و عظمت رسید که زمام دولت و ملت کشور بیگانه را بدست گرفته و با نطق آتشین و بیانات شیرینش بر علیه استعمارگران غربی مبارزه کرد و هم اکنون سرنوشت وی مجهول و نامعلوم است.
فقیه.
تولد: 92 (1300 رمضان 1339 ق.) مشهد.
درگذشت: 11 آبان 1373، قم.
آیت‌الله سید رضا صدر دوران کودکی و نوجوانی را تحت تربیت پدر خود پشت سر نهاد. مقدمات و ادبیات را در مشهد فراگرفت. در سال 1354 ق. به همراه پدر به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و سطوح را نزد اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و محقق داماد آموخت. سپس خارج فقه و اصول را در محضر حضرات آیات عظام سید حسن صدر و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید حسین بروجردی و فلسفه و عرفان را نزد امام خمینی فراگرفت. ایشان پس از وفات آیت‌الله العظمی بروجردی به تدریس فقه و اصول و فلسفه و عرفان پرداخت.
در سال 1346 برای تبلیغ و ارشاد به تهران آمد و مسجد امام حسین را کانون تبلیغات دینی خویش قرار داد و به تدریس، تبلیغ و ارشاد، امامت جماعت، اداره‌ی کلاس‌های معارف دینی، تألیف و پروش شاگردان پرداخت. وی در این مسجد کلاس درس اخلاق، تفسیر و فلسفه نیز برگزار کرد و همچنین به تدریس فقه و اصول هم اشتغال داشت. در سال 1356 به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت و به خدمات دینی و مذهبی مشغول شد.
از تألیفات آیت‌الله صدر می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: الاجتهاد و التقلید؛ العدالة فی الفقه؛ تفسیر سوره حجرات؛ تفسیر سوره یوسف (حسن یوسف)؛ استقامت، حسد؛ دروغ؛ فلسفه آزاد؛ الفلسفه العلیا؛ محمد

فی القرآن؛ المسیح فی القرآن؛ قرآن‌شناسی؛ بانوی کربلا؛ راه محمد (دو جلد)؛ راه علی (ع) پیشوای شهیدان؛ راه قرآن؛ زن و آزادی؛ زیارتنامه حضرت رضا (ع) سخنان سران کمونیزم درباره خدا؛ مرد وفا (زیر درختان سدر)؛ نشانه‌هایی از او (دو جلد)؛ نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی؛ مقدمه بر نهج الحق و نامه دانشوران. از جمله آثار منتشر نشده وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: أربعون و مأتا مسئلة فقهی؛ تعلیقة بر عروة الوثقی؛ الفقه علی مذهب اهل‌البیت- کتاب الصلاة؛ القواعد الثلاث؛ تجاو؛ فراغ؛ حیلولة؛ رساله در مقدمه واجب؛ شبهة العبائیة حکم نجاسة الباطن؛ نفائس الاصول (دو جلد)؛ حاشیه بر اسفار؛ برهان الصدیقین، حاشیه بر منظوم (سه جلد)، دیوان شعر، درست و نادرست، خواجه نصیرالدین طوسی؛ خلیفة رسول‌الله (ص)؛ اسلام ما؛ سبد (کشکول)؛ ترجمه رسالة الحقوق امام سجاد؛ الجهاد و الثورة؛ الکلیم فی القرآن.
آیت‌الله سید رضا صدر در آبان سال 1373 درگذشت و پیکرش در قم در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (205 / 1)، گنجینه‌ی دانشمندان (504 -503 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (172 -171/ 3).

صدر، صدرالدین، ابوالرضا محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1373 -1299 ق)، عالم دینی، فقه، مرجع تقلید و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در سامراء گذراند و ادبیات و ریاضیات را نزد استادان فن فراگرفت و به همراه پدرش به کربلا مهاجرت کرد و در آنجا سطوح را نزد آیت‌الله شیخ حسن کربلایی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی خواند. او تحصیلات عالیه را نزد پدرش شروع کرد و در حدود 1328 ق برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و علامه یزدی حاضر و به درس و بحث تحقیقی مشغول شد. سپس به مشهد رفت و چندی در آن شهر توقف کرد و به تدریس و ارشاد و اصلاح حال مسلمانان پرداخت. آن‌گاه به عراق بازگشت و چندی در آن سامان به تدریس و بحث مشغول شد. در 1349 ق بنا به دعوت آیت‌الله حایری به قم رفت و با وی همکاری نمود. پس از وفات آیت‌الله حایری و تا ورود آیت‌الله بروجردی به همراهی آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری عهده‌دار سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. آیت‌الله صدر فقیهی اصولی و محدثی رجالی و محققی عمیق النظر و ادیبی ادیب و شاعری ماهر بود. او در مکارم اخلاق و کمالات نفسانی و معنوی از سرآمدان روزگار بود. وی در قم درگذشت و مابین قبر آیت‌الله حایری و آیت‌الله خوانساری دفن شد. از آثار اوست: «خلاصه الفصول»، در علم اصول، کتاب «المهدی (عج)»، درباره‌ی حضرت ولی عصر (عج)؛ «دیوان» شعر مذهبی و اجتماعی، به عربی و فارسی؛ حاشیه «کفایه الاصول»؛ «اصول عقاید»؛ رساله‌ای در «اصول دین»؛ رساله‌ای در «رد شبهات وهابیه»؛ رساله‌ای در «اثبات عدم تحریف کتاب»؛ «مختصر تاریخ الاسلام»، در پنج مجلد؛ «حدیث و اخبار»؛ رساله‌ای در «حقوق زن»؛ «لواء محمد (ص)»، در اخبار خاصه و عامه، در دوازده مجلد، منظومه‌ای در «حج»؛ منظومه‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «تقیه»؛ رساله‌ای در امر به معروف و نهی از منکر»؛ «سفینه النجاه»، رساله‌ی عملیه؛ «الحقوق»، در بیان شصت دو حق؛ «مدینه العلم»،: در اخبار اهل بیت (ع)، در شش مجلد.[1]
صدرالدین بن (حاج سید) اسماعیل عاملی الاصل از علمای امامیه و مراجع تقلید (و. کاظمین 1299 ه.ق/ - ف. قم 1332 ه.ش.) نسبت به ابراهیم اصغر فرزند موسی ابن جعفر 4 منتهی میگردید صدر فقیه، اصولی، ادیب و شاعر و در فنون ادب ماهر بود، ادب عرب و علوم ریاضی را از استادان

وقت فراگرفت و مدتی در حوزه درس پدر خویش و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و سید کاظم یزدی تحصیل کرد و به اجازات آنان نایل آمد، و چون به ایران بازگشت مدتی در خراسان اقامت کرد و سپس به قم رفت و به تدریس و رعایت حال طلاب حوزه علمیه آن شهر پرداخت. او راست: اصول دین، حاشیه بر کفایة الاصول، خلاصة الفصول، حکم ماءالغساله، المهدی، رد بعض شبهات و هابیه، مختصر تاریخ‌الاسلام (لغ.)
مرحوم مغفور سیدالفقهاء والمجتهدین و غوث العلماء العاملین حاج سید صدرالدین بن آیةاللّه العظمی الحاج سید اسماعیل صدر الموسوی العاملی یکی از معاضدین مرحوم آیت‌اللّه حایری و زعماء سه‌گانه بعد از آن مرحوم و یکی از دو وصی معظم له است که از فوت مرحوم حایری تا ورود مرحوم آیت‌اللّه بروجردی با مساعدت و معاونت دو قرین دیگرش مرحومین آیت‌اللّه حجت و خونساری حوزه علمیه قم را در آن شرایط سخت حفظ و نگهداری نموده و از تشویق و نگهداری محصلین و فضلاء آنی غفلت و کوتاهی ننمودند و خود این نگارنده از افرادی هستم که خود را رهین محبتهای آن مرحوم می‌دانم زیرا در آن موقع جز آن مرحوم کسی از آقایان به حقیر عنایتی نداشت.
تولد آن بزرگوار در ماه رجب 1299 قمری در کاظمین واقع شده و ادبیات و ریاضیات را نزد استادان فن فراگرفته تا در سال 1328 برای تکمیل تحصیلات به نجف مهاجرت و در حوزه درس مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی حاضر شده و در سال 1331 به مشهد مسافرت و چندی توقف نموده و در سال 1337 باز به عراق مراجعت و بعد چندی در مشهد توطن گرفته و در سال 1349 بنابر دعوت مرحوم حایری رحل اقامت به قم انداخته و با آن مرحوم که توجه خاصی به ایشان داشتند همکاری نموده تا بعد از فوت آن مرحوم که با همکار گرام سابق‌الذکرش قیام به حفظ حوزه نموده تا در صبح روز شنبه نوزدهم ربیع‌الثانی 1373 قمری که داعی حق را لبیک اجابت گفته و در بین قبر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه خونساری ره مدفون گردید و در شب رحلتش حجةالاسلام آقا میرزا محمد همدانی که از فضلاء حوزه علمیه است در خواب می‌بیند که وارد مقبره مرحوم حایری شده و در جلوی قبر ایشان همانجائی که الان قبر اوست قبری کنده و آماده است و می‌گویند این قبر آیت‌اللّه صدر است گفت آمدم نشستم فاتحه بخوانم دیدم هودجی از آسمان به زمین آمده و از میان آن یک بانوی مجلله بیرون آمد و از عقب او چند زن دیگر آمد و به طرف آن قبر رفت با خود گفتم حتماً این بانو حضرت فاطمه زهراء سلام‌اللّه‌علیها است. دیدم آمد سر قبر و فرمود این قبر صدر من است صدر من هم از دنیا رفت خوب فرزندی بود و تعریف نمود و فرمود جگر گوشه من هم بود و نشست و بنا کرد به گریه نمودن و من از خواب بیدار شدم و صبح آن

شب خبر فوت آن مرحوم منتشر گردید.
نگارنده صبح همان روز در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی بودم و فرمود آقا شیخ محمد همدانی الان اینجا بود این خواب را نقل کرد و داشت تعبیر می‌نمود که صدای بلندگوی آستانه به تلاوت قرآن بلند شده و این خبر محنت اثر را به گوش مردم قم رسانید.
آثار ارزنده‌ای از خود گذاشت که از آنهاست 1- خلاصة الفصول در اصول که به طبع رسیده است 2- کتاب المهدی درباره حضرت ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف که چندین بار به طبع رسیده و در آن از کتب عامه اثبات وجود ذیجود حضرتش را نموده است 3- کتبی در فقه و اصول و غیره که مخطوط می‌باشد دارای طبعی روان و ذوقی سرشار بود و اشعار عربی غرائی سروده است که یکی از آن در ذیل ترجمه مرحوم آیت‌اللَّه حایری گذشت مطلعش (عبدالکریم آیةاللَّه قضی) و آخرش ماده تاریخ عجیب فوت آن مرحوم (لدی الکریم حلّ ضیفاً عبده) بود.
3- دیوان اشعار مذهبی و اجتماعی و نصایح و مدایح و مراثی اهل‌بیت علیهم‌السلام 4- حاشیه‌ی کفایةالاصول 5- اصول عقاید 6- رساله‌ای در اصول دین 7- رساله‌ای در رد شبهات وهابیه 8- رساله در اثبات عدم تحریف کتاب 9- تاریخ مختصر اسلام در 5 جلد 10- حدیث و اخبار 11- رساله‌ای در حقوق 12- لواء محمد در اخبار خاصه و عامه 12 جلد- نگارنده گوید که غالب این کتب متأسفانه مخطوط مانده است- یکی از قصائد آن مرحوم که در مرثیه جده‌اش حضرت زهراء علیهاالسلام سروده قصیده زیر است:

یا خلیلی احبسا الجرد مهارا
و ابکیا دارا علیها الدهر جارا
و ربوعا اقفرت من اهلها
و غدت بعدهم قفراً برارا
حکم الدهر علی تلک الربی
فانمحت والدهر لا یرعی زمارا
کیف یرجی السلم من دهر علی
اهل‌بیت الوحی قد شن المغارا
لم یخلف احمد الا ابنة
و لکم اوصی الی القوم مرارا
کابدت بعد ابیها المصطفی
غصصاً لومست الطور لمارا
هل تریهم ادرکوا من احمد
بعده فی آله الاطهار ثارا
غصبوها حقها جهرا و من

عجب ان تغصب الزهراء جهارا
من لحاها اذ بکت والدها
قائلا فلتبک لیلا او نهارا
ویلهم ما ضرهم لو بکیت
بضعة المختار ایاما قصارا
من سعی فی ظلمها من راعها
من علی فاطمة الزهراء جارا
من غدا ظلما علی الدار التی
اتخذتها الانس والجن مزارا
طالما الاملاک فیها اصبحت
تلثم الاعتاب فیها والجدارا
و من النار بها ینجو الوری
من علی اعتابها اضرم نارا
والنبی المصطفی کم جائها
یطلب الاذن من الزهراء مرارا
و علیها هجم القوم و لم
تک لاذت لا و علیها الخمارا
لست انساها و یا لهفی لها
اذوراء الباب لاذت کی توارا
فتک الرجس علی الباب و لا
تسئلن عما جری ثم و صارا
لا تسلنی کیف رضوا ضلعها
و اسئلن الباب عنها والجدارا
و اسئلن اعتابها عن محسن
کیف فیها دمه راح جبارا
و اسئلن لؤلؤ قرطیها لما
انتثرت والعین لم تشکوا حمرارا
و هل المسمار موتور لها
فغدی فی صدرها یدرک ثارا

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (215 -201 / 1)، آینه دانشوران (168 -165)، الذریعه (290، 184 / 20، 199 / 12 -230، 42 / 7، 232 / 3)، ریحانه (429 -427 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 949 -943 / 14)، علماء معاصرین (217 -216)، گنجینه‌ی دانشمندان (329 -326 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، معجم‌المؤلفین (17 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (538 -537 / 3).

صدر، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر بن سید حیدر بن سید اسماعیل صدر اصفهانی از مدرسین و اعلام معاصر نجف اشرف است.
وی در سال 1350 قمری در بیت علم و فضیلت چشم به جهان گشوده و در مهد تقوا پرورش یافته و پس از خواندن ادبیات و سطوح متوسط و عالی و تکمیل مبانی فقه و اصول از محضر آیات عظام نجف بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و استادی رسیده و خود تشکیل حوزه تدریس خارج داده و عده زیادی از افاضل به درسش شرکت و استفاده نموده و می‌نمایند.
دارای تالیفات ارزنده‌ای که ذیلا می‌نگارم می‌باشند 1- فلسفتناط 2- اقتصادناط 3- المدرسه الاسلامیه ط 4- فدک ط 5- غایه الفکر فی الاصول ط 6- شرح عروه الوثقی کتاب طهاره و خمس 7- تعلیقاتی بر اسفار.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

صدر، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید موسی مشهور در همه آفاق به (امام موسی صدر) فرزند برومند آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید صدرالدین ابن العالم الجلیل آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و سبط آیت‌اللّه العظمی ازهد الفقهاء والمجتهدین حاج آقا حسین طباطبائی قمی یکی از ستارگان فروزان و چهره‌های درخشان حوزه علمیه قم است که سالها در مغرب خاوری طلوع نموده و در آسمان لبنان و سوریه و فلسطین نورافشانی می‌کند آن جناب در حدود سال 1343 قمری در مشهد مقدس به دنیا آمده و در سال 1349 در معیت والد خویش به قم مهاجرت و به تحصیل دروس ابتدائی اشتغال یافته و در بیت علم و شرف پرورش یافته و پس از پایان دروس جدید به تحصیل علوم عربیه منقول و معقول پرداخته و مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته سپس از محضر مرحوم والد ماجد و دیگر آیات چون آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده علوم عقلی و نقلی نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد و اتقان رسیده سپس عزیمت به نجف اشرف و چندی هم از محاضر آیات عظام آنجا بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌اللّه العظمی حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین زعیم و مرجع شیعیان لبنان بنابر دعوت رسمی بیت شرف‌الدین و شیعیان لبنان برای زعامت و سرپرستی شیعیان مهاجرت به لبنان نموده و با آگاهی و کیاست و فراست موهبتی از عهده مسئولیت سنگین زعامت به خوبی درآمده و محبوب‌القلوب مردم عالی و دانی آن سامان گردید و به اکثریت نزدیک به اتفاق به ریاست مجلس اعیان (سنا) شیعیان لبنان انتخاب و رهبر بزرگ و قائد اعظم مردم مستضعف در آن منطقه گردیده و خدمات ارزنده چشمگیری نموده وصیت و صوتش به شرق اقصی و اوسط و بلاد باختری رسیده و در ردیف یکی از سیاستمداران به نام معاصر درآمده و محسود حکومت طاغوتی و محمدرضا پهلوی گردیده که چرا و برای چه یکی از روحانیون و آیت‌اللّه زادگان قم به این پایه عظمت و سیاست برسد که کلیه روساء جماهیر اسلامی غربی مصر و لیبی و مراکش و تونس و سودان و گینه و سعودی و سوریا و عراق از او دعوتهای رسمی نموده و مراسم استقبال و تجلیل را انجام دهند و این موقعیت چنان دولت طاغوتی ایران را به وحشت انداخت که برای اسقاط او از انظار مردم دست به افتراء به وسیله عوامل ساواک

در جرائد و روزنامه‌ها اکاذیبی جعل که از موقعیت معظم‌له بکاهد غافل از آن که به گفته شاعر:
چراغی را که ایزد برفروزد
هر آنکس پف کند ریشه‌اش بسوزد
این نویسنده که قسمتی از فعالیتهای و خدمات ایشان را در جلد سوم گنجینه نوشتم اداره نگارش و عمال روسیاه سازمان امنیت (باصطلاح خودشان) کتاب را توقیف که با شرح حال و ترجمه و عکس آقای صدر قابل نشر نیست و چند ماهی مرا اسیر و بالاخره با حذف شرح زندگینامه و آثار معظم‌له کتاب را ناقص و اجازه نشر داد. خدا روی همه آنها مخصوصا روحانی‌نما را سیاه و در دادگاه انقلاب به کیفر اعمالشان گرفتار و مجازات نماید.
باری امام موسی صدر از مفاخر عالم تشیع معاصر و افتخارات کشور ایران بلکه مسلمین جهان است که با لباس روحانیت (عمامه و عبا و قبا) در عداد بزرگترین شخصیتهای سیاسی جهان و با چندین زبان زنده از عربی و فارسی و فرانسوی و انگلیسی و غیره آشنائی کامل و سخن می‌گوید. و دارای مدارک علمی از اجتهاد و دکترا و غیره می‌باشد.
آثار و خدمات و باقیات الصالحات این رادمرد علم و سیاست به اندازه‌ای است که ذکر آن در این مختصر نگنجد بلکه کتاب مستقلی لازم دارد و قسمتی از آن رد مجلدهای لبنانی و غیره یاد شده است. ولی متاسفانه که دست استعمار امپریالیسم صهیونیستی اسرائیل و آمریکا و جبهه‌های طاغوتی شرقی و غربی - راست گرایان و چپ گرایان خاوری و غیره این نادره دوران را به توسط دولت لیبی (سرهنگ قزافی) به عنوان دعوت رسمی از لبنان به لیبی برده و از ماه رمضان 1398 قمری برابر 1978 میلادی تاکنون که ماه رجب 1399 برابر مه 1979 مسیحی است اثری از ایشان نیست و هرچند تاکنون از لبنان و سوریا و کشورهای اسلامی و بالاخص ایران به لیبی و غیره مراجعه شده ردپائی پیدا نشده و دولت لیبی مدعی است که ایشان به رم رفته‌اند و حال آن که کشور ایتالیا و رم از ورودشان به آن کشور تکذیب می‌کند. خلاصه جهان تشیع در فقدان و هجران این عزیز گمشده خود که برای ریاست جمهوری اسلامی ایران برازندگی و شایستگی دارد در سوک و غم فرورفته و همه روز چشم انتظار دوخته تا از لیبی و یا کجا ظاهر و پیدا شود.
نگارنده که بیش از چهل سال سال است افتخار دوستی و ارادت به بیت جلیل صدر و بالاخص ایشان را دارم و آخر عهدم با ایشان را فراموش نمی‌کنم در شب جمعه هفدهم ذی‌حجه 1397 قمری بود در مسجدالحرام نزدیکی حجراسمعیل که مرا در آغوش مهر گرفته و ساعتی با هم سخن

گفتیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صدرا، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1326 ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در اراک به دنیا آمد و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده‌ی سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفت. در اوایل تأسیس حوزه،شانزده ساله بود که به قم رفت و سطوح را در قم تکمیل کرد و از اول دوره‌ی دوم درس اصول آیت‌الله حایری و درس فقه ایشان که «خیارات مکاسب» بود استفاده نمود. همچنین از درس آیت‌الله یثربی بهره برد و سطح و «کفایه» را در خدمت آیت‌الله میراز محمد ثابتی همدانی خواند و مقداری از «فرائد» را خدمت آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله میرزا محمد علی شاه آبادی همراه «منظومه‌ی حکمت» خوانده و همچنین «مکاسب» را خدمت این دو استاد استفاده کرد و نیز از محضر آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از «منظومه‌ی حکمت» و «رسائل» شیخ را بهره گرفت. وی دارای طبعی موزون و ذوقی کامل بود. از آثارش. تأسیس کتابخانه در مسجد اراکیهای مقیم تهران و جمع‌آوری کتب برای آن بود. از آثار علمی او: «الغرائب» یا «مظهر العجائب فی غرائب الامام علی بن ابی‌طالب (ع)»، در چند مجلد؛ «ابوطالب و فرزندانش»، در اثبات ایمان ابی‌طالب از طرق اهل سنت، دو مجلد؛ «الکعبه و ولیدها»؛ «توشه‌دان گدا»؛ «جهاز عروس و داماد»؛ «ادب گفتار»؛ «ادب کردار»؛ «تناثر النجوم فی ارض الطفوف»؛ «دیوان» شعر؛ «افاضه الحرمین»؛ «سراح الحاج»، منظومه‌ای در عمل حج؛ «منهاج الحاج»، مختصری در حج استدلالی، رساله‌ای در «رد عشره‌ی مبشره»؛ «انقلاب اسلامی قرن 14»؛ «صراط مستقیم کی و کجاست؟».[1]
حاج شیخ محمدتقی صدراء اراکی از علماء اعلام و مبلغین گرام و وعاظ به نام معاصر است در تهران در حدود سال 1319 ق در اراک متولد شده و در آنجا مقدمات و ادبیات را آموخته و سطوح را در نزد مرحوم سلطان‌العلماء اراکی و آیت‌الله آقانور و علماء دیگر حوزه علمیه حوزه اراک خوانده و پس از انتقال حوزه علمیه از اراک به قم مهاجرت به قم نموده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به وطن مراجعت و بالغ بر بیست سال اقامت جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و خدمات دینی و روحی کرده و به واسطه بعضی از جهات و دعوت عده‌ای از مردم اراک مقیم تهران و دیگران مهاجرت کلی به تهران نموده و در خیابان گرگان در مسجد آبرومندی به اقامه جماعت و

در هیئت محترم بنی‌فاطمه که از هیئات باعظمت و مجد تهران و مجالس و مسجد دیگر تهران و شهر ری و حومه تهران و روی به منبر رفته و داد سخن داده انجام وظیفه دینی می‌نمایند.
مولف گوید: معظم‌له از وعاظ با فضل و منبری بسیار آموزنده و مفید دارد و عموم طبقات از منابر وی استفاده کرده و بهره‌مند می‌شوند. دارای طبع شعر و ذوق سرشاریست و اشعاری در مراثی و مدایح و مواعظ و نصایح دارد و نیز دارای تالیفاتی می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است.
شیخ محمدتقی بن العالم المجاهد المحامی حاج شیخ محمدباقر از علماء مبرز و خطباء نامی و مبلغین سامی اراکی مطهر تهران است.
ایشان در سال 1326 ق در اراک به دنیا آمده و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفته و در سال تاسیس حوزه علمیه قم که آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی مؤسس و بنیان‌گذار حوزه به اصرار قمین و تهرانین از اراک به قم هجرت کردند و چهل شب تمام ائمه جماعت قم نماز جماعات خود را تعطیل و به ایشان اقتدا نمودند و مواجه با اصرار و ابرام قمیین و تهرانیین شدند که باید در قم توطن فرموده و حوزه علمیه اراک را به قم منتقل فرمائید. و ایشان مردد بودند و استخاره کردند که آیا حوزه علمیه را به قم انتقال دهند یا نه پس تفال به قرآن زدند پس باز قرآن مانند همیشه معجزه کرد از آن معجزه‌هائیکه فراموش شدنی نیست زیرا این آیه آمد (و اتونی باهلکم اجمعین) که یوسف به پدر و برادرت پیام داد که من عزیز مصر شدم و همه با خانواده‌هایتان نزد من بیائید و کسی را باقی نگذارید.
مرحوم آقای حایری هم به مفاد همین آیه برای حوزه علمیه اراک نوشتند که همه‌تان با زن و بچه حرکت کنید.
مترجم ما در آن موقع شانزده ساله بود و والدش راضی به مسافرت نمی‌شد و از مرحوم آیت‌اللّه حایری سئوال شده بود ایشان ادامه تحصیل را برای مشتغل واجب عینی می‌دانستند بنابراین تصمیم می‌گیرند که بدون اجازه والدشان به قم بیایند ولی خوشبختانه راضی شده و گریه شوق و رضا نموده پس به قم عزیمت و پس از ورود در سلک مهاجرین الی‌اللّه در آمده و سطوح را در قم تکمیل و از اول دوره دوم درس اصول آیت‌اللّه حایری و درس فقه‌شان که (خیارات مکاسب) بود حاضر و استفاده نموده و پیش از آن صبح‌ها در درس مرحوم آیت‌اللّه یثربی که از مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی بوده بهره‌مند شده و سطح کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد ثابتی همدانی خوانده مقداری از فرائد را هم خدمت آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی با منظومه حکمت خوانده و همچنین مکاسب را خدمت این دو بزرگوار استفاده نموده و نیز از محضر

مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از منظومه حکمت و رسائل شیخ را استفاده نموده و در سال 1343 ق که آیات عظام نجف (مرحوم اصفهانی و نائینی و غیره که تبعید به ایران و قم شده و شروع به تدریس نمودند نسبت به مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی ارادتی شدید داشته‌اند...
سلطنت غاصبانه طاغوتی رضاخان (زندیق) پیش آمد و با آنکه همه طلاب امتحان داده و دارای جواز بودند مامورین جهنم اهل بهشت را تا (در بهشت) علی بن جعفر و حتی خود بهشت (که فرمودند یک در بهشت در قم باز می‌شود) تعقیب می‌کردند و چون مامورین که داخل مدرسه فیضیه می‌شدند طلاب از طبقه دوم اطاق‌ها خود را در رودخانه پرتاب می‌کردند.
عوامل جنایتکار رضاخان به دستور وی با بودن آیت‌اللّه العظمی حایری و قمی و اصفهانی و سایر آیات کشف حجاب (یا کشف عورت) نموده و حرم حضرت ثامن‌الائمه علیه و علیهم‌السلام را به توپ و تفنگ بسته و هرکس از اهل علم که مأمنی سراغ داشت به آنجا گریخته و مابقی هم در قم در هر دقیقه و ساعتی مواجه با گرگان آدم‌نمای از عمال جنایت‌کار دولت می‌شدند آقای صدرا در آن موقع از روی اضطراب به اراک رفته و به جهت اداره یتیمانی که عهده‌دار مخارج آنها بود به منبر و وعظ پرداخته و از این راه هم خدمت به عائله والدش نموده و هم بهترین خدمات را در ارشاد مردم به شرع بنماید.
سال 1357 شمسی پیش آمد و فرمان اتحاد شکل و پوشیدن کت و شلوار و کلاه پهلوی به سر گذاردن صادر شده و با گذرانیدن از مجلس شوم قانونی کردند و با هزاران دسایس و وسائل عده‌ای از پوشیدن لباس متحدالشکلی به نام محدث مجتهد - مدرس طلبه‌ای واجد یکی از سه رتبه باشد و متصدی امور حسبیه و امام جماعت و هاخام یهود و کشیش نصاری و مرید زردشتی که تمام آنها هم باید جواز مخصوص از وزارت معرف و علوم آن روز داشته باشند.
خلاصه شرح زندگینامه معظم‌له بسیار و در خور کتاب جداگانه‌ای است و تا جائیکه برای نگارنده امکان داشت فشرده آن را انتخاب و اقتباس نموده و در اختیار عموم قرار دادم مترجم گرامی در شهرستان اراک به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشر معارف اسلامی و بالاخص مکتب ولایت پرداخته و خدمات چشمگیری در شهر و حومه آن نموده و آثار خالده‌ای از خود به جا گذارده و پس از آن سفری به تهران نموده و در آنجا روی اصرار و ابرام اراکی‌های مقیم پایتخت اقامت در آن سواد اعظم را اختیار و در مسجد همشهریهای خود به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و باقیات الصالحاتی از خود مانند تاسیس کتابخانه و جمع آوری کتابهای مختلف سودمند و مفید دینی تا حدود نه مغازه کوچک و بزرگ برای تامین

مخارج آب و برق و خادم مسجد و مازاد آن برای امام مسجد ساخته و تا کنون از آن بهره‌برداری می‌شود.
آقای صدرا دارای بیانی جامع و قاطع و آموزنده هستند و بسیاری از گم‌گشتگان دینی از مواعظ و اندرزها و خطابه‌های ایشان به راه آمده و متنبه شده و پابند دین و نماز و مبانی دینی گشته‌اند.
دارای طبعی موزن و ذوقی کامل و جالب و ادیبانه و خردمندانه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (201 -194 / 8 ،380 -379 / 2).

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 747 ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبیعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج‌الشریعه، را تنقیح کرد. ازآثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نخو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (354 / 4)، ریحانه (434 -433 / 3)، کشف الظنون (2021، 1270،2011، 1047، 496، 419)، الکنی و الالقاب (415 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ عبیدالله)، معجم المؤلفین (246 / 6)، هدیه العارفین (650 -649 / 1).

صدرالشریعه، محمد صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1325 ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر. معروف به علامه شهریاری. پدرش، صدرالعلمای طالقانی، در زمان خودش از مجتهدین و زهاد، و صاحب حواشی بسیار برکتب ادبی و فقهی و اصولی، و شاگرد مبرز و داماد علامه میرزا محمد تنکابنی صاحب «قصص العلماء» بود. مادر شیخ محمد صادق، دختر علامه تنکابنی و از زنان دانشمند و صاحب حواشی بر کتب ادبی و «شرح لمعه» بود. محمد صادق در سلیمان‌آباد تنکابن به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا «شرح لمعه» و «قوانین»، در تنکابن فرا گرفت. آن‌گاه به قم رفت و سطوح را در خدمت مدرسین حوزه تکمیل و معقول و سایر علوم را از محضر آیت‌الله موسوی و آیت‌الله آقا میرزا محمد علی شاه‌آبادی و آیت‌الله شیخ مهدی پائین شهری استفاده کرد و در درس خارج آیت‌الله حایری و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حجت کسب فیض نمود. وی دارای اجازاتی از اساتید و بخصوص ثقه‌المحدثین محدث قمی بود. او برای خدمات دینی و تبلیغ احکام در شهریار اقامت گزید. صدر الشریعه در سرودن اشعار دستی توانا داشت و در هر مقوله اشعاری سروده است. از آثارش: «دیوان» شعر، نزدیک به پنج هزار بیت، با تقریظ جامعه و کاملی از آیت‌الله مرعشی نجفی که روشنگر مقام علمی و ادبی صاحب عنوان است؛ ترجمه‌ی «شرح منظومه حدیث قدسی»، در ده هزار بیت؛ ترجمه و شرح منظوم «مناجات الهیات» موسوم به «افاضات النجفیه و مناجات العلویه»؛ «مولوی نامه» در رد مولوی؛ رساله‌ی منظوم در «جبر و تفویض»؛ کتاب «مراثی»؛ قصایدی در جواب بعضی از سائلین در علم ائمه طاهرین، کتاب «صدر الوقایع»، در واقعات هر روزی از روزهای ماه؛ «تفسیر» فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (488 -485 / 7 ،674 / 4).

صدرالعلماء، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّٰه مرحوم سید محمد بن العلامه حاج سید نورالدین سبط العلامة المحقق میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین در سال 1302 قمری متولد و پس از طی مقدمات و اکمال سطوح سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری استفاده کرده و پس از ورود آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی غالبا در منزل معظم له رفته و در مجالس بحث خصوصی و استفتاءات شرکت می‌نمود تا در 23 ماه جمادی‌الاولی 1372 قمری بیست روز پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حجت بدرود حیات گفته و در ایوان طلای حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده است از نفایس کتابخانه آن مرحوم دیوان اشعار عربی و فارسی به خط و امضاء (ابوالقاسم بن الحسن الجیلانی) جدامی آن مرحوم است که فرزندان وی از این جهت شهرت به میرزائی دارند و در آن قصیده‌ای در رد انکار و مکابره ابن‌حجر ناصبی عسقلانی است وجود ذیجود حضرت ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه الشریف را که طعن بر شیعه زده و می‌گوید:
ما آن للسرداب ان یلد الذی
سمیتموه بزعمکم انسانا
پس مرحوم میرزای قمی جدامی مترجم ما در پاسخ آن مردود فرموده:
اف لکم و لقولکم بتعنت
فی جحد نور انور هذیانا
ان الاله قد اختفی سبحانه
عمن غدا لظهوره عمیانا
هل ینکر النور البهی وانه
حرم الوطاوط درکه نقصانا
ام یمنع المزن المهیدب فیضه
لابل یضیء علی الوری لمعانا
فی ترک حق و اقتناء ضلالة
فقضیتم استبعادا استحسانا
انسیتم خضرا و نوحاً والمسیح
و بجهلکم ارضیتم الشیطانا
متم بجهل فی امام زمانکم
عشنا بعلم فیه والایمانا

عشتم و نورالحق خلف ظهورکم
متناوب من نورنا تلقانا
فبقولکم فی الجاهلیة بالهدی
انسیتم العنقاء والغیلانا
مولای روح روحنا بظهورکم
عجل بروحک روحنا مولانا
خلص عبیدک عن اذی العدی
واجعل عنیدک خاسئا لهفانا
یا رب فاملاء ارضنا بالعدل
من بعد ما فیها طغوا عدوانا
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

صدرایی اشکوری، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1330 ق)، فقیه، خطیب و واعظ. سبط سید محمد صدرایی حسینی است. در نجف به دنیا آمد. در 1345 ق به اتفاق پدرش از نجف به ایران آمد و در شهر لنگرود ساکن شد. بعد از آن به قم رفت و ادبیات را نزد شیخ محمد رضا اعمی و شیخ ابوالقاسم نحوی خواند و سطوح را از آقا شیخ عباس تهرانی و آقا نور خمینی و ادیب تهرانی و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی آموخت. معقول را خدمت امام خمینی و سطوح عالی را در خدمت آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله سید محمد تقی خواساری و آیت‌الله سید احمد خوانساری و میرزا محمد همدانی و «اسفار» و «خلاصه الحساب» را خامت شیخ ابراهیم نجف‌آبادی و تفسیر را نزد اشراقی بزرگ و حاج سید تقی اصفهانی و رجال و حدیث را نزد شیخ عبدالرحیم فصول خواند. سپس به تدریس ادبیات و سطوح پرداخت. دروس خارج را از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری فرا گرفت و مدت یک سال در حوزه‌ی درس فقه و اصول آیت‌الله بروجردی شرکت نمود تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسید. صدرایی از مراجع بزرگی همچون آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر اجازه‌ی اجتهاد گرفت، آن‌گاه به موطن خود گیلان بازگشت و به خدمات دینی و تبلیغات مذهبی پرداخت. از آثارش: «حقایق اسلام»، مجموعه سخنرانیهای صدرایی در رادیو تهران؛ «وظائف ایرانیان در موقع انتخابات»؛ کتاب «معارف اسلام»؛ «پرتو حق در زندگانی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ رساله‌ای در «رد مذهب و مرام کمونیسم و عقاید کارل مارکس و لنین ومکتب دیالکتیک مارتیالیست»؛ تفسیر «سوره‌ی یس»؛ «روح اسلام»؛ «رساله نبویه»، در رد اعتراضات مسیحیان به دین اسلام؛ «سفر نامه‌ی مکه»؛ «بوستان اسلامی»؛ «دیوان» شعر به نام «گلزار احمدی»؛ «هفته نامه‌ی طلوع اسلام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (382 -380 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (295 -294 / 4).

صدوقی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم اسلامی.
تولد: 1287(1327 ق.)، یزد.
شهادت: 11 تیر 1361، یزد.
آیت‌الله محمد صدوقی، از احفاد شیخ صدوق صاحب من لا یحضره الفقیه، در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و تحت سرپرستی آیت‌الله حاج شیخ محمد کرمانشاهی (پسر عموی وی) قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را نز اساتید آن شهر فراگرفت و در سال 1348 ق. به اصفهان رفت و در آنجا مدتی به تحصیل مشغول شد. سرمای تاریخی 1348 ق. اصفهان باعث شد از اصفهان به یزد رود و مجددا در ذی‌الحجه سال 1349 ق. برای پایان تحصیل با خانواده‌ی خود به قم حرکت نمود. اساتید سطوح عالیه وی عبارت بودند از آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله سید حسن صدر، آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای. وی پس از اتمام دروس سطح و مقارن با شروع مدارج عالیه و نیل به درجه اجتهاد، شروع به تدریس اصول فقه و سایر دروس پرداخت. همچنین سرپرستی حوزه را از حیث امور مالی حوزه و رتق و فتق امور متفرقه طلاب را به عهده داشت. آیت‌الله صدوقی در دورانی که فدائیان اسلام مبارزه خود را آغاز کردند، از آنها حمایت نمود و حتی سید مجتبی نواب‌صفوی و سید عبدالحسین واحدی را در منزل خود پناه داد. در سال 1371 ق. بعد از پایان تحصیل جهت دیدار خانواده خود به یزد عزیمت نمود و همان جا ساکن شد.
از جمله خدمات آیت‌الله صدوقی ایجاد مراکز فرهنگی و خیریه‌ای مانند مسجد حظیره، کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم خان، مدرسه صدوقی در مشهد و مؤسسات خیریه در قم و اماکن دیگر است.
مجموعه اطلاعیه‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌های ایشان توسط مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان مجموعه اطلاعیه‌های سومین شهید محراب حضرت آیت‌الله صدوقی از قبل از انقلاب اسلامی تا زمان شهادت در سال 1362 به چاپ رسدیده است.
آیت‌الله صدوقی، در یازدهم تیر 1361 (برابر با دهم رمضان 1402 ق.) پس از ادای نماز جمعه در یزد و در میان مردم به دست منافقین شهید

شد.
آقای حاج شیخ محمد صدوقی بن العالم الجلیل میرزا ابوطالب بن العلامه میرزا محمدرضا مجتهد کرمانشاهی اول عالم و دانشمند معاصر یزد می‌باشد.
پدران این عالم بزرگوار که از احفاد صدوق‌الطائفه جناب ابی‌جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق صاحب من لایحضره الفقیه و صدها کتاب دیگر همگی از دانشمندان مبرز و علماء زبردست شیعه بوده‌اند.
جد دوم ایشان مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا محمدمهدی فرزند آخوند ملا محمد کرمانشاهی در زمان فتحعلیشاه قاجار از کرمانشاه مهاجرت به یزد نموده و خاندان صدوقی یزد را تشکیل داده است.
تاریخ ورود ایشان به یزد در دست نیست ولی سال فوت به موجب لوح قبری که در مزار بزرگ یزد معروف به (جوی هرهر) است از این قرار است.
هذا مغرب شمس الهدایه و الکمال و مغیب بدر الحکمه و الافضال قطب فلک العرفان و نقطه دائره المعرفه و الایقان مجمع الخصوصیات العلیه و منبع الافاضات السنیه جامع مراتب الحکمه و الاجتهاد و حاوی مسالک الهدایه و الرشاد افضل الفضلاء السابقین و اعلم العلماء اللاحقین فی بیضه الاسلام والدین و محکم احکام رب العالمین الذی کان فی مقام التحقیق نطوق کیف و هو من نجل الصدوق عمده المحققین و زبده المدققین الواصل الی جوار رحمه‌اللّه الملک الغنی مولانا ملا محمدمهدی الکرمانشاهی اعلی‌اللّه مقامه فی شهر جمادی‌الثانیه من شهور 1236:
و در سفرنامه مرحوم آیت‌اللّه آقا محمدعلی بن آیت‌اللّه علی الاطلاق آقا محمدباقر وحید بهبهانی این جمله قید شده است که در یزد وارد بر آقای آخوند ملا محمدمهدی کرمانشاهی شده و شرح مفصلی در خصوص یزد و اخلاق اهالی آن نگاشته است.
خلاصه مترجم معظم ما در هشتم صفر سال 1326 قمری در یزد متولد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در نزد اساتید آن شهرستان تلمذ نموده و در سال 1348 به اصفهان عزیمت و چندی در آنجا در خدمت استادان آن سامان درس خوانده و سرمای تاریخی زمستان و طاقت فرسای سال 48 که در اسفهان و سایر شهرستانهای ایران حکمفرما شده ایشان را مجبور کرد که از اصفهان به یزد مراجعت و مجددا در ذی‌الحجة 1349 ق برای پایان تحصیل با عائله خود به قم حرکت نموده و اساتید سطوح عالیه را درک و از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر و آیت‌اللّه حجت قدس‌اللّه اسرارهم استفاده نموده و هم سطوح عالیه را تدریس تا در سال 1371 ق برای دیدن ارحام

به یزد عزیمت نموده و با استقبال کم‌نظیری وارد یزد و پس از چند روزی تصادفا پدر همسر ایشان مرحوم حجةالاسلام آقا میرزا محمد کرمانشاهی که از علماء و ائمه جماعت یزد بودند وفات و به درخواست و اصرار مردم یزد عزم رحیلش بدل به اقامت گردیده و تا حال تحریر مرجع بزرگ و مطلق امور دینی مردم یزد و حومه آن می‌باشند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه صدوقی از دانشمندان کم‌نظیر معاصر ما در فضل و اخلاق و علم و عمل و تقوی و دیانت و پاکدامنی و اصالت خانوادگی و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و صفات حمیده و فضائل نفسانی می‌باشند و اکنون سرپرستی حوزه علمیه یزد را به عهده دارند و به عموم محصلین مدارس یزد ماهیانه و شهریه می‌پردازند.
آثار و باقیات الصالحات بسیاری در یزد و نقاط دیگر دارند که به آنها اشاره می‌شود.
1- مسجد حظیره که با طرز جالب و زیبائی تعمیر نموده و اکنون در آن در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند.
2- کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم‌خان
3- تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه مزبور که در شرف ویرانی بود.
4- مدرسه صدوقی در مشهد مقدس رضوی
5- موسسات خیری در شهرستان قم و اماکن دیگر.
دارای فرزند برومند فاضلی به نام ثقةالاسلام و زبده الفضلاء الکرام آقای آقا شیخ محمدرضا صدوقی می‌باشد که از جمله محصلین مهذب حوزه علمیه قم و در روحیات و فضائل اجتماعی نسخه ثانی آن پدر بزرگوارند.
و نیز دامادهای دانشمند چندی دارند که در میان آنان حضرت مستطاب حجةالاسلام و عمادالاعلام آقای حاج شیخ محمود جعفری تبریزی مشهور همگان و در میان اصحاب و خواص یاران آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری در فضل و تقوا و پاکدامنی مشارالیه بالبنان می‌باشند.
نگارنده گوید: جناب آقای جعفری که بیش از سی سالست ایشان را می‌شناسم و در زمان حیات و ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت ره از خواص اصحاب و ملازمین آن مرحوم بودند و به درس فقه و اصول ایشان شرکت داشتند از همان تاریخ موصوف به تقوا و متانت بودند و هیچ مکروهی از ایشان ندیده و نشنیده‌ام و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حجت بنابر خواسته آیت‌اللّه شریعتمداری متصدی بعضی از کارهای معظم‌له گردیده و تاکنون موفق و مورد توجه و علاقه عموم محصلین و زعماء و مراجع حوزه علمیه و بالاخص زعیم روشن و مرجع بزرگواری چون آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری مدظله العالی می‌باشند.
(1361 -1287 ش)، عالم دینی و فقیه. گویند اجدادش از فرزندزادگان شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی بوده‌اند. در یزد به

دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در مدرسه عبدالرحیم‌خان نزد اساتید زمان تلمذ نمود. در 1348 ق به اصفهان رفت و چندی در خدمت استادان آن شهر درس خواند. زمستان همان سال از اصفهان به یزد مراجعت کرد و در 1349 ق برای تکمیل تحصیلات با خانواده‌ی خود به قم رفت و اساتید سطوح عالیه را درک و از محضر درس آیت‌الله حائری و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت استفاده نمود و همچنین سطوح عالی را تدریس کرد. ساله مقسم شهریه آیت‌الله صدر و آیت‌الله بروجردی بود. از 1371 ق در یزد اقامت گزید و مرجع امور دینی مردم گشت. وی پس از ایراد خطبه‌های نماز جمعه یزد بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. از آثار وی: تعمیر مسجد حظیره، احداث کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عبدالرحیم‌خان؛ تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه‌ی عبدالرحیم خان، احداث مدرسه‌ی صدوقی در مشهد مقدس رضوی؛ ایجاد موسسات خیریه در شهرستان قم و اماکن دیگر. از آثار علمی‌اش: «حدیث کساء»؛ «قصد السبیل»، در امر بین الامرین.[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (2 / 391- 393)، گنجینه‌ی دانشمندان (7 / 442- 445)، مؤلفین کتب چاپی (5 / 536- 537).

صدیق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی محمد صدیق از فضلاء تلامذه و شاگردان مخصوص آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی دارای مقام فضل و کمال و علم و عدالت است در سال 1343 قمری متولد گردیده و دروس مقدمات و سطوح عالی را نزد مدرسین بزرگ حوزه مخصوصا آیت‌الله العظمی بروجردی هم حاضر شده و پس از فوت آن مرحوم منحصرا به درس فقه و اصول آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و تا هم اکنون حاضر می‌شود و مورد وثوق و اعتماد معظم‌له می‌باشند. و از طرف آن جناب سرپرست و متصدی مدرسه مؤمنیه آیت‌اللهی است که با اخلاصی وافر این خدمت را انجام داده و مدرسه را متظم نموده و تربیت محصلین آنجا را می‌نماید ادام‌الله توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صدیقین، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ محمدتقی بن المرحوم آقا محمدعلی صدیقین اصفهانی از علماء بزرگوار و فضلاء عالیقدر و مبرزین شاگردان مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی دارای مقام علم و کمال و واجد مراتب اجتهاد و فقاهت و مورد وثوق مراجع حاضر و گذشته است. وی در تاریخ 1342 خورشیدی در اسفهان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمد محقق داماد و آیت‌الله العظمی خونساری و زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کامل نموده و در درس آن مرحوم صحبت می‌کرد و مرحوم آیت‌الله توجه کامل به اشکالات و شبهه‌های ایشان نموده و با متانت قبول و یا رد می‌کرد و بعد از آن مرحوم به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند.
از آثار علمی معظم‌له که به طبع رسیده است کتب زیر می‌باشد:
1- الاجماع و الاخبار 2- تفسیر آیه جلباب 3- حسین علیه‌السلام و پذیرش دعوت و اما آثار مخلوط.. 1- کتاب طهارت شرح بر طهارت شرایع 2- رساله‌ای در امر به معروف و نهی از منکر 3- رساله‌ای در ولایت فقیه.
معظم‌له پس از فوت مرحوم آیت‌الله کمالوند سه سال سرپرستی حوزه علمیه خرم‌آباد را به عهده داشتند و در آن سامان خدماتی علمی و روحی نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صرام هروی، ابوالفضل احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 399 ق)، حافظ، محدث و فقیه. معروف به ابن ابی‌عمران. وی شیخ‌الحرم و مجاور مکه بود. از کسانی همچون خیثمه بن سلیمان اطرابلسی و محمد بن احمد محبوبی مروزی و احمد بن بندار و دعجل سجزی و ابوالقاسم طبرانی و دیگران حدیث شنید. او حدیث بسیاری در مکه روایت کرد. ابویعقوب قراب و ابونعیم اصفهانی و علی بن محمد حنائی و ابوعلی اهوازی و ابوالفضل بن بندار رازی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. بسیاری از مردم مغرب زمین که بدنبال حدیث بودند از او اخذ حدیث کرده‌اند. وی با محمد بن داوود دقی مصاحبت داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (112 -111 / 17)، شذرات الذهب (153 / 3)، العبر (195 -194 / 2).

صعلوکی نیشابوری، ابوسهل محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(369 -296 ق)، فقه شافعی، مفسر، ادیب، نحوی، صوفی و شاعر. شیخ خراسان در زمان خود بود. در اصفهان به دنیا آمد. وی به بصره رفت و چندین سال در آن شهر تدریس نمود و چند سال نیز در اصفهان اقامت داشت. سرانجام در 337 ق به نیشابور آمد و سپس خانواده‌ی خود را به آنجا منتقل کرد. او بیش از سی سال کرسی درس و فتوی نیشابور را در اختیار داشت. صعلوکی از ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و احمد ماسرجسی و احمد محمدآبادی و ابن ابی‌حاتم و ابن‌انباری و محاملی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، ابوطیب، و فقهای نیشابور در محضر وی فقه آموختند. ابوسهل مصاحب ابواسحقاق مروزی بود و گفته‌اند که از وی فقه آموخت. گویند که او شبیلی را نیز درک کرده بود. نسوی وی را پیشگام علم تصوف می‌داند. ابوبکر صیرفی گوید که اهل خراسان همچون ابوسهل را هرگز نخواهند دید و صاحب بن عباد گفت که ما همچون ابوسهل ندیده‌ایم و خود او نیز مانند خودش را ندیده است. به هر حال او در شریعت و طریقت یگانه‌ی روزگار خود بود. وی در نیشابور درگذشت. ثعالبی اشعار بسیاری را به او نسبت داده است. «الفوائد» روایتهایی از اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (658)، الاعلام (207)، الاعلام بوفیات اعلام (253 / 1)، انساب سمعانی (540 -539 / 3)، ریحانه (446 -445 / 3)، سیر النبلاء (239 - 235 / 16)، شذرات الذهب (70 -69 / 3) طبقات الصوفیه هروی (585)، العبر (132 / 2)، الکنی و الالقاب (417 -416 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ صلعوکی)، النجوم الزاهره (141 -140 / 4)، نفحات الانس (318 -317)، الوافی بالوفیات (125 -124 / 3)، وفیات الاعیان (205 -204 / 4).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 337 ق)، حافظ، محدث، فقیه و لغوی. پدرانش حنفی و خود شافعی و مذهب بود و از بزرگان آنها. از یحیی بن محمد ذهلی و علی بن حسن دارابجردی و محمد بن عبدالوهاب فراء و محمد بن ایوب رازی و عبدالله بن احمد بن حنبل و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. او در نیشابور به تدریس فقه و حدیث مشغول بود. برادرزاده‌اش،ابوسهل صعلوکی، و ابوعبدالله اخرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید که از وی حدیثی شنیدم. او رد فقه و لغت از پیشگامان بود و در حدیث صاحب تصنیف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات اعلام (231 / 1)، انساب سمعانی (541 -540/ 3)، سیر النبلاء (391 / 15)، معجم المؤلفین (108 / 2)، الوافی بالوفیات (396 / 7).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب سهل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 404 / 387 ق)، محدث، فقیه، متکلم و ادیب شافعی. مفتی نیشابور بود و پدرش نیز قبل از او این سمت را داشت. علم و فضل و دیانت او را ستوده‌اند و گفته‌اند که مرجع فقهای نیشابور بود. فقه را از پدرش، ابوسهل محمد بن سلیمان،و حدیث را از ابوالعباس اصم و ابوعلی رفاء آموخت. سپس مجلس درس آراست. در مجلس او افزون بر پانصد دوات برای نگارش بیانات او فراهم می‌کردند. حاکم نیشابوری و ابوبکر بیهقی و ابونصر محمد شادیاخی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «الفوائد» که گردآوری مسموعات اوست؛ «المذهب فی ذکر شیوخ المذهب»، که همان طبقات شافعیه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3 / 210)، الاعلام بوفیات الاعلام (1 / 273)، انساب سمعانی (3 / 540)،روضات الجنات (4 / 94)، ریحانه (3 / 445)، سیر النبلاء (17 / 207- 209، شذرات الذهب (3 / 172- 173)، طبقات الصوفیه هروی (585)، العبر (2 / 208)، کشف الظنون (1645)، الکنی و الالقاب (2 / 416- 417)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم المؤلفین (4 / 284)، نفخات الانس (318)، الوافی بالوفیات (12- 13 / 16)، وفیات الاعیان (2 / 435- 436)، هدیه العارفین (1 / 412).

صغانی، رضی‌الدین، ابوالفضائل حسن

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(650 -577 ق)، فقیه حنفی، محدث، نحوی و لغوی. اصل وی از صغان یا چغان مرو از ولایات ماوراءالنهر است که در لاهور به دنیا آمد و در غزنه نشوونما یافت.به بغداد رفت و سفری به یمن نمود و سرانجام تا پایان عمر در بغداد ماندگار شد. او در مکه از ابوالفتوح نصر بن صحری و در یمن از قاضی خلف حسن‌آبادی و در بغداد از سعید بن محمد بن رزاز حدیث شنید. او در زبان عربی سرآمد همعصران خود بود، و از مشاهیر فقها و محدثین به شمار می‌رفت. در اکثر علوم ریاست علمی داشت. حوزه‌ی درس او مرجع استفاده‌ی افاضل زمان بود. صغانی از مشایخ اجازه‌ی روایتی سید احمد بن طاووس و فرزندش سید عبدالکریم بن طاووس و علامه‌ی حلی است. از آثار وی: «مجمع البحرین»، در لغت، در چندین مجلد؛ «العباب»، معجمی در لغت که برای ابن‌علقمی، وزیر مستعصم نگارش کرده است؛ «الشوارد»، درلغت؛ «الاضداد»؛ «مشارق الانوار»، در حدیث، که برای مستنصر عباسی تألیف کرده است، شرح «صحیح» بخاری بطور مختصر؛ «التکمله علی الصحاح» یا تکمله الصحاح»؛ «در السحابه فی مواضع وفیات الصحابه»؛ «بیان الاحادیث الموضوعه» یا «الدررالملتقطه فی بیان الاحادیث الموضوعه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (232 / 2)، ایضاح المکنون (433 / 2)، روضات الجنات (91 -89 / 3)، ریحانه (409 -407 / 3)، سیر النبلاء (284 -282 / 23)، شذرات الذهب (250 / 5)، العبر (265 / 3)، کشف الظنون (1980 1832، 1808، 1776، 1705، 1688، 1599، 1461، 1438، 1424، 1394، 1392، 1250، 1121، 1072،1087 1067، 1065، 731، 553، 395، 251، 116، 87)، الکنی و الالقاب (318 -417 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم الادباء (191 -189 / 9)، معجم المؤلفین (279 / 3)، النجوم الزاهره (27 -26 / 7)، الوافی بالوفیات (243 -240 / 12).

صفار بخاری، ابواسحاق ابراهیم

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(534 -460 ق)، زاهد، متکلم و فقیه حنفی. معروف به زاهد صفار. وی در خرده‌گیری به پادشاهان دلیر بود. به همین دلیل به فرمان سلطان سنجر از بخارا به مرو تبعید شد. اما مجددا به بخارا بازگشت. از آثارش: کتاب «السنه و الجماعه»؛ «صک الجنه»، به فارسی؛ «تخلیص الزاهد»؛ «تخلیص الادله لقواعد التوحید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (548 / 3)، ایضاح المکنون (270 / 1)، کشف الظنون (1080 ،472)، هدیه العارفین (9 / 1)، معجم المؤلفین (13 / 1).

صفار بخاری، ابونصر اسحاق

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 405 ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اهل بخارا بود. او در ادبیات عرب، در شناخت نکات و دقائق آن، و همچنین در فقه و حدیث یگانه‌ی زمان خود بود. ابوسعد سمعانی در «تاریخ مرو» و حاکم نیشابوری در «تاریخ نیشابور» و خطیب بغدادی در «تاریخ بغداد» به شرح حال او پرداخته‌اند. او احادیث بسیاری در انواع علوم فراگرفت و در 405 ق، در سفر حج، در بغداد، از نصر بن احمد بن اسماعیل کنانی، صاحب جبرئیل سمرقندی، حدیث روایت کرد. ابوعلی حسن بن علی بن مذهب بغدادی از شاگردان و راویان صفار است و استادش را بسیار ستوده است. صفار در اواخر عمر به حجاز رفت و ساکن طایف شد و قبر وی در آنجاست. صفار شعر را نیکو می‌سرود. او در لغت و ادبیات تصانیفی دارد که از آن جمله است: «المدخل الی سیبویه»، در نحو؛ «المدخل الصغیر»، در نحو؛ «الرد علی حمزه فی حدوث التصحیف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (548 -547 / 3)، تاریخ بغداد (403 / 6)، ریحانه (452 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ اسحاق)، معجم الادباء (69 -66 / 6)، معجم المؤلفین (230 / 2).

صفار قمی، ابوجعفر محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 290 ق)، فقیه، محدث و عالم امامی. وی از بزرگان علماء و ثقات محدثین امامیه قم و از مشایخ روایت صدوق، ابن‌بابویه قمی، بود. حضور حضرت امام حسن عسکری (ع) را درک کرده و از آن حضرت روایت نموده است. گفته‌اند که او بسیار جلیل‌القدر و دارای کمترین لغزش در نقل روایات بوده است. راوی جمیع کتب و روایات او شاگردش، محمد بن حسن بن ولید، است. وی در قم درگذشت. از آثارش: «الاشربه»؛ «الایمان والنذور و الکفارات»؛ «بصائر الدرجات»؛ «الجنائز»؛ «الحدود»؛ «الصلوه»؛ «الوضوء»؛ «فضل القرآن»؛ «الجهاد»؛ «المثالب»؛ «الملاحم»؛ کتاب «المومن»؛ کتاب «الرد علی الغلاه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (341، 337، 336، 328، 309، 287، 268، 199/ 2، 185 / 1) الذریعه (149 / 5، 124 / 3، 516 / 2)، رجال الطوسی (436)، رجال النجاشی (253 -252 / 2)، ریحانه (453 / 3)، الفهرست للطوسی (289 -288)، الکنی و الالقاب (418 / 2)، معجم المؤلفین (208 / 9)، هدیه العارفین (24 / 2).

صفار نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 468 ق)، محدث و فقیه شافعی. وی مفتی نیشابور بود. از ابونعیم اسفراینی مهارجانی و ابوالحسن علوی و ابوعبدالله حاکم نیشابوری حدیث شنید. به گفته ابوسعد سمعانی، نزد ابومحمد جوینی فقه آموخت و چون جوینی به حج رفت در حلقه درس جانشین او گشت. ابوعاصم عبادی دقت‌نظر صفار را در فتوا ستوده است. زاهر شحامی و وجیه شحامی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (438 -437 / 18)، شذرات الذهب (331 / 3)، العبر (325 / 2)، الکامل (123 / 8).

صفار نیشابوری، مجدالدین، ابوسعد عبدالله

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(600 -508 ق)، اصولی، فقیه و محدث شافعی. از جد مادریش، ابونصر ابن قشیری، و پدرش، علامه عمر بن احمد، و عمه‌اش، عائشه، و جده‌اش، دردانه خواهر عبدالغافر، و هبه‌الله سیدی و سهل بن ابراهیم مسجدی حدیث شنید. وی «صحیح» مسلم را از فراوی و «سنن» دارقطنی را از فضل بن حمد ابیوردی و «سنن کبیر» را از زاهر بن طاهر و «سنن» ابی‌داوود را از عبدالغافر و «سنن» و «الآثار» را از عبدالجبار خواری استماع کرد. پسرش، قاسم بن ابی‌سعد صفار، و بدل تبریزی و نجم‌الدین خیوقی و ابورشید غزال و اسماعیل بن ظفر و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. عبدالرحمان بن ابی‌عمر و ابن‌بخاری از وی اجازه‌ی روایت داشتند. او را از پیشگامان فقه و حدیث و عالم به اصول به شمار آورده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (404 / 2)، سیر النبلاء (404 -403 / 21)، العبر (129 / 3)، النجوم الزاهره (166 / 6).

صفای تبریزی، فضلعلی مولوی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1339 / 1337 -1278 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به صفا. پدرش ملاباشی آذربایجان بود. وی در تبریز به دنیا آمد. به تحصیل مقدمات و صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه و تجوید و قرائت و حساب و نجوم نزد آقا میر علی زنوزی پرداخت. سپس فقه و اصول را فرا گرفت. استادان وی در فقه و اصول میرزا محمد حسن زنوزی و حاج میرزا محمد علی ملاباشی آذربایجان، برادرش، بودند. او تفسیر و کلام را نزد پدرش آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات عالیه به عتبات سفر کرد و در محضر علمای بزرگ حاضر شد و سرانجام به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از فاضل شرابیانی و فاضل ایروانی و ادرکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی نائل گردید. در 1307 ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخت. در 1324 ق از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در 1336 ق برای معالجه به اروپا رفت اما اقامت طولانی وی مفید واقع نشد و در برلین درگذشت و در گورستان مسلمین آنجا دفن شد. فرزندزادگان وی به نام مولوی مشهورند. از آثارش: «احکام الاراضی الخراجیه»؛ «استصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «حدایق العارفین»، در جمع آیات و اخبار کتب اربعه؛ شرح «قصیده‌ی عینیه» سید حمیری؛ «مصباح الهدی فی حقیقه التقیه و البداء»؛ «کلید دانش»، در صرف فارسی؛ «ریاض الازهار»؛ «سفرنامه»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی؛ قصیده‌ی «لامیه السفر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (299 -298)، الذریعه (10 / 14 271، / 12 ،608 / 9 ،289 / 6)، ریحانه (451 -448 / 3)، علماء معاصرین (121 -120)، فرهنگ سخنوران (557)، مکارم الآثار (2196 -2192 / 6)، یادگار (س 3، ش 6 و 7، ص 116 -110).

صفایی اعرجی خوانساری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1290- ح 1360 ق)، عالم دینی و فقیه. با بیست و نه واسطه نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در خوانسار به دنیا آمد. نزد علامه شیخ میرزا حسین خوانساری علوم ادبی و متون فقهی را تکمیل کرد. پس از آن به اصفهان رفت و سطوح عالی را نزد علمای آن شهر خواند و دروس خارج فقه و اصول را خدمت آیت‌الله هاشم چهارسوقی خوانساری، مؤلف «اصول آل الرسول» و «مبانی الاصول» و «رساله‌ی احکام الایمان»، و آیت‌الله شیخ محمد تقی نجفی مسجد شاهی و آیت‌الله سید محمد باقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، و علامه آیت‌الله شیخ ابوالمعالی کلباسی و شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام و آقا میرزا حسن بن آقا میرزا ابراهیم و آیت‌الله شیخ ابوالمعالی کلباسی و شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام و آقا میرزا حسن بن آقا میرزا ابراهیم و آیت‌الله میرزا حسن نجفی و آیت‌الله شیخ محمد باقر فشارکی، صاحب «عنوان الکلام»، فرا گرفت و پس از آن به نجف رفت و در مباحثات مراجع نجف: علامه طباطبایی یزدی و علامه خراسانی و آیت‌الله میرزا حسین خلیلی و آیت‌الله شریعت اصفهانی حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از نیل به مدارج عالی علم و مرتبه اجتهاد به خوانسار بازگشت و به خدمات دینی پرداخت. در خوانسار از دنیا رفت و در همان شهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «کشف الاستار عن وجه الکتب و الاسفار» یا «کشف الحجب عن لاسفار و الکتب»، به ترتیب «کشف الظنون»، در حالات مؤلفین شیعه و مؤلفات آنها؛ کتاب در «الاستصحاب»؛ کتاب «التعادل و التراجیح»؛ کتاب در «حجیه الظن»؛ کتاب در «مساله‌ی ولایت»؛ کتاب در «معاطاه»؛ کتاب در «بیع الوقف»؛ «تاریخ بلده‌ی خوانسار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الحجه (293 -291 / 2)، الذریعه (27 ،11 / 18)، ریحانه (451 / 3)، علماء معاصرین (184)، گنجینه‌ی دانشمندان (53 -51 / 5).

صفایی خوانساری، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1321 ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در خوانسار به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت و مقدمات را از آقا سید علی خوانساری، دایی خویش، فرا گرفت. سطوح را نزد پدرش آموخت. در 1340 ق به قم رفت و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حایری حاضر شد و چندین دوره فقه و اصول را نزد ایشان خواند و مقام اجتهاد و استنباط را حائز شد. وی از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله نایینی، آن مدتی که آن دو در قم بودند، بهره‌مند گردید. همچنین مدتی از آیت‌الله قمی و آقازاده‌ی خراسانی و آقا رضا مسجد شاهی و میرزا محمد صادق اصفهانی استفاده کرد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم از اصحاب استفتاء و خواص حواریون ایشان گشت و به تدریس فقه و اصول اشتغال یافت. او از نوزده تن از مراجع عظام نجف و قم و مشهد و اصفهان و تهران اجازه اجتهاد و روایت داشت. وی در قم درگذشت و در مسجد بالای سر حضرت معصومه (ص) دفن شد. او دارای تصنیفات و تألیفات بسیاری است که از آن جمله: «الدیانه الاسلامیه و معتقدات الامامیه»، در اصول اعتقادات؛ «تقریرات» درس آیت‌الله حایری، رد اصول و صلاه و نکاح و مکاسب؛ «الجواهر المودعه»؛ رساله‌هایی در تفسیر آیات «مبداء و معاد».[1]
عالم علوم دینی.
تولد: ربیع‌الاول سال 1321.
درگذشت: 24 مهر ماه 1371.
حضرت آیت‌الله حاج سید مصطفی صفایی خوانساری، فرزند آیت‌الله حاج سید احمدحسین صفایی صاحب کتاب کشف الاستار عن وجه الکتب و الاسفار، بود. مقدمات و سطوح و مقداری از فلسفه و حکمت را نزد دایی و پدرش و دیگر اساتید خوانسار فراگرفت. در سال 1340 ق. به شوق فراگیری علوم اسلامی به قم آمد و در درس آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری حضور یافت و چندین دوره فقه و اصول را در محضر ایشان فراگرفت. همزمان در محضر حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوین، کتاب اسفار را و در محضر حضرت آیت‌الله شاه‌آبادی، کتاب مصابح الانس و شرح فصوص قیصری را فراگرفت. از اساتید دیگر ایشان می‌توان از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا حسین نایینی (که در توقف هشت ماه آنان در قم از حضورشان بهره برد)، میرزا محمد آقازاده، حاج

شیخ مرتضی آشتیانی، حاج شیخ محمدرضا مسجدشاهی، میرزا محمدصادق احمدآبادی اصفهانی نام برد.
آیت‌الله خوانساری از آیت‌الله حائری اجازه اجتهاد و از حضرات آیات عظام، حائری، اصفهانی، بروجردی، آقا ضیاء عراقی، آشتیانی، ابوالمجد مسجدشاهی، شیخ محمدتقی خوانساری، میرزا محمد فیض، محدث قمی، میرزا محمد عسگری تهرانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، مرعشی نجفی، سید عبدالحسین شرف‌الدین و میرزا رضی تبریزی و برخی دیگر اجازه‌ی روایات دریافت کرده است. از آثار وجودی ایشان کتابخانه‌ای بزرگ- که دارای صدها نسخه خطی است- و بنای مسجدی در خوانسار و مسجدی در قم را می‌توان نام برد. تألیفات وی عبارتند از: حاشیه بر وسیلة النجاة، تقریرات درس فقه و اصول آیت‌الله حائری، حاشیه بر دررالاصول، رسائل، مکاسب، کفایه، قوانین و شرح لمعه، الدیانة الاسلامیة (در اصول عقاید)، الجواهر المودعة، تفسیر مبدأ و معاد و...
حضرت آیت‌الله صفایی خوانساری صبح روز جمعه بیست و چهارم مهر 1371 (هیجدهم ربیع‌الثانی 1413) در نود و دو سالگی چشم از جهان فرو بست و در مسجد بالا سر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (293 -291 ،77 -76 / 2)، آینه‌ی دانشوران (237 -235)، گنجینه‌ی دانشمندان (139 -138 / 2).

صفایی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1322 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. پدرش آیت‌الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی صاحب حاشیه بر «کفایه» بود. در سامراء به دنیا آمد و تحصیلات خود را بیشتر در محضر پدر فرا گرفت و در بیست سالگی به درجه اجتهاد رسید. او همچنین از حوزه‌ی درس آیت‌الله حایری یزدی بهره‌ها گرفت. بعد از پدر در مسجد نو قم به انجام خدمات دینی مشغول شد و تا آخر عمر به تدرس و تألیف اشتغال داشت. از آثارش: «تاریخ شخصیت و صفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله»، در دو جلد؛ «تاریخ زندگانی امیرالمومنین علی علیه‌السلام»، در سه جلد: جلد اول در ایام خلفا، جلد دوم از خلافت تا شهادت در دو بخش: جمل و صفین، جلد سوم شرح فضایل و مناقب آن حضرت؛ کتابی درباره «زندگانی امام حسین (ع)»؛ «تاریخ سیدالشهداء»، در دو جلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الحجه (56 -55 / 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (190 -189 / 2 ،336 / 1).

صفائی خوانساری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
السید احمد حسینی صفائی خوانساری والد ماجد آیت‌اللَّه حاج سید مصطفی خوانساری مقیم قم از علماء ابرار قصبه خوانسار است و نسب شریفش با 29 واسطه به حضرت حسین الاصغر بن امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد.
تولدش در حدود 1290 قمری در خونسار واقع شده و پس از رسیدن به سن هفت سالگی در خونسار نزد مرحوم علامه شیخ میرزا حسین خونساری علوم ادبیه و متون فقهیه را تکمیل و پس از آن مهاجرت به اصفهان و سطوح عالیه را نزد اساطین و علماء آن شهر به پایان رسانیده و دروس خارج فقه و اصول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه آمیرزا هاشم چهارسوقی خونساری مؤلف (اصول آل الرسول و مبانی‌الاصول و رساله احکام الایمان) و آیت‌اللّه آقای حاج شیخ محمد تقی نجفی مسجد شاهی و آیت‌اللّه آقا سید محمدباقر درچه‌ای «استاد آیت‌اللّه العظمی بروجردی» و علامه زاهد آیت‌اللّه الشیخ ابوالمعالی کلباسی و شیخ محمدعلی ثقةالاسلام و آقا میرزا حسن بن آقا میرزا ابراهیم و آیت‌اللّه میرزا حسن نجفی و علامه فقیه آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر فشارکی صاحب (عنوان الکلام) تکمیل و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و در مباحثات مراجع بزرگ نجف اشرف علامه طباطبائی یزدی و علامه خراسانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی حاضر و استفاده نموده و پس از نیل به مدارج علم و عمل و مرتبه اجتهاد مطلق به وطن مراجعت و به وظائف روحی و دینی پرداخته و در خوانسار و حومه آن مرجعیت عامه و ریاست تامه پیدا نموده و در مدت چهل سال اقامت در خوانسار و ضمن خدمات دینی تألیفات نافعه‌ای از خود به یادگار گذاشته‌اند که فهرست آنها را می‌نگارم:
1- کشف الاستار عن وجه الکتب والاسفار در حالات مؤلفین شیعه و مؤلفات آنها
2- کتاب فی الاستصحاب
3- کتاب التعادل والتراجیح
4- کتاب فی حجیة الظن
5- کتاب فی مسئلة الولایه
6- کتاب فی المعاطاة

7- کتاب فی بیع الوقف.
8- تاریخ بلده خوانسار. و غیر اینها از رسائل رجالی و فقهی و اصولی و ادبی و متجاوز از یکصد جلد از کتب فقهی و حدیثی و تفسیری و رجالی شیعه امامیه را به خط شریف خود نوشته‌اند. و جمع کثیری از افاضل معاصرین از تلامذه و شاگردان آن مرحوم می‌باشند. در سال 1359 قمری از دنیا رفته و مقبره‌اش در خوانسار مورد توجه مردم آن حدود است.
از آثار ایشانست مسجد بزرگ محله پاتخت خوانسار که در شب و روز در آن اقامه جماعت می‌شود فرزند ارجمندش جاب حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج سید مصطفی خوانساری از علماء بزرگ حوزه علمیه است که ترجمه‌اش در جلد دوم ص 138 گذشت دارای تألیفات و حواشی بسیاری بر مکاسب و رسائل و دررالفوائد و کفایه و شرح لمعه و قوانین می‌باشد که بعضی از آنها را در ذیل ترجمه‌اش یاد کردیم وی از نوزده نفر از مراجع عظام و مشایخ کرام معاصر نجف و قم و مشهد و اصفهان و تهران اجازه اجتهاد و روایتی دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صفوی اصفهانی نجفی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1370 -1283 ق)، عالم دینی و فقیه. معروف به محرر. چون در نجف اشراف از خواص آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی بود و محرر ایشان، مشهور به محرر شد. سید مهدی بحرانی وی را از مشایخ خود شمرده و یادآور شده که صفوی از سید میرزا محمد هاشم چهار سوقی روایت کرده است. وی در صحن «جامع الرسائل العملیه» است که فتاوای علامه یزدی و دیگران را در آن جمع کرده است. از دیگر آثارش: «ابواب الجنان»، در اعمال شب و روز، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (74 / 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 59 / 14).

صناری خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 539 ق)، فقیه، مفسر، نحوی و لغوی. ادبیات را نزد شیخ ابوعلی ضریر نیشابوری آموخت و فقه را در خوارزم نزد ابوعبدالله وبری فراگرفت. آن‌گاه به بخارا رفت و فقه خویش را در محضر فقهای آن دیار تکمیل نمود. سپس به جرحانیه (خوارزم) بازگشت و سرانجام در قریه‌ی مذانه از قرای خوارزم سکنی گزید و عهده‌دار امور مذهبی‌آنجا گشت و در مسجد جامع آنجا هر صبح جمعه وعظ می‌گفت. او لغات غریب و اشعار مشکل بسیاری را در حفظ داشت. وی در مذانه درگذشت. از آثارش کتاب «شماریخ الدرر»، در تفسیر قرآن مجید می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5 / 128)، ریحانه (3 / 469- 470)، کشف الظنون (1019، 447)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (14 / 63- 64)، معجم المولفین (7 / 149).

صندلی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 489 / 484 ق)، متکلم، واعظ و فقیه حنفی معتزلی. از اهالی نیشابور بود. با سلطان طغرل بیگ به بغداد رفت، سپس به نیشابور بازگشت و به زهد و سلوک روی آورد و از دیدار سلاطین روی برتابید. روزی ملک شاه سلجوقی در مسجد جامع نیشابور او را دید و از او به علت عدم رفت‌وآمد به دربار گله کرد. صندلی در جواب گفت: عرض ما آن است که شما با زیارت علماء از اخیار ملوک باشید نه این که ما با زیارت ملوک از اشرار علماء. از آثارش «تفسیر القرآن» را می‌توان نام برد. در «هدیه العارفین» صندلی به صورت صیدلی و در «معجم المولفین» به صورت صندیلی ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (707)، الاعلام (82 -81 / 5)، ریحانه (470 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المولفین (67 / 7)، هدیه العارفین (693 / 1).

صنوبری قزوینی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر فرزند آخوند میرزا جانی قزوینی معروف به صنوبری از علماء مبارز و مجاهد شهرستان قزوین بوده است تولدش در دیال آباد از مضافات قزوین در سال 1290 قمری اتفاق افتاده و در بیت ورع و تقوای پدر روحانیتش مرحوم آخوند میرزا جانی پرورش یافته و مقدمات را در قزوین خوانده و نیز سطح فقه و اصول را در این شهرستان از مدرسین و علماء بزرگ به پایان رسانیده و پس از آن در سال 1318 قمری عزیمت به نجف اشرف کرده و حدود ده سال تا 1328 هجری قمری اقامت فرموده و از محضر آیات عظام آن سامان چون حضرت آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدهادی تهرانی و آیت‌اللّه حاج شیخ ملا فتح‌اللّه شریعت اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به وطن خود قزوین مراجعت و به خدمات دینی از قبیل اقامه نماز جماعت و نشر معارف اسلامی و تبلیغ دین و مبارزه با ستمگران و منحرفین از ولایت خاصه مرام کثیف بهائیت و بابیت پرداخته و غالب خود لباس رزم پوشیده و در خط مقدم با آنان جنگیده و مبارزه می‌نمود.
آن مرحوم حدود دویست آبادی را در منطقه ساوج بلاغ تا تاکستان قزوین و نیز بخشی از قزوین را در زیر پوشش تبلیغی خود داشت و امور شرعی مردم این سامان را به عهده داشت و به خاطر مبارزه با طاغیان زمان و خشونت با دشمنان و شدت در امر به معروف و نهی از منکر مشهور و زبانزد همه بود و جدا مجاهدی نستوه بود در زمان خود و دائما برای دفاع از حریم اهل‌بیت علیهم‌السلام و عوامل حکومت مستبد آن زمان مبارزه می‌نمود و با این اوصاف مردی متعبد و عالمی متهجد و اهل حال و اهل مستحبات و ساعی در قضاء حوائج بندگان خدا بود.
اجازات چندی از آیات عظام نجف اشرف دارند کمه نزد این نگارنده موجود و عبارات و عنایات آنان را نسبت به آن مرحوم می‌نگارم و از نقل تمام آن پوزش و معذرت می‌خواهم.
1- آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی صاحب کفایه درباره ایشان چنین فرموده چون جناب مستطاب عمده العلماء الاعلام آقای آقا شیخ محمدباقر قزوینی سلمه‌اللّه تعالی که سالها در نجف اشرف مقیم و مشغول تحصیل علم و کمالات نفسانیه بوده و به کمال صلاح و سداد آراسته و به مدارج علم و کمال نائل می‌باشند و سزاوارند که ترویج دین و

شریعت سید المرسلین صلی اللّه علیه و آله نمایند...
2- آیت‌اللّه حاج شیخ محمد هادی طهرانی نجفی درباره ایشان گوید:
مخفی بر عموم اخوان ایمانی و اخوان روحانی وفقهم اللّه تعالی نیست که جناب مستطاب علم الاعلام رکن الفقهاء عین العلماء قدوه المحققین و عمده المدققین العالم العامل و المحقق الکامل سرکار شریعتمدار آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌اللّه تعالی نجل مرحوم مبرور آخوند ملا میرزاجان طاب ثراه...
3- آیت‌اللّه مرحوم شریعت اصفهانی قدس‌اللّه سره بعد از حمد و ثناء الهی و درود بر حضرت رسالت پناهی درباره معظم‌له فرماید:
و بعد فان العالم العامل و الفاضل الفاصل الباذل اباالفضائل والفواضل صاحب القریحه القویمه و السلیقه المستقیمه الورع المهذب الصفی والتقی النقی الزکی المولی محمدباقر القزوینی.
4- آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی الحسینی القزوینی شهیر به سید آقا قزوینی رحمه‌اللّه در شان ایشان فرماید:
چون جناب مستطاب شریعتمدار عمده العلماء العظام العالم العلام المحجه المسدد زین الفقهاء الکرام آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌اللّه تعالی بکمال سداد آراسته...
از باقیات الصالحات او فرزند ارجمند و پرهیزکاری وی حاج میرزا ابوالفضل صنوبری برادر خوانده این نگارنده است که جدا به زیور ورع و تقوا آراسته و به محامد آداب و محاسن اخلاق متصف می‌باشد زیرا که وی سالها از محضر و بیانات حکیمانه عابد صالح مرحوم آقا شیخ رجبعلی خیاط استفاده کرده و خاطرات سازنده و آموزنده از آن مرحوم دارد که برای نمونه یکی از آنها را می‌نگارم.
وی برای نگارنده نقل نمود که مسجد خیابان اکباتان سابق (ملت) امام جماعتی داشت سید و عالم که به زیور تقوا و ورع آراسته و بسیار بزرگوار بود که من گاهی موفق به شرکت نماز او شده و به وی اقتدا می‌کردم. او مریض شد و از دنیا رفت و من در مجلس فاتحه و یادبود او شرکت کردم و چون چند روزی از درگذشت او گذشت روزی در یکی از خیابانهای آن منطقه (سعدی) دیدم که او در حاشیه آن خیابان می‌آید تعجب کردم با خودم گفتم این آقا که از دنیا رفته بود آیا رجعت کرده و زنده شده پس به سوی او رفتم که از او سوال کنم از من گذشت دیگر او را ندیدم.
پس به منزل آمده و پس از خوردن غذا خوابیدم در عالم خواب به منزل جناب شیخ رجبعلی رحمه‌اللّه رفتم و پس از تعارفات به او گفتم فلان سید را می‌شناسید فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم در پیاده‌رو فلان خیابان می‌آید رفتم به سوی او که بپرسم شما رجعت کرده‌ای

به او نرسیدم.
فرمود: ابوالفضل باید یک سور (یعنی ولیمه و غذا) بدهی گفتم چرا گفت آقا امام زمان روحی فداه بوده.
پس از خواب برخاستم و به سوی منزل جناب شیخ رفتم و چون به منزل او رسیدم دیدم آماده است که به جائی برود. گفتم داداش فلان سید پیش نماز مسجد اکباتان را می‌شناسید. فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم زنده شده و در فلان خیابان راه می‌رفت. گفت ابوالفضل باید یک سور بدهی گفتم چرا گفت او آقا امام زمان روحی فداه بود باید به صورت آن آقا دیدی.
پس خواب خود را با بیداری و گفتار او را در خواب بیداری مطابق یافتم.
حفید آن مرحوم آقا حاج اسمعیل صنوبری در حال حاضر قائم مقام آقای ری شهری تولیت آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم حسنی است که در حال حاضر افتخار خدمتگذاری به آستانه را دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

صهرشتی، نظام‌الدین ابوعبدالله، سلمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، فقیه و عالم امامی. فقیهی موجه و متدین از شهرهای دیلم بود. وی از شاگردان نجاشی و شیخ طوسی (م 460 ق) و سید مرتضی و دیگر بزرگان بود. شیخ منتجب‌الدین از طریق پدر و جدش از وی روایت کرده است. رجال‌نویسان در اسم و کنیه و اسم پدر و اسم جد او اختلاف نظر دارند. از آثارش: «اصباح الشیعه بمصباح الشریعه»؛ «التبیان فی عمل شهر رمضان»؛ «التنبیه» یت «تنبیه الفقیه»؛«قبس المصباح» که تلخیص «مصباح المتهجد» شیخ طوسی است و حموی این کتاب را به ابوالفرج محمد بن حسن صهرجتی نسبت داده است؛ «المتعه»؛ «النفیس»؛ «النوادر»؛ «نهج‌المسالک الی معرفه المناسک».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (7 / 397)، الذریعه (424، 186 / 24، 30 / 17، 332 / 3، 119- 118 / 2)، روضات الجنات (14 -12 / 4)، ریحانه (481 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 88 / 5)، فهرست منتجب‌الدین (86 -85)، الکنی و الالقاب (435 -434 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ صهرشتی)، معجم البلدان (495 / 3)، معجم المؤلفین (258 / 4)، هدیه الاحباب (190)، هدیه العارفین (397 / 1).

صیدلانی نیشابوری، ابوصادق محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 415 ق)، فقیه، مسند و ادیب. از نوادگان شاذان نیشابوری است. از ابوالعباس اصم و ابوعبدالله بن اخرم و ابوبکر صبغی حدیث شنید. بیهقی و رییس ابوعبدالله قاسم بن فضل ثقفی و علی بن احمد موذن از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (401 / 17).

صیمری، ابوعبدالله حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(436 -351 ق)، محدث، قاضی و فقیه حنفی. اصلش از صیمر خوزستان و شیخ حنفیه در بغداد بود. مدتی قضاوت مدائن و در پایان قضاوت کرخ را بر عهده داشت. از ابن‌شاهین و هلال بن محمد و ابوبکر مفید جرجرائی و ابوالفضل زهری و ابوبکر بن شاذان و ابوحفص کتانی و ابوعبیدالله مرزبانی و عیسی بن علی بن عیسی وزیر حدیث روایت کرده است. خطیب بغدادی و عبدالعزیز کتانی و قاضی ابوعبدالله دامغانی و بسیاری دیگر از وی رویات کرده‌اند. صیمری در بغداد درگذشت و در منزلش در درب زرادین به خاک سپرده شد. از آثارش: «اخبار ابی‌حنیفه و اصحابه»،که کتابی حجیم است؛ شرح «مختصر الطحاوی»، در فروع حنفیه، در چندین مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (267 / 2)، انساب سمعانی (576 / 3)، تاریخ بغداد (7 -78 / 8)، سیر النبلاء (616 -615 / 17)، شذرات الذهب (256 / 3)، العبر (272 / 2)، الکامل (41/ 8)، کشف الظنون (1837 ،1618)، معجم البلدان (499 / 3)، معجم المؤلفین (35 / 4)، النجوم الزاهره (40 / 5)، هدیه العارفین (309 / 1).

صیمری، مفلح

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 873 ق)، فقیه و شاعر امامی. نسبتش به صیمر نزدیک خوزستان می‌رسد. او پدر حسین صیمری محدث است. با محقق کرکی معاصر و از تلامذه‌ی ابوالعباس احمد بن فهد حلی، صاحب «عده الداعی» بوده و از وی روایت کرده است. شیخ سلیمان بحرانی او را با صفت فقیه علامه توصیف نموده است. از آثارش: «غایه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام »؛ «کشف الالتباس»، در شرح «الموجز» استادش، ابوالعباس احمد بن فهد حلی؛ «التبیینات فی الارث و التوریثات»؛ «التنبیه علی غرائب من لا یحضره الفقیه »؛ «جواهر الکلمات فی العقود و الایقاعات »؛ «مختصر الصحاح »؛ «منتخب الخلاف» یا «تلخیص الخلاف» که انتخابی‌از کتاب «خلاف» شیخ طوسی است؛ اجازه‌ای به ناصر بن ابراهیم بویهی در 873 ق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (206 / 8)، اعیان الشیعه (133 / 10)، ایضاح المکنون (379، 326 / 1)، الذریعه (400/ 22 ،21 -20 / 18 ،20 / 16 88، / 11 ،1086 / 9 ،279 / 5 ،438 / 4)، روضات الجنات (161 -159 / 7)، ریحانه (484 -483 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 138 -137 / 9)، فوائد الرضویه (666)، لغت‌نامه (ذیل/ صیمری)، معجم المؤلفین (317 -316 / 12)، هدیه العارفین (469 / 2).

صیمری، نصیرالدین حسین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 933 ق)، عالم امامی، محدث، فقیه و زاهد. اخلاقی پسندیده داشت و بسیار اهل عبادت بود و بر مستحبات مواظبت می‌نمود بطوری که او را مستجاب الدعوه می‌دانستند. نزد پدرش فقه آموخت و از محقق کرکی با اجازه حدیث روایت می‌کرد. شیخ یونس مفتی اصفهان و شیخ یحی بن حسین از شاگردان وی می‌باشند. در سنی متجاوز از هشتاد در قریه سلماباد درگذشت و ر همان جا دفن شد. از آثارش: «الایقاظات فی العقود و الایقاعات »؛ «محاسن الکلمات فی معرفه النیات»؛ «المنسک الکبیر» یا «النسک الکبیر» یا «مناسک کبیر» یا «مناسک الحج» که شامل فواید بسیاری است؛ «الاسئله الصیمریه»، مسائلی که برای محقق کرکی فرستاده و جواب گرفته است؛ «جواز الحکومه الشرعیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (175 -174 / 6)، ایضاح المکنون (440 141، / 2)، الذریعه (128 -127/ 20، 243، 204 / 5، 508، 89 / 2)، روضات الجنات (161 / 7)، ریاض العلماء (180 -178/ 2)، ریحانه (483 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 66 / 10)، فوائد الرضویه (161)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین)، معجم المؤلفین (63 / 4).

ضحاک شیبانی، ابوبکر احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(287 -206 ق)، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. معروف به ابن ابی‌عاصم. ظاهری مذهب بود و قیاس به کار نمی‌برد. وی از مشاهیر محدثین بود که به دنبال حدیث در کوفه و بصره و بغداد و دمشق و مصر حجاز از محدثین بسیاری چون جد مادری‌اش، موسی بن اسماعیل، و ابوولید طیالسی و ابوعمر حوضی و شیبان بن فرخ و ابراهیم بن محمد شافعی و دیگران حدیث شنید. دخترش امضحاک عاتکه و قاضی ابواحمد عسال و عبدالرحمان بن محمد بن سیاه و احمد بن محمد بن عاصم و احمد بن بندار و ابوعبدالله محمد کسائی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن ابی‌عاصم پس از وفات صالح بن احمد بن حنبل به مدت شانزده سال، از 282 -269 ق، در اصفهان قضاوت می‌کرد. حدود سیصد تصنیف او، در فتنه‌ی صاحب الزنج، در بصره به یغما رفت و او از حفظ، پنجاه هزار حدیث را بازنوشت. آثار به جا مانده از او: «الدیات»، که در قاهره چاپ شده؛ «المسند الکبیر»، شامل پنجاه هزار حدیث؛ «الآحاد و المثانی»، شامل بیست هزار حدیث؛ «السنه»؛ «الاوائل».[1]
(ع. بخش 1) ابوبکر احمد بن محمد بن عمر شیبانی (ف. 287 ه.ق.). وی 16 سال منصب قضای اصفهان داشت و کتب او در فتنه زنج به بصره از میان رفت، ولی مقدار 50000 حدیث از حافظه خود نوشت. ضحاک مذهب ظاهری داشت و قیاس را منکر بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (182 -18 / 1)، انساب سمعانی (486 / 3)، تذکره القبوره (392 -391)، الجرح و التعدیل (ج 1 ق 67 / 1)، ریحانه (7 / 4)، سیر النبلاء (439 -430/ 13)، شذرات الذهب (196 -195 / 2)، العبر (414 -413 / 1)، الکنی و الالقاب (435 / 2)،لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (36 / 2)، النجوم الزاهره (137 / 3)، الوافی بالوفیات (270 -269 / 7).

ضیایی دزفولی، محمد رشید

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1247- ح 1332 ق). فقیه. ادیب و شاعر. متخلص به ضیایی. تحصیلاتش را در دزفول گذراند. سپسی به نجف رفت و تحصیلات خود را در آنجا در محضر شیخ انصاری و میرازی شیرای چندین سال ادامه داد. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به دزفول مراجعت نمود و به تدریس مشغول شد. چندی هم در خرم‌آباد و بروجرد اقامت کرد. سپس به عراق رفت و بعد از 1300 ق مجددا به دزفول بازگشت و به تدریس و ترویج علوم اسلامی و انجام وظایف شرعی پرداخت. او بسیار زاهد و پرهیزگار بود به حدی که هیچ‌گاه از وجوه خیراتی استفاده نکرد و از دست‌رنج و کسب و کار خود روزگار می‌گذراند. میراز هادی دزفولی از شاگردان اوست. وی در مقبره‌ی استاد خود سید حسین بن عبدالکریم گوشه در دزفول دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر که به نام «اشعار ضیایی دزفولی». در 1304 ق در بمبئی به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (280 / 9). الذریعه (632 / 9). طبقات اعلام الشیعه (قرن 725-724 / 14). مؤلفین کتب چاپی (126 / 3).

ضیایی شیرازی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف قبل از 1328 ش). حکیم، فقیه، طبیب و شاعر، متخلص به ضیایی. از سادات حسینی بهبهان بود که در شیراز سکونت داشت. به آورده‌ی تذکره‌ی «شعاعیه» وی از جوانی در تحصیل حکمت الهی کوشید و در فقه شاگرد آیت‌الله آقا سید کاظم یزدی بود و اجازه‌ی اجتهاد از ایشان داشت. بعدها قاضی دادگستری شد و سپس به سمت ریاست دادگستری مازندران ارتقاء یافت. اثر وی: «دیوان» شعر که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی ملک موجود است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (562 -561). حدیقه الشعراء (1084 -1083 / 2). دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (497 -494 / 3). الذریعه (633 / 9). فرهنگ سخنوران (574). مرآت الفصاحه (366 -365).

طارمی زنجانی، جواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1263 ق)، عالم، فقیه امامی، اصولی، متکلم و نحوی. در آب‌بر، از نواحی طارم، به دنیا آمد. وی ابتدا در زنجان به تحصیل پرداخت، سپس به قزوین رفت و در خدمت علامه‌ی وقت سید علی قزوینی، صاحب حاشیه‌ی «قوانین». مقدمات و مراتب علمی را فرا گرفت. برای تکمیل تحصیلات به عتبات مشرف شد. در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و فاضل ایروانی و فاضل مامقانی و میرزای شیرازی حاضر شد و از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد. در حالی که از بزرگان علماء شده بود. به زنجان بازگشت و به تدریس و تألیف و امامت جماعت پرداخت. وی رد زنجان درگذشت و در جوار سید ابراهیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاصول الجعفریه». در عقاید، به فارسی؛ «افضل المجالس فی المواعظ و المصائب»، که مقتلی است به فارسی؛ «تکمیل الایمان نی اثبات وجود صاحب الزمان». به فارسی؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «ربیع المتهجدین»، در نماز شب؛ «الارث» و «الدیات»، به فارسی؛ «شرح الاحتشام»، در شرح «نهج‌البلاغه»؛ «مشکل الرجال فی منتهی المقال»؛ «شرح الصمدیه»؛ «منتخب العلوم». در صرف و نحو؛ شرح «الدره» سید مهدی بحرالعلوم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (279 / 4). الذریعه (285 / 8 .418 / 4 259. .180 -179 / 2 .443 / 1). ریحانه (386 -385 / 2). طبقات اعلام الشیعه (قرن 339 / 14). علماء معاصرین (89). معجم المؤلفین (168 -167 / 3). مکارم الآثار (1717 / 5).

طارمی زنجانی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1351 -1295 ق). فقیه، اصولی و شاعر. اهل طارم سفلی. بین قزوین و زنجان، است. پس از فراگیری مقدمات در 1317 ق به نجف رفت و از محضر شیخ‌الشریعه اصفهانی و آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده نمود. تا عالمی فرزانه گشت. آن‌گاه به زنجان بازگشت و باری مدتی مرجع امور دینی مردم شد. وی در تهران از دنیا رفت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری دفن شد. از آثارش: «قاعده لاضرر»؛ کتاب «منجزات المریض»؛ «کتاب فی الاصول»؛ «کتاب الوقف»؛ «نتیجه الحیاه»؛ «دیوان» شعر به عربی و فارسی؛ «ذخیره الممات»، در مواعظ و مصائب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 1013 -10 / 12 / 14). معجم المؤلفین (62 -61 / 5).

طالقانی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1350 ق)، عالم دینی و فقیه. از فرزندزادگان امامزاده سید نصرالدین است که در یکی از روستاهای طالقان به دنیا آمد. وی پس از خواندن دروس ابتدایی به تهران آمد و مقدمات و سطوح را در تهران خواند. آن‌گاه به عتبات مهاجرت کرد و در حوزه‌ی درس میرزای شیرازی در سامرا شرکت نمود و پس از ایشان نزد آیت‌الله سید اسماعیل صدر به تحصیل پرداخت. در 1317 ق به حج رفت و در مراجعت،به تهران آمد و مقیم گشت و تا پایان عمر به انجام وظائف شرعی و دینی مشغول بود. پس از درگذشت، پیکرش به نجف حمل و در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «کیمیای هستی»؛ «مقاله‌ی اثنی‌عشریه»؛ «محاکمه الحجاب»؛ «السیاسه الحسینیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (137 / 20، 202 / 18، 271 / 12)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 33 / 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (510 -509 / 4).

طالقانی، ابوالخیر، احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(590 -512 ق)، قاری، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در قزوین متولد شد. در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. از ملکداد عمرکی و محمد بن یحیی نیشابوری و ابوعبداللّه فراوی و عبدالغافر فارسی و عبدالجبار خواری و زاهر شحامی و ابن‌قشیری و ابن‌بطی در قزوین و نیشابور و بغداد فقه و حدیث آموخت. مدتی ساکن بغداد بود و در نظامیه و جامع قصر تدریس می‌کرد. موفق‌الدین عبداللطیف و ابن‌القرشی و رافعی از شاگردان وی بودند. با ابن‌جوزی واعظ مشهور، به نوبت، هر کدام یک روز، مجلس وعظ منعقد می‌نمودند. خلیفه وقت در مجلس موعظه حاضر و پس پرده می‌نشست و جمع زیادی از مردم در مجلسش ازدحام می‌کردند. روز عاشورایی بر منبر بود، مردم از وی خواستند که بر یزید لعن کند و او امتناع ورزید، لذا مطرود آنان گشت و به قزوین بازگشت و در همان جا درگذشت. وی تصنیفات مختصر و مفصل بسیاری در تفسیر و حدیث و فقه دارد. از آثار وی: «التبیان فی مسائل القران»، ردی بر حلولیه و جهمیه؛ «خصائص السواک»، که در «معجم المؤلفین» «خصائص السوال» آمده است؛ «حظائر القدس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (93/1)، ریحانه (93/7)، سیر النبلاء (193 -190 /21)، کشف الظنون (705 ،341)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (48 -46 /19)، معجم المؤلفین (168 -167 /1)، نامه‌ی دانشوران (303 -287 /8)، هدیه العارفین (88/1).

طالقانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید احمد بن العلامه السید محمدتقی بن السید الجلیل السید احمد بن السید العلام السید محمد بن السید احمد حسینی اوزانی طالقانی تهرانی یکی از مشاهیر علماء معاصر و مراجع امور دینی مردم تهران بودند در گذر قلی خیابان (خیام).
وی در سال 1302 ق در تهران متولد شده و در بیت مجد و شرف پرورش یافته و مقدمات را از فضلاء عصر خود فراگرفته آنگاه از محضر جماعتی از علماء اعلام تهران مانند علامه آقا سید هادی طالقانی و دیگران از مدرسین مدرسه مروی استفاده نموده و در سال 1325 ق که والدش آیت‌اللّه آقا سید محمدتقی وفات نمود در مسجد پاچنار بجای ایشان به اقامه جماعت و مرجعیت امور پرداخته تا سال 1382 قمری که بدرود زندگی گفتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، علی محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1312 -1233 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نوجوانی به نجف رفت و چند سال در درس و بحث شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، شرکت کرد. سپس به زادگاهش بازگشت و پس از چندی برای بار دوم به نجف رفت و در محضر شیخ انصاری و ملا آقای دربندی و شیخ راضی نجفی حاضر شد تا به مدارج عالی فقه و فقاهت دست یافت و در ایام غیبت شیخ انصاری به جای او اقامه‌ی نماز کرد. در 1288 ق به ایران بازگشت و ساکن تهران شد و به تدریس و انجام سایر وظائف دینی پرداخت و تا پایان این عمر به تدریس و تصنیف مشغول بود. از آثارش «تقریرات» بحث استادانش صاحب «جواهر» و شیخ انصاری می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 1619 -1618 / 14).

طالقانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدتقی بن السید العلامه السید احمد ابن العلامه الجلیل السید محمدتقی می‌باشد.
وی در سال فوت مرحوم جدش علامه سید محمدتقی 1325 ق در تهران متولد و لذا بنام جدش موسوم گردیده است والده ماجده‌اش خواهر زاده علامه بزرگوار تهرانی مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ آقا بزرگ صاحب (الذریعه الی تصانیف الشیعه) بوده است.
(وف 1325 ق)، عالم دینی و فقیه. نسبش به امامزاده سید نصرالدین از فرزندزادگان امام باقر (ع) می‌رسد. در نجف از محضر شیخ انصاری و علامه سید حسین کوه کمری و دیگران استفاده نمود و از جمعی از علمای بزرگ همچون علامه سید مهدی قزوینی و علامه کوه‌کمری و فاضل ایراوانی و علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ محمد حسین کاظمی و علامه سید علی، مؤلف «البرهان» و دیگران به دریافت اجازه نایل شد. وی در حدود 1300 ق به تهران بازگشت و به انجام وظائف دینی پرداخت تا درگذشت. او در مسجد ماشاءالله شهر ری جنب قبرستان ابن‌بابویه مدفون شد. از آثار وی «المظاهر العقلیه»، در اصول دین و اجتهاد و تقلید و فروع فقهی است. بر این کتاب اجازه‌ی فاضل ایروانی و سید محمد تقی قزوینی، در 1295 ق، مکتوب است.[1]
السید محمدتقی بن السید احمد بن السید محمد بن السید احمد الحسینی اوزانی طالقانی والد مرحوم سید احمد آنف الذکر که نسبش بامامزاده جلیل‌القدر سید نصیرالدین مدفون در خیابان (خیام) امروز منتهی و از آن بزرگوار بامامزاده واجب التعظیم و لازم التکریم حضرت سلطان علی بن الامام الهمام ابی‌جعفر محمد الباقر علیه‌السلام مدفون (در اردهال) کاشان و معروف به مشهد قالی منتهی میشود.
وی در نجف اشرف از محضر شیخ انصاری و علامه سید حسین کوهکمری و دیگران استفاده نموده و از جمعی از علماء بزرگ مانند علامه سید مهدی قزوینی و علامه کوهکمری و فاضل ایروانی و علامه شیخ زین‌العابدین مازندرانی و شیخ محمدحسن کاظمی و علامه سید علی مولف (البرهان) و دیگران بدریافت اجازه اجتهاد و غیره نائل شده و حدود 1300 ق به تهران مراجعت و قیام بوظائف دینی نموده تا در محرم سال 1325 ق وفات و در مسجد ماشاءاللّه شهر ری در جنب قبرستان ابن‌بابویه مدفون گردیده

است.
دارای تألیفات عددیه مبسوطه که از آنها است (المظاهر العقلیه) می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (164 / 21)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 244 -243 / 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (506 -505 / 4).

طالقانی، محمدجعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا محمدجعفر طالقانی از بزرگان علماء عصر خود بوده است فرزند آن مرحوم ملا محمد معروف به فرشته است که در برغان مرحوم شده و قبر شریفش جنبه مزاریت دارد.
ملا محمد فرشته دارای سه پسر بوده‌اند 1- آیت‌اللّٰه حاج ملا محمدتقی 2- آیت‌اللّٰه حاج ملا محمدصالح 3- حجةالاسلام حاج ملا علی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدحسن طالقانی بن العالم الجلیل آخوند ملا عبداللَّه طالقانی از مشاهیر علماء و معاریف دانشمندان تهران بودند. در سال 1287 ق متولد شده و در سن ده سالگی باتفاق والد ماجدش به تهران منتقل و در مدرسه حاج رجبعلی خان مشغول بتحصیل شده و پس از خواندن مقدمات واجبات در سن 16 سالگی باصفهان مسافرت نموده و در آنجا از محضر و درس مرحوم آیت‌اللَّه حاج محمدباقر درچه‌ای (استاد مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی) و آیت‌اللَّه ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفی را از مرحوم میرزا جهانگیرخان حکیم قشقائی و مرحوم حجةالاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و بعد از بیست سال توقف در آن سامان برای دیدار والدین مسافرتی به تهران نموده سپس مراجعت به اصفهان و بعد از چند سال توقف ثانی و تدریسی و تدرس در اوائل مشروطیت به تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه دارالشفا و محمودیه مشغول بتدریس فقه و اصول گردیده و در مسجد سیف‌الدوله که اکنون به مسجد طالقانی معروف است در خیابان شاه‌آباد به اقامه جماعت و ترویجات دینی پرداخته تا در سال 1371 ق که دعوت حق را در سن 84 سالگی لبیک گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل بقمر و در مسجد بالا سر در جوار حضرت معصومه علیهاسلام بخاک سپرده شدند.
نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللَّه طالقانی مجسمه تقوا و فضیلت و پیکره زهد و پارسائی و دارای ملکات فاضله و اخلاق حسنه و در تهران بالاخص محیط شاه‌آباد محبوبیت خاصی داشته و مورد توجه و علاقه مردم بودند.
از آثار علمی ایشان رساله‌ای در لباس مشکوک و رساله‌ای در غصب بیادگار مانده است.
(1371 -1287 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در ده سالگی به اتفاق پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج رجبعلی‌خان مشغول تحصیل شد و پس از خواندن مقدمات،در شانزده سالگی به اصفهان رفت و از محضر درس آیت‌الله محمد باقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، و آیت‌الله ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده‌ها نمود. دروس عقلی و فلسفی را از میرزا جهانگیرخان حکیم قشقایی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شد. بعد از بیست سال توقف در آن سامان، برای دیدار والدین به تهران

آمد. سپس به اصفهان مراجعت کرد و بعد از چند سال تدرس و تدرس به تهران بازگشت و در مدرسه‌ی دارالشفاء و محمودیه مشغول به تدریس فقه و اصول گردید و در مسجد سیف‌الدوله (طالقانی) نیز به اقامه‌ی جماعت و ترویجات دینی پرداخت. فضائل اخلاقی وی مورد توجه خاص و عام بود. پس از درگذشت، پیکرش در مسجد بالاسر قم در جوار حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ای در «لباس مشکوک»؛ رساله‌ای در «غصب».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (507 -506 / 4).

طالقانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1358 -1289 ش)، عالم دینی، مفسر، فقیه، محقق و نویسنده. در قصبه گلیرد طالقان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در تهران گذراند و در 1305 ق به قم مهاجرت کرد و چندین سال از محضر اساتیدی جون آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری بهره برد. او آن‌گاه در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس پرداخت. در 1318 ش بر اثر مخالفت با دولت پهلوی به شش ماه زندان محکوم گشت. پس از درگذشت استادش، آیت‌الله حایری، و پدرش، آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی، در تهران مقیم گشت و در مسجد هدایت به تفسیر قرآن و ترویج دین و انشتار مقالات مذهبی و دیگر وظایف دینی مشغول شد. در 1320 ش اولین مقاله‌ی خود را در مجله‌ی «دانش‌آموز» پیرامون اوضاع تاریک مسلمین نوشت. پس از جنگ جهانی دوم به طور جدی و ارد فعالیتهای سیاسی شد و تا پایان عمر از زندانی به زندانی رفت و بیش از ده بار زندانی شد. او عالمی روشنفکر و مبارزی بیداردل بود. در 1334 ش با نوشتن ترجمه و شرح کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» علامه نایینی، دروان خفقان پس از کودتای 28 مرداد را پیش‌بینی و خاطرنشان کرد که، با وجود استبداد، رشد علمی و اخلاقی ممکن نیست. آیت‌الله طالقانی در 1357 ش از طرف امام خمینی به ریاست شورای انقلاب و در 1358 ش به سمت اولین امام جمعه تهران- بعد از انقلاب- منصوب و با رأی مردم به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد. آیت‌الله طالقانی در 19 شهریور از دنیا رفت و در کنار شهدای 17 شهریور در بهشت زهرا (س) اقامت جاوید گزید. از آثار وی: «اسلام و مالکیت»؛ ترجمه‌ی «الامام علی بن ابی‌طالب (ع)» عبدالفتاح عبدالمقصود؛ «بسوی خدا می‌رویم (با همه به حج می‌رویم)»؛ «پرتوی از قرآن»، تفسیر جزء سی‌ام قرآن و سوره‌ی حمد و بقره و آل‌عمران؛ ترجمه و شرحی بر «نهج‌البلاغه»؛ «مبعث، وحی، غار حرا»؛ «گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی».[1]
آقای حاج سید محمود بن العلامه الورع آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالحسن طالقانی از افاضل علماء و مجاهدین دانشمندان عصر حاضر تهرانست تولدش حدود سال 1330 قمری در تهران واقع شده و در حجر تربیت والد ماجدش پرورش یافته و تحصیلات خود را در تهران شروع و پس از آن مهاجرت به قم و چندین سال از محضر اساتید حوزه مخصوص مرحوم

آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت کوهکمری و آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری و والد خود به طهران آمده و در مسجد خیابان اسلامبول (مسجد هدایت) اقامه جماعت و تنویر افکار جوانان و غیره نموده و در راه هدف خود حوادث و بلیاتی را تحمل نموده است.
نگارنده گوید: علامه طالقانی معاصر عالمی مبارز و دانشمندی مجاهد است بسهم خود خدمات ارزنده‌ای نموده و موجب هدایت و ارشاد بسیاری از جوانان و روشن فکران گردیده و نیز آثار عددیه آموزنده‌ای بطبع رسانیده است که از آنهاست:
1- پرتوی از قرآن چهار مجلد، دو جلد از اول قرآن و دو جلد از آخر قرآن که تفسیر بسیار زیبائی است از جهت مطلب و قلم 2- ترجمه و مقدمه کتاب عبدالفتاح بنام طلوع خورشید.
محقق، عالم اسلامی، مجتهد.
تولد: 1282، یکی از روستاهای اطراف طالقان.
درگذشت: 19 شهریور 1358، تهران.
آیت‌الله سید محمود طالقانی تحصیلات خود را در قزوین شروع کرد و دوره سطح را در تهران به پایان رسانید. اساتید ایشان آیت‌الله محمدحسن اصفهانی، آیت‌الله میرزای شیرازی و آیت‌الله سید حسن صدر بودند. در قم نیز استادان وی آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری بودند. پس از سال‌ها تحصیل در قم از آیت‌الله العظمی حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم اجازه‌ی اجتهاد گرفت.
آیت‌الله طالقانی در مدرسه‌ی سپهسالار به آموزش علوم اسلامی پرداخت. در حدود سال 1318 الی 1320 به تفسیر قرآن در مسجد قنات‌آباد پرداخت. اولین بار به سبب دفاع از یک زن محجبه در سال 1318 زندانی شد. بعد از شهریور 1320 دست به تشکیل کانون اسلام در خیابان امیریه زد که در آن یک سلسله سخنرانی‌هایی ایراد می‌شد. همچنین در این کانون مجله‌ای به نام «دانش‌آموزان» منتشر می‌شد. از جله همکاران این مجله مهندس مهدی بازرگان بود که اساس دوستی آن دو و همچنین دکتر عزت‌الله سحابی از همین جا آغاز شد. در همین دوره است که انجمن اسلامی دانشجویان با همکاری مهندس بازرگان و دکتر سحابی تشکیل می‌شود. آیت‌الله طالقانی در تشکیل و تأسیس اتحادیه مسلمین هم نقش فعالی داشت.
علاوه بر این فعالیت‌ها، در ترجمه و تدوین موضوعی نهج‌البلاغه با آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای همکاری نزدیک داشت. وی بعد از واقعه آذربایجان در سال 1325، از طرف اتحادیه مسلمین و جامعه روحانیت آن روز برای سرکشی به حوادث آذربایجان به آنجا سفر می‌کند و گزارشی تهیه

می‌نماید.
در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت در مبارزات مردم شرکت داشت و در انتخابات دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملی از طرف مردم شمالی نامزد نمایندگی مجلس شد که مورد پشتیبانی مردمی قرار گرفت ولی انتخابات آن ناحیه مانند بعضی از نواحی دیگر انجام نگرفت و به دستور دولت برای جلوگیری از اخلالگری‌ها انتخابات آنجا تعطیل شد. بعد از کودتای بیست و هشت مرداد مبارزه را به صورت پنهانی در نهضت مقاومت ملی ادامه داد و همچنان در منبر و جلسات مسجد هدایت برای مردم سخن می‌گفت.
در سال 1334 فدائیان اسلام مدتی در منزل طالقانی پنهان شدند تا این که مأموران طنین می‌شوند ولی چند ساعت قبل از اینکه مأموران به خانه بریزند، نواب و دوستانش از منزل طالقانی خارج می‌شوند و بعد از آن مأموران سر می‌رسند و وی را دستگیر می‌کنند که مدتی در بازداشت بود ولی چون مدرکی علیه او وجود نداشت، آزاد می‌شود، مجددا در سال‌های 1324 و 1325 نیز بار دیگر سید مجتبی نواب‌صفوی، از اعضای فداییان اسلام را، در اطراف دهات طالقان مخفی می کند.
در سال 1336 نیز توسط ساواک دستیگر شد که بیش از یک سال در زندان به سر برد . با آیت‌الله مرتضی مطهری همکاری نزدیک داشت و در تابستان سال 1339 در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی به جبهه ملی دوم پیوست، جلسات وی در مسجد هدایت توسط حکومت تعطیل می‌شود و بعد از مدت کوتاهی آن جلسات در منزل احمد علی بابایی به مدت ده شب در دهه‌ی آخر ماه صفر ادامه پیدا می‌کند و همراه با آیت‌الله مطهری به تحلیل مسایل اجتماعی و سیاسی و روشنگری و افشاگری حقایق می‌پردازد.
در بیست و دوم خرداد 1342 دوباره دستگیر شد. پس از مدتی در شانزدهم دی 1342 او را به ده سال زندان محکوم کردند. فعالیت‌های او در زندان عبارت بود از برقراری جلسات قرآن، نهج‌البلاغه و تاریخ اسلام بود. آیت‌الله طالقانی همچنین توانست نخستین نماز جماعت در زندان را برپا نماید.
ایشان در کنفرانس‌هایی در کشورهای اسلامی به عنوان نماینده آیت‌الله کاشانی یا آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کرد.
در عید سعید فطر سال 1348 به مسئله‌ی فلسطین پرداخت و پس از خطبه‌ها مردم به پیروی از او گروه گروه به طرف محراب رفتند و فطریه خود را برای کمک به فلسطین هدیه کردند. روز عید فطر 1350 دستگیر و به زابل تبعید شد. آیت‌الله طالقانی دو سال بدون محاکمه، شکنجه‌های روحی و جسمی را در زندان تحمل کرد. در سال 1356 سه سال را در بدترین شرایط در زندان گذراند. سرانجام در پاییز 1357 همراه با دیگر

زندانیان سیاسی از زندان آزاد گردید.
در محرم سال 1357 برابر با یازده آذر پیامی برای مردم ایران فرستاد. ایشان همچنین به پیروی از امام در دهم بهمن 1357 پیامی برای ارتشی‌هایی که با ملت همدل بودند فرستاد. در تشکیل مجلس خبرگان به عنوان نماینده اول مردم تهران انتخاب شد. وی همچنین امام جماعت نخستین نماز جمعه در پنج مرداد 1358 بود. ایشان هفت نماز جمعه برگزار کرد که آخرین آن در بهشت زهرا در شانزده شهریور 1358 بود.
آیت‌الله طالقانی برای پایان یافتن درگیری‌های کردستان به همراه آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی و حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی به آنجا سفر کردند.
از جمله آثار اوست: پرتوی از قرآن (1342، تنظیم شده در زندان قصر)؛ مقدمه، توضیح و تعلیقه بر تنبیه الامة و تنزیه الملة؛ اسلام و مالکیت (1330)؛ ترجمه جلد اول کتاب امام علی بن ابیطالب (نوشته عبدالمفتاح عبدالمقصود، 1335)؛ به سوی خدا می‌رویم؛ با هم به حج می‌رویم (1332)؛ پرتوی از نهج‌البلاغه؛ آینده‌ی بشریت از نظر مکتب ما؛ آزادی و استبداد؛ آیه حجاب؛ مرجعیت و فتوا؛ مبحث وحی؛ غار حرا (1368 ق.)؛ درسی از قرآن؛ درس وحدت؛ گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی (گفتارهای رادیویی وی در سال‌های 1325 و 1327 ،1326)، روزها و خطابه‌ها، خطبه‌های نماز جمعه، مقدمه‌ای بر انجیل برنابا (ترجمه سردار کابلی)؛ مقالات منتشره در مجلات مختلف.
آیت‌الله سید محمود طالقانی در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بامداد دوشنبه نوزدهم شهریور 1358 جان سپرد و در بهشت زهرا به خاک سپره شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (269 -268 / 2)، آینه‌ی دانشوران (514 -513)، گنجینه‌ی دانشمندان (77 -57 / 8)، مستدرکات اعیان (219 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (51 -50 / 6).

طالقانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ مرتضی طالقانی قدس اللَّه روحه از علماء ابرار و مدرسین اخبار حوزه علمیه نجف و تا آخر عمر به تجرد گذرانیده و مقیم مدرسه سید یزدی صاحب عروةالوثقی بودند و در همانجا در سال 1364 قمری دار فانی را وداع گفتند.
وی در حدود 1280 قمری در طالقان قزوین به دنیا آمده و در محیط آرام و باصفای کوهستانی طالقان پرورش و پس از خواندن قرآن و فارسی در مکتب‌خانه آنجا به تهران و بعد از چندی به اصفهان عزیمت نموده و از محضر علماء بزرگ آنجا مانند آیت‌اللَّه ابوالمعالی کرباسی و حکیم قشقائی و آخوند ملا محمد کاشی و دیگران استفاده نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم علامتین آخوند خراسانی و علامه یزدی حاج سید محمد کاظم مرحوم شریعت اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی و دیگران استفاده نموده و به تهذیب نفس و به تکمیل روح پرداخته و به کمالات معنوی و روحی رسیده و جداً معرض از دنیا گردیده و به تدریس و پرورش عده‌ای از محصلین مهذب و بارع پرداخته است.
نگارنده گوید: یکی از علماء ربانی را که در دوره زندگانی خود ملاقات نمودم این بزرگوار بود.
در سال 1362 قمری که در نجف اشرف اقامت داشتم گاه‌گاهی از محضر وی استفاده نموده و از منظر و سیمای نورانی او که آخرت را به یاد انسان می‌آورد بهره‌مند می‌شدم.
بسیاری از مراجع و دانشمندان بزرگ معاصر از محضر و تدریس او استفاده نموده و عده‌ای از پرورش یافتگان درس اخلاق و عرفان ایشانند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، نظر علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1306 -1240 ق)، فقیه اصولی، متکلم، حکیم، حافظ، محدث و واعظ. او از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ انصاری بود. پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی مقیم گشت و به تدریس و تألیف پرداخت و به مواعظ منبری اشتغال ورزید. او در کلام و فروع و اصول ماهر و در معقول و منقول صاحب نظر بود. در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی آثار سودمندی به عربی و فارسی باقی است که از آن جمله: «کاشف الاسرار»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «مناط الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و ظواهر و فنی در بواطن و سرائر؛ رساله در «حجیت خبر واحد»؛ رساله در «اشتراط الحس فی قبول الشهاده»؛ «اجتماع الامر و النهی»؛ «طراز المصائب»، در مقتل؛ رساله‌ای در «فنا».[1]
ملا نظرعلی طالقانی عالمی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی متکلم و اصولی متبحر و محققی مدفق و عابدی زاهد و واعظی ناصح و حافظ قرآن. مقیم تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و مدرس مدرسه مروی و مایه فخر اسلامیان و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول از اکابر علماء امامیه و از تلامذه صاحب جواهر و بعد از وی از شاگردان شیخنا الانصاری قدس اللّه اسرارهم بوده است.
وی بعد از تکمیلات مبانی علمی به تهران آمده و در مدرسه مروی اقامت و به تدریس و تألیف کتب مفید پرداخته تا در سال 1306 ق که در مشهد رضوی از دنیا رفته و در جوار حضرت رضا علیه الصلوة والسلام مدفون گردیده است.
از تألیفات ارزنده ایشان کتب زیر است 1- اجتماع الامر والنهی 2- اشتراط الحس فی قبول الشهاده 3- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری 4- حجیة الخبر الواحد 5- رساله‌ای در فنا 6- کاشف الاسرار که مکرر بطبع رسیده است 7- مناط الاحکام.
مرحوم آیةاللّه حاج میرزا هادی خراسانی که از علماء مجاورین کربلاء معلی بوده در کتاب (کرامات و معجزات) خود می‌نویسد که مرحوم حاج ملانظر علی طالقانی در هنگامی که در مدرسه خان مروی اقامت و اشتغال به تدریس داشتند وقتی چنان در مضیقه مالی قرار می‌گیرد که حتی چند روزی گرسنه مانده و چیزی که سد جوع و گرسنگی او را نماید به

وی نمی‌رسد.
پس شبی با خود فکر می‌کند که صبر کردن با این فقر و پریشانی و عسرت کاری بس مشکل و به حدیث نبوی (کاد ان یکون کفرا) چه کنم نامه‌ئی به آیةاللّه حاج ملا علی کنی مجتهد بزرگ و زعیم اعظم روحانیت تهران بنویسم و از حال خود اطلاع دهم مناعت طبع او وی را منع نموده و می‌گوید او هم‌نوع تو است نباید آبرو را نزد هم نوع خود ریخت.
نامه‌ای به شاه وقت بنویسم باز عقل و تقوای او نهی نموده و می‌گوید تو که آخوند درباری نیستی می‌خواهی حیثیت و ارزش روحانی خود را از دست بدهی و خود را در اختیار دولت و حکومت بگذاری نامه‌ای برای حضرت علی (ع) بنویسم باز با خود می‌گوید از حضرت علی (ع) باید علم و معرفت و تقوا و سعادت خواست نه دنیا زیرا خود آن بزرگوار دنیا را سه طلاقه نمود و وقتی برادرش حضرت عقیل چیزی زیادتر از جیره و حق خود طلبید دستش را با آهن گرم داغ کرد.
بالاخره پس از مدتی فکر می‌گوید هیچ بهتر از این نیست که نامه‌ای برای خدا بنویسم که همه جا حاضر و شاهد و قادر برای رفع حوائج بدون منت می‌باشد. پس نامه‌ای به این مضمون می‌نویسد از بنده گنهکار نظر علی طالقانی به پیشگاه حضرت باری تعالی جلت عظمته.
نامه‌ی طالقانی به خدا
بسم اللّه الرحمن الرحیم
پس از تقدیم حمد و سپاس و درود فراوان بر حضرت رسالت و خاندان طاهرین او معروض می‌گردد این بنده مبتلا به فقر و پریشانی گشته و در کمال مضیقه قرار گرفته‌ام و حوائج و نیازمندیهای ضروریم از این قرار است.
1- منزل شخصی آبرومند اعیانی با تمام لوازم و مایحتاج آن.
2- همسر جوان زیبا و قشنگی که در تهران کم‌نظیر باشد.
3- یک نوکر زرنگ و یک کلفت و آشپز خوب و امین.
4- یک کالسکه عالی و راننده آن برای رفت و آمدم.
5- یک ده شش دانگی که تامین مخارج و معاشم را نماید.
6- یک باغ زیبا در شمیران که در فصل تابستان در آنجا بسر برم.
7- فلان مقدار پول نقد که قروض خود را ادا و آبروی خویش را حفظ نمایم
آدرس- مدرسه خان مروی دست چپ حیاط کوچک طبقه فوقانی.
حجره دوم نظرعلی طالقانی
پس نامه را در هنگام سحر برداشته و می‌برد لای درب مسجد شاه که در نزدیکی مدرسه مروی می‌باشد می‌گذارد.
و متوکلا علی اللّه برگشته و بعد از انجام وظائف دینی خود در حجره به روی خود بسته و می‌خوابد اتفاقا همان روز ناصرالدین شاه به عزم شکار

از تهران خارج شده و به سوی شکارگاه سلطنتی که در قسمت شرقی تهران و بالای قریه (مسگرآباد) واقع است می‌رود که ناگاه باد تندی وزیده و طوفانی برخاسته و مانع حرکت کالسکه شاه می‌شود پس شاه دستور توقف می‌دهد تا باد ساکت و گرد و غبار نشسته و بتواند به مسیر خود ادامه دهد که گرده‌بادی رسیده به کالسکه شاه می‌خورد پس شاه چشم خود را بسته که خاک در او نرود احساس می‌کند چیزی روی دامان او گذارده شده فوراً دست فرابرده آن را می‌گیرد و می‌بیند که نامه‌ای می‌باشد.
پس باد ایستاده و گرد و غبار نشسته شاه نامه را مطالعه می‌کند و می‌بیند که کسی برای خدا نوشته است فوراً شکر خدا نموده و فرمان برگشت به شهر داده و یکسره به منزل رئیس‌الوزراء وقت آمده و دستور احضار وزرا را می‌دهد.
وزرا در حالی که همگی ناراحت از انصراف شاه از شکار رفتن بودند به سرعت شرفیاب شده و تعجب می‌کردند که چرا شاه از رفتن شکار منصرف و به شهر برگشته‌اند پس چون همگی حاضر شدند شاه گفت بحمداللّه به شکارگاه نرسیده به صید خود رسیدیم و به بهتر از آنچه می‌خواستیم از شکار عایدمان گردد به فضل پروردگار بزرگ نائل شدیم.
پس نامه را از جیب بغل خود درآورده و جریان وزیدن باد تند و آوردن نامه را توضیح می‌دهد و می‌گوید ندانم بچه زبان و بیانی شکر و حمد خدا را بجا آوردم که بنده شرمنده خود ناصر را لایق دید و نامه بنده محتاج خود را به او رسانید تا رفع حوائج و نیازمندیهای او را بنماید.
پس (آجودان) و پیشکار مخصوص خود را با کالسکه سلطنتی به آدرس مزبور به در مدرسه مروی فرستاده و آقای حاج ملا نظر علی طالقانی را می‌طلبد.
تمام طلبه‌ها تعجب نموده و خود شیخ به وحشت افتاده که شاه مرا برای چه می‌خواهد آیا کسی از طلبکاران شکایت مرا بشاه نموده است وقتی این تشریفات مخصوص را می‌بیند قدری تسکین او می‌شود تا بحضور شاه رسیده و در کنار مبل شاه جائی قبلا آماده شده بود به امر شاه می‌نشیند.
پس شاه می‌گوید اسم شما چیست می‌گوید.
- نظر علی.
- اهل کجائی.
- طالقان.
آیا نامه‌ای برای کسی و جائی نوشته‌ای بعد از مدتی می‌گوید آری برای خدا دیشب نامه‌ای نوشتم نامه‌ات را کجا گذاردی می‌گوید سحرگاه لای درب مسجد شاه گذارده‌ام.
پس شاه‌نامه را درآورده می‌گوید آیا این است نامه تو می‌گوید آری پس

باز شکر خدا نموده و به وزرا می‌گوید کیست که در رفع حوائج ایشان شرکت نماید.
پس یک یک از حوائج مرقومه در نامه را می‌خواند.
1- منزل شخصی خود شاه دستور می‌دهد یکی از منازل سلطنتی را با لوازم و آنچه در آنست بنام وی ثبت و مقرر نمایند.
2- همسر جوان زیبا- یکی از وزراء عرض می‌کند قبله‌گاها با کسب اجازه از حضور اعلیحضرت این بنده دختری با این صفات دارم به ایشان تزویج نمودم.
3- یک نوکر و یک کلفت یکی دیگر از وزراء معروض می‌دارم این دو را هم من تقبل نمودم.
4- یک کالسکه... سومی می‌گوید این را هم من تقبل نمودم.
5- یک ده شش دانگی... نخست‌وزیر می‌گوید اعلیحضرتا فلان قریه را که در شهریار دارم تقدیم شیخ نمودم.
6- یک باغ زیبا... یکی از وزراء بعرض می‌رساند باغی در شمیران دارم اهداء نمودم.
7- فلان مقدار پول نقد... خود شاه فوراً پرداخته و خلاصه آشیخ را که تا یک ساعت قبل فاقد همه‌چی بود دارای همه چیز می‌کند و مستقیماً از آنجا به منزل عالی سلطنتی می‌برند و دختر آن وزیر را هم ازدواج می‌کند و غیر از او چند عیال دیگر اختیار می‌نماید ولکن از هیچ کدام فرزندی نصیبش نمی‌شود تا در سال 1306 ق در مشهد رضوی از دنیا می‌رود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (278 / 22، 234 / 17، 159 / 15، 62 / 16 269، / 1)، علماء معاصرین (28 -27)، گنجینه‌ی دانشمندان (17 -13 / 6)، المآثر و الآثار (174)، مکارم الآثار (1129 / 4).

طاووس یمانی، ابوعبدالرحمان طاووس

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(106 -33 ق)، مفسر، قاری، فقیه، محدث، زاهد و صوفی. اصلش ایرانی است، در یمن به دنیا آمد. ابن‌جوزی اسم او را ذکوان و لقب او را طاووس آورده و گوید از آنجا که او طاووس القراء بود به طاووس مشهور شد. او از بزرگان تابعین و از راویان ابن‌عباس و ابوهریره و فقیهی گرانمایه به شمار می‌آید. مجاهد و عمرو بن دینار از وی حدیث روایت کرده‌اند. در و عظ خلفا و سلاطین بسیار بی‌باک بود. ابن‌عیینه گوید: سه تن، از سلاطین به دور بودند: ابوذر، طاووس و ثوری. گفته‌اند که او چهل مرتبه حج کرد و چهل سال نماز صبح را با وضوی نماز عشاء خواند. شیخ طوسی او را از جمله اصحاب امام سجاد (ع) ذکر کرده، زیرا که وی راوی بعضی از ادعیه آن حضرت است. ابن‌قتیبه در «المعارف» به تشیع وی تصریح کرده و صاحب «روضات الجنات» او را در عداد فقهای شیعه شمرده، اما محدث نوری در «مستدرک الوسائل» آن را رد کرده و گوید که از هیچ یک از علما مطلبی دال بر شیعه بودن وی نقل نشده است. طاووس در مراسم حج، روز ترویه، درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (322 / 3)، اعیان الشیعه (396 -395 / 7)، التاریخ الکبیر (ج 2 ق 365 / 2)، تهذیب التهذیب (10 -9 / 5)، الجرح و التعدیل (ج 2 ق 501 -500 / 1)، حلیه الاولیاء (23 -3 / 4)، رجال طوسی (94)، روضات الجنات (139 -136 / 4)، ریحانه (23 -21 / 4)، سیر النبلاء (49 -38 / 5)، شذرات الذهب (134 -133 / 1)، طبقات ابن‌سعد (70 -66 / 6)، العبر (99 / 1)، الکنی و الالقاب (441 -439 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ طاووس)، المعارف (268)، النجوم الزاهره (331 / 1)، وفیات الاعیان (511 -509 / 2).

طاهری شاهرودی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن طاهری محمودی (معروف به شیخ محمدحسن حاجی) در یکی از روستاهای شاهرود که اکنون بخش مهمی است به نام میامی در بیت علم به دنیا آمده و مرحوم پدرش حاج ملا علی‌اصغر میامئی روحانی بود که از راه نماز استجیاری و زراعت و کشاورزی زندگی می‌کرد و در شاهرود در یکی از مساجد شهر اقامه جماعت می‌نمود و به کثرت عبادت و تلاوت قرآن و ملازمت مستحبات معروف بود و کارهای شرعی مردم را رسیدگی و اسناد شرعیه‌ای به امضاء ایشان در دست مردم هست نسبتا متمکن بود و از راه زحمت کشی در میامی و شاهرود املاکی در میامی و شاهرود داشت در حدود سن نود سالگی از دنیا رفت و طبق وصیت جنازه‌اش به نجف اشرف حمل و در وادی السلام در جنب حضرت هود و صالح علیهماالسلام مدفون گردید.
عموی بزرگ آقای طاهری (برادر مرحوم حاج شیخ علی‌اصغر میامی) نیز ملا و روحانی با نفوذ بوده و در مشهد به نام حاج ملا غلامحسین بوده است و پدران ایشان هم تا چند پشت روحانی بوده‌اند.
اما مرحوم حاج شیخ محمدحسن طاهری در کودکی همراه پدرش از میامی به شاهرود آمدند و در شهر ساکن گردیدند تحصیلات اولیه و سطوح آن زمان را نزد علماء شهر که از آن جمله مرحوم حاجی مدرس و حاج شیخ محمدتقی مدرس و حاج شیخ احمد شاهرودی بودند انجام داده و پس از سفری به مشهد به عراق مهاجرت کرده و از محضر مرحومین علمین آیتین آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده نموده و قسمتی از تقریرات مرحوم آخوند را در اصول مباحث الفاظ به رشته تحریر درآورده و با اجازاتی از آن دو بزرگوار به وطن برگشتند و به وظائف روحانی خود از اقامه جماعت و تدریس ادبیات و رسیدگی به امور شرعیه مردم در عقد و نکاح و معاملات مشغول شدند.
مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ احمد شاهرودی که ریاست روحانیت آن روز شاهرود را داشتند ایشان را مشاور و ملازم خود انتخاب کردند و در امور مردم با ایشان مشورت و کارهای زیادی را به ایشان واگذار می‌کردند. آن مرحوم مدت چند سالی هم در مشهد اقامت داشته و در مدرسه فاضل‌خان تدریس می‌کردند و در ضمن تدریس هم از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج آقا حسین قمی استفاده نموده بودند.

مرحوم طاهری دانشمندی خوش قریحه و با ذوق و حاضر جواب و حافظ اشعار زیادی بودند و مجالس علماء به وجود ایشان گرم و بانشاط بود. و خلاصه آن مرحوم عالمی مهربان و سخی و منیع‌الطبع و خوش اخلاق بود و با مناعت طبع و بزرگواری زندگی می‌کرد و درب خانه‌اش به روی همه و بخصوص اهل علم باز و از آنان به گرمی پذیرائی می‌کرد. آن جناب مبارزاتی بر علیه حکام جور قاجار و مامورین رژیم منفور دو پهلوی داشتند و در عصر تحمیل مشروطه نیز برای مشروطه مشروعه مبارزاتی نموده و جزو علماء مجاهد مانند مرحوم شهید نوری حاج شیخ فضل‌اللّه در منطقه شاهرود بودند و بعد از ماجرای مسجد گوهرشاد و اتحاد شکل و منزوی شدن روحانیت ایشانهم کم‌کم منزوی شده و همه املاک خود را فروخته و به زندگی شرافتمندانه خود ادامه دادند. و فرزندان خود را بزرگ کردند تا در سال 1365 قمری و 25 شمسی که همسرشان از دنیا رفتند (و او علویه محترمه صبیه مرحوم آیت‌اللّه میرمطلب بسطامی و تنها یار و یاور ایشان بودند).

پس مترجم محترم ما برای تحصیل به قم آمده و برادرشان آقای دکتر طاهری به تهران منتقل شدند و یکی از دخترانشان به همسری آیت‌اللّه حاج سید محمد حسینی شاهرودی فرزند آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی درآمده و به نجف اشرف هجرت نموده و دو دختر بزرگ دیگر نیز در شاهرود در خانه شوهرانشان بودند و آن مرحوم تک وتنها شدند و در شدت تنگدستی با آن عفت نفس و مناعت طبع زندگی سخت طلبه‌گی و سخت‌تر از آن را می‌گذراندند و در عین حال قلب ذاکر و لسان شاکر و بدنی بر بلاها صابر داشتند و همواره خدا را شکر می‌کردند و ذکر می‌گفتند و تهجد داشتند و بالاخره در ایامی که فرزندانشان در شاهرود نبودند غریبانه در سن 86 سالگی در ماه جمادی‌الثانیه سال 1374 هجری قمری برابر با 1332 شمسی پس از شصت سال خدمت بدین و مردم دنیا را وداع گفته و در مزار شاهرود به خاک رفتند و اغلب مردم شهر شاهرود و بسطام و حومه در تشییع آن مرحوم شرکت و تا چندین روز مجالس عزا برپا نموده و ابراز تاسف و تاثر می‌کردند و مرحوم آیت‌اللّه العظمی شاهرودی هم سه شب متوالیا در نجف اشرف در مدرسه بزرگ آخوند خراسانی مجلس فاتحه برقرار که عموم آیات و مراجع و روحانیت نجف شرکت نمودند رحمه‌اللّه علیه.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طاهری قمی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1289 ش)، عالم دینی و فقیه. در قم به دنیا آمد و پس از فراغت از تحصیلات مقدماتی در 1304 ش به تحصیل علوم دینی پرداخت و حدد سیزده سال سطوح وسطی و نهایی را در خدمت آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله موسوی و آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی و ادیب تهرانی و آیت‌الله آقا سید کاظم گلپایگانی و آیت‌الله سید احمد خوانساری و دیگران به پایان رسانید. او مدت سه سال از دروس خارج آیت‌الله حایری و آیت‌الله آقا سید محمد حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله فیض استفاده‌ها نمود. در 1320 ش بنا بر دعوت جمعی از مردم ورامین به آن شهر رفت و سالها در مسجد بزرگ ورامین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام دینی پرداخت. از آثارش: تأسیس مسجد بزرگ در ورامین و تشکیل حوزه‌ی علمیه در آنجا. از آثار علمی‌اش: «جامع التفاسیر»؛ «راهنمای مبلغین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (682 -681 / 4).

طاهری، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا جلال طاهری اصفهانی از علماء مجاهد و مبرز معاصر اصفهان است تولد ایشان در حدود سال 1347 قمری در حسین‌آباد اصفهان که اکنون جزو شهر شده است واقع شده و دروس فارسی و مقدمات و ادبیات را در اصفهان خوانده و در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی شرکت و از محاضر و دراسات نامبردگاه و بعضی دیگر استفاده کامل نموده و چون در میان اقران خود به ذکاوت و خوش‌فهمی معروف بوده از بعضی همگنان گوی سبقت ربوده و در حوزه علمیه جلسات بحث و تدریس گذارده تا بعد از تبعید نایب‌الامام که به اصفهان مراجعت و به اقامه جماعت و تدریس و مبارزه با بیدادگران و رژیم طاغوتی پرداخته و چندین بار گرفتار عمال جنایتکار شاه مخلوع و به زندان افتاده و آزاد گردیده تا در سال گذشته (1398 ق) که منزلش مورد حمله مامورین و سربازان مغولی و چنگیزی (محمدرضا پهلوی) سواللّه وجهه- گردیده و گرفتار آن جلادان شده که این بار مردم اصفهان قیام و دولت را محکوم و پشتیبانی خود را به روحانیت و امام ملت اعلام و آزادی ایشان را خواسته و حتی قربانیها داده و خونهای جوانان عزیز و رزمندگان خود را اهداء و او را آزاد نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طاهری، حیدر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید حیدر طاهری از علماء و ائمه جماعت موجه خرم‌آباد بوده که در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده بعد از اینکه سالها تحصیلات خود را در اصفهان به پایان رسانیده بودند.
در قم از حواریین و اصحاب و رفقای خاص مرحوم آیت‌اللّه مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی بوده و از محضر آیت‌اللّه العظمی حایری هم استفاده می‌نموده تا پس از چند سالی از تبعید مرحوم بافقی مراجعت به خرم‌آباد نموده و به خدمات دینی و اقامه جماعت پرداخته تا سال 1366 قمری که از دنیا رفته و در همانجا مدفون گردیده است. آن مرحوم عمده تحصیلاتش در اصفهان بوده و بعد در قم خدمت مرحوم آیت‌اللّه حایری و از آن مرحوم و نیز آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی اجازه اجتهاد داشتند و در خرم‌آباد در ساختمان و بناء مدرسه کمالیه با مرحوم آیت‌اللّه کمالوند همکاری و تشریک مساعی نموده است وی دارای اخلاق پسندیده مخصوصاً صفت حلم بوده و در این خصلت ضرب‌المثل بوده است وفاتش در 22 شعبان‌المعظم هزار و سیصد و شصت و شش (1366) قمری واقع شده است.
از باقیات‌الصالحات اوست فرزند ارجمندش جناب ثقةالاسلام و مصباح‌الظلام نویسنده و گوینده والامقام آقای حاج سید حسن طاهری خرم‌آبادی که از فضلاء جوان حوزه علمیه و نویسندگان بنام مجله وزین مکتب اسلام و مکتب تشیع و سایر مجلات دینی حوزه علمیه قم می‌باشند وی بالغ بر بیست سال است که در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل علم و تکمیل مبانی فقه و اصول و موصوف به فضل و تقوا می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1319 ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در شیراز به دنیا آمد و در بیت علم و عزت پروزش یافت. دروس مقدمات و سطوح را در شیراز خواند، آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله نایینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله اصفهانی و دیگران استفاده نمود تا به مقام اجتهاد رسید. وی در نجف پس از چندین مرتبه گفتن درس سطوح عالی «کفایه» و «مکاسب» و «فرائد»، به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. از آثار وی احداث سه مدرسه‌ی علمی در نجف برای طلاب است. از آثار علمی‌اش: «عمده الوسائل فی شرح الرسائل»، در مباحث قطع و ظن، در چهار مجلد؛ حاشیه بر «عروه‌الوثقی»؛ «منجزات المریض»؛ «رفع الحاجب فی الاجره عن الواجب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (342 / 15)، گنجینه‌ی دانشمندان (275 / 7 454، / 5).

طاهری، عبداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبداللّه بن العالم النبیل آیت‌اللّه آقا سید محمدطاهر مجتهد شیرازی از مشاهیر علماء معاصر نجف اشرف می‌باشند.
وی در حدود 1318 ق در شیراز متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و دروس مقدمات و سطوح را در شیراز خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده تا به مقام منیع علم و اجتهاد رسید.
و پس از گفتن چندین بار درس سطوح عالی کفایه و مکاسب و فرائد به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و تا حال تحریر در حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف اشتغال به تدریس خارج و یکی از مراجع و مجتهدین بزرگ شیعه محسوب می‌شوند.
تألیفات عدیده‌ای در فقه و اصول و غیره دارند که بعضی بطبع رسیده و برخی هم مخطوط مانده است و انشاءاللّه در جلد ششم در ذکر نجف خدمات و آثار معظم له خواهد آمد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، محمدجعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدجعفر بن العالم الجلیل آقا سید محمدطاهر و مجتهد شیرازی از علماء محترم معاصر شیراز است.
وی در سال 1316 ق در شیراز متولد شده و پس از تحصیل مقدمات و سطوح در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی (موسس) حوزه استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی در مدت هفت سال فقهاً و اصولا استفاده نموده و پس از تحصیل اجازه به شیراز برگشته و به تالیف و تصنیف کتب علمی و مطالعه پرداخته و مورد توجه غالب مردم شیراز و مرجع و ملجاء آنان گردیده است.
تالیفات ارزنده عدیده دارند که از نظر ارباب فضل می‌گذرانم.
1- ازالة الشکوک فی لباس المشکوک که در سال 1326 شمسی بطبع رسیده است.
2- مجموعه مقالات اجتماعی و دینی (در دو جلد که در شیراز چاپ شده است)
3- الهدایه در شرح کافیه نیز در شیراز چاپ شده است.
از باقیات الصالحات معظم له فرزندان متقی و دانشمندیست بنام حجتی‌الاسلام آقای حاج سید فخرالدین و حاج سید نورالدین طاهری شیرازی که از افاضل علماء مقیم شمیران تهرانند و ترجمه اجمالی آنان در ص 658 ج چهارم گذشت.
(تو 1316 ق)، عالم دینی و فقیه. در شیراز به دنیا آمد و پس از تحصیل مقدمات و سطوح در اوائل تأسیس حوزه‌ی علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌الله حایری یزدی استفاده نمود و پس از آن به نجف رفت و از محضر درس آیت‌الله نایینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله اصفهانی مدت هفت سال در فقه و اصول بهره برد. پس از کسب اجازه به شیراز بازگشت و به تألیف و تصنیف کتب علمی و تحقیقی پرداخت.وی مرجع امور دینی مردم شیراز بود. از آثارش: «ازاله الشکوک فی لباس المشکوک»؛ مجموعه مقالات اجتماعی و دینی، در دو جلد؛ «الهدایه»، در شرح «الکفایه».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (454 -453 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (327 -326 / 2).

طباطبایی بروجردی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در روزهای پایانی صفر 1292 ق . خانه حجة الاسلام حاج سید علی بن سید احمد طباطبایی با تولد نوزادی که ((حسین)) نام گرفت. غرق درذکر و سپاس پروردگار شد.
سید حسین اندک اندک بالید، جامع المقدمات ، سیوطی ، منطق و گلستان سعدی را در مکتب آموخت و سپس در مدرسه نوربخش به تکمیل اندوخته ها و تهذیب نفس پرداخت . نحو، صرف ، بدیع ، عروض ، منطق ، فقه و اصول بخشی از دستاورد سالهای مدرسه نور بخش شمرده می شد. سالهایی که سید حسین سخت کوشید و در پناه عنایتهای ویژه الهی به پیشرفتی چشمگیر دست یافت .
آنگاه عزم اصفهان سپاهان کرد و پس از جلب رضایت پدر سمت آن سرزمین دانش خیز به راه افتاد. آقا نوح الدین ، پسر عمو سید حسین ، در مدرسه صدر روزگار می گذراند؛ دانشجوی سخت کوش بروجرد یکسره نزد پسر عمویش شتافت و در حجره او اقامت گزید. رابطه پسر عموهای بروجردی بسیار نیک بود. آقا نوح الدین در روزهای آغازین به سید حسین گفت : اگر می خواهی در دانش اندوزی و تدریس کامروا شوی باید در محافل علمی سخن بگویی و در درس اشکال کنی و گرنه تا پایان عمر چون من گمنام می مانی .
زیر باران
سید حسین نخست در درس استاد گرانقدر آقا سید محمد باقر درچه ای شرکت جست .
دانشور درچه ای ، که نورالهی در دیدگان داشت ، بزودی گوهر یگانه بروجرد را باز شناخت ، او را به خود نزدیک کرد و از عنایات ویژه خویش برخوردار ساخت . حضرت آیة الله ملا محمد کاشی ، مجتهد وارسته میزار ابوالمعانی کلباسی ، دانشور گرانمایه سید محمد تقی مدرس و حکیم برجسته میرزا جهانگیر قشقایی از دیگر استادان ستاره تابناک بروجرد شمرده می شدند.
استادان گرانپایه ای که هر یک به گونه ای سید حسین را از عنایت خویش بهره مند ساختند و در شکل گیری شخصیت گوهر گرانبهای خاندان طباطبائی دخالت داشتند. سید دانش پژوهان بروجردی در بامداد یکی از روزهای ربیع الاول 1314 سرمست از باده دانش و حکمتی که استادان

نامور حوزه سپاهان در کام روانش می ریختند، در برابر حجره اش نشسته بود که پیکی نامه پدر را به وی سپرد.
هر چند نامه پدر سید حسین را در شادی فرو برد ولی این سرور دیری نپایید زیرا پدر او را به وطن فرا خوانده بود. ستاره بروجرد با این اندیشه که شاید پدر می خواهد او را به نجف گسیل دارد رنج سفر و بریدن از درس را به جان خرید و به زادگاهش برگشت ولی پدر اندیشه ای دیگر در سر داشت . او با پای فشاری بر خواسته خویش مقدمات ازدواج فرزند را فراهم آرد. بدین ترتیب دانشجوی جوان بروجردی در 22 سالگی ازدواج کرد. دو یا سه ماه در زادگاهش ماند و سپس با خانواده سمت اصفهان رهسپار شد.
نامه سرنوشت
1319 ق . برای گوهر یگانه بروجرد سال تحول بود. نامه پدر به دستش رسید و او را آماده سفر ساخت . پدر چنان نوشته بود که می خواهد وی را به نجف گسیل دارد. بنابراین پس از نه سال زندگی سراسر تلاش و پژوهش در اصفهان به زادگاهش بازگشت . اندکی در آن سامان توقف کرد و سپس همراه برادر کوچکش ، سید اسماعیل ، رهسپار نجف شد.
برادران بروجردی در 1320 به حریم پاک امیر مومنان علیه السلام گام نهادند. سید حسین ، که 28 سال داشت و مجتهدی جوان شمرده می شد، به درس حضرت آیة الله العظمی محمد کاظم خراسانی شتافت و خود را در برابر تابش مستقیم آفتاب دانش آن مرجع وارسته جای داد. بزودی نظرهای بجا و قابل تاءمل دانشو تازه وارد توجه استاد بزرگ حوزه نجف را جلب کرد و میان آنها پیوندی ناگسستنی پدید آورد. به گونه ای که اگر پس از درس آخوند خراسانی ، سخنی بر زبان نمی آورد، استاد وی را مخاطب قرار می داد و می فرمود: آقا نظری ندارید؟
اندک اندک ارج سید حسین بر شاگردان محفل آخوند نیز آشکار شد. آنها از او خواستند تا پس از خروج استاد از محفل ، درس وی را با شرح و توضیح فزونتر بازگو کند. بدین ترتیب یکی از برنامه های مجتهد بروجردی تقریر درس استاد شد.
آن بزرگمرد هشت سال در حریم حضرت علی علیه السلام اقامت گزید. علاوه بر آخوند خراسانی از بزرگانی چون حضرات آیات شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی بهره کافی برد، گروهی از دانشجویان را از درس فصول (در علم اصول) خویش کامروا ساخت ، سر انجام در اواخر 1328 به اصرار پدر راه بروجرد پیش گرفت و در 1329 با استقبال پرشور مردم به زادگاهش گام نهاد.
او بر آن بود که پس از اقامتی کوتاه در وطن دیگر بار سمت نجف بال گشاید و به آستان مقدس علوی پناهنده شود. ولی بیماری و مرگ پدر

سفرش را به تاءخیر انداخت . در این سوگ نامه صاحب کفایة الاصول سبب تسلای خاطرش شد. آخوند خراسانی ضمن تسلیت وفات حاج سید علی از اشتیاق وافر خویش برای دیدار مجتهد بروجرد پرده برداشته بود.
این نامه مهرآمیز سید دانشوران بروجرد را بر آن داشت که امور خانواده را سامان دهد و به نجف شتابد. چند ماه بعد همه چیز برای سفر آماده بود که خبر رحلت استاد گرانقدرش وی را در اندوه فرو برد. آن بزرگمرد پیوسته می گفت : مرگ دو پدر در مدت کوتاه کمتر از 6 ماه بسیار بر من سنگین و ناگوار بود.
خبر مرگ استاد اشتیاق سفر را در وجودش میراند. زندگی در نجف بی حضور استاد خراسانی برایش دشوار بود. پس اندیشه هجرت از سر بردن کرد و در بروجرد بساط تدریس و ارشاد مردم گسترد. اندک اندک مؤ منان شهر ارج ستاره خاندان طباطبایی دانستند و زمام امور معنوی خود را به وی سپردند. ارادت حضرت آیة الله حاج محمد رضا دزفولی به سید مجتهدان بروجرد بر شهرت و اعتبارش افزود. پس از رحلت فقیه دزفولی انبوه مقلدانش به آن مجتهد وارسته رجوع کردند و مرجعیت آن بزرگمرد در منطقه گسترش یافت .
در برابر شب
در این سالها تبلیغ بهایی گری از سوی برخی از مسؤ ولان شهر و اهانت آشکار آنها مقدمات دینی مردم سرور مجتهدان بروجرد را در نگرانی فرو برد. او با تهران تماس گرفت ، وضعیت نامطلوب برخی از ادارات را با پایتخت نشینان در میان نهاده ، خواستار برکناری مسؤ ولان دین ستیز شد و چون بی اعتنایی سران دولت را مشاهده کرد معترضانه شهر را ترک گفت .
پیروان پاکدل آن مرجع روشن بین در مسجاها گرد آمدند، سخنرانان بر منبرها جای گرفتند و همه یکصدا به حمایت از مرجع دلاور بروجرد پرداختند. مسؤ ولان شهر که توان رویارویی با مردم را در خویش نمی دیدند خواسته فقیه طباطبایی را اجابت کردند و آن راهبر توانا در میان ابراز احساسات پرشور مؤ منان به شهر بازگشت .
سفر سبز
از رخدادهای مهم دیگر این سالها وفات دخت گرانقدر مرجع پارسای بروجرد بود. استاد پس از این حادثه ناگوار راه خراسان پیش گرفت تا در پناه آفتاب توس دمی از رنج هستی بیاساید.
چون توقف آن فقیه فرزانه در مشهد به درازا کشید نمایندگان مردم بروجرد نزدش شتافتند و او را بدان دیار خواندند. دانشمند فروتن طباطبایی خواسته آنها را اجابت کرد، پس از سیزده ماه رهسپار زادگاهش شد و پس از توقفی کوتاه در قم و تهران در میان استقبال پر شور مؤ

منان به بروجرد گام نهاد.
او سپس راه عراق پیش گرفت ، مدتی در نجف ماند و با بزرگانی که به استقبالش شتافته بودند، دیدار کرد. آنگاه رهسپار حجاز شد، پس از به جای آوردن مراسم حج به عراق بازگشت ، چندی در حریم امیرمؤ منان توقف کرد و سپس روانه ایران شد.
در بند دژخیم
همزمان با اوج گیری اعتراضهای مؤ منان علیه رضا خان و هجرت اعتراض آمیز روحانیان کشور به قم ، سرور فقیهان بروجرد به مرز ایران گام نهاد. مزدوران دربار، که از پیوستن او به مهاجران و رساندن پیام مراجع نجف به معترضان می هراسیدند در مرز قصر شیرین وی را دستگیر کردند و به پایتخت بردند.
در تهران رضاخان به دیدارش شتافت . او که در پی یافتن فردی برای رویارویی با شیخ عبدالکریم حائری بود با سید مهربانی کرده ، گفت : چیزی از من بخواه .
فقیه بروجردی اظهار بی نیازی کرد ولی در برابر پافشاری شاه ناگریز لب گشاده ، فرمود: وقتی در ارکان حرب بودم مقدار جیره غذایی سربازان را ناکافی دیدم ، اگر می خواهید کاری کنید فرمان دهید جیره آنها فزونی یابد.
آنگاه در پاسخ رضا خان ، که مساءله نادیده گرفتن جایگاه آیة الله العظمی حائری و پیروی دولتیان از مجتهد بروجردی را مطرح کرد، فرمود: خیر، شما با ایشان تماس بگیرید، من هم اگر کاری داشتم از طریق آن جناب با شما در میان می نهم .
آنگاه وی را به همراهی با روحانیت و عمل به دستورات الهی فرا خوانده ، چون می دانست اجازه سفر به قم و بروجرد به او نمی دهند، فرمود برآنم به مشهد سفر کنم .
اندکی پس از خروج رضا خان تیمورتاش پنجاه هزار تومان نزد آن مرجع وارسته آورد. فقیه بروجردی از پذیرش هدیه درباره خودداری کرد و بامداد روز بعد راه خراسان پیش گرفت .
دیدار بزرگان
مدتی پس از بازگشت سید به زادگاهش ، ورود حاج آقا حسین قمی به تهران و پیشنهادهای وی به دولت بار دیگر آن رادمرد را به عرصه تلاشهای سیاسی آشکار کشاند. او که چون آیة الله العظمی قمی به لزوم پیروی از دستورات الهی می اندیشید بر آن شد سمت تهران رهسپار شود ولی بستگان ، وی را از این کار باز داشتند. فقیه روشن بین از رؤ سای عشایر خواست با تهران تماس گرفته ، حمایت عشایر از پیشنهادهای حاج آقا حسین قمی را به پایتخت گزارش دهند. البته آن بزرگوار خود نیز به تهران تلگراف زد که ، اگر دولت سخن آیة الله قمی را نپذیرد به پایتخت خواهد

رفت و مسؤ ولیت فرجام چنین اقدامی تنها به عهده دولت است .
در سایه تلاشهای آن راهبر سخت کوش سرانجام دربار خواستهای حاج آقا حسین را پذیرفت و آن بزرگوار سمت عراق رهسپار شد. فقیه بروجردی در ملایر به دیدار آن دانشور برجسته شتافت و یک ساعت با وی گفتگو کرد.

هجرت

بیماری استاد فقیهان بروجرد را باید در شمار دیگر رخدادهای مهم سالهای زندگی آن مرجع وارسته در زادگاهش به شمار آورد. بیماری دشواری که سرانجام با عمل جراحی و استراحت هفتاد روزه در بیمارستان فیروزآبادی تهران مهار شد.
چون او از بند بیماری رهایی یافت ، با دو پیشنهاد روبرو شد: از یک سو نمایندگان بروجردیان برای بازگرداندنش پیاپی به تهران می شتافتند و از سوی دیگر دانشوران ساکن قم او را به زندگی در حریم حضرت معصومه علیه السلام فرا می خواندند. استاد برای اقامت در قم با قرآن به رایزنی پرداخت . آیة سوره مؤ منون چراغ سبز الهی به این نیت پاک بود. پس همراه دانشمندان قم راه آن دیار پیش گرفت و در میان استقبال مردم و بزرگان حوزه بدان سرزمین آسمانی گام نهاد.
بدین ترتیب آفتاب رخشان فقاهت در چهاردهم محرم 1364 ق .از افق قم بر آمد و جهان را از نور دانش گرمای معنویت خود سرشار ساخت .

در تابش آفتاب توس

مدتی پس از اقامت در قم ستاره تابناک مرجعیت رهسپار توس شد تا در پناه خورشید ولایت جام وجودش را از امدادهای سبز پیشوای هشتم شیعه آکنده سازد. در این سفر دانشور وارسته حضرت آیة الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی جایگاه نماز خویش در مسجد گوهرشاد را به وی سپرد و از آن بزرگمرد خواست ، ماه مبارک رمضان در آن مکان نورانی اقامه جماعت کند.
استاد بزرگ حوزه پس از ماه مبارک رمضان به قم شتافت و دیگر بار به وظایف سنگین خویش روی آورد.

مرجع موید

با رحلت مرجع بزرگوار حضرت آیة الله العظمی سید الوالحسن اصفهانی مرجعیت گوهر یگانه بروجرد فراگیر شد و مؤ منان از هر سو به آن فقیه وارسته مراجعه کردند.
ناگفته پیداست که عنایات و تاءییدات الهی در رویکرد عمومی به آن فقیه وارسته نقشی سبز داشت . خاطره ها و سخنان بر جای مانده از دانشوران آن روزگار نشان می دهد که آفتاب رخشان سلسله طباطبایی زیر باران پیوسته امدادها و عنایتهای فرامادی قرار داشت . برای مثال

حضرت آیة الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی ، که خود از بزرگان روحانیت شیعه بشمار می آمد، پس از وا نهادن مجراب خویش به مرجع بروجردی به نجف شتافت .
مرجع شیعیان جهان ، حضرت آیة الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، که از بیماری رنج می برد، جناب نهاوندی را ماءمور اقامه جماعت کرد.
شیخ نهاوندی دنباله این ماجرا را چنین بیان کرده است :
شب اولی که به جای ایشان برای خواندن نماز جماعت رفتم ، وقتی بر سجاده قرار گرفتم ، آوایی شنیدم که گفت ((عظمت ولدی عظمتک)) - فرزندم را بزرگ داشتی من نیز تو را بزرگ داشتم - برگشتم ، به همه سو نگاه کردم ، مردم در صفهای جماعت نشسته بودند، کسی جز من پیام غیبی را در نیافته بود.
علاوه بر گفتار دانشمند گرانمایه حضرت شیخ علی اکبر نهاوندی کردار آن مرجع وارسته بویژه در سالهای زندگی قم دلیل روشنی بر معنویت و همراهی پیوسته تایید الهی با فقیه فروتن بروجردی است . کرداری که شاگردانش از آن پرده برداشتند و برای همیشه در سینه تاریخ به یادگار نهادند:
1- همسر یکی از دانشجویان باردار بود. هنگام زایمان او را نزد پزشکی به نام اسماعیل موسوی برد. پس از زایمان ، پزشک به پدر نوزاد گفت : این پسرت را من نجات دادم ، اگر من نبودم می مرد، دوست دارم نامش را اسماعیل بگذاری .
دانشجوی جوان نیز نام کودک را اسماعیل نهاد ولی دریغ که نوزاد از نخستین روز تولد در بیماری و درد فرو رفت . تلاشهای شبانه روزی پدر و مادر و مراجعه به پزشکان گوناگون سودمند واقع نشد و کودک میان دنیا و برزخ سرگردان ماند. دانشجو، که دستش از همه جا کوتاه می نمود، نزد استاد وارسته حوزه حضرت آیة الله العظمی بروجردی سفره دل گشاد و گفت : آقا، خداوند نوزادی به من داده که از نخستین روز تولد تا کنون پیوسته بیمار است ، نمی دانم چه کنم :
استاد مهربان فرمود: نامش را عوش کنید خوب می شود.
دانشجو، که هرگز داستان سفارش پزشک و نامگذاری نوزاد را برای استاد نگفته بود، شگفت زده به خانه رفت ، نام کودک را ((امیر)) نهاد و او را برای همیشه از بیماری و رنج رهایی بخشید.
2- دانشجویی دیگر داستان دلدادگی اش به استاد را چنین باز گفته است :
وقتی تازه به قم آمده بودم ، آقا برایم شهریه فرستاد. من نپذیرفتم و گفتم : زمینی در شمال دارم که در آمدش مراکافی است .
پس از چندی خشک سالی شمال را در بر گرفت . من برای گذران زندگی به قرص روی آوردم . چون میزان بدهی ها زیاد شد، ناگزیر فرشهای خانه

را جمع کردم و یکی از بازاریان را به خانه بردم تا آن را بخرد. مرد بازار بهایی اندک برای فرش بر زبان آورده ، بهایی که برای پرداخت بدهی هایم کافی نبود. بازاری دیگری را به خانه بردم ، اما او بهایی کمتر از اولی پیشنهاد کرد.
من سرگردان و مردد بودم که ناگهان صدای در مرا به خود آورد، شتابان سمت در دویدم ؛ حاج احمد، خادم استاد، پشت در بود. او پاکتی به من سپرد و گفت : این را آقا برای شما فرستاده .
به پاکت نگریستم ، اثری از پول در آن نبود. چون گشودم چکی در آن یافتم . چکی که مبلغ آن درست به اندازه بدهی ام بود. شگفتی وجودام را فراگرفت زیرا جز من و خداوند هیچ کس از میزان کامل بدهی ام خبر نداشت .
سالهای درخشان
حضور فقیهی با چنین معنویت و تاءیید الهی حوزه مقدس قم را که ، زیر ضربات پیوسته عوامل رضاخان ناتوان شده بود، جانی تازه بخشید. اینک همه چیز برای گسترش حوزه و مستحکم ساختن بنیادهای علمی و اقتصادی آن آماده بود. پیروان مؤ من فقیه بروجردی انبوه وجوه شرعی و هدایای خویش را نزد مرجع وارسته شان گسیل می کردند و دانشجویان از گوشه و کنار کشور برای بهره گیری از دریای دانش آن بزرگمرد به قم می شتافتند.
مرجع پاکدلان با روشن بینی خاص خویش آستین همت بالا زد و در کنار تدریس روزانه به اصلاحات اساسی دست یازید.
سامان دادن به وضعیت درسی حوزه .
رسیدگی به مسایل مالی دانش پژوهان ، بر قرار ساختن ارتباط با دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه و محافل رسمی برادران اهل سنت برای ایجاد وحدت میان گروههای مسلمان ،گسیل کردن نمایندگانی به اروپا و امریکابرای شناساندن اسلام واقعی به مردم آن مناطق بخشی از اقدامات آن آفتاب فروزان به شمار می رود.
ناگفته پیداست که فقیه فرزانه ای چون وی هرگز نمی توانست در برابر رویدادهای داخلی بی تفاوت باشد. او چنان می اندیشید که ((اگر مردم عالم شوند و دین هم بطور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد، هم دانا خواهند شد و هم متدین)) پس در کنار رسیدگی به وضع دانشجویان علوم دینی و حوزه ها دبستانها و دبیرستانهای دولتی را نیز از کمکهای نقدی خویش بهره مند ساخت و در رونق آنها کوشید.
او پیوسته مراقب بود تا بیگناهی به زندان اتهام نیفتد و مؤ منی ناخواسته در دام اهریمنان جای نگیرد. بنابراین چون از مساءله متهم شدن یک مسلمان بی گناه به قتل فردی بهایی آگاه شد در نگرانی فرو رفت .

چند بهایی یکی از همکیشان خود را کشته ، با نیرنگ جوانان مؤ من را به قانون سپردند. یکی از این جوانان به اعدام محکوم شد و حکم باید درروز نیمه شعبان به اجرا در می آمد. این خبر مرجع پارسای قم را در نگرانی فرو برد. بی درنگ نامه هایی خطاب به شاه ، نخست وزیر و آیة الله بهبهانی نوشته ، به تهران گسیل داشت ، سپس به هر که سودمند می دانست تلفن زده ، قضیه را دنبال کرد تا سرانجام نیمه شب خبر لغو حکم اعدام را به وی رساندند. با شنیدن این خبر اشک از دیدگانش روان شد و پروردگار را بسیار سپاس گفت : در این لحظه یکی از نزدیکان به اتاقش آمد و پرسید: شما هنوز بیدارید؟
مرجع بزرگ شیعه پاسخ داد: خیلی مهم بود ولی به خیر گذشت . هر وقت فکر می کردم خون مسلمان بی گناهی ریخته می شود، همه بدنم می لرزید و متحیر می ماندم که فردای قیامت جواب خداوند عالم را چه بگویم .
آنچه گذشت در کنار خدمات رفاهی فقیه بروجردی به مسلمانان سراسر جهان ، که تاءسیس بیش از هزار مسجد، مدرسه ، بیمارستان ، کتابخانه ، گرمابه و دبستان در ایران ، عراق ، لبنان ، آفریقا و اروپا، نمونه کوچکی از آن شمرده می شود، مرجع شیعیان را از محدوده مرزهای کشور فراتر برد و به شخصیتی جهانی تبدیل کرد. شخصیتی که شاعران و نویسندگان اهل سنت در شعرها و مقاله های خویش وی را می ستودند. شاهان شیعه و سنی برایش هدیه فرستادند. برای مثال زمانی ملک سعود، پادشاه حجاز، یک چمدان بزرگ حاوی پانزده نسخه قرآن کریم ، قطعاتی از پرده خانه خدا و چیزهای گرانبهای دیگر نزد آن دانشمند وارسته گسیل داشت .
سرور فقیهان شیعه تنها قرآنها و پرده کعبه را پذیرفت و باقی را همراه نامه ای به ملک سعود بازگرداند و گفت چون هدیه نمی پذیرم . این را نیز نمی توانم قبول کنم ولی ناگزیر قرآن و پرده کعبه را می پذیرم و باقی را به رسم هدیه به شما باز می گردانم تا هنگام دعا به یادم باشید.
دانشور جامع
یکی از نکات مهم و قابل توجه در شخصیت آیة الله العظمی بروجردی جامعیت علمی آن بزرگوار بود. استاد فقیهان شیعه را نمی توان تنها یک فقیه به شمار آورد. او از علوم دیگر روزگار به اندازه ای آگاهی داشت که موجب شگفتی صاحبنظران می شد. دو خاطره ای که تاریخ در این باره ثبت کرده است می تواند دلیل روشنی بر درستی این سخن باشد:
1. وزیر فرهنگ وقت همراه مسعودی ، رئیس روزنامه اطلاعات ، نزد ایشان شتافت . کسی که آنها را خدمت آقا برده بود دست مبارکش را بوسید، در پی او وزیر فرهنگ نیز چنین کرد ولی مسعودی از این کار سرباز زد. پس از معرفی ، آقا درباره تاریخچه روزنامه ، نگاری ، اهداف آن ،

اولین روزنامه نگار و... سخن گفت .
آنگاه پرسشی جغرافیایی مطرح کرد و چون وزیر فرهنگ از پاسخ باز ماند خود به تبیین پاسخ و توضیح آن پرداخت .
هنگام خداحافظی مسعودی پیش از همه دست آقا را بوسید و پس از بیرون آمدن گفت : آقا چنان پیرامون روزنامه نگاری صحبت کرد که گویا یک روزنامه نگار است .
2. روزی دیگر سرتیپ رزم آرا خدمت گوهر یگانه دریای فقاهت شتافت تا قبله نمای اختراعی خویش را به وی بنمایاند. آقا درباره نجوم و ریاضی مطالبی بیان کرد. سرتیپ پس از خروج گفت : من خیال می کردم آقا تنها در فقه و اصول مجتهد است ولی معلوم می شود در هر فنی تخصص دارد چون مطالبی که امروز اظهار داشت از مسایل دقیقی است که حتی بسیاری از استادان از آن آگاهی ندارند.
میراث ماندگار
مرجع روشن بین شعیه در کنار تدریس و کارهای روزانه به تحقیق نیز می پرداخت و نتایج پژوهشهای خویش را ثبت می کرد. آن بزرگوار در پاسخ علاقه مندانی که در پی بهره گیری از نگاشته هایش بودند فرمود: زیاد چیز نوشته ام ... بعضی از آنها بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود شده است .
ذکر نام بخشی از آثار علمی آن دانشور وارسته می تواند نشانه تلاش فراوان وی در این راه باشد:
1. تجرید اسانید الکافی
2. تجرید اسانید التهذیب
3. اسانید کتاب من لایحضره الفقیه
4. اسانید رجال کشی
5. اسانید استبصار
6. اسانید کتاب خصال شیخ صدوق
7. اسانید کتاب امالی
8. اسانید کتاب علل الشرایع شیخ صدوق
9. تجرید فهرست شیخ طوسی
10. تجرید رجال نجاشی
11. حاشیه بر کفایه الاصول
12. حاشیه بر نهایه شیخ طوسی
13. حاشیه بر عروة الوثقی
14. حواشی و مستدرکات فهرست شیخ منتجب الدین رازی
15. حواشی کتاب مبسوط
16. رساله ای درباره سند صحیفه سجادیه

17. اصلاح و مستدرک رجال طوسی
18. بیوت الشیعه
19. جامع احادیث الشیعه
آن بزرگوار از سالهای زندگی در بروجرد همواره در اندیشه نگارش مجموعه ای بود که فقیهان را در استنباط احکام یاری دهد و آنها را از مراجعه به کتابهای روایی متعدد بی نیاز سازد. چون به قم گام نهاد. و شاگردانی خبره تربیت کرد این اندیشه را با آنها در میان گذاشت و به یاری گروهی از آنان در مدت هشت سال اثر بیست جلدی ((جامع احادیث الشیعه)) را آماده چاپ ساخت .
فقیه یگانه جهان اسلام در کنار تلاشهای علمی و اجتماعی فراوان به پاسداری از میراث دانشوران پیشین نیز ارج می نهاد در فرصتهای گوناگون آثار علمی مخطوط و کمیاب را به چاپ می رساند. کتابخانه های کوچک و بزرگ بنیاد می نهاد و آثار دانشمندان را از این راه در اختیار جویندگان دانش می گذاشت . کتابخانه بزرگ آن فقیه نستوه در کنار مسجد اعظم قم نشانه توجه مرجع شیعه به این امر خداپسندانه است . دربار و مرجعیت
دربار از مشکلات پیوسته فقیه پاکراءی بروجرد به شمار می آمد. تبلیغات پر حجم وزنامه ها و مجلات وابسته در راه دین زدایی و دور ساختن مردم از فرهنگ اصیل اسلامی مرجع بیدار شیعه را رنج می داد. بنابراین گاه بر می آشفت و خشمگینانه به شاه هشدار می داد. روزی به اقبال ، نخست وزیر وقت ، گفت : پدرش (رضا خان) بی سواد بود ولی یک مقدار شعور داشت . اما این شعور هم ندارد و چیزی ملتفت نمی شود.
گاهی از پذیرش او خودداری می کرد و می فرمود: حتما می خواهد همانطور که چند تا عکس با زنش در این مسافرت گرفته است بیاید با من هم عکس بگیرد.
و زمانی به شدیدترین وجه ممکن در برابر نقشه های او می ایستاد. برای مثال وقتی شاه مساءله تغییر خط ایران از فارسی به لاتین را مطرح کرد. در این راه تبلیغات فراوان انجام داد، مرجع دلاور شیعه چون سدی آهنین در برابر دربار ایستاد و گفت :... من تا زنده ام اجازه نمی دهم این کار را عملی کنند به هر جا که می خواهد منتهی شود.
منابع موجود نشان می دهد که آن پیرفرزانه در کنار کمک به انقلابیون مؤ من سیاسی بسیار دقیق داشت . او چنان می اندیشید که مردم برای تحمل دشواریها آمادگی ندارند و اگر با فشار نیروهای دولتی روبرو شوند مرجعیت را تنها می نهند. بنابراین زمان را برای رویارویی مستقیم با دربار مناسب نمی دید. از سوی دیگر رها کردن شاه و راندن کامل وی را موجب فرو غلتیدن فزونتر او در دامان بیگانگان می دانست پس گاه با وی مدارا

می کرد تا آن جوان مغرور جای پای خود را سست نبیند و برای حفظ خویش به بیگانگان پناه نبرد.

فصل سوگ

اندک اندک شوال 1380 ق . فراسید و بیماری بر پیکر مرجع نود و سه ساله جهان اسلام پنجه افکند. بیماری دشواری که با دیگر رنجوریهای استاد فقیهان تفاوت داشت . در چنین روزهایی گروهی از ارادتمندان به عیادتش شتافتند.استاد، که بسیار اندوهگین می نمود، سربلند کرد و گفت : خلاصه عمر ما گذشت ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشی انجام دهیم . یکی از حاضران گفت : آقا، شما دیگر چرا؟ بحمدالله این همه آثار نیک از خود بر جای نهاده اید شاگردان پرهیزگار تربیت کرده اید، کتابهای پرارزش به رشته نگارش کشیده اید. مسجدها و کتابخانه ها ساخته اید. ما باید چنین سخنی بر زبان رانیم .

فقیه پارسای شیعه فرمود: خلص العمل فان الناقد بصیر بصیر. (باید کردارت را خالصانه برای خدا انجام دهی زیرا او به همه چیز بیناست و از انگیزه های بشر آگاه است .)

این سخن حاضران را بسیار تحت تاءثیر قرار داد.

چند روز پس از این گفتگو پیکر استاد رنجورتر شد و سرانجام در سیزدهم شوال 1380 ه ق برابر با دهم فروردین 1340 ه ش ، برای همیشه چشم از جهان فروبست و در مسجد اعظم قم ، که خود بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد.

طباطبایی قمی ، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّٰه حاج آقا حسین طباطبایی قمی در سال 1243ش (28 رجب سال 1282 ق) در شهر قم دیده به جهان گشود. ایشان تحصیلات ابتدایی خود را در یکی از مکتب‌خانه‌های قم شروع کرد و پس از آن، درس‌های مقدماتی از قبیل صرف و نحو و منطق را فراگرفت. حاج آقا حسین قمی پس از آن برای ادامه تحصیل راهی تهران شد و از استادانی همچون میرزا ابوالحسن جلوه، شیخ فضل اللّٰه نوری، میرزا محمد حسن آشتیانی، شیخ علی مدرس یزدی و میرزا محمود قمی بهره برد. آیت اللّٰه قمی سپس طی دو بار سفر به عتبات عالیات از محضر عالمان نامداری همچون: میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی، آخوند خراسانی و علامه سید محمدکاظم یزدی و آخوند ملاعلی نهاوندی استفاده کرد. وی همچنین تهذیبِ اخلاق را در محضر علامه سید مرتضی کشمیری و علم حدیث را در محضر علامه میرزا حسین نوری فراگرفت. ایشان ضمناً به حوزه درس میرزا محمد تقی شیرازی رفت و عمده شاگردی خود را نزد وی به انجام رساند به طوری که مورد توجه خاص استاد واقع شد و میرزا، برای مرجعیت و تقلیدِ بعد از خود، او را معین کرد. آیت اللّٰه قمی پس از نزدیک به بیست سال اقامت در نجف به مشهد بازگشت و حوزه درس خود را تشکیل داد و مرجعیت مردم را نیز عهده‌دار شد. وی در واقعه قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد در اعتراض به کشف حجاب اعتراض خود را مطرح ساخت که به تبعید ایشان به عراق انجامید. ایشان از مراجع وارسته‌ای بود که در مقاطع مختلف به‌خصوص در دوران خفقان رضاخانی به پا خاست و شجاعانه به ستیز با دشمن پرداخت و دخالت عملی در سیاست را با حضور در صحنه‌های مختلف سیاسی بخوبی نشان داد که به حق می‌توان او را "قامت قیام" نامید. آیت اللّٰه قمی از مشایخ حدیث و اجتهادِ زمان خود بود که بعد از شیخ الشریعه اصفهانی، ریاست و زعامت شیعه به او منتهی شد. از ایشان آثار متعددی بر جای مانده که حاشیه بر عروةُالوثقی، حاشیه بر رساله ارث و نَفقات، مختصَرُ الاحکام، طریقُ النجاة، مناسک حج و... از آن جمله‌اند. این فقیه عالی مقام و عالم نستوه سرانجام در هفدهم بهمن 1325 ش برابر با چهاردهم ربیع‌الاول 1366ق در هشتاد و دو سالگی رحلت کرد و پس از تشییعی باشکوه در صحن امام علی(ع) دفن گردید.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :تقویم تاریخ

طباطبایی یزدی، محمد کاظم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1337 -1256/ 1247 ق)، عالم دینی، فقیه، اصلوی، لغوی، شاعر و مرجع بزرگ. در کسنویه از قراء یزد به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای طراز اول آنجا همچون صاحب «روضات الجنات» و شیخ محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی نجفی و میرزا محمد هاشم چهار سوقیان ادامه داد، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. سپس برای تکمیل معلومات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس شیخ راضی نجفی و میرزای بزرگ شیرازی حاضر شد، پس از درگذشت میراز به تدریس علوم اسلامی پرداخت و سالها حوزه‌ی درسش از مهمترین حوزه‌های نجف بود. علامه یزدی در سرودن شعر به فارسی و عربی مهارتی تمام داشت. او در نجف درگذشت در جنب در طوسی صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش، احداث ابنیه خیریه و مدارس و مساجد است. مدرسه سید در نجف از جمله‌ی آثار او است. از آثار علمی‌اش: «العروه الوثقی»، که رساله‌ای است فتوایی، مشتمل بر سه هزار و دویست و شصت مسأله که در عراق و ایران و هندوستان به چاپ رسید و حاج شیخ عباس محدث قمی آن را به فارسی ترجمه نموده و «غایه القصوی» نامیده و بسیاری از مراجع تقلید بر آن حواشی نوشته‌اند؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی» و «تعادل و تراجیح»، حاشیه بر «متاجر» یا «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «احکام ظن»؛ رساله‌ای در «منجزات المریض»؛ «السؤال و الجواب»، در فقه؛ «الاستصحاب»؛ «الصحیفه الکاظمیه»؛ «بستان نیاز و گلستان راز»، در مناجات، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (234 / 7)، الذریعه (252 / 15، 108 / 3، 25 / 2)، ریحانه (393 -391 / 6)، شرح حال رجال (251 -250 / 6)، علماء معاصرین (114 -113)، فوائد الرضویه (597 -596)، لغت‌نامه (ذیل/ یزدی)، معجم المؤلفین (156 / 11)، مکارم الآثار (1324 -1321/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (30 -26 / 5).

طباطبایی، آقابیگم

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(وف 1323 ق)، فقیه و محدث. از زنان عابد و زاهد و صالح و با تقوی. وی همسر سید علی طباطبایی بروجردی و مادر آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین بروجردی بود و در مسائل فقهی تبحر داشت. او فقیه، محدث، عالم و از زنان سخنور عصر خویش بود. وی در بروجرد درگذشت، پیکرش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفن کردند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :خاندان آیت‌اللّه بروجردی (132)، مشاهیر زنان پارسی‌گوی (5).

طباطبائی

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
1323 ق، از زنان فقیه، محدث، سخنور، عابد و زاهد. مقدمات علوم اسلامی و ادبیات عرب را از علمای آن زمان فراگرفت سپس نزد مردان دانشمند خانواده‌اش فقه آموخت. زمانی که به سن رشد رسید او را به ازدواج سید علی طباطبایی بروجردی درآوردند و از او پسری آورد به نام سید حسین (آیت‌اللّٰه عظمی بروجردی مرجع تقلید عصر) (1380 ق/ 1340 ش).
خانواده آغابیگم از خاندان‌های بزرگ علم و فضیلت در بروجرد بود و از میان آنها مردان و زنان بزرگی برخاستند.
آن مرحومه در بروجرد درگذشت و برحسب وصیتش، پیکرش را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، 8 / 4، خاندان آیت‌اللّٰه بروجردی، 132؛ دایرةالمعارف تشیع، 120 / 1.

طباطبائی بروجردی، علینقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1249 -1188 ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. از علمای امامیه قرن سیزدهم و از شاگردان محقق قمی بود. فرزندش، سید میرزا محمود طباطبائی، در حاشیه‌ی شرحی که بر «منظومه‌ی» بحرالعلوم نگاشته درباره‌ی پدرش گوید که او با دانش فراوانی که داشت هیچ‌گاه فتوائی نداد و قضاوتی نکرد گر چه پاره‌ای از علما مردم را به رجوع به او سوق می‌دادند. او در بروجرد درگذشت و در کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد.
از آثار وی: حاشیه بر «زبده الاصول فی اصول الفقه» شیخ بهایی؛ حاشیه بر «قوانین الاصول فی اصول الفقه» میرزای قمی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (367 / 8)، الذریعه (178، 103 / 6)، ریحانه (30 / 4)، لغت‌نامه (ذیل/ طباطبایی)، معجم المؤلفین (255 / 7)، مکارم الآثار (1342 / 4).

طباطبائی بروجردی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید عبدالکریم بن سید مراد طباطبائی اصفهانی بروجردی.
علامه‌ی فقیه زاهد محقق بارع مصنف، خواهرزاده‌ی علامه ملا محمد باقر مجلسی، و جد پنجم مرحوم آیةالله حاج آقا حسین بروجردی. در اصفهان متولد شده، و در این شهر و نجف تحصیل نموده، سال‌ها در کرمانشاه ساکن بوده، و قبرش در بروجرد زیارتگاهی معروف است.
وفاتش بنا به نوشته‌ی مجله‌ی المرشد در 1200 روی داده است.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- اثبات عصمة الائمة از آیه‌ی (و اذ ابتلی ابراهیم ربه) 2- الاحباط و التکفیر 3- تحفه الغری، در معنی و تحقیق در اسلام و ایمان 4- رساله‌ی رضاعیه 5- رساله در رد ایراد وحید بهبهانی بر شهید ثانی 6- رساله در اسرار اشکال خاصه به حروف تهجی 7- رساله در رد صدوق و قائلین به سهو النبی صلی الله علیه و اله و سلم 9- رساله در فضل مسجد کوفه 10- رساله در طالع ولادت و زایجه 11- رساله درباره‌ی شهادت زنان 12- رساله درباره‌ی روزه‌ی روز عاشورا 13- رساله در این که آیا فجر از روز است یا از شب؟ 14- رساله در امر و بیان از مباحث اصولی 15- شرح زیارت جامعه‌ی کبیره 16- شرح مفاتیح 17- موالید النبی و الائمة؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طباطبائی فشارکی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد طباطبائی فشارکی معروف به (سید استاد) بن امیر سید قاسم طباطبائی از اساتید بزرگ و اعاظم علماء و مجتهدین و مدرسین عالیمقام و شاگردان برجسته و میرز مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای میرزا محمدحسن مجدد شیرازی و بنابر نقل بزرگان اعلم وافقه و اورع تلامذه میرزاء بزرگ بوده است.
مراجع بزرگ و آیات عظامی چون مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللّٰه العظمی آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی و امثالهم از شاگردان او بوده‌اند.
آن بزرگوار با آن مقام علمی و فقاهت که داشت معرض از ریاست و مرجعیت بود و هرچه از شاگردان و تلامذه او مانند مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدرضا یثربی کاشانی و دیگران به ایشان اصرار می‌کردند که رساله بنویس و فتوا بده قبول نمی‌کرد.
مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی از مرحوم والدش و آیت‌اللّٰه حایری نقل کرد که روزی در خدمت آن مرحوم از درس برمی‌گشتند و در راه به ایشان می‌گفتند چرا رساله نمی‌نویسید و چرا خود را در معرض قرار نمی‌دهید مگر از اقران خود کمتر هستید تا رسیدند درب منزلشان آن مرحوم وارد منزل شده و برگشت دو طرف درب منزل را گرفته و گفت شیخ عبدالکریم و سید محمدرضا و... خودم را از رفقایم اعلم و... می‌دانم.
ولی در خود را معرض ریاست و مرجعیت قرار نمی‌دهم زیرا خداوند فرموده (تلک الدار الاخرة نجعلها للذین لا یریدون علواً فی الارض و لا فساد او العاقبة للمتقین) پس وارد منزل شده و در را بست.
مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا حسن فرید محسنی از قول مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ محمدرضا ازقدانی اراکی نقل کردند که وقتی مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی میرزاء بزرگ شیرازی در سامره وفات کرد همه یقین داشتند که سید استاد بر جنازه میرزا نماز خواهد خواند و مرجعیت او مسلم خواهد بود.
پس دیدند سید نیست هرچه تفحص کردند سید را نیافتند و چند ساعت جنازه را معطل عاقبت مأیوس شدند و بر جنازه نماز خواندند و حرکت دادند برای نجف پس دیدند سید پیدا شد در حالی که آنقدر گریسته که

چشمانش سرخ شده گفتند آقا کجا بودید و چرا نیامدید که بر جنازه میرزا نماز بخوانید و تکلیف معلوم شود.
گفت من خود این حساب را کرده بودم و دیدم دلم هم بدش نمیآید از اینکه من رئیس شوم.
پس رفتم در جائی و به حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه توسل جستم و قسمش دادم که این هوا از سرم برداشته شود پس لطف فرمودند و پذیرفتند حالا هر که می‌خواهد مرجع و رئیس باشد باشد.
آثار علمی معظم له وجود شاگردان بزرگواری مانند آیت‌اللَّه العظمی حایر یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) و آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا یثربی کاشانی و ده‌ها نفر دیگر است مضافاً دارای دو فرزند دانشمند و متقی.
1- بنام مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید علی‌اکبر طباطبائی (داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ مرتضی آشتیانی).
2- آیت‌اللَّه حاج سید عباس طباطبائی (داماد آیت‌اللَّه حاج میرزا احمد آشتیانی) می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طباطبائی قمی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی بن آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از علماء معروف معاصر کربلا و اکنون مقیم لبنان می‌باشند.
معظم له در حدود سال 1330 قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا به تحصیل علوم عربی و ادبی پرداخته و در مصاحبت والد معظمش از نجف اشرف به مشهد رضوی مسافرت و متون فقه و اصول را از مدرسین عالی خراسان فراگرفته و پس از آن از درس خارج مرحوم والدش و دیگران بهره‌مند گردیده و در سال 1353 قمری به اتفاق والد گرامی و کلیه بستگان اخراج به عراق و در کربلای معلی اقامت نموده و به تکمیل مبانی علمی از والدش و دیگران اشتغال یافته تا پس از فوت آن مرحوم در ربیع 1366 قمری که بجای ایشان در صحن مطهر حسینی به اقامه جماعت و تدریس پرداخته تا در چند سال اخیر که به واسطه ضعف مزاج و ناامنی عراق به لبنان عزیمت و مردم آن سامان از وجودش مستفیض می‌گردند ادام اللّه ظله و توفیقه.
دارای فرزندان برومندی می‌باشند که از آنها جناب حجةالاسلام آقای حاج آقا هادی طباطبائی قمی از دانشمندان و ائمه جماعت معاصر تهرانند و اکنون در مسجد میدان قزوین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و معارف اسلامی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طباطبائی یزدی، محمدکاظم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدکاظم بن سید عبدالعظیم طباطبائی یزدی اعرف معاریف علماء و اشهر مشاهیر فقهاء استان یزد است.
خیابانی در ص 334 ج 4 ریحانه‌الادب گوید: از فحول و متبحرین علماء امامیه قرن حاضر چهاردهم هجرت که عالمی است متقی و عامل و محقق مدقق و جامع تمامی علوم دینیه فروعیه و اصولیه و سیدعلماء امت و حامل لوای شریعت و از مفاخر شیعه و رئیس مذهبی فرقه محقه و بالخصوص در فقه جعفری به نهایت متبحر و دارای فکری عمیق و نظری دقیق و مرجع تقلید اغلب شیعه و علامه وقت و سرآمد فقهاء عصر و حوزه درس او در نجف اشرف انفع حوزه‌های علمیه و مرجع استفاده اکابر و فحول اساتید بوده و مطالب عالیه فقهیه را با بیانات سهل و ساده و شیوا به سمع حاضرین رسانده و از کثرت احاطه‌ای که داشته غالب مشکلات آن علم شریف را با تقریبات قریب به فهم عموم حل نموده:
باری سید در سال 1247 و یا 1256 هجری در یکی از قراء یزد متولد و بعد از بلوغ به اصفهان رفته و مدتی نزد آقا نجفی شیخ محمدباقر و صاحب روضات‌الجنات و بعضی اکابر دیگر که شرح حال هر یک در محل مقتضی از این کتاب نگارش یافته و از اجلاء فقهاء وقت بوده‌اند تلمذ کرده تا آنکه اجتهاد او مورد تصدیق ایشان بوده.
سپس به نجف اشرف رفته و تمامی اوقات خود را در ادامه تحصیل عالیه علمیه مصروف داشته و به میرزا شیرازی حاج میرزا محمدحسن (سابق‌الذکر) و بعضی از اکابر دیگر تلمذ نموده است.
و بعد از وفات استاد معظم خود به تدریس علوم دینیه پرداخته و بسیار محترم و محل توجه عموم بوده تا در موقع نهضت ملی ایران و تبدیل اصول سلطنت قتل او تصمیم شده ولکن روساء و شیوخ اعراب نجف گرداگرد خانه او را محاصره کرده و در حفظ و حراست وی اهتمام تمام به کار بردند.
تا آنکه که آن غائله هائله رفع و ریاست مذهبی بد و منتهی و مسلم عموم گردیده... تا در شب سه‌شنبه 27 و یا 28 ماه رجب 1337 قمری وفات و در مقبره درب طوسی از صحن مقدس مرتضوی مدفون گردیده و از خود آثار علمی و باقیات الصالحات چندی که ذیلا می‌نگارم به یادگار گذاشتند.
1- بستان نیاز در مناجات فارسی که در سال 1336 ق به چاپ رسیده.

2- تعادل و تراجیح که بسیار مبسوط و در تهران چاپ شده.
3- حاشیه مکاسب شیخ مرتضی انصاری که بهترین حواشی مکاسب است
4- حجیه‌الظن در عدد رکعات و کیفیت صلوه الاحتیاط که هر دو در تهران به طبع رسیده.
5- السئوال و الجواب در نجف چاپ شده.
6- صحیفه کاظمیه در بغداد به طبع رسیده.
7- العروه‌الوثقی که تاکنون ده‌ها بار در ایران و عراق و هندوستان و بیروت به طبع رسیده و صدها حاشیه و شرح بر آن خورده و در این اواخر تعلیقاتی و در دو مجلد بزرگ به نام (غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه‌الوثقی) آیت‌اللّه العظمی آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله بر آن نوشته و به طبع رسانیده‌اند.
و این عروه‌الوثقی به واسطه سلاست متن و عباراتش بیش از پنجاه سال است که عنوان درس خارج فقه مراجع بزرگ نجف و قم و غیره می‌باشد.
8- منجزات مریض که با حاشیه مکاسب در یکجا طبع شده است.
و اما باقیات الصالحات آن جناب مدرسه علمیه بزرگ و زیبائی در نجف اشرف که احسن مدارس نجف است به نام (مدرسه سید) و شیخ علی مازندرانی از شاگردان او در ماده تاریخ بناء آن گفته.
اسسها بحر العلوم و التقی
محمد الکاظم من نسل طبا
نگارنده... گوید: بیت علامه یزدی از بیوتات اصیله و ریشه‌دار علمی نجف اشرف است که در میان آنان دانشمندان بزرگی- چون آیت‌اللّه حاج سید محمد طباطبائی یزدی و آیت‌اللّه حاج سیدعلی طباطبائی یزدی فرزندان سید یزدی بوده و از هر کدام این دو فرع بزرگ علماء برجسته و نویسندگان شایسته و بنامی مانند صاحب (بزم ایران)، و غیره بوده‌اند که شرح آن در خور کتاب مستقلی خواهد بود و ما را مجال بیش از این نیست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن بن آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از فقهاء گرامی معاصر است.
ولادت معظم‌له در سال 1329 قمری در نجف اشرف (سال فوت مرحوم علامه آخوند خراسانی) واقع شده و دوران کودکی را در عتبات عالیات گذرانیده و در خدمت والد بزرگوارش به مشهد آمده و اولیات و سطوح معقول و منقول را در آنجا از علماء و مدرسین آستان قدس رضوی فراگرفته و در سال 1347 هجری به مکه مشرف و و در بازگشت در اثر کسالت مدت شش ماه به اصفهان مسافرت و از محضر مدرسین بزرگ آنجا استفاده نموده و پس از آن در سال 1350 به اتفاق والدش عزیمت به عراق و در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا حسین نائینی و بعضی دیگر بهره‌مند شده و باز به مشهد مراجعت و از محضر والد بزرگوار استفاده نموده و در سانحه مسجد گوهرشاد در سال 1354 ق در معیت والدش تبعید به کربلا گردیده و در آنجا نیز از آن مرحوم و اساتید دیگر نجف و کربلا بهره‌مند و ضمنا خود به تدریس سطوح نهائی (مکاسب و کفایه و...) پرداخته تا سال 1368 قمری پس از فوت والدش به قصد اقامت مهاجرت به ارض اقدس رضوی و مشهد مقدس نموده و در مسجد گوهرشاد به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و صدها نفر از فضلاء و علماء آن سامان از محضر و درسش استفاده نموده تا سال 1383 قمری که قهرا به کرج آمده و تا حال حاضر در زاویه انزوا اشتغال به عبادت پروردگار دارد.
فرزند ارجمندش محمود طباطبائی از آقازادگان برومند و دانشمند معاصر می‌باشند.
برادران بزرگوارش آیت‌اللَّه حاج‌آقا مهدی طباطبائی و مرحوم حاج آقامهدی طباطبائی و مرحوم حاج‌آقا محمد طباطبائی (صاحب مسجد موزه آستانه فاطمیه قم) و حجةالاسلام حاج‌آقا باقر و حجةالاسلام حاج‌آقا نقی همه از علماء بزرگ موصوف به فضل و تقوا می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس طباطبائی ابن العلامه الاستاذ آیت‌اللّٰه السید محمد طباطبائی فشارکی الاصفهانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر و داماد آیت‌اللّٰه حاج میرزا احمد آشتیانی می‌باشد.
تولد این بزرگوار و مرحوم برادرش حجةالاسلام و المسلمین حاج سید علی‌اکبر طباطبائی داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مرتضی آشتیانی در سامره بوده و در سنین کودکی پدر بزرگواری چون علامه فشارکی معروف بسید استاد را از دست داده و در مهد علم پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و سطوح از محضر مراجع بزرگ استفاده نموده تا بدرجه سامیه علم و کمال ارتقاء یافته و مهاجرت به تهران نموده و بتدریس در مدرسه مروی و انجام وظائف دینی و روحی تا هم اکنون اشتغال دارد.
نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه طباطبائی دانشمندی متین و عالمی با معنویت است و در بی هوائی و سادگی و احتراز از سر و صدا و تأسی بمرحوم والدش سید استاد نموده که هر چه شاگردان مبرز وی چون مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالکریم حایری و دیگران به‌وی اصرار می‌کردند که رساله عملیه بنویس و فتوا بده زیرا پس از آیت‌اللّٰه مجدد شیرازی متعین است که شما از دیگران اعلم هستید در جواب میفرمود: آری من خود را مجتهد و از اقرانم افضل می‌دانم ولی رساله نمی‌دهم و هرگز خود را در معرض مرجعیت قرار نمی‌دهم زیرا خداوند می‌فرماید: تلک الدار الاخره نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبه للمتقین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طباطبائی، عبدالجی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید عبدالجی طباطبائی بن سید ابوالقاسم بن سید سامع بن سید حسن بن سید سامع بن سید غیاث طباطبائی یزدی عالمی متقی و فقیهی شایسته و پارسا از آیات عظام یزد بوده‌اند.
وی در یزد متولد شده بعد از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در یزد و غیره مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مراجع بزرگ نجف بالاخص همشهریش آیت‌اللّه العظمی آقاسید محمدکاظم یزدی سالهای متمادی استفاده نموده تا به مراتب سامیه علم و فقاهت رسیده و در شمار افاضل وقت و اجلاء عصر آمده و در ورع و تقوا و صلاح و سداد و حسن اخلاق و تواضع و کمالات نفسانی از معدودین گردیده .
آنگاه به یزد مراجعت و قیام به وظائف دین و خدمات مذهبی از اقامه جماعت و تدریس و غیره نموده تا در 16 محرم‌الحرام 1348 ق به اجداد کرام خویش پیوسته و فرزندان برومندی که از اجلاء و فضلاء نجف و ایرانند و ذیلا می‌نگارم از خود یادگار گذارده است.
1- حجةالاسلام مرحوم آقاسید جعفر طباطبائی یزدی متولد نجف و متوفی در شیراز .
2- حجةالاسلام مرحوم آقاسید مرتضی طباطبائی یزدی.
3- حجةالاسلام مرحوم آقاسید هاشم طباطبائی یزدی مقیم یزد و متوفی شعبان 1395 قمری.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

طباطبائی، عبدالعزیز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالعزیز فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید جواد طباطبائی یزدی (حفید و نوه آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبائی یزدی صاحب کتاب عروه‌الوثقی و حاشیه مکاسب و غیره) که در تاریخ بیست و یکم جمادی‌الثانی 1348 برابر با چهارم آبانماه 1318 شمسی در نجف اشرف متولد شده و پس از طی مراحل مقدمات علوم اولیه ادبی را نزد حاج سید هاشم حسینی تهرانی و حاج سید جلیل طباطبائی یزدی و شرح منظومه را خدمت آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالاعلی سبزواری و اسفار را خدمت آیت‌اللّٰه حاج شیخ صدراء بادکوبه‌ای خوانده و سطوح فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ ذبیح‌اللّٰه قوچانی و حاج میرزا حسین نبوی کاشمری و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید علی علامه فانی اصفهانی و حاج شیخ علی سرابی و حاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و خارج علم تفسیر و فقه و اصول را از محضر استاذ الاساتید آیت‌اللّٰه العظمی خوئی دام ظله العالی آموخته و همین طور چند سالی در دروس خارج آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین حلی حاضر شده و استفاده نموده و در این اثناء مدت بیست و پنج (25) سال از محضر پر فیض دو استاد بزرگ مرحوم علامه مجاهد امینی صاحب الغدیر و علامه رازی حاج شیخ آقا بزرگ صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه بهره‌مند گردیده و از تربیت یافتگان مکتب این دو بزرگوار بشمار آمده است.
پس به کمک مرحوم علامه امینی در پیشبرد کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف اشرف فعالیتهای موثر و چشمگیری داشته و نوشتن فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه نیز به عهده ایشان بوده است.
در اسفند ماه 1349 شمسی و ذی‌حجه 1389 قمری برای شرکت در کنگره هزاره شیخ طوسی از طرف دانشکده مشهد مقدس دعوت شده و از نجف به ایران آمده و در کنگره شرکت کرده و بنابر درخواست کتابخانه آستانه قدس حدود یکسال در مشهد مانده و نسخه‌های خطی فقه و اصول و حدیث آنجا را نوشته و باز به نجف بازگشته و تا سال 1356 برابر 1396 قمری در نجف به فعالیتهای علمی و مذهبی خود ادامه داده تا در تاریخ یاد شده به ایران آمده و در قم اقامت نموده و همچنان به فعالیتهای مذهبی و علمی خود ادامه داده است.

و اکنون در حوزه علمیه قم وجود مغتنم و مفیدیست و در مسائل کتابشناسی و نسخه‌شناسی و حدیث و رجال و غیره نویسندگان و مولفان کتب و محققان متون و موسسات علمی و بنیادهای فرهنگی به ایشان مراجعه و از وجودشان استفاده می‌برند و نسبت به همه با گشاده‌روئی و ملاطفت جواب و پاسخ مثبت داده و راهنمائی و کمک می‌نمایند و بالاخص موسسه آل‌البیت قم که یک موسسه تحقیقاتی معروف است روابط بیشتری با ایشان دارند و آن جناب هم به این موسسه کمکهای زیادی می‌نمایند.

مسافرتهای ایشان

مترجم محترم ما به منظور بازدید کتابخانه و استفاده از نسخه‌های خطی و احیاء عکسبرداری از بعضی از آنها علاوه از کتابخانه‌های عمومی و شخصی ایران به کشورهای حجاز و اردن و سوریه و ترکیه و لبنان و انگلستان نیز مکرر سفر کرده و از کتابخانه‌های کشورهای مزبور استفاده‌های شایانی نموده است و در هر یک از مسافرتها خاطراتی را مرقوم داشته‌اند.

تألیفات ایشان

1- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف.
2- فهرست قسمتی از نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
3- معجم اعلام‌الشیعه
4- علی ضفاف الغدیر
5- تعلیقات بر طبقات اعلام الشیعه
6- مستدرک الذریعه
7- تعلیقات بر الذریعه
8- تهذیب الذریعه
9- مکتبه العلامه الحلی فهرست تألیفات علامه حلی و نسخه‌های خطی آن.
10- المهدی علیه‌السلام فی السیره النبویه
11- اهل البیت فی المکتبه العربیه
12- الحسین والسنه
13- نتایج الاسفار
14- قید الاوابد

تصحیح متون

1- فهرست شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه قمی
2- فهرست شیخ طوسی
3- مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام احمد بن حنبل
4- الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی تألیف ابوالخیر قزوینی مطبوع در سال 92.
5- ترجمه الحسن و الحسین علیهماالسلام از طبقات ابن‌سعد

6- مقتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام تألیف ابن ابی‌الدنیا مطبوع در سال 86.
7- رساله ذهبی در حدیث الغدیر
شرکت در کنگره‌های علمی
1- هزاره شیخ طوسی در مشهد
2- هزاره نهج‌البلاغه شریف رضی در تهران
3- کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام در مشهد
4- کنگره حسین (ع) در لندن
5- کنگره و هزاره حادثه غدیر خم در لندن
اجازات ایشان
معظم‌له از مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله اجازات روایتی و غیره دارند و خود نیز به چندین نفر اجازه روایتی داده‌اند.
فقیه.
تولد: 1308(23 جمادی‌الآخر 1348 ق.)، نجف.
درگذشت: 8 بهمن 1374(7 رمضان 1416 ق.)، قم.
آیت‌الله عبدالعزیز طباطبایی یزدی، فرزند آیت‌الله آقا سید جواد طباطبایی، در اوان جوانی پدر خود را از دست داد اما به طلب علم روی آورد و نزد اساتید نجف به تحصیل دانش پرداخت. ادبیات را نزد سید هاشم حسینی تهرانی، منطق را نزد سید جلیل بن سید عبدالحی طباطبایی یزدی، شرح منظومه را نزد آیت‌الله سید عبدالعلی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی مدرس فسلفه در نجف فراگرفت. شرح لمعه را از میرزا حسن نبوی خراسانی کاشمری و آقای حاج شیخ ذبیح الله قوچانی، قوانین را از آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی، سطوح عالی را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ مجتبی لنکرانی و دروس عالی خارج فقه و اصول را از محضر مدرسان نجف فراگرفت. در فقه نیز از آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در فقه و اصول و تفسیر قرآن از محضر آیت‌الله العظمی ابوالقاسم خویی سال‌ها بهره گرفت و در علوم متداول حوزه‌های علمیه استاد شد. وی در این فاصله و پس از آن با دو تن از محققان شیعه یعنی آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و علامه عبدالحسین امینی صاحب الغدیر آشنا و از محضر هر دو استاد بهره برد. وی در تألیف و تدوین موسوعه‌ی بزرگ شیعی یعنی الذریعه با شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری مستمر داشت. همچنین در کتابخانه‌ی امیرالمومنین نجف که توسط علامه‌ی امینی تأسیس شده بود همکاری داشت و فهرست کتابخانه‌ی آنجا را تهیه نمود. آیت‌الله طباطبایی یزدی در تدوین موسوعه‌ی رجالی شیعه یعنی معجم رجال الحدیث آیت‌الله خویی با وی همکاری داشت. در نجف پس از آیت‌الله سید باقر طباطبایی

یزدی متصدی مدرسه‌ی سید در نجف گردید و سال ها در آنجا خدمت کرد. استاد علامه در 1396 ق. نجف را به قصد ایران ترک کرد و در قم سکنی گزید و در قم به تألیف و تحقیق ادامه داد و پس از سوی مدتی مرجع اهل تحقیق شد. مدتی نیز از سوی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به همکاری دعوت شد و در آنجا به تألیف فهرستی برای کتب حدیثی و فقهی آن کتابخانه پرداخت. در قم همچنین به یاری مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع) شتافت و به کمک شهرستانی و دوستان دیگرش به تأسیس مجله «تراثنا» اقدام نمود.
مشایخ اجازه‌ی ایشان عبارت بودند از شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی و حضرت آیت‌الله العظمی خویی.
کتاب‌های ایشان از این قرار است: اساتید و مشایخ شیخ طوسی؛ اضواء علی الذریعة؛ الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد؛ الشیعه و هجمات الخصوم؛ الغدیر فی الثراث الاسلمی (کتابنامه غدیر هم، بیروت، 1314 ق.)؛ الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربة فی مکتبات ترکیا؛ المهدی (ع) فی السنة النبویة، انباء السماء برزیة کربلا؛ اهل‌البیت علیهم‌السلام فی المکتبة العربیة (معرفی و توصیف کتاب های عربی اهل سنت در فضایل اهل‌بیت، دو جلد)؛ تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعة (اولین نوشتار استاد در 1377 ق.)؛ حیاة الشیخ یوسف البحرانی، علی ضفاف الغدیر(چاپ نشده)؛ فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا، فهرس المخطوطات العربیة فی مکتبة امیرالمؤمنین (ع) العامة فی النجف الاشرف؛ فهرس المخطوطاعت تبریز؛ فهرس المنتخب من مخطوطات لندن؛ فهرس المنتقی من مخطوطات الحجاز؛ فهرس کتب الحدیث فی مکتبة الامام الرضا (ع)، فهرس کتب الفقهیه فی مکتبة الامام الرضا (ع)، فهرست کتابخانه علامه طباطبایی دانشگاه شیراز؛ فی رحاب نهج‌البلاغة (کتابنامه نهج‌البلاغه)؛ قید الاوابد و جمع الشوارد؛ ما ینبغی نشره من الثرات (معرفی کتاب های ارزنده مخطوط)؛ مخطوطات اللغة العربیة؛ مستدرک الذریعة، معجم اعلام الشیعة؛ مکتبة العلامة الحلی (که خلاصه آن در مقدمه ارشاد الذهان به چاپ رسیده است)؛ نتائج الاسفار (چاپ نشده). کتاب هایی که به قلم ایشان تصحیح شد؛ از این قرار است: فهرست منتخب الدین رازی؛ الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی؛ ترجمة الحسن و الحسین (ع) من کتاب الطبقات لابن سعد؛ مقتل امیرالمؤمنین (ع)؛ الحسین (ع) والسنة (مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین (ع)، ترجمة امیرالمؤمنین من تاریخ ابن عساکر، طریق حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه (حافظ ذهبی)؛ عقدالدرر فی اخبار المهدی المنتظر (سلمی شافعی دمشقی)؛ فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین (حموی جوینی)؛ فهرست تصانیف کراجکی (آماده چاپ)؛ فهرست

شیخ طوسی، فهرست شیخ منتخب الدین الاربعون المنتهی من مناقب المرتضی (ابوالخیر طالقانی قزوینی)؛ مطالب السئول (زیر چاپ)؛ مناقب امیر المؤمنین (ع) (احمد بن حنبل).
آیت‌الله طباطبایی یزدی در شب هفتم ماه رمضان 1374 به سبب مشکل قلبی و ریوی دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان در صحن حرم حضرت معصومه (س) مدفون است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبائی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(سید) علی بن محمد علی بن ابوالمعالی اصفهانی دانشمند بزرگ شیعه (و. کاظمین 1161- ف. 1231 ه.ق.). وی شاگرد علامه بهبهانی بود. اوراست: شرح بر مفاتیح که کتاب الصلوة آن از مسوده به مبیضه نقل شده و در آن جمیع اقوال فقها را گرد آورده، شرح بر نافع به نام «ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل»، رساله‌ای مختصر در اصول پنجگانه شریعت.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طباطبائی، فیض الله

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(امیر) فیض‌اللَّه بن غیاث‌الدین محمد طباطبائی قهپائی از علمای شیعه در قر. 11 ه. وی شاگرد مقدس اردبیلی (ف. 993 ه.ق.) و استاد محمد تقی مجلسی (ف. 1070 ه.ق.) بود. اوراست: حاشیه بر مبحث الهیات شرح تجرید.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طباطبائی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1282 ش)، عالم امامی، حکیم، فیلسوف، مفسر، فقیه اصولی و شاعر. مشهور به علامه طباطبائی و معروف به قاضی طباطبائی. وی در تبریز به دنیا آمد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. بعد از درگذشت پدرش به مکتب و پس از آن به مدرسه رفت و مدتی هم زیر نظر معلم خصوصی به تحصیل پرداخت و معلومات ابتدایی را کسب نمود. در 1297 ش به تحصیل علم دینی و عربی مشغول شد و مقدمات را فرا گرفت. آن‌گاه در فقه کتب «شرح لمعه» و «مکاسب»، در اصول کتاب «معالم» «قوانین»، «رسائل» و «کفایه»، در منطق کتب «کبری»، «حاشیه» و «شرح شمسیه»، در فلسفه کتاب «شرح اشارات» و در کلام کتاب «کشف المراد» را مورد مطالعه قرار داد. وی در 1304 ش برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت و در مجلس درس آیت‌الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شد و یک دوره خارج اصول و خارج فقه را در نزد وی آموخت و مدتی نیز در مجلس بحث خارج فقه و خارج اصول آیت‌الله نائینی شرکت کرد و همچنین مدتی در بحث خارج فقه آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد. کلیات علم رجال را نیز در محضر آیت‌الله حجت کوه‌کمری آموخت و معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را در نزد حاج میراز علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی فراگرفت. او چندین سال نیز در زمینه‌ی فلسفه در نزد آقا سید حسین بادکوبه‌ای «منظومه‌ی سبزواری»، «اسفار»، «مشاعر» ملاصدرا، دوره «شفا»ی بو علی سینا، کتاب «اثو لوجیا»، «تمهید» ابن‌ترکه و «اخلاق» ابن‌مسکویه را خواند. علامه طباطبائی یک دوره «حساب احتمالی»، یک دوره «هندسه مسطحه و فضایی» و «جبر استدلالی» را در محضر آقا سید ابوالقاسم خوانساری گذراند. او در 1314 ش به زادگاهش بازگشت و مدت ده سال در آنجا ماند و در 1325 ش از تبریز به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تألیف و فعالیتهای علمی پرداخت. برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از:آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله ابراهیم امینی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی. پرفسور هانری کربن، استاد شیعه‌شناس دانشگاه سربن نیز با ایشان مصاحبه‌های بسیار داشت که این

مصاحبات به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی انتشار یافت و اولین دوره آن در فارسی تحت عنوان «مکتب تشیع» منشتر شد. علامه طباطبائی در خط نستعلیق و شکسته استاد، و در علوم غریبه نیز وارد بود.او همچنین در علم اعداد و حساب جمل مهارت داشت و در شعر نیز توانا بود وی در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در قم مدفون است.
از آثار وی: «تفسیر المیزان»، که ترجمه آن در چهل مجلد آمده است؛ «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «وحی یا شعور مرموز»؛ «شیعه در اسلام»؛ «قرآن در اسلام»، با ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و اردو؛ «حکومت در اسلام»، فارسی که به عربی نیز ترجمه شده؛ «سنن النبی) (ص)»؛ و «اصول عقاید»، برای دبیرستانها پنج جلد «بدایه اللحکمه» و «نهایه الحکمه»، در فلسفه، رسائل بسیاری در «مبدا» و «معاد» و «نبوت» و «ولایت»؛ رساله‌ای در «عشق»؛ دو رساله در «ولایت و حکومت اسلامی».[1]
صدرالحکماء المتالهین آیت‌الله الاستاد حاج سید محمدحسین معروف به علامه طباطبائی از اعاظم علماء و اکابر حکماء و فلاسفه عصر حاضر بود عالمی ربانی و حکیمی سبحانی و آیتی برهانی واجد علم و کمال و جامع کمالات نفسانی و ملکات اخلاقی بود که بیش از صدها نفر از علماء قم و سایر بلاد افتخار تلمذ و شاگردی وی را دارند.
در آخر ذی‌الحجه 1321 قمری در تبریز متولد و در اصیل‌ترین خانواده‌های علمی آن سامان تربیت‌یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در سال 1344 قمری مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی در مدت ده سال استفاده کافی نموده و دروس معقولیه را از مرحوم علامه حاج سید حسین بادکوبه‌ای فراگرفته و در فن فقاهت و حکمت و فلسفه مقام اجتهاد و استادی را حایز گشته تا در سال 1354 قمری مراجعت به ایران و تبریز نموده و ده سال در آنجا توقف و به تدریس فقه و حکمت و تصنیف کتب پرداخته تا در سال 1365 قمری که مهاجرت به مرکز علم و دانش قم را اختیار و رحل اقامت افکند.
و به تدریس معقول و منقول اشتغال یافته و فضلاء حوزه را از بیانات و تحقیقات دقیقه خود در فقه و اصول و تفسیر و حکمت بهره‌مند می‌نماید آثار قلمی ایشان که هر کدام به مورد خود گرانبهاست از این قرار است.
1- حاشیه بر کفایه 2- رساله در مبدء و معاد که جمع بین کتاب و سنت و عقل است 3- تفسیرالمیزان که بیست مجلد است و تاکنون تمام آن طبع و نشر یافته است 4- اصول فلسفه 5- جلد به قلم امروز که 4 جلد آن مطبوع است 5- رساله‌ای در عشق 6- سنن‌النبی 7- شیعه در اسلام 8- قرآن در اسلام فارسی و انگلیسی وارد و ترجمه و طبع شده 9- مصاحبات

با پرفسور کربن دو جلد یک جلد آن طبع شده 10- وحی یا شعور مرموز 11- اصول عقاید برای دبیرستانها 5 جلد 12- رساله محمد در آئین اسلام به زبان فارسی و فرانسه طبع شده 13- بدایه الحکمه در فسلفه 14- نهایه الحکمه در فلسفه.
15- ترجمه تفسیرالمیزان معظم‌له در چهل مجلد که بیست و پنج مجلد آن تاکنون به طبع رسیده است و اکثر آن به قلم دانشمند معظم حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی همدانی است.
عالم.
تولد: 1319(1281 ق.)، تبریز.
درگذشت: 24 آبان 1360، قم.
علامه سید محمد حسین طباطبائی (قاضی)، فرزند سید محمد، در تبریز به دنیا آمد. در همان کودکی پدر (در نه سالگی) و مادر خود را در (پنج سالگی) از دست داد و از سن نه سالگی به مدت تقریبی شش سال به فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی مشغول شد. در سال 1297 وارد رشته‌های علوم دینیه و علوم عربیه شد و تا سال 1304 به قرائت متون سرگرم بود. در این سال عازم حوزه علمیه‌ی نجف گردید و در مدت ده سال تحصیل، به تدریس و تألیف اشتغال ورزید. وی در نجف به درجه اجتهاد در فقاهت نایل آمد.
در نجف در حوزه‌ی درس آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین نایینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول و رجال پرداخت و فلسفه را نزد آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی در مدت شش سال فراگرفت. علوم غریبه (مانند جفر) و جبر و مقابله و هندسه فضایی و مسطحه و حساب استدلالی و هیئت و علوم ریاضی را در نجف نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوانساری تملذ نمود.
در سال 1314 به زادگاه خود تبریز مراجعت کرد و علاوه بر کشاورزی، به تدریس و تصنیف کتاب پرداخت. در سال 1325 نیز متوجه حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و در آنجا جلسات بحث و درس خود را در رشته‌های مختلف دایر کرد که تا آخر عمر وی ادامه داشت.
پیکر علامه در آستانه حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
از تألیفات متعدد ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر المیزان (بیست جلد به عربی، چهل جلد به فارسی)؛ اصول فلسفه و رئالیسم (پنج جلد)؛ حاشیه کفایة الاصول؛ حاشیه بر کتاب اسفار ملا صدرا؛ وحی با شعور مرموز؛ شیعه در اسلام (به فارسی)؛ قرآن در اسلام (به فارسی)؛ بدایة الحکه و نهایة الحکمه (کتاب بدایة الحکمه به ترجمه علی شیروانی هرندی و کتاب نهایة الحکمة به ترجمه مهدی تدین منتشر شده

است)؛ فرازهایی از اسلام (به فارسی)؛ رسالت تشیع در دنیای امروز؛ حکومت در اسلام (به فارسی)؛ پرسش‌های اسلامی؛ اسلام و انسان معاصر؛ سنن النبی؛ کتاب سلسله انساب طباطبایی آذربایجان؛ مبداء و معاد؛ رسالة الولایة؛ رسالة النبوه و الامامه؛ رساله در مغالطه؛ رساله در برهان؛ رساله در تحلیل؛ رساله در ترکیب؛ رساله در اعتباریات؛ توحید شامل سه رساله (رساله توحید؛ رساله اسماءالله سبحانه؛ رساله در افعال الله)؛ کتاب الانسان (شامل سه رساله انسان قبل الدنیا؛ انسان فی الدنیا؛ انسان بعدالدنیا)؛ رساله وسائط (مجموعه این سه رساله بالا و سه رساله انسان و وسائط در یک جلد شامل هفت رساله جمع‌آوری شده است)؛ رساله در اثبات ذات؛ دو رساله در ولایت حکومت اسلامی (فارسی و عربی)؛ مصاحبه‌های سال‌های 1340 -1338 با هانری کربن مستشرق فرانسوی، رساله در اعجاز.
علامه خطوط نستعلیق و شکسته را به خوبی می‌نوشت و اشعاری عرفانی نیز می‌سرود. نمونه اشعار ایشان در صفحه 514 و 515 و 516 جلد چهارم و 146 جلد پنجم نگین سخن تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 646 -645 / 14)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 8، ص 16 -1)، گنجینه‌ی دانشمدان (227 -226 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (863 / 2)، مهر تابان (یادنامه و مصاحبات علامه طباطبائی تبریزی).

طبرسی

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بن حمزة بن حسن قمی فاضل جلیل و صاحب تألیف است. در کتب فقهی از او زیاد نقل شده. شهید ثانی در حاشیه‌اش بر ارشاد از فتوای او آورده است. وی به تصریح صاحب ریاض‌العلماء و صاحب روضات الجنات منسوب به تفرش قم است نه طبرستان. سال ولادت و سال وفاتش در دست نیست. (دکتر حسین کریمان).
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

طبرسی، ابومنصور احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم، محدث و مورخ. از اهالی ساری مازندران و از ثقات محدثین و علمای بزرگ امامیه بود. او معاصر ابوالفتوح رازی و امین الاسلام طبرسی است. وی از مهدی بن ابی‌حرب حسینی مرعشی، از دوریستی، از شیخ الطایفه، شیخ طوسی، روایت کرده است. شیخ منتجب‌الدین (م 585 ق) و ابن‌شهر آشوب (م 588 ق) از شاگردان وی بودند. شهید اول در «غایه المراد» فتاوا و نظرات وی را بسیار نقل کرده است. وی در مازندران درگذشت و در روستایی نزدیک علی‌آباد (امام شهر فعلی) که امروز نام آن شیخ طبرسی است، دفن شد. از آثار وی: «الاحتجاج عی اهل اللجاج»، معروف به «احتجاج طبرسی» که سید ابن طاووس بر این کتاب و بر مؤلفش درود فرستاده و اکثر متأخرین از آن اخذ کرده و بارها به چاپ رسیده و از آن ترجمه‌هایی مربوط به قرن دهم باقی است؛ «الکافی»،در فقه؛ «فضائل الزهراء (س)»؛ «مفاخر الطالبیه»؛ «تاریخ الائمه».[1]
احمد ابن علی بن ابی‌طالب از ثقات محدثان و علمای شیعه در قر. 6 ه. وی با ابوالفتح رازی و فضل بن حسن طبرسی معاصر بود. شهید اول غایةالمراد، فتاوی و اقوال او را بسیار نقل می‌کند. اوراست: الکافی در فقه، الاحتجاج (شامل احتجاجاتی که پیامبر ص و ائمه 4 و یارانشان با مخالفان خود کرده‌اند)، مفاخرالطالبیة، تاریخ الائمة، فضائل الزهراء و غیره. بعض متأخران وی را به ساری منسوب دانسته، شاید منشأ این شبهه آن باشد که وی چندی در آن شهر زیسته است. سال وفاتش معلوم نیست (دکتر حسین کریمان).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (169 / 1)، اعیان الشیعه (30 -29 / 3)، ایضاح المکنون (259، 196/ 2 ،213، 31 / 1)، بحارالانوار (9 / 1)، تاریخ نظم و نثر (371)، دایره‌المعارف فارسی (1614 / 2)، الذریعه (311 -310 / 21 ،248 -247 / 17 ،258 / 16 ،236 / 14 ،213 / 3 ،282 -28 / 1)، روضات الجنات (74 -72 / 1)، ریاض العلماء (49 -48 / 1)، ریحانه (35 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 12 -11 / 6)، الکنی و الالقاب (445 -444/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (10 / 2)، هدیه الاحباب (194)، هدیه العارفین (91 / 1).

طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 548 ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می‌باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن‌شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب‌الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبرییل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در 523 ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته‌اند که وی شهید گشته است. جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکاف الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری درتفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج المواليد»؛ «الآداب الدینیه»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه‌ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللئالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو.[1]
(ع. معر. تفرشی) 1- ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین‌الدین و امین‌الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین 480 -468 ه.ق.- ف. 548 ه. ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهق «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد

مجلسی در ریاض‌العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال 523 ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. در فقه فتاوای مخصوص دارد. مشاره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع‌البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه.م.) در تفسیر، الآداب الدینیة للخزانة المعینیة در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج المواليد در تاریخ و انساب، العمدة در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللآلی در کلمات قصار علی 4 و غیره. 2- رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. 6 ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حناط دانسته‌اند)، مکار الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرارالامامة (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).
الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.
اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند 1- مجمع‌البیان در تفسیر قرآن 2- الوسیط (تفسیر متوسط) 3- الوجیز (تفسیر مختصر) 4- جوامع الجامع 5- الاداب الدینیه للخزانة المعنیه 6- غنیة العابد 7- منیة الزاهد 8- تاج المواليد 9- کنوز النجاح 10- عدة السفر 11- عمدة الحضر 12- النور المبین 13- الفائق 14- اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.
بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم‌الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوةالانوار در ادعیه است.
بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال 523 قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال 548 قمری از دنیا رفت.
جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.
و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبداللّه خان ازبک افغانی قتل عام کردند
صاحب روضات گوید از صاحب ریاض‌العلماء منقولست که میان همه

طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سکته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.
نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سکته کرده بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.
پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه
پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع‌البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد
فوائد الرضویه ص 352
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (353 -352 / 5)، ایضاح المکنون (433 / 2)، اعیان الشیعه (401 -398 / 8)، تأسیس الشیعه (340)، تاریخ ادبیات در ایران (259 / 2)، الذریعه (24 / 20، 249 -248 / 5، 242، 240/ 2، 18 / 1)، روضات الجنات (349 -342 / 5)، ریحانه (36 / 4)، شهیدان راه فضیلت (91 -89)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 217 -216 / 6)، فوائد الرضویه (352 -350)، کشف الظنون (1602، 126)، الکنی و الالقاب (444 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ طبرسی)، معجم المؤلفین (67 -66 / 8)، هدیه الاحباب (194-193)، هدیه العارفین (820 / 1)، یادداشتهای قزوینی (280 -277 / 5).

طبرسی، ثقه لاسلام، ابوالفضل علی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم و هفتم ق)، عالم و فقیه امامی. او نوه‌ی امین الاسلام طبرسی صاحب «مجمع البیان» و از فقهای بزرگ امامیه است. وی صاحب کتاب «مشکاه الانوار فی غرر الاخبار» است، که به عنوان تتمیم کتاب پدرش «مکارم الاخلاق» نگاشته است.او در این کتاب از سید جلال‌الدین ابی‌علی بن حمزه موسوی روایت کرده است. از دیگر آثار وی کتاب «کنوز النجاح»، در ادعیه است، که سید ابن طاووس در کتاب «المجتنی» و کفعمی در «المصباح» از این کتاب نقل کرده‌اند.[1]
ابوالفضل علی بن حسن طبرسی صاحب مشکوةالانوار در ادعیه متوفی بعد از 600 هجری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (184 / 8)، بحارالانوار (9 / 1)، الذریعه (146 / 22 ،55-54 / 21 ،176- 175 / 18)، ریاض العلماء (408 -406 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 183 / 6، قرن 104 / 7) الکنی و الالقاب (444 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (190 / 4).

طبرسی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا حسن بن العالم العلام والحجةالاسلام حاج میرزا محمدتقی مازندرانی قدس اللّه سره.
فاضل مراغه‌ای در (المآثر والاثار) ص 155 گوید: حاج میرزا حسین طبرسی از عظماء علماء می‌باشد به جلالت قدر و علو شأن از اقران ممتاز است.
ترویج اصول مذهب جعفری و تشیید بنیان طریقه اثنی عشری و نشر اخبار و آثار اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام را از معاصرین کمتر بقدر او موفق شده‌اند.
در علم حدیث و تفسیر و معرفت احوال رواة و طبقات رجال اسناد و تراجم علماء اسلام همانا امروز نخستین دانای ایرانیان است.
پدر جلیل‌الشأنش میرزا محمدتقی مازندراني از فحول مجتهدین و مشاهیر رؤساء عهد خاقان مبرور فتحعلیشاه رحمه‌اللّه بود تعرفه نام و اظهار مقام او تحصیل حاصل است مقام تقوی و ورع و عبادت و تقدس این فرزند هنرمندش مسلم مسلمین می‌باشد.
و هم از تبحر نام و تتبع علم در مصنفات علماء اسلام با علی مقام رسیده وصیت فضل و وثاقت و درجه استعداد و لیاقتش برای هرگونه تعظیم و اکرام و توقیر و احترام تا همه جا کشیده است.
تصنیفات سودمند دارد.
منها 1- نفس الرحمن فی ترجمه سلمان 2- دارالسلام فیما یتعلق بالمنام 3- النجم الثاقب فی احوال الامام الغالب 4- الکلمة الطیبه 5- رساله میزان السماء 6- الصحیفة الرابعه 7- جنةالمأوی 8- مستدرک الوسائل در سه مجلد تا آنجا که گوید این عالم عامل و فقیه فاضل و محدث کامل در حضرت حجةالاسلام ثقة الانام مجدد الاحکام نائب الامام (ع) حاج میرزا محمدحسن بسیار موثق و معتمد و مؤتمن است.
نگارنده گوید: مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که از شاگردان آن مرحوم بوده در قسم دوم از جزء اول طبقات از ص 543 تا ص 555 حدود 12 صفحه ترجمه آن بزرگوار نوشته و وفات او را در شب چهارشنبه 28 جمادی الثانیه 1320 ق ذکر نموده است.
(حاج) میرزا حسین بن محمد تقی نوری از ثقات علمای شیعه در اوایل قر. 14 ه. (ف. 1320 ه.ق.). وی را ثالث مجلسین دانسته‌اند، و از شاگردان

شیخ مرتضی انصاری و حاج ملا علی کنی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی است. تألیفاتش بسیار است، از آن جمله: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل در احادیث و اخبار، فصل‌الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، حاشیه منتهی المقال ابوعلی در علم رجال، النجم الثاقب و غیره (دکتر حسین کریمان).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، رضی‌الدین، ابونصر حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، عالم، فقیه و محدث. از علمای بزرگ قرن ششم هجری بود که در مکتب پدرش امین الاسلام طبرسی، صاحب «مجمع البیان»، تربیت یافت. ابونصر طبرسی از راویان پدرش می‌باشد و شیخ مهذب‌الدین حسنی بن ابی‌الفرج نیلی از ابونصر روایت کرده است. وی صاحب کتاب مشهور «مکارم الاخلاق» است. او در این کتاب بااستفاده از کتاب پدرش «الآداب الدینیه» و طرح پاره‌ای ازاداب به سبک محدثین شیعه ان را در دوازده باب مرتب ساخت. این کتاب در ایران و مصر و لبنان چاپ شده است. از دیرباز از این کتاب ترجمه‌هایی به فارسی انجام شده و باقی مانده است. پسرش شیخ ابوالفضل علی بن حسن طبرسی در ابتدای کتاب «مشکاه الانوار» خود گوید: چون پدرم کتاب «مکارم الاخلاق» را نگاشت، مورد تحسین اهل آفاق شد، پس تصنیف کتاب دیگری که در برگیرنده‌ی «سایر اقوال و محاسن احوال» باشد آغاز کرد، گرچه به اتمام آن موفق نشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (223 / 5)، بحارالانوار (9 / 1)، تاریخ نظم و نثر (371)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (420 / 2)، دایره‌المعارف فارسی (1614 / 2)، الذریعه (149 -146 / 22 ،41 / 2)، ریحانه (400 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 65 / 6)، الکنی و الالقاب (444 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ طبرسی)، معجم المؤلفین (269 / 3)، هدیه الاحباب (194).

طبرسی، زین‌العابدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زین‌العابدین بن مسلم بارفروش مازندرانی حایری از اعاغم علماء و اکابر مجتهدین عصر خود از شاگردان آیت‌اللّه سعید العلماء مازندرانی و صاحب ضوابط و شیخ انصاری و از مراجع تقلید آن زمان بوده و در سال 1309 ق وفات و در مقبره شخصی خود در صحن شریف حسینی نزدیک درب قاضی‌الحاجات مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1345 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، متکلم و رجالی. پدرش از بزرگان و علمای قزوین بود. خود صاحب عنوان از شاگردان علامه ملا محمدتقی هروی اصفهانی بود. وی در بارفروش مرجع امور شرعی مردم بود و تا لحظه‌ی وفات مرجعیت داشت. در مقبره بارفروش دفن است. او دارای تالیفات و تصنیفات سودمند بسیاری است. از آثارش: «نتیجه المقال»، در علم رجال، که تلخیص شده‌ی کتاب «رجال» استادش شیخ محمدتقی هروی است؛ «حدیقه الشیعه»، در اخلاق و مواعظ؛ «حدیقه العارفین»؛ «سراج الامه»، در شرح «شرح اللمعه»، در چند مجلد؛ شرح التصریف» ملا سعدالدین تفتازانی؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری، در دو مجلد؛ رساله‌ی عملیه‌ی «صراط النجاه». حدث قمی در «فوائد الرضویه» او را به عنوان شاگرد صاحب «جواهر» آورده و نظم «تتمیم الدره فی صلاه الجمعه» را به وی نسبت داده است.[1]
شیخ محمد حسن بن صفر علی بارفروشی مازندرانی معروف به شیخ کبیر از اکابر علماء امامیه عصر گذشته ماکه عالم عامل فاضل کامل متبحر محقق مدقق جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در فقه و اصول و رجال و کلام و اخلاق و غیر آنها تألیفات نافعه بسیاری دارد که محل استفاده افاضل میباشد.
1- حاشیه رسائل شیخ مرتضی انصاری که در میان دیگر حواشی آن کتاب ممتاز است 2- حاشیه شرح تصریف ملاسعد تفتازانی 3- حدیقه الشیعه در اخلاق و مواعظ فارسی 4- حدیقه العارفین در مناقب و مصائب 5- سراج الامه فی شرح اللمعه 6- شرح تصریف ملاسعد 7- نتیجه المقال فی علم الرجال و اکثر آنها در تهران بطبع رسیده غیر از دومی و ششمی. در ماه شوال 1345 قمری وفات نموده و در مقبره خود که معروف است در وسط شهر بابل مدفون گردید و در جنب قبر او مقامی بنام حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه میباشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (159/9)، الذریعه (50/24، 149/13، 156/12، 387، 156/6)، ریحانه (331/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 404/14)، فوائد الرضویه (452)، المآثر و الآثار (177)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 582- 583)، معجم المؤلفین (195/9).

طبری آملی، ابوالقاسم علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، عالم امامی، محدث و فقیه. در کتب رجالیه او را ثقه‌ای جلیل‌القدر و محدث و فقیهی بزرگ توصیف کرده‌اند. فرزندش، شیخ عمادالدین ابوجعفر طبری، در کتاب ارزشمند «بشاره المصطفی» از وی روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :خاتمه مستدرک الوسائل (15 / 3)، الذریعه (117 / 3)، روضات الجنات (232 / 6)، فوائد الرضویه (582).

طبری بصری، ابوعمرو عثمان

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 282 / 281 ق)، حافظ، محدث و فقیه. وی ساکن انطاکیه بود و عالم آن شهر. از عفان بن مسلم و قره بن حبیب و عمرو بن مرزوق و ابووليد طیالسی و سعید بن عفیر و یحیی بن بکیر و یحیی حمانی و ابراهیم بن حجاج سامی و احمد بن جناب احمد بن یونس و امیه بن بسطام و بکار بن محمد سیرینی و حکم بن موسی و سهل بن بکار و شیبان بن فروخ و سلیمان بن نبت شرحبیل و ابی‌معمر مقعد و عبیدالله بن عائشه و عمرو بن عون واسطی و محمد بن سنان عوقی و مسدد حدیث شنید. وی شنیده‌های خویش را جمع‌آوری و تصنیف و تألیف کرد. نسایی و ابوحاتم رازی و ابوعوانه در «صحیح» خود و محمد بن منذر هروی و حاجب ارکین و احمد بن جابر رملی و ابوالحسن بن جوصا و علی بن حسن بن عبد بصری و ابوبکر محمد بن احمد بن محمویه اهوازی و محمد بن اسماعیل فارسی و هشام بن محمد بن جعفر کندی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالقاسم طبرانی از او اجازه‌ی روایت داشت. ابن ابی‌حاتم رازی گوید که عثمان بن خرزاد رفیق پدرم در کتابت حدیث در جزیره و شام بود. ابن‌محمویه اهوازی گوید که عثمان بن خرزاد پرحافظه‌ترین فردی است که دیده‌ام. همچنین حاکم او را ستوده و مورد اعتماد توصیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تهذیب التهذیب (117 -116 / 7)، (سیر النبلاء (381 -378 / 13)، شذرات الذهب (177/ 2)، طبقات الحفاظ (269)، العبر (404 / 1).

طبری، ابوطیب طاهر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(450 -348 ق)، قاضی، محدث، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر شافعی. در آمل به دنیا آمد. چهارده ساله بود که فقه آموخت. در آمل از ابوعلی زجاجی و در گرگان از ابواحمد بن غطریف و در نیشابور از ابوالحسن ماسرجسی و در بغداد از دارقطنی و علی سکری و شیخ ابوحامد اسفراینی حدیث شنید. ساکن بغداد شد و در آنجا به تدریس و افتاء و قضاوت مشغول گردید. ابواسحاق شیرازی که از شاگردان اوست گوید که در تحقیق و اجتهاد و فکر و نظر بالاتر از ابوطیب ندیده است و خطیب بغدادی گوید که استاد ما ابوطیب شخصی پرهیزگار، عارف به اصول و فروع، محقق و خوش‌برخورد بود. گویند که او و برادرش فقط یکدست لباس داشتند و هرگاه یکی از آن دو از منزل خارج می‌شد دیگری مجبور می‌شد در منزل بماند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد. اغلب اشعارش به طریقه‌ی فقه و مسائل فقهی می‌باشد. وی در اصول و مذهب و علم خلاف و جدل کتابهای بسیاری تألیف کرد.از آثارش: شرح «مختصر» المزنی، در یازده جزء، در فقه شافعی؛ شرح «فروع» ابن‌حداد مصری؛ کتابی‌در «طبقات الشافعیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (321 / 3)، انساب سمعانی (47 / 4)، تاریخ بعداد (360 -358 / 9)، دایره‌المعارف فارسی (1615 / 2)، روضات الجنات (146 -145 / 4)، ریحانه (46 -45 / 4)، سیر النبلاء (671 -668 / 17)، العبر (296 / 2)، الکامل (87 / 8)، کشف الظنون (1638، 1635، 1257، 1100، 424) ، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر)، معجم المؤلفین (37 / 5)، النجوم الزاهره (65 / 5)، الوافی بالوفیات (404 -401 / 16)،وفیات الاعیان (515 -512 / 2)، هدیه العارفین (429 / 1).

طبری، ابوعبدالله حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(498 -418 ق)، مفتی، محدث و فقیه شافعی. مفتی و محدث مکه بود. در آمل به دنیا آمد. در 439 ق «صحیح» مسلم را از ابوالحسین فارسی شنید، و «صحیح» بخاری را از عبدالغافر بن محمد روایت کرد. از ابوحفص بن مسرور و ابوعثمان صابونی و نیز از کریمه مروزی حدیث شنید، و از ناصر بن حسین عمری مروزی فقه آوخت. مدتی ملازم شیخ ابواسحاق شیرازی بود تا از بزرگان اصحاب وی گشت. قبل از غزالی در نظامیه بغداد درس گفت. اسماعیل تیمی و رزین عبدری و قاضی ابوبکر بن عربی و وجیه شحامی و احمد بن محمد عباسی و ابوطاهر سلفی و دیگران از وی حدیث شنیدند. وی از بزرگان شافعیه بود و او را امام الحرمین می‌خواندند، زیرا که در حدود سی سال مجاور مکه بود و در آنجا به تدریس و فتوا اشتغال داشت. عده‌ای در مکه نزد وی فقه آموختند. طبری فقیه در مکه درگذشت.
از آثارش: «العده»، در پنج جزء ضخیم؛ شرح «الابانه» عبدالرحمان فورانی مروزی، در فروع فقه شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (204 -203 / 19)، شذرات الذهب (408 / 3)، العبر (377 / 2)، کشف الظنون (1)، معجم المؤلفین (29 / 4)، الوافی بالوفیات (16 / 13).

طبری، ابوعلی حسن

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 305 ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. در بغداد سکنی گزید و فقه را نزد ابوعلی بن ابی‌هریره فراگرفت و پس از استادش به تدریس پرداخت و کتاب «المحرر فی النظر» را که اولین کتاب در خلاف مجرد است، تصنیف کرد که در «کشف الظنون»به نام «المجرد فی النظر» نیز آمده است. از دیگر آثارش: کتاب «الافصاح»، در فروع فقه شافعی، که شرح «مختصر المزنی» است؛ «الایضاح»، در فروع فقه شافعی؛ کتاب «العده»،: در فقه، در ده جزء؛ کتابی در «جدل»؛ کتابی در «اصول الفقه». خطیب بغدادی در «تاریخ» خود نام وی را حسین و تاریخ وفات وی را 350 ق ذکر کرده است، و در «الاعلام» دو مدخل یکی به نام حسن و دیگری به نام حسین با اشتراکات و اختلافات آورده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2 / 227، 274) تاریخ بغداد (8 / 87)، رجال الطوسی (374)، روضات الجنات (3 / 56)، ریحانه (4 / 45)، سیر النبلاء (16 / 62- 63)، کشف الظنون (1635، 1612، 1593، 211)، الکنی و الالقاب (2 / 445- 446)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم المؤلفین (270 / 3)، الوافی بالوفیات (12 / 204- 205)، وفیات الاعیان (2 / 76)، هدیه العارفین (1 / 270).

طبری، عمادالدین، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 518 ق)، عالم و فقیه امامی. پدرش ابوالقاسم علی بن محمد محدثی جلیل‌القدر و مورد اعتماد بود. وی از شاگردان شیخ ابوعلی فرزند شیخ طوسی است. او در کتابش «بشاره المصطفی» که تألیف آن از 503 تا 518 ق به طول انجامیده از مشایخش پدرش، علی بن محمد، و ابوعلی فرزند شیخ طوسی و فقیه حسکا، حسن بن حسین بن بابویه، و محمد بن احمد بن شهریار خازن و شریف عمر بن ابراهیم علوی زیدی و سعیدی ثقفی و ابوطالب یحیی بن حسن جوانی، صاحب «جریده طبرستان»، و حدقه، ابومحمد جبار بن علی، و ابوعبدالله حسین بن احمد بغدادی روایت کرده است. شاذان بن جبرئیل قمی و قطب راوندی (م 573 ق) از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «بشاره المصطفی لشیعه المرتضی»، در هفده جزء؛ «الفرج فی الاوقات و المخرج بالبینات او النیات»؛ «شرح مسائل الذریعه»؛ کتاب «الزهد و التقوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بحارالانوار (141 / 105)، خاتمه مستدرک الوسائل (17 -13 / 3)، الذریعه (156 / 16، 66 / 12، 118 -117/ 13 / 3)، روضات الجنات (234 -231 / 6)، ریحانه (202 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 6 / 242، 278)، فهرست منتجب‌الدین (164 -163)، فوائد الرضویه (582)، الکنی و الالقاب (443 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ عمادالدین)، معجم المؤلفین (420 -419 / 13).

طبری، عمادالدین، عماد الاسلام حسن

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 698 ق)، عالم امامی، محدث، فقیه، اصولی و متکلم. معروف به عماد طبرسی با عماد طبری. از علمای بزگ امامیه در قرن هفتم و از معاصرین محقق حلی و خواجه نصیرالدین طوسی (م 672 ق) است. در فقه و حدیث و تحقیق حقایق اصول مذهب و دیگر فنون تصنیفات سودمندی دارد. فتاوای وی در کتب فقهی متأخرین نقل شده است. در 670 ق مناظره‌ای- در تنزیه خداوند از تشبیه- با اهل بروجرد کرد. در 672 ق به دستور وزیر خواجه بهاءالدین محمد از قم به اصفهان رفت و هفت ماه در اصفهان اقامت گزید و علمای اصفهان و شیراز و ابرقو و یزد و شهرهای آذربایجان بر گردش جمع شدند و علوم دینی را نزد وی تکمیل کردند. از آثار وی:«الاربعون حدیثا فی فضائیل امیرالمومنین (ع) و اثبات امامته» یا «اربعین بهائی »؛ «کامل السقیفه» یا «کامل بهائی»، که در 675 ق تألیف شده و دوازده سال جمع‌آوری آن به درازا کشیده است. چون این دو کتابه به خواهش و نام وزیر بهاءالدین محمد بن وزیر شمس‌الدین محمد جوینی معروف به صاحب دیوان تألیف شده بهائی نام گرفته است. از دیگر آثارش: «اسرار الائمه» یا «اسرار الامامه» یا «الاسرار فی امامه الاطهار»، که در 698 ق تألیف شده؛ «جوامع الدلائل»؛ «الکافیه فی الامامه»؛ «تحفه الابرار»؛ «العمده»، در اصول دین و فروع آن؛ «المنهج»، در فقه عبادات و ادعیه؛ «معارف الحقائق»؛ «نهج الفرقان الی هدایه الایمان »؛ «نقض معالم التنزیل» فخر رازی؛ «عیون المحاسن»؛ «بضاعه الفردوس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (214 -212 / 5)، تاریخ نظم و نثر (734 153،)، الذریعه (253 -252 / 17 ،333 / 15 ،405 / 3 ،41 -،40 / 2 414، / 1)، روضات الجنات (260 -256 / 2)، ریاض العلماء (274 -268 / 1)، ریحانه (199 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 41 / 7)، فوائد الرضویه (117 -111)، الکنی و الالقاب (443 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن و حسین طبری)، معجم المؤلفین (262 -261 / 3)، هدیه العارفین (282 / 1).

طبسی واعظ، محمد صادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1312 ق)، عالم دینی، فقیه و خطیب. معروف به مسأله‌گو. از مشاهیر اهل منبر در تهران و مورد توجه خاص و عام، به ویژه نیکان و اهل تقوی، بود. از آثارش: ترجمه‌ی «الطرائف فی مذهب الطوائف» سید ابن طاووس؛ ترجمه‌ی «کشف المحجه لثمره المهجه»، سید ابن طاووس؛ «منهج السداد»، در ترجمه «نجاه العباد» شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، با حواشی شیخ مرتضی انصاری و میرازی شیرازی و میرزا محمد حسین شهرستانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (191 / 23، 130 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 855 / 14)، مؤلفین کتب چاپی (496 -495 / 3).

طبسی، ابوحسین، ابوالحسن احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 358 ق)، فقیه و محدث. وی شیخ شافعیه و شاگرد امام ابواسحاق مروزی بود. در نیشابور از ابن‌خزیمه و در عراق از ابومحمد یحیی بن صاعت و دیگران روایت کرده و حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. از آثارش «تعلیقه» بزرگی است در مذهب که حدود هزار جزء دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (50 -94 / 4)، سیر النبلاء (112 / 16).

طبسی، عبدالواحد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالواحد و فرزند فقیه او آقا میرزا محمد رحیم معروف به (آقا میرزا) که مردی فقیه و اصولی و حافظ و حکیم و قاضی و بزرگوار و مهربان و نوع‌دوست بوده و دارای چهار فرزند دانشمند به اسامی زیر بوده است.
1- آقا محمدعلی مشهور به (آقا بزرگ) که فقیهی حکمی و اصولی و حافظ بوده است.
2- آقا محمدرضا مشهور به (آقا میانه) که وی نیز مردی فقیه و فیلسوف و متکلم و خطیب سخنوری بوده و در سال 1376 وفات نموده است.
3- شیخ بزرگوار علامه معروف به (آقای مشارق).
4- عالم فاضل آقا شیخ ذبیح‌اللّه مشهور به (آقای شیری) بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدرضا بن عباس بن علی بن الحسن بن عبدالله الطبسی الخراسانی از آیات عظام و فقهاء کرام و مصنفین والامقام عالم تشیع و مجتهدین مسلم الاجتهاد حوزه علمیه نجف و قم می‌باشند عالمی عامل و فاضلی کامل و بسیار خلیق و متواضع و دارای ملکات فاضله اخلاقی می‌باشند. در 18 شعبان 1324 قمری در مشهد رضوی علی من تشرفها السلام متولد شده و پس از نشو و نما در میان خانواده متدین و شریف خود و طی مبادی اولیه در طب در سن 18 سالگی سنه 1340 ق به مشهد آمده و سطوح اولیه را از مرحوم ادیب نیشابوری و علامتین سید محمد حسین شهرستانی و سید محمدباقر مدرس و سید مرتضی یزدی استفاده نموده و پس از آن مسافرت به قم و فقه و اصول را از علمین آیتین مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری و آمیرزا سیدعلی یثربی کاشانی استفاده نموده و حکمت و معقول را از مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی و آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی خوانده و مدت 7 سال از محضر آیت‌الله العظمی حایری استفاده نموده و خلال این مدت مسافرتی به عراق و عتبات عالیات نموده و مراجعت به قم کرده و پس از مدتی مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محضر علامه کبیر حاج شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و بالاخص آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی قدس‌الله اسرارهم فقها و اصولا و تفسیرا و کلاما استفاده کافی و وافی نموده و از خواص اصحاب مرحوم آیت‌الله اصفهانی و مورد توجه مخصوص آن جناب گردیده و تا فوت آن مرحوم 1365 قمری از اعضاء رئیسه مجلس استفتاء ایشان بوده تا بعد از رحلت آن جناب که ملازم منزل خود گردیده و به تدریس و تالیف کتب مفیده اشتغال دارند.
مراتب اجتهاد و مقامات علمی معظم‌له مورد گواهی و تصدیق آیات عظام قم و نجف اشرف است از جمله آیت‌الله العظمی اصطهباناتی درباره وی مرقوم فرموده لایخفی ان ولدنا الروحانی حجه‌الاسلام الحاج الشیخ محمدرضا الطبسی النجفی مجتهد عادل یتبع اقواله کثرالله فی العلماء العالمین امثاله 15 شهر ربیع‌الثانی 1378 ق محل امضاء مبارک- و مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید عبدالهادی شیرازی لایخفی ان جناب الشیخ المعظم له دامت برکاته قد بلغ درجه الاجتهاد والله ولی التوفیق 23 ذی‌القعده 1378 محل امضاء شریف.

معظم‌له تا ذی‌القعده 1391 قمری در مرکز ولایت علوی نجف اشرف به وظائف دینی و روحی اشتغال داشت ولی در تاریخ مزبور روی فشار دولت شویم بعثی عراق با ده‌ها هزار نفر مردم شرافتمند و نجیب ایرانی مقیم عراق از روحانین محترم و طبقات دیگر به ایران اخراج و به حکم ضرورت و علاقه به روضه منوره فاطمه معصومه علیهاالسلام رحل اقامت به قم انداخته و به تالیف و تصنیف و مباحثات علمی اشتغال دارند و آیات عظام قم و زعماء حوزه علمیه از تجلیل و احترام نسبت به مقام شامخ علمی آن جناب کوتاهی نمی‌نمایند.
و اما تالیفات مطبوع و مخطوط ایشان از این قرار است.
1- الشیعه و الرجعه دو جزء در احوالات حضرت حجت عجل‌الله فرجه و رجعت ائمه علیهم‌السلام که مکرر طبع شده است.
2- و در الاخبار فیما یتعلق بحال الاحتضار که در نجف به طبع رسیده است.
3- ذرایع البیان فی عوارض اللسان دو جزء که در نجف چاپ شده است.
4- المنیه فی حکم الشارب و اللحیه در نجف و بصره به طبع رسیده است.
5- الدر الثمین فی التختم بالیمین در بیروت چاپ شده.
(گوهر وزین در ترجمه آن به قلم این نویسنده که در قم چاپ شده است).
6- حاشیه طریق النجاة به طبع رسیده است.
7- النجعه فی الرجعه به طبع رسیده است.
8- عقد الفراید فی اصول العقاید به طبع رسیده است.
9- مصباح الظلام فی هدایه الانام به طبع رسیده است.
10- القول الفصیح فی اصول الدین الصحیح به طبع رسیده است.
11- تبصره المتعلمین فی اصول الدین به طبع رسیده است.
12- ذخیره الصالحین فی شرح تبصره المتعلمین 8 جلد غیر مطبوع.
13- حاشیه وسیله النجاه غیر مطبوع.
14- حاشیه انیس المقلدین 15- حاشیه‌ای بر تبصره علامه من اوله الی آخره.
و تالیفات دیگری کمه به آن اشتغال دارند.
فرزندان برومند و نجبائی دارند که سرآمد آنان در علم و کمال و قلم مرحوم ثقه‌الاسلام آقا شیخ محمدعلی مشهور به نورالدین طبسی بودند و در سنین جوانی در تهران بدرود حیات گفته و در قبرستان وادی السلام قم مدفون و پدر پیر خود را برای همیشه داغدار نمود و دیگر آقا عمادالدین طبسی و سوم آقا نجم‌الدین طبسی که به درس و بحث دینی اشتغال دارند و نیز فرزندان دیگری که بعضی به رشته کار و بعضی به تحصیلات مقدماتی مشغولند و فقهم الله تعالی لمرضاته و جعلهم من عسا کرولیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طبسی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسین طبسی فقیهی بزرگوار از مراجع تقلید زمان خود و محور تقوا و علم و مجسمه فضل و علم بوده است.
وی در خدمت مررحوم آیت‌اللّه ملا میرزا محمدابراهیم طبسی تلمذ نمود و بعد از آن مجتهدا مهاجرت به سامرا و از محضر و درس مجدد شیرازی میرزاء بزرگ استفاده نموده و پس از آن از محضر سید استاد سید محمد اصفهانی فشارکی و شیخ محمد کاظم آخوند خراسانی بهره‌مند شده و بعد از وفات میرزاء شیرازی به طبس برگشته و به ریاست و زعامت و مرجعیت این سامان رسیده و بسیاری از اعلام که از ایشان است ملا محمد بن ملا علی‌اکبر طبسی و علامه بزرگوار آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا طبسی نجفی استفاده نموده‌اند.
وی در 18 شعبان 1359 قمری بدون اولاد از دنیا رفت دارای کتابخانه نفیس و ارزنده‌ای در علوم مختلفه بود که پس از اندکی از دست عیالش بیرون رفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طرازی بغدادی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 422 ق)، مسند، محدث، فقیه و ادیب حنبلی. مسند خراسان و از بزرگان نیشابور بود. از ابوالعباس اصم و ابوحامد احمد بن علی بن حسنویه و ابوبکر محمد بن مؤمل و ابوعمر و بن مطر و دیگران حدیث شنید. ابوبکر خطیب بغدادی و صاعد بن سیار و ابوسعد علی بن عبدالله بن ابی‌صادق و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابونعیم حافظ از او اجازه روایت داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (284 / 1)، سیر النبلاء (410 -409 / 17)، شذرات الذهب (225 / 3)، العبر (248 / 2).

طرسوسی اصفهانی، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(595 -502 ق)، مسند، محدث و فقیه حنبلی. وی از ابوعلی حداد و یحیی بن منده و محمد بن طاهر و محمد بن عبدالواحد دقاق و محمود بن اسماعیل اشقر و ابی‌نهشل عبدالصمد عنبری حدیث شنید. ابوموسی عبدالله بن عبدالغنی و یوسف بن خلیل و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. او به احمد بن ابی‌الخیر اجازه روایت داد. در «العبر»، صاحب عنوان تحت نام طرطوسی آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (246 -245 / 21)، شذرات الذهب (321 -320 / 4)، العبر (112 / 3)، النجوم الزاهراه (138 / 6).

طرقی اصفهانی، ابوالعباس احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 521 ق)، فقیه، اصولی، حافظ و محدث. وی از اهالی طرق از روستاهای اصفهان است. در فقه و اصول و ادب و نویسندگی مهارت داشت. وی در اصفهان از عبدالوهاب بن منده و مطهر بن عبدالواحد بزانی و عثمان بن محمد محمی و در هرات از ابواسماعیل انصاری و در بغداد از ابوالقاسم بن بسری و در بصره از ابوعلی تستری و در اهواز ابوسعید اهوازی و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوالعلاء احمد بن محمد اصفهانی و ابوالفرج عبدالخالق بن احمد از وی حدیث شنیدند. او را تصانیف نیکوئی بوده است. سمعانی گوید گه وی در «قدم ورح» تصنیفی داشته است. ابن‌النجار کتاب «اللوامع فی اطراف الصحیحین» را از جمله کتابهای زیبای وی ذکر کرده است. ابن‌حجر کتاب «اطراف الکتب الخمسه» را از جمله تصنیفات وی می‌داند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (63 / 4)، سیر النبلاء (529 -528 / 19)، لسان المیزان (214 -213 / 1)، معجم المؤلفین (181 / 1)، الوافی بالوفیات (282 / 6).

طسوجی، عبدالنبی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1203 -1117 ق)، فقیه، اصولی، ریاضیدان، ادیب و شاعر. پدر وی بنا به روایتی اوجاق قلی از نوادر عهد شاه سلطان حسین صفوی بود. ملاعبدالنبی در خوی متولد شد. علوم عقلیه، فنون عربیه و ادبیه را در لاهیجان نزد سید محمد لاهیجانی فراگرفت. به مشهد رفت و نزد ملارفیع گیلانی علوم فقه و اصول و ریاضی و معقول را تکمیل نمود. سپس به نجف رفت و در آنجا ساکن شد. میرزا حسن در فوت او ماده تاریخی سروده بود. از جمله آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «شرح نهج‌البلاغه»؛ «حاشیه‌ی تفسیر تونی»؛ «شرح معانی الاخبار»؛ «الردعلی نواقض الرافض»؛ «تحفة السالکین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (126 /8)، دانشمندان آذربایجان (267)، الذریعه (134 ،72 /14 ،233 /10 ،281 /4)، ریحانه (57 -56 /4)، گنجینه‌ی دانشمندان (34 /6)، معجم المؤلفین (201 /6)، مکارم الآثار (151 -150 /1).

طسوجی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی طسوجی از علماء و دانشمندان متقی و پارسای معاصر مقیم مشهد مقدس‌اند. در حدود 1325 قمری در یکی از روستاهای طسوج به نام دیزج متولد شده و پس از پرورش مقدمات را در شهر طسوج خوانده سپس مهاجرت به مشهد رضوی نموده و در آنجا از محضر و درس آقایان که از آنها مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حبیب‌اللّه ملکی تبریزی استفاده نموده و پس از چند سال به زادگاه خود مراجعت و مدتی در شهر طسوج به اقامه نماز جماعت و سایر خدمات دینی و روحی پرداخته و چندی هم در شهرستان خوی اقامت نموده و بعداً مشرف به نجف اشرف و از آیات عظام آن سامان چون مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه خوئی و آیات دیگر استفاده نموده تا در سال 1394 قمری که برای کسالت و پاره‌ای از جهات به ایران برگشته و اقامت مشهد مقدس را انتخاب و اکنون در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه‌السلام انتخاب و به افاضه و افاده و استفاضه از مراحم رضوی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طلائی، محمد حسن

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا محمّد خراسانی. عالم فاضل، و فقیه کامل، در کیمیا رنجها کشیده و کتابها تألیف نموده که از آن جمله است: 1- شرح رساله جابر بن حیان 2- شرح شذور الذهب 3- شرح مفتاح جلدکی؛ و غیره.
در سال 1129 وفات یافته، در مقبره آب بخشان مدفون گردید.
پدرش ملاّ احمد خراسانی هندی نیز از فضلا معدود بوده، و در سال 1110 وفات یافته، و در آب بخشان مدفون بوده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طوسی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوجعفر محمد بن حسن ملقب به شیخ‌الطائفه، از بزرگترین علمای دینی شیعه (و. طوس 385- ف. نجف 460 ه.ق.). وی در 408 ه.ق. از طوس به بغداد رفت و چهل سال بعد به نجف شد. تحقیقات او در حدیث و تفسیر و فقه و رجال و کلام و ادب مرجع علمای شیعه میباشد. او صاحب تألیفات مهم در مسایل مذهبی شیعه است که از جمله آنهاست: کتاب تبیان (ه.م.)، استبصار (ه.م.)، تهذیب الاحکام، العدة فی اصول الفقه، کتاب الرجال، کتاب الغیبة، فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین، النهایة، کتاب الخلاف، کتاب الجمل والعقود، کتاب یوم دلیلة، تلخیص شافی، المفصح در امامت، مناسک الحج، مقتل الحسین، اخبار مختار و غیره.
(460 -385 ق)، فقیه، عالم، مولف دو کتاب از کتب اربعه شیعه و بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف. معروف به شیخ‌الطائفه و امام الفرقه بعد الائمه (ع). در 408 ق در بیست و سه سالگی از خراسان وارد عراق شد. پس از چهل سال از بغداد به علت ترس از فتنه‌ای که در آن زمان (448 ق) در بغداد درگرفته بود و کتابهای شیخ و خانه‌ی او را طعمه‌ی آتش خویش کرده بود، به نجف اشرف مهاجرت کرد. او بر کرسی کلام می‌نشست و جوابگوی خاص و عام در تمامی مسائل حتی در امامت بود. آن کرسی از جانب خلفاء به او عرضه شده بود و مخصوص یگانه‌ی دوران بود. شیخ طوسی بنیان‌گذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف است که بیش از هزار سال از عمر آن می‌گذرد. وی شاگرد شیخ مفید و ابن‌غضائری و ابن‌عبدون و ابن ابی‌جید قمی و سید مرتضی و علی بن شبل بن راشد و حسین بن قاسم علوی و احمد بن ابراهیم قزوینی و هلال بن محمد حفار و احمد بن محمد اهوازی و جعفر بن حسین قمی و ابوعلی بن شاذان و بسیای دیگر از اساطین علم و دین است. شاگردان دانشمند و مجتهد وی متجاوز بر سیصد تن از شعیه و بی‌شماری از عامه بودند. فرزندش شیخ ابوعلی حسن بن شیخ، صاحب کتاب «المجالس»، از شاگردان و راویان او است. در میان شاگردان او آدم بن یونس نسفی، ابوصلاح حلبی، شیخ‌الاسلام حسن بن بابویه قمی، محی‌الدین حسن همدانی، ابومحمد حسن جبهانی، حسین بن فتح واعظ جرجانی، ابوصمصام حسینی، سلمان بن حسن صهرشتی، ابوالصلت محمد بن عبدالقادر، سعدالدین ابن‌براج، شیخ علی سبزواری، شیخ عبیداللّه بن بابویه قمی، غازی بن احمد سامانی، کردی بن

عکبری فارسی، ابوالحسن دیباجی، محمد وراق، شیخ ابوجعفر حلبی، ابوسعد منصور آبی، جمال‌الدین محمد طبری، ناصرالدین رضی حسینی، محمد بن حسن فتال و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. در هفتاد و پنج سالگی در نجف درگذشت و در منزل خویش که اکنون مزار معروفی است به خاک سپرده شد. خانه‌اش و مسجدش که یکی از معروفترین مساجد نجف است و همچنین آثار باقی مانده از او، تاکنون برجاست. از آثار علمی وی: در تفسیر: «التبیان»؛ «الجامع لعلوم القرآن»؛ در حدیث: «تهذیب الاحکام» یا «التهذیب»؛ «الاستبصار»؛ در فقه: «المبسوط»؛ «الخلاف»؛ «الایجاز»، در فرائض؛ «الجمل و العقود»، در عبادات؛ «الاقتصاد»، در عقاید و عبادات؛ «النهایه»؛ در علم اصول و رجال: «العده» که ملا خلیل آن را شرح کرده است؛ «الفهرست» که در آن «اصول» و نگارشهای اصحاب و تصانیف آنها آورده شده «و شیخ سلیمان ماحوزی آن را مرتب و شرح کرده و «معراج الکمال الی معرفه الرجال» نامیده است؛ «الابواب» که به نام «رجال شیخ» یا «رجال الطوسی» معروف است؛ «اختیار رجال الکشی» یا «اختیار معرفه الرجال». از دیگر آثار او: «التلخیص للشافی» و «المفصح»، هر دو در کلام و امامت؛ «هدایه المسترشد و بصیره المتعبد»؛ «کتاب الغیبه»؛ «مناسک حج»؛ «المجالس»، در اخبار که «امالی» اوست؛ مقتل الحسین (ع)»؛ «اخبار مختار»؛ «مصباح المتهجد»، در اعمال سال. [1]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (315/ 6)، اعیان الشیعه (167 -159/ 9)، ایضاح المکنون (722، 573، 454، 424، 335، 286، 276، 266، 212، 95،/ 2، 604، 314، 318، 223/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (258/ 2)، تاریخ برگزیدگان (26 -25)، تاسیس شیعه (313)، تاریخ علم کلام در ایران و جمان اسلام (259 -256)، خدمات متقابل اسلام و ایران (485 -483)، دایرةالمعارف الاسلامیه (378 -376/ 15)، دایرةالمعارف فارسی (1634/ 2)، الذریعه (235/ 7، 145/ 5، 331 -328/ 3، 486، 269، 14/ 2، 365/ 1)، رجال ابن‌داود (قسم 306/ 1)، رجال النجاشی (333 -332/ 2)، روضات الجنات (231 -201/ 6)، ریحانه (328 -325/ 3)، سیر النبلاء (335 -334/ 18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 162 -161/ 5)، طبقات خلفاء و اصحاب ائمه و علماء و شعرا (394)، فرهنگ ادبیات فارسی (329)، فقهای نامدار شیعه (79 -67)، فوائد الرضویه (473 -470)، الفهرست للطوسی (161 -159)، قرآن پژوهی (175 -173)، قصص العلماء (416 -414)، الکامل (106/ 8)، کارنامه‌ی بزرگان (122 -121)، کشف الظنون (1973، 1581، 452)، الکنی و الالقاب (397 -394/ 2)، لسان المیزان (52/ 6)، لغت نامه (ذیل/ ابوجعفر طوسی)، مؤلفین کتب

چاپی (406 -402/ 5)، مجالس المومنین (482 -480/ 1)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 460)، معجم المؤلفین (202/ 9)، معجم رجال الحدیث (247 -243/ 15)، منتخب التواریخ (190 -189)، الوافی بالوفیات (394/ 2)، وقایع السنین و الاعوام (268)، هدیه الاحباب (9)، هدیه العارفین (72/ 2).

طوسی بتارکانی، علاءالدین علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 877 ق)، حکیم، فقیه حنفی، اصولی و مدرس. در سمرقند به دنیا آمد. علوم عقلی و نقلی را در ایران تکمیل کرد و آن گاه به روم شرقی رفت و مدتی در قسطنطنیه ساکن شد و مورد تکریم سلطان عثمانی قرار گرفت. ابتدا از طرف سلطان مرادخان به تدریس در مدرسه بروسه منصوب و پس از آن از طرف سلطان محمد فاتح تدریس مدرسه زیرک بدو تفویض شد. مدتی بعد به تبریز و از آن جا به ماوراءالنهر رفت و از تمامی مشاغل دنیوی منصرف شد و در خدمت مشایخ صوفیه پا به دایره سیر و سلوک گذاشت. طوسی در سمرقند درگذشت. برخی از شرح‌حال نویسان گویند که وی در خراسان یا در تبریز درگذشت. در سال وفات او نیز از 860 ق تا 887 اختلاف نظر وجود دارد. از آثارش: «الذخیره»، در محاکمه بین دو کتاب « تهافت الفلاسفه» غزالی و «الحکماء» ابن‌رشد که به خواهش سلطان عثمانی نوشت؛ حاشیه بر «التلویح» تفتازانی، در اصول؛ حواشی بر «شرح المواقف»؛ حاشیه بر شر عضد بر «مختصر المنتهی»؛ حواشی بر «حاشیه الکشاف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (162 / 5)، تاریخ ادبیات در ایران (92 / 4)، ریحانه (160 -159 / 4)، کشف الظنون (1892، 1856، 1716، 1479، 1144، 825، 513، 497)، لغت‌نامه (ذیل/ علاءالدین)، معجم المؤلفین (185 / 7)، مؤلفین کتب چاپی (304 -303 / 4)، هدیه العارفین (737 / 1).

طوسی، ابوبکر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 570)، محدث و فقیه شافعی. وی از علی بن احمد بن اخرم و نصرالله خشنامی و فضل بن عبدالواحد تاجر حدیث شنید. او «چهل حدیث» دارد که علی بن عمر طوسی آن را تخریج کرده است. عثمان بن ابوبکر خبوشانی و محمد بن ابی‌طاهر عطاری و ابوحامد محمد بن محمد سمنانی و حسن بن عبیدالله قشیری و حره ناز زینب شعریه و دو فرزند این خانم، مؤید و بی‌بی، و همچنین عبدالقادر رهاوی و چند تن دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (65 / 21)، النجوم الزاهره (69 / 6).

طوسی، ابونضر، ابونصر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 344 -250 ق)، زاهد، عابد، حافظ، محدث و فقیه شافعی. مفتی خراسان. در طلب حدیث به عراق و شام و مصر و حجاز سفر کرد و از عثمان بن سعید دارمی و حارث بن ابی‌اسامه و اسماعیل قاضی و علی بن عبدالعزیز بغوی و فضل بن عبدالله بن خرم یشکری هروی و احمد بن موسی کوفی حمار و محمد بن عمرو قشمرد حرشی و محمد بن ایوب بن ضریس و احمد بن سلمه حافظ و حسین بن محمد قبانی و تمیم بن محمد حافظ و محمد بن نصر مروزی فقیه و دیگران حدیث شنید. بیشتر ملازم محمد بن نصر مروزی بود و اکثر شنیده‌هایش از اوست. طوسی شنیده‌هایش را جمع‌آوری و تألیف کرد و کتبی به سبک مسلم نگاشت. وی شب را به سه قسمت تقسیم کرده بود: جزئی برای تصنیف، جزئی برای خواب و جزئی برای تلاوت قرآن. او حدود هفتاد سال مرجع امور دینی مردم بود و فتوی می‌داد. بیشتر ایام سال را روزه‌دار بود و آنچه زیاده بر قوت روزانه‌اش بود صدقه می‌داد از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نداشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (80 / 4)، تاریخ نیشابور (186)، سیر النبلاء (492 -490 / 15)، شذرات الذهب (368 / 2)، طبقات الحفاظ (336)، العبر (68 / 2)، النجوم الزاهراه (358 -357 / 3)، الوافی بالوفیات (210 / 1).

طوسی، شهاب‌الدین، ابوالفتح محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(596 -522 ق)، محدث، فقیه و عالم اشعری شافعی. معروف به شهاب طوسی. از ابوالوقت سجزی حدیث روایت کرده است. سفری به بغداد کرد و مورد احترام بسیاری قرار گرفت و داماد قاضی القضاه ابوالبرکات ابن‌الثقفی شد. آن‌گاه حج به جا آورد در 572 ق به مصر رفت و ابتدا در خانقاه سعید السعداء در قاهره منزل کرد. وی در جامع مصر وعظ گفت و مذهب اشعری را آشکار کرد. او در منازل العز درس می‌گفت، فقهاء و محدثین بر گردش جمع شدند و از محضرش بهره جستند. تقی‌الدین عمر بن شاهنشاه برایش مدرسه‌ای در منازل العز بنا کرد او در نزد عام و خاص عزیز و محترم بود. گویند که وی مدار فتوی در مذهب شافعی در زمان خود بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (389 -387 / 21)، شذرات الذهب (7 /328 -327 / 4) العبر (117 -116 / 3)، النجوم الزاهره (142 / 6)، الوافی بالوفیات (9 / 5).

طوسی، ضیاءالدین، ابومحمد عبدالعزیز

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 706 ق)، فقیه شافعی. اصل وی از طوس بود و در دمشق ساکن، و هم در این شهر در مدرسه نجیبیه تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در مقابر صوفیه دفن شد. برزالی و ابن‌حبیب مراتب فضل و دانش وی را ستوده‌اند. از آثارش: «مصابح الحاوی و مفتاح الفتاوی»، که شرح «الحاوی الصغیر» عبدالغفار قزوینی است، در فروع فقه شافعی، در چهار مجلد؛ «کاشف الرموز و مظهر الکنوز»،در شرح «منتهی السول و الامل فی علمی الاصول و الجدل» یا «مختصر» ابن‌حاجب،در اصول.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (151 / 4)، شذرات الذهب (14 / 6)، کشف الظنون (1855، 1368، 625)، معجم المؤلفین (260 / 5)، النجوم الزاهره (177 / 8)، الوافی بالوفیات (556 / 18)، هدیه العارفین (581 / 1).

طوسی، محقق

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد معروف به خواجه نصیرالدین طوسی جهرودی‌الاصل، شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل می‌نویسد: وی مردی فاضل و ماهر و عالم و متکلم محقق در عقلیات او را کتبی است که از جمله آنها کتب زیر است 1- کتاب «تجرید الاعتقاد» 2- تذکره «در هیئت» 3- تحریر کتاب اقلیدس 4- تحریر مجسطی 5- شرح اشارات 6- «فصول نصیریه» 7- «فرائض نصیریه» 8- «آداب المتعلمین» 9- رساله اسطرلاب 10- رساله جواهر 11- نقد المحصل 12- رساله معینیه در هیئت به فارسی 13- شرح آن به فارسی 14- رساله خلق اعمال 15- شرح ساله العلم میثم بحرانی 16- اخلاق ناصری 17- اوصاف الاشرف و غیر اینها، روایت می‌کند از او علامه حلی که در اجازه بنی‌زهره نوشته است این شیخ افضل اهل زمان خود در علوم عقلیه و نقلیه و از برای اوست مصنفات بسیاری در علوم حکمیه و احکام شرعیه بر مذهب امامیه وی بزرگترین کسی است که ما دیده‌ایم که نورانی کند خدا خوابگاه او را. من، الهیات شفای ابوعلی سینا و بعض کتاب تذکره را در هیئت که از تصانیف خود اوست نزد وی خواندم سپس درک نمود او را اجل محتوم قدس‌اللّه‌روحه.
نگارنده گوید: خواجه در حمله دوم مفعول موقعی که هلاکوخان نوه چنگیز بقعله «میمون دژ» مرکز و پناهگاه اسماعیلیان واقع در الموت قزوین لشکر کشید و آنجا را تسخیر کرد از حبس آن فرقه ضاله آزاد و همراه هلاکو به بغداد آمد سپس هلاکو را بعد از قتل آخرین خلفاء بنی‌عباس و ابن‌حاجب از جنگ و تخریب بقیه بلاد اسلامی منصرف و به مراغه آذربایجان آورد و به عمران و آبادی و تشویق اهل فضل و احیای علوم عقلی تشویق نمود و خود با تأسیس رصدخانه بزرگ مراغه که آکادمی علوم عقلی و نقلی بود و با داشتن ریاست اوقاف و مقام علمی، جان مردم مسلمان خاصه علماء نامی ما را از خطر نابودی و انهدام حفظ کرد و از این راه بزرگترین خدمت را به دین اسلام و ملت ایران نمود- و حقاً خواجه یکی از بزرگترین دانشمندان جهان و نابغه عالیقدر شیعه و فیلسوف نامی اسلام است. ولادتش در طوس در ج 1 سال 597 ه.ق واقع و در روز عید غدیر سال 672 در بغداد از دنیا رفت و در قسمت بالا سر حضرت امام همام باب الحوائج موسی بن جعفر علیهماالسلام در مکانی که برای ناصر عباسی مهیا کرده بودند دفن شد در ماده تاریخ وفات او به فارسی گفته شده:

«نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل
یگانه‌ای که چه او مادر زمانه نزاد
بسال ششصد و هفتاد و دو بذی‌الحجه
بروز هیجدهمش درگذشت در بغداد
ابوجعفر نصیرالدین محمد بن حسن طوسی (و. 597- ف. 672 ه.ق) از علمای بزرگ ریاضی و نجوم و حکمت ایران در قرن هفتم و نیز از وزراء آن عصر است. مدتی در دستگاه اسماعیلیه بود و هنگام حمله‌ی هلاکوخان مغول به ایران برای نجات مسلمانان از خونریزیهای آن مرد سفاک به خدمت او درآمد و با تدابیر خاصی از خرابی شهرها و کشتار دسته‌جمعی مردم به دست هلاکو جلوگیری کرد. این دانشمند که در ضمن یکی از فقهای مذهب تشیع است هلاکوخان را به ایجاد رصدخانه در مراغه و ترتیب زیج جدیدی که بعداً به زیج ایلخانی مشهور گردید و خود تصدی این کار را برعهده گرفت تشویق کرد. گویند تمام اوقاف نیز در سراسر ممالک مفتوحه مغول در تحت نظر او بود. از خواجه تألیفات متعددی در رشته‌ی علوم ریاضی، نجوم، منطق، علوم طبیعی، حکمت الهی، و مجسطی باقی مانده است. او یکی از شارحان و مفسران کتاب «اشارات» ابوعلی سینا است. از مشهورترین تألیف‌های او در عربی شرح اشارات ابن‌سینا و در فارسی کتاب «اخلاق ناصری» است که در غایت نیکویی سخنان افلاطون و ارسطو را در حکمت عملی جمع کرده و آراء متقدمین را شرح و شبهات متأخرین را رد نموده است. دیگر کتاب «تجریدالکلام فی تحریر عقایدالاسلام» و این تجرید که در الهیات است طرف توجه عده‌ی کثیری از شراح و صاحبان رسائل کلامیه است و نیز «تذکره‌ی نصیریه» در هیئت و «اساس الاقتباس» در منطق و «اوصاف الاشراف» در عرفان و رسالات و کتبی به زبان عربی در منطق و هیئت و هندسه از او باقی است.
(672 -597 ق)، دانشمند، نویسنده، منجم، فیلسوف، ریاضیدان و شاعر. ملقب به استاد البشر و عقل حادی عشر. مشهور به خواجه نصیرالدین و خواجه نصیر طوسی. اصل وی از جهرود ساوه یا قم است. در طوس به دنیا آمد و به همین علت به طوسی مشهور شد. پئرش از فقها و علمای طوس بود. نصیرالدین علوم نقلی را نزد پدر و علوم عقلی را نزد دایی خود فراگرفت. در آغاز جوانی برای تکمیل معلومات به نیشابور رفت. در آنجا به محضر فریدالدین عطار نیشابوری رسید و گویند حکمت مشاء را نزد وی آموخت. ریاضیات را از کمال‌الدین محمد حاسب و فقه را نزد معین‌الدین سالم بن بدران مصری و کمال‌الدین میثم بحرانی فراگرفت و از محضر درس دانشمندانی چون کمال‌الدین بن یونس موصلی، ابوالسعادات اصفهانی، اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی و نجم‌الدین محقق حلی استفاده کرد. با صدرالدین قونیوی معاصر و معاشر بوده است. اعتمادالسلطنه در

«مطلع الشمس»، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن طاووس و قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و جمال‌الدین حسن بن یوسف، ملقب به علامه حلی، را از شاگردان وی می‌شمرد. او چند سال پس از واقعه‌ی حمله‌ی چنگیز، به قلاع اسماعیلیه پناه برد و به خدمت ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی‌منصور، محتشم قهستان رسید و به خواهش او کتاب «الطهارة» ابوعلی مسکویه را به فارسی ترجمه کرد که بعدها آن را اساس تألیف «اخلاق ناصری» قرار داد. سپس به دعوت علاءالدین محمد، فرمانروای اسماعیلیان، به قلعه‌ی میمون دژ رفت. وی پس از غلبه‌ی هلاکوخان به قلاع اسماعیلیه در 654 به خدمت او پیوست و همواره در ملازمت وی بود. در مورد تصمیم به ساختن رصدخانه، گویند منگوقاآن، که از پادشاهان مغول است، هنگام فرستادن هلاکو به ایران، دستور داد که خواجه نصیر را به دربار او روانه کند تا در مغولستان این رصدخانه تأسیس شود، اما هولاکو صلاح دید که این کار به امر او باشد و رصدخانه در ایران بنا شود. بعد از فتح بغداد، خواجه در 657 ق از جانب هلاکو مأموریت یافت تا رصدخانه‌ی مراغه را ترتیب دهد. او هم جماعتی از ریاضیدانان بزرگ مانند: مؤیدالدین عرضی، از دمشق، و فخرالدین مراغی، از موصل، و فخرالدین اخلاطی، از تفلیس، و نجم‌الدین دبیران قزوینی را گرد آورد و کار احداث رصدخانه‌ی مراغه را در همان سال آغاز کرد. خواجه با این کار عالمان بزرگ زمان را که پراکنده بودند، گرد آورد و همچنین کتابخانه‌ای عظیم در محل رصدخانه مراغه احداث کرد و کتابهایی را که از بغداد، شام و الجزیره و اطراف و اکناف ایران فراهم آمده بود و به تصریح الکتبی، بیش از چهارصد هزار مجلد می‌شد، در آنجا جمع کرد. عمر خواجه از این پس در خدمات علمی گذشت. خواجه وزارت هولاکو را نیز به عهده داشت و با تقرب خود در نزد هلاکو، از قتل گروهی از بزرگان عهد خویش پیشگیری کرد. نصیرالدین یکی از بزرگترین بنیان‌گذاران کلام شیعه و پیشاهنگ بزرگ فلسفه‌ی مشاء بود. در حکمت و فلسفه بزرگترین کار او تأیید و تسجیل حکمت ابوعلی سینا است و برای این کار به شرح مشکلات «اشارات» ابوعلی سینا و اثبات مباحث آن همت گماشت. خواجه اولین دانشمندی بود که حالات ششگانه را در مثلث کروی قائم‌الزاویه بیان کرد و آن را در کتاب خود به نام «الشکل القطاع» شرح داد. وی در شانزدهمین سال تأسیس رصدخانه وفات یافت و عمل رصد و زیج ناتمام ماند. اگر چه صدرالدین، پسر بزرگ او و بعد از وی، اصیل‌الدین عهده‌دار تکمیل آن شدند، اما به تدریج رصدخانه، متروک گشت تا این زمان که تنها نامی از آن باقی مانده است. نصیرالدین در بغداد درگذشت و جنازه وی را در کاظمین به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «تجرید الکلام» یا «تجرید العقائد» یا «تجرید الاعتقاد» یا «تحریر العقاید»، در اصول دین؛ «زیج ایلخانی»، به فارسی؛

«اوصاف الاشراف»، در اخلاق به فارسی؛ «اساس الاقتباس»، در منطق؛ «تحریر اصول اقلیدس»، در هندسه؛ «تحریر مجسطی»، در هیئت؛ «تذکره‌ی نصیریه»، در هیئت؛ شرح «اشارات» ابوعلی سینا؛ «سی فصل»، در نجوم؛ «رسالة فی اثبات الفرقة الناجیة»؛ «رسالة فی حصر الحق بمقالة الامامیة»، به فارسی؛ «الاثنی عشریة»؛ «تحریر اکرمانالاوس» یا «تحریر کتاب مانالاوس فی الاشکال الکرویة»؛ «تجرید المنطق»؛ «البارع فی التقویم و احکام النجوم»؛ «آداب المتعلمین»؛ «التجرید فی الهندسه»؛ «معیار الاشعار»، در عروض فارسی؛ «زبدة الادراک فی هیئت الافلاک»؛ «جامع الحساب فی التخت والتراب» یا «جوامع الحساب بالتخت والتراب»؛ «ظاهرات الفلک»؛ «بیست باب»، در معرفت اسطرلاب؛ «دیوان» شعر. به قول صاحب «زندگینامه‌ی ریاضیدانان دوره‌ی اسلامی»، بروکلمان فهرست پنجاه و نه عنوان و سارتن فهرست شصت و چهار عنوان از آثار نصیرالدین را آورده و آنها را به چندین رشته‌ی مختلف تقسیم کرده‌اند.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (258 -257/ 7)، اعیان‌الشیعه (420 -414/ 9)، ایضاح‌المکنون (353 -352/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1205 -1198 271، -257 ،254 -252 ،231 -229/ 3)، تاریخ علوم عقلی (صفحات متعدد)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (441 -417)، تاریخ گزیده (706 -705)، تاریخ نجوم اسلامی (246 ،52 ،47 ،45)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (467 -465)، دائرةالمعارف بستانی (359/ 11)، دایرةالمعارف فارسی (3033/ 2)، الذریعه (265/ 13 ،1199 -1198 ،989 ،651 ،306/ 9 ،353 -352 8،/ 3 ،6 -5 / 2 ،26/ 1)، روضات‌الجنات (297 -278/ 6)، ریاض‌العارفین (235 -234)، ریاض‌العلما (164 -159/ 5)، ریحانه (182 -171/ 2)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (506 -486)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (357 -342)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 170 -168/ 7)، العبر (326/ 3)، فرهنگ ادبیات فارسی (509 -507)، فرهنگ سخنوران (937)، فلاسفه‌ی شیعه (523 -490)، فوات الوفیات (252 -246/ 3)، فواید الرضویه (612 -602)، کشف‌الظنون (1644 ،1436 ،969 ،950 ،391 ،357 ،352 -351 ،351 -346 ،142 ،139)، الکنی والالقاب (252 -250/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیرالدین طوسی)، مجالس المؤمنین (210 -201/ 2)، مجمع‌الفصحا (1407 -1406/ 3)، مطلع‌الشمس (231 -219/ 1)، معجم‌المؤلفین (208 -207/ 11)، مؤلفین کتب چاپی (744 -730/ 5)، نتایج‌الافکار (709 -708)، الوافی بالوفیات (183 -179/ 1)، هدیةالاحباب (196 -195)، هدیةالعارفین (131/ 2).

طهرانی عسکری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1371 -1281 ق)، فقیه اصولی و محدث. در تهران به دنیا آمد. بعدها مقیم سامرا گشت و تحت نظر میرزا محمد حسن شیرازی تربیت یافت. وی اجازه‌ی اجتهاد خود را از میرزا محمد تقی شیرازی دریافت کرد و بیش از شصت سال در سامراء به تحصیل و تدرس و تألیف مشغول بود. ابتدا کتاب «مصابیح الانوار» را، در فهرست ابواب مجلدات «بجارالانوار»، نگاشت. سپس به تصنیف «مستدرک بحارالانوار» پرداخت و در بسیاری از ابواب به استدراکاتی دست یافت و تصنیفات خود را در این زمینه به چنیدن مجلد بزرگ رسانید. از دیگر آثار وی «الصحیفه المهدویه»، حدود شصت دعاء، از ادعیه حضرت حجت (عج)، که از انشاآت آن حضرت می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (86 ،4 / 21 ،24 / 15)، علماء معاصرین (283 -277).

طیب اصفهانی، سید عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1310 ق)، مفسر، فقیه و مدرس. نسب وی به چهل واسطه به امیرالمومنین (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد و پس از پرورش در خانواده علم و تقوا و فراگرفتن ادبیات و متون فقه و اصول، از محضر و درس آیت‌الله سید محمد باقر درچه‌ای و آیات دیگر اصفهان استفاده‌ی کامل نمود و سپس به تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن پرداخت و در مدرسه صدر اصفهان تشکیل حوزه داد و جماعت بسیاری از فضلاء و علمای اصفهان از محضرش استفاده بردند. از آثارش: «کلیم الطیب»، در اصول دین، به فارسی، سه جلد؛ «طیب البیان فی تفسیر القرآن»، در چندین جلد؛ «العمل الصالح»، در ایمان و تقوا.[1]
حجه‌الاسلام والمسلمین و سیدالعلماء والمفسرین آقای حاج سید عبدالحسین طیب ابن العالم الجلیل آیه‌الله حاج سید محمد تقی از علماء و مدرسین ممتاز معاصر مدرسه صدر اصفهانست.
معظم‌له در حدود سال 1310 قمری هجری در اصفهان متولد گردیده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا و فرا گرفتن ادبیات و متون فقه و اصول از محضر و درس مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد باقر درچه‌ای (استاد مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی) و آیات دیگر اصفهان استفاده کامل نموده سپس بتدریس فقه و اصول و تفسیر کلام‌الله مجید پرداخته و در مدرسه صدر تشکیل حوزه داده و جماعت بسیاری از فضلاء و علماء اصفهان از محضرش استفاده نموده و مینمایند.
آثار ارزنده علمی بسیاری دارد که بعضی از آن مطبوع و از آنها کتب زیر است.
1- کلم‌الطیب در اصول دین فارسی 3 جلد.
2- طیب البیان فی تفسیر القرآن فارسی 4 جلد بطبع رسیده و بقیه آماده‌ی طبع است.
3- العمل الصالح در ایمان و تقوا بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمدان (106 -100 / 3).

ظاهری اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(297 -255 ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر. مذهب ظاهری بدو و به پدرش منسوب است. پدرش پیشوای دینی بود. اصلش از اصفهان است اما در بغداد به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت. چون نحیف و رنگ‌پریده بود به او گنجک لندوک می‌گفتند. ابن‌حزم گوید که در هفت سالگی قرآن را از بر کرد و در ده سالی قادر به مذاکره‌ی شعر و ادب بود. با ابوالعباس بن سریج در محضر علی بن عیسی وزیر مناظره و مشاعره داشت. بعد از پدر متصدی کرسی فتوا شد گر چه عده‌ای او را برای این مقام جوان می‌دانستند اما او شایستگی خو را اثبات کرد. در مجلس درس او چهارصد قلمدان مشاهده می‌شد. او از پدرش و عباس دوری و ابوقلابه رقاشی و احمد بن ابی‌خیثمه و محمد بن عیسی مدائنی حدیث روایت می‌کرد. نفطویه و قاضی ابوعمر محمد بن یوسف از شاگردان وی می‌باشند. از آثار وی: «الزهره»، در ادبیات و غرائب و نوادر، که آن را زیر نظر پدرش نگاشت؛ «الانذار»؛ «الاعذار»؛ «التقصی»، در فقه؛ «الوصول الی معرفه الاصول»؛ «الایجاز»؛ «اختلاف مصاحف الصحابه» یا «اختلاف مسائل الصحابه»؛ «الفرائض»؛ «المناسک»؛ «الانتصار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (355 / 6)، انساب سمعانی (100 / 4)، ایضاح المکنون (620 / 1)، تاریخ بغداد (263 -256 / 5)، تذکره القبور (317)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (559 -557 / 3)، ریحانه (71 / 4)، سیر النبلاء (116 -109 / 13)، شذرات الذهب (226 / 2)، العبر (433 / 1)، الفهرست لابن الندیم (305، الکامل (137 / 6)، کشف الظنون (2014، 1423، 1399، 1394، 962، 173)، الکنی و الالقاب (454 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌داوود)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 297)، مروج الذهب (689 / 2)، معجم المؤلفین (297 -296 / 9)، النجوم الزاهره (190 / 3)، الوافی بالوفیات (61 -58 / 3)، وفیات الاعیان (261 -259 / 4).

ظاهری اصفهانی، ابوسلیمان داوود

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 270 -201 ق)، فقیه و محدث. ملقب به ظاهری. پیشوای اهل ظاهر بود و فرقه ظاهریه بدو منسوب است. این گروه چون ظاهر کتاب و سنت را اتخاذ و از هر گونه تأویل و رأی و قیاس پرهیز می‌کردند به ظاهری معروف شدند، و داوود بن علی اولین کسی بود که این فکر را علنی کرد. اصل وی از اصفهان بود و اهل کاشان. در کوفه به دنیا آمد و در بغداد ساکن شد. در ابتدا فقه شافعی آموخت و شدیدا نسبت به شافعی تعصب داشت، و دو کتاب در «مناقب» او نوشت، اما ترک مذهب شافعی گفت و خود رد فقه، بر اساس بینش خویش، کتابی نگاشت. او از سلیمان بن حرب و ابوثرو فقیه و عمرو بن مرزوق و قعنبی و محمد بن کثیر عبدی و مسدد حدیث شنید، آن‌گاه از بغداد به نیشابور رفت و در محضر اسحاق بن راهویه «المسند» و «التفسیر» را استماع کرد. سپس به بغداد بازگشت. ریاست علمی بغداد به او منتهی می‌گشت گفته‌اند که در مجلس او چهارصد قاضی و خطیب ردای سبزپوش حضور داتشند. فرزندش، محمد، و زکریا ساجی و یوسف بن یعقوب داوودی و عباس بن احمد مذکر از شاگردان وی بودند. ظاهری گردآوریهای خویش را در قالب کتابهای بسیاری عرضه کرد. ابن‌ندیم در «فهرست» خویش حدود دو صفحه به اسم کتابهای وی اخصتاص داده است. از جمله‌ی آثار وی: «الایضاح»؛ «الافصاح»؛ «الدعوی و البینات»؛ «الاصول»؛ «الحیض»؛ «الطهاره»؛ «الزکوه»؛ «الصیام الفرض»؛ «المناسک»؛ «النکاح»؛ «البیوع»؛ «الجهاد»؛ «الوصایا»؛ «القضاء»؛ «الدعاء»؛ «المسائل الاصفهانیات»؛ «المسائل الخوارزمیات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8 / 3)، الاعلام بوفیات الاعلام (192 / 1)، انساب سمعانی (100 -99 / 4)، تاریخ بغداد (375 -369 / 8)، الجرح و التعدیل (ج 1 ق 411 -410 / 2)، روضات الجنات (291 -289 / 3)، ریحانه (71 -70 / 4)، سیر النبلاء (108 -97 / 13)، شذرات الذهب (159 -158 / 2)، طبقات الحفاظ (258 -257) العبر (390 -389 / 1)، الفهرست لابن الندیم (305 -303)، الکامل (57 / 6)، کشف الظنون (1839 / 2)، الکنی و الالقاب (454 -453 / 2)، لسان المیزان (27 -23 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ داوود)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 270)، معجم المؤلفین (139 / 4)،

النجوم الزاهره (60 / 3)، الوافى بالوفيات (477 -473 / 13)، وفيات الاعيان (257 -255 / 2)، هزار مزار (144)، هديه العارفين (359 / 1).

ظاهری، خلیل

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 893 -872 ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در 840 ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک»و خلاصه آن به نام «زبده کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالک» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»، تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبیر»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضیئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر،در چندین مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (367 / 2)، ایضاح المکنون (596 / 2 ،460 / 1)، ریحانه (44 / 8)، کشف الظنون (1523 ،1496 ،953 ،305 ،97)، معجم المؤلفین (120 / 4).

ظهیر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بخش 1) حسن بن ظئر مکنی به ابوعلی فارسی، فقیه و لغوی و نحوی (ف. قاهره 598 ه.ق). مولد اودهی به نام نعمانیه بود و از آنجا به شیراز رفت و به فارسی شهرت یافت. وی در فنون علوم و قرااات عشره و تفسیر قرآن عالم و در فقه و حدیث و کلام و منطق و حساب و هیئت و طب مبرز و در لغت و نحو و عروض و قوافی و روایت اشعار عرب چیره‌دست بود و در هر فنی از این فنون کتابی را از برداشت. اوراست: کتابی در شرح الصحیحین، اختلاف الصحابة و التابعین و فقهاء الانصار که به پایان نرسیده.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ظهیر کازرونی، علی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(611- ح 697 ق)، عالم، فقیه، ریاضیدان، مورخ، لغوی و شاعر. از رجال دوران مغول بود که در عراق زندگی می‌کرد. خط نیکویی داشت و متصدی کارهای بزرگ دولتی بود. کتب بسیاری تألیف و تصنیف کرد که از آن جمله: «روضه الاریب»، در تاریخ بغداد، در بیست و هفت بخش؛ «کنز الحساب» یا «وکر الحساب»، در حساب؛ «الملاحه فی الفلاحه»؛ «النبراس المضیء» یا «نبراس المفتی»، در فقه شاعفی؛ «الذروه العلیا فی سیره المصطفی (ص)»؛ منظومه «الاسدیه»، در لغت؛ «التنزلات» کازرونی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (155 / 5)، ایضاح المکنون (715 714 / 2 ،328 / 1)، ریحانه (76 / 4)، کشف الظنون (1923 ،1013 ،923 ،494)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (232/ 7)، هدیه العارفین (715 / 1).

عالم نجف آبادی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم زاهد فقیه مجتهد عادل، از مدّرسین و ائّمه جماعت اصفهان، و مورد وثوق و احترام کلّیّه طبقات، از تلامذه حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند ملا محمّد حسین کرمانی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی و جمعی دیگر بوده، سالها در مدرسه جدّه تدریس می‌فرمود و جمعی کثیر از مستعدّین از محضرش مستفید می‌شدند.
کتب و رسائلی در فقه و اصول از تقریرات اساتید خود نوشته، و ضمناً کتابی به نام «فضیلة السیادة» درباره سادات و اهمّیّت مقام آنان، و احادیث وارده در این موضوع تألیف فرموده و به چاپ رسیده است.
در شب 3 شنبه 18 ربیع الاول سال 1384 به سنّ متجاوز از نود و هفت سالگی وفات یافته، در بقعه تکیه کازرونی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عالمی دامغانی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم دامغانی از اعلام علماء گذشته و از تلامذه بزرگ شیخنا الانصاری و شیخ راضی نجفی و علامه شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء بوده است.
مرحوم استادش شیخ مرتضی انصاری در اجازه‌ای که برای ایشان نوشته تعبیر فرموده (علامة العلماء و عمدة الفضلاء حاوی الفروع والاصول و لدنا الا عز الشیخ ابوالقاسم الدامغانی...)
آن بزرگوار پس از رسیدن به مقامات عالیه علم و کمال در سال 1280 قمری به ایران برگشته و چندی در تهران توقف آنگاه به دامغان وطن خویش آمده و به خدمات دینی و انجام وظائف روحی خویش پرداخته تا در ماه شوال 1336 قمری که از دنیا رفته و در مقبره (بکیر بن اعین) مدفون گردیده است و ماده تاریخ وفات وی (مغفوری) است
دارای تألیفات علمی به نامهای زیر می‌باشد
1- ضیاء الانوار
2- رساله در اصول دین
3- حاشیه‌ای بر معالم
4- تقریرات و غیره.
معظم له دارای چهار فرزند برومند و عالم بوده‌اند به نامهای زیر.
1- حجةالاسلام آقا شیخ محمد عالمی والد ماجد حاج حسین آقای عالمی مقیم (شهر ری) متوفی 1319 شمسی.
2- حجةالاسلام آقا شیخ میرزا علیرضا معروف به حاج میرزا آقای عالمی متوفی 1390 قمری.
3- حجةالاسلام آقا میرزا خلیل عالمی متوفی 1370 قمری.
4- ثقةالاسلام میرزا محمدتقی مشهور به مدیر عالمی متوفی 1349 قمری.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عامل تهرانی، شرف‌الدین جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1297 -1246 ق)، عالم امامی، فقیه، شاعر و ادیب. در نجف به دنیا آمد. در همان جا نشوونما یافت. مبادی و مقدمات را فراگرفت، و در فقه و اصول از محضر شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء استفاده نمود تا از علمای بزرگ گردید، و داماد شیخ اسدالله کاظمی شد. آن‌گاه به تهران آمد و مدتی ماند. سپس به کرمانشاه رفت و در آنجا ساکن شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (196 / 9، 176 -175 / 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 243 / 13)، معجم المؤلفین (137 -136 / 3).

عاملی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. منسوب به جبل عاملی) ابوجعفر محمد بن جبل عاملی مشهور به شیخ حر عاملی و معروف به صاحب رسائل، فقیه و محدث مشهور شیعی (و. مشعر) از قرای جبل عامل (1033- ف./ مشهد 1114 ه.ق.). وی نزد عم خود شیخ محمد حر و جد مادرش شیخ عبدالسلام و نیز نزد شیخ زین‌الدین نوازه شهید ثانی و گروهی دیگر تحصیل کرد و پس از 40 سالگی به مشهد رفت و مجاور گردید و چند بار نیز به زیارت کعبه شتافت. مدفن وی در مشهد در صحن عتیق قرب مدرسه میرزا جعفر است. اوراست: رسائل (که در آن اخبار کتب اربعه شیعه را گردآورده)، اثبات الهداية، هداية الامة، جواهر السنية (احادیث شیعه)، نزهة السماع (در حکم اجماع)، بداية الهداية، فصول المهمة، (در اصول ائمه)، رساله (رد بر صوفیه)، رساله (در تواتر قرآن)، رساله (در رجال)، رساله (در احوال صحابه)، الآمل (ترجمه احوال علمای جبل عامل). دیوان شعر.
محمد ابن علی بن حسن بن علی بن حسن مشغری (و. مشغر جبل‌عامل 1033 ه.ق.- ف. مشهد 1104 ه.ق.). وی تا سن چهل سالگی در سوریه و جبل‌عامل نزد استادان شیعی تعلیم یافت و دو بار به حج رفت و سپس به عراق و خراسان رهسپار گردید و به منصب شیخ‌الاسلامی و قاضی‌القضاتی مشهد منصوب شد و دوبار نیز از آنجا به حج رفت. آثار او عبارتند از: اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، الاثنا عشرية فی رد الصوفيه، الاجازات، احوال الصحابة، اربعین حدیث، ارجوزة در زکات، ارجوزة در هندسه. پس از وفات او را در صحن آستانه قدس نزدیک در مدرسه میرزا جعفر دفن کردند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عاملی موسوی اصفهانی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1274 -1239 ق)، عالم و فقیه امامی. مادرش جان‌جان خاتون دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء، مجتهد و مرجع بزرگ شیعه بود. آقا سید محمدعلی از جمله‌ی نوابغ شمرده می‌شد زیرا طبق روایتهای متعدد دوازده ساله بود که کتاب «البلاغ المبین فی احکام الصبیان والبالغین» را نوشت و چندان مورد اعجاب و تحسین سید محمدباقر شفتی قرار گرفت که بر اجتهاد نویسنده‌ی آن گواهی داد. و از آن پس به آقا مجتهد معروف شد و شفتی دختر خود را به همسری وی درآورد. او علاوه بر تبحر در فقه و اصول، به عرفان و تصوف نیز دلبستگی داشت و به زبانهای فارسی و عربی شعر می‌گفت و متخلص به عارف بود. وی در 35 سالگی به علت مسمومیت در اصفهان درگذشت و در نجف در یکی از آرامگاه‌های صحن امیرالمومنین (ع) در کنار پدرش مدفون گردید. آثار وی: «احیاء التقوی»، شرح بخشی از «الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه» تألیف شهید اول؛ «العلائم فی شرح المراسم»، شرح بخشی از «المراسم العلویة والاحکام النبویة» سلّار بن عبدالعزیز دیلمی؛ منظومه‌ای در وقف؛ منظومه‌ای ناتمام در میراث؛ الفیّه‌ای ناتمام، در نحو؛ «فرائد الفوائد» در اصول؛ «نفائس الفرائد» که مختصر «فرائد الفوائد» است؛ «دیوان» شعر فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (15)، تکملة امل‌الامل (388 -385)، الذریعه (139 /23، 308 /15، 141 /3، 308 -307 /1)، ریحانه (57 /1)، معجم المؤلفین (51 -50 /11)، مکارم الآثار (1097 -1095 /4).

عاملی، صدر الدین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آقا سید صدر الدین محمّد بن سید صالح عاملی از اکابر فقها و مجتهدین شیعه، در فقه و اصول و حدیث و رجال و ادب و دیگر علوم از اساتید به شمار می‌رود.
در 1193 متولّد، و در نزد سید جواد عاملی و حاج سید مهدی بحر العلوم طباطبائی و شیخ جعفر کاشف الغطاء - پدر زن خود - و بسیاری از علمای زمان تحصیل نموده، و عدّه‌ای کثیر در نزد او درس خوانده و یا اجازه داشته‌اند که از آن جمله است مرحوم آقا سید محمّد حسن مجتهدی موسوی اصفهانی.
مرحوم آقا سید صدر الدین سالها در اصفهان در محلّه ی آب بخشان ساکن بوده، و مورد احترام قاطبه ی علمای این سامان بالاخص سیّد حجة الاسلام بوده، و سرانجام در شب جمعه 14 محرّم سال 1262 در نجف وفات یافته، ودر یکی از حجرات مدفون شد.
کتاب‌های زیر از اوست:
1- اسرة العتره، در فقه استدلالی 2- حاشیه ی تسهیل ابن مالک 3- حاشیه ی منتهی امل الادیب تألیف ابن ملاّ، در نحو 4- حاشیه ی منتهی المقال 5- حاشیه ی نقد الرجال 6- حجّیّة الظنون 7- قرّة العین، در نحو [مطبوع] 8- القسطاس المستقیم، دراصول فقه 9- قوت لا یموت، رساله عملیّه 10- مجال الرجال 11- المستطرفات 12- منظومه رضاعیّه [و شرح آن مطبوع].
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاملی، عبداللطیف

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1050 ق)، عالم امامی، فقیه و محقق. بعد از درگذشت پدرش، شیخ علی بن احمد، که از اکابر شاگردان شهید ثانی است، به خلف‌آباد رفت. وی از علمای بزرگ قرن یازدهم و از شاگردان شیخ بهایی و شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «معالم»، و سید محمد بن علی بن حسین عاملی، صاحب «مدارک الاحکام»، و دیگر بزرگان می‌باشد و از آنها اجازه داشته است. در «ریاض العلماء» و «امل الآمل» ذکر شده که وی از بزرگترین شاگردان شیخ بهائی بوده است. سید علی‌خان حویزی از شاگردان عاملی است. بین او و شیخ علی، سبط شهید ثانی مساءلت (پرسش و پاسخ) بوده است. از آثار وی: «جامع الاخبار فی ایضاح الاستبصار»، که شرحی است بر «استبصار» شیخ طوسی؛ کتاب «الرجال»، در شش طبقه که آن را به صورت مقدمه‌ای بر «جامع الاخبار» تألیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (45 -44 / 8)، الذریعه (130 -128 / 10 38، -37 / 5)، روضات الجنات (222 -220 / 4)، ریاض العلماء (256 / 3)، ریحانه (91 / 4)، لغت‌نامه (ذیل/ عبداللطیف).

عاملی، لطف‌الله

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند عبدالکریم بن ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی.
عالم فاضل صالح فقیه متبحر، جلیل القدر، عظیم المنزلة، در نزد شاه عباس کبیر صفوی در نهایت عزت و احترام، و مورد تکریم و تعظیم علمای زمان بوده، و شاه نامبرده مسجد و مدرسه‌ای در قسمت شرقی میدان نقش جهان در میدان شاه به نام او بنا کرده که مدرسه از بین رفته، و مسجد از شاهکارهای معماری، و از آثار باستانی اصفهان است.
شیخ لطف‌الله در میس از قرای شام متولد شده، در اوایل جوانی به ایران آمده، در خراسان مدتی در خدمت ملا عبدالله شوشتری تحصیل نموده، چندی در قزوین، و اخیرا به اصفهان مهاجرت نموده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت پرداخته.
رسائل عدیده در مسائل مختلفه نوشته و قائل به وجوب عینی نماز جمعه بوده و در مسجد مرقوم، آن را اقامه می‌فرموده.
در اوایل سال 1032 در اصفهان وفات یافته.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عبادی حویزی، عبدالقاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1100 ق)، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی، عالم امامی و شاعر. اصل وی از آبادان بود لذا به عبادی مشهور است و چون ساکن حویزه بوده شهرت حویزی نیز داشته است. او از علمای بزرگ اواخر قرن یازدهم یااوایل قرن دوازدهم است. شیخ حر عاملی در «امل الآمل» چند شعر از او نقل کرده و سپس گوید که وی را در حدود 1100 ق در مشهد رضوی ملاقات کرده است. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر»بیضاوی؛ «الفرائد الصافیه علی الفوائد الوافیه»، در نحو، که حاشیه بر «شرح» جامی است؛ «ریاض الجنان و حدائق الغفران»، در فقه؛ «المستمسکات القطعیه الیقینیه»، در کلام؛ «خبر/ خیر الزائر المبتلی بالبلاء فی طریق النجف و کربلا»؛ «صفو صفوه الاصول و نفی هفوه الفضول»، در اصول فقه؛ «العقائد الدینیه»، با براهین عقلی؛ «رفع الغوایه لشرح الهدایه»؛ رساله «النیلوفریه»؛«دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (32 / 8)، ایضاح المکنون (183 ،103 ،68 ،26 / 2 ،580 ،441 / 1)، الذریعه (438 / 24 ،14 / 21 ،138 / 16 ،283 ،51 / 15 ،227 / 12 ،321 ،243 / 11 ،692 / 9 ،138 / 7 ،43 / 6)، روضات الجنات (216 -215 / 4)، ریحانه (93 -92 / 4)، فوائد الرضویه (238)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقاهر)، معجم المؤلفین (310 -309 / 5)، هدیه العارفین (607 / 1).

عبادی طالقانی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1295 ش)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد و پس از فراگیری دروس جدید، اقدام به تحصیل علوم عربی و دینی نمود و مقدمات را در تهران فرا گرفت،سپس برای ادامه‌ی تحصیل در 1353 ق به امر پدرش به قم رفت و ادبیات را در خدمت میرزا محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را در محضر آیت‌الله سید میرزا آقای ترابی دامغانی و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله سید احمد زنجانی و آیت‌الله سید احمد لواسانی تکمیل نمود. آن‌گاه در درس خارج آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله صدر حاضر شد و چند سالی هم از فقه و اصول آیت‌الله بروجردی بهره برد، تا به درجات بلند علمی رسید. در 1371 ق به تهران بازگشت. پس از درگذشت پدر در مسجد خیابان ظهیرالاسلام به اقامه جماعت و ترویج امور دینی اشتغال ورزید. از مآثر وی: تعمیر اساسی مسجد طالقان، تعیمر مسجد سراج الملک؛ تکمیل مسجد حسین‌آباد لویزان و تأسیس دبستان در آنجا. از آثار علمی‌اش: رساله‌ای در «جبر و تفویض»؛ «اثبات امر بین الامرین»؛ «تقریرات و دراسات» آیت‌الله حجت: مباحث «الفاظ»، در اصول و «لباس مشکوک»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (509 -508 / 4).

عبادی محبوبی بخاری، جمال‌الدین، ابوالفضل عبیدالله

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 630 ق)، فقیه حنفی. شیخ حنفیان در زمان خود بود. وی در نزد علامه عمادالدین عمر بن بکر زرنجری و فخرالدین حسن بن منصور قاضی‌خان اوزجندی فقه آموخت. او از پدرش، ابراهیم بن احمد، و ابن‌مازه و نیز از فخرالدین حسن بن منصور قاضی‌خان و ابوالمظفر ابن‌سمعانی حدیث شنید. سیف‌الدین سعید بن مطهر باخرزی و شرف‌الدین محمد بن محمد عدوی و جمال‌الدین محمد بن محمد حسینی و علامه حافظالدین محمد بن محمد بن نصر بخاری و دیگران در محضر وی فقه آموختند. وی در هشتاد و چهار سالگی در بخارا درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (346 -345 / 22)، شذرات الذهب (137 / 5)، العبر (207 / 3).

عبادی مروزی، قطب‌الدین، ابومنصور مظفر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(547 -491 ق)، واعظ، فقیه و محدث. ملقب به امیر و معروف به امیر قطب‌الدین یا قطب عبادی. در روستای سنج عباد، از قراء مرو، به دنیا آمد و بدین جهت به عبادی مشهور شد. وی از نصرالله خشنامی و عبدالغفار شیروی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. او از طرف سلطان سنجر به بغداد رفت و مدت سه سال در جامع قصر و در دارالسلطنه به وعظ پرداخت و مردم بر گردش ازدحام می‌نمودند. او در جامع قصر املای حدیث می‌کرد. ابن‌اخضر و حمزه بن قبیطی و محمد بن مکرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. نیکویی و حسن وعظ وی ضرب‌المثل بود. ابن‌جوزی گوید که او زیبا کلام بود و از مواعظ او مجلداتی گردآوری کرده‌اند. ابوسعد سمعانی گوید که از او رساله‌ای در «شرب الخمر» دیده است. عبادی در عسکر خوزستان درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (124 -123 / 4)، ریحانه (93 / 4)، سیر النبلاء (232 -231 / 20)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومنصور)، معجم المؤلفین (298 -297 / 12)، النجوم الزاهراه (291 / 5)، هدیه العارفین (463 / 2).

عبادی هروی، ابوعاصم محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(458 -375 ق)، محدث، فقیه و قاضی شافعی. در هرات به دنیا آمد. وی از احمد بن محمد بن سهل قراب و دیگران حدیث شنید. از قاضی ابومنصور محمد بن محمد ازدی در هرات و از ابوعمر بسطامی در نیشابور فقه آموخت، تا این که در فقه پیشگامی صاحب نظر شد. سپس در شهرهای بسیاری گشت و خلق کثیری از اساتید و مشایخ را ملاقات کرد و از هر یک بهره‌ای گرفت. قاضی ابوسعد هروی از وی فقه آموخت و اسماعیل بن ابی‌صالح مؤذن از وی حدیث شنید. پسرش ابوالحسن عبادی نیز در مکتب پدر پرورش یافت. از آثارش: «ادب القضاء» یا «ادب القاضی»؛ «المبسوط»، در فروع فقه شافعی، در حدود سی مجلد؛ «الهادی الی مذهب العلماء»؛ «طبقات الشافعیین» یا «طبقات الفقهاء»؛ کتاب «المیاه»؛ کتاب «الاطعمه»؛ کتاب «الزیادات»، در فروع؛ «زیادات الزیادات»؛ «الزیادات علی زیادت الزیادات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (206 / 6)، انساب سمعانی (123 / 4)، ایضاح المکنون (269 / 2)، سیر النبلاء (181 -180 / 18)، شذرات الذهب (306 / 3)، العبر (309 -308 / 2)، کشف الظنون (2026، 1582 -1581، 1100، 964، 47)، معجم المؤلفین (10 / 9)، الوافی بالوفیات (83 -82 / 2)، وفیات الاعیان (214 / 4)، هدیه العارفین (72 -71 / 2).

عبدالعظیمی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مرتضی بن آیت‌اللَّه آقاسید محمدتقی شاه عبدالعظیمی مقیم طویرج و متوفی حدود 1388 ق.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عبدویی نیشابوری، ابوالحسن احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 385 ق)، محدث، فقیه و زاهد. پدر ابوحازم عبدویی است. وی از ابوالعباس سراج و ابن‌خزیمه و حاتم بن محبوب و دیگران حدیث شنید. پسرش ابوحازم و حاکم نیشابوری و ابوسعد کنجرودی و دیگران از وی حدیث روایت می‌کنند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (134 / 4)، تاریخ الاسلام (حوادث 91 / 381- 400)، سیر النبلاء (504 / 16).

عبری فرغانی، برهان‌الدین عبدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 743 ق)، متکلم، حکیم، فقیه و قاضی شافعی. در تبریز به دنیا آمد. وی قاضی تبریز بود. چند بار به بغداد سفر کرد و در همان شهر نیز درگذشت. از آثارش شرح اکثر آثار و مصنفات بیضاوی از جمله: «المنهاج الوصول الی علم الاصول» و «الغایه القصوی فی درایه الفتوی» و «المصباح الارواح» و «طوالع الانوار» است. از دیگر آثار وی: «الایضاح»، در کلام؛ «معتمد الخلائق فی علم الوثائق»؛ «شرح «المصباح» مطرزی، در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (271 / 4)، ایضاح المکنون (508 / 2)، کشف الظنون (213، 1116، 1192، 1704، 1709، 1732، 1879)، معجم المؤلفین (136 / 6).

عبشمی‌اصفهانی، مخلص‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(603 -520 ق)، فقیه، محدث، نحوی و ادیب. معروف به ابن‌فاخر. پدرش او را به مضحر فامطه جوزدانیه برد تا از او حدیث استماع کند. او همچنان از جعفر بن عبدالواحد ثقفی و اسماعیل اخشید و ابن ابی‌ذر صالحانی و اسماعیل مؤذن و زاهر شحامی حدیث شنید. او به مذهب شافعی کاملا آگاه بود و در نحو و حدیث دستی قوی داشت و محتشم و مورد احترام مردم بود. به بغداد رفت و در آنجا املای حدیث کرد. ابن‌خلیل و ضیاء و ابوموسی ابن‌حافظ و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌درجی و ابن‌بخاری از وی دارای اجازه بودند. در شیراز درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (406 / 2)، سیر النبلاء (429 -428 / 21)، شذرات الذهب (11 / 5)، العبر (135 / 3)، النجوم الزاهره (171 / 6).

عتابی بخاری، زین‌الدین، أبونصر، أبوالقاسم احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 586 ق)، مفسر و فقیه حنفی. اهل عتاب بخارا بود و در همان جا نیز وفات یافت. عتابی از بزرگان حنفیه بود که دارای تصنیفات و آثار چندی است. از آثارش: «جوامع الفقه»، معروف به «الفتاوی العتابیه»، در چهار مجلد؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر العتابی»؛ شرح «الجامع الکبیر» و شرح «الجامع الصغیر» و شرح «الزیادات» شیبانی، همگی در فروع فقه حنفی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (209 / 1)، کشف الظنون (964، 963، 611، 568، 567، 563، 453)، معجم المؤلفین (140 / 2)، الوافی بالوفیات (74 / 8)، هدیه العارفین (87 / 1).

عتکی نیشابوری، ابویحیی سهل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 267 ق)، قاضی، محدث و فقیه حنفی. شیخ اهل رأی در خراسان و قاضی هرات بود، و مدتی نیز قاضی طرسوس. در طلب حدیث سفرها نمود و از یزید بن‌هارون و شبابه بن سوار و جعفر بن عون و عبدالرحمان بن قیس و واقدی و عبیدالله بن موسی و عده‌ای دیگر بن محمد بن سفیان فقیه و محمد بن سلیمان بن فارس و احمد بن شعیب فقیه و محمد بن علی بن عمر مذکر و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.حاکم نیشابوری گوید که عدالت او برای عده‌ای زیر سوال بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (33 -32 / 13)، لسان المیزان (441 -440 / 3).

عجلی اصفهانی، منتخب‌الدین، ابوالفتوح اسعد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(600 -515 ق)، زاهد، واعظ و فقیه شافعی. در اصفهان به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت و تا پایان عمر در آنجا باقی ماند. از فاطمه جوزدانیه «معجم صغیر» و «معجم کبیر» را استماع کرد و نیز از اسماعیل بن محمد حافظ و غانم بن احمد و ابن‌بطی و گروهی دیگر حدیث شنید. ابونزار ربیعه یمنی و حافظ ضیاء و ابن‌خلیل از وی روایت کرده‌اند.ابن ابی‌خیر و ابن‌بخاری از وی اجازه‌ی روایت داشتند. او املای حدیث می‌کرد و وعظ می‌گفت و شیخ شافعیه در اصفهان و صاحب فتوا بود. وی زاهدی بود که از دست رنج خویش روزگار می‌گذرانید بدین ترتیب که به استنساخ کتب می‌پرداخت و حاصل کار خویش را به فروش می‌رسانید. زمانی ترک وعظ گفت و به تألیف کتاب پرداخت. از جمله آثارش: «آفات الوعاظ»؛ شرح مشکلات «الوسطی» و «الوجیز» غزالی؛ «تتمه التتمه»، در فقه شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (294 / 1)، تذکره القبور (84)، روضات الجنات (9 -7 / 2)، سیر النبلاء (403 -402 / 21)، کشف الظنون (2008، 2002، 1913، 131)، معجم المؤلفین (248 / 2)، النجوم الزاهره (166 / 6)، هدیه العارفین (204 / 1).

عجلی مروزی، ابوسعد عثمان

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(526 -435 ق)، محدث و فقیه شافعی. چون پدران وی سازنده‌ی گاری بودند به عجلی مشهور شده است. وی ملازم قاضی حسین بود. در فقه تبحر یافت و از ابومسعود احمد بجلی و سعید بن ابی‌سعید عیار و قاضی حسین حدیث شنید. ابوسعد سمعانی وی را به زهد و تقوی ستوده است و گوید که در محضر او احدی قادر به غیبت و پشت سر دیگران صحبت کردن نبود. وی در پنج ده مرورود خراسان درگذشت. از آثار وی «تعلیقات» بر «الحاوی» ماوردی، در فروع. در «معجم البلدان» کنیه وی ابوسعید و نام جدش شرف ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (373 -372 / 4)، انساب سمعانی (160 / 4)، سیر النبلاء (633 -632 / 19)،معجم البلدان (124 / 5)، هدیه العارفین (653 / 1).

عراقی، ضیاء

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1278 ق)، فقیه و مدرس بزرگ امامی. ملقب به ضیاءالدین. در سلطان‌آباد اراک به دنیا آمد. علوم مقدماتی را در زادگاهش نزد پدر و اساتید دیگر فراگرفت. آنگاه به اصفهان و از آنجا به نجف رفت و در محضر آقا سید محمد فشارکی حضور یافت. پس از وی نزد حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی درس خواند. او از شاگردان فاضل و برجسته‌ی آخوند خراسانی شمرده می‌شد و در تدریس سطوح مقام والایی داشت. پس از وفات آخوند خراسانی حوزه‌ی درس خارج تشکیل داد و بسیاری از شاگردان آخوند را به مجلس خود جذب کرد. از این پس او مرجعیت یافت و به عنوان استاد مسلم اصول و مجدّد این علم به حساب آمد. وسعت مشرب وی سبب شد که مجلس درسش پذیرای طلاب فاضلی باشد که هر یک از آنان از مراجع بنام عالم تشیع شوند. از جمله آنان: سید محمدتقی خوانساری و سید عبدالهادی شیرازی و سید ابوالقاسم خویی و سید محسن حکیم و سید علی یثربی کاشانی و شیخ محمدتقی آملی و شیخ عبدالنبی عراقی و میرزا حسن بجنوردی و شیخ محمدتقی بروجردی و بسیاری دیگر می‌باشند. شیخ محمدتقی بروجردی تقریرات درس اصول او را نوشته است. از آقا ضیاء عراقی آثاری باقی مانده است که از جمله‌ی آنها: «الحاشیة علی بیع المکاسب»؛ «الحاشیة علی العروة الوثقی»؛ «مقالات الاصول»؛ «شرح تبصرة المتعلمین» علامه؛ کتاب البیع؛ «رسالة فی استصحاب العدم الازلی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (393 -392 /7)، الذریعه (389 /21، 135 /13، 219 /6)، ریحانه (56 -55 /1)، علماء معاصرین (190 -189)، فوائد الرضویه (217).

عراقی، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای آقا ضیاءالدین عراقی نابغه علم اصول و فقه در عصر اول نگارنده که صیت و صوتش مستغنی از توصیف و تعریف ماست و بعد از مرحوم استادش آیه‌الله العظمی آقای آخوند ملامحمد کاظم خراسانی حوزه درسی مانند حوزه وی نیامده و بلکه قبل از مرحوم آخوند هم یا نبوده یا کم بوده است، در ماه ذی‌الحجه 1359 ق در نجف اشرف از دنیا رفته و در صحن مطهر مقبره شخصی مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، عبدالنبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله شیخ الفقهاء و المجتهدین مرحوم حاج شیخ عبدالنبی عراقی رحمه‌الله از آیات عظام و فقهاء کرام حوزه علمیه نجف و قم بوده‌اند ولادتش در روز 27 رجب 1308 ق در اراک واقع شده و پس از رشد به همدان مسافرت و دو سالی توقف و تحصیل نموده و از آنجا مراجعت به اراک و حدود چهار سال تحصیل سطوح را نموده و دو سالی از درس مرحوم آیت‌الله آقای آقا نورالدین عراقی بهره‌مند و در سال 1327 مهاجرت به نجف نموده و دو سالی از اصول مرحوم آخوند و چند سالی از فقه مرحوم علامه یزدی استفاده کرده و پس از ایشان از آیات عظامی چون مرحوم شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ علی قوچانی و آقا شیخ مهدی مازندرانی و هشت سالی از فقه و اصول مرحوم آیت‌الله نائینی استفاده نموده و در پایان جنگ بین‌الملل دوم به ایران آمده و 5 ماهی توقف در اراک آنگاه مراجعت به نجف و هیجده سال دیگر توقف و به تدریس خارج فقه و اصول در مسجد هندی و مسجد شیخ مرتضی نموده تا سال 1368 ق به عزم زیارت حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام به ایران آمده و بنابر حکم تقدیر و تقاضای جماعتی از فضلاء اراک و غیره رحل اقامت انداخته و به تدریس خارج پرداخته تا سال 1387 که در سن هشتاد سالگی تقریبا در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل فراوان استقبال و تشییع شده و در مسجد بالاسر در قبری که حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله برای خود تهیه دیده بودند آن را تفویض به آن مرحوم ننمودند در نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردیده‌اند دارای 65 جلد تالیفات مفید و ارزنده می‌باشند که حدود بیست جلد آن به طبع رسیده و الباقی مخطوط می‌باشد.
تشرف آن مرحوم خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه
بعضی از ثقات از اهل علم و غیر اهل علم حکایت کردند از آن مرحوم که می‌فرمود 14 مسئله در نظرم غامض و مشکل بود می‌خواستم از حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف سوال کنم پس یک اربعین شب چهارشنبه بر طبق معمول و متداول در نجف اشرف به مسجد سهله مشرف شده و نماز خوانده و التماس کردم تا شب چهارشنبه چهلم که از مسجد بیرون آمدم شخصی آمد و گفت: می‌خواهی حضرت ولی‌عصر

علیه‌السلام را ببینی گفتم آری گفت با من بیا از عقب او رفتم تا درب منزلی رسید که درب کوتاهی داشت وارد منزل شد و پس از چند دقیقه آمد و به من گفت داخل شو پس وارد شدم منزل کوچکی بود و ایوانی داشت و تختی در آن دیوان بود دیدم وجود مقدس حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام را که روی آن تخت نشسته‌اند پس سلام کرده چنان مرعوب و مجذوب حضرتش شدم که مسائل را فراموش کردم و سوالات دیگر کرده و بیرون آمدم و قدری که رفتم به یاد مسائلم افتاده برگشتم درب منزل را زدم همان شخص بیرون آمد و گفت چه می‌خواهی گفتم مسائلی دارم که می‌خواهم از آقا سوال کنم گفت آقا تشریف بردند لکن نایب آقا هستند گفتم پس از نایب آقا می‌پرسم پس با اجازه وارد شدم دیدم مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی جای حضرت روی تخت نشسته‌اند پس مسائل را سوال کرده جواب دادند و بیرون آمدم و با خود گفتم آیت‌الله اصفهانی که نجف بودند چه وقت آمده‌اند پس شبانه به نجف برگشتم و صبح قبل از آفتاب درب منزل آیت‌الله رفتم گفتم بگوئید عبدالنبی عراقی است پس اجازه داده وارد شدم دیدم مشغول نمازند پس از فراغت فرمودند چه می‌خواهی دیگر جواب مسائلت را ندادم ثانیا پرسیدم عین همانکه در کوفه داده بودند جواب دادند پس دانستم موقعیت او و اتصال آن مرحوم را به حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عراقی، محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مآثر و آثار گوید: حاج آقا محسن عراقی که جامع ما بین منقول و معقول است بریاست و ثروت و مزایای دیگر بر اقران تقدم دارد و از این جهت محسود بوده و خواهد بود.
نگارنده گوید: معظم‌له سرسلسله خاندان جلیل محسنی اراکی است، ریاست علمی و دینی اراک باوی بوده و فرزندان بسیاری داشته که در میان آنها مرحوم آیه‌الله حاج آقا مصطفی و آیه‌الله حاج آقا احمد و آقای حاج آقا اسمعیل از علماء آنسامان بوده‌اند و ایشان بودند که از مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی رحمه‌الله دعوت کردند که به اراک آمده و تشکیل حوزه دهد و آنمرحوم دعوت آنان را پذیرفته و در سال 1332 قمری که از کربلا باراک آمده و تا سال 1340 قمری در آنجا تدریس و تربیت فضلاء اعلام نموده آنگاه در سال مزبور بقم مهاجرت نموده و تأسیس حوزه علمیه قم را فرمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ریاست حوزه علمیه اراک قبل از مرحوم آیه‌الله حایری باوی بوده و آنمرحوم از بیت مرحوم آیه‌الله حاج آقا محسن یعنی برادرزاده و داماد آنمرحوم دانشمندی بزرگوار و مرجعی عالیقدر و فقیهی شایسته و بمحاسن اخلاق و ملکات فاضله علم و حسن خلق و تواضع موصوف و معروف بوده است در حدود پنجاه سالگی مرحوم و قبرش مزار مردم عراق میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عربانی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد از شاگردان میرزا حبیباللَّه رشتی معروف به (عربانی) بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عسال اصفهانی، ابواحمد محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(349 -269 ق)، قاضی، حافظ، محدث، قاری، مفسر، فقیه و مورخ. از شیوخ خود: پدرش و ابومسلم کجی و محمد بن ایوب بن ضریس رازی و ابوبکر بن ابی‌عاصم و محمد بن اسد مدینی و حسن سری و ابراهیم حلوانی و بکر بن سهل دمیاطی و همچنین از شیوخ شهرهای اصفهان و همدان و بغداد و کوفه و بصره و حرمین و واسط و ری و خوزستان حدیث شنید. قرآن را بر استاد ابوعبدالله محمد بن علی اصفهانی تلاوت کرد. پسرش ابوعامر عبدالوهاب که از بزرگان اصفهان بود بر پدر خود ابواحمد عسال تلاوت نمود. عسال سفری به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. فرزندان محدثش به نامهای: ابوجعفر احمد و ابواسحاق ابراهیم و ابوالحسین عامر و ابوبکر عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌عدی و ابن‌مردویه و ابن‌منده و ابن‌مقری نیز از راویان او هستند. او را یکی از پیشگامان حدیث توصیف کرده‌اند. خودش گفته که در قراآت قرآن پنجاه هزار حدیث در حفظ داشته است. گفته‌اند که او «تفسیر» بزرگی را از حفظ املا کرد، و همچنین در اردستان چهل هزار حدیث را از حفظ املا کرد و چون به شهر خویش بازگشت و مقابله کرد املای خویش را صحیح یافت. ابن‌منده گوید که دوبار دور دنیا را گشته اما مانند عسال ندیده است. او مدتی عهده‌دار منصب قضای اصفهان بود. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «التاریخ»؛ «المعرفه فی السنه»؛ «الامثال»؛ «مسند الابواب»؛ «الابواب»، در «غریب الحدیث»؛ «احادیث مالک»؛ «الرقائق»؛ «کرامات الاولیاء»؛«معجم الشیوخ»؛ «غسل الجمعه»؛ «القراآت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (201 / 6)، انساب سمعانی (190 -189 / 4)، تاریخ بغداد (270 / 1)، سیر النبلاء (15 -6 / 16)، شذرات الذهب (381 -380 / 2)، طبقات الحفاظ (363 -362)، العبر (82 / 2)، معجم المؤلفین (226 / 8)، الوافی بالوفیات (41 / 2)، هدیه العارفین (43 / 2).

عسقلانی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع.) ابن حجر ابوالفضل شهاب‌الدین احمد بن علی عسقلانی (و. 773 ه.ق/ 1372 م.- ف. 852 ه.ق/ 1449 م.). محدث و فقیه و مورخ مصری شافعی. پدرش از علما و دانشمندان عهد خود بود. ابن حجر در سال 827 منصب قاضی القضاتی یافت و با این حال پیوسته به تدریس و وعظ اشتغال داشت. بیش از یک صد و پنجاه تألیف داشته و از آن جمله است: الاصابة فی تمییز الصحابة، فتح الباری فی شرح البخاری.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عسکری حسنی سمنانی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، عالم، فقیه و محدث. معروف به میرزا عسکری. از علمای نیک و نیکان صالح بود. در پی دریگری با حاکم سمنان و اخراجش از شهر، و خوابی که فتحعلی‌شاه در این زمینه دید، دستور شاه مسجدی بزرگ، مشهور به مسجد شاه سمنان، به جهت تکریم او ساختند، و تولیت آن را به او و فرزندانش واگذار کردند. وی دارای تألیفات چندی است که از جمله آنها: «منهاج العارفین و معراج العابدین»، در اعدیه، که آن را در 1248 ق به اسم شاهزاده بهمن میرزای قاجار، فرزند فتحعلی‌شاه، تألیف کرده است؛ «منیر القلوب و کاشف الکروب»، در اصول دین و مذهب و فضائل الائمه (ع)، که در 1249 ق آن را به خواست بهمن‌میرزا و به اسم فتحعلی‌شاه تألیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (173 / 9)، الذریعه (212، 167 / 23)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 333 / 13)، مؤلفین کتب چاپی (634 / 2).

عسکری، ابواحمد حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(382 -293 ق)، فقیه، لغوی، نحوی و ادیب. در عسکر مکرم از نواحی اهواز به دنیا آمد. در آنجا نشوونما یافت و سپس به بغداد منتقل شد. او سفرهایی به بصره و اصفهان و دیگر شهرها داشت. از عبدان اهوازی و احمد تستری و ابوالقاسم بغوی و محمد بن جریر طبری و ابوبکر بن درید و ابراهیم نفطویه و عباس بن ولید اصفهانی و همبطقه‌ی آنان روایت کرده است. بزرگان حدیث به سویش می‌آمدند تا از او کسب روایت کنند. ریاست عالیه‌ی تحدیث و املاء و تدریس در شهرهای خوزستان در عصر وی بدو منتهی می‌شد. وی در عسکر و تستر و شهرهای اطراف آن نواحی املای حدیث می‌کرد. ابوسعد مالینی و ابوبکر یزدی اصفهانی و ابوالحسن نعیمی و ابوالحسین محمد اهوازی و ابوعلی حسن اهوازی و ابونعیم اصفهانی حافظ و عبدالواحد باطرقانی و احمد بن محمد بن زنجویه و محمد بن منصور تستری و علی بن عمر ایذجی و ابوسعید حسن بن علی تستری سقطی از وی حدیث روایت کرده‌اند. برخی ابوهلال عسکری را خواهرزاده و شاگرد ابواحمد عسکری می‌داند. در «ریاض العلماء» آمده است که عسکری از مشایخ شیخ صدوق است و صاحب «اعیان الشیعه» این را دلیل بر تشیع عسکری دانسته، و بعلاوه شوق صاحب بن عباد را برای دیار وی و رثاء گفتن صاحب را در مرگ او تاکیدی بر تشیع وی آورده است. عسکری در علوم مختلف و فنون گوناگون متبحر بود. همگان زیبایی تألیف و تصنیف وی را ستوه‌اند. از آثارش: «تصحیفات المحدیثن»؛ «الحکم و الامثال»؛ «راحه الارواح»؛ «الزواجر و المواعظ»؛ «المختلف و المؤتلف»؛ «التفصیل بین بلاغتی العرب و العجم»؛ «تصحیح الوجوه و النظائر»؛ «المصون»، در ادب؛ «صناعه الشعر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2 / 211)، الاعلام بوفیات الاعلام (1 / 260)، اعیان الشیعه (5 / 145- 148)، انساب سمعانی (4 / 193)، ایضاح المکنون (2 / 332)، الذریعه (12 / 60)، روضات الجنات (3 / 57- 60)، ریاض العلماء (1 / 200- 201)، سیر النبلاء (16 / 413- 415)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 4 / 88)، العبر (2 / 161)، کشف الظنون (1637، 1464، 1404، 956، 801، 675، 411، 233)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم الادباء (8 / 233- 258)، معجم البلدان (4 / 139- 140)، معجم

المؤلفين (240-239 / 3)، النجوم الزاهره (166 / 4)، الوافى بالوفيات (77 -76 / 12)، وفيات الاعيان (85 -83 / 2)، هديه العارفين (273 -272 / 1).

عسکری، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، عالم دینی و نویسنده. مشهور به علامه‌ی عسکری. در سامراء نشوونما یافت و ازین جهت به عسکری مشهور شد. از مضحر بزرگان سامراء و نجف کسب فیض کرد. سالها به امر آیت‌الله حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از وی داشت و به انور دینی، اقامه جمعت و تألیف مشغول بود. چندین بار مورد حمله و اعتراض دولت بعثی عراق واقع شد، تا در 1391 ق اجبار به ایران مهاجرت کرد و در تهران سکونت گزید و به تصنیف و تألیف و همچنین نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال ورزید. از آثارش: «عبدالله بن سبا»، دو جلد؛ «احادیث عایشه» به عربی؛ «خمسون و مائه صحابی مختلق» یا «150 صحابی ساختگی»، دو مجلد.[1]
سید مرتضی عسکری بن آیت‌اللّه حاج سید محمد شیخ الاسلام ساوجی از علماء مبرز و نویسندگان متبحر و ممتاز معاصر شمیران است.
وی در سامرا نشو و نما یافته و از این جهت به عسکری شهرت یافته و از محضر آیات عظام سامرا و نجف اشرف استفاده نموده و سالها بامر آیت‌اللّه العظمی حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از معظم له داشته و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تألیف کتب مفیده و ارشاد مردم شیعی بغداد نموده و کرارا مورد حمله و اعتراض دولت شوم بعثی عراق واقع شده تا سال 1391 ق که مجبورا به ایران مهاجرت و در شمال تهران (نزدیک تجریش) سکونت و بتألیف و نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال دارند.
از آثار ارزنده آن جناب که بطبع رسیده کتب زیر است:
1- عبداللّه بن سبا ج 1- این کتاب در نجف و قاهره و بیروت و تهران و هند و پاکستان طبع شده.
2- عبداللّه بن سبا ج 2- این کتاب به (عربی) در تهران چاپ گردیده است.
3- احادیث عایشه ج 1- این کتاب بعربی در تهران و به (اردو) در پاکستان چاپ شده.
ترجمه فارسی کتاب مزبور، بقلم محمد صادق نجمی و هاشم هریسی در قم و تهران چاپ شده.
4- خمسون و مائه صحابی مختلق ج 1- این کتاب به (عربی) در بیروت و بغداد چاپ شده.
5- خمسون و مائه صحابی مختلق ج 2- آماده برای طبع میباشد.
نگارنده گوید: علامه شهیر آقای حاج سید مرتضی عسکری شهرت خدمات

و آثارش در عراق و ایران باندازه ایست که دوست و دشمن را بتقدیر و تحسین واداشته و شروع خدمات ایشان بیک کتاب یا رساله مستقلی نیازمند است.
نوشته‌ها و تألیفات معظم له مورد توجه دانشمندان بزرگ مصری و غیره میباشد از جمله علامه بزرگ مصری استاد محقق شیخ محمود ابوریه تقریظ مبسوطی بکتاب احادیث عایشه ایشان نوشته که شایان اهمیت است و ترجمه آن در مقدمه کتاب عایشه در دوران (علی علیه‌السلام) بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (660 -659 / 4).

عصار لواسانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1356 / 1355 -1264 ق)، فقیه اصولی، مفسر، حکیم و شاعر، متخلص به عصار. در ابتدا آشفته تخلص می‌کرد و سپس عصار را برگزید و لقب شعری او نظام بود. اصل وی از مازندران و ساکن لواسان تهران بود. پس از فراگیری سطوح و خارج فقه، در تهران، در 1289 ق، به عراق رفت و از آن جا سفری به مکه نمود و در بازگشت،در 1296 ق، به سامراء مهاجرت کرد و تا 1301 ق در آن جا ماند و در این سال به تهران بازگشت. در اواخر عمر، در 1340 ق، به مشهد مهاجرت کرد و در همان جا ساکن شد. او با کهولت سن و از دست دادن یک چشم و کمی دید چشم دیگر، غالبا به تألیف اشتغال داشت. عصار در مشهد درگذشت و در ایوان صحن رضوی دفن شد. از آثار وی: «التأملیات»، در بیان وجه تأملات «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه‌ی «القواعد الکلیه الاصولیه و الفرعیه»، شهید اول؛ حاشیه‌ی «کشف الریبه فی احکام الغیبه» شهید ثانی؛ «فقاهه الرضویه»، فقه استدلالی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «کشف الفوائذ» علامه حلی، در شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «ناسخ التفاسیر»، در تفسیر فارسی، در سه مجلد که قمستی از آن به خط شاگردش میرزا احمد بن صالح بادکوبه‌ای است؛ «رساله‌ی رجالیه»؛ «توحید کمالی»؛ «اخلاق کمالی»؛ «الحجج الرضویه فی تأیید الهدایه المهدویه و الرد علی البابیه»، به فارسی؛ «المواهب الرضویه فی رفیع الشبهات المقوله و المنویه»، در نبوت خصاه و در جواب تشکیکات مسیحیان، بابیان، بهائیان و قادیانیان، به فارسی؛ «آداب السلوک للرعیه و الملوک»، منظوم، به فارسی؛ «التحفه المدنیه»، در عروض جامع بین عربی و فارسی و قافیه عربی و قافیه فارسی، که در 1290 ق در مدینه تألیف کرد؛ «بیان الغیب»، دیوان شعر، در استقبال از «دیوان» خواجه حافظ»؛ «لسان الغیب»؛ «نیاح الغیب»؛ «دیوان عصار»؛ «منظومه‌ی خیر الرسائل» یا شرح «دیوان گلشن راز».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (312 / 7)، اعیان الشیعه (55 / 10)، الذریعه (5 / 186، 9 / 724، 1000، 13 / 270، 18 / 309، 23 / 115، 239، 24 / 173، 6 / 485، 4 / 468، 302، 183 / 3 ،377 -376، 20 / 1)، ریحانه

(140 / 4)، فرهنگ سخنوران (637)، معجم المؤلفين (318 / 11)، مكارم الآثار (1766 -1765 / 5)، مؤلفين كتب چاپی (598 -596 / 5).

عضدالدین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بازوی کیش و آیین) ایجی، (مولانا) عبدالرحمن بن احمد، دانشمند ایرانی قر. 8 ه. (و. 701- ف. 756 ه.ق./ 1355.م.). وی در قصبه ایج (فارس) پایتخت قدیم ولایت شبانکاره متولد شد. او به یک واسطه شاگرد ناصرالدین محسوب می‌شد. پس از پایان تحصیلات در فارس مسند قضاوت یافت و او از فقهای مشهور شافعی است و به قول خواجه حافظ از پنج تنی است که فارس در عهد شاه شیخ بواسحاق اینجو به وجود آنان مزین بود. عضدالدین دارای مشرب تصوف بود و در حکمت و کلام و مذهب و اخلاق مهارت داشت. مهمترین تألیف او «مواقف» است. او در دستگاه سلطان ابوسعید و خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی و شاه شیخ ابواسحاق و ملوک فارش و شبانکاره بسیار محترم بود و در عهد ابوسیعد منصب قاضی القضاتی کل ایران را داشت و در سلطانیه مقیم بود. شاه شیخ ابواسحاق اینجو او را سخت احترام می‌کرد و در کارهای ملکی از او مشورت می‌نمود چنانکه وی در سال 753 ه.ق. از جانب شاه شیخ به رسالت نزد امیر مبارزالدین محمد مظفری رفت تا او را از حمله به شیراز منصرف سازد، امیر قانع نشد ولی از وی پذیرایی کرد و سه روز در مولد عضدالدین- قصبه ایج- به افتخار وی ضیافتی ترتیب داد و سپس او را مأمور کرد که کتاب المفصل زمخشری را- که در نحو است به فرزندش شاه شجاع بیاموزد، سپس عضدالدین را با احترام به شیراز برگرداند. قاضی در ضمن محاصره شیراز از طرف امیر مبارزالدین از آنجا خارج شد و به شبانکاره رفت، ولی در آنجا امیر شبانکاره با قاضی نساخت و او را در قلاع شبانکاره محبوس کرد و دانشمند مزبور تا سال 756- که سال فوت اوست- محبوس بود اوراست: مواقف در علم کلام که متن آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد تألیف کرده، فوائد غیاثیه، شرح مختصر ابن حاجب (هر دو به نام خواجه غیاث‌الدین محمد) منظور از کتاب اخیر کتابی است در اصول که ابن حاجب از کتاب دیگر خود که منتهی الوصول نام دارد مختصر کرده و این مخصتر را گروهی شرح کرده‌اند که از آن جمله است عضدالدین ایجی (تاریخ مغول. اقبال. چا. 11 -510 :2).
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عطاری طوسی، مجدالدین، ابومنصور محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(573 / 571 -486 ق)، فقیه، اصولی و واعظ شافعی. معروف به حفده. اصلش از طوس است و در نیشابور برآمد. از ابوبکر محمد بن منصور سمعانی در مرو و از ابوحامد غزالی در طوس و از محیی السنه ابومحمد حسین بن مسعود بغوی در مرورود فقه آموخت. از بغوی دو کتابش «معالم التنزیل» و «شرح السنه» را شنید و کتابت کرد. در بخارا نزد علامه برهان‌الدین عبدالعزیز بن مازه حنفی تحصیل نمود. سپس به مرو بازگشت و در آنجا ملجس وعظ آراست و مدتی در آنجا مقیم شد تا در فتنه‌ی غز (548 ق) به عراق و از آنجا به آذربایجان و جزیره سفر نمود و به وعظ و تذکار پرداخت و مورد توجه قرار گرفت و به علت حسن وعظش همه بر گرد او جمع شدند. ابوسعد سمعانی گوید: او فقیه و واعظ و فصیح بود واز عبدالغفار شیروی و حافظ ابی لفتیان رواسی و نصار بن احمد عیاضی حدیث شنیده بود. من هم در مرو و نیشابور از او حدیث نوشتم. ابواحمد بن سکینه و ابن‌الاخضر و شمس‌الدین عبدالغفور بن بدل تبریزی بزوری و ابوالمواهب بن صصری و قاضی بهاءالدین یوسف بن شداد و ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی از وی حدیث شنیده‌اند. وی در تبریز درگذشت. در «شذرات الذهب» نام وی به غلط عطاردی ذکر شده است. از آثارش: «اجویه مسائل»، در فقه و تصوف، که در جواب سؤالهای یوسف بن مقلد دمشقی نگاشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (256 / 6)، سیر النبلاء (540 -539 / 20)، شذرات الذهب (240 / 4)، العبر (61 / 3)، معجم المؤلفین (50 / 9)، النجوم الزاهره (71 / 6)، الوافی بالوفیات (203 -202 / 2)، وفیات الاعیان (239 -238 / 4).

عقاب شوشتری خراسانی، شهاب‌الدین عبدالله

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شهادت 997 ق)، عالم، متکلم و فقیه امامی. معروف به شهید ثالث. از علمای عهد شاه‌طهماسب صفوی بود. وی در شوشتر به دنیا آمد. در جوانی در شیراز به تحصیل علوم عقلی پرداخت، سپس به شامات رفت و در نزد عده‌ای از علماء و فقهای جبل‌عامل درس خواند تا به مدارج عالی رسید. آن‌گاه به ایران بازگشت و در خراسان سکنی گزید. شهاب‌الدین از ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی روایت کرده و نظام‌الدین ابوالفتح عامر بن فیاض جزایری مشهدی و ابومحمد علی بن عنایت‌الله مشهور به بایزید بسطامی و تاج‌الدین حسین صاعدی از شاگردان و راویان عقاب می‌باشند. مدتی در مشهد به موعظه و امر به معروف و نهی از منکر قیام نمود تا در 997 ق به دستور ازبکان که در آن زمان بر خراسان استیلا یافته بودند دستگیر شد و به بخارا فرستاده شد، تا با علمای عامه مناظره نماید. او با علمای آنجا بحث نمود و چون از مقابله با وی درماندند به عبدالله‌خان ازبک گفتند که باید از گفتگو با او دوری کرد، مبادا که عامه‌ی مردم فریب خورند و بشورند، پس او را با چاقو و خنجر کشتند و جسد پاکش را در میدان بخارا به آتش کشیدند. از آثارش: کتابی در «امامت»؛ کتاب «الاربعین فی فضائل امیرالمومنین (ع)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (279 / 4)، اعیان الشیعه (50 / 8)، تکمله امل الآمل (82)، الذریعه (421 -420، 206، 161/ 1)، روضات الجنات (228 -224 / 4)، ریاض العلماء (253 -248 / 3)، ریحانه (152.4)، شهیدان راه فضیلت (281 -279)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 129 -128 / 10)، عالم‌آرای عباسی (155 -154 / 1)، فوائد الرضویه (256)، معجم المؤلفین (147 -146 / 6).

عقیلی بخاری، شرف‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 576 ق)، متلکم و فقیه حنفی. از آثارش: «منهاج التفاوی»، در فقه؛ «الهادی، در علم کلام.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5 / 223)، کشف الظنون (2027، 1877)، معجم المؤلفین (7 / 316)، هدیه العارفین (1 / 784).

علاء اسمندی سمرقندی، علاءالدین ابوالفتح محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(563 / 552 -488 ق)، متکلم و فقیه حنفی. معروف به علاء عالم. در اسمند از نواحی سمرقند به دنیا آمد. او از ابن‌مازه بخاری حدیث روایت کرده و ابوالبرکات محمد بن علی بن محمد انصاری، قاضی اسیوط، از وی روایت کرده است. اما ابوسعد سمعانی گوید که چون علاء شرب‌خمر می‌کرد. از وی روایت نکردم. علاء از بزرگان فقه حنفی و از چیره‌دست‌ترین متکلمان زمان خود بود. او به بغداد رفت و با علمای آنجا به مناظره نشست، و در «خلاف» تصنیفاتی نمود. از آثار وی: «مختلف الروایه»، در خلاف؛ «التعلیقه»، در چند مجلد به نام «العالمی»؛ «بذل النظر»، در اصول؛ «الهدایه»، در کلام؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع؛ «حصر المسائل و قصر الدلائل»، در شرح «منظومه» نسفی، در خلاف، و گفته شده که این کتاب در شرح «عیون المسائل» ابی‌لیث سمرقندی است؛ «الفوائد العلائیه»؛ «میزان الاصول فی نتائج العقول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (58 / 7)، ایضاح المکنون (175 / 1)، کشف الظنون (2040، 1868، 1636، 1187، 569)، لسان المیران (269 -268 / 6)، معجم المؤلفین 131 -130 / 10)، النجوم الزاهره (359 / 5)، الوافی بالوفیات (218 / 3)، هدیه العارفین (92 / 2).

علامه

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(علامه دوم) محمد باقر بن محمد اکمل، معروف به آقای بهبهانی، استاد اکبر، سید البشر، محقق ثالث، از بزرگان علمای امامیه (و. اصفهان 1116 یا 1117 یا 1118 ه.ق.- ف. 1205 یا 1206 یا 1208 ه.ق.). وی از شاگردان سید صدرالدین قمی بود، و مدتی در بهبهان سکونت گزید و اواخر عمر را در کربلا گذرانید.اوراست: ابطال القیاس، الاجتهاد والاخبار در رد اخباریان، احکام العقود، الاستصحاب، اصالة البراءة اصول الاسلام والایمان، الامامة.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

علامه حایری، محمدصالح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدصالح بن العلم العلام الحاج الشیخ میرزا فضل‌اللَّه مجتهد حایری مازندرانی متوفی (1346 ق) از مشاهیر علماء و معاریف مجتهدین معاصر ما بوده‌اند که در شهر ساکت و آرام سمنان چون یوسف (ع) و چاه کنعان بسر می‌بردند.
وی در سال هزار و دویست و نود و هفت قمری در کربلا متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و مرحوم والدش در ماده تاریخ ولادت این فرزند برومند گفته (بالخلف الصالح قولوا مرحبا).
علامه حایری ره در دامن پرمهر مادر عفیفه و صالحه‌ای که دختر مرحوم آیت‌اللَّه حاج ملا محمدیوسف استرآبادی صاحب کتاب (صیغ‌العقود) و کتب دیگر تربیت شده و مقدمات را از محضر آخوند ملا عباس اخفش و آخوند ملا علی سیبویه استفاده کرده و در همان اوقات الفیه‌ی ابن مالک را تخمیس نموده و پس از مقدمات به خواندن سطح فقه و اصول پرداخته و به نجف اشرف عزیمت نموده و از سال 1312 تا سال 1324 قمری در باب مدینه علم از محضر مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه و مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی فقه و اصول را استفاده نموده و معقول را از حاج ملا اسماعیل بروجردی حائری فراگرفته و در اوائل بلوغ بسر حد اجتهاد رسیده و پس از تکمیل مبانی فقه و اصول و علوم عقلی در مدت دوازده سال به واسطه کسالت ضعف چشم به ایران آمده و مدتی در تهران به معالجه پرداخته و پس از آن به بارفروش (بابل) فعلی رحل اقامت افکنده و مرجع تقلید جماعتی گردیده و از آنجا اجباراً به سمنان منتقل و تا سال 1391 قمری به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال داشتند و در سال مزبور در سن نود و شش سالگی وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل حمل به مشهد مقدس و در جوار سلطان سریر ارتضا علیه آلاف التحیة والثناء مدفون گردیده است.
مرحوم علامه سمنانی در قدرت ادبی به عربی و فارسی وحید عصر و فرید دهر خود بود و تمام بزرگان و ادباء عراق و ایران او را به استادی تعظیم و تکریم نموده و به نبوغ می‌ستودند بیش از سیصد مجلد تألیف از کتاب و رساله دارد که همه در کتابخانه شخصی ایشان آماده برای چاپ می‌باشد.
فهرست تألیفات و تصنیفات این فقیه اصولی و متکلم رجالی و ادیب اریب

و شاعر ماهر و حکیم ربانی در فنون مختلف در کتب تراجم مانند ریحانةالادب والذریعه و علماء معاصر و غیره مذکور است.
علامه حایری در فن سرودن قصائد عربی متبنی عصر خود و در سرودن قصائد غزلیات فارسی سعدی زمان بود در انشاد مدایح و مراثی اهل‌بیت (ع) ید طولائی داشت بلکه از جهاتی بی‌نظیر بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علامی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسن علامی فرزند آقا محمدصادق تاجر اصفهانی از مشاهیر علماء عصر و مجتهدین بزرگ و اساطین علمی معاصر کرمانشاه بوده‌اند
معظم له در سال 1305 قمری هجری در کرمانشاه متولد شده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات در زادگاه خود به نجف اشرف عزیمت نموده و دو سال در درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی حضور یافته و بقیه تحصیلات خود را در نزد آیت‌اللّه محقق استاد المتأخرین آقای آقا ضیاءالدین عراقی ادامه داده و در میان تلامذه آن مرحوم مشار بالبنان گردیده و بعداً به کرمانشاه مراجعت و در حوزه علمیه کرمانشاه به تدریس مشغول بوده و در مسجد ترکها اقامه جماعت می‌نموده تا در محرم 1394 قمری در سن 90 سالگی به رحمت حق پیوسته و حسب‌الوصیه‌اش در یکی از حجرات مسجد ترکها مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علم‌الهدی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1312 ق)، عالم امامی. در کربلا به دنیا آمد و در مهد علم و شرافت پرورش یافت. به اتفاق پدرش به ایران آمد و به مشهد رضوی رهسپار شد. مقدمات و مقداری از سطوح را از محضر معین‌الغرباء تحصیل نمود و در بعضی از حوزه‌های درس خارج آن روز مشهد شرکت کرد و در اثر تتبع و جدیت به مقام اجتهاد رسید و از آیت‌الله سید محمد عصار به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از پدر، به اقامه جماعت در جامع گوهرشاد پرداخت. چند سال بعد برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت‌الله نایینی و آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌ها برد و به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آن بزرگواران نیز نایل شد و به مشهد بازگشت. از آثارش: کتاب «رساله الوضوء»، عربی؛ «رساله المیاه»، عربی، در احکام آبها؛ «رایت رهنما»، در چهار جلد، در اصول عقاید، امامت و اثبات آن و نقل معجزات ائمه اطهار (ع)؛ کتاب «عدل و معاد»؛ کتاب «نهج‌الخطابه» که جلد اول آن به خطب پیامبر اکرم (ص) و جلد دوم به خطبه‌های حضرت امیرالمؤمنین (ع) و جلد سوم به خطبه‌های سایر ائمه اطهار (ع)به ضمیمه خطبه‌های حضرت فاطمه زهرا (س) و خطبه‌های حضرت زینب (س) پرداخته است؛کتاب «مناظرات».[1]
سید علی بن العالم الجلیل السید محمدحسین نجفی بن السید الاجله عماد التولیه معروف به علم الهدی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار مشهد مقدس و آستان قدس رضوی علیه آلاف التحیه و الثناء می‌باشد.
وی در نهم ماه شعبان المعظم سال 1312 قمری هزار و سیصد و دوازده قمری (سال فوت زعیم اعظم و پیشوای معظم شیعیان آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن مجدد شیرازی) در کربلا متولد شده و در مهد علم و شرافت پرورش یافته و به اتفاق مرحوم والدش به ایران و مشهد مقدس آمده و در مسیر راه (همدان و غیره) مورد استقبال و احترام مردم واقع گردیده و چندی توقف سپس وارد ارض اقدس شده و پس از گذرانیدن دوران طفولیت وارد مرحله تحصیل و در کسوت مقدس روحانیت درآمده و مقدمات و مقداری از سطوح را از محضر استاد بزرگ مرحوم معین الغرباء تحصیل نموده و در بعضی از حوزه‌های درس خارج آن روز مشهد شرکت و در اثر تتبع و حدیت به مقام رفیع اجتهاد رسیده و از مرحوم

آیت‌اللّه سید محمد عصار که از علماء بزرگ ایران بود نائل به اخذ اجتهاد گردیده و در آن اوقات کتابی در مرد استنباط احکام وضوء بنام رساله الوضوء نگاشت.
در سال 1339 قمری والد معظمش که از علماء بنام خراسان بود و در خصوص استخاره شهرت بسرائی داشت از دنیا رفت و راتبه اقامه جماعت آن مرحوم در جامع گوهرشاد به ایشان محول گردید و در عین حال پس از دو سه سال برای ادامه تحصیل مهاجرت به نجف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده و پس از مدتی با دریافت اجتهاد از آن بزرگواران به مشهد مراجعت و تا هم اکنون به ارشاد مردم و تألیف و تصنیف کتاب اشتغال دارند.
آثار قلمی معظم‌له از این قرار است.
1- کتاب رساله الوضوء عربی مخطوط 2- رسالت المیاه عربی در موضوع احکام آبها 1 مخطوط.
3- رایت رهنماج 1- (فارسی) دو مرتبه طبع شده است این کتاب در اصول عقاید و اثبات توحید و دفع شبهات مادبین و طبیعین و گفتگو درباره نبوت عامه و نبوت خاصه.
4- رایت رهنماج 2 در موضوع امامت و اثبات خلافت بلا فصل امیرالمومنین (ع) و امامت امام حسن مجتبی و امامت امام حسین علیه‌السلام و فلسفه نهضت آنجناب مطبوع.
5- رایت رهنماج 3 و 4 درباره اثبات امامت و نقل معجزات سایر ائمه اطهار علیه السلام و دفع شبهات کیسانیه و واقفیه و مدعیان مهدویت و فرقه ضاله و مضله بهائیت و فلسفه غیبت و رمز طول عمر حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء.
6- کتاب عدل و معاد درباره تشریح جهان آخرت و عالم پس از مرگ و عالم برزخ و سوال نکیرین و سیر ارواح و بعث و نشر در روز رستاخیز و بهشت و دوزخ از طریق روایات و آیات و دفع عموم شبهات و اشکالات وارده در این موارد و نیز درباره اثبات امر بین‌الامرین جبر و تفویض (مطبوع).
7- کتاب نهج‌الخطابه در خطب النبی والائمه علیهم‌السلام فارسی و عربی ج 1 در نقل کلیه خطبه‌های پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم و اخبار معراجیه و وصایای آن حضرت به امیرالمؤمنین (ع) و ابوذر به ضمیمه ترجمه.
8- نهج‌الخطابه ج 2- خطبات مولی الموحدین امیرالمؤمنین (ع) که در نهج‌البلاغه موجود نیست- مخطوط.
9- نهج‌الخطابه ج 3- خطبات سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام به ضمیمه

خطبه‌های حضرت صدیقه کبری فاطمه سلام‌اللّه علیهاسلام.
10- کتاب مناظرات درباره نقل برخی از مناظراتی که خود ایشان با افراد خارج از دین نموده‌اند به ضمیمه نقل چند مورد از مناظرات قدماء و صحابه.
نگارنده گوید آقای علم‌الهدی مضافا بر آن آثار فرزندان دانشمندان و مروج چندی دارند که از باقیات‌الصالحات ایشانست و آنها از این قرار است.
1- سید الاعلام آقای حاج سید کاظم علم‌الهدی مقیم مشهد از وعاظ و محدثین معاصر مشهد می باشند.
2- حجةالاسلام آقای حاج‌آقا محمد علم‌الهدی مقیم تهران و امام مسجد الزهراء خیابان آب منگل.
3- حجةالاسلام آقای حاج‌آقا جواد علم‌الهدی مقیم تهران و امام جماعت مسجد صاحب الزمان خیابان شاهپور.
4- ثقةالاسلام آقای آقاسید احمد علم الهدی مشهد که از فضلاء و خطباء بلیغ اکنون مقیم تهران میباشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (1664 -1663 / 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (147 -144 / 7).

علم‌الهدی، قیصر، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قیصر، محمد بن (حاج میرزا) معصوم رضوی خراسانی مشهور به سید قیصر، از فقهای متأخر شیعه (ف. 1255 ه.ق.) اوراست: اعلام الوری، کتاب رجال، حاشیه معلم الاصول، مصابیح الفقه.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

علومی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد علومی فرزند آیت‌اللّه آخوند ملاحسین اردکانی از علماء بزرگ و معروف معاصر یزد بوده‌اند.
وی در ماه رمضان 1319 ق در یزد متولد شده و پس از تحصیل مقدمات و فراغت از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید بزرگ و مراجع عالیقدر آن عصر چون مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه حاج میرزا سید آقای اصطهباناتی و دیگران مدت هشت سال استفاده نموده تا به درجه‌ی رفیعه اجتهاد نائل و با دریافت گواهی و اجازات به ایران مراجعت و چندی در قم توقف و در زمان مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی به تدریس پرداخته و سپس در اثر انقلابات داخلی و سیاسی به وطن اصلی خود یزد بازگشت و اساس حوزه یزد را پی‌ریزی نموده و با شور و علاقه خاصی در توسعه و گسترش آن کوشش و بر حسب مقدرات الهی در سال 1314 ش به مشهد مقدس مشرف و با خاندان حاج میرزا عبدالرسول درانیان که از وعاظ نامی مشهد بودند وصلت و دارای شش فرزند می‌شوند که چهار نفر آنها ذکور و هر یک از آنها در رشته‌های مختلف علمی روحانی پزشکی و اقتصادی و مشاور علمی از فضلاء ممتاز می‌باشند.
مرحوم آیت‌اللّه علومی پس از سی سال سرپرستی حوزه علمیه یزد و تدریس علوم دینی و امامت در سن 74 سالگی دار دنیا را بدرود و دعوت حق را لبیک اجابت گفتند. اما آثار ایشان از این قرار است:
1- چند رساله مختصر در مسائل فقه در اوقات صلوه و صلوه مسافر و زکوه.
2- حواشی بر قطع فرائدالاصول و مکاسب شیخ مرتضی انصاری.
3- حواشی مختصر بر کفایه‌الاصول مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی.
4- شرح قصیده شیخ محمد بوصیری معروف به قصیده برده در مدح حضرت رسول (ص).
5- شرح قصیده بائیه و قصیده عینیه ابن ابی‌الحدید معتزلی در مدح حضرت امیر (ع)
6- المغنی عن المغنی که تلخیص کتاب مغنی ابن‌هشام است در علم ادبیات.

(1319- ح 1393 ق)، عالم دینی و فقیه. در یزد به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات و فراعت از سطوح به نجف اشرف سفر کرد و از محضر اساتید بزرگی همچون آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله میرزا سید آقای اصطهباناتی و دیگران مدت هشت سال استفاده نمود، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد وبا دریافت اجازه به ایران مراجعت کرد. چندی در قم توقف نمود و در زمان آیت‌الله حایری یزدی به تدریس پرداخت. سپس به وطن خویش بازگشت، و حوزه‌ی علوم دینی یزد را پی‌ریزی نمود. در 1314 ش به مشهد رضوی رفت و با خاندان حاج میرزا عبدالرسول درانیان وصلت نمود. وی مدت سی سال حوزه‌ی یزد را سرپرستی و در آن تدریس کرد. از آثارش: چند رساله در مسائل فقه: در «اوقات صلاه»، «صلاه مسافر» و «زکات»؛ حواشی بر «قطع» «فرائد الاصول» و «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ حواشی بر «کفایه الاصول» آخوند ملا محمد کاظم خراسانی؛ شرح «قصیده‌ی» شیخ محمد بوصیری، معروف به «قصیده‌ی برده»، در مدح حضرت رسول اکرم (ص)؛ شرح «قصیده‌ی بائیه» و «قصیده‌ی عینیه» ابن ابی‌الحدید معتزلی در مدح امیرالمؤمنین (ع)؛ «المغنی عن المغنی» که تلخیص کتاب «مغنی» ابن‌هشام، در ادبیات است.[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (441 -440 / 7).

علوی تهرانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج سید محمدباقر بن سید الاعلام السید علی بن السید حسین علوی مسجد حوضی تهران از علماء معروف تهران بودند و در مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک محله سرپولک اقامه جماعت می‌نمودند و در میان علماء و اهالی تهران بسیار محترم و مکرم و مورد وثوق قاطبه مردم بودند و با مرحوم آیت‌اللّه بهبهانی صداقت تام و رفاقت تمامی داشتند.
وی در سال 1305 قمری هجری در تهران متولد و در کودکی قرآن و تجوید را از آخوند ملا علی فراگرفته و در مدرسه ادب تحصیلات جدید را آموخته و فقه و اصول را نزد آقا میرزا کوچک ساوجی که از علماء مشهور عصر و مدرس مدرسه صدر بودند خوانده و معقول را نزد حکیم دوران و فرید زمان آیت‌اللّه حاج عبدالنبی نوری طاب ثراه آموخته و پس از فراغ از تحصیل مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و دیگران استفاده کرده و نائل به درجه اجتهاد شده آنگاه مراجعت به تهران و در مدرسه عبداللّه خان واقع در بازار بزرگ مشغول تدریس گشته و احکام تجارت و مکاسب را برای تجار بیان نموده و عده‌ای از بازرگانان از محضرش کسب فقه و معارف اسلامی نموده تا در ماه شعبان‌المعظم سال 1386 ق در تهران وفات و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در جوار جد گرام خویش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی تهرانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد رضا بن الایه حاج سید محمدباقر علوی آنف‌الذکر از علماء محترم معاصر تهران است.
وی در سال 1343 ق در تهران تولد یافته و در مهد علم و سیادت پرورش نموده و پس از خواندن دروس عالیه جدید، ادبیات و سطوح وسطی را در تهران آموخته و در سال 1364 ق مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ قم فراگرفته و از دروس خارج مرحومین آیتین علمین آقای حجت و آقای خونساری استفاده نموده و پس از رحلت ایشان از محضر آیت‌اللّه العظمی زعیم اعظم آقای بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگانی و علامه معاصر آقای طباطبائی بهره‌مند شده و در سال 1386 ق پس از فوت مرحوم والدش به تهران مراجت و در مدرسه سپهسالار قدیم و مسجد حضرت امیر علیه‌السلام به اقامه جماعت و در مدرسه‌ی مزبور بتدریس و ترویج دین پرداخته و هم از محضر مرحوم وحید عصر آیت‌اللّه شعرائی حاج میرزا ابوالحسن قدس اللّه سره هیئت و نجوم و ریاضیات را آموخته و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی حسنی نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 401 ق)، مسند، محدث و فقیه. وی رییس‌السادات و شیخ‌الاشراف و مسند خراسان زمان خود و سیدی بزرگوار و نیکوکار بود. او برادر بزرگتر ابوعلی محمد بن حسین علوی حسنی نیشابوری است. از محمد بن اسماعیل بن اسحاق مروزی و ابوحامد بن شرقی و برادرش عبدالله بن محمد و همچنین محمد بن عمر بن جمیل و ابونصر محمد بن حمدویه غازی و ابوبکر بن دلویه دقاق و محمد بن حسین قطان و عبیدالله بن ابراهیم بن بالویه و دیگران حدیث شنید. حاکم و ابوبکر بیهقی و محمد بن قاسم صفار و ابوعبید صخر بن محمد و ابوالقاسم اسماعیل بن زاهر و محمد بن عبیدالله صرام و عثمان بن محمد محمی و عمر بن شاه مقری و شبیب بن احمد بستیغی و احمد بن محمد بن مکرم صیدلانی و موسی بن عمران انصاری و ابوصالح احمد بن عبدالملک مؤذن و فاطمه دختر ابوعلی دقاق و بسیاری دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم گوید: وی صاحب همتی عالی بود و ظاهری نوراني داشت. پیوسته از او خواسته می‌شد تا حدیث گوید اما نمی‌گفت. دست آخر من مجلس املائی برپا ساختم و هزار حدیث برایش برگزیدم. در آن مجلس هزار قلمدان شمارش شد و او سه سال املای حدیث کرد. ابوالحسن علوی به سکته درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (271 / 1)، سیر النبلاء (99 -98 / 17)، شذرات الذهب (162 / 3)، العبر (199 / 2)، الوافی بالوفیات (373 / 2).

علوی حسینی تبریزی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1320- 1381 ق)، عالم دینی و فقیه. در تبریز به دنیا آمد. پس از خواندن سطوح از محضر آیت‌الله حاج سید علی مولانا و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی استفاده نمود. آن‌گاه به مشهد رضوی مهاجرت کرد و از محضر آقازاده کفایی و آیت‌الله آشتیانی بهره برد. پس به انجام وظائف دینی پرداخت، تا در 1381 ق برای معالجه به تهران آمد و در تهران درگذشت. پیکرش در مشهد رضوی در یکی از حجره‌های صحن عتیق به خاک سپرده شد. از آثارش: «الحجاب»؛ «الرباء»؛ «الغناء»؛ «هدیه الاخوان»، در اثبات اسلام، به فارسی؛ «هدایه المسترشدین الی معارف‌الدین المبین»، در سه مجلد: «توحید»، «نبوت عامه و خاصه» و «امامت و معاد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (205، 194 / 25، 456 / 4)، گنجینه‌ی دانشمندان (143 / 7)، مؤلفین کتب چاپی (60 -59 / 6).

علوی خوئی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابراهیم علوی خوئی بن السید الجلیل حاج سید مهدی که در آذربایجان و مقامهای بزرگ مملکتی خانواده‌شان معروف به سادات مقبره به خاطر مزار جد اعلی‌اش عالم تقی المعی صاحب کرامات سید یعقوب طاب ثراه می‌باشند با بیست و دو فاصله آبائی به حضرت سیدالساجدین علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب سلام اللّه علیهم اجمعین نسبش می‌رسد در سال 1333 ق هجری در دارالمؤمنین خوی متولد و در هشت سالگی به مکتب اعزام و قرآن کریم را پیش آقای حاج شیخ ابوالفتح واعظ شاهانقی ختم و ادبیات فارسی را از آقای میرزا محمدحسین کارگر و آقا غلامرضا کشاورز و آقای میرزا یوسف کارگر اخلاق و سیاق را از آقای حاج میرزا یحیی فرقانی شرعیات و دستور زبان فارسی را از آقای حاج میرزا محمدعلی موحد و رسم را از آقای سید محسن هدایت و قرائت و تجوید را از آقای کربلائی تقی و آقای حاج میرزا ابراهیم قاری تلمذ نموده است.
ادبیات عربی از علماء اعلام آقای حاج ملا محمدحسین محصلی و آقای شیخ محمد حقیر چهرقانی و آقای شیخعلی اسلام‌پرست و آقای آخوند ملاحسین محسنی و آقای حاج میرزا علی زائر و آقای میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و آقای حاج سید مهدی کشفی و منطق را از آقای حاج میر شفیع تهامی و آقای شیخ علی‌اکبر محققی و آقای شیخ محمدحسین تنکابنی و کلام را از حضرت آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خوانساری و حکمت مشاء را از حضرت آیت‌اللّه فخرالحکماء الهیین آقای حاج شیخ مهدی مازندرانی و حکمت اشراق و عرفان را از آن معظم له و آیت‌اللّه و سیدالحکماء المتأخرین امام خمینی و آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای و آقای حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و اصول را از حجةالاسلام والمسلمین حاج میر شفیع تهامی و آقای حاج میرزا موسی مرجعی و آقای حاج سید کاظم گلپایگانی و آقای میرزا محمد همدانی و آیات عظام آقای حاج سید محمدتقی خوانساری و آقای شیخ محمدعلی قمی و آقای سید کاظم شریعتمداری و آقای سید محمد حجت و فقه را از حجةالاسلام آقای شیخ قاسم واعظ مهاجر و آقای میر شفیع تهامی و آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی و آیات عظام آقای حاج سید کاظم شریعتمداری و آقای میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه العظمی آقای سید محمد حجت و آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری تلمذ کرده است

اجازه اجتهاد از آیات عظام و مراجع عالیقدر عالم تشیع از آقای سید ابوالحسن اصفهانی و آقای سید محمد حجت و آقای حاج سید محسن حکیم دارد.
تصدیق فلسفه و عرفان از آیت‌اللّه العظمی و استاد الفلاسفه والعرفان آقای امام خمینی دارد.
و در تاریخ 1349 قمری به بلده طیبه قم برای تکمیل تحصیل مشرف گردیده و در سال 1355 موفق به دریافت تصدیق مدرسی شده و در سال 1357 با اجازه اجتهاد به خوی عودت نموده است.
مدرسه علوم دینیه نمازی خوی که از تاریخ 1353 قمری تا ورود ایشان به خوی خالی از سکنه و به صورت خرابی افتاده بود با اقدام ایشان و راهنمائی و معاضدت حضرت حجةالاسلام والمسلمین آقا شیخ قاسم واعظ مهاجر از نو اصلاح و تعمیر و به جمع‌آوری طلاب اقدام و در سال 1360 شهریه به طلاب برقرار و امتحان رسمی اعلام و تا تاریخ این نوشته از اول شعبان شروع و به فضلائی که به مقام شایستگی لباس روحانیت به تدریج می‌رسیدند روز ولادت با سعادت حضرت بقیةاللّه امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه که جشن مدرسه و روحانیت است در تحت نظر رئیس روحانیت وقت ملبس به لباس روحانیت می‌شوند.
توضیح اینکه آنجا بالخصوص لباس روحانیت را پوشیدن پس از طی مدارج علمی و گواهی اساتید به شایستگی طرف منوط می‌باشد دفتر نمرات دروس و املاء و انشاء و قرائت و تجوید و اخلاق طلاب از تاریخ 1360 قمری تا حال منظماً دائر در تحت سرپرست طلاب است و به اضافه شهریه برق و آب و وسائل زمستانی و دوا و معالجه از طرف سرپرست روحانیت الی آلان مرتباً دائر است.
لا یخفی اینکه از تاریخ 1316 شمسی که امتحانات طلاب علوم دینیه از رسمیت در مرکز ساقط گردید اولین مدرسه دینیه در آذربایجان پس از غائله بیستم شهریور 1320 شمسی موفق به دریافت اعتبار رسمی بودن تصدیق اساتید و بهره‌مندی از مزایای آن شده مدرسه نمازیه خوی با جدیت و مساعی معظم له بود در تاریخ 1324 شمسی که ناچار به مهاجرت به تهران در اثر فشار متجاسرین توده گردید
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی سبزواری، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابراهیم بن السید اسماعیل بن سید عبدالغفور علوی سبزواری معروف به شریعتمدار عالمی فقیه و مدرسی بزرگ و زعیمی جلیل‌القدر بوده است در سبزوار از آثار اوست مدرسه شریعتمدار که مسکن طلاب و محصلین علوم دینیه می‌باشد.
وی از شاگردان علامه فقیه حاج شیخ محمدحسن صاحب (جواهر) بوده و در مشهدالرضا (ع) از میرزا حسن و ملا محمدتقی و ملا علی داماد صاحب (قوانین) استفاده کرده آنگاه به اصفهان مسافرت و از محضر حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدابراهیم کلباسی بهره‌مند شده و پس از آن به نجف مهاجرت نموده و از ابحاث صاحب جواهر و صاحب (انوارالفقاهة) و علامه انصاری و ملازین العابدین گلپایگانی استفاده وافی نموده و بعد به سبزوار مراجعت و به رتق و فتق امور پرداخته و ریاست تامه و مرجعیت عامه در آن نواحی پیدا نموده و صاحب ثروت فراوان و نفوذ کلام و قدرت کم‌نظیری گردیده و شهرتش به تمام ایران رسیده و با این ثروت و موقعیت از اولاد عقیم و محروم بوده است تا در سال 1314 و یا 15 وفات یافته و در مقبره‌ای که در ضلع جنوبی مدرسه شریعتمدار واقع است مدفون شده و تاکنون قبرش مورد احترام اهالی می‌باشد.
وی عالمی مدبر و روشن‌ضمیر و عمری طولانی را با کمال عزت و جلالت طی نموده است.
آثار خیری که از آن مرحوم باقی مانده است از این قرار است.
1- مدرسه صلوات معروف به مدرسه شریعتمدار در سبزوار که ظاهراً در سال 1305 قمی از مال شخصی خود ساخته است و مورد استفاده است و مدرس بزرگ و باشکوهی دارد.
2- موقوفاتی که وقف بر طلاب مدرسه مزبوره و زوار ارض اقدس و اطعام در مجلس تعزیه حضرت سیدالشهداء (ع) نموده است.
3- حمامی در جنب مدرسه مزبوره واقع در بازار قدیم سبزوار که فعلا مخروبه است.
4- کاروانسرای مشهور به سرای آقا.
5- آثار خیری در کاشمر و خیرات دیگر.
(وف 1316 -1314 ق)، فقیه، مدرس، مرجع و نیکوکار. معروف به شریعتمدار. در مشهد رضوی از محضر میرزاحسن و ملا محمدتقی و ملا

علی، داماد صاحب «قوانین»، استفاده کرد. سپس به اصفهان رفت و از محضر حاج شیخ محمد ابراهیم کلباسی بهره‌مند شد. آن‌گاه به نجف مهاجرت کرد و از مجالس بحث صاحب «جواهر» و صاحب «انوار الفقاهه» و علامه انصاری و ملا زین‌العابدین گلپایگانی استفاده کامل نمود. علوی پس از تکمیل علوم و دریافت اجازه‌ی اجتهاد از صاحب «جواهر» به سبزوار بازگشت و ریاست و مرجعیت مردم را بر عهده گرفت و صاحب ثروت و شهرت فراوان گردید. او در سبزوار درگذشت. و در مقبره‌ای که در ضلع جنوبی مدرسه‌ی شریعتمدار واقع است دفن شد. از آثار وی: مدرسه صلوات، معروف به مدرسه‌ی شریعتمدار، در سبزوار که گویا در 1305 ق از اموال شخصی خود هزینه کرده است؛ حمامی در جنب مدرسه شریعتمدار؛ کاروانسرای مشهور به سرای آقا؛ آثار خیری در کاشمر.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 9 / 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (305 -304 / 5).

علوی سبزواری، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید میرزا ابوالقاسم بن سید حسن بن اسماعیل بن سید عبدالغفور علوی سبزواری عالمی جلیل و دانشمندی بزرگوار و مرجعی عالیقدر در سبزوار و برادرزاده مرحوم شریعتمدار و مورد وثوق عموم مردم بوده و در محرم سال 1355 ق در سبزوار وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی سبزواری، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید میرزا حسن بن سید اسماعیل بن عبدالغفور علوی عریضی سبزواری عالمی بزرگ و فقیهی جلیل‌القدر و متقی و مرجعی بزرگوار بوده و در سال 1255 قمری در سبزوار متولد شده و مهاجرت به نجف اشرف و مدت بیست سال اقامت و از محضر علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و دیگران استفاده نموده و پس از آن به سبزوار مراجعت و در آنجا به ریاست تامه و مرجعیت عامه رسیده و دو مرتبه به حج مشرف و در سفر دوم در 4 محرم 1332 قمری در نزدیکی مدینه شهید و در بقیع مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علوی سبزواری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1353 / 1352 -1268 ق)، فقیه، محدث، حکیم، متکلم و شاعر. در هفده سالگی با اجازه حاج ملا هادی سبزواری در مجلس درس آن حکیم حاضر شد و کتاب «اسفار» را نزد آن استاد تحصیل نمود. آن‌گاه به عراق رفت و در محضر درس فاضل اردکانی و میرزای شیرازی حضور یافت. بعد از وفات جلوه چند ماهی در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس ریاضی و حکمت پرداخت. پس از آن به سبزوار بازگشت و در آن شهر مرجعیت و ریاستی تمام یافت. به او در قبال حاج میرزاحسین سبزواری، میرزا حسین کبیر لقب دادند. آیت‌الله نجفی مرعشی از وی دارای اجازه بود. سید عبدالله برهان المحققین سبزواری و حاج میرزا علی‌اکبر نوقانی از شاگردان وی بودند. در سبزوار درگذشت و در مقبره‌ی استادش دفن شد. از آثار وی:«الارجوزه فی الفلسفه العالیه»؛ حاشیه بر «فرائد» شیخ انصاری؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الصوم»؛ «کتاب النذر»؛ «مشکاه الضیاء»، در بداء؛ تفسیر «آیه الخلافه»: (انی جاعل فی لارض خلیفه...).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (156 / 6 ،491 / 1)، ریحانه (191 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 570 -569 / 14)، المآثر و الآثار (172)، مکارم الآثار (1897 -1896 / 6).

علوی قزوینی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر بن ابی‌تراب بن مرتضی الحسینی القزوینی عالمی جلیل و دانشمندی متقی و پارسا فقیهی عابد و ناسکی زاهد از علماء محترم حوزه علمیه قم بوده است
وی در سال 1291 ق در قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح در سال 1319 مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیتین علمین کاظمین علامه یزدی صاحب (عروة) و آخوند خراسانی صاحب (کفایه) استفاده نموده و در سال 1332 مراجعت به قزوین نموده و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره داشته تا سال 1342 ق که به قم منتقل و به امر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حائری (مؤسس) حوزه علمیه در نشییید حوزه همکاری و تشویق محصلین علوم دینیه نموده و در مسجد بالاسر حضرت معصومه و مسجد عشقعلی اقامه جماعت داشته و هم تدریس بعضی از متون فقهی نموده تا در 28 صفر 1364 قمری بعد از کسالت ممتد بدرود حیات گفته و در مسجد بالاسر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللّٰه حائری مدفون شده است.
نگارنده گوید: مرحوم آقای قزوینی از عباد و زهاد علمائی بودند که توفیق زیارتشان را یافتم نسبت بحقیر محبتی داشته و همواره تشویقم بتحصیل علم و تهذیب اخلاق می‌فرمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی گرگانی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید محمد علی علوی حسینی گرگانی : خاندان : پدر بزرگوار ایشان، آیت‌اللّه آقای حاج سید سجاد علوی گرگانی - طاب ثراه - نخستین شخصیت علمی منطقه »گرگان و دشت« و از مشهورترین علمای استان مازندران به شمار می‌رفت. وی در سال 1322ق در یکی از روستاهای گرگان - النگ - در خانه آقا سید قاسم - که مردی دائم الذکر و متهجد و مؤمن و متدین بود و پسر دار نمی‌شد و با توسلات و ادعیه و اذکار فراوان، خداوند این پسر را در 65 سالگی‌اش بدو بخشید و پس از چند سال هم چشم از جهان فرو بست - به دنیا آمد. در حالیکه نوجوان بود، تندباد اجل، گوهر پدر و مادرش را به فاصله سه روز از کَفَش ربود و سرپرستی وی را مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمد هاشم کبیر کردکویی به عهده گرفت و مقدمات و ادبیات و بخشی از علوم دینی را از او آموخت. در سال 1344ق، به مشهد مقدس عزیمت نمود و نزد اساتید بنامِ حوزه علمیه آن شهر مانند حضرات آیات: میرزا مهدی اصفهانی، ملا هاشَم خراسانی، فاضل بسطامی و ادیب نیشابوری اوّل، سطوح عالیه را فرا گرفت. در 1347ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در محضر آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی، حاج شیخ محمد علی حایری قمی، حاج میرزا محمد فیض قمی، حاج شیخ ابوالقاسم قمی، میرزا محمد علی شاه آبادی و میرزا محمد ثابتی همدانی - قدس اللّه اسرارهم - زانوی ادب به زمین زد و فقه و اصول و حکمت و کلام را فرا گرفت در سال 1353 ق، به توصیه استاد بزرگوارش آیت‌اللَّه حایری یزدی به نجف اشرف رفت و مبانی علمی خویش را نزد آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، محقق اصفهانی و آقا ضیاء عراقی استوار ساخت و سخت مورد توجه آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت و همزمان به تدریس سطوح عالیه پرداخت)که از جمله شاگردانش در نجف، حضرات آیات: شیخ محمد ابراهیم و شهید شیخ مرتضی بروجردی - فرزندان آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ علی محمد بروجردی - ، و حاج میرزا علی محدث زاده و حاج میرزا محسن محدث‌زاده - فرزندان محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی)ره(و مرحوم شهید نواب صفوی بودند(وی، پس از 12 سال اقامت در نجف، بنا به تقاضای فراوان مردم گرگان از آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و امر معظم له، در 1365ق رهسپار

ایران شد و در حوزه علمیه قم رحل اقامت افکند و به تدریس سطوح عالیه فقه و اصول پرداخت)که از جمله شاگردانش مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا شهاب اشراقی بوده است(. پس از چندی، با اصرار مردم متدین گرگان و امرِ آیت‌اللّه العظمی بروجردی، در 1366ق به گرگان بازگشت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین)در مسجد جامع(، تدریس علوم دینی)در مدرسه عمادیه(- که از جمله شاگردانش فهرست‌نگار مشهور مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه، و فرزندان بزرگوارش، و حضرات آیات: طاهری گرگانی و جناتی شاهرودی بوده‌اند ، بنای حسینیه‌ها و مساجد و امامزادگان)که تعداد آنها به 200 بنا می‌رسد(، تفسیر قرآن - که چهار بار آن را به صورت کامل تفسیر نمود - و گره‌گشایی از مشکلات مردم و حلّ و فصل امور عامه پرداخت. وی به واسطه دارا بودن ملکات فاضله اخلاقی و مقام علم و دانش و تقوا، و بیان شیوا در مواعظ و نصایح و تفسیر قرآن، مورد توجه علما و مردم آن منطقه - از شیعه و سنّی - قرار گرفته و در فقه و تفسیر و اخلاق، گوی سبقت را از همگنان ربوده بود. او در پنجم ربیع الثانی 1407ق بدرود حیات گفت و جهانی از علم و معرفت را با خود به خاک برد.(1) فرزندان ایشان، به غیر از آیت‌اللّه العظمی علوی، حجج اسلام آقایان حاج سید محمدحسن و حاج سید محمد حسین علوی می‌باشند و دامادهای معظم له نیز حضرات آیات: حاج سید حبیب‌اللّه طاهری گرگانی و حاج سید حسن سبط احمدی می‌باشد. والده ماجده معظم له، صبیه مرحوم آقا شیخ علی اصغر مؤیّد الشریعه شاگرد و محرّر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد حجت کوهکمری، داماد مرحوم حجةالاسلام ملا محمود زاهد قمی(1325 - 1266) (2ق(نماینده مردم قم در اولین دوره مجلس شورای ملّی - در زمان مشروطیت - و همشیره‌زاده مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی بوده است. ابوالزوجه آیت‌اللّه العظمی علوی هم، ادیب نامی قم، شارح و ناظم نهج البلاغه و شاعر اهلبیت - علیهم‌السلام - مرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد علی انصاری قمی(1405 - 1328) (3ق(- صاحب کتابهای متعدد در دفاع از حریم تشیع - بوده است که او و برادرانش حضرات آیات: حاج شیخ مرتضی، حاج شیخ احمد و حاج شیخ محمود انصاری، همه از مشاهیر علما و خطبای قم و نجف اشرف بوده‌اند. ولادت : آیت‌اللّه العظمی علوی، در خجسته ایّام ولادت با سعادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام اللّه علیها در سال 1359ق)خرداد 1318 ش(در نجف اشرف، در بیت فضیلت و تقوا زاده شد. این ولادت، موجی از شادی و سرور در دل پدر بزرگوارش برانگیخت، چه تا آن زمان چند پسر برای وی متولد شده بودند امّا همگی در همان کودکی، از دنیا رفته بودند. لذا وی به ساحت مقدس امیرالمؤمنین علیه‌السّلام متوسل شد و از آن حضرت، درخواست فرزندی عالم و صالح

نمود. رویای صادقه : آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی، شبی در عالم خواب به محضر امیرمؤمنان علیه‌السّلام مشرّف شد و حضرت، بدو مژده ولادت پسری را در آینده نزدیک داد و از او خواست تا فرزندش را به نام »علی« نامگذاری نماید. هنگامی که این پسر به دنیا آمد، پدرش برای رعایت استحباب او را بنام »محمد« و برای قولی که به امیرالمؤمنین علیه‌السّلام داده بود، او را به »علی« نامگذاری کرد. پدرش، بارها بدو می‌گفت: محمدعلی! تو با دیگر برادرانت تفاوت خواهی داشت و در آینده به مقامات عالیه خواهی رسید. چون تو را با توسل به ذیلِ عنایت امیرالمؤمنین، از خدا گرفته‌ام. معظم‌له، در دامان پاک پدر و مادرش - رحمةاللّه علیهما - بالید و پرورش یافت و بسیاری از مسائل دین و خواندن و نوشتن را در محضر پدرش بیاموخت. تحصیلات : آیت‌اللّه العظمی علوی، هفت ساله بود (1365ق(که همراه پدر بزرگوارش به ایران باز آمد و به قرائت قرآن مجید و آموختن نصاب و حساب و گلستان و پس از آن به یادگیری فنون ادب و علوم عرب نزد ایشان پرداخت. نخست، ادبیات و مغنی و مطوّل و بخشی از شرح لمعه را نزد والدش بیاموخت و در سنّ شانزده سالگی (1374ق(، همراه با معظم له و گروهی از همشهریانش به زیارت عتبات عالیات، بیت اللّه الحرام و بیت المقدس و شامات نائل آمد)و در طول مسیر به بازگویی مسائل شرعی و خواندن کتابهای دینی برای کاروانیان می‌پرداخت(، در بازگشت از سفر حج، قصد ماندن و تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف را داشت که مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم)ره( )در زمانی که به دیدار پدر بزرگوارش آمده بود، و از قصد ایشان آگاه شد(فرمودند: اگر ایشان در حوزه علمیه قم به تحصیل بپردازد بهتر است، چون حوزه قم واجد دو ویژگی است: فنّ تدریس و فنّ سخنوری، شخصی که در آن حوزه تحصیل نماید هر دو را فرا می‌گیرد، هم درس می‌خواند و هم درس می‌دهد و هم به تبلیغ دین می‌پردازد، و لذا رهسپار حوزه علمیه قم شد و در محضر درس اساتید بزرگ همانند حضرات آیات: مجاهدی تبریزی، سلطانی طباطبایی و ستوده اراکی، زانوی ادب به زمین زد و باقیمانده سطوح را فرا گرفت و این همه، 4 سال به طول انجامید.)که نشانگر استعداد بسیارش در کسب معلومات و ضبط محفوظات است(. اساتید : معظم له، در خلال تحصیل خویش توفیق یافت از دانش سرشار استوانه‌های علم و فقاهت، توشه‌ها برگیرد و مبانی علمی‌اش را استوار سازد. آنان عبارتند از: 1. زعیم بزرگ شیعه آیت‌اللّه العظمی بروجردی، که سه سال از درس فقه ایشان بهره برد. 2. رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه العظمی امام خمینی، که هشت سال از درس اصول ایشان استفاده کرد. 3. آیت‌اللّه سید محمد محقق احمدآبادی یزدی - مشهور به محقق داماد - که دوازده سال از درس فقه و اصول وی بهره برد. 4. آیت‌اللّه العظمی

سید محمدرضا موسوی گلپایگانی. 5. آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی. 6. آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی اراکی. 7. آیت‌اللّه حاج آقا مرتضی حایری یزدی - که مدّت 15 سال در درس فقه ایشان شرکت جُست و مورد توجه فراوان معظم له بود. همچنین، معظم له در ایام تعطیل حوزه علمیه قم در فصل تابستان به مدت هفت سال، به نجف اشرف می‌رفت و علاوه بر زیارت عتبات عالیات، به درس علمای بزرگ نجف رفته و از آنان بهره‌ور می‌شد. ایشان عبارتند از آیات عظام: امام خمینی، آقای خویی، آقای شاهرودی و میرزا باقر زنجانی قدّس اللّه اسرارهم. تدریس : استاد معظّم آیت‌اللّه العظمی علوی مدظلّه العالی، عمر پر بار خویش را به تألیف و تدریس و تبلیغ دین گذرانیده است. ایشان از همان اوانِ تحصیل، به تدریس کتب ادبیات و سطوح پرداخت. (1334ش(بارها سیوطی و مغنی و مطوّل، شرح شمسیه و شرح نظّام را تدریس کرد و در همان زمانِ نوجوانی (16 سالگی(کتاب »کشف الغاشیة عن وجه الحاشیه« را تألیف نمود. از سال 1382 ق به تدریس سطوح)معالم، قوانین، شرح لمعه و شرح تجرید(و سطح عالی)رسائل، مکاسب و کفایه و شرح منظومه(پرداخت و گاه روزانه، چهار درس را تدریس می‌کرد و درسهایش، در زمره معروفترین و چشمگیرترین درسهای حوزه علمیه قم بود. یکی از مورخین حوزه علمیه قم - بیش از 30 سال پیش (1350ش(درباره ایشان، نوشت: معظم له از فضلاء و مدرّسین و اساتید سطوح عالی حوزه علمیه است، که به زیور علم و تقوا و متانت و بزرگواری آراسته است.(4) جناب استاد، در سال 1405ق بود که بنا به تقاضای گروهی از فضلاء تدریس خارج فقه)بر اساس کتاب شرایع الاسلام ابوالقاسم نجم الدین جعفرِ محققِ حلّی(را آغاز کرد و تاکنون کتابهای: طهارت و زکات را به پایان برده و هم اکنون شرح کتاب صلاة را ادامه می‌دهند و همزمان خارج اصول را نیز بر پایه کفایة الاصول آغاز نمود که دوره کامل آن 15 سال به طول انجامید و به پایان رسید و هم‌اکنون دومین دوره آن، آغاز شده است. وی در طول 40 سال تدریس خویش، فضلای بی‌شماری را از سرچشمه زلال علوم اهلبیت علیهم‌السلام، بهره‌مند ساخته که بسیاری از آنان، هم اینک در شهرهای مختلف و سمَتهای گوناگون مانند: تدریس در حوزه و دانشگاه، امامت جمعه و جماعت، قضاوت و نمایندگی مجلس به خدمت به اسلام و مسلمین اشتغال دارند. تبیلغ دین : قرآن مجید، یکی از وظایف فقیهان و عالمانِ دین را انذار مردمان و تبلیغ رسالات خداوند بر می‌شمرد. آیه شریفه »نَفْر« وظیفه یکایک اندیشمندان را تعیین نموده و آن »ابلاغ تکلیف« است. آیت‌اللّه العظمی علوی هم بر طبق عمل به وظیفه خویش، از همان اوان طلبگی‌اش به تبلیغ دین پرداخت و سالیان فراوان در ایام ماه مبارک رمضان و محرّم و صفر بر

مسند وعظ و ارشاد تکیه زده و هزاران نفر را با بیان شیوا و سخنان زیبای خویش از آبشخور علوم اهلبیت - علیهم‌السلام - سیراب نموده است و این شیوه پسندیده، حتی پس از مرجعیت معظم له ادامه دارد. ایشان، به جز این ایام، سالیان فراوان، قبل از رسیدن به مرجعیت (18 سال متمادی(در گرما و سرما، در تابستان و زمستان هر پنجشنبه و جمعه به تهران می‌رفت و پیرامون معارف دین در مسجد فاطمیه سخن می‌گفت و در همین راستا، هیئت محترم وحدت فاطمیه و صندوق قرض الحسنه آن را هم تأسیس نمود و همزمان به تدریس شرح منظومه و شرح تجرید و اصول اعتقادات به گروهی از اساتید دانشگاه و دانشجویان محترم می‌پرداخت. شیوه تدریس : درس معظم له از ملاحت گفتار، تتبع اقوال و دقّت و بررسی آنها، تحقیق مبسوط در روایات)فقه الحدیث(و جمع بین اخبار متعارضه و بررسی رجال حدیث برخوردار است. ایشان، با نظر افکندن در کتابهای متداول و غیر متداول)همانند: غنائم الایام میرزای قمی، وسیلة المعاد ملا اسماعیل عقیلی نوری، جامع المدارک آیت‌اللّه خوانساری(و نقد و بررسی آنها و کاویدن ادلّه، سرانجام قولی را برگزیده، که گاه این سخن با سخنِ دیگر فقیهان منطبق بوده و گاه متفرّد است. ایشان، به حضور منظّم و بدون تعطیل در ایّام درسی و سرِ ساعت، بدون‌اندکی‌تأخیر - مقیّد بوده، و در روزهای چهارشنبه به شرح و توضیح حدیثی از فرمایشات پیامبر اکرم)ص(می‌پردازد - و اگر روزی چهارشنبه، تعطیل باشد این کار را در روز پیشین آن انجام می‌دهد - و از این رهگذر تاکنون به شرح وصایای رسول خدا)ص(به امیرالمؤمنین علیه‌السّلام، ابوذر غفاری و عبداللّه بن مسعود توفیق یافته است.)که شرح وصایای پیامبر اکرم)ص(به ابوذر به نام انوار اخلاقی »ره‌توشه پارسایان« چاپ رسیده است(. معظم له در طول درس، به یکایک پرسشها و اشکالات - هر چند سست و بی‌پایه - شاگردان خود گوش فرا داده و با خوشرویی و اخلاق حسنه به پاسخ آنها می‌پردازد و از شاگردان سخت‌کوش خویش به شایستگی تقدیر به عمل می‌آورد و بر فراز منبر تدریس، از آنان احترام می‌نماید. ایشان در خلال درس، نیز به ذکر مطالب مناسب از تاریخ و تفسیر و رجال و مواعظ نیز پرداخته و درسش، آمیزه‌ای از مطالب گرانقیمت و ارزشمند است، که نتیجه سالیان فراوان مطالعات مختلف و تجربه‌های بسیار معظم له می‌باشد. مرجعیّت : معظم له، یکی از چهره‌های مشهور علم و تقوا و فقاهت در حوزه علمیه قم بوده و در زمان مرجعیت آیاتِ عظام و مراجع تقلید پیشین، چشمهای بسیاری به سویش دوخته شده بود، پس از ضایعه وفات آنان بود که بسیاری از مردم مؤمن و متدین - به ویژه اهالی مازندران و گیلان - از جنابش تقاضای رساله عملیه نمودند، که معظم‌له در سال 1412ق، فتاوای خویش را در اختیار همگان قرار دادند - که به

زبانهای عربی و اردو نیز ترجمه شده - و بسیاری از مؤمنان در داخل و خارج کشور تقلید ایشان را پذیرفته و بخشی از شهریه طلّاب حوزه علمیه قم، همه ماهه توسط ایشان پرداخت می‌گردد تالیفات : استاد بزرگوار ما، آیت‌اللّه العظمی علوی به جز تدریس منظّم فقه و اصول)که صدها نوارِ آن موجود است(، تبلیغ و ترویج شعائر دینی، پرورش شاگردان فراوان و راهنمایی مردمان و مقلّدان، دارای تألیفات متعدد فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی است، که نام آنها عبارتند از: الف. آثار چاپی: 1. توضیح المسائل)به اردو ترجمه شده است(. 2. اجوبة المسائل یا پاسخ به جدیدترین استفتائات (2 ج(. 3. مناسک حج.)آداب، اعمال و استفتائات حج(. 4. منهج الصالحین)رساله توضیح المسائل عربی(. 5. منهج الناسکین)مناسک حج عربی(. 6. نورالهدی)تعلیقه بر عروة الوثقی(. 7. المناظر الناضرة فی احکام العترة الطاهرة)ج 1. بخشی از کتاب الطهارة(. 8 . تعلیقه بر تحریرالوسیله (2 ج، چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)ره((. 9. گلچینی از انوار اخلاقی)برگزیده درس اخلاق روز چهارشنبه(. 10. ره‌توشه پارسایان، انوار اخلاقی)ج 1، شرح وصایای پیامبر اکرم به ابوذر غفاری(. 11. توحید از دیدگاه علم)یکی از سخنرانی‌های معظم له(. ب. آثار غیر چاپی: 1. المناظر الناضرة)ج 2 تا 10. شرح مفصّل ابواب طهارت، صلاة و زکات شرایع الاسلام(. 2. لئالی الاصول (10 جلد. از مباحث الفاظ تا پایان استصحاب(. 3. زبدة اللئالی - تلخیص کتاب فوق. 4. القواعد الفقهیة)قاعده‌های: ضمان، لا ضرر، تقیه، عدالت، میسور و اصالة الصحة(. 5. رساله در فروع علم اجمالی. 6. رساله در تعادل و تراجیح. 7. رساله در اجتهاد و تقلید. 8 . تقریرات درس فقه آیت‌اللّه العظمی بروجردی)بحث: طهارت و قضا(. 9. تقریرات درس فقه آیت‌اللّه محقق داماد)کتاب صلاة وحج(. 10. تقریرات درس فقه آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی)کتاب طهارت(. 11. تقریرات درس فقه آیت‌اللّه اراکی)بحث صلاة الجمعة(. 12. تقریرات درس فقه آیت‌اللّه حاج آقا مرتضی حایری)کتاب طهارت و خمس(. 13. تقریرات درس اصول آیت‌اللّه العظمی امام خمینی)از بحث مقدمة واجب تا آخر قطع و ظن(. 14. تقریرات درس اصول آیت‌اللّه محقق داماد)دوره کامل(. 15. تعلیقه بر وسیلة النجاة. 16. تعلیقه بر منهاج الصالحین. 17. کشف الغاشیة عن وجه الحاشیة)توضیح مشکلات حاشیه ملا عبداللّه، اولین تألیف معظم له(. 18. نورالبیان فی تفسیر القرآن. 19. طبقات الرجال. 20. ره‌توشه پارسایان انوار اخلاقی)ج 2 و 3. شرح وصایای پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین و عبداللّه بن مسعود(. بناهای ماندگار: آیت‌اللّه‌العظمی علوی، احداث و بنیاد بناهای خیریه و عام‌المنفعه را وجهه همّت خویش ساخته و تاکنون در ساختمان - کلّی یا جزئی - چندین بنای خیر، نقش اساسی و سهم چشمگیر داشته است. معظم له، علاوه بر

اجازه مصرف بخشی از وجوه شرعیه برای احداث بناهای عام المنفعه، خود نیز به بنیادِ مسجد، حسینیه، درمانگاه و صندوق قرض الحسنه در نقاط مختلف اقدام فرموده است. تعمیر بخشی از مسجد جامع گرگان، تأسیس و تعمیر چند مسجد در گرگان و روستاهای اطراف، مسجد اعظم(5) و درمانگاه آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی در روستای النگ، حسینیه سیّدالشهداء در مهدی شهر سمنان، صندوق قرض الحسنه و هیئت محترم »وحدت فاطمیة« در خیابان هفده شهریور جنوبی)تهران(- از آن جمله است. همچنین دفتر معظم له در قم و مشهد مقدس، در ایّام ولادت و شهادتِ ائمة اطهار - علیهم‌السلام - و روزهای پنجشنبه هر هفته، شاهد برگزاری مجالس معظم و با شکوهی است که خطبا و وعاظ محترم پیرامون معارف شیعی و احیای امر اهلبیت علیهم‌السلام، به سخنرانی می‌پردازند و نام و یاد اهلبیت عصمت و طهارت را گرامی می‌دارند. خداوند بر دوامِ توفیقات و صحّت و خدمات ایشان بیافزاید و به آمال و مقاصدش در اجرای فرامین الهی، جامه عمل بپوشاند.

---------- 1) آثار الحجة 342/2؛ گنجینه دانشمندان 415 - 413/6؛ آینه دانشوران /272؛ مجله مسجد، ش 35، ص 87 - 82.

2) رجال قم/162؛ گنجینه دانشوران /203؛ گنجینه آثار قم 371/1؛ اختران تابناک، ج 2، ص 196.

3) گنجینه دانشمندان 343 - 339/2؛ اثرآفرینان 321/1؛ سخنوران نامی معاصر 404 - 401/1؛ مؤلفین کتب چاپی 192/4؛ الذریعه 108/9 و 1000؛ کتابنامه حضرت زهرا /28 - 23؛ فرهنگ رجال و مشاهیر 186-185/2.

4) گنجینه دانشمندان)شریف رازی(، ج 2، ص 206؛ اختران تابناک)محلاتی(، ج 2، ص 196.

5) این مسجد عظیم - که در نوع خود بی‌نظیر است و در آن نواحی به سان گوهری‌می‌درخشد - در سال1350ش ساخته شد. ماده‌تاریخ ساختمان آن را مرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدعلی انصاری قمی چنین سروده است:

این مسجد اعظم که درش بر همه باز است
ستوار چو کعبه که در مُلک حجاز است
از همت مردان خدا طی شد و تاریخ
تا روز جزا قبله‌گه اهل نماز است (1390ق(

علوی، سجاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید سجاد بن آقا سید قاسم علوی گرگانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر گرگانست.
معظم له در سال 1332 قمری در قریه (النگ) از قراء کرد کوه گرگان متولد شده و از سن هفت سالگی شروع به تحصیل مقدمات و قرائت قرآن نموده و در سن پانزده سالگی والدین خود را در مدت یک هفته از دست داده و در تحت نظر حجةالاسلام مرحوم ملا محمدهاشم کردکوهی ادامه به تحصیل داده تا سال 1345 قمری که به مشهد مقدس رضوی عزیمت و حدود سه سال در آن سامان از مرحوم فاضل بسطامی و ادیب بزرگ نیشابوری (میرزا عبدالجواد) و آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم و سید بحرالعلوم و مقداری مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده و تکمیل ادبیات سطوح عالی را نموده.
و در سال 1347 ق مهاجرت به قم و مکاسب و رسائل و کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی به پایان رسانیده و طهارت شیخ را هم از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد فیض قمی فراگرفته و حکمت و فلسفه را از مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی استفاده و از درس خارج صلوة مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و درس اصول آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی استفاده نموده و در سال 1353 قمری با توصیه و تصویب مرحوم آیت‌اللّه حایری (مؤسس حوزه) مهاجرت به نجف و محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه محقق آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا برحسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت‌اللّه محقق آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا بر حسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی مراجعت به ایران و چندی در گرگان و زاده‌گاه خود اقامت و در سال 1366 ق بقصد توطن به قم عزیمت و در حوزه علمیه به تدریس مکاسب و کفایه پرداخته و بعد از چند ماه با اصرار اهالی گرگان و امریه مرحوم آیت العظمی بروجردی به گرگان برگشته و تا حال تحریر در مسجد جامعه به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه علوی گرگانی به واسطه داشتن ملکات فاضله

اخلاقی و مقام علم و دانش و قدس و تقوا و بیان شیوا و جامع در مواعظ و نصایح و ملاحت سخن در تفسیر قرآن مورد توجه قاطبه اهالی گرگان و اطراف آن و محبوبیت بخصوص دارد.
دارای فرزندان برومند و دانشمندی می‌باشد که از باقیات الصالحات و مصداق حدیث شریف (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشند و آنها از این قرار است.
1- جناب حجةالاسلام حاج سید محمدعلی علوی که از مدرسین و افاضل حوزه علمیه قم می‌باشند و در ج 2 ص 206 ترجمه اجمالی وی گذشت.
2- ثقةالاسلام آقای آقا سید حسن علوی که از محصلین جدی و بارع حوزه علمیه و آینده درخشانی دارند.
3- ثقةالاسلام آقای آقا سید حسین علوی که از محصلین جدی و یا برادر مذکورش در حوزه اشتغال بتحصیل و از دانشمندان بزرگ آتیه خواهند بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علویجه‌ای، عباس علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند غلام‌رضا. عالم فاضل، و فقیه جامع، در غره‌ی شعبان 1283 در علویجه از بلوک عربستان اصفهان متولد گردید، در اصفهان مقدمات علوم را فراگرفته، در 1308 به نجف اشرف مهاجرت نموده، به درس حاج میرزا حسین خلیلی و جمعی دیگر حاضر شده، و به آیةاللاه صفهانی اختصاص یافته؛ در حسن خلق و تقوی و زهد معروف بوده.
سرانجام در 7 شعبان 1355 وفات یافته، در وادی‌السلام مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علیاری تبریزی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1236- 1327 ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب و شاعر. وی در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزااحمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقای مجتهد به نجف رفت و در آن جا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تلمذ نمود و به اجازه‌ی اجتهاد و روایت از هریک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و بی وقفه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر درسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردرودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در 1333 ق نگاشته است. از آثار وی: «بهجه الآمال فی علم الرجال»، که شرحی است بر «زبده‌ی المقال» و «منتهی الآمال»، در علم رجال، در پنج مجلد؛ «ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض»؛ «مشکاه الوصول فی علم الاصول»، در شش مجلد؛ «مناهج الاحکام فی اصول الفقه»، شرح مزجی بر «معالم»، در پنج مجلد؛ «منهاج المله فی تعیین الوقت و القبله»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»، در پنج مجلد؛ «ریاض المقاصد»، در شرح قصیده‌ی حسن بن راشد حلی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛
شرح «دعای سمات»؛ «نهج الاعلان فیما یثبت به دخول رمضان»؛ «الوافیه»، در شرح «لغز الکافیه» شیخ بهایی؛ «هدایه الطالبین»، رساله‌ی عملیه؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (282 / 8)، الذریعه (17 / 25، 410 / 24، 64 / 21، 250 / 13، 760 / 9، 160- 159 / 3، 496 / 2)، ریحانه (193- 192 / 4)، سخنوران آذربایجان (122- 120)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1479- 1476 / 14)، علماء معاصرین (97- 96)، لغت‌نامه (ذیل/ علی علیاری)، معجم المؤلفین (140 / 7).

علیمرادیان، عزیزاللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عزیزاللَّه بن المرحوم حاج کریم علیمرادیان نهاوندی از علماء اعلام معاصر این شهرستانست.
وی در تاریخ هشتم شوال 1325 قمری در بلده نهاوند متولد شده و پس از تکمیل دروس فارسی و مقدماتی در سال 1343 قمری به قم مشرف شده در حوزه علمیه قم دروس و سطوح اولیه و وسطی و نهائی را در نزد اساتید بزرگ حجج اسلام و آیات عظام چون مرحوم حجةالاسلام آقا سید مهدی کشفی و مرحوم حجةالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ حسن فاضل و مرحوم آیت‌اللَّه آقاشیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌اللَّه حاج سیداحمد خونساری و آیت‌اللَّه آقاشیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا گلپایگانی فراگرفته و 4 سال از درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه مؤسس حاج شیخ عبدالکریم یزدی استفاده نموده.
و پس از فوت معظم‌له از درسهای خارج آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه صدر استفاده و حظ وافر برده و در سال 1362 به نهاوند مراجعت و متصدی امور شرعیه آن شهرستان شده و تاکنون به انجام وظائف امور دینیه و اقامه جماعت و تعمیر مساجد و امکنه مقدسه من جمله مدرسه علمیه جدید البناء و تربیت عده‌ای از محصلین علوم دینی گردیده و فعلا حدود سی نفر از آنها در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند و چند نفر از آنها به درجات عالیه علمی نائل و قریب‌الاجتهاد می‌باشند و در علوم رسمی فقه و اصول و غیرها جزواتی به رشته تحریر درآورده‌اند.
مؤلف گوید مترجم معظم از علماء متین و مبرز می‌باشند قریب چهل سالست آشنائی کامل با ایشان دارم از غالب آیات عظام گذشته چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه خونساری معاصر و گذشته و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی و دیگران اجازه اجتهاد و روایتی و غیره دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عماد جوینی، شیخ الشیوخ، ابوالفتح عمر

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(636 -581 ق)، محدث، فقیه و مدرس. در دمشق به دنیا آمد و در مصر نشوونما یافت. وی از اثیر ابن بنان و شهاب غزنوی حدیث شنید. وی بعد از پدرش عهده‌دار تدریس در قبه شافعی و مشهد الحسین و مشیخه السعدیه یا مشیخه الشیوخ مصر شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (99 -97 / 23)، شذرات الذهب (181 / 5)، العبر (228 / 3)، النجوم الزاهره (278 / 6).

عماد فقیه کرمانی، عمادالدین علی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 773 ق)، عارف و شاعر، متخلص به عماد. معروف به خواجه عماد فقیه و ملقب به شیخ الاسلام. وی معاصر حافظ و از مداحان آل‌مظفر و مخصوصا شاه شجاع بود. از جمله آثارش: مثنویهای: «صحبت‌نامه»؛ «محبت‌نامه»؛ «ده‌نامه»؛ «صفانامه» یا «مونس الابرار»؛ «طریقت‌نامه». التبه این مثنویها به همراه قطعات، غزلیات و رباعیات عماد در مجموعه‌ی «کلیات» وی جمع شده است.[1]
(خواجه) عمادالدین کرمانی متخلص به عماد، فقیه و زاهد و شاعر معروف (ف. 773 ه.ق.). وی در عهد امیر مبارزالدین و شاه شجاع در کرمان محترم می‌زیست و هر دو پادشاه نسبت به او اخلاص و ارادت داشتند. عماد در کرمان خانقاهی داشت و به سرودن شعر نیز می‌پرداخت. از آثار او دیوان غزل وی و پنج مثنوی (صحبت‌نامه صاحبدلان، طریقت‌نامه) را باید نام برد. بعضی نوشته‌اند که وی گربه‌ای تربیت کرده بود به طوری چون وی نماز می‌گذارد وی بدو اقتدا می‌کرد و همین مورد توجه خلق و از جمله شاه شجاع و حافظ به تعریض اوست که می‌گوید:
«صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
آغاز مکر با فلک حقه باز کرد»
«بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه
زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد»
«ای کبک خوش خرام کجا می‌روی؟ بایست
غره مشو که گربه عابد نماز کرد».
ولی صحت این داستان مورد تردید فاضلانست، چه در مدارک قدیم و معتبر این روایت نیامده، و از سوی دیگر «گربه عابد» و «گربه روزه دار» (یا گربه صائم) مثل بوده است. بعضی غزلیات حافظ و عماد نزدیک به یکدیگر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (632 -624 / 2)، از سعدی تا جامی (344 -340)، بهارستان جامی (119)، تاریخ ادبیات در ایران (995 -985 / 3)، تذکره الشعراء (286 -282)، حبیب السیر (315 / 3)، دایره‌المعارف فارسی (1768 / 2)، الذریعه (767 -766 / 9)،ریاض العارفین (110

-109)، شخصیت‌های نامی (344)، طرائق الحقائق (681 -680 / 2)، فرهنگ ادبیات فارسی (350)، فرهنگ سخنوران (654).

عمید زنجانی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا عباسعلی عمید زنجانی سبط فیلسوف بزرگ و فقیه جامع آیت‌اللّه میرزا مجید زنجانی از علماء و نویسندگان معاصر تهران است و در مسجد لرزاده به اقامه جماعت و تدریس و ترویجات دینی اشتغال دارد.
وی در سال 1316 شمسی در شهرستان زنجان متولد شده و تحصیلات جدید کلاسیک را با مقدمات علوم دینی در آنجا خوانده و در سال 1370 ق مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را بطرز خصوصی از محضر اساتید با فضل و کمال حوزه فراگرفته و سپس در حوزه درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و ضمنا علوم هیئت و کلام و فلسفه را از اساتید معروف آموخته و در سال 1340 شمسی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آن سامان از محضر دو نابغه علمی آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و آیت‌اللّه آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌اللّه بهره‌ها برده و دراسات آن دو استاد بزرگ را برشته تحریر و تقریر درآورده و در مراجعت از نجف اشرف در سال 1347 شمسی افتخار مصاهرت با حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله را پیدا و بار دیگر در قم برای ادامه تحقیق و تدریس توقف و شرکت در درس فقه آیت‌اللّه العظمی مرعشی نموده تا سال 1391 ق که بدرخواست جمعی از مومنین تهران برای امامت مسجد لرزاده که یکی از مساجد حساس و بنام مرکز و از آثار مرحوم مبرور آیت‌اللّه عالم ربانی حاج شیخ علی‌اکبر برهان است منتقل به تهران شده و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و ارشاد و امامت و تدریس و خدمات اجتماعی اشتغال دارند.
دارای تألیفات ارزنده و آثار آموزنده‌ای می‌باشند که بقسمتی از آنها اشاره میشود:
1- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف مطبوع از دارالکتب الاسلامیه
2- اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز مطبوع از دارالکتب الاسلامیه
3- اسلام و حقوق ملل مطبوع از دارالکتب الاسلامیه
4- حقوق اقلیتها مطبوع از انتشارات صدر
5- بنیادهای اصیل مطبوع از کتابخانه بزرگ اسلامی.
6- اسلام و سیستم بیطرفی.
7- مبانی تفسیر.
8- رساله‌ای در نکاح کتابیه.

9- رساله‌ای در ترتب.
10- المنهاج فی شرح وسیله النجاه.
13 -12 -11- سع جلد در قم برشته تحریر آورده که با همکاری چند تن از فضلاء تألیف و نشر گردیده است.
14- مقالاتی در نشریات ماهیانه حوزه انتشار داده است.
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دارای تحصیلات حوزوی.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
کامپیوتری کردن علوم اسلامی، کامپیوتری کردن قوانین و مقررات، تکنولوژی جدید انفورماتیک، فقه و علوم حدیث، تفسیر و علوم قرآنی، فلسفه و عرفان اخلاق، ادیان و کلام اسلامی، تاریخ اسلام و سیره، حقوق و قوانین، استاد راهنمای 35 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 20
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
حقوق اسلامی، تفسیر و مبانی آن، فقه، فقه سیاسی، اقتصاد اسلامی، تاریخ تصوف و عرفان، حقوق اقلیتها و مبانی انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 50، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
مباحث مختلف حقوقی، مباحث فقه سیاسی، مسئولیت بین‌المللی ناشی از جریان سلمان رشدی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عمیدی سمرقندی، رکن الدین، ابوحامد محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 615 ق)، متکلم، اصولی و فقیه حنفی. وی در علم خلاف و مناظره ماهر بود و در مباحثه روشی مشهور داشت. او یکی از چهار تن شاگردان معروف رضی‌الدین نیشابوری است که شهرت بسیار داشتند. نظام‌الدین احمد ابن شیخ جمال‌الدین محمود حصیری از شاگردان و ملازمان اوست. گفته‌اند که او دارای حسن اخلاق و تواضع بسیار بود. وی در بخارا درگذشت. از آثارش: «الجست»؛ کتاب «الارشاد»، در علم خلاف و جدل، که گروهی از جمله: قاضی دمشق، شمس‌الدین احمد خویی، و بدرالدین مراغی و اوحدالدین دونی و نجم‌الدین و ابن‌مرندی به شرح آن پرداخته‌اند؛ «الطریقه فی الخلاف و الجدل» یا «الطریقه العمیدیه»؛ «النفائس»،در جدل، که قاضی شمس‌الدین خوبی آن را مختصر کرد و «عرائس النفائس» نامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (98 -97، 77 -76 / 22)، شذرات الذهب (64 / 5)، العبر (167 / 3)، کشف الظنون (1966، 1113، 69)، معجم المؤلفین (287 / 11).

عمیدی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بن حاج غفار عالمی جلیل و فقیهی بیعدیل بوده از شاگردان مرحوم آیت‌اللّٰه حاج ملاعلی کنی و نسبش به شیخ بهاءالدین عاملی منتهی می‌شده و در حدود سال 1327 وفات نموده و از آثار باقیه او مسجدی است در گلپایگان.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عمیری هروی، ابوعبدالله محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(489 -398 ق)، فقیه، محدث و زاهد. فقه آموخت و در آن پیشگام بود. سماع حدیث را از 407 ق آغاز کرد. وی از پدرش، از عباس بن فضل نضروی، و علی بن ابی‌طالب خوارزمی و علی بن جعفر قهندزی و عبدالرحمان بن محمد دیناری و ضمام بن محمد شعرانی و عده‌ای دیگر در هرات و از قاضی ابوبکر حیری در نیشابور و از ابوعلی بن شاذان و اقرانش در بغداد و از محمد بن حسین صنعانی در مکه حدیث شنید. عمیری حج گزارد و به یمن نیز مسافرت کرد. او روایات بسیاری نقل می‌کرد. ابن‌طاهره و مؤتمن و محمد بن ابی‌علی همدانی و ابوالوقت و علی بن حمزه و ابونضر فامی و جنید قاینی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را به عنوان پیشوایی زاهد و مورد اعتماد در حدیث ستوده‌اند. ابوعبدالله دقاق گوید که برای عمیری در خراسان نظیری نبود تا چه رسد به هرات.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (4 / 242)، سیر النبلاء (71 -69 / 19)، شذرات الذهب (3 / 394)، العبر (2 / 361)، الوافی بالوفیات (4 / 141).

عنبری اصفهانی، ابونهشل عبدالصمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(517 -427 ق)، فقیه و محدث. پدرش از فضلای ادبا بود. ابوالحسین بن فاذشاه به وی اجازه داد و عنبری از او «جزء الزهد» اسد بن موسی و از ابن ریذه «معجم» بزرگ و کوچک طبرانی و ازهارون بن محمد «فضایل القرآن» عبدالرزاق و همچنین «بر الوالدین» ابوالشیخ را شیند. سلفی و ابوموسی مدینی و ابوجعفر محمد بن اسماعیل طرسوسی و مسعود بن ابی‌مصنور جمال و مسعود بن محمود عجلی و عبدالواحد بن ابی‌مطهر صیدلانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوسعد سمعانی گوید که عنبری به وی اجازه روایت داده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (485 -483 / 19).

عنبری اصفهانی، ابوهذیل زفر

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1158 -110 ق)، فقیه حنفی. معروف به ابوهذیل عنبری. اصل وی از اصفهان بود و در بصره مقیم. ابونعیم حافظ گوید که پدر عنبری، هذیل، والی اصفهان بود. شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق (ع) و ابن‌داوود او را از اصحاب امام صادق (ع)و امام کاظم (ع) شمرده‌اند. ذهبی او را برجسته‌ترین شاگرد ابوحنیفه می‌داند و می‌گوید که او نزد ابوحنیفه فقه آموخت تا فقیهی کامل گشت. حیدث را بخوبی فهم می‌کرد و خود می‌گفت که قادر به غربال حدیث است. او از حسان بن ابراهیم کرمانی و اکثم بن محمد و ابونعیم ملائی و نعمان تیمی و مالک بن فدیک و اقران آنان حدیث روایت کرده است. ابن‌معین او را محدثی مورد اعتماد توصیف نموده است. او در ابتدا از اصحاب حدیث بود اما تحت تربیت ابوحنیفه به اصحاب الرأی مایل شد، گرچه اوتا زمانی که حدیثی می‌یافت به رأی نمی‌پرداخت. وی مدتها متولی قضای بصره بود، و در همان شهر نیز وفات یافت. عنبری یکی از کسانی است که جامع بین علم و عمل و عبادت بود. تصانیفی چند از وی بجای مانده است که از آن جمله «المقالات» و «مجرد»، در فروع می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (78 / 3)، اعیان الشیعه (61 / 7)، الجرح و التعدیل (ج 1 ق 609 -608 / 2)، رجال ابن‌داود (قسم 454 / 2)، رجال الطوسی (201)، ریحانه (301 -300 / 7)،سیر النبلاء (41 -38 / 8)، شذرات الذهب (243 / 1)، طبقات ابن‌سعد (361 / 6)، العبر (176 / 1)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (376)، کشف الظنون (1782)، المیزان (136 -134 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالهذیل)، معجم رجال الحدیث (266 -265 / 7)، معجم المؤلفین (181 / 4)، النجوم الزاهره (41 / 2)، الوافی بالوفیات (201-200 / 14)، وفیات الاعیان (319 -317 / 2)، هدیه العارفین (373 / 1).

عنزی جرجانی، ابوعبدالله حسین

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 398 ق)، فقیه. معروف به وراق جرجانی. وی در بغداد ساکن بود. او به دنبال حدیث سفرها کرد و شناخت و فهم درستی از آن یافت. از محمد بن حسن بن سیرونه و اسحاق بن ابراهیم جرجانی و احمد بن محمد جرجانی و محمد بن یعقوب اخرم ینشابوری و محمد بن قاسم عتکی نیشابوری و ابوسعید بن اعرابی و اسماعیل صفار و خیثمه بن سلیمان و ابوالعباس اصم و احمد بن ابی‌طلحه فارسی و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوعبدالله حاکم و حمزه سهمی و سلیم رازی و علی بن محسن تنوخی و ابومسعود احمد بن محمد بجلی رازی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. در «تاریخ بغداد» صاحب عنوان تحت نام عنبری ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ الاسلام (حوادث 356 -400 -381)، تاریخ بغداد (28 -27 / 8)، سیر النبلاء (63 -62 / 17).

عیار نیشابوری، ابوعثمان سعید

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 457 ق)، محدث، فقیه، زاهد، و صوفی. چون در ابتدا به مسلک عیاران سلوک می‌کرد، معروف به عیار شد. در 378 ق برای کسب حدیث سفر نمود و «صحیح» بخاری را در مرو، از محمد بن عمر بن شبویه استماع کرد.
او همچنین در نیشابور از ابومحمد مخلدی و ابوطاهر بن خزیمه و ابوالفضل عبیدالله بن محمد فامی و ابوالحسن خفاف و دیگران حدیث شنید، و در دمشق و اصفهان و نیشابور و هرات و غزنه حدیث گفت. بزرگانی چون محمد بن فضل فراوی و زاهر شحامی و ابوالمعالی محمد بن فضل فراوی و زاهر شحامی و ابوالمعالی محمد بن اسماعیل فارسی و، در اصفهان، غانم بن احمد جلودی و فاطمه بنت محمد بغدادی و حسین بن طلحه صالحانی و عتیق بن حسین رویدشتی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. عیار در غزنه درگذشت. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی «فوائد»ی، در بیست جزء، برگرفته و برگزیده از «اصول» وی نگاشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (303 / 1)، سیر النبلاء (89 -86 / 18)، شذرات الذهب (304 / 3)، العبر (308 -307 / 2)، لسان المیزان (267 -266، 251 -250 / 3)، الوافی بالوفیات (198 -197 / 15).

عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 320 ق)، مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی. وی اهل سمرقند از فقهای بزرگ فرقه‌ی اثنی‌عشری در زمان کلینی می‌باشد که در ابتدا مذهب عامه داشت و احادیث آنا را استماع می‌کرد ولی بعد به مذهب شیعه گروید. او از شاگردان شیخ کلینی بود. او از علی بن حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن محمد خالد طیالسی و جماعتی از شیوخ کوفه و بغداد حدیث شنید. شیخ کشی صاحب «رجال» از شاگردان عیاشی است. از دیگر شاگردان عیاشی پسرش جعفر بن محمد است که خود از مشایخ ابومفضل شیبانی است. شاگرد دیگر او حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی است که راوی جمیع مصنفات عیاشی است. گفته‌اند که وی محدثی مورد اعتماد و یگانه‌ی زمان خویش بود و از نظر علمی و ادبی و اندیشه و ذکاوت در مشرق نظیر نداشت. او مجلسی برای خواص و مجلسی برای عامه مردم برپا می‌کرد. خانه‌اش همانند مسجد،مملو از افرادی چون قاری و کاتب و نیز محدثین و علما بود که در آن عده‌ای به تألیف و مقابله و گروهی به استنساخ و گروهی نیز به تعلیقه و حاشیه‌نویسی مشغول بودند. در طب و نجوم و رویا تبحر داشت و در زمینه‌ی ابواب فقهی و متجاوز از دویست کتاب تألیف کرد که در نواحی خراسان به اشتهار کامل رسید. در فهرست ابن‌الندیم صد و پنجاه و هفت جلد از آثار او ذکر شده است. از آثار وی: «تفسیر علی بن ابراهیم» است؛ «التوحید الصفه»؛ «الصلاه»؛ «الزکوه»؛ «الصوم»؛ «المناسک»؛ «العالم و المتعلم»؛ «الطب»؛ «التجاره و الکسب»؛ «الضقاء و آداب الحکم»؛ «الملاهی»؛ «الجزیه و الخراج»؛ «الطاعه»؛ «حقوق الاخوان»؛ «محاسن الاخلاق»؛ «دلائل الائمه»؛ «الملاحم»؛ «القول بین القولین»؛ «فضائل القرآن»؛ «الانبیاء الائمه»؛ «النجوم»؛ «الرؤیا»؛ «معاریض الشعر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (316 / 7)، اعیان الشیعه (56 / 10)، الذریعه (77 / 60، 133، 139، 207، 17 / 140، 209، 20 / 125، 21 / 195، 24 / 3 / 348، 4 / 5،295 / 105، 7 / 42، 8 / 239، 11 / 307، 12 / 44، 15 356، / 2)، رجال الطوسی (497)، رجال النجاشی (250 -247 / 2)، روضات الجنات (123 -121 / 6)، ریحانه (221 -220 / 4)، سفینه البحار (301 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 306 -305 / 4)، فوائد الرضویه

(642)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (263 -361)، الفهرست للطوسی (371 ،320 -317 ،309 ،120)، الکنی و الالقاب (491 -490 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالنضر)، معجم المؤلفین (20 / 12)، هدیه الاحباب (205 -204)، هدیه العارفین (33 -32 / 2).

عین القضاه همدانی، ابوالمعالی، ابوالفضائل عبدالله

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(525 -492 ق)، فقیه، حکیم و عارف. مکنی به ابوالفضائل. معروف به قاضی همدانی. در همدان به دنیا آمد، ولی چون پدر و جدش از میانه بودند به میانجی نیز معروف شده است. قاضی در جوانی در زادگاه خویش به کسب علوم متداول پرداخت و به سرعت در ادب و حکمت و کلام مایه‌ور شد و به سبب مهارتی که در فقه پیدا کرد، به عنوان قاضی و مدرس منصوب گردید و با وجود جوانی شهرت و نفوذ فراوان پیدا کرد و همین امر باعث برانگیخته شدن حسد و رشک فقها و متکلمان شد. فلسفه و کلام، طبع حقیقت‌جوی وی را قانع نساخت و گرفتار بحرانهای روحی شد و همین امر او را دچار شک و شبهه کرد. پس از آشنایی با آثار امام محمد غزالی تا حدی خاطرش آرام گرفت و چندی بعد با احمد غزالی آشنا شد و به او دست ارادت داد و همانند احمد غزالی در بیان عقاید خود بی‌پروا بود. همین صراحت در گفتار باعث بدگمانی متشرعه شد. ابوالقاسم درگزینی که خود اندکی بعد به جرم مذهب اسماعیلی کشته شد، او را دستگیر و روانه بغداد نمود. قاضی مدتی در بغداد زندانی بود و در همین زندان رساله‌ی معروف «شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان» را به زبان عربی، خطاب به علمای عصر نوشت و در آن، که مشحون از نکات عرفانی و فلسفی است، اتهاماتی را که به وی نسبت داده بودند رد کرد و به برخی شبهات نیز پاسخ گفت. اما چندی بعد او را به همدان برگرداندند و بر در مدرسه‌ای که ظاهراً محل تدریس او بود بر دار کردند و سپس جسدش را با نفت و بوریا آتش زدند. از دیگر آثار وی: «تمهیدات»؛ «زبده الحقایق»؛ «نزهه العشاق و نهز المشتاق»؛ «نامه‌های عین القضات همدانی»؛ «رساله‌ی اجمالی».[1]
(ع. چشم داوران) همدانی، ابوالمعالی عبداللّٰه بن محمد بن علی میانجی همدانی، از بزرگان مشایخ صوفیه و دانشمندان ربع اول قر. 6 ه. (و. همدان 492 ه.ق/ 1098 م.- مقت. همدان 525 ه.ق.). وی شافعی مذهب و در طریقت شاگرد احمد غزالی بود و همچنین از محضر عین‌القضاة- از صحبت باباطاهر- که بعضی نوشته‌اند- درست نیست، زیرا بابا تا زمان او زنده نبود. وی به تحصیل حکمت و عرفان و کلام و ادب عربی پرداخت و نظر به مطالعه بسیار در آثار امام محمد غزالی مع‌الواسطه شاگرد او نیز محسوب می‌شد. احمد غزالی با آن همه عظمت مقام در مکتوبهای خود

بدو، او را قرة العین خطاب میکرد. وی بیشتر اطلاعات خود را از راه تحقیق و تتبع شخصی فراهم آورد. افکار و عقاید او در عمر کوتاهش مبین کمال نبوغ اوست. از آثار اوست: یزدان شناخت در مسایل حکمت الهی و علوم طبیعی که در سه باب به نام عزیزالدین مستوفی نوشته شده، رساله جمالی در بیان مذهب سلف خود که به نام جمال‌الدین شرف‌الدوله از شاهزادگان معاصر خویش تألیف کرده، تمهیدات در تمهید ده اصل تصوف که دارای انشایی است مقرون به غلبه شوق و عشق و بسیار گیراست، زبدةالحقائق، رساله‌ای مختصر راجع به علم ذات و صفات خداوندی و ایمان به نبوت و قیامت، لوایح، رساله‌ای مشتمل بر 201 فصل در حقایق عشق و احوال و اعراض آن، شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان به زبان عربی (عین القضاة آن را به هنگام حبس خود از بغداد به علمای همدان نوشته) در شکایت مؤلف از محنتهایی که برای او پیش آمده و به اتهام بی‌دینی از همدان دور شده و در بغداد به زندان افتاده. مکاتیب که شامل نامه‌های اوست (نسخه‌های کتابخانه مرادملا (ترکیه) و کتابخانه ملی تهران). وی رباعیاتی عرفانی هم به زبان فارسی سروده. عزیزالدین از مستوفیان سلاجقه با عین القضاة دوستی کامل داشت از سوی دیگر عزیزالدین به دشمنی با ابوالقاسم درگزینی وزیر سلطان محمود ابن محمود و سلطان سنجر برخاست.
وزیر اخیر که بسیاری از رجال و بزرگان علم را به حیله و تزویر نابود کرده و خود نیز در پایان به پاداش اعمال زشت خویش به دار کشیده شد، نقشه قتل عین‌القضاة را طرح کرد و با دسته‌ای از عوام‌الناس- که حسودان و بدخواهان عین‌القضاة بودند- توطئه چید و محضری ترتیب داد وی را به کفر و دعوی الوهیت متهم کرد و فقها نیز به قتل این جوان دانشمند فتوی دادند. پس وی را مقید به بغداد فرستادند و از آنجا مجددا به همدان بازگردانیدند و در شب 7 جمادی‌الاخری 525 ه.ق. بر دار کشیدند. نوشته‌های فارسی وی مشحون از تعبیرات نغز صوفیانه است. کلام او پرسوز و گداز است. تصنع و تکلف در آثار او دیده نمی‌شود و در تبیین مسایل عرفانی به تمثیل می‌پردازد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار عین القضاه، ایضاح المکنون (453 / 2)، تاریخ ادبیات ایران، براون (282 / 2)، تاریخ ادبیات در ایران (944 -936 / 2)، تاریخ برگزیدگان (581)، تاریخ عرفان و عارفانی ایرانی (426 -425، 424)، تاریخ نظم و نثر (111)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (201 -192، 190، 189، 184، 176)، تمهیدات (مقدمه/ 107 -1)، جستجو در تصوف (صفحات متعدد)، دانشمندان آذربایجان (285 -283)، دایره‌المعارف فارسی (1795 -1794 / 2)، دره الاخبار (74 -73)، دستور

الوزراء (205)، الذریعه (27 / 24، 167 / 15، 24 / 12، 781 / 9، 282 / 8)، ریاض العارفین (108 -107)، ریحانه (226 -224 / 4)، سلطان العشاق (صفحات متعدد)، شذرات الذهب (75 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 166 / 6)، طرائق الحقائق (572 -568 / 2)، العبر (426 / 2)، عین القضاه و استادان او، فرهنگ سخنوران (662)، کارنامه‌ی بزرگان (177 -175)، کشف الظنون (951)، گنج و گنجیه (153 -148)، لسان المیزان (399 -398 / 5)، لغت‌نامه (ذیل/ عین القضاه)، مبانی عرفانی و احوال عارفان (425 -419)، مجمع الفصحا (869 / 2)، معجم المؤلفین (132 / 6)، مؤلفین کتب چاپی (1012 -1011 / 3)، نتایج الافکار (452)، نسائم الاسحار (76)، نفحات الانس (419 -418)، هدیه العارفین (455 / 1)، هفت اقلیم (534 -532 / 2).

غانمی هروی، ابوالمحاسن مسعود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(553 -464 / 424 ق)، فقیه، ادیب، محدث، عابد و شاعر. در طوس به دنیا آمد و در نیشابور نشوونما یافت. و نیز گفته شده که در نیشابور به دنیا آمد و در طوس نشوونما یافت. وی از جانب دو صاحب نام: ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن صاحب اجازه بود. از ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصفهانی و گروهی دیگر حدیث شنید و «مسند» هیثم شاشی را از ابوالقاسم احمد بن محمد خلیلی استماع کرد. ابن‌عساکر و سمعانی و تاج مسعودی و عبدالرحیم بن سمعانی از او حدیث شنیدند. ابن‌سمعانی همچنین «مسند» شاشی و «رساله‌ی» قشری را از او استماع کرد. ابوسعد سمعانی گوی که او بسایر عابد و زاهد و پرهیزکار بود. بطوری که از سفره‌ی پدرش چون با حاکمان اختلاط داشت پرهیز می‌کرد. غانمی شاعری چیره‌دست بود و اشعار بدیعی می‌سرود. از آثار وی نظم ابیاتی است به نام «السحریه»، یعنی آنچه که مربوط به وقت سحر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (279 -278 / 4)، سیر النبلاء (360 -359 / 20).

غروی اصفهانی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1296 ق)، فقیه اصولی، مرجع تقلید، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به مفتقر. مشهور به کمپانی. اصلش از نخجوان است. نیای او پس از سقوط قفقار در برابر روسها به تبریز و از آنجا به اصفهان هجرت نمود، لذا این خانواده به اصفهانی مشهور شدند. شیخ محمد حسین در کاظمین به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا خواند و آن‌گاه به نجف رفت و سطوح را نزد شیخ حسن تویسرکانی خواند و از محضر آخوند خراسانی بهره‌ی کامل برد و مدت سیزده سال فقه و اصول را از ایشان و همچنین از آقا سید محمد فشارکی و آقا رضا همدانی بطور کامل فراگرفت. او علوم معقول و فنون فلسفه را از فیلسوف بزرگ حاج میرزا محم باقر اصطهباناتی شیرازی اخذ کرد، تا اینکه مرجع تقلید جمعی از شیعه شد. او علاوه بر مراتب علمی دارای ملکات اخلاقی بود. در نحف اشرف درگذشت و در صحن علوی در مقبره‌ی جنب مناره ایوان طلا دفن شد. از او بیش از بیست کتاب و رساله بر جای مانده است. از جمله آثار وی: «نهایه الدرایه فی شرح الکفایه» آخوند خراسانی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «اربع قواعد فقهیه»؛ «الحقیقه الشرعیه»؛ ارجوزه‌ای در «الفلسفه العالیه»؛ ارجوزه‌ای در «الصوم»؛ دو رساله در «المعاد»؛ «الاجتهاد و التقلید و العداله»؛ «الاصول علی منهج الحدیث»؛ «الوسیله فی اهم ابواب الفقه» یا «رساله‌ی عملیه»؛ «انوار القدسیه»، شعر عربی،بیست و چهار قصیده در تاریخ زندگانی پیامبر (ص)، عموهایش و ائمه (ع) و فرزندانشان؛ «تحفه الحکیم»، منظومه‌ای در فلسفه؛ «دیوان» غزلیات حکمت و عرفان؛ «دیوان» شعر، فارسی، در مدائح و مراثی اهل‌بیت (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (287 -286)، الذریعه (400 / 24، 1083 - 1081، 247 / 9، 187، 148 / 6، 483، 271 / 1)، ریحانه (93 -90 / 5)، سخنوران نامی معاصر ایران (2977 -2972 / 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 562 -560 / 14)، علماء معاصرین (191 -190)، فرهنگ سخنوران (865)، گنجینه‌ی دانشمندان (267 / 7)، مؤلفین کتب چاپی (727-726 / 2).

غروی بروجردی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1354 -1275 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مرجع تقلید. در بروجرد به دنیا آمد. مدقمات و سطوح را از استادان همان شهر فراگرفت. بعد از 1300 ق برای تکمیل تحصیلات خود به عراق رفت و در سامراء در محضر درس میرزای بزرگ شیرازی شرکت کرد. او همچنین از بزرگان حوزه‌ی سامراء به ویژه آیت‌الله سید محمد اصفهانی فشارکی و آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی نهایت استفاده را برد. در 1312 ق پس از وفات میرزای بزرگ شیرازی به نجف رفت و در بحث آخوند خراسانی شرکت کرد، تا این که یکی از شاگردان مبرز ایشان شد. او همچنین از آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی نیز بهره برد. غروی بر اثر کسالت به ایران بازگشت و مدتی در تهران به معالجه پرداخت. سپس در بروجرد ساکن شد و زعامت امور دینی مردم آنجا را بر عهده گرفت. او مدت یکسال و چند ماه نیز در مشهد رضوی به تدریس مشغول گشت، اما همان بیماری او را ناچار به بازگشت به تهران و سپس به بروجرد نمود. آقا ابوتراب شیخ الاسلامی و آقا سید ابوالحسن قدغونی و حاج سید ابوالفضل مجاهدی و شیخ حسن کمره‌ای خاتمی و شیخ محمد رضا خاتمی و سید محسن شریعتمداری و شیخ محمود جبرئیلی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. او در بروجرد درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در قبرستا نو دفن شد.از آثار وی: مجموعه‌ای در «اخلاق»، در شرح صفات و فضائل یک انسان نمونه و حقیقی، متشمل بر نظرات فلاسفه‌ی شرق و غرب از عصر افلاطون تا عصر حاضر و کلمات بزرگان و آیات و اخبار وارده؛ مجموعه‌ای در «فقه استدلالی»، شامل معارف فقهی با ذکر فتاوای علمای مذاهب مختلف؛ مجموعه‌ای در «شرح مصائب سیدالشهداء (ع)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (576 -561 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 496 / 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (193 / 3).

غروی تبریزی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1328- ز 1363 ق)، فقیه و عالم دینی. در نجف اشرف ب دنیا آمد و تا 1350 ق در آنجا به تحصیل علوم پرداخت و از محضر اساتیدی همچون آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرد، و در همان سال به تبریز و سه سال بعد به قم رفت، و مدت دو سال از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت در فقه و اصول استفاده نمود. وی دارای اجازاتی از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حجت بود. در 1363 ق به تبریز بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌الله حجت، در اصول فقه؛ کتاب «اسلام و شیعه»، به فارسی؛ کتابی در «امامت حضرت ولی‌عصر (عج)»؛ کتابی در «اخلاق».[1]
عبدالحسین غروی تبریزی از افاضل دانشمندان و علماء تبریز است.
وی فرزند رکن العلماء الاعلام آیه الله آقا شیخ مرتضی چهره قانی است که در سال 1328 قمری در نجف اشرف تولد یافته و تا سال 1350 در آنجا به تحصیل علوم پرداخته و از محضر اساتید آیه الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرده و در سال مزبور به تبریز آمده و تا سه سال در آن سامان اقامت و در سال 1353 قمری مهاجرت به قم نموده و مدت دو سال درک فیض از محضر آیه الله حایری و آیه الله حجت فقها و اصولا نموده و تا سال 1363 قمری که مراجعت به تبریز و اقامت گزیده و به وظائف دینی و روحانی از قبیل تدریس و اقامه جماعت در مسجد جامع و غیره می‌باشند.
آثار قلمی آن جناب از این قرار است: 1- کتاب اسلام و شیعه فارسی مطبوع در تبریز.
2 و 3- تقریر دروس مرحوم آیه الله حجت اصول و فقه 4- کتابی در موضوع امامت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه.
5- کتابی در اخلاق. دارای اجازات اجتهاد از مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله محقق آقا ضیاءالدین عراقی و سیدنا الاستاد آیه الله حجت قدس الله اسرارهم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (320 -319 / 3).

غروی تبریزی، میرزا علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهید آیةالله العظمی میرزا علی غروی تبریزی سال 1305شمسی در خانواده ای متدین وتجارت پیشه در شهر پرآوازه تبریز چشم به جهان گشود دو ساله بود که غبار دردناک یتیمی برسرش فرو نشست وبدین ترتیب اولین جام بلا را درمیدان زندگی سرکشید.
در شش سالگی به فرا گیری علوم دینی روی آورد ومقدمات را در آنجاگذراند سپس رحل سفر را در قم افکند تا در اقیانوس بی کران علم ودانش گوهر کمیاب اجتهاد را صید کند ووجود فرشی اش را به عطر دلربای کلام معصوم عرشی نماید. چندی بعد باکوله باری از علوم اکتسابی از فقیهانی همچون حضرات آیات بروجردی حجت کوه کمره ای خوانساری وشاهرودی از قم به نجف کوچید تا بابهره گیری از حلقه های درس آیةالله العظمی خوئی وشیخ حسین حلی ومحمد باقر زنجانی روح کمال جویش را کمی آرام کند اما او که نیلوفر جان را به دور عمود ایستادگی بالا می برد آنگاه که ذرات درخشان خورشید راستی و حقیقت را در حریم امیرالمومنین ع در آغوش کشید دریافت که در وادی عشق راحتی نیست. لذا پس از درگذشت استادش آیةالله العظمی خوئی بر کرسی تدریس می نشیند وبا شوقی وصف ناپذیر ونظمی کم نظیر به تدریس وتالیف وتحقیق می پردازد تا اینکه طلاب بی شماری که از کوثر کلام گهر بارش سیراب شده بودند اوراچون نگینی ارزشمند در برمی گیرند. عالمی که در نظم وترتیب زبانزد همگان بود وهیچگاه مطالعه وعبادت واقامه نماز در حرم امیرالمومنین ع وپاسخ به استفتائات اورااز رسیدگی به امورمردم غافل نمی کرد. نجوای زیارت عاشورا بر لبهای حق گویش آن هم درهر صباح شعله های عشق رادر دلش روز به روز فروزان تر می کرد وبر افروختگی صورتش رازیباوزیباتر می کرد. او جان رابه زیارت مولا ومقتدایش آقا حسین بن علی ع پرواز داده ودل در کمند گنبد نورانی وحرمی پر حرمت وضریهی که مهبط پر نشاط ملائک است بسته بود. چه بسیار لیالی جمعه ای که در جستجوی پرنده زیبای شهادت رهسپار کعبه دلها می شد تادر قنوتی عارفانه شهادت را به میهمانی دستهایش فرا خواند. سرانجام در شامگاه جمعه 29خرداد 1377ش 24صفر 1419ق دررجوع از زیارت آن حرم باصفا گلوله ای آتشین فراق جانکاه را به وصال دلربا مبدل می کند وعطر وصال را به مشام جان بیدارش می رساند وهمراه با داماد ورانندہ

اش باغروری بهت آور به استقبال شهادت می روند تازنده بودن را برای همیشه تفسیر کنند.

غروی تویسرکانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1329- ز 1391 ق)، عالم دینی و فقیه. جد مادری‌اش آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بود. در 1329 ق در نجف به دنیا آمد. در 1339 ق به اراک عزیمت کرد و از آنجا به دنیا آمد. در 1339 ق به اراک عزیمت کرد و از آن جا در خدمت آیت‌الله حایری به قم رفت. در 1343 ق پس از مرگ پدر تحت کفالت آیت‌الله حایری درآمد. مقدمات و ادبیات را نزد شیخ ابوالقاسم نحوی خواند و سطوح عالی را از محضر میرزای همدانی و آیت‌الله شیخ محمد علی حایری و آیت‌الله گلپایگانی بهره بود و سالهای متمادی از بحثهای فقه و اصول آیت‌الله حجت استفاده نمود. پس از ایشان منحصرا در درس و بحث آیت‌الله بروجردی شرکت نمود. او چند سالی متصدی مدرسه‌ی فیضیه و دارالشفاء بود. از آثارش: «دراسات» کتاب «طهارت» آیت‌الله حایری و «فقه و اصول» آیت‌الله حجت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (207 / 2).

غروی علیاری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 12 رمضان 1319 ق.
درگذشت: 1 اردیبهشت 1367، تبریز.
آیت‌الله العظمی علی غروی علیاری تبریزی، فرزند آیت‌الله میرزا محسن از شاگردان آخوند خراسانی و صاحب رساله‌های متعدد اصولی و فقهی بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فراگیری خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد جدش آیت‌الله شیخ محمدحسن به فراگیری مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول و عقاید و کلام پرداخت. پس از تکمیل سطوح عالیه، در بیست و دو سالگی عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شد و در مدرسه بخارایی سکونت ورزید و سالیان بسیار در محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نایینی، شیخ اسدالله زنجانی، آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، سید محمد حجت، سید ابوتراب خوانساری، حاج میرزا علی ایروانی، شیخ ابوالحسن مشکینی، میرزا احمد آشتیانی و جمال السالکین آقا سید علی قاضی به تحصیل فنون، اخلاق، فقه، اصول، کلام، رجال، عرفان، حکمت و فلسفه تا سال 1350 ق. پرداخت. وی در جوانی به دریافت اجازات متعدد روایی و اجتهادی از اساتید معظمش نایل آمد. ایشان در سال 1350 ق. به درخواست جدش آیت‌الله شیخ محمد حسن علیاری به تبریز بازگشت و به تحقیق، تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و پرورش شاگردان اشتغال ورزید.
از آیت‌الله العظمی غرویی علیاری تبریزی نوشتارهای فراوانی به جای مانده است که عبارتند از: چهارده جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی در منجزات مریض (چاپ شده)، رهن، وصیت، وقف، رضاع، نکاح، صلح، خیارات، اجاره، قضاء، شروط، مسقطات خیار، غضب، زکات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی میرزای نایینی در صلات، بیع، خیارات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در طهارت و صلات؛ دو جلد تقریرات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای در صلات و بیع؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله میرزا علی ایروانی؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله شیخ اسدالله زنجانی در خلل صلاة و منجزات مریض؛ توضیح المسائل؛ شرتح

عروة الوثقی (از طهارت تا وصیت) در پنج جلد؛ شرح استدلالی ملحقات عروةالوثقی؛ ده جلد رساله‌های فقهی در صلح، عدم شرطیت رجوع در مسافر؛ محاذاةالرجل و المرأة فی الصلاة، جواز نقل المیت بعد الدفن، ربا، نماز جمعه، منجسیة المتنجس، لباس مشکوک، حرمان زوجه از عقار، الفروع السنیة، فروع تقلید؛ شرح وسیلة النجاة (سه جلد)؛ کتاب الطهارة؛ کتاب الصوم؛ کتاب الحج؛ مناسک حج (دو جلد)؛ شرح تبصرد المتعلمین؛ شرح مبسوط مکاسب؛ علل الشرایع و الاحکام؛ شرح فوائد الاصول؛ شرح کفایة الاصول؛ رساله در ترتب رساله در وضع؛ رساله در ملازمه حکم عقل و شرع؛ قاعده من ملک (و قواعد دیگر)؛ هفت جلد کتاب تقریرات درس اصول آیات عظام: میرزای نائینی (مباحث الفاظ)، آقا ضیاءالدین عراقی (دوره کامل و قاعده لاضرر)، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای (مباحث عقیله و تعادل و تراجیح)؛ شیخ اسدالله زنجانی میرزا علی ایروانی (اجتماع امر و نهی)؛ اصول عقاید؛ رسالة فی الرجعة؛ تفسیر قرآن (دوازده جلد)؛ مفردات قرآن؛ شرح دعای صباح؛ شرح دعای کمیل؛ شرح دعای سمات؛ شرح دعای افتتاح؛ شرح دعای ابوحمزه ثمالی؛ شرح دعای زیارت جامعه کبیره؛ حل مشکلات الاخبار؛ شرح اربعین حدیث؛ شرح احادیث پیامبر اکرم (ص)؛ شرح احادیث امیرالمومنین در نهج‌البلاغه؛ منهاج الرشاد؛ المواعظ؛ النهجة فی احوال الحجة (ع)؛ الکواکب الحسینیة؛ تقریرات درس آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری؛ حاشیه بر رجال وحید بهبهانی.

آیت‌الله العظمی غروی علیاری تبریزی در تاریخ دوشنبه اول اردیبهشت 1367(13 ذیحجة 1417 ق.) در نود و هشت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در تبریز، به قم انتقال داده شد و پس از تشییع مجدد و نماز حضرت آیت‌الله بهجت بر آن، در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) (بقعه آیت‌الله داماد) به خاک سپرده شد.

علی بن العلامه الحجه المیرزا محسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبیر آیه الله العظمی الحاج ملا علی علیاری صاحب کتاب مستطاب (بهجه المقال فی تنقیح الرجال) الغروی العلی یاری از علماء اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز است. وی در صبح جمعه 12 ماه مبارک رمضان سال 1319 قمری هجری در تبریز متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم در خدمت جد امجدش مرحوم آیه الله میرزا محمد حسن سطوح را خوانده و بعد از تکمیل آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام چون زعیم الشیعه آیه الله العظمی اصفهانی و مرحوم آیه الله نائینی و آیه الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا سید ابوتراب خونساری و آیه الله میرزا

ابوالحسن مشگینی و آیه الله حاج میرزا علی آقا ایروانی و آیه الله اصطهباناتی استفاده کامل نموده و دروس عقلی را از محضر آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و از آنان به دریافت اجازات اجتهادی و روایتی نائل شده آنگاه به تبریز مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.
دارای تألیفات ارزنده عدیده‌ای می‌باشند که بشرح آنها می‌پردازم:
1- دوره اصول و نصف تقریر بحث آیه الله محقق عراقی
2- دوره اصول آیه الله میرزا حسین نائینی
3- اغلب ابواب فقه از تقریرات آیه الله عراقی
4- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی اصفهانی
5- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی حجت کوه کمری
6- تقریرات ابحاث آیه الله ایروانی (قده)
7- تقریرات ابحاث آیه الله مشگینی (قده)
8- شرح دعاء سمات 9- شرح دعاء صباح 10- شرح اربعین حدیث 11- اصول دین مبسوط فارسی 12- رسائل متفرقه در اصول و فقه 13- رساله در ملازمت 14- رساله در جریان استصحاب در اعدام ازلیه 15- رساله در غیبه 16- رساله در خلل، تقریر بحث آیه الله محقق زنجانی 17- رساله در بعض فروع عروه الوثقی 18- رساله در مواکب الحسینیه 19- رساله در رضاع 20- رساله در منجزات مریض 21- رساله در قاعده من ملک و در قواعد دیگر 22- رساله در قاعده لا ضرر 23- رساله در نجاسه متنجس 24- رساله‌ای در لباس مشکوک و چندین رسائل دیگر.
از باقیات الصالحات دیگر معظم له فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام آقا شیخ محمد جواد غروی علی یاری است که اکنون از علماء و دانشمندان مقیم تهران است. وی در نجف متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح و استفاده از محاضر آیات عظام خوئی و حکیم و دیگران به مشهد رضوی مسافرت و چندین سال اقامت و از محضر آیه الله العظمی میلانی مدظله استفاده نموده آنگاه به قم منتقل و چند سالی از ابحاث و محاضر آیات عظام نجفی مرعشی و شریعتمداری و گلپایگانی استفاده نموده و دو سالی بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و در مسجد امام زاده زید بازار و مسجد دیگر به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند. آن جناب ترجمه مفصلی از اسره و خاندان علیاری مرقوم داشته‌اند ولی چون در کتب رجالی دیگر مانند علماء معاصر و غیره مذکور بود از ذکر آن خودداری نمودم.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غروی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین بن العلامة الورع آیت‌اللَّه آخوند ملا محمدعلی رفسنجانی از علماء معاصر رفسنجان برادر بزرگوار مرحوم آیت‌اللَّه نجفی سابق‌الذکر است وی در حدود سال 1308 قمری در رفسنجان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را از والدش فراگرفته و مدتی به اصفهان و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام فیروزآبادی و آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و دیگران بهره‌مند گشته آنگاه مراجعت به وطن نموده و به وظائف دینی و روحی پرداخته و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد و در علم و تقوی نمونه بارز برادر بزرگوارش می‌باشد.
محمدحسین غروی برادر مرحوم مبرور آیت‌اللَّه نجفی از علماء اعلام معاصر رفسنجانست
وی در سال 1308 قمری در رفسنجان متولد شده و تا سن 17 سالگی ادبیات و فقه و اصول را از محضر والد ماجدشان که از نوابغ زمان خود بودند و در اکثر علوم تبحری کامل داشتند فراگرفته و سپس عزیمت به اصفهان نموده و در آنجا از محضر اساتید و فحول علمی چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند گزی و آیت‌اللَّه ارباب به تکمیل فقه و اصول و حکمت و هیئت پرداخته و در معیت و مصاحبت مرحوم برادرش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه نائینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد فیروزآبادی و دیگران استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات اجتهاد در سال 1346 قمری به ایران مراجعت و پس از فوت مرحوم والدشان آیت‌اللَّه آخوند ملا محمدعلی طاب ثراه در رفسنجان توقف نموده و تا حد قدرت و استطاعت مشغول ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی و پرورش و تربیت طلاب علوم دینی و تأسیس مدرسه علمی به همراهی مرحوم اخوی خود آیت‌اللَّه نجفی گردیده و در ماه رمضان به موعظه و ارشاد مردم پرداخته و تاکنون بحمداللَّه به اقامه جماعت و انجام وظیفه اشتغال دارند.
آثار علمی ایشان از اینقرار است
1- تقریرات درس مرحوم آیت‌اللَّه نائینی

2- حکومت عقل در پیرامون خلافت بلافصلی امیرالمؤمنین (ع).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

غروی، یدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا یدالله غروی تبریزی از فضلاء مبرز حوزه و اتقیاء اصحاب و تلامذه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است، وی از تبریز مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی استفاده نموده است.
از آثار اوست تعلیقات بر من لایحضره الفقیه شیخ بزرگوار صدوق ره که از ثلث مرحوم حاجی اصفهانی به طبع رسیده است.
(س چهاردهم ق)، فقیه و مدرس. وی از فضلای بزرگ و شاگردان آیت‌الله مرعشی نجفی بود. از تبریز به قم مهاجرت کرد و پس از تکمیل سطوح، از محضر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله مرعشی نجفی استفاده نمود. از آثارش تعلیقاتی بر «من لا یحضره الفقیه» شیخ صدوق است.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (320 / 2).

غزالی طوسی، حجه‌الاسلام، زین‌الدین، ابوحامد محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(505 -450 ق)، فیلسوف، حکیم، عارف و فقیه شافعی. معروف به امام غزالی. در طابران طوس به دنیا آمد و در طوس، جرجان و نیشابور تحصیل کرد. محضر امام الحرمین ابوالمعالی جوینی فقیه و متکلم بزرگ شافعی را دریافت و در بیست و هشت سالگی در بیشتر علوم زمان خود استاد مسلم بود. پس از درگذشت ابوالمعالی به خدمت خواجه نظام‌الملک طوسی رسید و بسیار مورد احترام قرار گرفت. از 484 ق در نظامیه‌ی بغداد به تدریس پرداخت و به وعظ و تصنیف نیز اشتغال داشت. وی در سی و نه سالگی دچار تحول روحی شده از دنیا و مقامات دنیوی برید و برادرش را به جانشینی خود برگزید و به قصد سیر و سلوک و ریاضت به سفر رفت و ده سال در شهرهای شام و حجاز و جزیره به سر برد و در 498 ق به طوس بازگشت. در 499 ق به درخواست سلطان سنجر به نیشابور به جهت تدریس در مدرسه‌ی نظامیه رفت. در 500 ق به طوس و خانقاه خود بازگشت و به ارشاد و تعلیم پرداخت و دیگر دعوت سلاطین و رجال را نپذیرفت و ر زهد و قناعت عمر را به پایان رسانید. غزالی در طوس درگذشت و در همان جا دفن شد. شمار آثار وی بسیار است. اما مشهورترین آثار او عبارتند از: «نصیحه الملوک»؛ «فضاء الانام من رسائل حجه‌الاسلام»؛ «احیاء علوم‌الدین» یا «احیاءالعلوم»؛ «کیمیای سعادت»، که خلاصه و ترجمه‌ای فارسی از کتاب «احیاءالعلوم» است؛ «تهافت الفلاسفه»؛ «المنقد من الضلال».[1]
(ع.) (حجةالاسلام) محمد بن محمد بن محمد بن احمد طوسی مکنی به ابوحامد و ملقب به حجةالاسلام، دانشمند معروف دوره‌ی سلجوقی (و. طابران طوس 450 ه.ق/ 1058 م- ف. طابران طوس 505 ه.ق/ 1111 م.). وی در فقه و حکمت و کلام سرآمد عصر بود. پدرش مردی متعبد بود و بافندگی پیشه داشت و لقب «غزالی» به مناسبت پیشه‌ی اوست. هنگامی که محمد و برادرش احمد کودک بودند پدرشان درگذشت و آن دو در کنف حمایت ابوحامد احمد بن محمد رادکانی قرار گرفتند و مقدمات علوم دینی را نزد وی آموختند. غزالی پس از مدتی تحصیل در طوس و گرگان به نیشابور رفت و در خدمت امام‌الحرمین ابوالمعالی جوینی (امام‌الحرمین) فقیه به تحصیل فقه و کلام پرداخت، و در همه‌ی علوم دینی عصر خود استاد مسلم گردید و با این حال تا سال فوت امام‌الحرمین

همچنان در خدمت وی باقی ماند. سپس در نیشابور به خدمت خواجه نظام‌الملک وزیر رفت و در نتیجه‌ی مناظره‌ای که در مجلس این وزیر ترتیب داده شده بود فضیلت و مقام وی بر خواجه معلوم گردید. پس از 8 سال- یعنی در سال 484 ه.ق/ 1091 م.- نظام‌الملک منصب تدریس مدرسه‌ی نظامیه را به غزالی- که در آن هنگام 35 ساله بود- تفویض کرد. وی 4 سال (یعنی تا سال 488 ه.ق/ 1095 م.) بدین شغل اشتغال داشت که تحولی در روح وی پدید آمد و منصب مدرسی را به برادرش احمد واگذار کرد و در بلاد شام و حجاز به سیر و سلوک پرداخت. پس از 10 سال، به سال 498 ه.ق به طوس بازگشت و سال بعد (499) بنا به درخواست سلطان سنجر و وزیرش- که فرزند نظام‌الملک بود- در نظامیه‌ی نیشابور به تدریس پرداخت. در سال 500 ه.ق به طوس بازگشت و خانقاهی ترتیب داد و به ارشاد خلق مشغول گردید و دیگر مسند تدریس را قبول نکرد و از کسی نیز مالی نپذیرفت و از آن پس در انزوا بسر می‌برد. غزالی با آنکه از مخالفان فلسفه بود، در نتیجه‌ی سفرها و سیر و سلوک مقالات و گفتارش چاشنی عرفان پیدا کرده مورد تکفیر فقیهان قرار گرفت و خلقی به آزارش همت گماشتند. وی در طابران (طوس) درگذشت و همانجا مدفون شد. از او آثار متعددی باقی مانده که مهمترین آنها از این قرار است: کیمیای سعادت (فارسی)، نصیحة‌الملوک (فارسی)، احیاء علوم‌الدین (عربی)، تهافت‌الفلاسفه (در رد بر فیلسوفان، عربی)، مکاتیب، المنقذ من الضلال، جواهرالقرآن، شفاءالعلیل، منهاج‌العابدین، الجام العوام عن علم الکلام، المستصفی من علم الاصول، عقیدة اهل السنة. ضح.- 1- غزالی: ضح.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (248 -247 / 7)، ایضاح المکنون (11 / 2)، تاریخ ادبیات در ایران (926 -920، 277، 269 -268 / 2)، تاریخ عرفانی و عارفان ایرانی (422 -407)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (302 -275)، جستجو در تصوف (110 -85)، دایره‌المعارف فارسی (1806 -1805 / 2)، ریاض العارفین (132 -131)، ریحانه (243 -237 / 4)، سیر النبلاء (346 -322 / 19)، شخصیت‌های نامی (358 -357)، شذرات الذهب (13 -10 / 4)، العبر (387 / 2)، فرار از مدرسه، فرهنگ سخنوران (668)، الکامل (264 / 8)، کشف الظنون (1869، 1534 -1533، 513 -509)، الکنی و الالقاب (495 -492 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحامد غزالی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (414 -404)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 505)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (38 -37 / 19)، معجم المؤلفین (269 -266 / 11)، مؤلفین کتب چاپی (729 -724 / 5)، النجوم الزاهره (200 -199 / 5)، نفحات

الانس (379 -376)، الوافى بالوفيات (277 -274 / 1)، وفيات الاعيان (219 -216 / 4)، هديه العارفين (81 -79 / 2)، هفت اقليم (194 / 2).

غزنوی کاشانی، جمال‌الدین احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 593 ق)، فقیه و اصولی حنفی. از علمای قرن ششم بود که در حلب درگذشت. از آثارش: «روضه اختلاف العلماء»، در اصول فقه؛ «المقدمه الغزنویه» یا «المقدمه المختصره»، در فروع فقه حنفی؛ «روضه المتکلمین فی اصول‌الدین»، در کلام؛ «مختصر روضه المتکلمین»؛ «عقائد الغزنوی»؛ کتاب «الاصول»، در فقه؛ «الحاوی القدسی»، در فروع؛ «النتف فی الفتاوی».[1]
(ع. منسوب به غزنه: غزنی: غزنین) احمد بن محمد بن سعید، فقیه و اصولی (ف. حلب 593 ه.ق/ 1197 م.). او راست: روضة اختلاف الفقهاء، المقدمة المختصرة در فقه، روضةالمتکلمین در اصول دین.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (209 / 1)، ایضاح المکنون (571 / 2)، کشف الظنون (1838، 1802- 1803، 932)، معجم المؤلفین (156 / 2).

غزنوی، سراج الدین عمر

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سراج‌الدین عمر بن اسحاق بن احمد مکنی به ابوحفص، از بزرگان فقهای حنفی (و. 704- ف. 773 ه.ق). وی دانشمند و استاد در بحث و بسیار هوشیار بود. مؤلفات بسیاری دارد که از آن جمله است: شرح‌الهدایة، زبدةالاحکام، شرح بدیع‌الاصول، شرح‌المغنی، المعزة المنیفة فی ترجیح مذهب ابی‌حنیفة، شرح‌الزیادات.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

غزنوی، ناصرالدین تاج الشریعه، ابوعلی عالی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 582 / 581 ق)، فقیه و مفسر حنفی. وی در حلب ساکن بود. از آثارش: «تقشیر التفسیر»، در دو جلد؛ «مشارع الشارع» یا «مشارع الشرائع»، در فروع فقه حنفی،این کتاب به عمر نسفی نیز منسوب است که در صورت صحت، شرحش به غزنوی مربوط است؛ «المنابع» در شرح «الشمارع»؛ شرح «مقدمه فی النحو» ابن‌بابشاد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (15 / 4)، کشف الظنون (1804 ،1687 ،466)، معجم المؤلفین (53 -52 / 5)،هدیه العارفین (435 / 1).

غزی سمرقندی، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(365- 441 ق)، محدث و فقیه حنفی. معروف به ابن‌سختام. در بغداد و شام از پدرش و محمد بن مت اشتیخنی و ابراهیم بن عبدالله رازی بخاری و ابوسعد عبدالرحمان بن محمد ادریسی و منصور بن نصر کاغدی و محمد بن یحیی غیاثی و دیگران حدیث شنید. ابوعلی اهوازی و ابوبکر خطیب و منصور بن عبدالجبار سمعانی و فقیه نصر مقدسی و فید بن عبدالرحمان همدانی و ابوطاهر حنایی و دیگران از وی حدیث شنیدند. گویند که او دارای «ثلاثه اجزاء» در حدیث بوده است. در راه بازگشت از بغداد به سوی خراسان درگذشت. در «شذرات الذهب» او را تحت عنوان غزنی و در «تاریخ بغداد» عربی ذکر کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (342 / 11)، سیر النبلاء (605 -604 / 17)، شذرات الذهب (266 / 3)، العبر (279 / 2).

غضنفری، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1335- ز 1391 ق)، عالم دینی و فقیه. در خوانسار به دنیا آمد و پس از پرورش در مهد علم و فراگیری مقدمات، برای تحصیل و تهذیب اخلاق و تکیمل مبانی علمی در 1352 ق به قم رفت و سطوح وسطی و عالی را در خدمت ادیب تهرانی و آیت‌الله ترابی و آیت‌الله مرعشی نجفی خواند و پس از تکمیل آناز محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر استفاده نمود. در 1362 ق به مکه و عتبات رفت. پس از مراجعت چند ماهی از سال در خوانسار و بیشتر آن را در قم مقیم بود. در 1391 ق پس از درگذشت پدرش بنا به تقاضای مردم خوانسار به جای پدر نشست و حوزه‌ی علمیه خوانسار را در مدرسه‌ی میرباقری تشیکل داد و کتابخانه‌ای به نام مهدویه تأسیس کرد. از دیرگ آثارش: تجدید بنای حسینیه خوانسار؛ تجدید بنای مسجد دو راه خوانسار؛ بنای سقاخانه در خوانسار؛ تجدید مقبره‌ی ملا مبین؛ احداث دو پل در خوانسار؛ تجدید بنای دو حمام زنانه و مردانه؛ تعمیر مقبره‌ی دهکردی در زینبیه اصفهان؛ تعمیر بقعه‌ی بابا احمد خمین؛ از آثار علمی‌اش: «جواهر الکلام»؛ «توضیح الکفایه»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی بی‌الف و همزه» میرزا ابوالقاسم خوانساری، شاگرد علامه‌ی مجلسی؛ خودآموز «لمعه»، در دو جلد؛ شرح؛ «صحیفه الحسینیه».[1]
آقای حاج سید مهدی بن آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی غضنفری از علماء معاصر خوانسار است که در سال 1335 قمری در خوانسار متولد شده و پس از پرورش در مهد علم و خواندن مقدمات برای تحصیل و تهذیب اخلاق و تکمیل مبانی علمی در سال 1352 قمری به قم آمده و سطوح وسطی و عالی را در خدمت مرحوم ادیب تهرانی و آیت‌اللّٰه ترابی رحمه‌اللّٰه و آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مدظله خوانده و پس از تکمیل آن از محضر مرحومین آیت‌اللّٰه خوانساری و آیت‌اللّٰه صدر استفاده نموده و در سال 1362 قمری مشرف به مکه معظمه و عتبات عالیات شده و پس از مراجعت چند ماهی از سال را در خوانسار و بیشتر را در قم اقامت نموده تا در 28 محرم‌الحرام 1391 قمری که والدش آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی غضنفری فوت نمودند برحسب تقاضای مردم خوانسار بجای آن مرحوم قرار گرفته و حوزه علمیه خوانسار را در مدرسه میرباقری تشکیل و کتابخانه‌ای بنام کتابخانه «مهدویه» تأسیس و برای طلاب آنجا شهریه قرار و به اقامه جماعت و تبلیغات دینی و تدریس و

تربیت محصلین خوانسار اشتغال دارند.
در فوت مرحوم والدش انقلاب عجیبی در خوانسار برپا شد که در سالهای اخیر بی‌نظیر بوده است تشییع جنازه‌اش بسیار مهم و بی‌سابقه بوده و حدود 65 مجلس ختم در خوانسار و قم و خمین و گلپایگان و سایر نقاط چون اصفهان و تهران و غیره گرفته شد.
آثار آن مرحوم از اینقرار است:
1- تجدید بناء حسینیه خوانسار
2- تجدید بناء مسجد دو راه خوانسار
3- بناء سقاخانه در خوانسار
4- ضریح امامزاده (یکی از قراء بر برود)
5- تجدید مقبره ملامبین (یکی از اجداد مادری مترجم ما)
6 و 7- احداث دو پل در خوانسار
8- تجدید بناء دو حمام مردانه و زنانه در محله دو راه خوانسار
9- بناء مقبره برای والدشان آیت‌اللّه حاج سید هاشم
10- تعمیر مقبره دهکردی در زینبیه اصفهان
11- تعمیر مسجدی در محله سبزی کار خمین
12- تعمیر بقعه بابا احمد خمین
13- توسعه مسجدی در گوشه آقا عظیم خمین.
تألیفات مترجم ما به قرار زیر است 1- جواهرالکلام 2- توضیح‌الکفایه 3- ترجمه منظومه بی‌الف و همزه مرحوم میرزا ابوالقاسم خوانساری شاگرد مرحوم مجلسی 4- خودآموز لمعه در دو جلد 5- شرح صحیفةالحسینیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (60 -58 / 5).

غفاری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ حسین غفاری آذر شهری یکی از فضلاء آذربایجان معاصر در تهران بوده است تولد ایشان در حدود 1338 قمری در آذرشهر واقع شده و پس از پرورش و خواندن دروس ابتدائی به تبریز آمده و مقدمات و سطوح اولیه را در مدرسه طالبیه که مرکز انجمن علمی تبریز است آموخته سپس راهی قم شده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه‌ی علمیه چون آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و دیگران فراگرفته و دروس خارج فقه را از محضر آیات عظام مرحوم آقای حجت و آیت‌اللّه آقای شریعتمداری و بالاخص نایب‌الامام آقای خمینی مدظله استفاده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی بنا بر دعوت عده‌ای از علاقمندان و دوستان مقیم تهران هجرت به عاصمه تشیع نموده و در یکی از مساجد خیابان تهران به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد مردم پرداخته و عده‌ای از جوانان را به سوی حق رهبری نموده است.
مرحوم غفاری که نویسنده از نزدیک ایشان را می‌شناختم مردی جدی و فاضل و قاطع و مبارز بود و در امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در راه خدا و مبارزه بر علیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی سعی بلیغ داشت و از ملامت هیچ ملامت کننده‌ای ترس و وحشت نداشت و ماه یک مرتبه که به قم مشرف می‌شد و حقیر با او ملاقات می‌کردم دلی پر خون از اوضاع داشت و غالباً با مراجع و زعماء حوزه از جنایات هیئت حاکمه و مظالم دستگاه جباره شکایت کرده و از نقشه‌های شوم آنها که ضد خدا و خلق بود هشداری می‌داد..
بالاخص پس از نهضت روحانیت به رهبری زعیم اعظم نایب‌الامام آقای خمینی مدظله بر علیه انجمن ایالتی و ولایتی که منجر به گرفتاری و تبعید امام شد آن مرحوم بیشتر به مبارزه پرداخت و در مجالس و محافل تهران و مسجدش انتقاد از اعمال ضد انسانی و دینی دولت و رژیم شاهنشاهی نموده و چندین بار مورد حمله عوامل ساواک قرار گرفته و به شهربانی و زندان افتاده است.
مرحوم غفاری هیچگاه در مراحل گرفتاریش تسلیم مأمورین نشده و از سخن خود دست برنداشته و بدون تقیه حقایق را افشاء و از جنایات شاه و دژخیمانش پرده برداشته و در آن ایامی که دولت با قراردادهائی با صهیونیست و دیگر اربابانش گوشتهای یخ زده (کودی) را تحمیل بر مردم

مستضعف ایرانی نموده و عموم مراجع قم و تهران آن را تحریم و از خرید و فروش آن منع کردند. مرحوم غفاری بر علیه این عمل ضد ایرانی دولت قیام و در همه مجالسش از حرمت آن سخن گفته و مردم را از خرید و خوردن آن بازداشته تا جائی که تبلیغاتش در محیط تهران نو و نارمک و آن منطقه اثر چشمگیری گذاشته و دولت دید با آزاد گذاردن رزمندگانی مانند مرحوم غفاری غفره‌اللّه نمی‌تواند خواسته‌های اربابانش را انجام دهد و همه روز این گونه مردان آگاه و مبارز مو دماغ آنها هستند پس به منزل آن مرحوم مانند وحشیان مغولی حمله کرده و آن رادمرد فاضل و مجاهد را گرفته و با فرزندانش به کمیته شهربانی که از زندان قرون وسطائی و وحشی‌های مغولی و افریقائی بدتر بود انداخته و هر چه می‌خواستند او را از مبارزه بازدارند دیدند به هیچ وجهی نه تطمیع و نه تهدید از هدف مقدسش که پیکار با ستمگران است دست بردار نیست او را در زیر شکنجه شهید کردند و می‌خواستند جنازه شریف او را مخفیانه در جای نامعلومی دفن کنند که بعضی از مراجع اقدام و آن را از هیئت حاکمه و مأمورین ساواک گرفته و تسلیم بازماندگان او نمودند. حادثه شهادت مرحوم غفاری در اوائل سال 1394 قمری اتفاق افتاد و دوستان آن مرحوم پس از تحویل جنازه آن شهید خبر به مراجع و حوزه علمیه قم داده و حوزه برای تجلیل از آن عالم فاضل مجاهد تعطیل و با شور و هیجان عجیب و شعار بر علیه دولت تشییع با شکوهی انجام داده و در دارالسلام قم به خاک سپردند. و شهرستان قم ناظر یکی از حملات ناجوانمردانه مأمورین شهربانی و ساواک قم بود که چگونه تشییع‌کنندگان جنازه آن مرحوم و شهید از طلاب و مردم دلسوخته ماتم زده را که در شهادت یکی از بهترین فرزندان ایران و علماء حوزه علمیه قم اشک می‌ریخت و از دل ناله می‌کرد و فریاد می‌زد (غفاری غفاری شهادتت مبارک) با باطوم و سرنیزه زده و به رودخانه قم می‌ریختند اما به گفته شعر معروف: دیدی که خون ناحق پروانه شمع را آنقدر امان نداد که شب را سحر کند.

آثار آن مرحوم که چشمگیر و مورد توجه است.

تعمیر و تجدید بناء مسجد مرحوم شهید آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ فضل‌اللّه نوری در نزدیکی گلوبندک که اوقاف می‌خواست به کلی آن را ویران و مدرسه بسازد که آن مرحوم با فعالیت و کوشش بسیار آن را گرفته و تجدید بنا نمود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(529 -451 ق)، حافظ، محدث، لغوی، ادیب، مورخ و فقیه شافعی. از طرف پدر نوه‌ی شیخ بزرگ ابوحسین فارسی نیشابوری و از طرف مادر نوه‌ی شیخ ابوالقاسم قشیری است. او در نیشابور به دنیا آمد. نزد امام الحرمین جوینی اصول علم حدیث و فقه آموخت و از پدرش، اسماعیل، و مادرش، ام‌رحیم، دختر قشیری و جدش ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و جده‌اش، فاطمه دختر ابوعلی دقاق، و دو دایی‌اش ابوسعد و ابوسعید، فرزندان قشیری، و احمد بن منصور مغربی و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی و احمد بن حسن ازهری و خلقی کثیر، احادیث بسیار استماع کرد، و در علوم مذهبی سرآمد گشت و به غزنه و هند و خوارزم مسافرت کرد و بزرگان را دیدار نمود و از ابومحمد جوهری و ابوسعد کنجرودی و ابوبکر محمد طبری اجازه دریافت کرد. ابوسعد عبدالله بن عمر صفار آخرین کسی است که از وی حدیث روایت کرده است. او را فقیهی محقق و فصیحی خوش‌زبان و ادیبی کامل توصیف کرده‌اند. وی خطیب نیشابور گشت و سرانجام در نیشابور درگذشت. از آثارش: «مجمع الغرائب فی غریب الحدیث»؛ «السیاق»، در تاریخ نیشابور که تکمله‌ای بر کتاب «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری است؛ «المفهم»، شرح «غرایب صحیح مسلم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (157 / 4)، روضات الجنات (22 / 8)، ریحانه (273 -272 / 4)، سیر النبلاء (18 -16 / 20)، شذرات الذهب (93 / 4)، العبر (436 -435 / 2)، کشف الظنون (1602، 1011، 558، 308)، الکنی و الالقاب (67 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (267 / 5)، وفیات الاعیان (225 / 3)، هدیه العارفین (587 / 1).

فارسی نیشابوری، ابوالحسین عبدالغافر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 448 -350 ق)، محدث و فقیه. وی از ابواحمد محمد بن عیسی بن عمرویه جلودی در 365 ق «صحیح» مسلم و از ابوسلیمان خطابی «غریب الحدیث» را استماع کرد و از بشر بن احمد اسفراییني و چند تن دیگر حدیث شنید و خود حدود پنجاه سال حدیث گفت. نصر بن حسن تنکتی شاشی و ابوعبدالله حسین بن علی طبری و عبیدالله بن ابوالقاسم قشیری و عبدالرحمان بن ابوعثمان صابونی و محمد بن فضل صاعدی فراوی و اسماعیل بن ابوبکر قاری و فاطمه بنت زعبل و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. «صحیح» مسلم را حسن بن احمد سمرقندی حدود سی مرتبه و ابوسعد بحیری حدود بیست مرتبه بر او قرائت کرده‌اند. نوه‌اش عبدالغافر بن اسماعیل فارسی نیشابوری جد خود را مردی مورد اعتماد، صالح و دیندار معرفی کرده است. شیخ ابوالحسین فارسی در نیشابور درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (298 / 2)، سیر النبلاء (21 -19 / 18)، شذرات الذهب (278 -277 / 3)، العبر (292 / 2).

فاضل اردکانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محدث قمی در الکنی والالقاب ج 3 ص 22- گوید: شیخ اجل علامه مولی حسین بن محمد اسماعیل اردکانی حایری عالم جلیل و مرجع تقلید بوده، و جمعی از مجتهدین از محضر او برآمدند چون علامه جلیل میرزا محمد تقی شیرازی و سید اجل سید محمد اصفهانی (استاد آیه‌الله حایری یزدی) و سید حسن کشمیری و میرزا مهدی شیرازی.
از عموی فاضلش مولی محمد تقی اردکانی روایت میکند که سال 1267 در تهران که ساکن بوده فوت کرده در مدرسه خان تهران مدرس بوده و هم روایت کند که از سید حجه‌الاسلام رشتی اصفهانی.
مولای اردکانی مصنفاتی دارد در طهارت و صلوه و متاجر و غیره و در سال 1305 در کربلا فوت کرده و در مقبره استادش صاحب ضوابط دفن شده است.
علامه شهرستانی حاج میرزا محمد حسین که از تلامذه مبرز اوست و بعد از وی ریاست امامیه بوی منتهی گردید در تاریخ وفات او گوید:
و لما ذاب وجدالقلب هما
لموت ولیّ امیرالمؤمنینا
فقم فزعا وارخ بالبکاء
حسین بالثری امسی رهینا
(1305)
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فاضل استرآبادی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بن علی بن ابراهیم معروف به فاضل استرآبادی استاد علماء کربلا صاحب منهج‌المقال (رجال کبیر) و رجال صغیر که وحید بهبهانی تعلیقاتی بر آن نوشته و معروف است که در رجال کتابی بهتر از آن نوشته نشده و هم از تصنیفات اوست شرح آیات الاحکام و حاشیه تهذیب و رسائل مفیده دیگر وفات آن بزرگوار در سیزدهم ذی‌قعده 1028 ق در مکه معظمه واقع و در قبرستان معلی نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری مدفون گردید و در نخبه ماده تاریخش را چنین گفته.
والاسترآبادی فاضل سنی
له الرجال فوئه رضی
و این بزرگوار از افرادی است که به فیض تشرف و زیارت حضرت ولی عصر روحی له الفداء رسیده چنانکه مجلسی ره در سیزدهم بحار نقل نموده از جماعتی از آن بزرگوار که فرمود شبی در مسجدالحرام طواف می‌کردم بر دور خانه کعبه که جوان خوشروئی را دیدم که مشغول به طواف بوده چون به من رسید دسته گل سرخی به من عطا کرد و این در غیر فصل گل بود پس من از او گرفتم و بوئیدم و پرسیدم که ای سید من این گل از کجاست. فرمود از خرابات این بفرمود و پنهان شد و دیگر او را ندیدم سمعانی در انساب گفته خرابات جزیره‌ای در مغرب است در دریای محیط که از آنست جزیره خضراء.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فاضل ایروانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1306 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و مجتهد. اصلش از ایروان بود. در چهارده سالگی وارد کربلا شد و چهار سال نزد صاحب «ضوابط» تلمذ نمود. سپس به نجف مهاجرت کرد و در محضر صاحبان «جواهر» و «انوار الفقاهه» شاگردی کرد، و بعدها از محضر شیخ انصاری استفاده بسیار نمود و بعد از ایشان و علامه کوه‌کمری در 1299 ق به تدریس و تألیف مشغول شد و مرجع تقلید گشت. ریاست دینی و شهرت فراگیرش در ایران و روسیه و ترکیه و هند سبب شد تا عالمان بزرگی بر گردش جمع شده و در محضرش شاگردی نمایند. وی در مدرسه‌ی معروف خودش در نجف اشرف دفن شد. از او تألیفات و رسائل بسیار در فقه و اصول باقی مانده است. از آثار وی: تعلیقه بر «رسائل» استادش، علامه انصاری؛ حاشیه بر «قواعد»؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «رساله‌ی عملیه»، فارسی، در جمیع فقه، مجلد اول در عبادات و دوم در معاملات؛ رساله‌ای در «اجتماع الامر و النهی»؛ «المکاسب المحرمه»؛ کتاب «البیع» استدلالی؛ «اصول الفقه»؛ «الاجتهاد و التقلید»؛ «الاجزاء»؛ «الاستصحاب»؛ «اصاله البرائه»؛ «التعادل و التراجیح»؛ «حجیه المظنه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (410 / 9)، الذریعه (151 / 22، 62 / 15، 218، 30 / 11، 278، 173، 43 / 6، 204 / 4، 192 / 3، 209، 115، 25 / 2، 274، 272، 268 / 1)، ریحانه (278/ 4)، علماء معاصرین (22 -21)، فوائد الرضویه (601)، الکنی و الالقاب (9-8 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل ایروانی)، المآثر و الآثار (152)، معجم المؤلفین (197 / 11).

فاضل بسطامی، نوروز علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1309 ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و واعظ. در بسطام به دنیا آمد. در کودکی به مشهد مهاجرت کرد و در خدمت علمای بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نمود تا به درجات بالائی از فضل و کمال رسید. از آثارش: «التحفه الحسینیه»، در بیان حالات حضرت سیدالشهداء (ع) و اهل‌بیت او، در دو مجلد؛ «التحفه الرضویه»، در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن‌الائمه (ع)؛ «سرور العارفین»، در احوال مختار؛ «نجاه لخافقین فی ثواب زیاره الحسین (ع)»؛ کتاب «ذخیره المعاد»، در اخلاق و موعظه و ارشاد؛ کتاب «سراج المتهجدین»، منتخبی از «تحفه الابرار» شیخ حسین اصفهانی؛ کتاب «لولوه البحرین فی ذکر مناقب الحسین (ع)». [1]
نوروزعلی معروف به (فاضل بسطامی) متوفی 1309 ق عالمی با عمل و فاضلی بی‌بدل از روات اخبار و ناقلین آثار ائمه‌اطهار علیهم سلام‌اللّه الملک الغفار بوده وی در بسطام متولد و از کودکی مهاجرت به مشهد نموده و در خدمت علماء بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نموده تا به درجات سامیه فضل و کمال رسیده و چندین کتب تألیف کرده که از آن جمله (تحفه الحسینیه) در دو مجلد در بیان حالات و مراثی حضرت سیدالشهداء و اهل‌بیت طیبات آن جناب و دیگر کتاب تحفه الرضویه در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن‌الائمه (ع) و کتاب سرورالعارفین در احوال مختار و نجات الخافقین در فضیلت زیارت حضرت سید الشهداء و کتاب ذخیره المعاد و کتاب (سراج‌المتهجدین) و کتاب (لؤلؤة البحرین) و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (58 -57 / 24، 378 / 18، 175، 161 -160 / 12، 21 / 10، 436، 430 / 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (152 -151 / 7).

فاضل قائینی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد المعروف به فاضل قائینی نجفی رحمه‌اللَّه. وی در یکی از روستاهای قائن در سال 1305 به دنیا آمده و در دامن والد ماجدش مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ عبدالکریم که از اهل فضل و دانش بودند پرورش یافته و با تشویق و تحریص او به تحصیل علم و کمال پرداخته و مقدمات را از یکی از علماء روستای مجاورش آموخته و بعد از آن مهاجرت به شهر قائن نموده و در مدرسه جعفریه آنجا اشتغال به تحصیل کرده و سطوح عالیه را از علماء قائن فراگرفته و به واسطه اعتراض به حاکم آن سامان که موقوفات را صرف در غیر موردش می‌کرده دستگیر و به بیرجند که مرکز حکومت بوده برده شده ولی حاکم به سبب ایمانی که در معظم‌له دیده عذرخواهی کرده حتی مبلغی زیاد پول تقدیم ایشان نموده ولی وی نپذیرفته و از آنجا مهاجرت به مشهد مقدس نموده و پس از مدت کوتاهی مسافرت به تهران کرده و بعد از چند ماهی مهاجرت به نجف اشرف کرده و در مدرسه بزرگ آخوند اقامت و پص از چندی با صبیه مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ علی همدانی داماد مرحوم علامه بزرگوار حاج‌آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه پیوند همزیستی بسته و مجدا به تحصیل و تکمیل مبانی فقه و اصول و غیره گردیده تا به مدارج عالیه علمی ارتقا یافته و به مرتبه سامیه اجتهاد نائل می‌گردد.
اساتید معظم‌له
1- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی
2- آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی
3- آیت‌اللَّه العظمی آقا میرزا حسین نائینی رحمه‌اللَّه علیهم اجمعین.
دارای اجازات جامع اجتهادی و غیره از آیات عظام و اساتید کرام خود بوده و در اجازه‌ای که مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی قدس‌اللَّه سره بر ایشان مرقوم داشته‌اند چنین آمده:
فان جناب العالم العامل عماد العلماء العالمین و ملاذ الفقهاء الراشدین جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول علم الاعلام و رکن الاسلام الشیخ الثقه الجلیل السند و الرکن الامید المعتمد الشیخ محمد القائینی المعروف بالفاضل دامت برکاته قد صرف عمره الشریف خصوصا فی ارض الغری فی تحصیل العلوم الشرعیه حضر لدی الاعلام وجد و اجتهد و وجد ما هو المراده و بلغ درجه الاجتهاد و الاستنباط.

و نیز مرحوم آیت‌اللّه اصطباناتی (ره) چنین مرقوم نموده‌اند:
فلا یخفی ان الشیخ الجلیل العالم النبیل الهادی المتقی عمده المحققین و صفوه المجتهدین الشیخ محمد القائینی المعروف بالفاضل دامت برکاته...
و نیز از مرحوم آیت‌اللّه الرجالی الکبیر معروف به سیدابوتراب خونساری متولد 1271 متوفی 1346 قمری دارای اجازه روایتی بوده‌اند.
از امتیازات مرحوم فاضل قائینی (ره) ممارست و جدیت او در حوزه علمیه نجف به تدریس اصول و فقه بوده که در طول ده سال صبح و عصر اشتغال داشته و جمع کثیری از محضر و بیاناتش استفاده نموده‌اند. و در شبهای ماه رمضان و شبهای پنج‌شنبه و جمعه دوره سال تدریس علم کلام داشته‌اند چنانچه در مقدمه (مختصر در الثمین) اشاره فرموده‌اند که من در زمان گذشته چهل سال قبل کتابی در اصول عقاید به فارسی و مکرر در ماه رمضان و شبهای پنج‌شنبه و جمعه دوره سال برای طلاب و مؤمنین مباحثه نموده و آن را بازگو کردم.
بسیاری از صاحبان تراجم مانند علامه تهرانی صاحب الذریعه در طبقات اعلام الشیعه و صاحب معجم رجال الفکر و الادب او غیرهما معظم‌له را در کتب خود یاد و تجلیل نموده‌اند.
تألیفات و آثار علمی آن مرحوم
1- وجیزه‌ای در علم اصول که در سال 1350 هجری در نجف به طبع رسیده.
2- درر النجفیه در خمس و زکوه در سال 1354 هجری نیز در نجف منتشر و برای برای دوم در قم به طبع رسیده.
3- حاشیه بر زاد المقلدین آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین کاشف الغطاء.
4- حاشیه بر تبصره علامه که در قم طبع شده.
5- گوهر دین در علم کلام در اصول و فروع دین.
6- ناظم الشتات که در مطبعه حیدری تهران به چاپ افست رسیده است و برای آن مرحوم تألیفات گرانقدر دیگریست که هنوز به طبع نرسیده و مخطوط مانده است.
در عصر روز جمعه سیزدهم ربیع‌الاول 1405 هجری در قم در منزل فرزند برومندش از دنیا رفته و در باغ بهشت در جوار قبر جناب علی بن جعفر علیهماالسلام مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فاضل قندهاری، عبدالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1313 / 1312 / 1311 -1227 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، ریاضیدان، مدرس و شاعر، متخلص به وصال. اصلش از قندهار و سکونتش در مشهد بود. نزد پدرش ملا نجم‌الدین که از علمای معروف افغانستان و از مراجع آن دیار بود، مشغول به تحصیل گردید و علوم گوناگون از قبیل تفسیر، حدیث، اصول، فقه، کلام، حکمت و اخبار را در نزد وی آموخت، تا به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از وی نایل شد. سپس در محضر حاج سید محمد باقر اصفهانی شفتی معروف به حجه‌الاسلام حاضر شد. پس از آن به نجف رفت و در سلک شاگردان شیخ انصاری درآمد. در بازگشت به ایران در مشهد ساکن شد. او در 1257 ق پس از اشغال قندهار توسط نیروهای انگلیس به کابل رفت و توانست اتحادی بین فرقه‌های شیعه و سنی ساکن آنجا پدید آورد و بر ضد انگلیسی‌ها قیامی تدارک کند. در 1271 ق به مشهد بازگشت و تا آخر عمر در آنجا زیست و به عنوان مرجعی بزرگ و مدرسی توانا کرسی تدریس فقه و اصول و حدیث و تفسیر و کلام و عقاید و حکمت و تاریخ و ادبیات را اداره و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. نامبرده علاوه بر این که جامع معقول و منقول بوده، طبع شعر نیز داشته است. در اوایل مهجور تخلص می‌کرد و در اواخر وصال را برای تخلص خویش برگزید. در ده سال آخر عمر زمین‌گیر شد. او در دارالضیافه آستان رضوی مدفون است. از آثار وی: «حل العقال فی خلق الاعمال»؛ «الفرائد البهیه»،در شرح «العقاید» شیخ بهائی؛ «محل الطرف فی علم الصرف»؛ «الهدایه فی تفسیر آیه الولایه»؛ شرح «مشکاه الانوار»؛ «البرهان فی قطع شبه الشیطان» یا رساله‌ی «برهانیه»، در کلام؛ ترجمه‌ی «تفسیر العسکری (ع)»؛ «تحریر الاصول»، در اصول فقه؛ «تذکره العلماء»؛ «دلاله السالکین فی قواعد العارفین»؛ «کشف الغطاء عن مسئله البداء»؛ «خوان الوان»، در متفرقات، به سبک کشکول.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (87 / 8)، الذریعه (187 / 25، 45 / 18، 285 / 17، 134- 133 / 16، 255/ 8، 275- 274 / 7، 71 / 4 / 89- 90، 379 / 90، 3)، ریحانه (321 -320 / 6)، شرح حال رجال (146 / 6)،

طبقات اعلام الشيعه (قرن 1219 -1218 / 14)، مكارم الآثار (850 -846 / 3).

فاضل لنکرانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فاضل لنکرانی در سال 1310 شمسی مطابق با 1349 قمری و 1931 میلادی در شهر قم دیده به جهان گشود. او تحصیلات حوزوی را در حوزه علمیه قم سپری کرد و در سن 25 سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی پس از انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و بیش از ده سال ریاست عالی شورای مدیریت حوزه علمیه قم را عهده دار بود . آیت الله لنکرانی در کنار تدریس و تربیت طلاب علوم دینی کتابهای بسیاری به رشته تحریر در آورده است . ایشان در خرداد ماه سال 1386 دار فانی را وداع گفتند.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اسلامیوالدین و انساب : نام پدر محمد فاضل لنکرانی، عبدالله می باشد.آیت‌الله عبدالله فاضل لنکرانی مجتهد بود.وی با دختر آیت الله سیدعباس فیض برقعی ازدواج کرد که حاصل آن 4 پسر و 5 دختر بود و محمد فاضل موحدی لنکرانی چهارمین فرزند او بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر محمد فاضل لنکرانی از اساتید و علمای حوزه علمیه قم به شمار می آمد. او در حوزه علمیه قم تحصیلات دینی را پی گرفت . تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد فاضل لنکرانی دوره‌ی ابتدایی را در قم گذراند. پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به دلیل علاقه به دروس دینی به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت ودر مدرسه‌ی فیضیه به تحصیل علوم دینی پرداخت.وی قسمتی از مطوّل و بخشی از شرح لمعه را نزد آیت‌الله حسنعلی منتظری و قسمتی دیگر را نزد شیخ اسدالله نوراللهی نجف‌آبادی خواند، رسایل و مکاسب را نزد چند تن از اساتید حوزه چون، پدرش آیت‌الله فاضل موحدی، آیت‌الله آقا شیخ عبدالجواد جبل عاملی سدهی و آیت‌الله شیخ مرتضی حائری بهره برد. آیت‌الله لنکرانی به دلیل شور و علاقه به تحصیل علوم دینی در زمان کوتاهی دوره‌های ادبیات عربی و سطوح را که معمولاً طلاب دیگردر 8 یا 9 سال به پایان می‌رسانند در مدت 6 سال گذراند، لذا در سن 19 سالگی وارد آخرین مرحله‌ی تحصیلات حوزوی یعنی درس خارج فقه گردید.پس از تشکیل کلاسهای آیت‌الله بروجردی در قم، وی در درس خارج فقه ایشان شرکت جست و این درحالی بود که هنوز قسمتی از کفایه را به اتمام نرسانده بود . به این دلیل صبح‌ها اول وقت در مسجد عشقعلی دروس کفایه را نزد آقا شیخ عبدالجواد می‌خواند و پس از پایان درس همراه استاد در درس خارج فقه

آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کردو از جوانترین شاگردان استاد بود. پس ازتشکیل کلاسهای درس اصول امام خمینی، آیت‌الله لنکرانی از همان ابتدا در کلاسهای ایشان حاضر شده و هر روز دو نوبت در درس امام شرکت کرده و مباحث اجتهاد و تقلید را به طور کامل با ایشان گذراند. مبحث طهارت در فقه را نیز نزد امام فراگرفت و مطالب دروس امام را نیز تقریر می‌کرد. فاضل لنکرانی خیلی زود به درجه اجتهاد رسید. در زمان حیات آیت‌الله بروجردی و سالهای مرجعیت ایشان به تقلید از وی پرداخت. در 25 سالگی به اجتهاد رسید و این امر مورد تأیید آیت‌الله بروجردی قرار گرفت. پس از وفات آیت‌الله بروجردی در 1340 ش. وی در سن 30 سالگی به استنباط خود مسایل دینی را اجتهاد می‌کرد. ایشان علاوه بر دروس فقه و اصول، در درسهای فلسفه و حکمت علامه طباطبایی نیز شرکت جسته و قسمتی از مباحث منظومه سبزواری و کتاب اسفار ملاصدرای شیرازی را از ایشان آموخت.استادان و مربیان : از استادان محمدفاضل لنکرانی می توان به موارد زیر اشاره کرد: استاد آیت الله عبدالله فاضل موحدی لنکرانی(پدرشان) استاد آیت الله حسنعلی منتظری شیخ اسدالله نوراللهی نجف آبادی علامه طباطبایی شیخ عبدالجواد جبل عاملی آیت الله بروجردی هم دوره ای ها و همکاران : . از هم مباحثه‌ایهای محمدفاضل لنکرانی در مدرسه فیضیه حاج سیدمصطفی خمینی بود که نقش مهمی در پیشرفت علمی ایشان داشت.زمان و علت فوت : محمد فاضل لنکرانی سرانجام پس از مدتی عارضه‌ی قلبی در روز 26 خرداد 1386 دار فانی را وداع گفت و پیکر آن مرحوم روز 28 خرداد مصادف با شهادت حضرت زهرا (س) طی تشییع جنازه‌ی باشکوهی در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد فاضل لنکرانی پس از انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و بیش از ده سال ریاست عالی شورای مدیریت حوزه علمیه قم را عهده دار بود . وی از همان ابتدای مبارزات امام خمینی در دهه‌ی 1340 ش از اقدامات ایشان حمایت می‌کرد و به عنوان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم شناخته گردید. این تشکل روحانیون سیاسی در موارد مختلف به حمایت از امام خمینی پرداخت. او درحمایت از نهضت امام خمینی در اکثر اعلامیه‌هایی که در این باره منتشر می‌شد مشارکت داشت و در این رابطه چند بار توسط ساواک دستگیر و سپس تبعید شد. ابتدا چهار ماه دوران تبعید را در بندر لنگه با تحمل رنج و ناراحتی بسیار گذراند، و پس از آن به مدت دو سال و نیم به یزد تبعید شد. وی در آن شهر با آیت‌الله صدوقی آشنا گردید و با کمک آیت‌الله صدوقی به طور مخفیانه با مردم یزد دیدار داشته ودر روشنگری مردم نقش فعالی ایفا نمود. فاضل لنکرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدتی مسئولیت

دادگاه انقلاب شهرستان قم را به امر امام خمینی بر عهده گرفت. سپس به عنوان نماینده‌ی استان مرکزی ر نخستین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری حضور یافت. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی کمتر به فعالیتهای سیاسی روی آورد و بیشتر هم خود را به تقویت نهاد حوزه پرداخت، لذا در ارتباط با مراجع تقلید به عنوان ارشد شورای مدیریت حوزه علمیه قم مطرح شد و به مدت ده سال ریاست عالی این شورا را بر عهده داشت. پس از رحلت آیت‌الله اراکی به عنوان مرجع اعلم، جامعه روحانیت مبارز او را به عنوان یکی از سه مرجع مسلم تقلید در کنار آیت الله خامنه‌ای و میرزا جوادتبریزی معرفی کرد. همچنین جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم ایشان را در زمره‌ی هفت مرجع پیشنهادی خود به مردم معرفی کرد. آیت‌الله لنکرانی پس از این فقط در جایگاه مرجعیت تقلید قرار گرفت و تدریس حوزوی را در فعالیتهای خود قرار داد و دیگر در مدیریت حوزه و فعالیت جامعه مدرسین نقشی ایفا نکرد.فعالیتهای آموزشی : محمدفاضل لنکرانی در نخستین سالهای تحصیل در حوزه‌ی علمیه قم، در سالهای سوم و چهارم، زمانی که هنوز شانزده سال نداشت، ضمن تحصیل، تدریس نیز می‌کرد.نخستین تدریس وی مربوط به کتاب حاشیه‌ی ملاعبدالله و معالم بود. بعدها شرح لمعه را شروع کرد و طلبه‌های بیشتری در درس وی حاضر می‌شدند. او لمعه را در دو دوره و کتاب ارث را در سه دوره تدریس کرد. سپس به تدریس رسائل و مکاسب مشغول شد. مکاسب را پنج دوره و کفایةالاصول را شش دوره تدریس کرد. از آخرین دوره‌ی درس کفایةالاصول وی، نوار تهیه شد و طلاب در قم و شهرستانهای دیگر از آن بهره می‌بردند. بسیاری از شاگردانش از نظر سنی بزرگتر از استاد خود بودند و در بیشتر اوقات صدها نفر در کلاسهای درس ایشان شرکت می‌جستند. آیت‌الله لنکرانی از سال 1360 ش به تدریس درس خارج فقه و اصول پرداختند و در مدت 25 سال گروه کثیری از طلاب از محضر وی بهره‌منده شدند. این درس از رادیو معارف نیز پخش می‌شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد فاضل لنکرانی علاه بر تأسیس مرکز اعزام مبلغ برای ترویج مکتب تشیع و تربیت فقیهان و مجتهدان، مرکز فقهی ائمه اطهار که مرکزی آموزشی و پژوهشی است، را تأسیس کرد که در این مرکز علاوه بر آموزش محققان و تألیف کتابها، کتابخانه تخصصی فقه را راه‌اندازی کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد فاضل لنکرانی در کنار تدریس و تربیت طلاب علوم دینی کتابهای بسیاری به رشته تحریر در آورده است .
ایشان در 26 خرداد 1386 در قم رحلت نمودند و در جوار کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها آرام گرفتند.

آثار : 1 آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع) 2 · ائمه اطها ر(ع) یا پاسداران وحی در قرآن کریم (این دو کتاب را به همراهی آیة الله اشراقی نگاشته اند) 3 · احکام الحج , حاشیه بر کتاب حج تحریر الوسیلة (عربی) 4 · احکام عمره 5 · استفتاءات حج 6 · استفتاءات حول الحج 7 · الاحکام الواضحه (فتاوای عربی) 8 · القواعد الفقهیة (عربی) 9 · المسائل المستحدثه (عربی) 10 · اهل البیت (ع) یا چهره های درخشان د رآیه تطهیر 11 · تبیان الاصول - تقریرات درسی ایشان - در چهار جلد (عربی) 12 · تفسیر سوره حمد (عربی) 13 · تقریرات الاصول - تقریرات درس امام خمینی - در پنج جلد (عربی) 14 · تقریرات الاصول -تقریرات درس آیة الله بروجردی (عربی) 15 · تقریرات درس خارج اصول ایشان در هشت جلد (فارسی) 16 · تقیه مداراتی (فارسی) 17 · جامع المسائل (مجموعه ای از استفتاءات). 18 · حاشیه بر کتاب الطهارة مصباح الفقیه محقق همدانی (عربی) 19 · حاشیه بر کتاب عروة الوثقی (عربی) 20 · رساله 21 · رساله ای در حکم نماز در لباس مشکوک (عربی) 22 · رساله ای در خلل حج و عمره (عربی) 23 · رساله ای در قاعده فراغ و تجاوز (عربی) 24 · رساله توضیح المسائل (فارسی) 25 · شرح فروع (الاجتهاد و التقلید) از کتاب العروة الوثقی (عربی) 26 · عصمت انبیاء 27 · کتاب الصوم (عربی) 28 · کتاب القضاء (عربی) 29 · کتاب تفصیل الشریعه (عربی - شرحی است بر کتاب تحریر الوسیله امام خمینی در 13 مجلد) ویژگی اثر : شرحی است عربی بر کتاب تحریرالوسیله‌ی امام خمینی که 25 جلد آن چاپ شده و 5 جلد دیگر آماده چاپ است. پنج جلد اول این شرح در زمان تبعید آیت‌الله لنکرانی در یزد نوشته شده،است. این کتاب یک دوره‌ی کامل فقه است و جدیدترین آراء فقهی در آن آمده است.30 · مجمع الفهارس - مجموعه فهرستهای بحارالانوار ء الغدیر و المیزان 31 · مختصرالاحکام 32 · مدخل التفسیر د رعلوم قرآن (عربی) 33 · مناسک الحج (عربی) 34 · مناسک حج (فارسی) 35 · نهایة التقریرات درس آیة الله بروجردی د ربحث نماز (عربی - دو جلد)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فاضل مراغی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1310 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. مشهور به فاضل و فاضل مراغی. اصل وی از مراغه و ساکن تبریز بود. وی در نجف از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج سید حسین کوه‌کمری و دیگر بزرگان بود، و تقریرات استادش، انصاری، را در فقه نوشت. به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و کلام پرداخت. در تبریز به بیماری وبا درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «التحفه المظفریه»، به فارسی، در در رد حاج محمد کریم‌خان قاجاری کرمانی؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «صیغ العقود»؛ حاشیه بر «تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه»؛ حاشیه بر «صمدیه»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ «تفسیر قرآن»؛ «نکات القرآن و بیان دقائقه»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (51 / 3)، الذریعه (108 / 15، 115 / 14، 202، 174، 153، 34 / 6، 470- 469 / 3)، ریحانه (282 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 114 / 14)، علماء معاصرین (45)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل مراغی)، معجم المؤلفین (319 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (430 / 1).

فاضل همدانی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1326 ق)، عالم امامی و فقیه. در روستای سلیمان‌آباد همدان به دنیا آمد. در 1342 ق به قم مهاجرت نمود و پس از تکمیل سطوح در 1349 ق در درس آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت شرکت نمود و در تمام دروس آیت‌الله حجت را به رشته تحریر درآورد. او همچنین از محضر و دروس آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله شیخ محمدعلی حایری قمی استفاده کرد و حدود هیجده سال هم در درس آیت‌الله بروجردی و پس از آن دوازده سال در درس آیت‌الله شریعتمداری شرکت کرد و مورد توجه آن آیات بوده و اغلب نوشته‌هایش مورد تحسین آیت‌الله حجت قرار گرفته و برای ایشان استنساخ شده است. از آثار وی: دوره‌ی «اصول» از اول تا آخر «تقریرات و دراسات» آیت‌الله حجت، در دو جلد؛ کتاب «بیع» از اول تا آخر، در سه جلد؛ «صلاه» از اول تا آخر، در دو جلد؛ «قاعده‌ی لا ضرر»؛ «قاعده‌ی لباس مشکوک».[1]
آقای حاج شیخ یحیی بن المرحوم الشیخ علی‌اکبر همدانی معروف به فاضل از علماء اعلام و قدماء والامقام حوزه علمیه قم است که آراسته به زیور علم و حلم و فضل و کمال و تقوا و متانت است تولدش در هفتم ربیع‌الثانی 1326 ق در قریه سلیمان آباد سه فرسخی شهر همدان واقع شده و در سن 16 سالگی سال 1342 ق مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح در سال 1349 ق شرکت در دروس مرحوم آیت‌الله حایری و مرحوم آیت‌الله حجت شرکت نموده و تمام دروس مرحوم سید استاد را به رشته تحریر درآورده و هم از محضر و دروس مرحومین آیتین خونساری و حایری قمی استفاده کرده و بالغ بر 18 سال هم در درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و پس از آن مرحوم تا هم‌اکنون که 12 سال است به درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری شرکت می‌کند و مورد توجه کامل معظم‌له و آیات عظام دیگر حوزه می‌باشد.
آثار علمی ایشان به قرار زیر است:
1- دوره اصول از اول تا آخر تقریرات و در اسارت آیت‌الله حجت- ره- در دو جلد. 2- کتاب بیع از اول تا آخر در سه جلد
3- صلوه از اول تا آخر در دو جلد.
4- قاعده لاضرر.
5- قاعده لباس مشکوک و کتب و رساله‌های دیگر و غالب جزوات و

نوشته‌های ایشان مورد تحسین مرحوم آیت‌الله حجت بوده که برای آن مرحوم استنساخ شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (130 -129 / 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (216 -215 / 2).

فاضل هندی، بهاءالدین محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1137 / 1135 -1062 ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و مفسر. معروف به بها و تاج الفقها و فاضل اصفهانی. گاهی به جهت تألیف کتاب «کشف اللثام» به او کاشف اللثام گفته‌اند. با این که اصفهانی است، اما چون در اوایل زندگانی با پدرش، ملا تاج‌الدین حسن، به هندوستان رفت و مدتی در آنجا اقامت کرد، بعد از مراجعت به اصفهان به فاضل هندی مشهور شد. در دوازده سالگی از فراگیری علوم عقلی فارغ شد. او از شاگردان ملا محمدباقر مجلسی است. وی به واسطه‌ی پدرش، ملا تاجا، از ملا حسنعلی بن ملا عبدالله از مشایخ علامه‌ی مجلسی است، روایت حدیث کرد. شیخ احمد حلی و محمدعلی کشمیری از شاگران او هستند که از وی دارای اجازه بودند. به هنگام فتنه‌ی افغان در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. بعدها حاج ملا محمد نایینی در کنارش به خاک سپرده شد و قبور این دو تن به فاضلان مشهور گشت. از آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «تلخیص الشفا»، در حکمت که ملخص «شفا»ی ابن‌سینا است؛ «کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام»، در فقه، که شرح «قواعد» علامه حلی و از مهمترین تألیفات فاضل هندی است که صاحب «جواهر» و صاحب «ریاض» به آن اعتماد بسیار داشتند و از مدارک کتب ایشان است؛«المناهج السویه النبویه»، در شرح «روضه البهیه»؛ «مناسک الحج»؛ «کلید بهشت»، به فارسی، در اصول دین؛ «النجاه»؛ «احاله النظر»، در قضاء و قدر؛ «التمحیص» یا «ملخص التلخیص»، خلاصه‌ای از «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی دمشقی،در علم بلاغت؛ «چهار آئینه»، به فارسی، در اثبات امور چهارگانه که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف کرده است؛ «جوابات المسائل الفقهیه»، که بیشتر آن در عبادات است؛ حاشیه بر «شرح المواقف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر شرح «الهدایه الاثیریه» میبدی؛ شرح؛ العقائد النفسیه»؛ «رساله فی الاحتیاطات اللازمه العمل»، که شاگردش شیخ عبدالحسین بن عبدالرحمان بغدادی آن را از املائات او نوشته است؛ «اللالی العبقریه فی شرح العینیه الحمیریه»؛«الخور البریعه فی اصول الشریعه» و شرح آن؛ «الزبده»، در اصول دین.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (138 / 9)، ایضاح المکنون (596، 564، 366، / 2، 583، 440، 309 / 1)، تذکره القبور (457 -456)، الذریعه (57

18 / 56- 57، 132، 259- 260، 22 / 204، 272، 345، 361، 24 / 277، 10 / 257، 11 /34- 35، 168، 13 / 370، 15 /361، 17 / 233، 4 / 265، 296، 423، 431، 5 / 229، 311، 6 / 137، 139، 7 / 276- 280، / 1)،روضات الجنات (112 -106 / 7)، ریحانه (285 -284 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 577 -575 / 12)، فوائد الرضویه (482 -477)، الکنی و الالقاب (11 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل هندی)، معجم المؤلفین (212 / 9)، هدیه العارفین (318 / 2).

فاضل، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هوالعالم العامل والفاضل العادل از علماء و مجتهدین است که تمام تحصیلاتش در قم بوده ولی به واسطه کثرت ممارست و شدت مداومت و مطالعات از فحول رجال علم گردیده. در فقه و اصول و ادبیات مقامی عالی داشت. با عالم فقر و فاقه و تنگدستی ریاضات شاقه کشید و برای یک لقمه نان منت دو نان نکشید و در اواخر عمر به مرض فلج و رخوه مبتلا و خانه‌نشین و در سنین بیش از هشتاد سالگی از دنیا رفت. غالب تلمذش در قم نزد همنام خودش شیخ محمدحسن نادی و مرحوم حاج سید صادق بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

فال اسیری شیرازی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی‌اکبر فال اسیری شیرازی از فقهاء بزرگ و علماء جلیل‌القدر شیراز از شاگردان میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی بوده و در شیراز قیام به وظائف دینی و روحی نموده تا در ذی‌القعده 1319 ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فالی، حسام‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسام‌الدین فالی بن العالم الجلیل السید محمد بن حاج سید علی‌اکبر مجتهد فال اسیری شیرازی از علماء و فقهاء معاصر شیراز و از خاندان علم و دانش است.
در سال 1316 قمری در شیراز متولد شده و پس از تحصیل مقدمات چندی از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدصادق استفاده فقه و اصول نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف و از محضر آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدکاظم شیرازی تحصیل کرده و به درجه رفیع اجتهاد رسیده و در سال 1305 شمسی به شیراز برگشته و در مسجد جامع وکیل به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و در تعمیر و مرمت مسجد مزبور و سایر مساجد شیراز سعی وافی بجای آورده است.
معظم له اکنون در شیراز به تدریس اشتغال دارد تألیفی بنام «تعلیمات قرآن» دارد و از دانشمندان متقی و زاهد و بی‌اعتناء به امور مادی و دنیوی و با کمال قناعت و مناعت طبع زندگانی می‌نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فامی هروی، ابوصابر عبدالصبور

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(552 -470)، محدث و فقیه. او تاجری نیکوکار بود که امین نامیده می‌شد. وی «الجامع» ترمذی را از ابی‌عامر ازدی، در بغداد، استماع کرد و از شیخ‌الاسلام و نجیب واسطی و الیاس بن مضر حدیث شنید. در همدان و بغدد در 539 ق حدیث گفت. سمعانی و فرزندش عبدالرحیم و ابوالحسن بن نجای واعظ و احمد بن حسن عاقولی از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (372 / 2)، سیر النبلاء (329 -328 / 20)، شذرات الذهب (162 / 4)، النجوم الزاهره (313 / 5).

فامی‌شیرازی، ابومحمد عبدالوهاب بن محمد بن عبدالوهاب

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(500 -414 ق)، فقیه، محدث، مدرس و مفتی معتزلی شافعی. از استان فارس و اهل شیراز بود. از طرف خواجه نظام‌الملک، در 483 ق، برای تدریس در نظامیه به همراهی ابوعبدالله حسین بن محمد طبری به بغداد رفت، پس هر یک از آنها یک روز در میان درس می‌گفتند، ولی بعد از سالی عزل شدند. فامی از ابوبکر احمد بن حسن بن لیث و عبدالواحد بن یوسف قزاز و لعی بن بندار حنفی و ابوزرعه احمد بن یحیی خطیب شیرازی و حسن بن محمد بن عثمان بن کرامه شیرازی حدیث نوشت. وی در جامع قصر املای حدیث می‌کرد. عبدالوهاب انماطی و ابن‌ناصر از وی حدیث روایت کرده‌اند. فامی در شیراز درگذشت. او از بزرگان فرقه شافعی بود که حدود هفتاد اثر در هیجده شاخه علمی از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «تفسیر»ی بزرگ، مضتمن صد هزار بیت؛ «تاریخ الفقهاء»؛ کتاب «الآحاد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (336 / 4)، ذیل تاریخ بغداد (399 -390 / 16)، سیر النبلاء (252 -248 / 19)، شذرات الذهب (413 / 3)، الکامل (245 / 8)، کشف الظنون (1100 ،451)، لسان المیزان (512 -509 / 4)، مدارس نظامیه (142)، معجم المؤلفین (229 / 6)، هدیه العارفین (637 / 1).

فانی اصفهانی،علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1410 -1333 ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در اصفهان به دنیا آمد. از 1342 ق شروع به تحصیل مقدمات نمود. سطوح و خارج فقه و اصول را در محضر عده‌ای از علماء بزرگ اصفهان خواند. «قوانین» را نزد شیخ محمد حکیم خراسانی و «فرائد» شیخ انصاری را در خدمت سید مرتضی خراسانی و «متاجر» و دو جزء «کفایه» و قسمتی از خارج را نزد آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی و خارج اصول و فقه و فلسفه و کلام و تفسیر را در خدمت آیت‌الله میر سید علی نجف‌آبادی مدت سیزده سال فراگرفت. بعد از درگذشت استادش، میر سید علی نجف‌آبادی، در 1362 ق، به نجف مهاجرت کرد و در حوزه‌ی علمیه آنجا به تدریس فقه، اصول، تفسیر، کلام، اخلاق و بحث در متن و حواشی «عروه‌الوثقی» پرداخت. در 1393 ق به ایران بازگشت و در قم مقیم شد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. آثار باقیمانده از وی متجاوز از هشتاد جلد می‌باشد که عموما در علوم اسلامی چون فقه، اصول، کلام، فلسفه، تفسیر و غیره نگاشته شده است، که از آن جمله‌اند: «تقریرات»، دوره‌ی کامل اصولی که جزئی از آن به نام «المختار فی الجبر و الاختیار» به چاپ رسیده؛ شرح «شرایع»، در فقه، در دوازده جزء؛ «زکوه» و «خمس» و «صوم» و «اجاره» و «وصایا» و «اجرت بر واجبات» و «قرعه» و «منجزات مریض» و «مکاسب» به روش «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «وسیله النجاه» آیت‌الله اصفهانی؛ «قبسات العقول فی الفروع و الاصول»، به فارسی، در شرح «اربعین حدیث»؛ ترجمه‌ی «نصایح الهدی»؛ رساله «توضیح المسائل»، به فارسی، به عربی و اردو؛ ترجمه‌ی «تقویم المحسنین» فیض؛ «مناسک حج»؛ تعلیقه بر «عروه‌الوثقی»؛ «دیوان» شعر، در مواعظ، حکم، مدایح و مراثی اهل‌بیت (ع)»؛ «فوائد رجالیه»، در بیان احوال اصحاب اجماع و جماعتی از روات؛ «معارف العلویه»، در کلام؛ «غایه البیان فی عم تحریف القرآن»؛ رساله‌ای در «معاصی کبیره»؛ رساله‌ای در «ذباحه»؛ رساله‌ای در «معاملات الربویه»؛ رساله‌ای در «مقدمات التفسیر»؛ رساله‌ای در تفسیر «سوره‌ی جمعه»؛ رساله‌ای در تفسیر «سوره‌ی فاتحه»؛ رساله‌ای در «بداء».[1]
عالم دینی.
تولد: 29 ربیع‌الاول 1333 ق.، اصفهان.

درگذشت: 8 خرداد 1368.
آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی در سال 1342 ق. شروع به تحصیل مقدمات نمود و سطوح و خارج فقه و اصول را در محضر برخی علمای اصفهان بدین ترتیب خوانده است: قوانین را نزد افرادی چون محمد حکیم خراسانی و فرائد شیخنا الانصاری را خدمت آیت‌الله مرتضی خراسانی و دو جزء کفایه و قسمتی از خارج را خدمت آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی و خارج اصول و فقه و فلسفه و کلام و تفسیر را خدمت آیت‌الله العظمی سید علی نجف‌آبادی، سپس به نجف مهاجرت کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. در ماه رجب 1393 ق. پس از سی و یک سال توقف در نجف اشرف به ایران مراجعت و دارالمؤمنین قم اقامت گزید و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شد.
از جمله تألیفات ایشان است: تقریرات دوره‌ی کامله اصول که جزیی از آن را در جبر و اختیار به نام المختار فی الجبر و الاختیار در سال 1375 ق. به طبع رسانید و علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را در الذریعه ذکر کرده است؛ شرح شرایع در فقه (دوازده جزء در طهارت و صلوة که جزء اول طهارت آن در سال 1382 ق. و جزء دوم آن در سال 1358 ق. به طبع رسید)؛ زکوة و خمس و صوم و اجاره و وصایا و اجرة بر واجبات و قرعه و منجزات مریض و مکاسب شیخنا الانصاری تا بحث فضولی، حاشیه بر وسیلة النجاة آیت‌الله العظمی اصفهانی و حاشیه بر صراط النجاة در سال 1380 ق. طبع شد؛ قبسات العقول فارسی در شرح اربعین حدیث از اصول و فروع (1375 ق.، علامه تهرانی در الذریعة از آن یاد کرده است)؛ ترجمه نصایح الهدی (آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، 1370 ق.، اصفهان)؛ رساله توضیح المسائل فارسی (1382 ق.)؛ رساله توضیح المسائل عربی (1384 ق.)؛ ترجمه تقویم المحسنین فیض (1368 ق.با قرآن به چاپ رسید)؛ مناسک حج عربی (1384 ق.)؛ دستور حج و عمره (1385 ق.)؛ تعلیقة بر عروة الوثقی (1349، ایران)؛ رساله‌های متعدد دیگر در موضوعات مختلف که ازآن‌هاست: رساله در علم امام (ع) دیوانی در مواعظ و حکم و مدایح و مراثی اهل‌بیت؛ توضیح المسائل به زبان اردو و مناسک حج به زبان اردو؛ فوائد رجالیه؛ رساله‌ای در کلام به نام بالمعارف العلویة رساله‌ای در تحقیق عدم تحریف قرآن موسوم به غایة البیان فی عدم تحریف القرآن، رساله‌ای در امر به معروف و نهی از منکر؛ رساله‌ای در معاصی کبیره؛ رساله‌ای در ذباحه؛ رساله‌ای در جوائز سلطان؛ رساله‌ای در معاملات الربوبیه؛ رساله‌ای در احکام خراج؛ رساله‌ای در تفسیر سوره جمعه، رساله‌ای در تفسیر سوره فاتحه؛ رساله‌ای در مقدمات التفسیر، رساله‌ای در بداء.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الذریعه (34 / 17)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 3، ص 48)، گنجینه‌ی دانشمندان (212 -210 / 2).

فتال نیشابوری، ابوعلی، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، فقیه، حافظ، مفسر، محدث و واعظ. معروف به فتال و فارسی و ابن‌الفارسی. نام و نسب او را گاهی به جهت انتساب به پدرش، محمد بن حسن، و گاهی به مناسبت جدش، محمد بن علی، و گاهی به ملاحظه‌ی جد عالی‌اش، محمد بن احمد، ذکر کرده‌اند. او از مشایخ ابن شهرآشوب است. فتال از شیخ طوسی و به واسطه‌ی پدرش از سید مرتضی حدیث روایت کرده است. با زمخشری صاحب «کشاف» از علمای عامه و ابوالفتوح رازی و فضل بن حسن طبرسی از مفسران خاصه معاصر و هم طبقه بود. در فقه و حدیث استادی توانا بود. دانش و زهد و پارسایی را با هم داشت. سخنرانی با منطق رسا و کوبنده بود و واعظی که با سخن و عمل پند می‌داد. گویش زیبای او باعث شد که به او فتال یا بلبل گویند. ابن‌داوود در کتاب «رجال» گوید که: فتال عقیده‌شناسی جلیل‌القدر و فقیهی دانشمند و زاهدی پارسا بود، که عاقبت به دست عبدالرزاق ملقب به شهاب الاسلام، رئیس نیشابور به جرم شیعه بودند شهید شد. از آثارش: «روضه الواعظین و بصیره المتعظین»؛ «التنویر فی معانی التفسیر». ابن شهرآشوب راوی هر دو می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (305 / 11، 470- 469، 297- 296 / 4)، رجال ابن‌داود (قسم 295 / 1)، روضات الجحنات (243- 234 / 6)، ریحانه (294- 291 / 4)، شهیدان راه فضیلت (79- 78)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 275 / 6)، فوائد الرضویه (469)، فهرست منتجب‌الدین (191، 166)، الکنی و الالقاب (13- 12 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی، فتال)، معجم المؤلفین (200 / 9).

فتونی عاملی نباطی اصفهانی، ابوالحسن علی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1070- ح 1139 ق)، فقیه، اصولی، مفسر و شاعر. معروف به شریف، چون مادرش خواهر میرمحمد صالح خاتون‌آبادی بود. پدرانش همگی از علما بودند. وی در محله‌ی درب امام اصفهان به دنیا آمد. بدین دلیل به او امامی نیز می‌گفتند. در نجف ساکن بود. او شاگرد علامه مجلسی ثانی و از ایشان و از علمای دیگری از جمله احمد بن محمد بن یوسف بحرینی و قاسم بن محمد کاظمی و محمد حسین بن حسن میسی و صفی‌الدین بن فخرالدین طریحی و عبدالواحد بن محمد بن احمد بورانی و محمد صالح خاتون‌آبادی و محمود میبدی صاحب اجازه بود. فرزندش، ملا ابوطالب فتونی، و محمد بن علی بن حیدر عاملی و احمد بن اسماعیل جزائری از شاگردان وی بودند و از او اجازه داشتند. عبدالله ابن کرم‌الله حویزاوی و نصرالله شهید حائری نیز از جانب وی به دریافت اجازه نائل شدند. فتونی جد مادری شیخ باقر، پدر صاحب «جواهر»، است. از آثار وی: شرح «الکفایه» سبزواری؛ «شرح الصحیفه»؛ «شریعه الشیعه و دلائل الشریعه»؛ «الفوائد الغرویه و الدرر النجفیه»، در اصول دین و اصول فقه؛ «مرآه الانوار و مشکاه الاسرار فی تفسیر القرآن» یا «مشکاه الانوار فی تفسیر القرآن»؛ «الرساله الرضاعیه»؛ «الانساب»؛ رساله در «حقیقه مذهب الامامیه»؛ «نصایح الملوک و آداب السلوک»، در شرح «عهدنامه مالک اشتر»؛ «ضیاء العالمین»، در امامت؛ «تنزیه القمیین»؛ «معراج الکمال»؛ «الکشکول»؛ «دیوان» شعر، در مراثی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (487 ،48 / 2)، اعیان الشیعه (343 -342 / 7)، تلامذه العلامه المجلسی (13 -12)، خاتمه مستدرک الوسائل (56 -54 / 2)، الذریعه (171 / 24، 232- 233، 53 / 21، 264- 265 / 20، 70 / 18، 353- 354، 16 / 124، 15 / 187، 35- 36 / 14، 346 / 13، 188- 189، 11 / 49- 50، 7 / 457، 4 / 371- 372، 2 / 227، 249، 1 / 182، 208،199، 226- 174 -175 / 12)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1 / 766)، هدیه العارفین (205 -204 / 7).

فخر داعی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(سید) محمدتقی گیلانی ملقب به فخرالمحققین و داعی‌الاسلام نویسنده و محقق ایرانی (ف. تهران آذرماه 1343 ه.ش/ شعبان 1384 ه.ق). وی پس از تحصیل نزد شیخ محمد طالقانی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مسیح سمنانی، فاضل تفرشی عازم عراق عرب شد و از محضر آخوند ملاکاظم خراسانی و شیخ عبداللّه مازندرانی استفاده کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. در اوایل نهضت مشروطه با آزادی‌خواهان عراق همکاری کرد. سپس از طرف آخوند ملا کاظم مأمور اداره‌ی انجمن دعوةالاسلام بمبئی گردید. وی علاوه بر وظایف دینی که به عهده داشت به تحقیق و تتبع مشغول بود و زبانهای انگلیسی و اردو را تحصیل کرد و مدت چهار سال در «کالج ایندور» به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. وی پس مراجعت به ایران در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد و کتب ذیل را ترجمه و منتشر کرد: تمدن اسلام و عرب تألیف گوستاولوبون، تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس (دو جلد)، تاریخ عرب و اسلام تألیف امیرعلی، شعرالعجم یا تاریخ منظوم ایران تألیف شبلی نعمانی (پنج جلد)، تفسیر قرآن تألیف سید احمدخان (که سه جلد آن منتشر شده)، تاریخ علم کلام تألیف شبلی نعمانی، مجموعه‌ی مقالات شبلی نعمانی، تاریخ هند تألیف امیرعلی. وی در هشتاد و پنج سالگی درگذشت.
(وف 1343 ش)، عالم و مترجم. ملقب به فخرالمحققین و معروف به داعی الاسلام. وی از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی است که به مقام اجتهاد رسید. در نهضت مشروطه به پیروی از استادانش به حزب آزادیخواهان ایران مقیم عراق پیوست. وی به دستور آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به بمبئی رفت و اداره‌ی امور انجمن دعوه الاسلام آن شهر را بر عهده گرفت و معروف به داعی الاسلام شد. او به زبان اردو و انلگیسی مسلط بود. آن گونه که توانست کتابهایی را به زبان فارسی برگرداند. فخر داعی در کالج ایندور به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. در تهران درگذشت و در قم در کنار آرامگاه میرزایوسف مستوفی و مقابل صحن طلا دفن شد. از آثار وی: «تمدن اسلام وعرب» گوستاولوبون، ترجمه؛ «تاریخ عرب و اسلام» امیرعلی، ترجمه؛ «تاریخ هندوستان»، ترجمه؛ «تاریخ علم کلام» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» یا «تفسیر قرآن سید

احمدخان»، ترجمه؛ «سوانح مولوی» شبلی نعمان، ترجمه؛ «شعر العجم» یا «تاریخ ادبیات منظوم ایران» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تاریخ ایران» سرپرستی سایکس، ترجمه.[1]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (2608، 2032 / 2 -933، 932- 768، 727- 726، 724، 673 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (233 -231 / 2)، نامها و نامدارهای گیلان (371).

فخر رازی، فخرالدین ابوعبدالله، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 606 -544 ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ‌الاسلام و ابن‌خطیب و ابن‌خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را،از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرند در مدرسه‌ای که قاضی مرند، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف‌بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و به گفته‌ی ابن‌حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد،پس به ماورالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ‌الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات درگذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، تفسیر قرآن در هشت مجلد؛«تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛ «اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لوامع البینات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن‌سینا، در طب؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ دائره‌المعارف «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در 574 ق به نام علاءالدین تکش‌خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی،

در هشت باب در توحید و نبوت و معاد و امامت و اصول فقه؛ «رساله‌ی روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخررازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السماویه»، به فارسی، در اختیارات نجومی، که به نام سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی.[1]

رازی، ابوعبداللَّه محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری 543 یا 544- ف. هرات 606 ه.ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاءالدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سرآمد عصر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسفه‌ی مقدم ایراداتی وارد آورده و حکیمانی نظیر نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی و میرداماد و صدرالدین شیرازی مدتها سرگرم جواب دادن به شبهات او بوده‌اند. به سبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌اند. از آثار اوست: نهایةالعقول، کتاب الاربعین، المطالب العالیة، محصل افکارالمتقدمین والمتأخرین (ه.م)، البیان والبرهان فی الرد علی اهل الزیغ والطغیان، المباحث العمادیة فی المطالب المعادیة، تهذیب الدلائل و عیون‌المسائل، ارشاد النظار الی لطائف الاسرار، تحصیل الحق، الزبدة، المعالم، مفاتیح الغیب (ه.م)، نهایةالاعجاز (ه.م)، المسائل الخمسون (ه.م)، شرح کلیات قانون ابن سینا، ستینی (ه.م)، الملخص (ه.م)، شرح الاشارات (در این کتاب ایراداتی بر ابن‌سینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، شرح عیون‌الحکمة، مباحث المشرقیه (ه.م).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (203 / 7)، تاریخ ادبیات در ایران (1017 -1016 / 2)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (413 -382)، دایره‌المعارف فارسی (1848 -1847 / 2)، روضات الجنات (44 -36 / 8)، ریحانه (301 -297 / 4)، ری باستان (377 -374 / 2)، سیر النبلاء (501 -500 / 21)، شخصیت‌های نامی (364 -363)، شذرات الذهب (22 -21 / 5)، فرهنگ ادبیات فارسی (368 -367)، الکامل (302 / 9)، کشف الظنون (2002 1756، 1774، 1819، 1840، 1864، 1905، 1973، 1986، ،1988 1577- 1578، 1614، 1615، 1616، 1697، 1714، 1726، ،1727 989، 993، 1035، 1113، 1141، 1186، 1312، 1445، 1467، ،1561

359، 449، 454، 515، 565، 605، 633، 725، 730، 739، 760، 954، 354، 333، 262، 224، 204، 120، 94، 83، 67، 61)، الکنی و الالقاب (16 -13 / 3)، لسان المیزان (435 -430 / 5)، لغت‌نامه (ذیل/ فخر رازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 606)، معجم المؤلفین (80 -79 / 11)، منتخب التواریخ (409)، مؤلفین کتب چاپی (644 -642 / 5)، النجوم الزاهره (176 -175 / 6)، الوافی بالوفیات (252 -248/ 4)، وفیات الاعیان (252 -248 / 4)، وقایع السنین و الاعوام (335)، یادداشتهای قزوینی (95 / 6).

فخرالمحققین، محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. موجب نازش محققان) محمد بن حسن (علامه‌ی حلی) ابن یوسف مطهر حلی، مکنی به ابوطالب و ملقب به «فخرالدین» فقیه و متکلم شیعه (ف. 771 ه.ق) که بعدها لقب «فخرالمحققین» به وی داده شده. پدرش علامه‌ی حلی در دیباجه‌ی برخی از تألیفات خود وی را ستوده است. این پدر و پسر هر دو در دربار خدابنده محترم می‌زیسته‌اند. فخرالمحققین متون بسیاری از تألیفات پدر را شرح و حاشیه کرده است، و تحصیل‌النجاة والکافیة در کلام از خود وی می‌باشد. وی در سن 89 سالگی درگذشته است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فدایی آستانی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1262 ق)، عالم، فقیه، محقق و شاعر، متخلص به فدائی. اصل وی از آستان از روستاهای کزاز است. در زادگاهش، آستان، علوم مقدماتی را فراگرفت. در 1217 ق برای تکمیل معلومات ابتدا به بروجرد و سپس به اصفهان و همدان رفت، پس از فراگیری علوم و مهارت در فقه و اصول به زادگاهش بازگشت و به وظایف دینی و خدمات اجتماعی مشغول گریدد. از آثار وی: «الاشعه البدریه»، در شرح «الجعفریه» محقق کرکی؛ «اللآلی»، در اصول و اعتقادات؛ «الفیوضات القدسیه فی شرح الرساله المجلسیه»؛ منظومه «العقیده الوحیده»، ارجوزه‌ای در کلام؛ «کفایه الطالب»، در شرح «مختصر الاصول» ابن‌حاجب؛ «معیار التمییز فی شرح الوجیز» یا شرح «وجیزه» مجلسی دوم؛ «دیوان» شعر؛ «کشف الاسرار فی رموز الاشعار»، که شرحی است بر دیوان شعرش.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (278 / 21، 92، 16 / 18، 411- 410 / 16، 307، -306 / 15 -109 / 2)، مکارم الآثار (1672 -1671 / 5).

فدشکوئی فسائی، کمال

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا کمال‌الدین محمد بن معین‌الدین محمد فدشکوئی فسائی معروف به (میرزا کمالا) از فقهاء و فضلاء قرن یازدهم هجری داماد علامه ملا محمدتقی مجلسی اول بوده و در حدود 1110 قمری وفات نموده است از تألیفات اوست (القیودا الوافیه) فی شرح الشافیه در صرف و نیز شرحی منظوم بر قصیده تائیه دعبل خزاعی که در سال 1103 سروده است و در سال 1307 شمسی در تهران چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فدشکوئی فسائی، محمد مسیح

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
5- در کتاب دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ج 1 ص 3- گوید مولانا محمد مسیح مشهور به آخوند مسیحا فرزند مولا اسماعیل فدشکوفی فسائی. از فقهاء و شعراء قرن دوازدهم هجریست.
و از شاگردان (علامه) آقا حسین خونساری بوده که به درجه اجتهاد رسیده و چندین سال منصب شیخ‌الاسلامی ایالت فارس را داشت (متوفی 1127).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فراء همدانی، ابوعمران موسی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، فقیه و محدث. وی از محمد بن اسماعیل صائغ و بشیر بن موسی و یحیی بن عبدالله کرابیسی و ابن‌ضریس و عبدالله بن احمد و محمد بن صالح اشج و همطبقه آنان حدیث شنید. در بغداد حدیث گفت. صالح بن احمد و عبدالله بن ابی‌زرعه قزوینی و ابوبکر بن مقری اصفهانی و ابوالقاسم بن ثلاج (387 -307 ق) و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (59 / 13)، سیر النبلاء (306 -305 / 15).

فراهانی کمره‌ای، علی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1100 ق)، متکلم و فقیه شیعی. معروف به آقاشیخ. شاگرد آقاحسین خوانساری بود و از مجلسی حدیث فراگرفت. وی در کاشان سکنی گزید و در همان جا از دنیا رفت. از آثارش: رساله‌ای در «اثبات الحدوث الزمانی للعالم»، که در آن هشتصد حدیث از اخبار معصومین (ع) دال بر حدوث آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (1/ 89)، ریاض العلماء (175 -174 /4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 12/ 549)، معجم المؤلفین (7/ 165).

فروشانی سدهی، محمد باقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1235 ق)، عالم امامی و فقیه. پس از خواندن متون فقه و اصول در اصفهان، به عتبات رفت و در نجف از آیت‌الله حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی و آیت‌الله آقا میرزا ابوالقاسم کلانتر نوری استفاده نمود. وی از استادش، مازندرانی، اجازه‌ی اجتهاد و روایت داشت. بعد از مراجعت به اصفهان به خدمات دینی و اقامه‌ی جماعت و تدریس و تألیف پرداخت. از آثارش: کتابهای فقهیه در «طهارت»، «صلوه» و «الصوم»؛ رساله‌ای در «منجزات مریض»؛ رساله‌ای در «ارث».[1]
سید محمدباقر بن مرحوم سلامه‌السادات آسید حسنعلی فروشانی متولد 1235 ق از علماء بزرگ سده بوده‌اند.
آن مرحوم پس از خواندن متون فقه و اصول در اصفهان مهاجرت به عتبات نموده و در نجف از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالقاسم کلانتر نوری صاحب تقریرات شیخ استفاده نموده و بعد مراجعت به اصفهان و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج احکام پرداخته تا سال 1325 که به رحمت حق پیوسته است.
از آثار او است. کتب فقهیه فی الطهاره و الصلوه و الصوم و رساله‌ای در منجزات مریض و رساله‌ای در ارث و غیره.
از استادش مرحوم مازندرانی اجازه اجتهاد و روایتی داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (352 -351 / 7).

فرید گلپایگانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1280.
درگذشت: 1366.
از آثار اوست: اثبات صانع و مراتب توحید (تهران، 1363)؛ تفسیر سور، اسرا، مؤمنون و ملک (1366)؛ تفسیر سور: حدید، صف، تغابن و رساله‌ای در ولایت (تهران، 1364)؛ تفسیر سوره مبارکه جمعه و تفسیر سوره کریمه منافقون (تهران، 1364)؛ رساله فی صلاة الجمعه و ساله فی التقیه (1364)؛ متمم قانون اساسی اسلام (تهران، 1364)؛ مناسک عمره مفرده (تهران، 1364).
حاج شیخ حسن بن العالم الجلیل و التقی الزکی حاج ملا محمد مهدی گلپایگانی از علماء معاصر تهرانست که در جنوب غربی تهران در مسجد علوی واقع در خیابان رباط کریم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشت.
وی در ماه صفر 1319 ق متولد شده و دوره مقدمات را در گلپایگان خوانده و در سال 1336 ق به شهرستان اراک رفته و دوره سطح را در حوزه علمیه آن شهرستان به پایان رسانیده و در سال 1340 ق که آن حوزه ببلده طیبه قم انتقال یافت جزو مهاجرین آن حوزه به قم مهاجرت نموده و معقول را در نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خوانده و تا پایان سال 1345 ق از محضر مبارک و درس فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی طاب ثراه بهره‌مند شده آنگاه برای اطلاع بر مبانی اساتید بزرگ نجف اشرف به آن مرکز علمی مهاجرت نموده و سه سال از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ چون آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه استاد محقق آقا ضیاءالدین عراقی و فقیه اهل البیت آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللّه اسرارهم استفاده کرده سپس به حوزه علمیه بازگشت نموده تا سال 1365 ق که برای نشر معارف و احکام اسلام باین مرکز تبلیغی تهران انتقال یافته و تا این تاریخ بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
دارای آثار و تألیفات ارزنده و آموزنده‌ای می‌باشد که از نظر اهل ادب و دانش می‌گذرانم:
1- ترجمه مفتاح الابواب یا تاریخ باب و بهاء که در سال 1334 بطبع رسیده و تاکنون مکرر چاپ شده است.

2- راه بزرگواری که در سال 1336 بچاپ رسیده و برای دومین بار هم بنام روش بزرگواری منتشر شده است.
3- قانون اساسی اسلام که چاپ اول آن در تاریخ 1349/5/27 منتشر شد و در تاریخ 1350/5/10 تجدید طبع شده و مورد توجه دانشمندان و محصلین واقع شده است.
4- ارمغان فرید که در سال 1350 ق منتشر گردیده است.
5- دشمنی خویشاوندان یا عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید علیه‌السلام.
6- رساله استدلالی در خمس که هنوز بطبع نرسیده است.
7- ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید.
(تو 1319 ق)، عالم دینی و فقیه. دوره‌ی مقدمات را در گلپایگان خواند و در 1336 ق به شهرستان اراک رفت و دوره سطح را در حوزه‌ی علمیه آنجا به پایان رسانید. در 1340 ق به قم رفت و معقول را نزد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خواند و تا پایان 1345 ق از محضر درس فقه و اصول آیت‌الله حایری یزدی بهره‌مند شد. آن‌گاه به نجف رفت و سه سال از محضر آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. سپس به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت. وی در 1365 ق برای نشر معارف و احکام اسلامی به تهران آمد. از آثارش: ترجمه «مفتاح الابواب» یا «تاریخ باب و بهاء»؛ «راه بزرگواری» یا «روش بزرگواری»؛ «قانون اساسی اسلام»؛ «ارمغان فرید»؛ «دشمنی خویشاوندان» یا «عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید (ع)»؛ رساله‌ی استدلالی در «خمس»؛ «ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (426 / 6 ،522 -521 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (654 -653 / 2).

فرید محسنی نجفی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1390 -1315 ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. در نجف به دنیا آمد و در مهد علم تربیت یافت. سپس با پدرش به اراک رفت و پس از تحصیل مقدمات و فراگیری علوم ریاضی و طبیعی در محضر برخی از علماء همچون آخوند ملا محمد صابونی و آقا میرزا ابوالحسن کمره‌ای، که از شاگردان برجسته خراسانی بود، و آخوند ملا محمد تقی گلپایگانی استفاده کرد و پس از آن از محضر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی که در آن زمان در اراک بودند، در فقه و اصول استفاده‌ها نمود. سپس با وی به قم مهاجرت نمود و تا 1351 ق از بحثهای آن بزرگ بهره جست. آن‌گاه به اراک مراجعت کرد و تا 1375 ق به تدریس فقه و اصول خارج پرداخت و شاگردان فاضلی تربیت نمود. در همان سال برای همیشه به قم رفت و به تدریس استدلالی فقه و اصول پرداخت و عده‌ای از زبده‌ترین محصلین به درسش حاضر می‌شدند. او به بیماری سرطان در تهران درگذشت، و پیکرش به نجف منتقل و طبق وصیتش در جوار امیرالمومنین (ع) به خاک سپرده شد. از آثار وی: «تقریرات و دراسات» آیت‌الله حایری؛ تألیفاتی در فقه و اصول و تفسیر.[1]
سید آیت‌الله مرحوم حاج‌آقا حسن بن العلامه حاج آقا مصطفی بن العلامه الکبری والایه الله العظمی حاج آقا محسن عراقی از علماء اعلام و آیات عظام حوزه علمیه قم که به فضل و کمال و قدس و مقام موصوف و به دقت‌نظر و هم مناعت طبع و متانت نفس معروف عالی و دانی بودند.
ولادتش در سوم جمادی‌الثانی سال 1315 ق در نجف اشرف واقع شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و با والد مرحومش به اراک آمده و پس از تحصیل مقدمات و مقداری علوم ریاضی و طبیعی به درک فیض محضر بعضی از دانشمندان اراک از قبیل مرحوم آخوند ملا محمد صابونی و مرحوم آمیرزا ابوالحسن کمره‌ای که از فضلاء تلامذه مرحوم خراسانی بوده و مرحوم آخوند ملا محمدتقی گلپایگانی استفاده کرده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم یزدی که در آن زمان در اراک بودند استفاده نموده و تا مدتی که در آنجا بودند فقها و اصولا در محضرشان حاضر و پس از مهاجرت آن مرحوم به قم ایشان هم مانند دیگران از اصحاب و شاگردان حایری به قم آمده و تا سال 1351 ق مدت 11 سال از ابحاث آن مرحوم استفاده نموده آنگاه به اراک مراجعت و تا

سال 1375 ق در وطن خود به تدریس فقه و اصول خارج پرداخته و فضلائی تربیت نموده و در سال مزبور برای همیشه به قم مهاجرت و در بلده طیبه رحل اقامت افکنده و به تدریس استدلالی فقه و اصول پرداخته‌اند.
و عده‌ای از مبرزین و زبده‌ترین محصلین و فضلاء به درسش حاضر شده تا در 1390 ق که مبتلا به کسالت سرطان و در تهران بدرود زندگی گفته و جنازه‌اش طبق وصیتش حمل به نجف اشرف و در جوار مولای متقیان امیرالمومنین علیه‌السلام مدفون گردید نوشته‌های ایشان تقریرات و دراسات آیت‌الله حایری و هم تالیفات در فقه و اصول و تفسیر است که به طبع نرسیده است.
ظرائف عجیبه و حکایات نادره‌ای داشت و بسیار بامعنویت و باصفا بود کمتر در اجتماعات می‌آمد و غالبا در فراغت به تهذیب نفس و تکمیل روح پرداخته و با آفریدگار عزیز راز و نیاز می‌کرد و هم با مولایمان صاحب‌الزمان ارواحنا له الفداء سر و سری داشت و بسیار این بیت را می‌سرود:
به امید طاعت تو همه عمر زنده باشم
چه نباشد این سعادت نه من و نه زندگانی
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (218 -216 / 2).

فریدنی، محمد صالح

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1328 -1240 ق)، حکیم، عارف و فقیه. در قریه‌ی چادگان فریدن اصفهان متولد شد. مقدمات علوم را در اصفهان آموخت. سپس به سبزوار رفت و از محضر حاجی ملاهادی حکیم سبزواری بهره جست و از شاگردان برجسته‌ی او گردید. چون به کمال رسید به اصفهان بازگشت. وی علاوه بر کمالات علمی در فضایل نفسانی نیز به مقامات والا رسید، و این راه را با کمک آقا محمد کاظم سعادت علیشاه اصفهانی پیمود، و با حاج ملا سلطان محمد گنابادی پیمان بست و سالها در موطن خویش منزوی و به عبادت و ریاضت مشغول بود. ملک‌المتکلمین اصفهانی، خطیب دوران مشروطه، از شاگردان او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (384 -383).

فسائی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا ابراهیم بن میرزا محمدحسین بن میرزا مجدالدین محمد بن میرزا سید علی مدنی دشتکی فسائی مجتهد از بزرگان علماء و اکابر دانشمندان این شهر است.
وی در فساء متولد شده و پس از رشد در شیراز علوم ادبی را آموخت آنگاه به ریاضیات و حکمت الهی پرداخت و به تهران رفته سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخته و در 1211 ق به عراق مهاجرت نموده و در محضر درس علامه آقا میر سید علی طباطبائی صاحب (ریاض) تحصیل فقه و اصول و سایر علوم دینی کرده تا به درجه اجتهاد رسیده سپس به شیراز مراجعت و بافاده و تدریس مشغول شده و در سال 1223 ق به مکه معظمه مشرف و بعد از بازگشت نیز چند سالی به انجام وظائف اشتغال داشت تا در ماه ربیع‌الاول 1255 ق در شیراز از دنیا رفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فسوی شیرازی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1255 -1173 ق)، فقیه، عالم و شاعر. از سادات محترم شیراز و از احفاد امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی بود. در شیراز وفات یافت. از آثار اوست: «بحرالحقایق»، در فقه؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حاشیه بر «شرح لمعه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (70 /1)، فرهنگ سخنوران (17)، مرآت الفصاحه (32 -31).

فشارکی اصفهانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 / 1316 -1253 ق)، عالم امامی، فقیه، محقق و مدرس. او در کلمات بعضی از بزرگان معروف به استاد کبیر است. در فشارک از روستاهای قهپایه اصفهان به دنیا آمد. پس از درگذشت پدرش در یازده سالگی برای فراگیری علوم به عتبات رفت و در کربلا ساکن شد. وی از شاگردان حاجی آقا حسین بن سید مجاهد و فاضل اردکانی در فقه و اصول و حاج میرزا محمد حسن شیرازی بود. در زمان حیات استادش، حاج میرزا محمد حسن شیرازی، مرجعیت تقلید و تدریس در سامراء را بر عهده داشت. بعد از درگذشت استادش به نجف مهاجرت کرد و مرجعیت آنجا را بر عهده گرفت و به تدریس در حوزه‌ی علمیه نجف مشغول گشت. حاج میرزا محمد حسین نایینی و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آقا شیخ محمدرضا نجفی و حاج شیخ محمد حسین طبسی و آقا میرزا سید علی مدرس یزدی از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اصاله البارئه»؛ «الاغسال»؛ «الفروع المحمدیه»، مجموعه رسالاتی در فقه و غیره؛ شرح «اوائل رساله البرائه» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «خلل نماز».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه دانشوران (137 -136)، اعیان الشیعه (39 / 10)، تذکره القبور (166 -165)، الذریعه (185 / 16، 252، 116 -115 / 2)، ریحانه (342 -341 / 4)، معجم‌المؤلفین (127 / 11)، مکارم الآثار (1437 -1435 / 4).

فشارکی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله العظمی محمدحسین فشارکی فرزند ملا جعفر و از علمای بنام اصفهان بوده‌اند.
شرح حال وی به تفصیل در کتب رجال شیعه از جمله اعلام‌الشیعه و مکارم‌الاثار و ده‌ها کتاب دیگر ثبت شده و جمعی کثیر از علما عصر از آن مرحوم روایت می‌کنند و اجازاتی که نوشته بسیار است و ضمنا چند رساله فتوایی را تحشیه فرموده است.
و در محضر استادان نامداری همچون: میرزا حبیب اللَّه رشتی، شیخ زین‌العابدین مازندرانی و میرزا محمد حسن شیرازی زانوی ادب زد.
ایشان فرزند:محمدجعفر.متوفی 1353ق.عالم فقیه و از مجتهدین صاحب فتوی.در فقه و اصول استاد و در تقوی و زهد نزد مردم مشهور بود.او در اواخر عمر از علمای با نفوذ ومعروف اصفهان گردید.از شاگردان برجسته ی او می توان به حاج میرزا ابوالحسن تویسرکانی.شیخ محمد باقر قزوینی.شیخ محمود مفید اشاره نمود.از آثار وی:حاشیه بر رسایل و حاشیه بر طهارت شیخ انصاری است.(مهدوی:دانشمندان وبزرگان اصفهان.ص285)
آخوند ملا محمد حسین بن محمد جعفر فشارکی از اکابر علمای امامیه نیمه اول قرن چهاردهم است تولد او به سال 1266 اتفاق اقتاده ،وی از شاگردان شیخ زین العابدین مازندرانی ،حاج میرزا حبیب الله رشتی ،و حاج میرزا محمد حسن شیرازی بوده است . پس از مراجعت از نجف به اصفهان آمده و بتدریس و ارشاد اشتغال یافت ،در مسجد سلام امامت می نمود محضرش مرکز فضلا و اهل دانش بود و در اواخر عمر مرجعیت تامه پیدا نمود.
مرحوم فشارکی در فقه و اصول استاد بود و در این اواخر مردم اصفهان مسائل خود را از او استفتاء می نمودند، زهد و تقوای او نیز بین مردم این سامان مشهور است ، آخوند فشارکی سرانجام در 23 بهمن 1313 ش برابر با 8 ذی‌قعده 1353 ق در 85 سالگی درگذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.
تالیفات
از تالیفات اوست:
1-حاشیه رسائل .

2- حاشیه طهارت شیخ انصاری
برگرفته از کتاب :پایگاه روستای فشارک

فشارکی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آخوند ملا محمدباقر فشارکی بن ملا محمدجعفر از علماء بزرگ و فقهاء و مجتهدین معروف و از مدرسین عالیمقام بوده است.
وی در اصفهان متولد شده و نزد حاج شیخ محمدباقر صاحب حاشیه معالم و در نجف خدمت علماء بزرگ تحصیل نموده و پس از مراجعت در مسجد محله نو و مسجد قطبیه اقامه جماعت و تدریس نموده و عده‌ای کثیر از فضلاء بدرس او حاضر شده و از دراساتش استفاده نموده‌اند.
مرحوم فشارکی اول دانشمندی است که در اصفهان احیای شب جمعه را در تخت فولاد رسم نمود. که با جمع زیادی از فضلاء و اصناف در مسجد مصلای آنجا رفته و شب را بقرائت قرآن و نماز و دعاء کمیل و توبه و انابه می‌گذارنید که پس از وی مرحوم شیخ مرتضی ریزی و پس از ایشان دیگران این سنت سنیه را تا هم‌اکنون اجراء می‌نمایند.
و آنمرحوم پس از نماز در مسجد خود منبر رفته و مردم را با بیانات کافیه و مواعظ شافیه ارشاد می‌فرمودند.
تألیفات عدیده‌ای از خود بیادگار گذارده که ذیلاً می‌نگارم:
1- آداب الشریعه 2- آداب نماز شب 3- اعمال سه ماه (رجب- شعبان- رمضان) 4- اسباب الفقر والغناء والمغفرة 5- اصول دین 6- اربعین 7- تنزیه المؤمنین 8- حواشی بر شرح لمعه 9- حواشی بر فرائد 10- حواشی بر قوانین 11- حواشی بر متاجر 12- ذخیرة العباد 13- رساله‌ای در تداخل اسباب 14- رساله در خیار غبن 15- رساله در حیض 16- رساله در رضاع 17- رساله‌ای در شرط 18- رساله در شهرت 19- رساله در صحت عبادت جاهل 20- رساله در طهارت 21- رساله در عدم جواز حق الرجوع 22- رساله در عدم لزوم تقلید اعلم 23- رساله در غناء 24- رساله در قرعه 25- رساله در منجزات مریض 26- رساله در معرفت اسامی چهارده معصوم 27- رساله در اموری که سبب طول عمرو حفظ از امراض می‌شود 28- رساله عملیه 29- عشریة 30- عنوان الکلام که مطبوع می‌باشد.
آنمرحوم در شب یکشنبه 26 رجب سال 1314 ق وفات و در بقعه تکیه محقق خونساری آقا حسین در تخت فولاد مدفون گردید در مآثر و آثارش 184 ذکر او گردیده است.
فرزندش مرحوم حجةالاسلام میرزا محمدمهدی مشهور به آقا میرزا عالم

فاضل و زاهد و خلیق و مهربان و بسیار ساده و با صفا بوده و در دوم جمادی‌الاول سال 1340 ق وفات و در جنب والد مغفورش به خاک رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فشید یزجی نسفی بخاری، ابوعلی حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 428 / 425 / 424 ق)، قاضی و فقیه حنفی. نسبت وی به شهر فشیدیزه یا فشیدیزج بخارا می‌رسد. وی قاضی بخارا و پیشوای اهل ری بود. به بغداد رفت و فقه آموخت. از ابن‌شبویه و جعفر بن فناکی نیز بهره گرفت. شریف سید مرتضی با او مناظره‌ای داشت. او از ابوالفضل زهری در بغداد حدیث شنید. وی همچنین در بخارا از ابی‌عمرو محمد بن محمد بن صابر حدیث شیند. شاگردانش در هر سو پراکنده شدند. آخرین کسی که از وی حدیث روایت کرده، دخترزاده‌اش علی بن محمد بخاری است. از آثارش: «الفوائد»، در فروع؛ «فتاوی القاضی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (157 / 2)، سیر النبلاء (426 -424 / 17)، شذرات الذهب (227 / 3)،کشف الظنون (1294)، معجم المؤلفین (222 / 3)، الوافی بالوفیات (361 / 12)، هدیه العارفین (309 / 1).

فضیلی هروی، ابوعاصم فضیل

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(471 -383 ق)، فقیه، مسند و محدث. وی از عبدالرحمان بن ابی‌شریح انصاری و ابوعلی منصور بن عبدالله خالدی و ابوالحسین بن بشران معدل و عده‌ای دیگر حدیث روایت کرده است. عبدالسلام بکبره و محمد بن حسین علوی و عبدالاول سجزی و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. او مسند هرات بود، و به گفته‌ی ابوسعد سمعانی فقیهی وارسته و راستگویی مورد اعتماد که در طول عمر خود احادیث بسیاری را به آیندگان سپرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (312 / 1)، سیر النبلاء (398 -397 / 18)، شذرات الذهب (341 / 3).

فقهی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد فقه و اصول
تولد 1309 شمسی (شناسنامه 1312) 5 رجب المرجب 1349 قمری - در شهر علم و هنر، اصفهان فرزند: سید جعفر نوه‌ی مرحوم سید عبدالکریم خواجوئی.
استاد فرزانه جناب مستطاب آقای سید محمود فقهی یکی از برجستگان و مدرسان شهیر حوزه علمیه‌ی اصفهان خاصه در فقه و اصول می‌باشند معظم له از سالهای گذشته تاکنون علی رغم اصرار شاگردان و ارادتمندان از ارائه زندگینامه و تهیه‌ی گزارش و مصاحبه دوری جسته‌اند، تا آنجا که به فراز شاگردان نزدیک ایشان به تولید کنندگان نرم‌افزار مشاهیر ایران، توصیه می‌کردند که: تلاش شماره به جائی نمی‌برد و ایشان به جهت عدم علاقه به اشتهار دعوت شما را اجابت نمی‌کنند ولی به لطف استاد در یکی از روزهای بهار، سال 1385 که به جهت تفرج رد یکی از باغات اطراف اصفهان در محضر ایشان شرف حضور داشتیم توفیقی حاصل شد و ایشان به سؤالات ما با حوصله و بزرگواری پاسخ فرمودند و این موجب خرسندی و مباهات ماست. آنچه در ادامه خواهد آمد حاصل آن گفتگوی کمتر از یک ساعت است که قلمی گردیده است.
جد ایشان مرحوم سید عبدالکریم خواجوئی در عداد شاگردان برجسته مرحوم آخوند ملا محمدباقر فشارکی بودند (مرحوم فشارکی شاگرد شیخ اعظم انصاری بوده و ایشان از تکیه‌ی خوانساری در تخت فولاد اصفهان است) هم چنین بسیار مورد احترام مرحوم آقا نجفی بودند و بنابر پدر استاد فقهی مرحوم آقا نجفی در تشییع جنازه‌ی مرحوم سید عبدالکریم شرکت نموده و بسیار متأثربودند.
مرحوم خواجوئی گر چه عمری در طلب علم و دانش بود ولی به جهت بی‌توجهی اهل زمانه به اهل علم و مشکلات شدید مالی چندان رغبتی به طلبه شدن فرزندانش نداشت فلذا پدر استاد فقهی گرچه بسیار متدین بود ولی به کسب و کار مشغول بود و برای فرزندان از مشکلات مالی دوران پدر بسیار گفته بود، مرحوم سید جعفر در میان فرزندان به سید محمود عنایت ویژه‌ای داشت لذا ابتدا وی را به یکی از مکتبخانه‌های قدیمی در محله خواجو، محله‌ی چهارسوق آجری به تحصیل گماشت و پس از مدتی وی به مدرسه‌ی هدایت از مدارس جدید انتقال داد ولی به جهت هوش

سرشار و تحصیلات گذشته در مکتبخانه او را در کلاس دوم ثبت نام کرد با این حال سید محمود شاگرد برجسته‌ی کلاس دوم شد درسال 1324 کلاس ششم ابتدائی را به پایان رساند ولی پس از آن تحصیل را ادامه نداد. و سپس وارد بازار کار شد.
در 12 سالگی ابتدا در میدان امام، در یک مغازه‌ی خرازی با حقوق روانه 7 ریال مشغول گردید و پس از چند سالی مستقلا وارد بازار کار شد و به خرید و فروش سهام مشغول شد در آن مقطع زمانی خرید و فروش سهام کارخانه‌های ریسباف شهرضا، زاینده‌رود و پشم‌باف که از کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی اصفهان بودند رایج بود، محل معامله در ابتدایی بازار قیصریه و همچنین قهوه‌ی خانه محمود در میدان امام بود - خواننده‌ی گرامی مستحضر است که در آن زمان قهوه‌خانه‌ها محل گفتگو و معامله بوده و فضای آن با قهوه‌خانه‌های دهه‌های به متفاوت. استاد فقهی هنوز به یاد دارد که شاعر شهیر مرحوم صغیر اصفهانی به آن قهوه‌خانه می‌آمد و گهگاهی قلم و کاغذ از جیب بیرون آورده و قطعه شعری انشاء می‌کرد.
تا سال 1334 فعالیت ایشان در بازار سهام ادامه داشت و اکنون وی به سن 22 سالگی رسیده بود. در آن زمان عالم ربانی و مرد الهی آیةالله میرزا علی آقا شیرازی که مورد احترام آیةالله العظمی بروجردی بوده و مرحوم شهید علامه مطهری نیز مدتی در اصفهان از محضر ایشان استفاده کرده بودند و اکنون از قبرستان شیخان قم فراز ایشان محل درود و فاتحه‌ی اهل دل است - در مدرسه‌ی صدر اصفهان به تدریس و بیان معارف مشغول بوده، یکی از شاگردان یشان مرحوم استاد حسین شفیعی بود که با سید محمود آشنائی داشت. استاد شفیعی شرحی بر خطبه‌ی همام نهج‌البلاغه نوشته بود و یک نسخه از آن را به سید محمود داد، ایشان پس از یکبار مطالعه بدون سابقه‌ی ذهنی و تحصیلات حرف و نحو آن را به حافظه‌ی خود سپرد روز بعد هنگامی که استاد شفیعی را دید، سید محمود به ایشان گفتند می‌خواهم خطبه‌ی همام را بخوانم - استاد شفیعی گفت: کتاب کو، سید محمود گفت: از حفظ می‌خوانم و پس خطبه را تمام و کمال قرائت نمود. این قدرت حافظه استاد شفیعی را متعجب کرد فلذا گفت: تو باید درس بخوانی و در ابتدا باید یک جامع المقدمات بخری و این ابتدای مسیری تازه در زندگی سید محمود بود.
ایشان جامع المقدمات را به قیمت 5 ریال ابتیاع نمود و هر روز صبح نزد استاد شفیعی جامع المقدسات را درس گرفت و سپس به بازار می‌آمد. رفته رفته بر فراز کتابهای جامع المقدمات را با استاد شفیعی فرا گرفت و به فراز خود مطالعه می‌کرد سپس تحصیل سیوطی را با ایشان شروع کرد و تا اواسط سیطی را با ایشان و مابقی را مطالعه و تدریس کرد. بدینسان به جهت قوه‌ی تحلیل و حافظه‌ی قوی بسیاری از کتب را بدون آنکه نزد

استاد خوانده باشد مطالعه و تدریس می‌کرد.
پس معنی در شرح لهمه را از محضر مرحوم حجةالاسلام والهی شیخ مرتضی فقیهی درس گرفت پس از آن فرائد الاصول را از محضر فقیه وارسته و پاک سیرت مرحوم آیت‌الله سید علی مشکوة فرا گرفت و سپس مکاسب محرمه و کفایة الاصول را نزد عالم ربانی مرحوم آیت‌الله شیخ احمد فیاض (استاد شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی) آموخت.
در مقطع دروس عالمی فقه و اصول در حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول مرحوم آیةالله سید حسین خادمی، فقیه مبارز و مجاهد و پیشگام نهضت روحانیت اصفهان در انقلاب اسلامی حاضر گشت و پس از آن به هنگامی که هر ساله 6 ماه از سال حوزه‌ی علمیه و شهر اصفهان میزبان فقیه مدقق و محقق اهل بیت و بنا به فرموده‌ی امام خمینی (س) ابوالفقهاء با آیةالله العظمی سید علی بهبهانی بود، در محضر ایشان تتلمذ می‌نمود که این علم اندوزی 9 سال دوام داشت. پس از رحلت آیةالله العظمی بهبهانی رابطه‌ی ایشان با حوزه‌ی علمیه قطع شده و در پائیز سال 1362 مجددا ایشان به تدریس مشغول گردیدند. استاد فقهی سفرهائی به شهر مقدس قم داشته و دیدارهائی با فراز علماء همچون آیةالله العظمی فاضل لنکرانی، آیةالله مشکینی، و مرحوم آیةالله روحانی داشته‌اند که گفتگوی آن جلسات در این مقال نمی‌گنجد ولی در جای خود شنیدنی است.
جناب استاد فقهی اگر چه بنابر روش و منش خاص خود هیچگاه ملبس به لباس روحانیت نشده‌اند ولی از دید زمان تا بدعی هنگام شاگردان بسیاری از محضر ایشان کسب علم نموده‌اند از جمله جنابان مستطاب آقایان: دکتر جواد اژه‌ای، حجة الاسلام شیخ علی‌اکبر فقیه که حجةالاسلام و المسلمین محمد عمومی - شیخ سالک، جناب آقای معصوم زاده، جناب آقای محسن کاظمی، جناب آقای سید اصغر حجازی و...
معظم له تمام مقاطع دروس سطح حوزه از مقدمات، لمعه، رسائل، کفایه را به دفعات تدریس نموده و پس از به تدریس قواعد فقه - متمسک نموده و پرداخته‌اند و همچنین بنابر درخواست شاگردان به بیان شرح نهج‌البلاغه و به فراز کتابهایی مربوط به مبانی علمی مرحوم بهبهانی پرداخته‌اند و هم اکنون نیز علی‌رغم تنهائی و سن پیری پیوسته به تدریس مشغولند.
محضر ایشان بسیار دوست داشتنی و صراحت لهجه و مطایبه گوئی و بیان تمنیلات خاص، شگفت‌آور و بی‌مانند شهره‌ی حوزویان است و در گذشته‌ی نه چندان دور به فراز مثالهای علمی ایشان از فرط خاص بودن به حوزه‌ی نجف نیز رسیده است.
از خداوند متعال و ائمه اطهار و حضرت سیدالشهداء که مورد ارادت و محبت ایشان است عمر با برکت و صحت و سلامت بر این استاد گرامی و

گرانقدر مسئلت داریم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

فقیه ایمانی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم جامع زاهد و فقیه متبحّر کامل آیت اللّه میرزا محمدباقر فقیه‌ایمانی در حدود سال 1290ق. در شهر اصفهان دیده به جهان گشود. پدرش حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین‌علیشریف، از علما و فضلای تهران، بود که با توجّه به مرکزیت علمی اصفهان به ویژه رونق حوزه‌ی علمیّه‌ی این شهر در آن دوران، به اصفهان آمد و
مشغول به تحصیل و تعلیم شد. نامبرده خواهر زاده‌ی دانشمند منجّم مرحوم میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله،نجم‌الدوله متوفی 1326ق. بود.
رحلت پدر، همت مادر
میرزا محمّدباقر فقیه‌ایمانی در دوران کودکی، پدر دانشمندش را از دست داد ولی با بهره‌مندی از تربیت مادری علویه و باتقوی و نیز تلاش‌های بسیار در مطالعه و تحقیق توانست مراحل عالی علمی و معنوی را با موفّقیت طی کند و پشت سر گذارد.
ورود به حوزه اصفهان و استادان
وی در نوجوانی و جوانی به آموختن رشته‌ی عربی و منطق و ادبیات پرداخت که از جمله اساتید ادبی ایشان ادیب متبحّر مرحوم سیّد محمود کلیشادی معروف به سیّد مغنی‌گو(متوفی 1324ق.) بود. مرحوم میرزا محمّدباقر شرح لمعه و قوانین را از محضر عارف ربانی آخوند کاشی، (متوفی 1333ه’.ق.) فرا گرفت. از جمله اساتید دیگر وی در فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج آقا حسین بروجردیطباطبایی ، بود که در ایام اقامت ایشان در اصفهان از مجلس درس ایشان بهره برد. وی فرائد و مکاسب را نزد عالم ربانی و فقیه عالیقدر آخوند ملاّ عبدالکریم گزی فرا گرفت.
حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانی مراحل عالیه فقه و اصول و نیز علم رجال را از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج آقا منیرالدین بروجردی، (1269 - 1342ق.) که از چهره‌های مبرّز علمی زمان خود و پدر عیالش بود بهره برد. همچنین از دروس فقه، اصول و کلام آیت‌اللّه محقّق شیخ عبدالحسین محلاّتی (متوفی 1323ه’.ق.) صاحب«مغتنم الدرر» بهره‌برداری نمود. تا این که به مقام اجتهاد رسید و به تألیف و تدریس پرداخت.
خصوصیات عبادی و اخلاقی
از جمله ویژگی‌های ایشان تقیّد به نماز شب و توسّلات به ساحت مقدس

ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه امام عصر علیه‌السلام که ذکر آن خواهد آمد. نسبت به مردم با حُسن خلق و مدارا رفتار می‌کرد و با اهل علم و یا عوام متواضع بود.

اقامه‌ی جماعت در قدیمی‌ترین مسجد اصفهان

مرحوم فقیه ایمانیاز ائمه‌ی جماعت مشهور اصفهان بود که در مسجد امامزاده اسماعیل مسجد امامزاده اسماعیل، واقع در خیابان هاتف اقامه‌ی جماعت می‌نمود. بنا به نوشته‌ی برخی از منابع تاریخی این مسجد(امامزاده اسماعیل) که به مسجد شعیا نیز معروف است اوّلین مسجد بزرگی است که در اصفهان ساخته شده و این مسجد در زمان خلافت امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بنا شده است. در قرون اوّلیه هجری از مسجد مذکور به جامع خشینان مسجد جامع خشینان، یاد شده است.

عشق به ولایت و اشتیاق به دیدار حجت خدا

آنچه بیش از هر چیز قابل ذکر است، توجّه و علاقه خاصی بود که به اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام در رفتار و گفتار ایشان آشکار بود و در تمام عمرش در انتظار فراق حضرت حجْ بن الحسن العسکری ولی عصر عجل‌اللّه تعالی فرجه‌الشریف سوخته و اشکی ریزان داشت و در منابر و مجالس و هر فرصتی در طول سال مردم را به ساحت قدس آن حضرت توجّه و تنبّه می‌داد و با آن حال معنوی خاصی که در ایشان بود تأثیر خاصی در حال اشخاص می‌گذاشت. مثلاً روزهای جمعه با حال گریه و شور و اشتیاق چند مرتبه دعای ندبه را در طول روز قرائت می‌کرد. عنایت و اهتمام زایدالوصفی به ذکر فضایل و مناقب حضرت بقیّ‌اللّه الاعظم امام زمان »عجل‌اللّه تعالی فرجه‌الشریف» داشت چنان که تمام منبرهای او در ایّام مختلف سال چه در مسجد محل اقامه‌ی نماز جماعتش یا مکان‌های دیگر و یا مجالسی که در تمام روزهای سال قبل از ظهر در منزل شخصی خود منعقد می‌نمود به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و منحصر به امام زمان -عجل‌اللّه تعالی فرجه- بود و آغاز و انجامش در شرح زندگی و دیگر شئون حیاتی و امامتی آن حضرت برگزار می‌گردید. و کسانی هم که برای حل و فصل هرگونه مشکل مادی و معنوی از قبیل شفای بیماری، ادای دین و بدهی مالی، پیدا شدن گمشده، رفع دیگر گرفتاری‌های شخصی و اجتماعی به آن مرحوم مراجعه می‌نمودند، جنابش قبل از هر چیز او را به نوعی توسّل‌های ذکری و زیارتی و مالی و نمازی و دیگر طرق مناسب به عنوان توسّل به ساحت قدس حضرت مهدی علیه‌السلام راهنمایی و تشویق می‌کرد وی را با این طرق رهایی از مشکلات می‌داد.

همواره در یاد او

آیت‌اللّه حاج شیخ محمّدباقر فقیه‌ایمانی حتّی در سال‌های آخر عمر که بخاطر ابتلأ به کسالت و ناتوانی قادر به بیرون رفتن از منزل نبود و یا ایام زمستان که به دلیل سردی هوا خانه‌نشین می‌شد دائماً مشغول ذکر و توسّل به آن حضرت بود و یا اشتغال به نوشتن اوراق و مطالبی به ویژه درباره‌ی وجود و برکات و آثار امام عصر علیه‌السلام جست. فرزند ایشان فاضل ارجمند حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی فقیه ایمانی می‌گوید: خاطره جالبی از مرحوم والد بنظرم رسید که یکی از اشعار ایشان درباره‌ی حضرت بقیه اللّه الاعظم عجل اللّه تعالی فرجه‌الشریف شعری مندرج در «مطلع‌الانوار» ص 235 است بدین مضمون:

لا سیّما امامنا الثانی عشرمَن حاضِرٌ فینا و عنّا مُسْتتر

که بیانگر حاضر بودن امام زمان علیه‌السلام در بین مردم و در نزدیکی آنها است، اما بطور نادیدنی و ناشناختنی که حاضرین در خدمتش حضرتش را نمی‌بینند یا نمی‌شناسند.

یکی از علمای تهران که دورا دور مرحوم والد را با ویژگی‌ها و راه و رسم علاقه به آن حضرت و ذکر فضایل و مناقبشان شناخته بود به منزل ایشان در اصفهان وارد شد و با ابراز راه و رسم ایشان درباره آن حضرت، از ملاقات آن بزرگوار سراغ گرفت و با اصرار خواست اگر خاطره‌ی ملاقاتی دارند توضیح دهند. ایشان(آیت اللّه فقیه ایمانی) گفتند: من ادعای ملاقات با آن بزرگوار را ندارم امّا خاطره‌ای برای من پیش آمده که فکر می‌کنم لطف امام شامل حالم شده و بی‌ارتباط با شعری که درباره آن حضرت سروده ام نیست. و قضیه بدین شرح است که در شبی از شب‌های ماه مبارک رمضان(شب پانزدهم) مشغول سرودن شعر فوق و اشعار قبل و بعد از آن بودم، پس کم‌کم دچار خستگی شدم که دیگر نشاط ادامه دادن به شعر و گفتن نداشتم و تصمیم به خوابیدن گرفتم، امّا نتوانستم به خواب بروم، آنگاه متوجه شدم که در شب‌های ماه رمضان غسلش مستحب است و به نظرم رسید به حمّام نزدیک منزل بروم، غسل شب نیمه‌ی ماه رمضان را بجا آورم. پس برخواستم به حمّام نو مجاور مسجد خواجه اعلم نزدیکی سبزه‌میدان(میدان کهنه) رفتم و چون به سمت خزینه‌ی معمولی رفتم متوجه شدم آن قدر آب آن کثیف و آلوده است که نمی‌توانم رغبت به وارد شدن در آن خزینه نمایم. آن گاه به سراغ خزینه کوچکتری رفتم که آبش بسیار تمیز و زلال بود ولی همین که پا را در آن خزینه گذاردم آنچنان احساس حرارت شدید از آب خزینه کردم که دیدم طاقت وارد شدن در آن خزینه و غسل کردن در آن را ندارم. رفتن در آن غیر قابل تحمّل]با آب زلال[پس متحیّر شدم چه کنم که آن خزینه است و چگونه بدون غسل و انجام یک امر مستحب ارزشمند از حمّام خارج شوم. ناگهان متوجّه شدم مرد بزرگواری وارد گرمخانه شد و بطور عادی مستقیماً وارد

خزینه‌ی کوچک که از گرمی شدید برخوردار بود شد بدون آن که احساس گرمی نماید. در این موقع من با حالت فراموشی گرمی شدید آن خزینه به دنبال آن مرد بزرگوار وارد خزینه شدم و با احساس ملایمت آب خزینه مشغول غسل شدم ولی ناگهان آن شخص ناشناس از خزینه خارج شد و همین که پا از خزینه بیرون نهاد من
مثل قبل از آمدن آن مرد محترم، که احساس گرمی غیر قابل تحمّل می‌نمودم دیگر قوت و توانایی ماندن در خزینه برای تکمیل غسل نداشتم و با زحمت و سوختن از خزینه خارج شدم و تازه به فکر افتادم مگر نفهمیدی چند لحظه پیش آب خزینه آنقدر گرم و سوزنده بود که پا بیرون نهادی، و این مرد کیست که با وارد شدن در
خزینه آن قدر آبش ملایم شد که بدنم را حال آورد و با بیرون نهادن او، همانند دفعه‌ی اوّل که امتحان نمودم آب خزینه غیر قابل تحمّل گردید. آن گاه به فکر افتادم بروم بیرون گرمخانه، بفهمم آن مرد چه کسی بود، که آمدنش در خزینه و بیرون رفتنش این گونه آب را تغییر داد و چون بیرون رفتم، متوجّه شدم فقط متصدّی حمّام در آن جا است و دیگر کسی نیست. پس سراغ آن شخص را گرفتم، پاسخ داد در حال حاضر کسی غیر از شما در حمّام نیامده و مثلاً یک ساعت قبل فلان کاسب آمد و رفت. در این موقع متحیّر شدم که این شخص کجا رفت و این قضیه چگونه پیش آمد، و به ذهنم خطور کرد که شاید آن بزرگوار، آقا امام زمان علیه‌السلام بودند که با آمدن و رفتن این چنانی خواستند شعری را که من سروده بودم عملاً به تجلّی درآورده و نشان دهند که در محوطه‌ای که هستیم حاضر شده‌اند و من در نزدیکی ایشان قرار گرفتم امّا حضرتش را نشناختم و ترتیب اثری به حضور مبارکش ندادم.

آثار قلمی و تألیفات آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانی بیش از هشتاد مورد است که تنها چند جلد آنها به همّت فرزند فاضل ایشان(حاج شیخ مهدی فقیه‌ایمانی) طبع و منتشر گردیده است.
تألیفات ایشان دو دسته عمده است یکی زمینه های مختلف عقیدتی، فقهی، اخلاقی و تاریخی، دیگری تحقیقات و نوشته‌هایی در باره‌ی امام عصر صلوات‌اللّه علیه -
ارتحال و مدفن
تاریخ وفات این عالم جلیل‌القدر در سن حدود هشتاد سالگی و در شب جمعه بیستم ماه ذی قعده سال 1370ه’.ق. بوده است، قبر شریفش در اتاق شرقی تکیه‌ی کازرونی است.
در تاریخ فوتش مرحوم میرزا حبیب‌اللّه نیّر، میرزا نیّر(متوفی 1379ق.)

سروده است:
لهفی لفقدان ذی علم و ناشره‌فقیه مذهب اسلام و ناصره
محمدباقر راوی الاحادیث‌تألیف سبعین جلداً من مفاخره
زد واحداً ایها النّیر تؤرخه‌توقّف العالم من فقد لباقره(398)
بر سنگ قبر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانیچنین نگاشته شده است:
قال الصادق علیه‌السلام خیرالناس من بعدنا من ذاکر بامرنا و دعا الناس الی ذکرنا مرقد شریف عالم جلیل و فقیه نبیل، یگانه موالی و مروّج رسم و آثار اهلبیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام مؤلف و نویسنده هفتاد و شش جلد کتاب و رساله‌ی عربی و فارسی بنظم و نثر پیراُمن مسائل علمی و عقیدتی و تاریخی و اخلاقی که بیست و شش جلد آنها در شئوون مختلف حضرت بقیّ‌اللّه الاعظم امام مهدی منتظر عجّل‌اللّه تعالی فرجه اختصاص یافته
مرحوم مغفور جنّت مکان آیّ‌اللّه شیخ محمّدباقر بن شیخ حسینعلی فقیه‌ایمانی بتاریخ ذیقعده سال 1370ه‌ٔ.ق. برابر با شهریور سال 1330 ه‌ٔ ش. دعوت حق را لبیک گفت.

فقیه دزفولی، اسداللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسداللَّه بن محمدعلی بن عبداللَّه بن عبدالکریم بن شاه میر بن محمد مهدی بن سید محمد شفیع بن مرتضی بن سید حبیباللَّه ابن سید ولی‌الدین ابن محمد بن احمد بن سید عبداللَّه بن سید شمس‌الدین بن محمد بن سید تاج‌الدین ابن سید شرف‌الدین بن سید حسین بن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام‌الدین بن سید محمود بن سید جمال‌الدین بن سید محمود بن سید صدرالدین بن سید مظفرالدین ابن سید احمد بن سید عبداللَّه بن امام موسی بن جعفر علیهماالسلام از علماء نجف اشرف بودند و با بیست و هفت واسطه به امام هفتم علیه‌السلام منتهی می‌شوند.
وی در سال 1302 قمری در دزفول در بیت علم و تقوی و کمال متولد شده و در حجر والد علامه‌اش تربیت یافته و پس از خواندن اولیات و مقدمات سطوح وسطی و نهائی را از محضر مرحوم والدش و سایر اساتید و علماء دزفول فراگرفته و سپس چند سالی پیش از جنگ بین‌المللی اول مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات آیت‌اللَّه العظمی مرحوم سید محمدکاظم یزدی که پیوسته مورد توجه خاص و جزو اصحاب معظم له بودند و همچنین در محضر دراسات آیت‌اللَّه العظمی شریعت اصفهانی و میرزا محمدحسین نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی رضوان اللَّه تعالی علیهم اجمعین استفاده نموده و در 21 رجب‌المرجب 1361 قمری در نجف اشرف دعوت حق را لبیک گفته و برحسب وصیت آن مرحوم در وادی‌السلام نجف اشرف مدفون شدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فقیه دزفولی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدرضا فقیه دزفولی از علماء محترم و ائمه جماعت مکرم معاصر تهرانست. وی در دزفول متولد شده (و از بیت واسره سادات گوشه‌ی دزفول است) و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن قدس اللّه اسرارهم و آیات دیگر استفاده کامل نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران آمده و تاکنون در مسجد خیابان جهان پناه به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: جناب آقای فقیه دزفولی عالمی متین و دانشمندی متقی موصوف بفضل و تقوا و محامد اخلاق و مبادی آداب میباشد. معظم له با حضرت آیت‌اللّه فیض دزفولی قرابت و خویشاوندی دارند.
سید محمدرضا بن آیت‌اللّه مرحوم حاج سید اسداللّه دزفولی اجمالی آنجناب در سال 1337 قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح وسطی و نهائی را نزد اساتید بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی نوری و خارج را چندی از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و با دریافت اجازات اجتهاد و روایتی از اساتید نامبرده و غیره به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد مهدوی خیابان جهان پناه به خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فقیه رضوی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله حاج سید عباس فقیه مبرقعی رضوی والد ماجد حاج سید مرتضی فقیه مذکور از علماء اعلام و آیات عظام قم بوده‌اند که در خدمت مرحوم حاج ملا غلامرضا معروف به حاج آخوند قمی صاحب حاشیه و مرحوم آقا سید عبدالله برقعی رضوی تلمذ نموده و در مدرسه مهدی قلیخان هم تدریس می‌کرده تا در سال 1335 ق وفات نموده و در ایوان آئینه اتابیکی مدفون شده است، دارای یک پسر به نام حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مرتضی فقیه مبرقعی و 4 دختر بوده است که همسر چهار نفر از مفاخر روحانیت عالم تشیع و حوزه علمیه قم و شرفاء می‌باشند.
1- همسر آیت‌الله العظمی و العلامه الکبری آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله العالی.
2- همسر آیت‌الله العظمی مرحوم فاضل لنکرانی.
3- همسر آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد کرمی اهوازی.
4- همسر آقای آقا سید ابوالفضل لاجوردی.
نسب مرحوم آیت‌الله حاج سید عباس منتهی می‌شود به علامه جلیل سید رشیدالاسلام رضوی قمی که تولیت آستانه بی‌بی‌معصومه علیهاالسلام از طرف شاه طهماسب اول صفوی با آن مرحوم بوده است و قبرش در رواق آئینه در مدخل حرم بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیه سبزواری، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1386 -1309 ق)، عالم دینی و فقیه. در سامرا به دنیا آمد و در خانواده‌ای اهل علم پرورش یافت. در 1318 ق به همراه پدرش به نجف رهسپار شد و مدت چهار سال در آنجا، تحت نظر پدرش، مقدمات و ادبیات را خواند و در 1322 ق به همراه پدر به سبزوار رفت و چهار سال در آنجا به تحصیل پرداخت. در هفده سالگی با اجازه و امر پدر به مشهد رفت و از محضر ادیب بزرگ نیشابوری و شیخ حسن برسی و سید محمد باقر مدرس استفاده نمود. پس از چندی به خواست پدرش به سبزوار بازگشت و ضمن استفاده از درس خارج پدر و بهره‌گیری از افتخار الحکماء، در زمینه‌ی معقول، خود به تدریس سطوح پرداخت. در 1337 ق پس از درگذشت پدر به نجف مهاجرت نمود و دو سال از محضر آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌الله شریعت اصفهانی و آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی استفاده نمود و به مدارج عالی فقه و اجتهاد رسید و با دریافت اجازات اجتهاد مطلق از اساتیدش، در 1347 ق، به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد و به تدریس خارج فقه و اصول و امامت جماعت در جامع گوهرشاد پرداخت. او در مشهد درگذشت و در مقبره‌ی باغ رضوان به خاک سپرده شد. از آثار خیرش: بنای کوی طلاب؛ مدرسه‌ی محمدیه؛ تکیه سیدها؛ گورستان و غسالخانه و دیگر آثار خیر او در کتاب «خاطرات زندگانی» وی با شرح آثار آمده است.[1]
حسین بن العلامه میرزا موسی فقیه سبزواری از آیات عظام و فقهاء فخام معاصر سبزوار (مقیم مشهد مقدس) بوده‌اند.
ترجمه احوال و آثار آن بزرگوار رساله و کتاب جداگانه‌ای لازم دارد که آن هم بحمداللّه به قلم یکی از دانشمندان بنام خاطرات زندگانی آیت‌اللّه فقیه سبزواری بطبع رسیده است و خلاصه آن را نگارنده در اینجا می‌نگارم. وی در سال 1309 قمری در سامره دیده به جهان گشوده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و در سال 1318 ق به همراه والد ماجدش به نجف اشرف رهسپار شده و مدت چهار سال در آنجا در تحت نظر والدش مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال 1322 ق در معیت پدرش به سبزوار آمده و چهار سال در آنجا به تحصیل پرداخته و در سن 17 سالگی با اجازه و امر پدر به مشهد آمده و از محضر مرحوم ادیب بزرگ

نیشابوری و مرحوم آقا شیخ حسن برسی و حجةالاسلام آقای حاج سید محمدباقر مدرس استفاده نموده. و در همان اوان صحنه دلخراش توپ بستن روسها را به آستان قدس رضوی مشاهده می‌کنند و بعد از چندی برحسب امر والدش به سبزوار آمده و ضمن استفاده از درس خارج والدش و استفاده معقول از مرحوم افتخارالحکماء خود به تدریس سطوح پرداخته تا والدش در سال 1337 قمری به رحمت ایزدی واصل و ایشان به نجف اشرف مهاجرت نموده.
و دو سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللَّه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی استفاده نموده و به مدارج عالیه فقه و اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات اجتهاد مطلق از آیات نام برده در سال 1347 ق به ایران بازگشت و به سبزوار وارد و بعد از سه ماه به مشهد مقدس عزیمت نموده و روی اصرار علماء و مراجع حوزه مشهد رحل اقامت افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول و امامت در جامعه گوهرشاد پرداخته و در خلال توقف در مشهد چندین مسافرت مهم به عتبات عالیات و مکه معظمه نموده که شرح هر یک مفصل خواهد بود.
و در کتاب خاطرات زندگانی وی مذکور می‌باشد. معظم له پس از یک عمر خدمت به دین و مسلمین و آستان ملک پاسبان ثامن‌الائمة المعصومین علیهم صلوات المصلین در شب شنبه 24 شوال 1386 ق شب قبل از شهادت حضرت امام صادق علیه‌الصلوة والسلام در سن 77 سالگی از دنیا رفت و در مقبره باغ رضوان که از باقیات الصالحات اوست مدفون گردید.
آثار خیر مرحوم آیت‌اللَّه فقیه سبزواری از اینقرار است.
1- مدرسه کوچک باغ رضوان
2- تکمیل بناء درمانگاه رازی
3- خانه‌های سیل زدگان
4- مسجد بهار
5- کوی طلاب
6- مدرسه محمدیه و آثار خیر دیگر که در کتاب خاطرات زندگانی ایشان با شرح آثار مذکوره موجود است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (152 / 7 ،323 -321 / 5).

فقیه قمی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1321 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی، در قم به دنیا آمد و در مهد علم و تقوا پرورش یافت. او دخترزاده‌ی آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی قمی بود. پس از طی مقدمات و ادبیات، سطوح را نزد آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و حجت‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی صغیر و آیت‌الله میرزا محمد همدانی خواند و خارج «عروه» را از محضر آیت‌الله فیض استفاده نمود و همچنین مدتی از محضر آیت‌الله حایری بهره‌مند شد. وی عمده دروس تحلیلی خود را از محضر آیت‌الله حجت استفاده نمود. بعد از ورود آیت‌الله بروجردی در شمار اصحاب وی درآمد و حدود هیجده سال از محضر بحثهای فقه و اصول ایشان مستفیض شد و دروس معقول را از محضر آیت‌الله سید ابوالحسین رفیعی قزوینی و امام خمینی بهره‌ها برد. او چندین سال در درس فقه آیت‌الله مرعشی نجفی نیز شرکت کرد. از آثارش: «تقریرات» درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) آیت‌الله حجت. [1]
حاج سید مرتضی فقیه بن العلامه الورع حاج آقا عباس برقعی رضوی قمی از علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم سبط مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا احمد طباطبائی برادر بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی حاج‌آقا حسین طباطبائی قمی و برادر متعلقه حضرت آیت‌الله العظمی آقا شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله یکی از سه زعیم معاصر حوزه علمیه است.
آن جناب در سال 1321 ق در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و پس از رشد و طی مقدمات و ادبیات سطوح را نزد مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم حجه‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی معروف (به صغیر) و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی خوانده و خارج عروه را از محضر مرحوم آیت‌الله فیض استفاده نموده و نیز مقداری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری بهره‌مند شده و عمده دروس تحلیلی خود را از محضر سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و از موقع ورود آیت‌الله العظمی بروجردی نورالله مضجعه در شمار اصحاب آن جناب درآمده و بالغ بر 18 سال از محضر و ابحاث فقه و اصول آن مرحوم کامیاب و مستفیض شده و دروس معقول را از محضر آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله العظمی... موسوی مدظله استفاده

نموده و هم چندین سال به درس فقه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده و در حال حاضر با چند نفر از علماء حوزه حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس مستقیم و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا اسماعیل رحمت‌خواه تبریزی و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن غفاری‌نژاد مباحثه کمپانی دارند و ظهرها هم در حرم مطهر حضرت معصومه علیهاسلام اقامه جماعت دارند.
از نوشته‌های ایشان است: تقریرات درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) مرحوم آیت‌الله العظمی حجه طاب ثراه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (123 -122 / 2)، آینه‌ی دانشوران (282 -281)، گنیجینه‌ی دانشمندان (220 -219 / 2).

فقیه، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن فقیه جد مادری حجةالاسلام سید مجدالدین مترجم عزیز ماست، که از مجتهدین بزرگ شیراز و از شاگردان آیات عظام میرزا نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی بوده و از آنان اجازه اجتهاد داشته، مجلس درس این فقیه گرامی مورد توجه فضلاء بوده است.
مجله‌الاسلام که در ایران و کشورهای اسلامی از اول رژیم پهلوی منتشر می‌شد نشانه رشد فکری این فقید بود.
مرحوم حجةالاسلام شیخ جمال‌الدین اسلامی و شیخ کمال‌الدین فقیهی فرزندان ذکور این مرحوم می‌باشند و خاندان اسلامی و فقیهی در شیراز از ارحام این مجتهد بزرگند.
مدفن ایشان در حرم مطهر حضرت علی بن حمزه است. فرزندان این دانشمند بزرگ هم اکنون به خدمات ذی‌قیمت دینی و اجتماعی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیهه، فاطمه

قرن:6
جنسیت:زن
ملیت:ایران
از زنان فقیه و محدث قرن ششم. وی دختر علاءالدین محمد بن احمد سمرقندی (و 540 ق) مؤلف کتاب تحفةالفقهاست. فاطمه نزد عده‌ای از فقها دانش آموخت و بسیاری نیز از وی کسب دانش کردند. او حلقه درس داشت و گروهی از علما به وی اجازه روایت دادند. علاوه بر علم و فضل، از زهد و پارسایی نیز بهره زیاد داشت. فاطمه آثار بسیاری در فقه و حدیث تألیف کرد که بین دانشمندان و اهل فضل انتشار یافت. پدرش به مناسبت شرح محققانه‌ای که علاءالدین ابوبکر کاشانی (و 587 ق) بر کتاب تحفةالفقها نوشت، فاطمه را به عقد او درآورد.
علاءالدین نیز که از فقها و دانشمندان زمان خود بود شب و روزش به حل و فصل مسائل فقهی مصروف می‌شد و طرف مراجعه مردم بود. او با تمام حضور ذهن و تبحری که داشت وقتی در پاسخ دادن به مسائل مشکلی مردد می‌ماند از همسر دانشمندش استمداد می‌طلبید و او بدون درنگ پاسخ کافی و قانع کننده‌ای به همسرش می‌داد. فاطمه به همراه همسر و پدرش در یک خانه در کاشان سکونت داشتند و پس از مدتی به حلب رفته و در آنجا مقیم شدند. وی با ملک نورالدین شهید معاصر بود و او مدتها در پاره‌ای از امور داخلی کشور با این زن مشورت داشت. و برخی از مسائل فقهی را از او فراگرفت. نورالدین هواره در حق این زن انعام می‌کرد و او را در کوشش‌هایش یاری می‌نمود. فاطمه در شهر حلب درگذشت.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: اعلام‌النساء، 95 -94 / 4؛ از رابعه تا پروین، 17؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، 371.

فقیهی بروجردی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا عبدالله فقیهی بروجردی فاضلی کامل و عالمی عامل و خیر و خدمتگذار و در کارهای دینی و خدمات اجتماعی روحی فعال و جدیت در ماه صفر الخیر 1346 قمری در بروجرد در خانواده‌ای پرهیزکار به دنیا آمده و پس از طی دوران علوم جدید و مقداری از ادبیات و سطوح وسطی از بروجرد به قم مهاجرت نموده و پس از تکمیل سطوح مدت ده سال از محضر و ابحاث علامه کبری آیت‌الله العظمی بروجردی قدس‌الله سره استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حاج سیخ عبدالنبی عراقی و مرحوم حاج شیخ مهدی مازندرانی بهره‌مند شده و ضمنا تدریس فقه و اصول (مکاسب و رسائل و کفایه) و منظومه و شرح تجرید نموده و در سال 1325 شمسی به نجف اشرف مشرف و مدت پنجسال توقف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی و آیت‌الله حاج سید یحیی یزدی و آیت‌الله میرزا حسن بجنوردی و آیت‌الله حاج شیخ علی محمد بروجردی و آیت‌الله میرزا هاشم آملی و آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و دیگران استفاده نموده و موفق به دریافت اجازات اجتهاد و روایتی از آیات عظام نجف و قم شده و در سفر مکه با بعضی از علماء اهل سنت مصر و مکه و مدینه و شام و عمان و سامرا و کاظمین ملاقات و درباره تشیع و خلافت بلافصل علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و اولاد طاهرین آن حضرت بحث و موجب استبصار بعضی از آنان به اصل خلافت و مرام تشیع گردیده است آثار و مولفات ایشان گذشته از تقریرات و دراسات مباحث اساتید معظم به قرار زیر است.
1- رساله‌ای در حرمت ریش تراشیدن 2- حاشیه‌ای بر کفایه 3- کتابی به نام گوشه‌ای از علوم و فنون 4- شناسائی مرد و زن از نظر روانی و فیزیولوژی 5- رسائلی در علوم غریبه 6- رساله‌ای در حقیقت عشق و محبت 7- کشاف المذاهب العالم او القضاوه بین‌الملل و النحل در 2 جلد 8- شرح اسماء الحسنی 9- الفقه علی المذاهب الخمسه در مباحث طهارت 10- رساله‌ای در حد کرو تطبیق آن با اوزان دنیا 11- تفسیر استعاذه 12- رساله‌ای در ولایت اهل البیت و علم ائمه علیهم‌السلام 13- رساله‌ای در لغز و معما 14- الفوائد المختاره فی علم اصول الفقه 15- رساله‌ای در تفسیر سوره حمد و بقره 16- قواعد الرجال 17- کتابی به

سبکی تازه و جدید در علم السند و الحدیث 18- زهره العلوم فی اصول الدین و الکلام و الفقه علی نهج‌الاخبار.
19- رساله‌ای در مختلف العلوم و الفنون 20- اجوبه مسائل الدینیه 21- رساله‌ای در تراجم علماء و رواه.
اما آثار دیگر خدمات دینی و موسسات اجتماعی برای روحانیت و سایر کارهای اجتماعی و دینی.
1- تاسیس دارالشفاء الثقلین (درمانگاه قرآن و عترت) 2- کتابخانه قرآن و عترت علیهم‌السلام.
3- دارالایتام ثقلین 4- دارالمبلغین الثقلین 5- مسجد صاحب الزمان علیه‌السلام در سربند دربند شمیران 6- حسینیه صاحب‌الزمان در همان محل 7- حسینیه صاحب‌الزمان در پست قلعه دربند 8- کتابخانه مسجد صاحب‌الزمان علیه‌السلام در سربند 9- تاسیس مکتب التفسیر و الاحکام 10- تاسیس غسالخانه به وسیله مبلغین دارالثقلین در دهات قم. 11- حمام در قراء قم و ساوه به وسیله مبلغین مزبور 12- تشکیل هیئت دینی در قصبات قم به وسیله مبلغین مذکور ادام‌الله توفیقاته و برکاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیهی رشتی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 321 ق)، فقیه و عالم دینی. در نجف به دنیا آمد. وی ادبیات را در خدمت آقا میرزا عبدالحسین قفقازی و مقدمات را در خدمت میرزا مجید گنجه‌ای و سطوح را نزد آقا شیخ حسین رشتی و شیخ محمد علی کاظمینی و سید علی کازرونی و شیخ علی مازندرانی خواند و دروس فقه و اصول استدلالی را از محضر حاج میرزا علی ایروانی و آیت‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی و آیت‌الله نائینی و پدر خود، آیت‌الله شیخ شعبان رشتی، استفاده نمود و علوم اجتماعی را از آیت‌الله شیخ جواد بلاغی فراگرفت. در حدود 1350 ق به قم رفت و در درس آیت‌الله حایری حاضر شد و بعد از ایشان حدود هیجده سال از دروس و بحث آیت‌الله بروجردی استفاده کرد و چند سالی از طرف آیت‌الله بروجردی در موسم حج به مکه و مدینه برای رسیدگی به امور شرعی حجاج ایرانی فرستاده شد. وی برای فضلا به تدریس فقه و اصول نیز می‌پرداخت. از آثارش: شرح بر «کفایه»؛ شرح بر «مکاسب».[1]
حاج شیخ عبدالحسین بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج الشیخ شعبان رشتی نجفی معروف به فقیهی از علماء اعلام و حجج اسلام حوزه علمیه عالمی کامل و فقیهی عادل از بیت فضل و کمال جامع حسب و نسب است در سال 1321 قمری در نجف اشرف متولد و پس از بلوغ و رشد مقدمات را در خدمت مرحوم میرزا مجید گنجه‌ای خوانده و سطوح را نزد مرحوم آقاشیخ حسین رشتی و شیخ محمدعلی کاظمینی و سید علی کازرونی و شیخ علی مازندرانی و دروس فقه و اصول استدلالی را از مرحوم حاج میرزا علی ایروانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله نائینی و مرحوم والد ماجد استفاده نموده و در سال 1350 قمری به قم مهاجرت و حاضر درس آیت‌الله حایری گردیده و بعد از آن مرحوم 18 سال از دروس و بحث آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و چند سالی از طرف معظم‌له در فصل حج به مکه و مدینه مسافرت برای رسیدگی به امور شرعی حجاج ایرانی نمود و تاکنون همه ساله این توفیق را داشته و دارد و در حوزه علمیه برای عده‌ای از فضلاء تدریس فقه و اصول می‌نماید دارای تصنیفات چندیست چون شرح بر کفایه و شرح بر مکاسب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (56 / 2)، آینه‌ی دانشوران (229 -228)، گنیجنه‌ی دانشمندان (223-222 / 2).

فکور یزدی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمد فکور یزدی از علماء اعلام و حجج اسلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه عالمی عامل و فاضلی کامل و فقیهی بارع موصوف به فضل و کمال و مشهور به قدس و تقوا می‌باشد تولد این عالم ربانی و دانشمند سبحانی در سال 1324 قمری واقع شده و پس از طی مقدمات مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه چون مرحوم میرزای همدانی و دیگران خوانده و پس از آن حاضر حوزه تدریس آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت گردیده و نیز از محضر آیات دیگر چون آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر استفاده نموده و حدود 18 سال هم از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده و اکنون از مدرسین عالی رتبه حوزه است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و در استخاره مهارت کاملی دارند و استخاره قرآن ایشان مجرب و شهرت بسزائی دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فگار شیرازی، لطفعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1266 ق)، فقیه، اصولی و شاعر، متخلص به فگار. پس از تحصیل مقدمات در خدمت حاجی محمد حسن قزوینی به تکمیل علم فقه و اصول پرداخت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی در خوشنویسی و سرودن انواع شعر مهارت داشت. در شیراز از دنیا رفت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (1383 -1381 / 2)، الذریعه (844 / 9)، طرائق الحقائق (348 -347 / 3)، فارسنامه ناصری (942 / 2)، فرهنگ سخنوران (718)، مرآت الفصاحه (483 -482)، مکارم الآثار (1845 / 5).

فلسفی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی معروف به (فلسفی) از علماء اعلام و مدرسین عظام معاصر مشهدند.
ایشان در حدود 1342 قمری در تهران چشم به جهان گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و اولیات و سطوح را در تهران در خدمت والد علامه‌اش و اعلام دیگر به پایان رسانیده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و بالاخص آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله و بعضی دیگر فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال ارتقا یافته و پس از آن در سال 1370 قمری به تهران مراجعت و چند سالی در مسجد لرزاده (مسجد مرحوم آقای برهان) به اقامه جماعت و تدریس و وظائف روحی اشتغال داشته تا سال 1388 قمری که عزیمت به مشهد مقدس نموده و در آنجا مورد توجه و استقبال گرم فضلاء مشهد قرار گرفته و حوزه تدریس خارج فقه و اصول قرار داده و تا حال تحریر در آن سامان به تدریس و انجام وظائف روحی و دینی از قبیل نماز جماعت و غیره اشتغال دارند و ماه رمضان و شبهای شنبه و جمعه را در مسجدشان منبر رفته و با بیانی قاطع و جامع نشر معارف اسلامی نموده و صدها نفر از عموم طبقات و بالاخص اهل علم و طلاب از محضر و بیانشان استفاده می‌نمایند.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج میرزا علی آقای فلسفی (برادر ارجمند حضرت مستطاب حجةالاسلام والمسلمین لسان الشیعه و سیف الشریعه خطیب شهیر و نویسنده بصیر آقای حاج شیخ محمدتقی فلسفی واعظ بزرگ ایران و خاورمیانه) که ده ها بار کتبا و شفاها مراجعه به جنابشان کردم که عکس و ترجمه خود را مرحمت نمایند ولی پاسخ مثبت ندادند و مرا و دیگران را از این فیض مرحوم داشتند و بنده این چند سطر را بدون اطلاع معظم‌له نوشتم زیرا وجدانم اجازه نمی داد که (گنجینه) از ذکر مثل چنین دانشمندان مهذب و بارعی خالی باشد و از طرفی هم در جلد دوم ص 387 برادر ارجمند مذکورشان را نگاشته و در جلد چهارم ص 406 هم والد ماجد و برادران دیگرشان را ترجمه و وعده دادم ایشان را هم در ذکر خراسان و مشهد یاد نمایم لذا در اینجا به وعده خویش وفا نموده و این چند جمله را یاد نمودم و امید دارم مورد قبول معظم‌له و دوستان دانش و

روحانیت و بالاخص ایشان قرار بگیرد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

فلکی همدانی، ابوالفضل علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 427 / 407 ق)، حافظ، محدث، صوفی، رجالی، مصنف و فقیه شافعی. جدش در علم نجوم و حساب سرآمد بود، بدین جهت به فلکی مشهور شد و ابوالفضل علی را گاه ابن‌فلکی نیز گفته‌اند. وی برای جمع‌آوری حدیث سفرها کرد و از ابن‌رزقویه و ابولحسین بن بشران و قاضی ابوبکر حیری و به قول شیرویه از تمام مشایخ همدان و عراق و خراسان حدیث شنید. خواجه عبدالله انصاری گوید که بشری را پرحافظه‌تر از فلکی ندیدم. حسنی و میدانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او در نیشابور درگذشت. فلکی کتابهایی تصنیف کرد که از آن جمله طبقاتی است به نام «المنتهفی فی الکمال فی معرفه الرجال» یا «منتهی الکمال فی معرفه الرجال»، در هزار جزء از دیگر آثارش: کتاب «الالقاب» یا «معرفه القاب المحدثین» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (504 -502 / 17)، شذرات الذهب (231 185، / 3)، طبقات الحفاظ (431-430)، کشف الظنون (1858، 1739، 1397)، معجم المؤلفین (72 -71 / 7)، الوافی بالوفیات (34 -33 / 21)، هدیه العارفین (687 / 1).

فورانی مروزی، ابوالقاسم عبدالرحمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(463 / 461 -388 ق)، محدث، فقیه شافعی، اصولی و مصنف. در مرو به دنیا آمد. وی در فقه شاگرد ابوبکر قفال شاشی بود و از او و از علی بن عبدالله تیسفونی حدیث شنید. عبدالرحمان بن عمر مروزی و عبدالمنعم بن ابی‌القاسم قشیری و زاهر بن طاهر و محیی‌السنه بغوی و دیگران از وی حدیث شنیدند. او پیشوای فقهای مرو و شیخ شافعیان بود. وی استاد ابوسعد/ ابوسعید متولی صاحب «التتمه» (یعنی تتمه کتاب «الابانه» که شرح گونه‌ای است بر کتاب استادش) بود. امام الحرمین جوینی در کتاب «النهایه» خویش در باب اذان جمله‌ای در تخفیف فورانی گفته که تمامی علما این مطلب را بر امام الحرمین عیب گرفته‌اند، زیرا که فورانی از ستونهای مذهب به شمار می‌آمده است. او در مرو درگذشت. فورانی دارای مصنفات بزرگ و بسیاری در اصول و خلاف و جدل و ملل و نحل می‌باشد. از آثار وی: «الابانه»، در فقه شافعی؛ «العمده»، در فقه؛ «اسرار الفقه»؛ «کتاب العمل»؛ شرح «الفروع» ابن‌حداد، در مذهب شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (102 / 4)، انساب سمعانی (405 / 4)، سیر النبلاء (265 -264 / 18)، شذرات الذهب (309 / 3)، الکامل 1108)، کشف الظنون (1441، 1257، 84، 1)، لسان المیزان (303 -302 / 4)، معجم المؤلفین (92 / 8، 169 / 5)، وفیات الاعیان (132 / 3)، هدیه العارفین (517 / 1).

فومنی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی فومنی عالمی بزرگ و فقیهی بزرگوار از بزرگان اهل فضل و خیار ایشان بود سالهای متمادی در نجف اشرف خدمت مشاهیر مدرسین تلمذ نموده و ملازمت آیت‌اللّه العظمی میرزا حبیب‌اللّه رشتی را اختیار و از خواص تلامذه‌ی ایشان گردیده و بسیاری از تقریرات بحث معظم له را به رشته تحریر آورده و در حدود 1326 ق در قضیه مشروطه و استبداد کشته شده است.
صاحب الذریعه: در طبقات قسم 4 جزء اول می‌گوید سبب شهادت و چگونگی آن را متذکر نمی‌شوم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیاض سرخه دیزجی زنجانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1285 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مرجع تقلید. در قریه‌ی سرخه دیزج زنجان به دنیا آمد. مقدمات را نزد پدرش، آخوند ملا محمد سرخه دیزجی، که از شاگردان آخوند ملا علی قارپوزآبادی بود، خواند. سپس به زنجان رفت و متون فقه و اصول را نزد علمای آنجا قرائت کرد، آن‌گاه به تهران آمد و معقول را در محضر میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی و فقه و اصول را در محضر آیت‌الله میرزا محمد حسن آشتیانی و دیگران فراگرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به نجف مهاجرت کرد و نزد علمای آنجا، و به طور عمده در محضر آقا شیخ هادی تهرانی، تلمذ کرد. پس از درگذشت علامه تهرانی در 1326 ق به زنجان بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت، و مرجع تقلید مردم آن دیار شد. وی در زنجان درگذشت و در مقبره‌ی آخوند ملا علی قار پوزآبادی دفن شد.از آثارش: «کتاب الاجاره»؛ کتاب «الخمس»؛ کتاب «الزکاه»؛ «ذخایر الامه»؛ رساله در «ماهیت وجود»؛ تقریر بحث استادش علامه تهرانی؛ «رساله‌ی عملیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (122 / 1)، علماء معاصرین (189)، گنجینه‌ی دانشمندان (251 / 5).

فیاض، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ احمد فیاض فرزند مرحوم حجت‌السلام حاج ملا مصطفی فروشانی سده (همایونشهری) از علماء محترم و مدرسین بزرگ معاصر اصفهانند. معظم له در هفدهم ذی‌قعدة الحرام 1324 قمری تولد یافته و در بیت علم پرورش یافته و مقدمات را در محل و زادگاه خویش تا حدود سیوطی خوانده و در سال 1341 قمری به اصفهان مهاجرت نموده و تا سال 1364 در اصفهان سطوح اولیه و وسطی و دروس خارج فقه و اصول را از اساتید و مدرسین اصفهان مانند مرحوم آیت‌اللّه آقای سید علی نجف‌آبادی و آیت‌اللّه آقا سید مهدی درچه‌ای و آیت‌اللّه حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی فراگرفته سپس در سال مزبور مشرف به نجف اشرف شده و حدود پنج سال در حوزه به نجف محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی فقهاً و اصولاً استفاده نموده و در سال 1369 قمری مراجعت به اصفهان نموده و تاکنون به اقامه جماعت و به تدریس فقه و اصول و غیره و خدمات دینی اشتغال دارند.
دارای مدارک اجتهادی و روایتی از آیات عظام زیر می‌باشند.
1- آیت‌اللّه اصفهانی.
2- آیت‌اللّه آقای سید محمد نجف‌آبادی.
3- آیت‌اللّه ملاحسین.
4- آیت‌اللّه آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی.
5- آیت‌اللّه آقا سید عبدالهادی.
6- آیت‌اللّه حاج میرزا احمد آشتیانی.
7- آیت‌اللّه حاج آقا بزرگ تهرانی.
8- آیت‌اللّه آقا سید احمد جزایری معروف به سید آقا.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

فیاض، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فیاض در سال 1261، در همدان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد.او پس از بازگشت نجف،در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. پس از آن در اواسط شهریور ماه 1308 ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال 1313، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال 1318) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس کرد،و پس از آنکه دانشکده منقول و معقول (در سال 1321) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی باقی ماند. استاد محمد فیاض در خرداد ماه 1354 ه.ش دار فانی را بدرود گفته و به رحمت ایزدی پیوست.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فیاض تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود همدان پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد. فیاض پس از اشتغال در دانشگاه تهران ، طبق قانون تاسیس دانشگاه سه رساله عربی در معانی و بیان و بدیع و یک رساله در شرح قسمتی از نهج البلاغه به زبان فارسی نگاشت و در نوزدهمین جلسه شورای دانشگاه ، به عنوان دکترای ادبیات شناخته شد.
استادان و مربیان : فیاض پس از اقامت دراصفهان در محضر میرزا

جهانگیر خان قشقایی (عالم معروف و جامع علوم معقول و منقول) و آخوند ملاعبدالکریم گزی (سرپرست امور قضایی شهر اصفهان) ، آقا سید محمد باقر درچه ای (از مراجع بزرگ تقلید) به تحصیل مشغول گردید و ضمن آن در درس آخوند کاشی (آخوند ملا محمد کاشانی، حکیم و فقیه و ریاضیدان معروف) و عده دیگری از علمای آن عصر حاضر می شد. پس از سه سال اقامت در اصفهان و نوشتن دو رساله در فقه و اصول در سال 1282 ه.ش (1321 ه.ق) اصفهان را ترک کرد و به موطن خود، همدان، بازگشت. علمایی که فیاض در مجلس درس آنان حاضر می شده عبارت بودند از: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی(صاحب کتاب معروف کفایت الاصول)، آقا سیدمحمد کاظم یزدی (صاحب کتاب مشهور عروه الوثقی)، میرزا فتح الله نمازی شیرازی معروف به شیخ الشریعه یا شریعت اصفهانی، از مشاهیر علمای آن عصر نجف، شیخ عبدالله مازندرانی از مراجع بزرگ دوره مشروطه، آخوند ملامحمد علی نخجوانی، مرجع تقلید شیعیان قفقاز. آخوند ملاعلی امامی خوانساری از مدرسین معروف نجف.
وقایع میانسالی : فیاض در سالهای آخر تدریس دچار ضعف بینایی شد و با اینکه دانشکده ادبیات در آن ایام در باغ نگارستان (شمال میدان بهارستان) قرار داشت و از محل سکونت ایشان چندان دور نبود، اغلب با کمک فرزندان و دوستان به دانشکده می رفت .
زمان و علت فوت : محمد فیاض در خرداد ماه 1354 ه.ش دار فانی را بدرود گفته، به رحمت ایزدی پیوست.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد فیاض چندی سرپرست حوزه علمی به نام (مدرسه کوچک) گردید. همچنین به مدت پانزده سال در همدان به عنوان امامت جماعت مسجد برگزیده شد.
فعالیتهای آموزشی : محمد فیاض در یکی از حوزه های علمی همدان به نام مدرسه کوچک به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت. در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. حاج آقا محمد فیاض اواسط شهریور ماه 1308 ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال 1313، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال 1318) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس می کرد،و پس از آنکه دانشکده منقول و معقول (در سال 1321) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و

دانشسرای عالی باقی ماند. فیاض در دانشکده های یاد شده، نهج البلاغه،بیان و زبان عربی تدریس می کرد و در سال 1330 با تصویب شورای دانشگاه کرسی زبان عربی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به ایشان تفویض گردید.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فیاض هنگام اقامت در همدان، علاوه بر مسجد و مدرسه ، بنا به دعوت مشتاقان در منازل آنان حضور یافته، ضمن اقامه نماز در اول وقت، حاضرین را با معارف دین و شرایط بندگی و تکالیف شرعی آشنا و با نصایح خود راهنمایی و هدایت می کرد، این دوره ها تا پایان اقامت ایشان در همدان برگزار شد و از آن پس بنا به تقاضا و دعوت مشتقان تهرانی، در تهران برگزار گردید. نام وی در دفاتر انجمن ادبی همدان ذکر شده است و دکتر مهدی درخشان استاد فقید دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در کتاب ‹‹ بزرگان و سخن سرایان همدان›› در این خصوص نوشته است: ‹‹ حاج آقا محمد فیاض علاوه بر مقام فقاهت و اجتهاد دارای ذوقی سلیم وطبعی لطیف است، اشعاری نغز و دلنشین سروده است که بسیاری از آنها از میان رفته. وی در سال 1307 ه.ش. از اعضای برجسته انجمن ادبی همدان بود....›› ----------
---

منابع :
1فرهنگ همدان،سال دوم، شماره 8،زمستان 1375

فیروزآبادی شیرازی نجفی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1329 ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. پدرش از مراجع تقلید و فقهای بزرگ نجف بود، که بسیاری از مراجع دوره‌ی بعد از او افتخار شاگردی وی را داشتند. سید مرتضی در نجف به دنیا آمد و نشوونما یافت. سطوح را از محضر آیت‌الله میرزا علی ایروانی، صاحب حاشیه بر «مکاسب»، و آیت‌الله میرزاابوالحسن مشکینی،صاحب حاشیه بر «کفایه»، و آیت‌الله شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. بعد از فوت آن استاد به تدریس فقه و اصول در سطح و خارج پرداخت و شاگردانی را تربیت نمود.در 1391 ق، به قم مهاجرت و به تدریس خارج فقه و اصول و تألیف و تصنیف کتب علمی اشتغال ورزید.از آثارش: «فضائل الخمسه من الصحاح السته من الکتب العامه»، در سه مجلد؛ «السبعه من السلف من الکتب العامه»، در مطاعن هفت نفر از صحابه؛ «عنایه الاصول»، در شرح «کفایه»،در شش جلد؛ «الفروع المهمه فی احکام الامه»، در سه مجلد؛ «خلاصه الجواهر مع البیان الظاهر»، متن و شرح «منتخب المسائل» از اول طهارت تا آخر زکوه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه دانشمندان (124 / 6 ،225 -224 / 2).

فیروزآبادی شیرازی، جمال‌الدین، ابواسحاق ابراهیم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(476 -393 ق)، فقیه اصولی شافعی، محدث، متکلم، مدرس، عارف و شاعر. در فیروزآباد فارس به دنیا آمد. از ابوعبدالله بیضاوی و عبدالوهاب بن رامین در شیراز و از خزری در بصره فقه آموخت. در 415 ق به بغداد رفت و در آنجا ساکن و ملازم قاضی ابوطیب طبری شد و از او بهره‌ها برد تا در فقه سرآمد شد. او از ابوعلی حسن بن شاذان و ابوبکر احمد برقانی و محمد بن عبیدالله خرجوشی حدیث شنید. آنگاه در بغداد و همدان و نیشابور حدیث گفت. او مرجع دانش‌پژوهان و مفتی امت در زمان خود بود و توانمندی او در جدل و مناظره مشهور همگان. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوالولید باجی و حمیدی و اسماعیل ابن سمرقندی و ابوبدر کرخی و زاهد یوسف بن ایوب و ابونصر احمد بن محمد طوسی و ابوالحسن بن عبدالسلام احمد بن سهل مسجدی و ابوبکر فارمذی و شیب بن حسین بروجردی از وی حدیث شنیدند. احمد بن نصر بن حمان همدانی آخرین کسی است که از وی روایت کرده است. فیروزآبادی معاصر امام الحرمین و ابوالقاسم قشیری بود. خواجه نظام‌الملک وزیر مدرسه نظامیه‌ی بغداد را در 459 ق برای وی بنا کرد و او اولین مدرس آنجا بود. وی در بغداد درگذشت و خلیفه مقتدای عباسی بر پیکرش نماز خواند و در باب ابرز دفن شد. به روایتی او مدفون در شیراز است. از آثار وی: «التنبیه فی فروع الشافعیه» و «المهذب فی الفروع»، در فقه شافعی که از کتابهای مهم در این زمینه است؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اللمع» و «شرح اللمع»، در اصول فقه؛ «المعونه فی الجدل»؛ «التبصره»؛ «الملخص» یا «التلخیص»؛ «النکت فی علم الجدل»؛ «تذکره المسؤلین فی الخلاف بین الحنفی و الشافعی»؛ «الطب الروحانی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (45 -44 / 1)، انساب سمعانی (418 -417 / 4)، تاریخ ادبیات در ایران (264، 238 -237 / 2)، روضات الجنات (181 -179 / 1)، ریحانه (12 -11 / 7)، سیر النبلاء (465 -452 / 18)، شذرات الذهب (351 -349 / 3)، صفه الصفوه (280 / 2)، الکامل (134 / 8)، کشف الظنون (1912، 1818، 1743، 1562، 1105، 1100، 489، 391، 339)، الکنی و الالقاب (8 -7 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابواسحاق شیرازی)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (46 -42 / 19)، معجم البلدان (432 / 3)،

معجم المؤلفين (69 -68 / 1)، النجوم الزاهره (116 / 5)، الوافى بالوفيات (66 -62 / 6)، وفيات الاعيان (31 -29 / 1)، هديه العارفين (8 / 1).

فیروزآبادی یزدی نجفی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1345 -1275 ق)، عالم، فقیه و مجتهد امامی. در فیروزآباد یزد به دنیا آمد. به نجف رفت و در آنجا ساکن شد. او از شاگردان آخوند خراسانی و سید کاظم یزدی است. فیروزآبادی در سامراء درگذشت و در نجف دفن گردید. از آثار وی: «جامع الکلم فی حکم اللباس المشکوک»؛ حاشیه بر «عروه‌الوثقی» سید محمد کاظم طباطبایی؛ «مجموعه الاحادیث الاخلاقیه و المواعظ»؛ رساله‌ای در «مناسک الحج و العمره»؛ کتاب «الطهاره و الصلوه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (62 -61 / 20 ،149 / 6 ،69 / 5)، ریحانه (364 / 4)، علماء معاصرین (138-137)، معجم المؤلفین (134 / 11).

فیروزآبادی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1344 -1251 ش)، عالم امامی و نیکوکار. در فیروزآباد از روستاهای ری در خانواده‌ای فلاحت پیشه به دنیا آمد. مقدمات علوم را در تهران فراگرفت و در فقه و اصول از محضر سید علی‌اکبر تفریشی و سید ریحان‌الله کشفی بروجردی و دیگران استفاده برد. سپس به عراق مهاجرت نمود. در نجف از محضر آیت‌الله میرزاحسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی و در کربلا از آیت‌الله سید اسماعیل صدر بهره‌ها برد. آن‌گاه به ایران بازگشت و در زادگاهش به انجام وظائف دینی مشغول شد. از دوران کودکی در اندیشه خدمت به خلق خدا بود و حتی‌المقدور از آنان دستگیری می‌کرد. در اوایل مشروطیت چهار دوره نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. حضورش در مجلس تنها برای دفاع از حقوق ملت بود چنان که یک ریال از حقوق ماهیانه آنجا را تصرف نکرد و حقوق جمع شده‌ی چندین ساله را با اجازه‌ی مراجع تقلید به بنای بیمارستانی در شهر ری اختصاص داد. وی تا اواخر عمر از رسیدگی به وضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و حتی تا نیمه‌های شب به قسمتهای مختلف بیمارستان سرکشی و از بیماران دردمند بیدار عیادت می‌کرد. وی در مقبره‌ای که در کنار بیمارستان برای خود بنا کرده بود به خاک سپرده شد. از آثار خیرش: بیمارستان هزار تخت‌خوابی، زایشگاه و درمانگاه فیروزآبادی؛ پرورشگاه و دارالایتام؛ مسجد جامع فیروزآبادی؛ مقبره‌ی فیروزآبادی؛ مدرسه‌ی رضائیه؛ مسجدی در فیروزآباد.[1]
از علمای روحانی معاصر (ف. تهران امرداد 1344 ه.ش). وی از مردان خیر عصر بود و بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری به همت وی تأسیس شده.
مرحوم حاج سید رضا بن السید الجلیل السید هاشم بن السید عبدالکریم الحسینی فیروزآبادی عالمی جلیل و دانشمندی خدوم از مشاهیر علماء متقی و خدمتگزار معاصر ما بود که شب و روز خود را مصروف خدمات اجتماعی بالخصوص طبقات بیچاره‌گان و بینوایان قرار داده و شهرت اخلاق کریمانه‌اش بشرق و غرب عالم رفته.
ولادتش در سال 1288 قمری و یا بنابر نقل صاحب (الذریعه) (در قسم دوم از جزء اول) نقباء البشر (779) در سال 1290 قمری در قریه فیروزآباد شهر ری واقع شده و در سال 1385 قمری در سن نود و هشت

سالگی در شهر ری از دنیا رفته و در مقبر مخصوص خود جنب مسجد جامع فیروزآبادی و بیمارستانش که از آثار اوست مدفون و اکنون از مزارات عموم مردم ری و تهران میباشد.
وی در خانواده متوسط الحال و نجیب و اصیل فلاحت پیشه‌ای پرورش یافته و از دوران کودکی بفکر خدمت بخلق خدا و بیچاره‌گان بود و حتی المقدور از آنها دستگیری می‌کرد. مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را در تهران و ری در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی‌اکبر تفریشی مدفون در ری و آیت‌اللّه آقا سید ریحان‌اللّه کشفی بروجردی و غیره خوانده آنگاه مهاجرت به عراق نموده و از محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی در نجف و آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر در کربلا استفاده نموده سپس مراجعت به ایران و در زادگاه خود (فیروزآباد) به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تعلیم احکام نموده و در اوائل مشروطیت چهار دوره از مردم ری و تهران انتخاب برای مجلس شوراء ملی گردیده و ایشان جهت دفاع از حقوق ملت و خدمت به مردم به مجلس مزبور رفته ولی یک ریال از حقوق آنجا را تصرف ننموده تا چندین سال که حقوقش در صندوق جمع شد باجازه از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی و بعضی دیگر از مراجع اقدام ببناء بیمارستان در شهر ری نمود و خود تا اواخر عمرش از رسیدگی کردن بوضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و نیمه شب به قسمتهای مختلف بیمارستان رفته و از بیماران عیادت نموده و از آنها تفقد می‌فرمود. آثار بسیاری از این عالم بزرگوار مانده که قسمتی از آنها را می‌نگارم:
1- بیمارستان فیروزآبادی که اکنون بیش از هزار تخت و سه ساختمان سه طبقه بزرگ دارد.
2- زایشگاه که نیز مجهز به همه گونه وسائل برای آسایش و زایش بانوانست.
3- درمانگاه فیروزآبادی.
4- پرورشگاه و دار الایتام برای اطفال بی پدر و بینوا.
5- مسجد جامع فیروزآبادی که اکنون فرزند ارجمندش حجةالاسلام حاج سید محمد فیروزآبادی در آن اقامه جماعت می‌کنند.
6- مقبره فیروزآبادی جنب مسجد و بیمارستانش.
7- مسجدی در قریه فیروزآبادی.
8- مدرسه رضائیه در خیابان سیروس جنب حسینیه و مسجد تکیه رضاقلی خان.
فرزند سیدهاشم فیروزآبادی است. در 1250 در قریه فیروزآباد متولد شد. از سن ده سالگی به تحصیلات قدیمه نزد علمای عصر در تهران پرداخت و مدتی نیز در نجف اشرف علوم معقول و منقول را فراگرفت و پس از

مراجعت به ایران، به تکالیف شرعی پرداخت و حوزه‌ی درس دائر نمود. در دوره‌ی سوم که انتخابات مجلس مصادف با جنگ بین‌المللی اول بود، از طرف مردم شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در ادوار ششم و هفتم نیز وکیل مردم شهر ری در مجلس شورای ملی بود. آخرین بار در دوره‌ی چهاردهم وکیل شد. در مجلس به خاطر سن او که از هفتاد تجاوز نموده بود، سر و صدا شد ولی سرانجام اعتبارنامه‌ی او به تصویب رسید. وی در مجلس از وکلای پر سروصدا شد و با تمام لوایح دولت مخالفت می‌نمود. فیروزآبادی مردی خیر و نیکنام بود و در تمام مدت نمایندگی دیناری از مجلس حقوق نگرفت و آن را اختصاص به تاسیس بیمارستانی در شهر ری داد. ابتدا باغ حرمت‌الدوله را در شهر ری با کمک مردم خیر خریداری کرد و یک بیمارستان صدتختخوابی در آنجا احداث نمود، مجددا یک بیمارستان سیصد تختخوابی در جنب آن بنا کرد و سرانجام بیمارستان را به هزار تختخوابی تبدیل نمود. همچنین یک دانشگاه بزرگ و مدرن و مسجد معظمی جنب بیمارستان ساخت و یک پرورشگاه و دارالایتام نیز پی‌ریزی کرد. وفات او در سال 1344 در سن 94 سالگی اتفاق افتاد. روزی که دار فانی را وداع گفت، از مال دنیا چیزی جز دوازده فرزندش باقی نگذاشت. این مرد خیر غالبا هزینه‌ی شخصی خود را صرف بیمارستان می‌کرد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[1] شرح حال رجال (98 / 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14 / 779- 780)، گنجینه‌ی دانشمندان (632 -631 / 4)، یاد نامه‌ی آیت‌الله سید رضا فیروزآبادی.

فیروزآبادی، مجدالدین، ابوطاهر محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(817 / 816 -729 ق)، عالم لغوی، ادیب، مفسر، قاضی و فقیه شافعی. نسبش به شیخ ابواسحاق شیرازی و به روایتی به ابوبکر صدیق می‌رسید و لذا او خود را صدیقی معرفی می‌کرد. اصل وی از فیروزآباد شیراز است، که در کازرون به دنیا آمد و در آن جا در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. در هشت سالگی به شیراز رفت و از محضر علمای آنجا استفاده نمود، سپس به بغداد، مصر، شام، روم، حجاز، یمن و اغلب سرزمینهای شرقی مانند هند مسافرت کرد. فقه و تفسیر و حدیث و علوم مختلف را از اساتید مکانهای مختلف فراگرفت. در دمشق در محضر درس ابن‌قیم و تقی‌الدین سبکی و فرضی و شیخ خلیل مالکی حضور یافت. وی مورد عنایت شاه شجاع مظفری، حکمران آذربایجان، و امیر تیمور گورکانی و سلطان بایزیدخان عثمانی بود، بیشتر از همه در دربار ملک اشرف اسماعیل حکمران یمن تقرب یافت و داماد وی شد. مدت بیست سال قاضی شهر زبید یمن بود، تا به مقام قاضی‌القضاتی یمن و درجه‌ی شیخ‌الاسلامی رسید. و وی در زبید یمن درگذشت و در تربت شیخ اسماعیل جبروتی دفن شد. شیخ رمضان عطیفی کتابی در شرح حال فیروزآبادی نگاشته است. از فیروزآبادی حدود چهل تصنیف ذکر کرده‌اند. از آثارش: «قاموس المحیط و القابوس الوسیط الجامع لماذهب من کلاما لعرب شماطیط»، که به «قاموس اللغه» نیز معروف است، در چهار جزء، که مهمترین اثر وی می‌باشد؛ «اللامع المعلم العجاب الجامع بین المحکم و العباب»، در شصت مجلد که پس از آن آنها را در دو مجلد خلاصه کرد؛ «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز»، در دو مجلد؛ «الجلیس الانیس فی اسماء الخندریس»؛ «المرقاه الوفیه فی طبقات الحنفیه»؛ «البلغه فی تراجم ائمه النحو و اللغه» یا «البلغه فی تاریخ ائمه اللغه»؛ «سفر السعاده»، در حدیث و سیره نبوی؛ «نغبه الرشاف من خطبه الکشاف»؛«نزهه الاذهان فی تاریخ اصفهان»؛ «تحبیر الموشین فی مایقال بالسین و الشین»؛«الاسعاد بالاصعاد الی درجه الاجتهاد»؛ «الدرر الغالی/ الدرر الغوالی فی الاحادیث العوالی»؛ «الدرر النظیم المرشد الی مقاصد القرآن العظیم»، در تفسیر؛ «النفحه العنبریه فی مولد خیر البریه (ص)»؛ «زاد المعاد فی وزن بانت سعاد»؛ شرح «صحیح» بخاری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (19 / 8)، ایضاح المکنون (106 ،85 ،80 / 1)، دایره‌المعارف فارسی (1961 / 2)، روضات الجنات (97 -92 / 8)، ریحانه (368 -365 / 4)، کشف الظنون (2048 ،1939 ،1657 ،1480 ،253 -252 ،149 ،90 ،87 ،85)، الکنی و الالقاب (39 -37 / 3)، قاموس المحیط (مقدمه/ 48 -47)، لغت‌نامه (ذیل/ فیروزآبادی)، معجم المؤلفین (119 -118 / 12)، هدیه الاحباب (213)، هدیه العارفین (181 -180 / 2).

فیروزآبادی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
السید محمد فیروزآبادی یزدی نجفی «والد ماجد آیت‌اللَّه حاج سید مرتضی فیروزآبادی معاصر و نزیل قم» این بزرگوار در آخر ربیع‌الاول سنه 1345 قمری در سامرا وفات نمود و بدن شریفش را مانند استاد استادش میرزاء بزرگ شیرازی حمل به نجف اشرف نمودند و وی از شاگردان مبرز علامه یزدی صاحب عروةالوثقی و از مراجع تقلید آن زمان بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فیروزآبادی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدالعلماء والمجتهدین آیت‌الله آقای حاج سید مرتضی بن العلامه الکبری والایه العظمی السید محمد فیروزآبادی الشیرازی النجفی از علماء اعلام و مراجع عظام معاصر است که در سال 1391 قمری از طرف حکومت شوم بعثی عراق با ده‌ها هزار نفر مردم شرافتمند مقیم عراق و صدها نفر دانشمندان کرام اخراج به ایران شده و معظم‌له قم را که آشیانه و حرم امن آل‌محمد علیهم‌السلام است انتخاب نموده و رحل اقامت افکنده است.
والد ماجدش از مراجع تقلید و فقهاء بزرگ شیعه در نجف اشرف بوده‌اند و بسیاری از مراجع حاضر افتخار شاگردی وی را داشته و استفاده‌ها نموده‌اند.
مترجم ما در سال 1329 قمری در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و سطوح را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا علی ایروانی صاحب حاشیه معروفه بر مکاسب و آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه مطبوع بر کفایه و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجا پرداخته و شاگردانی را تربیت نموده تا در سال مذکور که قهرا به قم مهاجرت و به تدریس خارج فقه و اصول و تالیف و تصنیف کتب مفیده علمی اشتغال دارند و شبها در رواق مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام اقامه جماعت می‌نمایند و عده‌ای از محصلین معاودین و بعضی دیگر که عارف به مقام شامخ علمی و اطلاعات عمیق ایشان دارند از درس و بحث و جماعت ایشان استفاده می‌کنند.
اما آثار و تالیفات قیمه و مفیده معظم‌له از این قرار است.
1- فضائل الخمسه من الصحاح السته من الکتب العامه در سه مجلد که مکرر در عراق و ایران طبع شده است.
2- السبعه من السلف من الکتب العامه در مطاعن هفت نفر از صحابه.
3- عنایه‌الاصول در شرح کفایه در 6 جلد که مکرر به طبع رسیده است.
4- الفروع المهمه در احکام الامه- در سه مجلد مبسوطتر از جواهر در طهاره.
5- خلاصه الجواهر مع البیان الظاهر متن و شرح منتخب المسائل من اول

الطهاره الی آخر الزکاه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فیروزکوهی، عبدالرسول

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول فیروزکوهی از فقهاء بزرگ و فضلاء متبحر از یکی از مضافات فیروزکوه و مقیم در تهران و از بزرگان تلامذه علامه میرزا محمدحسن آشتیانی و دارای تصانیف بسیار و آثار ارزنده‌ای بوده که از آنهاست کتب و رساله‌های زیر.
1- شرح زیارت عاشوراء 2- رساله‌ای در حرمت شطرنج 3- رساله‌ای در عقد صغیره 4- رساله‌ای در ظروف و اوانی 5- رساله‌ای در تکلیف کفار به قضاء 6- رساله‌ای در حکم وضوء قبل از وقت 7- رساله‌ای در اعتبار اخلاص در عبادت که تمامی در زندگانیش در سال 1321 ق بطبع رسیده و بعضی از آنها را فرزند فاضل و ارجمندش آقا شیخ علی ترجمه به فارسی نموده.
و دیگر از آثار وی تصحیح کتاب (روض‌الجنان در شرح ارشادالاذهان) شهید ثانی است که حواشی بسیاری بر آن زده مخصوصاً در باب نیت.
فاضل مراغی در ص 182 کتاب (المآثر والاثار) نیز از او اجمالا یاد کرده و گفته ملا عبدالرسول فیروزکوهی فاضلی کامل و در علوم شرعیه به درجات عالیه نائل
آن مرحوم در حدود سال 1323 قمری در تهران وفات نموده است.
(وف ح 1323 ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از غرفان چاه فیروز کوه، اما در تهران ساکن بود. او از شاگردان بزرگ میرزا محمدحسن آشتیانی بود. در علوم اسلامی به درجات عالیه رسید. در تهران درگذشت. وی دارای تصانیف بسیاری است. از آثارش: شرح «زیارت عاشورا»؛ رساله‌ای در «حرمت شطرنج»؛ رساله‌ای که در «عقد صغیره»؛ رساله‌ای در «ظروف و اوانی»؛ رساله‌ای در «تکلیف الکفار بالقضاء»؛رساله‌ای در «حکم الوضوء قبل الوقت»؛ رساله‌ای در «اعتبار الاخلاص فی العباده». تمامی این کتب در طول حیاتش به چاپ رسید و بعضی از آنها را فرزند دانشمندش دکتر علی عبدالرسولی به فارسی ترجمه کرد. از دیگر آثار فیروزکوهی تصحیح کتاب «روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان» شهید ثانی است و او تعلیقات و حواشی بسیاری بر آن نگاشته است.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 1115 / 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (125 -124 / 6)، المآثر و الآثار (182).

فیض دزفولی، فخرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید فخرالدین بن محمدعلی بن عبداللَّه بن عبدالکریم بن شاه میر بن محمد مهدی بن سید محمد شفیع بن مرتضی بن سید حبیباللَّه بن سید ولی الدین (گوشه) ابن محمد بن احمد بن سید عبداللَّه بن سید شمس‌الدین محمد بن سید تاج‌الدین بن سید شرف‌الدین بن سید حسین بن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام‌الدین بن سید محمود بن سید جمال‌الدین بن سید محمود بن سید محمود بن سید صدرالدین مظفرالدین بن سید احمد بن سید عبداللَّه بن امام موسی بن جعفر علیهماالسلام از علماء ابرار معاصر تهرانست.
وی که با بیست و هفت واسطه بامام هفتم منتهی می‌شود در حدود سال 1314 قمری در دزفول متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح، از محضر علماء اعلام دزفول بالاخص آیت‌اللَّه معزی و دیگران استفاده نموده و در سال 1361 قمری به تهران مهاجرت نموده و تاکنون در این عاصمه تشیع به اقامه نماز جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
از باقیات الصالحات معظم له فرزند برومند ایشان جناب حجةالاسلام آقا سید علی فیض از ائمه جماعت معاصر تهرانست. وی در سال 1349 قمری در شهر و بلده دزفول از مرحومه بی‌بی زهرا بیکم صبیه مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید ابوالقاسم موسوی دزفولی متولد و در معیت والدش به تهران آمده و پس از تحصیلات ابتدائی و خواندن مقدمات عربی به قم مشرف گردیده و از محضر مدرسین حوزه بهره‌مند گردیده و جهت کسالت مزاج پدر گرامیش به تهران برگشته و تاکنون در تهران و حومه آن (و صفنارد) بانجام وظائف دینی اشتغال دارد.
دارای آثار عدیده‌ای می‌باشد که ذیلاً توضیح میدهم.
1- کتاب کربلا یا کانون انقلاب 2- مقاله‌ای در بعثت نبی اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم 3- مقاله‌ای در ارتحال و بزرگداشت مرحوم آیت‌اللَّه حجت 4- مقاله‌ای تحت عنوان سعادت واقعی کدام است 5- شرح مرحوم ضیائی دزفولی (مولی محمد رشید) و چندین مقاله دیگر.
سید فخرالدین بن العالم الجلیل والفقیه النبیل حاج سید محمدعلی فیض دزفولی ایشان در سال 1311 قمری از مرحومه علویه بی‌بی ساره بیگم صبیه مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آسید محمدصادق دزفولی فرزند

آسید محمدعلی که برادر عالم عامل عارف آسید صدرالدین کاشف دزفولی صاحب تالیفات عدیده در اخلاق و سیر و سلوک بودند متولد شده و پس از تکمیل مقدمات قسمتی از سطوح را در محضر مرحوم آیت‌اللّه آشیخ محمدمهدی بیگدلی دزفولی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید عبدالمهدی داعی دزفولی استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا معزی دزفولی و آیت‌اللّه آسید ابوالقاسم موسوی دزفولی پسرعموی خود بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا سید محمدعلی بن امر و وصیت آن مرحوم به امامت مسجد و تدریس و تسجیل معاملات و خدمات دینی پرداخته و هم فصل دعاوی و خصومات می‌نمودند که شرح و بسط آن بسیار و موجب اطناب است.
آنجناب سفری به عتبات عالیات جهت زیارت و شرکت در درس آیات عظام و مراجع فخام به نجف و ملاقات برادر ارجمند و بزرگتر خود مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه فقیه دزفولی (پدر عیال فرزند گرامیش) که مقیم نجف اشرف بودند نموده و در درس مرحوم آیت‌اللّه فیروزآبادی و مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه اصفهانی قدس اللّه اسرارهم شرکت و با دریافت اجازه اجتهاد به دزفول مراجعت نمودند.
معظم له با چند نفر از علماء ربانی که صاحب مقامات معنوی بودند مانند مرحوم آیت‌اللّه آشیخ حسین آستانه‌ای (صاحب مدرسه علمیه در آستانه لاهیجان) و مرحوم حجةالاسلام عارف و عالم ربانی دائی پدر خود حاج سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی و مرحوم عالم عامل و عابد کامل حجةالاسلام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی روابط معنوی داشتند.
آن مرحوم مضافاً از مقامات فقهی اطلاعات بسیاری از طب قدیم و گیاه‌شناسی داشت که آن را از دائی خود مرحوم سید محمدعلی سیدالحکماء که قریب پانزده سال در هندوستان به تحصیل طب و گیاه‌شناسی اشتغال داشت فراگرفته بود. و به اذکار و اوراد و توسلات و تزکیه اخلاق اعتقاد تام و اهتمام تمام داشت.
در سال 1361 قمری برای امر خیر برادرش مرحوم حجةالاسلام آسید محمدمهدی ضیائیان به تهران آمده و روی جهاتی بنابر توقف و توطن گذارده و قریب ده سال در مسجد حاج ابوالفتح سه راه نایب علی وقع در جنب خیابان مولوی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته سپس آنجا را ترک و در مسجد حجتیه مقابل منزل خود به امامت مشغول و در این اواخر به واسطه کسالت و ضعف مزاج و ضیق نفس از رفتن مسجد محروم و در زمستان به اهواز مسافرت تا در شب جمعه 12 ذیحجةالحرام 1394 قمری داعی حق را لبیک گفته و پس از تشییع عظیمی از دزفول وطن و زادگاهش بنابر وصیتش حمل به قم و در وادی‌السلام در آرامگاه مرحوم حجةالاسلام حاج سید محمدمهدی ضیائیان دزفولی دفن گردید

و مجالس عدیده‌ای در قم و تهران و دزفول و اهواز و غیره برای او گذارده شد آن مرحوم از غالب مراجع قم مانند مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و مرحوم و آیت‌اللّه صدر و دیگران اجازه روایتی و امور حسبیه داشتند. عاش سعیداً و مات سعیداً حشره اللّه مع السعداء والشهداء والصالحین و حسن اولئک رفیقا.
از باقیات الصالحات اوست فرزند ارجمندش حجةالاسلام و مروج الاحکام آقای حاج سید علی فیض دزفولی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض کاشانی، محسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1091 -1007 ق)، عالم، عارف، محقق، فقیه، محدث، مفسر، حکیم متأله، متکلم، ادیب و شاعر. فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی، و فرزندش، محمد علم‌الهدی، و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی، و فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور، و برادر دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملا محمدهادی یک خانواده علمی جلیل را تشکیل داده‌اند. فیض در قم نشوونما یافت. آن‌گاه به شیراز رفت و در محضر سید ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فلیسوف بزرگ ملاصدرا، صدرالمتألهین، علوم عقلی را فراگرفت و با دختر وی ازدواج کرد. فیض از دو استادش و همچنین از شیخ بهائی و ملا محمد صالح مازندرانی و ملا محمد طاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و شیخ محمد فرزند صاحب «معالم» حدیث روایت کرده است. علامه مجلسی و سید نعمت‌الله جزایری از وی اجازه‌ی حدیث گرفتند. گستردگی و احاطه‌ی علمی او تا بدانجاست که عده‌ای نسبت به وی، له و علیه، تعصب ورزیدند و مدح و ذمش نمودند. گرچه عده‌ای از مخالفان آن‌گاه که بر حقیقت مطلع شدند به سویش رفتند و در مقام اعتذار خطاب به او (یا محسن! قد اتاک المسیء) گفتند. فیض در تمام فنون شعری مهارت داشت و اشعار زیبایی از خود به جای گذاشت. او در کاشان درگذشت و قبر و قبه او در آنجا مشهور است.
فیض در حدود یکصد و بیست اثر در فنون مختلف دارد، که از آن جمله: «الصافی»، تفسیر قرآن کریم با احادیث، و ملخص آن به نام «الصفی»، و خلاصه‌ی «الاصفی» به نام «المصفی»؛ «الوافی»، در جمع و ترتیب احادیث کتب اربعه، با توضیح و بیان مشلکات آنها؛ «الشافی»، که خلاصه و لباب «وافی» است؛ «مفاتیح الشرایع»، تمامی مهمات احکام و مسائل دوره‌ی فقه؛ «عم الیقین فی اصول‌الدین»، و ملخص آن «المعارف»؛ «عین الیقین فی اصول الدین»؛ «الحق الیقین»؛ «خلاصه الاذکار»؛ «بشاره الشیعه»؛ «المحجه البیضاء فی احیاء الاحیاء»، در علم اخلاق، که در آن «احیاء العلوم» غزالی را مهذب کرد و مطالب حقی آن را با اخبار و احادیث معصومین (ع) تایید نمود؛ «الحقائق»، که لباب و ملخص «محجه» است؛ «نقد الاصول»؛ «نوادر الاخبار»؛ «سفینه النجاه»؛ شرح مختصر «صحیفه سجادیه»؛ «من لا یحضره التقویم»؛ «تشریح العالم»، در هئیت؛ «دیوان» شعر؛ «مثنویات»؛ «گلزار قدس»، در مراثی و قصائد و رباعیات و غزلیات.

[1]
(فیض) ملا محسن محمد بن شاه ملقب به محسن و معروف به ملا محسن فیض کاشانی از اجله‌ی علمای امامیه‌ی قرن یازدهم هجری قمری و عهد شاه عباس دوم صفوی است که در فقه و حدیث و تفسیر و حکمت و ادب و علوم عقلی و نقلی متبحر و استاد بوده است. وی در قم اقامت داشت لیکن برای تحصیل به شیراز مسافرت نموده علوم شرعی را از سید ماجد و علوم عقلی را از ملاصدرا و میرداماد دریافته و با دختر ملاصدرا نیز ازدواج کرد. آثارش متجاوز از 120 می‌باشد و از میان آنها میتوان: مثنوی آب زلال، ابواب‌الجنان، الاستقلالیه، اصول‌العقاید، اصول‌المعارف، الامالی، انوارالحکمه، الشافی، حاشیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، شراب طهور، من لا یحضره التقویم، الوافی، نقدالاصول الفقهیه، نوادرالاخبار، والصافی را نام برد. وفاتش در سال 1091 ه.ق در کاشان اتفاق افتاد و همانجا مدفون است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ایضاح المکنون (701 ،679 ،674 ،613 ،589 ،521 ،508 ،456 ،442 ،400 ،398 ،379 ،378 ،225،226 ،212 ،148 ،132 ،119 ،75 ،63 ،60 ،39 ،19 / 2 ،606 ،559 ،543 ،433 ،408،410 ،363 ،335 ،290 ،287 ،183 ،143 ،93 ،91 ،90 ،54 ،32 / 1)، بحارالانوار (124 / 107)، تاریخ ادبیات ایران، براون (260 / 4)، تاریخ ادبیات در ایران (336 -328 / 5)، تاریخ برگزیدگان(38 -37)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (201 -198)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (555 -551)، تاریخ کاشان (278 -277)، تذکره‌ی روز روشن (641)، تذکره‌ی نصرآبادی (155)، خاته مستدرک الوسایل (236 -235 / 2)، دایره‌المعارف فارسی (1971 / 2)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (258 -254)، دویست سخنور (313 -311)، الذریعه (205 ،99 -98 ،74 ،14 -13 / 25 ،348 ،344 ،406 ،418 ،431 ،23 / 316- 317 ،24 / 97- 98 ،103 ،273 ،376 ،68 ،130 / 187 ،210 ،279- 280 ،303 ،22 / 232231 ،322 ،282 ،286 ،19 / 143 ،210 ،20 / 145- 146 ،259- 260 ،21 / 67- 66 ،65- 45 ،359 ،14 / 247 ،252 ،15 / 5 ،127 ،326 ،374 ،16 / 385 ،393 ،17 / 75 ،18 / 116 ،119 ،119- 120 ،218 ،257 ،281- 44 ،10 -9 / 13 ،203- 202 ،124 ،3 -2 / 12 ،245 / 11 ،854- 853 ،699 ،9 / 282 ،8 / 211 ،38 ،28 / 7 ،146 ،90 / 6 ،193 ،172 ،234 ،400- 403 ،459 ،471 ،481 ،5 / 16- 17 ،82 ،85 ،126،125 ،201 ،189- 188 ،182 ،117 ،115 ،114 ،110- 109 ،106 ،96 / 4 ،116 ،115- 3 / 485 ،484- 425 ،403 ،398 ،349 ،312 ،293 ،261 ،244 ،223 ،212- 211 ،198 ،179- 178 ،124 ،33 / 2 ،424 ،406

284، ،77 ،53 ،24 ،2 / 1)، روضات الجنات (97 -73 / 6)، ریاض العارفین (226 -225)، ریاض العلماء (182 -180 / 5)، ریحانه (379 -369 / 4)، شخصیت‌های نامی (383 -382)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (404 -400)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 492 -491 / 11)، فرهنگ ادبیات فارسی (386 -385)، فرهنگ سخنوران (724)، فلاسفه‌ی شیعه (560 -556)، فوائد الرضویه (642 -633)، الکنی و الالقاب (42 -39 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ فیض)، مجمع الفصحا (49 -48 / 4)، مراقد المعارف (405 -404 / 1)، مستدرک اعیان (309 -308 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (808 -799 / 5)، نتایج الافکار (541)، وقایع السنین و الاعوام (536 -535)، هدیه الاحباب (233).

قاری هروی، نورالدین علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1016 / 1014 ق) ، فقیه حنفی. معروف به ملا علی قاری. در هرات به دنیا آمد. پس از گذراندن قسمتی از مراتب علمی در هرات به مکه رفت و در همان جا ساکن شد و در نزد مشایخ آنجا به تکمیل مراتب علمی خود اقدام کرد تا آن که آوازه‌اش در همه جا پیچید. او به هر یک از پیشوایان چهارگانه اهل سنت بویژه شافعی باب اعتراض گشود، و به همین جهت مورد بی‌مهری قرار گرفت. قاری در مکه از دنیا رفت. چون خبر درگذشت او به مصر رسید در جامع‌الازهر متجاوز از چهار هزار تن به وی نماز در غیبت خواندند. از آثار وی: «تفسیر القرآن»، در چند مجلد؛ «انوار القرآن و اسرار الفرقان»؛ «الاحادیث القدسیه و الکلمات الانسیه»، چهل حدیث قدسی؛ «الحرز الثمین للحصن الحصین» یا «شرح الحصن الحصین»؛ «الاثمار الجنیه فی اسماء الحنفیه»؛ «الفصول المهمه»، در فقه؛ «بدایه السالک»، در مناسک؛ «مرقاه المفاتیح»، در شرح «مشکاه المصابیح»، در چهار مجلد، فراگیر همه شروح و حواشی؛ «شرح مشکلات الموطأ»؛ «توضیح المبانی»،در شرح «مختصر المنار»، در اصول؛ «ضوء المعالی»، در شرح قصیده‌ی «بدء الأمالی»، در توحید؛ «منح الروض الازهر فی شرح الفقه الاکبر»؛ «تذکره الموضوعات»؛ شرح «شمائل النبی (ص)» ترمذی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (167 -166 / 5)، ایضاح المکنون (661، 644، 607، 577، 555، 553، 495، 494، 480، 464، 448، 402، 214، 191، 187،184، 139 -138، 103، 87، 55، 43، 21 / 2، 612، 578، 569، 558، 541، 460، 298، 264، 241، 209، 145، 93، 90، 21 / 1)، تاریخ نظم و نثر (395 -394)، ریحانه (398 -397 / 4)، کشف الظنون (2034، 1972، 1901، 1897، 1802، 1700، 1545، 1364، 1360، 1350، 1335، ، 1287، 1232،1264، 1159، 1149، 1060، 1050، 883، 743، 671، 670، 660، 558، 454، 445، 60، 24)، لغت‌نامه (ذیل/ قاری)، معجم المؤلفین (101 -100 / 7)، هدیه العارفین (753 -751 / 1).

قاضی اصفهانی، ابوطالب محمود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 585 ق)، مدرس، خطیب، محدث و فقیه شافعی. نزد محیی‌الدین محمد بن یحیی شهید فقه آموخت، و در خلاف نامی شد، و در این طریقه «تعلیقه»ای نگاشت که گویای فضل و برتری وی بر بسیاری از همگنان اوست. او بین فقه و تحقیق جمع کرد. در تدریس یکی از اعجوبه‌ها به شمار می‌آمد. او مدتی در اصفهان تدریس کرد.در وعظ و خطابه نیز چیره‌دست بود. از آثارش «تعلیقه» و «طریقه»، در خلاف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (299 / 1)، سیر النبلاء (227 / 21)، شذرات الذهب (284 / 4)، معجم المؤلفین (182 / 12)، وفایت الاعیان (174 / 5)، هدیه العارفین (404 / 2).

قاضی الحرمین نیشابوری، ابوحسین

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 351 ق)، فقیه و قاضی حنفی. نزد ابوالحسن کرخی و ابوطاهر بن دباس فقه آموخت و در فقه سرآمد شد. ابواسحاق در «طبقات الفقهاء» گوید: که علمای نیشابور از وی و ابوسهل زجاجی فقه آموختند. ابوبکر ابهری که خود شیخ الفقهاء بود گوید: که فقیه‌تر از ابوحسین نیشابوری در خراسان وجود ندارد. او شیخ حنفیان در زما خود بود. بیش از ده سال متولی قضاوت حرمین بود. سپس به نیشابور رفت و به قضاوت در آن شهر پرداخت. او از ابوخلیفه جمحی و حسن بن سفیان و گروه دیگری حدیث شنید. مدتی نیز متولی قضای موصل و رمله بود. حاکم نیشابوری از وی حدیث روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (151)، سیر النبلاء (26 -25 / 16)، شذرات الذهب (8 -7 / 3)، العبر (87 / 2).

قاضی القضاه همدانی اسدآبادی، ابوالحسن، ابوالحسین عبدالجبار

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 415 / 414 ق)، عالم امامی، قاضی، متکلم، مفسر، فقیه شافعی و اصولی معتزلی. وی شیخ معتزلیان در روزگار خود بود و آنان وی را به لقب قاضی القضات ملقب ساخته بودند. از علی بن ابراهیم بن سلمه قطان قزوینی و از عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی در اصفهان استماع حدیث کرد و همچنین از زیبر بن عبدالواحد اسدآبادی حفاظ و عبدالرحمن بن حمدان حدیث شنید. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آن جا حدیث گفت. ابوالقاسم تنوخی و حسن بن علی صیمری فقیه و ابویوسف عبدالسلام قزوینی مفسر و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. او از استادان سیدرضی و با یک واسطه از مشایخ روایت خطیب بغدادی است. مناظره‌ی شیخ مفید با او در موضوع حدیث غدیر و اصحاب جمل مشهور است که در پایان مفید را به جای خود بر مسند نشاند و گفت حقا که تو مفیدی. او به دعوت صاحب بن عباد و وزیر از بغداد به ری آمد و به تدریس مشغول شد و همچنین عهده‌دار مقام قضاوت ری و تمام توابع آن بود و در همان جا نیز درگذشت. مصنفات بسیاری در مذهب اعتزال بدو منسوب است و گویند که هزاران ورق بوده است. از آثار وی: «تنزیه القرآن عن المطاعن»؛ «علم الکیمیا»؛ «العمده فی اصول الفقه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «دلائل النبوه»؛ «امال» یا «الامالی»، در حدیث؛«طبقات المعتزله»؛ «المجتبی فی القراآت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (47 / 4)، انساب سمعانی (137 -136 / 1)، ایضاح المکنون (430 / 2، 478، 329 / 1)، تاریخ ادبیات در ایران (349 / 1)، تاریخ بغداد (115 -113 / 11)،روضات الجنات (18 -16 / 5)، ریحانه (416 -415 / 4)، سیر النبلاء (245 -244 / 17)، شذرات الذهب (203 -202 / 3)، العبر (229 / 2)، الکامل (315 / 7)، کشف الظنون (1107)، الکنی و الالقاب (53 / 3)، لسان المیزان (213 -211 / 4)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالجبار)، معجم المؤلفین (79 -78 / 5)، الوافی بالوفیات (34 -31/ 18)، هدیه العارفین (499 -498 / 1).

قاضی تبریزی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای آقا سید حسین بن العلام حاج سید احمد قاضی طباطبائی تبریزی از علماء بزرگوار قم و افاضل اصحاب و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حجت می‌باشند. در سال 1317 قمری در تبریز متولد شده و مدتی از محضر مرحوم حاج میرزا علی‌اصغر ملکی و آیت‌الله انگجی استفاده نموده و بعد به نجف مشرف و از مباحثات مرحوم حاج شیخ احمد کاشف‌الغطاء و مرحوم ایروانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوتراب خونساری استفاده کرده آنگاه به مشهد رضوی مشرف و به دروس مرحوم آیت‌الله قمی و آقازاده خراسانی و میرزا مهدی اصفهانی حاضر شده و در تاریخ 1354 قمری به قم مشرف و یکسال از مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند گردید و پس از آن مرحوم منحصرا از مرحوم آیت‌الله حجت استفاده و تاکنون که به تدریس فقه و اصول اشتغال دارند آثار علمی ایشان رساله‌های زیر است.
1- رساله‌ای در رباء 2- رساله‌ای در جمع اخبار طینت و خلقت از ارواح و ابدان آن جناب در شب سه‌شنبه 26 ربیع‌الثانی 1393 وفات نموده و در قبرستان حایری در مقبره مرحوم والدش به خاک رفت حشره الله مع اولیائه
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قاضی حسین مروورودی، ابوعلی حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 462 ق)، فقیه شافعی. معروف به قاضی. از ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و از ابونعیم سبط ابی‌عواه حدیث روایت کرد. عبدالرزاق منیعی و ابومحمد حسین بن مسعود فراء بغوی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او چهره‌ای شناخته شده در مذهب شافعی است و از پیشگامان این مذهب به شمار می‌آید. عده‌ای به او لقب حبرالامه داده‌اند. او پیوسته به تدریس، افتاء و قضاوت بین مردم مشغول بود. گویند که امام الحرمین از قاضی حسین فقه آموخت. در مرورود از دنیا رفت. وی در اصول و فروع و خلاف دارای تصانیفی است. از آثار وی: «التعلیقه الکبری»، در فقه؛ «الفتاوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (278 / 2)، سیر النبلاء (262 -260 / 18)، شذرات الذهب (310 / 3)، العبر (313 -312 / 2)، کشف الظنون (517 -424)، وفیات الاعیان (135 -134 / 2).

قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو، ابوعمر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(378- 478 ق)، قاضی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، مفتی، ادیب و شاعر. در نسای خراسان به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت، و از قاضی حسن دامانی نسوی فقه آموخت. سپس به عراق و مصر و شام و مکه مسافرت کرد و تحصیل علم نمود و از ابو بکر حیری و ابواسحاق اسفراینی در نیشابور و ابوذر هروی در مکه و ابن‌نظیف در مصر و ابوالحسن علی بن موسی سمسار در دمشق و ابومعمر اسماعیلی در گرکان حدیث شنید.او مجالس املای حدیث برپا کرد و درباره‌ی احادیث سخن گفت.ابوعبدالله فراوی و عبدالمنعم قشیری و دیگران از وی روایت کردند. وی مورد اعتماد سلجوقیان بود و در رسالت‌های مهم از وی استفاده می‌کردند. امیر طغرل بیگ او را به دارالخلافه‌ی بغداد فرستاد و وی از جانب ملک‌شاه سلجوقی مأموریت یافت تا دختر خلیفه را خواستگاری کند. القائم بامرالله او را عهده‌دار امر قضاوت خوارزم کرد و به وی لقب أقضی القضات بخشید. اهل خوارزم از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای آثاری در زمینه‌ی «فقه» و «تفسیر» بود. وی در ادبیات نیز مهارت داشت و شعر می‌گفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (64 / 7)، سیر النبلاء (478 -477 / 18)، طبقات المفسرین الداوودی (181 -178 / 2).

قاضی زاهدی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا عباسعلی قاضی زاهدی ابن علامه متبحر آیت‌اللّٰه آقای آخوند ملا علی قاضی زاهدی گلپایگانی اعلی اللّٰه مقامهما به شرح زیر می‌باشد معظم له درسال 1285 هجری قمری در شهر مذهبی گلپایگان قدم به عرصه وجود نهاده و تا سن بلوغ در نزد والد معظم خود که یکی از اوتاد و مجتهدین تراز اول عصر خود بوده و معمرین کرامتهای زیادی از ایشان نقل نموده و می‌نمایند مقدمات و اولیات را فراگرفته و پس از رحلمت اب معظم خود به اصفهان مهاجرت و در نزد علماء و اساتید وقت همچون آیت‌اللّٰه حاج آقا نوراللّٰه اصفهانی و مرحوم درچه‌ای و دیگران تلمذ نموده و مدت هشت سال هم خود مستقیماً در مدرسه صدر به تدریس علوم شرعیه اشتغال داشته‌اند و سپس به اتفاق جمعی از علماء اعلام مخصوصاً حضرت آیت‌اللّٰه آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی که یکی از مراجع بزرگ عالم تشیع بوده‌اند به نجف اشرف مهاجرت و از محضر علماء عالی‌قدر چون علامه خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و دیگران استفاده‌های علمی شایان نموده و به درجه رفیعه اجتهاد و اخذ آن از مرحومین آیتین علامه خراسانی و میرزا محمدحسین نائینی نائل و مدت چند سالی هم در حوزه نجف اشرف به تدریس طلاب علوم دینه اشتغال داشته‌اند تا اینکه در سال 1312 هجری طبق فرموده خودشان به مرض حصبه مبتلا و تا مدت سه روز در حال اغماء و بیهوشی بوده‌اند و پس از بیهوشی جریان عالم رؤیای خود را در مدت نقاهت چنین بیان فرموده‌اند.
پس از مبتلا به حصبه رختخواب خود را در روی دریای آب مشاهده و مدتی در حال تحیر بسر بردم و در اطراف خود جز دریای مواج آب چیزی نمی‌دیدم ناگاه احساس ترشح آبی به گوش رسید تا اندازه‌ای به خود آمده و شبهی را به فاصله‌ای در کنار خود مشاهده نمودم که با عجله به سویم می‌آید در او خیره بودم تا به من نزدیک شد سلام کرد و گفت مامورم و سه تقاضا از شما می‌پذیرم ملهم شدم که او حضرت عزرائیل است و جعبه‌ای آهنین همراه داشت ادای احترام نمودم و گفتم شهر شیراز و رفقای خود را که در آنجا اشتغال به تدریس و تعلیم دارند مایلم ملاقات نمایم فوراً جریان آب معدوم و شهر زیبای شیراز آشکار و در سر پشتبام یکی از حوزه‌های علمیه قرار گفته و بعضی از رفقا که مشغول مطالعه و مباحثه بودند زیارت کردم حاجت دوم این بود که شهر اصفهان و رفقای آنجا را نیز مایل

به زیارتشان هستم فوراً سر پشتبام صدر اصفهان قرار گرفتم و اکثر رفقا که مشغول درس و بحث بودند نیز ملاقات نمودم عرض کردم که گلپایگان خودمان را هم مایلم ببینم تبسمی کردند و مانند وحله اول رختخواب خواب خود را بر روی دریای آب دیدم و در این موقع دوازده درخت سبز و بسیار زیبا که سر به فلک کشیده بود در نظرم رسید که در هر دقیقه یکی از آنها در آب سقوط می‌کرد تا دوازدهمین آن و منزلی که در آن بستری بودم در نزدیکی حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (ع) واقع بود و ساعت صحن مطهر ساعت 12 ظهر را اعلام می‌نمود و آنگاه به خود آمدم و صدای زنگ ساعت را استماع نمودم و متوسل به ذیل عنایت مولای خود حضرت امیرالمؤمنین (ع) شدم و تقاضای تجدید حیات نمودم ناگاه حضرت قابض‌الارواح دست خود را در جعبه‌ای که همراه داشت برده و موی بسیار نازکی را به من ارائه نمود و فرمود فاصله عمر تو از این موهم نازکتر و کوتاهتر بود لکن به واسطه توسلی که نمودی و شفاعتی که حضرت مولا از شما نموده از این تاریخ تا چهل سال دیگر در این دنیا خواهی بود ناگاه به هوش آمدم و جمع کثیری از علماء اعلام را در اطاق خود حاضر و ناظر دیدم که به قرائت سوره مبارکه انعام و از اذکار مشغول بودند و از به هوش آمدنم مشعوف و خرسند گردیده دیگر احساس هیچگونه کسالت و مرض در خود ننمودم و همان موقع جریان ماوقع را یادداشت نمودم و پس از مدتی اندک به تقاضای اهالی شهر گلپایگان و خوانسار در معیت جمعی از رفقای روحانی که به عنوان مشایعت ملازم بودند به گلپایگان موطن اصلی عزیمت و بقیه عمر را در راه ترویج و تبلیغ احکام مقدس شرع نبوی (ص) و اجرای حدود الهی حتی‌الامکان به سر برده این مطالب و وقایع را معظم له در دوران تجدید حیات خود به کسی اظهار نفرمودند تا یک هفته قبل از فوتشان به این کیفیت که روزی جناب مستطاب عمده الواعظین ثقةالاسلام آقای آقا شیخ محمدحسن مثنوی که یکی از روحانیون محترم خونسار (قریه تیدجان) می‌باشند و برای عیادت فقید سعید از خوانسار آمده بود هنگام خداحافظی آقا به ایشان و جمعی از بستگان نزدیک مکاشفات خود را عیناً نقل فرمودند و گفتند بنابراین شما چند صباحی دیگر نزد من بمانید و شما در روز جمعه آینده تا نزدیکی ظهر از اعمال تغسیل و تکفین و تجهیز بنده فارغ خواهید شد آقای آقا شیخ حسن مثنوی که اکنون در قید حیات می‌باشند و ناظر جریان ماوقع می‌باشند در آن ماندند و حتی در شب فوت به وسیله ایشان برای داروئی استخاره و آیه شریفه این بود که (الیس الصبح بقریب) تا اینکه در صبح جمعه اول ماه رمضان 1364 هجری قمری داعی حق را لبیک اجابت گفته و به دار باقی رحلت نمودند و با تشییع جنازه بی‌نظیر در معیت حضرت آیت‌اللّه آقای آخوند ملا محمد جواد صافی رضوان اللّه علیه و سایر علماء اعلام در یکی از حجرات

شرقی امامزاده‌های واجب التعظیم (هفده تن) گلپایگان مدفون و مضجع معظم له زیارتگاه انام است- آیت‌اللّه قاضی زاهدی گذشته از معنویت و روحانیت در میان همکنان خود به حسن خطوط مختلفه از نسخ و نستعلیق و رقاع و ثلث و شکسته مشهور و آثار ایشان در اکثر خانه‌های اهالی موجود است و مشمول این حدیث شریف نبوی (ص) می‌باشند که خط حسن جمال مرء ان کان لعالم فاحسن- معظم له تا زمانی که در شهر گلپایگان مقیم بودند تا آنجا که قدور و میسور بود اجرای حدودات الهی را می‌نمودند و متصدی امورات شرعیه بوده‌اند مقررات و کتابهای خطی و آثار ایشان که از فقید سعید باقیمانده بود در سال 1365 هجری بوسیله اولاد ذکور منحصر به فرد ایشان جناب آقای آقا محمد قاضی زاهدی که خود یکی از خدمتگزاران و مروجین مذهب جعفری در تهران می‌باشند و در این راه از هیچگونه فداکاری و خدمتی دریغ ندارند و نیز به حسن خط و معروف هستند که به قم منتقل و به طور رایگان در اختیار آقایان علماء و فضلاء حوزه علمیه قم (مدرسه فیضیه) گذارده شده - شعراء زیادی در رثاء ایشان شعر سروده‌اند رحمه اللّه علیه و علی والدیه و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات

اجمالی از ترجمه ایشان و خاندانش را در ج 6 ص 514 گذشت ولی چون در این تفصیل فایده‌ای بود ذکر شد.

عباسعلی بن آخوند ملاعلی سالها در اصفهان اشتغال به تحصیل داشته و از اساتید بزرگ آنجا استفاده نموده و پس از آن به نجف اشرف هجرت و سالها مشغول به تدریس و تحصیل بوده و پس از پایان تحصیلات به وطن بازگشته و اقامت گزیده و پس از فوت برادرش در مسجد قاضی زاهدی و مساجد دیگر امامت می‌نمود و متصدی امورات شرعیه بوده تا در اوائل ماه رمضان 1362 قمری دار فانی را بدرود گفته و در یکی از حجرات شرقی اطراف صحن امامزاده‌های هفده تن به خاک سپرده شد و آن مرحوم پدر عیال حاج‌آقا علی قاضی زاهدی می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

قاضی صاعد استوایی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(432 / 431 -343 ق)، قاضی، فقیه حنفی، محدث و شاعر. ملقب به عمادالاسلام. در استوا، یکی از روستاهای نیشابور، به دنیا آمد. شیخ حنفیان و رئیس آنان و قاضی نیشابور بود و ریاست اصحاب رأی خراسان به وی منتهی می‌شد. چون چهره‌ای زیبا داشت به ماه نیشابور ملقب شد. علوم ادبی را در نزد پدر آموخت، سپس از محضر ابوبکر خوارزمی استفاده نمود. فقه و حدیث را از ابوعمرو اسماعیل بن نجید نیشابوری و بشر بن احمد اسفراینی و عبدالله بن محمد بن علی زیاد نیشابوری شنید. در جوانی حج گزارد و به عراق رفت و در کوفه از علی بن عبدالرحمان بکائی حدیث شنید. خطیب بغدادی و قاضی صاعد بن سیار و ابوالحسن علی بن محمد شعری از وی حدیث شنیدند. قاضی صاعد مقام فقاهتی و قضایی والایی داشت و در حوزه‌ی درس او اغلب علمای عصر شرکت می‌کردند. او افزون بر فقه و حدیث در شعر و ادب نیز تبحر داشت و در این رشته جانشین ابوبکر محمد عباسی خوارزمی بود. به آورده‌ی بیهقی وی استاد مسعود و محمد غزنونی است و بعدها پس از به حکومت رسیدن مسعود بسیار مورد توجه او قرار گرفت. در نیشابور درگذشت. از آثار وی کتاب «الاعتقاد» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (706 -705)، الاعلام (272 / 3)، انساب سمعانی (135 -134 / 1)، تاریخ بغداد (345 -344 / 9)، سیر النبلاء (508 -507 / 17)، شذرات الذهب (248 / 3)، العبر (264 / 2)، کشف الظنون (1393)، معجم المؤلفین (319-318 / 4)، هدیه العارفین (421 / 1).

قاضی طباطبایی، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1366 -1285 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. در تبریز به دنیا آمد و مقدمات و مبادی فقه و اصول و کلام و معقول را از علمای زادگاهش همچون آقا میرزا محمود اصولی و حاج میرزا محمدعلی قراجه‌داغی و آقا سید علی یزدی تحصیل کرد. در 1308 ق برای تکمیل تحصیلات به عتبات عالیات رفت و در محضر میرزای بزرگ شیرازی در سامراء حضور یافت، سپس وارد نجف شد و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل شرابیانی و آقا شیخ محمد باقر اصطهباناتی و آخوند ملا اسماعیل قراباغی شرکت کرد. درس اخلاق را نزد آخوند ملا حسینقلی همدانی فراگرفت. سرانجام به تبریز بازگشت و بعد از چند سال اقامت به نجف عودت نمود و از درس و بحث آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی استفاده کرد، تا در 1324 ق به تبریز مراجعت نمود. به مدت چهل سال در نهایت عزت و احترام به خدمات دینی مشغول بود. قاضی طباطبائی از آیت‌الله علامه‌ی یزدی و فاضل شرابیانی اجازه‌ی اجتهاد داشت و از آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی روایت می‌کرد. وی در تبریز وفات یافت و در قم دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری، به نام «مخزن الفوائد فی حاشیه الفرائد»؛ «الدرر الغرویه فی الفوائد العلمیه»؛ حاشیه بر «فصول الاصول»؛ «التقریرات» اساتیدش: میرزای رشتی، سید یزدی طباطبائی و شیخ الشریعه اصفهانی؛حواشی بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (534 -533 / 3)، الذریعه (228 / 20، 128 / 8، 165 / 6، 371 / 4)، ریحانه (405 -404 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 217 / 14)، علماء المعاصرین (240)، گنجینه‌ی دانشمندان (326 -325 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی)، معجم المؤلفین (36 / 3).

قاضی طباطبایی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم ربانی.
تولد: 1289(1331 ق.)، تبریز.
شهادت: 10 آبان 1358، تبریز.
آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی، فرزند سید باقر از علمای آذربایجان، تحصیلات مقدماتی علوم دینی در مدرسه‌ی طالبیه تبریز و نیز پدر و عمویش اسدالله قاضی طباطبایی گذراند.
ایشان در سال 1347 ق. مقارن با قیام مردم تبریز به سبب شرکت در مبارزات به دستور رضاشاه به همراه پدرش از تبریز اخراج گردید، مدت دو ماه در تهران سکنی گزید و پس از آن محل تبعید آنها به مشهد تعویض گردید و پس از یک سال اقامت در مشهد به آذربایجان مراجعت نمود و به بحث و خدمات دینی دیگر مشغول شد. وی در سال 1359 ق. برای تکمیل درس خود به قم رفت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم استفاده برد از جمله فلسفه و خارج علل اصول را از امام خمینی (ره) فراگرفت. پس از آن تکمیل متون فقه و اصول و علم و علم درایه و رجال را نزد آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای فراگرفت. در همین زمان مدتی نزد آیت‌الله سید حسن صدر به تحصیل پرداخت.
آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی با تکمیل سطوح در قم، در سال 1327 عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف گردید. پس از سه سال تحصیل نزد آیت‌الله حکیم، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، علامه محمد حسین کاشف الغطاء آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله حسن بجنوردی به ایران بازگشت به تبریز رفت.
در تبریز، در کنار فعالیت تحقیق و تألیف و امامت دو مسجد، به فعالیت سیاسی به ویژه در فاصله 1331 تا 1341 در تبریز به فعالیت علیه رژیم پرداخت. فعالیت‌های سیاسی وی همزمان با قیام مردم در سال 1342 ابعاد دیگری یافت. در سیزدهم آبان همان سال به عنوان رهبر نهضت مذهبی در آذربایجان دستگیر و ابتدا به پادگان زرهی تهران فرستاده شد و سپس در زندان قزل قلعه‌ی تهران به مدت دو ماه و نیم زندانی گردید. پس از آن به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. پس از چند روز با ضمانت برادرش آزاد شد که آزای وی با قید ممنوع‌الملاقات توأم بود و مأموران

ساواک در اجرای این امر نظارت داشتند. پس از چهار ماه به قم می روند تا امام خمینی (ره) را در این هنگام آزاد شده بود ملاقات کند.
وی پس از دیدار با امام خمینی به مشهد رفت و از آنجا که هنوز در تبعید بود بی‌اجازه رژیم تهران را ترک گفت و به تبریز رفت در تبریز مورد استقبال مردم قرار گرفت و به همین سبب همان شب در منزلش دستگیر و به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. بعد از مدتی با وساطت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی آزاد شد. سپس به تبریز مراجعت کرد اما این آزادی وی مدت زیادی طول نکشید زیرا پس از چند روز اقامت در تبریز دستگیر شد و به تهران منتقل گردید. در تهران به سبب کسالت مدت شش ماه در بیمارستان مهر بستری و در عین حال تحت مراقبت شبانه‌روزی ساواک بود. پس از مرخصی از بیمارستان در یازدهم آذر 1343 پس از یک سال تبعید و دستگیری‌های مکرر به عراق تبعید شد.
مدت تبعید در نجف فرصتی پیش آورد تا بیشتر به تحصیل بپردازد و همچنین در این مدت با امام خمینی که مدتی قبل از ایشان به عراق تبعید گردیده بود ارتباط نزدیک داشته باشد. آیت‌الله قاضی طباطبایی پس از یک سال و نیم اقامت اجباری در عراق به ایران و تبریز مراجعت نمود اما مبارزه خود را علیه نظام پهلوی به ویژه در مساجد مقبره و شعبان تبریز ادامه داد تا اینکه در روز عید فطر سال 1347، یعنی سی‌ام آذر، به جرم مخالفت با رژیم و اظهار مطلبی علیه رژیم اشغالگر قدس دستگیر و به بافت کرمان به مدت شش ماه تبعید گردید. پس از پایان مدت تبعید از مراجعت آیت‌الله قاضی جلوگیری و مجددا در تیر 1348 به زنجان تبعید شد. اما وی بدون توجه به دستور تبعید به سوی تبریز رفت که در روز یازدهم تیز به بوستان‌آباد در شصت کیلومتری تبریز رسیده بود که رژیم خبردار شد و ایشان را به زنجان بازگرداند. محل استقرار ایشان در زنجان منزل امام جمعه‌ی وقت بود. ایشان همچنان در زنجان تحت نظارت ساواک قرار داشت. مدت تبعید ایشان در زنجان فقط چهار ماه طول کشید و با وساطت علمای بزرگ از تبعید آزاد و در تاریخ بیست و نه آبان 1348 به تهران و سپس در تاریخ ششم آذر 1348 به تبریز مراجعت کرد.
در تبریز در کنار تدریس و تألیف همچنان به مبارزه ادامه داد و در عین حال دائما تحت نظر ساواک قرار داشت. در این سال‌ها منزل وی یکی از محل‌های توزیع بیانیه‌ها، نوارها و رساله‌های امام بود. در سال 1356 در تظاهراتی در بیست و نه بهمن به مناسبت چهلم شهدای نوزده دی قم برگزار شد که در آن رهبری آیت‌الله قاضی و نفوذ وی در میان راهپیمایان آشکار بود. ایشان در مدت یک سال پیش از انقلاب فعالیت‌های مستمری علیه رژیم پهلوی داشت.
با پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی رهبر انقلاب به امامت جمعه تبریز

منصوب و به عنوان نماینده حضرت امام (ره) در تبریز انتخاب شد.
عنوان‌های برخی از نوشته‌های ایشان به این شرح است: الاجتهاد و التقلید (عربی و خطی)؛ الفوائد (فقهی و تاریخی)؛ خاندان عبدالوهاب (فارسی، خطی)؛ کتاب فی علم الکلام (عربی، خطی)؛ فصل الخطاب فی تحقیق اهل الکتاب (عربی خطی) ؛ السعاده فی الاهتمام علی الزیارة (عربی، خطی)؛ اجوبة الشبهات الواهیه (فارسی، خطی)، رسالة فی اثبات وجود الامام (ع) فی کل زمان (عربی، خطی)؛ سفرنامه بافت (فارسی، خطی)المباحث الاصولیه (عربی، خطی)؛ حاشیه بر رسائل و مکاسب شیخ مرتضی انصاری و کفایة الاصول محمدکاظم بن حسین آخوند خراسانی؛ تقریرات اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ تاریخ قضاء در اسلام؛ صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهر علیهماالسلام؛ حدیقة الصالحین؛ رساله در دلالت آیه تطهیر بر اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، رساله در اوقات نماز؛ رساله در نماز جمعه، رساله در مباهله، رسالة فی مسألة التربت؛ تعلیقات بر کتاب فردوس اعلی تألیف شیخ کاشف الغطاء (عربی و مطبوع)؛ تحقیق درباره روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع) (فارسی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب انوار نعمانیة تألیف آیت‌الله جزایری (عربی و مطبوع)؛ مقدمه مفصل، تعلیقات و مؤخره بر تفسیر جوامع الجامع (عربی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب اسلام صراط المستقیم (فارسی و مطبوع)؛ آثار تاریخی آیت‌الله طباطبایی حکیم قدس سره (فارسی ومطبوع) تعلیقات بر کتاب کنزالعرفان (عربی و خطی)، مقدمه بر کتاب صحائف الابرار کاشف الغطاء (ره)، مقدمه بر تنقیح الاصول مرحوم متوفی، مقدمه بر کتاب مرآت الصلوة، پیشگفتار بر علم امام علامه طباطبایی؛ مقدمه بر کتاب معجزه و شرایط آن تألیف محمد آصفی؛ مقدمه بر کتاب جنة الماوی اثر کاشف الغطاء؛ اللوامع الالهیة فی المباحث الکلامیة اثر علامه حلی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیق بر انیس الموحدین اثر علامه حاج مهدی نراقی؛ تحقیق در ارث زن در دارایی شوهر (تنظیم از بیانات ایشان) به کوشش محمد آصفی؛ علم الامام (ع) به زبان عربی (ترجمه به فارسی از محمد آصفی)؛ مقدمه بر العقائد الوثنیه فی الدیانة النصرانیه اثر محمد طاهر التنیر، چاپ بیروت (این کتاب در سال 1391 ق. در تهران افست گردید)؛ ترجمه مسائل قندهاریة (اثر شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء)؛ مقالات متعدد و کثیر در مجلات عربی در صیدا (لبنان).
اجازه روایت ایشان را افراد زیر امضا نموده‌اند: آیت‌الله مرتضی چهرگانی؛ پدر ایشان، آیت‌الله محمدباقر طباطبایی؛ بانو علویه هاشمیه؛ آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ آیت‌الله سید صدرالدین صدر موسوی؛ علامه محمدحسین کاشف الغطاء آیت‌الله سید محسن طباطبایی حکیم؛ آیت‌الله سید محمد جواد طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله سید محمد هادی میلانی؛ امام

خمینی (ره)؛ علامه آیت‌الله حسن بجنوردی آیت‌الله العظمی گلپایگانی؛ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی؛ آیت‌الله محمد حسینی شاهرودی؛ آیت‌الله عبدالنبی عراقی؛ علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی.
آیت‌الله قاضی طباطبایی در دهم آبان 1358 توسط گروه فرقان ترور شد و به شهادت رسید و در مسجد مقبره به خاک سپرده شد.
سید محمد علی قاضی طباطبائی ابن العلامه العلام حاج میرزا باقر آقای قاضی بن السید الجلیل و الفقیه النبیل آیه الله حاج میرزا محمد علی بن العلامه الکبری آقا سید میرزا محسن آقای قاضی طباطبائی که ابا عن جد از علماء و اساتید بزرگ تا بحضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام بوده و شرح سلسله نسب ایشان در کتاب خاندان (عبدالوهاب) مشروحا بیان شده است.
وی در سال 1333 قمری در تبریز متولد و در مهد علم و شرف نمو یافته و پس از رشد و تربیت در حجر مرحوم والد ماجد خود و استفاده خصوصی از ایشان و عم گرامش مرحوم آیه الله حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبائی متوفی 1348 قمری وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی را با سطوح عالی نزد مرحوم والد مکرم خوانده و در سال 1357 در موقع انقلاب و شورش اهالی تبریز به اتفاق والدش تبعید به تهران و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مراجعت به تبریز نموده تا سال 1359 که برای تکمیل مبانی علمی به حوزه قم مشرف شده و از محضر اساتید بزرگ حوزه چون آیه الله گلپایگانی بقیه متون فقه و اصول را خوانده و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفته و پس از آن از محضر مرحوم آیه الله حجت فقها و اصولا و هم درایه و رجال و غیر این‌ها را استفاده نموده و هم از محضر آیه الله صدر و پس از ورود آیه الله بروجردی پنج سالی هم از دروس آن جناب بهره‌مند شده تا سال 1369 قمری که مشرف به نجف گردیده و در آنجا از محضر آیه الله حکیم و آیه الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء استفاده‌های متنوع از فقه و اصول و حکمت و غیره نموده تا اواخر سال 1372 که روی بعضی از دسایس دشمنان دین مراجعت به تبریز و به انجام وظائف و خدمات و مجاهدات و مبارزات با بیدادگران و اقامه جماعت و غیر آن پرداخته است.
آن جناب از غالب مراجع عظام و مشایخ کرام عصر حاضر از اساتید و غیر هم دارای اجازات جامع روایتی و غیره می‌باشد که برای اختصار از درج آن خودداری می‌نمایم.
تألیفات و آثار قلمی ایشان از مطبوع و غیره بقرار ذیل است:
1- رساله فارسی در ترجمه آخوند ملا عبدالرزاق لاهیجی صاحب گوهر مراد 2- تقریرات اصول آیت الله حجت. 3- تقریرات فقه آن مرحوم. 4-

تاریخ قضاء در اسلام بفارسی 5- کتاب صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهره علیهماالسلام بفارسی 6- حدیقه الصالحین که در ج 6 کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه ص 378 ذکر شد 7- تقریرات دروس اساتید نجف 8- المقالات مجلدیست مشتمل بر مقالات عربی که تدریجا در مجله (الفرمان) مطبعه صید المنان منتشر شده. 9- خاندان عبدالوهاب تراجم انساب خود آن جناب. 10- رساله در شرح و تحقیق درباره حدیث شریف (من صام یوما فی سبیل الله تعالی کان کعمل سنه یصومها) 11- الاجازات که مشتمل بر اجازه علماء و فوائد بسیاریست 12- ترجمه مسائل قندهاریه از تصانیف آیه الله کاشف الغطام مد ظله رحمه الله.
13- کتابی درباره تحقیق از هر کتاب که عبادت از کدام طوائف‌اند و راجع بنجاست اهل کتاب و راجع بانبیاء از نظر اسلام.
14- تعلیقات بر انوار نعمانیه طبع تبریز در 4 جلد.
15- تعلیقات و اضافات بر کتاب انیس الموحدین علامه نراقی که بطبع رسیده است
16- کتابی درباره تعیین اربعین حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام
17- رساله بسیار لطیفی عربی در اثبات وجود امام علیه‌السلام در هر زمان.
18 سفرنامه بافت.
19- الفوائد در مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی و غیره در جلد بزرگی.
(1333- شهادت 1399 ق)، فقیه، عالم امامی و شاعر. نسب وی به حضرت امام حسن (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. از محضر پدرش، میرزا باقر، و عمویش، حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبایی، استفاده نمود. در مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی یا سطوح عالی را نزد پدرش خواند. در 1357 ق به هنگام انقلاب و شورش اهالی تبریز به همراه پدرش به تهران تبعید شد و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مجددا به تبریز بازگشت. در 1359 ق برای تکمیل مبانی. علمی به حوزه‌ی قم رفت و در محضر استاتیدی چون آیت‌الله گلپایگانی فقه و اصول را خواند و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفت. پس از آن از محضر آیت‌الله حجت در فقه و اصول و درایه و رجال و از محضر آیت‌الله صدر و همچنین به مدت پنج سال از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. در 1369 ق به نجف رفت و از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله بجنوردی و آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در فقه و اصول و حکمت و غیره استفاده نمود، و از اساتیدش صاحب اجازه بود. در 1372 ق به تبریز بازگشت، و به وظایف دینی و اقامه جماعت مشغول

شد. از آثار وی: «تقریرات اصول» آیت‌الله حجت؛ «تقریرات فقه» آیت‌الله حجت؛ «تاریخ قضاء در اسلام»، به فارسی؛ «حدیقه الصالحین»؛ «المقالات»، مجلدی مشتمل بر مقالات عربی؛ ترجمه‌ی «مسائل قندهاریه» آیت‌الله کاشف الغطاء؛ «الفوائد»، مشتمل بر «مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی؛ تعلیقات و اضافات بر کتاب «انیس الموحدین» علامه نراقی؛ «تحقیق درباره‌ی روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)»، که در تألیف آن از بیش از چهارصد و پنجاه عنوان کتاب استفاده شده است.[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] الذریعه (388 -387 / 6)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 8، ص 43)، گنجینه‌ی دانشمندان (325 -322 / 3).

قاضی عسکر، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به داور پناه. عالم فاضل، و محقق جلیل، در خوانسار متولد گردیده، و در محل تولد خود و اصفهان و نجف تحصیل کرد، مجتهدی عالی مقدار، و مدرسی کامل بود. در فقه و اصول و ادبیات در حدود سطوح و خارج تدریس می‌فرمود، و در کشف معضلات علوم، ید بیضا می‌نمود. سال‌ها در مدرسه‌ی درکوشک، فرائد و متاجر و کفایه مباحثه می‌نمود، جمعی از افاضل این شهر خدمت او تحصیل نموده‌اند.
از بدو تشکیل مدارس جدید به خدمت فرهنگ وارد شده، و بدین جهت مقامات علمی مشارالیه مجهول ماند، و آن طور که باید و شاید از ایشان استفاده نگردید.
در ارتش سال‌ها به عنوان قاضی عسکر خدمت می‌نمود.
نگارنده مدتی از محضر ایشان در علوم عربیت استفاده نموده است.
در رجب سال 1382 به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، در این تکیه در بقعه‌ای مخصوص مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاضی فضل خنجی اصفهانی

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌روزبهان معروف به باشا و ملقب به امین.
فقیه ادیب ناصبی [؟] متعصب. وی را کتب و رسائلی است، از آن جمله است:
1- ابطال الباطل، در رد نهج‌الحق علامه‌ی [حلی] و آن را علامه‌ی فقیه شهید قاضی نورالله شوشتری رد نموده، و آن را احقاق الحق نامید 2- المقاصد در علم کلام] 3- شرح صلوات بر چهارده معصوم]؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاضی کمره‌ای، جعفر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل محقق، استاد علمای زمان، و مرجع فتوی و احکام بوده، در خدمت آقا حسین خوانساری، و ملا محمدباقر سبزواری، و ملا محمدتقی مجلس تلمذ نموده، و سال‌ها منصب قضاوت اصفهان را داشته؛ بر بسیاری از کتب حواشی و شرح نوشته، از آن جمله است:
1 - حواشی و تعلیقات بر شرح لمعه 2 - حواشی بر کفایه‌ی سبزواری 3 - رساله در اصول دین، فارسی 4 - ذخائر العقبی، در تعقیبات 5 - وجیزه، در حکم ولایت وصی بر نکاح صغیر؛ و غیره.
وفاتش در 1115 در مسافرت حج در عراق روی داده است، و در نجف مدفون گردیده.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاضی، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید باقر بن العالم الجلیل آقا میرزا محمد علی متوفی 1312 بن الایه العظمی آقای حاج میرزا محسن آقای قاضی طباطبائی در سال 1285 در تبریز متولد و مقدمات و مبادی فقه و اصول و کلام و معقول را از علماء و فضلاء تبریز مثل آقا میرزا محمد و اصولی و حاج میرزا محمد علی قراچه داغی و آقا سید علی یزدی صاحب رسائل مظفری و معاصرین دیگر ایشان تحصیل نموده و در سال 1308 به عتبات عالیات مشرف و بعد از درک حضور امام مجدد شیراز در سامری وارد نجف و در حوزه درس آیه الله حاج میرزا حبیب الله رشتی و فاضل شربیانی و آقا شیخ محمد باقر اصطهبانی و صاحب الکرامات آخوند ملا اسمعیل قراباغی و در اخلاق در حوزه آخوند ملا حسینقلی همدانی حاضر بودند و به جهت بعضی دواعی و پیشامدها به تبریز مراجعت و بعد از دو سه سال باز توفیق رفیق گشته معاودت به نجف نموده و به بحث آیه الله آقا سید محمد کاظم یزدی و استاد کل شیخ الشریعه اصفهانی حاضر شده تا در سال 1324 ق به تبریز مراجعت فرمودند.
وی اجازاتی از مرحوم آیت الله یزدی و فاضل شربیانی داشته و از بعضی از معاصرین خود چون آیت الله العظیم اصفهانی روایت می‌کنند.
تألیفات آن مرحوم عبارت است از حاشیه بر رسائل شیخ انصاری و حاشیه بر فصول و حواشی بر مکاسب و کتابی در اصول آداب تقریرات اساتیدشان می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قاضی، زاهدی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سرسلسله قاضی زاهدیها مردی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار و از نامداران روزگار بوده از طرف سلاطین صفویه برای قضاوت شرعی بین مردم گلپایگان و نواحی آن منصوب گردیده و شیخ‌الاسلام عهد و زمان خود بوده و چون در زهد و علم و ورع و تقوا به پایه اعلی رسیده مشهور به قاضی زاهد گردیده.
بیت چند صدساله او بیت علم و تقوا و فضیلت است و از باقیات الصالحات اوست مقبره و پل قاضی زاهد.
حضرت آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی مدظله می‌فرمودند معظم‌له از رجال برجسته علم و فضیلت و دارای مؤلفانی بوده و من شرح احوال او را دیده‌ام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قاضی، محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن طباطبائی قاضی بن العالم الجلیل میرزا عبدالجبار قاضی از اعاظم علماء تبریز و در زهد و ورع و تقوا و علم و عمل بی نظیر و همیشه مشغول عبادت و طاعت و دائم المطالعه و التدریس بوده و با نظر مرحوم محمد علی شاه قاجار و وزیرش حاج میرزا آغاسی اخذ علم از علماء دار الخلافه تهران نموده و در سایر مراکز علم نیز مشغول تحصیل گردید و به خدمت بسیاری از اعاظم رسیده و با مرحوم حاج ملا هادی حکیم سبزواری صاحب منظومه ارتباط کامل داشته است.
ولادتش در سال 1236 ق و وفاتش در روز دوشنبه سوم جمادی الاخر 1306 واقع شده و مرحوم ادیب ماهر حاج میرزا کاظم طباطبائی تبریزی ملقب به اعتضاد الممالک و معروف به حاج وکیل در کتاب شجره سادات عبدالوهابیه ساکنین آذربایجان در ترجمه آن مرحوم گوید: حاج میرزا محسن قاضی شخصی بزرگوار طیب الاعراق حسن الاخلاق بود و فحایل سیادت و بزرگواری را بر وجه اتم داشت مخصوصا الی غیر النهایه مهمان دوست و بشاش و گشاده ابرو بود و در خانه او لیلا و نهارا بر وارد و صادر باز و محفل ایشان مجمع عمومی بود.
در مقبره جد بزرگوارش حاج میرزا مهدی قاضی جنب مسجد مقبره روبروی راسته بازار مدفون گردید و از آثار باقیه آن مرحوم احداث حمامی است در حوالی همین مقبره که به حمام قاضی اشتهار دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قاضی‌خان اوزجندی فرغانی، فخرالدین، ابوالمحاسن حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 592 ق)، فقیه حنفی از ظهیرالدین حسن بن علی بن عبدالعزیز و ابراهیم بن عثمان صفاری حدیث شنید. وی مجالس املای حدیث بسیاری داشت. علامه جمال‌الدین محمود بن احمد حصیری، یکی از شاگردان قاضی‌خان است که از او روایت کرده است. از آثارش: «الفتاوی»، در چند مجلد؛ «الامالی»، در فقه؛ «الواقعات»، در فروع؛«المحاضر»؛ «شرح الزیادات» شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «الجامع الصغیر» و «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «شرح ادب القضاء» خصاف؛ که در «کشف الظنون» تحت عنوان «ادب القاضی علی مذهب ابی‌حنیفه» آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (239 -238 / 2)، سیر النبلاء (232 -231 / 21)، کشف الظنون (1456، 1227، 962، 562، 165، 47)، معجم المؤلفین (297 / 3)، هدیه العارفین (280 / 1).

قاضی‌زاده‌ی اردبیلی، ظهیرالدین کبیر

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(مقتول 930 ق)، عالم، ادیب، فقیه و شاعر. پس از جنگ چالدران سلطان سلیم در بازگشت از تبریز وی را به همراه اسیران با خود به روم برد. وی در نزد او مقام و رتبتی یافت و «وفیات الاعیان» ابن‌خلکان را برای وی به فارسی ترجمه کرد. قاضی‌زاده در انشاء، شعر و خط توانا بود. چون به عقاید شیعه‌ی امامیه گرایشی پیدا کرد او را گرفتند و کشتند و سرش را بر دروازه‌ی زویله قاهره آویختند. از آثارش: ترجمه «وفیات الاعیان»، که در «معجم المؤلفین»، «مختصر وفیات الاعیان» ذکر شده؛ «تاریخ سلطان سلیم»؛ «دیوان» شعر. در «کشف الظنون» اظهرالدین اردبیلی و کبیر بن اویس لطیفی، مشهور به قاضی‌زاده، با احتمال این که یکی باشند جدا از هم ذکر شده‌اند. در «شذرات الذهب» و «معجم المؤلفین» ظهیرالدین قاضی‌زاده اردبیلی بدون ذکر نام و نام پدر آمده است.[1]
اردبیلی، ظهیرالدین، دانشمند اوایل قر. 10 ه. (مقت. 930 ه.ق). وی تا هنگام تصرف تبریز توسط سلطان سلیم عثمانی در آن شهر به تدریس مشغول بود و همراه سلطان مذکور به استانبول رفت و در آنجا برای وی مقرری تعیین شد. سپس به مصر رفت و در سرکشی احمد پاشا به هواداران او پیوست و همراه وی کشته شد. در شعر و انشاء و خوش‌نویسی دست داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان آذربایجان (250 -249)، الذریعه (870 -869 / 9)، شذرات الذهب (173 / 8)، فرهنگ سخنوران (735)، کشف الظنون (2019)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده اردبیلی)، مجالس النفائس (397 -396)، معجم المؤلفین (48 / 5).

قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(988 -918 ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان. در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی‌زاده و سعدی جلبی و ملازم ملا قادری بود.در 963 ق به قضاوت حلب، در 971 ق به قضاوت استانبول و در 974 ق به قضاوت عسکر روم ایلی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحدیث آنجا به تدریس پرداخت. پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت، و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. در 983 ق به صدارت روم ایلی نامزد شد، و در 985 ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان‌محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تجرید الکلام» قوشچی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ «نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»، در تکمله‌ی «فتح القدیر» ابن‌همام، در فروع فقه؛ حاشیه بر «التلویح»، شرح «تنقیح الاصول» تفتازانی؛ شرح «هدایه الحکمه» شیخ اثیرالدین ابهری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (721، 620 / 2)، روضات الجنات (378 -375 / 1)، ریحانه (409 -408 / 4)، شذرات الذهب (415 -414 / 8)، کشف الظنون (2034، 2030، 2022، 1766، 498، 348)، الکنی و الالقاب (49 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده‌ی افندی)، معجم المؤلفین (171 / 2)، هدیه الاحباب (215).

قاینی اصفهانی، خلیل، محمد خلیل

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1136 ق)، فقیه، فیلسوف، مدرس، متکلم و حکیم. در اصفهان از حوزه‌ی درس آقا رضا خوانساری و برادرش، آقا جمال‌الدین خوانساری استفاده نمود. وی مدتی در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان فلسفه، کلام، کتب ابن‌سینا و کتب خواجه نصیر را تدریس کرد. سید اسدالله بن علی رضا حسینی و سید نعمه‌الله جزائری و امیرمحمد صالح قزوینی از شاگردان وی بودند. پس از فتنه‌ی افغان در 1134 ق به قزوین مهاجرت کرد و در همان جا درگذشت و کلمه‌ی الظهر ماده تاریخ وفاتش می‌باشد. از آثار وی: «الآلهیه» یا «نور البصر بحل مسأله الجبر و القدر»، شرح رساله «نفی الجبر و التفویض و اثبات الامر بین الامرین» امام هادی (ع) مذکور در «تحف العقول»؛ «شرح حدیث عمران الصابی»؛ «الرد علی النصاری»؛ «البداء»؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (187 -180)، بهارستان آیتی (253 -252)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (199 / 2)، الذریعه (364 / 24، 204 -203 / 13، 232 / 10، 111 / 6، 55 -54 / 3، 285 -284 / 2)، ریحانه (428 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 244 -243 / 12)، فوائد الرضویه (174)، لغت‌نامه (ذیل/ قاینی).

قاینی خراسانی، ابوطالب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1230- شهادت ح 1293 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، متکلم و مصنف. در قائن به دنیا آمد. مقدمات و علوم اولیه را همراه ملا محمد حسن قاینی نزد علمای قاین فراگرفت. آن‌گاه به مشهد رفت و از محضر استادانی چون آیت‌الله سید محمد رضوی، معروف به قصیر خراسانی، و آیت‌الله شیخ محمد رحیم بروجردی استفاده برد و به اخذ اجازه‌ی اجتهاد و افتاء از سوی آنان نائل آمد. سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان رفت، و با ملا حمزه قاینی در بحث حجه‌الاسلام حاج محمد حسن کرباسی شرکت کرد. پس از چندی از فرزندش، آیت‌الله شیخ ابراهیم کرباسی کاخکی، اجازه‌ی اجتهاد و لقب مصباح الشریعه گرفت. آن‌گاه به نجف رفت و از محضر فقیه مشهور شیخ محسن خنفر بهره برد و تقریرات درس او را نوشت و مدتها در ملازمت آن استاد بود و از وی نیز اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از آن به قائن بازگشت و مرجع خاص و عام گردید و در ضمن انجام امور شرعی مردم و تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قائن، به تصنیف کتب باارزشی همت گماشت. آیت‌الله شیخ محمد باقر گازاری (قاینی) بیرجندی و ملا محمد بن ملا عبدالحسین قاینی و نجف بن علی‌اکبر بیرجند و محمد حسین قاینی کاخکی از شاگردان او بودند. وی هنگامی که به حج مشرف شد در کراچی پاکستان توسط افراد امیر علم‌خان، حاکم قاین، به شهادت رسید و همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «الدره الباهره»، در توحید؛ «الدره»، در معارف خسمه؛ «ینابیع الولایه»، رساله‌ای در احکام ولایت قانونی و اقسام آن؛ «الکواکب السبعه» یا «سبه‌ی سیاره»، در هفت مساله اصولی؛ «فوائد الغرویه»، در درایه و رجال؛ «ماحی الضلاله و الغوایه»، در رد کتاب «شمس الهدایه و قالع الضلاله» خان ملاخان، معروف به ملا شمس مفتی هرات؛ «الدروس»، تقریرات درس استادش شیخ خنفر؛ «المکاسب»؛ «مناسک الحج»؛ «رساله فی صلاه المسافر»؛ «السؤال و الجواب»، به فارسی و عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (364 / 2)، بزرگان قائن (91 -73)، بهارستان آیتی (282 -281)، الذریعه (291 -290 / 25، 254 -253، 150 / 22، 288 / 20، 18 -17 / 19، 83 / 15، 242 / 12، 144، 90، 88/ 8)، ریحانه (428 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 42-40 / 13)، فوائد

الرضویه (418)، گنجینه‌ی دانشمندان (133 -132 / 6)، معجم المؤلفین (29 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (183 -182 / 1).

قاینی خراسانی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1300 ق)، فقیه، عالم امامی، مجتهد، مدرس، نویسنده و محقق. او دوران تحصیلی خود را در قاین و اصفهان و نجف گذراند و با جمعی از بزرگان دوران خود مصاحب بود. وی معاصر و هم‌دوره‌ی شیخ مرتضی انصاری بود، و از محضر اساتیدی چون شریف العلماء و سید شفیع چاپلقی استفاده نمود و از سید شفیع جاپلقی صاحب اجازه بود. او در قاین حوزه‌ی درس خوبی داشته و از استادان شایسته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی این شهر بوده است. از شاگردان وی ملا محمد حسن قاینی، پدر شیخ محمد باقر گازاری، و دیگری محمد حسن بن ملا محمد قاینی که در 1300 ق نزد وی تلمذ نموده است. از آثارش: «الابداع»، در اصول فقه؛ «القصوی فی المنطق»؛ «الابصار فی أصول الفقه»؛ «وثائق الاصول» یا «الوثائق فی اصول الفقه»، در فقه استدلالی. در «بزرگان قائن» نام پدر صاحب عنوان سید احمد بن سید محمد ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (149 -145)، بهارستان آیتی (282)، الذریعه (26 -25 / 25، 108 / 17، 65، 64/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 354 -353 / 13)، گنجینه‌ی دانشمندان (133/ 6).

قاینی، ابوالحسن محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم و ششم ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و متکلم. از دانشمندان قرن پنجم و ششم هجری است. او در رجال و حدیث مردی مورد اطمینان و وثوق می‌باشد و کتاب وی به نام «السابقین فی اعتقاد اهل البیت الطاهرین» مورد قبول علمای شیعه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (500)، الذریعه (99 / 12)، ریاض العلماء (156 / 5)، ریحانه (428 / 4)، فهرست منتجب‌الدین (191).

قاینی، ابوالقاسم جنید

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(547 -466 ق)، محدث، فقیه و صوفی. پدرش محمد بن علی قاینی از بزرگان علم و دانش و یکی از معدود محدثانی است که به خوبی و دانش زیاد شهرت داشته است. وی شیخ صوفیه بود. ایام تحصیل را در اصفهان به سر برد، سپس ساکن هرات شد. در طلب حدیث سفرهای بسیار نمود. از حسن بن اسحاق تونی، در قاین، و از ابوبکر بن ماجه و سلیمان حافظ، در اصفهان، و از ابوالفضل محمد بن احمد عارف و دیگران، در طبس، و از محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون، در هرات، و از ابوالمظفر منصور بن محمد سمعانی، در مرو، حدیث شنید و از وی فقه آموخت. پدر جنید، محمد بن علی، بر محمد بن منصور سمعانی سمت استادی داشت، و ابوسعد عبدالکریم بن محمد بن منصور سمعانی از شاگردان جنید بود. وی همچین از سعد مهینی فقه آموخت. ابن‌ناصر و ابن‌عساکر و ابوالمعمر مبارک بن احمد انصاری و ابوبکر مبارک بن کامل خفاف و سعید بن موفق نیشابوری و حافظ ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه‌الله و به گفته‌ی ذهبی، زنکی مروزی و ابوروح هروی و عبدالرحیم سمعانی از وی حدیث شنیدند. در هرات درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (437 / 4)، بزرگان قائن (110)، سیر النبلاء (273 -272 / 20)، الوافی بالوفیات (204 -203 / 11).

قاینی، ابوتراب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1328 ق)، فقیه، دانشمند، ادیب و شاعر، متخلص به انوار. وی در نجف در محضر آقا سید حسین کوه‌کمری تلمذ نمود. پس از تکمیل دروس و رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به قائن بازگشت و در آن جا مرجع امور دینی و سیاسی شد. در اواخر عمر به مشهد رضوی رفت و در آنجا درگذشت و در جوار تربت پاک اما هشتم (ع) در دارالسیاده دفن شد. وی در سرودن شعر مهارت داشته و اشعار زیادی از او بجای مانده است. از آثارش: «اسرار التوحید»، به فارسی، در تفسیر سروه توحید است، که در 1318 ق، به همراه کتاب «لؤلؤه الغالیه» پدرش، به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (309 / 2)، بزرگان قائن (57 -56)، بهارستان آیتی (322 -319)، الذریعه (218 / 26 ،43 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 458 / 14)، مؤلفین کتب چاپی (119 / 1).

قاینی، ابوشریف محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1139 ق)، عالم امامی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، متکلم، فیلسوف و خوشنویس.چون در مناظرات علمی کسی را یارای سخن گفتن با او نبود به سلطان‌العلماء مشهور شد. در چهارده سالگی به تحصیل روی آورد. دوران تحصیلات عالیه خود را در اصفهان به پایان رساند. در حوزه‌ی علمیه‌ی قاین، به تدریس فقه و فلسفه می‌پرداخت و گاه به نقاط دیگر جهت مباحثات علمی سفر می‌کرد، که سفر 1115 ق او به هرات و مباحثه او با علمای اهل سنت از آن جمله است. سرانجام در ماه رمضان درگذشت و (بماه رمضان) ماده تاریخش گشت. سلطان محمد پدر قطب‌الدین قاینی عالم ریاضی است. از آثارش: «تهذیب الامه»، تفسیر مفصلی بر قرآن؛ «تطهیر الائمه (ع)»؛ «الامامه»؛ «رساله فی الوجود»، شامل مباحث و فوائد فلسفی درباره‌ی وجود؛ «ام الوسائل فی ام المسائل»، تفسیر سوره‌ی حمد و برگرفته از تفسیر مفصل، به زبان عربی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجرید»؛ کتابت «ضیاء القلوب»، در حدیث، به خط نستعلیق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزگان قائن (537 -531)، الذریعه (36 / 25 ،116 -115 / 6 ،327 -326 / 2)، ریحانه (60 -59 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 12 / 316- 317).

قاینی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1256 ق)، عالم امامی و فقیه. به آورده‌ی «مکارم الآثار» معروف به مدرس و به آورده‌ی «بهارستان» آیتی معروف به مجتهد، و ممکن است که چون پدرش به هر دو لقب ملقب بوده است. وی در امر به معرف و نهی از منکر نهایت تلاش و کوشش را داشت. از آثارش: شرح «اشارات» کلباسی؛ رساله‌ی «لب المعارف»، در اصول دین،که این کتاب را به امر محمد ولی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه، تألیف نمود. پس از مرگش سیصد و چهل جلد کتاب او بنابر وصیتش به مدرسه‌ی بیرجند هدیه شد. در «بهارستان» آیتی، اهدای سیصد و چهل جلد کتاب به پدرش نسبت داده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (41)، بهارستان آیتی (262)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 98 / 13)، گنجینه‌ی دانشمندان (133 / 6)، مکارم الآثار (1523 / 5).

قاینی، جلال‌الدین جلال

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 838 ق)، عالم دینی، فقیه، واعظ، محدث و مدرس. وی از احفاد نجم‌الدین عمر نسفی است. به گفته‌ی مؤلف «بزرگان قائن» نامش را به اشتباه جلال‌الدین محمد بن ابن عبدالله قاینی، محمد بن محمد قاینی، جلال‌الدین ابومحمد بن نجم‌الدین محمد قاینی، جلال‌الدین محمد بن عبدالله قاینی و غیره ذکر نموده‌اند. در قاین به دنیا آمد. به بخارا رفت و در آنجا مدتی به تحصیل پرداخت. وی شاگرد شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد جزری و محمد بن جلال عبدی و خواجه عبدالله سمرقندی بود و از آنها اجازه‌ی روایت داشت. پس از گذراندن دوران تحصیل به هرات رفت و در دانشگاه و در مقصوره‌ی جامع آنجا به تدریس پرداخت. فصیح‌الدین محمد بن محمد قاینی و محمد بن شیخ محمد جامی، صاحب «ریاض الناصحین»، و جلال‌الدین یوسف اهل، مورخ و محدث سده‌ی نهم هجری، و حسین ابن جمال قهستانی، صاحب «شرح قصیده‌ی ابن‌سینا»، از شاگردان او بودند. وی علاوه بر وعظ و تدریس مدتی نیز منصب احتساب شهر هرات را عهده‌دار بود. در هرات به بیماری طاعون درگذشت و در مدرسه‌ی جغرتان به خاک سپرده شد. از آثار وی: مدرسه‌ی علمیه‌ی جغرتان، که امروزه به صورت مسجد درآمده، و به جامع جغرتان معروف است؛ کتابخانه‌ی بزرگ. از آثار علمی وی: «تبیان الکبائر»؛ «اربعین»، مشتمل بر چهل حدیث؛ «مفتاح الفرائض»؛ «شعب الایمان»، در ادیان و جامعه‌شناسی دینی؛ شرح «نصاب»؛ «اجازات»؛ «نصایح شاهرخ شاهی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (120 -113)، بهارستان آیتی (194)، تاریخ نظم و نثر (785)، حبیب السیر (13 / 4)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 838)، مزارات هرات (90 -89).

قاینی، زین‌العابدین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1231 ق)، عالم امامی، فقیه، محدث، مدرس، زاهد و نویسنده. وی از مراجع تقلید شهر قاین و از مدرسان مشهور حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا بود. وی از محضر سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، استفاده نمود. محمد حسن قائنی از شاگردان او بود. وی با میر سید محمد قاینی از علمای قاین همعصر و با وی مراوده داشت. در روستای درخش درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «مصباح النجاه» یا «اصول‌الدین»، به فارسی که نگارنده در آن وعده کرده که بخش دوم را در فروع دین بنگارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (195 -194)، الذریعه (188 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 594 / 13).

قاینی، سبحانعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1265 / 1260 ق)، فقیه، متکلم، فیلسوف، ریاضیدان، طبیب، محقق، نویسنده و شاعر. معروف به فاضل سبحانعلی‌خان. وی در شهر لکنهو ساکن و از امیران و مراجع علمی، سیاسی و اجتماعی این شهر بود. او علاوه بر امر تدریس به امور سیاسی نیز می‌پرداخت. مدتی وزیر و مشاور حیدر پادشاه بود و سایر حکام هند، همچون یمین‌الدوله سعادت علی‌خان به او ارادت می‌ورزیدند. میرزا محمدعلی کشمیری (م 1309 ق) وی را از شاگردان شریف‌العلماء محمد شریف ابن ملا حسنعلی مازندرانی (م 1246 ق) ذکر کرده است. وی در هند درگذشت و طبق وصیتش پیکرش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «شرح حدیث الاثره»؛ «شرح حدیث الثقلین»؛ «شرح حدیث الحوض»؛ «الوجیزه»، در علم کلام و اصول دین به فارسی؛ «لطافه المقال»، که در رد اعتراضات فاضل رشید نگاشت و فاضل رشید این کتاب را در تحت نام «ایضاح لطافه المقال» پاسخ گفت و فاضل سبحانعلی‌خان کتاب «فذلکه الکلام» را در جواب «ایضاح» نوشت. جواب رساله‌ی «مکاتیب» حیدرعلی فیض‌آبادی؛ «فیوضات سحبانی»؛ «فضائح البخاری فی صحیحه»، در مورد نویسنده و متن کتاب «صحیح» بخاری و روایات جعلی آن، که به فارسی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (209 -207)، الذریعه (50 -49 / 25 ،323 / 18 ،249 ،130 / 16 ،198 ،195 ،187 -186 / 13 ،211 / 10)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 597 -596 / 13).

قاینی، ضیاءالدین، ابومحمد فضل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، فقیه و محدث. وی معاصر بهرام‌شاه غزنوی (547 -511 ق) بود. پدرش، محمد بن ابراهیم، نیز از بزرگان حدیث بود و کتابی درباره‌ی «خاندان عصمت و طهارت (ع)» به نامن «السابقین» نوشته است. پدر و پسر معاصر حسن بن منصور قاینی وزیر سلطان بهرام‌شاه و از چهره‌های درخشان علمی خراسان بودند. در سلسله‌ی اجازات محدثین بزرگ از فضل بن محمد قاینی تعبیر به شیخ امام اجل ضیاءالدین ابومحمد شده است و اجازات و روایاتش در حدود 547 ق است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (288)، بهارستان آیتی (151 -150)، الذریعه (99 / 12)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 219 -218 / 6).

قاینی، علی‌اکبر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1230 -1223 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و نویسنده. از روستای آفریز قاین بود، که پس از فراگیری مقدمات علوم به تحصیل در حوزه‌های علمیه معروف پرداخت و با استعداد و ذوق سرشار به مدارج عالی و فقهی نایل آمد. وی مدتی در کربلا ساکن بود و یکی از آثارش را در آن شهر نگاشت. از آثارش: «کتاب الطهاره»، در فقه استدلالی به سبک «مدارک الاحکام»؛ شرح «معالم الاصول» شیخ حسن عاملی که جلد اول آن تا مبحث «مجمل و مبین» در کربلا به پایان رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (240 -239)، الذریعه (186 / 15 ،71 / 14)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله نجفی مرعشی (319 / 10).

قاینی، علینقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم دینی و فقیه. از علمای طراز اول قرن خود بود. دوران تحصیلات عالیه را در نجف اشرف گذراند، و از علمای معروف حوزه‌ی علمیه‌ی نجف همچون شیخ قاسم نجفی (م 1290 ق)، اجازه‌ی اجتهاد داشت. از آثارش کتابی در امامت به نام «جوامع الامامه» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (264)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1629 / 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (138 -137 / 6).

قاینی، محتشم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، حکیم، دانشمند، فقیه و شاعر. از اکابر قاین و جد مقیم، فرزند میرزا هادی، بود. وی در شعر و لغز و معما مهارت داشت. از آثارش: «فصول الحق»، در فلسفه و حکمت، به فارسی؛ «هادی المسترشدین»، در حکمت عملی و دعا و عبادات؛ «معمیات» که مجموعه‌ای ریاضی ادبی است؛ «دیوان» شعر. از اوست:
از نظر چون شد رخ او ناپدید
قطره‌های اشک بر دامن چکید
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (366 -363)، تذکره‌ی نصرآبادی (527 -526)، الذریعه (971/ 9).

قاینی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1325 ق)، عالم و فقیه: تحصیلات خود را، بخشی در مشهد و نزد اساتیدی همچون شیخ محمدرحیم بروجردی مشهدی و بخشی در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، گذراند و از محضر اساتید آن روزگار استفاده برد. وی از مشایخ اصفهان و مشهد، بخصوص از شیخ محمد رحیم بروجردی، اجازه‌ی اجتهاد و روایت داشته است. او معاصر با سید ابوطلاب قاینی است. از آثارش: رساله‌ای در «اصول‌الدین»، که به گفته‌ی معاصرش ملا محمد باقر بیرجندی در «بغیه الطالب»، استخراج اصول دین از قضیه‌ی شهادت سیدالشهداء (ع) است؛ رساله‌ی «تجوید القرآن»؛ «تکمیل الایمان فی اثبات وجود صاحب الزمان (عج)»، پیرامون غیبت امام زمان (عج).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (575)، الذریعه (232 / 26، 366 / 3، 187 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 417 / 14).

قاینی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد محسن بن عبدالله بن محسن بن حسین اصفهانی بیرجندی.
عالم عامل و فقیه، سال‌ها در نجف اشرف ساکن بوده، و درس شیخ انصاری را درک نموده، سپس به درس آقا سید حسین کوه‌کمری حاضر شده، در سامرا مدتی درک محضر میرزای شیرازی کرده، و در 1307 وفات یافته، در کربلا مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قائم‌مقامی تبریزی، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید هادی قائم‌مقامی از علماء اعلام نجف اشرف و کاظمین بودند که از طرف دولت منحوس صدام تسفیر به ایران و حوزه علمیه قم شدند.
وی در ماه صفر 1327 هجری قمری در یک خانواده روحانی متولد شده و در مهد پرورش و تربیت مرحوم والدش حجةالاسلام آقا سید محمد تبریزی پرورش یافته است. و جد گرامیش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین قائم مقامی تبریزی نیز از مجتهدین عالی مقام نجف اشرف بوده و نامبرده اولین کسی است از این سلسله جلیله قائم مقامیه که در حدود سال 1300 قمری به نجف اشرف مهاجرت کرده است.
وی پس از دوران کودکی و مراحل مقدمات و سطوح عالیه علمی نزد اساتید بزرگ و مراجع عالیقدر چون مرحوم آیت‌اللّه فاضل شریبانی و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بزرگ استفاده نموده و بعد از وصول به مقام رفیع اجتهاد به تبریز مراجعت نموده و مورد توجه عامه مردم و بالاخص علماء اعلام گردیده و در مسجد محله دشت کلات امامت و مرجع امور دینی مردم بوده است.
و اما آیت‌اللّه حاج سید هادی تبریزی از احفاد مرحوم میرزا عیسی قائم مقامی فراهانی معروف به میرزا بزرگ بوده که در مقبره ابوالفتوح رازی مدفونست.
مرحوم مدرس خیابانی در کتاب ریحانه‌الادب چنین می‌نگارد:
«میرزا عیسی پدر میرزا ابوالقاسم قائم مقام مذکور به میرزا بزرگ مشهور و از وزرای نامی ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار می‌باشد که ادیب و منشی و دانشمند فاضل بوده و از آثار قلمی اوست:
1- اثبات النبوه الخاصه- به زبان فارسی.
2- احکام الجهاد و اسباب الرشاد که رساله‌ای است فارسی در جهاد که جهادیه کبری نیز گویند.
3- الجهادیه الصغری.
و چنانچه فوقا اشاره شد دیباچه این دو کتاب جهادیه از میرزا ابوالقاسم قائم مقام پسر صاحب ترجمه است و او را سه پسر دیگر بنام میرزا معصوم که در حیات پدر فوت شده و میرزا حسن وزیر و حاج میرزا موسی‌خان متولی شهید آستان قدس رضوی علیه‌السلام است.
مرحوم آیت‌اللّه حاج سید هادی تبریزی از احفاد همین میرزا حسن وزیر

می‌باشد قابل توجه اینکه این خانواده افتخار مهرداری (خاتم مبارک) حضرت سیدالساجدین امام زین‌العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام را داشته و کما کان این فضیلت و افتخار نصیب این بیت جلیل می‌باشد و بعضی از احفاد بنام (مهردار قائم مقامی) لقب دارند.
تفصیل این موضوع در بسیاری از کتب مذکور و چند سال قبل بانک ملی ایران یک شماره از مجله خود را به این اثر نفیس و مقدس اختصاص داده است.
آیت‌اللّه حاج سید هادی تبریزی علاوه بر کمالات صوری و معنوی و عرفانی و زهد و تقوا جامع معقول و منقول بوده و نسبت به مرحوم حاج شیخ مرتضی طالقانی معروف و متوفی سال 1364 قمری ملازمت و وصی او بوده است.
علوم عقلی و نقلی را از اساتید بزرگی چون مرحوم طالقانی یاد شده و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید حسین بادکوبه‌ای و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج میرزا علی ایروانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا آل یاسین و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و غیره استفاده نموده است.
از بسیاری از اعاظم مانند مرحوم حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و دیگران اجازه اجتهاد داشته و نامبردگان مراحل عالی علمی و فضلی و تقوای ایشان را تصریح کرده‌اند.
از تألیفات ایشانست کتاب امالی الهادی که چاپ شده و نیز حاشیه استدلالی بر منهاج که به طبع رسیده و کتب عرفانی وی در حدود 27 سال در کاظمین سرپرستی حوزه علمیه کاظمین را داشته که مورد توجه عموم بوده است. در هشتم ماه صفر 1406 هجری قمری در کاظمین پس از سالهائی که در زیر ظلم و جور بعثیها تحمل رنجها و ستمها نمود از دنیا رفته و در جوار امامین همامین علیهماالسلام مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قائنی، ابوطالب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آسید ابوطالب بن آسید ابوتراب بن قریش بن ابی‌طالب بن المیرزا یونس الحسینی قائنی خراسانی عالمی جلیل و فقیهی بارع و رجالی متبحر و مصنفی مکثر بوده است.
وی در قائن متولد شده اولیات و مقدمات را در آنجا خدمت فضلاء قائن با ملا محمدحسن قائنی خوانده و پس از آن عزیمت به اصفهان نموده و با ملا حمزه قائنی برادر ملا حسن مذکور از محضر مرحوم حجةالاسلام حاج محمدحسن کلباسی استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و حاضر به درس فقیه مشهور شیخ محسن خنفر شده و تقریرات درس او را به نام (الدروس) نوشته و مدتها ملازمت آن مرحوم را اختیار تا به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نائل گردیده است.
تألیفات بسیاری به اسامی کتب زیر دارد.
1- الکواکب السبعه یاسبعه سیاره در هفت مسئله اصولیه
2- الفوائد الغرویه در درایه و رجال 3- صلاة المسافر 4- المکاسب 5- سؤال و جواب 6- اللؤلوئة الغالیه در اسرار الشهاده 7- مناسک الحج 8- الدرة در معارف خمسه
آن بزرگوار در مراجعت از سفر مکه در ششم شوال سال 1293 قمری در کراچی از دنیا رفته و در همانجا مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ اسماعیل از بزرگان تلامذه میرزاء شیرازی و مقیم تهران و یکی از مراجع دینی عصر خود بوده تا در حدود 1300 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، عبدالرزاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ عبدالرزاق قائنی از علماء و مجتهدین مبرز و مدرسین عالی‌قدر معاصر تهرانست. وی در سال 1310 قمری در قاین متولد و پس از رشد و دیدن قسمتی از ادبیات و مقدمات عزیمت بمشهد نموده و در آنجا سطوح و خارج را نزد اساتید آن سامان خوانده و پس از آن در سال 1342 قمری به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری و بعض دیگر استفاده نموده و تا سال 1376 قمری در قم بتدریس فقه و اصول و ضمنا از محضر و دروس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده تا سال مزبور که از طرف آن مرحوم برای اقامه جماعت در مسجد (مهدیه) واقع در اوائل خیابان شهر ری نزدیک میدان شوش اعزام و تا اکنون در آنجا باین وظیفه و تدریس در مدرسه مروی تهران اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه قائنی عالمی کامل و مدرسی فاضل و موصوف بورع و تقوا و بسیار ساده و بی‌آلایش می‌باشد.
از باقیات الصالحات معظم له فرزند برومند ایشان جناب حجه‌السلام و عمده الفضلاء الکرام آقای حاج شیخ محمدحسین قائینی میباشد. وی در قم متولد شده و در حجر چنین پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خواندان مقدمات و سطوح اولی از والد ماجدش و آقایان دیگر سطوح نهائی را به پایان رسانیده و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت و چندین سال از دروس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی بهره‌مند گردیده و خود بتدریس فقه و اصول اشتغال داشته و گاهی برای ملاقات والد بزرگوارش به تهران مسافرت و اکنون از فضلاء بنام حوزه قم و نجف میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قائنی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی مدد بن سید حسین بن سید علی مدد بن سید حسین بن میر سید حسن موسوی قائنی از علماء بزرگ و مراجع معاصر بوده است.
تولد آنجناب در (21 محرم 1301 ه) در قریه (سیددان) قائنات واقع شده و مرحوم والدش بعد از سه سال در سنه 1304 ق وفات نموده و برادرش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید علی (متوفی 1342 قمری) وی را متکفل گردیده پس مقدمات و اولیات را از او فراگرفته و در سال 1316 به قائن آمده و در مدرسه جعفریه اقامت و حدود یکسال توقف نموده و در سال 1317 مهاجرت به مشهد مقدس نموده و از ابحاث شیخ حسن برسی و شیخ حسن کاشی و فاضل سود خروی و فاضل بسطامی و شیخ محمدباقر نوقانی و سید میرزا محمدباقر رضوی و میرزا ابی‌القاسم معین‌الغرباء و آیت‌اللّه آقا سید علی سیستانی و شیخ اسماعیل کوه سرخهی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسینعلی تهرانی و آقا سید اسداللّه قزوینی و آیت‌اللّه آقا میرزا محمد آیت‌اللّه‌زاده خراسانی استفاده نموده و در سال 1325 قمری مراجعت به قائن و با دختر عموی خود ازدواج و به زیارت حضرت رضا (ع) مشرف و به زادگاه خود قریه (سیددان) برگشته و تا سال 1332 به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخته و در سال مزبور به تنهائی مهاجرت به عراق نموده و در نجف اشرف به درس علامه یزدی آقا سید محمدکاظم صاحب (عروه) و شیخ‌الشریعه اصفهانی و آقا شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و بالاخص آیت‌اللّه آقا میرزا محمدحسین نائینی حاضر و استفاده‌های سرشاری نموده و تقریرات وی را به رشته تحریر درآورده و متصدی تدریس سطوح عالی شده تا در سال 1375 قمری که به مشهد مقدس معاودت و در مسجد بالای سر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول مشغول شده تا در سال 1384 که به عزم زیارت به عتبات عالیات مشرف و در شب جمعه 18 رمضان سال مزبور وفات و در حجره دوم صحن شریف مرتضوی قسمت شرقی مدفون شده است.
نگارنده گوید: حقیر در آنسال مشرف و در تشییع جنازه آن بزرگوار شرکت نموده و از مسجد بهبهانی جنب وادی‌السلام با حضور مراجع بزرگ مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و هزاران نفر دیگر از عموم طبقات و بالاخص فضلاء و طلاب حوزه نجف تا صحن شریف تشییع

مجللی نموده و در جوار جد گرامش به خاک سپرده شدند.
آن مرحوم از آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و نائینی اجازه اجتهاد و از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و علامه سید حسن صدر و سید ابی‌تراب خونساری و میرزا محمد تهرانی عسکری و محدث قمی و سید محسن امین و علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین و علامه تهرانی صاحب (الذریعه) اجازه روایتی داشته‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسین قائینی بن محمد حسن بن عبداللَّه بن محسن بن حسین از شاگردان شیخ انصاری و سید حسین کوه‌کمری و میرزاء بزرگ شیرازی و حدود 1310 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدعلی بن عبدالصمد قائنی عالمی زاهد و فقیهی کامل از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی دارای مقام علم و تقوا و فضائل اخلاقی و نفسانی بوده و در حدود 1320 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قدوسی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد قدوسی نهاوندی (معروف به آقای آخوند) از علماء و مشاهیر دانشمدان نهاوند بوده‌اند، در روز جمعه 16 ربیع‌الثانی 1282 قمری در شهر نهاوند متولد شد.
تحصیلات ابتدائی را در نهاوند طی نموده و برای یاد گرفتن سطوح عالیه و خارج عازم نجف اشرف گردید و 20 سال تمام در آنجا متوقف و در سن 35 سالگی پس از احراز مقامات عالیه تحقیق و اجتهاد به نهاوند مراجعت و در آن شهر مشغول تدریس و ترویج گردیده و مورد توجه عموم مردم بوده تا در سال 1355 قمری که به مناسبت جریانی که در غائله رفع حجاب پیش آمد به کلی بساط معاشرت را برچیده و عزلت اختیار نموده و تتمه عمر را در انزوا به سر برد تا در شب چهارشنبه 24 جمادی‌الاولی 1374 قمری در سن 92 سالگی داعی حق را اجابت و جنازه ایشان حمل به قم و پس از آنکه آیت‌اللّه العظمی بروجردی بر آن نماز خواندند در قبرستان نو در مقبره خانوادگی به خاک سپرده شد:
آباء و اجداد ایشان غیر از پدرش حجةالاسلام والمسلمین آقای آخوند ملاحسین و عمویش آیت‌اللّه آخوند ملاعلی اکبر نهاوندی همه از خوانین و معاریف شهر بوده‌اند که حتی گاهی در مقابل پادشاه وقت ایستادگی کرده و دعوی سلطنت داشتند:
ولی از آن میان جد ایشان مرحوم حاجی آقاخان مردی متقی و خداپرست و به نقل بعضی مستجاب‌الدعوه بوده تقوای سرشار مرحوم حاجی آقاخان سبب شد که مسیر زندگی این فامیل عوض شد لذا دو پسر ایشان به فکر تحصیل علم افتاده و در رشته روحانیت وارد و از آن دو مرحوم آخوند ملا علی‌اکبر نهاوندی سالها در نجف اشرف به تحصیل مشغول و صاحب کمالات عالیه‌ای گشت.
ولی متأسفانه بعد از برگشت به نهاوند طولی نکشید که در سنین جوانی از دنیا رفت و برادر دیگر به همین جهت موفق به تحصیلات عالیه نشد ولی او نیز که آخوند ملاحسین نام داشت مردی متدین و بانفوذ بود اینان همگی از نظر زندگی مادی احتیاج به تصرف وجوه نداشته و کاملا از تصرف سهم مبارک امام (ع) احتراز می‌کردند و تا آخر عمر از درآمد موروثی خود زندگی می‌کردند.
مرحوم آیت‌اللّه قدوسی از شاگردان ممتاز مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای

حاج میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) و مرحوم آیت‌اللّه میرزا حبیب اللّه رشتی و در اواخر از محضر درس مرحوم آیت‌اللّه آخوند خراسانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی نیز استفاده داشتند.
معظم‌له علاوه بر ذوق و استعداد قوی از حافظه سرشار خدادادی نیز بهره‌مند بود که حتی در سالهای کهولت و پیری کاملا بر محفوظاتش مسلط و گوئی فراموشی در قاموس وجودش مفهومی نداشت.
در رشته اخلاق معلوم نیست که از محضر چه استادی برخوردار بوده بعضی از هم دوره‌هایش احتمال استفاده از حضور محترم آخوند ملافتحعلی سلطان‌بادی را تقویت می‌کردند ولی از آنجا که عمویش مرحوم آخوند ملااکبر مردی اخلاقی بلکه در زبان و افواه مردم نهاوند کراماتی به او نسبت می‌دهند شاید مربی اخلاق او عموی بزرگوارش بوده است و به هر تقدیر ایشان به تقوا و پرهیزکاری در همه شهر معروف و مسئله تقید او و پدر و جدش را به تهجد خصوصا در یک مکان از اطاق مسکونی منزلش را به نحوی نقل می‌کنند که گوئی توصیه‌ای در این زمینه از پدر و جد بوده است.
عیالش نقل می‌کند که در تمام مدت 64 سالی که در خدمت ایشان بودم یکشب نشد که اذان صبح گفته شود مگر آنکه معظم‌له را مشغول عبادت در همان محل مخصوص از اطاق دیدم جز اینکه ایشان را به تب شدیدی مبتلا بود تا لحظه ادان خواب ماند و با شنیدن صدای موذن سراسیمه بیدار و بلند شدند.
نوشته‌های مدون و منظمی از ایشان جز یک اربعین موجود نیست ولی مسودات زیادی در میان کتابهای ایشان و بعضا در اختیار بعضی از شاگردان و فامیلش باقی بوده که متأسفانه در واقعه سیل 1317 نهاوند به نحوی ضایع شده که قابل استفاده نیست.
ایشان دارای سه فرزند ذکور است که یکی از آنها به نام علی قدوسی در رشته روحانیت است و ترجمه وی در جلد اول گنجینه دانشمندان در ضمن رجال و مدرسین حوزه علمیه گذشت.
(1374 -1282 ق)، عالم امامی و فقیه. معروف به آقای آخوند. در نهاوند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در نهاوند گذراند و برای فراگرفتن سطوح عالیه و خارج به همراه عمویش، ملا علی‌اکبر نهاوندی، ابتدا به سامرا و سپس به نجف رفت و بیست سال تمام در آنجا ساکن شد. وی از شاگردان ممتاز میرزای بزرگ شیرازی و آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی بود. وی همچنین از محضر درس آیت‌الله آخوند خراسانی و آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی نیز استفاده نمود. در سی و پنج سالگی پس از احراز مقامات عالیه تحقیق و اجتهاد به نهاوند مراجعت کرد و در آن شهر به تدریس و ترویج علوم دینی پرداخت. در 1355 ق به دنبال غائله رفع

حجاب رو به عزلت آورد و تا پایان عمر در انزوا به سر برد. پیکرش پس از درگذشت به قم منتقل و در قبرستان نو، در مقبره‌ی خانوادگی، به خاک سپرده شد. مسودات وی در واقعه‌ی سیل نهاوند در 1317 ق از بین رفته است و تنها اثر باقیمانده‌ی وی «اربعین» می‌باشد.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 98 / 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (332 -330 / 7).

قراب سرخسی هروی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بعد از 414 -330 ق)، حافظ، محدث، فقیه، زاهد، مقری و ادیب. وی برادر ابویعقوب اسحاق قراب است. از منصور بن عباس و ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد بن غطریفی و ابوعمر بن حمدان و ابواحمد حاکم و مخلد بن جعفر باقرحی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن عیسی عاصمی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در بغداد نزد امام عبدالعزیز دارکی فقه آموخت. ابوعطا عبدالاعلی بن عبدالواحد ملیحی و شیخ‌الاسلام عبدالله بن محمد انصاری و دیگران از وی حدیث شنیده‌اند. وی در بسیاری از علوم همچون قرائت و حدیث و فقه و معانی قرآن و ادب پیشرو و سردسته زاهدان و متألهان بود. از آثارش: «درجات التائبین و مقامات الصدیقین»؛ «الکافی فی علم القرآن»، در قراآت سبع، در چندین مجلد؛ «الجمع بین الصحیحین»، جمع بین «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم؛ کتابی در «مناقب الامام الشافعی»؛ «الشافی» در قراآت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (381 -379 / 17)، کشف الظنون (1839 ،1379 ،1023 ،745 ،599)، معجم المؤلفین (256 / 2)، هدیه العارفین (209 / 1).

قراب سرخسی هروی، ابویعقوب اسحاق

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(429 -352 ق)، حافظ، محدث، مورخ، فقیه، زاهد و مصنف. محدث هرات بود. ابونضر فامی گوید که وی بیش از هزار و دویست استاد داشته است. وی از عباس بن فضل نضرویی و جد مادری‌اش، محمد بن عمر بن حفصویه، و ابوالفضل محمد بن عبدالله سیاری و عبدالله بن احمدن بن حمویه سرخسی و زاهر بن احمد سرخسی فقیه و خلیل بن احمد سجزی و حسین شماخی صفار و ابومنصور محمد بن عبدالله بزاز حدیث شنید.شیخ الاسلام عبدالله انصاری هروی و ابوالفضل احمد بن ابی‌عاصم صیدلانی و حسین بن محمد بن مت و اهل هرات از وی حدیث روایت کردند. خواجه عبدالله انصاری در «جرح و تعدیل» به او احتجاج کرده است. از آثارش: «الوفیات» یا «تاریخ السنین» در «وفیات العلماء» از قرن اول تا 429 ق، در دو مجلد؛ «نسیم المهج»؛ کتاب «الأنس و السلوه»؛ «شمائل العباد»؛ «الرمی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (285 / 1)، الاعلام بوفیات الاعلام (288 / 1). انساب سمعانی (638 / 4)،ایضاح المکنون (53 / 2)، تذکره الحفاظ (1102 -1100 / 3)، سیر النبلاء (572 -570 / 17)، شذرات الذهب (244 / 3)، طبقات الحفاظ (424)، العبر (261 / 2)، کشف الظنون (1059)، العبر (261 / 2)، معجم المؤلفین (228 / 2)، الوافی بالوفیات (394 / 8)، هدیه العارفین (200 / 1).

قرنی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ علی بن العالم الجلیل مرحوم آقا شیخ محمد ابراهیم قرنی منسوب بتابعی جلیل‌القدر شهید راه ولایت جناب اویس قرن رضی اللّه عنه و رزقنا شفاعته می‌باشد. وی در سال 1333 ق در قریه گوگد متولد شده و پس از رشد و خواند فارسی و مقدمات در گلپایگان در سال 1357 ق مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی تکمیل نموده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و سپس مراجعت به قم و از محضر مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده نموده و بمراتب علم و کمال رسیده و حسب الامر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی قدس اللّه سره برای ارشاد و هدایت و نشر معارف اسلام و تبلیغ احکام به علیشاه عوض شهریار عزیمت نموده و تاکنون به اقامه جماعت در مسجد حاج حسن و خدمات دیگر اشتغال دارند.
دارای تألیفات عدیده در فنون مختلفه می‌باشد که آنها را ذیلا می‌نگارم:
1- سوقات سفر دو جلد مطبوع
2- اسرار معراج دو جلد مطبوع
3- منهاج الدموع دو جلد مطبوع
4- منهاج‌السرور 3 جلد دو جلد مطبوع و یک جلد آماده طبع
5- منتهی المقال دو جلد مطبوع
6- در المنظوم دو جلد مطبوع
7- آینه عمر دو جلد مطبوع
8- پیوند دو گل دو جلد مطبوع
9- منهاج‌الجنان در دعاء دو جلد مطبوع
(تو 1333 ق)، عالم امامی و فقیه. نسب وی به اویس قرنی می‌رسد. در روستای گوگد گلپایگان به دنیا آمد و پس از فراگیری ادبیات فارسی و مقدمات در گلپایگان در 1357 ق به قم مهاجرت نمود و سطوح را در نزد آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی تکمیل نمود. پس از آن به نجف رفت و مدت سه سال از محضر آیت‌الله شیخ محمد علی کاظمینی و آیت‌الله خویی استفاده نمود. سپس به قم مراجعت کرد و از محضر

آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله بروجردی و مراجع دیگر استفاده نمود. قرنی به دستور آیت‌الله بروجردی برای نشر معارف اسلامی به علیشاه عوض شهریار رفت. از آثارش: «سوقات سفر»، در دو جلد؛ «اسرار معراج»؛ «منهاج الدموع»؛ «منهاج السرور»، در چهار جلد؛ «منتهی المقال»؛ «در المنظوم»؛ «آینه عمر»؛ «پیوند دو گل»؛ «منهاج الجنان»، در دعا.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (676 -675 / 4).

قزوینی اصفهانی، محمد ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فقیه فاضل علاّمه، از شاگردان و مجازین از حاج سید محمد باقر رشتی بیدآبادی است، و تاریخ اجازه سال 1246 می‌باشد. سیّد مرحوم در این اجازه وی را بسیار ستوده، و تصدیق به اجتهادش فرموده.
صاحب عنوان در قزوین متولد شده و در اصفهان تحصیلات خود را به پایان رسانیده است.
انصاری در تاریخ مختصر اصفهان(:89) گوید: مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام گذشته از ملاحظه مقاماتشان در علم و عمل، توجه خاصی نسبت به ایشان داشته تا جایی که مرحوم حاج محمد جعفر آباده‌ای با آن جلالت قدر، و مکانت علم و تقوی، و بستگی به مرحوم سید، باز غبطه مقام ایشان را می‌خورده، کتابخانه‌اش بعد از هشتاد سال (تا سال تألیف تاریخ که سال 1332 قمری باشد) که همه آکنده‌ها پراکنده شد به حال خود باقی است، و گرد پنجاه ساله بر آن متلاقی.
صاحب عنوان تا سال 1263 حیات داشته و سپس وفات یافته است.
از تألیفاتش حواشی است بر حدیث غمامه که آن را فرزندش شیخ محمّد حسین، مدّون نموده و به صورت کتابی خاص درآورده است.
وی را دو فرزند برومند و فاضل است:
1- فرزند بزرگش حاج آقا محمد قزوینی که از ائمه جماعت اصفهان بوده، و در مسجد آقا نور پس از پدر اقامه جماعت می‌نموده، و در شب 28 ذیحجه سال 1304 قمری وفات یافته است.
فرزند ایشان: مرحوم حاج محمد جواد قزوینی،
و نواده‌اش: حاج آقا باقر قزوینی نیز از علمای اصفهان و ائمه جماعت بودند که در این شهر شهرت و نفوذ داشته، و مرحوم حاج آقا باقر در سال 1362 وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید که اخیراً به نام تکیه خلیلیان معروف شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی آملی، ابوالفرج محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 501 ق)، فقیه و محدث. از پدرش و منصور بن اسحاق و سهل بن ربیعه حدیث شنید. ابن‌ناصر و شهده و ابن‌الخل از وی روایت کرده‌اند. وی در مدینه بر سلفی املای حدیث کرد. ابوالفرح قزوینی در آمل درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (218 -217 / 19)، شذرات الذهب (3 / 4)، العبر (382 / 2).

قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1300 -1222 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مفسر، رجالی و شاعر. اصلش از قزوین بود. نسب این خاندان به محمد بن زید شهید فرزند امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد و در حله ساکن شد. او را قزوینی کبیر نیز نامیده‌اند، تا در مقابل یکی از فرزندزادگانش به نام مهدی بن هادی بن میرزا صالح بن محمد مهدی، قزوینی صغیر صاحب «دیوان»، مشخص باشد. سید مهدی در نجف از محضر شیخ موسی و شیخ علی و شیخ حسن، فرزندان شیخ جعفر صاحب «کاشف الغطاء»، و سید باقر قزوینی و سید علی قزوینی و سید محمد تقی قزوینی استفاده کرد و از آنها اجازه‌ی روایت گرفت. او نزد شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی تلمذ کرد و در بیست سالگی به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از مشایخ اجازه‌ی علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل» بود. او علاوه بر تبحری که در فقه و اصول و کلام و حکمت و توحید و امامت و تفسیر و حدیث داشت در کمالات نفسانی نیز کم‌نظیر بود. در بازگشت از حج درگذشت و در نجف، در مقبره‌ی آل قزوین دفن شد. از وی متجاوز از سی اثر باقی مانده است. از آن جمله: «اسماء قبائل العرب» یا «اسماء القبائل والعشائر»؛ «البحر الزاخر فی اصول الاوائل و الاواخر»؛ «تفسیر سوره الاخلاص، الفاتحه و القدر»؛ «فلک النجاه فی احکام الهداه»؛ «التقیه»؛ «آیات الوصول الی علم الاصول»، در مباحث الفاظ از مسائل اصول فقه، به عربی؛ «فرائد الاصول» یا «الفرائد »، در اصول؛ «بصائر المجتهدین»، در شرح «تبصره المتعلمین» علامه حلی؛ «الاقفال»، در نحو و شرح آن به نام «المفاتیح» یا «مفاتیح الاقفال»؛ «مواهب الافهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ «الصوارم الماضیه لرد الفرقه الهاویه و تحقیق الفرقه الناجیه»، در امامت؛ «آیات المتوسمین»، در حکمت الهی؛ «منظومه تامه» در اصول؛ منظومه در تمام عبادات، متجاوز از پانزده هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (335 / 7)، اعیان الشیعه (146 -145 / 10)، خاتمه مستدرک الوسائل (136 -127 / 2)، الذریعه (62 / 25، 239 / 24، 292، 122 / 23، 299، 134- 133، 33 / 21، 161 / 17، 314، 132- 133، 313- 16 / 317، 93 / 15، 329 / 13، 83 / 7، 210 / 6، 405، 342، 341، 336 / 4، 125، 40 / 3، 389، 274، 68، 34، 6 / 2

485، ،462 ،449 ،49 ،48 / 1)، ریحانه (457 -456 / 4)، علماء معاصرین (11 -6)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی)، معجم المؤلفین (56 / 12)، مینو در (974 ،963 ،951 ،950 ،921 -920 ،918 ،860 -859 ،847 ،851 ،840 ،821 ،804 ،776 ،311 -310 ،292 ،239 ،232 ،231 ،135 ،114 -113 ،94 ،84 ،81 ،68 ،63 ،10 -8 / 2).

قزوینی حلی، ابوالمعز محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1335 -1262 ق)، عالم امامی، فقیه و شاعر. اصل وی از قزوین بود. نسبش به محمد بن زید فرزند علی بن حسین (ع) می‌رسد. در حله به دنیا آمد. در سنین بلوغ به همراه دو برادرش، سید حسین و میرزا جعفر، به نجف مهاجرت کرد و معقول و منقول را به طور کامل فراگرفت. در 1313 ق به اصرار مردم حله به حله بازگشت. در حله درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در مقبره‌ی مخصوص آل‌قزوین دفن شد. از آثار خیرش در حله بازسازی نهر حله و تعمیر قبور علمای حله همچون قبر محقق، آل‌طاووس، ابن‌ادریس، شیخ ورام و غیره می‌باشد. از آثار علمی وی: رساله‌ای در تجوید؛ «حبوه الفرائض»، یا «ارجوزه فی الارث»، منظومه‌ی عربی؛ «ارجوزه فی حدیث الکساء»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (244 / 6 ،471 -470 ،455 -454 / 1)، ریحانه (456 -455 / 4)، علماء معاصرین (111)، الکنی و الالقاب (64 -63 / 3)، مینودر (65 -62 / 2).

قزوینی حلی، ابوموسی، ابوالهادی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1298 / 1297 -1253 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، کاتب، ادیب لغوی و شاعر. در حله به دنیا آمد. جد مادری‌اش شیخ علی بن جعفر کاشف الغطاء است. در مقدمات شاگرد پدرش، سید مهدی بود. آن‌گاه به نجف رفت و فقه را در محضر دایی‌هایش شیخ مهدی و شیخ جعفر، فرزندان علی بن جعفر کاشف الغطاء، و اصول را در محضر شیخ مرتضی انصاری و ملا محمد فاضل ایروانی فراگرفت.. پس از فراگیری فقه و اصول و فلسفه و حکمت و تاریخ و لغت به حله بازگشت و در کنار پدرش به امور دینی پرداخت و در نزد او به تکمیل تحصیلات مشغول شد تا از وی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. او به نوبه‌ی خود مجلس درسی بنا نهاد و شاگردانی تربیت کرد. در حله درگذشت و پیکرش به نجف منتقل شد و در صحن شریف دفن گشت. در سوک او بیست و دو شاعر بزرگ عرب مرثیه سرودند و سید حیدر حلی تمام آنها را در کتابی به نام «الاحزان فی خیر انسان»، گردآوری کرده است. از آثار وی: کتاب «اشراقات»، در منطق؛ «التلویحات الغرویه»، در اصول فقه، با عنوان مختصر «تلویح-تلویح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشعیه (188 / 4)، الذریعه (430 / 4)، ریحانه (448 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 271 -269 / 13)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی)، معجم المؤلفین (151 / 3)،مکارم الآثار (1427 -1425 / 4).

قزوینی قمی، زکریا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در سامره خدمت حجةالاسلام حاج میرزا محمدحسن شیرازی قدس سره تحصیل و تلمذ نموده بود و به طوری که شنیده‌ام از معظم له اجازه اجتهاد داشته پس از آن به قم اقامت و مشغول ترویج شرع و امامت جماعت و منبر شد. تا در قم مرحوم و مدفون گردید. آن مرحوم ابوالزوجه مرحوم آیةاللّه آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قزوینی قوام الدین، محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1150 / 1149 / 1140 ق)، عالم امامی، فقیه، قاضی، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا قوام‌الدین. وی از شاگردان و خواص شیخ جعفر کمره‌ای اصفهانی قاضی و در 1107 ق از علامه مجلسی به دریافت اجازه نایل شد. او مهارت بسیاری در سرودن شعر داشت و کتابهای چندی را به نظم کشید و قصائد و مقطعات در درود بر پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) و اشعار زیادی در مراثی از خود به یادگار گذاشت. او به هنگام بازگشت از مکه درگذشت. از آثار وی: نظم «اللمعه الدمشقیه»، به نام «التحفه القومیه فی فقه الامامیه»؛ «ارجوزه فی الحساب» به نام «نظم الحساب»، نظم «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الاسطرلاب»، نظم «صحیفه الاسطرلاب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی اصول الفقه»، نظم «زبده‌ی» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الطب»، به نام «مفرح القوام»؛ «منظومه البیان»، ارجوزه‌ای در علم بیان؛ «ارجوزه فی التجوید»، که نظم «الشاطبیه» است؛ «ارجوزه فی النحو»، به نام «الصافیه»، که نظم «الکافیه» ابن‌حاجب است؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (74 / 10، 412 / 9)، تاریخ ادبیات در ایران (351 / 5)، تذکره‌ی روز روشن (666)، تذکره المعاصرین (121 -119 46،)، الذریعه (210 -209 / 24، 487 / 9، 225 / 7، 462 / 3، 504 490، 485- 484، 482، 472- 471، 464، 461، 455، 452 / 1)، ریحانه (493 -492 / 4)، فرهنگ سخنوران (750)، فوائد الرضویه (622-621)، الکنی و الالقاب (90 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قوام‌الدین)، معجم المؤلفین (304 / 11)، هدیه الاحباب (221).

قزوینی یزدی، عبدالنبی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1125- ز 1197 ق)، فقیه، حکیم، فیلسوف، متکلم، رجالی و عالم امامی. اصل وی از قزوین و ساکن یزد بود. او عالم و حکیم بزرگ امامی و معاصر علامه بحرالعلوم (م 1212 ق) است. در سفر حج در 1175 ق با آقا محمد باقر بهبهانی ملاقات کرد. وی از سید بحرالعلوم روایت می‌کند و آن جناب نیز از وی روایت کرده است، بدین گونه که هر یک از ایشان با اجازه از دیگری روایت می‌نماید. بر این اساس است که در بعضی از کتب حدیث و رجال به وی عنوان شیخ سید بحرالعلوم داده‌اند. از آثارش کتاب «تتمیم امل الآمل» است که آن را به امر سید بحرالعلوم در 1191 ق تألیف نمود، و سید از این کتاب مدح بلیغی کرده است.قزوینی تقریظی بر «مشکاه الهدایه» سید مهدی بحرالعلوم دارد که آن را در 1197 ق نگاشته و در آن تقریظ مشایخ خود چون میر محمد صالح حسینی قزوینی و میر محمد ابراهیم قزوینی و ملا علی اصغر مشهدی رضوی را نامبرده و گفته که ایشان از علامه مجلسی و محقق خوانساری و محقق سبزواری روایت کرده‌اند. قزونیی تعلیقاتی بر رساله‌ی «مطالب النفس و مسائلها» حکیم حمزه گیلانی دارد. او همچنین تقریظی بر «مرآت الازمان» محمد بن محمد زمان کاشانی دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :خاتمه مستدرکات (106 -105 / 2)، الذریعه (64 / 21 263، -262 / 20، 89 / 6، 339- 337 / 3، 207 / 1)، ریحانه (453 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 479 -476 / 12)، فوائد الرضویه (259)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی)، معجم المؤلفین (200 / 6)، هدیه الاحباب (171).

قزوینی، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالحسن بن امیر سید علی بن امیر عبدالباقی بن محمدهادی بن محمدرضا بن امیر محمدعلی مشهور به پیر سید صاحب مزار معروف در تنکابن عالمی فقیه بوده و در حدود 1280 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ میرزا ابوالقاسم بن ملا محمدتقی (شهید ثالث) برغانی قزوینی عالمی جلیل بوده و بعد از 1300 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، ابوتراب

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آسید ابوتراب بن سید مرتضی قزوینی معروف به سکاکی عالمی جلیل و فقیهی نبیه بوده و در سال 1303 هجری وفات نموده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم و سیزدهم ق)، فقیه و عالم امامی. اصل وی از قزوین بود. او پدر ملا عباس قزوینی، صاحب «اسرار الصلاه»، می‌باشد. از آثار وی «انباء الانبیاء فی اثبات النبوه الخاصه من الکتب السماویه»، که در آن آیات قرآنی و احادیث قدسی و آنچه در سایر کتابهای آسمانی نازل شده بر انبیاء پیشین دلالت بر نبوت خاصه‌ی حضرت محمد (ص) دارد، را به فارسی ترجمه کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (3 / 376، 392)، الذریعه (2 / 354- 355)، ریحانه (4 / 448)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 13 / 136، 143)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی).

قزوینی، آمنه

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
1269 -1202 ق، از زنان عالم، عابد، فاضل و مجتهد. وی دختر شیخ محمدعلی قزوینی از علمای قزوین، و نوه‌ی سید حسین قزوینی (1208 ق) و سیدمحمد مهدی بحرالعلوم (1212 ق) و مادر ربابه خانم و قرةالعین بود. در حدود هفده سالگی با شیخ محمدصالح برغانی (1275 / 1270 ق) ازدواج کرد. او در آغاز نزد برادرش شیخ عبدالوهاب قزوینی درس خواند و سپس در درس فقه و اصول همسرش حاضر شد و حکمت و فلسفه را از ملا آقا حکمی قزوینی در مدرسه صالحیه فراگرفت و در درس شیخ احمد احسایی در قزوین حضور یافت تا اینکه به درجه بالایی از علم و فضل رسید. همسرش، ملا محمدصالح، زنان را در احکام و مسائل شرعی به رجوع و عمل به دستورات او سفارش می‌کرد. آمنه خانم حوزه درسی برای زنان در کربلا و قزوین داشت. وی از همسر و برادرش و شیخ احمد احسایی اجازات مفصلی داشت.
از آثار او قصیده‌ای طویل در چهارصد و هشتاد بیت از زبان حضرت زینب (س) در حوادث کربلا و بعضی رساله‌های دیگر با کمک ابوالثناء محمود آلوسی است در هنگامی که دخترش قرةالعین در خانه آلوسی در بغداد ساکن بود.
بسیاری از مردان و زنان این خانواده اهل علم و فضل و تقوا بودند. مادرش فاطمه قزوینی از زنان عالم، فاضل، محدث و سخنور بود.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، 7 / 2؛ دایرةالمعارف تشیع، 236 / 1.

قزوینی، تاج‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 745 ق)، قاضی، محدث، فقیه شافعی، مدرس، ادیب و لغوی. اصل وی از قزوین و در بغداد ساکن بود و در مدرسه‌ی نظامیه بغداد تا پایان عمر تدریس می‌نمود. از آثارش: شرح «مصابیح السنه» بغوی؛ «المحیط بفتاوی اقطار البسیط»؛ «الرغاب»، در تصریف؛ «العجاب»، در نحو، و شرح آن؛ «اللطائف»؛ شرح «المقامات الحریری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (157 / 5)، معجم المؤلفین (181 / 7)، هدیه العارفین (719 / 1).

قزوینی، حمزه علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حمزة علی قزوینی عالمی جلیل و فقیهی فاضل از شاگردان میرزا حسین خلیلی و آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و غیرهم بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، خلیل

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1089 -1001 ق)، عالم امامی، محدث، فقیه، متکلم و نحوی. اصل وی از قزوین بود. در قزوین به دنیا آمد. وی از شاگردان شیخ بهایی و میرداماد است. او شریک درس خلیفه سلطان وزیر در درس حاج محمود رنانی و ملا حسین یزدی بود. وی از معاصران شیخ حر عاملی و ملا محسن فیض کاشانی است. ملا خلیل قزوینی استاد علامه مجلسی و آقا رضی‌الدین قزوینی بود. پیش از سی سالگی عهده‌دار تولیت حضرت عبدالعظیم و تدریس در آنجا بود. پس از چندی به مکه رفت و مجاورت آنجا را برگزید. سپس به قزوین بازگشت و شروع به تصنیف و تألیف نمود. در قزوین درگذشت و در مدرسه‌اش دفن شد. از آثار وی: حاشیه بر «مجمع البیان» طبرسی؛ «رموز التفاسیر الواقعه فی الکافی و الروضه»؛ «الصافی فی شرح الکافی»، به فارسی؛ «الشافی فی شرح الکافی»، به عربی؛ «المجمل»، در نحو؛ «الرساله النجفیه»؛ «الرساله القمیه»؛ شرخ «عده الاصول» شیخ طوسی یا حاشیه بر «العده»، در اصول فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (369 -368 / 2)، اعیان الشیعه (356 -355 / 6)، الذریعه (48 -47 / 20 ،5 -4 / 15 ،368 ،6 -5 / 13 ،251 / 11 ،191 ،148 / 6 ،142 / 5 ،82 / 2)، روضات الجنات (262 -257 / 3)، ریاض العلماء (266 -261 / 2)، ریحانه (452 -450 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 204 -203 / 11)، لغت‌نامه (ذیل/ خلیل)، معجم المؤلفین (125 / 4)، مینو در (173 / 2)، هدیه العارفین (354 / 1).

قزوینی، شمس‌الدین، ابوالرضا، ابوالمظفر حامد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(636 -548 / 546 ق)، مفتی، محدث و فقیه شافعی. در قزوین به دنیا آمد. مصاحب و ملازم قطب نیشابوری بود و خلاف را نزد وی آموخت و به همراه او به دمشق رفت. وی از شهده‌ی کاتبه، دختر احمد بن فرج دینوری، و خطیب موصل و یحیی ثقفی حدیث شنید. شهاب‌الدین عبدالحلیم بن تیمیه و محدالدین ابن عدیم و پدرش از وی روایت کردند. قاضی تقی‌الدین سلیمان حنبلی و ابونصر محمد ابن شیرازی از وی اجازه روایت داشتند. وی شیخ شافعیه و عهده‌دار منصب قضاوت در حمص بود، مدتی نیز در حلب درس و فتوا می‌داد. وی پدر عمادالدین قزوینی است که از مدرسین زمان خود بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (64 -63 / 23)، الوافی بالوفیات (280 / 11).

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(683 / 682 -605 / 600 ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن‌طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس، مجلس او را درک نموده است. وی در 650 ق قاضی حله و در 652 ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود.در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخابر العباد»، در جغرافی، که ظاهرا در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دائره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (80 / 3)، تاریخ ادبیات در ایران (281 -279 / 3)، تاریخ نظم و نثر (146)، الذریعه (219 / 15 ،7 / 1)، روضات الجنات (373 / 3)، ریحانه (453 / 4)، کشف الظنون (1128 -1127 ،1126 ،9)، الکنی و الالقاب (62 -61 / 3)، معجم المؤلفین (183 / 4)، مینودر (837 5، -3 / 2)، هدیه الاحباب (216)، هدیه العارفین (373 / 1).

قزوینی، فضل علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قزوینی قدس سره متولد 1290 قمری و متوفی 1367 قمری است چنانچه در الذریعه ج 2 ص 258 یاد شده است فرزند علامه زاهد بارع ملا ولی محمد قدس سره در قزوین به دنیا آمده و دوره مقدمات را در مدرسه صالحیه تکمیل سپس به تهران عزیمت نمود و در آنجا از اساتید بزرگ بهره‌مند شده و بعد متوجه حوزه علمیه اصفهان گردیده و چندی در آنجا اقامت و بین محصلین مشار بالبنان گردیده و سپس هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه خراسانی آخوند ملا محمد کاظم صاحب کفایه‌الاصول استفاه نموده و مورد توجه خاص ایشان قرار گرفته و پس از چندی حسب‌الامر معظم‌له مراجعت به ایران و در وطن مالوف خود مرجع مراجعات عمومی و مرافعات بودند لکن شدت علاقه به زیارات و بحث و تدریس به طور اغلب در مسافرت بودند. حوزه علمیه قم و مشهد مقدس به قدر امکان از ایشان جهت استفاده علمی و ارشادی استقبال می‌نمودند خاصه آبتین علمین همدانین آخوند ملا علی و میرزا محمد طالب ثراهما چون در بعضی علوم اطلاعات داشتند. در مشهد مقدس مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی با ایشان ارتباط حسنه ممتده داشتند تا آنکه در قضیه کشف حجاب در منزل آماده پذیرائی بودند ناگاه یکی از دوستان خصوصی به عجله و هراسان وارد شده و مخفیانه و به طور نجوی گفتند فرمانداری بودم نام حضرتعالی و چند نفر از علماء قزوین در مجلس عشرت با همسرشان دعوت خواهید شد. معظم‌له با حالت اضطراب شدید چشم از جمیع موقعیتها پوشیده و فرار را بر قرار اختیار و خائفا یترقب به اسرع وقت پناه به قبر حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌الصلوه والسلام برده و حدود چهارده سال در آنجا اقامت و علاوه بر بحث و تدریس کتب مشروحه ذیل را تألیف نمودند:
1- اصحاب حضرت سید الشهداء علیه‌السلام.
2- زندگانی حضرت سید الشهداء علیه‌السلام.
3- بانوان و زنانی که در کربلا بودند.
4- کتاب زندگانی حضرت صادق علیه‌السلام و روساء مذاهب باطله اهل سنت.
5- شرح خطبه حضرت صدیقه کبری علیهاالسلام.
6- مختصری در حالات حضرت معصومه (ع).

معظم‌له پس از چهارده سال اقامت در کربلا به شوق زیارت حضرت رضا علیه‌السلام به ایران آمده و در قم به منزل مرحوم حاج سید ابوالقاسم روحانی برادر داماد گرامیشان مرحوم حجةالاسلام حاج آقا احمد روحانی واعظ وارد شده و مورد احترام کم‌سابقه همه علماء خاصه حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی قرار گرفته ولی متاسفانه به مقصدشان که زیارت حضرت ثامن‌الحجج علیه‌السلام بود نائل نشده و در راه زیارت در جوار خواهر گرامی آن حضرت، حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام از دنیا رفته و با تشییع و تجلیل فراوان در شیخان قم در این معدن مردمی به خاک رفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قزوینی، مجتبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجتبی قزوینی از علماء وارسته و دانشمندان شایسته و مربیان برجسته معاصر مشهد بودند. ولادت ایشان در یکی از مضافات قزوین واقع شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در قزوین و تهران مهاجرت به مشهد نموده و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد کفائی معروف به آقازاده و دیگران و بالاخص مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نموده تا به درجه کمال از علم و معارف الهی رسیده و خود به تدریس فقه و اخلاق و تربیت جمعی از فضلاء شایسته و مهذب مشهد پرداخته و عده‌ای از محضر و بیانشان به مقام شامخی از علم و اخلاف رسیدند.
دارای تألیفاتی در معارف و اخلاق و غیره بوده‌اند که از آنها بیان الفرقان مسجد مرونیها اقامه جماعت داشتند تا در سال 1387 ق وفات نموده و در آستانه مقدسه رضوی به خاک رفته‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قزوینی، محمدجعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ مولانا محمدجعفر قزوینی از علماء کربلا در عصر خود بوده و حدود 1280 وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسین بن علی (عباس علی) طالقانی قزوینی حایری متولد 1218 و متوفی 1281 ق از اعاظم فقهاء و اجلاء علماء و از شاگردان شریف‌العلماء و صاحب جواهر و غیرهما و دارای آثاری چون نتایج‌البدایع در شرح شرایع و نتیجة‌البدیعه و غیرها بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدصادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدصادق بن العالم الجلیل ملا علی قارپوزآبادی قزوینی عالمی کامل و فاضلی جلیل بوده و بعد از 1333 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد کاظم فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد ابراهیم موسوی حایری قزوینی از مشاهیر خطباء و محدثین و مبلغین و مروجین و نویسندگان نامی معاصر و مقیم شهرستان علمی و دینی قم می‌باشند.
در سال 1348 هجری قمری در کربلاء معلی علی من شرفها الصلوه والسلام به دنیا آمده و در مهد فضل و سیادت پرورش یافته و پس از دوران کودکی و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ محمد خطیب و سید محمد صالح قزوینی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد حسن قزوینی معروف به حاج‌آقا و دروس نهائی را از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللّه میلانی و آیت‌اللّه حاج شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد حسن قزوینی صاحب (الامامه الاکبری) استفاده نموده است.
در سال 1393 هجری قمری مهاجرت به کویت و مدت هفت سال اقامت و به خدمات تبلیغی و تالیفی اشتغال داشته و در سال 1400 قمری به قم هجرت و اقامت نموده و چهار مرتبه برای ارشاد و تبلیغ دین به استرالیا سفر نموده و از راه منبر و خطابه چه در خارج و چه در داخل ایران قم و تهران و غیره نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام نموده و خدمات ارزنده و چشمگیری نموده و می‌نمایند.
معظم‌له داماد گرامی آیت‌اللَّه العظمی میرزا مهدی شیرازی می‌باشند دارای پنج فرزند فاضل و برومندند به اسامی زیر که اسباط مرحوم میرزا مهدی شیرازی هستند و همگی در حوزه علمیه اشتغال به درس و تدریس سطوح عالیه دارند.
1- حاج سید محمد ابراهیم موسوی قزوینی
2- حاج سید محمدعلی موسوی قزوینی
3- حاج سید مصطفی موسوی قزوینی
4- حاج سید محسن موسوی قزوینی
5- حاج سید جعفر موسوی قزوینی
تألیفات ارزنده دارند که به طبع رسیده و آنها از این قرار است:
1- شرح نهج‌البلاغه- سه مجلد
2- علی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد
3- فاطمه الزهراء (علیهاالسلام) من المهد الی اللحد

4- الامام المهدی (علیه‌السلام) من المهد الی الظهور
5- الامام الجواد (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد
6- الامام الهادی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد
7- الامام العسکری (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد
8- سیره الرسول الاعظم (صلی اللّه علیه و آله و سلم)
9- فاجعه الطف
10- الاسلام والتعالیم
و در حال حاضر مشغول به تألیف موسوعه‌ای درباره زندگانی و شخصیت حضرت صادق علیه‌السلام می‌باشند که به ده‌ها جلد خواهد رسید.
تولد: 1308.
درگذشت: 1373.
آیت‌الله محمدکاظم قزوینی صاحب آثار زیر است: اسلام و تعلیمات تربیتی (ترجمه ذکرالله احمدی، قم، 1370)؛ الامام المهدی علیه‌السلام من المهد الی الظهور (بیروت، 1370)؛ الامام الهادی علیه‌السلام من المهد الی اللحد (قم، 1371)؛ عاشورا غمبارترین روز تاریخ (ترجمه و نگارش علیرضا کرمی، قم، 1374)؛ فاطمه‌ی زهرا (ع) از ولادت تا شهادت (ترجمه حسین فریدونی، 1371 ،1365)؛ موسوعه الامام الصادق علیه‌السلام (قم، 1372). همچنین در اولین بزرگداشت سالگرد رحلت آیت‌الله قزوینی، کتاب زیر از سوی ستاد مربوطه منتشر گردید: صفحاتی از زندگینامه آیت‌الله سید محمدکاظم قزوینی قدس سره (1374).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قزوینی، نجم‌الدین عبدالغفار

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 665 / 663 ق)، ریاضیدان و فقیه شافعی. در قزوین به دنیا آمد. در فقه و حساب و حسن اختصار ید طولانی داشت. از آثار وی: «اللباب»، در فقه، و «العجاب»، در شرح «اللباب»؛ کتابی در «حساب»؛ «الحاوی الصغیر فی الفروع»، که ابن‌الوردی آن را در پنج هزار بیت به نظم کشید و «بهجه الحاوی» نامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (157 / 4)، ریحانه (141 / 6)، کشف الظنون (1543، 625)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالغفار)، معجم المؤلفین (268 -267 / 5)، هدیه العارفین (587 / 1).

قزوینی، هاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هاشم قزوینی از بزرگان علماء و مدرسین معاصر حوزه مشهد بودند ولادت ایشان در قزوین اتفاق افتاده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در قزوین و تهران خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال در آنجا از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده نموده و پس از آن به ایران مراجعت و مجاورت آستان قدس رضوی را اختیار و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه کفائی معروف به آقازاده و اعلام دیگر و بالاخص مرحوم مبرور زین العلماء العاملین و قدوه الفقهاء و المجتهدین آیت‌اللّه فی العالمین آقای آقامیرزا مهدی غروی اصفهانی تا آخر عمرش استفاده نموده و خود به تدریس سطوح نهائی و خارج پرداخته و صدها نفر از علماء و دانشمندان معاصر مشهد و نقاط دیگر از محضر و دراساتش بهره‌مند شده‌اند.
نگارنده گوید مرحوم قزوینی مذکور از علماء عظام بل آیات کرام عصر ما و از اساتید حقیر بوده‌اند زیرا جلد اول کفایه را در خدمت ایشان خوانده و در خدمتشان به مباحثه مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی رحمه‌اللّه علیه می‌رفتم و ایشان نسبت به مرحوم میرزا اصفهانی اعتقاد و خلوص عجیبی داشت و همواره بر فقاء توصیه می‌کرد که در بحث میرزا صحبت نکنید بلکه سراپا گوش استماع و استفاده نمائید.
مرحوم آیت‌اللّه حاج سید هاشم میردامادی نجفی می‌فرمودند حاج شیخ هاشم از میرزا اگر اعلم (ملاتر) نباشد قطعا کمتر نیست ولی چطور است که آنقدر نسبت به میرزا تواضع و ابراز اخلاص و علاقه می‌کند.
خلاصه بسیار متواضع و فروتن مجتنب از تظاهرات و (مبرء من کل شین) بود.
وی در 1380 قمری فوات و در جوار حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قسملی خراسانی مروزی، ابوزید عبدالعزیز

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 167 ق)، محدث، فقیه و زاهد. وی از عبدالله بن دینار و مطر الوراق و ایوب و ابوهارون عبدی و حصین بن عبدالرحمان و ابواسحاق همدانی و یحیی بن سعید انصاری و ابن عجلان و اعمش و مطرف بن طریف و یزید بن ابی‌زکریاء و دیگران حدیث شنید. ابن‌مهدی و عقدی و قعنبی و عبیدالله بن عائشه و حفص بن عمر حوضی و حفص بن عمر ضریر و شیبان بن فروخ و عبدالصمد بن عبدالوارث و علاء بن عبدالجبار و ابوعبیده حداد و عبدالله بن رجاء و عبدالله بن معاویه جمحی و دیگران از وی حدیث روایت کردند. بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی و نسائی در «صحاح» خودشان از وی حدیث نقل کرده‌اند. یحیی بن معین و عده‌ای دیگر وی را ثقه خوانده‌اند. یحیی بن اسحاق سیلحینی که از راویان اوست او را از خوبان توصیف کرده است. وی ساکن بصره بود و در همان جا درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (107 / 1)، انساب سمعانی (500 / 4)، تهذیب التهذیب (313/ 6)، الجرح و التعدیل (ج 2 ق 395 -394 / 2)، سیر النبلاء (193 -192 / 8)، شذرات الذهب (264 / 1)، العبر (193 / 1).

قشقایی، جهانگیر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1328 -1243 ق)، فیلسوف، فقیه، عارف و شاعر. از تیره‌ی دره شوری ایل قشقایی بود. در چهل سالگی که برای تکمیل هنر به اصفهان آمد ناگهان شوق فراگیری دانش در او بیدار شد و از زندگی ایلی دست کشید و در مدرسه‌ی صدر اصفهان به فراگیری علوم دینی روی آورد. جهانگیرخان حکمت و فلسفه را نزد محمدرضا حکیم قمشه‌ای، متخلص به صهبا، و فقه را در خدمت ملا حسین علی تویسرکانی و شیخ محمدحسین نجفی آموخت و طب را نیز در محضر ملا عبدالجواد، پزشک معروف اصفهان، فراگرفت. او در فقه و اصول و ریاضیات و حکمت مهارت یافت و پس از آن در همان مدرسه‌ی صدر مدت چهل سال دروس فقه و اصول و ریاضیات و حکمت را تدریس و شاگردان بسیاری تربیت کرد. آیت‌اللّه سید حسین طباطبایی بروجردی، آقا ضیاءالدین عراقی و آقارحیم ارباب از شاگردان وی بودند. جهانگیرخان در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. از او اشعار پراکنده‌ای نیز بر جای مانده است؛ از آثار وی شرحی بر «نهج‌البلاغه» است.[1]
(میرزا) جهانگیر (خان)؛ دانشمند ایرانی (ف. اصفهان. 1328 ه.ق) از خوانین قشقایی و از اهالی دره شولی یا کشکولی. وی ساکن دهاقان بختیاری و جامع معقول و منقول بود و بسیاری از بزرگان قرن اخیر از محضر او استفاده کرده‌اند. از شاگردان او آیت‌اللّه بروجردی، سید حسن مدرس، فاضل تونی، وحید دستگردی هستند. وی در مدرسه‌ی صدر اصفهان تدریس می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تذکرة القبور (246)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (162 -161 /12)، سرآمدان فرهنگ (266/1)، شرح حال رجال (284/1)، فارسنامه‌ی ناصری (1581/2)، فوائد الرضویه (88).

قشیری نیشابوری، ابوالقاسم، زین الاسلام، عبدالکریم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(465 -386 ق)، صوفی، فقیه، محدث و مفسر. مشهور به امام و استاد امام. از نظر اصول اشعری و از نظر فروع شافعی بود. نسبت وی از جانب پدر به قبیله قشیرین کعب می‌رسید، و از طرف مادر به سلمی منسوب بود. در ناحیه استواء نیشابور (قوچان کنونی) متولد شد. خاندان او از بزرگان دهقانان این ناحیه بودند. خود او نیز از محدثان بنام اهل تصوف بود. در کودکی پدر خود را از دست داد و در محضر درس ابوالقاسم یمانی، پرورش یافت و مقدمات ادب فارسی و عربی را نزد او فراگرفت، بعدها در نیشابور ساکن شد و از ابوحسین خفّاف و ابونعیم اسفراینی و حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمن سلمی و دیگر ارباب حدیث و بزرگان صوفیه حدیث شنید و فقه را از ابوبکر محمد بن بکر طسی و علم کلام را از استاد ابوبکر بن فورک فراگرفت و تصوف را از ابوعلی دقاق نیشابوری آموخت و پس از وفات وی با ابوعبدالرحمن سلمی معاشرت کرد و عاقبت استاد خراسان گردید. از شاگردان وی می‌توان به احمد بن اسماعیل جوهری که «رساله‌ی قشیریه» را بر قشیری خوانده و سمعانی از وی اجازه گرفته، و سید اسماعیل جرجانی صاحب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» و ابوعبداللّه حسین بن احمد بیهقی، ابوالقاسم فضل بن محمد عطار ابیوردی، ابوالمظفر محمد بن احمد هروی و شعیب بن نوح رازی صوفی اشاره کرد. قشیری از معاصرین و منکران ابوسعید ابوالخیر بود که در نهایت به او گروید. آثار بسیاری از خود به جای گذاشته و در سرودن شعر به زبان عربی دست داشته است. طریقه‌ی او در تصوف به واسطه‌ی ابوعلی دقاق به جنید و معروف کرخی می‌رسد. وی در نیشابور درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الرسالة القشیریه»، درعلم تصوف و بیان روؤس مسائل علم باطن که مورد مراجعه و استناد بزرگان صوفیه و اهل ذوق است؛ «لطائف الاشارات»؛ «التحبیر فی علم التذکیر»؛ «آداب الصوفیه»؛ «عیون الاجوبة فی فنون الاسئلة»؛ «الاربعین»؛ «فصل الخطاب فی فضل النطق المستطاب»؛ «حیاة الارواح و الدلیل الی طریق الصلاح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 180)، ایضاح المکنون (2/ 194، 424، 194 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (2/ 218، 257)، تاریخ بغداد (11/ 83)، تاریخ گزیده (659)، تاریخ نیشابور (225، 226)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه

(مقدمه)، جستجو در تصوف (67 -64)، روضات الجنات (94 -89 /5)، ریحانه (461 -460 /4)، سیر النبلاء (232 -230 /18)، الکامل (118 /8)، کشف الظنون (1935، 1920، 1858، 1640، 1551، 1460، 1260، 1183، 882، 520، 457، 354، 58)، کشف المحجوب (209)، الکنی و الالقاب (67 -65 /3)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالکریم)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 465)، معجم المؤلفین (6 /6)، نفحات الانس (138)، وفیات الاعیان (208 -205 /3)، هدیة الاحباب (217)، هدیة العارفین (608 -607 /1).

قصار نیشابوری، ابوصالح حمدون

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 271 ق)، صوفی، عالم و فقیه. اهل نیشابور، شیخ و امام طریقه‌ی ملامتیه بود. وی مذهب سفیان ثوری داشت و بر طریقت او بود. قصار استاد زاهد معروف عبدالله منازل است و گویا هیچ کس از شاگردان وی به مانند ابن‌منازل از طریقه‌ی او خوب پیروی نکرده است. از محمد بن بکار بن ریان و ابن‌راهویه و ابومعمر هذلی حدیث شنید و کسانی چون فرزندش و حافظ ابوحامد اعمشی و مکی بن عبدان و ابوجعفر بن حمدان از وی حدیث شنیدند. با سلم بن حسن باروسی و ابوتراب نخشبی و علی نصرآبادی و ابوحفص نیشابوری دوستی داشته است. وی در نیشابور از دنیا رفت و در حیره به خاک سپرده شد. سلمی جزئی از «حکایت حمدون»را جمع‌آوری کرده است. از سخنان اوست: از مصیبت کسی بی‌تاب می‌شود که در خدای خود شک کند و کلام او را باور ننماید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (508 / 4)، تاریخ گزیده (644)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (49)، جستجو در تصوف (342 -338)، حلیه الاولیاء (232 -231 / 10)، سیر النبلاء (51 -50 / 13)، طبقات الصوفیه سلمی (129 -123)، طبقات الصفویه هروی (122 -121)، کشف المحجوب (157 -156)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 271)، نفحات الانس (59).

قصیر رضوی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1255 ق)، فقیه و عالم امامی. معروف به سید قصیر، به جهت تمیزش از سید محمد بن حبیب‌الله رضوی مشهدی که معاصر با وی بود، و ملقب به علم الهدی. وی از بزرگترین فقیهان سادات رضوی مشهد و از شاگردان صاحب «ریاض» و آیت‌الله بحرالعلوم و محقق بهبهانی و شیخ جعفر کاشف الغطاء بود. ملا نوروز علی بسطامی صاحب «فردوس التواریخ» از شاگردان وی می‌باشد، که به شرح حالش پرداخته است. پیکرش در مشهد مابین دو مسجد بالاسر و پشت‌سر حضرت رضا (ع) مدفون است. از آثار وی: «اعلام الوری»، در فقه، از اول طهارت تا انتهای تیمم؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ کتاب «رجال»؛ «مصابیح الفقه»، از اول طهارت تا آخر دیات.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (81 / 21، 147 / 10، 210 / 6، 242 / 2)، ریحانه (463 / 4، 138- 137 / 3)، الکنی و الالقاب (339 / 2)، هدیه الاحباب (156).

قطان قزوینی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(345 -254 ق)، حافظ، محدث، فقیه و ادیب. محدث و شیخ قزوین بود. به طلب حدیث مسافرتهایی به عراق و یمن نمود و به نقل شاگردش، ابن‌فارس قزوینی، از وی حاصل این سفرها حفظ یکصد هزار حدیث بوده است. او «سنن» ابن‌ماجه قزوینی را از خود وی استماع کرد و همچنین از محمد بن فرج ازرق و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن دیزیل و حارث بن ابی‌اسامه و قاسم بن محمد دلال و یحیی بن عبدک قزوینی و اسحاق بن ابراهیم دبری و حسن بن عبدالاعلی بوسی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. وی بر حسن بن علی ازرق- به حرف کسائی- قرائت نمود و احمد بن نصر شذائی قاری بر قطان قرائت کرد. زبیر بن عبدالواحد حافظ و ابوالحسن نحوی و ابوالحسین احمد بن فارس لغوی و احمد بن علی بن لال و ابوسعید عبدالرحمان بن محمد قزوینی و قاسم بن ابی‌منذر خطیب از وی حدیث شنیده‌اند. ابویعلی خلیلی گوید که وی شیخی عالم به جمیع علوم و تفسیر و فقه و نحو و لغت بود. جماعتی از شیوخ قزوین گفتند که قطان مانند خود در زهد و فضل ندیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (857 -856 / 3)، سیر النبلاء (465 -463 / 15)، شذرات الذهب (370 / 2)، طبقات الحفاظ (355 -354)، العبر (70 / 2)، معجم الادباء (221 -218 / 12)، النجوم الزاهره (360 -359 / 3).

قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(776 / 766 -694 ق)، عالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الدین و قطب المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمد و چون در آنجا نشوونما پیدا کرد به رازی شهرت یافت. بدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلی بود. او کتاب «قواعد الاحکام» علامه را به خط خود نوشته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشته و با عبارات بلندی او را ستوده است. قطب رازی از مشایخ شهید اول محمد بن مکی است. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، و قاضی شوشتری و شیخ حر عاملی او را شیعه دانسته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شافعی به حساب آمده است. قطب رازی مدتی در خدمت سلطان ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود و دو کتاب «شرح شمسیه» و «شرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثار وی: «المحاکمات بین شرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصیر طوسی است او این کتاب را به خواست استادش، قطب شیرازی، به تحریر کشید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شحر الشمسیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشراف» و «بحر الاصداف» دو حاشیه بزرگ و کوچک بر «الکشاف»؛ «تحقیق معنی التصور و التصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قوعد الاحکام»علامه حلی؛ رساله در «تحقیق الکلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی.[1]
رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سلطان المحققین دانشمند معروف ایرانی (ف. 776 ه.ق). وی از شاگردان مبرز علامه حلی است و قواعد علامه را به خط خود استنساخ کرده و علامه در پشت همان نسخه به سال 713 ه.ق در قصبه‌ی

ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردند. او راست: بحرالاصداف حاشیه و شرح تفسیر کشاف، تحریرالقواعد المنطقیة در شرح شمسیة، تحفةالاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحرالاصداف، تحقیق معنی التصور والتصدیق، تقسیم‌العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، شرح‌الاشارات، شرح مطالع که شرحی است بر مطالع‌الانوار قاضی سراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (268 / 7)، اعیان الشیعه (413 / 9)، ایضاح المکنون (403، 56 / 2، 233 / 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1089، 256، 254، -253 246، -244 237، 147، 47 / 3)، تأسیس الشیعه (401-400)، حبیب السیر (221 / 3)، دایره‌المعارف فارسی (2059 / 2)، الذریعه (107 / 20، 359 / 18، 156 / 17، 69 / 14، 337 / 13، 199، 198- / 4، 388 / 3)، روضات ا لجنات (47 -37 / 6)، ریاض العلماء (172-168، 156 / 5)، ریحانه (467 -465 / 4)، ری باستان (381 -380 / 2)، شذرات الذهب (207 / 6)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی، طبقات اعلام الشیعه (قرن 202 -200 / 8)، فرهنگ ادبیات فارسی (399 -398)، فوائد الرضویه (618 -616)، کارنامه بزرگان (245)، کشف الظنون (1716-1715، 886، 626، 95)، الکنی و الالقاب (71 -70 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (213 -12 / 2)، معجم المؤلفین (216 -215 / 11)، مؤلفین کتب چاپی (719 -716 / 5)، النجوم الزاهره (70 / 11)، هدیه الاحباب (218-217)، هدیه العارفین (163 / 2).

قطب راوندی، قطب‌الدین، ابوالحسن، سعید

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 573 ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم، محدث، مفسر و شاعر. خانواده‌ی وی از جد و پدر و برادر و دو فرزندش عمادالدین علی بن سعید و ظهیرالدین محمد بن سعید همه از علمای بزرگ شیعه بودند. وی از شیخ ابوعلی طبرسی، صاحب «مجمع البیان»، و عمادالدین طبری و سید مرتضی رازی و برادرش، سید مجتبی رازی،و ابن‌الشجری بغدادی و الآمدی و سید ناصح‌الدین ابوالبرکات مشهدی و پدر خواجه نصیر طوسی و گروهی دیگر روایت کرده است. او از طریق شیخ عبدالرحیم بغدادی، معرف به ابن الاخوه، از دختر سید مرتضی علم‌الهدی از عموی او سید رضی روایت می‌کند. ابن شهرآشوب و شیخ منتجب‌الدین رازی از شاگردان وی بودند. در قم وفات یافت و در صحن مطهر حضرت معصومه (س) دفن شد و قبرش امروزه مزاری معروف است. از آثار وی: «آیات الاحکام» یا «فقه القرآن»، اولین اثر در شرح و تفسیر آیات لااحکام؛ «احکام الاحام»؛ «اسباب النزول»؛ «الاعراب/ الاغراب فی الاعراب»؛ «الانجاز فی شرح الایجاز»، در شرح «الایجاز» شیخ طوسی؛ «بیان الانفرادات»؛ «تحفه العلیل»، در ادعیه، احراز و آداب؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «تفسیر قطب»؛ «الدعوات» یا «دعوات راوندی» یا «سلوه الحزین»؛ «تهافت الفلاسفه»؛ «جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام»؛ «الخرایج و الجرایح»،در معجزات معصومین (ع)؛ «خلاصه التفاسیر»، در ده مجلد؛ «ضیاء الشهاب»، در شرح «شهاب الاخبار»؛ «المغنی»، در شرح «النهایه» شیخ طوسی، در ده مجلد؛ «منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه»؛ «الرایع فی الشرایع»؛ «المستقصی»، در شرح «الذریعه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «لب اللباب».[1]
راوندی، سعید بن هبةاللّه بن حسن مکنی به ابومحسن یا ابوالحسین، محدث و مفسر معروف شیعه (ف. قم. 573 ه.ق). وی از شیخ طبرسی و عمادالدین طبری و سید مرتضی سید مجتبی رازی و پدر نصیرالدین طوسی و جمعی دیگر روایت کرده و خود از مشایخ ابن شهرآشوب و شیخ منتخب‌الدین است. او راست: آیات‌الاحکام، احکام‌الاحکام، الاختلافات الواقعة بین الشیخ المفید والسید المرتضی فی بعض المسائل الکلامیة، اسباب النزول، ام‌القرآن، الانجاز فی شرح الایجاز، تفسیر القرآن معروف به تفسیر قطب، خلاصة التفاسیر، المغنی فی شرح النهایة، منهاج‌البراعة

فی شرح نهج‌البلاغة و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] خاتمه مستدرک الوسائل (90 -79 / 3)، الذریعه (431، 244، 14 / 24، 158- 157 / 23، 296، 66، 13 / 289،21، 280 / 18، 105، 372، 14 / 41، 110، 126، 15 / 123- 124، 16 / 295، 17 / 8 / 201، 10 / 66، 12 / 71- 72، 223، 13 / 55- 56، 116، 277، 344، 176، 456، 4 / 228، 301- 302، 502، 5 / 277، 7 / 145- 146، 220، 29، / 1)، روضات الجنات (10 -7 / 4)، ریحانه (469 -467 / 4)، فوائد الرضویه (202 -200)، الکنی و الالقاب (73-72 / 3)، هدیه الاحباب (219 -218).

قطب نیریزی، محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1173 ق)، صوفی و شاعر. ملقب به قطب الدین. معروف به قطب الاقطاب. از سادات حسینی تبریز بود. او با بیست و سه واسطه به امام علی بن الحسین (ع) می‌رسید. در شیراز به کسب علوم پرداخت. وی به حکمت علاقه‌ی خاص داشت و در تفسیر، حدیث، فقیه و ادب نیز تا حدی تبحر حاصل کرد. او بعد از تکمیل علوم، در بقعه شاه داعی‌الله نزد شیخ علی نقی اصطبهاناتی به طی مقامات سلوک پرداخت و بعد از مرشد و شیخ خویش، اصطهباناتی، در فارس مروج طریقه‌ی ذهبیه و مرشد و مربی سالکان این طریقت شد. وی سفرهایی به قزوین، قم، کاشان، اصفهان و نجف داشت و در این سفرها به تدریس و تعلیم نیز می‌پرداخت. افرادی چون شیخ احمد احسایی، ملا محراب گیلانی، شیخ جعفر نجفی و سید محمد نجفی از او کسب معرفت کرده‌اند. وی بعد از بازگشت به شیراز به جزیره‌ی خارک رفت و در کوه مقبره‌ی منسوب به محمد حنفیه اعتکاف جست. بعد از مدتی به شیراز بازگشت و در همان جا درگذشت. از آثارش: رساله‌ی «فصل الخطاب»؛ رساله‌ی «شمس الحکمه»؛ رساله‌ی «کنز الحکمه»؛ «انوار الولایه»؛ «نور الهدایه»؛ قصیده‌ی «عشقیه»، اشعار فارسی و عربی.[1]
شیرازی، محمد حسینی ذهبی معروف به قطب‌الاقطاب، از بزرگان مشایخ سلسله‌ی ذهبیه (ف. 1103 ه.ق) او راست: ارجوزة فی الصرف، ارجوزة فی العوامل النحویة، ارجوزة فی الفقه والاصول والموازین الشرعیة، انوارالولایة، شمس‌الحکمة فصل‌الخطاب، کنزالحکمة، نورالهدایة.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (282 / 5)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (243 -239)، حدیقه الشعراء (1434 -1431 / 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (218 -215 / 4)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (335 -333)، الذریعه (152 / 18، 120 -119 / 17، 230 -229 / 16، 222 / 14، 884/ 9، 490، 488 -486، 482، 479 / 1)، ریاض العارفین (278 -275)، ریحانه (470 -469 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 602 -598 / 12)، فارسنامه‌ی ناصری (1569 -1568 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین شیرازی)، مرآت الفصاحه (507 -506).

قطب‌الدین طریثیثی نیشابوری، ابوالمعالی مسعود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(578 -505 ق)، محدث، مدرس، مفسر، ادیب، واعظ و فقیه شافعی. اصل وی از طریثیث نیشابور است. وی یگانه پیشوای شافعیان زمان خود بود. نزد پدرش و محمد بن یحیی، شاگرد غزالی، و عمر بن علی، معروف به سلطان، و در مرو نزد ابواسحاق ابراهیم بن محمد فقه آموخت و از هبه‌الله بن سهل سیدی و عبدالجبار خواری حدیث شیند. قطب‌الدین از پدرش ادبیات را نیز فراگرفت و برآمد و در روزگار اساتیدش وعظ گفت و فتوا داد. وی مدتی نیز در نظامیه‌ی نیشابور به نیابت از جوینی تدریس کرد. در 538 ق به بغداد رفت و وعظ گفت و مورد توجه قرار گرفت. وی برای سلطان صلاح‌الدین ایوبی کتاب «عقیده» را تألیف کرد و در آن جمیع مسائل دینی مورد نیاز را گردآوری نمود. سپس در دمشق ساکن شد و با ابونصر قشیری ملاقات کرد. در روزگار فقیه ابوالفتح مصیصی در دشمق مورد توجه قرار گرفت و در مجاهدیه درس گفت و پس از مرگ ابوالفتح تدریس در غزالیه را عهده‌دار شد، سپس راهی حلب شد و در آن جا در دو مدرسه‌ای که نورالدین و اسدالدین بنا نهاده بودند درس گفت. سپس به همدان رفت. مدتی در آنجا تدریس کرد. سرانجام به دمشق بازگشت و درس در غزالیه را از سر گرفت و به شاگردانش فقه آموخت. او هچنین در جاروخیه‌ی دمشق درس گفت، سپس به نمایندگی به بغداد رفت و داماد ابوالفتوح اسفرانیی شد. حافظ ضیاء از وی اجازه حدیث داشت. ابوالمواهب ابن صصری و برادرش حسین و تاج ابن حمویه و دیگران از وی روایت کردند. در دمشق درگذشت. در مقبره‌ای در نزدیکی مقبره‌ی صوفیه‌ی غربی دفن شد. از دیگر آثار وی کتاب «الهادی» در فقه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (115 / 8)، سیر النبلاء (109 -106 / 21)، شذرات الذهب (263 / 4)، النجوم الزاهره (86 / 6)، وفیات الاعیان (197 -196 / 5).

قطب‌الدین کیدری نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 576 ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از کیدر از روستاهای بیهق خراسان است. وی شاگرد فضل بن حسن طبرسی و ابن‌حمزه عمادالدین طوسی و معاصر با قطب راوندی بود. نقطه نظرات او در فقه مشهور و در کتابهای «مختلف» و «غایه المراد» و «مسالک» و «کشف اللثام» منقول است. از وی اشعار لطیفی باقی مانده است. از آثار وی: «الحدیقه الانیقه»، اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع)دایر بر آداب و حکم و عبرت و مواعظ؛ «انوار العقول من اشعار وصی الرسول»، که تمامی اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع) را گردآوری کرده است؛ «حدائق الحقائق فی تفسیر دقائق أحسن الخلائق»، در شرح «نهج‌البلاعه»، که آن را در 576 ق تألیف کرده است؛ کتاب «الاصباح» در فقه؛ «کفایه البرایا فی معرفه الانبیاء و الاولیاء»؛ «مباهج المهج فی مناهج الحجج»؛ «الدرر فی دقائق علم النحو»؛ «البراهین الجلیه فی ابطال الذوات الازلیه»؛ «لب الالباب»، در مسائل کلام.[1]
کیدری، محمد بن حسین بن حسن بیهقی مکنی به ابوالحسن، دانشمند معروف (ف. 776 ه.ق) او راست: الاصباح فی فقه‌الامامیة، انوار العقول من اشعار وصی الرسول ص، البراهین الجلیة فی ابطال الذوات الازلیة، حدائق‌الحقائق که شرحی است بر نهج‌البلاغه، الدرر فی دقائق علم النحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (250 / 9)، الذریعه (101 / 9، 382 / 2)، روضات الجنات (278 / 3، 80 / 6، 285 / 6)، ریحانه (473 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 260 -259 / 6)، فوائد الرضویه (494 -493)، الکنی و الالقاب (74 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (238 -237 / 9).

قطب‌الدین لاهیجی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1075 ق)، عالم امامی، ریاضیدان، عارف و شاعر. وی از علمای شیعه در سده یازدهم و از شاگردان میرداماد (م 1041 ق) و معاصر با شیخ حر عاملی بود. گذشته از مقام علمی، متألهی کامل و شاعری ماهر بود. از آثار وی: «ثمره الفؤاد»؛ رساله‌ای در «عالم المثال»؛ «محبوب القلوب»، ملمع، نظم و نثر؛ «لطائف الحساب»، به فارسی؛ «تفسیر»، به فارسی، به نام «الترجمه الانیقه»، در دو مجلد، و ترجمه «الصحیفه السجادیه»؛ «خیر الرجال»، در بیان احوال رجال مذکور در اسانید کتاب «من لا یحضره الفقیه» شیخ صدوق، که به آورده‌ی صاحب «الذریعه» تألیف شیخ بهاءالدین محمد بن شیخ ملا علی شریف لاهیجی، در 1075 ق، است و به گمان خود شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ بهاءالدین محمد همان قطب‌الدین لاهیجی است.[1]
اشکوری، محمد بن علی بن عبدالوهاب شریف اشکوری لاهیجی دیلمی، فقیه و دانشمند، از علمای امامیه‌ی قر. 11 ه. (ف. حدود 1075 ه.ق) وی شاگرد میرداماد و معاصر حر عاملی بود. او راست: ثمرةالفواد حاوی اسرار احکام دینی و حقایق اعمال، رساله‌ای در باب عالم مثال، محبوب‌القلوب (ه.م).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (192 -191 / 26، 142 -141 / 20، 206 / 15، 283 -282 / 7، 16 -15 / 5)، ریاض العلماء (124 / 5)، ریحانه (476 -475 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 499 -498 / 11، قرن 700 -697 / 12)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین لاهیجی)، هدیه الاحباب (217).

قطیفی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1315 -1251 ق)، عالم امامی. وی از علمای بزرگ عصر خود و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. در بحرین درگذشت. از آثارش: «التحفه الاحمدیه للفرقه الجعفریه فی المنشآت الصادقیه و الدعوات الجعفریه» یا «الصحیفه الصادقیه»؛ رساله‌ای در «شرح احوال استادش شیخ مرتضی انصاری»؛ «دیوان» شعر.[1]
احمد بن صالع بحرانی، عالم شیعی (ف. 1315 ه.ق) وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری است. او راست: التحفةالاحمدیة، دیوان اشعار.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (22 -21 / 15 ،886 / 9 ،413 -411 / 3)، ریحانه (481 / 4).

قفال مروزی خراسانی، ابوبکر عبدالله

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(427 / 417 -327 ق)، فقیه شافعی. برای تمییز بین او و قفال شاشی یا قفال کبیر به قفال صغیر معروف شد. اهل مرو بود و شغلش قفل‌سازی. چون به سی سالگی رسید به فراگیری علوم اسلامی روی آورد. وی فقه را از ابی‌زید فاشانی مروزی آموخت و از او، و از خلیل بن احمد سجزی حدیث شنید. در فقه و تقوی مشهور زمان خود بود. فتاوا و گفته‌های او در کتب فقهی آمده است. در ترویج مذهب شافعی زحمت بسیاری کشید و مرجع استفاده بسیاری از بزرگان شد که هر یک توانستند علوم را در اطراف پراکنده سازند. ابوعبدالله محمد بن عبدالملک مسعودی و ابوعلی حسین بن شعیب سنجی مروزی و ابوالقاسم عبدالرحمان بن محمد بن فوران مروزی از وی فقه آموختند. قفال شیخ شافعی‌ها در خراسان و صاحب طریقه‌ی خراسانیین بود. در سجستان درگذشت، و قبرش در آنجا زیارتگاه است. از آثارش: «شرح فروع محمد بن الحداد المصری»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (190 / 4)، انساب سمعانی (533 / 4)، ایضاح المکنون (188 / 2)، روضات الجنات (108 -105 / 5)، ریحانه (482 / 4)، سیر النبلاء (408 -405 / 17)، شذرات الذهب (208 -207 / 3)، العبر (233 -232 / 2)، الکنی و الالقاب (79 -78 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قفال صغیر)، معجم المؤلفین (266 / 6)، النجوم الزاهره (266 / 4)، وفیات الاعیان (46 / 3)، هدیه العارفین (450 / 1).

قمشه‌ای کبیر، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین بن محمدقاسم اصفهانی قمشه‌ای کبیر از بزرگان علماء و اعاظم فقهاء از شاگردان علامه انصاری (مدت پنجسال) و بعد از وی علامه سید حسین کوه‌کمری و آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی و علامه میرزا حبیب‌اللّه رشتی و غیر ایشان بوده تا از مبرزین علماء و معروف به فقاهت تامه در میان معاصرین خود و متأخرین گردیده و به جنگ انگلیسی‌ها در ثوره عراق با علماء نجف و کاظمین مانند آیت‌اللّه العظمی حاج سید مصطفی کاشانی و فرزند مجاهدش مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم کاشانی رفته تا در محرم 1336 ق در سن 86 سالگی وفات نموده و در ایوان مقبره شیخ‌الشریعه مدفون شده است.
دارای تألیفات عدیده رشیقه‌ای در فقه و اصول بوده است که از آنها کتب ذیل است.
1- (ادلةالرشاد) در شرح (نجاةالعباد).
2- عدة طریق التدقیق در 14 مجلد و کتب دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قمشه‌ای نجفی، محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1336 ق)، عالم امامی و فقیه. مدت پنج سال در محضر علامه انصاری تلمذ نمود. پس از ایشان از محضر علامه میرزا حبیب‌الله رشتی و دیگران استفاده کرد.وی به همراهی علماء نجف و کاظمی در جنگ عراق با انگلیس شرکت نمود. پس از درگذشت، در ایوان مقبره شیخ‌الشریعه مدفون شد. از آثارش: «ادله الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»؛ «عده طریق التدقیق لسالک سبیل التحقیق» در اصول فقه، در چهارده مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (230 / 15 ،402 / 1)، گنجینه‌ی دانشمندان (391 / 5).

قمشه‌ای، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین بن ابی‌طالب قمشه‌ای نجفی عالمی متقی و فاضلی بزرگوار و ثقه‌ای شایسته و پرهیزکاری معروف بوده است. ایشان ملقب به صغیر بود به جهت تمیز از استادش که هم‌نام او و هم‌شهری او کبیر بود و این بزرگوار از علماء و فقهاء و اخیار مجاهدین از شاگردان اخلاقی مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی و علامه آشیخ محمدحسین قمشه‌ای کبیر و میرزا حسین خلیلی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و غیر ایشان و معروف به فضل و مشارالیه به تقوی و ورع بود. بعضی از معجزات و کرامات ائمه معصومین علیهم‌السلام و بعضی از علماء صالحین را با چشم خود دیده و آنها را در مجموعه‌ای نوشته در روزهای جمعه در منزلش مجلس سوگواری برقرار و جمعی از صلحاء و اخیار و متدینین از عوام و خواص در آن شرکت می‌کردند تا در دوم محرم 1337 ق وفات نموده و در نزدیکی مقبره شیخ‌الشریعه اصفهانی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

قمی طباطبائی، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا باقر بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از علماء اعلام معاصر تهرانست.
وی در ماه ذی الحجه 1335 قمری در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و دروس مقدماتی و سطوح را نزد اساتید و علماء مشهد فراگرفته و سپس در سال 1353 قمری در خدمت والد ماجدش بعتبات عالیات مهاجرت نموده و در کربلاء معلی اقامت و از دروس خارج مرحوم والد و آیت‌اللَّه العظمی میلانی (مقیم مشهد) استفاده نموده و بعد از آن مدتی در نجف اشرف از محضر آیت‌اللَّه العظمی خوئی بهره‌مند و نیز چندی از ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی مستفیض گردیده آنگاه در سال 1366 قمری بعد از فوت مرحوم والدش آیت‌اللَّه العظمی قمی به تهران منتقل و تاکنون بخدمات دینی و روحی و اقامه جماعت در مسجد (نوریان) خیابان شمیران (باغ صبا) و مباحثات علمی و غیره اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قمی طباطبائی، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین و سید العلماء والمدرسین حاج‌آقا تقی بن العلامه الکبری والایه العظمی الفقیه العابد الناسک الورع الحاج آقاحسین طباطبائی قمی از علماء اعلام و مدرسین کرام حوزه علمیه نجف و قم‌المحمیه می‌باشد.
در ماه رجب سال 1341 قمری در مشهد مقدس رضوی متولد گردیده و در خانواده علم و دانش و محیط فضیلت و تقوا و مهد تربیت والد ماجدش نشو و نما یافته و تا سن 14 سالگی در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام اقامت نموده و در سال 1354 قمری به واسطه مبارزات مرحوم آیت‌الله والدش بر علیه منکرات و بیدادگریها در معیت آن پدر مجاهد مسافرت به عراق نموده و در کربلا رحل اقامت افکنده و به تحصیل مقدمات و سطوح پرداخته و در سال 1365 قمری به نجف اشرف منتقل شده و چندین سال از محضر آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و بالاخص آیت‌الله العظمی خوئی استفاده کامل نموده و باعلی درجه علم و فقاهت و حکمت و فلسفه و رجال ارتقا یافته و ضمنا به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و در نجف اشرف عده‌ای را تربیت نموده تا در سال 1391 قمری که مانند صدها نفر دیگر از دانشمندان از طرف دولت شوم و پلید بعثی عراق اخراج به ایران و قم را که حوزه علمیه تشیع است مرکز اقامت قرار داده و به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قمی مشهدی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1107 ق)، فقیه، مفسر، محدث، ادیب و عالم. وی با علامه محقق سبزواری و علامه مجلسی صاحب «بحارالانوار» و فیض کاشانی معاصر بود او از شاگردان علامه مجلسی و از ایشان، در 1107 ق، به دریافت اجازه نایل آمد. شیخ حر عاملی در «امل الامل» او را از فضلای معاصر خود می‌شمارد. از آثار وی: «کنز الدقائق و بحر الغرائب» یا «کنز الحقائق و بحر الدقائق»، در تفسیر قرآن که در حدود یکصد و بیست هزار بیت است و استادش علامه مجلسی در پشت این تفسیر تقریظی، در 1102 ق، نگاشته و در آن او را ستوده است؛ «شرح المنظومه» موسوم به «نجاح المطالب» یا «ارجوزه»، منظومه‌ای در صد بیت، در معانی و بیان، و شرح آن موسوم به «انجاح المطالب فی الفوز بالمارب»؛ رساله در «احکام صید و ذباحه»، به عربی؛ «التحفه الحسینیه»، در ادعیه؛ «سلم درجات الجنه»؛ «شرح الزیاره الرجبیه»؛ «شرح الصحیفه السجادیه»؛ «شرح الترصیف فی علم التصریف»، به نظم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تلامذه العلامه المجلسی (72 -71)، الذریعه (64/ 24 / 13 ،145 ،306- 307 ،356 ،14 / 92 ،18 / 151- 152 ،153- 154 ،220 ،12 / 429- 430 ،3 / 363- 364 ،2 / 496 ،1)، روضات الجنات (106- 105 / 7)، فوائد الرضویه (534 ،618)، گنجینه‌ی دانشمندان (117 / 1).

قمی، ابوالعباس عبدالله

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 310 ق)، فقیه امامی. از اصحاب مورد اعتماد و ثقه‌ی امام علی النفی (ع) و امام حسن عسکری (ع) و از شیوخ قم و در بین آنها موجه بود. پس از 290 ق به کوفه رفت و اهل کوفه از او حدیث شنیدند. ابوغالب زراری و محمد بن یحیی عطار،که از رجال کلینی هستند، از وی روایت می‌کنند. او به پسرش محمد بن عبدالله بن جعفر در 304 ق اجازه داده است. از آثار وی: «الامامه»؛ «العظمه و التوحید»؛ «التوحید و البداء و الاراده و الاستطاعه و المعرفه»؛ «فضل العرب»؛ «کتاب الدلائل»؛ «کتاب الطب»؛ «قرب الاسناد»؛ مسائل ابی‌محمد (ع) و «التوقیعات»؛ «الافاعیل و البداء»؛ «کتاب الغیبه و الحیره».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (204 / 4)، ایضاح المکنون (474، 317، 314، 311، / 2)، الذریعه (68 / 67، 270 / 16، 279، 137 / 15، 237 / 8، 501، 485 / 4، 328،256 / 2)، رجال الطوسی (432، 419)، رجال النجاشی (19 -18 / 2)، ریحانه (82 -81 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 4 / 153)، الفهرست للطوسی (190 -189)، الکنی و الالقاب (199 -198 / 2)، معجم المؤلفین (40 / 6).

قمی، ابوالقاسم سعد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 301 / 300 / 299 / 297 ق)، محدث و فقیه امامی. اهل قم بود. در طلب حدیث سفرها نمود و از احادیث عامه بسیار شنید، و محدثین سرشناس آنها چون حسن بن عرفه و محمد بن عبدالملک دقیقی و ابوحاتم رازی و عباس ترقفی را ملاقات کرد. برخی گفته‌اند که او امام حسن عسکری (ع) را نیز ملاقات کرده است. سعد کتب بسیاری تصنیف نمود. از آثارش: کتاب «الرحمه»؛ «فضل النبی (ص)»؛ «فضل ابی‌طالب و عبدالمطلب و عبدالله»؛ «مقالات الامامیه»؛ «مناقب رواه الحدیث»؛ «مثالب رواه الحدیث»؛ «بصائر الدرجات»، در چهار جزء؛ «فضل قم و الکوفه»؛ «المنتخبات»، در حدود یک هزار برگ؛ «مناقب الشیعه»؛ «فضل العرب»؛ «ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه»؛ «الرد علی الغلاه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (136 -135 / 3)، الذریعه (362، 328، 327 / 22، 76، 75 / 19، 275، 272، 270، 267 / 16، 121 / 15، 222، 214، 212، -211 / 10، 283 / 1)، رجال الطوسی (431)، رجال نجاشی (404 -401 / 1)، الفهرست للطوسی (153 -152)، معجم رجال الحدیث (87 -74 / 8).

قمی، ابوطالب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا ابوالحسن از اجله علماء و سادات بلده طیبه قم و از تلامذه و شاگردان و دامادهای مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین است و مرحوم میرزا نهایت وثوق را به او داشتند چنانکه بسیاری از حکومات شرعیه را به ایشان رجوع می‌فرمود و عالمی ثروتمند و متمول بود که بسیاری از ارامل و ایتام و بینوایان را تکفل می‌فرمود و در آن موقع که مردم قم نیازمند به آب بودند آب انبار بزرگی در قم جنب میدان کهنه بنا نمود و بعد از حیوة خود ثلث املاک خود را وقف بر مصارف خیر کرده و در سال 1249 وفات نمود و در بقعه جناب زکریا بن آدم مدفون گردید.
مرحوم میرزا علی‌اکبر فیض در تاریخ خود گوید: میرزا ابوطالب قمی‌الاصل است فضلی باهر و قدسی متکاثر داشت و داماد مرحوم میرزا ابوالقاسم بوده و ایشان پدر و مادر مرحوم آقای حاج میرزا سید حسین متولی‌باشی (بقعه منوره فاطمیه معصومه علیهاالسلام) از همان صبیه مرحوم میرزا بود کتابی دارد به نام سؤال و جواب.
(وف 1249 ق)، عالم امامی. اصل او از قم و از شاگردان و داماد میرزای قمی، صاحب «قوانین»، بود. میرزای قمی نسبت به ایشان اعتماد فراوان داشت و بسیاری از داوریهای شرعی را به وی واگذار کرده بود. او عالمی ثروتمند بود و بسیاری از ایتام و بینوایان را تکفل می‌نمود. در قم آب‌انبار بزرگی جنب میدان کهنه بنا نهاد و وصیت کرد که ثلث املاک او را وقف مصارف خیر کنند. وی در بقعه‌ی زکریا بن آدم دفن شد. از آثارش: کتاب «سؤال و جواب».[1]
ایشان مالک سه روستای اطراف قم بنام های زنبیل آباد ، فرج باد، و علی آباد بوده که ثلث هر یک یعنی دو دانگ از آنها را برای مصارف خیریه (روضه خانی سید الشهداء ، زوار فقیر کربلا و مشهد و فقرای ارحام واقف) وقف نموده است . زنبیل آباد فعلا جزء شهر قم بنام بلوار شهید صدوقی حدود 500 قطعه منزل و مغازه گردیده است و حاجی آباد هم بنام شهر قنوات حدود 70 هکتار اراضی کشاورزی و مسکونی وقف می باشدعلی آباد جنب مبارک آباد نیز حدود 16 و نیم هکتار از اراضی کشاورزی آن از موقوفات میرزا ابوطالب می باشد.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون به نقل از متولی موقوفه

منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 39 / 13)، گنجینه‌ی دانشمندان (130 / 1).

قمی، جواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در مآثر و آثار می‌گوید: حاج سید جواد قمی مجتهدی مسلم و مروجی مبسوط الید بود و در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعیه از هیچ نکته فرونمی‌گذاشت مکرر به تهران آمد و صحبت شریفش ادراک شد. در فقه و اصول و رجال تصنیفات دارد در ماه رمضان سال 1303 قمری هجری به شهر قم رحلت یافت رفع اللّه درجته.
فرزند ارجمندش مرحوم عالم جلیل و فاضل کامل نبیل مرحوم حاج میرزا زین‌العابدین که از اجلاء علماء و از طراز اول تلامذه مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی قدس سره بود در حاشیه رجال ابوعلی به خط خود حالات ایشان را از این قرار نگاشته:
الحاج سید جواد قمی اعلی اللّه مقامه ملقب به جواد نام شریفش سید محمدتقی است تلمذ نمود در عنفوان شباب بر جماعتی از اعلام و کوچ کرد از قم به اصفهان به جهت تلمذ برسید جلیل و عالم نبیل سید محمدباقر اصفهانی و تلمذ نمود در آن شهر نیز بر جماعتی از اعلام پس کوچ کرد به مشهد مقدس غری و تلمذ نمود مدت کمی نزد شیخ اجل مرتضی انصاری و رجوع نمود به قم و تصنیف کرد در قم کتاب «مقالید الاحکام» را در شش جلد و آن کتاب بزرگ پرفائده و پر فرعی است و کتاب «الدرة الباهره فی احکام العترة الطاهره» و آن در دو مجلد است و کتاب «ینابیع» در توحید و ثبوت و اثبات کفر بعض اهل الحاد و بدعت و از برای اوست قریب بیست رساله با اینکه مشغول بود به ترویج دین و قمع ظالمین و او را رحمةاللّه علیه محاسباتی بود با نفس خود در ایام حیاتش و مردی ورع و زاهد و کثیرالتهجد والبکاء بود بسیاری از اوقات مناجات ابی‌حمزه ثمالی را در قنوت نماز وترش قرائت می‌نمود و او را کرامات باهراتی است در موقع وفات شصت و سه سال داشت در روز شنبه سوم شهر صفر سنه 1303 رحلت و در دارالایمان قم در بقعه زکریا بن آدم نزد قبر پدر و جدش مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، سعید

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه خونساری در باب سین ص 301 روضات الجنات گوید، القاضی سعید بن محمد مفید القمی اوست مولا و فاضل حکیم بارع عارف متشرع ادیب کامل محقق صمدانی که در بعضی از نوشته‌هایش از خود تعبیر به بنده ملتجی به درب صاحبان توحید محمد معروف به سعید نموده است.
دست بازی در مراتب ولایت و عرفان و روش عالی بر طریقه اهل معرفت و وجدان دارد. وی از بزرگان فضلاء حکمت و ادب و حدیث و تأویل و مؤید به روح‌القدس در استنباط نکات و دقایق خفیه و اطلاع بر اسرار و ضمایر و مکاشفات بوده است.
در عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم با وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می‌نموده و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است.
بیشتر و عمده تلمذ و شاگردیش در محضر محدث بزرگوار مولانا محمد محسن فیض کاشانی بوده شباهت تامی در مشرب و روش به خواهرزاده‌اش شیخ نورالدین که به منزله پیراهن تن او و زبان وی در ظاهر و باطن بوده داشته است.
تألیفات و آثار ارزنده بسیاری دارد در حدیث و اخلاق که بعضی از آن را اشاره می‌نمایم:
1- شرح کبیری بر کتاب توحید صدوق در چندین مجلد، 2- کتاب اربعینیات که در او چهل رساله جمع کرده که از هر کدام چهل باب از بابهای معارف و تحقیقات باز می‌شود و آن از بهترین تصنیفات شیعه است.
قبر شریف این بزرگوار در نزدیک قبر جناب شیخ ابوالحسن علی بن بابویه در کنار خیابان ارم مقابل پارک فعلی شهرداری شهرستان قم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، عبداللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از بزرگان علماء و سادات سلسله جلیله رضویه برقعی قم است که سلسله نسب و اجازه‌اش را در سنگ قبرش که در شیخانست نوشته‌اند.
در ابتداء جوانی مهاجرت به نجف اشرف نمود و در آن شهر بر علماء اعلام مخصوص شیخ راضی عرب و مرحوم حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی قدس سرهما تلمذ نمود تا به درجه رفیعه اجتهاد نائل گشته و در سال 1288 هجری مجتهداً به قم مراجعت نمود. و در مسجد امام حسن علیه‌السلام اقامه جماعت می‌کردند در شهر قم ریاستی بزرگ داشت. و قریب چهل سال مشغول ترویج شریعت و رفع مرافعه و قضاوت بود تا در شهر ربیع‌الاول سنه 1333 هجری در سن هشتاد و چهار سالگی بدار بقا خرامید و در قبرستان شیخان بزرگ در مجاورت قبر ابوجریر اشعری مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، غلامعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ غلامعلی قمی عالمی صالح و متقی و فاضلی جلیل و پارسا از افاضل شاگردان آخوند خراسانی و مشار بالبنان مقیم سامرا بوده و در آنجا وفات نموده و جنازه‌اش حمل بنجف و در جوار حضرت علی (ع) مدفون شده است دارای دو فرزند فاضل بنام آشیخ محمود (داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ علی‌اکبر برهان تهرانی) و آشیخ هادی که از افاضل نجف می‌باشند بوده است
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، فیض

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آیت‌اللَّه فیض قمی از آیات عظام و فقهاء کرام و مراجع والامقام شهرستان قم عالمی عادل و جامعی کامل و فقیهی بزرگوار بوده‌اند. تولدش در سال 1393 قمری در قم واقع شده و مقدمات و سطوح را خوانده و برای تکمیل فقه و اصول و حکمت و عرفان به تهران رفته و خدمت آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن آشتیانی صاحب حاشیه بر وسائل تحصیل فقه و اصول نموده و نزد میرزا محمود قمی و شیخ علی رشتی تحصیل حکمت و عرفان کرده و در سال 1317 به نجف اشرف عزیمت و در حوزه درس مرحوم آخوند خراسانی و علامه طباطبائی یزدی شرکت کرده است و پس از استفاده کامل از محضر این دو بزرگوار برای سیر دقایق افکار و تحقیقات رشیقه حضرت آیةاللَّه میرزا محمدتقی شیرازی به سامرا هجرت نموده و علاوه از اینکه در شمار اعاظم تلامذه آن بزرگوار درآمدند یکی از مدرسین نامی آنجا محسوب شده فوق‌العاده مورد عنایت و عقیده و طرف توجه مرحوم شیرازی گشته که همان زمان در احتیاطات مطلق بعضی از مقلدین خود را به ایشان ارجاع می‌فرمودند.
چنانچه بعد از مراجعت به قم هرکس از اهالی قم و ساوه و اطراف آن که از آیت‌اللَّه مزبور سؤال می‌نمودند که احتیاطات مطلق شما را به کدام یک از علماء رجوع کنیم ایشان را در قم تعیین می‌کردند.
در سال 1333 قمری به قم مراجعت کرده و از رؤسای روحانی این شهر گردیده و برای تربیت طلاب علوم دینیه آن زمان (پیش از ورود مرحوم آیت‌اللَّه حایری) کمر همت بسته مدرسه فیضیه که بسیاری از حجرات آن انبار علافها و بقالها شده بود از دست آن جماعت انتزاع نموده و مسکن طلاب قرار داده و خود در آن مدرسه تدریس می‌فرمودند.
و قبل از ورود مرحوم حایری در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیهاالسلام اقامه جماعت داشتند پس از آمدن آن مرحوم محل نماز خود را تفویض و تا چند شب هم به ایشان اقتداء و بعد در مسجد امام علیه‌السلام مستقلا اقامه جماعت نموده و در همانجا هم تدریس می‌کردند.
پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه حایری همت بیشتری برای حفظ جمعی از طلاب و محصلین گماشته و به آنها شهریه خصوصی می‌دادند در سال 1367 قمری که سال حج العلماء بود با چند نفر از فرزندان و خواص اصحاب خود به مکه مشرف شده که این حقیر در منی و مکه زیارتشان

کردم و از محضر فیضشان درک فیض کردم.
در 25 ماه جمادی‌الاولی سال 1370 قمری در هنگام نماز موقع تشهد از دنیا رفت و قم و حوزه علمیه و مسلمین را به فقدان خود داغدار نمود قبر شریفش در ایوان طلای حضرت معصومه علیهاالسلام مورد توجه مردم است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمد بن رضا

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل گوید: آنجناب از فضلاء معاصرین بوده و گوید او راست شرح منظومه در معانی و بیان که یکصد بیت است و آن را «انجاح المطالب» نامیده و صاحب روضات گوید المولی میرزا محمد بن المولی محمد بن رضا بن المولی اسماعیل ابن جمال‌الدین المشهدی القمی مردی فاضل و عالمی عامل و جامع و ادیب و محدث و فقیه و منسر و نبیه و موثق و وجیه و از علماء زمان علامه سبزواری (جناب مولی محمدباقر ابن‌محمد مؤمن سبزواری اصفهانی) و علامه مجلسی (صاحب بحار) و مرحوم فیض کاشانی است او راست کتاب تفسیر کبیر موسوم به «کنزالدقایق و بحرالغرائب» که تقریباً یکصد و بیست هزار بیت است و سبقت نگرفته است او را به این طرز تفسیر احدی از علماء قدیماً و جدیداً و از برای اوست ایضاً کتاب کبیری در اعمال سال به فارسی که خوش طرز و پرفایده است و رساله‌ای به عربی در احکام صید و ذباحه با نهایت استدلال و غیر اینها از کتب دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمد طاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1100 / 1098 ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم و محدث. وی شیخ الاسلام و امام جمعه‌ی رسمی قم و استاد شیخ حر عاملی و علامه‌ی مجلسی بود و این دو از وی روایت کرده‌اند. در قم درگذشت و در پشت مرقد زکریا بن آدم دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا دلیلا»، در امامت ائمه (ع)، که در کنار چهل حدیث، چهل دلیل در اثبات امامت امیرالمومنین (ع) ذکر کرده و عقاید عامه را در اصول و فروع به نقد کشیده و آن را «الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین و امامه الائمه الطاهرین (ع)» نامیده است؛ «بهجه الدارین»، در جبر و تفویض و امر بین الآمرین؛ «حجه‌الاسلام»، در شرح «تهذیب الاحکام»؛ «فرحه الدارین»، در تحقیق معنی عدالت بر مذهب امامیه؛ «حکمه العارفین فی رد شبه المخالفین من المتصوفین و المتفلسفین»؛ «مونس الابرار»، قصیده‌ای به فارسی در مدح امیرالمومنین (ع) و شرح آن به نام «تحفه الابرار» یا «تحفه الاخیار»؛ رساله «الجمعه»؛ رساله «الفوائد الدینیه»؛ رساله در معنی نماز به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (205 / 2 ،414 ،392 ،200 ،55 / 1)، الذریعه (281 -280 ،272 / 23 ،158 / 16 ،278 ،73 -72 / 15 ،157 / 13 ،58 ،41 -40 / 7 ،257 / 6 ،498 / 4 ،417 ،162 / 3 ،419 ،200 / 1)، ریاض العلماء (111 / 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 303 -302 / 11)، فوائد الرضویه (548)، معجم المؤلفین (101 / 10)، هدیه العارفین (301 / 2).

قمی، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدرضا قمی فقیهی بارع و عالمی جلیل از شاگردان میرزای شیرازی بوده و در تهران اشتغال به وظائف دینی و روحی داشته تا وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، محمدطاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن محمد حسین الشیرازی ثم النجفی، در کتاب امل‌الامل است که وی از اعیان فضلاء معاصرین و مردی عالم و محقق و مدقق و بسیار ثقه و فقیه و متکلم و محدث و جلیل‌القدر و عظیم‌الشأنست.
او را کتبی است که از آنهاست «شرح تهذیب الحدیث» و کتاب «حکمة العارفین» در رد شبه مخالفین و کتاب «اربعین» در فضائل امیرالمؤمنین و امامت ائمه‌ی طاهرین و «رساله جمعه» و رساله «فوائد دینیه» در رد حکماء و صوفیه و کتاب «حجةالاسلام» و غیر اینها از کتب و رسائل که ما آنها را از او روایت می‌کنیم.
نگارنده گوید: این بزرگوار که معاصر با محقق فیض کاشانی و دولت صفویه است در زمان خود شیخ‌الاسلام قم و امام جمعه بوده در سفری که به اصفهان نموده علامه مجلسی صاحب بحارالانوار از وی اجازه گرفته که در کتاب اجازات بحار آن را ذکر کرده است و در کاشان نیز دانشمند عظیم‌الشأن مرحوم ملا محسن فیض به ملاقاتش رفت و از اینجا میزان شخصیت و موفقیت ممتاز این عالم جلیل‌القدر معلوم می‌گردد.
کتاب دیگری به نام «تحفةالاخیار» که به فارسی بسیار سلیس و متین در رد صوفیه نوشته است که مرحوم عاملی آن را ذکر نکرده و این از بهترین کتب رد صوفیه است و این کتاب مطبوع می‌باشد قبر شریف این بزرگوار در شیخان قم در بقعه جناب زکریا بن آدم است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدابراهیم بن محمدعلی قمی عالمی فقیه و پرهیزکاری مقدس از شاگردان صاحب (الضوابط) و صاحب جواهر و علامه انصاری داماد شیخ مشکور نجفی بوده و در تهران اقامت نموده تا در 28- ج 1301 -2 ق وفات نموده فاضل مراغی در کتاب (المآثر والاثار) ص 179 وی را یاد نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قندوزی بلخی، سلیمان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1294 / 1293 -1220 ق)، فقیه حنفی و صوفی. ساکن قسطنطنیه بود و در همان جا درگذشت و در مقبره‌ای مخصوص، در خانقاه مرادیه، دفن شد. از آثار وی: «اجمع الفوائد»؛ «مشرق الأکوان»، بشاراتی درباره حضرت حجت (ع)؛ «ینابیع الموده»، در مناقب ذی‌القربی و اهل‌بیت نبی (ص) که در 1301 ق، در عهد دولت عثمانی، در اسلامبول به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (731 / 2)، الذریعه (290 / 25 ،47 / 21)، معجم المؤلفین (252 / 4)، هدیه العارفین (408 / 1).

قوام الدین کرمانی، ابومحمد، ابوالفتح مسعود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(664- 748 ق)، ادیب و فقیه حنفی. در دیارش علوم مقدماتی را فراگرفت و آن‌گاه در ادبیات عرب و فقه و اصول مهارت پیدا کرد و نظم و نثر نیکویی یافت. پس به دمشق رفت و ساکن آنجا شد. سپس مدتی را در قاهره گذرانید و سرانجام به دمشق بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند.
از آثارش: شرح «کنز الدقائق» به نام «شرح الکنز»، در فروع فقه حنفی؛ حاشیه بر «الکاشف الذهنی» در شرح «المغنی» خبازی خجندی، در اصول فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8 / 115)، شذرات الذهب (158 -157 / 6)، کشف الظنون (1749، 1516)، هدیه العارفین (2 / 429).

قوام‌الشریعه، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسن قوام الشریعه همدانی طاب ثراه در حدود تاریخ 1320 هجری قمری در شهر همدان چشم بجهان گشود، پدر ایشان پس از بازگشت از نجف اشرف در همدان و تهران و اصفهان به بیان مناقب آل‌عصمت علیهم‌السلام پرداخت و سرانجام در همدان درگذشت و به قم منتقل و در قبرستان آیت‌اللّه العظمی حائری دفن شد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قوچانی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ عباس قوچانی از افاضل دانشمندان خراسان و قوچان است در نجف اشرف وی در قوچان متولد شده و مقدمات و سطوح وسطی را در آنجا و مشهد مقدس خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و در اخلاق و عرفان از محضر جمال السالکین عالم ربانی و آیت سبحانی حاج میرزا علی آقای قاضی استفاده نموده تا به مدارج علم و اخلاق رسیده است.
و گذشته از معظم له آقایان آقا شیخ عبداللّه بلقانی و آقا شیخ عبداللّه ابراهیمی و آقا شیخ براتعلی حسین‌زاده و آقا شیخ ذبیح‌اللّه سلامی و آقای صاحب‌الزمانی از مدرسین مدرسه عوضیه قوچان و ائمه جماعت مساجد این شهرستان می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قومسانی همدانی، ابوالفضل محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(471 -399 ق)، محدث، فقیه و ادیب. معروف به ابن‌زیرک. نسب وی به قومسان همدان می‌رسد. شیخ همدان در روزگار خود در فنون علمی یگانه دورانش بود. او از پدرش، ابوالقاسم عثمان، و عمویش، ابومنصور محمد، و دائیش، ابوسعد عبدالغفار و ابن‌خلنجان و علی بن احمد بن عبدان و یوسف بن کج الفقیه و حسین بن فنجویه و دیگران و همچنین با اجازه از ابوالحسن بن رزقویه و ابوعبدالرحمان سلمی حدیث روایت کرده است. اکثر مشایخ بغداد با اجازه از وی روایت کرده‌اند همچون ابوبکر شادان و ابوالحسن رزقویه و دیگران. شیرویه گوید که وی محدثی صدوق و ثقه و دارای شأن و حشمت بود و در تفسیر ید طولانی داشت. او فقیه و ادیبی متعبد بود و دارای حسن خط و عبارت. عمده مشایخ بغداد از وی روایت کرداند. پس از مرگ در رأس کهر دفن شد و قبرش مزار گردید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (1177 / 3)، سیر النبلاء (435 -433 / 18)، شذرات الذهب (341 / 3)،العبر (330 / 2)، معجم البلدان (470 / 4)، الوافی بالوفیات (84 / 4).

قهستانی الاصم، ابوقریش محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 313 ق)، محدث، فقیه، حافظ و مصنف. وی در پی حدیث سفرهای بسیار نمود. از ابومسلم قهستانی و محمد بن حمید رازی و احمد بن منیع بغوی و محمد بن زنبور مکی و اباکریب محمد بن علاء همدانی و یحیی بن حکیم مقوم و محمد بن مثنی عنزی و سلم بن جناده و محمد بن سهل بن عسکر و عبدالجبار بن علاء عطار و سعید بن عبدالرحمان مخزومی و همطبقه‌ی آنها در ری و کوفه و بصره و حجاز حدیث شنید. حدیثش در خراسان انتشار یافت، به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. ابوبکر شافعی و ابوبکر بن علی رازی و ابوالحسین بن یعقوب حجاجی و ابوسهل صعلوکی و ابوعلی نیشابوری و ابوحامد احمد بن سهل انصاری و ابوعمرو بن حمدان و ابوحامد بن شرقی و ابوعبدالله بن یعقوب اخرم از وی حدیث شنیدند. در قهستان درگذشت. در «تاریخ حبیب السیر» نام پدر وی جعفر ذکر شده است. از آثارش: «المسند»، مرتب به ترتیب ابواب، و مرتب به ترتیب رجال؛ «حدیث مالک و سفیان ثوری و شعبه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (301 / 6)، انساب سمعانی (562 / 4)، بزرگان قائن (517 -514)، تاریخ بغداد (170 -169 / 2)، تاریخ نیشابور (122)، حبیب السیر (293 / 2)، سیر النبلاء (306 -304 / 14)، شذرات الذهب (268 / 2)، طبقات الحفاظ (324)، العبر (468 / 1)، الغدیر (147 / 1)، الوافی بالوفیات (310 -309 / 2).

قهستانی، شمس‌الدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 967 ق)، فقیه حنفی، زاهد، عالم، مدرس، ادیب و شاعر. ملقب به ابوحنیفه‌ی ثانی، به جهت تسلطی که بر فقه حنفی داشت. وی مفتی بخارا بود. مدتی از سوی والیان ازبک به قضاوت بخارا منصوب شد و در آن جا به تدریس و تقریر فقه پرداخت. با ملا عصام‌الدین، از بزرگان سده‌ی نهم هجری، مصاحب بود. تاریخ درگذشتش در مراجع و مآخذ به اختلاف ذکر شده است. او در مزار خواجه بهاءالدین نقشبند دفن شد. از آثارش: «جامع الرموز»، در شرح «النقایه مختصر الوقایه» صدر الشریعه ثانی عبیدالله بن مسعود حنفی، در فقه؛ حاشیه بر حاشیه سید شریف جرجانی بر «شرح الشمسیه»؛ «مقدمه الصلوه» به نظم؛ «رساله در دلالت»به عربی، در منطق؛ حاشیه بر «شرح آداب البحث»؛ شرح «رساله صلوه»، که آن را برای فرزندش کمال‌الدین محمد در 967 ق املا نمود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (233 / 7)، بزرگان قائن (606 -601)، تاریخ نظم و نثر (619)، حبیب السیر (360 -359 / 4)، شذرات الذهب (300 / 8)، کشف الظنون (1971).

کازرونی فارسی، ابوعمر عبدالواحد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(410 -318 ق)، فقیه و محدث. مشهور به ابن‌مهدی، مسند زمان خود بود. از قاضی ابوعبداللّه حسین محاملی و ابوالعباس بن عقده و محمد بن احمد بن یعقوب بن شیبه و محمد بن مخلد عطار و حسین بن یحیی بن عیاش قطان و محمد بن اسماعیل فارسی و اسماعیل بن محمد صفار و محمد بن عمرو رزاز و ابوعمر بن سماک حدیث شنید. خطیب بغدادی و هبة اللّه بن حسین بزاز و یوسف بن محمد مهروانی و خطیب انباری و ابوالحسن داوودی و عبدالرحمان بن ابوبکر طبری و بزرگ معتزلیان ابویوسف عبدالسلام بن محمد قزوینی مفسر از وی روایت کرده‌اند. ذهبی قسمت‌های عمده‌ای از «المحاملیات» قاضی محاملی را به دست آورده بود که از ابوعمر کازرونی که از آخرین اصحاب محاملی است نقل شده بود. در بغداد درگذشت و در گورستان باب الحرب آنجا دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (14 -13/ 11)، سیر النبلاء (222 -221/ 17)، شذرات الذهب (192/ 3)، العبر (218/ 2)، النجوم الزاهرة (246 -245/ 4).

کازرونی، ابوالسعود محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1058 -980 ق)، فقیه شافعی. پیشوای شافعیان مدینه بود. از آثار وی: «التذکرة الکازرونیة»، که هر چیز غریب و نادر را در آن جمع کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (276/ 1)، معجم المؤلفین (98/ 12 ،218/ 4)، هدیة العارفین (284/ 2 ،243/ 1).

کازرونی، تاج‌الدین، ابوالبرکات محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(843 -757 ق)، محدث و فقیه شافعی. معروف به حاج هراس کازرونی. اصلش از کازرون بود و در مدینه به دنیا آمد. در زادگاهش فقه آموخت و فنون حدیث را از عراقی و نحو را از جمال محمد بن شهاب شامی و تج عبدالواحد بن عمر انصاری فراگرفت و از جلال خجندی حنفی بهره برد. او به مصر و شام رفت و در محضر بهاء
ابی البقاء سبکی فقه و عربیت را تکمیل کرد و ملازم وی و سراج بلقینی شد و آن دو به او اجازه دادند تا مقام افتاء و تدریس را احراز کند. سپس فقیه مدینه گشت و قضاوت آنجا را عهده‌دار و نیز متصدی منصب افتاء و تحدیث شد. او در مدینه درگذشت. از آثارش: مختصر «المغنی» بارزی، در فروع؛ شرح «التنبیه» ابواسحاق؛ شرح «مختصر التنبیه» عیسی بجلی، در سه سفر؛ شرح بر «شرح التنبیه»؛ «تفسیر قرآن»؛ «بحر السعادة»، در اخلاق و ادب، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الضوء اللامع (97 -96/ 7)، کشف الظنون (225 -224)، معجم المؤلفین (17/ 9)، هدیة العارفین (194/ 2).

کازرونی، عبدالسلام

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ عبدالسلام ابومسلم کازرونی بن احمد متوفی ذی‌حجه 626 ق در شیراز عالمی فقیه و شاعری نبیه بود و در رباط امینی تدریس می‌کرد ابیات ذیل از اوست.
یا من بوجوده فنائی
ما بال هواک فی التنائی
هجرانک والممات عندی
سیان و حرمة الوفاء
قد امرضنی و لست ارجو
الا بوصاله دوائی
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کازرونی، منصور

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 860 ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و متکلم. در 858 ق مجاور مکه شد و در همان جا تا پایان عمر در حال گوشه‌گیری از مردم باقی ماند. او در مکه درگذشت. تصانیف وی را در حدود صد اثر ذکر کرده‌اند که از آن جمله: «لطائف الالطاف فی تحقیق التفسیر و نقد الکشاف»؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «حجة السفرة البررة علی المبتدعة الفجرة»، در نقد «الفصوص» ابن عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (236/ 8)، ایضاح المکنون (403/ 2)، شذرات الذهب (297/ 7)، معجم المؤلفین (12 -11 / 13).

کاسنی نسفی، ابونصر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 343 ق)، فقیه شافعی، عالم، ادیب و شاعر. در ابتدا تنها در ادبیات مهارت داشت. سپس فقه را فراگرفت به طوری که از برجستگان مذهب شافعی گشت. او از ابوحسین محمد بن طالب نسفی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی حدیث شنید. وی در روزگار جوانی در قریه‌ی کاسن درگذشت. از آثارش تصنیف کتاب «تواتر الحجج» یا «تواتی الحجج»، در فقه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (17 -16/ 5)، ایضاح المکنون (335/ 1)، معجم المؤلفین (250/ 1).

کاشانی غروی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد الغروی بن العلامه البارع آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسین (مجتهد نطنزی) کاشانی از مشاهیر دانشمندان کرام و آیات عظام معاصر تهران است.
وی در سال 1313 قمری هجری در دار المومنین کاشان متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات از محضر مرحوم والدش که از مراجع و مجتهدین بزرگ عصر خود بوده و در کتاب (مآثر و آثار) مذکور میباشد، و نیز مرحوم مبرور آیت‌اللّٰه آخوند ملا حبیب اللّٰه کاشانی صاحب تألیفات کثیره و بزرگان دیگر کاشان استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و از محضر و دراسات آیت‌اللّٰه العظمی حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّٰه استاد الاساتید آقا ضیاءالدین عراقی رضوان اللّٰه علیهم اجمعین استفاده کامل فرموده و تقریرات آنان را برشته تحریر آورده و از آن بزرگواران بدریافت اجازه اجتهاد نائل سپس مراجعت بوطن و چندی بتدریس و وظائف روحی پرداخته، پس از آن عزیمت به تهران و در عاصمه تشیع رحل اقامت افکنده و تاکنون بقضاء حوائج مؤمنین اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه غروی دانشمندی جامع و عالمی بارع و مجتهدی جامع الشرایط و دارای معقول و منقول و حاوی فروع و اصول و ادیبی کامل و از نوادر عصر بشمار می‌رود. درب منزلش بروی همگان باز و در سخاوت و عطا ممتاز و در استخاره با قرآن مجید و فهم مراد مردم از قرآن و توضیح دادن خیر و شر مقاصد مشاور بالبنان و همه روزه صدها نفر از عموم طبقات بمنزل معظم له مراجعه و با استخاره و اشاره آن جناب رفع تحیر و سرگردانی از خود نموده و می‌نمایند.
محضری شیرین و منطقی نمکین و طبعی روان و ذوقی فراوان و اشعار بسیاری در مواعظ و مدایح و غیره دارد. بسیاری از شعراء کاشان و تهران وی را ستوده و قصائدی در مناقب او سروده‌اند. از شرکت در اجتماعات غالبا خودداری و از تظاهرات کناره‌جوئی نموده و معتکف در بیت خویش می‌باشد.
روزهای جمعه در منزلش مجلس تبلیغ منعقد و عموم طبقات و بالاخص علماء تهران و غیره شرکت نموده و از بیانات گویندگان ماهر و بالاخص مطالب سودمند و علمی معظم له استفاده می‌نمایند.

خاطراتی عجیب از فداکاریها و مبارزات آن جناب با منکرات دارم و چند شبانه‌روز در یکی از حوادث در خدمتشان بوده‌ام ادام اللّه عمره و اطال اللّه بقاه آمین یا اللّه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کاشانی نجفی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالقاسم کاشانی نجفی فرزند احمد حسینی کاشانی در حدود سال 1230 قمری در کاشان متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و در دوران کودکی را در دامن پدر بزرگوارش که از علماء و بزرگان دانشمندان کاشان بوده گذرانیده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در آنجا نزد ایشان فراگرفته و بعد به همراه والدش عزیمت به نجف اشرف نموده و تا آخر عمر در آنجا اقامت نمودند تا حدود سال 1318 که وفات نموده و در وادی السلام مدفون شدند.
آن مرحوم نزد بزرگان نجف اشرف مانند مرحوم شیخ مرتضی انصاری و سید علی بحرالعلوم تلمذ نموده تا به مرتبه اجتهاد نائل شده است.
تألیفات ایشان
1- کشف الاسرار الخفیه فی شرح الدره النجفیه در فقه دو جلد.
2- کشف المهمات والالغاز و المعمیات.
3- المشکاة الزاهرة فی احوال الخمسه الطاهره.
(سید) ابوالقاسم بن (سید) احمد کاشانی‌الاصل نجفی المسکن، از افاضل علمای امامیه (ف. 1298 یا 1318 ه.ق) او راست: کشف‌الاسرار الحنفیة فی شرح الدرة النجفیة، که منظومه‌ی فقهی دره‌ی نجفیه‌ی سید بحرالعلوم را با کمال اتقان شرح کرده و دو مجلد از آن برآمده که تا باب اغسال است، کشف‌المهمات فی الالغاز والمعمیات به پارسی (ریحانة‌الادب، لغ.).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

کاشانی نجفی، احمد فیضی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1286 ق)، فقیه و مجتهد. وی از نوادگان فیض کاشانی بود و در کاشان به دنیا آمد. مادرش از سادات لاجوردی کاشان بود. در خاندان فضل و دانش نشو و نما یافت. چون به سن تمییز رسید پس از فراگیری قرائت و کتابت و مقدمات علوم نزد علمای شهر خویش به نجف مهاجرت کرد و در بحث شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، حاضر شد و «تقریرات» استاد خویش را نوشت و ملازم وی گردید تا از وی به دریافت اجازه نایل شد. پس از درگذشت شیخ محمد حسن نجفی، وی ملازم شیخ مرتضی انصاری شد و مدتی طولانی در مجلس درس و بحث او شرکت کرد و «تقریراتش» را نوشت، تا اینکه از برجسته‌ترین شاگردان شیخ انصاری گردید و از جانب وی نیز به دریافت اجازه نایل شد. کاشانی همچنین از اساتید بزرگی چون شیخ محمد قاسم بن محمد نجفی، صاحب «کنز الاحکام فی شرح شرایع الاحکام»، و شیخ زین‌العابدین مازندرانی حائری و سید محمد رضا بن محمد حسین حسینی کاشانی کلهری صاحب اجازه بود. او تحقیقات وسیعی در معانی الفاظ ادعیه و زیارات داشت و بسیاری از آنها را بر حواشی کتب ادعیه و زیارات نگاشته بود. از دیگر آثار وی کتاب «الفوائد» است که ملا محمد حسین سلطان آبادی قسمت‌هایی از آن را در کتاب خود «عجالة الراکب» نقل کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 106 -104/ 13)، معجم المؤلفین (147-146/ 2).

کاشانی نجفی، مصطفی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1337/ 1336 -1268/ 1266 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مفسر، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در کاشان به دنیا آمد. بعد از گذراندن مقدمات، فقه و اصول و معقول و منقول و ریاضیات را در حوزه‌ی درس پدرش فراگرفت. سپس به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد تقی، صاحب حاشیه «معالم»، بهره گرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. در 1292 ق در حالی که جامع جمیع علوم و ماهر در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و ریاضی بود به تهران آمد. در 1296 ق پس از فوت پدرش قائم مقام منصب او گشت و چندین سال ریاست علمی و مرجعیت مذهبی مردم را عهده‌دار بود. در 1313 ق حج گزارد و در بازگشت در نجف سکنی گزید و از علمای آنجا بهره برد و خود حوزه‌ی درس و بحث مستقل تشکیل داد و یکی از علمای بزرگ نجف به شمار آمد. در 1333 ق به همراه علمای مجاهد قیام مردمی ضد انگلیس را اداره و رهبری کرد. او سپس تا پایان عمر در کاظمین ماند و در آنجا درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «التجری»، پیرامون مسائل اصول فقه؛ «الاجزاء»؛ «رسالة فی منجزات المریض»؛ «الاستصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی.[1]
(حاج سید) مصطفی بن (حاج سید) حسین کاشانی‌الاصل تهرانی المسکن، از بزرگان علمای امامی (ف. 1337 ه.ق). وی سالها در تهران ریاست علمی و مرجعیت عمومی داشت. او بعد از تحصیل مقدمات متداول، فقه و اصول و معقول و منقول و اخلاق و کلام و ریاضیات و رجال را در جوزه‌ی درس پدر خود تکمیل کرد و بعد از وفات او به اصفهان رفت ولی حوزه‌ی علمی آنجا را فراخور استعداد خود ندید. پس عزیمت نجف کرد و در آنجا یکی از مراجع علمی گردید و حوزه‌ی دینی او مرجع استفاده‌ی افاضل بود. وی قریحه‌ی شعر نیز داشت و دیوانی هم در مناقب و مراثی معصومین دارد. او در استصحاب و تجزی و تفسیر مختصر قرآن و حاشیه‌ی ارشاد علامه و حاشیه‌ی شرایع و علامت ظن و قاعده‌ی لاضرر و منجزات مریض، تألیفاتی داشته ولی اکثر آنها تلف شده (ریحانة‌الادب، لغ.).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (133 -132/ 8)، اعیان الشیعه (128 -127/ 10)، الذریعه (19/ 23، 1055/ 9، 102/ 6، 25/ 2، 350/ 3، 275 -274/

1)، ریحانه (21/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (413/ 13)، علماء معاصرین (112 -111)، لغت‌نامه (ذیل/ مصطفی)، المآثر و الآثار (160)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1031 -1030/ 3)، معجم المؤلفین (248/ 12).

کاشانی، ابوالحسن

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 966 ق)، عالم دینی، فقیه و متکلم. پدرش ملا احمد، و به آورده‌ی «ریحانة الادب» ملا محمد، از علمای منطق بود که حواشی بر کتب منطق نگاشته است. اصل ملا ابوالحسن از ابیورد است. در کاشان سکنی گزید و به کاشانی منسوب شد. وی از علمای امامی عهد شاه طهماسب صفوی (930- 984 ق) می‌باشد که جامع علوم و حکمیات و فضائل و کمالات بود. ملا ابوالحسن از پدرش و از شیخ عبدالعالی بن محقق کرکی روایت کرده است. او از اساتید سید حسین بن سید حیدر مجتهد کرکی بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی از وی به عنوان قاینی، به جای کاشانی، نام برده است. از آثار وی: «اثبات الواجب و صفاته»، که در 963 ق از تألیف آن فراغت یافت؛ «ارکان الایمان»، در اصول دین و امامت؛ «روض الجنان» یا «روضة الجنان»، در کلام و حکمت؛ «الحسنی»، در حکمت طبیعی که مختصر «روض الجنان»، مذکور است؛ «التحریر»، شرح «رسالة الفرائض» خواجه نصیر طوسی، در میراث؛ «الشوارق»، در کلام؛ «مقدار الدیات و احکامها»؛ «المنطق».[1]
(منسوب به کاشان) ابوالحسن بن محمد ابیوردی‌الاصل کاشانی المسکن، از علمای امامیه‌ی قر. 10 ه. و معاصر شاه طهماسب صفوی (ف. 960 ه.ق). وی عالم و فقیه و متکلم و جامع معقول و منقول و استاد مجتهد کرکی سید حسین بن حیدر بود. او راست: اثبات الواجب و صفاته؛ ارکان الایمان در امامت؛ الحسنی در حکمت طبیعی؛ روض‌الجنان (یا روضة‌الجنان) در کلام و حکمت؛ شرح فرائض خواجه نصیر طوسی، الشوارق در کلام؛ مقدار الایات و احکامها؛ المنطق (ریحانة‌الادب، لغ.).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (2/ 322)، الذریعه (11/ 274، 377-376/ 3، 526- 525/ 2، 102/ 1)، ریاض العلماء (5/ 435- 437)، ریحانه (5/ 17- 18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 10/ 56)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشانی).

کاشانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابـوالقاسـم کاشانی در سال 1300 هـ.ق در تهران دیده به جهان گشود. او پس از انجام مناسک حج به عتبات مقـدسه رفته و در نجف اشرف اقامت گزید و علـوم مختلف دینـی را در محضر پدرخود و سایر بزرگان علما فراگرفت و در سـن 25 سالگی به درجه اجتهاد رسیـد. پس از آن وی با الهام از تعلیمات دینی به مبارزه با استبداد و استعمار پرداخت و در این راه متحمل مشکلات و مصائب بسیار شد. او از جمله کسانی بود که همراه و همدوش دکتر مصدق، نقش خود را در ملی شدن صنعت نفت ایفاء کرد و در راس مبارزات ضد استعماری قرار گرفت. آیت الله کاشانی سرانجام در سحـرگاه سال 1381 هـ.ق مطابق با 23 اسفنـد ماه 1340 هـ.ش چشـم از جهان فـرو بست.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اسلامیوالدین و انساب : پدرسید ابـوالقاسـم کاشانی ، آیة الله حاج سید مصطفی کاشانی ، از علما و مراجع بزرگ شیعه در عصر خویش بود که در سال 1280 ش . از ایران به نجف اشراف هجری کرد و به تحقیق و تدریس پرداخت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید ابـوالقاسـم کاشانی که در این هنگام ، جوانی شانزده ساله بود - همراه پدر عازم نجف اشرف گردید و در آنجا علاوه بر استفاده از حلقه درس پدر و دیگر اساتید، دوره سطح را به پایان برد و سپس در درس آیة الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیة الله آخوند خراسانی شرکت جست .استادان و مربیان : سید ابـوالقاسـم کاشانی علـوم مختلف دینـی را در محضر والـد معظم خود و آخـوند ملا محمد کاظم خراسانـی ، حاج میرزا حسیـن ، حاج میرزا خلیل(ره) و آیة الله میرزا محمد تقی شیرازی بزرگان علما تلمذ نموده است.هم دوره ای ها و همکاران : سید ابـوالقاسـم کاشانی در نهضت مشروطه ، مشاور شخصیتی چون آیة الله آخوند خراسانی (از رهبران اصلی نهضت) بود و او را در تصمیم گیری ها و تنظیم اعلامیه ها یاری می داد.وقایع میانسالی : سید ابـوالقاسـم کاشانی از همان اوان جـوانی، انسانـی دور انـدیـش و شجاع و با شهامت بـود و در کنار تحصیل علوم اسلامی، تـوجه خاصـی به اوضاع مسلمیـن داشته و چهره کـریه و زشت استعمار و مخصوصا استعمار بریتانیا را که دهان بـرای فـرو بـردن کشـورهای اسلامی و اقتصاد آنها باز کرده بود به خوبی شناخته بـود. درجنگ جهانی اول در سال 1332 هـ.ق مـوقعی که انگلیسی ها با نیروی عظیمـی به

قصد تسلط بر عراق و مناطق شرقی از راه خلیج فارس حمله ور گردیدند، سید ابوالقاسم کاشانی در کنار پدر بزرگوار و جمعی دیگر از علمای مجاهد شیعه با بسیج ملت مسلمان عراق دلاورانه پیشروی نیروهای انگلیس را سد نموده و حدود 18 ماه در منطقه حساسی از جبهه با استقامت و پا فشاری فوق تصور در مقابل آن همه تجهیزات نوین اروپایی مقاومت کرده و مانع تحرکات آنها شده اند. در جنگ جهانی دوم با ورود متفقین به ایران، انگلیسی ها در صدد انتقام جویی از کاشانی بر آمده وی را دستگیر و به زندان ارتش انگلیس در اراک اعزام می دارند. پس از هشت ماه که کاشانی در اراک زندانی بود، وی را تحویل ستاد ارتش شوروی در رشت می دهند و روسها پس از محاکمه مرحوم کاشانی تصمیم به آزادی وی می گیرند ولی انگلیسی ها پیشدستی کرده وی را دو باره تحویل گرفته در اراک زندانی می نمایند پس از 9 ماه حبس در زندان اراک وی را به زندان انگلیسی ها در کرمانشاه منتقل می کنند وی از همین زندان به فرمانده قوای انگلیس در ایران می نویسد : اگر در زندان شما بمیرم ننگ ابدی بر شما خواهد بود و اگر از زندان شما سالم بیرون آیم ترتیبی خواهم داد که انگلستان از نفت ایران بی نصیب بماند. سید ابوالقاسم کاشانی در یک دادگاه انگلیسی در عراق غیابا محکوم به اعدام شد. پس از محاصره نجف و کربلا توسط ارتش اشغالگر انگلیس، ایشان به پیشنهاد روحانیون عراق برای جلوگیری از گرفتاری ناچار گردید مخفیانه و با لباس مبدل از طریق پشتکوه به ایران آید. سال 1339هـ.ق در تهران مورد تجلیل و احترام مردم پایتخت و اولیاء امور وقت واقع گردید حکم اعدام کاشانی تا انقلاب 1958 میلادی عراق که منجر به تغییر رژیم عراق شد دارای اعتبار بود. در دوران دیکتاتوری رضاخان مرحوم کاشانی حوزه علمیه تهران را اداره می کرد کاشانی در دوران دیکتاتوری رضاخان هیچگاه تسلیم نبود و در جواب (تیمور تاش) وزیر در بار وقت که به وی پیشنهاد ریاست مدرسه عالی سپهسالار را می نماید می نویسد : طلاب و علمایی که من تربیت کنم به کار حکومت شما نخواهد خورد. به هنگام تشکیل مجلس مؤسسان که زیر برق سر نیزه و به منظور افزایش قدرت شاه انجام می شد کاشانی پیامی از بیروت به تهران فرستاده و در قسمتی از این پیام می گوید : تبعید این خادم اسلام و ملت با آن وضع فجیع برای تغییر قانون اساسی و انتخابات فرمایشی و سوار کردن خیانتکاران به گرده ملت و مسأله نفت و تجدید امتیاز بانک شاهی است. در کشاکش مبارزه مردم تهران، مرحوم کاشانی را به نمایندگی دوره شانزدهم انتخاب نموده و او پس از یک سال و 4 ماه تبعید با استقبال بی نظیری به تهران وارد می شود. مرحوم کاشانی پس از باز گشت به

ایـران، رهبـری مـردم را در مبارزه با استعمار انگلستـان بـار دیگر به عهده گرفت و پیامـی به مجلـس شانزدهـم که اساسـی تریـن کـارش تعییـن تکلیف لایحه الحـاقـی نفت بـود فـرستاد. کاشانـی به محض صـدور فـرمان نخست وزیـری (رزم آرا) طـی اعلامیه ای که عینا توسط دکتر مصدق در جلسه علنی مجلـس قرائت شـد مخالفت قطعی و شـدیـد خـود را با حکـومت (رزم آرا) بیان نمود. کاشانـی طـی اعلامیه ای در مـورد ملـی شدن صنعت نفت می نویسد : ملی شدن صنعت نفت در ایران تنها چاره بیچارگـی های ماست زیرا به ایـن وسیله اولا: ثروت بیکرانـی که خـداوند به ملت ایران عطا فرمـوده از دست دشمنان بشر که هدفی جز منفعت طلبی و مکیدن خـون ملل ضعیف ندارنـد بیرون آمـده به صاحبان حقیقـی و مستحق آن مـی رسـد و ثانیا : با عملی شدن حاکمیت ملـی دیگر شرکت های غاصب نمـی تـوانند عمال خود را به جان و مال و ناموس مردم مسلط کنند و به ایـن وسیله مقاصـد پلید خـود را انجام دهنـد. زمان و علت فوت : سید ابـوالقاسـم کاشانی در سحـرگاه سال 1381 هـ.ق مطابق با 23 اسفنـد ماه 1340 هـ.ش چشـم از جهان فـرو بست و پیکرش درمیان انبوه مشتاقان تا حرم عبدالعظیم علیه السلام تشیع گردید و بین مزار آن حضرت و امامزاده حمزه به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدابوالقاسم کاشانی در انقلاب 1920 عراق، آیة الله کاشانی به منظور آماده کردن ، مردم و سران عشایر برای مبارزه با سلطه استعمار، از نجف به کاظمین رفت و آنجا را برای شروع یک حرکت انقلاب برگزید.با شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین ، استعمار انگلیس که از مبارزات آیة الله کاشانی در عراق ضربات سختی خورده بود با شایع کردن همکاری او با آلمانیها، تصمیم به دستگیری اش گرفت تا بدون مزاحمت وی بتواند در انتخابات دوره چهاردهم مجلس دخالت کند. به همین منظور در خرداد 1322 چند افسر انگلیسی برای دستگیری آن روحانی مجاهد به منزلش هجوم بردند. اما بر اثر هوشیاری و فداکاری یارانش تا کام ماندند آیة الله کاشانی به ناچار مخفی گردد.کاشانی مدت یک سال ، مخفیانه به مبارزه اش ادامه داد تا این که انگلیسیها در هنگام انتخابات مجلس از محل اقامتش در تهران (امامزاده قاسم شمیران) با خبر شده و او را دستگیر کردند. با وجود اینکه وی از سوی مردم تهران به عنوان نماینده انتخاب گردیده بود، به دستور فرستاد ارتش متفقین ، از لیست اسامی نمایندگان حذف شد و به زندان روسها در رشت فرستاده شد. او پس از چندی به زندان انگلیسیها در اراک و سپس به زندانی در کرمانشاه منتقل گردید.سرانجام پس از تحمل یک سال و چهار ماه زندان در سخت ترین شرایط، در 24 مرداد 1324 آزاد گشت و روز جمعه ، سی و یکم شهریور، میان انبوه استقبال کنندگان وارد تهران شد. کاشانی یک

سال در تبعید بسر برد تا این که بر اثر فشارهای سیاسی از سوی علما و مردم ، در 21 خرداد 1326 آزاد گردید و دوباره به تهران برگشت وبعد از آن به مخالفت با عبدالحسین هژیر که در صدد رای اعتماد مردم بود برآمد.فعالیتهای آموزشی : سیدابوالقاسم کاشانی از همان آغاز جوانی به نکته سنجی و دقت نظر مشهور شده و در دانش سر آمد بود؛ بطوری که در 25 سالگی به درجه اجتهاد دست یافت و بزرگانی مانند آیة الله شیخ الشریعه اصفهانی ، آیة الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیة الله صدر در نوشته های خود، مقام علمی اش را با القابی نظیر ((شکافنده دریای علم))، ((کلید در گنجهای دقیق)) و... ستودند و آیة الله میرزا محمد تقی شیرازی ، تقلید از وی را تاءیید می نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : -سایر فعالیتهای سید ابوالقاسم کاشانی به شرح زیر می باشد: - تشکیل مجلس موسسان برای تغییر قانون اساسی که با دستگیری وی صورت گرفت و با ترور کارگردان تقلب درآرا به نام هژیر مجددا کاشانی به وطن بازگشت -مخالفت کاشانی از روی کار آمدن رزم آرا برای جلوگیری از تصویب قرارداد نفت - وی در سی ام اردیبهشت 1327 بار دیگر مردم را به تظاهرات بر ضد اسرائیل فراخواند و خود در اجتماع پر شور تظاهر کنندگان سخنرانی نمود و وضع نابسامان مسلمانان را نتیجه دخالت استعمارگران در امور آنها و از بین رفتن روح اتحاد و دوری از احکام اسلام دانست . - کاشانی مسلمانان مصر را نیز در مبارزات استقلال طلبانه آنان ، مورد حمایت قرار و در بحران کانال سوئز، پیام تاءییدی خطاب به جمال عبدالناصر (رئیس جمهور مصر) فرستاد و در مسجد ارک تهران مراسمی برای گرامی داشت یاد شهدای مصر و ارج نهادن به فداکاریهایشان برپا کرد. - او در جریان مبارزه مردم مسلمان تونس برای رهایی از سلطه استعمار فرانسه ، بیانیه ای صادر کرد و تنفر شدید خود را نسبت به بر قراری جو ترور و وحشت توسط فرانسه در خاک تونس ، بیان داشت . - کاشانی در سال 1331 ش . پس از بازگشت از مراسم حج ، نامه ای به تمام کشورهای اسلامی فرستاد و از آنها خواست برای شرکت در کنگره اسلامی و تبادل نظر درباره اتحاد جهان اسلام ، نمایندگانی به ایران بفرستند

کاشانی، ابوبکر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوبکر ابن مسعود بن احمد حنفی کاشانی ملقب به ملک‌العلماء و علاءالدین؛ از بزرگان فقیهان اهل سنت (ف. حلب 587 ه.ق) وی نزد علاءالدین محمد بن احمد سمرقندی فقه آموخت و اکثر مصنفات او را نزد خود وی فراگرفت و بر کتاب تحفةالفقهاء وی شرحی نیکو نوشت، و آن شرح را که شامل سه مجلد است بدائع‌الصنائع فی ترتیب الشرائع نامید، و آن را پس از اتمام به نظر استاد خود رسانید و مورد تحسین او قرار گرفت. استاد دختر خود فاطمه را- که او نیز فقیه بود- به عقد ازدواج وی درآورد و به همین جهت درباره‌ی کاشانی گفته‌اند، شرح تحفته و تزوج ابنته (تحفه‌ی او را شرح کرد و دخترش را به ازدواج خویش درآورد). از تألیفات دیگر وی کتاب السلطان‌المبین فی اصول‌الدین است (ریحانةالادب، لغ.).
(وف 587 ق)، فقیه حنفی. در حلب سکنی گزید و همان جا از دنیا رفت. از آثار وی: «بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع»، در شرح «تحفة الفقهاء» استادش علاءالدین محمد سمرقندی در چند مجلد، در فقه؛ «السطان المبین فی اصول الدین». در پاره‌ای از منابع از وی به عنوان کاسانی منسوب به کاسان، شهری در ترکستان ورای نهر جیحون و شاش، یاد کرده‌اند.[1]
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (46/ 2)، کشف الظنون (996 ،371)، معجم المؤلفین (76 -75/ 3)، هدیة العارفین (235/ 1).

کاشانی، باقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید باقر بن اسماعیل کاشانی عالمی ادیب بود و در شعرش (مهری) تخلص می‌نمود تولدش 1292 ولی وفاتش بدستم نیامده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، حبیباللَّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید میرزا حبیباللَّه معروف (به میرزا بابا) بن سید رفیعالدین محمد حسینی الکاشانی از افاضل علماء و از شاگردان فاضل نراقی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، عبداللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ عبداللّٰه کاشانی عالمی کامل و فقیهی بارع از شاگردان شیخ انصاری بوده و در خراسان ریاست علمی و دینی داشته تا در سال 1303 وفات و در (توحیدخانه) وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، علم الهدی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1107 ق)، فقیه، محدث، مفسر و ریاضیدان. از نوادگان صاحب «معالم» بود که در کاشان می‌زیست. از آثارش کتابی در «فقه استدلالی» است که در 1107 ق از تألیف آن فراغت یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (149 / 8)، الذریعه (288 / 16)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 488 / 12)، معجم المؤلفین (294 / 6).

کاشانی، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1292 ق)، فقیه، مفسر و زاهد. در کاشان به دنیا آمد. نسب وی به سی و چهار واسطه به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. خانواده‌ی او از خاندان‌های اصیل کاشان است. از اوایل جوانی به تحصیل نزد علمای بزرگ کاشان همچون آیت‌اللّه ملا محمد حسین نطنزی و آیت‌اللّه ملا حبیب‌اللّه کاشانی پرداخت. او از بسیاری از بزرگان روایت کرد و عده‌ای بسیار همچون فرزندش، آیت‌اللّه سید عباس کاشانی، از وی روایت کرده‌اند. در 1340 ق به عتبات رفت و در کربلا مقیم شد و مشغول به تدریس و تألیف گردید و کتابخانه‌ی نفیسی را گردآوری کرد. وی داماد آیت‌اللّه آقا سید محمد صادق اصفهانی، از مجتهدین و مراجع زمان خود، بود. در کربلا از دنیا رفت و در صحن مطهر امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. در سوک او شعرای بزرگ فارسی گوی و عرب اشعاری سرودند و ماده تاریخ تنظیم کردند. از آثارش: تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ تفسیر «سوره‌ی جمعه»؛ تفسیر «سوره‌ی عم»؛ تفسیر «سوره‌ی یس»؛ «ریاض الانس»، در پنج جلد؛ «کشکول کاشانی»؛ «مکارم الآثار»؛ «التحفة العلویة»؛ «مناقب آل محمد (ع)»؛ «الرحلة الحجازیة»؛ «النصیحة العالیة»؛ «حلیة المرتلین»؛ «پرتو نور»، در امامت، به فارسی.[1]
حجه‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی محقق مدقق و عابد زاهد مرحوم حاج سید علی‌اکبر حسینی کاشانی حایری والد معظم مترجم گرامی ما از اجلاء علماء و اعاظم اتقیاء عالمی جلیل‌القدر و متعبدی زاهد و منبع فیوضات ربانی بوده تولدش در سال 1292 قمری در کاشان واقع شده و در خاندان فضیلت و شرف چشم به جهان گشوده و از اوائل جوانی شخصیتی برجسته و مورد توجه و عنایت خاص و عام و منزلش ماوای فقراء و مستمندان و مرجع تهیدستان بوده است بیشتر مشکلات اجتماعی و گرفتاریهای عجیب به دستش حل می‌گشته لیاقت عجیب در قضاء و رفع خصومات داشته مدتها نزد اعاظم علماء کاشان مانند مرحوم آیت‌الله ملامحمد حسین نطنزی و آیت‌الله ملا حبیب‌الله کاشانی و غیر ایشان تلمذ نموده و از جمع کثیری از بزرگان روایت می‌کند و عده‌ای از بزرگان و علماء که از آنهاست نجل جلیل مذکورش آیت‌الله حاج سید عباس کاشانی از وی روایت می‌نمایند.
در سال 1340 قمری با یک دنیا شخصیت و عظمت که داشته مقام ارجمند

را زیرپا گذارده و به قصد عتبات عالیات مهاجرت و در شهر کربلا اقامت و مشغول به تدریس و تالیف گردیده و مولفات عدیده از خود به یادگار گذارده است که از آن جمله است:
1- تفسیر سوره یوسف 2- تفسیر سوره عم 3- تفسیر سوره جمعه 4- تفسیر سوره یس 5- ریاض الانس 5 مجلد 6- کشکول کاشانی 7- مکارم الاثار 8- التحفه العلویه 9- مناقب آل محمد 10- الرحله الحجازیه 11- النصیحه العالیه 12- حلیه المرتلین و ده‌ها کتب دیگر که تمامی آنها نزد نجل زکیش آیت‌الله حاج سید عباس موجود و به طبع خواهد رسید انشاءالله.
جمعی از بزرگان مانند حاج شیخ آقابزرگ تهرانی ترجمه آن مرحوم را در کتب الذریعه و اعلام الشیعه ذکر نموده است.
معظم‌له عالمی عابد و زاهدی بی‌بدیل و ورعی بی‌مثیل بوده و در ترویج احکام و نشر احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام سعی بلیغ داشته است وی بسی و چهار واسطه به حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌رسد و خاندان او از اجل خاندان و بیوتات اصیله کاشان بوده است مضافا بر این اصالت و نبالت داماد معظم آیت‌الله العظمی حاج سید محمدصادق اصفهانی اعلی‌الله مقامه که یکی از مجتهدین و مراجع زمان خود بودند می‌باشند. وی در روز یکشنبه 24 محرم 1365 قمری بدرود حیات گفته و روز وفاتش شورش عجیبی در کربلا برپا و تجلیل وافری از تشییع او به عمل آمده و در مقبره شخصی خود در صحن مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام مدفون گردید.
از شدت زهد و ورعی که داشت پیوسته به فرزند جلیلش توصیه می‌فرمود که (ایاک و التصدی بامر القضاء و المرجعیه و حتی الامامه) و می‌فرمود تا می‌توانی انزوا را اختیار و از شهرت‌طلبی و جاه‌پرستی پرهیز کن و علیک بتقوی الله فی السر و العلانیه وادع الی الله و روج دین اجدادک الطاهرین و لا تقصر عن نصره الدین و اهله.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (1608/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (240 -238/ 2).

کاشانی، فتح‌اللّٰه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 988 ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علمای بزرگ اواخر قرن دهم قمری و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن علی بن حسن زواری، بود که به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت کرده است. او همچنین از ضیاءالدین محمد بن محمود، از مقدس اردبیلی، روایت می‌کند. در «مشیخه» سید حسین کرکی سال وفاتش 997 ق ذکر شده اما ماده تاریخ وفات وی (ملاذ الفقهاء) برابر با 988 ق می‌باشد. از آثار وی: ترجمه قرآن به فارسی؛ «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین»، به فارسی، در یکصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصة المنهج»، به فارسی، که ملخص «تفسیر منهج» است، در سه مجلد؛ «زبدة التفاسیر»، تفسیری به عربی، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج‌البلاغه»، به نام «تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین»، به فارسی؛ «کشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ی «احتجاج» طبرسی، به فارسی، که آن را برای شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است.[1]
(ملا) فتح‌اللّٰه بن شکراللّٰه، فقیه و محقق و متکلم و مفسر امامی (ف. 988 ه.ق). وی شاگرد علی بن حسن زواری بود و به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت دارد. او در همه‌ی علوم دینی متداول متبحر بود خصوصاً در تفسیر، وی راست: ترجمه‌ی احتجاج طبرسی که به نام کشف‌الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبیه الغافلین و تذکرةالعارفین (شرح فارسی نهج‌البلاغه)، خلاصةالنهج (ملخص تفسیر منهج‌الصادقین مذکور در ذیل)، زبدةالتفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف‌الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج‌الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانةالادب، لغ.)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (392/ 8)، ایضاح المکنون (592/ 2)، تاریخ کاشان (280 -279)، الذریعه (194 -193/ 23، 8 -7 / 18، 23/ 12 234، -233/ 7، 447/ 4)، روضات الجنات (331 -330/ 5)، ریاض العلماء (319 -318/ 4)، ریحانه (20/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 178 -177/

10)، فوائد الرضویه (346 -345)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشانی)، معجم المؤلفین (51/ 8)، هدیة العارفین (815/ 1).

کاشانی، مجدالدین محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 555 ق)، فقیه حنفی. از آثارش «قنیة العالم و منیة فضلاء العالم» می‌باشد که به گفته‌ی خود در آن «الفتاوی الکبری» حسام‌الدین عمر بن عبدالعزیز حنفی (م 536 ق) را تلخیص کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1356)، معجم المؤلفین (18/ 12)، هدیة العارفین (93/ 2).

کاشانی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1379 -1303 ق)، عالم دینی، خطیب و مرجع تقلید. در نجف به دنیا آمد. مادرش دختر عالم بزرگ شیخ اسداللّه شوشتری است. مقدمات و سطوح را فراگرفت. او در کنار پدرش که از علمای برجسته بود و در بمبئی به وظائف شرعی و تبلیغی می‌پرداخت، نشو و نما یافت و پس از پدر عهده‌دار وظائف وی گشت و مرجع تقلید مردم بمبئی شد. وی سرانجام در همان جا درگذشت. سال تولد او در «طبقات اعلام الشیعه»، 1333 و در جای جای «الذریعه» 1303 ق قید شده است. همچنین در چند جای «الذریعه» و به تبع آن در «مؤلفین کتب چاپی» تحت نام محمد حسین و صاحب کتاب‌های «اسرار الغیبیة» و «برق الخاطف» و «التحقیق الجدید» و «چهار مقاله» ذکر شده است. او را تصانیف بسیاری است که اکثر آنها به زبان گجراتی است. وی «فهرست کتب خزانة الشیخ محمد حسن» را که مشتمل بر فهرست دو هزار کتاب و تألیف موجود در کتابخانه‌اش بود تنظیم نموده و در آن به اثرهای خود که متجاوز از چهل تصنیف می‌باشد، اشاره کرده است. از جمله: «احکام الجمعة»؛ «احکام العیدین»؛ «احکام النیروز»؛ «دین الاسلام»؛ «عقاید النجفی»؛ «فلسفه نماز»؛ «قید شرق و آزادی غرب»؛ «محرم و عاشورا»؛ «معرفة الامام»؛ «مقدمه‌ی منطق»؛ «مناسک النجفی»؛ «نجاة الصائمین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (59/ 24، 277، 102/ 22، 247/ 21، 150/ 20، 224/ 17، 390، 310/ 16، 286/ 15، 291/ 8، 314/ 5، 481، 86/ 3، 53/ 2، 303، 300، 296/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 380/ 14)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1127، 485، 206/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (691/ 2).

کاشانی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسن بن شیخ ابی‌القاسم بن شیخ عبدالحکیم کاشانی مشهور به (نجفی) عالمی مؤلف و مرجعی بزرگوار و امام مسجد (خوجه‌ها) بوده است وی در سال 1333 متولد و در سال 1387 در تهران وفات و در قم مدفون شده است.
نگارنده گوید: این عالم جلیل و مرحوم والدش در بمبئی خدمات بسیار نموده و منشاء آثار زیادی شده و ده‌ها هزار از شیعه‌های اسماعیلی را مستبصر و ارشاد نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا بن سید اسماعیل بن سید عبدالرزاق- (برادر سید محمدتقی) ابن سید عبدالحی حسینی پشت مشهدی کاشانی عالمی فقیه از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی و علامه سید محمد فشارکی و میرزا محمدتقی شیرازی بوده و در سال 1316 به کاشان مراجعت و در پشت مشهد اقامت و در مسجد حبیب بن موسی امامت و به خدمات دینی پرداخته تا سال 1350 که وفات نموده است.
فرزند این بزرگوار مرحوم سید استاد ما آیت‌اللَّه العظمی آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی شریک بحث مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی حایری بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، مصطفی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مصطفی شهید بن آیت‌اللَّه حاج سید حسین کاشانی کاظمینی (والد مرحوم آیت‌اللَّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی) از علماء بزرگ و مراجع بنام کاظمین است. خونساری در احسن‌الودیعه ج 1 ص 305 گوید عالم عامل و فاضل کامل زبدة المحققین و اسوةالادباء الماهرین مولینا سید مصطفی بن العالم الفقیه سید حسین کاشانی مولداً والغروی منشاً و تحصیلا والکاظمی خاتمة و مدفنا از اکابر علماء متتبعین و اعاظم علماء بارعین و افاخم فضلاء ماهرین و بر دین خدا از جمله ناصرین عارف لغة عربیة و فقه و رجال و حدیث بود و از اشعار لطیفی که خطاب به مولا امیرالمؤمنین (ع) در (نص غدیر خم) می‌کند این دو بیت است.
انت مولی الوری بما نص خیر الر
سل یوم الغدیر فیک جهارا
ملا الخافقین فضلک حتی
لم یجد منکر له انکارا
معظم له از شاگردان معظم میرزاء بزرگ شیرازی بوده و در جنگ بین‌المللی اول یا جماعتی از طلاب و جمله از فضلاء اصحاب برای جهاد به ارض کاظمین (ع) مهاجرت فرموده و بعد از مراجعت در کاظمین ساکن و مرجع اهالی آنجا گشته اقامه نماز جماعت نمود و اهالی کاظمین اتفاق و اتحاد بر جلالت او نمودند.
وی در حدود 1260 متولد شده و در کاظمین علیهماالسلام در عشر ثانی ماه رمضان سال 1326 ق به رحمت حق پیوست و در یکی از حجرات کشوانیه صحن کاظمین مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشف‌الغطاء

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. برطرف‌کننده‌ی پرده) لقب (شیخ) جعفر بن (شیخ) خضر بن (شیخ) یحیی حلی جناحی‌الاصل و نجفی‌المسکن والمدفن معروف به شیخ اکبر و شیخ نجفی، از بزرگان علمای امامیه و فقیه و مجتهد (ف. نجف 1227 یا 1228 ه.ق) وی شاگرد آقای بهبهانی و سید مهدی بحرالعلوم و سید صادق فخام و جز ایشان بود؛ و صاحب جواهر و حجةالاسلام رشتی و شیخ محمدتقی صاحب هدایة المسترشدین و سید صدرالدین موسوی عاملی و سید جواد صاحب مفتاح‌الکرامة و شیخ عبدالحسین اعسم و حاجی کلباسی و گروهی دیگر از شاگردان اویند و از او روایت دارند. او راست: اثبات الفرقة الناجیة من بین الفرق الاسلامیة، احکام الاموات، بغیةالطالب فی معرفة المفروض والواجب (رساله‌ای است عملیه و مطلب اول آن در اصول عقاید و مطلب دوم در احکام طهارت و نماز است)، الحق المبین فیتصویب المجتهدین و تخطئة جهال الاخباریین (که در آن حقیقت مذهب طرفین را نگاشته و گوید که هر دو در اصول دین متحد و در فروع نیز مرجع هر دو فرقه، روایات ایمه 4 است و در حقیقت مجتهد اخباری و اخباری نیز مجتهد و فضلای طرفین ناجی و طعن‌کنندگان در هلاکتند)، شرح قواعد علامه (که در آن بعضی از ابواب مکاسب را تا مبحث خیارات شرح کرده)، العقائد الجعفریة، کشف‌الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (این کتاب حاکی از کثرت اطلاع و فهم و جودت فکر و حسن سلیقه‌ی او و حاوی اصول و فروع دینی است. شهرت شیخ جعفر به کاشف‌الغطاء به مناسبت نام همین کتاب است). وی نزد بزرگان عصر محترم بود و ریاست علمی داشت و بسیار حلیم و متواضع بود. مدفن او در نجف در محله‌ی عماره در مقبره‌ی مخصوص خانواده‌ی اوست. خاندان او را به نام آل کاشف‌الغطاء می‌نامند و هر یک از آنان را نیز به لقب کاشف‌الغطاء می‌خوانند، از آن جمله کسان ذیل از آن نامبردارند:
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کاشفی سبزواری هروی، معین‌الدین، حسین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 910 ق)، فقیه، محدث، حافظ، مفسر، واعظ، صوفی، ادیب و شاعر. مشهور به ملا حسین کاشفی یا ملاحسین واعظ. در سبزوار به دنیا آمد. دوره‌ی جوانی را در آن شهر گذراند و در آنجا و نیشابور و هرات نشو و نما یافت. در زمان سلطان حسین میرزای بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و با صوتی خوش آیات قرآن و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب بیان می‌کرد. وی از ملازمان امیر علی شیرنوایی بود. پس از ملاقات مولانا جامی و معاشرت با وی طریقت نقشبندیه را پذیرفت. درباره‌ی مذهب وی اختلاف است، وی را به جهت گرایش به تصوف ملازمت با امیر علیشیر نوایی و نسبت خانوادگی نزدیک به ملا عبدالرحمان جامی سنی مذهب و به جهت نگارش کتاب «روضة الشهداء» و محل رشد و تربیتش سبزوار که از شهرهای اهل تشیع بوده، شیعه مذهب دانسته‌اند. به هر حال وی در هرات به شیعه بودن و در سبزوار به تسنن اشتهار داشت. کاشفی در هرات درگذشت. از آثار وی: «جواهر التفسیر لتحفة الامیر»، به نام امیر علیشیر نوایی؛ «مختصر الجواهر»، تفسیری دیگر در حدود بیست هزار سطر؛ «جامع الستین»، در تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ «المواهب العلیة»، معروف به «تفسیر حسینی»، به نام سلطان حسین بایقرا؛ «روضة الشهداء»، در مقاتل و ذکر مصیبت اهل‌بیت (ع) و واقعه‌ی کربلا، که چون اهل منبر از روی این کتاب می‌خواندند به روضه‌خوان مشهور شدند؛ «الاربعین»، در احادیث موعظه؛ «المرصد الاسنی»، در شرح اسماء اللّه الحسنی؛ «اخلاق محسنی»؛ «مخزن الانشاء»، در فن ترسل که برای سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی، در 907 ق، تألیف نموده؛ «انوار سهیلی»، در تدابیر حکم و آداب از زبان حیوانات، بازنویسی از «کلیله و دمنه» نصراللّه منشی، که آن را برای امیر شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان حسین بایقرا نوشت؛ «اسرار قاسمی»، در سحر و طلسمات و کیمیا؛ «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، در ذکر صناعات ادبی؛ شرح «مثنوی» مولوی؛ «لب المثنوی»؛ «لب اللب مثنوی»؛ «اختیارات النجوم»، به نام «الواح القمر»؛ «السبعة الکاشفیة»، شامل هفت وسیله در علم نجوم.[1]
(بخش 1: کاشف) حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ ملقب به کمال‌الدین، دانشمند و واعظ معروف (ف. 906 یا 910 ه.ق) وی در علوم

دینی و معارف الهی و فنون غریبه و ریاضیات و نجوم دست داشت. او در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد مشغول بود و با صوتی خوش و آهنگی دلکش آیات قرآنی و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب ایراد می‌کرد. او راست: آیینه‌ی اسکندری به فارسی (در استخراج مطلوب و حاوی 8 جدول و 20 دایره) و آن را جام جم نیز گویند، الاختیارات یا اختیارات النجوم (حاوی یک مقدمه و یک خاتمه و دو مقاله)، اخلاق محسنی (ذیل فرهنگ حاضر)، الاربعون حدیثاً در مواعظ بنام الرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة (این کتاب به فارسی و حاول 40 حدیث است)، اسرار قاسمی (ذیل فرهنگ حاضر)، انوار سهیلی (ذیل فرهنگ حاضر)، بدائع‌الافکار فی صناعة‌الاشعار، تحفة‌الصلوات (به پارسی)، جامع الستین (تفسیر فارسی عرفانی و ادبی و اخلاقی و تاریخی سوره‌ی یوسف)، روضة‌الشهداء (ه.م) سبعه‌ی کاشفیه (7 رساله در علم نجوم)، شرح مثنوی، جواهرالتفسیر لتحفة‌الامیر یا عروس (عروس)، اللباب المعنوی فی انتخاب المثنوی، مختصر الجواهر (مختصر جواهر التفسیر یا عروس ِ مذکور)، مخزن‌الانشاء به پارسی، المرصد الاسنی فی شرح اسماءاللَّه الحسنی، مطلع‌الانوار، المواهب العلیة (مواهب العیله) (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] از سعدی تا جامی (644، 645، 646، 647، 681)، اعیان الشیعه (124 -121/ 6)، ایضاح المکنون (674، 416/ 2 ،76/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (526-523/ 4)، تاریخ نظم و نثر (248 -245)، حبیب السیر (346 -345/ 4)، الذریعه (194 -193/ 20 ،291 -190/ 18 ،1252 ،899/ 9 ،58 -57/ 5 ،455/ 3 ،430/ 2 ،50/ 1)، روضات الجنات (223 -217/ 3)، ریاض العارفین (231 -230)، ریحانه (32 -29/ 5)، طرائق الحقائق (114/ 3)، کشف الظنون (1916، 1896، 1648، 1574، 1305، 398)، الکنی و الالقاب (105/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشفی)، مجالس المؤمنین (548-547/ 1)، مجالس النفائس (93)، معجم المؤلفین (35 -34/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (816 -810/ 2).

کاظمی خوانساری اصفهانی، محمد مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1319 -1391 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در محله‌ی قطانه کاظمین به دنیا آمد و پس از نشو و نما به تحصیل پرداخت. مقدمات و ادبیات و منطق و سطوح وسطی و نهایی را از علمای کاظمین، همچون میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی و آیت‌اللّه شیخ حسین رشتی کاظمی، فراگرفت. سپس به نجف مهاجرت کرد و چند سالی از محضر آیت‌اللّه سید ابوتراب خواساری و آیت‌اللّه شیخ علی مازندرانی و دیگران بهره‌ها جست و از سید ابوتراب خوانساری و میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی و شیخ علی مازندرانی و شیخ اسداللّه زنجانی و سید محمد کاشانی حایری و شیخ علی آل کاشف الغطاء نجفی و شیخ علی شاهرودی و شیخ ضیاءالدین عراقی و سید محسن عاملی، صاحب «اعیان الشیعه»، و شیخ کاظم شیرازی نجفی و سید میرزا هادی خراسانی حایری اجازه گرفت. آن‌گاه به کاظمین بازگشت و به وظائف دینی و تألیف و اقامه جماعت پرداخت تا در همان شهر درگذشت و در جوار قبر امام موسی بن جعفر (ع)، به خاک سپرده شد. از آثارش: «احسن الودیعة فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعة» یا «الباقیات الصالحات»، در تتمیم «روضات الجنات»؛ «صرف العنایة فی حل معضلات الکفایة»؛ «نزهة المرتاض فی شرح طهارة الریاض»؛ «القول المقبول فی مباحث الاصول»؛ «جامع الشتات فی النوادر و المتفرقات»؛ «نفایس الکلام فی شرح اسماء اللّه العظام»؛ «زبدة الکلام فی المنطق و الکلام»؛ «بغیة اللبیب و غنیة الادیب فی شرح منطق التهذیب»؛ «الانوار الکاظمیة فی احوال السادات الموسویة»؛ «النقد و البیان فیما یتعلق بکتب الاعیان»؛ «مطلع الشمسین فی الدفاع عن السیدین»؛ «البرهان الجلی فی احوال زید بن علی (ع)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (242 ،124/ 24 ،31/ 12 ،439/ 2 ،289/ 1)، ریحانه (191 -190/ 2)، علماء معاصرین (244 -242)، گنجینه‌ی دانشمندان (310 -309/ 6)، مؤلفین کتب چاپی (367 -365/ 6).

کاظمی، فرج‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرج‌اللّه کاظمی هرسینی از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه بوده‌اند آن مرحوم در سال 1304 ق در نورآباد لرستان به دنیا آمده و تا پانزده سالگی در آن سامان به سر برده و پس از ملاقات میهمان دانشمندی که با او کتاب (معراج‌السعادة) مرحوم نراقی بوده وی به دیدن آن کتاب دل از دنیا کنده و بخصوص از وضع خانواده خود که صدها سال ریاست عشایری و خوانینی آن محیط را داشتند نگران و ناراحت شده و از بستگان و کسان خود فاصله و مدت سه سال با آنها مبارزه و در تحمیلات و فشارهای آنها آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه هرسینی صبر نموده تا سال 1322 از آن فضا و مرکز جهل و ضلالت که یک نفر روحانی و اهل علم نداشتند فرار به هرسین نموده و از آنجا به کرمانشاه و پس از بیرون آمدن از لباس خان‌زادگی و پوشیدن لباس ساده با قافله به سمت عراق رفته و در کربلا ساکن گردیده و حدود سه سال مقدمات را در آنجا تحصیل و پس از آن مشرف به سامرا شده و در شمار ملازمین و خواص اصحاب و تلامذه مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی رضوان‌اللّه‌علیه درآمده و از محضرش استفاده نموده تا موقع جنگ بین‌المللی که به کربلای معلی مهاجرت نمودند ایشان هم در ملازمت معظم له به کربلا آمده و تا بعد از فوت ایشان سال 1338 ق به نجف اشرف عزیمت و از اساتید و مدرسین آن زمان چون مرحوم آشیخ احمد کاشف‌الغطاء و مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی استفاده نموده تا سال 1351 ق که به ایران مراجعت و در لرستان و هرسین و اطراف آن و کرمانشاه مشغول تبلیغ و ترویج و تشویق طلاب و محصلین گردیده و عده‌ای طلبه تربیت و اعزام نموده و خود شب و روز با خوانین ظلم و جور لرستان مبارزه و مخصوص با فرقه ضاله علویون و غلات نورآباد و نواحی کرمانشاه مناظره‌ها نموده و حدود صد هزار نفر را ارشاد و از ضلالت نجات تا سال 1371 ق که برای معالجه و کسالت به تهران وارد و پس از چند ماه به قم عزیمت و رحل اقامت افکنده و حدود ده سال توقف تا در اواخر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بنابر اصرار و تقاضای مردم کرمانشاه به آن سامان مهاجرت و تا پایان عمر در یکی از مساجد معروف شهر که برای ایشان بنا نموده بودند به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته تا سال 1382 قمری که به رحمت ایزدی واصل گردید.

آن مرحوم دارای چهار فرزند مذکور و نه فرزند اناث می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی بروجردی، طاهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1400 -1308 ق)، عالم دینی، فقیه و نویسنده. وی در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در 1332 ق به نجف رفت و از محضر سید محمد کاظم یزدی استفاده نمود. ولی به واسطه‌ی جنگ جهانی اول بیش از سه سال نتوانست در آنجا توقف کند و به بروجرد بازگشت، سطوح را تکمیل کرد و پس از فراغت از آن بیست سال تمام در درس خارج آیت‌اللّه حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد. پس از مهاجرت آیت‌اللّه بروجردی به قم، وی در مسجد ناسک‌الدین بروجرد به امامت و تدریس و بیان مسائل و احکام پرداخت. در 1362 ق به دریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایت از آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی نایل گشت. او در 1376 ق موفق به سفر حج شد و پس از مراجعت به خدمات دینی ادامه داد. از آثارش: کتاب «مضرات المسکرات»؛ جزوه‌ای در «مسافرت صائم در ماه رمضان»؛ جزوه‌ای در «جواب از اعتراض به دعای مبارک ندبه»؛ کتابی در «تجوید»؛ کتابی در «قواعد جفر و اعداد و ختوم و ریاضیات»؛ کتاب «تذکرة المتکلمین»، در شرافت علم و مقام علماء؛ «صلاة المسافر»، استدلالی، به عربی.[1]
السید طاهر بن السید العلام السید ابوالقاسم بن السید الاجله السید عبدالعزیز بن العلامه السید محسن الکاظمینی اعلی‌الله مقامهم اجمعین که همه از علماء اعلام بوده‌اند.
مرحوم والدش در حدود سال 1290 قمری از کاظمین منتقل به بروجرد شده و در آنجا متأهل گردیده و در سال 1320 قمری وفات نمود. مترجم معظم ما که یکی از علماء اعلام و مراجع کرام معاصر است در سال 1308 در بروجرد تولد یافته و مدت دوازده سال در بروجرد بعد از تحصیل معاش بکدیمین اشتغال بکتب فارسی و مقدمات عربی نموده و در سال 1332 قمری در عصر آیه‌الله حاج سید کاظم یزدی مهاجرت بنجف اشرف نموده ولی بواسطه جنگ بین‌المللی بیش از سه سال نتوانسته توقف و تحصیل نماید به بروجرد مراجعت و سطوح را تکمیل و پس از فراغت از آن بیست سال تمام در درس خارج آیه‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی حاضر شده و در همان زمان امامت مسجد ناسک‌الدین را که محل امامت قبلی خودشان بود بوی واگذار و پس از مهاجرت ایشان بقم بتدریس و بیان مسائل و احکام در مسجد مزبور پرداخته و در سال 1362

قمری نائل باجازه اجتهاد و روایتی از مرحوم آیه‌الله العظمی آقای اصفهانی گردیده و در سال 1376 قمری موفق بحج خانه خدا و پس از مراجعت تا حال حاضر بخدمات دینی و وظائف روحی اشتغال دارند و ایشانند والد ماجد عالم بزرگوار صدیق عزیز نگارنده جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد علی کاظمینی بروجردی مقیم و مهاجر به تهران که ترجمه و آثار و خدماتش در ضمن علماء تهران خواهد آمد.
آثار و تألیفات آقای کاظمینی مدظله از این قرار است:
1- کتاب مضرات المسکرات که در آن آیات قرآنیه و هفتاد و چهار خبر در موضوع مسکرات از اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام ذکر شده و با خط نفیس ایشان که حقا در میان علماء از این جهت کم نظیر و دارای این سعادت بزرگ است که فرموده‌اند (و من سعاده المؤمن جوده خطه) افست و منتشر گردیده است و حقا در این کتاب آیاتی از توراه و انجیل در پیرامون حرمت شراب آورده و بیانات نافعه و سودمندی نموده‌اند.
2- جزوه‌ای در مسافرت صائم در ماه رمضان پیش از ظهر یا بعدازظهر و مراجعت کند در همان روز پیش از ظهر یا بعدازظهر که بطبع رسیده و منتشر گردیده است.
3- جزوه‌ای در جواب از اعتراض بدعاء مبارک ندبه که در همین سال 1351 شمسی نوشته و بطبع رسیده.
4- کتابی در تجوید که مخطوط است.
5- کتابی در قواعد جفر و اعداد و ختوم و ریاضیات مخطوط.
6- کتاب تذکره المتکلمین فارسی در موضوع شرافت علم و مقام علماء و سادات.
7- صلوه المسافر استدلالی عربی متجاوز از دویست صفحه که آماده برای طبع است.
ناگفته نماند که جد اعلای آقای کاظمینی مرحوم علامه زاهد سید محسن کاظمینی یکی از اوتاد زمان خود بوده و در حدود 1240 قمری از دنیا رفته و قبرش در کوچه قریب بصحن مطهر است در طرف شمالی آن و معروف است.
و در مستدرک الوسائل از عالم عامل ملا زین‌العابدین سلماسی نقل کرده که گفت در خواب دیدم قصر عالی رفیعی که درب وسیعی داشت و دیدم بدر و دیوارهای آن میخهای طلا زده بودند گفتم صاحب این قصر کیست گفتند سید محسن کاظمینی تعجب کردم گفتم منزلش در کاظمین کوچک و درب کوچکی داشت از کجا این منزل مال او شده گفتند چون داخل شد از این درب کوچک خداوند باو عطا فرمود این منزل عالی بزرگ را.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] تاریخ بروجرد (578/ 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (198 -196/ 3)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1061/ 3).

کاظمینی بروجردی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1339 ق)، عالم دینی و فقیه. در بروجرد به دنیا آمد. در هجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد شد و به تحصیلات علوم دینی پرداخت. پس از چهار سال به نجف مهاجرت کرد و در مدرسه‌ی بادکوبه‌ای‌ها مشغول به تحصیل شد. ولی به علت کسالت، با اینکه آیت‌اللّه اصفهانی به امر درمان ایشان توجهی خاص داشت، به موطن خود بازگشت. آن‌گاه به قم رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید و از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه سید محمد تقی خوانساری و آیت‌اللّه شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود. در 1375 ق به تهران آمد و در مسجدی در خیابان خراسان به انجام وظایف مذهبی و گفتن تفسیر و احکام و معارف اسلام و ترویج دین پرداخت. از آثارش «نهایة المقام لابناء الامام»؛ «نهایة الکلام فی حق رسول الاسلام»؛ «اسلام از نظر دیگران»؛ «منتخب اللآلی»، در سؤال و جواب و داستانهای اسلامی؛ «گنجینه‌ی معارف»؛ «منشورات»؛ «جواهر الولایة»، در امام شناسی؛ «منشورات مقدس نور»، راجع به شیعه‌شناسی در نظر فریقین.[1]
سید حبیب‌الله برهانی بن حاج سید کریم رستمکلائی تاجر معروف مازندران از علماء معاصر شمال بودند. وی مقدمات تحصیلی خود را در حوزه‌های مازندران تکمیل و مدتی در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام اشتغال داشتند و در عصر مرحوم آیه‌الله حایری بقم آمده و از محضر آن بزرگوار استفاده نموده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت و از محضر علمین آیتین آیه‌الله نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده کرده و سپس بوطن مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی از جماعت و تبلیغ دین و احکام پرداخته و در امور سیاسی اشتهار پیدا نموده که در تمام مازندران معروف بود. در سال 1376 ق از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل بمشهد مقدس و در یکی از حجرات غربی باغ رضوان مدفون گردیده است.
مرحوم برهانی دارای صفات حمیده و برجسته از قبیل مهمان نوازی و مساعدت بمستمندان و بیچارگان بوده و در سخاوت در حدود خود بسیار کم نظیر بوده است.
فرزندان بسیاری از خود گذارد که بعضی در سلک روحانیت میباشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (531 -530/ 4).

کاظمینی خونساری، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدمهدی بن العلامة حاج سید محمد بن العلامه سید محمدصادق بن العلامة آیت‌اللّٰه العظمی آسید زین‌العابدین خونساری اصفهانی کاظمینی رحمة اللّٰه علیهم اجمعین از علماء معروف و معاصر کاظمین بوده‌اند آن مرحوم در محله قطانه کاظمین در سوم ماه شعبان 1319 ق متولد شده و پس از پرورش در بیت علم و عزت شروع به تحصیل نموده و مقدمات و ادبیات و منطق و سطوح وسطی و نهائی را از علماء مبرز کاظمین چون مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین رشتی کاظمی خوانده سپس به نجف اشرف مهاجرت و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آسید ابوتراب خونساری و آیت‌اللّٰه آشیخ علی مازندرانی و غیرهما استفاده نموده آنگاه مراجعت به کاظمین و به وظائف دینی و روحی از اقامت جماعت در صحن و حرم مطهر کاظمین (ع) و ترویج دین و تألیف کتب مفیده پرداخته تا در محرم 1391 قمری که رد سن 72 سالگی از دنیا رفته و در جوار جد گرام خود باب‌الحوائج الی اللّٰه حضرت موسی بن جعفر (ع) مدفون گردیده است دارای تألیفات عدیده می‌باشد که ذیلا می‌نگارم
1- احسن الودیعه فی تراجم مجتهدی الشیعه 2- صرف العنایة فی حل معضلات الکفایه 3- نزهة المرتاض فی شرح طهارة الریاض 4- القول المقبول فی مباحث الاصول 5- جامع الشتات فی النوادر والمتفرقات 6- نفایس الکلام فی شرح اسماء اللّٰه العظام 7- زبدة الکلام فی المنطق والکلام 8- بغیة اللبیب و غنیة الادیب فی شرح منطق التهذیب 9- الانوار الکاظمیه فی احوال السادات الموسویه 10- النقد والبیان فیما یتعلق بکتب الاعیان
11- مطلع الشمسین فی الدفاع عن السیدین 12- البرهان الجلی فی احوال زید بن علی (ع) و چندین کتاب دیگر. آن مرحوم دارای اجازات عدیده روایتی و غیره از بزرگان مراجع نجف و کاظمین بوده‌اند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی، راضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ راضی بن شیخ محمد کاظمینی از اکابر علماء کاظمین بوده و علماء فریقین به فضل او اقرار نموده و آن بزرگوار در زهد و ورع و علم کم‌نظیر بود. علوم عربیه و منطق و معانی و بیان و فقه و اصول را تدریس می‌نمود تا در روز شنبه 17 شوال 1349 وفات و مل به نجف و در جنب والد علامه‌اش شیخ محمد که از اکابر علماء کاظمین بودند مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احسن‌الودیعه ج 1 ص 25- گوید عالم او حد و فقیه مسدد مولینا سید محمد بن سید احمد کاظمینی (آل حیدر) از قاطنین کاظمین علیهماالسلام عالم کامل زاهد عابد عارف باخبار و آثار منطبق متکلم مهاب رئیس مقدم بر اقران بارع در زمان خود بود و در حسینیه که بعضی از امراء به امر او بنا کرده بود به منبر تشریف می‌برد و خطبه می‌خواند و موعظه کرده و مردم را به طریق حق و رشاد هدایت و ارشاد می‌فرمود و علی رؤس‌الاشهاد حق می‌گفت و از کسی باک نمی‌نمود و بر اهل علم تعظیم و تکریم و در مجالس و محافل برای ایشان قیام و در این طریقه حسنه تأسی بر گذشتگان می‌کرد و در کاظمین علیهماالسلام به کرم و اخلاق او مردم ضرب‌المثل می‌کردند.
وی از شاگردان شیخنا الانصاری و علامه میرزا محمدحسن شیرازی در ایام اقامت او در سر من رای بود و در حیات میرزاء به کاظمین برگشته و مشغول به ترویج شرع مبین و نشر سنن سیدالمرسلین گردید.
از آثار علمی او کتب زیر است.
1- کتابی در اخبار 2- حاشیه بر معالم 3- منظومه در اصول موسوم به در نظیم 4- کتابی در موالید ائمه اطهار علیهم‌السلام 5- کتابی در وفیات ایشان ع سفری در 1280 ق به مشهد مقدس نموده و بعد از چهار سال اقامت در ارض اقدس به کاظمین مراجعت و در محرم 1315 ق به رحمت حق پیوست و در مقبره شخصی خود مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمینی، مرتضی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مرتضی پنجمین فرزند علامه آسید احمد کاظمینی عالمی محقق و فاضلی مدقق و از بزرگان و مشاهیر علماء شیعه و رؤساء روحانیون کاظمین بوده است
علماء بزرگوار کاظمین او را از هر جهت بر برادرش مرحوم آسید مهدی مذکور مقدم می‌داشتند عمده تلمذش خدمت علامتین آیت‌اللّه العظمی آشیخ محمد حسن آل یس کاظمی و آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی اعلی اللّه مقامهم. الشریف بوده است.
وفات آنجناب در هشتم ماه رجب 1303 قمری در کاظمین اتفاق افتاد و با تشییع عظیمی در مقبره خود ایشان که در حسینیه واقع است مدفون گردیدند
مساجد و حسینیه‌های کراچی
در کراچی که بیش از یکصد هزار نفر ایرانی یزدی و اصفهانی و خراسانی و شیرازی و غیره سکونت دارند مساجد و حسینیه‌های بسیاریست که همه مجلل و باشکوه و مخصوص حسینیه آقاخانی‌ها از نظر صنعت معماری و ریزه‌کاری که تمام قرآن کریم در سقف آن به طرز جالب زرین منقوش شده از مهمترین بناهای پاکستان بلکه دنیای اسلام است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کافی الکفاة طالقانی، اسماعیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جناب اسماعیل بن عباد بن عباس طالقانی معروف به صاحب بن عباد منسوب به این ناحیه است و اگر نداشت طالقان کسی را جز این یک نفر برای او کافی بود که به اکثر مناطق و اماکن فخر و مباهات کند.
محدث قمی در فوائد الرضویه ص 45- گوید: پا به فضل و کمال و معالی و افضال آن قدوه ارباب جلال از آن گذشته است که زبان بتواند ثنای او گوید چه ظاهرست که چون جمال بغایت رسد دست مشاطه بیکار ماند و چون بزرگی و جلال بحد کمال رسد بازار وصافان شکسته گردد.
آنجناب از وزراء آل‌بویه و ملجاء عوام و خواص و مرجع ملت و دولت و از خانواده شرف و عزت بوده و سالها وزارت فخرالدوله و مجدالدوله دیلمی را داشته و خدمات بسیاری به دین و مذهب نموده است.
ورث الوزراة کابراً عن کابر
موصولة الاسناد بالاسناد
یروی عن العباس عباد و زا
رته و اسماعیل عن عباد
و یگانه عصر خویش در فضل و کمال و علم و ادبیت بود، علویین و سادات و علماء و فضلا نزد او محلی منیع و منزلتی رفیع داشتند. و از علماء ترویج می‌کرد و ایشان را به تصنیف و تألیف تشویق می‌نمود.
بجهت خاطر او شیخ فاضل خبیر ماهر حسن بن محمد قمی تاریخ قم را تألیف کرده و در اول آن برخی از فضائل جناب صاحب را ذکر کرده.
و نیز شیخ صدوق برای او عیون اخبارالرضا (ع) را تألیف نموده و اول آن را به ذکر دو قصیده‌ای از او در اهداء اسلام به سوی مولانا الرضا (ع) مزین ساخته.
و هم ابن‌فارس کتاب (الصاحبی) را که در لغت است به اسم او معنون کرده است و نیز شیخ اجل حسین بن علی بن بابویه برادر شیخ صدوق کتابی به اسم او نوشته و ثعالبی کتاب (یتیمة الدهر) را در احوال شعراء برای او تصنیف نمود.
عده‌ای از علماء اهل سنت هم به مدح و ستایش او کتابهای خود را زینت داده‌اند.
ثعالبی در وصف آن جناب گوید. لیست تحضرنی عبارة ارضاها للافصاح عن علو محله فی العلم والادب و جلالة شانه فی الجنود والکرم وتفرده

بالغایات فی المحاسن و جمعه اشتات المفاخر لان همة قولی تخفض عن بلوغ ادنی فضایله و معالیه و جهد وصفی یقصر عن ایسر فواضله و معالیه...
خلاصه وی اعجوبه زمان و ناده دوران و در تشیع و حب اهل‌بیت علیهم‌السلام یکتای عصر بود حتی مردم اصفهان آن روز مذهب تشیع را نسبت به او می‌دادند و می‌گفتند فلانی بر دین ابن‌عباد است.
آن بزرگوار تألیفات بسیار دارد از جمله کتاب محیط در لغت که هفت جلد است و کتاب الکافی در وسائل و کتاب اعیاد. و فضائل نوروز و رساله‌ای در احوال حضرت عبدالعظیم (ع) و نیز کتاب تذکره و کتاب الوزراء و کتاب الانوار و کتاب جوهرة الجمهره و کتاب الشواهد و کتاب القضاء والقدر و کتاب الامامه که در آن ذکر کرده تفضیل امیرالمؤمنین (ع) و تثبیت امامت آن حضرت را و غیر اینها.
اشعار بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام و تبری از دشمنان آنان گفته که برخی از آن را می‌نگارم.
ابیات جناب صاحب
حب علی بن ابیطالب
هو الذی یهدی الی الجنة
ان کان تفضیلی له بدعة
فلعنة اللّه علی السنة
و نیز گوید
لو شق عن قلبی یری وسطه
سطران قد خطا بلا کاتب
العدل والتوحید فی جانب
و حب اهل البیت فی جانب
و نیز فرموده
قالت تحب معاویه قلت اسکت یازانیه
قالت اسأت جوابیه فاعدت قولی ثانیه
یا زانیه یا زانیه یا بنت الهی زانیه
احب من شتم الوصی علانیه
فعلی یزید لعنة و علی ابیه ثمانیه
آن بزرگوار در سال 326 در طالقان متولد و در 24 صفر 385 در ری وفات و جنازه‌اش حمل به اصفهان و در خانه خودش او را دفن نمودند صاحب روضات گوید قبر صاحب در اصفهان در محله‌ای معروف به باب طوقچی در میدان کهنه است و قبه‌ای دارد و در زمان ما چون منهدم گردید شیخ علامه حاج ملا محمد ابراهیم کرباسی امر به تجدید عمارت آن نمود و به زیارت او مداومتی داشت و عامه مردم تجربه کرده‌اند که

هرکس به زیارت او رود یک هفته نمی‌گذرد که خیری عاجل نصیب او می‌شود.
ابوالحسن جوهری در مدح او گوید.
هلم للخبر المأثور مسنده
فی الطالقان فغرت عین ناقله
فذلک الکنز عباد و قد وضحت
عنه الامامة فی اولی مخایله
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کافی الملک، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ احمد بن المرحوم عباسعلی از علماء اخیار و مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم است که به فضل و کمال موصوف و به قدس و تقوا معروفست. وی در قریه کافی‌الملک که در هشت فرسخی تبریز است متولد شده و در سن کودکی به تحصیل فارسی پرداخته و بعد از فراگرفتن آن در شهر تبریز وارد مدرسه طالبیه شده و ادبیات را از علماء آنجا خوانده و مکاسب را از مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و کفایه را نزد آیت‌الله شهیدی و قسمتی از معقول را از آیت‌الله آقا سید عبدالعظیم رضوان‌الله علیهم خوانده و در تاریخ 1350 قمری مهاجرت به قم نموده و مدت پنج سال از محضر آیت‌الله العظمی حایری و ضمنا آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی خونساری طیب‌الله مضاجعهم و مدت 18 سال هم تقریبا از ابحاث آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و هم تا حال حاضر به تدریس سطوح عالی فقه و اصول را اشتغال دارند.
مولف گوید: جناب حجه‌الاسلام آقای کافی‌الملکی از علماء برجسته حوزه است و از روزی که ایشان را شناخته‌ام به علم و فضیلت شناخته و یافته‌ام ادام‌الله عزه و توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کبودرآهنگی، محمدجعفر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدجعفر بن صفرخان بن عبداللَّه کبودر آهنگی از علماء فقهاء و عرفاء صلحاء از شاگردان ملا محمدمهدی نراقی و میرزا ابوالقاسم قمی و غیر آنان از بزرگان بوده و در فقه و اصول مقام بلندی داشته و در ردیف اتقیاء و ابرار بوده و با جلالت قدرش مشهور به عرفان سلوک گردیده و در سال 1239 در تبریز وفات نموده است.
آثار و تألیفات وی بسیار و از آنها کتب زیر است 1- شرح دعاء حضرت امیر (ع) (اللهم نور ظاهری بطاعتک) 2- مراحل السالکین 3- الاعتقادات 4- مرات الحق و غیر اینها.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1369 -1290 ق)، فقیه، اصولی و مدرس. در قم به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را نزد ملا محمد تقی نحوی و حاج شیخ محمد حسین قمی و معقول را در خدمت حکیم یزدی فراگرفت. آن‌گاه به تهران آمد و از محضر حاج شیخ فضل‌اللّه نوری و آقا سید عبدالکریم گیلانی و حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ علی نوری و آقا میرزا محمود قمی بهره گرفت و فقه و اصول و حکمت را تکمیل کرد. پس از آن به نجف مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و علامه یزدی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نمود. در 1338 ق پس از نیل به درجه‌ی عالی اجتهاد به قم بازگشت و به تدریس و تربیت محصلین و دانشجویان علوم دینی همت گماشت. درس خارج فقه و اصولش مورد استفاده‌ی گروهی از فضلاء بود. او از طرف آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی مرجع در احتیاطات گردیده بود. وی در مناسبت‌های ویژه چون اعیاد و سوگواری‌ها منبر می‌رفت و به موعظه‌ی مردم می‌پرداخت. در قم از دنیا رفت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه بر «جواهر»؛ حاشیه بر «عروة»؛ «مشارق الشموس»، در اصول، تعلیقه‌ای بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ «منتخب الرسائل».[1]
مرحوم مبرور شیخ الفقهاء والمجتهدین حاج میرزا محمد کبیر قمی از آیات عظام و علماء کرام و مراجع والامقام شهرستان قم و حوزه علمیه بوده است. تولدش در سال 1290 قمری در قم واقع شده و مقدمات و سطوح وسطی را خدمت مرحوم حاج شیخ محمد حسین قمی و معقول را خدمت مرحوم حکیم یزدی خواندهٔ آنگاه به تهران مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ فضل‌اللّه شهید نوری و آیت‌اللّه آقا سید عبدالکریم گیلانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحومین علمین آیتین آخوند خراسانی و علامه یزدی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نموده و در سال 1338 قمری به قم مراجعت و به تدریس و تربیت عده‌ای از محصلین و طلاب و هم اقامه جماعت در مسجد امام علیه‌السلام پرداخته است.
وی منبری شیرین داشت و در منزل خود در اعیاد و سوگواریها منبر می‌رفت و مردم را به موعظه حسنه خود بهره‌مند می‌نمود. درس خارج فقه و اصولش مورد استفاده جمعی از فضلاء بوده و با حکماء و فلاسفه

مخالفت علنی داشت و مانند مرحوم آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی مشهد می‌فرمود این فلسفه‌بافی‌ها مردم را از آل محمد صلوات اللّه علیهم اجمعین و اخبار و احادیث اهل‌بیت دور ساخته است. در سال 1369 قمری از دنیا رفت و در قبرستان شیخان جنب مقبره زکریا بن آدم اشعری در مقبره خصوصی خود مدفون گردیده است.
آثار قلمی ایشان از این قرار است 1- حاشیه بر جواهر 2- حاشیه بر عروه 3- مطالع الشموس در اصول 4- رساله‌های علمیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (150 -148)، الذریعه (36/ 21)، گنجینه‌ی دانشمندان (343 -342/ 1)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3145/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (691 -690/ 5).

کبیر، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند مرحوم شیخ محمدتقی از اجله علماء و مجتهدین و فقهاء و مدققین عصر خود بود در علوم ادبیه و حسن خط نیز مقامی عالی داشت در قم خدمت مرحومین شیخ محمدحسن نادی و ملا محمدجواد تحصیل نمود و در نجف نزد علامتین خراسانی مرحوم آخوند و مرحوم سید محمدکاظم یزدی تلمذ نمود.
نگارنده در آثارالحجة ج 1 ص 39 ترجمه وی را به عنوان ششمین حادثه حوزه‌ی علمیه بعد از تأسیس آن چنین نگاشته‌ام ششمین حادثه‌ای که قم و حوزه علمیه و عالم تشیع دیده رحلت عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی تقی زاهد معروف به فضل وسعه اطلاع و دقت نظر آیةاللّٰه العظمی آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی بود که او را بعضی بر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه ترجیح می‌دادند. فضلاء اصحاب ایشان از مراجع امروز به شمار می‌روند.
نگارنده گوید: گرچه این حقیر آن بزرگوار را درک نکردم و به فیض ملاقات و زیارتش نرسیدم ولی از علماء و مراجع بزرگ امروز حوزه که آنجناب را دیده‌اند شنیدم که آن مرحوم دارای نفس قدسی و ملکوتی بود و مرحوم آیةاللّٰه حاج آقا حسین قمی می‌فرمود من منکر بودم که در این زمان آدم خوب پیدا شود با شرایط فعلی و فساد عمومی تا آنجناب را دیدم در قم و آیت‌اللّٰه آقا سید مرتضی کشمیری را در نجف اشرف که یقین کردم در این عصر هم انسان کامل و مؤمن حقیقی یافت می‌شود.
در سال 1353 ه.ق دو سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حائری در سن هفتاد سالگی وفات نمود و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر حاج شیخ عبدالکریم مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کتاب‌فروش، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آقا میر سید محمدبن سید محمد علی بن هادی افطسی حسینی نیز عالم و زاهد بوده، و بسیار پیرو معمر شده، و در اصفهان سطوح فقه تدریس می‌نموده، پس از فوت در همین بقعه مدفون گردیده است.
فرزندانش در اصفهان ساکن، و عموما اهل فضل و کمال می‌باشند.
دیگر از معروفین این خاندان: مرحوم میر محمد حسین کتابفروش فرزند میر علی نقی است که از علما و فضلا بوده، و در 1341 وفات یافته، جنب بقعه‌ی نام برده مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کتاب‌فروش، محمد صادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میر سید محمد. عالم زاهد متقی، شاگرد و داماد سید حجةالاسلام شفتی، از جمله‌ی فقهای ممتازین بوده، و در نزد علمای این شهر به علم و عمل و فقاهات شهرت داشته، در محله‌ی خواجو سکونت داشته، و عمر خویش را به تحصیل و تدریس و مطالعه و تألیف گذرانیده. سطوح فقه تدریس می‌نموده، و عده‌ی کثیری در خدمت ایشان تحصیل نموده‌اند.
کتب و رسائلی در فقه نوشته‌اند، شرحی بر شرایع دارد.
در حدود 1210 متولد، و در 5شنبه 12 شعبان 1304 وفات یافته، در بقعه‌ای مخصوص جنب تکیه‌ی میرزا رفیعا مدفون گردید که فعلا جزو اراضی فرودگاه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کرابیسی سمرقندی، ابوالفضل، محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 322 ق)، فقیه حنفی. از آثارش: «الفروق»، در فروع فقه حنفی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1257)، معجم المؤلفین (85/ 10)، هدیة العارفین (33/ 2).

کرابیسی نیشابوری، ابوالمظفر جمال‌الاسلام اسعد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 570 ق)، فقیه حنفی. به دلیل خرید و فروش کرباس به وی کرابیسی گفته‌اند. در «کشف الظنون» در یک جا سال وفات وی 539 ق و در جای دیگر 570 ق ذکر شده است. از آثار وی «الفروق فی فروع الحنفیة» است که در «هدیة العارفین» تحت عنوان «تلقیح العقود فی الفروق من فروع الحنفیة» آمده است. از دیگر آثارش: «الموجز»، شرح «المختصر فی فروع الحنفیة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1898، 1630، 1257)، لب اللباب (204/ 2)، معجم المؤلفین (247/ 2)، هدیة العارفین (204/ 1).

کرباسی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1308 ق)، فقیه، اصولی و عالم دینی. معروف به شیخ العراقین. نوه‌ی دختری سید حجة الاسلام بود. در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش به نجف مهاجرت کرد و از محضر علامه انصاری و پس از او از شیخ محمد حسین کاظمی بهره برد. آن‌گاه خود به تدریس پرداخت. او در نهایت احترام در نجف باقی ماند. در آنجا درگذشت و هما جا دفن شد. از آثار وی: «اصول الفقه»، در دو مجلد بزرگ، شرح کتاب «اصول» پدرش، آقا شیخ محمد مهدی کرباسی؛ «کتاب الصلاة»، که در آن از کتاب «الجواهر» و نیز از استادش شیخ انصاری بسیار نقل کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (417 -416/ 2)، تذکرة القبور (508)، الذریعه (54/ 15 ،203 -202/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 77 -76/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1066/ 3)، معجم المؤلفین (124/ 8)، مکارم الآثار (2199/ 6).

کرباسی، ابوالمعالی محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1315 -1247 ق)، فقیه اصولی، رجالی، محقق و مجتهد. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر سید محمد بن عبدالصمد شهشهانی و سید حسن مدرس اصفهانی استفاده نمود. کرباسی عالمی متبحر و دارای تتبع بسیار بود. او استاد آیت‌اللّٰه بروجردی بود. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاستخارات»؛ «البشارات»، در اصول فقه؛ «الجبر و التفویض»؛ «الاسرافیة»؛ «الاستیجاریة»؛ «الاستشفاء بالتربة الحسینیة»؛ «شرح زیارة عاشوراء»؛ شرح «الکفایة» سبزواری، در فقه؛ «حجیة المظنة»؛ «تعارض الاستصحاب و اصالة الصحة»؛ «تعارض الاستصحابین». از دیگر آثار وی نگارش کتب مستقلی در شرح حال محدثین بزرگی چون: ابن الغضائری، ابوبکر حضرمی، آقا حسین خوانساری، حفص بن غیاث، حماد بن عثمان، سلیمان بن داوود، شیخ بهائی، علی بن سندی، قاسم بن محمد، محمد بن سنان، محمد بن فضل، محمد بن قیس، نجاشی و جمعی دیگر می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (475)، تذکرة القبور (106 -105)، الذریعه (36/ 14، 308/ 13، 276/ 6، 83/ 5، 110/ 3، 57، 35، 23، 19، 18-/ 2)، ریحانه (270 -269/ 7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 80 -79/ 14)، الکنی و الالقاب (159/ 1)، گنجینه‌ی دانشمندان (243/ 2).

کرباسی، جمال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1350 ق)، فقیه، هیوی و زاهد. در اصفهان ابتدا نزد پدر مقدمات را فراگرفت و پس از تلمذ در خدمت بعضی از علمای شهر به نجف رفت و در محضر آخوند خراسانی حاضر گشت. او از پدرش روایت کرده است. وی در جنب مزار پدرش دفن شد. از آثارش «تلخیص الهیئة»، در مهمات مسائل هیئت قدیم و شناخت تقویم و اسطرلاب است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (108)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 308/ 14)، معجم المؤلفین (379/ 13).

کرباسی، رضا، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1383 -1295 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر علمای آنجا استفاده نمود. سپس به تهران آمد و در درس علمای تهران شرکت کرد. در 1323 ق به نجف مهاجرت کرد و از شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی به دریافت اجازه نایل شد. آن گاه به اصفهان بازگشت و سالها به ترویج دین و نشر احکام و احیای مساجد مخروبه پرداخت. وی سپس به مشهد مهاجرت نمود و در آنجا ساکن گردید و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. او در همان جا درگذشت و به خاک سپرده شد. از آثار وی: «انیس اللیل»، در شرح «دعای کمیل»؛ «مکیال الیقین فی اصول الدین»؛ «ایقاظات الاصول»؛ «مقامات العارفین فی بیان منازل السالکین»، به فارسی؛ «هدایة السالکین لعموم المؤمنین»، به فارسی؛ «دعوة الحسینیة»؛ حواشی بر کتب مختلف فقهی و اصولی؛ «مرآت المصنف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (331)، الذریعه (176/ 25 ،182/ 12، 22 /287، 20 ،464/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 759/ 14).

کرباسی، کمال‌الدین ابوالهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1356 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، رجالی و زاهد. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در محضر پدرش و عده‌ای دیگر از علما گذراند، سپس برای تکمیل تحصیلات در حدود 1320 ق به نجف مهاجرت کرد و در اصول و فقه از محضر آخوند ملا کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نمود. پس از رسیدن به مقامات عالی اجتهاد به اصفهان بازگشت و به درس و بحث و تدریس پرداخت و حوزه‌ی درس فقه و اصول و رجال تشکیل داد. وی از علمای روزگارش به دریافت اجازه نایل آمده بود و از سید حسن صدر و میرزا محمد هاشم خوانساری چهار سوقی و حاج ملا علی محمد نجف‌آبادی اجازه‌ی روایت داشت. وی خود نیز از مشایخ اجازه‌ی آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی و سید حسن خراسانی و شیخ عبدالحسین گروسی بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در کنار پدرش در تخت فولاد دفن شد. از آثار وی: «البدر التمام و البحر الطمطام»، در شرح حال پدر و جدش؛ «التحفة الی سلالة النبوة»، اجازه‌ی مبسوطی است برای آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ «الدر الثمین فی جملة من المصنفات و المصنفین»؛ «درة البیضاء»، در اجازه‌ی روایت؛ «زلات الاقدام»، در اشتباهات رجالی؛ «سماء المقال فی تحقیق علم الرجال»؛ «الصراط المستقیم فی التمییز بین الصحیح و السقیم»؛ «القواعد الرجالیة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (453/ 2)، تذکرة القبور (107 -106)، الذریعه (337/ 16، 34/ 15، 229/ 12، 64 -63/ 8، 403، 67/ 3)، ریحانه (300 -298/ 7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 81/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (244/ 2)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1068 -1067/ 3)، معجم المؤلفین (146/ 13)، مکارم الآثار (1304/ 4) ، مؤلفین کتب چاپی (308 -307/ 1).

کرباسی، محمد ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1186/ 1180- وف 1262 -1260 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، زاهد و عابد. اصل او از حوض کرباس هرات است. پدرش از هرات به کاخک خراسان منتقل شد و بدین جهت به کاخی یا کاخکی معروف شد. ابراهیم در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات به عتبات رفت. او محضر وحید بهبهانی را درک کرد و فقه و اصول و علوم دینی را از حوزه‌ی اساتیدی چون سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و آقا سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و سید محسن مقدس کاظمی و دیگر علمای وقت فراگرفت. سپس به ایران بازگشت. در قم از محضر محقق قمی، صاحب «القوانین»، و در کاشان از محضرت ملا محمد مهدی نراقی بهره برد. آن گاه به اصفهان بازگشت و در مسجد حکیم آنجا حوزه‌ی درس تشکیل داد. کرباسی از میرزای قمی و شیخ جعفر نجفی و شیخ احمد احسائی و شیخ عبدعلی خطی بحرانی و شیخ حسین ماحوزی و شیخ سلیمان بحرانی اجازه داشت و از آنان روایت می‌کرد. میرزا زین‌العابدین خوانساری و آقا سید حسن مدرس و سید حسن مجتهد موسوی و آقا میر سید محمد شهشهانی از شاگردان وی بودند. او در اصفهان درگذشت و در جوار مسجد حکیم دفن شد. از آثار وی: «اشارات الاصول»، در دو مجلد بزرگ؛ «الایقاظات»، در اصول فقه؛ «شوارع الهدایة»، در شرح «الکفایة» محقق سبزواری؛ «ارشاد المسترشدین»؛ «منهاج الهدایة الی احکام الشریعة و فروع الفقه»؛ «مناسک الحج»، به فارسی؛ «نقد الاصول»؛ «نخبه»، رساله‌ی عملیه، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (195/ 6)، اعیان الشیعه (207 -206/ 2)، ایضاح المکنون (58/ 2 ،83 ،64/ 1)، تذکرة العلماء (217 -216)، تذکرة القبور (48 -46 ،47)، الذریعه (272/ 24 ،180 -179/ 23 ،253/ 22 ،237/ 14 ،507 ،98 -97/ 2 ،521 -520/ 1)، روضات الجنات (47 -44/ 1)، ریحانه (44 -42/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 15 -14/ 13)، فوائد الرضویه (12 -10)، الکنی و الالقاب (109/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم کرباسی)، معجم المؤلفین (91/ 1)، مکارم الآثار (1646 -1643/ 5)، هدیة العارفین (42/ 1).

کرباسی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1418 -1323 ق)، فقیه، عالم و زاهد. در اصفهان به دنیا آمد و در خاندان علم و فضیلت نشو و نما یافت. نیای بزرگ او شیخ محمد ابراهیم کرباسی، مولف «اشارات الاصول»، است. او مقدمات و ادبیات را نزد علمای اصفهانی آموخت و آن‌گاه در 1340 ق در هفده سالگی به نجف مهاجرت کرد و فقه و اصول را در محضر آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌اللّه شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه اصطهباناتی و آیت‌اللّه شیخ محمد کاظم شیرازی فراگرفت و سپس به اصفهان مراجعت کرد و از محضر آیت‌اللّه سید محمد صادق خاتون آبادی استفاده نمود. پس از آن به نجف بازگشت و از خدمت آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه شیخ حسین حلی بهره‌مند گشت و در 1360 ق به زیارت بیت‌اللّه الحرام مشرف شد. مدتی در مکه و مدینه اقامت کرد. در 1377 ق برای معالجه به تهران آمد و پس از بهبودی در قم سکنی گزید و به تدریس و مطالعه و تألیف پرداخت. از آثارش: «تقریرات» دروس آیت‌اللّه عراقی، یک دوره کامل در اصول؛ «تقریرات» آیت‌اللّه اصفهانی، یک دوره کامل در اصول؛ کتاب «الطهارة»، در فقه؛ «صلاة»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 583/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (244 -243/ 2).

کرباسی، محمد مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1292 ق)، فقیه امامی. از پدرش، علامه حاج محمد ابراهیم کرباسی، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل آمده بود و پس از پدر جانشین وی گشت. شیخ محمد مهدی کرباسی داماد سید حجة الاسلام بود. او کتاب «منهاج الهدایة» پدرش، در فقه، را شرح کرد و آن را «معراج الشریعة» در شرح «منهاج الهدایة الی احکام الشریعة» نامید و در 1267 ق از نگارش آن فراغت یافت. از دیگر آثار وی: «الاجتهاد و التقلید»؛ «الاستصحاب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (335 -334/ 7)، الذریعه (231 -230/ 21 ،25/ 2 ،273/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 15/ 13)، فوائد الرضویه (10).

کربلایی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علی بن محمّد رضا بن محسن تستری اصفهانی.
عالم جلیل، و فقیه فاضل، در کربلا متولّد شده و بدین جهت به کربلایی معروف شده، در مدرسه اکبر خان ساکن بوده، به درس میرزای شیرازی حاضر شده و از او و جمعی دیگر از علما استفاده کرده، و در موضوع امتیاز تنباکو و لغو آن که از قضایای سال 1309 می‌باشد کتابی جامع تألیف نموه به نام «تاریخ الدخانیة». پس از فوت میرزا به کربلا مراجعت نموده و به خدمت حاج اسماعیل صدر اصفهانی رسیده.
سرانجام در روز 5 شنبه 17 ربیع الاول سال 1322 در کاظمین وفات یافته، و هم در آنجا مدفون شد.
کتب زیر از اوست:
1- تاریخ دخانیه 2- تقریرات استادش 3- رساله در قاعده «الناس مسلّطون علی اموالهم» در نهایت بسط وجودت؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کردری، تاج‌الدین، ابوالمفاخر عبدالغفار

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 562 ق)، فقیه حنفی و قاضی. اصلش از کردر، از قرای خوارزم بود. وی عهده‌دار منصب قضاوت در حلب بود و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «اصول فقه»؛ «المفید و المزید»، در شرح «التجرید» کرمانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «الجامع الصغیر» و شرح «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع؛ «حیرة الفقهاء»، که در آن مسائلی را که فقها در حلش حیران بودند جمع کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (158/ 4)، ایضاح المکنون (425/ 1)، کشف الظنون (562، 345- 346، 114)، معجم المؤلفین (270 -269/ 5)، هدیة العارفین (587/ 1).

کرمانشاهی، حبیب‌اللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب‌اللّٰه بن آقا محمدجعفر آقا محمدعلی کرمانشاهی عالمی فقیه و خطیبی متکلم بوده و در حدود 1314 وفات نموده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1299 ق)، فقیه، اصولی و منطقی. از علمای فاضل دودمان وحید بهبهانی است. در نجف درگذشت و در یکی از حجرات صحن علوی دفن شد. از او آثاری در فقه و اصول و ادب باقی است. از آثارش: شرح «زبدة الاصول» شیخ بهائی؛ حاشیه بر حاشیه ملا عبداللّه یزدی بر «شرح التهذیب»، در منطق؛ تعلیقه بر «مبادی الاصول» علامه‌ی حلی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (197/ 9)، الذریعه (298/ 13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 210/ 13)، معجم المؤلفین (135/ 9)، وحید بهبهانی (337).

کرمانشاهی، محمد جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1254 -1178 ق)، فقیه، اصولی، محقق، مجتهد و زاهد. نوه‌ی وحید بهبهانی است. برادرش آقا احمد در «مرآت الاحوال» گوید که او در عراق به دنیا آمد و همراه پدرش به ایران آمد. مدتی در قم از محضر میرزای قمی استفاده کرد. سپس از محضر پدرش آقا محمد علی بهبهانی بهره برد. او مدتی نیز در حوزه‌ی درس سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، حضور یافت تا سرآمد اقران شد. آن گاه حج گزارد و به کرمانشاه رفت و در آنجا به انجام وظائف شرعی پرداخت. او در تحقیق اصول فقه معروف بود و در برآوردن حاجات مردم مشهور. از آثارش: «شرح مختصر النافع»؛ «مصابیح»، شرح «مفاتیح» فیض؛ حاشیه شرح عمیدی بر «هذیب الاصول»؛ حاشیه «معالم الاصول»؛ «انیس الطلاب»، در مسایل متفرقه از فقه و اصول و غیره، به عربی و فارسی؛ «تکمله»، در شرح «تبصره‌ی» علامه‌ی حلی؛ «الجواهر البهیة»، در فقه، به فارسی؛ «نهج الرشاد فی ارشاد العباد»، اصول دین؛ «تحفة الابرار»؛ «منتخب الاصول»، در علم اصول.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (202/ 9)، الذریعه (58/ 14 ،205 ،120/ 13 ،405 -404/ 3 ،460 -459/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 264 -263/ 13)، فوائد الرضویه (575 ،449)، مرآت الاحوال (163 -162)، وحید بهبهانی (337 -334).

کرمانشاهی، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1340 ق)، فقیه امامی. در کربلا نشو و نما یافت. او شاگرد حاج میرزا محمد حسین شهرستانی حائری بود و از وی اجازه داشت. شیخ آقا بزرگ تهرانی از کرمانشاهی روایت می‌کند. وی در کربلا درگذشت. از آثارش «تحقیق الاحکام»، در فقه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8 /270)، الذریعه (3 /481)، معجم المؤلفین (13 /37).

کرمانی حایری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، فقیه، مدرس و واعظ. وی داماد آیت‌اللَّه کرمانی از علمای بزرگ قم بود. حدود چهل سال در حوزه‌ی علمیه قم از محضر آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری و به ویژه هجده سال از محضر آیت‌اللَّه بروجردی استفاده نمود و پس از ایشان از شرکت‌کنندگان درس آیت‌اللَّه شریعتمداری شد. وی در راه نشر و گسترش دین و احکام اسلام تلاش‌های بسیار نمود و مورد توجه آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه مرعشی نجفی بود. از وی آثار علمی فراوانی باقی است، از جمله: «تقریرات» بحث‌های آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه بروجردی؛ تعلیقاتی بر «ایضاح الفوائد» فخر المحققین، که به اتفاق دو نفر از علماء نگاشته است، در چهار مجلد؛ «مجمع الانوار».[1]
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین کرمانی داماد معظم مرحوم آیت‌الله کرمانی از علماء اعلام و فضلام بنام حوزه علمیه قم است که حدود چهل سال در این حوزه از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالاخص 18 سال از آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن مرحوم هم از شرکاء درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری است و منبری شیرین و مفید دارد و در محرم و صفر و ماه رمضان در تهران همه ساله برای منبر و ترویج دین و تبلیغ احکام می‌روند و از راه منبر خدماتی نموده و می‌نمایند آثار علمی فراوان دارند از قبیل دراسات و تقریرات ابحاث مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی تعلیقاتی بر ایضاح الفوائد فخرالمحققین که به اتفاق دو نفر از فضلاء نوشته‌اند که در چهار مجلد به طبع رسیده است 2- مجمع‌الانوار مطبوع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (243 -242/ 2).

کرمانی نجفی، عبداللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1327 -1254 ق)، عالم دینی، محقق، فقیه و زاهد. به عتبات عراق مشرف شد و در نجف به حلقه‌ی درس شیخ انصاری پیوست و مدت پنج سال از وی بهره گرفت. او همچنین در محضر درس میرزای بزرگ شیرازی در سامرا حضور یافت و سالیانی چند ملازم بحث و درس وی گشت. او از بزرگان علم و تقوا به حساب می‌آمد و در ادب و شعر و نثر نیز سرآمد بود. در حوزه‌ی درس او نخبگان شرک می‌کردند. در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «تنقیح المقاصد»، در شرح «فرائد» شیخ انصاری؛ «خلاصة الاصول»؛ «خلاصة الفقه»؛ «التنبیهات»، در اصول و فقه؛ «قاطع النزاع فی تحقیق حقیقة الاجماع»؛ حاشیه «مکاسب» شیخ انصاری؛ کتابی مبسوط در «اصول»؛ «مدایح الاولیاء» و «مصائب الاولیاء» که این دو «دیوان» شعر او به فارسی می‌باشند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (74/ 21، 242/ 20، 8/ 17، 213 -212/ 7 /220، 6 ،466 -465، 450/ 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1210 -1209/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (342 -341/ 16)، میرزای شیرازی (159).

کرمانی، تاج‌الدین، محمود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 807 ق)، فقیه شافعی. مشهور به اصفهیدی. عده‌ای وی را به جای کرمانی، شماخی نامیده‌اند. از آثارش: شرح «الفیة» ابن‌مالک، در نحو؛ «الایجاز»، مختصر «المحرر فی فروع الشافعیة» ابوالقاسم رافعی قزوینی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1613)، لغت‌نامه (ذیل/ اصفهیدی)، معجم المؤلفین (194/ 12)، هدیة العارفین (410/ 2).

کرمانی، جمال‌الدین محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 / 1351 -1292 ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. وی از دانشمندان برجسته‌ی قرن چهاردهم قمری و مؤلف کتاب «أسس الاصول» یا «اصول بی نقطه»، شکل گرفته از حرف مهمله، در 1650 سطر، در مباحث «الفاظ» از علم اصول می‌باشد که در حدود 1318 ق تألیف و در 1319 ق به همراه چند خطبه‌ی مؤلف چاپ شده است. او در کتاب خود با چهارده حرف بی نقطه مطالب اصولیه را بیان کرده و در آخر نسخه چند خطبه آورده است: اول «خطبه‌ی حسدیه»، که فقط از حروف مهمله بی نقطه ترکیب یافته و دوم «خطبه‌ی اثنی عشریه» که فقط از دوازده حرف بی نقطه، غیر الف و همزه، ترکیب یافته، و سوم «خطبه‌ی منقوشیه» که برخلاف خطبه‌ی پیش فقط از حروف منقوطه ترکیب یافته و چهارم «خطبه‌ی معکوسه» که هر یک از فقرات آن را از راست به چپ و از چپ به راست به یک نحو می‌توان خواند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعلام (217/ 7)، الذریعه (58 -57/ 2)، ریحانه (426/ 1)، لغت نامه (ذیل/ جمال‌الدین کرمانی)، معجم المؤلفین (112/ 11).

کرمانی، حبیب‌اللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام شیخ حبیب‌اللّٰه کرمانی از فقهاء و مجتهدین این استان بوده و در حدود 1280 ق وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، رکن‌الدین، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(544 / 543 -457 ق)، فقیه و محدث حنفی. وی مفتی خراسان و شیخ حنفیه بود. در کرمان به دنیا آمد و در آنجا نزد پدرش و در مرو نزد قاضی محمد بن حسین ارسابندی و به قولی اردستانی فقه آموخت و برآمد. او از پدرش و استادش، قاضی محمد بن حسین ارسابندی، و نیز ابوالفتح عبداللّه بن اردشیر هشامی حدیث شنید. سمعانی از وی حدیث شنیده و او را بسیار ستوده و گفته است که دانشجویان بسیاری بر گردش جمع شدند و فقهای زیادی نزدش آمدند و تصانیفش در خراسان و عراق شهرت یافت و علما آن را درس می‌گفتند. ابوالفتح محمد بن یوسف بن احمد قنطری سمرقندی در محضر وی فقه آموخت. در مرو از دنیا رفت. از آثارش: «التجرید»، در فقه؛ «الایضاح»، در شرح «التجرید»، در سه مجلد؛ «نکت الجامع الکبیر» یا «اشارات الجامع الکبیر» یا «اشارات الاسرار»، در شرح «الجامع الکبیر» شیبانی، در فروع؛ «الفتاوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (103/ 4)، انساب سمعانی (57/ 5)، سیر النبلاء (206/ 20)، طبقات المفسرین داودی (282 -281/ 1)، الکامل (23/ 9)، کشف الظنون (1414، 1220، 569، 345، 211، 96)، معجم المؤلفین (111/ 6، 172/ 5)، هدیة العارفین (519/ 1).

کرمانی، رکن‌الدین، ابوبکر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 565 ق)، فقیه حنفی و محدث. از آثارش: «زهرة الانوار»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (619/ 1)، معجم المؤلفین (166/ 10).

کرمانی، زین‌الدین، ابومنصور محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 975 ق)، فقیه حنفی. در «کشف الظنون» سال وفات وی بعد از 975 ق ذکر شده است. از آثارش: «المسالک فی علم المناسک» یا «مناسک ابی‌منصور»، در سه بخش سنن و آداب سفر، مناسک حج و فضیلت مجاورت، که در 975 ق از تألیف آن فراغت یافت. «زلة القراء»؛ «المستعذب»، شرحی بر «مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی؛ کتاب «السجلات»؛ «الحجج الشافیة و الدلائل الکافیة فی سنن السفر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1830، 1663)، معجم المؤلفین (46/ 12)، هدیة العارفین (250/ 2).

کرمانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(786 -717 ق)، فقیه شافعی، اصولی، محدث، مفسر، متکلم و نحوی. اصل وی از کرمان است. مدت سی سال در بغداد به نشر دانش مشغول بود و در آنجا صاحب نام و آوازه گشت. مدتی نیز در مکه اقامت کرد. در راه بازگشت از مکه به بغداد درگذشت. جنازه‌اش به بغداد منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «الکواکب الدراری»، در شرح «الجامع الصحیح» بخاری، بیست و پنج مجلد کوچک و یا چهار مجلد بزرگ؛ «ضمائر القرآن»، و مختصر آن؛ «النقود و الردود فی الاصول»؛ شرح «مختصر» ابن‌حاجب، به نام «السبعة السیارة»، که در آن هفت شرح جمع‌آوری شده است؛ شرح «اخلاق» قاضی عضدالدین ایجی؛ در معانی و بیان، که آن را «تحقیق الفوائد» نامید؛ شرح «المواقف» قاضی عضدالدین ایجی، در علم کلام؛ حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر، در چهار مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (28 -27/ 8)، کشف الظنون (1891، 1662، 1299، 546، 189، 37)، معجم المؤلفین (130 -129/ 12)، هدیة العارفین (172/ 2).

کرمانی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌اکبر بن شیخ محمدعلی کرمانی و فاضلی خلیل از شاگردان میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و میرزا شیرازی بوده و حدود 1328 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، مرحوم حاج شیخ محمد علی کرمانی از علمای اخیار بوده، در اصفهان خدمت جمعی کثیر همچون: حاج ملا جواد آدینه‌ای، و میرزا محمد علی رنانی اصفهانی، و آقا سید محمود مغنی، و شیخ محمد حسن حکیم شیرازی، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان، و میرزا محمد علی حکیم کاشانی اصفهانی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و عبدالکریم جزی، و میرزا حسین همدانی (عالم فاضل ادیب، در مدرسه‌ی نیم آورد تدریس می‌نموده، و در سال 1325 وفات یافته، در صحن درب امام مدفون شده) و آیةالله بروجردی (قبل از مهاجرت به نجف) تحصیل نموده؛ سپس در سال 1319 به نجف مهاجرت کرده، در آنجا خدمت: آقا سید محمد کاظم یزدی، و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و آخوند خراسانی تحصیل نموده، و نسبت به اخیر، خصوصیت داشته، و از جمعی از اساتید خود به اخذ اجازه‌ی روایت و اجتهاد نایل گردیده، در 1330 به اصفهان مراجعت فرموده، و مدتی به درس و بحث اشتغال یافته، سپس ترک مباحثه و تدریس نموده، و تقریبا مدت ده سال آخر عمر به طور تجرد و انزوا می‌زیست.
در ذی حجه 1295 متولد، و در شب جمعه 6 جمادی الاولی سال 1380 وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.
رسائل عدیده‌ای در مباحث فقه و اصول نوشته، از آن جمله: تقریرات اصولی آخوند خراسانی 1 - رساله در مبحث الفاظ 2 - رساله در استصحاب 3 - رساله در تعادل و تراجیح 4 - رساله در عدالت 5 - رساله در بیع 6 - رساله در مرجحات 7 - رساله در وضو 8 - رساله در مسح رجلین 9 - رساله در دماء ثلاثه 10 - رساله در تعرض استصحاب و ید 11 - رساله در بیع معاطاة 12 - شرح خطبه‌ی نهج‌البلاغه (اول الدین معرفة الله) و حدود بیست رساله و کتاب دیگر.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرمانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا فقیه کرمانی بن العالم الجلیل حاج آقا ابوجعفر بن آیت‌اللَّه حاج آقا احمد کرمانی (که ذکرشان بمناسبت ورودشان به قم در سال 1343 ق گذشت) از علماء و آیات عظام استان کرمانست
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانی، نورالدین، ابوالقاسم محمود

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 500 ق)، مقری، مفسر، فقیه شافعی و نحوی. معروف به تاج القراء. او عالم در قراآت بود. از آثارش: «لباب التأویل و عجائب التاویل»، در دو مجلد؛ «البرهان فی توجیه متشابه القرآن لما فیه من الحجة و البیان»؛ «عجائب القرآن» یا «الغرائب و العجائب فی تفسیر القرآن الکریم» یا «العجائب و الغرائب» که تحت عنوان «لباب التفاسیر» می‌باشند؛ «الافادة»، در نحو؛ «الایجاز»، مختصر «الایضاح» ابوعلی فارسی نحوی، در نحو؛ شرح «اللمع» ابن جنی ابوالفتح عثمان موصلی، در نحو؛ «العنوان»، در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (44/ 8)، کشف الظنون (1562، 1541، 1197، 1177، 1126، 241، 213، 131)، معجم الادباء (125/ 19)، معجم المؤلفین (161/ 12)، هدیة العارفین (402/ 2).

کرمی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1340 ق)، عالم دینی، فقیه و شاعر. در نجف به دنیا آمد. وی دخترزاده‌ی آیت‌اللّه شیخ حسن مامقانی است. سطوح را در خدمت مدرسین بزرگ آنجا خواند. در 1341 ق به قم مهاجرت نمود و در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حجت کوه کمری حاضر شد و تا پایان عمر آن استاد از فقه و اصول وی استفاده نمود و مدت پنج سال هم در درس آیت‌اللّه بروجردی شرکت کرد و از محضر آیات دیگر نیز بهره‌مند شد، و ضمنا خود به تدریس فقه و اصول پرداخت تا در اواخر عمر پدرش، به اصرار پدر، به خوزستان مهاجرت کرد و در اهواز اقامت گزید و به وظائف دینی مشغول شد. وی اشعار زیبایی نیز دارد. از آثار وی: احداث مسجدی در حویزه، حسینه‌ای در حویزه و مدرسه در اهواز است. وی دارای بیست و شش جلد مؤلفات در علوم مختلف اسلامی است. از آثار علمی‌اش: «الحیاة الروحیة»، در چهار مجلد؛ «التقریب الی حواشی التهذیب»؛ «الوشاح علی الشرح المختصر لتلخیص المفتاح»، سه مجلد؛ «نتایج الفکر فی شرح الباب الحادی عشر»، چهار جزء؛ «طریق الوصول الی کفایة الاصول»، چهار جزء؛ «القول الجامع فی تحریر فروع الشرایع»؛ «بحوث و آراء»، دو مجلد؛ «التحفة المحمدیة»؛ «عواطف ثائرة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الحجة (109/ 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (154 -152/ 3).

کرهرودی سلطان آبادی، محمد باقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1315 -1257 ق)، عالم دینی، فقیه و زاهد. سطوح را نزد سید عبدالرحمان کرهرودی فراگرفت. آن گاه به ملایر رفت و نزد آخوند ملا احمد ملایری به شاگردی پرداخت. او همچنین مدتی در نجف در محضر شیخ انصاری تلمذ کرد، سپس به ایران بازگشت و مدتی در تهران به تدریس مشغول شد. سرانجام در کنگاور سکنی گزید و همان جا درگذشت. قبرش در آنجا به قبر آقا معروف است. از او در فقه و اصول مؤلفاتی باقی است. از آثارش: رساله‌ای در «قسامه» و احکام آن؛ «رساله عملیه» فارسی، در عبادات؛ شرح «الدرة» سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی؛ شرح «میمیة» ابن‌الفارض به نام «کشف الرموز»؛ «الاشارات»؛ «فرائد الدرر»، در علم لوح و قدر؛ «المواسعة و المضایقة»؛ رساله «علم الکلام»؛ رساله‌ای، در اصول، در «مباحث الالفاظ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (190 -189/ 9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 221/ 14)، معجم المؤلفین (95/ 9).

کریمی گلپایگانی، محمدکریم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا محمدکریم بن العلام الفهام آخوند ملا محمد جد کریمیهای ساکن رباط ابلولان گلپایگان عالمی بزرگوار بوده که در بعضی از نوشته‌جات موجوده تعبیر از او به مجتهدالزمان شده قسمتی از تحصیلات ایشان در گلپایگان و بقیه تا رسیدن به مرتبه کمال و اجتهاد در بروجرد و اصفهان در نزد بزرگان علماء و فقهای وقت و زمان انجام گرفته تألیفاتی داشته که به چاپ نرسیده و از بین رفته فقط بعضی از اوراق علمی پراکنده از ایشان باقی است.
وی دارای چهار فرزند روحانی بوده که اکبر ایشان مرحوم حجةالاسلام آمیرزا محمد کریمی است که از شاگردان مرحوم آقا سید محمد مهدوی بوده دوم علام فهام مرحوم آقا میرزا علی محمد که صهر و داماد آقا سید محمد مذکور بوده و این دو از ائمه جماعت و مروجین و موجهین بوده‌اند سوم عمادالاعلام مرحوم آمیرزا محمدعلی کریمی و چهارم مرحوم آخوند ملاعلی کریمی وفات مترجم محترم مادر لیله عاشورای 1311 قمری اتفاق افتاده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کزازی قمی، محمدابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در «مآثر و آثار» گوید: ملا محمد ابراهیم کزازی قمی خلف مرحوم حاج زین‌العابدین مازندرانی است که عالمی فاضل و دانشمندی بزرگوار بود، و از موطن اصلی خویش مازندران به عراق آمده در آستانه توقف اختیار کرده بود و هم عاقبت در آستانه شریفه به خاک سپرده شد، و پسرش ملا محمد ابراهیم که فقیهی فاضل و عالمی عامل بود از آستانه به قم رخت گشود و هم در آنجا رحلت نمود.
نگارنده گوید آن مرحوم داماد مرحوم حجةالاسلام حاج ملا محمد مجتهد کزازی قمی است که شرح احوالش خواهد آمد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کزازی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالمی عامل و فقیهی کامل. پدرانش از خوانین و متمولین حومه (کزاز) بودند و خود نیز تا اوائل جوانی در کزاز به همان طریقه آباء و اجداد مشغول امور دنیوی بود تا اینکه محقق قمی صاحب قوانین را سفری به آن سامان پیش آمد و در آنجا خواهر او را به حباله نکاح درآورد و آن مرحوم از برکات انفاس قدسیه مرحوم میرزا مشغول تحصیل علوم دینیه و معارف یقینیه شد و به اندک زمانی قابل استفاده از محضر آن بزرگوار گردید و پس از فوت مرحوم میرزا مسافرت به کاشان و نراق نموده و از محضر درس مرحوم حاج ملا احمد فاضل نراقی اعلی‌اللّه مقامه بهره‌مند شد و پس از رحلت آن مرحوم به قم مراجعت و مشغول ترویج دین و امامت جماعت و قضاوت و سایر مراسم مذهبی گردید تا از دنیا رفت و در قبرستان شیخان مدفون گردید از آثار خیر او آب انبار محله عشقعلی و نیز ثلث قریه تجره دستجرد را در کزاز وقف بر امور و اعمال خیریه نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کسایی همدانی، ابوالحسن علی بن عبید اللّٰه بن محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 445 ق)، محدث، فقیه و صوفی. وی ساکن مصر بود. از احمد بن عبدان شیرازی در اهواز و از نصر بن احمد مرجی در موصل و از عبدالوهاب کلابی در دمشق و از ابوالفتح محمد بن احمد نحوی در رمله و از منیر بن عطیة در قیساریه و از ضراب در مصر حدیث شنید. عبدالمحسن شیحی و سهل بن بشر اسفراییِنی و ابوعبداللّٰه رازی، صاحب «سداسیات» از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (653 -652/ 17).

کسروی اصفهانی، ابوحسین علی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، حافظ، فقیه شافعی، ادیب، نحوی و شاعر. اصل وی از اصفهان و ساکن بغداد بود. معلم هارون، فرزند ابوالحسن علی بن یحیی بن ندیم، بود. او سپس به ابی النجم بدر معتضدی والی اصفهان، در زمان معتضد عباسی، پیوست. وی راوی شعر و تاریخ و سیر، و بر کتاب «العین» خلیل بن احمد مسلط بود. بین کسروی و ابن المعتز عبداللّٰه نامه‌نگاری و مراجعات بسیار بوده است و اشعار زیادی را سروده به هم ارسال می‌کردند. کسروی در عهد خلافت معتضد (289 -279 ق) از دنیا رفت. سال مرگ وی در «کشف الظنون» و «هدیة العارفین»، 330 ق ذکر شده است. از آثارش: «الخصال»، مجموعه‌ای از اشعار و حکم و امثال؛ «الاعیاد و النواریز»؛ «تأویل الاحادیث المشکلات الواردة فی الصفات»؛ «مراسلات الاخوان و محاورات الخلان»، که در «هدیة العارفین»، «مجاوبات الخلان» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (463/ 2 ،220/ 1)، ریحانه (58/ 5)، الفهرست لابن الندیم (214)، کشف الظنون (1394 ،705)، لغت نامه (ذیل/ علی کسروی)، معجم الادباء (96-88/ 15)، معجم المؤلفین (247/ 7)، هدیة العارفین (678/ 1).

کشفی بروجردی، سینا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از فرزندان دوزاده‌گانه‌ی سید جعفر بن اسحاق دارابی بروجردی معروف به کشفی است. عالم و فاضل و جامع بوده، و به تفسیر و فقه تخصص داشته، در سال 1325 وفات یافته.
در اواخر عمر در اصفهان ساکن بوده، و در این شهر وفات یافته است.
فرزندان و اعقاب برادرش سید محمود در اصفهان و نجف آباد ساکن و به کشفی معروفند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کشفی دارابی بروجردی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1267 -1189 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، مفسر، متکلم، نحوی، عارف، ادیب و شاعر. نسب وی با سی و چهار واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. چون اهل عرفان و ریاضت‌های شاق و کشف و شهود بود به سید کشفی معروف شد. اصل وی از داراب شیراز بود. تحصیلات مقدماتی را در اصطهبانات گذراند. در 1208 ق به نجف رفت و از محضر اساتید وقت استفاده نمود و در فقه و حدیث برآمد. به تدریس و تصنیف پرداخت و مدت‌ها از مدرسین حوزه‌ی نجف بود. وی به اصرار محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، حاکم بروجرد به بروجرد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. وی همچنین در شهرهای اصفهان، یزد و اصطهبانات نیز چند سالی تدریس کرده است. او با صاحب «جواهر» و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی معاصر بود. سید حسین بروجردی، صاحب «نخبة المقال» و حاج میرزا صالح لرستانی و اورنگ زیب میرزا، فرزند حسام السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرد، و ملا عبداللّه بروجردی از شاگردان وی بودند. در بروجرد درگذشت. از آثار وی: «اجابة المضطرین»، در اصول دین، حاوی تحقیقات عرفانی؛ «البلد الامین»، منظومه‌ای به عربی، در علم کلام و اصول دین؛ «تحفة الملوک»، در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوا؛ «جمع الشتات»؛ «الرطب الیابس»؛ «الرق المنشور»؛ «الشریفیة»، در منطق؛ «الشموس و العکوس»؛ «صید البحر»؛ «کفایة الایتام»، در فقه، در سه جلد؛ «میزان الملوک»، در عدالت سلطان؛ «نخبة العقول فی علم الاصول»؛ «سنابرق فی شرح البارق من الشرق»، در شرح دعای رجب؛ «برق و شرق» که به آن «شرق و غرب» نیز گفته‌اند، در شرح بعضی از احادیث عرفانی؛ «دیوان» شعر.[1]
مرحوم سیّد جعفر کشفی دارابی از اعاظم علماء قرن 13 سیزدهم (1191-1267 هجری قمری) و دارای تألیفات متعدد و بسیار مشهور است که یکی از آنها کتاب معروف «میزان الملوک و الطوایف و صراط المستقیم فی سلوک الخلایف» در اندیشه سیاسی اسلام و از نشریات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی قم در سال 1357 می‌باشد. که یکی از آثار بی بدیل در روند تحولات اندیشه سیاسی در حوزه تفکر اسلامی‌بوده و از میراث گرانبهای سیاسی دانشوران سلف و به عنوان گنجینه‌ای پر ارج از دانشوران دوره قاجار تلقی می‌گردد.

باید دانست که مرحوم علامه سیّد جعفر کشفی تحصیلات مقدماتی را نزد مادر فاضل خویش آموخته و مدتی در یزد به تحصیل مقدمات مشغول و بعداً رهسپار نجف اشرف و در آنجا از محضر اساتیدی نظیر مرحوم سیّد محمّدمهدی بحرالعلوم استفاده کرده و رفته رفته به عنوان فقیه اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان، شهره آفاق گردید. از علمای جامعین مابین علم و ایقان و ذوق و عرفان شناخته شده و در اجتهاد و فتاوی شهیر و در علم تفسیر و حدیث بی‌نظیر و در ردیف اعاظم علمای امامیه در قرن 13 هجری محسوب می‌گردد و تا آنجا که آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه او را «هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر» خوانده است.
در اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار در بروجرد مقیم بوده و در سال 1267 در همان جا وفات و مدفون گردیده است. از سایر بزرگان این سلسله سیّد علی عارف کشفی و سیّد موسی نجل مرحوم سیّد جعفر کشفی و حجت الاسلام و المسلمین سیّد حجت کشفی از فقیهان حوزه علمیه قم و استاد خط ثلث در قید حیات می‌باشند. از بزرگان دیگر این خانواده، مرحوم محمّد صالح کشفی خوشنویس قرن 11 هجری که در صفحه 71 کتاب خوشنویسان اصفهان به قلم مرحوم منوچهر قدسی از او نام برده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (103)، اعیان الشیعه (85/ 4)، ایضاح المکنون (631 ،58 ،48/ 2 ،259/ 1)، تاریخ بروجرد (306 -303 ،296 -280 ،273 -272/ 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (90 -88/ 2)، الذریعه (97/ 24 ،327- 326 ،49/ 23 ،225/ 21 ،89- 88/ 18 ،105/ 15 ،259/ 14 ،232/ 12 ،177- 176/ 10 ،911/ 9 ،471 ،87/ 3 ،121 -120/ 1)، ریحانه (61 -60/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 242 -241/ 13)، طرائق الحقائق (455/ 3)، فارسنامه (1260/ 2)، لغت‌نامه (ذیل/ دارابی)، المآثر و الآثار (156)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1079 -1078/ 3)، مکارم الآثار (1858 -1855/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (333 -332/ 2)، هدیة العارفین (256/ 1).

کشمیری، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر بن سید ابوالحسن محمد بن علی شاه رضوی قمی کشمیری ساکن لکنهو مجتهدی بزرگ و مرجعی عالیقدر از مشاهیر علماء عصر خود بوده وی در 1286 متولد و در 1346 ق وفات نموده است
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیهنی مروزی، ابوالهیثم محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 389 ق)، فقیه، محدث، ادیب و زاهد. اصل وی از کشمیهن مرو است به عراق و حجاز سفر کرد و درک محضر شیوخ بسیاری نمود. وی «صحیح» بخاری را در فربر به کرات از ابوعبداللّه فربری شنید و آخرین کسی است که آن را به عالی‌ترین اسناد روایت کرد، لذا در شرق و غرب شهرت یافت. او در مرو از عمر بن احمد جوهری و در سرخس از ابوالعباس محمد بن عبدالرحمان دغولی و در نیشابور از ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم و در ری از ابوحاتم و سقندی و در بغداد از ابومحمد جعفر بن محمد خلدی و در کوفه از ابوالحسن علی بن محمد شیبانی و در مکه از ابوسعید احمد بن محمد اعرابی و جماعتی دیگر چون (عبداللّه بن) محمد بن ابراهیم مروزی داعونی و محمد بن احمد بن عاصم و اسماعیل بن محمد صفار حدیث شنید. ابوذر هروی و ابوعثمان سعید بن محمد بحیری و ابوالخیر محمد بن ابی‌عمران صفار و ابوسهل محمد بن احمد حفصی و کریمه مروزیه و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (76/ 5)، تاریخ الاسلام (حوادث 189/ 381-400)، سیر النبلاء (492 -491/ 16)، شذرات الذهب (132/ 3)، العبر (178 -177/ 2).

کشی، ابوعمرو محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 340 ق)، فقیه و رجالی بزرگ امامی. نسبتش به کش از شهرهای ماوراء النهر می‌رسد. کشی معاصر عیاشی سمرقندی و از شاگردان او بود و از او بهره‌ها برد و در منزل وی در سمرقند حدیث شنید و بر وی قرائت کرد و در جرح و تعدیل بر وی اعتماد نمود. هارون بن موسی تلعکبری از او روایت می‌کند. کشی استاد ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه است. او همطبقه ثقة الاسلام کلینی است. ابوعمرو کشی به کتاب رجالش معروف است. به آورده‌ی «معالم العلماء» نام کتاب «معرفة الناقلین عن الأئمة الصادقین» است که شیخ طوسی آن را در 456 ق ملخص و تصحیح کرد و «اختیار معرفة الرجال»، معروف به «رجال کشی»، نامید و از عصر علامه تا زمان ما آنچه در دست است همان «اختیار الرجال» طوسی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اختیار معرفة الرجال (مقدمه)، الاعلام (201/ 7)، الذریعه (141/ 10)، روضات الجنات (206/ 6)، سفینة البحار (481/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 296 -295/ 4)، فرقه های اسلامی (138)، فوائد الرضویه (587 -585)، الکنی و الالقاب (116 -115/ 3)، لسان المیزان (101/ 8)، معجم رجال الحدیث (64 -63/ 17)، معجم المؤلفین (85/ 11)، هدیة الاحباب (226)، هدیة العارفین (22/ 2).

کعبی طبری بخاری، ابوسعید محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 604 ق)، قاضی و فقیه حنفی. از فقهایی بود که سالها عهده‌دار منصب قضاوت بود. او در بخارا درگذشت. از آثار وی: الملخص فی الفتاوی»، در فروع؛ «المصباح»، در فروع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (229 -228/ 8)، هدیة العارفین (107/ 2).

کفائی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد (کفائی) فرزند آیت‌اللَّه العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی از مشاهیر علماء خراسان بودند.
وی نیز در نجف اشرف متولد و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح از محضر مرحوم والدش و دیگران استفاده نموده و پس از فوت والدش به مشهد مقدس عزیمت و اقامت نموده و یکی از زعماء روحانیت حوزه علمیه مشهد گردیده و در مسجد گوهرشاد به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت تا در اواخر سال 1391 قمری بدرود حیات گفته و در آستانه مقدسه رضویه مدفون گردیده است.
از آثار ایشان حاشیه‌ئی بر کفایه‌الاصول مرحوم والدش می‌باشد که به طبع نرسیده است.
در سال 1366 قمری پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی بود که مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا احمد کفائی نجل ارجمند استاد الکل مرحوم آیت‌اللَّه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی صاحب کفایه در مراجعت از عتبات عالیات با مصاحبت حجةالاسلام آقای حاج شیخ محمود حلبی واعظ فداکار و بعضی دیگر به قم مشرف شده و مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی درس خود را برای احترام ایشان تعطیل و بسیار از آنجناب تجلیل کردند و دو بار دیگر هم در سال 1369 و سال 1371 در ماه ربیع‌الثانی به واسطه غائله مشهد و قضایای سیاسی و بازیگریهای دولت مصدق که این نگارنده را هم مبتلا و گرفتار زندان و تبعید نمود مرحوم کفائی ناچار به مسافرت شده و برای مدتی مشهد را ترک و به تهران و قم آمد و چند ماهی توقف نمود و پس از آن در اواسط ماه ذی‌القعده سال مزبور عزیمت به مشهد نمودند.
مرحوم حاج میرزا احمد کفائی یکی از علماء و زعماء روحانی مشهد مقدس بودند و چندین سال حوزه مشهد را اداره می‌کردند و مورد احترام دولت و ملت معتدل و متدین بودند و آبروئی برای حوزه مشهد و خراسان بودند تا در ذی‌الحجه سال 1390 در سنین هشتاد سالگی بدرود حیات گفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام مدفون گردیدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کفائی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بن علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی معروف به (آقازاده کفائی) از اعلام علماء معاصر خراسان و رئیس حوزه علمیه مشهد مقدس بودند.
تولد آن جناب در نجف اشرف واقع شده و در مهد علم پرورش یافته و به تحصیل اولیات و ادبیات و پس از آن متون فقه و اصول پرداخته و بعد از تکمیل سطوح از منحصر مرحوم والدش استفاده کامل نموده تا به مدارج اعلاء علم ارتقاء یافته و در زمان حیات مرحوم والدش به مشهد مقدس عزیمت و رحل اقامت افکنده و حوزه تدریس خارج تشکیل و صدها نفر از علماء و فضلاء خراسان به درسش شرکت نموده و کم‌کم دارای ریاست تامه و مرجعیت عامه گردیده تا در غائله مسجد گوهرشاد سال 1354 ق به تهران منتقل و بعد از دو سال تقریبا در 13 ذیقعده و در سال 1356 قمری وفات و در مقبره ناصرالدین شاه قاجار در جوار سید الکریم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مدفون گردید ماده تاریخش (قل انه مخلد فی دارالنعیم) و جناب آقای ساعدی خراسانی گوید.
سال فوتش ساعدی جست از خرد
نغز بیتی کردانشاد آن عظیم
چونکه آخر رفت از حزن او سرود
(آیت‌اللّه زاده در جنت مقیم)
در اوائل تأسیس حوزه علمیه بود که مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا محمد کفائی فرزند مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی ریاست حوزه علمیه مشهد مقدس و زعیم اول آستان خراسان به قم آمده و مورد تجلیل روحانیت قرار گرفت و پس از چند روز زیارت و ملاقات مراجع بزرگ قم به خراسان مراجعت و در غائله مسجد گوهرشاد از راه یزد تبعید به تهران و در آنجا از دنیا رفت و در شهر ری در جوار سیدالکریم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در مقبره مرحوم ناصرالدین شاه مدفون گردید.
محمد کفائی در سال 1347 قمری به مکه مشرف شده و در مراجعت به قم آمده و مورد احترام آیت‌اللّه حایری و عموم دانشمندان واقع و در مدت توقفش در قم میان ایشان و مرحوم آیت‌اللّه خونساری مباحثاتی واقع شده که مورد گفتگوی بعضی از مراجع حاضر است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

کفعمی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1328 ق)، عالم دینی و فقیه. در محله عیدگاه مشهد به دنیا آمد و پس از نشو و نما، مقدمات و سطوح را از پدرش و شیخ عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری و ادیب ثانی و حاج محقق قوچانی و شم و همچنین از آیت‌اللّه شیخ کاظم دامغانی و آیت‌اللّه میرزا احمد مدرس یزدی فراگرفت. در 1350 ق به نجف مهاجرت نموده و در خدمت آیت‌اللّه میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه سید علی نوری سطوح را به پایان رسانید و خارج فقه و اصول را از آیت‌اللّه شیخ موسی خوانساری و آیت‌اللّه میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی فراگرفت. در 1358 ق به ایران مراجعت کرد و در مشهد رضوی سکنی گزید، پس از دو سال به زابل رفت و مدت شش سال در آنجا اقامت گزید و به خدمات دینی پرداخت. آن گاه به درخواست مردم زاهدان به آن شهر رفت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظائف دینی مشغول شد و تا پایان عمر در آنجا ماند.
از آثارش: مدرسه‌ی علمیه زاهدان؛ مسجد جامع؛ کتابخانه‌ی عمومی مسجد جامع؛ مسجد کفعمی در زابل؛ تعمیر حدود هجده مسجد در زابل؛ تأسیس منازلی برای اهل علم و سادات زاهدان در یک محله مخصوص و مساعدت برای ساخت مساجدی در ایرانشهر، چابهار، خاش، میرجاوه و سراوان. از آثار علمی‌اش: «ضیاء المصابیح فی مستدرک المفاتیح»، در استدراک ادعیه و اعمال عبادی.[1]
محمد کفعمی بن العالم الجلیل حاج شیخ رجبعلی محدثی از علماء مبرز معاصر است در زاهدان.
وی در سال 1328 قمری در محله عیدگاه مشهد متولد شده و پس از رشد و پرورش در مهد علم و تقوا مقدمات و سطوح را از والد معظم و جنابان حاج شیخ عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری و ادیب ثانی معاصر و حاج محقق قوچانی و مرحوم شمس و سطوح را نزد آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم دامغانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا احمد مدرس یزدی خوانده و در سال 1350 ق مهاجرت به نجف اشرف نمودم و بقیه سطوح را خدمت آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی نوری به پایان رسانیده و خارج فقه و اصول را از آیت‌اللّه حاج شیخ موسی خوانساری و آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی رضوان اللّه تعالی علیهم

استفاده کافی نموده.
و در سال 1358 قمری به ایران و مشهد مراجعت و پس از دو سال توقف در ارض اقدس به زابل رفته و مدت شش سال در آنجا اقامت و خدمات دینی از اقامه جماعت و غیره نموده و بعد بنابر دعوت و اصرار مردم زاهدان منتقل به آن سامان گردیده و تاکنون به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغات و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.
مؤلف گوید: مترجم معظم از هنگامی که از مشهد مقدس مهاجرت به زابل و زاهدان نموده‌اند منشأ آثار و خدمات بسیار ارزنده‌ای گردیده و باقیات الصالحات زیادی از خود به یادگار گذارده‌اند که ذیلاً می‌نگارم.
1- مدرسه علمیه زاهدان
2- مسجد جامع
3- کتابخانه عمومی مسجد جامع
4- مسجد کفعمی در زابل
5- تعمیر حدود هیجده مسجد در زابل
6- تأسیس منازلی برای اهل علم و سادات زاهدان در یک محله مخصوص
7- مساعدت برای تکمیل و تعمیر مساجد عدیده‌ای در ایرانشهر و چابهار و زاهدان و خاش و میرجاوه و حسین‌آباد و سراوان.
از آثار قلمی ایشانست. ضیاء المصابیح فی مستدرک المفاتیح مخطوط.
نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه کفعمی در زاهدان وجود بسیار مغتنم و مؤثریست و در واقع مرزبان کشور اسلام و تشیع ایرانست زیرا زاهدان در 12 فرسخی میرجاوه مرز ایران و پاکستان واقع و هر روحانی و مبلغی که بخواهد به پاکستان و هندوستان از راه زمین برود از زاهدان باید عبور کند و ناچار از آیت‌اللّٰه کفعمی دیدن خواهد نمود و ایشان با آغوش باز از واردین پذیرائی نموده و گویندگان و وعاظ را به مناطق مختلف زاهدان و حومه آن هدایت و معرفی خواهند نمود خود نگارنده در مسافرتم به پاکستان و هندوستان در سفر اول ایاباً و ذهاباً به آنجناب وارد شده و از نزدیک خدمات و آثار ایشان را دیده و از محبتهای گرم ایشان برخوردار شدم حقاً عالمی عامل و عابدی زاهد و دانشمندی مجاهد و خدمتگذار است در منطقه زاهدان و بلوچستان و سیستان محبوبیت خاصی دارد دامادهای فاضل و دانشمندی دارند
1- جناب ثقةالاسلام آقای آقا شیخ علی مزاری که از گویندگان و مبلغین زاهدان می‌باشند.
2- جناب حجةالاسلام آقای آقا سید مهدی عبادی بیرجندی از فضلاء محترم حوزه علمیه قم.
3- جناب حجةالاسلام آقای حاج سید محمدتقی مطهری یزدی از فضلاء یزدی حوزه علمیه قم که در حوزه علمیه به تحصیل و تکمیل مبانی علمی

مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (130/ 15)، گنجینه‌ی دانشمندان (223 -221/ 5)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1088/ 3).

کلابادی بخاری، تاج الاسلام، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 3840/ 380 ق)، فقیه حنفی، محدث و صوفی. نسبتش به کلاباد بخارا می‌رسد، ولی اهل بخارا بود. از آثارش: «بحرالفوائد»، مشهور به «معانی الاخبار»، که در آن پانصد و نود و دو حدیث جمع کرده است؛ «الاربعین»، در حدیث؛ «الاشفاع و الاوتار»؛ «امالی»، در حدیث؛ «التعرف لمذهب التصوف»، که در «الاعلام» به صورت «التعرف لمذهب اهل التصوف» آمده است؛ «حسن التصرف» در شرح «التعرف» خودش؛ «فصل الخطاب»؛ «معدل الصلاة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (184/ 6)، تاریخ ادبیات در ایران (628 ،257/ 1)، جستجو در تصوف (70 -68)، سرآمدان فرهنگ (94/ 1)، کشف الظنون (420 -419 ،225 ،163 ،105 ،53)، معجم المؤلفین (222 ،213 -212/ 8)، هدیة العارفین (54/ 2).

کلابادی بخاری، شمس‌الدین، ابوالعلاء محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(700 -644 ق)، فقیه حنفی، حافظ و محدث. نسبت وی به کلاباد بخارا می‌رسد. در خراسان و بغداد و شام و مصر به فراگیری علم و دانش پرداخت، تا از عالمان دین و از مفتیان آگاه به حدیث شد و تصانیفی در فرائض نگاشت و حلقه درس و اشتغال برقرار کرد. او در ماردین، شمال عراق، درگذشت. از آثار وی: «ضوء السراج» در شرح «الفرائض السراجیة»، و مختصر آن «المنهاج المنتخب من ضوء السراج»؛ کتابی در «مشتبه النسبة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (42/ 8)، شذرات الذهب (458 -457/ 5)، کشف الظنون (1249).

کلابادی، ابونصر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(398 / 378 -323 ق)، فقیه حنفی، حافظ و محدث. از کلاباد بخارا بود. از هیثم بن کلیب شاشی و عبدالمؤمن بن خلف نسفی و ابوجعفر محمد بن محمد بغدادی الجمال و عبداللّٰه بن محمد بن یعقوب استاد و علی بن محتاج کشانی و محمد بن محمود بن عنبر نسفی و محمد بن احمد بن خنب و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. ابوالحسن دار قطنی در کتاب خود «المدبج» و حاکم نیشابوری و جعفر بن محمد مستغفری و دیگران از وی روایت کرده‌اند. دار قطنی وی را در حدیث ثقه دانسته است و حاکم او را دارای فهم و شناخت عالی معرفی کرده و مستغفری گوید که او پرحافظه‌ترین فرد زمان خود در ماوراء النهر بوده است. ابوسعید خلیل بن احمد سجزی نیز از وی حدیثی روایت کرده است. کلابادی در بخارا درگذشت. از آثار وی: تصنیفی در شناخت رجال «صحیح» بخاری به نام «الارشاد فی معرفة رجال البخاری» یا «الهدایة و الارشاد فی معرفة اهل الثقة و السداد» یا «اسماء رجال صحیح بخاری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (114/ 5)، ایضاح المکنون (724/ 2)، تاریخ بغداد (435 -434/ 4)، تاریخ نیشابور (152)، تذکرة الحفاظ (1027/ 3)، سیر النبلاء (96 -94/ 17)، شذرات الذهب (151/ 3)، طبقات الحفاظ (423)، العبر (193/ 2)، کشف الظنون (555 ،88)، معجم المؤلفین (95/ 2)، وفیات الاعیان (211 -210/ 4)، هدیة العارفین (69/ 1).

کلابی نیشابوری، ابومحمد عمرو

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 238 ق)، فقیه، محدث و قاری. نزد علی بن حمزه کسائی تلاوت آموخت و از هشیم بن بشیر و عبدالوارث ثقفی و ابوبکر بن عیاش و ابوعبیده حداد و قاسم بن مالک مزنی و یحیی بن زکریا بن ابی‌زائده و عبدالعزیز بن ابی‌حازم و سفیان بن عیینه و زیاد بن عبداللّه بکائی و ابن علیه و معاذ عنبری و همطبقه آنان حدیث شنید. نسائی او را مورد اعتماد دانسته و ابن‌حبان می‌گوید که شیوخ نیشابوری ما از وی تمجید می‌کردند. بخاری و مسلم و نسایی و محمد بن یحیی ذهلی و ابومحمد دارمی و ابراهیم بن ابی‌طالب و حسن بن سفیان و ابوالعباس سراج و مسدد بن قطن قشیری نیشابوری و ابوعمار حسین بن حریث مروزی و احمد بن سیار مروزی و احمد بن سلمه نیشابوری و جعفر بن محمد بن حسین نیشابوری معروف به ترک و داوود بن حسین بیهقی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب (117/ 5)، التاریخ الکبیر (332/ 6)، تهذیب التهذیب (31 -30/ 8)، تهذیب الکمال (226 -225/ 14)، الثقات (487/ 8)، الجرح و التعدیل (ج 233/ 3)، سیر النبلاء (407 -406/ 11)، شذرات الذهب (90/ 2)، العبر (336/ 1).

کلار پوشنجی هروی، ابومنصور عبدالرحمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 477 ق)، مسند، محدث و فقیه. معروف به کلار و کلاری. وی از عبدالرحمان بن ابی‌شریح حدیث شنید. ابن‌طاهر و وجیه شحامی و زهیر بن علی سرخسی و حسن بن محمد بن محمد سنجبستی و فضیل بن اسماعیل و ابوالوقت سجزی و عبدالجلیل بن ابوسعد و محمد بن اسماعیل فضیلی و منصور بن علی حجری و دیگران از وی حدیث شنیدند. کلار از کبار شیوخ ابی‌الوقت بود. او در پوشنج درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (315/ 1)، توضیح المشتبه (348/ 7)، سیر النبلاء (443 -442/ 18)، العبر (337 -336/ 2).

کلانتری تهرانی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1292 -1236 ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. اصلش از نور مازندران است. به دلیل انتساب به دایی خود، محمود خان کلانتر (کلانتر تهران که در سال قحطی، 1288 ق، به امر ناصرالدین شاه مصلوب گشت)، به کلانتری شهرت یافت. در تهران به دنیا آمد. فراگیری مقدمات را در تهران آغاز کرد و در خلال سفر چند ساله با عمویش به اصفهان مقدمات را تکمیل کرد. در بازگشت به تهران به عراق عزیمت نمود تا دروس عالیه را در آنجا فراگیرد ولی به علت عدم امکانات مالی به تهران بازگشت و در مدرسه مروی معقول را در محضر ملا عبداللّه زنوزی و فقه و اصول را نزد شیخ جعفر کرمانشاهی خواند. آن گاه برای ادامه تحصیلات به عراق رفت. فقه و اصول را از سید ابراهیم قزوینی صاحب «ضوابط» و شیخ انصاری به طور کامل فراگرفت. وی مدت بیست سال از حوزه‌ی شیخ انصاری استفاده نمود و بیانات استاد را تقریر نمود و یکی از ارکان حوزه‌ی شیخ انصاری و از جانب او به دریافت اجازه اجتهاد نایل شد. در 1277 ق به تهران آمد و به انجام وظائف دینی و افتاء و تدریس فقه و اصول پرداخت. در محضر درس او، فرزندش، علامه میرزا ابوالفضل تهرانی و امیر سید حسین ابن صدر الحفاظ قمی از شاگردان برجسته به حساب می‌آمدند. ملا فتحعلی نهاوندی نیز از شاگردان اوست. وی در تهران درگذشت و در مقبره‌ی شیخ ابوالفتوح رازی، در شهر ری به خاک سپرده شد. او در فقه و اصول صاحب تألیفات است. از آثارش: «مجموعه رسائل»، در فقه؛ «مطارح الانظار»، در اصول فقه، تقریرات درس شیخ انصاری؛ «الاستصحاب»، از مباحث اصول فقه؛ «الرسالة فی المشتق»؛ رساله‌ای در «ارث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (19 -18/ 6)، اعیان الشیعه (414 -413/ 2)، الذریعه (136/ 21، 196/ 10، 24/ 2، 403/ 1)، ریحانه (71 -70/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 61 -58/ 13)، الکنی و الالقاب (144/ 1)، لغت نامه (ذیل/ ابوالقاسم)، معجم المؤلفین (120/ 8)، مؤلفین کتب چاپی (285/ 1)، نامه‌ی دانشوران (368 -364/ 2).

کلباسی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در اصفهان متولد گردیده، و پس از تحصیل مقدمات در اصفهان به نجف مهاجرت کرده، و ریاست و مرجعیت یافته، و به شیخ العراقین مشهور گردید. مادرش دختر حاج سید محمد باقر بیدآبادی است.
اساتید او غیر از پدرش: علامه [شیخ مرتضی] انصاری و شیخ محمد حسین کاظمینی می‌باشند. در 1308 وفات یافته، در نجف مدفون گردید.
کتب زیر از اوست:
1- شرح کتاب اصول پدرش 2- کتابی در اصول، در دو مجلد 3- کتابی در صلات؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، ابوالمعالی محمّد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند مرحوم [آیة الله]حاج محمّد ابراهیم.
عالم فاضل محقّق، مجتهد جامع، فقیه اصولی، جامع معقول و منقول، از اکابر علما و مجتهدین، محقّق مدقّق و دقیق الفکر، کثیر التتبّع، در غایت زهد و تقوی؛ درباره زهد و ورع ایشان بین الخواص و العوام حکایاتی منقول است که همگی دلالت بر عظمت مقام او می‌کند.
در شب 4 شبنه 7 شبعان 1247 متولّد، و شب 4 شنبه 27 ماه صفر المظفر سال 1315 وفات یافته، در تخت فولاد، در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید.
در تذکرة القبور درباره او فرماید: مجلس آن مرحوم، مصداق حدیث حواریین و عیسی علیه السلام بود که عرض کردند: مَن نُجالسّ فرمود: مَن یُذَکر کم الله رویته، و یزیدکم فی العلم منطقه، و یرغبکم فی الآخره عمله.
در اصفهان خدمت آقا میر سید حسن مدّرس تحصیل نموده. کتب و رسائل زیادی تألیف فرموده که از آن جمله است:
1- استخارات 2- الاستشفاء بالتربة [مطبوع] 3- الاستجاریّة 4- الاسرافیّة 5- بشارات، در اصول، سه مجلد 6- تعارض استصحاب و اصالة الصحّة 7- جبر و تفویض 8- حجّیّت مظنّه 9- رساله در تزکیه ی اهل رجال 10- رساله در نیّت 11- رساله در مفطر بودن قلیان 12- سند صحیفه ی کامله 13- شرح خطبه ی شقشقیه 14- شرح زیارت عاشورا 15- شرح کفایه سبزواری، در فقه 16- متجاوز از بیست رساله در شرح حال روات و علما [مطبوع] 17- متجاوز از سی جلد کتاب و رساله ی دیگر در فقه و اصول و رجال 18- شرح زیارت جامعه.
(مجموع کتب و رسائل تألیفی ایشان متجاوز از هشتاد مجلد می‌شود).
جمعی کثیر از بزرگان علما و مجتهدین از شاگردان ایشان می‌باشند که معروف تر از همه ی آنها مرحوم آیت اللّه العظمی مرحوم حاج آقا حسین بروجردی رحمة اللّه علیه می‌باشد.
در شرح زندگانی مرحوم بروجردی چندین مجلّد کتاب، و چند شماره مجلّه نوشته شده است که از جمله ی آنها کتابی است که نگارنده تألیف نموده و به ضمیمه ی تاریخچه ی شهر سامراء به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، جمال الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آقا میرزا ابوالمعالی، از اعاظم علما و مجتهدین، ازهد زهّاد، و عابدترین افراد زمان خود بود.
در اصفهان نزد پدر و دیگران، و در نجف خدمت آخوند خراسانی تلمّذ فرموده؛ مدّت عمر، دقیقه‌ای از تألیف و تدریس و عبادت غافل نبود. در مسجد جوجو (جوجی) اقامه جماعت می‌فرمود، و نماز ایشان از زبده‌ترین جماعات اصفهان محسوب می‌شد.
در شب 17 رمضان المبارک سال 1350 وفات یافته، در جنب پدر مدفون گردید.
کتاب تلخیص الهیئة، در مهمّات مسائل هیئت قدیم، و معرفت تقویم و اسطرلاب از اوست.
مشارالیه بزرگتر از برادر خود مرحوم آقا میرزا ابوالهدی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، رضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا عبدالرحیم بن میرزا محمدرضا بن العلامة حاج محمد ابراهیم کلباسی.
عالم جلیل، فقیه جامع، و مجتهد اصولی کامل، در شب 25 ذی قعدة الحرام 1295 در اصفهان متولد، و در شب 4 شوال 1383 در مشهد مقدس وفات یافته، و در آنجا مدفون گردید.
در اصفهان و طهران و نجف در نزد علما تحصیل نموده، و سال‌ها در اصفهان ساکن، و به ترویج دین، و نشر احکام، و احیای مساجد مخروبه قیام نموده، و اخیرا در مشهد مجاور شده، و در اصفهان امامت، و در مدرسه‌ی صدر تدریس می‌نمود، و جمعی از افاضل از محضر او مستفید می‌شدند.
کتب زیر از ایشان است:
1- انیس اللیل، در شرح دعای کمیل 2- ایقاضات الاصول 3- الدعوة الحسینیة 4- رهنمای دین، یا دستور تبلیغ 5- مقامات العارفین 6- مکیال الیقین، در اصول دین 7- هدیة السالکین لعموم المؤمنین، که آن را بر حسب خواهش نویسنده‌ی این کتاب تألیف فرموده و به طبع رسیده است.8- حواشی عدیده بر کتب مختلفه فقهی و اصولی و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، محمد ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ابراهیم کلباسی
محمد ابراهیم فرزند محمد حسن کاخکی خراسانی مشهور به حاجی کرباسی (کلباسی) یکی از اعلام بزرگ شیعه در شهر اصفهان بود. کرباسی فقیهی جامع و مجتهدی کامل بود. در مواظبت به انجام و آداب و سنن دینی و اسلامی خیلی کوشا بود. کرباسی دانشمندی محتاط بود و با آنکه به مراتب علمی و کمال فقاهت رسیده بود از نوشتن رساله و دادن فتوی بیمناک بود. (کرباسی پدرش به اتفاق خانواده مدتی از خراسان به محله حوض کرباس هرات ساکن بود سپس ساکن اصفهان گردیدند و آنها را کرباسی خواندند.) مرحوم حاجی کرباسی سالها در عتبات از محضر سید بحر العلوم، شیخ جعفر کبیر، سید صاحب ریاض و محقق اعرجی بهره برد و از محضر آنها توشه ها اندوخت. نوشته اند در نوجوانی مدتی کوتاه کنار درس وحید بزرگ هم زانو زد و خود با مقام فقاهت و اجتهاد وارد اصفهان شد. مرحوم کلباسی با حجة الاسلام اصفهانی معاصر بود و به همدیگر صمیمیتی وافر و خلوصی کامل داشتند. مرحوم کرباسی برای فرامین و دستورات سید محمد باقر شفتی احترام قائل بود و نوشته سید را بوسیده به دیده می سائید و در بزرگداشت حجة الاسلام کوتاهی نکرد با آنکه شخصیتی در ردیف حجة الاسلام بود. حاجی کرباسی در مسجد حکیم اصفهان مرکزیتی جامع، مروجی کامل، راهنمائی دائم و امام جماعتی خاشع بود. «نوشته اند شیخ احمد احسائی کذائی متواضعانه به گوشه مسجد حکیم می خزید، و به دنبال حاجی سری به خاک می سائید. و به زعم بعضی خود افضلی زبان آرا بود.» مرحوم حاجی از خالق خویش خیلی خائف بود. دستورات و موازین شرع اسلام را مو به مو رعایت می کرد. در انجام فرائض، نوافل و مستحبات جدیتی کامل به خرج می داد. هیچ گاه جماعت او ترک نشد. به فرزندش ابو المعالی می فرمود: عزیزم راضی نیستم هیچ گاه فرایض خود را فرادی به پا داری (که این امر پدر نماز جماعت را به پسر واجب کرد). نوشته اند برای درک شب قدر سالی را شبها به کلی نخوابید تا به فیض شب قدر نایل آمد. در انجام حوایج بیچارگان آماده بود دوست داشت آن گاه هزینه سالانه بی نوایان را دهد که فقر و تهی دستی آنان ثابت گردد و این اثبات هم بسی دشوار بود. شهادت دادن نزد مرحوم حاجی کاری بسی مشکل بود. نوشته اند وقتی غسالی

درباره موضوعی برای دادن شهادت نزد او آمد مسائل مربوط به غسل میت را از او سؤال کرد و آنچه را لازمه مسائل اول تکلیف است از او انتظار داشت و غسال بیچاره او را پاسخگو بود. در اینجا اضافه می کنند که غسال به حاجی آقا گفت گذشته از این مسائل جمله ای نیز به گوش میت می خوانیم. پرسید چه جمله ای؟ غسال جواب داد به میت می گوئیم خوشا به حال شما که مردی و به پای میز حاجی آقا برای بیان شهادت حضور نیافتی... مرحوم کرباسی سالها غیر از خدمت دینی و رسیدگی به امور مردم، فضلائی چند نیز در اصفهان تربیت نمود که به مقامات علمی و اخلاقی نایل آمدند. او آثاری هم از خویش به جا گذاشت. از اهم تألیفات او: کتاب اشارات در اصول، منهاج الهدایة در فقه، و شوارع هدایت در شرح کفایه. او کتابی فارسی به نام نخبه و رسائلی در عبادات نوشت. رساله عملیه ای نیز به اصرار جناب میرزای قمی تدوین نمود اما آن را با ترس و لرز از آتش جهنم به رشته تحریر برده است. آن جناب سرانجام در سال 1262 در اصفهان وفات نمود و در مسجد حکیم مدفون شد. پس از او آقازاده ها وارث علوم پدر گشتند که در آینده به شرح برخی انشاءالله می رسیم.

کلباسی، محمد مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علامه حاج محمد ابراهیم. عالم زاهد و ورع متقی، از فحول علما و مجتهدین، محقق مدقق، در اصفهان متولد گردیده، و نزد پدر خود و سید حجةالاسلام و جمعی دیگر تحصیل نموده، در مسجد حکیم امامت و تدریس می‌نموده، و مرجعیت تامه یافته، و مورد وثوق و احترام قاطبه‌ی طبقات بوده، و بسیار متواضع و در عین حال ساده بوده است. حکایتها از سادگی ایشان نقل می‌شود که ذکر آنها موجب اطاله‌ی کلام است، و همگی آنها دلیل بر خوبی او می‌شود. وی هرگز درباره‌ی مردم گمان بد نمی‌برده است.
کتب زیر از ایشان است:
1- رساله در استصحاب 2- رساله در اراضی مفتوح العنوة 3- رساله در طهارت 4- رسائلی در اصول - شرح طهارت لمعه 5- شرح منهاج الهدایه‌ی پدرش موسوم به «معراج الشریعة» در 8 مجلد - شرح روضة البهیة 6- شرح تصریف 7- شرح بر قسمتی از لمعه در چهار مجلد 8- شفاء الاسقام، در شرح تهذیب المنطق 9- ضیاء العوالم، در اصول فقه 10- عیون الاصول، در اصول، مختصر 11- مشارق الاصول 12- مصابیح الاصول 13- منهج السداد، در شرح ارشاد 14-نور العیون [للمتقین] 15- هدایة الطالبین، نام رساله‌ی عملیه‌ی ایشان است؛ و غیره.
مشارالیه داماد حاج سید محمدباقر بیدآبادی و مجاز از ایشان بوده، و در شب 4 جمادی‌الثانیه سال 1278 وفات یافته، در جنب پدر در مقبره‌ی مقابل مسجد حکیم مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلباسی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدحسین بن العلامه الشیخ محمدرضا بن العلامه الشیخ محمدعلی بن العالم الشیخ محمدجعفر ابن العلامه الکبری والایه العظمی الحجه الباهره الشیخ محمد ابراهیم کرباسی مشهور بکلباسی مولف (اشارات الاصول النخبه و غیرها) از علماء اعلام و فقهاء کرام حوزه علمیه قم عالمی عادل و فاضلی کامل و فقیهی زاهد واجد عنوان حسب و نسب دارای مقام علم و عمل صاحب ملکات فاضله و صفات حمیده و از بیت علم و فضیلت است. جد سوم ایشان آیت‌الله فی الوری حاج ملا محمدابراهیم کلباسی صاحب کرامات باهره معاصر فتحعلیشاه قاجار از مفاخر عالم تشیع است که صاحب روضات الجنات در ص 11 کتاب روضات ترجمه ایشان را نگاشته و عموی معظم والدشان مرحوم علامه بزرگوار ابوالمعالی کلباسی استاد آیت‌الله العظمی بروجردی و فرزند وی علامه ابوالهدی کلباسی مولف کتاب بدرالتمام از اساتید علامه معاصر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است.
بیت معظم‌له از بیوتات رفیعه علم و تقوی و اصیل و ریشه‌دار اصفهان می‌باشد و بالغ بر صد سال این بیت در اصفهان و تهران و مشهد و اعتاب عالیات مصدر امور شرعی و روحی بوده‌اند.
مترجم محترم ما در 7 شعبان 1323 قمری در اصفهان متولد شده و در خاندان علم و فضیلت نشو و نما یافته و مقدمات و ادبیات را نزد علماء اصفهان آموخته آنگاه در سال 1340 قمری در سن 17 سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و فقه و اصول را در خدمت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله اصطهباناتی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی تلمذ نموده و بعد مراجعت به اصفهان کرده و از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدصادق خواتون‌آبادی استفاده کرده و مجددا بازگشت به نجف نموده و از خدمت مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ حسین حلی بهره‌مند جگشته و در سال 1360 قمری مشرف به زیارت بیت‌الله الحرام شده و مدت 7 ماه در مکه و 7 ماه در مدینه اقامت نموده و در سال 1377 قمری برای معالجه به تهران آمده و پس از بهبودی و عافیت نسبتا اطباء از مراجعت به عراق او را منع نموده پس مجبور به اقامت در ایران شده و شهرستان دینی و علمی قم را اختیار

کرده و رحل سکونت دراین بلده طیبه که حرم آل‌محمد علیهم‌السلام است انداخته و به تدریس و افاضات و مباحثات و مطالعه اشتغال دارند.
اما آثار علمی ایشان از این قرار است 1- تقریرات دروس آیت‌الله عراقی یک دوره در اصول 2- تقریرات اصول مرحوم آیت‌الله اصفهانی یک دوره 3- مقداری از فقه مثل کتاب طهارت و صلوه و غیره.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کلوتاتی، شهاب‌الدین، ابوالفتح احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(762- 835 ق)، فقیه حنفی و محدث. اصلش از کرمان بود. عز بن جماعة به او اجازه نقل فهرست مرویاتش را داده و صلاح بن ابی‌عمرو ابن امیلة و دیگران به وی اجازه‌ی روایت داده‌اند. مناوی و ابن‌حسان و تغری برمش الفقیه از وی روایت کرده‌اند. در قاهره درگذشت و در جوار زین العراقی دفن شد. از آثارش: مختصر «الناسخ و المنسوخ» حازمی؛ مختصری در «علوم الحدیث»؛ مختصر «تهذیب الکمال»؛ «ثبت»، در دو مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الضوء اللامع (380 -378/ 1)، معجم المؤلفین (311/ 1).

کلینی رازی، ابوجعفر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 329/ 328 ق)، رئیس المحدثین امامیه، فقیه، مفتی و مرجع. ملقب به ثقة الاسلام، معروف به سلسلی. نسبت وی به روستای کلین، از قرای فشافویه ری، می‌رسد. وی از علمای بزرگ زمان غیبت صغری و شیخ مشایخ شیعه بود. چون شیعه و سنی در فتاوا بدو مراجعه می‌کردند به ثقة الاسلام شهرت یافت و او اولین کسی است که بدین لقب نامیده شد. کلینی نخستین از محمدهای ثلاثه، صاحب «کافی» اولین از کتب اربعه می‌باشد. ابن‌اثیر در «جامع الاصول» از کلینی به عنوان مجدد مذهب اثنی عشری در آغاز قرن سوم قمری نام می‌برد. وی از ابوعلی و حسین بن محمد اشعری و حمید بن زیاد نینوائی و عبداللّٰه بن جعفر حمیری و علی بن ابراهیم قمی و از دایی‌اش، علان کلینی، و ابوعبداللّٰه احمد بن محمد عاصمی و احمد بن مهران و بسیاری دیگر روایت کرد. شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه و ابوغالب احمد بن محمد زراری و ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری و ابوالفضل محمد بن عبداللّٰه بن مطلب شیبانی و ابوعبداللّٰه احمد بن ابراهیم صیمری، معروف به ابن ابی‌رافع، و دیگران از وی روایت کرده‌اند. او در سال تناثر نجوم و اول غیبت کبری، در بغداد درگذشت و در باب الکوفه‌ی بغداد در بازار نزدیک جسر دفن شد. از آثار وی: «الکافی»، در سه قسمت: «اصول کافی»، «فروع کافی» و «روضه‌ی کافی»، شامل شانزده هزار و صد و نود و نه حدیث، که در مدت بیست سال آن را به رشته‌ی تحریر درآورده؛ «تعبیر الرؤیا»؛ «الرد علی القرامطة»؛ «رسائل الائمة (ع)»؛ کتاب «الرجال»؛ «ما قیل فی الائمة من الشعر»؛ «فضائل القرآن»؛ «العقل»؛ «العلم»؛ «التوحید»؛ کتاب «الاشربة»؛ کتاب «الدواجن و الرواجن».[1]
محمد بن یعقوب، ثقةالاسلام، عالم و فقیه معروف شیعی (ف. 329 ه.ق) او راست: «الکافی فی علم‌الدین»: کافی.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (17/ 8)، اعیان الشیعه (99/ 10)، ایضاح المکنون (295، 268، 197/ 2)، دایرة المعارف فارسی (2259/ 2)، الذریعه (246 -245/ 17)، رجال الطوسی (496 -495)، رجال النجاشی (292 -290/ 2)، روضات الجنات (112 -101/ 6)، ریاض العلماء (200 -199/ 5)، ری باستان (385 -383/ 2)، ریحانه (82 -79/ 5)، سیر النبلاء

(280/ 15)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 314/ 4)، فوائد الرضویه (659 -657)، الفهرست للطوسی (327 -326)، کارنامه‌ی بزرگان (54)، الکامل (274/ 6)، الکنی و الالقاب (121 -120/ 3)، لسان المیزان (637 -636/ 6)، لغت‌نامه (ذیل/ کلینی)، معجم رجال الحدیث (66 -50/ 18)، معجم المؤلفین (117 -116/ 12)، الوافی بالوفیات (226/ 5)، هدیة الاحباب (228 -227)، هدیة العارفین (35/ 2).

کماری تبریزی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1357 -1309 ق)، عالم دینی. در کمار از قرای تبریز به دنیا آمد. ابتدا نزد میرزا محمد علی قراچه داغی و حاج میرزا مصطفی درس خواند. سپس در اردوباد نزد آقا سید مرتضی مدرس تلمذ نمود. آن گاه به نجف رفت و خدمت حاج میرزا فرج‌اللّه تبریزی رسید و از محضر او و دیگر اساتید آنجا بهره گرفت. در 1348 ق به قم رفت و از حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری استفاده نمود. از آثار وی حاشیه بر «رسائل» است که به طبع رسیده است.[1]
سید محمد کماری از علماء معروف تبریز بودند که در اواخر عمر در تهران اقامت نموده و بتدریس و مباحث علمی و خدمات دیگر دینی اشتغال تا در چند سال قبل رحلت و در مسجد موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام مدفون گردیده و او از احفاد مرحوم سید علی بن عبدالصمد است که در سال 604 قمری از دنیا رفته و قبرش مزار و در یکی از مضافات تبریز واقع و بر روی آن نوشته است (هو الحی الذی لا یموت سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین) هذه الروضه الثمره الشجره النبوه المصطفویه و الولایه المرتضویه سلاله آل طاها و یس المرحوم المغفور الواصل الی رحمه‌اللّه الملک الغنی السید علی بن السید عبدالصمد الحجازی الموسوی طاب ثراهما و جعل الجنه مثواهما فی التاریخ 604 قمری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (222/ 1)، آینه‌ی دانشوران (189 -188).

کماری، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی موسوی ابن العالم الجلیل الحاج سید محمد کماری که به بیست و شش واسطه بامام هفتم علیه‌السلام می‌رسد از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر تهرانست.
وی در بیست و ششم ذی‌الحجه 1323 قمری در تبریز متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات سطوح را در خدمت مرحوم حاج مولینا و آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خوانده و در سال 1346 قمری به قم آمده و در خدمت مرحوم میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه حجت قدس اللّه اسرارهم تلمذ نموده و در سال 1350 مهاجرت به نجف و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی رضوان اللّه علیهم استفاده کافی و وافی نموده و در سال 1360 قمری با دریافت اجازات اجتهاد از آیات عظام نجف مراجعت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و تا اکنون بتدریس و امامت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در مسجد امامزاده زید واقع در بازار تهران اقامه جماعت می‌نمایند.
از آثار علمی ایشانست کتابهائی که نگارنده مطالعه کرده ولی متأسفانه بطبع نرسیده و بعضی از آن هم تکمیل نشده است و آنها از این قرار است 1- مباحث الفاظ دو جلد 2- مباحث عقلیه 2 جلد 3- رساله‌ای در اجاره 4- رساله‌ای در قاعده لاضرر 5- کتابی در حج و مناسک آن علمی و استدلالی 6- شرحی بر وسیله.
(1323- ز 1360 ق)، عالم دینی و فقیه. نسب وی به بیست و شش واسطه به امام هفتم (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پدرش، آیت‌اللّه سید محمد کماری از علمای معروف تبریز بود. او میان خانواده‌ای اهل کمال پرورش یافت. پس از فراگیری مقدمات، سطوح را در خدمت حاج مولانا و میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خواند. در 1346 ق به قم رفت و در خدمت میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه شیخ محمد علی حایری قمی و آیت‌اللّه حایری

یزدی و آیت‌اللّه حجت تلمذ نمود. در 1350 ق به نجف مهاجرت کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌اللّه میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کافی برد و در 1360 ق با دریافت اجازات اجتهاد از استادانش در نجف، به تهران آمد و به تدریس و امامت و انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: «مباحث الفاظ»، در دو مجلد؛ «مباحث عقلیه»، در دو مجلد؛ رساله‌ای در «اجاره»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ کتابی علمی و استدلالی در «حج و مناسک»؛ شرحی بر «وسیله».[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (535 -533/ 4).

کمالوند خرم‌آبادی، روح‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج روح‌اللّه خرم‌آبادی اول عالم مبرز متنفذ این شهرستان بوده است.
تولدش در سال 1319 قمری در خرم‌آباد واقع شده و تا سال 1336 قمری در آنجا مشغول به تحصیل بوده آنگاه به بروجرد آمده و دو سال از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آقایان دیگر استفاده نموده و از آنجا به اراک رفته و از محضر آیت‌اللّه حایری بهره‌مند شده و پس از انتقال آنجناب به قم با مهاجرین به قم مهاجرت و تا سال 1346 ق در قم از حوزه تدریس معظم له بهره‌مند شده و دروس عقلی را از میرزا علی‌اکبر یزدی آموخته سپس به خرم‌آباد مراجعت و پس از تشرف و اقامت آیت‌اللّه بروجردی باز به قم آمده و مدت پنج سال از محضر آن بزرگوار کامیاب شده و در سال 1369 ق به امر مرحوم بروجردی به خرم‌آباد برگشته و تأسیس حوزه علمیه در آنجا نموده و به تعلیم و تربیت محصلین و طلاب منطقه لرستان و اقامه جماعت و ترویج دین و رسیدگی به امور مسلمین پرداخته تا در سال 1383 ق که بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تجلیل بسیار حمل به قم و در نزدیکی قبر استادش مرحوم آیت‌اللّه حایری به خاک سپرده شد. مؤلف گوید مرحوم کمالوند از دانشمندان بافضیلت معاصر ما بود و در معاشرت خوش برخورد و رفیق و در امورات دینی متعصب و غیور بود در سفری که در خرم‌آباد حدود یک ماه میهمان ایشان بودم خاطرات شیرین از ایشان دارم.
از آثار ایشانست مدرسه و مسجد جامع کمالیه خرم‌آباد که در سبزه‌میدان شهر نزدیک قلعه رفیع فلک‌الافلاک واقع و دارای حجرات متعدد و طلاب علوم دینیه می‌باشد مدرسه‌ی با روح و دلگشائی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

کمره ای، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1320 ق)، عالم دینی، فقیه، مترجم و نویسنده. در کمره خمین به دنیا آمد و پس از خواندن مقدمات نزد پدر به سلطان آباد (اراک) رفت و پس از انتقال حوزه علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حائری و مدرسین بزرگ استفاده نمود. او در 1347 ق از آیت‌اللّه حایری اجازه‌ی اجتهاد یافت. وی فلسفه و ریاضیات را نزد اساتید قم فراگرفت و نزدیک دو سال نیز در اصفهان درس خواند، آن گاه به نجف مهاجرت نمود و چند سالی از درس و بحث آیت‌اللّه میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین کمپانی و دیگران بهره‌مند شد و به مدارج عالیه علم نایل آمد و از اساتید خود اجازه‌ی اجتهاد و روایت گرفت. سپس به تدریس متون فقه همچون «مکاسب» و «کفایه» و رسایل و غیره پرداخت و در حدود 1360 ق به ایران بازگشت و بعد از چند سال به شهر ری رفت و به تألیف و تدریس و ترجمه مشغول شد و کتاب‌های بسیاری شامل ترجمه و تألیف و شرح از خود باقی گذاشت. از آثارش: ترجمه و تنظیم برخی از مجلدات «شرح نهج‌البلاغه» خویی، و تألیف به سبک آن؛ ترجمه‌ی «اصول کافی»؛ ترجمه‌ی «امالی» شیخ صدوق؛ ترجمه «خصال» شیخ صدوق؛ ترجمه «اکمال الدین» شیخ صدوق؛ «رموز الشهادة»، ترجمه‌ی «نفس المهموم» محدث قمی؛ ترجمه «مفاتیح الجنان» محدث قمی؛ ترجمه جلد چهاردهم «بحارالانوار»، در ده جلد، به نام «آسمان و جهان»؛ «الدین فی طور الاجتماع»؛ «روحانیت و اسلام»؛ «انتخابات اساسی حکومت ملی، اصلاح مجلس شورای ملی»؛ «فصل الخصومة فی الورود و الحکومة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (518 -517)، گنجینه‌ی دانشمندان (44 -43/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (11/ 2).

کمره‌ای فراهانی، عزالدین، زین‌الدین علینقی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1060 ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم و محدث. از محضر سید ماجد بحرانی و عده‌ای از فضلای شیراز استفاده نمود. در عهد شاه صفی مدتی در شیراز عهده‌دار نصب قضاوت بود. لذا به شیرازی نیز معروف است. سپس در دوران شاه عباس دوم شیخ الاسلام اصفهان گردید و به اصفهانی نیز شهرت یافت. وی معاصر با میرداماد و شیخ بهائی و ملا محسن فیض کاشانی بود. در فقه و اصول و تفسیر و ادب تبحر داشت. در اصفهان درگذشت و در تکیه‌ی آقا رضی شیرازی دفن شد. از آثار وی: «مسار الشیعة»، در امامت، در رد نوح افندی حنفی، مفتی روم، که حکم به کفر شیعه کرده و جان و مال و ناموس ایشان را حلال و قتل و اسیر کردن و کنیز و بنده نمودن زنان و فرزندان ایشان را مباح دانسته بود؛ «المقاصد العالیة فی الحکمة الیمانیة»، در کلام و حکمت، در چند مقصد که نهمین آن به صورت مستقل و به نام «حدوث العالم» تصنیف یافت؛ «مناسک حج»؛ «همم الثواقب»؛ «حرمت دخانیات»، رساله‌ای در تحریم توتون؛ «نماز جمعه در زمان غیبت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (182/ 5)، ایضاح المکنون (532/ 2)، تاریخ ادبیات در ایران (1020 -1019/ 5)، تاریخ نظم و نثر (509)، تذکرة القبور (443)، الذریعه (243/ 25 ،381/ 21 ،376/ 20 ،1223 -1222 ،922/ 9 ،295 -294/ 6)، روضات الجنات (374 -366/ 4)، ریاض العلماء (276 -271/ 4)، ریحانه (235 -234/ 6)، لغت‌نامه (ذیل/ علینقی شیرازی)، معجم المؤلفین (255/ 7)، هدیة العارفین (757/ 1).

کمره‌ای، خلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1405 -1317 ق)، فقیه، اصولی و استاد. در کمره، از توابع خمین، به دنیا آمد. پس از کسب علوم مقدماتی در جاپلق، به خوانسار رفت و در محضر آخوند ملا محمد بیدهندی و سید علی اکبر بید هندی و آقا سید احمد جاده‌ای تلمذ کرد. در 1337 ق به سلطان‌آباد (اراک) رفت و از شاگردان نخست آیت‌اللّه حایری گشت و علم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی آموخت، و نزد سایر اساتید علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را فراگرفت. در 1340 ق ساکن قم شد. و به افاده و استفاده مشغول گشت، و از درس میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره گرفت و «اسفار» را نزد آیت‌اللّه رفیعی قزوینی و حدیث را از محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّه شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و آیت‌اللّه سید محسن جبل عاملی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌اللّه حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تکمیل کرد و اجازه‌ی اجتهاد و نقل حدیث از استادان خود گرفت. از این زمان به حاج میرزا خلیل مجتهد معرف شد و خود به تدریس «کفایه» و «مکاسب» و اصول فقه و معقول و هیئت و هندسه پرداخت. او از مدرسین معقول و منقول حوزه و دانشگاه بود و مدت‌ها به تدریس «تفسیر» ی که بر قرآن نوشته بود اشتغال داشت. دکتر خزائلی، آیت‌اللّه طالقانی، آیت‌اللّه کاظم گلپایگانی، حجةالاسلام انصاری قمی و حجه‌الاسلام تربتی از شاگردان وی بودند. در 1354 ق در رابطه با مسأله کشف حجاب دستگیر و زندانی و پس از یک ماه آزاد شد. آیت‌اللّه کمره‌ای در 1371 ق، به همراه آیت‌اللّه سید محمود طالقانی و آیت‌اللّه سید رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی به پاکستان دعوت و در کراچی، به ریاست مؤتمر عالم اسلامی انتخاب شد. در 1379 ق با همین سمت به بیت‌المقدس رفت و به دستور آیت‌اللّه بروجردی با شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، درباره‌ی اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در 1395 ق، پاپ پل ششم، پیشوای کاتولیکهای جهان، توسط سفارت واتیکان در تهران، دوازده مشکل کلامی را از وی استعلام نمود و پاسخ ایشان به فرانسه ترجمه و ارسال شد. از آیت‌اللّه کمره‌ای در حدود هفتاد اثر به جای مانده است از جمله: شرح «نهج‌البلاغه»، در بیست و سه جلد؛ «عنصر شجاعت»، در هفت مجلد؛ «افق وحی»؛ «افق اعلی»؛ «ملکه اسلام»؛ «علی و الزهراء»؛ «قبله اسلام»؛ تفسیر «سوره‌ی نور»؛ «آثار

مقدس، احادیث و اخبار اسلام»؛ «علم الحدیث و طبقة الکبری»؛ «اسرار حج»؛ «بیت‌المقدس و تحول قبله»؛ «مادر، وظائف زن در اسلام».[1]
حاج میرزا خلیل کمره‌ای دامت برکاته از علماء و حکماء و دانشمندان و نویسندگان طراز اول تهرانست که در خیابان زرین نعل ساکن و در مسجد معروف فخرالدوله واقع در دروازه شمیران اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین نموده و تنویر افکار و قلوب ارادتمندان و دانش جویان و حقیقت طلبان را می‌نمایند.
در سال 1317 قمری برابر 1276 شمسی در جنوب جلگه کمره که بسیار حاصلخیز و پر برکت و از قدیم مسکن شیعیان خالص بوده در بلد کوهستانی و سرچشمه رودخانه‌ها چشم بجهان باز کرده و پس از پرورش در آن هوای آزاد و تحصیل علوم ابتدائی و مقدماتی برای کسب علوم عالیتر مجبور به هجرت از وطن شده و برای ادامه تحصیلات خونسار را که یکی از زیباترین مناطق کوهساری بشمار می‌رود انتخاب نموده و در آنجا از محضر یکی از اوتاد زمان بنام آخوند ملا محمد بید هندی علاوه بر تحصیل مقدمات و فنون علم و قرائت قرآن از پارسائی و وارستگی محضر آن مرد روحانی بیش از پیش استفاده نموده و در سال 1337 قمری با فوت مرحوم آخوند بید هندی برای ادامه تحصیلات نزد مجتهد بزرگوار حاج سید علی اکبر بیدهندی و آسید احمد جاده‌ای رهسپار شده و از محضر آن دو عالم ربانی استفاده شایان نموده و در نوروز همان سال بکمره برگشته و در سن بیست سالگی تأهل اختیار کرده و برای تحصیلات بیشتری به شهرستان اراک که مرکز علم و دانش بوده آمده و مشغول ادامه تحصیل شده و سه سال تمام در اراک علوم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد آقای سید محمد بروجردی و هم چنین درس خارج را در سال 1340 قمری از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی تلمذ نموده و در نوروز آنسال که آن مرحوم به قم مهاجرت و تشکیل حوزه دادند بنا بر دعوت آن مرحوم با قافله‌ای از طلاب کاروانی تشکیل و با وسائل آن روز به قم رهسپار شده و اقامت نمودند.
در آن موقع استاد فسلفه و حکمت قم مرحوم حاج میرزا علی اکبر یزدی مدرس و همدرس مرحوم فیلسوف شهیر میرزا جهانگیر خان قشقائی که در عصر خود بی نظیر بوده، دوره فلسفه و حکمت حاجی سبزواری و فلسفه عالی صدر المتألهین و دوره ریاضیات را نزد حکیم مزبور فراگرفته و نیز دو دوره درس اصول و یکدوره درس خارج فقه را در حوزه مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی تلمذ نموده و این دروس بالغ بر چهارده سال که در قم اقامت داشتند ادامه داشت و طرز اصول اصحاب سامرا را بوسیله آیت‌اللّه حایری و اصول اصحاب نجف را بوسیله دیگران مانند آیت‌اللّه

میرزا سید علی یثربی کاشانی فراگرفته و از مقایسه بین دو طرز اصول و تکمیل فلسفه و معقول و غور در مباحث عقلی که پیش آمده بود لذت وافری می‌بردند.
متعاقب آن بتدریس کفایه و مکاسب و اصول فقه و معقول و همچنین بتدریس هیئت و هندسه مشغول بودند.
در سال 1354 ق که غائله تغییر لباس پیش آمد ایشان تبعید به تهران شده و حدود یک ماه زندانی شده آنگاه بقید توقف در تهران آزاد گردیده و تاکنون چهل سال است که در عاصمه تشیع بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
در سال 1367 ق بمکه معظمه مشرف شده و در سال 1371 ق بدعوت شعوب المسلمین پاکستان بکراچی رفته و در آن حفله و کنفرانس بزرگ اسلامی بیاناتی ایراد نموده که موجب اعجاب همگی گردیده و نیز سفری به بیت المقدس نموده و در مؤتمره اسلامی آنجا شرکت کرده و هم در کنگره اسلامی حجاز و مکه معظه دعوت شده در تمام این مراحل نداء شیعه را که مغز و لب و حقیقت اسلام است ظاهر نموده و اثرات عمیقی در روح دانشمندان مسلمین گذارده است.
نگارنده گوید: علامه کمره‌ای از دانشمندان بزرگواریست که بسهم خود خدمات بسیار ارزنده از راه بیان و قلم بعالم اسلام نموده است. تألیفات و تصنیفات آموزنده‌ای شاهد این گفتار و گواه این مدعا است و فهرست آن در رساله‌ی جداگانه‌ای بطبع رسیده با شرحی از کتب مفیده آنجناب که اسامی آنها را می‌نگارم:
1- کتاب افق وحی 2- کتاب افق اعلی نگاهی بچهره محمد و علی علیهماالسلام 3- علی و الزهراء- سرچمشه آب حیات 4- ملکه اسلام فاطمه زهراء علیهاسلام 5- ترجمه قصیده النبی محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم 6- نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان 7- نهج‌البلاغه و جنگ 8- پیام میلاد امیرالمومنین علیه‌السلام بسلاطین اهل قبله 9- کتابی بقلم امیرالمؤمنین علیه‌السلام 10- نامه کودک در مسجد 11- محنت اسلام 12- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن جلد اول 13- جلد دوم عنصر شجاعت 14- جلد سوم عنصر شجاعت 15- جلد چهارم عنصر شجاعت (مسلم بن عقیل) 16- چند مرحله از زندگانی امام حسین 17- تاج مأمون‌الرشید 18- مجلس مباحثه امام رضا علیه‌السلام با عمران صابی 19- فلسفه غیبت امام زمان عجل اللّه فرجه 20- امامزاده عبداللّه علیه‌السلام در ری 21- شرح حال محمد بن ابی‌بکر 22- پیام ایران بنجد و حجاز و مصر 23- امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری 24- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم‌السلام 25- قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام 26 - بیت المقدس و تحول قبله 27- آفاق کعبه 28- پنج رساله در حج و

قبله 29- نهیب پیغمبر صلی اللّه علیه و آله بملوک و امراء و فقهاء علماء از خیف منی 30- کلید امن جهان 31- کلید امن دنیا 32- رساله مناسک و مسائل حج و عمره 33- ندائی از سرزمین بیت المقدس 34- اجتماع پیرامون خانه تقدیس 35- اسرار حج 36- تفسیر سوره نور 37- ندای اذان و ثواب آن بفارسی 38- دروس متون احادیث 39- الحدیث عند الشیعه تا تاریخ تدوین حدیث 40- تصحیح تفسیر دانشگاه (بفارسی) 41- غروب آفتاب در اندلس 42- کتاب مادر 43- مقدمه مواقع النجوم 44- تحشیه رساله لقاء اللّه 45- تصحیح و تحشیه مراقبات السنه 46- من روح الفرج بعد الشده (بعربی) 47- مقاله در سالنامه نور دانش سال 1326 تحت عنوان اسرار موت و حیات 48- آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام 49- علی علیه السلام و آل‌محمد صلی اللّه علیه و آله 50- آل رسول‌اللّه 51- رابطه عالم اسلامی بزبان فارسی در جواب علماء کردستان 52- رابطه عالم اسلامی قبس من ولاء علی علیه‌السلام بزبان عربی 53- آراء ائمه الشعیه الامامیه فی الغلاه.

آثاری که آماده طبع است

1- جلد پنجم عنصر شجاعت 2- جلد دوم قبله اسلام 3- جلد دوم افق اعلی 4- تفسیر تعدادی از سور قرآن 5- جلد دوم سرچشمه آب حیات 6- جلد دوم افق وحی 7- جلد دوم دروس متون احادیث 8- پیام بلال حبشی مولای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم از با کعبه بسیاهان جهان 9- ترجمه کتاب الاسلام علی مفترق الطرق.

معظم له دارای فرزندان برومندی می‌باشند که در میان آنان دانشمند معظم و فاضل برومند جناب آقای حاج میرزا محمدحسن ناصر آقای کمره‌ای بفضل و تقوا و اطلاعات عمیقی موصوف و بیشتر امور والد ماجدش بدست با کفایت و نظر صائب او انجام می‌گیرد.

علم ربانی.

تولد: 1317(1276 ق.)، کمره از توابع اراک.

درگذشت: 19 مهر 1363، تهران.

آیت‌الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قرائت قرآن را فراگرفت. با فوت ملا محمد بیدهندی به نزد سید علی‌اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال 1337 ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی اراک (مدرسه‌ی سپهدار) که توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اولین شاگردان حوزه‌ی علمیه‌ی وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد

سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال 1340 ق. نزد آیت‌الله حائری یزدی تلمذ نمود.
در سال 1339 ق. از حوزه‌ی علمیه‌ی اراک به همراه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به قم منتقل شد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت در درس خارج آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی نیز حاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی معروف به «حکیم» تلمذ می نمود پس از وفات آقا میرزا علی‌اکبر حکیم الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکره‌ی بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با حضرت امام (ره) و آیت‌الله میرزا عبدالله تبریزی مذاکره می نمود.
اساتید دیگر وی عبارتند از: آیت‌الله ملکی تبریزی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله محدث قمی و علامه عاملی. آیت‌الله کمره‌ای سپس در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فسلفه پرداخت.
آیت‌الله کمره‌ای در سال 1341 ق.، به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضاشاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال 1371 ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال 1379 ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشاره‌ی آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رییس جامع‌الازهر، درباره‌ی فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تششیع، به قاهره رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال 1385 ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.
آیت‌الله کمره‌ای در سال 1349 در هزاره‌ی شیخ طوسی درباره مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.
آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهمپیمایی تاسوعای 1375 به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حمله عراق به ایران با نوشتن مقاله «عرب این ننگ را به کجا می بری؟»، در روزنامه‌ی، «اطلاعات» به حمایت از موضع به حق ایران برخاست.
آیت‌الله کمره‌ای در دوره‌ی دکترای دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.
از آثار وی می توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر سوره‌ی نور (در دو مجلد)؛ عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (در تراجم شهدای کربلا، چهار جلد)؛ شرح نهج‌البلاغه؛ نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان؛ نهج‌البلاغه و جنگ؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا؛ نوید اسلام؛ ندای اذان و احادیث استحباب آن؛ مادر و وظیفه زن در اسلام؛ فتح مکه غروب آفتاب

در اندلس؛ اسرار حج؛ قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام؛ یک دوره کامل تفسیر قرآن؛ افق وحی؛ افق اعلی؛ نگاهی به چهره محمد (ص) و علی (ع)؛ علی و الزهزاء سرچشمه‌ی آب حیات؛ ترجمه قصیدةالنبی (ص) پیام امیرالمؤمنین به سلطان اهل قبله؛ کتابی به قلم امیرالمومنین (ع) نامه‌ی کودک در مسجد، محنت اسلام؛ چند مرحله اسلام؛ چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)؛ تاج مأمون‌الرشید؛ مجلس مباحثه‌ی امام رضا (ع) با عمران صابی؛ فلسفه غیبت امام زمان (ع) (عج) امامزاده عبدالله (ع) در ری؛ شرح حال محمد بن بکر؛ پیام ایران به نجد و حجاز و مصر؛ امناءالهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری؛ خواب دیدن ائمه اطهار (ع)؛ بیت‌المقدس و تحول قبله؛ پنج رساله در حج و قبله؛ کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ رساله مناسک و مسائل و حج و عمره؛ ندایی از سرزمین بیت‌المقدس؛ اجتماع پیرامون خانه مقدس دروس متون احادیث؛ الحدیث؛ تصحیح تفسیر دانشگاه (به فارسی)؛ کتاب مادر؛ مقدمه مواقع النجوم؛ تحشیه رساله لقاءالله؛ تصحیح و تحشیه مراقبات السنه، من روح الفرج بعد الشدة (به عربی)؛ آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام؛ علی (ع) و آل محمد؛ آل محمد رسول‌الله؛ رابطه اسلامی (به زبان فارسی)؛ در جواب علمای کردستان؛ رابطه‌ی عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع) به زبان عربی؛ آراء ائمه الشیعه فی الغلاة نهیب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی. آثاری که آماده طبع است: جلد پنجم عنصر شجاع؛ جلد دوم قبله اسلام؛ جلد دوم افق اعلی؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم سرچشمه آب حیات؛ جلد دوم افق وحی جلد دوم دروس متون احادیث؛ پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان؛ ترجمه کتاب علی مفترق‌الطرق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینه دانشوران (493 -491 ،188 -187)، الذریعه (219/ 22 ،44/ 17 ،352/ 15 ،126 -125/ 14)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 705 -704/ 13)، عنصر تلاش و کوشش، گلزار معانی (582 -566)، گنجینه‌ی دانشمندان (43/ 5 ،540 -535/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (35 -32/ 3).

کمونه بروجردی، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1336 -1268 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات نزد پدر، از محضر سید ریحان‌اللّه موسوی بروجردی و دیگران استفاده نمود و به تقلید از ملا علی کنی، به شرح بعضی از ابواب «الدرة» پرداخت. در 1298 ق به نجف رفت و از حوزه‌ی درس شیخ محمد حسین کاظمی بهره برد و ملتزم وی گشت. کمونه از استادش کاظمی بهره برد و ملتزم وی گشت. کمونه از استادش کاظمی و ملا لطف‌اللّه مازندرانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و میرزا حسین نوری حدیث روایت می‌کند. او از فقیهانی بود که عمرش در تألیف و تصنیف سپری شد. جایگاه علمی‌اش نزد خواص و علما رفیع بود. او در نجف درگذشت و در صحن شریف مرتضوی به خاک سپرده شد. آثار علمی بسیاری در زمینه‌های گوناگون از وی باقی ماند. از آثارش: «اصول الفقه»، در دو مجلد؛ «حواش الریاض»، حاشیه بر «الریاض»؛ «نور الهدایة»، در تفسیر آیه‌ی نور؛ «شرح خطب الحسین (ع) و کلماته القصیرة و اشعاره»؛ «الرسالة الکعبیة»، در تحقیق معنی کعبین؛ « رسالة فی قاعدة الید»؛ «رسالة فی تحقیق المکاسب المحرمة»؛ «رسالة فی ماهیة المحرمات»؛ «رسالة فی اصالة الصحة»؛ «رسالة فی حمل فعل المسلم علی الصحة»؛ «الرسالة فی المعاملات»؛ «رسالة فی نسب آل کمونة بالنجف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (442/ 7)، تاریخ بروجرد (521 -519/ 2)، الذریعه (136/ 24 ،287/ 16 ،206 -205/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1056 -1053/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1095 -1094/ 3)، معجم المؤلفین (88/ 5)، مکارم الآثار (1909 -1908/ 6).

کنانی هروی، جمال الاسلام، ابوالعلاء صاعد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 495 / 494 ق)، فقیه، مفتی، محدث و قاضی. قاضی القضاة هرات بود. از ابوسعید محمد بن موسی صیرفی و علی بن محمد طرازی و نیز از جدش، قاضی ابونصر یحیی بن محمد، و قاضی ابوالعلاء صاعد بن محمد حنفی و ابوبشر حسن بن احمد مزکی و سعید بن عباس قرشی و دیگران حدیث شنید. محمد بن طاهر و نصر بن سیار بن صاعد، نوه‌اش، از وی حدیث نقل کرده‌اند. از راویان او می‌توان از نوه‌اش، شهاب بن سیار، و علی بن سهل شاشی، و عبدالواسع بن عطاء، و محمد بن فضل دهان و مسرور بن عبداللّٰه حنفی نیز نام برد. در «شذرات الذهب»، نام کنانی تحت عنوان کتانی آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (183 -182/ 19)، شذرات الذهب (402/ 3)، العبر (371/ 2)، النجوم الزاهرة (167/ 5).

کنتوری، اعجاز حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1286 -1240 ق)، محدث، فقیه امامی، اصولی، مورخ و متکلم. وی یکی از سه فرزند عالم و فضال سید محمدقلی بن محمدحسین و برادر علامه میرحامد حسین صاحب «عبقات الانوار» است. وی علوم مختلف را از پدر و برادر خود فراگرفت. او در تمام علوم متداول زمان آگاه و از بزرگان علمای شیعه بود. از آثار وی: «شذور العقیان فی تراجم الاعیان»، در چند مجلد؛ «کشف الحجب و الاستار عن وجه الکتب و الاسفار»، فهرست مصنفات شیعه؛ «القول السدید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (338/1)، اعیان الشیعه (467/3)، الذریعه (28 -27 /18 ،43/13)، ریحانه (356/5)، فوائد الرضویه (596 -595)، لغت‌نامه (ذیل/ اعجاز)، معجم المولفین (303/2).

کنی، آقا بزرگ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ آقا بزرگ کنی سبط مرحوم علامه کبری آیت‌اللّه العظمی حاج ملا علی کنی اعلی اللّه مقامه از علماء مبرز و با تقوای شهر ری بودند و در مسجد صحن اقامه جماعت می‌نمودند و عمر خود را بوظائف دینی و روحی مشغول داشته تا از دنیا رفته و در ایوان آئینه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام بخاک رفته است.
مرحوم علامه تهرانی صاحب (الذریعه) در جزء اول نقباء البشر ص 232 گوید: الشیخ آغا بزرگ ابن شیخ مهدی لاریجانی شاه عبدالعظیمی عالمی فاضل بوده و در نجف خدمت آیت‌اللّه شیخ میرزا حسین خلیلی تلمذ نموده و در سال 1322 قمری بزاویه عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مراجعت و در اوائل سال 1344 قمری بعد از مراجعت از حج وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ عبدالرحیم بن العالم الجلیل حاج آغا بزرگ بن العلم العلام حاج شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی یکی از اسباط علامه کنی و علماء معاصر و بنام شهر ری میباشند.
وی در سال 1323 ق در زاویه مقدسه شهر ری و جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد شده و در بیت اصیل و ریشه‌دار و محیط علم و روحانیت پرورش و دروس جدیده را طبق معمول خوانده تا آنگاه بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات را نزد والد ماجد خود شروع نموده و پس از اتمام آن مهاجرت به قم کرده و سطوح را از محضر آیت‌اللّٰه آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّٰه میرزا محمد همدانی استفاده و سطوح عالی را از مرحومین آیتین آقا میرزا محمد فیض و آقا میرزا محمد کبیر بهره‌مند شده سپس از حوزه درس مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری مؤسس حوزه استفاضه نموده و در طول سالها با رشته‌های علوم اسلامی آشنا و باخذ دانشنامه مدرسی در رشته معقول و منقول و نیز موفق و مسافرتی باعتاب عالیات نموده و از محضر آیات عظام نجف مانند مرحوم آیت‌اللّٰه اصفهانی و آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند و بدریافت اجازه نائل آنگاه بوطن برگشته و در مسجد صحن مطهر به اقامه جماعت و ترویجات دینی و انجام وظائف مذهبی و روحی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان متین و با صفاست و در کمال سادگی و بی‌آلایشی زندگانی نموده و می‌نماید ادام اللّٰه عزه و توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، ملا علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
الحاج ملا علی کنی عطراللَّه مرقده، تولدش در سال 1220 ق در قصبه کن در شمال غربی تهران واقع شده و با این که پدرش باغ دار و غیر روحانی بوده خود علاقه مفرط و شوق بسیاری به تحصیل علوم و فنون داشته و در کودکی مخفی از پدر دروس مقدماتی را خوانده و با استعداد ذاتی و نبوغ فطری که داشته از کتب سطحی فقه و اصول فارغ شده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم علامه فقیه شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر و آیت‌اللّه العظمی شیخنا الانصاری شرکت کرده و در نزد این دو فحل بزرگ باوج کمال علم و فقاهت رسیده و در فقه و اصول و حدیث و رجال و غیره مهارت تامی پیدا کرده و بتصنیف اصول شروع نموده و جمله از مباحث الفاظ آن را نوشته تا در سال 1224 ق که طاعون عظیم واقع گردید ناچار مانند دیگران از اهل فضل حرکت باین طرف و آن طرف نموده تا خداوند منان توفیق داده و ثانیا مراجعت و مجاورت عتبات عالیات را موفق گشته و در نزد فحول و ارباب معقول و منقول بتکمیل فقه و اصول مشغول شد تا بمنتهای کمال و مبلغ رجال فایز و نایل آمده و به تهران مراجعت و در جمیع بلاد با نهایت بزرگواری و جلالت اشتهار معروف و مشهور گشت و بمقامی رسید که روحانیون بزرگ کمتر به آن پایه و مقام رسیدند تا جائی که شاه مقتدر وقت مرحوم ناصرالدین شاه قاجار با تمام قدرت و عظمت همواره از وی خائف و ترسناک بود و می‌گفت اگر آیت‌اللّه کنی مرا از سلطنت خلع کند چه می‌توانم بکنم، در سال چندین بار با کسب اجازه قبلی بمنزل آن مرحوم شرفیاب شده و دست آن بزرگوار را بوسیده و اظهار انقیاد و اطاعت می‌کرد.
مآثر و آثار ص 138 گوید: حاج ملا علی مجتهد کنی ساکن دار الخلافه از عظماء علماء اسلام است بعزت نفس و مناعت جانب از ابناء جنس امتیاز داشت اهل دیوان وی را رئیس المجتهدین می‌نوشتند و حق تعالی آن عالم و فقیه کامل را بفرط ثروت و طول عمر و نفاذ امر اختصاص بخشیده بود.
اکثر علماء و رؤساء تهران بتربیت و ترویج او اعتبار و بمقامات رسیدند، عمده تلمذ او بر شیخ‌الطائفه انصاری و صاحب جواهر بوده و در فقه و اصول و رجال و غیره‌ها تصنیفات فرموده و جامع تافقی را که در علم درایه و حدیث پرداخته است بطبع رسیده اشتهار و اعتبار این بزرگوار در دین و دولت و ملک و ملت باعلا درجه کمال بود وصیت بزرگی و عظمت شأنش

از آسیا بقسمتهای کره ارض نیز رفته و همه جا را فراگرفته بود احترام و اکرامی که این پادشاه (ناصرالدین شاه) باین عالم عامل و فقیه کامل می‌فرمود کمتری از مجتهدین را نصیب افتاد الحق وجودش مذهب جعفری را قوتی و قوامی بود و شرع شریف را استظهاری و استحکامی.
احسن الودیعه (ج 1- ص 101) گوید شیخنا و مولانا حاج ملا علی کنی تهرانی از اعاجیب دهر و اکابر علماء خود بود ماهر بر علوم عربیه و لغت و قرائت جامع بین روایت و درایت عالم تفسیر و مناعت حدیث حافظ رجال و انساب عارف معقول و مجتهد در فروع و اصول واسع المعرفه غزیر العلم صاحب اختراعات و استنباط و تحقیقات رایقات محبوب خاص و عام مرجع فتاوی و احکام معظم در عیون اعاظم و حکام غیور در امر بمعروف و نهی از منکر لا تاخذه فی اللّه لومه لائم و بالجمله فهو آیت‌اللّه العظمی بلا کلام و النائب المرضی عن الامام علیه‌السلام بوده... تا در صبح روز پنجشنبه بیست و هفتم محرم الحرام 1306 در سن هشتاد و شش سالگی در تهران از دنیا رفته و سه روز جنازه‌اش برای تشییع و تجلیل و غیره مانده و روز یکشنبه غره صفر سال مذکور حمل بشهر ری و جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام با ازدحام عام و احترام تمام گردیده و در مسجد عتیق بین الحرمین که اکنون مقبره ناصرالدین شاه معروف است دفن گردید و در رثاء او شعراء عرب و عجم قصائدی سروده و ماده تاریخ مناسبی سرودند منجمله مجد الادباء میرزا حیدر علی تهرانی سرود

سرود مرتجلا مجد بهر تاریخش
علی بنزد محمد بخلد کرد مقام

و دیگری گفت:

ز جنت شد یکی حورا برون با جلوه و گفتا
علی در جنه الماوی علی را میهمان دارد

آثار علمی آن بزرگوار از این قرار است:
1- رساله‌ای در اوامر و نواهی و مفاهیم و استصحاب 2- کتاب طهاره 3- کتاب صلوه 4- کتاب بیع 5- کتاب قضاء و شهادت که در 1404 ق در تهران چاپ سنگی شده 6- توضیح المقال فی علم الرجال که در پشت منتهی المقال شیخ ابوعلی رجالی مشهور کرارا بطبع رسیده 7- تحقیقات الوسائل فی شرح تلخیص المسائل.
نگارنده گوید: شرح احوال محامد خصال آن نادره دوران و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی خواهد بود ولی برای اختصار این اندازه قناعت.
فهرستی از خاطرات عجیبه آن بزرگوار نگاشته و اشاره بخاندان علمی و روحی او می‌نمائیم.
نوادر خاطرات حاجی کنی- ره-
1- تشرف آن مرحوم با میرزا شیرازی بزیارت حضرت زینب علیهاالسلام

در شام و نظافت کردن وی و میرزا آن حرم مطهر را و توجه مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه باین عمل آن دو عالم ربانی و آن قصه از این قرار است:
حکایت کرد برای نگارنده مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ ابراهیم شریفی اسدآبادی همدانی که در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا علی آقا شیرازی فرزند مرحوم آیت‌اللّه علی الاطلاق میرزاء بزرگ (مجدد) شیرازی قدس اللّه اسرارهم شرفیاب شدم و از محضرشان استفاده‌ها نمودم و از نوادر خاطرات مرحوم والدشان قضایائی نقل کردند که از آنها این بود:
مردی تهرانی مشرف به نجف خدمت مرحوم والدم شد (قبل از هجرتش بسامرا و گفت من مکه مشرف بودم و در آنجا زاد و خرج خود را تمام و یا گم کردم. و در مسجدالحرام بحق تعالی متوسل و التماس می‌کردم و حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف را واسطه می‌نمودم که فرجی برایم بشود که در مکه ویلان و معطل نمانم.
پس رزوی که پرده خانه را گرفته و تضرع می‌نمودم دستی بشانه‌ام خورد و گفت چه حاجت داری مطلب و نیازم را گفتم چند لیره بمن داد و گفت با این وجه خود را به نجف رسانیده و در آنجا خدمت میرزا محمدحسن شیرازی برو و بگو سید مهدی گفت باین نشانی که باتفاق حاج ملا علی کنی در مراجعت از مکه بشام بزیارت حضرت زینب علیهاسلام رفتید و دیدید حرم را گرد و غبار گرفته مشغول نظافت شدید و با گوشه‌ی عباء خود خاک و خاشاک را بیرون بردید بیست اشرفی بتو بدهد.
و تا آن مرد این نشانی را به مرحوم والدم گفت دیدم بسیار متغیر شد و برخاست مبلغ بیست اشرفی به آن مرد داد.
نگارنده گوید: که از بعضی شنیدم که آن شخص وقتی به تهران آمد خدمت مرحوم آیت‌اللّه علامه کنی رسید جریان را گفت آن مرحوم فرمودند آیا حواله‌ای آن آقا بمن نداد. گفت: خیر. پس آن مرحوم بسیار گریسته و فرمودند: چون مرحوم میرزا بسیار در تنظیف حرم حضرت زینب علیهاسلام کوشش می‌کرد و این عملش توجه آن حضرت قرار گرفته است.
2- مکاشفه آن مرحوم برای فتحعلی شاه قاجار در حرم منور حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و وفات شاه مزبور در همان روز و همان ساعت.
3- مداومت ایشان بزیارت حضرت امامزاده ابوالحسن شهر ری و این که بریاست و ثروت کذائی نرسیده مگر برای این عمل.
44- توسل مخصوص در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام برای قضاء حوایج و کیفیت آن باین طریق است.
حکایت کرد برای این نگارنده جناب حجةالاسلام حاج سید مصطفی علوی الاری در دوحه قطر از بعضی از ثقات آن مرحوم علامه کنی- ره- که

مجرب است برای قضاء حوائج دو رکعت نماز حاجت خواندن در حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و بعد چهارصد صلوات هدیه گفتن و هدیه نمودن به حضرت امام علی النقی علیه‌السلام استاد حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام باین طریق بعد از آن نماز صد صلوات در قسمت شمالی غربی حرم فرستادن و بعد جلو رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوبی غربی حرم گفتن و بعد بسمت شرق حرم رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوب شرقی حرم گفتن و بطرف عقب برگشتن و صد مرتبه در قسمت شمال شرقی حرم فرستادن.
نگارنده گوید: البته در جائی نرسیده اگر کسی بخواهد بجا آورده رجاء این عمل را بجا می‌آورد انشاءاللّه حاجتش برآورده خواهد شد انشاءاللّه.
(1306 -1220 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، رجالی، محدث، ادیب و مرجع تقلید. اصلش از آمل مازندران است. جدش در قریه کن از توابع تهران سکنی کرد و ملا علی در آنجا به دنیا آمد. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری ادبیات به عتبات رفت و در حوزه‌ی درس صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و سید اسداللّه بن سید محمد باقر و شیخ مشکور حولاوی حاضر شد و در لغت، فقه، اصول، حدیث، رجال و تفسیر متبحر گشت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس و زعامت امور دینی پرداخت. میرزا حسین نایب‌الصدر و ملا محمد علی خوانساری از شاگردان وی بودند. در تهران درگذشت و در بین الحرمین، در جوار حضرت عبدالعظیم (ع)، دفن شد. از آثارش: «الاستصحاب»؛ «الاوامر»؛ «ایضاح المشتبهات فی تفسیر الکلمات المشکلة القرآنیة»؛ «توضیح المقال فی علم الدرایة و الرجال»؛ «تلخیص المسائل»، در فقه؛ «تحقیق الدلائل فی شرح تلخیص المسائل»؛ «القضاء و الشهادات»؛ «احکام العقود و الخیارات»؛ «البیع»؛ «الطهارة»؛ «الصلوة»؛ رساله «ارشاد الامة»، رساله‌ی عملیه، به فارسی.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1]الاعلام (138/ 5)، اعیان الشیعه (302/ 8)، الذریعه (57/ 11 ،499 -498 ،427/ 4 ،483 -482/ 3 ،499/ 2)، ریحانه (98 -97/ 5)، شرح حال رجال (352 -349/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1507 -1504/ 14)، علماء معاصرین (27 -25)، فوائد الرضویه (299 -298)، قصص العلماء (122)، المآثر و الآثار (138)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1098/ 3)، معجم المؤلفین (171/ 7)، مکارم الآثار (699 -697/ 3)، یادداشتهای قزوینی (213/ 8).

کوپائی هاطلی، صدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید حسن بن سید جعفر حسینی.
عالم زاهد فقیه حکیم مفسر زاهد، در شب اربعین سال 1301 در قریه‌ی کوپا از بلوک کوهپایه‌ی اصفهان متولد گردیده، در اصفهان و نجف نزد علمای معروف تحصیل نموده، خصوصا در اصفهان از محضر آخوند کاشی و جهانگیر خان قشقائی، و در نجف از: شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و شیخ ابراهیم اردبیلی، و شیخ احمد شانه ساز شیرازی، و شیخ عبدالصمد سبزواری، و آقا سید محمد فیروزآبادی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و آخوند خراسانی استفاده برده، قبل از فوت استاد به اصفهان مراجعت نموده، و به آقایان مسجد شاهی اختصاص یافت. مردی وارسته، و جامع جمیع ملکات و فضایل انسانی بود، و الحق ملکی بود به صورت بشر. در عین فقر و تهیدستی نسبت به متمولین و اغنیا بی‌اعتنا، فقط متوجه حضرت باری تعالی بود.
در مدرسه‌ی صدر حکمت و فلسفه تدریس می‌نموده، و در محافل خصوصی تفسیر می‌گفت.
در شب شنبه پنجم جمادی الاولی سال 1372 به عارضه‌ی سکته وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی در کوشکی مدفون گردید.
و قابل توجه آن که روز قبل، در مجلس ختم علامه‌ی فقیه مرحوم آقا سید محمد [حجت] کوه کمری در مدرسه‌ی صدر، در حضور جمعی فرمود: فردا نوبت من است، و به همان کیفیت فردا وفات یافته، در همان محل، مجلس ختم جهت او گرفتند.
از آثارش: کتاب شروق الحکمة است، در حل معضلات اسفار و منظومه، که آن را در دوره‌ی اشتغال خود در نجف مرقوم داشته، و کتاب بزرگی است؛ دیگر: شرح مطالب کفایه است.
پدرش از فضلای اصفهان بوده، و قبل از 1323 فوت شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کوثر همدانی، رضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1247 ق)، عالم دینی، فقیه، عارف و شاعر، متخلص به کوثر. ملقب به کوثر علیشاه. وی از فرزند زادگان شیخ اشراق، شهاب‌الدین سهروردی، است. تحصیلات مقدماتی را در همدان گذراند و مدتی از محضر حسین علیشاه اصفهانی عارف استفاده نمود. وی از کودکی مصاحب مجذوب علیشاه، حاج محمد جعفر همدانی، بود و همراه او به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت و در فقه و اصول و حکمت و فن مناظره و مباحثه تبحر یافت. او با مجذوب علیشاه به سفر حج رفت. پس از بازگشت چون فضای اجتماعی همدان را بر خود تنگ یافت، از همدان به تبریز رفت و مورد توجه عباس میرزای نایب‌السلطنه قرار گرفت و به همراه وی به کرمان رفت و همان جا درگذشت و در مشتاقیه، در خارج کرمان به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الدر النظیم فی تفسیر القرآن الکریم»، تفسیری فارسی که در آن آیات اصول و فروع و مواعظ را آورده است؛ «مفتاح النبوة فی اثبات النبوة الخاصة»، و منتخب آن «ارشاد المضلین فی نبوت خاتم النبیین»، در رد هانری مارتن انگلیسی، ملقب به پادری، مبلغ مسیحی؛ مثنوی «آتش پاره»، مشتمل بر هشت هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (84 -81/ 2)، حدیقة الشعراء (1464 -1462/ 2)، الذریعه (353 -352/ 21، 923/ 9، 83/ 8 /522، 1)، ریاض العارفین (279 -278)، ریحانه (101 -100/ 5)، سفینة المحمود (277 -274/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 549/ 13)، طرائق الحقائق (266 -264/ 3)، فرهنگ سخنوران (771)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3073/ 2، 1400 -1399/ 1)، قصص العلماء (130 -129)، مکارم الاثار (1301 -1300/ 4)، نگارستان دارا (123 -122).

کوسج مروزی، ابویعقوب اسحاق

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 251 ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در مرو به دنیا آمد و در نیشابور نشو و نما یافت. برای فراگیری فقه و حدیث به عراق و حجاز و شام سفر کرد و از سفیان بن عیینه و یحیی بن سعید قطان و عبدالرحمان بن مهدی و وکیع بن جراح و محمد بن یوسف فریابی و ابواسامه و نضر بن شمیل و ابویمان حکم بن نافع حدیث شنید. او از احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه و یحیی بن معین مسائل فقهی آموخت و آموخته‌های خود را مدون ساخت و در خراسان آنها را روایت کرد و چون در آن مسائل تشکیک کردند به بغداد رفت و صحت آنها را از احمد اعتراف گرفت. اسحاق بن منصور در بغداد حدیث گفت. بخاری و مسلم و نسائی و ترمذی و ابن‌ماجه قزوینی و ابوزرعه رازی و ابوبکر بن خزیمه و ابوالعباس سراج و مؤمل بن حسن ماسرجسی و احمد بن حمدون اعمشی و محمد بن احمد بن زهیر و ابراهیم بن اسحاق حربی و عبداللّٰه بن احمد بن حنبل و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. سرانجام در نیشابور سکنی گزید و همان جا از دنیا رفت و در کنار اسحاق بن راهویه و محمد بن رافع به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (364 -362/ 6)، التاریخ الکبیر (404/ 1)، تذکرة الحفاظ (525 -524/ 2)، تهذیب التهذیب (227 -226/ 1)، تهذیب الکمال (77 -74/ 2)، الثقات (118/ 8)، الجرح و التعدیل (ج 1 ق 234/ 1)، سیر النبلاء (260 -258/ 12)، شذرات الذهب (123/ 2)، طبقات الحنابله (115 -113/ 1)، طبقات الحفاظ (253)، العبر (360/ 1)، الکامل (330/ 5)، معجم المؤلفین (239/ 2)، النجوم الزاهرة (398/ 2)، الوافی بالوفیات (426/ 8).

کوشکی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا ابراهیم. عالم فاضل، و فقیه کامل [؟]، از ائمه‌ی جماعت، در ماه محرم سال 1317 در اصفهان وفات یافته، جنب فاضلان مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کوکبی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید ابوالقاسم کوکبی بن السید الجلیل والعالم النبیل السید علی‌اصغر کوکبی تبریزی از فضلاء مدرسین حوزه علمیه قم است. وی در سال 1304 شمسی در تبریز متولد شده و پس از رشد و پرورش در حجر علم و تقوا و خواندن مقدمات و سطوح اولیه به قم آمده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری و آیت‌الله العظمی بروجردی اعلی‌الله مقامهما استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محضر زعیم اعظم والمرجع الاعلی الخوئی مدظله و بعض آیات عظام دیگر بهره‌مند شده و به تدریس فقه و اصول پرداخته تا سال 1391 قمری که به ایران مراجعت و اقامت در قم را اختیار و به گفتن درس خارج فقها و اصولا مشغول و عده‌ای از فضلاء از بیانات دقیقه‌اش مستفیض می‌شوند.
از آثار ایشانست تقریرات در اسات و ابحاث استاد بزرگوارش علامه خوئی در فقه اصول نگارنده گوید: مترجم معظم از افاضل بنام تبریز و حوزه علمیه قم و نجف می‌باشد که به زیور علم و کمال آراسته و به تقوا و ورع موصوف و به محامد اخلاق و آداب معروف است.
برادر گرامی ایشانست جناب حجه‌الاسلام آقای حاج سید موسی کوکبی که از اصحاب و تلامذه مخصوص آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله العالیست.
سید ابوالقاسم کوکبی فرزند عالم جلیل و سید نبیل حاج سید علی‌اصغر باغمیشه‌ای تبریزی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین حوزه علمیه قم و نجف می‌باشند.
ایشان در سال 1304 شمسی برابر 1345 قمری در تبریز متولد شده و در حجر فضل و دانش پرورش یافته و دروس جدید را در تبریز خوانده و در مدرسه طالبیه تبریز مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال 1320 شمسی سال گریختن رضاخان از ایران و تبعید او به موریس به قم آمده و سطوح عالی مکاسب و کفایه را از مرحوم محقق داماد یزدی آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت کوهکمری که سمت کفالت ایشان را داشت شرکت نموده و تا سال 1370 قمری از فیض درس و محضر آن بزرگوار استفاده نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه بروجردی هم بهره‌مند شد.

تا سال مزبور که والد ماجدش به رحمت ایزدی پیوست. جنازه‌اش را حمل به نجف نموده و مدت شش ماه اقامت و پس از آن به قم برگشت و بعد از فوت استادش مرحوم آقای حجت مهاجرت به عراق نموده و برای تکمیل مبانی علمی رحل اقامت افکنده و از درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و بالاخص آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله الوارف فقها و اصولا استفاده نموده و دراسات اصول معظم‌له را به نام مبانی الاستنباط در چهار جلد تألیف که دو جلد مطبوع و دو جلد مخطوط می‌باشد.
معظم‌له حدود سی سال در نجف اقامت و به درس و تدریس اشتغال داشته تا سال 1400 قمری که به ایران آمده و بنا بر استخاره و خواست خداوند متعال به قم آمده و اقامت در این بلده طیبه را انتخاب و تا حال تحریر به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال و جمعی از محصلین از محضرش استفاده می‌نمایند.
مرحوم والدش حجةالاسلام حاج سید علی‌اصغر باغمیشه‌ای نیز از علماء ابرار و دانشمندان اخیار آذربایجان و تبریز بوده‌اند. و آن مرحوم در قم با مرحوم آیت‌اللّه حجت قدس‌اللّه سرهما اختلاط و آمیزش داشتند و حدود نه سال به اتفاق آن مرحوم به درس مرحوم آیت‌اللّه حایر یزدی مؤسس حوزه شرکت کرده و استفاده می‌نمودند و پس از فوت آن مرحوم به تبریز برگشته و به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج و تبلیغ اشتغال داشت تا در سال 1366 قمری که از دنیا رفت و حسب الوصیتش جنازه‌اش را بعد از چهار سال تر و تازه مانند روزی که از دنیا رفته حمل به نجف اشرف نموده و در جوار جد گرامیش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به خاک سپردند.
آن مرحوم دارای خصایص روحی و معنوی و فضائل اخلاقی بوده‌اند. وقتی به مشهد مشرف شده و در مراجعت به تبریز با فرزندان و خانواده‌اش که با ماشین می‌رفتند هنگام عصر و نماز به راننده می‌گویند نگهدار نماز بخوانیم راننده لاابالی می‌گوید جلوجلو و نگه نمی‌دارد که به آب روانی در کنار راه می‌رسند و هر چه آقا می‌گوید نگه دار او به سرعت به راه ادامه داده و جلو جلو می‌گوید که آقا می‌بیند نزدیک است آن آب روان از دست برود و نماز هم قضا شود که فریاد می‌زند به تو می‌گویم نگه دار که ماشین چهار چرخش پنجر شده و از کار می‌افتد و آقا و مسافرین پیاده شده نمازشان را می‌خوانند و آن راننده هم به دست و پای آقا افتاده و بوسه زند و عذرخواهی می‌کند. و بدن شریفش هم پس از چهار سال تازه و بدون هیچ تغییری حمل به نجف می‌شود که مورد اعجاب ماموران مرز و گمرک منذریه قصر شیرین می‌گردد.
برادر آقای کوکبی آقای حاج سید موسی کوکبی از ائمه جماعت تهران

می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کوه کمری، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1299 ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. معروف به سید حسین ترک. در ارونق تبریز به دنیا آمد. نسبش با بیست و چهار واسطه به امام حسین (ع) می‌رسد. پس از تحصیل مقدمات، در تبریز نزد میرزا احمد مجتهد تبریزی و پسرش حاج میرزا لطفعلی امام جمعه و در عراق در محضر صاحب «فصول» و صاحب «ضوابط» و صاحب «جواهر» و شریف العلمای مازندرانی و شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ مرتضی انصاری تلمذ نمود تا به درجات عالی علمی رسید و بعد از وفات استادش، شیخ انصاری، مرجعیت یافت و به تدریس پرداخت. حوزه‌ی درس وی از پررونق‌ترین حوزه‌های زمانش بود. حاج میرزا موسی تبریزی، صاحب «اوثق الوسائل»، و شیخ حسن مامقانی و ملا محمد شرابیانی و ملا احمد شبستری از شاگردان وی بودند که بحث استاد را تقریر می‌کردند. از دیگر شاگردان وی سید عبدالمجید گروسی، سید عزیزاللّه تهرانی، ملاعلی دماوندی، ملا علی علیاری تبریزی، میرزا جواد آقا تبریزی، شیخ عبداللّه مازندرانی، سید حسن طالقانی، میرزا محمد علی چهاردهی و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. در نجف درگذشت و در مقابل مقبره‌ی صاحب «جواهر» به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاستصحاب»؛ «المواریث»؛ «القضاء»؛ «الصلاة»؛ «الزکوة»؛ «الاجارة»، «تقریرات» درس استادش صاحب «ضوابط»؛ رساله در «مقدمة الواجب».[1]
عموی بزرگوار مرحوم حجت است که در ج 4 مشاهیر دانشمندان ص 146 (ترجمه الکنی والالقاب محدث قمی) این نگارنده ترجمه نمود و در ذیل آن از مترجم عظیم‌الشأن خود هم ذکر کرده‌ام.
مرحوم علامه سید حسین کوه کمره‌ای فرزند سید محمد بن سید حسین است که با بیست و پنج پشت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام منتهی می‌شود وی برادر مرحوم سید علینقی پدر سید علی کوه کمره‌ای سابق‌الذکر است و آنجناب از نوابغ و نوادر زمان خود بوده و به گفته صاحب مجله المرشد در ج 4 ص 24 در اواخر قرن سیزدهم هجری چند تن از علماء اعلام و مجتهدین عظام طلوع کردند که عالم به نور هدایت ایشان روشن گردید ولی دو نفر مجد و بزرگواری و مساعی جمیله خود را حیازت کردند و ایشان آیت‌اللّه العظمی سید حسین کوه کمره‌ای و رئیس‌الامه آیةاللّه میرزا محمدحسن شیرازی اعلی‌اللّه مقامهما بودند.

در قریه ارونق تبریز متولد شده و پس از نشو و نما در دامن والده ماجده و صالحه‌اش در تبریز شاگردی میرزا احمد مجتهد و پسرش حاج میرزا لطفعلی امام جمعه دو شاگرد صاحب ریاض و در کربلا بر جنابان صاحب ضوابط و صاحب فصول و مرحوم شریف العلماء و در نجف الاشرف بر شرفاء آن عصر شیخ علی آل کاشف‌الغطا و صاحب جواهر و شیخ‌الطائفه انصاری رضوان اللّه علیهم اجمعین تلمذ نموده و بحث شیخ را برای شاگردان شیخ تقریر می‌فرمود و افاضل برای حضور پای منبر از یکدیگر سبقت می‌گرفتند که عدد آنها چهارصد نفر فاضل می‌شد.
دارای کتب علمیه بسیاریست لکن آنها برای نقصان خط او و نبودن روابط در ذیل صفحات تدوین آنها بسیار مشکل بود و برای همین باد حوادث بر آنها وزید و ضایع نمود تنها رساله‌هائی که مانده به شرح زیر است:
1- رساله در استصحاب 2- رساله‌ای در مقدمه واجب 3- رساله‌ای در خلل 4- رساله در حج 5- اجاره 6- ارث 7- قضاء 8- نماز 9- زکوة و از تقریر بحث او در اصول اوثق الوسائل حاشیه بر رسائل شیخ انصاری و بشری الوصول الی علم الاصول مانده است، و تمام کتب و مؤلفات او بالارث منتقل به مرحوم آیت‌اللّه حجت برادرزاده گرامش گردید.
در 23 ماه رجب 1299 وفات نمود و در بقعه معروفه در نجف مدفون گردید و ادباء زمان که از آنهاست سید محمد سعید حبوبی (استاد مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم) و شیخ کاظم سبتی و غیر آنها درباره او مرثیه گفتند:
و ما کان قیس هلکه هلک واحد
ولکنه بنیان قوم تهدما
و به فارسی برایش گفته‌اند:
مقدار آفتاب ندانند مردمان
تا نور او نگردد از چشمها جدا
تفصیل ترجمه معظم له را در ج 1 ص 95 تا ص 98 کتاب آثارالحجه نگارش داده‌ام رجوع به آنجا شود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (147 -146/ 6)، ریحانه (106 -105/ 5)، شرح حال رجال (405/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 423 -420/ 13)، علماء معاصرین (6 -3)، الکنی و الالقاب (127 -126/ 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (309 -307/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین ترک)، المآثر و الآثار (148)، معجم المؤلفین (47/ 4).

کوه کمری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
والد ماجد مرحوم آیت‌اللَّه حجت از اجلاء علماء و دانشمندان بزرگ و از تلامذه مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شربیانی قدس‌اللَّه اسرارهم بوده و پس از آنکه در نجف اشرف فارغ‌التحصیل شده و عازم مراجعت به ایران گردید مورد تجلیل و تبجیل فوق‌العاده استاد خود فاضل شربیانی قدس سره واقع شده چنانچه با جمعی از طلاب و اکابر علماء نجف تا کوفه مشایعتش فرموده و با جمعی بیشمار به او اقتداء کرده و پشت سرش نماز خواندند.
باری پس از ورود به تبریز مورد استقبال و اقبال عموم مردم آن سامان شده و مشغول همه‌گونه وظائف لازمه و خدمات دینیه بوده و بسیار مجلل و بزرگوار زندگی نمود و بس در عظمت و شخصیت وی که گذشته از مقامات شامخه و فضائل عظیمه فرزندی چون آیت‌اللَّه حجة منسوب به اوست، در بیست و نهم محرم‌الحرام 1360 هجری در تبریز وفات نمود و جنازه‌اش را با تجلیل فراوان با شرایط سخت آن زمان از تبریز نقل به قم و در قم از مسجد امام تا به صحن شریف تشییع باشکوهی گردید و در راهرو صحن عتیق مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کوه کمری، محمد حجت

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1310 ق)، فقیه، اصولی، محدث، رجالی، مجتهد و مرجع تقلید. پدرش آقا سید علی کوه کمری از علمای بزرگ تبریز و از شاگردان حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شرابیانی بود. اصل وی از کوه کمر تبریز بود. نسبش به سید محمد مصری ملقب به حجازی از اولاد علی اصغر بن امام سجاد (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری ادبیات و مقدمات، از درس فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و جدید و فیزیک و شیمی از اساتید وقت استفاده نمود. او قسمت عمده‌ی تحصیلات فقهی و اصولی خود را در خدمت پدرش فراگرفت. سپس در 1330 ق به نجف مهاجرت نمود و فقه را در محضر آیت‌اللّٰه سید محمد کاظم یزدی و رجال و حدیث را در محضر آقا سید ابوتراب خوانساری فراگرفت . وی همچنین از محضر آیت‌اللّٰه شریعت اصفهانی و حاج شیخ علی قوچانی و حاج شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّٰه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّٰه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّٰه شیخ ضیاءالدین عراقی و دیگر بزرگان استفاده نمود. تا آنکه در نجف مریض شد و به خواست پدرش به تبریز بازگشت و پس از درگذشت آیت‌اللّٰه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللّٰه شریعت اصفهانی به نجف مراجعت کرد و سالها از محضر اساتید آنجا استفاده نمود تا آنکه خود به تدریس در مسجد شیخ مرتضی انصاری و مقبره‌ی میرزای شیرازی و تصنیف مشغول شد. در 1349 ق به ایران آمد و در قم سکنی گزید و به تدریس خارج فقه و اصول استدلالی پرداخت و پس از درگذشت شیخ عبدالکریم حایری، بر حسب سفارش ایشان به انجام امور مذهبی و اقامه حوزه‌ی علمیه مشغول گردید. آقا شیخ عبداللّٰه مامقانی، شریعت اصفهانی، سید حسن صدر کاظمی، سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد باقر بیرجندی و پدرش، سید علی کوه کمری، از مشایخ روایت وی و حاج میرزا حسین نایینی، سید محمد فیروزآبادی، آقا ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حایری و شریعت اصفهانی از مشایخ اجتهاد و روایت او بودند. در قم درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ی حجتیه است و از آثار علمی وی: «الاستصحاب»؛ «کتاب البیع»؛ «تنقیح المطالب المبهمة فی حکم عمل الصور المجسمة»؛ «جامع الاحادیث و الاصول»؛ حاشیه بر «الکفایة»؛ «الصلوة»؛ «الوقف»؛ «لوامع الانوار الغرویة فی

مرسلات الآثار النبوية»؛ «مستدرک المستدرک فی استدراک مافات عن صاحب المستدرک».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (465/ 4 ،193/ 3 ،25/ 2)، ریحانه (25 -23/ 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (82 -81/ 3)، علماء معاصرین (216 -214 ،187)، گنجینه‌ی دانشمندان (320 -309 ،306 -305/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ حجت کوه کمری)، معجم المؤلفین (177/ 9).

کوهستانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله فی الارضین مرحوم حاج شیخ محمد کوهستانی بهشهری عالمی ربانی و فقیهی سبحانی و زاهدی عابد از مشاهیر علماء معاصر بهشهر ساکن در کوهستان یکفرسخی شهر دارای کرامات باهره و معنویت فوق‌العاده و در عصر ما بی‌نظیر بودند.
معظم‌له در قریه کوهستان متولد شده و پس از طی مقدمات و سطوح در مازندران بمشهد مشرف شده و چند سالی در آنجا کسب فیض کرده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت نموده و در درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران حاضر شده و پس از وصول بمقام اجتهاد مراجعت بوطن نموده و هرچه مردم بهشهر و ساری و گرگان خواستار شد که شهر را محل سکونت خود قرار دهند نپذیرفته و نشستن در آن قریه دور از مفاسد شهر را اختیار و قلوب چندین میلیون مردم شمال و غیره را مسخر زهد و ورع خویش ساخته و همه وی را بنام (آقا جان) خوانده و از تقدیم مال و جان حتی قربانی کردن فرزندانشان را در مقدم او مضایقه نمیکردند.
نگارنده گوید مرحوم آیه‌الله کوهستانی واقعا از مصادیق حقیقی علماء ربانی بود منظرش انسانی را بیاد اولیاء و امامان معصوم علیهم‌السلام آورده و منطقش آدمی را بیاد خدا و قیامت میآورد در آن محل کوچک چندین مدرسه بنام‌های زیر تأسیس کرد.
1- مدرسه فضل 2- مدرسه رحمت 3- مدرسه فرح 4- مدرسه خیر 5- مدرسه جمع. البته مدارس مزبور در کمال سادگی است و در آنها تربیت طلاب و محصلین مبتدی مینمود و از حوزه علمی او صدها نفر مجتهد و فاضل و نویسنده و واعظ نامی چون مبلغ شهیر و نویسنده ارجمند دانشمند گرانمایه آقای حاج سید عبدالکریم هاشمی نژاد صاحب تألیفات و تصنیفات ارزنده که ترجمه‌اش در ضمن مشاهیر خطباء گذشت برخاسته‌اند.
با نگارنده الفت و محبت تامی داشت و چند شبی را در کوهستان از فیض حضور و بیاناتش در پیرامون حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف و اولیاء خدا استفاده نمودم. وقتی از وجه تسمیه مدارس پرسیدم فرمود چون تصمیم گرفتم که در کوهستان حوزه‌ای تأسیس و مدارسی برای سکونت طلاب بنا کنم با خدا مشورت کرده و استخاره نمودم این آیه آمد

(قل بفضل‌الله و رحمته و بذالک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون) پس پنج مدرسه و هر کدام را بنام یکی از جملات آیه گذاردم. بسیاری از علماء و دانشمندان مازندران، بهشهر، هزار جریب نکا، رستم کلا و غیره و نیز فضلاء شمالی حوزه علمیه قم از حوزه آن بزرگوار و شاگردان آنجنابند.
کرامات زیادی از قبیل طی‌الارض و اطعام خلق کثیر با غذای قلیل و قضایای دیگر از آن بزرگوار مشهور و معروف است که ضبط و نگارش آن کتاب مستقلی میخواهد و بحمدالله دو کتاب در شرح زندگانی آن جناب دو نفر از افاضل شمال نوشته و منتشر نموده‌اند.
در ماه ذی‌القعده 1391 قمری مبتلا بکسالت تنگ نفس و قلب شده و برای معالجه و استشفعاء بقم آمده و در بیمارستان آیه‌الله العظمی گلپایگانی بستری و مورد تجلیل و تعظیم عموم مراجع و زعماء قم گردیده و پس از تخفیف کسالت مراجعت بوطن و بعد از چند ماه در اثر ضعف و همان کسالت در ماه ربیع المولود 1392 قمری از دنیا رفته و جنازه‌اش را با هزاران تجلیل و تشییع بی‌نظیر حمل بمشهد نموده و در جوار حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام در دارالسیاده بخاک رفته و در مشهد و قم و چهل روز تمام در مازندران برای او مجالس ترحیم و عزا برپا بود حشره‌الله مع اولیائه المعصومین علیهم‌السلام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

کیاهراسی طبری، شمس الاسلام عمادالدین، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(504 -450 ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر و مدرس. مشهور به عماد طبری یا عمادالدین طبری یا عمادکیا یا عمادالدین کیا و معروف به کیاهراسی. اهل طبرستان بود و در آنجا به دنیا آمد. وی را تالی و ثانی ابوحامد غزالی بلکه شایسته‌تر از وی می‌دانند. در نیشابور از امام الحرمین، ابوالمعالی جوینی، فقه آموخت و در مذهب و اصول برآمد. او در نظامیه نیشابور پس از اتمام درس توسط استاد، درس او را برای شاگردان حوزه تقریر و اعاده می‌نمود. سپس در بیهق به تدریس اشتغال یافت. آن گاه به بغداد رفت و تا پایان عمر در نظامیه تدریس کرد. وی شیخ الشافعیه بغداد بود. او از زید بن صالح آملی و جماعتی دیگر حدیث روایت کرد. سعد الخیر و عبداللّه بن محمد بن غالب و ابوطاهر سلفی از وی روایت کرده‌اند. او لعن به یزید بن معاویه را به صراحت جایز می‌دانست. ابن‌اثیر گوید که جهال به او اتهام عقیده و مذهب باطنی (اسماعیلیه) بستند و سلطان محمد او را دستگیر و زندانی کرد و آن گاه که جمعی از علما بر برائتش گواهی دادند آزاد شد. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب ابرز در کنار ابواسحاق شیرازی به خاک سپرده شد. از او آثار نیکویی بجا ماند. از آثارش: «احکام القرآن»، در چهار مجلد؛ «شفاء المسترشدین فی مباحث المجتهدین»، در خلافیات؛ «لوامع الدلائل فی زوایا المسائل»؛ «تعلیق فی اصول الفقه»؛ نقض و ردی بر «مفردات الامم احمد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (149/ 5)، التفسیر و المفسرون (447 -444/ 2)، ریحانه (359/ 6 -107 -106/ 5)، سیر النبلاء (352 -350/ 19)، شذرات الذهب (10 -8 / 4)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (294 -292/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی ابن‌قاضی شهبه (288/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (234 -231/ 7)، العبر (386/ 2)، الکامل (262/ 8)، کشف الظنون (1569 ،1056 ،423 ،20)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (197/ 19)، معجم المؤلفین (220/ 7)، المنتظم (111 -110/ 10)، النجوم الزاهرة (199 -198/ 5)، الوافی بالوفیات (84 -82/ 22)، وفیات الاعیان (290 -286/ 3)، هدیة العارفین (694/ 1).

کیوان قزوینی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1357 -1277 ق)، مفسر، واعظ، صوفی و شاعر، متخلص به کیوان. ملقب به منصور علیشاه. در قزوین به دنیا آمد. برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و از محضر شیخ حبیب‌اللّه رشتی استفاده کرد تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت در 1313 ق به گناباد و خراسان رفت و به فرقه‌ی دراویش گنابادی پیوست. آن گاه به تهران آمد و به وعظ و ارشاد پرداخت و به شهرت فراوانی دست یافت اما به دلایلی به فقط از سلسله‌ی گنابادیه برید بلکه بر ضد آنها به تبلیغ پرداخت. وی در رشت درگذشت و در سلیمان داراب به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنوز الفوائد»؛ «رازگشا»؛ «تفسیر کیوان»؛ «استوارنامه»؛ «بهین سخن»؛ «دیوان» شعر.[1]
عباس ابن اسماعیل بن علی بن معصوم قزوینی مشهور به حاج ملا عباسعلی کیوان، از علمای دینی و عارف و واعظ (و. قزوین 1277- ف. 1377 ه.ش). وی پس از تحصیل در نجف و کربلا و سامره اجازه‌ی اجتهاد گرفت و به خراسان رفت. در آنجا نزد حاج ملا سلطانعلی به تحصیل عرفان و تصوف پرداخت. در اواخر عمر از تصوف بیزار گردید و کتابهایی در رد آن نوشت. وی مفسر قرآن به عربی و فارسی است که چند مجلد آن بطبع رسیده، اشعار خیام را شرح کرده و از جمله تألیفات وی از: «کیوان‌نامه»، «استوار»، «راز گشا»، «حج‌نامه»، «عرفان»، «میوه‌ی زندگانی»، «فریاد بشر» را باید نام برد. کیوان معتقد است که بزرگترین عارف و صوفی خیام و بزرگترین حکیم بوعلی سیناست. وی عرفان را به عرفان علمی و عرفان عملی تقسیم نمود و سلوک و درویشی را عرفان عملی می‌داند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (174/ 18، 58/ 10، 928/ 9)، شرح حال رجال (130/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1618/ 2، 934، 546/ 1)، کیهان فرهنگی (س 3، ش 8، ص 5 -4)، لغت‌نامه (ذیل/ کیوان قزوینی)، مولفین کتب چاپی (694 -693/ 3)، یادداشتهای قزوینی (227/ 8).

گرجی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1300 ش)، فقیه اصولی، محقق، مدرس، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در ادبیات از محضر سید محمد قصیر و آقا شیخ محمد حسین بروجردی، در فلسفه از محضر آیت‌اللّٰه شاه آبادی و آیت‌اللّٰه آقا شیخ ابراهیم امامزاده زیدی و در فقه و اصول از محضر آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمد رضا تنکابنی استفاده نمود. در 1322 ش برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمد علی جمالی کاظمینی و آیت‌اللّٰه آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌اللّٰه خوئی بهره برد و از بعضی از آنان و از آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء اجازه‌ی اجتهاد گرفت. وی در نجف به موازات تحصیل به تدریس «رسایل»، «مکاسب» و «کفایه» نیز اشتغال داشت. در 1330 ش به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج ابوالفتح فیروزآبادی و مدرسه‌ی مروی به تدریس پرداخت. در 1332 ش وارد دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شد. در 1335 ش لیسانس منقول و در 1338 ش دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را به پایان رساند. وی تا 1347 ش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران به تدریس ادبیات عرب و از 1348 ش به بعد در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی تهران به تدریس حقوق اسلامی پرداخت. از آثارش: تجدید نظر و اضافات بر «تاریخ پیامبر اسلام (ص)» دکتر محمد ابراهیم آیتی؛ « مسائل حامة من مسائل الخلاف»؛ «نگاهی به تحول علم اصول»؛ تصحیح و تعلیق « الذریعه الی اصول الشریعه» سید مرتضی علم الهدی؛ تصحیح و تعلیق «تفسیر جوامع الجامع» امین‌الدین طبرسی؛ «تأثیر منطق در علم اصول»؛ «صرف و نحو»؛ مقالات حقوقی متعدد.[1]
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 1، ش 12، ص 16 -5)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1108/ 3).

گرگانی، ابوالمحاسن علی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، عالم، فقیه و محدث. از علمای بزرگ شیعه و معاصر علامه حلی بود. او مؤلف کتاب «تکملة السعادات فی کیفیّه العبادات المسنونات»، به فارسی است، که در سال 702 ق از تألیف آن فراغت یافت. صاحب «ریاض العلماء» یک نسخه از این کتاب را که به خط مولی ابوسعید حسن شیعی سبزواری است دیده که تاریخ 747 ق دارد، لذا احتمال داده که ابوسعید از شاگردان ابوالمحاسن باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (2/ 422)، الذریعه (4/ 414- 415)، ریاض العلماء (1/ 176، 5/ 509)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 8/ 174).

گرگانی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین گرگانی (استرآبادی) از علماء و فقهاء عصر خود در گرگان و دارای ریاست عامه بوده و در کتاب (الماثر والاثار) ص 153 بعنوان (آقا میرزا حسین مجتهد استرآبادی) از دانشمندان معاصر ناصرالدین شاه قاجار بوده و در حدود 1310 وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گرگانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
متولد 1261 در گنبد کاووس. پدرش آقا جیق بای رئیس ایل ترکمن و از طایفه جعفر بای یموت بود و املاک زیادی داشت. محمد پس از تحصیلات مقدماتی عازم نجف شد و سالها به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت و درجه‌ی اجتهاد گرفت. پس از مراجعت به ترکمن صحرا پیشوائی مذهبی آن منطقه را عهده‌دار شد. بعد از استبداد صغیر با آنکه کمتر از سی سال داشت از گنبد کاووس و ایل تراکمه به وکالت مجلس دوم انتخاب شد. از دوره‌ی ششم به بعد متوالیا ده دوره وکالت مجلس داشت. در پارلمان کوچکترین تحرکی از او به ظهور نمی‌رسید. با تمام دولت‌ها موافقت می‌کرد و به تمام لوایح رأی موافق می‌داد. پس از انقضای دوره‌ی شانزدهم چون سنش از هفتاد تجاوز نموده بود دیگر به مجلس نرفت و در گنبد به امور املاک وسیعش رسیدگی می‌نمود. با این حال، مردی دانشمند و فرهنگ‌دوست بود. قریب نود سال عمر کرد. چندین همسر انتخاب کرد و فرزندان متعددی داشت.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

گزی اصفهانی، محمّدتقی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به ملّا تقیا از مقدسین و پیشوایان و علماء قرن دوازدهم هجری در اصفهان و از مجازین از فاضل هندی و ملّا حسین ابن ملّا حسن جیلی اصفهانی است. تاریخ اجازه فاضل هندی به او 1118 هجری قمری می‌باشد. فقیه، زاهد، و از معاریف علماء عصر صفویه بوده و در رمضان 1126 هجری قمری وفات یافته و در تخت فولاد اصفهان دفن گردیده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گزی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند عبدالکریم معروف به آقا گزی (متوفی حدود 50 سال قبل) فاضل، ادیب، فقیه وارسته از شاگردان و مجازین علامه شیخ محمد رضا مسجد شاهی (متولد 1287 و متوفی 1362 هجری قمری در سن 75 سالگی) که در مسجد نو و مدرسه صدر بازار و از شاگردان ممتاز مرحوم علامه نجفی محسوب می‌شده تا آنجا که در مجلس درس خصوصی علامه نجفی در دوره اختناق رضاخانی نیز که در منزل استاد تشکیل می‌شده شرکت داشته و از معاصرین مرحومان حیدرعلی خان برومند و حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی و حاج آقا عطاء الدوله فقیه امامی و حاج شیخ احمد فیاض سدهی فروشانی بوده و در گز و اصفهان در معارف اسلامی جهد و سعی بلیغ داشته و مورد احترام و از بزرگان علوم دینی عصر خویش محسوب و پس از وفات در تخت فولاد، تکیه کازرونی به خاک سپرده شده است. نامبرده در زهد و تقوا و ورع مورد احترام بوده و از فرزندان و احفاد ایشان آقای رضا کریمیان جزی بازنشسته آموزش و پرورش در گز و در قید حیات می‌باشد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گزی، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالکریم گزی سال 1260 هـ .ق در قریه ی گز و برخوار متولد شد. عبدالکریم بعد از طی مراحل مقدماتی و فراگیری برخی علوم و دانش های رایج در منطقه ی برخوار و گز راهی حوزه علمیه اصفهان شد که در آن زمان رونق ویژه ای داشت. آخوند ملا عبدالکریم گزی از محضر اساتید مبرزی مانند میرزا محمد حسن نجفی(شاگرد صاحب جواهر که ازطرف میرزای شیرازی به قضاوت و رفع اختلافات می پرداخت و نیز جزو مراجع تقلید به حساب می آمد) ، میر محمد صادق کتاب فروش (از شاگردان سید حجت الاسلام و صاحب جواهر) ، آیت الله میرزا ابوالمعالی کلباسی و آیت الله حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی سود جست.پس از آن برای ادامه ی تحصیل و وصول درجات عالی علمی و معنوی راهی عتبات شد و در حوزه علمیه نجف مستقر شد و در آنجا از محضر استادان بزرگی مانند مرحوم حاج سید حسن ترک (کوه کمری) ، آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی و آقا میرزا حبیب الله رشتی که همه از علمای بزرگ بودند استفاده کرد و سرانجام در سال 1298 هـ . ق در سن سی و هشت سالگی به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد و در همان سال به اصفهان بازگشت و در یکی از حجره های مدرسه نیم آورد ساکن شد و مجالس درس وی در همان نهاد آموزشی (نیم آورد) دایر گردید . زندگی آخوند گزی در اصفهان بدون هرگونه تجمل و عاری از هر نوع تکلف بود، مجالس درس او جالب، دلنشین و پر محتوا بود و طلاب زیادی از محضر او سود می جستند.
آخوند گزی از نظر اخلاقی بسیار برجسته بود و از حسن اخلاق و مباشرت نیکویش با مردم بسیار یاد شده است. وی بیشتر با اقشار محروم جامعه نشست و برخاست می کرد . کلاس درس وی نیز خالی از لطف نبود و گاهاً حکایت هایی شیرین نیز نقل می کرد. بسیاری از افراد معاصر و مخاطب او حکایات و شوخی های ظریف و لطیف از وی نقل می کنند.
ایشان علاوه بر تدریس، مسؤولیت قضاوت و حل و فصل دعاوی مردم را بر عهده داشت. آخوند گزی شبها در مدرسه نیم آورد اقامه نماز داشت و بعد از مرگ شیخ محمد علی نجفی بنابر تقاضای اهل محل در مسجد ذوالفقار به اقامه نماز جماعت پرداخت و شب های پنج شنبه به گز می رفت و پنج شنبه و جمعه را در آنجا به سر می برد و به امور آن منطقه رسیدگی می کرد.

تألیفات آخوند گزی متعدد و در موضوعات گوناگون بوده است. از جمله می توان :
1- رساله ای در اصول دین 2- دیوان اشعار و مثنویات 3- رساله ی حاشیه به طهارت شیخ مرتضی انصاری یا رساله علمیه

سرانجام آخوند ملاعبدالکریم گزی در سن 79 سالگی در شب پنج شنبه سیزدهم ذی حجه 1339 برابر با 26 خرداد 1300 شمسی دار فانی را وداع گفت و دربقعه تکیه ی کازرونی به خاک سپرده شد
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (420 -418)، الذریعه (44 /4)، سرآمدان فرهنگ (5 /1)، شرح حال رجال (147 /5)، مصفی المقال (233)، همایی‌نامه (20 -19).

گلپایگانی نجفی، عبداللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1327 -1285 ق)، عالم دینی و فقیه. مقدمات را در اصفهان فراگرفت. سپس به نجف رفت. او از خواص شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب «کفایة الاصول»، بود که از محضر استاد بهره‌ها برد و بحث استاد را برای شاگردان تقریر می‌کرد. او خود مستقلا حوزه‌ی درسی داشت که عده‌ای از فضلا در آن شرکت می‌کردند. وی در نجف به بیماری سل درگذشت و در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «التبر المسکوک فی حکم اللباس المشکوک»؛ «فصل القضاء لانتصار الرضا»، در انکار معانی مجازی؛ «تقریرات» استادش، در فقه و اصول.[1]
شیخ عبداللّٰه گلپایگانی متولد 1285 و متوفی 1327 ق عالمی جلیل و فقیهی متجر و محققی فاضل از شاگردان بزرگ و مخصوص علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم صاحب (کفایه‌الاصول) و مقررین درس او و صاحب آثار گرانقدری مانند (التبر المسکوک فی حکم اللباس المشکوک) و (فصل القضاء الانتصار الرضا) در انکار معانی مجازیه بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (234/ 16 ،314/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1188 -1187/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (426/ 6)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1111/ 3).

گلپایگانی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1337 ق)، عالم دینی و فقیه. اصل وی از روستای سعیدآباد گلپایگان است. او از خواص شاگردان و ملازمان آیت‌اللّه میرزا حبیب‌اللّه رشتی در نجف بود. پس از درگذشت استادش، وی در 1314 ق، به تهران آمد و سالها به انجام وظایف دینی مشغول بود. او در اواخر عمر در مشهد مجاور گردید و در همان جا درگذشت. از آثارش شرح «نجاة العباد» می‌باشد.[1]
شیخ جعفر گلپایگانی از اجلاء علماء آن سامان از قریه سعیدآباد و شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مجاورین آستان قدس رضوی بوده و در سال 1337 ق وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 277/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی نجف (1110/ 3)، معجم المؤلفین (143/ 3).

گلپایگانی، جمال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1379 -1295 ق)، عالم دینی، فقیه، مرجع تقلید و شاعر. در قریه سعید آباد گلپایگان به دنیا آمد و پس از فراگرفتن مقدمات به اصفهان رفت و سطوح را در آنجا خواند. آن گاه در 1319 ق به نجف مهاجرت نمود و از محضر علامه خراسانی و علامه یزدی و حاج آقا رضای همدانی، صاحب «مصباح الفقیه»، و نیز آیت‌اللّه میرزا محمد تقی شیرازی، در سامرا، استفاده کرد. سپس از خواص اصحاب و شاگردان میرزای نایینی شد. در اخلاق از شاگردان حاج سید احمد کربلایی و از دوستان و نزدیکان حاج سید علی آقا قاضی بود. ملکات فاضله اخلاقی و مقامات معنوی و حالات باطنی عجیب او به گونه‌ای بود که او را جمال‌السالکین لقب داده‌اند. او در مدح ائمه اطهار (ع) و به خصوص حضرت ولی عصر (عج) اشعار بسیاری به فارسی و عربی سروده است. وی در کنار «تقریرات» بسیاری از اساتید خود، کتاب‌های مستقلی نیز در فقه مانند: «طهارت» و «صلاة» و «وصایا» و «اجاره» و «مکاسب» و چندین راسله عملیه از خود به جای گذاشته است. از دیگر آثار وی: رساله‌ای در «غیبت»؛ «رسالة فی الترتب»؛ «اجتهاد و تقلید»؛ «اجتماع امر و نهی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (206/ 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14/ 309)، گنجینه‌ی دانشمندان (272/ 7، 421 -420/ 6)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1110 -1109/ 3).

گلپایگانی، حبیباللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیباللّٰه گلپایگانی تحصیلات خود را در اصفهان به پایان رسانیده و سپس مجاور مشهد مقدس رضوی گردیده و از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد بوده تا آخر کار در مدرسه خیرات خان حجره داشت که در آن حجره تدریس فقه و حدیث و تفسیر و درس اخلاق می‌نمود و در ماه جمادی‌الثانی 1384 بدرود حیات گفت و در یکی از رواقهای حرم مطهر به خاک سپرده شد عاش سعیدا و مات سعیدا.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گلپایگانی، ذوالفقار

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر ذوالفقار گلپایگانی معاصر شیخ بهاءالدین عاملی و شرکاء بحث او بوده چنانچه مجلسی اول آن جناب را با شیخ دیده که مشغول مقابله صحیفه کامله بوده و ارجع به سند آن بحث می‌کردند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گلپایگانی، رضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
و نیز از علماء بزرگ که از آنجا برخاسته مرحوم آقا میرزا رضا بوده که ارجوزه در شرح دره مرحوم بحرالعلوم نگاشته و در 1280 وفات نموده و فرزندش آقا میرزا هدایت‌اللّه نیز از فقهاء و علماء بزرگ آن سامان بوده و مجلس مرافعه و قضاوت داشته.
(وف ح 1280 ق)، عالم دینی و مرجع. او پدر میرزا هدایت‌اللّه گلپایگانی و از معاصران میرزا زین‌العابدین گلپایگانی بود. او در زادگاهش مرجع امور دینی مردم و دارای نفوذ تام بود. از آثارش شرح منظوم بر «الدرة» سید مهدی بحرالعلوم، در فقه، می‌باشد.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (15/ 7)، الذریعه (237/ 13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 545 -544/ 13)، معجم المؤلفین (163/ 4).

گلپایگانی، ضیاءالدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ ضیاءالدین بن میرزا هدایةاللّه بن میرزا رضا گلپایگانی فقیهی بارع و عالمی کامل بوده و پدر و جدش نیز از علماء بزرگ آن سامان بوده‌اند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، عبدالکریم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ عبدالکریم بن حاج آقا رضا گلپایگانی عالمی ورع و فقیهی بارع (داماد علامه آمیرزا رضا گلپایگانی) و مروجین و خدمتگذاران بزرگ دینی بوده تا در حدود 1330 ق به رحمت حق پیوسته
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

گلپایگانی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید کاظم موسوی گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی در روز ششم سال 1324 قمری هجری در گلپایگان متولد شده و در سن 13 سالگی در سال 1338 قمری برای تحصیل به اراک آمده و بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللّه حایری به قم باتفاق بعضی از اعاظم حوزه مهاجرت به قم نموده و چون مشغول بخواندن سطح بوده و در سال اول تأسیس حوزه دروس سطحی قم مورد پسند ایشان نبوده مرحوم والدش ایشان را باصفهان فرستاده و سطوح عالیه را در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد صادق اصفهانی و مرحومین آیتین آقا سید محمد و آقا سید علی نجف‌آبادی خوانده و در سنه 1344 قمری مراجعت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه یثربی کاشانی مدت هفت سال استفاده نموده و در سال 1351 قمری به اراک هجرت نموده و تا سال 1382 قمری بالغ بر سی و یکسال توقف و بخدمات دینی پرداخته تا سال مزبور که منتقل به تهران و در مختاری خیابان شاهپور سکونت و به اقامه جماعت و تفسیر قرآن مجید در مسجد (مختاری) و تدریس و مباحثات اشتغال دارد.
نگارنده گوید: معظم له عالمی منیع‌الطبع و بزرگوار می‌باشد در مدت توقفش در اراک خدمات شایانی نموده و عده زیادی از محصلین اراکی را تربیت نموده است و پرورش یافته‌گان حوزه ایشان از ائمه جماعت و نویسندگان برجسته اراک و قم و تهران می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

گلپایگانی، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1298/ 1292 -1218 ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، طبیب، فیلسوف، مجتهد، عارف و زاهد. در 1258 ق به نجف رفت و در محضر شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ علی کاشف الغطاء و سید ابراهیم قزوینی و شیخ مرتضی انصاری و حجت‌الاسلام بروجردی تلمذ نمود. در زمان خودش، در نجف، کسی در حکمت و رشته‌های متنوع آن، برتر از او نبود. وی استاد صاحب «التکمله» در علم الهی است. در نجف درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. او کتاب‌های بسیاری در حکمت، طب و فقه تصنیف کرد. از آثارش: شرح «اصول الکافی»؛ شرح «الرسالة الذهبیة»؛ منتخب «احیاء العلوم»؛ منتخب «امل الآمل»؛ منتخب «جامع السعادات»؛ منتخب «شرح الهدایة»؛ منتخب کتاب «السماء و العالم»؛ منتخب «الکشکول»؛ منتخب «الملل و النحل»؛ مختصر «مسکن الشجون»؛ رساله‌ای در علم کلام؛ رساله در علم کیمیا؛ «حاشیه»، در طب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (193/ 9)، الذریعه (369/ 22 ،209 ،107 -106 ،96/ 20 ،271 -270/ 7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 205/ 13)، فوائد الرضویه (438 -437)، گنجینه‌ی دانشمندان (499/ 7)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1112/ 3)، معجم المؤلفین (133 -132/ 9).

گلپایگانی، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1414 -1316 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. در روستای گوگد گلپایگان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و مقداری از سطوح نزد علمای آنجا در 1336 ق به اراک رفت. پس از تکمیل سطوح در 1337 ق در درس فقه و اصول آیت‌اللّه حایری حاضر شد. در 1340 ق به همراه استادش به قم رفت و از محضر ایشان و آیت‌اللّه شیخ محمد رضا نجفی استفاده نمود و خود به تدریس سطوح پرداخت. با درگذشت آیت‌اللّه حایری او تدریس خارج فقه و اصول را شروع نمود. پس از درگذشت آیت‌اللّه بروجردی بخش عمده‌ای از اداره‌ی حوزه‌ی علمیه قم به او واگذار شد. از اقدامات مهم وی: اعزام مبلغ به خارج از کشور و نیز در داخل به شهرستان‌ها و روستاها، اهتمام به تألیف کتب دینی به زبان‌های مختلف و نشر آن در کشورهای خارجی به طور رایگان، ایجاد زمینه و تشویق برای حفظ قرآن کریم در حوزه‌ی علمیه قم. از آثارش: احداث ساختمان وضوخانه، حمام، رختشویخانه و سالن قرائت برای مدرسه‌ی فیضیه؛ تأسیس بیمارستانی در قم؛ تأسیس مدارسی در قم؛ تأسیس حوزه‌ی علمیه در سنقر؛ تأسیس حسینیه و مرکز نشر معارف اسلامی در سنندج؛ ساختمان حسینیه و مرکز نشر معارف اسلامی در سنندج؛ ساختمان حسینیه در مریوان؛ ساختمان مسجد و مدرسه علمیه و خانه علم در قروه کردستان؛ ساختمان مسجد جامع و مدرسه علمیه در الیگودرز؛ ساختمان مسجد و تأسیس کتابخانه در فریدونکنار. از آثار علمی وی: «بلغة الطالب فی التعلیق علی المکاسب»؛ کتاب «القضاء»؛ کتاب «الشهادات»؛ کتاب «الحج»، تقریرات خارج فقه در مسأله ولایت فقیه؛ کتاب «الطهارة»؛ «نائج الافکار فی نجاسة الکفار»؛ «لدر المنصود فی احکام الحدود»؛ حاشیه بر «درر الفوائد»؛ حاشیه بر «عروة الوثقی»؛ حاشیه بر «وسائل»؛ «توضیح المسائل»؛ «مناسک حج».[1]
مرجع تقلید، فقیه، عالم روحانی.
تولد: 1277(8 ذی‌القعده 1316 ق.) قریه گوگد گلپایگان.
درگذشت: 18 آذر 1372 (24 جمادی‌الثانی 1414 ق.).
آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی، فرزند سید محمدباقر از علمای گلپایگان بود. نه ساله بود که پدرش از دنیا رفت. وی پس از فوت پدر به تحصیل علوم متداوله و به ویژه علوم دینی پرداخت و پس از تحصیلات

مقدماتی و تکمیل مقداری از سطوح را نزد علمای آن دیار، در اوایل سال 1336 ق. به شهر اراک که به مناسبت اقامت آیت‌الله العظمی حائری یزدی در آن شهر مرکزیت یافته بود، مهاجرت کرد و پس از تکمیل سطوح در سال 1337 ق. در کلاس‌های فقه واصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد. در شعبان 1340 ق. آیت‌الله العظمی حائری به قم رفت و به تأسیس حوزه‌ی علمیه مبادرت کرد و شخصا از آیت‌الله گلپایگانی دعوت نمود و ایشان در شوال همان سال به قم عزیمت و تدریس سطوح را آغاز کردند. پس از فوت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله گلپایگانی به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. در سال‌های آخر عمرش که درس خارج وی در مسجد اعظم قم تشکیل می‌شد، نزدیک به هشتصد تن از فضلاء علما و طلاب در آن کلاس شرکت می‌جستند.
بعد از فوت آیت‌الله سید حسین بروجردی که سرپرستی حوزه‌ی علمیه به عهده آیت‌الله العظمی گلپایگانی و علمای دیگر قرار گرفت و جمعیت طلاب رو به افزایش گذارد. وی مدارس خیابان تهران، خیابان چهارمندان و خیابان صفائیه را تأسیس نمود که در این مدارس گذشته از دورس قدیمه عربی و نحو و منطق و غیره دروس جدید ادبیات فارسی و علوم روز هم به انظمام دروس اخلاق و عقاید و تفسیر تدریس می‌شد.
آثار به جای مانده از وی همچون مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و مراکز تبلیغی خارج از کشور بسیار بوده است. مهم‌ترین آنها مدرسه عظیم و مجهز به دستگاه کامپیوتر در قم، مرکز تبلیغی لندن، مسجد جامع گلپایگان و بیمارستان در قم بوده است.
از جمله کتاب‌ها و مکتوبات برگرفته از تقریرات درسی وی، می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد: مختصر الاحکام؛ مناسک؛ بلغة الطالب فی التعلیق علی المکاسب (تقریرات درس خارج فقه براساس بیع مکاسب شیخ (انصاری) که فقط بخشی اندکی از آن تقریر شده است؛ کتاب القضاء (دو جلد تقریرات درس خارج فقه در باب قضاء) کتاب الشهادات (تقریرات درس خارج فقط در باب شهادات)؛ کتاب الحج (دو جلد تقریرات درس خارج فقه در مسأله ولایت فقیه)؛ الدر المنضود فی احکام الحدود (تقریر درس خارج فقه در باب حدود)؛ نائج الافکار فی نجاسة الکفار (تقریر درس خارج فقه در مسأله نجاست کفار)؛ کتاب الطهار (تقریر درس خارج فقه و باب طهارت).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (198 -197 ،89 -88)، الذریعه (267/ 26)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 742/ 14)، کلک (س 4، ش 45 و

46، ص 314)، کیهان فرهنگی (س 10، ش 9، ص 4)، گنجینه‌ی دانشمندان (36 -31/ 2 ،62 -61/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (196 -195/ 3).

گلپایگانی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در فوائدالرضویه است: عالم ربانی زاهد استاد صاحب التکمله فی العلم الهی قال سلمه‌اللّه لم یکن فی النجف الاشرف افضل منه فی الحکمه بجمیع اقسامها حتی علم الطب کان تارکا للدنیا ساکنا احد حجر الصحن الفوقانیة و لم یتزوج حتی توفی سنه 1292 و دفن بالنجف کان من تلامذه حجةالاسلام البروجردی صنف کتبا کثیره فی الحکمه و الطب و الفقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گنبدی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1364 -1287 ق)، فقیه، عارف و خطاط. در قریه‌ی گنبد از توابع ملایر چهار فرسنگی همدان متولد شد. پس از تحصیل مقدمات به اصفهان رفت و پس از 12 سال اقامت در اصفهان به نجف اشرف عزیمت و در محضر درس آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی حضور یافت و پس از فراغت از درس به وطن بازگشت و بقیه‌ی عمر را در همان گنبد ماند. استاد اخلاقی او آخوند ملا حسینقلی همدانی و حاج شیخ محمد بهاری است. کراماتی نیز از وی نقل می‌کنند. یکی از هنرهای آخوند گنبدی حسن خط بود، خود نیز خطی خاص اختراع کرده. از شاگردان وی می‌توان ملا علی همدانی و آقامیرزا محمد ثابتی را نام برد. آثار او عبارت‌اند از: «حاشیه بر تبصره‌ی علامه»؛ «تحریر تقاریر آخوند خراسانی و سید یزدی»، در اصول و فقه؛ «شرح مشکلات دیوان سیدرضی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (228 ،241 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (387 -384 /7).

گنجرودی نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بعد از 453 -360 ق)، فقیه، مسند، نحوی، ادیب، طبیب و شاعر. اهل نیشابور و مسند خراسان بود. در بغداد بزرگان علم نحو را درک کرد. او از ابوعمرو محمد بن احمد بن حمدان و ابوسعید عبداللّه بن محمد رازی و حسینک بن علی تمیمی و شافع بن محمد اسفراینی و ابوبکر بن مهران مقری و حافظ ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوحسین بن دهثم و محمد بن بشر بصری و ابوبکر محمد بن محمد طرازی و احمد بن محمد بالوی و احمد بن حسین مروانی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. او گذشته از علوم اسلامی در طب و سوارکاری و به کار بردن سلاح مهارت داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. اسماعیل بن عبدالغافر و ابوعبداللّه محمد بن فضل فراوی و هبة اللّه بن سهل سیدی و تمیم بن ابوسعید جرجانی و زاهر بن طاهر حامی و عبدالمنعم بن ابوالقاسم قشیری و ابوسعد بن ابوصادق متطیب و ابوبکر احمد بن حسین بیهقی در نیشابور، مرو و اصفهان از وی حدیث شنیدند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (101 -100/ 5)، سیر النبلاء (102 -101/ 18)، شذرات الذهب (292 -291/ 3)، العبر (301/ 2)، معجم البلدان (394/ 5)، الوافی بالوفیات (231/ 3).

گوگدی گلپایگانی، محمد باقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1332 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. اصل وی از گوگد گلپایگان بود. از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود. بعد از تکمیل مراتب علمی به تهذیب نفس و عبادت و ریاضت مشغول شد. سید صادق بن سید عباس لشت نشائی رشتی از شاگردان وی بود، که کتب وی را در اختیار داشت. در کربلا از دنیا رفت و در آنجا دفن شد. از آثارش: کتابی در اصول، در دو مجلد، فراگیر: «الاستصحاب»، «التعادل و التراجیع»؛ کتابی در «فقه»، در دو مجلد، به ضمیمه‌ی بحث «الخلل»، در نماز و «الخیارات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (279 ،247 /7 ،203 /4 ،24 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 190/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (420/ 6)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1112 -1111/ 3)، معجم المؤلفین (90 -89/ 9).

گوگدی گلپایگانی، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1302 ق)، عالم دینی و فقیه. معروف به حاج آخوند گوگدی و یا حاج آخوند گلپایگانی. از بزرگان علمای گوگد و برادر بزرگ ملا زین‌العابدین گلپایگانی بود. او در روستای گوگد درگذشت. از آثار وی: «سراج النجاة فی کشف المقامات لتحصیل السعادات»، در مواعظ و اخلاق، در دو مجلد، که مجلد اول آن در 1271 ق در اصفهان پایان پذیرفته است. به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» و «طبقات اعلام الشیعه»، در حاشیه‌ی نسخه‌ی موجودی از این کتاب، به خط مؤلف، تاریخ 1302 ق ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (163/ 12)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 256 -255/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (425 ،420 -419/ 6).

گیلانی استرآبادی، عبدالوحید

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، فقیه، مفسر، متکلم و عارف. معاصر شیخ بهائی (م ح 1030 ق) و از شاگردان وی به حساب می‌آمد. در «ریاض العلماء» نزدیک به شصت اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: «الآیات البینات فی خلق اللّه الارض و السماوات»؛ «اسرار القرآن فی تفسیر الفرقان»؛ «الحبل المتین فی آداب الدعاء و الداعی»؛ «اثبات الشوق»؛ رساله «اعلی علیین»، در معنی عبادت؛ «آینه‌ی غیب نما»، در اسرار و احوال قلب، به فارسی؛ «اسرار التوحید»، در شرح اسم اعظم؛ «انیس الواعظین» صغیر و وسیط و کبیر؛ «طب القلوب»، در معالجه امراض روحی؛ «کشف الغطاء فی اسباب الضلال و الغرور»؛ «میزان العدالة»، در فقه؛ «تهذیب الاخلاق فی تزکیة النفس»؛ «نثار السماع»، در تصوف؛ «البرزخ الجامع»؛ «الجنة النعیم»؛ «معراج السماء»، در وصف علم و علماء؛ «معیار الصلاة»، در اسرار نماز.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (131/ 8)، الذریعه (315/ 23 ،46/ 18 ،143/ 15 ،239/ 6 ،243 ،54 43/ 2 ،96 ،54- 53 ،47- 46/ 1)، ریاض العلماء (286- 284/ 3)، ریحانه (117/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 11 /361- 363)، فوائد الرضویه (260).

گیلانی رشتی، شعبان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شعبان بن مهدی بن عبدالوهاب گیلانی رشتی نجفی از اعلام فقهاء و مراجع تقلید در عصر خود بوده.
جد آن بزرگوار میرزا عبدالوهاب از خراسان هجرت به گیلان نموده و در آنجا رحل اقامت افکنده و وی در نیمه ماه شعبان 1275 ق متولد شده و پس از رشد و فراگرفتن اولیات و ادبیات از اهل فضل رشت مانند حجةالاسلام آمیرزا حسین مدرس به قزوین آمده و خدمت شیخ عبدالوهاب بهشتی و آیت‌اللّه آسید علی مؤلف حاشیه (قوانین الاصول) متون فقه و اصول را خوانده و در سال 1302 ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و ملازمت علامه کبیر آیت‌اللّه العظمی میرزا حبیب‌اللّه رشتی و علامه ملا محمد فاضل ایروانی و علامه جلیل شیخ حسن مامقانی و علامه شیخ محمد فاضل شربیانی و آیت‌اللّه شیخ عبداللّه مازندرانی و دیگران را اختیار نموده و از محاضر آنان استفاده کرده
و در سال 1318 ق با علامه شیخ هاشم بن ابراهیم ابن عبدالوهاب انصاری متوفی 1311 قمری وصلت نموده و از خواص شاگردان و اصحاب علامه مازندرانی گردیده و در میان اهل علم به فضل و تقوا و دقت نظر مشهور گشته و عده زیادی از فضلاء رشت و غیره اطرافش را گرفته و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و جمع کثیری از علماء و مجتهدین از محضرش استفاده و به مقام عالی علم و کمال رسیدند.
و همین موجب شد که هزاران نفر در تقلید به وی رجوع نموده و رساله علمیه‌اش هشت مرتبه بطبع رسید غالب مردم گیلان و رشت از ایشان تقلید می‌نمودند و معظم له گذشته از مقامات علمی دارای مقامات عالیه معنوی و اهل باطن و پرهیزکار و کثیرالعباد بود و چندین سال به وظائف شرعی از تدریس و امامت و تألیف اشتغال داشت تا در صبح روز سه‌شنبه 24 شوال 1348 قمری وفات نموده و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی زاهد قمی بر وی نماز خواند و در وادی‌السلام نزدیک قبر جناب هود و صالح پیغمبر علیهماالسلام مدفون گردید و تاریخ وفات او را علامه شیخ محمد سماوی چنین گفت:
یالهفة الاسلام من فقد امرء
کان له من اعظم الارکان
قد زال اقصی اللب حین ارخوا

انهدم الاسلام فی شعبان
دارای آثار علمی زیر می‌باشد
1- صلوة المسافر 2- القضاء 3- احکام الخلل 4- المتاجر 5- مباحث الالفاظ 7- اصول العملیه والقطع والظن والتعادل والتراجیح و چندین رسائل علمی دیگر
سه فرزند دانشمند و فاضل دارد 1- آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالحسین فقیهی متولد 1321 ق که ترجمه‌اش در ج 2 گنجینه ص 222 گذشت
2- حاج شیخ ابوالحسن خطیب گیلانی مؤلف (تفسیر سوره یوسف) متولد 1321 ق که بالغ بر بیست تألیف دارد
3- آشیخ مرتضی گیلانی متولد 1335 قمری
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

گیلانی نجفی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1291 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و شاعر. در نجف به دنیا آمد. سطوح را در محضر شیخ محمد علی چهاردهی گیلانی فراگرفت. او همچنین مدتی در محضر میرزای شیرازی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و نیز آیت‌اللّه شریعت اصفهانی تلمذ نمود. پس از اتمام تحصلات به رشت رفت و در آنجا به تدریس و تحقیق پرداخت. از آثارش: «آیات البینات» یا «بیان الآیات بالزبر و البینات»؛ «اصول العقائد الدینیة»؛ «حل العقود»؛ «مختصر المجمل»؛ «تذکرة المؤمنین»، در فضایل علمای عاملین؛ «کار در اسلام»؛ «لایحه‌ی ملیه‌ی اسلامیه»، در رد فرقه‌ی بابیه و بهائیه؛ «وسیلة العفایف» یا «طومار عفت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (80/ 25 ،183/ 15 ،72/ 7 ،49/ 4 ،175/ 3 ،47/ 1)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1117/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (902 -901/ 6).

گیلانی، بشیر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّٰه آقا سید بشیر گیلانی رشتی عالمی فقیه و حکیمی نحریر معاصر با اوائل فتحعلی شاه قاجار بوده است
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

لاجوردی حسینی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقاسید مهدی بن سید الاجله سید ابوالفضل بن سید الاعلام السید عباس بن السید الجلیل سید محمدطاهر حسینی کاشانی الاصل قمی الولاده والمسکن در سال 1305 قمری متولد شده و پس از طی دروس جدیده و دیدن مقدمات و ادبیات سطح را نزد دائی معظم خود آیت‌الله حاج سید مرتضی فقیه بن العلامه حاج سید عباس فقیه قمی و آیت‌الله فاضل قفقازی دام‌ظله فراگرفته و بعد از آن از دروس آیات عظامی چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری و بالاخص حدود 18 سال از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و علوم معقول و فلسفه را نزد حکماء معروف زمان میرزا مهدی آشتیانی و حاج شیخ مهدی مازندرانی و علامه طباطبائی خوانده و به تدریس فقه و اصول پرداخته و اکنون به گفتن درس خارج اشتغال دارد که عده‌ای از محصلین شرکت می‌کنند.
و مخفی نماند که علامه لاجوردی از بیت مجد و شرف و فضیلت می‌باشد که در میان آنها رجال و نوابغی چون مرحوم حکیم شفائی و عالم جلیل سید حسین بن سید رضی‌الله محمد کاشانی الحسینی و والد ماجدش سید رضی‌الدین و جماعتی دیگر همه از علماء اعلام و آیات عظام ملک‌العلام بوده‌اند.
و معظم‌له از طرف مادر هم طباطبائی و ایشان سبط آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا احمد طباطبائی قمی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لاری، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1342 -1264 ق)، فقیه و عالم دینی. نسبش با بیست واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. اصلش از دزفول است. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، از محضر میرزای بزرگ شیرازی و شیخ محمد حسین کاظمی و ملا لطف‌اللّه مازندرانی و ملا حسینقلی همدانی و ملا محمد فاضل ایروانی و دیگران استفاده نمود، تا در فقه و اصول برآمد و از تمام اساتیدش به دریافت اجازه نایل شد. وی از شاگردان برجسته‌ی میرزای بزرگ شیرازی بود. میرزا او را به شهرستان لار فرستاد و از آن زمان به لاری مشهور شد. سید عبدالحسین در لار به تدریس و انجام وظایف دینی مشغول شد و مدرسه‌ای تأسیس کرد و حوزه‌ی علمیه‌ای تشکیل داد. طلاب زیادی از شهرستان‌های داراب و سیرجان و جهرم و اصطهبانات و شیراز و غیره در حوزه‌ی درسش شرکت نمودند. وی مدت بیست و پنج سال مرجع مذهبی مردم فارس بود. او از علمای مبارز دوره‌ی مشروطه بود. در جنگ جهانی اول آن گاه که انگلیسی‌ها آهنگ تصرف لار کردند حکم جهاد داد. در اواخر عمر به جهرم نقل مکان کرد و در آنجا درگذشت. از آثارش: «الآیات النازلة»، در ذم ظلم و جور؛ «اکسیر السعادة فی اسرار الشهادة»؛ «تشریع الخیرة»، در استخارات؛ «تقریرات الاصول»؛ «تقریرات الفقه»؛ حواشی بر «الریاض»؛ حواشی بر «القوانین»؛ حواشی بر «فرائد الاصول»؛ حواشی بر «المکاسب»؛ «الخلافیات»؛ حاشیه کتاب «القضاء» از «جواهر»؛ رساله‌ی «الاستصحاب»؛ رساله‌ی «عقوبة حب الدنیا»؛ رساله‌ی «المحکم و المتشابه»؛ «التنزیل فی بعض المتشابهات»؛ «الوجیزه»، در کیفیت و کمیت علم امام؛ «المحکمات فی قطع المشاجرات»؛ «قانون ملی»، به فارسی؛ «معارف السلمانی بمراتب الخلفاء الرحمانی»، در علم امام و پیامبر (ص)؛ منظومه‌ای در مصائب اهل‌بیت (ع) و استغاثه به حضرت حجت (عج).[1]
حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری بن سید عبداللّه بن سید عبدالرحیم بن سید آقا ابن سید محمد بن سید اسداللّه بن سید نعمت‌اللّه بن سید اسداللّه بن سید خلف مجتهد لاری موسوی که تقریباً با بیست واسطه به حضرت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌رسد.
تولد آنجناب در شب جمعه سوم ماه صفر 1264 قمری در نجف اشرف واقع شده و پس از دوران مقدمات و سطوح، از محضر مرحوم آیت‌اللّه

العظمی میرزا محمدحسن شیرازی (مجدد) و مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمدحسین کاظمی و آیت‌اللّه شیخ لطف‌اللّه مازندرانی و آیت‌اللّه شیخ محمد ایروانی و عالم ربانی آقا شیخ حسنعلی، فقه و اصول و علم اخلاق را تحصیل نموده تا به درجه سامیه اجتهاد رسیده است.
آن مرحوم اصلا دزفولی است ولی چون عده‌ای از اعیان و بازرگانان لار شیراز از مرحوم میرزای شیرازی عالمی خواستند به اشاره مرحوم آیت‌اللّه ربانی آقا سید مرتضی کشمیری ایشان را تعیین و به لار اعزام نمودند و سالها آنجناب در آنجا اقامت داشتند به لاری معروف شدند ولی آخر کار که ایشان به مبارزه و جهاد علیه استبدادگران برخاستند و مدتی در شیراز و فیروزآباد و قریه (قیر) رفتند اهالی جهرم معظم له را به جهرم برده و مدت شش سال در آنجا به خدمات دینی اشتغال داشتند تا در چهارم شوال المکرم 1342 قمری در سن 77 سالگی وفات نمودند.
تاریخ زندگانی آنجناب عجیب و سوانح و خاطراتش غریب. قسمتی از آن در کتاب (گلشن حسینی) و پاره‌ای از آن در کتاب دانشمندان فارس و غیره مسطور است.
تالیفات و آثار علمی آنجناب مطبوعاً و مخطوطاً از اینقرار است.
1- آیات الظالمین (مطبوع)
2- استخاره‌نامه (مطبوع)
3- اکسیرالسعاده (مطبوع)
4- رساله‌ای در عقوبت حب دنیا (مطبوع)
5- رساله‌ای در علم امام (مطبوع)
6- معارف السلمانی
7- حاشیه بر فرائد انصاری مخطوط 2 جلد
8- حاشیه بر مکاسب 2 ج مخطوط
9- حاشیه بر شرح کبیر مخطوط
10- حاشیه بر قوانین مخطوط
11- تقریرات فقه
12- خلافیات فقه
13- رساله‌ای در شکوک مخطوط
14- رساله‌ای در خلل صلوة مخطوط
15- رساله در علم مناظره مخطوط
16- رساله‌ای در محکم و متشابه مخطوط
17- کتاب التنزیل الذی نزل به جبرائیل
18- منظومه در مهمات رجال و ده‌ها ده‌ها رساله و کتاب دیگر در موضوعات مختلفه.
آن مرحوم دارای سه پسر مجتهد و دانشمند در شیراز و لار و جهرم بودند.

1- مرحوم آیت‌اللّه سید عبدالمحمد مجتهد لاری
2- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید علی‌اکبر مجتهد سالف‌الذکر
3- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید علی‌اصغر آیةاللهی مقیم لار
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (585 -578/ 3)، الذریعه (192/ 21 ،28/ 17 ،189/ 4 ،278/ 2 ،49 -48/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1050 -1048/ 14)، شرح حال رجال (258 -257/ 2)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1119 -1118/ 3)، معجم المؤلفین (87/ 5)، میرزای شیرازی (153).

لاری، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی‌اکبر آیةاللهی مجتهد لاری جهرمی بن آیت‌اللَّه العظمی حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری بن سید عبداللّٰه ابن سید عبدالرحیم بن سید محمد از پیشوایان دینی و مجتهدین متقی معاصر است.
وی پس از مرحوم والدش به جای او نشسته و سالهای دراز به ترویج دین مبین و نشر معارف اسلامی و کمک به ضعفاء و فقراء و دستگیری از پا افتادگان و سرپرستی یتیمان و معاشرت با تهیدستان و بینوایان گذرانید.
معظم‌له دانشمندی مرتاض و مستجاب الدعوه و زاهد و متقی و بی‌اعتنا به مال دنیا بود با سادگی تمام زندگی می‌کرد و چون همواره در ذکر و فکر بود لاجرم جز به هنگام ضرورت لب به سخن نمی‌گشود و بسیار کم حرف بود مگر بر فراز منبر که گاه وعظ دل از عارف و عامی می‌ربود و داد سخن می‌داد چند روز قبل از رحلتش از مرگ خود خبر داد و در ماه صفر 1371 ق در جهرم از دنیا رفت و فرزند ارجمندش حجه الاسلام آقا سید عبدالحسین آیه اللهی بجای او بر مسند ارشاد و خدمت نشست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاری، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر مجتهد لاری متوفی 1288 ق در منطقه لار ریاست دینی داشته و رتق و فتق امور به دست وی بوده است
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاری، مصلح‌الدین، محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 979 ق)، فقیه شافعی، منطقی و منجم. در لار فارس به دنیا آمد. ادبیات و علوم مقدماتی را در زادگاهش از شاگردان ملا جلال‌الدین دوانی فراگرفت. او همچنین از میر غیاث‌الدین دشتکی شیرازی بهره برد. در عهد همایون شاه (963 -937 ق) به هندوستان رفت. بعد از فوت وی در 964 ق به حلب و از آنجا به حج رفت و سپس به حلب بازگشت. پس از آن سفری به آمد کرد و در شهرهای آناطولی شرقی شهرت بسیار یافت. سرانجام در دیار بکر معلم اسکندر پاشا و فرزندان او گشت و در همان جا وفات یافت. در «شذرات الذهب» سال وفات وی حدود 967 ق ذکر شده است. از آثار وی: شرح «الشمائل» ترمذی؛ شرح «الاربعین النوویة»، در حدیث؛ شرح «الفرائض السراجیة» سجاوندی؛ شرح «الارشاد»، در فروع فقه شافعی؛ حاشیه بر قسمتهایی از «مطول»؛ «اثبات المعاد الجسمانی»؛ حاشیه بر شرح دوانی بر «تهذیب المنطق و الکلام» تفتازانی؛ حاشیه بر «شرح طوالع» اصفهانی؛ حاشیه بر «شرح الکافیة» جامی؛ تعلیقه بر شرح «المواقف» عضدی؛ حاشیه بر «شرح الهدایة» میبدی؛ شرح «هیئت فارسی» قوشچی؛ «مرآة الادوار و مرقاة الاخبار»، در تاریخ از اول تا 974 ق، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (39/ 7)، تاریخ ادبیات در ایران (1669 -1663/ 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (777 -775، 536/ 2)، تاریخ نظم و نثر (355)، الذریعه (100/ 1)، ریحانه (119 -118/ 5)، شذرات الذهب (350/ 8)، کشف الظنون (1893، 1646، 1372، 1247، 1116، 1060، 1039، 516، 475، 191، 69، 60)، معجم المؤلفین (293/ 12، 93/ 10)، هدیة العارفین (251/ 2).

لاریجانی مازندرانی، لطف‌اللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1311 ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مدرس. اهل اسک لاریجان است، لذا به ملا لطف‌اللّه اسکی لاریجانی نیز مشهور است. وی از شاگردان شیخ محمد حسن، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری بود. در نجف مستقلا به تدریس فقه و اصول پرداخت و بسیاری از افاضل به درسش حاضر شدند. او از مشایخ روایتی علامه سید ابوتراب خوانساری بود. وی در صحن غروی به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. در نجف درگذشت و در صحن غروی به خاک سپرده شد. از آثارش: «ایضاح المضامین»، حاشیه بر «قوانین الاصول»، که به «ایضاح القوانین» نیز معروف است؛ «ذریعة الاعتماد»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» استادش علامه انصاری؛ رساله در «بطلان دلیل الانسداد»؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی، در چهار مجلد؛ حاشیه بر «حجیة الظن» علامه انصاری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (22/ 14، 29/ 10، 160/ 6، 500، 497/ 2)، علماء معاصرین (46 -45)، فوائد الرضویه (368 -367)، المآثر و الآثار (154)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1142/ 3)، معجم المؤلفین (155/ 8).

لاکانی رشتی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1331 ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در نجف به دنیا آمد. در 1341 ق به همراه پدرش به ایران آمد و در رشت سکنی گزید. پس از فراگیری مقدمات و نیز تحصیلات جدید، سطوح را نزد پدرش و شیخ حسن رشاد و شیخ ابوطالب شفتی و شیخ احمد طاهری فراگرفت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه سید احمد خوانساری و آیت‌اللّه شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّه سید محمد حجت و آیت‌اللّه سید صدرالدین صدر استفاده نمود. در 1363 ق به قصد زیارت به عراق رفت و در نجف از محضر آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ ضیاءالدین عراقی بهره برد و از آنها به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به قم بازگشت و به تدریس و تألیف پرداخت و خود از مباحث آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود. در 1370 ق به قصد زیارت به مکه و مدینه و عتبات رفت و در بازگشت از سفر به علت بیماری پدرش در رشت سکنی گزید و به اقامه‌ی جماعت، تدریس و انجام امور دینی اشتغال یافت. از آثار وی: شرح مباحث «الفاظ» و «برائت» از «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ شرح «رسائل» شیخ انصاری؛ شرح «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ رساله‌ای در «اعتقادات»؛ رساله‌ای در «علم اخلاق»؛ رساله‌ای در «علم درایه»؛ رساله‌ای در «نفس»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ رساله‌ای در «قواعد فقهیه و اصولیه»؛ رساله‌ای در «اقتباسات آخوند خراسانی از دیگران»؛ رساله‌ای در «جمع بین الرأیین» (اصالة الماهیة و الوجود).[1]
سید محمود ضیابری فرزند عالم جلیل آقا سید مهدی موسوی از علماء معاصر رشت است که در سال 1307 ق در قریه ضیاءبر که در چهل و هشت کیلومتری رشت قرار دارد تولد یافته و در تحت تربیت مرحوم والدش پرورش و در سال 1314 ق در سن 7 سالگی نزد ملا کاظم مکتب‌دار محل قرائت قرآن و خواندن را آموخته و در همان محل صرف میر و تصریف را از آخوند ملاعلی فراگرفته و برای ادامه تحصیل به رشت و دو سالی در مدرسه حاج سمیع و پس از آن در مدرسه مستوفی ادبیات را نزد فضل‌اللّه در مدرسه خوانده و سطوح وسطی را در خدمت مرحوم حاج شیخ حسن کوچصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد زاهد استفاده نموده و در سال 1338 قمری به نجف اشرف مهاجرت و سطوح

عالی را از فضلاء گیلانی مقیم نجف تعلیم گرفته و از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه شیخ‌الفقهاء آقای شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی قدس اللّه اسرارهم استفاده نموده و در سال 1313 شمسی برای زیارت حضرت ثامن‌الائمه علیهم‌السلام به ایران وارد و پس از تشرف به مشهد مقدس به رشت عزیمت نموده و چند ماهی در قریه ضیابر توقف و به تبلیغ پرداخته و بعد از آن مراجعت به نجف و به زیارت بیت‌اللّه‌الحرام مشرف و پس از بازگشت در مدرسه قزوینی‌های نجف به تدریس سطوح وسطی پرداخته و در سال 1320 شمسی برای گذرانیدن ایام تابستان به همدان آمده و چون مصادف با جنگ جهانی دوم بود ناگزیر به گیلان عزیمت و رحل اقامت به رشت انداخته و بدواً در مسجد خمیران و مسجد چهل تن و مسجد مرحوم حاج محمدکریم به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال تا در سال 1328 شمسی پس از فوت مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه حاج سید مهدی رودباری برای اداره امور حوزه علمیه رشت و تربیت طلاب و محصلین به مسجد جامع کاسه‌فروشان و مدرسه مهدویه منتقل و به وظائف دینی و روحی از اقامه نماز جمعه و جماعت و تدریس و قضاء حوائج و رفع خصومات و حل و فصل قضایا و توجه و دستگیری از مساکین و عجزه و تأسیس مساجد و تعمیر مدارس و ایجاد کتابخانه و ابنیه خیریه و غیره اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (191 -189/ 5)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1120/ 3).

لاکانی رشتی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی لاکانی رشتی متوفی سال 1370 قمری والد آیت‌اللَّه لاکانی معاصر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

لاکانی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین لاکانی از فقهاء بزرگ و ثقات علماء و شاگردان میرزاء رشتی و در سال 1310 ق وفات نموده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

لالکائی، ابوالقاسم هبة اللّه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 418 ق)، فقیه شافعی، محدث، مفتی و حافظ. اصل وی از طبرستان بود. به بغداد رفت و از شیخ ابوحامد اسفراییِنی فقه آموخت. از ابوالقاسم عیسی بن علی وزیر و ابوطاهر مخلص و ابوالحسن بن جندی و جعفر بن عبداللّه فناکی رازی و علی بن محمد قصار و علاء بن محمد رویانی و ابواحمد فرضی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. ابوبکر خطیب و پسر او محمد بن هبة اللّه و ابوبکر احمد بن علی طریثیثی و مکی کرجی سلار و دیگران از وی روایت کردند. در دینور درگذشت. از وی تصنیفاتی بر جای مانده است، از جمله: «السنن»، شرح اصول اعتقادی اهل تسنن بر اساس کتاب (قرآن)، سنت و اجماع صحابه؛ شرح «السنة» بغوی؛ «معرفة اسماء من فی الصحیحین» یا «رجال الصحیحین» یا «اسماء رجال الصحیحین» بخاری و مسلم؛ «المسائل المنثورة»، در نحو و تفسیر و غیره؛ «کرامات اولیاء اللّه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (57/ 9)، انساب سمعانی (669/ 5)، تاریخ بغداد (71 -70/ 14)، تذکرة الحفاظ (1085 -1083/ 3)، سیر النبلاء (420 -419/ 17)، شذرات الذهب (211/ 3)، طبقات الحفاظ (438)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (191/ 2)، العبر (236/ 2)، الکامل (330/ 7)، کشف الظنون (1040، 835، 88)، معجم المولفین (136/ 13)، المنتظم (214/ 9)، هدیة العارفین (504/ 2).

لاله‌زاری تهرانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدتقی تهرانی از علماء اعلام معاصر تهرانست. وی در حدود 1312 قمری در سامرا متولد شده و با مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا سید ابراهیم به تهران آمده و پس از طی دوران صبا و خواندن مقدمات در سال اول تاسیس حوزه علمیه قم 1340 قمری به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه یثربی و آیات دیگری استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیتین اصفهانی و نائینی در موقع توقفشان در قم بهره‌مند گردیده تا به درجه رفیعه علم و اجتهاد نائل آنگاه به تهران مراجعت و بیش از پنجاه سالست که بخدمات دینی اشتغال و چندین سالست که در مسجد (اباذر غفاری) در پل چوبی خیابان شاهرضا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام موفق میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
السید محمدصادق بن العالم الجلیل السید ابراهیم بن السید علی‌اصغر الحسینی تهرانی عالمی فاضل و کاملی عامل و پدرش از علماء بزرگوار درکه تهران بوده.
وی در سال 1300 قمری در سامره متولد و در تحت مراقبت و تربیت والدش پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد وی و بعضی از فضلاء سامره خوانده و در حدود سال 1320 قمری باتفاق مرحوم والدش مسافرت به تهران نموده و فقه و اصول و بعضی از معقول را نزد علماء تهران تکمیل نموده و چون والدش در سال 1332 قمری وفات نمود حمل به قم و در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام دفن و به تهران مراجعت و بجای والدش در مسجدی که در خیابان لاله‌زار تهران تأسیس نموده به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تحول عجیبی در کسبه و اصناف خیابان مزبور ایجاد کرده که اغلب آنان در مواقع نماز به مسجدش حاضر و از نماز و بیاناتش استفاده می‌کردند تا در 16 صفر 1370 قمری وفات نموده و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام بخاک سپرده شده است.
دارای فرزندان برومند و دانشمندی است که از علماء اعلام معاصر تهران و ری می‌باشند.
1- جناب آیت‌اللّٰه حاج سید مهدی حسینی لاله‌زاری که ترجمه‌اش را بعد از این خواهد آمد.
2- جناب حجةالاسلام و المسلمین حاج سید محمدحسین لاله‌زاری دومین فرزند آن جناب است که در تهران تولد یافته و پس از خواندن مقدمات به قم مسافرت و در مدرسه حجتیه اقامت و بتکمیل سطوح پرداخته و چند سالی از محضر مرحوم آیه اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مد ظله و دیگران استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده آنگاه مراجعت به تهران و در مسجد قائم واقع در خیابان سعدی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ضمناً تدریس و مباحثات اشتغال دارند.
3- جناب حجةالاسلام آقای حاج سید عبدالصاحب لاله‌زاری از فضلاء و

علماء معاصر می‌باشند که چندین سال در قم و سالها در نجف اشرف کسب علم و کمال کرده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید مهدی لاله‌زاری ابن العالم النبیل و آیت‌اللَّه الجلیل مرحوم حاج سید محمد صادق لاله‌زاری از علماء مبرز و معروف معاصر تهران مقیم در زاویه مقدسه شهر ری می‌باشند معظم له در سال 1324 قمری در تهران متولد شده و سطوح را خدمت مرحوم شیخ مهدی نوری و میرزا طاهر تنکابنی خوانده و در عصر آیت‌اللَّه العظمی مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از چندی مراجعت به ایران و در سال 1342 ق دوباره معاودت به نجف نموده و اصول را از مرحوم آیت‌اللَّه مشکینی تکمیل و مدت 12 سال از درس و محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی استفاده نموده و در سال 1360 ق مراجعت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و بخدمات دینی و وظائف روحی پرداخته و در سال 1370 مشرف به نجف و دو سال توقف و در سال 1372 ق بوطن بازگشت نموده و مجاورت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام را در شهر ری بر سکونت در تهران ترجیح و اختیار نموده و بانجام وظایف دینی و روحی مشتغل گشته و از آن تاریخ تاکنون خدمات ارزنده و آثار خالده‌ای از خود گذارده است.
نگارنده گوید: آیت‌اللَّه لاله‌زاری عالمی عامل و فاضلی کامل و فقیهی ناطق و در ایجاد و بناء مساجد و مدارس سمی بلیغ و همتی عالی و بلند دارد. بیانش بسیار جذاب و شیرین و منبرش بی‌اندازه مؤثر و نافذ است، اول عالم و روحانی متنفذ شهر ری میباشد بسیاری از مردم ری و تهران دست ارادت به وی داده و دلباخته بیانات سودمند و مفید ویند.
آثار خالده و باقیات و صالحات وی در ری و تهران از این قرار است:
1- مدرسه آیت‌اللَّه لاله‌زاری در شهر ری که با همت خود بنام مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی بنا ولی مردم بنام ایشان می‌خوانند.
2- حوزه علمیه شهر ری که بهمت عالی وی اداره میشود.
3- مسجد خاتم‌النبیین در خیابان مظفری شهر ری که از مساجد بسیار زیبای ری و تهران است.
4- مسجد لاله‌زاری جنب مدرسه علمیه‌اش.
5- مسجد لاله‌زاری در خیابان لاله‌زار.
6- مسجد قائم.

7- مسجد بی‌بی در سر سه راه سپهسالار.
8- مسجد سلمان در خیابان شهباز.
9- مسجد حاج محمدحسن قبنری. مسجد اباذر و مساجد دیگر در تهران و حومه آن.
آثار علمی ایشان:
1- تقریرات اصول مشکینی.
2- تقریرات اصول آقا ضیاء.
3- تقریرات نائینی مباحث الفاظ.
4- تقریرات فقه آیت‌اللّه اصفهانی.
5- رساله عملیه و تمام کتب مذکوره مخطوط میباشد.
(تو 1324 ق)، عالم دینی، فقیه و نیکوکار. در تهران به دنیا آمد و سطوح را در خدمت شیخ مهدی نوری و میرزا طاهر تنکابنی فراگرفت. در عصر میرزا محمد تقی شیرازی به نجف رفت و پس از مدتی به ایران بازگشت. در 1342 ق برای بار دوم به نجف رفت و اصول را از محضر آیت‌اللّه مشکینی فراگرفت و مدت دوازده سال نیز از درس و بحث آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ کاظم شیرازی استفاده نمود. در 1360 ق به تهران آمد و در شهر ری ساکن گردید و به انجام وظایف دینی پرداخت. از آثارش: مدرسه‌ی آیت‌اللّه لاله زاری در شهر ری؛ حوزه‌ی علمیه و مسجد لاله زاری در شهر ری؛ مسجد خاتم النبیین (ص) در شهر ری؛ مسجد لاله زاری در خیابان لاله زار؛ مسجد بی‌بی در سپهسالار؛ مسجد سلمان در خیابان هفده شهریور؛ مسجد قائم، مسجد حاج محمد حسن قنبری، مسجد اباذر و مساجد دیگر در تهران و حومه. از آثار علمی: «تقریرات» اصول آیت‌اللّه مشکینی؛ «تقریرات» اصول آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی؛ «تقریرات» آیت‌اللّه نایینی، مباحث الفاظ؛ «تقریرات» فقه آیت‌اللّه اصفهانی؛ «رساله‌ی عملیه».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (641 -640/ 4).

لاهیجانی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم لاهیجانی صاحب (ریاض المؤمنین) عالمی جلیل و فاضلی فقیه از شاگردان صاحب ریاض بوده و در سال 1269 وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، خلیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلیل لاهیجانی از علماء وقت و فقهاء گیلان و مورد توجه عموم مردم بوده و در سال 1330 وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، عبدالرسول

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول لاهیجانی فقیهی بارع و عالمی متقی از شاگردان میرزا حبیب اللّٰه رشتی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجانی، محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب. وی از شاگردان علامه محمد باقر مجلسی (م 1110 ق) است. او در اثر معروف خود «نظم اللآلی» خود را شاگرد علامه مجلسی خوانده است. «نظم اللآلی» جواب سؤالات فقهی است که علامه مجلسی از او نموده و او آنها را جواب گفته سپس بر استادش عرضه داشته و آنها را به تأیید رسانده است. او این کتاب را به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف کرده و در 1103 ق از تألیف آن فراغت یافته است. از دیگر آثارش: «فهرست الکتب المأخوذ منها البحار»، که در آن اسامی مآخذ «بحارالانوار» به ترتیب در بیست و هفت باب (غیر از حرف ظ) آمده و در 1127 ق به اتمام رسیده است؛ «صلاة الجمعة»؛ «حلیة النسوان»؛ «تحفة المصلین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تلامذة العلامه المجلسی (59 -58)، الذریعه (227 -266/ 24 ،391/ 16)، ریاض العلماء (24/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 696/ 12).

لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علی بن الحسین اللاهیجی قمی از بزرگان حکماء و متکلمین و ادباء محققین ملقب به فیاض لاهیجی است هم داماد (باجناق) مرحوم علامه ملا محسن فیض کاشانیست که هر دو شاگرد و داماد صدرالمتألهین شیرازی بودند و لقب فیض و فیاض را از او دریافته‌اند. صاحب روضات گوید در مدرسه معصومه قم (یعنی مدرسه فیضیه) تدریس می‌نمود تألیفات ارزنده دارد که از آنهاست «کتاب گوهر مراد» و رساله (سرمایه ایمان) و شرح تجرید الکلام موسوم «به مشارق الالهام» و «شوارق» کتاب «شرح هیاکل» و رساله‌ی در حدوث عالم، و غیر اینها از کتب و رسائل و حواشی. شاگردان بزرگواری دارد که از آن جمله است فرزند ارجمندش جناب میرزا حسن صاحب کتاب «جمال الصالحین» در سنن و آداب «و کتاب شمع الیقین» در اصول دین به فارسی و غیر آن که قبر شریفش در حاشیه خیابان ارم مقابل شیخان بزرگ سنگ بلندی بر آن نصب است.
(ملا) عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی ملقب به فیض و فیاض، متکلم منطقی، ادیب و شاعر ایرانی (و.؟- ف. 1051 یا 1072 ه.) وی شاگرد ملاصدرا و ملا محسن فیض بود و در قم تدریس کرده. تألیفات بسیاری دارد که حاکی از تبحر وی هستند از جمله‌ی آنهاست: 1- «شوارق‌الالهام»، شرح بر «تجریدالکلام» خواجه نصیرالدین طوسی. 2- «گوهر مراد» در حکمت و منطق به فارسی که برای شاه عباس ثانی نوشته. 3- «حدوث‌العالم». 4- «دیوان شعر» پارسی شامل حدود پنج هزار بیت. 5- «کلمات‌الطیبة» در اصالت ماهیت وجود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

لاهیجی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین لاهیجی علامه محقق و فقیهی متبحر و مدرسی جلیل از شاگردان سید محمد مجاهد و صاحب جواهر و شیخنا الانصاری بود و در سال 1306 ق به رحمت حق پیوسته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی، صفرعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، حکیم و فقیه. در لاهیجان متولد شد مدتی ساکن قزوین بود و علوم معقول را در حوزه‌ی آخوند ملا علی نوری و علوم منقول را در حوزه آقا سید محمد مجاهد آموخت و به دریافت اجازه از حجت‌الاسلام شفتی نائل شد. مدتی در اصفهان به تدریس متون فلسفی پرداخت. سپس مقیم قزوین شد و در آنجا به تدریس فقه و اصول پرداخت. یکی از شاگردان او میرزا محمد تنکابنی است. برخی از آثار او عبارت‌اند از: «شرح معالم»؛ «رساله در درایه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (14/ 71)، فوائد الرضویه (219)، قصص العلماء (93- 94)، مصفی المقال (204).

لاهیجی، عبدالکریم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالکریم لاهیجی متوفی حدود 1323 قمری از اعاظم علماء و بزرگان فقهاء و دانشمندان و از آیات باهرات و مدرسین محققین و عرفاء اخیار و اصحاب رأی و مبنی بلکه به گفته صاحب (الذریعه) قدوه ارباب التدقیق و قطب فلک التحقیق و جامع معقول و منقول و مسلط و متبحر در فروع و اصول و از شاگردان اول بزرگ شیخنا الانصاری و علامه آسید حسین کوه‌کمری و غیر آنها بوده و بعد از وصول به مقام عالی علم و اجتهاد و فقه و سداد بدون تودیع و خداحافظی با استادش شیخ انصاری به تهران آمده و به طور ناشناس درب حجره یکی از تجار خیر و پرهیزگار بازار به نام مرحوم حاج ملا حاجی والد مبرور آیت‌اللّٰه حاج شیخ عباس حایری تهرانی رفته و به عنوان شاگردی مشغول کار می‌شود.
رفقاء وی خدمت مرحوم علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری رفته و از عزیمت او به تهران خبر می‌دهند مرحوم شیخ از اینکه او بدون ملاقات با وی به ایران آمده ناراحت فوراً نامه‌ای به علامه حاج ملاعلی کنی نوشته و از مقامات علمی و ورع ایشان خبر داده و توصیه و تأکید می‌کند که حتماً او را یافته و از وجودش تقدیر و استفاده کنند
بعد از وصول نامه به مرحوم علامه کنی در انتظار آمدن او شده و در صدد یافتن او می‌شود و عده‌ای از فضلاء و غیره را مأمور می‌کند که در مدارس و یا مسافرخانه‌ها و غیره ایشان را پیدا کنند حدود شش ماه می‌گذرد و از او خبری نمی‌رسد.
پس از شش ماه روزی مرحوم حاج ملا حاجی مذکور به آقا سید عبدالکریم می‌گوید به منزل حجةالاسلام حاج ملا علی کنی رفته و می‌گوئی چند استخاره نمایند و جواب آن را فوراً می‌آوری.
آقای لاهیجی به منزل مرحوم حاج ملاعلی آمده در موقعی که حاجی بالای منبر مشغول تدریس هستند و جمع کثیری از علماء و فضلاء تهران سر تا پا گوش به بیانات حاجی می‌دهند.
پس دم در نشسته و گوش به درس حاجی می‌دهد ناگاه اشکالی به نظرش رسیده ایراد می‌کند بعضی می‌گویند آقا سید ساکت شو اینجا جای حرف زدن نیست.
مرحوم حاج ملاعلی می‌بیند اشکال وارد است می‌فرماید آقا ایرادش به موقع ما باید جوابی درست کنیم مباحثه بین حاج ملاعلی و آقا سید

عبدالکریم ادامه پیدا نموده ناچار درس را حاجی تعطیل و فکر می‌کند. این آقا باید شخص بزرگ و عالم جلیلی باشد.
پس می‌گوید: آقا اهل کجا هستی. می‌گوید: لاهیجان نام شما چیست. می‌گوید: سید عبدالکریم. مرحوم حاجی متوجه می‌شود که گم شده خود را یافته فوراً از جا برخاسته و او را در آغوش گرفته و معانقه می‌کند و به جای خود می‌نشاند. و می‌گوید. آقاجان نزدیک شش ماه است که در انتظار شمایم. و استفسار کامل از او می‌کند.
مرحوم حاج ملا حاجی می‌بیند که شاگردش آقا سید عبدالکریم نیامد تعجب می‌کند زیرا در این مدت سابقه نداشت که او کاری را زود انجام ندهد. بگمان اینکه شاید منزل حاج ملاعلی را پیدا نکرده یا اتفاق دیگر روی داده. خود به منزل مرحوم حاجی می‌آید و می‌بیند آقا سید عبدالکریم بالادست حاجی نشسته ناراحت می‌شود و با خود می‌گوید عجب سید بی‌ادبی است که بالادست حاجی نشسته است پس اشاره به او می‌کند که بیا پائین آنجا جای تو نیست.
حاجی ملاعلی مرحوم متوجه شده می‌گوید حاج ملا حاجی‌چی به آقا اشاره می‌کنی. می‌گوید. چون بالادست شما نشسته است آخر این شاگرد حجره من است.
مرحوم حاجی می‌فرمایند. حاج ملا حاجی این آقا مخدوم من و سید من و آقای منست. پس حاج ملا حاجی عذرخواهی نموده و دست آقا سید عبدالکریم و حاج ملاعلی را بوسیده و عقب کار خود می‌رود.
مرحوم حاج ملاعلی دختر خود را به او ترویج نموده و تدریس (مدرسه مروی) را که آن روز مرکز حوزه علمیه تهران بود با امامت مسجد آنها را به عهده معظم له می‌گذارد مرحوم آقا سید عبدالکریم بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بودند و صدها نفر از علماء بزرگ تهران مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد خطیب شهیر جناب آقای فلسفی و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی تهرانی و آیت‌اللّه آقا شیخ آقا بزرگ (هفت تنی) و آیت‌اللّه آقا شیخ بزرگ صاحب (الذریعه) و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر معزالدوله والد آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی معزی معاصر و آیت‌اللّه حاج شیخ احمد خندق‌آبادی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) و غیرهم از محضر و دراسات استفاده و استضائه نموده‌اند.
آثار عدیده از جمله حواشی بسیاری بر متون فقهی درسی مانند (الروضةالبهیه) شهید و ریاض و قوانین و فصول و غیرها دارد.
وی در حدود سال 1323 قمری در تهران وفات و در قبرستان شیخان معروف به چهارده معصوم واقع در اوائل خیابان (رزم‌آراء) جاده شاه عبدالعظیم که امروز (کوی شاه) می‌گویند دفن نمودند و بواسطه کرامت و

جلالت شأن و مقام او علماء بزرگ مانند آیت‌اللّه حاج شیخ باقر معزالدوله‌ای و آیت‌اللّه حاج شیخ احمد خندق‌آبادی (والد حجةالاسلام حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی واعظ معاصر) و ده‌ها نفر دیگر را بنابر وصیتشان در جنب و جوار او دفن نمودند.
بعضی از علماء و ثقات آن بزرگوار را از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف می‌دانستند.
آمدن حضرت صاحب‌الزمان (عج) بر سر قبر او
جناب حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ محمود یاسری تهرانی در روز چهارشنبه بیست و سوم محرم 1394 قمری حکایت کرد برای بنده (مؤلف) که مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) فرمود: آقای آسید کریم محمودی (والد حاج سید علی محمودی مداح معروف به جورابی معاصر) که از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف بود گفت شب جمعه‌ای در صحن شریف حضرت عبدالعظیم (ع) خدمت حضرت رسیدم فرمود سید کریم بیا برویم به زیارت جدم حضرت رضا علیه‌السلام.
پس چند قدم برداشته و خود را در صحن حضرت رضا (ع) دیدم پس به حرم مشرف و زیارت کرده و با همان کیفیت یعنی (بطی‌الارض) به تهران آمدیم حضرت فرمود بیا برویم به زیارت قبر سید عبدالکریم پس تا به قبر سید رسیدیم دیدم آقا سید عبدالکریم از قبر بیرون آمده و به استقبال حضرت ولی عصر امام زمان روحی له الفداء شتافت و پس از عرض ارادت و اخلاص به من فرمود آسید کریم سلام مرا به حاج شیخ مرتضی زاهد رسانیده و بگو شرط رفاقت همین است که مرا یاد نکنی و به دیدن من نیائی پس حضرت ولی عصر عجل اللّه تعالی فرجه فرمود: آسید عبدالکریم حاج شیخ مرتضی را معذور دار چون گرفتار و مریض احوالست و نمی‌تواند بیاید من به جای او به دیدن تو خواهم آمد.
نگارنده گوید: تعجب نکنید عزیزان من از این حکایت و استبعاد و انکار ننمائید. اولاً مقام مؤمن حقیقی و متقی واقعی و عالم ربانی و سید صالح مانند آیت‌اللّه آقا سید عبدالکریم لاهیجی مزبور بالاتر از اینهاست امام صادق علیه‌السلام فرمود اگر به درختی که ریشه آن در اعماق زمین فرورفته است فرمان دهد اطاعت او می‌نماید.
و ثانیاً قدم مبارک همایونی حضرت ولی عصر حجة بن الحسن المهدی عجل اللّه فرجه الشریف این اثر و برکت را دارد که به تن مرده جان می‌دهد چنانکه گفته شده

همچون مسیح جان به تن مردگان دمد
گر بگذرد نسیم سحرگه ز کوی تو

(وف ح 1323 ق)، عالم دینی، فقیه، عارف، محقق و مدرس. در نجف از

شاگردان برجسته‌ی شیخ مرتضی انصاری بود و از محضر علامه سید حسین کوه کمری نیز استفاده نمود. پس از اینکه در فقه و اجتهاد به مقامات عالی رسید به تهران آمد. حاج ملا علی کنی با توجه به مقام علمی ایشان، منصب تدریس مدرسه‌ی مروی و امامت مسجد آنجا را به وی تفویض نمود. او بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بود. آیت‌اللّه شیخ محمد رضا تنکابنی و آیت‌اللّه سید محمد تقی تهرانی و آیت‌اللّه شیخ آقا بزرگ هفت تنی و آیت‌اللّه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّه شیخ علی اصغر هزار جریبی و آیت‌اللّه شیخ محمد باقر معزالدوله‌ای و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین قزوینی تهرانی و آیت‌اللّه سید صادق تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ احمد خندق آبادی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) از شاگردان وی بودند. فرزند ارشدش سید مهدی لاهیجی نیز از شاگردان پدر بود و در حیات پدر درگذشت. همچنین شیخ ابراهیم رشتی و شیخ عباس لاهیجی در سطوح فقه و اصول شاگرد وی بودند. سید عبدالکریم لاهیجی مابین سالهای 1313 -1310 ق به نجف رفت و از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود. در تهران درگذشت و در قبرستان شیخان تهران، معروف به چهارده معصوم (ع)، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الروضة البهیة»؛ حاشیه بر «الریاض»؛ حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «الفصول فی علم الاصول».[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (43/ 8)، الذریعه (166/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1154 -1153/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (65 -62/ 6).

لاهیجی، عبداللَّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبداللَّه لاهیجی عالمی بارع و کاملی جلیل از شاگردان میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و مراجع امور دینی لاهیجان بوده و حدود 1330 وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدعلی لاهیجی فقیهی ورع و عالمی جلیل از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و غیر او از بزرگان بوده و در سال 1332 ق در تهران از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لب خندقی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی بن میرزا محمدصادق بن میرزا محمد بن نصیرالدین الثالث بن صدرالدین الثانی بن نصیرالدین الثانی بن صدرالدین بن نصیرالدین بن میرصالح الحسینی الیزدی المدرسی معروف به (لب خندقی) عالمی کامل و مرجعی جلیل از بیت علم و فضل و تقوا و شرف از عصر جدش میرصالح مدرس بوده و لقب (مدرسی) برای او و کلیه سادات مدرسی یزد و قم و نجف به واسطه انتساب به اوست.
وی در سوم شعبان 1284 قمری شب ولادت حضرت سیدالشهداء (ع) به دنیا آمد و در شب دهم محرم (عاشورا) سال 1364 قمری شب شهادت جدش سالار شهیدان علیه الصلوة والسلام بدرود زندگی گفته و در امامزاده جعفر یزد مدفون شده است.
این بزرگوار پس از پرورش در بیت علم چندی از محضر آیت‌اللّه آقامیرزا سیدعلی مدرس بزرگ و آقا سید مرتضی مدرس معروف به (شیخ) و حاج میرزا ابراهیم استفاده نموده آنگاه مهاجرت به سامرا و مدت شش سال از محضر میرزا بزرگ شیرازی و بعد چندی با معیت مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی در خدمت مرحوم سید استاد آقا سید محمد طباطبایی فشارکی و پس از وی در خدمت مرحوم علامه خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی تلمذ نموده سپس در عصر آخوند خراسانی به ایران و وطن خود شهر یزد مراجعت و به اقامه جماعت و تدریس در مدرسه مصلی پرداخته و از طریق مختصر زراعتی امرار معیشت نموده تا در سال 1364 وفات کرده است.
نگارنده گوید: درباره نبوغ و تبحر و مقام علمی او به یک واسطه از مرحوم آیت‌اللّه حایری شنیدم که می‌فرمود: اگر وی در نجف مانده بود نوبت ریاست به سید و دیگران نمی‌رسید.
مرحوم مبرور سید الفقهاء والمجتهدین آیت‌اللّه العظمی آقای حاج میرزا سید علی مدرس یزدی معروف به لب خندقی که در سفر مشهد به قم مشرف و مورد تجلیل و تکریم آیت‌اللّه حایری و حوزه علمیه واقع گردیده است.
معظم له از اکابر مجتهدین و اعاظم فقهاء و مجسمه تقوا و فضیلت و دیانت و از شاگردان طراز اول و تلامذه مبرز مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد فشارکی اصفهانی و آخوند خراسانی و علامه یزدی بوده و در

عظمت آن بزرگوار این بس که اگر در نجف مانده بود ریاست به دیگران نمی‌رسید زیرا که ایشان مقدم بر دیگران بودند.
مرحوم آیت‌اللّه یثربی کاشانی می‌فرمود وقتی خواستم از نجف به ایران بیایم استادم مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی با جمله اصحاب و شاگردانش تا وادی‌السلام مرا بدرقه کرده و موقع توديع فرمودند در درس استاد ما آخوند خراسانی یک میرزا سید علی یزدی بود که وقتی خواست به ایران برود استاد ما به اتفاق اصحاب تا همین جا بدرقه‌اش کرده و از فراق و رفتن ایشان ناراحت بود و می‌فرمود در میان شاگردان من کسی مانند او در فهم و دقت نظر و اطلاع و جامعیت نیست و منهم اکنون همین جمله را درباره تو می‌گویم و به من سفارش کرد که میرزا سید علی یزدی را ببین ولو به رفتن به یزد باشد و من پس از آمدن زیاد به فکر ایشان افتادم و دوست داشتم ایشان را ملاقات کنم و ببینم کیست که آنقدر آقا ضیاء از او تجلیل می‌کند و گاهی به فکر رفتن یزد می‌افتادم ولی موانع و کثرت کار نمی‌گذاشت تا روزی یکی از دوستان و فضلاء کاشان به منزلم آمده و گفت یک ماشین از یزد آمده و یک سید بزرگواری با عده‌ای از اهل علم و مریدان او در گاراژ منزل کرده‌اند فوراً از جا برخاسته و به گاراژ رفتم دیدم عالمی با وقار و سیدی عالیمقدار است پس از سلام و تعارفات سؤال کردم از هویت آقا گفتند آیت‌اللّه میرزا سید علی مدرس یزدیست. مقصود خود را یافتم خودم را معرفی کردم مرا شناخت و در آغوش گرفت پس فروعی عنوان کردم و وارد بحث شدم دیدم حقاً همانطور و فوق آنست که آقای آقا ضیاء گفته‌اند ایشان را تا آماده شدن ماشین که خراب شده بود به منزل آورده و از بیانات علمی و تحقیقات و دقت نظر او استفاده کردم. ولادت این بزرگوار در شب سوم شعبان هزار و دویست و هشتاد و چهار (1284) وفاتش در شب دهم محرم هزار و سیصد و هشتاد و چهار (1364) واقع شد والسلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّا.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنجانی، عبدالعظیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن علی‌رضا حسینی لنجانی، از شاگردان میرزای قمی، و سید محمد مجاهد کربلایی، و آقا سید علی طباطبائی صاحب ریاض بوده، و خود عالمی جلیل، و فقیهی بارع بوده. کتب زیر از اوست:
1 - تحفة الاصحاب، رساله‌ی عملیه به صورت سؤال و جواب، و در آن از فتاوای میرزای قمی و آقا سید علی استاد خود نقل نموده.
2- ضیاء اللامع در شرح مختصر الشرایع.
پس از سال 1231 [در هندوستان] وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لنکرانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1280 ق) فقیه اصولی، عالم دینی، مجتهد و مدرس. وی در نجف از بحث درس اساتید زمانش استفاده نمود و تقریرات آنها در فقه و اصول را نگاشت و خود از اساتید و پیشوایان تقلید و اجتهاد گشت. او از میرزا حسین خلیلی و سید محمد علی شاه عبدالعظیمی و سید حسن صدر روایت کرد. شیخ محمد علی اردوبادی از وی روایت کرده است. از آثارش: حاشیه بر رساله شرابیانی؛ حاشیه بر «طهاره» کتاب «الریاض» حاشیه بر «نجاه العباد»؛ «نتائج الافکار»، در فهم کلمات ائمه اطهار (ع)؛ «الملهمات الغرویه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (45/ 24)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 465/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1130 -1129/ 3)، معجم المؤلفین (230/ 3).

لنکرانی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین بن المرحوم ابراهیم لنکرانی از علماء معاصر مقیم شهرستان سمنانست.
آنجناب در سال 1327 قمری در یکی از قراء لنکران بنام بلاقاجی متولد شده و تا ده سالگی در زایشگاه خود مشغول کارهای خانگی و دام‌چرانی بوده است.
سپس قصد تحصیل نموده و در حضور جناب حجةالاسلام و ملاذالانام مرحوم شیخ علی لنکرانی دائی محترم خود مشغول خواندن قرآن بوده و در مدت شش ماه از خواندن آن فارغ شده و به تحصیل علوم ادبی و فارسی پرداخته و در سال دوم از تحصیلش دائی معظم خود را از دست داده پس مدتی دروس مقدمات عربی را نزد چند نفر از علماء لنکران آموخته و در سال 1340 قمری به اتفاق پسر عمه‌اش شیخ کامل کاملی در اثر فشار دولت شوروی و غدغن شدن علوم دینی عازم اردبیل شده.
و مدت ده سال تمام در اردبیل در مدرسه مرحوم میرزا ابراهیم سطوح اولیه را تا سطوح عالیه نزد علماء بزرگ آنجا خوانده و ضمناً یک جلسه دینی برای یک عده از جوانان تشکیل داده و انجام وظیفه دینی نموده و از نظر معاشرت با مردم اردبیل بسیار مأنوس و مورد توجه آنان تا جائی که مورد غبطه دوستان و بعضی از اساتید بزرگ گردیده تا در اوائل 1355 قمری در ماه صفر ایام اربعین بدون جهت معلوم و مشخصی با یک عده‌ای از طلاب لنکران از اردبیل به سمنان تبعید شده و مدت سه سال در تبعیدگاه سمنان با هزاران رنج و ملال و ناراحتیهای روحی و جسمی بسر برده و در سال سوم قدری با مردم سمنان مأنوس و توسعه نسبی حاصل شده بود.
تا در سال 1357 قمری از سمنان به زنجان تبعید شده و مدت چهار سال در آنجا اقامت قهری داشته و رنجهای فراوان و شکنجه‌های گوناگون دیده و در اواخر در اثر محبت علماء زنجان و بالاخص مرحوم آیت‌اللّٰه آقای حاج سید محمود امام جمعه جا باز کرده مخصوصاً اینکه آن مرحوم مسجد خویش را در ظهر و عصر به ایشان محول فرموده و در مواقع مساعد نبودن حال ایشان و یا در مسافرت بودنشان شبها هم نیز بجای ایشان امامت نموده و این موضوع وسیله رشد و نمو و تقویت اجتماعی ایشان گردید.

و بالاخره در سال 1320 شمسی بعد از بیستم شهریور از زنجان به قم مشرف شده و از محضر آیات ثلاثه حجت و خوانساری و صدر و نیز آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خوانساری مدظله استفاده نموده.
ولی بیشتر از درس و بحث آیت‌اللّه العظمی حجت بهره‌مند گردید و مورد توجه مخصوص آن مرحوم قرار گرفته و در اکثر جلسات خصوصی معظم له شرکت می‌کرده و تا اواخر فوت آن مرحوم در درس فقه و اصول وی شرکت کرده و دوره کامل آن دو رشته را خدمت ایشان دیده و پس از ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به درسشان حاضر و مورد توجه مخصوص آن بزرگوار گردیده تا بعد از رحلت آن مرحوم که منتقل به شهرستان سمنان گردیده و اکنون در رأس روحانیت این شهر قرار دارد.
دارای آثار قلمی چندیست که می‌نگارم.
1- تقریرات فقه آیت‌اللّه حجت
2- تقریرات اصول آن مرحوم
3- مقداری از دراسات آیت‌اللّه العظمی بروجردی
4- اندیشه ما
5- خطب نماز جمعه و مقدمه وجوب بر نماز جمعه
6- حاشیه بر توضیح‌المسائل آیت‌اللّه بروجردی
7- ترجمه تفسیر صافی.
در شهرستان سمنان غیر از نامبردگان بعضی دیگر از دانشمندان متقی مانند حجةالاسلام حاج آقای نجات و جناب حجةالاسلام سبزواری که ترجمه‌اش در ذکر سبزوار گذشت هستند که در مساجد اقامه جماعت نموده و به تبلیغ دین و ارشاد مردم اشتغال دارند.
(تو 1327 ق)، عالم دینی. در بلاقاجی از قرای لنکران به دنیا آمد. در ده سالگی قرآن را از دایی خود شیخ علی لنکرانی فراگرفت. مقدمات را نزد علمای لنکران آموخت. سپس بر اثر فشار دولت شوروی در ممنوعیت علوم دینی به همراه پسر عمه‌اش، شیخ کامل کاملی، در 1340 ق به اردبیل رفت. در مدرسه‌ی میرزا ابراهیم سطوح اولیه تا سطوح عالیه را به مدت ده سال نزد علمای بزرگ آنجا فراگرفت. در 1355 ق به همراه عده‌ای از علما به سمنان تبعید شد. پس از سه سال در 1357 ق از آنجا به زنجان تبعید شد. در زنجان تحت حمایت آیت‌اللّه سید محمود امام جمعه به امامت جماعت پرداخت. وی در 1361 ق به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خوانساری استفاده نمود. او بیشتر از درس و بحث آیت‌اللّه حجت بهره گرفت. پس از ورود آیت‌اللّه بروجردی به قم در درس ایشان حاضر شد و بعد از درگذشت آیت‌اللّه بروجردی به سمنان رفت و به وظائف دینی مشغول گردید. از آثارش: «تقریرات فقه» و «تقریرات اصول» آیت‌اللّه حجت؛ بخشی از «دراسات آیت‌اللّه بروجردی»؛

حاشیه بر «توضیح المسائل» آیت‌اللّه بروجردی؛ ترجمه‌ی «تفسیر صافی»؛ «اندیشه ما»؛ «نماز جمعه»، خطب و مقدمه وجوب.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (341 -340/ 5).

لنکرانی، عبدالعزیز

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالعزیز لنکرانی (عموی پدر آیت‌اللَّه شیخ حسین لنکرانی معاصر) از شاگردان شیخ انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و دارای تالیفات و آثار علمی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنکرانی، فاضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله مرحوم فاضل موحدی لنکرانی از علماء اعلام و مجتهدین عظام حوزه علمیه قم و خواص اصحاب مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی بودند در سال 1314 قمری در لنکران متولد شده و پس از بلوغ به اردبیل آمده و مدت 4 سال مقدمات و ادبیات را فراگرفته و بعد از آن به زنجان آمده و مدت سه سال در آنجا اقامت نموده و پس از آن مهاجرت به مشهد مقدس نموده و مدت... سال از محضر مرحوم آیت‌الله آقازاده کفائی و مرحوم آیت‌الله آشتیانی و هم آیت‌الله العظمی قمی افتاده کرده و تدر سال 1342 ق مهاجرت به بلده طیبه قم نموده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حایری شرکت نموده و ضمنا تدریس متون فقه و اصول را کرده تا ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله که به ایشان پیوسته و هم در مسجد تکیه سید حسن اقامه جماعت نموده تا در چهاردهم صفرالخیر 1392 ق که بدرود گفته و در جوار فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لنکرانی، مجتبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله حاج شیخ مجتبی لنکرانی از مجتهدین و مبرز و ممتاز معاصر حوزه علمیه نجف است (در اصفهان)، وی در حدود سال 1320 ق متولد شده و در اوائل جوانی مهاجرت بنجف نموده و از محضر آیات عظام چون مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین غروی کمپانی و آیه‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم علامه حاج شیخ محمد جواد بلاغی و دیگران استفاده نموده و بمقام منیعی از علم در معقول و منقول و تفسیر و رجال و کلام رسیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از علماء و فضلاء معاصر از درس و محضرش کسب فیض نموده و به رتبه اجتهاد رسیده‌اند.
استاد لنکرانی مدتی هم در سامره اقامت داشته تا در ذی‌القعده الحرام 1391 قمری که مانند هزاران نفر دیگر از علماء و غیره از طرف دولت بعثی عراق رانده به ایران و بواسطه دعوت و اصرار حوزه علمیه اصفهان و دانشمندان این سامان اصفهان را محل سکونت فعلی خود قرار داده و بتدریس فقه و اصول و غیره پرداخته‌اند.
نگارنده گوید: آقای لنکرانی عالمی محقق و فاضلی مدقق و فقیهی متبحر است یکی از شاگردان معظم‌له که از علماء مبرز خوزستانست در نامه‌ایکه برای حقیر نوشته از آنجناب تعبیر (با عجوبه لنکران) نموده است.
ایشان گذشته از مقام علم و فضل عالمی پارسا و موصوف بتقوا و دارای ملکات فاضله اخلاقی و محامد آداب و محاسن اخلاق و مبرا از تظاهرات و بسیار متواضع و خلیق میباشد. و از امامت و تعینات روحی دوری مینماید، و در اصفهان هر چند علماء اعلام و متدینین اصرار برای نماز جماعت و اداره مسجدی نمودند نپذیرفتند و خود را با آن مقام شامخ علمی لایق این سمت ندانسته و بنماز دیگران شرکت مینمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

لنکرانی، محمد صادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1285 ق)، فقیه، مجتهد و عالم دینی. فقه و اصول را، چندین سال، در قزوین نزد عده‌ای از علمای آنجا خواند. در 1248 ق به عراق رفت و در کربلا نزد سید ابراهیم قزوینی، صاحب «الضوابط»، و سید مهدی طباطبایی، فرزند سید علی طباطبایی صاحب «الریاض»، تلمذ نمود و از مجالس و بحث علمای کربلا و نجف استفاده نمود تا در فقه و اصول برآمد. سپس به قفقاز بازگشت و به انجام امور مذهبی پرداخت و در آنجا مورد احترام مردم قرارگرفت و مرجع دینی آنان گشت. وی در همان جا درگذشت. از آثارش: «ابتلاء الاولیاء»؛ «اتمام الحجة»، در اثبات وجود حضرت قائم (عج)؛ «افتخار الشیعة»، در احکام شریعت؛ «الحائریات»، در مسائل فقهی؛ «درر الغرر» یا «الدرر و الغرر» یا «الغرر و الدرر»؛ «الدرة الفاخرة فی زیارات العترة الطاهرة»؛ «المراسم الشرعیة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (366/ 9)، الذریعه (298/ 20 ،43/ 16 ،141 -140 ،127 ،106/ 8 /3 ،6 /256 ،2 88، 84 -83 ،61/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (646 -645/ 13)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1131 -1130/ 3)، معجم المؤلفین (77/ 10).

لنکرانی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ آغا بن محمدعلی لنکرانی عالمی فقیه از شاگردان علامه سید حسین کوه‌کمری بوده و بعد از 1289 ق از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنگرودی، حسین علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین علی لنگرودی عالمی جلیل و رئیسی مطاع از مراجع امور دینی لنگرود معروف به (آقا نجفی) بوده و در حدود 1298 وفات نموده و در حرم (امامزاده سید محمد) لنگرود مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لنگرودی، عبدالصاحب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جناب آقای آقاسید محمد فهدی ملقب به عبدالصاحب مرتضوی لنگرودی از قضلاء بنام و نویسندگان کرام حوزه علمیه است که مانند دو برادر مذکورش در خاندان فضیلت به دنیا آمده و در حجر علم و کمال تربیت یافته و سطوح و دروس نهائی و عالی فقه و اصول را از اساتید و مدرسین و آیات عظام حوزه فراگرفته و به تالیف و تصنیف کتب مفیده که بعضی مطبوع و برخی مخطوط است پرداخته است و آثار مطبوع ایشان به قرار زیر است:
1- بازار دانش دو مجلد که به طبع رسیده است.
2- داستان پشیمان شدگان که به طبع رسیده است.
3- امشی به حشرات بهائیت که به طبع رسیده است.
4- پاسخ به کتاب شهید جاوید که به طبع رسیده است.
5- گفتگوی عالم و صوفی
6- اعجاز اسلام از نظر اخبار.
7- مناجات مرتضوی- دوازده‌بند مرتضوی.
8- پاسخ ما به گفته‌ها یا بررسی از بررسی دعاء ندبه.
9- گوهرهای گران در علم معانی و بیان جزء اول.
10- توحید مرتضوی.
اما ترجمه مفصل آن جناب که در علم و حلم و متانت و دیانت و تقوا مانند برادران دیگرش مرآت آن پدر بزرگوار است از این قرار است: در دهم ماه ذی‌الحجه 1352 ق در نجف اشرف به دنیا آمده و در دوران کودکی با معیت مرحوم والدش علامه مرتضوی لنگرودی به ایران آمده و در تهران رحل اقامت افکنده و پس از دروس جدید و مقدمات سطوح اولیه و وسطی را در مدرسه حاج ابوالفتح به اتمام رسانیده و در معیت مرحوم والد به قم مهاجرت نموده و بعد از مدت کوتاهی در درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و پس از آن مرحوم به درس آیتین گلپایگانی و امام خمینی حاضر شده و هم مدتی در درس آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله آملی حاضر شده.
دروس معقول و فلسفه را هم از اساتید حکمت حوزه بالاخص علامه طباطبائی فراگرفته است و در حال حاضر به تدریس سطوح عالی و نهائی اشتغال دارد.

معظم‌له در امور دینی و خدمات روحانی بسیار ساعی و جدی و برای همین منظور ایجاد کانونهائی نموده‌اند در شبهای پنج‌شنبه و جمعه که بسیاری از جوانان و دبیران و آموزگاران شرکت می‌کنند آثار مخطوط ایشان به قرار زیر است.
1- جزوات تقریر در صلوه و خمس از بحث آیت‌الله بروجردی.
2- جزوات تقریرات آیت‌الله گلپایگانی در طهارت و حج.
3- جزوات تقریرات آیت‌الله امام خمینی در طهارت و حج.
4- جزوات تقریرات آیت‌الله آملی در طهارت و حج.
5- قواعد العلم در علم صرف نحو منطق معانی بیان.
6- لغات الوسائل ناتمام 7- دو علم و یک فن در علم روح و بدن و فن تعبیر.
8- صندوق حسنات 9- محشر شعراء 10- ارمغان رمضان 11- معالجات روحی در اخلاق.
12- قدمهای به آن سرا در قیامت 13- عبرتی از شناسنامه 14- سلاسل مرتضوی کشکول 15- دیوان مرتضوی در چهار بخش.
16- مسائل الاحکام 17- سؤال و جواب درباره حجاب 18- واعظان تکوینی 19- کتابی در رد یهود 20- کتابی در رد نصاری.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لنگرودی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1383 -1306 ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مجتهد. در یکی از روستاهای لنگرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در 1323 ق به رشت رفت. پس از چند سال به قزوین رفت و سطوح اولیه را در خدمت آقا شیخ یونس و ملا علی طارمی فراگرفت. بعد از چندی به تهران آمد و سطوح وسطی و نهایی را از آیت‌اللّه سید محمد تنکابنی و شیخ محمد رضا نوری و معقول را از شیخ علی نوری و میرزا هاشم اشکوری و میرزا حسن کرمانشاهی فراگرفت. در 1338 ق به نجف رفت و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و علامه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه شیخ مهدی مازندرانی بهره برد و در تفسیر از محضر آیت‌اللّه شیخ جواد بلاغی استفاده نمود. در 1342 ق به ایران آمد و مجددا در 1344 ق به نجف بازگشت و به تدریس و شرکت در بحث اساتید و آیات عظام آنجا مشغول شد. در 1361 ق به علت بیماری به ایران مراجعت نمود و تا 1372 ق در مسجد و مدرسه‌ی حاج ابوالفتح به اقامه‌ی جماعت و تدریس پرداخت. در 1372 ق به زیارت عتبات رفت. پس از بازگشت در قم اقامت گزید و به تدریس فقه و اصول پرداخت. وی در قم درگذشت و در یکی از ایوانهای شمالی صحن عتیق حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: «تقریرات» درس آیت‌اللّه نایینی، در اصول؛ «المتاجر» و «الصلوة» و «الطهارة» تقریرات درس آیت‌اللّه نایینی؛ «الخمس»؛ «منجزات المریض»؛ شرح بر «طهارت عروة الوثقی»؛ «حدوث العالم»؛ رساله در «فضاء»؛ رساله در مبحث «اجتهاد»؛ حاشیه بر «المکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ رساله در اثبات «اصول و عقاید»؛ رساله در تفکیک بین اراده استعمالی و جدی».[1]
آیت‌الله فی العالمین حاج سید مرتضی بن سید حسین بن میرسعید قاضی محله‌ی مرتضوی لنگرودی از آیات عظام و علماء اعلام شهرستان قم و حوزه علمیه بوده‌اند.
در سال 1306 قمری در یکی از قراء لنگرود متولد شده و پس از نشو و نما و فراگرفتن فارسی به مدرسه جامع لنگرود رفته و پس از مدتی از آنجا در حدود سال 1323 قمری به رشت و پس از چند سالی به قزوین و در آنجا در خدمت آشیخ یونس و ملاعلی طارمی سطوح اولیه را دیده و بعد از چندی به طهران آمده و سطوح وسطی و نهائی را نزد مرحوم آیت‌الله

سید محمد تنکابنی و آقا شیخ محمدرضا نوری و معقول را خدمت مرحوم حاج شیخ علی نوری و مرحوم میرزا هاشم اشکوری و میرزا حسن کرمانشاهی خوانده و در سال 1338 قمری مهاجرت به نجف نموده و از محاضر آیات عظام اصفهانی و نائینی و عراقی و حاج شیخ مهدی مازندرانی و تفسیر را از مرحوم حاج شیخ جواد بلاغی استفاده کرده و در سال 1342 قمری مسافرت به ایران و در سال 1344 قمری برای بار دوم به نجف مهاجرت و مدت ده سال توقف و به تدریس و شرکت در ابحاث آیات عظام و مراجع بزرگ نجف اشتغال داشته تا در سال 1354 قمری مراجعت به ایران و مدت 13 ماه در قم توقف و در سال 1355 ق باز مشرف و مدت شش سال دیگر به تدریس مشغول گشته و در سال 1361 به واسطه کسالت به ایران بازگشت نموده و بنابر تقدیر پروردگار تا سال 1372 قمری در تهران اقامت و در مسجد و مدرسه حاج ابوالفتح واقع در میدانشاه تهران به اقامه جماعت و تدریس و تربیت عده‌ای از محصلین پرداخته و در آن سال به زیارت اعتباب عالیات مشرف و در مراجعت رجل اقامت به قم انداخته و به تالیف و تدریس فقه و اصول مشغول گردیده تا در روز پنج‌شنبه 19 صفر الخیر 1383 قمری دعوت حق را اجابت گفته و با تشییع کم‌نظیری در یکی از ایوانهای شمالی صحن عتین حضرت معصومه علیهاسلام به خاک سپردند.
ترجمه مفصل و مبسوط آن عالم بزرگوار و مرجع عالیمقدار را یکی از افاضل شاگردان و تلامذه آن مرحوم به نام جناب آقای شیخ محمد واصف نوینده محترم که ترجمه‌اش خواهد آمد در یک رساله مستقلی به نام چهره‌ای از زندگانی آیت‌الله لنگرودی تالیف و منتشر نموده که این حقیر خلاصه آن را با آنچه که در ص 74 ج 2 کتاب آثارالحجه نگاشته‌ام در اینجا آوردم.
1- تقریرات در اصول مرحوم آیت‌الله نائینی دوره کامل.
2- کتاب المتاجر تقریر درس آیت‌الله نائینی.
3- کتاب الصلوه تقریر درس آیت‌الله نائینی.
4- کتاب الطهاره تقریر درس آیت‌الله نائینی.
5- کتاب الخمس.
6- رساله‌ای در منجزات مریض
7- شرح مبسوطی بر طهارت عروةالوثقی
8- رساله‌ای در توسط ارض غصبیه.
9- رساله‌ای در حدوث عالم
10- رساله‌ای در فضاء ناتمام
11- رساله‌ی در اثبات اصول و عقاید.
12- رساله‌ای در تفکیک بین اراده استعمالی و جدی

13- کتاب الصوم تقریر درس، ناقص است.
14- رساله‌ای در مبحث کر چاپ شده.
15- رساله‌ای در مبحث اجتهاد چاپ شده.
16- رساله‌ای در حرمان زوجه از بعض ارث.
17- حاشیه‌ای بر مکاسب شیخ، انصاری، ناتمام.
18- حاشیه‌ای بر رسائل شیخ، ناتمام.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (250 -248/ 2)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1132/ 3).

لواسانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالقاسم بن سید محمد بن سید ابراهیم حسینی لواسانی از علماء ابرار تهران بوده. وی در حدود 1276 قمری در تهران به دنیا آمده و در بیت علم و سیاتت پرورش یافته و تحصیلات مقدمات و سطوح را از دانشمندان و علماء آن زمان فراگرفته سپس به اعتاب عالیات و نجف اشرف مهاجرت و از محضر و ابحاث آیات عظام حوزه علمیه نجف چون حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نموده تا به درجه اجتهاد نائل و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آنان شده و ضمنا از دروس اخلاق و عرفان شاگردان مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی چون حاج شیخ محمد بهاری و حاج سید احمد تهرانی کربلائی بهره‌ها برده و در این رشته نیز به مدارج عالیه اخلاقی ارتقا یافته و پس از آن به سوی ایران و وطن خود مراجعت ولی در همدان مورد توجه و استقبال مردم آن سامان شده و بنابر درخواست آنها رحل اقامت افکنده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر روحی پرداخته و پس از چندی به تهران آمده و در آنجا هم قیام به وظائف دینی و روحی نموده تا در عصر جمعه بیست و هشت (28) ماه رمضان المبارک سال 1363 قمری از دنیا رفته و پس از تشییع و تجلیل فراوان حمل به نجف اشرف شده و در جوار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه الصلوه والسلام مدفون گردیده است . دارای فرزندان برومندی بوده‌اند که اغلب آنها از علماء و دانشمندان معاصرند و آنان از این قرارند:
1- حاج سید احمد لواسانی که در مسجد بالاسر قم مدفون می‌باشند.
2- حاج سید محمدصادق لواسانی متوفی ربیع‌الاول 1411 قمری مدفون در مسجد بالا سر قم.
3- حاج سید علی لواسانی.
4- حاج سید زین‌العابدین لواسانی.
5- حاج سید محمود لواسانی.
6- حاج سید رضا لواسانی.
7- حاج سید یحیی لواسانی.
8- حاج سید حسین لواسانی.
9- حاج سید حسن لواسانی.

10- حاج سید محسن لواسانی.
عموی آن بزرگوار حاج سید عبدالکریم لواسانی از فضلاء و اعلامی بودند که حدود یکصد و ده سال زندگانی کرده و سرانجام در 1397 قمری از دنیا رفته و در جوار شیخ صدوق مدفون است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لواسانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1400 -1308 ق)، عالم دینی، مجتهد و مورخ. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد علمای نجف فراگرفت. وی از شاگردان آیت‌اللّه شیخ محمد کاظم خراسانی و آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌اللّه سید اسماعیل صدر بود و نزد آنان در نجف، سامرا و کربلا مراحل علمی را طی کرد. آن گاه مشغول به تدریس و تألیف شد. در 1333 ق به تهران آمد و به تدریس پرداخت، سپس به مشهد رفت و از محضر آیت‌اللّه آقا محمد آقازاده‌ی کفایی استفاده نمود. در 1344 ق به نجف بازگشت و از محضر اساتید وقت، آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین غروی، استفاده نمود تا به مراتب عالیه‌ی اجتهاد رسید و به دریافت اجازه‌های اجتهاد نایل شد. در 1348 ق برای ارشاد و سرپرستی شیعیان به لبنان رفت و در 1370 ق به تهران بازگشت و به امور علمی و دینی پرداخت. وی در مسجد محمودیه سرچشمه به انجام امور مذهبی مشغول بود. لواسانی از دوستان نزدیک علامه امینی بود. در تهران درگذشت. از آثارش: «الدروس البهیة»، در مختصری از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ «مرقاة جنان الزهر»؛ «نور الافهام» شرح منظومه‌ی «مصباح الظلام»، در علم کلام؛ «الشریعة السماحاء»، در اصول دین و احکام شرعیه مطابق عمل به احتیاط؛ «تاریخ النبی احمد (ص)»، در دو مجلد؛ «تواریخ الانبیاء» از حضرات آدم تا حضرت خاتم؛ «نقض الهفوات و تکذیب المفتریات»، ردی بر دعاوی بهائیت و تکذیب علی محمد باب؛ «فضیحة الکذابین»، در رد قادیانی؛ «الکشکول».[1]
حاج میرزا حسن بن السید العلامه آیت‌اللَّه حاج سید محمد لواسانی از مشاهیر علماء معاصر تهران می‌باشد. وی در ماه رمضان سال 1308 قمری در نجف اشرف متولد شده و چون در سن نه سالگی اوان کودکی در سال 1317 قمری مرحونم والد را از دست داده با نهایت جدیت و اشتیاق در نجف اشرف در محضر طلاب علوم شرعیه و فضلاء مقدمات و ادبیات را خوانده و سطوح نهائی را بپایان رسانیده و در سن بیست سالگی

بدرس خارج آیات عظام و مراجع تقلید چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه یزدی و پس از فوت آنان مرحومین آیتین حاج شیخ علی گنابادی و حاج شیخ علی قوچانی و بعد از فوت آن دو بزرگوار از درس و محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و در سامرا از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی و در کربلا آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر استفاده نموده تا در سال 1331 قمری که جنگ بین‌المللی پیش آمد و اوضاع دنیا در آن جنگ متشتت و در هم ریخته شد خصوصا عراق عرب که از همه جا سخت گردید که هر کس به هر وسیله که برایش ممکن میشد فرار را بر قرار اختیار نموده و باطراف بلاد منتشر میشد و همه روزه زندگی و ناامنی بدتر میشد ناچار معظم له باتفاق مرحومه علویه والده‌اش و عیال و اولاد و والدین عیال با نهایت دست تنگی و قلت زاد از نجف اشرف در اواسط 1333 قمری بعزم هجرت به ایران حرکت نموده و در کاظمین متوقف و در مدت دو ماه هفت نفر از بستگانش چون مرحومه والده و عیال و سه نفر از اولادش و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی همسر خواهرش با فرزندش بمرض وبا و غیره از دنیا رفته و بالاخره خودش باتفاق خواهرش با نهایت صعوبت و سختی وارد تهران و باقارب و احارم خود ملحق و با ابتلاء بامراض عدیده و مراجعه بصفوف اطباء تا بفضل پروردگار بهبودی یافته و در ماه رمضان 1334 قمری همشیره همسر مرحومه سابقش را که صبیه مرحوم آقا سید محمد واعظ لواسانی بود تزویج و مهاجرت به مشهد نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر آیات و مدرسین آن عصر چون مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقا زاده کفائی و دیگران استفاده و در سال 1340 قمری بحج مشرف و چند ماهی متوقف و موجب استبصار یکی از دانشمندان اهل سنت که رئیس بعضی از دوائر دولتی صعودی بوده گردیده و بیش از بیست مرتبه از لبنان و عراق و ایران بحج مشرف شده و باین فیض بزرگ رسیده است.

نگارنده گوید: علامه لواسانی در طول تاریخ عمر خود موفقیتهای بزرگی پیدا کرده که موجب غبطه و حسرت میباشد از جمله اختلاف بین شیعیان مقیم مدینه و ارجاع بمراجع تقلید دادند بعد از آن که مدتها آنها بر طریقه اخباریین بودند.

دیگر راه یافتن ایشان به کتابخانه مدینه منوره و استفاده از کتب حضرات تسنن در بطلان اجماع امت بر خلافت شیخین و دیگران.

و خلاصه پس از مدت اقامت در مدینه منوره بمکه معظمه برای اداء حج تمتع مشرف و بعد از آن مراجعت به عراق و از آنجا به ایران و قم آمده در هنگامی که مراجع بزرگ نجف چون آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و خالصی و دیگران تبعید از عراق بودند و در آنجا بفیض ملاقات و زیارات آنان

رسیده و از آنجا به مشهد مشرف و موفق بوظائف دینی و شرعی خود از امامت در مسجد ترکها و تدریس فقه و اصول گردید تا در نیمه ماه رجب 1344 قمری باتفاق عیال و فرزندان مراجعت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و آیت‌اللّه کمپانی و آیت‌اللّه عراقی استفاده نموده در مدت پنجسال آنگاه بامر بعضی از آیات مذکوره برای تبلیغات احکام شرعیه به لبنان مسافرت کرده و خدمات زیادی در آن سامان انجام داده و مورد توجه و علاقه شدید مردم جبل عامل گردیده و تقاضای اقامت ایشان را نموده و به آیت‌اللّه اصفهانی متوسل تا بامر آن مرحوم بیش از بیست و دو سال در آن بلاد با نهایت عزت و عفت نفس اقامت نموده و مردم بی خبر آن حدود را ارشاد و هدایت نموده تا در سال 1370 قمری که جنگ اسرائیل با اعراب فلسطین شروع شد و مردم فلسطین مغلوب و آواره گردیدند ناچار به مهاجرت به ایران گردیده و در تهران مقیم و تا حال حاضر در مسجد محمودیه سرچشمه به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات اشتغال دارند.
تألیفات و آثار عدیده‌ای دارند که فهرست آنها را می‌نگارم.
1- الدروس البهیه در مختصری از احوال النبی و الائمه 2- نور الافهام شرح منظومه مصباح الظلام فی علم الکلام 3- الشریعه السمحاء فی الاحکام الشرعیه الفرعیه علی طبق العمل بالاحتیاط. 4- تاریخ النبی احمد صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد از مبدء خلقت نور آن بزرگوار تا آخر عمر حضرتش 5- تواریخ الانبیاء از حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد 6- فضیحه الکونین رد بر قادیانی کذاب هندی. 7- نقض الهفوات رد بر دعادی بهائیه و تکذیب علی محمد باب 8- کشکول لطیف که تمام اینها بطبع رسیده و اما آثار مخطوط آن جناب عبارتست از فقه و اصول و تقریرات مباحث اساتید عظام و حواشی بعضی مسائل متفرقه و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (358، 292/ 24، 313/ 20، 275/ 16، 186/ 14، 144/ 8، 290/ 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (549 -546/ 4)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1135 -1133/ 3).

لواسانی، عیسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1364 -1277 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مدرس. از محضر پدرش و میرزا محمد حسن آشتیانی استفاده نمود. سپس به نجف رفت و نزد شیخ محمد کاظم خراسانی و میرزا حسین خلیلی و شیخ الرشیعه اصفهانی تلمذ نمود و یکی از برجستگان علم و فقاهت شد و خود مستقلا به تدریس و تألیف پرداخت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف دینی مشغول گردید. او در تهران درگذشت. از آثارش: «انیس العارفین»؛ «جلاء الابصار»؛ «تحفة الاحباب»؛ «میزان الاخوة»؛ «الشیخ و الشیخة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (35/ 23، 266/ 14)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14/ 1643)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1136/ 3).

لواسانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1317 -1267 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد. در تهران به دنیا آمد. پدرش از علمای تهران بود که در مسجد سرپولک اقامه جماعت می‌کرد. پس از فراگیری مقدمات و تکمیل سطوح در خدمت پدرش و آشتیانی و میرزا عبدالرحیم نهاوندی به نجف رفت و در خدمت میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ میرزا حسین خلیلی شاگردی نمود. پس از رسیدن به مرتبه‌ی اجتهاد به بحث و تدریس پرداخت. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی خودش در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «اجتماع الامر و النهی»؛ «تقریرات» استادانش، در فقه و اصول؛ «الفقه الاستدلالی»، در سه مجلد، در «متاجر»؛ مجلدی در «اصول الفقه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (59/ 9)، الذریعه (290/ 16 ،384/ 4 ،268/ 1)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1133/ 3)، معجم المؤلفین (213/ 8).

لواسانی، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدصادق بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه حاج سید ابوالقاسم بن العالم العلام حاج سید محمد لواسانی از علماء بزرگوار معاصر تهرانست.
وی در ماه صفر 1324 قمری در نجف اشرف متولد شده و در ربیع الاول 1339 قمری در خدمت مرحوم والدش به ایران و همدان آمده و در آنجا اقامت نموده وی با معیت مرحوم برادرش حجةالاسلام حاج سید احمد در ربیع‌الاول 1340 قمری به اراک آمده و شروع به مقدمات نموده و در ماه رمضان 1341 قمری مهاجرت به قم و پس از تکمیل مقدمات و مقداری از سطوح در سال 1348 قمری عزیمت به نجف نموده و سطوح را در خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالحسن مشکینی خوانده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و در اثر کسالت و عدم رضایت والدش مراجعت به قم نموده و تا سال 1352 قمری از ابحاث مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری و آیت‌اللَّه حجت بهره‌مند گردیده و در سال مذکوره با مرحوم برادرش به نجف مشرف و در 1353 قمری به ایران بازگشت و به مشهد مقدس رفته و چند ماهی از محضر آیت‌اللَّه العظمی قمی و آیت‌اللَّه آشتیانی و آیت‌اللَّه آقازاده کفائی مستفیض ولی بواسطه حوادث ناگوار مسجد گوهرشاد و تعطیل حوزه مشهد به قم مراجعت و بدرس مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیت‌اللَّه حجت حاضر شده و در سال 1356 قمری به تهران آمده و حدود یکسال توقف تا حسب‌الامر آیات ثلاثه قم بحوزه برگشته و بتولیت و اداره مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف مراجع حوزه علمیه منصوب تا سال 1364 قمری که در اثر کسالت و امریه والدش به تهران منتقل و تاکنون در مسجد و مدرسه میرزا ابوالحسن معمار واقع در محله امامزاده یحیی علیه‌السلام به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برادران دانشمند و با تقوائی دارند که اجمالا آنها را مینگارم:
1- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد لواسانی که قبلا یاد نمودم.
2- حجةالاسلام و المسلمین آقای حاج سید علی لواسانی که از علماء اعلام و افاضل دانشمندان تهران و سالها مقیم نجف بوده و چندین سال است که به ایران مراجعت و در تهران به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
3- حجةالاسلام و المسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین لواسانی که وی نیز از علماء ابرار معاصر تهرانست و ایشان هم سالها در اعتاب عالیات

تحصیل علم و کمال نموده و بعد به ایران مراجعت و در تهران بخدمات روحی خود مشغول و مانند برادرانش وارسته و بعلم و تقوا آراسته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لؤلؤی بخلی، یحیی زکریا

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 232/ 230 ق)، فقیه، محدث و حافظ. از ابومطیع حکم بن عبداللَّه بلخی، مفتی بلخ، و عبداللّٰه بن نمیر و وکیع و حکم بن مبارک و ابواسامه و قاسم بن حکم عرنی و همطبقه‌ی آنها روایت کرد. بخاری و ترمذی و ابوسعد یحیی بن منصور هروی زاهد و جعفر فریابی و احمد بن سیار مروزی و اسماعیل بن محمد بن ابی‌کثیر قاضی و عبدالصمد بن سلیمان بلخی از وی روایت کردند. از آثارش کتاب «الایمان» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (277/ 2)، تذکرة الحفاظ (518 -517/ 2)، تهذیب التهذیب (298 -297/ 3)، تهذیب الکمال (321 -320/ 6)، الثقات (254/ 8)، معجم المؤلفین (184/ 4).

لیثی سمرقندی، ابوالقاسم بن بکر

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 888 ق)، فقیه حنفی. از علمای عامه قرن نهم قمری بود. از آثارش: «ریاضة الاخلاق»؛ حاشیه بر شرح «مفتاح العلوم» سکاکی؛ شرح «رساله وضعیه‌ی عضدیه»، که در 888 ق تألیف نمود؛ «رساله‌ی سمرقندیه»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»، به نام «حاشیه سمرقندی»؛ شرح «کنز الدقائق» حافظالدین نسفی؛ حاشیه بر «مطول»، که به نام امیر علیشیر نوایی در 875 ق تألیف نمود؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (194، 140/ 1)، ریحانه (72 -71/ 3)، کشف الظنون (1767، 938، 898)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالقاسم)، معجم المولفین (103/ 8).

ماتریدی سمرقندی، ابومنصور محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 333 ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. مشهور به امام المتکلمین. نسبتش به ماترید می‌رسد که به گفته‌ی سمعانی ماترید یا ماتریت از محلات سمرقند بوده است. ماتریدی از پیشگامان علم کلام بود. وی با سه واسطه از ابوحنیفه روایت کرده است. در سمرقند درگذشت. از آثارش: «تأویلات اهل السنة»؛ کتاب «التوحید و اثبات الصفات»؛ «اوهام المعتزلة»؛ «الرد علی القرامطة»؛ «الدرر فی اصول الدین»؛ «مأخذ الشرائع»، در اصول فقه؛ «تأویلات القرآن»؛ شرح «الفقه الاکبر» ابوحنیفه؛ «کتاب الجدل»؛ ردی بر «تهذیب» کعبی، در «الجدل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (242/ 7)، انساب سمعانی (155/ 5)، ریحانه (142/ 5)، کشف الظنون (1782، 1573، 1408، 1406، 751، 518، 336، -335، 262)، لباب الالباب (292، 18/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ ماتریدی)، معجم المؤلفین (300/ 11)، هدیة العارفین (37 -36/ 2).

ماجشون، ابوعبداللّه، ابوالاصبغ عبدالعزیز

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 164 ق)، فقیه و محدث. ماجشون را معرب ماه‌گون دانسته‌اند. اصل وی از اصفهان و اهل مدینه‌ی نبوی و از فقهای آنجا بود و مدتی نیز در بغداد سکنی گزید. از زهری و محمد بن منکدر و عبداللّه بن دینار و سلمة بن دینار و سعد بن ابراهیم و محمد بن ابی‌بکر ثقفی و حمید طویل و عمرو بن یحیی و صالح بن کیسان و وهب بن کیسان و هشام بن عروه و عبداللّه بن فضل هاشمی و عبید اللّه بن عمر و عبدالرحمان بن قاسم حدیث شنید. فرزندش، عبدالملک بن عبدالعزیز، و لیث بن سعد و ابراهیم بن طهمان و زهیر بن معاویه و ابن‌مهدی و وکیع بن جراح و هاشم بن قاسم و حجین بن مثنی و عبدالعزیز اویسی و موسی بن داوود ضبی و عبدالرحمان بن مهدی و سریج بن نعمان و ابووولید طیالسی و علی بن جعد و بشر بن ولید کندی و حجاج بن منهال و صالح بن مالک خوارزمی و غسان بن ربیع و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. در بغداد در دوران خلافت مهدی عباسی درگذشت و در قبرستان قریش دفن شد. در «الثقات» سال وفات وی 166 ق ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (146 -145/ 4)، الاعلام بوفیات الاعلام (104/ 1)، انساب سمعانی (157/ 5)، تاریخ بغداد (439 -436/ 10)، التاریخ الکبیر (13/ 6)، تذکرة الحفاظ (223 -222/ 1)، تهذیب التهذیب (302 -301/ 6)، تهذیب الکمال (507 -504/ 11)، الثقات (111 -110/ 7)، الجرح و التعدیل (ج 2، ق 386/ 2)، ریحانه (143 -142/ 5)، سیر النبلاء (312 -309/ 7)، شذرات الذهب (259/ 1)، طبقات ابن‌سعد (234/ 7)، طبقات الحفاظ (110 -109)، طبقات المحدثین باصبهان (412/ 1)، العبر (187/ 1)، معجم المؤلفین (251/ 5).

ماجیلویه قمی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، عالم امامی، فقیه و ادیب. از بزرگان علمای امامیه قم و عارف به ادب و شعر و جامع کمالات بود. وی از شاگردان و داماد احمد بن ابی‌عبداللّٰه محمد برقی (م ح 280 ق) است که علم و ادب را از او فراگرفت. در فنون شعر و ادب متبحر بود. شیخ صدوق با واسطه از وی روایت کرده است. از آثارش: تفسیر «حماسه‌ی ابی‌تمام»؛ «المشارب»؛ کتاب «الطب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (382/ 9)، الذریعه (30/ 21)، رجال النجاشی (251/ 2)، ریحانه (144 -143/ 5)، الکنی و الالقاب (130/ 3)، هدیة الاحباب (228).

مازندرانی، حسام‌الدین، ابوالفضایل محمد صالح

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1086/ 1081/ 1080 ق)، عالم دینی، عابد، زاهد و محقق. معروف به ملا صالح مازندرانی. وی از شاگردان ملا محمد تقی مجلسی و شوهر آمنه بیگم، دختر دانشمند و فاضل و مجتهد مجلسی اول، بود. ملا صالح در محضر شیخ بهائی و ملا عبداللّه شوشتری و ملا حسنعلی شوشتری نیز تلمذ نمود. وی جامع معقول و منقول و در اصول و فروع متبحر و دارای اخلاق فاضله و صفات حمیده بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی مجلسی دفن شد. از آثارش: شرح «اصول کافی»؛ شرح «روضه کافی»؛ شرح «روضه کافی»؛ شرح «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه و شرح بر «معالم»؛ شرح «زبدة الاصول» شیخ بهائی؛ شرح «قصیده‌ی برده».[1]
محمدصالح بن احمد ساروی مازندرانی داماد علامه ملا محمدتقی مجلسی اول و صاحب شرح اصول کافی از مفاخر این شهرستانست تألیفات عدیده داشته و در سال 1080 ق هجری در اصفهان فوت نموده و ماده تاریخش این بیت است (صالح دین محمد شده فوت) قبرش در مقبره علامه مجلسی زیارتگاه عموم مردم اصفهانست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (369/ 7)، تذکرة القبور (385 -384)، الذریعه (71 ،27 ،6/ 14 ،300 ،98 -97/ 13 ،207 ،94/ 6)، روضات الجنات (117 -115/ 4)، ریحانه (147 -146/ 5)، فوائد الرضویه (545 -542)، لغت نامه (ذیل/ مازندرانی)، مفاخر اسلام (347 -343/ 8).

مازندرانی، زین‌الدین عبدالجبار

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 500 ق)، فقیه حنفی و مفتی. وی عهده‌دار منصب افتاء در مازندران بود و در همان جا درگذشت. از آثارش «الخلاصة فی الفرائض»، در مجلدی ضخیم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (720)، معجم المؤلفین (79/ 5)، هدیة العارفین (499/ 1).

مازندرانی، زین‌العابدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زین‌العابدین بن مسلم بارفروش مازندرانی حایری از اعاظم علماء و اکابر فقهاء و مراجع تقلید عصر از شاگردان علامه سعید العلماء مازندرانی و شیخ مرتضی انصاری و صاحب ضوابط و غیرهم بوده و در سال 1309 ق در کربلا از دنیا رفته و در مقبره شخصی در صحن شریف مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، عبدالجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ عبدالجواد بن ملا ابی‌الحسن بن شاه محمد بن عبدالهادی مازندرانی حایری فقیهی متقی و عالمی جلیل بوده و در سال 1361 به رحمت حق پیوسته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، عبدالصمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالصمد بن ملا علی بارفروش مازندرانی عالمی بارع از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و غیره بوده و در بابل (بارفروش) مرجعیت و ریاست داشته تا حدود 1337 وفات نموده.
از آثار اوست 1- (زادالمتقین در احوال معصومین (ع) 2- کتابی در اخلاق 3- کتابی در مقتل.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مازندرانی، عبدالغفار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید عبدالغفار بن السید الجلیل السید یوسف از مشاهیر علماء اخلاق و اخیار نجف اشرف بوده‌اند. وی در قریه درزی کلای که در چهار کیلومتری جنوبی بابل واقع است متولد شده و در خاندان اصیل و نجیب پرورش یافته و تحصیلات مقدماتی را در همان شهرستان خوانده آنگاه با اجازه والد ماجده خود مهاجرت بنجف اشرف نموده و در نزد اساتید بزرگ تلمذ نموده تا بمقامات علم و کمال رسیده و در عداد دانشمندان و علماء برجسته نجف آمده حتی در علم اخلاق و سلوک الی‌الله مشار بالبنان گردیده و در مسجد هندی در مواقع مسافرت مرحوم علامه زاهد حاج شیخ علی قمی بجای ایشان امامت نموده و ضمنا حوزه تدریس داشته و بعضی از مراجع حاضر محضر مقدس او را درک نموده و از خرمن علم و تقوای او بهره‌ها برده‌اند.
معظم‌له عالمی بی هوا و زاهدی دور از ریا و بسیار متواضع و معرض از دنیا بوده و جدا یکی از مصادیق (من کان من الفقهاء حافظا لدینه صائنا لنفسه مخالفا لهواه مطیعا لامر مولاه) بود تا آخر عمرش خانه شخصی نداشت و مستاجر بود با اینکه در هندوستان و افریقا و غیره مقلدینی داشت حتی برای او منزل تهیه کردند قبول نکرد.
مکررا اهالی بابل و استان مازندران از ایشان تقاضا کردند و دعوت نمودند که برای اقامت در مازندران بایران آیند قبول نکردند تا پس از شصت سال در سال 1356 قمری رحلت نموده و در یکی از حجرات صحن مبارک علوی مدفون گردیدند.
دارای چهار پسر و دو دختر بوده‌اند. یک دختر ایشان همسر حجه‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی آقای حاج سید احمد مستنبط است که از علماء مشهور نجف و صبحها در حرم مطهر علوی اقامه جماعت مینمایند و دیگری همسر حجه‌الاسلام والمسلمین عالم متقی حاج سید احمد نخجوانی مقیم تهران است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مازندرانی، عبداللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1256 ق)، عالم دینی، مدرس و مرجع تقلید. در بارفروش مازندران به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت. سپس به عراق مهاجرت کرد و در کربلا از محضر شیخ زین‌العابدین مازندرانی استفاده نمود. از آنجا به نجف رفت و نزد شیخ مهدی کاشف الغطاء و ملا محمد فاضل ایروانی و شیخ حبیب‌اللّٰه رشتی و دیگران تلمذ نمود. شیخ شعبان رشتی و میرزا محمد رضا کرباسی از شاگردان او بودند و شیخ اسماعیل تبریزی و میرزا هادی خراسانی از وی روایت کرده‌اند. او مرجع تقلید مردم مازندران بود. شیخ عبداللّٰه مازندرانی از علما و مدرسین بزرگ نجف و یکی از پیشگامانی بود که حرکت حوزه‌ی علمیه نجف را سرپرستی می‌کرد. وی از ارکان سه‌گانه‌ی نهضت ملی ایران (آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و شیخ عبداللّٰه مازندرانی) و طرفدار حکومت مشروطه بود. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی شیخ جعفر شوشتری در صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «اهبة العباد فی یوم المعاد»، رساله‌ی عملیه؛ حاشیه بر «المکاسب»؛ رساله‌ی «الوقف»؛ شرح «الشرائع»؛ کتاب «التجارة»، «الرهن» و «الطلاق»؛ حاشیه بر «نجاة العباد»؛ حاشیه بر «النخبة» کرباسی؛ حاشیه بر «جامع عباسی».[1]
شیخ عبداللّٰه بن محمد نصیر مازندرانی از اکابر علماء از شاگردان میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و در 1330 وفات نموده.
وی یکی از ارکان سه گانه نهضت ملی ایران و مشروطه بوده است
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (482/ 2)، ریحانه (146/ 5)، شرح حال رجال (276/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1220 -1219/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1139 -1138/ 3)، مکارم الآثار (1531 -1530/ 5)، یادگار (س 5، ش 8 و 9، ص 71).

مازندرانی، محمد بن جهانبخش

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل محقق حکیم فیلسوف، از اجله‌ی علما و فقها بوده، و در 13 شعبان سال 1120 وفات یافته، در قبرستان آب بخشان مدفون گردید.
وی ظاهرا سال‌ها در هندوستان ساکن بوده، و در سال 1080 در داجرم از قرای دکن کتاب «منهاج الصلاح» علامه‌ی حلی را استنساخ نموده، نسخه‌ی آن در کتابخانه‌ی مبارکه‌ی مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم موجود است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید موسی بن العالم الجلیل ثقةالاسلام آسید مهدی مازندرانی از علماء ابرار معاصر تهران مقیم خیابان آبشار می‌باشند. در سال 1324 قمری در کاظمین علیهماالسلام (هنگام بازگشت مرحوم والدش از نجف اشرف) متولد شده و در بابل مازندران پرورش یافته و بعد از فراغت از دروس مقدماتی نزد علماء آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّه مرحوم آسید محمد باقر حجتی و والد ماجد خود بتحصیل فقه و اصول و کلام پرداخته و پس از تکمیل سطوح در سال 1342 قمری به تهران مسافرت و چند سالی نزد مرحومین آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه میرزا مهدی آشتیانی به حکمت و عرفان اشتغال داشته و سپس به قم مهاجرت و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه یزدی و اعاظم دیگر کسب فیض نموده و در اواخر 1350 قمری به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌ها برده و یکسال قبل از فوت آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه قمی حسب الامرشان برای تقاضای جمعی از بازرگانان تهران به ایران عزیمت و در تهران رحل اقامت افکنده و بتدریس علوم دینیه و تبلیغ احکام شرعیه مشغول و در مسجد خیابان آبشار به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند.
دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای می‌باشند که فهرست آن در پشت کتاب (العقد المنیر) ایشان چاپ شده:
1- کتاب (العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر) عربی و در نجف بطبع رسیده و در موضوع خود کم نظیر است بضمیمه رساله‌ای در اوزان و مکائیل 2- رساله‌ای در طهاره 3- رساله در معاطاه و بعضی از مسائل بیع 4- رساله‌ای در مواسعه و مضایقه و اعتبار ترتیب در قضاء فائته و عدم آن 5- رساله در صوم 6- رساله‌ای در غصب 7- رساله‌ای در رضاع 8- رساله‌ای در جمله‌ای از احکام خلل و قواطع 9- تقریرات در اصول دوره کامل 10- بدیع الادب فی ودایع العرب در فنون ادبی و ترجمه عده‌ای از بزرگان ادب 11- دیوان فارسی در مدایح و مراثی 12- نامه ارشاد یا صحیفه اعتقاد دو جلد در بعضی از مذاهب باطله 13- رساله ضیائیه در لزوم حجاب در تهران بطبع رسیده 14- بیوگرافی رجال بزرگ اسلام که از محمد بن یعقوب کلینی قدس اللّه سره تا رجال قرن هشتم در نامه پرچم

اسلام منتشر شده است.
حاج سید موسی مازندرانی عالمی بزرگوار و صاحب‌نظر از علماء معاصر تهران می‌باشند تالیفات گرانقدری دارند از جمله العقد المنیر فیما یتعلق (بالدراهم والدنا ینر) در بیست مجلد که تاکنون چهار جلد آن به طبع رسیده است و در میان دانشمندان و علماء تهران مجهول‌القدر می‌باشند و مانند آنجناب باید در حوزه علمیه قم و نجف اشرف حوزه تدریس داشته باشند که فضلاء از بیانات و دراساتشان استفاده کامل ببرند. حقیر در سال 1399 قمری و اول سال 1358 شمسی که در خدمتشان در عتبات عالیات بودم ناظر تجلیل حوزه علمیه نجف اشرف مخصوصاً زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی بودم که تا چه جد از معظم له احترام و اصرار به اینکه نجف بمانید که این حوزه هزار ساله به وجود امثال شما نیازمند است و تقاضای عده‌ای از فضلاء دیگر هم اقامت ایشان بود.
(1399 -1324 ق)، عالم دینی، متکلم، مجتهد، مدرس و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد و در بابل مازندران نشو و نما یافت. مقدمات را در محضر پدرش و آیت‌اللّه شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّه سید محمد باقر حجتی فراگرفت. آن گاه به تحصیل فقه و اصول و کلام و سطوح پرداخت. در 1342 ق به تهران آمد و چندین سال حکمت و عرفان را در محضر آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه میرزا مهدی آشتیانی آموخت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حایری یزدی و علمای دیگر کسب فیض نمود. در اواخر 1350 ق به نجف عزیمت کرد و از محضر آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه به امر آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی و به تقاضای مردم تهران، به تهران آمد و به تدریس، اقامه جماعت و انجام امور دینی پرداخت. او در اواخر عمر به قصد زیارت به نجف مسافرت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش: «العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر»؛ «نامه‌ی ارشاد» یا «صحیفه‌ی اعتقاد»، در دو مجلد؛ «بدیع الادب فی ودائع العرب»، در فنون ادبی و شرح حال عده‌ای از بزرگان ادب؛ «تقریرات» در فقه و اصول؛ رساله‌ای در «رضاع»؛ رساله‌ای در «غصب»؛ «رساله‌ی ضیائیه»؛ رساله‌ای در «طهارة»؛ رساله‌ای در «احکام خلل»؛ رساله‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «معاطاة و بیع»؛ «دیوان» شعر در مدایح و مراثی.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (299/ 15)، گنجینه‌ی دانشمندان (554 -553/ 4)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1141/ 3).

مازندرانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه محقق و حکیم موفق حاج شیخ مهدی مازندرانی از علماء اعلام و مدرسین عظام و مجتهدین بلا کلام حوزه علمیه بوده که در سال 1302 ق در یکی از مضافات بابل مازندران متولد شده و مقدمات را در بابل خوانده و آنگاه به تهران آمده و از محضر و ابحاث مرحوم آیت‌الله نوری حاج شیخ فضل‌الله شهید و آقا سید علی‌اکبر لاهیجی و آخوند ملا محمد صاحب حواشی بر شرح شمسیه سطحا و خارجا درس خوانده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامه طباطبائی یزدی و مرحوم آیت‌الله شریعت اصفهانی استفاده کرده و مراجعت به وطن خود نموده و در سال 1348 ق از مسقط الراس خود که امیر کلا بابل باشد مهاجرت به قم نموده و تا آخر عمر در این ارض اقدس به تدریس فقه و اصول و تفسیر و فلسفه اشتغال داشت و شاگردان برجسته‌ای در علوم مذکوره تربیت نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ماسرجسی نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 384 ق)، فقیه شافعی و محدث. دخترزاده‌ی محدث حسن بن عیسی بن ماسرجس بود. نزد ابواسحاق مروزی فقه آموخت و تا مصر مصاحب او بود. او در نیشابور درس می‌گفت. قاضی ابوالطیب طبری و جماعتی دیگر از وی فقه آموختند. او از دایی‌اش، مؤمل بن حسن، و ابوحامد بن شرقی و ابوسعید بن اعرابی و مکی بن عبدان و اسماعیل صفار و ابوطاهر مدینی و ابوالحسن بن حذلم و جماعتی دیگر حدیث نقل کرد. حاکم نیشابوری و ابونعیم و ابوطالب یحیی بن علی دسکری و ابوعثمان صابونی و ابوسعد کنجرودی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (447 -446/ 16)، شذرات الذهب (111 -110/ 3)، العبر (165/ 2)، الکنی و الالقاب (133/ 3)، الوافی بالوفیات (116 -115/ 4)، وفیات الاعیان (202/ 4).

مامقانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1351 -1285 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، از حوزه‌ی درس پدرش و ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بهره برد. سپس خود مستقلا به بحث و تدریس پرداخت. او در اخلاق از محضر ملا اسماعیل قره باغی استفاده کرد. او در نجف درگذشت و در صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «غایة المأمول فی علم الاصول»، از مباحث الفاظ تا آخر تعادل و تراجیح؛ شرح «دعای کمیل»؛ «مقباس الکرامة»، در شرح «التبصرة» علامه حلی، در فقه. این کتاب در «معجم رجال الفکر» تحت نام «مصباح الکرامة» ذکر شده است.[1]
ابوالقاسم بن آیت‌اللَّه العظمی آقا شیخ محمدحسن مامقانی نجفی متولد 1285 و متوفی 1351 ق عالمی موثق و مقدسی بزرگوار از شاگردان والد ماجدش و علامه خراسانی و مرحوم شریعت اصفهانی و در اخلاق ملا اسماعیل قره‌باغی بوده و دارای تألیفاتی در فقه بنام (مقباس الکرامه) در شرح تبصره بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (16/ 22 ،16 -15/ 16 ،258/ 13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 65/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1144 -1143/ 3)، معجم المؤلفین (117/ 8).

مامقانی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1351 -1290 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، رجالی، محدث و ادیب. معروف به علامه مامقانی و فاضل مامقانی. از بزرگان علمای امامیه و حاوی فروع و اصول بود. اصلش از مامقان آذربایجان است. در نجف به دنیا آمد. در پنج سالگی شروع به فراگیری قرآن کرد. صرف و نحو و مقدمات و سطوح فقه و اصول را در محضر پدرش و شیخ هاشم ارونقی ملکی و شیخ غلامحسین دربندی و شیخ حسن میرزا (م 1313 ق) فراگرفت تا در فقه و اصول سرآمد شد. در 1308 ق به حوزه‌ی درس اصول استدلالی و در 1309 ق به حوزه‌ی درس فقه استدلالی پدر بزرگوارش راه یافت و «تقریرات» هر دو درس خارج را نگاشت. قوه‌ی استنباط و اجتهاد وی بارها از طرف پدرش تأیید شد و او را به دریافت اجازه مفتخر کرد. آن گاه وی خود به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری بر گردش جمع شدند. او از پدرش روایت کرده و شیخ محمد حرز نیز از وی روایت کرده است. او مرجع تقلید بسیاری از مردم آذربایجان بود. در نجف درگذشت و در کنار پدرش، در مقبره‌ی خانوادگی در منزلشان، دفن گردید. از آثارش: «اجابة السئوال»؛ «ارشاد المستبصرین»؛ «ازاحة الوسوسة»؛ «تحفة الصفوة»؛ «تحفة الخیرة»؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال»، در سه مجلد بزرگ، که مشهورترین و مهم‌ترین تألیف اوست؛ جوابات «المسائل البصریة»؛ جوابات «المسائل البغدادیة»؛ حاشیه بر «العروة الوثقی»؛ «الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود»؛ «مرآة الکمال فی الآداب و السنن» و ترجمه‌ی فارسی آن؛ «سراج الشیعة فی آداب الشریعة»؛ «الفوائد الطبیة»؛ «کشف الاستار فی تکلیف الکفار بالفروغ»؛ «هدایة الانام فی حکم مال الامام»؛ «مجمع الدرر» معروف به «اثنی عشریه»؛ «مناهج الیقین»؛ «منتهی مقاصد الانام فی نکت شرایع الاسلام»؛ «مقباس الهدایة فی علم الدرایة»؛ «مطارح الافهام فی مبانی الاحکام».[1]
عبداللّه بن العلامة الکبری حاج شیخ محمدحسن از اکابر و فحول علماء امامیه و عالمی عامل و فقیهی کامل محدثی رجالی و ادیبی اریب حاوی فروع و اصول و دارای کمالات نفسانیه و اخلاق فاضله و مرجع تقلید جمعی وافر از شیعه بوده و گوی سبقت از افاضل وقت ربوده و در بعضی از علوم غریبه نیز حظی داشته است.

آن جناب در ربیع‌الاول 1290 قمری در نجف متولد و در 16 شوال 1351 قمری در جوار علی (ع) به رحمت حق پیوسته در مقبره والدش که دارای گنبد و قبه عالی است مدفون گردیده است.
تالیفات و آثار علمی معظم‌له از اینقرار است.
1- ارشاد المستبصرین 2- تحفة الخیره 3- تحفة الصفوة فی الحیوة 4- تنقیح المقال فی احوال الرجال 5- الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود 6- سراج‌الشیعه 7- السیف البتار 8- مرآت الرشاد 9- مرآت الکمال 10- مطارح الافهام 11- مقباس الهدایه 12- مناهج المتقین 13- منتهی مقاصد الانام 14- نتایج التنقیح 15- نهایة المقال و کتب دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (173/ 25 ،159/ 23 ،349 ،18/ 22 ،339 ،338، 336، 284- 283، 272، 230، 229، 27/ 20 ،36 ،12- 11 / 18 /161، 17 ،346 ،22 ،13/ 16 ،286 ،157/ 12 ،137 ،78- 77/ 8 ،149/ 6 ،216 ،215/ 5 ،467- 466/ 4 ،447 ،432/ 3 ،528 ،520 ،120 ،118/ 1)، ریحانه (159 -157/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1199 -1196/ 14)، علماء معاصرین (159 -158)، الکنی و الالقاب (134/ 3)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1146 -1145/ 3)، معجم المؤلفین (116/ 6).

مامقانی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1323 -1238 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، لغوی و ادیب. در مامقان آذربایجان به دنیا آمد و در کربلا نشو و نما یافت و در نجف ساکن گردید. در محضر ملا علی خلیلی و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء تلمذ نمود. پس از درگذشت سید حسین کوه کمری به تدریس و تصنیف پرداخت. وی در صحن حیدری به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. پس از وفات میرزای شیرازی در 1312 ق مرجعیت مردم آذربایجان را در امور مذهبی عهده‌دار شد. مامقانی در نهایت پرهیزکاری زندگی می‌کرد و عملا مروج دین بود. فرزندش، شیخ عبدالله، و شیخ ابراهیم سلیمانی و سید مصطفی نخجوانی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و شیخ محمد علی گنجی و سید علی نخجوانی و میرزا فرج‌الله تبریزی و سید میرزا ابوالحسن تبریزی از شاگردان وی بودند. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی مخصوص خود به خاک سپرده شد. از آثارش: «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول»، در هشت مجلد؛ «ذرائع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام»؛ «غایة الآمال»، در شرح «المکاسب» شیخ انصاری؛ «اصالة البرائة»؛ «الرسالة العملیة».[1]
محمدحسن بن ملا عبدالله بن محمدباقر مامقانی الاصل از متبحرین علماء امامیه و از اعاظم فقهاء عصر و اکابر مراجع تقلید متولد 1238 و متوفی 29 محرم 1323 قمری عالمی ربانی و فقیه کامل صمدانی از شاگردان بزرگ علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و بعض اکابر دیگر و صاحب تألیفات عدیده بنام 1- بشری الوصول الی اسرار علم الاصول 8 مجلد 2- ذرایع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام 3- غایة الامال حاشیه بر مکاسب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (324/ 6)، اعیان الشیعه (151 -150/ 5)، الذریعه (408/ 24، 5/ 214، 16/ 24، 11، 10 -121، 120/ 3، 114/ 2)، ریحانه (160 -159/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 411 -409/ 14)، علماء معاصرین (83 -80)، الکنی و الالقاب (134 -133/ 3)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1144/ 3)، معجم المؤلفین (198 -197/ 9)، مکارم الآثار (1058 -1056/ 4).

ماهابادی، افضل‌الدین حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب. در ادب سرآمد بود و در فقه، صالحی مورد اعتماد و متبحر. وی از مشایخ شیخ منتجب‌الدین بود و شیخ منتجب‌الدین تمام تألیفات و تصنیفات او را روایت می‌کند و بنا بر نقلی افضل‌الدین حسن بن قادر (وفادار) قمی واسطه‌ی این روایت است. از آثارش: «الاعراب»؛ «شرح النهج»، شرح «نهج‌البلاغه»؛ «شرح الشهاب»؛ کتابی در «رد التنجیم»؛ «شرح اللمع»؛ «دیوان النثر»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (160/ 5)، الذریعه (123 ،47/ 14 ،343/ 13 ،1170 ،239/ 9 ،234 -233/ 2)، روضات الجنات (261 -260/ 2)، ریاض العلماء (222 -221/ 1)، ریحانه (162 -161/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 62 -61/ 6)، فهرست منتجب‌الدین (50)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن ماهابادی).

مترجم اصفهانی، محمد هادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1120/ بعد از 1135 ق)، عالم دینی، فقیه و خطاط. به دلیل ترجمه‌ی قرآن و همچنین کثرت ترجمه‌هایش به فارسی، ملقب به مترجم و مشهور به آقا هادی مترجم شد. وی دخترزاده‌ی ملا محمد تقی مجلسی است. در دامن مادر دانشمندش، آمنه بیگم، تربیت یافت و در زمره‌ی علما و زهاد بنام زمان خود قرار گرفت. او از معاصران و در خطاطی، از پیروان شیوه‌ی آقا محمد ابراهیم قمی بود و در خط نسخ به خوشنویسی معروف. در اصفهان درگذشت و در کنار پدرش در بقعه مجلسی به خاک سپرده شد. بر سنگ قبرش تاریخ وفات وی 1120 ق ذکر شده اما از آنجایی که صاحب «روضات الجنات» او را تا زمان فتنه‌ی افغان زنده دانسته، وفات وی پس از 1135 ق صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از آثارش: ترجمه‌ی قرآن مجید، به فارسی؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ ترجمه و شرح «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «شرح القواعد» یا شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ شرح «فروع الکافی»؛ «الحدود و الدیات»، به فارسی؛ ترجمه و شرح «شافیة» و «کافیة» ابن‌حاجب، به فارسی؛ شرح بر «شرح شمسیه» سید شریف جرجانی، به فارسی؛ شرح «تلخیص المفتاح»، به فارسی؛ ترجمه و شرح «معالم الاصول»، به فارسی؛ «انوار البلاغة»، در معانی و بیان؛ «الرسالة الرضاعیة»؛ رساله‌ی «رسم الخط». از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «دعای صباح»، به قطع نیم ربعی، متن به خط نسخ و شرح، شکسته‌ی نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی در قریه‌ی شریف آباد، سنه‌ی 1108».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (1202/ 4)، اطلس خط (355)، تاریخ ادبیات در ایران (414 -413/ 5)، تذکرة القبور (385)، الذریعه (31، 28، 23/ 14، 359، 335، 314، 152/ 13، 231، 194/ 11، 298، 44/ 6، 137، 129، 128- 127، 108/ 4، 420/ 2)، روضات الجنات (117 -116/ 4)، ریحانه (149 -148/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 806 -805/ 12).

متولی نیشابوری، ابوسعد عبدالرحمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(427-478/ 426 ق)، عالم اصولی، فقیه شافعی و متکلم. او شیخ شافعیان بود. در نیشابور به دنیا آمد و در خراسان علوم اسلامی را فراگرفت. وی فقه را در مرو از ابوالقاسم عبدالرحمان فورانی و در مرورود از قاضی حسین بن محمد مروزی و در بخارا از ابوسهل احمد بن علی ابیوردی فراگرفت و در فقه و اصول و خلاف برآمد و سرآمد اقران خود شد. او از ابوالقاسم قشیری و ابوعثمان صابونی و ابوحسین عبدالغافر بن محمد فارسی و ابوعبداللّه طبری و ابوعمرو محمد بن عبدالعزیز قنطری و دیگران حدیث شنید. در نظامیه بغداد پس از درگذشت ابواسحاق شیرازی تدریس کرد تا اینکه در 476 ق عزل گردید و ابن‌صباغ، صاحب «الشامل»، جای او را گرفت. در 477 ق با عزل ابن‌صباغ مجددا منصوب گردید و تا زمان وفات به تدریس در آنجا مشغول بود. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب ابرز دفن شد. از آثارش: «الغنیة فی الاصول»؛ «تتمة الابانة»، در تکمیل «الابانة» استادش، ابوالقاسم فورانی؛ کتابی مختصر در فرائض، به نام «فرائض المتولی»؛ کتابی بزرگ در «خلاف»؛ کتابی مختصر در «اصول‌الدین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (98/ 4)، ایضاح المکنون (150/ 2)، ریحانه (175 -174/ 5)، سیر النبلاء (586 -585/ 18)، شذرات الذهب (358/ 3)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (108 -106/ 5)، العبر (338/ 2)، الکامل (139/ 8)، کشف الظنون (1251 ،1)، الکنی و الالقاب (145/ 3)، معجم المؤلفین (166/ 5)، المنتظم (589/ 9)، الوافی بالوفیات (225 -224/ 18)، وفیات الاعیان (277/ 1)، هدیة العارفین (518/ 1).

مجاهد تبریزی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله حاج میرزا محمد مجاهد تبریزی فرزند حجه‌الاسلام والمسلمین آقای میرزا علی‌اکبر مجاهد تبریزی از علماء و مدرسین حوزه و از تلامذه مبرز مرحوم آیت‌الله آقای حجت بودند بسیار متین و باتقوا و دارای مقام علم و عمل بودند سالها در حوزه تدریس کفایه و مکاسب می‌نمودند و در میان فضلاء و محصلین حوزه و مخصوصا مراجع و زعماء وجاهت تامی داشتند در زمان ریاست آیت‌الله العظمی بروجردی فوت نموده و در قم مدفون گشته‌اند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مجاهد، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1180-1242 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و متکلم. معروف به آقا سید محمد مجاهد (به جهت صادر کردن حکم جهاد در جنگ ایران و روس، در زمان فتحعلی‌شاه قاجار) و مشهور به صاحب «مناهل». او دخترزاده‌ی وحید بهبهانی است. در کربلا به دنیا آمد. وی از محضر پدرش، سید علی صاحب «ریاض»، و سید مهدی بحرالعلوم استفاده نمود. او داماد سید بحرالعلوم بود. در زمان حیات پدرش به اصفهان رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت. چون خبر وفات پدرش رسید عازم عراق شد و در کاظمین مقیم گشت و به انجام وظائف علمی پرداخت. در جنگ ایران و روس همراه با محقق نراقی به ایران آمد و مورد عنایت عام و خاص قرار گرفت. وی در قزوین به هنگام مراجعت از جنگ روس درگذشت و پیکرش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. مؤلفات وی متجاوز از هفتصد هزار سطر است. از آثارش: «المناهل»، در فقه؛ «مفاتیح الاصول»؛ «الوسائل الی النجاة» یا «وسائل الاصول»، در اصول فقه؛ «المقلاد»، رساله ای در «حجیة الظن المطلق»؛ «اصلاح العمل»، در فقه عبادات؛ «الجهادیة»؛ «المصابیح»، در فقه؛ «عمدة المقال فی تحقیق احوال الرجال»، در حدود یکصد شرح حال؛ «جامع العبائر»، در فقه؛ «جامع المسائل»، سؤال و جواب فقهی؛ کتاب بیان «اغلاط مشهوره».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (443/ 9)، الذریعه (70 -69/ 25، 353 -352، 119 -118/ 22، 300، 80/ 21، 341 -340/ 15، 279، 272، 208/ 6، 297، 70/ 5، 253، 171 -170، 25/ 2)، روضات الجنات (140 -138/ 7)، ریحانه (176/ 5، 402 -401/ 3)، فوائد الرضویه (582 -579)، معجم المؤلفین (56/ 11)، هدیة العارفین (363/ 2).

مجتهد اصفهانی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمّد تقی مستجاب الدعوة، عالم فاضل جلیل، و محقّق کامل بی بدیل، مجتهد فقیه اصولی، جامع معقول و منقول بوده، در حدود سال 1207 متولّد، و در جمادی الاولی سال 1263 وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر مدفون گردید.
در اصفهان نزد: پدر خود، و آخوند ملا علی نوری، و میرزا ابوطالب صاحب حاشیه [برسیوطی]، و حاجی کلباسی، تحصیل نموده، و از جمعی از علما به اخذ اجازه روایت و اجتهاد مفتخر شده که از آن جمله است:
1- آقا رضا بن سید مهدی بحرالعلوم، تاریخ آن 1251. 2- آقا محمّد رضی اصفهانی 3- آقا سید صدرالدین عاملی 4- آقا سید محمّد کاظم رشتی (احتمالا) 5- ملا مهدی قمبوانی 6- میرزا محمّد مهدی نایب الصدر اصفهانی. تا به مقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده، و حوزه درس و بحث تشکیل داده، و به مناسباتی به طهران مهاجرت کرده، و دو سال در آنجا ساکن بوده، و به تدریس اشتغال جسته.
کتب زیادی نوشته از آن جمله است:
1- حواشی غیر مدوّنه بر کتب زیر:
حاشیه میرزا ابی طالب بر سیوطی؛ و شرح لمعه؛ و شوارع الهدایه حاجی کلباسی؛ و شوارق لاهیجی؛ و قوانین میرزای قمی؛ و رساله عدم جواز تقلید میّت حاجی کلباسی؛ و رساله در حجّیّت مظنّه سید مجاهد؛ و صمدیّه شیخ بهائی؛ و غیره.
2- رساله جبتیّه، در تطبیق جبت و طاغوت بر اوّلی و دوّمی 3- رساله در اختلاف معانی الفاظ شرعیّه 4- رساله در شیربها 5- رساله در جنایت امّ ولد 6- رساله در ردّ مظالم 7- رساله در حکم زنی که خود را بلامانع معرّفی کند 8- رساله در احیای موات 9- رساله در شرط ضمن العقد 10- رساله در جواز تسامح در ادلّه سنن 12- رساله در معرفت خدا و پیغمبر و امام علیهم السلام 13- رساله در انفراد طلاق به عوض خلع 14- رساله در اعجاز قرآن، مطبوع 15- سؤال و جواب در ارث 16- شرح مبحث شکوک کتاب منهاج استادش کلباسی 17- شرح کتاب مراح الارواح، در صرف 18- شرح تهذیب منطق تفتازانی 19- یک دوره فقه کامل در 6 مجلّد 20- مهجة الفؤاد در شرح ارشاد علاّمه در چهارده مجلّد 21- نصایح العلماء، در نصیحت خطاب به فرزندش حاج سید مهدی نحوی 22- مناسک حج، ناتمام

23- رساله در اصالت برائه، ناتمام 24- شرح بر شرح رضی بر شافیه؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مجتهد بروجردی، اسدالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مآثر و آثار ص 140 گوید: حاج مولی اسدالله مجتهد بروجردی مشهور بحجه‌الاسلام که در اواخر حیات دعوی اعلمیت و تقدم بر عموم مجتهدین عصر میفرمود و باب علم را مفتوح میدانست و در فقاهت مشربی مکاشفانه داشت هنگام استدلال و احتجاج بدریای متلاطم مواج شبیه میافتاد اشتهار علم وصیت فقاهت و انتشار بزرگ منشی او همه دیار شیعه را محیط بود بعهد این عالم عظیم‌الشأن شهر بروجرد مرکز تحصیل علوم شرعیه و مجمع افاضل ایران گردید شیخ الطائفه استاد الکل مرتضی الانصاری چندی در ایام تکمل بمدرس این بزرگوار حاضر شده است و در مجالس عامه زمان ریاست خویشتن اقوال از وی نقل میکرده و اجماعات منقوله از او را محصل میگرفته است.
علاوه بر جلالت شأن و عظمت مقدار این بزرگوار در ملک و ثروت و اموال مستقلات نیز از معاصرین ابناء سلسله کمتر با وی برابر بودند جماعتی در حق او بصدور خوارق عادات معتقدند.
عبادت و تقوا و ریاضیات شاقه مشروعه‌اش مشهور است از اولاد ذکورش بعضی بدرجه اجتهاد رسیدند از آنجمله اجازه مبسوطه که بخط خود برای سه فرزند دانشمندش 1- فخرالدین محمد 2- جمال‌الدین محمد 3- نورالدین محمد رحمه الله علیهم، از بطن صبیه محقق قمی صاحب قوانین رضی‌الله عنه بودند نوشته و باجتهاد هر سه تصریح نموده عینا در دارالخلافه زیارت شد.
نگارنده گوید: اولاد آن بزرگوار تاکنون در بروجرد و قم و تهران و نقاط دیگر در سلک روحانیت و بقوانینی شهرت دارند.
ریحانه الادب ج 1 ص 314 گوید: حجه‌الاسلام حاج ملا اسدالله مجتهد بروجردی مشهور بحجه‌الاسلام فرزند حاج عبدالله از اکابر علماء امامیه تا آخر آنچه را که مآثر و آثار گفته و گوید وی در اواخر سال 1270 و یا اوائل سال 1271 وفات نموده و در آنجا مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهد بروجردی، جمال‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مآثر و آثار گوید: وی خلف حاج مولی اسدالله مشهور بحجه‌الاسلام مقام فقاهت و تبحرش در حدیث و تفسیر و درجه فضل و تتبعش در جمیع علوم شرعیه و فنون اسلامیه مسلم بود و در اواخر بمشهد رضوی مشرف شد و از آنجا بدارالخلافه آمد و چندین سال بترویج شریعت و ارشاد عباد اشتغال داشت نظیر لسان او را در منبر کمتر نشان داده‌اند و سرعت قبول عامه که برای او در تهران افتاد در حق کسی شنیده نشده است فوتش در سال 1312 ق بوقوع پیوست چنانکه در جریده ایران نگاشته‌ایم و تمام مناصب و مراتب وی حسب‌الارث والاستحقاق بفرزند دانشمندش شریعتمدار زین‌الائمه نجم‌الدین آقا علی اکبر انتقال یافت و اختصاص یافت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهد تبریزی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1265 ق)، فقیه اصولی، عالم دینی، مرجع تقلید و شاعر. چون پدرش در اواخر عهد زندیه از کارگزاران و نزدیکان دربار بود، وی در ابتدا کارمند دولت شد، سپس از مقام رسمی انصراف داد و برای تحصیل علوم دینی ابتدا به اصفهان و از آنجا به عتبات رفت و در کربلا از محضر سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، استفاده نمود. پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به تبریز بازگشت و به انجام امور دینی پرداخت و مرجع مذهبی مردم گشت و عهده‌دار حکومت شرعیه سراسر آذربایجان شد. میرزا احمد تبریزی از صاحب «ریاض» و ملا محمد سعید دینوری قراچه‌داغی روایت کرده است. او شاعر ماهری بود و به عربی شعر می‌گفت. فرزندانش: میرزا لطفعلی، میرزا محمدجعفر و میرزا محمدباقر همگی از علمای برجسته بودند و وی «اجازه‌ی» مبسوطی در 1253 ق به آنان داد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در مقبره‌ی مخصوص خود، مقابل مرقد شیخ طوسی، دفن شد. از آثارش: کتاب «منهج الرشاد فی شرح الارشاد»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (69/ 3)، دانشمندان آذربایجان (35)، الذریعه (188 -187/ 23 ،142/ 1)، ریحانه (177 -176/ 5)، شهیدان راه فضیلت (547 -546)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 103 -102/ 13)، علماء معاصرین (345)، المآثر و الآثار (174 -173)، مکارم الآثار (1791 -1790/ 5)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (292/ 1)، معجم المؤلفین (54/ 2).

مجتهد تبریزی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338/ 1337 -1268 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و ادیب. در خانواده‌ی علم و تقوا در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به نجف رفت. گفته‌اند که او چون به نجف وارد شد محضر علامه شیخ انصاری را درک کرد. او همچنین از محضر میرزا حبیب‌اللّه رشتی و ملا محمد شرابیانی و ملا محمد ایروانی و سید حسین کوه کمری و میرزا محمدحسن شیرازی و ملا علی نهاوندی استفاده نمود و به دریافت اجازه از آنان نایل آمد، اخذ اجازه از استادش ملا علی نهاوندی نیز پس از پنج سال ملازمت حاصل شد. آن گاه به آذربایجان بازگشت و چندین سال در تبریز به تدریس پرداخت و منصب اجدادش را عهده‌دار گردید و مرجع دینی مردم آن دیار شد. او در همان جا درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد.
از آثارش: «تشریح الاصول»، که این نام برگرفته از نام کتاب استادش نهاوندی است؛ رساله‌ای در «مقدمة الواجب»؛ کتاب «الطهارة»؛ «رساله‌ی عملیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (27/ 5)، الذریعه (185/ 4)، ریحانه (178 -177/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 388 -387/ 14)، لغت نامه (ذیل/ حسن مجتهد)، معجم المؤلفین (276، 209 -208/ 3).

مجتهد تبریزی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1388 -1320 ق)، عالم دینی و فقیه. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و سطح را نزد پدر، و دروس دینی، علمی، فقه و اصول و ادبیات را نزد میرزا یوسف آقا و حاج میرزا عبدالعلی فراگرفت. در قم درگذشت و همن جا دفن شد. از آثار وی: شرح «ایقان» حاج شیخ هادی علامه تهرانی؛ «محاکمات بین شیخ الانصاری و آقا شیخ هادی»؛ شرح «بیع» آقا شیخ هادی؛ شرح «خلاصة الحساب»؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهائی؛ حاشیه بر «صلاة» آقا شیخ هادی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال مشاهیر (253/ 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (107/ 2).

مجتهد تبریزی، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1351 -1274/ 1269 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در نوزده سالگی به همراه برادرش، میرزا محسن مجتهد، به نجف رفت و از محضر ملا محمد فاضل ایروانی و شیخ محمدحسن مامقانی و ملا محمد فاضل شرابیانی و شیخ هادی تهرانی و در کربلا از محضر ملا حسین فاضل اردکانی استفاده نمود. تا در فقه و اصول برآمد. در 1311 ق به تبریز بازگشت و مرجعیت دینی مردم را عهده‌دار شد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. در اواخر عمر پس از کوشش بسیار برای رهایی شیخ محمدتقی بافقی از زندان رضا شاه مسافرتی به سنندج کرد و مورد تکریم بیش از حد عام و خاص اهل سنت قرار گرفت. بعد از اقامت کوتاهی در آنجا به قم رفت و چند سالی در آنجا ماند و در همان جا درگذشت. آیت‌اللّه کبیر بر وی نماز خواند و در رواق حضرت معصومه (ع) دفن شد. از آثارش: «المقالات الغرویه» یا «المقالات الغریة»، در مباحث الفاظ، در اصول؛ «کتاب الصلاة»؛ شرح «تبصره» علامه حلی؛ «الفوائد»، در مسائل متفرقه فقه؛ «طریق النجاة»؛ «رسالة فی المشتق»؛ رساله‌ای در «شرائط العوضین»؛ حاشیه بر «وسیلة النجاة»؛ حاشیه بر «منهج الرشاد»؛ «واجبات الاحکام»، رساله عملیه؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (367 -366/ 7)، الذریعه (392 ،41/ 21 ،320/ 16 ،135 ،45/ 13)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (251 -250/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 874 -873/ 14)، علماء معاصرین (157 ،153)، گنجینه‌ی دانشمندان (238 -236/ 1)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (291/ 1)، مکارم الآثار (2065/ 6)، مؤلفین کتب چاپی (482 -481/ 3).

مجتهد تبریزی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1340 ق)، عالم دینی، مجتهد، متکلم، حکیم، مدرس و شاعر. پس از فراگیری مقدمات از تبریز به نجف رفت و پس از استفاده از محضر اساتید و رسیدن به مرتبه‌ی اجتهاد و دریافت اجازه به تبریز بازگشت و مدتی در آنجا ساکن گردید. سپس به مشهد رفت و در آنجا به تدریس و انجام امور دینی مشغول گردید. وی در علم کلام و حکمت متبحر بود و در سرودن اشعار عربی و فارسی قریحه‌ی خوبی داشت. تخمیس‌هایی از او باقی است. وی در مشهد درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش «ذخیرة المحشر فی شرح الباب الحادی عشر»، در علم کلام و حکمت است که تبحر مؤلف را در این دو علم می‌رساند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (122/ 13 ،18/ 10 ،6/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1567 -1566/ 14)، علماء معاصرین (127 -126)، مستدرکات اعیان الشیعه (150/ 3).

مجتهد تبریزی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1267 ق)، عالم دینی، فقیه و مجتهد. وی برادر میرزا صادق آقا تبریزی بود. در تبریز به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند. سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت. وی پس از اخذ اجازه‌ی اجتهاد به تبریز بازگشت و به انجام امور دینی پرداخت. در اواخر عمر به ضعف بینایی و شنوایی مبتلا شد. او در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی‌السلام در مقبره‌ی پدرش دفن شد. از آثار وی: «احادیث خمسه فی فضائل الائمه (ع)»؛ «تبیین المحجة الی تعیین الحجة»، چهل حدیث؛ کتاب ایمان ابی‌طالب»، شرح حال و اشعار حضرت ابوطالب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (334/ 3 ،513/ 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (254/ 2)، علماء معاصرین (161 -159)، مؤلفین کتب چاپی (242 -241/ 5).

مجتهد تبریزی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1310 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، متکلم، مفسر، عروضی و زاهد. اصلش از قره‌داغ تبریز (ارسباران فعلی) بود. به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری اصول و در محضر شیخ مهدی کاشف الغطاء فقه را تلمذ نمود و به درجه‌ای عالی در اجتهاد رسید و با اجازه از استادش شیخ مهدی کاشف الغطاء، روایت کرد. سپس به تبریز بازگشت و متصدی بحث و تألیف و تدریس و افتاء گردید. او در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم عربی و فنون ادبی متبحر بود و تألیفاتش گویای مراتب علمی اوست. از آثارش: «اللمعة البیضاء»، در شرح «خطبة الزهراء (ع)»، و این شرح گستردگی اطلاعات و مهارت وی را در علوم عربی می‌رساند؛ «الاربعین»؛ «اسرار الحج»؛ «الاصول المهمة»، در اصول دین؛ «الامر بین الامرین»؛ «البداء»؛ تفسیر «سوره‌ی یس» یا «تفسیر قراچه‌داغی»؛ «تفسیر الکبیر»؛ «التنقیحات الاصولیة»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه بر «الفصول»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»، به نام «حدیقة البساتین فی شرح القوانین»؛ حاشیه بر «الروضة البهیة»، به نام «حدیقة الروضة»، که حاشیه‌ی «شرح لمعه» است؛ شرح «اخبار الطینة»؛ «صیغ العقود و الایقاعات»؛ «الفتوحات الرضویة»، در احکام فقهی؛ رساله‌ای در علم «العروض و القافیة»؛ «التحفة المحمدیة»، در عربیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (5/ 10)، الذریعه (350/ 18، 273/ 16، 259، 197، 36/ 15، 363/ 13، 382، 177، 166، 159، 101، 95، 61/ 6، 468، 344، 301/ 4، 213/ 2، 422/ 1)، ریحانه (439 -438/ 4)، علماء معاصرین (345 -343)، المآثر و الآثار (176 -175)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (286/ 1)، معجم المؤلفین (35/ 11).

مجتهد تبریزی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338/ 1337 -1297/ 1295 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و فقه و اصول را در تبریز در محضر پدرش و علماء دیگر فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات عالیات رفت و از حوزه‌ی درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و سید محمدکاظم طباطبائی یزدی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و محقق نهاوندی و دیگر علما استفاده نمود و چون عالمی برجسته شد به تبریز بازگشت. مراسلات و مکاتباتی منظوم و منثور بین او و شیخ آقا محمدرضا اصفهانی و شیخ جواد شبیبی وجود داشت. در اواخر عمر به بیماری فلج مبتلا شد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. او رسائلی گوناگون در فلکیات و ریاضیات و موضوعات مختلف فقهی نگاشت. از آثارش: «ارجوزه»، در عروض و قافیه، به عربی؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» استادش ملا محمدکاظم آخوند خراسانی؛ حاشیه بر «لسان الخواص» علامه رضی‌الدین قزوینی؛ «العروض»؛ «قاعدة الخطائن»؛ «اللباس المشکوک».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (127 -126/ 10)، الذریعه (486/ 1)، ریحانه (179 -178/ 5)، علماء معاصرین (118 -117)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (290/ 1).

مجتهد تبریزی، یوسف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1337 -1279 ق)، عالم دینی، فقیه، عابد و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری علوم عربی و منطق و ادبیات و قسمتی از اصول، در 1299 ق به نجف رفت و از محضر ملا محمدفاضل ایروانی و شیخ محمدهادی تهرانی استفاده نمود. در 1311 ق به تبریز بازگشت و به نشر احکام اسلامی و تدریس و تألیف پرداخت. در پایان عمر، وی به قصد زیارت، به عتبات رفت و پس از ورود به کاظمین درگذشت و در رواق شریف کاظمی دفن شد. در «الذریعه» و به تبع آن در «فرهنگ سخنوران» نام پدر صاحب عنوان، میرزا زین‌العابدین ذکر شده است. از آثارش: «لسان الحق» یا «مظالم المسیحیین»، در رد نصارا و تثلیث؛ «کشف بعض ما یعتقده الکرامخة»؛ کتابی در اینکه ترجمه‌ی واقعی قرآن مجید به زبان‌های دیگر مقدور نیست؛ کتابی در «ابتلاء الائمة»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (302/ 18، 1318/ 9)، علماء معاصرین (116 -114)، فرهنگ سخنوران (1018)، مستدرکات اعیان الشیعه (329/ 3).

مجتهد حسینی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا محمدعلی حسینی مجتهد جهرمی از علماء بزرگ و بنام این شهرستانست وی در جهرم متولد و پس از فراگرفتن مقدمات به نجف اشرف رهسپار شده و از محضر علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری استفاده نموده و در اندک مدتی مورد توجه خصوص استاد قرار گرفته و حسب‌الامر مرحوم شیخ به جهرم برگشته و به خدمات دینی پرداخته و در استان فارس شهرت بسزائی یافته و مورد علاقه مرحوم فرهاد میرزا معتمدالدوله واقع شده تا در 1307 قمری وفات نموده است.
دارای چند فرزند عالم و مجتهد بوده است.
1- حجةالاسلام آقا سید مرتضی محقق که در سال 1349 قمری از دنیا رفته است.
2- حجةالاسلام مرحوم سید علی مجتهد جد خاندان حجتی جهرم است.
3- حجةالاسلام مرحوم سید احمد که از علماء حوزه نجف اشرف بوده و در همانجا بدرود حیات گفته است.
4- حجةالاسلام مرحوم سید حسین که از علماء حوزه نجف اشرف بوده و در همانجا بدرود حیات گفته است.
5- حجةالاسلام مرحوم سید محمد که مقیم عراق و نجف اشرف بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجتهد زنجانی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحیم مجتهد متولد سال 1282 قمری اصلا طارمی و در ماهان طارم سفلی متولد شده و مرحوم والدش ملا محمد از فضلاء آن حدود بوده است که رساله‌ای راجع به اختیارات و خواص ایام به قلم وی موجود است.
مرحوم میرزا عبداللّه دومین فرزند ایشان در اوائل بلوغ برای تکمیل ادبیات عربی و خط بهیدج که دهی در هشت فرسخی زنجانست و آن روز عده‌ای رجال علمی و مخصوصاً ادبی داشته مسافرت نموده و پیش مرحوم آقا میرزا علی‌اصغر که از فضلاء بوده تلمذ نموده و با تکمیل رشته ادبیات و خط و متون متوسطه در سن 18 سالگی به نجف اشرف عزیمت نموده و مدتی در درس مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسن ممقانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی حاضر شده
و سپس به سامره رفته و در مجلس درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرده‌اند و در واقعه توتون و تنباکو در سامرا حضور داشته.
و چون به واسطه ریاست عمومی و بی‌نظیر میرزای مرحوم حوزه درسشان نامنظم شده بود. و از طرفی آوازه و شهرت علمی مرحوم آخوند خراسانی در افواه افتاده دوباره به نجف مراجعت و تا پایان اقامتشان در نجف منحصراً به درس آن مرحوم حاضر شده و با مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و قمی و آیت‌اللّه حایری یزدی و عراقی هم‌دوره و رابطه نزدیک داشته و تقریرات درس اصول مرحوم آخوند خراسانی را پیش از تألیف کفایةالاصول نوشته و نظریات خود را نیز اضافه کرده بودند که هنگام عزیمت به طرف ایران مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی که از نظریات و افکار و منقح بودن مطالب آن اعجاب داشته گرفته و به نظر مرحوم خراسانی رسانده بود و استاد بزرگوار پس از مطالعه مباحث آن تحسین و توصیف اجازه اجتهاد بنام ایشان با خط خود نوشته و تاریخ آن که 1312 قمریست موجود می‌باشد.
معظم له در سال 1314 قمری به ایران مراجعت و در زنجان اقامت نموده و موقعیت محلی و درس و بحث و قضاوت اوقات ایشان را می‌گیرد و پس از چندی که مشروطیت پیش بیاید و آیات بزرگ حوزه مقدسه نجف حکم به لزوم انعقاد مجلس شوراء ملی و تشکیل حکومت مشروطه می‌کنند ایشان به خاطر تأیید فرمان مراجع بزرگ و جلوگیری از تعدیات و

مفاسد استبداد وارد مبارزه می‌شوند و جبهه طرفداران مشروطیت با ورود و موقعیت ایشان مستحکم می‌گردد.
و ایشان در عین حال اشتغال به درس و بحث فقه و اصول و اقامه جماعت و قضاوت شرعیه داشته و نسبت به قضاوت در زنجان تعین داشتند.
و دارای حافظه قوی و تقریری جامع و کامل بودند که در سنین هفتاد سالگی تمام قواعد ادبی از نحو و صرف را که مقارن بلوغ به آنها اشتغال داشته و بعداً متارکه شده بود همه را در صفحه ذهن و ضمیر خود حاضر داشت و محاکماتی که در زمانهای قبل اتفاق افتاده بود از اظهارات متداعیین و حکم صادره از نظرشان محو نمی‌شد.
تقریر ایشان طوری بود که وقتی مطلبی را بیان می‌کردند واقعیت آن در نظر مستمع مجسم می‌گردید از این رو موعظه ایشان بسیار بلیغ و خطابه ایشان که هر سال در ماه مبارک رمضان منبر می‌رفتند بسیار رسا و گیرنده بود ایشان گاهی در نجف اشرف نیز هنگام تحصیل منبر می‌رفتند که میانه طلاب افصح فصحاء نامیده شده بودند و بالاخره مرحوم مامقانی بزرگ ایشان را از منبر فتن منع نموده و امر کرده بودند که چون امارات وصول به مراتب عالیه علم و فقاهت از شما نمایانست اشتغال شما به منبر فعلا حرام می‌باشد.
مطالب منبرشان که مخصوص ماه رمضان بود نوعاً اصول اعتقادات به مبانی کلامی بوده که عده‌ای از فضلا یادداشت می‌کردند مباحثی را از مسائل توحید و نبوت و امامت استدلالی نوشته که قسمتی باقی و برخی مفقود شده است.
آثار علمی ایشان در فقه از اینقرار است.
1- کتاب قضا و شهادات.
2- شرحی بر صلوة از منظومه مرحوم علامه بحرالعلوم.
3- تقریرات اصول مرحوم آخوند خراسانی که مشتمل بر مباحث الفاظ و ادله عقلیه.
4- حواشی بر رساله عملیه مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی تا باب خمس از آثار قلمی ایشان حاشیه مرحوم آخوند خراسانی بر رسائل که آن موقع چاپ نشده بود و تعادل و تراجیح آن را با خط خود از روی نسخه مؤلف استنساخ نموده‌اند.
آن مرحوم به واسطه تعینی که میانه فضلاء نجف داشتند عده‌ای از معاریف پیش ایشان تلمذ نموده‌اند از جمله مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مامقانی (صاحب رجال) و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین برادر کوچک آیت‌اللّه حاج آقا نجفی اصفهانی و خواب عجیبی که مرحوم شیخ محمدحسین دیده بوسیله ایشان تعبیر و بعدها تحقق پیدا کرده است.
به طوری که ایشان نقل نمودند که مرحوم شیخ محمدحسین مزبور روزی

سر درس حاضر شده و اظهار می‌دارند که دیشب من خواب عجیبی دیدم و می‌خواهم آن را تعبیر کنی.
من مدتی به مولای متقیان علی (ع) متوسل بودم که توجه فرمایند زودتر به رتبه اجتهاد به رسم دیشب آن حضرت را در خواب دیدم و باز حاجت خود را به حضورش عرضه داشتم به من فرمود (شیخ برو آدم شو) پس از بیدار شدن کلام امام (ع) مرا مأیوس ساخت و چنان پندارم که درس برایم فایده ندارد گفتم نه بلکه مطلب بعکس است اگر تو صلاحیت نداشتی امام تو را امر نمی‌فرمود به آدم شدن. معلوم می‌شود تو صلاحیت داری و حائز رتبه آدمیت خواهی شد.
حقیقت اینست اجتهاد که عبارت از تحقیق و استنباط احکام فرعیه از ادله است منهای معنویت تفاوتی با تحقیق در علوم طبیعی ندارد و احکام استنباط شده جز به خاطر عمل و کسب تقوی و معنویت نیست و مایه انسانیت حقیقی همان معنویت می‌باشد پس مقصود امام (ع) این بوده که از من مطالبه مقدمه را نموده و از ذی‌المقدمه غفلت داری.
عجب اینست که این تعبیر موافق بواقع تحقق یافت و مرحوم شیخ به طوری که در ترجمه حالش ضبط کرده‌اند به مراتب کمالات معنوی و زهد و عرفان نائل آمده و حائز مقاماتی گردیده است.
باری آن مرحوم پنجاه و یکسال در زنجان به درس و بحث و افتاو مراجعات مردم و قضاوت اشتغال داشت و نسبت به عظمت جامعه اسلام و تشیع بسیار علاقه داشت و دو دفعه از ایشان درخواست شده که رساله عملیه به چاپ دهند که عده‌ای علاقمند به تقلید ایشان می‌باشند در جواب گفته بودند که من اگر چه در نجف با مراجع زمان خود در مرتبه علمی برابر بودم و استاد آنها را به من ترجیح نمی‌داد اما بعداً آنها در حوزه باقی ماندند و من به زنجان آمده و تا حدی متارکه نمودم اضافه بر این حوزه نجف را نباید از مرکزیت انداخت.
تاریخ وفات ایشان ماه صفر سال 1365 ق است که در آن وقت آذربایجان و زنجان تحت اشغال قوای شوروی بود و حکومت توده پیشه‌وری در تبریز برقرار شده بود و قوای روس و فدائیان توده زنجان را در تصرف داشتند و با وفات ایشان که قهرا انبوه جمعیت به سوی منزل ایشان در خیابان پهلوی زنجان هجوم نمود روسها گمان کرده بودند که اهالی قصد قیام و اغتشاش دارند و می‌خواهند بر علیه فدائیان حکومت پوشالی اقداماتی نمایند لذا دستور داده بودند ستونهای موجود از ارتش در اطراف شهر مستقر شده و شهر را در محاصره گرفته بودند بعداً به آنان فهمانیده بودند که سوء قصدی در کار نیست و ازدحام جمعیت برای تشیع یک روحانی بزرگ است که وفات نموده‌اند
الحاصل ایشان در سن هشتاد و سه سالگی داعی حق را لبیک گفتند. و آن

مرحوم در بعضی از علوم غریبه از جمله جفر جامع اطلاع کامل داشتند و یکی دو مورد از اوضاع آینده استفسار و بجواب نائل که صورت عمل به طور مجمل موجود است. و نیز نسبت به امام غایب عجل‌اللّه‌فرجه اخلاص فوق‌العاده داشته و از دعاء ندبه در روزهای جمعه غفلت نمی‌کردند. در مرض موت ایشان اطرافیان که از ایشان پرستاری می‌کردند چندین دفعه حالت عجیبی مشاهده نمودند که ایشان با کبر سن و شدت بیماری که غالباً در حال بیهوشی بودند و قادر به حرکت نبودند گاهی به خود آمده و به پرستار خود دستور می‌داد که مرا بلند کنید با زحمت بلندش می‌کردند و به قبله ایستاده و لباسهای خود را مرتب می‌کرد و پس از یک دقیقه یا کمتر می‌گفتند بخوابانید و در حال قیام مثل اینکه در حضور شخص بزرگواری از اولیاء هستند.
و این حال از دو روز قبل از وفاتشان چندین دفعه تکرار شد و در سن هفتاد و سه سالگی که مبتلا به مرض تیفوئیته گردیده بودند درست ده سال پیش از وفات در حال میان خواب و بیداری شخصی را دیده بودند که از اطاق داخلی وارد اطاق ایشان گردید و نشست و خیار نوبری از جیب خود بیرون آورد و با چاقو خطی بخیار کشید و خط دوم را بر آن عمود کرد که قدری خط اولی را بریده و تجاوز نمود و گفت این عمر شماست و شما در سن 83 سالگی فوت خواهید کرد و این مکاشفه تحقق پیدا کرد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجتهد عراقی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1310/ 1308 -1240 ق)، عالم دینی و مجتهد. معروف به صاحب «قوامع». اصل وی از عراق عجم (اراک، آشتیان، فراهان و تفرش امروزی) است. نسبش به میثم تمار، صحابی امیرالمؤمنین (ع)، می‌رسد. در نه سالگی ادبیات را فراگرفت و در 1255 ق به بروجرد رفت. وی فقه و اصول را از محضر ملا اسداللّه بروجردی و سید محمد شفیع جاپلقی آموخت. آن‌گاه به مدت ده سال به سلطان‌آباد و تهران و خراسان و آذربایجان مسافرتها کرد. سرانجام به نجف رفت و سالها از محضر شیخ انصاری استفاده نمود و تقریرات فقه و اصول استادش را ضبط و تدوین کرد. پس از درگذشت استادش به ایران بازگشت و مدتی در همدان اقامت نمود، سپس در تهران ساکن گردید و از مجتهدان و مراجع بنام این شهر شد. وی در تهران درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در خانه‌ی کوچک خودش در نجف، نزدیک صحن علوی، دفن شد. از آثارش: «دارالسلام»، در احوال حضرت قائم (عج)، به فارسی که در 1305 ق تألیف نمود؛ «مشکاة النیرین»، در مناقب و مصائب معصومین (ع)، در بیست هزار سطر؛ «جوامع الشتات»، در اصول، تقریرات استادش شیخ انصاری؛ «لوامع النکات» یا «لوامع الاحکام»، در فقه، تقریرات استادش شیخ انصاری؛ «قوامع الفضول عن وجوه حقائق علم الاصول»؛ «کفایة الراشدین»، در رد جماعتی از مبدعین؛ «خزائن الکلام»، در شرح «قواعد الاحکام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (103/ 10)، ایضاح المکنون (441/ 1)، الذریعه (63/ 21، 371، 358، 92- 91/ 18، 199/ 17، 21- 20/ 8، 156، 155- 7/ 251، 248، 5)، ریحانه (382/ 3)، علماء معاصرین (332- 326)، المآثر و الآثار (167- 166)، معجم المؤلفین (179/ 12)، مکارم الآثار (1117- 1114/ 4)، هدیة العارفین (422- 421/ 2).

مجتهد قوچانی، ذبیح‌اللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ ذبیح‌اللّه بن العالم الجلیل حاج شیخ محمدصادق بن حاج ملا مهدی بن ملا احمد (خبوشانی) مجتهد قوچانی از علماء بزرگ قوچان بوده است. وی حدود سال 1309 قمری پس از تکمیل تحصیلات عالیه و رسیدن به مقام اجتهاد از نجف به قوچان وارد شده و پس از یکسال توقف به مشهد عزیمت نموده و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت اباالحسن الرضا علیه الصلوة والسلام رحل اقامت افکنده و در مدرسه میرزا جعفر به تدریس فقه و اصول پرداخته و بعد از بیست و سه سال توقف و خدمات دینی و روحی اجتماعی در سال 1335 قمری وفات و در دارالسیاده مدفون شده است.
وی از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و غیرهما از اعاظم آن عصر بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مجتهد کرکی، ابوعبداللّٰه حسین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1001 ق)، عالم امامی، فقیه و متکلم. معروف به امیر سید حسین مجتهد. دخترزاده‌ی محقق کرکی بود. در عصر شاه طهماسب صفوی از جبل عامل به ایران آمد و مدتی در قزوین سکونت داشت. به دستور شاه عباس اول به اردبیل رفت و شیخ‌الاسلام آنجا گردید. شیخ شمس‌الدین محمد بحرانی از شاگردان او می‌باشد. در اردبیل به بیماری طاعون درگذشت. پیکرش به عتبات حمل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «دفع المناواة»؛ «ایمان ابی‌طالب»؛ «رفع البدعة»؛ «سیاده الاشراف» یا «السید و السیادة» یا «تحقیق معنی السیادة»؛ «تبصرة المؤمنین»؛ «تذکرة الموقنین»، در اصول دین و عقاید؛ «تفسیر آیة احل لکم الطیبات»؛ حاشیه بر «صحیفه» و شرح آن؛ حاشیه بر «عیون اخبار الرضا»؛ «دعامة الخلاف»؛ شرح «روضه» کافی؛ «التوحید»؛ «النیة»؛ «النفحات القدسیة»؛ «النفحات الصمدیة»؛ «الرسالة الطهماسبیة»، در امامت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2/ 253)، اعیان الشیعه (5/ 473- 474)، الذریعه (8/ 199، 232، 11/ 242، 12/ 269- 270، 275- 276، 24/ 248، 287)، روضات الجنات (2/ 312- 318)، ریاض العلماء (1/ 182، 3/ 315، 324- 325، 4/ 49)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 72- 75، 1217)، عالم آرای عباسی (1/ 123- 124، 145).

مجتهد همدانی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1263- شهادت 1314 ق)، فقیه، عالم دینی و مجتهد. در همدان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به اصفهان رفت و در محضر عالم بزرگ ملا حسینعلی تویسرکانی تلمذ نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید. سپس به همدان بازگشت. پس از مدتی به قصد زیارت عتبات عالیات به نجف رفت و در مجلس شیخ انصاری شرکت کرد و مدتها در محضر وی شاگردی نمود. او سومین استادی بود که بحثهای شیخ انصاری را برای طلاب تقریر می‌کرد. سرانجام به همدان بازگشت و به تدریس و بحث و تألیف و نشر احکام پرداخت. او بنا به دعوت عده‌ای از شیعیان ساکن کردستان، به آنجا رفت و به نشر مذهب جعفری پرداخت تا اینکه قاضی و شیخ‌الاسلام اهل تسنن فرمان قتلش را صادر کرد و او به طرز فجیعی کشته شد و خانه و تألیفات و کتابهایش به غارت رفت و از آثارش جز «رسالة فی الرضاع» باقی نماند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (218 -216/ 6)، شهیدان راه فضیلت (503 -501)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 243 -242/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1339 -1338/ 3).

مجتهدقمی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در مآثر و آثار گوید: آقا حسین مجتهد قمی به علم و عمل اشتهار دارد و مرحوم میرزای فیض گوید: ملا آقا حسین عالمی است قدس نهاد که زهد در نهاد او عجین است و قدس در ذات او دفین والدش از اعزة و اتقیاء این بلد و از خدام آستان بضعه احمدی صلوات‌اللّه‌علیها است.
تحصیل مقدمات و سطوح را در خدمت حاج سید اسماعیل که از تلامذه مرحوم میرزای قمی بود تکمیل نموده به جانب عتبات عالیه رخت کشیدند. و در حوزه حجةالاسلام حاج شیخ مرتضی انصاری حاضر شده چهارده سال زمان توقفشان طول کشیده تا از حضیض تقلید به اوج اجتهاد ارتقاء جست و به وطن روی آورد و حکومات شرعیه قم منوط به رأی رزین ایشان شد در سال 1327 هجری مرحوم و در صحن جدید مقابل مقبره شهید نوری مدفون و سنگ بزرگی بر روی قبرش منصوب است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

مجتهدی تهرانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی از علماء با تقوا و موصوف بفضل و اخلاق تهرانست.
وی در سال نهم مهرماه سال 1302 شمسی برابر 1343 قمری هجری در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در سال 1363 قمری به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه چون آیت‌اللّه صدوقی یزدی و آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه حاج سید صادق شریعتمداری به پایان رسانیده و از محضر مرحوم زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن در سال 1370 قمری به تهران مراجعت و در مسجد حاج سید عزیزاللّه تهران بتدریس و تربیت عده‌ای از جوانان با ایمان و ضمنا استفاده از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری ادام اللّه ظله و مرحوم آیت‌اللّه تنکابنی نموده و کم‌کم مورد توجه معظم له و مردم متدین تهران و بالاخص تجار و اصناف بازار قرار گرفته و حوزه‌ای تشکیل داده و برای این خدمت دعوت به مسجد و مدرسه حاج ملا محمد جعفر معروف به مسجد (آقا) گردیده و در آنجا به اقامه نماز جماعت و پرورش محصلین و جوانان متقی و پرهیزگار نموده و عده بسیاری تربیت و بحوزه‌های علمی قم و مشهد اعزام نموده است.
آیت الله مجتهدی در سال 1362 قمری و در سن 19 سالگی به کسوت روحانیت درآمد و قبل از آن در بازار تهران مشغول به کار بود و پدر ایشان یعنی مرحوم محمد باقر راضی نبود که فرزندش طلبه شود ولی بر اثر عشق و علاقه زیادی که جناب استاد به علم و دانش داشت به سوی طلبگی روی آورد. با توجه به مخالفت پدر، سال‌ها با عسرت و سختی زیادی، در لباس روحانیت به تحصیل علم پرداخت و بعد از سال‌ها نه تنها پدر راضی شد بلکه بر وجود چنین فرزندی در نزد خویشان و نزدیکان و در اجتماع افتخار می‌کرد. وی پنج سال بعد یعنی در سال 1367 قمری و در سن 24 سالگی ازدواج کرد و در همین سال دروس رسائل و مکاسب را نزد آیات و حجج اسلام آقایان فاضل (پدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی) و سیدحسین قاضی و آقا شیخ قاسم نحوی امتحان داد و با موفقیت به اتمام رساند. بعد از قریب دو سال در سن 26 سالگی و در

سال 1369 قمری امتحان کفایه و قسمتی از درس خارج را با موفقیت گذراند. آیت‌الله مجتهدی در ضمن تحصیل، به تدریس کتب حوزوی هم می‌پرداخت و وقتی که از قم به تهران آمد شب‌ها در مسجد امین‌الدوله که مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد در آنجا مشغول به تدرس و اقامه نماز بود، استاد هم، صبح و عصر به امر تدریس اشتغال داشت و چون مرحوم حاج شیخ محمدحسین زاهد در اواخر عمر و با وجود کهولت سن به سختی مشغول تعلیم و تربیت طلاب بود، لذا از آیت‌الله مجتهدی تقاضا کرد که علاوه بر تدریس، شب‌ها هم منبر برود و آیت‌الله مجتهدی در طول دو سال، شش جزء از اول قرآن را با استفاده از تفسیر برهان که مبنای تفسیری ایشان بود برای مستمعین آیات قرآن را تفسیر می‌کرد. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی صبح‌ها در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله بازار جهت طلاب به تدریس کتب ادبیات و فقه مشغول بود و بعد از ظهرها هم برای کسانی که روزها شاغل بودند و بعد از ظهرها درس می‌خواندند به تدریس کتب حوزوی از قبیل مطول، سیوطی، مغنی، منطق و غیره می‌پرداخت. دو سال بعد یعنی در 21 محرم سال 1372 قمری، ثلمه‌ای در اسلام به وجود آمد و آن رحلت عارف زاهد و معلم اخلاق حاج شیخ محمدحسین زاهد رحمةالله علیه بود. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی پس از گذشت سه سال از رحلت آن عالم بزرگوار، همچنان به امر تدریس در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار تهران مشغول بود تا آنکه به درخواست عده‌ای از علماء و مردم متدین، از حضرت استاد تقاضا کردند که حوزه علمیه را به مسجد مرحوم حاج ملا جعفر منتقل کنند که در آن زمان مسجد، انبار خاک ذغال و خمره ترشی کسبه محل بود، و تجار و مردم متدین با علماء مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که آیه‌الله مجتهدی به دلایلی نسبت به علماء دیگر جهت ادامه راه مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد ارجحیت دارد. بنابراین با همت تجار و مردم متدین، آیت‌الله مجتهدی توانست حوزه علمیه فعلی را که در تهران خیابان 15 خرداد شرقی، کوچه شهید مرتضی کیانی، کوچه مسجد آقا واقع است تأسیس کند. نگارنده گوید: جناب آقای مجتهدی از دانشمندان و مربیان با حقیقت و معنویت معاصر است و از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام با تقوا و ورع یافته و مکروهی از وی ندیده‌ام جدا از افرادیست که علم خود را مقرون بعمل و قدس خویش را توام با اخلاص قرار داده است.

آثار قلمی چندی دارد که از آنها چند رساله بطبع رسیده است.

1- رساله‌ای در احکام‌الغیبه.

2- رساله‌ای در گناهان کبیره.

از خدمات ارزنده ایشان تشکیل حوزه علمیه مدرسه و مسجد آقای مزبور است که در حال حاضر بیش از یکصد طلبه و محصل دارد که عموم آنان را

شهریه (ماهیانه) از سیصد ریال الی یکهزار و پانصد ریال میدهد. معظم له از عموم مراجع نجف اشرف و قم و تهران و غیره وکالت و اجازه دارد.
آیت الله مجتهدی تهرانی که در سالهای آخر عمر از مشکلات تنفسی و قلبی رنج می‌برد در ۲۳ دی ۱۳۸۶ در سن ۸۵ سالگی در بیمارستان بازرگانان تهران دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی شبستری، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا محسن بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا کاظم شبستری از فضلاء و ائمه جماعت معاصر تهرانند. وی در سال 1315 شمسی در شبستر که در هشت فرسخی تبریز است متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه و مقدمات عربی را در شبستر و تبریز به پایان رسانیده و در سال 1331 قمری وارد حوزه علمیه قم گردیده و بتحصیل علوم دینیه پرداخته و پس از تمام شدن سطوح از محضر اساتید بزرگ و عالیقدری مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه امام خمینی و آیت‌اللَّه علامه طباطبائی ادام اللَّه ظلهم علی رؤس الانام استفاده و ضمنا تدریس سطوح از مطول و شرح لمعه و رسائل و مکاسب نموده تا در سال 1392 قمری که بنابر تقاضا و اصرار عده‌ای از مؤمنین ساکنین شمال تهران منتقل به آن سامان گردیده و در مسجد طلاچیان واقع در خیابان فرح جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر کلام مبین و سایر خدمات از تدریس علوم دینی و غیره اشتغال دارند.
مرحوم والدش آیت‌اللَّه حاج میرزا کاظم مجتهد شبستری از علماء و مراجع طراز اول و معروف آذربایجان بودند. وی در سال 1306 قمری در شبستر متولد و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح به نجف اشرف هجرت و بعد از مراجعت دوازده سال مقیم وطن (شبستر) بوده و سپس به شهرستان تبریز منتقل و ده سال در آنجا بخدمات مذهبی و مرجعیت دینی موفق و در سن شصت سالگی برحمت ایزدی پیوسته و از تبریز حمل به قم و در قبرستان مرحوم آیت‌اللَّه حایری مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله بن العلامه آیه الله حاج میرزا مصطفی مجتهدی تبریزی از علماء معاصر تبریز است. وی در هشتم ربیع الثانی 1320 در نجف اشرف متولد شده و مرحوم والدش که در سال 1317 ق مهاجرت به نجف نموده بود بعد از هشت سال توقف و استفاده از محضر علامه خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و دیگران بواسطه کسالت در سال 1325 ق باتفاق عائله و برادر گرامش آیه الله حاج میرزا خلیل مجتهد به ایران مراجعت و در موقع ورود که مصادف با انقلاب مشروطه بود از رفتن به تبریز خودداری و در میانه و اطراف تبریز اقامت نموده و در سال 1326 ق برای معالجه در معشیت برادر بزرگش آیه الله حاج میرزا مسعود آقا و خانوادهاش به تهران آمده و مدت دو سال توقف و در سال 1328 قمری به تبریز برگشته و به وظائف دینی پرداخته است.
وی در مهد پرورش آن والد بزرگوار تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را نزد والدش و دیگران خوانده و در سال 1337 ق که والدش فوت نموده نزد علماء تبریز مانند آیه الله حاج میرزا خلیل آقا مجتهد و آیه الله میرزا رضی تکمیل نموده و در سال 1344 ق مهاجرت به قم و از محضر آیت الله العظمی حایری و آیه الله یثربی کاشانی و آیه الله حاج شیخ محمد رضا اصفهانی استفاده نموده و در سال 1350 ق مراجعت به تبریز نموده و تا هم اکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجذوب علیشاه همدانی، محمدجعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1239 ق)، عالم دینی، فقیه، عارف، صوفی و شاعر، متخلص به مجذوب. ملقب به مجذوب علیشاه و معروف به کبو در آهنگی. وی از طایفه‌ی قراگوزلو از طوایف همدان بود. در محضر ملا محمدمهدی نراقی و میرزای قمی تلمذ نمود و فقه و اصول را فراگرفت. او از میرزای قمی اجازه‌ی اجتهاد داشت گرچه هیچ‌گاه به اجتهاد نپرداخت. وی همزمان با تحصیل فقه و اصول به مطالعه‌ی آثار بزرگانی چون: ابن‌طاوس، خواجه نصیر، ابن فهد حلی، شیخ‌بهائی، ابن‌میثم، میرداماد، میر فندرسکی، فیض کاشانی و دیگران که روح عرفانی داشتند می‌پرداخت و اوقات خود را به عبادت و ریاضت می‌گذراند. فضلای روزگارش او را سلمان زمان می‌خواندند و ملا حسنقلی همدانی، قطب عرفای روحانی او را بسیار می‌ستوده است. در تبریز درگذشت و در نزدیکی مقبره‌ی سید حمزه دفن شد. از آثارش: «اثبات النبوة الخاصة»، به فارسی؛ «مرآة الحق»، تحقیقی در تصوف، حلول، اتحاد و تناسخ؛ «مراحل السالکین»؛ شرح «دعاء الامیر (ع)»؛ «الاعتقادات»؛ حواشی بر «کفایة» محقق سبزواری و «مدارک» و «شرح لمعه»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (295، 270 -268/ 20، 247/ 13، 964/ 9، 101/ 1)، ریاض العارفین (304 -302)، ریحانه (189 -188/ 5)، سرآمدان فرهنگ (277/ 1)، شرح حال رجال (328/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 259 -258/ 13)، فرهنگ سخنوران (801)، لغت نامه (ذیل/ مجذوب همدانی)، مجمع الفصحا (944 -943/ 5)، معجم المؤلفین (152/ 9)، مکارم الآثار (1060 -1059/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (325 -324/ 2).

مجلسی

قرن:11
جنسیت:زن
ملیت:ایران
قرن یازدهم و (احتمالاً) دوازدهم هجری، از زنان محدث و فقیه. وی نوه علامه مجلسی اول (ملا محمدتقی) و برادرزاده مجلسی دوم (ملا محمدباقر) بوده است. این بانو در خاندان علم و فضیلت و تقوا پرورش یافت و فقه و حدیث را نیز فراگرفت. مولف ریحانةالادب، او را «از ارباب کمال بلکه در عداد علماء معدود و (صاحب) رساله‌های متعدد در مسائل فقهیه» دانسته و یک حاشیه بر کتاب من لا یحضره الفقیه به او نسبت داده است.
به نوشته آقا احمد بهبهانی، وی مانند خواهرش بلا ولد (بدون فرزند) از دنیا رفت. برخی مقبره‌ای را که در بقعه علامه مجلسی به آمنه بیگم منسوب است و اشعاری بر روی آن حکاکی شده بود متعلق به وی یا زینب بیگم، دختر مولی محمد سعید اشرف می‌دانند نه از آمنه بیگم.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه، 607 / 3؛ تذکرةالقبور، 29 دایرةالمعارف تشیع، 424 / 3؛ دست نوشته‌های علی دوانی (پدر نگارنده) ریاحین‌الشریعه، 225 / 4؛ ریحانةالادب، 262 / 6؛ النساءالمومنات، 268؛ مرآت‌الاحوال جهان‌نما، 71.

مجلسی، آمنه‌بیگم

قرن:12
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم، محدث و فقیه. وی بزرگ‌ترین دختر از چهار دختر ملا محمدتقی مجلسی و خواهر ملا محمدباقر مجلسی بود. آمنه بیگم هم صاحب جمال بود و هم نمونه کمال. از آنجا که در خانواده‌ای عالم و فاضل پرورش یافته بود و مدارج ترقی را تا درجه‌ی اجتهاد به سرعت پیمود. با ملا محمدصالح مازندرانی وصلت کرد. میرزا عبداللّه افندی در «ریاض العلماء» نقل می‌کند که شنیده‌ایم همسرش با همه‌ی فضل و دانشی که دارد از او استفسار می‌کند». از آن جمله در حل مشکلات «قواعد الاحکام» علامه حلی با شوهرش همکاری داشت. در «ریاحین الشریعه» به استناد یک نسخه‌ی خطی «ریاض العلماء» دو اثر به آمنه‌بیگم نسبت می‌دهد: «شرح الفیه‌ی ابن‌مالک» و «شرح شواهد سیوطی» که در ریحانه نیز به این دو کتاب اشاره شده است. مؤلف «ریاض الجنه» نیز می‌نویسد که وی کتابی بسیار خوب در فقه، تا باب عبادت، تألیف کرده است؛ علاوه بر این در گردآوری اخبار بعضی از مجلدات «بحارالانوار» به برادرش نیز کمک می‌کرده است. وی مادر فرزندان عالمی است که از خاندان آنها تاکنون دهها مجتهد مرجع تقلید و دانشمند بلند آوازه‌ی دینی برخاسته است. تاریخ فوت آمنه‌بیگم مشخص نیست. به نوشته‌ی مؤلف «ریحانه» مرقد وی در تخت‌فولاد اصفهان است، ولی برخی احتمال می‌دهند که یکی از قبرهای واقع در بقعه‌ی علامه مجلسی که اشعاری هم بر روی آن نوشته شده متعلق به آمنه‌بیگم است. در برخی منابع نام او آمنه‌خاتون آمده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (3/ 607، 2/ 95)، تذکرة القبور (28 -27)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 186- 187)، ریاحین الشریعه (3/ 329)، ریاض العلماء (5/ 407)، ریحانه (8/ 365- 366، 5/ 148)، فوائد الرضویه (543- 544)، قصص العلماء (228)، مرآت الاحوال جهان‌نما (128- 129 1/)، مستدرکات الاعیان (4/ 8)، مشاهیر زان (8- 9).

مجلسی، محمدباقر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1111/ 1110 -1038/ 1037 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم و شاعر، متخلص به مشتاق. مشهور به علامه مجلسی. شیخ‌الاسلام اصفهان بود. وی از دانشمندان بزرگ اواخر خکومت صفوی است که با پشتکار فوق‌العاده و تصنیف و تألیف کتب و تدریس علوم اسلامی و تربیت شاگردان بسیار، بزرگترین خدمات را به جامعه اسلامی عرضه نمود. ملا محمدباقر در آخرین سال سلطنت شاه عباس و در عصر مرجعیت میر داماد در اصفهان به دنیا آمد. او دروه‌ی چهار تن از سلاطین صفوی: شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین را درک نموده است. نسبش از جانب پدر به حافظ ابونعیم اصفهانی می‌رسد و جد مادریش کمال‌الدین درویش محمد عاملی اصفهانی است. او بیشتر تحصیلاتش را در حوزه‌ی پدرش، علامه مجلسی اول، گذراند و بارها از وی اجازه گرفت و در علوم معقول و منقول از محضر استادانی چون ملا حسنعلی شوشتری و آقا حسین محقق خوانساری و میرزا رفیع‌الدین محمد طباطبایی نایینی و ملا محمد شریف رویدشتی اصفهانی و شیخ عبداللّه بن جابر عاملی و شیخ علی بن شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی و میر محمد قاسم طباطبایی قهپایی و ملا محسن فیض کاشانی و ملا محمدصالح مازندرانی و میر شرف‌الدین علی شولستانی و سید محمد مشهور به سید میرزا جزایری و میر فیض‌اللّه طباطبایی قهپایی و میر محمد مؤمن استرآبادی و ملا محمدمحسن استرآبادی و سید نورالدین علی عاملی و ملا محمدطاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و سید علی خان شیرازی و شیخ حر عاملی استفاده نمود و از جانب آنها به دریافت اجازه نایل شد. او جامع معقول و منقول و در فقه و تفسیر و حدیث و درایه و رجال و اصول فقه و کلام و دیگر علوم دینی متبحر بود. میرزا عبداللّه اصفهانی، صاحب «ریاض العلماء» و سید نعمت‌اللّه جزایری و میر محمدصالح خاتون‌آبادی و ملا ابوالحسن شریف عاملی فتونی و ملا محمد بن علی اردبیلی و ملا محمد سراب تنکابنی و میر محمدحسین خاتون‌آبادی و ملا رفیعا گیلانی و سید ابوالقاسم خوانساری و میرزا علاءالدین محمد گلستانه و مولانا جمشید گسکری و ملا محمدقاسم بن محمدرضا هزار جریبی و سلطان محمود طبسی و میر ابوطالب فندرسکی و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و ملا ابراهیم گیلانی و ملا محمد فاضل مشهدی و بسیاری دیگر از بزرگان

در محضرش تلمذ نمودند و از حوزه‌ی درسش بهره بردند. شاگردان مسلم او را متجاوز از دویست نفر می‌دانند. صاحب «ریاض العلماء» آنها را در حدود یکهزار نفر و سید نعمت‌اللّه جزایری آنان را بیش از هزار نفر می‌داند. او در اصفهان درگذشت و در جنب جامع عتیق، در بقعه‌ی پدرش، ملا محمدتقی مجلسی، به خاک سپرده شد. گفته شده که آثار او تنها به فارسی در حدود پنجاه تألیف و تصنیف است. از آثارش: «بحارالانوار»، جامع‌ترین کتاب حدیث، در یکصد و ده مجلد؛ «مرآة العقول»، در شرح اخبار آل رسول (ع)، شرح «اصول، فروع و روضه‌ی کافی»؛ «ملاذ الاخیار فی شرح التهذیب الاخبار»، حاشیه بر «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی؛ «الفوائد الطریفة فی شرح الصحیفة»؛ «الوجیزة»، در رجال؛ «زاد المعاد»؛ «تحفة الزائر»؛ «حق الیقین»؛ «عین الحیاة»، در شرح وصایا و مواعظ پیامبر (ص) به ابوذر و مختصر آن، در سه هزار سطر؛ «مشکاة الانوار»، در فضیلت قرائت قرآن؛ «اختیارات الایام و الساعات»؛ «مفاتیح الغیب فی الاستخارة»؛ «حیات القلوب»؛ رساله‌ی «الاعتقادات»؛ «آداب الحج»؛ «الاربعون حدیثا»؛ «الاجازات»؛ «جلاء العیون»؛ «تفسیر آیة النور»؛ «میزان المقادیر»؛ حاشیه بر «امل الآمل»؛ «حلیة المتقین»؛ شرح «دعاء جوشن کبیر»؛ ترجمه‌ی «الزیارة الجامعة»؛ «صراط النجاة»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ «مقیاس المصابیح».[1]
ملا محمدباقر، فرزند ملا محمدتقی مجلسی (ه.م) از اجله‌ی علمای شیعه‌ی عهد صفویه است که به سال 1037 هجری قمری (یک سال قبل از مرگ شاه عباس کبیر) متولد و در روز بیست و هفت رمضان سال 1110 و یا 1111 هجری قمری وفات یافته است. و در جامع عتیق اصفهان مدفون است. تعداد تألیفات وی از شصت مجلد متجاوز است و بحارالانوار فی اخبارالائمة الاطهار از همه معروفتر است. این کتاب به زبان عربی نوشته شده و شامل 26 جلد می‌باشد و متضمن اخبار و احادیث متنوع می‌باشد. عین‌الحیات (مشتمل بر مواعظ راجع به ترک دنیا)- مشکوةالانوار- حلیةالمتقین (در اخلاق و اعمال)- حیوةالقلوب- تحفةالزائر- جلاءالعیون- مقیاس‌المصابیح در تعقیبات نمازهای یومیه- ربیع‌الاسابیع- زادالمعاد- حق‌الیقین را به زبان فارسی تحریر کرد و به علاوه رسالات کوچک بسیار از او باقی است؛ مجلسی دوم، مجلسی پسر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (273/ 6)، اعیان الشیعه (184 -182/ 9)، ایضاح المکنون (521، 460، 284، 207/ 2، 607، 548، 421، 410، 399، 374، 363، 249، 163/ 1)، بحارالانوار (67 -37/ 0)، تاریخ ادبیات ایران، براون (263، 258 -257/ 4)، تاریخ ادبیات در ایران (173/ 5)، تذکرة العلماء (164 -159)، تذکرة القبور (164 -162)، تذکرة المعاصرین

(321)، تلامذة العلامة المجلسی، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (58 ،51 /49 ،2)، خدمات متقابل اسلام و ایران (474 ،473)، الذریعه (47/ 25 -279/ 280 ،21 /54 ،304 ،22 /191 -192 ،23 /318- ،320 ،20 /347 -75 ،/176 ،12 /11 ،13 /90 ،156 ،247 ،15 /37 ،38 ،95 ،370 ،16 /193 ،10 /40 ،83 ،121- 122 ،8 /25 ،51 ،181 ،7 /202 ،287 ،6 /16- 27 ،438 ،4 /83 ،358 ،477 ،505 ،5 /124- 125 ،187 ،480 ،3 /14 ،15- 16 ،19 ،88 ،124 ،367 ،411 ،412 ،2 /224 ،479- 1)، روضات الجنات (91 -76/ 2)، ریاض العلماء (450 -39/ 5)، ریحانه (197 -191/ 5)، سبک شناسی (304 -303/ 3)، صبح گلشن (413 -412)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 95/ 12)، فرهنگ سخنوران (844 ،802 ،117)، فوائد الرضویه (418 -410)، قصص العلماء (228 -204)، الکنی و الالقاب (150 -147/ 3)، لغت نامه (ذیل/ مجلسی)، معجم المؤلفین (91/ 9)، مفاخر اسلام (جلد هشتم)، منتخب التواریخ (672 -670)، مؤلفین کتب چاپی (42 -23/ 2)، وقایع السنین و الاعوام (551 ،508)، هدیة العارفین (307 -306/ 2).

مجلسی، محمدتقی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1070 -1004/ 1003 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، عابد و زاهد. نسبش به حافظ ابونعیم اصفهانی، صاحب «حلیة الاولیاء» می‌رسد. اصلش به آورده‌ی «روضة الصفا» از دارالمرز رشت، و به گفته‌ی معلم حبیب‌آبادی در «مکارم الآثار» از قریه مجلس از روستاهای جبل عامل است و از آنجا که تخلص شعری پدرش، مقصود علی، مجلسی بوده این سلسله به مجلسی معروف گشته‌اند. ملا محمدتقی در اصفهان به دنیا آمد. مادرش دختر درویش محمد نطنزی اصفهانی می‌باشد. وی در فقه و تفسیر و حدیث و رجال متبحر و در عبادات و عرفان پیرو استاد خود ملا عبداللّه شوشتری بود. او نخستین کسی است که بعد از ظهور دولت صفویه به نشر احادیث شیعه پرداخت. در محضر شیخ بهائی و ملا عبداللّه شوشتری و پسرش ملا حسنعلی شوشتری و میر شرف‌الدین علی شولستانی نجفی تلمذ نمود و به دریافت اجازه نایل شد. ملا محمدتقی از محقق کرکی، مشهور به محقق ثانی، و ملا عبداللّه شوشتری و شیخ بهائی روایت کرده است. میر فندرسکی و قاضی معزالدین محمد اصفهانی و شیخ یونس جزایری و قاضی ابوالشرف و شیخ عبداللّه بن شیخ ابوالبرکات و ملا محمدقاسم، دایی‌اش، به آورده‌ی «تذکرة القبور»، از دیگر مشایخ وی می‌باشند. فرزندش، ملا محمدباقر مجلسی، و آقا حسین محقق خوانساری و میر عبدالحسین خاتون‌آبادی اصفهانی از شاگردان وی بودند. شیخ عبداللّه بن جابر عاملی از او روایت می‌کند. در اصفهان درگذشت و در جنب جامع عتیق دفن شد. مقبره‌ی وی به سر قبر آخوند معروف است. از آثار وی: «روضة المتقین»، در شرح «من لا یحضره الفقیه»، که آن را به امر شاه عباس به فارسی شرح کرد و «اللوامع القدسیة» یا «لوامع صاحبقرانی» نامید؛ «حدیقة المتقین فی معرفة احکام الدین لارتقاء معارج الیقین»؛ «احیاء الاحادیث فی شرح تهذیب الحدیث»، که همان شرح «تهذیب» شیخ طوسی است؛ «تفسیر» فارسی؛ «مناسک الحج»؛ «الاربعون حدیثا»، که در آن به ذکر مشایخ خود پرداخته است؛ شرح بر «صحیفه‌ی سجادیه»، به عربی و فارسی؛ حاشیه بر «نقد الرجال»؛ «طبقات الرواة»؛ شرح «خطبه همام»؛ حاشیه بر «اصول کافی».[1]
ملا محمدتقی، فرزند مقصود علی اصفهانی (ف. 1070 ه.ق) از متبحران علمای شیعه‌ی اثنی عشری است که احادیث و اخبار شیعه‌ی امامیه را

جمع‌آوری کرده است. وی از شاگردان شیخ‌بهائی (ه.م) است. و در جامع عتیق اصفهان مدفون است. ملا محمدتقی در زمان شاه عباس کبیر می‌زیسته و پدر ملا محمدباقر مجلسی (ه.م) می‌باشد. تعداد تألیفاتش متجاوز از 10 مجلد، مجلسی اول، مجلسی پدر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (193 -192/ 9)، تذکرة العلماء (167 -164)، تذکرة القبور (221 -219)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (217 -212/ 2)، الذریعه (258/ 22 ،370 -369 ،368/ 18 ،149 -148/ 15 ،67 -66/ 14 ،348 ،305 ،226/ 13 ،303 -302 ،190/ 11 ،227 ،145/ 6 ،389 ،413 ،307/ 1)، روضات الجنات (119 -114/ 2)، روضة الصفا (585/ 8)، ریاض العلماء (47/ 5)، ریحانه (201 -198/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 102 -101/ 11)، فوائد الرضویه (446 -439)، قصص العلماء (228 -214)، الکنی و الالقاب (152 -150/ 3)، مفاخر اسلام (44 -28/ 8)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1153 -1152/ 3)، معجم المؤلفین (137/ 9)، هدیة الاحباب (233 -232).

محسنی ملایری، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1324 ق.، نجف اشرف.
درگذشت: 22 مهر 1374، تهران.
آیت‌الله محمدباقر محسنی ملایری پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح حوزه نزد اساتیدی همچون آیت‌الله خراسانی، حاج شیخ حسن قرسی، آیت‌الله آقازاده خراسانی، ابوالقاسم قمی، میرزا مهدی اصفهانی و حاج آقا بزرگ حکیم الهی در حکمت و فلسفه تلمذ نمود. با تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به این شهر هجرت کرد و در محضر آیات عظام حائری یزدی و بروجردی به تحصیل پرداخت و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. وی دارای چهارده اجازه‌ی اجتهاد از مراجع مسلم از جمله آیت‌الله اصفهانی بود.
آیت‌الله محسنی ملایری در رسیدگی به امور مردم اهتمام داشت و احداث حوزه علمیه باقریه، حسینیه و کتابخانه‌ای در ملایر از اموال شخصی خود و تعیین موقوفات برای آن را می‌توان از خدمات اجتماعی وی دانست.
از آثار قلمی ایشان گذشته از تقریر و تلخیص مطالب مستفاد از اساتید، رساله‌ای به نام تطبیق الادیان را می‌توان نام برد.
آیت‌الله محمدباقر محسنی ملایری در سن نود و دو سالگی پس از یک دوره بیماری و بر اثر سکته قلبی در بیمارستان ساسان درگذشت.
محمدباقر محسنی فرزند مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم از علماء مبرز و بنام معاصر است در ملایر.
وی در حدود 1324 قمری در نجف اشرف متولد شده و در خدمت والدش که از اعاظم و اجلاء حوزه درس مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند خراسانی بوده است به ایران آمده و در ملایر اقامت نموده و دروس مقدماتی و سطوح را از محضر آن مرحوم و سایر اعلام مانند مرحوم آمیرزا هدایت‌اللّٰه مشهور به (آقانجفی) استفاده نموده سپس برای تکمیل تحصیل به ارض مقدسه خراسان مشرف و از محضر اساتید بزرگ مانند مرحوم آقا شیخ حسن برسی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمد آقازاده کفائی و مرحوم آیت‌اللّٰه قمی و عالم ربانی مرحوم آیت‌اللّٰه آقامیرزا مهدی اصفهانی (در فقه و اصول) و نیز حکیم المتاله آقابزرگ حکیم (در حکمت و فلسفه) استفاده نموده و در خلال آن تدریس سطوح داشته و پس از آن به قم آمده و برهه‌ای از زمان را از محضر مرحوم آیت العظمی حایری و مرحوم

آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم قمی استفاده نموده و هم در این اواخر چندی از محضر آیت العظمی بروجردی مستفیض و تا حال تحریر در ملایر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و غیره اشتغال دارد.
آثار علمی و خدمات اجتماعی معظم‌له از این قرار است 1- تقریرات و تلخیص مطالب مستفاده از اساتیدشان 2- تطبیق‌الادیان.
و اما آثار خالده و باقیات‌الصالحات ایشان به قرار ذیل است.
1- احداث بناء مدرسه باقریه ملایر که به نام چهارده معصوم (ع) دارای چهارده اطاق و مدرس و کتابخانه از مال شخصی خودش.
2- بناء مسجد در جنب همان مدرسه بنام مسجد سجاد که اکنون مفروش و معمور می‌باشد.
3- ساختمان عمارتی با کتابخانه در جنب مدرسه و مسجد مزبور برای استفاده عموم و مدرس مدرسه و امام مسجد مزبور که دائما در آن ساختمان سکونت داشته باشد به مخارج شخصی.
4- ساختمان مسجدی بنام صفی بادوازده باب دکان کنار میدان پهلوی ملایر که واقف آن مرحوم حاج اصغر صفی و تولیت آن با ایشانست.
5- تعمیرات مدرسه و مسجد شیخ‌الملوکی فرزندن مغفور فتحعلی شاه قاجار که بانی و مؤسس مدرسه و مسجد و تکیه و شانزده باب دکان و حمام و سرای بوده و نظارات و تولیت آن با اعلم علماء شهر ملایر معظم‌له می‌باشد.
6- احیاء موقوفات مرحوم حاج عیسی‌خان بیگدلی که در تهران نیز موقوفاتی دارد و قریب یکصد و بیست سالست وقف نموده و تولیت آن را با اعلم علماء شهر قرار داده که اکنون دست ایشانست.
7- احیاء موقوفات دیگر از قبیل موقوفات حاج شیخ محمدعلی افصحی و حاج رئیس‌التجار و حاج عبداللّه و احداث موسسات خیر در قراء و قصبات از محل موقوفات و آثار و خدمات دیگر ادام اللّه عمره و توفیقه.
نگارنده گوید: جناب آیت‌اللّه محسنی مضافاً از مراتب علمی و خدمات دینی در موضوع استخاره ید طولائی دارند و از غالب شهرها مردم راجع به حوائج خود کتبا و یا شفاها به ایشان رجوع کرده و طلب استخاره می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محقّق اصفهانی حائری، محمد جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فقیه ادیب، و شاعر زاهد، از مدّرسین ادبیّات در کربلا و ساکن مدرسه حسن خان بوده، و عمری به فقر و استغناء زندگی فرموده، و جمعی از فضلا و مستعدّین در خدمتش تحصیل نموده.
گاهی به مقتضای حال، اشعاری می‌سروده و در آنها «قدسی» و «محقّق» تخلّص می‌نموده. قسمتی از اشعارش به طبع رسیده.
در مقدّمه دیوانش گوید: متبحّر در علوم عربیّت، و شاخص در ادبیّت، و استاد نحو و منطق و علم کلام، و مبرّز در معقول و منقول، و با آن که فقیه فاضلی بود، جنبه شعر و ادبیّش غالب بر سایر معلوماتش می‌نمود.
در 1328 وفات یافته، در صحن مطهر حسینی علیه السلام مدفون گردید.
از اشعار اوست:
در بزم دهر عیش میّسر نمی‌شود
زین جام می گلوی کسی تر نمی‌شود
هرگز کسی ز آینه جام در جهان
دارای عصر خویش و سکندر نمی‌شود
نفس اژدری است تا نشود کشته‌ای حکیم
در دست گنج عقل میسّر نمی‌شود
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

محقق بهشتی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله حاج سید محمد محقق بهشتی از علماء معاصر بابل است، وی در بابل متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و تحصیلات اولیه و سطوح را در بابل خوانده و بنجف مهاجرت و از محضر آیات عظام و مراجع کرام آن سامان استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده و بوطن مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام اشتغال دارد.
از باقیات الصالحات ایشانست فرزند برومند و فاضل آنجناب حجه‌الاسلام آقای آقا سید حسن آقا بهشتی که سالهای متمادی در مشهد مقدس تحصیل علوم اسلامی از فقه و اصول و غیره نموده آنگاه ببابل مراجعت و باقامه جماعت و ترویج دین و تدریس و سایر خدمات روحی و دینی مشغول میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محقق تهرانی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ رضا محقق تهرانی از علماء و مجتهدین مبرز معاصر تهرانست.
وی در حدود سال 1332 قمری در تهران متولد شده و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح در سال 1365 قمری عصر ریاست آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان اللّه علیه به قم آمده و از محضر آن مرحوم و آیات دیگر استفاده نموده و پس از چند سال به تهران مراجعت و بتدریس سطح و خارج پرداخته و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد بازار آهنگرها و گفتن درس خارج برای عده‌ای از فضلاء تهران اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آن جناب عالمی محقق و دانشمندی مدقق است دارای آثار علمی می‌باشند که از آنها شرح بر شرایع الاسلام بنام حقایق الفقه است که قسمتی از آن بطبع رسیده است.
و ایشان عدیل و باجناق حجةالاسلام و قدوه العلماء الاعلام آقای آقا شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی که از افاضل علماء و مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم و تهرانند، می‌باشند.
آقای خندق‌آبادی مزبور از بیت علم و فضیلت و دارای مقام فضل و تقوا و ورع و موصوف بکمال و معنویت است. وی چندین سال در حوزه علمیه قم اشتغال بتدریس و کسب فیض از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بودند و ضمنا تدریس کفایه و مکاسب و غیره می‌نمودند و بسیاری از فضلاء تهرانی معاصر از شاگردان او می‌باشند. در جمع و تربیت جامع الاحادیث آیت‌اللّه بروجردی سهم بسزائی دارند و از این جهت و جهات دیگر مورد توجه مخصوص آیت‌اللّه و محسود بعضی از اقران بودند که پس از فوت آن مرحوم قم را ترک نموده و از شرکت در مجامع عمومی و اجتماعات و معاشرت خودداری و مهر سکوت بر زبان و بحال مخصوصی ایام خود را می‌گذراند و آیا مفاد فرمایش حضرت صادق علیه‌السلام که می‌فرماید:
(فسدالزمان و تغیرت الاخوان و تغلبت الاعیان فرایت الانفراد اسکن للفواد) را مطالعه نموده و تغییر رژیم و روش سابق خود داده و یا امری دیگر موجب این حالت او شده چه عرض کنم (العلم عنداللّه) ای حال مردی کم‌نظیر و از جهات اخلاقی و روحی و معنویت نادره زمانست.
محمدرضا محقق تهرانی فرزند مرحوم آقاحسین کرمانی یکی از

دانشمندان به نام و مجتهدین معاصر تهران می‌باشد. ایشان در سال 1332 قمری در تهران متولد شده مقدمات و ادبیات را در قم خوانده و پس از آن به مشهد مشرف شده و دروس نهائی را از آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ حسن پائین خیابانی استفاده و تکمیل نموده در دروس خارج آقا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی شرکت نموده و دروس معارف را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی استفاده کرده و پس از جریان مسجد گوهرشاد در سال 1314 شمسی و تبعید آیات عظام خراسان و تعطیلی حوزه علمیه مشهد ناچار به تهران برگشته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بهره‌مند شده و سپس به قم آمده و از محضر آیات ثلاثه قم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر استفاده نموده و به تهران آمده و مدتی اقامت و پس از ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی باز به قم برگشته و مدت نه سال تمام به اتفاق باجناقش مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ محمدجواد خندق‌آبادی به درس خارج معظم‌له شرکت و استفاده نمود سپس به مشهد عزیمت و به مدت دو سال توقف و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران بازگشته و در مدرسه مروی به تدریس فقه و اصول مشغول شده تا در سال 1358 شمسی که به علتی دروس را تعطیل و به تألیف موسوعه حقایق الفقه در شرح شرایع‌الاسلام پرداخته و تاکنون حدود پنجاه جلد از آن چاپ و حدود بیست جلد دیگر در دست تألیف و طبع می‌باشد و ضمنا آن جناب در مسجد خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق خوانساری، حسین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1099/ 1098 -1016 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، محدث، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. وی جامع معقول و منقول بود و به جهت تدریس در هر یک از این علوم به استاد الکل فی الکل معروف شد. چون پدر و پسرش هر دو جمال‌الدین نام داشتند ملقب به ذوالجمالین شد. اصلش از خوانسار است. در نوجوانی برای کسب علوم به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی خواجه ملک نزدیک مدرسه‌ی شیخ لطف‌اللّه مشغول تحصیل شد. او علوم معقول و منقول را از میرفندرسکی و ملا محمدتقی مجلسی و خلیفةالسلطان و محقق سبزواری و دیگر علما فراگرفت و به مقام علمی بالایی رسید. او به تیزهوشی و سرعت انتقال معروف بود و مشکلات علمی را با اندک تأملی حل می‌نمود. فرزندانش، آقا جمال خوانساری و آقا رضی خوانساری، و سید نعمت‌اللّه جزایری و شیخ جعفر قاضی و ملا میرزا شیروانی و ملا محمد سراب تنکابنی و عده‌ای دیگر از شاگردان او بودند. ریاست علمی و مذهبی زمانش بدو منتهی می‌شد و وی پناه‌گاه فقرا و مساکین بود. در شعر طبعی روان داشت و شعر و نثرش به عربی و فارسی مشهور است. در اصفهان درگذشت و در قبرستان تخت فولاد نزدیک مقبره‌ی بابا رکن‌الدین دفن شد. شاه سلیمان صفوی مقبره‌ای برایش بنا کرد که پس از دفن شدن فرزندانش در کنارش، به تکیه‌ی خوانساریها معروف گردید. از آثارش: ترجمه‌ی قرآن؛ فسیر «سورة الفاتحة»؛ ترجمه‌ی «صحیفة السجادیة»؛ «مشارق الشموس»، در شرح «الدروس» شهید اول؛ «تواریخ وفیات العلماء»؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «شرح جدید التجرید» قوشچی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «محاکمات» قطب‌الدین رازی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ شرح «کافیه» ابن حاجب؛ شرح «هیئت» قوشچی؛ رساله در «مقدمة الواجب»؛ رساله‌هایی در شبهات متفرقه، از جمله: «شبهة الایمان و الکفر»، «شبهة الطفرة» و «شبهة الاستلزام»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (150 -148/ 6)، ایضاح المکنون (485/ 2)، تاریخ ادبیات در ایران (316 -314/ 5)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (26 -23)، تذکرة القبور (298 -297)، تذکره‌ی نصرآبادی (153 -152)،

خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (173 ،51/ 2)، الذریعه (106/ 22 ،36/ 21 ،111 ،192 ،206 ،7 /19 ،9 /247 ،13 /25 ،91 ،244 ،20 /132- ،133 ،68/ 6 ،81/ 5 ،339 ،126 ،112/ 4)، روضات الجنات (347 -339/ 2)، ریاض العارفین (187)، ریاض العلماء (60 -57/ 2)، ریحانه (242 -239/ 5)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (408 -407)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 167 -166/ 11)، فقهای نامدار شیعه (238 -234)، فوائد الرضویه (155 -153)، الکنی و الالقاب (159 -158/ 3)، لغت نامه (ذیل/ حسین خوانساری)، معجم المؤلفین (48/ 4)، مواد التواریخ (174 -173)، هدیة الاحباب (235 -234)، هدیة العارفین (324/ 1).

محقق سبزواری، محمدباقر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1090 -1017 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، مدرس و شاعر. معروف به صاحب «ذخیره». اصل وی از سبزوار بود. در اصفهان سکونت گزید و نزد علمای آن شهر تلمذ نمود. معقول را از میر فندرسکی و قاضی معز و منقول را از ملا حیدرعلی اصفهانی و ملا حسنعلی شوشتری فراگرفت. او از مجلسی اول و از نورالدین علی عاملی، برادر صاحب «مدارک»، و از شرف‌الدین علی شولستانی و از حسین مقری عاملی و حسین بن حیدر کرکی که از شاگردان شیخ بهائی بودند، روایت کرده است. در زمان شاه عباس ثانی امام جمعه و جماعت بود و منصب شیخ الاسلامی و تدریس در مدرسه ملا عبداللّه شوشتری به وی تفویض شد. وی همچنین در مدرسه‌ی سمیعیه که بعدها به مدرسه‌ی سبزواری مشهور شد تدریس می‌کرد. از شاگردان بنام او ملا محمد سراب تنکابنی و محمد شفیع بن فرج و عبداللّه اردبیلی می‌باشند. گفته‌اند که شوهر خواهرش، محقق خوانساری، نیز از جمله شاگردان اوست. بین او و فیض کاشانی دوستی و مودت و همفکری کامل برقرار بود. محقق طبع روانی داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. در اصفهان درگذشت، پیکرش به مشهد منتقل و در صحن رضوی، در مدرسه‌ی میرزا جعفر، دفن شد. از آثارش: «ذخیرة المعاد فی شرح الارشاد»، در فقه شیعه؛ «کفایة الاحکام» یا «کفایة الفقه» یا «کفایة المعتقد» یا «کفایة المقتصد». این دو، کتابهای مبسوطی در فقه شیعه می‌باشند. از دیگر آثار وی: رساله‌ای در «سمت القبله»؛ شرح «زبدة الاصول» شیخ بهائی؛ «رسالة الخلافیة»، در عبادات؛ «روضة الانوار عباسی»، در معرفت خدا و مواعظ و آداب سلوک رعایا و ملوک و «مفاتیح النجاة»، در ادعیه و اعمال سال و «جامع الزیارات عباسی» که هر سه برای شاه عباس صفوی تألیف شده است؛ حاشیه بر «شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «الهیات الشفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (272/ 6)، ایضاح المکنون (542/ 1)، الذریعه (256/ 22 /308، 21 ،21 ،99 ،96 ،88/ 18 ،290 -289/ 11 ،19/ 10 /239، 7 ،141 ،110/ 6 ،57/ 5)، روضات الجنات (76 -67/ 2)، ریحانه (242/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 72 -71/ 11)، فقهای نامدار شیعه (232 -230)، فوائد الرضویه (426 -425)، الکنی و الالقاب (161 -159/

3)، لغت نامه (ذیل/ سبزواری)، معجم المؤلفین (95/ 9)، مؤلفین کتب چاپی (69 -67/ 2)، هدیة العارفین (297/ 2).

محقق کرکی، زین‌الدین، نورالدین ابوالحسن علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(940/ 938/ 937 -868 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، مجتهد و محقق. معروف به محقق کرکی و محقق ثانی و موصوف به شیخ علائی و مروج المذهب و مولای مروج و عالم ربانی. عده‌ای او را به جدش عبدالعالی منسوب کرده و علی بن عبدالعالی خوانده‌اند. وی از علمای بزرگ عهد شاه طهماسب صفوی (984 -930 ق) بود، که او را مجدد مذهب شیعه نامیده‌اند. در جبل عامل شامات به دنیا آمد. سپس به مصر رفت و از علمای آنجا اخذ علم نمود. سفری هم به عراق نمود و بعدها در ایران مستقر گردید و نزد شاه تقرب یافت به حدی که شاه سلطنت را بدو تفویض کرد و خود را یکی از عمال شیخ خواند و محقق طی احکامی که به اطراف و ولایات نوشت، کیفیت سلوک عمال با رعایا را به آنان گوشزد کرد. محقق از شاگردان علی بن هلال جزایری (از شاگردان و راویان احمد بن فهد حلی) و محمد بن خاتون عاملی و دیگر بزرگان بود و از آنها روایت می‌نمود. او از علی بن هلال جزایری و ابن المؤذن دارای اجازه بود. علی بن عبدالعالی میسی (و از او شهید ثانی) و پسرش، ظهیرالدین ابراهیم میسی، و شیخ زین‌الدین فقعانی و شیخ احمد ابن ابی‌جامع و شیخ عبدالنبی جزایری از وی روایت کرده‌اند. شیخ علی منشار و شیخ کمال‌الدین درویش و سید امیر محمد استرآبادی و سید شریف‌الدین علی استرآبادی از شاگردان محقق کرکی بودند. در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. پدر شیخ بهائی فرموده که محقق کرکی را به زهر شهید کردند. در «شهیدان راه فضیلت» تاریخ شهادت وی 945 ق ذکر شده است. از آثارش: «اثبات الرجعة»؛ «احکام الارضین» یا «اقسام الارضین»؛ «جامع المقاصد»، در شرح «القواعد» علامه حلی، در شش مجلد؛ حاشیه بر «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ حاشیه بر «الفیه‌ی» شهید اول؛ حاشیه بر «الدروس» و «الذکری» شهید اول؛ حاشیه بر «شرایع الاسلام»؛ «صیغ العقود و الایقاعات»؛ «قاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج»؛ «النجمیة»، در کلام؛ «نفحات اللاهوت» یا «اسرار اللاهوت»؛ رساله‌ی «الجعفریة»؛ رساله‌ی «العدالة»؛ رساله‌ی «الغیبة»؛ رساله‌ی «الرضاع»؛ ترجمه‌ی «الجزیرة الخضراء» فضل بن یحیی طیبی، که در هند به چاپ رسیده است. [1]
شیخ زین‌الدین ابوالحسن علی بن حسین معروف به محقق کرکی (ف.

نجف.940 ه.ق) از علماء معروف، معاصر شاه طهماسب صفوی، سمت شیخ‌الاسلامی داشت و قاضی‌القضاة ایران بود. تألیفات بسیار دارد، از جمله‌ی آثارش جامع‌المقاصد فی شرح‌القواعد، حاشیه‌ی شرایع‌الاسلام، شرح الفیه‌ی شهید اول. حاشیه‌ی تحریر علامه است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (91/ 5)، اعیان الشیعه (213 -208/ 8)، حبیب السیر (610 -609/ 4)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (178 ،165 160،/ 2)، الذریعه (251 -250 ،72/ 24 ،7/ 17 ،110/ 15 ،107 ،24 16، -15/ 6 ،73 -72/ 5 ،271 ،55/ 2 ،293 ،93/ 1)، روضات الجنات (359 -346/ 4)، ریاض العلماء (460 -441/ 3)، ریحانه (249 -244/ 5)، شهیدان راه فضیلت (217 -199)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 161 -160/ 10)، عالم آرای عباسی (458 ،154 ،146 ،144/ 1)، فقهای نامدار شیعه (184 -176)، فوائد الرضویه (306 -303)، قصص العلماء (348 -346)، کارنامه‌ی بزرگان (187 -186)، الکنی و الالقاب (162 -161/ 3)، معجم المؤلفین (74/ 7)، وقایع السنین و الاعوام (462)، هدیة الاحباب (236)، هدیة العارفین (744/ 1).

محقق، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی محقق در سال 1308 شمسی در مشهد به دنیا آمد، و پس از تحصیلات مقدماتی ، علوم حوزه ای را در مشهد و تهران تا حد اجتهاد طی کرد. پس از اخذ لیسانس از سال 1330 تا سال 1339 به دبیری دبیرستانها و اداره بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرهنگ پرداخت. در سال 1337 دکترای الهیات و معارف اسلامی را به پایان رسانیدو درسال 1338 دکترای زبان و ادبیات فارسی اخذ نمود. در سال 1339 به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزیده شد و درسال 1346 به درجه استادی ارتقا یافت. استاد از سال 1348 تا 1357 مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و بعد از انقلاب نیز به مدت یک سال عهده دار ریاست دانشکده دماوند گردید. او به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشگاه لندن و مدت هشت سال به تناوب در دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس پرداخت و در سال 1347 شعبه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را در تهران تاسیس کرد. ایشان عضو و رییس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. استاد همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر می باشد و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. استاد محقق در سال 1361 از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهراء و شهید مطهری تدریس کرده است.ایشان برگزیده همایش طرح سپاس بهمن 85 در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : مهدی محقق فرزند حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی و نوه مرحوم آخوند ملا بمانعلی دامغانی می باشد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهمترین حادثه بوقوع پیوسته در دوران کودکی مهدی محقق ، واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد بود. استاد از

این واقعه چنین تعریف می کند: « هنوز صدای صفیر گلوله هایی که در شب واقعه شلیک می شد در گوش من طنین انداز است خصوصاً که این واقعه مصادف شد با پنهان زیستن پدرم زیرا او از کسانی بود که در شب واقعه منبر رفته بود و در ضمن در سخنانش گفته بود: « گویی ما در زیر پرچم انگلیس هستیم که هرچه آنان بخواهند باید اطاعت شود . » سرانجام پدرم پس از مدتها زندگی مخفی خود را به شهربانی مشهد معرفی نمود و از آنجا به زندان قصر منتقل شد وبیش از سه سال را در آنجا گذراند.» در سال 1317 با آزادی پدر از زندان ، به اتفاق خانواده به تهران رهسپار شده که این مهاجرت با ممنوع المنبر شدن پدر و اوضاع بد اقتصادی خانواده توام گشت،ناچار پدر و دو برادربزرگترش به حجره ای در مدرسه سپهسالار رفتند و بقیه خانواده نیز در اتاقی کوچک که در بازارچه نایب السلطنه قرار داشت مقیم شدند. اوضاع نابسامان مادی و بی اطلاعی پدر باعث به تعویق افتادن تحصیل دکترمحقق شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مهدی محقق در دبستان فرهنگ آغاز گردید و در سال 1321 وارد دبیرستان گردید ، اما به دلیل شرایط سخت مادی برای مدتی از تحصیل فاصله گرفت و جهت کسب درآمد وارد بازار شد، طولی نکشید استاد محقق وارد مدرسه خان مروی شد و تحصیلات خود را پی گرفت. در مدت 4 ماه صرف میر و عوامل ملا محسن و انموذج و صمدیه را نزد حاج سید هادی ورامینی فراگرفت. محقق جهت فراگیری درس سیوطی و حاشیه وارد مدرسه سپهسالار قدیم شد. پس از گذراندن این دوران و استفاده از استادان مدارس تهران ، به مشهد رفته و در حوزه علمیه این شهر به کسب علم نزد علمای بزرگ پرداخت ، او از این دوران به دلیل بهره مند شدن از « استادان فاضل و دانشمند » به نیکی یاد می کند. استاد در شهریور سال 1327 در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول به عنوان نفر سوم برگزیده شد ؛ او در سال های 1327 و 1330 همزمان با تحصیل در این دانشکده در درس مدرسان بزرگ تهران شرکت می کرد. در سال 1330 برای اخذ لیسانس دوم که منتهی به دکترا هم شد وارد دانشکده ادبیات شده و در سال 1333 لیسانس زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود و بلافاصله در دوره دکتری شرکت نمود. در سال 1334 با افتتاح دوره دکتری علوم معقول و منقول ، در دوره دکتری معقول ثبت نام کرد. او توانست در سال 1336 دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را و در سال 1337 دوره دکتری علوم معقول و منقول را به پایان برد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی محقق مدتی اداره ی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده دار بود و با شروع فعالیت های آموزشی از سال 1348 تا 1357 مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

را به عهده گرفت و پس از انقلاب به مدت یک سال ریاست دانشکده دماوند به وی سپرده شد. از دیگر مشاغل دکتر محقق ، عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضویت هیئت امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیئت امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است . وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد.
فعالیتهای آموزشی : شروع کار تدریس مهدی محقق به تشویق آیت الله کاشانی بود ، استاد می گوید: « مرحوم آیت الله کاشانی معتقد بود که در من فصاحتی وجود دارد که در معلمی باید از آن استفاده کنم و وقتی تعلل مرا در امر استخدام دید گفت « شما بیسوادا خودتونو کنار می کشین که همه جاها را کافرا گرفتن » کلمه « بیسواد» تکیه کلام آن مرحوم بود لذا نامه ای در صلاحیت من به وزارت فرهنگ نوشت و من به تشویق آن مرحوم ازآن سال کار تدریس را شروع کردم . » پس از اخذ لیسانس از سال 1330 تا 1339 به دبیری دبیرستان ها برگزیده شد و از سال 1339 به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، سپس به درجه ی استادی ارتقاء یافت. او در سال 1340 به مدت دوسال به عنوان استاد مهمان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و از سال 1344 به مدت هشت سال به تناوب در مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس زبان و ادبیات فارسی ، تاریخ تمدن ایران و فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. در بازگشت ، مدتی در حوزه علمیه قم عهده دار تدریس « روش تصحیح انتقادی و نشر متون اسلامی » بود. استاد محقق در سال 1361 از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهرا و شهید مطهری تدریس کرده است.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهدی محقق در سال 1347 شعبه ی مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا را در تهران تأسیس کرد. وی همچنین در بنیان گذاری « دائره المعارف تشیع » و « دائره المعارف اسلامی » هم سهمی داشته است. او در کانادا پیشنهاد تأسیس کرسی « فکر شیعه » را ارائه نمود و خود وی نیز عهده دار آن گردید و فلسفه و کلام و اصول فقه شیعه تدریس نمود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی محقق در چندین کنگره بین اللملی و ملی شرکت نموده و در همه ی آنها خطابه ایراد کرده است ، که از آن جمله عبارتند از: کنگره مؤتمر اسلامی (قاهره - 1334) ، انجمن

شعر لندن (1340) ، سمینار مقایسه ی گرامر زبان های سامی (دانشگاه لندن - 1341) ، سمینار میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان و ترکیه (تهران - 1343) ، انجمن آمریکایی خاورشناسی (فیلادلفیا - 1345 ، نیوهاون - 1346 و دانشگاه برکلی کالیفرنیا - 1347) ، کنگره بین المللی مستشرقین (میشیگان - 1346) و هفته ی فرهنگی ایران (دانشگاه مک گیل مونترال - 1346). وی علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مجموعه مقالاتی را نیز به زبان های فارسی ، عربی و انگلیسی در ایران و کشورهایی همچون لبنان ، سوریه ، هند ، پاکستان ، به رشته ی تحریر درآورده است که از آن جمله ، انتشار مقالات متعدد در مجلات دانشکده ادبیات ، یغما ، راهنمای کتاب ، فرهنگ ایران زمین ، آستان قدس رضوی ، وحید ، مهر ، الاخاء و نشریه ی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه می باشد.
آرا و گرایشهای خاص : مهدی محقق ممیزه و مشخصه فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگها را این می داند که هیچوقت دروازه های فرهنگ اسلامی بسته نبوده و همیشه ازخاصیت تسامح برای پذیرفتن فکر تازه و جدید برخوردار بوده است . بدان علت آنچه از علوم و معارف و دانستنی هاو دانش ها که مفید تشخیص داده شده بود ،از ملت های مختلف گرفته شده است ،این علوم و معارف را از یونانی ،سریانی ،سانسکریت ترجمه کردند و در حقیقت تکامل و ترقی فرهنگ اسلامی را دراین دانستند که آن را به موضوع خاصی منحصر نکنند .
جوائز و نشانها : مهدی محقق برگزیده همایش طرح سپاس درسال 85 در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.
چگونگی عرضه آثار : مهدی محقق، درباره اولین کتاب خود وجوه قرآن این چنین میگوید: \ اولین کتاب من «وجوه قرآن» ازحبیش بن ابراهیم تفلیسی، پزشک، لغت شناس و قرآن شناس درسال ???? منتشرشد. من این کتاب را تصحیح کردم، مقدمه نوشتم و «وجوه قرآن» را توضیح دادم. دراین کتاب لغات قرآن یک به یک ذکرمی شود که به چه معنایی آمده و بعد آیه اش هم ذکرمی شود. کسانی که در حوزه قرآن مطالعه می کنند و درزمینه تفسیر کارمی کنند، این کتاب مورد نیازشان خواهدبود. «وجوه قرآن» از علومی است که همیشه موردتوجه مفسران و دانشمندان قرآن شناس بود. «وجوه قرآن» درقرن هفتم نوشته شده و از نسخه های خطی نادر و منحصر به فردی بود که مرحوم مجتبی مینوی، زمانی که رایزن فرهنگی ایران درترکیه بود، میکروفیلم این کتاب و حدود پنج هزارکتاب دیگر را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه آورد. این اثر درهمان دوره با سرمایه دکتر یحیی مهدوی چاپ شد که حقوق دانشگاهی اش را وقف چاپ آثار علمی و خطی کرده بود و تفسیر سورآبادی و وجوه قرآن به این صورت چاپ شد. کتاب «تأثیرقرآن دراشعار ِناصرخسرو» نیز از آثار وی

است که درباره این اثر این چنین میگوید: \تأثیرقرآن در آثار ناصرخسرو خیلی بیشتر و آشکارتر است. هم ناصرخسرو و هم حافظ هردو قرآن را ازحفظ بودند. حافظ می سراید «قرآن زبربخوانم با چهارده روایت» و یا «به قرآنی که اندرسینه داری» و... ازآن طرف هم ناصرخسرو می گوید «کتابت زبردارم اندرضمیر» و... تأثیر قرآن در آثار ناصرخسرو به شکل استفاده از مضامین قرآنی، استفاده از لغات قرآنی است. وی درباره کتاب شرح و تفصی پانزده قصیده ناصرخسرو نیز میگوید: \ این کتاب بعدها تبدیل به شرح و تفسیر سی قصیده شد و جزو کتاب های درسی دانشگاهی است. ناصرخسرو عالم به علوم زمان خودش بود. آثارش تجسمی از فرهنگ غنی اسلامی است و از قرآن، از حدیث، از اوستا و عهدعتیق استفاده کرده است. از فلسفه یونان هم بهره می گیرد. ناصرخسرو شاعر جامع الاطرافی بود که تربیت شده فرهنگ غنی اسلامی بود. ----------

آثار :

1 بستان الاطباء
2 بیست گفتار در مباحث فلسفی و کلامی
3 تأثیرقرآن در اشعار ناصرخسرو
4 تحلیل اشعار ناصر خسرو
5 ترجمه ی شرح منظومه ی غررالفرائد سبزواری
ویژگی اثر : به انضمام مقدمه ی فارسی و انگلیسی و اصطلاحات.
6 تصحیح کتاب « مفتاح الطب و منهاج الطلاب »
ویژگی اثر : با همکاری محمد تقی دانش پژوه (کتاب برگزیده سال)
7 تعلیقات ، مقدمه و تصحیح اشترنامه عطار
8 تعلیقات ، مقدمه و تصحیح وجوه قرآن تفلیسی
9 شرح الهیات شفا ملا مهدی نراقی
10 شرح باب حادی عشر علامه حلی
11 شرح مشکلات و مقدمه بر پانزده قصیده از ناصرخسرو
12 شیعه درحدیث دیگران
13 فیلسوف ری
14 فیلسوف ری محمدبن زکریای رازی
15 مقدمه در شرح احوال و آثار و افکار السیره الفلسفیه رازی
16 مقدمه و فرهنگ لغات لسان التنزیل
17 وجوه قرآن
18 یادنامه ادیب نیشابوری

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه : بانک رسانه ها- روزنامه ایران- 25-12-1381 "امروز با دکترمهدی محقق"2lبرگزیدگان علمی و فرهنگی کشور ، دفتر شورای جذب نخبگان ، 255 ـ3کیهان فرهنگی ،شماره 3 ، خرداد 13664مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال شانزدهم ، شماره ی 1و 2 ، آذر 13475میز گرد /فرهنگ و تمدن اسلامی ، نامه فرهنگ . سال سوم ، شماره چهارم . شماره مسلسل 12 ، زمستان 1372 ، ص13

محلاتی شیرازی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1336 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. وی سالها از شاگردان برجسته‌ی میرزای شیرازی در نجف بود. سپس به همراه میرزا به سامراء رفت و «تقریرات» استادش را نگاشت. او سه سال بعد از وفات میرزای شیرازی در سامرا باقی ماند و در حدود 1315 ق به شیراز بازگشت و عهده‌دار تدریس و مرجعیت دینی مردم شد. آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم یزدی از شاگردان او بود و قسمتی از اصول را نزد وی فراگرفت. در شیراز درگذشت و در مقبره‌ی سید علی بن حمزة بن موسی الکاظم (ع) در خارج شهر به خاک سپرده شد. شعرا و ادبای عصرش مانند فرصت شیرازی و فصیح‌الزمان و شعاع الملک در سوگ او مرثیه گفتند و ماده تاریخ ساختند. از آثارش: «التقریرات» استادش، میرزای شیرازی، در فقه و اصول؛ حاشیه بر مبحث «الاستصحاب» از «فرائد الاصول» شیخ انصاری؛ «الخیارات»؛ «درر الافکار فی صلح حق الخیار»؛ رساله در «رد حاج محمدکریم خان کرمانی»، رد بر شیخیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (213/ 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (50 -49/ 1)، الذریعه (220/ 10، 119 -118/ 8، 152/ 6، 368/ 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 22/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1161 -1160/ 3)، معجم المؤلفین (103/ 1)، میرزای شیرازی (99 -98).

محلاتی شیرازی، صدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1359 -1283 ش)، عالم دینی، فقیه، مفسر، نویسنده، استاد و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. پدرش آیت‌اللّه میرزا ابوالفضل محلاتی از علما و روحانیون بنام و دانشمند فارس بود. صدرالدین پس از تحصیل مقدمات به عتبات عالیات رفت و مدتی از محضر استادن آنجا بهره گرفت و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهانی و قم تحصیلات علوم دینی خود را ادامه داد تا موفق به کسب درجه‌ی اجتهاد شد و سپس به شیراز بازگشت و در شیراز حوزه‌ی تدریس بنیان نهاد و حلقه‌ی تفسیر قرآنی ترتیب داد. از بدو تأسیس دانشکده‌ی ادبیات در شیراز به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید. او علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم می‌سرود و چون به طریقه‌ی ذهبیه مایل بود اشعارش مضامین عرفانی داشت. از 1334 ش صبحهای جمعه انجمن ادبی صدر را در خانه خود تشکیل داد. وی از اعضای مؤسس کانون دانش پارس نیز بود. این کانون مجالس دبی داشت و تألیفات گوناگون اعضای کانون را به چاپ می‌رساند و دارای نشریه بود. آثار علمی و ادبی محلاتی در این نشریه به چاپ می‌رسید. از آثار وی: تفسیر «سوره‌ی والعصر»؛ «شأن نزول آیات قرآن»؛ «مناسک حج»؛ «اسرار حج»؛ «دار العلم شیراز»؛ «ولایت فارس در زمان خلفاء»؛ «مکتب عرفان سعدی»؛ «مقدمه تاریخ ادب عرب».[1]
مؤلف، محقق، شاعر.
تولد: 1284، شیراز.
درگذشت: 7 اسفند 1359، شیراز.
صدرالدین محلاتی، متخلص به «صدر» فرزند آیت‌الله میرزا ابوالفضل محلاتی پس از تحصیل مقدمات، به عتبات رفت و مدتی در آنجا از محضر استادان استفاده نمود و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهان و قم به ادامه‌ی تحصیلات علوم دینیه پرداخت و موفق به کسب جواز اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعه کرد و سال‌ها رییس دفترخانه‌ی اسناد رسمی شماره‌ی یک بود. از بدو تأسیس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه شیراز به دعوت دکتر لطفعلی صورتگر به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید و تا اواخر عمر، استاد آن دانشکده بود. صدرالدین علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم می‌گفت و چون اهل عرفان بود، اشعارش مضامین عرفانی داشت. طبع او بیشتر به غزل‌سرایی مایل بود.

از سال 1324 صبح‌های جمعه در خانه‌ی خود انجمن ادب تشکیل می‌داد و عده‌ای از شاعران و نویسندگان و شعر دوستان در آن شرکت می‌کردند. مباحث اعضای انجمن درباره‌ی مسائل ادبی، تفسیر، شعرخوانی و تصحیح اشعار بود. وی یکی از مؤسسان کانون دانش پارس است.
همیشه مقالات علمی و ادبی وی در جراید «پارس» منتشر می‌شد. از وی آثاری به چاپ رسید که از آن جمله است: دارالعلم شیراز (1333)؛ تفسیر سوره والعصر (1338)؛ شأن نزول آیات قرآن (1334)؛ مناسک حج، اسرار حج، مکتب عرفان سعدی، مقدمه‌ی تاریخ ادب عرب، ولایت فارس در زمان خلفاء (1334). تألیفاتی که از او باقی مانده ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح است: مبانی عرفان قرآن، تصوف و عرفان سعدی، تاریخ مکه، تاریخ اسلام یا محمد (در دو جلد)؛ تاریخ ادب (در دو جلد)؛ شأن نزول آیات قرآن (جلد دوم)؛ اثبات وجود خدا.
او در هفتم اسفند 1359 در سن هفتاد سالگی در شیراز درگذشت و در جوار آرامگاه حضرت علی بن حمزه در مقبره‌ی خانوادگی در کنار مزار پدرش، به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 1 و 2، ص 157 -156)، انجمن‌های ادبی شیراز (478 -475، 405)، الذریعه (143/ 25)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3374، 2075/ 2، 1320، 929/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (323)، مؤلفین کتب چاپی (540/ 3).

محلاتی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم بن محمدعلی مجتهد محلاتی شیرازی از فقهاء و مجتهدین جامع‌الشرایط و از شاگردان مجدد شیرازی بود که تقریرات استاد را در فقه و اصول به رشته تحریر آورده و در سال 1315 ق به شیراز آمده و اهالی از او استقبال شایانی کردند و سالهای طولانی در آن شهر ملجاء و مرجع مردم و منشأ زهد و تقوا و امور خیریه بود.
تألیفات معظم له عبارت است از حاشیه بر مبحث استصحاب از رسائل شیخ مرتضی انصاری و رساله‌ای در رد حاج محمد کریمخان کرمانی.
وفات آنجناب در 24 ماه صفر 1336 ق واقع شده و شعراء و ادباء آن عصر مانند مرحوم فرصت و فصیح‌الزمان و شعاع‌الملک و دیگران برای او مرثیه گفتند من جمله مرحوم فرصت شیرازی در ماده تاریخ فوتش گفته.
دوباره سال وفاتش به فارسی گفتا
بهشت آمده الحق مقام ابراهیم
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محلاتی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1343 -1269 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. در محلات به دنیا آمد. در تهران و بروجرد از محضر پدرش و چند تن از علما استفاده نمود. سپس به عراق رفت و یک سال در سامرا ملازم بحث میرزای شیرازی شد. سپس به نجف رفت و نزد میرزا حبیب‌اللّه رشتی مدتی تلمذ نمود. او همچنین از میرزا ابوالقاسم کلانتری و سید حسین کوه کمری بهره برد تا به مراتب علمی عالی رسید. آنگاه خود مستقلا به بحث و تدریس فقه و اصول و تصنیف پرداخت. او در نجف درگذشت و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از وی تصانیف بسیاری در فقه و اصول و اشعار زیادی در مدایح و مراثی ائمه (ع) باقی مانده است. از آثارش: «تنقیح الابحاث»؛ «نفائس الفوائد»، در مهمات اصول فقه؛ «لباب الاصول»؛ حاشیه بر «الملل و النحل»؛ «اللآلی المربوطة»؛ «انوار العلم و المعرفة»، در اصول دین که نخست نام آن «نور العلم و المعرفة»، بود؛ «الدرر اللوامع»، در فقه و اصول و رجال؛ «الکلمات الموجزة»، در کلام، سیاست و تاریخ؛ حاشیه بر «المکاسب»؛ حاشیه بر «الرسائل»؛ «دیوان» شعر.[1]
اسماعیل بن محمدعلی بن زین‌العابدین محلاتی نجفی عالمی کبیر و محققی دقیق متولد 1269 و متوفی 1343 قمری از شاگردان میرزا شیرازی بزرگ و میرزا حبیب‌اللّه رشتی دارای تالیفاتی عدیده مانند تنقیح الابحاث 2- نفائس الفوائد 3- لباب الاصول 4- اللئالی المربوطه 5- انوار العلم و المعرفه 6- نور العلم و الایمان 7- الدرر اللوامع 8- الکلمات الموجزه بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (124/ 9 ،405 -404/ 3)، تاریخ بروجرد (523/ 2)، الذریعه (276 ،263 ،120/ 18 ،134/ 8 ،221/ 6 ،460 -459/ 4 ،444/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 164 -163/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (43/ 7)، معجم المؤلین (61/ 9 ،293 -292/ 2)، مکارم الآثار (1917/ 6)، میرزای شیرازی (114).

محلاتی، بهاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1401 -1314 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. در هفت سالگی به همراه پدرش به شیراز رفت و پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را در محضر پدرش و آیت‌اللّه میرزا محمدصادق مجتهد شیرازی فراگرفت. مدتی نیز حکمت الهی را در محضر سید علی حکیم کازرونی آموخت. سپس به نجف مهاجرت کرد و مدتی ده سال از محضر آقا شیخ ضیاءالدین عراقی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و علامه نایینی استفاده نمود تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. در 1349 ق به شیراز بازگشت و عهده‌دار تدریس و مرجعیت امور دینی مردم گشت. وی تا پایان عمر خویش در ایجاد مؤسسات خیریه کوشا بود. از آثارش: تألیفاتی در فقه و اصول؛ «رهنمای حق»؛ «اصول العقائد»؛ «خطبات جانسوز».[1]
بهاءالدین بن العلامة الورع حاج شیخ جعفر مجتهد محلاتی از مشاهیر دانشمندان و علماء بزرگ معاصر شیراز است.
وی در سال 1314 ق در نجف اشرف متولد شده و در هفت سالگی در خدمت مرحوم والدش به شیراز رفته و پس از فراگرفتن دروس مقدمات و ادبیات هشت سالی از محضر پدر بزرگوارش و مرحوم آیت‌اللّه آمیرزا محمدصادق مجتهد فقه و اصول را خوانده است.
آنگاه مدتی نیز حکمت الهی را در خدمت مرحوم حاج سید علی حکیم کازرونی تلمذ کرده و بعد از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدت ده سال متوالی از محضر علمین آیتین آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه نائینی استفاده نموده تا به مقام رفیع اجتهاد رسیده.
و در سال 1349 ق به شیراز برگشته و به وظائف دینی پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسجد مولی به اقامه نماز جماعت و تبلیغ و ترویج دین و تدریس علوم دینی اشتغال و تا هم‌اکنون اول عالم و مرجع دینی و علمی استان فارس و شیراز می‌باشد.
تألیفاتی در اصول دین و فقه و اصول دارد و در زهد و تقوا و فضل و دانش به پدر بزرگوارش آیت‌اللّه حاج شیخ جعفر مرحوم اقتدا نموده و در حال حاضر که هشتاد سال از عمر شریفش می‌گذرد به خدمات دینی و روحی و اعانت به درماندگان اشتغال دارد.

عالم دینی.
تولد: 1275(1313 ق.) نجف.
درگذشت: 27 مرداد 1360، شیراز.
آیت‌الله بهاءالدین محالتی، فرزند جعفر محلاتی، در همان کودکی مادر خود را از دست داد و در مدرسه‌ای به نام شریعت تحت نظارت آیت‌الله میرزا ابراهیم محلاتی و به سرپرستی آقا شیخ محمدحسین حیات، به مدت شش سال بسیاری از علوم مقدماتی را آموخت. پس از تحصیلات ابتدایی و دروس مقدماتی به مدت هشت سال نزد پدر خود و آیت‌الله میرزا محمدصادق مجتهد شیرازی سطوح رفته و اصول و در محضر علامه سید اسماعیل کازرونی حکمت و فسلفه را فراگرفت.
در بیست سالگی قصد عزیمت به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف را داشت و چون در بحبوحه جنگ جهانی اول، عراق هم مانند ایران صحنه‌ی تاخت و تاز نیروهای انگلیسی قرار گرفت. مراجع نجف برای بیرون راندن متجاوزان حکم جهاد صادر کردند. در پی این فتوا، پدرش و او نیز رهبری حرکت را بر عهده گرفته و لباس رزم بر تن کرد و همراه با 700 مجاهد، به طرف برازجان حرکت کردند. این مبارزه ادامه داشت تا انگلیسی‌ها مجبور به عقب نشینی شدند. در سال 1342 ق. رهسپار نجف شد و مدت چند سال به تحصیل پرداخت. سپس از سوی محقق عراقی و محقق شیرازی برای وی اجازه اجتهاد صادر شد. برخی از استادان ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف، اشرف عبارتند از: آیات عظام محمد حسین نایینی، ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدکاظم شیرازی.
پس از رسیدن به مقام اجتهاد، در سال 1349 ق. به شیراز برگشت. در سال 1349 ق. به ساماندهی حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، تدریس و دیگر مناصب روحانی خویش پرداخت. با درگذشت پدرش در 1358 ق. رسما ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز را عهده‌دار شد. وی همچنین در مسجد مولا نیز به وعظ و سخنرانی می‌پرداخت. از دیگر اقدامات آیت‌الله محلاتی تشکیل جلسات منظم بحث و بررسی اصول عقاید بود که در حدود سال های 1339 -1338 و با شرکت دانشگاهیان و فرهنگیان، در شب‌های دوشنبه و پنجشنبه برگزار می‌شد. بعدها این گردهمایی نام «انجمن دین و دانش» به خود گرفت و آن درس‌ها به نام راهنمای حق، به عنوان یازدهمین نشریه‌ی انجمن منتشر شد.
تا قبل از وفات آیت‌الله سید حسین بروجردی، آیت‌الله محلاتی از چاپ و نشر رساله‌ی علمیه خودداری می‌ورزید و مردم را به مراجع قم و نجف ارجاع می‌داد. اما پس از وفات آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حکیم، توضیح المسائل خود را منتشر کرد. آیت‌الله محلاتی به غیر از تقریرات درس فقه و اصول استادان خود و رساله‌های فتوایی مانند رساله عملیه، مناسک حج،

و حاشیه‌ی عروة الوثقی، نوشتارهای دیگری مانند اصول عقاید (شیراز، 1325)؛ راهنمای حق (تهران، جلد اول چاپ دوم، 1329)؛ و خطبات جانسوز (شیراز، 1338)؛ را تألیف کردند. آیت‌الله محلاتی به تأسیس بنیادهای عام‌المنفعه و مؤسسه‌های خیریه اهتمام می‌ورزید که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است: درمانگاه خیریه حضرت ولی عصر (1346، شیراز)؛ مؤسسه خیریه قائمیه (1354)؛ کوی امام علی (شیراز).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (312/ 11)، گنجینه‌ی دانشمندان (459 -458/ 5)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (783/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (127 -126/ 2).

محلاتی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر بن شیخ محمدحسین مولی احمد محلاتی مجتهد شیرازی از فقهاء و مجتهدین بزرگ بود.
آنجناب در سال 1243 شمسی در شیراز متولد شده پس از تحصیل مقدمات و علوم ادبیه برای تکمیل تحصیل مهاجرت به سامره نموده و چند سالی از محضر آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی بعد علامه خراسانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده و با دریافت اجازه اجتهاد به شیراز آمده و از همان بدو ورود به واسطه فضل و دانش و زهد و تقوا که داشت مورد توجه عامه مردم قرار گرفت.
و فضلا و دانشمندان محضرش را مغتنم دانسته و به درس وی شتافته و آنجناب هم عمر شریف خود را وقف تدریس و دستگیری از افتادگان قرار داده و در مسجد مولا به اقامه جماعت و گفتن تفسیر مشغول گردیده تا در روز 16 اردیبهشت 1318 شمسی که بدرود حیات گفته و با تشییع عجیبی در جوار جناب علی بن حمزه موسوی که مقبره خانوادگی ایشانست مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محلاتی، ذبیح‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1406 -1310 ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نایینی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید حسن صدر و آیت‌اللّه جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌اللّه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌اللّه میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در 1376 ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعة»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناک»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قرةالعین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاسد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاسد بی‌حجابی؛ «کشف البنیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیة»؛ «کشف الهاویة»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمة التامة»، در احوال اکابر عامه.[1]
حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به

ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل‌بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکرآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند.
تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:
1- ریاحین‌الشریعه در احوال بانوان شیعه در 5 جلد مکرر به طبع رسیده است.
2- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.
3- کشف الاشتباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.
4- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.
5- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمومنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.
6- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.
7- اختران تابناک به طبع رسیده است.
8- فرسان الهیجاه در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.
9- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوای اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.
10- کشف‌الغرور در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.
11- کشف‌المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.
12- کشف‌الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.
13- کشف‌البنیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.
14- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.
15- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.
16- کشف‌العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.
17- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.
18- کشف‌التهمه.
19- السیوف البارقه.
20- وقایع‌الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.
21- شرافة الاسخیاء و رذالة البخلاء.
و حدود 34 جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.
فقیه، محقق.
تولد: 1271(1310 ق.)، محلات.
درگذشت: اسفند 1364.
علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین

کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمة التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال 1327 به تهران بازگشت.
از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرة المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قرة العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر 303 حکایت در 576 صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوای اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف الغرور (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البنیان (در ترجمه عثان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاسد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در خصوص تذکرة الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل

سر مبارک سید الشهداء) شرافة السخیاء و رذالة البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقعی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (128 -127/ 25 ،6/ 19 ،122 ،44 ،42/ 18 ،165 ،152 -151 ،72/ 17 ،168/ 16 ،293 ،99/ 12 ،314 -313/ 11 ،285 ،38/ 7 ،255/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 716 -715/ 14)، کیهان فرهنگی (س 2، ش 12، ص 39)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1162/ 3).

محلاتی، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1323 -1274 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و شاعر. گفته‌اند که از فرزندزادگان آخوند شفیعا است. جد مادریش آقا ابراهیم خان از اعیان کرمان بود که به لطفعلی‌خان زند پناه داد، لذا آقا محمدخان پس از فتح کرمان او را کور و با خانواده روانه محلات کرد. شیخ عبدالحسین در محلات به دنیا آمد. او در قم و اصفهانی تحصیل و از محضر علما استفاده نمود. آنگاه برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و در محضر میرزا حبیب‌اللّه رشتی تلمذ نمود و پس از رسیدن به درجه اجتهاد و مراتب عالی به اصفهان بازگشت و به تدریس و بحث و تألیف پرداخت. او در مدرسه صدر درس خارج می گفت و شاگردان فاضل بسیاری به درس او حاضر می‌شدند. در اصفهانی درگذشت و در حوالی قبر فاضل هندی دفن شد. از آثارش: «مغتنم الدرر و منتخب الغرر»؛ حواشی «الرسائل»؛ شرح «کشف الغطاء»؛ حواشی «القوانین»؛ «تسلیت نامه»؛ رساله‌هایی در: «اللباس المشکوک»، «زیارت عاشورا»، «العدالة»، «صلاة الجماعة»، «قاعده‌ی بینه»، «اصل تعارض»، «اصل برائت»، «قاعدة اشتغال» و «تعریف علم اصول»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (409)، الذریعه (293/ 21 ،684/ 9 ،103/ 98، 7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1058 -1056/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1164 -1163/ 3)، معجم المؤلفین (88/ 5).

محمد زین‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از علما و فقها، در 9 ربیع الاول سال 1202 وفات یافته، در تخت فولاد نزدیک بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی مدفون شده است.
ماده تاریخ وفاتش را ملا حسین رفیق گفته، این است:
بهر تاریخش به آیین دعا گفتا رفیق
گفت (دایم باد خلد آقا محمد را مکان)
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

محمدکریم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1288 -1225 ق)، فقیه، محدث و خطاط. وی علاوه بر تحصیل عربی و ادبی، هنر خطاطی را نیز نزد میرزا محمدعلی اصفهانی فراگرفت. در کار نقاشی نیز پیشرفتی تمام کرد. حاج محمدکریم همچنین در علوم دینی شاگرد آقا سید زین‌العابدین مجتهد بود و مراحل تکمیلی آن را در محضر حاج سید کاظم رشتی گذراند و موفق به کسب اجازه از وی شد. او سرانجام هنگام عزیمت به بصره در بین راه درگذشت و در کربلا دفن شد. آثار بسیاری به زبان فارسی و عربی در موضوعات: حکمت طبیعی، اخبار فقه، فلسفه، ریاضیات، صرف و نحو، ادبیات و علوم متفرقه، از او به جای مانده است، برخی از آنها: «حقایق الطب»، «دقایق العلاج»؛ «فصل الخطاب کبیر»؛ «فصل الخطاب صغیر»؛ «جامع الاحکام»؛ «مرآة الحکمه»؛ «اسرار النقاط».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (1588 -1579 /3)، الذریعه (229/16، 235/8، 34/7)، شرح حال رجال (4 -1 /4)، طرائق الحقائق (468 -467 /3)، المآثر والآثار (201)، مکارم الآثار (790 -789 /3)، یادگار (س 5، ش 4 و 5، ص 118 -106).

محمدی عراقی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر محمدی عراقی مشهور (به حاج آقا بزرگ) ابن مرحوم حجةالاسلام آقا محمد عراقی (متوطن و متوفی و مدفون در کنگاور) ابن المحروم آیت‌اللّه الملک العلام آخوند ملا محمدباقر کوهرودی اراکی که از تلامذه مرحوم شیخنا الانصاری قدس ره و در کتابهای شخصیت شیخ انصاری و اعیان‌الشیعه والذریعه و نقباء البشر شرح حال و تصنیفات آن مرحوم اشاره شده است.
مترجم گرامی ما در ماه رجب 1317 قمری در قریه کرهرود اراک بدنیا آمده و در سال 1336 قمری در خدمت مرحوم پدرش به کنگاور (مدفن مرحوم جدش) آمده به تحصیل علوم دینیه از مقدمات و سطوح متوسط فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید و غیره پرداخته و علوم مذکوره را از مرحوم والدش فراگرفته.
و در سال 1358 قمری که مرحوم والدش در آنجا وفات نموده با داشتن اجازات از مجتهدین و مراجع تقلید قدس اللّه اسرارهم و کثر اللّه امثالهم تصدی امور شرعی آن سامان گردیده و تاکنون که سال 1395 قمریست در آن منطقه به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تفسیر قرآن و وظائف دیگر روحی اشتغال دارند.
از باقیات الصالحات آنجناب فرزند فاضل و برومند ایشانست جناب مستطاب حجةالاسلام و فخر الاماثل والاقران آقای حاج آقا بهاءالدین محمدی کنگاوری که سالهای متمادی مقیم حوزه علمیه قم بوده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی موسوی مدظله استفاده فقه و اصول نموده تا در چند سال قبل که بنابر دعوت عده‌ای از اهالی کرمانشاه رحل اقامت به آن سامان افکنده و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و خدمات روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی لائینی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1303 (در حدود 1344 ق.)، روستای ملامحمد هزار جریب، از توابع بهشهر.
درگذشت: 16 مهر 1372(21 ربیع‌الثانی 1414)، قم.
آیت‌الله حسین محمدی لائینی هشت ساله بود که پدرش را که در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف تحصیل می‌کرد از دست داد و تحت سرپرستی مادرش دروس ابتدایی را فراگرفت. سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی آیت‌الله کوهستانی رفت و در آنجا به یادگیری علوم اسلامی پرداخت، رسائل و مکاسب را نزد آن مرد بیاموخت. پس از آن برای تکمیل دانش خود به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شتافت و مدت دوازده سال از درس کفایه آیت‌الله حسن یزدی و حاج فقه آیت‌الله سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌الله هاشم آملی (دو دوره) بهره گرفت و با اخذ اجازات متعدد اجتهاد از مراجع نجف به زادگاه خویش بازگشت و به دعوت آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی مدت‌ها به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی وی پرداخت. او در مبارزات مردم در انقلاب اسلامی شرکت داشت و پس از پیروزی انقلاب، دو بار از سوی مردم به نمایندگی استان مازندران در مجلس خبرگان انتخاب گردید و تا پایان عمر بر این سمت بود.
آیت‌الله حسین محمدی لائینی سرانجام پس از بیماری، در هفتاد سالگی در عصر جمعه شانزدهم مهر 1372 (بیست و یکم ربیع‌الثانی 1414 ق.) درگذشت و پس از تشییع در نکا و قم، در صحن حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محمدی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم بن مرحوم آیت‌اللّه محمدی از علماء محترم معاصر گلپایگانست.
وی در ربیع‌المولود 1325 ق در قریه اسفرنجان دیده بدنیا گشود و بعد از طی دوران کودکی و تحصیل مختصری از مقدمات رهسپار اصفهان شده و در خدمت اساتید آن محیط دانش مفذمات و سطح را فراگرفت و در سال 1307 شمسی به نجف اشرف مشرف و در آن محیط نورانی در خدمت مرحوم آیت‌اللّه مشکینی و مرحوم آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی رضوان‌اللّه‌علیهم اشتغال به تحصیل داشت و بعد از هفت سال در سال 1314 شمسی با دریافت اجازه اجتهاد از محضر مبارک آیتین عراقی و اصفهانی طاب اللّه ثراهما به ایران مراجعت و چند سالی در خدمت پدر به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول بود تا در سال 1320 شمسی نعمت وجود پدر را از دست داده و از آن تاریخ شخصاً با اتکال به لطف خدا او توسل به ذیل عنایت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام متصدی حفظ نظام امور دینی و خدمات اجتماعی این منطقه گردید.
و با اینکه از سال 1322 برحسب دعوت که اهالی شهر گلپایگان از او نمودند موفق شد که در محیط به اقامه جمعه و جماعت بپردازد و نماز جمعه که سالها بود از آن محیط متروک و مهجور بود زنده نموده و بپای بدارد و توانست که مسجد جامع تاریخی و باعظمت این شهر را که متروک و مهجور و مخروبه بود افتتاح نماید و آن را معمور و مورد استفاده کامل قرار دهد.
مع ذلک محل سکونت خود را تغییر نداد و در موطن پدری خود زندگی می‌کرد تا عاقبت کثرت احتیاج مردم شهر بوجود او با عوامل دیگر ایجاب نمود که به شهر منتقل شود و در چند سال قبل این اقدام را نمود و به شهر منتقل شد و جمیع اوقات زندگی خود را در اختیار مردم شهر و دهات گلپایگان قرار داد و مسجد جامع را به صورت بسیار جالبی معمور و مجهز نمود و آن را پایگاه برازنده اقامه جمعه و جماعت این محیط کرده و آیت‌اللّه حایری گلپایگانی در مورد این موفقیت این چند شعر ذیل سرودند.
مسجد مزبور از هر جهت مجهز و دارای کتابخانه نفیسی است که در ردیف مساجد معمور درجه اول ایران می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی، خلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله حاج سید خلیل بن آقا سید محمد بن آقا سید خلیل بن آقا میر اسدالله المعروف بآقا سید بن آقا سید جعفر بن آقا سید قاسم بن آقا سید جعفر بزرگ صاحب العلوم المتفاوته والکراماته الباهره هزار جریبی بالارستاق بادامسری از علماء مبرز معاصر بهشهر است.
وی در سال 1329 قمری متولد شده و در سن چهارده سالگی در سال 1333 قمری پدر را از دست داده و در سن دوازده سالگی سال 1342 قمری مرحومه والده‌اش بنام بانو سیده فاطمه بدرود حیات گفته و درس قرآنی را نزد جده مادریش خوانده و بعد در اثر تراکم هموم و تهاجم سختی روزگار بعموم مردم و اوضاع اسف‌آور مرگ و میر در عشیره و اقوام ایشان بنابر قضاء پروردگار یکی بعد از دیگری از اعمام و اخوال و ذوی‌الارحام را از دست داده و همه برحمت ایزدی واصل گردیده و خلاصه با کمال صعوبت بواسطه نداشتن سرپرست و عدم مساعدت مادیّات ادامه بتحصیل داده تا بدروس فقه و اصول رسیده ولی باز بسبب پاره ای از موانع، اوضاع درسی عمومی و بالاخص مترجم ما مختل و حدود ده سال تعطیل تا در سال 1361 قمری که ثانیا موفق شده و برای ادامه تحصیل محضر سلمان عصر و فقیه دهر یگانه مرد مجاهد دینی مرحوم آیه‌الله آقا شیخ محمد کوهستانی عطرالله مرقده‌الشریف در کوهستان بهشهر شروع بتحصیل نموده و در اوقات تابستان در هزار جریب محل کلا از محضر آیه‌الله حاج شیخ عبدالجبار فقیهی کلائی استفاده نموده تا سال 1365 قمری که باتفاق عده‌ای از رفقا و دوستانش مهاجرت بعتبات عالیات و باقیمانده از متون فقه و اصول را از بعضی آیات عظام مثل مرحوم آیه‌الله حاج میرزا حسن یزدی و آیه‌الله آقا شیخ باقر تبریزی و دیگران در مدت شش ماه خوانده و پس از آن از محاضر حجج اعلام و آیات عظام مانند آیه‌الله العظمی آملی و آیه‌الله العظمی شاهرودی و مرحوم آیه‌الله العظمی حکیم و آیه‌الله اصطهباناتی و نیز آیه‌الله المعظم آقای حاج میرزا حسن بجنوردی فقها و اصولا استفاده نموده تا در سال 1369 قمری که بواسطه انحراف مزاج و کسالت دچار ضعف مفرط شده بود لذا حسب‌الامر آیات کرام از نجف بعنوان تغییر هوا بایران و وطن خود آمده و بعد از شش ماه مراجعت و ادامه بتحصیل داده تا سال 1376 قمری که مراجعت بهزار جریب نموده و در زادگاه خود و هم شهر بهشهر (اشرف

سابق) توطن گزیده و شش ماه در محل و شش ماه در بهشهر اقامت و بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ایفاء وظائف دیگر اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مدرس اصفهانی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1273 -1210/ 1208 ق)، عالم دینی، فقیه، محقق و مدرس. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد. پس از نشو و نما از محضر علمای اصفهان و کربلا و نجف استفاده نمود. وی از شاگردان پدرش، میر سید علی، و آخوند ملا علی نوری و شریف العلمای مازندرانی و حاج محمدابراهیم کرباسی و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ محمدحسین رازی، صاحب «فصول»، و شیخ محمدتقی رازی، صاحب «حاشیة المعالم»، و میرزا زین‌العابدین خوانساری بود. او از میرزا زین‌العابدین خوانساری و صاحب «جواهر» اجازه داشت. او در اصفهان حوزه درس و بحث در فقه و اصول داشت و به جهت حسن تقریر و کثرت مطالب به مدرس معروف گردید. شاگردان بسیاری از شهرهای اطراف به سویش شتافتند و تا او زنده بود هجرتی به عراق برای تحصیل صورت نگرفت. میرزا ابوالمعالی کرباسی و ملا محمدباقر فشارکی و میرزا محمدحسن نجفی اصفهانی و میرزای شیرازی و میرزا محمد هاشم خوانساری چهارسوقی و ملا حیدر اصفهانی و ملا شکرالله لواسانی و ملا علی‌اصغر خوسفی بیرجندی و آقا میرزا محمدباقر بن زین‌العابدین خوانساری از شاگردان وی بودند. او با صاحب «روضات الجنات» معاصر بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی مخصوص خود، در دهلیز مسجد رحیم خان که بنیان آن توسط خود ایشان بوه، به خاک سپرده شد. از آثارش: «جوامع الاول» یا «جوامع الکلم»، در اصول فقه؛ «فقه استدلالی»؛ شرح «المختصر النافع» محقق؛ «مناسک الحج»؛ «اجوبة مسائل المختلفة»؛ رساله‌ی «اصالة البراءة»؛ «رسالة فی الاصول الجاریة فی الشک»؛ رساله‌ی «اصالة الصحة»؛ رساله‌ی «العدالة»؛ رساله‌ی «قاعده‌ی لاضرر»؛ «رساله‌ی عملیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (269 -268)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (141/ 2)، الذریعه (260/ 22 ،11/ 17 ،59 -58/ 14 ،214 ،85/ 11 ،248 -247/ 5 ،124/ 4 ،114/ 3)، روضات الجنات (300 -299/ 2)، ریحانه (267/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 336 -334/ 13)، فوائد الرضویه (110)، المآثر و الآثار (172)، معجم المؤلفین (260/ 3)، مکارم الآثار (384 -376/ 2)، هدیة العارفین (303 -302/ 1).

مدرس بزرگ، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی بن سید علیرضا بن سید زین‌العابدین معروف به مدرس بزرگ از مشاهیر فقهاء و معاریف علماء شهرستان یزد و معاصر با همنامش مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا سید علی حایری بوده و در فقاهت و پرهیزگاری از نوادر دانشمندان زمان خود و صاحب تالیفات عدیده که بعضی از آنها درالذریعه یاد شده است و از آنها کتاب مستطاب (الهام الحجة) در علم کلام که به سعی حاج سید علیرضا حایری در مشهد به طبع رسیده است.
مرحوم مدرس بزرگ در مراجعتش از ارض اقدس رضوی و زیارت حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه آلاف التحیة و الثناء در شهر طبس از دنیا رفته و در مزار امامزاده طبس مدفون و زیارتگاه عموم می‌باشد.
و ایشان برادر بزرگ مرحوم آیت‌اللّٰه آقاسید مرتضی معروف به شیخ مرتضی مدرس آتی‌الذکر می‌باشند.
برادر دیگر ایشان مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا ابوالحسن مجتهد مدرس یزدی بوده که در فتنه بابیه حکم جهاد بر علیه آنها داده و جماعتی از آن منحرفین را به دارالبوار فرستاده است.
و برادر چهارم ایشان مرحوم سید العارفین آقای آقا میرزا اسداللّٰه یزدیست که در شهر کاشان بدرود حیات گفته و در همانجا مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس خاتون‌آبادی، ابوالقاسم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1203 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، فیلسوف و مدرس. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. او از مدرسین مشهور اصفهان و از خانواده‌ی میر محمدحسین خاتون‌آبادی، سبط مجلسی بود. فلسفه را از ملا اسماعیل خواجویی و شیخ آقا محمد بیدآبادی و فقه و اصول را از سید بحرالعلوم فراگرفت. پس از رسیدن به درجات علمی بالا در مدرسه‌ی شاه اصفهانی به تدریس حکمت نظری پرداخت. او تا پایان عمر در مدرسه‌ی چهار باغ مدرس معقول و منقول از فقه و اصول بود. سید ابوالقاسم جعفر بن حسین خوانساری، جد مؤلف «روضات الجنات»، و آقا میرعبدالباقی امام جمعه و آخوند ملا علی نوری از شاگردان او بودند. سید بحرالعلوم که خود از اساتید فقه و اصول او بود در حکمت و کلام از شاگردان وی به حساب می‌آید. در اصفهان درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و نزدیک قبر امیرالمؤمنین (ع) دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»، به فارسی؛ شرح «نهج‌البلاغة»؛ حاشیه بر «تفسیر کاشی»؛ حاشیه بر «کافی»؛ حاشیه بر «من لا یحضر الفقیه»؛ حاشیه بر «التهذیب»؛ حاشیه بر «الاستبصار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (405/ 2)، تذکرة القبور (90)، ریحانه (267 -266/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 51 -50/ 13)، معجم المؤلفین (114/ 8)، مکارم الآثار (133 -129/ 1).

مدرس خیابانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی بن محمدطاهر بن نادر بن محمدطاهر تبریزی خیابانی معروف به مدرس خیابانی (و. 1296 ف. 1373 ه.ق) مؤلف ریحانةالادب در تراجم و شرح حال اطبا و علما و عرفا و حکما و ادبا و فضلا با ذکر کنیه و لقب آنها. مدرس خیابانی غیر از ریحانةالادب تألیفات دیگری نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از: «حیاض الزلائل فی ریاض المسائل» در شرح کتاب طهارت از ریاض که معروف به شرح کبیر است، دیگر «فرهنگ بهارستان» در مرادفات فارسی. دیگر «فرنگ نگارستان» در لغت فارسی. دیگر «فرهنگ نوبهار» در لغت فارسی، دیگر کتاب «غایةالمنی فی تحقیق الکنی» در بیان کنیه‌های حیوانات در زبان عرب.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدرس رضوی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1280 ق)، فقیه، عالم دینی، نحوی و شاعر. پدرش خواهرزاده‌ی سید محمد رضوی سبزواری امام جمعه مشهد بود. سید میرزا محمدتقی یازده برادر داشت که با خود او همگی اهل فضل و کمال بودند. میرزا عبدعلی منجم باشی مشهدی فرزند او است. از آثارش: «المنظومه الفقهیة»؛ «المنظومة النحویة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (194/ 9)، الذریعه (140، 126/ 23)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 221/ 13)، المآثر و الآثار (172)، معجم المؤلفین (131/ 9).

مدرس رضوی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1311 -1239 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مجتهد، رجالی، محدث، مدرس و عارف. در مشهد به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا فراگرفت. در 1263 ق به نجف رفت و در مدت بیست سال در محضر شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی نجفی و شیخ راضی نجفی و دیگران تلمذ نمود و ملازم بحثهای آنان بود تا به درجه‌ی علمی بالایی رسید. او به افتخار دریافت اجازه از شیخ انصاری نایل شد. سپس به ایران بازگشت و در شهر خود به تدریس و تألیف پرداخت. در مشهد درگذشت و در حرم رضوی، در دارالضیافة، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «رسالة فی الدرایة و الرجال»؛ «رسالة فی الهیئة»؛ شرح «الشرایع»؛ «نتایج الافکار»، تقریراتی در اصول فقه؛ «تقریرات الفقه»؛ رساله در «مقدمة الواجب»؛ رساله در «اقسام الولایات»؛ «احکام الغصب»؛ «منجزات المریض»؛ «اساس الفقه»؛ «مطالب الحکمة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (16/ 10)، الذریعه (255/ 25 ،44/ 24 /326، 13 ،177 ،95/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1454 -1453/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (604 -603/ 2)، معجم المؤلفین (17/ 11)، مکارم الآثار (1079 -1078/ 4).

مدرس زنوزی تهرانی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1307 -1234 ق)، فیلسوف، فقیه، عالم دینی و مدرس. معروف به آقا علی مدرس و آقا علی حکیم. در تهران به دنیا آمد. نزد پدرش که از حکمای عصر خود بود درس خواند. سپس به قصد ادامه تحصیل به عتبات رفت و پس از فراگیری کامل فقه و اصول به اصفهان مسافرت کرد و در محضر درس میرزا حسن نوری و ملا محمدجعفر لاهیجی حکمت و فلسفه خواند. آنگاه به قزوین رفت و نزد آخوند ملا آقای قزوینی علوم معقول را تکمیل کرد. سرانجام به تهران آمد و در مدرسه سپهسالار قدیم در محله عودلاجان مدرس فلسفه شد و سرآمد اقران گشت و شاگردان بسیار تربیت کرد. شیخ محمدباقر اصطهباناتی و میرزا طاهر تنکابنی و شیخ علی نوری و شوارق و شیخ عبدالنبی نوری و ملا محمد آملی و بسیاری دیگر از شاگردان او بودند. از آثارش: «بدایع الحکم»؛ «سبیل الرشاد» یا «الرسالة المعادیة»، در اثبات معاد جسمانی؛ «تعلیقات علی مباحث الأسفار الاربعة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 1474 -1473 /14)، طرائق الحقائق (507 -504 /3)، المآثر والآثار (157).

مدرس قمیشه‌ای، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن سید اسماعیل بن میر عبدالباقی بن میر عابدین طباطبائی.
عالم مجاهد جلیل، و مجتهد سیاسی، جامع معقول و منقول، فقیه متکلّم.
اصل ایشان از سرایه از دهات کچویه بلوک اردستان می‌باشد، به شهرضا منتقل شده و میر عبدالباقی در آنجا از دنیا رفته و مدفون شده است.
مدّرس در حدود سال 1287 در سرایه متولّد گردیده، و در نزد پدرش که از افاضل خطبا و فضلا بوده مقدّمات علوم را بیاموخته، در شش سالگی به اتفّاق خاندانش به شهرضا منتقل گردید. در حدود 1308 پدرش وفات یافته است.
مشارالیه مدّت سیزده سال در اصفهان نزد فضلای این شهر مانند: میرزا عبدالعلی نحوی، و جهانگیر خان قشقائی، و آخوند کاشی، و آقا محمود مغنی و دیگران تحصیل نموده، و مدّت هفت سال در نجف به درس آقا سید محمّد کاظم یزدی، و آخوند خراسانی، و ملاّ علی نهاوندی حاضر شده، سپس به اصفهان مهاجرت نموده و در مدرسه جدّه سکونت کرده، و در فقه و اصول به تدریس اشتغال جسته.
سپس در دوره دوّم انتخابات مجلس شورای ملّی، به عنوان مجتهد طراز اول از طرف علما انتخاب و شرکت نموده، و در دوره بعد، از طرف مردم طهران انتخاب گردیده، و جمعاً 5 دوره در مجلس شرکت داشته، ضمناً در مدرسه سپهسالار نیز تدریس می‌نموده است.
در این ادوار به عنوان لیدر اقلّیّت شناخته شده، و دو مرتبه او را می‌خواسته‌اند ترور کنند که در هر دو دفعه جان بدر برده. سالها در شهرهای مختلف زندان بوده، سرانجام در شب 28 رمضان المبارک سال 1357 در کاشمر شهید شده، در امام زاده آنجا مدفون گردید.
آقای ابراهیم خواجه نوری در کتاب: «بازیگران عصر طلایی»، و آقای حسین مکّی در کتاب: «مدّرس قهرمان آزادی»، و آقای عبدالحسین هوشمند راد شیرازی در کتاب «سرگذشت مرحوم سید حسن مدرس»، و مرحوم عبداللّه مستوفی در «شرح زندگانی من» و دیگران شرح حال او را نوشته‌اند، طالبین مراجعه نمایند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس کهنگی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمد ابراهیم بن علی طباطبائی. از علمای اخیار، و صلحا و ازکیا بوده، در اصفهان در خدمت: آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی، و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، و حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام، و حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان و جمعی دیگر از فحول و دانشمندان تحصیل نموده تا به درجه‌ی اجتهاد نایل گردید؛ سپس در سال 1317 به نجف رفته، آنجا به درس آخوند خراسانی، و حاج آقا رضا همدانی، و آقا سید محمد کاظم یزدی حاضر شده، عالمی جلیل، و مجتهدی بلا عدیل گشت.
در سال 1321 به اصفهان مراجعت نموده، به تدریس و تألیف اشتغال جسته، و کمتر با مردم مراوده می‌نموده.
در ملکات نفسانی و فضای اخلاقی بی‌نظیر بود، ضمنا به کارهای زراعتی، روزگار می‌گذرانید. چندین رشته قنات، حفر و ایجاد نمود.
در حدود سال 1288 متولد، و در 17 جمادی الثانیه سال 1376 وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید. کتب زیر از تألیفات اوست:
1 - تقریرات اصولی آخوند خراسانی 2 - تقریرات فقهی آقا سید محمد کاظم یزدی 3 - رساله در بداء به نام «هدایة الوری در شرح بدا» که به طبع رسیده.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس مازندرانی، ولی‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله فی العالمین مرحوم حاج شیخ ولی‌الله مدرس بابلی یکی از مشاهیر علماء آن سامان بلکه اعلم دانشمندان مقیم مازندران بوده بسیار متواضع و خلیق و بی‌هوا و جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله بوده است در سفریکه نگارنده بمازندران و بابل رفتم وارد بر معظم له شده و از نزدیک سجایای کریمانه آنمرحوم را مشاهده کردم. وی در حدود 1294 قمری در یکی از مضافات بابل متولد شده و پس رشد و طی مقدمات و سطوح عالیه عزیمت بنجف نموده و چندین سال از محضر مرحومین علمین علاّمتین خراسانی و طباطبائی یزدی و اساتید دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت بایران و بابل کرده و باقامه جماعت و تدریس فقه و اصول پرداخته است و پس از فوت مرحوم شیخ کبیر فوق‌الذکر امامت مسجد جامع بابل و تولیت موقوفات مسجد قهاریه و همان مسجد جمعه که با اعلم علماء مازندران مقیم آن سامان بوده منطبق و محول بایشان گردیده ولکن دست تطاول و غصب ایشان را محروم و ممنوع و بشخص نالایق و غیر روحانی و اهلی واگذار نمود.
و ناگفته نماند که امامت مسجد جامع بابل و تولیت موقوفات آنجا و مسجد قهاریه از روز بناء مسجدین با اعلم علماء مازندران بوده در زمان مرحوم محمد شاه قاجار با مرحوم حاج ملا محمد سعیدالعلماء و پس از ایشان در زمان ناصرالدین شاه با مرحوم حجه‌الاسلام حاج ملا محمد اشرفی و در زمان احمد شاه با شیخ محمد حسن معروف بشیخ کبیر و پس از ایشان شرعا با مرحوم مدرس مزبور بوده ولی متاسفانه به بعضی از نور چشمی‌ها واگذار و درآمد آن خرج نامشروع گردیده تا در سال 1373 قمری که محکمه دیوان عالی کشور حکم تولیت آن مرحوم را تصویب و تائید و بایشان واگذار ولی هنوز تحصیل عوائد موقوفات را ننموده که بمصارف آن برساند که در شب پنجم ماه ربیع‌الثانی 1374 قمری از دنیا رفته و در خانه شخصی خود مقابل مقبره حجه‌الاسلام اشرفی در نزدیکی مسجد جامع مدفون گردید (رحمه‌الله علیه کان والله عالما فاضلا مجتهدا صابرا متواضعا لاهل الدین تقیا نقیا زکیا بارعا ذاکرا لله کثیرا مداوما لزیاره العاشورا و کان والله حسن الخلق کریم النفس منیع الطبع ساهر اللیل عاش اکثر من ثمانین سنه فی تلک الخصال اعلی الله مقامه الشریف.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مدرس مشهدی، ابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1148 ق)، فقیه، عالم دینی و مدرس. ملقب به نایب‌الصدر یا نایب الصدارة (در آستان قدس رضوی). مقام شیخ الاسلامی مشهد و نیز مدرسی آستان قدس رضوی را در روزگار شاه سلطان حسین صفوی رضوی را در روزگار شاه سلطان حسین صفوی (1135 -1105 ق) بر عهده داشت. وی در فقه و کلام و حکمت متبحر بود. شیخ عبدالنبی قزوینی از شاگردان اوست. از آثارش: «اصول العقائد الاسلامیة» و شرح آن موسوم به «فوائد العلیة»، که به احتمال زیاد همان «القواعد و الفوائد الحکمیة و الکلامیة» یا «الفوائد الکلامیة»، در چهل هزار سطر، که مؤلفش در نگارش آن به هیچ کتابی مراجعه نداشته و همه آن را از خود و محفوظاتش نوشته است؛ رساله‌ای در «حرمة صلاة الجمعة» یا «تحریم صلاة الجمعة»، در زمان غیبت. در «ریحانة الادب» و «اعیان الشیعه» کتاب «الفیروزجة الطوسیة فی شرح الدرة الغرویة» شیخ محمد مشهدی، به اشتباه به صاحب عنوان نسبت داده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (227/ 2)، الذریعه (195 -194/ 17 ،357 -356 ،349/ 16 ،197/ 2)، ریحانه (127 -126/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 23 -22/ 12)، لغت نامه (ذیل/ نایب‌الصدر)، معجم المؤلفین (112/ 1).

مدرس نجف‌آباد، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی مدرس نجف‌آبادی که نسبش منتهی می‌شود به سید محمد مومن بن محمد زمان تنکابنی صاحب (تحفه حکیم مومن) از علماء اعلام و آیات عظام معاصر اصفهان بوده‌اند.
معظم‌له در سال 1287 قمری در نجف‌آباد متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در اصفهان مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محضر مرحوم علامه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و سید استاد آیت‌اللّه آقا سید محمد اصفهانی (فشارکی) و علامه ملاعلی نهاوندی و علامه شیخ هادی تهرانی و علامه سید محمد کاظم یزدی و غیر آنها استفاده نموده تا به اعلی درجه علوم عقلی و نقلی رسیده و در میان شاگردان آخوند خراسانی مشار بالبنان و مقام نبوغ علمی او مورد اعتراف بزرگان گردیده است.
وی پس از فوت مرحوم آخوند به اصفهان مراجعت و مورد استقبال و تکریم و تعظیم و تجلیل مردم اصفهان و بالاخص حوزه علمیه آن قرار و به تدریس علوم اسلامی مخصوصا حکمت و کلام پرداخته و جمع کثیری از فضلاء آن عصر که اکنون از آیات عظام معاصرند مانند آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی فانی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی اردکانی و عالمه فاضله کامله بانو (هاشمیه) صاحب (مخزن العرفان) تفسیر و (اربعین هاشمیه) و دهها کتاب مطبوع دیگر از محضر اشتفاده نموده تا به مرتبه اجتهاد نائل و مجاز از وی گردیده‌اند.
آن بزرگوار ساکن مدرسه صدر اصفهان گردیده و به زندگانی بسیط و ساده و زهد و قناعت اکتفاء و تدریس علوم مختلفه از فقه و اصول کلام و تفسیر نموده تا در صبح جمعه سیزدهم صفر 1362 ق در سن 675 سالگی از دنیا رفته و در قبرستان تخت فولاد مدفون گردیده است.
از آثار او حواشی بر مقالات آقاضیاء و حواشی بر کفایه‌الاصول آخوند خراسانی می‌باشد.
نگارنده گوید مرحوم مدرس نجف‌آبادی که تا آخر عمرش حلیف حجره و مدرسه صدر بود یکی از مفاخر بزرگ نجف‌آباد است حکایت کرد برای حقیر حجةالاسلام حاج سید اسماعیل هاشمی اصفهانی از یکی از فضلاء و صلحاء اصفهانی که گفت شب در عالم خواب دیدم که جنازه‌ای را تشییع می‌کنند و هزارها نفر از علماء و مردم اصفهان شرکت کرده‌اند.

من هم شرکت نموده و تعجب می‌کردم که جنازه کیست و شنیدم صدائی از جنازه بلند است که می‌گوید کم است کم است.
ناگاه دیدم آقای سید علی مدرس نجف‌آبادی را گفتم آقا شما از دنیا رفته‌اید گفتند آری گفتم شما می‌فرمودید کم است کم است گفتند آری گفتم یعنی چه فرمود مقرر شد که جمعی از مشیعین جنازه مرا بیآمرزند من گفتم کم است همه باید آمرزیده شوند.
پس از خواب برخاسته و آمدم به طرف حجره سید دیدم عده‌ای ایستاده و گریه می‌کنند گفتم چه خبر است گفتند الساعه از دنیا رفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس نجف‌آبادی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد (مدرس نجف‌آبادی) ابن میر سید حسین موسوی از علماء بزرگ و اساتید و مدرسین مشهور اصفهان و عالمی فاضل و زاهدی محقق و اصولی مجتهد بوده است.
وی در سال 1294 قمری در نجف‌آباد متولد گردید و مقدمات علوم را در اصفهان تحصیل کرد و در سن 18 سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا از محضر فقهاء و مدرسین عالیقدر من جمله آخوند خراسانی و آیت‌اللّه آسید محمد کاظم یزدی و آقا سید محمد فشارکی و حاج آقارضا فقیه همدانی و حاج سید اسمعیل صدر و شریعت اصفهانی استفاده نموده و در سال 1327 ق پس از وصول به مقامات عالیه علمی و اجتهاد و کسب اجازه از اساتید مزبور به اصفهان مراجعت نموده و تشکیل جلسات تدریس گذارده و مورد استقبال و توجه علاقمندان قرار گرفت و مخصوصا در فن اصول و تدریس کفایه مرحوم آخوند خراسانی مهارت و تبحر کم‌نظیری داشت و بسیاری از دانشمندان و فقهاء معاصر که در اصفهان و مناطق مجاور آن به مقام علمی شهرت دارند از محضر ایشان کسب علم و کمال کرده‌اند.
و جلسات درس و بحث ایشان تا اواخر عمرشان ادامه داشت تا در روز شنبه 25 ذیقعده سال 1358 در اصفهان وفات نموده و در بقعه (سید العراقین) مدفون گردیدند.
از آثارشان حاشیه بر کفایه است که در دو جلد به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرس یزدی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1287، یزد.
درگذشت: 18 شهریور 1371.
آیت‌الله مدرس یزدی تحصیلات مقدماتی را در یزد سپری کرد و در سیزده سالگی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. پس از تکمیل تحصیلات حوزوی راهی نجف اشرف گردید و چندین سال در عتبات عالیات به تعلیم و تربیت پرداخت. سپس مجددا به قم مراجعت فرمود و در این شهر به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه‌ی نماز جماعت مشغول شد. پس از چند سالی بنا به اصرار جمعی از مردم، به تهران آمد و در محله‌ی امامزاده یحیی رحل اقامت گزید. اقامتشان در این محله متجاوز از نیم قرن طول کشید که در این مدت علاوه بر اقامه جماعت در تعدادی از مساجد محل به تدریس خارج فقه و اصول در مدارس علمیه، سپهسالار (مروی قدیم)، حاج ابوالحسن و... پرداخت.
آیت‌الله مدرس یزدی از مراجع عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا حسین طباطبایی بروجردی، آقا سید محمدتقی خوانساری گواهی اجتهاد داشت.
از ایشان رسائل و تقریرات زیادی به جای مانده به استثنای دیوان شعر شامل مباحث علمی پیرامون فقه و اصول می‌باشد. حواشی بر کتب شریف عروة الوثقی رسائل و مکاسب نیز از دستاوردهای زندگانی حضرت علامه می‌باشد.
آیت‌الله حاج شیخ مهدی مدرس یزدی پس از هشتاد و سه سال زندگی دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرس، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 1287 ه.ق در قریه سرابه کچو از توابع اردستان تولد یافت. پدرش اسماعیل و جدش میرعبدالباقی از طایفه میرعابدین بود. پدر و اجدادش متدین و مبلغ احکام الهی بودند. در شش سالگی به قمشه هجرت داده شد و تا 14 سالگی در آنجا به تحصیل علوم مختلف اشتغال داشت. در 16 سالگی برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه اصفهان شد قریب سیزده سال در اصفهان در محضر سی استاد تملذ نمود. استادان برجسته وی میرزا عبدالعلی هرندی و میرزا جهانگیرخان قشقائی و آخوند ملا محمد کاشانی بودند.
مدرس سپس برای ادامه تحصیل عازم نجف اشرف شد و مدت هفت سال نیز در آنجا تحصیل نمود. محاضر آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و آیت‌الله سید کاظم یزدی را طی کرد و از چند مرجع تقلید درجه اجتهاد گرفت. سپس به اصفهان بازگشت و در مدرسه جده به تدریس فقه و اصول مشغول گردید. یکبار در آن مدرسه به وی سوءقصد شد و چهارگلوله به سمت او شلیک شد ولی آسیب به مدرس نرسید و موضوع را نیز تعقیب نکرد.
مدرس در دوره دوم مجلس شورای ملی که انتخابات آن بعد از استبداد صغیر به صورت دو درجه‌ای انجام گرفت از طرف علمای اعلام نجف به عنوان هیئت روحانیه نظار در اجرای اصل دوم قانون اساسی انتخاب گردید. مجموعا منتخبین علماء نجف پنج نفر بودند، یکی مدرس و چهار نفر دیگر عبارت بودند از: حاج سید زین‌العابدین قمی، حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی، حاج سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ باقر همدانی. ناگفته نماند که دو نفر اخیر به مجلس وارد نشدند. مدرس پس از ورود به تهران و مشارکت در جلسات شورای ملی خیلی زود جای خود را باز کرد. وی در آن مجلس مسلک اعتدالی را انتخاب نمود ولی رسما داخل تشکیلات آنها نشد. مرحوم ملک الشعرای بهار در جلد اول تاریخ احزاب سیاسی می‌نویسد: «دموکراتها که 28 نفر بودند مخالفان خود یعنی اعتدالوین را که 36 تن می‌شدند ارتجاعی می‌نامیدند؛ زیرا آن حزب هوادار روش ملایمتر و رعایت سیر تکامل بود و اعتقاد به کشتن و از میان بردن مستبدان و ارتجاعیوان نداشت از این رو بیشتر اعیان بدان حزب پناه می‌بردند. سپهدار اعظم تنکابنی، سردار محیی، دولت‌آبادیها، سید عبدالله بزرگ

بهبهانی، سید محمد بزرگ طباطبائی دو پیشوای مشروطه و غالب متنفذین و ناصرالملک نایب‌السلطنه و فرمانفرما و غالب اعیان و روحانیون و اکثریت مجلس دوم طرفدار یا عضو این حزب شدند...» مجلس دوم در طول دو سال عمر حوادث مهمی را پشت سر گذاشت و به ترتیب سپهدار تنکابنی، مستوفی‌الممالک، سپهدار تنکابنی و صمصام‌السلطنه را به روی کار آورد. دو نایب‌السلطنه در آن دوران معرفی و انتخاب شدند. محمد علی شاه و دو برادرش به خاک ایران تجاوز نمودند و سرانجام اولتیماتوم روسیه برای اخراج شوستر عمر آن مجلس را پایان بخشید. سید حسن مدرس در تمام مسائل مهم مطروحه در مجلس دوم دست اندرکار بود و با نطقهای طولانی و بحثهای مختلف در حل مشکلات دولت را یاری می‌داد و در مقابل خواستهای غیرقانونی امنای دولت سرسختانه مبارزه و از انجام آن جلوگیری می‌کرد.

وقتی مرحوم مشیرالدوله وزیر عدلیه وقت قانون اصول محاکمات را تهیه و به مجلس تقدیم کرد در کمیسیون عدلیه که ریاست آن با مدرس بود قانون را رد کردند و موجب قهر مشیرالدوله شد و در وزارتخانه حضور نیافت. عده‌ای از وکلای متنفذ مجلس باری اصلاح ذات‌البین به تلاش افتادند و از دیوانعالی کشور هم عده‌ای دست به کار شدند. سرانجام مدرس تصویب قانون اصول محاکمات را موکول بر آن نمود که هشت ماده‌ای که او پیشنهاد می‌کند در ابتدای قانون آورده شود. مشیرالدوله سرسختانه در مقابل هشت ماده پیشنهادی مدرس ایستادگی کرد ولی بالاخره چاره و پیشرفت قانون را منحصرا در قبول کلیه مواد دید و ناچار تسلیم مدرس شد.

در اواخر دوره دوم مجلس که قسمتی از کشور تحت سلطه سربازان روسی بود بطور ناگهانی اولتیماتومی در سه اصل به دولت ایران داده شد که اصل اول آن اخراج موردگان شوشتر امریکایی بود. دولت صمصام‌السلطنه اولتیماتوم را به مجلس برد و در اثر نطق تند و احساساتی شیخ محمد خیابانی مجلس به اتفاق آرا اولتیماتوم را رد کرد و روسها قوای نظامی خود را به سمت تهران حرکت دادند. جلسات مجلس شب و روز تشکیل می‌شد، در این جلسات مدرس نقش بسیار سازنده‌ای پیش گرفت تا موضوع به نفع ایران خاتمه یابد، چند نطقی که مدرس در این زمینه ایراد کرد بسیار سنجیده و پخته بود و راه‌حلهایی ارائه نمود.

پس از تعطیل قهری مجلس دوم به شغل اصلی خود که تدریس فقه و اصول بود پرداخت و همه روز در مدرسه عالی سپهسالار حضور یافته برای شاگردان خود درس می‌گفت. ضمنا با محافل سیاسی تهران نیز در رفت و آمد بود و در حقیقت از شخصیتهای برجسته سیاسی و روحانی تهران محسوب می‌شد. ناصرالملک نایب‌السلطنه وقت برای ادامه دیکتاتوریهای

خود هرگز به فکر انتخابات دوره سوم نیفتاد تا بالاخره پس از سه سال فترت در دوره رئیس‌الوزرایی علاءالسلطنه فرمان انتخابات دوره سوم صادر شد و عین‌الدوله وزیر داخله وقت دستور اجرای آن را به حکام صادر نمود. در این دوره سید حسن مدرس به علت حسن شهرت از تهران کاندیدای نمایندگی مجلس شد و پس از اخذ آراء و شمارش آن وکیل دوم تهران گردید.
مجلس سوم مجموعا قریب یکسال دوام کرد و در همان یکسال با مشکلات عظیمی مواجه بود. مدرس در رأس هیئت علمیه قرار داشت که تعداد نمایندگان آن در مجلس متجاوز از پانزده نفر بودند. در این دوره از مجلس وزیران مختار روس و انگلیس به زور فرمان رئیس‌الوزرائی سعدالدوله را از احمد شاه گرفتند ولی در اثر تلاش سفیر عثمانی و وزیر مختار آلمان فرمان باطل شد و آزادیخواهان مجلس عین‌الدوله را به ریاست وزرائی منصوب کردند. مدرس در این انتصاب نقشی مهم و عمده داشت. در کابینه عین‌الدوله که به اتفاق مورد تأیید مجلس قرار گرفته بود پس از دو ماه فرمانفرما وزیر داخله راجع به جریانات کرمانشاه مورد استیضاح دموکراتها قرار گرفت و عین‌الدوله نخست‌وزیر به موجب مسؤولیت مشترک وزیران استیضاح را متوجه هیئت وزیران کرد و در روز موعود به اتفاق وزیران به استیضاح پاسخ داد و در اثر گفتگوهای تندی که بین سلیمان محسن لیدر دموکراتها و عین‌الدوله رد و بدل شد تعرضا مجلس را ترک و استعفا داد. مدرس به حمایت عین‌الدوله نطق مهم و مستدلی ایراد کرد و سخنان عین‌الدوله را تأیید نمود. در اثر سخنان مؤثر مدرس مجلس مجددا به عین‌الدوله ابراز اعتماد کرد ولی عین‌الدوله زیر بار نرفت و نخست‌وزیری را نپذیرفت.
در نیمه‌های آبان ماه 1294 ش به دنبال حرکت قوای قزاق روس به سمت تهران احمد شاه تصمیم به ترک تهران و تغییر پایتخت گرفت و نیت و قصد خود را به کاخ‌نشینان لندن و پطرود گراد تلگرافی اطلاع داد. در آن موقع رجال ایران به دو دسته تقسیم می‌شدند: عده‌ای با تغییر پایتخت موافق بودند و عده‌ای مخالف این تصمیم بوده و پافشاری می‌نمودند که شاه تهران را ترک نکند. قبل از حرکت شاه از تهران عده زیادی از رجال و روحانیون و نمایندگان مجلس به سمت قم حرکت کردند، مدرس جزو لیدران مهاجرین بود. چندی در قم و کاشان و اصفهان توقف نمودند ولی چون قوای روس در تعقیب آنها بود به سمت کرمانشاه حرکت کردند. وزیران مختار روس و انگلیس احمدشاه را در تغییر پایتخت منصرف ساختند و به دستور احمدشاه مهاجرین تلگرافی به تهران احضار گردیدند ولی هیچکدام آنها دعوت شاه را نپذیرفته و درصدد دفاع از حیثیت کشور شدند. کمیسیونهای متعددی برای جمع‌آوری اعانه و خرید اسلحه تشکیل

شد تا سرانجام رضا قلی‌خان نظام‌السلطنه حکمران بروجرد و لرستان و خوزستان با یک عده قوا وارد صحنه کرمانشاه شد. وی ریاست کل قوای ایران را برعهده گرفت و وزیرانی برای خود تعیین کرد که عبارت بودند از: سید حسن مدرس وزیر عدلیه و اوقاف، رضا قلی سالار نظام وزیر امور خارجه، میرزا حسین خان ادیب‌السلطنه وزیر داخله، میرزا قاسم خان صور اسرافیل وزیر پست و تلگراف، محمد علی خان کلوپ وزیر مالیه و حاج عزالممالک وزی فوائد عامه.
مدرس ظاهرا وزارت عدلیه و اوقاف را توامان عهده‌دار بود، ولی عملا نظام‌السلطنه در تمام تصمیمات او را مشارکت می‌داد. این هیئت به روس و انگلیس اعلان جنگ داد. در چند منطقه بین قوای ژاندارم و نیروی ملی با قوای روسیه زد و خورد شدید شد و روسها قصد تسخیر کرمانشاه را نمودند. دولت موقتی و قوای او به سمت کرند و قصر شیرین رفتند و از آنجا به بصره و بغداد رفته سرانجام وارد استانبول شدند. در تمام مدت جنگ مدرس در استانبول بسر می‌برد و چندین بار با سلطان عثمانی و رئیس‌الوزراء و مقامات درجه اول آن کشور ملاقات و مذاکره کرد.
در سال 1295 که میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله به رئیس‌الوزرایی انتخاب شد فرمان انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی را صادر کرد و انتخابات بعضی از نقاط در همان موقع انجام گرفت. انتخابات تهران در مهرماه 1296 پایان گرفت و مدرس وکیل تهران شد در حالی که در آن ایام مدرس در استانبول اقامت داشت ولی وجهه و شخصیت وی موجب گردید مردم تهران او را به وکالت خود انتخاب نمایند. پس از پایان جنگ جهانگیر اول، مدرس و عده‌ای از مهاجرین از استانبول به تهران بازگشتند. بعد از وثوق‌الدوله به ترتیب علاءالسلطنه، عین‌الدوله، مستوفی‌الممالک و صمصام‌السلطنه هریک مدت کوتاهی به زمامداری رسیدند ولی دردی دوا نشد.
در اوایل 1297 که صمصام‌السلطنه زمام امور را در دست گرفت، دولت ایران با مشکلاتی بزرگ مواجه بود از جمله تخلیه ایران از قوای خارجی، تعیین و اخذ خسارات ناشی از جنگ که به ایران وارد شده بود، روابط جدید و عقد قرارداد با همسایه شمالی که در اثر انقلاب و سقوط حکومت تزار و تشکیل شوراهای دولتی لازم بود که شخصی اداره امور را در دست بگیرد که توانایی انجام مشکلات کشور را داشته باشد. مدرس در این کار پیشقدم بود و با تشکیل جلسات متعدد و بیان مشکلات کشور و عدم توانایی صمصام‌السلطنه خواستار یک دولت قوی از احمدشاه شدند. احمدشاه که مردی ضعیف و کم اراده بود خواسته مردم را جدی نگرفت تا اینکه عده زیادی از روحانیون به ریاست سید حسن مدرس و حاج آقا جمال و سید محمد امام جمعه در حضرت عبدالعظیم تحصن اختیار کردند و با

تشکیل جلسات و ایراد سخنرانی خواستار عزل صمصام‌السلطنه و رئیس‌الوزرایی وثوق‌الدوله شدند. دامنه مخالت با زمامداری صمصام‌السلطنه ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد، بازار تهران تعطیل شد و اصناف ضمن تظاهراتی عزل او را خواستند. احمدشاه سرانجام تسلیم روحانیون شد و از آنها خواست که به شهر بازگردند و خواسته آنها را اجابت خواهد نمود. بالاخره تحصن شکسته شد و مدرس و همکاران او پس از ملاقات با احمدشاه خواستار تعیین رئیس‌الوزرای پرقدرتی شدند و قرعه فال به نام میرزا حسن خان وثوق‌الدوله افتاد. صمصام‌السلطنه عزل و وثوق‌الدوله روی کار آمد.
مدرس در سال اول زمامداری وثوق‌الدوله او را تقویت می‌کرد و در تمام کارها به او مشورت می‌داد ولی پس از اعلام انعقاد قرارداد 1919، مدرس در رأس مخالفین قرارداد و وثوق‌الدوله قرار گرفت و تمام تلاش خود را برای عدم اجرای قرارداد به کار برد. وثوق‌الدوله بعد از یأس از اجرای قرارداد از کار کناره‌گیری کرد و راه اروپا پیش گرفت. مشیرالدوله و سپهدار اعظم رشتی جانشینان بعدی نیز کاری از پیش نبردند تا کودتای سوم حوت 1299 انجام گرفت و سید حسن مدرس توسط کودتاچیان بازداشت و به زندان افتاد.
فکر کودتا از چندی پیش در تهران در مغز عده‌ای فرو رفته بود، از جمله گفته می‌شد که سید حسن مدرس نیز قصد کودتا داشته است. ملک‌الشعرای بهار در کتاب تاریخ مختصر احزاب سیاسی اشاراتی در این مورد دارد، از جمله می‌نویسد:
روز پنجشنبه مطابق 7 حوت از دفتر رئیس‌الوزارء به من تلفن شد و مرا به عمارت گالاری احضار کردند. رئیس‌الوزراء با کلاه پوست ترکی مانند و سرداری در آخرین اتاق جنوبی مرا پذیرفت، هنوز دولتی انتخاب نکرده بود. در ملاقات با ایشان دست خوش! گفته شد. رئیس دولت اظهار داشت اگر من کودتا نکرده بودم، مطمئن باشید که (مدرس) کودتا کرده همه ما را به دار می‌آویخت!
مدرس در تمام مدت زمامداری سید ضیاءالدین در زندان بسر برد تا اینکه میرزا احمد خان قوام‌السلطنه از زندان آزاد و به صدارت انتخاب گردید و روز نهم خرداد تمام زندانیان از جمله مدرس آزاد شده با شاه ملاقات کردند.
قوام‌السلطنه روز اول تیر ماه مجلس چهارم را که انتخابات آن در دوره وثوق‌الدوله آغاز شده بود افتتاح کرد.
مدرس در مجلس چهارم به اطراف خود نگریست تا عده‌ای را با خود همراه و همدل کند. چند نفری را برای خود انتخاب کرد مانند میرزا هاشم آشتیانی، سردار معظم خراسانی (تیمورتاش)، نصرت‌الدوله فیروز و

نصیرالسلطنه اسفندیاری و نام اصلاح طلب برای خودشان انتخاب کردند. اولین کار مدرس در مجلس چهارم و همکاران نزدیک وی رد اعتبارنامه‌های طرفداران سید ضیاءالدین بود. نقش اول این بازی بر عهده عبدالحسین تیمورتاش قرار گرفت و در نتیجه اعتبارنامه‌های عدل‌الملک دادگر، سلطان محمد عامری و مهدی خان معتصم‌السلطنه رد شد. کم‌کم این چند نفر نبض مجلس چهارم را در دست گرفتند و در انتخابات اولین هیئت رئیسه سردار معظم تیمورتاش و سید حسن مدرس به نیابت ریاست انتخاب شدند. مدرس در مجلس چهارم در حقیقت لیدر اکثریت بود و هیچکاری در دولت بدون نظر وی به انجام نمی‌رسید.
اولین حمله سید حسن مدرس به رضاخان سردار سپه وزیر جنگ در همین مجلس آغاز شد. در روز 12 مهرماه سال 1301 معتمدالتجار نماینده مردم تبریز نطقی در پارلمان ایراد کرد و از ظهور ارتجاع در تبریز و رشت و خرابی اوضاع و نقض شدید قوانین شکایت نموده از جمله از کارهای حکومتهای نظامی هم شکوه کرده و بالاخره متذکر شد که باید حکومتهای نظامی ملغی شود. بر اثر این خطابه سید حسن مدرس نطقی در چگونگی مجلس چهارم و خدمات آن بیان نموده و قدرت مجلس را گوشزد کرد، قضایای تاریخی مجلس دوم را برشمرد و گفت اگر وزیر بد است باید او را تغییر داد و ضمنا اسمی از وزیر جنگ برده و گفت منافع و مضاری دارد که منافع او اساسی و مضار او فرعی است.
نطق مدرس در وزیر جنگ مطلب نیفتاد، لذا در مقام استعفا برآمد و ضمن ملاقات با محمد حسن میرزا ولیعهد استعفای خود را از وزارت جنگ و فرماندهی قوا اعلام نمود. قوای نظامی پس از رنجش سردار سپه که منجر به استعفای او شده بود به تکاپو افتاده با ایراد نطق و میتینگ و رژه در خیابانها در مقام تهدید مجلس برآمدند. به دنبال استعفای سردار سپه، حاکم نظامی هم کناره‌گیری نمود و امنیت تهران مختل شد و بالاخره با وساطت موتمن‌الملک، سردار سپه استعفای خود را پس گرفت و مشغول کار گردید و در مجلس وعده داد حکومت نظامی را ملغی کند و ادارات خالصجات و مالیات مستقیم را به مالیه واگذار کند.
مدرس لیدر اکثریت مجلس چهارم بود و قوام‌السلطنه را مرد میدان سیاست می‌دانست. وقتی دموکراتهای مجلس به لیدری سلیمان محسن بر روی مخالفت با اختیارات وزیر دارایی کابینه در مقام مخالفت با قوم برآمدند- که منجر به کناره‌گیری رئیس دولت شد- مدرس رئیس‌الوزرایی مشیرالدوله را پیش کشید. علت اساسی این تصمیم این بود که مشیرالدوله در سمت رئیس‌الوزرایی ماندگار نبود چون به حیثیت خود و وجیه‌الملّه بودن اهمیت زیادی می‌داد، لذا در اولین برخورد با نمایندگان صندلی صدارت را خالی می‌کرد، از این رو، مدرس مشیرالدوله را به جای

قوام نشانید و پیش‌بینی او درست درآمد. بعد از چهار ماه مشیرالدوله از کار کنار رفت و با اصراری که احمدشاه از اروپا به وی نمود نپذیرفت. مدرس قوام‌السلطنه را کاندیدای نخست‌وزیری کرد و سرانجام اکثریت مجلس به او رأی اعتماد دادند و احمدشاه نیز تلگرافی او را تأیید کرد. قوام در دوره دوم نخست‌وزیر خود دست به یک سلسله اقدامات اصلاحی زد. مهمترین کارش جلوگیری از تندرویهای سردار سپه وزیر جنگ بود. قانون استخدام کشوری و قانون محاکمه وزراء و قانون استخدام مستشاران امریکایی در این دوره از رئیس‌الوزرایی قوام‌السلطنه به تصویب رسید، ولی باز هم سوسیالیستها به زعامت سلیمان محسن قوام را مورد حمله قرار دادند و به جای وی مستوفی‌الممالک را کاندیدا نمودند. مجلس با این تغییر موافقت نمود ولی مدرس با این انتخاب مخالف بود. مستوفی پس از 15 روز کابینه نیم‌بندی به مجلس معرفی کرد و پروگرام خود را در مجلس خواند. روز سیزدهم اسفند سید حسن مدرس به عنوان مخالف پشت تریبون مجلس قرار گرفته نطق تاریخی خود را ایراد کرد.

مدرس گفت: البته همه آقایان می‌دانند که از بدو تأسیس دولت حاضره بنده و یک جماعتی از آقایان اظهار موافقت نکردیم و شاید بعضی از این مسأله ملول باشند ولی ما تا این ساعت به وظیفه وکالتی خود عمل کرده‌ایم و علت عدم موافقت این بوده است که موافقت با شخص رئیس دولت به ملاحظه سائس بودن شخص رئیس دولت است و الا هیچ شبهه نیست که آقای رئیس‌الوزرای حالیه آقای مستوفی‌الممالک از اشخاص خوب و صالح و خدمتگذار این مملکت هستند. خوبی شخص غیر از تصدیق به سائس بودن آنست، هر شخصی هر وکیلی نسبت به دولت، پارلمان نسبت به دولت، نه نسبت به دولت باید یک ماده اجتماعی داشته باشیم. در سیاست وقتی که با یک دولتی ماده اجتماع سیاسی عملی داریم تکلیف ما است که با او موافقت کرده و از او نگهداری کنیم، موافقتی که تعبیر می‌شود به ورقه سفید و مکرر عرض کرده‌ام و از این عقیده هم منصرف نمی‌شوم که هر دولتی که بخواهد در مملکت کار بکند بایستی با ورقه سفید بیاید و با ورقه آبی برود. اگر کسی واقعا شخصی شد عادی در سیاست یا جاهل در سیاست یا غیرملتفت در سیاست یا شکاک در سیاست ممکن است ممتنع باشد، مثل ما که نسبت به دولت جدید از اول ممتنع بوده‌ایم. علت هم این بوده که بنده و عده‌ای از آقایان قبل از معرفی آقای رئیس‌الوزراء اساس سیاستی نگذارده بودیم، به خلاف دولتهایی که قبل از اینکه داخل این عنوان بشوند اساس سیاستی گذارده بودیم. پس قصوری متوجه ما نیست و بایستی همین قسم کرده باشیم.

البته همه وکلا همین قسمند، همه خوب، همه چیز فهم هستند و علی‌الخصوص اشخاصی که تشریف دارند ولی بنده در این شهر شما و

مملکت شما معتقد به سیاست هیچیک از رجال شما نیستم و هیچ رجلی را سراغ ندارم که از خودم بالاتر باشد. می‌شود جهل مرکب باشم، می‌شود مطابق با واقع باشد (یکی از نمایندگان: تصور می‌رود که قسمت اول باشد) و مقلد سیاست هیچیک از رجال نیستم و هیچ رجلی از رجال مملکت چه اروپا رفته چه نرفته را ندیده‌ام که دماغش از دماغ خودم باشد. می‌شود جهل مرکب باشم اما انشاءالله نیستم و چون بنده در فضای خودم جنبه موافقتی نداشتیم لذا به امتناع خود باقی ماندیم تا امروز که پروگرام دولت مطرح است و از آقایان که رئیس‌الوزرای حالیه با سوابقی که دارند و با سوابق اینکه رشته سیاست در دستشان بوده است، بایستی شما را هدایت کرده باشند به اینکه موافقت ساکت و ممتنع نباشید. همان عرضی را می‌کنم که در اتاق تنفس کردم. در اول دوره‌ای که ما رجالی داریم همه‌شان خوب هستند برای موقعی مناسب هستند. بعضی شمشیر برنده هستند برای موقعی، بعضی هم شمشیر مرصع هستند برای موقعی. کلام بر سر توافق سیاست است...

مدرس پس از ایراد سخن مقدماتی به بحث و تشریح برنامه دولت پرداخته و ماده به ماده پروگرام دولت را مورد نقد قرار داده و نتیجه‌گیری کرد که تمام آنها خواب و خیالی بیش نیست. رروز بعد جلسه خصوصی مجلس برای ادامه بحث پیرامون پروگرام دولت تشکیل شد. بین مدرس و موافقین دولت مذاکرات تندی صورت گرفت که منجر به منازعه بین عده‌ای از وکلاء شد و سرانجام دولت مستوفی‌الممالک با اکثریت ضعیفی رأی اعتقاد گرفت اما مدرس در کمین نشسته بود تا تیر خلاص را به مغز دولت بزند.

روز نوزدهم خرداد 1302 مدرس تیر خلاص خود را رها کرد و دولت را درباره سیاست خارجی استیضاح کرد. فروغی وزیر امور خارجه درباره سیاست خارجی توضیحاتی داد و مستوفی هم نطق تندی ایراد نموده، در پایان سخنان خود گفت: «وضعیات این مملکت یک اشخاصی را می‌خواهد که وقتی داخل در کار می‌شوند یک آجیلهایی بگیرند و یک آجیلهایی پخش کنند، بنده نه اهل گرفتن هستم و نه اهل دادن نه می‌گیرم و نه می‌توانم بدهم و اصراری هم به ماندن ندارم و این ایام غیبت مجلس را هم که شاید در پیش بعضی یکی از ایام بره‌کشی فرض شود برای اشخاصی که اشتها دارند می‌گذارم من که اشتها ندارم معده من خراب است از اینجا مرخص می‌شوم.»

مستوفی پس از ایراد نطق تند خود از ریاست دولت کناره‌گیری نمود و مجلس میرزا حسن خان مشیرالدوله را بر صندلی صدارت نشانید.

انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی در دوره مشیرالدوله آغاز و در ریاست دولت سردار سپه پایان پذیرفت. نظامیان در این انتخابات

دست‌اندر کار بودند. در تهران انتخابات به صورت آزاد انجام گرفت و در نتیجه مصدق‌السلطنه، سید حسن مدرس، سید حسن تقی‌زاده، مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک، میرزا هاشم
آشتیانی، میرزا حسین علاء، سلیمان محسن، سید احمد بهبهانی، قوام‌السلطنه و شیخ علی مدرس به نمایندگی دوره پنجم انتخاب گردیدند. این مجلس در روز 22 بهمن ماه 1302 با نطق افتتاحیه محمد حسن میرزا ولیعهد کار خود را آغاز کرد. ولی در پشت قیافه ظاهری مجلس صدها مطلب مکتوم وجود داشت. این مجلس می‌بایستی در اولین جلسه رسمی خود طرح اکثریت مجلس را به تصویب برساند. طرح مزبور که به همت حزب تجدد به لیدری سید محمد تدین و سوسیالیستها به زعامت سلیمان محسن اسکندری تنظیم شده بود، حاکی از تغییر رژیم بود، یعنی رژیم ایران می‌بایستی از مشروطه سلطنتی به جمهوری تبدیل شود البته به تقلید دولت همسایه ما یعنی ترکیه.
مدرس با این طرح مخالفت جدی داشت و یک تنه می‌خواست در مقابل آن ایستادگی کند و کرد. از این رو مدرس درصدد برآمد رسمیت مجلس را به عقب بیندازد و این عمل جز مخالفت با اعتبارنامه‌ها هیچ راهی نداشت. هر اعتبارنامه‌ای که مطرح می‌شد مدرس با مخالفت آن را به شعبه مربوطه باز می‌گردانید حتی با اعتبارنامه مؤتمن‌الملک هم به مخالفت برخاست. غیر از هیاهو و سروصدا در پارلمان تب جمهوریت سرتاسر کشور را فرا گرفته بود. دستجات مختلف با ارسال طومار تلگرام و میتینگ خواستار حکومت جمهوری برای سردار سپه بودند.
روز بیست و هفتم اسفند ماه در جلسه علنی بین طرفداران سردار سپه و مدرس مناقشات سختی درگرفت و هنگامیکه مدرس در پشت تریبون مشغول صحبت بود تدین و یاران وی به عنوان تعرض جلسه را ترک گفتند و چون مجلس از اکثریت افتاد نطق مدرس نیمه کار ماند. وی از جلسه خارج شد و در سرسرا که نمایندگان جمع بودند، به ایراد سخن پرداخت. در این هنگام دکتر حسین احیاءالسلطنه که از طرفداران سردار سپه بود جلو رفته سلیی محکمی‌به گوش مدرس نواخت به طوری که عمامه از سر وی به زمین افتاد.
ملک‌الشعراء بهار که خود ناظر صحنه بوده است در این باره می‌نویسد:
اما این سیلی به قدری پر سر و صدا بود که به ناگاه در تمام شهر مثل زنگ ناقوس درپیچید و احساسات خفته را بیدار کرد. دکانها بسته شد، انقلاب بزرگی نمودار گردید. جمعیتی که انبوه جمعیت جمهوریخواه نامبرده در برابر آن مثل قطره در برابر سیل خروشانی می‌نمود، گرد آمد.
این سیلی موجب شد که فردای آن روز جمعیتی در مسجد شاه اجتماع نموده علیه جمهوری دست به تظاهرات بزنند. روز 30 اسفند طرح قانونی

تغییر رژیم مشروطه به جمهوری تقدیم مجلس شد و روز دوم فروردین جلسه علنی تشکیل گردید تا طرح مورد تصویب قرار بگیرد. در همان موقع که جلسه تشکیل شده بود جمعیت زیادی در میدان بهارستان اجتماع نموده تظاهرات شدید خود را نسبت به مخالفت با جمهوری ابراز می‌نمودند. به دستور سردار سپه نظامیان برای تفرقه مردم ابتدا شلیک هوایی نموده و سپس به ضرب و شتم مردم پرداختند. مؤتمن‌الملک پس از اطلاع از موضوع سردار سپه را احضار و شدیدا به وی اعتراض کرد که چرا دستور کتک زدن مردم را داده‌ای. مؤتمن‌الملک مجلس را می‌خواست تشکیل بدهد تا تکلیف سردار سپه را روشن کند که با وساطت مشیرالدوله بین آن دو تفاهم ایجاد شد.
سرانجام تلاش سید حسن مدرس برای برهم زدن جمهوریت به ثمر نشست و مخالفت تمام دستجات علنی و عریان شد. سردار سپه ناچار به قم عزیمت نمود و از آنها کسب تکلیف کرد و چون آنها هم مخالف بودند پس از مراجعت به تهران اعلامیه‌ای صادر کرده و متذکر شد برای احترام مقام روحانیت از فکر جمهوریت انصراف حاصل گردید.
مدرس بر خلاف دوره چهارم مجلس که لیدر اکثریت بود در این دوره لیدر اقلیت شد که تنها وظیفه این اقلیت مبارزه با سردار سپه و جلوگیری از اعمال خلاف قانون وی و نظامیان بود. به دنبال قتل میرزاده عشقی شاعر و مدیر روزنامه قرن بیستم و ماژور ایمیری ویس کنسول امریکا دولت سردار سپه اعلام حکومت نظامی نمود و عده‌ای از مخالفین خود را بازداشت کرد. تنها نماینده‌ای که با اعلام حکومت نظامی مخالفت کرد سید حسن مدرس بود در حالی که طرفداران سردار سپه در میان نطق مدرس (پارازیت) رها می‌کردند معذلک مدرس سخنان دلنشین و کوبنده خود را ایراد نمود ولی چون نتیجه‌ای از آن حاصل نشد دولت سردار سپه را استیضاح کرد. متن استیضاح به این شرح بود:
بسم الله الرحمن الرحیم
اینجانبان راجع به مواد ذیل از آقای رئیس‌الوزراء استیضاح می‌نماییم:
1- سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه.
2- قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس شورای ملی.
3- تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت.
حائری زاده- عراقی- کازرونی- مدرس- اخگر- ملک‌الشعراء- سید حسن زعیم.
شوق سوم استیضاح مربوط به تصرف و غارت جواهرات و خزانه پربار اقبال‌السلطنه ماکوئی بود. به دستور سردار سپه امیرلشکر عبدالله خان طهماسبی فرمانده لشکر آذربایجان و حاکم نظامی آن منطقه که با

اقبال‌السلطنه ماکوئی دوستی و نزدیکی داشت به ماکو رفته و پس از بازگشت اقبال‌السلطنه را با خود به تبریز آورده زندانی می‌نماید. اقبال‌السلطنه پس از ده روز تحمل زندان فوت می‌کند. در غیاب خان ماکو امیر طهماسبی کلیه جواهرات و خزائن گران قیمت او را که قریب شش قرن جمع‌آوری شده بود به وسیله ایادی مطمئن خود جمع‌آوری نموده بدون کوچکترین تصرفی آنها را نزد سردار سپه می‌فرستد و سردار نیز آنها را در خزانه شخصی خود ذخیره می‌نماید بدون اینکه چیزی از آن را به خزانه دولت واگذار کند.
منظور و مقصود مدرس بیان قتل اقبال‌السلطنه و تصرف و حیف و میل اموال او توسط سردار سپه بود. طبعا سردار سپه از عنوان ساختن چنین مطالبی وحشت داشت. سردار سپه با تمام قدرت توسط طرفداران خود از استیضاح جلوگیری کرد گذشته از حملات شدید مطبوعات به اقلیت مخصوصا مدرس معلوم شد که حوادث در شرف تکوین است. بامداد روز هفدهم مرداد که دولت برای استماع استیضاح در مجلس حاضر شده بود بین سردار سپه و مدرس گفتگوی لفظی تندی بوجود آمد ولی اکثریت حاضر به تشکیل جلسه نشدند، و قرار شد استیضاح بعدازظهر صورت گیرد. هنگام مراجعت اقلیت به منازل خود، مدرس و کازرونی و حائری زاده به شدت مضروب شدند و لذا بعدازظهر در مجلس حضور نیافتند. تنها ملک‌الشعراء از اقلیت در جلسه حضور یافته نطق کوتاهی ایراد کرد و سرانجام دول رأی اعتماد گرفت.
سردار سپه در پائیز 1303 به خوزستان رفت و پس از اتمام کار شیخ خزعل به تهران بازگشت و درصدد تحکیم وضع خود برآمد. عده‌ای از یاران نزدیک سردار سپه درصدد برآمدند که بین او و مدرس دوستی برقرار شود، سردار معظم تیمورتاش و نصرت‌الدوله فیروز و علی‌اکبر داور در پیاده کردن این فکر بیش از دیگران تلاش و دوندگی کردند. سرانجام در چندین جلسه بین سردار سپه و مدرس سخنهای رد و بدل شد و مدرس نصایحی کد و ظاهرا تمام نصایح مورد قبول واقع شد. پس از مذاکرات زیاد سردار سپه به مدرس گفت که من از این دو برادر (احمدشاه و محمد حسن میرزا) اطمینان ندارم ممکن است خدمات مرا ضایع سازند من میل دارم مجلس به من مقام و شغل بدهد تا من بتوانم با خیال راحت اصلاحات خود را ادامه دهم و از اینجا بود که فکر واگذاری فرماندهی کل قوا بوجود آمد و مدرس در این واگذاری نقشی سازنده و اساسی داشت و به اقلیت توصیه کرد که به آن رأی بدهند.
تصویب قانون نظام اجباری که ابتدا با مخالفت مدرس در کمیسیون مدفون شده بود پس از توسل سردار سپه به او و حضور در منزل مدرس سرانجام با حمایت لیدر اقلیت به تصویب رسید. در اواسط مرداد ماه

1304 سردار سپه دو پست کابینه را در اختیار مدرس قرار داد تا هرکسی را که می‌خواهد به عنوان وزیر معرفی کند. در این توافق دو وزارتخانه داخله و مالیه در اختیار مدرس قرار گرفت و او نیز دو تن از دوستان خود را معرفی کرد. در اثر این معرفی شکرالله خان قوام‌الدوله به وزارت داخله و فیروز میرزا نصرت‌الدوله به وزارت مالیه تعیین شدند.
بالاخره در روز نهم آبان ماه 1304 طرح نمایندگان مجلس مبنی بر خلع قاجاریه و واگذاری حکومت موقتی به رضاخان سردار سپه و تشکیل مجلس مؤسسان برای اصلاح بعضی از اصول متمم قانون اساسی مطرح شد. مخالفین که در رأس آنها سید حسن مدرس بود نتوانستند کاری از پیش ببرند و بالاخره سردار سپه به پادشاهی رسید.
پس از تاجگذاری رضاشاه انتخابات دوره ششم آغاز شد و مدرس وکیل چهارم تهران شد. مدرس در این مجلس با چندین اعتبارنامه به مخالفت برخاست و حرفهایی در مورد دخالت در انتخابات از طرف نظامیان ایراد کرد.
روز هفتم آبان ماه 1305 در تهران واقعه‌ای بوقوع پیوست که تمام مسائل سیاسی روز را تحت‌الشعاع قرار داد و برای عده‌ای که در گود سیاست بودند اولین زنگ خطر شد.
در آن ایام رضاشاه در املاک اختصاصی مازندران گردش می‌کرد. بامداد آن روز هنگامی که مدرس طبق معمول برای درس گفتن به مسجد سپهسالار می‌رود در کوچه سرداری غفلتا مورد حمله چند نفر قرار می‌گیرد و چندین تیر به سوی او شلیک می‌شود. در اثر شلیک گلوله بازوی چپ وی به شدت مجروح و یک گلوله هم به دست راست اصابت می‌کند. صاربین پس از اجرای مأموریت فرار می‌کنند. مدرس ابتدا به مریضخانه نظمیه انتقال می‌یابد، ولی پس از اطلاع جامعه روحانیت عده‌ای به زعامت حاج امام جمعه خویی در بیمارستان حضور یافته او را به بیمارستان احمدی انتقال دادند. سوءقصد به مدرس در تمام ایران منتشر شده و رضاشاه تلگرافی از او احوالپرسی کرد؛ ولی مدرس پاسخ داده بود (به کوری چشم دشمنان هنوز مدرس زنده است).
مجلس شورای ملی برای رسیدگی به حادثه ابتدا جلسه خصوصی تشکیل داد. بیش از هر کسی سید احمد بهبهانی داد سخن داد و دولت را مورد مؤاخذه قرار داد. وثوق‌الدوله وزیر عدلیه وعده تعقیب به مجلس داد، و علی‌اکبر داور نطق مهمی ایراد کرد، ولی تمام این سروصداها بی‌نتیجه ماند و همه می‌دانستند این سوءقصد توسط عوامل و مأمورین نظمیه انجام گرفته است.
مدرس پس از چند ماه بهبودی حاصل کرده در مجلس حضور یافت و مانند گذشته نظریات خود را در تمام موارد ابراز می‌کرد.

دوره ششم مجلس پایان یافت و در دوره هفتم مدرسه به مجلس راه نیافت. در آن ایام سمت وی نیابت تولیت مدرسه سپهسالار بود و همه روزه برای تدریس و اداره امور مدرسه حضور می‌یافت. روز 16 مهر ماه 1307 سرشب سرتیپ محمد درگاهی رئیس نظمیه به اتفاق سرهنگ رادسر رئیس پلیس و سرهنگ راسخ رئیس زندان و عده کثیر مأمور به خانه وی رفته او را دستگیر نمایند. ابتدا درگاهی در مقام توهین به وی برآمده ولی مدرس جوابهای دندان‌شکنی به او می‌دهد و سرانجام زد و خوردی بین آن دو به وقوع می‌پیوندد. درگاهی به کمک همراهان خود مدرس را دستگیر نموده کشاکشان به خارج خانه برده سوار اتومبیلی نموده از تهران خارج می‌سازند و پس از چند روز طی طریق در شهر خواف واقع در سر حد ایران و افغان او را در شرایط بسیار نامساعدی زندانی می‌نمایند. مدرس قریب 9 سال در زندان خواف به سر برد تا اینکه در 1316 دستور قتل وی صادر شد. در 22 آبان ماه او را از زندان خواف به زندان کاشمر انتقال دادند و در روز 10 آبان ماه در زندان شهربانی کاشمر او را به وضع دلخراشی به قتل رسانیدند. ابتدا به او سم داده می‌شود و چون اثر سم سریع نبود مأمورین او را خفه می‌نمایند.
چگونگی قتل سید حسن مدرس بعد از شهریور 1320 در دادگستری مطرح گردید و کیفر خواست مشروح دادستان برای آگاهی خوانندگان در ذیل درج می‌گردد. رحمت‌الله علیه.
متن ادعانامه دادستان دیوان کیفر
ریاست دادگاههای دیوان کیفر: کارکنان دولت رسدبان 3 محمود مستوفیان پسر مصطفی چهل و هفت ساله دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران، رئیس پیشین شهربانی کاشمر اهل و ساکن مشهد و حبیب‌الله خلجی پسر عزیزالله شصت و پنج ساله دارای زن و فرزند مسلمان تبعه ایران اهل تهران، ساکن ملایر سرپاسپان یک مأمور پیشین شهربانی کاشمر به معاونت یاور محمد کاظم جهانسوزی پسر محمد حسین پنجاه و نه ساله، دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران اهل و ساکن تهران بخش 9 عودلاجان کوچه آبشار رئیس پیشین پلیس شهربانی مشهد و پاسیار منصور وقار پسر مصطفی چهل و پنج ساله، دارای عیال و اولاد مسلمان تبعه ایران اهل و ساکن تهران ولی‌آباد و رکن‌الدین مختار فرزند کریم دارای زن و فرزند، تبعه ایران ساکن تهران خیابان بوعلی پنجاه ساله رئیس پیشین اداره کل شهربانی که همگی به دستور دادستان دیوان کیفر زندانی هستند در شب دهم آذر ماه 1316 در کاشمر مرتکب قتل مرحوم سید حسن مدرس شده‌اند.
شرح قضیه و دلایل آن طبق رسیدگی‌هائیکه به عمل آمده این است که مرحوم سید حسن مدرس را که از 1307 تحت نظر شهربانی و لشکر

شرق در شهر «خواف» تبعید بوده در آبان ماه 1316 شهربانی از لشکر تحویل و به کاشمر انتقال می‌دهد. بدین ترتیب که در 4 آبان ماه 1316 پاسیار نوائی رئیس شهربانی خراسان طی شماره 8034 به اداره کل شهربانی تلگراف می‌کند.
«از ستاد لشکر شرق طی 2559 می‌نویسد:
حسب‌الامر جهان مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مقرر گردید سید حسن مدرس به کلی تحویل مأمورین شهربانی شود و مأمورین لشکر مراجعت نمایند.
لذا به شهربانی زود دستور داده شد دقیقا در مراقبت مشارالیه دقت نمایند.
اداره کل شهربانی در جواب تلگراف نامبرده، دستور داده که کاملا مدرس مراقبت شود که با خارج مکاتبه ننموده و هیچکس هم او را ملاقات نکند.
پاسیار نوائی در پاسخ این دستور گزارش تلگرافی زیر را داده است.
چون خواف منطقه سرحد افغانستان و محل ساکنی نیست غالبا مورد تاخت و تاز اشرار می‌باشد با برداشتن ساخلو که بیست سرباز یکنفر گروهبان و استوار یک نفر مسؤول مراقبت زندان بوده‌اند و قلت مأمورین شهربانی که کلیه سیزده نفر و انتظامات شهر را هم عهده‌دار می‌باشند در عین حال که زندانی مزبور پیرمرد فرسوده و قابل فرار کردن نیست نگاهداری او را در آنجا مقتضی نمی‌دانم؛ زیرا ممکن است اشرار افغانی روی سیاست عقیده مذهبی وی را بربایند چنانچه اجازه فرمایند به طبس یا کاشمر اعزام در آنجا نگاهداری شود و یا اینکه اقلا ده نفر پاسبان و یک نفر سرپاسبان به مأمورین خواف اضافه گردد.
اداره کل شهربانی به شهربانی مشهد این طور جواب داده وقتی شهربانی آنجا نتواند یک نفر پیرمرد فرسوده را مراقبت کند کار دیگری از او ساخته نیست مشارالیه را تحت مراقبت یک نفر پایور لایق و دو سرپاسبان با اتومبیل دربست فعلا به کاشمر انتقال داده و در شهربانی آنجا منفردا تحت مواظبت کامل زندانی شود و به هیچ وجه نباید او را کسی ملاقات یا مکاتبه بنماید، رئیس شهربانی آنجا مسؤول نگاهداری او خواهد بود.
به موجب دستور بالا مرحوم مدرس به کاشمر منتقل شده و گزارش آن را نوائی طی 16/8/29 -9124 اینطور داده:
«به وسیله رئیس شهربانی کاشمر رسدبان 2 اقتداری که به مشهد احضار و معاونت می‌نمود به کاشمر انتقال و طبق دستورات زندانی».
به طوری که نوائی در بازجویی اظهار داشته چون قبلا دو مرتبه راجع به کشتن مدرس به او دستور داده‌اند و مشارالیه حاضر به انجام این قتل نبوده، وی را به تهران احضار و در 30 آبان به تهران حرکت نموده و پاسیار منصور وقار به جای وی به ریاست شهربانی خراسان منصوب و در اوایل

آذر به مشهد وارد می‌شود.
مطابق حکایت پرونده سرپاس مختار دستور قتل مدرس را به وقار داده، ولی وقار در بازجویی اظهار می‌داد که موقع حرکت به خراسان سرپاس مختار پاکت سربسته و لاک شده به او داده و اظهار داشته آن پاکت را در مشهد به یاور جهانسوزی بدهد که مأموریتی دارد باید انجام دهد و به او بگوید یا به این مأموریت و یا به تهران حرکت کند. مشارالیه نیز در مشهد آن پاکت را به یاور جهانسوزی داده و امر رئیس کل شهربانی را به او ابلاغ کرده و نامبرده پاکت را در اطاق وی باز کرده و خوانده و آن را پاره کرده و در بخاری ریخته و گفت باید به اتفاق حبیب خلج به مأموریت جنوب خراسان برای بازرسی برود او هم برای وی حاکم صادر نموده و عزیمت کرده است.
خلاصه وقار پس از ورود به مشهد جهانسوزی و حبیب‌الله خلج معروف به شمر و میرغضب را ظاهرا به عنوان مأموریت بازرسی جنوب خراسان و باطنا برای قتل مدرس به کاشمر می‌فرستند و مشارالیه عصر ششم آذر وارد کاشمر می‌شوند و چون اقتداری رئیس شهربانی کاشمر حاضر به انجام قتل مدرس را از کاشمر خارج و تحویل محمود مستوفیان داده و مشارالیه به کفالت شهربانی کاشمر در ازاء انجام این مأموریت ابقاء می‌شود.
مستوفیان در هفتم آذر شرح پائین را به سرپاسبان یکم شجاعی نوشته:
«در این موقع جناب آقای یاور تشریف فرمای کاشمر گردیده‌اند دستور فرموده‌اند که شما به اضافه کارهای اداری که دارید بایستی لازمه مراقبت را در حفاظت از شخصی که آقای غلامرضا نخعی بازرس به شما معرفی نماید، بنمایید از اینکه احدی را و خودتان حق مراوده و ملاقات و مکاتبه با او ندارد و همچنین شخص مزبور با اشخاص حتی پاسبانهایی که برای مراقبت او گماشته می‌شود به هیچگونه حق مذاکره و ملاقات با او و پیغام او را با کسی ندارد به این معنی احدی نبایستی مستحضر شود، که چه شخصی در آن منزل و پاسبانها و شما با من برای چه امری در این جا هستید و همین طور بایستی فوق‌العاده دقت شود از ابنیه آنجا که کسی از روی بام و دیوار بالا نیابد که مستحضر شود چه کسی در اینجا است باز هم تأکید می‌شود که از هر جهت مراقبت را مرئی و اقلا تا صبح مدت 24 ساعت چندین مرتبه به طوریکه از ایاب و ذهاب شما مستحضر نشود محل و شخص مزبور را وارسی و عملیات پاسبانان هم بایستی تحت نظر که مخالف دستور فوق نباشد تذکر داده می‌شود که کوچکترین غفلتی با مسامحه در انجام دستور فوق بشود شخص شما مسؤول و به طوری که فرموده‌اند مجازات اعدام است فی‌الحال کاملا شخص و محل مزبور را وارسی که مخالف مقررات زندانیان نباشد.

مستوفیان پس از قبول این مأموریت شروع به تهیه مقدمات نموده که وانمود کند مرحوم مدرس مریض است و طی (16/9/511)6 بر خلاف واقع به شهربانی مشهد تلگراف نموده (سید حسن مدرس از موقع ورود مختصر کسالت، دو روز است مرض او شدت) در صورتیکه مدرس طبق گزارش شماره 16/8/23 -474 اقتداری در 22 آبان وارد کاشمر شده، کسالت نداشته و گزارش تحویل اقتداری بوده و چنانچه کسالتی داشته و کسالت او تشدید یافته بود، بایستی اقتداری چنین تلگرافی کرده باشد نه مستوفیان.
جهانسوزی پس از خارج نمودن اقتداری و غلامرضا نخعی از کاشمر در 16/9/7 به ترتیب حرکت کرده و در ساعت یازده و نیم روز 16/9/9 به کاشمر مراجعت نموده و ترتیب قتل مدرس را می‌دهد.
بدین شرح که علی ذوالفقاری پاسبان را که یکی از مأمورین مراقبت مرحوم مدرس بوده از منزل مسکونی مدرس به وسیله مستوفیان احضار و دستور می‌دهد که از آن منزل خارج شود و شب دهم آذر که موعد قتل مدرس بود، ابراهیم ابراهیمی پاسبان را نیز که مراقب دیگر مرحوم مدرس بود مستوفیان خواستند به عنوان اینکه جهانسوزی او را می‌خواهد مشارالیه می‌فرستد، در صورتی که طبق اظهارات ابراهیم جهانسوزی به او کاری نداشتند و می‌خواستند مشارالیه در منزل مسکونی مرحوم مدرس نباشد.
ابراهیم ابراهیمی جریان مذاکرات خود را با جهانسوزی و وضعیت منزل مرحوم مدرس را در صفحات 66 به بعد چنین گفته:
یک شب موقع اذان مغرب من در خانه بودم و آقا هم بود محمد فراموش‌کار گفت می‌روم شام می‌خورم و برمی‌گردم او که رفت دیدم در می‌زنند رفتم در را باز کردم...
محمود خان پابرهنه... آمد تو و گفت امروز کسی اینجا آمده و کاغذی چیزی آورده، گفتم: خیر.
گفت: بیا برو به شهربانی یاور با تو کار دارد.
خودش آنجا ماند من آمدم اداره شهربانی یاور توی اطاق صاحب منصب کشیک بود به ایشان پیغام دادم که ابراهیم را که خواسته بودید حاضر است. گفته بودند باشد، بنده نشستم تقریبا دو ساعتی طول کشید من را خواست توی اطاق به من نگاه کرد و گفت اسمت چیست، اهل کجای و کجا می‌نشینی و چند سال است باغبان هستی به ایشان جواب دادم. فرمود برو بیرون باش آمدم. باز مدتی نشستم پیغام دادم که اگر کاری چیزی ندارید من بروم، جواب داده بوده که بگویید برو و بنده آمدم بیرون و رفتم منزل وقتی رفتم دیدم لای در باز است و رئیس شهربانی پشت در ایستاده و منتظر من است، من که وارد شدم آمد بیرون و گفت بروید توی

اطاق خودتان و بسراغ آقا هم نروید.
محمد فراموش کار آمد، تفصیل را به او هم گفته بودم تا تقریبا نصف شب بود دیدم در می‌زنند در را باز کردم دیدم سید موسی خان شجاعی سرپاسبان شهربانی است آمد پرسید که آقا کجاست؟
گفتم توی اطاق خودش است...
گفت بیایید برویم جای آقا...
بنده و فراموش کار به اتفاق شجاعی رفتیم اطاق آقا صدا زدم، آقا را دیدم جواب نمی‌دهد، شجاعی به من گفت برو بیدارش کن رفتم و صدا زدم، دیدم جواب نمی‌دهد شجاعی گفت تکانش بده، تکانش دادم دیدم جواب نمی‌دهد، عبا روی صورتش بود، عبا را بلند کردم و دست گذاشتم به صورتش دیدم مرده است و شال و عمامه‌اش هم که همیشه سرش بود باز شده و پهلوی سرش افتاده بود، شجاعی رفت و 20 دقیقه طول کشید دیدم رئیس شهربانی آمد و رفت توی اطاق آقا و نگاه کرد و گفت برو تابوت بیاور.
خلاصه از اظهارت ابراهیم و سایر محتویات پرونده معلوم می‌شود که مستوفیان ابراهیم را به بهانه اینکه یاور جهانسوزی با او کار دارد از خانه مرحوم مدرس خارج کرده و حبیب‌الله خلج نیز بعد به منزل مرحوم مدرس رفته و با مستوفیان مرحوم مدرس را کشته‌اند که اظهارات ذبیح‌الله مهاجرانی در صفحات 10 و 20 جهت توضیح و تکمیل جریان قتل عیان نقل می‌شود.
آقای یاور جهانسوزی که در زندان مرکزی با من در یک اطاق سکوت داشت... راجع به کشتن مرحوم مدرس که تفصیل را از او پرسیدم اظهار کرد که:
سرهنگ وقار رئیس شهربانی مشهد... او را مأمور کشتن مرحوم مدرس کرده‌اند، زیربار نرفته و گفته‌اند به کاشمر برود و در آنجا باشد ولی شخص دیگری را برای این کار خواهند فرستاد و حبیب‌الله خلج را با او فرستاند و شخص نامبرده با یکنفر دیگر (طبق اظهارات جهانسوزی در نزد پاسیار نوائی منظور مستوفیان بوده) سید را خفه کرده‌اند.
به دلایل پایین قتل مرحوم سید حسن به وسیله اشخاص نامبرده فوق ثابت و مسلم است:
1- اظهارات عشرت خاتم اقتداری در صفحات 33 به بعد که گفته است:
در سال 1316 مرحوم اقتداری شوهرم که رئیس شهربانی کاشمر بود به مشهد حرکت کرد بنده هم با او به مشهد رفتم:
سرهنگ نوائی ایشان را مأمور کرده که برود به خواف و مرحوم مدرس را از خواف به کاشمر بیاورد.
بنده از آنجا رفتم به کاشمر و مرحوم اقتداری... به خواف رفت.

تقریبا ساعت ده و یازده بود که مرحوم اقتداری آمدند، مرحوم مدرس هم با ایشان با یک نفر مأمور... وارد شد به منزل مرحوم مدرس... در منزل ما بود...
مرحوم اقتداری نزدیک شهربانی یک خانه اجاره کرده و مرحوم مدرس را بردند در آن خانه... دو روز بعد... مرحوم اقتداری آمد منزل دیدم اوقاتش خیلی تلخ است و گرفته است گفتم چه خبری است.
ابتدا چیزی نگفت چون خیلی اصرار کردم اظهار کرد که یک دستوراتی راجع به این سید بیچاره و از بین بردن او رسیده است که نمی‌دانم چه کنم من گفتم ممکن است استعفا بدهید و می‌گفت اگر من این کار را بکنم جواب خدا را چه بدهم و اگر نکنم از دست این شیرهای درنده چه کنم؟ که خودم را ممکن است از بین ببرند، من گفتم ممکن است استعفا بدهید گفت همین خیال را دارم و استعفا داد این استعفا در زمان سرهنگ وقار رئیس شهربانی خراسان بود استعفای او قبول شد و دستور دادند که شهربانی تحویل محمود مستوفیان بدهد ایشان شهربانی را تحویل داد به مستوفیان و لی چون دستوری راجع به تحویل مدرس نرسیده بود از تحویل دادن او خودداری کرد و مستوفیان همه همیشه اصرار می‌کرد که مدرس را تحویل بگیرد. در این بین یاور جهانسوزی آمد به کاشمر به اتفاق حبیب‌الله خلج پاسبان که مأمور مشهد بود و جهانسوزی آمد به منزل مرحوم اقتداری گفت که اقتداری چرا معطلی و چرا حرکت نمی‌کنی، مرحوم اقتداری گفت: معطلی من راجع به این حبسی است که او را چه کنم، گفت او را هم باید تحویل محمودخان مستوفیان بدهید و ایشان هم مدرس را تحویل مستوفیان داد و فردای آن روز حرکت کردیم مشهد و همان روزی که جهانسوزی آمد و این صحبت‌ها را با اقتداری کرد، گفت که من می‌روم یک روز مأموریتی دارم انجام می‌دهم و برمی‌گردم شما نباید اینجا باشید بعد از دو روز گویا روز سوم بود، یک روز اقتداری به من گفت دیدی خدا با ما بود که این کار را نکردیم، گفتم چه شده است، گفت: همان شب که ما حرکت کردیم جهانسوزی از مأموریت به کاشمر برمی‌گردد و با حبیب‌الله خلج و محمود مستوفیان مشروب زیادی می‌خورند و می‌روند با مدرس، سماوری آتش می‌کنند و چای می‌خورند و در اول چای را مرحوم مدرس می‌ریزد برای آنها دفعه دوم محمود مستوفیان می‌گوید اجازه بدهید من چای بریزم اجازه می‌دهند چای می‌ریزد و دوای سمی را... در استکان مدرس می‌ریزد و چای را می‌خورند چون مدتی می‌گذرد و می‌بینند اثری نبخشید جهانسوزی برمی‌خیزد و اشاره به مستوفیان می‌کند و از اطاق بیرون می‌رود، مستوفیان هم عمامه سید را که سرش بوده برداشته و می‌کند توی دهانش تا خفه می‌شود و همان شبانه هم می‌برند دفن می‌کنند.

دستوری که برای از بین بردن مدرس از تهران آمده بود تلگراف رمز بوده... به امضای سرهنگ وقار... مرحوم اقتداری آن تلگراف را که رمز بود با کشف آن که در خارج کشف کرده بود به من نشان داد، نوشته بود باید به طوری که هیچکس حتی قراول درب اطاق مدرس هم نفهمد، با استر کنی او را از بین ببرید.
در جواب بازپرس که سئوال کرده است «مدرس را که از خواف آوردند حالش چه طور بود» گفته است «سالم بود... مریض نبود»
مرحوم اقتداری از مشهد به شهربانی همدان منتقل شدند و پس از بیست روز از ورود به همدان مریض شد... بر اثر دوای عوضی که داده بودند مرحوم شد.
2- اظهارات علی ذوالفقاری پاسبان در صفحات 50 به بعد که گفته:
همان روزی که شب آن، مدرس فوت کرد ابراهیم پاسبان... آمد آنجا من را صدا کرد، گفت رختخواب مرا بردار برو رئیس تو را می‌خواهد، گفتم چشم بنده هم رختخواب را برداشتم بردم.
رفتم پیش رئیس... محمودخان معروف به پابرهنه رئیس فرمود برو منزل راحت کن، من هم رفتم تا شب فرستادند عقب من و شب آن روز آقا شام را که درست کرد من را صدا، گفت: بیا بنشین شام بخور من رفتم نشستم شام خوردم آقا فرمود کربلایی علی فردا صبح ترا عوض می‌کنند ولی شب باز ترا می‌آورند، گفتم: آقا برای چه لابد بد آدمی هستم، فرمودند خوب آدمی هستی ولی عوضت می‌کند...
شب تقریبا ساعت 9 بود در منزل نشسته و شام می‌خوردیم، دیدم در زدند، گفتم کیست، دیدم ابراهیم است، می‌گوید بیا رئیس ترا می‌خواهد من رفتم اداره شهربانی دیدم محمود مستوفیان رئیس شهربانی دارد قدم می‌زنند، گفت بیا برو منزل کربلایی اسمعیل (مقصود همان منزل مدرس بود.) بنده رفتم آنجا دیدم ابراهیم و محمود فراموش کار آنجا هستند رئیس هم آمد آنجا وقتی من وارد شدم دیدم آقا مرده است و رو به قبله است به محمد گفتم چه شده گفت سکته کرده است.
گفتم: صبح که من رفتم حالش خوب بود و با من صحبت می‌کرد، گفت دیگر می‌گویند سکته کرده است... فقط دیدم که لب زیرش را با دندان گرفته بود...
در جواب بازپرس که سؤال کرده (تا آنروزی که شما نزد مدرس بودید کسالت و مرضی نداشت) خیر ابدا مرضی نداشت، سلامت بود ماه رمضان بود روزه می‌گرفت و حالش خوب بود.
اظهارات محمود فراموشکار در صفحات 76 به بعد که قسمت‌های موثر آن عینا نقل می‌شود.
نزدیک افطار بود چون به رئیس گفته بودم که موقع افطار و سحر باید

بروم و اجازه داده بود، رفتم منزل تقریبا ساعت چهار از شب گذشته بود، برگشتم آمدم آنجا از ابراهیم یا کربلائی علی پرسیدم که کسی اینجا نیامد گفت رئیس با حبیب‌الله خان شمر با سید موسی خان شجاعی آمدند اینجا و رفته‌اند توی اطاق آقای مدرس و من را هم گفته‌اند در خانه باش، رفته‌اند نیم ساعت هم معطل شده و برگشته و رفته‌اند...
تقریبا دو ساعت گذشت در زدند رفتیم در را باز کردیم دیدیم رئیس شهربانی تنها بود، آمد تو و گفت بیاید برویم اطاق آقا با آقا کار دارم بنده و رفیقم و رئیس رفتیم اطاق آقا، دیدیم آقا خوابیده روی تختخواب و لحاف رویش هست نمی‌دانم عبا هم روی خودش بود یا نه.
محمود خان مستوفیان گفت آقا را صدا بزنید هر چه صدا کردیم جواب نداد، بعد گفتم آقا که جواب نمی‌دهد مستوفیان گفت آقا سکته کرده است و نباید هیچکس بفهمد و اگر به کسی بگویید که آقای مدرس مرده، زبانتان را می‌برم. بعد به بنده گفت برو به جناب یاور رئیس پلیس که منزل من هستند بگو آقای مدرس سکته کرده است، چه دستوری می‌فرمایید، بنده هم آمدم خانه رئیس به جناب یاور که اسمش یادم نیست گفتم، رئیس شهربانی عرض کردند که آقای مدرس فوت کرده‌اند، چه دستور می‌فرمایید، فرمودند به مستوفیان بگو که شبانه به طوری که کسی نفهمد غسل بدهید و دفن بکنید، بنده برگشتم دیدم ابراهیم تابوت آورده کربلایی علی هم آنجا است...
محمود خان خودش چراغ انگلیسی را برداشت دست گرفت، حرکت کردیم، رفتم به غسالخانه...
به بنده گفت شما آقا را کشتید من عرض کردم شما که می‌دانید من آدم‌کش نیستم و من رفته بودم شام خوردن سفارش می‌کرد که به کسی نگویید که آقا مرده و نگویید که رئیس آمده آنجا نیم ساعت مانده و رفته است که اگر بگویید زبانتان را می‌برم...
اقتدار نظام را مجبورا فوری حرکت دادند از کاشمر وقتی که یاور آمد و یک نفر از پاسبانها را هم مأمور کرده بود که اقتدار نظام را فورا حرکت بدهید... آن روز مرحوم مدرس... روزه داشت فرمودند می‌خواهم کته درست کنم.
4- اظهارات ابراهیم ابراهیمی پاسبان در صفحات 66 به بعد که قسمتی از آن قبلا ضمن توضیح جریان قتل مذکور افتاد و قسمت‌های مؤثر دیگر آن هم ذیلا نقل می‌شود.
در خانه دومی غیر از من و کربلایی علی و محمد فراموشکار و آقا دیگر کسی نبود...
رئیس شهربانی محمود خان پابرهنه بود. در آن موقع یک یاوری از مشهد آمده بود با یک آجودان.. اسم آن آجودان حبیب‌الله بود آمدند کاشمر یک

مأمور تامینات با آقای مدرس از خواف آمده و در کاشمر بود... یاور که آمده غلامرضا مأمور تامینات را خواسته و گفته بود باید بروی به کناپاد یا به خواف و او را حرکت داد از کاشمر رفت...
یک شب موقع اذان مغرب من در خانه بودم و آقا هم بود، محمد فراموشکار گفت من می‌روم شام می‌خورم و برمی‌گردم او که رفت دیدم در می‌زنند.
(جریان آمدن مستوفیان تا فوت مرحوم مدرس در صفحه‌ی 5 ادعانامه قبلا مذکور افتاد.)
رئیس شهربانی آمد و رفت توی اطاق آقا و نگاه کرد و گفت برو تابوت بیاور...
وقتی رفتیم غسال‌خانه میرزا کریم آقا را شست و ما سه نفر هم ایستاده بودیم.
محمود خان قدم می‌زد و رو کرد به ما و خندید و گفت پدر سوخته‌ها آقا را کشتند...
موقع اذان پیش از این که رئیس شهربانی بیاید من پیش آقا بودم و موقع افطار بود که چای می‌خورد شامش هم سربار بود.
بعد از اینکه رئیس آمد دیگر من آقا را ندیدم حالش خوب بود چای می‌خورد... چای را خودش درست کرده بود... در آن روز روزه بود... کسالت نداشت بعد از این که غلامرضاخان از آنجا رفت غصه می‌خورد که غلامرضا خان خوب آدمی بود که از اینجا رفت.
... همان موقعی که یاور آمد اقتدار نظام آنجا بود... بعد فوری محمود خان آمد به اقتدار نظام گفت یاور گفته الان باید حرکت کنی هر چه خودش و خانمش گفتند که فردا حرکت کنیم گفت نمی‌شود باید الان حرکت کنید همان روز اسبابش را بستند...
5- اظهارات محمد رفیع نوائی رئیس اسبق شهربانی مشهد در صفحات 3 به بعد که قسمت‌های مؤثر آن عینا نقل می‌شود:
درست در خاطر ندارم که در 1306 بوده است یا 1307 مأموری از تهران آمد به مشهد، ابلاغ کرد که بایستی مأمور بفرستید به خواف محرمانه مدرس را مسموم نماید به مأمور گفته شد مراجعت کن اقدام می‌کنم و نتیجه را به عرض می‌رسانم مأمور مراجعت کرد به مرکز جواب دادم چون بیست و پنج نفر نظامی هم در نگاهداری مشارالیه شرکت دارند این عمل به طوریکه کسی نفهمد غیرمقدور است.
مأمور محمد حسن خان سرداری... رئیس شهربانی هم سرتیپ محمد خان درگاهی بود.
در زمستان 1315 آمدم به مرکز پس از خاتمه مرخصی موقعی که می‌خواستم بروم مشهد رئیس شهربانی وقت را که مختار باشد ملاقات،

اجازه حرکت خواستن فرمودند شاه مایل است که مدرس از بین برود. این مأموریت را به طور یکسره شما انجام بدهید، جواب دادم چون این امر بر خلاف قانون است بهتر این است محرمانه کتبا مرقوم بفرمایید، جواب فرمودند: این نوع مسائل کتبی نمی‌شود شفاهی است، من هم از روی ادب عرض کردم من حرفی ندارم که فرمایشات تیمسار را اطاعت کنم ولی آن مأموری که بایستی این عمل را انجام بدهد قطعا از من نوشته کتبی می‌خواهد دیگر ساکت شد چیزی نگفت و من هم خداحافظی کرده و رفتم خراسان.
در این بین شنیده شد که آن بیست و پنج نفر نظامی را از آنجا برداشته بنده از وحشت اینکه مبادا مجددا امری برسد و من عذری نداشته باشم پیشنهاد کردم که مدرس را به
کاشمر انتقال بدهند اول نسبت به بنده متغیر شدند که یک پیرمرد ضعیفی را چطور نمی‌توانید نگاهدارید و بعد اجازه دادند منتقل به کاشمر شود.
وقتی که حسن رادسر (سرداری) آمد به مشهد با همان ترتیبی که عرض کردم او را مراجعت دادم برای اینکه فورمالیته به عمل آمده باشد که بعدا خودم گیر نباشم اسدالله خان رئیس تامینات خودم را که آن روز مورد اطمینان من بود با دستور اینکه برود به خواف و مراجعت کند و گزارش بدهد که با بودن نظامیها غیرمقدور است روانه کردم در مراجعت هم همانطور گزارش داد که به مرکز عرض شد اسدالله خان نام فامیلش سرداری است.
در صفحات 122 جریان ملاقات خود را در بهداری شهربانی و در زندان با جهانسوزی اینطور بیان نموده.
رفتم بهداری جهانسوزی آمد پس از سلام و تعارف، اظهار کرد که من خواستم از شما مشورت کنم که تکلیف من چیست من جواب گفتم نمی‌دانم موضوع چیست و تو تا چه حدی مداخله داشتی تا به تو کمک فکری بکنم بنا کرد قسم خوردن که من نه مدرس را دیده‌ام و نه با او کاری کردم، فقط یک امری را از طرف رئیس شهربانی خراسان به رئیس شهربانی کاشمر ابلاغ کردم حرف ما که به اینجا رسید یک نفر صاحب منصب وارد اطاق شد و حرف ما قطع شد.
موقع خارج شدن جهانسوزی اظهار کرد که سرهنگ وقار (در آن موقع پاسیار وقار رئیس زندان مرکزی بوده) آمده بود اینجا من از او خواهش کردم که مرا به کریدور یک منتقل کند امروز به آنجا خواهم آمد و خدمت شما خواهم رسید...
گویا همان روز او را به کریدور یک منتقل نمودند دو روز بعد از ورودش آمد به اطاق من گفتم حالا خوب است تفصیل را بگویید... تفصیل را این طور بیان کرد.

پس از اینکه شما از مشهد به تهران رفتید و سرهنگ وقار آمد به مشهد به من امر کرد بایستی بروی و این عمل را خاتمه بدهی من جواب گفتم که قلب من ضعیف است، من نمی‌توانم این کار را بکنم سرهنگ وقار گفت تو کار نداشته باش حبیب با تو می‌آید تو امر مرا به رئیس شهربانی ابلاغ کن او خودش انجام خواهد داد من هم بنام تفتیش شهرهای جنوبی خراسان رفتم امر سرهنگ رئیس شهربانی را ابلاغ کردم خودم هم منزل رئیس شهربانی منزل کردم شب به من راپورت دادند که مدرس را دفن کردیم.
اظهارات اسدالله سرداری مؤید قسمتی از اظهارات نوائی است؛ زیرا در صفحات 19 مکرر به بعد گفته قضیه مربوط به دوازده سال قبل است جزئیات موضوع را در نظر ندارم ولی یک مذاکراتی آنچه به خاطرم می‌آید بین بنده و سرهنگ محمد رفیع شده که ایشان از بنده قول شرف گرفته‌اند که مادام‌العمر اظهاری نشود.
روزی طرف عصر در ایام پاییز بود ایشان یعنی آقای سرهنگ رفیع نوائی، بنده را احضار فرمودند که به اتفاق برویم گردش چون چنین مطالبی و یا چنین اظهاری از آقایان سرهنگ‌ها نشنیده بودم.
به طور شوخی گفتم چه شده است که جناب سرهنگ به این خیال افتاده‌اید، فرمود: برویم حالا بعد مطلع می‌شوید، مقداری راه رفتیم تا رسیدیم به یک باغی ایشان اظهار کردند با یک حال گرفته و چهره سیا من یک مطلبی دارم خیلی محرمانه می‌خواهم به شما بگویم و دچار یک محظور فوق‌العاده خطرناکی شده‌ام...
پرسیدم چه پیش آمدی شده، فرمودند به من یک مأموریت بدی داده شده است و من می‌خواهم آن مأموریت را به شما بدهم چون هر چه فکر می‌کنم از شما نزدیک‌تر و محرم‌تر در اداره شهربانی خراسان کسی را ندارم.
پرسیدم بفرمایید چیست، فرمودند این مهمانی که برای ما فرستاده شده است باید کلکش کنده شود، بنده سؤال کردم مهمان کیست و کلکش کنده شود چیست با صدای گرفته که خوب به خاطرم می‌آید اظهار داشت، همین کسی که در خواف است بنده خندیدم گفتم چطور باید کلکش کنده شود، گفت، باید کشته شود بر من خنده افزوده شد گفتم: مگر شما این کاره هستید، گفت، من این کاره نیستم ولی چون این به من تکلیف شده است من هم ناگزیرم این تکلیف را به شما بکنم.
گفتم یعنی چه به من تکلیف بکنید که مرتکب جرمی بشوم، فرمودند: بلی.
گفتم: که من کی و شغل من چیست. گفت: شما رئیس تامینات من هستی.
گفتم حالا من برای شما توضیح می‌دهم که رئیس تامینات یعنی چه رئیس تامینات یعنی کاشف جرایم نه اینکه خود مرتکب جرم شود حتی این است

که اگر حقیقتا شما این کاره بودید و هستید به نحو دیگری اقدام و به من که رئیس تامینات هستم امر می‌کردید که مرتکب را به دست بیاورم.
بنده چنین محرمیتی در این قبیل قضایا با شما نداشته و ندارم.
گفت می‌دانید تمرد برای شما چه عواقبی دارد گفتم بالاتر از این نیست که مرا اعدام خواهند کرد. گفت: تکلیف من چیست. گفت: من و شما را قانون معین کرده است اگر شما اینکاره هستید قانون به شما می‌گوید کتبا نوشته بگیرید.
اگر این کاره نیستید جواب می‌دهید بر فرض که عواقب بدی داشته باشد اعدام خواهید شد و اگر حقیقتا تصور می‌کنید که من اینکاره هستم قدم اول من به شما می‌گویم که بنویسید آیا می‌نویسید به من بدهید ایشان اظهار داشتند تو چرا اینطور عصبانی شدی و چرا این قدر بچه‌ای در این مورد یکی نوشته می‌دهند چون دیدند من خیلی عصبانی شدم فرمودند نه تو آدم‌کش هستی و نه من، شوخی کردم با شما این اظهارات را کردم و حقیقت این است که شما فوری فردا صبح قبل از آفتاب حرکت کن برو به خواف وضعیت منزل این شخص را ببینید چون تهران از وضعیت محلی این آدم نگران است و برای من راپورت بیاور.
فردای آن روز با اتومبیل ایشان رفتم به خواف وضعیت منزل مدرس را دیدم و خود مدرس را هم ملاقات کردم و ایشان از من خواهش کردند که به رئیس نظمیه محمد رفیع خان بگویید اگر ممکن است شما بیایید من را ملاقات کنید بنده هم در مراجعت به ایشان عرض کردم که مدرس چنین تقاضایی دارد و وضعیت منزل را هم که چه جور است به ایشان گزارش دادم.
یک روز بعد از آن روز که گزارش دادم به من فرمودند فلانی تصور می‌کنم شما پای مسافرتی هم در پیش داشته باشید من گفتم دیگر به جایی مسافرت نمی‌کنم فرمودند دست پاچه نشو تهران باید بروید، گفتم برای چه. گفتند: اگر اجازه آمد به تو خواهم گفت من مراجعت شما را به تهران تلگراف کرده‌ام که اگر اجازه بدیهد برای عرض مطالبی شخصا به تهران آمده و یا اینکه رئیس تأمینات را بفرستم.
به ایشان گفتم حقیقت درجه دوستی را به طوری که خودتان اظهار می‌فرمایید تمام کرده‌اید...
به چه مناسبت مرا به تهران بفرستید فرمودند شما می‌دانید کسی که همواره صحبت کند و هم از قوانین مطلع باشد در اداره نداریم. اگر خودم را اجازه دادند که خودم می‌روم به تهران و هر کاری باید بکنم می‌کنم یا برمی‌گردم یا برنخواهم گشت و اگر مرا اجازه ندادند شما چون می‌توانید حرف بزنید دستوراتی به شما می‌دهم که آنجا بگویید.
اظهارات محمد علی وقار در صحفه 89 به بعد که قسمتهای مؤثر آن عینا

نقل می‌شود...
بنده با اقتدار رئیس شهربانی کاشمر که چند سال پیش در اینجا رئیس شهربانی بود سابقه دوستی و آشنایی داشتم چون که قبل از آن یک سفر دیگر هم به کاشمر آمده و رئیس شهربانی بوده ایشان در سفر آخر که کاشمر بودند به مرخصی مشهد رفتند...
مستوفیات از مشهد به جای او آمد پس از چندی مراجعت کردند.
روز سوم ورودشان بود... رفتیم منزل خدمتشان...
بعد یکی دو روز توی خیابان ایشان را دیدم فرمودند از تو خداحافظی می‌کنم. و باید بروم مشهد گفتم علت تغییر شما چیست.
گفت حقیقت این است که این مهمانی که گفتم آورده‌اند به کاشمر آقای مدرس است به من امر شده است او را بکشم حاضر نشده‌ام و حالا یاور جهانسوزی آمده است و امر کرده که باید فوری حرکت کنم.
7- اظهارات حاجی علی اکبر عظیمان در صفحه 92 به بعد که قسمتهای موثر آن عینا نقل می‌شود.
بنده با اقتدار نظام از سابق دوستی و آشنایی داشتم او رفت به مرخصی مشهد... اقتدار نظام از مشهد آمد شنیدم یک آقایی را از خواف آورده و در منزل خودش نگهداشته چون با اقتدار نظام خیلی دوست بودم فردای آن روزی که وارد شده بودم رفتم منزل رفتم تو دیدم یک آقایی با لباس سفید و ریش سفید نشسته و یک شال سفید هم به سرش پیچیده است در این بین آقا آب خوردن خواست، کلفت اقتدار نظام کاسه آب را خواست ببرد تو بنده دیدم که خود اقتدار نظام کاسه را گرفت و دو دستی برد جلوی آقا آب خورد و اقتدار نظام کاسه را گرفت و عقب عقب آمد از اطاق بیرون و به من اشاره کرد که حالا برو بنده هم رفتم.
روز بعد شنیدم که از مشهد مأمور آمده که یکی از آنها حبیب‌الله معروف به میرغضب بود که من خودم او را دیدم بعد فوری اقتدار نظام را حرکت دادند به مشهد موقع حرکت رفتم اقتدار نظام اظهار کرد که من می‌روم من را حلال کنید شاید دیگر من را نبینید.
گفتم چرا می‌روی. گفت: این آقای مدرس را که به من داده‌اند اینجا آوردم، مجبورم کرده‌اند که از بین ببرم من حاضر نشدم حالا من را مجبورا می‌فرستند به مشهد...
بین مردم می‌گفتند مستوفیان و حبیب‌الله شهر رفته‌اند نزدیک افطار منزل مرحوم درس و به ایشان گفته‌اند برای ما چای بریزید فرمودند خودتان بریزید گفتند شما هم باید بخورید فرمودند که حالا وقت افطار نیست و من نمی‌خورم بعد گفتند که خیر موقع افطار است. فرمودند پس بروم ببینم، آمده‌اند بیرون نگاه کردند و فرمودند: پس نماز مغرب را بخوانم. آن وقت بعد از نماز چای را می‌ریزند در قوری و توی آن زهر می‌ریزند و بخورد آقا

می‌دهند و بعد از مدتی که می‌بینند زهر اثر نکرده است شال خود آقا را می‌اندازند به گردنش و خفه می‌کنند...
مشهدی اسمعیل مفتش که مدرس در خانه او بود... این اظهار را نمود...
8- اظهارات اسمعیل را در صفحات 99 به بعد که قسمت‌های مؤثر آن عینا نقل می‌شود. نمی‌دانم بیست و ششم ماه رمضان یا بیست و هفتم ماه رمضان بود ظهری بود شنیدم که آقا را در منزل کربلایی اسمعیل کشته‌اند. کربلایی اسمعیل... برای من قضیه کشتن مدرس را نقل کرد و گفت... مستوفیان با یک نفر دیگر که نشاخته بوده آمده‌اند و آقا را زهر داده‌اند و همچنین دیده‌اند شال آقا را که دور سرش می‌پیچیده باز کرده به دور گردنش انداخته و کارشان را خاتمه می‌دهند...
شیخ هادی که حالا مرده است و متصدی دفن اموات بود... می‌گفت که آثار طناب یا شال در گردن آقا دیده است.
9- اظهارات حسین مغانی در صفحات 101 به بعد گفته:
یک روز در ماه رمضان بود... کربلایی اسمعیل مفتش که حالا مرحوم شده به من رسید و سر به گوش من گذاشت و گفت: فلانی خبرداری چه شده. گفتم: خیر. گفت: دیشب آقای مدرس را در باغچه من زهر داده و کشتند. مستوفیان و یک نفر دیگر آمدند او را زهر دادند نمرد بعد شال به گردنش انداختند و خفه کردند و جنازه‌اش را توی تابوتی که پاسبانها محرمانه آورده بودند گذارده و بردند مخفیانه ذفن کردند.
10- اظهارات سید حسین ابراهیم زاده در صفحات 104 به بعد که گفته:
بنده با اقتدار نظام رئیس شهربانی کاشمر که یک سفر دیگر هم آنجا رئیس شهربانی بود آشنایی و دوستی داشتم اقتدار نظام به مرخصی مشهد رفته بود. اقتدار نظام برگشت کاشمر، شب دوم ورودش بنده رفتم منزل ایشان به عنوان دیدن خودش آمد دم در و گفت:
حالا نمی‌توانم از کسی پذیرایی کنم دو شب دیگر... بیایید، شب سوم یا چهارم بود که رفتم به منزل ایشان پس از صحبت اظهار کرد این آقایی که من آورده‌ام آقای سید حسن مدرس و چون به من امری کرده‌اند و من زیر بار نرفته‌ام، امر کرده‌اند که به مشهد بروم و فورا حرکت خواهم کرد. فردای آن روز ایشان رفتند تا شب بیست و ششم ماه رمضان که آقا را به قتل رسانیده‌اند و بنده شنیده‌ام که محمود خان مستوفیان رئیس شهربانی این کار را کرده و شبانه برده‌اند دفن کرده‌اند.
من از شیخ غسال شنیدم که گفت در موقع غسل دادن دیده بود که گردن آقا سیاه بوده و بدن هم نزدیک به تلاشی شدن بوده است.
بنده از امیرخان پاسبان شنیدم که آقا را کشته‌اند و علت این اظهار هم این بوده است که همان شبی که آقا را شهید کرده‌اند فردای آن روز زن امیرخان پاسبان تعزیه زنانه برای آقا در خانه خود گرفته بود. بنده از

امیرخان پرسیدم تعزیه برای چه بود اظهار کرد که آقا سید حسن مدرس را کشته‌اند.
در آن روز یاور جهانسوزی با یک نیفر پاسبان قد بلند که اسمش را نمی‌دانم فقط معروف به میرغضب بود آمده بودند کاشمر.
11- اظهارات حاجی سید عبدالمجید آله طه در صفحات 111 به بعد گفته:
شب بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه رمضان بود که من رفتم خانه اقتدار نظام به من اظهار کرد که رئیس پلیس مشهد آمده و کار را بر من سخت گرفته‌اند که این سید بزرگوار را بکشم ولی من اقتدار نمی‌کنم و هر کاری ایشان می‌خواهند با من بکنند و فردا هم باید از این شهر بروم.
زن امیرخان پاسبان... به آقا اخلاص تامی داشت و برای او روضه می‌خواندم. گفت آقا را زهر داده‌اند و همان زن امیرخان بعد از کشتن آقا سه شب برای آقا تعزیه گرفت محرمانه.
12- محتویات پرونده‌های شهربانی مربوطه به مرحوم سید حسن مدرس و مندرجات دفاتر نگهبانی شهربانی کاشمر به شرح پایین:
الف- تلگراف شماره 16/8/16 -8661 پاسیار نوائی به اداره کل شهربانی بدین عبارت «اینکه امر فرمودند زندانی شود مدرس در خواف زندانی نبوده در حیاط جداگانه نگاهداری می‌شد حال در کاشمر زندانی شود یا منزل جداگانه.
اداره کل شهربانی طی 16/8/18 -29767 -28107 جواب داده شهربانی مشهد 8661 به طوریکه دستور داده شده مشارالیه باید در شهربانی در محل مناسبی منفردا به طور زندانی دقیقا مراقبت شود.»
از این دستور معلوم می‌شود که وضعیت مرحوم مدرس بعد از انتقال به کاشمر سخت‌تر شده و در آنجا به زندان مجرد منتقل گردیده و وضعیت خاصی برای او در نظر گرفته شده که منظور از آن نمی‌تواند فقط تحت نظر گرفتن مرحوم مدرس دانست.
ب- گزارش شماره 474 مورخ 16/7/23 اقتداری به شهربانی مشهد بدین مضمون «ساعت 17 یوم 22 ماه جاری سید حسن مدرس را به اتفاق غلامرضا نخعی بازرس و پاسبان شماره 5 زور وارد کاشمر گردیده.
گزارش شماره 9124 مورخ 16/8/29 نوائی به اداره کل شهربانی به این عبارت «به وسیله رئیس شهربانی کاشمر رسدبان 2 اقتداری که به مشهد احضار و معاودت می‌نمود به کاشمر انتقال و طبق مقررات زندانی و دستور شماره 102 مورخ 16/9/1 یاور جهانسوزی کفیل شهربانی شرق به شهربانی کاشمر بدین مضمون:
«پاسخ گزارش شماره 474 به طوریکه دستور داده شده است، سید حسن مدرس باید در محل مناسبی منفردا زندانی و دقیقا مراقبت شود که با احدی ملاقات و مکاتبه ننماید و نیز تا موقعیکه اقتداری شهربانی را تحویل

نگرفته حفاظت و مسؤولیت زندانی مزبور به عهده او خواهد بود و بعدا با شخص رئیس شهربانی است از این تلگراف‌ها و نامه‌ها استنباط می‌شود که اقتداری به عنوان ریاست شهربانی کاشمر مدرس را از خواف به کاشمر منتقل و مأموریت محافظت او را داشته و قرار بوده که شهربانی را هم از مستوفیان تحویل بگیرد و بعدا هم مسؤولیت حفاظت مدرس باز با شخص خود او باشد ولی بعد از ورود، جهانسوزی بطوریکه بعدا ذکر خواهد شد اقتداری را که حاضر به ارتکاب قتل نبوده از کاشمر اخراج و مستوفیان را به کفالت شهربانی کاشمر ابقاء نموده‌اند.
ج- در دفتر نگهبانی سال 1316 در صفحه 158 به تاریخ 6 آذرماه 1316(23 رمضان) در وقعه 3 نوشته شده است: ساعت 15 بعدازظهر جناب ریاست سر کلانتری مرکز ناحیه شرق به شهربانی وارد شدند مراتب استحضارا معروض داشت.
در همان صفحه در وقعه 5 همان روز نوشته شده «حسب‌الامر جناب ریاست سرکلانتری رسدبان 2 اقتداری را احضار و ابلاغ شده که فورا حرکت و خود را به شهربانی مشهد معرفی نمایند و نیز از گاراژ ماشین تهیه که فردا اول صبح حرکت نماید مراتب را استحضارا معروض داشت.
در صفحه 160 دفتر نامبرده به تاریخ 16/9/7 در وقعه 5 نوشته شده ساعت 10 صبح تعقیب وقعه 5 صفحه 158 رسدبان 1 اقتداری رئیس شهربانی سابق کاشمر به طرف مشهد حرکت نموده.»
از مندرجات دفتر نگهبانی که فوقا بدآن اشاره شد واضح است که مأموریت جهانسوزی مستلزم اخراج اقتداری از کاشمر بوده که به مجرد ورود با فشار و سخت‌گیری زیاد مشارالیه را که حاضر به ارتکاب قتل مدرس نبوده از کاشمر به مشهد اعزام کرده.
د- تلگراف رمز شماره 511 مورخ 19/6/6 به امضای مستوفیان بدین عبارت:
«مشهد شهربانی سید حسن مدرس از موقع ورود مختصر کسالت، دو روز است مرض او شدت.»
این تلگراف بر خلاف واقع و برای ظاهرسازی بوده و مستوفیان می‌خواسته وانمود کند که مدرس مریض است؛ زیرا اگر مدرس در موقع ورود به کاشمر مریض بود بایستی اقتداری گزارش کسالت او را بدهد نه مستوفیان و به علاوه مستوفیان در همان روز تحویل گرفتن مدرس گزارش داده که دو روز است مرض مدرس شدت یافته در صورتی که دو روز قبل از آن هم مدرس تحویل اقتداری بوده و چنانچه کسالت وی تشدید یافته بود بایستی اقتداری گزارش آن را بدهد.
نامه مورخ شنبه هفتم آذرماه 1316 مستوفیان نیز به عنوان «آقای سرپاسبان یکم شجاعی» که قبلا در صفحهِ 3 ادعانامه عین آن نقل شد.

مؤید این است که مستوفیان تنها مأمور مراقب مدرس نبوده بلکه مأموریت دیگری داشته است که حتی می‌خواسته مردم مطلع نشوند که مدرس در آنجا است.
در صفحه 161 بتاریخ 16/9/7 در ورقه 5 نوشته شده: «تعقیب وقعه 4 صفحه 160 جناب ریاست سرکلانتری ناحیه شرق ساعت 14 عصر حرکت نموده با اتومبیل طرف تربت مراتب معروض» و در صفحه 67 به تاریخ 16/9/9 در وقعه 5 نوشته شده است:
ساعت 11/ 30 صبح جناب ریاست سرکلانتری ناحیه شرق به کاشمر وارد به شهربانی تشریف آورده، پس از نیم ساعت توقف تشریف بردند.
صورت مجلس مورخ شب 16/9/10 بدین مضمون:
«خدمت جناب یاور ریاست اداره سرکلانتری مشهد محترما به عرض می‌رساند ساعت 22/ 30 عصر به معیت سرپاسبان 1 شجاعی به محل زندانی به جهت وارسی آمده مشاهده شده زندانی مزبور فوت نموده، در صورتیکه سرپاسبان مزبور اظهار می‌دارد ساعت قبل که من آمده بودم مشارالیه حیات داشتند و پاسبانان 6 و 7 قراولان هم به همین نحو اظهار داشتند که ساعت قبل یعنی یک ساعت قبل از این ساعت، گزارش قبل از آمدن بنده و مراجعتم مومی‌الیه حیات داشته. مراتب گزارش معروض تا به آنچه امر فرمایند اطاعت شود به امضای مستوفیان و سرپاسبان 1 شجاعی و پاسبان شماره 7 محمد فراموشکار و مهر ابراهیم پاسبان شماره 6 از مراتب مذکور معلوم می‌شود که جهانسوزی پس از ورود به کاشمر دستور داده که تلگراف بر خلاف واقع راجع به کسالت مرحوم مدرس مخابره شد و ترتیب نگاهداری مدرس را هم مشارالیه به مستوفیان داده؛ زیرا مستوفیان در دستوری که راجع به این موضع به سرپاسبان شجاعی داده اشعار داشته که حسب‌الامر جناب یاور گزارش فوت مرحوم مدرس را هم به عنوان جهانسوزی داده که این گزارش نیز طبق اظهارات محمد فراموشکار و ابراهیم ابراهیمی برخلاف واقع است.
از مراتب فوق‌الذکر واضح است که مأموریت جهانسوزی بازرسی جنوب خراسان نبوده بلکه ارتباط با قتل مدرس داشته و حتی موقعی که از جهاسنوزی سؤال شده چرا دکتر و پزشک برای معالجه مدرس و بعد از فوت او باری معاینه و دادن جواز دفن نبوده.
اظهار داشته که جهانسوزی و شهربانی مشهد چنین اجازه به او نداده‌اند مضافا بر اینکه اگر یاور جهانسوزی مأموریت بازرسی داشته لامحال باید حکمی حاکی از نوع مأموریت وی صادر شده باشد و گزارش نیز راجع به مأموریت خود پس از مراجعه به مشهد بدهد، در صورتیکه جهانسوزی گزارشی از نتیجه مأموریت خود نداده و وقار نیز در بازجویی اظهار داشته چون سرپاس مختار دستور داده بود که جهانسوزی باید به جنوب خراسان

مسافرت کند، مشارالیه نتیجه بازرسی را از او نخواسته است.
مستوفیان پس از قتل مدرس و تنظیم گزارش بر خلاف واقع که راجع به ثبوت او به جهانسوزی داده برای اینکه وانمود کند مرحوم مدرس بر اثر کسالت فوت نموده، صورت مجلس دیگری به تاریخ لیله 16/9/10 در دو صفحه بدین عبارت تنظیم نموده «ساعت 22/ 30 یوم جاری اینجانب رسدبان 3 مستوفیان کفیل شهربانی کاشمر به معیت سرپاسبان یکم سید موسی شجاعی به منزل واقعه در محله نو که شخص سید حسن مدرس زندانی در آنجا بوده رفتیم مشاهده شد زندانی مزبور فوت در صورتی که سرپاسبان مزبور اظهار می‌دارد، یک ساعت قبل از من جهت بازدید او رفتم زندانی مزبور حیات داشته و پاسبان شماره 6 ابراهیم ابراهیمی ترشیزی و شماره 7 محمد فراموشکار پاسداران زندانی مزبور اظهار می‌دارند که متوفی فوق به مرض تنگ نفس سینه مبتلا بوده و تا یک ساعت قبل حیات داشته که بعدا فوت نموده است».
و بعدا باز احتیاط نموده گزارش شماره 530 مورخ 16/9/13 را به عنوان ریاست شهربانی ناحیه شرق بدین عبارت: «پیرو گزارشهای رمز 16/9/6 -511 و 16/9/10 -515 مربوط به مریضی و فوت سید حسین مدرس زندانی محترما به عرض می‌رساند ساعت 22/ 30 شب 10 ماه جاری اینجانب به معیت سرپاسبان یکم شماره 41 شجاعی که مسئول قراولان و حفاظت مشارالیه بوده به جهت سرکشی رفته، مشاهده گردیده سید حسن مزبور فوت و هیچگونه آثاری هم در بدن او نبود و سرپاسبان و قراولان او هم گزارش داده‌اند که تا یک ساعت قبل حیات داشته ولیکن فوق‌العاده مریض و تنگ نفس داشته است.» که این مطلب به شرحی که قبلا ضمن دلایل مذکور افتاد برخلاف واقع بوده است.
13- مبلغ یکهزار و پانصد ریال به موجب چک شماره 8298 در 23 آذرماه 1316 از محل اعتبار مخفی به شهربانی مشهد برات شده است که مختار و وقار نتوانسته‌اند محل مصرف آن را تعیین نمایند.
حسابدار مخارج مخفی نیز راجع به مصرف این مبلغ گزارش داده که مشارالیه اطلاعی ندارد که وجه مزبور برای چه مصرفی به شهربانی مشهد داده شده تا به حال هم اسناد هزینه آن نرسیده که محل مصرف آن معلوم شود که با ترتیب پرداخت انعام در مورد قتل نصرت‌الدوله و شیخ خزعل و توضیحاتی که حسابدار مخارج مخفی در آن پرونده‌ها داده و سایر قرائن و نشانیهای موجود حکایت دارند که مبلغ مزبور، به عنوان انعام به مأمورین قتل مدرس پرداخته شده است. بنا به مراتب فوق‌الذکر به نظر دادستان دیوان کیفر محمود مستوفیان و حبیب‌الله خلجی مدرس را به شرکت یکدیگر خفه کرده و جهانسوزی و وقار و رکن‌الدین مختار در این قتل معاونت نموده‌اند و رسیدگی و صدور حکم مجازات مستوفیان و

حبیب‌الله خلجی طبق ماده 170 قانون مجازات عمومی و جزء ماده 27 همان قانون و نسبت به جهانسوزی و وقار و مختار در حدود مواد 170 و ماده 28 همان قانون مورد تقاضا است.
درباره سید حسن مدرس اعلی‌الله مقامه کتاب و رساله زیاد نوشته شده است. وی بدن شک یکی از روحانیون و سیاستمداران برجسته ایران در چند قرن اخیر است. عالمی روشنفکر و ناطقی برجسته و سیاستمداری باهوش و باذکاوت بود. در شجاعت نظیر نداشت، استغنای طبع داشت. به مال دنیا اعتنایی نداشت و در کمال سادگی زندگی می‌کرد. تلاش وی برای جلوگیری از خلع قاجاریه و زمامداری سردار سپه به همان روز نهم آبان ماه 1304 اختصاص نداشت بلکه از آغاز سفر سوم احمدشاه به اروپا و رئیس‌الوزرایی سردار سپه آغاز شد. مدرس وقتی از آمدن احمدشاه به ایران مأیوس گردید درصدد برآمد محمد حسن میرزا را به پادشاهی برگزیند ولی در ضمن عمل متوجه شد که هیچکاری از وی ساخته نیست. به فکر یکی از افراد برجسته خاندان قاجار افتاد گویا این شخص ناصرالدین میرزا ناصری کوچکترین فرزند مظفرالدینشاه بود که هوش و درایتی خاص داشت چندی نیز با خزعل در این مورد مذاکره داشت ولی دست آشکار و پنهان دولت انگلیس برای آینده ایران طرحی نو ریخته بود که بالاخره آنهم به مرحله اجرا درآمد.
سید حسن بن اسماعیل بن میر عبدالباقی قمشه‌ای از طایفه‌ی میر عابدین از سادات طباطبایی و از رجال روحانی و سیاسی دوره‌ی مشروطیت و پهلوی (و. قریه‌ی سرابه کچو در اردستان به سال 1287 ه.ق ف. کاشمر 26 رمضان 1357 ه.ق مطابق با 23 آذرماه 1316 خورشیدی.) در سن 16 سالگی به جهت تحصیل به اصفهان رفت، سیزده سال در اصفهان مشغول تحصیل بود، سپس به عتبات رفت و محضر علمای بزرگ نجف را درک نمود. آنگاه به اصفهان بازگشت و به تدریس پرداخت. در دوره‌ی دوم مجلس و ادوار بعد نماینده بود. با سلیمان میرزا و یاران وی از تهران مهاجرت کرد و سپس به تهران بازگشت. در 1305 ه.ش در کوچه‌ی پشت مسجد سپهسالار به او سوءقصد شد ولی به سلامت رست.
(ح 1287- شهادت 1357 ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس، متکلم، مجتهد سیاسی و نماینده‌ی مجلس. معروف به مدرس. جامع معقول و منقول بود. در روستای سرایه کچو از توابع اردستان به دنیا آمد. پدرش از خطیبان و واعظان بود. شش ساله بود که به همراه جد و خانواده‌اش به قمشه مهاجرت کرد. او مقدمات را از محضر پدر و جدش آموخت. برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و سیزده سال در فقه و اصول و علوم عربی و فلسفه از محضر میرزا عبدالعلی هرندی نحوی و جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی و آقا سید محمد مغنی و دیگران استفاده نمود. سپس به

نجف رفت و هفت سال در محضر آقا سید محمدکاظم یزدی و شیخ محمدکاظم آخوند خراسانی و ملا علی نهاوندی تلمذ نمود. سپس به اصفهان بازگشت و در مدرسه جده سکونت کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. مدتی بعد به تهران آمد و در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس فقه و اصول مشغول شد و مدتی تولیت آنجا را عهده‌دار بود. وی در دوره‌ی دوم انتخابات مجلس شورای ملی با سمت مجتهد طراز اول، به عنوان ناظر بر جریان قانونگذاری، از جانب علمای نجف انتخاب شد و در دوره‌ی بعد از جانب مردم تهران منتخب گردید و جمعا پنج دوره در مجلس شرکت نمود و همزمان به تدریس در مدرسه‌ی سپهسالار می‌پرداخت. در جریان کشمکش‌های سیاسی بعد از کودتای 1299 ش و به قدرت رسیدن رضاخان نهایتا در 1307 ش دستگیر و به خراسان تبعید شد و سرانجام در زندان کاشمر توسط مأمورین شهربانی به شهادت رسید و در امامزاده‌ی آنجا دفن شد.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (22 -21/ 5)، بازیگران عصر طلایی (336 -133)، تذکرة القبور (255 -254)، شرح حال رجال (345 -343/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 383 -381/ 14)، مدرس قهرمان آزادی (1 و 2).

مدرس، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علاّمه میر سید حسن مدرس میر محمّد صادقی.
عالم فاضل جلیل القدر عظیم المنزله، در 13 صفر سال 1273 متولّد، در شب 2 شنبه 7 ربیع الثانی سال 1333 وفات یافته، در بقعه پدر خویش جنب مسجد رحیم خان مدفون گردیده.
عمده تحصیلات او در اصفهان نزد آقا میرزا محمّد هاشم چهار سوقی بوده، سپس مدّت ده سال در اعتاب مقدّسه محضر علمای آن سامان کسب فیوضات نموده، و در آنجا خدمت میرزا محمّد حسن شیرازی و جمعی دیگر درس خوانده، تا به مقامات عالیه اجتهاد نایل شده است.
در 1305 به امر استاد به اصفهان مراجعت نموده، حوزه درس تشکیل داده، و عدّه‌ای نیز از مجلس درس او مستفید می‌شدند.
مجموعه‌ای از چندین رساله از رسائل تألیفی او به نام «الرسائل التقویّة فی المسائل الفقهیّة» به طبع رسیده، و آنها عبارت است از: 1- رساله در بیان وجه ممیّز بین حقّ و حکم 2- رساله در صلاة مسافر 3- رساله در منجزّات مریض 4- رساله در قاعده من ملک شیئاً 5- رساله در ماهیّت اجاره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرس، مرتضی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مرتضی معروفه (به شیخ مرتضی) بن سید علی‌رضا بن سید زین‌العابدین بن سید محمد بن سید مرتضی بن سید محمد اخباری بن علامه میرزا صدرالدین محمد بن میرزا محمدنصیر بن میرزا محمدصالح مشهور به اردکانی حسنی طباطبائی که به نام وی بقعه اسحاقیه مدرسه مصلی یزد بنا شده و نسبش منتهی به ابی‌الحسن محمدالشاعر نسابه اصفهانی متوفی 322 صاحب کتاب نقد الشعر و غیره و از وی به حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام منتهی می‌شود.
وی مانند همنامش علامه بزرگ شیخ مرتضی انصاری صاحب مبانی علمیه در فقه و اصول بوده و در عصر خویش ریاست علمی و قضا در شهر یزد داشته و در بیت و خاندان مدرسی یزد نابغه زمان و یگانه دوران بوده و سید استاد ما علامه متبحر و نسابه متتبع در کتاب تراجم و مشجرات خود از ایشان به عظمت یاد نموده.
خلاصه آن جناب از بزرگان فقهاء و مدرسین عصر خود و معاصر با آخوند خراسانی و علامه یزدی صاحب عروه‌الوثقی بود و با آنکه در فقه و اصول عالمی زبردست بوده دانشمندی عارف و هم حکیمی ریاضی‌دان به شمار می‌آمده و از عالم عشق و محبت بهره‌ی وافر داشته چنانچه می‌گوید.
مرا از عاشقی بیگانه مشمار
که با روی تو دارم آشنائی
آن بزرگوار دارای تالیفات و تصنیفات عدیده در فقه و اصول و حکمت بوده که متاسفانه در اثر سهل‌انگاری خاندانش از بین رفته است.
وفات ایشان در شب دوم رجب سال 1333 قمری واقع شده و در مزار (جوی هرهر) یزد به خاک رفته. مرحوم مضطر شاعر مرثیه‌ای در فوت او سروده که مطلعش این است. تا رفته از جهان شیخ المدرسین
خون بارد آسمان از دیده بر زمین
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی یزدی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی از فضلا مدرسین حوزه علمیه نجف اشرف و مقیم حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و تقوی آراسته‌اند.
ایشان در ماه جمادی‌الثانی 1364 قمری در نجف اشرف متولد شده و در سن ده سالگی ملبس به لباس روحانیت گردیده و مشغول به تحصیل علوم عربیت و ادبیت شده و سطوح را نزد اساتید فن مانند آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر محلاتی و آیت‌اللّه حاج سید مرتضی خلخالی و آیت‌اللّه حاج سید مرتضی فیروزآبادی قدس‌اللّه سره به پایان رسانیده و خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام و اساتید کرام چون آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسن بجنوردی و دیگران استفاده نموده و تقریرات دروس آیات و اساتید بزرگ را به نام نموذج فی الفقه الجعفری تألیف و تدوین کرده و به چاپ رسانیده‌اند و در حال حاضر در حوزه علمیه قم به تدریس سطوح عالیه و خارج اصول و فقه اشتغال دارند مانند اوقاتی که در نجف اقامت داشتند.
آثار مطبوع و مخطوط معظم‌له
1- نموذج فی الفقه الجعفری که به اهتمام آقای داوری به طبع رسیده است.
2- شرح بر کفایه الاصول
3- شرح بر اصول بعضی از محققین
خاطره‌ای از والد ماجدشان
مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی از مشاهیر آیات عظام حوزه نجف اشرف و اعاظم شاگردان مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی بودند.
آقای حاج سید محمدرضا میبدی مقیم گرگان که از شاگردان مبرز ایشان و مشاهیر دانشمندان معاصرند در شمال ایران کرارا برای نگارنده گفتند که استاد ما مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی فرمودند چون استاد ما مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی در ذی‌حجه 1361 قمری فوت نمود و دروس برای احترام ایشان کلا تعطیل شد و سه روز برای او به سوگ و عزا نشستیم رفقا و شاگردان آن مرحوم از من خواستید که از حضرت

آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی بخواهم که درس را شروع کنند.
پس من صبح روز سه‌شنبه به منزل آن مرحوم رفتم و درخواست آقایان را به ایشان گفتم مرحوم آیت‌اللّه غروی رحمه‌اللّه فرمودند آقای حاج سید یحیی خود من هم عازم بودم که درس را شروع کنم لکن امروز صبح مشغول تعقیب نماز بودم که دیدم آقای آقا ضیاء آمدند درب اطاق و به من گفتند شیخ محمدحسین آماده باش که شب جمعه این هفته پیش ما خواهی آمد. و من سه روز دیگر بیشتر زنده نیستم و شب جمعه خواهم مرد. این جمله را در حالی فرمودند که هیچ کسالتی نداشتند.
پس شب جمعه همان هفته سکته کرده‌اند و از دنیا رفتند و از جناب حاج سید رضی شیرازی نوه آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی (مجدد) که از علماء بنام تهرانست شنیدم که فرمودند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی که از مراجع بزرگ نجف بودند نیز فرمودند شب جمعه مشغول تهجد بودم که دیدم آقای آقا ضیاءالدین عراقی به اتفاق حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی به منزل آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی کفائی فرزند بزرگ مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی رفتند و از اجل و مرگ خود خبر می‌دهند زیرا ملهم هستند چنانچه در عصر این نویسنده مرحوم آیت‌اللّه آقای آقا سید محمد حجت کوهکمری قدس‌اللّه سره متوفی 1370 قمری و آیت‌اللّه حاج سید احمد خونساری رضوان‌اللّه تعالی علیه متوفی 1405 قمری و آیت‌اللّه مرعشی نجفی متوفی 1411 قمری از حادثه مرگ خویش خبر دادند.
و نگارنده در روز چهارشنبه هفتم ماه صفر 1411 روز شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام که در منزل یکی از مدرسین عالی برای روضه رفته بودم یکی از فضلاء کنار من نشسته آهسته خبر از مرگ و رحلت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی رحمه‌اللّه داد که مورد تعجب نگارنده شد و آن را خیلی عادی و حمل به بعضی از اغراض نمودم چون حال ایشان خوب بود و در حسینیه منزلشان مجلس سوگواری بود و شب پنجشنبه برای نماز مغرب و عشاء به صحن آمده و حقیر هم بودم و توفیق آخرین نماز را با ایشان رفتم.
پس ایشان بعد از پایان نماز به منزل رفتند و یک ساعت بعد هم به اجداد گرامیشان پیوستند طاب‌اللّه ثراه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مدرسی یزدی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدعلی مدرسی حسنی طباطبائی یزدی فرزند آیت‌اللّه العظمی حاج سید یحیی طباطبائی مدرسی یزدی (طاب‌اللّه ثراه) از علماء محترم و مدرسین بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف در قم می‌باشند.
ایشان در شب جمعه اول جمادی‌الاول سال 1358 قمری هجری در نجف اشرف متولد شده و در سن هفت سالگی به مکتب خانه قدیم رفته و در مدت چهار سال خواندن و نوشتن را تکمیل نموده و به تحصیل مقدمات پرداخته و در خدمت والد ماجدش و نیز داماد بزرگشان حاج سید محمدباقر مدرسی ادبیات را به پایان رسانیده و سطوح متوسطه و نهائی را در خدمت حاج شیخ علی‌اصغر اراکی و آیت‌اللّه حاج سید مرتضی خلخالی خوانده و نیز خیارات مکاسب را در خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ غلامرضای باقری نجف‌آبادی (مقیم مشهد مقدس) تلمذ نموده و جلدین کفایه را از محضر والدش استفاده نموده و به درس خارج اصول آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی شرکت و هم به خارج اصول و فقه والد خود حاضر شده و در سال 1383 قمری به دریافت اجازه اجتهاد مطلق از مرحوم آقای شاهرودی و والد بزرگوارش نائل گردیده و در شانزدهم ماه صفر 1383 قمری که والدش فوت کردند به درس خارج اصول آیت‌اللّه حاج میرزا حسن بجنوردی حاضر شده و یکدوره اصول را از ایشان استفاده نموده و هم از محضر آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی بهره‌مند و چندی هم از ابحاث فقه مرحوم آیت اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم استفاده کرده و عمده مبنا و آراء ایشان همان نظریات و مبانی والد بزرگوارش حاج سید یحیی مرحوم بوده و می‌باشد و حضور در دراسات آیات عظام مذکور مبدل و مغیر نظریات ایشان نشده بلکه بیشتر معتقد به صحت مبناء آن مرحوم گردیده و در سن بیست و پنج سالگی مشغول به تدریس خارج فقه و اصول شده و پس از تسفیر به ایران هم که در حوزه علمیه قم اقامت نموده به گفتن درس خارج اشتغال دارند و عده‌ای از محضرشان استفاده می‌کنند.
آثار علمی ایشان
1- حاشیه بر عروه الوثقی علامه یزدی از اول تا آخر.
2- کتاب مضاربه در حدود هشت صد صفحه که آماده چاپ است.
والد ماجدشان آیت‌اللّه العظمی حاج سید یحیی طباطبائی مدرسی یزدی

یکی از اکابر فقهاء و مجتهدین بیت جلیل مدرسی یزدی بوده‌اند. ایشان در یزد متولد شده و پس از طی مقدمات و سطوح نهائی در سال 1341 قمری راس دومین سال تأسیس حوزه علمیه قم از یزد به قم آمده و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و آیات عظام دیگر استفاده نموده و در سال 1351 قمری مجتهدا مهاجرت به نجف اشرف نموده و مستقیما به درس مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی شرکت و استفاده نموده و خود مستقیما به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و یکی از اساتید و مدرسین بزرگ حوزه علمیه گردیده تا در شانزدهم ماه صفر 1383 قمری که بدرود حیات گفته و در جوار جد گرامیش در یکی از حجرات صحن مطهر مدفون گردیده است.

دارای دو فرزند فاضل و دانشمند بوده است.

1- جناب حاج سید محمدعلی یاد شده.

2- حاج سید عباس مدرسی یزدی که ذکرش درگذشت.

سید محمدعلی متولد 1358 ق از فضلاء حوزه علمیه نجف و مانند والدش دارای ملکات فاضله و اخلاق حمیده و متواضع می‌باشد از آثار اوست تقریرات درس والدش در فقه و اصول و نیز تقریرات مرحوم آیت‌اللّه شاهرودی و آیت‌اللّه بجنوردی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی یزدی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1383 -1321 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. در یزد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، سطوح عالیه را در خدمت سید حسین باغ گندمی و سید احمد مدرس و سید علی‌رضا حایری فراگرفت. در 1342 ق به قم رفت و چندین سال در محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌اللّه آقا سید علی یثربی کاشانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از محضر شیخ آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ محمدحسین نایینی استفاده نمود. پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد خود به بحث و تدریس پرداخت. وی در 1383 ق به قصد بازگشت به ایران، در کرند کرمانشاه درگذشت و پیکرش به قم منتقل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاجتهاد و التقلید»؛ «قاعدة لا ضرر»؛ «منجزات المریض»؛ حاشیه بر «عروة الوثقی»؛ «تقریرات» اساتیدش علامه نایینی و شیخ عراقی، در فقه و اصول؛ «رساله‌ی عملیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (225)، گنجینه‌ی دانشمندان (287 -286/ 7)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1362 -1361/ 3).

مدرسی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید حسن مدرسی سر یزدی بن السید العلام السید زین‌العابدین از علماء معروف معاصر کرج است.
وی در سال 1318 قمری هجری در قریه سر یزد از مضافات یزد بدنیا آمده و در سن 17 سالگی در سال 1335 قمری برای تحصیل عزیمت یزد نموده و در آنجا در خدمت مرحوم حجةالاسلام آقا سید حسین باغ گندمی و آقا میرزا سید احمد مدرس و آخوند ملا حسن اردکانی و مرحوم آقا سید مهدی یزدی تهرانی تحصیل ادبیات و سطوح نموده و در سال 1342 قمری که آیات عظام حوزه نجف در قم بسر می‌بردند مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه العظمی حایری و مرحوم آیت‌اللّه حجت استفاده نموده و پس از ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی نیز حدود ده سال بدرس آن مرحوم حاضر و بهره‌مند گردیده تا سال 1375 قمری که مرحوم حجةالاسلام آقا سید میرزا جندقی امام مسجد جامع کرج فوت نمودند بنا بر اصرار مردم کرج و امریه حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی منتقل بکرج و تاکنون در مسجد جامع کرج واقع در خیابان چالوس به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آقای مدرسی که داماد مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ محمد توسرکانی حایری (داماد معظم مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری مؤسس حوزه علمیه می‌باشند عالمی متین و بزرگوار و دور از هرگونه تظاهرات و خودنمائی و موصوف بفضل و تقوا هستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مدرسی، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علیرضا مدرسی از علماء معروف معاصر یزد بوده است.
وی در حدود 1323 قمری در یزد متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از مرحوم والدش و دیگران در یزد آموخته و پس از آن به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و مرحوم آیت‌اللّه حجت استفاده نموده است.
و پس از آن عزیمت به نجف اشرف و چندی از محاضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌مند شده و با دریافت اجازات علمی و روایتی از آنان به یزد مراجعت و در مدرسه مصلی (اسحاقیه) به تدریس و اقامه جماعت پرداخته تا در اواخر که به واسطه کسالت قند و ضعف چشم و غیره از تدریس مانده و در ماه مبارک 1393 قمری وفات و جنازه‌اش با تجلیل حمل به قم و در قبرستان شیخان جنب مقبره جناب زکریا بن آدم اشعری مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدرسی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای سید محمدحسن بن العلامه سید محمد مدرسی یزدی از علماء اعلام و فقهاء عظام و دانشمندان کرام حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان قم می‌باشند.
در حدود سال 1320 قمری در یزد متولد شده و پس از رشد و دیدن قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد مدرسین بزرگ قم تکمیل و به حوزه درس مرحوم آیت‌الله موسس حایری و آیت‌الله حجت رحمه‌الله حاضر شده و مدت 18 سال هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی انارالله برهانه استفاده نموده و در پائین شهر قم به ترویجات دینی و روحی و اقامه جماعت پرداخته و تا هم‌اکنون به خدمات مذهبی اشتغال دارند.
والد ماجدش مرحوم علامه حاج سید محمد یزدی از شیوخ علماء و اکابر دانشمندان یزد بوده و در سال 1341 قمری در یزد از دنیا رفته و در قبرستان جوی هرمر به خاک رفته است.
برادر ارجمندش جناب عالم فاضل حاج سید محمدباقر میرصالحی مدرسی از ائمه جماعت یزد بوده‌اند.
فرزندان ارجمند روحانی دارد که در سلک روحانیت به تبلیغات مسائل احکام و ترویجات دینی از طریق منبر اشتغال دارند و آنها به اسامی زیر می‌باشند.
1- حاج آقا محمد مدرسی که از وعاظ محترم قم و تهران می‌باشند.
2- حاج‌آقا علی مدرسی یزدی که با مولف طریق صداقت را دارند.
3- حاج‌آقا کاظم مدرسی.
4- حاج‌آقا احمد مدرسی یزدی 5- آقا محمود مدرسی
6- آقا رضا مدرسی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مدرسی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید یحیی بن سید علی‌اصغر مدرس متولد 1321 قمری از علماء و مدرسین بزرگ نجف اشرف بوده است.
وی در یزد در سال مذکور تولد یافته و پس از خواندن اولیات و سطوح به قم آمده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید علی یثربی کاشانی استفاده نموده و در اواخر مرحوم آیت‌اللّه حایری مهاجرت به نجف اشرف و از محضر و دروس مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی استفاده نموده و خود به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته و جماعتی از فضلاء نجف از محضرش کسب علم و کمال نموده تا در سال 1383 قمری که مسافرت به ایران نموده ولی در کرند کرمانشاه در هفدهم ماه صفر سال مذکور وفات و جنازه‌اش با تجلیل حمل به قم و در مقبره (شیخان) به خاک رفته است.
از آثار علمی او کتب زیر است.
1- قاعده لاضرر 2- منجزات مریض 3- اجتهاد و تقلید 4- تقریرات دراسات مرحوم نائینی و عراقی 5- رسائل در جمیع ابواب فقه 6- حاشیه توضیح‌المسائل 7- رساله علمیه 8- حاشیه بر عروه.
از باقیات الصالحات آن مرحوم دو فرزند فاضل و برومند است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مدنی کاشانی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1413 -1321 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. جدش ملا محمد شیرازی در 1200 ق از شیراز به کاشان رفت. او در کاشان به دنیا آمد. وی نخست علوم قدیمه را در حوزه علمیه فراگرفت. سپس به فراگیری علوم جدید پرداخت. ادبیات را در محضر ادیب فرزانه سید محمود علوی و فقه و اصول و صرف را در محضر پدرش ، ملا عبدالرسول، و جد مادری‌اش ملا حبیب‌اللّه شریف کاشانی و سید محمد علوی و شیخ محمود نجفی فراگرفت. در زمان آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رفت و از درس عمومی و خصوصی فقه و اصول ایشان استفاده نمود. علمایی چون آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه سید احمد خوانساری و آخوند ملا علی همدانی و آقا میرزا محمد همدانی و حاج آقا روح‌اللّه کمالوند با وی هم مباحثه بودند. وی از آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد گرفت. سپس به امر پدر و خواست مردم به کاشان بازگشت و به تأسیس حوزه‌ی علمیه و تدریس پرداخت و مرجع امور دینی مردم گشت. از جمله آثار خیروی احداث مساجد و مدارس و حسینیه‌ها و حمام‌ها می‌باشد. از آثار علمی وی: «منتخب الاحکام»؛ «کشف الحقائق»؛ «توضیح التقریرات»، در بحث؛ «الخیارات» از «مکاسب»؛ حاشیه بر «الکفایة»؛ حاشیه بر «العروة الوثقی»؛ حاشیه بر «ذخیرة العباد»؛ کتاب «الربا»، «عملیات بانکی»؛ رساله‌ی «الحجابیة»؛ رساله‌ای در «الاوانی»؛ «براهین الحج للفقهاء و الحجج»؛ «الخلافة»، در اثبات خلافت بلافصل امیرالمؤمنین (ع) بر طبق روایات اهل سنت؛ «القصاص للفقهاء و الخواص»؛ «کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار»؛ رساله‌ای در «احکام حدود»؛ «من ولی السفهاء»؛ «اصول مذهب تشیع».[1]
عالم دینی.
تولد: 23 محرم 1321 ق.، کاشان.
درگذشت: 6 تیر 1371.
آیت‌الله رضا مدنی کاشانی، فرزند عبدالرسول کاشانی، از همان اوان کودکی تا حدود بیست سالگی در زادگاه خود کاشان به تحصیل علوم دینی پرداخت و در این سال‌ها از محضر کسانی چون پدرش آیت‌الله محمدعبدالرسول مدنی و جدش آیت‌الله ملا حبیب‌الله شریف بهره برد. با

آمدن آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به قم، ایشان نیز به قم رفت و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حائری یزدی راه یافت. طولی نکشید به مقام اجتهاد دست یافت. وی در سال 1359 ق. برحسب دستور پدر خود و درخواست برخی از اهالی کاشان به وطن خود بازگشت. از آثار اوست: توضیح التقریرات فی بحث الخیارات (عربی، شرح بر خیارات متأجر شیخ مرتضی انصاری، تقریر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، جزء اول)؛ الدرة المضیئة فی احکام انیة الذهب و الفضة، رساله در حجاب زنان؛ فارئض المقلدین (1376 ق.)؛ کتاب ریا؛ کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار (1375 ق.)؛ کشف الحقایق عن الرد علی الزندیق و المنافق (دو جلد، 1373 -1371 ق.)؛ منتخب الرسائل؛ رساله‌ی عملیه.
رضا مدنی کاشانی بن العالم العابد والفقیه الزاهد حجةالاسلام والمسلمین آخوند ملا عبدالرسول مدنی از علماء بزرگ حوزه علمیه قم و مشاهیر فقهاء و مراجع معاصر شهرستان کاشانست.
وی در سحرگاه شب چهارشنبه محرم 1321 قمری هجری در کاشان به دنیا آمده و پس از رشد مقدمات و سطوح را از مرحوم والد و جدامی خود مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا حبیب‌اللّه و مرحوم آیت‌اللّه آسید محمد علوی کاشانی فراگرفته و در شوال 1340 قمری به قم آمده و مجلس درس عمومی و خصوصی مرحوم آیت‌اللّه المؤسس حایری فقهاً و اصولا حاضر و استفاده نموده و هم خود تدریس و مباحثه گذارده تا اینکه در سال 1359 قمری هجری حسب‌الامر مرحوم والد و درخواست بعضی از اهل کاشان مراجعت به کاشان نموده و تا اکنون به تدریس و اقامه جماعت در مسجد میانچال و مرجعیت مردم کاشان اشتغال دارد.
آیت‌اللّه مدنی علاقه تامی به تألیف و تصنیف دارند و از غالب اجتماعات و رفت و آمدها منزوی و برکنار و به مطالعه کتب علمی و نوشتن پرداخته و آثار علمی ارزنده‌ای از خود به یادگار گذارده که فهرست آنها را می‌نگارم.
1- کتاب براهین الحجج للفقهاء والحجج که تا به حال دو جلد آن به طبع رسیده و در حوزه‌های علمی قم و نجف و مشهد بین فضلاء اهل علم معروف و مشهور و از آن استفاده می‌نمایند.
2- کتاب الخلافة که از بهترین کتابهای مربوط به اثبات خلافت بلافصلی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است بر طربق روایات علماء اهل سنت.
3- کتاب کشف‌الحقایق فی الرد علی الزندیق والمنافق که بهترین رداست بر زنادقه این زمان.
4- رساله حجابیه 5- حاشیه بر کفایه 6- حاشیه بر خیارات متاجر شیخ 7- رساله در نکاح و رضاع استدلالی 8- حاشیه بر عروةالوثقی و سایر رسائل 9- الدرة المضیئه فی احکام آنیة الذهب والفضه 10- رساله‌ای در احکام

حدود 11- کتاب الرباء در مسائل ربای قرضی و معاملات و سایر احکام متعلقه آن و بعض مسائل دیگر.
معظم له اکنون در کاشان حوزه درس خارج دارند و جمعی از دانشمندان و فضلاء از محضرشان استفاده می‌نمایند.
آثار خیر بسیاری مانند مساجد و مدارس و حسینیه‌ها و حمام‌ها در شهر و دهات بنا نموده و به بسیاری از مستمندان و بیچارگان مساعدت کرده و می‌نمایند.
مکرر بعضی از فضلاء حوزه علمیه قم و نجف و مشهد و غیره درخواست نمودند که معظم له را برای تدریس نگاه دارند روی بعضی از موانع شرعیه نپذیرفتند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 760 -759/ 14)، کیهان فرهنگی (س 4، ش 4، ص 15 -12)، گنجینه‌ی دانشمندان (262 -260 259،/ 6)، مؤلفین کتب چاپی (199 -198/ 3).

مدنی، اسدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1293، دهخوارقان (آذرشهر)، از توابع تبریز.
شهادت: 20 شهریور 1360، تبریز.
آیت‌الله سید اسدالله مدنی، فرزند آقا میرعلی، در سن شانزده سالگی پدر خود را از دست داد و چون پیش از این مادرش را نیز از دست داده بود به ناچار سرپرستی سه کودک و نامادری‌اش را عهده‌دار شد. چندی بعد وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و پس از گذراندن دوره سطح نزد آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی، حدود چهار سال به تحصیل درس فلسفه در محضر امام خمینی (ره) پرداخت و همچنین در جلسات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد. استادان دیگر او آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بودند.
مبارزات سیاسی خود را نیز از همان دوران طلبگی علیه رژیم پهلوی آغاز کرد و به علت مخالفت با کاپیتولاسیون از قم به ممسنی نورآباد تبعید شد و پس از تبعید در سال 1363 ق. به زیارت خانه خدا رفت و پس از اتمام حج بی‌درنگ به نجف عزیمت و تحصیل و درس خود را در آنجا شروع کرد و در درسهای آیت‌الله خویی شرکت نمود و روزانه چندین جلسه درس از کفایة، رسائل، مکاسب و لمعه را برای طلاب تدریس می‌نمود. در نجف در فعالیت‌های عمرانی و مذهبی و نیز در راهپیمایی‌های و سایر مسائل ایران پیش قدم بود. در بیست و یکم بهمن 1375 که تعدادی از تانک‌های دشمن از کرمانشاه به تهران عازم بودند، وی به اتفاق سی هزار جمعیت با دست خالی کفن‌پوش به مقابله با آن‌ها پرداختند و با دادان تعدای شهید و مجروح موفق می‌شوند تانک‌ها را از حرکت بازداشته و سربازان را که تعدادشان 500 نفر بود خلع سلاح نمایند و تمام آنها را در منزل خود تغییر لباس داده و پذیرایی می‌کند و به آنها می‌گوید که: بروید به امید خدا هر موقع انقلاب پیروز شد خودتان را معرفی کنید.» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از رحلت آخوند ملا معصومی، آیت‌الله مدنی دوباره بعد از اقامت کوتاهی در قم راهی همدان شد. در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمود و از سوی مردم همدان به مجلس راه یافت و در تدوین قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران نقش داشت. وی همچنین امامت جمعه و نمایندگی امام خمینی (ره) را در همدان طبق حکم بیست و یکم مهر 1358 ایشان به عهده داشت. بعد از شهادت آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی به حکم رهبری، امام جماعت شهر تبریز شد. نقش آیت‌الله مدنی در اداره‌ی امور استان آذربایجان و جریان حزب خلق مسلمان که توانسته بود قدرتی در تبریز برای خود دست و پا کند، مهم بود. وی با همیاری مردم آنها را از صحنه‌ی سیاست منطقه بیرون کرد. به همین سبب چندین بار به وی سوء قصد شد.
از جمله خدمات ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: احداث مهدیه، صندوق قرض‌الحسنه و درمانگاه در مهدیه همدان، بنای حسینیه و احداث حمام و مسجد و مدرسه و کتابخانه و قرض‌الحسنه‌ای در دره مراد بیک، راه اندازی صندوق قرض‌الحسنه در قصر شیرین، اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی کمالیه‌ی خرم‌آباد، احداث هجده دستگاه خانه در یکی از روستاهای بوئین زهرا، ساختن مسجد بزرگی در نورآباد ممسنی. او در جبهه‌های دفاع مقدس هم حضور داشت (همچنین در جریان شکست حصر سوسنگرد).
آیت‌الله مدنی روز بیستم شهریور 1360 بعد از نماز جمعه تبریز به شهادت رسید و پیکرش را در جوار حرم معصومه (س) به خاک سپردند.
حاج سید اسداللّٰه مدنی دهخوار قانی (آذر شهری) از علماء مبرز معاصر است در شهر خرم‌آباد. وی در سال 1331 قمری در آذرشهر متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح اولی در محل خود به اتفاق برادر رضاعی خود جناب مستطاب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر حکمت‌نیا در سال 1356 قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر به پایان رسانیده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای آسید محمد حجة کوه‌کمری و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری طاب ثراهما حاضر شده و استفاده کامل نموده و خود به تدریس سطوح و اخلاق پرداخته آنگاه مهاجرت به نجف نموده و از محضر آیات بزرگ حوزه نجف بالاخص زعیم اعظم و مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده و خود در آن سامان به تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در فصل تابستان به همدان آمده و مورد توجه مخصوص مردم باایمان همدان و بالخصوص دانشمندان آن شهرستان قرار گرفته تا در سال 1392 قمری که مردم عالم دوست شهرستان خرم‌آباد مرکز فرمانداری منطقه لرستان برای سرپرست حوزه علمیه آنجا و مرجعیت مردم آن ناحیه تقاضا و به اصرار آنجناب را به خرم‌آباد برده و تاکنون از وجود ذیجودش استفاده و

استفاضه می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدیر شانه‌چی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1306، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
گذراندن تحصیلات حوزوی نزد اساتید عظام مشهد حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی، حاج میرزا احمد خراسانی، حاج سید محمدهادی میلانی و اخذ درجه اجتهاد در سال 1336.
مرتبه علمی:
استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1337 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
مطالعات و پژوهشهای فقهی و مذهبی، تألیف کتاب >مسندالنبی< شامل هزاران حدیث نبویه فقهی در پاسخ به اهل سنت که احادیث امامیه را فتاوای شخصی ائمه تلقی می‌کنند. تألیف کتاب تاریخ فقه شیعه و فقهای بزرگ آن مذهب، عضویت در مجمع تقریب بین‌المذاهب و بنیاد نهج‌البلاغه، سفرهای تحقیقاتی به کشورهای اسلامی، حضور در بیش از 20 سمینار و کنگره داخلی و خارجی و ارائه مقالات در زمینه علوم اسلامی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 34 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 25
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 4
زمینه علمی تألیفات:
علم‌الحدیث، فقه و مبانی اسلامی، کتابشناسی، تاریخ اسلام.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 42، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
تاریخ مشاهیر اسلام، کتابخانه‌های اسلامی، کلام و اعتقادات، مزارات خراسان، مبانی حقوق اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مرادی، فیض‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 10 مهر 1290، قریه بیساران از قراء ژاورود سنندج.
درگذشت: 28 تیر 1364، سنندج.
ملا فیض‌الله مرادی، فرزند ابوالمحمد، دوران کودکی را تا ده سالگی در کشاورزی به پدرش کمک می‌کرد و چون علاقه‌مند به تحصیل علم گردید قرآن را نزد ملا شریف بیسارانی ختم کرد و رساله‌ها و کتب کوچک مقدماتی فارسی را نیز تمام نمود. آنگاه عزم سفر کرد و ابتدا در محضر سید عنایت‌الله مدرس صرف و نحو را فراگرفت. پس از چندی به قریه اویهنگ رفت و نزد ملا محمدصادق امامت تحصیل خود را دنبال کرد. بعد به قرای نژمار و بالک، از توابع مریوان، رفت و از محضر مدرسان آنجا نیز مدت‌ها کسب فیض نمود و به سطوح بالا رسید، سپس به قریه چنگنیان واقع در منطقه شارباژیر سلیمانیه‌ی عراق رفت و در محضر ملا عارف تعلم نمود. بعد به شهر سلیمانیه وارد شد و در مجسد کاک احمد شیخ در حضور ملا عبدالله مشغول به فراگیری شد. پس از گذشت هشت سال دوری از خانواده به ایران بازگشت و برای تکمیل علم خود نزد علامه‌ی ملا عبدالعظیم مجتهد به تحصیل پرداخت تا سرانجام اجازه وی توسط ملا محمد مدرس گرجی صادر شد. در این هنگام به زادگاهش بیساران مراجعت نود و یک سال در بیساران و نه سال قریه کیلانه به تدریس مشغول بود. بعد از آن به قریه سراب قامیش نقل مکان کرد و قریب بیست سال نیز در این قریه به امامت و تدریس و امر کشاورزی مشغول بود. در سال 1350 به سنندج آمد و در آنجا رحل اقامت افکند و تا دم مرگ بیش از چهارده سال دیگر در مسجد سید مصطفی به تدریس وامامت مشغول بود.
پیکر ملا فیض‌الله مرادی پس از فوتش در سال 1364 در آبادی سراب قامیش به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مراغه‌ای، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1274 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نسبت وی به مراغه آذربایجان می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. پس از استفاده از محضر علمای آنجا به بحث و تألیف و تدریس پرداخت. او برای خود کتابهایی از جمله «قوانین» را استنساخ کرد. از آثارش: «جواهر الاصول»، در اصول فقه، در دو مجلد، که در 1274 ق از تألیف آن فراغت یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (263/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 177-176/ 13)، گنجینه‌ی دانشمندان (68/ 7)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1183/ 3)، معجم المؤلفین (85/ 9).

مراغی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین مراغی عالمی بارع و دانشمندی فاضل بوده و تحصیلات خود را در نجف اشرف خدمت مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی و غیرهم انجام داده و با دریافت اجازات از ایشان به وطن برگشته و با انجام وظائف پرداخته تا از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مراغی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا احمد بن علی‌اکبر مراغی ساکن تبریز عالمی جلیل از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بوده و تقریرات فقه او را نوشته است دارای تالیفاتی مانند حاشیه بر رسائل و تفسیر مشکلات القرآن و شرح نهج‌البلاغه و تحفه المظفریه در رد حاج کریم‌خان شیخی و حاشیه بر قوانین و حاشیه بر شرح الشمسیه و حاشیه صمدیه و حاشیه مطول و حاشیه تنقیدات المصابیح نظام العلماء تبریزی و غیره بوده و در پنجم محرم 1310 قمری به مرض و یا از دنیا رفته و نعش او را به وادی‌السلام نجف حمل نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرتضوی کرونی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمد حسین بن سید عبدالله.
عالم جلیل، و محدث بی‌بدیل، فقیه ادیب مفسر متکلم، از مفاخر علمی عصر حاضر. در اصفهان و طهران و نجف اشرف تحصیل نموده، به اصفهان مهاجرت کرده، و پس از سال‌ها به طهران منتقل شده، و تا آخر عمر در آن شهر به وعظ و ارشاد و تفسیر پرداخته، جلسه‌ی تفسیر قرآن ایشان از هر حیث ممتاز بوده، و عده‌ای زیاد از فضلا از آن مستفید می‌شدند.
در ذی قعده‌ی سال 1367 به سن متجاوز از هفتاد و پنج سالگی در طهران وفات یافته، در قم مدفون شد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدحسن مرتضوی فرزند برومند آیت‌اللّٰه حاج سید مرتضی لنگرودی قدس‌اللّٰه سره از فضلاء ابرار و مدرسین اخیار حوزه علمیه قم می‌باشند.
ایشان در بیست ونهم ماه صفر 1350 قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و خواندن و نوشتن را در آن بلده طیبه فراگرفته و در سال 1360 قمری در خدمت والد مغفورش به تهران آمده و مقدمات و سطوح وسطی و عالی را در مدرسه حاج ابوالفتح نزد جمله‌ای از فضلاء و علماء مرکز فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را خدمت والد ماجدش و مرحوم حاج شیخ اسمعیل جاپلقی و برخی از علماء بزرگ دیگر آموخته و منظومه حکیم سبزواری را از مرحوم عالم ربانی و حکیم متاله و متضلع حاج میرزا ابوالحسن شعرانی خوانده است.
در سال 1372 قمری فارغ از سطوح گردیده و در خدمت والد مکرمش به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و به جلسات درس اساطین فقه و اصول و تفسیر و فلسفه حاضر و بخصوص در بحث صلوه آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی تا در سال 1380 قمری که رحلت آن مرحوم واقع شد شرکت و استفاده نموده و تقریرات صلوة و خمس و قضاء و طهارت او را به رشته تحریر آورده و نیز به درس خارج اصول مرحوم والدش حاضر و قریب یک دوره از اصول ایشان استفاده نموده و نیز حدود یکدوره از درس اصول آقای خمینی بهره‌مند شده و تقریر مطالب اصولی معظم‌له را مبسوطا نوشته و برای چاپ آماده نموده‌اند و نیز دوره اول اسفار را از مرحوم استاد علامه طباطبائی قدس‌اللّٰه سره و هم شفاء بوعلی را از آن مرحوم استفاده نموده و هم به درس تفسیر ایشان شرکت و تمهید القواعد ابن قولویه و مبحث معاد بحارالانوار را از محضرشان مستفیض شده و تا آخر عمرشان این جلسات ادامه داشته و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی در درس فقه والدش شرکت و پس از فوت ایشان در سال 1384 قمری و تبعید آقای خمینی به ترکیه و پس از آن به نجف اشرف به بحث فقه آیت‌اللّٰه گلپایگانی و آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه آملی شرکت و جزوات تقریرات دروس معظم لهم را نوشته و از 1395 قمری به تدریس خارج عروه‌الوثقی پرداخته و شرح مبسوطی بر عروه‌الوثقی نوشته و به انظار و افکار مقدسه اساطین فقه اشاره نموده است.

معظم‌له از سال 1389 قمری بنا بر تقاضای اهل محل در مسجد سلماسی به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ایراد بحثهائی در اصول دین و معارف اسلامی داشته و دارند.
تألیفات و آثار علمی ایشان
1- جواهر الاصول- تقریرات اصول آقای خمینی (ره)
2- دررالتقاط در تقلید و اجتهاد تقریر درس ایشان
3- رساله در قاعده فراغ و تجاوز
4- رساله در اصاله الصحه
5- رساله در قرعه
6- رساله در تعارض ادله
7- الدر النضید در شرح فروع تقلید عروه‌الوثقی در 2 جلد
8- شرح مبسوطی در طهارت عروه‌الوثقی در چند جلد
9- حاشیه مختصری بر کفایه الاصول
10، 11، 12- تقریرات بحثهای مرحوم آقای بروجردی
13- کتاب مبسوطی در دعا و زیارات و اعمال سنه
14- اللئالی المنوره مانند کشکول شیخ بهائی
15- اوراق یونان در مطالب متنوعه
16- وفیات اعلام در تاریخ فوت علمائیکه از نیمه قرن چهاردهم از دنیا رفته‌اند.
17- نوادر ابناء اعلام در قضایائی که از بزرگان جمع‌آوری شده.
18- گیلان و دانش درباره حالات جمله‌ای از علماء گیلان
و آثار دیگر ادام‌اللّه عزه و توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدحسین لنگرودی (مرتضوی) فرزند بزرگ حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مرتضی لنگرودی «قدس سره»، در حدود سال 1345 هجری قمری، در نجف اشرف متولد گردید. پس از طی دروس مقدماتی و سطوح معقول و منقول و تکمیل سطوح عالیه متعارفه و مقدار کاملی خارج فقه و اصول خدمت والد معظمشان حدود سال 1367 هجری قمری به حوزه علمیه قم عزیمت و مستقیما به درس خارج فقه و اصول و فلسفه حضرات اساتید بزرگ آن زمان همچون آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج‌آقا حسین طباطبائی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی نایب الامام خمینی و علامه بزرگوار طباطبائی تبریزی قدس اللّه تعالی اسرارهم و پس از چندی که والد معظمشان از تهران به قم هجرت فرمودند به درس خارج فقه و اصول ایشان (که در مسجد عشقعلی قم با شرکت فضلاء بی‌شماری داشتند) شرکت نموده و به فراگیری مبانی تحلیلی فقه و اصول از آن اساتید بزرگ همت گماشته و در همه‌ی آن دروس به حدی کوشش مجدانه داشتند که در مدتی از به مراتب عالیه و نهائیه، نائل و مخصوصا حائز رتبه اجتهاد و دریافت اجازات کتبی و شفاهی و غیره از آیات عظام شدند.
تا اینکه در سال 1380 هجری قمری بنا به اصرار اهالی محترم میدان قیام تهران به امامت و سرپرستی مسجد و مدرسه‌ی حاج ابوالفتح مشغول و به وظایف شرعی مخصوصا سرپرستی مدرسه و درس و بحث تاکنون که بیش از سی سال می‌گذرد این حوزه از نوع دروس اصلی و جنبی از مقدمات و سطح الی خارج فقه برخوردار است و شخص ایشان دروس عالیه فقه و اصول را عهده دارند و همه ساله فضلاء و علمائی متعهد مستخرج شده و می‌شوند.
معظم‌له از دانشمندان باتقوا و پرکار و جدی و بسیار متواضع و مجتنب از تظاهرات و معرض از شئونات می‌باشند. تألیفات ایشان در علوم مختلفه، فقه و اصول و تفسیر و اصول عقائد و فلسفه و کلام و نظائر آن بسیار است، مخصوصا بر بسیاری از کتب درسی و غیردرسی حواشی مفید دارند.
از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومند و صالح جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمدرضا لنگرودی که پس از طی دروس مقدماتی و سطوح عالی از محضر آیات عظام، گلپایگانی و آملی و غیرهما بهره‌مند

شده و اکنون از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدعلی فرزند حاج سید مرتضی لنگرودی از افاضل مدرسین و ائمه جماعت حوزه علمیه قم می‌باشند. معظم‌له با برادران بزرگوارش از آقازادگان موصوف به فضل و دانش می‌باشند.
ایشان بنابر آنچه که والدشان در پشت قرآن خود ضبط کرده‌اند در ماه شوال 1354 قمری برابر 1316 شمسی متولد گردیده و پس از طی مراحل مقدماتی در تهران در مدرسه حاج ابوالفتوح و مدرسه فتحیه واقع در خیابان ری میدان قیام (میدان شاه سابق) که تحت نظارت و سرپرستی والدشان بود به تحصیل علوم دینیه پرداخته و قسمتی از لمعه و قوانین را در مدرسه مزبور خوانده است.
در سال 1373 قمری در ملازمت والد ماجدش با عتاب عالیات مشرف و پس از مراجعت با اصرار فرزندان و تمایل قلبی خود رحل اقامت به قم افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول و مترجم عزیز ما سطوح را نزد اساتید وقت به پایان رسانیده سپس در درس خارج زعیم شیعه آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و مدت سه سال استفاده نموده و همزمان آن از دروس خارج والد گرامیش بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌اللّه بروجردی منحصرا از محضر والد خود مستفیض شده و نیز در بحث الهیات علامه طباطبائی بهره‌مند گردیده تا سه سال بعد از رحلت آیت‌اللّه بروجردی در شب جمعه نوزدهم ماه صفر المظفر 1383 قمری در بحبوحه حکومت نظامی و مبارزات شدید مردم بر علیه دولت والد بزرگوارشان از دنیا رفته و در روز اربعین با تشییع کم سابقه‌ای در حجره شمالی صحن عتیق حضرت معصومه علیهاسلام مدفون گردید.
پس از فوت آن مغفور له به درس آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی شرکت حدود دوازده سال استفاده نموده و گاه‌گاهی هم از دروس آیات عظام خمینی و محقق داماد و شریعتمداری استفاده نموده و از بعضی از آیات به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر شده‌اند و در حال حاضر در مدرسه‌ای که به نام والدشان می‌باشد و حدود شصت طلبه دارد به تدریس فقه و اصول و اداره آن مدرسه اشتغال دارند و نیز در مسجد عشقعلی خیابان چهار مردان اقامه جماعت می‌نمایند و در ماه مبارک رمضان و غیر آن برای مؤمنین تفسیر و درس اخلاق گفته و به ارشاد و تهذیب اخلاق خلق‌اللّه اشتغال دارند.

آثار علمی مترجم ما
1- تقریرات درس آیت‌اللّٰه بروجردی- خمس و قسمتی از طهارت و قضاء
2- تقریرات درس بعضی از آیات دیگر
3- رساله‌ای در عدالت
4- تعلیقه‌ای ناتمام بر رسائل
5- شرح مکاسب شیخ به فارسی
6- تاریخ را بررسی کنیم در امامت مناظره بدون تعصب
7- تکیه‌های تاریخی
8- مجموعه از آثار و روایات به صورت کشکول
9- شرح فارسی بر تجرید الاعتقاد
10- ترجمه الطوائف ابن طاووس
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا احمد مرتضوی بجنوردی اول عالم متنفذ عصر خود بود در بجنورد عالمی خلیق و دانشمندی کریم دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله بود درب خانه‌اش باز و دستانش گشاده و سفره‌اش گسترده بود.
معظم له در بجنورد متولد و پس از فرا گرفتن مقدمات و ادبیات بمشهد آمده و سطوح را خوانده و مهاجرت بنجف و از محضر آیات عظام نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده کرده و بوطن مراجعت و باقامه و خدمات دینی و تدریس و تربیت طلاب بجنورد پرداخته تا چند سال قبل که دعوت حق را اجابت و بسرای جاوید شتافته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مرتضوی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن مرتضوی ابرسجی شاهرودی از علماء ابرار و مدرسین اخیار و ائمه جماعت مشهد مقدس می‌باشد.
وی در سال 1314 شمسی برابر 1354 قمری در روستای ابرسج که در پنج فرسخی شاهرود واقع است به دنیا آمده و در بیت شریفی پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به مشهد مقدس آمده و به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج‌آقا حسین موسوی شاهرودی و مدرسین دیگر فراگرفته و پس از آن در حدود سال 1374 قمری مهاجرت به نجف اشرف کرده است.
سطوح عالیه را نزد اساتید و آیات عظام نجف تکمیل و پس از آن اصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی و فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده نموده و پس از بیست سال اقامت در نجف اشرف در سال 1394 قمری به ایران مراجعت و اقامت در مشهد مقدس را اختیار نموده و در این شهر مقدس به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت و تربیت عده‌ای از محصلین و طلاب علوم دینی پرداخته و در حال حاضر یکی از آیات و مدرسین پر برکات حوزه مشهد می‌باشند.
کرارا ترجمه ایشان را خواستم اجابت نفرمودند به اینکه من قابل و لایق ذکر نیستم ولی چون از چهره‌های درخشان علم و عمل بودند این چند جمله را از برخی از افاضل مشهد به دست آوردم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مردانشاهی، اسداللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسداللّه مردانشاهی اهل رباط ابلولان گلپایگان عالمی بزرگ و دانشمندی سترک بوده و مورد توجه و احترام خاص و عام تحصیلاتش در اصفهان و فوتش شش ماه بعد از رحلت آخوند ملا محمدکریم اتفاق افتاده جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در وادی السلام مدفون گردیده.
این فقیه توانا دارای سه فرزند روحانی و دانشمند بوده به این اسامی:
1- مرحوم آقا جمال‌الدین که مردی بصیر و دانشمندی کم‌نظیر بوده 2- عالم عامل مرحوم آمیرزا محمد که صهر مرحوم علام فهام آقامیرزا مهدی معروف به آقازاده بوده 3- ادیب اریب آقا کمال‌الدین صهر مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ محمد سعید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرعشی شوشتری، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران فقیه فرزانه، استاد حکمت و فلسفه سید محمد حسن مرعشی یکی از چهره های علمی و اساتید مدرسه عالی شهید مطهری در پی بیماری در 73 سالگی به دیدار معبود شتافت.
سید محمد حسن فرزند حجةالاسلام سید سلطان محمد و نوه میرزا عبدالوهاب، فرزند میرزا سلطان محمد، فرزند میرزا تقی، فرزند میرزا اسدالله، فرزند میرزا اسحاق مرعشی شوشتری بود. پدرش از فضلا و ائمه جماعت شوشتر بود که تحصیلاتش را در همان شهر نزد ملاجعفر شرف الدین و سید بزرگ آل طیب به پایان برد و در صفر 1370ق/آذرماه 1329 ش در شوشتر رحلت کرد و در بقعه صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاک سپرده شد. پدر بزرگش میرزا عبدالوهاب از اشراف و اعیان بود و مدت ها سمت نائب الحکومه شوشتر را بر عهده داشت.
سید محمد حسن در سال 1356ق/1316ش در شوشتر استان خوزستان پا به عرصه گیتی نهاد. مقدمات اولیه را نزد پدر خود و ملا شکر علی معنوی فرا گرفت و سطوح را نزد عالمانی چون محمد تقی حکیم، سید محمد موسی جزائری و سید محمد حسن آل طیب به پایان رساند و خارج فقه و اصول را از محضر استادش موسوی جزائری و شیخ محمد تقی شوشتری فرا گرفت. البته سفرهای کوتاهی به نجف اشرف داشت و همان جا در درس آیة الله سید ابوالقاسم خوئی شرکت می نمود. خدمات ایشان در خطه شوشتر بسیار است که می توان به تجدید بنای حوزه علمیه جزائریه واداره و تدریس در این حوزه، تأسیس حوزه علمیه خواهران، تجدید بنای مقام صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تجدید بنای مسجد شیخ علی که سال ها در آن جماعت اقامه می کرد، اشاره کرد، در ضمن به ایجاد حوزه ی علمیه ای در گتوند دست زد که تاکنون نیمه تمام مانده است.
مرعشی در سال 1361 ش وارد تشکیلات قضایی اهواز شد و ابتدا سمت حاکم شرع داشت و بعداً ریاست دادگاه را بر عهده گرفت. در سال 1363 ش به دیوان عالی کشور-تهران ملحق شد و ابتدا در شعبه 19 دیوان عالی خدمت کرد، سپس در شعبه 20و سرانجام به عضویت شورای عالی قضایی منصوب شد و یکی از پایه گذاران اصلی دستگاه قضایی به شمار آمد.

نبوغ و استعداد، همت و تلاش بسیار از او فقیهی کم مانند ارائه نمود. تواضع، مناعت طبع، بی توجهی به امور دنیا، روشن بینی اجتماعی، آفرینش آثار علمی و پژوهشی از جمله ویژگی های بارز ایشان بود. وی علاوه بر عضویت در هیئت علمی مدرسه عالی شهید مطهری و تدریس در این مدرسه، منزل ومراکز دانشگاهی عضو چهارمین دوره مجلس خبرگان گردید.
مرعشی در پی بیماری کلیوی عاقبت در صبح روز دوشنبه 16 شعبان 1429ق/28 مرداد 1387 ش در سن 73 سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش صبح سه شنبه در تهران و صبح روز چهارشنبه در شوشتر تشییع و در بقعه صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاک سپرده شد. آثار علمی ایشان:
1-شرح الفیةابن مالک؛
2-شرح تلخیص مختصر المعانی؛
3-شرح بدایةالحکمة(اثر علامه طباطبائی)؛
4-شرح نهایةالحکمة(اثر علامه طباطبائی)؛
5-شرحی بر تهذیب المنطق (اثر تفتازانی-فارسی)؛
6-حاشیة علی الرسائل؛
7-حاشیة علی کفایة الاصول؛
8-شرح منظومةالتحفةالقوامیة فی الفقه؛
9-شرح منظومة تحفةالحکیم فی الحکمة (اثر شیخ محمد حسین غروی اصفهانی)؛
10-تعلیقات علی تمهیدالقواعد فی الفلسفة(اثر ابن ترکه)؛
11-شرح حلقات الاصول (المرحلة الثالثة - اثر شهید صدر)؛
12-اصول الفقه؛
13-شرح کتاب التعلیقات فی الفلسفة (اثر ابن سینا)؛
14-شرحی بر قانون مجازات اسلامی، چاپ شده؛
15-سبیل الرشاد الی شرح الارشاد(اثر علامه حلی)، چاپ شده؛
16-ترجمه کتاب فلسفتنا (اثر شهید صدر)، چاپ شده؛
17-دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، دو جلد، چاپ شده؛
18-حاشیة التلخیص فی الاصول.
همچنین از این دانشمندان فقید ده ها مقاله در مجلات علمی و پژوهشی کشور چاپ شده است.
نویسنده:عبدالحسین جواهر الکلام
منابع زندگینامه :آینه پژوهش شماره 112.

مرعشی شهرستانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1346/ 1344 -1280 ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. نسبش به امام حسین (ع) می‌رسد. از محضر پدرش و مدرسین کربلا استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در محضر میرزا حبیب‌اللّه رشتی و ملا محمد ایروانی و میرزای شیرازی تلمذ نمود و به مدارج عالی علمی رسید. پس از درگذشت پدرش در 1315 ق به کربلا بازگشت و به جای وی به امامت و مرجعیت امور دینی و تدریس فقه و اصول پرداخت. آیت‌اللّه آقا نجفی مرعشی از وی اجازه‌ی روایت داشت. او در کربلا درگذشت. در حدود پنجاه اثر از وی باقی ماند. از آثارش: «الدرة الوجیزة»، در شرح «الوجیزة» شیخ بهائی؛ «نتیجة الفکر فی الولایة علی البکر»؛ «کنز الفوائد»؛ «کشف الحجاب»؛ «هدیة المؤمنین»؛ «هدایة المسترشدین»؛ «قبلة البلدان»؛ «البیان المبرهن»؛ «التبیان فی تفسیر غریب القرآن»، در دو مجلد؛ «الصحیفة النبویة»؛ «التحفة الرضویة»؛ «التذکرة فی شرح التبصرة»؛ «انیس المصلین»؛ «الدر الفرید»؛ «الاعراضیة»، رساله‌ای در اعراض از مال؛ الارض المفتوحة عنوة»؛ «محاسبة النفس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (21/ 10)، الذریعه (142، 135/ 25، 122/ 20، 294، 26/ 18، 44، 24/ 15، 5/ 10، 69/ 8، 25/ 4، 455، 435، 331، 183، 3/ 466، 2)، ریحانه (274/ 3)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (106/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1411 -1410/ 14)، لغت نامه (ذیل/ علی مرعشی)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (761 -760/ 2)، معجم المؤلفین (49/ 11، 192/ 7)، مکارم الآثار (1538/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (212 -210/ 4)، میرزای شیرازی (167 -166).

مرعشی کرمانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1286- ح 1342 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. در رفسنجان به دنیا آمد. برای فراگیری علوم به یزد و از آنجا به نجف رفت. پس از فراگیری متون فقه و اصول، در محضر آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ محمدکاظم خراسانی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی تلمذ نمود و به مقام اجتهاد نایل آمد. آنگاه به تدریس و تصنیف پرداخت. پس از درگذشت آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی، به مقام مرجعیت رسید و مدت دو سال متصدی منصب افتاء گردید. در نجف درگذشت و در جوار جد بزرگوارش دفن شد. از آثارش: رساله‌ی «الکریة فی تحقیق مسألة الکر»؛ «جوابات المسائل الاسلامبولیة»؛ «جوابات المسائل الامتحانیة»؛ «جوابات المسائل الکرمانیة»؛ «جوابات المسائل الیزدیة»؛ «تقریرات» اساتیدش در فقه و اصول.[1]
مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدرضا بن سید محمدباقر بن سیدعلی بن سیدحسن بن سید علی‌المنتهی الی سلطان العلماء از احفاد ملوک طبرستان که سر سلسله آنان صاحب سیف و قلم علامه الکبری میر قوام‌الدین مرعشی (جد هیجدهمی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی) می‌باشد که در سبزه میدان آمل قبر شریفش گنبد و بارگاه دارد. و تمام سلسله ابا و جدا از علماء برجسته و صاحب تالیف و تصنیف بوده‌اند مگر جناب سید حسین بن سیدعلی (جد دوم) وی که از اشراف بوده است.
وی مقدمات را در یزد نزد علماء آنجا خوانده آنگاه مسافرت با عتاب عالیات نموده و در کربلا سطوح را تکمیل و پس از آن به نجف اشرف مشرف و از محاضر دروس مرقومین علامه خراسانی و علامه یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی استفاده نموده و در اثر جدیت و ذکاوت مخصوص حائز مقام فقاهت و مرجعیت شده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی گروهی از مردم به آن جناب رجوع نموده و مدت دو سال تقریبا متصدی مقام افتاء شده ولکن در سن 56 سالگی در سال 1342 قمری بدرود حیات گفته و در آن ارض مقدس به خاک رفته‌اند. و مرحوم آیت‌الله میرزا سید علی یثربی کاشانی پسر خاله متعلقه ایشان و والده ماجده اخوان مرعشی مذکور فرزندان آن مرحوم می‌باشند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (293/ 17، 240، 231، 214/ 5)، طبقات

اعلام الشیعه (قرن 743 -742/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (204 -203/ 5)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1187 -1186/ 3).

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1411 -1318/ 1315 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل‌رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در 1342 ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌اللّه حایری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌اللّه مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌اللّه مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبة المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسابین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبلة»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل‌محمد (ص)؛

«مصباح الهدایة فی شوارع الکفایة»، که حاشیه مختصر بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمة التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایة»، در شرح «الکفایة»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیة»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[1]
یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند.
اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.
در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر 1318 قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طبیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائیه و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.
شرف تتابع کابر عن کابر
کالرمح انبوب علی انبوب
نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.
ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه 11 و علماء معاصرین صفحه 217 و آثارالحجه جلد 2 صفحه 46 و معارف الرجال جلد دوم صفحه 268 و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه 108 طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه

847 و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.
علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از بابیه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلی نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.
و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنک حاوی گلهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.
در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.
انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران
بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری
بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.
اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایة حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله شیخ محمداسمعیل محلاتی فراگرفته و در سال 1342 ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال 1343 قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال 1393 هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهائی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دویست نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

1- السید حسن صدر کاظمین 2- السید نجم‌الحسن الهتدی موسس مدرسه الواعظین در لکنهو هندوستان 3- السید ناصر حسین ابن آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبقات الانوار 4- السید محسن الامین الشامی 5- السید ابوالقاسم الدهکردی 6- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه 8- الشیخ علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء 8- الشیخ هادی آل کاشف

الغطاء 9- الشیخ مرتضی آل کاشف الغطاء 10- الشیخ محمدجواد البلاغی 11- الشیخ محمداسماعیل محلاتی 12- السید جعفر آل بحرالعلوم 13- الشیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی 14- المیرزا محمد العسکری التهرانی 15- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی 16- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی 17- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی 18- آیت‌الله الحاج الشیخ عبدالکریم الحایری 19- آیت‌الله الحاج آقاحسین قمی 20- آیت‌الله حاج آقاحسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمدحسین فشارکی و آیت‌الله آقاسید محمد نجف‌آبادی و آیت‌الله آقاسید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه‌آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقاسید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقامیرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سیدمحمدباقر کشمیری و آقاسید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.
آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:
1- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلی در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.
2- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.
3- توضیح‌المسائل که بکرات به طبع رسیده 4- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی 5- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.
6- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) 7- المعول فی امر المطول.
8- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر 9- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.
10- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانبهاترین

کتب در انساب است در چند مجلد.
11- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرود که در تهران چاپ شده.
12- الرحله الشیرازیه که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند 13- الرحله الاصفهانیه در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.
14- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.
15- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر 1- در اجازات علماء امامیه از اثناعشریه که به معظم‌له داده‌اند 2- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند 3- اجازاتیکه ایشان به دیگران داده‌اند.
مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.
تولد: 1276(20 صفر 1315 ق.)، نجف اشرف.
درگذشت: 7 شهریور 1369(7 صفر 1412 ق.) قم.
آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغار کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جده خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبةالدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهاردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نمعت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمدکاظم خرم آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمدکاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی‌خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و

حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی‌اصغر ختیایی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبةالدین شهرستانی، علی‌اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.
آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.
آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم 1342 از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های دررس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.
آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.
آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در 1380 ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در

اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.
آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله الاکرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمدة المطالب (در چند مجلد)، طبقات النسابین، الهدایة فی معاضل الکفایة، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلة الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایة القوی، سلوة الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، 1374).
از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهابیه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت 1500 متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای 3500 متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان 1349 با حدود 16000 جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت 2400 متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید 16000 متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از 120000 جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.
این کتابخانه (تا سال 1374) نزدیک به 500000 جلد کتاب چاپی، 35000 مجلد با 50000 عنوان نسخه خطی، بیش از 20000 جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به 5000 جلد نسخه عکسی، حدود 8000 میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.
آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و

انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر 1412 برابر با هفتم شهریور ماه 1369 در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکته قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (181 -177)، الذریعه (204/ 23 /276، 21 /376، 20 /355، 264/ 18، 186/ 16، 88/ 15، 215، 140/ 12، 378/ 6، 260/ 2)، ریحانه (134 -129/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 848 -847/ 14)، علماء معاصرین (219 -217)، گلزار معانی (702 -695)، گنجینه‌ی دانشمندان (52 -37/ 2، 215 -211، 56 -51/ 1)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1190 -1189/ 3).

مرعشی نجفی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمود مرعشی نجفی برادر ارجمند زعیم الشیعه و مدار الشریعه فقیه اهل البیت فی عصره آیه الله العظمی آقای آقا سید شهاب الدین المرعشی النجفی مد ظلهما از علماء اعلام و دانشمندان بنام شهرستان تبریز دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و کمالات نفسانی می‌باشند.
در سال 1330 ق در نجف اشرف متولد شده و مقدمات و سطوح و حکمت و فنون مختلفه را از اساتید فنون مانند مرحوم آیه الله آقا سید حسین بادکوبه‌ای و آیت الله ایروانی و آیه الله حاج سید محمود شاهرودی فراگرفته.
آنگاه مسافرتی به ایران نموده و مدت یک سال و نیم در قم اقامت گزیده و بقیه سطوح را از برادر معظم مذکور خود استفاده نموده و مجددا به نجف اشرف مراجعت کرده و درس خارج را از محضر مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله نائینی و آیت الله آقا ضیاء الدین عرقی حداکثر استفاده را کرده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و به دریافت اجازه از آنان نائل گشته و سالها خود در نجف تدریس فقه و اصول داشته تا به عزم زیارت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوه و السلام به ایران و برای صله رحم مسافرتی به تبریز نموده و در اثر اصرار علماء و بزرگان تبریز در آن شهر اقامت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند و یکی از دانشمندان و علماء طراز اول تبریز بشمار می‌روند.
دارای تألیفات و آثار علمی می‌باشند که از نظرتان می‌گذرانم:
1- شمس الضحی فی مناقب ائمه الهدی علیهم‌السلام 2- رضوه الاحباب 3- کشکول 4- ریاض الصالحین 5- تقریرات مرحوم نائینی در خیارات.
از باقیات الصالحات آن جناب فرزندان صالح و برومندی است که به تحصیل و کسب اشتغال دارند و ارشد آنها جناب ثقه الاسلام سید الافاضل الکرام آقای آقا سید شمس الدین مرعشی نجفی می‌باشند که در قم اشتغال به تحصیل دارند و از شرکاء بحث عم گرام آیه الله العظمی مرعشی نجفی مد ظله می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مرعشی نجفی، مرتضی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1330 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات، سطوح و حکمت را از آیت‌اللّه آقا سید حسین بادکوبه‌ای و آیت‌اللّه ایروانی و آیت‌اللّه سید محمود شاهرودی فراگرفت. آنگاه به ایران آمد و در قم سطوح را در محضر برادرش آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی تکمیل نمود. سپس به نجف بازگشت و درس خارج را از آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی فراگرفت تا به مدارج عالیه‌ی اجتهاد رسید و از آنها به دریافت اجازه نایل آمد. او سالها در نجف به تدریس فقه و اصول پرداخت. در مسافرتی که به قصد زیارت حضرت امام رضا (ع) به ایران آمد، به اصرار علما و مردم تبریز در آن شهر سکنی گزید و به اقامه‌ی جماعت و انجام امور دینی پرداخت. از آثارش: «شمس الضحی»، در مناقب ائمه (ع)؛ «روضة الاحباب»؛ «کشکول»؛ «ریاض الصالحین»؛ «تقریرات» استادش آیت‌اللّه نایینی در «خیارات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (329 -328/ 3).

مرعشی، ابومحمد حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 358 ق)، عالم امامی، فقیه، زاهد و ادیب. موصوف به طبری و معروف به مرعشی. از سادات مرعشیه‌ی طبرستان بود که نسبشان به حسین الاصغر، فرزند امام سجاد (ع) می‌رسد و به علت جدش علی مرعش به مرعشی مشهور بود. او از فقهای بزرگ شیعه و از اکابر مشایخ امامیه می‌باشد. وی از محمد بن جعفر بن احمد بن بطه و محمد بن جعفر اسدی و احمد بن ادریس اشعری و محمد بن حسین بن درست و علی بن ابراهیم قمی و علی بن ابی‌عبداللّه محمد بن ابی‌القاسم (از پدرش ملقب به ماجیلویه) و ابوالعباس احمد بن محمد ابن‌عقده روایت کرده است. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و احمد بن عبدون در 354 ق از وی حدیث شنیدند. ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری در 328 ق از وی روایت شنید و از او اجازه دریافت کرد. از آثارش: «الاشفیة»، در معانی غیبت؛ «تباشیر الشریعة»؛ «الجامع»؛ «الدر»؛ «الغیبة»؛ «المبسوط فی عمل یوم و لیلة»؛ «المرشد»؛ «المفتخر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (203/ 2)، اعیان الشیعه (61 -60/ 5)، ایضاح المکنون (327، 317، 294، 268/ 2، 220/ 1)، الذریعه (358 -357/ 21 ،304/ 20، 53/ 19، 76/ 16، 310/ 3، 111/ 2)، رجال طوسی (465)، ریحانه (289/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 87 -86/ 4)، لغت نامه (ذیل/ حسن مرعش)، معجم المؤلفین (221/ 3).

مرعشی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید اسمعیل بن العلامه العلام آیه‌الله فی‌الانام حاج سید احمد مرعشی نزیل سامری از علماء خدوم و مروجین اسلام و خدمتگزاران حقیقی معاصر است در شهرستان اهواز.
وی در 16 ربیع الثانی 1340 قمری در سامری متولد شده و در سن 7 سالگی قرآن و تجوید آن را نزد یک نفر از قراء جماعت اهل سنت سامری فرا گرفته و دروس فارسی را نزد آقای شیخ ابوالقاسم مروج یزدی آموخته آنگاه در کاظمین دروس ابتدائی و متوسطه را فرا گرفته و با مرحوم والدش بسامری مراجعت و بتحصیل علوم عربی پرداخته و ادبیات و سطوح را از مدرسین سامرا آقای شیخ حسنعلی شیرازی و آقا شیخ حسن ماکوئی و حاج میرزا علی یزدی و حاج شیخ موسی سودانی و حاج سید نصرالله گلستان اصفهانی و مرحوم آیه‌الله میرزا حبیب‌الله اشتهاردی و آیه‌الله حاج سید محمد رضا شوشتری و حکمت را از مرحوم آیه‌الله حاج میرزا محمود شیرازی فرا گرفته و در نجف اشرف بدرس خارج مرجع اعلی آیه‌الله العظمی خوئی و مرحوم آیه‌الله کاشف الغطاء و در اهواز مدت ده سال در درس آیه‌الله العظمی بهبهانی حاضر شده تا بدرجه رفیعه علم و اجتهاد نائل و از بعضی از اساتید مذکور مفتخر باجازه اجتهاد گردیده است.
در ماه رمضان 1372 قمری بمشهد مقدس مشرف و چند ماهی توقف و در محضر علماء اعلام شهر حاضر و در کتابخانه آستانه قدس بمطالعات کتب متفرقه در علوم مختلفه مشغول و در همانجا شروع بتألیف شرح مبسوط اربعین حدیث گردیده و در سال 1373 قمری بنا بر دعوت اهالی شهرستان اهواز و بالاخص سادات مرعشی و امر عموی معظم آیه‌الله حاج سید محمود مرعشی مقیم قم باهواز مراجعت و در مسجد آیه‌الله مرعشی مزبور اقامه جماعت و نماز جمعه نموده و ضمنا بتدریس طلاب علوم دینیه پرداخته و در سال 1381 قمری بکمک اهالی اهواز بناء مدرسه علمیه مرعشی را در خیابان کاوه اهواز گذارده و اکنون دارای چهل نفر طلبه میباشد که مشغول بتحصیل علوم دینیه میباشند و در ایام تعطیل جهت تبلیغ اعزام بدهات اطراف میشوند.
جناب حجه‌الاسلام حاج سید جمال‌الدین صهری واعظ شهیر اصفهان در بناء و ماده تاریخ مدرسه مزبور گفته است.
دین و دانش خطه‌ی اهواز را آراست بزم

با جنود جهل و نادانی بسختی داشت رزم
رایت حق جعفر صادق نهاد این پایه را
بانی خیر و فقیه مرعشی با جد و حزم
بهر تاریخ بنایش خامه صهری سرود
آفتاب علم در اهواز طالع شد بعزم
1381 قمری
آثار و تألیفات آنجناب از این قرار است:
1- شرح کتاب اربعین حدیث 2- ترجمه استدراک فصل الخطاب حاجی نوری 3- عنوان الطاعه فی اقامه الجمعه والجماعه عربی استدلالی 4- اجوبه المسائل التستریه. 5- حاشیه بر لمعه و بر شرح آن 6- کتابی از مبدء تا معاد سه جلد در معارف و اصول عقاید که جلد اول آن بچاپ رسیده است.
اجازات اجتهاد و روایتی معظم‌له از آیه‌الله مدرس شیرازی سامره و آیه‌الله کاشف الغطماء و آیت‌الله میلانی و آیت‌الله بروجردی خداوند بر توفیقات این مؤسس محترم علمّیه مرعشی بیافزاید و وجود ذیجودش را برای مسلمین باقی بدارد.
(تو 1340 ق)، عالم دینی. در سامرا به دنیا آمد. قرآن و تجوید را نزد یکی از قراء اهل سنت و دروس فارسی را نزد شیخ ابوالقاسم مروج یزدی فراگرفت. آنگاه به کاظمین رفت و در آنجا دروس ابتدایی و متوسطه را تحصیل نمود. سپس به سامراء بازگشت و به تحصیل علوم عربی پرداخت. ادبیات و سطوح را در محضر آقا شیخ حسنعلی شیرازی و آقا شیخ حسن ماکویی و حاج میرزا علی یزدی و حاج شیخ موسی سودانی و حاج سید نصراللّه گلستان اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا حبیب‌اللّه اشتهاردی و آیت‌اللّه سید محمدرضا شوشتری و حکمت را در محضر آیت‌اللّه حاج میرزا محمود شیرازی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و در درس خارج آیت‌اللّه خویی و آیت‌اللّه کاشف الغطاء شرکت نمود. او همچنین مدت ده سال نیز در اهواز در درس آیت‌اللّه بهبهانی شرک کرد و به مقام اجتهاد نایل گشت و از آیت‌اللّه کاشف الغطاء و آیت‌اللّه میلانی و آیت‌اللّه بروجردی اجازه گرفت. در 1372 ق به مشهد رفت و در همان جا به تحقیق و نیز تألف «شرح اربعین حدیث» پرداخت. در 1373 ق به دعوت سادات مرعشی ساکن اهواز و مردم آن شهر و به امر عمویش، آیت‌اللّه سید محمود مرعشی، به اهواز رفت و در مسجد آیت‌اللّه مرعشی به اقامه‌ی جماعت و به تدریس پرداخت. در 1381 ق مدرسه‌ی علمیه مرعشی را به کمک مردم در اهواز بنا نمود. از دیگر آثارش: «عنوان الطاعة فی اقامة الجمعة و الجماعة»، استدلالی به عربی؛ «اجوبة المسائل التستریة»؛ حاشیه بر «لمعه» و بر شرح آن؛ «از مبداء تا معاد»، در معارف و اصول عقاید، در سه مجلد.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (156 -154/ 3).

مرعشی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1280 -1198 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب و شاعر. از فرزندزادگان علامه سید حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بود. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»؛ شرح «زبدة الاصول»؛ شرح «تشریح الافلاک»؛ «سفرنامه‌ی هندوستان»؛ کتاب «اجازات»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (382/ 9)، تذکرة القبور (488)، معجم المؤلفین (188/ 10).

مرعشی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا بن السید محمدباقر بن علی بن الحسن بن علی بن ضیاءالدین محمد بن محمدصادق بن محمدطاهر بن علی بن علاءالدین حسین سلطان العلماء الحسینی المرعشی الرفسنجانی النجفی والد ماجد (اخوان مرعشی) که ترجمه آنان در ج 2 ص 59 گذشت عالمی جلیل و مصنفی بزرگوار و مجتهدی عالیمقدار بوده است.
وی در سال 1286 ق در رفسنجان متولد شده و برای تحصیل علم مهاجرت به یزد و از آنجا به نجف اشرف نموده و پس از فراغت از متون فقه و اصول به درس علمین آیت‌اللّه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی شرکت و استفاده نموده و در اثر جدیت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی گروهی از مردم به آنجناب رجوع نموده و مدت دو سال تقریباً متصدی مقام افتاء شده ولکن اجل محتوم مهلتش نداده و در سن 56 سالگی در سال 1342 قمری از دنیا رفته و در جوار جد بزرگوارش مدفون گردیده است.
دارای آثار علمی زیر می‌باشد.
1- الکریة فی تحقیق الکر
2- (جوابات المسائل الاسلامبولیه) که به امر استاد یزدیش نوشته و علامه تهرانی در ج 5 (الذریعه) ص 214 ذکر نموده است.
3- جوابات المسائل الامتحانیه
4- جوابات المسائل الکرمانیه
5- جوابات المسائل الیزدیه.
بزرگترین آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم اخوان فاضلان عالمان مجتهدان حجتی‌الاسلام والمسلمین آیتین آقای حاج سید کاظم و آقای حاج سید مهدی مرعشی دامت برکاتهما می‌باشند و از این دو برادر جناب آقای حاج سید کاظم چند سالست که از نجف به قم رحل اقامت افکنده و به تدریس اشتغال دارند و جناب آقای حاج سید مهدی در نجف به وظائف روحی و علمی مشغول می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(617/ 593 -530 ق)، فقیه حنفی، محدث و مفسر. مشهور به شیخ‌الاسلام. نسبتش به مرغینان، از توابع فرغانه می‌رسد. او جامع تمام علوم متداول زمان خود و از مشاهیر علمای عامه بود. به آورده‌ی «ریحانة الادب»، به هنگام فتنه‌ی چنگیزی ساکن مرغینان بود و از طرف اهالی به عنوان سفیر صلح انتخاب و برای مذاکرات و عقد مصالحه به سوی چنگیزخان فرستاده شد. اما عاقبت چون با مفاد پیمان مخالفت کرد، شهر مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفت و مرغینانی در آن غائله از میان رفت، در این صورت وفات وی در 617 ق صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از آثارش: «بدایة المبتدی»، در فقه حنیفی؛ «الهدایة فی شرح البدایة»؛ «کفایة المنتهی»؛ «التجنیس و المزید»؛ «الفرائض»؛ «مختارات مجموع النوازل»؛ «نشر المذاهب»؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (73/ 5)، تاریخ ادبیات در ایران (263/ 2)، ریحانه (293/ 5 ،256/ 1)، سیر النبلاء (232/ 21)، کشف الظنون (2032 -2031، 1953، 1852، 1624، 1501، 1251 -1250، 569، 353 -352، 228 -227)، معجم المؤلفین (46 -45/ 7)، هدیة العارفین (702/ 1).

مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالمعالی محمود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(616 -551 ق)، فقیه حنفی. معروف به ابن مازه. در مرغینان از توابع فرغانه به دنیا آمد. وی از بزرگان فقهای حنفی و از خانواده‌ی علم و فضل در بلاد ماوراءالنهر بود. در بخارا درگذشت. از آثارش: «ذخیرة الفتاوی» یا «ذخیرة البرهانیة»؛ «المحیط البرهانی»؛ «تتمة الفتاوی»؛ «الواقعات»؛ «الطریقة البرهانیة»؛ شرح «الزیادات» شیبانی؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی؛ شرح «ادب القضاء» حصاف؛ «التجرید»، در فروع؛ «الوجیز فی الفتاوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (36/ 8)، کشف الظنون (2002، 1619، 824، 823- 344، 343-)، معجم المؤلفین (147/ 12)، هدیة العارفین (404/ 2).

مرندی، زین‌العابدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زین‌العابدین بن اسماعیل بن زین‌العابدین مرندی تبریزی از بزرگان علماء و افاضل فقهاء متولد 1266 و متوفی 1340 ق از شاگردان بزرگ شیخ انصاری و سید حسین کوهکمری و بیشتر میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزا شیرازی بزرگ بوده و از مراجع تقلید عده زیادی از مردم آذربایجان بوده نادر 12 ذیقعده 1340 ق وفات و در وادی السلام مدفون شده است.
وی دارای سه فرزند روحانی به نام 1- شیخ مهدی 2- شیخ هادی 3- شیخ هدایت‌اللّه بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرندی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالمی دینی.
تولد: 1273، مرند.
درگذشت: 1373.
آیت‌الله علی‌اکبر مرندی مقدمات دروس را نزد پدر خود فراگرفت و در بیست و دو سالگی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و پس از بیست و سه سال تحصیل در نجف و رسیدن به درجه اجتهاد به مرند مراجعت و ضمن اقامه نماز در مسجد قیام مرند، به تدریس علوم دینی نیز اشتغال ورزید. رسیدگی به مسائل دینی اهالی مرند نیز از اهم وظایف وی بود. وی در عرفان نیز مقام والایی داشته است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مروارید، حسنعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسنعلی بن العالم الفاضل آقا شیخ محمدرضا مروارید از علماء مهذب معاصر مشهد مقدس می‌باشند.
وی در سال 1329 قمری در مشهد مقدس از صبیه عالم جلیل و فقیه نبیل آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج شیخ حسنعلی مجتهد تهرانی که ترجمه‌اش گذشت متولد شده و در دامن چنین مادر مومنه صالحه پروش یافته و مرحوم والدش که از افاضل دانشمندان مشهد بودند در سن جوانی وفات نمود و آن جناب در تحت تربیت و تشویق آن مادر عفیفه به تحصیل فارسی و ادبیات پرداخته و پس از تکمیل مقدمات سطوح را از مدرسین حوزه مشهد آموخته و بالاخص شرح لمعه را نزد عالم ربانی و سالک سبحانی مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی خوانده و از انفاس قدسیه آن بزرگوار بهره‌مند گردیده.
و بعد از تکمیل سطوح به درس خارج فقه و معارف مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی تا آخر عمر آن مرحوم حاضر شده تا به مدارج عالیه علم و اخلاق و معارف رسیده و به تدریس فقه و اصول و معارف پرداخته و مورد توجه مردم مشهد و حوزه علمیه خراسان قرار گرفته و اکنون یکی از مبرزترین دانشمندان استان خراسانست و نماز جماعت ایشان مورد توجه عموم و بالاخص دانشمندان و اخیار مردم مشهد می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مروج جزائری، محمدجعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدجعفر معروف به حاج مروج جزایری بن سید محمدعلی بن سید محمود بن احمد بن سید محمدرضا بن علی‌اکبر بن سید عبداللّٰه بن سید نورالدین بن علامه محدث سید نعمت‌اللّٰه جزایری شوشتری عالمی جلیل و مدرسی فاضل از علماء معاصر شوشتر مقیم در اهواز می‌باشد.
وی در ذی‌حجه 1328 ق در شوشتر متولد و مقدمات و اولیات و قسمتی از فقه و اصول را از والد علامه‌اش و سید علی‌اصغر ادیب جزایری متوفی 1348 ق فراگرفته.
آنگاه مهاجرت به نجف و در حوزه علامه عراقی آقای آقا ضیاء و آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و غیر آنان شرکت کرده و تقریرات آنان را به رشته تحریر آورده تا در سال 1391 قمری که قهراً به ایران آمده و در اهواز رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویجات دینی پرداخته است.
تألیفاتی دارد که از آنهاست رساله‌ای در حرمت ریش‌تراشی و رساله‌ای در تحدید وطن شرعی و رساله‌ای در حدیث لا تعاد و حاشیه‌ای بر کفایه و کتاب (هدایةالانام) در فروع مختلفه فقهیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مرورودی، ابوالحارث سریج

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 235 ق)، حافظ، محدث، مفسر، فقیه و عابد. او ساکن بغداد بود. از سفیان بن عیینه و هشیم بن بشیر و عباد بن عباد مهلبی و عبداللّٰه بن ادریس و حمید بن عبدالرحمان رؤاسی و اسماعیل بن علیه و یوسف بن یعقوب ماجشون و اسماعیل بن مجالد و ابواسماعیل ابراهیم بن سلیمان مودب و یحیی بن زکریا بن ابی‌زائده و مروان بن شجاع و سلم بن سالم بلخی و خالد بن نافع اشعری و اسماعیل بن جعفر و ابراهیم بن خثیم بن عراک حدیث شنید. مسلم بن حجاج نیشابوری و بقی بن مخلد اندلسی و ابوزرعه‌ی رازی و موسی بن هارون و ابوالقاسم بغوی و احمد بن حسن صوفی و ابوحاتم محمد بن ادریس رازی و عبداللّٰه بن احمد بن حنبل و ابوبکر احمد بن علی مروزی و حامد بن محمد بن شعیب بلخی و محمد بن عبداللّٰه حضرمی و عبداللّٰه بن محمد بن ابی‌دنیا از وی روایت کرده‌اند. بخاری و نسایی نیز به واسطه‌ی ابویحیی محمد بن عبدالرحیم صاعقه از او روایت نموده‌اند. از آثارش: «التفسیر»؛ «التاریخ»؛ «الناسخ و المنسوخ»؛ «القراآت»؛ «السنن»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (221 -219/ 9)، التاریخ الکبیر (205/ 4)، تهذیب التهذیب (400 -399/ 3)، تهذیب الکمال (62 -59/ 7)، الثقات (307/ 8)، الجرح و التعدیل (ج 2، ق 305/ 1)، سیر النبلاء (147 -146/ 11)، شذرات الذهب (85 -84/ 2)، العبر (331/ 1)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (420)، معجم المؤلفین (209/ 4)، النجوم الزاهرة (338/ 2).

مروزی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 340 ق)، فقیه شافعی. نسبتش به مرو شاهجان می‌رسد. درب مروزی بغداد منسوب به اوست. وی شیخ شافعیان بغداد بود. فقه را از ابوالعباس بن سریج و ابوسعید حسن بن احمد اصطخری و عبدان مروزی فراگرفت و در این رشته متبحر شد. او پس از ابن‌سریج ریاست شافعیان بغداد را داشت و مدتها عهده‌دار تدریس و منصب افتا بود. ابن‌خلکان گفته که ابوبکر بن حداد، صاحب «الفروع» در فقه، شاگرد ابواسحاق مروزی است، در صورتی که ذهبی ازاین گفته تعجب می‌کند و می‌گوید شاید همنشین و هم‌صحبت با وی بوده و الا ابن حداد مسن‌تر از اوست. به هر حال ابواسحاق مروزی از بزرگانی است که پیشگامان حدیث به وی استناد کرده‌اند. در اواخر عمر به مصر رفت و در همان جا درگذشت و در قبه‌ی امام شافعی به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «مختصر المزنی»؛ «الفصول فی معرفة الاصول»؛ «الشروط و الوثائق»؛ «الوصایا و حساب الدور»؛ «الخصوص و العموم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (23 -22/ 1)، تاریخ بغداد (11/ 6)، سیر النبلاء (430 -429/ 15)، شذرات الذهب (356 -355/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی ابن‌قاضی شهبه (106 -105/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (198 -197/ 2)، العبر (59/ 2)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (391)، کشف الظنون (1635)، معجم المؤلفین (4 -3 / 1)، وفیات الاعیان (197/ 4 ،27 -26/ 1).

مروزی، ابوالخیر جعفر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 447 ق)، فقیه شافعی. در 418 ق وارد معرةالنعمان شد و در آنجا به تدریس پرداخت. از آثارش «الذخیرة»، در فروع فقه شافعی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی سبکی (299/ 4)، کشف الظنون (825)، معجم المؤلفین (148/ 3)، هدیة العارفین (253/ 1).

مروزی، ابوبکر ابراهیم

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 211/ 210 ق)، فقیه حنفی و محدث. اهل کرمان و ساکن مرو بود. وی در حدیث ثقه بود. چندین بار به بغداد رفت و در آنجا حدیث روایت کرد. از محمد بن حسن شیبانی فقه آموخت. از منصور بن عبدالحمید و مالک بن انس و محمد بن عبدالرحمان بن ابی‌ذئب و سفیان ثوری و شعبة بن حجاج و لیث بن سعد و قیس بن ربیع و یعقوب قمی و حماد بن سلمه و ابوحمزه سکری و اسماعیل بن عیاش و نوح بن ابی‌مریم و خارجة بن مصعب و بقیة بن ولید حدیث شنید. سعید بن سلیمان سعدویه و احمد بن حنبل و زهیر بن حرب و ایوب بن حسن و علی بن حسن هلالی و حسین بن حسن مروزی و محمد بن عبدالرحمان سعدی از او حدیث شنیدند. مأمون او را به خویش نزدیک و به وی پیشنهاد منصب قضا کرد اما وی نپذیرفت. در نیشابور درگذشت و در باب معمر دفن شد. از آثارش: «نوادر»، در فروع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ الاسلام (حوادث 40 -39/ 210 -201)، تاریخ بغداد (74 -72/ 6)، الثقات (70/ 8)، طبقات ابن سعد (265/ 7)، کشف الظنون (1981)، لسان المیزان (84 -82/ 1)، معجم المؤلفین (31/ 1)، المنتظم (218/ 6)، میزان الاعتدال (56 -55/ 1).

مروزی، ابوزید محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(371 -301 ق)، فقیه شافعی و محدث. شیخ شافعیان بود. نسبت وی به فاشان، از قرای مرو می‌رسد. فقه را از ابواسحاق مروزی آموخت. از ابوبکر احمد بن محمد منکدری و ابوالعباس محمد بن عبدالرحمان دغولی و عمر بن علک و محمد بن عبداللّٰه سعدی و جماعتی حدیث شنید. وی به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. سپس در مکه مجاور گردید و در آنجا «صحیح بخاری» را از محمد بن یوسف فربری روایت کرد. ابوزید مروزی موثق‌ترین کسی است که این کتاب را از فربری روایت کرده است. ابوبکر قفال مروزی و دیگر فقهای مرو از او فقه آموختند. ابوعبداللّٰه حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوالحسن دارقطنی و عبدالوهاب میدانی و هیثم بن احمد دمشقی صباغ و ابوالحسن بن سمسار و ابوبکر برقانی و محمد بن احمد محاملی و ابومحمد عبداللّٰه بن ابراهیم اصیلی و دیگران از او حدیث شنیدند. در مرو درگذشت. در «هدیة العارفین» و به تبع آن در «معجم المؤلفین» کتابهای «الاقناع»، در حدیث و «تفسیر المسعودی» به وی نسبت داده شده است. اما در «کشف الظنون»، «الاقناع» از آن قاضی ابوالفضل محمد بن احمد بن لیث مروزی و «تفسیر المسعودی» از آن ابوعبداللّٰه محمد بن احمد مروزی (شاگرد قفال مروزی) دانسته شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (339 -338/ 4)، تاریخ بغداد (314/ 1)، تاریخ نیشابور (174)، سیر النبلاء (315 -313/ 16)، شذرات الذهب (76/ 3)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (201 -200/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (77 -71/ 3)، العبر (138/ 2)، کشف الظنون (458، 140)، معجم البلدان (262/ 4)، معجم المؤلفین (283/ 8)، المنتظم (437/ 8)، الوافی بالوفیات (72 -71/ 2)، وفیات الاعیان (209 -208/ 4)، هدیة العارفین (50/ 2).

مروزی، ابوصمصام سید عماد الدین ذوالفقار

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(536 -455 ق)، متکلم، محدث و فقیه امامی. ملقب به حمیدان. وی علاوه بر کنیه‌ی ابوصمصام به ابوالوضّاح هم مکنّی بود. او همان ابن معبد حسنی است. زادگاه او شهر مرو بود، و سفرهای متعددی به سرزمینهای مختلف اسلامی داشت؛ زمانی را در بغداد سپری کرد و مدتی نیز در اصفهان بود و در آن شهر از نظام الملک طوسی، وزیر آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی، حدیث شنید. او از شیخ طوسی، سید مرتضی، شیخ نجاشی، شیخ محمد حلوانی و سلاّر بن عبدالعزیز دیلمی روایت می‌کرد. شاگردان و راویان ابوصمصام را شخصیتهایی سرشناس مانند قطب الدین راوندی، سید فضل الله راوندی، ابن شهر آشوب، ابوسعد سمعانی، ابوالقاسم ابن عساکر تشکیل می‌دهند. او ظاهری نیکو و بیانی شیرین داشت. ابوصمصام از حلقه‌های مهم در سلسله‌ی اسانید امامیه به شمار می‌رود و می‌توان وی را به عنوان یکی از ناقلان عمده‌ی مصنفات پیشینیان امامی به حساب آورد. سید عمادالدین همچنین، در انتقال مصنفات و روایات غیر شیعی نیز دست داشت، مثلا، او یکی از راویان اصلی «تفسیر ثعلبی» بود. روایات پراکنده‌ی او نیز در کتب محخدثان فراوان یافت می‌شود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (434 -432 /6)، ریاض العلماء (280 -277 /2)، ریحانه (163 /7)، فوائد الرضویه (178)، فهرست منتجب الدین (74 -73)، الکنی و الالقاب (106 -103 /1)، لسان المیزان (55 /3)، هدیة الاحباب (24 -23).

مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(572- وف بعد از 614 ق)، محدث، فقیه، اصولی، نحوی، لغوی، شاعر، منجم و نسب شناس. نسب او به محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع)، می‌رسد. جد سوم وی از قم به مرو سفر کرد و در آنجا سکنی گزید. در مرو متولد شد و تحصیلات خود را در زادگاه خود مرو آغاز کرد و نزد کسانی چون قاضی محمد بن سلیمان فقیهی دانش آموخت. در جوانی به قصد زیارت خانه خدا از مرو خارج شد. در 592 ق به بغداد که رسید از ادامه سفر منصرف شد و مدتی همان جا ماند. ابوطالب از شهرهای خوارزم، هرات، نیشابور، گرگان، ری، یزد، شیراز، رامهرمز و همدان نیز دیدن کرد و از مشایخ و دانشمندان این شهرها بهره جست. در میان مشایخ او باید از فخر رازی، عبدالسید خوارزمی، بلغاری، محمد دیباجی، محمد ماهروی، اسماعیل کاشانی و ابن سمعانی نام برد. تاریخ بازگشت وی به مرو روشن نیست. زمانی که در مرو بود با فخر رازی دیدار کرد و در همان زمان بود که کتاب «الفخری» را برای وی تألیف کرد. در مرو در منزل خود مجالس درس برگزار می‌کرد و در آن طالبان علوم حضور می‌یافتند. یاقوت حموی که از شاگردان وی می‌باشد پس از توصیر صفات زیبای استادش در «معجم الادباء» چند بیت از اشعار او را آورده است. تنها اثر بازمانده از وی «الفخری فی انساب الطالبین» است که در قم به چاپ رسیده؛ اثر دیگر وی «حظیرة القدس»، در حدود 60 مجلد، در خصوص انساب طالبیان بود و تلخیص آن «بستان الشرف» در حدود 20 مجلد؛ و کتابی نیز درباره‌ی نسب شافعی تألیف کرد.از آثار دیگر او: «زبدة الطالبیه»؛ «غنیة الطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ «المثلث» و «الموجز» در نسب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 308)، اعیان الشیعه (320 -319 /3)، الذریعه (252 /23، 79 /19، 67 /16، 29 /12، 26/7، 107- 106 /3)، ریحانه (112 /3)، لغت‌نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (150 -142 /6)، معجم المؤلفین (266 /2)، هدیة العارفین (211 /1).

مروزی، ابوعبداللّه نعیم

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 229/ 228 ق)، فقیه، حافظ و محدث. در مرو شاهجان به دنیا آمد. ساکن مصر بود. بعدها به بغداد و از آنجا به سامرا رفت. وی حسین بن واقد مروزی را ملاقات کرد. از ابوحمزه سکری و هشیم و ابوبکر بن عیاش و ابراهیم بن طهمان و فضل بن موسی سینانی و فضیل بن عیاض و عبداللّه بن مبارک و عیسی بن عبید و سفیان بن عیینه و حفص بن غیاث و عبدالعزیز دراوردی و معتمر بن سلیمان و ابوداوود طیالسی و جریر بن عبدالحمید و ابراهیم بن سعد حدیث شنید. بخاری و یحیی بن معین و ابوحاتم رازی و احمد بن منصور رمادی و عبید بن شریک بزاز و ابواسماعیل ترمذی و یعقوب فسوی و احمد بن یوسف سلمی و اسماعیل بن سمویه و بکر بن سهل دمیاطی و حمزة بن محمد بن عیسی کاتب و جماعتی از وی روایت کردند. در سامرا در زندان معتصم درگذشت. او اول کسی است که «مسند» در حدیث را گردآوری کرده است. از آثارش «الفتن و الملاحم» است. در «هدیة العارفین» به نقل از صاحب «عیون التواریخ» از ابن حنبل آمده است که نعیم بن حماد سیزده کتاب در رد جهمیه و کتابی در رد ابوحنیفه و محمد بن حسن شیبانی داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (14/ 9)، تاریخ بغداد (314 -306/ 13)، التاریخ الکبیر (100/ 8)، تذکرة الحفاظ (420 -418/ 2)، تهذیب التهذیب (413 -409/ 10)، تهذیب الکمال (138 -129/ 19)، الثقات (219/ 9)، الجرح و التعدیل (ج 4، ق 464 -463/ 1)، سیر النبلاء (612 -595/ 10)، شذرات الذهب (67/ 2)، طبقات ابن سعد (359/ 7)، طبقات الحفاظ (203)، العبر (318/ 1)، کشف الظنون (1445)، معجم المؤلفین (113/ 13)، میزان الاعتدال (248 -246/ 4)، النجوم الزاهرة (308/ 2)، هدیة العارفین (498 -497/ 2).

مروزی، ابوعلی حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 430 ق)، فقیه شافعی. شیخ شافعیان و فقیه مرو بود. نسبتش به سنج، از قرای مرو می‌رسد. فقه را در خراسان از ابوبکر قفال مروزی فراگرفت. او با شیخ ابومحمد جوینی، پدر امام الحرمین، و قاضی حسین مرورودی همدرس بود. ابوعلی همچنین در محضر شیخ‌العراقیین شیخ ابوحامد فقه آموخت. او اولین کسی است که بین دو طریقه خراسانی و عراقی تقریبی به وجود آورد. در کنار استادش قفال مروزی در مرو به خاک سپرده شد. در «سیر اعلام النبلاء» نام وی ابوعلی حسن بن محمد بن شعیب آمده گرچه نام ذکر شده در عنوان نیز محتمل دانسته شده است. در «معجم البلدان» نام وی حسن بن شعیب ذکر شده است. از آثارش: شرح «الفروع» ابن‌حداد، که به گفته‌ی ابن‌خلکان بی‌نظیر بوده است؛ کتاب «المجموع»، که غزالی در «الوسیط» خود از این کتاب نقل کرده؛ شرح «التلخیص» ابوالعباس ابن‌قاص، که شرحی بزرگ است؛ شرح «مختصر المزنی»، که امام الحرمین آن را «المذهب الکبیر» نامیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (527 -526/ 17)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (321 -320/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (348 -344/ 4)، کشف الظنون (1635، 1606، 1257، 479)، معجم البلدان (300/ 3)، معجم المؤلفین (283/ 3)، الوافی بالوفیات (378/ 12)، وفیات الاعیان (136 -135/ 2)، هدیة العارفین (309/ 1).

مروزی، شیخ‌الاسلام، ابوعبداللّه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(294 -202 ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث و عابد. اصلش مروزی بود. وی در بغداد به دنیا آمد و در نیشابور نشو و نما یافت و در سمرقند ساکن گردید. در مصر نزد اصحاب شافعی از جمله محمد بن عبداللّه بن عبدالحکم مصری فقه آموخت. در طلب حدیث به نقاط مختلف سفر کرد و در خراسان، ری، بغداد، بصره، کوفه، مدینه و شام حدیث شنید. از عبدان بن عثمان مروزی و صدقة بن فضل مروزی و یحیی بن یحیی نیشابوری و اسحاق بن راهویه و هدبة بن خالد و محمد بن عبدالملک بن ابی شوارب و ابوکامل جحدری و ابراهیم بن منذر حزامی روایت کرد. فرزندش، اسماعیل، و عبداللّه بن محمد بلخی و محمد بن اسحاق رشادی سمرقندی و عثمان بن جعفر لبان و محمد بن یعقوب بن اخرم نیشابوری و ابوالعباس سراج و جماعتی از وی روایت کردند. حاکم نیشابوری گوید که پیشوایی او در حدیث در عصر خود برای همگان مسلم بود. به گفته‌ی خطیب بغدادی و ذهبی او داناترین فرد به اختلاف آرای علمای دین اعم از صحابه و تابعین بود. وی در سمرقند درگذشت. از آثارش: «القسامة»؛ «الایمان»؛ «تعظیم قدر الصلاة»؛ «رفع الیدین»؛ «الورع»؛ «قیام اللیل»؛ «الوتر»؛ «الصیام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 346)، ایضاح المکنون (2/ 310، 322)، تاریخ بغداد (3/ 315- 318)، تاریخ نیشابور (128)، تذکرة الحفاظ (2/ 650- 653)، تهذیب التهذیب (9/ 421- 422)، سیر النبلاء (14/ 33- 40)، شذرات الذهب (2/ 216- 217)، طبقات الحفاظ (306- 307)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (1/ 84- 85)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (2/ 195- 196)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (2/ 246- 255)، العبر (1/ 426- 427)، الکامل (6/ 117)، کشف الظنون (1367، 1433، 1451، 1468- 1469)، معجم المؤلفین (12/ 78)، المنتظم (7/ 376- 378)، النجوم الزاهرة (3/ 179)، الوافی بالوفیات (5/ 111)، هدیة العارفین (2/ 21).

مزکی نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 414 ق)، محدث و فقیه شافعی. مسند نیشابور بود و در فقه شافعی بصیرت داشت. او فقه را از ابووليد حسان بن محمد نیشابوری آموخت. از ابوالعباس اصم و ابوعبداللّه بن اخرم و حسن بن یعقوب بخاری و احمد ابن عبدوس و ابوسهل بن زیاد و عبداللّه بن اسحاق خراسانی و محمد بن علی بن دحیم و جماعتی از نیشابوریها حدیث شنید. فرزندش، ابوبکر محمد بن یحیی، و ابوبرک بیهقی و ابوصالح موذن و عثمان بن محمد محمی و هبةاللّه بن ابی‌الصهباء و قاسم بن فضل ثقفی و علی بن احمد بن اخرم و دیگران از وی روایت کردند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة الحفاظ (1058/ 3)، سیر النبلاء (296 -295/ 17)، شذرات الذهب (202/ 3)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (211/ 2)، العبر (228/ 2)، معجم المؤلفین (181/ 13).

مستغفری نسفی، ابوالعباس جعفر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بعد از 432 -350 ق)، فقیه، حافظ، محدث، خطیب و مصنف. محدث ماوراءالنهر در زمان خود بود. عده‌ای او را حنفی و بعضی شافعی و برخی شیعی دانسته‌اند و هر کدام برای اثبات نظر خویش دلایلی ذکر کرده‌اند. او از زاهر بن احمد سرخسی و ابراهیم بن لقمان و ابوسعید عبداللّه بن محمد رازی و علی بن محمد سرخسی و جعفر بن محمد بخاری و ابوسهل هارون بن احمد استرآبادی و ابوعبداللّه محمد بن احمد غنجار و دیگران حدیث شنید. ابوعلی حسن بن عبدالملک نسفی قاضی و ابونصر احمد بن جعفر کاسنی و حسن بن احمد سمرقندی حافظ و اسماعیل بن محمد نوحی خطیب و ابومنصور سمعانی و جماعتی کثیر از وی حدیث شنیدند. در نسف درگذشت. از آثارش: «معرفة الصحابة»؛ «الدعوات»؛ «دلائل النبوة»؛ «فضائل القرآن»؛ «الشمائل» یا «شمایل النبی»؛ «خطیب النبی (ص)» یا «خطب النبویة»؛ «تاریخ نسف» و «تاریخ کش»؛ «الطب» یا «طب النبی» یا «طب النبوی»، که خواجه نصیر طوسی در «آداب المتعلمین» همگان را امر به آموختن این کتاب نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (183/ 4)، انساب سمعانی (286/ 5)، بحارالانوار (42/ 1)، تذکرة الحفاظ (1103 -1102/ 3)، دمیة القصر (664/ 1)، الذریعه (144/ 15 ،253/ 8 ،291/ 3)، ریاض العلماء (473/ 5 -472)، سیر النبلاء (565 -564/ 17)، شذرات الذهب (250 -249/ 3)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (215/ 2)، طبقات المفسرین داودی (126/ 1 -125)، العبر (266/ 2)، کشف الظنون (1739 ،1277 ،1095 ،760 ،715 ،308)، النجوم الزاهرة (35/ 5)، الوافی بالوفیات (150 -149/ 11)، هدیة العارفین (253/ 1).

مستقیم، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس بن المرحوم حاج حبیب‌الله تاجر (داماد معظم مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض قمی) از علماء اعلام و حجج اسلام و ائمه جماعت مسجد امام علیه‌السلام قم می‌باشند.
در سال 1333 قمری تقریبا در قم متولد شده و دروس مقدمات و ادبیات فارسی و عربی را خوانده مرحوم والدش که از تجار قم بودند می‌خواستند معظم‌له در سلک بازرگانان و تجار و رشته خودش را تعقیب کند ولی ایشان با شوق فراوان و تشویق آیت‌الله العظمی مرعشی مدظله به تحصیل علوم دینی پرداخته و سطوح را نزد آنجناب و بعضی از مدرسین دیگر استفاده کرده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌الله العظمی حایری موسس حوزه و آیت‌الله حجت و بالغ بر 18 سال از دروس فقه و اصول زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و فقاهت و نظر ارتقاء یافته و تدریس سطوح عالی را نموده و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی بیشتر روابط خود را با آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی قرار داده و از رفقای خالص و صمیمی معظم‌له می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مستنبط تبریزی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1399 -1325 ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح و استفاده از محضر میرزا صادق تبریزی و دیگر علما در 1347 ق به نجف رفت و در محضر میرزا محمدحسین نایینی و شیخ ضیاءالدین عراقی و میرزا علی ایروانی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی تلمذ نمود و تقریرات اساتیدش را در فقه و اصول نگاشت و از آنها به دریافت اجازه نایل شد. وی همچنین در اخلاق از محضر آیت‌اللّه حاج سید علی قاضی و آیت‌اللّه سید عبدالغفار مازندرانی استفاده نمود. آنگاه به تألیف، تحقیق و اقامه‌ی جماعت در حرم امیرالمؤمنین (ع) پرداخت. او از حاج شیخ عباس قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی روایت نموده است. از آثارش: «القطرة من بحار مناقب النبی و العترة (ع)»، در دو مجلد؛ «دلائل الحق»، در اصول دین، در سه مجلد، «البشارة و الزیارة»؛ «الاسی و الحزن» یا «الاسی و الحسن»، در دو مجلد؛ «الرثاء و الاسی»؛ منتخب «خاتم الرسائل باحسن الوسائل»؛ «العقائد الحقة»، در اصول پنج گانه؛ «المناسک و المدارک».[1]
احمد بن العالم الجلیل السید رضی بن احمد بن نصراللَّه بن حسین الموسوی ساوجی تبریزی متولد 325 قمری از علماء ناسکین و مجتهدین عابدین و ائمه جماعت متقین معاصر نجف اشرف است.
وی پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محاضر اساتید نجف مانند آقا ضیاء و آیت‌اللّه اصفهانی و دیگران استفاده و در رشته‌های اخلاق از امثال مرحوم آیت‌اللّه حاج سیدعلی آقای قاضی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالغفار مازندرانی بهره‌مند شده و در صبحها در حرم مطهر حضرت علی امیرالمومنین (ع)اقامه جماعت نموده و به تدریس و تألیف و غیره پرداخته و آثاری که ذیلا می‌نگارم به یادگار گذاشته است.
1- القطره دو جلد به طبع رسیده 2- دلائل الحق 3- البشاره و الزیاره مطبوع 4- الاسی و الحزن دو جلد مطبوع 5- منتخب خاتم الرسائل 6- العقاید الحقه فی الاصول الخمسه مطبوع.
والدشان آیت‌اللّه آقا سیدرضی از مجتهدین و مراجع تقلید آذربایجان بودند تولدشان در 1270 و وفاتشان در 1347 قمری واقع شد از آثار او حاشیه مکاسب و تقریرات بعضی از اساتید اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 101 -100/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (288 -287/ 7)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1198/ 3).

مستنبط تبریزی، نصراللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1406 -1327 ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در تبریز به دنیا آمد. سطوح و مقدمات فقه و اصول را در تبریز نزد پدرش فراگرفت. سپس به قم رفت و به تکمیل سطوح پرداخت و پس از آن در درس خارج آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حایری شرکت و استفاده نمود. آنگاه به نجف رفت و از محضر آیت‌اللّه غروی اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا محمدحسین نایینی استفاده نمود. وی همچنین در اخلاق از شاگردان آیت‌اللّه سید علی قاضی طباطبایی تبریزی بود. وی پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد خود به تدریس فقه و اصول پرداخت. او داماد و ملازم و مصاحب مجالس خاص و عام آیت‌اللّه خویی بود. از آثارش: «الاجتهاد و التقلید»؛ «التقیة»؛ «العدالة»؛ «قاعدة التجاوز و الفراغ»؛ «اللباس المشکوک»؛ «معارف الاسلام»، در اصول؛ مجموعه مقالات و بحثهای علمی منتشر شده در مجلات نجف.[1]
عالم دینی.
تولد: 1327 ق.، تبریز.
درگذشت: اردیبهشت 1364.
آیت‌الله سید نصرالله مستنبط تا حدود بیست سالگی سطح را تماما و مقداری از خارج فقه را در تبریز خواند و در حدود 1347 ق. به قم رفت و مدت شش سال در آنجا دوره‌ی خارج صلوة آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و خارج مکاسب و خارج اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای را پست سر گذاشت و با اجازه اجتهاد از قم مراجعت و در حدود سال 1353 ق. در نجف اشرف ساکن شد و در بحث اصول و فقه آیت‌الله ضیاءالدین عراقی شرکت کرد، در بحث حج و کتاب طهارة نیز از درس آیت‌الله اصفهانی استفاده نمود و بعد از دو ماه از ورود به نجف از محضر آیات عظام آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی مفتخر با اخذ اجتهاد گردید و بعد از فوت این دو استاد تا سال 1347 ق. مشغول به تدریس خارج فقه و اصول و کلام بود. تألیفات و آثار وی به قرار ذیل است: معارف الاسلام در اصول عقاید؛ رساله در لباس مشکوک؛ رساله در تقیه؛ رساله در قاعده فراغ و تجاوز؛ رساله در فروع علم اجمالی؛ رساله لاضرر؛ رساله من ادرک؛ رساله در تعاقب ایدی بغیر.
سید نصراللّه بن العلامه السید رضی موسوی از مدرسین بزرگ و علماء

بنام معاصر نجف اشرف است.
معظم‌له در 1327 قمری متولد شده و پس از خواندن ادبیات و سطوح به قم آمده و از محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه قم مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه حجت استفاده نموده و در اواخر مرحوم آیت‌اللّه حایری مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسین اصفهانی استفاده نموده و از آن مرحوم اجازه اجتهاد که در آن تعبیر به (صفوه المجتهدین) است دریافت نموده و از همان زمان به تدریس فقه و اصول پرداخته و خود این نگارنده در سال 1363 قمری خیارات مکاسب را خدمت ایشان تلمذ نموده‌ام. اجمالا ایشان که داماد بزرگ آیت‌اللّه العظمی خوئی می‌باشند یکی از مفاخر و ثروتهای علمی و عملی معاصر حوزه نجف اشرفند دارای اخلاقی جمیل و بیانی ملیح و موصوف به فضل و کمال و از ائمه جماعت نجف می‌باشند.
از آثار ایشانست 1- اجتهاد و تقلید 2- قاعده تجاوز و فراغ 3- لباس مشکوک 4- التقیه 5- العداله 6- معارف الاسلام در اصول 7- رساله در من ادرک.
داماد گرامی ایشانست. حجةالاسلام حاج آقا جواد گلپایگانی فرزند آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی مدظله.
سید نصراللّه فرزند مستنبط تبریزی از علماء برجسته و فقهاء و مدرسین بحق و شایسته معاصر نجف اشرف بودند. معظم‌له در سال 1327 قمری در تبریز متولد شده و در بیت سیادت و سعادت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح به قم آمده و تتمه سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه العظمی حایری شرکت و استفاده نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف کرده و به درس مرحوم آیت‌اللّه غروی اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و بالاخص آیت‌اللّه العظمی اصفهانی شرکت و استفاده کامل نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد و استادی رسیده و خود تشکیل درس خارج فقه و اصول داده و جمع کثیری از افاضل محصلین به درسش شرکت و استفاده نموده و پس از فوت برادرش مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد مستنبط در اول صبحها در قسمت بالا سر امیرالمؤمنین علی علیه‌الصلوه والسلام اقامه جماعت نموده تا ساعت ده روز یکشنبه هجدهم ربیع‌الاول 1406 قمری که در سن حدود هشتاد سالگی به مرگ مرموزی از دنیا رفته و به اجداد گرامش پیوسته است.
دارای تألیفات علمی می‌باشند که ذیلا می‌نگارم:
1- اجتهاد و تقلید
2- قاعده تجاوز و فراغ

3- لباس مشکوک
4- التقیه
5- العداله
6- معارف الاسلام در اصول
7- رساله در من ادرک
نگارنده گوید: مرحوم مستنبط گذشته از مقام علمی دارای مقامات معنوی بودند، زیرا در رشته معنویت از شاگردان برجسته مرحوم جمال‌السالکین و قدوه العارفین عالم ربانی مرحوم حاج سید علی‌آقا قاضی طباطبائی تبریزی استاد اخلاق و مربی نفوس مستعده حوزه علمیه نجف بودند. و در این رشته مرحوم مستنبط گذشته از جنبه‌های علمی کار کرده و ریاضت کشیده بودند. و حقیر دو قصه از ایشان که معرف و گویا معنویت و معرفت ایشانست را می‌نگارم:
1- در سال 1361 قمری مشرف به نجف اشرف شدم از اول ورودم به قدری مورد عنایت و ضیافت مخصوص مولایم حضرت علی علیه‌السلام قرار گرفتم که اگر تمام ذرات وجودم زبان شود نمی‌تواند شکر و سپاس آن مراحم را بگذارد. زیرا در اولین روز تشرفم خدمتشان عرضه داشتم:
وفدت علیک بغیر زاد
پس وسائل ماندن و مخارج یک سال اقامتم را یک جا عنایت فرمود و چون این لطف و مرحمت را دیدم دیگر هرچه می‌خواستم و نیاز داشتم عرض می‌کردم و محبت می‌فرمودند. یک شب از حضرتش استاد علمی و اخلاقی تقاضا کردم. پس به حجره مدرسه آمدم و حجره من در سر راه نبود بلکه در گوشه و زاویه طبقه فوقانی قرار داشت و کسی از جلوی آن عبور نمی‌کرد مگر آنکه مرا می‌خواست.
پس در حجره خویش مشغول مطالعه مکاسب بودم، ناگاه دیدم سید بزرگواری در حجره پائین پای من نشسته است فورا از جا برخاسته و با خودم گفتم بی‌ادب فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام را مطالعه می‌کنی و در برابرشان پای خود را دراز می‌کنی پس خواستم از آقا عذرخواهی کنم دیدم نیستند بسیار وحشت زده شده و از حجره بیرون دویدم که این آقا چه شده است؟
من نه آمدن او را دیدم و نه رفتن او را ملتفت شدم چطور از نظرم ناپدید شد پس در حالیکه سراپا غرق عرق شده بودم و موی بدنم برخاسته بود به بام مدرسه که اشراف به حرم مولایم امیر مومنان علیه الصلوه والسلام داشت رفتم و به او متوسل شدم تا حالم عادی شد و به حجره آمدم و خوابیدم و فردای آن شب که به درس مرحوم آیت‌الله اصفهانی حاضر می‌شدم رفتم و پس از پایان درس به یکی از افاضل گفتم من استادی می‌خواهم که از او استفاده علمی و عملی و اخلاقی کنم فورا فرمود آن

سیدی که می‌رود مناسب با خواسته تو است و به سیدی که به سوی صحن مطهر می‌رفت اشاره کرد. من به سوی او به سرعت رفتم و در مقابل مقبره شیخنا الانصاری قدس اللّٰه سره که ایستاده و فاتحه می‌خواند به او رسیدم و وقتی جلو رفتم دیدم آن سیدی است که دیشب در حجره من آمده بود می‌باشد سلام کردم و خواسته خود را به او گفتم فرمود ساعت هشت صبح فردا بیا مسجد هندی دو نفر دیگر هستند اگر بیان مرا پسندیدی ادامه بده پس ساعت موعود رفتم و آمدند و شروع به بحث و تحریر و تقریر درس مرحوم سید اصفهانی را کردند مسرور شدم و ادامه داده‌ام و ایشان همین بزرگوار آقای مستنبط مترجم عزیزم بودند و اما آن دو نفر از فضلاء و اوتاد حوزه نجف بودند.
1- مرحوم حاج سید محمدرضا قاضی طباطبائی تبریزی از شاگردان اخلاق مرحوم آقا سید علی قاضی.
2- حاج شیخ محمدجواد قدس بروجردی داماد مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی.
3- مرحوم آقای مستنبط که داماد بزرگ آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و از مشاورین معظم‌له در اغلب کارها بودند.
روزی طرف صبح (بین الطلوعین) در سمت بالا سر محل نماز صبحشان که مشغول خواندن زیارت جامعه کبیره بودند می‌بینند آقای عربی در جلوی ایشان محاذی بالا سر مشغول نمازند و قرائتی می‌خوانند که تاکنون از هیچ‌کس چنین قرائتی نشنیده بوده مجذوب حال و قرائت و تجوید او می‌شود تا به قنوت می‌رسد می‌شنود که در قنوتش می‌خواند...
اللهم ان معویه بن ابی‌سفیان آذی علیا فالعن معویه لعنا وبیلا و عذبه عذابا الیما (یا قریب به این مضمون) فرمود پس خواستم از او سوال کنم که این دعا و قنوت در جائی آمده یا از خود اوست و او انشاء فرموده پس با اینکه در دسترس من بود، بلند شدم که بعد از نماز او بپرسم دیدم نیست هر چند به این طرف و آن طرف نگریستم او را ندیدم. دانستم مولایم عجل‌اللّٰه فرجه الشریف بوده است.
آری از چنین سید بزرگوار و فقیه جامع و عالم عاملی بعید نیست که بارعه به فیض لقاء و زیارت مولایمان رسیده باشد منتهی مکتوم داشته. زیرا به گفته معروف:
هر که را اسرار حق آموختند
مهر کردند و دهانش دوختند
مگر مرحوم شیخ ما حاج شیخ محمدتقی شهید بافقی نبود که به کرات و مرات برایش تشرف حاصل شده بود ولی ابراز نمی‌کرد تا بعد از فوتش افراد مختلف داستانهائی از او نقل کردند. مانند این داستان که عالم جلیل آقای علوی فریدونی داماد بزرگ آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی برایم حکایت

کرد که یکی از اصناف بازار قم به نام آقای پاینده که ورشکسته شده بود چهل شب جمعه به مسجد جمکران قم می‌رود برای اصلاح کارش شب چهلم سیدی را در مسجد زیارت می‌کند که به او می‌فرماید در راه که به قم برمی‌گردی حاج شیخ محمدتقی بافقی را می‌بینی که مشغول جمع کردن سنگهای میان راه است به او سلام می‌رسانی و می‌گوئی آقا گفت: قدری از آن پولها که پیش تو است به تو بدهد. آقای پاینده گوید آمدم، دیدم حاج شیخ مشغول جمع کردن سنگها از میان راه است سلام کردم و پیام را دادم فورا گفت: آقا سلام به من فرستاد و شروع کرد به گریستن و زار زدن و اشک ریختن و آن وقت متوجه شدم که آن آقا که بود آقای عالم بود و من به فیض زیارتش رسیدم ولی غافل بودم و او را نشناختم پس دیدم آقای بافقی از گریه خلاص نمی‌شود گفتم پیامی هم به شما دادند فورا توجه کرده فرمود چه فرمودند گفتم فرمودند از آن پولها که نزد تو است قدری به من بدهید، دیدم فورا از جیب خود کیسه‌ای درآورد که در آن حدود سی یا چهل تومان پول نقره آن روز بود و از آن چند تومانی به من داد پس خداحافظی کرده آمدم و به برکت آن پول خسارت و ضرر و قروضی که به واسطه خشک شدن زراعتم به من رسیده بود جبران و ادا گردید و از ورشکستگی بیرون آمده و کارهایم اصلاح شد. آری ایمان نگارنده چنین است که شاعر گوید:

بذره گر نظر لطف آنجناب کند
به آسمان رود و کار آفتاب کند
سلام من الرحمن نحو جنابه
فان سلامی لا یلیق ببابه

آیت‌اللّه مستنبط رحمه‌اللّه فقط دارای یک دختر بودند که او را به آیت‌اللّه زاده گلپایگانی حاج سید جواد فرزند بزرگ آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی تزویج کردند و فرزند ذکور و پسر نداشتند و نسل و عقب آن مرحوم از این دختر می‌باشد.

حاج سید جواد از آقازادگان محترم و فضلاء مکرم حوزه علمیه قم می‌باشند که در بیت علم و مرجعیت به دنیا آمده و پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به فراگرفتن علوم دینی و خواندن ادبیات پرداخته و بعد از تکمیل صرف و نحو و منطق به خواندن سطوح فقه و اصول نزد اساتید و مدرسین حوزه علمیه مشغول شده و بعدا مهاجرت به نجف اشرف نموده و بقیه سطوح مکاسب و کفایه را در آنجا از مدرسین بزرگ فراگرفته سپس به درس خارج فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی خوئی و پدر همسرش آیت‌اللّه مستنبط حاضر و استفاده نموده و بعد از رحلت ناگهانی برادرش مرحوم حاج سیدمهدی متوفی شوال 1357 شمسی برای رسیدگی به کارها و مسئولیتهای آن مرحوم در قم مستقر و تا حال به

خدمات روحی و اجتماعی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (318 -317)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 784/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (332 -326/ 9 ،289 -288/ 7)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1199 -1198/ 3).

مسجد شاهی اصفهانی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علامه شیخ محمدحسین بن حاج شیخ محمدباقر نجفی از اجله علماء و فقهاء و مدرسین اصفهان بوده در نجف اشرف در جمعه 20 محرم 1287 قمری از دختر مرحوم علامه فقید سید صدرالدین عاملی متولد گردیده در خدمت پدر دانشمند خود و سید ابراهیم قزوینی و میرزا حبیب‌اللّه تهرانی معروف به ذوالفنون و آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و حاج آقا رضا همدانی و خصوصاً آقا سید محمد فشارکی تحصیل نموده تا در علوم فقه و اصول و ریاضی و نجوم و ادب سر آمد اقران گردیده و جامع معقول و منقول شده در تمام علوم اطلاعاتی فراوان یافت، در فقه و اصول مجتهدی بارع و در فلسفه و حکمت و ریاضی از محققین بشمار می‌رفت در سال 1333 به ایران مهاجرت کرده و در اصفهان ساکن و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و افتاء اشتغال جسته در معاشرت و حسن خلق بر بسیاری از معاصرین خود امتیاز داشت، شریک درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه حایری بود در اوائل سال 1344 قمری وارد قم و مورد استقبال گرم و تکریم آیةاللّه و حوزه علمیه گردیده و در مدرسه فیضیه شروع به تدریس نموده و به منبر افاضه و افاده قرار گرفت و حدود یک سال فضلاء را از مبانی علمی و بیانات متقن خود مستفیض و همواره مرحوم آیت‌اللّه حایری فضلاء تلامذه خود را توصیه و تشویق به درس ایشان می‌نمود و آن مرحوم تا پس از فوت عموی گرامش آیت‌اللّه حاج آقا نوراللّه اصفهانی به تدریس اشتغال داشت و پس از آن به اصفهان مراجعت و در آنجا به تدریس و مرجعیت پرداخت تا شب یکشنبه 24 محرم سال 1362 وفات نموده و در بقعه جدش شیخ محمدتقی مدفون گردید. از اشعار اوست این دو بیت زیر:
الا ان شکل المال فی الدهر منبج
ولکن شکل العلم فیه عقیم
فمن یشتری منی جمیع فضایلی
فانی بانحاء العلوم علیم
حدود سی جلد کتاب و آثار در علوم و فنون مختلفه دارد که بعضی طبع والباقی مخطوط مانده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

مسعودی پنج دهی مروزی، تاج‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(584 -522/ 521 ق)، فقیه، محدث، لغوی و صوفی. نسبتش به پنج ده، از قرای مرورود، می‌رسد. چون نیای بزرگش مسعود بود به مسعودی مشهور شد. او ساکن خانقاه سمیساطیه دمشق بود. در مرو و هرات و سجستان و بلخ و سرخس و نیشابور و کرمان و اصفهان و همدان و تبریز و بغداد و موصل و مصر از پدرش و عبدالسلام بن احمد بکبره و مسعود بن محمد غانمی و ابونضر فامی و ابوالمظفر تریکی بغدادی و ابوالوقت عبدالاول و عبداللّه بن عمر سجزی و عمر بن محمد بسطامی و ابوبکر محمد بن علی طوسی و ابوالمعالی مقری و عبدالرحمان بن احمد طوسی و ابن‌رفاعه سعدی و مسعود ثقفی و عبدالصبور بن عبدالسلام و سلفی حافظ و جماعتی دیگر حدیث شنید. در 575 ق در مصر مجالس املای حدیث برپا کرد. او معلم ملک افضل فرزند سلطان صلاح‌الدین بود. ابن‌مفضل و ابوالقاسم بن عساکر و ابواحمد بن تاجر و ابواحمد بن سکینه و دیگران از وی روایت کردند. او شرحی کامل بر «مقامات» حریری نگاشت که به گفته‌ی ابن‌خلکان نظیر نداشت و در پنج مجلد بزرگ بود و بدین علت به مسعودی شارح «مقامات» معروف شد. او در دمشق درگذشت و در دامنه‌ی کوه قاسیون دفن شد. از آثارش: «مغانی المقامات فی معانی المقامات»، که همان شرح «مقامات حریری»، است؛ «الایضاح فی جمع المغرب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (65 -64/ 7)، الاعلام بوفیات الاعلام (395/ 2)، سیر النبلاء (175 -173/ 21)، شذرات الذهب (281 -280/ 4)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (253/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (37/ 2)، العبر (88/ 3)، کشف الظنون (1790 -1789)، لسان المیزان (292 -291/ 6)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (23 -21/ 19)، معجم الادباء (216 -215/ 18)، معجم البلدان (591/ 1)، معجم المؤلفین (155/ 10)، میزان الاعتدال (600/ 3)، الوافی بالوفیات (233/ 3)، وفیات الاعیان (392 -390/ 4)، هدیة العارفین (101/ 2).

مسعودی مروزی، ابوالخیر، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 443 ق)، فقیه شافعی، نحوی، لغوی و ادیب. مروزی در بین شافعیان به مسعودی معروف بود. نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و برآمد و از اقران شیخ خود گشت. او از قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید. مسعودی در نحو و لغت و ادب مشهور زمان خود بود. قاضی ابومنصور سمعانی از او روایت کرد. امام غزالی در کتاب خود، «الوسیط»، از او حکایت کرده است. به گفته‌ی سمعانی وی در ابتدا از اصحاب الرای بود که چون مصاحب قفال شد جزء اصحاب الحدیث گشت. وفات او را حدود 420 ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: شرح «مختصر المزنی»، در فروع فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی سبکی (174 -171/ 4)، کشف الظنون (1635)، معجم الادباء (214 -213/ 18)، معجم المؤلفین (259 ،248 225، -224/ 10)، الوافی بالوفیات (322 -321/ 3)، وفیات الاعیان (214 -213/ 4).

مسیحا فدشکویی، محمد مسیح

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1127 ق)، فقیه، ادیب و شاعر، متخلص به معنی. در فسا به دنیا آمد. در شیراز و اصفهان درس خواند. در سرودن شعر به دو زبان عربی و فارسی مهارت داشت. در اشعار عربی مسیح و در اشعار فارسی معنی تخلص می‌کرد. آخوند مسیحا از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری بود که به درجه‌ی اجتهاد رسید و چندین سال منصب شیخ الاسلامی ایالت فارس را داشت. در اواخر عمر در سنین نود سالگی به فسا بازگشت و در قریه‌ی فدشکو درگذشت. در «تذکره‌ی نصرآبادی» سال مرگش 1115 ق ذکر شده است. وی به عربی قصیده‌ای در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) گفته است. از دیگر آثارش: «حواش علی الحواشی الخفریه علی شرح التجرید»؛ «اثبات الواجب تعالی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (84 -83)، اعیان الشیعه (56 /10)، تاریخ ادبیات در ایران (317 -316 /5)، تذکرة المعاصرین (111 -101)، تذکره‌ی نصرآبادی (174)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (4 -3 /1)، الذریعه (1075 -1074، 1065 /9، 109 /1)، ریحانه (385، 314 /5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 725 -723 /12)، فارسنامه‌ی ناصری (1392 /2)، فرهنگ سخنوران (862)، فوائد الرضویه (643)، لغت‌نامه (ذیل/ معنی فسایی)، مؤلفین کتب چاپی (191 -190 /5)، مرآت الفصاحه (587 -585)، معجم المؤلفین (22 /12).

مشکوة، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بن حاج زین‌العابدین خوزانی معروف به (مشکوه) از علماء محترم معاصر سده (همایونشهر) می‌باشند.
وی در سال 1319 ق در خوزان متولد شده و پس از خواندن فارسی مقدمات را در اصفهان خدمت آقای زفره‌ای و آقا سید آقاجان فراگرفته و سطوح اولیه لمعه و قوانین را از مرحوم صدیقین حاج ملاحسینعلی و مرحوم آقا شیخ محمد حکیم آموخته و سطوح نهائی را از مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای و حاج سید مرتضی معروف بجارچی خراسانی و کفایه را از آیت‌اللّه مرحوم آقا سید محمد نجف‌آبادی استفاده نموده و پس از تکمیل آن به قم مسافرت و مدت هفت سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکرم حایری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه آقا سید محمدتقی خونساری استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم حایری مهاجرت به نجف اشرف و مدت هفت سال از درس و محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین کمپانی بهره‌مند شده و ضمنا در نجف تدریس سطوح فقه و اصول نموده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی به علت کسالت خانوادگی و فقدان بعضی از فرزندانش به اصفهان مراجعت و در مدرسه چهارباغ و مدرسه صدر تا حال تحریر اشتغال به تدریس سطوح عالی و نیز اقامه جماعت و بیان احکام و مواعظ دارند و هر هفته یکروز به خمینی‌شهر آمده و مردم آن سامان را از فیض علوم خود مستقیض می فرمایند.
از باقیات الصالحات و آثار خیر ایشانست مدرسه علمیه و غسالخانه‌ای در خمینی‌شهر تألیفات معظم‌له.
1- حاشیه بر کفایه 2- تقریرات درس آیت‌اللّه اصفهانی 3- تقریرات درس آقا ضیاء 4- تقریرات درس آیت‌اللّه حایری.
ایشان 4 فرزند ذکور و 4 فرزند اناث دارند که یکی از پسران به نام آقامحمود اشتغال به درس دارند.
دامادهای ارجمند ایشان از علماء بزرگ اصفهان به نام 1- آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن شمس‌آبادی 2- حجةالاسلام والمسلمین آسید محمد درچه‌ای 3- حجةالاسلام حاج شیخ محمدعلی.
نگارنده: گوید جناب آقای مشکوة صاحب نفس زکیه و مقامات معنوی و دارای مکاشفات و منامات عجیبه و غریبه‌اند که برای اختصار از ذکر آن

خودداری می‌نمائیم.
ادام‌اللّه توفیقه و جعله‌اللّه و ایانا من انصار ولیه عجل‌اللّه فرجه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مشکینی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن بن عبدالحسین مشکینی اردبیلی نجفی عالمی فاضل و فقیهی تحریر و مدرسی بزرگ و خوش تقریر بوده است ولادت ایشان در سال 1305 قمری در یکی از دهات مشکین شهر اردبیل واقع شده و از آنجا برای تحصیل در سال 1320 به اردبیل آمده و در سال 1328 ق مهاجرت به نجف اشرف و مدت کوتاهی درک بحث آخوند خراسانی را نموده و پس از فوت وی خدمت مرحوم آقا شیخ علی مدرس قوچانی تلمذ کرده و در سال 1337 ق به کربلاء عزیمت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و پس از فوت ایشان به نجف مراجعت و به تدریس و تصنیف پرداخته و از مدرسین درجه یک اصول گردیده و جمع کثیری از فضلاء که امروز از آیات عظام قم و نجف و سایر بلاد و از مراجع تقلید عصر حاضرند از محضرش استفاده نموده‌اند.
مرحوم آیت‌اللّه مشکینی در اواخر مبتلا به کسالت گردیده و برای معالجه به بغداد آمده و در روز دوشنبه بیست و هفتم جمادی‌الثانی 1358 ق در سن پنجاه و سه سالگی وفات و جنازه‌اش حمل به نجف و در جنب مقبره مرحوم علامه یزدی آقاسید محمدکاظم در مقبره صحن شریف مدفون گردیدند.
آثار علمی ایشان از این قرار است.
1- الفوائد الرجالیه 2-المناسک 3- حاشیه کفایه که مطبوع با کفایه می‌باشد 4- حاشیه عروةالوثقی 5- کتاب الصلوه 6- کتاب الزکوة 7- کتاب الطهاره 8- رساله در ترتب 9- رساله‌ای در کر 10- رساله در رضاع 11- رساله در معنای حرفی و غیره
(1358 -1305 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مدرس. نسبتش به مشگین، از توابع اردبیل، می‌رسد. برای فراگیری علوم به اردبیل رفت و در 1328 ق به نجف مهاجرت کرد. او در محضر آخوند خراسانی و شیخ علی قوچانی و شریعت اصفهانی و آقا سید محمدکاظم یزدی تلمذ نمود. در 1337 ق به کربلا رفت و در حوزه‌ی درس و بحث میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد. پس از درگذشت استادش، میرزای شیرازی ثانی، به نجف بازگشت و به تدریس اصول و تصنیف پرداخت. وی سرانجام در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الفوائد الرجالیة»؛ «المناسک»؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» آخوند

خراسانی؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «العروة الوثقی»؛ کتاب «الصلاة»؛ کتاب «الزکاة»؛ کتاب «الطهارة»؛ حاشیه بر «شرح منظومه سبزواری»؛ رساله‌ی «الترتب»؛ رساله‌ی «الرضاع».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (336/ 2)، الذریعه (337 -336/ 16 186،/ 6)، ریحانه (320 -319/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 38/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (75 -74/ 7)، معجم المؤلفین (295/ 3).

مشکینی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیة الله علی اکبر فیض معروف به مشکینی در سال 1300 هجری شمسی در روستایی از توابع بلوک مشکین شهر و در میان خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلنّی زندگی ساده ای داشت. او در کسوت روحانیت به تحصیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیة الله مشکینی هنگامی که همراه با پدر در نجف اشرف مقیم بود، به مکتب خانه رفت. هنوز بیش از دو سال از اقامت خانواده آیة الله مشکینی در نجف نگذشته بود که مادرش چشم از جهان فروبست. آیة الله مشکینی به همراه پدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مدتی پدر را نیز از دست داد. خود می گوید: " پس از فوت پدرم ما یتیم بودیم و هیچ چیز نداشتیم." ایشان با وجود سختی و مرارت و فقر، عزم سفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شد و پس از اندکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان درباره سال های سخت دوران یتیمی خویش می گوید: "با وجود همه سختی ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بود که در آن پای نهاده بودیم. هر چند در این غربت و تنهایی سایه پدر و مادر نبوده لکن همواره خدا بود و باور این حضور، ما را از یاس و ناامیدی نجات می داد." وی برای تحصیل علوم دینی به شهرستان اردبیل سفر کرد و مقداری از صرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سپس در معیّت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسجد گوهرشاد مشهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمد و در آن دیار به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان درباره سفارش پدرش برای تحصیل علم می گوید: "پدرم در آخرین لحظات عمرش تنها سفارشی که برای من کرد این بود که فرمود: پسرم! در روز قیامت به پیش من رو سیاه می آیی اگر احکام و عقاید و تفسیر را فرا نگرفته باشی." این بود که آیة الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشید و در این علوم نیز تبحر خاصی به دست آورد. او در حضور اساتید بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مستولی و تحصیل در حوزه‌های علمیه بسیار دشوار بود. دروس

دوره سطح را به خوبی به پایان رساند و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دوره خود، حاضر شد. وی نزدیک به هفت ماه نیز در نجف اشرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی(ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و ضعف مزاجی مجبور به بازگشت به ایران شد. آیة الله علی اکبر مشکینی در سال‌های تحصیل خود، به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. وی در دروس خارج فقه و اصول آیة الله العظمی بروجردی (ره) و آیة الله العظمی محقق داماد(ره) شرکت می‌کرد. در نجف نیز به محضر عالمان و استادان آن دیار شرفیاب می‌شد و در درس خارج امام خمینی(ره) شرکت جدی داشت. آیـة الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیة الله جوادی آملی و آیة الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیة الله مشکینی در سال‌های عمر با برکت خود منشأ خدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بود. او طی سال‌ها تدریس مقدمات، سطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین درس تفسیر آیة الله مشکینی از دروس مشهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌های مهم وی در این عرصه، تأسیس مؤسسه الهادی است که به چاپ کتب مفید و اسلامی برای سطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسلامی آشنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: 1ـ اصطلاح الاصول 2ـ مصطلحات الفقه 3ـ الفقه الماثور (دوره فقه به طرزی نوین) 4ـ دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) 5ـ ازدواج در اسلام 6ـ المنافع العامه (شرح کتاب احیاءالموات شرایع) 7ـ مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصباح المنیر) 8ـ المواعظ العددیه 9ـ واجب و حرام احکام الزامی (دوره فقه) 10ـ قصار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) 11ـ ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی 12ـ الهدی الی موضوعات نهج البلاغه 13ـ المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) 14ـ واجبات و محرمات (استقصاء آنچه در شرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) 15ـ تفسیر سوره (ص) 16ـ بحث تکامل از نظر قرآن 17ـ مسلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل 18ـ زمین و آنچه در آن است 19ـ تقلید چیست؟ 20ـ رساله خمس 21ـ حاشیه توضیحی بر کتاب مضاربه، عروةالوثقی 22ـ نهج البلاغه موضوعی 23ـ تحریرالمواعظ

24ـ تحریرالمعالم 25ـ الرسائل الجدیده 26ـ تلخیص المکاسب (در دست چاپ) 27ـ تفسیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) 28ـ ترجمه و شرح فارسی سه کتاب مضاربه، مزارعه و شرکت در عروة الوثقی (در دست چاپ) همچنین از وی مقالات بسیاری در نشریات نور علم، پاسدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است.
فعالیت‌های سیاسی :
زندگی آیة الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امام خمینی(ره) پیوست. مشکینی در جلسات مخفی مبارزان شرکت می‌کرد از این رو حدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دستگیر شد و ساواک از او خواسته بود تا 48 ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و 15 ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه 27 نفر از اساتید و فضلای حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه ماه ساواک وی را دستگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعید کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشمر تبعید شد و در طول دوره تبعید نیز دست از مبارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که ساواک او را به مکان دیگری منتقل می‌کرد. وی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیة الله مشکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام(ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری در هر سه دوره، امامت جمعه قم با حکم امام(ره) و رهبر انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی. آیت الله مشکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه‌الله بستری شدند. سرانجام عصر روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مشهدی، ابوالبرکات ناصح‌الدین محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 532 ق)، فقیه و محدث. در محضر امام محیی‌الدین حسین بن مظفر حمدانی تلمذ نمود. او از مفید ابوالوفاء عبدالجبار، شاگرد شیخ طوسی، و جعفر بن محمد دوریستی و ابوالحسن علی بن عبدالصمد تمیمی و حسین بن مظفر حمدانی روایت کرد. شیخ منتجب‌الدین و علی بن محمد تمیمی، صاحب «منیة الداعی»، و طب راوندی از وی روایت کرده‌اند. امام ضیاءالدین فضل‌اللّه راوندی و فرزندانش، احمد بن فضل و علی بن فضل، در 532 ق از او اجازه‌ی روایت گرفتند و فضل‌اللّه راوندی این نکته را در ظهر «امالی» صدوق نگاشته است. صاحب «مکارم الاخلاق»، حسن بن فضل طبرسی، کتاب «المسموعات» را به وی نسبت داده است و صاحب «مشکاة الانوار»، علی بن حسن بن فضل طبرسی، کتاب «المجموع» را نیز منتسب به وی می‌داند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بحارالانوار (35/ 1)، الذریعه (25/ 21، 53/ 20)، ریاض العلماء (35 -34/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 251 -250، 199، 14-13/ 6)، فوائد الرضویه (394، 355، 201)، فهرست منتجب‌الدین (163)، معجم المؤلفین (59/ 9).

مشهدی، هدایةاللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1178- 1248 ق)، عالم امامی، فقیه، مفسر و نحوی. در محضر پدرش تلمذ نمود. پس از رسیدن به درجات عالی علمی عهده‌دار ریاست دینی مردم گردید. زمانی که شاهزاده شجاع السلطنه از خراسان رفت و آن منطقه مورد تجاوز سید محمد خان کلاتی قرار گرفت، میرزا هدایت‌اللّه مشهدی شاگرد خویش، ملا قربان نیشابوری، را به همراه نامه‌ای به کلات فرستد و خان متجاوز را از ظلم و تعدی برحذر داشت و خان مزبور فرمان او را اطاعت کرد. او در مشهد درگذشت و در صفه‌ی طهماسبی دفن شد.
از آثارش: تفسیر قرآن مجید معروف به «تفسیر میرزا هدایة اللّه»، ده جزء اول قرآن و ده جزء آخر آن می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 69)، اعیان الشیعه (10/ 263)، الذریعه (4/ 321)، هدیة العارفین (2/ 507).

مصطفوی، شهاب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهاب بن آقا حسن مصطفوی همدانی از علماء محترم معاصر بودند در ملایر.
ایشان در قریه سوزن از قراء دره جزین همدان در نیمه ماه شعبان 1323 قمری متولد شده و از کودکی اشتغال به تحصیل نموده و پس از خواندن صرف و نحو به همدان آمده و تا یکسال در آنجا تحصیل نموده و بعد مدتی در دره جزین از محضر عالم زاهد حاج میرزا مقیم زنجانی استفاده کرده و در سال 1342 ق مهاجرت به قم نموده و فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقامیرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه فیض و آیت‌اللّه آقاشیخ محمدعلی حایری و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و بالاخص آیت‌اللّه فقید سیدنا الاستاد آقا سید محمدحجت کوهکمری استفاده نموده و حکمت را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بهره‌مند گردیده و چون آیت‌اللّه حجت رضوان‌اللّه علیه را از دیگران از جهانی شایسته تردید ملازمت ایشان را اختیار و در شمار اصحاب خاص و خواص حواریین ایشان درآمده و مورد توجه و اعتماد و وثوق معظم‌له گردیده و در سال 1364 قمری که خشک سالی شد و مردم را علماء دعاء باران خواستند و مرحوم آیت‌اللّه خونساری با تشریفات زیادی با استسقاء رفتند به ایشان هم با مرحوم آیت‌اللّه حجت با جماعتی به مسجد جمکران رفتند و حدود پنج ساعت دعاء و نماز خوانده و تضرع نمودند تا از الطاف الهی بارانی شدیدی باریده به طوری که با زحمت فراوان برگشته و مورد استقبال و تقدیر آیت‌اللّه شدند در خدمت آن بزرگوار بودند تا مردم ملایر از آن مرحوم تقاضای عالم و پیشوائی نمودند ایشان هم معظم‌له را انتخاب و اعزام به ملایر نمودند و آن مرحوم تا اواخر عمر گرچه مواجه با کم‌لطفی‌های بعضی از مراجع عصر گردیدند به انجام وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تأسیس مدرسه دینی در ملایر و تربیت طلاب و محصلین و تبلیغ دین و ترویج احکام داشتند تا در حدود 1378 با دلی پر از غصه از دنیا رفته و به موالیان خویش پیوستند.
آثار علمی ایشان از این قرار است 1- رساله جامعی در تجارت از اول بیع تا آخر خیارات 2- رساله‌ای در اصول دین 3- رساله در قاعده لاضرر 4- حواشی بر مصباح الفقیه همدانی 5- مقدمه‌ای در تفسیر قرآن و غیره

(1378 -1323/ 1322 ق)، عالم دینی. در قریه‌ی سوزن از قرای دره جزین همدان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو به همدان رفت و مدت یک سال در آنجا تحصیل کرد. از محضر حاج شیخ هاشم همدانی استفاده نمود. او مدتی نیز در دره جزین از محضر میرزا مقیم زنجانی استفاده نمود. در 1342 ق به قم رفت و فقه و اصول را از محضر میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه فیض و آیت‌اللّه شیخ محمدعلی حایری یزدی و آیت‌اللّه شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌اللّه سید محمد حجت و حکمت را از محضر میرزا محمدعلی شاه آبادی فراگرفت. وی از شاگردان برجسته‌ی آیت‌اللّه حجت بود. در ملایر درگذشت. از آثارش: رساله‌ای در «تجارت»، از اول «بیع» تا آخر «خیارات»؛ رساله‌ای در «اصول دین»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ حواشی بر «مصباح الفقیه» همدانی؛ «مقدمه‌ای در تفسیر قرآن». [1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (242)، گنجینه‌ی دانشنمندان (217 -216/ 7).

مصنف مریوانی، ابوبکر

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1014 ق)، فقیه شافعی و مورخ. وی از فقهای شافعی کرد بود که به جهت کثرت تصانیف به مصنف معروف گردید. مدتی در مدینه ساکن بود. او در چور از قرای مریوان درگذشت. از آثارش: «طبقات الشافعیة»، معروف به «طبقات المصنف»، در فقه؛ شرح «المحرر» رافعی قزوینی، در فروع فقه شافعی، در سه جلد؛ «سراج الطریق»، به فارسی؛ «ریاض الخلود»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (46/ 2)، کشف الظنون (1613)، معجم المؤلفین (77/ 3).

مصنفک بسطامی، علاءالدین علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(875 -803 ق)، فقیه حنفی. چون از کودکی به تصنیف و تألیف روی آورد به مصنفک ملقب شد. نسبتش به بسطان خراسان می‌رسد. از فرزندزادگان امام فخر رازی بود. در خراسان به دنیا آمد و در هرات نشو و نما یافت. او در محضر ملا جلال الدین یوسف اوبهی، شاگرد تفتازانی، و قطب‌الدین هروی تلمذ نمود. فقه شافعی را نزد امام عبدالعزیز ابهری و فقه حنفی را نزد امام فصیح‌الدین بن محمد فراگرفت. به قونیه رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. مصنفک در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی مزار ابوایوب انصاری به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «ارشاد الهادی» تفتازانی، در نحو؛ «حدائق الایمان لاهل الیقین و العرفان»؛ حاشیه بر شرح «آداب البحث» مسعود شروانی؛ حاشیه بر «مطول» تفتازانی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ شرح «قصیدة الروحیة» ابن‌سینا؛ شرح «النقایة مختصر الوقایة» صدر الشریعه بخاری؛ شرح «الهدایة» مرغینانی، در فروع؛ «حدائق الایمان»؛ شرح «المصابیح السنة» بغوی؛ «الحدود و الاحکام»، در فقه حنفی؛ حاشیه بر «الکشاف» زمخشری؛ «مختصر المنتظم»، که مختصر «المنتظم» ابن‌جوزی است؛ حاشیه بر «تنقیح الاصول» صدر الشریعه بخاری؛ «حدود الاحکام»، در فقه؛ حاشیه بر «عقائد النسفی»؛ شرح «قصیدة البردة» بوصیری؛ «ملتقی البحرین»، در تفسیر قرآن؛ شرح «مثنوی» مولوی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (162 -161/ 5)، ایضاح المکنون (130/ 2 ،37/ 1)، شذرات الذهب (321 -319/ 7)، کشف الظنون (2036 ،2024 ،2014 ،1971 ،1851 ،1816 ،1765 ،1717 ،1708 ،1699 ،1544 ،1480 ،1341 ،1332 ،1145 ،913 ،635 ،633 ،497 ،475 ،113 ،68 -67/ 40)، معجم المؤلفین (240/ 7)، هدیة العارفین (735/ 1).

مطرزی خوارزمی، برهان‌الدین، ابوالفتح ناصر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(616/ 610 -538/ 536 ق)، فقیه حنفی، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر معتزلی. در جرجانیه‌ی خوارزم به دنیا آمد. چون در سال وفات زمخشری در خوارزم به دنیا آمد به خلیفة الزمخشری معروف شد. در نحو و لغت و شعر و انواع علوم ادب متبحر بود. از محضر پدرش و ابوالمؤید موفق بن احمد، خطیب خوارزم، استفاده نمود و از ابوعبداللّه محمد بن علی بن ابوسعد تاجر و جماعتی دیگر حدیث شنید. او پیشوای معتزلیان بود. در خوارزم درگذشت. متجاوز از سیصد قصیده در سوک او سروده شد. از آثارش: شرح «مقامات» حریری، که در «کشف الظنون» نام آن «الایضاح» ذکر شده است؛ «الاقناع»، در لغت، و «مختصر الاقناع»؛ مختصر «اصلاح المنطق» ابن سکیت؛ «المصباح»، در نحو؛ «المطرزیه» یا «المقدمة النحویة» یا «المقدمة المطرزیة»، در نحو؛ «المغرب»، در لغت، و شرح و ترتیب آن به نام «المعرب فی شرح المغرب».[1]
ابوالفتح ناصر بن ابوالمکارم عبدالسید بن علی (و. 538 ه.ق- ف. 616) فقیه حنفی خوارزمی، نحوی، لغوی، ادیب معروف. کتاب مشهور او در لغت «المغرب فی لغةالفقه) (ه.م) و «المعرب» (ه.م) است. وی در اصول عقاید معتزلی بوده و او را جانشین زمخشری دانسته‌اند و از شاگردان جاراللّه زمخشری است. شرح مقامات حریری و کتاب مختصرالافلاح از آثار او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (311/ 8)، تاریخ ادبیات در ایران (321/ 2)، روضات الجنات (151 -150/ 8)، ریحانه (326 -325/ 5)، سیر النبلاء (28/ 22)، کشف الظنون (1789، 1748- 1747، 1708، 139)، الکنی و الالقاب (188/ 3)، لغت نامه (ذیل/ ناصر مطرزی)، معجم الادباء (213 -212/ 9)، معجم المؤلفین (72 -71/ 13)، وفیات الاعیان (371 -369/ 5)، هدیة الاحباب (241)، هدیة العارفین (488/ 2)، هفت اقلیم (328/ 3).

مطهری مازندرانی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 458 -360 ق)، فقیه و محدث، قاضی و زاهد. شیخ شافعیان در زمان خود بود. نسبتش به مطهر از قرای ساری مازندران می‌رسد. در ساری به دنیا آمد. در شهر خود نزد ابومحمد بن ابی‌یحیی فقه آموخت. در حدود سی سالگی به بغداد رفت و از ابوحامد اسفراینی فقه و از ابوالحسن لبان فرائض آموخت. وی همچنین از ابوحفص کتانی و ابوطاهر مخلص در بغداد و از ابوالعباس نسوی در مکه و از ابونصر محمد بن ابی‌بکر اسماعیلی در جرجان حدیث شنید. آنگاه به ساری بازگشت و منصب تدریس و افتاء را عهده‌دار شد. او همچنین مدت هفده سال تا پایان عمر قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. برای او تصانیف بسیاری در «اصول» و «فروع» و «خلاف» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (328/ 5)، سیر النبلاء (148 -147/ 18)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (263/ 4)، معجم البلدان (176/ 5)، الوافی بالوفیات (122/ 6).

مطهری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1317، ساوه.
درگذشت: 1369.
حجت‌الاسلام احمد مطهری پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی دروس حوزه در ساوه، روانه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و دوره‌ی سطح را در آنجا به پایان رسانید. سپس در درس خارج آیات عظام بروجردی، امام خمینی، خویی و شاهرودی در قم و نجف اشرف حضور به هم رسانید. ایشان سالها با مؤسسه راه حق در قم همکاری می‌کرد و در ساوه اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی ولی‌عصر و کتابخانه و دیگر مؤسسات عام‌المنفعه نمود.
از آثار اوست: آداب همزیستی و معاشرت (قم، 1369)؛ احکام قضائی: مستندات ابواب قضا، قصاص، حدود و دیات تحریر الوسیله امام خمینی (ترجمه هاشم نوری؛ با مقدمه ناصر میبدی، چهار جلد)؛ ترجمه فارسی مستند التحریر الوسیله حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مد ظلله العالی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران (ترجمه هاشم نوری)؛ جهاد در راه خداوند و ابعاد گوناگون آن (قم، 1364)؛ رابطه دوستی و محبت (قم، 1367)؛ زمامداری امام مجتبی علیه‌السلام. (قم، 1363).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (277 / 24 ،112 / 21 ،293 / 15 ،197 / 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (31 / 6 ،196- 193 / 2).

مطهری، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی، محقق، استاد.
تولد: 1299، قریه فریمان (مشهد).
شهادت: 12 اردیبهشت 1358، تهران.
آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های 1322 و 1323 به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازه سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملا هادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کافیه مشغول بود.
در پانزده خرداد 1342 آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.
پس از اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال 1357 برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از

پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلای اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.
از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادیگری؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهاد جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (1)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.
آیت‌الله مطهری در تاریخ 12 اردیبهشت 1358 در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.
1- حجةالاسلام و استاد عالیمقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.
وی در حدود 1338 قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فراگرفته و در سال 1356 ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمي موسوی و دیگران

آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد. دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

1- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)
2- انسان و سرنوشت 3- خدمات متقابل اسلام و ایران 4- خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند.
5- داستان راستان 6- عدل الهی 7- علل گرایش به مادی‌گری 8- مسئله حجاب 9- نظام حقوق زن در اسلام 10- سیری در نهج‌البلاغه
و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح 1298- شهادت 1358 ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در 1316 ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت‌اللّه محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را زا محضر آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه صدر فراگرفت. در 1320 ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج‌البلاغه آشنا شد. از 1325 ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در 1329 ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از 1331 ش به موازات تدریس و

تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در 1334 ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن‌سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیة» ملا صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد 1342 ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»؛ «آشنایی با قرآن»؛ «اسلام و مقتضیات زمان»؛ شرح و توضیح «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسهای اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی» سبزواری؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام».[1]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجةالاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه استاد علامه طباطبائی می‌باشند.

وی در ماه جمادی الثانی 1338 ق برابر با 1299 هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال 1356 هجری قمری برابر با 1316 ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال 1371 برابر با 1331 شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دلباختگان فلسفه و تفسیر تدریس می‌کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشگان

را اداره می‌کرد.
موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.
مرحوم حجةالاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌اللّه العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.
حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی‌الثانی 99 چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشسته و صدها هزار نفر د رتشیع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.
مرحوم مطهری شهید رئیس شوراء انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است.
مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.
آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق درحوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرجع عالیقدر و قائد عظیم‌الشأن آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.
در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به

وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانقدر برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است.
متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.
بسم اللّه الرحمن الرحیم.
انا لله و انا الیه راجعون.
این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصا ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس‌سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم.
تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.
تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.
من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیتهائی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.
در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.
و تبریک در داشتن این شخصیتهای فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.
من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد.
مطهری که د رطهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.
اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توام با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.
(و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین من الرجال و النساء و

الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.
شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول‌گری سودی ندارد.
ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.
اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت 58 را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.
سلام بر شهدای راه حق و آزادی.
روح‌اللّه الموسوی الخمینی.
شهادت مطهری.
این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب 60 سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (58) برابر پنجم جمادی الثانی 1399 غروب کرد اتفاقا در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] پاره‌ای از خورشید (43 -17)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (24 -19)، سرگذشتهای ویژه از زندگی استاد مطهری (51 -11)، گنجینه‌ی دانشمندان (118/ 6)، مصلح بیدار (42 -23)، یادنامه (26 -9).

مظاهری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج میرزا حسن نیز از علما و مجتهدین، و از شاگردان میرزا محمد هاشم و از مجازین از ایشان بود. در حدود سال 1368 در تیران کرون اصفهان به سن متجاوز از نود سال وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مظاهری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از این عالمان بزرگ و سالکان مسلک دوست، معلم اخلاق و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری مد ظله العالی است که از محضر عالمانی بزرگوار بهره برده و از نفس گرم پیران طریقت، گرمای حیات‌بخش معنوی گرفته‌اند.
تولد جسمانی و روحانی:
آیة الله مظاهری در سال 1312 هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی، وارسته و مذهبی پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارند. معظم له پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی در سال 1326 شمسی بمنظور تحصیل علوم دینی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شده و پس از اتمام دروس مقدمات، مقداری از دروس سطح حوزوی در بخشهای فقه، اصول و فلسفه را در محضر حضرات آیات خادمی، فیاض، طیب، ادیب و مفید «رحمة الله علیهم» تلمذ می‌نمایند.
ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم، محضر استادان علم و عمل:
در سال 1331 شمسی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان را به قصد حوزه‌ی علمیه‌ی قم ترک گفته و در جوار مرقد کریمه‌ی اهل بیت حضرت فاطمه معصومه «سلام الله علیها» رحل اقامت می‌افکنند و باقیمانده‌ی دروس سطح را از محضر حضرت آیات مرعشی نجفی، حاج شیخ مرتضی حائری، و حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی «رحمة الله علیهم» استفاده کرده و سپس در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: امام خمینی، بروجردی و محقق داماد «قدس سرهم» حاضر می‌شوند. استفاده‌ی بیش از هشت سال از محضر علمی و معنوی آیت الله العظمی بروجردی، مرجع علی الاطلاق شیعه در آن عصر و نیز بهره‌برداری از محفل دانش و تقوای حضرت امام خمینی در طول نزدیک به ده سال و همچنین خوشه‌چینی از خرمن علم و عمل مرحوم آیة الله العظمی سید محمد محقق داماد و نیز استفاده‌ی سالیان متمادی از دروس فلسفه و عرفان حجة الحق، حضرت استاد علامه‌ی طباطبایی «قدس سرهم»، همه و همه موجب استحکام و اتقان پایه‌های علمی و توان عملی و اخلاقی آیة الله العظمی مظاهری شده است. ثمرات این استفاده‌های ارجمند، صدها صفحه تقریرات فقهی و اصولی دروس و افادات و افاضات این اساتید عالی مقام است که در 15 عنوان گرد آوری شده است.

ثمره‌ی دانش اندوزی، آثار و تألیفات:
افزون بر اینها، تألیفات معظم له می‌باشد که بویژه در زمینه‌های اخلاقی مورد استقبال گسترده علاقمندان به علم اخلاق و خصوصا نسل جوان واقع شده است.
فهرست کلی تألیفات منتشر شده‌ی ایشان عبارت است از:
3 جلد در زمینه‌ی علم فقه، 25 جلد در زمینه‌ی علم اخلاق، 5 جلد در زمینه‌ی علم اقتصاد، 3 جلد در زمینه‌ی اعتقادات، 2 جلد در زمینه‌ی تاریخ و حدیث.
همچنین فهرست کلی آثار غیرمطبوع ایشان بدین شرح است:
17 عنوان در زمینه‌ی فقه، 3 عنوان در زمینه‌ی علم اصول، 24 عنوان در زمینه‌ی علم اخلاق و عرفان، 8 عنوان در زمینه‌ی علم کلام و اعتقادات، 5 عنوان در زمینه‌ی تفسیر قرآن شریف، 4 عنوان در زمینه‌ی علم اقتصاد، 7 عنوان در زمینه‌ی تاریخ و متفرقات.
استاد در کرسی تدریس:
آیة الله العظمی مظاهری یکی از اساتید با سابقه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند که از سال 1356 شمسی حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول داشته و دهها تن از شاگردان و تلامیذ ایشان اینک در مناصب مختلف حوزوی، دانشگاهی،فرهنگی، قضایی و سیاسی در خدمت نظام مقدس اسلامی قرار دارند.
هم اکنون نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، دروس خارج فقه و اصول ایشان، بزرگترین حوزه‌ی درسی خارج و محفل تعلیم افاضل و روحانیون محترم است و به تعبیر مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین «از لحاظ شکوه و عظمت خود درس و اجتماع طلاب، در اصفهان سابقه ندارد».
افزون بر اینها، معظم له یکی از معلمان بزرگ اخلاق در عصر حاضر بوده و اینک متجاوز از سی سال است که بر بلندای منبر اخلاق، سالکان مسلک سلوک را با دروس شیوا و دلنشین اخلاقی خود، رهنمون می‌شوند. دروس اخلاق ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، یکی از دروس باعظمت و شکوهمندی بود که در زمان حیات مبارک حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» مورد توجه و تقدیر ایشان واقع گردید و اینک نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، مشتاقان معارف اخلاقی اسلام از دروس معظم له بهره‌ی معنوی و اخلاقی می‌گیرند.
پیش از پیروزی انقلاب، دو جبهه فرهنگی و سیاسی:
همچنین معظم له به همراهی حضرات آیت مصباح یزدی و سید محسن خرازی و حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی دام عزهم، پیش از پیروی انقلاب اسلامی با تأسیس «مؤسسه‌ی در راه حق» گام نوینی را در ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی بین حوزه و دانشگاه برداشته و صدها تن از

مشتاقان معارف اسلامی در حوزه‌های علمیه را با یک سلسله از علوم جدید و معارف مورد نیاز جامعه اسلامی آشنا کرده که ثمرات بسیار عظیم آن نهاد علمی و دینی و کارنامه‌ی درخشان آن بر آگاهان پوشیده نیست.
آیة الله العظمی مظاهری یکی از اعضاء باسابقه و عالیرتبه‌ی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند و در زمان نهضت اسلامی و دوران مبارزات ملت عظیم‌الشأن ایران علیه رژیم ستم‌شاهی، بسیاری از اعلامیه‌های مهم اساتید و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به امضاء ایشان نیز رسیده است.
پس از پیروزی انقلاب، استمرار تلاش در هر دو جبهه:
پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، معظم له با استمرار مشاغل و فعالیت‌های علمی و حوزوی، در راستای تلاش برای ارتقاء سطح فرهنگی و فرهنگ دینی جامعه اسلامی، با ارائه‌ی سلسله دروس اخلاق برای نسل جوان و بویژه بسیجیان و رزم‌آوران هشت سال دفاع مقدس، به اداء مسئولیت سنگین حوزوی و دینی پرداخته و همیشه در صف مقدم یاران و پیروان قائد راحل عظیم‌الشأن حضرت امام خمینی «سلام الله علیه» بوده‌اند.
در سال‌های اول انقلاب، معظم له به همراه استاد اندیشمند و فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی«دام ظله» براساس تفکرات نوینی که برای ساماندهی وضعیت تشکیلاتی حوزه‌های علمیه داشتند، پیگیری‌هایی را در این خصوص از محضر امام خمینی «قدس سره الشریف» و مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی «رضوان الله علیه» انجام دادند که نتیجه‌ی آن پیگیری‌ها، تشکیل شورای مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم و ایجاد یک ساختار جدید تشکیلاتی برای این حوزه‌ی مقدسه بود.
هجرت، آغاز مرحله‌ای نوین و تحولی مبارک:
یکی از نقاط عطف تاریخ زندگی پربرکت آیة الله العظمی مظاهری، هجرت تاریخی و شکوهمند ایشان از حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی قم به حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود که در اوایل زمستان سال 1374 شمسی مطابق با شعبان 1416 قمری واقع شد.
این هجرت مبارک علاوه بر آن که در نوع خود در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ایران بی‌نظیر بود، همچنین سرآغاز تحولی خجسته و مبارک در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و نمونه‌ای بارز از این فرمایش بلند حضرت امام خمینی «اعلی الله کلمته» در «منشور روحانیت» شد که فرمودند: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهاء بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدت علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذاریم، آنان در هر عصری از

اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتها و تلخی‌هایی را متحمل شده‌اند».
باری حوزه‌ی شکوهمند اصفهان با سابقه‌ای دیرینه و برابر با چندین قرن، همواره پشتوانه‌ای عظیم برای فقه و فقاهت و حراست از کیان معرفت دینی و معارف اسلامی بشمار می‌رفته است. عالمان بزرگ، فقیهان سترگ و فیلسوفان بلندپایه و عارفان روشن ضمیری که نامشان قرین اصفهان و تاریخ باعظمت این سامان است، خبر از این واقعیت بلند می‌دهند که حوزه‌ی این دیار در زمانی نه چندان دور، جایگاه رفیع علم و دانش و معرفت دین را در قبضه‌ی اختیار و اقتدار خود داشته و وجود فرزانگانی چون شیخ بهایی، علامه‌ی مجلسی، میرداماد، سید شفتی، جهانگیرخان قشقایی و دهها و صدها تن دیگر از نام‌آوران تاریخ اسلامی ایران، در این حوزه‌ی باعظمت که آراء علمی و مقامات برجسته‌ی معنوی و فرهنگی و سیاسی‌اشان، آنان را شهره‌ی آفاق ساخته است، همه و همه نشان از شکوه دیرین این نهاد بلند مرتبه‌ی دینی و فرهنگی تشیع دارد و به تعبیر زبیای ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» این حوزه‌ی کهن و ریشه‌دار، سلف حوزه‌ی عظیم‌الشأن قم محسوب می‌گردد.
اما این حوزه‌ی باسابقه در دهه‌های اخیر به دلیل افول ستارگان درخشان آسمان علم و به دلایل متعدد دیگری که مجال بسط آن در این فرصت کوتاه نیست به تدریج دچار رکود گردیده بود. بر این اساس مدتها بود که علماء بزرگ و فضلاء و طلاب عزیز حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به دنبال راهکاری برای جبران و اصلاح نظام تشکیلاتی و علمی این حوزه‌ی مقدسه بودند، اما این حرکت به یک «محوریت کارآمد» و یک «مرکزیت استوار» نیازمند بود تا این که با افزایش این احساس نیاز، از بین شخصیتهای برجسته و مردان الهی، نظرها به سوی فقیهی وارسته و مجاهدی تلاشگر و معلمی بزرگ معطوف شد. این شخصیت کسی نبود جز آیة الله العظمی مظاهری.
علماء بزرگ و فضلاء ارجمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پیش از آن تاریخ، بارها از محضر آیة الله العظمی مظاهری خواسته بودند که ایشان از قم هجرت کرده و در اصفهان رحل اقامت افکند اما آن بزرگوار به دلایل مختلف از پذیرش این درخواست امتناع می‌کردند تا آن که پس از رحلت مرحوم حضرت آیة الله آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی «قدس سره»، اساطین و علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، در آبان ماه سال 1374، طی نامه‌ی بسیار مهمی که یکی از اسناد افتخار تاریخ شکوهمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان است، به حضور ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی»، با اشاره به مشکلات روزافزون این حوزه‌ی مقدسه، چنین مرقوم داشتند: «... با توجه به استنباط از فحاوی

کلام حضرتعالی نسبت به فاضل معاصر، معلم اخلاق، فقیه متبحر و اصولی کارآمد، مجتهد عالم به زمان و مکان حضرت آیة الله مظاهری دامت برکاته که یکی از برجستگان درس مرحوم امام خمینی «رحمة الله علیه» بوده‌اند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان آمادگی خود را جهت استقبال شایان از ایشان اعلام می‌نماید...».
در فاصله‌ای که نامه‌ی اساتید و علماء حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به محضر مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» تقدیم شد و پاسخ معظم له، تلاشهای گسترده‌ای برای جلب رضایت آیة الله العظمی مظاهری در جهت اجابت این درخواست از سوی حوزویان و دیگر اقشار مختلف صورت پذیرفت.
بالاخره، آیة الله العظمی مظاهری با توجه به اهمیت شایان عنایت درخواست علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و نیز استقبال و علاقمندی‌بسیار زیاد همراه با تواضع و صفای باطن مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» در این زمینه، متقاعد شده و با نشان دادن مراتب تبعیت عملی خود از ولایت فقیه، و آماده شدن برای هجرت به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پس از متجاوز از چهل سال تحقیق و تتبع و دانش‌اندوزی و تدریس، یکی از زیباترین صحنه‌های تاریخی التزام عالمان دین به اعتقادات علمی خود را به منصه‌ی ظهور وبروز درآورند.
پس از آن رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ 9 آذر 1374 طی پیام بسیار مهمی خطاب به آیة الله العظمی مظاهری، با یادآوری سابقه‌ی باعظمت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان نقش علماء اعلام آن در انقلاب اسلامی که مظهر اطاعت از امام راحل عظیم‌الشأن بوده است، چنین فرمودند: «بحمدالله و المنة خود آن جناب نیز از حسنات اصفهان و هدیه‌ای ارزشمند از آن شهر فضیلت پرور به حوزه‌ی والامقام قم و به طلاب و جویندگان علم و معرفت و اخلاق می‌باشید، و سال‌های متمادی پس از آنکه حظ عظیمی از آن سرچشمه‌ی جوشان فقه و علم و معرفت به دست آورده‌اید، خود در مسند استادی فقه و اخلاق، جمع کثیری از فضلاء و مستعدان را از فیوضات بهره‌مند ساخته‌اید. اینک اصفهان، حوزه‌ی علمیه و مردم آن، جنابعالی را به اصفهان فرامی‌خوانند، قاطبه‌ی علمای محترم و عزیز اصفهان که در میان آنان شخصیتهای برجسته‌ی علمی و دینی نیز حضور دارند و همواره مایه‌ی اعتلای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان بوده‌اند، در نامه‌ای این را از اینجانب درخواست کرده و شوق خود و مردم را منعکس ساخته‌اند. لذا اینجانب مقتضی می‌دانم که جنابعالی به اصفهان نقل مکان فرموده و پایگاه رفیعی از درس و تعلیم و تحقیق بنا نهید و تربیت طلاب و فضلاء و ارشاد و هدایت عموم مردم و پاسخ‌گویی به مراجعات دینی و شرعی آنان را وجهه‌ی همت سازید. بی‌شک مردم مؤمن و فرهنگ دوست

و هوشمند استان و شهر اصفهان که به روحانیت معظم عشق می‌ورزند، مقدم جنابعالی را گرامی می‌دارند، و با قدردانی از برکات وجود شریف بهره‌ای وافر از حضور علمی و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی آن جناب خواهند برد. ان شاء الله».
پیام عدیم النظیر ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» و تجلیل معظم له از مرتبت بلند مردم مجاهد و غیور و مؤمن اصفهان و نیز تمجید از مقام شامخ آیة الله العظمی مظاهری با آن عبارات زیبا و دلنشین، همگان را به تحسین و شگفتی واداشت.
دو روز پس از صدور این پیام مهم، آیة الله العظمی مظاهری در روز یکشنبه 74/9/12 مصادف با 10 رجب 1416 میلاد پربرکت حضرت جوادالائمه علیه السلام در میان استقبال عظیم علماء، طلاب و اقشار مختلف مردم بزرگوار اصفهان وارد این شهر شده و در این سامان رحل اقامت افکندند.
تبیین حوادث مبارک و باشکوهی که پس از ورود معظم له به اصفهان رخ داد مجالی واسع می‌طلبد. آنچه شایان گفتن است آن است که امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از آن هجرت مبارک، آرزوی بلند علماء و اساطین حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان در شکوفایی و بالندگی دوباره‌ی این حوزه‌ی مقدسه و همچنین آرمان ارجمند رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین «مد ظله العالی» به مرحله‌ی بروز و ظهور رسیده است و امید است با استمرار برکات این هجرت شکوهمند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، سابقه‌ی عظیم‌الشأن تاریخی خود را به دست آورد.
حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، برکات نعمت حضور:
حرکت عظیمی که با این هجرت تحت حمایتهای مقام معظم رهبری آغاز شد، در ذات و ماهیت خود یک حرکت به تمام معنی فرهنگی بود گر چه برکات دیگری نیز از زوایای مختلف آن جاری شده است.
این حرکت شکوهمند از ابتدای آغاز در دو بعد مهم «حوزوی» و «فراحوزوی» جریان یافته و با عنایات الهی همچنان ادامه دارد:
در «بعد حوزوی» سه محور اساسی «ایجاد نظم و تشکیلات منجسم مدیریتی»؛ «تقویت بنیه‌ی علمی و ارتقاء سطح آموزشی» و «ایجاد خدمات و تسهیلات رفاهی»، مورد توجه و امعان نظر ویژه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان قرار گرفته است.
در این راستا به فهرستواره‌ای از برخی از اقدامات انجام شده اشاره می‌شود:
1- تشکیل شورای طرح و برنامه حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور سیاستگذاری برنامه‌های کلان.
2- تأسیس مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور ایجاد نظام

تشکیلاتی این حوزه.
3- تأسیس مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان که دارای واحدهای بیمه درمانی طلاب، صندوق قرض الحسنه طلاب، دفتر پشتیبانی و رفاه مسکن طلاب، دفتر فنی و عمرانی می‌باشد.
4- تأسیس مرکز آموزش و تحقیقات رایانه‌ای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.
5- تصویب و ثبت رسمی اساسنامه‌های حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.
6- تأسیس مرکز آموزشهای تخصصی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و ایجاد سه رشته‌ی تخصصی در گرایش‌های فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ.
7- پذیرش نزدیک به یک هزار نفر طلاب جدید الورود در سال‌های تحصیلی 76-77 و 77-78.
8- استقلال امور مشمولیت طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان براساس اخذ فرمان فرماندهی معظم کل قوا.
9- بناء درسی منظم و محققانه در بخش خارج فقه و اصول توسط شخص آیة الله العظمی مظاهری.
10- برگزاری دروس جنبی حوزوی در زمینه‌های رجال، تفسیر، اعتقادات، فلسفه و...
11- آغاز طرح بزرگ انبوه‌سازی مسکن سازمانی طلاب به استعداد نزدیک به 400 واحد مسکونی.
هجرت در بعد فراحوزوی:
در «بعد فراحوزوی» نیز در سه محور «رسیدگی به امور مساجد»؛ «توجه به مراکز فرهنگی، اجتماعی، نظامی» و «ارتباط نزدیک با توده‌ی مردم و اقشار مؤمنین» فعالیتهای مهمی صورت گرفته که گوشه‌هایی از آن بدین شرح است:
1- تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان اصفهان و تنظیم اساسنامه و ثبت رسمی این مرکز.
2- ارتباط مستمر و برگزاری سلسله دروس اخلاقی توسط ریاست معظم حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان برای دانشگاهیان، قضات عالیرتبه و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و زنان و بانوان.
3- برگزاری جلسات دروس اخلاق برای اقشار مؤمنین در مسجد حکیم اصفهان که پس از حضور آیة الله العظمی مظاهری در اصفهان، اینک به یک پایگاه رفیع برای اعتلاء معارف اسلام و انقلاب شکوهمند اسلامی تبدیل شده است.
این همه از دولت لطف خداست:
بدون تردید وجود این همه برکات که بر این هجرت تاریخی مترتب شده است اثر عنایات لایزال الهی و الطاف حضرت ولی الله الاعظم «ارواحنا و

ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» و توجهات ویژه‌ی ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی» و همچنین مجاهدت و تلاش پیگیر زعیم عالقدر حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان «دامت برکاته» است و اگر نبود آن عنایات و الطاف و توجهات و این مجاهدتها، بدون تردید نیل به مقاصد عالیه‌ای که گوشه‌هایی از آن بصورت فهرست گونه بیان شد، به هیچ روی ممکن نبود.
از خداوند منان و رحمان استمرار و استدامه‌ی این برکات را در سایه‌ی نظام بلند پایه‌ی جمهوری اسلامی طلب می‌کنیم.
انه ولی النعم و التوفیق.
آذر ماه 1377
شعبان المعظم 1419
بسم الله الرحمن الرحیم
مصاحبه‌ی مجله‌ی حوزه با
مرجع عالیقدر
حضرت آیة الله العظمی مظاهری
«مد ظله العالی»
منتشر شده در:
مجله‌ی حوزه (ویژه‌ی حوزه‌های علوم دینی).
شماره‌ی 68-69 (خرداد، تیر، مرداد و شهریور 74)
ما، مسافریم و روزهای عمر، به منزله‌ی منزلهای سفر.
در این منزلها، برای عاقبت‌اندیشان، بهره‌هاست. بهره برای فردا. فردایی که آنچه کشته شده باشد، درویده خواهد شد.
حال، برای فردا، چه کشت شود، تا به کار آید و خریدار داشته باشد، چگونه از آفات دورشان داشت، تا بمانند برای روز درو، مسأله‌ای است مهم که باید از راهیان راه معرفت و سالکان مسلک سعادت، جویا شد.
به فرمان آنان، گردن نهاد و دوره سخت اصلاح نفس و پیرایش و پرورش باطن خویش را آغاز کرد، تا به مرحله‌ای رسید که بتوان از منزلها بهره برد و آن بذر که افشانده می‌شود حاصلی نیکو دهد و در روز واپسین، درخور عرضه به پیشگاه حق باشد. برای این مهم، به محضر معلم اخلاق، فقیه بزرگوار، حضرت آیة الله حاج شیخ حسین مظاهری، که از محضر معلمان بزرگ اخلاق بهره برده و الگوهای نیک در این سیر روحانی داشته و خود در این راه ریاضتها کشیده، شرفیاب شدیم، تا برای گذر از این راه پرخطر راهنمایی بخواهیم و از نفس گرمش، گرما بگیریم.
امید آن که آنچه از این مجلس روحانی برگرفته‌ایم و اینک تقدیم می‌داریم، همگان، بویژه علاقه‌مندان به سیر سلوک را مفید افتد.
حوزه: با تشکر از حضرت عالی که مصاحبه‌ی با مجله‌ی حوزه را پذیرفتید،

لطفا، در ابتدا، شمه‌ای از زندگی تحصیلی و علمی خود را بیان بفرمایید.
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم
رب اشرح لی صدری و یسرلی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی.
خدا را شکر می‌کنم که توانستم خدمت شما عزیزان باشم. امیدوارم که آنچه می‌گویم، برای خود و شما و خوانندگان، مفید باشد.
البته، تمایل قلبی من این است که در این مصاحبه، از مطالب کلی صحبت کنم؛ اما از باب «فاما بنعمة ربک فحدث» و به لحاظ انتقال تجربیات دیرینه به نسل حاضر و طلاب جوان و از باب این که یادی و ذکری از اساتید و بزرگان و حقداران خود کرده باشم و نیز در جهت اجابت درخواست مجله‌ی وزین حوزه، عرض می‌کنم:
در سال 1312 شمسی در خانواده‌ای وارسته و مذهبی متولد شده‌ام. پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی، در سال 1326 شمسی، برای تحصیل علوم دینی، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شدم.
حوزه‌ی اصفهان، چنان که می‌دانید، سابقه‌ی کهن و درخشانی دارد و حیف که آن سابقه‌ی ارجمند با این لاحقه فعلی، هماهنگ نیست. در سال 1326، وضع حوزه‌ی علمیه اصفهان، گر چه همانند صد سال پیش نبود، ولی با وضع فعلی هم، تفاوت جدی داشت.
تقریبا، از لحاظ درس و بحث، حوزه‌ی گرمی بود.
من، در مدرسه مسجد سید اصفهان، که مقبره مرحوم حجة الاسلام علی الاطلاق، یعنی سید شفتی هم در آن جاست و مسجد، منتسب به ایشان است، حجره گرفتم و مشغول تحصیل شدم.
ادبیات را خدمت دو ادیب بزرگوار، مرحوم حاج آقا جمال خوانساری و حاج آقا احمد مقدس، فراگرفتم.
سطح را خدمت حضرات آیات: خادمی، فیاض، و طیب و ادیب خواندم.
منظومه‌ی حاجی سبزواری را در محضر مرحوم آیت الله مفید، خواندم.
این اساتید، مردان بزرگی بودند و حق بسیاری هم بر ذمه من دارند. خداوند، همه آنان را غریق رحمت خود فرماید.
در سال 1331 شمسی به قم آمدم. مقداری از کتاب شریف مکاسب و کتاب ارزشمند کفایه را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری تدرس کردم و بعد، بیش از هشت سال در خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی و بیش از ده سال، در خدمت حضرت امام و بیش از دوازده سال در خدمت آیت الله العظمی مرحوم داماد، خارج فقه و اصول را استفاده بردم.

اسفار ملاصدرا و شفای بوعلی را هم از محضر استاد بزرگوار، علامه طباطبایی فراگرفتم.
از آغاز تحصیل، مقید بودم، تدریس هم داشته باشم. به یاد دارم که سیوطی می‌خواندم، صمدیه را تدریس می‌کردم از این روی، در اصفهان که بودم، ادبیات تدریس می‌کردم. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم که وارد شدم، تدریس سطح را شروع کردم اکنون هم، قریب به بیست سال است که به تدریس خارج فقه و اصول، مشغول هستم.
منظومه، نهایه و قسمتهایی از اسفار را نیز، چندین مرتبه تدریس کرده‌ام.
و توصیه‌ام هم به طلاب این است که تا می‌توانند تدریس را فراموش نکنند. تدریس، افزون بر این که ادای زکات علم است، باعث تقویت پایه‌های علمی نیز هست.
حوزه: اگر خاطره‌ای از اساتید خود دارید، بفرمایید، بویژه از مرحوم آیة الله مفید که قدری ناشناخته‌اند.
-: دوران تحصیل، آن هم در محضر این بزرگان، همه‌اش خاطره است. ولی گفتید از مرحوم آیة الله مفید بگویم، چند جمله‌ای راجع به ایشان، عرض می‌کنم:
مرحوم آیت الله مفید، از فقها و فلاسفه‌ی اصفهان بود. انسان فوق‌العاده وارسته‌ای بود، شاگرد دوست و شاگرد پرور بود. افزون بر فلسفه، خارج فقه و اصول نیز، تدریس می‌کرد.
ایشان، در بیدآباد اصفهان منزل داشتند، ما نیز همسایه‌ی ایشان بودیم. از آن جا، تا مدرسه‌ی صدر اصفهان، مسافت زیادی، راه بود، هر روز در خدمت ایشان، پیاده می‌آمدیم تا مدرسه، این، توفیقی بود برای من که بیشتر از محضر آن بزرگوار، بهره ببرم.
بارها از بی‌اعتباری دنیا برایم سخن می‌گفت. نسبت به اهتمام به درس، بسیار سفارش می‌فرمود.
می‌فرمود:
«طلبه، اگر نامش در دفتر امام زمان، ثبت شود، هم دنیا دارد و هم آخرت.
طلبه، نباید از مشکلات هراسی به دل راه بدهد. با مشکلات باید دست و پنجه نرم کند، تا به جایی برسد».
گاه، این روایت مشهور را برایم می‌خواند:
أوحی الله تعالی الی داود (ع) یا داود انی وضعت خمسة فی خمسة، و الناس یطلبونها فی خمسة غیرها فلا یجدونها: وضعت العلم فی الجوع و الجهد و هم یطلبونه فی الشبع و الراحة فلا یجدونه،...
بحار، ج 453/78
خداوند به داوود (ع) وحی کرد ای داوود من پنج چیز را در پنج چیز نهادم مردم آن را در غیر آن پنج چیز می‌جویند و نخواهند یافت: علم را در

گرسنگی و تلاش نهادم آنان آن را در سیری و راحتی می‌جویند نخواهند یافت...
می‌فرمود:
«من، در ایام تحصیل، مشکلات فراوان دیده‌ام. بسیاری از اوقات، لباس، به قدر نیاز نداشتم. بارها، با دست خالی به منزل رفته‌ام، ولی به لطف الهی همه را پشت سر گذاشتم و همسرم، با فداکاری این وضعیت را تحمل می‌کرد و مرا نگران نمی‌ساخت».
ایشان، مقید بود، از سهم مبارک امام، استفاده نبرد، از این روی، به همان اندازه‌ای که خویشان و بستگان وی، به ایشان هدیه می‌کردند اکتفا می‌کرد. دنیای ایشان، ختم به خیر شد و آخرت ایشان هم معلوم است. آن بزرگوار، در سال 1382 ه.ق رحلت کرد و در قبرستان شریف تخت فولاد اصفهان، در بقعه‌ی مرحوم آقا محمد بیدآبادی «قده» دفن شد.
چنین انسانهایی بیقین، مصداق این آیه شریفه‌اند:
«یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی».
ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد و در زمره‌ی بندگان من داخل شو. و به بهشت من درآی.
حوزه: هر یک از اساتید، شیوه‌ای خاص در تدریس دارند، لطفا بفرمایید اساتید شما چه شیوه‌هایی داشتند و مزایای هر کدام، در چه بود.
عرض کردم از جمله اساتید ما، حضرت آیت الله العظمی بروجردی بود. شیوه‌ی ایشان، شیوه‌ی مجتهد پرور بود. ایشان در تدریس فقه، به چند نکته اهمیت می‌دادند:
1. بیان تاریخ تشریعی یک مسأله و ذکر اجمالی تطورات آن، از آغاز، تا پایان، در ادوار فقه شیعی و سنی.
این مطلب، نگاه فقیه را به مسأله، باز می کند و می‌تواند تغییرات صورت گرفته در یک مسأله و علل آن را بفهمد.
2. اهمیت به اقوال قدماء. ایشان، معتقد بودند که فقه ما، مسائل متفرقه‌ای دارد که فقها، به متون فقه، افزوده‌اند و مسائلی هم دارد که از معصومین اخذ شده و تعبیر خودشان: «اصول متلقاة» است. ایشان این دو دسته را در بحثها از هم، جدا می‌کرد و برای متون قدماء به لحاظ نزدیکی به زمان معصومین (که ویژگی مهمی بود)، اصالت خاصی قائل می‌شد خصوصا به اقوال مرحوم شیخ الطائفه، اهمیت زیادی می‌داد و از آن فقیه بزرگوار، با احترام خاصی یاد می‌فرمود.
3. در جمع بین روایات، بسیار محققانه عمل می‌کرد و بحق، فقیه ممتاز، زبردست و عالی قدری بود.
4. اگر چه، همیشه در درس می‌فرمود: «احتیاط، در ترک احتیاط است»،

اما در مقام فتوا، جرأت بی‌جهت و بی‌دلیل نداشت و به لحاظ مقام عملی و تقدس خاصی که داشت جانب احتیاط را از دست نمی‌داد.
اما شیوه‌ی درس امام خمینی: امتیاز درسی ایشان در چند چیز بود که به عرض می‌رسانم:
1. فهم عرفی. این امتیاز را از استاد بزرگوارش، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری گرفته بود. اهمیت این امتیاز در استنباط و اجتهاد برای اهل فن روشن است، مخصوصا در مورد کسی مثل حضرت امام که یک فیلسوف و حکیم متأله بودند.
2. بیان شیوا و سلیس، روان و گویا، که در میان همه‌ی مدرسین آن زمان، بی‌نظیر و ممتاز بود.
3. شاگرد پروری: آن بزرگوار، به شاگرد، میدان بحث و ارائه‌ی نظر می‌داد. شاگرد را تشویق می‌کرد.
این خصوصیت، خصوصیت کوچکی نیست. بزرگان ما، اگر در درسهایشان میدانی برای ارائه نظرات خود نمی‌داشتند، چگونه رشد می‌کردند؟
4. ایشان، از سر تحقیق، تابع دلیل بود. از این روی، از بیان قولی که احتمالا خلاف مشهور باشد، در صورتی که مستندش به نظر ایشان قوی باشد، باکی نداشت.
5. به اقوال شیخ انصاری اهمیت بسیار می‌داد و برای نظرات آن فقیه عالی مقام، احترام خاصی قائل می‌شد.
خلاصه، چه درس فقه ایشان و چه درس اصول ایشان، درس ارزشمند و ممتعی بود. خداوند، درجات این مرد عالی مقدار را متعالی کند.
اما شیوه درس آیة الله العظمی داماد:
1. مرحوم آقای داماد، حقیقتا، محقق بود و برای تدریس، زحمت بسیاری می‌کشید، مکرر از ایشان شنیدم که فرمود: «من، دیشب برای این بحث، هفت ساعت، هشت ساعت، زحمت کشیدم».
2. موشکافیهای عالمانه‌ای در بحث‌های ایشان وجود داشت. نظریات خود را با دقتهای ظریفی از روایات، استخراج می‌کرد.
اگر چه درس ایشان، به شلوغی برخی از درسهای دیگر نبود، ولی حقا درس ارزشمند و قابل استفاده‌ای بود.
حق ایشان بر گردن من و حق دیگر اساتید، جز با لطف خداوند، ادا نمی‌شود.
حوزه: از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود بفرمایید.
-: از الطاف الهی نسبت به بنده این بود که از همان آغاز ورود به قم، در محضر حضرت امام بودم. ایشان، ما را به شاگردی پذیرفتند. بودن ما در خدمت حضرت امام، خواه ناخواه ما را در مسیر حرکت سیاسی-انقلابی امام قرار می‌داد.

بنده و جمعی از دوستان، از همان سال 41 ،40 در خدمت این انقلاب بوده‌ایم و تاکنون هم، به لطف الهی توانسته‌ایم به اندازه وضع خود، از این انقلاب و نظام حمایت کنیم.
این را از امام عزیزمان آموخته‌ایم: «خدمت به این نظام، واجب عینی است.»
تذکر این نکته را لازم می‌دانم: همان طوری که امام بزرگوار، فرمودند: حفظ این نعمت و امانت الهی از اصل به دست آوردن آن، بسیار مشکل‌تر است. از این روی، باید با نهایت دقت، و احتیاط، از این نظام ارزشمند حفاظت کرد هر کسی به اندازه‌ی وظیفه خود و به اندازه‌ی وسع خود، باید در خدمت انقلاب و آرمانهای اسلامی آن قرار گیرد و سپاسگزار و قدردان این نعمت بزرگ باشد.
حوزه: شکر خدا حضرت عالی در کسب دانش دین موفق بوده‌اید، لطفا عوامل موفقیت خود را بیان کنید.
-: اگر لطف خداوند متعال و توجهات صاحب حوزه‌ی علمیه نبود، هیچ کس توفیقی نمی‌داشت. اگر ما هم توفیقی کسب کرده‌ایم، به لطف خدا بوده است.
در عین حال، من سعی کرده‌ام که اموری را در درس و تحصیل رعایت کنم که آن هم اگر انجام پذیرفته، به لطف خداوند متعال و عنایت اهل بیت، علیهم‌السلام، بوده است. از جمله آن امور:
1. انتخاب اساتید خوب که نام آن بزرگان را بردم. استاد، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انسان دارد، مرحوم علامه طباطبایی، از استادشان مرحوم حضرت آقای قاضی، نقل می‌فرمودند که: «اگر نصف عمر در طلب استاد بگذرد جا دارد».
2. انتخاب هم مباحثه‌ی خوب.
3. سعی کرده‌ام که امور دنیوی، مانع تحصیل نشود. از این روی، به لطف خدا و اعتقادی که به این راه داشته‌ام، روزانه، بیش از ده دوازده ساعت، مشغول تحصیل بوده‌ام.
4. نظم.
استاد بزرگوار ما، حضرت امام، افزون بر این که خود منظم بود، از این که شاگردی بی‌نظم به درس حاضر می‌شد، به شدت ناراحت می‌گردید و می‌فرمود:
«من نمی‌گویم به درس من بیایید، ولی اگر می‌خواهید بیایید، منظم بیایید.»
نظم، بسیار خوب است، به عمر انسان، برکت می‌دهد. یک طلبه بانظم، بازدهی‌اش، چند برابر طلبه بی‌نظم است.
5. خوب خواندن. این که بعضی از طلبه‌ها ده سال، بیست سال درس خارج می‌روند، ولی به جایی نمی‌رسند، به خاطر این است که دروس پایه را

خوب و دقیق، نخوانده‌اند، بویژه ادبیات. طلبه، باید ادیب باشد. به این معنی که وقتی عبارت عربی را می بیند، ناخودآگاه، آن را صحیح بخواند. همچنین سطح را باید خوب بخواند.
حوزه: آیا در مسائل اخلاقی، استاد خاصی داشته‌اید.
-: استاد خاص به معنای مصطلح، خیر موافق آن هم نیستم. زیرا،
اولا، استاد خصوصی، خیلی کم است، مخصوصا در حوزه‌ی فعلی ما، که حدود سی هزار طلبه دارد، اگر بخواهیم به نسبت این تعداد، استاد خصوصی اخلاق داشته باشیم، باید تعداد زیادی استاد اخلاق داشته باشیم که چنین چیزی در حوزه‌ی فعلی ما، ممکن نیست.
این که حضرت امام، بارها نسبت به مرحوم شاه‌آبادی، اظهار ارادت می‌کرد و از ایشان، باعظمت یاد می‌کرد، بدین خاطر بود که امام، پس از تلاشهای بسیار، موفق شده بود، استادی در اخلاق، آن گونه که می‌خواهد، بیابد.
ثانیا، استاد خصوصی به این معنی که انسان خود را در اختیار او بگذارد و فقه و اصول ودیگر مباحث را در حاشیه‌ی کار قرار دهد، این نیز، افراط است و نادرست. به عقیده‌ی من، نه تنها سودی نخواهد داشت، که ممکن است ضرر نیز داشته باشد. علم و تزکیه باید همراه هم باشند.
افرادی را سراغ دارم که با ولع بسیار مسائل اخلاقی را این گونه دنبال می‌کردند، استاد خصوصی داشتند و... ولی در نهایت، راه به جایی نبردند و منحرف شدند و با حوزه‌ی علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی به معارضه برخاستند.
بنابراین، با این گونه استاد خصوصی داشتن در اخلاق، موافق نیستم و خود نیز، استاد خصوصی نداشته‌ام.
البته، از محضر حضرت امام و علامه طباطبایی، استفاده‌های اخلاقی و معنوی فراوان برده‌ام و خدا را همواره، بر این جهت شاکرم که در زمانی وارد حوزه‌ی قم شدم که دو استاد برجسته مانند امام و علامه، در آن، حضور داشتند و من توانستم در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق از خدمت آن دو بزرگوار، بهره ببرم.
حوزه: لطفا شمه‌ای از ویژگیهای اخلاقی امام خمینی را بیان فرمایید:
- حضرت امام مجسمه‌ی اخلاق اسلامی بود و حقیقتا باید گفت که جنبه‌ی سیاسی ایشان بعد از نهضت، جنبه‌های دیگر آن مرد بزرگ، بویژه جنبه‌ی علمی و جنبه‌ی اخلاقی ایشان را تا قدری تحت‌الشعاع قرار داد.
1. از امتیازهای بارز ایشان، احتراز از محرمات بود. سالهای متمادی که در خدمت ایشان بودم، یک عمل مکروه از آن مرد ملاحظه نشد، حتی اگر شبهه‌ی گناه پیش می‌آمد، حالت نگرانی از ایشان نمایان می‌شد و لذا در مقابل انجام محرمات مخصوصا از قشر طلبه عکس‌العمل شدید نشان

می‌داد.
2. ویژگی اخلاقی دیگر امام، احترام ایشان به علماء اسلام بود.
از وحید بهبهانی، آن محقق جلیل، نقل شده است:
«اگر به جایی رسیده‌ام مرهون احترامی است که برای فقهاء و علمای اسلام قائل شده‌ام».
و این خصلت در امام، همیشه جلوه‌گر بود، نه تنها به مثل شیخ طوسی و صاحب جواهر و شیخ انصاری احترام ویژه می‌نهاد و با تجلیل از آن یاد می‌کردند، بلکه درباره‌ی امثال آیة الله مؤسس یا آیة الله بروجردی نیز، بارها می‌فرمود: «در سر حد کرامت است که یک پیرمرد، به این خوبی حوزه علمیه و بلکه عالم تشیع را اداره می‌کند.»
3. از دیگر خصائص اخلاقی ایشان، تواضع بود و همان طور که مقام و ریاست در شخصیت رسول اکرم و ائمه طاهرین، علیهم‌السلام، نتوانست اثری بگذارد، در مورد این فرزند عالی مقدار آنان هم این گونه بود. همان تواضعی که در دوران پیش از مرجعیت داشتند، تا آخر عمر پربرکت خود حفظ فرمودند و ما می‌دیدیم که ایشان چگونه در مقابل مردم و یا جوانان بسیجی و یا خانواده‌ی معظم شهدا و فرزندان آنان و یا جانبازان، کوچکی و تواضع و خفض جناح می‌فرمودند.
4. امتیاز اخلاقی دیگر امام، زهد آن مرد بزرگ بود. زهد، یعنی دل نبستن به دنیا و همدل نشدن با مادیات. ساده زیستی امام همیشه زبانزد بود. از تشریفات و تجملات، حقیقات رنج می‌برد و همیشه دیگران و بالاخص طلاب را به زهد و ساده زیستی و حفظ زی طلبگی نصیحت و توصیه می‌فرمود و شما دیدید که در همان دورانی که در رأس قدرت بودند، همان زندگی بی‌آلایش روحانی را حفظ فرمودند و اجازه ذره‌ای تجاوز از آن را به اطرافیان ندادند.
5.خصیصه‌ی مهم دیگر شخصیت دادن به افراد بود. چنان که از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است ایشان چنان با اصحاب خود رفتار می‌کردند که هر فردی گمان می‌کرد که اعز افراد نزد پیامبر اکرم (ص) است استاد بزرگوار ما در برخورد با شاگردان و بویژه در درسهای حوزوی خود، این گونه عمل می‌کردند و با این حرکت خود، استعداد شاگردان را شکوفا می‌کردند.
6. ویژگی دیگر ایشان که برای خود من اعجاب‌انگیز و پند بزرگی بود، این مسأله است که در مجالس غیردرسی، وقتی فرعی از فروع علمی مطرح می‌شد و هر کس به فراخور خود مطلبی را ارائه می‌کرد، تنها اگر از ایشان اظهارنظری می‌خواستند، صحبت می‌فرمود، آن هم در حد اختصار. این روش از نظر اهل علم، جدا فضیلت بزرگی به شمار می‌آید. هنیئا لارباب النعیم نعیمهم.

7. از ویژگیهای دیگر ایشان که به نظر من تناسب تام با خصائص اخلاقی ایشان دارد، درک ایشان از مقام امامت و ولایت بود؛ چرا که چنان درکی را جز به متخلقان اخلاق الهی نمی‌دهند. شما اگر به کتب عرفانی امام و شروحی که بر ادعیه و روایات مرقوم فرموده‌اند، مراجعه کنید، به خوبی درمی‌یابید که ایشان مقام امامت و ولایت کبری را یافته است، نظیر آدم تشنه‌ای که تشنگی را با سراسر وجود خود دریافته. هنیئا له و رزقنا الله و ایاکم. و متأسفانه حق این کتاب‌های ارزشمند و دیگر کتب ایشان در حوزه رعایت نشده است، این کتابها مورد تدریس و تدرس و مراجعه‌ی اهل تحقیق باشد.
به هر صورت مجموعه‌ی این خصائل و صفات بارز دیگر موجب شد که آن بزرگوار حاکمیت بر قلوب پیدا کند. این مطلب در قرآن شریف و روایات معصصومین (ع) به صراحت وجود دارد که محبت افراد متقی در قلوب ریخته می‌شود و ابهت آنان نیز در دلها رسوخ می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:
«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا».
مریم، 96
و امام حسن (ع) نیز در توصیه‌های پایان عمر شریف خود، به جنادة بن ابی امیه می‌فرماید:
«و اذا اردت عزا بلا عشیرة و هیبة بلا سلطان، فاخرج من ذل معصیة الله الی عز طاعة الله عزوجل».
بحارالانوار، ج 139/44
امام حقا مصداق این آیه و روایت بود.
حوزه: حضرت عالی از اساتید درس اخلاق در حوزه‌ی عملیه قم هستید، لطفا بفرمایید که چه عاملی سبب شد که به تدریس اخلاق بپردازید.
- مسأله تهذیب نفس، موضوع مهمی است. قرآن شریف، به این مسأله، بسیار اهمیت داده است. تا آن جا که بعثت همه‌ی انبیاء و رسول گرامی اسلام و نزول قرآن را برای تحقق همین مهم می‌داند.
«هو الذی بعث فی الامیین رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین.»
جمعه؛ 2
اوست خدایی که به میان مردمی بی‌کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت، تا آیاتش بر آنان بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.
تهذیب نفس برای طلبه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. طلبه، همان وقتی که می‌گوید:
«بدان ایدک الله تعالی فی الدارین»، باید بگوید:«هو الذی بعث فی الامیین

رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم...» دو بال علم و تهذیب، باید با هم باشند. اگر بال علم باشد، بدون تهذیب، افزون بر این که علم، برای شخص، حجاب اکبر می‌شود، وزر وبالش نیز، دامنگیر افراد جامعه می‌شود. امام خمینی، رضوان الله علیه، به مسأله تهذیب نفس، بسیار اهمیت می‌داد. هم خود مرد عمل بود و هم دیگران را، بویژه طلاب علوم دینی را هشدار می‌داد. حتی در آخرین سخن به جای مانده از ایشان؛ یعنی در وصیت نامه سیاسی-الهی مرقوم فرموده است:
«از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد. علوم معنوی اسلامی، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله، رزقنا الله و ایاکم، که جهاد اکبر می‌باشد.»
امام، در عین این که به فراگیری فقه جواهری و تمسک به روش سنتی تاکید می‌ورزید، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس را هم سفارش می‌فرمود.
بنده، پیش از آن که به حوزه بیایم، به مسائل اخلاقی و مجالس موعظه، علاقه‌مند بودم. یادم هست بچه بودم در ایام محرم، در مجالس روضه می‌نشستم و از منبرهای اخلاقی و مفید، بهره می‌بردم.
پس از طلبگی، این ذوق نسبت به مسائل اخلاقی،در من تشدید شد.
حضرت امام، روزهای شروع درس و پایان درس، مطالب اخلاقی می‌فرمود. این روزها، برای من، شادی‌آفرین بود. خیلی به وجد می‌آمدم.
اما این که چه شد درس اخلاق شروع کردم؟ پس از تبعید حضرت امام به ترکیه، گروهی از آقایان طلاب، به بنده اصرار کردند که درس اخلاق شروع کنم. من نپذیرفتم، زیرا خود را شایسته آن نمی‌دانستم.
تا این که یک روز، برای خواندن نماز ظهر به مدرسه فیضیه رفته بودم، آقایی آمد استخاره‌ای خواست. استخاره گرفتم، خیلی خوب آمد. فردای آن روز، که روز پنج شنبه بود، تعدادی از طلاب آمدند که اعلامیه‌ای پخش شده که شما شب جمعه، درس اخلاق می‌گویید! معلوم شد، آن استخاره روز گذشته، برای همین بوده است. گفتند: ما هر چه اصرار کردیم، شما نپذیرفتید، استخاره کردیم، خوب آمد، اعلامیه را پخش کردیم.
دیدم، در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته‌ام. ناچار شب آمدم فیضیه، در مدرس زیر کتابخانه، که محل درس اعلام کرده بودند، درس اخلاق را شروع کردم. مدتی درس ادامه یافت. جمعیت زیادی شرکت می‌کردند و استقبال، خیلی خوب بود. تا این که ساواک، ما را از مدرسه‌ی فیضیه بیرون کرد. به مدرسه‌ی حجتیه رفتیم، از آن جا هم ما را بیرون کردند. حسینیه اراک رفتیم. چون افراد شرکت کننده زیاد بودند، بسیاری از افراد، بیرون حسینیه، در کوچه می‌ایستادند و راه مردم مسدود می‌شد، تصمیم گرفتیم به جای وسیع‌تری درس را انتقال دهیم. تا این که پس از تلاش بسیار برخی از طلاب، توانستیم به مسجد اعظم برویم.

پس از انقلاب هم، این درس ادامه یافت و بحمد الله جمعیت خوبی شرکت می‌کرد.
یک وقتی، یکی از علمای بزرگ می‌فرماید:
«به امام عرض کردم، فلانی درس اخلاق می‌گوید. جمعیت زیادی شرکت می‌کند.
امام، آن قدر خوشحال شد که سه مرتبه فرمود: الحمد لله رب العالمین».
این، نشاندهنده‌ی اهتمام ایشان، به علم اخلاق است و لزوم برگزاری جلسات درس اخلاق.
بنابراین، درس اخلاق من، خود به خود پیش آمد و تمایل ذاتی و ذوق اخلاقی من هم، کمک کار شد، که بتوانم آن را ادامه دهم.
به لطف الهی، تلاش فراوان کرده‌ام که این درسها برای خود و شنوندگان، مفید باشد. البته درس اخلاق، درس انسان‌سازی است و کاری بسیار مشکل. به تعبیر حضرت امام که می‌فرمود:
«می‌گویند: ملا شدن چه آسان، آدم شدن، چه مشکل، اما شیخ ما می‌فرمود: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن، محال است».
واقعیت هم، همین است. کار بسیار طاقت‌فرسایی است.
حوزه: حضرت عالی وضع کنونی اخلاق و دیگر علوم را در حوزه‌ها، چگونه می‌بینید.
- در حال حاضر، حوزه را، نه تنها از نظر اخلاق، که از نظر توجه به فقه و اصول نیز آن چنان که شایسته است، در مخاطره می‌بینم. گر چه می‌دانم، با لطف خداوند و تلاش مدرسان و طلاب، آسیبی به آن نخواهد رسید.
فراموش نمی‌کنم راجع به تشکیل شورای مدیریت، با چند نفر از بزرگان، رفته بودیم خدمت حضرت امام.
بنده به ایشان عرض کردم: آقا! حوزه را از نظر علمی در مخاطره می‌بینیم.
ایشان، با خونسردی فرمود:
«غم این که حوزه در مخاطره است، نخورید. در زمان رضا شاه، وضع به قدری بد بود که طلبه‌ها، روزها می‌رفتند بیرون از حوزه و به باغهای اطراف شهر پناه می‌بردند و شب به حوزه برمی‌گشتند. در عین حال، حوزه حفظ شد و از خطر، نجات یافت». بعد راجع به تشکیلات مدیریت فرمود:
«فکر کنید که چه باید کرد. اگر چیزی به من مربوط شد، اقدام می‌کنم.»
به بنده فرمود:
«برو خدمت آقای گلپایگانی، از ایشان نظرخواهی بکن.»
شب، با آیة الله مصباح یزدی، خدمت آیة الله العظمی گلپایگانی رفتیم. در محضر ایشان هم، من از وضعیت علمی حوزه، اظهار نگرانی کردم. از قضا، ایشان هم فرمود:

«نگران نباشید، حوزه صاحب دارد.»
ایشان هم مانند امام، به سختی‌ها و رنج‌های دوران رضا شاه اشاره کرد.
این که بنده عرض می‌کنم، حوزه در مخاطره است، نه این که آسیب‌پذیر باشد. بنده، با توجه به انتظارات فراوانی که امروز هست، عرض می‌کنم: توجه به اخلاق و فقه و اصول، کم رنگ شده است و گرنه کارهای جنبی که اکنون در حوزه برای حفظ نظام و عالم تشیع می‌شود، بسیار است. امروز، در حوزه‌های علمیه، کارهای مفید فراوانی انجام می‌شود که جای تشکر آن باقی است. ولی توصیه حضرت امام، به تهذیب و اخلاق و تأکید ایشان بر فقه و اصول را نبایداز یاد ببریم لذا توصیه می‌کنم به طلاب عزیز که به اخلاق، اهمیت بدهند. فقه و اصول را جدی بگیرند. فقه، فقه جواهری و اصول هم، اصول سنتی. مقصودم از اصول سنتی، اصول، به روش بزرگان و اساتید گذشته است، نه فرو رفتن در مسائل اصول و مطرح کردن نظریه‌ای و اقوال گوناگون را درباره‌ی آن نقل کردن و به نقد و بررسی گذاردن و آن گاه، نظریه‌ای را پذیرفتن و چندین روز برای آن استدلال آوردن و...
مقصودم از اهمیت دادن به اصول، این نیست، هر چند، کار علمی است. ولی بزرگان ما، مرحوم حضرات آیات: حکیم، بروجردی، حائری، داماد، امام و... یک دوره اصول را پنج - شش سال به پایان می‌رساندند، بدون این که مطلبی را کم بگذارند و به مباحث لازم و ضروری توجه کنند.
امام بزرگوار، از این جهت بسیار خوب عمل می‌کردند. بعضی از این مباحث، نظیر بحث طلب و اراده، بحث‌های مهم و ارزشمندی هستند، اما در جای خود. اینها به علم اصول ربطی ندارند.
به قول مرحوم آیة الله العظمی بروجردی:
«اصول ما، به واسطه‌ی همین زوائد، آماس شد و باید برای زوائد آن، فکر اساسی بشود.»
امام، در بحث خارج اصول خود، وقتی به بحث انسداد رسیدند، فرمودند:
«ما چون حجیت خبر واحد را اثبات کردیم، احتیاجی به این بحث نداریم.»
در تقریراتی که از اصول ایشان نوشته‌ام، در جمادی الاولی 1374، این مطلب را این گونه تقریر کرده‌ام:
«هذا، تمام الکلام فی حجیة الخبر الواحد و حیث اثبتناه فدلیل الانسداد باطل بداهة اذ فی مقدماته عدم الدلیل، و الخبر الواحد، دلیل واف بمعظم الفقه، بل بتمامه مع ضم الاجماعات و المشهورات و حیث ان العمر قصیر و لکل شی آفات و البحث عن دلیل الانسداد تطویل بلا طائل، بل یمکن ان یقال، ان بحثه لا یخلو عن الاشکال، فالاعرض عنه أحسن، بل واجب.»
نظر همین مطلب را در حواشی بر کفایه، که اخیرا از ایشان منتشر شده، آورده‌اند.

(انوار الهدایة، ج 317/1).
بنابراین، به جای چندین سال معطل ماندن در اصول و طرح مباحث صرفا علمی، به قرآن و دیگر معارف اسلامی بالاخص علم اخلاق بپردازیم. امروز، نیاز فراوان به این گونه بحثهاست. حوزه، چشم و چراغ تشیع و جهان اسلام است.
من دو سال پیش، در جواب درخواستی از مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چهل و پنج موضوع لازم به بحث را معرفی کردم و گفتم روی این موضوعات، که بعضی فقهی و بعضی اصولی و بعضی اقتصادی بود، کار تفصیلی که نیاز امروز مردم و حکومت اسلامی را برآورده کند، نشده و این، وظیفه‌ی حوزه‌هاست که به این امور لازم بپردازند.
حوزه: اگر ممکن است، فهرست آن موضوعات را برای استفاده خوانندگان مجله بفرمایید.
- موضوعات، چنانکه گفتم، در سه بخش: فقهی، اصولی و اقتصادی بود، بدین شرح:
فقهی:
1. بررسی تحلیلی «تغریرات» و اختیارات دولت اسلامی در این رابطه.
2. نگرش فقهی به مسأله «حفظ و سلامت محیط زیست».
3. بررسی فقهی مسأله «کنترل جمعیت و موالید» و حدود و اختیارات دولت اسلامی.
4. حدود اختیارات ولی فقیه.
5. برسی تحلیلی«قوانین مدنی» - عام و خاص - در فقه اسلامی.
6. بررسی مسائل مستحدثه حج.
7. بررسی مسائل مستحدثه‌ی قضا.
8. بررسی تحلیلی آراء و انظار امام خمینی و سیر تحولات این دیدگاهها. (به عنوان اولین ولی فقیه که موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند».
9. هنرهای تجسمی: مجسمه‌سازی، معماری و...
10. هنرهای تصویری: فیلم، عکس و...
11. بررسی فقهی مسأله «حجاب». (با عنایت به ضرورت احیای چادر که از ارزشهای اسلامی و ملی در کشور ماست).
12. بررسی فقهی معضلات و تنگناهای پزشکی: پیوند اعضاء خرید و فروش اعضاء و خون، تلقیح مصنوعی، جلوگیری از بارداری و...
13. فقه سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی.
14. فقه دفاع و امور نظامی.
15. بررسی تحلیلی «موسیقی و غنا». (با عنایت به آراء سهل‌انگارانه‌ایکه بعضا در این باب ارائه می‌شود).
موضوعات اقتصادی:

1. بررسی معاملات ارزی.
2. بررسی و تحلیل بورس اوراق بهادار.
3. کنترل و نظارت بر قیمتها و حدود اختیارات نظام اسلامی.
4. بررسی مالیات و خودیاری‌ها و اختیارات نظام اسلامی.
5. تحلیل محدوده‌ی نظام مالکیت فردی و حل تعارضات آن با مالکیت دولت.
6. بررسی معضلات و اشکالات وارده بر بانکداری اسلامی.
7. نگرش فقهی به مسأله زمین.
8. تجارت خارجی و جایگاه آن در فقه اسلامی.
9. بررسی انفال و ثروت‌های عمومی ملی و شؤون و اختیارات دولت اسلامی در رابطه با آن.
10. بازنگری فقهی باب مزارعه.
11. بازنگری فقهی باب مضاربه.
12. بازنگری فقهی باب اجاره.
13. بازنگری فقهی باب رهن.
14. قواعد اصولی و کلی در باب معاملات.
15. بررسی روابط کارگر و کارفرما.

موضوعات اصولی:

1. تکلیف مدرکات حقیقی و اعتباری «حقایق و اعتباریات» در علم اصول و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه استنباط فقهی.
2.جایگاه «عرف» در علم اصول و ارزش آن در دستیابی به قوانین فقهی.
3. تنقیح مناط و محدوده‌ی ارزشی آن در فقه.
4. بررسی تحلیلی عناصر مکان و زمان در اجتهاد.
5. کاربرد و تأثیرات فلسفه در علم اصول.
6. کاربرد و تأثیرات منطق در علم اصول.
7. کاربرد و تأثیرات نحو در علم اصول.
8. بررسی تحلیلی سیره‌ی مسلمانان و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی.
9. تفکیک اوامر ولایی و تبلیغی معصومین و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه‌ی استنباط فقهی.
10. نگرش روش شناسانه «حجیت ظهور» و بررسی شیوه‌های استظهار و ارزش این شیوه‌ها در استنباط.
11. سیر تاریخی علم اصول و بررسی بالندگی و رکود آن در بستر تاریخ.
12. بررسی و شناخت مذاق شریعت و روح فقه و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی. (روح فقه، عبارت است از نظریه‌های عملی و اصولی که ساختار زیربنایی قوانین فقهی را شکل می‌دهد و به تعبیر دیگر

زیربناهای فقهی، که منشاء احکام فقهی می‌شود و فقیه در موارد سکوت ادله، یا تناقض و یا ابهام و تنافی آن، به آنها استناد می‌کند.)
13. جایگاه بنای عقلاء و ارزش آن، در دستیابی به قوانین فقهی.
14. میزان کاربرد عملی علم اصول در فقه (این که در کتابهای فقهی، حقیقتا، به چه میزان از علم اصول بهره‌برداری می‌شود.)
15. تفکیک و تعیین مباحث کم فایده و بی‌ثمر در علم اصول.
حوزه: در جهت اصلاح وضعیت اخلاقی حوزه، چه پیشنهادی دارید.
- پیشنهادی به مدرسان و گردانندگان حوزه دارم و توصیه‌ای به طلاب عزیز.
پیشنهادم این است که درس اخلاق را در حوزه زیاد کنند. یکی از بزرگان می‌گفت:
«در زمان مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی در حوزه‌ی نجف، سی درس اخلاق بود.» در حوزه ما، حداقل، اکنون باید سی درس اخلاق باشد. البته کسانی که می‌خواهند درس اخلاق بگویند، باید افراد مهذبی باشند که بحمدالله چنین افرادی هستند در حوزه.
مدرسانی که درس فقه و اصول و ادبیات می‌گویند، می‌توانند در ضمن بحث‌ها، نکات اخلاقی را یادآور شوند و حداقل، یک روز در هفته را به تذکرات اخلاقی اختصاص بدهند، چنانکه روش برخی از بزرگان ما بوده است.
سفارشی هم به طلبه‌ها دارم. از اینان می‌خواهم که به اخلاق و تهذیب نفس، اهمیت بدهند. کتابهای اخلاقی را زیاد بخوانند. قرآن را، با این نگاه، زیاد بخوانند. اصول کافی، بخصوص جلد دوم آن، روایات مفیدی را مرحوم کلینی دسته‌بندی کرده است.
این را بدانید که علم بدون تهذیب نفس، ضررش، بیش از نفعش است. حجابی می‌شود که خدای نکرده، انسان را به انحراف می‌کشاند.
حوزه: از حضرت عالی، اخیرا اثری منتشر شده به نام «دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمة العملیة» لطفا بفرمایید به چه انگیزه‌ای دست به نگارش آن زدید و چه خلأی احساس می‌کردید.
- برخی از مباحث اخلاقی که پس از انقلاب اسلامی، در نهادها و ارگانها داشته‌ام، به صورت موضوعی و مجموعه‌ای چاپ شده است که به بیش از بیست جلد می‌رسد. با اینکه گفتار بوده و تبدیل گفتار به نوشتار، نواقصی را، خواه ناخواه، در پی دارد، ولی مورد استقبال واقع شده، به گونه‌ای که برخی از آنها، تیراژ بسیار بالایی دارد. از این روی احساس کردم، جامعه به این گونه آثار نیاز دارد. از سویی، آثار مکتوب در اخلاق، کم داریم و آنها هم، کمبودهایی دارند. مثلا، «احیاءالعلوم» نوشته غزالی، ام‌الکتب در اخلاق است. این اثر، با اینکه اثری است ارزشمند، ولی نواقصی دارد، هم در

محتوا و هم در روش.
مرحوم فیض، زحمت کشید و این کتاب را خلاصه کرد و روایات اهل بیت را بدان افزود، با این حال «محجة البیضاء» نیز، خالی از اشکال نیست. زیرا هر چه باشد، تهذیب و تصحیح همان «احیاءالعلوم» است.
من، تعجب می‌کنم که چرا مرحوم فیض، با آن همه توانایی علمی، اثری مستقل در اخلاق، ننگاشت.
بعدها مرحوم نراقی، جامع السعادات را نگاشت. این اثر هم، متأثر از احیاءالعلوم غزالی است. از این روی، وقتی به بحثهای سنگین و ظریف اخلاقی می‌رسد، از آنچه در «احیاءالعلوم» تجاوز نمی‌کند. و ضمنا متأثر از اخلاق ارسطویی و یونانی هم هست.
معراج السعادة هم، تلخیص و ترجمه جامع السعادات است به اضافه‌ی برخی از اشعار فارسی.
دیدم کتاب اخلاقی متکی بر ثقلین (کتاب و عترت) که از متن دین استخراج شده باشد، کم است. به این نکته توجه اساسی کرده‌ام که علم اخلاق باید دلربا و دل‌انگیز باشد و اگر قرار شد علم اخلاق را با مصطلحات و انقسامات فلسفی مخطوط کنیم و همان شیوه‌ی یونانی و ارسطویی را در این علم دنبال کنیم، همان طوری که ابن‌مسکویه در «طهارة الاعراق» و خواجه نصیر در بعض کتابهایش و نراقی در «جامع السعادات» و دیگران کرده‌اند، کام هیچ خواننده‌ای شیرین نخواهد شد و اثر لازم را در دل سالکان نخواهد گذارد و به عکس اگر اخلاق از متن دین، یعنی از دل کتاب و سنت که سرشار از معارف عمیق اخلاقی هستند، استخراج شود، بی‌هیچ تردید آن طراوت و حلاوت لازم را پیدا خواهد کرد و عقیم نخواهد ماند. از خداوند متعال، خواستم توفیق دهد، تا بتوانم، اثری در اخلاق، با تکیه بر قرآن و عترت، بنویسم.
ابتدا تصمیم داشتم، گروهی تشکیل بدهم و چندین جلد اخلاق به زبان فارسی، با استفاده از دیگر علوم وابسته، بنویسم، ولی مقدر نشد. از این روی تصمیم گرفتم، به زبان عربی بنویسم، اگر مورد قبول افتاد، دیگران آن را ترجمه کنند، تعلیقه بزنند و اشکالاتش را برطرف سازند.
تاکنون، یک جلد آن چاپ شده، مجلدات دیگر نیز، در دست اقدام است. به نظر خودم، آن چه می‌خواستم، موفق شده‌ام، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.
حوزه: حضرت عالی تألیفات دیگری هم دارید، درباره‌ی آنها توضیح بفرمایید.
- در فقه و اصول، هم تألیف دارم و هم تقریر. از حضرت امام، آیة الله العظمی بروجردی و آیة الله العظمی داماد تقریرات بسیاری در فقه و اصول نوشته‌ام.-

حوزه: در پایان، تقاضا داریم، توصیه‌ای برای ما و خوانندگان مجله بفرمایید.
- به جای این که خود توصیه کنم، در توصیه، از دو استاد بزرگوار خود، حضرت امام و علامه طباطبایی، برای شما نقل می‌کنم:
اوایل پیروزی انقلاب، روزی خدمت امام بودیم. گروهی از شرکت نفت، برای ملاقات و بیعت با رهبری، خدمت امام آمده بودند. سخنگوی آنان، خیلی خوب، صحبت کرد. از جمله گفت:
«آقا! نیامده‌ایم بگوییم از انقلاب، چه می‌خواهیم آمده‌ایم بگوییم انقلاب، از ما چه می‌خواهد».
امام، از این سخن، بسیار خوشش آمد و برافروخته شد. آن گاه در پاسخ این عزیزان فرمود:
«انقلاب، از شما، دو چیز می‌خواهد:
یکی تهذیب نفس. چون اگر انسان، مهذب نباشد، نمی‌تواند برای انسانیت و جامعه‌اش، مفید باشد. خودگرا و خودمحور می‌شود آن گاه، هم خود بیچاره می‌شود و هم دیگران را بیچاره می‌کند. هر چه پست و مقام، بالاتر باشد، ضررش بیشتر خواهد شد. دومین چیزی که انقلاب از شما می‌خواهد، عمل به وظیفه است. هر کس، هر جا که هست آن چه را که وظیفه‌ی اوست، خوب انجام دهد.»
راستی اگر، همه‌ی ما، این دو توصیه حضرت امام را عمل می‌کردیم، خیلی پیشرفت ما بیشتر بود.
متأسفانه، این چند ساله، هر ضربه‌ای که خورده‌ایم، یا به خاطر این بوده است که خودساخته نبوده‌ایم، یا این که در عمل به وظیفه، کوتاهی کرده‌ایم.
من، این توصیه امام را تکرار می‌کنم که ما در این نظام مقدس و این نعمت بزرگ الهی، دو وظیفه داریم:
1. تهذیب نفس.
2. عمل به وظیفه.
اما توصیه‌ای از مرحوم علامه طباطبائی: آخرین جلسه‌ای بود که با گروهی از بزرگان، خدمت ایشان رفتیم. حال ایشان، خوب نبود. به احترام جمع، نشست، ولی حرف نمی‌زد. جلسه، طول کشید. بنده به ایشان عرض کردم، توصیه‌ای بفرمایید، تا مرخص شویم. ایشان فرمود: «چیزی یادم نیست» بعد، بلافاصله فرمود:
«این آیه، یادم آمد: اذکرونی، اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون».
بعد از آن جلسه، حال ایشان بد می‌شود و ایشان را به بیمارستان می‌برند. لحظات آخر عمر شریف بود که به ملاقات ایشان رفتیم. ما که از اتاق آمدیم بیرون، از قول خانم ایشان نقل کردند:
«لحظه‌ی مرگ، ایشان چشمها را باز کردند و به گوشه‌ای خیر شدند. آن

گاه، سه مرتبه فرمودند: توجه! توجه! توجه و از دنیا رفتند.»
این آخرین جمله ایشان، با آن آخرین، توصیه‌ی ایشان، هر دو، برای ما، یک پیام دارد که به یاد خدا باشید، همه ما، در محضر خداییم. توجه به نعمتهای خدا، توجه به این که ما در این دنیا، باید به کمال برسیم. توجه به این که قبری هست، برزخی هست، معادی هست.
مرحوم شهید، در دستورالعمل اخلاقی خود، توصیه می‌فرماید:
«انسان، در هر روز، حداقل، باید دو مرتبه به یاد مرگ باشد.»
توجه به این که ما ساخته شده‌ایم که در رفاه مطلق و لذت مطلق باشیم.
هر کسی به اندازه‌ی سعه وجودی خود.
یکی لذت مطلقش، در «جنات تجری من تحت الانهار» است.
و یکی در صحبت کردن خدا با او «سلام قولا من رب رحیم». مباد که این لذتها را از یاد ببریم و فرو رویم در لذت‌های زودگذر دنیا اگر لذت باشند و بشود اسم لذت روی آنها گذارد.
این جمله علامه، خیلی مهم است: توجه.
از خداوند می‌خواهم، این حال توجه را به همه‌ی ما عطا کند.
حوزه: از این که مزاحم وقت شریف حضرت عالی شدیم، پوزش می‌طلبیم و از حضرت عالی، به خاطر این لطف، سپاسگزاریم.
- من هم از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم آنچه گفتم، مورد رضایت حضرت ولی عصر (عج) و مورد توجه شما واقع شود و اگر وقت شما را گرفتم، گفته‌هایم مفید باشند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

مظاهری، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ مرتضی مظاهری نجفی از علماء معاصر اصفهان صاحب تألیفات عدیده میباشند، خلاصه ترجمه ایشان چنانچه در اول کتاب مقتبس الیاقوت اوست از این قرار است:
معظم‌له در شب دوشنبه دوم ماه جمادی‌الاولی 1316 ق از یک پدر و مادر اصیل و نجیب و ریشه‌دار متولد شده مرحوم والدش آقا محمد حسن مظاهری از اشراف و اخیار بودند و در کربلاء معلی وفات نموده و در وادی ایمن مدفون شدند در تاریخ 25 محرم الحرام 1350 و والده ماجده‌اش از صالحات قائنات و بیوت عالیه بوده‌اند وی در چنین بیتی و حجر چنین پدر و مادری تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در اصفهان نزد جماعتی از علماء اعلام مانند حاج شیخ محمد حسین فشارکی و حاج سید ابوالقاسم دهکردی و آخوند ملا عبدالکریم جزی و آیه‌الله حاج میر محمد صادق احمدآبادی و غیرهم آموخته و در سال 1340 ق مهاجرت بنجف اشرف نموده و از مراجع عظام آن سامان چون آیه‌الله العظمی السید ابوالحسن اصفهان و آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه‌الله السید ابوتراب خونساری و حاج شیخ جواد بلاغی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال و مراتب اجتهاد ارتقاء یافته آنگاه باصفهان مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی پرداخته و در مسجد شیخ لطف‌الله که از مساجد معروف اصفهانست اقامه جماعت می‌نمود.
آثار و تألیفات ارزنده آنجناب از این قرار است:
1- نهایه‌المأمول در شرح کفایه‌الاصول در 2 جلد. 2- رسائل استدلالیه در مسائل الفقهیه که 14 رساله است بدین کیفیت: (1- رساله در عدالت 2- رساله در وضوء 3- رساله در احکام صلح 4- رساله در مکاسب محرمه 5- رساله در خلل صلوه 6- رساله در خیار بیع 7- رساله در احکام بیع 8- رساله در قضاء و شهادات 9- رساله در حکم لباس مشکوک 10- رساله در احکام غصب 11- رساله در حکم کسیکه بمیرد و بر او دین باشد 12- رساله در منجزات مریض 13- رساله در احکام ستر و ساتر 14- رساله در احکام شکوک در نماز 15- رساله در حکم بیع صاع من صبره 16- رساله در علم درایه و رجال)
3- کتاب المعارف الرجالیه در مقدمات علم رجال.
4- کتاب الفوائد الغرویه در متفرقات.

5- کتاب مقتبس الیاقوت در فضل سکوت
6- کتاب الحجه علی ذوی النهی فی حرمه حلق اللحی.
7- نصیحت نامه
8- کتاب آداب الدعا و منتخب الادعیه
9- تقویم شرعی
10- قلع‌الغیبه
11- احسن اللغه.
سوانح و خاطرات عبرت‌آمیز علامه مظاهری
خاطرات زندگانی معظم‌له بسیار است و ما برای تنبه و تذکر بعضی از آنرا اشاره میکنیم:
1- شفاء یافتن ایشان از مرض شدید العلاجی که همه مأیوس از حیات ایشان بودند و خداوند بدون وسائل عادی شفا داد.
2- خراب شدن سقف و دیوار بر روی ایشان که هرکس شنید یقین کرد بفوت ایشان و خداوند او را حفظ نمود از هلاکت و بسلامت بیرون آوردند.
3- غرق شدن در دریا سه مرتبه و نجات دادن خداوند او را از مرگ به لطف خودش.
4- تشرف ایشان بمکه معظمه کرارا بدون وسائل عادی و لوازم ظاهری.
(1410 -1316 ق)، عالم دینی و فقیه. در خانواده‌ی علم و تقوا به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در اصفهان از شیخ محمدحسین فشارکی و سید ابوالقاسم دهکردی و آخوند ملا عبدالکریم جزی و آیت‌اللّه میر محمدصادق احمدآبادی و دیگر علما فراگرفت. در 1340 ق به نجف رفت و در محضر آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه سید ابوتراب خوانساری و آیت‌اللّه شیخ جواد بلاغی تلمذ نمود تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. آنگاه به اصفهان بازگشت و عهده‌دار امور دینی گردید و در مسجد شیخ لطف‌اللّه به اقامه‌ی جماعت پرداخت. از آثارش: «نهایة المامول»، در شرح «کفایة الاصول»؛ «رسائل استدلالیه»، در مسائل فقهی، در چهارده رساله، شامل: رساله‌ی «عدالت»، رساله‌ی «قضاء و شهادات»، رساله‌ی «احکام غصب» و...؛ «المعارف الرجالیة»، در مقدمات علم رجال؛ «الفوائد الغرویة»، در متفرقات؛ «مقتبس الیاقوت»، در فضیلت سکوت؛ «آداب الدعاء و منتخب الادعیة»؛ «قلع الغیبة»؛ «احسن اللغة»؛ «تقویم شرعی».[1]
عالم دینی.
تولد: 1277(2 جمادی‌الاولی 1316 ق.)، اصفهان.
درگذشت: 19 تیر 1368، اصفهان.
آیت‌الله مرتضی مظاهری نجفی، فرزند محمدحسن مظاهری، مقدمات و سطوح را در اصفهان نزد محمد حسین فشارکی و سید ابوالقاسم دهکردی

و ملا عبدالکریم جزی و آیت‌الله سید محمدصادق احمدآبادی و اساتید دیگر آموخت و در سال 1340 ق. به نجف مهاجرت نمود و از مراجع عظام آن حوزه چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله نایینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری و آیت‌الله محمدجواد بلاغی استفاده نمود تا به مرحله‌ی اجتهاد ارتقا یافت. آنگاه به اصفهان آمد و در مسجد شیخ لطف‌الله اقامه‌ی جماعت می‌نمود. آثار ایشان به این شرح هستند: نمایة المأمول در شرح کفایة الاصول در دو جلد ؛ رسائل استدلالیه در مسائل الفقیه (رسائلی به این شرح: رساله عدالت، رساله در احکام صلح؛ رساله در مکاسب محرمه؛ رساله در خلل صلوة رساله در خیار بیع؛ رساله در احکام بیع؛ رساله در قضاء و شهادات؛ رساله در حکم لباس مشکوک؛ رساله در احکام غصب؛ رساله در حکم کسی که بمیرد و بر او دین باشد؛ رساله در منجزات مریض؛ رساله در احکام ستر و ساتر؛ رساله در احکام شکوک در نماز؛ رساله در حکم بیع صاع من صبره؛ رساله در علم درایه و رجال)؛ کتاب المعارف الرجالی در مقدمات علم رجال؛ کتاب الفوائد العزریه در متفرقات؛ کتاب مقتبس الیاقوت در فضل سکوت؛ کتاب الحجة علی ذوی النهی فی حرمة حلق اللحی؛ نصیحت‌نامه؛ تقویم شرعی؛ قلع الغیبة؛ احسن اللغة.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 6، ش 4، ص 44)، گنجینه‌ی دانشمندان (109 -107/ 3).

معتمد خراسانی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1379 -1296 ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، نویسنده و واعظ. در محله‌ی پایین خیابان مشهد به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. ادبیات را از محضر محقق نوغانی و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و سطح فقه و اصول را از آیت‌اللّه شیخ کاظم دامغانی و آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه شیخ مجتبی تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ حسن طبرسی و آیت‌اللّه میرزا علی‌اکبر نوغانی و خارج اصول را در حوزه درس آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده‌ی کفایی گذراند و در درس معارف از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود و معقول را نزد آقا بزرگ حکیم و فرزندش میرزا مهدی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و از درس آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و از آنان به دریافت اجازه نایل آمد. سپس به تهران بازگشت و در مدرسه مروی سکنی گزید و از طرف آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی عهده‌دار رسیدگی به امور کتابخانه‌ی مدرسه گردید. او از این زمان به تألیف رسالات پرداخت و همزمان به وعظ و خطابه نیز مشغول شد. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: «خورشید تابان در نبوت قرآن»، در علم و ادب و تاریخ و اجتماع؛ «اسلام شناسی»؛ «تاریخ ادوار اسلام»، شامل سه دوره: «از بعثت تا آخر تشریع قوانین»، «عهد خلفا و اجرای قوانین» و «عهد بنی‌امیه و انحراف از دین تا قیام امام حسین (ع)»؛ «حکومت عباسیان در پیشگاه تاریخ»؛ «فلسفه غیبت امام زمان (عج)»؛ «شرح دعای ابوحمزه ثمالی»؛ «مبدأ و معاد»؛ «اخلاق در مکتب اهل‌بیت (ع)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1307/ 1)، مبدا و معاد (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (614/ 1).

معراجی گوگدی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی گوگدی که ابناء و احفادش ملقب به معراجی می‌باشند از بزرگان دانشمندان گلپایگان بوده که پس از خاتمه تحصیلات و نیل به مرتبه شامخ اجتهاد سالها در گوگد گلپایگان بوده که مسقط الراس وی بوده مصدر امورات شرعیه بوده و سپس به اراک هجرت فرموده و با اینکه در اواخر عمر نابینا شده بود باز هم به تدریس ادامه می‌داد و تشنگان علم و فقاهت را با بیان شیوا شاداب و سیراب می‌نموده و در موقعیکه آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حاثری حوزه اراک را تشکیل و تأسیس فرمودند.
این مرد بزرگ در اراک بوده و آیت‌اللّه حائری از ایشان کاملا احترام می‌نموده و مباحثاتی با آیت‌اللّه حائری داشت که مشهور است.
پس از رحلت و وفات جنازه‌اش حمل به قم شده و در قبرستان نو در حجره که مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمد سعید مدفون است به خاک سپرده شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

معرفت، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1300.
درگذشت: 1366.
مرتضی معرفت کتابی در اصول فقه به نام انوار معرفت تعریف منابع فقه (اصفهان، 1374) منتشر کرد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معزالدوله‌ای، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ مهدی بن العالم الکامل و الفقیه العامل آیت‌اللّٰه حاج شیخ باقر بن العالم الجلیل الشیخ محمد رفیع تهرانی از مشاهیر علماء معاصر تهران است که بزیور علم و عمل و تقوا و ورع آراسته و موصوف و متصف میباشد والد مرحومش آیت‌اللّٰه حاج شیخ باقر تهرانی عالمی جلیل و دانشمندی ادیب و مرجع امور در تهران و مورد وثوق عموم مردم بود و در مدرسه مروی تدریس می‌نمود و عده‌ای از بزرگان دانشمندان تهران چون علامه رجالی حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب (الذریعه الی تصانیف الشیعه) و آیت‌اللّٰه سعید تهرانی و صدها نفر دیگر از علماء بزرگ خدمت او تلمذ نموده‌اند. و او از شاگردان مرحوم علامه کبیر میرزا محمدحسن آشتیانی بوده و مسجدی در خیابان (نایب السلطنه) تهران برای او بنا نمودند و در آن اقامه جماعت نموده و در منزلش فصل دعاوی و خصومات می‌نمود. در تهران وفات نمود و جنازه او را در قبرستان (چهارده معصوم) که اکنون بنام کوی شاه معروف است در جنب قبر سید جلیل و فقه نبیل عالم ربانی آیت‌اللّٰه آقا سید عبدالکریم لاهیجی بنابر وصیتش دفن نمودند.
مترجم معظم ما جدا از علماء وارسته و دارای ملکات فاضله و حسن اخلاق و غیور در دین و متعصب در ولایت و مروج معارف اهلبیت عصمت علیهم‌السلام و مربی اخلاق و مزکی نفوس است در مسجد مرحوم والدش اقامه جماعت و ترویج احکام دین نموده و مردم را بسوی آل‌محمد علیهم‌السلام ارشاد و هدایت نموده و با بدعت‌ها شدیدا مبارزه می‌کند و حال بسیار عجیبی در بکاء و ابکاء مردم دارد روزهای جمعه و کلیه ایام مذهبی از وفیات و اعیاد دینی در مسجد و منزلش مجلس تبلیغ دین دارد و غالبا خودش با بیانات نافذ و مؤثر خود حاضرین را منقلب نموده و تحت تأثیر قرار میدهد.
فرزندان فاضل و دانشمندی دارد که سالها در قم از محضر اساتید و آیات حوزه بهره‌مند شده و در شمار فضلاء معاصر گردیده‌اند و آنها از این قرارند:
1- حجةالاسلام آقای آقا میرزا عبدالعلی معزالدوله تهرانی
2- حجةالاسلام آقای آقا شیخ هادی معزالدوله تهرانی
3- حجةالاسلام آقای آقا شیخ حسین معزالدوله تهرانی

4- حجةالاسلام آقای آقا شیخ حسن معزالدوله تهرانی
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

معزی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(معروف به پشمی) فرزند محمّد حسن.
عالم فاضل، در نجف اشرف در خدمت آخوند خراسانی و آقا شیخ هادی طهرانی تلمّذ فرموده، و پس از نیل به مقامات عالیه علم و اجتهاد به اصفهان مراجعت نموده، سالها در خدمت مرحوم آخوند فشارکی به فصل خصومات و افتا اشتغال داشته، و پس از فوت ایشان در مسجد سلام امامت، و در مدرسه ی نوریّه تدریس می‌فرمود، و در شب جمعه 23 ماه سال 1363 به سنّ 75 سالگی وفات یافته، در تکیه کازرونی مدفون گردید.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- اصول الایمان 2- تقریرات اصولی استادش آخوند خراسانی 3- شانزده رساله در مباحث مختلفه فقه و اصول 4- شرح بر کفایه ی خراسانی 5- قضایای غریبه و عجیبه 6- مجالس الموحّدین؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

معزی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا بن العالم الجلیل الشیخ محمدجواد بن العالم الفقیه الشیخ محسن برادرزاده (صاحب مقابیس) معزی دزفولی از اعاظم علماء امامیه و فقهاء اثنی عشریه حاوی فروع و اصول و مدرسی عظیم‌الشأن و مقتدائی جلیل‌القدر و مرجع بسیاری از مردم خوزستان بوده است.
وی علاوه بر مراتب علمیه‌اش در اصول سیاست نیز یگانه عصر خویش بوده و در دزفول مدرسه علمیه بنا نهاده و مردانی باتقوا و فضیلت تحویل اجتماع داده است.
معظم له از محضر عموی گرامش آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدطاهر بن شیخ محسن و علامه خراسانی صاحب (کفایه) استفاده نموده و از آنان اجازه داشته و خود به جماعتی از علماء خوزستان اجازه داده است.
او در هفتم ماه رجب 1352 قمری در بروجرد از دنیا رفته و در جوار امامزاده ابوالحسن آن شهر مدفون گردید از تألیفات اوست حاشیه بر مکاسب بنام فیض الباری و حاشیه بر رسائل و غیر آن.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

معزی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی بن آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین معزی از مجتهدین و مراجع معاصر دزفول می‌باشد و رساله عملیه ایشان در چند سال قبل به طبع رسیده است وی از بیت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا معزی سابق‌الذکر می‌باشد والد ماجدش مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین بن آیت‌اللّه حاج شیخ محمدطاهر بن شیخ محسن بن شیخ اسماعیل نیز از علماء و مراجع دزفول بوده‌اند. مترجم معظم ما در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات قسمتی از متون فقه و اصول را از مرحوم والدش و علماء دیگر آموخته آنگاه مشرف به عتبات عالیات شده و سالها از محاضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به زادگاه مراجعت و به انجام وظائف دینی و روحی تاکنون اشتغال دارند مورد توجه مردم خوزستان و بالاخص دزفول و شوشتر می‌باشند ادام اللّه ظله و توفیقه
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

معصومی اصفهانی، ابوعبداللَّه محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 450 ق)، فقیه، طبیب، فیلسوف و حکیم. وی در اصفهان به دنیا آمد. از شاگردان برجسته‌ی ابن‌سینا و در حکمت و فلسفه مشهور بود. ابن‌سینا وی را به تمامی شاگردانش ترجیح می‌داد و درباره‌ی او می‌گفت: نسبت معصومی به من به منزله‌ی نسبت ارسطو است به افلاطون، و رساله‌ی «العشق» خود را به نام معصومی و به خواهش او تألیف کرد و در آغاز کتاب او را ابوعبداللّه الفقیه معصومی نامید. وی پس از درگذشت ابن‌سینا سالها به تدریس پرداخت. سال وفات وی را در حدود 460 ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: کتاب «المفارقات و اعداد العقول و الافلاک و ترتیب المبدعات» یا «رسالة فی اثبات المفارقات» که گفته‌اند این کتاب معشوق حکما بوده است؛ «حفظ الصحة»، در طب؛ شرح «کلمات متقدمین».[1]
ابوعبداللّه محمد بن احمد المعصومی یکی از شاگردان ابن‌سینا است. ابوعلی سینا رسالةالعشق خود را به اسم این شاگرد و به خواهش او نوشت. وفات او را بعضی در ری دانسته‌اند و گفته‌اند به حکم محمود کشته شد. از تألیفات مهم او یکی «کتاب المفارقات و اعداد العقول والافلاک و ترتیب المبدعات» یا رساله‌ی «فی اثبات المفارقات» که در قرون پنجم و ششم هجری شهرت بسیار داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (103/ 7)، تاریخ ادبیات در ایران (319/ 1)، تاریخ طب (692 -691/ 2)، ریحانه (345 -344/ 5)، لغت نامه (ذیل/ ابوعبداللّه)، نامه‌ی دانشوران (226 -165/ 6).

معصومی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد علی بن آیه‌الله آقا شیخ سلیمان معصومی بهبهانی سبط مرحوم آیه‌الله آخوند ملا حسن بهبهانی معاصر علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری- ره- از آیات عظام و حجج اسلام بهبهان بوده است.
مرحوم والدش شیخ سلیمان که از شاگردان مبرز شیخ انصاری بوده بقصد دیدار ارحام خود از نجف بایران آمده و وارد بندر دیلم میشود اهالی آنجا تقاضا میکنند که در دیلم توقف فرماید پس اجابت نموده و خانواده را از نجف طلبیده و در سال 1288 ق مرحوم آیه‌الله معصومی متولد میگردند.
پس از چندی مرحوم آقا شیخ سلیمان از دیلم منتقل به بهبهان گردیده و به تربیت و پرورش فرزند برومند مذکور خود کوشیده تا سن 14 سالگی شروع بتحصیل مقدمات نموده و خدمت والد خود و مرحوم آقا میرزا حسن و آخوند ملا محمد تقی بهبهانی سطوح را بپایان رسانیده و در سن سی سالگی بدرجه اجتهاد نائل و در سال 1318 ق مهاجرت بنجف اشرف نموده و از مراجع وقت بالاخص مرحوم علامه حاج شیخ هادی تهرانی و فاضل شربیانی و علامه حاج شیخ محمد کاظم یزدی و علامه خراسانی صاحب کفایه و دیگران استفاده کامل نموده و عموما مراتب اجتهاد وی را تصدیق فرموده تا سال 1322 قمری پس از فوت مرحوم آقا شیخ هادی تهرانی از نجف اشرف مراجعت به بهبهان نموده و بتدریس و ترویج دین پرداخته تا سال 1320 ق که والدش برحمت ایزدی پیوسته معظم‌له مستقیما بجای ایشان بانجام وظائف میپردازد.
در سال 1332 ق که جنگ بین‌المللی اول بود و از طرف مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد کاظم یزدی حکم دفاع از ممالک اسلامی بمسلمین داده شده بود آیه‌الله معصومی هم موافقت نموده و با یکعده از مردم مسلمان که مقلد و تابع ایشان بودند از طریق رامهرمز بقصد بصره حرکت ولی در نزدیکی اهواز مطلع میشوند که مسلمین در بصره شکست خورده‌اند به بهبهان مراجعت و پس از چندی غائله بوشهر را می شنوند که آیه‌الله حاج شیخ جعفر محلاتی از شیراز عازم بوشهر شده‌اند آن مرحوم هم از بهبهان بطرف برازجان و کازرون حرکت مینماید که جریان وقایع آن مرحوم در کتاب فارس و جنگ بین‌المللی و غیره مسطور است.
آثار و تألیفات آن مرحوم از این قرار است: 1- قواعد الامامیه که مشتمل بر غوامض مسائل است. 2- مواعظ الجمعات در دو جلد 3- کتاب متفرقات

4- مناسک حج 5- انیس المهموم 6- حواشی زیادی بر شرح لمعه و جواهر و جامع عباسی و نجات العباد.
خلاصه پس از مسافرتهای عدیده بخراسان و اراک و اصفهان و شیراز و اعتاب عالیات که در مقدمه کتاب انیس المهموم مطبوع مذکور است در سال 1371 قمری مریض و بتهران حرکت و در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری بستری و بعد از بهبودی مراجعت به بهبهان نموده و در پنجم ماه صفر 1372 ق در سن 84 سالگی دعوت حق را اجابت و در جنب قبر مرحوم والدش آیه‌الله آقا شیخ سلیمان معصومی مدفون میشود.
خاطره نگارنده از آن مرحوم
در محرم سال مزبور بود که حقیر برای تبلیغ بخرمشهر رفتم و مدت یکماه در آنجا اقامت و اشتغال داشتم که مردم شرافتمند بهبهان مطلع شده و برای ماه صفر دعوت نمودند که به بهبهان بروم پس اول ماه صفر بآنجا رفته و یکی از سادات محترم و اشراف آنجا بملاقاتم آمده و اظهار کردند آیه‌الله معصومی مریض مقتضی است که از ایشان عیادت کنید پس باتفاق ایشان بمنزل معظم‌له رفتم و بعد از مدتی فرزند ارجمندشان گفتند آقا جان آقای رازی آمده‌اند پس تبسمی کرده و فرمودند آقای رازی که در موقع فوت مرحوم ناظم‌الشریعه بودند؟ گفت بلی پس ایشان گفتند الحمدلله و فرمودند بفرزندشان جنازه من باید در تحت نظر آقای رازی تجهیز گردد و همان شب رحلت نموده و حسب‌الوصیه ایشان امر تغسیل و تجهیز آن مرحوم به این نگارنده محول گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مفتح، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام و زبده الفضلاء الاعلام آقای حاج شیخ محمد مفتح همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان و اساتید ممتاز حوزه علمیه قم است در تهران.
وی در همدان متولد شده و پس از دوران تحصیل جدید و خواندن مقدمات و ادبیات در همدان به قم مهاجرت نموده و سطح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندین سال از محضر و دراسات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و تقریرات آنان را به رشته تحریر درآورده و معقول و تفسیر را هم از علامه شهیر استاد طباطبائی آموخته و ضمنا به تدریس سطوح عالی فقه و اصول اشتغال داشته و در ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر به تهران و مناطق دیگر برای تبلیغ طبق دعوت قبلی مسافرت و از راه منبر و سخنرانی خدمات شایانی نموده است.
و اکنون در تهران به تدریس در دانشگاه و تبلیغ و تالیف کتب مفیده و اقامه جماعت اشتغال و آثار مطبوعی دارند که مورد استفاده فضلاء و محصلین می‌باشد.
استاد، محقق، فیلسوف، فقیه.
تولد: 1307، همدان.
درگذشت: 27 آذر 1358، تهران.
آیت‌الله دکتر محمد مفتح، فرزند شیخ محمود از مدرسان فارسی و عربی در حوزه‌ی علمیه‌ی همدان، پس از آن که مقدمات علوم عربی و فقه و بخشی از منطق را نزد پدر و اساتید حوزه همدان و در محضر آخوند علی همدانی آموخت در سال 1322 به قم مهاجرت کرد و در حجره‌ای در مدرسه دارالشفاء اقامت گزید. در آنجا رسائل و مکاسب و کفایه را در طول سال‌های 1342 -1322 نزد امام خمینی (ره)، آیت‌الله کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبائی آیت‌الله مجاهد تبریزی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی فراگرفت، عرفان و دروس خارج فقه و اصول را نیز در عالی‌ترین سطح نزد امام خمینی تلمذ نمود. در کنار فراگیری علوم دینی، در دانشگاه نیز به تحصیل مشغول شد و در حالی که در سطوح عالیه‌ی فقه و اصول را می گذراند موفق شد در رشته‌ی فسلفه‌ی به اخذ

درجه دکتری نایل آید. پایان نامه‌ی وی در مقطع دکتری تحقیقی درباره‌ی نهج‌البلاغه بود. آنگاه شروع به تدریس کتاب منظومه حاج ملا هادی سبزواری پرداخت.
آیت‌الله محمد مفتح با همکاری آیت‌الله دکتر سید محمدحسین بهشتی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای اقدام به تأسیس کانون دانش‌آموزان و فرهنگیان در قم نمود که اولین مجمتع اسلامی پر تحرک بود. آیت‌الله مفتح در روزهایی که امام خمینی در تبعید بود برای حفظ و اداره‌ی حوزه‌ی عملیه بنیان جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم را نهاد. دکتر مفتح هنگامی که امام خمینی در عراق به سر می‌برد و نیز وقتی که به پاریس رفت، با ایشان در ارتباط بود و مسائل و حوادث ایران را به نحوی به اطلاع ایشان می‌رسانید. یکی از مراکزی که آیت‌الله مفتح در آن فعالیت داشت حسینیه‌ی ارشاد بود. بعد از بسته شدن حسینیه‌ی ارشاد توسط ساواک، امامت مسجد قبا را پذیرفت.
ورود آیت‌الله مفتح به تهران در حقیقت ورود جدی به مبارزه بود و او در این دوره در کنار هم فکرانش از تهدیدات رژیم پهلوی در امان نماند. در سال 1354 دستگیر، زندانی و سپس به زاهدان تبعید شد. در بازگشت از تبعید همچنان به مبارزه ادامه داد. در سال 1354 وقتی شنید رژیم اسرائیل حملاتی را علیه مردم لبنان آغار کرده، کمک‌هایی را از اهالی تهران جمع کرد و خود به لبنان برد.
در سال 1349 ساواک برای مدتی وی را از رفتن به قم منع کرد و قصد داشت با دعوت ایشان به دانشگاه برای تدریس، وی را از حوزه دور کند. او نیز همکاری با استاد مطهری را که در آن موقع در دانشکده الهیات بود پذیرفت.
تأسیس مجمعی تحت عنوان «جلسات علمی اسلام‌شناسی» از جمله فعالیت‌های ایشان بود این مجمع کتاب‌هایی (تألیف و ترجمه سیزده جلد کتاب) را در زمینه‌های گوناگون اسلام‌شناسی با مقدمه‌ی دکتر مفتح به چاپ رسانید. این مجمع پس از مدتی توسط ساواک تعطیل گردید.
وی در اولین ساعات حکومت نظامی روز هفدهم شهریور 1357 دستگیر و زندانی شد، وی با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و به هنگام گشوده شدن درهای زندان با همت مردم از زندان آزاد گردید در نماز عید فطر سال 1357 سخنرانی پر شوری نمود و بعد از آن مجددا دستگیر و روانه زندان شد. اما دوباره آزاد شد و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن 1357 بود.
بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عمده فعالیت آیت‌الله مفتح حول محور تدریس در حوزه و دانشگاه و ایجاد پیوند بین این دو قشر کشور متمرکز بود. از جمله مسئولیت‌های ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود:

ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران؛ حضور در جامعه روحانیت تهران؛ عضو ستاد برگزاری استقبال از امام خمینی؛ سرپرست کمیته انقلاب اسلامی منطقه چهار تهران؛ عضو شورای گسترش آموزش عالی کشور؛ عهده‌دار برگزای نماز جماعت در مسجد دانشگاه تهران.
از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود.
ترجمه بعضی از مجلدات مجمع البیان. (جلد اول و دوم به قلم آیت‌الله مفتح و آیت‌الله حسین نوری و جلد سوم با ترجمه خود وی به فارسی برگردانده شده است)؛ حاشیه بر اسفار ملا صدرا (چاپ نشده است)؛ روش اندیشه؛ شرح منظومه منطق و رساله تاریخ منطق (1336، جلد اول. جلد دوم در فلسفه الهی تدوین نشد)؛ حکمت الهی و نهج‌البلاغه (پایان نامه تحصیلی دوره دکترای آیت‌الله مفتح)؛ آیات اصول اعتقادی قرآن؛ نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم (1361)؛ ویژگی‌های زعامت و رهبری؛ مقالات (سلسله مقالات «نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم» در مجله «مکتب اسلام» سال چهارم؛ همچنین مقالاتی در «مکتب تشیع» و «معارف جعفری»)؛ مقدمه‌نویسی بر آثار دیگران (کتاب‌هایی نظیر مصاحبه‌ای درباره خرافه و نیرنگ؛ تألیف سید کاظم ارفع؛ زیارت خرافه است یا حقیقت؛ نوشته غلامحسین رحیمی؛ جهان بینی و جهان داری علی (ع)، تألیف سید ابراهیم سید علوی؛ به سوی اسلام یا آئین کلیسا؛ نوشته حجت‌الاسلام مصطفی زمانی؛ ره‌آوردهای استعمار؛ مهدی طارمی؛ اسلام پیشرو نهضت‌ها؛ نوشته محمد مصطفوی کرمانی و غلامحسین حقانی تهرانی؛ دعا عامل پیشرفت یا رکود؟؛ نوشته محمد مصطفی کرمانی؛ اسلام و حقوق کارگردان بردگان استعمار؛ ترجمه و نگارش سید جعفر شیخ الاسلام)؛ مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع).
آیت‌الله مفتح صبح روز بیست و هفتم آذر 1358 توسط گروه فرقان به هنگام خروج از اتومبیل جلوی در ورودی دانشکده‌ی الهیات به همراه دو محافظش (پاسداران جواد بهمنی و اصغر نعمتی) به رگبار بسته شد و هر سه به شهادت رسیدند. پیکر ایشان به صحن حضرت معصومه (ع) در قم انتقال یافت و در حجره 23 صحن به خاک سپرده شد. به حرمت تلاش‌های ایشان، روز شهادتش «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نام نهاده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مفید رازی، ابوالوفاء عبدالجبار

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم و ششم ق)، عالم امامی، فقیه و قاری. اصل وی از نیشابور بود. سپس ساکن ری گردید. او از بزرگان علمای شیعه و فقیه ری و به قاری رازی یا مقری رازی مشهور بود. از شاگردان قاضی ابن البراج (م 481 ق) و شیخ سلار بن عبدالعزیز دیلمی (م 448 ق) و شیخ جعفر بن محمد دوریستی و ابوالجوائز حسن باری کاتب و شیخ نجاشی، صاحب «رجال»، و شیخ طوسی (م 460 ق) بود و تمامی تصنیفات و تألیفات شیخ طوسی را از خود شیخ روایت نموده است. علما و بزرگان در حوزه‌ی درسش حاضر می‌شدند. سید فضل‌اللّٰه راوندی و رشیدالدین علی بن زیرک قمی و ابوهاشم مجتبی بن حمزه از وی روایت کرده‌اند. صاحب تصنیفات و تألیفات بسیاری در فقه، به عربی و فارسی است که شیخ ابوالفتوح رازی تمامی آنها را از وی روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (434 -433/ 7)، ریاض العلماء (71/ 3)، ریحانه (360/ 5 ،285/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (153 -152/ 6)، فهرست منتجب‌الدین (109 -108)، الکنی و الالقاب (199/ 3)، لغت نامه (ذیل/ رازی)، هدیة الاحباب (244).

مفید، محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوعبداللّه محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید است در جلالت و کرامتش کافی است توقیع شریف از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف برای او ورثائی که در مرگش فرمودند.
لاصوت الناعی لفقدک انه
یوم علی آل الرسول عظیم
ولادتش در سال 336 قمری و وفاتش در ماه رمضان سال 413 در سن 76 سالگی در بغداد واقع شد و هشتاد نفر از شیعیان در تشییع او شرکت نموده و او را در کاظمین در پائین پای قبر حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام دفن نمودند و بیش از دویست تصنیف و تألیف برای او نوشته‌اند که از آنهاست ارشاد و اختصاص والمقنعه در فقه و مسار الشیعه والمجالس والعیون والمحاسن و...
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مفید، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند شیخ مفید، از سلسله‌ی مشایخ بیدآباد.
عالم فاضل فقیه زاهد حکیم فیلسوف ادیب.
از شاگردان: آخوند کاشی، و جهانگیرخان قشقائی، و آقا ضیاءالدین دری، و حاج ملا جواد آدینه‌ای، و سید حسن مشکان طبسی، و میرزا سید محمد حکیم باشی، و آخوند ملا حسین فشارکی، و حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی، و آقا میر محمد تقی مدرس، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای.
و در طهران مدتی به درس حاج شیخ فضل‌الله مجتهد نوری شهید، و میرزا حسن حکیم کرمانشاهی؛ و در مشهد به درس حاج آقا بزرگ حکیم حاضر شده، و پس از آن که در کلیه‌ی فنون از طب و ریاضی و فقه و اصول و بالاخص حکمت به مقام عالی رسید.
در اصفهان ساکن، و حدود مدت چهل سال در مدرسه‌ی صدر به تدریس حکمت و فقه و اصول پرداخت، و جمعی کثیر از افاضل طلاب به درس او حاضر شده، مستفیض می‌شدند؛ و در این اواخر تدریس حکمت در اصفهان بلکه ایران به ایشان منحصر بود.
مرحوم حاج شیخ محمود مفید بر عموم حکما از لحاظ فقاهت مقدم بود، یعنی حکیم و فقیه، و از مدرسین حکمت و فقه به شمار می‌رفت.
کتب ریاضی قدیم از خلاصة الحساب و تشریح الافلاک و شرح هندسه‌ی اقلیدس و چغمینی و دیگر کتب را به خوبی تدریس می‌نمود، و از لحاظ فضایل اخلاقی و زهد و قناعت و اعراض از مردم و عدم توجه به اغنیا بی‌نظیر بود.
در حدود سال 1297 متولد، و در بعد از ظهر جمعه 11 شوال سال 1382 وفات یافته، جنازه روز شنبه با تجلیلات و تشییع عظیم به تخت فولاد منتقل گردید، در بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش را ادیب فرزانه آقای برنا گوید:
برنا پی رحلتش به شمسی گفتا
لقمان زمان و عهد خود بود مفید
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مفیدی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ یحیی مفیدی قزوینی از اکابر دانشمندان و افاضل علماء طراز اول قزوین می‌باشد وی در قزوین متولد شده و مقدمات و سطوح فقه و اصول را از علماء بزرگ آنجا فراگرفته و بعد به قم عزیمت و چند سالی از مرحوم آیت‌اللّه حایری استفاده سپس به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحومین علمین نائینی و عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و پس از آن مراجعت به قزوین و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف دینی و روحی پرداخته تا در حدود سال 1384 ق وفات نموده است
نگارنده گوید: غیر از مذکورین عده دیگری از دانشمندان و فضلاء حوزه علمیه قم و نجف مانند حجةالاسلام حاج سید مهدی علوی و حجةالاسلام حاج سید محمدمهدی تقوی و حجةالاسلام حاج سد علی‌اصغر علوی و امثالهم در قزوین و حومه آن به خدمات دینی اشتغال دارند ادام اللّه توفیقاتهم و زاد اللّه فی برکات وجوههم و آثارهم
و در حال حاضر از قزوین و حومه آن بیش از دویست نفر در حوزه علمیه قم به تحصیل و بعضی هم به تدریس سطوح و متون فقه و اصول و غیره اشتغال دارند که عده‌ای از آنان مانند آقای اویسی و آقای موسوی و آقای شهیدی و... مشار بالبنان و معروف همگان می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مقدس اردبیلی، احمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 993 ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم، محقق، عابد و زاهد. موصوف به عالم ربانی و معروف به مقدس، مقدس اردبیلی و محقق اردبیلی. در عصر صفویه در اردبیل به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی برای تکمیل معلومات خود به نجف رفت. در معقول و منقول از محضر شاگردان شهید ثانی استفاده نمود. ملا جمال‌الدین محمود، شاگرد جلال‌الدین دوانی، نیز از مشایخ اوست. او از سید علی صائغ، شاگرد برجسته‌ی شهید ثانی، روایت کرده و پس از شهید ثانی مرجعیت شیعه را عهده‌دار بوده است. در ورع و تقوا و زهد به مرتبه‌ای رسید که ضرب‌المثل شد. وی با شیخ بهائی و میرزا محمد استرآبادی صاحب «رجال» معاصر بود. ملا عبداللّه شوشتری و سید محمد صاحب «مدارک» و شیخ حسن صاحب «معالم» و امیر فیض‌اللّه تفرشی و امیر علام از شاگردان وی بودند. در نجف درگذشت و در ایوان طلای حضرت امیرالمؤمنین (ع) دفن شد. از آثارش: «زبدة البیان فی براهین آیات احکام القرآن» که به «آیات الاحکام» اردبیلی معروف است؛ «مجمع الفائدة و البرهان»، در شرح «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ «اثبات الواجب» یا «اصول الدین»؛ «استیناس المعنویة»، در علم کلام؛ حاشیه بر « شرح تجرید قوشچی»؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ «حدیقة الشیعة»؛ «الخراجیة»؛ «اثبات الامامة»؛ «النص الجلی فی امامة مولانا علی (ع)».[1]
احمد بن محمد (ف. نجف. 993 ه.ق) در اردبیل تولد یافت. وی از علماء و متکلمین بزرگ شیعه و معروف به مقدس یا مقدس اردبیلی و محقق اردبیلی است. وی صاحب تألیفات بسیاری است از جمله: آیات‌الاحکام یا زبدةالبیان، اثبات‌الواجب (به فارسی)، استیناس المعنویه (به عربی) در کلام، الخراجیه در خراج و مالیات که در سال 1318 ه.ق چاپ شده است و حدیقةالشیعه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (224 -223/ 1)، اعیان الشیعه (83 -80/ 3)، ایضاح المکنون (609، 398/ 1)، بحارالانوار (42/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (249، 219 -218/ 5)، تاریخ نظم و نثر (396)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (104 -87/ 2)، الذریعه (36 -35/ 20 ،21/ 12 ،144/ 7 ،386 -385، 129، 114 -113/ 6 ،183 ،37/ 2 ،511 ،103 ،41/ 1)، روضات

الجنات (94 -88/ 1)، رياض العلماء (57 -56/ 1)، ريحانه (370 -366 /236، 5)، سفينة البحار (305 -304/ 1)، طبقات اعلام الشيعه (قرن 9 -8 / 10)، فقهای نامدار شيعه (206 -203)، فوائد الرضويه (28 -23)، قصص العلماء (346 -342)، کارنامه‌ی بزرگان (262 -261)، الکنی و الالقاب (202 -200/ 3)، لغت نامه (ذيل/ مقدس اردبيلی)، معجم رجال الحديث (225/ 2)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (96 -95/ 1)، معجم المؤلفين (80 -79/ 2)، مؤلفين کتب چاپی (464 -461/ 1)، هدية الاحباب (248 -245).

مقدس تهرانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1358 -1281 ق)، فقیه، اصولی، محدث و عالم دینی. به جهت تقوا و پرهیزکاری شدید به مقدس ملقب گردید. اصلش از همدان بود. در تهران به دنیا آمد و نشو و نما یافت و از محضر میرزا محمدحسن آشتیانی استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در آنجا سکونت گزید. در محضر میرزا حسین خلیلی و ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ آقا رضا همدانی تلمذ نمود. وی مصاحب شاگردان درس اخلاق ملا حسینقلی همدانی بود. او از شیخ علی‌اکبر نهاوندی و محدث قمی و شیخ مرتضی آشتیانی و عده‌ای دیگر از علما اجازه داشت. در حدود 1326 ق به درخواست شیعیان بمبئی به همراه سید محمدتقی جزایری به آنجا رفت و مدت سی سال اقامت گزید و در مسجد ایرانیان مقیم بمبئی به امامت جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت. در 1355 ق سکته‌ی ناقص کرد. سپس به نجف بازگشت و تا پایان عمر خانه‌نشین شد. او در نجف درگذشت و در صحن مرقد هود و صالح، در وادی‌السلام، دفن شد. از وی تصانیف بسیاری در فقه و اصول به صورت خطی باقی مانده است. از دیگر آثارش: «الاربعون حدیثا».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (413/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 269/ 14)، معجم المؤلفین (137/ 9).

مقدس زنجانی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر بن مقدس زنجانی متوفی 1341 ق عالمی بزرگوار بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مقدس، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آقا سید عبدالحسین بن سید حسن بن حاج سید ابراهیم حسینی سبزواری ساوجی اصفهانی. عالم زاهد فقیه عابد مجتهد جامع.
اجدادش از سبزوار به ساوه، و آقا سید ابراهیم از ساوه به اصفهان آمده، در نزد سید حجةالاسلام مورد وثوق و احترام بوده، و سید جهت ایشان جنب منزل خود خانه‌ای تهیه نموده، و روزگار به زهد و عبادت گذرانیده، و خواهر آقا میر سید محمد شهشهانی را به زوجیت داشته.
پس از وفات در حدود سال 1250، در قبرستان قبله دعا مدفون شده، قبرش الی الان معلوم و معروف است، و مردم به زیارت او می‌روند، و به او اعتقاد دارند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مقدسی شیرازی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا ابوالحسن مقدسی معروف به شیرازی یکی از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند. تولد ایشان در حدود 1335 قمری واقع شده و پس از پرورش و خواندن اولیات و ادبیات مهاجرت به نجف اشرف نموده و بعد از تکمیل متون فقه و اصول از دراسات آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی میرزای نائینی و آیت‌اللّه عراقی پدر همسر خود مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی که از اوتاد دانشمندان بودند و آیات دیگر استفاده نموده تا به درجه عالیه علم و دانش رسیده و در رشته اخلاق و معارف هم از جمال الصالحین و قدوة الناسکین عالم ربانی مرحوم مبرور حاج سید علی آقای قاضی طباطبائی مستفیض و بهره‌مند شده و در سال 1382 قمری پس از رحلت آیت‌اللّه العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی به ایران مراجعت و در ارض مقدس مشهد رضوی در جوار حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة و الثناء رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در آستان ملک پاسبان آن حضرت اشتغال دارد.
نگارنده گوید: مترجم گرامی ما جناب آقای مقدسی شیرازی جداً دانشمندی پارسا و متقی و موصوف به ورع و فضل و به محاسن اخلاقی معروف و از صفات ذمیمه وارسته و به زیور صلاح و سداد آراسته می‌باشد.
از آثار و باقیات الصالحات ایشان فرزند برومندشان ثقةالاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا محمدحسن مقدسی داماد ارجمند حجةالاسلام و المسلمین علامه متتبع و محقق مدقق آقای حاج میرزا حسن مصطفوی است که اکنون از گویندگان و خطباء نامی تهران و مدافعین جدی حریم ولایت و مبارزین سرسخت بر علیه امپریالیسم و رژیم کثیف منحوس و منفور طاغوت پهلوی است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 486 ق)، فقیه حنبلی، اصولی، واعظ و مفسر. در عراق به مقدسی معروف بود. اصلش از شیراز است. در حران به دنیا آمد. وی به بغداد رفت و ملازم ابویعلی بن فراء قاضی شد و از او فقه آموخت و خود به تدریس و وعظ پرداخت. آنگاه به شام رفت و در بیت‌المقدس سکنی گزید و در همان جا به ترویج مذهب امام احمد حنبل پرداخت و تصانیفی در فقه و اصول نگاشت. از ابوالحسن بن سمسار و شیخ‌الاسلام ابوعثمان صابونی و عبدالرزاق بن فضل کلاعی و جماعتی دیگر در دمشق حدیث شنید. او شیخ شام و شیخ‌الاسلام زمان خویش بود. در دمشق درگذشت و در مقبره‌ی باب الصغیر دفن شد و قبرش مزاری مشهور گردید. از آثارش: «الجواهر»، در تفسیر قرآن؛ «المبهج» و «الایضاح»، در فروع فقه حنفی؛ «التبصرة»، در اصول دین؛ «مختصر فی الحدود»؛ «مختصر فی اصول الفقه»؛ «مسائل الامتحان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (425 ،287/ 2 ،155/ 1)، تذکرة الحفاظ (1199/ 3)، ذیل طبقات الحنابله ابن رجب (73 -68/ 3)، سیر النبلاء (53 -51/ 19)، شذرات الذهب (378/ 3)، طبقات الفقهاء الحنابلة (334 -33/ 2)، طبقات المفسرین داودی (362 -360/ 1)، العبر (352/ 2)، الکامل (169/ 8)، معجم المؤلفین (212/ 6)، هدیة العارفین (634/ 1).

مکارم شیرازی، ناصر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والفاضل العلام آقای علامه ناصر مکارم، از اساتید بنام و مدرسین والامقام و علماء کرام و نویسندگان فخام و گویندگان عظام حوزه علمیه قم و افتخار استان فارس و بلکه ایران و جهان تشیع است در 22 ماه شعبان 1347 قمری در شیراز در یک خانواده اصیل به دنیا آمده و تحصیلات جدید خود را در مدارس جدید شیراز خوانده و در مدت کوتاهی به واسطه استعداد و حافظه فوق‌العاده مقدمات و ادبیات را در مدرسه آقاباباخان فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را از مدرسین شیراز خوانده و ضمنا از تدریس خود عده‌ای را بهره‌مند می‌نمود تا در سال 1324 شمسی که از وطن خود مهاجرت به قم و دانشگاه جعفری شیعه یعنی حوزه علمیه نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراهما حاضر شده و کاملا با صحبت کردن در بحث آن آیات عظام جلب توجه آنها و کلیه شرکاء درس را می‌نمودند و خاطر این نویسنده است که در آن اوقات مترجم معظم ما سنین عمرش از بیست سال نگذشته بود که در درس علمین مذکورین اشکال می‌کرد و جواب می‌گرفت.
مسافرتی در سال 1369 قمری به نجف اشرف نموده و حدود یکسال توقف و از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ حوزه نجف استفاده کرده و مورد توجه مخصوص آنان قرار گرفته که نائل به دریافت اجازه اجتهاد از آنها گشته و در اثر گرمی هوا و نبودن وسائل آن روز در ماه شعبان 1370 قمری به قم مراجعت و از درس آیت‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات بهره‌مند گردیده و دروس معقول را از استاد علامه طباطبائی فراگرفته و به تدریس دروس عالیه پرداخته است.
استاد مکارم حوزه درس تحلیل فقه و اصول دارند که عده کثیری از فضلاء و محصلین فهمیده و با استعداد از نظریاتشان استفاده می‌کنند و غالب آنها را یادداشت می‌نمایند که امید است روزی به عنوان یک اثر ارزنده در فقه و اصول به طبع برسد.
جلسات درس عقاید و مذاهب وی نیز با سبک جدید و متد خاصی انجام می‌گیرد که صدها نفر را به طرز نوینی با این مسائل آشنا نموده و کتابهائی که حاوی فشرده آن جلسات علمی است تالیف نموده و در بررسی‌های خود از اصول علمی که مورد پذیرش محیطهای علمی امروز است کمک

گرفته است.
آثار علمی ایشان که نتیجه همان جلسات درس و همچنین کتابهای ارزنده دیگر ایشان اشاره می‌کنم.
1 و 2 و 3- کتاب القواعد الفقهیه که جلد اول آن در سال 1343 شمسی و دوم و سوم آن در سالهای بعد به طبع رسیده است.
4- فیلسوف نماها که برنده جایزه بهترین کتاب سال گردید این کتاب درباره عقاید مادیها بحث می‌کند.
5- آفریدگار جهان در اثبات صانع و پاسخ به شبهات مادیها.
6- چگونه خدا را بشناسیم.
7- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر در پیرامون نبوت عامه.
8- قرآن و آخرین پیامبر در پیرامون نبوت خاصه.
9- داروینیسم یا آخرین فرضیه‌های تکامل. 10- بحثی درباره ماتریالیسم و کومینسم. بحث در اصول فلسفه (مادیها) که مکرر چاپ شده است.
11- و 12- ترجمه جلد اول المیزان در دو جزء که چاپ شده است.
13- شرح و ترجمه اصل الشیعه 14- در جستجوی خدا 15- همه می‌خواهند بدانند 16- جلوه حق.
17- اسرار عقب‌ماندگی 18- مشکلات جنسی جوانان 19- آنچه از اسلام باید بدانیم .
20- مقدمه بر کتاب وحی 21- این مسائل مطرح است
22- سرکوبیهای خطرناک 23- نماز مکتب عالی تربیت 24- فرآورده‌های دینی.
25- عود ارواح 26- جوانان را دریابید 27- تربیت و نمونه‌های آن
یکی از آثار و خدمات استاد علامه مکارم تاسیس مجله درسهائی از مکتب اسلام است که از سال 1340 شمسی تاکنون با نشر این مجله که ارگان حوزه علمیه قم است خدمات ارزنده‌ای انجام داده است و این مجله از بهترین مجله‌ها و منشورات اسلامی شیعه است که به تمام کشور و خارج کشور منتشر و مقالات بسیار جالب و بحثهای ارزنده‌ای را به قلم اساتید و مدرسین بزرگ حوزه مطرح و پخش می‌نماید و این مجله که در زیر نظر هیئت تحریریه که همه از افاضل برجسته‌اند از ابتکارات فکر بکر ایشانست.
مراتب ولاء و علاقه او به اهل‌بیت عصمت و طهارت و بالاخص به پیشوای بزرگ جهان حضرت امیر مومنان علیه‌السلام از اشعار و سرودهای نغز او در توحید و در مراثی و مدایح آن متجلی است.
(مکارم شیرازی) در حال حاضر از مراجع تقلید و مدرسین بزرگ و آیات عظام حوزه علمیه قم می‌باشند.
رساله علمیه و توضیح المسائل ایشان در سال 1369 شمسی و 1410

قمری به طبع رسیده و منتشر گردیده و اکنون درس خارج فقه و اصول ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس استدلالی قم می‌باشد. و چون آثار ایشان از تألیفات و مدارس علمیه و غیره بسیار شده لازم دیده در اینجا استدارک نمایم.

1- تفسیر نمونه 27 جلد، مطبوع.
2- تعلیقات بر عروه‌الوثقی، مطبوع.
3- قرآن و آخرین پیامبر، مطبوع.
4- معاد در جهان پس از مرگ، مطبوع.
5- مهدی علیه‌السلام انقلابی بزرگ، مطبوع.
6- عقیده یک مسلمان، مطبوع.
7- اقتصاد اسلامی، مطبوع.
8- انگیزه پیدایش مذهب، مطبوع.
9- روش تطبیقی در شناخت، مطبوع.
10- پایان عمر مارکسیسم، مطبوع.
11- ارزشهای فراموش شده، مطبوع.
12- پرسشها و پاسخها، مطبوع.
13- این است آئین ما، مطبوع.
14- آخرین فرضیه‌های تکامل، مطبوع.
15- همه می‌خواهند بدانند، مطبوع.
16- ده درس خداشناسی، مطبوع.
17- ده درس پیامبرشناسی، مطبوع.
18- ده درس معادشناسی، مطبوع.
19- ده درس عدل شناسی، مطبوع.
20- جوانان را دریابید، مطبوع.
21- زندگی در پرتو اخلاق، مطبوع.
22- جلوه حق، مطبوع.
23- معمای هستی، مطبوع.
24- اسرار عقب ماندگی، مطبوع.
25- در یک بررسی کوتاه، مطبوع.
26- در جستجوی خدا، مطبوع.
27- مشکلات جنسی جوانان، مطبوع.
28- آنچه از اسلام باید بدانیم، مطبوع.
29- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم، مطبوع.
30- تقلید با تحقیق، مطبوع.
31- خمس پشتوانه بیت‌المال، مطبوع.
32- مساله انتظار، مطبوع.

33- تفسیر به رای، مطبوع.
34- تفسیر سپری برای مبارزه عمیقتر، مطبوع.
35- این مسائل برای همه جوانان مطرح است، مطبوع.
36- یکصد و پنجاه درس زندگی، مطبوع.
37- طرح حکومت اسلامی، مطبوع.
38- رساله مقدمه وحی، مطبوع.
39- مکتبهای التقاطی، مطبوع.
40- فلسفه روزه، مطبوع.
41- فلسفه شهادت، مطبوع.
42- با شخصیت‌ترین زن جهان، مطبوع.
43- به یاد مهدی، مطبوع.
44- مناظرات تاریخی امام رضا (ع)، مطبوع.
45- تفسیر موضوعی پیام قرآن، مطبوع.
46- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مطبوع.
47- آفریدگار جهان، مطبوع.
48- توضیح المسائل- رساله علمیه، مطبوع.
49- انوار الفقاهه، مطبوع.

سخنی کوتاه از:

مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع) و مدارس و موسسات وابسته به آن

قم- حوزه علمیه

مدرسه امام، امیرالمؤمنین (ع) (مرکز مطالعات اسلامی) در سال 1350 شمسی در زمینی به مساحت ششصد متر، به وسیله حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نیکوکاران تأسیس گردید و تحت عنوان «جمعیت خیریه خدمات اسلامی» رسما به ثبت رسید.

این مدرسه یکی از فعالترین مدارس حوزه علمیه قم می‌باشد و دارای چاپخانه که در طبقه زیرین قرار دارد و سه طبقه دیگر شامل هیجده حجره و یک سالن که گنجایش هزار نفر را دارد که جهت جلسات درس منظور گردیده و یک کتابخانه که حدود چهار هزار جلد کتاب خوب دارد، می‌باشد.

این مدرسه یک موسسه تحقیقاتی و تبلیغی است که تاکنون در زمینه عقائد، تفسیر و فقه و اصول و حدیث و اقتصاد اسلامی و احیاء تراث و تبلیغات اسلامی توسط مؤسس محترم آن و یا زیر نظر معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان و فضلای حوزه علمیه فعالیتها و تحقیقات ارزنده‌ای به طلاب و فضلای محترم حوزه علمیه و جامعه مسلمان از راه تشکیل جلسات درس و نشر آثار سودمند و جزوات مختلف ارائه داده و می‌دهد.

و تاکنون فضلای بی‌شماری را تقدیم جامعه مسلمان کرده است که بعضا

بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران در پستهای حساسی مشغول انجام وظیفه می‌باشند.
منابع مالی: آن عبارت است از سهم مبارک امام (ع) و کمک مردان خیر
انتشارات نسل جوان که بخش دیگری از این موسسه است تاکنون متجاوز از 54 کتاب برای قشر جوان از نویسندگان مختلف نشر داده است که بعضا دهها بار به چاپ رسیده است.
دائره پاسخ به سئوالات: نیز یکی از بخشهای مهم و فعال این موسسه می‌باشد و از طریق پاسخ به سئوالات دینی، اجتماعی، اخلاقی و ارسال کتب و جزوات برای کتابخانه‌ها و در پاسخ سئوالات، فعالیت چشمگیری داشته و دارد.
و به خاطر این ارتباط مستمر، مخصوصا با قشر جوان و اطلاع از مشکلات آنها غالب انتشارات نسل جوان که بر این محور تنظیم گردیده، در میان قشر جوان مورد استقبال کم‌نظیری قرار گرفته و دهها بار به چاپ رسیده است.
مطبوعاتی هدف:
این مطبوعاتی از راه نشر و طبع آثار ارزنده اسلامی خود تاکنون خدمات موثری به جامعه مسلمان ارائه داده و می‌دهد.
مدارس وابسته به مدرسه امام امیرالمؤمنین (مرکز مطالعات اسلامی)
1- مدرسه علمیه امام مجتبی (ع)- که در زمینی به مساحت هشتصد متر در سال 1361 نیز توسط حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی و با همت جمعی از مردان خیر و نیکوکار برای سکونت طلاب محترم تأسیس گردید.
این مدرسه از سه طبقه تشکیل گردیده و دارای 41 حجره می‌باشد و هم اکنون تعداد 80 طلبه از داخل و خارج در آن سکونت دارد.
امتیازات این مدرسه:
این مدرسه دارای یک سالن درس (مدرس) است که در طبقه زیرین آن قرار دارد و تمام اطاقها مجهز به دستگاه تهویه و شوفاژ می‌باشد و همچنین دارای تعداد پنج دستگاه یخچال بزرگ حمامهای مجهز و آبسرد کن و نیز برای طلایی که شهریه کمتری از حوزه می‌گیرند و کفاف مخارجشان را نمی‌کند شهریه‌ای مقرر می‌گردد.
2- مدرسه امام حسین (ع)- که هم اکنون زمینی به مساحت پانصد و پنجاه و هفت متر برای آن توسط یکی از نیکوکاران تهیه گردیده و جمعی از مهندسین معروف کشور هم اکنون به تهیه نقشه آن اشتغال دارند و امید است به خواست خداوند متعال در آینده نه چندان دور به صورت یک مدرسه مدرن و مجهز در اختیار طلاب عزیز قرار گیرد.
این مدرسه نیز توسط حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی و با مشارکت مالی جمعی از مردان خیر و نیکوکار ساخته می‌شود.

آدرس مدارس فوق:
مدرسه الامام امیرالمؤمنین، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا.
مدرسه امام مجتبی (ع)، حوزه علمیه قم، خیابان شهدا، کوچه آمار، پشت مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
مدرسه امام حسین (ع)، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا، کوچه آمار، مقابل مدرسه امام مجتبی (ع).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملا باشی تبریزی، عبدالکریم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1294 -1220 ق)، فقیه، عالم دینی و مدرس. در ایروان به دنیا آمد. از علمای قزوین در عصر محمدشاه قاجار بود. ملا باشی از شاگردان برجسته‌ی سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، بود و در فقه، «ریاض» تألیف استادش را تدریس می‌کرد. فرزندش، میرزا محمدعلی، و فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزا محمد تنکابنی صاحب «قصص العلماء» از شاگردان او بودند. در تبریز درگذشت و در جایی که معروف به مقبره‌ی حاجی ملا باشی است دفن شد. از آثارش بنای مسجد، تکیه، آب انبار و بقعه‌ای بر روی قبر حاج محمدجعفر مجذوب علیشاه کبودر آهنگی در تبریز است. از آثار علمی‌اش: «اصالة البرائة»؛ حاشیه بر کتاب «الطهارة» از «ریاض» استادش؛ «مختصر العروض»، به فارسی که برای فرزندش میرزا محمدعلی تألیف نمود؛ رساله‌ی «قواعد النحو و الصرف فی لغة الفرس». او رساله‌ای نیز در «قافیه» دارد که طبع نشده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (42/ 8)، دانشمندان آذربایجان (358)، الذریعه (201 -200/ 20، 115 -114/ 2)، شرح حال رجال (144 -143/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 759 -758/ 13)، فوائد الرضویه (243 -239)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2956، 1704/ 2)، قصص العلماء (100 -94)، مکارم الآثار (689 -687/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (911/ 3)، یادگار (س 3، ش 6 و 7، ص 111).

ملا باشی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمّد حسن بن محمّد علی بن میزا عبداللَّه تفرشی حسینی.
عالم فاضل، و فقیه کامل پدرش از فحول علمای تنجیم بوده، و جدّش میرزا محمّد علی نیز از فضلا و منجمّین، و همشیره ی میر محمّد صادق خاتون آبادی منجّم [را داشته]است. در المآثر و الآثار درباره او [میرمحمد صادق]گوید: در علم اختر شماری و ستاره‌شناسی از اعاجیب وقت بود، و در غالب علوم از فقه و اصول و نجوم استاد بوده.
میرزا محمّد علی منجّم از شیراز به اصفهان آمده، و در روز 4 جمادی الثانی 1282 وفات یافته، و در جلو تکیه ی مادر شاهزاده مدفون گردید.
بعد از او میرزا محمّد حسن منصب منجّم باشی گری مفتخر شده، و از آثارش رساله‌ای است در طالع و احکام میرزا یوسف آشتیانی مستوفی الممالک، و در سال 1298 وفات یافته، و منصب منجّم باشی گری و ملاّ به فرزند او صاحب عنوان رسیده است.
وی فاضل و عالم و فقیه بوده، و در اصفهان مصدر امور شرعی و عرفی بوده، در روز 5 شنبه 11 ربیع الثانی سال 1331 وفات یافته، در بقعه ی تکیه ی میرزا ابوالمعالی مدفون شد.
از آثارش کتاب دفتر تقویم است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملاباشی شیرازی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1240 ق)، فقیه و اصولی. جامع معقول و منقول بود. چون معلم حسینعلی میرزا فرمانفرما، پسر فتحعلی‌شاه قاجار، بود به ملاباشی ملقب گردید و سلسله‌اش به این نام معروف شدند. در شیراز درگذشت و در تکیه‌ی خواجه حافظ دفن شد. از آثارش: «بحر الجواهر الخاقانی»؛ «انوار الحقائق»؛ «مقاصد الصالحین»؛ «لوامع الانوار»، در شرح «الصحیفة السجادیة»، شرحی عرفانی، در دو مجلد بزرگ؛ «انوار القلوب»، در اخبار و مواعظ و اخلاق، به فارسی.[1]
(تو 1285 ش)، نویسنده. در ارومیه متولد شد. پس از فراغت از تحصیل دوره‌ی متوسطه به تهران آمد و در دانشسرای عالی در رشته‌ی ریاضی و علوم تربیتی لیسانس گرفت و بعد وارد خدمت وزارت فرهنگ گردید و عهه‌دار مشاغل ذیل شد: دبیر و بازرس فرهنگ اصفهان، رییس دانشسرای مقدماتی پسران تبریز، رییس فرهنگ ارومیه، مامور مطالعه به اروپا در سال 1326 ش به مدت یکسال، رییس دبیرستان قریب، رییس تعلیمات متوسطه، رییس فرهنگ آذربایجان و استاندار آذربایجان شرقی. از آثار وی: «تربیت معلم در کشورهای فرانسه و انگلستان و ایران»؛ «تعلیم و تربیت در فرانسه».[2]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (189 ،185/ 9)، الذریعه (381/ 21 363، -362/ 18 ،35 -34/ 3 ،438/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 191 -190/ 13)، فوائد الرضویه (425)، مجمع الفصحا (183/ 2)، معجم المؤلفین (95/ 9).
[2] مؤلفین کتب چاپی (241 -240/ 4).

ملاباشی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید میرزا محمدباقر (ملقب به ملاباشی) بن سید محمد موسوی طبیب شیرازی عالمی متبحر بوده و در حدود 1235 وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ملایری، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالقاسم موسوی (رئوف) ملایری فرزند آیت‌اللَّه حاج سید عبداللَّه ملایری که شرحش در کتب تراجم مذکور است از علماء و ائمه جماعت مشهور مشهد بودند.
تولدشان در 1314 قمری در کربلا واقع شده و به اتفاق والدش به مشهد آمده و دوران تحصیلات خود را کنار قبر مطهر حضرت رضا (ع) در محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد (آقازاده) خراسانی و فیلسوف معروف آقا بزرگ حکیم و مشاهیر دیگر به پایان رسانیده و بعد از فوت مرحوم والدش در سال 1345 ق به نجف اشرف مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و اصفهانی و عراقی استفاده نموده و ابحاث اساتید مذکور را به رشته تحریر آورده و با دریافت اجازات اجتهاد کم‌نظیری در سال 1349 ق به ایران مراجعت و پس از گرفتاریهائی در تهران و انزواء قهری در منزلشان در مشهد و رفع موانع و محذورات قیام به وظائف روحی و دینی از قبیل اقامه جماعت در دارالسیاده و تبلیغ احکام و تدریس و غیره نموده تا در سال 1366 ق که بنابر دعوت مرحوم برادرش حاج شکوه‌الواعظین برای رفع کسالت به تهران آمده و در جمادی‌الاولی سال مزبور به رحمت حق پیوسته و در مدرسه امینه (باغ طوطی) واقع در جنب صحن شریف حضرت عبدالعظیم (ع) در مقبره حاج میرزا عبداللّه ابوالصدق دفن گردیده است.
نگارنده گوید: آن جناب سالها در جوار حضرت رضا (ع) زیسته و در دارالسیاده آن حضرت اقامه جماعت نموده ولی به حکم و ما تدری نفس بای ارض تموت فوت و مدفتنش در ری گردیده ولی برادرش مرحوم حاج شکوه‌الواعظین که عمری در تهران به سر برد بعد از دو سال از مرگ برادرش در سال 1368 ق که به اتفاق جناب آقای فلسفی واعظ به قصد زیارت مشرف به ارض اقدس شد لکن بمفاد (و ما تدری نفس ماذا تکسب غدا دو روز بعد از ورودش به سکته قلبی در آنجا درگذشت و در جوار حضرت ثامن‌الائمه علیهم‌السلام مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ملایری، عبداللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبداللّٰه موسوی ملایری والد مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید ابوالقاسم ملایری و حاج شکوه الواعظین که از علماء محترم مشهد مقدس بودند و در دارالسیاده رضوی اقامه جماعت می‌نمودند تا در هفتم محرم 1344 ق از دنیا رفته در جوار حضرت رضا (ع) مدفون شده‌اند.
از حفید ایشان آیت‌اللَّه حاج سید جمال‌الدین ملایری داماد آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسن طباطبائی قمی شنیدم که آن مرحوم در مدرسه باغ طوطی (امینیه) شهر ری مشرف به لقاء و زیارت حضرت ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه الشریف شدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

ملکی تبریزی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالمی عامل و عارفی کامل عابدی یگانه و سالکی فرزانه از شاگردان مرحوم جمال السالکین و قطب العارفین صاحب نفس قدسیه آخوند ملا حسینقلی همدانی رحمة اللّه علیهما بود. آن مرحوم دارای علوم و معارف و معنویات کامله بود ولادش در تبریز واقع شد و پس از دیدن مقدمات و سطوح به عتبات عالیات و نجف اشرف عزیمت نمود وفقه را از مرحوم حاج آقا رضای همدانی صاحب مصباح‌الفقیه در سامری فراگرفت و اصول را از مرحوم آخوند خراسانی و علم حدیث و درایه را از خاتم المحدثین مرحوم حاجی نوری و در همان اوقات ملازمت و مصاحبت مرحوم جمال الصالحین صاحب النفس الزکیة والاخلاق الملکوتیه مولینا آخوند ملا حسین قلی همدانی را که شهرت و فضائلش نزد ارباب علم و دانش و عرفان و بینش بسیار و مستغنی از توصیف نالایق ماست و در رساله التقوا اشاره‌ای به مقام ایشان و شاگردانش نمودم اختیار کرده و نفس خود را مهذب و مکمل نموده و در حدود سال 1321 به ایران مراجعت و اولا در تبریز سکنی نمود و در قضیه انقلاب مشروطه سال 1329 هجری از آنها به حرم اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام شهرستان قم مهاجرت و مشغول به تدریس (فقه که عنوانش مفاتیح مرحوم فیض بود) و تربیت شاگردان مکتب جعفر بن محمد علیهماالسلام شدند و سه ماه رجب و شعبان و رمضان را متوالیاً روزه گرفته و در مدرسه فیضیه درس اخلاق عمومی می‌گفتند و اکنون نزدیک پنجاه سال است از فوت آن عالم ربانی می‌گذرد در و دیوار مدارس و فضاء مدرسه صدای حزین و گریان و ناله‌های پرشوق و سوزان او را که می‌گوید اللهم ارزقنا التجافی عن دارالغرور والانابة الی دارالخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت به گوش ارباب هوش می‌رساند فضائل و کرامات آن مرحوم بیشتر از آنست که در این کتاب توان آورد درباره اخلاق و زهد و تقوا و عشق و عرفان او شاگردان او که از علماء معروف حاضرند داستانهائی گفته و او را از بکائین این زمان آورده‌اند نماز جماعتش در مسجد بالاسر و گاهی در مدرسه فیضیه و درس گفتنش شاهد این مدعاست
ارتباط و مراوده‌اش با حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء بسیار ملازمتش به تقوا و ورع بی‌اندازه و مراقبتش به نوافل و حضور و توجه دائمی، آنی غافل نبود و لحظه‌ای از یاد خدا بیرون نمی‌رفت.

حکایت کرد برای این نگارنده جناب آیت‌اللّه حاج سید جعفر شاهرودی که از شاگردان خاص آن مرحوم و علماء مبرز فعلی تهرانست مکاشفه مفصلی را که مجمل آن اینست فرمود که شبی در شاهرود خواب دیدم که در صحرائی حضرت صاحب‌الامر عجل‌اللّه فرجه الشریف با جماعتی تشریف داشتند و گویا به نماز جماعت ایستاده‌اند نزدیک رفتم که جمالش را زیارت کنم و دست مبارکش را ببوسم شیخ بزرگواری را دیدم که متصل به آن حضرت و آثار جمال و وقار و بزرگواری از سیمایش پیداست چون بیدار شدم در اطراف آن شیخ فکر کردم که کیست که تا این حد نزدیک و مربوط به مولای ما امام زمان علیه‌السلام است از برای یافتن او به مشهد مشرف شدم وی را ندیدم در تهران آمدم نیافتم به قم مسافرت کردم او را در حجره‌ای از حجرات مدرسه فیضیه مشغول تدریس دیدم پرسیدم این آقا کیست گفتند آقای حاج میرزا جواد آقای تبریزی است.
خدمتش رسیدم تفقد زیادی کردند و فرمودند کی آمدی گویا مرا دیده و شناخته و از قضیه آگاهند پس ملازمتش را اختیار نموده و چنان یافتم که او را دیده بودم و می‌خواستم تا شب یازدهم ذی‌الحجه 1343 که نزدیک سحر در بین خواب و بیداری دیدم درهای آسمان به روی من گشوده و حجابها مرتفع گشته تا زیر عرش الهی را مشاهده کردم و دیدم که آن مرحوم را که ایستاده و دست به قنوت گرفته و مشغول تضرع و مناجات و گریه است و من از مقام و قرب او به حق تعالی تعجب می‌کردم که صدای کوبه در خانه را شنیدم فوراً برخاستم و درب را باز کردم دیدم یکی از دوستان است گفت فلانی بیا منزل آقا گفتم چه خبر است؟ گفت تسلیت می‌گویم شما را آقا از دنیا رفت
پس تشییع عجیبی از آن مرحوم شد و در مقبره شیخان و در نزدیکی قبر مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین مدفون گردید ماده تاریخ آن بر سنگ قبرش به عربی چنین است (رفع العلم و ذهب الحلم) و در قصیده‌ای که به فارسی در مرثیه ایشان گفته شده این بیت (از جهان جان رفت و از ملت پناه) 1343 قمری هجری.
تألیفات آن مرحوم متعدد است از جمله اسرار الصلوة که در سال 1328 به طبع رسیده و دیگر مراقبات السنه که در چند سال قبل در تهران منتشر شد و دیگر کتاب سیر و سلوک که نسخه خطی آن نزد مرحوم مغفور رسید الزاهدین و سندالسالکین آقای حاج آقا حسین فاطمی قمی که از خواص شاگردان و ملازمین دائمی ایشان بود و نیز حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و بعضی از تلامذه دیگر ایشان است.
شاگردان مبرزی در اخلاق سیر و سلوک و معارف الهی دارد که بعضی از دنیا رفته و بعضی در قید حیات و از مراجع بزرگ عصر حاضرند.
(وف 1344/ 1343 ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مدرس. به جهت

انتساب به خانواده‌ی ملک‌التجار تبریزی به ملکی معروف شد. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات علوم به نجف رفت و در محضر شیخ آقا رضا همدانی، صاحب «مصباح الفقیه»، فقه و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی اصول، و محدث نوری علم حدیث و درایه را فراگرفت و از آخوند ملا حسینقلی همدانی تهذیب نفس آموخت. پس از رسیدن به درجات علمی بالا در 1321 ق، به ایران بازگشت و در تبریز سکنی گزید و عهده‌دار تدریس فقه و اصول و اخلاق و تفسیر گردید. در جریان نهضت مشروطه از تبریز به قم مهاجرت نمود و در آنجا سالها به تدریس پرداخت و در مدرسه‌ی فیضیه درس اخلاق عمومی گفت. حاج آقا حسین فاطمی قمی، آیت‌اللّه خویی، امام خمینی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آقا سید محمود یزدی از جمله شاگردان وی بودند. وی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: «اسرار الصلاة»؛ «المراقبات السنه»؛ رساله «لقاءاللّه» یا «رساله‌ی لقائیه»، در سیر و سلوک، به فارسی.[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (144 -141)، اعیان الشیعه (254/ 4)، تاریخ قم (256)، الذریعه (338 -337/ 18 ،47/ 2)، ریحانه (397/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 330 -329/ 14)، علماء معاصرین (137)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1243 -1242/ 3)، معجم المؤلفین (166/ 3).

ملکی طسوجی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس موسوی ملکی طسوجی از اجله علماء اعلام عاملین متصف بملکات فاضله و اخلاق حمیده بوده‌اند که در سال 1280 هجری شمسی در بلده طسوج آذربایجان که در دو منزلی غرب تبریز و شمال دریاچه رضائیه قرار دارد متولد شده و در بیت سیادت و علم پرورش یافته و در خاندانی نشو و نما شده که سخاوت و کراماتشان زبانزد عام و خاص بوده و قبور آباء و اجدادشان مزار و مطاف مردم آن دیار است.
فقید سعید قدس سره دوران صباوت را تحت تکفل والد ماجدش سیدالعلماء العالمین آقای آقا سید حسین موسوی طسوجی ملکی بوده و علوم مقدماتی و متداول آن زمان را فراگرفته و برای ادامه تحصیل به شهر خوی آمده است.
و در مدرسه علمیه نمازی سکنی گزیده و مدتی تحت نظارت دائی بزرگوارش آیت‌اللّه حاج سید هاشم مرقاتی مؤلف کتاب (مفتاح الکلام) فی شرح شرایع‌الاسلام که چند جلد از آن به طبع رسیده کسب فیض و علوم نموده سپس به حوزه علمیه مشهد مقدس عزیمت و پس از چند سال اقامت و استفاده از آیات عظام آنجا رهسپار نجف اشرف شده و از محضر اساتید و مراجع بزرگ تقلید در علوم فقه و اصول و فلسفه و حکمت و اخلاق تلمذ نموده تا به مقام شامخ اجتهاد نائل گردیده.
و آیات عظام و فقهاء کرامی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی رضوان‌اللّه تعالی علیهم اجازه اجتهاد برای ایشان مرقوم فرمودند. پس از آن به وطن مالوف خویش مراجعت نموده و در بلده طیبه قم نیز از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللّه العظمی حجت کوهکمری فقها و اصولا کسب فیض نموده و حدود سال 1373 قمری به تبریز آمده و چند سالی اقامت و به تدریس علوم دینی و اقامه نماز جماعت اشتغال داشته و پس از مدتی بنابر مصالح شخصی به شهر خوی آمده و در این شهر هم مرجع امور دینی مردم بوده و در مسجد ملاحسن اقامه جماعت نموده تا در اواخر عمرشان مجددا به قم برگشته و پس از چند سال در تاریخ 1361 شمسی از دنیا رفته و در باغ رضوان مدفون شده است حشره‌اللّه مع اجداده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

ملکی میانجی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر ملکی میانجی فرزند عبدالعظیم فرزند حاج علیمرادی از علماء متقی معاصر در میانج آذربایجان می‌باشند، که در سال 1324 قمری در قصبه ترک (بفتح تاء و سکون راء و کاف) از محال گرمرود شهرستان میانه به دنیا آمده و بعد از تحصیلات فارسی ادبیات و قسمتی از قوانین و ریاض را در زادگاهش خدمت آقا سید واسع کاظمی ترکی (ره) که از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده فراگرفته است.
سپس در سال 1349 قمری به مشهد رضوی عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشهد اشتغال به تحصیل رسائل و کفایه از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و فلسفه و کلام را در حضور مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی و قسمتی از خارج فقه را از مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و همچنین قسمتی از خارج فقه و اصول و یک دوره کامل معارف اسلامی را از محضر عالم ربانی و علامه سبحانی آیت‌اللّه میرزا مهدی غروی اصفهانی فراگرفته و در سال 1363 قمری از آن مرحوم دریافت اجازه اجتهاد و روایتی نموده و سپس به سوی آذربایجان و قصبه ترک زادگاهش که مرکز محال گرمرود میانه است عزیمت و در آنجا سکونت نموده و به خدمات دینی از امامت و تفسیر قرآن و معارف اسلام و ترویج دین و درس اخلاق پرداخته و خدمات شایانی نموده و در اواخر 1378 قمری به قم آمده و در حوزه به تدریس خارج اصول و تفسیر و معارف اسلامی اشتغال یافته است.
آثار علمی ایشان از این قرار است
1- تفسیر آیات الاحکام
2- بدایع الکلام به طبع رسیده است.
3- یکدوره معارف اسلامی تا آخر معاد (مخطوط).
4- تفسیر قرآن از اول تا سوره نساء و از سوره مزمل تا آخر قرآن.
5- یکدوره تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی (مخطوط).
(تو ح 1324 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مفسر. در ترک از توابع میانه آذربایجان به دنیا آمد. در همان جا ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه را در محضر سید واسع کاظمی ترکی، که از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود، فراگرفت. در 1349 ق به مشهد رفت و در سطوح عالی نزد آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی و در فلسفه و کلام نزد آیت‌اللّه شیخ

مجتبی قزوینی و در درس خارج نزد زعیم حوزه‌ی علمیه مشهد، آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده‌ی خراسانی، تلمذ کرد. او همچنین یک دوره اصول فقه و یک دوره‌ی کامل اصول عقاید و معارف اسلامی را از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نمود و از ایشان به دریافت اجازه اجتهاد و نقل حدیث نایل آمد، اجازه‌ای که آیت‌اللّه حجت کوه کمری نیز آن را تأیید کرد. او از معتقدان به مکتب تفکیک محسوب می‌شد. بعدها در قم مورد توجه آیت‌اللّه بروجردی قرار گرفت و پس از سکونت در آنجا عهده‌دار تدریس خارج اصول و تعلیم تفسیر و معارف اسلامی گردید. او در طول عمر خویش تلاش بسیاری برای کمک به محرومان و اقدامات زیادی در امور عام المنفعه نمود. از آثارش: «بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام»؛ تفسیر «فاتحة الکتاب»؛ «مناهج البیان»، در تفسیر قرآن؛ «تفسیر القرآن الکریم»؛ «الرشاد»، در توحید و معاد؛ دوره‌ی کامل درس «اصول» آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی اصفهانی؛ رساله در «حبط و تکفیر»؛ رساله در «خمس».[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 9، ش 12، ص 41 -40).

ملماسی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: 2 تیر 1370.
تخلص: «آزرم تبریزی».
آزرم تبریزی از اعقاب همام تبریزی شاعر آذربایجانی بود. وی خوشنویس بود. از آثارش می‌توان به این موارد اشاره کرد: گلستان سعدی به خط زیبا و آراسته به نقش و نگار به درازا و پهنای یک قوطی کبریت! دیوان خود شاعر که نمونه‌ای از ذوق و ظرافت است، قطعه شعری به نام «فلک» از دکتر مهدی روشن ضمیر به اندازه‌ی یک بند انگشت؛ نامه‌ی تبریک سال نو که کوچکی ابعاد و بزرگی ذوق در آن تماشایی است؛ دو بیت شعر بر روی یک چوب کبریت؛ سه اثر هندی بر روی پوسته‌ی داخلی سه تخم کدو و نظایر آن... نوع دیگر از خوشنویسی که گویا «سربی» نام دارد، و بس تماشایی است که نمونه‌هایی از آنها را در مجله‌ی «وارلیق» می‌توان دید (شماره‌ی 71 -5)؛ ایشان به این قبیل ریزه‌کاری‌های هنری بسیار دست زده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ملولی اصفهانی، اسداللّٰه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 969/ 968/ 966 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم، عابد، زاهد و شاعر، متخلص به ملولی. مشهور به شاهمیر. اصلش از سادات مازندران است که چند نسل در اصفهان زیسته‌اند. وی از علمای عهد شاه طهماسب صفوی (984 -930 ق) و جد خلیفه سلطان است. او عهده‌دار تولیت آستان قدس رضوی بود. در مقبره‌ی ستی فاطمه‌ی اصفهان مدفون است.
از آثارش: حاشیه بر «شرح تجرید»؛ حاشیه بر «شرایع»؛ حاشیه بر «شرح چغمینی»، در هیئت؛ حاشیه بر «کافی»؛ حاشیه بر «قواعد» علامه حلی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (1009 -1008/ 3)، اعیان الشیعه (285/ 3)، تاریخ نظم و نثر (826، 448 -447)، تذکرة القبور (127 -126)، الذریعه (1101/ 9)، ریحانه (289 -288/ 5)، صبح گلشن (448)، فرهنگ سخنوران (876).

منتجب‌الدین رازی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(504- بعد از 585 ق)، عالم امامی، فقیه، حافظ و محدث. معروف به شیخ منتجب‌الدین. نسبش به علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی می‌رسد. لذا به ابن‌بابویه رازی نیز مشهور است. در خانواده‌ی علم و تقوا نشو و نما یافت. ابتدا در شهر ری نزد استادان آنجا و هر استادی که از ری می‌گذشت به طلب حدیث پرداخت. در مقدمه «الفهرست» برای او یکصد و چهل و شش استاد ذکر شده است. او از معاصران ابن شهر آشوب و ابن ادریس حلی می‌باشد. پدرش، شیخ ابوالقاسم عبیداللّه، و شیخ ابوالفتوح رازی و سید مرتضی رازی و سید فضل‌اللّه راوندی و شیخ ابوعلی طبرسی و سید ذوالفقار بن محمد حسینی مروزی از مشایخ روایت او بودند. وی به واسطه‌ی استادش، سید ذوالفقار حسینی مروزی، از شیخ طوسی و سید مرتضی علم‌الهدی و نیز به واسطه‌ی پدرش، از اجداد خود، از جد عالی خود علی ابن‌بابویه روایت نموده است. امام‌الدین عبدالکریم رافعی قزوینی، صاحب «التدوین»، از علمای بزرگ عامه، و شیخ برهان‌الدین محمد حمدانی قزوینی و مجدالدین ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی و ابوموسی مدینی محمد بن عمر اصفهانی از شاگردان وی بودند و از وی روایت کرده‌اند. خواجه نصیر طوسی از طریق شیخ برهان‌الدین محمد حمدانی قزوینی و مجدالدین ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی و ابوموسی مدینی محمد بن عمر اصفهانی از او روایت کرده است. رافعی سال وفات وی را پس از 585 ق ذکر کرده است. از آثارش: «الفهرس» یا «فهرست اسماء علماء الشیعة و مصنفیهم»، که به «فهرست منتجب‌الدین» معروف است، و در ذکر علمای امامیه از زمان شیخ طوسی تا روزگار مؤلف می‌باشد؛ کتاب «الاربعین عن الاربعین من الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)»، که در «الذریعه» به صورت «الاربعون حدیثا من الاربعین عن الاربعین» آمده؛ «تاریخ الری»؛ رساله «العصرة»، در احکام صلاة و قضا که نسبت این کتاب به وی محقق نیست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (125/ 5)، اعیان الشیعه (287 -286/ 8)، التدوین (224 -219/ 3)، الذریعه (396 -395/ 16 ،367/ 3 ،434 -433/ 1)، روضات الجنات (309 -304/ 4)، ریاض العلماء (149 -140/ 4)، ریحانه (11 -9 / 6 ،395/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 196/ 6)، فوائد

الرضویه (313 -309)، فهرست منتجب‌الدین (49 -5)، الکنی و الالقاب (210 -209/ 3)، لغت نامه (ذیل/ علی قمی)، معجم رجال الحدیث (87/ 12)، معجم المؤلفین (144/ 7).

منتظری، حسینعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حسینعلی منتظری نجف‌آبادی معظم‌له در حدود سال 1349 قمری در نجف‌آباد در یک خانواده نسبتا متوسطی به دنیا آمده و پس از پرورش و خواندن اولیات و سطوح متوسط در اصفهان و زادگاه خود در سال 1358 قمری مهاجرت به قم و در یکی از حجرات فوقانی مدرسه فیضیه اقامت نموده و با مرحوم استاد شهید آیت‌اللّه مطهری آشنا و چون همفکر بودند مراوده برقرار و به اتفاق دوست فاضل و همشهری دانشمند خود حضرت حجت‌الاسلام حاج شیخ اسداللّه نوراللهی به درس مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و دیگر مراجع چون آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی از اول ورودشان به قم تا آخر عمر آن مرحوم شرکت و حد اعلای استفاده را نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و خود صاحب نظر و رای شده... و تقریرات دراسات خود را به رشته تحریر درآورده و بعد از مرحوم آیت‌اللّه بروجردی منحصرا به رهبر ملت امام خمینی پیوسته و تقریرات ایشان را هم به طبع رسانیده و در علوم عقلی هم از علامه بزرگ آیت‌اللّه طباطبائی بهرهای وافی برده است.
آیت‌اللّه منتظری که در نقش انقلاب اثر چشمگیری داشته و به جرم مبارزات و همکاریش با استاد بزرگوار خود امام خمینی چندین بار گرفتار عوامل جنایتکار ساواک ضد مردمی شده و به زندان و تبعید مبتلا گردیده حتی در چند سال اخیر تحمل شکنجه‌های دژخیمان و عمال سازمان سیا و حکومت طاغوتی را نموده تا در سوم آبانماه 1357 شمسی در روز آزادی زندانیهای سیاسی به سبب جنبش ملت آزاد و به قم برگشته و به ادامه مبارزات خود بر علیه دولت غیر قانونی و سلطنت غاصبانه و ظالمانه سلسله پهلوی پرداخته تا درخت نهضت به ثمر رسیده و نخل انقلاب شکوفا گشته و پیروزی نصیب ملت و محمدرضا پهلوی فرار را برقرار اختیار و دولت بی‌اختیار بختیار برای همیشه ساقط و جمهوری اسلامی اعلام گردید.
آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری نجف‌آبادی از علماء بنام و مدرسین حوزه علمیه قم است عالمی محقق و مدرسی مدقق است تولدش در نجف‌آباد اصفهان واقع شده و پس از طی مقدمات و خواندن ادبیات به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از اساتید قم آموخته و از دروس و ابحاث آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و دیگران و بالاخص بالغ

بر 18 سال از درس و بحث مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله استفاده کرده تا در حوزه علمیه مشاربا لبنان گردیده است.
از آثار ایشان تقریرات و دراسات آیت‌الله العظمی امام خمینی و بروجردی است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

موحدی کرمانی، محمد علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اینجانب محمد علی موحدی (مشهور به موحدی کرمانی) متولد 1310 بشماره شناسنامه 325 صادره کرمان فرزند عباس (واعظ معروف کرمان بود)
تحصیلات مقدماتی در حوزه کرمان سپس در حوزه علمیه قم وسپس در حوزه علمیه نجف.
اساتید در کرمان آیت الله صالحی و شیخ الرئیس و در قم مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی داماد و آیت الله العظمی امام خمینی و در نجف مرحوم آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی میرزا باقر زنجانی و چند ماهی در مشهد از محضر آیت الله میلانی استفاده کردم.
پس از مراجعت از نجف و قم سنواتی در کرمان بشئون روحانی پرداختم و سپس به تهران آمدم. در تهران در دوران انقلاب و مبارزه به تربیت جوانان در مسجد پرداختم و بهمین دلیل مسجد در شرق تهران یکی از پایگاهای مبارزه بود.
اینجانب در تشکیلات جامعه روحانیت مبارز تهران بعنوان یکی از اعضای شورای مرکزی و دبیرجامعه در شرق تهران فعالیت داشتم.
همچنین در حزب جمهوری اسلامی بعنوان عضو شورای مرکزی و عضو داوری حزب حضور داشتم. پنج دوره نمایندگی در مجلس شورای اسلامی داشتم که دوره اول از کرمان و بقیه ادوار از تهران بود.(البته دوره سوم میاندوره ای بود)
همچنین پس از شهادت شهید اشرفی اصفهانی در باختران«کرمانشاه» بامر امام رضوان الله تعالی علیه مسئولیت امامت جمعه را داشتم.
همچنین مدت چهارده سال نماینده مقام معظم رهبری در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودم. ایضا عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هستم.
ایضا از طرف مردم کرمان سه دوره نمایندگی مجلس خبرگان را داشتم.
در مجلس رئیس کمیسیون امور داخلی مجلس و رئیس کمیسیون امور دفاعی بودم.
در مقطعی نائب رئیس مجلس بودم. ایضا رئیس هیات اجرائی بین المجالس بودم. از توفیقات دوران مبارزه و انقلاب تشرفی بود که به عتبات عالیات در اول سال 57 داشتم که دیدارهای متعددی در نجف و

کربلا بطور خصوصی با حضرت امام داشتم که برنامه های جامعه روحانیت مبارز را خدمت امام عرض کردم و هم حامل دستورات مهمی برای جامعه مذکور و حزب جمهوری داشتم.
همچنین میتواند حضور در جبهه و انس با رزمندگان را در دوران امامت جمعه باختران از توفیقات دوران انقلاب باشد. شاهد بمبارانها و موشک خوردنهای مردم و مقاومت آن دلیران بودم که در این زمینه خاطرات فراوان دارم.
مباحثات اینجانب در دروس قم با آیات: آقای هاشمی رفسنجانی، مرحوم آقای ربانی املشی، و آقای قربانی لاهیجانی بود و بیشتر با حضرات آیات: آقای مطهری، آقای بهشتی، آقای مومن، آقای جنتی، آقای طاهری خرم آبادی و آقای مهدوی کنی و آقای انواری مانوس بودم.

موسوی اردبیلی، یونس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید یونس موسوی اردبیلی فرند آیت الله میرزا فتح علی اردبیلی یکی از آیات و مراجع بزرگ مشهد در قرن اخیر است. معظم له مجتهدی محقق، فقیهی اصولی و دانشمندی پارسا و مجاهد بود. در سال 1293 در شهر اردبیل متولد شد و بعد از پیمودن تحصیلات مقدماتی چند سالی از حضور علمای بزرگ زنجان ادبیات عرب و دروس فقه و اصول و حکمت و کلام و منطق را تکمیل نموده، رهسپار نجف اشرف گردید.
آیت الله اردبیلی متجاوز از سی و پنج سال در حوزه نجف و سایر شهرهای عتبیات از محضر اساتید متعدد برخوردار بود. بیشتر مراتب علمی و اجتهاد او از محضر پر فیض و پربرکت آخوند خراسانی و علامه یزدی نصیبش گردید. و خود به درجه استادی و اجتهاد رسید و در سلک مدرسین نجف قرار گرفت. مرحوم اردبیلی در سال 1346 از عراق وارد زادگاه خویش گردید ولی دیری نگذشت که رحل اقامت به قصد تربیت و تدریس علما در مشهد مقدس افکند و مردم آن شهر و فضلا مقدم او را گرامی داشتند و چند سال در رأس علما و مراجع و مدرسین حوزه مشهد کوشش می فرمود، تا آنکه در سال 1353 به علت اعتراض شدید به کشتار بی رحمانه مردم مشهد و حادثه مسجد گوهرشاد توسط رضا خان قلدر و ایادی او دستگیر شده و سرانجام او را به زادگاهش تبعید نمودند و حدود هشت ساله ناگزیر در شهر خود منشأ خدمات و آثار ارزنده گردیده و در پیشرفت مکتب جعفری به خوبی پیش رفت.
مرحوم اردبیلی بعد از سقوط رضاخان مجددا عازم مشهد مقدس گردید و تا پایان عمر در ردیف مراجع و آیات و مدرسین حوزه به تدریس علما و ترویج مذهب اشتغال داشت. عصر این سید بزرگوار مقارن زعامت آیت الله بروجردی در قم بود. معظم له کتاب معتقدات قاصر را در اصول عقاید و رسائلی در شرح و حاشیه عروه، قاعدهٔ لاضرر، صلوة مسافر، و رســـاله ای در عمل مقلدین خویش به رشته تحریر برد و سرانجام این مرجع بزرگ در سال 1377 در مشهد مقدس جهان فانی را وداع نمود و با مرگ او ثلمه ای بر پیکر اسلام و تشیع و شیعیان مشهد وارد شد.
منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

موسوی بجنوردی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله دکترسید محمد موسوی بجنوردی در سال 1322 در نجف اشرف متولد شد ولی در شناسنامه وی 1324 به عنوان سال تولد رقم خورده است. ایشان تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساندند. وی به مدت 30 سال در محضر استادان درجه اول فقه واصول و فلسفه از جمله مرحومان امام خمینی(س), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ـ صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت ـ آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهْ نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. موسوی بجنوردی که دروس جدید و حوزوی را با هم می‌خواند در 18 سالگی کفایتین (سطح 3) را به پایان رساند. همزمان با حضور در درس خارج امام, موسوی بجنوردی به مدت 12 سال در کلاسهای آیت الله العظمی خویی نیز حاضر می‌شدند.موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال 1359 به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال 1360 به مدت دو دوره تا سال 1368 به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت.همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدة الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال 1368 به رتبة دانشیاری و در فروردین سال 1382 به رتبه استادی رسیدند .دکتر سید محمد موسوی بجنوردی از سال 1371 عضو هیأت علمی و ریاست گروه الهیات دانشگاه تربیت معلم(خوارزمی) بودند و درحال حاضر رئیس گروه الهیات و رشتة حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه می باشند.
گروه : علوم انسانی
رشته : حقوق
گرایش : فقه و اصول
والدین و انساب : پدر معظم سید محمد موسوی بجنوردی مرحوم آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ، صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت بود

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد موسوی بجنوردی دارای اجتهاد در رشته فقه و اصول از نجف اشرف از سال 1332 تا 1357 است.
فعالیتهای ضمن تحصیل : سید محمد موسوی بجنوردی در حین شاگردی در کلاس درس امام و آیت الله العظمی خویی در مسجد جامع نجف اشرف (هندی) رسائل, مکاسب و کفایتین را به زبان عربی برای شیعیان کشورهای عرب زبان همچون عراق, لبنان, سوریه و مصر تدریس می‌کردند.
استادان و مربیان : از استادانسید محمد موسوی بجنوردی می توان به امام خمینی(ره), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ،آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهٔ نجف اشرف اشاره کرد.
وقایع میانسالی : سید محمد موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال 1359 به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال 1360 به مدت دو دوره تا سال 1368 به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت. در این شورا بخش مهمی از تدوین قوانین و اصلاحیه های مربوط به قانون مدنی, آیین دادرسی کیفری, قانون مجازات اسلامی و نظارت مستقیم براحکام همة دادگاهها بر عهدة ایشان بود. همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدة الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال 1368 به رتبة دانشیاری و در فروردین سال 1382 به رتبه استادی رسیدند
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی (آموزشی ـ اجرایی) سید محمد موسوی بجنوردی به شرح زیر است: اجرایی : - عضویت در شورای عالی قضایی (دو دوره بمدت ده سال) - رئیس دادگاه عالی انقلاب اسلامی - رئیس شعبه دیوان عالی کشور - عضو هیات عفو حضرت امام خمینی (ره) - عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی - عضوهیئت علمی موسسه عالی بانکداری - ریاست کمیسیون حقوق بشر اسلامی - عضویت در شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی - عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - رئیس گروه حقوق و علوم سیاسی تربیت معلم - رئیس گروه دین و فلسفه - مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی - عضو هیات امنای مرکز بین الملل گفتگوی فرهنگها و تمدنها - عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی - عضو کمیته علمی شورای پول و اعتبار - عضو هیئت امنای مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها -

عضو کمیتة کشوری اخلاق پزشکی - عضو شورای دانشگاه تربیت معلم - عضو هیئت ممیزه دانشگاه تربیت معلم - مدیر گروههای حقوق و علوم سیاسی و فلسفه و دین وفقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی(ره) - مدیر گروه دین و فلسفه دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - مدیر گروه حقوق و علوم سیاسی (تربیت معلم) - عضو هیئت تحریریه مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم - عضو هیئت تحریریه متین پژوهشکده امام خمینی (ره) - عضو هیئت تحریریه مجله نامه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی - عضو هیئت تحریریه مجله حقوق و علوم سیاسی آموزشی ـ آموزش از سال 60 تا کنون: - دانشگاه شهید بهشتی - دانشگاه تربیت مدرس - دانشگاه تهران - دانشگاه آزاد اسلامی - مدرسه عالی شهید مطهری - موسسه عالی بانکداری ایران - دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - دانشگاه قم
فعالیتهای آموزشی : سید محمد موسوی بجنوردی تدریس در دانشگاههای خارج از کشور را از سال ???? با تدریس در دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا آغاز کردند. ایشان در آن سال به دعوت دانشکده حقوق آن دانشگاه بمدت یک ترم حقوق اسلامی تدریس کردند و در پایان نیز یک رساله دکترا در موضوع «حقوق کودک در اسلام» را راهنمایی کرد. ایشان در همان سال از کانادا به آمریکا رفته در دانشگاه کالیفرنیا جلساتی را بمدت دو ماه برگزار کردکه مقارنه بین حقوق اسلام و حقوق غرب بود. این جلسات نهایتاً ترجمه و در آن دانشگاه به چاپ رسید. به دنبال همین جلسه مسؤولان دانشگاه از ایشان خواستند که بمدت چهار سال استادی آن دانشگاه را عهده دار شود که وی به علت ارجحیت دادن حضور در ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. یکسال بعد مسؤولان دانشگاه جرج تاون واشنگتن دی سی به واسطه دکتر سید حسین نصر پیشنهاد تصدی گری مسؤولیت بخش علوم اسلامی آن دانشگاه را به ایشان دادند ولی موسوی بجنوردی این پیشنهاد را نیز نپذیرفت. در سال ???? نیز آیت الله موسوی بجنوردی بمدت یک ترم در دانشکده حقوق دانشگاه آکسفورد تدریس داشتند که در انتها راهنمایی رساله دو دانشجو در موضوعات «سیستم حکومت در اسلام» و «بررسی حقوق خصوصی در بعد مسائل مالکیت خصوصی» را عهده دار شد. آیت الله موسوی بجنوردی از اواسط دهه هفتاد ارتباطات علمی مستمری با دانشکده حقوق دانشگاه محمد الخامس مراکش داشته است. ایشان رفت وآمد و تدریس در مراکش را بسیار مفید دانسته و از این بابت بسیار اظهار خرسندی داشته اند. سال گذشته آیت الله موسوی بجنوردی به دانشگاه سن ژوزف (القدیس یوسف) لبنان دعوت شدند و جلسات علمی را در آن دانشگاه که شاخه ای از دانشگاه سوربن می باشد برگزار کردند. به دنبال آن جلسات دعوتنامه ای از دانشگاه سوربن برای تدریس در ترم پاییز به ایشان ارسال شد. در اردیبهشت ???? آیت الله

موسوی بجنوردی به دعوت طنطاوی شیخ الازهر به مصر رفت و ضمن ارائه جلساتی درخصوص «نقش عقل در شریعت» ارتباطات علمی را با دانشگاه الازهر و عین الشمس برقرار کردند. یکی از جلسات جالب علمی آیت الله موسوی بجنوردی در دانشگاه بریتیش کلمبیا تدریس خصوصی به موریس کاپیتورن کمیسر عالی حقوق بشر می باشد. پروفسور کاپیتورن که استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا است در آن سال که هنوز نماینده سازمان حقوق بشر در ایران نبوده است جلساتی درباره «حقوق جزا در اسلام» را به صورت خصوصی نزد آیت الله موسوی بجنوردی گذراند.
موسوی بجنوردی درحال حاضر اشتیاق چندانی برای تدریس در دانشگاههای خارج از کشور ندارد. چراکه به اعتقاد او داخل کشور بیشتر از خارج نیازمند اسلام راستین است. ایشان هم اکنون در داخل کشور در دانشگاههای : تهران ،تربیت مدرس، شهید بهشتی، تربیت معلم (خوارزمی)، دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات، الهیات قلهک)، موسسه عالی بانکداری و پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس میکنند.
شاگردان : سیدعباس موسوی و شیخ راغب حرب از شهدای برجسته حزب الله لبنان از شاگردانسید محمد موسوی بجنوردی در آن دوران از تحصیل وی در نجف اشرف بودند.
آرا و گرایشهای خاص : زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه سید محمد موسوی بجنوردی به قرار زیر است: فقه - حقوق - اصول - فلسفه - عرفان - کلام
چگونگی عرضه آثار : از سید محمد موسوی بجنوردی در داخل کشور بیش از 50 مقاله درمجلات علمی و 15جلد کتاب با عناوین زیر منتشر شده است که بعضاً عنوان کتب درسی رشتة حقوق در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه استادان و دانشجویان قرار گرفته است. - عقد ضمان - علم اصول - فقه تطبیقی - فقه تطبیقی, بخش جزایی(جلد دوم) - قواعد فقهیه جلد 1, 2 - مجموعه مقالات فقهی, حقوقی, فلسفی و اجتماعی1،2،3،4،5،6 - مصادر التشریع عندالامامیة و السنة (به زبان عربی)؛ - مقالات اصولی. تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی وپژوهشی = 48 مقاله تعداد مقاله‌های ارائه شده در نشست‌های علمی = 23 مقاله تعداد پایان نامه‌های تحت راهنمایی دکتر موسوی بجنوردی: الف) کارشناسی ارشد: در حدود 220 پایان نامه کارشناسی ارشد ب) دکتری: در حدود 60 پایان نامه دکتری پایان نامه‌های تحت مشاوره دکتر موسوی بجنوردی : الف) کارشناسی ارشد: در حدود 220 پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر ب) دکتری: در حدود 60 پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر ----------
---

آثار :
1 اندیشه‌های حقوقی حقوق خانواده
ویژگی اثر : انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد و در سال 1386 به چاپ رسیده است و در زمینه فقه، حقوق می باشد.
2 عقد ضمان
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال 1380 به چاپ رسیده است. این کتاب در زمینه حقوق است.
3 علم اصول
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سال 1380چاپ شده است.این کتاب در زمینه اصول فقه می باشد.
4 فقه تطبیقی
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال 1382 به چاپ رسیده است و در زمینه حقوق می باشد
5 قواعد فقهیه (در دو جلد)
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سالهای 1379 و 1383 چاپ شده است.این کتاب در زمینه فقه و حقوق است.
6 مجموعه مقالات فقهی ، حقوقی ، اجتماعی فلسفی در 6 جلد
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سالهای 1380-1381-1382-1383-1384-1385 منتشر شده است. این کتاب در زمینه فقه حقوق فلسفه بحث می کند.
7 مصادر التشریع عند الامامیه و السنه (ج1)
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال 1382 به چاپ رسید.این کتاب در زمینه مدخل در علم فقه و اصول نگاشته شده است
8 مقالات اصولی
ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر و در سال 1376 به چاپ رسیده است.و در زمینه اصول است.

موسوی تبریزی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام و آقا سید ابوالفضل بن السید الاجله السید رضای موسوی از اساتید بزرگوار و مدرسین عالی مقدار حوزه علمیه قم است در سال 1314 شمسی در شهر تبریز متولد شده و پس از تحصیلات ابتدائی از سال 1328 شمسی در مدرسه حسن پادشاه تبریز مشغول تحصیل علوم دینیه و مقدمات گردید و در سال 1331 ش مشرف به بلده طیبه قم گردیده و پس از اتمام سطوح عالی از اساتید مشهور حوزه علمیه قم در جلسه‌ی بحث فقه سید الفضلاء والمجتهدین آیت‌الله العظمی شریعتمداری مدظله حاضر شده و در ابواب مختلف فقه از معظم‌له استفاده کرده، از قبیل اجاره، خمس، بیع، خیارات، کفارات صوم و صلوه و تقریرات و دراسات آن بزرگوار را از اول افعال صلوه الی آخر ابواب الصلوه در حدود هشتصد صفحه آماده طبع می باشد و در خلال این مدت هم در جلسه بحث اصول آیت‌الله العظمی امام خمینی حاضر و تقریرات درس معظم‌له را از اول مباحث الفاظ تا اقل اکثر ارتباطی نوشته‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی تهرانی، علینقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علینقی الموسوی التهرانی از علماء بنام و دانشمندان عظام معاصر تهرانست.
تولد آنجناب در حدود سال 1325 قمری در تهران واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید بزرگ قم چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده نموده و در سال 1353 قمری بر حسب تقاضای عده‌ای از اهالی تهران از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری قدس اللّه سره به تهران آمده و تا حال حاضر که حدود چهل سال است، به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات مذهبی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان موصوف بتقوی و فضیلت و معروف بکمال و متانت و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و مورد توجه مردم تهران و وثوق تمام مراجع گذشته و معاصر می‌باشند و از آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی نائینی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و دیگران دارای اجازات جامع و مطلق می‌باشند و با این صفات از تظاهرات بر کنار و بوظائف دینی کوشا و ساعی میباشند.
دارای خاطرات عجیب و نوادر غریب میباشند از جمله صداقت تام و ارادت تمام به مرحوم عالم ربانی و آیه سبحانی حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی رحمه اللّه علیه داشتند و حکایات شگفت‌انگیزی از آن مجاهد حقیقی بخاطر دارند. و دیگر با مرحوم ثقةالاسلام و المحدثین حاج شیخ ابراهیم ترک (صاحب الزمانی) رفاقت خالصی داشتند و قصه عنایت وصله حضرت رضا علیه‌السلام را که مشهور میان علماء صالحین است از ایشان بلا واسطه نقل می‌نمایند.
صله حضرت رضا علیه‌السلام بمرحوم شیخ ابراهیم ترک
فرمودند مرحوم شیخ ابراهیم مقیم قم (که قبل از تدریس مرحوم آیت‌اللّه حایری همه روزه منبر رفته و حدیث می‌خواندند و مرثیه) حکایت کرد برای ما که به مشهد مشرف شدم و مدتی اقامت کردم تا پولم تمام شد. قصیده‌ای در مدح حضرت رضا علیه‌السلام سرودم و خواستم بروم برای تولیت بخوانم وصله بگیرم با خود گفتم چرا برای خود حضرت نخوانم پس استغفار کرده و بحرم مطهر مشرف و مدیحه را خواندم و تقاضای صله

نمودم و نزدیک ضریح مطهر رفتم دستی با من مصافحه نمود و یک برگه ده تومانی در دست من گذارد فورا عرض کردم آقا جان کم است ده تومان دیگر رسید باز گفتم کم است تا شش یا هفت مرتبه ده تومان در دست من گذارده شد دیگر خجالت کشیده و تشکر نمودم و از حرم شریف بیرون آمدم نزدیک کفشداری دیدم مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (جد آیت‌اللّه مروارید معاصر در مشهد) با عجله می‌آید تا بمن نزدیک شد فرمود شیخ ابراهیم خوب با آقایم حضرت رضا علیه‌السلام روهم ریخته برایش مدیحه خوانده و صله می‌گیری. بده بمن صله حضرت را، من فوراً آن پولها را تقدیم داشتم ایشان گرفت و پاکتی بمن داد و برگشت و من پاکت را گشودم دیدم دو برابر آن پولست که حضرت مرحمت فرمودند.
آری و اللّه عادتهم الاحسان و سجیتهم الکرم. (کس بدین درگه نیامد بازگردد ناامید).
لم یخب الان من رجاه و من
حرک من دون بایه الحلقه
قضایای دیگری از آن مرحوم منقولست که برای اختصار از ذکر آن خودداری نمودم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خراسانی، ذبیح‌اللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1248 ق)، عالم دینی و فقیه. وی از علمای بزرگ مشهد رضوی بود که در 1248 ق جانشین و عهده‌دار مقام پدر گشت. از آثارش: ترجمه‌ی «عیون اخبار الرضا (ع)»، به فارسی؛ شرح کتاب «الزکاه و الخمس»، از «الکفایة» سبزواری؛ رساله‌ی «المواسعه و المضایقة»؛ رساله‌ی «الطهارة الکبری»؛ رساله‌ی «الطهارة الصغری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (430/ 6)، الذریعه (223/ 23 ،120/ 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 524 -523/ 13)، مطلع الشمس (403 -402/ 2)، معجم المولفین (147/ 4).

موسوی خوانساری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1309، ق.، خوانسار.
درگذشت: 29 دی 1363.
آیت‌الله سید احمد موسوی خوانساری، فرزند علامه سید میرزا یوسف موسوی، پس از طی مقدمات از محضر برادر خود، محمدحسن و آیت‌الله سید علی‌اکبر خوانساری به اصفهان مسافرت کرد و از محضر آیت‌الله محمدصادق اصفهانی و آیت‌الله عبدالکریم گزی و آیت‌الله محمدعلی تویسرکانی بهره‌مند شد. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نمود و یک سال از محضر آیت‌الله خراسانی و چندین سال از علامه طباطبایی یزدی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و در سال 1336 ق. به ایران مراجعت و به اراک آمد و از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند شد. در سال 1342 ق. به قم رفت و تا سال 1369 ق. به تدریس پرداخت.
در سال 1369 ق.، با فوت حجت‌الاسلام یحیی سجادی تهرانی، به درخواست بازاریان تهران از آیت‌الله سید حسین بروجردی، وی به تهران آمد و در مسجد حاج سید عزیزالله بازار تهران اقامه‌ی جماعت و تدریس فقه نمود. آثار عملی وی به این شرح است: شرح مختصر النافع (در چند جلد که پنج جلد آن به طبع رسیده است)؛ حاشیه بر عروةالوثقی، توضیح المسائل؛ مناسک حج؛ العقائد الحقه (به زبان عربی، 1399 ق.). وی از صدقات جاریه به ساخت مساجد و تعمیر مدارس علمی و بنای حسینیه‌ها و درمانگاه‌ها و غیره پرداخت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی دزفولی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدعلی فرزند حاج سید عبداللَّه بن آقا سید عبدالکریم موسوی دزفولی یکی از معاریف سادات گوشه عالم جلیل‌القدر و فقیه کامل متبحر در رجال و حدیث و دارای ذهنی عجیب بوده تولدش در ماه صفر 1275 در دزفول اتفاق افتاده و از عم خود آقا سید حسین و آقا شیخ محمدحسن انصاری فقه و اصول را فراگرفت
و از حاج شیخ فضل‌اللَّه نوری در تهران نیز مستفیذ شده یکسال هم در نجف اشرف بر سید یزدی و در کربلا نیز بر سید اسماعیل صدر و سید محمدباقر حجت شاگردی کرده و در دهم رمضان 1333 در دزفول دنیا را ترک گفت و نوشتجاتی چون حاشیه بر رسائل و همچنین در بعضی از مباحث اصول از خود بجای گذاشت
فرزندانش عبارتند از آقا سید اسداللَّه متوفی 1361 و آقا سید مهدی ضیائیان متوفی 1378 و حاج سید فخرالدین فیض که هم‌اکنون از اهل فضل تهران و آقا سید جلال‌الدین عرفانی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالقاسم بن سید کاظم موسوی زنجانی متولد 1224 و متوفی 1292 ق عالمی بزرگ و مجتهدی بزرگوار و رئیسی مطاع در زنجان بوده و در کتاب (المآثر والاثار) او را یاد کرده و بسیار ستوده است دارای سه فرزند دانشمند جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله به نامهای 1- آیت‌اللّه آمیرزا ابوطالب 2- آیت‌اللّه آمیرزا ابوعبداللّه 3- آیت‌اللّه آمیرزا ابوالمکارم بوده چنانچه به آنها اشاره نمودیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، ابوطالب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید میرزا ابوطالب بن السید القاسم بن سید کاظم موسوی زنجانی متولد 1257 و متوفی 1322 ق عالمی جلیل و محققی بزرگ و مصنفی جامع و با دو برادرش آیت‌اللّه میرزا ابوالمکارم و آیت‌اللّه آمیرزا ابوعبداللّه خدمت مرحوم علامه آسید حسین کوه‌کمری تلمذ نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا موسوی بن حاج سید محمد از علماء معاصر تهرانند.
وی در تاریخ 1322 قمری در شهر زنجان دیده به جهان گشوده و در بیت علم و عظمت پرورش یافته و در سال 1346 قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری استفاده نموده و از خواص اصحاب ایشان گردیده و ضمناً تدریس متون فقه و اصول نموده تا سال 1356 قمری یک سال بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری به تهران عزیمت و رحل اقامت انداخته و تا حال تحریر در قید حیات از محترمین دانشمندان تهران بشمار می‌روند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی زنجانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1355 -1284 ق)، عالم دینی، فقیه و حکیم. در زنجان به دنیا آمد و در خانواده‌ی علم و دانش و سیادت پرورش یافت. پس از فراگیری ادبیات و قسمتی از سطوح به تهران آمد و در فلسفه و معقول از محضر حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و علامه آقا علی حکیم نوری استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در محضر علامه آخوند خراسانی و دیگر علما تلمذ نمود و پس از رسیدن به مقام اجتهاد به زنجان بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور دینی مردم و تدریس گردید و شاگردان از اطراف به گردش جمع شدند و او در آنجا تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. در زنجان درگذشت. پیکرش به کربلا منتقل و در رواق حضرت ابوالفضل (ع) دفن شد. از آثارش کتابی در «فقه» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (250/ 5)، معجم المؤلفین (175/ 11).

موسوی زنجانی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر بن آقا سید فتح‌اللّٰه موسوی زنجانی متوفی 1317 ق از تلامذه علامه میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی بوده است
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله سیدعبدالاعلی موسوی سبزواری، فقیه، مفسر و قرآن‌پژوه بزرگ جهان تشیع و از مفاخر علمی و برجسته اسلام در دوره معاصر است که عمر شریف خویش را در نشر و گسترش معارف اسلام و قرآن مصروف داشت. وی در 18 ذی‌الحجه 1328 هـ.ق، مصادف با عید غدیر خم، در سبزوار دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی پدر بزرگوارش طی کرد و مقدمات ادبیات عرب، فقه، اصول و ... را از پدر و عمویش، آیت‌الله «سیدعبدالله برهان» (م 1384 هـ.ق) فراگرفت و تا سن چهارده سالگی در زادگاه خود به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و عربی پرداخت. در سال 1342 هـ.ق به مشهد مقدس رفت و در آن‌جا از محضر بزرگانی چون علامه میرزا «عبدالجواد ادیب نیشابوری» (م 1344 هـ.ق)، میرزا عسکر شهیدی، معروف به آقا بزرگ حکیم (م 1354 هـ.ق)، آیت‌الله سیدمحمد عصار لواسانی (م 1356 هـ.ق) و شیخ علی‌اکبر نهاوندی (م 1369 هـ.ق) بهره برد. مرحوم آیت‌الله سبزواری پس از حدود هشت سال اقامت در مشهد، برای تکمیل دروس سطح فقه و اصول و نیز فلسفه و تفسیر و دیگر علوم اسلامی عزم سفر نجف اشرف کرد و در آن شهر در درس آیات عظام مرحوم نائینی (م 1355 هـ.ق)، آقا ضیاءالدین عراقی (م 1361 هـ.ق)، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (م 1361 هـ.ق)، سیدابوالحسن اصفهانی و سیدحسین بادکوبه‌ای (م 1358 هـ.ق) شرکت و آموخته‌های فقهی و فلسفی خویش را تکمیل کرد. وی تفسیر قرآن و مناظره و کلام را با حضور در جلسات تفسیری علامه «محمدجواد بلاغی» فراگرفت. او هم‌چنین از علامه مامقانی (م 1351 هـ.ق) و شیخ عباس قمی (م 1359 هـ.ق) و دیگر مشایخ و استادان خود اجازات روایتی و اجتهادی کسب کرد و در حالی که 36 سال داشت، در سال 1365 هـ.ق خود عهده‌دار تدریس خارج فقه و اصول شد و به تربیت شاگردان و دانشوران پرداخت. آیت‌الله سبزواری در کنار فقیه برجسته اهل بیت(ع)، آیت‌الله سیدابوالقاسم خوئی (م 1413 هـ.ق) خدمات شایانی به حوزه نجف اشرف کرد و چراغ فقاهت را در آن حوزه نورانی نگه داشت و خود چیزی کمتر از یک سال ـ بعد از آیت‌الله خوئی ـ عهده‌دار ریاست آن حوزه علمی شد. سرانجام این فقیه فرزانه و مفسر عالی‌قدر تشیع و عالم وارسته، بعد از عمری تدریس و تحقیق و تألیف و مجاهدت در روز دوشنبه

25 مرداد 1372 هـ.ش (27 صفر 1414 هـ.ق)، مصادف با شب رحلت رسول خدا(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) در نجف اشرف درگذشت و به دیدار حق شتافت که البته برخی معتقدند که وی توسط رژیم بعث عراق مسموم و شهید شده است.
برگرفته از کتاب :راسخون

موسوی شاهرودی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1272، یکی از روستاهای شاهرود.
درگذشت: آبان 1368، مشهد.
آیت‌الله حسین موسوی شاهرودی علوم مقدماتی را در شاهرود و حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد مقدس فراگرفت و سپس به نجف اشرف عزیمت نمود. پس از اقامت در این شهر و استفاده از محضر اساتیدی چون آیات عظام اصفهانی و ضیاءالدین عراقی و به ویژه آیت‌الله سید محمود شاهرودی به وطن بازگشت و در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تدریس پرداخت. وی سال‌ها در مشهد به اقامه‌ی جماعت و ترویج دین و تدریس پرداخت. وی در زمانی که در نجف اشرف بود، تقریرات دروس اساتید خود را تألیف و به رشته تحریر درآورد. از ایشان تألیفاتی در فقه و اصول و تفسیر به یادگار مانده است.
آقای حاج آقا حسین موسوی شاهرودی از علماء مبارز و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدس می‌باشند. تولد ایشان در شهرستان شاهرود بوده و در اینجا نیز اجمالا متذکر شدیم که معظم‌له در بالا خیابان مشهد ساکن و در یکی از مساجد همان منطقه اقامه جماعت می‌نمایند.
فرزند برومند ایشان جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد موسوی شاهرودی یکی از چهره‌های درخشان روحانیون مشهد و افاضل معاصر آن سامان است که سالهای متمادی در نجف اشرف اقامت و از محاضر آیات عظامی چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده تا به مدارج عالیه فضل رسیده و به مشهد مقدس مراجعت و به تدریس فقه و اصول اشتغال و اکنون از مدرسین به نام مشهد می‌باشند.
آیت‌اللّه شاهرودی دارای دامادهای ارجمندی از فضلاو و خطباء می‌باشند و یکی از آنها مرحوم ثقه‌الاسلام والمحدثین حاج شیخ احمد کافی واعظ خراسانی بود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی شوشتری جزایری، عبدالصمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالصمد بن سید احمد بن سید محمد بن سید طیب بن سید محمد بن سید نورالدین بن سید نعمت‌اللّٰه موسوی شوشتری جزایری فقیهی بزرگوار و عالمی جلیل‌القدر و محققی دقیق بوده.
در ذی‌حجه 1243 در شوشتر متولد و مقدمات را در شوشتر خوانده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر شیخ مرتضی انصاری و میرزاء بزرگ مجدد شیرازی و اعلام دیگر استفاده نموده تا به مقام رفیع علم و فقاهت رسیده و به شوشتر برگشته و مرجع امور دینی گردیده.
و مردم اقبال به وی نمودند و به وظائف شرعی قیام نمود و به سبب افسردگی از مردم شوشتر مهاجرت به نجف نمود و مدتها در آنجا به عبادت و تألیف پرداخت تا مردم شوشتر التماس فراوان نموده و مراجعت وی را خواستند که به شوشتر برگردد. و رهبر و ملجاء و مرجع آنها باشد پس قبول نمود و به شوشتر آمده و به وظائف شرعی پرداخت تا در دهم جمادی‌الثانیه سال 1337 ق وفات و حمل به نجف و در مقبره سید علی شوشتری مدفون شد.
تألیفات او از اینقرار است.
1- (المحاکمات بین صاحب قوانین و صاحب فصول)
2- رساله‌ای در (وجوب اخفات در اخیرتین)
3- نظم الکافیه
4- حاشیه بر رسائل
5- نقد البیان
6- فصل الخطاب
7- التحفة النظامیه و چند کتاب دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی شیرازی، عبدالباقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالباقی بن سید محمدباقر بن سید محمد بن سید محمدباقر موسوی شیرازی فقیهی بارع و عالمی جلیل و مجتهدی بزرگوار از شاگردان آیت‌اللّه العظمی آشیخ محمدکاظم خراسانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی یکی از مراجع بزرگ استان فارس و شیراز و سرسلسله خاندان آیةاللهی شیراز بوده تولدش در حدود 1290 ق و وفاتش در سال 1354 ق در شیراز واقع است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی شیرازی، محمدطاهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدطاهر بن سید محمدعلی موسوی شیرازی دانشمندی بارع و فاضلی متقی از شاگردان آیت‌اللّه العظمی میرزای بزرگ شیرازی و در شیراز مرجع از امور دینی مردم بوده ودر سال 1345 وفات نموده است.
و ایشانست والد ماجد حجتی‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج سید عبداللّه طاهری شیرازی یکی از مراجع علمی معاصر نجف و آیت‌اللّه حاج سید محمدجعفر طاهری شیرازی از علماء اعلام معاصر شیراز.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی طسوجی، محمدهاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند عالم زاهد میر عبداللَّه موسوی که نسبش با بیست و پنج واسطه به امام موسی بن جفر علیه‌السلام منتهی می‌شود آن مرحوم از علماء فاضل و دانشمند و در علوم متنوعه صاحب نظر و مخصوصاً در فقه و اصول و حدیث دارای تحقیقات ارزنده و تتبعات کثیره می‌باشد و علاوه بر مراتب بالا دانشمند مزبور در ادب و موعظه و خطابه توانا و در هدت ذهن وجودت حافظه فردی کم‌نظیر بوده است اشعار عربی و ترکی و فارسی که از ایشان به یادگار مانده نشانه قریحه سرشار و طبع لطیف و ذوق سلیم او می‌باشد.
لایخفی آن مرحوم به نجف نرفته ولی از بعض مراجع نجف اجازه اجتهاد داشت آثار چندی از او به یادگار مانده است که هنوز چاپ نشده است تولدش در سال 1295 وفاتش در سال 1358 قمری واقع شده از تألیفاتی که از آن مرحوم بطبع رسیده کتب زیر است:
1- ذخر المساکین در ادعیه
2- رجوم الشیاطین در عقاید 3- چند رساله در احکام اموات و طلاق زوجه غایب و رد نظریه فیلسوف مشهور داروین
4- شرح الاربعین در شرح چهل حدیث
5- شفاء الصدور در تفسیر سوره قدر
6- مجالس الاصول
7- مرقاة التقی در شرح قضاء غروه الوثقی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی علوی خوانساری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، استاد، عالم دینی.
تولد: 1278، خوانسار.
درگذشت: 1368.
آیت‌الله سید حسین موسوی علوی خوانساری در اوان کودکی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی جد بزرگوارش سید علی مجتهد پرورش یافت. دوران مقدماتی درس را در زادگاهش و سطوح وسطی را در اصفهان طی نمود و سپس برای تحصیلات به نجف اشرف رفت و از محضر علمایی همچون آیت‌الله نایینی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و اساتید دیگر بهره برد و پس از پایان دوران تحصیل به زادگاهش بازگشت و به سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی خوانسار همت گماشت. آثار ایشان عبارتند از: دوره‌ی تقریرات اصول نایینی، رساله‌ی تحقیقی در صلوة مسافر (تقریر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، 1373)؛ خارج کفایه تقریرات آخوند خراسانی؛ فقه سید محمدکاظم یزدی.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی قزوینی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی موسوی قزوینی فرزند آقاسید اسماعیل قدس‌اللَّه سرهما از اعاظم آیات و اکابر فقها عصر خود در قزوین بوده است.
در ماه ربیع‌الاول 1237 قمری هجری در شهرستان قزوین به دنیا آمده و در بیت رفیع علم و تقوا پرورش یافته و در سنین کودکی پدر را از دست داده و در تحت سرپرستی دائی عزیزش مرحوم علامه سید رضی قزوینی نشو و نما یافته و با ارشاد آن جناب تکمیل مقدمات علوم و تحصیل مبانی فقه پرداخت سپس در سال 1262 قمری به کربلا معلی مهاجرت نمود و از آنجا به نجف اشرف مشرف شده و از محضر و دراسات آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان استفاده نموده و تا به مقام رفیع علم و اجتهاد رسیده و پس از آن به قزوین و به تدریس و تألیف و تصنیف کتب مفیده علمی مشغول گردیده که متاسفانه تاکنون به زیور طبع آراسته نشده است.
اساتید و مشایخ اجازه آن مرحوم
1- علامه کبیر شیخ محمدحسن صاحب جواهر متوفی 1266 هجری قمری.
2- خاتم الفقهاء و المجتهدین شیخ مرتضی انصاری متولد 1214 و متوفی 1281 قمری.
3- فقیه بارع حاج سید رضی قزوینی (ره).
4- سیدالفقهاء آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب کتاب ضوابط.
5- و بعضی دیگر از مفاخر از دانشمندان آن عصر.
شاگردان آن بزرگوار
بسیاری از علماء و دانشمندان آن زمان از محضر آن مرحوم کسب فیض و علم نموده‌اند که از مشاهیر آنان نامبردگان زیر است:
1- حاج ملا محمدباقر هیدجی بن حاج معصوم علی
2- حاج شیخ عبداللَّه مازندرانی متولد 1259 و متوفی 1331 قمری
3- آخوند ملا فتح‌اللَّه سبزواری
4- سید حسین اللَّه‌آبادی متوفی 1300 قمری
5- سید حسین اشکوری متوفی 1349 قمری
6- حاج شیخ شعبان گیلانی نجفی متولد 1275 و متوفی 1348 قمری
فرزند ارجمندش عالم جلیل حاج سید محمدباقر موسوی قزوینی از شاگردان میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و فاضل شریبانی و میرزا محمدحسن

مجدد شیرازی بوده است.
مرحوم علامه فقیه و حکیم متاله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اسباط ایشان بوده است که در 1315 قمری به دنیا آمده و در سال 1396 قمری از دنیا رفته و در مسجد بالاسر قم مدفون شده که نگارنده در جلد چهارم گنجینه دانشمندان و معجم القبور و وفیات الاعلام او را یاد نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

موسوی ونکی سمیرمی، محمد شریف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌محمد حسن بن حسین شیرازی اصفهانی. عالم جلیل، و مجتهد بارع، و فقیه جامع، در 1270 متولد، و در 28 رمضان المبارک 1352 در طهران وفات یافته، در قم مدفون گردید.
مقدمات علوم را در مولد خویش آموخته، جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت کرده، به درس حاج شیخ محمد باقر نجفی و حاج میرزا بدیع درب امامی و دیگران حاضر شده؛ سپس به نجف مهاجرت نموده، در محضر شیخ لطف الله مازندرانی و حاج شیخ زین العابدین مازندرانی سال‌ها حاضر شده، و به درس میرزای بزرگ شیرازی حاج میرزا محمد حسن، و میرزای رشتی حاج میرزا حبیب الله نیز حاضر شده تا به مقامات عالیه‌ی علم وایقان رسید.
در موقع مشروطیت ایران جزو یاران آقا سید محمد کاظم یزدی بوده، و در نجف از طرف برخی از طلاب رنج‌ها دیده، به ایران مراجعت نموده، در شیراز ساکن شده، در 1342 به اصفهان آمده، مدت دو سال ساکن شده، و به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت پرداخته؛ سپس به طهران رفته و در آنجا ساکن گردیده و به ترویج دین و نشر احکام از راه مسجد و منبر و تألیف کتب پرداخته، تا سرانجام در آنجا وفات یافت.
اولادش در شهرضا و طهران ساکن می‌باشند، و مرحوم حجة الاسلام حاج سید هدایت الله تقوی معروف به آیة الله تقوی فرزند ارشد ایشان در طهران ساکن، و در سال 1386 وفات یافت.
کتب زیر از تألیفات ایشان است:
1- تبصرة الناظرین [در رد بر مبلغ مسیحی] 2- تذکرة المسلمین، در امر به معروف و نهی از منکر 3- رساله در رد وهابیه 4- رساله‌ی عملیه 5- رساله‌ی نفلیه، در نوافل 6- فقه، یک دوره در چندین مجلد، که در شیراز و اصفهان و طهران به طبع رسیده 7- قانون الهی، در شیراز چاپ شده 8- کشف البیان فی تربیة الانسان 9- کشف المرام فی قانون الاسلام [در رد مشروطیت] 10- مرآت الاصول، در اصول [دین] 11- الناسخ و المنسوخ، در اصفهان به طبع رسیده 12- نسیم سحر و هدایة المسترشدین؛ و غیره.
در نقباء البشر وی را از ونک طهران، و در دانشمندان فارس وی را از ونک سمیرم می‌نویسد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی یزدی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید یحیی بن العالم الجلیل آقاسید کاظم موسوی از علماء معروف و بنام شهرستان یزد بودند آن مرحوم در اوائل جوانی به امر تجارت اشتغال و هم قسمتی از وقت خود مصروف تحصیل می‌نمودند پس کار را تعطیل و از یزد به مشهد مقدس مسافرت و مدتی در آنجا تحصیل نمود و بعد از آنجا مهاجرت به نجف اشرف کرده و مدت 9 سال از محاضر آیات عظام و مراجع بزرگ آن سامان استفاده نمود و پس از آن به یزد برگشته و سالها در یزد به ریاست علمی و روحی و امر تدریس برگزار نمود تا در جمادی‌الاولی 1346 ق وفات و در حرم امامزاده جعفر یزد مدفون گردیدند.
جماعتی از علماء یزد مانند آقا شیخ محمدتقی متخلص به (پریشان) و آقا سید سید احمد مدرس از شاگردان آن مرحوم می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

موسوی، حجت‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید حجت‌اللَّه بن ثقه‌المحدثین آقا سید ذبیح‌اللَّه کاظمی موسوی مازندرانی از علماء اعلام معاصر است در شهر چالوس. وی در حدود سال 1330 قمری در چالوس متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و بعد از پرورش و خواندن اولیات به تهران آمده و حدود دو سال در مدرسه سپهسالار قدیم تحصیل نموده آنگاه در سال 1350 قمری مهاجرت به قم و سطوح را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه آقای میرزا محمد همدانی و آیت‌اللَّه آخوند ملا علی و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی استفاده نموده و به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه صدر از موقع ورود آیت‌اللَّه العظمی بروجردی حاضر و از مبانی فقهی و اصولی آنان بهره‌مند شده تا سال 1370 قمری که به امر آن زعیم اعظم بر حسب تقاضای اهالی چالوس مراجعت به وطن نموده و به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغ احکام همت گماشته و تا حال حاضر به این سمت اشتغال دارند آثار ایشان از اینقرار است.
1- بناء مسجد جامع چالوس
2- مدرسه علمیه برای طلاب و اکنون بالغ بر سی و دو طلبه و مدرس دارد
3- خانه برای عالم و امام جماعت مسجد چالوس.
4- اعزام و هدایت مبلغین به اطراف و حومه چالوس و اکنون عده‌ای از طلاب و محصلین مدرسه معظم له در مشهد و تهران اشغال به تحصیل و خدمات دینی دارند و نیز حدود بیست طلبه از چالوس و حومه آن در حوزه علمیه مشغول می‌باشند.
مدرسین مدرسه ایشان جنابان ثقةالاسلام آقا شیخ علی‌اکبر ضیائی و آقا شیخ ابراهیم کیاپاشا می‌باشند.
فرزند برومند ایشان جناب سیدالفضلاء آقا سید جمال موسوی از فضلاء و شرکاء درس خارج آیت‌اللَّه العظمی آملی در قم هستند.
وعاظ و گویندگان مشهوری که بنابر دعوت معظم له برای تبلیغ به چالوس آمده‌اند بسیارند و از مشاهیر آنان نامبردگان زیرند.
1- جناب خطیب توانا آقای فلسفی
2- جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمود حلبی
3- جناب آقای حاج سید محمدعلی صدرائی اشکوری.
4- جناب واعظ و نویسنده برنا آقای هاشمی‌نژاد

5- جناب استاد میرزا حسین نوری.
6- جناب واعظ و دانشمند ارجمند آقای حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وی فرزند مرحوم آقا سید هدایت مشترودی نیز از علماء و ائمه جماعت و خدمتگذاران شرع انور معاصر است در منطقه دربند شمیران تهران ایشان که از اولاد امامزاده عظیم‌الشأن ابراهیم المرتضی فرزند حضرت امام موسی بن جعفر علیهاالسلام است در قریه کلوچه هشترود در سال 1330 متولد شده و از پنج سالگی شروع به آموختن قرآن و دروس فارسی نموده و در همان اوان پدر و در سن 9 سالگی مادر را از دست داده و در تحت تربیت و سرپرستی مرحوم حاج ملا صالح معروف به حاج آخوند دائی خود که از اود و زهاد زمان خود بوده ادامه به تحصیل داده و پس از فوت آن مرحوم در سن 18 سالگی مهاجرت به قم و در شب نیمه شعبان 1348 قمری وارد حوزه علمیه گردیده و در مدرسه دارالشفاء به دروس مقدمات و سطوح نموده و شرح لمعه را از محضر مرجع عالی‌قدر معاصر آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و مطول را از محضر مرحوم حجةالاسلام ادیب تهرانی و رسائل و مکاسب را از مرحوم حاج سید محمد مولانا تبریزی و کفایه را از آیت‌اللّه حاج میرزا رضی تبریزی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی خوانده و در سال 1354 در درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری شرکت نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال 1355 ق از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا محمد فیض قمی استفاده نموده و نیز چند سالی از دروس و محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی بهره‌مند شده تا بعد از فوت آن مرحوم که در خیابان دربند (باغ شاطر) ساکن و مسجد و کتابخانه مفصلی تاسیس و تا هم‌اکنون در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی اشتغال دارند.
دارای اجازات عدیده اجتهادی و روایتی و غیره از آقایان آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه زنجانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مدظله می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

موسوی، عبدالحمید

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جّد ایشان مرحوم سید عبدالحمید از علمای ازکیا، و از شاگردان شیخ محمّد حسن صاحب جواهر بوده، و پس از مراجعت از نجف اشرف در اصفهان و لنجان ساکن شده، و هم در این شهر وفات یافته.
وی را شرحی است بر کتاب شرایع الاسلام تألیف محقّق حلّی علیه الرحمه.
پدر ایشان مرحوم آقا سید محمّد نیز از علمای کاملین بوده و قبرش در خوانسار است.
صاحب عنوان از اکابر علما و مجتهدین، و اعاظم فقها، و در اواخر زمان حیات خود مرجع وحید شیعه، و زعیم بزرگ دینی بود. از حیث قدرت و ریاست و نفوذ امر از جمیع مراجع تقلید گذرانید.
در سال 1284 قمری در اصفهان متولّد گردیده و مقدمات علوم را نزد جمعی از بزرگان که از جمله آنهاست مرحوم حاج سید مهدی نحوی فرا گرفته، و در سال 1307 به نجف اشرف مهاجرت فرموده، و در آنجا خدمت اساتید بزرگ سالها درس خوانده، مدّت دو سال در سامرا به درس میرزای بزرگ شیرازی مرحوم حاج میرزا محمّد حسن (1230-1312) حاضر شده، سپس در نجف به درس آخوند ملا کاظم خراسانی (1255-1329) حاضر شده و از خواص ایشان، و مشهورترین شاگردان وی به شمار می‌رود، و از آخوند خراسانی و میرزا محمّد تقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی و سید حسن صدر کاظمینی اجازه روایت احادیث یافته، و مرکز درس و بحث و فتوی قرار گرفت.
در احسن الودیعه(109:2) درباره او گوید: صاحب الاخلاق النبوّیة و الغیرة الهاشمیّة، کریم الطبع، سخی النفس...حسن السلیقه فی المسائل العلمیّة، فلتفتخر اصفهان بأنّ منها مثل هذا المولی العظیم الشأن.
در نقباء البشر(143:1) شخصیّت و بزرگواری او را ستوده، و از حفظ و اخاق و صفات و ملکات او شطری بیان داشته.
در ریحانة الادب(84:1) و دیگر کتب رجال همگی از او به بزرگی یاد نموده‌اند.
در آثار الحجة(134:1) درباره او فرماید: مرحوم اصفهانی - رضوان اللّه علیه - از مؤیّدین فقهای عالم تشیع بود که از غیب به او کمک شده و تأیید می‌شدند، واعلی حضرت ولیّ عصر - ارواحنا له الفداء - به او نظر

مخصوص داشت، و از آن بزرگوار به وسیله ثقه الاسلام حاج شیخ محمد کوفی شوشتری که متجاوز از چهل سفر به مکّه مشّرف شده، توقیعی برای سیّد آمد.
در هر حال، عالمی است جلیل القدر، و منشرح الصدر، و عدیم النظیر، در اخلاق و کمالات سرآمد علمای زمان، بلکه در کمتر زمانی عالمی بدین پایه و مقام رسیده است.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- انیس المقّدین که آن را سید ابوالقاسم اصفهانی جمع کرده است 1- حاشیه بر تبصره علامه 3- حاشیه عروة الوثقی 4- حاشیه نجاة العباد تألیف شیخ محمد حسن صاحب جواهر 5- ذخیرة الصالحین 6- ذخیرة العباد 7- شرح کفایة الاصول استادش مرحوم خراسانی - صراط النجاة، و آن ترجمه وسیلة النجاة است که مرحوم آقا سید ابوالقاسم اصفهانی ترجمه کرده و به نظر ایشان رسانیده. 8- منتخب الرسائل 9- مناسک حج 10- وسیلة النجاة، یکدوره فقه در دو مجلد 11- وسیلة النجاة صغری، رساله عملیّه مختصر.
و این کتب، همگی چندین مرتبه بطبع رسیده و در تمام ممالک اسلامی و شیعه منتشر گردیده، که مثلاً رساله ذخیرة العباد ایشان هفتاد و یک مرتبه به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

موسوی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله شهید سید محمد تقی موسوی اصفهانی
مرحوم آیت‌الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی معروف به «فقیه احمدآبادی» در سال 1301 ق.) در اصفهان در خانواده‌ای اهل علم و فضیلت که نسل‌اندرنسل از عالمان دین بودند به دنیا آمد و در سال 1348 ق. در سن 47 سالگی به توطئهٔ یکی از سران فرقهٔ ضالهٔ بهاییت با خوراندن زهر کین به شهادت رسید.
در دوران عمر کوتاه اما پربرکتش حدود هفده جلد کتاب و رساله نگاشت که از میان آنها چهار جلد پیرامون حضرت مهدی(ع) و غیبت و انتظار و وظایف منتظران می‌باشد.
فقیه احمدآبادی در ده سالگی بر نصاب الصبیان شرح نوشت و در پانزده سالگی کتاب ایضاح الشبهات را نگاشت و در بیست و پنج سالگی کتاب ابواب الجنات فی آداب الجمعات را تألیف کرد و سرانجام در سن سی سالگی به فرمان امام عصر(ع) اثر ارزشمند خود را درباره آن حضرت(ع) و وظایف منتظران و دعا برای آن وجود شریف آغاز کرد و تا پایان عمر به تحقیق و تألیف و تکمیل آن اهتمام و اشتغال داشت.
آثار ارزندهٔ اودر حدّ کمال و پختگی و ژرف نگری وریشه دار است، و این به خاطر خلوص نیت و پاکی قصد ونظر در تحصیل علم و پیمودن مراحل تعلیم می باشد که در عمل، تلاش خالصانه اش در توجه به سوی الله بوده، از غیر بریده بود.
اضافه برآن ارادت شدیدی نسبت به خاندان رسالت و ائمه هدی علیه السلام داشت، و در تمام احوال به آنها توسل می جست ودر همهٔ افعال و اقوالش به آنها اقتدا می کرد واز آنها پیروی می نمود، وازتعالیم مقدسه آنها بهره می گرفت.
به خصوص به امام منتظر حجت بن الحسن عجل الله فرجه الشریف توجّه ویژه ای داشت، در معرفت آن حضرت و انجام وظایفی که لازم است اهل ایمان در زمان غیبت انجام دهند به مراحل و منازل والا وشامخی نایل آمده بود، به طوری که چند کتاب و رسالهٔ مهم و سودمند در این باره تألیف کرده که مهمترین آنها کتاب مکیال المکارم است.
در زندگی این سید بزرگوار خصوصیات قابل تقدیری وجود دارد که لازم است به آن توجه شود وآن عبارت است از اینکه: او به شئون و زرق وبرق

دنیا توجه ای نداشت، و به اندکی از امور معیشت وکمی مادیت قناعت کرده بود.
در امور مادی جامةقناعت پوشیده ، از خلق اعراض نموده و به طلب علم وکمال پرداخته بود. نه در پی جاه و جلال می رفت و نه در جمع و مال ومنال می کوشید؛ دنیا وآخرت خویش را با ولای خاندان رسول الله آباد ساخته بود.
از جمله دیگر فعالیت های مؤلف که در کنار کارهای ارزندة علمی خود انجام داده، نسخه برداشتن از روی کتابهای گرانبها که به مطالعه ودرس آنها نیاز داشته است.
سید بزرگوار در ساعتهای فراغت قصاید و ابیاتی می سروده و اشعار خود را به خاندان عصمت بویژه امام مهدی (عجل الله فرجه) اختصاص دارد .
اشعار او در لابلای تألیفات و نوشته هایش پراکنده می باشد، و تخلص او (تقی) و احیاناً شرعی زاده بوده است.
وی در مسجد مرقد مطهر سید اسماعیل نوادة امام زین العابدین (ع) در جای پدرش اقامة جماعت می کرد، ودر جمع کردن اخبار وآثار وارده دربارة حضرت مهدی (ع) بسیار اهتمام داشت.
البته باید گفت از خط خوبی نیز برخوردار بوده است.

دربارة کیفیت شهادت آن سید بزرگوار در کتاب نگاهی به زندگانی جهانگیرخان قشقایی به نقل از شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر چنین آورده شده است:
سید شهید در ماه رمضان المبارک 1348 ق. به علت کسالت، در بیمارستان انگلیسی‌ها بستری شدند و در آن جا تحت عمل جراحی قرار گرفتند شب 25 ماه مبارک، متصدی بیمارستان که از سران فرقة ضالة بهاییت بود و «سر الله خان» نام داشت، همة بستگان و اطرافیان آن مرحوم را از اتاق بیرون کرده و سمی را که در استکان داشته به ایشان می‌خوراند، اطرافیان و دامادهایشان در آن لحظة آخر از [پشت در اتاق] می‌شنوند که آن سید بزرگوار پیوسته صدا می‌زده: حبیبی یا حسین! از داماد ایشان «مرحوم حضرت آیت‌الله سید مرتضی موحد ابطحی» منقول است که «سید شهید در حالی که در بیمارستان بستری بودند، می‌فرمودند: «بناست حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) تشریف بیاورند.»4
همچنین فرزند ایشان سید محمد موسوی اصفهانی ـ در مقدمة کتاب نور الأبصار در این باره آورده‌اند:
او ستاره‌ای درخشنده بود که با طلوع خود دل‌ها را مجذوب خویش نمود، ولی افسوس که زود غروب نمود و سرانجام با توطئة دشمنان دین و نوشیدن زهر کین به وسیلة یکی از اعضای فرقة ضالة [بهاییت] به شهادت

رسید و در ماه مهمانی پروردگار به ضیافت الهی نائل گشت.5
نگاهی کوتاه و گذرا بر زندگانی این دلباخته و شیفتة حضرت بقیةالله و قضایای تشرفات ایشان آدمی را به خوبی به این نکته واقف می‌سازد که آن سید شهید و علامة فقید مورد عنایت و کرامت حضرات معصومین(ع) به ویژه حضرت مهدی(ع) بوده و آن بزرگوار توجهی مخصوص به آن مرحوم داشته و وی نیز ارتباطی وثیق و اتصالی عمیق با ساحت مقدس مهدوی(ع) داشته است. مکیال‌المکارم
مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم(ع) بنا بر آنچه که سید محمدعلی روضاتی در مقدمة کتاب درباره آن نگاشته‌اند: «کتابی است ارزنده، ابتکاری و مهم. مؤلف بسیاری از مطالب مربوط به عقیدة مهدویت و موضوع حضرت حجت(ع) را تحت عنوان «دعا برای آن حضرت و تضرع به درگاه الهی برای حفظ وجود شریف امام عصر(ع) از ناملایمات و آفات» مورد بررسی قرار داده است».
این کتاب مشتمل بر بحث‌های مختلف و بسیار با اهمیت در زمینه‌های فقه، حدیث، کلام، رجال، تفسیر و حتی فلسفه و ادبیات است که با اسلوبی بدیع و سبکی جالب و نتیجه‌گیری‌هایی درست همراه می‌باشد.
در این کتاب با دلایل عقلی و نقلی ثابت شده که دعا برای امام عصر(ع) از مهم‌ترین وسائل برای رسیدن به مراحل عالی کمال و نیل به درجات برجستة معنوی است و آثار دنیوی بسیاری را نیز در پی دارد.
این اثر به شهادت صاحب نظران، از نظر جامعیت و ژرف‌اندیشی و بهره‌گیری از علوم عقلی و نقلی و استنباطات دقیق و اجتهادات عمیق از آیات و روایات بی‌نظیر بوده و به خوبی می‌توان دست عنایت مولا که مؤلف را هدایت و دلالت می‌کند، دید.
آیت‌الله صافی گلپایگانی (ازمراجع عظام تقلید) دربارة این کتاب می‌نویسد:
این کتاب گویای حوصلة فراوان مؤلف و گستردگی تحقیق و تفکر و تلاش اوست و در موضوع خود بی‌نظیر است و جز این کتاب، در موضوع مهدویت و آداب دعای بر حضرت مهدی(ع) و فواید آن، کتابی سراغ ندارم.6
داستان تألیف کتاب
مؤلف بنا به آنچه که در مقدمة کتاب آورده، انگیزه تألیف کتاب را چنین می‌نویسد:
ما نمی‌توانیم حقوق آن حضرت را ادا نماییم و شکر وجود و فیوضاتش را آن طور که شایسته است به جای آوریم. [پس] بر ما واجب است آن تعداد از ادای حقوق آن حضرت را که از دستمان ساخته است انجام دهیم، و بهترین امور در زمان غیبت، انتظار فرج آن بزرگوار و دعا کردن برای تعجیل فرج او، و اهتمام به آنچه مایة خشنودی آن جناب و مقرب شدن در

آستان او است. و من در باب هشتم کتاب ابواب الجنّات فی آداب الجمعات هشتاد و چند فایده، از فوائد دنیوی و اخروی دعا کردن برای فرج آن حضرت(ع) را ذکر کرده بودم اما بعد به فکر افتادم که کتاب جداگانه‌ای در این باره بنگارم که آن فواید را در برگیرد، و به سبک جالبی آن را به رشتهٔ تحریر درآوردم. اما حوادث زمان و رویدادهای دوران و ناراحتی‌های بی‌امان، مانع از انجام اینکار می‌شد، تا این که کسی را در خواب دیدم که با قلم و سخن نتوان او را توصیف نمود؛ یعنی مولا و حبیب دل شکسته‌ام و امامی که در انتظارش هستیم او را به خواب دیدم که با بیانی روح‌انگیز چنین فرمود: «این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را مکیال‌المکارم فی فوائد الدعاء للقائم(ع) بگذار!»
همچون تشنه‌ای از خواب بیدار، و در پی اطاعت فرمانش شدم ولی توفیق یاریم نکرد، تا این که در سال گذشته 1330 ق. به مکهٔ معظمه سفر کردم و چون در آن جا بیماری وبا شیوع یافت، با خداوند عزّوجلّ عهد بستم که هر گاه مرا از گرفتاری‌ها نجات دهد و بازگشتم را به وطن آسان گرداند تألیف کتاب را شروع نمایم. پس خداوند بر من منت نهاد و مرا به سلامت به وطن بازگرداند، پس به تألیف کتاب اقدام نمودم تا به عهدی که با خداوند بسته بودم، عمل کرده باشم...7
پی‌نوشت‌ها:
1. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المومنین، ج1، ص453.
2. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ترجمه منصور پهلوان، نشر دارالحدیث، ج2، باب 45 ص270.
3. موسوی اصفهانی، همان، ج1، ص7-4.
4. زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص183-181، به نقل از: شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر، ج2، ص64-57.
5. نورالابصار، ص12-10.
6. به نقل: از زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص180.
7. موسوی اصفهانی، همان، ج1، ص50-48، ترجمه حائری قزوینی چاپ نگین.
8. موسوی اصفهانی، همان، ج2، ص387، همچنین ج1، ص225.
9. موسوی اصفهانی، همان، ج1،ص494-493.
10. موسوی اصفهانی، همان، ج2، ص322.

مولانا تبریزی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1294 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. معروف به مولانا. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در همان جا فراگرفت. در 1312 ق به همراه پدرش برای ادامه تحصیلات علوم اسلامی به نجف مهاجرت نمود و در حوزه‌ی درس استدلالی فقهی و اصولی فاضل شرابیانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و شیخ هادی تهرانی و شیخ آقا رضا تبریزی حاضر گردید. او همچنین در محضر شیخ آقا شیرازی معقول را فراگرفت و پس از دریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایت در 1321 ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و «ارشاد الانام»، در نبوت؛ «براهین الحق» یا «براهین الفقه»، در مسائل فقهی؛ حاشیه بر «الفصول»؛ «طریق الهدایه فی علم الدرایة»؛ «مصباح السالکین و زاد المسافرین»؛ «مصباح الوسائل»، در شرح «الرسائل»؛ «مفتاح المطالب»، در شرح «المکاسب»؛ «مصباح الاعلام فی مدارک الاحکام»؛ رساله‌ی «الاجتهاد و التقلید»؛ رساله‌ی «فرق بین حق و حکم»؛ تفسیری کوتاه و مختصر از قرآن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (349 ،122 ،109 ،102/ 21 ،171 -170/ 15 ،83/ 3)، ریحانه (28/ 6)، علماء معاصرین (193 -191)، مستدرکات اعیان الشیعه (233/ 3)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1251 -1250/ 3)، معجم المؤلفین (191/ 10).

مهابادی، افضل الدین حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن علی بن احمد بن علی مهابادی.
فقیه صالح [ادیب] متبحّر، از ثقات علمای امامیّه قرن ششم هجری است.
کتب زیر از اوست:
1- الاعراب 2- دیوان شعر 3- ردّ تنجیم 4- شرح شهاب 5- شرح لمع 6- شرح نهج البلاغه؛ و غیره. سال وفاتش معلوم نیست.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مهاجر سنندجی، عبدالقادر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1305 -1211 ق)، عالم دینی، فقیه شافعی و مدرس. در سنندج به دنیا آمد. از محضر پدر و سایر علمای عصرش استفاده نمود و به دریافت اجازه نایل شد. وی پس از درگذشت پدرش در مدرسه‌ی دارالاحسان سنندج به تدریس پرداخت. او در کلام و فلسفه و حکمت تبحر داشت. در اواخر 1271 ق بر اثر اغتشاش اوضاع داخلی سنندج به سلیمانیه‌ی عراق مهاجرت کرد و با استقبال عمومی مردم روبرو گردید. وی در آنجا به تدریس و تألیف و تحقیق مشغول بود. در سلیمانیه درگذشت و در قبرستان گردسه یوان به خاک سپرده شد. از آثارش: «تقریب المرام»، در شرح «تهذیب الکلام» علامه تفتازانی؛ حاشیه بر «شرح عقاید عضدیه»؛ شرح «رسالة الزوراء»؛ «کشف الغطاء»؛ حاشیه بر «تعلیقات لاری»؛ «رسالة العلم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (169/ 4)، ایضاح المکنون (314/ 1)، تاریخ مشاهیر کرد (22 -21/ 2)، هدیة العارفین (606 -605/ 1).

مهاجرانی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وی در سال 1274 قمری در قریه رایگان از توابع همدان متولد و پس از تکمیل مقدمات در سال 1290 قمری در همدان مشغول به تحصیل علوم دینی بوده پس از آن به عراق (اراک) مهاجرت نموده و از محضر آیت‌اللّه حاج‌آقا محسن اراکی استفاده نمودند.
سپس به نجف اشرف حرکت در بحث آیت‌اللّه العظمی میرزا حسن شیرازی «میرزای بزرگ» حاضر می‌شدند و بعدا از اصحاب خاص آیت‌اللّه آخوند خراسانی و آیت‌اللّه سید محمدکاظم طباطبایی یزدی محسوب می‌شدند و در سنه 1321 قمری از قریه دارالمؤمنین مهاجران جمعی به عتبات عالیات مشرف و با اصرار ایشان را به مهاجران وارد کردند و در آنجا به امورات دینی و اقامه حدود و جماعت مشغول بودند.
و در سال 1329 دار فانی را وداع گفت اما تألیفات آن بزرگوار:
1- حاشیه بر رسائل 2- حاشیه بر مکاسب مرحوم شیخ 3- صلوت مسافر 4- قضا و شهادت 5- رساله در عدالت 6- تمامی صلوت 7- رساله عملیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهاجرانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدباقر بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه آقا شیخ علی زاهد مهاجرانی از علماء اعلام معاصر است در شهر همدان.
وی در سال 1325 قمری در مهاجران متولد شده و از هفت سالگی مقدمات را در همان قریه در حضور علماء محل فراگرفته بعدا به همدان حرکت کرده قریب پنج سال در همدان از حوزه اساتید استفاده نموده و شنیدند که حضرت آیت‌اللّه حایری طاب ثراه در قم تأسیس حوزه نموده‌اند در اواخر سال 1340 قمری مشرف به بلده طیبه قم شد و در حضور اساتید عظام جهت تکمیل سطوح حاضر و از حضور آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم قمی استفاده نمودند.
سپس در سال 1347 به بحث آیت‌اللَّه حایری حاضر شدند و در سال 1349 قمری در محضر آیت‌اللّه العظمی حجت قدس سره حاضر شده فقها و اصولا استفاده نمود.
پس از آن در حوزه تدریس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت نمودند. معظم‌له هم اکنون در شهرستان همدان به بحث و تبلیغ اشتغال دارند.
اجازات ایشان عبارتند از: اجازه اجتهاد از آیت‌اللَّه العظمی حجت، مرحوم آیت‌اللَّه حایری، مرحوم آیت‌اللّه صدر، مرحوم آیت‌اللَّه سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه حکیم طاب ثراهم می‌باشند.
نوشتجات و تألیفات این دانشمند به قرار ذیل است:
1- تقریرات دوره کامل اصول آیت‌اللّه حجت 2- درس بیع 3- رساله در صلوت 4- رساله‌ای در صوم 5- صلوت جمعه 6- قاعده لاضرر و لباس مشکوک 7- درایه که قریب به انتشار است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی اصفهانی، نورالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1346 ق)، عالم و مجتهد. برادر حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی است. در اصفهان متولد شد و رد همان جا تحصیلات مقدماتی نمود و سپس به نجف نزد علمای بزرگ رفت. پس از مراجعت به ایران در شمار علمای سیاسی قرار گرفت. در مهاجرت 1346 ق علمای اصفهان به قم همراه آنان بود. در قم وفات یافت و جنازه‌اش به نجف منتقل شد. از آثارش: «خصال الشیعه»، ترجمه فارسی پاره‌ای از احادیث در بیان خصلتها و اوصاف شیعیان؛ «دیوان» اشعار به عربی و فارسی.[1]
یکی از وافدین به قم مرحوم مبرور آیت‌اللّه حاج آقا نوراللّه اصفهانی برادر مرحومین آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی و مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا جمال اصفهانی فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر بن حاج شیخ محمدتقی بن عبدالرحیم رازی اصفهانی است که در سال 1346 با جمعی از علمای آن عصر اصفهان و چند هزار نفر از طبقات دیگر مردم برای اعتراض بر بعضی قوانین حکومت آن زمان وارد قم شده و چندین ماه اقامت نموده و از غالب شهرستانها علماء و طبقات دیگر به ایشان ملحق که تفصیل آن در آثار الحجه و کتب دیگر مسطور است تا اینکه خواست عزیمت به تهران کند با آن جمعیت و کار را یکسره نماید که اجلش رسید و از دنیا رفت و آن نهضت و جنبش مبدل به سوگواری و تشییع از آن عالم مجاهد گردید و جنازه او را حمل به نجف کردند
صاحب تذکرةالقبور گوید حاج شیخ نوراللّه مسجد شاهی: حاج شیخ مهدی معروف به حاج آقا نوراللّه فرزند شیخ محمدباقر عالم سیاسی و مجتهد عالیقدر در اصفهان متولد شده و در اصفهان و نجف نزد علماء تحصیل نموده پس از مراجعت به ایران در عداد علماء سیاسی و متنفذ قرار گرفت در جنگ بین‌الملل اول در اثر سوء سیاست و اغوای جمعی به نفع آلمانها اقداماتی نمود... و در مجلس موسسان اول و خلع سلطنت از خاندان قاجار از اعضاء مؤثر بوده و در 15 ربیع‌الاول سال 1346 قمری به پاره‌ای از جهات با جمعی از علماء اصفهان به قم مهاجرت نمود و سرانجام پس از مدتی توقف در آنجا و نتیجه نگرفتن از مهاجرت و تفرقه علما در شب غره رجب سال مزبور در قم وفات یافته و جنازه به نجف اشرف منتقل گردید. ماده تاریخش را انصاری اصفهانی چنین سروده است.
بدا فی وجهه نوراً وغابا

لذا ارخت (غاب مهبط النور) 1346 ق
آثار ایشان از این قرار است 1- خصال الشیعه 2- دیوان اشعار عربی و فارسی 3- شرح حال برادرش مرحوم شیخ محمدحسین.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (162 /7)، گنجینه‌ی دانشمندان (235 -234 /1).

مهدوی دامغانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا بن العلامه المحقق آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدکاظم دامغانی از مدرسین مبرز و ممتاز و به افضل معاصر مشهد است.
وی در آخر صفرالخیر 1352 قمری در مشهد متولد شده و پس از خواندن دروس فارسی و فراغت آن در سال 1364 قمری به تحصیل علوم عربی پرداخته و تا سال 1368 ق ادبیات عربی (سیوطی مغنی مطول شرح نظام مقامات حریری) را خدمت استاد معروف آقای ادیب نیشابوری خوانده و منطق را از آقای حاج شیخ محمد عیدگاهی فراگرفته و تا سال 1373 ق متون فقه و اصول را از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ هاشم قزوینی و والد ماجد خود آموخته و از سال 1373 قمری که حضرت آیت‌اللّٰه العظمی میلانی به مشهد مقدس آمدند تا اواسط سال 1393 قمری که حضرت آیت‌اللّٰه العظمی میلانی به مشهد مقدس آمدند تا اواسط سال 1393 ق مدت بیست سال از بحث فقه و اصول آن جناب استفاده نموده و ضمنا به تدریس متون فقهی و اصول (لمعه و قوانین و رسائل و مکاسب و کفایه) در مسجد گوهرشاد و بعضی از مدارس بزرگ پرداخته. اکنون مدت 6 سال است که به گفتن خارج فقه و اصول اشتغال دارد.
آثار علمی و اجتماعی آن جناب از این قرار است.
1- تفسیر سوره هل اتی 2- تفسیر سوره احزاب 3- تقریرات اصول 4- تأسیس کتابخانه عمومی در مسجد الحجه که بیش از چهار هزار جلد کتاب دارد و مورد مطالعه عموم می‌باشد.
در مسجد مزبور هم به اقامه جماعت و خدمات دیگر دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی دامغانی، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدکاظم بن العالم الجلیل آخوند ملا علی‌اکبر (مهدوی) دامغانی دامت برکاته از علماء اعلام و محققین عظام و مدرسین والامقام استان خراسان و حوزه علمیه مشهد مقدس معاصر می‌باشد در جمادی‌الثانی 1316 قمری در قریه شمس‌آباد یک فرسنگی دامغان متولد گردیده و قبل از بلوغ پدر و مادر خود را از دست داده و قهرا سرپرست برادر و خواهر خود گردید و تا آن تاریخ مقداری از علوم ادبی فارسی و عربی و کتب متداول آن زمان را خوانده بود و برای تکمیل تحصیلات با تشویق بعضی از دوستان پدرش با پای پیاده و نیتی پاک به عزم عتبه‌بوسی و تحصیل به طرف مشهد مقدس حرکت کرده و در بدو ورودش و تشرف به آستان قدس با مرحوم آخوند ملا بمانعلی محقق و واعظ معروف آن زمان خراسان (پدر مرحوم حاج شیخ عباسعلی محقق دوم) که از بنی اعمام والدش بود برخورد کرده وی از قیافه او را شناخته و به منزل خود برده ولکن ایشان با کوچکی سن خود با صراحت لهجه می‌گوید من به قصد زیارت شما نیامده‌ام و جای طلبه مدرسه است.
از همان اول ورود سال 1331 قمری در مدرسه دودر ساکن و با جدیت فراوان به تکمیل ادبیات نزد مرحوم آشیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری و فاضل بسطامی پرداخته و سپس قوانین را نزد مرحوم شهرستانی و سطوع عالیه را خدمت مرحوم آشیخ حسن برسی و شیخ محمد قوجانی و آشیخ محمد نهاوندی صاحب (تفسیر) که هر سه از شاگردان برجسته مرحوم آخوند خراسانی بودند آموخته و سپس مدت چهارده سال تمام در محضر درس آیت‌اللّه حاج میرزا محمد خراسانی فرزند برومند مرحوم آخوند رحمهماالله و ضمنا مدت ده سال متمادی در محضر مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا مهدی اصفهانی و حدود سه سال در محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین قمی و مدت یکسال خدمت مرحوم آیت‌اللّه آشیخ موسی (صاحب حاشیه مکاسب) به تکمیل خارج فقه و اصول پرداخته تا از اساتید خود و آیات عظام نجف مرحوم (آقازاده خراسانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آسید ابوالحسن اصفهانی) قدس‌اللّه اسرارهم نائل به تصدیق و اجازات اجتهاد مطلق گردید و از مرحوم آشیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب (الذریعه) و علامه سمنانی صاحب (حکمت بوعلی) و مرحوم آیت‌اللّه بروجردی مجاز به اجازه معموله روایتی گردیدند.

و ضمنا از سال 1336 قمری حوزه‌های تدریس مفصلی از قوانین و شرایع و ریاض و رسائل و مکاسب و کفایه تشکیل داده و از سال 1356 قمری در منزل خود منزوی و آنچه اصرار شد به هیچ شغلی داخل نگردیده در تأسیس حوزه علمیه جدید مشهد در سال 1320 شمسی سهم بسزائی دارد و تاکنون بیش از سه دوره خارج اصول را تدریس نموده و فعلا مشغول بحث خارج صوم می‌باشد و در حال حاضر که سال 1395 قمریست متجاوز از 58 سال است که در این حوزه مقدسه جلسه تدریس داشته و جمع کثیری از طلاب و فضلاء از ابحاث مختلف ایشان که از آنها (نگارنده) این گنجینه است بهره‌مند گشته‌اند.
علامه دامغانی دارای سجایای اخلاقی و محامد آداب و محاسن اخلاق و صراحت لهجه و معرض از مقامات و هر گونه تظاهرات و حتی فتوا دادن می‌باشد.
در سال 81 قمری مسجد جامع دامغان را که خراب شده بود تعمیر و شبستان بزرگی به مساحت هزار و دویست متر مربع ساخته و حتی تعیین امام نفرمودند: معتمدین و امناء مسجد پنجسال متوالی اصرار کردند که اسم ایشان را بالای سر در مسجد منقوش نمایند ایشان نپذیرفته تا بالاخره به این چند کلمه راضی شدند)این عبد ذلیل را خدای توفیق داد (رب اجعلنی مقیم الصلوه و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء)
این عالم ربانی گذشته از مراتب علمی بسیار با حال مخصوصا در مشاهد مشرفه می‌باشد و اگر کسی حال او را در عرفات و یا حول البیت و یا اماکن مقدسه دیگر دیده باشد هرگز آن منظره‌ها را فراموش نمی‌کند.
در سال 1381 قمری که از سفر حج مراجعت کردند در ایام عاشورا به عراق آمده برای زیارت اعتاب مقدسه و شب عاشوراء مشرف به حرم مطهر حضرت حسین (ع) شده و بعد از اداء فریضه با پای برهنه از خیابان حضرت علی‌اکبر به طرف حرم مبارک حضرت ابی‌الفضل سلام‌اللّه علیه حرکت نمودند از دور مرحوم علامه مجاهد آقا شیخ عبدالحسین امینی صاحب‌الغدیر را دیدند سر برهنه بدون عبا گل‌آلود با حال مخصوص هنگامی که این دو مرد بزرگوار به یکدیگر رسیدند هر دو با صدای بلند مشغول گریه و دست در گردن هم انداخته و گریستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی شاهرودی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1321 ق. شاهرود.
درگذشت: 1358.
آیت‌الله عبدالله مهدوی شاهرودی پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردید و در محضر اساتید به سطوح اشتغال ورزید. در سال 1340 ق. به شاهرود مراجعت و در مدت یک سال توقف در شاهرود از محضر پدرش استفاده کرده و پس از آن به قم رفت و از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و نایینی استفاده نمود. مدت دو سال نیز از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند شد و سپس به نجف رفت و از درس آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محقق نایینی بهره‌مند گردید. در سال 1350 بعد از فوت پدرش به شاهرود رفت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف پرداخت. در سال 1337 ق. به علت کسالت و خستگی به تهران آمد و در مسجد مشیرالسلطنه در خیابان مولوی به اقامه‌ی جماعت و خدمات دینی اشتغال ورزید. آثار ایشان در مقدمه‌ی کتاب راهنمای دین پدر گرامیشان آمده است.
حاج شیخ عبداللّه بن آیت‌اللّه والعلامه الکبیر حاج شیخ احمد بن العلامه حاج شیخ محمدعلی بن العلامه الکبری حاج شیخ محمد کاظم (شهید خراسانی) شاهرودی از علماء مهذب و بارع معاصر تهرانست. وی در سال 1321 قمری در شاهرود تولد یافته و پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردیده و در محضر اساتید فن و مدرسین به سطوح اشتغال ورزیدند و در سال 1340 ق بشاهرود مراجعت و در مدت یکسال توقف خود در شاهرود از بحث والد عالیمقامش استفاده کرده و پس از آن به ارض طیبه قم مشرف و از محضر آیات بزرگ نجف اشرف بالاخص آیتین اصفهانی و نائینی (که در آن موقع تبعید به قم بودند) استفاده نموده و مدت دو سال هم از محضر آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی بهره‌مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه محقق نائینی بهره‌مند گردیده و در سال 1350 قمری بعد از ارتحال والدش بشاهرود مراجعت نموده و بتدریس فقه و اصول و انجام وظائف روحانیت اشتغال ورزیده و کم‌کم مرجعیت مهم روحانی و سیاسی و اجتماعی پیدا نموده تا در سال 1377

قمری که بواسطه ضعف و کسالت و خستگی هجرت به تهران نموده و اکنون در مسجد (مشیر السلطنه) خیابان مولوی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّٰه مهدی شاهرودی از دانشمندان با صفا و معنویت و دارای محاسن اخلاق و خلیق و مهربان و در خانه بازو با ارباب حوائج با خوشروئی برخورد نموده و حتی‌الامکان رفع حوائج آنان را مینماید و این نویسنده در محرم 1374 قمری که سفری بشاهرودی نمودم از نزدیک به سجایای اخلاقی و وارستگی ایشان آشنا شده‌ام.
خدمات و آثار ارزنده ایشان بسیار است هر کس طالب باشد به مقدمه کتاب راهنمای دین مرحوم والدش مراجعه نماید.
فرزندان ارجمندی دارد که از آنهاست فاضل دانشمند و ادیب خردمند جناب آقای دکتر محمد شریف مهدوی که در تهران به تدریس علوم جدید و قدیم و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مهدوی شهرضایی، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج ملا محمد مهدی. عالم فاضل فقیه مجتهد، در حدود سال 1302 متولد، و در شب 4 شنبه 14 ربیع الثانی سال 1388 وفات یافته، در امام زاده شاهرضا مدفون گردید.
در اصفهان به درس: آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و در نجف از محضر: آقا شیخ مرتضی طالقانی، و آقا سید حسین بادکوبه ای، و آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده، به موطن خویش مراجعت کرده، و مقبولیت تامه یافته، در علم و عمل بی نظیر، و تا آخر عمر در انجام وظایف شرعیه از نشر و تبلیغ احکام، و تدریس و اقامه جماعت و اغاثه ملهوفین و کمک به ضعفا دقیقه ای اهمال نفرموده.
از تألیفاتش: 1- رساله ای در اخلاق 2- رسائل متعددی در فقه و اصول و تفسیر می باشد که هیچ یک به طبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی قزوینی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود شریعت مهدوی فرزند عالم ربانی و سالک سبحانی مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ فضلعلی قزوینی قدس‌اللّه سره.
وی در حدود 1335 قمری هجری در قزوین متولد شده و مقدمات را در مدرسه التفاتیه قزوین خوانده و سپس عزیمت به مشهد نموده و ادبیات را در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری استفاده نموده و بعد به قم آمده و سطوح را در قم تکمیل نموده و در فتنه کشف حجاب به توفیقات الهی در معیت والد ماجدش هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی بهره‌مند و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آن دو بزرگوار شده است.
دوره کامل اصول و معظم فقه استدلالی را از محضر حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده و مورد عنایت مخصوص معظم‌له قرار گرفته و پس از چهارده سال اقامت در آستان باب مدینه علم حضرت علی علیه‌الصلوه والسلام در خدمت والد ماجدش برای تشرف به زیارت ارض اقدس به ایران آمده و پس از رحلت والدشان در قم باز به نجف اشرف مشرف ولی کمتر از دو سال اقامت و به واسطه جهاتی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اسلامی پرداخته و بحمداللّه تاکنون اشتغال دارند ادام‌اللّه عزه و توفیقه.
شرح احوال والد ماجدش را در جلد دوم معجم القبور و وفیات الاعلام مذکور می‌باشد. در چند صفحه قبل در بخش ق یادآور شدم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی کنی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا مهدوی کنی از علماء معاصر جمهوری اسلامی می‌باشند. در سال 1310 در قصبه کن که اکنون منطقه غربی تهران را در جنب شهر زیبا تشکیل می‌دهد به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی عزیمت به قم نموده است.
مقدمات و سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مدرسین حوزه به پایان رسانیده آنگاه به درس خارج فقه آیت‌اللّه العظمی بروجردی و فقه و اصول امام راحل آیت‌اللّه العظمی خمینی و نیز تفسیر مرحوم علامه طباطبائی شرکت و استفاده نموده و پس از فوت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و تبعید امام به تهران آمده و در مسجد جلیلی به اقامه جماعت و تبلیغ پرداخته و مظالم و بدع رژیم طاغوتی را بازگو نموده و از طرف ساواک و رژیم ستمشاهی بازداشت و راهی زندان گردیده و چند سالی را در زندانهای طاغوتی گذراند و پس از بازگشت امام و آزادی و انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی از طرف امام سرپرستی و مدیریت مدرسه علمیه مروی را متعهد شده و نیز مدرسه امام جعفر صادق علیه‌السلام را با بعضی از همگنان اداره و مدتی نیز مسئولیت وزارت کشور را داشته و در حال حاضر نیز در مدرسه مروی اشتغال به تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیه را دارند.
پدر همسر ایشان مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای که در جلد چهار گنجینه دانشمندان و اختران فروزان ری و طهران چاپ شده می‌باشند.
برادر بزرگوار ایشان آقای حاج شیخ مهدی حاج باقری از ائمه جماعت و علماء معاصر قصبه کن می‌باشند.
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته:-، دانشکده:-، دانشگاه: امام صادق (ع)
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
تحصیل در حوزه علمیه قم در علوم دینی به مدت 13 سال و 2 سال در تهران، شاگرد اساتیدی چون آیت‌اللّه بروجردی، آیت‌اللّه العظمی امام خمینی قدس سره، آیت‌اللّه العظمی علامه طباطبائی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی.

مرتبه علمی:
دانشیار دانشگاه امام صادق.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
علوم دینی، اصول فقه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه، کلام و استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
تفسیر، فقه، عقائد، اصول، اقتصاد اسلامی و اخلاق.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی گلپایگانی، مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
السید مهدی الموسوی المهدوی الگلپایگانی از اجله علمای وقت و زمان و جامع المعقول و المنقول بوده تحصیلاتش در اصفهان و پس از مراجعت مدتها مجلس درس داشته و فضلاء به درس او حاضر می‌شدند معظم‌له عالمی فحل و با شهامت و خوش محاوره بود قصص و حکایاتی از ایشان و رد زبان خاص و عام است در سال 1322 شمسی از دار دنیا رفت و در حجره جنب درب ورودی مسجد امام به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهدوی لاهیجانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: نیمه شعبان 1313، نجف اشرف.
درگذشت: 29 مرداد 1371.
آیت‌الله مهدی مهدوی لاریجانی، پس از خواندن دروس مقدمات و سطوح، در محضر بزرگان حوزه‌ی نجف، چون حضرات آیات عظام میرزای نایینی، آقا ضیاء عراقی سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدجواد بلاغی، شیخ شعبان گیلانی، شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران فقه، اصول، کلام، حکمت، و هیئت و ریاضیات را بیاموخت. آنگاه پس از اخذ اجازات متعدد از بزرگان نامبرده، برای ترویج دین و بسط دانش به لاهیجان بازگشت و به تربیت فضلاء، اقامه‌ی جماعت، رهبری فکری مردم بنای مساجد و مدارس همت گماشت. یکی از خدمات ایشان تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی لاهیجان و بازسازی مدرسه دینی جامع لاهیجان بود.
آیت‌الله مهدوی به هنگام دستگیری، و زندانی شدن حضرت امام (ره) در سال 1342، در اعتراض به رژیم و حمایت از مرجعیت امام خمینی با همراهی آیت‌الله حاج سید بحرالعلوم به تهران مهاجرت نمود. ایشان با شروع حرکت توفنده‌ی مردم در جهت محو رژیم ستمشاهی از هر گونه پشتیبانی و همیاری ملت دریغ نورزید و حتی با کهولت سن در تظاهرات شرکت می‌کرد.
از اجازات ایشان علاوه بر اجازات اساتیدش، می‌توان از اجازات حضرت آیات عظام بروجردی، حکیم، شاهرودی، میرزا احمد آشتیانی، سید جمال‌الدین گلپایگانی، میرزا آقا اصطهباناتی و سید عبدالهادی شیرازی نام برد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مهدوی هرستانی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی مهدوی هرستانی فرزند مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید مهدی معروف به بحرالعطاء فرزند مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید محمد موسوی هرستانی از آیات عظام و علماء بنام و دانشمندان کرام معاصر اصفهان بوده که در سال 1329 قمری در یک خانواده اصیل و روحانی در قریه هرستان ماربین اصفهان به دنیا آمده است.
والد آن مرحوم آقا سید مهدی ملقب به بحرالعطاء از اعاظم علمای آن منطقه بوده که با سی و سه واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام می‌رسد. مرحوم حاج‌آقا مصطفی مهدوی تحصیلات مقدماتی و سطوح خود را در اصفهان در مدرسه جده بزرگ اصفهان نزد اساتید بزرگ نظیر مرحوم آقا شیخ محمدعلی دزفولی و مرحوم آقا شیخ محمدحسن نجف‌آبادی و مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای و حاج‌آقا رحیم ارباب و آقا سید محمد نجف‌آبادی فراگرفته است.
یک دوره فقه و اصول و فلسفه را خدمت مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید علی نجف‌آبادی و مرحوم حاج شیخ محمدرضا ابوالمجد (مسجد شاهی) فراگرفته سپس عزیمت به قم نموده و مدتی در درس حضرات آیات عظام حایری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) و مرحوم آیت‌اللَّه صدر و حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه حجت قدس‌اللَّه اسرارهم شرکت نموده و در سال 1362 قمری هجری عزیمت به حج نموده و در مراجعت از حج به اعتاب عالیات مدت هشت سال در نجف اشرف اقامت نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی استفاده و در جلسات استفتاآت آن مرحوم شرکت داشته و به مسائل مورد سئوال جواب می‌دادند و همینطور از محضر آیات عظام دیگر آنجا چون مرحوم حاج شیخ موسی خوانساری و مرحوم حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و حاج سید جمال گلپایگانی و حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه اصطهباناتی کسب فیض و علم نموده و به علت مبتلا شدن به کسالت شدید «آسم» به امر آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی در سال 1370 قمری به اصفهان مراجعت و مدت چهل سال در مدرسه جده بزرگ اصفهان و مدرسه ملا عبداللَّه به تدریس اشتغال داشتند و عده زیادی از فضلاء و طلاب حوزه علمیه اصفهان از محضر ایشان استفاده علمی می‌نمودند.

آن مرحوم مورد توجه و عنایت خاص حضرات آیات عظام و مراجع معاصر خود و حاضر حوزه نجف و قم چون مرحوم آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شیرازی و رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه خمینی و گلپایگانی و مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد خوانساری و آیت‌اللّه العظمی خوئی بودند.

مزایای اخلاقی آن مرحوم

آن مرحوم نسبت به علماء بزرگ گذشته و حاضر بسیار تجلیل و تکریم نموده و آنان را به خوبی و عظمت یاد کرده و در حفظ آثار آنان کوشا بوده و نسبت به آنها تواضع می‌کردند و همواره به طلاب و محصلین ابراز علاقه کرده و آنها را تشویق به تحصیل می‌فرمودند.

بسیار کریم و بخشنده و سخاوتمند بودند و به فقراء و مستمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست کمکهای فراوانی کرده و به موسسات خیریه خدمات و مساعدتهای بسیاری انجام داده مانند موسسه مهدیه و موسسه عسکریه و بیمارستان معلولین صادقیه و موسسه نابینایان و انجمن مددکاری امام زمان ارواحنا فداه و ایتام و کمک به ساختن مدارس قدیم و جدید هو تعمیر و تکمیل آنها را مخفیانه و دور از تظاهر و سر و صدا انجام می‌دادند.

مزایای علمی آن مرحوم

آن بزرگوار تبحر و تسلط و مهارت عجیبی در مسائل و مباحث فقهی داشتند و بسیار حاضر الذهن و حاضر جواب بودند. و تمام فتاوای مراجع گذشته و فعلی در نزدشان حاضر و نه تنها عوام از محضرشان استفاده می‌کردند بلکه علماء و دانشمندان بزرگ هم برای حل مشکل مردم را به ایشان رجوع می‌دادند و تسلط ایشان نه تنها در فقه و اصول بوده بلکه در فلسفه و عرفان و علم رجال نیز صاحب نظر بودند بخصوص در اطلاع به احوالات علماء کم‌نظیر بودند به طوری که بعضی از بزرگان و علماء از ایشان مصرانه خواسته بودند که کتابی در احوالات علماء و دانشمندان تألیف نمایند.

و همانگونه که متذکر شدم نسبت به تحصیل طلاب تشویق بسیار نموده و از خرید کتب درسی و اهداء به آنها و بذل و بخشش به آنان دریغ نمی‌کردند و قسمت عمده‌ای از شهریه طلاب اصفهان را به عهده داشتند.

اجازات آن مرحوم

مرحوم آیت‌اللّه مهدوی از بسیاری از آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید علی بهبهانی اجازه اجتهاد داشتند. و از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا ابوالمجد مسجد شاهی اجازه روایتی داشتند.

رحلت آن مرحوم
آن بزرگوار به دنبال یک بیماری طولانی صبح روز یکشنبه بیست و سوم ماه شوال 1409 هجری قمری رحلت نموده و بازار اصفهان و حوزه علمیه تعطیل و جنازه ایشان در روز دوشنبه با حضور کلیه طبقات و علماء و فضلاء و طلاب و بازاریان و سایر اقشار مردم اصفهان و خمینی‌شهر و هرستان و دیگر نقاط به طرز باشکوهی تشییع شده سپس بنا بر وصیتش حمل به قم شده و با تشییع بزرگی از طرف حوزه علمیه قم و طبقات دیگر در مقبره (36) صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردید.
آن مرحوم دارای فرزندان برومندی هستند که دو نفر آنها از فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند.
1- آقا سید محسن مهدوی
2- آقا سید محمدعلی مهدوی از افاضل محصلین اصفهانی حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و عمل آراسته هستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ مهدی مهدوی لاهیجانی از آیات عظام و علماء اعلام گیلانست در شهرستان لاهیجان این بزرگوار در حدود سال 1315 قمری در آن سامان متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح در رشت و غیره مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر مراجع بزرگ چون آیت‌اللّه محقق میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و دیگران استفاده کامل نموده و پس از آن مراجعت به لاهیجان و به وظائف دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و تربیت و اداره طلاب و محصلین شهرستان لاهیجان پرداخته و تاکنون ده‌ها نفر روحانی شایسته که از علماء و ائمه جماعت گیلان و فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشد تحویل به اجتماع داده است
نگارنده گوید: آیت‌اللّه مهدوی لاهیجانی از دانشمندان روشن و دارای محامد و محاسن آداب و آثار بزرگی در لاهیجان و آستانه و حومه آن می‌باشد
در ماه رمضان سال 1382 قمری با معیت آیت‌اللّه حاج سید حسن بحرالعلوم و آیت‌اللّه حاج سید محمود ضیابری مقیمین در رشت سفری قهراً و کراهاً به تهران نموده و یک ماهی با عده‌ای از علماء بزرگ مرکز در یکی از منازل شمالی تهران اقامت و نگارنده چند شبی در خدمتشان مفتخر و درک فیض نمودم
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مهرابی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی آقای مهرابی فرزند مرحوم ناظم‌التجار از علماء مبرز استان کرمان بوده‌اند مرحوم والدش ناظم‌التجار از شخصیتهای ناسی گذشته بوده و ما در ج 2 ص 336 کتاب آثارالحجه قسمتی از ترجمه و سوانح زندگی وی را یاد نمودیم بدانجا مراجعه شود.
وی در سال 1319 قمری به دنیا آمده و بعد از گذرانیدن دوره صبا و کودکی به تحصیل علم پرداخته و با معیت رفیق شفیق و دوست گرامیش آیت‌اللّه صالحی معاصر به مقدمات و ادبیات و سطوح اشتغال یافته و پس از تکمیل آن به اصفهان عزیمت و حدود سه سال از محاضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدصادق و آیت‌اللّه آقا سید محمد مدرس نجف‌آبادی و دیگران استفاده و پس از آن به اتفاق آقای صالحی به قم مهاجرت و حدود شش سال از بحث فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه یثربی کاشانی بهره‌مند شده و با اصرار دوست عزیزش آقای صالحی به کرمان مراجعت و به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجاً و اقامه نماز جماعت و سایر خدمات دینی پرداخته تا حدود 1385 قمری که به رحمت حق واصل گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مهری، سید عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت اللّه سید عباس مُهری در سال 1294 ش (1333ق) در شهر مُهر واقع در استان فارس به دنیا آمد و پس از طی دروس مقدمات در زادگاهش، راهی نجف اشرف شد. وی در نجف از محضر عالمانی همچون سید محمود شاهرودی، سید محمدباقرمحلاتی و سید محمدتقی بحرالعلوم استفاده کرد و بنا به اصرار جمعی از مؤمنان، برای تبلیغ دین و ارشاد مردم به کویت رفت. آیت‌اللّه مهری در طول سالیان اقامت در کویت و در جریان نهضت اسلامی مردم به رهبری امام خمینی، با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبت‌های گوناگون و با ارسال نامه و تلگراف به محضر علما و مراجع و با پخش اعلامیه، پیام و نوار سخنان حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاد و علیه جور شورید. در این میان، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه ایشان شروع کرد و مردم را با تهدید و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون، وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود؛ این در حالی بود که بارها ایشان را تهدید به ترور می‌کردند. آیت‌اللّه مهری اولین مؤید امام از علمای خارج از کشور بود که پس از قیام 15 خرداد 42، تلگراف تند و آتشینی به محمدرضا پهلوی فرستاد که با این عمل، وی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، ممنوع الورود به ایران شد. منزل او در کویت علاوه بر این که به عنوان کانون تبادل نظر درباره شیوه‌های مبارزه با رژیم ستمشاهی بود، به عنوان واسطه‌ای بین امام در نجف اشرف و پیروان ایشان در ایران، اروپا و سایر نقاط عمل می‌کرد. وی از زمان آشنایی با امام تا واپسین دم حیات، دم از امام و راه او برنداشت و پیرو ایشان بود. حتی وقتی که امام قصد داشتند نجف را به مقصد کویت ترک نمایند، قرار بود که در منزل آیت‌اللّه مهری اقامت کنند که با ممانعت دولت کویت مواجه گردید و این امر، عملی نشد. پس از پیروزی انقلاب، حضرت امام، آیت‌اللّه مهری، را به امامت جمعه کویت منصوب کردند که با تبعید آیت‌اللّه مهری، نماز جمعه برگزار نگردید. این عالم بزرگوار سرانجام پس از عمری مجاهده در راه اسلام، در 26 بهمن 1366 ش برابر با 26 جمادی‌الثانی 1408 ق در 72 سالگی درگذشت و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) مدفون شد.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

مهری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد مهری از اعاظم علماء این منطقه و دارای نفوذ و موفقیت مخصوص بودند. وی اصلا از اهل مهر فارس بودند که پس از پرورش و تحصیل مقدماتی به نجف اشرف و بعد از چند سال توقف و کسب فیض از محضر آیات عظام آنجا به خرمشهر رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین و قضاء حوائج مسلمین پرداخته است.
نگارنده. در محرم سال 1370 قمری که برای تبلیغ به آنجا رفتم از محضرشان استفاده و ناظر بودم که چگونه همه روزه مانند مرحوم آیت‌اللّه کاشانی سابق‌الذکر درب خانه‌اش برای خودی و بیگانه باز و ارباب حوائج به ایشان برای عبور از مرز و غیره مراجعه و با هدایت و مساعدت آن بزرگوار به مقاصدشان می‌رسیدند.
در اواخر عمرش شبی از بام منزلش سقوط و به شکستگی پایش مبتلا تا در سال 1384 قمری وفات نموده و به اسلاف خویش ملحق گردیده است.
دامادهای ارجمند و دانشمندی دارد که همه از علماء محترم خرمشهر و آبادان و کویت می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مؤذن نیشابوری، ابوصالح احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(470 -388 ق)، فقیه، حافظ، محدث، مسند، زاهد و صوفی. چون سالها مؤذن مدرسه بیهقیه بود به مؤذن مشهور شد. او در روزگار خود محدث خراسان و رییس مدرسه‌ی بیهقیه و عهده‌دار موقوفات و مسئول رساندن صدقات به مستحقین بود. از ابونعیم عبدالملک اسفراینی و ابوالحسن علوی و ابویعلی حمزه مهلبی و ابوطاهر بن محمش و ابوعبداللّه حاکم و عبداللّه بن یوسف اصفهانی در نیشابور و از حمزة بن یوسف سهمی در جرجان و ابوالقاسم بن بشران و همطبقه‌ی او در بغداد و از ابونعیم حافظ و همردیفان او در اصفهان و ابوذر هروی در مکه حدیث شنید. او با ابوعلی دقاق و احمد بن نصر طالقانی مصاحب بود. او فراگرفته‌های خود را جمع‌آوری کرد و بر اساس آن تصنیفاتی به وجود آورد و یادداشتهایی درباره‌ی «تاریخ مرو» تنظیم کرد. فرزندش، اسماعیل بن احمد، و ابوالقاسم زاهر شحامی و ابوبکر وجیه شحامی و عبدالکریم بسطامی و ابوعبداللّه فراوی و عبدالمنعم قشیری و جماعتی از وی روایت کردند. ابوالقاسم زاهر شحامی گوید: ابوصالح هزار حدیث از هزار استادش روایت کرده است، در «ایضاح المکنون»، «الف حدیث عن الف شیخ» از جمله آثار وی ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (157/ 1)، ایضاح المکنون (119/ 1)، تاریخ بغداد (268 -267/ 4)، تذکرة الحفاظ (1165 -1162/ 3)، سیر النبلاء (423 -419/ 18)، شذرات الذهب (335/ 3)، طبقات الحفاظ (458 -457)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (218/ 2)، العبر (327/ 2)، الکامل (125/ 8)، معجم الادباء (226 -224/ 3)، معجم المؤلفین (303/ 1)، المنتظم (548/ 9)، النجوم الزاهرة (106/ 5).

میبدی یزدی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1313 ق)، عالم دینی، فقیه، لغوی و شاعر. او در کربلا از محضر شیخ العراقین شیخ عبدالحسین تهرانی و فاضل اردکانی استفاده نمود و از استادش، فاضل اردکانی، به دریافت اجازه نایل شد. وی پس از رسیدن به مراتب علمی بالا در کرمانشاه ساکن گردید و مرجعیت دینی را عهده‌دار شد. از آثار وی: «عصمة الحجج»، در عصمت ائمه (ع)؛ «بدیع اللغة»، در لغات جدید؛ «کشکول»؛ «هدایة النصیریة»، که برای ارشاد اکراد نصیریه نگاشت؛ «مفتاح السلامة»، در حفظ سلامتی و اصول پیشگیری قبل از درمان؛ شرح «المنظومة البطیخیة»؛ کتابی در «الاستخارات»؛ رساله «حلق اللحیة»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «السؤال و الجواب»، در عبادات، با ذکر دلیل.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (307/ 8)، الذریعه (199/ 25، 295- 294/ 3 /73، 7 /63، 12 /247، 14 /90، 15 /274، 18 /76، 21 /333، 24 /20، -19/ 2)، ریحانه (50/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1486/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (355/ 6)، لغت نامه (ذیل/ علی یزدی)، معجم المؤلفین (217/ 7)، مؤلفین کتب چاپی (326 -325/ 4).

میبدی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله حاج سید محمد بن العلامه السید محمد جوادین العلامه الکبری السید علی المیبدی الیزدی الکرمانشاهی (صاحب کتاب بدایع اللغه) یکی از علماء اعلام و حجج اسلام فعلی شهرستان علمی و مذهبی قم است که در خیابان صفائیه سکونت دارند و در مسجد صفائیه هم اقامه جماعت نموده و خدمات دینی و روحی دارند.
تولد معظم‌له در 18 شوال 1314 در کرمانشاه واقع شده و چون مرحوم والدش آقای سید محمدجواد در تاریخ 1322 ق فوت نموده و ایشان هشت ساله بودند در تحت سرپرستی مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد رضای واحدی حسینی قمی که به امر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید محمد کاظم یزدی به کرمانشاه آمده بودند قرار گرفته و بعد از رشد و خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و پس از چند سال مراجعت به کرمانشاه و در مسجد والدش به اقامه جماعت و خدمات دینی و ترویج مذهب و هم تدریس متون فقه و اصول پرداخته تا در چند سال قبل مهاجرت به قم و اقامت در جوار حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها و حوزه علمیه را بر سکونت کرمانشاه ترجیح داده و رحل اقامت در این بلده طیبه انداخته و به وظائف روحی خود اشتغال دارد فرزند ارجمندش حاج آقا مجتبی میبدی به جای این پدر بزرگوار در کرمانشاه به خدمات دینی مشغول است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

میبدی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا میبدی یزدی از علماء محترم و دانشمندان بزرگ شمال و شهرستان گرگان می‌باشند.
ایشان در سال 1338 قمری در میبد یزد به دنیا آمده و دروس فارسی را در آنجا خوانده و برای ادامه به تحصیل به قم مسافرت ولی چون اواخر عمر مرحوم آیت‌اللّه حایری اوضاع حوزه مشوش بود به شهر ری (زادگاه نگارنده) آمده و به خدمت مرحوم آیت‌اللّه عالم ربانی حاج شیخ محمدتقی بافقی رسیده و در حجره آن مرحوم در مدرسه امینیه اقامت و به تحصیل مقدمات پرداخته و بعد از چندی به تشویق و توصیه آن بزرگوار به قم آمده و مدتی هم حجره حقیر در مدرسه دارالشفا بودند و با سعی بلیغ اشتغال داشتند تا در سال 1358 قمری که روی بعضی جهات مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند سکونت و مدت ده سال با جدیت تمام به تحصیل پرداخته و از محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی یزدی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا خوشه‌ها چیده و توشه‌ها برده تا در سال 1368 قمری که به ایران آمده و بنابر تقدیر و مشیت الهی در گرگان و استرآباد اقامت و بنابر دعوت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ رضا مدرس در جای ایشان در مسجد جامع به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه میبدی که از دوستان چهل ساله حقیر است از دانشمندان متین و روشنفکر و منیع‌الطبع معاصر و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد از آثار ایشانست تأسیس کتابخانه مسجد جامع گرگان و اداره و سرپرستی طلاب و محصلین مدرسه دارالشفاء گرگان
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میبدی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی بن سید محمدعلی حسینی میبدی یزدی کرمانشاهی فقیهی کامل و عالمی عارف از شاگردان علامه شیخ عبدالحسین شیخ العراقین و فاضل اردکانی در کربلا بوده و پس از وصول به مراتب عالیه علم و کمال به کرمانشاه عزیمت و رحل اقامت افکنده و در آنجا مرجع عوام و خواص گردیده و خدمات ارزنده‌ای نموده و در سال 1313 قمری وفات و فرزند ارجمندش حجةالاسلام والمسلمین آقا سید جواد بجای ایشان قرار گرفته ولی طولی نکشیده که بوالد گرامش ملحق و فرزند برومندی بنام آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد میبدی بجای گذارده که اکنون از علماء محترم شهرستان دینی و علمی قم می‌باشند و گاهی هم به کرمانشاه مسافرت می‌نمایند این بزرگوار دارای 3 فرزند گرامی بنام ثقةالاسلام آقای آقا سید علی و آقای آسید حسین که اکنون از اهل منبر و دیگر حجةالاسلام آقای آقا مجتبی که فعلا در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل مبانی علمی دارند
آثار و تألیفات آیت‌اللّه حاج سید علی میبدی طاب اللّه ثراه از این قرار است
1- نقل مجلس 2- مفتاح السلامه 3- رساله حلق اللحیه 4- کشکول 5- الهدایة النصریه 6- شرح المنظومه 7- کتاب فی الاستخاراة 8- بدیع اللغه 9- عصمة الحجج 10- سؤال و جواب و غیر اینها
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میثمی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله حاج میرزا محمود میثمی اراکی مقیم و متوفی در تهران صاحب کتاب دارالسلام در حالات حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف و ده‌ها کتاب دیگر.
مآثر و آثار ص 166 گوید: آقا شیخ محمود عراقی از مجتهدین مسلم دارالخلافه است در مسجد مرحوم آقا بهرام بامامت جماعت و ترویج احکام میپردازد، تقریرات مدرس شیخ الطائفه استاد الکل مرتضی الانصاری را فقها و اصولا بروجه اشباع ضبط کرده و تدوین فرموده است علماء عظام و فقهاء فخام از این رهگذر بتألیفاتش محتاجند و در این سنوات کتابی بنام دارالسلام در احوال حضرت حجه‌الله القائم علیه‌السلام بفارسی تألیف کرده و مطبوع افتاده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

میر سید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از خدام والامقام بضعه احمدی و از علماء و مجتهدین و فقهاء و اصولیین بود از شاگردان مرحوم علامه ثانی ملا محمدکاظم خراسانی است. شرحی به کفایه استاد خود نوشته که یک جلد آن به طبع رسیده در اواخر عمر به تهران منزل گزید در آنجا مشغول تدریس فقه و اصول بود و هم آنجا مرحوم و در قم مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

میر محمد صادقی، محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آقا سید محمد باقر بن میر سید علی حسینی.
عالم فاضل زاهد، از علمای کاملین، و فقها و مجتهدین، از خاندان علم و روحانیت. پدرش در 1216 متولد، و در حدود 1280 وفات یافته، خود در اصفهان متولد، و در نزد جمعی کثیر از علما در اصفهان و نجف همچون: شیخ انصاری، و شیخ مشکور عرب، و شیخ راضی نجفی، و فاضل اردکانی، و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی، و آقا میرزا علی نقی طباطبائی تحصیل نموده، در 1284 به اصفهان مراجعت کرده، مدتی به درس حاج شیخ محمد باقر نجفی حاضر شده، و سپس به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت و ارشاد پرداخته.
سرانجام در 2 شنبه 6 جمادی‌الاولی سال 1328 وفات یافته، در پائین پای فاضل هندی مدفون گردید.
کتب زیر از آثار قلمی اوست:
1 - رساله در اصول دین 2 - رساله در صیغ عقود 3 - شرح دره‌ی بحرالعلوم 4 - تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرجهانی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: ذی‌القعده 1319، روستای محمدآباد اصفهان.
درگذشت: 25 آذر 1371(21 جمادی‌الثانی 1413)، اصفهان.
آیت‌الله سید محمدحسن میرجهانی طباطبایی اصفهانی پنج ساله بود که به مکتب رفت و تا هفت سالگی، قرآن، خواندن و نوشتن و برخی از کتابهای فارسی را فراگرفت و پس از آن به آموختن ادبیات عرب پرداخت و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر نزد معلم حبیب‌آبادی (صاحب مکارم الاثار) و اساتید دیگر چون آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی فتحی دزفولی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و با اتمام سطوح عالی به محضر حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد مسجدشاهی (صاحب نقد فلسفه داروین) و آخوند ملا محمدحسین شتافت و مبانی فقهی و اصولی را فراگرفت.
آیت‌الله میرجهانی طباطبایی در سال 1346 به نجف اشرف رفت. در آنجا به استفاده از محضر حضرات آیات عظام، آقا ضیاء عراقی سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ عبدالله مامقانی پرداخت و در سلک خاص اصحاب آیت‌الله اصفهانی درآمد. پس از سالی چند، برای ترویج دین به ایران بازگشت، به اصفهان و پس از فوت پدرش به مشهد رفت و چندی پس از آن به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و تصنیف و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.
برخی از آثارش عبارتند از: مصباح البلاغه (مستدرک نهج‌البلاغه؛ در دو جلد)؛ کنوز الحکم و فنون الکلم (خطبه‌ها وسخنان امام مجتبی (ع))؛ روایح النسمات (شرح دعای سمات)؛ نوائب الدهور (در علایم ظهور درچهار جلد)؛ ولایت کلیه (در دو جلد)؛ الوامع التور فی علایم الظهور(به عربی)؛ دیوان اشعار؛ گنجینه سرور؛ گنج رایگان (در علوم غریبه)؛ سعادت ابدی؛ الدر المکنون (در تاریخ ائمه اطهار به عربی)؛ احکام رضاع؛ رساله در نجوم و فلکیات؛ شهاب ثاقب؛ الجنة العاصمة (زندگانی حضرت فاطمه س)؛ مقامات الکبریه (زندگانی حضرت علی‌اکبر)؛ مقلاد الجنان (ادعیه و زیارات)؛ ذخیرة المعاد (ادعیه و آداب ساعات)؛ انساب سادات؛ تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن؛ البکاء علی الحسین؛ سبیکة الذهب.
آیت‌الله محمدحسن میرجهانی طباطبایی پس از نود و چهار سال زندگی سرانجام در روز چهارشنبه بیست و پنجم آذر 1371 (بیست و یکم

جمادی‌الثانی 1413 ق.) بدرود حیات گفت و در مسجد جامع اصفهان، در جوار مقبره‌ی علامه‌ی مجلسی، به خاک خفت.
(1413 -1319 ق)، عالم دینی، مجتهد، محدث، خطیب و شاعر. در قریه‌ی محمدآباد جرقویه اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و قسمتی از «سیوطی» به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر ساکن گردید. سطوح اولیه را در محضر شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی و شیخ علی یزدی و سطوح وسطی و عالیه را در محضر سید محمد رضا رضوی خراسانی و میرزا احمد اصفهانی و شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و سید ابوالقاسم دهکردی فراگرفت. وی در درس خارج از شاگردان میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی بود و از درس ملا حسین فشارکی نیز استفاده نمود. در 1346 ق به نجف رفت و از محضر شیخ عبداللّه مامقانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدحسین نایینی استفاده نمود. پس از رسیدن به درجات علمی بالا به اصرار پدرش به اصفهان بازگشت و به امور دینی پرداخت. پس از درگذشت پدرش به مشهد مهاجرت نمود و بعدها در تهران ساکن گردید و به تبلیغ و خطابه و تألیف کتب عربی و فارسی مشغول شد. وی در علوم غریبه اطلاعی عمیق داشت. طبع روانش او را قادر ساخته بود تا به عربی و فارسی در مدح معصومین (ع) به نیکویی شعر بسراید. او در 1402 ق به دلیل مسائل سیاسی به اصفهان رفت. در آنجا درگذشت و در جوار مقبره‌ی علامه مجلسی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مقلاد الجنان»، در ادعیه و زیارات؛ «ذخیرة المعاد»؛ «روائح النسمات»، در شرح دعای «سمات»؛ «مصباح البلاغة»، در مستدرک «نهج‌البلاغة»، در چهار جزء در دو مجلد؛ «نوائب الدهور»، در علائم ظهور؛ « الدر المکنون» یا «الدرر المکنونة»، در امامت؛ «ولایت کلیه»؛ جزواتی در تفسیر قرآن؛ مختصر «ابصار المستبصرین»، در کلام؛ «الجنة العاصمة»، در تاریخ حضرت فاطمه زهرا (س)؛ «گنج رایگان»؛ «کنوز الحکم و فنون الکلم»، در خطب و کلمات امام حسن مجتبی (ع)؛ «دیوان» شعر.[1]
سید الخطباء والمحدثین حجه‌الاسلام والمسلمین علامه الورع حاج میرزا محمدحسن میرجهانی طباطبائی ابن السید الجلیل و العالم النبیل میر سید علی محمدآبادی جرقویه‌ای اصفهانی از علماء و خطباء معاصر تهرانست. تولدش در روز دوشنبه 22 ماه ذی‌القعده الحرام سال 1319 قمری در قریه محمدآباد جرقویه سفلی از توابع اصفهان واقع شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و در سن پنج‌سالگی به مکتب رفته و در هفت سالگی تمام قرآن و بعضی از کتب فارسی را تعلیم گرفته و به مقدمات عربی از صرف و نحو نزدیکی از اهل فضل ساکن محمدآباد مشغول شده و پس از تکمیل صرف و نحو تا قسمتی از سیوطی برای ادامه تحصیل به اصفهان

آمده و در مدرسه صدر ساکن و بقیه سیوطی را نزدیکی از فضلاء مدرسه مزبور خوانده و بقیه سطوح اولیه را نزد عالم جلیل آقا شیخ محمدعلی حبیب‌آبادی و آقا شیخ علی یزدی فراگرفته و سطوح وسطی و عالیه را در خدمت مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید محمد رضای رضوی خونساری و مرحوم میرزا احمد اصفهانی و مرحوم آیت‌الله شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و آیت‌الله زاهد ورع حاج سید ابوالقاسم دهکردی به پایان رسانیده و در درس خارج (نجاه العباد) آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی حاضر شده و هم از محضر درس آیت‌الله الفقیه آخوند ملا حسین فشارکی در مدرسه صدر استفاده نموده تا سال 1346 قمری که به اجازه مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله رجالی حاج شیخ عبدالله مامقانی صاحب رجال و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند شده و از خواص اصحاب فقیه اهل‌البیت فی عصره و المرجع الاعلی آیت‌الله العظمی آقای آقاسید ابوالحسن اصفهانی گردیده و در مسجد شیخ طوسی از محضر آن بزرگوار استفاده کامل نموده و بعد به اصرار مرحوم والدش به اصفهان مراجعت و به نشر معارف اسلامی و فضائل اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پرداخته و پس از فوت مرحوم والدش مدت هفت سال مجاورت ارض اقدس رضوی را اختیار و پس از آن به واسطه نامساعد بودن هوای مشهد با مزاج ایشان منتقل به تهران گردیده و تاکنون در مرکز و حومه آن به انجام وظائف دینی و روحی و بالاخص تبلیغ از طریق منبر و تالیف کتب اشتغال دارد.
نگارنده گوید: علامه میرجهانی از نوادر دانشمندانی است که با او برخورد کرده‌ام عالمی ادیب و فاضلی اریب و محدثی حسیب می‌باشد دارای ملکات فاضله و محاسن اخلاق و محامد آداب مجامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول و صاحب علوم و فنون مخصوص در علوم غریبه و عجیبه (جفر و رمل و اسطرلاب و ریاضیات) ید طولا و اطلاعی عمیق دارد و در فن منبر و بیان احادیث و فضائل و ولایت حضرات ائمه علیهم‌السلام بصارت کامل و از اساتید منبر محسوب می‌گردد طبعی روان و ذوقی فراوان دارد در مدح حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و بالاخص حضرت بقیه‌الله فرجه‌الشریف اشعار بسیاری به عربی و فارسی سروده‌اند.
آثار علمی مطبوع ایشان از این قرار است:
1- مقلاد الجنان که مشتمل است بر برخی از ادعیه و زیارات معتبره که در اصفهان به طبع رسیده است.
2- ذخیره المعاد راجع به ادعیه و آداب ساعات که در تهران چاپ شده است.
3- رساله سعادت ابدی در آداب تشکیل مجالس مذهبی نیز در اصفهان

طبع شده است.
4- روایح النسمات در شرح دعاء سمات در مشهد تالیف و طبع شده است.
5- مستدرک نهج‌البلاغه موسوم به مصباح‌البلاغه چهار جزو در دو جلد در تهران به طبع رسیده.
6- نوائب الدهور در علائم ظهور چهار جلد که یک جلد آن به طبع رسیده است.
7- الدر المکنون دو هزار بیت عربی در امامت و صفات جامعه امام و تواریخ ائمه علیهم‌السلام که به طبع رسیده است.
8- ولایت کلیه در دو جلد که جزو اول آن طبع شده است.
9- رساله‌ای در احکام رضاع استدلالی فارسی بالغ بر یکهزار و کسری فرع.
10- رساله‌ای در اخبار راجعه به نجوم و کواکب و فلکیات.
11- گنج رایگان کشکول مانند مشتمل بر بعضی از علوم غریبه و اخبار و آثار ولایتی.
12- جنه‌الفاطمه در تاریخ حالات حضرت فاطمه سلام‌الله علیها.
13- کتاب مقامات اکبریه مربوط به تاریخ حضرت علی‌اکبر شهید علیه‌السلام.
14- جزواتی در تفسیر قرآن.
15- جزواتی در انساب سادات عالی درجات.
16- جزواتی در اشعار فارسی از قصیده و غزل و مثنویات و مقطعات و رباعیات.
17- مختصر ابصار المستبصرین در بیان محاجه شیعه و سنی در مشهد مقدس تالیف در تهران به طبع رسیده است.
18- شهاب ثاقب در رد طایفه ضاله مضله و طریقه محاجه با آنها.
19- لوامع النور در علائم الظهور عربی.
20- گنجینه سرور نیز به عربی و فارسی ملفق.
21- کنوز الحکم و فنون الکلم در خطب و کلمات حضرت مجتبی علیه‌السلام نظیر نهج‌البلاغه.
ناگفته نماند که علامه میرجهانی تا زمان حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی قدس الله سره بزی غیر سادات بودند (عمامه سفید داشتند) با اینکه از سادات رفیع‌الدرجات طباطبائی و نسبش با مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت‌الله مرعشی نجفی مدظله نسابه عصر حکم فرمودند که معظم‌له بزی سادات و شرفاء درآیند و خود آیت‌الله بروجردی عمامه سفید را از سر ایشان برداشته و عمامه سیاه که امروز مظهر سیادت است در میان شیعه بر سر ایشان گذارده و جشن مفصلی در مدرسه فیضیه قم گرفتند.

آقای میرجهانی رساله‌ای در نسب خویش که تمام مراجع نجف و اران تائید کردند نوشته و شرح کیفیت و علت اخفاء نسب سلسله میرجهانی را تا آن روز داده و به طبع رسانیدند.

خاطرات عجیب معظم‌له

علامه میرجهانی قضایا و نوادر غریب و خاطرات عجیب آموزنده و ارزنده دارند و ما دو قضیه آن را می‌نگاریم:

اول می‌فرمودند در عصر ریاست مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی (ره) که بسیار مورد وثوق و توجه آن مرحوم بودم به امر ایشان پول زیادی به سامراء برده و بین طلاب سامراء و خدام عسکریین تقسیم کردم و خدام امامین همامین عسکریین که دینشان پول است مرا زیاد احترام می‌نمودند مخصوص کلیددار که از وی خواستم اجازه دهد من شبها در حرم شریف بیتوته کنم پس موافقت نموده ده شب تا به صبح در کنار قبر آن دو امام معصوم علیهماالسلام احیاء نموده و تضرع کردم روز دهم که جمعه بود اول فجر که درب حرم را گشودند با شوقی وافر به سرداب مقدس مشرف شدم وقتی از پله‌ها پائین رفتم با اینکه آن موقع هنوز برق نیامده بود دیدم فضاء سرداب روشن مانند مهتابست و سیدی نشسته و مشغول به ذکر و عبادتست .

از مقابل او گذشته و درب صفه ایستاده و زیارت حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف را خوانده و آمدم در جلوی آن آقا مشغول نماز شدم و بعد از نماز شروع کردم به خواندن دعاء ندبه و رسیدم به این جمله (و عرجت بروحه الی سمائک) آن آقا فرمودند این جمله از ما نرسیده (و عرجت به الی سمائک) و چرا رعایت وظیفه را نمی‌کنید و جلوتر از امام نماز می‌خوانید.

من غفلت از این دو آیت بزرگ نموده و دعاء را تمام و به سجده رفتم و در سجده متوجه شدم که آن آقا کیست که فرمود این جمله از ما نرسیده و چرا جلوی امام ایستادی بسیار مرعوب شده و سر از سجده برداشتم که دامن مطلوب را بگیرم دیدم سرداب تاریک و کسی نیست فهمیدم به چه دولتی رسیدم و به رایگان از دست دادم.

مولف گوید: آری.

باید که دمی غافل از آن شاه نباشی
شاید که نظر افکند آگاه نباشی

خاطره دوم

معظم‌له مبتلا به کسالت نقرس و سیاتیک که آن را (عرق النساء) هم گویند شده و چندین سال در اصفهان و تهران و خراسان معالجه قدیمی و جدید نموده و ابدا افاقه‌ای حاصل نشد تا اینکه فرمود بعضی از دوستان آمدند مرا به شیروان برده و در مراجعت در قوچان توقف و روزی به زیارت

امامزاده‌ای که در خارج شهر قوچان فعلی و معروف به امامزاده ابراهیم است رفته و چون هوای لطیف و منظره جالبی داشت رفقا گفتند نهار را در اینجا بمانیم جای خوبیست گفتم عیبی ندارد پس آنها مشغول تهیه غذا شدند و من گفتم برای تطهیر به رودخانه می‌روم گفتند راه قدری دور است و برای درد پای شما مشکل گفتم آهسته آهسته می‌روم و رفتم تا برود خانه رسیده و تجدید وضو نمودم و در کنار رودخانه نشسته و نگاه به مناظر طبیعی می‌کردم که دیدم شخصی که لباس نمدی چوپانی در برداشت آمد و سلام کرد و گفت آقای میرجهانی شما با اینکه اهل دعا و دوا هستی هنوز پای خود را معالجه نکرده‌اید گفتم تاکنون که نشده گفت آیا دوست داری (یا مایل هستی) من درد پایت را علاج کنم گفتم البته پس آمد کنار من نشست و از جیب خود چاقوی کوچکی درآورد و اسم مادر مرا پرسید (یا برد) و سر چاقو را بر اول درد گذارد و به پائین کشید تا به پشت پا آورد و فشاری داد که بسیار متالم شده آخ گفتم پس چاقو را برداشت و گفت برخیز خوب شدی خواستم مانند همیشه با کمک عصا برخیزم عصا را از دست من گرفت و به آن طرف رودخانه انداخت. پس دیدم پایم سالم است برخاستم ایستادم و دیگر ابدا پایم درد نداشت.
پس به او گفتم شما کجا هستید. گفت من در همین قلعه‌ها هستم و دست خود را به اطراف گردانید.
گفتم پس من کجا خدمت شما برسم. فرمود تو آدرس مرا نخواهی دانست ولی من منزل شما را می‌دانم کجاست و آدرس مرا گفت: و فرمود هر وقت مقتضی باشد خودم نزد تو خواهم آمد و رفت و در همین موقع رفقا رسیدند و گفتند آقا عصا کو من گفتم آقای نمدی را دریابید پس هر چه تفحص کردند اثری از او نیافتند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (119/ 22 ،104/ 21 ،255/ 11)، گنجینه‌ی دانشمندان (417 -410/ 2)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1255/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (609 -608/ 2).

میرخانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1290(1335 ق.)، تهران.
درگذشت: 2 آبان 1372(9 جمادی‌الاولی 1414 ق.).
آیت‌الله حاج سید احمد میرخانی پس از طی دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن به شوق تحصیل علوم دینی، به یادگیری ادبیات و سطح پرداخت. پس از آن به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و از محضر آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مکاسب و کافیه را فراگرفت و سپس به درس خارج آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری حاضر شد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم، تنها به درس ایشان رفت و تا پایان عمر آن استاد از بحث‌های فقهی و اصولی او استفاده نمود و پس از وفات وی، به تهران آمد و به خدمات دینی، از جمله اقامه‌ی جماعت در مسجد ولی‌عصر، اعزام مبلغ به اطراف تهران، تألیف و نشر کتب دینی (که زندگانی برخی امامان و ترجمه برخی از مجلات بحارالانوار از جمله آنهاست)، ساخت مساجد و حوزه‌ی علمیه، اقامه‌ی مجالس دینی در عصرهای جمعه و راهنمایی و ارشاد جوانان و تشکیل مجالس دعای ندبه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) اشتغال ورزید. از آثار قلمی ایشان یا کتابهایی که خوشنویسی کرده‌اند می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: آیات الاحکام (در دو جلد)؛ سیر حدیث در اسلام؛ شرح زیارت عاشورا (تألیف با خط فریبا مقصودی کرمانشاهی)؛ تاریخ اجتهاد و تقلید (تهران، 1372)؛ قرآن کریم با ترجمه فارسی (مهدی الهی قمشه‌ای، با خط احمد میرخانی، تهران، 1374)؛ کلیات مفاتیح الجنان (به خط احمد میرخانی)؛ سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض (مترجم مهدی الهی قمشه‌ی با خط احمد میرخانی).
حاج میر سید احمد میرخانی از علماء مبرز و مروج معاصر تهرانست.
وی در حدود سال 1335 قمری در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به قم مهاجرت نموده و سطح کفایه و مکاسب را از محضر آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه اسرارهم بهره‌مند گردیده آنگاه مراجعت به تهران و بخدمات دینی از اقامه

جماعت و ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی در مسجد (حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه) واقع در خیابان (حشمت‌الدوله) پرداخته است.
نگارنده گوید: آقای میرخانی از علماء خدوم و مروجین متین و مورد توجه مردم تهرانست. خدمات بسیاری در تهران و حومه آن نموده که از آنها اعزام مبلغ بقراء و دهات اطراف تهران میباشد.
چند سالی در شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء و دعاء کمیل و غیره داشتند و صدها نفر را بدین وسیله بسوی خدا و استغفار رهبری می‌نمودند. و اکنون در عصرهای جمعه در مسجد خود مجلس باشکوهی دارند و جمع کثیری از جوانان و غیره را بوسیله دعاء ندبه و سمات و غیره بخداوند متعال جلت عظمته و ولی اللّه اعظم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء هدایت و ارشاد می‌نمایند.
از آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان تعمیر و بناء مساجد و غیره در حومه تهران می‌باشد که بوسیله گویندگان و فضلاء و مبلغینی که به آنجاها فرستاده انجام داده است.
(ح 1414 -1335 ق)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به قم رفت و سطوح «کفایه» و «مکاسب» را از محضر آیت‌اللّه مرعشی فراگرفت. سپس در درس خارج آیت‌اللّه حجت کوه کمری و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از ورود آیت‌اللّه بروجردی به قم، وی از درس و بحثهای فقهی و اصولی ایشان بهره برد. پس از درگذشت استادش، آیت‌اللّه بروجردی، به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و نشر کتب دینی، ترویج احکام، اقامه مجالس وعظ و ارشاد و سایر امور دینی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثارش: «آیات الاحکام»، در دو مجلد؛ «سیر حدیث در اسلام».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] کلک (س 4، ش 45 و 46، ص 314)، گنجینه‌ی دانشمندان (576 -575/ 4).

میرداماد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میر محمدباقر بن محمد استرآبادی مشهور به «میرداماد» (ف. 1040 یا 1041 ه.ق) از فلاسفه و دانشمندان معروف عصر صفویه که مورد توجه مخصوص شاه عباس بوده است. منشأش استرآباد و محل تحصیلش مشهد بود و بیشتر عمر خود را در اصفهان بسر برد. وی از تلامذه‌ی شیخ حسین عاملی و شیخ عبدالعالی و بعضی از اکابر دیگر بود. ملاصدرای شیرازی از شاگردان وی بود. میرداماد در فقه و حکمت تألیفات متعدد دارد. و از آن جمله است: «الصراط المستقیم»، «قبسات»، «انموذج العلوم»، «التقدیسات» و غیره. میرداماد شاعر نیز بوده و در شعر «اشراق» تخلص می‌کرده است. یک مثنوی به نام «مشرق‌الانوار» سروده است.
(وف 1041 ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، عارف، ریاضیدان و شاعر، متخلص به اشراق. اصلش از استرآباد و ساکن اصفهان بود. پدرش داماد شیخ علی محقق ثانی است. میرداماد از دوستان بسیار نزدیک شیخ‌بهائی و از علما و فلاسفه بزرگ عصر صفوی و از مقربان درگاه شاه عباس اول و شاه صفی محسوب می‌شد. وی در علوم نقلی از شاگردان سید نورالدین علی بن ابی الحسن الموسوی و شیخ حسین عاملی، پدر شیخ‌بهائی، و دایی خود، شیخ عبدالعالی بن محقق ثانی، بود و از دایی خود به دریافت اجازه نایل آمد. او همچنین در علوم عقلی، مدتی در محضر امیر فخرالدین سماکی، شاگرد امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی، به مباحثات فلسفی اشتغال ورزید. وی در جمیع علوم غریبه نیز دست داشت. از شاگردان مشهورش می‌توان به قطب‌الدین اشکوری عارف، صدرالدین شیرازی معروف به ملا صدرا، ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی اشاره نمود. میر داماد حکیمی اشراقی است وی را نمودار کامل از یک فیلسوف شیعی دانسته‌اند علو مرتبه او در حکمت از لقب معلم ثالث که به او داده‌اند پیداست. وی فلسفه مشاء و آثار ابن‌سینا را به طور کامل مطالعه کرده و تعالیم اشراقی سهروردی و معارف صوفیه را نیز درک نموده و بر روی هم تأثیرات اشراقی و عرفانی در افکار فلسفی وی مجالی وسیع یافته است. میرداماد در سفری، به همراه شاه صفی، به عتبات عالیات، در بین راه کربلا و نجف، درگذشت. از آثارش: «قبسات حق القین فی حدوث العالم»، که به اختصار به «القبسات» معروف است؛ «حدوث العالم ذاتا و قدمه زمانا» یا «الجمع و التوفیق بین رأیی الحکیمین

فی حدوث العالم»؛ «الافق المبین»، در حکمت الهی؛ «تأویل المقطعات»، در اوایل سوره‌های قرآن؛ تفسیر «سوره‌ی اخلاص»؛ «تقویم الایمان» و مقدمه آن و شرح مقدمه؛ «الایقاضات»، در خلق اعمال و افعال بندگان؛ «التقدسیات»، در حکمت الهی و رد شبهه‌ی ابن‌کمونه؛ «الرواشح السماویه فی شرح احادیث الامامیه»؛ «شارع النجاة»، رساله فتوائیه‌ی فارسی، در اصول و فروع دین؛ «نبراس الضیاء فی معنی البداء»؛ «انموذج العلوم»، حل بیست اشکال ریاضی و کلام و فقه؛ «السبع الشداد»؛ «الصراط المستقیم»، در حکمت؛ «نفی الجبر و التفویض»؛ حاشیه «شرح مختصر عضدی»؛ حاشیه «مختلف» علامه حلی؛ حاشیه «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه «استبصار»؛ حاشیه «رجال» کشی؛ «مرآة الزمان»؛ «حبل المتین»، در حکمت؛ «دیوان» شعر.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (272/ 6)، اعیان الشیعه (189/ 9)، بزرگان فلسفه (401 -400)، صبح گلشن (306/ 5)، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی (467 -461)، تذکرة العلماء (179 -177)، الذریعه (38/ 24 ،32/ 17 ،35/ 15 ،4/ 13 ،257/ 11 ،294 ،239 ،223 ،194 ،145 ،142 ،129 ،88/ ،87 /18 -17/ 6 ،134/ 5 ،396 ،364 ،335/ 4 ،307/ 3 ،507 ،405 -404 ،261/ 2)، ریحانه (62 -56/ 6)، سفینة البحار (462/ 1)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (368 -365)، طبقات اعلام الشیعه (70 -67/ 11)، فرهنگ سخنوران (64)، فوائد الرضویه (425 -418)، القبسات (مقدمه)، عالم آرای عباسی (147 -146/ 1)، کارنامه‌ی بزرگان (297 -296)، لغت نامه (ذیل/ داماد)، معجم المؤلفین (93/ 9).

میردامادی سدهی، حیدر علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا محمد حسین. عالم جلیل، از شاگردان: آقا میرزا محمد باقر، و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی، و حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و جمعی دیگر از فحول بوده. مجتهدی بزرگ و رئیسی نافذالقول بوده، در 1326 وفات یافته، در مقبره‌ی خوزان مدفون شده، و پس از مدتی به نجف اشرف منتقل گردید.
از آثارش تصحیح و مقابله‌ی کتاب «ربیع الاسابیع» علامه‌ی مجلسی است که در سال 1313 به طبع رسیده است. کتاب به خط محمد رضا بن محمد مهدی خوزانی اصفهانی خطاط معروف است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، بحرالعلوم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1305.
درگذشت: 1369.
کتاب زیر درباره‌ی زندگی آیت‌الله بحرالعلوم میردامادی به چاپ رسیده است: یادنامه فقیه اهل‌بیت عالم ربانی عارف الهی آیةالله سید بحرالعلوم میرداماد، همراه با رساله سیر و سلوک معظم له (نوشته مصلح الدین مهدوی، به اهتمام محمود میردامادی، اصفهان، 1370).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

میردامادی، هاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید هاشم میردامادی معروف به نجف‌آبادی ابن سید محمد بن سید علی بن سید مرتضی ابن سید محمدباقر نزیل نجف‌آباد اصفهان بن سید مرتضی کان من اعاظم العلماء فی عصر الافغان و هاول من دخل قره خوران سده فی عهد الافاغته بن علامه التحریر میر محمد اشرف المتوفی سنه 1145 صاحب کتاب فضائل السادات بن علامه میر عبدالحبیب متوفی سنه 1121 بن علامه میر احمد عاملی (سبط محقق الکرکی (و ختن (داماد) سید فلاسفه الاسلام محقق الداماد (و ابن خاله و تلمیذه) و له تألیف کثیره نوفی به اصفهان و قبره فی تخت فولاد و هو ابن العلامه میر سید زین‌العابدین (ختن محقق الکرکی) و تلمیده ابن عبداللّه المدفون بحلب ابن محمد بن صالح بن جعفر المدفون بحلب ابن احمد بن حمزه بن قاسم بن حسین بن ابی‌احمد عبداللّه المشهدی ابن محمد بن علی بن الحسن (الحسین) ابن محمد الطبان بن الحسین بن ابی علی احمد الازوارقانی الامام الزاهد الذی انتهی الیه علم النسب فی عصره و امه نقویه من ذریه جعفر بن الامام علی الهادی (ع) و بعبر عن احمد فی السنه النسابین بالشریف الازوارقانی سکن مرو و هو ابن محمد العزیزی المدفون بقم قتل بخارج قم و حمل الیها و قبره بجنب مسجد الرضائیه و یعرف بعبد العزیز ایضا و محمد العزیزی ابن الحسن ابی‌جعفر ابن ابی‌جعفر محمد الاطروش المعروف مسکان و کان یسکن بلده قم المشرفه و هو ابن ابی‌الحسن علی نزیل قم و ولده نقباء قم ابن الحسین الطواف ابن ابی‌الحسن علی الخار ص خرج بالاهو از سنه 200 علی العباسیه و توفی ببغداد و قبره بها اشتهر بالخارص لکونه مرجعا فی التقویمات و هو ابن ابی‌الحسین محمد المامون الدیباج لقب به لحسن وجهه یویع له بمکه و توفی بجرجان سنه 203 و قبره بهامزار و امه حمیره الاندلسیه و کان من رواه حدیث یروی عنه جماعه منهم محمد بن ابی عمیر و موسی بن سلمه و اسحق بن موسی الانصاری و غیرهم و هو یروی عن ابیه الصادق علیه الصلوه والسلام و قد ذکرت ترجمته مفصله فی ص 185 من مقاتل ابی الفرج و فی ص 113 من مجلد الثانی من تاریخ بغداد وفی ص 94 من حرف میم من منتهی المقال و فی تاریخ الیمن و هو ابن الامام الهمام سیدنا و مولانا ابی‌عبداللّه جعفر بن محمد الصادق (ع) نسبت مرحوم سید هاشم میردامادی با 30 واسطه نسب شریفش منتهی می‌شود به ابی‌الحسین محمد الدیباج فرزند حضرت

امام جعفر الصادق علیه‌الصلوه والسلام و بیشتر نیاکان وی اهل دانش و فضلند و نوابغ و رجال علمی بزرگی در میان آنان قرار دارند نظیر علامه میر محمد اشرف متوفی 1145 صابحب کتاب فضائل السادات فرزند علامه میر عبدالحبیب متوفی 1121 مدفون در تخت پولاد اصفهان فرزند علامه میر احمد عاملی صاحب تألیفات زیاد مثل کتاب مصقل الصفافی الرد علی النصاری و نفحات اللاهوتیه و مفتاح الشفاء و غیر آن.
و داماد و پسر خاله و شاگرد بزرگ فلاسفه اسلام میرمحمد باقر داماد سر سلسله خاندان بزرگ میرداماد است از این ناحیه نسب مرحوم والد به مرحوم میر محمد باقر داماد دانشمند و فیلسوف معروف می‌رسد و نسب میرداماد با 21 واسطه به امام حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین (ع) منتهی می‌شود و در میان اجداد میرداماد امراء و رجال بزرگی نظیر سید کمال‌الدین و سید قوام‌الدین مدفون در آمل قرار دارند که از سادات مرعشی و مدتی در منطقه بزرگی حکومت می‌کردند که شرح حال آنان در کتب تاریخ است و شجره کبیره خاندان میرداماد در این اواخر مستقلا چاپ شده است.
تاریخ تولد و دوران کودکی
مرحوم سید هاشم میردامادی در تاریخ 1303 هجری در نجف اشرف در خاندان فضیلت از مادری فاضله و پاک سیرت چشم به جهان گشود و در سن دو سالگی پدر بزرگوار خود را از دست داد و در سایه حمایت و مهرمادر دوران کودکی را گذارنیده و بر اثر فراست و هوش ذاتی از همان اوائل رشد همت به تحصیل علم و کمال گماشت.
می‌فرمودند: من از سنین قبل از بلوغ علاقه سرشار به مجالس علماء و رجال علمی داشتم و بیشتر وقت من در محضر شخصیتهای بزرگ و مراجع عالیقدر می‌گذشت و آمادگی فوق‌العاده برای کسب فضیلت و پذیرش هرگونه استفاده علمی داشتم و تنها آرزوی من رسیدن به مقامات عالیه علم و عمل بود.
و از طرفی مادرم به جهت سختی در امر معاش اصرار داشت که در پی کسب و کار بروم و ادامه تحصیل ندهم تا آنکه از یکی از اساتید خواستم نزد مادرم بیاید و وی را راضی به ادامه تحصیل کند و در نتیجه این مشکل از پیش پایم برداشته شد.
اساتید وی: مقدمات و سطح را با جدیت کامل نزد مدرسین معروف گذرانیده و سپس در حوزه‌های بزرگ از محضر مرحوم آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و محضر مرحوم آقامیرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آقامیرزا حسین نائینی اعلی‌اللّه مقامهم الشریف استفاده نموده و به درجه رفیعه اجتهاد نائل و از اساتید اخلاق عرفان میرزا جواد آقای تبریزی رحمه‌اللّه تعالی استفاده‌ها نموده و در نتیجه کوشش و پشت کار در سن

جوانی مقام شامخی از علم و عمل پیدا کرد.
وی از دو استاد خود مرحوم آمیرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم حاج سید احمد کربلائی بسیار یاد می‌کرد و از یاد آنان لذت می‌برد و از سجایای اخلاقی آن دو داستانهائی نقل می‌فرمود که حاکی از عظمت روح و پاکی نفس آنان بود.
و می‌فرمود: بعد از آقامیرزا محمدتقی شیرازی دیگر کسی به آن مهذبی و پاکی ندیدم و چه روزها و شبهای بسیاری که ملتزم وی در حضر و سفر بودم.
و راجع به مرحوم حاج سید احمد کربلائی می‌فرمود: که این مرد همواره حال انقطاع و توجه به خدا داشت و گاهی که با شاگردان مشغول صحبت بود و می‌خندید در بین صحبت و خنده توجهی به خدا پیدا می‌کرد و از گوشهای چشم وی اشک جاری می‌گشت و در آن حال به احدی توجه نداشت.
تقوی و زهدوی: الحق می‌توان گفت موفقیت وی در زهد و تقوی کم‌نظیر و مورد غبطه اقران خود بود.
نجابت و اصالت خانوادگی، تقید مادر وی به عبادات و سنن و ادعیه، شوق کامل از عنفوان جوانی به تکمیل نفس و تهذیب روح مراوده با متقین و مردان حق ریاضتهای مشروعه همگی دست به هم داده باعث شد که در راه پرهیزکاری و تهذیب نفس سرآمد مردان خدا شود و جز رضای الهی چیزی در نظرش جلوه ننماید.
حب و بغضش روی محور خدا گردد و در مدت عمر ذره‌ای آلودگی پیدا نکرد و در راه تقوی و فضیلت گامهای بلندی بدارد. افرادی که با وی مراوده داشته و مانوس بوده‌اند به خوبی گواهند.
از بعضی رفقائی که می‌خواستند از رفاقت سوءاستفاده نمایند برای رضای خدا قطع کرد از مشتبهات گریزان بود تا چه رسد به محرمات در مالهای شبهه‌ناک تصرف نمی‌کرد و از حلال و بی‌شبهه هم به مقدار ضرورت برداشت می‌کرد پایه زندگی را روی قناعت گذارده بود خیلی ساده زندگی می‌کرد و مازاد را در راه خدا انفاق می‌کرد لذا هیچگاه محتاج به قرض نمی‌شد و در تمام مدت عمر دروغی از وی شنیده نشد و آزارش به کسی نرسید.
مادرم همیشه می‌گفت: پدر شما فرشته اشت پس‌انداز مالی نداشت اثاثیه ضروری منزل را با اکراه می‌خرید با تجملات و زیاده‌روی سخت مخالف بود توکلی عجیب و فوق‌العاده داشت. تا به صحت حدیث و یا قصه‌ای اطمینان پیدا نمی‌کرد جائی نقل نمی‌کرد بر اثر مراقبت زیاد دل و نفس را اسیر خود نموده بود.
اخلاق و عادات وی: افرادی که با مرحوم والد حشر و مراوده داشته‌اند

کاملا به ملکات اخلاقی وی واقف فریفته و دلباخته معظم‌له بودند سر سوزنی کبر و غرور نداشت. بسیار متواضع و فروتن بود. اخلاق و رفتارش در تمام مدت عمر به یک میزان بود شخصیت و مقام ظاهری در روحیه وی اثر نگذاشت چون دوران طلبگی تا آخر زندگی می‌کرد.
کسانی که علما و نسبا از وی پائین‌تر بودند بر خود مقدم می‌داشت و ذره‌ای ناراحتی در وجودش احساس نمی‌شد. برخوردش با اشخاص بسیار خودمانی و یکرنگ بود. وفا و صفای فوق‌العاده دارای قلبی مهربان و عطوف، به گفته‌ها و درددلهای افراد توجهی کامل می‌نمود و واقعا متأثر و اظهار همدردی می‌کرد.
مردی بود منورالفکر و آزاد تعصبات خشک را کنار گذارده به میزان عقل و شرع رفتار می‌نمود در کارها و قضایا بی‌دلیل و منطق قدم برنمی‌داشت با خرافات که قمستی از آن صورت مذهب به خود گرفته شدیدا مخالف بود و در این قسمت کم‌نظیر بود از مردم غرق در قیود و رسوم سخت ناراحت می‌شد از آداب و رسوم بی‌معنی و غیرعقلائی که اکثر مردم را دامن‌گیر است بیزار بود می‌فرمود در کارها مقیاس عقل را باید در نظر داشت و نباید تابع مردم بود.
با هیاهو و جنجال و داد و فریاد مخالف بود از محیط آرام و ساکت لذت می‌برد شبستان ایشان محیط آرامی بود که هر بیننده‌ای را به شگفت وامی‌داشت حتی در فرستادن صلوات مصر بودند که بیش از اندازه بلند گفته نشود و شواهدی از آیات و روایات داشتند نظیر آیه 63 از سوره انعام و آیه 55 و آیه 205 از سوره اعراف و این روایت که مرحوم علامه طبرسی ره در مجمع‌البیان نقل کرده که پیغمبر اکرم (ص) در یکی از غزوات به اصحاب خود که بلند تکبیر و تهلیل می‌گفتند فرمود: انکم لاتدعون اصما و لا غالبا انکم تدعون سمیعا قریبا انه معکم.
شما شخصی کر و دور را نمی‌خوانید بلکه شخصی را می‌خوانید که شنوا و به شما نزدیک است.
تألیفات وی: معتقد بودند که علمای سلف در هر رشته تألیفات گرانبهائی نموده و برای خلف مجالی باقی نگذارند خبر جمع و تفریق در عین حال آثاری از وی باقی مانده.
1- رساله‌ای در رجعت که آیات و روایات مربوطه به طور استقصاء در آن جمع‌آوری شده و تمام و مهیا برای طبع است.
2- ترجمه کتاب سیف‌الامه تراقی رحمه‌اللّه علیه به عربی و می‌فرمودند: کتابی به این سبک و خوبی در امر نبوت به زبان عربی نوشته نشده و بیشتر آن ترجمه شده و بقیه را حقیر ترجمه کردم و آماده برای چاپ است و خوبست فارسی آن هم پس از تصحیح به صورت پاکیزه‌ای چاپ ضود و چاپهای گذشته علاوه بر کمیابی پرغلط و بد چاپ است.

3- جزواتی در علم اخلاق که تمامی از رشحات فکری وی الهام گرفته از آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام است ولی متأسفانه پراکنده و محتاج به جمع‌آوری و تنظیم است.
4- شرح حال علمای بزرگ و داستانهائی با مدارک مربوط به افرادی که مشرف به حضور حضرت حجت (ع) شده‌اند ولی ناقص است.
5- نوشته‌هائی از تقریرات مرحوم نائینی که به خط خود مرحوم که قسمتی از مباحث الفاظ را تشکیل می‌دهد.
6- تقسیر قرآن به فارسی ساده به نام (خلاصه‌البیان) که دو جلد آن در تهران به طبع رسیده است.
معظم‌له در شب سه‌شنبه 23 جمادی‌الثانیه 1380 قمری در سن 77 سالگی وفات نموده و در جوار مرقد مطهر ثامن‌الحجج علی بن موسی‌الرضا (ع) در دارالسیاده دفن گردیده عاش سعید او مات سعیدا.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

میرزا آقاسی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم فیض در تاریخش گوید: میرزا حسن عالمی است عامل و فاضلی است کامل، شخصش به همه صنوف کمال آراسته است و خلقش از جمیع رذایل پیراسته: از بدو عمرش تاکنون به هیچ مکروهی آلوده نشده است. والدش را وطن در صفحه خلجستان قم بود و عمل انشای محمدحسین خان سرهنگ فوج خلج بعهده او موکول بود.
چون پادشاه ماضی محمد شاه فوج خلج را از او بگرفت و او بناچار در بست حضرت فاطمه علیهاالسلام پناهنده شد والد جناب میرزا حسن هم در قم وطن گزید و خانه بساخت و اسباب معاش فراهم آورد، جناب سامی در بدو سن مقدمات و علوم ادبیه را در قم تحصیل فرموده روی به نجف اشرف آورد و در خدمت حجةالاسلام شیخ محمدحسن صاحب جواهر الکلام و حاج شیخ مرتضی شوشتری انصاری قریب بیست سال تحصیل علم فرود و سپس روی به وطن آورده. اشتغال به فیصل امورات شرعیه داشت، طلاب علوم دینیه از مدرس تحقیق ایشان بهره‌ها می‌بردند تا در سنه 1304 ه مرحوم و در شیخان مدفون شد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

میرمحمد صادقی، مجتبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مجتبی، نجل مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر میر محمد صادقی از علماء و ائمه جماعت و مدرسین معاصر اصفهان است. وی از خاندان علم و فقاهت و از طرف مادر از احفاد و اسباط میرزای قمی و آخوند ملا علی نوری. مادر مکرمه ایشان صبیه مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا منیرالدین فرزند آقا جمال‌الدین فرزند ملا علی بروجردی است. معظم له در حدود 1330 قمری در اصفهان متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدرضا نجفی و آیت‌اللَّه حاج میر سید علی مدرس نجف‌آبادی و آیت‌اللَّه آقا سید محمد مدرس نجف‌آبادی تا درجه اجتهاد استفاده نموده و به خدمات دینی از اقامه جماعت در مسجدالنبی اصفهان و تدریس رسائل و مکاسب در مدرسه صدر اصفهان و تبلیغ و ترویج اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

میلانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی فرزند حجةالاسلام والمسلمین حاج سید نورالدین فرزند آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی سبط آیت‌اللَّه آقا سید حسین فرزند آیت‌اللَّه العظمی آقا سید علی میری تبریزی معروف به داماد (مامقانی بزرگ) و سبط حجةالاسلام آقا شیخ محمدحسن فرزند آیت‌اللَّه العظمی فاضل شربیانی و نیز فرزند سبط مرحوم عالم رجالی آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ عبداللَّه مامقانی قدس‌اللَّه اسرارهم که جمع کرده فضائل نسبی را با مکارم حسبی از چهره‌های درخشان بیت جلیل میلانی است.
وی در هشتم ماه مبارک رمضان 1367 قمری در نجف اشرف متولد شده و در معیت والدش به کربلاء معلی آمده و چندین سال اقامت و به تحصیل مقدمات و ادبیات پرداخته و پس از مهاجرت جد بزرگوارش آیت‌اللَّه العظمی میلانی طاب اللَّه ثراه به ایران آمده و در خدمت والدش در شهر ری اقامت و بعد از چندی عزیمت به حوزه علمیه قم نموده و اشتغال به تکمیل سطوح عالی فرموده است.
پس از فراغ از آن به درس خارج آیات عظام حضرت آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللَّه وحید خراسانی و آیت‌اللَّه میرزا کاظم تبریزی و مرحوم آیت‌اللَّه حج شیخ مرتضی حایری شرکت و استفاده سرشار نموده و در ضمن به تألیف کتب زیر مبادرت و از خود به یادگار گذاشته است.
آثار علمی ایشان
1- بلغه الطالب در تعلیق به بیع مکاسب تقریر درس آیت‌اللَّه گلپایگانی که به طبع رسیده است.
2- کتاب القضاء 2 جلد تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی چاپ شده.
3- کتاب الشهاده 1 جلد تقریرات درس آیت‌اللَّه گلپایگانی چاپ شده.
4- خلاصه عبقات الانوار در امامه ائمه اطهار 25 جلد که ده جلد آن تاکنون به طبع رسیده است.
5- تحقیق الاصول یکدوره کامل در حدود 10 جلد بحث آیت‌اللَّه وحید خراسانی مخطوط.
6- بحوث فقهیه 5 جلد مباحث کتاب (احیاء الموات) و مکاسب محرمه و طهاره و صلاه از دروس آقای وحید خراسانی مخطوط.
7- بحوث فقهیه 3 جلد مباحث فقهی در کتاب طهاره از درس آیت‌اللَّه میرزا محمدکاظم تبریزی- مخطوط.

9- رساله‌ای در حدیث اصحابی کالنجوم در قم چاپ شده.
10- رساله‌ای در حدیث (اقتدوا بالذین من بعدی) در مجلت تراثنا چاپ شده.
11- رساله‌ای در حدیث (خطبه ابنه ابی‌جهل) در مجله تراثنا چاپ شده.
12- اهل البیت فی نهج‌البلاغه در مجله تراثنا چاپ شده.
13- رساله‌ای در شرح عباره محقق حلی در شرایع در نقل اموات- مخطوط.
14- رساله درالمتقین در مجله تراثنا چاپ شده.
15- رساله در نماز ابی‌بکر در جای رسول‌اللّه (ص) در بیماری آن حضرت در مجله تراثنا چاپ شده.
16- رساله‌ای در حدیث علیکم بسنتی و سنه الخلفاء الراشدین در مجله تراثنا چاپ شده.
17- دراسات در عبقات چاپ شده.
18- النافع فی یوم القیامه در شرح منهاج الکرامه العلامه 2 جلد.
19- شرح الکبری منطق چاپ شده.
20- حواشی و مقدمه کتاب آفه اصحاب الحدیث تألیف ابن الجوزی.
21- حواشی و مقدمه کتاب الامام الثانی عشر تألیف محمد سعید عبقاتی چاپ شده.
22- مستدرکات عبقات الانوار (حدیث الغدیر و حدیث النور- حدیث السقیفه) چاپ شده.
در آثار دیگران به مناسبتهائی در آثار دیگران یاد شده و مورد استفاده قرار گرفته از آن جمله در کتاب اهل البیت فی المکتبه العربیه تألیف علامه سید عبدالعزیز طباطبائی و در مقاله ایشان به عنوان الموفون فی الغدیر و در دائر المعارف تشیع به مناسبت آل میلانی و در فیض القدیر تألیف محدث قمی در موسسه راه حق چاپ شده.
محقق میلانی دارای اجازات مبسوطی از آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

میلانی، محمدهادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمحمد هادی حسینی میلانی بن العلامه الحجة آیت‌اللّه آقا سید جعفر بن العلامه الورع آیت‌اللّه آقا سید احمد حسینی میلانی از مراجع تقلید بزرگ و آیات عظام معاصر است در مشهد مقدس؛ معظم‌له در شب هفتم ماه محرم هزار و سیصد و سیزده قمری در خاندان بزرگ علمی در نجف اشرف متولد شد و در مهد تربیت والد ماجدش که داماد گرامی علامه فقیه آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بوده پرورش یافته است والد ماجدش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید جعفر حسینی از علماء جلیل‌القدر نجف اشرف و از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقاشیخ حسن مامقانی به شمار می‌رفت و مردی بود که در زمان خود به علم و تقوا شهرتی داشت قبل از اینکه مردم از فضائل اخلاقی و مقامات علمی آن بزرگوار برخوردار گردند در سن جوانی از دنیا رحلت نمود و در رواق شمالی مرقد مطهر حضرت موسی بن جعفر و جواد الائمه علیه‌السلام دفن شد.
وی فرزند مرحوم آیت‌اللّه آقا سیداحمد حسینی میلانی که از شاگردان آیت‌اللّه العظمی آقاشیخ محمدحسن صاحب کتاب جواهر و در آذربایجان مرجع تقلید و پناهگاه مسلمانان بود.
مرحوم آقا سید احمد فرزند حجةالاسلام آقاسید مرتضی حسینی بن رکن‌الاسلام آقاسید علی‌اکبر که مورد علاقه مردم بودند بوده و او فرزند آقا سید اسداللّه حسینی بود و این دو بزرگوار ساکن قصبه میلان بودند و پدران بزرگوار آنان از شرفاء سادات مدینه طیبه محسوب می‌شد. پدر بزرگوار آقا سید اسداللّه به حسب تقاضای اهالی آذربایجان متوجه به آن سامان شده و در آنجا از دنیا رفت مرقد او هم اکنون زیارتگاه عموم می‌باشند.
والده ماجده حضرت آیت‌اللّه میلانی صبه مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بودند و آن بزرگوار در سال 1323 قمری از دنیا رفت و کانون علم و تقوا و از مراجع بزرگ شیعه به شمار می‌رفت و آثار علمی وی هم اکنون در حوزه‌های علمی مورد استفاده عموم می‌باشند.
در زمان معظم‌له نام دوازده هزار نفر از طلاب علوم دینیه در دفتر او مرقوم بود و حقوق آنان از ناحیه وی پرداخت می‌شد.
و در هر سال بیش از پنجاه هزار تومان از باب وجوهات به ایشان می‌رسید

و آنها را میان مستحقین و اهل علم تقسیم می‌کرد و درهمی برای خود و عیالات خود باقی نمی‌گذارد و اگر شب می‌رسید تا صبح نمی‌گذارد همان ساعت به اهلش می‌رسانید.
دائی و پدر همسر کریمه ایشان مرحوم آیت‌اللّٰه عالم بزرگوار و شیخ العلماء حاج شیخ عبداللّٰه مامقانی قدس‌اللّٰه سره صاحب تنقیح المقال در علم رجال و مرات الکمال و مرآت الرشاد و غیره از آیات عظام و مراجع انام عصر خود بوده است.
معظم‌له در سن کودکی پدر بزرگوار خود را از دست داده ولی در همان اوان دارای شوقی وافر به تحصیل علوم و مقدمات را تا سن دوازده سالگی نزد مرحوم آقا میرزا ابراهیم همدانی و آخوند ملامحسن تبریزی و دیگران خوانده و سطح را نزد مرحوم آیت‌اللّٰه آقا شیخ ابراهیم سالیانی و مرحوم حجةالاسلام آقا سید جعفر اردبیلی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا علی ایروانی (صاحب حاشیه بر مکاسب و کفایه و تالیفات دیگر) و مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ غلامعلی قمی سامرائی و مرحوم حجةالاسلام والمسلمین دائی بزرگوارشان آقا شیخ ابوالقاسم مامقانی که در زهد و تقوا مانند پدر معظم خود آیت‌اللّٰه مامقانی بودند تکمیل نموده آنگاه دروس خارج فقه و اصول را از علماء بزرگ و نوابغ عصر خود مانند مرحوم آیت‌اللّٰه شریعت اصفهانی و آیت‌اللّٰه میرزا محمدحسین نائینی و مرحوم آیت‌اللّٰه آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا ضیاء عراقی استفاده نموده و فلسفه و کلام را از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و علم مناظره را از مرحوم حجةالاسلام علامه مجاهد حاج شیخ جواد بلاغی صاحب کتاب الهدی الی دین المصطفی و الرحله المدرسیه و آلاء الرحمن در تفسیر و غیره فراگرفته‌اند.
مشایخ اجازه روایتی ایشان
1- مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید حسن صدر 2- مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین 3- مرحوم ثقه‌المحدثین حاج شیخ عباس قمی 4- مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ آغابزرگ تهرانی.
آیت‌اللّٰه میلانی در ادبیات فارسی و عربی حظ وافری دارند و با ادباء معاصر خود مانند مرحوم آقای شیخ محمد سماوی و آقای شیخ جعفر نقدی و حجةالاسلام آقا میرزا محمدعلی اردوآبادی مطارحات ادبیه داشتند و اشعاری که در جوانی به زبان عربی سروده‌اند شاهد زنده‌ی بر این مدعی است.
آیت‌اللّٰه میلانی بیش از پنجاه سال در نجف اشرف و کربلا و مشهد مقدس به تدریس فقه و اصول اشتغال داشته و تربیت‌شدگان علمی و اخلاقی ایشان در اکناف و اطراف ممالک و شهرهای اسلامی بسیارند که به وظائف دینی خود مشغول می‌باشند. و معظم‌له در تشویق و تکریم فضلاء

و محصلن کوشا می‌باشند.
آثار علمی او عبارت است از نوشته‌های بسیار که درباره علم و فقه و اصول و تفسیر نگاشته‌اند و آنها را بعضی از فضلاء که در حوزه درس کربلای وی حضور داشته نوشته است.
معظم‌له درباره قسمتی از علوم اسلامی مطالعات دقیق و نظریه‌ای قوی دارد که از آن جمله علم حدیث است.
وی مدت هشت سال با مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ علی قمی درباره علم حدیث مذاکراتی داشته است.
او نسخه کتاب وسائل خود را به نسخه‌ای که به خط مرحوم شیخ المحدثین شیخ حر عاملی نوشته شده مقابله و به مدارک آن مراجعه نموده است.
بیشتر افرادی که زندگانی علماء و رجال معاصر را نگاشته و به صورت کتاب منتشر نموده‌اند از قبیل: صاحب کتاب معارف الرجال و صاحب کتاب معجم رجال الفکر و الادب و صاحب کتاب ماضی النجف و حاضرها شخصیت و زندگانی آقای میلانی را نوشته‌اند.
در بسیاری از مجله‌های کشورهای اسلامی به مناسبتهائی راجع به معظم‌له مقالاتی درج نموده‌اند که از جمله در مجله: العلوم بیروت در سنه 11 عدد 18 به مناسب تاریخ مشهد مقدس و مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و خلیفه عباسی هارون الرشید مقاله‌ای نوشته تا آنجا که رسیده به مدرسه‌های قدیمه ارض اقدس می‌نگارد.
امروز چنانکه قبلا یادآور شدیم تعداد طلایی که در مشهد مقدس مشغول تحصیل و تحقیق هستند قریب دوهزار و پانصد نفر (2500) می‌باشد که در حوزه‌های متعدده علمیه تقسیم شده‌اند و آنان درباره تحصیل هر موضوع و علمی از قبیل علم فقه و علم اصول و لغت و حکمت و امثال ذلک دارای اسنادهای متعددی هستند.
ولی ریاست و زعامت کلیه آن حوزه‌های علمیه به عالم ربانی و دانشمندان صمدانی علامه بزرگوار سید محمدهادی میلانی می‌باشند که بزرگ استادهای علم فقه و علم اصول به شمار می‌رود.
وی همان کسی است که قریب چهارصد نفر از افرادی که قریب‌الاجتهادند در مجلس درسش حاضر می‌شوند.
آیت‌اللّه میلانی در سال 1370 قمری به حج مشرف شده و یک سفر هم در سال 1359 ق به سوریه و لبنان نمودند و ایشان شش مرتبه هم به ایران مسافرت نمودند که سفر ششمین ایشان در روز عرفه 1373 ق بود که به قصد زیارت ارض اقدس و حضرت رضا علیه آلاف التحیه و الثناء بود.
وی در خانه مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر نوغانی وارد شده و از روز ورود ایشان حوزه علمیه مشهد و علماء اعلام و طبقات مختلف مردم تقاضا و اصرار نمودند که معظم‌له برای تدریس و تربیت محصلین علوم

دینیه در مشهد مقدس اقامت نمایند وی قبول ننمود تا اینکه ملزم به استخاره شد.
پس از استخاره این آیه شریفه آمد. واتبع ما یوحی الیک من ربک واصبر حتی یحکم اللّه و هو خیر الحاکمین.
پس از این استخاره قبول نمود که مدت سه ماه در خراسان توقف و شروع به تدریس نماید وقتی که فضلاء برجسته حوزه علمیه مشهد مقدس وضع تدریس و مطالب دقیق ایشان را دیدند و شنیدند علاقه بیشتری پیدا کردند لذا با عزمی راسخ و اصراری بیش از پیش خواستار توقف حضرتش گردیدند.
آن بزرگوار به ناچار تقاضای آنان را پذیرفت و عزم رحیلش بدل به اقامت گردید و در مسجد جامع گوهرشاد به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و صدها نفر از فضلاء و علماء مشهد به محضرش حاضر و بهره‌مند می‌گردند.
آثار و باقیات الصالحات آیت‌اللّه میلانی مدظه.
آن جناب در این مدتی که در مشهد مقدس اقامت دارند در اغلب موسسات خیریه بناهای دینی سهیم و شریک بوده و اشخاص شایسته‌ای از روحانیین را برای تبلیغ و ارشاد مردم به اطراف اعزام نموده و هم اکنون می‌نمایند.
ایشان همیشه در نظر داشته و دارند که حوزه‌ها باید دارای نظم و برنامه مخصوص باشد و لازم است که کلیه علوم اسلامی در آنها تدریس و خوانده شود و لازم است که محصلین علوم دینیه درباره سایر علوم نیز دارای مطالعاتی باشند.
آیت‌اللّه میلانی در سال 1383 ق در شهرستان قم مدرسه‌ای به نام مدرسه منتظریه (حقانی) تأسیس و تعداد صد نفر دانشجو پذیرفته که تحت تعلیم و تربیت می‌باشند.
جناب ایشان در مشهد مقدس نیز مدرسه‌ای دو طبقه تأسیس کرده که دارای پانصد نفر محصل است (متأسفانه در این ایام آن مدرسه خراب و جزو فلکه آستانه گردید).
مدرسه مدرن و زیبای دیگری به نام امام جعفر صادق (ع) در جنب مسجد شاه مشهد و نزدیکی (مدرسه سلیمان‌خان) بنا نموده‌اند که از جهت معماری و زیبائی از مدارس نمونه علمی معاصر محسوب می‌گردد.
در این ایام که مشغول به تحریر این سطور می‌باشم معظم‌له مبتلا به کسالت شدیدی شده که برای معالجه به تهران آمده ولی موثر واقع نشده به مشهد مراجعت و در یکی از دهات اطراف مشهد بستری و دوران نقاهت و بیماری را می‌گذرانند. من اللّه علی المسلمین بشفاء وجوده انشاءاللّه.
آثار علمی آن جناب از این قرار است.

1- شرح استدلالی به کتاب صلوه شرایع 2- کتاب استدلالی در اجاره.
3- کتاب استدلالی در مزارعه و مسافات 4- کتاب در مبحث اوامر تا آخر استصحاب.
5- کتاب در مضاربه استدلالی 6- کتاب در تفسیر جزو عمه آخرین جزو از قرآن.
7- رساله در بحث مشتق 8- رساله در تحقیق صلوه جمعه.
9- رساله در منجزات مریض 10- رساله در تأمین والیا نصیب (قرعه‌کشی)
11- رساله در احکام جلود و غیره 12- حواشی بر کتاب الهدی الی دین المصطفی.
13- حاشیه بر وسیله النجاه 14- حاشیه بر عروةالوثقی و غیره.
آیت‌اللّه میلانی دارای دو برادر به نام حاج سید موسی و حاج سید کاظم و سه پسر به نام 1- حجةالاسلام حاج سید نورالدین مقیم شهر ری 2- حجةالاسلام حاج سید عباس مقیم نجف 3- آقای حاج سید محمدعلی مقیم مشهد و یک دختر می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

میهنی، مجدالدین، محیی‌الدین، ابوالفتح اسعد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 527/ 523 ق)، فقیه شافعی و مدرس. شیخ شافعیه در عصر خود و در فقه و خلاف متقدم و متبحر بود. نسبتش به میهنه، از قرای خاوران مابین سرخس و ابیورد می‌رسد، اما ذهبی میهنه را قریه‌ای نزدیک طوس می‌داند. در مرو فقه آموخت و از ابوالمظفر سمعانی و موفق هروی فقه و از ابوعبداللّٰه فراوی اصول را فراگرفت. سپس به غزنه رفت و در آنجا شهرت یافت و بزرگان بسیاری در محضرش تلمذ کردند تا جایی که ابواسحاق غزی شاعر او را مدح نمود. وی سپس از آنجا به بغداد رفت و چندین سال در مدرسه نظامیه‌ی بغداد تدریس کرد. اما به گفته‌ی ذهبی او پس از شش سال تدریس عزل و چهار سال بعد دو مرتبه عهده‌دار تدریس نظامیه‌ی بغداد شد و شاگردانی تربیت نمود. او در سفر آخر خویش که به صورت پیکی از جانب سلطان محمود سلجوقی به سوی سلطان سنجر به مرو می‌رفت، در همدان درگذشت. ابوسعد سمعانی او را ستوده است. سبکی در «طبقات الشافعیه» او را اسعد بن محمد بن ابی‌نصر خوانده است. از آثارش: «التعلیقة»، در اختلاف آرای فقهی علما؛ «الطریقة فی الخلاف و الجدل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة الحفاظ (1288/ 4)، روضات الجنات (8/ 2)، ریحانه (84 -83/ 6)، سیر النبلاء (634 -633/ 19)، شذرات الذهب (80/ 4)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (230 -229/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (43 -42/ 7)، العبر (430/ 2)، الکامل (330/ 8)، کشف الظنون (1113)، معجم المؤلفین (250/ 2)، المنتظم (235/ 10)، النجوم الزاهرة (245/ 5)، وفیات الاعیان (208 -207/ 1)، هدیة العارفین (204/ 1).

ناشر الاسلام، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدحسین ابن السید محمد بن السید نعمه‌الله بن السید محمدحسین بن السید حسن‌علی بن السید علی‌اکبر بن السید عبدالله بن السید نورالدین بن السید نعمت‌الله الجزایری بن السید عبدالله بن السید محمد بن السید حسین بن السید احمد بن السید محمود بن السید غیاث‌الدین بن السید مجدالدین بن السید نورالدین بن السید سعیدالدین ابن السید عیسی بن السید موسی بن السید عبدالله بن الامام الهمام موسی الکاظم علیه‌السلام.
مترجم محترم ما از علماء اعلام و آیات عظام و حجج اسلام معاصر ما می باشند که اکثر عمر خویش را در راه تبلیغ دین و ترویج مذهب گذرانیده و تحمل مشاق و شدایدی نموده و خدماتی بنانا و بیانا انجام داده و برای انجام وظائف دینی و روحی مسافرتهای خطرناکی نموده است.
در سال 1305 قمری یعنی 88 سال قبل در شهر شوشتر متولد شده و در مهد علم و شرافت و مجد و سیادت نشو و نما یافته و مقدمات و سطوح اولیه را نزد علماء آن سامان خوانده در سال 1377 قمری مهاجرت به عراق کرده و مدتی در سامرا اقامت و از آنجا به نجف اشرف عزیمت کرده و از محضر آیات عظام میرزا علی ایروانی و شیخ محمدتقی قمشه‌ای و آیت‌الله العظمی السید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده است و پس از آن سفری به هند نموده برای معالجه چشم و بعد از معالجه به آفریقای شرقی رفته و یکسال توقف آنگاه به نجف برگشته و بعد از مدتی باز مسافرت به آفریقا کرده و بعد از اطلاع آیت‌الله العظمی اصفهانی از سفر ایشان به وسیله ارسال نامه‌ای امر به توقف در آن سامان نموده برای ارشاد و به سرپرستی شیعیان آفریقا در جزیره (ماداگاسگار) توقف نموده تا موقع جنگ جهانی که 7 سال اقامت کرده و از آنجا به زنگبار رفته و یکسال توقف و در مسجد (قوه الاسلام) آنجا امامت نموده و از آنجا به مکه مشرف و پس از اداء مناسک به نجف اشرف مراجعت کرده و در عصر آیت‌الله العظمی بروجردی هم به امر معظم‌له مسافرت سوم به آفریقا نموده و دو سال تمام توقف و انجام وظائف کرده و در آنجا به تالیف کتب دینیه در فقه و عقاید و اخلاق به زبان کجراتی کرده و چون آثار ضعف و انکسار در وی بارز گشته از افریقا مراجعت به نجف اشرف نموده تا سال 1391 قمری که مانند ده‌ها هزار

نفر ایرانی دیگر اخراج به ایران و رحل اقامت در قم افکنده است.
آثار علمی و تالیفات ارزنده و مفیده ایشان از این قرار است:
1- بستان اسلام در اخلاق بلغت کجراتی که دو بار در سال 1364 و 1366 به طبع رسیده 2- نورالهدایه در فقه بلغت کجراتی در سال 1366 طبع شده است.
3- وسیله الناشریه در عقاید بلغت کجراتی در سال 1366 منتشر شده 4- کشکول الناشریه در لغت فارسی.
5- اسلام و دانش در اجتماع فارسی 6- عشرات ناشریه در مواعظ 7- ساختمان بشر در شرح حدیث نبوی (من عرف نفسه فقد عرف ربه) 9- طلب الثار فی احوال المختار مع ذکر تاریخ میثم 10- حدیقه عاطره در مطالب دینیه اخلاقیه و حکمیه و غیرها.
و آثار مخطوط دیگری دارند که هنوز به طبع نرسیده است.
(1305- ز 1391 ق)، عالم دینی. نسبش به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در شوشتر به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح در 1337 ق به عراق رفت، مدتی در سامرا ماند، سپس به نجف رفت و از محضر آقا میرزا علی ایروانی و شیخ محمد تقی قمشه‌ای و آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه در پی معالجه چشم به هند رفت و از آنجا به آفریقای شرقی مسافرت نمود و پس از یک سال به نجف بازگشت و مجدداً به آفریقا مسافرت نمود. وی به دستور آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی عهده‌دار زعامت شیعیان آفریقا گردید و در جزیره‌ی ماداگاسکار سکونت گزید. در جنگ جهانی دوم به زنگبار رفت و مدت یک سال در مسجد قوةالاسلام آنجا اقامه‌ی جماعت نمود. پس از سفری به مکه به نجف بازگشت و در زمان آیت‌اللّه بروجردی برای بار سوم به آفریقا رفت و مدت دو سال در آنجا به تبلیغ و تألیف کتب دینی پرداخت. آنگاه به نجف مراجعت نمود و در 1391 ق به همراه ایرانیان اخراجی از عراق در قم سکونت گزید. از آثارش: «بوستان اثنی عشری»؛ «بوستان اسلام»، در اخلاق، به زبان گجراتی؛ «نورالهدایة»، در فقه، به زبان گجراتی، «وسیلة الناشریة»، در اصول، به زبان گجراتی، «کشکول الناشریة»، فارسی؛ «العشرات الناشریة»، در مواعظ؛ «ساختمان بشر»، در شرح حدیث «من عرف نفسه...»؛ «حدیقه عاطره»، در مطالب دینی، اخلاقی و حکمی، «طلب الثار»، در احوال مختار با ذکر تاریخ میثم.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (485)، الذریعه (85/ 25، 385/ 24، 264/ 15)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 652/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (281 -280/ 2).

ناصحی نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 485/ 484 ق)، فقیه حنفی، محدث، متکلم و قاضی. وی قاضی‌القضاة ری بود و به اعتزال گرایش داشت. از قاشی ابوبکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوابراهیم اسماعیل نصرآبادی و جماعتی دیگر حدیث شنید. در بغداد و خراسان حدیث گفت. محمد بن عبدالواحد دقاق و عبدالوهاب انماطی و ابوالقاسم سمرقندی و ابوبکر بن زاغولی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. عبدالغافر در «تاریخ» خود گوید که وی فرزند امام الاسلام ابومحمد ناصحی بود. او برترین حنفی زمان خود و سرآمد در مناظره و همچنین در طب، ادب و شعر متبحر بود. وی در زمان پدرش در مدرسه‌ی سلطان تدریس می‌کرد و در عهد آلب ارسلان سلجوقی عهده‌دار قضاوت نیشابور شد و مدت ده سال در آنجا باقی ماند. پیرامون مسائلی با امام‌الحرمین گفتگو کرد و مورد ستایش وی قرار گرفت. ناصحی مدتی عهده‌دار منصب قضاوت وی شد. او در بازگشت از حج، در نزدیکی اصفهان، درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (103/ 7)، ری باستان (371 -370/ 2)، سیرالنبلاء (20 -19/ 19)، شذرات الذهب (372/ 3)، العبر (348/ 2)، الکامل (160/ 8)، المنتظم (639/ 9)، الوافی بالوفیات (338/ 3).

ناصر حسین، حامد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1284 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی و شاعر. ملقب به شمس‌العلماء. تحصیلات خود را در نجف گذراند و از محضر پدرش و مفتی سید محمد عباس استفاده نمود. او از سید محمد عباس روایت کرده و جماعتی از وی روایت کرده‌اند. آنگاه به لکنهو هند رفت و در آنجا اقامت گزید. وی از علمای امامی بزرگ هندوستان و مفتی و مرجع تقلید مردم آنجا بود. زعیم بزرگ هند، ابوالکلام آزاد، از شاگردان او بود و دو سال «نهج‌البلاغه» را نزد وی قرائت کرد و از اینجا بود که آزاد با روح اصول تشیع آشنا گشت. در لکنهو درگذشت. از آثارش: «اثبات رد الشمس لامیرالمؤمنین (ع) و دفع ما اورد علیه من الشبهات»؛ تتمیم «عبقات الانوار» پدرش؛ «المواعظ»؛ «نفحات الازهار»، در فضایل ائمه اطهار (ع)؛ «نفحات الانس فی وجوب السورة»؛ «مسند فاطمة بنت الحسین (ع)»؛ «اسباغ النائل بتحقیق المسائل»، در نه مجلد؛ «کتاب الانشاء»؛ «دیوان الخطب»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (201 -200/ 10)، الذریعه (246/ 24 1154،/ 9)، ریحانه (98 -97/ 6)، فوائدالرضویه (92)، هدیةالاحباب (177).

ناظم الشریعه، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج سید محمد شاه معروف بناظم الشریعه بهبهانی رضوان‌الله علیه ابن شاه محمد طاهر بن شاه محمد زمان بن شاه محمد امین بن شاه علیرضا بن شاه ابوطالب بن شاه نسیم بن شاه شجاع بن شاه ابوطالب بن شاه شمس الدین ابن سید الفاضل العالم العامل قطب الاقطاب و غوث الاغیاث السید عبدالوهاب الشهیر بشاه بابای ولی بن عبداللطیف بن حسید بن احمد ابن عبد الوهاب بن صدرالدین بن علی القاضی بن مسعود بن سعید بن احمد بن کثیر بن رفاعی بن علی ابن یحیی بن ثابت بن الخادم بن علی بن حسین المهدی بن محمد بن الحسین الوصی بن احمد بن الموسی الثانی بن ابراهیم المرتضی بن الامام الهمام الکامل العالم ابوابراهیم موسی الکاظم علیه التحیه والسلام.
معظم له اعلم علماء بهبهان کهف العلماء ابوالأرامل والایتام عالمی ربانی و فاضلی صمدانی بود نزدیک یکصد سال از عمر مبارکش رفته بود که نگارنده (در سال 1370 قمری) بفیض زیارتش رسیدم و ده روز در منزلش منبر رفتم.
وی از شاگردان مبرز مرحوم حاج شیخ هادی تهرانی و آخوند خراسانی صاحب کفایه و علامه طباطبائی یزدی بود اجازه‌ای مرحوم آخوند برای ایشان نوشته بود که از حیث مضامین و القاب بی‌نظیر بود.
بسیار جلیل‌القدر و بزرگوار نقیب‌النقباء و شریف الشرفاء و سید السادات و الاجله بود. در شب تاسوعا سیدی از خاندان آن مرحوم خوابی عجیب دید و آمد برای من بگوید گفتم برویم خوابت را در حضور حضرت آیه‌الله ناظم الشریعه بگو خدمت ایشان رفته آن شخص گفت دیشب در خواب دیدم جنازه‌ای را میان زمین و آسمان تشییع میکنند و جن و انس و ملائکه در تشییع او شیون مینمایند. پرسیدم این جنازه از کیست؟ گفتند از حضرت جبرئیل علیه‌السلام من در خواب بنا کردم بسر زدن و گفتم مگر قیامت برپا شده که جبرئیل از دنیا رفته در این انقلاب بودم که از خواب بیدار شدم.
من گفتم تعبیرش ایسنت که یکی از علماء بزرگوار از دنیا میرود. مرحوم ناظم الشریعه فرمود منهم همین تعبیر را کردم آنگاه گفت مرا باطاقم ببرید، زیر بغل ایشان را گرفته و باطاق مخصوصش بردند و کسی را دیگر نپذیرفت تا شب دوازدهم محرم که باجداد کرام محلق شد. پس عموم بهبهان و قنوات تعطیل و دولت و ملت در مرگش عزادار و مراسم تشییع

او را با سبک عجیب و طرز بی‌نظیری انجام و پس از نماز در مصلای بهبهان که می‌بینید در یکی از مزارات بهبهان امانت گذارده و تا چهل شبانه روز در تمام بهبهان عزا و مجالس فاتحه برقرار شبها زنان بهبهان بحالت جمعی در کوچه‌های شهر حرکت و شیون کنان بسر قبر او رفته ماتمسرائی میکردند و اغلب منابر و مجالس فاتحه او را نگارنده اداره کردم.
در مراسم نمازش که فرزند بزرگش آیه‌الله حاج سید محمد حسین (در زیر دائره) خواندند نگارنده در کنار فرزند دومش آیه‌الله آقا سید محمد هادی بعلامت ایکس دیده میشوم، و پس از چند سال جنازه او را بیرون آورده و حمل بنجف و در جوار حضرت علی علیه‌السلام بخاک سپردند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ناظم الشریعه، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد حسین و حاج سید محمد هادی معروف به حاج سید آقا از علماء مبرز بهبهان بودند که پس از خواندن سطوح در نزد والد بنجف اشرف مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله عراقی و آیه‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی (که اصلا بهبهانی بودند و باصفهانی شهرت یافتند چنانچه آیه‌الله العظمی وحیدهم اصلا اصفهانی و از احفاد و خاندان علامه مجلسی رحمه‌الله علیه بودند و به بهبهانی معروف گشتند) استفاده نموده آنگاه بوطن مراجعت و باقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا هر دو نیز از دنیا رفتند.
یکی از شاگردان مبرز مرحوم آیه‌الله ناظم‌الشریعه آیه‌الله العظمی حاج سید علی بهبهانی اهوازی بود که ترجمه‌اش در ذکر اهواز گذشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نایب الصدر، محمد مهدی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد کاظم بن علی نقی بن علی رضا بن سید محمد باقر پیشنماز. عالم فاضل محقق جلیل، از علمای کاملین، و فقها و مجتهدین بزرگ در اصفهان بوده، از مشایخ اجازه است. خط ایشان وضع مخصوصی دارد، بر اغلب یا تمام کتب موجود در کتابخانه‌ی خود در تمام علوم حاشیه مرقوم داشته.
در 1167 وفات یافته، در ایوانچه‌ی بقعه‌ی تکیه‌ی آقا رضی در تخت فولاد مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نبوی بیرجندی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید حسن بن العالم الجلیل السید عبدالرحیم الموسوی نبوی بیرجندی که به سی و سه واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام منتهی می‌شود از فضلاء و علماء حوزه درس و اصحاب خاص آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله العالی می‌باشد.
در سال (1340) هزار و سیصد و چهل قمری در بیرجند واقع شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در نزد آقای ادیب نیشابوری و قسمتی از سطوح در نزد آیت‌الله مرحوم حاج سید یونس اردبیلی در مشهد مقدس مهاجرت به قم نموده و تمام مباحثات و تحصیلاتش از سطح و خارج در خدمت آیت‌الله العظمی مرعشی بوده تا به مرتبه اجتهاد رسیده و بیش از سی سالست که از دراسات معظم‌له استفاده می‌کند و هم چند سالی هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله محقق داماد بهره‌مند شده ولی بعد از رحلت آقای بروجردی منحصرا متصل به آیت‌الله مرعشی گشته و تا هم اکنون به درس فقه و اصول آنجناب حاضر گشته و در مقابل منبر استاد نشسته و توجه کاملی به بیانات معظم‌له نموده و گاهی هم اشکال نموده و استاد جواب گفته و رفع شبهه و اشکال وی می نمایند.
از نوشته‌های ایشانست دروس فقه و اصول آیت‌الله العظمی مرعشی و تلخیص الاصول و در علم اصول و قواعد الفقهیه در علم فقه.
و ایشان از اصحاب استفتاء آیةاللهی که در تنظیم حواشی عروه و مناسک حج وی شرکت دارند و دارای اجازه اجتهاد از معظم‌له و آیت‌الله بیرجندی و دیگران می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نبوی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله آقای حاج سید ابوالفضل بن العالم الجلیل السید علی نبوی حسینی قمی از علماء اعلام و مجتهدین کرام و مصنفین عظام و ناطقین و گویندکان عالی مقام حوزه علمیه و شهرستان قم است که در 24 رجب سال 1344 قمری هجری در قم متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدیده در شهریور 1320 شمسی وارد تحصیل علوم دینی گردیده و پس از طی دوره مقدمات به آموختن سطوح پرداخته و به ترتیب در محاضر اساتید معظم مرحوم آقا شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌الله فاضل لنکرانی و مرحوم آیت‌الله شیخ عباسعلی شاهرودی و حاج شیخ محمدعلی کرمانی و آیت‌الله داماد به تحصیل فقه و اصول پرداخته هیئت و نجوم را در محضر مرحوم آقای شیخ علی حکمی و آیت‌الله معاصر علامه طباطبائی و علم درایه و رجال را در محضر علامه معاصر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله آموخته آنگاه به تحصیل خارج پرداخته چندین سال به درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری حاضر گردیده و از ناحیه اخیر موفق به تصدیق اجتهاد شده که همین تصدیق اجتهاد را بعدا که مدتی در نجف اشرف در محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالهادی شیرازی بودند معظم‌له با حاشیه خود تایید و تصویب فرمودند.
پس از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مرتبا بدون وقفه تمام مباحث فقهی و اصولی آن مرحوم را استفاده کرده و مجموع آنها را در هفت مجلد از فقه و اصول تقریر فرموده و آن مرحوم اکثر آنها را شخصا مطالعه کرده و ایشان را با اعطاء جایزه مفتخر فرمودند.
ده سال مرتبا در محضر درس مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی حاضر شده و چهار جلد اصول ایشان را تقریر نموده و همه آماده طبع می‌باشد. در تمام این اوقات مباحث فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید را تدریس می نمودند که برخی از همان مباحث را به طبع رسانیده‌اند.
تالیفات ایشان: فهرست مجموع تالیفات معظم‌له 70 عدد می‌باشد که در آخر کتاب (غالیه الدرر فی مصب قاعده الضرر) مطبوع سنه 1385 قمری درج گردیده است.
و تالیفات مطبوعه ایشان از این قرار است:
1- کمونیزم از نظر عقل و اسلام مطبوع 1332 شمسی.

2- لالی منثور در تفسیر سوره طور مطبوع 1335 شمسی 3- غالیه الدرر مطبوع سنه 1385 قمری.
4- امراء هستی مطبوع 1345 شمسی 5- درس سخنوری در ماه رمضان 6- درس سخنوری در ماه محرم 7- درس سخنوری در ماه صفر مجموعا در سنه 1350 شمسی طبع شده 8- کشف الارتیاب فی ادله الحجاب.
9- اشعه‌ای از سوره نجم 10- جلاء القران در رد کتاب اعجاز القرآن تالیف یدالله نیازمند شیرازی.
این سه کتاب اخیر مجموعه مقالاتی است که در مجلات و جرائد: آئین اسلام، مجله مسلمین، روح آزادی، ندای حق، قبلا به چاپ رسیده است.
و آنچه آماده طبع است به قرار زیر است:
1- حواشی بر عروه از کتاب طهارت تا آخر صوم.
2- حواشی بر مکاسب شیخ 3 -9 هفت مجلد در تقریر محاضرات علامه بروجردی 10 -13 چهار جلد در تقریر محاضرات آیت‌الله شیخ عبدالنبی اراکی 14- حواشی بر منظومه سبزواری در حکمت 15- حواشی بر رساله عسر و حرج آشتیانی 16- حلیه‌الوسمه در حقیقت عصمت 17- حقوق زن و مرد در اسلام 18- بدرالدجی در شرایط الدعاء 19- اضائه السراج در اثبات معراج. 20- ارغام المبارز در اثبات المعاجز 21- رساله در عدم توقف حجیه خبر الواحد بر حصول الظن 22- نورالافاق در مباحث اخلاق 23- شرع موبد در خاتمیه محمد صلی الله علیه و آله و سلم 24- اسرار العوالم مصاحبه موسی علیه‌السلام مع العالم 25- رساله در اعتراف اعداء بعظمه الاسالم 26- رساله در اعتراف مخالفین بفضائل علی علیه‌السلام 27- فیض الرحمن فی علوم المکتسبه من القرآن 28- جامع الانوار اثبات توحید 29- مقصد الابرار در اثبات الامامه 30- مخزن الاسرار در اثبات النبوه 31- مرتع الافکار در تفسیر انا انزلنا. 32- معدن الاثار در ضبط حکم والاخبار 33- حواشی بر بعضی کتب سنگلجی 34- حیاة الفواد در اثبات المعاد 35- تفسیر سوره فجر 36- تفسیر سوره والضحی 37- تفسیر سوره لا اقسم بهذا البلد 38- تفسیر سوره والعصر 39- تفسیر سوره والتین 40- تفسیر سوره یوسف 41-47 در فلسفه احکام عبادات و معاملات 48- دیوان اشعار عربی و فارسی 49- صحو المعلوم در رد کتاب محو الموهوم سنگلجی 50- کمال الایمان در اثبات وجود صاحب الزمان (عج) 50 -57 در 7 جلد ضبط مجالس تبلیغی که در نقاط مختلف ایراد نموده‌اند.
58- لب‌اللباب در حکم معاشره اهل الکتاب 59- مقالات النبویه در رد بعضی شبهات الدینیه 60- معراج پیغمبر اسلام از جنبه عقل و نقل که آماده طبع می‌باشد.
استاد نبوی اکنون در حوزه علمیه تدریس خارج فقه و اصول دارند و در ایام تعطیل محرم و صفر و ماه رمضان در مسجد حسین‌آباد شمیران تهران

اقامه جماعت نموده و از بیانات خود در منبر افاضات تبلیغی و مواعظ سودمند و نکات جذاب، منابرشان همواره برای طلاب و سخنران درس سخنوری بوده و می‌باشد.
خداوند امثال ایشان را برای حوزه‌های علمی و مسلمین باقی داشته و موید بدارد .
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نبوی، اسداللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسداللّٰه نبوی دزفولی از علماء اعلام و مراجع عظام معاصر است. وی سبط حجةالاسلام آقا شیخ محمدحسن انصاری و فرزند ارشد آقا سید عبدالحسین بن سید محمدعلی بن آقا میر سید علی موسوی نبوی دزفولی بزرگ سادات گوشه دزفول و یکی از ستارگان علم و ادب فقیهی اصولی و حکیمی متکلم و جلیل‌القدر و از حماة دین و مروجین آئین می‌باشد.
معظم له در ششم ماه صفر سال 1313 قمری در دزفول متولد گردیده و پس از تکمیل مبادی علوم از محضر خالوی خود آقا شیخ محمد استفاده نموده و پس از فوت وی از محضر آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدرضا دزفولی به پایان رسانیده و به درجه اجتهاد نائل گردیده است.
آیت‌اللّٰه نبوی در سال 1363 قمری مدرسه علمیه‌ای در دزفول بنا نهاده و به تعلیم و تربیت طلاب همت گماشت و در این راه زحمات بسیاری متحمل گشته تا حوزه آبرومندی تشکیل داده است.
نگارنده در ماه صفر 1372 قمری که مسافرتی به خوزستان نموده و از مناطق نفتی دیدن کردم در مراجعت برای ملاقات و زیارت معظم له به دارالمؤمنین دزفول مسقط الرأس شیخنا الانصاری رضوان‌اللّٰه‌علیه آمده و بیش از یک عشره در ضیافت آنجناب بودم و از سجایای کریمانه و محامد آداب و محاسن اخلاق آن بزرگوار استفاده نمودم.
آیت‌اللّٰه نبوی اکنون یکی از مراجع تقلید خوزستان و از زعماء نامدار و دارای همتی عالی و در راه نشر حقایق و پرورش محصلین وارسته اهتمامی بسزا دارد و مساعدت به فقراء و مستمندان را یکی از وظائف حتمیه خود می‌داند و خدمات اجتماعی ایشان در خوزستان معروف همگانست.
آثار علمی آنجناب از اینقرار است.
1- تعلیقات بر بعضی از مباحث رسائل 2- تعلیقه بر شرح شمسیه 3- رساله در جواز بقاء بر تقلید 4- جزواتی در مباحث الفاظ 5- رساله عملیه بنام مناهج‌الحق مطبوع می‌باشد.
فرزندان برومند و فاضی دارد بنامهای زیر:
1- حجةالاسلام آقا سید محمد که از اهل فضل و ائمه جماعت دزفول می‌باشد
2- آقا سید احمد

3- آقا سید محمدعلی
4- آقا سید عبدالحسین
5- آقا سید عزیزالله.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نبوی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید محسن نبوی اشرفی از مشاهیر علماء و دانشمندان بنام شمال و شهرستان صنعتی بهشهر بوده‌اند وی پس از خواندن مقدمات و سطوح در مازندران و ایران مهاجرت بعراق نموده و در نجف اشرف رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام مرحوم علامه یزدی و شریعت اصفهانی و آیه‌الله میرزا محمد حسین نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بمدارج علم و اجتهاد رسیده و در آنجا بتدریس فقه و اصول پرداخته تا باجل محتوم خود باسلاف و اجداد پاک خویش ملحق و در جوار جد گرام خویش مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجار قمی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسین بن ملا حسن نجار قمی عالمی کبیر و فقیهی صالح بوده و در سال 1359 قمری در قم وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجار، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ محمدحسین مشهور به نجار (چون پدرش پیشه نجاری داشته) از علماء و مجتهدین قم بود که در نجف اشرف سالها در خدمت فقیه اعظم آقا سید محمدکاظم طباطبائی تحصیل و تلمذ نموده بود ولی چون طبعی تند داشت ترقی ننمود و در اوایل مشروطیت صدماتی کشید و اعتضادالدوله حکمران قم او را به نجف تبعید نمود پس از استقرار مشروطیت مجدداً به قم مراجعت کرد ولی به علت تندی مزاج باز کارش پیشرفت نکرد. گاهی به تهران مسافرت می‌کرد و گاهی به قم مقیم می‌شد تا چندین سال قبل در قم مرحوم شد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

نجف‌آبادی، عبدالرحیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1286 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. اهل نجف‌آباد اصفهان و از شاگردان شریف‌العلماء حایری بود. شیخ محمد نبی تویسرکانی، صاحب کتاب «لآلی الاخبار»، از شاگردان او بود که در 1279 ق از وی اجازه‌ی اجتهاد دریافت نمود. از آثارش: «حقائق‌الاصول» که در روزگار مؤلف، در 1286 ق به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (122/ 4)، اعیان‌الشیعه (469/ 7)، الذریعه (30/ 7)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 727 -726/ 13)، معجم‌المؤلفین (208/ 5).

نجفی بروجردی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله حاج شیخ علی محمد نجفی بروجهدی مدظله از علماء و آیات عظام و مراجع الامقام معاصر است در بروجرد.
تولدش در حدود 1312 در بروجرد اتفاق افتاده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح بنجف اشرف مشرف و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله آقای ضیاءالدین عراقی بالاخص آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی و غیرهما حاضر شده تا به اعلی درجه علم و کمال رسیده و مورد وثوق مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی قرار گرفته و پس از فوت آنمرحوم سفری در سال 1368 قمری بایران نموده و بقم آمده و چندی توقف آنگاه معاودت و سفری هم در سال 1373 بقم آمده و بیش از یک ماه توقف و هر چند از طرف حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و عده‌ای از فضلاء پیش نهاد و درخواست توقف در قم و تشکیل حوزه درس بآنجناب شده نپذیرفتند و بجهت عدم موافقت استخاره و موانعی که داشتند بنجف اشرف مراجعت، ولی بعد از چندی توقف در آنجا هم حسب‌الاراده مرحوم آیه‌الله بروجردی و اصرار مردم بروجرد بوطن برگشته و در مسجد شاه باقامه جماعت و تدریس و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.
نگارنده گوید در سال 1389 سفری به بروجرد برای زیارت معظم‌له رفتم و چند شبی در منزلشان توقف و از صفا و بی‌هوائی و بی‌آلایشی و معنویت و روحانیت و اخلاق حسنه‌اش استفاده نمودم. حقا عالمی و فقیهی کامل و مجتهدی بارع و دور از تظاهرات و مادیات است با اینکه اکنون مرجعیت تامه و ریاست عامه بروجرد را دارد هنوز منزلش اجاره‌ای و حاضر نمیشود برای او منزلی تهیه نمایند. اصلا توجهی باین دنیای دنی بی‌اعتبار ندارد راستی وی مصداق این شعر است:
نظر آنانکه نکردند بدین مشتی خاک
الحق انصاف توان داد که صاحب نظرند
اما آثار علمی معظم‌له:
1- تقریرات فقه مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی 2- رساله عملیه توضیح المسائل 3- مناسک حج 4 حاشیه بر عروه‌الوثقی.
و ناگفته نماند که معظم‌له در رشته اخلاق از تلامذه‌ی برجسته مرحوم مبرور استاد اخلاق عالم ربانی صاحب نفس قدسیه آقای حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبائی بوده‌اند.

و از باقیات الصالحات ایشان 4 فرزند دانشمند و فاضل بنامهای زیر میباشند.
1- جناب آقای حاج شیخ محمد ابراهیم بروجردی مقیم تهران.
2- جناب آقای حاج شیخ مرتضی بروجردی مقیم نجف اشرف.
3- جناب آقای حاج شیخ مجتبی بروجردی مقیم مشهد مقدس.
4- جناب آقای شیخ عبدالصاحب بروجردی مقیم تهران.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجفی بندپی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ محمد بن العلامه العلام والفقیه القمقام آیه‌الله الشیخ حسین النجفی البند پی از دانشمندان بزرگوار معاصر است که در آنسامان بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
مرحوم والدش از علماء عاملین و فضلاء بارعین و زهاد عصر خود بوده مترجم معظم ما وی را چنین ستوده است: کان والدی تغمده‌الله تعالی فی بحار رحمته عالما عاملا و فاضلا بریعا و عابدا زاهدا تقیا نقیا محتاطا فی دینه غایه الاحتیاط و قائما لیالیه و مجتنبا عن المکاره کلها سمی الامام الثالث... بیست و هفت سال در نجف اشرف توقف نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله خراسانی کفائی استفاده کرده تا بدرجه سامیه اجتهاد ارتقاء یافته و از اعجوبه‌های زمان خود در حافظه گردیده بسیاری از احادیث را حافظ و کلیه قواعد فقهیه و اصولیه در دستش آماده گرچه مدتی از حوزه‌ها دور و متارکه بحث کرده بود تا این که از دنیا رفت حشره‌الله مع‌الائمه المعصومین.
آنجناب در چنین بیتی متولد و تربیت یافته در نجف اشرف و پس از طی دوران مقدمات و ادبیات سطوح را نزد والدش و مدرسین دیگر خوانده و از دروس خارج آیات عظام مرحوم نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله عراقی استفاده کرده آنگاه بوطن مراجعت و بخدمات دینی پرداخته و در محل خود آثار گذارده که اشاره میشود:
1- بنا مسجد جامع بانی کلاء بندپی 2- مسجد امام زمان دیوابند پی 3- بناء حمام دیوابند پی.
از باقیات الصالحات ایشانست دو فرزند ارجمندش ثقه‌الاسلام آقای شیخ علی و ثقه‌الاسلام آقای شیخ حسن نجفی که از فضلاء و شرکاء درس آیه‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی میباشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجفی عاملی، جواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد فرزند آیت‌اللَّه حاج شیخ علی معروف به (علیکم‌السلام) از شاگردان بنام آخوند خراسانی و آقا سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی و دارای اجازات اجتهاد بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نجفی عاملی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: حدود 1321 ق.، نجف اشرف.
درگذشت: 23 فروردین 1368(3 رمضان 1409 ق.).
آیت‌الله علامه شیخ محمدحسین نجفی عاملی دوران کودکی را در نجف همراه با پدر سپری کرد و سپس در معیت خانواده به ایران مراجعت و بعد از مدت کوتاهی در همان آغاز جوانی برای ادامه تحصیل به نجف عزیمت نمود. حدود سی سال در نجف اشرف در خدمت اساتید فقه و اجتهد و علوم و معارف دین به تحصیل پرداخت.
آیت‌الله نجفی عاملی مدت بیست سال از محضر آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا حسین نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمد حسین غروی استفاده برده است و به درجه‌ی اجتهاد مفتخر گردید.
ایشان در معقول از محضر آقا شیخ مرتضی طالقانی و آقا حسین بادکوبه‌ای و در علم رجال و حدیث از محضر آقا شیخ علی زاهد قمی بهره برد. سایر علوم دین و سطوح عالیه را از محضر اساتیدی چون آیات آقا شیخ عبدالحسین رشتی، آقا میرزا علی ایروانی صاحب حاشیه، آقا میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا شیخ محمدحسین تهرانی، آقا شیخ شعبان رشتی و سایر آیات نجف اشرف استفاده نمود. پیش از تشرف به نجف اشرف مقداری از سطوح عالیه را از محضر پدر خود و نیز آیت‌الله سید حسن مدرس در تهران بهره‌مند شد.
آیت‌الله نجفی عاملی در طول اقامت خود در نجف به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی مشغول بود. بعد از گذشت دو سال از رحلت استاد خود یعنی آیت‌الله العظمی اصفهانی به ایران عزیمت نمود و در تهران اقامت گزید.
از ایشان تألیفاتی در موضوعات مختلف به صورت مخطوط باقی مانده است.
ایشان در عصر روز سوم ماه رمضان سال 1409 مطابق با بیست و سوم فروردین سال 1386 با داشتن عمری قریب به نود سال دار فانی را وداع گفت. طبق وصیت او پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای شیخ محمدحسین نجفی از مجتهدین و بزرگان علماء عصر حاضر و در بین سلسله روحانیت شخصیتی عالیقدر و واجد مقام و زهد و تقوا و از مجاهدین زمان و مبارزین با اباطیل بشمار می‌آیند.
معظم له در حدود سال 1323 قمری در نجف اشرف متولد شده و دوران تحصیلی خود را ابتداء در خدمت والد ماجد خود که از اکابر عصر خود بوده شروع و بعد هجرت به تهران و مختصر زمانی از خدمت آیت‌اللّه مجاهد مرحوم سید حسن مدرس استفاده نموده و آنگاه عزیمت بحوزه علمیه نجف اشرف و از محضر اعاظم مراجع آن زمان مرحوم آیت‌اللّه محقق نائینی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین کمپانی بهره‌های علمی فراوانی برده و به مرتبه رفیعه اجتهاد نائل و چهار استاد بزرگ مذکورش اجازه اجتهاد معظم له را که در آن تجلیل از مقام علمی و تقوائی ایشان شده بود مرقوم فرمودند که اکنون نزد ایشان موجود میباشد.
و ایشان گذشته از رشته معقول و منقول در راه تهذیب نفس و تخلص روح و مقامات معنوی از محضر عالم ربانی و عارف سبحانی سید السالکین آیت‌اللّه آقا سید علی قاضی تبریزی و مرحوم حاج شیخ علی زاهد قمی تلمذ نموده و مقامی را از تقوا و فضیلت و معنویت حائز شده‌اند.
آنجناب اکنون مقیم تهران و بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و عده‌ای از فضلاء از مجلس درس ایشان استفاده مینمایند.
از آثار ایشان است جزوات دراسات و تقریرات اساتید بزرگ نجف که آماده برای طبع می‌باشد معظم له از خاندان علم و تقوا و از بیوتات اصیله و هر یک از پدران گرامش ستاره درخشانی از انجم الهی در عصر خود بوده و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محسن عاملی در کتاب اعیان الشیعه ج (48) از آنان یاد نموده است.
والد ماجدش آیت‌اللّه حاج شیخ محمدجواد که تبحر فوق‌العاده‌ای در فقه و اصول داشته و تألیفاتی که از آنهاست شرح بر کفایه آخوند از خود گذاشته از بزرگان شاگردان حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) بوده است.
جد بزرگوار ایشان مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ علی از تلامذه مبرز آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی و جد دیگرش آیت‌اللّه فقیه مرحوم آقا شیخ مرتضی کاظمی نزیل کاظمین وحید عصر خود و از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری بشمار می‌رفته و جد اعلایش مرحوم حاج ملا هادی عاملی معروف به شیخ‌الاسلام از اعاظم صحابه صاحب جواهر و زادگاه وی جبل عامل بوده است.

از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند صالح و دانشمندش جناب ثقةالاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ ضیاءالدین نجفی که از محصلین بارع و بافضل حوزه علمیه قم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی کاشانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، عالم دینی.
تولد: 1300(11 شعبان 1339 ق.)، محله محتشم کاشان.
درگذشت: 23 مرداد 2356، کاشان.
آیت‌الله علی نجفی کاشانی، فرزند آیت‌الله مهدی نجفی از علمای کاشان، در بیست و دو سالگی برای کسب علم به نجف اشرف رفت. تمام دوره‌ی سطح و خارج خود را در مدت ده سال گذراند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. اندکی از ورودش به نجف نگذشته بود که در کنار کسب علم و تحصیل، به تدریس علوم حوزوی نیز مشغول شد. پس از آن که مکاسب و کفایه را نزد آیت‌الله حسن یزدی به پایان رسانید، و در درس خارج مراجع نجف به ویژه از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خویی بهره‌ها گرفت، پس از ده سال اقامت در نجف عازم ایران شد. پس از توقف کوتاهی در کاشان و مسافرتی به مشهد و اصفهان و بازگشت به کاشان، بار دیگر دو سالی راهی نجف شد و سپس به واسطه‌ی کسالت مزاج و حوادث دیگر به ایران بازگشت. بعد از ورود به ایران سه سالی در قم مشغول تدریس شد. وی در قم از مدرسین بلندپایه‌ی سطوح عالی حوزه بود و در «مدرسه‌ی بزرگ آخوند» حجره داشت و همان جا تدریس می‌کرد. اما به دلایلی به شهر خود بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس پرداخت. از همان آغاز ورودش به کاشان، علاوه بر تدریس خصوصی درس‌های حوزوی، تفسیر قرآن را به عنوان وظیفه اصلی خود قرار داد. در ابتدا، این جلسه‌ها به تفسیر موضوعی و بحث‌های پراکنده اخلاقی می‌گذشت اما بعد از چند مسافرت به مشهد مقدس، تصمیم گرفت که قرآن را از آغاز تا انجام تفسیر کند و در ضمن آن برای مردم به بحث‌های اخلاقی و اجتماعی و تفسیر موضوعی نیز بپردازد. این نوع تفسیر تا یک سال قبل از درگذشتن (یعنی تا سال 1364) ادامه داشت. در حدود این سی و چند سال دو مرتبه قرآن را از ابتدا تا انتها تفسیر کرد. دوره‌ی دوم تفسیری وی هیجده سال طول کشید. ایشان نه تنها در فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، ادبیات، معانی بیان و تجدید و تفسیر متبحر بود، بلکه در علم هیئت و نجوم قدیم هم ید طولانی داشت و آنها را تدریس می‌کرد.
تألیفات و آثار آیت‌الله نجفی کاشانی به این شرح هستند: برداشتی از نماز؛ پیرامون شراب؛ لنگرهای زمین مولودی اندر خانه کعبه؛ بعثت محمد

(ص) و قرآن در بحران جاهلیت؛ زمان چیست و چگونه می‌گذرد؛ صدق؛ بزرگترین فضیلت؛ سرانجام کافر؛ یک خرق عادت شگفت یا معجزه‌ای بزرگ؛ اشتباه عمدی؛ افسانه ها یا کرامت‌های خیالی (سه جلد). اما نوشته‌هایی که از ایشان به طبع نرسیده است: فضایل ثلثه (سه رساله آماده چاپ در مورد سلمان، ابوذر، مقداد)؛ ملتقطات (یادداشت‌های پراکنده ایشان در نحو، عروض، نجوم، فقه، اخلاق و عرفان و نیز نقد چند کتاب از نویسندگان معاصر و جواب سئوال‌هایی که از ایشان پیرامون مسائل مختلف مطرح می‌شده است)؛ رساله‌ای در فضیلت نماز؛ رساله‌ای در فضیلت علم؛ رساله‌ای در فضل قرآن (قرآن چه کتابی است)؛ رساله‌ای در مورد امام زمان (ع)؛ رساله‌ای تحت عنوان حق کاوی؛ رساله‌ای تحت عنوان اینجا و آنجا؛ رساله‌ای تحت عنوان دین راست؛ آسان؛ هموار؛ تفسیر سوره کهف (به عربی)؛ تفسیر سوره مریم (به عربی)؛ تفسیر سوره طه (به عربی)؛ تفسیر سوره انبیاء (به عربی)؛ تفسیر سوره حج (به عربی)؛ تفسیر سوره عم (ناقص است)؛ دفتری مفصل مشتمل بر مجموعه‌ای از احادیث موضوع‌بندی شده که به ترتیب الفبا تنظمیم شده است؛ حواشی و تعلیقات ایشان بر کتب روایی، کلامی، تفسیر، فقه و اصول و...، از استاد همچنین نوارهای بسیاری در تفسیر سوره‌های قرآن به جا مانده است.
آیت‌الله نجفی کاشانی عصر روز پنجشنبه بیست و سوم مرداد 1356 مصادف با شب عرفه در کاشان فوت کرد.
(1407 -1339) ق)، عالم دینی، مدرس و مفسر. در کاشان به دنیا آمد و تحت نظر پدرش، که از علمای کاشان بود، نشو و نما یافت. در 1361 ق به نجف رفت. «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌اللّه میرزا حسن یزدی و خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌اللّه خوئی آموخت و نیز از درس فقه آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه سید عبدالهادی شیرازی بهره گرفت و به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به ایران بازگشت و مدت سه سال در قم ساکن گردید و از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود و خود به تدریس پرداخت. سرانجام به خواهش مردم کاشان و به علت بیماری پدرش به کاشان رفت و در همان جا ساکن گردید و به تدریس و امامت جماعت و انجام امور دینی پرداخت و در آن شهر درگذشت. از آثارش: «لنگرهای زمین»؛ «برداشتی از نماز»؛ «مولودی اندرخانه‌ی کعبه»؛ «بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت»؛ «صدق بزرگترین فضیلت»؛ «افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی»؛ «ملتقطات»؛ تفسیر سوره‌های «کهف»، «مریم»، «طه»، «انبیاء»، «حج» و «عم یتسألون»؛ رساله‌ای در «فضیلت قرآن».[1]
شیخ مهدی نجفی کاشانی از افاضل دانشمندان معاصر کاشانست. وی در تاریخ یازدهم شعبان 1339 ق در دارالمؤمنین کاشان محله محتشم متولد

شده و در دامن مادر عفیفه و صالحه خود که نمونه‌ای از عفت و تقوا بود و ظل توجهات والد ماجدشان که عالم ربانی و آیت سبحانی بود پرورش یافته و در سال 1361 قمری برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف عزیمت نموده و علوم مقدماتی را نزد عده‌ای از فضلاء نجف که همه از اوتاد و ابرار و اخیار حوزه علمیه نجف بودند خوانده و سطوح عالی مانند مکاسب مرحوم شیخ و کفایه مرحوم آخوند را پیش مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسن یزدی به پایان رسانیده و سپس به درس خارج آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله حاضر شده و مقداری از اصول و فقه معظم له استفاده نموده و نیز از محضر درس فقه مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی بهره‌مند شده و تا مدت ده سال با پشت کار فراوان و کوشش عجیب به درس و بحث و تدریس اشتغال داشته و به قول بعضی به اندازه سی سال در این ده سال زحمت کشیده و در تمام ایام حتی پنجشنبه و جمعه و روزهای تعطیلی دیگر مسامحه در کار درس و بحث ننموده تا پس از این مدت بر اثر خستگی زیاد و کسالت مزاج مجبور به مراجعت به ایران شده و به کاشان آمده و سفری به مشهد مقدس و بعد به اصفهان و آنگاه در کاشان تأمل و باز به نجف اشرف مسافرت و مدت دو سال توقف و از محضر بزرگان مراجع استفاده نموده تا اینکه به واسطه کسالت مزاج و حوادث دیگری به ایران آمده و مدت سه سال در قم مانده و از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده و در آن هنگام بر اثر ضعف فراوان و بیحالی و کسالت والدش با اصرار مردم کاشان به وطن برگشته و تا حال حاضر که سال 1395 قمریست به وظائف شرعی از اقامه جماعت و تدریس و جلسه‌های مختلف اشتغال دارند.
و ضمناً جزوه‌هائی در موضوعات متنوع نگاشته و به طبع رسانیده که ذیلا می‌نگارم.
1- پیروان شراب 2- لنگرهای زمین 3- علی بن ابیطالب در خانه خدا بدنیا آمد.
5- بعثت محمد و قرآن در بحران جاهلیت 5- زمان چیست و چگونه می‌گذرد.
6- اشتباه عمدی 7- صدق بزرگترین فضیلت 8- سرانجام کافر 9 و 10 و 11- یک سلسله افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی 12- یک خرق عادت شگفت یا فضیلت و منقبتی بزرگ و تألیفات دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.
معظم له از همان اول ورود به کاشان شروع به بحث و تفسیر قرآن نموده که تاکنون ادامه دارد و هر شب گروهی از مؤمنین و بالاخص عده‌ای از جوانان استفاده می‌کنند و نیز در جمعه‌ها جلسه تبلیغی وعظ و ارشاد منظم دارند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 3، ش 6، ص 56، س 4، ش 6، ص 34 -33)، گنجینه‌ی دانشمندان (276 -275/ 6).

نجفی کاشانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ مهدی نجفی کاشانی اعلی اللَّه مقامه یکی از علماء بزرگ معاصر کاشان بودند.
وی در ماه رمضان 1293 قمری متولد شده و مقدمات و سطوح را در کاشان و اصفهان و مدتی هم در قزوین خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر درس بزرگان حوزه نجف مخصوصاً محضر درس مرحوم آیت‌اللَّه آخوند خراسانی صاحب کفایه استفاده و پس از چهار سال اقامت در نجف بر اثر عوارضی به کاشان آمده و مجدداً به نجف اشرف مراجعت نموده و مدت هفت سال دیگر اقامت داشته و در محضر درس بزرگان مخصوصاً آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی حاضر و استفاده می‌نمود سپس به خواهش و اصرار جمعی از مؤمنین به کاشان آمده و در محله محتشم اقامت نموده‌اند.
ایشان گذشته از اقامه نماز جماعت اشتغال به تدریس و ارشاد مردم داشته‌اند در زهد و تقوی و قناعت نفس و در عفت و ورع و مناعت ضرب‌المثل بوده و در میان عام و خاص مشهور به نفسی مطمئن و دلی آرام با خضوع و خشوع و مهابتی عظیم داشت و فوق‌العاده مقید به آداب و رسوم دینی بود و حتی‌الامکان مستحبات را ترک نمی‌کرد و از مکروهات اجتناب می‌نمود و در امور دینی عجیب متعصب و متصلب بود.
در امر به معروف و نهی از منکر جدی و در مبارزه با خرافات و موهومات و روشن کردن مردم کوشا بود و ملامت لائمین او را از این کار بازنمی‌داشت (لا تأخذه فی اللَّه لومة لائم) در وعظ و ارشاد مردم کمتر مسامحه نمی‌کرد شب و روز و در هر موقع مناسب و در هر مجلس و محفل مردم را ارشاد می‌کرد و موعظه می‌فرمود و در این موضوع اصرار و پافشاری زیادی داشت به طوری که امکان نداشت در مجلسی که ایشان بود سخنان بیهوده و حرفهای متفرقه مجلس بزرگوار شود وقت را غنیمت شمرده و از فرصت حداکثر استفاده را می‌نمود.
در احیاء امر اهل‌بیت علیهم‌السلام جدیت و کوشش خاصی داشت و در احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام و تاریخ اسلام ید طولا و اطلاع وسیعی داشت زندگیش از هر جهت بسیط و ساده و در زهد و قناعت و ورع و تقوا و مناعت در زمان خود کم‌نظیر بود. مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی می‌فرمود هنگامی که آن مرحوم در نجف در مدرسه بزرگ

مرحوم آخوند حجره داشت و ما عده‌ای بودیم که کاملا مراقب و مواظب احوال ایشان بودیم و بالاخره طوری ایشان را شناختیم که با وجود نماز جماعتهای مهم در نجف با اصرار زیادی ایشان را می‌بردیم بالای بام مدرسه و وادار به نماز می‌کردیم و به ایشان اقتدا می‌نمودیم و گاهی در مواقع مناسب ما را با بیانی شافی و جذاب و مهیج موعظه می‌کرد.
و آن مرحوم در اثر تجربه و شناخت مزاج خویش از خصوصیات و عوارض مزاج خود کاملا اطلاع داشت که در طول عمر خود به طبیب و دکتر مراجعه نکرد و ابداً دوا و دارو نخورد به هیچوجه و این از عجایب احوال ایشان بود گاهی که عوارضی بر ایشان طاری می‌شد چون کاملا آشنای به مزاج و عوارض مزاج خود بود عوارض طاریه را به وسیله غذای مناسب و پرهیز از غذای نامناسب علاج می‌کرد تا در سن هشتاد و یک سالگی در سال 1374 قمری در ماه مبارک رمضان دعوت حق را لبیک گفت و به جوار رحمت واسعه خدای متعال رفت خدا او را رحمت فرماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی، مجدالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجدالدین نجفی فرزند ارشد مرحوم آیت‌اللَّه العظمی ابوالمجد آقا شیخ محمدرضا نجفی بن عالم ربانی شیخ محمدحسین بن علامه محقق حاج شیخ محمدباقر طاب ثراه معروف به (مجدالعلماء)
این بزرگوار در بیست و سوم جمادی‌الاولی 1326 هجری از والده ماجده‌اش سیده جلیله زهرا بیگم صبیه مرحوم سیدالعلماء آقا سید محمد امامی در نجف اشرف متولد شده.
و در کودکی موسوم به امجدالدین بوده و مرحوم والدش آیت‌اللَّه آقا شیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی رساله امجدیه مطبوعه را بنام ایشان تصنیف کرده‌اند.
وی در بیت علم و کمال پرورش یافته و مقدمات و سطوح و علوم مختلفه معقول و منقول را از اساتید بزرگ هر فن و علمی فراگرفته و علوم ریاضی را از هیئت و هندسه از قبیل کتاب مجسطی و تحریر اقلیدس و هیئت قدیم و جدید را نزد والد ماجدش تحصیل و تکمیل نموده و بسیاری از افاضل علوم مزبوره را از آن جناب آموخته و درس خارج فقه و اصول را از مرحوم والد خود استفاده نموده و از آنجناب به دریافت اجازه اجتهاد نائل شده و به تدریس علوم مختلفه پرداخته و تاکنون بالغ بر سی و دو سالست که در مسجد نو واقع در بازار نیم‌آورد اصفهان به اقامه جماعت و تدریس اشتغال دارند.
و در حال حاضر در مدرسه ثقةالاسلام جنب امامزاده احمد واقع در ناحیه چهار اصفهان تدریس خارج فقه می‌نمایند و عده‌ای از فضلاء اصفهان از محضرشان کسب فیض می‌کنند.
در زهد و تقوا و پرهیزکاری و دستگیری از درماندگان و قضاء حوائج مؤمنین مشهور و زبانزد مردم اصفهانند دارای تألیفات و تصنیفات عدیده‌ای هستند که تاکنون بطبع نرسیده است.
نگارنده گوید: در ماه شوال 1394 ه که برای امری به اصفهان رفتم در مسجد نو موفق به زیارتشان شده و از سیمای ملکوتی آنجناب مستنیر گردیدم.
آثار و علائم ربانیین را از چهره منیرش مشاهده کردم و باید همینطور باشند زیرا فرزند ارجمند آیت‌اللَّه العظمی آقا رضا که مجسمه علم و کمال و حفید عالم ربانی و آیت سبحانی حاج شیخ محمدحسین نجفی

هستند که دارای کرامات و مقامات معنوی بوده و مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا نوراللّه اصفهانی کتابی در شرح زندگانی آن بزرگوار و حالاتش نوشته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

نجفی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالمی بزرگ، و فقیهی نامور، و در غایت زهد و تقوی بوده، در دیانت و محکمی امر مرافعات، و امتناع از چیزی که بوی رشوه در او باشد، و عدم ملاحظه از اکابر و ارحام در این مقام، عندالخواص و العوام مسلّم بود، و مرحوم میرزای شیرازی اعتماد تامّی به او داشته، که اهل اصفهان هر وقت از ایشان سئوال کرده‌اند که به چه کسی رجوع کنند؟ می‌فرمودند: به میرزا محمّد حسن نجفی. و جمعی از خوّاص از ایشان تقلید می‌کردند، و ایشان امام جماعت مسجد ذوالفقار بودند، و عمر گرامی را صرف تحصیل و تدریس و تألیف و تصنیف و جواب استفتاءات می‌فرمودند.
در حدود سال 1237 متولّد، و در روز 5 شنبه 11 ربیع الاول سال 1317 در اصفهان وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید، سپس به نجف منتقل گردید.
کتب زیر از ایشان است:
1- اجزایی دراصول 2- اجزایی در فقه 3- حاشیه بر فصول 4- حاشیه بر قوانین 5- رساله در زیارت عاشورا 6- کتابی در طهارت 7- کتابی در تقوی، ناتمام، و غیره.
مشارالیه در نجف از زمره شاگردان: آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، و شیخ مرتضی انصاری، و میرزای شیرازی بوده، و در اصفهان عدّه زیادی در عداد شاگردانش محسوب می‌شوند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، محمد طه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1323 -1241 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مجتهد، مدرس، زاهد، عابد و شاعر. نیای بزرگش حاج نجف از تبریز به نجف مهاجرت کرد. محمد طه در نجف به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. مقدمات را از شیخ عبدالرضا طفیلی و دایی‌اش، شیخ جواد، فراگرفت. وی در محضر علامه شیخ محسن خنفر و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و سید حسین بحرالعلوم تلمذ نمود و از شیخ ابوالحسن علی بن خلیل رازی اجازه‌ی روایت گرفت. سید محمد سعید حبوبی و علامه سید محسن امین و شیخ علی جواهری و شیخ حسن، فرزند شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» و سید مهدی حکیم و سید محمد کاشی حایری و سید عدنان بحرانی از شاگردان وی هستند. او پس از درگذشت میرزای بزرگ شیرازی عهده‌دار مرجعیت گردید. او به خوبی شعر می‌سرود و قصایدی از وی در مدح پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) باقی است. در اواخر عمر بینایی‌اش را از دست داد. در نجف درگذشت و در حجره‌ای در نزدیکی صحن مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانصاف فی تحقیق مسائل الخلاف»، حاشیه بر «الجواهر»، در فقه؛ «اتقان المقال فی احوال الرجال»، در شرح حال رجال حدیث که در ابتدا نام آن «احیاء الموات فی اسماء الروات» بود؛ «الفوائد السنیة» یا «القواعد النجفیة» که حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «غناء المخلصین» حاشیه بر «المعالم»؛ شرح «منظومه» بحرالعلوم؛ «کشف الحجاب فی استصحاب الکر و مطلق الاستصحاب»؛ «کشف الاستار عن حکم الخارج عن دار الاقامة فی الاسفار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (46/ 7)، اعیان‌الشیعه (375/ 9)، دانشمندان آذربایجان (245)، الذریعه (26 -25/ 18، 343/ 16، 216/ 11، 207/ 6، 397/ 2، 83/ 1)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 967 -961/ 14)، علماء معاصرین (84 -83)، فوائدالرضویه (547)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1270 -1269/ 3)، معجم‌المؤلفین (107/ 10)، مکارم‌الآثار (1155 -1149/ 4).

نجفی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین نجفی از علماء معروف نیشابور بوده است.
وی در نیشابور متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به مشهد مشرف و پس از چند سال مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و اقران او استفاده و پس از وصول به مقام اجتهاد به وطن مراجعت و به خدمات دینی پرداخته تا از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نجم‌آبادی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1347 -1264 ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. اصلش از نجم‌آباد کرج است. در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن مقدمات به نجف رفت و چندین سال در نجف از محضر علما استفاده نمود. او در اخلاق از خواص شاگردان ملا حسینقلی همدانی بود. پس از رسیدن به درجات بالای علمی به تهران آمد و جانشین پدر و برادرش، آقا شیخ هادی، در امر تدریس و امامت جماعت گردید. سید محسن عاملی صاحب «اعیان‌الشیعه» از شاگردان وی می‌باشد. در تهران درگذشت و در مقبره‌ی برادرش، آقا شیخ هادی، دفن شد. از آثارش: «رسالة المشتق»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (187/ 9)، الذریعه (218 -217/ 6)، زندگینامه آیت‌اللّه حاج شیخ هادی نجم‌آبادی (54 -51)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 227/ 14)، معجم‌المؤلفین (97/ 9)، مکارم‌الآثار (1782 -1781/ 5).

نجم‌آبادی، هادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1321/ 1320 -1250 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم، مجتهد، مدرس و نیکوکار. اصل وی از ساوجبلاغ تهران است. در تهران به دنیا آمد. در 1262 ق برای تحصیل علوم به نجف رفت و پس از فراگیری مقدمات در 1270 ق به تهران بازگشت و پس از مدتی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف مراجعت نمود. وی از شاگردان پدرش، ملا مهدی، و پسر عمویش، شیخ حسن نجم‌آبادی، و شیخ راضی نجفی بود. در 1280 ق پس از درگذشت پدرش، به تهران آمد و عهده‌دار امور دینی گشت. او در فقه، اصول، حدیث، تفسیر و رجال متبحر بود و در زمان خود از مجتهدین بزرگ تهران و مرجع حل و فصل مشکلات مردم به شمار می‌آمد. او بعد از ظهر هر روز جلو درگاه خانه خویش می‌نشست و مردم را از هر گروه و آیین می‌پذیرفت و با همه‌ی آنها در کمال آزادی پیرامون مسائل گوناگون بحث می‌نمود. او عالمی آزادمنش و روشنفکر بود و خدمات بسیاری به جنبش آزادی ایران کرد و بسیاری از بزرگان مشروطه را از مریدان او به شمار آورده‌اند. فرزندانش، شیخ محمدتقی مجتهد نجم‌آبادی و حاج شیخ مهدی نجم‌آبادی، و علامه محمد قزوینی و علامه علی‌اکبر دهخدا و ناظم‌الاسلام کرمانی و میرزا جهانگیر خان شیرازی (صور اسرافیل) و رفیع بامداد و میرزا سید محمد طباطبایی از شاگردان او بودند. در تهران درگذشت و در مدرسه‌ی خود به خاک سپرده شد. از آثارش: بنای مریضخانه‌ی وزیری (میرزا عیسی وزیر) که به نام خود وی نیز مشهور است، به انضمام یک باب حمام در کنار مریضخانه، در محله‌ی حسن‌آباد تهران، هدایت و تشویق میرزا عبدالکریم خان منتظم‌الدوله فیروزکوهی به بنای مدرسه‌ی خیریه دارالایتام حسن‌آباد، دایر کردن قنات در اشتهارد کرج و آباد کردن اراضی موات و احداث صحت‌آباد، در جهت پشتیبانی مالی بنای مریضخانه. از آثار علمی وی: «تحریر العقلاء»؛ رساله‌ی «رد فرقه‌ی بهاییه»؛ «جداول، طبقات وارث».[1]
سال تولد: 1250 ق.
فوت: 1320 ق.
آثار: تحریرالعقلا
رساله رد فرقه بهائیت (تهران، 1312 ق. سربی، رقعی، باهتمام شیخ مرتضی نجم‌آبادی)

جداول، طبقات وارث (تهران، 1308 ق. سنگی، خط میرزا حسن تهرانی)
هادی نجم‌آبادی تهرانی متولد سال 1250 ق. پسر حاج ملا مهدی و از علمای معروف تهران بود که در روستای نجم‌آباد در خانواده‌ای صنعتگر به دنیا آمد. در دوازده سالگی به همراه مادرش به نجف اشرف رفت و به تحصیل علوم فقهی و مذهبی پرداخت در سال 1280 ق. به تهران آمد و امامت و حکومت شرعیه موقوفات خانوادگی را به عهده گرفت.
وی مطلقا مردی فسادناپذیر بود و هیچ‌گاه دیناری از کسی قبول نمی‌نمود وی مردی آزاداندیش بود و یکی از زمینه‌سازان فکری جنبش مشروطه محسوب می‌گردد، اکثر روشنفکران دوره ناصری تربیت یافتگان دبستان این روحانی بودند. وی به تأسیس مدرسه، دارالایتام، بیمارستان، داروخانه و مسجد علاقه مفرطی داشت و از جمله ساخت مدرسه خیریه، مدرسه سادات، مدرسه رشدیه و بیمارستان وزیری با حمایت و تشویق وی صورت پذیرفت. سرانجام وی در سال 1320 ق. جان به جان آفرین تسلیم نمود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان‌الشیعه (236 -235/ 10)، تحریرالعقلاء (مقدمه)، الذریعه (387/ 3)، زندگینامه‌ی آیت‌اللّه حاج شیخ هادی نجم‌آبادی، شرح حال رجال (410 -408/ 4)، علماء معاصرین (337)، المآثر والآثار (149)، مکارم‌الآثار (1377 -1376/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (732 -730/ 6).

نحوی، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، و مجتهد زاهد، از شاگردان: حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، و آخوند ملاّ محمّد حسین فشارگی، و آقا شیخ محمّد رضا نجفی، و مجاز از هر 3 نفر، و همچنین از شاگردان آقا سید محمّد باقر درچه‌ای و آخوند کاشانی بوده، عمری به زهد و قناعت گذرانیده.
در 1303 متولّد، و در ظهر پنجشنبه 5 جمادی الاولی سال 1350 به عارضه سکته وفات یافت، و در جنب آبای گرام خود مدفون شد.
مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم آقا کمال الدین خوانساری (پدر زن ایشان) فرماید:
آن سمّی حضرت باقر که بود
نحوی عصرش فصیح و هم بلیغ
سال فوتش را اگر پرسی ز من
گویمت ای حیف از او با ای دریغ
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نحوی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فقیه، و مجتهد متکلّم اصولی، از شاگردان: آقا میرزا محمّد باقر [خوانساری]، و پدر خود، و آقا نجفی، و حاج میرزا بدیع درب امامی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی و جمعی دیگر از دانشمندان اصفهان بوده.
در 1278 متولّد، و در شب جمعه 14 ربیع الثانی 1361 وفات یافته.
تاریخ وفاتش را آقای معلّم ضمن قطعه‌ای فرماید:
کم کرد معلم دو و گفت از پی سالش
سیّد حسن نحوی عارف ز جهان رفت
قبرش در مجاورت قبر جدّش سید حسن مجتهد قرار دارد.
وی داماد آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی صاحب روضات است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نحوی، مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج سید مهدی، علاّمه فقیه، در شوّال 1248 متولّد، و در صبح روز دوشنبه 15 ذی حجّة الحرام سال 1307 وفات یافته، در جنب پدر مدفون شد.
مشارالیه از علما و فقها و اجلاّ بوده، و در مدرسه شاهزاده‌ها تدریس می‌نموده، و در مسجد حمّال ها در بازار کفّاش های اصفهان امامت می‌نموده، و در نزد پدر، و آقا میر سید حسن مدرس، و ملاّ اسماعیل واحد العین و آقا سید اسداللّه بیدآبادی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و جمعی از بزرگان در عداد شاگردان ایشان محسوب می‌شدند.
فقه و اصول و خصوصاً ادبیّات تدریس می‌نموده، و چون تخصّص ایشان در تدریس علم نحو بوده به نحوی شهرت یافته، و گاهی او را سیّد نحوی می‌گفته‌اند، جهت امتیاز ایشان از نحوی های هرندی که غیر سیّد بوده اند.
و از وی چهار پسر باقی ماند:
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نخبة الفقهاء لاری، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسن بن العالم الجلیل آیت‌اللّٰه آقای حاج شیخ محمد حسین لاری از علماء بزرگ معاصر است. ایشان در حدود سال 1328 قمری هجری در لار به دنیا آمده و در بیت علم و فضیلت پرورش و دروس مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده سپس به شیراز آمده و از محضر آقایان آنجا استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّٰه میرزا محمد حسین نائینی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد کاظم شیرازی استفاده و با دریافت اجازات اجتهادی و غیره به زادگاه خود شهرستان لار مراجعت و به انجام وظائف دینی و اجتماعی پرداخته است دارای تالیفاتی چندی از جمله:
1- تذکره‌الفضلاء.
2- تذکره‌الصلحاء. و غیره می‌باشد.
نویسنده در حدود پنجسال قبل معظم له را در مشهد مقدس در مدرسه نواب ملاقات کردم او را دانشمندی جامع و متواضع دیدم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

نخعی، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زین‌العابدین طاب ثراه در سال 1267 قمری در گلپایگان متولد و تحصیلات مقدمات را نزد علماء آن زمان انجام داده و بعد از تکمیل آن مسافرت به قم و اصفهان نموده و از محضر آیات عظام آنجا استفاده نموده تا به درجه اجتهاد و استغناء از علماء اصفهان مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدتی از مجلس بحث مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و فاضل ایروانی استفاده کرده آنگاه مسافرت به سامرا و مدتی طولانی از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه مجدد حاج میرزا محمدحسن شیرازی بهره‌مند شده به نحوی که در اصحاب خاص ایشان مورد توجه آن مرحوم گردیده و به مبرزین و کملین اصحاب میرزا چون مرحوم حاج ملا فتحعلی اراکی و مرحوم سید محمد فشارکی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید اسماعیل صدر و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نوری اعلی اللّه مقامهم جلیس و هم‌بحث بوده و مقامات و معارف عالیه را با چنین اصحابی درک نموده پس به اصرار جمعی از علماء مراجعت به گلپایگان نموده و در آنجا مرجعیت تامه داشته تا در سنه 1347 قمری وفات و در همانجا مدفون گردیده است
از قضایای قابل توجه اینکه در حال احتضار که قوای ایشان به کلی از کار افتاده و قادر به حرکت نبودند و علماء گلپایگان در اطراف بستر ایشان نشسته بودند دفعة بغیر اختیار از بستر برخاسته و چشم به اهل مجلش گشوده و فرمودند نشسته‌اید در حالتی که پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله وارد شد و مجددا چشم بسته و در بستر آرمیده و به رحمت ایزدی پیوستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نراقی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1245/ 1244 -1186/ 1185 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی، منجم، ریاضیدان، مدرس، ادیب و شاعر، متخلص به صفایی. جامع معقول و منقول بود. در نراق، از توابع کاشان، به دنیا آمد. مقدمات را در نزد پدرش و شاگردان پدرش فراگرفت. سپس به همراه پدر به عراق رفت و در نجف از محضر سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و در کربلا از محضر میرزا مهدی شهرستانی و آقا محمدباقر بهبهانی استفاده نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید و خود به بحث و تدریس پرداخت. سپس به نراق کاشان بازگشت و عهده‌دار ریاست و مرجعیت دینی شد. وی از پدرش و سید بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و به واسطه‌ی پدرش از ملا محمدباقر مجلسی روایت نموده است. شیخ مرتضی انصاری و سید محمد شفیع جاپلقی و بسیاری دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند. در نراق به بیماری و با درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مناهج الوصول الی علم الاصول» یا «مناهج الاحکام»، «مساند الشیعة فی احکام الشریعة»، در فقه؛ «وسیلة النجاة»؛ «مفتاح الاصول و مصباح الوصول»؛ «معراج السعادة»، در اخلاق به فارسی، «مفتاح الاحکام»، در اصول فقه، «تنقیح الفصول»، در شرح «تجرید الاصول» پدرش، ملا مهدی نراقی؛ «اساس الاحکام»؛ «اسرار الحج»؛ «عوائد الایام»، در قواعد اصولی و فقهی، به فارسی؛ «الخزائن»، به سبک «کشکول»، در تتمیم کتاب «مشکلات العلوم» پدرش، به فارسی، «سیف الامة و برهان الملة»، در رد پادری نصرانی، به فارسی، رساله‌ی «منجزات المریض»؛ مثنوی «طاقدیس»؛ «دیوان» شعر.[1]
حاجی ملا احمد ابن حاج ملا مهدی معروف به نراقی (ف. 1245 ه.ق) از فقهای بزرگ قرن سیزدهم هجری است. علاوه بر مقام فقاهت اشعار عرفانی فراوان سروده است و در شعر صفاتی تخلص می‌کرد. او را تألیفات متعددی است از آن جمله: 1- اجتماع الامر والنهی. 2- اساس الاحکام در اصول فقه. 3- اسرارالحج. 4- حجیة المظنة. 5- خزائن. 6- دیوان شعر فارسی. 7- سیف‌الامة 8- شرح تجریدالاصول. 9- طاقدیس شامل مثنویات او. 10- عین‌الاصول. 11- معراج‌السعاده. 12- مفتاح‌الاحکام. 13- مناهج‌الوصول. وی در وبای عام در قریه‌ی نراق درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (245/ 1)، اعیان‌الشیعه (184 -183/ 3)، ایضاح المکنون (563، 523، 478، 130، 35/ 2، 331/ 1) حدیقةالشعراء (1031 -1027/ 2) الذریعه (178 -177، 85/ 25، 16/ 23، 350، 341، 354، 367، 17/ 140، 21/ 14- 15، 229- 230، 315، 317، 22/ 340- 134،/ 15، 195، 138/ 13، 286/ 12، 12/ 11، 1181، 610/ 9، 152/ 7 43، ،4/ 2، 267/ 1)، روضات الجنات (107 -103/ 1)، ریحانه (163 -160/ 6)، سفینةالمحمود (423 -419/ 2)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 117 -116/ 13)، فرهنگ سخنوران (560)، فوائد الرضویه (41)، قصص العلماء (132 -129)، مجمع‌الفصحا (705 -700/ 5)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1288 -1287/ 3)، معجم‌المؤلفین (163 -162/ 2)، مکارم‌الآثار (1242 -1235/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (484 -481/ 1)، نگارستان دارا (106 -104)، هدیةالاحباب (180)، هدیةالعارفین (186 -185/ 1).

نراقی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1297 -1215 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ملقب به عبدالصاحب و معروف به حجت‌الاسلام. در کاشان به دنیا آمد. مدارج علمی را نزد پدر خود، ملا احمد نراقی، طی نمود و از وی اجازه اجتهاد دریافت کرد. بنا به آورده‌ی صاحب «مکارم‌الآثار»، وی داماد میرزای قمی و از مشایخ شیخ جعفر شوشتری می‌باشد. او عهده‌دار تولیت مدرسه سلطانی در کاشان، از بناهای فتحعلی شاه قاجار، بود. وی در کاشان درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در نزدیکی پدرش و جدش به خاک سپرده شد. از آثار وی: «انوار التوحید»، در کلام؛ «المراصد ذات الفوائد»، در مسائل مهم علم اصول؛ «مشارق الاحکام»، در فقه.[1]
حاج ملا محمد ابن حاج ملا احمد نراقی ملقب به عبدالصاحب و معروف به حجةالاسلام (ف. 1297 ه.ق) از علمای امامیه‌ی قرن سیزدهم هجری، از تألیفات اوست: 1- انوار التوحید در علم کلام. 2- المراصد در اصول. 3- مشارق‌الاحکام در فقه. وی در سن 80 سالگی در کاشان وفات یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (32/ 21 ،300/ 20 ،422/ 2)، ریحانه 164 -163/ 6)، المآثر والآثار (144)، مکارم‌الآثار (556 -555/ 2)، هدیةالاحباب (181).

نراقی، محمدصادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدصادق نراقی بن میرزا ابوالقاسم بن ملا مهدی بن ابی‌ذر نراقی کاشانی از علماء بزرگ عصر و مراجع امور در کاشان بوده و بعد از 1300 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نراقی، مهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1209 -1128 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و ریاضیدان. موصوف به خاتم المجتهدین. جامع علوم معقول و منقول و در حساب، هندسه، ریاضی، هیئت و علوم ادبی متبحر بود. در نراق کاشان به دنیا آمد. سپس برای تحصیل به اصفهان رفت و از محضر ملا اسماعیل خواجویی و ملا محمدمهدی هرندی و شیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر استفاده نمود و آنگاه برای ادامه تحصیل رهسپار عتبات گشت و در کربلا و نجف نزد بزرگان فقه و اصول و علوم نقلی از قبیل: وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و شیخ مهدی فتونی عاملی به تکمیل معلومات خویش پرداخت و از وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و سید مهدی بحرالعلوم و سید محمدمهدی شهرستانی و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و ملا محمد اسماعیل مازندرانی روایت نمود. پس از فراغت از تحصیل به ایران مراجعت کرد و در کاشان سکنی گزید. با حضور او در کاشان علم و دانش در این شهر رونقی تازه پیدا کرد. فرزندش، ملا احمد نراقی، و حاج محمد ابراهیم کرباسی و محمد طاهرآبادی و سید محمدباقر حجت‌الاسلام شفتی اصفهانی و مجذوب علیشاه و میرزا بابا حبیب‌اللّه حسینی نطنزی از شاگردان او بودند. در اواخر عمر به نجف رفت و در آنجا به تدریس و بحث و تألیف مشغول شد و در همان جا درگذشت و در حرم مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنزالرموز»، «انیس الموحدین»؛ «انیس المجتهدین»؛ «توضیح الاشکال»، در شرح «تحریر اقلیدس»؛ «معتمد الشیعة فی احکام الشریعة»؛ «لوامع الاحکام فی فقه شریعة الاسلام»؛ «التحفة الرضویة فی المسائل الدینیة»؛ «التجرید» یا «تجرید الاصول»، در اصول فقه؛ «انیس التجار» یا «انیس التاجرین»، در مسائل تجارت؛ «نخبة البیان»، در استعاره و تشبیه؛ «مشکلات العلوم» یا «تفصیل المشکلات من العلوم» به سبک «کشکول»؛ «جامع السعادات فی موجبات النجاة»، در اخلاق؛ رساله‌ای در «عبادات»؛ «مناسک الحج»؛ «کتاب الحساب»؛ «جامع الافکار و ناقد الانظار»، در اثبات واجب‌الوجود و صفات سلبیه و ثبوتیه؛ «محرق القلوب»، در مصائب اهل‌بیت (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (257/ 8)، اعیان‌الشیعه (167، 143/ 10)، ایضاح المکنون (508، 443، 413/ 2، 353، 311، 249، 227، 148/ 1)،

خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (106/ 2)، الذریعه (94 -93/ 24 ،274/ 22 ،213، 67- 66/ 21 ،149/ 20 ،359- 358 ،349 ،345 ،157 ،121/ 18 ،75 -74/ 17 ،302/ 15 ،335/ 13 ،103 ،32/ 11 ،7/ 7 ،436 ،351 ،350/ 3 ،59- 58 ،42- 41/ 5 ،467- 466 ،465- 464 ،453/ 2)، روضات‌الجنات (192 -189/ 7)، ریحانه (165 -164/ 6)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (413 -409)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 116/ 13)، طرائق‌الحقائق (258 ،254/ 3)، قصص العلماء (133/ 132)، المآثر والآثار (166)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1287 -1286/ 3)، معجم‌المؤلفین (57/ 12)، مکارم‌الآثار (364 -360/ 2)، مؤلفین کتاب چاپی (363 -360/ 6)، هدیة‌الاحباب (181 -180)، هدیة‌العارفین (352/ 2).

نریزی مراغی، ابوتراب عبدالباقی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(492/ 491 -403/ 401 ق)، فقیه شافعی، محدث، مدرس و زاهد. اصل وی از نریز از قرای آذربایجان بود. ساکن نیشابور و عهده‌دار تدریس و امامت جماعت در مسجد عقیل آنجا بود. در بغداد نزد قاضی ابوطیب طبری فقه آموخت و از ابوطیب طبری و ابوعلی بن شاذان ابوالقاسم عبدالملک بن بشران عبدی و ابوطاهر بن عبدالرحیم اصفهانی و ابوعبداللّه محاملی و ابومحمد جوهری و ابوبکر بن بشران و جماعتی دیگر حدیث شنید. عمر بن علی دامغانی و ابوالبرکات ابن فراوی و ابوعثمان عصایدی و زاهر بن طاهر شحامی و فرزندش، عبدالخالق بن زاهر، و دیگران از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (481 -480/ 5)، سیرالنبلاء (171 -170/ 19)، شذرات الذهب (398/ 3)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (223/ 2)، الشافعیه‌ی سبکی (96/ 5) العبر (366/ 2)، الکامل (192/ 8)، المنتظم (42 -41/ 10)، النجوم الزاهرة (162/ 5).

نسائی، ابوعبدالرحمان احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(303 -215/ 214 ق)، رجالی، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. ملقب به شیخ‌الاسلام و معروف به حافظ نسائی. در نسای خراسان به دنیا آمد. در «وفیات الاعیان» نام پدر وی علی و نام جدش شعیب ذکر شده است. در طلب علم به خراسان، حجاز، عراق، جزیره، شام و مصر سفر کرد و سرانجام در مصر ساکن گردید. وی نزد یونس بن عبدالاعلی، دوست و مصاحب شافعی، تلمذ نمود. او قرائت را از احمد بن نصر نیشابوری مقری و ابوشعیب صالح بن زیاد سوسی فراگرفت. از قتیبة بن سعید و اسحاق بن راهویه و هشام بن عمار و سوید بن نصر و احمد بن منیع و بشر بن معاذ عقدی و حسین بن منصور سلمی نیشابوری و بشر صواف و زیاد بن ایوب و سوار بن عبداللّه عنبری و عباس بن عبدالعظیم عنبری و عبدالجبار عطار و عتبه مروزی و عمران بن موسی قزاز و عمرو بن زراره کلابی و عیسی بن محمد رملی و محمد بن ابان بلخی و محمد بن بشار و محمد بن نصر مروزی و محمد مخرمی و محمد بن عبید محارمی و محمد بن هاشم بعلبکی و محمود بن غیلان و هیثم بن ایوب طالقانی و یوسف بن عیسی زهری و یوسف بن واضح مودّب و جماعتی دیگر حدیث شنید. فرزندش، عبدالکریم نسائی، و حسن بن رشیق عسکری و ابوبشر دولابی و ابوجعفر طحاوی و ابوعلی نیشابوری و حمزه‌ی کنانی و ابوجعفر احمد نحوی و ابوبکر شافعی و محمد بن قاسم اندلسی و ابوالقاسم طبرانی و محمد بن عبداللّه نیشابوری و محمد بن موسی مأمونی و ابن السنی و ابیض بن محمد بن ابیض و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در رمله‌ی فلسطین درگذشت و پیکرش به مکه منتقل و ما بین صفا و مروه به خاک سپرده شد و به روایتی در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن الکبیر»، در حدیث، «المجتبی» یا «السنن الصغیر»؛ «الضعفاء والمتروکین»، در رجال حدیث؛ «الخصائص» یا «خصائص امیرالمؤمنین (ع)»، در فضیلت حضرت علی (ع)؛ «مسند علی (ع)»؛ «مسند مالک»؛ «اغراب شعبة علی سفیان و سفیان علی شعبة»؛ «مناسک النسائی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (164/ 1)، اعیان‌الشیعه (603 -601/ 2)، انساب سمعانی (484/ 5)، تاریخ نیشابور (110)، تذکرة الحفاظ (701 -698/ 2)، تهذیب‌التهذیب (170 ،163/ 1) روضات‌الجنات (220 -219/ 1)، ریحانه

(168 -167/ 6)، سیرالنبلاء (135 -125/ 14)، شذرات الذهب (241 -239/ 2)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 35 -34/ 4)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (88/ 1)، طبقات الشافعیه اسنوی (269 -268/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (16 -14/ 3)، العبر (444/ 1)، الکامل (152/ 6)، کشف‌الظنون (1833، 1685، 1684، 1087، 1006، 706، 130)، الکنی والالقاب (249 -247/ 3)، معجم‌المؤلفین (245 -244/ 1)، المنتظم (450/ 7)، النجوم الزاهرة (210 -209/ 3)، الوافی بالوفیات (417 -416/ 6)، وفیات الاعیان (78 -77/ 1)، هدیة‌العارفین (56/ 1).

نسفی بخاری، ابومحمد عبدالعزیز

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 533/ 532 ق)، فقیه حنفی و قاضی. معروف به نسفی و قاضی نسفی. اهل کوفه بود. در بخارا فقه آموخت و عهده‌دار قضاوت خراسان گردید. وی پیشوای حنفیان بخارا و از معاصرین زمخشری بود. از آثارش: «تعلیق الخلاف» یا «التعلیقة فی الخلاف»، در چهار مجلد؛ «فصول الفتاوی» یا «الفصول»، در فتاوا، «کفایة الفحول»، در علم اصول؛ «المنقذ من الزلل فی مسائل الجدل»؛ «روضة الناصحین»، در شرح «خطب الاربعین»؛ «السلم لدار السلام فی بیان احکام ارکان الاسلام»؛ «مدارج الافهام والافواج»، در تفسیر «آیة ثمانیة ازواج»، به فارسی؛ «مدارج البطون عن ازالة الشکوک والظنون»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (147 -146/ 4)، ایضاح‌المکنون (453 ،24/ 2)، ریحانه (171 -170/ 6)، کشف‌الظنون (1869 ،1497 ،933 ،424)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالعزیز) معجم‌المؤلفین (252/ 5)، هدیةالعارفین (579 -578/ 1).

نسفی، ابومطیع مکحول

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 308 ق)، فقیه، حافظ و محدث. از داوود ظاهری و ابوعیسی ترمذی و عبداللّه بن احمد بن حنبل و محمد بن ایوب بن ضریس و مطین و جماعتی دیگر روایت کرد. ابوبکر احمد بن محمد بن اسماعیل که استاد جعفر مستغفری است، از وی روایت نموده است. به آورده‌ی ذهبی مستغفری در «تاریخ نسف» نام وی را محمد بن فضل و لقبش را مکحول ذکر کرده است. ذهبی گوید که او نیکو شعر می‌سرود. از آثارش: «اللؤلئیّات»، در زهد و آداب؛ «کتاب‌الشعاع».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (33/ 15)، کشف‌الظنون (1571 ،1430)، معجم‌المؤلفین (319/ 12).

نسفی، ابومعین میمون

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(508 -418 ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. وی از افاضل علمای حنفی قرن ششم قمری بود. اصلش از سمرقند و ساکن بخارا بود. از آثارش: «بحرالکلام»، در توحید؛ «تبصرة الادلة»، در کلام؛ «التمهید لقواعد التوحید»؛ «العمدة»، در اصول دین؛ «العالم والمتعلم»؛ «ایضاح المحجة لکون العقل حجة»؛ شرح «الجامع الکبیر» ابوعبداللّٰه شیبانی، در فروع؛ «مناهج الائمة»، در فروع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (301/ 8)، ایضاح المکنون (563/ 2 ،156/ 1)، ریحانه (174/ 6)، کشف‌الظنون (1845 ،570 ،484 ،337 ،225)، معجم‌المؤلفین (66/ 13)، هدیةالعارفین (487/ 2).

نسفی، برهان‌الدین، ابوالفضایل

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 600- وف 688 -684/ 679 ق)، فقیه حنفی، مفسر، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و شاعر. معروف به برهان. وی از علمای بزرگ حنفی بود. در علم تفسیر و اصول فقه و علم کلام صاحب تألیف می‌باشد. ساکن بغداد بود. در همان جا درگذشت و جنب مقبره‌ی ابوحنیفه دفن شد. «العقائد النسفیة» که ملا سعد تفتازانی آن را شرح کرده، به وی نسبت داده شده است. در «کشف‌الظنون» فقط یک عنوان کتاب تحت نام «عقائدالنسفی» مربوط به نجم‌الدین عمر بن حمد نسفی ذکر شده است. از دیگر آثارش: «المقدمة فی علم الخلاف» یا «المقدمة البرهانیة» یا «فصول النسفی فی علم الجدل» یا «مقدمة فی الجدل والخلاف والنظر»؛ «منشأ النظر»، در علم خلاف و شرح آن؛ «الواضح»، که مختصر «تفسیر کبیر» فخر رازی است؛ رساله‌ای در «دور و تسلسل»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ شرح «الاشارات والتنبیهات» ابن‌سینا؛ شرح «الرسالة القدسیة» غزالی؛ «مطلع السعادة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (194/ 2)، ریحانه (174 -173/ 6)، شذرات الذهب (385/ 5)، کشف‌الظنون (1861، 1803، 1799 -1798، 1756، 1720، 1296، 1272، 1032، 882، 865، 95)، معجم‌المؤلفین (297/ 11)، هدیةالعارفین (136 -135/ 2).

نسفی، حافظ الدین، ابوالبرکات عبداللّه

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 710/ 701 ق)، فقیه حنفی، محدث، اصولی، مفسر و متکلم. اصل وی از نسف و اهل ایذه‌ی اصفهان بود. او از مشاهیر فقها و اصولیین و محدثین حنفی و در علم کلام متبحر و بر معاصرین خود مقدم بود. به آورده‌ی بعضی از مآخذ وی در ایذه درگذشت. اما در «ریحانة‌الادب» مکان وفات وی بغداد ذکر شده است. از آثارش: «الوافی»، در فقه و شرح آن به نام «الکافی»؛ «کنزالدقائق»، در تلخیص «الوافی»؛ «عمدة العقائد» یا «عمدة عقیدة اهل السنة والجماعة»، در کلام و شرح آن به نام «اعتماد الاعتقاد»؛ «منار الانوار» و شرح آن به نام «کشف‌الاسرار»؛ «مدارک التنزیل و حقائق التأویل»، در تفسیر که به «تفسیر نسفی» معروف می‌باشد؛ «المستصفی»، در شرح کتاب «نافع» شیخ ابوالقاسم محمد حسینی (م 656 ق).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (192/ 4)، ایضاح المکنون (98/ 1)، ریحانه (171/ 6)، کشف‌الظنون (2034، 1997، 1922، 1867، 1849، 1823، 1675، 1641، -1640، 1515، 1274، 1168، 119)، معجم‌المؤلفین (32/ 6)، هدیة‌العارفین

نسفی، نجم‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 537 -461 ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی‌الثقلین، به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در زمینه‌ی فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود. در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن محمد علوی و عبداللّه بن علی نسفی و ابوالیسر محمد نسفی و حسین کاشغری و ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و علی بن حسن ماتریدی روایت کرد. فرزندش، ابواللیث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهیم تورپشتی از وی روایت کرده‌اند. حدود صد اثر را به وی نسبت می‌دهند. کتاب «العقائد» یا «عقاید النسفی» که بر آن شروح بسیاری، از جمله شرح سعدالدین تفتازانی نگاشته شده، به وی منسوب است. البته در صحت انتساب این کتاب به وی تردید می‌باشد، چنان که بعضی آن را به برهان‌الدین محمد بن محمد نسفی منسوب کرده‌اند. در سمرقند درگذشت. از دیگر آثارش: «الاکمل الاطول»، در تفسیر؛ «التیسیر فی التفسیر»؛ «قید الاوابد»؛ «تاریخ بخارا»؛ «القند فی تاریخ علماء سمرقند»؛ «یواقیت المواقیت»؛ «طلبة الطلبة»؛ «تطویل الاسفار لتحصیل الاخبار»؛ «مشارع الشارع»؛ «منهاج الدرایة»، در فروع؛ «النجاح فی شرح اخبار کتاب الصحاح»؛ «الخصائل فی الفروع»؛ «دعوات المستغفرین»؛ «الاشعار بالمختار من الاشعار» یا «المختار من الاشعار»، در بیست مجلد؛ «منظومة الخلافیات» یا «منظومة فی الخلاف»؛ نظم «الجامع الصغیر» امام محمد شیبانی، در فروع.[1]
عمر بن محمد ابن احمد نسفی سمرقندی حنفی (461 ه.ق- ف. 537 ه.ق) ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابی‌حفص عالمی متکلم، اصولی، فقیه، مفسر و محدث بود. قریب یکصد رساله در مباحث فقهی و جز آن تصنیف کرده است. از اوست: «اکمل الاطول» (ه.م) «والتیسیر فی التفسیر» و «العقائد النسفیه» و «طلبة الطلبه» و «تاریخ سمرقند» و جز آن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (222/ 5)، ایضاح‌المکنون (117 ،25/ 1)، ریحانه (173 -172/ 6)، سیرالنبلاء (127 -126/ 20)، شذرات الذهب (115/ 4)، طبقات المفسرین داودی (7 -5 / 2)، العبر (453 -452/ 2)،

كشف‌الظنون (2054، 2048، 1929، 1871، 1867، 1731، 1686، 1602، 1356، 1230، 1145، 1125، 1114، 756، 706، 668، 602، 564، 553، 519، 418، 415، 296، 247)، لسان‌الميزان (230 -229/ 5)، معجم‌الادباء (71 -70/ 16)، معجم‌المؤلفين (306 -305/ 7)، هدية‌الاحباب (255)، هدية‌العارفين (783/ 1).

نظام الدوله، علی محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 1222 در ایران متولّد، و در اصفهان و طهران تحصیل علوم نموده، در سال 1247 به اتفّاق پدر به نجف اشرف مهاجرت نموده، و به تکمیل علوم و تهذیب نفس و تألیف و تصنیف پرداخته، در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم ادبی و ریاضیّات مهارت داشته، قریب 18 مجلّد کتاب تألیف نموده که از آن جمله است: 1- البرهان 2- تقریرات 3- دیوان شعر، به عربی و فارسی 4- رسال در اصول فقه 5- رسال در شبهه محصوره و آب مضاف، به طبع رسیده 6- رساله در امامت 7- سلافة الوزراء، در معنی ولایت به طریق اهل تصوّف و عرفان، به نظم و نثر، مطبوع ضمن فوائد البهائیّة 8- شهاب الثاقب، در ردّ صواعق ابن حجر 9- کشف الابهام، در فقه. 10 و 11 - دو کتاب در رجال 12- کتابی در نحو و صرف 13- کتابی در ترجمه 19 نفر از بزرگان اهل سنّت، و ردّ بر آنها از کتب اهل سنّت 14- معارج القدس، در حکمت و کلام و توحید و عدل 15- نور الابصار؛ و غیره.
مشارالیه نزد صاحب جواهر، و ملاّ مقصود علی غروی، و میرزا حسن بن ملاّعلی نوری و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل علوم و دانش نموده، و از حاج ملاّ احمد نراقی اجازه روایت و اجتهاد داشته است
(تاریخ اجازه مربوط به زمانی است که حاکم کاشان بوده است)
سرانجام در 8 ذی حجّه سال 1276 در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام العلماء بحرانی، محمد اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد اسماعیل بحرانی نجفی الاصل و فسائی شیرازی مولدا و منشا و موطنا.
عالمی بزرگوار و آیتی عالیمقدار از آیات عظام و حجج اسلام فارس- فساء و شیراز مدفون در لار از احفاد و نوادگان فقیه نامی شیخ حسین آل عصفور متوفای 1216 قمری برادرزاده فقیه محقق و محدث مدقق آشیخ یوسف بحرینی صاحب (حدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره) است.
مرحوم نظام‌العلماء از علماء نامی فارس بودند که گاهی در شیراز در مساجد 1- طهران بیک 2- مسجد آقا احمد 3- مسجد سپهسالار قدیم (امام خمینی) اقامه جماعت نموده به نشر احکام و معارف اهل بیت رسالت اشتغال داشت. و زمانی در فساء که از شهرهای فارس است می‌زیسته و به خدمات دینی و وظائف روحانی پرداخته و به حوائج مردم می‌رسیدند.
معظم‌له از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه میرزا ابراهیم محلاتی بوده و از آیات عظام آقا سید محمدکاظم یزدی آقا میرزا محمدتقی شیرازی و شریعت اصفهانی دارای اجازات جامع بوده‌اند.
آن مرحوم انس و علاقه زیادی با مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالحسین نجفی لاری داشته و پس از فوت آن مرحوم با فرزند بزرگ ایشان مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالمحمد آیةاللهی مراوده داشته است و در سفری که برای دیدار آن مرحوم به شهر لار مسافرت می‌کنند به عارضه سکته قلبی مبتلا گشته و در ماه رمضان 1345 قمری به رحمت حق پیوسته و با تجلیل عظیمی در قبرستان آنجا به خاک می‌روند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نظام شیرازی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود نظام شیرازی قدس‌اللَّه سره در سال 1323 هجری قمری در شیراز در بیت علم و دانش دیده به جهان گشوده و در حجر والد ماجدش آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد اسمعیل نظام‌العلماء که از علماء بنام و احفاد محقق بزرگ شیخ حسین آل عصفور (بحرانی برادرزاده مرحوم محدث بزرگ شیخ یوسف بحرانی صاحب کتاب الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره).
معظم‌له تحصیلات مقدماتی و سطح را در شیراز نزد اساتید فن فراگرفته و در سال 1314 هجری شمسی عزیمت به نجف اشرف نموده و به درس خارج آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حج شیخ محمدکاظم شیرازی حاضر و استفاده نموده و در سال 1319 شمسی به سامرا رفته و به درس مرحوم آیت‌اللَّه آقا میرزا محمود شیرازی رفته و پس از مدتی مورد اعتماد و مشورت ایشان قرار گرفته و سپس به افتخار دامادی معظم‌له نائل شده و در سال 1328 شمسی جزو اصحاب استفتاء آیت‌اللَّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و میرزا آقای اصطبهاناتی درآمده و در سال 1330 شمسی به شیراز و فسا سفری نموده و مورد استقبال کم‌نظیر علماء و بزرگان و عموم طبقات قرار گرفته و در سال 1338 شمسی بنا به درخواست مردم فسا که شهر آباء و اجدادی ایشان بوده از طرف مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی رحل اقامت در شهر فسا افکنده و به خدمات دینی و انجام وظائف روحی و اجتماعی از اقامت جماعت و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول پرداخته و منشاء آثار خیری گردیده است.
آن مرحوم مورد توجه مراجع عظام بوده و از آنها دارای اجازات عدیده اجتهاد و روائی و غیره بوده و در سال 1364 شمسی به سکته قلبی از دنیا رفته و در حرم امامزاده حسن فسا به خاک رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نظام هروی، نظام‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 900 ق)، فقیه، مدرس، قاضی و شاعر. پدرش ملا شرف‌الدین، از اعاظم فقهای زمان میرزا ابوالقاسم بابر بود. وی معصار با امیر علیشر نوایی بود و لذا در «مجالس النفایس» شرح حال وی آمده است. مدتی در مدرسه‌ی غیاثیه و مدرسه‌ی اخلاصیه به تدریس پرداخت. سپس از جانب سلطان حسین بایقرا به قضاوت هرات منصوب شد. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حبیب السیر (340 -339 / 4)، الذریعه (1206 / 9)، ریحانه (207 / 6 ،350 / 5)، صبح گلشن (530)، فرهنگ سخنوران (942)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی نظام‌الدین)، مجالس النفائس (141).

نظام‌الملک طوسی، قوام‌الدین، ابوعلی حسن

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(410/ 408- مقتول 485 ق)، نویسنده و شاعر. ملقب به نظام‌الملک و رضی امیرالمؤمنین. مشهور به خواجه نظام‌الملک طوسی. در نوغان، از دهات رادکان طوس، به دنیا آمد و دوران کودکی و تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند. در یازده سالگی قرآن آموخت و سپس در طوس، نیشابور و مرو فقه شافعی و حدیث را فراگرفت. او با ابوسعید ابوالخیر (م 440 ق) معاصر بود. چندی نیز در شهر بلخ به خدمت ابوعلی بن شاذان درآمد و به دبیری وی منصوب شد. ابوعلی بعد از اینکه در زمان سلجوقیان به وزارت رسید، نظام‌الملک را به دبیری الب‌ارسلان گماشت و نظام‌الملک در 451 ق به وزارت الب‌ارسلان رسید. مجموع وزارت نظام‌الملک در دربار الب‌ارسلان و ملکشاه بیش از سی سال بود. وی در 485 ق بر اثر اختلاف با ترکان خاتون بر سر جانشینی ملکشاه و ترجیح بر کیارق بر محمود و دشمنی مخالفان، به قولی از وزارت بر کنار شد. خواجه نظام‌الملک دارای مذهب شافعی بود و از باب ارادتی که به فقها و متصوفه داشت، مدارس معتبری به نام نظامیه و همچنین خانقاه‌های بسیاری بنا نهاد. او عاقبت در راه بغداد در نزدیکی‌های نهاوند یا بروجرد به دست یکی از فداییان و پیروان حسن صباح به نام ابوطاهر اران به قتل رسید. قبر وی در اصفهان می‌باشد. در مورد همدرس بودن او با حکیم عمر خیام و حسن صباح نیز نقل قول‌هایی وجود دارد که به تصریح دکتر صفا، نمی‌تواند درست باشد. وی گاهی نیز شعر می‌سرود. از آثار وی: «سیاست‌نامه» یا «سیر الملوک» یا «پنجاه فصل»، که به درخواست سلطان ملکشاه نوشته شد؛ «وصایای نظام‌الملک» یا «دستور الوزارة»؛ «قانون الملک» که به آورده‌ی «تاریخ ادبیات در ایران» به وی نسبت داده‌اند و ظاهراً قسمتی از «سیاست‌نامه» می‌تواند باشد.[1]
قوام‌الدین، ابوعلی حسن بن ابی‌الحسن علی بن اسحاق بن عباس طوسی، ملقب به رضی امیرالمؤمنین (و. 408 یا 410- مقت. 485 ه.ق)، وزیر و دانشمند دوره‌ی سلجوقیان. در نوغان طوس ولادت یافت. در طوس و نیشابور و مرو فقه و حدیث آموخت، آنگاه در بلخ به خدمت ابوعلی بن شاذان درآمد و به دبیری وی اشتغال جست و چون ابوعلی بعد از استیلای سلجوقیان بر بلخ به وزارت چغری‌بیک رسید، نظام‌الملک را به دبیری الب‌ارسلان گماشت. چون الب‌ارسلان به جای پدر حکومت خراسان یافت،

نظام‌الملک را به وزارت برگزید (451 ه.ق) چون چهار سال بعد، پس از مرگ عم خود طغرل (455) به سلطنت رسید، عمیدالملک کندری را خلع کرد و نظام‌الملک را به جای او وزارت ممالک سلجوقی داد و از این پس وی در وزارت باقی بود تا در 485 به سبب اختلاف با ترکان خاتون بر سر جانشینی ملکشاه و ترجیح برکیارق بر محمود و سعایت مخالفان، به قولی از وزارت برکنار شد و بنا به بعضی اقوال دست او را از کارها کوتاه کردند، و اندکی بعد در راه بغداد، در صحنه، به دست یکی از فدائیان حسن صباح به قتل رسید (رمضان 485 ه.ق). مجموع مدت وزارت نظام‌الملک سی سال بود، و در این مدت وی در حل و عقد امور مملکت دخالت کامل داشت و بسیاری از فتوحات سلجوقیان و پیشرفتهای آنان در امور داخلی مملکت مدیون کاردانی و کفایت او بود. نظام‌الملک به سبب ارادتی که به فقیهان داشت، مدارس بسیار بنا نهاد که پس از وی به مدارس نظامیه معروف شد. خواجه از نویسندگان چیره‌دست نثر فارسی به شمار می‌رود و کتاب سیاستنامه‌ی (ه.م) او از جمله‌ی کتب فصیح زبان فارسی است. علاوه بر آن مکتوبی از وی به پسرش در دست است که به نام وصایای نظام‌الملک یا دستورالوزراء معروف است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (509 -504/ 2)، اسرار التوحید، تعلیقات (728 -727)، اعیان‌الشیعه (169 -165/ 5)، تاریخ ادبیات در ایران (909 -904، 527 -526، 241 -234، 119/ 2)، تاریخ گزیده (443)، تاریخ نظم و نثر (66)، تجارب‌السلف (281 -266)، تذکرةالشعراء (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (500 -494/ 2)، دایرةالمعارف فارسی (3036/ 2)، دستور الوزراء (صفحات متعدد)، الذریعه (274 -273/ 25 274، -273/ 12)، راحةالصدور (صفحات متعدد)، روضات‌الجنات (85 -82/ 3)، ریحانه (210 -209/ 6)، سبک‌شناسی (186 ،113 -95/ 2 168،/ 1)، سه حکیم مسلمان، شاعران بی‌دیوان (583 -581)، شخصیت‌های نامی (485 -484)، شذرات الذهب (375 -374/ 3)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (256 -248)، صبح گلشن (526 -525)، طبقات الشافعیه سبکی (328 -309/ 4)، العبر (349/ 3)، فرهنگ ادبیات فارسی (511 -510)، فرهنگ سخنوران (941)، الکامل (161/ 8)، کشف‌الظنون (166)، الکنی والالقاب (259 -257/ 3)، لباب‌الالباب (67 -65/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام‌الملک طوسی)، مدارس نظامیه (مقدمه، 91 -24)، معجم‌المؤلفین (249/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (606 -604/ 2)، النجوم الزاهرة (134 -133/ 5)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی (53 -46)، وفیات الاعیان (131 -128/ 2)، هدیةالاحباب (257)، هفت اقلیم (198 -196/ 2).

نقاش اصفهانی، ابوسعید محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 414 ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در طلب حدیث به جاهای مختلف سفر کرد و در اصفهان از جد مادرش‌اش، احمد بن حسن بن ایوب تمیمی، و عبداللّٰه بن عیسی خشاب و عبداللّٰه بن جعفر بن فارس اصفهانی و احمد سمسار اصفهانی و ابواحمد عسال اصفهانی و همطبقه‌ی آنها و در بغداد از ابوبکر شافعی و ابن‌مقسم و ابوعلی بن صواف و در بصره از ابواسحاق هجیمی و فاروق خطایی و حبیب قزاز و در کوفه از قاضی نذیر محاربی و صباح بن محمد نهدی و در مرو از حاضر بن محمد فقیه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در هرات از ابوحامد حسنویه و ابومنصور ازهری و در دینور از ابن السنی و از جماعتی دیگر در حرمین و نیشابور و همدان و نهاوند حدیث شنید و شنیده‌های خود را جمع‌آوری کرد و تصنیفاتی به وجود آورد. او همچنین املای حدیث نمود. فضل بن علی حنفی و ابوالعباس ابن اشته و ابومطیع صحاف و سلیمان حافظ و ابوالفتح سوذرجانی اصفهانی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: کتاب «القضاء» یا «القضاة والشهود»؛ کتاب «طبقات الصوفیة»؛ «مالی»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (161 -160/ 7)، تذکرة الحفاظ (1061 -1059/ 3)، سیرالنبلاء (308 -307/ 17)، شذرات الذهب (201/ 3)، طبقات الحفاظ (431)، العبر (228/ 2)، کشف‌الظنون (1104)، الوافی بالوفیات (119/ 4)، هدیةالعارفین (62/ 2).

نقره‌کار نیشابوری، جمال‌الدین عبدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(776 -706 ق)، فقیه، اصولی و نحوی. موصوف به شریف. وی در علوم عربی و اصول فقه تبحر داشت. مدتی در دمشق و قاهره ساکن و عهده‌دار مشیخت بعضی از خانقاه‌ها بود. او به تدریس در مدرسه‌ی اسدیه‌ی حلب از بزرگترین مدارس شافعیان پرداخت. بعضی این مدرسه را به اسدیه خارج دمشق که اختصاص به حنفیان داشت حمل کرده‌اند، لذا برخی مذهب او را شافعی و برخی حنفی دانسته‌اند. لیکن به آورده‌ی «ریحانة‌الادب»، قرائن حنفی بودنش ارجح می‌باشد و اما چون گاهی اظهار تشیع می‌کرد، محقق کرکی او را از دانشمندان امامی دانسته است. از آثارش: شرح «منارالانوار» ابوالبرکات نسفی، در اصول، شرح «التسهیل»، در نحو، شرح «الشافیة» ابن‌حاجب، در صرف، «العباب»، در شرح «اللباب» تاج‌الدین محمد اسفراینی، در نحو، شرح «تلخیص المفتاح»، در بلاغت؛ شرح «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، شرح «قصیده‌ی بانت سعاد»، شرح «الفوائد الغیاثیة» عضدالدین ایجی، در معانی و بیان؛ شرح «حرز الامانی» شاطبی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (272 -271/ 4)، ریحانه (230 -229/ 6)، شذرات الذهب (242/ 6)، کشف‌الظنون (1544، 1330، 1300، 1021، 649، 499، 477)، معجم‌المؤلفین (108/ 6)، هدیة‌العارفین (467/ 1).

نمازی اصفهانی، ملا فتح الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملافتح الله اصفهانی
در زمستان سال 1228 ش . (12 ربیع الاول 1266 ق)(1427)باز شدن غنچه ای در خانه محمد جواد نمازی اصفهانی ، بهار را نوید داد. آن غنچه خوشبو را فتح الله نامیدند.
فتح الله در دامان پر مهر مادری مومن که هیچ گاه او را بدون وضو شیر نمی داد و پدری دلسوز که لحظه ای از تربیت فرزندش غافل نمی شد، رشد کرد و پس از سپری کردن دوران بازیهای کودکانه راهی کلاس قرآن و دیگر کتابهای مذهبی شد.
در حوزه های نور
او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. استعداد و پشتکار فتح الله موجب شد که بتواند با سرعت ، مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته ، در درس فقه و اصول بزرگان مدارس علمیه زانوی ادب به زمین بزند. با این حال حضور در درس بهترین اساتید حوزه علمیه اصفهان نتوانست تشنگی دانش اندوزی او را فرو نشاند. از این رو راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد.
در آن شهر از محضر اساتید برجسته ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس ، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تا در ردیف اساتید آن دیار شناخته شد. سپس به سوی اصفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت .(1428)
او در سال 1295 ق . راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می کردند.
شیخ الشریعه در سال 1313 ق . به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل وی به کتابهای اهل سنت در شگفت شدند.(1429)
پس از بازگشت از حج پروانه های فضیلت پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان درس او از مهم ترین درسهای نجف به شمار می رفت

که صدها نفر در آن شرکت می کردند. این درسها عبارت بودند از:
1. دروس عالی فقه و اصول
2. رجال و درآیه
3. تفسیر و علوم قرآن
4. فلسفه و کلام
5. درس خلافیات که در این درس علت اختلاف نظریات و فتواهای فقیه بررسی می شد. او بعلاوه خطیبی توانا بود که جمعه ها منبر می رفت و به موعظه پرداخت . از دیگر امتیازات ایشان اینکه وی به تحصیل طب و ریاضیات همت گماشته و علاوه بر فرمولها و معادلات ریاضی مطالب زیادی درباره علم پزشکی آموخته بود.
گویند روزی ایشان بیمار شد و وقتی پزشک برای معالجه بر بالین او آمد شیخ الشریعه در مورد بیماری اش از کتاب قانون بوعلی سینا مطلبی گفت . پزشک تصور کرد چون شیخ نوع بیماری خود را می دانسته تنها همان قسمت کتاب را به خاطر سپرده است ولی در گفتگوهای بعدی مشخص شد او بیشتر مطالب قانون را آماده در ذهن دارد.
اساتید
شیخ الشریعه در محضر شریعتمداران زیادی درس شریعت آموخت تا شیخ شریعت شد به پاس احترامشان نام آنان در ذیل می آید:
1. ملا حیدر علی اصفهانی
2. آیه الله نصر الله مدرس
3. شیخ محمد صادق تنکابنی
4. ملا احمد سبزواری
5. شیخ عبدالجواد خراسانی
6. آیه الله ملا محمد باقر اصفهانی
7. شیخ حسین علی تویسرکانی ملایری
8. آیه الله شیخ محمد تقی هروی
9. آیه الله شیخ محمد رحیم بروجردی
10. آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی
11. آیه الله میرزا حبیب الله رشتی
شاگردان
صدها نفر از طلاب علوم دینی در جلسات درس ایشان شرکت می کردند که بسیاری از آنان بعدها در زمره مراجع تقلید در آمدند و نامی ترین آنان عبارتند از:
آیات عظام : 1. شیخ عبدالکریم حائری
2. سید محمد حسین بروجردی
3. سید ضیاء الدین عراقی

4. سید ضیاء الدین عراقی
5. سید شهاب الدین مرعشی نجفی
6. سید عبدالهادی حسینی شیرازی
7. سید محسن طباطبایی حکیم
8. سید محمد کوه کمره ای (حجت)
9. سید محمد تقی خوانساری
10. محمد علی شاه آبادی .

قلم نور

از آنجا که شریعت در علوم گوناگون اسلامی مهارت داشت در بسیاری از رشته ها نوشته هایی پر بها از خود به یادگار گذاشت که هر یک در علوم مختلف حاکی از فزونی دانش اوست . از آن همه ، پاره ای رساله در موضوعات فقهی و اصولی است . در علم تفسیر، فلسفه ، کلام و ادبیات عرب نیز دارای آثاری نیکوست .

مرجعیت

پس از وفات آیه الله میرزا حبیب الله رشتی و آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی شماری از مردم از شیخ الشریعه تقلید می کردند ولی پس از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی ، شیخ الشریعه یگانه مرجع جهان تشیع شد. با این حال وی رهبری دینی را چون باری سنگین بر دوش خود احساس می کرد. او در خلوت دیده شده بود که اشک ریزان با خدای خود چنین مناجات می کرد:

((خدایا، در آخرین روزها زندگیم در دنیا به ریاست مبتلا(!) شده ام و باید سنگینی این بار امانت را به دوش کشم ! بار الها، من طاقت تحمل این امر بزرگ را ندارم ... و حال آنکه تو فردای قیامت از من سوال خواهی کرد...))

شبیخون

شیخ الشریعه در پی مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه های فراوان بود که پرده از چره استعمار می زدود در قسمتهائی از یکی از این اعلامیه ها آمده است .

((خدمت علمای بزرگ ... و عموم مردم روستاها و شهرها و کوچ نشینان ...

بر آقایان و هوشیاران ... پوشیده نیست که بیگانگان از سده های پیشین و مدتها قبل کوشیده اند دارایی مسلمانان را برزدند و شهر و کشورشان را تصاحب کنند... قرآن سراسر حکمت را از میان آنان بردارند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود سازند، بیگانگان همواره برای دستیابی به این هدفها نقشه هایی ترتیب داده اند، آنگاه آیه الله شریعت

چندین نمونه از نقشه ها و هدفهای دشمن را در 10 مورد بازگو کرده ، در پایان دردمندانه از مسلمانان و ایرانیان می خواهد که در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند.(1430)

دزدان فرهنگ

در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده ، به کتابخانه لندن بفرستند!

در این میان روحانیون آگاهی که نمی خواستند فرهنگ اسلامی به دست کفار غارت شود در مقابل آنان می ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ شریعت به کمک طلاب آمده ، آنها را از بند نجات می داد. برای نمونه می توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.

تقسیم ایران

یک سال پس از انقلاب مشروطه (در سال 1907 م) دو کشور استعمارگر روسیه و انگلستان در یک توافق سری ایران را به 3 منطقه تقسیم کردند؛ مناطق جنوبی سهمیه انگلستان و شمال ایران از آن روسیه شد و برای آنکه با هم اختلافی پیدا نکنند قسمتهای مرکزی را به عنوان منطقه بی طرف سهم ایران قرار دادند. در این هنگام که تمامیت ارضی و استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار داشت ، شیخ الشریعه و دیگر علما درسهای حوزه علمیه را تعطیل و خود را برای جهاد آماده کردند؛ چنانکه در تلگرافی که بدین مناسبت انتشار دادند می خوانیم :

((اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیه خصوصا به اشتهار معاهده میشومه جدیده با دولتین موجب وحشت عموم علمای اعلام ... (شده است .) قاطبه علمای این مشاهد مشرفه وظایف مقامیه را تعطیل و در حفظ اسلام به ادای آخرین تکلیف (جهاد) حاضر...))

ایران در آتش

در سال 1330 ق با حمله روسیه به ایران شهرهای تبریز، گیلان ، رشت ، مشهد مقدس و چندین شهر و روستای ایران اشغال شد. در این زمان که ایران در سراشیبی سقوط قرار گرفته بود مراجع تقلید شیعه که در آن ایام در عراق بودند تصمیم گرفتند با مقاومتی قهرمانانه جلو متجاوزان را بگیرند.

در یازدهم محرم 1330 هیات علمیه نجف به همراه صدها نفر از طلاب حوزه علمیه و دویست هزار تن از عشایر مسلح به طرف ایران حرکت کردند. آنان تصمیم گرفتند در سر راه خود به ایران چند روزی در کاظمین توقف کرده ، پس از آماده کردن مقدمات لازم به طرف ایران حرکت کنند.

از جمله اقدامات آنان در کاظمین می توان به ارسال هیات هایی به کشورهای مختلف برای مذاکره با سران آن کشورها و ارسال اطلاعیه های فراوان به مسلمانان جهان اشاره کرد.
و دیگر آماده کردن عشایر ایران برای جهاد بود که با ارسال تلگرافهای متعدد آنان را به جهاد دعوت کردند. در یکی از این برگهای زرین چنین می خوانیم :
به عموم حجج اسلام ، سرداران عظام و روسای عشایر.... از قدیم زمان الی کنون به واسطه مردانگی عشایر... هرگز به خیال اجانب نمی رسید که دست اندازی به خاک ایران نمایند چه رسد به سوق عساکر و جسارت ... در ممالک اسلامیه . مگر در این عصر مردانگی ایرانیان محو و نابود و عقاید اسلام پشت گوشها افتاده .. یاللمسلمین یک مشهد مقدس ... در مملکت شماست ، آیا رواست که با وجود امثال شماها به تصرف کفار درآید و ننگ تاریخی برای شما، باقی بماند!...))(1431)
وقتی مردم مسلمان و عشایر غیور ایران خود را برای دفاعی جانانه آماده کردند وثوق الدوله که در آن زمان ریاست هیات وزرا را به عهده داشت با نیرنگ اولا از حرکت علما به طرف ایران ممانعت کرد. وانگهی از عشایر و دیگر امت مسلمان ایران خواست از هر گونه اقدامی که مخالف سیاسیتهای روسیه و انگلستان باشد خودداری کنند و به آنها هشدار داد که اگر با نیروهای در حال پیشروی انگلستان مقابله کنند دولت آنها را مواخذه خواهد کرد. و از طرف دیگر مصرانه از علما خواست که از کاظمین متفرق شوند.
عقب نشینی نیروهای روسیه و اقدامات وثوق الدوله کارگر افتاد و تندری که می رفت خصم را بسوزد توسط دولت ایران خاموش شد و علما که نمی خواستند جنگ داخلی مشکلات ایران را دو چندان کنند از حرکت به طرف ایران منصرف شدند.
نبرد اقتصادی
شیخ شریعت در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن دو اقدام مهم انجام داد.
1 - تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی
2. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان .
البته در این جبهه نیز زمانی که می رفت این مبارزه منفی شکوفه دهد سفارت انگلیس با یک نامه فدایت شوم به وثوق الدوله نوشت که از علما بخواهد فتواهای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق هم همین کار را کرد.
مجتهد مجاهد
عراق در جنگ جهانی اول به تصرف انگلستان درآمد و شیخ الشریعه ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را به عهده

گرفت .
یکبار که مجتهد مجاهد با کشتی کوچکی به طرف یکی از جبهه ها در حرکت بود. کشتی آنها شکست و نزدیک بود ایشان غرق شود که دیگر مجاهدان وی را نجات دادند.
نیروهای مردمی به فرماندهی علما به مدت هیجده ماه در برابر نیروهای عظیم انگلستان مقاومت کردند و اگر پیروزی نهایی متفقین و ضعف شکست عثمانی و دیگر متحدانش نبود اشغالگران هیچ گاه موفق به اشغال عراق نمی شدند.(1432)
در بستر انقلاب
نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شعار که هدف ما رهایی کامل ملتهاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند با برگزاری رفراندم فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان درخواست استقلال کردند آنها را تبعید و زندانی کردند و متعاقب این اوضاع شیخ الشریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسی و فرماندهان ارشد نظامی آنان از این درخواست سرباز زدند و سعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند.
در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسیان از دادن حقوق آنها سرباز زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.
در هنگامی که تمامی شهرهای عراق در آتش انقلاب می سوخت ناگهان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را به عهده داشت به طور مرموزانه ای درگذشت ولی در آن لحظات حساس آیه الله شریعت اصفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شیرازی را برداشت و با صدور بیانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاب ادامه دهند و سپس در اجتماعی که در صحن حضرت علی علیه السلام برگزار شده بود حاضر شد و در حالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چند نفر از اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد.
در همین ایام ویلسون ، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریبد اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت .(1433)
متعاقب این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به

طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاحهای پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روز افزون نیروهای انگلستان ، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره اقتصادی و نظامی ، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغیر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آورد. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند.
پس از اشغال نجف 17 تن از علما و از جمله حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.
خاندان
آیه الله شریعت با یکی از نوادگان آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی مولف کتاب فصول ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج 3 فرزند پسر بود:
1. شیخ حسن : وی فرزند بزرگ شیخ الشریعه بود و در انقلاب نقش بسزایی داشت .
2. شیخ مهدی ، او تقریرات درس پدرش را به رشته تحریر کشید و کتاب ((اعلام الاعلام بمولد خیر الانام)) از اوست .
3. شیخ محمد شریعت (1283 - 1357 ق .): وی در نجف به تکمیل علوم خود پرداخت . در سال 1331 ش . آیه الله بروجردی او را به عنوان نماینده خود راهی اصفهان کرد. شیخ محمد پس از رحلت آیه الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که عده ای از علمای پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردند.(1434)
صبح تیره
سرانجام روح پر فتوح آیه الله شریعت اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن در شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی سال 1339 ق . قفس تن را درید و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پر کشید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیرمؤ منان علیه السلام به خاک سپرده شد.
در سال 1366 ق . که آیه الله حاج آقا حسین قمی دار فانی را وداع کرد و می خواستند او را کنار شیخ الشریعه دفن کنند در هنگام حفر قبر مقداری از قبر شیخ شریعت خراب شد و حاضران با تعجب دیدند جسد آن فقیه

فرزانه هنوز کاملا تازه است چنانکه گویا روز پیش به خاک سپرده شده است .

نمازی شاهرودی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نمازی شاهرودی فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج شیخ محمد نمازی شاهرودی از علماء مبرز و متقی و دانشمندان متتبع و نویسندگان متبحر حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.
در سال 1332 قمری در شهرستان شاهرود متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود نزد والدشان و سایر اساتید فراگرفته و آنگاه برای تکمیل مبانی فقه و اصول مهاجرت به مشهد مقدس نمودهٔ و و از محضر آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان به ویژه مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی که در معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت نادره زمان واغلوطه اوان بوده و شاگردان مکتبش چون حاج شیخ مجتبی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد آقای تهرانی و صدها نفر دیگر امثالهم از آیات بزرگ و دانشمندان بنام معاصر بودند استفاده فقه و معارف الهی نموده و به نجف اشرف مشرف و چندی هم در آنجا اقامت و از مبانی مدرسین و مجتهدین حوزه نجف مطلع و استفاده نموده و به مشهد مراجعت و به تألیف کتب مفیده و تدریس پرداخته و مهارتی عجیب در مناظره با پیروان ادیان دیگر و مذاهب باطله داشت و نیز در احتجاج و مباحثه با اهل سنت و جماعتی و در سفرهای عدیده‌اش به حجاز و کشور سعودی مباحثاتی با حضرات داشته که موجب استبصار عده‌ای از مردم پاکستان و هندوستان شده است.
آن مرحوم در علوم غریبه و علم طلب قدیم و گیاه‌شناسی و ریاضی هم اطلاع عمیق داشته و با زبان فرانسه هم آشنائی داشته حدود سه دوره بحارالانوار را از اول تا آخر مطالعه و در اثر این مطالعات موفق به تألیف مستدرک البحار در ده مجلد شده که پنج جلد آن در زمان حیات خودش به طبع رسیده و پنج مجلد آن پس از رحلتش فرزند یاد شده‌اش اقدام به طبع و نشر آن نموده و حافظ تمام قرآن و یا اکثر آن بوده زیرا از هر آیه که می‌پرسیدند فورا آدرس درس آن را می‌داد و به گفته برخی از مرحوم آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره از ایشان پرسیده بودند فرموده بود که آقای نمازی مجلسی زمان ما بوده است.
نگارنده این کتاب چون مدتی در مدرسه نواب مشهد با ایشان همسایه و مروده داشتم ایشان را از جهاتی کم‌نظیر یافتم. تألیفات بسیاری دارد که

از دیدگان عزیزان می‌گذرانم.
1- اثبات ولایت که 6 مرتبه به چاپ رسیده.
2- ابواب رحمت 2 مرتبه چاپ شده.
3- تاریخ فلسفه و تصوف 2 مرتبه چاپ شده.
4- مقام قرآن و عترت 3 مرتبه چاپ شده.
5- ارکان دین 2 مرتبه چاپ شده در خداشناسی و پیغمبر و امام‌شناسی و فروع دین و نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت. و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری تدوین شده است.
6- الهدی الی صراط مستقیم.
7- دوره مستدرک سفینه‌البحار در ده جلد به طبع رسیده.
8- رساله تفویض
9- تاریخ مجالس روضه‌خوانی
10- زندگانی حبیب بن مظاهر
11- اصول دین
12- الاسلام الهادیه فی الاعتبار الکتب الاربعه
13- رساله نور الابصار
14- مناسک حج- مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن.
تألیفات طبع نشده علامه نمازی
1- روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده جلد.
2- مستدرکات علم رجال، ده جلد.
3- مستطرفات المعالی در احوال راویان احادیث.
4- دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزو.
5- رساله‌ای در طب.
6- معرفه‌الاشیاء- گیاه‌ها- درختها حیوانات و جمادات.
7- مباحث اصول.
متاسفانه این دانشمند متتبع و محدث متبحر و مؤلف مکثر در شب دوشنبه دوم ماه ذیحجه سال 1405 هجری قمری برابر 28 مرداد ماه 1364 شمسی از دنیا رفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه الصلوه والسلام مدفون گردید عاش سعیدا و مات سعیدا حشره اللّه مع الشهداء والسعداء آمین یااللّه.
محقق، عالم دینی.
تولد: 1294 ق.، شاهرود.
درگذشت: 28 مرداد 1364، (دوم ذیحجه سال 1405 ق.).
آیت‌الله علی نمازی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فراگرفت.

سپس رهپسار مشهد شد . در آنجا مدارج عالیه فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت به گونه‌ای که در بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.
مدتی نیز به حوزه‌ی نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت‌الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست، ضمنا به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.
آثار ایشان عبارتند از: مستدرک سفینه البحار (در ده جلد)؛ الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج (الهادی)؛ الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه؛ ابواب رحمت (جلد اول، مشهد، 1337، ق.، قم، 1362)؛ تاریخ فلسلفه و تصوف (یا مناظره دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، 1377 ق.)؛ مناسک حج؛ رساله تفویض؛ رساله علم غیب (ع)؛ اصول دین؛ رساله نورالانوار؛ ارکان دین؛ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی؛ تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع) قرآن و عترت در اسلام.
آثار علمی خطی چاپ نشده وی به این شرح هستند: مستطرفات المعالی؛ مستدرکات علم رجال (پانزده جلد)؛ روضات النظرات؛ مجموعه نفیسه در طب؛ معرفة الاشیاء (گیاه‌شناسی)؛ مطرف الهیه؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر تفسیر برهان، حاشیه بر رجال ممقانی، حاشیه بر رجال آیت‌الله خویی؛ حاشیه بر رجال شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب جواهر در فقه تألیف محمدحسن نجفی، حاشیه بر کتاب وقایع المشهور، حاشیه بر کتاب بحارالانوار آیت‌الله غروری، حاشیه بر رساله‌ی شریف رجبیه محدث بیرجندی و حواشی دیگر.
(تو ح 1332 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه‌ی مشهد به پایان رسانید. آنگاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینةالبحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقی الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ تذییلات کتاب «مجموعة الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه‌ی مجالس

روضه‌خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت آن»؛ «نورالانوار»، به فارسی و عربی؛ رساله‌ای در «علم غیب امام (ع)».[1]
علی ابن العالم الکامل و العابد الزاهد آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد معروف به (نمازی) شاهرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.
وی در حدود سال 1332 قمری متولد شده و در بیت علم و ورع و تحت تربیت پدر دانشمند و زاهدش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه مشهدبه پایان رسانیده سپس از محضر مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللّٰه سبحانی مربی نفوس و مهذب اخلاق آیت‌اللّٰه الملک العلام آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی سالهای متمادی استفاده نموده و با هم از محضر آیات دیگر مشهد بهره‌مند گردیده و در مسجدی از مساجد بالا خیابان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام تا حال تحریر اشتغال دارند
نگارنده گوید از سال 1364 ق که در مشهد اقامت داشتم و در مدرسه نواب از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا مهدی اصفهانی خارج مبحث حج را استفاده مینمودم با معظم‌له آشنا شده و بعد از درس مذاکره بحث را می نمودیم وی را دانشمندی متقی و پارسا و مشغول به مطالعه و تألیف شناخته‌ام خداوند امثال ایشان را همواره موفق بدارد.
تألیفات مطبوع ایشان از اینقرار است.
1- ابواب رحمت دو مرتبه به طبع رسیده 2- تاریخ فلسفه تصوف 3- متدرسک سفینه البحار ج 1 و 2 بطبع رسیده 4- کتاب ارکان دین در آن شرح اصول دین (خداشناسی و فروع دین نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری (رجعت) و قیامت کبری) 5- مقام قرآن و عترت در اسلام 6- فهرست منتقی‌الجمان 7- تذییلات کتاب مجموعه الاخیار 8- شرح زندگانی حبیب ابن مظاهر 9- تاریخچه مجالس روضه‌خوانی 10- مناسک حج و وجوب و فضیلت آن 11- کتاب اثبات ولایت 13 -12- نورالانوار فارسی و عربی 14- رساله‌ای در علم غیب امام (ع)
تألیفات مخلوط ایشان
1- تتمه مستدرک سفینه‌البحار ده جلد 11- مستدرکات علم رجال شیخ 5 جلد 16- کتاب اصول دین 17- کتاب مستطرفات المعالی در احوال رجال و راویان اخبار 18- روضات النضرات در فقه استدلالی ده مجلد 19- معارف الهیه 20- مجموعه نفیسه در طب 21- معرفه الاشیاء و غیره
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (184 -183/ 7 ،374/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (437/ 4).

نوبری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جعفر نوبری از علماء معاصر تبریز و فضلاء حوزه مرحوم آیه الله العظمی و العلامه الکبری سیدنا الاستاد آقای آقا سید محمد حجت کوه کمری رحمه الله می‌باشد.
وی در محله نوبر تبریز در روز 17 ربیع المولود 1334 ق که مصادف با روز میلاد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام است تولد یافته و بدین مناسبت موسوم به (محمد جعفر) گردیده و پس از تکمیل مقدمات در تبریز در آخر جمادی الاول 1353 ق به قم مهاجرت نموده و از محضر اعلام قم چون آیه الله العظمی گلپایگانی و مرحوم علامه ادیب تهرانی سطوح را استفاده و به پایان رسانیده و در درس خارج آیت الله العظمی حجت قدس الله سره و آیت الله محقق خونساری و مدت کوتاهی مرحوم آیت الله صدر و آیت الله آقا میرزا رضی مجتهد تبریزی بهره‌مند شده و به مراتب عالیه رسیده است.
آقای نوبری تا سال 1375 ق در قم به تدریس و تکمیل مبانی علمی اشتغال داشتند و پس آز آن مراجعت به تبریز نموده و تاکنون به اقامه جماعت و ایفاء وظایف و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نوجابادی بخاری، ظهیرالدین، ابوالمظفر محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(668 -616 ق)، فقیه حنفی و اصولی. در نوجاباد، از قرای بخارا، به دنیا آمد. به دمشق رفت و سرانجام در بغداد مقیم گشت و به امامت مستنصریه رسید. از آثار او: «کشف الابهام لرفع الاوهام» که در «کشف‌الظنون» تحت عنوان «کشف الابهام لدفع الاوهام» ذکر شده است؛ «تلخیص القدوری» یا«الملخص فی مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی؛ «کشف‌الاسرار»، در اصول فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (204/ 7)، ایضاح‌المکنون (355/ 2)، کشف‌الظنون، (1634 ،1485 -1484)، لغت‌نامه (ذیل/ نوجابادی)، معجم‌المؤلفین (91/ 11)، هدیة‌العارفین (129/ 2).

نورمحمدی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا علی نورمحمدی تهرانی از علماء مبرز معاصر تهرانست که در مسجد انصار واقع در خیابان هدایت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
ایشان در شب بیست و هشتم ماه مبارک رمضان سال 1328 ق در قریه حصار بوعلی نیاوران شمیران بدنیا آمده و پس از پرورش و گذراندن دوران کودکی مدتی در مدرسه نیاوران بتحصیل پرداخته و بعد مدتی در مدارس تهران دروس جدید را خوانده آنگاه در سال 1344 ق به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینیه نموده در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و بعد از یکسال سطوح مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و نیز مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی و مرحوم آیت‌اللّه فیض استفاده نموده و بعد از ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت دو دوره و نیم از خارج اصول را در خدمت آن مرحوم باضافه خارج مکاسب و خارج صلوه تلمذ نموده و هم نصفی از دررالاصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری بهره‌مند شده و در سال 1362 ق از قم به تهران برگشته و مدت سه سال در قریه حصار بوعلی شمیران اشتغال بنشر احکام و امامت داشته و بعد از آن مدتی در سه راه سپهسالار مسجدی مسجد بی‌بی اشتغال داشته و بعد از مدتی مقداری توسعه به آن مسجد داده و هم اقدام بساختمان مسجد دیگری در خیابان هدایت چهارراه صفی علیشاه بنام مسجد انصار با همت و مساعدت بعضی از اهل محل نموده و آن مسجد بی‌بی را بجناب حجةالاسلام آقای حاج سید ابراهیم علوی خوئی نموده و خود در مسجد مزبور (انصار) به خدمات دینی و ترویجات مذهبی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نوری مازندرانی، فضل‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1345 ق)، عالم دینی و فقیه. معروف به علامه‌ی مازندرانی. اصل وی از نور مازندران است. در کربلا مجاور گشت و بدین سبب به حایری مشهور شد. صاحب «ریحانة‌الادب» مراتب علم و فضل و اجتهاد او را ستوده و تصنیفاتش را حاکی از بلندی مقام علمی وی دانسته است. او در کربلا درگذشت. از آثارش کتاب «فضیلة العباد لذخیرة المعاد» است که در «ریحانة‌الادب» به صورت «فضیلة العباد و ذخیرة المعاد» آمده است. از دیگر آثارش: «الطهارة»؛ «الوجیزة»، رساله‌ای در «مناسک الحج»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (360/ 5)، الذریعه (270/ 22 ،51/ 25)، ریحانه (264/ 6)، لغت‌نامه (ذیل/ نوری حایری)، معجم‌المؤلفین (77 -76/ 8).

نوری مازندرانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1325 ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. وی بعد از تحصیل مقدمات راهی عتبات شد. در نجف از محضر حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزا حسین خلیلی استفاده نمود. آنگاه خود به تدریس و بحث و امامت جماعت پرداخت. وی سپس به سامرا رفت و از درس میرازی شیرازی بهره‌مند گشت. آنگاه به ایران آمد و در نور مازندران سکنی گزید و در همان جا در منطقه تلیک‌سر مازندران مدرسه‌ی علمیه بنا کرد. در اواخر عمر به تهران آمد و سرانجام نیز در تهران درگذشت و در شهر ری در صحن حضرت عبدالعظیم (ع)، در مقبره‌ی ملا عبدالرسول فیروزکوهی، به خاک سپرده شد. از آثار علمی او: رساله‌ی «التعادل والتراجیح»؛ رساله‌ی «لباس المصلی»؛ «اجتماع الامر والنهی»؛ «الاستصحاب»؛ «الاوامر والنواهی»؛ «شکوک الصلاة»؛ رساله‌ی «القسمة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (27/ 10)، الذریعه (286/ 25، 295/ 18، 81/ 17، 217/ 14، 183/ 11، 204/ 4، 470/ 25، 2 /269- 268/ 1)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1304 -1303/ 3)، معجم‌المؤلفین (62/ 11)، میرزای شیرازی (192).

نوری همدانی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه
حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی دامت برکاته:
ولادت :
ایشان در سال 1304 شمسی در یک خانواده مذهبی در شهر همدان دیده به جهان گشودند . پدر ایشان مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابراهیم نوری همدانی از علمای وارسته همدان ، معاصر با حضرت آیت ا... العظمی آخوند ملاعلی همدانی و هم حجره ایشان بود . تحصیلات :
معظم له در سن هفت سالگی آموختن را آغاز نموده ، ادبیات فارسی ، گلستان سعدی ، انشاء ، ترسل نصاب و ... تا معالم الاصول را پیش والد مکرم خویش فرا گرفتند . سپس در سال 1321 شمسی وارد مدرسه مرحوم آخوند همدانی شده و حدود یک سال و نیم در آنجا به فراگیری علوم پرداختند . ولی اشتیاق و عطش ایشان به آموختن و استعداد مثال زدنی فراگیری در وجود معظم له ، وادارشان ساخت تا بعد از اقامت مدت کوتاهی در همدان ، به شهر مقدس قم عزیمت نموده و در آشیانه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) اقامت افکنده ، با به جان خریدن همه مشقتهای جان فرسای آن روز ، به بهره گیری از دروس اساتید برجسته حوزه علمیه قم بپردازند . اساتید :
همانگونه که بیان شد ایشان دروس ابتدایی را در خدمت پدر بزرگوارشان آموخته ،سپس در محضر بزرگان حوزه علمیه همدان به ویژه مرحوم آیت ا... العظمی آخوند ملاعلی همدانی زانوی شاگردی زدند. بعد از ورود به حوزه علمیه قم ، بیشترین استفاده علمی را از خدمت آیات عظام : داماد ،حجت کوهکمره ای ،علامه طباطبایی ، بروجردی و حضرت امام خمینی (علیهم الرحمه) داشته اند که این قسمت را از زبان خود حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی می خوانیم : یکی دیگر از اساتید مهم ما مرحوم آیت الله العظمی سید محمد داماد می باشد که حدود 12 سال در درس فقه و اصول معظم له شرکت نمودم . چند نفر بودیم در حوزه که به شاگردان داماد معروف بودیم . ایشان مرد بسیار دقیقی بود و دقت نظر ایشان انصافاً خیلی خوب بود . در تربیت شاگرد و عنایت به شاگرد هم ممتاز بود . نوشته هایی از درس آن مرحوم را بنده دارم . من درسهای ایشان را می نوشتم و بعداً خدمت ایشان میدادم . مطالعه می کردند و با

دقت در حاشیه اش چیزهایی می نوشتند که اکنون وقتی نگاه میکنم برای من یک یادگار آموزنده و مهمی است . در تواضع ، اخلاص و ساده زیستی کم نظیر بود . این را فراموش نمی کنم یک روز درس میگفتند ، در مسئله وضو به اینجا رسیدند که در موقع گرفتن وضو باید انسان خودش آب بریزد و خودش وضو بگیرد و کسی کمک نکند . البته کمک هم مراتب دارد . بعضی مراتبش باطل میکند و بعضی مراتبش مکروه است . روایتی خواندند از « وسائل» که حضرت امام رضا (ع) زمانی که به مجلس مأمون وارد شدند و مأمون در حال وضو گرفتن بود ، بدین نحو که یک نفر آب میریخت در مشت او و او وضو میگرفت. حضرت امام رضا (ع) به مأمون فرمودند : «لا تشرک بالله یا امیرالمؤمنین » . این کلمه را که ایشان خواندند، که حضرت رضا به مأمون ، امیر المؤمنین گفته باشد. در اثنای بحث این کلمه (امیرالمؤمنین) ایشان را منقلب کرد به طوری که به شدت گریه کرد و نتوانست آنروز درس بگوید . متأسف شد که وضع طوری باشد که امام رضا (ع) به مأمون بگوید امیر المؤمنین ! اخلاصش را دارم ، میگویم که آنروز با گریه اش همه را منقلب کرد و نتوانست درس بگوید . عبایش را بر سرش گرفت و جلسه را ترک کرد . از جمله کسانی که باز پیش آنها درس خواندم آیت الله آقای علامه طباطبایی بود که پنج سال بنده به درس اسفار ایشان رفتم . البته عظمت و بزرگواری آیت الله علامه طباطبایی از لحاظ اخلاق ، کمال و معلومات و تربیت شاگرد ، معلوم است و نیاز به توضیح ندارد . یکی دیگر از اساتید بزرگ ما حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد حجت کوهکمری بود . من در درس ایشان مدتی شرکت می کردم . درس معظم له ، در آن زمان در قم ممتاز بود . استادی بسیار بزرگ و خیلی خوش بیان بودند . در درس گفتن سلیقه خوبی داشتند . مطالب را دسته بندی می کردند . دسته بندی مطالب بگونه ای بود که نوشتنش خیلی را حت بود . روش آن مرحوم باید برای ما درس باشد که مطالب را تنظیم کنیم . مثلاً بیع فضولی که می گفت ، در بیع فضولی چند تا مبناست : مبنای مرحوم شیخ انصاری ، مبنای مرحوم آخوند خراسانی که از حاشیه آخوند بر مکاسب استفاده می شود _ مبنای مرحوم سید محمد کاظم یزدی ، مبنای مرحوم شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی و مبنای خودش ، پنج شش تا مبنا بود.از اول بیع فضولی تا آخر ، هر روز مطلب هرکس را روی مبنای خودش ، بطوری تنظیم می کرد که انسان از این بیان و دسته بندی تعجب می کرد . درس را به این ترتیب می گفت و مقتضای مبنای هر کس را در مسأله ، بیان می کرد ، یا در صحت و نفوذ بیع فضولی و در بحث اجازه مثلا در نقل و اقسام کشف و ... تقسیم بندی بسیار جالبی داشت . نکته دیگری که در رابطه با ایشان بنظرم رسید ، آن است که روزی که در آستانه احتضار قرار گرفته بود رفتم منزل ایشان ،

نزدیک مدرسه حجتیه . من توی حیاط بودم و اشخاص دیگری هم بودند . همه ناراحت و متأثر بودیم . یک نفر آمد و گفت : برای ایشان ، مقداری تربت سید الشهدا (ع) آوردند ، تربت را با آب قاطی کردند . تا ایشان بخورند . ایشان هم برداشت و نزدیک لبش آورد و گفت : (آخر زادی من الدنیا تربة الحسین).و آنگاه نوشید و اشهد ان لا اله الا الله را گفت و روبه قبله ، به جوار حق پیوست . یکی دیگر از اساتید بنده حضرت آیت الله العضمی بروجردی بودند ، بنده از روزی که ایشان به قم تشریف آوردند تا روزی که از دنیا رحلت کردند ، یعنی : در حدود 15 سال در تمام درسهای ایشان افتخار شرکت کردن راد اشتم و مقدار زیادی از درسهای فقه و اصول آن استاد بزرگ (اعلی الله مقامه) رانوشته ام و در ضمن شرکت در درس گاهی مطالبی در رابطه با درس می نوشتم و در درس به محضر مبارکشان تقدیم می کردم ، معظم له آن را می خواندند و گاهی هم با بزرگواری خاصی که داشتند مودر تشویق قرار می دادند . آیت الله بروجردی ، از لحاظ سخاوت و کرم دارای امتیاز خاصی بودند . برای نمونه ، یک وقت ایشان در بیرونی نشسته بودند ، زنی وارد شد و آقا آن زن راد ید . به پیش خدمت خود فرمودند : ببینید این زن چه میخواهد . پیشخدمت گفت : این زن علویه است ، پول یک چادری می خواست ، پنجاه تومان به ایشان داده شد . آقا تا اسم علویه را شنیدند ، فرمودند : علویه و پنجاه تومان ؟ گویی ایشان ، پنجاه تومان را برای علویه توهین دانستند . در حالی که در آن زمان ، پنجاه تومان کم پولی نبود . فرمودند : اقلاً چهارصد ـ پانصد تومان به آن زن بدهید . به طور کلی ، همیشه اشخاصی که نزدایشان می آمدند،ایشان بیش از آن مقداری که اشخاص توقع داشتند به آنان عنایت می کردند . یکی از اساتید بزرگ ما ، حضرت امام خمینی (رحمه الله) بودند . راجع به حضرت امام ، باید عرض کنم ، اولین وسیله آشنایی من با ایشان ، در ابتدای ورودم به قم ، سال هزار و سیصد و شصت و دو قمری ،در درس اخلاق ایشان بود ،که روزهای جمعه عصرها تقریبا یک ساعت به مغرب مانده در مدرسه فیضیه ،زیر کتابخانه درس اخلاق می فرمودند . بعد توسط حضرت آیت الله العضمی خوانساری ، نماز جماعت اقامه می شد . بنده هم در درس اخلاقی ، عرفانی و علمی ایشان ، شرکت می کردم . این درس ،بسیار سازنده و کامل بود . آیات و احادیث آمیخته با برداشت علمی ، اخلاقی با بیان بسیار رسا و کافی از دل برمیخاست و بر دل می نشست . تحولی عمیق در شنونده ایجاد می کرد . مدرس مملو از جمعیت میشد . صفا و معنویت اعضای مجلس را فرا میگرفت.در همان موقع هم ایشان یکی از علمای بزرگ و مشهور بودند و در تیز بینی و ژرف اندیشی و واقع نگری و وسعت نظر ممتاز بودند . یکی از چیزهایی که در معرفی فکر ایشان ، خیلی مؤثر بود کتاب (کشف

الاسرار) ایشان بود . که آن موقع این کتاب چاپ شده بود و در دسترس بود . البته هنوز هم این کتاب بسیار ارزشمند و عالی است . شخصیت ایشان ، دارای ابعاد مختلفی است . یکی از جهت بعد فلسفی که شاید الآن مثل ایشان ، کسی را سراغ نداریم. اگر چه در آن زمان در تهران مرحوم آشتیانی را داشتیم ، علامه طباطبائی آن موقع در نجف بودند . همچنین ، استاد معقول حضرت امام ، مرحوم آیة اللّه العظمی آقا سید ابو الحسن قزوینی ، معروف به علامه رفیعی بودند که چند ماهی قم تشریف آوردند و درس معقول می‌فرمودند و بنده هم درس ایشان می‌رفتم . درباره شخصیت ایشان از جهات مختلفی می‌شود صحبت کرد ، که از نظر بنده ، آنچه مهم است ، مسأله شناخت زمان است . در متون دینی ما هست که عالم ، باید عارف به زمان باشد . ایشان ، از لحاظ شناخت جریانات و مقتضیات زمان ، دارای امتیاز خاصی بودند و در میان علماء بزرگ ، هر یک از آنان که فکر و فعالیتشان ، با زمان هماهنگ بوده است ، توانسته است تحولی ایجاد کند . تکریم از اساتید :
معظم له با الهام از آیات قرآنی و روایات اسلامی و با تأسی بر سلف صالح خویش در مورد تعظیم و تکریم اساتید خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده ، پیوسته یکی از توصیه های ایشان به شاگردان و مخاطبان خود تکریم و تجلیل از اساتید خود می باشد تا جایی که بارها فرموده اند : «من اسامی همه اساتید خود را یاد داشت نموده ، در نماز شب خود برای آنان دعا می کنم ،چرا که این عمل دارای برکات فراوانی بوده ، باعث توفیق روز افزون انسان می گردد » . تدریس :
حضرت آیت الله نوری از بدو ورود به حوزه علمیه قم همزمان با تحصیل ، تدریس را نیز آغاز نموده و در موضوعات مختلف فقهی ، اصولی ، کلامی ، اخلاقی و ... حوزه درسی شلوغی داشته و شاگردان زیادی از محضر پرفیض ایشان بهره می گرفتند . تا جایی که درس نهج البلاغه معظم له در مسجد اعظم در زمان طاغوت از درسهای پر محتوای حوزه علمیه آن روز به حساب آمده ، مباحث مطروحه در آن از حیث منطق و استدلال چنان عرصه را بر کارگزاران رژیم طاغوت تنگ کرد که چاره ای جر تعطیلی آن ندیده و با تعطیل کردن آن صدها تن از فضلای حوزه علمیه را ـ که اینک هریک از بزرگان حوزه و خدمت گزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی محسوب می شوند ـ از آن نعمت محروم کردند . و اینک نیز قریب به سی سال است که به تدریس درس خارج مشغولند که حدود یکهزار نفر از فضلاء و علمای برجسته از محضر ایشان کسب فیض می نمایند . تألیفات :
حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی از حیث نوشتن مطالب علمی تقید خاصی دارند و یکی از سفارشات جدی ایشان به طلاب این است که باید اهل قلم باشند و در زمینه های گوناگون بتوانند قلم فرسایی کنند . روی

این اصل معظم له نوشته های فراوانی در زمینه موضوعات مختلف دارند که بالغ بر 50 جلد می شود . برخی از آن نوشته ها چاپ شده و بعضی دیگر در آستانه چاپ قرار دارد و برخی از آنها در حال آماده سازی جهت چاپ می باشد . کتابهایی که تاکنون به زیور چاپ آراسته شده اند ، عبارت است از : 1_ الخمس 2_ مسائل من اجتهاد و تقلید 3_ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام- عربی 4_ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام- فارسی 5_ اسلام مجسم – شرح حال علمای بزرگ اسلام 6_ جایگاه بانوان در اسلام 7_ جهاد - فارسی 8_ ربا 9_ دانش عصر فضا 10_ شگفتی های آفرینش 11_ جهان آفرینش 12_ انسان و جهان 13_ خوارج از دیدگاه نهج البلاغه 14_ یک حرکت انقلابی در مصر 15_ داستان باستان 16_ ما و مسائل روز 17_ بیت المال از دیدگاه نهج البلاغه 18_ اقتصاد اسلامی 19_ منطق خدا شناسی 20_ جمهوری اسلامی 21_ رساله توضیح المسائل 22_ آمادگی رزمی و مرزداری در اسلام 23_ هزار و یک مسئله فقهی – استفتائات ج 1 و 2 24_ مناسک حج - عربی 25_ مناسک حج - فارسی 26_ منتخب المسائل – عربی که هریک از نوشته های فوق مخاطبان خاصی داشته و مورد استفاده اقشار مختلف قرار می گیرد .

فعالیتهای سیاسی و اجتماعی :

ایشان به لحاظ اینک شاگرد حضرت امام خمینی (ره) بوده و در حد عشق به ایشان دلبسته بودند ، از هر حیث به ویژه از جهت سیاسی به شدت تحت تأثیر آموزه های بنیانگزار جمهوری اسلامی قرار داشتند ، لذا در کنار فعالیتهای علمی عمیق ، از ورود در عرصه سیاسی و اجتماعی غفلت نورزیده ، پیوسته در صفوف مقدم مبارزه علیه رژیم ستم شاهی حرکت می کردند و در این راه از زندان و تبعید و ... نهراسیده و همه خطرها را به جان خریده و با توکل بر خدا در مسیر انجام رسالت انقلابی با تمام وجود تلاش فرمودند که بخشی از این فعالیتها را از زبان معظم له می شنویم : من از جمله کسانی هستم که توفیق داشتم چند سالی در مکتب پرفیض حضرت آیت آللّه العظمی امام خمینی، درس بخوانم و علاوه بر مطالب علمی ، از سجایای اخلاقی ایشان نیز، بهره ببرم. در طول این سالیان با توجه به متون و موازین اسلامی در یافته بودم که مسؤلیت روحانیت ، خلاصه در درس خواندن و درس گفتن نمی‌شود . به این جهت از آن روز که حضرت ایشان انقلاب و تحول را آغاز کردند . من سعی کردم که پشت سر ایشان بقدر توانم گام بردارم . در آن زمان ، جلسات مرتبی با رفقای همفکر خود داشتیم که در آن نسبت به مسائل جاری گفتگو میشد و برای پیشبرد امور تصمیماتی اتخاذ می‌گردید . گاهی اعلامیه‌هائی علیه رژیم و شاه امضاء می‌کردیم . البته متن بعضی از آن اعلامیه‌ها را نیز گاهی من تنظیم می‌کردم. در نشر و توزیع آنها نیز ، همکاری نزدیک داشتم .

افرادی را به این منظور به نقاط مختلف کشور می‌فرستادیم .
زندان قزل قلعه: بعد از این که حضرت امام را به ترکیه تبعید کردند ؛ اعلامیه‌هایی که علیه رژیم از قم صادر می‌شد امضای من را نیز داشت . به همین جهت در آن زمان چند نفر مأمور از طرف ساواک به منزل ما ریختند بطور دقیق همه جا را گشتند . حتی یادم هست که کتابها را نیز، ورق می‌زدند . مقدای از کتابها را برداشتند بردند و مرا نیز ، دستگیر کردند و به ساواک قم ، که در خیابان راه آهن بود ، بردند . شبی را آنجا بسر بردیم ؛ بعد منتقل شدم به تهران ، زندان قرل قلعه . قزل قلعه یکی از زندانهای رژیم شاه بود که افراد را در آن زمان به آنجا می‌بردند ، در زندان ، متوجه شدم که آقایان دیگری نیز آنجا هستند ؛ البته همگی ما در سلولهای انفرادی بودیم و فقط روزی سه مرتبه صبح ، ظهر و شام درب سلول را باز می‌کردند و ما حق داشتیم برای تجدید وضو از آن خارج بشویم . هنگامی که مرا برای دستشویی می‌بردند از دور این آقایان را دیدم و فهمیدم که این آقایان هم آنجا هستند . داخل سلول لامپ نبود ؛ تنها از روزنه کوچکی که بالای درها وجود داشت شعاع کم و سوئی از روشنائی داخل سالن به درون سلول می‌تابید . این سلولها به اندازه‌ای کوچک بود که اگر دست‌هایمان را باز می‌کردیم به دیوارهای دو طرف می‌رسید . کف سلولها را با آجرهای ناهموار فرش کرده بودند به گونه‌ای که موقع خوابیدن پشت و کمر انسان را به سختی می‌آزرد . حدود سه ماه بدون محاکمه و ممنوع الملاقات با این وضع ، در این سلولها بودم و بجز هنگام تجدید وضو از آن نمی‌توانستم خارج شوم . بعد از محاکمه ، روزی فقط ده دقیقه ما را به عنوان هواخوری داخل حیاط زندان می‌بردند که قدم بزنیم . هنگامی که مرا برای بازجویی بردند ، مهم‌ترین حرف آنان این بود که شما طرفدار حضرت امام هستید و به پشتیبانی از ایشان اعلامیه می‌نویسید و امضاء می‌کنید . نزدیک دو ماه که از تاریخ محاکمه گذشت من آزاد شدم . چند ماه از آزادی من نگذشته بود که مسافرتی به همدان داشتم . در همدان علماء و غیرعلماء به دیدن بنده آمدند . تابستان بود ، من در مدرسه همدان ، درسی شروع کردم که مورد استقبال واقع شد . ساواک همدان از این موضع که جوانهای شهر و مردم با من رابطه داشتند و به درس و بحث می‌آمدند نگران بود ؛ به این جهت مرا به بهانه‌ای گرفتند وبه تهران فرستادند . دوباره روانه زندان قزل قلعه شدم و چندین ماه دیگر در آنجا زندانی گشتم . بعد از آزادی از زندان ، مدت زیادی به اصطلاح ممنوع المنبر بودم و حق نداشتم به وعظ و خطابه بپردازم به رفسنجان رفتم . بعد از دو سه منبر ، ساواک کرمان مطلع شد و از ادامه جلسات سخرانی ، جلوگیری کرد . روز تاریخی 19 دی 56: از آن تاریخ به قم برگشتم و مشغول درس بحث شدم و در فرصت‌های مناسب و موقعیت‌های گوناگون

هدف خود را تعقیب می‌کردم تا این که جریان 19 دی 56 بوجود آمد ، و آن به این شرح است : در روزنامه اطلاعات 17 دی 56 مقاله توهین‌آمیز و تندی علیه حضرت امام ، که آن زمان در نجف تشریف داشتند ، چاپ شد . انتشار این مقاله ، خشم آقایان اساتید و فضلای حوزه قم را برانگیخت . به همین مناسبت جلسه‌ای در منزل این جانب برگزار شد که در آن آقایان : مشکینی ، وحید خراسانی نیز حضور یافتند . در آن جلسه تصمیم گرفته شد که به عنوان اعتراض به انتشار چنین مقاله‌ای در اولین گام حوزه و بازار قم تعطیل شود . حوزه قم و بازار تعطیل شد. فضلای حوزه و آقایان بازاریها به منزل مراجع و اساتید بزرگ می‌رفتند که در آنجا جلسات سخنرانی در اعتراض به رژیم برگزار می‌شد. روز 19 دی ، که قبل از ظهر آقایان به منزل بعضی از اساتید رفته بودند ، قرار گذاشته بودند که بعد از ظهر در منزل ما اجتماع کنند . این قرار در نماز جماعات هم اعلام گردیده بود . از حدود ساعت یک بعد از ظهر عده‌ای آمدند و چندین بلندگو داخل منزل و کوچه نصب کردند . رفته رفته جمعیت می‌آمد داخل حیاط و پشت بامها ؛ و کوچه از جمعیت متراکم شده بود به گونه‌ای که جمعیت به خیابان رسیده بود . نخست داماد اینجانب آقای سید حسین موسوی تبریزی سخنرانی کردند ، سپس بنده وظیفه خود دانستم که صحبت کنم و جنایات رژیم ستمشاهی را به صراحت بیان کنم ، لذا سخنرانی جامع و تندی علیه جنایتهای رژیم شاه ، انجام دادم . در آن سخنرانی من لازم دانستم که انگشت روی مرکز و منبع اصلی جنایتها بگذارم ؛ از این رو مرکزیت را هدف قرار داده و در مقایسه حرکت نجات بخش حضرت امام که از اسلام و قرآن و روش اهل بیت عصمت نشأت می‌گرفت با عکس العملی که از استکبار جهانی و دست نشاندگان آن صادر شد این اشعار را خواندم : مه فشاند نور و سگ عو عو کند هر کسی بر طینت خود می‌تند چون تو خفاشان بسی بینند خواب کاین جهان ماند یتیم از آفتاب کی شود دریا زپوز سگ نجس کی شود خورشید از پف منطمس در شب مهتاب مه را بر سماک از سگان و عوعو ایشان چه باک کارک خود می‌گذارد هر کسی آب نگدارد صفا بهر خسی ای بریده آن لب و حلق و دهان که کند تف سوی ماه آسمان خس ، خسانه می‌رود بر روی آب آب صافی می‌رود بی‌اضطراب مصطفی مه می‌شکافد نیمه شب ژاژ میخاید ز کینه بو لهب آن مسیحا مرده زنده می‌کند آن جهود از خشم سبلت می‌کند مردم از این صحبت جامع و منطقی و کوبنده شارژ شدند و با شعارهای تند از منزل حرکت کردند . من خود نیز ، لازم دانستم که با مردم حرت کنم . آمدیم بیرون ، از کوچه که گذشتیم وارد خیابان شدیم . ابتدای جمعیت به چهاراه مقابل کلانتری رسیده بود . در اینجامزدوران رژیم ، مردم را به گلوله بستند و با سلاح گرم به مردمی که هیچگونه وسیله دفاعی نداشتند حمله کردند .

عده‌ای از مردم شهید شدند ؛ عده‌ای مجروح و زخمی و عده‌ای هم توانستند جان سالم بدر برند . همین جریان ، موجب حرکت وقیان مردم در دیگر شهرهای مختلف ایران شد . به مناسبت بزرگداشت شهدای این روز ، قیام فراگیر ملت ایران از تبریز آغاز و رفته رفته تمام ایران را فرار گرفت . به همین مناسب کوچه ما کوچه قیام نام گذاری شد . و وقتی حضرت امام (رحمه الله) به قم مشرف شدند به منزل ما نیز تشریف آوردند ، و به محضر ایشان عرض شد که انقلاب اسلامی از این خانه آغاز شده است . بعد از جریان این سخنرانی در روز 19 دی ، در انتظار این بودم که ساواک دنبالم بیاید و دستگیرم کند ؛ به این جهت در تهران کاری داشتم رفتم که آن را انجام دهم . وقتی به تهران رفته بودم . شبانه به منزل ما ریخته و همه جا را گشته بودند . وقتی از تهران برگشتم و جریان را به من گفتند . خودم را بیشتر آماده کردم و بعد از خداحافظی و آماده شدن ، به ساواک تلفن زدم و گفتم : اگر با من کاری دارید از تهران برگشته‌ام . حدود نیم ساعت بعد آمدند و مرا به شهربانی قم بردند ، و از آنجا مرا به خلخال تبعید کردند . تبعیدی من در خلخال چندین ماه به طول انجامید . در این مدت نسبت به من سخت‌گیری فراوان میشد . هر روز لازم بود به شهربانی رفته و دفتری را امضا کنم . منزل ما را شدیدا کنترل می‌کردند ؛ حتی رفت و آمدهای عادی را زیر نظر داشتند . تهیه ارزاق عمومی را برای ما مشکل کرده بودند و به کسبه سفارش می‌کردند که از فروش اجناس مورد لزوم به ما خودداری کنند . یک روز صبح که برای امضا دفتر رفته بودم ؛ به من گفته شد که دیگر به منزل برنگردم ؛ چون می‌خواستند مرا به سقز ببرند . هر چه اصرار کردم که بروم و حداقل خبر بدهم پذیرفته نشد . مرا به همراه چند مأمور به سقز منتقل کردند . در سقز چند نفر دیگر از آقایان نیز تبعید بودند . دوران تبعید را با مشکلات فراوان سپری می‌کردیم . دولت شریف امامی که روی کار آمد برای کسب و جاهت - به اصطلاح - زندانی‌های سیاسی را آزاد می‌کرد و تبعیدیها را برمی‌گرداند . در این زمان نیز من از تبعید گاه آزاد شدم . از آخرین تبعیدگاه خود یعنی سقز کردستان که آزاد شدم امام خمینی »رضوان اللّه علیه« در پاریس »نوفل لوشاتو« بودند، پس از چند روز در قم به پاریس رفته ، در نوفل لوشاتو به محضر مقدس امام »رضوان اللّه علیه« شرفیاب و چند روز در جلساتی که در محضر آن پرچمدار نهضت اسلامی و استاد بزرگ تشکیل می‌شد شرکت می‌نمودم و چند دفعه با معظم له ملاقات خصوصی داشتم . و در هنگامحرت برای ایران به بنده ورقه‌ای که با خط مبارک خود نوشته و مطالبی که درباره حکومت اسلامی بعد از سقوط رژیم ستم شاهی در آن مرقوم داشته بودند دادند که بنده آنرا با آقایان دکتر بهشتی و استاد مطهری مورد مذاکره قرار بدهم و نتیجه را به نوفل

لوشاتو گزارش بدهم که انجام دادم . تلاش برای اعلام مرجعیت حضرت امام خمینی (رحمه الله):
از جمله جریانهایی که در آن دوران پیش آمد ، جریان در گذشت آیة اللَّه العظمی حکیم (ره) بود . ما به لحاظ خصوصیات علمی و دیگر خصائص روشن و بارزی که در حضرت امام ، سراغ داشتیم ، تصمیم گرفتیم کاری کنیم که چهره ایشان ، خارج از حوزه‌های علمیه نیز برای مردم بهتر و کاملتر شناخته شود . از این جهت تصمیم گرفتیم اعلامیه‌ای بدهیم که : بعد از مرحوم آقای حکیم ، مردم به حضرت امام مراجعه کنند . دوازده نفر از مدرسین حوزه علمیه قم ، که اینجانب نیز جزء ایشان بودم این اعلامیه را در تأیید مرجعیت حضرت امام بعد از مرحوم آقای حکیم امضاء کرده و پخش کردیم . علمای شهرستانها از این اعلامیه استقبال خوبی کردند و در بعضی از مراکز ، آقایان اعلامیه را روی منبر برای مردم خوانده بودند که تأثیری گذاشته بود . بعد از صدور این اعلامیه ، منتظر بودم که دنبالم بیایند ؛ چرا که می‌دانستم صدور چنین اعلامیه‌ای بی‌عاقبت نیست . همین طور هم شد ، یک روز ظهر مأمورین ساواک به منزل ما ریختند ، و ما در این جریانات نیز به وظیفه خود عمل کردیم . مسافرتهای علمی ـ فرهنگی :
آیت ا... العظمی نوری همدانی با الهام از توصیه قرآنی مبنی بر « سیروافی الارض » سفرهای زیادی به اقصا نقاط جهان داشته و در این سفرها ضمن انجام مباحثات علمی با برخورد با افکار و فرهنگهای گوناگون بر تجارب خویش می افزودند . ایشان در مورد مسافرتهای خارج از ایران خود چنین می فرمایند : من در سال 58 و 59 که نماینده حضرت امام در اروپا بودم و به آن دیار رفت و آمد داشتم در ظرف این دو سال در موقع تحصیل در قم اشتغال به تدریس داشتم ولی در موقع تعطیلی حوزه به کشورهای اروپا از قبیل : انگلستان ، فرانسه ، آلمان ، اطریش ، ایتالیا ، سوئد ، بلژیک ، هلند ، دانمارک ، سوئیس ، نروژ ، فنلاند ، اسپانیا ، یونان ، و ترکیه مسافرت می‌کردم ، و در طی ملاقاتها و مصاحبه و تشکیل مجالس حقایق اسلام و عظمت انقلاب اسلامی را بیان می‌کردم ، و به سؤالات علمی و مذهبی با توفیق خداوند پاسخ می دادم ، و سفرهائی به پاکستان و یک سفر هم به تایلند ، پاکستان ، بنگلادش و هندوستان رفته‌ام و در این سفرها علاوه بر معاشرت با فرقه های گوناگون و بیان معارف و مبانی اسلام ، توجه بیشتر به بیان مزایای انقلاب اسلامی ایران و نشان دادن چهره استکبار جهانی بود .

نوری، عبدالنبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ عبدالنبی نوری- ره- عالمی بزرگوار و مجتهدی عالی مقدار و نابغه‌ی در فقه و اصول و محققی در معقول و منقول و متبحری در فنون مختلف و از مراجع بزرگ زمان خود گردیده است.
وی در نور که از مضافات آمل است دیده بجهان گشوده و بعد از بلوغ به تهران مهاجرت و اولیات و سطوح را معقولا و منقولا تکمیل نموده و مهاجرت بعتبات عالیات کرده و از محضر علماء و بزرگان آن سامان استفاده نموده آنگاه بسامرا مشرف و ملازم ابحاث آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت پنج سال گردیده و پس از آن به تهران مراجعت و در محله‌ی (عودلاجان) رحل اقامت افکنده و به مراسم ارشاد و تدریس و اقامه جماعت در مسجد (پیره زن) اشتغال یافته و پس از آن منتقل بسرچشمه شده و مومنین مسجدی در اواسط خیابان سیروس نزدیک سرچشمه برای او بنا نموده (که اکنون بنام آن مرحوم معروف است) و در آنجا به اقامه جماعت و تدرس خارج فقه و اصول برای فضلاء و علماء تهران و موعظه مردم پرداخته تا در بیستم محرم‌الحرام 1344 قمری که برحمت حق واصل و جنازه‌اش از نیاوران شمیران که در دو فرسخی تهرانست بر دوش مردم بشهر ری و در مقبره ناصرالدین شاه در مجاورت حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام محازات قبر مرحوم علامه کنی مدفون گردید.
از مراجع بزرگواری که بدرس ایشان شرکت نموده است سید استاد ما حضرت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مد ظله العالی میباشند که حدود یکسال بدرس فقه و اصول ایشان شرکت و از جامعیت و مقام علمی و تبحر در فقه و اصولشان فوق‌العاده تمجید و تعریف می‌نمایند.
پس از فوت آن مرحوم فرزند ارجمندش جناب حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه آقای حاج شیخ بهاءالدین نوری بجای ایشان قرار گرفته و در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت نموده و بخدمات دینی اشتغال دارند و ایشان داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محد بهبهانی سابق‌الذکر و یکی از مشاهیر و محترمین علماء معاصر تهران و محترمین دانشمندان مرکزند، غالب تحصیلات ایشان در تهران در خدمت مرحوم والدشان و مدرسین بزرگ دیگر بوده و خود سالها بتدریس فقه و اصول و اصلاح امور مردم و

قضاء حوائج آنان اشتغال داشته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نوری، فضل‌الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از اکابر علماء مجتهدین و اجلای فقهاء و محدثین امامیه در 1259 ق متولد شد. پدرش مرحوم آخوند ملاعباس معروف به پیشنماز از علمای متقی و معروف بود. شیخ فضل‌الله پس از انجام تحصیلات مقدماتی و سطح عازم بین‌النهرین شد و قریب ده سال در عراق توطن نمود وی از شاگردان برجسته میرزا محمد حسن شیرازی بود و غیر از فقه و اصول و حدیث و کلام و فلسفه و ریاضیات، علوم غریبه مانند جفر و غیره را آموخت و شاعر هم بود و تخلص نوری داشت.
شیخ فضل‌الله پس از مراجعت از عتبات از معاریف علماء گردید و کار و بارش خیلی رونق گرفت و مرجعیت تام پیدا کرد و مورد توجه شاه و امناء دولت قرار گرفت. در واقعه تحریم تنباکو و بلوای آن شیخ در کنار حاج میرزا حسن آشتیانی قرار داشت و جزو چند مجتهد مجاهد بود. اعتمادالسلطنه برای رفع بحران تنباکو چندین بار به او مراجعه و از طرف شاه درخواست کرد به نحوی که ممکن است به غائله خاتمه دهد ولی شیخ جز بطلان قرارداد و جمع کردن بساط انگلیسها راهی را ارائه نداد. در مجلسی که در دربار از علماء و بزرگان برای مسأله تنباکو تشکیل شد شیخ فضل‌الله جدا در لغو قرارداد پافشاری کرد و ناصرالدینشاه ناچار در اجرای فتوای میرزای شیرازی و خواسته علمای تهران قرارداد را لغو و مبلغ پانصد هزار تومان غرامت پرداخت. شیخ فضل‌الله پس از فسخ قرارداد چند تلگراف به آیت‌الله شیرازی مخابره و ضمن اعلام فسخ قرارداد درخواست نمود فتوای حلیّت دخانیات را توسط او صادر نماید. شهرت و آوازه شیخ از احراز سلطنت ناصرالدینشاه به اوج رسید. اتابک برای حفظ خویش خود را به او نزدیک کرده، بیشتر دعاوی دولتی را به محضر او احاطه می‌کرد.
مرحوم ناظم‌الاسلام کرمانی در این باره چنین نوشته است: باری عین‌الدوله صندوق مالیه را ترتیب داد و خرابی دربار را خواست اصلاح کند لکن جهالت و استبداد و تکبر این شاهزاده کار را خرابتر کرد. با حاج شیخ فضل‌الله متحد گردید امورات شرعی و عرفی بلکه مملکتی را راجع به محکمه شیخ نوری نمود تا آنکه کار شیخ بالا گرفت و کارهای عمده را صورت و انجام می‌داد.
شیخ فضل‌الله که در دوران صدرات عین‌الدوله فعال مایشاء و همه کاره

بود از این موقعیت مغرور شد و از دوستان قدیم مانند سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبائی خود را کنار کشید و طبعا عین‌الدوله هم با داشتن شیخ فضل‌الله توجه زیادی به آن دو نداشت. این مسأله باعث شد که طباطبائی و بهبهانی طریق دیگری انتخاب کنند و آن مخالفت با عین‌الدوله و تأسیس عدالتخانه بود.
جبهه‌گیری روحانیت در دو جناح از همان موقع آغاز شد. شیخ فضل‌الله با همکاری شیخ علی‌اکبر بروجردی، شیخ محمد آملی از یک طرف و سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبائی از طرف دیگر مبارزه شدید و علنی خود را آغاز کردند. شیخ فضل‌الله توانست سید ابوالقاسم امام‌جمعه را نیز با خود همراه سازد.
اولین ضربتی که به گروه شیخ فضل‌الله وارد شد تخریب ساختمان بانک استقراضی روس بود که با فتوای سید محمد طباطبائی انجام گرفت.
توضیح آنکه در 1308 ه.ق ناصرالدینشاه امتیاز مؤسسه رهنی که بعد به بانک استقراضی تبدیل گردید به دو نفر از اتباع روسیه واگذار نمود. روسها تصمیم گرفتند که اداره مرکزی بانک را در بازار احداث نمایند از این رو پس از تفحص، محلی را در نظر گرفتند که در اراضی موقوفه سید ولی که در آخر بازار کفاشها واقع و مدرسه مخروبه و قبرستان متروکه بود، برای ساختمان درنظر گرفتند. برای اجازه آن به چند نفر از روحانیون مراجعه کردند، ولی هیچکدام زیربار اجازه نرفتند، سرانجام به حاج شیخ فضل‌الله رجوع کردند و او حاضر شد اراضی مزبور را جهت ساختمان بانک به مبلغ هفتصد و پنجاه تومان به ملاحظه تبدیل به احسن به روسها بفروشد و روسها عمارت بزرگ و مجللی در آن زمین موقوفه برپا کردند. در 1323 ه.ق که مبارزه در جناح روحانی آغاز شد از طرف سید محمد طباطبائی موضوع در چند مجلس مطرح و بعضی از وعاظ به آتش دامن زدند تا اینکه در یک روز جمعیتی حدود بیست هزار نفر به محل بانک رفته و ساختمان مزبور را در یک طرفه‌العین محو و نابود کردند.
بعد از مراجعت مظفرالدینشاه از سفر سوم اروپا، عین‌الدوله در مظان اتهامات زیادی قرار گرفت و جناحهای مختلف علیه او شروع به فعالیت نموده شبنامه‌ها منتشر شد و روزنامه‌ها تهمتهای فراوان به او زدند. بازار سیاست از هر طرف آشفته‌تر شد و موضوع چوب زدن تجار قند و تبعید سعدالدوله وزیر تجارت به مناسبت حمایت از تجار، دسته دیگری از اصناف و تجار را در صف مخالفین عین‌الدوله جا داد. موضوع تأسیس عدالتخانه که نخستین خواسته روحانیت و تجار و اصناف بود ظاهرا مورد موافقت شاه قرار گرفت؛ ولی عین‌الدوله با وعده و وعید در انجام آن تعلل می‌کرد. شیخ فضل‌الله با هوش و فطانت خاصی که داشت سقوط عین‌الدوله را نزدیک دید و برای اینکه در آینده جایی برای خود داشته باشد با سید

عبدالله و سید محمد مجددا نزدیک شد ولی این بار سیدین او را به بازی نمی‌گرفتند و رفت و آمد آنها ظاهری بود. شیخ فضل‌الله از لحاظ مراتب علمی و فقاهت اعلم بر سایرین بود ولی در این برهه از زمان حاضر بود در کنار پیشوایان دیگر قرار بگیرد. از این رو در قیامی که منجر به صدور فرمان مشروطیت گردید خدمات زیادی انجام داد ولی سید عبدالله بهبهانی که رقابت شدیدی با او داشت بین شیخ فضل‌الله و سایرین افتراق ایجاد کرد. شیخ فضل‌الله حاضر بود همه گونه با آنها همراهی و همکاری کند ولی مخالفین او را به حریم خود راه ندادند و او ناگزیر از صف آنان اعراض نموده خود را به دامان محمد علیشاه انداخت و مشروطه مشروعه را برای خود عنوان نمود و در آن زمینه که عاقبتی ناگوار برایش داشت گام برداشت. تا زمانیکه مظفرالدینشاه حیات داشت اختلاف بین مشروطه خواهان و مستبدین زیاد به چشم نمی‌خورد و جبهه‌های مخالف و موافق در مقابل یکدیگر قرار نگرفته بودند ولی پس از مرگ او و اعلام پادشاهی محمد علیشاه وضع تغییر کرد. سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی با قبول نمایندگی اقلیتهای مذهبی در گردش کار مجلس سرپرستی داشتند. دولت‌ها برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود بد آنها توسل می‌جستند و هر کاری با مداخله آنها انجام می‌گرفت. منزل آندو، محل رفت و آمدهای سیاسی بود، همه چیز در اختیار آنها قرار گرفته بود و شیخ فضل‌الله در عوض تمام قدرت خود را از دست داده بود.

در یکسال اول سلطنت، محمد علی شاه آنچنان که منعکس شده است با مشروطه مخالف نبود ولی دستجات تندرو، مانند بعضی از نمایندگان، انجمن‌های مختلف و مطبوعات موجبات جدایی شاه را از مشروطه و مجلس فراهم کردند. قتل اتابک، سوءقصد به محمد علی شاه و فشار به شاه برای اخراج درباریان از موجباتی بود که شاه را نسبت به مشروطیت منزجر نمود و خواه و ناخواه به دامن استبداد پناه برد. شیخ فضل‌الله هم که از نشستن روی قالیچه محروم شده بود برای بدست آوردن قدرت در تشویق و کمک به برنامه‌های استبدادی شاه تأثیر بسزایی داشت.

شیخ فضل‌الله در مقابل روحانیون مشروطه خواه جناح مستبدرا پی‌ریزی کرده خود در رأس آن قرار گرفته و عنوان مشروطه مشروعه به آن داد؛ زیرا وی معتقد بود مشروطه را چون شاه مرحوم به ملت اعطاء کرده چیز بدی نیست ولی منظور آن شاه مشروطه مشروعه است که با موازین شرعی تطابق دارد.

اقدامات شیخ فضل‌الله علیه مشروطه و مشروطه‌خواهان از اوایل 1286 ش آغاز شد و در روز سوم تیر ماه همانسال در رأس عده‌ای از روحانیون و طلاب و اصناف که بالغ بر پانصد نفر می‌شدند به حضرت عبدالعظیم رفته و در آنجا تحصن اختیار نمودند. وعاظ حاضر در آن تحصن همه روزه

ضمن ایراد سخنانی حکومت مشروطه را خلاف شرع دانسته و تقاضای جدی از شاه به عمل آورده که باید مشروطه مشروعه شود. در همان ایام همه روزه تلگراف‌هایی در این زمینه با امضای شیخ فضل‌الله و سایر روحانیون و مجتهدین به علمای نجف مخابره می‌گردید و همچنین تلگراف‌هایی به تمام شهرهای ایران مخابره می‌شدند. مهمترین واقعه‌ای که علیه مشروطیت با سرپرستی و ارشاد شیخ فضل‌الله صورت گرفت واقعه توپخانه بود. ابتدا عده‌ای از اجامر و اوباش و مخالفین مشروطه به سرکردگی مقتدر نظام و صنیع حضرت به مجلس شورای ملی حمله برده بین آنها و مخالفین مجلس کار به تیراندازی رسید و سپس دامنه زد و خورد به توپخانه کشیده شد. در توپخانه شیخ فضل‌الله و شیخ علی‌اکبر بروجردی و شیخ محمد آملی و حاج میرزا ابوطالب زنجانی در مسند فرماندهی نشسته و وعاظی مانند سید محمد یزدی و سیداکبر شاه و سید علی آقا یزدی حاضر بودند و هر کدام به نوبت بالای منبر قرار گرفته، مطالبی در ذم مشروطیت و مجلس ایراد می‌نمودند. سرانجام شیخ فضل‌الله به منبر رفته و مشروطه‌خواهان را تکفیر نمود و آنان را به عنوان مرتد و بابی نام برد. در میان مستبدین عده‌ای مشروطه خواه هم داخل شده بودند و گاهی با فرستادن صلوات سخنان ناطقین را قطع می‌کردند و یا شعارهایی می‌دادند. برای آرامش مجلس مستبدین شخصی را به نام میرزا عنایت زنجانی که بیش از همه شعار می‌داد گرفته و او را کشتند و نعش او را به درختی آویزان کردند. واقعه توپخانه دو سه روزی به طول انجامید.
سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی هم در مقابل اقدامات شیخ فضل‌الله و اعوان و انصارش ساکت ننشسته، علمای نجف را نسبت به او بدبین ساختند و در نتیجه عده‌ای از علمای نجف مانند محمد حسین میرزا خلیل، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی طی تلگرافی شیخ فضل‌الله نوری را به علت مخالفت با مشروطه تکفیر کردند و متذکر شدند مخالفین را به ارض اقدس تبعید نمایند. متن تلگراف علمای نجف چنین بود:
حجج اسلام بهبهانی، طباطبائی؛ چون نوری مخل آسایش و مفسد است تصرفش در کلیه امور حرام است.
کشمکش بین مشروطه خواهان و مستبدین سرانجام به خون کشیده شد و لیاخف به دستور محمد علی شاه مجلس را به توپ بست و صدای مجاهدین و مشروطه‌خواهان موقتا خاموش شد. جمع کثیری از مجاهدین و مشروطه‌خواهان به زندان باغشاه افتادند و عده‌ای نیز به وضع فجیع اعدام گردیدند، بهبهانی و طباطبائی هم به تبعید رفتند. شاه در باغشاه به تخت نشست و شیخ فضل‌الله نیز مجددا به قدرت رسید و مقام و موقعیتش از سال‌های قبل بیشتر شد و آنچه او می‌گفت شاه به انجامش می‌کوشید.

در آبان ماه 1287 به دستور شیخ فضل‌الله نوری اجتماع بزرگی در باغشاه مقر محمد علی شاه با شرکت روحانیون، رجال، معاریف، بازرگانان، اصناف و مالکین تشکیل شد و مذاکراتی پیرامون نوع حکومت در ایران آغاز شد. شیخ فضل‌الله فریاد برآورد مشروطه با شریعت سازگار نیست و تلگراف‌هایی را که از طرف بعضی از روحانیون شهرها و مردم در مخالفت با مشروطه رسیده بود قرائت نمود. سرانجام عریضه‌ای به شاه نوشته و استدعا کردند از مشروطه صرفنظر نمایند. عده زیادی از علماء این عریضه را امضاء کردند، امضاء اول مربوط به شیخ فضل‌الله بود.
یک هفته بعد مجددا جلسه‌ای در باغشاه با حضور علماء و بزرگان و معاریف تشکیل گردید و شاه نیز در آن جلسه مشارکت کرد و مصرا از وی خواستند که مشروطه را فراموش کند.
محمد علی شاه اعلامیه‌ای انتشار داد و متذکر شد چون پیرو احکام مقدس اسلام می‌باشم و چون علماء اعلام نموده‌اند مشروطیت خلاف شریعت است لذا انصراف خود را از مشروطه اعلام می‌داریم. اعلامیه محمد علی شاه در اذهان مشروطه‌خواهان تأثیر بسیار بدی گذاشت. همه می‌دانستند تصمیم شاه ناشی از تلقین شیخ فضل‌الله است، از این رو عده‌ای کمر به قتل او بستند و برای اجرای قتل کریم دواتگر را انتخاب نمودند. ساعت 8 بعدازظهر روز 9 دی ماه 1287 هنگامی که شیخ با چند نفر از خادمین خود عازم منزل بود مورد سوءقصد قرار گرفت و شیخ و سه نفر از خادمین مجروح شدند. ضارب وقتی دستگیر شد تیری در دهان خود خالی کرد و مجروح شد. شیخ فضل‌الله پس از مدتی ضارب خود را بخشید و قریب یک ماه بستری بود تا سرانجام بهبود یافت (کریم دواتگر سرانجام به تیر غیب گرفتار و کشته شد).
فتح تهران توسط قوای بختیاری و مجاهدین گیلان به جنگ مستبدین و مشروطه خواهان پایان داد. محمد علی میرزا از سلطنت خلع و احمد میرزا ولیعهد به جانشینی او به تخت نشست و عضدالملک نایب‌السلطنه شد. مستبدین و طرفداران محمد علی شاه دو دسته شدند، عده‌ای همراه او به سفارت روس رفتند و عده‌ای هم در دیگر سفارت‌خانه‌ها بست نشستند. قبل از گرفتاری شیخ فضل‌الله از سفارت روس به او مراجعه شد و به او تأمین جانی و مالی پیشنهاد کردند، ولی شیخ نپذیرفت و شهادت را بر توسل بر اجنبی ترجیح داد.
جریان دستگیری و محاکمه و اعدام شیخ فضل‌الله در چند کتاب منقوش است. مرحوم مهدی ملکزاده در کتاب تاریخ مشروطه خود مشروحا به این موضوع اشاره کرده است که ما عین نوشته ایشان را نقل می‌نماییم:
توقیف و حبس حاجی شیخ فضل‌الله
به خلاف محمد علی شاه و صدر اعظمش سعدالدوله و جمعی از وزرا و

درباریان و رجال مستبد که نامردانه پس از آنهمه جنایت و آدم‌کشی راه فرار را پیش گرفتند و به سفارت اجنبی که بزرگترین دشمن استقلال ایران بود پناه بردند. حاجی شیخ فضل‌الله استقامت و شخصیت خودش را حفظ کرد و در خانه ماند و منتظر پیش آمد و تقدیرات شد. می‌گویند همانروز که محمد علی شاه به سفارت رفت سعدالدوله برای حاجی شیخ فضل‌الله پیغام فرستاد که جان شما در خطر است و خوب است به یکی از سفارتخانه پناه ببرید ولی حاج شیخ فضل‌الله از این پیشنهاد سرباز زد و زیر بار این ننگ نرفت و جواب داد مقام روحانیت من اجازه‌ی اقدام به این عمل را نمی‌دهد.
در همانروز کسانی که از طرف حاجی شیخ فضل‌الله به وسیله پنجاه عدد تفنگ سه تیر که از دولت گرفته بود مسلح شده بودند و در اطراف خانه‌اش سنگربندی کرده و تا ساعت آخر با مشروطه‌خواهان جنگیدند متفرق شدند و از صدها نفر پیروان و مریدان که همه روز گردش جمع می‌شدند و در مجمعش حضور پیدا می‌کردند کسی دیده نمی‌شد و جز چند نفر مستخدم شخصی و افراد خانواده‌ای کسی در خانه و اطراف او نبود روز 12 رجب جمعی از مجاهدین به خانه شیخ رفتند و او را دستگیر نمودند و به وسیله درشکه به میدان توپخانه‌اش آوردند و در یکی از اطاق‌های طبقه فوقانی محبوسش نمودند آری شیخ در همان میدان توپخانه که در یک سال و نیم پیش در پوش سلطنتی که برای او برپا کرده بودند و در صدر آن جای داشت و هزارها نفر را بر ضد مشروطه و حکومت ملی قیام داده بود محبوس گردید.
ناگفته نگذاریم به خلاف رفتار عمال استبداد با محبوسین باغشاه مجاهدینی که شیخ را دستگیر و محبوس نمودند کوچکترین بی‌احترامی در حق او روا نداشتند و کاری که موجب رنج و شکنجه‌ی بدنی و یا روحی او بشود ننمودند و می‌توان گفت تا حدی با احترام به او عمل کردند.
شیخ از زمانیکه حبس شد تا موقعیکه اعدام گشت تمام ساعات را با بردباری و خونسردی و متانت گذراند و ضعف نفس از خود نشان نداد و راه عجز و ناله و توسل به این و آن را در پیش گرفت و شخصیت خود را حفظ کرد.
محاکمه و اعدام
محققین و کسانی که به تاریخ نهضت‌های ملل و انقلابات امم آگاهند به خوبی می‌دانند که در انقلابات ملی همینکه کسی جلب به محکمه انقلابی شد مخصوصا اشخاص مهم که گذشته‌ی آنها برای همه روشن است و به خوبی و بدی آنها همه آگاهی دارند و عهده‌دار و رهبری دسته مخالف را داشته‌اند قبلا محکوم به اعدام بوده و تشکیل محکمه جز صورت سازی چیز دیگری نیست.

حاجی شیخ فضل‌الله هم از این قاعده عمومی مستثنی نبود و می‌توان گفت که پیش از محاکمه محکوم به اعدام شده بود و همینکه دستگیر و جلب به محکمه انقلابی شد محکومیت او غیرقابل اجتناب بود.
محکمه انقلابی در عمارت توپخانه که در قسمت جنوبی میدان توپخانه بود با عضویت رؤسای مجاهدین تشکیل گردید و به همان نحویکه صنیع حضرت و آجودان‌باشی را محاکمه نمودند شیخ را احضار به محاکمه او پرداختند.
ناگفته نگذاریم که اعضای محکمه انقلاب اکثرشان سران مجاهدین تندرو و بقول معروف دو آتشه بودند و رؤسای معتدل و سرداران از عضویت محکمه سرباز زدند و خود را به آنچه می‌گذشت نمی‌خواستند آشنا کنند و حتی به روبرو شدن با جلب شدگان خودداری کردند.
ادعانامه
شیخ ابراهیم زنجانی ادعانامه‌ی مفصلی که حاکی بر
مجرمیت شیخ بود قرائت نمود و اعدام مجرم را از محکمه تقاضا کرد.
چون ادعانامه‌ی مذکور دارای مقدمه طولانی است و درج آن در این تاریخ چیزی بر معلومات خوانندگان نمی‌افزاید از نگارش آن صرفنظر نموده و اصل ادعانامه را از نظر خوانندگان می‌گذرانیم.
وقتی که شدت و ظلم جور مقتدرین و عالم نمایان به احکام ناسخ و منسوخ و ناحق ایشان و تعطیل احکام اسلام و هرج و مرج امور خواص و عام در ایران به نهایت شدت رسید عموم خلق علاج را به مشروطیت دولت دیدند که اساس آن این است که تصرفات امرا و عالم نمایان و پادشاه در نفوس و اعراض و اموال خلایق به طور دلخواه مطلق نبود، حدی در تصرف پادشاه و حکام و دیگران بود و احکام الهیه چنانچه در اسلام مقرر است در حق همه جاری شود نه اینکه وقتی مقتدرین مرتکب فساد بشوند منعی نباشد و ضعفا صد مقابل مجازات ببینند و جمعی همیشه در کمال راحت و معبودیت دسترنج دیگران را گرفته به صرف عیش رسانیده و ایشان را در ذلت و بدبختی نگاهدارند.
جمعی از عقلا از طرف مردم جمع شده و مشاوره در اصلاح امور مملکت و معیشت و حفظ آب و خاک و رفع تعدی متعدیان نموده و نگران باشند که آنچه مردم بعنوان مالیه برای حفظ امنیت می‌دهند به مصرف عیاشی غارتگران نرود.
مظفرالدین شاه قبل از محمد علی میرزا مخلوع این استدعای ملت را قبول کرده قانون و عهدنامه اساسی را امضا کردند و جنابعالی هم با چند نفر از معروفین علما در استحکام این اساس دخالت داشته زیاده از هشت ماه اغلب خودت حاضر مجلس شوری بود و با حضور شما و جمعی دیگر مواد قانون اساسی نوشته شده و تصحیح شد، چه شد ناگهان شق عصای امت کرده ایجاد خلاف میان مردم نموده و علم مخالفت بلند کرده و جمعی

از اشرار را بدور خود جمع نموده و ماده‌ی مفسده عظیم و علت اولیه‌ی خونریزی پنجاه هزار نفر نفوس ایرانی بی‌گناه و هتک اعراض و رعب قلوب و سلب بیشتر از صد کرور اموال و تخریب آبادیها گردیدید، اگر این عنوان حرام بود چرا خود هشت ماه در استحکام آن کوشیدی و اگر حلال و واجب بود چرا با آن شدت مخالفت نمودی و مردم را به ضدیت با یکدیگر دعوت فرمودی چرا بعد از اینکه اظهار مخالفت کردی مکرر به تو نصیحت کردند یک شب بنده خوده هم بودم در خانه آقای میرزا سید محمد طباطبائی، آقا سید عبدالله بهبهانی هم بود و بیست و پنج نفر از معتبرین وکلا هم حاضر بودند قسم غلیظ و شدید در حضور کلام‌الله مجید یاد کردی که خیانت به ملت نکرده، همیشه موافقت با مشروطیت نمایی مجددا بعد از چند روز قسم را شکسته ندای فساد دادی و چادر مخالفت زدی بعد جماعتی را گرد آورده و گفتی خلاف من فقط در سر آن یک ماده قانون اساسی است، باز جمعی همان ماده را برداشته در خانه خودت آورده، بنده هم بودم و به اتفاق بیست نفر از وکلا مدلل کردیم که همان ماده همانطور که هست باید نوشته شود باز قرآن حاضر کرده قسم مؤکد یاد کردی که دیگر ابدا مخالفت نکنی و فردا به مجلس بیایی به ناگاه قسم و عهد را شکسته به حضرت عبدالعظیم رفتی در حضرت عبدالعظیم کتبا و نطقا چه افترا که به وکلا نزدی چه فساد بود که نکردی به چه دلیل وکلا را بابی و دهری خواندی آیا تصور نکردی که در قانون انتخابات بعموم اهل ایران دستورالعمل داده شده که هرکس را متدین و امین دانند انتخاب کنند.
آیا همه مردم بابی بودند که بابی انتخاب کردند یا سایرین غیربابی بودند و در میان خود امین را غیربابی نیافتند یا آنکه خاصیت دیوارهای بهارستان بود که کسانیکه آنجا آمده‌اند بعد از چند ماه بواسطه پولهائی که شما گرفتید آنها بابی شدند.
در حضرت عبدالعظیم هر مجمع فساد که شما رئیس آن بودید جمعی از اوباش مفتخوار را از چند هزار تومان تا چند دینار خرج می‌دادید. آیا این پولها را که به شما داده بود که فساد کنید، آیا از خود می‌دادید، جنابعالی هم مثل من از عتبات در حال فلاکت عودت کردید این پول را از کدام تجارت یا صناعت یا کسب گرد آوردید، این یا رشوه احکام و یا مال فقرا و ایتام بود البته این پول را در مدتی جمع کرده بودید به چه دلیل در پیش چشم خودت فقرا و ضعفا و ایتام با کمال عسرت معیشت می‌کردند و تو این اموال فقرا را ضبط کرده زیاده از عیش با وسعت در چنین مقام افساد و اشرار می‌دادی، اگر شما مشروطیت را حرام دانستید دیدید که عموم علماء مرجع تقلید عتبات و سایر بلاد ایران جز چند نفر ریاست طلب و دنیاپرست همه آن را واجب دانستند و اقلا نه عشر مردم ایران در طلب آن جان می‌دادند آیا ممکن است حرمت چنین چیزی مضر دین باشد تا منکر

آن کافر و مرتد و مستحق قتل گردد، نهایت اینکه بی‌انصافی کرده می‌گفتید مسئله خلافی است رأی من این است که باید تأیید مقتدرین و ظلام کرد در چنین مسئله خلافی مخالف آن عاصی نیست تا چه رسد با آنکه کافر باشد.
پس به چه دلیل اشرار را اغوا می‌کردید که مشروطه‌طلبان را از قتل و ضرب به هر اذیت معاف ندارند.
بعد از آنکه مقدار پولها که گرفتید در حضرت عبدالعظیم به مصرف افساد رسانیدید و نمی‌دانیم چه قدر ذخیره کردید.
و بالاخره از آنجا مأیوس شدید این حرام که می‌گفتید کم کم حلال شد و سکوت جایز گردید؛ زیرا رأی شما تابع اشارات بود و در واقعه‌ی میدان توپخانه نمی‌دانم وجه مأخوذی به چه کثرت بود که به آن شدت اقدامت وحشیانه و متجاهرانه را نمودید خود را رئیس‌الاسلام نامیده با مهتر و قاطرچی و ساربان و کلاه‌نمدیهای محلات و اشرار همدست شده چادر در میدان زده در حضور مبارک شما آن اشرار مستانه فریاد ما چای و پلو خواهیم مشروطه نمی‌خواهیم، بلند کرده و همه قسم رذالت و فحاشی کردند. چند نفر بی‌گناه را کشتند و به اشاره و سکوت شما از درخت آویخته چشم مقتولین را با خنجر در حضور عالی درآوردند بفرمایند آن مقدار مصارف که با آن جمعیت و شرارت صرف می‌شد و جنابعالی شرکت داشتید از چه محل حلال بود تلگرافات افساد شما به شهرها در تلگرافخانه‌ها موجود است کدام فساد و شرارت را در آن چند روز محض میل محمد علی میرزا فروگذار کردید. آیا می‌توان گفت این است حمایت اسلام، شما را به هرچه اعتقاد دارید قسم می‌دهم اگر حضرت پیغمبر یا امام علیه‌السلام حاضر بودند آن مجمع شما را به چه نام می‌نامیدند.
بعد از اینکه از فساد میدان توپخانه نتیجه مطلوبه حاصل نکردید با دست‌های مخفی که هشیاران می‌دیدند در همه قسم فساد و هرج و مرج در اجتماعات و انجمن‌ها و اغتشاش بلاد و مغشوش کردن ذهن محمد علی میرزا و تقویت او به مخالفت ملت اقدام کافیه کردید در بیرون رفتن محمد علی میرزا از شهر به باغشاه و ترتیب مقدمات تخریب مجلس شورا و محل امید ملت ایران سرسلسله شاپشال و امیر بهادر و مفاخرالملک و صنیع حضرت و مجلل و مجدالدوله و حاجی محمد اسماعیل مغازه و امثال ایشان شما بودید.
و اکثر دستورالعملها را می‌دادید آیا شکستن عهد و قسم و توپ بستن به خانه خدا و قتل نفوس و هتک قرآن و زدن افترا و بهتان به وکلای پارلمان این اعمال را حلال می‌دانستید یا خیر آیا در حبس و زجر سادات و محترمین و به حلق آویختن مظلومین و حبس و زنجیر مردمان بی‌تقصیر و کشتن آن جمع کثیر محمد علی میرزا را مصاب می‌دانستید یا مخطی، اگر

مخطی می‌دانستید چرا نهی نکردید اگر قدرت نداشتید چرا مثل ملت علم اعتراض و تحصن به حضرت عبدالعظیم و جمع نمودن مردم و جلوگیری از منکر و رفع فساد نکردید بلکه با کمال خرمی و انبساط به تبریک رفته و اظهار شادمانی کردید و تأیید شدت‌هایی که کردند نمودید.
آیا آن قتل نفوس و گرفتاری و تبعید محترمین و تصرفات در اموال ملت که ذخیره‌ی چند ساله‌ی ایران بود و اخذ تقدیمات بر حکومتها و اعطاء مناصب و تصرفات در خزانه و مالیه مملکت از مالیات و گمرک و تلگرافخانه و غیرها و اتلاف اشیاء ذخیره و پامال کردن اسلحه قورخانه و تقویت در فرستادن لشکر به یک شهر معتبر ایران مثل تبریز که چندین هزار ضعفا و عجزه و نسوان و اطفال دارد و در خانه خود نشسته هجوم بر کسی نمی‌کردند، بلکه در مقابل زورگویی آنها دفاع از خود می‌کردند این فرستادن توپها و افواج و امثال رحیم‌خان و بستن راه آذوقه بر مردم یک شهر و تخریب و غارت دهات آذربایجان و هتک نسوان و تصرف در تمام امور و اموال مردم و هوای نفس که از محمد علی میرزا و مشیرالسلطنه و قوام‌الدوله و مجدالدوله و امیربهادر و سایر شرکاء شما بودند که سلطنت غیرمشروطه عبارت از اینگونه کارها است اینها را شرعی و صحیح می‌دانستید:
اگر شرعی نمی‌دانستید به خط خود نوشته بدهید اگر شرعی می‌دانستید به چه جهت تأیید می‌کردید و شب و روز با مشیرالسلطنه و امیربهادر ترتیبات می‌دادید. لامحاله مشروطیت از این حرام‌تر نبود، پس چرا برای منع این کارها اقداماتی نکردید به حضرت عبدالعظیم نرفتید و به میدان توپخانه جمع نشدید و فریاد نکردید.
در این استبداد صغیر: چه پولها از مردم برای احکام و توسط و نصب حکام و اعطای مناصب گرفتید و چه پول‌ها از مال ملت از دست محمد علی میرزا گرفتید، اگر راست بگوئید باید بیش از صد هزار تومان از این میان برده باشید، آخر این چه بی‌رحمی است این مال رعیت بیچاره است بگوئید کجا ذخیره شده بدهید به هزار قسم مورد حاجت خرج کنند.
این وسط چه تحریکات شما و امام جمعه به میرزا حسن تبریزی و ملاباقر زنجانی و سایر عالم نمایان و اشقیا کردید.
تلگرافات و مکتوبات شما همه را در دست دارند که القاء فساد کرده به شرکت ایشان خونها ریخته و خانه‌ها بر باد دادید و آتش بدودمانها زدید که هنوز دود آن فضا را تیره کرده مگر این مردم به شما چه کرده‌اند مگر از برکت مال و خدمات ایشان محترم و مکرم و صدرنشین و معبود و مسجود و نافذالکلمه و صاحب مال و عیش و پارک و قصر و جلال نشدید، آیا جزای خدمات این مردم بیچاره این بود.
آیا به قدر سعی در کشتن ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان و قاضی

قزوینی اقدامی کردید، بر فرض عدم اصلاح حکم خداوند این است که هر یک از این دو دسته را یاغی بدانید و با او جنگ کنید، شما آیا تبریزیها را که در خانه‌ی خود نشسته بودند و سرداران ملت را که می‌خواستند به این شهر آمده مطالب خود را بگویند، جلو راه ایشان را گرفته مانع شدند اینها را یاغی می‌دانید پس چرا مخلوط با سرباز و قزاق و الواط صنیع حضرت شده با آنها جنگ کردید.
و اگر لشکریان امیربهادر را یاغی می‌دانستید چرا با ملت موافقت نکرده با آنها جنگ نکردید.
نگوئید که چون عمامه داریم و زحمت و مشقت و سینه بگلوله دادن و در مقابل آفتاب در خاک خوابیدن را به سرباز داده‌ایم و خود باید از لذایذ متنعم باشیم، مگر حضرت پیغمبر و علی علیه‌السلام عالم نبودند یا عمامه نداشتند که اسلحه برداشته جهاد کردند.
بعد از توپ بستن مجلس و مسجد و هتک قرآن و قتل نفوس چه محبوبیت در دربار محمد علی میرزا پیدا شد که شما شب و روز و اکثر اوقات را با محمد علی میرزا و امیربهادر و غالب اوقات در کالسکه مشیرالسلطنه تشریف برده خلوتها کرده و نقشه‌ها برای تخریب بلاد و تعذیب عباد کشیدید با آن همه قدس و مسجد و عمامه علنا بر عدوات حجج‌الاسلام و آیات الله فی‌الانام که مرجع خواص و عام در عتبات مقدسه هستند اظهار عناد کردید بلکه تفسیق نمودید، آیا امیربهادر و ارشدالدوله و مجدالدوله را بهتر از مرحوم حاجی میرزا حسین و آقای خراسانی و آقای مازندرانی تصور می‌کردید؛ چرا خود و امثال خودتان از ملاهای رشوه‌گیر اجتماع کرده کنکاشها برای سختگیری به مردم و اذیت عدالت طلبان می‌نمودید، آزاد حرف می‌زدید و هر کجا می‌رفتید اما بندگان خدا را از اجتماع و مراوده با یکدیگر و گفتن حرف حق منع می‌کردید در این سیزده ماه چقدر سرباز و قزاق مسلح در هر معبر گماشته هر نوع اهانت و خواری به مردم کردید اگر آزادی در حرکات خوب است، چرا مردم را منع کردید، بد است چرا داشتید.
وقتی که محمد علی میرزا اعلان کرده بود که در 19 شوال انتخاب و افتتاح مجلس شود، شما و امثال خودتان که برای یک فلوس از دین و مذهب دست می‌کشند جمع کرده بر ضد عموم ملت ایران و تمام مسلمانان عالم و علمای عتبات و علمای بی‌غرض احکام نوشته و مهر زده و گفتید باید مشروطه داده نشود مشروطه حرام است و از طرف ملت هم گفتید مردم نمی‌خواهند با اینکه از آفتاب روشن‌تر است که اینها همه عمدا از روی کنکاش محض دریافته‌اند جزئی وجه رذالت بود مسلما شما حرام دانسته رد کردید.
شما که خود را رؤسای اسلام نامیده و می‌گویید نهی از منکر می‌کردید، آیا

چرا سایر منکرات را ردع نکردید، آیا این حبس و زجرها و گوش بریدن و دهان توپ گذاردن و مهار کردن و جریمه‌ها و رشوه‌ها و غارت‌ها و تعرض به عرض مسلمانان و چوب بستن و شلاق زدن و بلکه آویختن و شکنجه کردن و داغ نمودن و تعطیل حدود و احکام و مساجد و احکام و رشوه و شهادت ناحق و ناسخ و منسوخ و خوردن اوقاف و وصیت‌های اجباری و جمع مال فقرا و صرف تجملات و سایر فسق‌ها و معصیت‌های واضح، تعطیل مساجد، منکرات نیستند، چرا به نهی و ردع اقدام نکردید و مضبطه ننوشتید و فریاد نمی‌خواهم بلند نکردید همه را بر سر عدالت و حقانیت نیاوردید آیا مشروطه‌طلب بودن چه گناهی بود که قاتل و قاطع‌الطریق و دزد و راهزن و زانی و شارب خمر و مرتکب هر معصیت بلکه هر کافر مرتد در امان بود و مشروطه‌خواه در امان نبود حتی اینکه مردم برای خلاصی از شرور شما به زیر بیرق فرنگیان و کفار پناه بردند و به بلاد خارجه گریختند و در پناه خارجه درآمدند، مع‌ذالک امان نیافتند مثل دوستداران اهل بیت در زمان بنی‌امیه شما گفتید مشروطه طلب واجب‌القتل است و کافر است آیا تمام رعایای عثمانی و نه عشر ایرانی و تمام مسلمانان هند، قفقاز، مصر و افریقا، تونس، الجزیره ترکستان و سایر بلاد شب و روز برای آزادی از قید عبودیت نشر عدالت را می‌طلبند همه کفار و واجب‌القتل هستند جز شما اشرار حامیان ظلم و استبداد و معاونان شر و فساد نعوذ بالله من شر انفسنا آیا شما چرا در همه اقدامات محمد علی میرزا و امیربهادر و مشیرالسلطنه و مجدالدوله از همه پیش قدمتر و نقشه‌کش بودید در اهلاک و تخریب آذربایجان و فشار به اهل طهران و جعل اکاذیب بی‌پایان مواضعه با بدخواهان ایران از اتباع خارجه و فروختن این مشت خاک و تنگ‌گیری به متحصنین سفارت عثمانیه و مانع شدن مردم از تحصن و منع آذوقه از ایشان مدتی بلکه کنکاش در قتل ایشان به ارسال مارها و عقاریب و همه قسم تهدید و تعرض آیا شما چرا امر کردید به شکستن نمره‌های درهای عمارات مردم که مبغلی برای آنها صرف شده بود. آیا آن را غیر از اینکه سبب هدایت جوینده می‌شد ضرری داشت. شما که اینقدر دقت داشته‌اید چرا از اجتماعات بر استماع نقالی دروغ و بازی‌ها بلکه بیع مسکرات و سیر معاصی را منع نکردید و چرا از تخریب در و دیوار و سقف مجلس شورا مانع نشدید.

اگر مال محمد علی میرزا بود تضییع مال بود، اگر مال دیگری بود ظلم و عدوان به چه جهت توپ بستن به خانه ظل‌السلطان و ظهیرالدوله و سایر خانها و غارت اموال آنها و میرزا صالح خان حلال شده و از جانب شما اقدامی در منع دیده نشد بلکه ترغیب و تحریک نمودید به چه دلیل به گوش لشکر و سرباز که روانه تخریب آذربایجان و قتل مسلمانان می‌شدند دعا خوانده ایشان را ترغیب کردید و می‌گفتید شما برای حفظ اسلام می‌روید

خدا کمک تا اینکه ایشان موفق شده مسلمانان را بکشند چه تو را واداشته بود که با آنکه خود را حجةالاسلام می‌خواندی شب و روز با امیربهادر و مشیرالسلطنه و مفاخرالملک و صنیع حضرت و مجلل و امثال ایشان در دربار و خانه خودت خلوت و کنکاش کنی با اینکه خودتان معاشرت با جباران را ممنوع و خلاف شئون علمای دین بلکه از جمله اعانت به عدوان می‌شمردید چگونه اینان حامی اسلام و علمای عتبات مخرب اسلام شدند چگونه کلاه‌نمدیها فریاد می‌کردند ما دین می‌خواهیم و مشروطه نمی‌خواهیم با ایشان بودید اما جمعی از ولایات که هریک را اقلا ده هزار نفر منتخب و متدین دانسته ایشان را بابی، دهری و مخرب شرع می‌نامیدید، چرا محمد علی میرزا را گول زده و مانع شدید که وفای به عهد نکرده و سبب این قدر خونریزی بزرگ در ایران و ویرانی هزارها دودمان، بلکه دخول خارجه به خاک ایران و توحش مردمان شدید و حرث و نسل را ضایع کردید اینها به یک طرف بدترین جنایات اینکه نقشه قتل و دستگیری مقام محترم حضرت عبدالعظیم خصوصا آقای سید علی آقای یزدی کشیدید و مفاخرالملک و صنیع حضرت را با اشرار نابکار سید کمال و سید جمال واداشتید شبانه ریخته، بیچاره مرحوم میرزا مصطفی و میرزا غلامحسین و رفیقان ایشان را با موحش‌ترین وضعی به قتل رسانیدند چرا با همه‌ی اینکه دیدید تمام ولایات ایران بهم خورده و هیجان ملت از قتل جوانان امت به نهایت رسیده اعلام عمل به قانون اساسی را می‌طلبند و محمد علی میرزا جز قبول علاجی نداشته و اعلان کرد باز تو از خون مردم ایران سیر نشده اصرار داشتی که حرام است و هم مسلکان خود را جمع و کنکاش داشتی که بازیها درآورده فریاد پول و پلو خواهیم مشروطه نمی‌خواهیم بلند کنید حتی اینکه تمام مردم دانسته به دستور شما صد توپ تنزیب از بازار گرفته از قاطرچی و مهتر بنا کردید عمامه گذاردن و ملا ساخته مخلوط مفتخواران کرده و قشونی از جنس ملا تشکیل داده که مردم فهمیده باطل‌السحر این نقشه را به کار بردند.
چرا بعد از اعلان قانون اساسی در ماه ربیع‌الثانی با آن همه زحمات ملت و تشکرات که از این اعلان کردند شروع شد که شورش بلاد تمام شود باز شماها که عمده خود شما بودید نگذاردید محمد علی میرزا که همه بلاد از دستش رفته و طهران مانده بود، آن وقت جلب قلوب ملت کرده و بلاد را امنیت داده به طور حقیقت اقدام به معیت کرده و فساد را خاتمه دهند، بلکه محض حفظ منافع خودتان سلطنت او را فدا ساخته واداشتید به همان تنها کتابت قناعت کرد ابدا تغییری به وضع استبداد و سختگیری نداد و قدم به طرف قبول مستدعیات ملت برنداشت تا بالاخره ملت مجددا مایوس شدند و چاره را منحصر به علاج قطعی دیدند چرا بالاتر همه‌ی خیانتها طرح و نقشه ریختند که بلاد اسلام را به دست خارجه بدهید و دیگران را بر

ایرانیان حکم روا سازید تمام سعی شما و تهدید ملت را منحصر بفروش مملکت و التجا به دیگران قرار دادید در باطن اجانب را دعوت به مملکت نمودید و با کمال بشاشت و خرمی این را اظهار و اشتهار کردید که سالدات چنین و قزاق چنان مثل اینکه برادران عزیز خود را به مهمانی خوانده‌اید البته به نقشه تو و شرکاء تو بود که محمد علی میرزا اقدام به جنگ اخیر با ملت کرد و تو بزرگوار دویست تفنگ گرفته به دست اشرار سپرده و دور خانه‌ی خودت جمع و سنگر نمودی که ملتیان را بکشی و از هر نوع اقدام مضر کوتاهی نکردی به چه دلیل اسلحه ملت را به تصرف اشرار داده و آنها را تحریص به قتل ملت کردی، چرا تو با آن همه معیت با محمد علی میرزا اقلا در آخر وقت او را دعوت نکردی که لامحاله شرف یک دودمان سلطنت را نبرده پناه به دولت دیگر نبرد لامحاله با ملت معیت کند و یا تسلیم ملت شود آیا این ملت نجیب گمان داشتی با او محترمانه معامله نکند یا آنکه یک مرده به نام به که صد زنده به ننگ.

سؤالات

اتهام‌نامه در یک محیط بهت و سکوت قرائت شد. حاجی شیخ فضل‌الله به دقت به مندرجات آن گوش می‌دادید. پس از خاتمه‌ی قرائت لایحه‌ی مذکور چند دقیقه صحبتی به میان نیامد و همه منتظر بودند که شیخ در مقابل اتهامات مندرجه در لایحه چه عکس‌العملی از خود نشان خواهد داد و چگونه از خود دفاع خواهد کرد. ولی شیخ صحبتی نکرد و زبان به گفتگو نگشود. مستعان رئیس کمیته جهانگیر که از طلوع مشروطیت خود شاهد و ناظر کلیه وقایع و حوادث بود به شیخ گفت در مقابل اتهامات وارده که قرائت شد چه جواب می‌دهید.

پیش از اینکه وارد سؤال و جوابهائی که میان شیخ و قضات محکمه‌ی انقلابی رد و بدل شد بپردازم، متذکر می‌شوم که در این چند ساله که نگارنده‌ی این تاریخ برای جمع‌آوری مدارک صرف وقت بلکه مجاهدت کردم، نتوانستم صورت قطعی و گزارش کتبی یا صورت مجلس آن محکمه‌ی تاریخی را که به طور قطع می‌توان گفت در تاریخ چندین هزار ساله‌ی ایران نظیر نداشته به دست بیاورم، ظنّ قوی این است که صورت جلسه‌ای تهیه و تنظیم نشده است و یا اگر شده در همان روزها از میان رفته است. بنابراین آنچه در این موضوع می‌نویسم مطالبی است که از بعضی او اعضاء محکمه و یا رؤسای مجاهدین که در آن جلسه حضور داشته‌اند شنیده‌ایم و از طرف آنها نقل قول می‌کنم.

سؤالاتی که از حاجی شیخ فضل‌الله شد و مطالبی که در اتهام‌نامه قید شده بود بر دو نوع بود. بعضی‌ها به درجه‌ای مسلم و غیرقابل انکار بود که شیخ جوابی بر رد آنها نداشت، مثلا واقعه‌ی میدان توپخانه و منبر رفتن شیخ و تکفیر کردن مشروطه‌خواهان و بابی خواندن وکلاء و تشویق کردن

الواط و اوباش را بر ضد مجلس و یا رساله در تحریم مشروطیت که به خط خود نوشته و در همه جا منتشر شده بود و همچنین تلگرافاتی که به روحانیون و سرجنبانان شهرستانها کرده بود و آنها را به مخالفت با مشروطیت تحریک نموده بود و در موقع تصرف تلگرافخانه به دست مجاهدین افتاد و فتوایی که به امضاء خود و جمعی از علمای مستبد طهران نوشته و در باغشاه تسلیم محمد علی شاه نموده بود و اعلامیه‌هایی که به امضاء خود در حضرت عبدالعظیم و مدرسه مروی منتشر نموده بود و از این قبیل.
بعضی دیگر سؤالات قابل دفاع بود و شیخ می‌توانست رد و یا انکار کند.
قسمت اول را چون نمی‌توانست تکذیب کند، جواب داد من مجتهد هستم بر طبق الهامات قوه‌ی اجتهاد و شم فقاهت راهی را که مطابق شرع تشخیص دادم پیروی نمودم.
عمیدالسلطان در جواب می‌گوید شما از بدو طلوع مشروطیت با این اساس موافق بودید و قانون اساسی هم که اصول و مقررات مشروطه در روی آن استوار است با موافقت خود شما تهیه و به تصویب رسید پس از آن هم در قانون اساسی تغییری داده نشد که موجب مخالفت شما بشود در اینجا شیخ قافیه را باخت و در ضمن آنکه از قانون اساسی و مشروطه مشروعه صحبت کرد گفت: چند نفر از دشمنان من مشروطه را منحصر خودشان کرده بودند و می‌خواستند من در آن راهی نداشته باشم و کنار بروم آنها از مشروطه و مزایای آن بهره‌مند بشوند.
سؤالات دیگری از شیخ شد که به هریک جواب داد- ابوالفتح زاده سؤال کرد که بر طبق اقرار صحیح صنیع حضرت در محکمه قتل میرزا مصطفی آشتیانی به دستور شما انجام یافته- شیخ این اتهام را رد کرد و گفت: مفاخرالملک و مجلل‌السلطان عامل آن قتل بوده‌اند و من کوچکترین اطلاعی از آن نداشتم.
میرزا علی خان دیوسالار سؤال کرد شما با سفیر روس سر و سرّ جلسات محرمانه داشته‌اید و سعدالدوله هم در جلسات سرّی شما شرکت داشته است.
شیخ جواب داد، اغلب سفرای خارجه بدیدن من می‌آمدند شاید در یکی از ملاقات‌ها سعدالدوله هم حضور داشته ولی ملاقات من با سفرا مخفی نبوده و علنی بوده و جنبه سیاسی و مشورتی و کنکاش نداشته است.
منتصرالدوله پیشکار سپهسالار سؤال می‌کند در نامه‌یی که شما به خط خودتان به شیخ‌الاسلام قزوینی نوشته بودید و در میان نوشتجات آن به دست مجاهدین افتاد شما به او دستور داده بودید که قوایی تهیه کند و با ملیون جنگ کند- شیخ جواب می‌دهد، شیخ‌الاسلام بدرجه‌یی با مشروطه مخالف و دشمن بود که احتیاج به تشویق و تحریک من نبود.

میرزا علی محمد خان سؤال می‌کند- شما جمعی از اوباش را با تفنگ‌هایی که از محمد علی شاه به وسیله کامران میرزا نایب‌السلطنه گرفتید مسلح نمودید و تا آخر با ملت جنگ کردید و محارب هستید- شیخ جواب می‌دهد هر مسلمانی بر طبق اصول دین مکلف است از خود دفاع کند و من برای دفاع از خود و بستگانم اقدام کردم.
نظام‌السلطان سؤال می‌کند: بنا به تقاضای شما محمد علی شاه اسماعیل خان سرابی را بدار آویخت. شیخ جواب می‌دهد من کشتن اسماعیل خان را پس از واقعه مسبوق شدم.
یکی از اعضاء محکمه می‌پرسد شما عین‌الدوله و حاجی میرزا حسن‌آقا مجتهد و سید هاشم را به وسیله مکاتیب متعدد که در دست است به قتل و غارت و قلع و قمع مردم تبریز تشویق نمودید و مردم بی‌گناه تبریز را که جز حق مشروع و ملی خود که اجرای قانون اساسی بود و شاه و خود شما به حفظ آن قسم خورده بودید محارب خوانده و آنها را واجب‌القتل دانسته‌اید شیخ جواب صریحی به این سؤال نمی‌دهد و فقط می‌گوید مکاتبات من با عین‌الدوله دوستانه و برای احوال‌پرسی بود.
اعضاء محکمه هریک به نوبه خود سؤالاتی می‌نمایند که چون از مضمون و مفهوم آن مدرکی در دست نیست به سکوت می‌گذرانم.
در خاتمه جلسه آقا شیخ ابراهیم زنجانی به پا می‌ایستد و به طور صریح چنین می‌گوید، جناب حاجی شیخ فضل‌الله بر طبق فتوا و حکم حجج‌الاسلام نجف اشرف که سواد آن در همه‌ی ایران منتشر شده مفسد فی‌الارض است و باید بر طبق قوانین اسلام با او همان معامله‌یی را که خداوند راجع به مفسد فی‌الارض دستور داده رفتار نمود.
شیخ را به اطاقی که در آن محبوس بود می‌برند و اعضاء محکمه انقلابی به کنکاش می‌پردازند و پس از یک ساعت مشاوره به اتفاق رأی می‌دهند که چون حاجی شیخ فضل‌الله نوری قیام بر ضد حکومت ملی نموده و سبب قتل هزارها هزار نفوس و خرابی بلاد و غارت و فساد گردیده و حجج اسلام نجف اشرف هم او را مفسد فی‌الارض تشخیص داده‌اند محکوم به اعدام است.
اعدام
وسایل اعدام از چند روز پیش فراهم شده بود و داری که صنیع حضرت و آجودان باشی را به آن آویختند در میان میدان توپخانه سرپا بود مأمورین اجرا حکم محکمه انقلاب را به حاجی شیخ فضل‌الله ابلاغ کردند و بلادرنگ او را در میان گرفته و از پله‌های طبقه فوقانی عمارت توپخانه سرازیر شده وارد میدان شدند سطح میدان، پشت‌بام‌ها، ایوان‌ها از هزارها نفر مردم طهران پوشیده شده بود عده‌ی زیادی مجاهد مسلح دو طرف راهی که محکوم را به طرف دار هدایت می‌کرد صف کشیده بودند هیاهو و

جنجالی برپا بود که گوش را کر می‌کرد و صدای زنده‌باد مشروطه و مرگ بر مستبدین فضای میدان و خیابان‌های اطراف را فرا گرفته و برق تفنگ و سرنیزه‌ها در زیر آفتاب گرم تابستان چشم را خیره می‌کرد، محکوم فاصله میان محبس و محل اعدام را با خونسردی و متانت پیمود و با کبر سن و پیری، ضعف و ناتوانی از خود نشان داد و در دقایق آخر عمر ثبات و استقامت خود را به ظهور رسانید.
می‌گویند یا از روی عمد یا اتفاق دار را در محلی برپا کرده بودند که در واقعه میدان توپخانه منبر را در آن محل گذارده بودند و حاجی شیخ فضل‌الله در همان محل از روی منبر مردم را به مخالفت با مشروطیت و آزادی دعوت می‌کرد و قانون اساسی را مخالف شرع و دین اعلام می‌داشت و مشروطه‌خواهان را بی‌دین و بابی می‌نامید.
به محض رسیدن به پای چوبه‌دار دو نفر از مجاهدین طناب را به گردان محکوم انداختند و او را بالا کشیدند و آن مرد روحانی پس از یک دوره مبارزه تاریخی به دنیای دیگر شتافت و داستان شگفتی از دوره عمر پر سر و صدا و پر آشوب خود در صفحات تاریخ به یادگار گذارد.
ناظرین که نزدیک به محل اعدام بودند، نقل می‌کنند که جان کندن شیخ بیش از نیم دقیقه طول نکشید و پس از آنکه او را به دار کشیدند تشنجی در اعضایش ظاهر شد و سپس چراغ عمرش خاموش شد.
در آن روز شهرت یافت که شیخ مهدی پسر حاجی شیخ فضل‌الله که از مشروطه‌خواهان بود در موقع اعدام پدرش حضور داشته و کف می‌زده و اظهار بشاشت می‌کرده. گرچه شیخ مهدی با مسلک پدر همراه نبود با او مراوده نداشت ولی شهرت بالا بکلی خالی از حقیقت و راستی است میرزا محمد نجات برای نگارنده نقل کرد که همان موقعی که شیخ را اعدام کردند من به عمارت تخت مرمر رفتم و شیخ مهدی را دیدم زیر درخت چناری نشسته و گریه می‌کند.
مرحوم شیخ فضل‌الله نوری از اجله علماء معقول و منقول بود و اعلم بر علمای آن روز شمرده می‌شد. وی صاحب تألیفات عدیده‌ای است، از جمله تذکره‌الغافل و ارشادالجاهل به زبان فارسی است که یکسال قبل از وفات خود آن را تألیف نموده و پیش از قتل خود نشر داده و در آنجا مرام خود را مبین داشته و بعضی از حوادث را که بعد از او وقوع یافته خبر داده است.
به غیر از صحیفه مهدویه که ادعیه حضرت ولی عصر (ع) را در آن جمع کرده است چند اثر دیگر نیز دارد.
شیخ فضل‌الله دو همسر اختیار کرد، همسر اولش دختر دائی او بود که سه فرزند پسر و پنج دختر از وی داشته است. از همسر دیگرش یک پسر و سه دختر باقی گذاشت.
در قتل ناجوانمردانه شیخ فضل‌الله مرثیه‌هایی زیادی سروده شد.

(1259/ 1258- شهادت 1327 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مرجع تقلید، مدرس و شاعر، متخلص به نوری. از علمای بزرگ شیعه در اوایل قرن چهاردهم هجری و خواهرزاده و داماد حاج میرزا حسین نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» می‌باشد. در قریه‌ی لاشک، از توابع شهرستان نور، به دنیا آمد و در بلده نشو و نما یافت. تحصیلات مقدماتی را در همان جا شروع و در تهران به پایان رسانید و سپس برای تکمیل مراتب علمی راهی عتبات گردید و از محضر شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء و شیخ راضی نجفی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزای شیرازی استفاده نمود و پس از تکمیل تحصیلات به ایران مراجعت کرد. وی از دایی خود، محدث نوری، اجازه روایت گرفت. از صاحب عنوان سید اسماعیل شریف‌الاسلام و از وی برادر زاده‌اش، آقا نجفی تبریزی، روایت کرده است. وی سالها در تهران مرجع امور دینی و مصدر خدمات بسیاری بود. در آغاز جریان مشروطیت با مشروطه‌خواهان حتی در مهاجرت به حضرت عبدالعظیم (ع)، همراهی کرد. ولی چون روش مشروطه‌خواهان را مخالف با دیانت تشخیص داد به مخالفت با ایشان پرداخت و خواستار حضور پنج تن از مجتهدان طراز اول در مجلس شد تا مصوبات مجلس را با احکام دینی تطبیق نمایند و همین امر موجب دشمنی مشروطه‌خواهان با وی گردید. چنانکه پس از فتح تهران شیخ فضل‌اللّه محکوم به اعدام و در میدان توپخانه تهران به دار آویخته شد. پیکر او، پس از تحویل به خویشانش، به قم حمل و در صحن بزرگ حضرت معصومه (ع) دفن گردید. از آثارش: «تقریرات» اساتیدش در فقه و اصول، مانند «رساله‌ی مشتق» که تقریر بحث شیرازی است؛ «تذکرة الغافل و ارشاد الجاهل»؛ «الصحیفة المهدویة» یا «الصحیفة القائمیة» که ادعیه‌ی حضرت ولی عصر (عج) را در آن جمع نموده است؛ «سؤال و جواب» یا «شصت مقاله» از فتاوای میرزای شیرازی که شیخ فضل‌اللّه نوری آن را جمع‌آوری کرده است؛ «تحریم مشروطیت»، حاوی علت موافقت اولیه و مخالفت ثانویه وی با مشروطیت و دلایل شرعی او؛ «دیوان» شعر.[1]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان‌الشیعه (407/ 8)، پایداری تا پای دار، الذریعه (41/ 21، 189/ 14، 248/ 12، 23/ 15، 42/ 4)، ریحانه (264 -262/ 6)، شرح حال رجال (106 -96/ 3)، شهیدان راه فضیلت (520 -515)، شیخ فضل‌اللّه نوری و مشروطیت، فاجعه قرن، فوائد الرضویه (353 -352)، لغت‌نامه ذیل/ نوری)، المآثر والآثار (151)، مستدرکات اعیان‌الشیعه (154 -138/ 4)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف

(1309 -1308/ 3)، معجم‌المؤلفین (74/ 8)، مکارم‌الآثار (1610 -1605/ 5)، میرزای شیرازی (182 -181)، یادداشتهای قزوینی (119 -113/ 6).

نوغانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1305، مشهد.
درگذشت: 15 آبان 1371، مشهد.
آیت‌الله مهدی نوغانی، فرزند میرزا علی‌اکبر نوغانی مؤلف «سه مقاله‌ی نوغانی» و «دو مقاله‌ی نوغانی»، پس از تحصیل دوره‌ی ابتدایی، به حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان پیوست و در مدرسه نواب به تحصیل اشتغال یافت. استادان آیت‌الله نوغانی به شرح زیر بودند: آیت‌الله علی‌اکبر نوغانی، آیت‌الله عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول)، آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی، آیت‌الله احمد مدرس، آیت‌الله هاشم قزوینی، آیت‌الله مهدی اصفهانی خراسانی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی.
در تابستان سال 1333 آیت‌الله میلانی به مشهد رفت و ابتدا حدود یک سال در منزل آیت‌الله مهدی نوغانی اقامت گزید و از ایشان مدت چهارده سال از دروس آیت‌الله میلانی بهره برد و مراتب علمی‌اش مورد تأیید آیت‌الله میلانی قرار گرفت. همچنین به دستور وی امامت جماعت مسجد فاضل را پذیرفت. آیت‌الله نوغانی خود نیز به تدریس و تربیت طلاب اشغال ورزید و کتاب‌های المعالم الاصول و مکاسب شیخ مرتضی انصاری را درس می‌داد و در کار تدریس جدیت داشت. وی مدت بیست و دو سال تفسیر تدریس می‌کرد و در این مدت یک بار تفسیر تمام قرآن تدریس شد و بار دوم تا آیه‌ی دهم از سوره «انبیاء» تفسیر شد، از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تدریس نهج‌البلاغه، اقامه‌ی مجالس عزاداری و ذکر مصیبت و قرائت دعای کمیل، تصدی مدیریت چند مدرسه علمیه و از جمله مدرسه‌ی باقریه، ایجاد صندوق قرض‌الحسنه «جاوید» و مشارکت در تأسیس مؤسسه‌ی خیریه‌ی حضرت ولی‌عصر (ع) (انصار الحجة) بود. آیت‌الله نوغانی در مبارزات علیه نظام پهلوی نیز مشارکت فعال داشت و اعلامیه‌هایی که صادر می‌شد، امضاء می‌کرد. از نهضت پانزده خرداد 1342 وارد این مبارزات شد و در حرکت انقلاب خراسان سهم مؤثری داشت. وی همچنین سفرهایی به کشورهای خارجی (و از جمله کویت) برای تبلیغ اسلام داشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوقانی نیشابوری، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(397- 479 ق)، فقیه شافعی، مسند و محدث. اصلش از نوقان نیشابور است. وی فقه را در نزد ابوبکر طوسی آموخت. از ابوالحسن علوی و ابوطیب صعلوکی و عبداللّه بن یوسف بن بامویه و ابوطاهر بن محمش و عده‌ای در نیشابور و از ابوحسین بن بشران و همطبقه‌اش در بغداد و از جناح بن نذیر محاربی در کوفه و ابوعبداللّه بن نظیف در مکه حدیث شنید. زاهر به طاهر و ابونصر غازی و اسماعیل بن عبدالرحمان قاری و عبدالکریم دامغانی و سعید بن علی شجاعی و عایشه بنت احمد صفار و ابوالفتوح خرگوشی و عبدالکریم علوی و عبدالملک بن عبدالواحد و محمد بن جامع خیاط از وی روایت کرده‌اند. کتاب «تاریخ» یعقوب فسوی را، از ابن‌فضل قطان، از ابن‌درستویه، از فسوی، استماع کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :توضیح المشتبه (459/ 1)، سیرالنبلاء (447 -446/ 18)، شذرات‌الذهب (363/ 3)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (271 -270/ 4)، العبر (341/ 2)، المنتظم (604/ 9).

نوقانی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1370 -1300 ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، واعظ و شاعر، متخلص به فقیر. در محله‌ی نوقان مشهد به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، ادبیات را در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و فقه و اصول را در محضر شیخ حسنعلی تهرانی و آیت‌اللّه سید عباس شاهرودی فراگرفت. در 1327 ق عازم نجف شد و از محضر اساتید بزرگی چو آخوند خراسانی و آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی استفاده نمود. پس از درگذشت آخوند خراسانی، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌اللّه میرزا عبداللّه مازندرانی و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی نایل گشت. در 1330 ق به مشهد بازگشت و به تدریس و انجام امور دینی پرداخت. وی از جانب آیت‌اللّه حاج آقاحسین قمی عهده‌دار تولیت مدرسه‌ی نواب گردید. او خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می‌نوشت. در خط نسخ از شاگردان میرزا ابوالقاسم خراسانی و در نستعلیق از شاگردان میرزا ابراهیم خان، متخلص به گمنام بود. نوقانی در اثر عارضه‌ی سکته قلبی در مشهد درگذشت و در حرم امام رضا (ع) دفن شد. از آثارش تعمیر مدرسه‌ی نواب مشهد و تنظیم موقوفات آن است که از مدارس مهم آن شهر می‌باشد. از آثار علمی او: «سه مقاله‌ی نوقانی»؛ «دو مقاله‌ی نوقانی»، در اصول عقاید و رد عقاید مادیون؛ تعلیقاتی بر «شرح نهج‌البلاغه» ابن ابی‌الحدید معتزلی.[1]
علی‌اکبر نوقانی رضوان‌اللّه علیه اصلا از ایل جلابر و از احفاد مرحومه گوهرشاد صاحب مسجد معروف مشهد می‌باشد اجداد ایشان سالها در کلات نادری ساکن بوده‌اند. پدر ایشان مرحوم حاج میرزا موسی از بزرگان اخبار و صلحاء مشهد مقدس رضویت و مرحوم حاج میرزا موسی فرزند حاج میرزا حسن بن کلبعلی‌خان بن محمدزمان خان بن کلیعلی‌خان جلابر طاب ثراهم بوده‌اند.
غالب افراد خاندان جلیل نوغانی مخصوصا اجداد فقیه سعید به زیور فضل و کمال آراسته و حاج محمد زمان خان بن کلعلی خان جلایر طبیبی حاذق و فاضلی کامل بوده است و طبع شعری شیوا داشته و اشعار عرفانی میسروده است.
مرحوم میرزا نوقانی در سال 1300 قمری در مشهد مقدس رضوی متولد شده و تا سن بیست سالگی در مشهد مقدس به تحصیل علوم پرداخته و

ادبیات را از مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری فراگرفته و فقه و اصول را در محضر مرحوم میرزا آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی با معیت مرحوم حجه‌السلام میرزا علی آقا فرزند آن مرحوم خوانده و پس از فوت آن مرحوم قسمتی از دروس فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس شاهرودی که از بزرگان علماء مشهد بودند آموخته آنگاه در سال 1327 قمری با اجازه مرحوم والدش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر و درس خارج دو نابغه علمی آیت‌اللّه العظمی سید کاظم یزدی و مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی استفاده کامل نموده و پس از فوت مرحوم آخوند با دریافت اجازه از مرحوم آیه اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مازندرانی در سال 1330 قمری به وطن مالوف خود مراجعت کرده و به ارشاد مردم و تعلیم طلاب علوم دینیه مشغول شده و تا پایان عمر که بالغ بر چهل سال بوده و در مشهد سکونت و همواره به تدریس اشتغال ورزیده و بسیاری از فضلاء طلاب مشهد مقدس رضوی از محضر درس آن مرحوم تعلیم گرفته و استفاده نموده‌اند.

مرحوم آیت‌اللّه نوقانی یکی از علماء عاملین و روشندل و بسیار خوش‌قریحه و در مناظرات دستی توانا داشته و مکرر به انصاری و یهود و گمراه‌شدگان مسالک جدید مناظره فرموده و بر تمام آنها فائق آمده و عده زیادی که به واسطه شبهات منحرفین در پرتگاه لغزش افتاده و راه حق را گم کرده بودند با ادله متقنه و بیان شیوای خود آنها را از انحراف نجات و سعادتمند نموده است.

مرحوم میرزا نوغانی عالمی ناطق و خطیبی بلیغ بود منابر وعظ و ارشاد آن مرحوم علاوه بر بیان اصول عقاید و ترویج دین مقدس اسلام و رسانیدن احکام شریعت مطهر به مردم مشحون به اطلاعات عمیقه تاریخی و اخبار اسلاف و شامل نکات ادبی و امثال و حکم و مواعظ و پند و اندرز بود و بطور کلی قاطبه و مردم را با بیانی از هر جهت جامع بطریق حق ارشاد می‌فرمود و در واقع منبر ایشان یک حوزه درس قابل فهم عموم بیشتر شبیه بود تا به یک سخنرانی عادی لذا هر کس از بیانات ایشان به قدر استعداد و فهم خود بهره‌مند می‌شد.

آثار قلمی ارزنده و آموزنده عدیده دارد که به آن اشاره می‌شود.

1- تعلیمات برجلدین شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید 2- سه مقاله نوغانی 3- دو مقاله نوغانی رد مایون 4- اشعار بسیاری از قصاید و غزلیات و مدایح و مراثی که برای نمونه بعضی از آن را می‌نگارم تخلص آن مرحوم فقیر بود.

دیگر از آثار آن مرحوم تعمیر و تنظیم مدرسه نواب مشهد و موقوفات آن که از مدارس مهمه آن سامانست و نگارنده هم حدود یک سال در آنجا

اقامت و اشتغال بتحصیل داشته‌ام.
مرحوم میرزای نوقانی در شب دهم جمادی‌الاول 1370 قمری به عارضه سکته از دنیا رفته و در پایین پای مبارک حضرت سلطان سریر ارتضی علی بن موسی‌الرضا ارواحنا فداه در دارالسعاده آستان قدس سر به خاک فرو برده و یک جهان علم و ادب را در زیر زمین پنهان نموده و به آرزوی خود نائل آمد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (264/ 12)، سخنوران نامی معاصر (3553-3543/ 6)، کیهان فرهنگی (س 9، ش 12، ص 38)، گنجینه‌ی دانشمندان (188 -184/ 7).

نهاوندی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید میرزا ابوالقاسم نهاوندی از علماء فقهاء عصر ناصری بوده و مراغی در (المآثر والاثار) در ضمن ترجمه فرزندش سید میرزا محمد وی را یاد و از مجتهدین بزرگ دانسته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر بن آقاجان نهاوندی عالمی فقیه از شاگردان شیخ محمدباقر اصفهانی و بعد میرزا بزرگ شیرازی بود و در سال 1307 به نهاوند برگشت و به انجام وظائف دینی و روحی پرداخت تا سال 1310 ق که وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ جعفر نهاوندی از علماء معاصر گذشته تهران بوده که مدت بیست و سه سال در نجف اشرف اقامت داشته و از محضر علامه خراسانی صاحب کفایه و علامه‌ی یزدی صاحب عروةالوثقی و دیگران استفاده نموده تا بدرجه‌ی علم و اجتهاد رسیده و پس از آن به تهران منتقل و اول در مسجد فاضل خلخالی و بعد در مسجد سپهسالار ناصری امامت نموده و ضمنا تدریس فقه و اصول داشته تا در سال 1365 ق که در تهران وفات و حمل به قم و در قبرستان حاج شیخ در مقبره دربندی مدفون شده‌اند.
از آثار ایشانست: 1- اضاعه الشبهه فی صلوه الجمعه. 2- شرح بر رساله نجات العباد در دو جلد. 3- اشعاری در مراثی آل عصمت علیهم‌السلام که از آنست ابیات زیر:
زبان حال حضرت زینب (ع)
آفتابا بر زمین جای تو نیست
خار و خاشاک است مأوای تو نیست
از چه سر بر نیزه و تن بر زمین
ای عزیز من چه کرده این چنین
دست تو بوسم روم سوی سفر
من بپا این راه پویم تو بسر
خواست تا دستش بوسد آن پری
دید نه انگشت و نه انگشتری
گفت عزیز من بمیرت خواهرت
ای سلیمانم چه شد انگشترت
از ثمرات اوست فرزند فاضل و برومندش آقای حاج شیخ باقر واعظ نهاوندی که در تهران تولد و در مهد تربیت چنین پدری پرورش یافته و دروس جدید را تا سیکل اول خوانده و به دروس قدیم اشتغال و در سال 1325 شمسی با درجه‌ی لیسانسیه در رشته‌ی منقول موفق و فعلا در رشته‌ی تدریس و تبلیغ اشتغال دارند.
تألیفات عدیده‌ی دارد که از آنها است:
1- بزرگترین مدرک شیعه (مکالمات مامون با علماء سنت).
2- فرستاده خدا در نبوت پیغمبر آخر زمان.

3- قائم بحق بقیةاللّه در حالات امام زمان عجل اللّه فرجه.
برادران ارجمندی دارد که از اعاظم علماء اکابر و مدرسین بوده‌اند به اسامی زیر:
1- مرحوم مبرور حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدتقی مدرس نهاوندی
2- مرحوم مبرور حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی مدرس نهاوندی معروف بچین ری.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نهاوندی، عباس

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس نهاوندی تهرانی فقیهی کامل و عالمی جلیل و پرهیزکاری ورع بوده است پدرش آقا شیخ عباس از افاضل علماء عصر خود و بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری و از مراجع امور دینی در تهران بوده و فرزند مذکورش در نجف متولد و پس از پایان تحصیل به تهران مراجعت و در مسجد پامنار به وظائف دینی اشتغال داشته و مرحوم والدش در حدود 131 وفات نموده.
شیخ عباس نهاوندی عالمی پرهیزکار و فقیهی جلیل از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و غیره و از اهل فضل و فقاهت و زهد و تقوا و معرض از دنیا بود با اینکه همه گونه امکانات در اختیارش بود و در مسجد (دانکی) تهران اقامه جماعت داشت و در ماه رمضانها منبر رفته و مردم را موعظه می‌کرد و در خلال وعظ و بیاناتش مکرر این بیت را می‌سرود:
ای خر تو چه مظهری که در کل وجود
چون نیک نظر کنم تو را می‌بینم
وی در سال 1311 ق وفات نموده و جنازه‌اش حمل به نجف و در وادی‌السلام مدفون نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، عبدالرحیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1304 -1237 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس، ادیب و شاعر. در نهاوند به دنیا آمد. در ابتدا به فراگیری خط پرداخت. سپس برای تحصیل مقدمات علوم به بروجرد رفت. آنگاه جهت تکمیل معلومات عازم نجف گشت و در آنجا از محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، استفاده نمود و پس از درگذشت صاحب «جواهر» در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و از خواص شاگردان وی گردید. او در حیات استادش، شیخ انصاری، در نجف عهده‌دار تدریس گردید. سید محمد طباطبایی و میرزا مهدی گلستانه از شاگردان وی بودند. در 1289 ق به قصد زیارت امام رضا (ع) به ایران آمد و در بازگشت در تهران ساکن شد و حدود دوازده سال در مدرسه مروی (فخریه سابق) مشغول تدریس گردید. در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در صحن جدید حضرت معصومه (س) دفن شد. به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» پیکر وی به نجف منتقل گردید. از آثارش: «اصل البرائة»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «الوقف» و «العتق»، در فقه؛ «دیوان» شعر.[1]
میرزا عبدالرحیم بن میرزا نجف مستوفی بن میرزا محمدعلی شیرازی نهاوندی عالمی متبحر و فقیهی جامع از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری و ملازمین وی و فقهاء بزرگ و مدرسین نجف اشرف بوده چند سال بعد از فوت استادش شیخ به ایران آمده و چندی در مشهد رضوی توقف آنگاه به تهران آمده و در مدرسه مروی به تدریس پرداخته تا در ماه ربیع‌الثانی 1304 در سن 67 وفات نموده و جنازه‌اش را حمل به نجف اشرف نمودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان‌الشیعه (470/ 7)، الذریعه (687/ 9 ،157/ 6)، ریحانه (268 -266/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 1109 -1108/ 14)، فوائد الرضویه (229 -228)، المآثر والآثار (143)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1312/ 3).

نهاوندی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1322 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مدرس، ادیب، نحوی و لغوی. پس از فراگرفتن مقدمات، جهت تکمیل آموخته‌های خویش رهسپار نجف گشت و در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت نمود و از خواص شاگردان شیخ گردید. او همچنین از محضر میرزا ابوالقاسم کلانتری نیز استفاده نمود. وی پس از درگذشت شیخ انصاری عهده‌دار تدریس و بحث و تألیف شد. نهاوندی از علمای بزرگ امامیه در اوایل قرن چهاردهم قمری است. او را به کثرت دانش دینی و فقهی ستوده‌اند و در اصول وی را مؤسس و در پاره‌ای از مواضع و مباحث این فن یگانه دانسته‌اند. وی در نجف در اثر بیماری وبا درگذشت و در وادی‌السلام دفن گردید. از آثار او: «تشریح الاصول الصغیر»؛ «تشریح الاصول الکبیر»؛ «مقدمة الواجب»؛ کتاب «الطهارة»؛ «الدماء الثلاثة»؛ «مشارق الاصول».[1]
علی بن ملا فتح‌اللّه نهاوندی نجفی عالمی بزرگ و محققی جلیل از شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و اعلام مدرسین نجف و مجتهدین مسلم و اساتید بزرگ آن سامان بوده و با این کمالات معنوی حظی از این دنیای دنی نداشته و در نهایت فقر و عسرت و در اواخر عمر مبتلا به کسالتهای گوناگون شده تا در اول ماه ربیع‌الثانی 1322 در سن هشتادسالگی وفات نمود و در وادی‌السلام در مقبره مخصوص مدفون گردید از آثار اوست (تشریح اصول الصغیر) و (تشریح اصول الکبیر) و نیز کتابی (در طهارت) و کتابی در (دماء الثلاثه).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان‌الشیعه (301/ 8)، الذریعه (186/ 15 ،185/ 4)، ریحانه (269 -268/ 6)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1313 -1312/ 3)، معجم‌المؤلفین (165/ 7).

نهاوندی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1280/ 1278 ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محدث، مدرس و مرجع تقلید. اصلش از نهاوند بود، مقدمات را در بروجرد فراگرفت و نزد شیخ جعفر بروجردی و آقا حسین شیخ‌الاسلام تلمذ کرد. سپس مدتی در تهران در درس میرزا حسن آشتیانی و میرزا عبدالرحیم نهاوندی و میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا محمدرضا قمشه‌ای شرکت نمود. آنگاه برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و در محضر میرزای شیرازی و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و سید محمدکاظم یزدی و شیخ محمدکاظم خراسانی و شیخ محمد طه نجف تلمذ نمود. وی از حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری اجازه‌ی روایت داشت. میرزا محمدعلی اردوبادی از وی روایت نموده است. در 1319 ق به ایران بازگشت و در 1328 ق عازم مشهد شد و در آنجا اقامت گزید و عهده‌دار مرجعیت گردید. در مشهد درگذشت. از آثارش: «لمعات الانوار»، در شرح مشکلات آیات و اخبار؛ «البنیان الرفیع فی احوال خواجه ربیع»؛ «جنتان مدهامتان»؛ «الجنة العالیة والجعبة الغالیة» یا «الجعبة الغالیة والجنة العالیة»؛ «جواهر الکلمات فی النوادر والمتفرقات»؛ «خزینة الجواهر فی زینة المنابر»، در اصول و فروع و اخلاق؛ «راحة الروح»، در شرح حدیث «مثل اهل‌بیتی کمثل سفینة نوح»؛ «طور سینا»، در شرح «حدیث کساء»؛ «عناوین الجمعات»، در شرح «دعاء سمات»؛ «النفحات العنبریة»؛ «العبقری الحسان»؛ رساله‌ای در «صلاة المسافر»؛ «الیاقوت الاحمر فی من رای الحجة المنتظر (عج)»؛ «الکوکب الدری»؛ «لمعات الانوار»؛ «الید البیضاء»، در مناقب حضرت امیر و زهرا (ع)؛ حاشیه بر «فرائد الاصول».[1]
علی‌اکبر بن شیخ حسین نهاوندی متولد 1278 و متوفی 1369 ق عالمی محدث و فقیهی پارسا صاحب تألیفات و تصنیفات از علماء معاصرین مشهد بوده و آثار و تألیفات ایشان از این قرار است:
1- البنیان الرفیع فی احوال الخواجه ربیع 2- الیاقوت الاحمر فی من رای الحجه المنتظر 3- وسیله النجاه فی شرح دعاء سمات 4- خزینه الجواهر فی زینه المنابر 5- رسائل العبیدالی مراحل التوحید 6- الفوائد الکوفیه فی رد الصوفیه 7- لمعات الانوار فی حل مشکلات الایات و الاخبار 8- انوار المواهب فی اسرار المناقب 9- انهار النوائب فی اسرار المصائب 10-

طور سیناء فی شرح حدیث الکساء 11- راحه الروح فی شرح حدیث اهل بیتی کمثل سفینه نوح 12- حاشیه بر اصل برائت از رسائل شیخ 13- صلوه المسافر 14- المواریث از تقریرات سید یزدی 15- الجنه العالیه (کشکول) 16- جنتان مدهامتان 17- الکوکب الدری فی مناقب النبی (ص) 18- الید البیضاء فی مناقب الامیر و الزهراء 19- العبقری الحسان 20- رساله فی الحقیقه و المجاز.

در همین سال بود که مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی که از مشایخ اجازه عصر ما و از علماء بزرگوار و عالیقدر اسلام و صاحب تصانیف کثیره بودند به قم مشرف شده و مورد تجلیل واقع گردیدند.

وی از شاگردان مولی لطف‌اللّٰه مازندرانی و میرزای رشتی و شریعت اصفهانی و مرحوم مامقانی و مرحوم حاجی نوری صاحب مستدرک بوده‌اند به کثرت قدس و تقوا معروف و به زهد و ورع موصوف و از نوادر عصر بودند و بسیاری از علماء و مبلغین کنونی از آن جناب اجازه روایتی دارند و برای این نگارنده هم در سال 1364 قمری مرقوم نموده و ارسال فرمودند.

در مسافرت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به مشهد جای نماز خودش را به معظم له واگذار و در شبستان بزرگ مسجد گوهرشاد خود با هزارها نفر مردم متدین و دانشمندان به آن مرحوم اقتدا می‌کردند.

نمازش با اینکه از همه نمازها طولانی‌تر بود جمعیتش از جماعات دیگر بیشتر بود و جدا از حیث کم و کیف اول نماز جماعت خراسان بود حالات عبادی و خضوع و خشوع مخصوصی داشت در سال 1368 رحلت نموده و در پائین پای حضرت رضا علیه‌السلام درب حرم مدفون گردید.

از آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم فرزند زاده‌ی ایشان مرحوم دانشمند برومند آقای حاج شیخ محمد فرید نهاوندی صاحب کتاب رموز نماز مطبوع بود و دارای فضل و صاحب ذوق و طبع سرشار و تألیفات دیگر و از شاگردان درس مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی بودند که در سال 1389 در تهران وفات نموده و جنازه‌اش را حمل به مشهد و در جوار حضرت رضا علیه‌السلام به خاک سپردند تألیفات مرحوم نهاوندی که اغلب مطبوع می‌باشد به قرار زیر است: 1- خزینة الجواهر 2- گلزار اکبری 3- وسائل العبید 4- راحة الروح 5- جواهر الکلمات 6- انوارالمواهب 7- انهارالنوائب 8- الفوائد الکوفیه 9- رشحة الندی 10- الیاقوت الاحمر 11- طور سیناء 12- عناوین اللمعات 13- لمعات الانوار 14- مفرح القلوب 15- البنیان الرفیع 16- الجنة العالیه 17- جنتان مدهامتان- و تألیفات دیگر.

علی‌اکبر نهاوندی متولد 1280 و متوفی 19 ربیع‌الثانی 1369 ق از علماء ممتاز و معروف معاصر مشهد بودند.

وی در معقول از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه و در فقه و اصول از شاگردان مرحوم آشتیانی بزرگ و میرزاء حبیب‌اللّه رشتی و سایر اعلام نجف بوده است آقای مروج در تاریخ رحلتش سروده‌اند.
آمده‌اند و سرافکنده و پی تاریخ گفت
(شد نهاوندی مقیم اندر سلطان طوس)
در ربیع‌الاول 1366 ق که مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی از دنیا رفتند در قم و تهران و سایر شهرستانها برای ایشان اقامه شد و در قم در خدمت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله برای شرکت در مراسم شب هفت مرحوم آیت‌اللّه العظمی قمی می‌رفتم که دیدم هیئتهای مذهبی آمده و می‌خواندند.
هفته آقای قمی شد عیان
شد نهاوندی سوی جنت روان
پس تلگرافات تسلیت برای علماء بزرگ مشهد و خاندان آن مرحوم مخابره و حال آنکه ایشان در کمال صحت و سلامتی در مجالس فواتح مرحوم قمی شرکت می‌نمودند و بعد از سه سال دیگر به رحمت حق پیوستند.
فرزندزاده ایشان مرحوم حجه‌السلام حاج شیخ محمد (فرید) نهاوندی از فضلاء معاصر خراسان بودند که تحصیلات خود را در مشهد و قم به پایان رسانیده و سالها از محضرمرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه به مشهد مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و درس تفسیر و تألیف پرداخته تا در حدود 1388 قمری که در تهران به سکته مغزی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به مشهد مقدس و در آستانه مدفون شده است از آثار مطبوع ایشان کتابی بنام اسرار نماز می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (272/ 25 -277، 248/ 24، 360/ 21، 344/ 216215، 186/ 18، 351، 263، 216- 215، 181/ 15، 130/ 12، 56/ 10، 158/ 7، 159/ 6، 279، 164، 159، 109/ 5، 152/ 3)، ریحانه (270 -269/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 1600 -1599/ 14)، علماء معاصرین (221 -219)، گنجینه‌ی دانشمندان (190 -189/ 7)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1314 -1313/ 3)، مکارم‌الآثار (2209 -2207/ 6)، میرزای شیرازی (172).

نهاوندی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد نهاوندی متخلص به (تجلی) از علماء و مفسرین و مدرسین آستان قدس رضوی و مورد احترام و توجه عموم و بالخصوص دانشمندان و با مرحوم آیت‌اللّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی رفاقت و صداقت تام داشتند و هر وقت تهران مسافرت می کردند به منزل معظم‌له وارد می‌شدند.
نگارنده کرارا ایشان را در منزل آن مرحوم دیدم و از محضرشان استفاده نمودم ایشان در بیستم ربیع‌الثانی 1371 ق در مشهد مقدس رضوی از دنیا رفته و در آستان مقدس مدفون شدند و آقای مروج در ماده تاریخش سرود.
رفت وی کم نما (وی) و برگو
(از جهان رفت صاحب نفحات)
از آثار اوست تفسیر ملمعی بنام 1- (نفحات الرحمن) در 4 مجلد بطبع رسیده 2- ضیاءالابصار در مباحث الخیار مطبوع میباشد 3- دیوانی بنام (زبده‌المصائب) 4- سراج‌النهج در مسائل عمره و حج 5- حاشیه بر کتاب صلاه مرحوم حایری 6- خلل صلاه
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نهاوندی، محمدجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1334/ 1333 -1276 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، ریاضیدان و منجم. ملقب به جهان‌بخش. در نهاوند به دنیا آمد و در این شهر نشو و نما یافت. ریاضیات را نزد ملا عبدالرحیم نهاوندی فراگرفت. در 1296 ق به تهران آمد و در فقه و اصول از محضر میرزا محمدحسن آشتیانی و دیگر علما استفاده نمود. وی در استخراج تقویم و تعیین مواقع اذان و غروب ایام طبق محاسبات نجومی متبحر بود. از وی تصانیفی در علم اعداد، جفر، نجوم و زیج و دیگر علوم به جای مانده است. از آثار او: «قبلة البلدان لاهداء الاخوان» در شناخت قبله؛ مقاله‌ای در «خط نصف النهار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (44/ 17)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 318/ 14)، معجم‌المؤلفین (166/ 9).

نیر تبریزی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1312 -1248 -1247 ق)، عالم دینی، فقیه، خطاط و شاعر، متخلص به نیر. مشهور به حجت‌الاسلام تبریزی. وی از مشاهیر فرقه‌ی شیخیه در آذربایجان بود. او و پدرش از اولین کسانی هستند که بر مسلک علی محمد باب ردیه نگاشتند. در تبریز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت و مقدمات را فراگرفت. سپس به نجف رفت. پس از فراگیری فقه و اصول و حکمت و کسب فیض از محضر علما به تبریز بازگشت. او به واسطه‌ی پدرش از شیخ احمد احسایی و نیز از شاگردان سید کاظم رشتی روایت کرده است. در خوشنویسی متبحر بود و با شعرای زمان خود از جمله: ادیب‌الممالک فراهانی، حاج فضلعلی مولوی متخلص به صفا، میرزا محمد ملا باشی طسوجی، حاج میرزا کاظم طباطبایی معروف به حاج وکیل، میرزا علی منجم باشی و شریف‌العلمای اصفهانی مصاحبت داشت. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی‌السلام دفن شد. از آثارش: «مفاتیح الغیب فی علم الائمة (ع)»؛ رساله‌ی «علم‌الساعة»، در کیفیت علم ائمه (ع)؛ تفسیر آیه (و ما خلقت الجن والانس»؛ رساله‌ی «نصرة الحق»؛ رساله‌ی «لمح البصر»؛ «صحیفة الابرار فی مناقب العترة الاطهار (ع)»؛ «لالی منثورة»؛ «لالی منظومه» یا «اللالی المنظومة»؛ مثنوی «در خوشاب فی جواب قاردوشاب» که رساله «توحیدیه» آقا میرزا محمود خویی، معروف به اصولی، را نقد کرده و تخلص خود را در این منظومه عمیدا قرار داده است؛ «آتشکده»، در مراثی؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (26 -17/ 3)، دانشمندان آذربایجان (390 -389)، الذریعه (175/ 24 ،305/ 21 ،176 -175/ 19 ،341 ،265 ،264/ 18 ،321 ،16 -15/ 15 ،1242 -1241/ 9 ،332/ 4 /5، 1)، ریحانه (29 -28/ 2)، سخنوران نامی معاصر (3767 -3760/ 6)، شرح حال رجال (325/ 3)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 266/ 14)، فرهنگ سخنوران (962)، گلزار جاویدان (1674 -1673/ 3)، المآثر والآثار (175)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (397 -396/ 1)، مکارم‌الآثار (1338 -1337/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (247 -246/ 2).

نیریزی، ارشدالدین، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 604 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، مفسر و ادیب. در «مجمل فصیحی» و «فارسنامه‌ی ناصری» نام وی محمد بن علی ذکر شده است. او جامع علوم شرعیه و در علم تفسیر و حدیث متبحر بود. مدتها در مسجد جامع عتیق شیراز امامت نمود و نوشته‌اند که به مدت هفتاد سال عهده‌دار منصب افتاء بود. او را عالمی خیرخواه و دارای اخلاق نیکو و اوصاف مرضیه دانسته‌اند. در طلب علم به حجاز و عراق مسافرت نمود و مشایخ و علمای بزرگی چون: شیخ توران کبیر، زاهد ابومنصور، ابوالوفا احمد بن ابراهیم فیروزآبادی، ابومقاتل مناور بن فرکوه دیلمی را درک نمود. شیخ روزبهان بقلی شیرازی و سراج‌الدین مکرم قاضی‌القضاة فارس و عارف معروف عزالدین مودود زرکوب و فرزندش، عمادالدین ابوالفضل محمد بن مودود زرکوب، و ملک معین‌الدین ابوذر کتکی مفتی از شاگردان او بودند. در شیراز درگذشت و در رباطی که خود در نزدیکی مصلای شیراز بنا کرده بود، دفن شد. از آثارش: «مجمع‌البحرین»، در تفسیر و تأویل، در ده مجلد؛ «تنویر المصابیح»، در شرح «المصابیح»، در حدیث؛ «باکورة الطلب لاهل الادب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شد الازار (376 -372)، شیرازنامه (170 -169)، فارسنامه ناصری (1567/ 2)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 604)، معجم‌المؤلفین (224/ 7).

نیشابوری، ابوالفتح ناصر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(552 -489 ق)، فقیه شافعی، محدث و متکلم. در نیشابور به دنیا آمد. از پدرش و ابوالحسن مدینی مؤذن و فضل بن عبدالواحد تاجر و دیگران حدیث شنید. ابوسعد بن سمعانی و فرزندش، عبدالرحیم بن ابی‌سعد، از وی روایت کرده‌اند. او را از بزرگان علم کلام دانسته و در این علم او را برتر از اقرانش شمرده‌اند. وی صاحب کتابی در این زمینه می‌باشد. در مرو درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (311/ 8)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (43/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (317/ 7)، هدیةالعارفین (488/ 2).

نیشابوری، ابوالقاسم سلمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 512/ 511 ق)، فقیه شافعی، مفسر، متکلم، زاهد و صوفی. ملقب به امام المتکلمین. اصل وی از ارغیان، از قرای نیشابور بود. در نیشابور به دنیا آمد. علم حدیث و تصوف را در نزد ابوالقاسم قشیری تحصیل کرد. سپس به حجاز و بغداد و شام مسافرت کرد و مشایخ آن روزگار را درک نمود. آنگاه به نیشابور بازگشت و ملازم امام‌الحرمین جوینی گردید. وی در فقه از شاگردان امام‌الحرمین و در علم طریقت و فن تصوف صاحب قدم و اهل عمل بود. از فضل‌اللّه میهنی و ابوحسین عبدالغافر فارسی و ابوحسین بن مکی و کریمه مروزیه و ابوصالح مؤذن و ابوالقاسم قشیری و جماعتی دیگر روایت کرد. ابن‌سمعانی از وی اجازه روایت داشت. در نیشابور درگذشت. از آثارش: شرح «الارشاد» امام‌الحرمین جوینی، در علم کلام؛ «الغنیة»، در فقه شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (171 -170/ 3)، سیرالنبلاء (412/ 19)، شذرات‌الذهب (34/ 4)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (284 -283/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (43 -42/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (99 -96/ 7)، طبقات المفسرین داودی (194 -193/ 1)، کشف‌الظنون (1434، 1212، 68)، معجم‌المؤلفین (240/ 4)، الوافی بالوفیات (314/ 15).

نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(319/ 318 -242 ق)، فقیه شافعی، محدث، حافظ، مجتهد و مفسر. اصلش از نیشابور و ساکن مکه و شیخ‌الحرم و شیخ‌الاسلام شافعیه بود. از محمد بن عبداللّٰه بن عبدالحکم مصری و ربیع بن سلیمان مرادی و محمد بن اسماعیل صائغ و محمد بن میمون و علی بن عبدالعزیز روایت کرد. ابوبکر بن مقری و محمد بن یحیی بن عمار دمیاطی و حسن بن علی بن شعبان و برادرش، حسین بن علی بن شعبان و ابوطاهر محمد بن ابراهیم اصفهانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی در علم خلاف متبحر بود. در مکه درگذشت. در بعضی از مآخذ سال وفات وی 309 یا 310 ق ذکر شده است. اما ذهبی گوید که این تاریخ درست نیست چرا که ابن‌عمار دمیاطی در 316 ق او را ملاقات کرده است. از آثار او: «المبسوط»، در اختلاف آرای فقهی علمای مذاهب؛ «الاشراف فی معرفة الخلاف» یا «الاشراف فی اختلاف العلماء»؛ «الاوسط» که در واقع اصل کتاب «الاشراف» است؛ «التفسیر» یا «تفسیر القرآن»، در چندین مجلد؛ «جامع الاذکار»؛ کتاب «الاجماع»؛ «الاقناع»؛ کتاب «السنن والاجماع والاختلاف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (184/ 6)، ایضاح‌المکنون (350 -349/ 1)، تذکرة الحفاظ (783 -782/ 3)، سیرالنبلاء (492 -490/ 14)، شذرات الذهب (280/ 2)، طبقات الحفاظ (347)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (99 -98/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (108 -102/ 3)، طبقات المفسرین داودی (51 -50/ 2)، کشف‌الظنون (1385، 460، 440، 202 -201، 103)، لسان‌المیزان (628 -626/ 5)، معجم‌المؤلفین (220/ 8 115،/ 1)، میزان الاعتدال (436/ 3)، الوافی بالوفیات (336/ 1)، وفیات الاعیان (207/ 4)، هدیة‌العارفین (31/ 2).

نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(226 -142 ق)، فقیه، حافظ و محدث. شیخ‌الاسلام و عالم خراسان بود. اصل وی از مرو است. محدثین اهل سنت مراتب فضل و کمال زهد و ورع او را ستوده‌اند و از قول احمد بن حنبل نقل شده که از خراسان، پس از ابن‌مبارک، کسی همانند یحیی بن یحیی برنخاسته است. در خراسان، حجاز، عراق، شام و مصر به طلب حدیث پرداخت. او از تابعین، کثیر بن سلیم را ملاقات کرد و از او حدیث آموخت. همچنین از عبداللّه بن جعفر مخرمی و یزید بن مقدام و مالک و سلیمان بن بلال و شریک قاضی و لیث بن سعد و ابراهیم بن سعد و داوود بن عبدالرحمان عطار و مسلم بن خالد و اسماعیل بن علیه و جعفر بن سلیمان ضبعی و حماد بن سلمه و حمید بن عبدالرحمان رواسی و ابن الاحوص وابوقدامه حارث بن عبید ایادی و جریر بن عبدالحمید و اسماعیل بن جعفر مدنی و اسماعیل بن عیاش و حفص بن غیاث نخعی و معاویة بن عمار دهنی و معاویة بن سلام حبشی و محمد بن مسلم طائفی و یوسف بن یعقوب ماجشون و عبدالرحمان بن ابی‌الزناد و ابن‌فضیل و سفیان بن عیینه و عبداللّه بن مبارک و عبدالعزیز بن محمد دراوردی و محمد بن ثابت عبدی و معتمر بن سلیمان و مغیرة بن عبدالرحمان حزامی و هیثم بن بشیر و وکیع بن جراح و یزید بن هارون و ابوبکر بن عیاش و جماعتی دیگر روایت کرد. مسلم و بخاری و ترمذی و نسایی و حمید بن زنجویه و محمد بن نصر مروزی و محمد بن یحیی ذهلی و فرزندش، یحیی بن محمد بن یحیی ذهلی، و ابوازهر احمد بن ازهر و اسحاق بن راهویه و عبداللّه بن عبدالرحمان دارمی و احمد بن یوسف سلمی و احمد بن سلمه نیشابوری و فضل بن یعقوب رخامی و محمد بن اسلم طوسی و ابواحمد فراء و یعقوب بن سفیان فارسی و احمد بن سیار و عثمان بن سعید دارمی و زکریا بن داوود خفاف و ابراهیم بن علی ذهلی و داوود بن حسین بیهقی و علی بن حسین صفار و محمد بن عبدالسلام بن بشار وراق و حسین بن منصور سلمی و عبیداللّه بن فضاله نسائی و عصمة بن ابراهیم نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در نیشابور درگذشت و در این شهر به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (223/ 9)، التاریخ الکبیر (301/ 8)، تذکرة الحفاظ (416 -416/ 2)، تهذیب التهذیب (260 -257/ 11)، تهذیب الکمال (257

-253/ 20)، الجرح والتعديل (ج 4، ق 197/ 2)، سيرالنبلاء (519 -512/ 10)، شذرات الذهب (59/ 2)، طبقات الحفاظ (201 -200)، العبر (312/ 1)، الكامل (264/ 5)، المنتظم (350 -348/ 6)، النجوم الزاهرة (302/ 2).

نیشابوری، ابوسعد، ابوسعید عبدالملک

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 407/ 406 ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر، وعظ و زاهد. معروف به ابوسعد یا ابوسعید خرگوشی. نزد ابوالحسن ماسرجسی فقه آموخت. در طلب حدیث به عراق سفر کرد. پس از آن به سوی حجاز رهسپار گشت. و در مکه مجاور شد. سپس به خراسان مراجعت نمود و طریق زهد و خدمت به خلق پیشه کرد. وی از حامد بن محمد رفاء و یحیی بن منصور قاضی و اسماعیل بن نجید و محمد بن حسن سراج و ابواحمد شیبانی نیشابوری و محمد بن عبدالملک نسوی و بشر بن احمد اسفراییینی و علی بن بندار صوفی و ابواسحاق مزکی و ابوعمرو بن مطر و ابوسهل صعلوکی روایت کرد. حاکم نیشابوری و حسن بن محمد خلال و ابوالقاسم تنوخی و علی بن محمد حنایی و ابوعلی اهوازی و حافظ ابوبکر بیهقی و عبدالعزیز ازجی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و ابوبکر ابن خلف شیرازی و ابوالقاسم ازهری و جمعی دیگر از وی روایت نموده‌اند. مرتبه‌ی وی را در فقاهت و زهد ستوده‌اند. و او را از دانشمندانی دانسته‌اند که علاوه بر مقام علمی و زهد به حوائج عامه مردم و فقرا رسیدگی می‌کرده و ابنیه‌ی خیریه‌ای تأسیس می‌نموده است. از جمله بنای بیمارستانی را به وی نسبت می‌دهند. او در نیشابور درگذشت و در خرکوش نیشابور دفن شد. از آثارش: «تهذیب الاسرار فی طبقات الاخیار»؛ «شرف المصطفی (ص)»، در هشت مجلد؛ اللوامع»؛ «سیر العباد والزهاد»؛ «شعائر الصالحین» یا «شعار الصالحین»؛ «دلائل النبوة»؛ کتاب «التفسیر»؛ کتاب «الزهد»؛ «البشارة والنذارة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (351 -350/ 2)، تاریخ بغداد (432/ 10)، تاریخ نیشابور (169)، تذکرة الحفاظ (1067 -1066/ 3)، سیرالنبلاء (257 -256/ 17)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (229 -228/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (223 -222/ 5)، العبر (214/ 2)، کشف‌الظنون (1569 ،1047 ،1045 ،514 ،245)، لب‌اللباب (281/ 1)، معجم‌البلدان (413 -412/ 2)، معجم‌المؤلفین (189 -188 ،108/ 6)، المنتظم (146/ 9)، هدیةالعارفین (625/ 1).

نیشابوری، ابوسعید حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 348 ق)، محدث، فقیه حنفی، اصولی و قاضی. اصل وی از نیشابور بود، در طلب حدیث به مصر و حلب و ری و کوفه مسافرت کرد و در مصر از نسائی و طحاوی حدیث شنید. او چهل سال منصب قضاوت معرةالنعمان را عهده‌دار بود. از آثارش: «الرد علی الشافعی فیما یخالف فیه القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف‌الظنون (1420)، معجم‌المؤلفین (206 -205/ 3)، هدیةالعارفین (269/ 1).

نیشابوری، ابوعبداللّه احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 234 ق)، فقیه، محدث، عابد و زاهد. شیخ نیشابور بود. در طلب حدیث سفر کرد و مدتی در کوفه، بغداد و بصره اقامت گزید. وی از سفیان بن عیینه و ابن ابی‌فدیک و عبدالوهاب بن عطاء و حفص بن عبدالرحمان و ابی‌اسامه و ابوداوود طیالسی و ابی‌عامر عقدی و محمد بن عبید طنافسی و عبداللّه بن ولید عدنی و عامر بن خداش و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. احمد بن ازهر و سهل بن عمار و عباس بن حمزه و محمد بن ازهر و سهل بن عمار و عباس بن حمزه و محمد بن شاذان نیشابوری و جعفر بن محمد نیشابوری و ابراهیم بن محمد بن سفیان فقیه و احمد بن نصر خفاف و اسماعیل بن قتیبه و زکریا بن دلّویه از وی روایت کرده‌اند. صاحب عنوان را به زهد و پارسایی و کثرت عبادت ستوده‌اند. از آثارش: کتاب «الاربعین»؛ کتاب «عیال اللّه»؛ کتاب «الزهد»؛ کتاب «الدعاء»؛ کتاب «الحکمة»؛ کتاب «المناسک»؛ کتاب «التکسب». در «کشف‌الظنون» و «هدیةالعارفین» و «معجم‌المؤلفین» نام کتاب اخیر وی «الکسب» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (119 -118/ 4)، سیرالنبلاء (35 -32/ 11)، شذرات الذهب (80/ 2)، العبر (327/ 1)، کشف‌الظنون (1830، 1452، 1423، 1422- 1417، 1413، 54)، لسان‌المیزان (225/ 1)، معجم‌المؤلفین 188/ 10)، میزان الاعتدال (116/ 1)، هدیةالعارفین (47/ 1).

نیشابوری، ابوعلی حسین

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(349 -277 ق)، حافظ، محدث و فقیه. در نیشابور به دنیا آمد. او از مشایخ حاکم نیشابوری است. در نیشابور از ابراهیم بن ابی‌طالب و علی بن حسن صفار و عبداللّه بن شیرویه و ابن‌خزیمه و احمد بن محمد ماسرجسی و جعفر بن احمد حافظ و در هرات از حسین بن ادریس و محمد بن عبدالرحمان سامی و در نسا از حسن بن سفیان و در جرجان از عمران بن موسی بن مجاشع و در مرو از عبداللّه بن محمود و در ری از ابراهیم بن یوسف هسنجانی و در بغداد از عبداللّه بن ناجیه و محمد بن حبان و قاسم مطرز و در کوفه از محمد بن جعفر قتات و در بصره از ابوخلیفه جمحی و زکریا ساجی و در واسط از جعفر بن احمد بن سنان و در اهواز از عبدان اهوازی و در اصفهان از محمد بن نصیر و در موصل از ابویعلی بن مثنی و در مصر از ابوعبدالرحمان نسائی و در غزه از حسن بن فرج عزی و در مکه از مفضل جندی و در شام از اصحاب ابراهیم بن علا و معافی بن سلیمان حدیث شنید. ابوبکر احمد بن اسحاق صبغی و ابووليد فقیه و ابن‌منده و حاکم و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوطاهر بن محمش و دیگران از وی روایت کرده‌اند. صاحب عنوان را به قوت حافظه و کثرت احادیثی که از حفظ داشته است ستوده‌اند. به ویژه شاگردش حاکم نیشابوری او را یگانه عصر خود در حفظ حدیث، زهد و ورع می‌داند. او در نیشابور درگذشت و در مقبره‌ی باب معمر دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (266/ 2)، تاریخ بغداد (72 -71/ 8)، تاریخ نیشابور (224 ،160)، تذکرة الحفاظ (905 -902/ 3)، سیرالنبلاء (59 -51/ 16)، شذرات‌الذهب (380/ 2)، طبقات الحفاظ (385 -384)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (128/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (270/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (280 -276/ 3)، العبر (81/ 2)، معجم‌البلدان (384 -383/ 5)، المنتظم (300/ 8)، النجوم الزاهرة (370/ 3).

نیشابوری، ابومنصور محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 367 ق)، فقیه شافعی. او را از فقهای بزرگ زمان خود به شمار آورده‌اند. حاکم گوید که وی از افقه اصحاب پدرش، ابوولید حسان بن محمد، بود. از ابوالعباس محمد بن اسحاق و ابوالعباس و ماسرجسی و مؤمل بن حسن و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی در نیشابور درگذشت و در کنار پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: الرد علی کتاب الریاضة والادب» ابونعیم اصفهانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (264/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (136 -135/ 3)، معجم‌المؤلفین (179/ 9).

نیشابوری، جمال‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 784 ق)، محدث، فقیه شافعی و خطیب. اصل وی از نیشابور است. در 721 ق وارد مصر شد و از حجار حدیث شنید. او در نزد قطب سنباطی و ابن القماح و ابن‌عدلان و دیگران فقه آموخت. وی در مصر منصب تدریس و فتوا داشت. صاحب «شذرات‌الذهب» او را به سلامت نفس و رعایت جانب حق می‌ستاید. در سنین کهولت شنوایی خود را از دست داد و به همین علت به او اطروش می‌گفتند. از آثارش: شرح «التعجیز» یا «تصحیح التعجیز»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شذرات‌الذهب (285/ 6)، کشف‌الظنون (418)، معجم‌المؤلفین (253/ 11).

نیشابوری، رضی‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 598 ق)، فقیه و شاعر. معروف به استاد الائمه. آغاز عمر را در بلخ به کسب دانش گذرانید ولی بیشتر در ماوراءالنهر می‌زیست و رضی‌الدین از شاگردان حسین بن احمد خطیبی و شرف‌الدین محمد بن مسعود مروزی و از مریدان شیخ معین‌الدین حموی بود. ابوجعفر در علم فقه و خلاف صاحب نظر و اثر بود و در شاعری توانا. وی بیشتر مدح قلج طمغاج خان ابراهیم بن حسین و قلج ارسلان می‌گفته و چند نوبت به زیارت خانه خدا تشرف یافته است. در پایان عمر به گوشه‌نشینی و زهد مشغول شد بیشتر اشعار وی بن مایه‌ی موعظه و اندرز دارد در «ریاض العارفین» وی را تحت دو نام آورده است. وی را مداح ارسلان بن طغرل بیک سلجوقی نیز دانسته‌اند که ظاهرا ناصواب است. به زبان عربی نیز شعر می‌سروده است. از آثار وی: «مکارم الاخلاق»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (2/ 686- 691)، تاریخ ادبیات در ایران (2/ 849- 852)، تاریخ نظم و نثر (99)، دایرةالمعارف فارسی (1089/1)، الذریعه (146/22، 373/9)، ریاض العارفین (78)، ریحانه (2/ 320- 321)، سرآمدان فرهنگ (1/ 394- 395)، کشف الظنون (1810- 1811)، لباب الالباب (1/ 219- 228)، مؤلفین کتب چاپی (5/ 874- 875)، مجمع الفصحا (2/ 672- 675)، هفت اقلیم (2/ 243- 250).

نیشابوری، شیخ میرزا جواد، عبدالجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ساکن نجف بود. وی را از فقها و اصولیین بزرگ عصر خود و از طبقه‌ی شاگردان شیخ جعفر کاشف‌الغطاء می‌دانند. در فقه، اصول و کلام متبحر بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» او را با توجه به تألیفاتش از فحول علمای عصر خود به شمار آورده است. از آثارش: «شرح الشرایع»، در فقیه؛ رساله‌ای در «حدوث العالم»؛ کتاب «اصول الفقه».[1]
جواد (عبدالجواد) نیشابوری بن حاج سلیمان نجفی از بزرگان علماء عصر خود و اجلاء مصنفین بوده و تصنیفی در فقه بنام (شرح الشرایع) به عنوان قوله قوله در وقوف و صدقات غصب و مکاسب و بیع و خیارات و اجاره دارد و نیز رساله در حدوث عالم دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (325/ 13 ،294/ 6 ،205/ 2)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 284/ 13)، معجم‌المؤلفین (166/ 3).

نیشابوری، لطف‌اللَّه

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام آقا شیخ لطف‌اللَّه نیشابوری معاصر (امیر تیمور گورکانی) و متوفی سنه 810 قمری دارای تالیفی به نام غایه‌المطلوب در واجب و مندوب بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، محمدصادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام آقا شیخ محمدصادق نیشابوری فقیهی کامل و عالمی بزرگ بوده و بسطامی و برادر (فردوس التواریخ) از شاگردان میرزا سید حسن رضوی مشهدی متوفی (1378) یاد نموده و درباره‌اش گفته: العالمه الفهام و مقتدی الانام و کفیل الارامل و الایتام).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، محیی‌الدین، ابوسعد، ابوسعید محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(548 -476 ق)، فقیه شافعی، عالم و محدث. شیخ‌الشافعیه نیشابور بود. در طریثیث نیشابور به دنیا آمد و نزد امام محمد غزالی و ابی‌المظفر خوافی فقه آموخت. او را در فقه و خلاف از سرآمدان شافعیه به شمار آورده‌اند. از ابی‌حامد احمد بن علی بن عبدوس و اسماعیل بحیری و ابوالفتیان رواسی و نصرالله خشنامی و عبدالغفار شیروی و جماعتی دیگر حدیث شنید. سمعانی و منصور بن ابوالحسن طبری و یحیی بن ربیع واسطی فقیه و دیگران از وی روایت کرده‌اند. او در نظامیه‌ی نیشابور و نظامیه‌ی هرات تدریس می‌کرد. ابومنصور هروی که یکی از بزرگان فقهای شافعیه است، از شاگردان وی می‌باشد. عمده شهرت وی بواسطه تألیف کتاب «المحیط» در شرح کتاب «الوسیط» استادش، امام محمد غزالی، است. وی در جریان فتنه‌ی غزان و سقوط نیشابور به قتل رسید. از دیگر آثارش: «الانتصاف فی مسائل الخلاف»، در «طبقات الشافعیه» سبکی این کتاب با عنوان «الانصاف فی مسائل الخلاف» ذکر شده است؛ «تعلیقة فی الخلافیات».[1]
ابوسعید محمد بن یحیی ملقب به محی‌الدین، از فضلا و فقهای معروف ایران (و. 476 ه.ق مفت. 550 ه.ق) «المحیط فی شرح الوسیط» و کتاب «الانتصاف فی مسائل الخلاف». هنگامی که غزان نیشابور را گرفتند چون امام جنگ آنان را واجب دانسته بود دهان او را پر خاک کردند تا بمرد. خاقانی را در رثای او دو قصیده است یکی با ردیف خاک است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] روضات‌الجنات (22/ 8)، ریحانه (260/ 5)، سیرالنبلاء (315 -312/ 20)، شذرات‌الذهب (151/ 4)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (316/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (28 -25/ 7)، العبر (8 -7 / 3)، کشف‌الظنون (2008، 174)، النجوم الزاهره (293/ 5)، الوافی بالوفیات (197/ 5)، وفیات الاعیان (224 -223/ 4)، هدیةالاحباب (238 -237)، هدیةالعارفین (91/ 2).

نیشابوری، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 550 ق)، فقیه، مفسر، ادیب، لغوی و شاعر. ملقب به بیان الحق. مؤلف «معجم‌الادباء» وی را عالمی بارع و مفسری دانشمند توصیف کرده است. او در علم لغت و فقه متبحر بود. همچنین وی را متفنن در علوم و تصانیف او را کم‌نظیر دانسته‌اند. از آثارش: «ایجاز البیان فی معانی القرآن»؛ «خلق الانسان»؛ «جمل الغرائب»، در تفسیر حدیث؛ «التذکرة والتبصرة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (43/ 8)، کشف‌الظنون (1205، 722، 602- 601، 393، 205)، معجم‌الادباء (125- 124/ 19)، معجم‌المؤلفین (158- 157/ 12).

نیلی نیشابوری، ابوسهل سعید

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(420 -353 ق)، فقیه، طبیب، ادیب، نحوی و شاعر. اهل نیشابور بود. او در علم طب استاد بود و از مشاهیر اطبا به شمار می‌آمد و تصانیفی در این زمینه دارد. وی همچنین در فقه و فنون شعر و ادب نیز متبحر بود. از آثار او: اختصار کتاب «المسائل» حنین بن اسحاق؛ تلخیص «شرح فصول بقراط» جالینوس همراه با نکاتی از «شرح ابوبکر رازی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (150/ 3)، تاریخ طب (679 -678/ 2)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (314)، کشف‌الظنون (1668)، معجم‌الادباء (218/ 11)، معجم‌المؤلفین (225/ 4)، الوافی بالوفیات (240/ 15).

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 468 ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث، نحوی، لغوی و مدرس. اصل وی از ساوه بود. در نیشابور به دنیا آمد و برخلاف پیشه‌ی اجدادش که تجارت بود، او و برادرش عبدالرحمان، به کسب علم پرداختند و در سلک محدثین و علما درآمدند. وی را از نویسندگان بزرگ و امام و استاد بی‌نظیر عصر خود در ادبیات، تفسیر، حدیث، فقه و نحو دانسته‌اند. او نزد خواجه نظام‌الملک، وزیر مقتدر سلجوقیان، تقربی تمام داشت. ادبیات و لغت را نزد ابوالفضل عروضی ادیب و نحو را نزد ابوالحسن ضریر قهندزی و ابوعمران مغربی مالکی فراگرفت و برای تکمیل معلومات خویش به مسافرت پرداخت. وی در علم تفسیر از محضر ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی استفاده نمود. از ابوطاهر بن محمش و قاضی ابوبکر حیری و ابوابراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ و محمد بن ابراهیم مزکی و عبدالرحمان بن حمدان نصروی و احمد بن ابراهیم نجار و دیگران حدیث شنید. احمد بن عمر ارغیانی و عبدالجبار بن محمد خواری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت. در «النجوم الزاهرة» سال وفات وی 469 ق ذکر شده است. از آثارش: تفاسیر سه‌گانه: «البسیط»، «الوسیط» و «الوجیز» که به «الحاوی لجمیع المعانی» موسوم و به «تفسیر واحدی» معروف است؛ «اسباب النزول» یا «اسباب التنزیل»؛ «الدعوات والمحصول»؛ «المغازی»؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «الاغراب فی الاعراب» یا «الاعراب فی علم الاعراب»، در نحو؛ «تفسیر النبی (ص)»؛ «نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «التحبیر فی شرح الاسماء الحسنی» یا «التنجیز فی شرح اسماء اللّه الحسنی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (60 -59/ 5)، ایضاح‌المکنون (674 -673/ 2)، تاریخ ادبیات در ایران (260/ 2)، دمیة القصر (1020 -1017/ 2)، الذریعه (42/ 25، 188/ 20، 319/ 4)، روضات‌الجنات (236 -234/ 5)، ریحانه (286 -285/ 6)، سیرالنبلاء (342 -339/ 18)، شذرات‌الذهب (330/ 3)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 118/ 5)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (258 -256/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (243 -240/ 5)، طبقات المفسرین داودی (390 -387/ 1)، العبر (324/ 2)، الکامل (123/ 8)، کشف‌الظنون (2002، 1747، 1460، 1417، 1277، 809، 355، 245

125، ،76)، الكنى والالقاب (277/ 3)، معجمالادباء (270 -257/ 12)، معجمالمؤلفين (27 -26/ 7)، النجوم الزاهرة (105/ 5)، وفيات الاعيان (304 -303/ 3)، هديةالاحباب (260)، هديةالعارفين (692/ 1).

واصف، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
درگذشت: 2 آبان 1375.
محمد بن ابی‌القاسم الجیلانی، معروف به شیخ محمد واصف لاهیجی- در فقه، اصول، فلسفه، منطق کلام، درایه، ریاضی و فیزیک استاد بود لذا اکثر علوم را به نظم کشید. وی بیش از هفتصد اثر از خود به جای گذاشت که بالغ بر دویست اثر از آنها به طبع رسیده از جمله: دیوان اشعار؛ حضرت رقیه (س) (در حالات حضرت)؛ بیت الاحزان عاشقان (در موضوع حسن و عشق و غصه...)؛ راهنمای میراث؛ رسالة الانسان (بهداشت صورت)، ارجوزة القیامة (بحث معاد)، دروس العقائد؛ دلیل البقاء (خواص بقاء از نظر اسلام؛ طب النب (ص)؛ اسرار الشهادة؛ باب الولایة؛ مناجات نامه؛ چهارده معصوم (ص)، تراجم الائمه (ع)؛ زکاة در اسلام و... کتاب احراق لانه‌های فساد (1331). باقی آنها به صورت خطی مضبوط است. واصف لاهیجی مسایل ریاضی ارث را در کتاب میراث خود حل نمود و مبتکر میراث شجری است. وی کتابی در رضاع دارد و رضاع و حج شجری است را مطابق با مذاهب پنجگانه تدوین نماید. او علم و هنر را درهم آمیخت. علامه واصف لاهیجی در سرودن اشعار علمی به زبان عربی تسلط داشت و برخی از علما او را عرب زبان می‌پنداشتند زیرا در نظم کشیدن مسائل علمی به زبان عربی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت؛ کتابهای شواهد العقاید؛ دلیل البکاء الحب؛ شواهد الاولایه و... نموداری از گفتار فوق است. کتاب الفیة علی هامش علم الامام (ع) را در اثبات علم حضوری امام به زبان عربی به رشته تحریر درآورد.
آیت‌الله واصف لاهیجی تدر زمان آیت‌الله بروجردی به اذن آن بزرگوار با همکاری روحانیت محترم منطقه، بیمارستان ولی عصر (ع) را بنا نمود.
حجه‌الاسلام و محقق عالیمقام آقای حاج شیخ محمد بن میرزا ابی‌القاسم آستانی مشهور به واصف در سال 1325 شمسی متولد شده و بعد از تحصیلات دوره متوسطه در سال 1333 شمسی به عزم فراگرفتن علوم عالیه اسلامی وارد حوزه مقدسه علمیه قم گردیده و پس از دیدن مقدمات و سطوح در مدت چهار سال به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و مدت 8 سال از آن نابغه فقاهت استفاده کرده و ضمنا به تدریس بعضی از کتب سطحیه از قبیل رسائل و مکاسب پرداخته

و بعد از فوت مرحوم بروجردی از آیات دیگر نیز استفاده نموده و بیشتر اوقات خود را به تالیف کتب علمیه و به مقالات دینیه می گذراند.
مولف گوید. علامه واصف گیلانی از دانشمندان وارسته و فضلاء برجسته عالمی فاضل و نویسنده‌ای کامل و دارای مقام علم و تقوا و ملکات فاضله و اخلاق حسنه است.
و آثاری که تاکنون از ایشان منتشر شده از این قرار است:
1- پیرامون زندگانی امیرالمومنین علیه‌السلام 2- راهنمای میراث لمعه 3- زکوه در اسلام 4- هامش الحاشیه 5- حسن و حسین علیهماالسلام 6- انقلاب مقدس حسین علیه‌السلام 7- از چه شخصی باید تقلید کنیم 8- احراق لانه‌های فساد 9- شراب ننگین منظوم 10- فاطمه زهرا از نظر آیات قرآن 11- فاطمه زهراء از نظر روایات اهل سنت 12- توضیح المراح 13- راهنمای شرح نظام 14- چهارده معصوم منظوم 15- افیونیه در مذمت تریاک کشیدن 16- بشر و آزادی 17- حقایق گفتنی 18- یگانه دختر رسول خدا علیهاسلام 19- رساله در توضیح معنای جعل 20- فضیلت علم و عالم در اسلام 21- الانسان واللحیه با ترجمه‌های متعدد 22- راهنمای علم اعلال 23- راهنمای تصریف 24- در اعلال بی‌نقطه 25- طب النبی 26- یادی از گذشته منظوم 27- تجدد و عوام فریبی 28- المناجات المنظوم 29- تاثیر دعا از نظر ابن‌سینا 30- حاشیه بر رسائل مبحث قطع 31- کفایه المیزان در منطق 32- به مناسبت زمین خواری 33- اسرار دخترکشی عرب در جاهلیت 34- عود کثیری از جزوات و مقالات و مقدمات و الشجریات.
مولف محترم کتب و رسائل بسیار دیگری نوشته و آماده برای طبع دارد که از آنها الفلک المستبد بسیار نفیس و ارزنده است که به نظر این بنده قاصر رسیده است و تاکنون مثل آن را ندیده‌ام.
2- ترجمه لمعه شهید اول 3- بضعة النبی صلی الله علیه و آله در سه مجلد 4- احراق لانه‌های فساد جلد دوم 5- راز فداکاری سالار شهیدان علیه‌السلام 6- فی حوله الدم المتوسط 7- ترجمه علل الشرایع در دو جلد 8- الفیه در اخلاق و آداب النفس 9- الفیه در اصول الفقه 10- شرح مبحث البرائه فارسی 11- شرح مبحث استصحاب 12- رساله در تحقیق ماوضع له الکل 13- فی هامش علم الامام 14- دیوان اشعار بیش از ده هزار بیت 51 رساله فی العقود 16- شمع الجمع فی نعت الائمه الاطهار 17- دروس الاعتقاد 18- تعبیر الرویا منسوب به امام صادق علیه‌السلام 19- رساله فی المقادیر 20- پیام قرآن 21- راهنمای علم الکتابه 22- چگونه به جهان دیگر راه توان یافت 23- ثقات الرجال مشجرات 24- منظومه فی الکلام 25- منظومه فی الصرف 26- محرمات النکاح 27- اندیشه‌های نوابغ 28- رساله‌ای در لبس خز 29- تاریخ کشفیات و اختراعات 2 جلد 30- منظومه

در منطق فارسی 31- اصطلاحات العلوم الشرعیه 32- تقریرات اساتیدش در فقه و اصول.
مترجم گرامی ما در امور اجتماعی نیز فعالیتهائی نموده و مساجد و درمانگاه و انجمنهای دینی و کتابخانه و چاپخانه و غیره تاسیس نموده‌اند ادام‌الله توفیقه.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وجدانی فخر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1310.
درگذشت: 28 مرداد 1375، تهران.
آیت‌الله وجدانی فخر از شاگردان علامه طباطبایی و حضرت امام (ره) بود و حدود چهل و هشت سال به تدریس سطوح مختلف علوم حوزوی در قم اشتغال داشت. از جمله خدمات وی تدریس بیست و دو دوره شرح لمعه بود که مورد استقبال طلاب قرار می‌گرفت.
از آثار فقهی ایشان می‌توان به کتاب جواهر الفخریه (در شرح لمعه) اشاره نمود که در پانزده جلد به چاپ رسیده است. اثر دیگر ایشان الایضاح فی الطلاق و النکاح: مباحث تحقیقی درباره صیغه‌های نکاح و طلاق (قم، 1370) نام دارد.
آیت‌الله وجدانی فخر در شصت سالگی در تهران در بیمارستان خاتم الانبیاء دار فانی را وداع گفت و پیکر ایشان در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
قدرت‌اللّه وجدانی فخر سرابی یکی از فضلاء برجسته و مدرسین شایسته و به نام حوزه علمیه قم می‌باشند. ایشان در حدود 1347 قمری در سراب متولد شده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات در زادگاه خود و شهر تبریز و استفاده از دانشمندان آن دو شهر در سال 1365 قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را از محاضر مدرسین بزرگ آن روز که از آیات عظام و مراجع تقلید امروز شیعیانند استفاده نموده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید محمدحجت صاحب مدرسه و مسجد (حجتیه) شرکت در جلسات درس آن مرحوم نموده و بعد از فوت آن مرحوم در سال 1370 قمری از محضر و درس اصول و فقه مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا شیخ عبدالنبی عراقی که افتخار دامادی معظم له را نیز داشته) و حضرات آیات عظام شریعتمداری و نایب‌الامام آقای خمینی و آقای آقا نجفی مرعشی مدظلهم استفاده و بهره‌های کافی و وافی برده و ضمنا خود به تدریس متون فقه و اصول و منطق پرداخته و تاکنون چندین دوره شرح لمعه و رسائل و مکاسب و مطول و مغنی سبزواری را تدریس نموده و حد حدود دویست تا سیصد نفر طلاب و محصلین حوزه علمیه قم

از دروسش استفاده می‌نمایند.
در مباحثه و تدریس بیانی شیرین و جامع و قاطع دارند و شاگردانش به خوبی درک مطالب را می‌نمایند.
آثار و تألیفات چندی دارد که دو جلد آن به نامهای زیر به طبع رسیده است.
1- آداب معاشرت که 16 سال قبل چاپ شده.
2- اجتهاد که هشت سال پیش به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وحید خراسانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ حسین خراسانی معروف به وحید عالمی محقق و فقیهی مدقق و مدرسی علامه و استادی فرزانه مجتهدی کامل و مصنفی فاضل جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول می‌باشد. تولدش در سال 1300 شمسی در مشهد واقع شده و پس از گذرانیدن دوران صباوت و خواندن ادبیات و سطوح اولی و نهائی را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد نهاوندی صاحب تفسیر فراگرفته و به درس خارج مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی و آیت‌الله آشتیانی حاضر شده و استفاده‌ها نموده و به واسطه داشتن استعداد و نبوغ فکری به مدارج عالیه
علم و اجتهاد ارتقا یافته و علوم عقلیه فلسفه و حکمت را از مرحوم به میرزا ابوالقاسم الهی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفته و در سال 1327 خورشیدی در شهر ری به دیدن مرحوم سیدنا الاستاد آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری رضوان‌الله علیه شرفیاب شده و پس از مذاکرات علمی مفتخر به دریافت اجاره اجتهاد مطلق گردیده و به قصد تکمیل مبانی و دیدن نظریات آیات و مراجع عظام عراق مجتهدا در سن 27 سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و بالاخص آیت‌الله العظمی خوئی شرکت کرده و از سال 1378 قمری شروع به گفتن درس خارج فقه و اصول نموده است.
معظم‌له حدود دوازده سال در نجف تدریس خارج داشت تا در سال 1390 که به ایران برگشته و بنا بر اسرار فضلاء محصلین مشهد و علماء خراسان و امر بعضی از مراجع یکسالی در مشهد توقف و به تدریس پرداخته و بعد از آن مهاجرت به قم نموده و اکنون در حوزه علمیه اشتغال به تدریس خارج فقه و اصول دارد و حوزه درسش بسیار جالب و بیش از صد نفر از فضلا و محصلین خوش فهم شرکت دارند که اغلب آنها دراسات و تقریرات معظم‌له را به رشته تحریر آورده و بعضی برای طبع آماده نموده‌اند.
علامه وحید بیانی جامع و زیبا دارد و از فکر شاگرد و تلمیذ خود رفع هر گونه ابهام و اشتباه می‌کند. جزوات در فقه و اصول از دراسات و تقریرات آیت‌الله خوئی و دیگران دارد و آثار علمی دیگر او که دیدم از این قرار است 1- شرح بر شرایع الاسلام 2- حاشیه‌ای بر کفایه 3- حاشیه‌ای بر

مکاسب.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

وحید گلپایگانی، هدایت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1395/ 1394 -1318/ 1308 ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در قریه گوگد گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در زادگاه خویش نزد پدر فراگرفت. آنگاه در 1326 ق به اراک رفت و از محضر درس آیت‌اللّه آقا نور اراکی و حجت‌الاسلام حاج میرزا محمد علی خان استفاده نمود. سپس ملازمت آیت‌اللّه حایری را اختیار کرد و در 1340 ق همراه با آیت‌اللّه حایری به قم مهاجرت نمود و تا 1350 ق از مباحث فقه و اصول ایشان استفاده برد و نیز در موقع تبعید آیات عظام نجف از عراق به ایران، از بحث قاعده‌ی (علی الید) آیت‌اللّه اصفهانی بهره‌مند گردید. پس از درگذشت پدرش به گلپایگان بازگشت و به امر و تشویق آیت‌اللّه حایری حوزه‌ی علمیه‌ای در آنجا تأسیس نمود و خود به تدریس پرداخت. در 1364 ق مجددا به قم بازگشت و از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود. آنگاه در 1367 ق به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر به انجام وظایف دینی و تدریس در مدرسه عالی سپهسالار پرداخت. او در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در مقبره شیخان در کنار قبر زکریا بن آدم دفن گردید.[1]
حاج میرزا هدایت‌اللّه بن حجةالاسلام والمسلمین مرحوم آخوند ملا محمدجواد نخعی گلپایگانی از علماء معاصر تهران بودند وی بنا بر تتبع و گفته جناب حجةالاسلام آقای آقا ریحان‌اللّه نخعی که با ایشان قرابت و خویشاوندی دارند منتسب بجناب مالک اشتر نخعی تابعی صاحب و وزیر و مشیر و دبیر حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام میباشد.
آن مرحوم در 13 رجب‌المرجب 1308 ق در قریه گوگه (محل تولد حضرت آیت‌اللّه گلپایگانی) از قراء گلپایگان متولد شده و مقدمات و سطوح اولیه را در محل خدمت والد خود خوانده و در سال 1326 ق به اراک آمده و ابتداء از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه آقا نور اراکی و حجةالاسلام حاج میرزا محمدعلی خان استفاده نموده و بعد ملازمت مرحوم آیت‌اللّه حایری را اختیار و در سال 1340 ق پس از انتقال و مهاجرت مرحوم آقای حایری به قم ایشان هم هجرت به آنجا نموده و تا سال 1350 ق از مباحث فقه و اصول آیت‌اللّه حایری استفاده کامل نموده و هم در موقع تبعید آیات عظام نجف از بحث قاعده (علی الید) مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی بهره‌مند گردیده و در سال مذکور بواسطه فوت والدش مراجعت بمحل خود و در آنجا بامر

و تشویق و موافقت آیت‌اللّه حایری تاسیس مدرسه علمیه نموده و افاضلی را تربیت و علمائی را تحویل اجتماع داده تا در سال 1364 ق که به قم آمده و از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده تا با اصرار اهالی محل مراجعت بزادگاه خود و در سال 1367 ق مهاجرت به تهران نموده و تا سال 1394 ق در آنجا اقامت و بوظائف دینی و تدریس در مدرسه عالی سپهسالار اشتغال جز یک دو سال اخیر بواسطه‌ی کسالت از خدمات مزبور محروم تا در شب 17 ماه صفر المظفر سال مذکور در سن 86 سالگی رحلت و با تشییع مجللی حمل به قم و در مقبره شیخان در جنب قبر جناب زکریا بن آدم اشعری مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (425)، گنجینه‌ی دانشمندان (592 -591/ 4 ،438/ 6).

وحیدی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید العلماء العالمین آیت‌الله آقای حاج سید محمد بن العالم الجلیل السید رضی‌الدین بن العلم العلام حاج سید محمد بن العلامه الکبری آیت‌الله حاج سید اسماعیل (شبستری معاصر شیخنا الانصاری) عالمی جلیل و دانشمندی بزرگوار حاوی فروع و اصول جامع معقول و منقول از علماء مبرز و مراجع عالیقدر و مدرسین گرامی حوزه علمیه است.
در سال 1336 قمری متولد شده و در خاندان فضل و سیادت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در شبستر و تبریز فراگرفته و در سال 1355 قمری به قم مهاجرت نموده و به درس سیدنا الاستاد آیت‌الله العظمی حجت حاضر شده و مدت 8 سال از دراسات فقه و اصول معظم‌له استفاده کرده تا به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و در سال 1363 قمری بنابر دعوت مردم آذربایجان غربی و امر آن مرحوم برای هدایت و رهبری آن مرحوم به آن سامان عزیمت نموده و نزدیک ده سال در آنجا خدمات شایانی انجام داده و در دلهای مردم آذربایجان محبوبیت بخصوصی پیدا کرده است تا در سال 1372 قمری که مراجعت به قم نموده و به تدریس خارج فقه و اصول در مسجد اعظم قم پرداخته و تاکنون با داشتن کسالتهای روحی و جسمی اشتغال دارند و عده‌ای از فضلاء از محضرش استفاده می‌نمایند.
مولف گوید... آیت‌الله وحیدی عالمی خدمتگذار و دانشمندی فداکار است که به سهم خود خدماتی در قم و آذربایجان و نقاط دیگر نموده و می‌نماید.
دارای آثار علمی و اجتماعی می‌باشد.
اما آثار اجتماعی مساجدی که در بعضی از نقاط به امر و اجازه ایشان بنا شده و مدرسه آیت‌الله وحیدی که در جلد اول ضمن مدارس قم شرح آن داده شده است.
و اما آثار علمی از این قرار است:
1- مستمسکات الاحکام عربی 2- شرح زیارت جامعه فارسی 3- اجوبه المسائل 4- حاشیه بر عروه‌الوثقی 5- توضیح المسائل 6- رساله منتخب التوضیح
7- تقریرات فقه آیت‌الله حجت 8- تقریرات اصول معظم‌له.
وی دارای اجازات اجتهاد و روایتی از آیات عظام مرحوم آیت‌الله اصفهانی

و آیت‌الله حجت رضوان‌الله علیهم اجمعین و دیگران می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

وشنوه ای قمی، قوام الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1329 ق)، عالم امامی، فقیه، خطیب و مدرس. در روستای وشنوه قم به دنیا آمد، و دوران کودکی را در آنجا گذراند. در 1345 ق به قم سفر کرد و پس از طی مقدمات و ادبیات، از اول سطوح تا دروس نهایی، خارج فقه و اصول، را از محضر آیت‌الله مرعشی نجفی به مدت چهل سال استفاده نمود. وی با همکاری دیگر از عملا، در منزل آیت‌الله مرعشی، تعلیقات و محلقات «احقاق الحق» قاضی نورالله شوشتری شهید را تنظیم نمود. از آثارش: «حدیث الثقلین»؛ «رساله الحجاب»؛ «رساله»، در لباس خز و سنجاب و سمور؛ کتاب «هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی (ع)»، با ترجمه فارسی «اربعین»، در احادیث صادره از اهل بیت (ع)؛ «مکارم الاخلاق»؛ «مباهله»؛ کتاب «تاریخ اسلام»، در سه جلد؛ کتابی در «مقتل»؛ کتاب «احادیث نبویه (ص)».[1]
حجه‌المسلمین والاسلام و زبده المحدثین الکرام آقای حاج شیخ محمد مشهور بقوام‌الدین و شنوه‌ای قمی از علماء ابرار و فضلاء اخیار و اتقیاء کبار و مولفین عالی مقدار و گویندگان پرهیزکار حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است.
در سال 1329 ق در قریه وشنوه که در هفت فرسخی شهر قم واقع و از ییلاقات شهر قم و محل اقامت تابستانی مرحوم آیه‌العظمی بروجردی و سایر مراجع عظام قم است تولد یافته و دوران صباوت را در آنجا گذرانیده و در سال 1345 ق مهاجرت به قم نموده و پس از طی مقدمات و ادبیات از اول سطوح تا دروس نهائی خارج فقه و اصول را از علامه متتبع و فقیه متبحر و رجالی بصیر و متکلم خبیر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در مدت چهل سال استفاده نموده و هم‌اکنون نیز از شرکاء درس فقه و اصول آنجنابست اعتقاد و ایمان و اخلاص فوق‌العاده‌ای به معظم‌له دارد و ایشان هم کمال وثوق و اطمینان را به وی دارند و حقا هم شایسته‌اند زیرا در میان حوزه کم‌نظیر و در روحانیت از معدودین می‌باشد، در مواقع کسالت و یا مسافرت آیت‌الله مرعشی از طرف آن جناب به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمایند، بیشتر خطب نهج‌البلاغه را حافظ است اطلاعات زیادی به اخبار و احادیث دارد منبرش تمام یا کلمات و خطب علی علیه‌السلام و یا اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام است بسیار متواضع و خلیق است و دارای ملکات فاضله اخلاقی است مرحوم آیت‌الله العظمی

بروجردی و زعماء دیگر هم به ایشان نهایت وثوق و اعتماد را دارند با اینکه در منازل آنها یا اصلا نمی‌رود و یا بسیار کم می‌رود ولی همه روز صبح و عصر در منزل آیت‌الله العظمی مرعشی آمده و با شرکاء دیگر تعلیقات و ملحقات احقاق‌الحق را تنظیم می‌نماید.
آثار و تالیفات ارزنده‌ای دارد که از نظر دانشمندان می‌گذرانم:
1- حدیث‌الثقلین که دو بار در جامع‌الازهر و دارالتقریب مصر به طبع رسیده است.
2- رساله الحجاب در پیرامون حجاب اسلام که در ایران چاپ شده است.
3- رساله در لباس خز و سنجاب و سمور.
4- رساله در حجاب فارسی با اشاره به اقوال عامه و خاصه.
5- کتاب هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمومنین علیه‌السلام با ترجمه فارسی.
8- اربعین در احادیث صادره از اهل‌بیت علیهم‌السلام.
7- کتابی به عنوان مکارم‌الاخلاق.
8- کتاب مباهله.
9- کتاب تاریخ اسلام در 3 جلد.
10- کتابی در مقتل.
11- کتاب احادیث نبویه
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (234 -233 / 2).

وشنوی، قوام‌الدین محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1325 ق.، روستای «وشنوه»، نزدیک قم.
درگذشت: 17 خرداد 1376، قم.
آیت‌الله حاج شیخ قوام‌الدین محمد وشنوی قمی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس در سال 1347 ق. به نجف اشرف رفت و به تکمیل ادبیات و فراگیری مطول نزد آیت‌الله شیخ مرتضی طالقانی و شرح لمعه نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم روحانی قمی اشتغال جست و در سال 1348 ق. به قم بازگشت و سطوح فقه و اصول (رسائل، مکاسب و کفایه) را نزد آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی و همزمان با آن در درس خارج اصول آیت‌الله محمدعلی حایری قمی حاضر شد و پس از وفات آیت‌الله حایری در درسهای حضرات آیات سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد.
با ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به قم در سال 1324 یک سره به درس فقه و اصول آن فقیه بزرگ حاضر شد. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، به حلقه درس آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی پیوست و بیش از سی سال در کنار ایشان بود.
آیت‌الله وشنوی قمی در کنار سالیان فراوان تحصیل، به تألیف کتابهای بسیاری روی آورد و در علوم مختلف چون حدیث، تاریخ تراجم و رجال اهل سنت و فقه مهارت کسب نمود. بیش از سی سال به اقامه‌ی جماعت در یکی از مساجد قم پرداخت.
برخی از تألیفات وی که به چاپ رسیده‌اند، عبارتند از:
حیاة النبی و سیرته (سه جلد)؛ حدیث الثقلین؛ اهل‌البیت و آیة المباهلة؛ النور الساطع فی احوال مولانا الامام الصادق (ع) (این کتاب به نام نور درخشان به فارسی ترجمه شده است)؛ الحدیث المتواتر فی غزوة خیبر؛ اصحاب رسول الثلقین فی حرب الصفین؛ فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) من کتاب المسند (احمد بن حنبل)؛ الحجاب فی الاسلام (به فارسی ترجمه شده است). کتباهای دیگری نیز با راهنمایی و نظارت ایشان به رشته تحریر درآمده است، نظیر تحلیلی از زندگی امام جواد (ع)؛ تحلیلی از

زندگی امام علی النقی (ع)؛ تحلیلی از زندگی امام حسن عسگری (ع)؛ وظیفه مردم در عصر غیبت امام زمان (ع)؛ شناخت هلاک کننده‌ها و نجات دهنده‌ها از قرآن؛ رسالة فی لباس المصلی؛ رساله پیرامون حجاب؛ کلمات امیرالمؤمنین (ع) (هزار کلمه همراه با ترجمه فارسی)، مصباح المسند لمسند احمد بن حنبل؛ مصابح الغیة الکتاب اسد الغابة (عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری)؛ مصباح الاستیعاب والاصابة؛ نخبة المقال فی تهذیب کتاب الاموال (ابی‌عبید)؛ تلخیص ریاض النضرة (محب‌الدین طبری)؛ تلخیص کنوز الحقایق؛ تهذیب کتاب الخراج (ابویوسف قاضی)، الفضایل المستخرجة من المعجم الصغیر (حافظ طبرانی)؛ مکارم الاخلاق (به املا ایشان و نگارش آقای عباس اخلاقی)؛ الاربعین حدیثا من الائمة الاطهار (ع)؛ مقتل الحسین (ع) (ناتمام)؛ تفسیر القرآن الکریم (ناتمام)؛ رسالة فی ذکریا بن آدم الاشعرای، رسالة فی حدیث طلب العلم فریضة علی کل مسلم،، رسالة فی اثبات استحبات القنوت فی الصلاة عند العامة؛ حاشیه بر احقاق الحق؛ الاحادیث النبویه (ص)؛ کتب النبی (ص) الی الملوک؛ یازده فهرست برای کتابهای مخلوط.
آیت‌الله وشنوی قمی روز هفدهم خرداد 1376 چشم از جهان فروبست. پیکرش در صحن حرم حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ولوالجی، ظهیرالدین، ابوالفتح عبدالرشید

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(467- پس از 540 ق) فقیه حنفی. در ولوالج، از توابع بدخشان به دنیا آمد. در بلخ فقه آموخت. مدتی در کش ساکن بود و سپس به سمرقند رفت و در آنجا سکنی گزید. او در بلخ از ابوالقاسم احمد بن محمد خلیلی و ابوجعفر محمد بن حسین سنجانی و در بخارا از ابوبکر محمد بن منصور نسفی و احمد بن سهل عتابی حدیث شنید. سمعانی از وی روایت کرده است. در ولوالج درگذشت. او «الامالی» را در زمینه‌ی فقه تصنیف کرد. «الفتاوی الولوالجیه» اثر مشهور اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (126/ 4)، معجم‌البلدان (441/ 5)، معجم‌المؤلفین (220/ 5)، هدیةالعارفین (568/ 1).

هادوی بیرجندی، محمدهادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1366 -1277 ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و شاعر، متخلص به هادی. اصلش از اصفهان بود. خاندانش به هنگام فتنه‌ی افاغنه به بیرجند مهاجرت کردند و او در آنجا به دنیا آمد. مقدمات و سطوح اولیه را نزد پسر عمویش در مدرسه‌ی معصومیه‌ی بیرجند فراگرفت. آنگاه به قصد اقامت به مشهد رفت. او در محضر پدرش و آقا سید محمدباقر گلپایگانی و ملا محمدرضا بروغنی سبزواری، استاد حکمت، تلمذ نمود و از محضر حاج میرزا حبیب خراسانی و شیخ محمدحسن کرمانی نیز استفاده نمود. در 1299 ق به عراق رفت و در سامرا از محضر میرزای بزرگ شیرازی و در نجف از محضر آخوند خراسانی و آیت‌اللّه رشتی کسب مراتب عالیه علمی نمود. وی از میرزا حسین محدث نوری به دریافت اجازه‌ی روایت و از آخوند خراسانی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. سپس به ایران بازگشت. بنا به خواهش بزرگانی چون حاج میرزا حبیب خراسانی و حاج شیخ حسنعلی اصفهانی مدتی در مشهد ماند، سپس به بیرجند رفت و تا آخر عمر به تربیت و ارشاد معنوی مردم مشغول بود. وی در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی از طرف آخوند خراسانی به عنوان مجتهد طراز اول معرفی گردید، ولی نپذیرفت و عهده‌دار ریاست انجمن ولایتی گردید، او در بیرجند درگذشت. از آثارش: «بستان الناظر» یا «بستان الناظرین» به سبک «کشکول» شیخ‌بهایی؛ «آئین سخنوری»؛ ترجمه‌ی «ادب الکبیر» یا «درة الیتیمة» ابن‌مقفع؛ ترجمه‌ی «نامه‌ی حضرت امیر (ع)، به مالک اشتر» یا «عهدنامه‌ی مالک اشتر»؛ «دیوان» شعر؛ «مائده‌ی محمدیه»، شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بهارستان آیتی (123)، الذریعه (10/ 19، 1285/ 9، 120-119، 76/ 4، 108/ 3)، صد سال شعر خراسان (605 -598)، مؤلفین کتب چاپی (740 -739/ 6)، میرزای شیرازی (206 -205)، یغما (س 7، ش 11، ص 508 -504).

هاشمی سنجانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1290، سنجان.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
حجت‌الاسلام علی هاشمی سنجانی، فرزند محمود، تا خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. در اولین دروه‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم اراک بود.
از جمله آثار ایشان است: تقریرات فقهی، جزواتی در زمینه‌های اخلاق و وعظ، سروده‌ها و اشعار وی به مناسبت‌های مختلف.
حجت‌الاسلام هاشمی سنجانی در جریان بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش در قم به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هاشمی گلپایگانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد جمال هاشمی بن آیت‌اللَّه العظمی و العلامه الورع حاج سید جمال‌الدین موسوی گلپایگانی از علماء و مدرسین بزرگ مهاصر نجف اشرف است وی در سال 1332 قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوا و معنویت و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات و سطوح از محضر والد ماجدش و مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و بعضی دیگر استفاده نموده تا به مراتب عالیه علم و اجتهاد رسیده است معجم رجال الفکر و الادب درباره وی گوید عالم فاضل مجتهد جلیل. من اساتذه الادب العربی وسیع الخیال سهل البیان وی سفری در معیت والد مبرورش به ایران و به زیارت ارض اقدس مشرف و پس از آن مراجعت و به تدریس و تألیف و بعد از فوت والدش به جای او به اقامه جماعت پرداخته است دارای تالیفات عدیده از جمله: 1- فاطمه الزهراء علیها سلام 2- الادب الجدید 3- اصول الدین الاسلامی 4- الامام المنتظر که تمام به طبع رسیده است 5- دیوان شعر کبیر نگارنده گوید معظم‌له دانشمندی ادیب و فقیهی کامل و از خواص اصحاب آیت‌اللّه العظمی حکیم بودند در بدیهه‌گوئی ید طولائی دارند نیز در گفتن ماده تاریخ قدرت و توانائی زیادی دارد جناب آقای حاج سید علی محمد وزیری یزدی صاحب کتابخانه نفیس وزیری یزد برای نگارنده حکایت نمود که در نجف اشرف خدمت ایشان رسیده و جریان تأسیس کتابخانه را گفتم بداهه این بیت را در ماده تاریخ کتابخانه انشاد فرمود
ان اردت بقاء کتابک ارخ
و قدمه الی مکتبه الوزیری
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

هاشمی، اسمعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید اسمعیل هاشمی بن العالم الجلیل السید محمد حسن موسوی طالحونچه از علماء معاصر اصفهانست که در حدود سال یکهزار و سیصد و سی قمری هجری در طالحونچه متولد و پس از پرورش در بیت سیادت و فضیلت در زادگاه بدروس فارسی و مقدمات پرداخته و بعد از فرا گرفتن قسمتی از ادبیات باتفاق مرحوم خلد اشیان اخویش حجه‌الاسلام آقا سید علی اکبر هاشمی باصفهان آمده و در مدرسه ناصریه مسجد شاه بتحصیل و تکمیل مقدمات عربی و فارسی پرداخته و مقداری از سطح را هم در اصفهان خوانده سپس بقم آمده و مدتی با معیت مرحوم برادر مذکورش توقف و بعد از مراجعت آن مرحوم اقامت در قم را ادامه داده تا بعد از رحلت مرحوم آیه‌الله حایری طاب ثراه دو سه سالی از مرحوم آیه‌الله صدر و مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده تا در محرم یکهزار و سیصد و شصت که بعنوان تبلیغ و ترویج بوطن مألوف آمده و چون در آن هنگام مرحوم حجه‌الاسلام حاج میرزا حسن زنجانی همشیره زاده مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی که از علماء آن سامان بود برحمت ایزدی پیوسته بود در اثر تقاضا و نیاز اهالی قریه قمیوان در مرکز سیمرم سفلی تابعه شهرضا که تا محل زادگاه ایشان بیش از دو فرسخ است اقامت نموده و در آنجا بترویج و تبلیغ پرداخته مساجدی که در شرف خرابی بود تعمیر و جلساتی تشکیل و کتابخانه عمومی تأسیس نموده و در طول آن مدت بمطالعات پرداخته و در نتیجه یکنفر از خاندان اهل علم را که علاقه تام داشته با رغبت و اخلاص تمام باشتغال مقدمات گماشته و بعدا اعزام باصفهان و قم و اکنون در تهران از فضلاء اهل علم و منبر و محراب میباشند و ایشان جناب فاضل جلیل آقای حاج شیخ منیرالدین جدیدی‌اند که در هفت چنار تهران اقامت دارند.
جتاب آقای هاشمی در مدت اقامتشان در آن محل مزبور تألیفات عدیده نموده‌اند که بنظر طالبین می‌آورم:
1- ذریعه الزائر.
2- لؤلؤ درخشان در صفات بهترین زنان یا دره‌البیضاء فی مناقب سیده النساء (ع) که به چاپ رسیده است.
3- اربعین موسوم به ملتقطات.
4- ضیاء البشر در رد کتاب شیخیه کریمخانیه.

5- مجموعه‌ای در رد صوفیه.
معظم‌له اکنون در اصفهان در مسجد حضرت سجاد علیه‌السلام خیابان آتش اقامت جماعت نموده و در مدرسه نیز اشتغال بتدریس و مباحثات دارند و گاه‌گاهی هم اشعاری میگویند.
واما اساتید معظم‌له از اینقرار است: 1- مرحوم آیه‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر 2- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد علی حایری (صاحب مختارات در اصول) 3- مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری 4- مرحوم آیه‌الله صدرالدین صدر 5- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی 6- مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد باقر قزوینی 7- مرحوم آیه‌الله آقا سید میرزا آقا ترابی دامغانی 8- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا جرقویه اصفهانی 9- مرحوم آیه‌الله حاج شیخ حسن‌نویسی و غیر ایشان از مراجع گذشته و معاصر چون حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و آیه‌الله العظمی گلپایگانی اجازه روایتی و غیره دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

هاشمی، طاهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1332 ق)، عالم دینی، فقیه شافعی، صوفی، مدرس، خطاط و شاعر. وی از فقها و علمای بزرگ شافعیه کردستان و مشایخ فرقه‌ی قادریه است. در دولت‌آباد روانسر به دنیا آمد و مقدمات علوم را در همان جا فراگرفت. سپس نزد ملا محمد رحیم سنندجی و بدیع‌الزمان سنندجی به تکمیل معلومات خویش پرداخت و از محضر اساتید دیگری مانند شیخ محمد نجیب کردانی و شیخ مصطفی نجیب و سید بابا رسول و شیخ حبیب‌اللّه کاشوری نیز بهره‌مند شد. وی درباره‌ی تاریخ ادبیات کردی و همچنین تاریخ تصوف و فرق آن مخصوصا سلسله‌ی قادریه تحقیقات و تألیفاتی دارد. از آثارش: «مقامات الغوثیه»، در مناقب شیخ عبدالقادر گیلانی؛ «قرة‌العین فی مناقب سیدنا شیخ حسین»؛ «مرآت‌الحق»؛ حاشیه و تعلیقات بر «سفرنامه‌ی» حاجی ملک‌الکلام مجدی؛ «دیوان» شعر. از آثار خطی وی: یک نسخه قرآن مجید؛ یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»؛ یک نسخه «دلایل الخیرات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س 3، ش 2، ص 10 -3).

هاشمی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید یوسف هاشمی از علماء مبرز و محترم معاصر تبریز است وی در سال 1326 قمری هجری در تبریز متولد شده و در حجر والد و عموهای گرامی که از سادات جلیل القدر و علماء پرهیزکار آن سامان بودند پرورش یافت و در محضر علمائی چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد مولانا (مؤلف مصباح السالکین) و حضرت آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری در تبریز سطوح وسطی را خوانده آنگاه به قم عزیمت نموده و در آنجا مکاسب شیخ را از خدمت آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی مد ظله استفاده نموده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه فیض قمی و نیز آیت‌اللّه العظمی بروجردی (در اوائل ورودشان به قم) بهره‌مند شده و بدریافت اجازات امور حسبیه و روایتی و غیره از آیات مذکوره موفق و نائل آمده سپس بنابر درخواست عده‌ئی از تجار با ایمان تبریز مراجعت به (حکم‌آباد) زادگاه ملحد معروف احمد کسروی (متنبی) و معاندین حنیف اسلام نمود با عده‌ای از پیروان او که در مشاغل مهم و حساس بودند بمبارزه شدید پرداخت و آنها را از بین برده و باز مبارزه سختی با فرقه ضاله که در (حکم‌آباد) پایگاه مهمی داشتند آغاز نموده طوری که حتی یک نفر از آنها در آنجا باقی نماند.
معظم له اکنون شبها در مسجد (حکم‌آباد) و روزها در قلب بازار مسجد مرحوم (آیت‌اللّه حاج میرزا فتاح شهیدی) اقامه جماعت می‌نمایند و جلسه تفسیری روزهای جمعه دارند که عده زیادی استفاده می‌نمایند و نیز به تدریس وسائل و مکاسب و خارج عروه اشتغال دارند.
از آثار علمی ایشانست حاشیه بر وسائل و جزواتی از تقریر درس مرحوم آیت‌اللّه فیض که محفوظ مانده است و از خدمات اجتماعی ایشان مدرسه اسلامی بنام (فرقانی) که در سال 1325 شمسی تاسیس نموده که در حال حاضر یک موسسه‌ی بزرگ علمی و دینی با دوره راهنمائی تحصیلی در مساحت دو هزار متر مربع با ساختمان عالی مدرن و مجهز بوسائل روز که از هر جهت بوسیله ایشان اداره می‌گردد و عده از مستخرجین و فارغ‌التحصیلان آن مدرسه اکنون در قم و نجف مشغول تحصیل می‌باشند.
از باقیات‌الصالحات آن جنابست دو فرزند برومند و فاضل بنام: 1- حاج سید ابوالحسن هاشمی 2- حاج سید فتاح هاشمی که اکنون از محصلین

جدی حوزه علمیه و ستارگان فروزان آذربایجان مقیم قم می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

هاشمی‌نژاد، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1311، بهشهر.
شهادت: 7 تیر 1360، مشهد.
حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در سال 1311 در بهشهر مازندران در فراش محله (از پدرش سید حسن و مادرش ساره) دیده به جهان گشود. از سن نه سالگی به درس عربی اشتغال داشت. در سال 1325، در چهارده سالگی به تحصیل در حوزه‌ی آیت‌الله کوهستانی، در شهرک کوهستان در شش کیلومتری بهشهر پرداخت مقدمات را در آنجا فراگرفت. در سال 1329 وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و دروس سطح را پشت سر گذاشت و در درس خارج اصول فقه امام خمینی (ره) و درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی حاضر می‌شد. در بیست و دو سالگی به نجف اشرف رفت ولی با فراهم نبودن شرایط تحصیل از جمله ضعف جسمی بار دیگر پس از یک سال اقامت در عراق به سوی ایران برای اقامت در قم حرکت کرد. در سال 1337 اولین اثر قلمی خود را به نام مناظره‌ی دکتر و پیر به سبک داستانی عرضه داشت. این کتاب ماجرای سفر چند نفر است که در یک قطار به بحث می‌پردازند و نویسنده در لابه‌لای آن به بیان ارزش‌های اسلامی می‌پردازد. وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به سطح اجتهد نایل آمد. اساتید دیگر ایشان در قم عبارت بودند از: آیت‌الله کاشانی (فرید الاسلام)، حضرات آیات عظام صدوقی، محقق داماد و سید رضا صدر و مجاهدی. در سال‌های 1340 -1339 به مشهد رفت. پس از مدتی در آنجا به تدریس (کفایه و رسائل و مکاسب) در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد پرداخت. در مشهد در درس آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله مجتبی قزوینی نیز حاضر می‌شد. وی همچنین در مجالس سخنرانی در مشهد حضور می‌یافت و برای حاضران سخنرانی می‌کرد. از جمله فعالیت‌های فرهنگی ایشان همکاری با مجله «مکتب اسلام» بوده است.
در نهضت پانزده خرداد 1342 دستگیر و چهل و یک روز در زندان شهربانی محبوس شد، در حادثه مسجد فیل مشهد به سبب سخنرانی در این مسجد و اعتراض به طرح لوایح ششگانه شاهنشاهی و حمله به انتخابات در نوزده مهر 1342، به مدت سه ماه حبس انفرادی در زندانی در داخل لشکر 77 خراسان محکوم شد، سپس از سخنرانی در شهر مشهد ممنوع شد. لذا با

خانواده مشهد را به سوی اصفهان ترک کرد. سپس همراه خانواده به شیراز رفت. اما مأموران ساواک وی را برای سومین بار دستگیر کردند و با اتومبیل به اصفهان برده و تحویل ساواک اصفهان دادند. چندی روزی در ساختمان ساواک در یک اتاق انفرادی نگه داشتند و بعد او را به زندان عمومی منتقل کردند. وی دو ماهی در اسارت بود. با رهایی از زندان راهی مشهد شد، وی همچنین اقدام به ایجاد کانون بحث و انتقاد دینی در مشهد از سال 1343 لغایت 1350 نمود. در سال 1350 هم در جلسه‌ای که جمعه شب هر هفته در شهرستان قوچان تشکیل می‌شد حضور می‌یافت. این جلسات تا مدت‌ها ادامه داشت، در ایام شهادت فاطمه زهرا در سال 1353 علی رغم ممنوعیت منبر رفتن، وی در مجلسی در منزل خود، زمینه‌سازی نمود و با رضایت اساتید دیگر حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، فردای آن روز یعنی روز شنبه بیست و چهارم خرداد 1353 با حضور طلاب و مردم، راهپیمایی در خیابان‌های شهر مشهد به راه انداخت. به همین سبب ساواک برای چهارمین بار وی را دستگیر و روانه زندان ساخت. وی تا اوایل سال 1356 در زندان به سر برد. در همین زمان به سبب امضای اطلاعیه‌ای، وی به همراه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و حجت‌الاسلام واعظ طبسی برای پنجمین بار دستگیر و روانه زندان شد اما تظاهرات مردم به سوی منزل حضرت آیت‌الله شیرازی باعث شد ایشان پس از بیست و چهار ساعت آزاد شوند.
حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد در بهمن 1357 به تهران آمد. سپس به قائمشهر رفت و روز بیست و دوم بهمن در حال سخنرانی بود که خبر تصرف رادیو و تلویزون و تصرف پادگان‌ها به وی رسید او به مشهد رفت و در حفظ نظم شهر تلاش بسیار کرد. با گذشت چند ماهی از پیروزی انقلاب اسلامی، در خرداد 1358 با قبول ریاست هیئت ایرانی، در اولین سفر خارجی به سه کشور لیبی و سوریه و اردن حرکت کرد. در لیبی، با معمرالقذافی، رییس جمهوری لیبی دیدار نمود و مسائل مربوط به افغانستان و عراق را مورد بحث قرار داد، در بهمن 1359 همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به دو کشور ژاپن و بنگلادش سفر کرد، وی با رأی مردم استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافت. در دوران جنگ یکی دو نوبت به همراه حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به مناطق جنگی رفت.
تألیفات ایشان علاوه بر مقالات و سخنرانی‌هایشان، عبارتند از: اصول پنجگانه اعتقادی و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانان؛ تقریرات و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانان؛ تقریرات اصول آیت‌الله شیخ علی کاشانی به عربی (چاپ نشده است)؛ درسی که حسین (ع) به انسان‌ها آموخت؛ راه سوم بین کمونیزم و سرمایه داری؛ رسالت انقلابی امام حسین (ع)؛ رهبران راستین؛ زهرا (س)؛ ضرورت تشکیلات؛ غروب آفتاب

در اندلس؛ قرآن و کتاب‌های دیگر آسمانی؛ کمونیسم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام؛ مبارزه با جهل و مادیت؛ مسائل عصر ما؛ مشکلات جنسی و چاره آن در اسلام؛ مشکلات مذهبی روز؛ مکتب مقاومت؛ مناظره دکتر و پیر؛ ولایت فقیه؛ هستی بخش.
حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در هفتم مهرماه 1360، رأس ساعت هشت صبح، بعد از اتمام کلاس درس معارف الهی، در حال خروج از محل حزب جمهوری اسلامی در مشهد توسط منافقین به شهادت رسید. پیکر ایشان، در مشهد در دارالزهد حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.
آقای حاج سید عبدالکریم بن السید الزکی السید حسن بهشهری از فضلاء بنام و خطباء گرام و نویسندگان والامقام و مشاهیر وعاظ و گویندگان معاصر است از جهت نطق و بیان و قم و بنان‌گوی سبقت از همگنان ربوده و شهرت تام یافته و در هر کجا که برای تبلیغ دین و ترویج آئین و تنویر افکار نسل جوان مدعوا رفته مانند مشهد و تهران و قم و اصفهان و یزد و همدان و بابل و رفسنجان و ری و کاشان و خرم‌آباد و آبادان با استقبال گرم مردم مواجه شده و ده‌ها هزار نفر برای استماع از بیانات مستدل و منطقیش گرد آمده و ابراز احساسات نموده‌اند در بیست روز که در محرم و صفر 1393 قمری خود این نویسنده شاهد اجتماع عموم طبقات مخصوص افاضل حوزه علمیه و نسل جوان قم بودم که برای استفاده از منبر وی در شهر علمی و مذهبی قم گرد آمده و گفته می‌شد که بیش از بیست هزار نفر شرکت کرده‌اند و ایشان با بیانی گرم و پرحرارت ایراد سخن نموده و افکار مردم را به مطالبی متوجه می‌نمود.
معظم‌له در شهرستان بهشهر در سال 1348 قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی به کوهستان رفته و در تحت تربیت و تعلیمات عالم ربانی آیت‌الله کوهستانی مرحوم مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و در نزد فاضل ربانی طاب‌نژاد آقا شیخ علی فریده الاسلامی کاشانی که از اوتاد فضلاء و مدرسین حوزه بود سطوح وسطی را خوانده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ استفاده نموده و به درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیات دیگر شرکت نموده تا به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و دراسات و تقریرات استاد مجاهد خود را به رشته تحریر آورده و به نظر معظم‌له به وسیله این نگارنده رسانیده و مورد تائید و قبول استاد مزبور قرار گرفته است.
استاد هاشمی‌نژاد به واسطه جهات داخلی در سال 1382 قمری با معیت داماد و شریک گرامش حجه‌الاسلام حاج آقا حسن ابطحی خراسانی به مشهد مراجعت نموده و رحل اقامت افکنده و در حوزه مشهد به تدریس

سطوح عالی کفایه و مکاسب و وظائف دینی و روحی دیگر پرداخته و خدمات ارزنده‌ای نموده است. آثار علمی و خدمات روحی معظم‌له از این قرار است:
1- همکاری تاسیس کانون بحث و انتقاد دینی مشهد مقدس (که با معیت صدیق و رحم گرانی خود آقای ابطحی) نموده‌اند:
2- کتاب مناظره دکتر وپیر که تاکنون بیش از ده‌ها بار به طبع رسیده و مورد استقبال عموم طبقات قرار گرفته است.
3- درسی که حسین علیه‌السلام به انسانها آموخت مکرر چاپ شده است.
4- قرآن و کتابهای آسمانی دیگر.
5- مشکلات بزرگ نسل ما. 6- راه سوم بین کمونیسم و سرمایه‌داری.
7- اصول پنج‌گانه اسلام 8- مشکلات مذهبی روز 9- جلد اول پاسخ ما به مشکلات جوانان 10- بسیاری از جوابها و مقالات پاسخ ما.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هرسینی کرمانشاهی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و فقهاء کرام معاصر کرمانشاه می‌باشند.
در سال 1315 ق در یک فرسخی هرسین متولد شده و از روز نخست طالب دین و دیانت و علم و شرافت بوده و در خانواده متدین و متعصب و میهمان دوستی تربیت گردیده و خود از کوچکی مقدس و متقی و از هر صغیره و حتی مکروهات فرار و اجتناب نموده به طوری که اهالی محل ایشان عقاید عجیبی در استجابت دعا و تقوای ایشان داشته‌اند وی در سن 17 سالگی در زمان ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی به سامرا مشرف و اشتغال به تحصیل ورزیده و پس از انتقال (معظم له) به کربلا ایشان هم عزیمت به کربلا و مورد نظر و مهر مرحوم میرزا قرار گرفته و بواسطه احتیاط از وجوهات کمتر مصرف و غالباً با صوم و صلوة استیجاری اعاشه می‌نمود تا پس از فوت و رحلت میرزاء به نجف اشرف و از محضر مرحومین آیتین اصفهانی و نائینی و نیز مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نموده و در سال 1342 ق به ایران مراجعت و در هرسین و کرمانشاه به تبلیغات و خدمات دینی پرداخته و جمعی از علات و علویون آنجا را هدایت و ارشاد و هم مدتی با بهائی‌های نراق مبارزه و بعضی از آنها را از انحراف و ارتداد به راه مستقیم در آورده و در سال 1347 قمری به قم مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت و آقای خونساری و آقای صدر و بعد آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن به کرمانشاه مراجعت و در مسجد جامعه کرمانشاه تا حال تحریر اشتغال به اقامه جماعت و ترویج دین و ارشاد و هدایت مردم دارد.
خاطره عجیب معظم له از مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی
آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی فرمودند آقای هرسینی گفتند پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی وضع معیشت بر من استوار شد و چند روزی گرسنه و در مضیقه سخت قرار گرفتم پس به نجف مشرف و در حرم صورت به ضریح مطهر علوی گذارده و اظهار حاجت نمودم.
پس از حرم بیرون و در صحن شریف شخصی آمد و مبلغی داد و مدتی گذران کردم و چون تمام شد باز به حضرت امیر (ع) عرض کردم و در

صحن شخصی وجهی داد که چند روز مرا کفایت کرد و در بار سوم همین طور تا در مرتبه چهارم که دیگر پولی برای مخارج خود نداشتم مشرف شده و عرض مطلب کردم و چون آمدم از حرم بیرون روم دیدم مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی که در پشت سر مطهر نشسته تا مرا دید صدا زد خدمتشان رفتم فرمود شیخ محمدحسن هر وقت بی‌پول شدی و مخارجت تمام شد لازم نیست به حضرت امیر علیه‌السلام عرض کنی بیا به من بگو و تأکید کرد و من تعجب کردم که ایشان از کجا متوجه شده که حاجت من چیست. پس از حرم بیرون رفتم و روز بعد حسب‌التأکید ایشان درب منزل آن مرحوم رفتم که اوائل ریاست ایشان بود تا در زدم خود ایشان آمد و درب را باز کرد و فرمود هان بی‌پول شده‌ای بیا داخل و در اندرون منزل رفت و مدت یک ساعت طول کشید که من از آمدن پشیمان و خواستم بروم که دیدم آمد در حالی که غبارآلود است و اول عذرخواهی بسیار نمود و دامن خود را گشود و مبلغ زیادی از دراهم و پولهای عراقی جلوی من ریخت (که مدتها مرا اداره و تأمین نمود).
و فرمود از اینکه دیر کردم مرا ببخش زیرا رفتم دخل و قلک بچه‌هایم را خالی کردم و برای شما آوردم که ضرورت داشت.
(نگارنده گوید: بقول آیت‌اللّه اراکی معلوم می‌شود که مرحوم سید غیر از پول یومیه بچه‌ها و نوه‌های خود پول دیگری نداشته چون اوائل ریاست و مرجعیت ایشان بوده)

هرندی، عبدالجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا عبدالحسین، در ذی قعده سال 1280 متولّد، و در محرم 1305 در عنفوان جوانی وفات یافته، در سر قبر آقا مدفون گردید.
با وجودی که در جوانی از دنیا رفته، مقدّمات علوم را از صرف و نحو و معانی و بیان و فقه در نزد فضلای اصفهان تحصیل نموده، و خطّ نستعلیق را در کمال استادی می‌نوشه است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی بغدادی، ابوعبید قاسم

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(224/ 223/ 222 -157 ق)، حافظ، محدث، فقیه، مجتهد، ادیب و لغوی. در هرات به دنیا آمد. پدرش از غلامان رومی و در خدمت مردی از اهل هرات بود. ادبیات و فقه را از اساتید بزرگ آن زمان فراگرفت. قرآن و لغت را نزد ابوالحسن کسایی و اسماعیل بن جعفر و شجاع بن ابونصر بلخی و ابوعمرو شیبانی و فراء و ابوزیاد کلابی و ابوعبیده و اصمعی و یزیدی و ابوزید انصاری و عده‌ای دیگر آموخت. وی در قراآت، فقه، لغت و شعر متبحر بود. از اسحاق بن سلیمان رازی و اسماعیل بن جعفر و شریک بن عبداللّه و اسماعیل بن عیاش و هشیم بن بشیر و سفیان بن عیینه و اسماعیل بن علیه و یزید بن هارون و یحیی بن سعید قطان و حجاج بن محمد و ابومعاویه ضریر و صفوان بن عیسی و عبدالرحمان بن مهدی و حماد بن مسعده و مروان بن معاویه و ابوبکر بن عیاش و محمد بن جعفر غندر و سعید بن عبدالرحمان جمحی و عبیداللّه اشجعی و وکیع بن جراح و عبداللّه بن ادریس و جریر بن عبدالحمید و عباد بن عباد مهلبی و معاذ بن معاذ عنبری و عمر بن یونس و عبداللّه بن مبارک و اسحاق ازرق و دیگران حدیث شنید. استادش، سعید بن ابومریم مصری، و نصر بن داوود بن طوق صاغانی و محمد بن اسحاق صاغانی و حسن بن مکرم و احمد بن یوسف تغلبی و ابوبکر بن ابی الدنیا و حارث بن ابی‌اسامه و محمد بن یحیی مروزی و علی بن عبدالعزیز بغوی و عبداللّه بن عبدالرحمان دارمی و عباس دوری و محمد بن حفص دوری و احمد بن یحیی بلاذری و عبدالمجید بوشنجی و ابوالحسن علی بن عبداللّه طوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی در بغداد اقامت گزید. سپس در زمان امیر ثابت بن نصر بن مالک خزاعی به منصب قضاوت شهر طرسوس گمارده شد. در اواخر عمر به مکه رفت و همان جا درگذشت. از آثارش: «الغریب» یا «غریب الحدیث»؛ «غریب القرآن»؛ «الغریب المصنف فی علم اللسان»؛ «فضائل القرآن»؛ «ادب القاضی»؛ «الاموال»؛ «الشعراء»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «المواعظ»؛ «القراآت»؛ «النسب»؛ «معانی القرآن»؛ «المجاز فی القرآن»؛ «عدد آی القرآن»؛ «الامثال السائرة»؛ «المقصور والممدود»؛ «الطهارة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (10/ 6)، تاریخ بغداد (416 -403/ 12)، التاریخ

الكبير (172/ 7)، تذكرةالحفاظ (418 -417/ 1)، تهذيبالتهذيب (276 -274/ 8)، تهذيبالكمال (154 -145/ 15)، الجرح والتعديل (ج 3، ق 111/ 2)، سيرالنبلاء (509 -490/ 10)، شذرات الذهب (55 -54/ 2)، صفة الصفوة (328 -327/ 2)، طبقات ابن‌سعد (254 -253/ 7)، طبقات الشافعيه‌ى سبكى (160 -153/ 2)، طبقات الفقهاء الحنابله (364 -360/ 1)، طبقات المفسرين داودى (37 -32/ 2)، العبر (308/ 1)، الفهرست ابن النديم، ترجمه (121 -120)، الكامل (259/ 5)، معجم‌الادباء (261 -254/ 16)، المنتظم (336 -334/ 6)، ميزان‌الاعتدال (359/ 3)، النجوم الزاهرة (294/ 2)، وفيات الاعيان (63 -60/ 4).

هروی، ابوذر عبد، عبداللَّه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(434 -356/ 355 ق)، فقیه مالکی، حافظ، محدث و صوفی. معروف به ابن‌سماک. اصل او از هرات و از علمای بزرگ مالکی و شیخ‌الحرم زمانش بود. در طلب علم و حدیث به مسافرت‌های طولانی پرداخت. علم کلام را از ابن باقلانی فرارگرفت. وی در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و بشر بن محمد مزنی و عده‌ای دیگر و در سرخس از ابومحمد بن حمویه و زاهر بن احمد فقیه و در بلخ از ابواسحاق مستملی و در مرو از ابوهیثم کشمیهنی و در بصره از ابوبکر هلال بن محمد بن محمد و شیبان بن محمد ضبعی و در بغداد از ابوالفضل زهری و ابوالحسن دارقطنی و ابوعمر بن حیویه و در دمشق از عبدالوهاب بن حسن کلابی و در مصر از ابومسلم کاتب و در مکه از ابواسحاق ابراهیم بن محمد دینوری و عده‌ای دیگر حدیث شنید. وی راوی «صحیح» بخاری از مستملی و حموی و کشمیهنی بود. فرزندش عیسی و علی بن محمد بن ابوالهول و موسی بن عیسی صقلی و عبداللَّه بن حسن تنیسی و ابوصالح نیشابوری موذن و علی بن بکار صوری و احمد بن محمد قزوینی و ابوطاهر اسماعیل بن سعید نحوی و ابوحسین بن مهتدی باللَّه و ابوولید باجی و عبداللَّه بن سعید شنتجالی و عبدالحق بن هارون سهمی و ابوبکر احمد بن علی طریثیثی و ابوشاکر احمد بن علی عثمانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوعمر بن عبدالبر و احمد بن عبدالقادر یوسفی و ابوعبداللَّه احمد بن محمد بن غلبون خولانی از او اجازه‌ی روایت داشته‌اند. او را حافظی کثیرالشیوخ دانسته‌اند. وی مدتی در مکه مجاور گشت و در آنجا به تصنیف کتب و گردآوری «معجم» مشایخ خود پرداخت. بعدها در ناحیه سروات، در حوالی مکه، سکنی گزید. او هر سال در موسم حج به مکه می‌رفت و سرانجام نیز در مکه درگذشت. از دیگر آثارش: تفسیر قرآن؛ « السنة والصفات»؛ «الجامع»؛ «الدعاء»؛ «فضائل القرآن»؛ «دلائل النبوة»؛ «المستدرک علی الصحیحین»؛ «الصحیح المسند المخرج علی الصحیحین» یا «المسند الصحیح المجرد علی البخاری و مسلم»؛ «شهادة الزور»؛ «فضائل ملک بن انس»؛ «العیدین» یا «فضائل العیدین»؛ «مسانید الموطات»؛ «فضل یوم عاشوراء»؛ «المناسک»؛ «الربا» و «الیمین الفاجرة»؛ «کرامات الاولیاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (141/ 11)، تذکرةالحفاظ (1108 -1103/ 3)، سیرالنبلاء (563 -554/ 17)، شذرات‌الذهب (254/ 3)، طبقات الحفاظ (443)، طبقات المفسرین داودی (368 -366/ 1)، العبر (269/ 2)، الکامل (36/ 8)، کشف‌الظنون (1830، 1673 -1672، 441)، معجم‌المؤلفین (66 -65/ 5)، المنتظم (311/ 9)، النجوم الزاهرة (38/ 5)، هدیةالعارفین (438 -437/ 1).

هروی، ابوسعد محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 518 ق)، فقیه شافعی و قاضی. وی از فقهای شافعی در سده‌های پنجم و اوایل ششم قمری بود. در نزد ابوعاصم عبادی تلمذ کرد و کتاب «ادب القضاء» او را شرح نمود و «الاشراف علی غوامض الحکومات» نامید. در «هدیةالعارفین» به نقل از ابن‌عساکر و به تبع آن در «معجم‌المؤلفین» این کتاب به ابوسعید عبدالمجید بن اسماعیل هروی (م 537 ق) نیز نسبت داده شده است. وی عهده‌دار منصب قضاوت همدان بود. در مسجد جامع همدان به همراه پدرش به قتل رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (2/ 292)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (371 -365/ 5 ،104/ 4)، کشف‌الظنون (103)، معجم‌المؤلفین (30/ 9 ،168 -167/ 6 ،210/ 4)، هدیةالعارفین (84/ 2 ،619/ 1).

هروی، ابوسعید ابراهیم

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 168/ 163 ق)، حافظ، فقیه و محدث. در اواخر روزگار صحابه‌ی صغار (آنان که در زمان رحلت پیامبر (ص) کم سن و سال بودند) در هرات به دنیا آمد. اصلش از قریه‌ی باشان هرات بود. در نیشابور نشو و نما یافت. در طلب علم به مسافرت پرداخت و عده‌ای از تابعین را ملاقات نمود و از آنها حدیث شنید.از جمله از عبداللّه بن دینار و ثابت بنانی و ابوحازم اعرج و ابواسحاق سبیعی و ساک بن حرب و موسی بن عقبه و ابوزبیر محمد بن مسلم قرشی و محمد بن زیاد جمحی قرشی و یحیی بن سعید انصاری. همچنین از منصور بن معتمر و ابی‌جمره ضبعی و عاصم بن بهدله و عاصم بن سلیمان و حسین معلم و آدم بن علی و عبدالعزیز بن رفیع و ابوحصین عثمان اسدی و حمید طویل و حجاج بن حجاج باهل و عطاء بن ابی‌مسلم خراسانی و عبدالعزیز بن صهیب و مطر وراق و دیگران حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. سپس به مکه رفت و در آنجا مجاور شد. فرزندش، عبدالخالق بن ابراهیم، و استادش، صفوان بن سلیم، و ابوحنیفه نعمان بن ثابت و محمد بن جعفر بن ابی‌کثیر و عبداللّه بن مبارک و حفص بن عبداللّه سلمی نیشابوری و ابوعامر عقدی و سفیان بن عیینه و خالد بن نزار و وکیع بن جراح و حسین بن ولید نیشابوری و عبدالرحمان بن عبداللّه دشتکی رازی و غسان بن سلیمان هروی و برادرش، مالک بن سلیمان هروی، و عمر بن عبداللّه بن رزین و عبدالرحمان بن مهدی و محمد بن سابق و معن قزاز و یحیی بن ابوبکر کرمانی و یحیی بن ضریس بجلی رازی و ابوحذیفه نهدی و عبدالرحمان بن سلام جمحی و محمد بن سنان عوقی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن»، در فقه؛ «المناقب»؛ کتاب «العیدین»؛ کتاب «التفسیر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (168/ 2)، تاریخ بغداد (111 -105/ 6)، التاریخ الکبیر (294/ 1)، تذکرةالحفاظ (213/ 1)، تهذیب‌التهذیب (118 -117/ 1)، تهذیب‌الکمال (368 -364/ 1)، الثقات (27/ 6)، سیرالنبلاء (385 -378/ 7)، شذرات‌الذهب (257/ 1)، طبقات الحفاظ (106 -105)، طبقات المفسرین داودی (11 -10 / 1)، العبر (185/ 1)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (416)، الکامل (64/ 5)، لسان‌المیزان (191/ 8)،

معجم‌البلدان (383/ 1)، معجم‌المؤلفين (41/ 1)، ميزان‌الاعتدال (63/ 1)، الوافى بالوفيات (24 -23/ 6).

هروی، ابومعمر سالم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 433 ق)، فقیه شافعی و متکلم. معروف به غولچه (مصغر غول). اصل او از هرات و از علمای شافعی در سده‌ی پنجم قمری بود. وی در انواع علوم مهارت داشت. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. سبکی در «طبقات الشافعیه» آورده که او همطبقه شیخ ابومحمد و ناصر مروزی است. از آثارش: «اللمع فی الرد علی اهل الزیغ والبدع»، در مسائل کلامی و اصول اعتقادی اهل سنت. این کتاب در «کشف‌الظنون» تحت نام «اللمعة فی الرد علی اهل الزیغ والبدعة» آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شذرات‌الذهب (3/ 251)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (2/ 298)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (4/ 380)، کشف‌الظنون (1565)،معجم‌المؤلفین (4/ 203).

هروی، شمس‌الدین ابوعبداللّه، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(829 -767 ق)، فقیه شافعی و قاضی. اصل وی از ری و گفته‌اند از فرزندزادگان فخر رازی بود. در هرات به دنیا آمد. در ابتدا حنفی مذهب بود و بعدها به فقه شافعی روی آورد و در آن سرآمد شد. وی از شاگردان علامه سعدالدین تفتازانی بود. وی مدتی در ملازمت تیمور گورکانی به سر برد. سپس به فلسطین سفر کرد و در 815 ق عهده‌دار منصب تدریس در مدرسه صلاحیه شهر بیت‌المقدس گشت. آنگاه چندی در مصر به قضاوت پرداخت و مشاغل دیوانی متعددی را پذیرا گشت. نهایتاً در قدس سکنی گزید و در آنجا بنای مدرسه‌ای را آغاز کرد که نتوانست آن را به آخر برساند. او سرانجام در بیت‌المقدس درگذشت. از آثارش: «تقریب الاحکام»، در فروع شافعی؛ «التنویر»، در تلخیص «الجامع الکبیر» شیبانی؛ «التمحیص»، در شرح «تلخیص جامع الکبیر»، در فقه حنفی؛ شرح «مصابیح السنة» بغوی؛ «المنعم» یا «فضل المنعم»، در شرح «الصحیح» مسلم؛ شرح «مشارق‌الانوار» صغانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (151 -150/ 7)، ایضاح‌المکنون (490 ،199/ 2)، شذرات‌الذهب (190 -189/ 7)، الضوء اللامع (155 -151/ 8)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (105 -104/ 4)، کشف‌الظنون (473)، معجم‌المؤلفین (294 -293/ 10)، هدیة‌العارفین (186 -185/ 2).

هروی، مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1273/ 1270 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. به نجف رفت و در محضر شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» تلمذ نمود. آنگاه خود به بحث و تدریس و تألیف پرداخت. وی بعدها به تهران آمد. حاج شیخ محمدباقر بیرجندی، صاحب «کبریت الاحمر»، در اجازه‌ای که برای آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی صادر نموده، صاحب عنوان را ستوده است. وی در تهران درگذشت. پیکرش را به مشهد منتقل کردند و در بقعه‌ی شیخ‌بهائی به خاک سپردند. از آثارش: شرح «نجاة‌العباد»؛ «درایة‌الحدیث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (143/ 10)، الذریعه (102/ 14، 56/ 8)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (481 -480/ 2)، معجم‌المؤلفین (26/ 13).

هزار جریبی مازندرانی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1245 -1188 ق)، عالم دینی و فقیه. مشهور به فقیه مطلق. جامع علوم معقول و منقول بود. در نجف به دنیا آمد. پدر و جدش از علمای بزرگ بودند. وی در نجف از حوزه درس سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بهره‌مند گشت و در شمار افاضل علما و فقهای نجف درآمد. بعد از وفات پدرش راهی ایران شد و در قم ملازمت میرزا ابوالقاسم قمی، صاحب «قوانین»، اختیار نمود و از مجلس درس وی استفاده‌ی کامل برد و از خواص اصحاب او گردید. او همچنین از محضر ملا احمد نراقی و سید محمدجواد حسینی عاملی، صاحب «مفتاح الکرامة»، استفاده نمود و از اساتید خود همچون میرزای قمی و ملا احمد نراقی و سید محمدجواد حسینی عاملی اجازه اجتهاد دریافت نمود. صاحب عنوان طرف توجه و اعتماد میرزای قمی بود و میرزا به همین مناسبت نسخه اصلی کتاب «قوانین» را به وی اعطا کرد. مدتی در ارومیه و تبریز به تدریس و تبلیغ پرداخت و از آنجا به اصفهان رفت و دختر میرزا باقر نواب، مفسر قرآن و شارح «نهج‌البلاغه»، را به همسری گرفت و پس از چندی در قمشه از توابع اصفهان سکنی گزید. او به بیماری وبا در قمشه درگذشت و در بقعه امامزاده سید علی‌اکبر دفن شد. فرزندش، شیخ محمدحسن، نیز از علمای بزرگ بود. از آثارش: کتاب «القضاء»؛ «مخزن‌الاسرار»، در حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «تکملة القواعد الدینیة»، در شرح «قواعد» علامه حلی؛ «الکواکب الباهرة»، حاشیه بر «قواعد» شهید اول؛ «البحر الزاخر»؛ «کنزالکنوز»، در حاشیه بر مبحث «طهارة» از کتاب «مدارک»؛ «رمزالرموز»؛ «اللآلی المتلألأة»، در اصول فقه؛ «مجمع العرائس»، در حاشیه بر «معالم الاصول»؛ «حلال الغوامض»، در حاشیه بر «قوانین»؛ «مفتاح الکنوز»، در تعلیقه بر «شوارق» و «تجرید» و حواشی و شروح «تجرید»؛ «البدر الباهر»، در تفسیر بعضی از آیات؛ «السراج المنیر»، در فوائد رجالیه؛ «انیس المشتغلین»، در حکایات و مفاکهات؛ «تبصرة المستبصرین»، در امامت؛ «محیی الرفاة»، در قصاید عربی و شرح آن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (26/ 10)، تذکرةالقبور (266 -256)، الذریعه (222 /33، 20 /163، 178، 262، 18 /136- 137، 17 /202، 324، 4 /415، 6 /95، 177، 7 /280، 11 /30، 249، 13 /65- 66، 15

(150 -323 ،67 ،39/ 3 ،466 ،330/ 2 ،302 -301/ 1)، روضاتالجنات -146/ 7)، فوائد الرضويه (577 -576)، معجم رجال الفكر والادب فى النجف (1333 -1332/ 3)، معجمالمؤلفين (44/ 11)، مكارمالآثار 1228 -1223/ 40).

هزار جریبی، محمد علی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم جلیل القدر، از تلامذه محقّق قمی، و آقا سید جواد عاملی، و حاج سید مهدی بحر العلوم، و حاج ملا احمد نراقی، و آقا شیخ جعفر نجفی می‌باشد.
مدّتها در ارومیه و تبریز بوده و در آنجا تدریس می‌فرموده، اخیراً به اصفهان آمده و داماد میرزا محمّد باقر نوّاب شده، و به فقیه مطلق شهرت یافته، و در مسجد ذوالفقار امامت می‌نموده.
و تألیفات و تصنیفات زیاد دارد، از آن جمله است:
1- انیس المشتغلین 2- البحر الزاخر 3- جوابات المسائل 4- حاشیه بر قواعد شهید 5- حاشیه بر قواعد علاّمه 6- حاشیه بر طهارت مدرک 7- حاشیه بر شرح لمعه [=مخرن الاسرار الفقهیة] 8- حاشیه بر نکاح شرایع 9- حاشیه بر شوارق و تجرید 10- حاشیه بر قوانین - حاشیه بر معالم (= مجمع العراش الوجیهة) 12- رساله در نماز 13- رساله در امامت 14- رساله در رجال 15- رساله در نکاح عدّه ذّمیّه 16- سراج المنیر، در فوائد رجالیّه، (شاید شماره 14 باشد) 17- شرح احادیث مشکله - شرح روضة البهیّه (= حاشیه بر شرح لمعه) 18- کتابی در اصول 19- کتابی در قصاید و شرح آنها 20- کتابی در فقه: در نماز مسافر و نکاح و طلاق و دیات [=البحر الزخر]، پر فایده و کثیر الفروع 21- مجمع العرائس [=حاشیه بر معالم]؛ و غیره.
در اواخر عمر به شهرضا منتقل گردیده و این مهاجرت سبب گمنامی او شده است. در هر صورت، از مجتهدین بزرگ است، و از او کرامات و استجابت دعا و ترویجات و زهد و تقوی معروف است.
در 12 رجب 1188 متولّد، و در شب شنبه 18 ربیع الثانی 1245 در شاه سید علی اکبر در نزدیکی شاهرضا به مرض وبا وفات یافته و در همانجا مدفون گردید. قبرش داخل بقعه امام زاده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هزارجریبی، عبدالرزاق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ عبدالرزاق هزار جریبی که از علماء ربانی و صاحب تالیفات و تصنیفات زیر می‌باشد:
1- ذریعه النجاه فی یوم المعاد در اصول دین و مذهب.
2- کتابی مفصل در فقه.
3- کتابی مبسوط در اصول - که هیچ کدام به طبع نرسیده است.
آن مرحوم سطوح را در مازندران خود آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت دوازده سال از اساتید آن زمان بهره‌مند شده تا به درجه علیای از علم و اجتهاد رسیده و از جهت مقام علمیت و تقوا و زهد و ورع و مخالفت با هوای نفس به درجه کامل نائل و کرامات زیادی از ایشان نقل شده که محل ذکر نیست.
معظم‌له پس از مراجعت به وطن خود سالها کوشش در ترویج دین در استان مازندران نموده تا در همان سال دعوت حق را اجابت و در آنجا موقتا مدفون و بعد بنابر وصیتش حمل به نجف اشرف و در جوار امیرالمومنین علیه الصلوات والسلام مدفون گردید. و آن مرحوم معاصر جناب حجت‌الاسلام حاج ملامحمد اشرفی (مدفون در بابل) بوده و با هم مکاتبه و مرابطه داشته‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

هشترودی تبریزی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1304 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد. وی از شاگردان حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری بود. او مدتی نیز در نجف به تدریس و تألیف مشغول بود. پس از تکمیل تحصیلات به زادگاه خویش آذربایجان بازگشت و مصدر خدمات دینی شد. وی در بازگشت از یکی از مسافرت‌هایش به عتبات در شهر کرند درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار او: «تقریرات» درس استادش، شیخ انصاری، در مباحث اجتهاد و تقلید؛ «محن الابرار»، در ترجمه‌ی مجلد دهم از «بحارالانوار» که در «مؤلفین کتب چاپی» این کتاب تحت عنوان «محسن الابرار فی ترجمة مقتل بحارالانوار» آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (150/ 5)، الذریعه (160/ 20)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 411/ 14)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (284/ 1)، معجم‌المؤلفین (241/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (590 -589/ 2).

همایی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب، شاعر.
تولد: 13 دی 1278(1 رمضان 1317 ق.)؛ اصفهان.
درگذشت: 28 تیر 1359، تهران.
جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.
سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.
وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال 1302 به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال 1345 بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره

به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.
استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (1313)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر 1325)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت 1333)؛ سفر به بیروت (1334)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (12 آبان 1334)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان 1336)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن 1338)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (29 اردیبهشت 1349)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (13 تیر 1350)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (1352).
استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.
علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، 1346)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، 1309 -1308، در سال 1308، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، 1317)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، 1357)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (1354)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضة الصفا، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول 1354، جلد دوم 1355)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (1342)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محجوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه 1 الی صفحه 90)؛

صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی- دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، 1329 -1328)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، 1348)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، 1362)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد 1364). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (1. دیوان غبار. 2. غزلیات سنا، 3. دیوان زرگر اصفهانی، 4. غزلیات دیوانه‌ی قمثه، 5. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، 1342، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، 1316)؛ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، 1316)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، 1325)؛ دیوان طرب (1342)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، 1361)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاءالدین ولد، 1316)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، 1320)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (1335)؛ نصیحةالملوک (امام محمد غرالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (1331)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (1343)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (1373).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان 1400، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر 1359 درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح 1358 -1278 ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمدکاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید

و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود 1300 ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود 1307 ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایة» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 7 و 8، ص 624 -616)، از نیما تا روزگار ما (166 -160)، تاریخ اصفهان (سیزده- چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (250 -247)، چهره‌های آشنا (667 -665)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (208 -195/ 3)، الذریعه (51/ 16 ،472/ 9 ،230/ 3)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (1812 -1807/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3375، 3280، 3250، 3139، 3093، 3084، 3059، 3027، 2691، 2385- 2384، 2369، 2368، 2367، 2366، 2256/ 2، 1593، 1555، 1553، 1549، 1496، 1423، 1422، 1350،

936، ،662 ،489 ،240 ،140/ 1)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 4، ص 39 -38)، مؤلفین کتب چاپی (372 -370/ 2)، همایی‌نامه.

همدانی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ بن شیر محمد همدانی عالمی فقیه از شاگردان ملا احمد خوانساری دولت‌آبادی مقیم ملایر بوده و در نجف از محضر شیخ انصاری استفاده نموده و در 1306 ق وفات کرده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 321 ق)، فقیه و محدث. او از مشایخ ابوالحسن علی بن بابویه پدر شیخ صدوق و محدث همدان بود. مطابق اسانید بعضی از روایات کتاب «امالی» صدوق، علی بن بابویه در همدان آن روایات را از صاحب عنوان شنیده است. ابراهیم بن عمروس نیز به نوبه‌ی خود از ابی علی حسن بن اسماعیل قحطبی روایت کرده است. او همچنین از ابوعمار مروزی و عبدالرحمان بن بشیر و عباس بن یزید بحرانی و عبدالحمید بن عصام و حمید بن زنجویه و بخاری و بسیاری دیگر حدیث روایت کرده است. وفات وی در «طبقات اعلام‌الشیعه»، 329 ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (550/ 14)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 4/ 4).

همدانی، حسینقلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1311 -1239 ق)، عارف، حکیم و فقیه. ملا حسینقلی در شوند درگزین از روستاهای همدان متولد شد. کودکی را به شبانی گذاراند، و سپس در تهران در حوزه شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین) در رشته معقول درس خواند. چندی بعد عازم سبزوار شد و نزد حاج ملا هادی سبزواری حکمت و فلسفه خواند. پس از مدتی در محضر درس شیخ مرتضی انصاری در نجف حاضر گشت و بسیاری از تقریرات او را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. اخلاق و عرفان را از محضر آقا سید علی شوشتری فراگرفت. از جمله شاگردان و اصحاب وی: شیخ محمد بهاری، سید احمد تهرانی، میرزا جواد ملکی تبریزی، سید حسن صدر و سید جمال‌الدین اسدآبادی است. وی در کربلا مدفون است. آثار او عبارت‌اند از: «نامه‌ها و منشآت»، در آداب سلوک که پاره‌ای از نامه‌های او در مجموعه «تذکرة المتقین» در 1329 ق به چاپ رسیده؛ «مناجاتها»؛ «تقریرات در اخلاق»؛ «کتاب الرهن»؛ «تقریرات شیخ انصاری»، در فقه و اصول.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (4/ 46)، ریحانه (6/ 376)، فوائد الرضویه (148)، گنجینه‌ی دانشمندان (7/ 372).

همدانی، رضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا بن شیخ محمدهادی همدانی نجفی متوفی 1322 ق از اکابر فقهاء محققین و مشاهیر مراجع عصر خود بوده است.
مرحوم والدش حاج شیخ محمدهادی از علماء صلحاء و وی از اجله فقهاء و افضل اعلام زمان خویش بوده و مهاجرت به سامرا و سالهای متمادی ملازمت درس مجدد شیرازی را نموده و تقریرات درس وی را نوشته تا در میان اقران خویش مشارالیه بالبنان گردیده و در حیات استادش میرزا بزرگ به نجف برگشته و به تدریس اشتغال یافته و جمع زیادی از اهل فضل اطرافش را گرفته و از بیاناتش استفاده نموده‌اند.
و ضمنا به اقامه جماعت و تألیف کتاب نفیسش (مصباح الفقیه) پرداخته و آن بزرگوار چنانچه معاصرین و متاخیرین او گواهی می‌دهند ازهد و اورع و اتقا و افضل اقران خود بوده و اکثر اوقات خود را مصروف به مطالعه و تدریس و مباحثه و تألیف می‌نموده و در نهایت اعراض از دنیا و زخارف آن بوده و بعد از فوت استادش میرزا شیرازی مردم به وی رجوع نمودند و این مرجعیت برایش گران و سنگین بود ریاست و زعامت را مکروه می‌داشت برای مسئولیت خطیری که دارد.
و واقعا هم چنین بود زیرا بعد از ریاست هم تغییر وضع نداده و ماکل و ملبسش مانند گذشته بود و این ریاست هم طولی نکشید چون نسیان برایش عارض شد و خود از فتوا دادن امساک نمود فقط مواظبت به تدریس داشت تا در سال 1322 ق وفات نمود و آثار بسیار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که ذیلا می‌نگارم.
1- کتاب الطهاره 2- کتاب الصلوه 3- کتاب الزکوه 4- حاشیه بر رسائل 5- حاشیه بر نجاه العباد 6- تقریرات دروس میرزا بزرگ شیرازی 7- کتاب البیع :
معظم شاگردان و تلامذه آن جناب نامبردگان زیرند.
1- آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی 2- آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی تهرانی مقدس 3- آیت‌اللّه حاج شیخ جعفر آل شیخ راضی 4- آیت‌اللّه حاج شیخ علی زاهد قمی 5- آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین آل اسداللّه شوشتری 6- آیت‌اللّه حاج سید محسن امین جبل عامل 7- آیت‌اللّه حاج شیخ علی همدانی 8- آیت‌اللّه شیخ علی جواهری 9- آیت‌اللّه حاج شیخ علی حلی 10- آیت‌اللّه حاج شیخ احمد آل کاشف الغطا 11- آیت‌اللّه حاج

شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء 12- آیت‌اللّه حاج شیخ جواد بلاغی 13- آیت‌اللّه شیخ مشکور طالقانی 14- آیت‌اللّه حاج سید حسن صدر و عده زیادی دیگر که ذکرشان موجب اطناب است.
آن بزرگوار در اواخر مبتلا به کسالت سل گردیده و مسافرتی برای زیارت و تغییر آب و هوا به سامرا نموده ولی در آنجا در روز یکشنبه 28 ماه صفر 1322 قمری در سن هفتاد و پنجسالگی وفات و در رواق شریف عسکریین طرف پائین پای امامین همامین مدفون شده است.
آن مرحوم دارای یک پسر بنام حجةالاسلام آقا شیخ محمد همدانی و چهار دختر بوه و دامادهای وی همه از آیات و اعلام علماء معروف بدین شرح می‌باشند.
1- آیت‌اللّه حاج میرزا نجم‌الدین شریف عسکری بن آیت‌اللّه آقا میرزا محمد تهرانی عسکری متوفی ماه رجب 1395 ق.
(1322 -1252/ 1250 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، عابد و زاهد. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات به عراق رفت و در محضر علمای بزرگ از جمله میرزا محمدهاشم خوانساری و میرزای بزرگ شیرازی و میرزا محمدتقی شیرازی و میرزا حسن فرزند میرزا خلیل تهرانی نجفی تلمذ نمود. وی از شاگردان برجسته‌ی میرزای بزرگ شیرازی بود. در حیات میرزا از سامرا به نجف رفت و به تدریس و تألیف و اقامه‌ی جماعت پرداخت. از جمله شاگردان مشهور وی می‌توان به شیخ آقا بزرگ تهرانی، صاحب «الذریعه»، و شیخ علی زاهد قمی و آیت‌اللّه شیخ جواد بلاغی و آیت‌اللّه شیخ علی حلی و آیت‌اللّه شیخ احمد آل کاشف‌الغطاء و شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء و شیخ جعفر آل شیخ راضی و آیت‌اللّه شیخ علی جواهری و آیت‌اللّه شیخ محمدتقی تهرانی مقدس و آیت‌اللّه شیخ ابوالقاسم کبیر قمی و آیت‌اللّه علامه سید محسن امین جبل‌عاملی اشاره کرد. وی به مناسبت اهمیت و شهرت کتابش «مصباح الفقیه»، که شرحی است بر «شرایع الاسلام» علامه حلی، به صاحب «مصباح الفقیه»، مشهور می‌باشد. صاحب «اعیان‌الشیعه»، وی را به کثرت زهد و ورع، تواضع شدید و کراهت داشتن از شهرت ستوده است. در اواخر عمر به علت بیماری سل، برای تغییر آب و هوا، به سامرا رفت و در آنجا درگذشت و در رواق شریف به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «الفوائد الرضویة علی الفرائد المرتضویة» یا «العوائد الرضویة علی الفرائد المرتضویة»، در حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «المکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «نجاة العباد»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «تقریرات» استادش میرزای بزرگ شیرازی، در فقه و اصول؛ کتاب «البیع» از «تقریرات» میرزای بزرگ شیرازی؛ «الهدایة»؛ «الوجیزة». [1]

رضا همدانی قدس‌اللّه‌سره متولد در سال 1250 قمری و متوفی 1322 ق و علامه سماوی در ماده تاریخ فوت و رثاء آن مرحوم گفته است.
و کالرضا المحقق ابن الهادی
الهمدانی الفقیه البادی
رافع مصباح الفقیه المائل
و ذی التعالیق علی الرسائل
فانه جاورها بدر النجف
و قال ارخوه (ابهج الغرف)
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (52/ 3)، اعیان‌الشیعه (23 -19/ 7)، الذریعه (166 ،49/ 25 ،116 -115/ 21 ،341/ 16 ،219 ،157/ 6 ،377 -376/ 4)، ریحانه (377/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 778 -776/ 14)، علماء معاصرین (76 -75)، گنجینه‌ی دانشمندان (377 -376/ 7)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1340 -1339/ 3)، معجم‌المؤلفین (164/ 4)، میرزای شیرازی (144 -143).

همدانی، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالحسین همدانی عالمی جلیل و فاضلی بارع و پرهیزکاری پارسا از سادات (کمالان) مشهور همدان و از بزرگان علماء و مشاهیر فقهاء زمان خود و معروف به ورع و صلاح بوده و در سال 1318 در تهران وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، عبدالرزاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1383 -1291 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، مجتهد، متکلم و واعظ. اصل او از قزوین بود. پدرش مقیم اصفهان گردید و وی در آنجا به دنیا آمد. در حدود 1300 ق به همراه پدرش به کربلا مهاجرت نمود. او در کربلا مقدمات علوم را فراگرفت و در 1313 ق به همراه مادرش به همدان رفت و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافت. چند بار برای زیارت به نجف رفت. او در همدان درگذشت. از آثارش: «ذریعةالمعاد»، در شرح «نجاةالعباد»؛ «السیف القاطع فی ابطال الرکن الرابع»؛ «هدایة الطالبین»، در اصول دین؛ «الخلافیة»، در رد شیخیه؛ «السؤال والجواب الدینی»، در رد شیخیه؛ «الهدایة»، در رد صوفیه؛ «المقالة الاسلامیة»، در رد نصارا؛ «الکشکول»؛ «المواعظ المنبریة»؛ «الاسلام و الخلافة»؛ «مواکب حسینیه».[1]
شیخ عبدالرزاق بن علی‌رضا بن عبدالحسین ابن ابی‌طالب بن عبدالکریم مؤلف (نظم الغرر) ابن محمد مؤلف (ترجمان اللغه) ابن محمد شفیع متمم کتاب والده (ابواب الجنان) ابن رفیع‌الدین محمد بن فتح‌اللّه (قزوینی) اصفهانی همدانی عالمی فاضل و واعظی کبیر بوده است.
جد ایشان از اهل قزوین بوده و پدرش مقیم اصفهان گردیده و وی در آنجا در سال 1291 ق متولد شده و والدش در حدود 1300 ق مهاجرت به کربلا نموده و او در خدمت آن مرحوم در کربلا به مقدمات علوم پرداخته و در سال 1313 ق مادر علویه‌اش وی را به همدان آورده و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافته تا بعد از 1381 قمری که به رحمت حق پیوسته است.
تألیفات وی از این قرار است.
ذریعه‌المعاد فی شرح نجاه العباد در طهاره 2- السیف القاطع فی ایطال الرکن الرابع در رد شیخیه 3- هدایه الطالبین در اصول الدین 4- الخلافیه 5- السوال و الجواب الدینی رد شیخیه 6- الهدایه. در رد صوفیه 7- المقاله الاسلامیه در رد نصاری 8- الجواب عن سوال زید و زینب 9- مختصر المقاله الجوابیه 10- بدایه المنطقیه 11- الوجیزه الرجالیه 12- الکشکول 13- مناظرات و مقالات 14- المواعظ المنبریه 15- رساله جواز نقل الموتی 16- رساله فروع‌الدین 17- الفیصل 18- الغدیریه 19- رساله اصول‌الدین 20- الاسلام والخلافه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (182 -181 /166، 25 /232، 23 /395، 21 /59، 17 /384، 16 /288، 245، 210/ ،12 ،32 -31/ 10)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 114 -113/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (379 -378/ 7)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1341/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (844 -843/ 3).

همدانی، عبدالصمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شهادت 1216ق)، فقیه، متکلم، عارف و شاعر. نزد آقا محمدباقر بهبهانی و سید بحرالعلوم درس خواند و به اجتهاد رسید و سپس به طریق عرفان قدم گذاشت و در سلک پیروان معصوم علیشاه، نورعلیشاه و حسین علیشاه اصفهانی درآمد. وی با اغلب فقهای متشرع اختلاف نظر داشت. در روز عید غدیرخم در کربلا به دست وهابیان شهید شد. وی شعر نیز می‌گفت و در شعر صمد تخلص می‌کرد و «دیوان» شعر دارد. مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: «بحرالمعارف»؛ «شرح المختصر النافع»؛ «المواسعة والمضایقة»، کتاب بزرگی به ترتیب ابواب فقه؛ و کتاب بزرگ دیگری در لغت که ناتمام است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (17 /8)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (76 -75 /2)، الذریعه (14 /15، 59 /14، 618 /9، 47 /3)، روضات الجنات (195 -194 /4)، ریاض العارفین (267)، ریحانه (378 -377 /6)، شرح حال رجال (141 /6)، شهیدان راه فضیلت (455 -432)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 738 -737 /13)، طرائق الحقائق (281 /3)، فوائد الرضویه (232)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالصمد)، معجم المؤلفین (238 /5)، مکارم الآثار (610 -600 /2)، هدیة العارفین (575 /1).

همدانی، عبداللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبداللّٰه بن ملا محمد بروجردی همدانی فقیهی متقی و مرحوم والدش از علماء و افاضل مفسرین و دارای تفسیری بوده و آن مرحوم نیز از جلاء علماء متقین و زهاد و در امر به معروف و نهی از منکر بسیار شدید و جدی و از اعاظم علماء همدان علما و عملا بود و بسیاری از علماء همدان مانند حاج شیخ محمدهادی همدانی و آقا شیخ ربیع همدانی و ملا محمدتقی همدانی و شیخ علی همدانی و میرزا سید فتاح همدانی و غیر آنها از بزرگانی که از مراجع دینی شدند از شاگردان وی بوده‌اند.
و آن مرحوم در همدان شدیدا بر علیه فرقه شیخیه معارضه نموده و هیچ مسامحه و کوتاهی نمی‌کرد حتی چند بار حکم به تکفیر آنها نموده و برای همین موضوع چند بار تبعید به تهران گردید و این موجب شهرت او و توجه و علاقه مردم به وی شده و در جماعت وی بسیاری از خواص و عوام شرکت می‌نمودند تا در سال 1313 ق در همدان وفات نموده و فرزند برومندش حجةالاسلام آقا شیخ اسماعیل به جای وی به اقامه جماعت پرداخت.
و آن مرحوم در موقع وفات فرزندی در جنین همسرش داشت که بعد متولد شد و موسوم به محمد گردید که از علماء بزرگ و مراجع امور دینی در همدان گردید
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، عبدالمجید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالمجید بن عبدالوهاب همدانی متولد 1276 و متوفی 1346 ق عالمی متقی و فقیهی کامل بوده.
وی در سال مذکور متولد شده و مقدمات را در همدان آموخته و در سال 1298 ق مهاجرت به طرف عراق و چند سالی در کربلا اقامت و از محضر فاضل اردکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی استفاده نموده و بعد از فوت آنها به نجف اشرف مشرف و از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا حسین خلیلی و علامه آخوند خراسانی بهره‌مند شده و در سال 1316 ق به همدان مراجعت و به انجام وظائف دینی و روحی پرداخته تا در سال 1346 ق در مشهد مقدس از دنیا رفته است.
علامه تهرانی صاحب الذریعه گوید: آن مرحوم از اوتاد دانشمندان و در تقوا و سلوک و صلاح و سداد بسیار عجیب بود و از استادش مرحوم آیت‌اللّه خلیلی گذشته از استفاده‌های علمی کسب مقامات و معنویت نموده و دارای کرامات و قضایای نادره و لقاء حضرت حجت عجل‌اللّه فرجه‌الشریف بوده از جمله در سال 1299 ق پیاده از کاظمین به سامره مشرف می‌شده و در راه به واسطه تشنگی و خستگی از قافله عقب مانده و راه را گم می‌کند و در آن حال خوف و ترس زیادی به او دست داده توسل به ائمه علیهم‌السلام برای نجات خود می‌نماید که ناگاه می‌بیند دو نفر با ظرف آبی حاضرند و به او آب می‌دهند پس چند قدم با آنها برداشته داخل قریه و آبادی می‌شود و بعد متوجه آن دو نفر شده و آنها را نمی‌بیند پس سوال می‌کند که این جا کجاست می‌گویند: اینجا دجیل و (بلد) که در جنب حضرت سید محمد بن امام علی‌النقی (ع) است می‌باشد و متوجه می‌شود که هنوز قافله نرسیده پس منتظر می‌ماند تا بعد از پنج ساعت قافله می‌رسد.
و نیز حکایت نموده که چون در سال 1326 ق مشرف به نجف اشرف شدم چهل روز با اجازه استادم آیت‌اللّه خلیلی مشغول به خواندن دعاء سیفی شدم و در روز چهلم مشرف به مسجد سهله شدم بعد از غروب و دیدم گویا (آیت‌اللّه العظمی) آسید محمد کاظم یزدی جماعت می‌خواند پس به او اقتدا کردم و بعد از نماز در مصاحبت او به مسجد کوفه آمده و در راه از بعضی از امور و مطالب مهمه سوال نمودم تا مسجد که از هم جدا شدیم و من شب را در مسجد بیتوته نموده و صبح به نجف آمدم و

سوال کردم آیا سید یزدی شب برگشته از کوفه یا نه گفتند که سید چند روزیست بستری و مریض و نمی‌تواند از جا حرکت کند.
پس دانستم که آن سید که شب با وی نماز خواندم سید یزدی نبوده بلکه خود حضرت بوده است.
وی طاب ثراه دارای آثاری که از آن است که 1- مختصر الاحکام فی تکلیف الانام 2- مجالس المواعظ بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

همدانی، نصرالله

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، دانشمند و فقیه. وی معروف به آخوند نصرا، آخوند نصیرا و آخوند نصیر بود. او نزد علمای اصفهان بویژه میر محمدباقر داماد به فراگیری معارف اسلامی پرداخت و سپس در همدان به تدریس علوم دینی مشغول شد و شاگردان بسیار تربیت کرد. افزون بر تألیفاتش حواشی و تعلیقات سودمندی بر کتابهای مهم فقهی نوشته است که از آنها اثری در دست نیست، از جمله حاشیه بر «منتهی المطلب» علامه حلی.
کتاب «اصول الدین» از او است. وی در شعر و انشاء مهارت داشت. در «ریاض العلماء» آخوند نصیر همدانی و آخوند نصراللّه همدانی را دو تن دانسته است. ضمناً خواجه نصیرالدین همدانی صاحب «دیوان» که پسر خواجه محمود و نوه‌ی خواجه حسن بیک یزدگردی است با صاحب ترجمه متفاوت است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (6/ 222، 2/ 195)، ریاض العلماء (5/ 245- 246)، ریحانه (44- 43)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 11/ 615).

یارقلی محلاتی بروجردی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1297/ 1295- ح 1336 ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در نجف به دنیا آمد. پدرش، شیخ اسماعیل، مدتی در بروجرد و مدتی در نجف و سامرا ساکن و از شاگردان میرزا حبیب‌اللّه رشتی بود. شیخ محمد یارقلی علوم ادبی و عربی را از پدرش آموخت. فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه خراسانی و آیت‌اللّه شیخ‌الشریعه اصفهانی فراگرفت و سپس خود به تدریس پرداخت. آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی و میرزا احمد منجم شیرازی و آقا میرزا محمد خلیلی از شاگردان او بودند. صاحب عنوان مسافرت‌هایی به هندوستان، بنادر جنوب ایران، بمبئی، نجف، بغداد، موصل و کرکوک نمود و در طی این مسافرت‌ها از مصاحبت ارباب دانش و فضل بهره‌مند گشت. وی اولین مجله‌ی فارسی را تحت عنوان «درة‌النجف» در عراق منتشر کرد که بیش از پنج شماره از آن به چاپ نرسید. در محلات درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار او: حاشیه بر «کفایة‌الاصول»؛ رساله در «نفی تحریف قرآن»؛ تعلیقات بر «شوارق»؛ «مجموعه‌ی خطب پیغمبر (ص)»؛ «سر قضیه عاشورا»؛ «اصول دین»، در سه مجلد؛ «مذاکرات میزبان و میهمان»، در رد شیخیه؛ «گفتار خوش یارقلی»، در رد بهائیها که تاکنون چند بار چاپ شده است؛ اشعاری در اخلاق و مواعظ.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (524 -522/ 2)، الذریعه (208/ 18، 112/ 8)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1163/ 3).

یاسری، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمود بن حجةالاسلام حاج ملا عباس یاسری از علماء با تقوی و فضیلت و وثوق تهران و مورد توجه مردم مرکز و در مسجد اراک که از مساجد بنام و بزرگ تهرانست اقامه جماعت می‌نمایند.
وی در حدود سال 1306 قمری در تهران متولد گردیده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح عالی در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ باقر معزالدوله از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده معقول و منقول نموده وی از صحبت و تقلید مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللّٰه سبحانی حاج سید عبدالکریم لاهیجانی (صاحب کرامات باهره) برخوردار شده است. آقای یاسری منتسب به دو صحابی جلیل‌القدر و شهید راه ولایت جناب عمار بن یاسر شهید صفین است که حضرت امیر علی در شهادت او طلب مرگ نموده و فرمود:
الا یا ایها الموت الذی لست تار کی
ارحنی فقد افنیت کل خلیل
اراک بصیرا بالذین احبهم
کانک تنحو نحوهم بدلیل
ای آنچنان مرگی که مرا رها نمیکنی مرا راحت نمای زیرا که تو تمام دوستان مرا از بین برده‌ای می‌بینم تو را بینا به افرادی که ایشان را دوست دارم که گویا قصد ایشان مینمائی بوسیله راهنمائی و فرمود انا لله و انا الیه راجعون سپس گفت که هر که از شهادت عمارد لتنک نشود او را از مسلمانی نصیب و بهره‌ای نباشد خداوند متعال بر او رحمت کند در آن ساعت که از نیک و بد او سوال می‌کند هرگاه که در خدمت حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله سه کس را دیدم چهارم ایشان عمار بود و اگر چهار نفر را دیدم پنجم آنان عمار بود نه یک بار بهشت بر او واجب شد بلکه بارها استحقاق آن را پیدا کرده جنات عدن او را گوارا باشد که او را بکشتند و او یار حق بود چنانکه حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم در شأن او فرمود الحق مع عمار یدور مع عمار حیث دار و بعد فرمود که کشنده عمار و دشنام دهنده و رباینده سلاح او به آتش دوزخ معذب خواهد شد.
آیت‌اللَّه یاسری عالمی متقی و دانشمندی با ورع و سالهای متمادیست که رهبری هیئت محترم پیر عطا که از هیات قدیمه تهرانست می‌نماید.

از بعضی از ثقات که از ایشانست حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج سید نورالدین آیت‌اللّه زاده میلانی از ایشان شنیدم که آقای یاسری فرمود روزی در ورقه‌ای دیدم یک نوع ختم و آداب او را درج و از قول شیخ‌بهائی قدس سره نوشته است.
هر کس این عمل را در ظرف ده روز انجام دهد بدین ترتیب که از چهارشنبه شروع و در روز جمعه دوم خاتمه یابد مطلب و حاجتش برآورده نشود مرا لعن کند.
لذا بجهت مطلب مهم خودم آن ختم را انجام دادم و بعداً ثمر نبخشیده و اثری ندیدم آنگاه شیخ بهائی قدس سره را مخاطب قرار دادم و بدون آنکه سخنی بگویم فقط در دل گفتم آقای شیخ شما شخصی بزرگ هستید زبان من لال گردد نسبت بذات مقدس شما جسارت نمیکنم ولی چرا چیزی مرقوم شود که اگر بدست اشخاص غیر مؤدب افتد به آنجناب توهین کنند.
این معنی در دلم بود و هرگز به احدی اظهار نداشتم.
پسرم با مرحوم جنانی (آقای جنانی همدانی مقیم تهران دارای علوم غریبه تسخیر ارواح و غیره بود) معاشرت داشت روزی بمنزل آمده و گفت شیخ‌بهائی بشما پیامی دارند و شما را طلبیده‌اند حاضر شوید با شما سخن بگویند.
چون این سخن را از پسرم شنیدم لرزه بر بدنم رخ داده و مبهوت شدم.
سپس پسرم اضافه نموده جنانی میگوید من تاکنون نتوانسته‌ام موفق شوم شیخ را حاضر کنم تا چه رسد که با من سخنی بفرمایند. و اینک خوشحالست که چون شما بخانه او بروید از حضور شما برای او فرصتی دست بدهد بدین وسیله بتواند با شیخ‌بهائی تماس گرفته و استفاده کند.
آنگاه مطلب دیگری پسرم از قول جنانی راجع به آیت‌اللّه آقای حجت (کوهکمری) گفت امروز ارواح را احضار کردم گفتند امروز برای مصاحبه آمادگی نداریم. ما امروز مأمور شده‌ایم از روح مطهر آقای حجت استقبال کنیم.
جنانی: کدام حجت.
گفتند آن آقا که هفته‌ی یکبار بملاقات حضرت ولی عصر بقیه اللّه ارواحنا له الفداء مشرف میشد آقای یاسری گفتند چون مدتی بود آقای حجت بستری بودند از شنیدن این سخن غمین شدم و ناراحت گشتم: مختصری گذشت از قم خبر رسید حضرت آیت‌اللّه العظمی حجت رحلت فرموده‌اند و بعلاوه رادیو تهران سخن را قطع و این خبر را بعنوان خارج از برنامه پخش نمود.
جنانی اسرار داشت زودتر بخانه‌اش بروم تا این که او هم بهره‌برداری کند.
و لذا پسرم را مأمور کرده بود روزانه مرا تعقیب می‌کرد و من هم امروز و فردا می‌نمودم بالاخره در یکی از روزها بمنزلش رفتم بخور و غیره را

فراهم نمود شروع کرد بخواندن اوراد و اذکار لازمه طبق برنامه خودش و آنچه را که من مشاهده کردم ترتیب استفاده او بتوسط آئینه بود و هر کس هر نوع مطلبی داشت بایستی بنویسد و نوشته را در دست بگیرد جواب بر روی آئینه نوشته میشد.
چون در صدد احضار شیخ‌بهائی قدس سره برآمد با من گفت هر چه سؤالاتی دارید بنویسد و در کف خود پنهان بنمائید قلمهای متعدد و کاغذ و مرکب در جلوی من نهاد و گفت من هرچه را از روی آینه بخوانم شما فوراً ثبت کنید من نمی‌توانم همه را ضبط کنم و بذهن خود بسپارم.
یکی از ارواح حاضر شد جنانی پرسید شما کیستید گفت سید محمد طباطبائی جنانی گفت من شما را نخواستم فرمود من از طرف شیخ بهائی آمده‌ام شما را خبر کنم. یک دقیقه بعد شیخ حاضر می‌شود.
جنانی آئینه را برگردانیده و تنفس داد سیگاری مصرف نمودیم سپس آماده شدیم.
شیخ تشریف آوردند و آنچه بر روی آئینه نوشته میشد جنانی میخواند. گفت آقای شیخ بشما سلام می‌دهند عرض کردم علیک السلام و رحمه اللّه و برکاته بعدا گفت احوال شما را می‌پرسند گفتم اگر عنایت شما شامل من باشد خوشوقت میشوم. فرمودند اگر عنایتی شامل شما نبود هر آینه در صدد تصحیح آن ختم نمیشدم در نقل آن تحریف وقوع یافته است (ختامه یوم الاحد) است نه یوم الجمعه شما میدانید در هفته ایام طاق را آثاریست یکشنبه سه شنبه پنجشنبه و روز جمعه برای دعاء ندبه است.
آقای یاسری گفتند از شنیدن خبر تشرف مرحوم آقای حجت تعجب داشتم. مرحوم شیخ‌بهائی از دل من آگاه بوده و فرمودند آقای شیخ شما در عهد ما نبودید. بسیاری از مردم آن عهد بملاقات حضرت بقیةاللّه (ارواحنا فداه) نائل می‌شدند. مردم این زمان مشغول بمعاصی هستند به مردم بگوئید دست از معصیت بردارند و الا بلا نازل میشود.
بعدا یکایک سؤالاتی را که داشتم و نوشته بودم جواب دادند تا این که خداحافظی بعمل آورده و جنانی استفاده ننمود.
واما دعاء و ختم مذکور از جناب شیخ‌بهائی علیه‌الرحمه اینست.
ختم شیخ‌بهائی قدس سره
از روز جمعه شروع و تا ده روز که پایان آن روز یکشنبه میشود روزی صد بار بگوید: بسم اللّه الرحمن الرحیم. یا مفتح الابواب یا مقلب القلوب و الابصار و یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین توکلت علیک یا رب فاقض حاجتی و اکف مهمی و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و صلی اللّه علی محمد و آله اجمعین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یثربی کاشانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدعلی یثربی کاشانی در سال 1311هـ.ق ، در سامراء به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در محضر پدر و اساتید دیگر آموخت.در سال 1321 هـ.ق به عراق هجرت نمود و وارد حوزه نجف گردید. پس از آن مذتی به کاشان بازگشت و در سال 1341 هـ.ق به پیشنهاد مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به قم مهاجرت نمود و از محضر وی کسب فیض نمود. او همچنین خود در آنجا حوزه های درسی تشکیل داد و شاگردان زیادی را تربیت کرد. یثربی کاشانی سرانجام در سال 1379 هـ.ق روز پنجم رجب دارفانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اسلامیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدعلی یثربی کاشانی در سال 1311 هـ.ق در خانواده علمی و متدین مرحوم سید محمد رضا یثربی کاشانی در شهر سامرا فرزندی به نام علی متولد شد و بنا بر سنت اسلامی مرحوم میرزای بزرگ شیرازی در گوش ایشان اذان اقامه گفتند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدعلی یثربی کاشانی در زیر سایه تربیت صحیح پدر رشد و نمو نمود و در سال 1316 هـ.ق که بیش از پنج بهار از عمرش نمی گذشت به همراه پدر وارد کاشان شد و مقدمات و سطوح را در محضر پدر و اساتید دیگر آموخت. در سال 1321 هـ.ق به عراق هجرت نمود و وارد حوزه نجف گردید. پس از آن مذتی به کاشان بازگشت و در سال 1341 هـ.ق به پیشنهاد مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به قم مهاجرت نمود و ادامه تحصیلات را از محضر ایشان کسب فیض نمود. استادان و مربیان : سیدعلی یثربی کاشانی از محضر بزرگانی چون: 1 ـ سید ابوالحسن اصفهانی. 2 ـ سید محمد کاظم یزدی. 3 ـ شیخ شریعت اصفهانی. 4 ـ آقاضیاء الدین عراقی. 5 ـ حاج میرزا حسین عراقی. 6 ـ شیخ عبدالکریم حائری یزدی. استفاده کرد. همسر و فرزندان : سیدعلی یثربی کاشانی پس از سالها اقامت در نجف، در سال 1339 هـ.ق به ایران باز گشت و به شهر آباء و اجدای خویش رفت و در این دوران با خانواده نراقی وصلت نمود.زمان و علت فوت : سیدعلی یثربی کاشانی در سال 1379 هـ.ق روز پنجم رجب چشم از جهان فروبست.فعالیتهای آموزشی : سیدعلی یثربی کاشانی پس اتمام تحصیلات و اخذ درجه اجتهاد به تعلیم و تربیت شاگردان بسیار همت گماشت. او تا سال 1347 هـ.ق که مصادف با پدرش بود در حوزه علمیه قم به این امر مشغول بود، تا آنکه پس از فوت پدر ناچار به

ترک حوزه و باز گشت به کاشان شد و در آن جا اقامت گزید.شاگردان : شاگردان زیادی از محضر سیدعلی یثربی کاشانی کسب فیض نموده اند که می توان به افراد زیر اشاره کرد: 1 ـ سید روح الله موسوی خمینی. 2 ـ سید محمد تبریزی. 3 ـ سید شهاب الدین مرعشی نجفی. 4 ـ مرحوم صالحی کرمانی. 5 ـ میرزا حسن یزدی. 6 ـ شیخ هاشم آملی. 7 ـ سید کاظم اراکی گلپایگانی. 8 ـ شیخ جواد جفرودی. 9 ـ مرحوم مّجتهدی تبریزی. 10ـ میرزا آقا طاهری اردبیلی.

یثربی کاشانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم مبرور آیت‌اللّه حاج سید محمدرضای یثربی کاشانی معروف به پشت مشهدی والد معظم آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی استاد مراجع بزرگوار قم که از رفقاء و شرکاء درس مرحوم آیةاللّه حایری مؤسس در درس مرحوم آیةاللّه فشارکی اصفهان بودند چند سفر قم آمده و مورد تجلیل آیت‌اللّه حایری و عموم علماء حوزه گردیدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

یثربی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
52- در اوائل ماه ذی‌القعده 1365 ق بود که ستاره رخشنده‌ای از دارالمؤمنین کاشان در آسمان قم طلوع نموده و حوزه علمیه قم و نجف و قاطبه فضلاء را به خود متوجه ساخت این ستاره رخشان و ماه فروزان مجسمه علم و تقوا و عنصر زهد و ورع علامه قمقام و فهامه علام آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی فرزند آیت‌اللّه آقا سید محمدرضا پشت مشهدی بود که آسیاء تحقیق را قطب و دائره بیان و تدریس را نقطه پرگار که زبان و قلم نویسنده عاجز و قاصر از تعریف و توصیف آنجنابست شخصیت و آثارش معرف مقام فضل اوست.
و اگر از این نگارنده از آن حضرت سؤال شود که درباره وی چه خواهی گفت در پاسخ شعری را که ابوالعلاء معری درباره سید شریف علم‌الهدی گفته مناسب می‌دانم
یا سائلا عنه لما جئت تسئله
الا هو الرجل العاری عن العاری
لو جئته لرأیت الناس فی رجل
والدهر فی ساعة والارض فی دار
این مرد عظیم‌القدر که مراجع امروز قم و زعماء حوزه علمیه از تلامذه اویند و ارباب فضل و دانش او را آقا ضیاء ثانی می‌گویند به قصد زیارت وارد قم شده و مورد تجلیل و تبجیل مراجع و زعماء و فضلاء واقع شد و بنابر اصرار و ابراز حضرات آیات عظام حوزه تدریس تشکیل و تشنگان علم و بیان خویش را سیراب و از هر گوشه طالبان تحقیق را به دور خود جمع نمود و این بنده هم به درس ایشان حاضر شده و از تحقیقات رشیقه و بیانات دقیقه آنجناب در اطراف علم برائت استفاده می‌نمودم ولکن افسوس فراوان که بیش از یک ماه طول نکشیده و تصادف با رحلت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی نموده و حوزه علمیه عزادار و تا چهل روز دروس تعطیل گردید و آنجناب به قصد زیارت عتبات عالیات مسافرت به عراق نموده و دارالعلم نجف اشرف توجه مخصوصی به ورودش نموده زیرا مباحثاتی میان ایشان و مدرسین و زعماء حوزه نجف شده که مشهور فضلاء می‌باشد
ولادتش در کربلاء معلی در سال 1311 واقع شده و در مهد تربیت پدر بزرگوارش نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از پدر خود و اساتید

دیگر نجف فراگرفته و در سال 1331 به حوزه درس مرحوم علامه یزدی صاحب عروه و مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه نائینی حاضر شده و در اندک زمانی در میان شاگردان آقا ضیاء شاخص و مشار بالبنان گردید تا در سال 1339 که والد ماجدش او را به کاشان طلبید.
و مرحوم آقا ضیاء و فضلاء نجف او را با اشک دیده بدرقه و مشایعت نموده و حتی آقای آقا ضیاء می‌فرمایند در میان تلامذه و شاگردان استاد ما آخوند خراسانی یک میرزا سید علی یزدی لب خندقی بود که در موقع حرکتش استاد او را با اشک دیده مشایعت نمود و از جدائی او آه کشید و در میان رفقا و شاگردان من شما که می‌روی مرا به فراق و حسرت خود می‌گذاری خلاصه پس از ورود به کاشان و مسبوق شدن آیت‌اللّه حایری که تازه حوزه علمیه را تأسیس نموده بودند از والد ماجد ایشان حاج سید محمدرضا یثربی تقاضا می‌کند که ایشان را به قم فرستد و در سال 1341 قمری اجابت نموده و به قم مشرف و حوزه درس رسمی از تقریر مباحث مرحوم حایری و نیز درس مستقله‌ای تشکیل و صدها نفر فاضل برجسته چون آیت‌اللّه آقای نجفی مرعشی و آیت‌اللّه موسوی و آیت‌اللّه شریعتمداری و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و دیگران را دو رخود جمع و تا هفت سال تمام حوزه گردان علمی فقه و اصول قم بودند تا سال 1347 که والدشان داعی حق را اجابت گفته حرکت به کاشان نموده و از روی ضرورت برای سرپرستی عائله پدر خود و مردم پشت مشهد کاشان توقف در آن شهر را اختیار و هر چند از فضلاء و علماء قم دعوت کردند اجابت ننمود تا در سال 1365 قمری که مذکور شد به قصد زیارت آمده.
و بنابر اصرار آیت‌اللّه بروجردی و علماء و فضلاء دیگر دو ماهی را توقف و حوزه تشکیل داد تا فوت مرحوم اصفهانی که مشرف به عتبات شده و بعد از چند ماه مراجعت به کاشان نموده تا در سال 1379 قمری یک سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی که دار فانی را وداع گفته و شهر کاشان و حوزه علمیه قم و نجف را غریق بحر ماتم نمود و با تشییعی که کاشان هرگز به خود ندیده بود در جوار قبر پدرش در صحن امامزاده حبیب موسی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی یثربی فرزند آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا یثربی ابن سید اسماعیل بن سید عبدالرزواق (برادر سید محمدتقی پشت مشهدی) ابن سید عبدالحی الحسینی برادر بزرگوار استاد الاساتید مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا سید علی یثربی کاشانی (پشت مهدی) از علماء نامی و دانشمندان گرامی و امام جمعه انقلاب و جمهوری اسلامی معاصر در دارالمؤمنین کاشان می‌باشند.
وی در حدود سال 1347 قمری در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در سنین کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و سرپرستی و تربیتی برادر بزرگوار پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر برادر نامبرده‌اش به قم هجرت نموده و چندین سال از فقه و اصول آیات عظام حوزه علمیه قم چون مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه گلپایگانی و بالاخص رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده است.
در سال 1379 قمری پس از رحلت برادر عزیزش و اصرار مردم عالم دوست کاشان و امریه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به کاشان برگشته و به جای برادر گرامیش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اهل‌البیت و گفتن تفسیر و سایر خدمات از تأسیس حوزه علمیه یثربی و تربیت محصلین و طلاب و سایر خدمات پرداخته و در به ثمر رساندن انقلاب ایران و تبدیل حکومت ستمشاهی به جمهوری اسلامی نقش بسزائی در کاشان و حومه آن داشته و لذا ایشان را برای امام جمعه‌ای و نمایندگی ولایت فقیه کاشان انتخاب شده و خدمات بسیار ارزنده‌ای از تأسیس مساجد و مدارس علمی در کاشان و حومه آن نموده است.
در قمصر کاشان حوزه علمیه‌ای تأسیس که در آن حدود یکصد طلبه به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد گفتن درس اخلاق معظم‌له برای آنان بوده‌ام و نیز در نیاسر کاشان آثار چشمگیری از خود گذارده‌اند.
جناب آقای یثربی با بیت جلیل و رفیع وحید بهبهانی که معروف به آل آقا هستند وصلت نموده و صبیه محترمه مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا عبداللّه آل

آقای بهبهانی را در اختیار دارند که از آن مخدره فرزندان فاضل و برومندی دارند که در قم و کاشان به تحصیل علم و کمال اشتغال دارند.
سید مهدی یثربی (سومین فرزند) مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی کاشانی از ستارگان پرفروغ و دانشمندان پراثر و خدوم معاصر کاشانست.
وی در حدود 1347 قمری در کاشان متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و تربیت برادر علامه‌اش آیت‌اللّه العظمی یثربی پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر معظم له به قم عزیمت نموده و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و دیگران شرکت و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا در سال 1379 قمری که برادر علامه‌اش وفات نمود بنابر درخواست و اصرار مردم کاشان و امر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به کاشان برگشته و به جای مرحوم آیت‌اللّه یثربی به اقامه جماعت و خدمات دینی و تربیت عده زیادی از محصلین کاشانی پرداخته است.
نگارنده گوید: مترجم عزیز ما که از بیوتات اصیله و ریشه‌دار روحانیت شهرستان کاشانست و آباء و نیاکانش همگی از مفاخر عالم تشیع و مراجع عالیقدر شیعه بودند.
دانشمندی فاضل و عالمی بارع و در خدمت به دین و روحانیت بسیار ساعی و جدی و در مبارزه با منکرات و اماکن فساد و فحشاء از نوادر معاصرین است.
بیانی صریح و منبری ملیح و ارزنده و آموزنده دارد. در مسجد خویش بعد از اداء فریضه تفسیر قرآن و بیان احکام و معارف دینی نموده و مردم را کاملا مستفیض می‌فرمایند. در ایام عاشوراء که در صحن مطهر جناب (حبیب موسی) اقامه عزاداری و سوگواری برای سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین (ع) می‌شود در تاسوعا و عاشوراء خود منبر رفته و علت نهضت و قیام حسینی (ع) و فلسفه شهادت آن بزرگوار و آثار آن را ذکر نموده و شور عجیبی برپا می‌کند.
از سال 1380 قمری که رسماً به جای مرحوم برادر فقید سعیدش قرار گرفته تاکنون خدمات بسیاری در کاشان و حومه آن از بناء مساجد و مدارس علمی و تربیت محصلین نموده‌اند.
دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و سجایای کریمانه می‌باشد.
از آثار و باقیات الصالحات ایشانست مدرسه علمیه که در خیابان شاه

عباس کبیر بنا نموده و از هرگونه مجهز و بالغ بر یکصد و هشتاد طلبه و محصل جدی دارد که در آن چندین نفر از فضلاء اخیار حوزه علمیه قم مانند جناب ثقةالاسلام و زبدةالفضلاء الاعلام آقایان آقا شیخ احمد اسلامی و حجةالاسلام آقای حاج سید اسداللّه خراسانی و حجةالاسلام آقای آقا سید رضا علم‌الهدی و بعضی دیگر به تدریس ادبیات و فقه و اصول اشتغال دارند.
و دیگر بانک قرض‌الحسنه بنام (بانک آقا) و دیگر تعمیر و بناء مساجد و حمامات و بیمارستان در شهرستان کاشان و حومه آن می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، میرمحمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
الف:ولادت ونسب: حضرت آیت الله حاج میر سید محمد یثربی-ادام الله ظله العالی- از علمای ربانی وفقیهی بزرگوار از تبار فقهای نگاهبان حریم اعتقادات شیعی هستند.ایشان در سال 1333 هجری شمسی در شهر مقدس قم(مهد علم وفقاهت واجتهاد ،شهر خون قیام،شهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه-سلام الله علیها-) در بیت فقه وفقاهت چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله آقای حاج سید مهدی یثربی-قدس سره- ووالده گرامشان خانم حاجیه زهرا آل آقا(فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا عبدااه آل آقا ونواده مرحوم آیت الله آقای حاج آقا بزرگ ساوجی از اعلام مدرسین حوزه تهران در قرن گذشته و اوایل قرن معاصر،حفیده بیت علامه مجدد وحید بهبهانی-رضوان الله تعالی علیه-)می باشد. ایشان قبل از پایان 5سالگی مشغول خواندن قرآن و حفظ سوره های کوچک بود. در پنج سالگی عموی بزرگوار خود که از فقهای بنام شیعه و از اساتید علمای بزرگ،از جمله مرحوم حضرت امام خمینی- قدس سره- بود را از دست داد وبه همراه پدر خود به کاشان هجرت نمود. ب)تحصیلات : ایشان در سال 1339مشغول به تحصیلات ابتدائی در دبستان ملی مدرس گردید وبعد وارد دبیرستان شد و همزمان،با شوق واشتیاق زایدالوصفی وارد حوزه علمیه جدید التأسیس کاشان که والد مکرمشان بنیان نهاده بودند،شد.ایشان تمامی دروس ادبیات وسطح متوسط و همچنین رسائل ومکاسب را در آن حوزه ،نزد اساتید محترمی همچون والد بزرگوارشان ومرحوم آیت الله شیخ محمود روحانی –رحمه الله علیه – که معظم له علاقه فوق العاده ای نسبت به ایشان داشته اند فرا گرفتند. در سال 1351در شهر دارالمومنین کاشان با خانواده محترم،مذهبی،صالح ومؤمن ازدواج نموند وبرای ادامه تحصیلات در سطوح عالیه به قم مهاجرت ودرآن شهر رحل اقامت گزیدند. درس سطح کفایه را نزد آیت الله حاج سید محمد ابطحی - دام ظله- مرحوم آیت الله سلطانی طباطبائی(ره)به اتمام رسانده وهمزمان ،با هوش وذکاوتی که معظم له داشته دردرس خارج فقه حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری - ره – خلف مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس وبنیانگذار حوزه علمیه قم حاضر شدند ودر جلسه استفتائات وتمامی مباحث فقهی ایشان حضور فعال داشتند. معظم له در این باره می

فرمایند:آنچه محضر ایشان رامنهای عمق فکر واندیشه جذابیت می بخشید،معنویت و صفای ایشان ویکرنگی وانس آن بزرگوار با طلاب بود وبرای حقیر که در عین کم سنی مورد عنایت ولطف آن استاد فرزانه ومربی بزرگوار بودم،فوق العاده اثر بخش بود وآثار تربیتی آن را پس از سالها هنوز احساس می کنم. درهمان سنوات وپس از پایان سطح کفایه،در درس عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی - مدظله العالی – (یک دوره اصول به مدت 17سال و همچنین چندین سال درس خارج فقه ایشان)شرکت نمود ونیز به مدت هفت سال در درس خارج اصول و فقه مرحوم آیت الله العظمی روحانی – قدس سره – حاضر شدند. همچنین معظم له بیش ازدو سال دردرس خارج فقیه اهل بیت عصمت وطهارت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی – قدس سره – شرکت نمودند واز درس اسفار اساتید بزرگوار مرحوم آیت الله صدر وشهید بزرگوار آیت الله مطهری و آیت الله جوادی آملی بهره گرفتند. ج)تدریس وخدمات علمی: ایشان از سال 1348 تا1353در حوزه پربرکت علمیه کاشان مشغول به تدریس ادبیات ،منطق واصول بودند که حدود چهل نفر از طلاب در درس ایشان شرکت می نمودند.همچنین از سال 1354 تا 1359تدریس اصول وشرح لمعه داشتند،که تا پنجاه نفر در درس ایشان در صحن مطهر بی بی دو عالم حضرت معصومه – سلام الله علیها – شرکت می کردند. از سال 1360 تا 1367 به تدریس سه دوره اصول (رسائل شیخ انصاری رحمه الله) را از سال 1365 تا 1374 به انجام رساندند وشاگردان زیادی را تربیت نمودند. تا این که بنا به درخواست شاگردان معظم له و به دلیل محدودیت مکان وکثرت شاگردان ،درس کفایه الاصول را در مدرسه مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) شروع کردند که بیش از 70نفر دردرس ایشان شرکت می کردند.معظم لهاز سال 1378 مشغول به درس خارج فقه واصول در همان مدرسه شدند که نزدیک به دویست نفر در این دروس شرکت می نمایند.علاوه براینها در سالهای 60تا 63یک دوره منظومه حکمت را در صحن مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها)تدریس نمودند. ایشان در سال 1369یک مؤسسه علمی تحقیقاتی را به نام اصولی بزرگ«علامه مجدد وحید بهبهانی – رضوان الله علیه - »تأسیس نمودند که با هدایت ایشان ،در این مرکز محققین توانا وبررسی ،احیاء ونشر کتب علوم اهل بیت عصمت وطهارت – علیهم السلام – مشغول به کار می باشند. این مؤسسه با بیش از پنج هزار جلد کتاب ورسائل پایگاه تحقیقاتی فعالی در حوزه علمیه محسوب می شود. د)تألیفات وآثار: 1- رساله فی تطور الاصول (عربی) 2- رساله فی تطور علم الفقه(عربی) 3- رساله فی الکلام (عربی) 4- رساله در ولایت؛مقدمه کتاب راهبرد اهل سنت به مسأله ولایت (فارسی) 5- شرح رساله حقوق

امام سجاد – علیه السلام – (فارسی) در 3جلد؛مجموعه سخنرانی معظم له در رادیو معارف 6- تقریرات درس مکاسب محرمه (فقه)در 2جلد 7- مباحث رجالی در 1جلد 8- تقریرات خمس (فقه) در 1جلد 9- تقریرات صوم در 2جلد 10- تقریرات اصول در 8جلد چهار مورد اخیر،هنوز به چاپ نرسیده است که آن انشاءالله درآینده نزدیک در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت. از جمله ویژگیهای معظم له که بارها درباره آن به شاگردان در یک جلسه درس غیبت داشته باشد،ایشان پیگیر علت غیبت وی می باشد.همچنین مکررا شاگردان را به مطالعه وپیگیری ومباحثه درس و درست فهمیدن درس توصیه وترغیب میکند. معظم له بعد از درس خارج فقه واصول شاگردان را به حضور می پذیرند واشکالات آنان مربوط به درس را پاسخ فرموده به دیگر پرسش ها واستفتائات شرعی و اعتقادی جواب می دهند. با این شیوه،شاگردان زیادی تربیت نموده وآنان از شمع وجود ایشان بهرمند می گردند وبعضی از شاگردان ،از اساتید برجسته حوزه می باشند.از خداوند متعال می خواهیم که وجود این مشعل داران هدایت بشریت و این علماءربانی و مراجع عظام را برای همه مسلمین بویژه شیعیان مولا علی ابن ابی طالب علیه السام نگهدار باشد وسایه آنها را بر سر مامستدام بدارد.

یزدی فیروزآبادی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد بن سید محمدباقر حسینی یزدی فیروزآبادی که از مراجع بزرگ و آیات عظام گذشته بوده است.
معظم له در سال 1265 ق در فیروزآباد یزد متولد شده و پس از رشد و پرورش به یزد آمده و مقدمات را در آنجا فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آسید یحیی یزدی استفاده نموده.
پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست و مرجعیت آیت‌اللّه علی‌الاطلاق میرزا محمدحسن مجدد شیرازی به سامرا رفته و از آنجناب در حالی که سی سال از عمرش می‌گذشت بهره‌مند شده.
و قبل از فوت آن بزرگوار به کربلا آمده و از محضر علامه فاضل اردکانی کسب فیض نموده و بعد از فوت مرحوم علامه یزدی صاحب (عروةالوثقی) بسیاری از مردم عراق و ایران در تقلید به وی رجوع نموده و نماز جماعتش در صحن مطهر علوی مورد توجه قرار گرفته و محبوبیت خاصی در بین عامه مردم پیدا نمود.
علامه خونساری در احسن الودیعه ج 2 ص 97 گوید: آقا سید محمد فیروزآبادی یزدی نجفی از اجلاء علماء عاملین و افاخم فقهاء مجتهدین و یکی از مراجع امامیه بود. مرا به خدمتش مشرف و کرارا با ایشان ملاقات کردم و ندیدم از جنابشان الاسکون و وقار. آن بزرگوار حسن الاخلاق کریم الاعراق جامع بارع و زاهد عابد بود.
عمده تلمذش خدمت علامتین متعاصرتین آقا سید محمدکاظم یزدی و محقق خراسانی بود و اخیراً ملازم حضور سید مرحوم گردید.
آن بزرگوار صبح جمعه آخر ماه ربیع‌الاول سال 1345 ق در سامره به رحمت حق پیوسته و فوراً حمل به نجف اشرف و با تشییع عظیمی در هه مشاهد مشرفه از عراق به نجف و اردو در یکی از حجرات صحن شریف مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یزدی کربلایی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1242 ق)، فقیه. از شاگردان آقا سید محمد مجاهد، آقا سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، نیز حضور داشته است. ابتدا در یزد سکونت داشت و آنگاه که حاکم ظالمی را به پشتیبانی مظلومین از یزد بیرون کرد به امر فتحعلی شاه به تهران آمد و در تهران سکونت نمود. و سرانجام مقیم کربلا گشت و در همان جا درگذشت. برخی از آثار او عبارت‌اند از: «مهیج الاحزان»؛ «اکمال الاصلاح»، در ترجمه «اصلاح العمل» استادش سید محمد مجاهد؛ رساله‌ای در «تجوید قرآن»، به فارسی؛ رساله‌ای در «شکوک»، به طور استدلال.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (23/ 299، 282 -2/ 281)، قصص العلماء (103 -101)، مکارم الآثار (4/ 1177).

یزدی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(551 -474/ 473 ق)، فقیه شافعی، مقری و محدث. معروف به ابن‌محمویه. در یزد به دنیا آمد و ساکن بغداد بود. قرآن را در اصفهان بر ابوالفتح حداد و ابوسعد مطرز تلاوت نمود و حمزة بن قبیطی و عبدالعزیز بن ناقد و علی بن دباس بر وی تلاوت نمودند. او در بغداد، شهر دون، همدان، اصفهان، بصره، کوفه و مکه از حسین بن حسن بن جوانشیر و ابوالمکارم محمد بن علی بن حسن فسوی مقری و محمد بن حسین بن بلوک صوفی و غیاث بن ابومضر اصفهانی و محمد بن محمود ثقفی و ابن‌طیوری و ابن‌خشیش و ابوالحسن بن علاف و ابوالقاسم ربعی و ناصر بن مهدی و احمد بن محمد بن مردویه و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی «سنن» نسائی را از عبدالرحمان بن حمد استماع نمود. ابواحمد بن سکینه و ابن‌اخضر از وی روایت کرده‌اند. فقه را در واسط از ابوعلی فارقی و در بغداد از ابوبکر شاشی فراگرفت. وی صاحب تصانیفی در زمینه فقه و حدیث می‌باشد و در زهد نیز صاحب اثر است. در «طبقات الشافعیه» اسنوی تحت نام علی بن حسین بن احمد یزدی و در «شذرات‌الذهب» تحت عنوان بزدی آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (690/ 5)، سیرالنبلاء (336 -334/ 20)، شذرات‌الذهب (159/ 4)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (319/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (211/ 7)، العبر (15 -14/ 3)، معجم‌المؤلفین (14/ 7)، النجوم الزاهرة (310/ 5)، هدیةالعارفین (698/ 1).

یزدی، ابوالقاسم، علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(474 -386 ق)، محدث و فقیه حنفی. مشهور به بندار. اصل وی از یزد بود، در بغداد ساکن گشت. از ابوطاهر مخلص و ابواحمد فرضی و ابوالحسن بن صلت حدیث شنید. همچنین از ابن‌بطه اجازه روایت حدیث دریافت کرد. ابوالفرج جوزی در «المنتظم» گوید عده‌ای از وی روایت کرده‌اند. او در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی جامع المدینة دفن شد. در «المنتظم» تولد وی 380 ق ذکر شده است. از آثار او: شرح «الجامع الصغیر» شیبانی، در فروع فقه حنفی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الکامل (130/ 8)، کشف‌الظنون (562)، معجم‌المؤلفین (20/ 7)، المنتظم (570/ 9)، هدیةالعارفین (692/ 1).

یزدی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه و اصولی. اصل وی از یزد بود. در فقه و اصول تبحر داشت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و از ملازمان او در نجف بود. از آثارش: «مجموعة الهدایة»، در سهبخش شامل: اصول‌الدین، فروع منطبق بر فتاوای شیخ انصاری و معاصی صغیره و کبیره که در 1277 ق در یزد به چاپ رسید. به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی احتمالاً صاحب عنوان بعد از این تاریخ درگذشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (109/ 20)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 210/ 13)، معجم‌المؤلفین (134/ 9).

یزدی، معین‌الدین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ف. 789 ه.ق) مؤلف کتاب «مواهب الهی» که تاریخی است درباره خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و برادرش شاه محمود که به سال 757 ه.ق اتفاق افتاده است. معین‌الدین در شیراز مجلس درس داشته و گاه ممدوح وی شاه شجاع در مجلس درس وی حاضر می‌شده. وی مدتی در کرمان به مدرسی یکی از مدارس مشغول بود.
حاج معین‌الدین یزدی از دانشمندان روزگار محمدمظفر بوده و در سال 757 تاریخ آل‌مظفر را نوشته و به مواهب الهی موسوم ساخته و نیز کتابی به نام حدائق‌الحقایق در تفسیر سوره یوسف دارد.
وی بنابر نقل جامع مفیدی اعلم علماء وافقه فقهای زمان خود بوده و به تدریس علوم عقلی و نقلی اشتغال داشته است و در سال 780 ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، نجم‌الدین عبداللّه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 981 ق)، عالم دینی، فقیه و منطقی. جامع معقول و منقول بود. وی همدرس ملا احمد مقدس اردبیلی و ملا میرزا جان باغنوی شیرازی بود و در فراگیری علوم عقلی نزد ملا جمال‌الدین محمود، شاگرد علامه دوانی، تلمذ نمود. شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «معالم»، و سید محمد بن ابوالحسن عاملی، صاحب «مدارک»، بر او قرائت کرده‌اند. او نیز به نوبه‌ی خود نزد ایشان علوم شرعیه را فراگرفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است اگر برهان و دلایل عقلی بر مسائل فقهی بیاورم علم فقه را چنان مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند. وی صاحب حاشیه‌ی معروف بر «تهذیب المنطق» تفتازانی مشهور به «حاشیه ملا عبداللّه» و از اساتید شیخ‌بهائی می‌باشد. اصحاب تراجم مراتب علم، تقوی، زهد و ورع او را ستوده‌اند. در اواخر دولت شاه طهماسب صفوی در عراق عرب درگذشت. در «الاعلام» و «معجم‌المؤلفین» وفات وی 1015 ق در اصفهان ذکر شده است. از دیگر آثار او: «التجارة الرابحة فی تفسیر السورة والفاتحة»؛ «الدرة السنیة فی شرح الرسالة الالفیة» که شرح «الفیه» شهید اول است؛ حاشیه بر «حاشیه خطائی»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه» قطبی؛ حاشیه بر «استبصار»؛ شرح «القواعد» در فقه؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «العجالة» محقق دوانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (209/ 4)، الذریعه (368 -367/ 13 ،203 ،73 -72 ،71 ،60/ 6 ،348/ 3)، روضات‌الجنات (224 -222/ 4)، ریحانه (391 -390/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 135/ 10)، فوائد الرضویه (249)، کشف‌الظنون (476)، معجم‌المؤلفین (49/ 6)، هدیةالعارفین (474 -473/ 1)، هفت اقلیم (155/ 1).

یکه‌باغی، سلمان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا سلمان یکه‌باغی، در مآثر و آثار گوید: ملا سلمان یکه‌باغی از مشاهیر اتقیاء علماء این دولت معدود می‌گردد.
مؤلف گوید: آخوند ملا سلمان از بزرگان علماء و دارای مقامات بوده در سنه 1291 در (یکه‌باغ) که هشت فرسخی قم است مرحوم و در شیخان بزرگ مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

یونسی، یونس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا یونس یونسی اردبیلی عالمی فاضل و دانشمندی کامل و از مبرزین شاگردان مرحوم آیه‌الله العظمی آقا سید محمد حجت کوهکمری است.
وی در 17 ذی‌الحجه 1320 ق در اردبیل تولد یافته و از سن 7 سالگی وارد تحصیل شده و تا سال 1349 ق در اردبیل خدمت والد مبرور خود و سایر اساتید اشتغال بتحصیل داشته و در سال مزبور بقصد ادامه‌ی تحصیل وارد ارض اقدس قم شده و در محضر آقایان اساتید مانند مرحوم آیه‌الله شاه‌آبادی و حاج شیخ مهدی مازندرانی و مرحوم میرزا همدانی علوم عقلی و نقلی را خوانده و مدتی هم از درس مرحوم آیه‌الله حایری استفاده کرده و پس از فوت آنمرحوم بدرس فقه و اصول مرحوم آیه‌الله حجت رحمه‌الله حاضر شده و تقریرات آن مرحوم را برشته تحریر آورده و ضمنا تدریس سطوح نموده و در سال 1370 ق با اجازات کتبی از آیات عظام نجف و قم بقصد اقامت و تأسیس حوزه علمیه بمسقط الرأس خود اردبیل رفته و تا اکنون باقامه جماعت و تدریس و تشویق طلاب آن سامان و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.
از آثار و خدمات ایشانست تعمیر اساسی مدرسه مرحوم ملا ابراهیم اردبیل و پس گرفتن مدرسه مرحوم میرزا علی اکبر مجتهد از دولتی‌ها و تخلیه کردن از فرهنگیان که سالیان دراز آنجا را غصب و اشغال کرده و افکار نونهالان را مسموم و آلوده برنامه‌های خود می‌نمودند و نیز تأسیس کتابخانه و قرائت خانه برای اهل علم و طلاب آنجا.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹